

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتصابات کارگران در ایران!



روزشمار کارگری ماههای تیر- مرداد - شهریور سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

گردآورنده و تدوین:

امیرجوهری لنگرودی

Roorshomar_k@yahoo.com

دی ۱۳۹۲ برابر با ژانویه ۲۰۱۴

یادداشت گردآورنده :

دوستان - یاران و رفقای عزیز

بازتاباندن گزارشات کارگری در روزشمار کارگری سه ماهه فوق بیش از هر چیز، بیانگر این است که ؛ مبارزه برسر مطالبات بی پاسخ مانده از جمله؛ حقوق های معوقه یا جلوگیری از تعطیل یا اخراج کارگران از محیط های کار بیش از هر چیز نشان می دهند که رودررویی با مساله دستمزدهای معوقه و امر اخراج ها و بیکار سازی کارگران و مقاومت در برابر آن، همچنان اصلی ترین علت اعتراضات کارگری در واحدهای تولیدی بحران زده است. دربخش عمده اعتراضات کارگری این خواست های رفاهی نیستند که محور نارضایتی کارگران هستند. کارگران فقط زمانی دست به حرکت و اعتراض

جمعی زده اند که کارد به استخوان شان رسید و ماهها حقوق دریافت نکردند. مقاومت و ایستادگی کارگران بیانگر مبارزه سینه به سینه کارگران با طبقه سرمایه داری حاکم و سیاست های دولت نئولیبرال حسن روحانی است. این مقاومت ها نه در مضمون مبارزه تعرضی بلکه تدافعی و همچنان برای حفظ و تا حدی بدست آوردن مطالبات بیواسطه اقتصادی و بی پاسخ مانده خود است. از اینرو امروز بیش از هر موقع طبقه کارگر باید از پراکندگی رها گردند. باید طبقه کارگر در خود و نا آشنا به منافع طبقاتی کل طبقه اش به سو و سمت طبقه کارگر برای خود، در راستای دست یابی به منافع طبقاتی اش از طریق تشکل های مستقل خویش جهت گیری نماید. صد البته سازمانیابی و قدرت گیری کارگری باید با مکانیزم های واقعی خود تعریف گردد تا به پراکنده گی های موجود پایان داده و سمت گیری سازمانیافته تری را برای روآمدن موجودیت طبقاتی خود در روند مبارزه متشکل و قدرتمند خویش به نمایش بگذارند.

قتل افشین اسانلو

***- بعد از اینکه خبر قتل ستار بهشتی و بلاگ نویس و کارگر جوان با بازداشت پلیس فتا و شکنجه آنان، جان خود را از دست داد. ماجرای قتل افشین اسانلو نیز با رویکرد کارگری در زندان، خبر سازترین حادثه خرداد ماه سال ۹۲ است. با پایان یافتن خرداد ماه که خبر از دست رفتن افشین اسانلو را با خود به همراه داشت اخبار تیرماه در سطح فعالان جنبش کارگری و مدافعین حقوق کارگران در داخل و خارج از کشور، در برگیرنده فراز و فرود های مربوط به این قتل بود. ستار بهشتی در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و نوشتن مطالب انتقادی در وبلاگ شخصی اش بازداشت شده بود. در مدت بازجویی به شدت از سوی پلیس فتا شکنجه شد و در مدتی که بازداشت بود به قتل رسید. پرونده قتل ستار بهشتی در برابر حضور و جسارت مادرش همواره بر سر زبان ها بود. گیتی پورفاضل، وکیل ستار بهشتی بعد از گذشت ماه ها اعلام داشت: «باز پرس پرونده را به دادگاه نمی فرستد چون می خواهد زمان بخرد و فکر می کند با این کار پرونده کمرنگ می شود و با گذشت زمان حساسیت آن کمی تعدیل می شود، در حالیکه بزرگترین اشتباه را می کند» و امروز هم بدون کمترین پاسخگویی به مادر و اعضای خانواده و به وکیل اش و به افکار عمومی ما و جامعه جهانی، به مانند صد ها جنایت دیگر، موضوع را لاپوشانی کرده و رسیدگی به آن پرونده را به کناری نهادند و دادخواهی اش همچنان در دستور کار مادر جسورش بر سر زبان ها است.**

در رابطه با افشین اسانلو خبر کوتاه و غیر قابل باور بود. بدین گونه: «افشین اسانلو کارگر زندانی در سن ۴۲ سالگی در ساعت ۱۷ روز پنج شنبه ۳۰ خرداد ماه، در حالیکه دوران پنج ساله محکومیت خود را در زندان رجایی شهر سپری میکرد پس از حمله قلبی در زندان رجایی شهر کرج، روز جمعه سی و یکم خرداد ماه و در حین انتقال به بیمارستان رجایی کرج جان باخت.» این خبر در سطح مطبوعات دولتی که بازتاب دهنده سیاست های حاکم است، بشکل وسیعی انتشار یافت.

افشین اسانلو، برادر منصور اسانلو یکی از موسسین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی" از سوی قاضی صلواتی به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. افشین اسانلو اواخر آذرماه سال ۸۹، در ترمینال جنوب تهران توسط ماموران امنیتی بازداشت و به مدت سه ماه و بدون اطلاع خانواده در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین تهران نگهداری می شد.

منصور اسانلو فعال شناخته شده سندیکای مستقل شرکت واحد تهران و حومه که امروز خود در شرایط تبعید بسر می برد و هنگام قتل برادر در ایران نبود، برای معرفی برادر خود طی نامه ای یاد آور شد: «.... بعد از دستگیری من در ۱۹ تیر ۱۳۸۶ و بستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده و باز گشایی

شده بود ، افشین نیز دوباره به جاده و بیابان باز گشت . حدود سه سال پیش که من در زندان بودم . او را در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند و به اطلاعات شهر ری می برند و با هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند ۲۰۹ اوین می برند و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند . تا از او بر علیه سندیکا و فعالیت های سندیکایی اقرار بگیرند . اقرارهایی دال بر همکاری سندیکا با گروه های سیاسی و اقدامات غیر قانونی و حتی تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی و چون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشارهای سخت تری قرار می گیرد»

شایان ذکر است که سهراب سلیمانی رئیس سازمان زندان ها، در شرایطی در گفتگو با خبرنگاری ایسنا، علت مرگ این زندانی را "سکته قلبی" اعلام کرده است. فرشته اسانلو، خواهر افشین فعال کارگری و زندانی عقیدتی که روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه در زندان رجایی شهر فوت کرد به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «افشین اسانلو هیچ سابقه بیماری قلبی نداشته و در آخرین ملاقات سالم بوده است. آنها از پزشک قانونی تقاضای رسیدگی در مورد علت مرگ برادرش را کرده اند...» فرشته اسانلو به کمپین بین المللی حقوق بشر ساعتی پس از خاکسپاری برادرش در بهشت زهرا تهران در خصوص علت مرگ برادرش گفت: «پرستاران بیمارستان به ما گفتند که او را حدود ساعت ۸ پنجشنبه شب به بیمارستان آورده اند اما او مدت ها پیش از رسیدن به بیمارستان فوت کرده بوده. آنها گفتند که حتی برادرم در حد فاصل رسیدن به بیمارستان هم فوت نکرده بلکه فوتش قبل از اینها بوده است.»

خواهر افشین اسانلو در پاسخ به اینکه آیا برادرش سابقه بیماری قلبی داشته است، گفت: «برادرم اصلا مشکل قلبی نداشت و حالش خوب بود. او هر روز در محیط زندان ورزش می کرد و دو هفته قبل با مادرم ملاقات حضوری داشت. مادرم می گفت که حال افشین خوب بوده و صحیح و سالم بوده است. افشین اگر مشکلی داشت حتما به مادرم در آن ملاقات می گفت به همین دلیل ما وقتی شنیدیم که او در اثر سکته قلبی فوت کرده واقعا شوکه شدیم.» همچنین به گفته پرستاران بیمارستان فوت مرحوم اسانلو قبل از رسیدن به بیمارستان بوده است. خانم اسانلو در این گفتگو همچنین گفت که به آنها اجازه برگزاری مراسم در مساجد داده نشده و آنها به ناچار مراسم سوم و هفتم برادرش را در منزل برگزار خواهند کرد.

همچنین منصور اسانلو به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفت: "برادرم هیچ گونه سابقه بیماری نداشته است و مسئولیت مرگ وی در زندان، بر عهده حکومت و کسانی است که وی را به دلیل فعالیت صنفی در شرایط غیر بهداشتی و محیط بسته با کیفیت غذای نامناسب نگهداری کردند." کمیته نامبرده با انتشار بیانیه ای، خواهان تشکیل "کمیته مستقل حقیقت یاب" از طرف دولت ایران در همکاری با گزارشگران حقوق بشری سازمان ملل متحد در مورد مرگ پرابهام آقای افشین اسانلو و نیز سلسله مرگ های مشابه سال های اخیر، در زندان های کشور شد. در رابطه با ادعای نیروهای امنیتی و زندانبانان رژیم ، شاپور احسانی راد عضو اتحادیه کارگران آزاد ایران در تهران ، با رد احتمال سکته قلبی افشین اسانلو توضیح داد: "افشین اسانلو هنگام مرگ ۴۲ سال داشته و هیچ سابقه بیماری نداشت؛ به همین دلیل موضوع سکته قلبی او بعید به نظر می رسد. براساس گزارش ها" افشین اسانلو بارها درخواست مرخصی برای درمان خود کرده بود؛ اما مقامات دادستانی با این امر مخالفت کرده بودند." به گفته احسانی راد " در زندان به جز شکنجه، امکانات بهداشتی و غذایی مناسبی هم وجود ندارد و زندانیان کارگری به شدت تحت فشار هستند."

برپایه اخبار رسیده به روز شمار کارگری آمده است که ؛ از یک طرف پیگیری اخبار در رابطه با این قتل در زندان و بیرون از زندان و در بین تشکل ها و مدافعان کارگری در داخل و خارج از کشور، از طرف دیگر نیروهای امنیتی و لباس شخصی و زندانبانان را به کنش و واکنش واداشت. ابتداء مراسم تدفین پیکر

افشین اسانلو صبح روز دوشنبه برگزار شده و در این مراسم نیروهای امنیتی حضور داشته اند تا مانع فریاد مادرش گردند و با ایجاد رعب و وحشت هر صدایی را خفه کنند. هم اینان (مامران اطلاعاتی) از برگزاری مراسم ختم افشین اسانلو در روز چهارشنبه در مسجد الجواد تهران جلوگیری کرده اند. مراسم ختم افشین اسانلو در روز چهارشنبه برگزار شود اما با برگزاری این مراسم در مسجد الجواد تهران مخالفت شده است. این د رحالیستکه؛ افشین اسانلو پیش از این برای درمان بارها درخواست مرخصی کرده بود اما مسئولان دادستانی تهران با مرخصی این زندانی سیاسی مخالفت کرده بودند. وی که به همراه بازداشت شدگان اعتراضات ۲۵ بهمن ماه سال ۸۹ به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شده بود هفدهم خردادماه، سال گذشته بر اساس تصمیم شورای انضباطی زندان اوین به بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) منتقل شده بود. افشین راننده ماشین آلات سنگین که اندکی پس از ازدواج به مدت دو سال دور از خانواده در شهرهای محروم و جنگ زده برای اجرای پروژه های سازندگی مانند اسکله سنگی بندر ماهشهر و کانال کشی از سد کرخه تا اهواز و غیره در قرارگاه خاتم الانبیای سپاه کار کرده بود، پس از فسخ قراردادش به دلیل قراردادی بودن، به شرکت واحد اتوبوس رانی می پیوندد و پس از چهار سال تحت فشار و ادار به استعفا شده به بخش حمل و نقل بین شهری می پیوندد.

لازم به ذکر است که افشین اسانلو در مردادماه سال ۱۳۹۱ (اوت ۲۰۱۲) از زندان رجایی شهر نامه ای به بیرون زندان فرستاد و در آن خود را «فعال جنبش کارگری و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری» معرفی کرد که در زندان گوهر دشت کرج به سر می برد.

او در این نامه درباره چگونگی دستگیرشدن و رفتار ماموران نوشته بود: «در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سلولهای انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتم. شکنجه هایی نظیر زدن کابل به کف پا، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده، بازجویی های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعت، فحش های رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده ها و همین طور دندانهایم شد. در طی این پنج ماه خانواده ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیری هایشان هم به جایی نرسید. به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنج کشیده ام را - که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید - ندادند»

فعالان کارگری شناخته شده محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز و شاهرخ زمانی و خالد حردانی از زندان گوهر دشت طی نامه ای به بیرون زندان نوشته اند : «... اسناد اثبات مقصر بودن حاکمیت کاملاً روشن و واضح مقابل چشم مردم قرار دارد از جمله دهها نفری که در کهریزک کشته شدند یا ستار بهشتی ، علی رضا کرمی خیر آبادی ، شهبازی و دهها نفر در دیگر زندانها زیر شکنجه کشته شده اند. خانواده ها ، فعالین ، تشکل ها و مردم آزادیخواه نباید فراموش کنند که طرح و هدف جمهوری اسلامی از بدو استقرارش این بوده است که زندانی سیاسی نباید از زندان خارج شود ، بنا بر چنین برداشتی در زمانهای مختلف برای حذف زندانیان روش های گوناگونی بکار برده است. طرح فعلی جمهوری اسلامی گرفتار کردن زندانی ها به انواع بیماری های لا علاج و کشنده است، با توجه به عرف و تاریخ جمهوری اسلامی و اهدافش تا کنون چنین بوده است ، حتی طرح اخیر قوه قضائیه برای کم کردن زندانیان ، می تواند مورد شک و تردید باشد.

ما امضاء کنندگان، ضمن محکوم کردن قتل افشین اسانلو می خواهیم آمرین و عاملین قتل محاکمه شوند، همچنین از کارگران، فعالین کارگری و سیاسی، نهاد های داخلی و جهانی می خواهیم قبل از اینکه جمهوری اسلامی موفق به سر به نیست کردن بقیه زندانیان شود، ارا به کشتار آن را متوقف کنید». ماجرای این قتل و آنچه را که در این رابطه از زندان و دیده ها و شنوده های خود زندانیان سیاسی به بیرون رسیده است، همه و همه در روز شمار کارگری به تکفیک و یک جا طی تیرماه و بعد تریازتاب یافته تا بعنوان سند جنایت علی جنبش کارگری قابل استفاده باشد.

در ادامه روز شماری کارگری سه ماهه مورد بحث باید ادامه گفتارم را به فرآیند عمومی مطالبات بی پاسخ مانده کارگران اشاره بدارم. مواردی که در روز شمار کارگری به تناوب و پیوسته دنبال شده و من تنها نمونه هایی از آنها را در فهرست زیر از جمله در محورهای: حقوق های معوقه - اخراج ها - حوادث حین کار - مشکلات زنان - تجمعات کارگری - احضار ها و زندان - ورشکستگی ها تعطیل صنایع و اختلاس - و... بدون انگاره تقدم و تاخر هر یک بر دیگری برای فوریت گفتارم در این یادداشت جای می دهم. باشد که علاقمندان خود هر یک از محور های نامبرده را در روز شمار کارگری سه ماهه اخیر دنبال نمایند.

حقوق های معوقه

***- پنج ماه حقوق عقب افتاده کارگران کارخانه ایران برک رشت**

***- حقوق ناچیز سال گذشته ۶۰۰ ناجی غریق ساحل مازندران تاکنون پرداخت نشده است**

***- عقب افتادن ۱۱ ماه حقوق ۲۰ کارگر پیمانکاری فرآیند کاو**

***- اعتصاب بیش از ۲۰ پزشک جراح و متخصص عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویر احمد. این پزشکان بخش دولتی یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایایشان در مطب های خود در کلینیک شهید مفتاح یاسوج حاضر نشدند و دست به اعتصاب زدند**

***- تعداد ۱۱۰ نفر از کارگران مشغول به کار در سد ژاوه، سه ماه است که حقوق نگرفته اند. کارفرما اعلام کرد که حقوق معوقه همراه با سنوات کارگران را در طی سه ماه آینده به آنها پرداخت خواهد نمود.**

***- افزایش مستمری مستمری بگیران بازنشسته تامین اجتماعی استان گیلان از بدقولی مسئولان ارشد سازمان تامین اجتماعی و ناتوانی کانون عالی بازنشستگان در پرداخت افزایش مستمری بازنشستگان که سه ماه حقوق بازنشستگان به تعویق افتاده است**

***- بلا تکلیفی بازنشستگان تامین اجتماعی شهرک صنعتی البرز در دریافت فیش حقوقی بطوریکه ۷ هزار بازنشسته و مستمری بگیر تامین اجتماعی شهرستان البرز قزوین از یک ماه گذشته فیش ماهانه واریز حقوق نگرفته اند**

- * عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا و زمزمه اعتصاب بطوریکه تعداد ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا دو ماه است دستمزد خود را دریافت نکرده اند. همچنین اضافه کاری فروردین ماه این کارگران نیز پرداخت نشده است. از طرف دیگر کارفرمای این کارخانه که مالک کارخانه نورد پروفیل ساوه نیز میباشد دستمزد ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه را نیز از اول سال پرداخت نکرده است و این کارگران در شرایط بسیار مشقت باری بسر میبرند .
و سایر موارد

اخراج ها

- * اخراج ۱۱۰ کارگر سد خاکی ژاوه، کارفرما اعلام کرد که سه ماه حقوق معوقه همراه با سنوات کارگران را در طی سه ماه آینده به آنها پرداخت خواهد نمود.

- * اخراج ۱۰۰ کارگر شرکت عمران علوی در کرمان و تجمعشان مقابل شرکت عمران علوی واقع در خیابان هزار و یک شب و تجمع کارگران در جلوی شرکت که سابقه بعضی از آنها حدود ۷ سال می باشد اکثر آنها متاهل و دارای زن و فرزند میباشند.

- * اخراج ۳۵ کارگر کارخانه کشتی سازی صدرا، تعداد ۳۵ نفر از کارگران و پرسنل کارخانه کشتی سازی صدرا (واقع در جزیره صدرا) از این شرکت اخراج شدند. این کارگران بر روی کشتی افراماکس که برای کشور ونزوئلا ساخته شده است کار می کردند. برخی کارگران نیز به مرخصی اجباری فرستاده شده اند و سایت این کشتی سازی در حال حاضر تقریباً تعطیل و غیر فعال است.

حوادث کارگری

- * مرگ ۳ کارگر بر اثر برق گرفتگی با دکل برق فشار قوی در تربت حیدریه. این حادثه زمانی رخ داد که ۳ کارگر ۲۴ ساله ، ۲۷ ساله و ۴۰ ساله برای خارج کردن لوازم حفاری از داخل چاه مجاور دکل فشار قوی از جرثقیل استفاده کردند.

- * سقوط کارگر کفاح بر اثر آتش سوزی در کارگاه . آتش سوزی در یک کارگاه کفاحی واقع در طبقه چهارم ساختمانی، باعث سقوط یک کارگر شد.

- * مرگ کارگر ۲۵ ساله در پی تخریب اتاقک نگهداری. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از ریزش مرگبار یک اتاقک نگهداری در یک زمین گودبرداری شده، خبر داد.

- * سقوط از طبقه ششم؛ جان جوشکار را گرفت. یک استادکار جوشکار از طبقه ششم یک ساختمان در حال احداث در شهر کرمانشاه سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

-* در استان اصفهان وقوع ۱۲۳ حادثه کار در یک ماه. رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی شهرستان اصفهان از اعزام واحدهای امدادی اورژانس به محل وقوع ۱۲۳ حادثه شغلی در ماه گذشته خبر داد.

-* در شهرک اندیشه مصدومیت شدید دو کارگر ساختمانی در حین کار در یک ساختمان 7 طبقه در حال ساخت به داخل چاهک آسانسور سقوط کردند.

-* کارگر ۳۵ ساله شهرداری تیریز در محل ششگلان - کوی فرهنگ ، حین گود برداری بر اثر ریزش دیوار در زیر آوار مصدوم شد.

-* مرگ ۲ کارگر شهرداری خوی . گزارش شده است : سانحه رانندگی در خوی موجب جان باختن ۲ کارگر شهرداری ، یکی از سرنشینان خودرو و مصدوم شدن ۲ نفر دیگر شد.

-* ریزش آوار جان کارگر ساختمانی ۳۵ ساله را گرفت . این حادثه در خیابان ظفر، انتهای خیابان گوی آبادی زمانی رخ داد آتش نشانان پس از حضور در محل بدن این جوان ۳۵ ساله را از زیر آوار خارج کردند و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

-* دستگاه پرس، انگشتان کارگر جوان بدلیل گیر کردن در دستگاه پرس از بین رفت.

-* مسمومیت سه کارگر ساختمانی بر اثر مصرف غذای آلوده در خیابان مدنی تهران رخ داد. خوشبختانه با اطلاع عوامل اورژانس نجات یافته و به بیمارستان الغدیر انتقال یافتند

-* انگشتان دست کارگر ۲۸ ساله‌ای در منطقه «صفا داشت» در حین کار با دستگاه پرس سه انگشت دست خود را از دست داد.

همین حد بازتاب حوادث حین کار برای کارگران سراسر کشور ، مشخصه خبر دولتی را که در روز بین پنج تا هفت تن از کارگران جان خود را از دست میدهند اثبات می کند . منتهی نکته گفتنی اینستکه ؛ کارگران محروم از دفتر چه های بیمه و بیمه بیکاری اند. در شرایطی که ۸۰ درصد کارگران خارج از شمول کارند و هیچ بخش قانون کار در مورد آنها به اجراء در نمی آید این حد از حوادث کار یکی از بزرگترین معضل کارگران شناخته می شود و فساد رو آمده در سازمان تامین اجتماعی رانیز باید مزید بر علت دانست . از اینرو برسر موضوع دفاع از موقعیت کارگران برسر بیمه های حوادث، بیمه تامین اجتماعی و بیمه بیکاری کارگران باید بیش از پیش پای کوبید.

زنان

-* زنان در نساجی زابل ۱۸۰ هزار تومان مزد می‌گیرند. «محمد گل بامری» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: در این واحد تولیدی، کارفرما به غیر از چند مرد، عموماً زنان را استخدام می‌کند و به آنها دستمزی به مراتب کمتر از حداقل‌های قانونی پرداخت می‌کند .

***- تضييع حقوق كارگران زن در كارگاه‌هاي زيرزميني شايع‌تر است. يك مقام كارگري در خراسان رضوي: گفت: در كارگاه‌هاي كوچك مسئله سوء استفاده از كارگران زن به وضوح قابل مشاهده است.**

***- كشاورزان زن با داشتن كاري طاقت فرسا، بيمه نيستند. مسئول كانون شوراهای اسلامی كار استان گيلان گفت: باوجود آنكه حدود ۶۰ درصد كشاورزي اين استان بر دوش زنان است اما زنان كشاورز از هيچ حمايت اجتماعي برخوردار نيستند.**

***- كارگران زن در كارگاه‌هاي كوچك قدرت چانه زني كمترى دارند. «حميد بهراد» با اعلام اين به ايلنا گفت: هرچند در اين كارگاه‌ها زنان مجبور به انجام كارهاي مردانه نيستند، اما شغل آنها در نوع خود سخت و طاقت فرساست. به عنوان مثال كارگران زني كه در كارگاه‌هاي خياطي مشغول كار هستند روزانه هشت تا ۱۴ ساعت بدون وقفه مشغول كار هستند.**

***- زنان در نساجي زابل ۱۸۰ هزار تومان مزد مي‌گيرند. «محمد گل بامري» با اعلام اين خبر به ايلنا از نقض آشكار حقوق قانوني كارگران زن در كارخانه ريسندگي و بافندگي زابل خبر داد و گفت: در اين واحد توليدي، كارفرما به غير از چند مرد، عموماً زنان را استخدام مي‌كند و به آنها دستمزي به مراتب كمتر از حداقل‌هاي قانوني پرداخت مي‌كند.**

تجمعات اعتراضی کارگران

***- ادامه تجمع كارگران ساختماني مقابل مجلس/ نمايندگان به معترضين پاسخي نمي‌دهند. «اكبر شوكت» كه در جمع كارگران ساختماني معترض مقابل مجلس حضور دارد، به خبرنگار پارلماني ايلنا گفت: قرار است نمايندگان ما چند نفر از نمايندگان مجلس براي پاسخگويي نهايي تشكيل جلسه بدهند اما تا اين لحظه چنين جلسه‌اي تشكيل نشده است. رئيس كانون كارگران ساختماني كشور با اشاره به اينكه كارگران از ساعات اوليه صبح امروز به مجلس آمده‌اند، گفت: ما تا كنون پاسخ مشخصي از جانب نمايندگان دريافت نكرده‌ايم و تا زمان دريافت پاسخ مناسب به تجمع خود ادامه مي‌دهيم.**

***- تجمع بيش از ۲۰۰ نفر از اعضاي انجمن‌هاي صنفی و كارگران ساختماني در مقابل مجلس رژيم دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع كنندگان با نصب پلاكاردهايي در مقابل مجلس بر لزوم اجراء قانون «رفع موانع اجراء قانون بيمه‌هاي كارگران ساختماني» تاكيد كردند.**

***- تجمع خانواده جليل محمدي و جمعي از فعالين كارگري و اعضاي كميته ي هماهنگي براي كمك به ايجاد تشكّل هاي كارگري براي پيگيري وضعيت جليل محمدي فعال كارگري در مقابل دادگاه انقلاب سندانج تجمع نمودند. تجمع كنندگان اعلام کرده اند كه شنبه براي پيگيري وضعيت اين فعال كارگري در مقابل دادگستري مجدداً تجمع خواهند نمود.**

***- بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان البرز استان قزوین به محقق نشدن وعده‌های داده شده مسئولان سازمان تأمین اجتماعی و كانون عالی بازنشستگان تأمین اجتماعی در مورد افزايش مستمري‌هاي 92 اعتراض دارند.**

***- اعتصاب متحدانه کارگران فولاد خوزستان.** بدنبال اعتصاب کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان، کارگران رسمی این کارخانه نیز در حمایت از همکاران قراردادی خود به آنان پیوستند و حدود چهار هزار کارگر این کارخانه روز چهارشنبه گذشته در اقدامی متحدانه تولید در مجتمع فولاد خوزستان را خواباندند.

***- تعداد ۳۰۰ نفر از کارگران فرودگاه بین‌المللی خمینی تهران، دست از کار کشیدند و در فرودگاه خمینی تحصن کردند.** کارگران معترض اجرای پروژه باند جنوبی فرودگاه بین‌المللی خمینی، ترمینال زیارتی و بخش توسعه حمل بار این فرودگاه بین‌المللی را بر عهده دارند. این در حالی است که مسئولان این شرکت پیمانکاری به فارس گفته‌اند که دولت بدهی خود را به آن شرکت پرداخت نکرده است.

احضار و زندان :

***- احضار غالب حسینی از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری احضاریه ای برای حضور در شعبه يك دادگاه انقلاب سنندج در چهارم آپریل دریافت نموده است.** اتهام وارده به این فعال کارگری اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی اعلام شده است.

***- کارشکنی مسئولین دادگستری و اطلاعات سنندج در قبال آزادی فعال کارگری «جلیل محمدی».** خانواده‌ی «جلیل محمدی» فعال کارگری، به دادگاه انقلاب و ستاد خبری اطلاعات سنندج مراجعه نموده که با پاسخ ضد و نقیض و دروغ مسئولان مربوطه مواجه شدند.

***- وضعیت معلمان کشور از منظر جامعه ی معلمان به مقامات به نوعی بازتاب یافته است.**
رئیس محترم قوه ی قضائیه!

از نظر جامعه ی عظیم فرهنگیان کشور، معلمان منتقدی چون رسول بدای، محمود باقری، محمد داوری، عبدالله مؤمنی، هاشم خواستار، محمود بهشتی، اکبر باغانی، اسماعیل عبدی و ... جرمی مرتکب نشده اند که سالیان سال در زندان به سر برند. ایشان به نمایندگی از ما فرهنگیان به نقد عملکرد مسئولان پرداخته اند که این امر طبق قانون، بخشی از حقوق شهروندی هر ایرانی است. اگر انتقاد از عملکردها جرم است، ما نیز در چنین جرمی شریک هستیم. لذا از شما می خواهیم یا دستور بازداشت و حبس هزاران معلم معترض را نیز صادر نمایید و یا در اقدامی درست و انسانی، به آزادی همکاران بی گناه ما امر کنید.

***- وضعیت کارگران زندانی از جمله وضعیت وخیم رضا شهابی به دفعات از جانب "کمیته دفاع از رضا شهابی" و اعضاء خانواده اش گزارش شده است.** همچنین وضعیت شاهرخ زمانی، محمد جراحی و نگرانی بهنام ابراهیم زاده از وضعی اسفبار بیماری فرزندش که با بیماری سرطان دست به گریبان هستند، چه از جانب خود و چه از طریق "کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده" گزارش نمایند.

***- وضعیت بد دو زندانی: آرش صادقی، فعال دانشجویی، سال گذشته توسط نیروهای امنیتی وابسته به وزارت اطلاعات بازداشت و به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است.** حسین صادقی، پدر وی در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرده است که پس از مدت طولانی‌ای بی‌خبری، در معدود ملاقات‌های صورت گرفته‌ی اخیر، شاهد این بودم که فرزندم به شکلی غیر طبیعی کاهش وزن داشته و به طرزی

آشکار از ضعف قوای جسمانی رنج می‌برد و موهای سرش هم تراشیده شده است. آرش صادقی در سلول انفرادی و محروم از بسیاری حقوق، از قبیل امکان دسترسی به وکیل به سر می‌برد و با مشکلات عدیده‌ی جسمی، منجمله مشکلات جدی ریوی و خونریزی معده روبه‌روست. همچنین محمدرضا پورشجری، وبلاگ نویس دربند که با نام مستعار «سیامک مهر» هم شناخته می‌شود، دیگر زندانی بیماری که هم اکنون در زندان مرکزی کرج محبوس است. این زندانی عقیدتی پنجاه و یک ساله که از بیماری‌های متعددی همچون مشکلات تنفسی، ضعف بینایی، دیسک کمر، نارسایی کلیوی، درد معده و سوءتغذیه رنج می‌برد.

ورشکستگی و تعطیلی صنایع و اختلاس ها

***- بیش از ۳۰ کارخانه دار تولید کننده چای خشک در نامه‌ای به «کيهان هاشمی نیا» استاندار گیلان مطرح شد: ما می خواهیم که استانداری با اجرای مصوبات خود از جمله پیش پرداخت قبل از برداشت بهاره مانع از ورشکستگی و تعطیلی کارخانجات چای گردند. آنان اعلام داشتند که قدرت پرداخت بیش از ۳۸۴ هزار تومان بابت هر کیلو چای خشک را ندارند و در غیر اینصورت مجبور به اعلام ورشکستگی و بیکاری کارگران هستند.**

***- تعطیلی ۱۳۷ واحد قطعه‌سازان خودرو و تعدیل ۵۰ درصدی کارگران گزارش شده است. در این رابطه؛ محمد رضا نجفی منش، عضو انجمن قطعه سازان خودرو یاد آور شدند: دخالت های شورای رقابت در قیمت گذاری باعث رکود در صنعت خودرو شد. هیچ نقطه ای در دنیا دولت در بحث قیمت گذاری خودرو دخالت نمی کند برای حل يك موضوع نباید صورت مسئله را پاک کرد.**

***- تعطیلی شرکت سویا سان که یک شرکت تولید فرآورده‌های سویا است به دلیل بدهی به بانک و با هدایات کارگران به بیرون کارخانه که خواستار تعطیلی شرکت بودند، کارخانه از سوی نمایندگان بانک پلمپ می شود. بدین ترتیب وجود بدهی‌های معوق، دلیل اصلی پلمپ کارخانه و بیکار شدن کارکنان و کارگران شرکت نامبرده شده است.**

***- کانون صنفی معلمان غیرقانونی شد! برپایه گزارش رسانه های عمومی آمده است: میثم بصامتبار، رئیس اداره تشکل‌های صنفی و تخصصی دفتر سیاسی وزارت کشور گفت: "کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با تمدید پروانه کانون صنفی معلمان موافقت نکرده است." وی افزود: "کمیسیون ماده ۱۰ احزاب می‌تواند با تمدید پروانه یک تشکل موافقت نکند و در این مورد نیز بنا به ملاحظاتی این تصمیم را گرفته است."**

کانون صنفی معلمان ایران در سال ۱۳۷۸ تأسیس شد و در یک دهه اخیر تحت فشارهای امنیتی شدیدی قرار گرفت.

***- اختلاس میلیاردی توسط اعضای شورای شهر رشت؛ بر پایه خبر رسیده آمده است: در شورای شهر رشت توسط اعضای شورا و چند نفر از مقامات شهرداری شهر اختلاس میلیاردی صورت گرفته است، طبق اطلاعات موثق میزان اختلاس از بودجه شورای شهر رشت ۷ میلیارد تومان بوده است که در همین**

رابطه تعدادی از اعضای شورای شهر رشت به‌مراه تعدادی از مقامات شهرداری رشت از مدتی پیش بازداشت شده‌اند

منابع

روزشمار کارگری سه ماهه تیر، مرداد و شهریور سال ۱۳۹۲، همچون دفعات پیشین آنچه در این مجموعه به نظر تان می‌رسد، گردآمده از منابع گوناگون از جمله: خبرگزاری‌های دولتی ایران (ایلنا - خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا - هرانا - مهر - فارس - هجرت نیوز - خبرگزاری تسنیم - سایت آفتاب - و سایت فرارو - سلامت نیوز...) واحد مرکزی خبر - نسیم جنوب و سایت‌های اصلاح طلب (کلمه ی کارگری - آوای کارجنیش سبز - جرس - اعتماد - خبرآنلاین - روز آنلاین - پانا نیوز - کرمانشاه پست و سحام نیوز...) و روزنامه خراسان، روزنامه رسالت و دنیای اقتصاد و ...، تشکل‌ها، نهادها و سایت‌های مستقل مانند: (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، فعالان سندیکای فلزکار میکانیک، جمعی از فعالان کارگری ایران خودرو، وبلاگ کانون مدافع حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سایت ایران کارگر، سایت میدان زنان، گُردپا، کمیته حمایت از شاہرخ زمانی، کمیته دفاع از رضا شهابی، کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده، پیام سندیکا، نشریه کارگری ما، فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، کانون صنفی معلمان تهران، و غیره) در داخل و خارج و همین‌طور امکانات خبررسانی‌های خارج از کشور (نهاد‌های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور، اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران، شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو - کانادا)، اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران، تارنمای چشم انداز کارگری، سایت روشنگری، سایت افق روشن، رادیو ندا، سایت اخبار روز، سایت عصر نو، وبلاگ کارگری راه کارگر، سایت خبری راه کارگر، مجله کارگری رادیو راه کارگر، وبلاگ خبری - سیاسی خاوران و غیره...) و خبرهای دریافتی به ایمیل آدرس روزشمار کارگری فراهم آمده و به نظر تان می‌رسد.

دوستان، یاران و رفقای علاقمند، برای دست‌یابی به آرشیو روزشمار سال‌های گذشته و کار تحقیقی پیرامون جنبش کارگری و جمع‌بندی از مروری بر جنبش کارگری سال‌های پیش، می‌توانند از طریق تماس به آرشیو‌های ما دست‌یابند. در زیر لینک‌های روزشمار سه ماهه اول سال ۱۳۹۲ را برای علاقمندان جا می‌دهیم.

روزشمار کارگری ماه فروردین سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2013-04-30_446_roozshomar-1-1392.pdf

روزشمار کارگری ماه‌های اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2013-10-27_roozshomar-2mahe-1392.pdf

خوشحال می گردیم که فعالان کارگری، مدافعان حقوق کارگران و هر آنکس که روزشمار به دستش می رسد، بتواند نکته نظر ها و انتقادات سازنده و موثر خود را بر سر این مجموعه کار با من در میان نهد .
بیش از هر چیز از دریافت ایمیل های شما خرسند گشته و خواهام آموخت .
با دوستی و رفاقت
امیرجوهری لنگرودی

Roozshomar_k@yahoo.com

اخبار روزشمار کارگری تیرماه 1392

**پیام
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات
از سندیکاهای کارگری فرانسه**

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ اول تیر 92 آمده است : متن سپاسگزاری رییس و رفقای کارگر عضو
ث.ژ. ت، سود ، اونسا ، اف.اس.یو ، ث.اف.د.ت
ضمن سپاسگزاری از همبستگی کارگريتان با مبارزات کارگران و مردم ایران که در اجلاس
ILO تجلی یافت و با سازماندهی شما اعتراض کارگران ایران به نقض قوانین انسانی و کارگری
و مقابله نامه های 98 و 87 و همچنین اعتراض شما از جانب ما به حضور نمایندگان به اصطلاح
کارگری ایران و پخش اعلامیه های اعتراضی در اجلاس، مایلیم درودهای کارگری خود را به شما
خواهران و برادران عضو ث.ژ.ت، سود، اونسا، اف اس یو، اس اف د. ت. و شورای مرکزی تان اعلام
کنیم.
هنوز رفقای در بند ما در شرایط بسیار ناگواری در زندان به سر می برند. در همین راستا رضا
شهبابی به دلیل مشکلات جسمی ناشی از فشار زندان مجدداً از زندان به بیمارستان اعزام
گردیده و در تازه ترین اقدام نیز همسر علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه
احضار گردیده و خود علی نجاتی نیز برای پرونده ای که در کردستان برایش ساخته اند در همین
هفته در دادگاه می باید حضور یابد. اعمال محدودیت ها به هیات مدیره سندیکای کارگران هفت
تپه آنچنان زیاد است که آنان از فعالیت های اندک نیز بیمناک هستند.
ما تقاضا می کنیم نسبت به فشارهای اعمال شده به این دوستان و سایر همکارانشان از همه
نفوذ خود برای اعتراض به این روند استفاده کنید.
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

خلاصه ای از نشست سازمان جهانی کار

**سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و
حومه**

برپایه خبر رسیده آمده است : بر اساس شکایات امسال تشکلات کارگری ایران از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، کانون مدافعان حقوق کارگر ، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کنفدراسیون های حمل و نقل، کنفدراسیون معلمان، کنفدراسیون روزنامه نگاران و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که امسال به آی ال او فرستاده شده است و درغیاب نمایندگان واقعی تشکلات کارگری ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار دیگر تشکلات بر اساس شکایات امسال تشکلات کارگری ایران از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، کانون مدافعان حقوق کارگر، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کنفدراسیون های حمل و نقل، کنفدراسیون معلمان، کنفدراسیون روزنامه نگاران و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که امسال به آی ال او فرستاده شده است و درغیاب نمایندگان واقعی تشکلات کارگری ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار دیگر تشکلات کارگری جهانی هنوز در انعکاس وضعیت کارگران ایران کوشا هستند ، روز هفتم ژوئن ۲۰۱۳ در شهر ژنو، کمیته آزادی تشکلات کارگری در رابطه با مقوله نامه سی ۱۱۱ (تبعیض در محیط کار که ایران این مقوله نامه را امضا کرده است)خواستار جوابگویی رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با تبعیض در محیط کار شد که در سالهای قبل جز شکایت بخش کارگری است و ایران باید جوابگو باشد، در ضمیمه گزارشات قبلی آمده است که از صفحه ۴۸۰ شروع میشود.

در این بخش نماینده ایران با دادن آمار و ارقام به سبک گذشته میخواست نشان دهد که تبعیض در محیط کار کم شده است و بطور مشخص قوانینی در مجلس طرح شده که در شورای عالی در حال بررسی است.

سپس نمایندگان اتحادیه های کارگران فرانسه و کانادا با سخنرانی های خودشان این موضوع را برجسته کردند که وضعیت تبعیض در محیط کار نه تنها کم نشده است بلکه افزایش یافته و این تبعیض در رابطه با زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند می بینیم که حتی با داشتن مدارک دانشگاهی تنها زیر بیست درصد کار میکنند، اخراج آنها و حتی حقوق کمتر از مردان میباشد حتی در پرداخت حقوق- که وضعیت تبعیض زنان در بسیاری از موارد بسیار وخیم تر شده است سخن گفته شد، در دیگر بخشها از جمله قوانینی که در حال تصویب است کم کردن ساعات کار زنان و بیشتر بیکار سازی است و برجسته شدن این قوانین که از قوانین شرعیه میباشد حتی دست زنان را از داشتن بسیاری از کارها کوتاه میکند.

در انتها مسئولین بخش کارگری و کارفرمایی با پذیرفتن پیشنهاد رفتن یک هیئت عالی رتبه از سازمان جهانی کار در دستور کار قرار دادند (نه هیئت سه جانبه که در گذشته به ایران رفته است - بلکه عالی ترین هیئتی که بتواند از زوایای تکنیکی به این مسئله بپردازد که در آن متخصصین حضور دارند) که برای تصویب فرستاده شده است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۳۰/۰۳/۱۳۹۲

شنبه ۱ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۲۲ ژوئن ۲۰۱۳

مجله کارگری رادیو راه کارگر

► **گردد هم آئی اعتراضی فعالان سیاسی ایرانی در ژنو در مقابل سازمان جهانی کار**

گزارشی از امیر جواهری

در این گزارش امیرجواهری با بهروز فراهانی از فعالین «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه» و علیرضا نوایی از فعالان «تحداد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس» و همچنین با رفیق بهروز عارفی فعال سیاسی و از اعضای «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه» از جمعی نهاد های همبستگی با جنبش کارگری

در ایران - خارج از کشور که امسال موفق شدند به نمایندگی از جانب فعالان سیاسی ایرانی با همکاری و هماهنگی سندیکاهای فرانسوی به درون اجلاس راه یابند ، گفتگو داشته اند

📌 فایل صوتی در فورمات ام پی 3

اعتراض و شکایت مردم به سه روحانی کلاه بردار

بر پایه بر انتشار پیدا کردن در سایت ایران کارگر آمده است : صبح روز شنبه اول تیر ماه 92 تعداد دوپست نفر از اهالی زینبیه اصفهان با دردست داشتن مدارک و شکایت نامه هایی به پاسگاه مراجعه کردند تا از سه روحانی که مدیران یک قرض الحسنه محلی بودند شکایت کنند. این سه روحانی یک سال پیش با برگزاری جلساتی در مساجد محل مردم را تشویق نمودند تا یک قرض الحسنه محلی تاسیس کنند و از مزایای آن بهره مند شوند

مردمی که اکثرا کارگر و افرادی باز نشسته بودند اسیر حيله این افراد شدند و با ثبت یک موسسه مالی و سپردن مدیریت آن به این آخوند ها امید داشتند به نوبت وام های چند میلیونی دریافت نمایند پس از آنکه یک سرمایه اولیه شکل گرفت با استفاده از نفوذ آقایان یک وام یک میلیاردی به موسسه پرداخت شد تا در ساخت یک کارخانه تولید لبنیات مشارکت شود اما اواخر هفته گذشته کاشف به عمل آمد که تمام سرمایه از حساب بانکی که صاحبان امضا آن همان سه آخوند معتمد محل بودند خارج شده و به همراه سرمایه اولیه مردم ناپدید شده است

افراد شاکی که با شناختی که از این آخوند های کلاه بردار داشتند و با عملکردی که از پلیس سراغ دارند هیچ امیدی به بازگشت پول خود ندارند و نکته جالب آنکه هر کدام از افراد سهامدار به نسبتی خاص برای دریافت وام ضمانت داده اند و اکنون به جز پول خودشان که از دست رفته باید وام را هم تسویه کنند

احضار غالب حسینی فعال کارگری به دادگاه

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 1 تیر 92 آمده است : امروز شنبه 1 تیر، غالب حسینی فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری احضار به ای برای حضور در شعبه يك دادگاه انقلاب سنندج در تاریخ 92/4/8 دریافت نموده است. اتهام وارده به این فعال کارگری اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی اعلام شده است.

غالب حسینی در تاریخ 28 اسفند 92 در محل کارش دستگیر شده بود که بعد از طی 56 روز حبس در بازداشتگاه اطلاعات در تاریخ 92/12/23 با قرار وثیقه 150 میلیون تومانی آزاد گردید. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن احضار غالب حسینی به دادگاه و اتهامات واهی به وی، خواهان رفع اتهام از این فعال کارگری و همچنین آزادی فوری و بی قید شرط سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اخراج 110 کارگر سد خاکی ژاوه

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 1 تیر 92 آمده است : رسیده کارفرمای سد خاکی ژاوه 110 نفر از کارگران شاغل در این پروژه را اخراج کرده است.

در این پروژه بیش از 300 کارگر مشغول به کار بودند که چند ماه است که حقوق خویش را نیز دریافت نکرده اند. سد خاکی ژاوه در 20 کیلومتری سنندج در جاده کامیاران قرار دارد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان: کارگران زن در کارگاه‌های کوچک قدرت چانه زنی کمتری دارند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر 92 آمده است: عضو هیات مدیره کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: در کارگاه‌های کوچک کارگران زن در مقایسه با همکاران مرد خود از قدرت چانه زنی کمتری برخوردارند و نمی‌توانند هم‌اندازه مردان مطالبات قانونی خود را دریافت کنند.

«حمید بهراد» با اعلام این به ایلنا گفت: هرچند در این کارگاه‌ها زنان مجبور به انجام کارهای مردانه نیستند، اما شغل آنها در نوع خود سخت و طاقت فرساست. به عنوان مثال کارگران زنی که در کارگاه‌های خیاطی مشغول کار هستند روزانه هشت تا 14 ساعت بدون وقفه مشغول کار هستند.

این عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان ادامه داد: با این حال کارگران زن نه تنها مانند کارگران مرد مزد نمی‌گیرند بلکه ممکن است در صورت مادر شدن از همه حقوق ویژه‌ای که به آنها تعلق می‌گیرد نیز برخوردار نشوند. وی در خصوص وضعیت بیمه این کارگران گفت: خوشبختانه در سالهای اخیر با سطح فرهنگ عمومی در خصوص مزایای حمایت‌های بیمه‌ای افزایش یافته است.

بهراد گفت: به همین هم دیگر کارگران بر بیمه شدن خود تاکید دارند و هم کارفرمایان دیگر مانند گذشته در برابر این درخواست کارگران مقاومت نمی‌کنند. این مقام کارگری گفت: با این حال چنانچه در واحدهای تولیدی بازرسی دقیقتری صورت بگیرد امکان احجاف کمتری در خصوص پرداخت مطالبات کارگران زن وجود دارد.

پایان پیام

مرگ 3 کارگر بر اثر برق گرفتگی با دکل برق فشار قوی در تربت حیدریه

به گزارش واحد مرکزی خبر، در تاریخ اول تیر 92 آمده است: دکل برق فشار قوی جان سه کارگر را در روستای مورشک تربت حیدریه گرفت.

براساس این گزارش، فرمانده نیروی انتظامی امروز گفت: این حادثه زمانی رخ داد که 3 کارگر 24 ساله، 27 ساله و 40 ساله برای خارج کردن لوازم حفاری از داخل چاه مجاور دکل فشار قوی از جرثقیل استفاده کردند.

سرهنگ شاه‌رخی افزود: نزدیک شدن سر دکل جرثقیل به کابل‌های فشار قوی برق و ایجاد میدان مغناطیسی قوی سبب شد این سه کارگر بر اثر برق گرفتگی و سوختگی شدید در دم جان بسپارند.

وی گفت: در این حادثه یک کودک 12 ساله که در محل حادثه حضور داشت به سبب قرار داشتن روی یک چهار پایه چوبی از مرگ حتمی نجات یافت. روستای مورشک در 5 کیلومتری شهر تربت حیدریه قرار دارد.

آخرین تصویر ثبت شده از افشین اسانلو پیش از درگذشت در زندان رجایی شهر

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: آخرین تصویر ثبت شده از افشین اسانلو، زندانی سیاسی بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت)

افشین اسانلو در حالی به علت بی توجهی مسئولان زندان به وضعیت پزشکی و سلامت زندانیان روز گذشته جان خود را از دست داد که تنها هشت ماه تا پایان محکومیت اش باقی مانده بود .

با روند رو به وخامت رسیدگی های پزشکی و بهداشتی، و همچنین کارشکنی در درمان زندانیان سیاسی در شکنجه گاه رجایی شهر کرج و همچنین وضعیت به شدت اسفبار غذایی در این زندان که تا به حال منجر به مرگ خاموش بسیاری از زندانیان سیاسی و امنیتی این زندان گردیده است، وقوع فجایعی از این دست، همانگونه که طی ماه های گذشته به کرات شاهد آن بودیم، چندان دور از ذهن نبوده و با تداوم این روند و اعمال محدودیت های غیرانسانی بر علیه زندانیان سیاسی به طور یقین شاهد وقایع دردناک بیشتری در این زندان خواهیم بود .

انتقال افشین اسانلو به بیمارستان در پی حمله قلبی

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است : افشین اسانلو پس از حمله قلبی به بیمارستان منتقل شد و تا کنون از سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست . بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، افشین اسانلو از هیئت موسس سندیکای رانندگان برون شهری (میان شهری) روز گذشته پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه حدود ساعت ۱۷ دچار حمله قلبی می شود و به کمک سایر زندانیان سیاسی به بهداری زندان رجایی شهر و سپس بیمارستانی خارج از زندان منتقل می گردد . یکی از زندانیان به گزارشگر هرانا گفت: "احتمالا وی را به بیمارستان رجایی کرج منتقل کرده اند "

گفتنی است، تا این لحظه از وضعیت وی هیچ اطلاعی در دست نیست . این زندانی سیاسی سالن ۱۲ زندان رجایی شهرکرج ۴ ماه را در بند ۲۰۹ زندان اوین و یک ماه را نیز در بازداشتگاه اطلاعات کرج بوده است و فشارهای وارده در زندان موجب بروز مشکلات جسمی برای وی شده است .

تارنمای کلمه چندی پیش گزارش داده بود، ضربات متعدد کابل که در بازداشتگاه وزارت اطلاعات بر بدن افشین اسانلو وارد شده باعث پارگی در کف پا و ایجاد غده در کتف او شده است . این فعال کارگری از سوی قاضی صلواتی به ۵ سال حبس تعزیری به اتهام "اجتماع و تبانی" محکوم شد و دادگاه تجدید نظر فعال کارگری زندانی، افشین اسانلو جان باخت بنا به گزارشات رسیده به « فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» زندانی سیاسی افشین اسانلو بامداد جمعه ۳۱ خرداد در بیمارستان رجایی کرج جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران نمود. بامداد جمعه ۳۱ خرداد ماه زنده یاد افشین اسانلو که گفته می شود دچار سکته قلبی شده بود در بیمارستان رجایی کرج جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران نمود . او در حالیکه در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت کرج در محیطی کاملا ایزوله شده که از داشتن ارتباط تلفنی و سایر حقوق اولیه انسانی محروم بود و دائم همانند سایر هم بندیانش تحت فشارهای روحی و غیر انسانی قرار داشت با این وجود بنا به گفته هم بندیانش روحیه ای شاد داشت و شوخ طبع بود و هیچ گاه از داشتن ناراحتی قلبی شکایتی نداشت . افشین اسانلو ۴۲ ساله و از فعالین کارگری بود که چند سال پیش دستگیر و به سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ شکنجه گاه وزارت اطلاعات منتقل گردید. و پس از آن به زندان گوهردشت کرج تبعید گردید .

زندانیان سیاسی و فعالین کارگری بدلیل فشارهای جسمی و روحی که بازجویان وزارت اطلاعات علیه آنها بکار می برند دچار بیماریهای مرموزی می شوند و به دلیل عدم درمان به موقع ، توسط وزارت اطلاعات تدریجا به سوی مرگ سوق داده می شوند. استان تهران نیز این حکم را تایید کرد.

حشمت اله طبرزدی هم بند و هم سفره و دوست و همراه افشین در زندان رجایی شهر از او و شرایط زندان رجایی شهر سخن می گوید

باتسلیت به خانواده ی اسانلو

با کمال تاسف و تأثر بسیار، آگاهی یافتم دوست عزیز و همبندی ام، افشین اسانلو به دلیل سکت قلبی در سالن 12 زندانیان سیاسی بند 4 زندان رجایی شهر، درگذشت. انگار دیروز بود که افشین را از زندان اوین به رجایی شهر تبعید کردند. او چند ماه پس از این که منصور به مرخصی رفت به این زندان انتقال یافت. سرنوشت چنین رقم خورد که او در همان سلولی ساکن شود که مدتی پیش از آن، منصور رادپور در همان سلول مظلومانه جان داده بود. در همان جا با افشین سخن گفته و تأکید کردم که رادپور در همین جا جان داد و زندان رجایی شهر جایی است که اگر به ورزش و مطالعه و خودسازی انقلابی رو نیاوری مجبور هستی به انزوا و در نتیجه سرخوردگی ناشی از فشارهای گوناگون به خواب و قرص و بالمال بیماری گرفتار و پس از مدتی به جای خودت جسدت را از این جا بیرون ببرند. از برادرش منصور برای او گفتم که تا چه اندازه قوی و سرحال بود و با ورزش و مطالعه نه تنها خود را سرپا نگاه داشته بود که دیگران را نیز به وجد می آورد.

افشین اما از شکنجه ها در 209 حرف زد و از شرایط سخت خود می گفت. در عین حال بسیار بشاش و باورمند بود. به هیچ وجه ادم اهل سازشی نبود و از این بابت روحیه ی کارگری عجیبی داشت. همواره می گفت «داداش من یه کارگرم و نمی توانم در برابر زور تسلیم شوم» و نمی شد. من در زندان مطالبی می نوشتم و ترجمه می کردم و افشین اولین کسی بود که این امکان را داشت که ان مطلب را بخواند و با دقت زیاد هم می خواند و یاد داشت برداری می کرد. به همین دلیل همواره با من رفیق بود و به سلول من سر می زد. مادرش و برادر بزرگترشان نیز در ملاقات ها به من توصیه می کردند که افشین دارای روحیه ی خاص و تهاجمی است، تو مراقبش باش و بومد و خوب هم بود. من به دلیل رفاقت با منصور و اشنایی با مادر و برادر دیگر افشین، خود را ملزم به رسیدگی به وضعیت افشین می دیدم. حتا بیانیه هایی که از زندان بیرون می آمد تأکید افشین و من بود که حتما امضای او هم باشد، اگر چه برخی دوستان کوتاه نظر، گاهی نام او را حذف می کردند. افشین ادم مقاوم و باورمند و کارگر شرافتمندی بود.

امروز اما خبری باورنکردنی مبنی بر این که افشین اسانلو به دلیل حمله ی قلبی در زندان در گذشت، خواندم. اری هنوز خبر درگذشت کرمی خیر ابادی در همین بند را هضم نکرده بودم که خبر درگذشت افشین را شنیدم. اگرچه تلخی درگذشت منصور رادپور و نحوه ی مرگ او هیچ گاه از ذهن و روحم بیرون نخواهد رفت.

ممکن است پرسیده شود این زندان رجایی شهر چگونه جایی است که هر سال چندین نفر در آن گرفتار مرگ خاموش می شوند. از دیدگاه من که حدود دو سال و نیم از 3 سال حبس اخیر را در آن جا گذرانده ام، محدودیت ها و فشارهای گوناگون روحی، عامل اصلی این نوع مرگ ها در رجایی شهر است. به ویژه در دوره ی اخیر که تلفن و ملاقات حضوری و مرخصی ها قطع است، و سالن 12 به یک سالن در بسته تبدیل شده، این فشارها افزایش می یابد. من بیشتر 7 سال حبس در انفرادی های بازداشت گاه های مختلف امنیتی و نیز زندان اوین گذرانده ام. ولی زندان فوق امنیتی رجایی شهر را زندانی با شرایط کاملاً غیر انسانی تر یافتم. حتا برای قاتلین نیز محل مناسبی نیست چه رسد برای فعالین سیاسی و کارگری. همین شرایط است که زندانی را در مسیر مرگ تدریجی قرار می دهد. بنا براین دولت جدید اگر قرار است کاری انجام بدهد باید شرایط این زندان را مورد بررسی و تغییر جدی قرار بدهد. بیشتر باید پاسخ بدهند که جرم افشین اسانلو چه بود که به 5 سال حبس محکوم شده بود؟! مبادا شاهد مرگ دیگری در زندان رجایی شهر و به ویژه سالن 12 باشیم.

نمی دانم با چه زبانی باید به خانواده ی اسانلو و ان نوجوانی که پدرش را از دست داده تسلیت بگویم. به ویژه که امکان شرکت در مجالس بزرگداشت او را ندارم. اما باید تأکید کنم افشین

، انسانی دوست داشتنی و مقاوم و کارگری آگاه و مبارز بود. یادش گرامی باد.
حشمت اله طبرزدی
1/ تیرماه/ 1392 خورشیدی.

مرگ افشین اسانلو باید پیگیری شود

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در اول تیر 92 آمده است: افشین اسانلو زندانی سیاسی و راننده سابق شرکت واحد، در زندان رجائی شهر درگذشت. او در دادگاهی به زندان محکوم شده بود که از داشتن وکیل محروم بود و در حالی که جرم او سیاسی و امنیتی عنوان شده بود، هیچ هیات منصفه ای در دادگاه حضور نداشت. او تحت بازجویی‌های شدید قرار گرفته بود، به طوری که پس از بازجویی به شهادت سایر زندانیان تعدادی از دندان‌های او شکسته بود و آثار ضرب و جرح در بدن او باقی بود.

این امر در حالی اتفاق می‌افتد که سایر فعالان کارگری و خانواده‌هایشان تحت فشارهای فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند.

پس از بازگشت بهنام ابراهیم زاده به زندان، حال فرزند او، نیما که در حال شیمی درمانی است، وخیم شده به طوری که ملاقات‌کنندگان او در بیمارستان از افسردگی و رنج مضاعف او خبر می‌دهند.

همسر رضا شهبابی مورد بازجویی قرار گرفته و همسر علی نجاتی محاکمه شده است. شاهرخ زمانی مورد بدرفتاری‌های زندان بانان قرار دارد و محمد جراحی به رغم توصیه پزشکان برای ادامه درمان در خارج از زندان، همچنان در شریط سختی در زندان تبریز به سر می‌برد. رضا شهبابی نیز شرایط مناسبی در زندان ندارد.

هم چنین پدram نصرالهی، جلیل محمدی، وفا قادری، شاهپور احسانی راد و دیگر فعالان کارگری یا دوران زندان و بازجویی را می‌گذرانند یا تحت پیگرد قضایی قرار دارند.

به نظر می‌رسد همه‌ی این فشارها به فعالان کارگری به این دلیل وارد می‌شود که مشکلات اقتصادی ناشی از تورم و گرانی‌های مضاعف و بیکاری فزاینده، زندگی را برای کارگران به شدت دشوار کرده است و مسوولان به جای حل این مسایل، نگرانی خود را از تمام شدن طاقت کارگران و اقدامات جدی‌تر آنان، به این گونه نشان می‌دهند.

کانون مدافعان حقوق کارگر خواستار پیگیری مرگ افشین اسانلو در زندان گوهر دشت بوده و از تمامی نهادهای کارگری و مردمی داخلی و بین‌المللی می‌خواهد که با وحدت و همدلی بیشتر خواستار توقف فشارهای فزاینده بر فعالان کارگری و اجتماعی شوند تا از چنین فجایعی جلوگیری شود.

ما خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و کارگری هستیم.
کانون مدافعان حقوق کارگر - اول تیر 1392

افشین اسانلو زندانی سیاسی زندان گوهردشت درگذشت

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: افشین اسانلو زندانی سیاسی بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت)، روز گذشته جمعه سی و یک خردادماه و در حالی که تنها هشت ماه تا پایان محکومیت زندان وی باقی مانده بود به دلیل عارضه قلبی جان خود را از دست داد.

به گزارش کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، این زندانی سیاسی روز پنجشنبه سی و یکم خرداد به علت عارضه قلبی به مراکز درمانی خارج از زندان منتقل گردیده بود که نهایتاً روز گذشته جان خود را از دست داد.

در همین زمینه سهراب سلیمانی، مدیرکل زندان‌های استان تهران نیز صبح امروز در گفتگویی با

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ضمن تأیید این خبر گفت: «وی در بیمارستان شهید رجایی کرج فوت کرده است. نامبرده در سال ۸۸ بازداشت شده بود و اسفند ماه دوران محکومیتش به پایان می‌رسید که متأسفانه به دلیل سکت قلبی فوت کرد.»

تأسف بار در صحبت‌های آقای سلیمانی، تأیید انتقال غیرقانونی آقای اسانلو از زندان اوین تهران به زندان رجایی شهر می‌باشد. وی در ادامه این گفتگو می‌افزاید: «افشین اسانلو از محکومین تهران بود که اخیراً برای گذراندن باقی دوران محکومیتش به زندان رجایی شهر کرج منتقل شده بود.»

ماده ۲۳۰ آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مورد محل نگهداری محکومین صراحتاً تأکید دارد که «هر متهم یا محکوم در بازداشتگاه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندانی که در حوزه قضایی صادرکننده قرار یا حکم قرار دارد نگهداری می‌شود». همچنین تبصره یک ماده ۲۳۴ نیز در همین رابطه می‌گوید: «سازمان باید ترتیبی اتخاذ نماید که محکومان با درخواست شخصی در نزدیکترین زندان محل سکونت خانواده خود تحمل کیفر نمایند» آقای اسانلو که برادر منصور اسانلو رئیس سابق هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران نیز می‌باشد، پیشتر و در دادگاهی به ریاست قاضی صلواتی به اتهام «تبانی و اجتماع به قصد ارتکاب جرم» به حبس محکوم شده بود که پس از مدتی نگهداری در زندان اوین تهران، در هفدهم خردادماه سال گذشته به بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج منتقل گردید.

اعمال محدودیت‌های شدید درمانی و حذف خاموش زندانیان سیاسی و امنیتی، از جمله شیوه‌هایی است که مسئولان امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی طی دو سال گذشته از آن بطور گسترده‌ای برای حذف فیزیکی زندانیان محبوس در زندان‌های جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.

محدودیت‌های درمانی و بی‌توجهی به سلامت زندانیان سیاسی شایع‌ترین علت مرگ در میان زندانیان سیاسی طی دو سال اخیر بوده که توسط مسئولان زندان رجایی شهر کرج و مشخصاً شخص «محمد مردانی» ریاست این زندان برای زندانیان سیاسی و امنیتی این زندان وضع گردیده است. اعمال اینگونه محدودیت‌ها و کارشکنی در درمان و انتقال به موقع به مراکز درمانی و همچنین عدم کنترل وضعیت جسمی زندانیان سیاسی، و از سوی دیگر وضعیت اسفبار تغذیه زندانیان که از عوامل مهم تأثیرگذار در سلامت زندانیان می‌باشد، طی دو سال اخیر منجر به فوت تعداد زیادی از زندانیان سیاسی از جمله محمد مهدی زالیه، منصور رادپور، حسن ناهید، محسن دگمه چی و در آخرین مورد علیرضا کرمی خیرآبادی گردیده است.

نامه زیراز آقای منصور اسانلو درمورد زنده یاد افشین اسانلوست که به تازگی انتشار یافته است:

برپایه مطلب دریافتی آمده است: «افشین برادرم بود. کوچکترین برادر. بعد از درگذشت پدرم طبیعی بود که روند معمولی زندگی ما برهم بخورد. با شرایطی هم که در جامعه پدید آمده بود. همه ما بایستی کار می‌کردیم تا زندگی بگذرد. افشین هم به ناچار وارد بازار کار و جامعه کارگری شد. ت... سال ۱۳۸۱ که در شرکت واحد شاغل شد. در مشاغل و کارهای مختلف کارگری کرد. در شرکت واحد راننده خط و سپس راننده واحد گشت شد. بعد از آنکه در آن ایام فعالیتهای سندیکایی ما در شرکت واحد گسترده‌تر شد، او و تعدادی از رانندگان و کارگران را به علت آنکه قراردادی بودند بعد از اتمام تاریخ قرار داد اخراج کردند. بعد از آن برای گذران زندگی دوباره به کار در مشاغل مختلف پرداخت. از جمله برای رانندگی به ترمینال‌های مسافری بین شهری مراجعه میکرد و به عنوان راننده کمکی مشغول به کار میشد. کاری بدون پشتوانه و امنیت شغلی و جانی. گاهی هم با کامیون و تریلی رانندگی میکرد. در خاطرات و یادداشت‌هایی که نوشته است گوشه‌هایی از شرایط سخت و ظالمانه کار در جاده‌ها و برخورد‌های کارفرماها را به خوبی بیان کرده است. در همان دوران با ملاحظه تلاش‌های ما برای تشکیل و پیشبرد امر

سندیکای کارگران شرکت واحد وملاحظه علاقه مندی وحضور کارگران شرکت واحد در جلسات سندیکایی نسبت به تلاش برای تشکیل سندیکای رانندگان جاده ای آغاز به فعالیت نمود . وآ آموزش ها وتجربیات وکتب مربوط به دانستننی های سندیکایی را دقیق تر از قبل مطالعه می کرد وانها را به میان همکاران جاده ای اش میبرد . گاهی اطلاعیه های سندیکایی راهم به دست همکاران وهم دردان در ترمینال ها وپایانه ها می رساند . بعد از افتتاح مجدد سندیکا در خیابان ابوریحان که با همکاری یکی از وکلای برجسته ومردمی که خود سالها طعم تلخ وگس زندان را کشیده بود . روزانه در ان دفتر حضور می یافت وامور سندیکایی محوله را به پیش می برد ،همکاری تنگاتنگی که کاملا راز دارانه انجام میشد که موجب دستگیری زود رس نشود . طی این مدت خیلی گسترده تر با رانندگان ترمینالها ارتباط داشت ودر بین انها بیانیه های آموزشی سندیکایی را نشر می داد . بعد از دستگیری من در 19تیر 1386 ویستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده وباز گشایی شده بود ، افشین نیز دوباره به جاده وبیابان باز گشت . حدود سه سال پیش که من در زندان بودم ،اورا در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند وبه اطلاعات شهر ری می برند وبا هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند 209 اوین می برند وتحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند . تا از او برعلیه سندیکا وفعالیت های سندیکایی اقرار بگیرند . اقرارهایی دال بر همکاری سندیکا با گروههای سیاسی واقدامات غیر قانونی وحتا تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی وچون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشارهای سخت تری قرار می گیرد»

متن نامه افشین اسانلو به اتحادیه های کارگری کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است.

من افشین اسانلو از فعالین جنبش کارگری ایران و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری هستم و هم اکنون در زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر) بسر میبرم . در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سوله های انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجوی و شکنجه قرار گرفتم. // شکنجه های نظیر زدن کابل به کف پا ، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده ، بازجوییهای طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعته، فحشهای رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده ها و همینطور دندانهایم شد، در طی این پنج ماه خانواده ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیریهایشان هم به جایی نرسید به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنجکشیده که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید را هم ندادند .

من متاهل و دارای دو فرزند پسر میباشم و همان آغاز تشکیل خانواده به مدت ۲ سال در قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا سپاه مشغول به کار شدم و به بعنوان راننده ماشین الات سنگین در شهرستانهای محروم و جنگزده در جنوب کشور در پروژه های مهم از قبیل ساخت خط خاکی کرخه و اسکله سنگی بندر ماهشهر، کانال کشی آب از سد کرخه تا حمیده اهواز کار کردم. عشق به وطن باعث میشد که دوری از خانواده را تحمل کنم و به هیچ بگیرم. بعد از دو سال با تمام راننده گانی که استخدامیشان قراردادی و موقت بود تسویه حساب کردند و همه ما بیکار شدیم، در سال ۱۳۷۶ به استخدام شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در آمدم ، در شلوغترین خطوط اتوبوسرانی به صورت ۱۲ ساعت در روز و یا در خطوط شبانه روزی با تمایل و درخواست خودم مشغول خدمت رسانی به مردم کشورم شدم،در مدت ۴ سالی که در شرکت واحد بودم همواره به همراه کارگران و رانندگان صدیق و با سابقه در کنار کار روزانه به جهت بهبود شرایط کار و

کارآمد تر شدن سیستم مدیریتی و جلوگیری از فساد خیلی از مدیران و مسولین بخشها و مناطق مختلف به شرکت و حتی خود نمایندگان شورای اسلامی کار و پیگیری معوقه های عیدی و پاداش و بن های کارگری، لباس کار و یا قرارگرفتن شرکت جزو مشاغل سخت و زیان آور و از بین بردن قراردادهای موقت، که در بعضی از موارد به ۶ الی ۵ سال هم میرسید تلاش میکردم. بااینکه در خیلی موارد موفق هم نمیشدیم ولی خاری بودیم در چشم زیاده خواهان، آنها تلاش میکردند به هر نحوی که شده ما را از میدان بدر کنند. ما دائما از سوی مدیریت و مامورانشان تحت فشار و تهدید به اخراج بودیم.

متأسفانه در سال ۱۳۸۰ به هنگام جابجایی مسافر در یکی از خطوط شرکت واحد با فردی تصادف کردم که موجب فوت وی شد، در این رابطه از مدیریت شرکت طلب مساعدت و یاری جهت تودیع دپه فرد متوفی را کردم که مدیریت و مددکاری وقت آن زمان با تئانی با شرکت بیمه و خانواده متوفی به عمد باعث شدند که مبلغ دپه ۱۵ میلیون تومانی در آن زمان به هجده میلیون در سال بعد تبدیل شود که در صورت پرداخت نشدن مبلغ ۳ میلیون تومان مابالتفاوت من به زندان میافتادم و قانونا بیمه هم از پرداخت این مبلغ معاف بود.

مراجعه به اداره کار و طرح شکایت هم راه به جایی نبرد تا اینکه مدیریت شرکت واحد پرداخت این مبلغ را منوط به استعفای من کردند. و من هم که این مقدار پول را نداشتم مجبور به استعفا شدن که این امر باعث به هدر رفتن چهار سال سابقه کاریم شد و من میبایست پس از ۶ سال کار سخت و طاقت فرسا از صفر شروع میکردم. آنها به این وسیله لطمه بزرگی به من و خانواده ام وارد آوردند و تا مدت‌ها همسرم که در آنزمان باردار هم بود به بیماری عصبی مبتلا شد. از آن زمان به بعد تا لحظه دستگیری در بخش حمل و نقل برون شهری مشغول به کار شدم خصوصی بودن مالکیت این ناوگان عظیم و دیر بودن پیش از پیش رانندگان از سهم و نداشتن اتحادیه قوی و مستقل مانند بسیاری از رانندگان زحمتکش و باشرف به سختی چرخه زندگی را میچرخانم و با مشکلات بیشماری روبرو بودند و خالبا با گفتگو و همفکری با دیگر رانگان در پی بهتر شدن شرایط کار و زندگیمان بودیم. در زندگی همواره در چهارچون قانون و احترام به آن زندگی کرده ام، قانع بوده و به کارم افتخار میکردم سعی کردم همواره به دیگران احترام بگذارم و به وطن و مردم عشق بورزم و تمام عمر در حال کار و خدمت به جامعه ام باشم و فرزندانم را خوب و مفید تربیت کنم.

بعد از حدود یکسال بلاتکلیفی در بندهای ۲۰۹ و ۲۵۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام اقدام علیه امنیت محاکمه شدم در پروسه دادرسی ازداشتن وکیل محروم بودم و دادگاهی این جانب ظرف چند دقیقه اینجانب انجام گرفت و بعد از يك هفته حکم ۵ سال حبس تعزیری به من ابلاغ شد من به حکم صادره اعتراض نمودم اما هیچگاه به من و خانواده ام در خصوص بررسی پرونده ام در دادگاه تجدید نظر و کم و کیف آن اطلاعی داده نشد. من به اتهام واهی و بی پایه و اساسی به ۵ سال زندان محکوم شدم که دقیقا ۲ سال آن را گذرانده ام مگر من چه اقدامی علیه امنیت کشور انجام داده ام؟ اینجانب نه فعالیت سیاسی میکردم ام و نه وابسته به گروه حزب و سازمانی بوده ام و تمامی فعالیت اینجانب نیز قانونی و صنفی بوده است. تنها گناه من پیگیری خواسته های به حقی است که کارگران شرکت واحد به آن واقف شده و آن را مطالبه میکنند که با دستگیری و زندانی آنها این خواسته ها از بین نمیرود. ضرورتهایی مانند به وجود آمدن يك نهاد صنفی مستقل کارگری جهت احقاق حقوق حقه و قانونی طبق موازین وزارت کار در جهت تامین امنیت شغلی، بهبود دستمزدها متناسب با میزان تورم جلوگیری از پرداخت سلیقه ای حقوق و مزایا، عقد قراردادهای دائم بین کارگر و کارفرما، پایبند کردن دولت در کمک و تسهیل پرداخت بیمه تامین اجتماعی، نظارت در تعاونیهای حمل و نقل که دیگر کاملا خصوصی شده و انحصاری بهره برداری میشود و تنها نام تعاونی را يدک میکشند، غیر قابل انکار میباشد. همچنین نظارت در پیگیری اعمال پلیس، راهها و نیروی انتظامی در وزارت راه و ترابری و مسائل صنفی از این دست که طبق موازین قانون کار بوده و اگر اجرایی شود نه تنها امنیت ملی به خطر نمیافتد بلکه سبب رشد و بهره وری هر چه بیشتر این صنعت

سود ده و ملی میشود، تمام جرم من و امثال من خلاصه شده در واگویی این مسایل و معضلات و مطرح شدن آن در بین رانندگان و کارگران و حتی بعضی مدیران هوشمند و لایق ناوگان حمل و نقل کسانی که به واقع گوشه ای از چرخ صنعت این مملکت را دلسوزانه بدوش گرفته و میچرخانند. این جانت با شرح مطالب گفته شده از فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آ تی اف) و سازمان جهانی کار (آ ال او) که همواره دلسوزانه و برادرانه دردها و رنجهای برادران خود را در سراسر دنیا شنیده و درک کرده و همیاری میکنند میخواهم که وضعیت نابسامان ما کارگران بخش حمل و نقل و همینطور صدور چنین حکم ناعادلانه ای برای من و اجرایی کردن آن که تاکنون به ناحق و غیر قانونی است را از طریق نهادهای بین المللی و حقوق بشری پیگیری کرده و به گوش دیگر کارگران جهان به خصوص بخش حمل و نقل برسانند تا جهانیان بدانند که کشور ما به هیچ وجه حقوق اساسی و انسانی ما کارگران و زحمتکشانش رعایت نمیشود و کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است

با آرزوی فردای بهتر برای همه

افشین اسانلو- ۷ آگوست ۲۰۱۲

اطلاعیه اتحاد بین المللی در مورد جان باختن افشین اسانلو جمهوری اسلامی ایران قاتل افشین اسانلو است!

کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی فوری و بی قید و شرط آزاد باید گردند بنا به خبر رسانی خانواده اسانلو و طبق گزارشهای موجود، افشین اسانلو، کارگر در بند و زندانی سیاسی، روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲، بر اثر سکنه قلبی در زندان رجایی شهر به بیمارستان انتقال و در آنجا جان خود را از دست می دهد. جزئیات دقیق مرگ افشین اسانلو هنوز روشن نشده است.

این اولین بار نیست که در زندان رجایی شهر، که بنا به اظهارات و گفته های زندانیان از شرایط بسیار ضد انسانی برخوردار است، زندانیان به ناراحتی های سخت جسمی و روحی دچار شده و برخی از آنان جان باخته اند. افشین اسانلو که از فعالین ایجاد سندیکاای رانندگان برون شهری بود به اتهام "اجتماع و تبانی" توسط قاضی صلواتی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود و در غیر انسانی ترین شرایط این دوران را میگذراند.

شکی نباید داشت که قاضی صلواتی، مسئولین زندان رجایی شهر و کلیت حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران مسئولین و مسببین حقیقی و حقوقی جان باختن افشین اسانلو هستند. اتحاد بین المللی ضمن همدردی با خانواده اسانلو مراتب تاسف عمیق و انزجار شدید خود از جان باختن نابهنگام افشین اسانلو در اسارتگاههای جمهوری اسلامی ایران را اعلام میکند و در شکایت و اعتراض علیه مسببین این فجایع خود را در کنار آنان و نهادها و فعالین کارگری دانسته و در بین المللی کردن صدای این اعتراض تمام تلاش خود را بکار خواهد برد. اتحاد بین المللی بار دیگر جنبش کارگری ایران و جهان و تمامی نهادها و سازمانها و احزاب کارگری و مدافعین حقوق انسانی را به گسترش اعتراضات و فشار جهانی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران دربند و زندانیان سیاسی در سراسر ایران فرا می خواند. در راستای تحقق این مهم از هیچ کوشش و تلاشی فروگزاری نکنیم.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۲۲ جون ۲۰۱۳

صبح امروز رخ داد:

سقوط کارگر کفاش بر اثر آتش سوزی در کارگاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر 92 آمده است: آتش سوزی در یک کارگاه کفاشی واقع در طبقه چهارم ساختمانی، باعث سقوط یک کارگر شد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، صبح امروز آتش سوزی در یک کارگاه کفاشی در طبقه چهارم یک ساختمان واقع در خیابان سپه سالار تهران، باعث شد تا کارگری که مشغول کار بود برای نجات جان به پایین بپرد.

بنا بر این گزارش، سه کارگری که در این کارگاه مشغول کار بودند با مشاهده آتش سوزی که به سبب اشتعال مواد آتش زا صورت گرفته بود، سعی در خروج داشتند که 2 نفر از آنها در لحظات اولیه از کارگاه خارج شده و کارگر سوم قبل از رسیدن گروه‌های امداد و نجات در اقدامی عجولانه خود را از طبقه چهارم به پایین پرت کرد و به شدت دچار آسیب دیدگی شد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این باره گفت: داشتن تجهیزات ایمنی و خاموش کننده در کارگاه‌ها حادثه ساز ضرورت دارد و کارگران در کارگاه‌ها در صورت مشاهده آتش سوزی از هر گونه اقدام عجولانه خود داری کرده و سعی کنند با حفظ آرامش و خونسردی محل حادثه را ترک کنید.

پایان پیام

یا دستور بازداشت هزاران معلم معترض را صادر نمایید، یا به آزادی همکاران بی گناه ما امر کنید

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس از قول شورای مرکزی کانون‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور در اول تیر 92 آمده است: یا دستور بازداشت هزاران معلم معترض را صادر نمایید، یا به آزادی همکاران بی گناه ما امر کنید. شورای مرکزی کانون‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور در نامه ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه از تداوم سیاست‌های امنیتی علیه معلمان کشور در چند سال اخیر انتقاد کرده و خواستار پایان دادن به این رویکرد شده است. این تشکل صنفی از صادق لاریجانی خواسته است یا دستور بازداشت و حبس هزاران معلم معترض را نیز صادر نمایید و یا در اقدامی درست و انسانی، به آزادی همکاران بی گناه ما امر کنید.

به گزارش ملی - مذهبی، این شورا در نامه خود با اشاره به زندانی بودن تعدادی از معلمان به شعارهای انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری اشاره کرده است و تأکید کرده این معلمان به خاطر همین شعارها هم اکنون در زندان به سر می‌برند.

متن کامل این نامه سرگشاده به شرح زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

رئیس محترم قوه قضائیه، جناب آقای آملی لاریجانی!

سلام علیکم

همگان آگاهند که اعتبار دستگاه قضایی به استقلال آن است، شما نیز بارها اعلام نموده اید که سیستم قضایی، مستقل از سایر قوا عمل می‌نماید. یکی از اساسی‌ترین اهداف این استقلال آن است که اگر از سوی مسئولان و کارگزاران، جفایی بر مردم شد، دستگاه قضا، حق را به جایگاهش برگرداند و این والاترین مسؤلیت‌یست که شما در صورت انجام درست آن در پیشگاه ملت، سربلند بوده و قضاوت تاریخ نیز درباره‌ی شما توأم با احترام خواهد بود. قانونگذار در ساختار سیستم قضایی، جایگاهی تحت عنوان «مدعی العموم» لحاظ نموده است تا در صورت وقوع

ظلمي بر مردم، دادستان به نمایندگی از عموم مردم، علیه پامال کنندگان حقوق حقّه ي آنان، اقامه ي دعوي نماید.

اهمّ پرسشهاي فرهنگيان کشور از رئيس قوه ي قضائيه، به اين شرح است:

۱- آیا مسؤولان اجرائي و قضايي نیز در تصميم گيري ها و صدور آرا، مرتکب تخلف يا خطا مي شوند؟ در صورت ارتکاب تخلف، و به تبع آن تضييع حقوق مردم، دستگاه قضا نسبت به اعاده ي حق، اقدام نموده و مي نمايد؟ آیا تاکنون مدعي العموم بدون در نظر گرفتن دسته بندي هاي سياسي و ... و به حمايت از مردم، عليه مقامات متخلف، اعلام اتهام نموده است؟

۲- در صورتي که نهادهاي امنيتي، مدعي العموم و قاضي- به منظور جلوگیری از طرح انتقادات و اعتراض ها- در یک هم سويي آشکار اقدام به شکايت، بازداشت و صدور رأي عليه معلمان منتقد نمايند، افراد ستمديده به کدام ملجأ و مرجع عادل پناه ببرند؟

۳- به نظر شما کدام یک از اين دو گروه بايد محاکمه شوند؟ معلّمی که مسؤولان را به دادورزي مي خواند و از مقامات کشور مي خواهد به وظيفه ي قانوني خود که رفع ظلم و برقراري عدالت است عمل کنند يا مسؤولاني که نه یک بار و دوبار که به طور مکرر از قانون تخلف مي کنند، در رسانه هاي گروهی صراحتاً حقايق را وارونه جلوه مي دهند، خلاف گفته هايشان عمل مي کنند و با بي تدبيري، کشور را در بحران هاي عميق سياسي، اقتصادي، اجتماعي و ... فرو مي برند؟

۴- سيستم قضايي با توجه به کدام اصل قانوني، اخلاقي و شرعي به چنين اجتهادي دست يافته است که معلمان « رسولان تنوير افکار » را به « تشويش اذهان » متهم نمايد و ساليان متمادی به سلول انفرادي و زندان افکند و آنان را مورد آزار و اذيت جسمي و روحي قرار دهد، حتي پراي حضور در مجلس ترحيم والدينشان ساعتی مرخصي ندهد، حقوقشان را قطع کند و ...؟ البته در خصوص رفتارهاي غير انساني با معلمان زنداني، سخنان بسياري داريم که وقاحت آن رفتارها اجازه ي طرح آنها را نمي دهد، در صورت ايجاد فرصت از سوي شما، آمادگي طرح حضوري آنها را داريم.

۵- آیا مدعي العموم در خصوص استخدام وسيع بستگان مسؤولان وزارتي و استاني آموزش و پرورش، بررسي هاي لازم را انجام داده است؟ در یک جامعه ي زنده، با سيستم قضايي حساس، حتي استخدام خارج از ضابطه ي یک نفر هم، واکنش قضايي و رسانه اي ايجاد مي کند. چرا در اينجا، استخدام فاميلي گسترده، کمترین حساسيتي در مراجع ذيربط ايجاد نمي کند؟ مدعي العموم نسبت به اعاده ي حق جواناني که در اين استخدام ها حقوقشان پامال شده، چه اقدامي کرده است؟

۶- چرا مدعي العموم، تجمّع فرهنگيان عدالت خواه را تضييع حقوق دانش آموزان تلقّي نموده، نسبت به ايشان اعلام اتهام مي نمايد ولي به تعطيلي اجباري مدارس توسط وزارت متبوع و ادارات کلّ آموزش و پرورش، براي اعزام دانش آموزان جهت استقبال از رئيس جمهور و ... و به تبع آن از بين رفتن ميليون ها ساعت فرصت آموزشي (که مصداق تضييع حقوق عمومي ميباشد) عليه مسؤولان - به نمایندگی از دانش آموزان و اوليائي ايشان- اقامه ي دعوي نمي کند؟

۷- در بيست و دوم اسفند ۱۳۸۵ در جلسه ي نمايندگان صنفی فرهنگيان با نمايندگان دولت و اعضاي هيأت رئیسه ي مجلس، نمايندگان و دولتيان صراحتاً اعلام نمودند: «هر وزير و مسؤولي آمده، قطره قطره بر مشکلات معلمان افزوده و الآن با دريائي از مشکلات مواجهيم!» همچنين رئيس وقت مجلس ضمن پذيرش وجود تبعيض در حقوق و مزايای فرهنگيان با ساير کارکنان دولت، گفتند: « شما ما را توصيه به حق مي کنيد و ما شما را توصيه به صبر ميکنيم. » آیا

نمایندگان صنفی معلّمان، علاوه بر صبوری بر تبعیض‌ها، باید بر تبعید، زندان و اخراج نیز صبوری کنند؟ چرا قوه ی قضائیه به جای محاکمه ی آنان که دریایی از مشکلات را برای فرهنگیان ایجاد کرده اند، فرهنگیانِ مظلوم را محاکمه و زندانی می کند؟

۸- معلّمان کشور برای رساندن صدای اعتراض خود به عملکردهای تبعیض آمیز، اقدام به تهیه ی نامه، طومار، برگزاری جلسه با رئیس جمهور، وزرای آموزش و پرورش، رئیس مجلس و فِرَاکسیون فرهنگیان نموده، سپس دست به تجمع اعتراضی زدند که با وجود وعده های مکرر و مؤکد ایشان و حتی تصویب و اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، جامعه ی فرهنگیان کشور همچنان از تبعیض در حقوق مادی و معنوی خویش رنج میبرند. تأکید فراوانِ کاندیداهای ریاست جمهوری دوره ی یازدهم به وجود مشکلاتِ معیشتی فرهنگیان نشان میدهد زخم های ناسور معلّمان بهبود نیافته است و هم چنان « حقه ی مهر بدان نام و نشان است که بود! »

جناب آقای آملی لاریجانی!

سخنان کاندیداهای ریاست جمهوری دوره ی یازدهم، سخنان معلّمانی است که اینک به خاطر آن سخنان در زندان هستند. لطفاً به صورت واضح بیان فرمایید، معلّمان این مملکت، به چه شیوه ای و با چه زبانی انتقادات، اعتراض ها و دادخواهی خود را اعلام کنند تا مدعی العموم که در هزاران مورد جای طرح دعوی علیه مسؤولان – به نیابت از ملت ایران- را دارد، گریبان فرهنگیان بی پناه را نگیرد؟

۹- آیا صرف وجود قوانین ارزشمند و پرمحتوی، چون اصول فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) که شاه بیت آن اصل ۲۷ است، دلیل بر بهره مندی ملت از حقوق خویش است؟ آیا ایراد اتهام به هر معلّم منتقد که خواهان اجرای عدالت است، خدشه دار نمودن و بی اعتبار ساختن اصول قانون اساسی نیست؟ آیا این سبک عمل، پیش از آسیب به مردم، لطمه ی جدی به نظام نمیزند؟ « یکی بر سر شاخ، بن می برید! » ...

۱۰- و بالاخره آیا صدای اعتراض صدها هزار معلّم حق طلب را علیه تبعیض و بی عدالتی شنیده اید؟ اگر جواب مثبت است، شما و مدعی العموم بر اساس مسؤولیت خود – به نیابت از جمعیت میلیونی فرهنگیان و خانواده هایشان- چه قدم هایی برای حمایت از حقوق مادی و معنوی ایشان برداشته اید؟

رئیس محترم قوه ی قضائیه!

هرچند در یک هم گرایي و هم سویی، سیستم قضایی؛ برای نمایندگان معلّمان کشور رأی زندان، و سیستم اجرایی؛ رأی اخراج صادر نموده اند ولی آرای صادره هیچ گاه مورد پذیرش فرهنگیان کشور واقع نشده و نخواهد شد. از نظر جامعه ی عظیم فرهنگیان کشور، معلّمان منتقدی چون رسول بدایي، محمود باقری، محمد داوڑی، عبدا... مؤمنی، هاشم خواستار، محمود بهشتی، اکبر باغانی، اسماعیل عبدي و ... جرمی مرتکب نشده اند که سالیان سال در زندان به سر برند. ایشان به نمایندگی از ما فرهنگیان به نقد عملکرد مسؤولان پرداخته اند که این امر طبق قانون، بخشی از حقوق شهروندی هر ایرانی است. اگر انتقاد از عملکردها جرم است، ما نیز در چنین جرمی شریک هستیم. لذا از شما می خواهیم یا دستور بازداشت و حبس هزاران معلّم معترض را نیز صادر نمایید و یا در اقدامی درست و انسانی، به آزادی همکاران بی گناه ما امر کنید.

جناب آقای آملی لاریجانی!

مطابق قانون تاریخ، شما نیز روزی کرسی قوه ی قضائیه را ترک خواهید کرد و کارنامه ی شما در تاریخ این کشور مورد ارزیابی مردم قرار خواهد گرفت و قضاوت مردم، نه بر اساس میل شما، که

مطابق عملکردتان خواهد بود، لذا دلسوزانه، خالصانه و از سر مسؤولیت معلّمی میگوئیم:
باری چو فسانه میشوی ای بخرد افسانه ی نیک شو، نه افسانه ی بد
شورای مرکزی کانون های صنفی فرهنگیان سراسر کشور
یکم تیرماه 1392

دبیر خانه کارگر مهاباد: شهرستان مهاباد بیمارستان تامین اجتماعی ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر 92 آمده است: دبیر خانه کارگر مهاباد اعلام کرد: شهرستان مهاباد با بیش از 26 هزار و 700 نفر بیمه شده اصلی و 2 هزار و 430 مستمری بگیر، فاقد بیمارستان تامین اجتماعی است.

«سعید مصطفی نژاد» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: طبق قانون تامین اجتماعی، شهرستانهایی که بیش از 26 هزار نفر بیمه شده اصلی و 80 هزار نفر بیمه شده تبعی دارند، باید دارای بیمارستانی با حداقل 32 تخت بستری باشند، ولی هنوز پیگیری‌های نمایندگان کارگری این شهرستان و سایر مسئولان محلی در این مورد بی نتیجه بوده است. او با بیان اینکه این شهرستان فاقد امکانات مجهز درمانی تخصصی است به ایلنا گفت: در این شهرستان تنها یک کلینیک تحت پوشش تامین اجتماعی وجود دارد که جوابگوی این تعداد بیمه شده نیست.

دبیر خانه کارگر مهاباد با بیان اینکه در این مرکز تنها پزشکان عمومی فعال‌اند، افزود: این موضوع باعث شده است تا بسیاری از کارگران و سایر اقشاری که به این کلینیک مراجعه می کنند، دچار مشکل شوند. او در خصوص مشکلات نوبت دهی در این کلینیک افزود: مردم مهاباد برای دریافت نوبتهای پزشک و دندانپزشک ساعتهای طولانی در صف انتظار درمانگاه روزانه این شهرستان می نشینند.

مصطفی نژاد با بیان اینکه بیمه شدگان ناچارند برای دریافت خدمات درمانی از تنها کلینیک موجود حداقل یک روز از فعالیت روزانه خود را به این کار اختصاص دهند، در خاتمه گفت: نزدیک ترین بیمارستان تامین اجتماعی به شهر مهاباد در ارومیه واقع شده است که اکثر بیماران ناچارند با صرف هزینه ای بسیار به این مرکز مراجعه کنند.

پایان پیام

کارشکنی مسئولین دادگستری و اطلاعات سنندج در قبال آزادی فعال کارگری «جلیل محمدی»

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ اول تیر 92 آمده است: طی روزهای گذشته خانواده‌ی «جلیل محمدی» فعال کارگری، به دادگاه انقلاب و ستاد خبری اطلاعات سنندج مراجعه نموده که با پاسخ ضد و نقیض و دروغ مسئولان مربوطه مواجه شدند. قاضی بازپرسی شعبه ی 5 به آنان اعلام نموده که وثیقه‌ی 50 میلیون تومانی تهیه کنند اما با مراجعه‌ی خانواده‌ی «جلیل محمدی» به این شعبه به آنها گفته شد که هنوز پرونده‌اش به شعبه نیامده و آنان را جهت پیگیری پرونده به ستاد خبری اطلاعات فرستادند؛ اداره ی اطلاعات به خانواده‌ی این فعال کارگری اعلام نموده که پرونده‌ی نامبرده هنوز تکمیل نشده و خانواده را جهت اخذ نامه‌ی ملاقات با «جلیل محمدی» مجدداً به دادگاه فرستاده اما مسئولین دادگاه با

کارشکنی به آنان گفتند که دادستان در مرخصی به سر می برد و جواب را به روز سه شنبه 92/4/4 موکول نمودند.
کمپتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

وضعیت کارگران زندانی از جمله وضعیت وخیم رضا شهابی

سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی را می توان فراگیرترین تشکل کارگری مستقل در تهران نامید. سندیکا نه تنها کلاس‌هایی برای بالا بردن آگاهی برای حقوق کارگران گذاشت، بلکه رهبران آن نیز پی گیرانه برای خواست‌های کارگران فعالیت می کنند. شاید بتوان علل برخورد خشن حکومت جمهوری اسلامی را با کارگران شرکت واحد در همین عناصر یعنی فراگیر و مستقل بودن و پی گیری در پیوند با حقوق کارگران جستجو کرد، چه کارگران این سندیکا در طول حیات خود بشدت با بازداشت، اخراج و حکم‌های سنگین مواجه شدند. یکی از این کارگران رضا شهابی است که اکنون از نظر جسمی در وضعیت وخیمی قرار دارد.
گفت‌وگوی پانته‌آ بهرامی با علیرضا نوایی رادراین رابطه بشنوید:

http://www.zamahang.com/podcast/2010/20130623_RezaShahabi_AlirezaNavabi_PanteABahrami.mp3

منبع: رادیوزمانه-2 تیر

مرگ افشین اسانلو و نگرانی نسبت به وضعیت دو زندانی دیگر

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در دوم تیر 92 آمده است: دبیرخانه‌ی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران: افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی عقیدتی ۴۲ ساله، روز جمعه سی و یکم خرداد ماه، پس از آنکه دچار حمله‌ی قلبی شد، در حین انتقال به بیمارستان رجایی کرج جان باخت. آقای اسانلو به دلیل فعالیت صنفی خود در سال هزار و سیصد و هشتاد و هشت بازداشت و در یک روند پر ابهام قضایی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی" به تحمل پنج سال حبس تعزیری محکوم شد. وی از تاریخ یکم مهرماه سال هزار و سیصد و هشتاد و نه، در زندان‌های اوین و رجایی شهر کرج تحمل حبس نمود.

سهراب سلیمانی رئیس سازمان زندان‌ها، در گفتگو با خبرنگار ایسنا، علت مرگ این زندانی را "سکته‌ی قلبی" اعلام کرد. با این حال منصور اسانلو از فعالین کارگری شناخته شده و برادر این زندانی عقیدتی جان‌باخته به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفت: "برادرم هیچ گونه سابقه‌ی بیماری نداشته است و مسئولیت مرگ وی در زندان، بر عهده‌ی حکومت و کسانی است که وی را به دلیل فعالیت صنفی در شرایط غیر بهداشتی و محیط بسته با کیفیت غذای نامناسب نگهداری کردند."

وی که خود تجربه‌ی حمله‌ی قلبی در زندان رجایی شهر را دارد در ادامه افزود: "بوروکراسی دست و پاگیر موجود در داخل زندان برای انتقال یک زندانی به بیمارستان و همچنین امکانات محدود بهداری زندان، از عوامل دخیل در مرگ برادرش و دیگر زندانیانی که در شرایط مشابه در زندان رجایی شهر کرج جان‌باخته‌اند؛ بوده است."

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر این باور است، مرگ این زندانی عقیدتی را می توان با اشاره به عدم شفافیت و پاسخگویی مسئولین و نهادهای مربوطه در این رابطه و نیز با یادآوری زنجیره‌ی بی پایان مرگ زندانیان سیاسی به‌خصوص در سایه عدم رسیدگی مناسب پزشکی؛ پر ابهام یا مشکوک خواند. این تشکل مدافع حقوق بشر همچنین افزایش

نگرانی خود در مورد سلامت سایر زندانیان بیمار را اعلام می‌دارد.

بنا بر مستندات دریافتی، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تاکید می‌نماید که وضعیت پزشکی آقایان آرش صادقی و محمد رضا پورشجری دو زندانی بیمار دیگر، بخصوص با مرگ پر ابرهام افشین اسانلو و در سایه‌ی بدرفتاری‌ها و بی توجهی‌های عامدانه‌ی جاری از سوی نهادهای متولی، ضروری است که مورد توجه قرار گیرد.

آرش صادقی، فعال دانشجویی، بیست و پنجم دی ماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی وابسته به وزارت اطلاعات بازداشت و به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است. حسین صادقی، پدر وی در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرده است که پس از مدت طولانی‌ای بی‌خبری، در محدود ملاقات‌های صورت گرفته‌ی اخیر، شاهد این بودم که فرزندم به شکلی غیر طبیعی کاهش وزن داشته و به طرزی آشکار از ضعف قوای جسمانی رنج می‌برد و موهای سرش هم تراشیده شده است. آقای صادقی همچنان عنوان کرد که این فعال دانشجویی در سلول انفرادی و محروم از بسیاری حقوق، از قبیل امکان دسترسی به وکیل به سر می‌برد و با مشکلات عدیده‌ی جسمی، منجمله مشکلات جدی ریوی و خونریزی معده روبه‌روست.

محمد رضا پورشجری، ویلاگ نویس دریند که با نام مستعار "سیامک مهر" هم شناخته می‌شود، دیگر زندانی بیماری است که در تاریخ بیست و یک شهریور ماه سال هشتاد و نه بازداشت و هم اکنون در ندامتگاه مرکزی کرج محبوس است. این زندانی عقیدتی پنجاه و یک ساله که از بیماری‌های متعددی همچون مشکلات تنفسی، ضعف بینایی، دیسک کمر، نارسایی کلیوی، درد معده و سوء‌تغذیه رنج می‌برد، در مهر ماه سال گذشته نیز بر اثر حمله‌ی قلبی در زندان تحت عمل آنژیوگرافی قرار گرفت. به گفته‌ی آقایان دکتر امجدی و دکتر نژاد بهرام، پزشکان ندامتگاه مرکزی کرج، این زندانی بیمار دارای شرایط عدم توان تحمل کیفر و به طبع محیط زندان است؛ با این همه قاضی ناظر بر زندان از ارسال پرونده‌ی وی به پزشکی قانونی ممانعت به عمل می‌آورد. میترا پورشجری فرزند این ویلاگ نویس زندانی به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفته است که تلاش‌های خانوادگی آقای پورشجری برای گرفتن مرخصی استعلاجی یا ارسال پرونده به پزشکی قانونی، با کارشکنی مسئولان مربوطه بی‌نتیجه مانده است. خانم پورشجری وضعیت پدر خود را بسیار بغرنج و نگران کننده توصیف نمود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در رابطه با زندانیان بیمار و مرگ‌های مشکوک یا ناشی از کم توجهی‌ها یا بدرفتاری در زندان‌های ایران، با اشاره به سوابق نگران کننده و طولانی سازمان زندان‌ها و دستگاه قضایی کشور که در مورد زندانیان عقیدتی در هماهنگی و تبعیت از دستگاه اطلاعاتی و امنیتی قرار دارند؛ بدین وسیله ضمن ابراز همدردی با خانواده‌ی آقای افشین اسانلو، مرگ این زندانی عقیدتی را دلیلی واضح برای نگرانی‌های جامعه‌ی بین الملل از وضعیت و امنیت زندانیان سیاسی در ایران می‌داند و همچنین نگرانی عمیق خود را از سلامت جسمی و روحی زندانیان عقیدتی نامبرده را اعلام می‌دارد.

این تشکل حقوق بشری معتقد است عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بیمار در مغایرت کامل با قوانین داخلی و اصول حقوق بشری به خصوص مواد ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۱۳ از آیین نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیز بند دوم از ماده‌ی ۲۲ حداقل قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان تصویب شده در کنفرانس اول سازمان ملل متحد (۱۹۹۵) است که صراحتاً عنوان می‌دارد "زندان‌های بیمار که نیاز به معالجات ویژه و تخصصی دارند باید

به مراکز تخصصی یا بیمارستانی غیر نظامی در خارج زندان منتقل شوند." هم چنین این مجموعه موضوع بدرفتاری، ضرب و شتم و شکنجه‌ی زندانیان بیمار مذکور اعم از شکنجه‌های روحی و جسمی یا ضرب و شتم‌های اعمال شده بر آقای پورشجری، به خصوص در هفت ماه اول بازداشت ایشان در سلول‌های انفرادی زندان رجایی شهر کرج و نیز شکنجه‌ها و بدرفتاری‌های اعمالی جاری بر آقای آرش صادقی که در سایه‌ی محرومیت ایشان از برخورداری از حق تماس و ملاقات‌های آزادانه و نیز عدم دسترسی به وکیل، شکل نگران کننده‌تری به خود می‌گیرد؛ متناقض با تعهدات دولت ایران در قبال مقابله نامه‌های جاری و قوانین داخلی بخصوص بند ۳ از ماده‌ی ۷ و بند ۱ از ماده‌ی ۲ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه و غیر انسانی، اصل ۳۹ قانون اساسی، ماده‌ی ۷ و نیز بند ۱ از ماده‌ی ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده‌ی ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که صراحتاً عنوان میدارد "هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتارهای ظالمانه، ضد انسانی و تحقیر آمیز قرار بگیرد" اعلام می‌کند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در این رابطه به دولت ایران یاد آوری می‌کند، رسیدگی پزشکی به زندانیان جزئی از شرایط مورد نیاز آنها در برخورداری از حقوق بنیادین، بخصوص حق حیات است؛ این رسیدگی نه یک امتیاز، بلکه جزئی از حقوق انسانی زندانیان است که فارق از هر تبعیضی اعم از مذهب، نژاد، رنگ، زبان و عقیده‌ی سیاسی باید به طور کامل از آن برخوردار باشند. بدیهی ست مسئولیت مستقیم سلامت جسمی و روحی و نیز اطمینان از عدم قرار گرفتن آنها در معرض بد رفتاری، شکنجه یا رفتارهای تحقیرآمیز، تنها بر عهده‌ی آن حکومت است.

این تشکل مدافع حقوق بشر هم چنین خواهان تشکیل کمیته‌ی مستقل حقیقت یاب از طرف دولت ایران در همکاری با گزارشگران حقوق بشری سازمان ملل متحد در مورد مرگ پر ابهام آقای افشین اسانلو و نیز سلسله مرگ‌های مشابه سال‌های اخیر، در زندان‌های کشور است. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران هم چنین به صورت خاص خواستار واکنش گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد ایران خصوصاً، در رابطه با مرگ آقای افشین اسانلو و نیز خطرات جدی‌ای که سلامت و جان زندانیان عقیدتی و سیاسی بیمار در زندان‌های ایران را تهدید می‌کند؛ است. شنبه یکم تیر ماه ۱۳۹۲ برابر با ۲۲ جون ۲۰۱۳

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۲ ه.ش.

گفتگوی رادیو ندا با علی نجاتی درمورد محاکمه همسرش و دولت " تدبیر و امید" حسن روحانی علی نجاتی،عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در گفتگو با رادیو ندا با اشاره به محاکمه مجدد همسرش، شهناز سگوند، بخاطر اطلاع رسانی، گفت: « امروز دنیا دنیای ارتباطات است و هرکس یک خبرنگار است؛ یک خبرنگار مردمی. و اینها (مسئولین قضائی) سر قبری که مرده نیست دارند گریه می کنند!». این فعال کارگری در مورد آمدن حسن روحانی با کلید با بیان اینکه « تجربه این سالها ثابت کرده که هیچ قدمی از سوی دولت برای کارگران، برای انسان های زحمتکش برداشته نشده است » خاطرنشان شد: « کارگران باید در برابر نا عدالتی و نا برابری بایستند و مطالبات به حق خودشان را که یکی از آنها داشتن تشکل است، بگیرند. و این تنها با اتحاد و همبستگی تمام کارگران در تمام سطوح کاری ممکن است!»

گوش کردن فایل با مدیا پلیر
گوش کردن فایل با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/06/blog-post_23.html

بیانیه زندانیان رجایی شهر در پی مرگ افشین اسانلو: شرایط زندان‌های کشور سبب مرگ زودرس زندانیان می‌شود

تعدادی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر بیانیه ای صادر کردند. صادرکنندگان این بیانیه خطاب به روسای سه قوه، نسبت به تکرار مرگ زندانیان سیاسی هشدار داده و خواهان تجدیدنظر جدی در شرایط زیست و نحوه نگهداری زندانیان سیاسی شده اند.

به گزارش سایت جرس، آمده است: صادرکنندگان این بیانیه خطاب به روسای سه قوه، نسبت به تکرار مرگ زندانیان سیاسی هشدار داده و خواهان تجدیدنظر جدی در شرایط زیست و نحوه نگهداری زندانیان سیاسی شده اند.

افشین اسانلو، از فعالان مشهور حقوق کارگری، ۳۱ خرداد ماه، بر اثر سکته قلبی که در زندان رجایی شهر کرج به او دست داد درگذشت. او تنها زندانی سیاسی نیست که بدلیل بی توجهی مقامات قضایی و مسئولین زندان جان خود را از دست می دهد. طی سالهای اخیر چند زندانی در زندان به دلیل عدم رسیدگی بموقع پزشکی به وضعیت نامناسب جسمانی زندانیان جان خود را از دست داده اند و بسیاری نیز روانه بیمارستان شدند.

متن کامل بیانیه که در اختیار جرس قرار گرفته است به شرح زیر است:

روسای محترم قوای قضاییه، مقننه و رئیس جمهور منتخب
با سلام و تحیت

چنانچه مستحضر هستید شادروان افشین اسانلو، فعال کارگری ۴۲ ساله که به اتهام شرکت در فعالیتهای سندیکایی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به چهار سال زندان محکوم شده بود در روزهای اخیر پس از اعزام از زندان رجایی شهر کرج به بیمارستان درگذشت.

متأسفانه طی یکسال اخیر وی سومین زندانی است که در بند سیاسی - امنیتی زندان رجایی شهر فوت می کند. قطع نظر از میزان انطباق احکام صادره علیه منتقدان و مخالفان سیاسی با موازین قانونی، متأسفانه شرایط زندان های کشور به گونه ای است که سبب مرگ زود رس در بین زندانیان می شود.

عمده ترین مشکلی که بویژه زندانیان سیاسی را رنج می دهد قطع تلفن آنها با خانواده ها و سختگیری بی مورد برای انجام ملاقات حضوری آنهاست که افزون بر وارد آوردن آسیب های جدی به روابط عاطفی کیان خانواده و بخصوص فرزندان که ناقض اصل مشخص بودن مجازات نیز هست، فشارهای عصبی و روانی مضاعفی بر این دسته از زندانیان تحمیل می کند.

در عین حال، عدم وجود امکانات مناسب پزشکی و بهداشتی در زندانها موانع اداری و بوروکراتیک و یا تعلل برای اعزام های فوری به مراکز درمانی فقدان فضای مناسب زیست عادی زندانیان طبق استانداردهای مورد تاکید آیین نامه زندان ها، و بسیاری مشکلات دیگر، همگی مزید بر علت شده است تا زندانیان دچار امراض گوناگون عصبی و جسمی شده و بعضا بطور ناگهانی فوت کنند.

ما ضمن دعوت به اجرای قوانین کشور بخصوص تعجیل در آزادی زندانیان بیمار و رسیدگی به درخواست های آزادی مشروط و مرخصی زندانیان سیاسی و عقیدتی که مورد بی توجهی ویژه قرار می گیرد، نسبت به تکرار مرگ هم بندی های خود هشدار می دهیم و ضرورت تجدیدنظر جدی در شرایط زیست و نحوه نگهداری این زندانیان سیاسی را یادآوری می کنیم.

بهمن احمدی امویی
مسعود باستانی
مهدی محقی
مجید توکلی
احمد زیدآبادی
سید محمد سیف زاده
کیوان صمیمی
مهدی محمودیان
مصطفی نیلی

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳

اعلام مراتب تسلیت به خانواده اسانلو ، رهبران و جامعه کارگری ایران افشین اسانلو را کشتند!

این را باید با صدای بلند اعلام کرد و خسته هم نشد

سایت خبری جنبش خرداد

خبر مرگ غریبانه افشین اسانلو ، برادر منصور اسانلو ، زندانی سیاسی و فعال کارگری، در بیمارستان رجایی شهر کرج بر اثر حمله قلبی ، خبری تکاندهنده و تاسف بار برای جامعه کارگری ، همه مردمان مترقی ، آزادیخواه و عدالت طلب بود . بدینوسیله مراتب تسلیت عمیق خود را به خانواده اسانلو ، بویژه منصور اسانلو ، جامعه کارگری و همه مردمان مترقی و آزادیخواه و عدالت طلب ایران اعلام می داریم

📌 گفتگوی رادیو پیام با منصور اسانلو در رابطه با مرگ افشین اسانلو

«متن سپاسگزاری از سندیکاهای کارگری فرانسه»

برپایه اطلاعیه رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 2 تیر 92 آمده است : رییس و رفقای کارگر عضو.ژ.ت ، سود ، اونسا ، اف.اس.یو ، ت.اف.د.ت
ضمن سپاسگزاری از همبستگی کارگريتان با مبارزات کارگران و مردم ایران که در اجلاس ILO تجلی یافت وباسازماندهی شما اعتراض کارگران ایران به نقض قوانین انسانی و کارگری ومقاوله نامه های 98 و87 وهمچنین اعتراض شما از جانب ما به حضورنمایندگان به اصطلاح کارگری ایران وبخش اعلامیه های اعتراضی در اجلاس،مایلم درودهای کارگری خود را به شما خواهان و برادران عضو.ژ.ت ، سود، اونسا، اف اس یو، اس اف د. ت.وشورای مرکزی تان اعلام کنیم.

هنوز رفقای در بند ما در شرایط بسیارناگواری در زندان به سر می برند. درهمین راستا رضا شهبابی به دلیل مشکلات جسمی ناشی از فشار زندان مجددا از زندان به بیمارستان اعزام گردیده و در تازه ترین اقدام نیز همسرعلی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه احضار گردیده و خودعلی نجاتی نیز برای پرونده ای که در کردستان برایش ساخته اند در همین

هفته در دادگاه می باید حضور یابد. اعمال محدودیت ها به هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه آنچنان زیاد است که آنان از فعالیت های اندک نیز بیمناک هستند. ما تقاضا می کنیم نسبت به فشارهای اعمال شده به این دوستان و سایر همکارانشان از همه نفوذ خود برای اعتراض به این روند استفاده کنید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات 1392/4/1

درخواست تشکیل کمیته حقیقت یاب بین المللی در مورد قتل های مشکوک درون زندان ها

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ 2 تیر 92 آمده است : طی سالهای متمادی هر از چند گاهی خبر از مرگ های مشکوک زندانیان سیاسی ، فعالین کارگری، وبلاگ نویسان و سایر فعالین زندانی در زندانهای ایران انتشار می یابد. اکثر این زندانیان سیاسی پس از دستگیری به سلولهای انفرادی وزارت اطلاعات منتقل می شوند و گاهی ماه ها تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته و در اثر این شکنجه های سیستماتیک و غیر انسانی یا به قتل رسانده می شوند و یا دچار بیماریهای حاد جسمی و مزمن می شوند. در طی این مدت بازجویان وزارت اطلاعات مانع درمان آنها می شوند و عملاً آنها را به سوی مرگ تدریجی و زجر کش شدن سوق میدهند. متأسفانه تا به حال تعدادی از زندانیان سیاسی، فعالین کارگری ، وبلاگ نویسان ، فعالین دانشجویی و سایر فعالین در اثر این سیاستهای ضد بشری وزارت اطلاعات به قتل رسانده شده اند. اسامی بعضی از کسانی که تا به حال جان خود را از دست داده اند عبارتند از: اکبر محمدی، ولی الله فیض مهدوی، امیر حسین حشمت ساران، محسن دکمه چی، منصور رادپور، هدی صابر، امید رضا میر صیافی، علیرضا کرمی خیر آبادی و آخرین آنها افشین اسانلو می باشد.

بعضی از آنها علیرغم بیماری حاد و نیاز مبرم به درمانهای پزشکی اما بازجویان وزارت اطلاعات مانع درمان آنها می شوند و این مسئله را تا زمانی ادامه می دهد که مطمئن شوند زندانی سیاسی در مراحل آخر حیات خود بسر می برد و در آخرین لحظات حیاتش او را به یکی از بیمارستانهای خارج از زندان منتقل می کنند که نهایتاً به مرگ مشکوک زندانی منتهی می شود. این یکی از شیوه های حذف فیزیکی زندانیان سیاسی توسط وزارت اطلاعات می باشد. بازجویان وزارت اطلاعات دستور دهنده اصلی حذف فیزیکی زندانیان سیاسی ، فعالین دانشجویی ، فعالین کارگری ، وبلاگ نویسان و سایر فعالین در زندانها می باشند. دستورات آنها با همکاری کامل قوه قضاییه و سازمان زندانها صورت می گیرد همچنانکه در مراجعات خانواده های زندانیان سیاسی به دادستانی انقلاب تهران به آنها گفته می شود که کارشناس (بازجوی) او موافق انتقال وی به بیمارستان نمی باشد.

در حال حاضر چندین نفر از زندانیان سیاسی در شرایط حاد جسمی بسر می برند و ماه ها است که بدون درمان در این شرایط نگهداری می شوند اما بازجویان وزارت اطلاعات مانع انتقال آنها به بیمارستانهای خارج از زندان است. از جمله آنها: کشیش بهنام ایرانی ومحمد رضا پوشجری در زندان ندامتگاه کرج، حبیب الله ریگی شورکی در زندان مرکزی زاهدان، ارژنگ داودی در زندان مرکزی بندرعباس، علی معزی، سید محمد سیف زاده، محمد بنا زاده امیرخیزی از زندان گوهردشت کرج، محسن دانشپور مقدم از بند ۳۵۰ اوین ، کبری بنزاده امیر خیزی، فرح واضحان، مطهره بهرامی از بند زنان زندان اوین و سایر زندانیان در زندانهای مختلف ایران. از آنجایی که در تمامی مرگ های مشکوک زندانیان سیاسی فوق الذکر علیرغم درخواستهای مکرر خانواده زندانیان سیاسی و پیگیری مستمر آنها که با تهدید به بازداشت پاسخ داده شده و همچنین درخواستهای سازمانهای حقوق بشری بین المللی از رژیم ولی فقیه نه تنها تا به حال هیچگونه اقدامی برای متوقف کردن مرگهای مرموز صورت نگرفته است بلکه همچنان ادامه دارد.

لذا برای متوقف نمودن قتل زندانیان سیاسی، فعالین کارگری، وبلاگ نویسان و سایر فعالین از کمیسر عالی حقوق بشر خواستار تشکیل یک کمیته حقیقه یاب بین المللی جهت تحقیق و مشخص نمودن آمرین و عاملین این مرگ های مشکوک هستیم.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، مرگ مشکوک تعدادی از زندانیان سیاسی، فعالین کارگری، وبلاگ نویسان و سایر فعالین در زندانهای ولی فقیه را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و سایر مراجع بین المللی خواستار تشکیل و اعزام یک کمیته حقیقت یاب بین المللی به ایران جهت تحقیق و شناسایی و معرفی آمرین و عاملین به محاکم بین المللی است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران
۲ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۲۳ ژوئن

گفتگو با رئیس کانون کارگران ساختمانی کشور؛ ادامه تجمع کارگران ساختمانی مقابل مجلس / نمایندگان به معترضین پاسخی نمی دهند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲ تیر ۹۲ آمده است: رئیس کانون کارگران ساختمانی کشور با اشاره به اینکه کارگران از ساعات اولیه صبح امروز به مجلس آمده اند، گفت: ما تا کنون پاسخ مشخصی از جانب نمایندگان دریافت نکرده ایم و تا زمان دریافت پاسخ مناسب به تجمع خود ادامه می دهیم.

«اکبر شوکت» که در جمع کارگران ساختمانی معترض مقابل مجلس حضور دارد، به خبرنگار پارلمانی ایلنا گفت: قرار است نمایندگان ما چند نفر از نمایندگان مجلس برای پاسخگویی نهایی تشکیل جلسه بدهند اما تا این لحظه چنین جلسه ای تشکیل نشده است.

شوکت تصریح کرد: حتی تا این لحظه زمان دقیق این جلسه مشخص نشده است اما آنچه مسلم است اینکه تجمع کنندگان تا زمان حصول نتیجه، اعتراض خود را در مقابل مجلس ادامه خواهند داد. به گزارش ایلنا از صبح امروز نزدیک به ۲۰۰ نفر از اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی سراسر کشور در مقابل مجلس تجمع کرده بودند که با گذشت زمان تا لحظه تنظیم این خبر جمعیت معترضین به ۵۰۰ نفر رسیده است.

اعتراض کارگران ساختمانی به تصویب «بند ۱۰ الحاقی قانون بودجه سال ۹۲» است که با وعده رفع مشکل بیمه تمامی کارگران ساختمانی تصویب شد اما با رفع تکلیف پرداخت سهم بیمه کارگران ساختمانی از کارفرمایان، این وظیفه را با بودجه ای که تنها کفاف نیمی از جمعیت دو میلیون نفری کارگران ساختمانی را می دهد، به دولت محول کرد.

کارگران معترض معتقدند دولت که اکنون نیز به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است توان تقبل بار مالی سهم بیمه کارگران ساختمانی را ندارد و به همین دلیل حتی قادر به بیمه نیمی از کارگران ساختمانی نیز نیست. اکبر شوکت صبح امروز به ایلنا گفته بود: کارگران ساختمانی باید بر اساس قانون رفع موانع اجرای قانون بیمه های کارگران ساختمانی بیمه شوند.

مطابق این قانون، ۷ درصد سهم کارگر را خودش می پردازد و ۲۰ درصد سهم کارفرما از محل پروانه های ساختمانی کسر می شود. در این صورت بار مالی بیمه ی کارگران ساختمانی تا حد زیادی از دوش دولت برداشته می شود.

پایان پیام

پنج ماه حقوق عقب افتاده کارگران کارخانه ایران برک رشت

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ دوم تیرماه 92 آمده است: پنج ماه حقوق کارگران کارخانه ایران برک در رشت پرداخت نشده است. یکی از کارگران در این زمینه گفت: با توجه به گرانی های روزافزون مایحتاج زندگی بامشکل مواجه میباشند کارخانه ایران برک در رشت واقع شده و تولید کننده نخ فاستونی و... میباشد، بیش از 220 کارگردارد که خواهان پرداخت حقوق معوقه خود هستند

حقوق ناچیز سال گذشته 600 ناجی غریق مازندران تاکنون پرداخت نشده است- ساحل مازندران بی ناجی غریق

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 2 تیر 92 آمده است: رئیس هیئت ناجیان غریق مازندران گفت: ناجیان غریق به دلیل دریافت نکردن مطالبات سال گذشته و عدم امضاء قرار داد در سال جدید مسئولیتی در کنار سواحل ندارند. بنا به همین گزارش، حسین اسلامی درباره وضعیت استقرار ناجیان غریق در سطح سواحل استان مازندران اظهار داشت: در حال حاضر ناجیان غریق در سطح سواحل استان مازندران هیچ گونه مسئولیتی ندارند. وی دلیل عدم حضور ناجیان غریق در سطح سواحل مازندران را عدم پرداخت مطالبات سال گذشته ناجیان غریق در مازندران عنوان کرد و گفت: با وجود وعده های داده شده حقوق ناجیان غریق مازندران تاکنون پرداخت نشد. رئیس هیئت نجات غریق مازندران از آمادگی نجات غریق مازندران برای اعزام ناجی غریق به سواحل مازندران خبر داد و گفت: وضعیت حقوق سال گذشته ما مشخص شود و ظرف 24 ساعت ناجیان غریق در سطح سواحل مازندران حضور می یابند. وی کل هزینه ای که برای حضور ناجیان غریق در سطح سواحل در نظر گرفته می شود را 2.5 میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: با عدم اختصاص این مبلغ خسارتی که ناشی از غرق شدن در مناطق پرخطر ایجاد می شود، بیشتر است. اسلامی درباره اختلاف آمار که از جانب استانداری مطرح می شود، گفت: مدیر کل ورزش و جوانان مازندران در جریان امور است و هیچ اختلاف آمار نداریم تعداد ناجیان غریق به کار گرفته شده برای سواحل و مناطق پرخطر 600 نفر بوده است. اسلامی در پایان خاطر نشان کرد: با وجود اینکه هیچ قراردادی با مراجع ذیصلاح امضاء نشد ناجیان غریق در دو روز تعطیلات خرداد 200 نفر را از خطر غرق شدن نجات دادند. ناجیان غریق تنها در قسمت های طرح دریا مستقر هستند و استانداری مازندران مثل سال گذشته که برنامه منسجمی برای طرح دریا داشت در سال جاری صحبتی از تولی گری دریا به نام ارگان خاصی مطرح نیست.

صبح امروز مقابل مجلس رخ داد: تجمع کارگر ساختمانی در اعتراض به بودجه ناکافی بیمه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 تیر 92 آمده است: صبح امروز بیش از 200 نفر از اعضای انجمن های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی سراسر کشور با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی، خواستار لغو «بند 10 الحاقی قانون بودجه سال 92» شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، تجمع کنندگان با نصب پلاکاردهایی در مقابل مجلس بر لزوم اجرای قانون «رفع موانع اجرای قانون بیمه های کارگران ساختمانی» تاکید کردند.

«علی یار محمدی» دبیر کانون انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور که در این تجمع حضور داشت به ایلنا گفت: تجمع کنندگان خواستار لغو بند 10 الحاقی قانون بودجه 92 هستند. در این بند، برای بیمه کارگران ساختمانی ردیف بودجه ای تعیین شده که ناکافی است. وی در ادامه افزود: دولت که هزینه های زیادی را بر خود تحمیل کرده و به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است نمی تواند ردیف بودجه ای ناکافی تعیین شده را به کارگران ساختمانی اختصاص دهد و بهتر است هزینه ی بیمه را کارگران و کارفرمایان تامین کنند.

همچنین «اکبر شوکت» رئیس کانون انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور به ایلنا گفت: تعداد کارگران ساختمانی که باید بیمه شوند بیش از 2 میلیون نفر است که بودجه ای 2 هزار میلیارد تومانی نیاز دارد و دولت قطعاً از عهده ی چنین هزینه ای بر نمی آید. وی تصریح کرد: کارگران ساختمانی باید بر اساس قانون رفع موانع اجرای قانون بیمه های کارگران ساختمانی بیمه شوند. مطابق این قانون، 7 درصد سهم کارگر را خودش می پردازد و 20 درصد سهم کارفرما از محل پروانه های ساختمانی کسر می شود. در این صورت بار مالی بیمه ی کارگران ساختمانی تا حد زیادی از دوش دولت برداشته می شود.

پایان پیام

کودکان اهوازی دست فروشی برای امرار معاش خانواده

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است که : يك هموطن میگفت : هر پدري دوست دارد همه مسائل بچه هایش را حل کند ولي به دليل مشكلات و فشار هاي مالي در منطقه حصير آباد اهواز کودکانی که در سنين پايين هستند و مي بايد مشغول درس و تحصيل باشند، بدليل فقر و نداري که دست آورد حاکمیت آخوندي است به دستفروشي مشغولند. میخواهند کمک کار مادر و خانواده خود باشند. پدري که شاهد این صحنه است چه فشار روحي را باید متحمل شود. این هموطن میگفت نباید به آخوند جماعت دل خوش کرد این ها فقط قصد پرکردن جیب خود را دارند.

اطلاعیه شماره ۴ ، تسلیت به مناسبت درگذشت کارگر زندانی افشین اسانلو!

طبق گزارشات منتشره و خبر رسانی خانواده اسانلو ، کارگر زندانی افشین اسانلو روز پنج شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲ به خاطر سکت قلبی از زندان رجایی شهر به بیمارستان منتقل شد و متأسفانه در بیمارستان جان خود را از دست داد ، این در حالی است که هنوز جزئیات بیشتری در این زمینه منتشر نشده است.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن عرض تسلیت به خانواده این کارگر زندانی و همچنین طبقه کارگر ایران خواهان آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی است.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

دوم تیر ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱

**يك فعال کارگری با اشاره به فقدان نظارت دولت؛
کارگران موقت کوچکترین تضمینی درباره آینده شغلیشان ندارند**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 تیر 92 آمده است : دبیر خانه کارگر همدان با بیان اینکه اخراج کارگران قرار دادی و خدماتی در این استان بعد از گذشت سه ماه از سال مجدداً آغاز شده است، نسبت به عواقب روی آوردن سایر بنگاه‌های تولیدی و خدماتی به تعدیل نیروی کار هشدار داد.

«چنگیز اصلانی» در این باره به ایلنا گفت: با گذشت سه ماه از سال جدید، موج جدیدی از تعدیل و اخراج کارگران قرار دادی و پیمانی واحدهای مختلف تولیدی همدان به راه افتاده است که این وضعیت بر امنیت روانی کارگران شاغل و به تبع کاهش بازدهی تولید تاثیر گذاشته است.

این فعال کارگری با اشاره به اینکه در روزهای اخیر شاهد اخراج و تعدیل تعدادی از کارگران قرار دادی در کارخانه خوش نوش همدان و چندین واحد تولیدی دیگر بوده‌ایم، گفت: مالکان این واحدهای صنعتی به بهانه کاهش هزینه های جاری تولید، در اولین اقدام خود برای کاهش این هزینه ها قرارداد تعدادی از نیروهای کار موقت را تمدید نکرده اند .

به گفته اصلانی، نبود نظارت بر کار واحدهای تولیدی و خدماتی از سوی بازرسی اداره کار باعث شده تا کارگران کوچکترین تضمینی برای آینده شغلی خود نداشته باشند. دبیر خانه کارگر همدان در این باره ادامه داد: اگر نظارت کافی بر عملکرد کارفرمایان نباشد، مدیران واحدهای صنعتی می‌توانند کارگران خود را بدون هیچ بهانه‌ای اخراج کنند.

این فعال کارگری در بخش دیگری از سخنان خود درباره واحدهای تعطیل شده این استان نیز گفت: با وجود آنکه چندین سال است از تعطیلی تعداد زیادی از واحدهای تولیدی همانند قارچ سینا و سامیکو صنعت می گذرد اما هنوز هیچ گونه پی گیری از سمت دولت برای حل مشکلات این واحدها صورت نگرفته است.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران ساختمانی در برابر مجلس

صبح روز یکشنبه 2 تیرماه بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای انجمن‌های صنفی و کارگران ساختمانی در مقابل مجلس رژیم دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران به قانون کار و قانون بیمه کارگران معترض بودند و نسبت به بودجه ای که برای بیمه کارگران در نظر گرفته شده است اعتراض داشتند. کارگران با خود پلاکاردهایی آورده بودند که درخواستهای خودشان را روی آن نوشته بودند

با ابراز تالم، مرگ مشکوک افشین اسانلو کارگر زندانی فاجعه ی دیگری در زندان های جمهوری اسلامی

اعلامیه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور در بیان تالم فعالان نهاد ها درباره مرگ افشین اسانلو
افشین اسانلو کارگر در بند واز زندانیان سیاسی که از سال ۱۳۸۹ در زندان های مخوف جمهوری اسلامی اسیر بوده است، روز پنج شنبه ۳۰ خرداد ماه ۱۳۹۲ به طرز مشکوکی فوت نموده است.

مدیر کل زندانهای استان تهران مدعی است که این کارگر زندانی به دلیل سکته قلبی فوت کرده است. در حالی که خواهر داغ دیده او به صراحت می گوید؛ افشین هیچ ناراحتی قلبی نداشت.

او تاکید می کند: "ما وقتی خبر را شنیدیم، اصلاً باورمان نمی شد، مگر می شود افشین سکتی قلبی کند!؟"

افشین اسانلو در مبارزات ضد استبدادی بعد از خرداد ۸۸، دستگیر و از سوی یکی از جانیان جمهوری اسلامی به نام قاضی صلواتی به اتهام "اجتماع و تبانی"، به ۵ سال حبس محکوم شده بود و مانند دیگر زندانیان سیاسی در شرایط طاقت فرسا و تحت فشارهای گوناگون فیزیکی و روانی در اسارت به سر می برد.

او قبلاً در زندان اوین و در بند مخوف ۲۰۹ بود، سپس به زندان رجایی شهر تعین شد. بنا به اظهارات یکی از هم بندان او در زندان رجایی شهر به نام حشمت طبرزدی، افشین از شکنجه ها در بند ۲۰۹ سخن می گفت.

این برای اولین بار نیست که در زندان رجایی شهر، زندانیان سیاسی به طرز مرموزی جان خود را از دست می دهند، همین چندی پیش بود که منصور رادپور زندانی سیاسی دیگری در همان سلول افشین اسانلو جان خود را از دست داد، ولی هیچ يك از مقامات زندان در مورد مرگ او توضیحی نداد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران، خود را در غم از دست دادن این فعال کارگری شریک می داند. ما ضمن همدردی عمیق با خانواده اسانلو و هم بندان و همکاران او، مراتب انزجار خود را از شرایط دهشتناک اسارتگاه های مخوف جمهوری اسلامی و سرکوبگری ها و بی حقوقی های مستمر در ایران اعلام می کنیم.

نهادهای همبستگی مسئول مرگ این کارگرنزدانی و زندانی سیاسی را مقامات زندان، سران قوه قضایی و کل دستگاه رژیم جمهوری اسلامی می شناسد و از هیچ کوششی جهت انعکاس بیدادگری های جمهوری اسلامی در سطح بین المللی فروگذار نخواهند کرد، ما خود رادر کنار خانواده دردمند افشین می دانیم و با همکاری و پیوند با نهادها و فعالین کارگری علیه این جنایت آرام نخواهیم گرفت.

نهادهای همبستگی از همگان دعوت می کند تا برای آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی متحد شده و فعالانه در کمپینها و کارزارهای آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شرکت کنند.

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳

رئیس دیوان عدالت اداری در پاسخ به ایلنا:

مصوبه مزدی 92 در صورت ابطال عطف به ماسبق می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 تیر 92 آمده است : رئیس دیوان عدالت اداری از «عطف به ما سبق» شدن حکم شاکیان پرونده مزد 92 در صورت رای دیوان به نفع کارگران خبر داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «محمد جعفر منتظری» در نشست خبری که امروز به مناسبت هفته قوه قضائیه در ساختمان دیوان عدالت اداری برگزار شد، در رابطه با شکایت کارگران و تشکل های رسمی و مستقل کارگری از مزد 92 گفت: در صورت ابطال دادرسی به دلیل حجم بالای کار،

حقوق کارگران تضییع نمی شود و مطابق ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری، رای صادره عطف به ما سبق می شود.

بر اساس قوانین قضایی، عطف به ماسبق شدن رای دیوان به معنای آن است که هر زمانی که دیوان به نفع کارگران رای صادر کند، مزد کارگران از ابتدای سال 92 تغییر می کند و مابه التفاوت ماهانه این مبلغ محاسبه و طبق قانون باید به کارگران پرداخت شود.

رئیس دیوان عدالت اداری که سئوال خبرنگار ایلنا در خصوص نگرانی کارگران از اطاله دادرسی تا پایان سال و از موضوعیت خارج شدن اصل شکایت پاسخ می گفت، ادامه داد: اگر هدف شاکیان پرونده ی مزد 92 محق شود و دیوان به نفع آنان رای صادر کند، می توانند بابت تمام ایام گذشته احقاق حقوق کنند و دستگاه مربوطه موظف است تمام حقوق آنها را به طور کامل پرداخت کند.

به گفته ی این مقام عالی قضایی، ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری هم با درخواست شاکی و هم با درخواست قاضی، هیئت عمومی و رئیس دیوان عدالت اداری قابل تشخیص است که می توان با استفاده از این ماده قانونی، مصوبه را از زمان تصویب ابطال کرد.

رئیس دیوان عدالت اداری افزود: دیوان برای همه ی کارمندان، کارگران شاغل در دستگاه های دولتی، بازنشستگان و اساتید کادر علمی که در رابطه با حقوق و مزایای خود شکایت کرده اند رای صادر کرده که بعضاً به سود شاکیان بوده است اما اجرای آن به اعتبارهای میلیاردی نیاز داشته که برای دستگاه اجرایی مربوطه مقدور نبوده است. روی تصریح کرد: مسئول دستگاه مربوطه می گوید من حکم را قبول دارم اما اختصاص چنین مبلغی در اختیار و توان من نیست بنابراین دولت باید اعتبار کافی برای اجرای احکام دیوان عدالت اداری را در نظر بگیرد.

منتظری در ادامه از فرصت یکساله ی دیوان به دستگاه های مربوطه برای پرداخت حقوق شاکیان خبر داد و به آنها توصیه کرد که به صورت تقسیطی مبالغ بدهی خود را پرداخت کنند. این مقام عالی قضایی با اشاره به تغییر آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بر اساس تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان کرد: سابق بر این شکایت از نهادهای عمومی از جمله سازمان تامین اجتماعی در دیوان عدالت اداری بررسی می شد و قضات دیوان ورود به این شکایت ها را صحیح می دانستند اما در آیین دادرسی جدید، ابهامات قبلی برطرف شده است.

رئیس دیوان عدالت اداری در پایان با اشاره به رای دیوان برای سعید مرتضوی، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی اظهار داشت: رای دیوان آنقدر موثر بود که دولت برای حفظ مرتضوی در آن جایگاه مجبور به تغیر سمت وی از ریاست به سرپرستی شد که قانونی بود.

پایان پیام

شاپور احسانی راد: دندان های افشین اسانلو را در زندان شکسته بودند

یک فعال کارگری با اشاره به شکنجه زندانیان کارگری در زندان می گوید که دندان های افشین اسانلو، فعال کارگری نیز در زندان و در اثر شکنجه شکسته شده بود. از سویی به گفته وی نیروهای امنیتی با برگزاری مراسم ختم افشین اسانلو در مساجد تهران مخالفت کرده اند. شاپور احسانی راد، عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در تهران در گفت و گو با بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه با اشاره شکنجه فعالان کارگری در زندان گفت: " اخبار موثقی

مبنی بر شکنجه زندانیان کارگری در زندان‌ها وجود دارد. افشین اسانلو هم پیش از مرگ در زندان، در اثر شکنجه دندان‌هایش شکسته شده بود." وی همچنین اعلام کرد: " با آنکه در روز تدفین افشین اسانلو اعلام شد که مراسم ختم وی روز چهارشنبه در مسجد " الجواد" برگزار خواهد شد، اما نیروهای امنیتی نه تنها در این مسجد بلکه در مساجد دیگر هم به خانواده وی اجازه برگزاری مراسم را نداده و خانواده این فعال کارگری مراسم وی را احتمالاً به طور خصوصی برگزار خواهند کرد. "

افشین اسانلو، فعال کارگری اواخر آذرماه سال ۸۹، در ترمینال جنوب تهران توسط ماموران امنیتی بازداشت شد و به مدت سه ماه و بدون اطلاع خانواده‌اش در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین تهران نگهداری می‌شد.

وی خردادماه سال گذشته بر اساس تصمیم شورای انضباطی زندان اوین به بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) منتقل شده بود.

اسانلو روز جمعه سی‌ویک خرداد ماه پس از انتقال از زندان رجایی شهر به بیمارستان درگذشت. دلیل درگذشت افشین اسانلو سکنه قلبی ذکر شده است.

شاپور احسانی‌راد با رد احتمال سکنه قلبی افشین اسانلو توضیح داد: " افشین اسانلو هنگام مرگ ۴۲ سال داشته و هیچ سابقه بیماری نداشت؛ به همین دلیل موضوع سکنه قلبی او بعید به نظر می‌رسد."

براساس گزارش‌ها اسانلو بارها درخواست مرخصی برای درمان خود کرده بود؛ اما مقامات دادستانی با این امر مخالفت کرده بودند.

به گفته احسانی‌راد در زندان به جز شکنجه، امکانات بهداشتی و غذایی مناسبی هم وجود ندارد و زندانیان کارگری به شدت تحت فشار هستند.

گفتگو با شاپور احسانی راد، عضو اتحادیه کارگران آزاد ایران در تهران را بشنویید:

http://telechargement.rfi.fr.edgesuite.net/rfi/persan/audio/modules/actu/201306/PERSPACTIVE_2_25_06_13.mp3

2تیرماه

مرگ افشین اسانلو و اخبار و موضعگیری های گوناگون پیرامون این حادثه تلخ



در زیر موضعگیری های احزاب - سازمان ها - نهاد ها و تشکل های کارگری چپ و پشتیبانی ها زندانیان کارگر و زندانیان سیاسی از زندان های ایران را با هم مرور می کنیم :

افشین اسانلو کیست
 نامه افشین از آرشیو روزشمار کارگری ، او را به ما معرفی مینماید

متن نامه افشین اسانلو به اتحادیه های کارگری

کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است.

من افشین اسانلو از فعالین جنبش کارگری ایران و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری هستم و هم اکنون در زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر) بسر میبرم . در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سوله های انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجوی و شکنجه قرار گرفتم. ,, شکنجه های نظیر زدن کابل به کف پا , وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده , بازجویی های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعته, فحشهای رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده ها و همینطور دندانهایم شد, در طی این پنج ماه خانواده ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیریهایشان هم به جایی نرسید به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنجکشیده که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید را هم ندادند .

من متاهل و دارای دو فرزند پسر میباشم و همان آغاز تشکیل خانواده به مدت ۲ سال در قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا سپاه مشغول به کار شدم و به عنوان راننده ماشین الات سنگین در شهرستانهای محروم و جنگزده در جنوب کشور در پروژه های مهم از قبیل ساخت خط خاکی کرخه و اسکله سنگی بندر ماهشهر, کانال کشی آب از سد کرخه تا حمیده اهواز کار کردم. عشق به وطن باعث میشد که دوری از خانواده را تحمل کنم و به هیچ بگیم. بعد از دو سال با تمام راننده گانی که استخدامیشان قراردادی و موقت بود تسویه حساب کردند و همه ما بیکار شدیم, در سال ۱۳۷۶ به استخدام شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در آمدم , در شلوغترین خطوط اتوبوسرانی به صورت ۱۲ ساعت در روز و یا در خطوط شبانه روزی با تمایل و درخواست خودم مشغول خدمت رسانی به مردم کشورم شدم, در مدت ۴ سالی که در شرکت واحد بودم همواره به همراه کارگران و رانندگان صدیق و با سابقه در کنار کار روزانه به جهت بهبود شرایط کار و کارآمد تر شدن سیستم مدیریتی و جلوگیری از فساد خیلی از مدیران و مسولین بخشها و مناطق مختلف به شرکت و حتی خود نمایندگان شورای اسلامی کار و پیگیری معوقه های عیدی و پاداش و بن های کارگری , لباس کار و یا قرارگرفتن شرکت جزو مشاغل سخت و زیان آور و از بین بردن قراردادهای موقت , که در بعضی از موارد به ۴ الی ۵ سال هم میرسید تلاش میکردم. باینکه در خیلی موارد موفق هم نمیشدیم ولی خاری بودیم در چشم زیاده خواهان, آنها تلاش میکردند به هر نحوی که شده ما را از میدان بدر کنند. ما دائما از سوی مدیریت و مامورانشان تحت فشار و تهدید به اخراج بودیم .

متأسفانه در سال ۱۳۸۰ به هنگام جابجایی مسافر در یکی از خطوط شرکت واحد با فردی تصادف کردم که موجب فوت وی شد, در این رابطه از مدیریت شرکت طلب مسادعت و یاری جهت تودیع دیه فرد متوفی را کردم که مدیریت و مددکاری وقت ان زمان با تبانی با شرکت بیمه و خانواده متوفی به عمد باعث شدند که مبلغ دیه ۱۵ میلیون تومانی در آن زمان به هجده میلیون در سال بعد تبدیل شود که در صورت پرداخت نشدن مبلغ ۳ میلیون تومان مابالتفاوت من به زندان میافتادم و قانونا بیمه هم از پرداخت این مبلغ معاف بود .

مراجعه به اداره کار و طرح شکایت هم راه به جایی نبرد تا اینکه مدیریت شرکت واحد پرداخت این مبلغ را منوط به استعفای من کردند. و من هم که این مقدار پول را نداشتم مجبور به استعفا شدن که این امر باعث به هدر رفتن چهار سال سابقه کاریم شد و من میبایست پس از ۴ سال کار سخت و طاقت فرسا از صفر شروع میکردم. آنها به این وسیله لطمه بزرگی به من و خانواده ام وارد آوردند و تا مدتها همسرم که در آنزمان باردار هم بود به بیماری عصبی مبتلا شد. از ان زمان به بعد تا لحظه دستگیری در بخش حمل و نقل برون شهری مشغول به کار شدم خصوصی

بودن مالکیت این ناوگان عظیم و دیر بودن پیش از پیش رانندگان از سهم و نداشتن اتحادیه قوی و مستقل مانند بسیاری از رانندگان زحمتکش و باشرف به سختی چرخه زندگی را میچرخانم و با مشکلات بیشماری روبرو بودند و خالبا با گفتگو و همفکری با دیگر رانندگان در پی بهتر شدن شرایط کار و زندگیمان بودیم. در زندگی همواره در چهارچون قانون و احترام به ان زندگی کرده ام، قانع بوده و به کارم افتخار میکردم سعی کردم همواره به دیگران احترام بگذارم و به وطن و مردم عشق بورزم و تمام عمر در حال کار و خدمت به جامعه ام باشم و فرزندانم را خوب و مفید تربیت کنم .

بعد از حدود یکسال بلاتکلیفی در بندهای ۲۰۹ و ۲۵۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام اقدام علیه امنیت محاکمه شدم در پروسه دادرسی ازداشتن وکیل محروم بودم و دادگاهی این جانب ظرف چند دقیقه انجانب انجام گرفت و بعد از يك هفته حکم ۵ سال حبس تعزیری به من ابلاغ شد من به حکم صادره اعتراض نمودم اما هیچگاه به من و خانواده ام در خصوص بررسی پرونده ام در دادگاه تجدید نظر و کم و کیف ان اطلاعی داده نشد. من به اتهام واهی و بی پایه و اساسی به ۵ سال زندان محکوم شدم که دقیقا ۲ سال ان را گذرانده ام مگر من چه اقدامی علیه امنیت کشور انجام داده ام؟ اینجانب نه فعالیت سیاسی میکردم ام و نه وابسته به گروه حزب و سازمانی بوده ام و تمامی فعالیت اینجانب نیز قانونی و صنفی بوده است. تنها گناه من پیگیری خواسته های به حقی است که کارگران شرکت واحد به ان واقف شده و ان را مطالبه میکنند که با دستگیری و زندانی آنها این خواسته ها از بین نمیرود. ضرورتهایی مانند به وجود آمدن يك نهاد صنفی مستقل کارگری جهت احقاق حقوق حقه و قانونی طبق موازین وزارت کار در جهت تامین امنیت شغلی ، بهبود دستمزدها متناسب با میزان تورم جلوگیری از پرداخت سلیقه ای حقوق و مزایا ، عقد قراردادهای دائم بین کارگر و کارفرما ، پایبند کردن دولت در کمک و تسهیل پرداخت بیمه تامین اجتماعی، نظارت در تعاونیهای حمل و نقل که دیگر کاملا خصوصی شده و انحصاری بهره برداری میشود و تنها نام تعاونی را يدک میکشند، غیر قابل انکار میباشد. همچنین نظارت در پیگیری اعمال پلیس، راهها و نیروی انتظامی در وزارت راه و ترابری و مسائل صنفی از این دست که طبق موازین قانون کار بوده و اگر اجرایی شود نه تنها امنیت ملی به خطر نمیافتد بلکه سبب رشد و بهره وری هر چه بیشتر این صنعت سود ده و ملی میشود، تمام جرم من و امثال من خلاصه شده در واگویی این مسایل و معضلات و مطرح شدن ان در بین رانندگان و کارگران و حتی بعضی مدیران هوشمند و لایق ناوگان حمل و نقل کسانی که به واقع گوشه ای از چرخ صنعت این مملکت را دلسوزانه بدوش گرفته و میچرخانند. این جانت با شرح مطالب گفته شده از فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل(آ تی اف) و سازمان جهانی کار (آ ال او) که همواره دلسوزانه و برادرانه دردها و رنجهای برادران خود را در سراسر دنیا شنیده و درك کرده و همپاری میکنند میخواهم که وضعیت نابسامان ما کارگران بخش حمل و نقل و همینطور صدور چنین حکم ناعادلانه ای برای من و اجرایی کردن آن که تاکنون به ناحق و غیر قانونی است را از طریق نهادهای بین المللی و حقوق بشری پیگیری کرده و به گوش دیگر کارگران جهان به خصوص بخش حمل و نقل برسانند تا جهانیان بدانند که در کشور ما به هیچ وجه حقوق اساسی و انسانی ما کارگران و زحمتکشان رعایت نمیشود و کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است.

با آرزوی فردای بهتر برای همه

قتل افشین اسانلو و نگرانی نسبت به وضعیت دو زندانی دیگر

برپایه خبر رسیده آمده است : دبیرخانه‌ی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران: افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی عقیدتی ۴۲ ساله، روز جمعه سی و یکم خرداد ماه، پس از

آنکه دچار حمله‌ی قلبی شد، در حین انتقال به بیمارستان رجایی کرج جان باخت. آقای اسانلو به دلیل فعالیت صنفی خود در سال هزار و سیصد و هشتاد و هشت بازداشت و در یک روند پر ابهام قضایی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی" به تحمل پنج سال حبس تعزیری محکوم شد. وی از تاریخ یکم مهرماه سال هزار و سیصد و هشتاد و نه، در زندان‌های اوین و رجایی شهر کرج تحمل حبس نمود.

سهراب سلیمانی رئیس سازمان زندان‌ها، در گفتگو با خبرنگار ایسنا، علت مرگ این زندانی را "سکته‌ی قلبی" اعلام کرد. با این حال منصور اسانلو از فعالین کارگری شناخته شده و برادر این زندانی عقیدتی جان‌باخته به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفت: "برادرم هیچ گونه سابقه‌ی بیماری نداشته است و مسئولیت مرگ وی در زندان، بر عهده‌ی حکومت و کسانی است که وی را به دلیل فعالیت صنفی در شرایط غیر بهداشتی و محیط بسته با کیفیت غذای نامناسب نگهداری کردند." وی که خود تجربه‌ی حمله‌ی قلبی در زندان رجایی شهر را دارد در ادامه افزود: "بوروکراسی دست و پاگیر موجود در داخل زندان برای انتقال یک زندانی به بیمارستان و همچنین امکانات محدود بهداری زندان، از عوامل دخیل در مرگ برادرش و دیگر زندانیانی که در شرایط مشابه در زندان رجایی شهر کرج جان‌باخته‌اند؛ بوده است."

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر این باور است، مرگ این زندانی عقیدتی را می‌توان با اشاره به عدم شفافیت و پاسخگویی مسئولین و نهادهای مربوطه در این رابطه و نیز با یادآوری زنجیره‌ی بی پایان مرگ زندانیان سیاسی به‌خصوص در سایه‌ی عدم رسیدگی مناسب پزشکی؛ پر ابهام یا مشکوک خواند. این تشکل مدافع حقوق بشر همچنین افزایش نگرانی خود در مورد سلامت سایر زندانیان بیمار را اعلام می‌دارد.

بنا بر مستندات دریافتی، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تاکید می‌نماید که وضعیت پزشکی آقایان آرش صادقی و محمد رضا پورشجری دو زندانی بیمار دیگر، بخصوص با مرگ پر ابهام افشین اسانلو و در سایه‌ی بدرفتاری‌ها و بی توجهی‌های عامدانه‌ی جاری از سوی نهادهای متولی، ضروری است که مورد توجه قرار گیرد.

آرش صادقی، فعال دانشجویی، بیست و پنجم دی ماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی وابسته به وزارت اطلاعات بازداشت و به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است. حسین صادقی، پدر وی در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرده است که پس از مدت طولانی‌ای بی‌خبری، در معدود ملاقات‌های صورت گرفته‌ی اخیر، شاهد این بودم که فرزندم به شکلی غیر طبیعی کاهش وزن داشته و به طرز آشکار از ضعف قوای جسمانی رنج می‌برد و موهای سرش هم تراشیده شده است. آقای صادقی همچنان عنوان کرد که این فعال دانشجویی در سلول انفرادی و محروم از بسیاری حقوق، از قبیل امکان دسترسی به وکیل به سر می‌برد و با مشکلات عدیده‌ی جسمی، منجمله مشکلات جدی ریوی و خونریزی معده روبه‌روست.

محمد رضا پورشجری، وبلاگ نویس دربند که با نام مستعار "سیامک مهر" هم شناخته می‌شود، دیگر زندانی بیماری است که در تاریخ بیست و یک شهریور ماه سال هشتاد و نه بازداشت و هم اکنون در ندامتگاه مرکزی کرج محبوس است. این زندانی عقیدتی پنجاه و یک ساله که از بیماری‌های متعددی همچون مشکلات تنفسی، ضعف بینایی، دیسک کمر، نارسایی کلیوی، درد معده و سوءتغذیه رنج می‌برد، در مهر ماه سال گذشته نیز بر اثر حمله‌ی قلبی در زندان تحت عمل آنژیوگرافی قرار گرفت. به گفته‌ی آقایان دکتر امجدی و دکتر نژاد بهرام، پزشکان ندامتگاه مرکزی کرج، این زندانی بیمار دارای شرایط عدم توان تحمل کیفر و به طبع محیط زندان است؛ با این همه قاضی ناظر بر زندان از ارسال پرونده‌ی وی به پزشکی قانونی ممانعت به عمل می‌آورد. میترا پورشجری فرزند این وبلاگ نویس زندانی به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفته است که تلاش‌های خانوادگی آقای پورشجری برای گرفتن مرخصی استعلاجی یا ارسال پرونده به پزشکی قانونی، با کارشکنی مسئولان مربوطه بی‌نتیجه مانده است. خانم پورشجری وضعیت پدر خود را بسیار بغرنج و نگران کننده توصیف

نمود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در رابطه با زندانیان بیمار و مرگ‌های مشکوک یا ناشی از کم توجهی‌ها یا بدرفتاری در زندان‌های ایران، با اشاره به سوابق نگران کننده و طولانی سازمان زندان‌ها و دستگاه قضایی کشور که در مورد زندانیان عقیدتی در هماهنگی و تبعیت از دستگاه اطلاعاتی و امنیتی قرار دارند؛ بدین وسیله ضمن ابراز همدردی با خانواده‌ی آقای افشین اسانلو، مرگ این زندانی عقیدتی را دلیلی واضح برای نگرانی‌های جامعه‌ی بین الملل از وضعیت و امنیت زندانیان سیاسی در ایران می‌داند و همچنین نگرانی عمیق خود را از سلامت جسمی و روحی زندانیان عقیدتی نامبرده را اعلام می‌دارد.

این تشکل حقوق بشری معتقد است عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بیمار در مغایرت کامل با قوانین داخلی و اصول حقوق بشری به خصوص مواد ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۱۳ از آیین نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیز بند دوم از ماده‌ی ۲۲ حداقل قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان تصویب شده در کنفرانس اول سازمان ملل متحد (۱۹۹۵) است که صراحتاً عنوان می‌دارد "زندان‌های بیماری که نیاز به معالجات ویژه و تخصصی دارند باید به مراکز تخصصی یا بیمارستانی غیر نظامی در خارج زندان منتقل شوند." هم چنین این مجموعه موضوع بدرفتاری، ضرب و شتم و شکنجه‌ی زندانیان بیمار مذکور اعم از شکنجه‌های روحی و جسمی یا ضرب و شتم‌های اعمال شده بر آقای پورشجری، به خصوص در هفت ماه اول بازداشت ایشان در سلول‌های انفرادی زندان رجایی شهر کرج و نیز شکنجه‌ها و بدرفتاری‌های اعمالی جاری بر آقای آرش صادقی که در سایه‌ی محرومیت ایشان از برخورداری از حق تماس و ملاقات‌های آزادانه و نیز عدم دسترسی به وکیل، شکل نگران کننده‌تری به خود می‌گیرد؛ متناقض با تعهدات دولت ایران در قبال مقابله نامه‌های جاری و قوانین داخلی بخصوص بند ۳ از ماده‌ی ۷ و بند ۱ از ماده‌ی ۲ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه و غیر انسانی، اصل ۳۹ قانون اساسی، ماده‌ی ۷ و نیز بند ۱ از ماده‌ی ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده‌ی ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که صراحتاً عنوان می‌دارد "هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتارهای ظالمانه، ضد انسانی و تحقیر آمیز قرار بگیرد" اعلام می‌کند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در این رابطه به دولت ایران یاد آوری می‌کند، رسیدگی پزشکی به زندانیان جزئی از شرایط مورد نیاز آنها در برخورداری از حقوق بنیادین، بخصوص حق حیات است؛ این رسیدگی نه یک امتیاز، بلکه جزئی از حقوق انسانی زندانیان است که فارق از هر تبعیضی اعم از مذهب، نژاد، رنگ، زبان و عقیده‌ی سیاسی باید به طور کامل از آن برخوردار باشند. بدیهی ست مسئولیت مستقیم سلامت جسمی و روحی و نیز اطمینان از عدم قرار گرفتن آنها در معرض بد رفتاری، شکنجه یا رفتارهای تحقیرآمیز، تنها بر عهده‌ی آن حکومت است.

این تشکل مدافع حقوق بشر هم چنین خواهان تشکیل کمیته‌ی مستقل حقیقت یاب از طرف دولت ایران در همکاری با گزارشگران حقوق بشری سازمان ملل متحد در مورد مرگ پر ابهام آقای افشین اسانلو و نیز سلسله مرگ‌های مشابه سال‌های اخیر، در زندان‌های کشور است. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران هم چنین به صورت خاص خواستار واکنش گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد ایران خصوصاً، در رابطه با مرگ آقای افشین اسانلو و نیز خطرات جدی‌ای که سلامت و جان زندانیان عقیدتی و سیاسی بیمار در زندان‌های ایران را تهدید می‌کند؛ است.

شنبه یکم تیر ماه ۱۳۹۲ برابر با ۲۲ جون ۲۰۱۳

مرگ افشین اسانلو در زندان برگ سیاه دیگری از ستم بر طبقه کارگر ایران است

برپایه گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در اول تیر 92 آمده است : خبر بسیار تکانه‌دهنده بود، افشین اسانلو کارگر زندانی در سن 42 سالگی در ساعت 17 روز پنج‌شنبه 30 خرداد ماه، در حالیکه دوران پنج‌ساله محکومیت خود را در زندان رجایی شهر سپری میکرد بر اثر حمله قلبی در گذشت.

مرگ افشین برگ سیاه دیگری از ستم بر طبقه کارگر ایران است. بدون تردید انسان عزیزی همچون افشین اسانلو چنانچه در جامعه ای زندگی میکرد که دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی انسانها در آن برسمیت شناخته شده بود، مطمئنا به زندان افکنده نمیشد و با دسترسی آزادانه و دائمی به امکانات پزشکی و درمانی بدینگونه در سن 42 سالگی در گوشه زندان جانش را از دست نمیداد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز تاسف عمیق از مرگ افشین اسانلو، این ضایعه جبران ناپذیر را به مادر گرامی این عزیز، همسر و فرزندان و یکایک خانواده محترم اسانلو و هم‌بندیهایش در زندان رجائی شهر صمیمانه تسلیت میگوید و با تاکید بر رسیدگی فوری به وضعیت زندانهای سراسر کشور، خواهان آزادی بدون قید و شرط همه کارگران دربند و عموم زندانیانی است که بدلائل عقیدتی و ابراز وجود سیاسی و اجتماعی به زندان افکنده شده‌اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

افشین اسانلو: نامه از زندان / شرح شکنجه و بیداد سایت خبری - سیاسی خاوران

به مدت پنج ماه در سلولهای انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتم. شکنجه‌هایی نظیر زدن کابل به کف پا، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده، بازجویی‌های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعت،

افشین اسانلو در مردادماه سال ۱۳۹۱ (اوت ۲۰۱۲) از زندان رجایی شهر نامه ای به بیرون زندان فرستاد و در آن خود را «فعال جنبش کارگری و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری» معرفی کرد که در زندان گوهر دشت کرج به سر می برد.

او در این نامه درباره چگونگی دستگیرشدن و رفتار مأموران نوشته بود: «در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سلولهای انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتم. شکنجه‌هایی نظیر زدن کابل به کف پا، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده، بازجویی‌های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعت، فحش‌های رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده‌ها و همین‌طور دندانهایم شد. در طی این پنج ماه خانواده‌ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیری‌هایشان هم به جایی نرسید. به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنج‌کشیده‌ام را - که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید - ندادند.»

این راننده ماشین آلات سنگین که اندکی پس از ازدواج به مدت دو سال دور از خانواده در شهرهای محروم و جنگ زده برای اجرای پروژه‌های سازندگی مانند اسکله سنگی بندر ماهشهر و کانال کشی از سد کرخه تا اهواز و غیره در قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه کار کرده بود، پس از فسخ قراردادش به دلیل قراردادی بودن، به شرکت واحد اتوبوس رانی می پیوندد و پس از چهار سال تحت فشار وادار به استعفا شده به بخش حمل و نقل بین شهری می پیوندد.

او در بخش دیگری از این نامه نوشته است :

«مانند بسیاری از رانندگان زحمتکش و باسرف به سختی چرخه زندگی را می چرخاندم و با

مشکلات بی شماری روبرو بودم و غالبا با گفتگو و همفکری با دیگر رانندگان در پی بهتر شدن شرایط کار و زندگی مان بودیم. در زندگی همواره در چهارچوب قانون و احترام به آن زندگی کرده ام، قانع بوده و به کارم افتخار میکردم سعی کردم همواره به دیگران احترام بگذارم و به وطن و مردم عشق بورزم و تمام عمر در حال کار و خدمت به جامعه ام باشم و فرزندانم را خوب و مفید تربیت کنم.»

افشین اسانلو دو فرزند بیست و ده ساله دارد که آن گونه که مادر او به سایت ملی - مذهبی گفته بود از نظر سرپرستی و معیشتی در وضعیت دشواری به سر می برند.

مرگ تدریجی زندانیان سیاسی مدافعان حقوق بشر و زندانیان سیاسی در ایران همواره از مرگ تدریجی و خاموش زندانیان سیاسی در ایران هشدار داده اند. زندانیان بر اثر فشارهای جسمی و روحی و شرایط دشوار زندان به بیماری های گوناگون قلبی، کلیه، چشم و گوش، ریوی، گوارشی، پوستی و غیره مبتلا می شوند. این بیماری ها در مواردی به دلیل عدم رسیدگی و درمان و نیز ندادن مرخصی به زندانیان برای درمان خود رفته رفته موجب مرگ آنان می شود.

فعالان حقوق بشر با ارسال گزارشی از وضعیت و مرگ افشین اسانلو به نماینده ویژه سازمان ملل در امر حقوق بشر در ایران خواستار رسیدگی در مورد مرگ این فعال کارگری شده اند

منصور اسانلو در رابطه با برادرش می گوید :

افشین برادرم بود ! منصور اسانلو

افشین برادرم بود . کوچکترین برادر . بعد از در گذشت پدرم طبیعی بود که روند معمولی زندگی ما برهم بخورد . با شرایطی هم که در جامعه پدید آمده بود . همه ما بایستی کار می کردیم تا زندگی بگذرد . افشین هم به ناچار وارد بازار کار و جامعه کارگری شد . تا سال 1381 که در شرکت واحد شاغل شد. در مشاغل و کارهای مختلف کارگری کرد . در شرکت واحد راننده خط وسپس راننده واحد گشت شد . بعد از آنکه در ان ایام فعالیتهای سندیکایی ما در شرکت واحد گسترده تر شد، او و تعدادی از رانندگان و کارگران را به علت آنکه قراردادی بودند بعد از اتمام تاریخ قرار داد اخراج کردند . بعد از ان برای گذران زندگی دوباره به کار در مشاغل مختلف پرداخت . از جمله برای رانندگی به ترمینال های مسافری بین شهری مراجعه میکرد و به عنوان راننده کمکی مشغول به کار میشد . کاری بدون پشتوانه و امنیت شغلی و جانی . گاهی هم با کامیون و تریلی رانندگی میکرد . در خاطرات و یادداشت هایی که نوشته است گوشه هایی از شرایط سخت و ظالمانه کار در جاده ها و برخورد های کارفرماها را به خوبی بیان کرده است . در همان دوران با ملاحظه تلاش های ما برای تشکیل و پیشبرد امر سندیکای کارگران شرکت واحد و ملاحظه علاقه مندی و حضور کارگران شرکت واحد در جلسات سندیکایی نسبت به تلاش برای تشکیل سندیکای رانندگان جاده ای آغاز به فعالیت نمود . و آموزش ها و تجربیات و کتب مربوط به دانستنی های سندیکایی را دقیق تر از قبل مطالعه می کرد و آنها را به میان همکاران جاده ای اش میبرد . گاهی اطلاعیی های سندیکایی را هم به دست همکاران و هم دردان در ترمینال ها و پایانه ها می رساند . بعد از افتتاح مجدد سندیکا در خیابان ابوریحان که با همکاری یکی از وکلای برجسته و مردمی که خود سالها طعم تلخ و گس زندان را کشیده بود . روزانه در ان دفتر حضور می یافت و امور سندیکایی محوله را به پیش می برد ، همکاری تنگاتنگی که کاملا راز دارانه انجام میشد که موجب دستگیری زود رس نشود . طی این مدت خیلی گسترده تر با رانندگان ترمینالها ارتباط داشت و در بین آنها بیانیه های آموزشی سندیکایی را نشر می داد . بعد از دستگیری من در 19 تیر 1386 و بستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده و باز گشایی شده بود ، افشین نیز دوباره به جاده و بیابان باز گشت . حدود سه سال پیش که من در

زندان بودم. او را در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند و به اطلاعات شهر ری می برند و با هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند 209 اوین می برند و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند. تا از او بر علیه سندیکا و فعالیت های سندیکایی اقرار بگیرند. اقرارهایی دال بر همکاری سندیکا با گروه های سیاسی و اقدامات غیر قانونی و حتی تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی و چون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشارهای سخت تری قرار می گیرد.

درگذشت افشین اسانلو کارگر زندانی سایت خبری - سیاسی خاوران

فعال کارگری زندانی افشین اسانلو جاودانه شد

بنا به گزارشات رسیده به «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» زندانی سیاسی افشین اسانلو بامداد جمعه ۳۱ خرداد در بیمارستان رجایی کرج جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران نمود. بامداد جمعه ۳۱ خرداد ماه زنده یاد افشین اسانلو که گفته می شود دچار سکته قلبی شده بود در بیمارستان رجایی کرج جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران نمود. او در حالیکه در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت کرج در محیطی کاملاً ایزوله شده که از داشتن ارتباط تلفنی و سایر حقوق اولیه انسانی محروم بود و دائم همانند سایر هم بندیانش تحت فشارهای روحی و غیر انسانی قرار داشت با این وجود بنا به گفته هم بندیانش روحیه ای شاد داشت و شوخ طبع بود و هیچ گاه از داشتن ناراحتی قلبی شکایتی نداشت. افشین اسانلو ۴۲ ساله و از فعالین کارگری بود که چند سال پیش دستگیر و به سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ شکنجه گاه وزارت اطلاعات منتقل گردید. و پس از آن به زندان گوهردشت کرج تبعید گردید.

زندانیان سیاسی و فعالین کارگری بدلیل فشارهای جسمی و روحی که بازجویان وزارت اطلاعات علیه آنها بکار می برند دچار بیماریهای مرموزی می شوند و به دلیل عدم درمان به موقع، توسط وزارت اطلاعات تدریجاً به سوی مرگ سوق داده می شوند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران جان باختن افشین اسانلو که جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران نمود، به خانواده وی و مردم ایران و بخصوص فعالین کارگری ایران تسلیت می گوید و از کمیسر عالی حقوق بشر، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد خواستار تشکیل یک کمیته حقیقت یاب جهت بررسی جان باختن این فعال کارگری است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

جزئیاتی از مرگ افشین اسانلو در گفت وگو با خواهرش: او سالم بود، مقامات زندان مسوول مرگ برادرش هستند

خواهر افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی عقیدتی که روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه در زندان رجایی شهر فوت کرد به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که آنها از پزشک قانونی تقاضای رسیدگی در مورد علت مرگ برادرش را کرده اند. علت مرگ افشین اسانلو سکته قلبی عنوان شده است اما به گفته خواهر مرحوم اسانلو او هیچ سابقه بیماری قلبی نداشته و در آخرین ملاقات سالم بوده است. همچنین به گفته پرستاران بیمارستان فوت مرحوم اسانلو قبل از رسیدن به بیمارستان بوده است. خانم اسانلو در این گفتگو همچنین گفت که به آنها اجازه برگزاری مراسم در مساجد داده نشده و آنها به ناچار مراسم سوم و هفتم برادرش را در منزل برگزار خواهند کرد.

فرشته اسانلو به کمپین بین المللی حقوق بشر ساعتی پس از خاکسپاری برادرش در بهشت زهراي تهران در خصوص علت مرگ برادرش گفت: «پرستاران بیمارستان به ما گفتند که او را حدود ساعت ۸ پنجشنبه شب به بیمارستان آورده اند اما او مدت ها پیش از رسیدن به بیمارستان فوت کرده بوده. آنها گفتند که حتی برادرم در حد فاصل رسیدن به بیمارستان هم فوت نکرده بلکه فوتش قبل از اینها بوده است.»

این در حالیست که سهراب سلیمانی، مدیر کل زندان های استان تهران در گفتگوی با خبرگزاری فارس در تاریخ اول تیرماه با تایید خبر فوت این زندانی گفت: «روز ۳۰ خرداد در زندان رجایی شهر کرج و پس از ابراز درد در ناحیه قفسه سینه به بهداری زندان منتقل می شود. پس از معاینه و گرفتن نوار قلب، به بیمارستان شهید رجایی کرج منتقل می شود و پس از چند ساعت بر اثر سکته قلبی جان خود را از دست می دهد.»

افشین اسانلو، ۴۲ ساله، فعال کارگری، برادر منصور اسانلو و از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در سال ۱۳۸۸ به اتهام تبانی و اجتماع به قصد اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. او سال گذشته از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج برای سپری کردن باقی مدت محکومیتش منتقل شد.

مرحوم اسانلو اسفند ماه امسال با پایان یافتن دوران محکومیتش قرار بود از زندان آزاد شود اما غروب پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه در بیمارستان رجایی شهر کرج به علت "سکته قلبی" فوت کرد و روز دوشنبه ۲ تیرماه در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

خانم اسانلو در پاسخ به اینکه چطور از فوت برادرش با خبر شده اند، گفت: «برادرم پنجشنبه فوت کرد اما مراجع قانونی با وجود آنکه شماره تلفن مادرم را داشتند زنگ نزدند و اطلاع ندادند. ما خبر را از دوستان مان صبح شنبه یعنی دو روز بعد از فوت برادرم شنیدیم. همان ها که برای ملاقات با زندانی هایشان به زندان رجایی شهر کرج رفته بودند، آنها به ما گفتند که شنیده اید افشین داخل زندان سخته کرده است؟! ما مات و مبهوت مانده بودیم. اصلا نمی توانستیم این خبر را هضم کنیم. تازه ما فقط شنیدیم که او سخته کرده، بلافاصله به زندان رفتیم اما ماموران به ما جواب درستی نمی دادند. مادرم با یکی از نگهبان های ورودی زندان که همیشه رفتار خوبی با مادرم داشته حال برادرم را پرسید اما او هیچی نگفت. بعد از اینکه جوابی از بخش ملاقات زندان نگرفتیم به بخش اداری زندان رجایی شهر رفتیم و آنجا بود که به ما گفتند برادرم فوت کرده و گفتند که برای تحویل گرفتن جنازه اش باید حتما از دادسرا نامه داشته باشیم.»

فرشته اسانلو در حالیکه به شدت متاثر بود، گفت: «ما تا عصر شنبه درگیر گرفتن نامه از دادسرا بودیم بعد به بیمارستان رفتیم. تا زمانیکه به بیمارستان نرفتیم و جسد را ندیدیم باورمان نمی شد.»

خواهر افشین اسانلو در پاسخ به اینکه آیا برادرش سابقه بیماری قلبی داشته است، گفت: «برادرم اصلا مشکل قلبی نداشت و حالش خوب بود. او هر روز در محیط زندان ورزش می کرد و دو هفته قبل با مادرم ملاقات حضوری داشت. مادرم می گفت که حال افشین خوب بوده و صحیح و سالم بوده است. افشین اگر مشکلی داشت حتما به مادرم در آن ملاقات می گفت به همین دلیل ما وقتی شنیدیم که او در اثر سکته قلبی فوت کرده واقعا شوکه شدیم.»

فرشته اسانلو با اشاره به پیگیری های خانواده اش برای علت مرگ و جوابیه پزشک قانونی

گفت: «پزشک قانونی که به ما جوابی نداد گفت سه ماه دیگر جواب روشن می شود. ما هنوز اطلاع خاصی نداریم. اما برادرم آنجا امانت بود و مسولان زندان باید امانت داری می کردند و او را سالم برمی گرداندند. به نظرم مسولیت مرگش با آنها است.»

خواهر افشین اسانلو در پاسخ به این پرسش که آیا قرار است برای دیر اطلاع دادن مرگ برادرش از مقامات قضایی شکایت کنند، گفت: «این حق قانونی ما است اما باید ببینیم تصمیم مادرم در این باره چه خواهد بود. مادرم که تمام فشارها را در این مدت تحمل می کرد و بارها نامه های به دادستانی برد. آخرین بار که مادرم برای افشین به دفتر دادستانی تهران رفته بود سه شنبه ۲۸ خرداد ماه بود که رفته بود تا تقاضای بخشش کند. برادرم قرار بود اسفند ماه آزاد شود و مادرم رفته بود تا تقاضای بخشش ماه های باقی مانده را بدهد.»

فرشته اسانلو با اشاره به اینکه آنها نتوانسته اند موافقت چند مسجد را برای برگزاری مراسم سوم و هفتم برادرش را بگیرند، گفت: «یک فرد فوت شده و حداقل حقش این است که در یک جای آبرومندی مراسم برگزار شود. مستقیم به ما گفته نشده که نمی توانیم اما فکر می کنم چنین حقی به ما داده نشده است. ما موفق به گرفتن رضایت از جاهای مورد نظر برای برگزاری مراسم نشدیم. می خواستیم مراسم برادرم را در جای آبرومندی برگزار کنیم که نشد و مادرم گفت مراسم را در منزل برگزار می کنیم. چاره دیگری برایمان نمانده است.»

۴۴ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین در پیام تسلیتی که روز دوشنبه در وب سایت کلمه منتشر شده، نوشته اند: «بار دیگر سهل انگاری و بی توجهی مسولین دستگاه قضایی و سازمان زندان ها باعث فوت مظلومانه افشین اسانلو، یکی دیگر از زندانیان سیاسی، شد. این البته اولین مورد از این گونه نبود. دو سال قبل نیز مرحوم هدی صابر به دلیل عارضه مشابه و به دلیل کوتاهی مسولین مربوطه جان باخت. اعتراضات بعدی در آن مورد هرگز شنیده نشد و جایی نرسید. نتیجه آن بی توجهی ها اینک قربانی شدن افشین اسانلو است و هر لحظه می تواند تکرار گردد. هنوز هم کم نیستند زندانیان سیاسی که از بیماری های شدید رنج می برند و علیرغم نظر پزشکان متخصص برای درمان آنها دادستان تهران و در مواردی قاضی صلواتی از بستری شدن و معالجه آنان جلوگیری می کند.»

منصور اسانلو برادر این فعال کارگری در مطلبی که در صفحه فیس بوک خود درباره برادرش افشین نوشته آورده است: «بعد از دستگیری من در ۱۹ تیر ۱۳۸۶ و بستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده و باز گشایی شده بود، افشین نیز دوباره به جاده و بیابان باز گشت. حدود سه سال پیش که من در زندان بودم، او را در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند و به اطلاعات شهر ری می برند و با هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند ۲۰۹ اوین می برند و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند. تا از او برعلیه سندیکا و فعالیت های سندیکایی اقرار بگیرند. اقرارهایی دال بر همکاری سندیکا با گروه های سیاسی و اقدامات غیر قانونی وحتا تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی و چون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشارهای سخت تری قرار می گیرد.»

رژیم از جنازه افشین اسانلو هم وحشت دارد

سایت خبری راه کارگر: روز گذشته مراسم تشییع جنازه افشین اسانلو تحت شرایطی امنیتی برگزار شد. براساس گزارشات رسیده ماموران رژیم اسلامی که با سیاست اعدام نرم خود افشین اسانلو، فعال کارگری زندانی را تحت نام سخته به قتل رسانده بودند، قبل از مراسم خاکسپاری نیز خانواده وی را به نهادهای امنیتی احضار و تهدید کردند که از طرح شعارهای سیاسی در مراسم خاکسپاری خودداری کنند.

امنیتی های رژیم هم چنین از برگزاری مراسم ختم وی در مساجد تهران، از جمله مسجد الجواد جلوگیری کردند. در مراسم تشییع جنازه افشین اسانلو، علاوه بر اعضای خانواده وی، برخی از فعالان کارگری، اعضای سندیکاها و همچنین برخی از فعالان سیاسی حضور داشتند. رژیم در حالی فشار بر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در بند را تشدید کرده که خواست آزادی فعالین کارگری و سیاسی در روزهای گذشته به کرات از سوی مردم به اشکال گوناگون اعلام شده است.

مراسم به خاک سپاری افشین اسانلو، فعال کارگری در میان تدابیر امنیتی مراسم به خاک سپاری افشین اسانلو، فعال کارگری، در حالی در تهران برگزار شد که برخی از اعضای خانواده وی به نهادهای امنیتی احضار شده و ماموران در مراسم خاک سپاری او اقدام به فیلمبرداری از حاضران کرده‌اند. همچنین اجازه برگزاری مراسم وی در مسجد الجواد صادر نشده است.

افشین اسانلو، ۳۰ خرداد پس از سکت در زندان رجایی شهر به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شد و صبح روز جمعه، ۲۱ خرداد در بیمارستان شهید رجایی کرج درگذشت. وی که هنگام مرگ ۴۲ سال سن داشت، پاییز سال ۸۹ بازداشت و به اتهام "اجتماع غیرقانونی و تبانی" به پنج سال زندان محکوم شده بود.

مراسم تشییع جنازه وی در حالی برگزار شد که ماموران امنیتی، پیش از آغاز آن، برخی از اعضای خانواده وی را احضار کرده و خواسته بودند که این مراسم بدون تنش و درگیری انجام شود. آن‌ها نسبت به سر دادن شعارهای سیاسی در این مراسم هم هشدار داده بودند. در همین حال یکی از اعضای خانواده اسانلو به "روز" گفت که در روزهای گذشته اعضای این خانواده از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار بوده‌اند. وی اضافه کرد که نهادهای امنیتی اجازه برگزاری مراسم این فعال کارگری در مسجدهای تهران را نداده‌اند و برنامه‌ای هم که برای برگزاری مراسم در دو مسجد ریخته شده بود، از سوی آن‌ها لغو شده است. وی اضافه کرد که ماموران حاضر در مراسم تشییع جنازه، اقدام به بازجویی از برخی حاضران کرده و به بازرسی وسایل آن‌ها پرداخته‌اند.

در مراسم تشییع جنازه افشین اسانلو، علاوه بر اعضای خانواده وی، برخی از فعالان کارگری، اعضای سندیکاها و همچنین برخی از فعالان سیاسی حضور داشتند

ممانعت از برگزاری مراسم یادبود افشین اسانلو

سایت خبرگزاری هرانا: گزارش‌ها حاکی از آن است که مسئولان امنیتی روز گذشته از برگزاری مراسم یادبود افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی سیاسی جان باخته، ممانعت به عمل آوردند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مراسم یادبودی که مقرر شده بود، روز دوشنبه، سوم تیرماه در مسجد الجواد تهران برگزار شود، با مخالف نیروهای امنیتی لغو شد.

افشین اسانلو از هیئت موسس سندیکای رانندگان برون شهری (میان شهری)، ۴۲ ساله، پس از حمله قلبی در زندان رجایی شهر کرج، روز جمعه سی و یکم خرداد ماه و در حین انتقال به بیمارستان رجایی کرج جان باخت.

افشین اسانلو، برادر منصور اسانلو موسس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی" از سوی قاضی صلواتی به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

شایان ذکر است که سهراب سلیمانی رئیس سازمان زندان‌ها، در شرایطی در گفتگو با خبرنگاری ایسنا، علت مرگ این زندانی را "سکته قلبی" اعلام کرده است که منصور اسانلو

به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفت: "برادرم هیچ گونه سابقه‌ی بیماری نداشته است و مسئولیت مرگ وی در زندان، بر عهده‌ی حکومت و کسانی است که وی را به دلیل فعالیت صنفی در شرایط غیر بهداشتی و محیط بسته با کیفیت غذای نامناسب نگهداری کردند."

گفتنی است، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز شنبه یکم تیرماه، با انتشار بیانیه‌ای خواهان تشکیل کمیته‌ی مستقل حقیقت یاب از طرف دولت ایران در همکاری با گزارشگران حقوق بشری سازمان ملل متحد در مورد مرگ پر ابهام آقای افشین اسانلو و نیز سلسله مرگ‌های مشابه سال‌های اخیر، در زندان‌های کشور شد.

بیانیه جمعی از زندانیان اوین در رابطه با درگذشت افشین اسانلو

سایت خبری راه کارگر حدود چهل تن از فعالین کارگری و سیاسی در بند طی بیانیه‌ای نسبت به اعدام نرم افشین اسانلو در زندان رجائی شهر کرج واکنش نشان دادند. متن این بیانیه به این شرح است

تو نمی دانی نگاه بی مژه محکوم یک اطمینان، وقتی که در چشم حاکم یک هراس خیره می شود، چه دردی است.

تو نمی دانی مردن، وقتی که انسان مرگ را شکست داده است، چه زندگی است.

بیانیه جمعی از زندانیان اوین در رابطه با درگذشت افشین اسانلو

در نهایت اندوه باخبر شدیم دوست و هم بندی سابقمان جناب آقای افشین اسانلو که در زندان رجایی شهر کرج در اسارت به سر می بردند زندگی را بدرود گفته اند. ایشان به رغم تمامی فشارهای وارده در طول مدتی که در کنار ما به سر میبردند از سلامت نسبی جسمی برخوردار بودند. این واقعه در حالی اتفاق می افتد که مرگ زندانیان به ویژه زندانیان سیاسی در زندانها بر اثر فشارهای وارده و عدم رسیدگی مناسب پزشکی و بی مبالاتیهای مسوولین مسبوق به سابقه است، از جمله در مورد درگذشت زنده یادان اکبر محمدی ، امیر حشمت ساران، زهرا بنی یعقوب، امید میرصیافی، هدی صابر، محسن دکمه چی، ستار بهشتی و بسیاری دیگر از زندانیان.

ما جمعی از دوستان و هم بندیان سابق زنده یاد افشین اسانلو در بند سیصد و پنجاه زندان اوین که از نزدیک شاهد رنج ها و مصائب فراوانی که بر وی روا داشته شد، بوده ایم، رهایی جانسوز وی را از زنجیر اسارت به خانواده محترم ایشان و به ویژه مادر دردمندشان تسلیت می گوئیم و امیدواریم هرگز در آینده شاهد رخدادهای تلخی از این دست نباشیم.

رضاشهبازی زکریا، سعید متین پور، عبدالفتاح سلطانی، محمد صدیق کبودوند، امیرخسرو دلیرثانی، رویین عطوفت، محمدرضایی، مهدی خدایی، منصور نقی پور، بهنام ابراهیم زاده، سعید جلالی فر، فریدون صیدی راد، وحید علیقلی پور، یاشار دارالشفای، سعید حائری، داور حسینی وجدان، غلامرضا خسروی، هانی یازلو، اصغر قطان، مجید اسدی، هوتن دولتی، محمدصائمی، محمد ولی غلام نژاد، عبدالرضا قنبری، سید محمد حیدری، اسداله اسدی، اسداله هادی، علی معزی، رسول حیدرزاده، کامران ایازی، شاهین دادخواه، فرزاد روحی، محمدرضا نوری، بهادر علیزاده، وحید اصغری و علیرضا سیدیان فعالین کارگری و سیاسی هستند که پای این بیانیه را امضا کرده اند

حشمت اله طبرزدی هم بند و هم سفره و دوست و همراه افشین در زندان رجایی شهر از او و شرایط زندان رجایی شهر سخن می گوید:

باتسلیت به خانواده ی اسانلو

با کمال تاسف و تأثر بسیار، آگاهی یافتم دوست عزیز و همبندی ام، افشین اسانلو به دلیل سکنه قلبی در سالن 12 زندانیان سیاسی بند 4 زندان رجایی شهر، درگذشت. انگار دیروز بود که افشین را از زندان اوین به رجایی شهر تبعید کردند. او چند ماه پس از این که منصور به مرخصی رفت به این زندان انتقال یافت. سرنوشت چنین رقم خورد که او در همان سلولی ساکن شود که مدتی پیش از آن، منصور رادپور در همان سلول مظلومانه جان داده بود. در همان جا با افشین سخن گفته و تأکید کردم که رادپور در همین جا جان داد و زندان رجایی شهر جایی است که اگر به ورزش و مطالعه و خودسازی انقلابی رو نیاوری مجبور هستی به انزوا و در نتیجه سرخوردگی ناشی از فشارهای گوناگون به خواب و قرص و بالمال بیماری گرفتار و پس از مدتی به جای خودت جسدت را از این جا بیرون ببرند. از برادرش منصور برای او گفتم که تا چه اندازه قوی و سرحال بود و با ورزش و مطالعه نه تنها خود را سرپا نگاه داشته بود که دیگران را نیز به وجد می آورد.

افشین اما از شکنجه ها در 209 حرف زد و از شرایط سخت خود می گفت. در عین حال بسیار بشاش و باورمند بود. به هیچ وجه ادم اهل سازشی نبود و از این بابت روحیه ی کارگری عجیبی داشت. همواره می گفت «داداش من یه کارگرم و نمی توانم در برابر زور تسلیم شوم» و نمی شد. من در زندان مطالبی می نوشتم و ترجمه می کردم و افشین اولین کسی بود که این امکان را داشت که آن مطلب را بخواند و با دقت زیاد هم می خواند و یاد داشت برداری می کرد. به همین دلیل همواره با من رفیق بود و به سلول من سر می زد. مادرش و برادر بزرگترشان نیز در ملاقات ها به من توصیه می کردند که افشین دارای روحیه ی خاص و تهاجمی است، تو مراقبش باش و بادم و خوب هم بود. من به دلیل رفاقت با منصور و اشنایی با مادر و برادر دیگر افشین، خود را ملزم به رسیدگی به وضعیت افشین می دیدم. حتا بیانیه هایی که از زندان بیرون می آمد تأکید افشین و من بود که حتما امضای او هم باشد، اگر چه برخی دوستان کوتاه نظر، گاهی نام او را حذف می کردند. افشین ادم مقاوم و باورمند و کارگر شرافتمندی بود.

امروز اما خبری باورنکردنی مبنی بر این که افشین اسانلو به دلیل حمله ی قلبی در زندان در گذشت، خواندم. اری هنوز خیر درگذشت کرمی خیر ابادی در همین بند را هضم نکرده بودم که خبر درگذشت افشین را شنیدم. اگرچه تلخی درگذشت منصور رادپور و نحوه ی مرگ او هیچ گاه از ذهن و روحم بیرون نخواهد رفت.

ممکن است پرسیده شود این زندان رجایی شهر چگونه جایی است که هر سال چندین نفر در آن گرفتار مرگ خاموش می شوند. از دیدگاه من که حدود دو سال و نیم از 3 سال حبس اخیر را در آن جا گذرانده ام، محدودیت ها و فشارهای گوناگون روحی، عامل اصلی این نوع مرگ ها در رجایی شهر است. به ویژه در دوره ی اخیر که تلفن و ملاقات حضوری و مرخصی ها قطع است، و سالن 12 به یک سالن در بسته تبدیل شده، این فشارها افزایش می یابد. من پیشتر 7 سال حبس در انفرادی های بازداشت گاه های مختلف امنیتی و نیز زندان اوین گذرانده ام. ولی زندان فوق امنیتی رجایی شهر را زندانی با شرایط کاملاً غیر انسانی تر یافتم. حتا برای قاتلین نیز محل مناسبی نیست چه رسد برای فعالین سیاسی و کارگری. همین شرایط است که زندانی را در مسیر مرگ تدریجی قرار می دهد. بنا براین دولت جدید اگر قرار است کاری انجام بدهد باید شرایط این زندان را مورد بررسی و تغییر جدی قرار بدهد. پیشتر باید پاسخ بدهند که جرم افشین اسانلو چه بود که به 5 سال حبس محکوم شده بود؟! مبادا شاهد مرگ دیگری در زندان رجایی شهر و به ویژه سالن 12 باشیم.

نمی دانم با چه زبانی باید به خانواده ی اسانلو و ان نوجوانی که پدرش را از دست داده تسلیت بگویم. به ویژه که امکان شرکت در مجالس بزرگداشت او را ندارم. اما باید تأکید کنم افشین

، انسانی دوست داشتنی و مقاوم و کارگری آگاه و مبارز بود. یادش گرامی باد.
حشمت اله طبرزدی
1/ تیرماه/ 1392 خورشیدی.

پیام تسلیت زندانیان سیاسی بند یک و دو زندان سنندج به خانواده افشین اسانلو

زندانیان سیاسی واقع در بند یک و دو زندان مرکزی سنندج طی نامه‌ای که در اختیار کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی قرار گرفت، درگذشت آقای افشین اسانلو را به خانواده وی تسلیت گفتند.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

با درود به همه زندانیان و جان باختگان سرتا سر ایران که جان خود را فدای آرمان رهایی بخش از هر گونه ستم و ظلم کردند.

در نهایت تاسف خیردار شدیم که جناب آقای افشین اسانلو که در زندان رجایی شهر کرج که دوران حبس خود را به سر می بردند زندگی را بدرود گفته اند.

متاسفانه در این سالهای اخیر کسانی دیگری به دلیل عارضه مشابه و به دلیل کوتاهی مسئولین مربوطه جان باخته اند .

مرگ این زندانی عقیدتی را می توان با اشاره به عدم شفافیت و پاسخگویی مسئولین و نهادهای مربوطه در این رابطه و نیز با یادآوری زنجیره‌ی بی پایان مرگ زندانیان سیاسی به خصوص در سایه‌ی عدم رسیدگی مناسب پزشکی؛ پر ابهام یا مشکوک خواند. در این سالهای اخیر در مناطق کردنشین و بخصوص زندانهای آن ، کسانی زیادی به شیوه های مشکوکی و بدون دلیل جان خود را از دست داده ند .

بر همگان آشکار است که وضعیت امروزه در زندانهای کل ایران و بخصوص زندانهای کردستان بسیار وحشتناک و غیره قابل تصور میباشد.

در اینجا باید به این نکته مهم اشاره کنیم که متاسفانه هرساله تعدادی از زندانیان بدون هیچ دلیلی و در حالیکه در بازداشت مقامات امنیتی و انتظامی هستند یا رسمن در زندان و در اختیار اداره زندانهای جمهوری اسلامی ایران هستند جان خود را از دست می‌دهند .

مسئولین جمهوری اسلامی هیچ گاه عاملین مرگهای مشکوک را معرفی نکرده و دربرخی از پرونده‌های مطرح شده به وضوح می توان دید که دستگاه‌های اطلاعاتی- امنیتی و دستگاه قضایی همه امکانات خود را برای وارونه جلوه دادن حقایق به کار بسته‌اند و از هر روشی برای مصون داشتن خاطیان از مجازات استفاده کرده‌اند. به نحوی که هیچ امیدی برای خانواده‌های زندانیان عقیدتی و دیگر شهروندان برای پیگیری عدالت باقی نمانده است.

ما زندانیان سیاسی واقع در بند یک و دو زندان مرکزی سنندج بار دیگر تسلیت خود را به خانواده اسانلو و کل مردم ایران و تمامی هم بندیهای وی اعلام می کنیم و اعلام می داریم که دستگاه قضایی و سازمان زندان ها مسوول جان باختن مرحوم افشین اسانلو و تمامی کسانی میباشد که به این شیوه جان می سپارند. و نیز آرزوی خودمان مبنی بر رعایت حقوق زندانیان اعلام می‌داریم.

زندانیان سیاسی در بند یک و دو زندان مرکزی سنندج
سه‌شنبه ۰۴ تیر ۱۳۹۲

مرگ مشکوک افشین اسانلو در زندان فوق امنیتی گوهردشت منصوره بهکیش

زندان گوهردشت را هیچ گاه از خاطر نمی برم. زندانی که دو برادرم و هزاران زندانی سیاسی دیگر را که حکم زندان داشتند، به صورت گروهی کشتند و در خاوران و دیگر

گورستان های بی نام و نشان دفن شان کردند و تا به امروز هیچ مقام مسوولی پاسخی به ما خانواده ها نداده است که "چرا و چگونه آنها را کشتند؟".
حاکمان گمان می کنند توانسته اند این زندانیان را به گور بسپارند و دفن شان کنند، غافل از آنکه آنها دفن نشده اند و هم چنان با ما زنده اند تا روز دادخواهی شهادت دهیم که چه بر سرمان آورده اند. شاید بدین وسیله بتوانیم جلوی تکرار جنایت های بعدی را بگیریم و هشدار دهیم روز پاسخ گویی در همین دنیاست، ما را به آن دنیا حواله ندهید.
تا به امروز نیز قتل ها و مرگ های مشکوک بسیاری داشته ایم و افشین آخرین نخواهد بود، مگر اینکه ما هشیار باشیم و اجازه ندهیم که در سکوت، هر بلایی دلشان خواست بر سرمان بیاورند، همان کاری که در دهه شصت با ما کردند و هم چنان ادامه دارد.
افشین اسانلو نیز در همان زندان و با مرگی مشکوک می میرد. به چه دلیل؟ نامعلوم.
او راننده بین شهری بود و دو فرزند دارد و طبق اظهار خانواده اش خیلی هم مانند برادرش منصور به سیاست کاری نداشت. او را در بهمن 1388 در محل کارش بازداشت می کنند و مدت طولانی او را زیر بازجویی و شکنجه می گیرند. به چه دلیل؟ نامعلوم.
او را به پنج سال زندان محکوم می کنند. به چه دلیل؟ نامعلوم.
پس از مدتی او را به سالن 12 بند 4 زندان فوق امنیتی گوهردشت تبعید می کنند، به چه دلیل؟ نامعلوم.

مدتی وضعیت روحی اش به هم می ریزد ولی با ورزش تلاش می کند سلامتی اش را باز یابد و هفته قبل از مرگ اش در ملاقات حضوری، شانه های محکم و سینه ستبرش، خیال مادر را راحت می کند و با این امید به خانه می رود که این دوری به زودی پایان می پذیرد و آزاد می شود، غافل از آنکه چند روز بعد جنازه اش را تحویل خانواده خواهند داد.
بر فرض که مسوولان زندان درست بگویند و افشین سکنه کرده باشد، هر انسانی، حتی یک انسان سالم هم امکان دارد در تبعیدگاه زندان گوهردشت سکنه کند، به چه دلیل به او رسیدگی نکردند تا جان اش را نجات دهند؟ نامعلوم.

به چه دلیل وقتی سکنه کرد خانواده اش را در جریان نگذاشتند؟ نامعلوم
به چه دلیل مرده اش را به بیمارستان رساندند؟ نامعلوم.
به چه دلیل وقتی مرد به خانواده اش اطلاع ندادند؟ نامعلوم.
به چه دلیل اجازه دفن آزادانه به آنها ندادند؟ نامعلوم.
و به چه دلیل اجازه برگزاری مراسم آزادانه به آنها نمی دهند و مسجد را لغو می کنند؟ نامعلوم.
تمامی این ابهام ها و محدودیت ها و تحمل درد جانکاه نازنین پسرشان یک طرف، حالا خانواده مانده است چگونه می تواند با آپارتمانی کوچک در شرق تهران و مهمان هایی بسیار که از نقاط مختلف برای همدردی می آیند، مراسمی در خور برگزار کند. مادر می گفت: "باشد مراسم را چهارشنبه عصر پنجم تیر در همین خانه برگزار می کنیم، مهم نیست، مهمان ها می دانند خانه ما کوچک است، فوق اش در راهرو و کوچه می ایستند".

یادش گرامی باد!

منصوره بهکیش

چهارم تیرماه 1392

http://www.mpliran.org/2013/06/blog-post_25.html

پیام تسلیت مادران پارک لاله به مادر افشین اسانلو

پیام تسلیت مادران پارک لاله به خانم فاطمه گل گزی (مادر افشین اسانلو) و خانواده زندان گوهردشت (رجایی شهر)، زندانی است که دردها و شکنجه ها و قتل ها و مرگ های خاموش بسیاری به خود دیده است. خبر فوت نازنین پسر کوچک تان افشین، غم سنگینی است که قلب ما را هم به درد آورد. این غم بزرگ را از صمیم قلب به شما مادر گرامی و

خانواده تسلیت می گوئیم و خود را در غم شما شریک می دانیم.
امید هم چنان گذشته، مقاوم و استوار باشید تا بتوانید این غم بزرگ را تحمل کنید. ما به
مادرانی همچون شما که سختی های بسیاری در زندگی کشیده و تاب آورده اید، افتخار می
کنیم و نیاز داریم.
باشد تا با همت و تلاش همه آزادی خواهان، دنیایی به دور از زندان و شکنجه و قتل و جنایت
بسازیم.
یادش گرامی باد!
مادران پارک لاله
سوم تیر ۱۳۹۲

بیانیه جمعی از زندانیان اوین در رابطه با درگذشت افشین اسانلو

تو نمی دانی نگاه بی مژه محکوم یک اطمینان
وقتی که در چشم حاکم یک هراس خیره می شود
چه دردی است .
تو نمی دانی مردن
وقتی که انسان مرگ را شکست داده است
چه زندگی است.

در نهایت اندوه با خبر شدیم دوست و هم بندی سابق مان جناب آقای افشین اسانلو که در
زندان رجایی شهر کرج در اسارت به سر می بردند زندگی را بدرود گفته اند. ایشان به رغم
تمامی فشارهای وارده در طول مدتی که در کنار ما به سر می بردند از سلامت نسبی جسمی
برخوردار بودند. این واقعه در حالی اتفاق می افتد که مرگ زندانیان به ویژه زندانیان سیاسی در
زندانها بر اثر فشارهای وارده و عدم رسیدگی مناسب پزشکی و بی مبالاتی های مسئولین
مسبوق به سابقه است، از جمله در مورد درگذشت زنده یادان اکبر محمدی، امیر حشمت
سازان، زهرا بنی یعقوب، امید میرصیافی، هدی صابر، محسن دکمه چی، ستار بهشتی و
بسیاری دیگر از زندانیان .

ما جمعی از دوستان و هم بندیان سابق زنده یاد افشین اسانلو در بند ۳۵۰ زندان اوین که از
نزدیک شاهد رنج ها و مصائب فراوانی که بر وی روا داشته شد، بوده ایم، رهایی جانسوز وی را
از زنجیر اسارت به خانواده محترم ایشان و به ویژه مادر دردمندشان تسلیت می گوئیم و
امیدواریم هرگز در آینده شاهد رخدادهای تلخی از این دست نباشیم.

رضاشهبازی زکریا، سعید متین پور، عبدالفتاح سلطانی، محمد صدیق کبودوند، امیرخسرو
دلیرثانی، رویین عطوفت، محمدرضایی، مهدی خدایی، نور نقی پور، بهنام ابراهیم زاده، سعید
جلالی فر، فریدون صیدی راد، وحید علیقلی پور، یاشار دارالشفاء، سعید حائری، داور حسینی
وجدان، غلامرضا خسروی، هانی یازلو، اصغر قطان، مجید اسدی، هوتن دولتی، محمد صائمی،
محمد ولی غلام نژاد، عبدالرضا قنبری، سید محمد حیدری، اسداله اسدی، اسداله هادی، علی
معزی، رسول حیدرزاده، کامران ایازی، شاهین دادخواه، فرزاد روحی، محمدرضا نوری، بهادر
علیزاده، وحید اصغری، علیرضا سیدیان

بیانیه زندانیان رجایی‌شهر در پی مرگ افشین اسانلو: شرایط زندان‌های کشور سبب مرگ زودرس زندانیان می‌شود

تعدادی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر بیانیه ای صادر کردند. صادرکنندگان این بیانیه خطاب به روسای سه قوه، نسبت به تکرار مرگ زندانیان سیاسی هشدار داده و خواهان تجدیدنظر جدی در شرایط زیست و نحوه نگهداری زندانیان سیاسی شده اند.

به گزارش جرس، صادرکنندگان این بیانیه خطاب به روسای سه قوه، نسبت به تکرار مرگ زندانیان سیاسی هشدار داده و خواهان تجدیدنظر جدی در شرایط زیست و نحوه نگهداری زندانیان سیاسی شده اند.

افشین اسانلو، از فعالان مشهور حقوق کارگری، ۳۱ خرداد ماه، بر اثر سکته قلبی که در زندان رجایی‌شهر کرج به او دست داد درگذشت. او تنها زندانی سیاسی نیست که بدلیل بی توجهی مقامات قضایی و مسئولین زندان جان خود را از دست می دهد. طی سالهای اخیر چند زندانی در زندان به دلیل عدم رسیدگی بموقع پزشکی به وضعیت نامناسب جسمانی زندانیان جان خود را از دست داده اند و بسیاری نیز روانه بیمارستان شدند.

متن کامل بیانیه که در اختیار جرس قرار گرفته است به شرح زیر است:

روسای محترم قوای قضاییه، مقننه و رئیس جمهور منتخب
با سلام و تحیت

چنانچه مستحضر هستید شادروان افشین اسانلو، فعال کارگری ۴۲ ساله که به اتهام شرکت در فعالیتهای سندیکایی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به چهار سال زندان محکوم شده بود در روزهای اخیر پس از اعزام از زندان رجایی شهر کرج به بیمارستان درگذشت.

متأسفانه طی یکسال اخیر وی سومین زندانی است که در بند سیاسی - امنیتی زندان رجایی شهر فوت می کند. قطع نظر از میزان انطباق احکام صادره علیه منتقدان و مخالفان سیاسی با موازین قانونی، متأسفانه شرایط زندان های کشور به گونه ای است که سبب مرگ زود رس در بین زندانیان می شود.

عمده ترین مشکلی که بویژه زندانیان سیاسی را رنج می دهد قطع تلفن آنها با خانواده ها و سختگیری بی مورد برای انجام ملاقات حضوری آنهاست که افزون بر وارد آوردن آسیب های جدی به روابط عاطفی کیان خانواده و بخصوص فرزندان که ناقض اصل مشخص بودن مجازات نیز هست، فشارهای عصبی و روانی مضاعفی بر این دسته از زندانیان تحمیل می کند.

در عین حال، عدم وجود امکانات مناسب پزشکی و بهداشتی در زندانها موانع اداری و بوروکراتیک و یا تعلل برای اعزام های فوری به مراکز درمانی فقدان فضای مناسب زیست عادی زندانیان طبق استانداردهای مورد تاکید آیین نامه زندان ها، و بسیاری مشکلات دیگر، همگی مزید بر علت شده است تا زندانیان دچار امراض گوناگون عصبی و جسمی شده و بعضا بطور ناگهانی فوت کنند.

ما ضمن دعوت به اجرای قوانین کشور بخصوص تعجیل در آزادی زندانیان بیمار و رسیدگی به درخواست های آزادی مشروط و مرخصی زندانیان سیاسی و عقیدتی که مورد بی توجهی ویژه

قرار می گیرد، نسبت به تکرار مرگ هم بندی های خود هشدار می دهیم و ضرورت تجدیدنظر جدی در شرایط زیست و نحوه نگهداری این زندانیان سیاسی را یادآوری می کنیم.

بهمن احمدی اموی
مسعود باستانی
مهدی محقق
مجید توکلی
احمد زیدآبادی
سید محمد سیف زاده
کیوان صمیمی
مهدی محمودیان
مصطفی نیلی

اطلاعیه شماره ۲ تسلیت به مناسبت درگذشت کارگر زندانی افشین اسانلو!

طبق گزارشات منتشره و خبر رسانی خانواده اسانلو ، کارگر زندانی افشین اسانلو روز پنج شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲ به خاطر سکته قلبی از زندان رجایی شهر به بیمارستان منتقل شد و مناسفانه در بیمارستان جان خود را از دست داد ، این در حالی است که هنوز جزئیات بیشتری در این زمینه منتشر نشده است .

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن عرض تسلیت به خانواده این کارگر زندانی و همچنین طبقه کارگر ایران خواهان آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی است.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده دوم تیر ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

افشین اسانلو را نیز کشتند!!!

افشین اسانلو راننده پایه یک شرکت واحد تهران و ناوگان مسافر بری بین شهری و فعال کارگری، که حدود سه سال زندانی بوده است، او را مانند بسیاری از زندانیان سیاسی به جرم اتهام نکرده طی پرونده سازی های دروغین با اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" که یکی از شاه بیت های پرونده سازی و اتهام زنی علیه فعالان کارگری و سیاسی است، دستگیر، شکنجه، "محاومه" و زندانی کردند، افشین ۳۰/۳/۱۳۹۲ توسط عوامل جمهوری اسلامی وطی روندی از پیش طراحی شده و سیستماتیک حذف فیزیکی زندانیان کارگری و سیاسی کشته شد .
به فرض محال ، اگر عوامل جمهوری اسلامی حقیقت را گفته باشند و افشین بر اثر سکته قلبی مرده باشد باز بدون شک مقصر و عامل اصلی جمهوری اسلامی است، که با ایجاد عمدی شرایط نامناسب و ضد انسانی به صورت سیستماتیک تلاش می کند تا فعالان سیاسی و کارگر ،زنده یا حداقل سالم از زندان خارج نشوند، برای اثبات این ادعا بررسی سلامت و وضعیت جسمی کارگران زندانی مانند محمد جراحی، مهدی شاندیز ، رضا شهابی ، رسول بدآغی ، بهنام ابراهیم زاده ... یا علی نجاتی ، محمود صالحی و... کافی است که همه ی آنها بر اثر فشار ، انواع شکنجه ، شرایط نامناسب نگهداری ، غذا و بهداشت نا مناسب در زندانها ، دچار بیماری های گوناگون شده اند، مسئول مستقیم کشته شدن سریع یا تدریجی زندانیان بر اثر بیماری یا شکنجه جمهوری اسلامی است .
اسناد اثبات مقصر بودن حاکمیت کاملاً روشن و واضح مقابل چشم مردم قرار دارد از جمله دهها

نفری که در کهریزک کشته شدند یا ستار بهشتی ، علی رضا کرمی خیر آبادی ، شهبازی و دهها نفر در دیگر زندانها زیر شکنجه کشته شده اند .
خانواده ها ، فعالین ، تشکل ها و مردم آزادیخواه نباید فراموش کنند که طرح و هدف جمهوری اسلامی از بدو استقرارش این بوده است که زندانی سیاسی نباید از زندان خارج شود ، بنا بر چنین برداشتی در زمانهای مختلف برای حذف زندانیان روش های گونا گونی بکار برده است. طرح فعلی جمهوری اسلامی گرفتار کردن زندانی ها به انواع بیماری های لا علاج و کشنده است، با توجه به عرف و تاریخ جمهوری اسلامی و اهدافش تا کنون چنین بوده است ، حتی طرح اخیر قوه قضائیه برای کم کردن زندانیان ، می تواند مورد شک و تردید
ما امضاء کنندگان، ضمن محکوم کردن قتل افشین اسانلو می خواهیم آمرین و عاملین قتل محاکمه شوند، همچنین از کارگران، فعالین کارگری و سیاسی ، نهاد های داخلی و جهانی می خواهیم قبل از اینکه جمهوری اسلامی موفق به سر به نیست کردن بقیه زندانیان شود، ارابه کشتار آن را متوقف کنید.

شاهرخ زمانی و خالد حردانی - از زندان گوهر دشت
محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز

همدردی سندیکای کارگران شرکت واحد در رابطه با مرگ افشین اسالو

بنا بر اخبار منتشره مرگ زود هنگام، تلخ و تاسف آور راننده زحمتکش اتوبوس بین شهری آقای افشین اسالو ناشی از کمبود شدید امکانات پزشکی و عدم رسیدگی به موقع و کوتاهی های متداوله در زندان بوده و ایشان نیز قربانی شرایط دهشتناک موجود در زندانها بوده و از این نظر تقصیر مسئولان مربوطه محرز می باشد .
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن اظهار تاسف از مرگ این راننده زحمتکش و اعلام همدردی یادآور می شود آن مرحوم عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نبوده و اصولاً سندیکا هیچگاه افتخار همکاری و فعالیت کارگری با ایشان را نداشته است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
تیر ماه نود و دو

مرگ افشین اسانلو باید پیگیری شود

افشین اسانلو زندانی سیاسی و راننده سابق شرکت واحد، در زندان رجائی شهر درگذشت. او در دادگاهی به زندان محکوم شده بود که از داشتن وکیل محروم بود و در حالی که جرم او سیاسی و امنیتی عنوان شده بود، هیچ هیات منصفه ای در دادگاه حضور نداشت. او تحت بازجویی های شدید قرار گرفته بود، به طوری که پس از بازجویی به شهادت سایر زندانیان تعدادی از دندان های اوشکسته بود و آثار ضرب و جرح در بدن او باقی بود .
این امر در حالی اتفاق می افتد که سایر فعالان کارگری و خانواده هایشان تحت فشارهای فزاینده ای قرار گرفته اند .
پس از بازگشت بهنام ابراهیم زاده به زندان، حال فرزند او، نیما که در حال شیمی درمانی است، وخیم شده به طوری که ملاقات کنندگان او در بیمارستان از افسردگی و رنج مضاعف او خبر می دهند. همسر رضا شهبازی مورد بازجویی قرار گرفته و همسر علی نجاتی محاکمه شده است .

شاهرخ زمانی مورد بدرفتاری های زندان بانان قرار دارد و محمد جراحی به رغم توصیه پزشکان برای ادامه درمان در خارج از زندان، همچنان در شریط سختی در زندان تبریز به سر می برد. رضا

شهبابی نیز شرایط مناسبی در زندان ندارد. هم چنین پدرام نصرالهی، جلیل محمدی، وفا قادری، شاهپور احسانی راد و دیگر فعالان کارگری یا دوران زندان و بازجویی را می‌گذرانند یا تحت پیگردقضایی قرار دارند . به نظر می‌رسد همه‌ی این فشارها به فعالان کارگری به این دلیل وارد می‌شود که مشکلات اقتصادی ناشی از تورم و گرانی‌های مضاعف و بیکاری فزاینده، زندگی را برای کارگران به شدت دشوار کرده است و مسوولان به جای حل این مسایل، نگرانی خود را از تمام شدن طاقت کارگران و اقدامات جدی‌تر آنان، به این گونه نشان می‌دهند .

کانون مدافعان حقوق کارگر خواستار پیگیری مرگ افشین اسانلو در زندان گوهردشت بوده و از تمامی نهادهای کارگری و مردمی داخلی و بین‌المللی می‌خواهد که با وحدت و همدلی بیشتر خواستار توقف فشارهای فزاینده بر فعالان کارگری و اجتماعی شوند تا از چنین فجایعی جلوگیری شود.

ما خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و کارگری هستیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر - اول تیر ۱۳۹۲

مرگ افشین اسانلو در زندان برگ سیاه دیگری از ستم بر طبقه کارگر ایران است

خبر بسیار تکانه‌دهنده بود، افشین اسانلو کارگر زندانی در سن ۴۲ سالگی در ساعت ۱۷ روز پنج شنبه ۳۰ خرداد ماه، در حالیکه دوران پنج ساله محکومیت خود را در زندان رجایی شهر سپری میکرد بر اثر حمله قلبی در گذشت .

مرگ افشین برگ سیاه دیگری از ستم بر طبقه کارگر ایران است. بدون تردید انسان عزیزی همچون افشین اسانلو چنانچه در جامعه ای زندگی میکرد که دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی انسانها در آن برسمیت شناخته شده بود، مطمئنا به زندان افکنده نمیشد و با دسترسی آزادانه و دائمی به امکانات پزشکی و درمانی بدینگونه در سن ۴۲ سالگی در گوشه زندان جانش را از دست نمیداد .

اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز تأسف عمیق از مرگ افشین اسانلو، این ضایعه جبران ناپذیر را به مادر گرامی این عزیز، همسر و فرزندان و یکایک خانواده محترم اسانلو و هم بندیهایش در زندان رجایی شهر صمیمانه تسلیت میگوید و با تأکید بر رسیدگی فوری به وضعیت زندانهای سراسر کشور، خواهان آزادی بدون قید و شرط همه کارگران دربند و عموم زندانیانی است که بدلائل عقیدتی و ابراز وجود سیاسی و اجتماعی به زندان افکنده شده اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - اول تیر ماه ۱۳۹۲

جمهوری اسلامی ایران قاتل افشین اسانلو است ! کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی فوری و بی قید و شرط آزاد باید گردند

بنا به خبر رسانی خانواده اسانلو و طبق گزارشهای موجود، افشین اسانلو، کارگر در بند و زندانی سیاسی، روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲، بر اثر سکته قلبی در زندان رجایی شهر به بیمارستان انتقال و در آنجا جان خود را از دست می دهد. جزئیات دقیق مرگ افشین اسانلو هنوز روشن نشده است .

این اولین بار نیست که در زندان رجایی شهر، که بنا به اظهارات و گفته های زندانیان از شرایط بسیار ضد انسانی برخوردار است، زندانیان به ناراحتی های سخت جسمی و روحی دچار شده و برخی از آنان جان باخته اند. افشین اسانلو که از فعالین ایجاد سندیکای رانندگان برون شهری

بود به اتهام "اجتماع و تبانی" توسط قاضی صلواتی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود و در غیر انسانی ترین شرایط این دوران را میگذرانند .
شکی نباید داشت که قاضی صلواتی، مسئولین زندان رجایی شهر و کلیت حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران مسئولین و مسببین حقیقی و حقوقی جان باختن افشین اسانلو هستند. اتحاد بین المللی ضمن همدردی با خانواده اسانلو مراتب تاسف عمیق و انزجار شدید خود از جان باختن نابهنگام افشین اسانلو در اسارتگاههای جمهوری اسلامی ایران را اعلام میکند و در شکایت و اعتراض علیه مسببین این فجایع خود را در کنار آنان و نهادها و فعالین کارگری دانسته و در بین المللی کردن صدای این اعتراض تمام تلاش خود را بکار خواهد برد. اتحاد بین المللی بار دیگر جنبش کارگری ایران و جهان و تمامی نهادها و سازمانها و احزاب کارگری و مدافعین حقوق انسانی را به گسترش اعتراضات و فشار جهانی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران دربند و زندانیان سیاسی در سراسر ایران فرا می خواند. در راستای تحقق این مهم از هیچ کوشش و تلاشی فروگزاری نکنیم.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۲۲ جون ۲۰۱۳

یک فعال کارگری: دندانهای افشین اسانلو را در زندان شکسته بودند سایت خبری - سیاسی خاوران

به گفته احسانی‌راد در زندان به جز شکنجه، امکانات بهداشتی و غذایی مناسبی هم وجود ندارد و زندانیان کارگری به شدت تحت فشار هستند.

رادیو فرانسه : یک فعال کارگری با اشاره به شکنجه زندانیان کارگری در زندان می‌گوید که دندانهای افشین اسانلو، فعال کارگری نیز در زندان و در اثر شکنجه شکسته شده بود. از سویی به گفته وی نیروهای امنیتی با برگزاری مراسم ختم افشین اسانلو در مساجد تهران مخالفت کرده‌اند. شاپور احسانی‌راد، عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در تهران در گفت‌وگو با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه با اشاره شکنجه فعالان کارگری در زندان گفت: « اخبار موثقی مبنی بر شکنجه زندانیان کارگری در زندانها وجود دارد. افشین اسانلو هم پیش از مرگ در زندان، در اثر شکنجه دندان‌هایش شکسته شده بود.»

وی همچنین اعلام کرد: « با آنکه در روز تدفین افشین اسانلو اعلام شد که مراسم ختم وی روز چهارشنبه در مسجد « الجواد» برگزار خواهد شد، اما نیروهای امنیتی نه تنها در این مسجد بلکه در مساجد دیگر هم به خانواده وی اجازه برگزاری مراسم را نداده و خانواده این فعال کارگری مراسم وی را احتمالاً به طور خصوصی برگزار خواهند کرد.»

افشین اسانلو، فعال کارگری اواخر آذرماه سال ۸۹، در ترمینال جنوب تهران توسط ماموران امنیتی بازداشت شد و به مدت سه ماه و بدون اطلاع خانواده‌اش در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین تهران نگهداری می‌شد. وی خردادماه سال گذشته بر اساس تصمیم شورای انضباطی زندان اوین به بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) منتقل شده بود.

اسانلو روز جمعه سی‌ویک خرداد ماه پس از انتقال از زندان رجایی شهر به بیمارستان درگذشت. دلیل درگذشت افشین اسانلو سکتة قلبی ذکر شده است.

شاپور احسانی‌راد با رد احتمال سکنه قلبی افشین اسانلو توضیح داد: «افشین اسانلو هنگام مرگ 42 سال داشته و هیچ سابقه بیماری نداشت؛ به همین دلیل موضوع سکنه قلبی او بعید به نظر می‌رسد».

براساس گزارش‌ها اسانلو بارها درخواست مرخصی برای درمان خود کرده بود؛ اما مقامات دادستانی با این امر مخالفت کرده بودند.

به گفته احسانی‌راد در زندان به جز شکنجه، امکانات بهداشتی و غذایی مناسبی هم وجود ندارد و زندانیان کارگری به شدت تحت فشار هستند.

افشین اسانلو را نیز کشتند! / شاهرخ زمانی و خالد حردانی از زندان گوهردشت و محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز **سایت خبری - سیاسی خاوران**

افشین اسانلو راننده پایه یک شرکت واحد تهران و ناوگان مسافر بری بین شهری و فعال کارگری، که حدود سه سال زندانی بوده است، او را مانند بسیاری از زندانیان سیاسی به جرم اتهام نکرده طی پرونده سازی های دروغین با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» که یکی از شاه بیت های پرونده سازی و اتهام زنی علیه فعالان کارگری و سیاسی است، دستگیر، شکنجه، «محاكمه» و زندانی کردند، افشین 30/ 1392/3 توسط عوامل جمهوری اسلامی وطی روندی از پیش طراحی شده و سیستماتیک حذف فیزیکی زندانیان کارگری و سیاسی کشته شد. به فرض محال، اگر عوامل جمهوری اسلامی حقیقت را گفته باشند و افشین بر اثر سکنه قلبی مرده باشد باز بدون شک مقصر و عامل اصلی جمهوری اسلامی است، که با ایجاد عمدی شرایط نامناسب و ضد انسانی به صورت سیستماتیک تلاش می کند تا فعالان سیاسی و کارگر، زنده یا حداقل سالم از زندان خارج نشوند، برای اثبات این ادعا بررسی سلامت و وضعیت جسمی کارگران زندانی مانند محمد جراحی، مهدی شانديز، رضا شهبابی، رسول بدآغی، بهنام ابراهیم زاده... یا علی نجاتی، محمود صالحی و... کافی است که همه ی آنها بر اثر فشار، انواع شکنجه، شرایط نامناسب نگهداری، غذا و بهداشت نامناسب در زندانها، دچار بیماریهای گوناگون شده اند، مسئول مستقیم کشته شدن سریع یا تدریجی زندانیان بر اثر بیماری یا شکنجه جمهوری اسلامی است.

اسناد اثبات مقصر بودن حاکمیت کاملاً روشن و واضح مقابل چشم مردم قرار دارد از جمله دهها نفری که در کهریزک کشته شدند یا ستار بهشتی، علی رضا کرمی خیر آبادی، شهبازی و دهها نفر در دیگر زندانها زیر شکنجه کشته شده اند.

خانواده ها، فعالین، تشکل ها و مردم آزادیخواه نباید فراموش کنند که طرح و هدف جمهوری اسلامی از بدو استقرارش این بوده است که زندانی سیاسی نباید از زندان خارج شود، بنا بر چنین برداشتی در زمانهای مختلف برای حذف زندانیان روش های گونا گونی بکار برده است. طرح فعلی جمهوری اسلامی گرفتار کردن زندانی ها به انواع بیماری های لا علاج و کشنده است، با توجه به عرف و تاریخ جمهوری اسلامی و اهدافش تا کنون چنین بوده است، حتی طرح اخیر قوه قضائیه برای کم کردن زندانیان، می تواند مورد شک و تردید باشد.

ما امضاء کنندگان، ضمن محکوم کردن قتل افشین اسانلو می خواهیم آمرین و عاملین قتل محاکمه شوند، همچنین از کارگران، فعالین کارگری و سیاسی، نهاد های داخلی و جهانی می خواهیم قبل از اینکه جمهوری اسلامی موفق به سر به نیست کردن بقیه زندانیان شود، ارباب کشتار آن را متوقف کنید.

شاهرخ زمانی و خالد حردانی
از زندان گوهر دشت

مرگ مشکوک افشین اسانلو در زندان جمهوری اسلامی

کمیسیون آکسیون - بین المللی: اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران

در نهایت ناباوری از مرگ آقای افشین اسانلو، کارگر فعال در جنبش سندیکائی آگاهی یافتیم. او از چهار سال پیش بدون ارتکاب هیچ خلافی و تنها بدلیل تلاش برای برپائی و تاسیس سندیکای کارگری رانندگان اتوبوس و کامیون و نیز شرکت در عرصه آموزش برای فعالیتهای سندیکائی به پنج سال زندان محکوم شده بود. وی بمانند تمامی فعالان متعلق به جنبشهای دموکراتیک و مطالباتی، در دادگاه فرمایشی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران که بر خلاف عرف و استانداردهای بین المللی برگزار میشوند، محکوم گشت. بنا برنوشته های بجا مانده از جانب افشین اسانلو و نیز شهادت هم بندان و همچنین مادرو خواهر و برادرش، وی بشدت مورد شکنجه قرار گرفته بود تا به داشتن "ارتباط با دول خارجی و احزاب سیاسی اپوزیسیون" اعتراف نماید. طی این شکنجه ها چندین دنده او دچار شکستگی گردیده، و پاهایش بر اثر ضربات کابل مجروح شده بود. مقامات دولتی ایران علت مرگ وی را پس از انتقال جسد وی به بیمارستان، سکته قلبی اعلان کرده اند، در حالی که به گفته خانواده اش، وی پیش از انتقال به بیمارستان در زندان فوت کرده بود.

فارغ از اینکه کدام یک از این گمانه ها بیانگر واقعیت مرگ آقای افشین اسانلو باشد، مسلم است که از آنجائیکه:

بر طبق کنواسیون بین المللی در مورد حقوق زندانیان، مقامات قضائی و مسئولین زندان میبایست حافظ جان و سلامتی زندانیان بوده و موظف به تامین شرایط متناسب زیستی و بهداشتی برای زندانیان باشند و افزون بر همه اینها، آنها مسئول هستند شرایطی فراهم کنند که زندانی در کمال امنیت با خانواده ی خود ملاقات مرتب داشته باشد. و از آنجائیکه بنا به گواهی همه ی زندانیان سیاسی در زندان رجائی شهر، هیچیک از شرایط موجود در زندان بر طبق تفاهمات و توافقات بین المللی نمیباشند، عملکرد مقامات در زندان رجائی شهر باعث این فاجعه بوده و آنها بایستی مورد مواخذه و محاکمه قرار گیرند.

حقوق کلیه زندانیان در جمهوری اسلامی ایران، در موارد بسیاری نقض میگردد. زندانیان بدون استثناء مورد آزار جسمی و روحی دائمی قرار دارند و از آنجائیکه زندانهای جمهوری اسلامی فاقد شرایط زیستی و بهداشتی لازم برای حفظ سلامت جان و روان زندانیان است تاکنون تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به دلیل وجود شرایط سخت و ناهنجار در زندانها و تداوم اهمال و عدم رسیدگی از جانب مسئولین و مقامات قضائی، بر اثر شکنجه و یا شرایط غیر انسانی زیستی، جان خود را از دست داده اند. در میان کشته شدگان در زندانها و از جمله در زندان کهریزک اسامی این کوشندگان راه آزادی دیده میشود: زهرا کاظمی، زهرا بنی یعقوب، ستار بهشتی، حسین اختر زاده، اکبر محمدی، محسن دگمه چی و هدی صابر.

ما خواهان رسیدگی فوری به مرگ آقای افشین اسانلو بوده، جویای علل آن و محاکمه مسئولین زندان رجائی شهر میباشیم و از مقامات مسئول و رئیس جمهورمنتخب، آقای حسن روحانی خواستاریم که هر چه سریعتر بوظایف قانونی خود عمل کرده، اقدامات لازم برای بهبودی شرایط زندانهای ایران را فراهم نموده و هرچه زودتر در صدد تطبیق وضعیت حاکم در زندانها با ضوابط بین المللی بر آیند. هر گونه تعلل از طرف مقامات جمهوری اسلامی در رابطه با رعایت تعهدات

حقوقی در قبال زندانیان، خود تخلف آشکار از قوانین بین المللی بوده که جمهوری اسلامی نیز یکی از امضاء کنندگان آن میباشد.

اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران مرگ مشکوک و نابهنگام افشین اسانلو را به بازماندگان این کنشگر زحمتکشان ایران و جنبش کارگری تسلیت میگوید.

کمیسیون آکسیون - بین المللی:
اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران
۲۴ ژوئن ۲۰۱۳

تظاهرات در اعتراض به قتل افشین اسانلو فعال کارگری در بند در اعتراض به اعدام و قتل و شکنجه زندانیان سیاسی و علیه نفس زندانی نمودن انسانها به دلیل اعتقادات سیاسی و اجتماعی

روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲ خیر مرگ افشین اسانلو از فعالین مستقل کارگری ایران در زندان رجایی شهر کرج (گوهر دشت) بند ویژه امنیتی منتشر شد. ظاهر ماجرا چنین است که افشین اسانلو بدنال سخته قلبی به بهداری زندان و سپس به بیمارستان بیرون منتقل شد و در آنجا درگذشت.

اما کیست که نداند جمهوری سرمایه داری اسلامی حاکم بر ایران سالهاست که به همراه اعدامهای علنی و غیرعلنی و کشتار رسمی و دولتی زندانیان بطور روزانه، اکنون سالهاست که با تحمیل سازمانیافته شرایط کشنده به زندانیان سیاسی آنانرا بسمت مرگی خاموش سوق داده و به این ترتیب به قتل می رساند. ترکیبی از وحشیانه ترین شکنجه های جسمانی و شکنجه های خرد کننده روحی و شرایط بشدت غیر انسانی داخل بندها و فقدان تغذیه و بهداشت لازم و محرمیت از امکانات درمانی به همراه تعلل و اهمال و بی توجهی عامدانه مسولین زندانها برای رسیدگی به نیازهای درمانی اورژانس، آن مجموعه ای است که رژیم ایران برای به قتل رساندن زندانیان سیاسی بکار می گیرد. مرگ زهرا کاضمی و ستار بهشتی و اکنون نیز افشین اسانلو تنها چند نمونه از این نوع کشتار زندانیان سیاسی می باشد.

مردم و انسانهای آزادیخواه !

آنچه که بر سر افشین اسانلو رفت اکنون در انتظار دهها فعال کارگری مستقل چون رضا شهابی و شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی و پدram نصرالهی ... و دهها و صدها زندانی سیاسی و فعالین اجتماعی و فعالین حقوق زنان می باشد. بیاییم دست در دست هم صدای اعتراض خود را علیه این جنایت ها و آدمکشی های سازمانیافته حکومتی رساتر سازیم. بیاییم یکبار دیگر به زندانیان سیاسی نشان دهیم که آنها تنها نیستند و مورد حمایت انسانهای آزادیخواه در هر گوشه ای از جهان می باشند. بیاییم با اعتراضات و افشاگریها و تظاهراتهای خود سدی هر چند کوچک اما مهم و ضروری در مقابل این آدمکشی ها باشیم .

«شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران» از شما همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و از شما همه احزاب و جریانهای چپ و ترقی خواه دعوت می کند در تظاهرات اعتراض به قتل افشین اسانلو و اعتراض به اعدام، قتل و شکنجه زندانیان سیاسی شرکت کنید.

زمان: شنبه ۶ جولای از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر
مکان: میدان مل لستمن واقع در ۵۱۰۰ خیابان یانگ شمال خیابان شپرد
شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو- کانادا)

اعلامیه به مناسبت جان باختن افشین اسانلو

کارگزرندانی، در زندان جمهوری اسلامی

«اعدام نرم» تاکتیک خطرناک جمهوری اسلامی برای نابودی مخالفان زندانی

افشین اسانلو، از چهره های شناخته شده رانندگان برون شهری (میان شهری)، کارگزرندانی و زندانی سیاسی در سن ۴۲ سالگی در روز پنج شنبه ۳۰ خرداد در اثر به اصطلاح "سکته قلبی" در زندان جمهوری اسلامی درگذشت.

افشین برادر منصور اسانلو، در بهار ۸۹ دستگیر و پس از تحمل شکنجه های وحشیانه به پنج سال زندان محکوم و به سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ اوین (شکنجه گاه وزارت اطلاعات) منتقل شد. پس از آن به زندان گوهردشت کرج تبعید گردید. در طی این مدت زیر شکنجه های فراوان قرار گرفت تا به "جرم" مورد نظر بازجویان و اتهام "اقدام علیه امنیت کشور" اقرار نماید. افشین اسانلو در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت کرج در محیطی کاملاً بسته و امنیتی زندانی بود و نه تنها از داشتن ارتباط تلفنی و سایر حقوق اولیه یک انسان زندانی محروم بود، بلکه همانند سایر زندانیانی سیاسی تحت فشارهای روحی و غیر انسانی قرار داشت. با این حال بنا به گفته هم بندیانش، روحیه ای شاد داشت و کمتر علائم یاس و بیماری از خود نشان می داد.

مرگ زنده یاد افشین اسانلو مفهومی جز قتل سیاسی و «اعدام نرم» ندارد. فراموش نکنیم که مسئولیت حفظ جان زندانیان و بویژه زندانیان سیاسی که زیر نظر مسئولین اطلاعاتی و امنیتی بالای حکومت قرار دارند بر عهده زندانبان و مسئولین بالای حکومت اسلامی است. رژیم اسلامی در این مدت که او زیر سخت ترین فشارهای روحی و جسمی قرار داشت، نه تنها از مرخصی او جلوگیری کرد، بلکه او را زیر شدیدترین شکنجه های قرون وسطائی قرار داد. اما افشین در زیر شکنجه های زندانبانان اسلامی مقاومت خودویژه ای نشان داد و تمامی تلاش های شکنجه گران را که در پی شکستن روحیه مقاوم وی و ابراز ندامت بودند، عقیم گذاشت. از اینرو مسئول مرگ افشین، مقامات رژیم جمهوری اسلامی هستند که شرایط را برای «اعدام نرم» او فراهم کردند تا از دست یکی دیگر از زندانیان سیاسی خلاصی یابند؛ همانگونه که در ۲۳ خرداد ۱۳۹۱ جان هدی صابر را در زندان گرفتند. «اعدام نرم» افشین اسانلو زنگ خطری است که باید آن را جدی گرفت. هم اکنون دیگر کارگران زندانی نیز در وضعیت بهتری قرار ندارند. رضا شهابی- محمد جراحی - بهنام ابراهیم زاده و ... همه و همه به دلیل دوران سخت و دشوار زندان به انواع بیماری ها مبتلا گشته اند و امکانات معالجه و مداوا را بر روی آنها بسته اند. بی تردید افشین نه اولین و نه آخرین کارگر مبارزی است که در چنگال رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی به خاک می افتد. طبقه کارگر ایران این مبارزان شجاع را هرگز از یاد نخواهد برد و از دادخواهی آنان دست بر نخواهد داشت.

سازمان ما، با توجه به تکرار استفاده از «اعدام نرم» توسط مقامات جمهوری اسلامی از تمامی آزادیخواهان و برابری طلبان می خواهد این سیاست بی شرمانه و این تاکتیک رذیلانه را محکوم کرده و با سازماندهی اعتراضات از هر طریق ممکن، اجازه ندهند تا جان زندانیان سیاسی و از جمله جان کارگران زندانی چنین بیشرمانه ملعبه ی دست جنایت کاران جمهوری اسلامی گردد. این بر عهده نهادهای کارگری در خارج از کشور است که از هر طریق ممکن و بویژه در تماس با اتحادیه های کارگری مترقی در سراسر جهان، خواهان اعزام یک هیئت تحقیق بین المللی به ایران برای بررسی شهادت افشین اسانلو گردند. تنها با بررسی و تحقیقی بین المللی می توان از جزئیات چنین جنایات و توطئه های سازمانیافته ای آگاه شد. اعمال تاکتیک «اعدام نرم» پیش از این در مورد بسیاری از زندانیان به کار گرفته شده است از جمله در مورد اکبر محمدی؛ امیدرضا میرصیافی؛ هدی صابر؛ ولی الله فیض مهدوی؛ عبدالرضا رجبی؛ حشمت الله امیر ساران؛ محسن

دکمه چي؛ حسن ناهيد و ديگراني که اطلاعات کافي در باره شان منتشر نشده است. مقامات حکومت اسلامي و رسانه هاي وابسته شان، تلاش کرده اند تا اين اعدام هاي نرم را حوادثي طبيعي و ناشي از بيماري قلمداد کنند. همانگونه که قتل زير شکنجه ي زندانيان سياسي کهريزک را بر اثر ابتلاء به بيماري مننژيت اعلام کردند و يا مرگ علي اکبر سعیدی سیرجانی؛ زهرا کاظمی و زهرا بنی يعقوب در زندان را یک "اتفاق ساده" ناميدند تا از کنارش به راحتی بگذرند. نبايد اجازه داد که تاکتيک ددمنشانه ي کنونی حکومت اسلامي در از بين بردن زندانيان سياسي، به جان تعداد بيشتري از زندانيان سياسي منجر گردد.

سازمان ما با ابراز تاسف عميق از شهادت افشين اسانلو، اين ضايعه را به مادر گرامی اش، همسر و فرزندانش، بردارش منصور اسانلو، خانواده محترم آنها و همه زندانيان سياسي هم سرنوشت افشين و کارگران همراه اش تسليت گفته و همراه با مردم قهرمان کشورمان که در همين هفته گذشته در چندین نوبت درخيابان هاي سراسر کشور فریاد می زدند: «زندانی سياسي آزاد بايد گردد»، خواهان آزادی بدون قيد و شرط همه کارگران دريند و ديگر زندانيان سياسي - عقيدتی هستيم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

هيئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ايران «راه کارگر»
سوم تيرماه ۱۳۹۲ - ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳

با ابرازتالم، مرگ مشکوک افشين اسانلو کارگر زندانی فاجعه ي ديگري در زندان هاي جمهوری اسلامي

افشين اسانلو کارگر در بند واز زندانيان سياسي که از سال ۱۳۸۹ در زندان هاي مخوف جمهوری اسلامي اسير بوده است، روز پنج شنبه ۳۰ خرداد ماه ۱۳۹۲ به طرز مشکوکي فوت نموده است.

مدیر کل زندانهاي استان تهران مدعي است که اين کارگرزندانی به دليل سکته قلبي فوت کرده است. در حالي که خواهر داغ دیده او به صراحت مي گوید؛ افشين هيچ ناراحتي قلبي نداشت. او تاکيد مي کند: "ما وقتي خبر را شنيديم، اصلا باورمان نمي شد، مگر مي شود افشين سکته قلبي کند!؟"

افشين اسانلو در مبارزات ضد استبدادی بعد از خرداد ۸۸، دستگير و ازسوي يکي از جانين جمهوری اسلامي به نام قاضي صلواتي به اتهام "اجتماع و تباني"، به ۵ سال حبس محکوم شده بود و مانند ديگر زندانيان سياسي در شرايط طاقت فرسا و تحت فشارهاي گوناگون فزيکي و رواني در اسارت به سر مي برد.

او قبلا در زندان اوين و در بند مخوف ۲۰۹ بود، سپس به زندان رجايي شهر تبعيد شد. بنا به اظهارات يکي از هم بندان او در زندان رجايي شهر به نام حشمت طبرزدي، افشين از شکنجه ها در بند ۲۰۹ سخن مي گفت.

اين براي اولين بارنيست که در زندان رجايي شهر، زندانيان سياسي به طرز مرموزي جان خود را از دست مي دهند، همين چندي پيش بود که منصور رادپور زنداني سياسي ديگري در همان سلول افشين اسانلو جان خود را از دست داد، ولي هيچ يك از مقامات زندان در مورد مرگ او توضيحي نداد.

نهادهاي همبستگي با جنبش کارگري ايران، خود را در غم از دست دادن اين فعال کارگري شريك مي داند. ما ضمن همدردي عميق با خانواده اسانلو و هم بندان و همکاران او، مراتب انزجار خود

را از شرایط دهشتناک اسارتگاه های مخوف جمهوری اسلامی و سرکوبگری ها و بی حقوقی های مستمر در ایران اعلام می کنیم.

نهادهای همبستگی مسئول مرگ این کارگزاران و زندانی سیاسی را مقامات زندان، سران قوه قضایی و کل دستگاه رژیم جمهوری اسلامی در سطح بین المللی فروگذار نخواهند کرد، ما خود رادر کنار خانواده دردمند افشین می دانیم و با همکاری و پیوند با نهادها و فعالین کارگری علیه این جنایت آرام نخواهیم گرفت .

نهادهای همبستگی از همگان دعوت می کند تا برای آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی متحد شده و فعالانه در کمپینها و کارزارهای آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شرکت کنند.

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید!
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳

اعلامیه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

بازهم احضار و بازداشت، زندان و شکنجه کارگران و فعالان اجتماعی در ایران حدت می یابد!
جهانیان و مردم آزادخواه ایران

تقریباً روزی نیست که اخبار دریافتی از ایران، بیانگر حدت احضارها، بازداشت ها و به بیدادگاه کشاندن ، زندان و شکنجه و این اواخر تبعید فعالان کارگری و اجتماعی منتشر نگردد و همه این اخبار بیانگر این است که فشار و رودررویی با زندانیان سیاسی همچنان با قساوت دنبال می گردد. با تأسف خبر رسید که افشین اسانلو درگذشت

گزارش اخیر « کمیته دفاع از رضا شهبانی » نشان میدهد که حال رضا شهبانی کارگر سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، خزانه دار سندیکا آنچنان وخیم است که در اطلاعیه شماره ۵۵ این کمیته آمده است : « ... رضا شهبانی در نتیجه ی پیگیری های مکرر خانواده اش جهت انجام عسکبرداری ام.آر.آی از مهره های کمر از زندان اوین به بیمارستان شهدای تجریش تهران منتقل شد... بنا بر مشاهدات عینی وضعیت رضا شهبانی به گونه ای بوده است که لنگ لنگان راه می رفته و بدون کمک دیگران قادر به راه رفتن عادی نبوده است. مشکلات کنونی رضا شهبانی عارضه هایی است که در زمان دستگیری، بازجویی و حبس دچار او شده است و بنا بر نظر پزشکان متخصص توان تحمل حبس را از وی سلب کرده است..» همچنین « کمیته حمایت از شاهرخ زمانی » به دفعات خبر داده که زندانبانان فشار به شاهرخ زمانی عضو سندیکای نقاشان و کمیته پیگیری را آنچنان افزایش داده اند که بیانیه شماره ۸۴ از زبان شاهرخ زمانی می گوید: « ... جهت اطلاع مسئولین به طوری که قبلاً" نیز طی نامه ای در روز ۲۷ متذکر شده ام به علت برخورد غیرقانونی ، غیرانسانی، خودسرانه و غیرقانونی بودن شکنجه که اعمال رئیس و مسئولان زندان رجایی شهر از جمله ضرب و شتم زندانیان سیاسی و پوشاندن لباسهای غیر بهداشتی که موجب بیماریهای گال و دیگر بیماری های واگیردار همچون شپش زدگی می شود و ادامه اینکه وقاحت و بی شرمی را به جای رساندن که هر روز برای پنهان کردن اعمال خودمانند وارد و پخش مواد مخدر در زندان را می خواهند با لخت مادرزاد کردن زندانی هنگام وارد شدن به زندان پوشش بدهند و من با توجه به موارد فوق از رفتن به دادگاه خودداری می کنم. « در ادامه بیانیه آمده است : « شاهرخ زمانی تحت فشار برای اعزام به دادگاه است و او به دلیل غیر قانونی و ضد انسانی

بودن اعمال رئیس زندان (مردانی) و دیگر مسئولان زندان از رفتن به دادگاه با شرایط غیر قانونی مقاومت می ورزد در مقابل مسئولین زندان به اعمال ضد قانونی خود ادامه داده و او را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. ...»

آخرین خبرفوری دریافتی بیانگرایان می باشد که تعدادی از زندانیان سیاسی به اسامی : حمیدرضا برهانی - خالد حردانی - رسول بدعی- سعید ماسوری- شاهرخ زمانی - صالح کهندل - عباس بادفر- محمد بنزاده امیرخیزی - محمدعلی منصور- ناصح یوسفی - نامق محمودی در سالن ۱۲ بند چهارگوهردشت تصمیم دارند از تاریخ سی و یک خرداد تا یکم تیر ۱۳۹۲ دست به اعتصاب غذا بزنند. هم اکنون بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کودکان کارخیاابانی و عضو کمیته پیگیری ، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری ، رسول بداغی و عبدالرضا قنبری از کانون صنفی معلمان ، مهدی فراهی شاندریز عضو کمیته پیگیری ، جلیل محمدی عضو کمیته هماهنگی ، پدram نصر الهی عضو کمیته هماهنگی، به همراه رضا شهابی و شاهرخ زمانی و صدها کارگرناسایی نشده دیگر زندان بسر می برند. متأسفانه همچنان روند نامطلوب صدور احکام قضایی سنگین علیه فعالان صنفی در جامعه ی معلمین همچنان ادامه دارد. پس از صدور و اجرای ناباورانه ی حکم حبس طولانی برای رسول بداغی و سید محمود باقری و صدور احکامی سنگین مانند ۶ سال حبس و ۱۰ سال تبعید در دادگاه بدوی برای علی اکبر باغانی و یا صدور حکم ۱۰ سال حبس تعلیقی برای اسماعیل عبدی، اینک شاهد صدور حکمی عجیب مبنی بر ۵ سال حبس تعزیری برای محمود بهشتی هستیم که در صورت احتساب ۴ سال حبس تعلیقی قبلی به ۹ سال افزایش خواهد یافت. در اقدام سرکوبگرانه دیگر سعید مدنی چهره شناخته شده حقوق اجتماعی را به دهسال تبعید به بند عباس محکوم کردند. بازبرپایه خبر دریافتی خانم شهناز سگوند همسر علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکا ی کارگران نیشکر هفت تپه در تاریخ ۲۸ خرداد در شعبه سیزده دادگاه تجدید نظر خوزستان در اهواز محاکمه شد. اتهام شهناز سگوند گرفتن عکس از همسرش در هنگام انتقال از زندان دزفول به پزشکی قانونی جهت معاینه بود؛ در آن زمان مامورین هنگام انتقال علی نجاتی به پزشکی قانونی به دست و پای وی دست بند و پا بند زده بودند...

نهادهای همبستگی برپایه اخبار فوق، ضمن محکوم نمودن این اعمال ضد انسانی حاکمیت سرمایه داری اسلامی در ایران، از تمامی فعالین مدافع حقوق کارگران، نهادها و تشکیلات مدافع حقوق کارگران می خواهیم در مقطع کنونی و برای توضیح وضعیت اعلام شده، اعتراضات گسترده ای را به اشکال مختلف سازماندهی نمایند و در این راستا از روابط و کمک های بین المللی خود برای افشاء وضعیت موجود و آزادی بی قید شرط همه زندانیان کارگرو زندانیان سیاسی بهره گیریم .

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید!
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۹۲ برابر با ۲۱ ژوئن ۲۰۱۳

جمهوری اسلامی قاتل افشین اسانلو است،

یاد او را گرامی میداریم

افشین اسانلو راننده اتوبوس بین شهری و فعال شناخته شده کارگری که از پائیز ۸۹ در زندان به سر میبرد، روز ۳۱ خرداد در سن ۴۲ سالگی بدلیل ایست قلبی در زندان رجائی شهر جان سپرد.

مامورین وزارت اطلاعات افشین را در پائیز سال ۸۹ دزدیدند و او را در بند ۲۰۹ زندان اوین چندین ماه شکنجه کردند، دندان‌ها و دنده‌هایش را شکستند و در دادگاهی چند دقیقه‌ای بدون هیچ وکیلی به پنج سال زندان محکوم کردند. او بارها در مورد وضعیت جسمانی خود هشدار داده بود اما زندانبانان رژیم کمترین توجهی به هشدار او نکردند و سرانجام افشین جان خود را از دست داد. در اینکه جمهوری اسلامی مسئول مسقیم مرگ افشین است کوچکترین تردیدی نباید داشت.

مرگ ستار بهشتی در زندان جمهوری اسلامی را همگان به یاد دارند. کمبود امکانات در زندان‌ها، عدم رسیدگی به بهداشت و درمان و تغذیه زندانبانان، در کنار شکنجه زندانبانان و اذیت و آزار خانواده‌های آنها و نگرانی زندانبانان از وضعیت زندگی کودکان و همسرانشان، از جمله عوامل بیماری‌های جسمی و روحی بسیاری از زندانبانان است و سیستم قضائی جمهوری اسلامی از معالجه زندانبانان که بعضاً به بیماری‌های جدی مبتلا هستند جلوگیری میکند. مرگ افشین عزیز، یک هشدار جدی است و یکبار دیگر بر ضرورت تشدید مبارزه برای آزادی کلیه زندانبانان سیاسی تاکید میکند.

جانباختن افشین عزیز را به همسر و دو پسرش، به مادرش و به برادرش منصور اسانلو و به سایر اعضای خانواده و دوستان و همکارانش صمیمانه تسلیت میگوئیم و جمهوری اسلامی را قویا محکوم میکنیم. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند. این تنها راه نجات مردم از شر همه محرومیت‌ها و بیحقوقی‌ها است. حزب کمونیست کارگری، کارگران شرکت واحد، کارگران سایر مراکز کارگری و تمامی مردم آزادیخواه را به اعتراض به مرگ افشین اسانلو و تشدید مبارزه برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران زندانی و کلیه زندانبانان سیاسی فرامیخواند. حزب از سازمانهای کارگری و ----نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان میخواهد که ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی، با تمام قوا این حکومت را برای آزادی زندانبانان سیاسی تحت فشار قرار دهند.

یاد افشین اسانلو گرامی باد!

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ تیرماه ۱۳۹۲، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳

جمهوری اسلامی مسئول مرگ افشین اسانلوست

logo زندانبانان سیاسی در ایران به ویژه فعالان کارگری اسیر در زندان‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی زیر فشارهای متعددی قرار دارند. شرایط وخیم تغذیه، بهداشت و درمان، این زندانبانان را با بیماری‌های مختلف رو به رو ساخته است. علاوه بر این، زندانبانان رژیم عامدانه از اعزام به موقع زندانبانان برای مداوا نیز خودداری می‌کنند تا فشار به زندانبانان سیاسی را افزایش دهند. همین مسئله توأم با شکنجه‌های جسمی و روحی دیگری که زندانبانان با آنها مواجه هستند، تا کنون منجر به مرگ چندین تن از زندانبانان سیاسی در سال‌های اخیر شده که اغلب در اثر سکته جان خود را از دست داده‌اند. پس از قتل ستار بهشتی زیر شکنجه، خبر مرگ افشین اسانلو از فعالین سندیکائی انتشار یافته که گفته می‌شود در اثر سکته قلبی در زندان گوهر دشت جان باخته است. وی در سال ۸۸ به ۵ سال زندان محکوم شد و در حالی که چند ماهی به پایان دوره محکومیت وی باقی مانده بود، روز پنجشنبه ۳۰ خرداد دچار سکته قلبی شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت.

این یک مرگ طبیعی نیست، بلکه قتلی است که زیر فشارهای جسمی و روحی صورت گرفته و متهم آن نیز رژیم حاکم بر ایران است که زندانبانان سیاسی را در وخیم‌ترین شرایط به بند کشیده است.

هم اکنون تعدادی از کارگران و فعالان جنبش کارگری اسیر در زندان‌های جمهوری اسلامی از جمله رضا شهبابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیمزاده در وضعیت وخیم جسمانی قرار دارند و نیاز به مداوا در خارج از زندان دارند، اما جمهوری اسلامی همچنان آنها را در زندان نگاه داشته و مانع از مداوای آنهاست. هدف رژیم از این وحشیگری‌ها تشدید فشار برای به تسلیم واداشتن فعالان کارگری یا مرگ تدریجی در زندان است. اما فعالان کارگری با ایستادگی و مقاومت خود به رغم تمام فشارها و تحمل بیماری‌های شدید، نشان داده‌اند که تسایم زورگوئی رژیم نمی شوند.

جمهوری اسلامی هرگز نمی‌تواند با زندان، شکنجه، قتل و اعدام، مانع از ادامه مبارزه کارگران و فعالین کارگری و کمونیست برای تحقق مطالبات، اهداف و آرمان‌های انسانی‌شان گردد. توقفی بر این مبارزه نخواهد بود.

سازمان فدائیان(اقلیت) جمهوری اسلامی را مسبب مرگ افشین اسانلو می‌داند و فشارهای رژیم را بر فعالین کارگری زندانی که منجر به بیماری و مرگ آنها شده است، محکوم می‌کند. سازمان فدائیان(اقلیت) خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط فعالان کارگری و کلیه زندانیان سیاسی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)
اول تیر ماه ۱۳۹۲

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی علیه قتل افشین اسانلو توسط دولت هار اسلامی بورژوازی اعتراض کنید

افشین اسانلو از فعالین سندیکالیست جنبش کارگری ایران و برادر منصور اسانلو رئیس سابق سندیکای شرکت واحد پس از مدت ها اسارت و تحمل تمامی شکنجه ها و آزارها، در سیاهچال های مرگ جمهوری اسلامی سرمایه جان خود را از دست داده است. رژیم درنده بورژوازی دلیل مرگ وی را سخته قلبی اعلام کرده است. اینکه او سخته کرده است یا سراسر دست جلادان تبهکار اسلامی سرمایه کشته شده است، دقیقاً نمی دانیم، اما یک چیز را بسیار خوب و دقیق می دانیم. سخته در شکنجه گاه، در زیر مهمیز فشار و قهر و سیبعت دژخیمان دولت سرمایه داری، در ضد انسانی ترین و شریرانه ترین و بربرمنشانه ترین شرائطی که رژیم بر زندانیان کارگر تحمیل می کند، در سیاهی زار محرومیت از هر نوع دارو و دکتر و درمان، فقط و فقط یک معنی دارد. اینکه افشین اسانلو به دست عماله و اکره دژخیم و زندانبان جمهوری اسلامی به قتل رسیده است. تمامی گزارش ها از زندان ها، از سیاهچال های محل اسارت و شکنجه فعالین کارگری، از دیرباز تا امروز حکایت از این دارد که حاکمان دژخیم سرمایه با تمامی ساز و کارهای لازم دست به کار نابودی زندانیان کارگر و اعلام قتل آن ها زیر عناوین مجعولی مانند سخته یا این و آن بیماری دیگر هستند. ما توحش جنون آمیز جمهوری اسلامی علیه کارگران اسیر، کشتار کارگران توسط دژخیمان زندانبان، از جمله قتل افشین اسانلو کارگر زندانی را با تمامی خشم و قهر و نفرت ضد سرمایه داری خویش قویاً محکوم می کنیم. همزمان از همه کارگران دنیا می خواهیم که در اعتراض به این جنایت و درندگی رژیم اسلامی سرمایه اعتراض کنند.

فعالین جنبش لغو کار مزدی
ژوئن ۲۰۱۳

اعتراض و شکایت مردم به سه روحانی کلاه بردار

بر پایه بر انتشار پیدا کردن در سایت ایران کارگر آمده است : صبح روز شنبه اول تیر ماه 92 تعداد دویست نفر از اهالی زینبیه اصفهان با دردست داشتن مدارک و شکایت نامه هایی به پاسگاه مراجعه کردند تا از سه روحانی که مدیران یک قرض الحسنه محلی بودند شکایت کنند. این سه روحانی یک سال پیش با برگزاری جلساتی در مساجد محل مردم را تشویق نمودند تا یک قرض الحسنه محلی تاسیس کنند و از مزایای آن بهره مند شوند

مردمی که اکثراً کارگر و افرادی باز نشسته بودند اسیر حیلۀ این افراد شدند و با ثبت یک موسسه مالی و سپردن مدیریت آن به این آخوند ها امید داشتند به نوبت وام های چند میلیونی دریافت نمایند پس از آنکه یک سرمایه اولیه شکل گرفت با استفاده از نفوذ آقایان یک وام یک میلیاردی به موسسه پرداخت شد تا در ساخت یک کارخانه تولید لبنیات مشارکت شود اما اواخر هفته گذشته کاشف به عمل آمد که تمام سرمایه از حساب بانکی که صاحبان امضا آن همان سه آخوند معتمد محل بودند خارج شده و به همراه سرمایه اولیه مردم ناپدید شده است

افراد شاکی که با شناختی که از این آخوند های کلاه بردار داشتند و با عملکردی که از پلیس سراغ دارند هیچ امیدی به بازگشت پول خود ندارند و نکته جالب آنکه هر کدام از افراد سهامدار به نسبتی خاص برای دریافت وام ضمانت داده اند و اکنون به جز پول خودشان که از دست رفته باید وام را هم تسویه کنند

احضار غالب حسینی فعال کارگری به دادگاه

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 1 تیر 92 آمده است : امروز شنبه 1 تیر، غالب حسینی فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری احضاریه ای برای حضور در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج در تاریخ 92/4/8 دریافت نموده است. اتهام وارده به این فعال کارگری اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی اعلام شده است.

غالب حسینی در تاریخ 28 اسفند 92 در محل کارش دستگیر شده بود که بعد از طی 56 روز حبس در بازداشتگاه اطلاعات در تاریخ 92/12/23 با قرار وثیقه 150 میلیون تومانی آزاد گردید. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن احضار غالب حسینی به دادگاه و اتهامات واهی به وی، خواهان رفع اتهام از این فعال کارگری و همچنین آزادی فوری و بی قید شرط سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اخراج 110 کارگر سد خاکی زاوه

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 1 تیر 92 آمده است : رسیده کارفرمای سد خاکی زاوه 110 نفر از کارگران شاغل در این پروژه را اخراج کرده است. در این پروژه بیش از 300 کارگر مشغول به کار بودند که چند ماه است که حقوق خویش را نیز دریافت نکرده اند. سد خاکی زاوه در 20 کیلومتری سنندج در جاده کامیاران قرار دارد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان:
کارگران زن در کارگاه های کوچک قدرت چانه زنی کمتری دارند

به گزارش خیرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول تیر 92 آمده است : عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: در کارگاه‌های کوچک کارگران زن در مقایسه با همکاران مرد خود از قدرت چانه زنی کمتری برخوردارند و نمی‌توانند هم‌اندازه مردان مطالبات قانونی خود را دریافت کنند.

«حمید بهراد» با اعلام این به ایلنا گفت: هرچند در این کارگاه‌ها زنان مجبور به انجام کارهای مردانه نیستند، اما شغل آنها در نوع خود سخت و طاقت فرساست. به عنوان مثال کارگران زنی که در کارگاه‌های خیاطی مشغول کار هستند روزانه هشت تا 14 ساعت بدون وقفه مشغول کار هستند.

این عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان ادامه داد: با این حال کارگران زن نه تنها مانند کارگران مرد مزد نمی‌گیرند بلکه ممکن است در صورت مادر شدن از همه حقوق ویژه‌ای که به آنها تعلق می‌گیرد نیز برخوردار نشوند. وی در خصوص وضعیت بیمه این کارگران گفت: خوشبختانه در سالهای اخیر با سطح فرهنگ عمومی در خصوص مزایای حمایت‌های بیمه‌ای افزایش یافته است.

بهراد گفت: به همین هم دیگر کارگران بر بیمه شدن خود تاکید دارند و هم کارفرمایان دیگر مانند گذشته در برابر این درخواست کارگران مقاومت نمی‌کنند. این مقام کارگری گفت: با این حال چنانچه در واحدهای تولیدی بازرسی دقیقتری صورت بگیرد امکان احجاف کمتری در خصوص پرداخت مطالبات کارگران زن وجود دارد.

پایان پیام

مرگ 3 کارگر بر اثر برق گرفتگی با دکل برق فشار قوی در تربت حیدریه

به گزارش واحد مرکزی خبر، در تاریخ اول تیر 92 آمده است : دکل برق فشار قوی جان سه کارگر را در روستای مورشک تربت حیدریه گرفت. براساس این گزارش، فرمانده نیروی انتظامی امروز گفت : این حادثه زمانی رخ داد که 3 کارگر 24 ساله ، 27 ساله و 40 ساله برای خارج کردن لوازم حفاری از داخل چاه مجاور دکل فشار قوی از جرثقیل استفاده کردند. سرهنگ شاه‌رخی افزود : نزدیک شدن سر دکل جرثقیل به کابل های فشار قوی برق و ایجاد میدان مغناطیسی قوی سبب شد این سه کارگر بر اثر برق گرفتگی و سوختگی شدید در دم جان بسپارند. وی گفت : در این حادثه یک کودک 12 ساله که در محل حادثه حضور داشت به سبب قرار داشتن روی یک چهار پایه چوبی از مرگ حتمی نجات یافت. روستای مورشک در 5 کیلومتری شهر تربت حیدریه قرار دارد.

آخرین تصویر ثبت شده از افشین اسانلو پیش از درگذشت در زندان رجایی شهر

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: آخرین تصویر ثبت شده از افشین اسانلو، زندانی سیاسی بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) افشین اسانلو در حالی به علت بی توجهی مسئولان زندان به وضعیت پزشکی و سلامت زندانیان روز گذشته جان خود را از دست داد که تنها هشت ماه تا پایان محکومیت اش باقی مانده بود .

با روند رو به وخامت رسیدگی های پزشکی و بهداشتی، و همچنین کارشکنی در درمان زندانیان سیاسی در شکنجه گاه رجایی شهر کرج و همچنین وضعیت به شدت اسفبار غذایی در این زندان که تا به حال منجر به مرگ خاموش بسیاری از زندانیان سیاسی و امنیتی این زندان گردیده است، وقوع فجایعی از این دست، همانگونه که طی ماه های گذشته به کرات شاهد آن بودیم، چندان دور از ذهن نبوده و با تداوم این روند و اعمال محدودیت های غیرانسانی بر علیه زندانیان سیاسی به طور یقین شاهد وقایع دردناک بیشتری در این زندان خواهیم بود .

نامه زیرآقای منصوراسانلو درمورد زنده یاد افشین اسانلوست که به تازگی انتشار یافته است:

برپایه مطلب دریافتی آمده است : « افشین برادرم بود .کوچکترین برادر . بعد از در گذشت پدرم طبیعی بود که روند معمولی زندگی ما برهم بخورد . با شرایطی هم که در جامعه پدید آمده بود . همه ما بایستی کار می کردیم تا زندگی بگذرد . افشین هم به ناچار وارد بازار کار وجامعه کارگری شد . ت ...اسال 1381که در شرکت واحد شاغل شد. در مشاغل و کارهای مختلف کارگری کرد . در شرکت واحد راننده خط وسپس راننده واحد گشت شد . بعد از آنکه در ان ایام فعالیت های سندیکایی ما در شرکت واحد گسترده تر شد، او و تعدادی از رانندگان وکارگران را به علت آنکه قراردادی بودند بعداز اتمام تاریخ قرار داد اخراج کردند .بعداز ان برای گذران زندگی دوباره به کار در مشاغل مختلف پرداخت . از جمله برای رانندگی به ترمینال های مسافربری بین شهری مراجعه میکرد وبه عنوان راننده کمکی مشغول به کار میشد . کاری بدون پشتوانه و امنیت شغلی و جانی . گاهی هم با کامیون وتریلی رانندگی میکرد . در خاطرات ویادداشت هایی که نوشته است گوشه هایی از شرایط سخت وظالمانه کار در جاده ها وبرخورد های کارفرماها را به خوبی بیان کرده است . در همان دوران با ملاحظه تلاش های ما برای تشکیل وپیشبرد امر سندیکای کارگران شرکت واحد وملاحظه علاقه مندی وحضور کارگران شرکت واحد در جلسات سندیکایی نسبت به تلاش برای تشکیل سندیکای رانندگان جاده ای آغاز به فعالیت نمود . و آ آموزش ها وتجربیات وکتب مربوط به دانستنی های سندیکایی را دقیق تر از قبل مطالعه می کرد وانها را به میان همکاران جاده ای اش میبرد . گاهی اطلاعیی های سندیکایی را هم به دست همکاران وهم دردان در ترمینال ها وپایانه ها می رساند . بعد از افتتاح مجدد سندیکا در خیابان ابوریحان که با همکاری یکی از وکلای برجسته ومردمی که خود سالها طعم تلخ وگس زندان را کشیده بود . روزانه در ان دفتر حضور می یافت وامور سندیکایی محوله را به پیش می برد ،همکاری تنگاتنگی که کاملاً راز دارانه انجام میشد که موجب دستگیری زود رس نشود . طی این مدت خیلی گسترده تر با رانندگان ترمینالها ارتباط داشت ودر بین انها بیانیی های آموزشی سندیکایی را نشر می داد . بعد از دستگیری من در 19تیر 1386 وبستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده وباز گشایی شده بود ، افشین نیز دوباره به جاده وبیابان باز گشت . حدود سه سال پیش که من در زندان بودم ،اورا در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند وبه اطلاعات شهر ری می برند وبا هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند 209 اوین می برند وتحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند . تا از او برعلیه سندیکا وفعالیت های سندیکایی اقرار بگیرند . اقرارهایی دال بر همکاری سندیکا با گروه های سیاسی واقدامات غیر قانونی وحتا تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی وچون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشارهای سخت تری قرار می گیرد»

**متن نامه افشین اسانلو به اتحادیه های کارگری
کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است.**

من افشین اسانلو از فعالین جنبش کارگری ایران و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری هستم و هم اکنون در زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر) بسر میبرم . در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سوله‌های انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجوی و شکنجه قرار گرفتم. ,, شکنجه های نظیر زدن کابل به کف پا , وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده , بازجوییهای طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعته, فحشهای رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده ها و همینطور دندانهایم شد, در طی این پنج ماه خانواده ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیریهایشان هم به جایی نرسید به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنجکشیده که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکاى شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید را هم ندادند .

من متاهل و دارای دو فرزند پسر میباشم و همان آغاز تشکیل خانواده به مدت ۲ سال در قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا سپاه مشغول به کار شدم و به عنوان راننده ماشین الات سنگین در شهرستانهای محروم و جنگزده در جنوب کشور در پروژه های مهم از قبیل ساخت خط خاکی کرخه و اسکله سنگی بندر ماهشهر, کانال کنشی آب از سد کرخه تا حمیده اهواز کار کردم. عشق به وطن باعث میشد که دوری از خانواده را تحمل کنم و به هیچ بگیرم. بعد از دو سال با تمام راننده گانی که استخدامیشان قراردادی و موقت بود تسویه حساب کردند و همه ما بیکار شدیم, در سال ۱۳۷۶ به استخدام شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در آمدم , در شلوغترین خطوط اتوبوسرانی به صورت ۱۲ ساعت در روز و یا در خطوط شبانه روزی با تمایل و درخواست خودم مشغول خدمت رسانی به مردم کشورم شدم, در مدت ۴ سالی که در شرکت واحد بودم همواره به همراه کارگران و رانندگان صديق و با سابقه در کنار کار روزانه به جهت بهبود شرایط کار و کارآمد تر شدن سیستم مدیریتی و جلوگیری از فساد خیلی از مدیران و مسولین بخشها و مناطق مختلف به شرکت و حتی خود نمایندگان شورای اسلامی کار و پیگیری معوقه های عیدی و پاداش و بن های کارگری , لباس کار و یا قرارگرفتن شرکت جزو مشاغل سخت و زیان آور و از بین بردن قراردادهای موقت , که در بعضی از موارد به ۴ الي ۵ سال هم میرسید تلاش میکردم . باینکه در خیلی موارد موفق هم نمیشدیم ولی خاری بودیم در چشم زیاده خواهان, آنها تلاش میکردند به هر نحوی که شده ما را از میدان بدر کنند. ما دائما از سوی مدیریت و مامورانشان تحت فشار و تهدید به اخراج بودیم .

متاسفانه در سال ۱۳۸۰ به هنگام جابجایی مسافر در یکی از خطوط شرکت واحد با فردی تصادف کردم که موجب فوت وی شد, در این رابطه از مدیریت شرکت طلب مساعدت و یاری جهت تودیع ديه فرد متوفی را کردم که مدیریت و مددکاری وقت آن زمان با تبنی با شرکت بیمه و خانواده متوفی به عمد باعث شدند که مبلغ ديه ۱۵ میلیون تومانی در آن زمان به هجده میلیون در سال بعد تبدیل شود که در صورت پرداخت نشدن مبلغ ۳ میلیون تومان مابالتفاوت من به زندان میافتادم و قانونا بیمه هم از پرداخت این مبلغ معاف بود .

مراجعه به اداره کار و طرح شکایت هم راه به جایی نبرد تا اینکه مدیریت شرکت واحد پرداخت این مبلغ را منوط به استعفای من کردند. و من هم که این مقدار پول را نداشتم مجبور به استعفا شدن که این امر باعث به هدر رفتن چهار سال سابقه کاریم شد و من میبایست پس از ۴ سال کار سخت و طاقت فرسا از صفر شروع میکردم. انها به این وسیله لطمه بزرگی به من و خانواده ام وارد آوردند و تا مدتها همسرم که در آنزمان باردار هم بود به بیماری عصبی مبتلا شد. از آن زمان به بعد تا لحظه دستگیری در بخش حمل و نقل برون شهری مشغول به کار شدم خصوصی بودن مالکیت این ناوگان عظیم و دیر بودن پیش از پیش رانندگان از سهم و نداشتن اتحادیه قوی و مستقل مانند بسیاری از رانندگان زحمتکش و باشرف به سختی چرخه زندگی را میچرخانم و با مشکلات بیشماری روبرو بودند و خالبا با گفتگو و همفکری با دیگر رانگان در پی بهتر شدن

شرایط کار و زندگیمان بودیم. در زندگی همواره در چهارچون قانون و احترام به ان زندگی کرده ام، قانع بوده و به کارم افتخار میکردم سعی کردم همواره به دیگران احترام بگذارم و به وطن و مردم عشق بورزم و تمام عمر در حال کار و خدمت به جامعه ام باشم و فرزندانم را خوب و مفید تربیت کنم .

بعد از حدود یکسال بلاتکلیفی در بندهای ۲۰۹ و ۲۵۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام اقدام علیه امنیت محاکمه شدم در پروسه دادرسی ازداشتن وکیل محروم بودم و دادگاهی این جانب ظرف چند دقیقه اینجانب انجام گرفت و بعد از يك هفته حکم ۵ سال حبس تعزیری به من ابلاغ شد من به حکم صادره اعتراض نمودم اما هیچگاه به من و خانواده ام در خصوص بررسی پرونده ام در دادگاه تجدید نظر و کم و کیف ان اطلاعی داده نشد. من به اتهام واهی و بی پایه و اساسی به ۵ سال زندان محکوم شدم که دقیقا ۲ سال ان را گذرانده ام مگر من چه اقدامی علیه امنیت کشور انجام داده ام؟ اینجانب نه فعالیت سیاسی میکردم ام و نه وابسته به گروه حزب و سازمانی بوده ام و تمامی فعالیت اینجانب نیز قانونی و صنفی بوده است. تنها گناه من پیگیری خواسته های به حقی است که کارگران شرکت واحد به ان واقف شده و ان را مطالبه میکنند که با دستگیری و زندانی آنها این خواسته ها از بین نمیرود. ضرورتهایی مانند به وجود آمدن يك نهاد صنفی مستقل کارگری جهت احقاق حقوق حقه و قانونی طبق موازین وزارت کار در جهت تامین امنیت شغلی , بهبود دستمزدها متناسب با میزان تورم جلوگیری از پرداخت سلیقه ای حقوق و مزایا , عقد قراردادهای دائم بین کارگر و کارفرما , پایبند کردن دولت در کمک و تسهیل پرداخت بیمه تامین اجتماعی, نظارت در تعاونیهای حمل و نقل که دیگر کاملا خصوصی شده و انحصاری بهره برداری میشود و تنها نام تعاونی را يدک میکشند, غیر قابل انکار میباشد. همچنین نظارت در پیگیری اعمال پلیس, راهها و نیروی انتظامی در وزارت راه و ترابری و مسائل صنفی از این دست که طبق موازین قانون کار بوده و اگر اجرایی شود نه تنها امنیت ملی به خطر نمیافتد بلکه سبب رشد و بهره وری هر چه بیشتر این صنعت سود ده و ملی میشود, تمام جرم من و امثال من خلاصه شده در واگویی این مسایل و معضلات و مطرح شدن ان در بین رانندگان و کارگران و حتی بعضی مدیران هوشمند و لایق ناوگان حمل و نقل کسانی که به واقع گوشه ای از چرخ صنعت این مملکت را دلسوزانه بدوش گرفته و میچرخانند. این جانث با شرح مطالب گفته شده از فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل(آ تی اف) و سازمان جهانی کار (آ ال او) که همواره دلسوزانه و برادرانه دردها و رنجهای برادران خود را در سراسر دنیا شنیده و درک کرده و همیاری میکنند میخواهم که وضعیت نابسامان ما کارگران بخش حمل و نقل و همینطور صدور چنین حکم ناعادلانه ای برای من و اجرایی کردن آن که تاکنون به ناحق و غیر قانونی است را از طریق نهادهای بین المللی و حقوق بشری پیگیری کرده و به گوش دیگر کارگران جهان به خصوص بخش حمل و نقل برسانند تا جهانیان بدانند که در کشور ما به هیچ وجه حقوق اساسی و انسانی ما کارگران و زحمتکشان رعایت نمیشود و کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است

با آرزوی فردای بهتر برای همه

افشین اسانلو- ۷ آگوست ۲۰۱۲

**اطلاعیه اتحاد بین المللی در مورد جان باختن افشین اسانلو
جمهوری اسلامی ایران قاتل افشین اسانلو است!**

کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی فوری و بی قید و شرط آزاد باید گردند

بنا به خبر رسانی خانواده اسانلو و طبق گزارشهای موجود، افشین اسانلو، کارگر در بند و زندانی سیاسی، روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲، بر اثر سکته قلبی در زندان رجایی شهر به بیمارستان انتقال و در آنجا جان خود را از دست می دهد. جزییات دقیق مرگ افشین اسانلو هنوز روشن نشده است.

این اولین بار نیست که در زندان رجایی شهر، که بنا به اظهارات و گفته های زندانیان از شرایط بسیار ضد انسانی برخوردار است، زندانیان به ناراحتی های سخت جسمی و روحی دچار شده و برخی از آنان جان باخته اند. افشین اسانلو که از فعالین ایجاد سندیکای رانندگان برون شهری بود به اتهام "اجتماع و تبانی" توسط قاضی صلواتی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود و در غیر انسانی ترین شرایط این دوران را میگذراند.

شکی نباید داشت که قاضی صلواتی، مسئولین زندان رجایی شهر و کلیت حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران مسئولین و مسببین حقیقی و حقوقی جان باختن افشین اسانلو هستند. اتحاد بین المللی ضمن همدردی با خانواده اسانلو مراتب تاسف عمیق و انزجار شدید خود از جان باختن نابهنگام افشین اسانلو در اسارتگاههای جمهوری اسلامی ایران را اعلام میکند و در شکایت و اعتراض علیه مسببین این فجایع خود را در کنار آنان و نهادها و فعالین کارگری دانسته و در بین المللی کردن صدای این اعتراض تمام تلاش خود را بکار خواهد برد. اتحاد بین المللی بار دیگر جنبش کارگری ایران و جهان و تمامی نهادها و سازمانها و احزاب کارگری و مدافعین حقوق انسانی را به گسترش اعتراضات و فشار جهانی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران دربند و زندانیان سیاسی در سراسر ایران فرا می خواند. در راستای تحقق این مهم از هیچ کوشش و تلاشی فروگزاری نکنیم.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۲۲ جون ۲۰۱۳

جان باختن 52 نفر از کارگران معادن طی سال 1389 بر اثر حوادث کاری

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 2 پر 92 آمده است : تعداد کارگران حادثه دیده در معادن 863 نفر طی سال 1389 بوده که بیشترین آنها مربوط به استان های کرمان و مازندران است. حدود 16.4 درصد این حوادث منجر به فوت یا قطع عضویت و معلولیت شده است.

52 نفر از کارگران معادن طی سال 1389 بر اثر حوادث کاری جان باختند.

به گزارش 2 تیرمهر، سید نعمت ا... میرفلاح نصیری از انتشار نشریه "وضعیت بهداشت و ایمنی معادن در حال بهره برداری کشور" خبر داد. رئیس مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اظهار داشت: مرکز آمار ایران طرح آمارگیری از معادن در حال بهره برداری کشور را سالانه و به منظور شناخت این بخش و همچنین بررسی وضعیت تعداد شاغلین، وضعیت بهداشت، ایمنی و حوادث ناشی از کار، تعداد افراد حادثه دیده، نوع حادثه و ... به اجرا می گذارد.

رئیس مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه ادامه داد: نتایج آمارگیری سال 1390 نشان می دهد که در سال 1389، تعداد 4 هزار و 974 معدن (به جز معادن نفت و گاز، مواد رادیواکتیو و خاک رس) کشور در حال بهره برداری بوده اند و مجموعاً 81 هزار و 293 نفر در آن سال در معادن به کار اشتغال داشته اند.

رئیس مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاطر نشان کرد: براساس نتایج حاصل، در کشور 604 معدن دارای واحد بهداشت، ایمنی و محیط زیست بوده است.

میرفلاح نصیری بیان داشت: به علاوه در 366 معدن در حال بهره برداری موضوع این طرح، 881 حادثه اتفاق افتاده که علت عمده این حوادث "تصادف و برخورد با اجسام در حال حرکت" بوده است.

وی تصریح کرد: بیشترین حوادث در استان های یزد و کرمان رخ داده است. با این حال، تعداد افراد حادثه دیده در معادن 863 نفر طی سال 1389 بوده که بیشترین آنها مربوط به استان های کرمان و مازندران است.

میرفلاح نصیری گفت: نتایج این طرح نشان می دهد 52 نفر از شاغلان حادثه دیده دچار فوت شده اند. در همین راستا حدود 16.4 درصد این حوادث منجر به فوت یا قطع عضویت و معلولیت شده است. به عبارت دیگر نرخ فوت ناشی از حوادث کار در جامعه مشمول این طرح کمی بیش از 6 در 10 هزارشاغل است.

اعلام مراتب تسلیت به خانواده اسانلو ، رهبران و جامعه کارگری

برپایه خبر رسیده آمده است : به افشین اسانلو را کشتند ! این را باید باصدای بلند اعلام کرد و خسته هم نشد ! سایت خبری جنبش خرداد :خبر مرگ غریبانه افشین اسانلو ، برادر منصور اسانلو ، زندانی سیاسی و فعال کارگری، در بیمارستان رجایی شهر کرج بر اثر حمله قلبی ، خبری تکانه دهنده و تاسف بار برای جامعه کارگری ، همه مردمان متمدنی ، آزادیخواه و عدالت طلب بود . افشین در زندانی مرد ، که اسفناک و مخوف بودن آن ورد زبان عام و خاص بود . این اولین بار نیست که جوانان ما ، زنان و مردان ما ، زندانیان سیاسی ایران در زندانهای رژیم اسلامی بدلائل بیماری های مزمن ، ولی قابل علاج در بیرون و نیز شرایط روحی و روانی وخیم ناشی از شرایط زندان ، مرگ بسراغشان می آید . مرگی اینچنین معلوم است که اجتناب پذیر بوده و می باشد . بنابراین دقیقا و به همین اعتبار باید انگشت اشاره را مستقیما بسوی حکومت اسلامی نشانه گرفت و فریاد برآورد : مسئولیت همه این مرگها مستقیما برعهده همین حکومت اسلامی اصلاح ناپذیر است.

مرگ افشین اسانلو همچنین بار دیگر نشان می دهد که تا به چه میزان فراگیر کردن شعار « آزادی زندانیان سیاسی ، « همه زندانیان سیاسی ، در شرایط کنونی مهم است . محوری که باید در الویت اصلی اقدامات توده ای در روزها و ماههای آتی قرار گیرد . اگر قرار است پای « تدبیر « ی در میان باشد ، اگر قرار است دروازه های « امید « را بگشائیم ، اگر قرار است « گزایندها « را فلج کنیم و نیز اگر قرارهای دیگری هم داریم ، یادمان باشد که در قدم اول باید جوانهایمان ، خواهران ، برادران مان ، مادران و پدرانمان را از چنگال جانیان حاکم بیرون بکشیم.

این « تدبیر « ها و تحقق بخشیدن به « امید « ها ، تنها کار اکثریت توده های کار و زحمت و همه آنانی است که به آزادی و عدالت اجتماعی اعتقاد دارند و لاغیر . بدینوسیله مراتب تسلیت عمیق خود را به خانواده اسانلو ، بویژه منصور اسانلو ، جامعه کارگری آگاه و مبارز و همه نیروهای متمدنی و آزادیخواه و عدالت طلب ایران اعلام می داریم.

افزایش قیمت دارو در عرض یک روز

برپایه خبر سایت ایران کارگرم آمده است : دعوا در داروخانه بخاطر افزایش قیمت يك دارو در عرض يك روز در داروخانه شهرک « شهید باهنر» در شیراز بین یکی از مراجعین و مسئول داروخانه جر و بحث و دعوا صورت گرفته بود. علت این بود که مراجعه کننده که برای خرید يك دارو آمده بود، متوجه شده بود که همان دارویی که روز قبل خریده بود، باید با قیمت بسیار بیشتری خریداری کند. این موضوع باعث مشاجره بین صاحب داروخانه و خریدار دارو شده بود. گرانی سرسام آور و تصاعدي دارو یکی دیگر از ارمغان هایی است که رژیم آخوندي برای مردم ایران آورده است.

آسم شغلی کارگران شاغل در کارخانه ها را تهدید می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 3 تیر 92 آمده است: کارشناس بهداشت حرفه ای مرکز بهداشت بویراحمد گفت: آسم شغلی نوعی بیماری شایع در مردان شاغل در کارخانه ها بوده و بهترین راه پیشگیری از آن، استفاده از ماسک و دستکش است. برپایه این گزارش، ذبیح الله هادی بعدازظهر یکشنبه در جمع خبرنگاران افزود: آسم شغلی نوعی از آسم است که به صورت تنگی تنفس، خس خس سینه و سرفه بروز می کند. وی بیان داشت: مردان بیش از نیمی از عمر خود را در محیط کار می گذرانند و با توجه به سخت و زیان آور بودن برخی مشاغل، احتمال بروز بیماری های خطرناک در آنان نیز بیشتر است. هادی افزود: آسم شغلی در اثر تماس با محرکها و آلرژی های محیط کار ایجاد شده و بهترین راهکار برای مقابله با این بیماری، قطع تماس با ماده محرک است. وی رعایت اصول ایمنی کار، مهارت آموزی و آشنایی با قوانین محیط کار را از جمله راهکارهای حفظ سلامت شاغلان عنوان کرد. هادی افزود: استفاده از کفش های ایمنی، ماسک، کلاه، دستکش، پیشبندهای ایمنی و سایر وسایل حفاظت فردی از دیگر راهکارهای حفظ سلامت شاغلان کارخانه هاست. وی تصریح کرد: سیلیکوزیس و آزیستوزیس نیز از جمله بیماری های دیگر شایع در میان شاغلان صنایع کارخانه ای است که بیش از هر چیز دستگاه تنفسی فرد را با اختلال مواجه می کند.

مرگ افشین اسانلو لکه ننگی دیگر بر دامان جمهوری اسلامی

برپایه خبردریافتی در سوم تیر 92 آمده است: مرگ افشین اسانلو (زندانی سیاسی و فعال کارگری) لکه ننگی دیگر بر دامان جمهوری اسلامی ایران افشین اسانلو که تنها به جرم شرکت در فعالیتهای سندیکایی در زندان بسر می برد ، و به پنج سال زندان محکوم شده بود و تا هشت ماه دیگر حکم زندان او به پایان می رسید، در روز ۳۰ خرداد دچار حمله قلبی شد و پس از اینکه به بیمارستان انتقال داده شد، جان سپرد. افشین اولین زندانی سیاسی نیست که در زندان جان سپرده است و اگر متحدتر و مصمم تر برای آزادی زندانیان نکوشیم ، زندانیان دیگری هم به کام مرگ کشیده خواهند شد. شکنجه و شرایط سخت زندان تا کنون جان بسیاری از زندانیان را گرفته است. تنها طی یک سال اخیر سه تن در زندان رجایی شهر جان سپرده اند. اخیرا در نامهء ،چند تن از زندانیان سیاسی از جمله شاهرخ زمانی ، خالد حردانی، نامق محمودی، مصطفی نیلی، ناصح یوسفی، عادل نعیمی... « از مرگ تدریجی زندانیان سیاسی در گورستان زندگان رجایی شهر » نوشته بودند. وقیتر هم در نامه دیگر شاهرخ زمانی از شرایط سخت زندان رجایی شهر نوشته بود وهم چنین از مرگ یاران خود در زندان ، و در باره مرگهای آینده هشدار داده بود.. انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران (پاریس) همدردی خود را با خانواده و نزدیکان افشین اسانلو اعلام می دارد و این غم گران را به آنان تسلیت می گوید. جنایتکاران بدانند که دیر و یا زود باید پاسخگوی تمامی جنایات و مرگهای خاموش و مشکوک زندانیان باشند. انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران (پاریس)

افشین اسانلو ، نامه از زندان

به مدت پنج ماه در سلولهای انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتم. شکنجه هایی نظیر زدن کابل به کف پا، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده، بازجویی های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعت، به مدت پنج ماه

در سلولهای انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتیم. شکنجه‌هایی نظیر زدن کابل به کف پا، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده، بازجویی‌های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعت، افشین اسانلو در مردادماه سال ۱۳۹۱ (اوت ۲۰۱۲) از زندان رجایی شهر نامه ای به بیرون زندان فرستاد و در آن خود را «فعال جنبش کارگری و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری» معرفی کرد که در زندان گوهر دشت کرج به سر می برد. او در این نامه درباره چگونگی دستگیرشدن و رفتار مأموران نوشته بود: «در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سلولهای انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفتیم. شکنجه‌هایی نظیر زدن کابل به کف پا، وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده، بازجویی‌های طولانی مدت به مدت هفده - هجده ساعت، فحش‌های رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده‌ها و همین‌طور دندانهایم شد. در طی این پنج ماه خانواده‌ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیری‌هایشان هم به جایی نرسید. به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنج کشیده‌ام را - که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید - ندادند» این راننده ماشین آلات سنگین که اندکی پس از ازدواج به مدت دو سال دور از خانواده در شهرهای محروم و جنگ زده برای اجرای پروژه‌های سازندگی مانند اسکله سنگی بندر ماهشهر و کانال کشی از سد کرخه تا اهواز و غیره در قرارگاه خاتم الانبیای سپاه کار کرده بود، پس از فسخ قراردادش به دلیل قراردادی بودن، به شرکت واحد اتوبوس رانی می پیوندد و پس از چهار سال تحت فشار وادار به استعفا شده به بخش حمل و نقل بین شهری می پیوندد.

افشین اسانلو را نیز کشتند! / شاهرخ زمانی و خالد حردانی از زندان گوهردشت و محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز

بر پایه خبردریافتی در تاریخ سوم تیر 92 آمده است : افشین اسانلو راننده پایه یک شرکت واحد تهران و ناوگان مسافر بری بین شهری و فعال کارگری، که حدود سه سال زندانی بوده است، او را مانند بسیاری از زندانیان سیاسی به جرم اتهام نکرده طی پرونده سازی های دروغین با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» که یکی از شاه بیت های پرونده سازی و اتهام زنی علیه فعالان کارگری و سیاسی است، دستگیر ، شکنجه ، «محاومه» و زندانی کردند، افشین 30/ 1392/3 توسط عوامل جمهوری اسلامی وطی روندی از پیش طراحی شده و سیستماتیک حذف فیزیکی زندانیان کارگری و سیاسی کشته شد. به فرض محال ، اگر عوامل جمهوری اسلامی حقیقت را گفته باشند و افشین بر اثر سکت قلبی مرده باشد باز بدون شک مقصر و عامل اصلی جمهوری اسلامی است، که با ایجاد عمدی شرایط نامناسب و ضد انسانی به صورت سیستماتیک تلاش می کند تا فعالان سیاسی و کارگر ، زنده یا حداقل سالم از زندان خارج نشوند، برای اثبات این ادعا بررسی سلامت و وضعیت جسمی کارگران زندانی مانند محمد جراحی، مهدی شاندیز ، رضا شهبابی ، رسول بداعی ، بهنام ابراهیم زاده ... یا علی نجاتی ، محمود صالحی و... کافی است که همه ی آنها بر اثر فشار ، انواع شکنجه ، شرایط نامناسب نگهداری ، غذا و بهداشت نامناسب در زندانها ، دچار بیماری‌های گوناگون شده اند، مسئول مستقیم کشته شدن سریع یا تدریجی زندانیان بر اثر بیماری یا شکنجه جمهوری اسلامی است. اسناد اثبات مقصر بودن حاکمیت کاملاً روشن و واضح مقابل چشم مردم قرار دارد از جمله دهها نفری که در کهریزک کشته شدند یا ستار بهشتی ، علی رضا کرمی خیر آبادی ، شهبازی و دهها نفر در دیگر زندانها زیر شکنجه کشته شده اند.

خانواده ها ، فعالین ، تشکل ها و مردم آزادیخواه نباید فراموش کنند که طرح و هدف جمهوری اسلامی از بدو استقرارش این بوده است که زندانی سیاسی نباید از زندان خارج شود ، بنا بر چنین برداشتی در زمانهای مختلف برای حذف زندانیان روش های گونا گونی بکار برده است. طرح فعلی جمهوری اسلامی گرفتار کردن زندانی ها به انواع بیماری های لا علاج و کشنده است، با توجه به عرف و تاریخ جمهوری اسلامی و اهدافش تا کنون چنین بوده است ، حتی طرح اخیر قوه قضائیه برای کم کردن زندانیان ، می تواند مورد شک و تردید باشد. ما امضاء کنندگان، ضمن محکوم کردن قتل افشین اسانلو می خواهیم آمرین و عاملین قتل محاکمه شوند، همچنین از کارگران، فعالین کارگری و سیاسی ، نهاد های داخلی و جهانی می خواهیم قبل از اینکه جمهوری اسلامی موفق به سر به نیست کردن بقیه زندانیان شود، ارباب کشتار آن را متوقف کنید.

شاهرخ زمانی و خالد حردانی

از زندان گوهر دشت

محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز

3/4/1392

پیام تسلیت مادران پارک لاله به مادر افشین اسانلو

پیام تسلیت مادران پارک لاله به خانم فاطمه گل گزی (مادر افشین اسانلو) و خانواده

زندان گوهردشت(رجایی شهر)، زندانی است که دردها و شکنجه ها و قتل ها و مرگ های خاموش بسیاری به خود دیده است. خبر فوت نازنین پسر کوچک تان افشین، غم سنگینی است که قلب ما را هم به درد آورد. این غم بزرگ را از صمیم قلب به شما مادر گرامی و خانواده تسلیت می گوئیم و خود را در غم شما شریک می دانیم. امید هم چنان گذشته، مقاوم و استوار باشید تا بتوانید این غم بزرگ را تحمل کنید. ما به مادرانی همچون شما که سختی های بسیاری در زندگی کشیده و تاب آورده اید، افتخار می کنیم و نیاز داریم. باشد تا با همت و تلاش همه آزادی خواهان، دنیایی به دور از زندان و شکنجه و قتل و جنایت بسازیم.

یادش گرامی باد!

مادران پارک لاله

سوم تیر ۱۳۹۲

گرانی قیمت مرغ با توجه به پیش رو بودن ماه رمضان

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است : با توجه به در پیش رو بودن ماه رمضان قیمت هرکیلو گرم مرغ در بازار آزاد رو به افزایش رفته و در حال حاضر قیمت این کالا در خردهفروشی ها نزدیک به ۶۵۰۰ تا ۷۱۰۰ تومان است. به گزارش ایسنا، علی رغم این که ستاد تنظیم بازار اعلام کرده است که در آستانه ماه رمضان در نمایشگاه های طرح ضیافت هر کیلو مرغ منجمد را در استان تهران ۵۱۵۰ و در شهرستان ها ۵۲۰۰ تومان به فروش می رساند، ولی قیمت این کالا در بازار آزاد و خردهفروشی ها رو به افزایش گذاشته است. این در حالی است که براساس آخرین تصمیمات ستاد تنظیم بازار قیمت هر کیلو گوشت مرغ نباید بیش از ۵۷۰۰ تومان باشد. مدیر عامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی نیز اعلام کرده که هر کیلوگرم گوشت مرغ در ماه رمضان نباید بیش از ۶۰۰۰ تومان به دست مصرف کننده برسد.

نایاب شدن فیلم و عکس رادیولوژی در شیراز

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: در بین پرستارهای درمانگاه مطهری شیراز که در میدان نمازی این شهر قرار دارد، این خبر پخش شده است که فیلم عکس رادیولوژی تا چند ماه دیگر در شیراز نایاب خواهد شد. با توجه به مشکلات اخیر بیمارانی که نیاز فوری به عکسبرداری دارند برگردانده می شوند. به هرچیز دست می زنیم میگویند تمام شده یا دارد تمام می شود همه اینها ناشی از تحریم های این سالیان است.

همدردی سندیکای کارگران شرکت واحد در رابطه با مرگ افشین اسانلو

بنا بر اخبار منتشره مرگ زود هنگام، تلخ و تاسف آور راننده زحمتکش اتوبوس بین شهری آقای افشین اسانلو ناشی از کمبود شدید امکانات پزشکی و عدم رسیدگی به موقع و کوتاهی های متداوله در زندان بوده و ایشان نیز قربانی شرایط دهشتناک موجود در زندانها بوده و از این نظر تقصیر مسئولان مربوطه محرز می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن اظهار تاسف از مرگ این راننده زحمتکش و اعلام همدردی یادآور می شود آن مرحوم عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نبوده و اصولاً "سندیکا هیچگاه افتخار همکاری و فعالیت کارگری با ایشان را نداشته است .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
تیر ماه نود و دو

بحران نان در شهر اردبیل و بی تفاوتی دولت قدیم و جدید

بر پایه خبر رسیده آمده است: بدنبال کمبود آرد در کشور استان اردبیل نیز با کمبود توزیع آرد در این استان مواجه شد. کمبود آرد در استان باعث شده است که تعداد زیادی از نانوايي ها در شهر اردبیل تعطیل یا در ساعات محدودی پخت کنند بطوریکه نمیتوانند نان مصرفی مردم را تامین کنند همین امر باعث نارضایتی هایی در بین مردم شده است. در این رابطه فرماندار اردبیل روز پنجشنبه 30 خرداد نیز وارد صحنه شده تا این مشکل مردم را بصورتی ماست مالی کند و گفته است که « بدلیل برخی ناهماهنگی ها و ایرادات در توزیع سرانه آرد و تامین آن و همچنین با برخی از مشکلات در پخت نان و نارسایی ایجاد شده در ساعات و نحوه توزیع نان مواجه هستیم که مردم امروز با برخی گله مندی ها روبرو هستند.» و قرار است با راه اندازی نانوايي هاي سيار در نقاط مختلف شهر این مشکل مردم را حل کنند.

سازمان جهانی کار اعلام کرد: بررسی وضعیت اجرای استانداردهای کار در ایران و 24 کشور دیگر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ سوم تیر 1392 آمده است: سازمان جهانی کار در تازه ترین گزارش خود اعلام کرد: استفاده از استانداردهای کار در 25 کشور جهان در یکصد و دومین اجلاس جهانی کار بررسی شد.

کمیته استانداردهای این سازمان پس از بررسی های صورت گرفته در مورد اجرای کنوانسیون ها و توصیه نامه ها مصوبه ای را ارائه کرد. در این مصوبه بر اجرای کنوانسیون ها، اجرای حقوق کار و توصیه نامه های بین المللی کار تاکید شده است.

سازمان جهانی کار اعلام کرده است که بررسی ها در مورد 25 کشور بنگلادش، بلاروس، کامبوج، کانادا، چاد، جمهوری دومینیکن، مصر، فیجی، یونان، گواتمالا، هندوراس، ایران، کنیا، جمهوری کره، مالزی، موریتانی، پاکستان، پاراگوئه، عربستان سعودی، سنگال، اسپانیا، سوازیلند، ترکیه، ازبکستان و زیمبابوه صورت گرفته است.

هدف کمیته استانداردهای بین المللی کار انجام یک نظرسنجی عمومی از وضعیت اجرای مقررات بازار کار است. علاوه بر این، با شناسایی موانع چشم انداز مناسبی در اختیار دولت ها برای مقابله با آنها ارائه می شود.

کمیته استانداردها بر این نکته تاکید دارد که وقتی یک کشوری به عضویت سازمان جهانی کار در می آید و کنوانسیون هایی به تصویب می رسد، کشورها موظف به گزارش دهی اقدامات خود به صورت منظم هستند.

اطلاعیه جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان

بر پایه اطلاعیه رسیده آمده است : با کمال تاسف خبردار شدیم رژیم آخوندی در شروع دوره ریاست جمهوری شیخ فریدون روحانی، قربانی دیگری را به کام خود کشید. افشین اسانلو برادر منصور اسانلو از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی ، که در زیر سخت ترین شکنجه ها دست از مبارزه و مقاومت برنداشت، سرانجام در اثر شدت جراحات و زخمهای جسمی و روحی در زندان، دچار سکنه قلبی شد و بعلت عدم رسیدگی درمسیربیمارستان درگذشت. ما دانشجویان دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان، این فقدان دردناک و مصیبت وارده را به خانواده داغدار اسانلو و سندیکاهای کارگری مخصوصا شرکت واحد اتوبوسرانی و کارگران زحمتکش ایران این مصیبت وارده رو تسلیت میگویم و ضمن محکوم کردن این عمل به حکومت اسلامی هشدار میدهم که حفظ سلامت و جان زندانیان سیاسی بر عهده حاکمیتی است که هرروز دیوارها و حصارهای زندانها را گسترش میدهد و ما ضمن محکوم کردن هرگونه شکنجه جسمی و روحی و آزارواذیت زندانیان سیاسی، خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی در بند هستیم از طرف جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد خوراسگان اصفهان

مرگ کارگر 25ساله در پی تخریب اتاقک نگهبانی

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در 3 تیر 02 آمده است : سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از ریزش مرگبار یک اتاقک نگهبانی در یک زمین گودبرداری شده، خبر داد.

سید جلال ملکی در تشریح جزئیات این خبر گفت: ستاد فرماندهی آتش نشانی تهران در ساعت 5:32 صبح امروز از یک مورد حادثه ریزش آوار در خیابان وحدت اسلامی بازارچه شاپور مطلع شد و آتش نشانیان ایستگاه 67 و نجات یک را به محل حادثه اعزام کرد.

وی افزود: آتش نشانیان پس از حضور در محل مشاهده کردند که در ضلع جنوبی یک قطعه زمین گودبرداری شده به مساحت تقریبی 200 متر مربع اتاق نگهبانی قرار داشته که ناگهان ریزش کرد.

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه اطلاعات اولیه حاکی از محبوس شدن یک کارگر در زیر آوار بود گفت: آتش نشانیان عملیات خود برای نجات و خروج این کارگر را آغاز کرده و پس از مدتی بدن وی را از زیر خروارها خاک و آهن بیرون کشیده اند.

ملکی با اشاره به تحویل جسم این کارگر به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه اظهار کرد: آنان پس از بررسی علایم حیاتی مرگ این کارگر 25 ساله ایرانی را به علت شدت جراحات وارده تایید کردند.

وی درباره علت وقوع این حادثه نیز اظهارکرد: متأسفانه روی سقف این اتاقک نگهبانی مقادیر زیادی تیرآهن و آهن‌آلات و ضایعات ساختمانی قرار داده بودند که همین موضوع سبب افزایش بار وارده به اتاقک ناگهانی و تخریب آن شد.

بیانیه جمعی از زندانیان اوین در رابطه با درگذشت افشین اسانلو

ما جمعی از دوستان و همبندیان سابق زنده یاد افشین اسانلو در بند ۳۵۰ زندان اوین که از نزدیک شاهد رنج‌ها و مصائب فراوانی که بر وی روا داشته شد، بوده ایم، رهایی جانسوز وی را از زنجیر اسارت به خانواده محترم ایشان و به ویژه مادر دردمندشان تسلیت می‌گوییم...
تو نمی‌دانی نگاه بی‌مژه محکوم یک اطمینان
وقتی که در چشم حاکم یک هراس خیره می‌شود
چه دردی است.
تو نمی‌دانی مردن
وقتی که انسان مرگ را شکست داده است
چه زندگی است.

در نهایت اندوه باخبر شدیم دوست و هم‌بندی سابقمان جناب آقای افشین اسانلو که در زندان رجایی شهر کرج در اسارت به سر می‌بردند زندگی را بدرود گفته‌اند، ایشان به رغم تمامی فشارهای وارده در طول مدتی که در کنار ما به سر می‌بردند از سلامت نسبی جسمی برخوردار بودند. این واقعه در حالی اتفاق می‌افتد که مرگ زندانیان به ویژه زندانیان سیاسی در زندانها بر اثر فشارهای وارده و عدم رسیدگی مناسب پزشکی و بی‌مبالاتی‌های مسوولین مسبوق به سابقه است، از جمله در مورد درگذشت زنده یادان اکبر محمدی، امیر حشمت ساران، زهرا بنی یعقوب، امید میرصیافی، هدی صابر، محسن دکمه‌چی، ستار بهشتی و بسیاری دیگر از زندانیان.

ما جمعی از دوستان و همبندیان سابق زنده یاد افشین اسانلو در بند ۳۵۰ زندان اوین که از نزدیک شاهد رنج‌ها و مصائب فراوانی که بر وی روا داشته شد، بوده ایم، رهایی جانسوز وی را از زنجیر اسارت به خانواده محترم ایشان و به ویژه مادر دردمندشان تسلیت می‌گوییم و امیدواریم هرگز در آینده شاهد رخدادهای تلخی از این دست نباشیم.

رضا شهبابی زکریا، سعید متین پور، عبدالفتاح سلطانی، محمدصدیق کبودوند، امیرخسرو دلیرثانی، رویین عطوفت، محمد رضایی، مهدی خدایی، نور نقی پور، بهنام ابراهیم زاده، سعید جلالی فر، فریدون صیدی راد، وحید علیقلی پور، یاشار دارالشفا، سعید حائری، داور حسینی وجدان، غلامرضا خسروی، هانی یازلو، اصغر قطان، مجید اسدی، هوتن دولتی، محمد صائمی، محمد ولی غلام‌نژاد، عبدالرضا قنبری، سید محمد حیدری، اسداله اسدی، اسداله هادی، علی معزی، رسول حیدرزاده، کامران ایازی، شاهین دادخواه، فردزاد روحی، محمدرضا نوری، بهادر علیزاده، وحید اصغری، علیرضا سیدیان.

مخالفت وزارت کشور در عدم تمدید پروانه کانون صنفی معلمان

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ ۴ تیر ۹۲ آمده است: رییس اداره تشکلهای صنفی و تخصصی دفتر سیاسی وزارت کشور گفت: کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با تمدید پروانه کانون صنفی معلمان موافقت نکرده است.
سید میثم بصامتبار، اظهار کرد: از آنجا که کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با تمدید پروانه کانون صنفی معلمان موافقت نکرده است، این تشکل با عنوان کانون صنفی معلمان اجازه فعالیت ندارد.

وی افزود: کمیسیون ماده 10 احزاب می‌تواند با تمدید پروانه یک تشکل موافقت نکند و در این مورد نیز بنا به ملاحظاتی این تصمیم را گرفته است. تعدادی از اعضای کانون صنفی معلمان پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بازداشت شده و در زندان به سر می‌برند

رئیس انجمن صنفی سازندگان طلای شهر تهران: بیش از 60 درصد از کارگران طلا ساز تحت پوشش بیمه نیستند

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 تیر 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی سازندگان طلای شهر تهران از تحت پوشش بیمه قرار نگرفتن بیش از 60 درصد کارگران شاغل در کارگاه های طلا سازی انتقاد کرد.

«احمد حبیبی» در این باره به ایلنا گفت: شرایط کارگاه های طلاسازی به گونه ای است که کارفرما به راحتی می تواند کارگر را از دید بازرسی بیمه تامین اجتماعی پنهان کنند. وی ادامه داد: یکی از مشکلات کارگران طلا ساز با کارفرمایان، درصد بیمه‌ای است که باید پرداخت شود. از 125 هزار تومان بیمه کارگران، حدود 20 درصد سهم کارفرمایان است که بسیاری از پرداخت این مبلغ خود داری می کنند.

به گفته ی آقای حبیبی، سه سال پیش قرار بود مصوبه ای تصویب شود تا هر گاه کارفرمایی نتوانست کارگر خود را بیمه کند، کارگر با مراجعه به دولت، 50 درصد از حق بیمه خود را تامین کند اما مصوبه ی مذکور شامل کارگران این صنف نشد.

این فعال صنفی در پایان، مبلغ بالای بیمه کارگران را مهمترین دلیل کارفرمایان برای بیمه نکردن کارگران طلاسازی دانست.

پایان پیام

تجمع در مقابل دادگاه انقلاب سنندج در اعتراض به تداوم دستگیری جلیل محمدی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی... به تاریخ 4 تیر 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز سه شنبه 4 تیر خانواده جلیل محمدی و جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری برای پیگیری وضعیت جلیل محمدی فعال کارگری در مقابل دادگاه انقلاب سنندج تجمع نمودند. بعد از حدود 2 ساعت تجمع در مقابل دادگستری، مسئول دفتر معاون دادستان به خانواده جلیل محمدی اعلام کرد که به دلیل عدم حضور دادستان و قاضی پرونده برای پیگیری روز شنبه 8 تیر مراجعه نمایید. تجمع کنندگان اعلام کرده اند که شنبه برای پیگیری وضعیت این فعال کارگری در مقابل دادگستری مجددا تجمع خواهند نمود. لازم به ذکر است که تاکنون چندین بار خانواده جلیل محمدی به دادستانی و مقامات امنیتی برای پیگیری وضعیت نام برده مراجعه کرده اند که هر بار با پاسخ های ضد و نقیض روبرو شده اند. جلیل محمدی در 12 اردیبهشت دستگیر و تاکنون مقامات امنیتی از ارجاع پرونده به دستگاه قضایی خودداری کرده اند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

**معاون اول رئیس جمهوری:
نبايد درآمد یک پزشک 100 تا 200 برابر یک پرستار باشد**

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 تیر 92 آمده است: معاون اول رئیس جمهوری گفت: هیچ دلیلی ندارد که درآمد یک پزشک 100 تا 200 برابر یک پرستار باشد، این بی‌عدالتی و ظلم است که با رویکرد دولت عدالتخواه آقای احمدی نژاد سازگار نیست.

به گزارش ایلنا، محمدرضا رحیمی روز سه شنبه در مراسم رونمایی از سند تحول حرفه پرستاری که در مرکز فرهنگی سید الشهدا برگزار شد، گفت: باید زودتر از اینها اصلاح می‌کردیم اما به هر علت به تأخیر افتاد که همه تا حدی می‌دانند چرا دیر شد.

معاون اول رئیس جمهوری از پرستاران به خاطر تأخیر دولت در رسیدگی به مطالبات جامعه پرستاری عذرخواهی کرد و افزود: قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در هفته آینده ابلاغ می‌شود.

معاون اول رئیس جمهوری ادامه داد: به هر حال همین امروز و فردا باید تصمیماتی بگیریم که این رفتار ظالمانه تمام شود و نقص‌ها جبران شود، تا بهره‌وری کار پرستاران و رضایت مردم از کار آنها بالا برود، پرستار باید زندگی‌اش تأمین باشد تا بتواند به بیماران خدمت مناسب بدهد. آدم افسرده و فردی که استرس دارد نمی‌تواند خدمت مناسب بدهد.

وی گفت: تفاوت درآمد پزشکان با پرستاران شاید تا 2 یا 3 برابر یا حتی تا 5 برابر پذیرفتنی باشد اما تفاوت 100 برابری یا 200 برابری اصلاً قابل قبول نیست. اگر از من بپرسند چه کسی بیشترین نقش را در بهبود بیماران دارد من می‌گویم پرستار چون از ابتدا تا انتها در کنار بیمار است در چنین شرایطی کار کردن با حقوق 700 تا 800 هزار تومانی پرستاران عادلانه نیست.

رحیمی ادامه داد: حرفهایی که من می‌زنم ممکن است برخی پزشکان را گله‌مند کند اما برای من این ناراحتی‌ها مهم نیست، برای من خشنودی خدا مهم است. وی گفت: نامه‌ای به من دادند و درخواست کردند که سهمیه حج عمره پرستاران نمونه کشور که چند سالی است متوقف شده احیا شود من هم قول می‌دهم که همین امروز از سامان حج و زیارت بخواهم که این سهمیه را دوباره ابلاغ کنند.

رحیمی ادامه داد: صندوق قرض الحسنه پرستاران را فعال کنید، من هم از طرف دولت یک میلیارد تومان اعتبار در این صندوق واریز می‌کنم تا به پرستاران وام‌های کوتاه مدت بدهند و مشکلاتشان کم شود از دیگران هم می‌خواهم به این صندوق کمک کنند.

معاون اول رئیس جمهوری گفت: یکی از مشکلات بیماران این است که همراهان آنها از مسائل مربوط به بیمارشان خبر ندارند من از سازمان نظام پرستاری می‌خواهم از همین امروز برنامه‌ای را تدارک ببینند که کنار هر پرستار 2 تا 3 نفر آموزش ببینند که به عنوان افراد آگاه کارهای مربوط به همراهان بیماران را در بیمارستانها انجام دهند که مردم سرگردان نباشند. وی گفت: این کار می‌تواند تا 500 هزار فرصت شغلی ایجاد کند در حالی که 160 دانشکده پرستاری سالانه 10 هزار پرستار تربیت می‌کنند و پرستارانی که نیرو تربیت می‌کنند نیز باید فوق العاده شغلی دریافت کنند.

رحیمی افزود: قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری هم که باید زودتر از اینها ابلاغ می‌شد در هفته آینده کارهای آن نهایی می‌شود و اجرای آن به سراسر کشور ابلاغ می‌شود.

معاون اول رئیس جمهوری ادامه داد: سازمان نظام پرستاری در مورد این اخبار باید اطلاع‌رسانی بیشتری داشته باشد تا همه پرستاران کشور از خدمات این دولت برای پرستاران آگاه شوند،

سایت، خبرگزاری و نشریه داشته باشید و به پرستاران اطلاع رسانی کنید. وی افزود: در مورد تعدیل درآمد پزشکان و پرستاران و به خصوص تعدیل کارانه‌ها کارگروهی را تعیین کرده‌ایم تا فاصله واقعی ارزش خدمات آنها را تعیین کنند و در هفته آینده فاصله منطقی درآمد این دو گروه را در دولت تصویب می‌کنیم تا پایه‌ای باشد برای آینده و خدشه‌دار نشود.

معاون اول رئیس جمهوری ادامه داد: این حق پرستاران است و صدقه نیست. دولت نهم و دهم باید خیلی زودتر از اینها این مسائل را اصلاح می‌کرد.

پایان پیام

اعتراض کارگران اخراجی سد ژاوه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی در تاریخ 4 تیر 92 آمده است: به گزارش رسیده، در پی اخراج 110 نفر از کارگران مشغول به کار در سد ژاوه در چند روز گذشته، کارفرما اعلام کرد که 3 ماه حقوق معوقه همراه با سنوات کارگران را در طی سه ماه آینده به آنها پرداخت خواهد نمود. در اعتراض به این موضوع، کارگران اخراجی اعلام کردند که اگر حقوق معوقه و سنوات آنان در طی چند روز آینده پرداخت نشود در مقابل اداره کار سندج دست به اعتصاب خواهند زد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

یک مقام کارگری در خراسان رضوی: تضییع حقوق کارگران زن در کارگاه‌های زیرزمینی شایع‌تر است

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 تیر 92 آمده است: مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی گفت: در کارگاه‌های کوچک مسئله سوء استفاده از کارگران زن به وضوح قابل مشاهده است.

«رحمت‌الله پورموسی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: متأسفانه به دلیل نابرابر بودن عرضه و تقاضا در بازارکار و نیز نبود بسترهای فرهنگی، شاهد اجحاف در حقوق کارگران زن هستیم.

پورموسی شایع‌ترین مشکل این کارگران ساعات طولانی کار، دستمزد ناکافی و کار سخت و طاقت فرسا و در برخی مواقع پرداخت نشدن حق بیمه دانست. وی گفت: این تبعیض در کارگاه‌های بزرگ جایی نداشته و تنها محدود به کارگاه‌های کوچک، خانوادگی و زیرزمینی است.

این فعال صنفی بابیان اینکه این شرایط در کارگاه‌های زیرزمینی و فاقد مجوز وخیم‌تر است، گفت: از آنجا که کارگران شاغل در این واحدها نیاز شدید مالی دارند هیچگاه شکایتی علیه کارفرمایان خود مطرح نمی‌کنند و در نتیجه این روند می‌تواند سال‌ها بدون اعتراضی ادامه داشته باشد.

پایان پیام

اخراج 100 کارگر شرکت عمران علوی در کرمان وتجمعیان مقابل شرکت

به گزارش پایگاه ۱۴۰۰ اطلاع رسانی کرمان در تاریخ ۴ تیر ۹۲ آمده است: اخراج ۱۰۰ نفر کارگر از شرکت عمران علوی واقع در خیابان هزار و یک شب و تجمع کارگران در جلوی شرکت که سابقه بعضی از آنها حدود ۷ سال می باشد اکثر آنها متاهل و دارای زن و فرزند میباشند. خبرنگار ما دلیل را که جویا شد یکی از کارگران موضوع را اینگونه شرح داد که باید در روزهای تعطیل کار کنیم و هیچ حق بیمه ای ما نداریم حقوق به ما داده نمیشود به ما اصلا مرخصی نمی دهند در جریان همین تجمع مهندس ناظر این شرکت هم اخراج شد.

زنان در نساجی زابل ۱۸۰ هزار تومان مزد می‌گیرند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۴ تیر ۹۲ آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان از نقض آشکار حقوق قانونی کارگران زن در کارخانه ریسندگی و بافندگی زابل خبر داد.

«محمد گل بامری» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: در این واحد تولیدی، کارفرما به غیر از چند مرد، عموماً زنان را استخدام می‌کند و به آنها دستمزی به مراتب کمتر از حداقل‌های قانونی پرداخت می‌کند. وی با بیان اینکه این واحد نساجی در حال حاضر تنها کارگاه بزرگ و فعال در منطقه زابل محسوب می‌شود، گفت: به غیر از تعداد اندکی که بیمه هستند به سایر زنانی که در این کارخانه کار می‌کنند نه مزد قانونی و نه حق بیمه پرداخت می‌شود.

به گفته این مقام صنفی، در شرایطی که حداقل حقوق یک کارگر ساده ۴۸۷ هزار تومان است هم اکنون دریافتی کارگران شاغل در این کارخانه حدود ۱۸۰ هزار تومان است.

بامری با بیان اینکه نساجی زابل حدود ۱۵ سال پیش با هدف ایجاد اشتغال پایدار فعالیت خود را زیر نظر مدیریت نیمه دولتی آغاز کرد، گفت: این واحد تولیدی که هم اکنون بصورت خصوصی اداره می‌شود، برخلاف انتظار از حدود ۶ سال پیش بصورت آشکار حقوق کارگران را نادیده می‌گیرد.

وی افزود: با وجود آنکه تاکنون چندین بار در خصوص نقض حقوق کارگران این کارخانه اطلاع رسانی شده است اما تاکنون بازرسان کار و تامین اجتماعی موفق به اثبات تخلف کارفرما نشده اند. این مقام کارگری گفت: به عنوان مثال زمانی که بازرسان برای سرکشی به این واحد تولیدی مراجعه می‌کنند، کارفرمای آنقدر آنها را در پشت در ورودی کارخانه معطل می‌کنند تا کارگران بیمه نشده از چشم بازرسان پنهان شوند.

بامری گفت: در نهایت بازرسان زمانی اجازه ورود به کارخانه را پیدا می‌کنند که وقت زیادی از آنها تلف شده و تنها کارگران قانونی در کارگاه حضور دارند.

مسئول کانون همانگی شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان گفت: کارفرمای این واحد تولیدی برای فرار از تعهدات قانونی خود زنان را به عنوان کارگر استخدام می‌کند و بطور معمول در این واحد تولیدی کارگران زنی که پنهانی به کار گماشته می‌شوند در حال تغییر هستند. وی افزود: کارفرما هر چند مدت یکبار برای آنکه ردی از تخلفات خود باقی نگذارد اقدام به اخراج کارگران زن می‌کند و در نتیجه با توجه به وضع اقتصادی منطقه هیچ کس حاضر نیست تا نسبت به وضع خود اعتراض کند.

ریشه‌ی این همه تبعیض به زیان کارگران ایرانی در کجاست؟
یاور

به نوشته وبلاگ کانون موافع حقوق کارگر آمده است : شرکت دایلم (DAELEM) کره جنوبی با یک شرکت دلالی کار (منپاوری) بنام T. C. N قراردادی در مورد استخدام کارگر منعقد نموده که کلیه کارگران مورد نیاز شرکت دایلم از کارگر نظافتچی تا جوشکار و لوله کش صنعتی و داربست بند و ... را در اختیارش قرار دهد. البته نه از نیروی کار ایرانی بلکه از کارگران فیلیپین و کره و چین و هند و مالزی. این شرکت در شمال پارس جنوبی در کنگان فعال است. اگر یک کارگر اروپایی یا امریکایی از این خبر آگاه شود اولین تصویری که به ذهنش خطور می کند این است که ایران به اشتغال صد در صد رسیده و حتی نیازمند نیروی کار کارگران خارجی است!! آیا در واقع همین گونه است؟

آیا این شکل جدیدی از استثمار نیروی کار با اهداف جدید است یا یک پدیده پیچیده استعماری؟؟ امروز ما شاهد قراردادهایی با شرکت های چند ملیتی، یک طرفه و غیرشفاف هستیم با شرایطی که بدتر از قرارداد های دوران قاجاریه با داریسی است. شرکت های منپاوری بدون یک ریال هزینه، بدون هیچ سرمایه گذاری در ابزار تولید، یا در هیچ زمینه دیگری فقط واسطه های بین نیروی کار و متقاضی نیروی کارند. این مناسبات واسطه ای، الگوی امریکایی صندوق بین المللی پول است برای خلق یک طبقه انگل، بدون کار، و بدون سرمایه، برای حذف بخش دیگری از حقوق زحمت کشان و ریختن آن به جیب سرمایه داران تا پروژه های اجرائی هر چه پرهزینه تر شود.

شرکت منپاوری T. C. N چهارصد نیروی کار فیلیپین به پارس جنوبی وارد کرده است که بدون استثنا تخصص ندارند. روستایی بی سواد فیلیپینی را به عنوان کارگر ساده و نظافتچی معرفی می کند با ماهیانه ۸۰۰ دلار که با دلار سه هزار و چهار صد تومان، حقوق این نظافتچی می شود (دریافتی کارگر فیلیپینی) دو میلیون و هفتصد و بیست هزار تومان. این دریافتی آن کارگر ساده است. اگر اضافات دیگر را چون سهم خود منپاور، هزینه های رفت و آمد آن ها و ... به آن اضافه کنیم به رقمی میلیونی می رسیم که ایران باید بابت یک کارگر ساده پرداخت کند. در حالی که کارگر ایرانی بیکار و گرسنه آرزوی درصدی از این مبلغ را دارد. به این اعداد توجه کنید. شرکت دایلم بابت استخدام یک مهندس ایرانی مبلغ ده هزار دلار از دولت ایران دریافت می کند. حداقل هشت هزار دلار و حداکثر ده هزار دلار. ولی مهندسان استخدامی کره ای رقم بسیار بالاتری می گیرند که ما اطلاع نداریم. با توجه به دلار ۳۴۰۰ تومان دریافت دایلم از دولت ایران می شود: سی و چهار میلیون تومان که مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان را به مهندس ایرانی می دهد و هزینه خوابگاه و غذایی که خود کره ای اعلام می نماید مبلغ هفتصد و سی هزار تومان بابت هر مهندس است. کل هزینه بابت یک مهندس می شود سه میلیون و دویست و سی هزار تومان بقیه به کیسه شرکت کره ای می رود. این شرکت بابت یک مهندس ایرانی یازده و هشت دهم برابر پول دریافت می کند. این نسبت برای کارگران کمتر می شود ولی بهرحال این چه ضرورتی است که می باید یک فرد به عنوان واسطه و دلال بین شرکت های متقاضی کار و کارگر قرار گیرد و سهم عمده ای از حقوق کارگر را بدون کار، تنها به دلیل دلالی، یعنی مناسبات غیرضروری و تحمیلی اقتصاد نئولیبرالیستی به کیسه خود بریزد؟! چرا حاکمیت موجود از ایجاد تشکلهای کارگری که می توانند قراردادهای دست جمعی برای حفظ و دفاع از حقوق کارگر ببندند جلوگیری می کند؟! مگر قرار نبود اقتصاد ما نه شرقی باشد و نه غربی و اقتصاد اسلامی ورد زبان مسئولان نبود؟! آیا اقتصاد اسلامی همان تعدیل ساختاری و خصوصی سازی و چاپیدن کارگران توسط دلالان و برنامه و مناسبات اقتصادی پیشنهادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است؟ اگر قبلاً اشتباه کرده بودید شفاف با مردم در میان

بگذارید. چگونه می‌شود که از یک سو الگوی اقتصاد امریکایی را با شوق و ذوق در ایران به کار می‌بندید و از سوی دیگر خود را در حال جنگ با او اعلام می‌کنید. به هر حال به اصل موضوع برگردیم.

خوابگاه‌ها و غذا و سرویس رفت و آمد همان کارگران ساده بسیار مطلوب است. آن‌ها را با اتوبوس‌های شیک و کولردار جابه‌جا می‌کنند. اگر کارگران ساده فیلیپینی اضافه کار بمانند یک میز بزرگ از کیک و نوشابه‌های خارجی خریداری شده از دبی را به آن‌ها عرضه می‌کنند. ولی کارگر فنی ایران باید روی خاک و در ظرف یک بار مصرف غذا را میل کند. از میان کارگران فیلیپینی، آن که کوره سوادک دارد، فورمن می‌شود مثلاً "فورمن داربست‌بند. (سرپرست ۴ نیروی اجرایی) این فرد بدون این که خودش دست به آچار بزند، ماهیانه دو هزار و سیصد دلار دریافت می‌کند. یعنی معادل هفت میلیون هشتصد و بیست هزار تومان که هیچ مهندس ایرانی چنین مبلغی را در خواب هم نمی‌بیند. حقوق یک فورمن ایرانی در همان کنگان یک میلیون و ششصد هزار تومان است که همان را هم هر ماه دریافت نمی‌کند. شرکت کره‌ای که می‌داند قانون کار در ایران تنها یک مترسک روی خرمن است. ماهانه ۲/۵ روز مرخصی استحقاقی مهندسان ایرانی را پرداخت نمی‌کند. کارگران وارد شده بوسیله شرکت T. C. N هیچ کدام تخصصی ندارند آن‌ها یا خواندن نوشتن را می‌دانند یا نه، بی‌سوآدها کارگر ساده و نظافت چی می‌شوند و بقیه که سواد خواندن دارند روانه سالن‌های بزرگ ساخت قطعات (شاپ‌ها) می‌شوند تا با ماه‌ها تمرین با هزینه دولت ایران، یک جوشکار درجه ۳ بشوند یا یک فیتزر(لوله کشی صنعتی). چرا دولت همین امکان را برای این همه لیسانس‌های بیکار ایرانی فراهم نمی‌کند؟ آیا چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام نیست؟ آیا این حرام‌حلال شده و چراغ، یا همان درآمد ناشی از کار باید خانه فیلیپینی و چینی و مالزیایی را روشن کند ولی کارگر ایرانی گرسنگی را تجربه نماید؟! این کارگر ساده فیلیپینی پس از تمرین زیاد، عاقبت جوشکار می‌شود. وقتی جوشکار درجه ۳ شد، ماهیانه ۱۸۰۰ دلار دریافت خواهد کرد که معادل شش میلیون و یکصد هزار تومان است ولی پولی که شرکت دایلم بابت این کارگران می‌گیرد سر به فلک می‌زند. رقم حقوق جوشکار در ۱۱/۸ برابر ضرب کنید. گویی ایران تنها برای ایرانی‌ها یک جهنم است ولی برای بیگانگان بهشتی است استثنایی ولی نه برای هر بیگانه‌ای، کارگران افغانی در ایران شرایطی بسیار بدتر از شرایط کارگران ایرانی دارند. در سایت هر پروژه پارس جنوبی ده‌ها لیسانس و مهندس و متالورژ جوان ایرانی به جای دیدن آموزش به کار نظافت‌چی‌گری و یا عملگی با بیل و کلنگ می‌پردازند و به قولی، آچار به دستند، با حداقل حقوق و خوابگاه‌های سراسر ساس (حشره‌ی گزنده‌ی خون‌آشام) و پتو و تشک‌های سیاه شده از چرک و بوی نای و حقوقی که پس از سه الی چهار ماه با استرس و اعتصاب بدست می‌آید. آیا مدیران حکومتی نمی‌دانند که حداقل باید سر هر ماه حقوق یک کارگر پرداخت شود؟ روزنامه‌ها پر است از اخبار دیرکرد حقوق کارگران و آقایان مسوول برایشان اهمیت ندارد. چرا؟؟ چرا قانون کار فقط در یک کتابچه وجود واقعی دارد و هیچ ضمانت اجرایی برای انجام آن وجود ندارد؟! چرا حکومت مدعی دفاع از مستضعفان، تنها منافع مستکبران (بخش خصوصی و دلال‌های بازار) را تامین می‌کند؟!

این ادعاهای شما در زیر پرچم یک اعتقاد و در پشت ماسک خاص آن، توانست تداوم یابد. اگر مردم در مقابل این همه ستم، ایستادند، شما به ویلاها و کاخ‌هایتان در ینگه دنیا و کانادا و سوئیس و ... رفتید تکلیف آن پرچم و آن اعتقاد چه می‌شود؟! کاتولیک‌ها هم روزی روزگاری، همه‌ی اروپا را در اختیار داشتند!! حداقل، کاری کنید تا جایی مثل واتیکان را برای خودتان باقی بگذارید.

به کارگر فیلیپینی کارت شارژ همراه روزانه پرداخت می‌کنند تا با خانواده‌هایشان تماس داشته باشند کارگر ایرانی هم در همین اردوگاه کار نئولیبرالیستی کار می‌کند، ولی دریغ از حتی حقوق ماهانه‌اش. کارگران فیلیپینی کارت شارژ را به کارگران ایرانی نشان می‌دهند و با توهین می‌گویند: "هی، علی بابا می‌بینی." البته نباید واقعیت‌ها را ندیده گرفت، برخی از آنان در حق کارگران ایرانی هم لطف زیادی می‌کنند و شرایط هم طبقه‌ای‌هایشان را درک می‌کنند. به کارگر ایرانی طبق قانون کار دو روز و نصف باید مرخصی بدهند در هر ماه، یا پول آن‌را. هم شرکت خارجی دایلم و هم شرکت‌های "ریش‌دانه برنجی" وطنی نه مرخصی را می‌دهند و نه پولش را. باز هم طبق قانون کار سترون باید به کارگر ایرانی سنوات پرداخت کنند. پیمانکاران خارجی و وطنی با ریشخند می‌گویند: "اینجا منطقه آزاد یا ویژه تجاری است قانون کار شامل حالش نمی‌شود" و بخش مقدس خصوصی، این "حبیبان خدا!"، سنوات کارگران را به کیسه خود می‌ریزند. باز هم طبق، همان قانون کار به کارگر ایرانی باید هر ماه حقوق پرداخت گردد همان چندرغاز توافق شده را ولی آن را پیمانکار در حساب خودش برای کارگر پس انداز می‌کند و بعد از چهار یا پنج ماه بستگی به نوع اعتراضات کارگران یک ماه آن را پرداخت می‌کند. آن هم با هزاران دروغ که کارفرما پول نمی‌دهد و من‌النگوهای زنم را فروخته‌ام و ... کارگر ایرانی طبق قانون کار باید هفت درصد حق بیمه بپردازد که پیمانکار آن را هر ماه از حقوقش کسر می‌کند، و به حساب خود می‌ریزد. ولی باز هم طبق قانون کار پیمانکار باید بیست و سه درصد به هفت درصد اضافه کند و بابت بیمه کارگر به تامین اجتماعی بدهد. باز هم پیمانکاران با تکیه بر این که اینجا منطقه آزاد یا ویژه تجاری است، آن را پرداخت نمی‌کنند. برخی پیمانکاران هم که پرداخت می‌کنند، هفت درصد را طبق حقوق کارگر از او کسر می‌کنند ولی بیست و سه درصد را طبق حداقل حقوق پرداخت می‌کنند. به هر حال به قول ادبیات لمپنی، که تلویزیون نوع گویش آن‌ها را همه‌گیر کرده است: پیمانکار "کفزنی" می‌کند. این یک بام و دو هوا این تصور را به وجود می‌آورد که ما مشتری بیگانه هستیم و در کشوری بیگانه کار می‌کنیم. ایران شده کشور فیلیپینی، مالزیایی و چینی و فلسطینی نه سرزمین ایرانیان، شاید ما را هم می‌خواهند مانند صهیونیست‌ها به دریا بریزند. از سوی دیگر فقر و درماندگی و ناتوانی در تامین هزینه‌های زندگی باعث گردیده برخی از روی ناچاری دست به تن فروشی بزنند. آری کارگر مسلمان از روی درماندگی خودش را به صاحبان بودائی و مسیحی فیلیپینی این کشور می‌فروشند تا شرمنده‌ی خانواده‌اشان نباشند، در حالی که شخصیت خودش را له و تحقیر کرده است. یکی از آن‌ها در کنگان دستگیر و اخراج شد. همین اتفاق دو سال پیش در رابطه با کارگران چینی در اراک در یونیت ۱۴ فاز ۲ پالایشگاه اراک رخ داد.

آیا مناسبات اقتصادی امریکایی (نئولیبرالیسم) آن هم در کشوری که از نظر صنعتی و فرهنگی عقب رانده شده است و از نظر اقتصادی تنها به دلارهای نفتی و دلالی متکی است، ویرانگر امروز و فردای ایران نیست؟ آیا سقوط اخلاقی جامعه، پائین آمدن سن تن فروشی از روی فقر، تن فروشی مردان، اعتیاد و زورگیری خیابانی و ... برآیند مناسبات اقتصادی موجود نیست؟ نگرش و شیوه‌ای که فقر و بیکاری را از یک سو و گرانی و ورشکستگی صنایع تولید کالایی را از سوی دیگر، در پی داشته است!

نگرش اقتصادی پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول که اقتصاد اروپا و امریکا را در هم پیچیده بوسیله فراماسیونرهای اقتصادی وطنی، بنام استادان دانشگاه و مشاوران دولت‌های بعد از جنگ به مناسبات تک قطبی اقتصاد ما تحمیل شده است و ایران را در جایگاه بحرانی امروزی‌اش قرار داده و ایران را بهشت بیگانگان و دلالتان کرده است، با واردات بی‌کیفیت‌ترین، کالاهای مصرفی و کارگران بی‌سواد و بدون تخصص. (در حالی که ایران دارای بیشترین و بهترین جوشکاران و لوله‌کشان صنعتی در آسیا است) جهنمی است برای ایرانیان، با فقر سیاه و اعتیاد و تن فروشی مردان و زنان.

البته این نکته را هم در نظر داریم که شرایط کار برای این کارگران در کشورهای خودشان بسیار بسیار نامناسب است. آنها هم در کشورهای خودشان شرایط بدتری از کارگران ایرانی در ایران دارند و... که در جای خود نیاز به بررسی و تحلیل دارد و نمونه های آن را در مقالات و گزارشها میخوانیم. مهاجرات نیروی کار عاملی برای تداوم سودهای کلان باز هم بیشتر برای سرمایه داران و دلالان نیروی کار در تمام جهان است که به این طریق هم سطح دستمزدها پایین نگه داشته می شود و هم کارگران را مقابل هم قرار می دهد.

راستی ما داریم به کجا می رویم؟

پروین محمدی: وعده بی محل افزایش حقوق، نمایانگر جای خالی تشکلهای کارگری است

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 تیر 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری معتقد است به دلیل منفعل شدن جامعه کارگری بعید است شورای عالی کار حتی در فرصت باقیمانده از عمر دولت دهم در خصوص افزایش حقوق مسکن و خواروبار کارگران تشکیل جلسه بدهد.

پروین محمدی با بیان این مطلب گفت: عملکرد مسئولان وزارت کار نشان می دهد که از منظر دولت، کارگران گروهی هستند که می توان با دادن وعده بی محل آنها را دلخوش کرد. وی با بیان اینکه دلیل چنین تصویری به جای خالی تشکلهای صنفی مستقل کارگری باز می گردد، گفت: به همین دلیل در ایران گروه های دولتی و کارفرمایی باوری به قدرت چانه زنی کارگران ندارند.

وی افزود: همین مسئله باعث شده است که مسئولان دولتی به راحتی در واکنش به اعتراضات مزدی کارگران حرف بزنند و عمل نکنند و بهانه بیاورند.

به گفته این فعال مستقل کارگری، با اینکه در دو سال گذشته برای اولین بار کارگران با اعتراض گسترده و هدفمند به مسئله نحوه تعیین مزد و بازتاب گسترده رسانه این مسئله مسئولان دولتی را تا ماه ها به پاسخگویی واداشتند، اما همچنان به دلیل نبود تشکلهای صنفی کارگری کسی کارگران را جدی نمی گیرد.

وی با بیان اینکه برای مسئولان وزارت کار کنفرانس دو هفته ای سازمان جهانی کار مانع جدی برای برگزار نشدن جلسات شورای عالی کار نیست، گفت: اگر اقتدار جامعه کارگری ثابت شده بود وزیر کار حداقل برای حفظ وجه اجتماعی خود به وعده چند ماه پیش عمل می کرد و از طریق شورای عالی کار حقوق خواروبار و مسکن کارگران را افزایش می داد.

این فعال کارگری با بیان اینکه در اوضاع اقتصادی کنونی افزایش ناچیز حقوق مسکن و خواروبار پاسخگوی نیاز مزدبگیران نیست گفت: مسئله اصلی پایداری به وعده است که متأسفانه توسط اعضای شورای عالی کار نادیده گرفته شده است.

وی همچنین در خصوص انتظارات جامعه کارگری از دولت یازدهم گفت: آقای روحانی در حال حاضر با رای مردم مسئول تامین معاش 75 میلیون خانوار ایرانی است و حتی اگر رئیس جمهور منتخب در خصوص ناعادلانه بودن دستمزد کارگران موضعگیری نمی کرد کارگران از او و دولتش انتظار داشتند که برای تامین معاش آنها چاره اندیشی کند.

افزایش 20 درصدی نرخ بلیت های مترو و اتوبوس تهران از فردا

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 4 تیر 92 آمده است: نرخ بلیت های اتوبوس و مترو بر اساس مصوبه شورای شهر تهران از چهارشنبه 5 تیرماه افزایش می یابد .

بنا بهمین گزارش، در راستای اجرای مصوبات ابلاغی شورای اسلامی شهر تهران نرخ کلیه خطوط ناوگان عمومی و خصوصی پایتخت از مورخه چهارشنبه 92/4/5 به میزان میانگین 20 درصد افزایش خواهد یافت.

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اعلام کرد در راستای اجرای مصوبات ابلاغی شورای اسلامی شهر تهران نرخ کلیه خطوط ناوگان عمومی و خصوصی پایتخت از مورخه چهارشنبه 92/4/5 به میزان میانگین 20 درصد افزایش خواهد یافت.

بر اساس اعلام شرکت واحد اتوبوسرانی بدیهی است نرخ‌های جدید در داخل اتوبوس‌های شرکت واحد نصب و در معرض دید شهروندان قرار گرفته و دستگاه‌های کارت خوان نیز بر اساس نرخ‌های مصوب برنامه ریزی شده‌اند.

همچنین مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری مترو تهران قیمت جدید بلیت‌های مترو را که از سوی شورای اسلامی شهر تهران تصویب شده تشریح کرد.

احسان مقدم، در این باره گفت: در راستای ابلاغ مصوبه شورای اسلامی شهر تهران و لازم‌الاجرا بودن آن برای شهرداری قیمت جدید بلیت‌های سال 92 مترو تهران و حومه از روز چهارشنبه 5 تیرماه اعمال می‌شود.

وی افزود: بر همین اساس قیمت بلیت تک سفره 4500 ریال و قیمت بلیت دو سفره 6500 ریال تعیین شده که از روز چهارشنبه 5 تیرماه و همزمان با آغاز حرکت‌های مسافری در تمامی ایستگاه‌ها و خطوط مترو تهران و حومه اعمال می‌شود.

به گفته مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری مترو تهران نرخ بلیت تک سفره و دو سفره در سال گذشته به ترتیب 3500 و 5500 ریال بوده است.

مشاور مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران با بیان اینکه بر اساس مصوبه شورای اسلامی شهر تهران «کارت بلیت‌های اعتباری مبلغ‌دار» نیز شامل افزایش قیمت شده است، افزود: شهروندان می‌توانند همچنان از کارت بلیت‌های اعتباری مبلغ‌دار بدون محدودیت زمان بهره‌مند شوند.

مقدم اضافه کرد: به ازای فروش هر بلیت اعتباری مبلغ‌دار مبلغ 12000 ریال به عنوان ودیعه به صورت نقدی از خریدار دریافت و بنا بر تقاضای وی میزان مبلغ درخواستی در کارت اعتباری شارژ می‌شود.

وی همچنین ادامه داد: کارت بلیت‌های اعتباری مبلغ‌دار هر 30 دقیقه یکبار قابل استفاده بوده و مخصوص یک نفر است.

چهارم تیرماه 1392

در نامه‌ای به استاندار گیلان مطرح شد: بیش از 30 تولیدکننده چای تهدید به اعلام ورشکستگی کردند

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 تیر 92 آمده است: بیش از 30 کارخانه دار تولید کننده چای خشک در نامه‌ای به «کیهان هاشمی نیا» استاندار گیلان اعلام کردند که قدرت پرداخت بیش از 384 هزار تومان بابت هر کیلو چای خشک را ندارند و در غیر اینصورت مجبور به اعلام ورشکستگی و بیکاری کارگران هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در ابتدای این نامه از آقای هاشمی نیا خواسته شده است به اجرای مصوبات استانداری که پیش از برداشت بهاره مانع از ورشکستگی و تعطیلی کارخانجات چای شد پای بند باشد.

این فعالان صنعت چای ضمن ابراز نگرانی نسبت به نحوه محاسبه بدهی کارخانجات توسط سازمان چای، خواهان مهلت بیشتری برای پرداخت بدهی‌های خود شده‌اند.

کارخانه داران امضا کننده ی نامه ی مذکور در پایان به استاندار گیلان تا 6 تیرماه سال جاری فرصت داده اند نظر خود را در این رابطه بیان کند و در غیر اینصورت تهدید کرده اند که اعلام ورشکستگی می کنند.

پایان پیام

مرگ مشکوک افشین اسانلو در زندان فوق امنیتی گوهردشت منصوره بهکیش

بر پایه خبررسیده در تاریخ 4 تیر 92 آمده است : زندان گوهردشت را هیچ گاه از خاطر نمی برم. زندانی که دو برادرم و هزاران زندانی سیاسی دیگر را که حکم زندان داشتند، به صورت گروهی کشتند و در خاوران و دیگر گورستان های بی نام و نشان دفن شان کردند و تا به امروز هیچ مقام مسوولی پاسخی به ما خانواده ها نداده است که "چرا و چگونه آنها را کشتند؟".

حاکمان گمان می کنند توانسته اند این زندانیان را به گور بسپارند و دفن شان کنند، غافل از آنکه آنها دفن نشده اند و هم چنان با ما زنده اند تا روز دادخواهی شهادت دهیم که چه بر سرمان آورده اند. شاید بدین وسیله بتوانیم جلوی تکرار جنایت های بعدی را بگیریم و هشدار دهیم روز پاسخ گویی در همین دنیاست، ما را به آن دنیا حواله ندهید.

تا به امروز نیز قتل ها و مرگ های مشکوک بسیاری داشته ایم و افشین آخرین نخواهد بود، مگر اینکه ما هشیار باشیم و اجازه ندهیم که در سکوت، هر بلایی دلشان خواست بر سرمان بیاورند، همان کاری که در دهه شصت با ما کردند و هم چنان ادامه دارد.

افشین اسانلو نیز در همان زندان و با مرگی مشکوک می میرد. به چه دلیل؟ نامعلوم.

او راننده بین شهری بود و دو فرزند دارد و طبق اظهار خانواده اش خیلی هم مانند برادرش منصور به سیاست کاری نداشت. او را در بهمن 1388 در محل کارش بازداشت می کنند و مدت طولانی او را زیر بازجویی و شکنجه می گیرند. به چه دلیل؟ نامعلوم.

او را به پنج سال زندان محکوم می کنند. به چه دلیل؟ نامعلوم.

پس از مدتی او را به سالن 12 بند 4 زندان فوق امنیتی گوهردشت تبعید می کنند، به چه دلیل؟ نامعلوم.

مدتی وضعیت روحی اش به هم می ریزد ولی با ورزش تلاش می کند سلامتی اش را باز یابد و هفته قبل از مرگ اش در ملاقات حضوری، شانه های محکم و سینه ستبرش، خیال مادر را راحت می کند و با این امید به خانه می رود که این دوری به زودی پایان می پذیرد و آزاد می شود، غافل از آنکه چند روز بعد جنازه اش را تحویل خانواده خواهند داد.

بر فرض که مسوولان زندان درست بگویند و افشین سخته کرده باشد، هر انسانی، حتی یک انسان سالم هم امکان دارد در تبعیدگاه زندان گوهردشت سخته کند، به چه دلیل به او رسیدگی نکردند تا جان اش را نجات دهند؟ نامعلوم.

به چه دلیل وقتی سخته کرد خانواده اش را در جریان نگذاشتند؟ نامعلوم

به چه دلیل مرده اش را به بیمارستان رساندند؟ نامعلوم.

به چه دلیل وقتی مرد به خانواده اش اطلاع ندادند؟ نامعلوم.

به چه دلیل اجازه دفن آزادانه به آنها ندادند؟ نامعلوم.

و به چه دلیل اجازه برگزاری مراسم آزادانه به آنها نمی دهند و مسجد را لغو می کنند؟ نامعلوم.

تمامی این ابهام ها و محدودیت ها و تحمل درد جانکاه نازنین پسرشان یک طرف، حالا خانواده مانده است چگونه می تواند با آپارتمانی کوچک در شرق تهران و مهمان هایی بسیار که از نقاط مختلف برای همدردی می آیند، مراسمی در خور برگزار کند. مادر می گفت: " باشد مراسم را

چهارشنبه عصر پنجم تیر در همین خانه برگزار می کنیم، مهم نیست، مهمان ها می دانند خانه ما کوچک است، فوق اش در راهرو و کوچه می ایستند".
یادش گرامی باد!

منصوره بهکیش

چهارم تیرماه 1392

http://www.mpliran.org/2013/06/blog-post_25.html

اخراج 35 کارگر کارخانه کشتی سازی صدرا!

به گزارش نسیم جنوب، در 4 تیر 92 آمده است: در ابتدای تیرماه جاری، 35 نفر از کارگران و پرسنل کارخانه کشتی سازی صدرا (واقع در جزیره صدرا) از این شرکت اخراج شدند. این کارگران بر روی کشتی افراماکس که برای کشور ونزوئلا ساخته شده است کار می کردند. برخی کارگران نیز به مرخصی اجباری فرستاده شده اند و سایت این کشتی سازی در حال حاضر تقریباً تعطیل و غیر فعال است.

وضعیت نامعلوم افراماکس 1

بنابهمین گزارش، در بهمن و اسفند ماه سال گذشته همزمان با وخامت حال هوگو چاوز، رئیس جمهور پیشین ونزوئلا، افراد ونزوئلایی که در محوطه کشتی سازی صدرا حضور داشتند (حدود ده نفر) این شرکت را به مقصد کشورشان ترک کردند و پس از آن برنگشتند، در حالی که کشتی مذکور آخرین مراحل تکمیل خود بر روی خشکی را پشت سر گذاشته و آماده به آب اندازی و تکمیل نهایی بود، با مرگ هوگو چاوز شرکت ونزوئلایی طرف ایران تاکنون از پرداخت هزینه کارهای باقی مانده و پیگیری برای تکمیل و به آب اندازی این کشتی خودداری کرده است. به آب اندازی این شناور نیاز به حضور طرف ونزوئلایی و شرکت هایی که گواهی نامه های دریانوردی (Certificate) را برای کشتی ها صادر می کنند، دارد (این امر طبق قرارداد بر عهده شرکت GL بوده است) در حالی که تغییر اوضاع سیاسی در ونزوئلا و عدم حضور و پرداخت هزینه های مربوطه، به علاوه مشکلاتی که مربوط به تحریم های بین المللی است زمان به آب اندازی و تحویل کشتی افراماکس را در وضعیت نامعلومی قرار داده است.

وضعیت نامعلوم پروژه افراماکس 2

بلوک های این کشتی نیز توسط شرکت کشتی سازی صدرا ساخته شده و بر روی زمین قرار دارند. این کشتی قرار بود بعد از افراماکس 1 تکمیل شده و به سفارش دهنده تحویل شود. اکنون با وضعیتی که برای این پروژه پیش آمده تکمیل افراماکس 2 هم که تاکنون هزینه های بسیاری برای آن شده در هاله ای از ابهام و تردید قرار دارد.

بزرگترین باد مافیایی در استان خوزستان را بشناسید

آخوند جزایری نماینده ولی فقیه در اهواز و استاندار اهواز از بزرگترین باند های مافیایی در استان خوزستان هستند. نزدیک به 600 نفر از کارگران محروم لوله سازی اهواز که عمده آنها بازنشست شده اند حدود 10 سال است که حقوق و مزایای کامل خودشان را دریافت نکرده اند و هرکدام از این کارگران مبالغی حدود 60 تا 100 میلیون تومان بابت حقوق ماهیانه طلب کار هستند، کارگران محروم طی این مدت بارها تجمعات اعتراضی برپا کرده اند و مسیرهای کارخانه و خیابانهای شهر را بسته اند و بارها به آخوند جزایری نماینده ولی فقیه در خوزستان مراجعه کرده و این آخوند جنایتکار بهمراه عوامل وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی و دادستان اهواز به نام الفت، کارگران را هربار تهدید کرده اند که اگر موضوع را دنبال نکنند و یا بخواهند تجمعات اعتراضی را ادامه بدهند، آنها را دستگیر میکنند و کارگران محروم و بی پناه زیر بار این تهدیدها مجبور شده اند که از حقوق به یغما

رفته شان کوتاه بیایند به گفته کارگران محروم وزجر کشیده لوله سازی اهواز آخوند جزایری نماینده ولی فقیه ، استاندار، دادستان اهواز، و مدیر عامل کارخانه لوله سازی یکی از بزرگترین باندهای مافیایی هستند که میلیونها تومان از حقوق 600 کارگر محروم را بالا کشیده و چپاول کرده اند و در واقع آ صاحب سرمایه اصلی شرکت لوله سازی اهواز یک سرمایه دار اصفهانی به نام عشقی هست که مقیم اهواز هست و از باندهای با نفوذ دولتی در این شهر میباشد و طی 2 سال اخیر هم حدود 200 کارگر قراردادی در این کارخانه را اخراج کرده اند، و تنها جوابی که به کارگران داده اند این هست که ما کارخانه را به بخش خصوصی واگذار کرده ایم و کاری نمیتوانیم بکنیم

ارسال توضیحاتی به ایلنا ارائه شد: دلایل شرکت فرآیند کاو برای تعویق حقوق کارگران

در پی درج خبری با عنوان «تعویق ۱۱ ماه حقوق ۲۰ کارگر پیمانکاری فرآیند کاو» در تاریخ یکم اسفندماه سال 91، مدیرعامل این شرکت پیمانکاری، توضیحاتی را برای خبرگزاری ایلنا ارسال کرد.

متن کامل این توضیحات مطابق قانون مطبوعات در ادامه می آید:

- 1- شرکت مهندسی فرآیند کاو پیمانکار تصفیه خانه آب شهر طبس بوده و در طی 6 سال گذشته با همت و زحمات بی شائبه همکاران و به خصوص کارگران محلی پروژه مذکور را به سرانجام رسانده و از حدود یک سال پیش آن را آماده بهره برداری نموده است.
- 2- کمبود اعتبار منشا اصلی مشکلات در طرح فوق بوده و این موضوع باعث تطویل زمان اجرای پروژه و نهایتا تحمیل ضرر و زیان سنگین به شرکت فرآیند کاو به عنوان پیمانکار پروژه شده است به طوریکه براساس اسناد و مدارک مثبتی که مورد تأیید مشاور و کارفرما (شرکت های طوس آب و آب منطقه ای یزد) نیز قرار گرفته میزان این ضرر و زیان بالغ بر بیست میلیارد ریال شده است.
- 3- علی رغم دشواریهای مذکور و شرایط خست حاکم بر اجرای طرح و با وجود آنکه این شرکت قانونا می توانست پروژه را در زمان اتمام اعتبار (سه سال پیش) به صورت نیمه کاره رها نماید و خود را به کنار بکشد ولیکن با احساس مسئولیت و با تعامل کامل با مسئولین ذیربط در وزارت نیرو و مجلس و با اعتماد به قول و قرارها وعده های آنان مبنی بر جبران هزینه های اضافی و حتی بخشی از ضرر و زیان های وارده و به خصوص مساعدت در پرداخت دیون کارگری، کار را ادامه داد و پروژه را در شهریور مه گذشته آماده بهره برداری نمود.
- 4- مشکلات اقتصادی و آثار زیانبار تحریم ها، در سال 91 دامنگیر پروژه تصفیه خانه آب طبس نیز گردید و افزایش غیر منتظره هزینه ها (بیش از صد در صد) موجب تشدید مشکلات مالی و از جمله تعویق و تاخیر در پرداخت حقوق کارگران گردید و با وجود درخواست ها و پیگیری های متعدد متاسفانه مسئولین محترم دولتی و دستگاه اجرایی نیز، اجرای وعده های داده شده را به دلیل کمبود اعتبار و شرایط ویژه اقتصادی، ناممکن دانسته و در نهایت این پیمانکار را با انبوهی از مشکلات اقتصادی و کارگری رها نمودند!
- 5- در طی یک سال گذشته این شرکت تمامی هم و غم و تلاش خود را معطوف به تسویه حساب بدهی های خود در پروژه مذکور و به خصوص پرداخت تتمه مطالبات همکاران کارگری نموده و با احساس مسئولیت کامل تا آنجا که مقدور بوده در این راه تلاش نموده است و به طوریکه از حدود یکصد نفری که در پروژه استغال داشته اند تاکنون حدود هشتاد نفر آنان به طور کامل تسویه حساب مالی شده اند و برای تسویه حساب 20 نفر باقی مانده نیز با کارفرما توافق شده تا از محل سپرده نقدی حسن انجام کار پرداختها انجام شود.
- 6- منفکر شدن شهر طبس از استان یزد و مرتبط شدن آن به استان خراسان جنوبی پروسه

تسویه حساب پروژه و آزاد سازی مطالبات و سپرده های نقدی این پیمانکار را با مشکلات جدیدی روبرو نموده و با وجود آنکه میزان مطالبات نقدی این پیمانکار پیش از دو میلیارد ریال می باشد و این مبلغ به طور کامل بدهی های کارگری را پوشش می دهد ولیکن متاسفانه روند تسویه حساب به درازا کشیده شده و این موضوع باعث اعتراض بر حق کارگران و موجب تاسف این شرکت گردیده و جا دارد بدین وسیله مجدداً از کارگران ذریبط عذرخواهی نمائیم.

7- براساس آخرین هماهنگی انجام شده با مقامات محترم آب منطقه ای یزد و خراسان جنوبی که در تاریخ 92/3/31 در شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور صورتجلسه گردیده، مسئولیت هر یک از دو سازمان مذکور در امور مربوط به تسویه حساب تا حدود زیادی مشخص و تفکیک گردیده و مقرر شده از محل آزادسازی سپرده های نقدی، نسبت به پرداخت بخشی از حقوق معوق کارگران اقدام شود و از محل صورت وضعیت تعدیل نیز بخش دیگری از آن پرداخت گردد.

8- در پایان خاطرنشان می سازد بیش از یک سال از اتمام پروژه تصفیه خانه آب شهر طبس گذشته ولیکن سازمان های ذریبط از تحول گیری آن خودداری نموده و بناچار در طی یک سال گذشته حداقل بیش از یکصد میلیون تومان هزینه نگرهبانی و حفاظت و نگهداری به این پیمانکار تحمیل شده است و در حال حاضر نیز این روند ادامه دارد و در واقع بخش مهمی از مطالبات کارگران و ادعاهای آنان مربوط به همین دوره می باشد.

پایان پیام

جزئیاتی از مرگ افشین اسانلو در گفت و گو با خواهرش: او سالم بود، مقامات زندان مسوول مرگ برادرش هستند

بر پایه خبر دریافتی در 4 تیر 92 آمده است : خواهر افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی عقیدتی که روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه در زندان رجایی شهر فوت کرد به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که آنها از پزشک قانونی تقاضای رسیدگی در مورد علت مرگ برادرش را کرده اند. علت مرگ افشین اسانلو سکنه قلبی عنوان شده است اما به گفته خواهر مرحوم اسانلو او هیچ سابقه بیماری قلبی نداشته و در آخرین ملاقات سالم بوده است. همچنین به گفته پرستاران بیمارستان فوت مرحوم اسانلو قبل از رسیدن به بیمارستان بوده است. خانم اسانلو در این گفتگو همچنین گفت که به آنها اجازه برگزاری مراسم در مساجد داده نشده و آنها به ناچار مراسم سوم و هفتم برادرش را در منزل برگزار خواهند کرد.

فرشته اسانلو به کمپین بین المللی حقوق بشر ساعتی پس از خاکسپاری برادرش در بهشت زهراي تهران در خصوص علت مرگ برادرش گفت: «پرستاران بیمارستان به ما گفتند که او را حدود ساعت ۸ پنجشنبه شب به بیمارستان آورده اند اما او مدت ها پیش از رسیدن به بیمارستان فوت کرده بوده. آنها گفتند که حتی برادرش در حد فاصل رسیدن به بیمارستان هم فوت نکرده بلکه فوتش قبل از اینها بوده است.»

این در حالیستکه سهراب سلیمانی، مدیر کل زندان های استان تهران در گفتگوی با خبرگزاری فارس در تاریخ اول تیرماه با تایید خبر فوت این زندانی گفت: «روز ۳۰ خرداد در زندان رجایی شهر کرج و پس از ابراز درد در ناحیه قفسه سینه به بهداری زندان منتقل می شود. پس از معاینه و گرفتن نوار قلب، به بیمارستان شهید رجایی کرج منتقل می شود و پس از چند ساعت بر اثر سکنه قلبی جان خود را از دست می دهد.»

افشین اسانلو، ۴۲ ساله، فعال کارگری، برادر منصور اسانلو و از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در سال ۱۳۸۸ به اتهام تبانی و اجتماع به قصد اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. او سال گذشته از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج برای سپری کردن باقی مدت محکومیتش منتقل شد.

مرحوم اسانلو اسفند ماه امسال با پایان یافتن دوران محکومیتش قرار بود از زندان آزاد شود اما

غروب پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه در بیمارستان رجایی شهر کرج به علت "سکته قلبی" فوت کرد و روز دوشنبه ۲ تیرماه در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

خانم اسانلو در پاسخ به اینکه چطور از فوت برادرش با خبر شده اند، گفت: «برادرم پنجشنبه فوت کرد اما مراجع قانونی با وجود آنکه شماره تلفن مادرم را داشتند زنگ نزدند و اطلاع ندادند. ما خبر را از دوستان مان صبح شنبه یعنی دو روز بعد از فوت برادرم شنیدیم. همان ها که برای ملاقات با زندانی هایشان به زندان رجایی شهر کرج رفته بودند، آنها به ما گفتند که شنیده اید افشین داخل زندان سکته کرده است؟! ما مات و مبهوت مانده بودیم. اصلا نمی توانستیم این خبر را هضم کنیم. تازه ما فقط شنیدیم که او سکته کرده، بلافاصله به زندان رفتیم اما ماموران به ما جواب درستی نمی دادند. مادرم با یکی از نگهبان های ورودی زندان که همیشه رفتار خوبی با مادرم داشته حال برادرم را پرسید اما او هیچی نگفت. بعد از اینکه جوابی از بخش ملاقات زندان نگرفتیم به بخش اداری زندان رجایی شهر رفتیم و آنجا بود که به ما گفتند برادرم فوت کرده و گفتند که برای تحویل گرفتن جنازه اش باید حتما از دادسرا نامه داشته باشیم.»

فرشته اسانلو در حالیکه به شدت متاثر بود، گفت: «ما تا عصر شنبه درگیر گرفتن نامه از دادسرا بودیم بعد به بیمارستان رفتیم. تا زمانیکه به بیمارستان رفتیم و جسد را ندیدیم باورمان نمی شد.»

خواهر افشین اسانلو در پاسخ به اینکه آیا برادرش سابقه بیماری قلبی داشته است، گفت: «برادرم اصلا مشکل قلبی نداشت و حالش خوب بود. او هر روز در محیط زندان ورزش می کرد و دو هفته قبل با مادرم ملاقات حضوری داشت. مادرم می گفت که حال افشین خوب بوده و صحیح و سالم بوده است. افشین اگر مشکلی داشت حتما به مادرم در آن ملاقات می گفت به همین دلیل ما وقتی شنیدیم که او در اثر سکته قلبی فوت کرده واقعا شوکه شدیم.»

فرشته اسانلو با اشاره به پیگیری های خانواده اش برای علت مرگ و جوابیه پزشک قانونی گفت: «پزشک قانونی که به ما جوابی نداد گفت سه ماه دیگر جواب روشن می شود. ما هنوز اطلاع خاصی نداریم. اما برادرم آنجا امانت بود و مسولان زندان باید امانت داری می کردند و او را سالم برمی گرداندند. به نظرم مسولیت مرگش با آنها است.»

خواهر افشین اسانلو در پاسخ به این پرسش که آیا قرار است برای دیر اطلاع دادن مرگ برادرش از مقامات قضایی شکایت کنند، گفت: «این حق قانونی ما است اما باید ببینیم تصمیم مادرم در این باره چه خواهد بود. مادرم که تمام فشارها را در این مدت تحمل می کرد و بارها نامه های به دادستانی برد. آخرین بار که مادرم برای افشین به دفتر دادستانی تهران رفته بود سه شنبه ۲۸ خرداد ماه بود که رفته بود تا تقاضای بخشش کند. برادرم قرار بود اسفند ماه آزاد شود و مادرم رفته بود تا تقاضای بخشش ماه های باقی مانده را بدهد.»

فرشته اسانلو با اشاره به اینکه آنها نتوانسته اند موافقت چند مسجد را برای برگزاری مراسم سوم و هفتم برادرش را بگیرند، گفت: «یک فرد فوت شده و حداقل حقیقت این است که در یک جای آبرومندی مراسم برگزار شود. مستقیم به ما گفته نشده که نمی توانیم اما فکر می کنم چنین حقی به ما داده نشده است. ما موفق به گرفتن رضایت از جاهای مورد نظر برای برگزاری مراسم نشدیم. می خواستیم مراسم برادرم را در جای آبرومندی برگزار کنیم که نشد و مادرم گفت مراسم را در منزل برگزار می کنیم. چاره دیگری برایمان نمانده است.»

۴۴ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین در پیام تسلیتی که روز دوشنبه در وب سایت کلمه منتشر شده، نوشته اند: «بار دیگر سهل انگاری و بی توجهی مسوولین دستگاه قضایی و سازمان زندان ها باعث فوت مظلومانه افشین اسانلو، یکی دیگر از زندانیان سیاسی، شد. این البته اولین مورد از این گونه نبود. دوسال قبل نیز مرحوم هدی صابر به دلیل عارضه مشابه و به دلیل کوتاهی مسئولین مربوطه جان باخت. اعتراضات بعدی در آن مورد هرگز شنیده نشد و جایی نرسید. نتیجه آن بی توجهی ها اینک قربانی شدن افشین اسانلو است و هر لحظه می تواند تکرار گردد. هنوز هم کم نیستند زندانیان سیاسی که از بیماری های شدید رنج می برند و علیرغم نظر پزشکان متخصص برای درمان آنها دادستان تهران و در مواردی قاضی صلواتی از

بسنتری شدن و معالجه آنان جلوگیری می کند. « منصور اسانلو برادر این فعال کارگری در مطلبی که در صفحه فیس بوک خود درباره برادرش افشین نوشته آورده است: «بعد از دستگیری من در ۱۹ تیر ۱۳۸۶ ویستن دفتر دوم سندیکا که با زحمت زیاد کارگران آماده وباز گشایی شده بود ، افشین نیز دوباره به جاده و بیابان باز گشت . حدود سه سال پیش که من در زندان بودم ، او را در قسمت خوابگاه رانندگان ترمینال جنوب دستگیر می کنند و به اطلاعات شهر ری می برند و با هماهنگی اطلاعات اوین او را به بند ۲۰۹ اوین می برند و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار می دهند . تا از او بر علیه سندیکا و فعالیت های سندیکایی اقرار بگیرند . اقرارهایی دال بر همکاری سندیکا با گروه های سیاسی و اقدامات غیر قانونی وحتا تهیه اسلحه برای سندیکا یا داشتن نقشه بمب گذاری با همکاری عوامل گروه های سیاسی مخالف ج.ا که همه دروغ و واهی و چون او این اتهامات را نمی پذیرد زیر فشارهای سخت تری قرار می گیرد.»

سقوط از طبقه ششم؛ جان جوشکار را گرفت

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۴ تیر ۹۲ آمده است : یک استادکار جوشکار از طبقه ششم یک ساختمان در حال احداث در شهر کرمانشاه سقوط کرد و جان خود را از دست داد. براساس این گزارش، این استادکار هنگام انجام جوشکاری سقوط کرده و از ناحیه سر و صورت بشدت دچار جراحت و خونریزی شده بود. پس از تایید مرگ فرد مذکور توسط اکیپ فوریت های پزشکی، پس از هماهنگی با مقام قضایی جسد وی به پزشکی قانونی انتقال داده شد. این حادثه روز دوشنبه در خیابان اشرفی اصفهانی کرمانشاه روی داد.

مخالفت با برگزاری مراسم یادبود در مسجد الجواد تویط ماموران امنیتی رژیم اسلامی

برپایه اخبار رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ مامورین امنیتی از برگزاری مراسم ختم افشین اسانلو در مسجد الجواد تهران جلوگیری کرده اند. مراسم ختم افشین اسانلو در روز چهارشنبه برگزار شود اما با برگزاری این مراسم در مسجد الجواد تهران مخالفت شده است. مراسم تدفین پیکر افشین اسانلو صبح روز دوشنبه برگزار شده و در این مراسم نیروهای امنیتی حضور داشته اند. افشین اسانلو، زندانی محبوس در زندان رجایی شهر کرج و برادر منصور اسانلو فعال کارگری پس از انتقال از زندان رجایی شهر به بیمارستان درگذشت . دلیل درگذشت افشین اسانلو سکنه قلبی ذکر شده است. افشین اسانلو پیش از این برای درمان بارها درخواست مرخصی کرده بود اما مسئولان دادستانی تهران با مرخصی این زندانی سیاسی مخالفت کرده بودند. وی که به همراه بازداشت شدگان اعتراضات ۲۵ بهمن ماه سال ۸۹ به بند ۲۵۰ زندان اوین منتقل شده بود هفدهم خردادماه، سال گذشته بر اساس تصمیم شورای انضباطی زندان اوین به بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) منتقل شده بود. افشین اسانلو اواخر آذرماه سال ۸۹، در ترمینال جنوب تهران توسط ماموران امنیتی بازداشت و به مدت سه ماه و بدون اطلاع خانواده در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین تهران نگهداری می شد.

در اعتراض به اعدام و قتل و شکنجه زندانیان سیاسی

و علیه نفس زندانی نمودن انسانها به دلیل اعتقادات سیاسی و اجتماعی

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۹۹۲ خبر مرگ افشین اسانلو از فعالین مستقل کارگری ایران در زندان رجایی شهر کرج (گوهر دشت) بند ویژه امنیتی منتشر شد. ظاهر ماجرا چنین است که افشین اسانلو بدنال سخته قلبی به بهداری زندان و سپس به بیمارستان بیرون منتقل شد و در آنجا درگذشت.

اما کیست که نداند جمهوری سرمایه داری اسلامی حاکم بر ایران سالهاست که بهمراه اعدامهای علنی و غیرعلنی و کشتار رسمی و دولتی زندانیان بطور روزانه، اکنون سالهاست که با تحمیل سازمانیافته شرایط کشنده به زندانیان سیاسی آنانرا بسمت مرگی خاموش سوق داده و به این ترتیب به قتل می رساند. ترکیبی از وحشیانه ترین شکنجه های جسمانی و شکنجه های خرد کننده روحی و شرایط بشدت غیر انسانی داخل بندها و فقدان تغذیه و بهداشت لازم و محرمیت از امکانات درمانی بهمراه تعلل و اهمال و بی توجهی عامدانه مسولین زندانها برای رسیدگی به نیازهای درمانی

اورژانس، آن مجموعه ای است که رژیم ایران برای به قتل رساندن زندانیان سیاسی بکار می گیرد. مرگ زهرا کاضمی و ستار بهشتی و اکنون نیز افشین اسانلو تنها چند نمونه از این نوع کشتار زندانیان سیاسی می باشد.

مردم و انسانهای آزادیخواه !

آنچه که بر سر افشین اسانلو رفت اکنون در انتظار دهها فعال کارگری مستقل چون رضا شهابی و شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی و پدram نصرالهی ... و دهها و صدها زندانی سیاسی و فعالین اجتماعی و فعالین حقوق زنان می باشد. بیاییم دست در دست هم صدای اعتراض خود را علیه این جنایت ها و آدمکشی های سازمانیافته حکومتی رساتر سازیم. بیاییم یکبار دیگر به زندانیان سیاسی نشان دهیم که آنها تنها نیستند و مورد حمایت انسانهای آزادیخواه در هر گوشه ای از جهان می باشند. بیاییم با اعتراضات و افشاگریها و تظاهراتهای خود سدی هر چند کوچک اما مهم و ضروری در مقابل این آدمکشی ها باشیم .

«شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران» از شما همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و از شما همه احزاب و جریانهای چپ و ترقی خواه دعوت می کند در تظاهرات اعتراض به قتل افشین اسانلو و اعتراض به اعدام، قتل و شکنجه زندانیان سیاسی شرکت کنید.

زمان:شنبه ۶ جولای از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر

مکان: میدان مل لستمن واقع در ۵۱۰۰ خیابان یانگ شمال خیابان شپرد

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو- کانادا)

shora.poshtibani@gmail.com

دولت ایران کشتار سیستماتیک زندانیان سیاسی را متوقف کند!

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : طی چند سال اخیر تعداد زیادی از زندانیان سیاسی محکوم شده به طور مشکوک در زندانهای ایران جان باخته اند از زندانی حسن ناهید ومحسن دکمه چي ؛ هدي صابر ، ستار بهشتي ؛ ومير صيافي واين اواخر هم کارگر زندانی افشین اسانلو ودها موارد دیگر ..

سازمانها و نهادهای حقوق بشری در این باره اعلام کرده اند مقامات مسول ایران نشان داده اند که دیگر برای سرکوب معترضان به زندانی کردن و محکومیت های سنگین راضی نیستند حال به مرگ های مشکوک روی آورده اند اگر افکار عمومی در جامعه نسبت به این وضعیت سکوت کند این قبیل مرگ و میرها سازمان دهی شده در زندانهای ایران بیشتر می شود.

مقامات ایران سالهاست که مخالفان سیاسی خود را با اتهامهای واهی دستگیر و محاکمه می کند؛ جانباختن اخیر کارگر زندانی افشین اسانلو و ستار بهشتی نگرانی را برای بسیاری از زندانیان و خانواده های آنان افزایش داده است؛ در چند سال اخیر دولت ایران به شکل دائم مانع از ساز و کارهای جهانی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران می شود.

افشین اسانلو کارگر زندانی در بند در سال ۱۳۸۸ همراه با ضرب و شتم دستگیر شده بود او بارها در زندان اوین بند وزارت اطلاعات توسط بازجویان و شکنجه گران مورد اذیت و آزار و ضرب و شتم قرار گرفته بود او همچنین طی مراحل حلی حتی در شهرستان سنندج در بند وزارت نیز به شدت مورد ضرب و شتم های جسمی و روحی قرار گرفت بارها وی را با کابل و شوک های الکتریکی مورد اذیت و آزار قرار دادند.

افشین در مدت زمانی که به همراه ما در بند ۲۵۰ اوین بود از نظر جسمی و روحی هیچ مشکلی نداشت بیش از یک سال و نیم در بند ۲۵۰ در کنار دیگر هم بندی هایش در سلامت کامل دوران حبس خود را سپری کرده بود اما وی همواره از رفتار تند بازجویان و ضرب و شتم آنان وزخم و کبودی های بدنش سخن می گفت که بازجویان و شکنجه گران بر او تحمیل کرده بودند.

افشین اسانلو عضو هیچ تشکل و سندیکای کارگری نبود اما کارگر پیشروی بود که در دفاع از طبقه کارگر با تمام وجود به میدان آمده بود دولت ایران مسئول مرگ افشین اسانلو است. یادش گرامی و راهش پررهرو

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری
پنجم تیر ماه ، زندان اوین بند ۲۵۰

نرخ تورم در خرداد به ۳۲٫۶ درصد رسید

بر پایه گزارش رسیده در ۵ تیر ۹۲ آمده است : مرکز آمار ایران، نرخ تورم ایران در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه امسال را ۳۲٫۶ درصد اعلام کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، مرکز آمار ایران گزارش شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در خرداد ماه سال ۱۳۹۲ را بر اساس سال پایه جدید ۱۳۹۰ منتشر کرد.

شاخص کل (بر مبنای ۱۳۹۰= ۱۰۰) در خرداد ماه سال ۱۳۹۲ عدد ۱۶۱٫۴ را نشان می دهد که نسبت به ماه قبل ۳٫۰ درصد افزایش داشته است. افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۴۱٫۲ درصد می باشد.

درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه سال ۹۲ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۲٫۶ درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ (۳۱٫۰ درصد) افزایش یافته است.

شاخص گروه عمده «خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات» در این ماه به رقم ۲۰۱٫۵ رسید که نسبت به ماه قبل ۳٫۰ درصد افزایش نشان می دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی ها» در ماه مورد بررسی به عدد ۱۹۹٫۳ رسید که نسبت به ماه قبل ۳٫۰ درصد افزایش نشان می دهد.

شاخص گروه اصلی «خوراکی ها» نسبت به ماه مشابه سال قبل ۵۹٫۶ درصد افزایش نشان می دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه ۵۱٫۹ درصد است. شاخص گروه عمده «خوراکی ها،

آشامیدنی ها و دخانیات " نسبت به ماه مشابه سال قبل 61.3 درصد افزایش نشان می‌دهد و درصد تغییرات این گروه در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 51.9 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 (49.6 درصد) افزایش یافته است.

شاخص گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» در خرداد ماه 92 به رقم 147.6 درصد رسید که 3.0 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می‌دهد. میزان افزایش شاخص گروه عمده " کالاهای غیرخوراکی و خدمات " نسبت به ماه مشابه سال قبل 33.4 درصد بوده است و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به خرداد ماه سال 1392 نسبت به دوره مشابه سال قبل این گروه 25.8 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 (24.5 درصد) افزایش یافته است.

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر کردستان: نبود شغل مهمترین مشکل بهبود یافتگان بیماری اعتیاد است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 تیر 92 آمده است: دبیرشورای مبارزه با مواد مخدر کردستان، نبود شغل را مهمترین مشکل 90 درصد بهبود یافتگان بیماری اعتیاد دانست وگفت: اگر این افراد سیستم کاریابی و حمایتی نداشته باشند مجدداً به اعتیاد باز می‌شوند.

به گزارش خبرنگار ایلنا از سنندج، سلیم کریمی بعدازظهر سه شنبه در جریان بازدید خبرنگاران رسانه‌های گروهی استان از کمپ تولد دوباره سنندج اظهار داشت: معتادی که به دلیل اعتیاد به مواد مخدر از جامعه و خانواده طرد شده و سرمایه خود را از دست داده پس از بازگشت به جامعه نیاز به اعتماد جامعه و نیز حمایت شغلی دارد.

وی با بیان اینکه بیکاری از مهمترین عوامل بازگشت بیماری اعتیاد است، افزود: بیکاری دردی بزرگ برای افرادی است که مصرف مواد را ترک کرده اند چرا که این افراد اگر نتوانند وقت خود را به شکل مفید پر کنند مجبور هستند به مکان مصرف سابق بروند و بالاخره مقاومت آنها در مقابل مصرف مواد مخدر شکسته می‌شود.

کریمی با عنوان اینکه اشتغال، بیمه، مسکن و حرفه‌آموزی از مهمترین مسائلی است که باید برای معتادین پاک‌شده مورد توجه قرار گیردگفت: امیدواریم با اختصاص حداقل پنج درصد از اشتغال کشور به معتادان بهبود یافته شاهد بازگشت مجدد این افراد به این بلای خانمانسوز نباشیم.

اطلاع رسانی مهمترین راه پیشگیری از اعتیاد است

دبیر شورای مبارزه با مواد مخدر استان در ادامه سخنانش رسانه های گروهی استان را مهمترین عاملان پیشگیری از اعتیاد در جامعه دانست و یادآور شد: افراد اغلب به دلیل ناآگاهی نسبت به اثرات بسیار مخرب این مواد، به سمت آنها می‌روند. وی با تأکید بر اینکه رسانه‌ها باید به طور مستمر، نتایج اعتیاد را در زندگی افراد نشان دهند، خاطرنشان کرد: هر چه آگاهی مردم نسبت به اعتیاد و آسیب های اجتماعی بیشتر شود اعتماد به نفس افراد برای 'نه' گفتن به تعارفاتی همچون سیگار و مواد مخدر بالا می‌رود.

کریمی در پایان اولویت کاری شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر در کردستان فرهنگ سازی، آگاهی و اطلاع رسانی مداوم در بین آحاد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان است که امیدواریم با

تعامل و همکاری بیش از پیش جامعه خبرنگاری با شورا، شاهد برداشتن گام‌های مثبتی جهت کاهش پدیده خرید و فروش مواد مخدر و اعتیاد در سطح جامعه باشیم.

پایان پیام

اعتصاب پزشکان بخش دولتی یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایایشان

به گزارش سایت ایرنا، در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: بیش از ۲۰ پزشک جراح و متخصص عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد دست به اعتصاب زدند و در مطب‌های خود در کلینیک شهید مفتاح یاسوج حاضر نشدند.

مدیر کلینیک شهید مفتاح یاسوج نیز با تأیید این خبر اظهار کرد: تعدادی از پزشکان این کلینیک که بیشتر آنها نیز پزشکان جراح است به دلیل پرداخت نشدن حق کارانه (عمل جراحی) آنها دست به اعتراض زدند و در محل و مطب‌های خود حضور نیافتند.

پرویز یزدان پناه گفت: حق کارانه پزشکان متخصص و جراح کلینیک شهید مفتاح یاسوج در بیمارستان امام سجاد این شهر به مدت ۱۵ ماه پرداخت نشده است.

وی بیان کرد: حق کارانه این افراد نیز در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج نیز حدود ۱۲ ماه است که پرداخت نشده است.

یزدان پناه اظهار کرد: با توجه به مکاتبات فراوان با مسوولان دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد و بیمارستان‌های شهید بهشتی و امام سجاد تاکنون اقدام مناسبی در این راستا انجام نشده است.

وی افزود: مسوولان این بیمارستان‌ها مدعی هستند که بنا به دلایل مختلف تراز مالی آنها پایین آمده و توان پرداخت حق کارانه پزشکان متخصص را ندارد.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد در این زمینه می‌گوید: دلیل اصلی اعتراض پزشکان کلینیک شهید مفتاح یاسوج برای پرداخت نشدن (فرانشیز) و مزایای آنها بود.

اورنگ ایلامی افزود: تعرفه پزشکان دولتی با وجود تورم و مشکلات اقتصادی افزایش پیدا نکرده و از طرفی نیز تراز مالی بیمارستان‌ها و مراکز کلینیک‌های درمانی نیز به شدت پایین آمده است.

وی بیان کرد: این در حالی است که پزشکان بخش دولتی با درآمد‌های کمتری نسبت به بخش خصوصی مواجه هستند.

ایلامی افزود: حقوق و مزایای پرسنل پزشکان بخش دولتی که باید از طریق درآمدهای بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها پرداخت می‌شد به دلیل پایین آمدن تراز مالی هم‌اکنون با مشکل پرداخت مواجه شده‌اند.

وی اظهار کرد: حقوق این پزشکان به دلیل عضو هیات علمی بودن دانشگاه پرداخت شده ولی (پرکیس) و حق الزحمه آنان هم‌اکنون چند ماهی است که پرداخت نشده و دلیل اعتراض آنها نیز همین امر بوده است.

وی از پرداخت سه ماه از حقوق و مزایای این پزشکان در اسرع وقت خبر داد و گفت: مسوولان اجرایی استان باید در چنین شرایطی دانشگاه علوم پزشکی و حوزه سلامت را بیشتر یاری دهند.

یزدانپناه اظهار کرد: با توجه به نشست روز گذشته مسوولان دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد قرار است سه ماه حق کارانه و مزایای این پزشکان پرداخت شود و به محض تأمین اعتبار نیز مابقی حقوق و طلب آنها در آینده پرداخت شود.

فارغ از هرگونه تعصب باید پرسید که ادعای تعهد انسانی و اخلاقی این تعداد پزشک را که به صراحت در سوگندنامه آنها آمده است کجا باید جست و جو کرد.

فراخوان - ۲۱ تیر با کیسه‌های پارچه‌ای

خانه علم محله دروازه غار

به نوشته سایت عصر نو در تاریخ چهارشنبه 5 تیر 92 آمده است : درود بر شما دوستای خوب چند روز پیش نزدیک انتخابات هر جا نشستیم و حرف زدیم اکثراً این اعتقاد را داشتن که فقط رای دادن کافی نیست و باید زیر ساخت های فرهنگی و اجتماعی ترمیم و یا حتی از نو پایه ریزی بشه و همیشه از یک آدم خاص از هر جناحی توقع داشت همه چیز رو از اقتصاد و فرهنگ و اجتماع و سیاست به یکباره تغییر بده. و اینکه اگر از خودمون شروع نکنیم با یک تغییر ممکنه به عقب برگردیم، در صورتیکه اگر جامعه ای غنی داشته باشیم می توان از خیلی رخداد هایی که ممکنه ناخوشایند و یا تحمیلی باشه پیشگیری کرد. بخشی از ما کنار هم و همراه هم همین 10 روز پیش ثابت کردند که خواستن توانست هست، پس این کنار هم بودن را رها نکنیم و نایستیم و قدم برداریم .

نمی دونم چقدر در جریان هستید؟! 21 تیر روز بدون نایلکس هست با شعار " هر روز یک کیسه پلاستیکی کمتر "

قراره در اون روز موقع خرید از مغازه ها کیسه پلاستیکی نگیریم و اصلا در اون روز نایلکس استفاده نکنیم ، برای اینکه ما هم به جمع دوستان محیط زیست بپیوندیم و شاید بتونیم این راه رو به راحتی ادامه بدیم .

چطوری ؟

یک جایی هست به نام خانه علم دروازه غار، اگر در گوگل جستجو کنید با این انجمن و شکل فعالیت های آن بهتر آشنا خواهید شد .

بچه های خانه علم که از بچه های کار و خیابان بودند. یکی از کارهایی که اونجا انجام میدن این هست که با همراهی خاله ها و عموهایی که اونجا هستند روی کیسه های پارچه ای نقاشی می کشند و به نفع انجمن می فروشند.

من فکر کردم که می تونیم با یک تیر 2 نشون بزنیم ... هر کس هرچقدر دوست داره می تونه کمک مالی کنه و البته به تعدادی داوطلب هم نیازه که 21 تیر با کیسه هایی که از بچه های خانه علم خریدیم میان مردم بریم و اونها رو پخش کنیم . مثلا دم سوپر مارکت ها و فروشگاه ها و یک بروشور یک برگه هم با موضوع 21 تیر به کیسه ها اضافه کنیم.

قیمت کیسه ها 3000 و 5000 تومان هست و می شه از سایت کادوخونه و یا خود خانه علم دروازه غار خرید. فکر می کنم برای تعداد بالا تخفیف هم داره. کیسه های گرون تر از جنس ضخیم تر و جیب دار هست ، ولی کیفیت کیسه های 3000 تومانی هم اصلا بد نیست ولی جیب نداره.

پیشنهاد ای من برای کنار هم بودن در این طرح موارد زیر هست:

1- کمک مالی به همون حساب 1000 کودک 1000 هدیه

2- نوشتن یک برگ حد اکثر یک چهارم کاغذ A4 برای توضیح بیشتر و چرایی این کار (قابل توجه بچه های محیط زیستی)

3- نیروی داوطلب برای توزیع در روز 21 تیر که البته جمعه هست (به نظرم بیشتر داوطلبین می تونن بچه ها باشن)

4- تهیه عکس از طرح

5- پیشنهادات و ابتکارهای شما

6- و حداکثر تاریخ واریز وجه رو فکر کنم 15 تیر قرار بدیم بهتر هست.

7- چند نفر داوطلب میتونند مسئولیت خرید و توزیع کیف ها بین دیگر داوطلبین رو بر عهده بگیرند. هر چقدر پول جمع بشه کیسه پارچه ای می خریم.

ممنون که هستید .

.....

سوم تیرماه یک هزارو سیصد و نود و دو

<http://www.darvazeghar.blogfa.com>

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

پرداخت یارانه به دهک‌های پردرآمد طبق مصوبه مجلس ادامه می‌یابد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 تیر 92 آمده است : عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با تاکید بر اینکه به نظر می‌رسد در دولت آینده نیز دهک‌های پردرآمد از دریافت یارانه نقدی محروم نخواهند شد، گفت: مجلس در بودجه 92 برای تمامی دهک‌های جامعه پرداخت یارانه نقدی را مصوب کرده است و دولت موظف به رعایت این مساله است.

اسماعیل جلیلی نماینده مردم مسجد سلیمان، لالی در گفتگو با خبرنگار ایلنا تصریح کرد: درآمد 50 هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه نقدی برای سال 92 امکان پذیر است و دولت مکلف است این میزان درآمد را از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی به دست آورد.

به گفته وی درآمدها در سال 92 کاهش نخواهد یافت و مردم مصرف خود را کاهش نمی‌دهند و این امر موجب می‌شود تا دولت از فروش حامل‌های انرژی درآمد لازم را برای پرداخت یارانه نقدی کسب کند.

جلیلی تصریح کرد: احتمال موافقت مجلس با تغییر ساختار بودجه‌ای در حوزه هدفمندی محتمل است.

پایان پیام

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

احتمال موافقت مجلس با تغییر ساختار بودجه‌ای در حوزه هدفمندی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 تیر 92 آمده است: آینده نیز دهک‌های پردرآمد از دریافت یارانه نقدی محروم نخواهند شد، گفت: مجلس در بودجه 92 برای تمامی دهک‌های جامعه پرداخت یارانه نقدی را مصوب کرده است و دولت موظف به رعایت این مساله است.

اسماعیل جلیلی نماینده مردم مسجد سلیمان در گفتگو با خبرنگار ایلنا تصریح کرد: درآمد 50 هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه نقدی برای سال 92 امکان پذیر است و دولت مکلف است این میزان درآمد را از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی به دست آورد.

به گفته وی درآمدها در سال 92 کاهش نخواهد یافت و مردم مصرف خود را کاهش نمی‌دهند و این امر موجب می‌شود تا دولت از فروش حامل‌های انرژی درآمد لازم را برای پرداخت یارانه نقدی کسب کند.

جلیلی تصریح کرد: احتمال موافقت مجلس با تغییر ساختار بودجه‌ای در حوزه هدفمندی وجود دارد.

کانون صنفی معلمان غیرقانونی شد!

بر پایه خبر رادیو زمانه در چهارشنبه 5 تیر 92 آمده است: میثم بصامتبار، رئیس اداره تشکلهای صنفی و تخصصی دفتر سیاسی وزارت کشور گفت: «کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با تمدید پروانه کانون صنفی معلمان موافقت نکرده است.»

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، بصامتبار بنا به این تصمیم این تشکل با عنوان کانون صنفی معلمان اجازه فعالیت ندارد.

وی افزود: «کمیسیون ماده ۱۰ احزاب می‌تواند با تمدید پروانه یک تشکل موافقت نکند و در این مورد نیز بنا به ملاحظات این تصمیم را گرفته است.»

کانون صنفی معلمان ایران در سال ۱۳۷۸ تأسیس شد و در یک دهه اخیر تحت فشارهای امنیتی شدیدی قرار گرفت.

در دوره نخست ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد نزدیک به دو هزار معلم و فرهنگی در ایران به دادگاه احضار یا بازداشت و یا توسط هیئت تخلفات اداری محکوم شدند.

رسول بداغی، محمود باقری، علی‌اکبر باغانی، اسماعیل عبدی و محمود بهشتی از جمله مسئولان این تشکل صنفی هستند که به پنج تا ۱۰ سال حبس و تبعید محکوم شده‌اند.

این کانون یک هفته پیش در نامه‌ای خطاب به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه خواستار بازنگری به احکام صادر شده علیه فعالان صنفی جامعه فرهنگی شد.

کانون صنفی معلمان در نامه خود خواهان زدودن نگاه امنیتی به نهادهای صنفی شده بود.

اطلاعیه شماره ۵ ، کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ، بهنام ابراهیم زاده به مرخصی آمد!

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال حقوق کودک امروز چهارشنبه ۵ تیر ماه به

همراه ۴ زندانی دیگر به اسامی فرخ واضحان ، علی امینی ، سعید جلالی فر و خسروی راد برای ۴ روز به مرخصی آمدند.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن تبریک به خانواده بهنام ابراهیم زاده و تمامی کسانی که در این مدت پیگیر اخبار بهنام و نیما بودند خواهان آزادی تمامی فعالین کارگری و کارگران زندانی می‌باشند.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده - پنجم تیر ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

با هدف تامین خوراک مجتمع های پتروشیمی در ماهشهر: قرارداد ساخت ۶ کارخانه ان جی ال به زودی امضا می شود

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: مدیر کنترل تولید شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: قرارداد ساخت ۶ واحد ان جی ال با هدف تامین خوراک مجتمع های پتروشیمی در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر به زودی نهایی خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از بندر امام خمینی «ره» علی محمد بساق زاده اظهار کرد: پس از انعقاد قرار داد ساخت ان جی ال ۳۲۰۰ میان پتروشیمی بندر امام و شرکت نفت و گاز اروندان، شش واحد ان جی ال دیگر نیز در مناطق نفتخیز جنوب با مشارکت شرکت های پتروشیمی ساخته خواهد شد. وی افزود: شش پروژه ان جی ال در مناطق نفتخیز تعریف شده اند که با مشارکت پتروشیمی های امیر کبیر، مارون و بندر امام ساخته خواهند شد و مذاکره برای نهایی شدن ساخت این شش واحد ان جی ال ادامه دارد.

وی ادامه داد: یک واحد از این ان جی ال ها نیز با هدف تامین خوراک پتروشیمی اروند ساخته خواهد شد و این شرکت از خوراک دریافتی از خط لوله اتیلن غرب که از پتروشیمی کاویان ارسال می شود بی نیاز می شود.

مدیر کنترل تولید شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: مذاکره های بسیار خوبی با مدیریت وزارت نفت و شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب برای ساخت این واحدها در حال انجام است که امیدواریم تا پایان تابستان به جمع بندی نهایی رسیده و قراردادهای لازم منعقد شود. وی اظهار کرد: تامین سوخت مجتمع های پتروشیمی در ماهشهر با توجه به ذخایر گسترده گازی در استان خوزستان افزایش خواهد یافت که تاثیر فراوانی بر میزان تولید مجتمع های پتروشیمی در منطقه ماهشهر دارد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی چندی پیش اظهار کرد: با برنامه ریزی های انجام شده امسال تحویل خوراک به مجتمع های پتروشیمی در وضعیت مطلوبی قرار دارد و با راه اندازی فازهای جدید پارس جنوبی، میزان تحویل خوراک مورد نیاز پتروشیمی ها افزایش می یابد.

پایان پیام

جدول مقایسه ای میزان حقوق در 11 کشور- هر کارگر ایرانی چند دلار درآمد دارد؟

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: به تازگی سازمان جهانی کار گزارشی از وضعیت حقوق و دستمزد ماهیانه 10 کشور جهان منتشر کرد که براساس بررسی ها و مطالعات صورت گرفته در سال 2010 میلادی بوده است. در این گزارش وضعیت دستمزد ماهیانه شاغلان در برخی کشورها اعلام شده است. طبق گزارش ILO در سال 2010 هر فرد ترکیه ای ماهیانه 1400 دلار درآمد داشته که با دلار 3200 تومانی امروز بازار ایران، این میزان معادل 4 میلیون و 480 هزار تومان در هر ماه و با دلار آن سال

به میزان 1 میلیون و 400 هزارتومان بوده است. همچنین میزان درآمد افراد در پرو و مکزیک نیز ماهیانه 600 دلار معادل 1 میلیون و 920 هزارتومان در سال 92 برآورد شده است. یک فرد چینی طبق آمارهای سال 2010 در هر ماه 700 دلار درآمد داشته که به ریال امروز ایران 2 میلیون و 240 هزارتومان و با ریال آن روز نیز 700 هزارتومان می شود. در این میان، در کشوری مانند آمریکا معادل 3 هزار و 400 دلار یا 10 میلیون و 880 هزارتومان است. در ایران نرخ آزاد دلار در سال 88 به میزان 1000 تا 1100 تومان بوده است که بر اساس حداقل دستمزدهای تعیین شده در سال های 88 و 89 رقمی بین 239 تا 303 دلار در ماه بوده است. با این حال، به دنبال نوسانات نرخ ارز در سال گذشته و به تبع آن سه برابر شدن نرخ دلار، هر کارگر ایرانی ماهیانه 152 دلار (487 هزارتومان بر مبنای دلار 3200 تومانی بازار آزاد) حقوق دریافت می کند.

جدول میانگین دستمزد ماهیانه 11 کشور در 2010 (ارقام به دلار):

کشور	دستمزد ماهیانه
ایران	239 تا 303
اندونزی	250
مکزیک	600
پرو	600
چین	700
مصر	700
ترکیه	1400
پرتغال	1600
آفریقای جنوبی	2400
آلمان	2800
آمریکا	3400

بازنشستگان قزوینی به پرداخت نشدن مستمری‌ها اعتراض کردند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان البرز استان قزوین به محقق نشدن وعده‌های داده شده مسئولان سازمان تأمین اجتماعی و کانون عالی بازنشستگان تأمین اجتماعی در مورد افزایش مستمری‌های 92 اعتراض دارند.

به گزارش ایلنا، صبح امروز جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی شهرستان البرز قزوین با تجمع در مقابل ساختمان خانه کارگر و دفتر کانون کارگران بازنشسته این شهرستان اعتراض خود را نسبت به تاخیر افتادن پرداخت افزایش 25 درصدی مستمری‌ها اعلام کردند. در همین زمینه، عید علی کریمی، عضو هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته شهرستان البرز گفت: بازنشستگان تأمین اجتماعی این شهرستان به عملی نشدن وعده‌های رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور و مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی در خصوص افزایش 25 درصدی مستمری‌ها اعتراض دارند.

او یادآور شد: پیشتر قرار بود طبق وعده رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور امروز چهارشنبه (پنجم خرداد ماه) افزایش حقوق بازنشستگان بعد از گذشت سه ماه از سال به حسابشان واریز شود. این مقام کارگری گفت: صبح امروز تعدادی از بازنشستگان پس از مراجعه به بانک متوجه شدند که از افزایش حقوق خبری نبوده است.

کریمی با یادآوری وعده اخیر مسئولان سازمان تامین اجتماعی مبنی بر اینکه مطالبات بازنشستگان و مستمری بگیران بیمه شده این سازمان تا 15 تیر ماه پرداخت خواهد شد، گفت: امیدواریم که این بار و برخلاف دفعات قبلی این وعده محقق شود.

پایان پیام

در استان سیستان و بلوچستان نوجوانان پسر از 13 سالگی ترک تحصیل وبه کولبری روی می آورند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: در سالهای اخیر در سیستان و بلوچستان، به دلیل نبود کار با درآمد مناسب، فرزندان پسر خانواده‌های بومی از سنین 13 - 14 سالگی ترک تحصیل کرده و به عنوان باربر و کولبر در مناطق مرزی کالا جابجا می‌کنند.

نرخ بیکاری در استان سیستان و بلوچستان بر اساس محاسبه مشاغل غیر کاذب بالای 25 درصد است.

این کولبران نوجوان از خانواده‌هایی هستند که سرپرست آنها کارگر یا کشاورز با درآمد پایین و غیر مستمر است.

شغلی که این نوجوانان از روی اجبار و به منظور تامین معاش خانواده اختیار می‌کنند سخت و پر مخاطره است، بطوری که سلامتی و جان آنها در زمان جابجایی و تردد در معرض خطر هر نوع حادثه طبیعی و غیر طبیعی قرار دارد.

وظیفه غالب این افراد جابجایی و حمل کالاهای مصرفی مانند مواد خوراکی، پوشاک، سوخت، اجناس دست دوم، لوازم خوردو و لوازم خانگی است و بیشتر این کارگران نوجوان هیچ ارتباطی با فعالیت های غیر قانونی و مجرمانه ندارند و تنها به منظور تامین معاش خانواده میان مناطق مرزی در تردد هستند.

این کارگران نوجوان بدون هیچ پوشش حمایتی در میان مناطق مرزی ایران با کشورهای پاکستان و افغانستان در تردد هستند و براساس مسافت و نوع کالا روزانه مزد می‌گیرند، بطور میانگین درآمد این کارگران از روزانه 10 تا 30 هزار تومان متغیر است.

به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی غیر کاذب و نیز درآمد پایین و ناپایدار بودن این گونه مشاغل، نیروی کار بومی استان سیستان و بلوچستان بیشتر به مشاغل کاذب تمایل دارند.

باربران و کولبران مرزی چنانچه شغل مناسب‌تری پیدا نکنند به این حرفه پرخطر ادامه خواهند داد، با شرایط شغلی کنونی هیچ بعید نیست که این حرفه به حرفه ابدی برخی از کولبران نوجوان تبدیل شود.

آمار مشخصی در رابطه با کولبران وجود نداشته و افزایش یا کاهش تعداد نوجوان شاغل در این حرفه مشخص نیست اما در حال حاضر ورود نوجوانان پسر به حرفه کولبری مسئله‌ای ملموس است.

در استان اصفهان رخ داد:
وقوع 123 حادثه کار در یک ماه

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است : رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی شهرستان اصفهان از اعزام واحدهای امدادی اورژانس به محل وقوع 123 حادثه شغلی در ماه گذشته خبر داد.

به گزارش ایلنا از اصفهان، دکتر حمیدرضا نیکنام افزود: واحدهای امدادی اورژانس 115 با حضور بر بالین 27 بیمار و مصدوم به صورت سرپایی به آنان خدمات رسانی کرده و در 97 مورد دیگر حادثه دیدگان را ضمن انجام اقدامات پیش بیمارستانی با آمبولانس‌های 115 به بیمارستان منتقل کردند.

وی بیشترین مصدومین حوادث کار در ماه گذشته را در گروه سنی 20 تا 40 سال دانست و تاکید کرد: بیشترین علت درخواست کمک بعد از برخورد جسم با فرد، بیماری‌ها، سقوط از ارتفاع بوده است.

رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی شهرستان اصفهان با اشاره به وقوع 115 مورد حادثه کار برای مردان و 5 مورد برای زنان گفت: 17 مورد برخورد جسم با فرد، 45 مورد بیماری، 17 مورد سقوط از ارتفاع، 19 مورد ریختن شی روی فرد و 5 مورد سوختگی علت‌های شایع امدادخواهی از اورژانس پیش بیمارستانی 115 بوده است.

پایان پیام

در شهرک اندیشه رخ داد: مصدومیت شدید دو کارگر ساختمانی

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است صبح روز گذشته دو کارگر درحین کار دریک ساختمان 7 طبقه در حال ساخت به داخل چاهک آسانسور سقوط کردند.

به گزارش ایلنا، صبح روز گذشته (چهارم تیر ماه) دو کارگر درحین کار دریک ساختمان هفت طبقه در حال ساخت در شهرک اندیشه به داخل چاهک آسانسور سقوط کردند و از ناحیه پا و کمر به شدت زخمی شدند. بر اساس این گزارش، این دو کارگری که به شدت مصدوم شده بودند توسط گروه‌های امداد و نجات با استفاده از تجهیزات ویژه نجات از داخل چاهک آسانسور خارج و تحویل عوامل اورژانس شدند.

پایان پیام

مرکزآمارایران:افزایش نرخ تورم به 32.6 درصد وتورم نقطه به نقطه به 41.2 درصد در خردادماه

مرکزآمارایران بتاریخ 5 تیرماه 92 گزارش داده است : نرخ تورم وتورم نقطه به نقطه خردادماه سال 1392 راتحت عنوان(گزارش شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در خرداد ماه سال 1392 را بر اساس پایه جدید(سال) 1390)منتشرکرد. بنابراین گزارش ،درخردادماه نرخ تورم به 32.6 درصد وتورم نقطه به نقطه به 41.2 درصدافزایش یافت

1- شاخص کل (بر مبنای = 100 1390) در خرداد ماه سال 1392 عدد 161.4 را نشان می‌دهد که نسبت به ماه قبل 3.0 درصد افزایش داشته است. افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) 41.2 درصد می باشد.

درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 32.6 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 (31.0 درصد) افزایش یافته است.

2- شاخص گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در این ماه به رقم 201.5 رسید که نسبت به ماه قبل 3.0 درصد افزایش نشان می‌دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی‌ها» در ماه مورد بررسی به عدد 199.3 رسید که نسبت به ماه قبل 3.0 درصد افزایش نشان می‌دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی‌ها» نسبت به ماه مشابه سال قبل 59.6 درصد افزایش نشان می‌دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه 51.9 درصد است. شاخص گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» نسبت به ماه مشابه سال قبل 61.3 درصد افزایش نشان می‌دهد و درصد تغییرات این گروه در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 51.9 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 (49.6 درصد) افزایش یافته است.

3- شاخص گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» در خرداد ماه 92 به رقم 147.6 درصد رسید که 3.0 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می‌دهد. میزان افزایش شاخص گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» نسبت به ماه مشابه سال قبل 33.4 درصد بوده است و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به خرداد ماه سال 1392 نسبت به دوره مشابه سال قبل این گروه 25.8 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 (24.5 درصد) افزایش یافته است.
لینک گزارش کامل:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/reports/g_nerkhtavarom_92-3.pdf

کارگر 35 ساله شهرداری تبریز در حین گود برداری بر اثر ریزش دیوار مصدوم شد.

به گزارش خبرگزاری دولتی ایلنا به نقل از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تبریز، در تاریخ 5 تیر 92 آمده است: ریزش دیوار باعث شد تا یک کارگر شهرداری مصدوم و در زیرآوار محبوس شود. این حادثه در محل ششگلان -کوی فرهنگ به ستاد عملیاتی این سازمان اطلاع داده شد که به دنبال آن نیروهای امدادی ایستگاه شماره 1 برای نجات قربانیان احتمالی در محل حاضر شدند. گفته شده است که در زمان حادثه کارگر قربانی مشغول گود برداری بوده است که به دلیل ریزش دیوار مجاور در زیر آوار مصدوم شده است.

بر این اساس ماموران آتش نشانی پس از حضور در محل با همکاری دیگر مراجع فرد صدمه دیده را از زیر آوار نجات داده و جهت اعزام به مراکز درمانی به عوامل اورژانس تحویل دادند.

مرگ 2 کارگر شهرداری خوی

به گزارش واحد مرکزی خبر، در 5 تیر 92 آمده است: سانحه رانندگی در خوی موجب جان باختن 2 کارگر شهرداری، یکی از سرنشینان خودرو و مصدوم شدن 2 نفر دیگر شد. برپایه این گزارش، سرگردمهدیزاده رئیس راهنمایی و رانندگی خوی گفت: در این حادثه که ظهر امروز در ورودی شهر خوی رخ داد، راننده سواری روأ برآثر سرعت زیاد قادر به کنترل خودرو نشد و 2 نفر کارگر شهرداری را که مشغول پاکسازی شهر بودند، زیرگرفته و کشت، در این حادثه یک نفر از سر نشینان خودرو نیز جان باخته و 2 نفر دیگر مصدوم شدند.

رئیس سازمان چای شمال کشور در گفتگو با ایلنا:
پرداخت پنج میلیارد تومان به چایکاران / بهای خرید برگ سبزچای درجه یک اعلام شد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است : رییس سازمان چای کشور از افزایش قیمت خرید برگ سبز چای از چایکاران بر اساس مصوبه هیات دولت خبر داد و گفت: قیمت خرید درجه یک از 900 به 1200 تومان و درجه دو از 5000 ریال به 650 تومان افزایش یافت.

علی محرر در گفت و گو با خبرنگار ایلنا ضمن اعلام این خبر افزود: در زمان حاضر برگ سبز چای به صورت روزانه از چایکاران خریداری می‌شود و انتظار می‌رود کارخانجات به موقع پول چایکاران را پرداخت کنند.

رییس سازمان چای شمال کشور اعلام کرد: تاکنون مبلغ 5 میلیارد تومان از خرید برگ سبز چای به چایکاران پرداخت شده است و در صورت پرداخت سهم کارخانجات، مابقی نیز بزودی پرداخت خواهد شد. وی افزود: از ابتدای فصل برداشت تاکنون، 37 هزار تن برگ سبز چای با مبلغ 29 میلیارد تومان از چایکاران خریداری شده است که طبق توافق حاصله بایستی ابتدا کارخانجات سهم خود را بابت خرید برگ سبز چای پرداخت و پس از آن سازمان چای نسبت به واریز سهم خود اقدام کنند.

محرر افزود: در صورت شرایط آب و هوایی مناسب پیش بینی می‌شود طی سال جاری حدود 150 هزار تن برگ سبز چای از استان های گیلان و مازندران برداشت شود که در سال گذشته حدود 110 هزار تن برگ سبز چای از چایکاران خریداری شد

وی از درخواست سازمان چای کشور از استاندار گیلان برای اختصاص و واریز 30 میلیارد ریال به حساب این تشکیلات خبر داد و متذکر شد: با واریز این مبلغ سازمان چای کشور در اولین فرصت به حساب کارخانجات خریدار چای و چایکاران پول واریز خواهد کرد.

رییس سازمان چای کشور با تاکید بر واریز 5 میلیارد تومان مطالبات چایکاران به آنان، بیان داشت: سازمان چای کشور در حال پیگیری است تا از این به بعد دیگر به چایکاران و کارخانجات بابت خرید برگ سبز چای بدهکار نشود و حق آنان به موقع پرداخت شود تا در فرصت مناسب بفروشند.

پایان پیام

دولت ایران کشتار سیستماتیک زندانیان سیاسی را متوقف کند!

طی چند سال اخیر تعداد زیادی از زندانیان سیاسی محکوم شده به طور مشکوکی در زندانهای ایران جان باخته اند از زندانی حسن ناهید و محسن دکمه چي ؛ هدي صابر ، ستار بهشتي ؛ ومير صيافي و این اواخر هم کارگر زندانی افشین اسانلو و ده ها موارد دیگر ... سازمانها و نهادهای حقوق بشری در این باره اعلام کرده اند مقامات مسئول ایران نشان داده اند که دیگر برای سرکوب معترضان به زندانی کردن و محکومیت های سنگین راضي نیستند حال به مرگ های مشکوک روی آورده اند اگر افکار عمومی در جامعه نسبت به این وضعیت سکوت کند این قبیل مرگ ومیر ها سازمان دهی شده در زندانهای ایران بیشتر می شود. مقامات ایران سالهاست که مخالفان سیاسی خود را با اتهامهای واهی دستگیر و محاکمه می کند؛ جانباختن اخیر کارگر زندانی افشین اسانلو و ستار بهشتي نگرانی را برای بسیاری از زندانیان و خانواده های آنان افزایش داده است؛ در چند سال اخیر دولت ایران به شکل دائم مانع از ساز و کارهای جهانی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران می شود . افشین اسانلو کارگر زندانی در بند در سال ۱۳۸۸ همراه با ضرب و شتم دستگیر شده بود او بارها

در زندان اوین بند وزارت اطلاعات توسط بازجویان وشکنجه گران مورد اذیت وآزار وضرب وشتم قرار گرفته بود او همچنین طی مراحل حقوقی حتی در شهرستان سنندج در بند وزارت نیز به شدت مورد ضرب وشتم های جسمی وروحي قرار گرفت بارها وي را با کابل وشوک های الکتریکی مورد اذیت وآزار قرار دادند .

افشین در مدت زمانی که به همراه ما در بند ۲۵۰ اوین بود از نظر جسمی وروحي هیچ مشکلی نداشت بیش از يك سال ونیم دربند ۲۵۰ در کنار دیگر هم بندي هایش در سلامت کامل دوران حبس خود را سپری کرده بود اما وي همواره از رفتار تند بازجویان وضرب وشتم آنان وزخم وكبودي های بدنش سخن مي گفت که بازجویان وشکنجه گران بر او تحمیل کرده بودند . افشین اسانلو عضو هیچ تشکل وسندیکای کارگری نبود اما کارگر پیشروي بود که در دفاع از طبقه کارگر با تمام وجود به میدان آمده بود دولت ایران مسئول مرگ افشین اسانلو است .

یادش گرامی وراهش پررهرو
بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری
پنجم تیر ماه ، زندان اوین بند ۳۵۰

دعوت به تظاهرات ایستاده برای اعتراض به ادامه سرکوب و شکنجه در ایران

روزی نیست که زندان های جمهوری اسلامی شاهد جنایت جدیدی نباشد
برای اعتراض به مرگ افشین اسانلو، کارگرنزدانی
برای اعتراض به بازداشت رضا شهابی ، شاهرخ زمانی، محمد جراحی و پدram نصراللهی و ...
برای اعتراض به ادامه دستگیری و زندان فعالان کارگری و سیاسی در ایران
برای اعتراض به اعمال شکنجه جسمی و روانی در زندانهای ایران
برای اعتراض به وضعیت اسفناک زندانهای سراسر کشور که تا کنون بسیاری از زندانیان را به کام مرگ کشانده است

برای هشدارنسبت به خطر مرگ و شکنجه که زندانیان سیاسی و عقیدتی را تهدید می کند،
برای هشدار به سازمان ها و نهادهای بین المللی جهت اعمال فشار بر جمهوری اسلامی

برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
گردهم آئیم و فریاد و اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانیم
تظاهرات ایستاده

شنبه 29 ژوئن 2013 از ساعت 18 تا 20

Place des Innocents, Les Halles, 75001 Paris

Samedi 29 Juin 18h – 20h

Metro : Chatelet – les Halls

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی وعقیدتی ایران-پاریس

انجمن کردهای مقیم فرانسه

اتحادیه بین المللی درحمایت از کارگران درایران – پاریس

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

رئیس کانون بازنشستگان شهرستان شمیرانات:

پرداخت مستمری 700 هزار تومانی تصویب شد/ مسئولان سازمان بدقولی کردند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 5 تیر 92 آمده است : رئیس کانون بازنشستگان شهرستان شمیرانات از تصویب حداقل مستمری 700 هزار تومانی بازنشستگان دارای سی سال سابقه ی کار خبر داد.

«پرویز احمدی پنجکی» در این باره به ایلنا گفت: هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی حداقل مستمري 700 هزار تومانی بازنشستگان را تصویب و آن را به سازمان تامین اجتماعی ابلاغ کرده است. در حالی که پیشتر مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در پی تاخیر چندماهه در پرداخت مابه التفاوت مستمرهای سال، 92 گفته بود که هرگونه پرداخت ابتدا منوط به تصویب هیات امنای این سازمان است.

پنجکی تصریح کرد: در صورتی که سازمان تامین اجتماعی تا یکشنبه‌ی هفته‌ی آینده مصوبه هیئت امنا را اجرا نکند کارگران بازنشسته از راه‌های قانونی اعتراض خواهند کرد. وی در پایان با اشاره به قول قبلی مسئولان سازمان تامین اجتماعی مبنی بر پرداخت ما به التفاوت افزایش 25 درصدی حداقل مستمری سال 92 تا ابتدای خرداد ماه، از بدقولی مدیران سازمان در خصوص اجرایی نشدن این وعده انتقاد کرد.

پایان پیام

افزایش مستمری بازنشستگان سه ماه به تعویق افتاده است

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: عضو هیات مدیره کانون مستمری بگیران تامین اجتماعی استان گیلان از بدقولی مسئولان ارشد سازمان تامین اجتماعی و ناتوانی کانون عالی بازنشستگان در پرداخت افزایش مستمری بازنشستگان انتقاد کرد.

«محمد حسین براتی» در این باره به ایلنا گفت: در این سه ماه که از سال جدید گذشته است، مسئولان سازمان تامین اجتماعی مدام وعده افزایش مستمری بازنشستگان را می‌دادند و چندین تاریخ مختلف برای اعمال افزایش اعلام کردند که هیچ کدام از این وعده‌ها محقق نشد. این فعال جامعه بازنشستگان در گیلان ادامه داد: در نهایت فرار شد مستمری بازنشستگان تا خردادماه پرداخت شود اما این بار هم مدیران تامین اجتماعی و کانون عالی بازنشستگان خلف وعده کردند.

او با بیان اینکه تامین اجتماعی تامین کننده نیازهای بازنشستگان خود نیست، افزود: با توجه به اینکه 60 درصد از بازنشستگان تامین اجتماعی، مستمری حداقلی (400 هزار تومان) را دریافت می‌کنند و حدود 10 تا 15 درصد نیز کمتر از حداقل (حدود 200 تا 300 هزار تومان) دریافتی دارند، در این شرایط اقتصادی منصفانه نیست مسئولان تامین اجتماعی در مورد افزایش حقوق بازنشستگان سنگ اندازی کنند.

به گفته براتی قرار بود افزایش 25 درصدی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران از ابتدای فروردین ماه اعمال شود و اردیبهشت نیز تمام معوقه‌ها به مستمری‌بگیران پرداخت شود اما در آخرین روزهای سومین ماه سال هنوز کانون عالی بازنشستگان که باید مدافع حقوق صنفی کارگران بازنشسته باشد نتوانسته است حق قانونی ما را از سازمان تامین اجتماعی بگیرد و تنها نقش سخنگویی سازمان را ایفا می‌کند.

کارگرانی که 7 سال کار کردند، بی دلیل اخراج شدند؟

به گزارش کرمان 1400، در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: براساس تجمع چند روز پیش چندین کارگر در محل شرکت عمران علوی کرمان مبنی بر اینکه پیمانکار این شرکت در مسیر هفت باغ تعدادی از کارگران فضای سبز که به صورت روزمزد کار می‌کردند را به بهانه اینکه بودجه نداریم و نمی‌توانیم شما را تامین کنیم، اقدام به تعدیل نیرو و حدود 100 نفر از کارگران زحمتکش را اخراج نموده است.

براساس تحقیقات به عمل آمده اکثر این کارگران متاهل بوده و دارای چند فرزند که از همین راه امرار معاش می کردند. که سابقه بعضی از این کارگران به هفت سال هم می رسد طبق گفته یکی از این کارگران بخاطر اینکه بتوانیم با گرانی های موجود، رکود اقتصادی، تورم و تحریم مخارج زندگیمان را تامین کنیم حاضر شدیم به صورت روزمزد در این هوای گرم کویر بدون کوچکترین چشم داشتی کار کنیم.

حال بعد از چندین سال بدون اینکه از ابتدا با ما قراردادی بسته شود امروز ما را به بهانه نبودن بودجه اخراج می کنند. هم اکنون با این اوضاع و احوال چگونه می توانم به چشمان گریان فرزندم و درخواستهای همسرم جواب دهم. جوابگوی ما چه کسی باید باشد؟

در این رابطه تماس تلفنی داشتیم با آقای دادگر معاون اجرایی این شرکت که در جواب به ما چنین گفت: تمامی مسائل پیش آمده دروغ است. پیمانکار تعدادی کارگر گرفته برای پروژه ساختمانی خود که در حال حاضر این پروژه به پایان رسیده و دیگر نیاز به کارگرانش ندارد. حتی به او یادآور شدیم که می گویند کارگر روزمزد برای فضای سبز جاده هفت باغ بوده اند. او باز تکذیب کرد. با این همه از او خواستیم که از نزدیک با ایشان گفتگویی در این رابطه داشته باشیم که گفتند کرمان نیستند و تمایلی برای این کار ندارند و به قول خودمان از این کار تفره رفتند. با مهندس فرخ بهرامی نیز تماس گرفتیم تا حقایق را جویا شویم چون می گویند که ایشان این تعداد کارگر را بدون بستن قرارداد به کار گرفته است. و حال که باید جوابگو باشد متاسفانه موفق به ارتباط با او نشدیم.

حال سئوالی برای ما پیش می آید که بی جواب مانده اگر شما که میگویند تمامی مسائل پیش آمده دروغ است چرا حاضر به گفتگو نیستید؟
شرکتی با این همه سرمایه چه طور نمی تواند حقوق کارگران خود را بدهد و بگوید بودجه نداریم پس این بودجه شما کجا میرود؟

رئیس دادگستری شهرستان بهمئی در کهگیلویه و بویراحمد مطرح کرد: بیکاری عامل اصلی سرقت هاست

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: رئیس دادگستری شهرستان بهمئی در استان کهگیلویه و بویراحمد، اقدامات یکساله دستگاه قضا در این شهرستان را تشریح کرد.

به گزارش ایلنا از بهمئی، " مهرداد کرمی " در نشست رسانه‌ای به مناسبت هفته قوه قضائیه با گرمی داشت یاد و خاطره دکتر بهشتی و یارانش، اقدامات دستگاه قضا در بهمئی را مهم دانست. وی گفت: هنوز بعد از گذشت سالها برخی قوانین و لوایح در دستگاه قضا نشات گرفته از اقدامات بی نظیر دکتر بهشتی است.

رئیس دادگستری شهرستان بهمئی در کهگیلویه و بویراحمد افزود: توجه به آبروی خانواده ها در اعلام نتایج برخی پروندها یکسری معذورات را برای ارتباط دستگاه قضا با رسانه ها به وجود می آورد.

کرمی، مهمترین وظایف دستگاه قضایی را احقاق حق، پیشگیری از وقوع جرم، برقراری عدالت اجتماعی و رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم برشمرد.

این مسوول قضایی در کهگیلویه و بویراحمد گفت: درپیشگری از وقوع جرم همه نهادهای دولتی سهیم هستند که ریشه در بیکاری دارد و پیشگیری از وقوع جرم از عهده دستگاه قضا خارج است. وی مهم ترین نوع سرقت در بهمئی را سرقت شبکه‌های برق دانست و اظهارداشت:

همه چیز برخورد فیزیکی یا قضایی نیست و پیشگیری کیفری راهکار خوبی برای اصلاح جامعه و مردم نیست.

رئیس دادگستری بهمنی در کهگیلویه و بویراحمد افزود: نزاع دست جمعی در این شهرستان نسبت به دیگر نقاط استان پایین‌تر است و کاهش آن به بیش از 90 درصد رسید که این مهم در همکاری مردم با دستگاه قضاء اتفاق افتاد. وی مشکل سرقت اموال دولتی را ناشی از سهل‌انگاری خود نهادهای اداری دانست و بیان داشت: برخی ادارات بعد از انجام عملیات اجرایی در سطح شهرستان متاسفانه اموال بیت‌المال را به حال خود رها کرده که این خود از عوامل سرقت به حساب می‌رود.

کرمی با اشاره به تعداد احکام صادره، خاطرنشان کرد: تعداد شش هزار و 441 فقره پرونده از تیرماه 91 تا تیرماه 92 در دادگستری، 818 فقره پرونده در شورای حل اختلاف بررسی و اعلام حکم شد. وی 584 پرونده را مربوط به ادارات ذکر و تصریح کرد: سهم بیشتر این پرونده‌ها مربوط به شهرداری، منابع طبیعی، مسکن مهر و بانک‌ها بوده که خود یک معضل است و باید ریشه‌یابی شود که آیا قانون ایراد دارد یا ما در اجرای قانون ناتوانیم.

رئیس دادگستری شهرستان بهمنی در کهگیلویه و بویراحمد، میانگین رسیدگی به پرونده‌های قضایی در این شهرستان را 38 روز عنوان و یادآور شد: از حیث رسیدگی به پرونده‌ها جایگاه خوبی داریم و اگر مشکل نیروی انسانی نبود این رقم باز هم پایین‌تر بود چرا که هم‌اکنون نیروی انسانی دادگستری بهمنی برابر با چارت سال 84 است. وی گفت: برای استخدام هر فرد نیاز به استعلام قضایی و گواهی نبود سوء پیشینه هست اما در انتخاب مدیران چنین چیزی وجود ندارد.

کرمی، رشد فرهنگی مردم را عامل اصلی پیشگیری از وقوع جرم دانست و با اشاره به کاهش جرم در بهمنی آن را نشانه رشد فرهنگی مردم این شهرستان ذکر کرد. این مسوول قضایی در کهگیلویه و بویراحمد گفت: از دیگر مشکلات دادگستری با ادارات تخصصی نبودن رابط آنها با دادگستری است.

شهرستان بهمنی یکی از شهرستان‌های گرمسیری کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود که با یاسوج مرکز استان حدود 280 کیلومتر فاصله دارد.

پایان پیام

سوخستگی 2 نوجوان 12 و 14 ساله در آتش سوزی کارگاه قاب سازی مشهد

به گزارش روزنامه خراسان در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: خراسان، کارگاه قاب سازی در خیابان حر شهرک شهید رجایی مشهد دچار حریق شد و ۲ مصدوم برجا گذاشت. مدیر حوزه ۳ آتش نشانی مشهد با بیان این خبر افزود: در پی بروز این حادثه بلافاصله ماموران ایستگاه ۱۵ آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند و حریق را مهار و اطفاء کردند. ابوالفضل تیموری با بیان این که در این حادثه ۲ پسر نوجوان ۱۲ و ۱۴ ساله از ناحیه دست و برخی اعضا دچار سوختگی شده بودند، افزود: مصدومان به ماموران اورژانس حاضر در محل برای اعزام به مرکز درمانی تحویل داده شدند. وی درباره علت بروز حریق گفت: در این کارگاه از بنزین به عنوان حلال برای بازکردن چسب و ... استفاده می‌شده که نگهداری بنزین در بالکن کارگاه موجب بروز این حریق شده است. این کارشناس آتش نشانی یادآور شد: استفاده از بنزین به دلیل خطرناک بودن استنشاق

بخارات آن و تماس با پوست و امکان انفجار بخارات پخش شده آن در فضا در پی بروز جرقه در واحدهای مختلف منع شده است.

کشاورزان زن با داشتن کاری طاقت فرسا، بیمه نیستند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان گفت: با وجود آنکه حدود 60 درصد کشاورزی این استان بر دوش زنان است اما زنان کشاورز از هیچ حمایت اجتماعی برخوردار نیستند. غلامحسین فلاحتی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در استان گیلان کشتزارها همچنان به شیوه سنتی اداره می‌شوند و بنابراین کارگران کشاورز که بیشتر زن هستند از حقوق قانونی خود محروم هستند.

وی یادآور شد: در کشاورزی به شیوه مکانیزه که در حدود 40 درصد از کشتزارهای گیلان اعمال می‌شود مردان به عنوان نیروی فنی ماهر پشت دستگاه‌ها حضور دارند اما در سایر کشتزارها زنان هنوز با دست مشغول کار هستند.

وی با یادآوری اینکه کارگران کشاورز دارای مشاغل فصلی هستند افزود: از جمله موارد محرومیت‌های کارگران کشاورز به ویژه کشاورزان زن عدم برخورداری از پوشش‌های بیمه تامین اجتماعی است.

این مقام کارگری با یادآوری اینکه کار کشاورزی از نظر سخت و طاقت فرسا بودن در ردیف مشاغل سخت و زیان‌آور قرار دارد گفت: به دلیل نبود بسترهای فرهنگی لازم کارگران و کارفرمایان کشاورز هیچکدام از اهمیت پوشش بیمه تامین اجتماعی بی‌خبر هستند.

به گفته مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان فارس شدت این بی‌اطلاعی در میان کشاورزان زن به حدی است که این کارگران ترجیح می‌دهند برای حفظ درآمد خود از حقوق قانونی خود چشم‌پوشی کنند.

فلاحتی بایان اینکه در حال حاضر در آمد روزانه کشاورزان زن بالغ بر 40 هزار تومان است، گفت: دلیل این پرهیز از بی‌اطلاعی نمی‌تواند ریشه اقتصادی داشته باشد زیرا در صورتی این کارگران بیمه باشند هزینه روزانه آنها در نهایت حدود 10 هزار تومان گرانتر خواهد شد.

این فعال کارگری گفت: محرومیت کارگران کشاورز به ویژه کشاورزان زن از پوشش‌های بیمه‌ای درحالی است که مطابق قوانین کار و تامین اجتماعی تمامی کارگران فصلی از حق دسترسی به خدمات بیمه‌ای برخوردار هستند.

مرگ افشین اسانلو، سهل‌انگاری یا...؟

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 6 تیر 92 آمده است: در نهایت تأسف، با خبر شدیم افشین اسانلو، زندانی سیاسی که به اتهام اجتماع و تبانی توسط قاضی صلواتی به 5 سال زندان محکوم شده بود و ماه‌های پایانی زندانش را سپری می‌کرد، در روز پنج‌شنبه 30 خرداد 1392، در زندان رجایی شهر کرج، بر اثر سکته قلبی و صد البته بی‌توجهی و بی‌مبالاتی مسئولین زندان، زندگی را وداع گفته است.

این اولین بار نیست که چنین حوادث و اتفاقاتی در زندان‌های این کشور به وقوع می‌پیوندد. پیش از این نیز به دفعات تعدادی از زندانیان سیاسی بر اثر بی‌توجهی مسئولین زندان و عدم رسیدگی به موقع و مناسب پزشکی و گاه فشار و شکنجه‌ی زندانبانان، جان خود را از دست داده بودند. هنوز مدت زمان زیادی از مرگ دلخراش ستار بهشتی، کارگر ویلاگ نویس، که در اثر توهین و شکنجه‌ی بازجویان نیروی انتظامی و به اصطلاح "پلیس فتا"، جان خود را از دست داده است نمی‌گذرد که مرگ یک زندانی سیاسی، افشین اسانلو، همه را متعجب و حیرت زده کرده است. بر اساس قوانین و معیارهای شناخته شده و مورد قبول جهانی، مسئولیت سلامت و

جان زندانیانی، که به هر دلیل در زندان بسر می‌برند بر عهده مسئولین و زندانبانان است و با هیچ بهانه و توجیهی نمی‌توان مرگ تعداد نه چندان کمی از زندانیان، به ویژه زندانیان سیاسی و عقیدتی را که صرفن به خاطر دفاع از حقوق مدنی و اجتماعی توده‌های استثمار شده و رنج کشیده مردم، سال‌های زیادی از عمر و زندگی‌شان را در زندان گذرانده‌اند توجیه نمود و خود را میرا از تمامی اتفاقات و بعضی جنایاتی دانست که هر بار به بهانه و ترفندی، جان یکی از زندانیان را می‌گیرد. زندانیان، اعم از زندانیان عادی یا سیاسی، می‌بایست از کلیه حقوق شهروندی و انسانی یک انسان در بند و اسیر، از جمله امکانات پزشکی و بهداشتی، ورزشی، رسانه‌ای، تغذیه‌ی مناسب و ... برخوردار باشند. در حالیکه زندانیان، غالباً از ابتدایی‌ترین حقوق و امکانات بهداشتی برخوردار نیستند و هرروزه از زندان‌های کشور، اخباری حاکی از بیماری و مرگ زندانیان به گوش می‌رسد. و این‌ها تمام، جدا از فشارها و تهدیدهای هر روزه و همه روزه مقامات امنیتی و اطلاعاتی و احضار و بازجویی کارگران و فعالین کارگری و فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی است که دفاع و پیگیری حقوق مردم کارگر و توده‌های به جان آمده را وجهه‌ی همت خویش قرار داده و فشارها و تضيیقات فراوان سرمایه و حامیان آن را به جان خریده‌اند.

کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن اعتراض به وضعیت سخت و نامناسب زندان‌ها و اظهار تأسف از درگذشت افشین اسانلو، به اعضای خانواده آن زندانی سیاسی تسلیت گفته و خواستار بررسی وضعیت زندان‌ها و زندانیان سراسر کشور و به طور مشخص بررسی و پیگیری علت مرگ این زندانی سیاسی می‌باشد. کمیته هم‌هنگی همچنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی در سرتاسر ایران می‌باشد. کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

حمیدرضا فولادگر در گفت و گو با ایلنا: اصلاحیه قانون اصل 44 يك ماه ديگر به مجلس ارائه می شود

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: رئیس کمیسیون اصل 44 قانون اساسی از ارائه اصلاحیه قانون اصل 44 به هیات رئیسه مجلس تا یک ماه آینده خبر داد.

حمیدرضا فولادگر در گفتگو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه اصل 44 قانون اساسی به دلایل مختلف نتوانست انتظارات را برآورده سازد، گفت: کمیسیون اصل 44 گزارش نظارت خود را به مجلس ارائه داد و تا یک ماه آینده نیز اصلاحیه قانون اصل 44 بعد از بررسی‌های لازم در کمیسیون به هیات رئیسه مجلس ارائه می‌شود.

به گفته نماینده مردم اصفهان در مجلس نهم، دولت در هشت سال گذشته در حمایت از تولید نتوانست آنچه در راستای اصل 44 قانون اساسی بود اجرا کند و همین امر موجب شد تا تورم، افزایش بیکاری و خارج شدن بسیاری از بنگاه‌های تولیدی از چرخه تولید کشور به وقوع بپیوندد. وی در خصوص واگذاری‌ها نیز گفت: متأسفانه بیشتر واگذاری‌هایی که در طی چند سال گذشته انجام گرفت بیشتر بابت رد دیون، بدهکاری دولت به شرکتها و سهام عدالت بوده که خود بحث مفصلی دارد که باید بررسی بیشتری انجام گیرد.

فولادگر افزود: واگذاری در قالب سهام عدالت ناکارآمد بود، به گونه‌ای که بعد از گذشت چند سال این عدم مدیریت و ناکارآمدی خود را به خوبی در اقتصاد کشور نشان داده است.

این عضو کمیسیون حمایت از تولید ملی در خصوص تجدید نظر در مورد واگذاری های صورت گرفته، گفت: واگذاری هایی که انجام گرفته است را نمی توان دوباره بررسی کرد و یا به دولت بازگرداند چرا که تصدی گری به برون سپاری تبدیل شده است.

پایان پیام

تعطیلی ۱۳۷ واحد قطعه سازی و تعدیل ۵۰ درصدی کارگران

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: عضو انجمن قطعه سازان خودرو از تعطیلی ۱۳۷ واحد تولیدی قطعات خودرو و تعدیل ۵۰ درصدی نیروی کار کارگاه های فعال خبر داد.

محمد رضا نجفی منش، عضو انجمن قطعه سازان خودرو در گفتگو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه دخالت های شورای رقابت در قیمت گذاری باعث رکود در صنعت خودرو شد اظهار داشت: هیچ نقطه ای در دنیا دولت در بحث قیمت گذاری خودرو دخالت نمی کند برای حل يك موضوع نباید صورت مسئله را پاک کرد.

وی با اشاره به وضعیت نابسامان قطعه سازان خاطر نشان کرد: صنف قطعه ساز خواستار حمایت بیشتر تولید از سوی رییس جمهور منتخب است و اینکه دخالت دولت در امر قیمت گذاری را تا حد امکان کاهش دهد.

نجفی منش با اشاره به آمار کاهش تولید خودرو طی سال گذشته و دو ماهه ابتدای سال جاری افزود: دخالت های بی مورد دولت باعث کاهش ۴۶ درصدی تولید خودرو در سال ۹۱ و کاهش ۵۰ درصدی تولید خودرو طی ۲ ماهه ابتدای سال جاری شد.

وی خاطر نشان کرد: تاکنون بیش از ۱۳۷ واحد تولید قطعه سازی تعطیل شده و بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از کارگاههای تولیدی نیز یا تعدیل نیرو داشته اند و یا به صورت نیمه وقت فعالیت می کنند. نجفی منش با بیان اینکه در بحث صادرات قطعه نیز با مشکل مواجه هستیم گفت: در گذشته به کشورهای که خودرو صادر می شد قطعه آن خودرو نیز صادر می شد اما با گسترش تحریم ها این موضع نیز منتفی شد.

وی با انتقاد از بی تدبیری مسئولین در داخل کشور گفت: تبلیغات منفی داخلی در خصوص بی کیفیتی خودرویی نظیر پراید باعث شد بازار این خودرو در عراق را از دست بدهیم.

ریزش آوار جان کارگر ۳۵ ساله را گرفت

بعد از ظهر روز گذشته يك کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار یک ساختمان قدیمی دو طبقه جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه در خیابان ظفر، انتهای خیابان گوی آبادی زمانی رخ داد بودند که در حین تخریب طبقه دوم ساختمان ناگهان بخشهایی از سقف طبقه ریزش کرد.

بنا بر این گزارش، آتش نشانان پس از حضور در محل بدن این جوان ۳۵ ساله را از زیر آوار خارج کردند و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

انکار بازنشستگان معترض توسط مدیریت جدید بیمه دی

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 تیر 92 آمده است: در حالی که همه روزه صدها نفر از کارگران بازنشستهی سراسر کشور با مراجعه به دفاتر کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی یا مراکز درمانی، نسبت به عدم دریافت هزینهی درمان سال گذشتهی خود معترضند، روز گذشته «مرتضی علی حسینی» مدیر عامل جدید «بیمه دی» از

تسویه بدهی‌های بیمه تکمیلی به مستمری بگیران تا آخر سال ۹۱ خبر داد .
به گزارش ایلنا، آقای علی حسینی که شرکت متبوعش طرف قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان تامین اجتماعی است گفت: بدهی‌های بیمه تکمیلی به مستمری بگیران تا آخر سال گذشته تسویه شده و از اردیبهشت ماه نیز به صورت دیجیتال به حساب آن‌ها واریز می‌شود .
وی در ادامه علت برکناری مدیرعامل و هیات مدیره سابق شرکت بیمه دی را پاسخگو نبودن آنان به بازنشستگان اعلام کرد .
اما بسیاری از بازنشستگان معتقدند از زمان برکناری مدیر عامل سابق بیمه دی، بهبودی در روند خدمات این شرکت به کارگران بازنشسته ایجاد نشده است .
عدم پاسخگویی و بدتر از آن، انکار صدها بازنشسته و مستمری بگیر تامین اجتماعی که به دنبال دریافت هزینه های درمان خود از بیمه ی دی هستند به معنای در پیش گرفتن رویه سابق این بیمه توسط مدیر عامل و هیات مدیره جدید است .
مدیر عامل بیمه ی دی در بخشی از سخنانش به قطع شدن کارت اعتباری بانک دی که به بازنشستگان ارائه شده بود تا هزینه بیمه تکمیلی به آن کارت‌ها واریز شود اشاره کرد و مدعی شد «به درخواست خود بازنشستگان، این کارت‌ها را حذف کرده‌ایم و مقرر شد هزینه‌های درمان مستقیماً به حساب بازنشستگان که در بانک رفاه است واریز شود» .
این همه در شرایطی است که بیمه ی دی از طریق بازنشستگان، بزرگترین تبلیغات را با کمترین هزینه ی ممکن برای بانک دی انجام داد. شعبه های بانک دی، مبلغی را به منظور صدور کارت از بازنشستگان دریافت می کردند تا به حسابشان واریز کنند. حال علت حذف کارت های اعتباری بانک دی برای بسیاری از بازنشستگان، سوال ایجاد کرده است .
به نظر می رسد کارگران بازنشسته ی تامین اجتماعی، صحبت ها و وعده های دیروز مدیر عامل بیمه ی دی را در حالی که تغییری ملموس در رویه این شرکت بیمه اتفاق نیافتاده است تبلیغی برای شرکت در دور جدید مناقصات کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی با شرکت های بیمه ارزیابی کنند .
هر چند با توجه به سابقه يك ساله این شرکت بیمه‌گزار، در صورتی که معجزه‌ای رخ ندهد بعید است بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی زیر بار قرارداد جدیدی میان کانون عالی شان و این شرکت بیمه بروند.

دستگاه پرس، انگشتان کارگر جوان را بلعید

به گزارش پایگاه خبری 125، در 6 تیر 92 آمده است : انگشتان کارگر جوانی بدلیل گیرکردن در دستگاه پرس از بین رفت.
بنا بهمین گزارش، روز گذشته مسئولان بیمارستان فاطمه زهرا از گیر کردن دست کارگری در دستگاه پرس، خبر دادند..
نعمت محمد پور فرمانده آتش نشانان اعزامی در باره این حادثه گفت: در بیمارستان، مردی 28 ساله در قسمت اورژانس بیمارستان که از صفادشت به این بیمارستان منتقل شده بود، انگشتان 2 و 3 و 4 وی زیر دستگاه پرس از بین رفته و انگشت بزرگ وی نیز داخل قطعه فلزی دستگاه پرس گیر کرده است.
وی افزود: آتش نشانان بلافاصله با استفاده از دستگاه برش اقدام به رها سازی انگشتان وی کرده و پس از رها سازی انگشت و تحویل وی به پزشک اورژانس به عملیات خود پایان دادند.

انتقاد 600 بازنشسته تامین اجتماعی از نحوه اداره این سازمان

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است : تعداد 600 بازنشسته‌ی تامین اجتماعی با ارسال نامه‌ای به «حسن روحانی» رئیس جمهوری منتخب با بیان اینکه در

شرایط کنونی خط فقر بالغ بر 22 میلیون ریال است عنوان کردند که دریافتی بیش از 80 درصد بیمه شدگان بازنشسته و مستمری بگیر این سازمان معادل یک سوم خط فقر است.

به گزارش ایلنا، نویسندگان نامه به رئیس جمهور منتخب، آورده‌اند: اگر از منابع و سرمایه هایی که کارگران بیمه شده در هنگام کار اندوخته اند به درستی نگهداری و محافظت می‌شد هیچ بازنشسته ای در خط فقر قرار نمی گرفت.

در ادامه این نامه از تعویض شش مدیر عامل در شش سال گذشته، تعطیلی موسسات پژوهشی و آموزشی و نشریات تخصصی از جمله «موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی» و «فصلنامه تامین اجتماعی»، منحل شدن گروه های تخصصی و حرفه ای و جایگزینی چرتکه بازاری به جای رویکرد تخصصی که سازمان تامین اجتماعی را به مرز ورشکستگی رسانده است انتقاد شده است.

همچنین نویسندگان این نامه از اینکه دولت سال‌ها است با فراموش کردن وظیفه اصلی خود مبنی بر امانتدار بودن، سازمان تامین اجتماعی را به مثابه ی صندوق اختصاصی اش در نظر گرفته انتقاد شدیدی کرده‌اند.

گفتنی است نویسندگان این نامه، سخنانشان را «مصائب يك جامعه 36 میلیونی تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی» خوانده اند و مدعی شده‌اند که با جمعیتی در حدود «2 میلیون و 400 هزار نفر آن بازنشسته و مستمری بگیر حدود 10 میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند»

پایان پیام

مسمومیت سه کارگر ساختمانی بر اثر مصرف غذای آلوده

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است : سه کارگر ساختمانی که بر اثر مصرف غذای آلوده در خیابان مدنی تهران دچار مسمومیت غذایی شده بودند نجات یافتند . به گزارش ایلنا، سه کارگر ساختمانی که در یک ساختمان در حال ساخت بر اثر مصرف مواد غذایی آلوده دچار مسمومیت شدید شده بودند با اطلاع عوامل اورژانس نجات یافته و به بیمارستان الغدير انتقال یافتند . بر اساس این گزارش، این کارگران که شب گذشته پس از استفاده از غذایی که فردی ناشناس به آنان داده بود دچار خواب آلودگی و کاهش هوشیاری شده بودند، با تماس نگرهبان ساختمان به عوامل اورژانس نجات یافتند . احتمال می‌رود مسمومیت کارگران و بیهوش کردن آنان برای سرقت لوازم موجود در ساختمان نیمه کاره بوده باشد.

تعطیلی یک کارخانه به دلیل بدهی و نگرانی کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 7 تیر 92 آمده است : تعدادی از کارکنان شرکت سویا سان (مکسوی) در نامه‌ای به مسئولان کشور بازگشایی هرچه سریعتر کارخانه و بازگشت کارگران آن را خواستار شدند.

بر اساس این نامه، کارکنان شرکت سوپا سان که یک شرکت تولید فراوده‌های سوپا است، در هنگام فعالیت خود با حضور نمایندگان بانک کشاورزی در محل کارخانه مواجه می شوند و پس از مدتی با هدایت کارگران به بیرون شرکت، کارخانه از سوی نمایندگان بانک پلمپ می شود. این اقدام در تاریخ 29 خرداد ماه جاری صورت گرفته و وجود بدهی‌های معوق، دلیل اصلی پلمپ کارخانه و بیکار شدن کارکنان شرکت ذکر شده است. مدیر کارخانه سوپا سان در این باره اظهار کرد که مجموع بدهی‌های این شرکت به بانک کشاورزی، 18 میلیارد تومان است که تا کنون 500 میلیون تومان آن پرداخت شده است.

مدیریت کارخانه به منظور حفظ کارخانه و بیکار نشدن کارگران، پیشنهاد کرده بود که با پرداخت 500 میلیون تومان، مابقی بدهی در 24 قسط بازپرداخت شود اما ظاهراً بانک کشاورزی این پیشنهاد را نپذیرفته و توقف تعطیلی کارخانه را به پرداخت 30 تا 40 درصد کل مبلغ بدهی در ابتدای امر و بازپرداخت مابقی بدهی طی دو سال منوط کرده که در نهایت به دلیل عدم توافق، بانک کشاورزی کارخانه مذکور را با هدف فروش آن پلمپ کرده است. براساس این گزارش، کارگران شرکت مکسوی از مسئولان امر خواسته‌اند تا به جهت جلوگیری از به مخاطره افتادن معیشت نیروهای کار شاغل در این کارخانه در شرایط حساس کنونی، نسبت به بازگشایی کارخانه و بازگرداندن کارکنان آن مساعدت و اقدامات لازم را به عمل آورند.

طی 2 ماه گذشته تحقق یافت؛ افزایش 83 درصدی صادرات صنایع نساجی

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است: ارزش صادرات انواع الیاف و انواع پارچه طی این مدت نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ترتیب 107.5 و 83 درصد رشد کرده است.

به گزارش ایلنا، و بر اساس اعلام دفتر مطالعات آماری و راهبردی انجمن صنایع نساجی طبق آمار گمرک ایران طی 2 ماه نخست سال 1392، آمار صادرات صنایع نساجی بالغ بر 91.3 میلیون دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته 14.45 درصد رشد داشته است.

بر اساس این گزارش، عمده‌ترین اقلام صادراتی طی این مدت از نظر ارزش به ترتیب عبارت است از انواع کفپوش‌های ماشینی (32.9 میلیون دلار)، انواع الیاف (15.4 میلیون دلار)، انواع پارچه (9 میلیون دلار)، انواع نخ (8.1 میلیون دلار) و انواع پوشاک (6.5 میلیون دلار). شایان ذکر است که ارزش صادرات انواع الیاف و انواع پارچه طی این مدت نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ترتیب 107.5 و 83 درصد رشد کرده است.

پایان پیام

فرمانده انتظامی شهرستان مهران خبر داد؛ افزایش 85 درصدی کشف سرقت در مهران

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است: فرمانده انتظامی شهرستان "مهران" در استان "ایلام" از افزایش 85 درصدی کشف سرقت در این شهر مرزی خبر داد.

به گزارش ایلنا "محسن کشتکار" در تشریح این خبر گفت: تلاش های نیروی انتظامی و همراهی مردم با پلیس باعث شده است که علی رغم گسترش شهرستان و افزایش حاشیه نشینی جرایم به خوبی کنترل شود.

وی اضافه کرد: در سه ماهه ابتدای سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل کشفیات سرقت به میزان 85 درصد رشد داشته است.

فرمانده انتظامی شهرستان مهران در ادامه توجه به حفظ حقوق شهروندی و تکریم ارباب رجوع را از اولویت های پلیس در این شهر مرزی عنوان کرد و گفت: اعتماد مردم بزرگترین سرمایه اجتماعی پلیس است و مشارکت مردم با نیروی انتظامی می تواند از بروز بسیاری از جرایم و آسیب های اجتماعی در جامعه پیشگیری نماید.

وی با بیان اینکه عملکرد پلیس 110 میزان توقعات شهروندان را از پلیس افزایش داده است گفت: حضور به موقع پلیس در صحنه های جرم افزایش اعتماد عمومی را در پی خواهد داشت و هر چه سطح این اعتماد بیشتر باشد احساس امنیت نیز در جامعه بیشتر خواهد بود.

پایان پیام

با ارسال نامه‌ای به رئیس جمهور جدید عنوان شد: انتقاد 600 بازنشسته تامین اجتماعی از نحوه اداره این سازمان

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است: 600 بازنشسته‌ی تامین اجتماعی با ارسال نامه‌ای به «حسن روحانی» رئیس جمهوری منتخب با بیان اینکه در شرایط کنونی خط فقر بالغ بر 22 میلیون ریال است عنوان کردند که دریافتی بیش از 80 درصد بیمه شدگان بازنشسته و مستمری بگیر این سازمان معادل یک سوم خط فقر است.

به گزارش ایلنا، نویسندگان نامه به رئیس جمهور منتخب، آورده‌اند: اگر از منابع و سرمایه‌هایی که کارگران بیمه شده در هنگام کار اندوخته‌اند به درستی نگهداری و محافظت می‌شد هیچ بازنشسته‌ای در خط فقر قرار نمی‌گرفت.

در ادامه این نامه از تعویض شش مدیر عامل در شش سال گذشته، تعطیلی موسسات پژوهشی و آموزشی و نشریات تخصصی از جمله «موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی» و «فصلنامه تامین اجتماعی»، منحل شدن گروه‌های تخصصی و حرفه‌ای و جایگزینی چرتکه‌بازاری به جای رویکرد تخصصی که سازمان تامین اجتماعی را به مرز ورشکستگی رسانده است انتقاد شده است.

همچنین نویسندگان این نامه از اینکه دولت سال‌ها است با فراموش کردن وظیفه اصلی خود مبنی بر امانتدار بودن، سازمان تامین اجتماعی را به مثابه‌ی صندوق اختصاصی اش در نظر گرفته انتقاد شدیدی کرده‌اند.

گفتنی است نویسندگان این نامه، سخنانشان را «مصائب يك جامعه 36 میلیونی تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی» خوانده‌اند و مدعی شده‌اند که با جمعیتی در حدود «2 میلیون و 400 هزار نفر آن بازنشسته و مستمری بگیر حدود 10 میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند»

کارگران زن در کارگاه‌های کوچک قدرت چانه زنی کمتری دارند

به گزارش رسیده آمده است: عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: در کارگاه‌های کوچک کارگران زن در مقایسه با همکاران مرد خود از قدرت چانه زنی کمتری برخوردارند و نمی‌توانند همان‌دازه مردان مطالبات قانونی خود را دریافت کنند. «حمید بهراد» با اعلام این به ایلنا گفت: هرچند در این کارگاه‌ها زنان مجبور به انجام کارهای مردانه نیستند، اما شغل آنها در نوع خود سخت و طاقت فرساست. به عنوان مثال کارگران زنی که در کارگاه‌های خیاطی مشغول کار هستند روزانه هشت تا ۱۴ ساعت بدون وقفه مشغول کار هستند.

این عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان ادامه داد: با این حال کارگران زن نه تنها مانند کارگران مرد مزد نمی‌گیرند بلکه ممکن است در صورت مادر شدن از همه حقوق ویژه‌ای که به آنها تعلق می‌گیرد نیز برخوردار نشوند.

وی در خصوص وضعیت بیمه این کارگران گفت: خوشبختانه در سالهای اخیر با سطح فرهنگ عمومی در خصوص مزایای حمایت‌های بیمه‌ای افزایش یافته است. بهراد گفت: به همین هم دیگر کارگران بر بیمه شدن خود تاکید دارند و هم کارفرمایان دیگر مانند گذشته در برابر این درخواست کارگران مقاومت نمی‌کنند. این مقام کارگری گفت: با این حال چنانچه در واحدهای تولیدی بازرسی دقیقتری صورت بگیرد امکان احجاف کمتری در خصوص پرداخت مطالبات کارگران زن وجود دارد.

یک فعال کارگری با ایلنا مطرح کرد:

بلا تکلیفی بازنشستگان تامین اجتماعی شهرک صنعتی البرز در دریافت فیش حقوقی

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۷ تیر ۹۲ آمده است: عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان البرز در استان قزوین اعلام کرد: ۷ هزار بازنشسته ومستمری بگير تامین اجتماعی شهرستان البرز قزوین از یک ماه گذشته فیش ماهانه واریز حقوق نگرفته‌اند.

عید علی کریمی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: از یک ماه گذشته اداره تامین اجتماعی و بانک رفاه کارگران که مسئولیت پرداخت حقوق واریز فیش حقوقی کارگران بازنشسته ومستمری بگير را بر عهده دارند، در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و مسئولیت توزیع فیش حقوقی بازنشستگان را بر عهده نمی‌گیرند.

او با بیان اینکه بازنشستگان این شهرستان هم اکنون بلا تکلیف شده‌اند، اظهار داشت: سازمان تامین اجتماعی بانک رفاه کارگران را مسئول این کار می‌داند و بانک رفاه هم مسئولیت انجام این کار را بر عهده نگرفته و می‌گوید که در زمینه توزیع فیش حقوقی بازنشستگان مسئولیتی ندارد و این وظیفه کانون بازنشستگان است.

این فعال کارگری در این باره گفت: این در حالی است که کانون بازنشستگان ومستمری بگيران شهرستان البرز هیچ وظیفه قانونی در قبال توزیع فیش حقوقی بازنشستگان ندارد و فقط می‌تواند در این زمینه با این دو نهاد همکاری مشترک داشته باشد.

او در خاتمه با بیان اینکه اداره تامین اجتماعی باید در این خصوص پاسخگوی بازنشستگان باشد، اظهار داشت: طی روال ماه‌های گذشته، هر ماه اداره تامین اجتماعی بایدهی‌های حقوقی بازنشستگان و مستمری بگیران را در اختیار بانک بگذارد و بانک هم وظیفه توزیع آن را بر عهده دارد.

پایان پیام

شرکت سنگ آهن مرکزی ایران واگذار می‌شود

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است: مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی ایران گفت: با وجود آنکه به دلیل گرمای هوا شرایط کار در این معدن سخت و طاقت فرسا است اما بیشترین تقاضای استخدام را داریم.

به گزارش خبرنگار ایلنا، محمد جواد عسگری با اعلام این مطلب در کنفرانس خبری خود گفت: در حال حاضر بیش از 4 هزار نفر در شرکت سنگ آهن مرکزی ایران مشغول کار هستند که از این تعداد حدود 3 هزار نفر در بخش تولید و بهره‌برداری کار می‌کنند. وی بابت این که برداشت و بهره‌برداری از معادن سنگ آهن چغارت، لکه سیاه و سچاهون توسط شرکت‌های پیمانکاری انجام می‌شود، افزود: بر فعالیت این شرکت‌ها نظارت کامل اعمال می‌شود به طوری که در حال حاضر میزان رضایت‌مندی در میان کارگران شاغل در این معدن‌ها بسیار بالاست.

به گفته این مقام مسوول در حال حاضر مطالبات تمامی کارکنان شغال در این معدن صرفه نظر از نوع قرارداد و رابطه استخدامی در هشتم یا نهم هر ماه پرداخت می‌شود. وی در خصوص میزان دریافتی این کارگران گفت: تمامی کارگران شاغل در این شرکت دستمزدی به مراتب بیشتر از حداقل‌های تعیین شده در قانون کار دریافت می‌کنند.

عسگری بابت این که در حال حاضر حقوق یک کارگر معمولی شاغل در بخش بهره‌برداری یا خردایش با سابقه یک سال کاری معادل 800 تا 900 هزار تومان است، گفت: به دلیل همین شرایط ما با بیشترین تقاضا برای استخدام در بخش پیمانکاری مواجه هستیم. وی یادآور شد: این شرایط در حالی است که هم‌اکنون دریافتی یک فرهنگی تحصیل کرده با سابقه حدود 20 سال کار معادل دستمزد کارگران شاغل در این معدن است.

به گفته عسگری برخلاف تصور برخی هم اکنون فعالیت در این واحد تولیدی افزایش یافته است، گفت: چنانچه میزان رضایت‌مندی در میان کارگران معدن بالا نبود امروز نمی‌توانستیم شاهد افزایش بهره‌وری در این معدن باشیم. وی همچنین افزود: علاوه بر کارگران شاغل هم اکنون حدود 2 هزار نفر از اهالی شهر بافق بازنشسته شرکت سنگ آهن مرکزی ایران هستند.

مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی ایران همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاری از واگذاری این شرکت به صندوق بازنشستگی فولاد بابت رد دیون دولت خبر داد گفت: به زودی سنگ آهن مرکزی بابت رد دیون دولت به صندوق بازنشستگی فولاد واگذار می‌شود.

به گفته این مقام آگاه قیمت‌گذاری شرکت توسط سازمان خصوصی سازی انجام شده و به زودی قرار داد واگذاری بین وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت رفاه و صندوق بازنشستگی فولاد امضا خواهد شد. وی بابت این که پس از واگذاری شرکت سنگ آهن به صندوق بازنشستگی فولاد، این شرکت می‌تواند به عنوان بخشی از دارایی‌های این صندوق وارد بروس شود افزود: در حال حاضر در این رابطه سازمان خصوصی سازی مشغول قیمت گذاری است.

عسگری بایان اینکه این واگذاری در راستای مصوبه سال 72 دولت انجام می گیرد، گفت: حتی شنیده‌ایم که سازمان خصوصی سازی برای این واگذاری قیمتی به مراتب بالاتر از قیمت بورس تعیین کرده است. وی همچنین در خصوص فعالیت معادن تحت بهره‌برداری شرکت سنگ آهن مرکزی ایران گفت: شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در سال گذشته سه میلیون و 450 هزار تن سنگ آهن دانه‌بندی و دو میلیون و 960 هزار تن کنسانتره سنگ آهن تولید کرد.

این مقام مسوول همچنین بایان اینکه صادرات سال قبل شرکت نیز بالغ بر یک میلیون و 200 هزار تن سنگ آهن بوده است گفت: این میزان در مقایسه با آمار سال قبل 4 درصد افزایش داشته است. وی با بیان اینکه هم‌اکنون حدود چهار دهه است که شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در حال استخراج از معادن منطقه است، عنوان کرد: ذوب آهن اصفهان، فولاد مبارکه اصفهان و فولاد خوزستان مصرف کنندگان اصلی محصولات تولیدی شرکت سنگ آهن مرکزی ایران هستند. همچنین بخشی از محصولات نیز به چین و پاکستان صادر می‌شود.

عسگری بایان اینکه شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در صدد است تا میزان تولید محصول خود را به مرز 17 میلیون تن افزایش دهد از احداث یک واحد گندله‌سازی پنج میلیون تنی، دو واحد کنسانتره به ظرفیت‌های دو و 2.5 میلیون تن و همچنین فولاد بافق به ظرفیت 1.5 میلیون تن خبر داد. وی افزود: محصولات عیار بالای این شرکت منحصراً و با برنامه تکلیف شده وزارت صنایع به کارخانه‌های ذوب آهن اصفهان، فولاد مبارکه و فولاد اهواز واگذار می‌شود.

همچنین وی در خصوص نحوه فروش محصولات عیار پایین این شرکت گفت: این محصولات برای تامین ارز مورد نیاز شرکت یا از طریق مزایده به سایر واحدهای فولادی کشور فروخته می‌شود و یا به کشورهای چین و پاکستان صادر می‌شود.

پایان پیام

معاون شهردار تهران خبر داد: بدهی ۸۰۰ میلیارد تومانی دولت به شهرداری تهران

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 تیر 92 آمده است: معاون مالی و اداری شهرداری تهران گفت که دولت ۸۰۰ میلیارد تومان به شهرداری تهران بدهی دارد.

به گزارش ایلنا، "حسین محمدپورزندی" با بیان اینکه یکی از مسائلی که مسئولان در دولت نهم و دهم به فراموش سپردند، این بود که تهران با توجه به اینکه پایتخت کشور است هزینه‌های بیشتری را به نسبت سایر کلانشهرها به یعنی شهرداری تهران تحمیل می‌کند، افزود: با وجود آنکه سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت به هر شکل ملزم به پرداخت بخشی از هزینه‌های نگهداری شهر در قالب عوارض‌های پیش‌بینی شده هستند، اما عدم پایبندی واحدهای دولتی به اجرای این تعهدات مشکلات زیادی را برای کلانشهر تهران به وجود آورده است. وی افزود: حذف عوارض مدیریت پسماند سازمان‌های دولتی، عوارض ساخت و سازهای سازمانی، عدم پرداخت عوارض کسب و پیشه و موارد این چنینی از سوی سازمان‌های دولتی باعث شده تا شهرداری تهران نتواند حقوق حقه خود را از آنان دریافت کند.

پورزندی با اشاره به بدهی ۸۰۰ میلیارد تومانی دولت به مدیریت شهری تهران خاطر نشان کرد: بدیهی است با روی کارآمدن دولت جدید انتظاراتی به فراخور شخصیت و منش دولت آینده وجود دارد که امید است به منظور توسعه پایدار شهر تهران و تسریع در دستیابی به این رشد و

توسعه برای احقاق حقوق شهروندان تهرانی تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود. وی با بیان اینکه بخشی از وظایف شهرداری‌ها مانند رفت و روب شهر، ارائه خدمات ایمنی و آتش‌نشانی، حمل‌ونقل عمومی و... از جمله وظایف حاکمیتی به شمار می‌رود، افزود: در تمام نقاط دنیا رسم بر این است که دولت‌ها برای ارتقای وظایف حاکمیتی از این دست کمک‌هایی را در رابطه با هزینه‌های جاری و نگهداشت شهرها ارائه می‌دهند، موضوعی که متأسفانه تا کنون از سوی دولت مکتوم مانده و چنین نگاهی به شهر و مدیریت شهری در بدنه اجرایی کشور وجود نداشته است.

معاون شهردار تهران تصریح کرد: موضوع دیگر ارائه لایحه درآمدهای پایدار شهرداری‌ها از سوی دولت به مجلس و متعاقب آن تصویب آن است که به‌رغم آنکه این لایحه در دولت دهم تهیه و تدوین شد اما هیچ‌گاه به مجلس برای تصویب فرستاده نشد. وی ابراز امیدواری کرد تا در دولت یازدهم نسبت به ارائه این لایحه و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی اقدام لازم انجام شود.

پایان پیام

شنبه ۸ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۲۹ ژوئن ۲۰۱۳

مجله کارگری رادیو راه کارگر

▶ **نگاهی تحلیلی به فراسوی رویدادهای سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و بین المللی از دریچه کارگری**

نگاهی به رویدادهای کارگری هفته از مریم امانی
گفتگوی امیرجواهری با مجید تمجیدی کارشناس مسائل کارگری
برنامه از مریم امانی، امیر جواهری

بازنگری به چرایی قتل افشین اسانلو، کارگر زندانی و زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر، وضعیت زندان و اوضاع اسفبار دیگر زندانیان کارگر و وظیفه ما برسرجهانی کردن این نگرانی‌ها درکنار ابراز تالم به خانواده اسانلو و همه کارگران کشور و خانواده‌های زندانیان سیاسی

📌 **فایل صوتی با فورمات ام پی ۳**

اعتصاب متحدانه کارگران مجتمع فولاد خوزستان

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در هشتم تیر 92 آمده است : بدنال اعتصاب کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان، کارگران رسمی این کارخانه نیز در حمایت از همکاران قراردادی خود به آنان پیوستند و حدود چهار هزار کارگر این کارخانه روز چهارشنبه گذشته در اقدامی متحدانه تولید در مجتمع فولاد خوزستان را خواباندند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از اول سالجاری تا کنون 25 درصد افزایش حداقل مزد کارگران قراردادی این کارخانه اعمال نشده است به همین دلیل آنان روز سه شنبه هفته گذشته در اقدامی اعتراضی از گرفتن غذای رستوران کارخانه خودداری کردند و سپس روز چهارشنبه بطور یکپارچه ای دست از کار کشیدند و ساعتی بعد کارگران رسمی نیز در حمایت از خواست بر حق همکاران قرار دادی خود به اعتصاب پیوستند.

بنا بر این گزارش بدنال این اعتصاب متحدانه مسئولین کارخانه طی مذاکراتی با کارگران اعتصابی به آنان وعده دادند 25 درصد افزایش حداقل مزد را که از اول سالجاری به آنان پرداخت نشده است روز شنبه هشتم تیر ماه به حسابشان واریز خواهند کرد. در ادامه این مذاکرات کارگران با اولتیماتوم آغاز اعتصابی دیگر از صبح روز پنج شنبه ششم تیر ماه بر سر کارهای خود بازگشتند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز شنبه هشتم تیر ماه کارفرمای این کارخانه به وعده خود عمل نکرد و از آنجا که بار دیگر زمزمه اعتصاب در میان کارگران آغاز شده

بود مسئولین کارخانه با حضور در جمعهای آنان ضمن تاکید بر پیگیری پرداخت 25 درصد افزایش حداقل مزد، از کارگران خواستند با انتخاب نماینده هایی پیگیر مطالبه خود شوند اما آنان با غیر قابل مذاکره خواندن اعمال 25 درصد افزایش حداقل مزد در حقوق هایشان از انتخاب نماینده خودداری کردند و با دادن فرصتی دیگر به کارفرما خواهان پرداخت هر چه فوری تر 25 درصد افزایش حداقل مزد شدند.

کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان اعلام کرده اند در صورت ادامه خلف وعده های کارفرما بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

افشین اسانلو با پای خود به بهداری رفت!

به نوشته سایت افق روشن در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: در حالی که مسئولان قضایی و مدیران سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مدعی فوت افشین اسانلو در بیمارستان رجایی کرج می باشند، اما اطلاعات کسب شده از زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) گویای واقعیات دیگری است.

به گزارش کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، به فاصله اندکی پس از اعلام خبر فوت افشین اسانلو فعال کارگری و زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج، خبرگزاری های کشور به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفتگوی کوتاهی را با سهراب سلیمانی مدیرکل زندان های استان البرز (کرج) منتشر کردند که این مقام قضایی مدعی فوت این زندانی سیاسی در بیمارستان شهید رجایی کرج گردیده بود.

از سوی دیگر خانواده این زندانی سیاسی طی روزهای اخیر در گفتگوی با رسانه ها، به نقل از کادر پزشکی بیمارستان شهید رجایی کرج از فوت این زندانی سیاسی پیش از انتقال به بیمارستان خبر دادند که تنها اقدام درمانی صورت گرفته برای مرحوم اسانلو را تلاشی یک ساعته برای احیای وی عنوان کرده اند.

اظهارات کذب و اطلاع رسانی خلاف واقع آقای سلیمانی به مانند سایر مقامات قضایی-امنیتی جمهوری اسلامی مسبوق به سابقه بوده و بیش از این نیز انتظاری نیست، اما نکته حائز اهمیت، اخبار اخیر دریافتی از زندان رجایی شهر و کنار هم قرار دادن این اخبار، و اطلاعات منتشره از سوی خانواده این زندانی سیاسی می باشد که گویای حوادثی نامعلوم در این زندان است.

به گفته تعدادی از هم بندیان این زندانی سیاسی، «افشین اسانلو تا زمان اعزام به بهداری زندان در وضعیت جسمانی وخیمی نبوده و حتی با پای خود به بهداری زندان رجایی شهر کرج مراجعه کرده است»

اظهارات هم بندیان آقای اسانلو، مؤید این نکته می باشد که آقای اسانلو تا پیش از مراجعه به بهداری زندان و یا حتی تا هنگام ترک زندان به مقصد بیمارستان، در وضعیت جسمانی بحرانی و یا وخیمی قرار نداشته است. و با در نظر گرفتن اظهارات کادر درمانی بیمارستان شهید رجایی، در رد ادعای فوت آقای اسانلو پس از انتقال به بیمارستان که فرضیه وخامت تدریجی وضعیت جسمانی این زندانی سیاسی را منتفی می سازد، این سوال به ذهن متبادر می گردد که چگونه و به چه علتی فردی که به گفته خانواده و هم بندیانش سابقه هیچگونه ناراحتی قلبی را نداشته است، به فاصله چند ده دقیقه زمان بین انتقال به بیمارستان از زندان رجایی شهر ناگهان فوت می کند.

سوال برانگیزتر اظهارات مدیرکل زندان های استان البرز (کرج) می باشد که با طرح ادعای درگذشت آقای اسانلو در بیمارستان رجایی شهر، سعی در پنهان کردن بخشی از واقعیت دارد.

تاسف بار، حادثه مشابهی است که فروردین ماه سال جاری و به دور از چشم رسانه های خبری بوقوع پیوست. هفدهم فرودین ماه سال جاری نیز، علیرضا کرمی خیرآبادی زندانی امنیتی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) به علت بی نتیجه بودن اقدامات درمانی جان خود را از دست داد. نکته قابل توجه اینکه آقای خیرآبادی نیز به هنگام ترک زندان و اعزام به بیمارستان در شرایط جسمی وخیمی قرار نداشته و تنها چند روز پس از اعزام به بیمارستان، به ناگاه خبر درگذشت وی از سوی مقامات مسئول به خانواده وی اعلام می گردد.

لازم به ذکر است که طی دو سال گذشته، مقامات مسئول و ماموران امنیتی در زندان رجایی شهر، طی جلسات مختلف بازجویی از زندانیان این زندان مکرراً زندانیان سیاسی و امنیتی را تهدید به مرگ کرده اند که سه زندانی فوت شده در این زندان، افشین اسانلو، علیرضا کرمی خیرآبادی و منصور رادپور از این جمله می باشند.

در کنار حادثه فوت آقای اسانلو و خیرآبادی که تردیدهای جدی را در نحوه رفتار و رسیدگی پزشکی به زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت ایجاد کرده است البته می بایستی به عامل اصلی این حوادث نیز اشاره کرد.

اقدامات مسئولان زندان و بخصوص «محمد مردانی» ریاست این زندان در اعمال فشارهای غیرانسانی بر زندانیان سیاسی بی شک از جمله عوامل اصلی بروز بیماری های مختلف در این زندان می باشد که با شرایط فعلی اعطای خدمات درمانی به زندانیان این زندان، ظاهراً سرانجامی جز مرگ در انتظار ایشان نمی باشد.

فشارهای بی حد روانی با قطع تماس های تلفنی و ملاقات های حضوری، محدود کردن زمان هواخوری و مسدود کردن پنجره سلول های زندانیان، توهین و تحقیر ایشان و موارد بیشمار دیگری از این دست، تنها بخشی از اقداماتی است که مسئولان این زندان عامدانه برای تخریب روحیه زندانیان در دستور کار دارند. وضعیت اسفبار غذایی نیز که پیشتر **در گزارش های دیگری** مفصلاً به آن پرداخته شده است از جمله مواردی است که وضعیت جسمی زندانیان این زندان را روز به روز به تحلیل برده و زمینه را برای بروز بیماری های خطرناک و کشنده در میان ایشان فراهم می سازد.

همچنین نصب دستگاه های پارازیت انداز و تقویت آن طی هفته های اخیر در بند ویژه امنیتی این زندان که به باور زندانیان این بند از جمله عوامل اصلی و تاثیرگذار در مرگ های اخیر در این بند می باشد، باعث بروز بیماری های نادر و سردرهای شدید و سرگیجه و حالت تهوع در میان زندانیان گردیده که هشدارهای مکرر زندانیان و رسانه های خبری نسبت به این موضوع، تا به امروز تنها با بی تفاوتی مسئولان این زندان و مسئولان قوه قضائیه روبرو گردیده است.

افزایش میزان مرگ و میر در میان زندانیان سیاسی و امنیتی زندان رجایی شهر کرج طی مدت زمان پس از تشکیل بند ویژه امنیتی این زندان و تسهیل انجام اقدامات محدود کننده بر علیه زندانیان این بند، حقیقتی دردناک، و حرکتی سیستماتیک از سوی مسئولان قضایی-امنیتی و بخصوص «مردانی» ریاست این زندان است که در صورت بی توجهی مقامات بالاتر بی شک طی ماه های آینده نیز به شکل سابق ادامه خواهد یافت و باز هم شاهد مرگ خاموش دیگر زندانیان در کشتارگاه رجایی شهر خواهیم بود.

تجمع کارگر ساختمانی در اعتراض به بودجه ناکافی بیمه

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ تیر ۹۲ آمده است: صبح امروز بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای انجمن های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی سراسر کشور با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی، خواستار لغو «بند ۱۰ الحاقی قانون بودجه سال ۹۲» شدند. به گزارش خبرنگار ایلنا، تجمع کنندگان با نصب پلاکاردهایی در مقابل مجلس بر لزوم اجرای قانون «رفع موانع اجرای قانون بیمه های کارگران ساختمانی تاکید کردند.

«علی یار محمدی» دبیر کانون انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور که در این

تجمع حضور داشت به ایلنا گفت: تجمع کنندگان خواستار لغو بند ۱۰ الحاقی قانون بودجه ۹۲ هستند. در این بند، برای بیمه کارگران ساختمانی ردیف بودجه ای تعیین شده که ناکافی است. وی در ادامه افزود: دولت که هزینه های زیادی را بر خود تحمیل کرده و به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است نمی تواند ردیف بودجه ای ناکافی تعیین شده را به کارگران ساختمانی اختصاص دهد و بهتر است هزینه ی بیمه را کارگران و کارفرمایان تامین کنند. همچنین «اکبر شوکت» رئیس کانون انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور به ایلنا گفت: تعداد کارگران ساختمانی که باید بیمه شوند بیش از ۲ میلیون نفر است که بودجه ای ۲ هزار میلیارد تومانی نیاز دارد و دولت قطعاً از عهده ی چنین هزینه ای بر نمی آید. وی تصریح کرد: کارگران ساختمانی باید بر اساس قانون رفع موانع اجرای قانون بیمه های کارگران ساختمانی بیمه شوند. مطابق این قانون، ۷ درصد سهم کارگر را خودش می پردازد و ۲۰ درصد سهم کارفرما از محل پروانه های ساختمانی کسر می شود. در این صورت بار مالی بیمه ی کارگران ساختمانی تا حد زیادی از دوش دولت برداشته می شود.

عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا و زمزمه اعتصاب

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ هشتم تیر 92 آمده است: تعداد ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا دو ماه است دستمزد خود را دریافت نکرده اند. همچنین اضافه کاری فروردین ماه این کارگران نیز پرداخت نشده است. از طرف دیگر کارفرمای این کارخانه که مالک کارخانه نورد پروفیل ساوه نیز میباشد دستمزد ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه را نیز از اول سال پرداخت نکرده است و این کارگران در شرایط بسیار مشقت باری بسر میبرند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از اول سال جاری بدلیل عدم واریز بیمه های کارگران این دو کارخانه دفترچه های درمانی آنان نیز تمدید نشده است و علیرغم درخواستهای مکرر کارگران برای واریز بیمه ها و دریافت دستمزدهایشان کارفرما هیچ توجهی به خواست و شرایط فلاکت بار ۲۴۰۰ کارگر این دو کارخانه نکرده است. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران زمزمه اعتصاب در میان ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا در گرفته است و بنا بر اظهار کارگران این کارخانه چنانچه تا دهم تیر ماه جاری کارفرما دستمزد معوقه آنان را پرداخت نکند دست به اعتصاب خواهند زد.

نامه توکلی به لاریجانی در اعتراض به تصمیم غیرقانونی ارزی احمدی نژاد؛ 74 هزار میلیارد از بدهی های دولت ناپدید شد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار در نامه سرگشاده ای به رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به تصمیم مجمع عمومی بانک مرکزی و رئیس جمهور در خصوص محاسبه غیرقانونی مابه التفاوت ارز مرجع و ارز مبادله ای به میزان 74 هزار میلیارد ریال به عنوان بدهی های دولت اعتراض و نسبت به عواقب سوء اقتصادی آن هشدار داد.

به گزارش ایلنا، متن کامل این نامه به این شرح است:

باسمه تعالی

برادر ارجمند جناب آقای دکتر لاریجانی
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام،

مجمع عمومی بانک مرکزی که رئیس جمهور و چهار وزیر عضو آن هستند، در جلسه پنجشنبه 13/3/1392 به ریاست رئیس جمهور محترم تصمیماتی گرفت که غیر از تعارضاتی که با قانون دارد، در شرایط سخت رکودی و تورمی فعلی، عاملی بر سر راه مهار نقدینگی، و در نتیجه اسباب سخت تر شدن معیشت مردم و تولید کشور است. ماجرا از این قرار است که بانک مرکزی به شکل قانونی و غیرقانونی دهها هزار میلیارد تومان به شکل قرض، تنخواه و تسهیلات به دولت، شرکتها و موسسات دولتی و بانکهای دولتی پرداخت کرده است. افزایش بدهی دولت و بخش دولتی به بانک مرکزی به معنای تزریق بیشتر پول پر قدرت در اقتصاد است که تقریباً پنج برابرش بر نقدینگی می‌افزاید. یک راه حل مهار نقدینگی و کاهش نرخ تورم، کاهش بدهی دولت و بخش دولتی و بانکها به بانک مرکزی است. مجمع عمومی تصمیم گرفته است که ارزی را که در سال 1391 به بانک مرکزی فروخته است، گرانتر حساب کند و از این طریق مبلغ 74 هزار میلیارد تومان بدهی بخش دولتی را کاهش دهد. درحالی که به همین مبلغ دارایی خارجی بانک مرکزی (بر حسب ریال) افزایش میابد. یعنی نقدینگی افزایش یافته پیشین تداوم میابد و آثار وقفه‌ای آن بر شدت تورم می‌افزاید. بهانه هم بند ب ماده 26 قانون پولی و بانکی مصوب سال 1351 است که به استناد آن تصمیم زیر اتخاذ شده و برای اجرای آن یک هفته به بانک مرکزی مهلت داده شد:

3- "در اجرای بند ب ماده 26 قانون پولی و بانکی کشور و با توجه به تغییر نرخ ارز، مجمع مقرر نمود حدود 740 هزار میلیارد ریال سود حاصل از تغییر برابری ریال در مقابل اسعار خارجی با بدهی های دولت، شرکتها و موسسات دولتی و بانکهای دولتی به بانک مرکزی به شرح زیر تسویه گردد:

- 1-3 بدهی دولت 110 هزار میلیارد ریال
- 2-3 بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها 57 هزار میلیارد ریال
- 3-3 بدهی شرکت بازرگانی دولتی 53 هزار میلیارد ریال
- 4-3 بدهی شرکت پستیانی امور دام 31 هزار میلیارد ریال
- 5-3 بدهی شرکت های تابعه وزارت نفت، نیرو و سایر دستگاه‌های اجرایی 65 هزار میلیارد ریال
- 6-3 بدهی بانک‌های دولتی 380 هزار میلیارد ریال

اجرای این امریه که دلایل غیرقانونی بودن آن را بیان می‌کنم، چنانکه واقف هستید به معنای رضایت به ادامه گردش 74 هزار میلیارد تومان پول پر قدرت در اقتصاد جامعه است. اقتصادی که دو سال است از نرخ رشد منفی همراه با نرخ تورم بالا رنج می‌برد و مردم فهیم و وفادار به اسلام و ایران را به طور بی‌سابقه‌ای در رنج و تعب انداخته است.

در واقع آقای رئیس جمهور و چهار وزیر عضو مجمع عمومی بانک مرکزی، نرخ دلار را 2500 تومان تعیین کردند و مابه‌التفاوت آن را نسبت به ارز 1226 تومانی، یعنی مبلغ 1274 تومان در هر دلار را در 58 میلیارد دلار ارزی که دولت به بانک مرکزی فروخته بود، ضرب کردند و به عدد سود فرضی 74 هزار میلیارد تومان رسیدند. آن وقت این عدد طلب دولت از بانک مرکزی تلقی شده و آن را با فهرستی از بدهی‌های دولت، شرکت‌های دولتی، سازمان هدفمندی یارانه‌ها و بانک‌های دولتی تهاتر کردند.

بند ب ماده 26 قانون پولی و بانکی که مستند این تصمیم است چه میگوید؟:

"سود احتمالی از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی... به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی خواهد رسید و مازاد آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد".

توجه به این حکم قانون و مقایسه آن با تصمیم مورد بحث که در سطور بالا تشریح شد، غیرمعقول و غیرقانونی بودن مصوبه مجمع عمومی بانک مرکزی را آشکار می‌سازد:

1. مجمع عمومی بانک مرکزی در سال مالی 1392 ترازنامه عملکرد سال 1391 بانک مرکزی را بررسی و تصویب می‌کند، عملکردی که تابع قواعد سال 91 از جمله نرخ ارز در آن سال بود. دولت بارها با تاکید گفته است که ما حتی یک دلار را هم با قیمتی بیش از 1226 تومان نفروخته‌ایم. یعنی دولت دلارهای نفتی را به قیمت 1226 تومان به بانک مرکزی فروخت و بانک مرکزی هم با همین نرخ به واردکنندگان کالا یا مسافران یا بیماران یا... فروخته است. سود این معاملات در حد چند ریال در هر دلار است. این کجا و سود 74 هزار میلیارد تومانی کجا؟ کدام سود؟ کدام تغییر برابری‌های قانونی نرخ ارز؟ در واقع این کار وادار کردن بانک مرکزی به چاپ اسکناس بدون پشتوانه و تقدیم آن به دولت است! این را هم نگویند که مجلس در قانون بودجه نرخ ارز را 2500 تصویب کرده است؛ زیرا مجلس هیچ حکمی در این باره نداده و تنها نرخ محاسباتی لایحه دولت را دست نزده است. درواقع این نرخ محاسباتی است نه تعیین نرخ برابری قانونی.

2. حتی اگر اشکال فوق نبود، باز هم مجمع عمومی نمی‌توانست نرخ ارز را تعیین کند، چرا که بر اساس جزء 8 بند 2 قانون بودجه سال 1392، مستند به بند ج ماده 81 قانون برنامه پنج ساله پنجم، بانک مرکزی مسئول تعیین نرخ است که آن هم بر اساس ماده 96 قانون برنامه و بند ج ماده 11 قانون پولی و بانکی کشور، پس از تصویب شورای پول و اعتبار قانونی می‌شود؛ نه با تصمیم مجمع عمومی.

3. بر فرض مجمع چنین حقی می‌داشت باز تخلف آشکار دیگری باقی می‌ماند: متن بند ب ماده 26 آشکارا می‌گوید که سود حاصل‌شده از تغییر نرخ ارز، تنها باید " به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی " برسد نه بخش دولتی؛ و اگر چیزی باقی بماند به خزانه واریز می‌گردد. در حالی که در این تصمیم تنها 11 هزار میلیارد تومان از سود فرضی 74 هزار میلیارد تومانی بابت بدهی دولت لحاظ شده و بقیه را به سازمان هدفمندی یارانه‌ها، شرکت بازرگانی دولتی، شرکت پشتیبانی امور دام، شرکت‌های مربوط به نفت و نیرو و بالاخره بانک‌های دولتی از جمله بانک مسکن بخشیده‌اند. تمام این‌ها در ترازنامه بانک مرکزی بخش دولتی هستند نه دولت. کجای قانونی که به آن استناد شده به مجمع عمومی اجازه چنین کاری می‌دهد؟

4. بدهی‌های این شرکت‌ها، عمدتاً از سوء مدیریت و قانون شکنی‌ها در اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها پدید آمده است. دولت 5700 میلیارد تومان تنخواه بانک مرکزی به سازمان هدفمندی یارانه‌ها را برنگرداند(در حالی که مکرراً مسئولان دولتی اصرار می‌کردند آن را تسویه کرده‌اند!) سهم شرکت پالایش و پخش و توانیر و گاز را از فروش حامل‌های انرژی برخلاف قانون و مصلحت، نداده است آن‌ها هم مثل سازمان هدفمندی یارانه‌ها از بانک مرکزی استقراض کردند و بر نقدینگی و تورم خانمان‌سوز افزودند. بانک‌های دولتی هم مثل بانک مسکن با دستور رئیس جمهور سی هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی اضافه برداشت کرد تا بلندپروازی‌های دولت ارضاء شود، حالا هر چه بر سر مردم بیچاره می‌آید، بیاید!

5. در واقع اگر این تصمیم غیر قانونی اجرا شود که نباید بشود، باز هم یک ظاهر سازی مخرب بر قلبی ها اضافه می شود؛ دولت ادعا خواهد کرد در حالی کار را به منتخب بعدی تحویل می دهد که دولت هیچ بدهی به بانک مرکزی نداشته و از بدهی شرکتها، موسسات و بانکهای دولتی به بانک مرکزی نیز به شدت کاسته است. در حالی که با این اقدام پول پر قدرت بی پشتوانه را در دست دولت و دولتی ها باقی گذاشته اند و روند روزانه کاهش قدرت خرید مردم را تداوم بخشیدند!

6. علاوه بر این، تصمیم مورد بحث، بخشش بدهی دستگاه های دولتی است. در حالی که هر گونه بخشش دولت طبق اصل هشتادم قانون اساسی باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد. اگر این قانون شکنی را هم نادیده بگیریم، شرکت بازرگانی دولتی یا پشتیبانی امور دام، اعتباری از بانک مرکزی گرفته اند، جنس می خرند و می فروشند و تسهیلات بانک را باید بازگردانند. حالا با این تصمیم یکباره سرمایه شان چند هزار میلیارد تومان زیاد می شود، اگر اساسنامه آنها به تصویب مجلس رسیده باشد، این افزایش سرمایه نیز مصوبه مجلس را می خواهد.

خلاصه آنکه در روزهای پایانی صدارت دولت فعلی تصمیمی گرفته شد که تبعات عملکرد نامناسب پیشین را پایدارتر می سازد. بنده به عنوان ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار وظیفه داشتم به جناب عالی و نمایندگان محترم اطلاع دهم. دولت باید بداند که این تصمیم غیرقانونی و زیانبار، ضربه دیگری بر اقتصاد ملی و معیشت سخت مردم است و موجب تعقیب قضایی خواهد بود. از رئیس کل بانک مرکزی و اعضای محترم شورای پول و اعتبار نیز انتظار است که زیر بار این امریه غیرقانونی و آسیب زننده به مردم نروند که در روز جزا پاسخی نخواهند داشت. از جناب عالی به عنوان رئیس قوه مقننه تقاضا می کنم به هر طریق ممکن از اجرای این تصمیم جلوگیری فرمایید.

احمد توکلی
نماینده مجلس و ناظر مجلس در شورا پول و اعتبار

پایان پیام

گیتی پورفاضل: یکی از بازجویان مقصر اصلی کشته شدن ستار بهشتی است

بر پایه ایمیل رسیده به روزشمار کارگری آمده است: وکیل ستار بهشتی، ویلاگ نویسی که در آبان ماه سال ۹۱ در بازداشتگاه پلیس فنا جان خود را از دست داد با اعتراض به اینکه پس از هشت ماه هنوز پرونده موکلش به دادگاه فرستاده نشده است، گفت: «بازپرس پرونده را به دادگاه نمی فرستد چون می خواهد زمان بخرد و فکر می کند با این کار پرونده کمرنگ می شود و با گذشت زمان حساسیت آن کمی تعدیل می شود، در حالیکه بزرگترین اشتباه را می کند.» گیتی پورفاضل، وکیل پرونده ستار بهشتی در خصوص این اظهار نظر تازه پزشک قانونی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «متأسفانه اصلاً پرونده را به دادگاه نمی فرستند تا وکیل و قاضی بتوانند رودررویی یکدیگر قرار بگیرند و مسائل واضح و روشن شود. این اولین بار نیست که پزشک قانونی این اظهار نظر را می کند. از ابتدا هم که من دنبال پرونده در داسرا بودم به من گفتند تحت فشار و استرس فوت کرده است. من هم گفتم بله اما تحت فشار چه زمانی بوده و کجا بوده است؟ زیر دست بازجو و زیر فشار بوده و در اثر اعمال فیزیکی و روانی که روی او انجام شده ممکن است ایست قلبی هم کرده باشد که بله، ایست قلبی هم کرده است اما چه کسانی باعث ایجاد این شرایط شدند.»

ستار بهشتی، متولد سال ۱۳۵۶، کارگر و ویلاگ‌نویس ایرانی بود که در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و نوشتن مطالب انتقادی در ویلاگ شخصی بازداشت شده بود. در مدت بازجویی به شدت از سوی پلیس فتا شکنجه شد و در مدتی که بازداشت بود درگذشت. او در گورستان رباط کریم نزدیک محل زندگیش به خاک سپرده شد. بر اساس گزارش ثبت شده در روابط عمومی بهشت زهراي تهران تاریخ، مرگ ستار بهشتی ۱۳ آبان ماه نوشته شده است.

پور فاضل در گفتگویی قبلی با کمپین در اسفند ماه سال گذشته اظهار امیدواری کرده بود که پرونده در سال جدید به دادگاه فرستاده شود. او در آن گفتگو اشاره کرده بود که تمام مدارک و مستندات داخل پرونده کامل و آماده ارسال به دادگاه است. هنوز با گذشت چهار ماه از شروع سال جدید پرونده به دادگاه فرستاده نشده است.

گیتی پور فاضل، وکیل خانواده ستار بهشتی گفت: «ستار ۴ بازجو داشته که یک نفر از آنها مقصر اصلی در مرگ ستار بوده است. او در جلسه بازپرسی آمد و ما هم او را دیدیم. او را چون مأمور اطلاعات است به دادگاه نمی فرستند مبادا که محکوم شود. اگرچه در قانون اساسی ما آمده است کسانی که تابعیت ایران را دارند همگی در برابر قانون مساوی هستند ولی ما عملاً می بینیم که افراد مساوی نیستند. با توجه به شرایط، مرتبه و وابستگی های که دارند قانون در موردشان اعمال نمی شود. حقیقت این است. متأسفم. من آنچه که اعتقاد دارم را می گویم حالا امکان دارد بنده خودم هم سر از اوین در بیاورم یا امکان دارد که بگذارند حرفم را بزنم و جلو بروم. از این دو حال خارج نیست. برای چه هشت ماه پرونده جوانی که جاننش را زیر شکنجه های بازجویی از دست داده نباید به دادگاه فرستاده شود!»

خانم پور فاضل با اظهار اینکه چند نفر از زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین آمادگی شهادت در دادگاه را دارند، گفت: «من با یکی، دو زندانی بند ۳۵۰ زندان اوین که چندی پیش به دلیل بیماری در بیمارستان بستری شده بودند صحبت کردم. آنها ستار را یک روز قبل از مرگش در بند دیده بودند، آنها گفتند ما با چشم خودمان دیدیم که بدن این بچه کبود بوده و از نظر روحی هم تعصیف شده بوده.. آنها اعلام آمادگی برای شهادت دادن در دادگاه را هم کردند. دقت کنید برای همین است که پرونده را به دادگاه نمی فرستند چون من بلافاصله از دادگاه تقاضا خواهم کرد تا شاهدان در دادگاه حاضر شوند و دیده های خودشان را بگویند.»

گیتی پور فاضل ۲۹ خرداد ماه نیز نامه ای به حسن روحانی، رییس جمهور منتخب ایران نوشت و خواستار رسیدگی به این پرونده موکلش شد. او در بخشی از این نامه نوشته است: "اینک هشت ماه از تشکیل پرونده می گذرد و شخص قاتل هم که از مأموران پلیس فتاست معلوم گردیده است پرونده همچنان در بازپرسی خاک می خورد و به دادگاه فرستاده نمی شود". خواهر ستار بهشتی در بهار امسال گفته بود که مأموران امنیتی او و دیگر اعضای خانواده اش را تحت فشار قرار داده اند تا سکوت کنند و پیگیر پرونده ستار نباشند. خانم بهشتی در آن گفتگو گفته بود عملاً جلوی او را در خیابان می گیرند و تهدیدش می کنند.

رئیس انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مشهد: بیش از 70 درصد از دارندگان کارت مهارت، کارگر ساختمانی نیستند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مشهد از صدور کارت مهارت کارگران ساختمانی برای شاغلین در همه صنوف توسط سازمان فنی و حرفه ای انتقاد کرد.

«محمد رضا داوری» در این باره به ایلنا گفت: سازمان فنی و حرفه ای برای همه ی افرادی که در آزمون مهارت کارگران ساختمانی موفق می‌شوند بدون آنکه از کارگر ساختمانی بودنشان مطمئن باشد کارت مهارت صادر می‌کند. وی در ادامه این موضوع را به عدم همکاری سازمان فنی و حرفه ای با انجمن صنفی کارگران ساختمانی مشهد مرتبط دانست که باعث شده است این سازمان نتواند کارگران ساختمانی واقعی را شناسایی کند. این مقام صنفی گفت: اهمیت کارت مهارت برای کارگران ساختمانی در آن است که دارندگان این کارت با مراجعه به سازمان تامین اجتماعی، مشمول بیمه تامین اجتماعی می‌شوند.

داوری در پایان تصریح کرد: بیش از 50 درصد از بیمه شدگان و 70 درصد از دارندگان کارت مهارت در این رشته، کارگر ساختمانی نیستند.

محاکمه زندانیان سیاسی به بهانه غیبت

بر پایه خبر رسیده ،آمده استکه: مسوولان زندان اوین دور تازه ای از فشار بر زندانیان را آغاز کرده اند و برای نخستین بار نیز زندانیان را به اتهام غیبت مورد محاکمه قرار داده اند.به گزارش جرس، در همین رابطه محمد داوری زندانی بند350 روز دوشنبه 27 خرداد، پس ازاعتراض به رای شعبه 1174 مجتمع قضایی قدوسی تهران با تشدید مجازات مواجه شد و حسن اسدی زیدآبادی، عماد بهاور، حسین نعیمی پور، سید محمد باقري و محسن صادقي نور به یک میلیون ریال جریمه نقدي محکوم شدند.محمد داوری، سردبیر سایت سحام نیوز و از اعضای ستاد انتخاباتی مهدی کروی در سال 1388 پس از افشای آزار جنسی بازداشت شدگان بازداشت شد و به پنج سال زندان محکوم شد و در دوران گذراندن محکومیت به دلیل شرکت در تجمع صنفی معلمان یک سال دیگر به حکم او افزوده شد. او از شهریور ماه 1388 تا اسفند ماه سال گذشته که برادرش را از دست داد از مرخصی محروم بود.آقای داوری درمورد دلیل اعتراض خود به دادگاه گفته است: من براساس روال تمدید مرخصی توسط دادستانی که تلفنی وشفاهی نتایج موافقت یا مخالفت با درخواست تمدید را اعلام می نماید مرتکب غیبت شدم وتمام مدتی را که بیرون از زندان بودم با اطلاع دادستانی مشغول مراسم ترحیم برادرم یا پیگیر مسائل پزشکی بودم. همچنین صدور حکم بدون تشکیل دادگاه وفراهم نبودن امکان دفاع درمرحله نخست و صدور حکم دوم بدون حضور نماینده دادستانی و با توصیه معاون مجتمع برای تشدید مجازات نسبت به حکم اولیه را خلاف روال قضایی ومغایر با وجدان وعرف معمول میدانم وحق خود دانستم تا به هر دو حکم اعتراض کنم.

علاوه بر این شش زندانی که به اتهام غیبت به جریمه نقدي محکوم شدند وتعداد دیگری از زندانیان سیاسی نیز درهفته های گذشته به بازپرسی احضار وتفهیم اتهام شدند که به احتمال زیاد درروزهای آینده به دادگاه فراخوانده می شوند

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی شهر اصفهان: ساماندهی و انتقال کارگاه‌های موجود در بافت مرکزی شهر ضروری است

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 8تیر 92 آمده است: سردار کریم نصر اصفهانی، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی شهر اصفهان گفت: ساماندهی و انتقال کارگاه‌های موجود در بافت مرکزی شهر ضروری و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

به گزارش ایلنا از اصفهان، سردار کریم نصر اصفهانی با اعلام این مطلب افزود: مقرر شده بود مکانی در نزدیک فرودگاه به منظور ساماندهی کارگاه‌های طلاسازی و خروج این مشاغل از بافت مرکزی شهر احداث شود ولی هنوز این امر محقق نشده است. وی تصریح کرد: بیش از ۴۰ درصد طلای کشور در اصفهان ساخته می‌شود که عمده‌ترین

کارگاه‌های طلاسازي نیز در محدوده منطقه ۳ و در مجاورت میدان امام (ره) می‌باشند. رییس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی شهر اصفهان تاکید نمود: انتقال کارگاه‌های طلاسازي از بافت مرکزی شهر یک ضرورت است که باید این مسئله به صورت جدی پیگیری شود.

پایان پیام

بیانیه ی جمعی از کارگران محلات سنندج و حومه

برپایه مطلب رسیده از جانب جمعی از کارگران محلات شهر سنندج و حومه در 8 تیر ماه 92 آمده است: ما میلیونها کارگر در ایران از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محرومیم و در رابطه با مسائل شغلی نیز هیچگونه امنیت شغلی نداریم و اخراج و بیکارسازیها هرروز جریان دارد، پس سفره هایمان همیشه خالی است. با وجود دستمزدهای زیر خط فقر و با وجود بیکاری فراوان، شهریه ی درس و دانشگاه فرزندانمان و تهیه ی شغل و مسکن برای ما به هیولایی عظیم و وحشتناک تبدیل شده است. کمر ما در زیر اینهمه فقر و فلاکت و گرانی و بار معضلات اجتماعی خم شده است و در این دنیای نابرابر، زندگی و مرگ برای ما یکسان شده است کسی هم جوابگو نیست.

از آن طرف به جرم دفاع از ما کارگران گرسنه ی بیکار ده ها فعال کارگری در زندان ها به سر می برند که یکی از آنها "جلیل محمدی" است که در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۲ توسط اداره ی اطلاعات دستگیر شده و هنوز در بازداشت به سر می برد و با گذشت حدود ۲ ماه از بازداشتش هنوز حتی یک ملاقات با خانواده اش نداشته است.

مگر گناه و جرم او بغیر از اعتراض به سفره ی خالی ما کارگران چیز دیگریست؟ آیا اعتراض به سفره ی خالی کارگر رنجدیده جرم محسوب می شود؟

ما از تمام تشکل های مستقل کارگری و نهادهای دفاع از حقوق بشر در ایران و سراسر جهان می خواهیم برای آزادی فوری و بی قید و شرط فعال کارگری "جلیل محمدی" و تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی دیگر در ایران و در سراسر جهان به هر شیوه ی ممکن تلاش نمایند.

زنده باد جنبش کارگری

جمعی از کارگران محلات شهر سنندج و حومه

۸/۴/۹۲

کارگران آمریکا علیه جنگ:

"ما خواستار تحقیق بین المللی مستقل در مورد مرگ افشین اسانلو و شرایط زندانیان سیاسی هستیم. ما از حکومت شما می خواهیم فوراً به اعدام، شکنجه و بدرفتاری با فعالان کارگری و همه زندانیان سیاسی پایان دهد و فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی در ایران را آزاد نماید."

آیت الله سید علی خامنه ای
رهبر جمهوری اسلامی ایران
جناب:

این نامه نوشته شده است که نهایت خشم ما از مرگ تراژیک افشین اسانلو، فعال کارگری زندانی و زندانی سیاسی را ابراز کنیم. مقامات زندان اعلام کرده اند که آقای افشین اسانلو در روز پنجشنبه، 20 ژوئن 2013 در زندان بدنام رجایی شهر در شهر کرج دچار حمله قلبی شدند. افشین اسانلو 42 ساله بود و هیچ مشکلات قلبی نداشتند. او در طول حبس خود از دسامبر 2010 تاکنون در معرض شکنجه های شدید بود.

این نامه همچنین نوشته شده است که به ادامه آزار و اذیت فعالان کارگری و نقض آشکار حقوق کارگری و انسانی در جمهوری اسلامی ایران اعتراض گردد. ما همچنان شاهد هستیم که بسیاری از فعالان کارگری به طرز وحشیانه ای مورد اذیت و آزار قرار گرفته و به ناحق بر اساس اتهامات کاملاً کاذب زندانی شده اند. به طور مشخص، ما خیلی جدی در مورد سلامتی و تندرستی بسیاری از این زندانیان عقیدتی که نیاز به مراقبت های پزشکی فوری دارند نگران هستیم.

گروهی از فعالان کارگری برجسته و زندانیان سیاسی از زندان اوین در تاریخ 24 ژوئن 2013 نوشته اند که مرگ افشین اسانلو تنها آخرین قسمت از سری طولانی ای از مرگ زندانیان سیاسی می باشد، که از جمله شامل اکبر محمدی، امیر حشمت ساران، زهرا بنی یعقوب، امید میر صیافی، هدی صابر، محسن دکمه چی، ستار بهشتی و بسیاری دیگر می باشد. این نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران، در میان دیگر سیاست ها و اقدامات سرکوبگرانه خود، به دنبال تحمیل یک استراتژی مرگ آرام و تدریجی به زندانیان سیاسی، از طریق شکنجه های شدید، غفلت های پزشکی و بدرفتاری شدید توسط مقامات زندان می باشد. ما خواستار تحقیق بین المللی مستقل در مورد مرگ افشین اسانلو و شرایط زندانیان سیاسی هستیم. ما از حکومت شما می خواهیم تا فوراً به اعدام، شکنجه و بدرفتاری با فعالان کارگری و همه زندانیان سیاسی پایان دهد و فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی در ایران را آزاد نماید. ما از دولت ایران می خواهیم حق تشکل، تجمع و آزادی تشکل و بیان که بعنوان استانداردهای بین المللی کار توسط سازمان جهانی کار منعکس شده اند را به رسمیت بشناسد.

بنابراین هیچ سوء تفاهمی وجود دارد: "کارگران ایالات متحده علیه جنگ" دارای یک سیاست ثابت و طولانی مدت مبنی بر مخالفت با رفتار تحریک آمیز، تهدید آمیز و خصمانه دولت آمریکا در قبال ایران می باشد و مخالف دخالت آمریکا در امور داخلی دولت و مردم ایران است. ما بر این باوریم که اختلافات بین ایالات متحده و دولت ایران باید با مذاکره و نه با تهدید یا زور اسلحه حل و فصل شود.

ما همچنین از حق دموکراتیک مردم ایران برای تعیین سرنوشت خود، آزادی بیان و تشکل، و مدارای قومی و مذهبی پشتیبانی می کنیم. نقض فاحش حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی و مدنی توسط و یا به دستور دولت ایران به پروپاگاندا و ارائه اطلاعات نادرست دولت ایالات متحده اعتبار میدهد و هدف برقراری صلح و تفاهم بین المللی را تضعیف می کند.

با احترام،

مایکل آیزنشر

همهانگ کننده کشوری

"کارگران آمریکا علیه جنگ"

ترجمه و بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - ۲۸ ژوئن ۲۰۱۳

برای پنجمین ماه متوالی روی داد:

خودداری کارفرما از واریز حق بیمه کارگران «لامپ الوند»

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: یکی از کارگران کارخانه لامپ الوند قزوین از پرداخت نشدن حق بیمه کارگران این کارخانه توسط کارفرما خبرداد و خواستار رسیدگی تأمین اجتماعی و اداره کار به این مسئله شد.

«سید اصغر سید خلیلی» کارگر 42 ساله کارخانه لامپ الوند قزوین که از سن 24 سالگی به عنوان یک کارگر ساده در این کارخانه مشغول به کار شده است به ایلنا گفت: مدیرعامل کارخانه لامپ الوند پنج ماه است که حق بیمه 23 کارگر خود را به اداره بیمه واریز نکرده است.

این کارگر کارخانه لامپ الوند افزود: صاحب کارخانه در حالی حق و حقوق کارگران این کارخانه را نمی پردازد که هم اکنون با انتقال کارخانه از شهرک صنعتی البرز به شهرک صنعتی «لیا» مشغول سرمایه گذاریهای جدید است. وی با اشاره به اینکه کارگران این کارخانه دارای سوابق طولانی هستند یادآور شد: در حال حاضر دفترچه های بیمه درمانی تمامی کارگران این کارخانه فاقد اعتبار است.

او با بیان اینکه وظیفه تأمین اجتماعی است که پی گیر مطالبات بیمه ای کارگران باشد، تصریح کرد: وقتی برای پی گیری این موضوع به اداره تأمین اجتماعی شهرک صنعتی قزوین مراجعه کردیم به ما گفته شد وقتی حق بیمه ای برای شما واریز نشده است یعنی شما وجود خارجی ندارید. او در ادامه مشکلات کارگران گفت: این کارخانه از سال 87 تولید نداشته و از آن سال به بعد 76 کارگر آن به مرور تعدیل شده و امروز این تعداد به 23 کارگر رسیده است.

به گفته این کارگر وضعیت پیش آمده باعث شده است تا کارگران با داشتن سابقه سخت و زیان آور برای بازنشستگی با مشکل مواجه شوند.

عدم تمدید دفترچه بیمه غیر قانونی است

در این زمینه علی کریمی دبیر خانه کارگر قزوین با انتقاد از عملکرد اداره تأمین اجتماعی شهرک صنعتی البرز، تمدید نکردن دفترچه های درمانی 23 کارگر کارخانه لامپ الوند را اقدامی غیر قانونی خواند. او با بیان اینکه این تعداد کارگر هم اکنون بلا تکلیف هستند افزود: وظیفه تأمین اجتماعی است که تا زمان تعیین تکلیف نهایی کارگران باقیمانده، دفترچه های بیمه ای آنان را تمدید کنند.

کریمی افزود: به هر حال این کارگران یا باید به بیمه بیکاری معرفی شوند و یا همچنان در استخدام کارخانه باقی بمانند که در هر صورت باید دفترچه بیمه آنها توسط سازمان تأمین اجتماعی تمدید شود.

به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین، در حال حاضر چون کارفرما هیچ تسویه حسابی با این کارگران نکرده است بنابراین تمامی آنها همچنان در استخدام بوده و از مزایای قانونی برخوردار هستند.

پایان پیام

حق را همیشه باید گرفت، عملیات تخریب باغ گیاهشناسی نوشهر متوقف شد

برپایه خبر منعکس شده در مطبوعات و سایت ها آمده است: در پی تجمع تعدادی از فعالان و دوستداران محیط زیست و اعتراض به تخریب باغ گیاهشناسی نوشهر در برابر ایستگاه تحقیقات

جنگل و مرتع نوشهر، عملیات تخریب این باغ صدساله متوقف شد. «هومان خاکپور»، دیده بان طبیعت بختیاری با اعلام این خبر به CHN گفت که در پی تجمع اعتراضی دوستداران محیط زیست به تخریب باغ گیاه شناسی که در راستای اجرای نامه استانداری به فرمانداری نوشهر مبنی بر اجرای مصوبه دولت دهم برای ساخت راه دسترسی بندر نوشهر به کمربندی، قرار بود ۵ تیرماه آغاز شود، عملیات تخریب باغ گیاهشناسی متوقف شد.

مدیرعامل این شرکت خبر داد: شرکت سنگ آهن مرکزی ایران بابت رد دیون دولت به صندوق بازنشستگی فولاد واگذار می‌شود

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ تیر ۹۲ آمده است: مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی ایران گفت: با وجود آنکه به دلیل گرمای هوا شرایط کار در این معدن سخت و طاقت فرسا است اما بیشترین تقاضای استخدام را داریم.

به گزارش خبرنگار ایلنا «محمد جواد عسگری» با اعلام این مطلب در کنفرانس خبری هفته گذشته خود گفت: در حال حاضر بیش از ۴ هزار نفر در شرکت سنگ آهن مرکزی ایران مشغول کار هستند که از این تعداد حدود ۳ هزار نفر در بخش تولید و بهره‌برداری کار می‌کنند. وی بایان اینکه برداشت و بهره‌برداری از معادن سنگ آهن چغارت، لکه سیاه و سچاهون توسط شرکت‌های پیمانکاری انجام می‌شود، گفت: بر فعالیت این شرکت‌ها نظارت کامل اعمال می‌شود بطوری که در حال حاضر میزان رضایت مندی در میان کارگران شاغل در این معدنها بسیار بالاست.

به گفته این مقام مسئول در حال حاضر مطالبات تمامی کارکنان شاغل در این معدن صرفه نظر از نوع قرارداد و رابطه استخدامی در هشتم یا نهم هر ماه پرداخت می‌شود. وی در خصوص میزان دریافتی این کارگران گفت: تمامی کارگران شاغل در این شرکت دستمزدی به مراتب بیشتر از حداقل‌های تعیین شده در قانون کار دریافت می‌کنند.

عسگری بایان اینکه در حال حاضر حقوق یک کارگر معمولی شاغل در بخش بهره‌برداری یا خردایش با سابقه یک سال کاری معادل ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان است، گفت: به دلیل همین شرایط ما با بیشترین تقاضا برای استخدام در بخش پیمانکاری مواجه هستیم. وی یادآور شد: این شرایط در حالی است که هم اکنون دریافتی یک فرهنگی تحصیل کرده با سابقه حدود ۲۰ سال کار معادل دستمزد کارگران شاغل در این معدن است.

به گفته عسگری برخلاف تصور برخی هم اکنون فعالیت در این واحد تولیدی افزایش یافته است، گفت: چنانچه میزان رضایتمندی در میان کارگران معدن بالا نبود امروز نمی‌توانستیم شاهد افزایش بهره‌وری در این معدن باشیم. وی همچنین افزود: علاوه بر کارگران شاغل هم اکنون حدود ۲ هزار نفر از اهالی شهر بافق بازنشسته شرکت سنگ آهن مرکزی ایران هستند.

مدیرعامل شرکت سنگ‌آهن مرکزی ایران همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاری از واگذاری این شرکت به صندوق بازنشستگی فولاد بابت رد دیون دولت خبر داد گفت: به زودی سنگ‌آهن مرکزی بابت رد دیون دولت به صندوق بازنشستگی فولاد واگذار می‌شود.

به گفته این مقام آگاه قیمت‌گذاری شرکت توسط سازمان خصوصی سازی انجام شده و به زودی قرار داد واگذاری بین وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت رفاه و صندوق بازنشستگی فولاد امضا

خواهد شد. وی بایان اینکه پس از واگذاری شرکت سنگ آهن به صندوق بازنشستگی فولاد، این شرکت می‌تواند به عنوان بخشی از دارایی‌های این صندوق وارد بورس شود افزود: در حال حاضر در این رابطه سازمان خصوصی سازی مشغول قیمت گذاری است.

عسگری بایان اینکه این واگذاری در راستای مصوبه سال 72 دولت انجام می‌گیرد، گفت: حتی شنیده‌ایم که سازمان خصوصی سازی برای این واگذاری قیمتی به مراتب بالاتر از قیمت بورس تعیین کرده‌است. وی همچنین در خصوص فعالیت معادن تحت بهره‌برداری شرکت سنگ آهن مرکزی ایران گفت: شرکت سنگ‌آهن مرکزی ایران در سال گذشته سه میلیون و 450 هزار تن سنگ‌آهن دانه‌بندی و دو میلیون و 960 هزار تن کنسانتره سنگ‌آهن تولید کرد.

این مقام مسئول همچنین بایان اینکه صادرات سال قبل شرکت نیز بالغ بر یک میلیون و 200 هزار تن سنگ آهن بوده است گفت: این میزان در مقایسه با آمار سال قبل 4 درصد افزایش داشته است. وی با بیان اینکه هم‌اکنون حدود چهار دهه است که شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در حال استخراج از معادن منطقه است، عنوان کرد: ذوب‌آهن اصفهان، فولاد مبارکه اصفهان و فولاد خوزستان مصرف کنندگان اصلی محصولات تولیدی شرکت سنگ آهن مرکزی ایران هستند. همچنین بخشی از محصولات نیز به چین و پاکستان صادر می‌شود.

عسگری بایان اینکه شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در صدد است تا میزان تولید محصول خود را به مرز 17 میلیون تن افزایش دهد از احداث یک واحد گندله‌سازی پنج میلیون تنی، دو واحد کنسانتره به ظرفیت‌های دو و 2.5 میلیون تن و همچنین فولاد بافق به ظرفیت 1.5 میلیون تن خبر داد. وی افزود: محصولات عیار بالای این شرکت منحصراً و با برنامه تکلیف شده وزارت صنایع به کارخانه‌های ذوب آهن اصفهان، فولاد مبارکه و فولاد اهواز واگذار می‌شود. همچنین وی در خصوص نحوه فروش محصولات عیار پایین این شرکت گفت: این محصولات برای تامین ارز مرود نیاز شرکت یا از طریق مزایده به سایر واحدهای فولادی کشور فروخته می‌شود و یا به کشورهای چین و پاکستان صادر می‌شود.

پایان پیام

اخراج ۱۰۰ کارگر از شرکت علوی کرمان

برپایه گزارش رسیده آمده است: از شرکت علوی کرمان 100 کارگر اخراج شدند. این کارگران پس از اخراج، مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند. بر پایه این گزارش شماری از این کارگران دارای هفت سال سابقه کار و زن و فرزند هستند. یکی از کارگران گفته است: «ما باید در روزهای تعطیل کار کنیم و هیچ حق بیمه‌ای نداریم و حقوق هم به ما داده نمی‌شود و مرخصی نیز نداریم.» همچنین در جریان تجمع کارگران، «مهندس ناظر این شرکت هم اخراج شد».

انگشتان دست کارگر پرسکار قطع شد

بر پایه گزارش خیرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: کارگر 28 ساله‌ای در منطقه «صفا داشت» در حین کار با دستگاه پرس سه انگشت دست خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، پس از آنکه مسئولان بیمارستان حضرت فاطمه زهرا(س) از آسیب دیدن انگشتان دست کارگری در حین کار با دستگاه پرس مطلع شدند گروه‌های امداد برای نجات وی در محل حادثه حاضر شدند.

بر اساس گزارش‌های اولیه سه انگشت دست این کارگر در حین کار با دستگاه پرس انگشتان آسیب دید بطوری که بخشی از انگشتان این فرد در این دستگاه گیر کرده بود.

شدت آسیب به حدی بود که سه انگشت این کارگر 28 ساله زیر دستگاه پرس کاملاً از بین رفته بود و انگشت بزرگ وی نیز داخل قطعه فلزی دستگاه پرس گیر کرده بود.

طبق این گزارش گروه‌های امداد و نجات با حضور در این بیمارستان با استفاده از دستگاه برش اقدام به رها سازی انگشتان این کارگر کرده و پس از رها سازی انگشت از قطعه فلزی دستگاه، این بیمارستان اقدامات درمانی خود را آغاز کرده اند.

پایان پیام

عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا و زمزمه اعتصاب

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در هشتم تیر 92 آمده است :: 1200 کارگر کارخانه نورد لوله صفا دو ماه است دستمزد خود را دریافت نکرده اند. همچنین اضافه کاری فروردین ماه این کارگران نیز پرداخت نشده است. از طرف دیگر کارفرمای این کارخانه که مالک کارخانه نورد پروفیل ساوه نیز میباشد دستمزد 1200 کارگر این کارخانه را نیز از اول سال پرداخت نکرده است و این کارگران در شرایط بسیار مشقت باری بسر میبرند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از اول سال جاری بدلیل عدم واریز بیمه های کارگران این دو کارخانه دفترچه های درمانی آنان نیز تمدید نشده است و علیرغم درخواستهای مکرر کارگران برای واریز بیمه ها و دریافت دستمزدهایشان کارفرما هیچ توجهی به خواست و شرایط فلاکت بار 2400 کارگر این دو کارخانه نکرده است.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران زمزمه اعتصاب در میان 1200 کارگر کارخانه نورد لوله صفا در گرفته است و بنا بر اظهار کارگران این کارخانه چنانچه تا دهم تیر ماه جاری کارفرما دستمزد معوقه آنان را پرداخت نکند دست به اعتصاب خواهند زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

زنان در نساجی زابل ۱۸۰ هزار تومان مزد می‌گیرند

بر پایه خبر سایت دولتیکار ایران - ایلنا آمده است : مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان از نقض آشکار حقوق قانونی کارگران زن در کارخانه ریسندگی و بافندگی زابل خبر داد .

«محمد گل بامری» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: در این واحد تولیدی، کارفرما به غیر از چند مرد، عموماً زنان را استخدام می‌کند و به آنها دستمزدی به مراتب کمتر از حداقل‌های قانونی پرداخت می‌کند .

وی با بیان اینکه این واحد نساجی در حال حاضر تنها کارگاه بزرگ و فعال در منطقه زابل محسوب می‌شود، گفت: به غیر از تعداد اندکی که بیمه هستند به سایر زنانی که در این کارخانه کار می‌کنند نه مزد قانونی و نه حق بیمه پرداخت می‌شود .

به گفته این مقام صنفی، در شرایطی که حداقل حقوق یک کارگر ساده ۴۸۷ هزار تومان است هم اکنون دریافتی کارگران شاغل در این کارخانه حدود ۱۸۰ هزار تومان است .

بامری با بیان اینکه نساجی زابل حدود ۱۵ سال پیش با هدف ایجاد اشتغال پایدار فعالیت خود را زیر نظر مدیریت نیمه دولتی آغاز کرد، گفت: این واحد تولیدی که هم اکنون بصورت خصوصی اداره

می‌شود، برخلاف انتظار از حدود 6 سال پیش بصورت آشکار حقوق کارگران را نادیده می‌گیرد . وی افزود: با وجود آنکه تاکنون چندین بار در خصوص نقض حقوق کارگران این کارخانه اطلاع رسانی شده است اما تاکنون بازرسان کار و تامین اجتماعی موفق به اثبات تخلف کارفرما نشده اند .

این مقام کارگری گفت: به عنوان مثال زمانی که بازرسان برای سرکشی به این واحد تولیدی مراجعه می‌کنند، کارفرمای آنقدر آنها را در پشت در ورودی کارخانه معطل می‌کنند تا کارگران بیمه نشده از چشم بازرسان پنهان شوند . بامری گفت: در نهایت بازرسان زمانی اجازه ورود به کارخانه را پیدا می‌کنند که وقت زیادی از آنها تلف شده و تنها کارگران قانونی در کارگاه حضور دارند . مسئول کانون همانگی شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان گفت: کارفرمای این واحد تولیدی برای فرار از تعهدات قانونی خود زنان را به عنوان کارگر استخدام می‌کند و بطور معمول در این واحد تولیدی کارگران زنی که پنهانی به کار گماشته می‌شوند در حال تغییر هستند .

وی افزود: کارفرما هر چند مدت یکبار برای آنکه ردی از تخلفات خود باقی نگذارد اقدام به اخراج کارگران زن می‌کند و در نتیجه با توجه به وضع اقتصادی منطقه هیچ کس حاضر نیست تا نسبت به وضع خود اعتراض کند.

از سوی مرکز آمار ایران؛ نرخ تورم خرداد ماه اعلام شد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است : مرکز آمار ایران شاخص قیمت کالاها و خدمات و تورم در خرداد سال 1392 با لحاظ سال پایه سال 1390 را اعلام کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ تورم خرداد ماه با 1.6 درصد افزایش نسبت به ماه قبل به 32.6 درصد رسید. همچنین شاخص کل با در نظر گرفتن سال پایه 90 به رقم 161.4 رسیده که نسبت به ماه قبل 3 درصد افزایش را نشان می‌دهد. شاخص تورم نقطه به نقطه در خرداد ماه نسبت به مدت مشابه سال گذشته به 41.2 درصد رسیده در حالی که این شاخص در اردیبهشت ماه معادل 38.2 درصد بوده است.

پایان پیام

اختلاس میلیاردی توسط اعضای شورای شهر رشت

بر پایه خبر رسیده آمده است : در شوراي شهر رشت توسط اعضاي شورا و چند نفر از مقامات شهرداري شهر اختلاس ميلياردی صورت گرفته است ، طبق اطلاعات موثق میزان اختلاس از بودجه شوراي شهر رشت 7 ميليارد تومان بوده است که در همین رابطه تعدادي از اعضاي شوراي شهر رشت به‌مراه تعدادي از مقامات شهرداري رشت از مدتي پیش بازداشت شده اند و قرار است طی روزهاي آینده دادگاهي براي اين موضوع براي اعضاي دستگیر شده شوراي شهر برگزار شود.

تجمع اعتراضی کارگران و نیروهای خدماتی شهرداری منطقه 6 شهر اهواز

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است : طی گزارشی از تجمع اعتراضی امروز کارگران و نیروهای خدماتی شهرداری منطقه 6 شهر اهواز خبر داد.

بنا بهمین گزارش، بنقل از جمعی از کارگران و نیروهای خدماتی شهرداری منطقه 6 شهر اهواز، کارفرمای آنها بخشی از حقوق قانونی آنها را پرداخت نکرده است. نماینده این کارگران با اعلام این خبر گفت: این کارگران که تحت نظارت شرکت پیمانکاری اختر راه جنوب فعالیت دارند علاوه بر اینکه از فروردین ماه سال جاری حقوق نگرفته اند بابت حق بیمه، اضافه کاری، حق لباس و سنوات (سال 91) نیز طلبکاراند. او افزود: از مسئولان شهرداری بخصوص منتخبین جدید شورای شهر می خواهیم که پی گیر مطالبات معوقه و مشکلات کارگران شهرداری ها بویژه کارگران خدماتی منطقه 6 اهواز شوند. در همین زمینه عاشور الحایی کارفرمای شرکت پیمانکاری اختر راه جنوب در پاسخ به ادعای کارگران گفت: شرکت پیمانکاری اختر را جنوب هیچگونه مطالبه حقوقی و بیمه ای به کارگران خود ندارد. او با بیان اینکه حقوق این کارگران روزمزدی هر ماهه طبق قانون به حساب این تعداد کارگر واریز شده است افزود: حقوق فروردین و اردیبهشت کارگران پرداخت شده و حقوق تیر ماه نیز پنجشنبه هفته گذشته به حساب کارگران واریز شده است. کارفرمای کارگران شرکت پیمانکاری اختر را جنوب همچنین گفت: حق بیمه ماه های فروردین و اردیبهشت 420 کارگر این شرکت در موعدهای مقرر پرداخت شده و حق بیمه مربوط به ماه خرداد این کارگران نیز به زودی پرداخت خواهد شد. وی در خاتمه گفت: تنها مشکلی که باعث شده کارگران صبح امروز دست به تجمع اعتراضی بزنند ابهاماتی است که به پرداخت مبلغ اضافه کاری آنان در روزهای تعطیل مربوط می شود که این مسئله نیز مرتفع شده است.

اعتراض مردم منطقه ونک به سرکوبی شدید کودکان دستفروش

بر پایه خبر دریافتی آمده است: در پی خبر جمع آوری متکدیان در شهر تهران اقدام نیروی انتظامی برای جمع آوری دست فروشان کودک منطقه میدان ونک اعتراض مردم را در پی داشت. روز 5 تیر نیروی انتظامی به صورت ضربتی به منطقه میدان ونک ریخته و با خشونت شروع به جمع آوری متکدیان و در این بین بچه های دستفروش کرد که با اعتراض مردم و هوو کردن نیروی انتظامی همراه بود. نیروی انتظامی به طرز وحشیانه ای بچه های پسر و دختر را گرفته و سوار خودروی ون کرده و با خود برد

اختلاف کارگران و پیمانکار شهرداری اهواز برسر پرداخت حقوق

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: جمعی از کارگران و نیروهای خدماتی شهرداری منطقه 6 شهر اهواز مدعی هستند که کارفرمای آنها بخشی از حقوق قانونی آنها را پرداخت نکرده است.

نماینده این کارگران طی تماس تلفنی با خبرنگار ایلنا با اعلام این خبر گفت: این کارگران که تحت نظارت شرکت پیمانکاری اختر راه جنوب فعالیت دارند علاوه بر اینکه از فروردین ماه سال جاری حقوق نگرفته اند بابت حق بیمه، اضافه کاری، حق لباس و سنوات (سال 91) نیز طلبکاراند.

او افزود: از مسئولان شهرداری بخصوص منتخبین جدید شورای شهر می خواهیم که پی گیر مطالبات معوقه و مشکلات کارگران شهرداری ها بویژه کارگران خدماتی منطقه 6 اهواز شوند. وی افزود: از مسئولان شهرداری بخصوص منتخبین جدید شورای شهر می خواهیم، پی گیر مطالبات معوقه و مشکلات کارگران شهرداری ها بویژه کارگران خدماتی منطقه 6 اهواز شوند.

مطالبات کارگران پرداخت شده است

در همین زمینه عاشور الحایی کارفرمای شرکت پیمانکاری اختر راه جنوب در پاسخ به ادعای کارگران گفت: شرکت پیمانکاری اختر را جنوب هیچگونه مطالبه حقوقی و بیمه ای به کارگران خود ندارد. او با بیان اینکه حقوق این کارگران روزمزدی هر ماهه طبق قانون به حساب این تعداد کارگر واریز شده است افزود: حقوق فروردین و اردیبهشت کارگران پرداخت شده و حقوق تیر ماه نیز پنجشنبه هفته گذشته به حساب کارگران واریز شده است.

کارفرمای کارگران شرکت پیمانکاری اختر را جنوب همچنین گفت: حق بیمه ماه های فروردین و اردیبهشت 420 کارگر این شرکت در مواعدهای مقرر پرداخت شده و حق بیمه مربوط به ماه خرداد این کارگران نیز به زودی پرداخت خواهد شد. وی در خاتمه گفت: تنها مشکلی که باعث شده کارگران صبح امروز دست به تجمع اعتراضی بزنند ابهاماتی است که به پرداخت مبلغ اضافه کاری آنان در روزهای تعطیل مربوط می شود که این مسئله نیز مرتفع شده است.

پایان پیام

بیانیه محکومیت درگذشت افشین اسانلو زیر شکنجه و فشارهای روحی در زندانهای رژیم آخوندی

بر پایه خبر رسیده آمده است: با کمال تأسف خبردار شدیم رژیم آخوندی در شروع دوره ریاست جمهوری شیخ فریدون روحانی، قربانی دیگری را به کام خود کشید. افشین اسانلو برادرمنصور اسانلو از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی، که در زیر سخت ترین شکنجه ها دست از مبارزه و مقاومت برنداشت، سرانجام در اثر شدت جراحات و زخمهای جسمی و روحی در زندان، دچار سکت قلبی شد و بعلت عدم رسیدگی درمسیربیمارستان درگذشت. ما دانشجویان دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان، این فقدان دردناک و مصیبت وارده را به خانواده داغدار اسانلو و سندیکاهای کارگری مخصوصا شرکت واحد اتوبوسرانی و کارگران زحمتکش ایران این مصیبت وارده رو تسلیت میگویم و ضمن محکوم کردن این عمل به حکومت اسلامی هشدار میدهیم که حفظ سلامت و جان زندانیان سیاسی بر عهده حاکمیتی است که هرروز دیوارها و حصارهای زندانها را گسترش میدهد و ما ضمن محکوم کردن هرگونه شکنجه جسمی و روحی و آزار و اذیت زندانیان سیاسی، خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی دریند هستیم از طرف جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد خوراسگان اصفهان

خودداری کارفرما از واریز حق بیمه کارگران «لامپ الوند»

بر پایه گزارش خیرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: یکی از کارگران کارخانه لامپ الوند قزوین از پرداخت نشدن حق بیمه کارگران این کارخانه توسط کارفرما خبرداد و خواستار رسیدگی تامین اجتماعی و اداره کار به این مسئله شد. این کارگر 42 ساله کارخانه لامپ الوند قزوین که از سن 24 سالگی به عنوان یک کارگر ساده در این کارخانه مشغول به کار شده است گفت: مدیرعامل کارخانه لامپ الوند پنج ماه است که حق بیمه 23 کارگر خود را به اداره بیمه واریز نکرده است. این کارگر کارخانه لامپ الوند افزود: صاحب کارخانه در حالی حق و حقوق کارگران این کارخانه را نمی پردازد که هم اکنون با انتقال کارخانه از شهرک صنعتی البرز به شهرک صنعتی «لیا» مشغول سرمایه گذاری جدید است.

وی با اشاره به اینکه کارگران این کارخانه دارای سوابق طولانی هستند یادآور شد: در حال حاضر دفترچه های بیمه درمانی تمامی کارگران این کارخانه فاقد اعتبار است. او با بیان اینکه وظیفه تامین اجتماعی است که پی گیر مطالبات بیمه ای کارگران باشد، تصریح کرد: وقتی برای پی گیری این موضوع به اداره تامین اجتماعی شهرک صنعتی قزوین مراجعه کردیم به ما گفته شد وقتی حق بیمه ای برای شما واریز نشده است یعنی شما وجود خارجی ندارید. او در ادامه مشکلات کارگران گفت: این کارخانه از سال 87 تولید نداشته و از آن سال به بعد 76 کارگر آن به مرور تعدیل شده و امروز این تعداد به 23 کارگر رسیده است. به گفته این کارگر وضعیت پیش آمده باعث شده است تا کارگران با داشتن سابقه کاری سخت و زیان آور برای بازنشستگی با مشکل مواجه شوند.

بانک مرکزی: نرخ تورم اردیبهشت 34 درصد (اختلاف 3 درصدی با نرخ مرکز آمار)

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: بانک مرکزی نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 نسبت به دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 1391 را معادل 34 درصد اعلام کرد. برپایه این گزارش، اداره آمار بانک مرکزی اعلام کرد: خلاصه نتایج بدست آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه 100=1390 به شرح ذیل است:

- شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در اردیبهشت ماه 1392 به عدد 163.7 رسید.
- نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 نسبت به دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 1391 معادل 34.0 درصد می باشد.

این در حالی است که مرکز آمار پیش از این نرخ تورم اردیبهشت ماه را براساس سال پایه 90 معادل 31 درصد اعلام کرده بود، بر این اساس محاسبه نرخ تورم اردیبهشت ماه بانک مرکزی و مرکز آمار به 3 درصد می رسد.

نماینده مردم خرم آباد در مجلس شورای اسلامی: مجلس از سازمان تامین اجتماعی تحقیق و تفحص می کند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: تیم تحقیق و تفحص ویژه بررسی عملکرد سازمان تامین اجتماعی تشکیل شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا از خرم آباد، ایرج عبدی در جمع خبرنگاران افزود: به دلیل اعتراض نمایندگان نسبت به عملکرد سازمان تامین اجتماعی، این تیم برای بررسی وضعیت این صندوق تشکیل شده تا در صورت وجود مشکل نسبت به رفع آن اقدام شود. وی در ادامه به تعیین شش نفر برای عضویت در کمیسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی در مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و گفت: در راستای مبارزه بهتر با مفاسد اقتصادی این کمیسیون تشکیل و اعضای آن نیز مشخص شده است. عبدی افزود: به عنوان یکی از اعضای این کمیسیون، راهکارهای مهار و قانونی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی ارایه می شود.

وی همچنین با اشاره به تشکیل سازمان ملی مهارت و فناوری در کشور، گفت: با تشکیل این سازمان، در جهت توسعه همه جانبه فعالیت مهارتی به جوانان کشور، نیز گام های موثری برداشته می شود.

پایان پیام

خط ۱۲۳ برای گزارش کودک آزاری / ۲۳ هزار کودک بی سرپرست یا بدسرپرست

بر پایه گزارش آمده در مطبوعات کشور، آمده است: مدیرکل دفتر آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: ۲۳ هزار کودک بی سرپرست و بدسرپرست در کشور وجود دارد، که بیش از نیمی از کودکان در خانواده های جایگزین ساماندهی شده اند و ۱۲ هزار نفر توسط موسسه های خیریه اداره می شوند. ... مدیرکل دفتر آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: ۲۳ هزار کودک بی سرپرست و بدسرپرست در کشور وجود دارد، که بیش از نیمی از کودکان در خانواده های جایگزین ساماندهی شده اند و ۱۲ هزار نفر توسط موسسه های خیریه اداره می شوند. به گزارش تسنیم، ولی الله نصر امروز در نشست تخصصی مراکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده که به صورت پایلوت در پنج استان کشور برگزار می شود، دفتر امور آسیب دیدگان کشور را مجری طرح اورژانس اجتماعی در سراسر کشور دانست و اظهار کرد: در این طرح خط تلفن ۱۲۳ معروف به خط "کودک آزاری" است که همه هموطنان می توانند با این شماره تماس گرفته و موارد کودک آزاری، همسر آزاری، سالمند آزاری و خودکشی را گزارش دهند. نصر با اشاره به اینکه مددکاران در این حوزه از دو روش خدمات مشاوره تلفنی و اعزام تیم های سیار استفاده می کنند، خاطرنشان کرد: تیم های سیار با استفاده از خودروهای ون به همراه یک مددکار و روانشناس به محل مورد نظر مراجعه می کنند که برخی مشکلات با بررسی میدانی حل می شود و اگر این بررسی ها با مشاوره حل نشد، از طریق مراجع قضایی قابل پیگیری است. وی ادامه داد: در حال حاضر ۲۰۰ خودروی سیار در طرح اورژانس اجتماعی در سراسر کشور فعال هستند که از این تعداد، سه خودرو به استان چهار محال و بختیاری اختصاص داده شده است، از ماه آینده نیز با اضافه شدن ۱۰۰ خودرو به این طرح، تعداد خودروهای سیار به ۳۰۰ خودرو افزایش می یابد.

نصر در خصوص تحویل کودک به خانواده از طریق مراجع قضایی گفت: در برخی موارد پس از تحویل گرفتن کودک از خانواده، طفل به مراکز نگهداری ارجاع داده می شود و بعد از آموزش خانواده و مناسب سازی شرایط خانواده، کودک به خانواده بازگشت داده می شود. وی با اشاره به بحث کودکان خیابانی و ساماندهی این کودکان اظهار کرد: کودکان خیابانی دو دسته هستند که بخشی از آنها ساکن خانه هستند، اما کار خیابانی انجام می دهند، دسته دیگر نیز خیابان محل زندگی آنهاست که این کودکان با مشکلات اجتماعی از قبیل اعتیاد، فساد، سوء استفاده های غیراخلاقی، ایدز، هپاتیت درگیر می شوند.

دلایل حادثه معدن طبس اعلام شد: قصور ۶۰ درصدی کارفرما

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در ۸ تیر ۹۲ آمده است: رئیس سازمان نظام مهندسی معدن با تشریح دلیل حادثه معدن ذغال سنگ طبس، ۶۰ درصد قصور در این حادثه را متوجه کارفرما اعلام کرد.

بر اساس این گزارش، هرمز ناصرنیا در یک نشست خبری در مورد سرانجام رسیدگی به حادثه معدن زغال سنگ طبس اظهار داشت:

- طبق قانون، هر معدن با بیش از ۲۵ معدنکار باید یک مسئول ایمنی داشته باشد و معدن طبس نیز دارای مسئول ایمنی بود ولی او واجد شرایط نظام مهندسی نبوده است و دارای مدرک فوق دیپلم بوده نه مهندسی.

ناصرنیا درباره حادثه طبس، افزود: هوای معدن خوب تهویه نشده بود. وی ادامه داد: در حوادث معدنی ممکن است مقصر، نیروی کار و اپراتور باشد و یا اینکه کارفرما به دلیل عدم تأمین تجهیزات و ابزار کافی دچار قصور شده باشد. وی با بیان اینکه معدن زغال سنگ طبس تاکنون تعطیل بوده است، گفت: مجوز فعال شدن دوباره این معدن برای همان کارفرمای قبلی صادر شده است. براساس این گزارش، حادثه معدن زغال سنگ طبس در آذر سال گذشته 8 کشته به همراه داشت. رئیس سازمان نظام مهندسی معدن در ادامه از برگزاری نشست اعضای هیئت مدیره این سازمان در روزهای 11 تا 13 تیر ماه در شیراز خبر داد و گفت: در این نشست نماینده وزیر صنعت که معمولاً معاون معدنی است، حضور خواهد داشت.

اعتصاب پزشکان بخش دولتی یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایایشان

برپایه خبرمندرچ در سایت ایرنا آمده است: بیش از ۲۰ پزشک جراح و متخصص عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد دست به اعتصاب زدند و در مطب های خود در کلینیک شهید مفتاح یاسوج حاضر نشدند. مدیر کلینیک شهید مفتاح یاسوج نیز با تأیید این خبر اظهار کرد: تعدادی از پزشکان این کلینیک که بیشتر آنها نیز پزشکان جراح است به دلیل پرداخت نشدن حق کارانه (عمل جراحی) آنها دست به اعتراض زدند و در محل و مطب های خود حضور نیافتند. پرویز یزدان پناه گفت: حق کارانه پزشکان متخصص و جراح کلینیک شهید مفتاح یاسوج در بیمارستان امام سجاد این شهر به مدت ۱۵ ماه پرداخت نشده است. وی بیان کرد: حق کارانه این افراد نیز در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج نیز حدود ۱۲ ماه است که پرداخت نشده است. یزدان پناه اظهار کرد: با توجه به مکاتبات فراوان با مسوولان دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد و بیمارستان های شهید بهشتی و امام سجاد تاکنون اقدام مناسبی در این راستا انجام نشده است. وی افزود: مسوولان این بیمارستان ها مدعی هستند که بنا به دلایل مختلف تراز مالی آنها پایین آمده و توان پرداخت حق کارانه پزشکان متخصص را ندارد. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد در این زمینه می گوید: دلیل اصلی اعتراض پزشکان کلینیک شهید مفتاح یاسوج برای پرداخت نشدن (فرانشیز) و مزایای آنها بود. اورنگ ایلامی افزود: تعرفه پزشکان دولتی با وجود تورم و مشکلات اقتصادی افزایش پیدا نکرده و از طرفی نیز تراز مالی بیمارستان ها و مراکز کلینیک های درمانی نیز به شدت پایین آمده است. وی بیان کرد: این در حالی است که پزشکان بخش دولتی با درآمد های کمتری نسبت به بخش خصوصی مواجه هستند. ایلامی افزود: حقوق و مزایای پرسنل پزشکان بخش دولتی که باید از طریق درآمدهای بیمارستان ها و کلینیک ها پرداخت می شد به دلیل پایین آمدن تراز مالی هم اکنون با مشکل پرداخت مواجه شده اند. وی اظهار کرد: حقوق این پزشکان به دلیل عضو هیات علمی بودن دانشگاه پرداخت شده ولی (پرکیس) و حق الزحمه آنان هم اکنون چند ماهی است که پرداخت نشده و دلیل اعتراض آنها نیز همین امر بوده است. وی از پرداخت سه ماه از حقوق و مزایای این پزشکان در اسرع وقت خبر داد و گفت: مسوولان اجرایی استان باید در چنین شرایطی دانشگاه علوم پزشکی و حوزه سلامت را بیشتر یاری دهند. یزدانپناه اظهار کرد: با توجه به نشست روز گذشته مسوولان دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه و بویراحمد قرار است سه ماه حق کارانه و مزایای این پزشکان پرداخت شود و به محض تأمین اعتبار نیز مابقی حقوق و طلب آنها در آینده پرداخت شود. فارغ از هرگونه تعصب باید پرسید که

ادعای تعهد انسانی و اخلاقی این تعداد پزشک را که به صراحت در سوگندنامه آنها آمده است کجا باید جست و جو کرد.

بدهی ۸۰۰ میلیارد تومانی دولت به شهرداری تهران

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ تیر ۹۲ آمده است: معاون مالی و اداری شهرداری تهران گفت که دولت ۸۰۰ میلیارد تومان به شهرداری تهران بدهی دارد. به گزارش ایلنا، "حسین محمدپورزرندي" با بیان اینکه یکی از مسائلی که مسئولان در دولت نهم و دهم به فراموش سپردند، این بود که تهران با توجه به اینکه پایتخت کشور است هزینه‌های بیشتری را به نسبت سایر کلانشهرها به معنی شهرداری تهران تحمیل می‌کند، افزود: با وجود آنکه سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت به هر شکل ملزم به پرداخت بخشی از هزینه‌های نگهداری شهر در قالب عوارض‌های پیش‌بینی شده هستند، اما عدم پایبندی واحدهای دولتی به اجرای این تعهدات مشکلات زیادی را برای کلانشهر تهران به وجود آورده است. وی افزود: حذف عوارض مدیریت پسماند سازمان‌های دولتی، عوارض ساخت و سازهای سازمانی، عدم پرداخت عوارض کسب و پیشه و موارد این چنینی از سوی سازمان‌های دولتی باعث شده تا شهرداری تهران نتواند حقوق حقه خود را از آنان دریافت کند. پورزرندي با اشاره به بدهی ۸۰۰ میلیارد تومانی دولت به مدیریت شهری تهران خاطر نشان کرد: بدهی است با روی کارآمدن دولت جدید انتظاراتی به فراخور شخصیت و منش دولت آینده وجود دارد که امید است به منظور توسعه پایدار شهر تهران و تسریع در دستیابی به این رشد و توسعه برای احقاق حقوق شهروندان تهرانی تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود.

معاون شهردار تهران تصریح کرد: موضوع دیگر ارائه لایحه درآمدهای پایدار شهرداری‌ها از سوی دولت به مجلس و متعاقب آن تصویب آن است که به‌رغم آنکه این لایحه در دولت دهم تهیه و تدوین شد اما هیچ‌گاه به مجلس برای تصویب فرستاده نشد.

تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده ی کارخانه کرمانیت مقابل سازمان تامین اجتماعی استان کرمان

به گزارش هجرت نیوز، در ۸ تیر ۹۲ آمده است: صبح روز شنبه کارگران بیکار شده ی کارخانه کرمانیت در تداوم اعتراضات پیشین خود؛ در مقابل سازمان تامین اجتماعی استان کرمان تجمع نمودند و خواستار رسیدگی به وضعیت کاری خود شدند. کارگران بیکار شده ی کرمانیت پیش از این هم در اردیبهشت و خرداد سال جاری در مقابل استانداری و اداره کار تجمع نموده و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین رسانده بودند که در پاسخ فقط وعده شنیدند.

بنابهمین گزارش، کارخانه کرمانیت تولید کننده ورق‌های ایرانی‌تی در استان کرمان در تاریخ ۹۱/۶/۱۰ به دلیل آلاینده‌گی محیط زیست تعطیل شد ولی هنوز تکلیف کارگران و تغییر ساختار کارخانه معلوم نشده است.

صبح امروز شنبه کارگران بیکار شده ی این کارخانه در تداوم اعتراضات پیشین خود؛ در مقابل سازمان تامین اجتماعی استان کرمان تجمع نمودند و خواستار رسیدگی به وضعیت کاری خود شدند.

یکی از این کارگران، اظهار داشت: از ۱۷۰ نفر کارگر مشغول به کار در این کارخانه ۱۰۸ نفر را بیرون کرده اند و مابقی در بخش های مالی، اداری؛ انتظامی و فنی کارخانه حضور دارند و کماکان حقوق دریافت می کنند.

وی افزود: قرار بود کارخانه با تغییر ساختار؛ مجدداً کارگران را به کار دعوت کند و از تاریخ تعطیلی کارخانه ما را مشمول بیمه بیکاری نمودند ولی چون کارفرما در راستای تغییر ساختار کارخانه هیچ اقدامی نکرده بود؛ لذا بیمه بیکاری ما نیز قطع شد. این کارگر بیکار شده؛ اضافه کرد: در تاریخ 92/3/8 شورای عالی کار در تهران مصوب نمود که مابقی تعهد بیمه بیکاری به کارگران کرمانیت پرداخت شود ولی هنوز این مصوبه اجرایی نشده است.

ادامه اقدام‌های خصمانه واشنگتن در برابر تهران؛ تحریم‌های آمریکا علیه ایران از دوشنبه اجرایی می‌شود

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: تحریم‌های خصمانه آمریکا علیه ایران که قانون آن در ماه ژانویه گذشته صادر شده و اوایل ماه ژوئن طی حکمی دستور اجرایی شدن و گسترش آن صادر شد، از دوشنبه آینده عملی می‌شود.

به گزارش ایلنا به نقل از روزنامه وال استریت ژورنال، این محدودیت‌ها که طیف گسترده‌ای از منافع اقتصادی ایران را نشانه گرفته است، تنها چند هفته بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور اجرایی می‌شود.

مقام‌های بلندپایه دولت آمریکا اوایل ماه جاری میلادی اعلام کرده بودند که این تحریم‌ها طیف گسترده‌تری از افراد حقیقی و شرکت‌ها را هدف قرار می‌دهد.

این قانون که در ماه ژانویه و در چارچوب قانون دفاع ملی آمریکا امضا شد، بخش انرژی، کشتی‌رانی و کشتی‌سازی ایران را هدف قرار می‌دهد و فروش، ذخیره‌سازی یا انتقال کالاها یا خدمات «مهم» توسط شرکت‌های غیرآمریکایی را ممنوع می‌کند.

بر اساس این قانون، داد و ستد با ایران در زمینه فلزات گرانبها، گرانتیت، فولاد و نرم‌افزارهای صنعتی محدود می‌شود، همچنین ربال ایران هدف قرار داده می‌شود و نهادهای مالی خارجی که تبادلات قابل توجهی با این ارز انجام دهند، مشمول تحریم خواهند شد.

طبق این تحریم‌های جدید، موسسات مالی خارجی یا افراد حقیقی که برای اشخاصی که در حال حاضر تحریم هستند، کمک تجهیزاتی فراهم کنند، خود مشمول تحریم خواهند شد.

بر اساس این قانون، فروش، تهیه و ارسال قطعات خودرو و خدماتی که به خودرودی سازی ایران ارتباط پیدا می‌کند نیز ممنوع شده است و افرادی که این قطعات یا خدمات را در اختیار ایران قرار دهند با مجازات روبه‌رو خواهند شد.

سخنگوی کاخ سفید پیش از این اعلام کرده بود که هدف از اعمال این تحریم‌ها جلوگیری از پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران است با این وجود بسیاری از مقام‌های غربی از جمله «یوکیا آمانو» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اذعان کرده‌اند که این محدودیت‌ها تأثیری بر پیشرفت برنامه هسته‌ای این کشور نداشته است.

بلا تکلیفی بازنشستگان تامین اجتماعی شهرک صنعتی البرز در دریافت فیش حقوقی

برپایه خبررسیده آمده است: عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان البرز در استان قزوین اعلام کرد: ۷ هزار بازنشسته و مستمری بگیر تامین اجتماعی شهرستان

البرز قزوین از یک ماه گذشته فیش ماهانه واریز حقوق نگرفته‌اند .
عید علی کریمی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: از یک ماه گذشته اداره تامین اجتماعی و بانک رفاه کارگران که مسئولیت پرداخت حقوق واره فیش حقوقی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر را بر عهده دارند، در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و مسئولیت توزیع فیش حقوقی بازنشستگان را بر عهده نمی‌گیرند .

او با بیان اینکه بازنشستگان این شهرستان هم اکنون بلا تکلیف شده‌اند، اظهار داشت: سازمان تامین اجتماعی بانک رفاه کارگران را مسئول این کار می‌داند و بانک رفاه هم مسئولیت انجام این کار را بر عهده نگرفته و می‌گوید که در زمینه توزیع فیش حقوقی بازنشستگان مسئولیتی ندارد و این وظیفه کانون بازنشستگان است .

این فعال کارگری در این باره گفت: این در حالی است که کانون بازنشستگان و مستمری بگیران شهرستان البرز هیچ وظیفه قانونی در قبال توزیع فیش حقوقی بازنشستگان ندارد و فقط می‌تواند در این زمینه با این دو نهاد همکاری مشترک داشته باشد .

او در خاتمه با بیان اینکه اداره تامین اجتماعی باید در این خصوص پاسخگوی بازنشستگان باشد، اظهار داشت: طی روال ماه‌های گذشته، هر ماه اداره تامین اجتماعی باید فیشهای حقوقی بازنشستگان و مستمری بگیران را در اختیار بانک بگذارد و بانک هم وظیفه توزیع آن را بر عهده دارد.

خرم آباد محله اسد آبادی محله ای فقیر نشین در خرم آباد

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است : یکی از اهالی محله اسد آبادی در خرم آباد گفت که مردم این محله عموماً فقیر بوده و بیکار هستند. او گفت که اکثر مردم این محله تنها منبع درآمد آنها همین میزان اندک درآمد می‌باشد او گفت که تمامی جوانان این محله بیکار بوده و بسیاری از جوانان و.. با جمع آوری پلاستیک و قوطی و .. از خیابان ، امرار معاش میکنند.
یکی دیگر از اهالی این محله گفت که ما خانواده 5 نفره هستیم که همه بیکار هستیم او که جوانی 28 ساله بود گفت که بیش از 8 سال است که بیکار هستم اگر کاری مثل بنایی گهگاه برایم پیش آید او گفت که ما به نان سفره نیز نیازمندیم او افزود که وضعیت زندگی اهالی این محله اسفناک می‌باشد

دبیر انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه های استان تهران: کارگران کوره پزخانه‌ها باید 70 سال کار کنند تا بازنشسته شوند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 8 تیر 92 آمده است : دبیر انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه های استان تهران از روبه کنونی ارائه لیست بیمه کارگران کوره‌پزخانه به سازمان تامین اجتماعی انتقاد کرد و خواستار تغییر این شیوه شد.

«علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: برخی کارفرمایان کوره پزخانه‌ها برای بیمه ی کارگران دائم و فصلی خود هر ماه تنها برای 10 روز کاری حق بیمه پرداخت می‌کنند. وی بابیان اینکه در شیوه کنونی ارائه لیست بیمه، سازمان تامین اجتماعی هیچ نظارتی بر صحت گزارش کارفرمایان ندارد، گفت: سیستم فعلی بیمه ی تامین اجتماعی به گونه ای طراحی شده است که لیست ترک کار کارگران کوره پزخانه ها را بدون هیچگونه نظارتی می‌پذیرد.

به گفته ی آقای حسینیان، با توجه به لیست بیمه ی ناقصی که برای کارگران کوره پزخانه ها گزارش می‌شود بخش وسیعی از آنان باید 70 الی 80 سال کار کنند تا بازنشسته شوند.

این فعال صنفی با بیان اینکه در حال حاضر بازرسان بیمه بطور منظم از کوره پزخانه های استان تهران بازدید می‌کنند، اظهار داشت: با وجود این شیوه بازرسی تا زمانی که سیستم بیمه ی تامین اجتماع اصلاح نشود مسئله بیمه کارگران ساختمانی حل نشده باقی خواهد ماند.

پایان پیام

چند خبر از حوادث حین کار : انگشتان دست کارگر پرسکار قطع شد

کارگر ۲۸ ساله‌ای در منطقه «صفا داشت» در حین کار با دستگاه پرس سه انگشت دست خود را از دست داد .
به گزارش ایلنا، پس از آنکه مسئولان بیمارستان حضرت فاطمه زهرا(س) از آسیب دیدن انگشتان دست کارگری در حین کار با دستگاه پرس مطلع شدند گروه‌های امداد برای نجات وی در محل حادثه حاضر شدند .
بر اساس گزارش‌های اولیه سه انگشت دست این کارگر در حین کار با دستگاه پرس انگشتان آسیب دید بطوری که بخشی از انگشتان این فرد در این دستگاه گیر کرده بود .
شدت آسیب به حدی بود که سه انگشت این کارگر ۲۸ ساله زیر دستگاه پرس کاملاً از بین رفته بود و انگشت بزرگ وی نیز داخل قطعه فلزی دستگاه پرس گیر کرده بود .
طبق این گزارش گروه های امداد ونجات با حضور در این بیمارستان با استفاده از دستگاه برش اقدام به رها سازی انگشتان این کارگر کرده و پس از رها سازی انگشت از قطعه فلزی دستگاه، این بیمارستان اقدامات درمانی خود را آغاز کرده اند.

مرگ یک کارگر ساختمانی در پی سقوط از برجی ۲۵ طبقه

برپایه خبر رسیده آمده است : در پی سقوط یک کارگر در یک کارگاه ساختمانی، قطعه‌ای آهنی از قسمت پای وی وارد بدنش شده و از شکمش خارج شد .
جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در گفت‌وگو با ایسنا، در این باره گفت: " وقوع یک مورد حادثه‌ی سقوط از ارتفاع در ساعت ۱۰:۴۸ به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و به دنبال آن ایستگاه ۲۹ و گروه نجات ۱۳ به محل حادثه که یک برج ۲۵ طبقه در حال ساخت در خیابان شریعتی بود، اعزام شدند ."
وی افزود: "آتش‌نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند که یکی از کارگران حین کار با بالابر مخصوص حمل مصالح، از طبقه سوم سقوط کرده و به روی میله‌های داربست افتاده است ."
سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه بر اثر سقوط این کارگر، یک میله فلزی از قسمت پای این کارگر وارد بدنش شده و سر دیگر آن از شکمش خارج شده بود، گفت: "آتش‌نشانان با توجه به شرایط حساسی که این کارگر ۴۰ ساله داشت، عملیات خود را آغاز کرده و پس از بریدن دو سوی این میله فلزی، این کارگر را برای انجام عملیات درمانی به عوامل اورژانس مستقر در محل تحویل دادند ."
به گفته‌ی ملکی، آتش‌نشانان در ساعت ۱۷:۱۱ به عملیات خود در این محل خاتمه دادند .
شایان ذکر است که سالانه تعداد زیادی از کارگران به علت نبود ایمنی کافی در محل کار دچار سوانح دلخراش شده و بعضاً جان خود را از دست می‌دهند.

کارگر ۲۵ ساله تبریزی بر اثر ریزش دیوار مصدوم شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا به نقل از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تبریز، ریزش دیوار باعث شد تا یک کارگر شهرداری مصدوم و در زیرآوار محبوس شود. این حادثه در محل ششگلان -کوی فرهنگ به ستاد عملیاتی این سازمان اطلاع داده شد که به دنبال آن نیروهای امدادی ایستگاه شماره ۱ برای نجات قربانیان احتمالی در محل حاضر شدند. گفته شده است که در زمان حادثه کارگر قربانی مشغول گود برداری بوده است که به دلیل ریزش دیوار مجاور در زیر آوار مصدوم شده است. بر این اساس ماموران آتش نشانی پس از حضور در محل با همکاری دیگر مراجع فرد صدمه دیده را از زیر آوار نجات داده و جهت اعزام به مراکز درمانی به عوامل اورژانس تحویل دادند.

سقوط کارگر ساختمانی بر روی میلگرد

کارگری با سقوط از طبقه سوم یک کارگاه ساختمانی ۲۵ طبقه دچار صدمه شد و میلگردهای قرارداد شده در محل احداث ساختمان، در پای وی فرو رفت. بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، بر اثر این حادثه که در خیابان شریعتی تهران به وقوع پیوست، نیروهای آتش نشانی با برش بخشی از میلگردهای فرو رفته در بدن کارگر، او را برای معاینه و درمان به اورژانس تحویل دادند.

مرگ کارگر جوان بر اثر ریزش دیواره های یک زمین گودبرداری شده

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 8 تیر 92 آمده است: ریزش دیواره های یک زمین گودبرداری شده در خیابان 17 شهرپور، تیردوقلو، کوچه پوستی، مرگ کارگر جوان را زیر آوار و خاک رقم زد. مجید الوندی، رئیس ایستگاه 99 که در محل حادثه حضور داشت در این باره اظهار داشت: با رسیدن ناچیان 125 به محل حادثه، یک قطعه زمین به مساحت 120 متر مربع دیده می شد که به عمق 3 متر گودبرداری شده و کارگران در آن مشغول عملیات عمرانی و ستون گذاری بودند. وی افزود: به دلیل عدم رعایت ایمنی در امر گودبرداری، بخشی از یک دیواره تخریب شده و کارگر جوانی در زیر آن مدفون شده بود. الوندی خاطر نشان کرد: آتش نشانیان به سرعت به دو گروه تقسیم شده و گروه اول با ایمن سازی محل حادثه عملیات آواربرداری را آغاز کرده و در کوتاهترین زمان ممکن موفق شدند کارگر 25 ساله افغانی را از زیر خاک و آوار خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که متأسفانه فوت وی توسط آنان اعلام شد.

اعتصاب متحدانه کارگران مجتمع فولاد خوزستان

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در هشتم تیر 92 آمده است: بدنبال اعتصاب کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان، کارگران رسمی این کارخانه نیز در حمایت از همکاران قراردادی خود به آنان پیوستند و حدود چهار هزار کارگر این کارخانه روز چهارشنبه گذشته در اقدامی متحدانه تولید در مجتمع فولاد خوزستان را خواباندند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از اول سال جاری تا کنون 25 درصد افزایش حداقل مزد کارگران قراردادی این کارخانه اعمال نشده است به همین دلیل آنان روز سه شنبه هفته گذشته در اقدامی اعتراضی از گرفتن غذای رستوران کارخانه خودداری کردند و سپس روز چهارشنبه بطور یکپارچه ای دست از کار کشیدند و ساعتی بعد کارگران رسمی نیز در حمایت از خواست بر حق همکاران قرار دادی خود به اعتصاب پیوستند. بنا بر این گزارش بدنبال این اعتصاب متحدانه مسئولین کارخانه طی مذاکراتی با کارگران اعتصابی به آنان وعده دادند 25 درصد افزایش حداقل مزد را که از اول سال جاری به آنان پرداخت

نشده است روز شنبه هشتم تیر ماه به حسابشان واریز خواهند کرد. در ادامه این مذاکرات کارگران با اولتیماتوم آغاز اعتصابی دیگر از صبح روز پنج شنبه ششم تیر ماه بر سر کارهای خود بازگشتند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز شنبه هشتم تیر ماه کارفرمای این کارخانه به وعده خود عمل نکرد و از آنجا که بار دیگر زمزمه اعتصاب در میان کارگران آغاز شده بود مسئولین کارخانه با حضور در جمعهای آنان ضمن تاکید بر پیگیری پرداخت 25 درصد افزایش حداقل مزد، از کارگران خواستند با انتخاب نماینده هایی پیگیر مطالبه خود شوند اما آنان با غیر قابل مذاکره خواندن اعمال 25 درصد افزایش حداقل مزد در حقوق هایشان از انتخاب نماینده خودداری کردند و با دادن فرصتی دیگر به کارفرما خواهان پرداخت هر چه فوری تر 25 درصد افزایش حداقل مزد شدند.

کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان اعلام کرده اند در صورت ادامه خلف وعده های کارفرما بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

دبیر خانه کارگر بروجرد؛ صنعت «ورشو سازی» در حال نابودی است

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 تیر 92 آمده است: دبیر خانه کارگر بروجرد گفت: اشتغال در صنعت «ورشو سازی» به عنوان یکی از شاخص ترین صنایع دستی شهرستان بروجرد در صورت عدم حمایت دولت به سمت نابودی خواهد رفت.

«محمد گودرزی» با اعلام مطلب فوق به ایلنا گفت: صنعت ورشو سازی یکی از هنرهای دستی وبومی شهر بروجرد برای استمرار خود با چالش های جدی مواجه شده است به طوری که امروز تعداد شاغلان در این حرفه به کمتر از 10 درصد رسیده است. او افزود: در حالی که این صنعت از جایگاه ویژه ای در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد برخوردار است، امروز به علت نایاب شدن این فلز در ایران کارگاه های ورشو سازی برای تامین مواد اولیه خود با مشکل مواجه هستند.

این فعال کارگری با بیان اینکه از بعد اقتصادی مسئولان باید این صنعت را نجات دهند، اظهار داشت: در صورت برداشته شدن موانع این صنعت می تواند سهم موثری در ایجاد ارزش افزوده، افزایش تولید ناخالص ملی، ارزآوری ایجاد کند.

به گفته وی در حال حاضر بسیاری از صنایع دستی بومی لرستان همانند فرش بافی، مسگری، گلیم بافی، جاجیم بافی، خراطی چوب، نمد مالی، ساخت و قلم زنی مصنوعات ورشویی، سیاه چادربافی و گیوه دوزی که در گذشته سهم زیادی از اشتغال جوانان را به خود اختصاص می داد به علت عدم حمایت مناسب دولت با مشکلات فراوانی مواجه است. او اضافه کرد: اهمیت صنایع دستی تنها به دلیل در آمد اقتصادی آن نیست بلکه به لحاظ حفظ ارزشها، اصالت ها و خواستگاه فرهنگی و هنری باید مورد توجه واقع شود.

گفتنی است؛ ورشو آلیاژی ترکیبی از جنس روی، نیکل و مس است که در میان کشورهای اروپایی به جرمن سیلور GERMAN SILVER معروف است. هنر ورشوسازی از کشور لهستان به ایران وارد شده و نام ورشو به دلیل شهر ورشو مرکز کشور لهستان بر روی این فلز ماندگار شده است.

پایان پیام

تجمع 300 کارگر 3 کارگاه فرودگاه خمینی تهران در اعتراض به عدم پرداخت 6 ماه حقوق و مزایایشان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 9 تیر 92 آمده است: امروز 300 کارگر شرکت های پیمانکاری فرودگاه خمینی در اعتراض به عدم پرداخت 6 ماه حقوق و مزایایشان جلوی دفتر مجری طرح که وابسته به وزارت راه و شهرسازی در کمربندی شمالی فرودگاه امام خمینی است، تجمع کردند.

براساس این گزارش، اصل ماجرای اعتراض امروز کارگران در فرودگاه امام خمینی تهران از اینجا آغاز می شود که 300 نفر از کارگران 6 ماه یا بیشتر از آن است که حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند.

این افراد که در تحصنی خودجوش در پی معوقات مالی پیمانکار فرودگاه امام خمینی درخواست پرداخت مطالباتشان را داشتند، اجرای پروژه باند جنوبی این فرودگاه، ترمینال زیارتی و بخش توسعه حمل بار را در این فرودگاه بین المللی بر عهده دارند.

یکی از کارگران حاضر در اعتراض امروز فرودگاه امام خمینی تهران می گوید: تحصن امروز مربوط به کارگران سه کارگاه فرودگاه امام خمینی تهران است.

وی افزود: پیمانکار اصلی در راستای اجرای این پروژه مسئولیت مستقیم دارد و تعدادی پیمانکار خرد نیز با این شرکت در حال تعامل و همکاری هستند.

این کارگر می افزاید: در مجموع، حدود 300 نفر از پرسنل در این شرکت و پیمانکاران آن مشغول به کار هستند که به علت پرداخت نشدن مطالبات و حقوق و مزایای خود در ماه های گذشته دچار مشکلات عدیده ای شده اند.

اومی افزاید: حدود شش ماه مطالبات پرسنل پیمانکار طرف قرارداد اصلی و حتی بیشتر از این مدت، در شرکت های پیمانکاری خرد باقیمانده است و کارگران هیچ دریافتی قابل توجهی در این مدت نداشته اند.

یکی از سرکارگران حاضر در این تحصن نیز می گوید: پرسنلی که حقوق بگیر این شرکت هستند، حتی برای تامین مخارج روزانه خود نیز مشکل دارند و در تامین آن مانده اند؛ سوالی که اینجا مطرح می شود، این است که اگر یک ماه به کارمندان دولت حقوق ندهند، آنها چکار خواهند کرد و چرا با وجود گذشت شش ماه یا بیشتر به مشکلات این کارگران رسیدگی نمی شود؟

یک کارگر شاغل در شرکت جزء پیمانکاری فرودگاه امام خمینی تهران می گوید: 300 نفر کارگر در مجموعه شرکت و پیمانکاران زیرمجموعه آن مشغول به فعالیت هستند و این افراد بیش از شش ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

اومی گوید: اوضاع در خصوص پیمانکاران جزء، بدتر هم هست و در شماری از این شرکت ها کارگران خیلی بیشتر از شش ماه حقوق دریافت نکرده اند.

یکی از مسئولان شرکت پیمانکاری که کارگزارانش در فرودگاه امام خمینی تهران تحصن کرده اند، نیز می گوید: از چندین روز پیش، کارگران تصمیم گرفته بودند تا برای دریافت مطالبات خود و ادامه کار، تحصن و تجمع کنند و از امروز جلوی دفتر مجری طرح که وابسته به وزارت راه و شهرسازی در کمربندی شمالی فرودگاه امام خمینی است، این تحصن آغاز شده است.

این مدیر می گوید: درخواست هایی ارائه شده است و گویا هم اکنون نمایندگان کارگران با مسئولان در حال رایزنی و رسیدن به نقاط توافقی هستند که باید نتیجه نهایی اعلام شود.

دبیر خانه کارگر سمنان خبر داد:

برخی کارفرمایان از کارگر برگ تسویه سفید امضا می گیرند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 تیر 92 آمده است: دبیر خانه کارگر سمنان از عملکرد برخی کارفرمایان که با اخذ چک و سفته و برگه تسویه سفید امضا از کارگران خود، آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند انتقاد کرد.

حبیب الله محقق در این زمینه به ایلنا گفت: برخی کارفرمایان در بدو استخدام کارگران با گرفتن چک و سفته و قرارداد سفید امضاء، قدرت چانه زنی و اعتراض در مقابل بی‌عدالتی‌هایی که بر آنان تحمیل می‌شود را می‌گیرند. او با اشاره به غیر اخلاقی و غیر قانونی بودن این موضوع افزود: این امر از آن رو صورت می‌گیرد که در صورتی که کارفرما خواست به تعهدات خود در برابر کارگر عمل نکند، کارگر را با چک و یا سفته امضا شده تحت فشار قرار دهد تا مبادا از کارفرمای خود شکایت کند.

این فعال کارگری با بیان اینکه این معضل در بین برخی کارگاه‌ها سمنان متداول شده‌است، اظهار داشت: یکی از دلایل ایجاد چنین شرایطی کمبود فرصت‌های شغلی و بی‌اطلاعی کارگران است. او افزود: هم اکنون در سمنان کارگرانی هستند که پس از چند سال کار اخراج شده‌اند اما چون کارفرما از آنها چک، سفته و یا قرارداد سفید امضا دارد نتوانسته‌اند همه مطالبات قانونی خود را دریافت کنند.

دبیر خانه کارگر گفت: بازرسان ادارات کار و تامین اجتماعی باید نظارت خود را بر چنین واحدهایی که در آنها گمان ارتکاب تخلفه بیشتر است متمرکز کنند.

پایان پیام

مدیر کل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی: سال گذشته اخراج 36 هزار کارگر در مراجع حل اختلاف تایید شد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 تیر 92 آمده است: مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه بر اساس آمارهای موجود سال گذشته در کل کشور تعداد 290 هزار فقره پرونده شکایات در مراجع حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گرفته بود، گفت: این آمار در مقایسه با سنوات گذشته کاهش یافته است.

اسماعیل ظریفی آزاد در حاشیه نخستین همایش روابط کار استان مازندران به خبرنگار ایلنا گفت: آشنایی کامل با مجموعه قوانین آئین دادرسی کار و مقررات جاری در مجامع حل اختلاف نیاز اساسی و پایه برای اعضای هیات‌های تشخیص و حل اختلاف است و در این راستا مقرر شده تا با برگزاری جلساتی از این دست ضمن آموزش قوانین کار و تامین اجتماعی در خصوص آخرین نکات و دستورالعمل‌های جدید به سوالات و ابهامات موجود اطلاع‌رسانی کنیم. وی همچنین خاطر نشان کرد: سال گذشته در مجموع آمار کل کشور تعداد 290 هزار فقره پرونده شکایات در مراجع حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گرفته بود که این آمار نسبت به سنوات گذشته کاهش یافته است.

ظریفی آزاد یکی از عمده‌ترین علل این امر را فعال شدن شوراهای سازش در واحد‌های صنعتی و تشکل‌های کارگری برشمرد و تصریح کرد: حدود 35 درصد دعاوی مطرح شده در شوراهای سازش حل و فصل گردیده است.

مدیر کل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی افزود: خوشبختانه با فعال سازی صدر ماده 158 قانون کار که تا قبل از سال 85 اجرا نمی‌گردید هم اکنون بیش از 5 هزار

شورای سازش در کشور فعال است. وی همچنین از بهبود مدیریت روابط کار به عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش پرونده‌های ثبت شده در مراجع تشخیص و حل اختلاف نام برد.

ظرفی آزاد خاطر نشان کرد: در سال گذشته برای کمتر از 36 هزار کارگر حکم اخراج صادر شده مورد تایید قرار گرفته است.

مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی همچنین درخصوص رتبه بندی و امتیازات ادارات استانی این وزارت خانه گفت: دو سال پیاپی استان قزوین بالاترین رتبه را بخود اختصاص داده و استان مازندران نیز در سالجاری با صعود بیست پله ای به رتبه 7 ارتقاء یافته است.

پایان پیام

۲۵۰ میلیون دلار جریمه بانک ژاپنی به جرم نقض تحریم رژیم ایران

به نوشته مطبوعات بین المللی آمده است: دولت آمریکا بانک توکیو - میتسویشی ژاپن را به جرم مبادلات مالی با رژیم ایران و نقض تحریمها 250 میلیون دلار جریمه کرد. اداره نظارت بر امور مالی نیویورک این خبر را اعلام کرد. به گزارش خبرگزاریهای بین المللی بانک ژاپنی نیز با پرداخت این جریمه موافقت کرده است. بانک توکیو - میتسویشی بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ با رژیمهای ایران، سودان و میانمار، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تبادل مالی داشته است.

ریزش آوار جان کارگر 25 ساله را گرفت

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 تیر 92 آمده است: بعد از ظهر روز گذشته يك کارگر ساختمانی بر اثر ریزش دیوار زمین گودبرداری شده جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه در خیابان 17 شهریور، سه راهی تیردوقلو، کوچه پوستی زمانی رخ داد که این کارگر مشغول عملیات عمرانی و ستون گذاری در زمینی گود برداری شده بود که ناگهان بخش‌هایی از دیوار ریزش می کند و این کارگر در زیر خاک مدفون می شود.

بنا بر این گزارش، گروههای امداد و نجات پس از حضور در محل بدن این جوان 35 ساله افغان را از زیر آوار خارج کردند و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

پایان پیام

تجمع اعضای تعاونی مسکن مهر مقابل استانداری کرمان

به گزارش تسنیم، در 9 تیر 92 آمده است: حدود 500 نفر از اعضای یکی از تعاونی های مسکن مهر برای اعتراض به نحوه ساخت و ساز و عدم تحویل خانه های خود در موعد مقرر، در مقابل استانداری تجمع کرده و خواهان رسیدگی استاندار به این وضعیت شدند. بر اساس این گزارش، اعضای تعاونی یاد شده در سال 85 با پرداخت 18 میلیون تومان پول نقد و دریافت 25 میلیون تومان وام از تعاونی مسکن، برای آپارتمان های مسکن مهر ثبت نام کردند، اما به گفته معترضان، تاکنون تنها 120 واحد به اعضا واگذار شده و 380 واحد باقی مانده نیمه کاره رها شده است.

معتبران خواهان انحلال هیات مدیره قدیم و انتخاب هیات مدیره جدید برای تعاونی مسکن خود و تداوم کار ساخت و ساز و تحویل منازل هستند.

دبیرخانه کارگر شهرستان ری: کارگران خواهان دریافت سبد کالای ویژه رمضان هستند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 تیر 92 آمده است: دبیرخانه کارگر شهرستان ری اعلام کرد: در حال حاضر با توجه به اوضاع نامناسب اقتصادی، کارگران سراسر کشور خواستار اختصاص سبد کالای ویژه ماه مبارک رمضان از دولت هستند.

علی ترکاشوند با اعلام مطلب فوق به ایلنا گفت: چند سالی است که دولت فقط برای کارمندان خود سبد کالای ویژه ماه رمضان تدارک می‌بیند. وی گفت: در تمام این سالها با وجود تقاضای میلیونها کارگر از سراسر کشور هیچگاه دولت به تمامی کارگران سهمی از این سبد کالا اختصاص نداده است.

این فعال کارگری با بیان اینکه دولت نباید بین اقشار مختلف جامعه خود تبعیض قائل شود تصریح کرد: حداقل در شرایط کنونی تبعیض میان کارمندان و کارگران، از نظر روحی و اجتماعی تاثیر نامناسبی بر جامعه می‌گذارد.

ترکاشوند وضعیت معیشتی کارگران در مقایسه با کارمندان دولت بسیار نامناسب عنوان کرد و اظهار داشت: از مسئولین کشور توقع می‌رود نگاه تبعیض آمیز به کارگران را حذف کنند چرا که این مساله در بازدهی کاری کشور هم تاثیر منفی می‌گذارد.

او در خاتمه سخنان خود یادآور شد: به دلیل هزینه‌ای که تامین سبد کالای حمایتی ایجاد می‌کند، دولت باید مسئولیت تدارک این کار را برعهده بگیرد تا از این طریق حداقل باری از دوش کارفرما برداشته شود.

پایان پیام

بی اطلاعی از وضعیت کارگر زندانی "هیواغریبی"

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 10 تیر 92 آمده است: به گزارش رسیده با گذشت حدود شانزده روز از دستگیری هیوا غریبی کارگر شرکت گاز سنندج هنوز خبری از او در دست نیست.

نام برده در جمعه 92/3/24 توسط پلیس امنیتی در منزل خودش دستگیر شده و با وجود پیگیری‌های متعدد خانواده‌ی غریبی و مراجعه به ستاد خبری و دادگستری سنندج هنوز پاسخی در مورد وضعیت و علل دستگیری وی دریافت نکرده‌اند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

هند - کاهش خرید نفت از ایران

بر پایه خبر دریافتی آمده است: هند در 5 ماه اول سال جاری میلادی واردات نفت از ایران را 40 درصد کاهش داده است، بر اساس گزارش خبرگزاری رویتر، هند کاهش واردات نفت از ایران را با افزایش واردات نفت از عمان، ونزوئلا و عراق جبران کرده است، هند از جمله کشورهایی است

که برای خرید نفت ایران از معافیت 6 ماهه تحریمهای آمریکا برخوردار است با این وجود از ترس عواقب تحریمها، واردات نفت ایران را مستمر کاهش می دهد.

دعوت به شرکت در تظاهرات در تورنتو- شنبه ۶ جولای ۲۰۱۲

جمهوری اسلامی ایران قاتل افشین اسانلو، ستار بهشتی و دیگر زندانیان سیاسی است! کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی فوری و بی قید و شرط آزاد باید گردند

افشین اسانلو، ۴۲ ساله، زندانی سیاسی و فعال کارگری در بند زندان رجایی شهر، جان خود را طبق ادعاهای مسئولان زندان و قوه قضاییه بر اثر حمله قلبی در تاریخ پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲ از دست داد. این در حالی است که خانواده اسانلو اعلام کرده اند که ایشان هیچگونه بیماری قلبی نداشتند و جمعهای متعددی از زندانیان سیاسی اعلام کرده اند که وی، با وجود شکنجه ها و اذیت و آزارهایی که متحمل شده بود، از سلامت جسمی برخوردار بود.

همه میدانیم زندانیان سیاسی تحت شکنجه ها و فشارهای شدید جسمی و روحی قرار دارند و برخی از آنان بطور مشکوک در زندانهای جمهوری اسلامی جان باخته اند. این سیاست ادامه و روی دیگر همان اعدامهای سبعانه رژیم است. جمهوری اسلامی ایران مسئول و مسبب جان باختن افشین اسانلو و دیگر زندانیان سیاسی جانباخته است. همکنون دهها فعال کارگری در بند و صدها زندانی سیاسی در شرایطی مشابه قرار دارند و جانشان کاملا در خطر است.

از تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و و سازمانها و احزاب کارگری و مدافعین حقوق انسانی می خواهیم که اعتراضات و فشارهای جهانی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی در ایران را هر چه گسترده تر نماییم. در این راستا از ساکنین تورنتوی بزرگ دعوت میکنیم که در تظاهراتی که به این مناسبت در تاریخ ۶ جولای توسط شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران برگزار میگردد شرکت نمایند.

زمان: شنبه 6 جولای از ساعت 4 تا 6 بعد از ظهر
مکان: میدان مل لستمن واقع در 5100 خیابان یانگ (ایستگاه متروی نورث یورک سنتر)
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - کانادا

کارگران نباید به دولت روحانی هیچ توهمی داشته باشند

به نوشته وبلاک سیاسی و اجتماعی خاوران آمده است: ایجاد هرگونه توهم به دولت روحانی برای بهبود ولو جزئی وضعیت کارگران، آنان را در حالت انتظار و دست روی دست گذاشتن نگاه می دارد و مانند سم کشنده است. ایجاد هرگونه توهم به دولت روحانی برای بهبود ولو جزئی وضعیت کارگران، آنان را در حالت انتظار و دست روی دست گذاشتن نگاه می دارد و مانند سم کشنده است.

پیام: ایجاد هرگونه توهم به دولت روحانی برای بهبود ولو جزئی وضعیت کارگران، آنان را در حالت انتظار و دست روی دست گذاشتن نگاه می دارد و مانند سم کشنده است. ادامه بحران جهانی سرمایه داری چشم انداز برون رفت از بحران اقتصادی، برای دولت حسن روحانی را نیز تیره و تاریک کرده است. روحانی می خواهد از مسیر عادی سازی و بهبود مناسبات با غرب و پیروی از الگوی اقتصاد بازار آزاد بر بحران و آشفتگی اقتصادی ایران غلبه کند. با شکست نتولیرالیسم در سطح جهان برنامه و این نوع «راه حل ها از اعتبار ساقط شده اند. در تونس و مصر که روابطشان هم با غرب به اصطلاح حسنه بود، اجرای همین برنامه های نتولیرالی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی، کارگران و مردم را به شورش توده ای کشاند. در واقع همان شرایط و زمینه های عینی که در کشورهای منطقه زمینه ساز خیزش های انقلابی شد، زمینه های یک طغیان زیر و روکننده اجتماعی علیه رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داری ایران را فراهم آورده است

هیجده تیر از راه می رسد

دانشگاه تهران و شریف و دانشگاه مشهد... در سال بحرانها و تنگناهای چاره ناپذیر رژیم ولایت فقیه، دانشگاه هم روزهای بزرگ قیام و خروش خود را به یاد می آورد. دانشگاه به یادش هست. آن هیجدهم تیر را در سال 1378. تمام تهران و ایران هم به یادش هست. آن روزهای پر از خروش. آن روزها را که دانشگاه به ناگهان سر بلند کرد. آن تیر ماهی که بعد از سالها سرکوب، دانشگاه خروشید. و بناگاهان خواب از چشم آخوندهایی که دانشگاه را بخشی از حوزه های سرسپرده به ولایت فقیه می خواستند پراند.

تصویر از خروش دانشگاه در 18 تیر.

18 تیر برای دستگاه سرکوب ولایت فقیه مثل رعد در آسمان بیابر بود.

تصاویر قیام هیجده تیر

چرا که دانشگاه دوباره پرچم آزادی را بلند کرد. و یکبار دیگر اثبات کرد که دانشگاه سنگر آزادیست.

تصاویر: دختران و پسران آتش روشن میکنند.

آن شعلهها از کجا سرکشید؟ دانشگاه که سالها سرکوبی و لگد مال شده بود. همچون اخگری زیر خاکستر در انتظار شعله کشیدن بود.

پاسخ در امید بود. امیدی که به تمام جامعه گرمای خروش می داد. امیدی که از روشن بودن مشعل مقاومت ایران سرچشمه میگرفت.

امیدی که دانشگاه را دوباره به مطالبه آزادی فراخواند. خاتمی با ترفند اصلاحات خواست آن امواج آگاهی و خروش و امید را به سمت رژیم سمت و سو بدهد. اما قیام هیجده تیر سال 78

فریبکاری او رو نقش بر آب کرد بطوری که خود خاتمی مجبور شد دستور سرکوبی دانشگاه را بدهد. و اما نهایتا در 18 تیر 78 در هجوم پاسداران به کوی دانشگاه تهران، به کشته شدن یک دانشجو و مضراب شدن بیش از 2000 تن و دستگیری صدها تن اعتراف کرد.

از آن پس، سالگردهای هیجده تیر، روز هراس برای رژیم آخوندی بود تا خروشها در قیامهای 88 گسترشی سراسری گرفت.

و امسال، باز هیجده تیر، در راه است. با خاطره هایی بسیار بیشتر از خروشهایش و شهیدانش و اسیرانش

یک کارشناس تأمین اجتماعی:

دولت جدید باید سازمان تأمین اجتماعی را احیا کند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 تیر 92 آمده است: یک کارشناس تأمین اجتماعی گفت: متأسفانه سازمان تأمین اجتماعی با 8 بار تغییر مدیریت و 4 بار تغییر اساسنامه طی 8 سال اخیر و با خیل افرادی که بصورت اتوبوسی و بدون بلیط به آن وارد شدند در شرایط نامناسبی قرار گرفته است.

علی حیدری، کارشناس تأمین اجتماعی با بیان اینکه دولت جدید باید برای حیات بخشی مجدد به سازمان تأمین اجتماعی حداقل 20 اقدام مهم و حیاتی را انجام دهد، به ایلنا گفت: متأسفانه سازمان تأمین اجتماعی با 8 بار تغییر مدیریت و 4 بار تغییر اساسنامه طی 8 سال اخیر و با خیل افرادی که بصورت اتوبوسی و بدون بلیط به آن وارد شدند در شرایط نامناسبی قرار گرفته است.

وی افزود: اختلاف میان قوا بر سر مسائل سیاسی و شخصی و مستمسک قراردادن سازمان برای تسویه حساب، خدشه دار شدن استقلال مالی و اداری و عدم رسمیت بخشی به شخصیت حقوقی مستقل آن، عدم تناسب بین اختیار و مسئولیت ارکان عالی سازمان (هیئت

امناء، هیئت مدیره، مدیرعامل، هیئت نظارت و...) عدم اعمال نظارت موثر و کارآمد بر نظامات تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرایی، عدم سه‌جانبه‌گرایی واقعی و عدم وجود تشکل‌های واقعی کارگری، کارفرمایی و مستمری‌بگیران که دغدغه‌های صنفی و سازمانی آنها بر سایر وجوه شخصیتی و شخصی آنها سایه انداخته باشد، درهم‌کوبیده شدن و منکوب شدن بخش‌های کارشناسی و کارشناسان سازمانی، استخدام‌های اتوبوسی افراد دارای تحصیلات پائین و غیر مرتبط و دارای سن بالا، بی‌برنامگی و خلاء مدیریت در سطوح مختلف، عدم توجه واقعی و کافی به نظام برنامه‌ریزی و امرآموزش و پژوهش و ICT و... از جمله عواملی است که سازمان تامین اجتماعی را در شرایطی قرار داده که نیاز به احیاء دارد.

این کارشناس تامین اجتماعی افزود: بایستی از سرمایه اجتماعی برخاسته از بدنه مدیریتی و کارشناسی سازمان و افرادی که به قوانین آشنا بوده و نیز دارای عرق و حمیت سازمانی هستند استفاده کرد. وی تصریح کرد: با توجه به اینکه در آستانه شروع فعالیت دولت "تدبیر و امید" قرار داریم، بنظر می‌رسد این دولت با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و مطالبات معیشتی مردم و برای تحقق اهداف و شعارهای خود می‌بایستی به حوزه رفاه و تامین اجتماعی توجه نموده و به فوریت، نظام جامع خدمات اجتماعی کشور را سامان داده و به بخش بیمه‌های اجتماعی، بویژه سازمان تامین اجتماعی که کارکردها و خدمات آن دربرگیرنده قریب به چهل میلیون نفر بیمه شده می‌باشد عنایت و التفات ویژه‌ای داشته باشد.

حیدری در تشریح اولویت‌های سازمانی و راه‌های احیاء سازمان تامین اجتماعی که می‌بایستی متولیان دولت جدید به آن امعان نظر ویژه و خاص داشته باشند، به بیان 20 راهکار دولت جدید برای احیای این سازمان پرداخت که عبارتند از:

1- اصلاح اساسنامه: لغو تغییرات نامساعد و مغایر با قانون و اصول و قواعد بیمه‌ای که طی سالهای 1387 تاکنون در مورد اساسنامه سازمان تامین اجتماعی اعمال شده و بموجب آن سه‌جانبه‌گرایی، حفظ استقلال مالی و اداری و شخصیت مستقل حقوقی، تناسب اختیار و مسئولیت ارکان تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرایی سازمان و... دچار خدشه و خلل اساسی شده است.

2- تولید و انباشت سرمایه اجتماعی سازمان: مهمترین سرمایه هر سازمانی را میتوان سرمایه انسانی آن دانست ولی طی سالهای گذشته نه تنها توجه لازم به این سرمایه صورت نگرفت بلکه لطمات جبران‌ناپذیری به بدنه مدیریتی و کارشناسی آن وارد شد و میهمانان ناخوانده زیادی با اتوبوس و بدون بلیط وارد این مجموعه شدند. بنابراین بنظر می‌رسد تعالی بخشی به سرمایه انسانی و بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع انسانی بویژه توجه به آئین نامه استخدامی و نظام پرداخت‌های آن یکی از ضروریات سازمانی میباشد.

3- تجدید ساختار: روزآمدسازی ساختار هر سازمان با توجه به شرایط عصری و مولفه‌ها و متغیرهای پیرامونی، یکی از ضروریات هر سازمانی است ولی در سازمان تامین اجتماعی نه تنها ارتقاء ساختاری انجام نشده است بلکه حتی ساختارهای ضروری قبلی نیز دچار تجدید و تقلیل شده‌اند فلذا بنظر می‌رسد ایجاد یکپارچگی و انسجام ساختاری و بهبود ساختار یکی از الزامات حرکتی اولیه سازمان می‌باشد.

4- مدیریت دانایی: طی سالهای اخیر بخش‌های پژوهشی، فکری و دانش بنیان سازمان تامین اجتماعی قلع و قمع شده‌اند و در حالی که تمامی سازمانها به سمت شکل دهی سازمان دانش بنیان و دانایی محور متناسب و پاسخگو به شرایط روز، حرکت می‌کنند این امر در سازمان

تامین اجتماعی مغفول مانده سازمان را در مقابل شرایط متحول درونی و بیرونی، بدون سلاح و دفاع رها کرده است، فلذا بایستی در زمینه تقویت و تحکیم جایگاه تفکر و اندیشه ورزی سازمان تامین اجتماعی فکری اساسی نمود.

5- سازمان یادگیرنده: انجام آموزشهای بدو استخدام، ضمن خدمت و بازآموزی، مهارت افزایی و ارتقاء توان و دانش سازمانی، استفاده حداکثری از فنون جدید نظیر آموزش الکترونیکی یکی از نیازهای اساسی سازمان تامین اجتماعی بوده و هست و در حال حاضر که نیروهای با تجربه سازمان بازنشسته شده اند و چندین هزار نیروی دارای تحصیلات پائین طی این 8 سال استخدام شده اند، توجه به این امر حیاتی تر خواهد بود.

6- نگاهت آینده: توجه به امر برنامه ریزی و آینده پژوهی و تدوین برنامه استراتژیک روزآمد و پاسخگو به شرایط سازمان تامین اجتماعی بر پایه یک فرآیند جامع علمی از الزامات حرکتی هر سازمانی است که متاسفانه در طی این 8 سال به این موضوع در حرف و عمل و ساختار بی توجهی و کم اعتنایی زیادی صورت گرفت و اساساً تغییرات هر ساله ارکان عالی و اساسنامه، تحقق این امر را ناممکن ساخته بود تا آنجا که حتی فرآیند تدوین، تصویب و اجرای برنامه و بودجه سالانه آن نیز دچار مشکل است.

7- سازمان پاسخگو: بهبود سیستم ها و روشها، بهینه سازی فرآیندها، اصلاح، توسعه و تعالی سازمانی، ارتقاء مستمر کیفیت خدمات و در یک کلام پاسخگویی سازمانی و تکریم و احترام به ذینفعان از امور فراموش شده در سازمان تامین اجتماعی طی سالهای اخیر بوده است و حتی برخی از اقدامات گذشته در این زمینه نظیر کمیته روانسازی امور، نظام پیشنهادات و... به تعطیلی گرائیده است.

8- سازمان موثر و فعال: حضور کارآمد و تاثیر گذار سازمان تامین اجتماعی در مجامع تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرایی کشور برای صیانت و ارتقاء مصالح و منافع سازمانی و پیشگیری و جلوگیری از تحمیل قوانین و تصمیمات مغایر با اصول و قواعد بیمه ای و تبیین مباحث علمی و کارشناسی سازمان برای دفاع از کلیت و خط قرمزهای کارشناسی سازمان طی سالهای اخیر در محاق مسائل سیاسی و شخصی قرار گرفته است که نتیجه این امر تصویب بسیاری از طرحها و لوایح مغایر با اصول وقواعد بیمه ای و سرریزهای حمایتی به این سازمان بوده است.

9- ترمیم وجهه سازمانی: بهر تقدیر سازمان تامین اجتماعی طی 8 سال گذشته از نام نما (Brand) خدمت رسانی خود دور شده بود و به محلی برای تامین مطامع سیاسی و شخصی برخی از افراد و یا مستمسکی برای منازعات سیاسی و کشمکشهای قدرت بین قوای مختلف تبدیل شده بود. درحالی که سازمان تامین اجتماعی یک سازمان خدمت رسان اجتماعی است و بایستی وجهه آن نزد ذینفعان، شرکای اجتماعی، افکار عمومی و... ترمیم و اصلاح گردد.

10- سیاست زدایی: سازمان تامین اجتماعی حق الناس، امانت مردم، مشاع و بین النسلی است و مکلف و مبعوث به ارائه خدمات بیمه ای به ذینفعان براساس اصول و قواعد بیمه ای است و بایستی وارد دعوها و نزاع های سیاسی شود و تنها کسانی می توانند داعیه دلسوزی و دغدغه مندی نسبت به آن داشته باشند که آنرا خرج مطامع و اهداف و نیات سیاسی، شخصی خود نسازند و پرچم آن را سفید نگه دارند. چرا که این سازمان مأمون و خانه امید و نقطه امید و اتکاء بخش قابل توجهی از افشار مولد و زحمتکش جامعه بوده و بایستی باشد.

11- اسناد بالادستی: باتوجه به غفلت سازمان طی 8 سال گذشته برای حضورفعال و موثر در مجموعه های راهبردی کشور که تدوین و ابلاغ سیاستهای کلی نظام را برعهده دارند و عدم وجود اصول و سیاستهای کلی نظام در زمینه "تامین اجتماعی" می‌بایست هر چه سریعتر در این زمینه اقدام و بویژه صورت گیرد.

12- تعمیم و گسترش بیمه: بمنظور بهبود نسبت وابستگی سازمان تامین اجتماعی و ایجاد رشد بیشتر در ورودی ها به نسبت خروجی‌های آن و با توجه به اینکه در اثر تصویب و اجرای قوانین نامساعد و مغایر با اصول و قواعد بیمه ای و عدم اعمال مدیریت و نظارت صحیح بر نحوه اجرای امور و فقدان مدیریت و ساماندهی بهینه مصارف، تعداد مستمری بگیران سازمان طی یک دهه اخیر دوبرابر شده است، لازم است تا درخصوص تعمیم و گسترش بیمه های اجتماعی به افراد مشمول قانون تامین اجتماعی اقدامات بایسته ای صورت گیرد بویژه آنکه غالب ورودی های سالهای اخیر ریسکهای پرخطر گزینشی بوده‌اند، که سریعاً به دایره خروجی های سازمان وارد و در حوزه مصارف سازمان تامین اجتماعی قرار گرفته‌اند.

13- تامین و تضمین مالی: مدیریت بهینه مالی و تنظیم گردش مطلوب نقدینگی سازمان تامین اجتماعی با وصول بموقع حق بیمه و مطالبات سنواتی بیمه ای و بویژه وصول مطالبات سنواتی سازمان از دولت در قالب پول نقد یا ارز و یا املاک و ساختمان و در غیر اینصورت سهام دولتی دارای بازدهی و نقدشوندگی بالا برای تامین منابع لازم جهت پوشش مصارف بیمه ای و درمانی سازمان.

14- محاسبات بیمه ای: یکی از غفلت‌های تاریخی سازمان، فقدان توجه کافی به مقوله آمار - بیمه (آکچواریا) و اصول، قواعد و محاسبات بیمه ای است که در صورت توجه بیشتر، بسط و گسترش مفاهیم و آموزه های آن در سطح سازمان و فرهنگ سازی آن در سطح جامعه بویژه نظامات تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرایی کشور، میتوان امیدوار بود که از اتخاذ تصمیمات و تصویب مصوبات مغایر با اصول و قواعد بیمه ای جلوگیری شده و شرایط فعلی و تعهدات آتی سازمان برای تصمیم گیران بخوبی تبیین می شد.

15- فناوری اطلاعات و ارتباطات: اگرچه سازمان تامین اجتماعی پیشگامی زیادی در این عرصه داشته است و توفیقاتی نیز در این زمینه حاصل نموده است ولیکن شکل دهی یک نظام یکپارچه و چند بعدی فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارائه خدمات الکترونیکی، اینترنتی و تحت وب بصورت برخط یکی از الزاماتی است که بایستی در سازمان تامین اجتماعی به آن توجه شود. بویژه آنکه طی 8 سال اخیر هزینه های گزاف ولی بی ثمری صرف پروژه کارت هوشمند، دیتا سنترها و... سازمان شده است.

16- ارتقاء فرهنگ بیمه‌ای: با توجه به سطح پائین دانش بیمه های اجتماعی در بین خاص و عام و ضرورت ارتقاء فرهنگ بیمه های اجتماعی در بین ذینفعان بالفعل (بیمه شدگان و مستمری بگیران) و بالقوه (مشمولین قوانین کار و تامین اجتماعی) و شرکای اجتماعی و مسئولین و متولیان نظامات تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرایی کشور، لازم است تا سازمان تامین اجتماعی به تولید و نشر محتوا، مدیریت ارتباطات و انجام امور فرهنگی و اجتماعی و اجرای کمپین های اطلاع رسانی لازم اقدام نماید.

17- خدمات رسانی مطلوب: ایجاد سرعت و سهولت و دسترسی مطلوب به خدمات بیمه‌ای تامین اجتماعی بویژه از طریق تقویت و گسترش عمودی و افقی فعالیت کارگزاری های رسمی تامین اجتماعی که زمینه برخورداری عادلانه و فرصت و دسترسی برابر به خدمات را فراهم می

سازد. تحقق این امر در امتزاج با مقوله فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند باعث تسهیل و تسریع امور ذینفعان گردیده و دستیابی به رضایتمندی شرکای اجتماعی را میسر خواهد ساخت.

18- بهینه سازی نظام مدیریت: تغییرات سریع ارکان و اساسنامه سازمان، ورودی اتوبوسی و بدون بلیط عده کثیری نامدیر و تعمیم تغییرات مدیریتی تا پائین ترین سطوح سازمان صرفاً براساس مسائل سیاسی، باندى و شخصى و استفاده از مدیران غیر سازمانی حتی در سطوح عملیاتی و اجرایی (نظیر استان مازندران) که به تحقیر پرسنل خدوم و تلاشگر سازمان منجر گردید و... باعث برهم خوردن قوام و شاکله مدیریتی سازمان شده است که لازم است این حوزه مورد بازسازی ترمیمی و جبرانی قرار گرفته و نسلی از مدیران آینده برای سازمان تربیت شوند.

19- نظام پایش و پیمایش: تغییرات سریع مدیریتی بدون توجه به تخصص و تعهد سازمانی، اولویت یابی غلط و تسلط مباحث شخصی، باندى و سیاسى بر تغییرات مدیریتی، عدم وجود هدف و برنامه عملیاتی، کوتوله کردن ستادهای فکری و فرایخشی و بین بخشی و... باعث ایجاب احساس یله بودن در بدنه استانی و اجرایی سازمان شد، فلذا لازم است تا اقدامات نظارتی و طرحهای ارزیابی و ارزشیابی لازم طراحی و بمورد اجرا گذارده شود.

20- تعامل با شرکای اجتماعی: متاسفانه به تناسب کم رنگ شدن سه جانبه گرایی در ارکان عالی سازمان و متناسب با غیر واقعی شدن برخی از این تشکل ها و یا اقدامات ناصواب معطوف به اهداف شخصی برخی از متولیان آنها، روابط و تعاملات سازمان تامین اجتماعی با این شرکای اجتماعی طی این سالها دچار تغییر و تبدیل و شدت و ضعف زیادی شد بنابراین لازم است تا سازمان در این عرصه و بطور نظام مند تعاملاتی را با شرکاء اجتماعی جهت صیانت از کیان و حریم سازمان (و نه دفاع از اشخاص و حضور در تبلیغات انتخاباتی و رفع مشکلات حقوقی شخصی افراد و...) برقرار نموده و سامان دهد.

علی حیدری در ادامه اظهار داشت: طی 8 سال اخیر اولویت های سازمان تامین اجتماعی و منافع و مصالح این سازمان و ذینفعان اصلی آن و... چنانکه باید و شاید مورد توجه متولیان امر نبوده و بیشتر منازعات سیاسی، رقابتهای انتخاباتی، منافع حزبی و مقاصد باندى و مطامع شخصی ملاک فکر و عمل سازمان بوده است و متاسفانه بارها شاهد بودیم که علیرغم اینکه در مجلس، دولت و... طرحها و لوایح مغایر با اصول و قواعد بیمه ای و برخلاف مصالح سازمان مطرح بود و می بایست کل سازمان از صدر تا ذیل برای تبیین مواضع سازمان بسیج می شدند ولی بخشهایی از سازمان به دنبال بهره گیری از امکانات سازمان برای منازعات سیاسی، رقابتهای انتخاباتی و رفع مشکلات حقوقی شخصی بودند و در این راه برخی از همکاران سازمانی، نشریات سازمانی و مدعیان شرکای اجتماعی را نیز با خود همراه می ساختند. وی افزود: بنابراین لازم است سازمان تامین اجتماعی دوباره احیاء شود و شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی و اداری آن محقق گردیده و اولویتهای سازمانی (و نه فردی، سیاسی و...) آن مد نظر ارکان و مدیران و کارشناسان سازمان تامین اجتماعی قرار گیرد و بیش از پیش و بهتر از گذشته به اولویتهای سازمانی که برخی از آنها فوقاً فهرست گردید، بپردازد.

این کارشناس تأمین اجتماعی خاطرنشان کرد: سازمان تامین اجتماعی متکفل "تدبیر" معیشت و سلامت و نقطه اتکاء و "امید" به آینده نزدیک به چهل میلیون نفر می باشد و بی شک دولت "تدبیر و امید" اگر بخواهد به شعارهای خود جامه عمل بپوشاند می بایستی "تدبیر و امید" را به این سازمان برگرداند.

پایان پیام

گزارشاتی درباره آکسیون 29 ژوئن :

گزارشی کوتاه از تظاهرات ایستاده 29 ژوئن پاریس برای اعتراض به ادامه سرکوب و شکنجه در ایران

روزشنبه 29 ژوئن از ساعت 18 تا 20 بدعوت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران - پاریس، انجمن کردهای مقیم فرانسه، اتحادیه بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس و همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه، فعالین سیاسی، اجتماعی و کارگری در Place des Innocents, Les Halles, 75001 Paris

جمع شدند و اعتراضشان را به رژیم ایران در رابطه با قتل های خاموش در زندان های ایران از جمله مرگ افشین اسانلو کارگر زندانی، به زندانی کردن فعالین سیاسی، اجتماعی و کارگری و اذیت و آزار خانواده هایشان، همچنین به اعمال شکنجه در زندانهای ایران را بنمایش گذاشتند.

تظاهرکنندگان با برافراشتن پلاکاردها، نصب تصاویر زندانیان سیاسی و کارگران زندانی و سردادن شعارها ضمن ابراز انزجار نسبت به وضعیت اسفناک زندان های ایران و اعمال شکنجه در زندان ها، هشدار در رابطه با به قتل رساندن بی سروصداى زندانیان سیاسی در زندان ها، خواهان پایان بخشیدن به حبس و زندانی کردن فعالین کارگری و تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی شدند. رسانه های تصویری، صوتی و نوشتاری با حضور در این اجتماع اعتراضی و یا از راه دور گزارشاتی تهیه کردند.

30 ژوئن 2013

لینک تصاویر:

http://www.etehadbinalmelali.com/html_2013/09_tir_92_gozarash_paris.html

سیصد کارگر فرودگاه بین المللی خمینی تهران تحصن کردند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی فارس آمده است : تعداد ۳۰۰ نفر از کارگران فرودگاه بین المللی خمینی تهران روز یکشنبه دست از کار کشیدند و در این فرودگاه تحصن کردند. بنا به گزارش فارس، دلیل این تحصن، پرداخت نشدن شش ماه حقوق این کارگران از سوی پیمانکار فرودگاه بوده است. بر اساس این گزارش، کارگران معترض اجرای پروژه باند جنوبی فرودگاه بین المللی خمینی، ترمینال زیارتی و بخش توسعه حمل بار این فرودگاه بین المللی را بر عهده دارند. این در حالی است که مسئولان این شرکت پیمانکاری به فارس گفته اند که دولت بدهی خود را به آن شرکت پرداخت نکرده است.

افزایش آلودگی هوای اراک و افزایش بیماران سرطانی

برپایه خبرهای انعکاس یافته در مطبوعات کشور آمده است : در حال حاضر موضوع آلودگی هوای اراک، تبدیل به يك موضوع فوق العاده خطرناك براي جان اهالي اراک شده است ، عمده ترین علت این آلودگی ، کارنیروگاه شاه زند در 15 کیلومتری اراک هست، که به جای اینکه از سوخت استاندارد گاز استفاده بکند، از نفت مازوت که ارزانتر است استفاده میکند که غیرمجاز و غیراستاندارد است و به نسبت سوخت گاز آلودگی هوا تا 6 برابر افزایش پیدا کرده است ، این موضوع باعث شده که تا بحال چند نفر از اهالی اراک جان خود را از دست بدهند و در حال حاضر نزدیک به 500 تا 600 نفر بیمار مبتلا به سرطان که قربانی آلودگی هوای اراک هستند در بیمارستان خوانساری اراک یا بستری و با هزینه های فوق العاده سنگین که خود بیماران باید بطور شخصی بپردازند تحت مداوا هستند. طی هفته اخیر بخاطر افزایش این آلودگی بعضی از کارخانجات مثل آذراب،، ماشین سازی

اراك مجبور شده اند كه شيفت هاي كار صبح خودشان را تعطيل بكنند، در حال حاضر هزينه درمان و داروي يك بيمار سرطاني ناشي از اين آلودگي ماهيانه حدود 4 ميليون تومان است و چون اغلب مبتلايان به بيماران از كارگران محروم پتروشيمي و ياساير كارخانجات هستند بدليل فقر و وضعيت مالي كه دارند ، طي مدتي كه به سرطان مبتلا شده اند ، مجبور شده اند كه براي پرداخت هزينه هاي سنگين دارو و درمان ، تمام زندگي خودشان را بفروشند و اين در شرايطي هست كه داروي اصلي اين بيماران در خود اراك هم كمياب است و بيماران مجبورند براي تهيه دارو به تهران يا قم و يا اصفهان مراجعه بكنند.

پيوند خون ستار بهشتي و افشين اسانلو

بر پايه خبر رسيده آمده استكه : ستار بهشتي در ديدار با خانواده ابراهيم زاده: خون فرزند من رنگين تر از خون كارگر جانباخته افشين اسانلو نيست فعالان در تبعيد: بنا بر گزارشهاي ارسالي به " كمپين صلح فعالان در تبعيد " ؛ نيما ابراهيم زاده كه اخيرا از بيمارستان مرخص شده ؛ روز گذشته شاهد حضور خانواده شهيد ستار بهشتي و تني از فعالان سياسي بر بالينش بود در اين ديدار ، مادر ستار بهشتي ، براي چندمين بار تاكيد كرد كه براي رضايت ، تحت فشار وزارت اطلاعات قرار دارد. وي گفت : به شدت مرا تحت فشار و تهديد قرار داده اند كه دست از مصاحبه با رسانهها برداشته و از گفتگو پرهيز كنم وي ادامه داد : اما من تحت هيچ شرايطي کوتاه نخواهم آمد . خون فرزند من رنگين تر از خون كارگر جانباخته افشين اسانلو نيست . من درد تمامي مادراني كه فرزندانشان را در راه آزادي و عدالت از دست داده اند مي فهم ايشان همچنين در اين ديدار براي نيما آرزوي سلامتي و بهروزي کرده و گفت : اميدوارم هرچه زودتر پدر نيما هم ازاد شوند و بتواند بيش از پيش بر بالين فرزندش باشد گفتني است كه مار ستار و خواهر ستار چند روز پيش نيز در نبود بهنام به ديدار و ملاقات نيما رفته بودند

نيما ابراهيم زاده كه اخيرا بر اثر شك عصبي ناشي از بازگشت به زندان پدرش ، بهنام ابراهيم زاده ؛ راهي بيمارستان شده بود ؛ در روزهاي گذشته از بيمارستان مرخص شده بود. همچنين بهنام ابراهيم زاده پنج شنبه هفته جاري با چهار روز مرخصي از زندان موفق به حضور بر بالين فرزند بيمارش شده بود كه هنوز از تمديد احتمالي اين مرخصي خبري در دست نيست

ادامه اعتصاب كارگران شركت قطعات توربين شهريار

به گزارش سايت ايران كارگر، آمده است : آراس فتح الهي " كودك سه ساله ايلامي كه بدنال تزريق " سفترياكسون دچار مرگ مغزي شد و امروز براي هميشه رفت همه و مخصوصاً خانواده اش را به اين فكر فرو برده است كه آيا او قرباني بي احتياطي شده است ؟ و اين بي احتياطي از جانب چه كساني رخ داده است ؟ امروز بيمارستان خميني شهر ايلام شاهد خانواده اي داغدار بود كه 3 روز پيش كودك خود را نزد پزشك مي برند تا هيچگاه شاهد ناخوشي اش نباشند غافل از اينكه آراس 3 ساله آنها 3 روز بعد داغدارشان مي كند و براي هميشه مي رود. پدر بزرگ "آراس" ماجرا را اينگونه شرح ميدهد كه پدر و مادرش پس از مراجعه به پزشك اطفال شهر ايلام نسخه پيچيده شده دكتر را براي تزريق به درمانگاه مهر مي برند و پس از تزريق آمپول به منزل مي آيند كه حال "آراس" غير طبيعي ميشود و حالت تشنج پيدا ميكند. پس از مراجعه مجدد به در مانگاه مهر وقتي حال فرزند 3 ساله بدتر ميشود او را به بيمارستان امام ميرسانند و پس از بستري شدن در "آي. سي. يو" بعد از 3 روز فوت ميكند. دكتر سلمايي پور پزشكي كه آمپول "سفترياكسون" را براي اين كودك تجويز کرده بود گفت: با توجه به مريض اين كودك ، اين آمپول را پس از معاينات لازم تجويز کرده ام و هيچگونه مشكلي در تجويز دارو وجود نداشته است. دكتر عبدالنور كرد جمشيددي پزشك معالج "آراس" گفت : بعد از ورود آراس 3 ساله به

بیمارستان با وجود اینکه ظاهر بیمار حکایت از مرگ مغزی او داشت اما مورد معاینات مختلف قرار گرفت و سپی تی اسکن شد و بعد از آن با وجود اینکه در آی. سی. یو با کمبود جا مواجه بودیم این کودک بستری شد اما همانگونه که پیش بینی هم میشد کودک دچار مرگ مغزی شده فوت کرد. وی دلیل این اتفاق را نرسیدن اکسیژن به مغز او دانست و گفت: اگر کمتر از 2 دقیقه این روند به طول بینجامد مرگ حتما اتفاق خواهد افتاد و ظاهرا این اتفاق برای آراس بیش از 10 دقیقه به طول می انجامد

این پزشک متخصص اطفال گفت: طبق قانون باید تزریقاتی های درمانگاهها و مراکز اورژانس دارای "ترالی تزریقات" باشند تا در صورت مواجه شدن با مشکلاتی از این قبیل اکسیژن را به فرد بیمار وصل کرده و به مراکز تخصصی برسانند

گزارش رادیو ندا از تظاهرات ایستاده در اعتراض به مرگ افشین اسانلو

گزارش رادیو ندا از تظاهرات ایستاده در پاریس برای اعتراض به مرگ افشین اسانلو و اعتراض به ادامه سرکوب و شکنجه در ایران، در گفتگو با بهروز فراهانی از همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه و علیرضا نوائی از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس گوش کنید:

http://radio-neda.blogspot.se/2013/06/blog-post_9481.html

تلویزیون برابری: تظاهرات در اعتراض به مرگ افشین اسانلو در پاریس شنبه 29 ژوئن ببینید:

<http://barabari.tv/video/paris-afshin130629.html>

کارگران شرکت مهندسی مشاور تدبیر نیرو در ۸ ماه گذشته مزد نگرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 10 تیر 92 آمده است: بیش از هشت ماه است که حقوق ۸۰ کارگر شرکت مهندسی مشاور تدبیر نیرواز سوی کارفرما پرداخت نشده است. براساس این گزارش، یکی از کارگران شرکت مهندسی مشاور تدبیر نیرو اعلام کرد: کارفرمای این شرکت که تحت نظارت شرکت برق تهران فعالیت می‌کند بیش از ۸ ماه است در پرداخت حقوق ۸۰ کارگر متخصص خود کوتاهی کرده و اهمیتی به این موضوع نمی‌دهد. او که خواست نامش فاش نشود گفت: سوابق کارکارگران این مجموعه از سه سال تا ۲۸ است که از پاییز سال ۹۱ هیچ مبلغی از سوی کارفرمای به حسابشان واریز نشده است. این کارگر همچنین در خصوص معوقات بیمه‌ای این کارگران نیز گفت: با وجود آنکه هر ماه از حقوق کارگران مبلغی به عنوان حق بیمه کسر می‌شود با این حال در طول این مدت حق بیمه این تعداد کارگر واریز نشده و دفترچه بیمه‌ای این کارگران نیز فاقد اعتبار است.

وی بایان اینکه میزان بدهی شرکت تدبیر نیرو به سازمان تامین اجتماعی بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان است، افزود: تاکنون کارفرما چندبار در خصوص پرداخت مطالبات وعده‌هایی را داده است که هیچ کدام محقق نشده است.

وی در خاتمه با اشاره به پیگیری‌هایی که خود و همکارانش برای وصول مطالبات خود انجام داده‌اند، تصریح کرد: تاکنون پیگیری‌های انجام شده بی‌نتیجه بوده است.

اعتصاب چهار هزار کارگر مجتمع فولاد خوزستان در اعتراض به عدم افزایش ۲۵ درصدی دستمزده

به گزارش رسیده به روز شمار کارگری آمده است که : بدنال اعتصاب کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان، کارگران رسمی این کارخانه نیز در حمایت از همکاران قراردادی خود به آنان پیوستند و حدود چهار هزار کارگر این کارخانه روز چهارشنبه گذشته در اقدامی متحدانه تولید در مجتمع فولاد خوزستان را خواباندند. به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران، ایران از اول سال جاری تا کنون ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد کارگران قراردادی این کارخانه اعمال نشده است به همین دلیل آنان روز سه شنبه هفته گذشته در اقدامی اعتراضی از گرفتن غذای رستوران کارخانه خودداری کردند و سپس روز چهارشنبه بطور یکپارچه ای دست از کار کشیدند و ساعتی بعد کارگران رسمی نیز در حمایت از خواست بر حق همکاران قرار دادی خود به اعتصاب پیوستند. به دنبال این اعتصاب متحدانه مسئولین کارخانه طی مذاکراتی با کارگران اعتصابی به آنان وعده دادند ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد را که از اول سال جاری به آنان پرداخت نشده است روز شنبه هشتم تیر ماه به حسابشان واریز خواهند کرد. در ادامه این مذاکرات کارگران با اولتیماتوم آغاز اعتصابی دیگر از صبح روز پنج شنبه ششم تیر ماه بر سر کارهای خود بازگشتند. روز شنبه هشتم تیر ماه کارفرمای این کارخانه به وعده خود عمل نکرد و از آنجا که بار دیگر زمزمه اعتصاب در میان کارگران آغاز شده بود مسئولین کارخانه با حضور در جمعهای آنان ضمن تاکید بر پیگیری پرداخت ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد، از کارگران خواستند با انتخاب نماینده هایی پیگیر مطالبه خود شوند اما آنان با غیر قابل مذاکره خواندن اعمال ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد در حقوق هایشان از انتخاب نماینده خودداری کردند و با دادن فرصتی دیگر به کارفرما خواهان پرداخت هر چه فوری تر ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد شدند. کارگران قراردادی مجتمع فولاد خوزستان اعلام کرده اند در صورت ادامه خلف وعده های کارفرما بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

عدم پرداخت 11 ماه حقوق کارگران و نیروهای خدماتی آبشار یاسوج

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 10 تیر 92 آمده است : یکی از اماکن تفریحی و سیاحتی استان کهگیلویه و بویراحمد که به واقع پر ترددترین مکان گردشگری هم محسوب می شود آبشار یاسوج است. آبشار یاسوج هر ساله پذیرای ده ها هزار از مسافران و گردشگرانی است که از گرمای طاقت فرسای تابستان به آب و هوای لطیف و دلپذیر این مکان تفریحی پناه می آورند. به همین منظور و برای پی بردن به وضعیت این مکان تفریحی پر طرفدار به همراه همکار خبرنگار خود بازدیدی دو ساعته از این مکان داشتیم. قسمت اصلی گزارش ما مربوط به کارگران و رفتگرانی در این مکان گردشگری است که در وضعیت کنونی بدون حقوق 11 ماه تمام را سپری کرده اند. هنگامی که قصد بازدید از سرویس های بهداشتی آبشار را داشتیم با بغض ترکیده کارگری کهن سال روبرو شدیم که از وضع بد خود و روزگار خوب خبرنگاران سخن به میان آورد. وی که انگار بهترین سنگ صبور را خبرنگاران می دانست ناگهان و فی البداهه به سخن آمد و گفت: آقای خبرنگار برای خودت کیف کن؛ عکس در روزنامه چاپ کن و پول هایش را نوش جان کن. با گفتن این سخن از سوی این رفتگر به سراغ او رفتیم و اوضاعش را پرسیدیم که گفت می پرس از احوال من که دل پر خونی دارم. علت را با آن که ما هم در دل حدس زده بودیم برای محکم کاری از او پرسیدیم که گفت: آیا شما خبرنگاران هم 11 ماه حقوق دریافت نکرده اید که بخواهی از حال من بدانی؟ وقتی بغض پیرمرد ترکیده سعی کردیم سنگ صبورش شویم و از اوضاع و احوال دیگرش سؤال کردیم که گفت: به مرحمت وجود مردمی که به این آبشار می آیند یک چیزی هم به ما می دهند، همین که بتوانیم با آن کرایه رفت و برگشت به خانه هایمان را درآوریم.

این رفتگر آبشار از همت عالی مردم گفت و از ما خواست تا این موضوع را محض خاطر شریف شهرداری و البته پیمانکار بد حساب در روزنامه خود یا به قولی خبرگزاری بنویسیم. کمی بالاتر و به سوی سرمنشأ آبشار که رفتیم به سرویس‌های دستشویی دیگری رسیدیم که چند رفتگر جوان در آن جا مشغول صحبت با یکدیگر بودند. بدون توجه به آن‌ها راهی سرویس‌های دستشویی شدیم تا وضعیت این قسمت را هم بررسی کنیم که البته وضعیت با همه اجحافی که به کارگران در خصوص پرداخت‌ها شده بود رضایت‌بخش به نظر می‌رسید.

کارگر جوانی که بیماری از رنگ و رویش می‌بارید و ماسکی را به همین منظور بر دهان زده بود مطالبات خود را از ما پی‌گیری کرد و پرسید نمی‌دانید چرا حقوق ما را پرداخت نمی‌کنند؟ خود را خبرنگار معرفی کردیم و گفتیم مأمور شهرداری نیستیم که حقوقت را از ما مطالبه می‌کنی که در جواب گفت؛ می‌دانستم خبرنگارید و به همین خاطر از شما که وظیفه پی‌گیری حق و حقوق مردم را دارید پرسیدم.

به خود آمدیم و پای درد دل او و دو دوست دیگرش نشستیم که می‌گفتند از مهرماه سال گذشته حقوق نگرفته‌اند.

آن‌ها که دیگر مانند سابق از دوربین‌ها و ضبط صوت‌های خبرنگاران نمی‌ترسیدند مطالبات خود را به وضوح و بدون هیچ ترسی بیان می‌کردند و دیگر ترسی از اخراج شدن نداشتند.

زنان کارگر - مصائب مضاعف

به نوشته روز آنلاین به قلم نیوشا صارمی آمده است: کارگران زن یکی از اقشاری هستند که بارها در خصوص شرایط نامناسب کار آنان هشدار شده است. زنان کارگر عموماً کمتر از مردان حقوق می‌گیرند، انتخاب شغل محدودتر و نرخ بیکاری بالاتری دارند و از امنیت شغلی کمتری هم برخوردارند. اما وضع زنان کارگری که در کارگاه‌های کوچک یا زیرزمینی کار می‌کنند از این هم بدتر است.

چنانچه یک مقام کارگری در ایران هم به تازگی تاکید کرده در کارگاه‌های کوچک مسئله سوء استفاده از کارگران زن به وضوح قابل مشاهده است. رحمت‌الله پورموسی مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار خراسان با اعلام این مطلب گفته است: "متأسفانه به دلیل نابرابر بودن عرضه و تقاضا در بازارکار و نیز نبود بسترهای فرهنگی، شاهد اجحاف در حقوق کارگران زن هستیم." پورموسی شایع ترین مشکل این کارگران را ساعات طولانی کار، دستمزد ناکافی و کار سخت و طاقت فرسا و در برخی مواقع پرداخت نشدن حق بیمه دانسته است. یک فعال حقوق زنان در ایران هم به "روز" می‌گوید: "نظارتی روی کارگاه‌های کوچک و یا زیرزمینی و غیرقانونی وجود ندارد. زنانی که در اینگونه کارگاه‌ها کار می‌کنند به خاطر شرایط زندگی‌شان مجبورند با هر وضعیت سخت شغلی کنار بیایند. این گونه زن‌ها اغلب به حقوق خود آگاه نیستند و اگر هم اقدام به شکایت کنند چیزی جز اخراج از کار نصیبشان نمی‌شود."

کار+ نظافت + تهیه نهار

"در کارگاه ما سه زن و پنج مرد کار می‌کنند. علاوه بر کار کارگاه، نظافت و تهیه نهار بقیه کارگران هم به عهده ماست." این‌ها را سمانه کارگر ۳۰ ساله یک کارگاه تولید شیشه و بلور در جنوب تهران به "روز" می‌گوید و ادامه می‌دهد: "خدا را شاهد می‌گیرم که ما از مردها بیشتر کار می‌کنیم اما نصف آنها حقوق می‌گیریم. مردها ماهی ۸۰۰ هزار تومان و ما ماهانه ۴۵۰ هزار تومان درآمد داریم."

سمانه از نداشتن بیمه هم گله دارد: "بارها دست‌هایم موقع شکل دادن به شیشه‌های مذاب سوخته اما تنها امکانات ما اینجا یخ و پماد سوختگی است. بیمه هم نداریم که دکتر برویم، بدون بیمه هم باید کلی پول خرج کرد، از کجا بیاوریم؟"

سمانه این حرف‌ها را با کارفرمایش هم درمیان گذاشته است: "هر وقت از حقوق کم و کار زیاد گلایه می‌کنیم صاحب کارمان می‌گوید: اگر می‌خواستم از این پول‌ها به شما بدهم دو تا مرد می‌آوردم که قوی‌تر هستند و بهتر از شما کار می‌کنند، او گفته هر وقت خواستید تسویه حساب کنید و بروید، خیلی‌ها از خدا می‌خواهند اینجا کار کنند".

سمانه مادر جوان سه کودک ۵ تا ۱۰ ساله است، شوهرش در یکی از مراکز ترک اعتیاد بستری است، و با هزینه خانه اجاره‌ای در جنوب شهر تهران و سه بچه کوچک، این پول کفاف خرجشان را نمی‌دهد.

از یک فعال حقوق زنان در همین خصوص می‌پرسم؛ نقش فقر چقدر در تضییع حقوق کارگران زن مهم است؟ پاسخ می‌دهد: "در حال حاضر وضعیت معیشت کل جامعه کارگری با مشکلات جدی مواجه است و کارگران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. حالاحساب کنید که این مشکل برای زنان چند برابر است. کار زیاد، حقوق ناچیز و عدم امنیت شغلی زنان کارگر، به ویژه آنهایی که در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند را تحت فشار گذاشته است. همانطور که می‌دانید اغلب این زنان سرپرست خانوار هستند و با این حقوق کم واقعا اموراتشان نمی‌گذرد".

کارگرانی که در آمار هم نمی‌آیند

"زنان کارگر در آمارهای رسمی پنج درصد از کل کارگران را تشکیل می‌دهند و چون اغلب در بخش غیر رسمی شاغل هستند، در آمارها جایی ندارند و نادیده گرفته می‌شوند." این بخشی از بیانیه کمپین بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران در ایران است که چندی پیش منتشر شد. در این بیانیه با اشاره به اینکه زنان در بخش رسمی نیز از حقوق اولیه قانونی خود نیز بهره‌مند نیستند، آمده: "طبق قانون کار امتیازاتی که ظاهراً برای کمک به زنان کارگر، در نظر گرفته شده، موجب شده است تا کارفرماها به استخدام زنان کارگر، رغبتی نشان ندهند".

بر اساس ماده ۷۵ قانون کار انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگر زن ممنوع است. این درحالی است که گزارش‌ها حکایت از آن دارد که کارفرمایان بر این اساس یا از استخدام کارگران زن سر باز می‌زنند و یا با وجود منع قانونی زنان را در ازای حقوقی کمتر از مردان به این قبیل کارها وا می‌دارند.

موضوع را با این فعال حقوق زنان درمیان می‌گذاریم و او در این خصوص توضیح می‌دهد: "اول باید بگویم این رقم ۵درصدی تنها مربوط به کارگرانی است که در مراکز رسمی مشغول به کار هستند. ما به هیچ وجه آماری از زنانی که در کارگاه‌های زیر زمینی کار می‌کنند نداریم. ضمن اینکه زنان بسیاری در منزل به کارهایی مثل پاک کردن سبزی، قالیبافی، مونتاژ مشغول هستند، از عده‌ای دیگر که شغل‌هایی از قبیل دست‌فروشی یا نظافت به منازل دارند هم آماری در دست نیست".

او ادامه می‌دهد: "قوانینی مثل افزایش مرخصی زایمان زنان، کاهش ساعات کار زنانی که فرزند خردسال دارند و یا سرپرست خانواده هستند و قوانینی از این قبیل در حقیقت کار را برای زنان سخت‌تر کرده است. کارفرمایان با در نظر گرفتن این قوانین ترجیح می‌دهند کارگر مرد داشته باشند".

این فعال زنان معتقد است: "در شرایط رکود و بحران اقتصادی، مطرح شدن دورکاری و کاهش ساعات کاری زنان آسیبی جدی برای جامعه زنان شاغل محسوب می‌شود".

قربانیان صف اول

"زنان در بازار کار همچنان قربانیان صف اول هستند." این را رئیس اتحادیه زنان کارگر استان آذربایجان شرقی می‌گوید و ادامه می‌دهد: "در بازار کار، به ویژه در شرکت‌های خصوصی، زنان از مزایای قانون کار از جمله حق اولاد محروماند و فقط به دستمزد پایه بسنده می‌کنند. سیما اصغری همچنین با گلایه از نمایندگان زن مجلس گفته است آنها برای بهبود شرایط زنان شاغل

تلاشی نمی‌کنند: "ما تصور می‌کردیم زنانی که به مجلس راه می‌یابند با عضویت در فراکسیون زنان، از زنان حمایت خواهند کرد در حالی که متأسفانه می‌بینیم که از زنان حمایتی نمی‌شود و این باعث دلسردی زنان شاغل شده است."

اما مطالبات زنان کارگر در حال حاضر مشخصاً چه چیزهایی است؟ پاسخ این سؤال را فعال حقوق زنانی که با روز مصاحبه می‌کند با اشاره به مقاله نامه ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار اینگونه می‌دهد: "بر اساس این مقاله نامه هر گونه تبعیض در امور اشتغال و استخدام و هرگونه تفاوت و محرومیت بر پایه جنسیت ممنوع است. در وهله اول باید این مقاله نامه که در ایران به وضوح نادیده گرفته می‌شود اجرا شود. می‌بینیم قانون بر خلاف شعارها از زنان حمایت نمی‌کند و وضعیت زنان کارگر روز به روز وخیم‌تر می‌شود."

این فعال حقوق زنان حذف تبعیض جنسیتی، تلاش برای بالابردن سطح مهارت زنان برای به دست آوردن جایگاه مناسب، راه‌اندازی مهدهای کودک در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، فراهم کردن شرایط پیشرفت زنان در مشاغل را از جمله مهمترین مطالبات زنان کارگر در ایران می‌داند.

آغاز موج جدید اخراج و تعدیل نیرو در شرکت نفت و گاز پارس

به نوشته پانا نیوز در 10 تیر 92 آمده است: با وجود اینکه تعدادی از پذیرفته شدگان آزمون استخدامی سال 90 شرکت ملی نفت مراحل مختلف مصاحبه، گزینش و طب‌صنعتی را گذرانده و در شرکت نفت و گاز پارس مشغول به کار شده‌اند، به تازگی به عنوان نیروی مازاد اعلام شده‌اند.

در روزهای گذشته تعدادی از کاربران که کارکنان جدید استخدام شرکت نفت و گاز پارس هستند با ارسال پیام‌های مشابهی خواستار رسیدگی به مشکل خود مبنی بر اعلام عدم نیاز شرکت متبوع به خدمات آنها شده‌اند.

در این خصوص یکی از این کارکنان جدید استخدام توضیح داده است: "از قبول شده‌های آزمون استخدامی تیر ماه 90 شرکت نفت هستم که از سال گذشته در شرکت نفت و گاز پارس واقع در منطقه عسلویه مشغول به کار شدم.

دارای کارشناسی ارشد مهندسی و بیش از 1000 ساعت دوره تخصصی و تالیف کتاب هستم. این شرکت هفته گذشته اسامی بیش از 300 مهندس جدید استخدام خود را به عنوان مازاد اعلام و از آنها خواسته که برای مصاحبه به شرکت گاز مراجعه کنند.

گفته می‌شود لیست نهایی شامل 500 نفر خواهد بود؛ این در حالی هست که مجوز استخدامی ما برای شرکت نفت و گاز پارس بوده است."

کاربر دیگری که خاطرنشان کرده است: "شرکت نفت و گاز پارس در سال 90 از طریق آزمون استخدام شرکت ملی نفت ایران اقدام به جذب حدود 1200 نفر نیرو کرده است و با وجود اینکه حدود 1000 نفر از این افراد پس از طی پروسه ای طولانی در نهایت پس از 15 ماه جذب شرکت شدند، 200 نفر باقیمانده با ادعای مدیران میانی مبنی بر مازاد بودن نیروها پس از نزدیک به 2 سال انتظار در نهایت، اردیبهشت ماه امسال جهت اشتغال به کار در سایر شرکت‌های

زیرمجموعه وزارت نفت، از طرف شرکت نفت و گاز پارس به دوره ی آموزشی دعوت شدند. از چندی قبل نیز شایعاتی مبنی بر انتقال تعدادی دیگر از نیروهای شرکت (1000 نفر جذب شده از طریق آزمون سال 90) بین کارکنان پخش شد که تایید و تکذیب برخی روسای میانی ورده پایین را به همراه داشت تا اینکه بالاخره طی هفته ای که گذشت شایعات رنگ واقعیت به خود گرفتند و با تعدادی از نیروها جهت دعوت به مصاحبه در راستای انتقال به شرکت ملی گاز تماس گرفته شد.

با توجه به اهمیت موضوع و عدم رضایت جمع کثیری از پرسنل نسبت به این جابه جایی خواهشمند است در این زمینه پیگیری و اطلاع رسانی بفرمایید."

در چنین شرایطی این سوالات از سوی دارندگان این مشکل مطرح شده است که:

- 1- چرا اسامی را در سکوت کامل اعلام کردند و حتی نمی گویند معیار انتخاب چیست؟
- 2- اگر پارس جنوبی نیرو لازم نداشته، پس چرا آزمون استخدامی گذاشته و مجوز استخدام را اخذ کرده است؟
- 3- چرا نیروهای پیمانی مجوز دار و جوان خود را مازاد اعلام کرده اند، در حالی که انبوهی از نیروهای سن بالا از شرکت های دیگر به صورت مامور به این شرکت آمده اند؟
- 4- در کجای دنیا و ایران با نیروهای تازه استخدام به این صورت رفتار می شود؟ آیا برای این نیروها در سازمان فعلی و سازمان بعدی روحیه خدمتی می ماند.
- 5- پارس جنوبی میدان رقابت ایران و قطر بوده و لازم است نیروهای جوان با تخصص خود، عقب افتادگی ها را جبران کنند. بنابراین به نظر می رسد نه تنها نیروی مازاد وجود ندارد، بلکه توسعه این میدان با کمبود نیرو نیز مواجه است.

تجمع اعتراضی کارگران کشاورزی در اصفهان

طی گزارشی در مطبوعات آمده است : کشاورزان و باغداران حاشیه زاینده رود بین استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در مقابل بانک کشاورزی تجمع اعتراضی برپا کردند. کشاورزان خشمگین به اختصاص 3 میلیارد تومان از وام 6 میلیارد تومانی به آخوند سیاح معترض بودند. قرار بود بانک کشاورزی به هر کشاورز 50 میلیون تومان وام بدهد اما با اختصاص نیمی از این باند به آخوند غارتگر، عملاً به بسیاری از کشاورزان وام نمیرسید. کشاورزان گفتند طی روزهای آینده اعتراضات خود را گسترش میدهند.

کارگران پیمانکاری درخشان کویر شهرداری طیس دو ماه حقوق طلبکارند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 10 تیر 92 آمده است : ۴۳ کارگر فضای سبز شهرداری طیس که تحت نظارت شرکت پیمانکاری درخشان کویر فعالیت دارند دو ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. بنا به همین گزارش، کارفرمای این شرکت علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق دو ماه گذشته، از کارگران خود در هنگام استخدام برگه تسویه حساب نیز گرفته است. قرار داد این کارگران هر دو ماه یکبار تمدید می شود و کارفرما شرط هر گونه استخدام یا تمدید قرارداد را برگه سفید امضا توسط کارگر اعلام کرده است.

افزایش چپاولگری سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات در دوره آخوند روحانی

بر پایه گزارش خبری روزنامه رسالت آمده است : محمدباقر نوبخت مشاور اقتصادی آخوند حسن روحانی، به چپاولگران سپاه و بسیج و اطلاعات آخوندی خاطر جمعی داد. روزنامه حکومتی رسالت که روز 4 تیر نوشت. محمد باقر نوبخت گفت: "سپاه، بسیج و دستگاه امنیتی ظرفیت بزرگ انقلاب اسلامی هستند و باید از آنها بهره گرفته شود". وزیر احتمالی اقتصاد آخوند روحانی در حالی به غارتگران سپاه برای چپاول اطمینان خاطر میدهد که روزنامه حکومتی مردمسالاری در همین روز از دهها میلیارد هزینه کرد بدون نتیجه سپاه در فازهای پارس جنوبی خبر داده است. اکبر ترکان وزیر دفاع قبلی رژیم و رئیس شرکت گاز و نفت سابق گفت: "تاکنون 46 میلیارد دلار در پارس جنوبی هزینه شده ضمن آنکه حتی یک فاز جدید و استاندارد این میدان مشترک هم آماده بهره برداری و تولید گاز نیست. ضمن آنکه شرکت ملی نفت ایران اخیراً اعلام کرده است که به حدود 30 میلیارد دلار منابع مالی دیگر برای سال 92 نیاز است."

ادامه اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار

بر پایه خبر دریافتی، آمده است: کارگران شرکت قطعات توربین شهریار وابسته به توانیر در استان البرز هم چنان در اعتصاب به سر می برند. آنها در اعتراض به اخراج چند تن از کارگران از هفته گذشته دست به اعتصاب زدند. کارگران از اول ماه جاری از ورود مدیران شرکت به داخل کارخانه ممانعت به عمل آوردند. دور جدید اعتصابها در دو شیفت کاری صبح و عصر به مدت یک هفته ادامه دارد.

عضو هیئت مدیره کانون شوارهای اسلامی کار مازندران: موانع فعالیت تشکلهای صنفی کارگری باید برچیده شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 10 تیر 92 آمده است: عضو هیئت مدیره کانون شوارهای اسلامی کار مازندران گفت: باید موانع حمایت از تشکلهای صنفی کارگری رفع و شفاف سازی کاملی در این زمینه صورت گیرد.

«ناصر وفایی نژاد» با اعلام این مطلب افزود: تاکنون نقش تشکلهای مردم نهاد در تصمیم گیریها به خوبی مشخص نشده است، وی گفت: قانون باید اینجایگاه را به طور کامل مشخص کرده و مسئولین بدانند که این نهادها تا چه میزان می توانند به ایفای نقش پردازند.

رئیس شورای اسلامی کار شهرداری ساری با اشاره به رسیدگی دیوان عدالت اداری و مراجع قضایی کشور در خصوص اعتراض و شکایت کارگران به حداقل مزد سال 92، افزود: چنانچه در این رابطه حکمی به نفع کارگران صادر شود، شورای تعیین دستمزد موظف است بر اساس آن در مصوبه قبلی خود تغییر ایجاد کند. وی افزود: حتی اگر در حال حاضر دستمزدها بر اساس نرخ واقعی تورم افزایش یابد، نمی توان مدعی افزایش قدرت خرید کارگران شد زیرا در این صورت تنها قدرت خرید کارگران با نرخ تورم رسمی افزایش یافته است.

وفایی نژاد گفت: امروزه برخلاف وعدهها و شعارهای عدالت محوری دولت، شاهد ارایه لایحه اصلاح قانون کار هستیم که بعضی از بندهای آن تهدید کننده امنیت شغلی و اجتماعی و عدالت و توسعه کشور هستند.

رئیس شورای اسلامی کار شهرداری ساری تصریح نمود: بزرگترین ظلمی که در حق مردم و اقتصاد کشور شد بی توجهی به تولید و اقتصاد رقابتی و تخصصی و در مقابل اتکا بی چون و چرا به درآمدهای نفتی بود. وی افزود: به دلیل اتخاذ همین شیوه در هشت سال گذشته وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش پیدا کرده و از این محل به کارگران آسیبهای زیادی وارد شده است.

وفایی نژاد بابیان اینکه در اکثر کشورهای توسعه یافته مردم برای دولت تصمیم می گیرند و دولت اجرا می کند، گفت: ولی در کشورهای نظیر کشور ما به علت تکیه اقتصادی بر درآمد نفتی، دولت از موضع قدرت با مردم رفتار می کند و به جای اینکه تابع رای و نظر مردم باشد برای مردم تعیین تکلیف می کند.

پایان پیام

مرگ دلخراش یک کارگر در دستگاه سنگ شکن

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 10 تیر 92 آمده است : براساس خیر دریافتی در تاریخ 9 تیر کارگری به نام امجد چشمه سپی کارگر شرکت ساشا بتن سازنده بتن آماده و تی‌رچه و بلوک و قطعات بتنی در 15 کیلومتری جاده کامیاران سنندج به داخل سنگ شکن افتاده و پس از انتقال به بیمارستان متاسفانه جان خود را از دست داد.

این کارگر جوان ساکن روستای کانی کوه در 10 کیلومتری جاده کامیاران کرمانشاه بود. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده و دوستان امجد چشمه‌سپی، عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیط‌های کار که ناشی از سودخواهی سرمایه‌داری است را عامل بروز این گونه حوادث می‌داند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

نامه: خطاب به رئیس جمهور جدید ، دادستان تهران و رئیس زندان رجایی شهر از : شاهرخ زمانی به : رئیس جمهور جدید ، دادستان تهران و رئیس زندان رجایی شهر موضوع: نقض حقوق اولیه زندانیان و قتل‌های زنجیره ای

یک مرگی دیگر، جنایتی دیگر، به کدامین گناه کشته میشوند، این بار نیز کارگر زندانی که جرمش دفاع از طبقه کارگر بوده در زندان کشته شد، مرگ افشین اسانلو را چگونه توجیه خواهند کرد؟ چه کسی پاسخ گو خواهد بود؟ قوه قضاییه، دادگاه تهران، رییس زندان یا اداره اطلاعات؟ **آقای رئیس جمهور شما در این رابطه چه کار خواهید کرد؟**

گویی قتل‌های زنجیره ای در زندان‌ها تمامی ندارد، ... ولی الله فیض، اکبر محمدی، میر صیافی، امیر حشمت، عبدالرضا رحبی، منصور رادپور، ستار بهشتی، علیرضا کرمی خیرآبادی، شهبازی ... و امروز افشین اسانلو، این لیست تنها بخش کوچکی از جنایت‌های ماشین سرکوب در زندان رجایی شهر میباشد، تا غارتگران طبقه حاکم بتوانند ثروت‌های عمومی را هرچه بیشتر و بدون مانع تصاحب کنند، دادگاه‌های تحت فرمان قوه قضاییه در حالی با تبعیت از حکم قضایی دو نوجوان را به جرم سرقت 150000 تومان که بخاطر درمان مادر بیمارشان دزدیده بودند، با اتهام محاربه اعدام می‌کند، در حالی که برادر رئیس همان قوه قضاییه بزرگترین زمین خوار ایران است و با تکیه بر قدرت دو برادر خود در سمت‌های بالای حکومتی بدون دغدغه و ترس از قانون، تخلفات بی حد و مرز خود را ادامه می‌دهد، همچنین تحت تسلط و حوزه کاری چنین قوه قضاییه ای رقم‌های اختلاس و دزدی 3 هزار میلیارد تومانی و مانند آن هر روز بیشتر اتفاق می‌افتد، به گفته رییس سازمان بازرسی، مقامات 450 میلیون یورو بالا کشیده اند، اختلاس در پرونده پتروشیمی سر به آسمان می‌زند، تحت حمایت‌های غیر مستقیم چنین قوه قضاییه‌ی، رحیمی معاون اول، دارای پرونده 70 میلیاردی از بیمه ایران آزادانه می‌گردد، قاضی مرتضوی و حداد و مقیسه و متجاوزین مسئول، صدها جنایت مانند آمر و ناظر جنایات کهریزک تحت فرمان قوه قضاییه با اهانت به شعور شاکیان و عموم مردم فقط 200000 تومان جریمه می‌شود، عدالت را در دستگاه قضایی نگاه کنید، قاضی مرتضوی در مقابل جرایمی مانند دستور شکنجه، نظارت بر شکنجه، تجاوز به دختران و پسران، قتل‌های عمد در کهریزک به 200000 تومان جریمه محکوم می‌گردد و در کنار اجرای چنین عدالتی همین قوه قضاییه دو نوجوان را به خاطر سرقت 150000 تومان با حکم محاربه اعدام می‌کند!!! راستی با چنین قوه قضاییه و قضات چگونه باید برخورد کرد؟ آقای رئیس جمهور شما در این رابطه چه کار خواهید کرد؟

این تنها گوشه‌ای از دزدی و جنایت مسئولین است که علنا "روزنامه‌های تحت سانسور شدید می‌توانند از آن سخن بگویند، و ما زندانیان سیاسی نیز زیر سلطه چنین قوه قضاییه دستگیر، شکنجه، محاکمه، زندانی و نگهداری می‌شویم، حال خود بخوان سر نوشت شور بختی ملت ایران را،

چپاول طبقه حاکم، تحت حاکمیت دستگاه های فوق تکمیل شده، به 70 میلیون مردم، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان، بیکاری، فقر و فلاکت، فحشا و اعتیاد، جرم و جنایت ... تحمیل میشود و هر اعتراض عدالت خواهانه و هر تشکل مبارز مردمی در نطفه خفه میشوند، سخن کوتاه کشور به جهنم 70 میلیون ایرانی و ملک خصوصی چند دزد و غارتگر تبدیل شده است . آقای رئیس جمهور ، جناب دادستان و رئیس زندان رجایی شهر با توجه به سیاست سرکوب ، خودسری و تجاوز به حقوق قانونی ، هتک حرمت و دستگیریهای بدون حکم و خودسرانه ، پرونده سازی و پاپوش دوزی ، حکمهای سنگین به سفارش اداره اطلاعات ، وجود انواع شکنجه های روحی و جسمی موجود حاصل چنین روند و حاکمیتی است که شما نیز بخش مهمی از این مجموعه هستید، کارکرد و روند آگاهانه ضد مردمی این حاکمیت هیچ راهی جهت دفاع از حقوق خود برای ما باقی نگذاشته است، بنا براین جان خود را کف دست گرفته از حقوق طبقه کارگر ، عموم مردم ، زندانیان سیاسی و خود، این چنین دفاع می کنم، تا باشد انسانها قضاوت کنند، و از همه کارگران ، جوانان ، عموم مردم، نهاد ها ، سازمانها ، وکلا داخلی و جهانی می خواهم در این مبارزه ما را یاری کنند . آقای رئیس جمهور ، جناب دادستان و رئیس زندان رجایی شهر، توجه شما را به نقض آشکار قوانین مصوب خودتان جلب می نمایم :

- 1- نقض آشکار اصل 30 قانون اساسی در هتک حرمت زندانیان در پوشاندن اجباری لباس زندان و زدن دستبند و پابند و لخت مادرزاد کردن زندانیان در در مقابل دوربین و سربازها هنگام ورود ، در حالیکه طبق ماده 19 و 35 آیین نامه سازمان زندانها در تبصره ای، حتی زدن دستبند منوط به شرایطی است چه رسد به لباس اجباری و پابند زدن .
- 2- نقض آشکار ماده 93 و 95 آیین نامه سازمان زندانها "صراحتاً" بر دادن سبزیجات تازه ، انواع لبنیات ؛ تخم مرغ و دادن میوه پس از هر سه وعده و ناهار و شام هر هفته تاکید شده است شما با سویای حیوانی در شب و روز که تماماً" به طرف زباله ریخته می شود باعث گرسنگی و هزینه های سنگین برای زندانیان می شوید .
- 3- قانون شکنی و سلیقه ای عمل کردن در مورد مفاد آیین نامه در مورد مرخصی زندانیان که فقط شامل نورچشمی های خودتان و کسانی که تن به رذالت و همکاری با شما و حکومتیها می دهند ، می شود. علیرغم تأکید قانون بر دادن مرخصی هنگام فوت و عروسی بستگان، ممانعت شما از این عمل و ندادن مرخصی به زندانیان برای شرکت در مراسم ختم و عروسی نزدیکان نشانگر ماهیت و ضد مردمی شما می باشد، با مرخصی ندادن به افرادی مثل محمدا میر خیزی ، عادل نعیمی و شاهرخ زمانی برای عروسی فرزندانشان و مصطفی نیلی و خالد حردانی برای مرگ پدر و مادرشان نمونه های بارزی هستند.
- 4- نقض آشکار آیین نامه اجرایی بیمه درمانی زندانیان مصوب 61/12/4 به شماره 44014 در درمان با داروی مجانی زندانیان در ماده 1 و 2 و 5 که پزشک زندان غیر از موارد جزئی مانند سرماخوردگی تمامی موارد را از طریق خانواده به بیرون حواله می دهد و همچنین کسانی که به بیرون اعزام می شوند با هزینه خودشان باید عمل یا مداوا شوند .
- 5- تفتیش دائمی عقاید که علناً" در زندانها صورت می گیرد، و زندانیان با عناوین ملحد ، جاسوس و... نامیده می شوند، و در مورد تشکلهای مدنی ، اجتماعی و اقلیتهای مذهبی عملاً" نقض آشکار اصل 23 قانون اساسی در آیین نامه تفتیش عقاید و همچنین در اصل 24 آزادی بیان که در این مورد شرح مذاکرات مجلس خبرگان می گوید این آزادی شامل نوشتن کتاب در بدی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می شود .
- 6- کمبود فضای زندگی برای محکومین که می باید از 5 سال تا ابد در زندان باشند که سلولهای انفرادی را محل زندگی 2 تا 3 نفر قرار داده اید همچنین هواخوری 2/5 ساعته به جای 12 ساعت در کنار اوضاع به شدت خراب بهداشتی و درمانی و تغذیه ای که باعث مرگ هفتگی در زندان بوده و قتل عمد به حساب می آید .

- 7- نقض ماده 180 آیین نامه سازمان زندانها در حقوق متهمان برای مکاتبه که تقریباً همه زندانیان از آن محرومند .
- 8- پرونده سازی و پاپوش دوزی سازمان یافته اداره اطلاعات علیه کسانی که با خودسری و قانون شکنی مسئولین خاطی مبارزه کرده و اعمال سرکوبگرانه آنان را افشا می کنند مانند خالد حردانی ، شاهرخ زمانی و تعداد زیادی از زندانیان دیگر که علاوه بر پرونده اصلی پرونده ساختگی و پاپوش جدید توهین به رهبری نیز بر علیه شان ساخته شده است .
- 9- عدم اعزام به بیرون در عمل و درمان زندانیان بیماری که با تایید بهداری باید اعزام می شدند که تلاشی برای نابودی آنهاست ، با توجه به اینکه عامل اصلی بیماری زندانیان وضعیت و شرایط زندان است که شما به عمد و با برنامه چنین شرایطی را ایجاد کرده اید، عقده و سادیسیم اداره اطلاعات و مدیر زندان در این مسئله به قدری است که علیرغم تقاضای بهداری زندان برای دادن گوشی پزشکی به دکتر مقدم هموطن زندانی در سالن 12 جهت تشخیص به موقع بیماری به آنان اجازه نداند و جلوی این کار را گرفته اند، تا خللی در قتل و مرگ تدریجی برنامه ریزی شده زندانیان در این قبرستان ایجاد نشود. نامق محمودی در سایه این ممانعت آگاهانه در حال از دست دادن یک چشمش می باشد و از اعزام میثاق یزدان نژاد و توکلی و عباس بادفر برای اعزام ممانعت می شود. 10- ندادن تلفن که در تمامی زندانها به جز سالن 12 رجایی شهر دایر می باشد و نبود ملاقات حضوری و مرخصی.
- 11- نصب دهها دستگاه پارازیت انداز سرطان زا ، همین یک مورد برای اثبات برنامه ریزی و عمدی بودن قتل و کشتار زندانیان کافی است.
- 12- نقض آشکار تبصره 3 ماده 98 آیین نامه سازمان زندانها در توزیع اجناس به قیمت تعاونی و توزیع اجناس بنجل و بدون استاندارد به قیمتهای دلخواه و برای سرکیسه کردن زندانیان، برای نمونه سبزی 100 گرمی 3300 تومان و یا با پول یک ماه روزنامه فقط 10 روز، روزنامه به زندانی تحویل می دهند .
- 13- توزیع برنامه ریزی شده و دائمی مواد مخدر و روانگردان توسط خود زندان، در جهت نابودی جسمی و روحی زندانیانی، که در سالنهای عادی، مخصوصاً" ، هر هفته یک جسد تحویل پزشک قانونی می شود .
- 14- ندادن ملاقات حضوری به اکثر زندانیان و شرطی و سلیقه ای کردن آن و توهین و تحقیر خانواده های زندانیان با تفتیش کامل و شکستن وسایل حتی قلم و خودکارشان،
- 15- 13 نفر از محکومین نیروهای نظامی که 6 تا 24 ماه در سلول انفرادی بوده اند این دوره در حبس قطعی آنها به صورت صد در صد غیرقانونی حساب نشده است.
- 16- بلاتکلیف بودن یک سری از هموطنان اهل سنت به مدت 4 سال و همچنین اعدام شدن به جرم اعتقادشان که طی چند ماه گذشته اعدام شدند اسامی آنها عبارت است از : بهرام احمدی ، هوشیار محمدی ، محمدظاهر بهمنی ، اصغر رحیمی ، بهنام رحیمی و کیوان زندکریمی و در حال حاضر نیز حکم اعدام 26 نفر آنها داده شده و در معرض اعدام هستند .
- آقای دولت آبادی و آقای مردانی، آیا هدف شما نابودی و قتل عام 250 انسان به مرگ تدریجی در گورستان رجایی شهر می باشد؟ تا مردم را از نمایندگان واقعی خود در رسیدن به اهداف خود محروم کنید؟ اما ما زندانیان عقیدتی سیاسی در مقابل این عمل آگاهانه و برنامه ریزی شده از طرف حافظان بهره کشی و غارت و دزدی ساکت نمی نشینیم، خود می دانید تمامی انسانهای فعال برای به دست آوردن حقوق خود مبارزه خواهند کرد از جمله در چند روز گذشته تعدادی از زندانیان دست به اعتصاب غذا زدند تا این خودسری و قانونشکنی و سرکوب شما و شکنجه های روحی و جسمی را محکوم بکنند و صدای خود را به گوش مردم قهرمان ایران و جهان برسانند، بگذار ملت ایران و جهان و تمام مدافعین حقوق بشر بدانند ماشین سرکوب و جنایت ایران برای پاسداری از منافع نا مشروع خود و چپاول ثروتهای ملی از

مرحله دستگیری تا زندان و اعدام بر سر مبارزان چه می آورد، یقین هم بدانید دور نیست روزی که در قبال اعمال خود پاسخگو باشید.

آقای رئیس جمهور شما با موارد بیان شده در بالا چگونه برخورد خواهید کرد؟
شاهرخ زمانی - رجایی شهر

139/4/10

رونوشت به تمامی نهادها و مجامع بین المللی در داخل و خارج کشور

در برنامه رادیویی این هفته «کار و کارگر»؛ علت بیکاری زنان و دختران بررسی می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 10 تیر 92 آمده است: در برنامه این هفته «کاروکارگر» شبکه رادیو اقتصاد با حضور سهیلا جلوآرزاده، مشاور وزیر کار دولت اصلاحات و رییس اتحادیه زنان کارگر علل رشد بیکاری زنان و بیکار بودن نیمی از دختران جوان 15 تا 24 ساله بررسی خواهد شد.

به گزارش ایلنا، طبق آخرین آمار سالانه مرکز آمار ایران نرخ بیکاری زنان دو برابر نرخ بیکاری مردان است. بر این اساس در سال 91 در حالی نرخ بیکاری زنان حدود 20 درصد بوده که این نرخ در مردان 5/10 درصد بوده است. از سوی دیگر آمار مرکز آمار ایران از وضعیت بازار کار ایران در سال 91 نشان می دهد که 5/41 درصد دختران جوان 15 تا 24 کشور بیکار هستند. این رقم برای پسران جوان 15 تا 24 ساله 4/23 درصد است.

بر اساس این گزارش علت بیکاری نیمی از دختران جوان کشور و بالاتر بودن نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان موضوعی است که در برنامه این هفته «کاروکارگر» شبکه رادیو اقتصاد بررسی خواهد شد.

در این برنامه سهیلا جلوآرزاده، مشاور وزیر کار دولت اصلاحات و رییس اتحادیه زنان کارگر که نامش به عنوان یکی از گزینه های مطرح برای تصدی وزارت کار دولت یازدهم نیز مطرح است حضور خواهد داشت و وی ریشه های افزایش بیکاری زنان را بررسی خواهد کرد.

در این برنامه زنده که ساعت 20:10 سه شنبه - یازدهم تیر - از شبکه رادیو اقتصاد (موج افام، ردیف 98) پخش می شود، مخاطبان و کارشناسان نیز می توانند از طریق شماره تلفن 02122652525 مشارکت داشته باشند یا از طریق ارسال پیامک به سامانه 30003637 نظر خود را در این مورد عنوان کنند.

درگیری مردم محروم بندرعباس با نیروهای سرکوبگر

برپایه خبردریافتی آمده است: باربران و کسبه بازار بندر عباس روز سی ام خرداد در اعتراض به وحشیگری مزدوران لباس شخصی که تحت عنوان مأموران سد معبر به باربران حمله کرده بودند با آنان درگیر شدند. مأموران با واژگون کردن گاریهای باربران تلاش کردند از هر نفر 4 هزار تومان رشوه بگیرند اما باربران خودداری کرده و کسبه خیابان بهار نیز به آنان پیوستند و دامنه اعتراضات به خیابانهای دیگر نیز کشیده شد.

بی اطلاعی از وضعیت کارگر زندانی "هیواغریبی"

به گزارش رسیده آمده است : با گذشت حدود شانزده روز از دستگیری هیوا غربی کارگر شرکت گاز سنندج هنوز خبری از او در دست نیست .
نام برده در جمعه ۲۴/۳/۹۲ توسط پلیس امنیتی در منزل خودش دستگیر شده و با وجود پیگیری‌های متعدد خانواده‌ی غربی و مراجعه به ستاد خبری و دادگستری سنندج هنوز پاسخی در مورد وضعیت و علل دستگیری وی دریافت نکرده‌اند.

۱۰ تیر ۱۳۹۲

عضو کانون بازنشستگان استان تهران در گفت‌وگو با ایلنا: وعده پرداخت افزایش حقوق بازنشستگان محقق نشد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 10 تیر 92 آمده است : عضو کانون بازنشستگان استان تهران از خلف وعده دوباره مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در خصوص پرداخت مابه التفاوت مستمری‌های سال ۹۲ کارگران بازنشسته انتقاد کرد.

«اسماعیل حق پرستی» به ایلنا گفت: برخلاف اظهارت چند روز پیش مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، از صبح امروز هیچ مبلغی بابت مابه التفاوت مستمری‌های چهار ماه اول سال ۹۲ به حساب بانکی بیمه شدگان بازنشسته ریخته نشده است.

او افزود: به همین دلیل صبح امروز تعدادی بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی استان تهران با مراجعه به خانه کارگر و بیان اعتراض خود خواستار پی‌گیری چرایي خلف وعده دوباره مسئولان سازمان تامین اجتماعی و کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی بودند.

عضو اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور در خاتمه یادآور شد: اینکه بعد از گذشت سه ماه از سال جاری وعده مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی و رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور برای چندمین بار محقق نمی‌شود نشانه خوبی نیست و مسئولان امر باید به این موضوع توجه کنند.

اجرای تحریم‌های تازه علیه ایران از روز دوشنبه

بر پایه خبر صدای آمریکا در دوشنبه 10 تیر 92 آمده است :تحریم های تازه آمریکا علیه صنعت نفت، کشتی رانی و صنایع کشتی سازی ایران از روز دوشنبه اجرا می شود.
این تحریم ها پیشتر در ماه ژانویه سال جاری میلادی پس از آن که به تصویب کنگره آمریکا رسید، با امضای باراک اوباما رییس جمهوری آمریکا به قانون تبدیل شد و با یک دستور ویژه ریاست جمهوری در اوایل ماه ژوئن گسترش یافت.
تحریم های سخت اقتصادی پس از مدت کوتاهی از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران و پیروزی حسن روحانی، کاندیدای میانه رو، اجرا می شود.
آقای روحانی وعده داده است در دولت او تحریم ها علیه ایران کاهش خواهد یافت.
یک مقام دولت باراک اوباما اوایل ماه ژوئن میلادی گفت با اجرای قانون جدید، تعداد قابل توجهی از شرکت ها و افراد در ایران تحریم خواهند شد. تحریم های جدید باعث محدودتر شدن روابط شرکت های خارجی با ایران می شود.
ایالات متحده آمریکا و متحدانش به دلیل فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران، این کشور را تحریم کرده اند. آنها نگران هستند که برنامه اتمی ایران دارای اهداف نظامی باشد.

اتهامی که دولت ایران آن را رد کرده است. جمهوری اسلامی همچنین از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم شده است.

صبح امروز 1200 کارگر کارخانه نورد لوله صفا دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: بدنبال عدم پرداخت اضافه کاری و دو ماه از دستمزد کارگران کارخانه نورد لوله صفا و زمزمه اعتصاب در میان این کارگران، آنان صبح امروز 11 تیر ماه بطور یکپارچه ای تولید در این کارخانه را خواباندند و معترضان خواهان پرداخت اضافه کاریها و دستمزدهای معوقه خود شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اعتصابی این کارخانه بدنبال تکرار وعده و وعید از سوی مسئولین شرکت چنان خشمگین شدند که درصدد تخریب اموال کارخانه بر آمدند اما با میانجی گری نماینده هایشان آسیمی به اموال کارخانه نرسید. بنا بر این گزارش بدنبال این وضعیت مدیریت کارخانه اعلام کرد فردا صبح دستمزد اردیبهشت ماه کارگران به حسابشان واریز خواهد شد اما این وعده نیز با خشم و اعتراض وسیع کارگران مواجه شد. کارگران در این اعتراض با اشاره به گرانیهای سرسام آور، عدم پرداخت دستمزد خود را یک جنایت نامیدند و بر ادامه اعتصاب و اعتراض تاکید نمودند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران با نزدیک شدن ظهر و افزایش خشم کارگران، مدیریت کارخانه بناچار دستمزد اردیبهشت ماه کارگران را به حساب آنان واریز کرد و در ادامه متعهد شد از این پس دهم هر ماه دستمزد کارگران را به حساب آنان واریز کند. کارگران اعتصابی کارخانه نورد لوله صفا بدنبال این موفقیت بر سر کارهای خود بازگشتند و بطور قاطعانه ای اعلام کردند دیگر تحمل عدم پرداخت دستمزد خود را ندارند و چنانچه کارفرما در این زمینه ذره ای کوتاهی کند بلافاصله دست به اعتصاب و اعتراض خواهند زد.

آتش خشم کارگران کیان تایر بار دیگر شعله ور شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: بدنبال زمزمه واگذاری کارخانه کیان تایر(لاستیک البرز) به کارفرمای سابق آن، بار دیگر شعله های آتش از این کارخانه زبانه کشید و کارگران این کارخانه دست از کار کشیدند. در حال حاضر کارگران کیان تایر دستمزد خرداد ماه خود را دریافت نکرده اند و تولید در آن با کمبود مواد اولیه مواجه است. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه از مدتها پیش زمزمه واگذاری کارخانه به کارفرمای قبلی آن (شرفی) بالا گرفته است و نامبرده دیروز در جلسه ای که با شرکت مدیران و مسئولین کارخانه و نماینده های کارگران در وزارت صنایع برگزار شده بود شرکت داشت که این امر خشم صدها کارگر این کارخانه را برانگیخت و آنان صبح امروز با دست کشیدن از کار اقدام به تجمع و آتش زدن لاستیک در محوطه درونی کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر کردند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران، مسئولین شورای تامین استان در محل حاضر شدند و بدنبال مذاکراتی که صورت گرفت کارگران به تجمع خود پایان دادند و بطور قاطعانه ای اعلام داشتند تحت هیچ شرایطی کارفرمای سابق را به کارخانه راه نخواهند داد و چنانچه وزارت صنایع بدون توجه به خواست کارگران اقدام به اینکار کند دست به اعتراضات گسترده ای خواهند زد. حجم آتشی که امروز کارگران کیان تایر برپا کرده بودند به حدی بود که بدنبال پایان اعتراض کارگران، ماشینهای آتش نشانی اقدام به خاموش کردن آتش نمودند. بدنبال اعتراضات گسترده کارگران کیان تایر در سالهای 86 و 87 کارفرمای این کارخانه خلع ید شد و از آزمون تاکنون اداره آن در اختیار سازمان حمایت از صنایع قرار دارد.

اطلاعیه شماره ۶ ، کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ، بازگشت بهنام ابراهیم زاده به زندان!

بر پایه اطلاعیه کمیته دفاع ... در 11 تیر ماه 92 آمده است : بهنام ابراهیم زاده که از چهارشنبه هفته گذشته ۵ تیر ماه به مرخصی آمده بود تا درکنار فرزند بیمارش نیما باشد امروز با مراجعه به مراجع قضائی برای تمدید مرخصی اعلام شد که ایشان باید هر چه سریع تر به زندان برگردند و با تمدید مرخصی به هیچ عنوان موافقت نشد.

از این رو بهنام ابراهیم زاده امروز سه شنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۹۲ به زندان اوین برگشت در حالی که نیما به شدت بیمار است و نیاز مبرم به حضور پدرش دارد تا در این شرایط از لحاظ روحی بهتر بتواند دوره درمان را سپری کند.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده - یازدهم تیر ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

يك كارگر بازنشسته بیمارستان خاتم الانبياء انتقاد کرد: تبعيض میان مزایای پرداختی به کارکنان دولت و کارگران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است : يك کارگر بازنشسته بیمارستان خاتم الانبياء در نامه‌ای به «حسن روحانی» رئیس جمهور منتخب مردم، از وجود تبعيض میان مزایای پرداختی به کارکنان دولت و کارگران انتقاد کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «تقی یوسفی» در بخشی از این نامه آورده است: تحصیل رایگان فرزندان کارکنان آموزش و پرورش در مدارس تیزهوشان (استعدادهای درخشان)، ۵۰ درصد پرداختی کارت طلایی برای درمانشان و دریافت چند نوبت بن کالا در سال تنها بخشی از تبعيض موجود میان کارکنان دولت و کارگران است.

در ادامه آمده است: این در حالی است که تمام هزینه‌های پرداختی برای آموزش و پرورش، بانک‌ها و کارکنان دولت از منابع عمومی تامین می‌شود و کارگران نیز از این بیت‌المال سهم دارند که تاکنون محروم مانده‌اند.

این کارگر بازنشسته در پایان بر تعلق منابع عمومی به صورت مساوی میان همه اقشار جامعه تاکید کرد.

محاکمه ی "غالب حسینی" فعال کارگری وعضو کمیته ی هماهنگی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 11 تیرماه 92 آمده است : به گزارش رسیده روز یکشنبه مورخ 92/4/9 جلسه ی بررسی پرونده ی غالب حسینی در شعبه ی یکم دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی پرونده آقای بابایی و به وکالت آقای "عباس جمالی" برگزار شد که یکساعت به طول انجامید. اتهام وارده به این فعال کارگری عضویت در کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و وابستگی به احزاب خارج از کشور عنوان شد که این فعال کارگری ،ضمن رد اتهام وارده وبی اساس خواندن آن، از حقانیت و استقلال کمیته ی هماهنگی دفاع نمود. لازم به ذکر است که این محاکمه قرار بود در شنبه 92/4/8 برگزار شود که با درخواست وکیل ایشان جهت مطالعه ی پرونده به روز 92/04/9 موکول شد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگري، ضمن محکوم نمودن محاکمه ي غالب حسيني، خواهان رفع اتهام از نام برده و همچنين آزادي ساي کارگران، فعالين کارگري و زندانيان سياسي مي باشد.
کمیته ي هماهنگي براي کمک به ایجاد تشکل های کارگري

مرگ افشين اسانلو برگ ديگري

از جنایات رژیم اسلامی!

خبر مرگ افشين اسانلو در بامداد روز جمعه 31 خرداد در زندان رجایی شهر، طبقه کارگر ایران و تمامی سوسیالیستها و مدافعین را ه آزادی و برابری را تکان داد. هر بار که خبر مرگ فعالين کارگري و سياسي در بيدادگاهای رژیم سرمایه جمهوری اسلامی رخ می دهد، برگ ديگري از قساوت و آدمکشی شکنجه گران حرفه ای رژیم که بیش از سه دهه است موجودیت خود را به اختناق، دستگیری و زندان و شکنجه کارگران و انقلابيون گره زده اند در تاريخ مبارزاتی جامعه ایران ثبت میشود. جانين و بانين به قتل رساندن افشين اسانلو تلاش دارند تا مرگ او را یک اتفاق طبیعی جلوه دهند. اما در شکنجه گاههای مخوف رژیم طی شکنجه های سیستماتیک جسمی و روحی زندانيان دائما در معرض خطر و از دست دادن جانشان هستند. این شگرد تدریجی رژیم در مورد فعالين کارگري و در نهایت منجر شدن آنها به مرگ نه تنها جدید نیست بلکه سالها است رژیم از این روش استفاده نموده، و با مبرا نمودن خود از مسئولیت مستقیم این عمل جنایتکارانه، مرگ زندانی را یک اتفاق طبیعی جلوه داده است. اما کسانی که حکومت جمهوری اسلامی و زندانهایش را با تمام دمنشی می شناسند، بر این امر واقف اند که شرایط شدت غیر انسانی و توأم با توحش و سرکوبگری تحمیل شده به زندانی، مسئولیتش به عهده آدمکشانی است که عمدا و با طرح و برنامه، زندان را به شکنجه گاه، و قتلگاه انسانهای شریف و مبارز تبدیل نموده اند. مرگ افشين اسانلو و ستار بهشتی، ضایعه ای جبران ناپذیر برای جنبش کارگري است. اما این عزیزان و تمام فعالين کارگري که در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی با شکنجه و شرایط غیر انسانی مواجه هستند، مقاومت و ایستادگیشان سمبل آزاد زیستن و رهایی بشریت از بردگی و ستم است، نمادی تاریخی از یک حقانیت و رسالت عمیق مبارزه طبقاتی است که قادر بوده وهست چهره کریه حکومت فاشیستی و ضد کارگري جمهوری اسلامی را افشاء نماید و توانسته است درسها و رهنمودهایی برای جنبش کارگري به همراه داشته باشد. مهمترین و عظیم ترین این درسها این است، که تنها با مبارزه پیگیر و بدون توهم داشتن به توحش سرمایه می توان در مقابل آن ایستاد، و مبارزه نمود. بدون هیچ شک و تردیدی، به قتل رساندن هر فعال کارگري و انقلابی نشان ترس و وحشت سرمایه از فردای انقلاب است و بس!

کارگران با اتحاد و متشکل شدنشان خواهند توانست جلوی یکه تازی این جانين و مرگهای خاموش فعالين کارگري را در زندان بگیرند و آزادی کلیه زندانيان سياسي بخصوص فعالين کارگري زندانی را در دستور کارشان بگذارند. طبقه کارگر با وجود استبداد لجام گسیخته حاکم بر جامعه ایران، با مبارزاتش چه از طریق مقاومتش در زندانها، چه در صحنه اجتماعی جامعه برای خواسته ها و مطالبات کارگريش در سالهای اخیر نشان داده است که نه تنها هر گام پیشروی جنبش کارگري در جهت رسیدن به کسب مطالباتش در گرو ایجاد تشکلهای طبقاتی اش است بلکه جلوگیری از به قتل رساندن و زندانی و شکنجه کارگران نیز به آن گره خورده است.

مرگ تدریجی و خاموش افشين و همزمانش جنایاتی ضد کارگري و تکاندهنده است، و همچنین ننگی دیگر بر تاريخ نظام سرمایه داری و حاکمان آن میباشد، و ضمن اینکه نباید در مقابل آن ساکت نشست این وظیفه مهم را نیز جلو پای کارگران و تمام فعالين سوسیالیست کارگري می

گذارد که مصمم تر و متشکل تر بر علیه این نظام نکبت بار و انگلی به مبارزه بر خاسته و خواهان محاکمه شدن مسببین این جنایت هولناک شوند.

جولای 3، 2013

مرگ بر حکومت جنایتکار اسلامی سرمایه
پر توان باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگری
زنده باد سوسیالیسم
کانون سوسیالیست های کارگری
www.socialistworkers.blogspot.com
kargar.socialist@gmail.com

تلاش هشت ساله برای غیرقانونی جلوه داده فعالیت صنفی معلمان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است یک فعال صنفی معلمان در کردستان از تلاش دولت برای محدود کردن تشکلهای صنفی معلمان انتقاد کرد. «پیمان نودینیان» در این باره گفت: نهادهای نظارتی در هشت سال گذشته برای غیر قانونی جلوه دادن فعالیت صنفی معلمان تلاش زیادی کرده اند اما معلمان با تاکید بر اصول مصرح در قانون اساسی از جمله اصل 26 و 27 پیگیر حقوق صنفی شان هستند. این فعال صنفی با انتقاد از تشکیل نظام معلمی اظهار داشت: در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، بحث تشکیل نظام معلمی مانند نظام پزشکی کشور مطرح بود که همان زمان هم به شدت با آن مخالف بودیم. نودینیان در پایان تصریح کرد: رفتن معلمان در قالب چنین نظامهایی، امکان نظارت تشکلهای صنفی بر عملکرد دولت را از بین می برد و آنها را به بخشی از بدنه بوروکراتیک دولت تبدیل می کند.

عدم پرداخت ماهه التفاوت مستمری سال 92 بازنشستگان پس از گذشت 100 روز از سال

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: یک روز دیگر از گفته مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی که وعده داده بود «ما به التفاوت مستمری های سال 92، روز دوشنبه 10 تیرماه به حساب بازنشستگان واریز شود» گذشت اما بسیاری از بازنشستگان در نقاط مختلف ایران با گذشت سه ماه از سال تا کنون موفق به دریافت افزایش مستمری خود نشده اند.

بنابراین گزارش، «سعید مرتضوی» در اولین روزهای تیرماه گفته بود: دستورالعمل پرداخت ما به التفاوت مستمری ها از روز دوشنبه 1392/4/10 در سراسر کشور اجرایی می شود و افرادی که از این تاریخ نوبت دریافت حقوق تیر ماه آنها باشد، حقوقشان را به همراه افزایش 4 ماهه و به صورت یک جا دریافت می کنند.

وی در ادامه اضافه کرده بود: افرادی که بر اساس حروف الفبا قبل از تاریخ 1392/4/10 حقوق تیر ماه خود را دریافت کرده اند می توانند با مراجعه به بانک رفاه، افزایش 4 ماهه نخست سال را دریافت کنند.

اما بازنشستگانی که امروز و روز گذشته - دوشنبه 10 تیر ماه - به شعب مختلف بانک رفاه مراجعه کردند تا موجودی حسابشان را چک کنند تغییری در موجودی حساب بازنشستگان مشاهده نمی شد.

رفتار مسئولان سازمان تامین اجتماعی در کش دار کردن پرداخت ما به التفاوت مستمری‌های سال ۹۲ برای بیش از سه ماه با وجود رشد بی‌سابقه نرخ کالاهای مصرفی نه تنها باعث ضعیف‌تر شدن بنیه اقتصادی آنان شده است بلکه شکلی توهین آمیز به خود گرفته است طوری که برای کارگرانی که در طول 30 سال کار، هر ماه بخشی از دستمزدشان را در این صندوق سرمایه‌گذاری کرده‌اند تداوی کننده پرداخت «صدقه» است.

شاید یادآوری این نکته برای مسئولان این «نهاد عمومی» بد نباشد که تمام «تعهدات» سازمان تامین اجتماعی از جمله پرداخت مستمری بازنشستگی پیش‌تر توسط کارگران خریداری شده است.

سه‌م هفت درصدی کارگران از حق بیمه و سه‌م ۲۳ درصدی کارفرمایان که آن هم به نوعی از حقوق کارگران کسر می‌شود و صرفاً برای جلوگیری از بار تورمی تنها به نام کارفرمایان ثبت می‌شود، هزینه‌ای است که بازنشستگان در مدت زمان اشتغالشان برای دریافت خدمات از سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده‌اند.

از این زاویه، عدم اجرای تعهدات این نهاد عمومی که متعلق به کارگران است و توسط دولت اداره می‌شود، نوعی دست برد به بازنشستگان برای جبران هزینه‌های دولتی است، چرا که بازنشستگان این خدمات را پیش‌خرید کرده‌اند.

در شرایطی که مسئولان کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی برای فرار از پاسخگویی به رسانه‌ها و بازنشستگان تلفن خود را از دسترس خارج کرده‌اند و سابقه مدیران سازمان، امید به تحقق وعده‌هایشان را کم‌رنگ می‌کند، روشن نیست بازنشستگان تا چه زمانی برای دریافت حق خود باید به بانک‌ها مراجعه کنند و دست خالی به خانه بازگردند.

اعتراضات کارگران سد بزرگ کهیر کنارک در رابطه با عدم پرداخت 8 ماه حقوقشان

برپایه خبر، خبرگزاری دولتی فارس در 11 تیر ماه 92 آمده است: یکی از کارگران شاغل در این پروژه، علت اعتراضات را عدم پرداخت حقوق هشت ماهه آنان از سوی شرکت «جهان کوثر» عنوان کرد و اظهار داشت: کارگران این پروژه با وجود فعالیت در سخت‌ترین شرایط و گرمای طاقت‌فرسای منطقه و همچنین با فعالیت در ساعات طولانی از کمترین حقوق برخوردار هستند. به گزارش 11 تیر فارس، کارگران سد بزرگ کهیر شهرستان کنارک که در مدت هشت ماه گذشته حقوقی از شرکت متصدی پیمانکاری این پروژه دریافت نکرده‌اند.

براساس این گزارش، پروژه سد مخزنی کهیر که عملیات اجرایی آن در سال 90 آغاز شده مدتی است که به علت اعتراضات کارگران فعال در این پروژه با مشکلاتی مواجه شده است.

یکی از کارگران شاغل در این پروژه، علت اعتراضات را عدم پرداخت حقوق هشت ماهه آنان از سوی شرکت «جهان کوثر» عنوان کرد و اظهار داشت: کارگران این پروژه با وجود فعالیت در سخت‌ترین شرایط و گرمای طاقت‌فرسای منطقه و همچنین با فعالیت در ساعات طولانی از کمترین حقوق برخوردار هستند.

او افزود: این کارگران تنها به امید کسب حقوق و تامین مخارج زندگیشان در این پروژه فعالیت می‌کنند که به حداقل آن هم دست پیدا نمی‌کنند.

وی بیان داشت: سایر کارگران هم خواسته‌هایی در زمینه بهبود شرایط کاری خود دارند که مهم‌ترین آنها افزایش حقوق و مزایا و تدوین برنامه‌های منظم کاری است.

این کارگر با اشاره به اینکه تا کنون پنج بار سرپرست و مسئول این پروژه ملی عوض شده است گفت: متأسفانه هیچ‌کدام از سرپرستان پروژه نتوانسته‌اند مشکلات کارگران را حل کنند و تا کنون موارد متعدد نقض حقوق مادی و معنوی کارگران در این پروژه دیده شده است.

گفتنی است، سد مخزنی کهیر یک سد RCC بتنی کوبیده غلتکی است که در 110 کیلومتری شهرستان بندری کنارک و پنج کیلومتری روستای کهیر واقع بر روی رودخانه کهیر در حال ساخت

است. آورده سالانه این سد 182 متر مکعب در سال خواهد بود و با ساخت آن، سالانه از هدر رفت میلیون‌ها متر مکعب آب، جلوگیری می‌شود.

اعتراض کارکنان سازمان تحقیقات کشاورزی به تبعیض

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: کارکنان یکی از معاونت‌های سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی نسبت به رویه تبعیض آمیز جاری در این سازمان معترض‌اند. یکی از این کارکنان که خواست نامش فاش شود در این باره گفت: این سازمان از واحدهای زیر مجموعه وزارت کشاورزی است و بیش از ۳ سال است که رویه‌ای تبعیض آمیز میان اعضای هیئت علمی و سایر کارمندان سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به وجود آمده که غیر قابل قبول است. وی به شارژ نشدن کارت‌های رفاهی کارمندان سازمان به مدت ۲ سال و تاخیر سه ماهه در پرداخت حق مسکن آنان اشاره کرد و ادامه داد: این در حالی است که از مجموع ۱۴ هزار و ۵۰۰ نیروی شاغل در این سازمان تنها تعداد ۲۵۰۰ نفر عضو هیئت علمی بوده و مابقی به عنوان کارمند در استخدام سازمان هستند. این کارمند در ادامه با انتقاد از تبعیض میان کارمندان سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و کارمندان وزارت جهاد کشاورزی افزود: پاداش ۲۰۰ هزار تومانی که وزارت جهاد کشاورزی در هفته جهاد کشاورزی به کارمندانش پرداخت کرد به کارمندان سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی تعلق نگرفت.

کارگران «تدبیر نیرو» در ۸ ماه گذشته مزد نگرفته‌اند

برپایه خبر دریافتی آمده است: بیش از هشت ماه از حقوق ۸۰ کارگر شرکت مهندسی مشاور «تدبیر نیرو» از سوی کارفرما به تعویق افتاده است. یکی از کارگران شرکت مهندسی مشاور تدبیر نیرو اعلام کرد: کارفرمای این شرکت که تحت نظارت شرکت برق تهران فعالیت می‌کند بیش از ۸ ماه است در پرداخت حقوق ۸۰ کارگر متخصص خود کوتاهی کرده و اهمیتی به این موضوع نمی‌دهد. او که خواست نامش فاش نشود به ایلنا گفت: سوابق کار کارگران این مجموعه از سه سال تا ۲۸ است که از پاییز سال ۹۱ هیچ مبلغی از سوی کارفرمای به حسابشان واریز نشده است. وی بابیان اینکه میزان بدهی شرکت تدبیر نیرو به سازمان تامین اجتماعی بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان است، افزودند: تاکنون کارفرما چندبار در خصوص پرداخت مطالبات وعده‌هایی را داده است که هیچ کدام محقق نشده است. وی در خاتمه با اشاره به پیگیری‌هایی که خود و همکارانش برای وصول مطالبات خود انجام داده‌اند، تصریح کرد: تاکنون پیگیری‌های انجام شده بی‌نتیجه بوده است.

تشکیل جلساتی برای پی‌گیری حقوق کارگران

در همین رابطه یکی از مسئولان اداری شرکت مهندسی مشاور تدبیر نیرو در خصوص ادعای کارگران، بابیان اینکه مدیرعامل شرکت به دلیل داشتن مسولیت‌های دیگر در شرکت حضور ندارد، افزود: در رابطه با وضعیت کارکنان شرکت، روز گذشته با مدیرعامل جلسه‌ای داشتیم که قرار است ادامه این جلسه عصر امروز برگزار شود. وی ابراز امیدواری کرد که حداقل جلسه امروز با خبرهای خوشی برای کارکنان به پایان برسد. به گفته این مقام مسئول شرکت تدبیر نیرو در سراسر کشور برای پروژه‌های مختلف فعالیت‌های دارد اما به دلیل شرایط اقتصادی، موفق به وصول مطالبات خود نشده است.

وی افزود: به عنوان مثال بابت پروژه‌های انجام شده از شرکت برق تهران مبلغ قابل توجهی طلبکار هستیم که تاکنون این مبلغ پرداخت نشده است.

آتش سوزی در کارگاه صافکاری باعث سوختگی شدید 2 کارگر گردید

به گزارش اورژانس 115 تهران در تاریخ 11 تیرماه 92 آمده است: ، کارگاهی در اسلامشهر - گلدسته به علت انتشار بخارات تیروبنزین دچار حریق گردید که باعث سوختگی شدید دو کارگر گردید.

برپایه این گزارش، این حادثه دقایقی قبل (در ساعت 15:54 دقیقه امروز سه شنبه 92/4/11) به مرکز اورژانس تهران گزارش گردید. بلافاصله سه دستگاه آمبولانس از نزدیکترین پایگاهها به محل اعزام شده و دو مصدوم حادثه را که دچار حدود 50 درصد سوختگی شده اند همراه با اقدامات درمانی مناسب در حال انتقال به بیمارستان شهید مطهری میباشند.

نجات یک کارگر ساختمانی از زیر آوار

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: ظهر روز گذشته یک کارگر ساختمانی بر اثر ریزش دیوار ساختمان در حال ساخت، مدفون شد.

به گزارش ایلنا، این حادثه در خیابان ستارخان تهران زمانی رخ داد که این کارگر مشغول کار در یک ساختمان در حال ساخت بود که ناگهان بخش‌هایی از دیوار ریزش کرد و این کارگر در زیر خاک مدفون شد.

بنا بر این گزارش، گروه‌های امداد و نجات پس از حضور در محل حادثه این کارگر ۲۲ ساله افغان را زنده از زیر آوار خارج کردند.

اعتصاب پرسنل شرکت قطعات توربین شهریار وابسته به توانیر

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: در پی اخراج ۴۲ نفر از کارگران شرکت قطعات توربین شهریار وابسته به توانیر استان البرز کارگران این کارخانه از یک هفته پیش تا کنون در اعتصاب بسر می‌برند. یکی از فعالان کارگری این کارخانه در گفتگو با هرانا اعلام داشت: "با روی کار آمدن شخصی بنام (ع. ص) از طرف وزارت نیرو وی با هماهنگی با معاونین و مدیران میانی خود وضعیت بسیار نابسامنی را در این کارخانه بوجود آورده تا با یک نقشه از پیش تعیین شده شرکت مذبور را ورشکسته اعلام کرده تا با خرید سهام آن از دولت سرمایه عظیمی را چپاول نمایند". وی در ادامه افزود: "از ابتدای ماه جاری با اخراج سه نفر دیگر از تکنسینهای بخش بازسازی که هرکدام بالای ده سال سابقه داشتند موجب بروز اعتراض شدید پرسنل گردیده و به همین سبب کارگران از اول ماه جاری از ورود مدیران بدخل شرکت ممانعت بعمل آورده و موج جدید اعتصابات در دو شیفت کاری صبح و عصر به مدت یک هفته ادامه دارد".

در همین راستا تا کنون از استانداری و اداره اطلاعات و اداره کار چندین بار به شرکت مراجعه و خواستار قطع اعتصاب شده اند که پرسنل شرکت خواستار برگشت بکار افراد اخراجی شدند. لازم به ذکر است نمایندگان کارگران شرکت قطعات توربین شهریار با توجه به حساسیت موضوع و اینکه مبدا مورد بازخواست قرار بگیرند استفاء خود را به مدیریت اعلام نموده اند.

یک روز اعتصاب، دریافت یک ماه حقوق عقب مانده!

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران ، در تاریخ سه شنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۲ - ۲ ژوئیه ۲۰۱۲

آمده است : بدنبال عدم پرداخت اضافه کاری و دو ماه از دستمزد کارگران کارخانه نورد لوله صفا و زمزمه اعتصاب در میان این کارگران، آنان صبح امروز ۱۱ تیر ماه بطور یکپارچه ای تولید در این کارخانه را خواباندند و معترضان خواهان پرداخت اضافه کاری ها و دستمزدهای معوقه خود شدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اعتصابی این کارخانه بدنبال تکرار وعده و وعید از سوی مسئولین شرکت چنان خشمگین شدند که درصدد تخریب اموال کارخانه بر آمدند اما با میانجی گری نماینده هایشان آسیبی به اموال کارخانه نرسید.

بنا بر این گزارش بدنبال این وضعیت مدیریت کارخانه اعلام کرد فردا صبح دستمزد اردیبهشت ماه کارگران به حسابشان واریز خواهد شد اما این وعده نیز با خشم و اعتراض وسیع کارگران مواجه شد. کارگران در این اعتراض با اشاره به گرانی های سرسام آور، عدم پرداخت دستمزد خود را یک جنایت نامیدند و بر ادامه اعتصاب و اعتراض تاکید نمودند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران با نزدیک شدن ظهر و افزایش خشم کارگران، مدیریت کارخانه بناچار دستمزد اردیبهشت ماه کارگران را به حساب آنان واریز کرد و در ادامه متعهد شد از این پس دهم هر ماه دستمزد کارگران را به حساب آنان واریز کند.

کارگران اعتصابی کارخانه نورد لوله صفا بدنبال این موفقیت بر سر کارهای خود بازگشتند و بطور قاطعانه ای اعلام کردند دیگر تحمل عدم پرداخت دستمزد خود را ندارند و چنانچه کارفرما در این زمینه ذره ای کوتاهی کند بلافاصله دست به اعتصاب و اعتراض خواهند زد.

کارگران پیمانکاری شهرداری طبس دو ماه حقوق طلبکارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: دبیر خانه کارگر شهرستان طبس اعلام کرد: ۴۳ کارگر فضای سبز شهرداری طبس که تحت نظارت شرکت پیمانکاری درخشان کویر فعالیت دارند دو ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند . «غلام رضا محمدی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارفرمای این شرکت علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق دو ماه گذشته، از کارگران خود در هنگام برگه تسویه حساب نیز گرفته است .

او با بیان اینکه قرار داد این کارگران با کارفرما هر دو ماه یکبار تمدید می شود، افزود: این کارفرما شرط هر گونه استخدام یا تمدید قرارداد را امضای برگه سفید امضا توسط کارگر اعلام کرده است .

این فعال کارگری در خصوص سایر مشکلات کارگران شرکت پیمانکاری درخشان کویر طبس گفت: کارگران این شرکت مدعی هستند کارفرما هر طور که دوست دارد به آنان دستمزد و حق استفاده از مرخصی را می دهد .

او با بیان اینکه زمان مرخصی این کارگران را خود کارفرما تعیین می کند، گفت: این در حالیست که اگر کارگری طبق قانون برای زمانی خاص درخواست مرخصی کند، کارفرما با آن موافقت نمی کند .

دبیر خانه کارگر با بیان اینکه نظارتی بر کار شرکتهای پیمانکاری نیست تصریح کرد: انتظار داریم مسئولان شهرداری و اعضای جدید شورای اسلامی شهر طبس نظارت خود را بر شرکتهای پیمانکاری ونحوه فعالیتشان بیشتر کنند.

حقوق اردیبهشت تا فردا پرداخت می شود

اظهارات دبیر خانه کارگر طبس درحالی است که «مهدی یوسفزاده»، مدیر عامل شرکت پیمانکاری درخشان کویر یزد ضمن تایید دو ماه حقوق معوقه ۴۳ کارگر فضای سبز شهرداری طبس گفت: حقوق اردیبهشت ماه این کارگران حداکثر تا صبح روز فردا (سه شنبه، ۱۱ تیر ماه) به حساب کارگران واریز می شود .

وی همچنین در پرداخت خصوص حقوق خرداد ماه کارگران گفت: به محض شهرداری طبس صورت وضعیت‌های مالی این شرکت را پرداخت کند دستمزدها به حساب کارگران واریز خواهد شد.

مدیر عامل شرکت پیمانکاری درخشان کویر یزد با بیان اینکه هر یک از این کارگران ماهانه، حدود یک میلیون تومان دریافتی دارند، افزود: کار این کارگران حجمی است و هر اندازه بیشتر کار کنند بیشتر حقوق می‌گیرند.

یوسف‌زاده اضافه کرد: اداره کار شهرستان طبس، این شرکت را در لیست شرکتهای که بیشترین حقوق اضافه کاری را به کارگران خود می‌دهد، قرار داده است.

این کارفرما در بخش دیگری از سخنان خود با رد ادعاهای مربوط به نحوه استفاده از مرخصی اجباری کارگران گفت: من به هیچ موردی استفاده از حق مرخصی کارگران خود امری را تحمیلی و اجبار نمی‌کنم و کارگران طبق قانون و شرایط کار از حق مرخصی خود استفاده می‌کنند.

کارگران فصلی خانوادگی روزی ۱۵ ساعت کار می‌کنند

برپایه خبر رسیده آمده است: دبیر انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران از ۱۵ ساعت کار روزانه‌ی کارگران فصلی کوره پزخانه‌ها به همراه خانواده‌شان خبر داد. «علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: کارگران قالب دار، قالب کش، گل ساز و بار جمع کن که از استان‌های خراسان، کردستان و... به تهران کوچ می‌کنند تا به عنوان کارگر فصلی در کوره پزخانه‌ها مشغول شوند روزانه بیش از ۱۵ ساعت کار می‌کنند. وی در ادامه با اشاره به کارمزد بودن کارگران فصلی تصریح کرد: کارگران فصلی در ۴ الی ۵ ماهی که در کوره پزخانه‌ها مشغولند مجبورند به این شیوه کار کنند تا مخارج ماه‌های بیکاری شان تامین شود.

این فعال صنفی در پایان افزود: البته کارگران آتش کار که از استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و همدان به تهران کوچ می‌کنند تا به عنوان کارگر دائم در کوره پزخانه‌ها مشغول شوند شرایط کاری بهتری دارند.

بسته شدن ناگهانی پرونده تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی و حذف شرکت های پیمانکاری

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 11 تیر ماه 92 آمده است: ساماندهی نیروهای شرکتی؛ مصوبه جنجالی اشتغالی دولت دهم که در سال 90 موجی را در بازار کار کشور ایجاد کرد؛ اما این روزها همزمان با اتمام کار دولت مقامات دولتی اعلام کرده‌اند اجرای این مصوبه نهایی شده و دیگر فردی برای تبدیل وضعیت باقی نمانده و افراد مدعی در این بخش اصلاً مشمول مصوبه دولت نبوده و نیروی "حجمی" هستند که فکر می‌کنند باید مشمول مصوبه دولت می‌شدند! ساماندهی نیروهای شرکتی و خروج شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی موضوعی است که از سال 90 در دستور جدی کار دولت قرار گرفت و از سوی هیئت وزیران دستورالعمل‌هایی صادر و برای اجرا به دستگاه های دولتی ابلاغ شد.

خلاصه دستورات هیئت وزیران به زیرمجموعه های دولتی این بوده است که باید در اولین فرصت قرارداد واگذاری پروژه و پیمان به شرکت های تامین نیروی انسانی لغو و قرارداد افراد به صورت مستقیم با دستگاه منعقد شود. همچنین عنوان شد شرکت های تامین نیروی انسانی در طول سالیانه متمادی بدون هیچگونه دلیل و کارکرد روشنی به عنوان واسطه ای بین دستگاه های دولتی و افراد متقاضی کار عمل کرده اند و از این طریق به سودهای سرشاری از طریق تضييع حقوق نیروهای کار رسیده اند.

این موضوع خیلی زود به یکی از مسائل روز و دستورات کاری بنگاه ها و واحدهای زیرنظر دولت تبدیل شد. آنها موظف شدند دیگر مزایده ای را برای واگذاری امور به پیمانکاران برگزار نکنند و جذب نیروهای مورد نیاز را به صورت مستقیم انجام دهند و در این بخش کافی است قرارداد همکاری افراد با دستگاه ها به صورت مستقیم منعقد شود.

البته کار به این سادگی ادامه نیافت و خیلی زود موجی در بازار کار کشور به راه افتاد و افراد بسیار زیادی در بخش های خصوصی و دولتی خود را مشمول مصوبات دولت دانستند و از کارفرمایان خود خواستند تا هرچه سریعتر زمینه انعقاد قرارداد مستقیم آنها را فراهم کنند.

این مسئله باعث بروز حواشی فراوانی در بازار کار کشور شد تا جایی که مقامات دولتی مجبور به انجام اصلاحاتی در مصوبه هیئت وزیران شد و پس از آن اعلام کردند منظور از تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی دستگاه ها آن بخش از نیروهایی است که در مشاغل تخصصی فعالیت دارند و نیروهایی که در بخش های حجمی مانند نگهداری فضای سبز، چاپ و تکثیر، امور آشپزخانه، نامه رسانی و مواردی از این دست فعالیت دارند؛ اساساً مخاطب مصوبه دولت نخواهند بود.

سپس عنوان شد این مصوبات تنها در مورد نیروهایی که در بدنه دولت و در دستگاه های دولتی فعالیت دارند قابلیت اجرایی دارد و بخش خصوصی خود برای نحوه اداره امور تصمیم گیری می کند. این مسئله باعث شد تا درخواست هایی از سوی نیروهای شاغل در بنگاه های واگذار شده دولتی نیز به وجود بیاید و آنها می خواستند بدانند آیا می توانند از مصوبه ساماندهی نیروهای شرکتی برای تبدیل وضعیت استفاده کنند و یا خیر؟ همچنین آیا بنگاه واگذار شده خصوصی است و یا هنوز بخش زیادی از آن دولتی مانده است؟

در هر صورت کار به جایی رسید که با وجود تبلیغ مقامات دولتی مبنی بر جمع آوری بساط دلالتان نیروی انسانی از بازار کار که البته هدف خوبی از سوی کارشناسان بازار کار کشور ارزیابی شد، در نهایت تعداد کمی از افراد شاغل در دستگاه ها توانستند از قراردادهای بهتری بهره مند شوند و بسیاری از افراد که فکر می کردند باید مشمول مصوبه دولت شوند، عملاً به عنوان نیروی بخش خصوصی و یا نیروی حجمی تلقی شده و از دایره شمول مصوبه دولت بیرون ماندند.

در کنار این مسائل و حواشی مصوبه دولت، مجلس نیز به این موضوع وارد شد و هیئت نظارت بر مصوبات دولت با مقررات با بررسی مصوبات دولتی ایراداتی را مطرح و از دولت خواست تا آنها را رفع کند. از مهم ترین ایرادات مطرح شده توسط مجلس، دخالت دولت در امور بخش خصوصی بوده است.

هرچند مدتی بعد به دلیل اتمام مهلت قانونی پاسخگویی دولت به ایرادات مجلس، علی لاریجانی در نامه ای خطاب به محمود احمدی نژاد لغو مصوبه هیئت وزیران را اعلام کرد اما مدتی بعد برخی مقامات دولتی اعلام کردند ایرادات مطرح شده از سوی مجلس رفع شده و مصوبه همچنان در حال اجرا است.

شاید بتوان یکی از ضعف های عمده مصوبه ساماندهی نیروهای شرکتی را روشن نبودن آمار و ارقام عملکرد در این بخش دانست. در این خصوص تاکنون هیچگونه آمار روشنی از تبدیل وضعیت ها ارائه نشده و تنها به بیان مسائل کلی مانند انجام در فلان وزارتخانه و یا تبدیل قرارداد و تشکیل تعاونی پرداخته شد.

همچنین در مورد اینکه چه تعداد شرکت تامین نیروی انسانی در کشور مشمول مصوبه دولت بوده اند نیز سخنی گفته نشد و مشخص نیست که این شرکت ها در چه بخش هایی و در چه حوزه هایی با چه حجم کار و نیروی تحت پوشش فعال بوده اند و با اجرای مصوبه دولت چه سرنوشتی پیدا کرده اند؟

پیش تر برخی فعالان شرکت های تامین نیروی انسانی تعداد نیروهای تحت پوشش شرکت های خود را 3 میلیون نفر اعلام کردند و عنوان شد نه تنها چند هزارمیلیارد تومان از دولت طلب معوقه دارند، بلکه چند هزارمیلیارد تومان سرمایه آنها نیز در جریان حذف شرکت های پیمانکاری از بازار کار خارج می شود و این مسئله ریزش نیروی کار را دامن خواهد زد.

در هر صورت از مصوبه جنجالی ساماندهی نیروهای شرکتی که یکی از مهم ترین برنامه های دولت دهم در حوزه بازار کار کشور بوده است، خبر می رسد که همزمان با اتمام کار دولت دهم اجرای این مصوبه نیز در دستگاه ها به اتمام رسیده و دیگر فردی برای تبدیل وضعیت باقی نمانده است.

تاجی معاون حقوقی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور در روزهای گذشته درباره سرنوشت پرونده تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی گفت: تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی تقریباً به اتمام رسید و افراد شاغل در مشاغل اصلی دستگاه ها و وزارتخانه ها و یا مشاغل خدمات مستمر به قراردادی تبدیل شده اند و ممکن است یکی دو نفر در هر بخش مانده باشند. این مقام مسئول دولتی افزود: افرادی که فکر می کنند باید تبدیل وضعیت شوند نیروهای حجمی هستند. برای برخی نیروهای حجمی نیز تعاونی تشکیل شده است ولی مشکلاتی در واگذاری کارها از دستگاه ها به این بخش داریم.

يك فعال کارگری در قزوین: محرومیت کارگران از سبد کالای رمضان در ادامه وعده شکنی افزایش حقوق است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: يك فعال کارگری در قزوین اعلام کرد: در شرایطی که بدلیل سقوط ارزش پول ملی، ارزش دستمزد کارگران به يك سوم گذشته تقلیل یافته است، آنان همچون سایر اقشار مزدبگیر نیازمند دریافت سبد کالای غیر نقدی هستند.

«عید علی کریمی» در این باره به ایلنا گفت: در حالی که دولت بزودی سبد ویژه کالای کارمندان خود را به مناسبت ماه مبارک رمضان توزیع خواهد کرد، اما میلیون ها نفر نیروی کار تولیدی با شرایط معیشتی به مراتب سخت تر، از دریافت اینگونه کمک ها بی بهره هستند. او با بیان نمونه هایی از بالا رفتن قیمت اجناس مصرفی طرف چند ماه گذشته، افزود: بدون شك دولت می دانند که کارگران با دستمزد فعلی قادر به تهیه مواد غذایی مخصوصاً در ماه رمضان نیستند و کوتاهی دستگاه اجرایی در تحقق وعده افزایش حقوق و همچنین محرومیت کارگران از سبد کالای غیر نقدی در يك راستا و تنها به معنای نادیده گرفتن نیروی مولد اجتماع است.

به گفته این فعال کارگری، دولت از طریق منابع و بودجه ای که در اختیار دارد، حمایت های ویژه ای را از نیروهای تحت پوشش خود انجام می دهد و در این میان جامعه کارگری و بازنشستگان از این گونه حمایت های ویژه و مناسبتی در طول سال محروم اند.

دبیر خانه کارگر قزوین اضافه کرد: با توجه به اینکه کمک های غیرنقدی دولت به کارمندان از بیت المال است، دولت باید آن را در مورد همه افراد جامعه به ویژه قشر حقوق بگیر به صورت یکسان توزیع کند.

در پی تاخیر سه ماهه در پرداخت افزایش مستمری: کاربران ایلنا به وعده شکنی تامین اجتماعی اعتراض کردند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 تیر ماه 92 آمده است: تعدادی از کارگران بازنشسته با مراجعه به پایگاه اینترنتی خبرگزاری ایلنا، نسبت به عدم تحقق وعده مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی که وعده پرداخت ما به التفاوت مستمری های سال 92، در روز دوشنبه 10 تیرماه را داده بود اعتراض کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگران بازنشسته که از محقق نشدن چندین نوبت وعده مسئولان تامین اجتماعی به خشم آمده‌اند، نظرات تامل‌برانگیزی در انتهای اخبار مربوط به سه ماه تاخیر تامین اجتماعی در پرداخت ما به التفاوت مستمری‌های سال ۹۲ ثبت کرده‌اند.

«متین» یکی از این کاربران ایلنا در استان گیلان با استمداد خواستن از «حسن روحانی» رئیس جمهور منتخب برای بهبود شرایط معیشتی کارگران آورده است: «امروز ۱۰ تیر گفتن اضافات رو برید از بانک مربوطه بگیری. رفتم بانک استان گیلان می‌گن دروغ می‌گن. اضافات رو نریختن. چرا با احساسات بازنشستگان بازی می‌کنید. چطور می‌تونید اضافات آموزش و پرورش و لشکری‌ها رو بدید. گوشت و مرغ ماه رمضان رو بدید. حالا که به ما می‌رسه قول الکی می‌دید. آقای روحانی ما به شما رای دادیم که گفتین کارگر سرمایه‌کشور. تو رو خدا ما رو نجات دهید.»

مخاطب ناشناس دیگری نظر گذاشته است: «مدیر عاملی که برای حرف خودش هم ارزش قائل نیست. اگر بودجه تصویب و مبلغ موجود است دیگه چه مرگشان است که حق ما را بعد از ۲ ماه هم پرداخت نمی‌کنند.»

یک بازنشسته شرکت واحد نیز نوشته است: «چرا از بازنشستگان دعوت نمی‌کنید به تجمع در مقابل مجلس و یا تامین اجتماعی برگزار کنند. قانون اساسی هم این اجازه را می‌دهد.»

پایان پیام

اطلاعیه شماره 56- تبدیل قرار 4 میلیون تومانی رضا شهابی به 30 هزار تومان!

بنا بر گزارش رسیده روز سه شنبه 11 تیر، رضا شهابی را در رابطه با 12 روز تأخیر مراجعت به زندان به دادگاه برده و در نهایت قاضی قرار 4 میلیون تومانی صادره از طرف شعبه 4 بازپرسی دادسرای اوین را به 30 هزار تومان جریمه تبدیل کرد.

لازم به ذکر است رضا شهابی همچنان از درد شدید در ناحیه کمر و پای چپ (به دلیل جابجا شدن مهره های کمر و فشار به عصب سیاتیک) رنج می برد، به گونه ای که از انجام امورات شخصی خود نیز بر نمی آید! این کارگر زندانی چند روز قبل به دلیل عدم توانایی طبیعی حرکتی در هنگام استحمام به سختی زمین خورده است و دچار صدمات شدیدی شده است.

کمیته دفاع از رضا شهابی ضمن اعتراض به تداوم حبس رضا شهابی خواستار رسیدگی سریع به وضعیت وخیم جسمانی این عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

کمیته ی دفاع از رضا شهابی- 12 تیر 1392

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

صدور حکم علیه وفا قادری!

به نوشته کمیته هماهنگی ... در تاریخ 12 تیرماه 92 آمده است : قاضی شعبه ی 1 دادگاه انقلاب سنندج برای وفا قادری فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری حکم صادر کرد. وی این فعال کارگری را به يك سال حبس تعزیری محکوم کرد و حکم در تاریخ 92/4/11 به وکیل نام برده ابلاغ شد. اتهام واهی اقدام علیه امنیت ملی توسط دادگاه به به این فعال کارگری اعلام گردیده است. تنها جرم وفا قادری عضویت در کمیته ی هماهنگی و دفاع از حقوق کارگران است.

کمیته ی هماهنگی به شدت به صدور حکم صادره علیه وفا قادری معترض است و اعلام می‌دارد که این حکم ضدکارگری باید شکسته شود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

حوادث حین کار مرگ ۳ کارگر در آتش سوزی ۱۸ کارگاه تولیدی

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی مهر آمده است : سخنگوی سازمان آتش نشانی از آتش سوزی گسترده در یک کارگاه تولیدی در خیابان جمهوری و مرگ سه کارگر در بررسی های اولیه خبر داد .

جلال ملکی در گفتگو با خبرنگار مهر، در تشریح این حادثه گفت: ساعت ۱۰:۵۵ صبح امروز آتش سوزی در یک کارگاه تولیدی در خیابان جمهوری نرسیده به بهارستان به سازمان آتش نشانی اطلاع داده شد .

وی افزود: در ادامه آتش نشانان ۹ ایستگاه همراه ۳ دستگاه بالابر سه خودرو تجهیزات تنفسی و ۲ تانکر آب خود را به محل حادثه رساندند .

ملکی ادامه داد: در بررسی های اولیه مشخص شد در یک ساختمان ۶ طبقه ۱۸ کارگاه تریکو، پارچه و سلیکون قرار داشت که طبقه سوم این ساختمان کاملا شعله ور بود و آتش در حال سرایت به طبقات بالایی این ساختمان بود .

سخنگوی سازمان آتش نشانی خاطر نشان کرد: تعدادی از افرادی که در این ساختمان حضور داشتند خود را به پشت بام رسانده بودند که آتش نشانان با کمک بالابر ۵ نفر را به پایین انتقال دادند در ادامه نیز ۳ نفر که دچار آسیب دیدگی شده بودند از طریق راه پله به بیرون انتقال داده شدند .

وی افزود: یک نفر از کارگران قبل از حضور آتش نشانان در اقدامی نسنجیده خود را از طبقه چهارم به پایین پرت کرده بود که بر اثر شدت جراحات در دم جان سپرد .

ملکی ادامه داد: متأسفانه به دلیل چیدمان نامناسب اجناس و فرسودگی ساختمان شدت آتش هر لحظه افزایش یافته و در این لحظه آتش نشانان موفق شدند شعله های آتش را تحت کنترل قرار دهند .

سخنگوی سازمان آتش نشانی در ادامه افزود: آتش نشانان در بررسی ساختمان جسد دو کارگر زن و مرد دیگر را نیز کشف کردند که احتمال می رود طی دقایق آینده تعداد قربانیان افزایش پیدا کند. سازمان آتش نشانی پیش از این نیز در بازرسی این ساختمان نکات ایمنی را گوشزد کرده بود .

وی در پایان گفت: آتش نشانان در حال حاضر مشغول عملیات لکه گیری بوده و با پایان عملیات در خصوص آمار دقیق مجروحان و کشته شده ها و همچنین میزان خسارت اطلاع رسانی خواهد شد.

کشته و زخمی شدن ۱۰ کارگر در آتش سوزی گسترده در یک مجتمع کارگاهی تولیدی

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، آمده است: آتش سوزی امروز مجتمع کارگاهی تولیدی کارگاهی واقع در خیابان جمهوری کشته و زخمی شدن ۱۰ کارگر را به همراه داشت.

براساس این گزارش، سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران شمار قربانیان حادثه حریق در یک مجتمع کارگاهی تولیدی کارگاهی واقع در خیابان جمهوری حد فاصل چهار راه مخابراتدوله و میدان بهارستان، را پیش از این ۳ تن اعلام کرده بود، اصلاح و اعلام کرد: در حریق گسترده در یک مجتمع کارگاهی تولیدی دو تن (یک مرد و یک زن) جان خود را از دست داده و هشت تن دیگر نیز مجروح شدند.

برپایه این گزارش، سید جلال ملکی در تشریح جزئیات این خبر گفت: آتش نشانان پس از حضور در محل مشاهده کردند که حریق گسترده‌ای در طبقه سوم یک ساختمان شش طبقه رخ داده و شعله‌های آتش به طبقات بالایی نیز سرایت کرده است.

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به محبوس شدن تعدادی از افراد حاضر و کارگران مشغول به کار در این ساختمان میان شعله‌های آتش و دود، اظهار کرد: آتش نشانان با تقسیم به چند گروه، عملیات نجات و اطفای حریق را به شکل همزمان آغاز کرده و یک گروه از آتش نشانان با استفاده از بالابر به طبقات فوقانی و پشت بام ساختمان رفته و پنج تن را که دچار آسیب دیدگی سطحی شده بودند نجات دادند.

وی با بیان اینکه سه تن دیگر نیز که دارای سوختگی بودند توسط آتش نشانان نجات پیدا کردند گفت: متأسفانه در اقدامی عجیب و عجولانه یکی از کارگران خود را از طبقه چهارم این ساختمان به پایین پرتاب کرد که همین موضوع سبب مرگ وی شد.

وی با بیان اینکه در حال حاضر شعله‌های آتش در این ساختمان به طور کامل مهار و از سرایت آن به اماکن دیگر جلوگیری شده است، گفت: با توجه به اینکه در طبقه سوم این کارگاه تولیدی پارچه و انبار مملو از مواد قابل اشتعال وجود داشت شعله‌های آتش به سرعت به طبقات و اماکن دیگر ساختمان سرایت کرده بود.

دستگاه خشک کن هتل دست کارگر جوان را قطع کرد

برپایه خبر خبرگزاری دولتی ایلنا آمده است: دست کارگر جوانی در یکی از هتل‌های مشهد به وسیله دستگاه خشک کن قطع شد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، این کارگر ۱۸ ساله به علت تجربه کم بدون اینکه ماشین لباسشویی را خاموش کند و از ترمز تعبیه شده برای کم کردن سرعت دستگاه استفاده کند اقدام به باز کردن در دستگاه و خارج کردن پتو کرد که به علت دور تند دستگاه که در حال آب گیری البسه بود دست این جوان از ناحیه کتف قطع شد.

ابوالفضل تیموری افزود: دست قطع شده کارگر قبل از رسیدن ماموران امداد برای پیوند احتمالی در فضای بهداشتی و سرد نگهداری شده بود و ماموران امداد مصدوم را به همراه عضو قطع شده به بیمارستان امام رضای مشهد منتقل کردند.

طباطبایی مدیر روابط عمومی بیمارستان امام رضای مشهد نیز گفت: با وجود تلاش تیم پزشکی برای پیوند عضو قطع شده به دلیل آسیب دیدگی عضو، عمل پیوند با موفقیت انجام نشد.

سقوط مرگبار کارگر ساختمانی در خیابان فرشته تهران

برپایه خبر خبرگزاری دولتی ایلنا آمده است: سقوط یک کارگر ساختمانی از طبقه دوم به طبقه منهای سه در خیابان فرشته تهران، منجر به مرگ او شد.

«سید جلال ملکی» در گفت و گو با خبرنگار ایلنا از سقوط کارگری در یک ساختمان در حال ساخت واقع در خیابان ولیعصر، خیابان فیاضی (فرشته) خبر داد و گفت: این حادثه ساعت ۹/۴۵

دقیقه رخ داد و بلافاصله بعد از اطلاع رسانی به سامانه آتش نشانی ایستگاه ۸۸ به محل حادثه اعزام شد .

سخنگوی سازمان آتش نشانی شهرداری تهران ادامه داد: آتش نشانان به هنگام ورود به محل حادثه یک ساختمان در حال ساخت را مشاهده می‌کنند که یک کارگر از طبقه دوم به طبقه منهای سه سقوط کرده است و به سرعت با برانکار مخصوص این کارگر را تحویل عوامل اورژانس می‌دهند .

سخنگوی سازمان آتش نشانی شهرداری تهران اعلام کرد: متأسفانه این کارگر ایرانی سی ساله در این حادثه جان خود را از دست داد.

۱۲ کارگر ساختمانی در چین کشته شدند

برپایه خبر خبرگزاری دولتی ایلنا آمده است : بر اثر ریزش دیوار یک ساختمان در منطقه‌ای در شمال استان «شانشی» ۱۲ کارگر ساختمانی جان خود را از دست دادند .
بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، بنا بر اعلام مقام‌های محلی استان شانشی، ریزش دیوار موجب شد تا محل اقامت این کارگران در زیر آوار مدفون شود و ۱۲ قربانی برجای بگذارد .
این حادثه عصر روز گذشته (سه‌شنبه) در محوطه یک کارگاه اتفاق افتاد و هفت نفر دیگر از کارگران را روانه بیمارستان کرد. بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که این دیوار به دلیل بارش باران فروکش کرده است.

مسمومیت شدید دو کارگر معنی بر اثر گاز گرفتگی

برپایه خبر خبرگزاری دولتی ایلنا آمده است : دو کارگر معنی درحین حفر چاهی در یک «مسافر خانه» دچار گاز گرفتگی شدید شدند .

به گزارش ایلنا، صبح امروز (سه‌شنبه) دو کارگر ۴۰ و ۴۴ ساله که مشغول حفر چاهی در زیرزمین یک مسافرخانه واقع در خیابان ناصرخسرو تهران بودند به علت ورود گازهای سمی از کانال ارتباطی میان این چاه با چاه فاضلاب قدیمی مجاور، دچار گازگرفتگی شدید شده و امکان خروج نداشتند .

بر اساس این گزارش، این دو کارگری که به شدت دچار مسمومیت شده بودند توسط گروه‌های امداد و نجات از داخل چاه خارج و تحویل عوامل اورژانس شدند .
یک کارشناس امداد و نجات در این زمینه خطاب به کارگرانی که قصد حفر چاه را دارند، گفت: با توجه به اینکه گازهای سمی حتی توانایی عبور از لایه‌های خاک را نیز دارند، بنابراین باید حتما هنگام حفر چاه، بررسی‌های لازم پیرامون حضور گازهای سمی در عمق چاه انجام شود و در صورت مثبت بودن جواب بررسی‌ها، چاه‌کنان حتما باید با تجهیزات مربوطه وارد چاه شوند.

کارگران معدن یال شمالی تقصیری در وقوع حادثه نداشتند

برپایه خبر خبرگزاری دولتی ایلنا آمده است : يك فعال کارگری در طیس نسبت به اظهارات اخیر رئیس سازمان نظام مهندسی معدن کشور مبنی بر تقصیر ۲۰ درصدی کارگران کشته شده در معدن یال شمالی در وقوع حادثه، واکنش نشان داد .

«غلامرضا محمدی» با بیان اینکه رئیس سازمان نظام مهندسی معدن میزان قصور کارفرما و مسئول ایمنی کارگاه را به ترتیب ۶۰ و ۲۰ درصد عنوان کرده است، به ایلنا گفت: بعد از گذشت بیش از ۶ ماه از وقوع حادثه‌ای که به مرگ هشت کارگر منجر شد، اینکه گفته شود کارگران مقتول به دلیل بی‌توجهی به وضعیت هوای داخل تونل ۲۰ درصد در ایجاد حادثه مقصرند، نامنصفانه و تأسف‌بار است .

دبیر خانه کارگر طبس افزود: از بین بردن حقوق خانواده‌هایی که عزیزانشان را به دلیل نبود تجهیزات ایمنی در معدن از دست داده‌اند و قدرت دفاع ندارند، تنها سوءاستفاده از ضعف این خانواده‌های کارگری است.

محمدی اظهار داشت: مسئولیت کنترل ایمنی تونل و بررسی میزان گاز به عهده بخش ایمنی کارگاه است و امکانات این بخش (ایمنی) با هزینه کارفرما تامین می‌شود. از طرفی مسئولیت بازرسی مستمر از کارگاه برای جلوگیری از قصور کارفرما نیز به عهده بخش بازرسی کار است که زیر نظر دولت کار می‌کند. بنابراین مسئولیت ایمنی کارگاه با کارفرما و دولت است و نه کارگر. به گفته این فعال کارگری طبق قانون، هر ۲۵ معدنکار باید یک مسئول ایمنی متخصص داشته باشند و معدن یال شمالی نیز در روز حادثه یک مسئول ایمنی داشت که فاقد تخصص و تحصیلات در این زمینه بوده است. این فعال کارگری اضافه کرد: کارگرانی که به ناچار با دستور کارفرما بدون تجهیزات هم در سمت کارگر و هم مسئول فنی در اعماق زمین کار می‌کنند، مقصر نیستند.

در کرمانشاه رخ داد: مرگ کارگر ساختمانی بر اثر تخریب غیر اصولی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 تیر ماه 92 آمده است: ریزش یک ساختمان قدیمی در کرمانشاه منجر به مرگ یک کارگر جوان ۲۲ ساله شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از کرمانشاه، مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمانشاه با اعلام این خبر گفت: صبح دیروز وقوع حادثه ریزش یک ساختمان قدیمی به سازمان آتش نشانی کرمانشاه گزارش شد و ماموران بلافاصله در محل حادثه حاضر شدند.

حجت الله جهانبخشی ادامه داد: صاحب یک منزل قدیمی و کلنگی بدون هماهنگی با شهرداری و یا ارگان دیگری، دو کارگر را برای تخریب منزل خود به کار گرفته بود و این کارگران نیز بدون رعایت مسائل ایمنی اقدام به تخریب این ساختمان کردند و در نهایت ساختمان فرو ریخت و یکی از کارگران که زیرآوار مانده بود جان باخت.

مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمانشاه در پایان گفت: پس از تلاش ماموران آتش نشانی جسد کارگر که جوانی ۲۲ ساله بود از زیر آوار بیرون کشیده شد.

پایان پیام

در اعتراض به قتل افشین اسانلو: پیاده روی هاشم هاشمی زاده و همراه او خانم فیروزه رشیدی

اولین تماس با این دوستان که از روز چهارشنبه 26 ژوئن برابر 5 تیر 92 در راهپیمایی اعتراضی به قتل عمد افشین اسانلو، از استکھلم به طرف شهر گوتنبرگ در حرکت هستند، انگیزه این حرکت اعتراضی و چگونگی آنرا از زبان آنها بشنویم:

<http://www.radiotvrahekarqar.de/rd/13/06/30/go30jun.ram>

دومین گفتگو با خانم فیروزه رشیدی و هاشم هاشمی زاده سازماندهندگان کمپین راه پیمایی اعتراضی،

در این گفتگوعلیرضا بیداریان کارگراخراجی سندیکاى کارگران شرکت واحد و توفیق محمدی فعال عرصه پناهندگی نیزبا شنوندگان صحبت می کنند:

<http://www.radiotvrahekargar.de/rd/13/07/02/fh02jul.ram>

منبع:رادایوراه کارگر- گفتگو از امیر جواهری

مراسم گرامیداشت زندانی سیاسی و فعال کارگری افشین اسانلو

افشین اسانلو بامداد روز جمعه 31 خرداد به دلیل شکنجه های جسمی و روحی در زندان رجایی شهر درگذشت. مسئولین رژیم یعنی شکنجه گران او تلاش دارند تا مرگ او را یک اتفاق طبیعی جلوه دهند. اما دیگر شیوه های شکنجه گاههای رژیم و دستگاه امنیتی آن برای همه مردم شناخته شده است. همه میدانند که زندان نه فقط شکنجه گاه، بلکه قتلگاه انسانهای شریف و مبارز است. و هر کسی که پیش به زندانهای رژیم بیافتد سایه مرگ هم بالاسرش قرار دارد. افشین یکی از آن هزاران زندانی سیاسی است که در طول عمر رژیم اسلامی چه با دادگاههای 1 دقیقه ای و چه بدون دادگاه به قتل رسیده اند.

افشین اسانلو از فعالین کارگری است که در سال ۸۸ در تهران دستگیر شد و سپس در بیدگاه رژیم به پنج سال حبس تعزیری به اتهام "اجتماع و تبانی و ... " محکوم شده بود. این فعال کارگری در سال گذشته برای گذراندن باقیمانده دوره محکومیت خود به زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) اعزام شده بود. دوره محکومیت افشین اسانلو در اسفند سال جاری به پایان می رسید، اما به خاطر شکنجه و شرایط دشوار زندان و عدم دسترسی او به امکانات پزشکی حکم پنج سال زندان او عملاً تبدیل به حکم مرگ تدریجی در زندان شد.

افشین اسانلو در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت کرج در محیطی کاملاً ایزوله شده که از داشتن ارتباط تلفنی و سایر حقوق اولیه انسانی محروم بود و دائم همانند سایر هم بندیانش تحت فشارهای روحی و غیر انسانی قرار داشت با این وجود بنا به گفته هم بندیانش "روحیه ای شاد داشت و شوخ طبع بود و هیچ گاه از داشتن ناراحتی قلبی شکایتی نداشت". این گروه از زندانیان سیاسی و فعالین کارگری بدلیل فشارهای جسمی و روحی که بازجویان وزارت اطلاعات علیه آنها بکار میگیرند در مدت کوتاهی دچار بیماریهای مختلف و گاه بیماری های مرموزی می شوند و به دلیل عدم درمان به موقع ، تدریجاً به سوی مرگ سوق داده می شوند.

مرگ مشکوک افشین همانند مرگ های تدریجی بسیاری از زندانیان سیاسی است که در شکنجه گاههای رژیم صورت گرفت ، این خود گواه شرایط دشوار و شکنجه در زندانهای رژیم جنایتکار اسلامی ایران است .

ما از دست دادن این فعال کارگری، این زندانی سیاسی ، این انسان آزاده و عدالت جو را به کارگران ایران، به خانواده داغدار اسانلو بخصوص همسر و فرزندان و مادر فداکار او و منصور اسانلو تسلیت می گوئیم و یاد او را گرامی می داریم .

بدون شک چنین کارگری ایران شهامت و تلاش تا پای جان افشین اسانلو ، ستار بهشتی و هزاران کارگر آگاه و مبارز را فراموش نخواهد کرد و با عزمی استوارتر در جهت اهداف خود پای می فشارد .

رژیم جمهوری اسلامی از وحشت اعتراض مردمی حتی اجازه نداد تا مراسم یادبود افشین در ایران برگزار شود. ما به یاد افشین اسانلو و به پاس احترام به تلاشهای او روز شنبه از ساعت 17 تا 20 مراسم گرامی داشت او را در محل اتحادیه کارگران ساختمانی در کپنهاک برگزار می کنیم . امیدواریم با شرکت خود در این مراسم یاد او را گرامی بداریم

گرامی باد یاد افشین اسانلو

سرنگون باد رژیم اسلامی ایران . زنده باد آزادی و برابری .

شنبه 6 یولی 2013 از ساعت 17 تا 20
محل: اتحادیه کارگران ساختمانی Lygten 10, 2400 København NV
برگزار کننده: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران - دانمارک، کانون پوینده و کمیته
دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دانمارک.

« سخنی درباره‌ی دستمزد » عبداله وطن خواه

دستمزد!

اجر نیست

پاداش نیست

تکه‌ی کوچکی ست از

کیک بزرگ ارزش

که به جان

می بزنش،

کارگران. (فلزیان)

بیائید با این پیش فرض شروع کنیم که: همه‌ی اندیش مندان و کارشناسان و محققین و متخصص‌های عرصه‌ی کار و سرمایه هر چه گفته و نوشته‌اند غلط است و به درد خودشان می‌خورد و گره‌ای از مشکلات کارگری ما باز نمی‌کند. با داشته‌های عینی و ذهنی خودمان به اوضاع کارگری‌مان نگاهی داشته باشیم. گفتیم عرصه‌ی کار و اوضاع کارگری‌مان، پس قبل از هر چیزی مدعی تعلق داشتن به دنیای کار هستیم و کارگر بودنمان و با این ادعا ناچار باید ابتدا عنوان خودمان، یعنی واژه‌ی «کارگر» را معنی کنیم. البته همه‌ی ما کارگران با پوست و گوشت، و تا مغز استخوان مان این واژه را درک و لمس کرده و تلخ‌کامی‌های نهفته در درونش را هم می‌شناسیم ولی به خاطر مستند بودن بیان خود باید به اسناد رسمی و مستند موجود استناد کنیم که در حال حاضر بر کشور ما حاکم است و قانونیت و رسمیت دارد، یعنی قانون کار که قانون مادر و نه حاکم بر روابط کارگران و کارفرمایان است.

لینک متن کامل:

<http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/07/blog-post.html#more>

تعویق سه ماه حقوق کارگران صدرا و تعطیلی کارگاه از دهم تیرماه در پی اعتراض کارگران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 تیر ماه 92 آمده است: یک فعال کارگری در بوشهر از پرداخت نشدن معوقات حقوقی حدود ۱۵۰۰ کارگر شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) در سه ماه گذشته خبر داد و گفت: در پی اعتراض کارگران برای دریافت نکردن حقوق، کارفرما از تاریخ دهم تیر ماه این کارگاه را تعطیل اعلام کرده است.

«سید موسی میر جهانمردی»، دبیر خانه کارگر بوشهر در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: حدود ۱۵۰۰ کارگر قراردادی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) که با کارفرمایی چندین شرکت پیمانکاری در ساخت پروژه‌های دریایی فعالیت دارند، از سه ماهه گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند.

او افزود: علاوه بر دستمزد، کارفرما با تغییر ساعت کاری این کارگران، نهار را از برنامه شرکت حذف کرده است.

این فعال کارگری همچنین اظهار داشت: به گفته این کارگران ۴۰ نفر از کارگران باتجربه این واحد

تولیدی به دلایلی نامشخصی قبل از این موضوع با پایان قرار داد کاریشان تعدیل شده‌اند. میر جهانمردی با بیان اینکه شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) یکی از مطرح‌ترین واحدهای ساخت و تعمیرات کشتی و اجرای سکوه‌های نفتی و گاز در کشور است، اظهار داشت: اغلب نیروهای فعال در مجموعه «صدرا» را کارگران با تجربه و مهندسان متخصص تشکیل می‌دهند.

گفتنی است، علی‌رغم قول مساعد تلاش ایلنا برای گفتگو با مقامات کارفرمایی صدرا تا لحظه تنظیم این خبر به نتیجه نرسیده است.

پایان پیام

بیش از 70 درصد کارگران کارگاه‌های کوچک بیمه ندارند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 12 تیرماه 92 آمده است: بیش از 70 درصد کارگران کارگاه‌های کوچک که طبق قانون باید دارای پوشش بیمه ای باشند بیمه نیستند. آن تعداد از کارگران کارگاه‌های کوچک هم که بیمه شده محسوب می شوند و دارای بیمه هستند غالباً سابقه ثبت شده آنها خیلی کمتر از دوران اشتغال آنها است و تقاضای آنان برای رسیدگی به این مسئله مهم در تأمین اجتماعی بدون پاسخ می ماند.

یک فعال صنفی خبر داد: تعطیلی خانه بهداشت کارگران کوره پزخانه‌های قرچک

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 تیر ماه 92 آمده است: دبیر کانون انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران از تعطیلی خانه بهداشت کارگران کوره پزخانه‌های شهرستان قرچک توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خبر داد.

«علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، خانه بهداشت کارگران کوره پزخانه‌های شهرستان قرچک را منحل کرده و این در حالی است که حقوق بهداشت‌یاران را کارفرمایان پرداخت می‌کردند. وی تصریح کرد: وزارت بهداشت برای هر سه الی چهار کوره آجر پزی یک بهداشت‌یاریار انتخاب می‌کند تا در خانه بهداشت آن منطقه مشغول به کار شود.

این فعال صنفی در پایان با انتقاد از وضعیت بهداشت کوره‌های آجرپزی اظهار داشت: در برخی کوره پزخانه‌ها، ۱۰ الی ۲۰ خانوار مشغول به کارند که از امکانات بهداشتی عمومی استفاده می‌کنند.

تیراندازی هنگ مرزی بسوی کولبران، 1 کشته و 2 زخمی در پی داشت

به گزارش گُردپا، در 12 تیر ماه 92 آمده است: یک کولبر دیگر اهل شهرستان " ثلاث باباجانی" در استان کرمانشاه توسط نیروهای هنگ مرزی "شیخ‌صله" در نقطه‌ی صفر مرزی کشته شد. برپایه این گزارش، امروز چهارشنبه دوازدهم تیرماه مأموران هنگ مرزی شیخ‌صله در شهرستان ثلاث باباجانی یک کولبر گُرد به نام " نازدار مردای"، فرزند عزیز را با شلیک مستقیم به قتل رساندند.

این کولبر گُرد ۲۸ سال سن داشت و دارای همسر و فرزند بوده که به دلیل فقر معیشتی، بالاجبار به شغل کاذب کولبری روی آورده است.

به گفته‌ی یک منبع مطلع، در حادثه‌ی تیراندازی امروز، دو برادر دیگر نازدار به نام‌های "جلال و زرگار" نیز به شدت زخمی شده و هم اکنون در یکی از بیمارستان‌های کرمانشاه تحت مراقبت پزشکی هستند که گزارشات حاکی از وضعیت وخیم آنها می‌باشد. در همین رابطه کولبران و کاسبکارانی منطقه با به آتش کشیدن خودروی نیروی انتظامی، اعتراض خود را به این عمل مأموران حکومت اسلامی ایران نشان دادند.

برق فشار قوی جان 3 کارگرا در شهرستان تربت حیدریه گرفت

به گزارش پایگاه خبری پلیس، در 12 تیر ماه 92 آمده است: بر اثر برخورد دکل دستگاه جرثقیل با سیم های فشار قوی، راننده و شاگرد بالابر و کارگری که در محل بود در شهرستان تربت حیدریه خراسان رضوی دچار برق گرفتگی شده و جان خود را از دست دادند. بنا بهمین گزارش، فرمانده انتظامی شهرستان تربت حیدریه در تشریح این خبر گفت: ساعت 6:20 عصر روز پنج شنبه در پی تماس یکی از شهروندان با مرکز فوریت های پلیسی 110 شهرستان تربت حیدریه و گزارش یک مورد برق گرفتگی در روستای مورشک در پنج کیلومتری تربت حیدریه، مأموران کلانتری 12 این شهرستان بلافاصله به محل اعزام شدند. سرهنگ "شاهرخی" افزود: پس از حضور مأموران انتظامی در محل با بررسی های اولیه مشخص شد یک دستگاه بالابر در حال تعمیر و بالا کشیدن لوله های چاه آب کشاورزی بوده که به علت بی احتیاطی با سیم های فشارقوی برق برخورد کرده و در پی این حادثه، راننده و شاگرد بالابر و کارگری که در محل بود دچار برق گرفتگی شدند و به علت شدت جراحات وارده هر سه در دم فوت کرده اند.

رئیس صنف رانندگان وسائط نقلیه سنگین استان هرمزگان: ائتلاف وقت رانندگان هنگام بارگیری کانتینرها در اسکله شهید رجایی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 تیر ماه 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگری رانندگان وسائط نقلیه سنگین استان هرمزگان از ائتلاف وقت رانندگان هنگام بارگیری کانتینرها در اسکله «شهید رجایی» بندرعباس انتقاد کرد.

«منوچهر نیک سرشت» در این باره به ایلنا گفت: زمانی که رانندگان وسائط نقلیه سنگین برای بارگیری کانتینرها به اسکله شهید رجایی بندرعباس می‌روند باید بیش از ۲۴ ساعت منتظر بمانند.

به گفته این فعال صنفی، مسئول تاخیر در بارگیری رانندگان وسائط نقلیه سنگین، شرکت «تاید واتر» است که امور تخلیه و بارگیری در اسکله شهید رجایی بندرعباس را بر عهده دارد.

این فعال صنفی در پایان افزود: بیش از ۱۰ خط کانتینری در اسکله شهید رجایی بندرعباس وجود دارد که هر کدام جرثقیل (ترانس) اختصاصی خود را دارند اما تنها یک جرثقیل، بارگذاری این خطوط را انجام می‌دهد که امر بارگیری را زمان بر می‌کند.

پایان پیام

مرگ کارگر ساختمانی در کرمانشاه

به گزارش پایگاه خبری پلیس ، در 12 تیر ماه 92 آمده است : یک کارگر ساختمانی حین کار در یکی از محلات قدیمی شهر کرمانشاه ، بعلت فرو ریختن سقف یک باب منزل مسکونی جان شرا ازدست داد.

براساس این گزارش، سرهنگ " علیرضا مرزبانی" فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه دراین باره گفت: روز گذشته در پی اعلام مرکز 110 در خصوص فروریختن آوار بر روی دو کارگر در یکی از محلات قدیمی شهر کرمانشاه که دارای بافت فرسوده می باشد ، بلافاصله ماموران کلانتری " 14 " جهت بررسی موضوع به محل اعزام شدند .

وی ادامه داد : یکی از کارگران توسط ماموران سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمانشاه نجات یافت اما نفر دوم به علت خفگی ناشی از گرفتار شدن در زیر آوار جان خود را از دست داد .

مراسم گرامیداشت زندانی سیاسی و فعال کارگری افشین اسانلو

برپایه خبر رسیده درچهارشنبه 12 تیر 92 آمده است : افشین اسانلو بامداد روز جمعه 31 خرداد به دلیل شکنجه های جسمی و روحی در زندان رجایی شهر درگذشت. مسئولین رژیم یعنی شکنجه گران او تلاش دارند تا مرگ او را یک اتفاق طبیعی جلوه دهند. اما دیگر شیوه های شکنجه گاههای رژیم و دستگاه امنیتی آن برای همه مردم شناخته شده است. همه میدانند که زندان نه فقط شکنجه گاه، بلکه قتلگاه انسانهای شریف و مبارز است. و هر کسی که پایش به زندانهای رژیم بیافتد سایه مرگ هم بالاسرش قرار دارد. افشین یکی از آن هزاران زندانی سیاسی است که در طول عمر رژیم اسلامی چه با دادگاههای 1 دقیقه ای و چه بدون دادگاه به قتل رسیده اند.

افشین اسانلو از فعالین کارگری است که در سال ۸۸ در تهران دستگیر شد و سپس در بیداگاه رژیم به پنج سال حبس تعزیری به اتهام "اجتماع و تبانی و ... " محکوم شده بود. این فعال کارگری در سال گذشته برای گذراندن باقیمانده دوره محکومیت خود به زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت) اعزام شده بود. دوره محکومیت افشین اسانلو در اسفند سال جاری به پایان می رسید، اما به خاطر شکنجه و شرایط دشوار زندان و عدم دسترسی او به امکانات پزشکی حکم پنج سال زندان او عملاً تبدیل به حکم مرگ تدریجی در زندان شد.

افشین اسانلو در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت کرج در محیطی کاملاً ایزوله شده که از داشتن ارتباط تلفنی و سایر حقوق اولیه انسانی محروم بود و دائم همانند سایر هم بندیانش تحت فشارهای روحی و غیر انسانی قرار داشت با این وجود بنا به گفته هم بندیانش "روحیه ای شاد داشت و شوخ طبع بود و هیچ گاه از داشتن ناراحتی قلبی شکایتی نداشت". این گروه از زندانیان سیاسی و فعالین کارگری بدلیل فشارهای جسمی و روحی که بازجویان وزارت اطلاعات علیه آنها بکار میگیرند در مدت کوتاهی دچار بیماریهای مختلف و گاه بیماری های مرموزی می شوند و به دلیل عدم درمان به موقع ، تدریجاً به سوی مرگ سوق داده می شوند. مرگ مشکوک افشین همانند مرگ های تدریجی بسیاری از زندانیان سیاسی است که در شکنجه گاههای رژیم صورت گرفت ، این خود گواه شرایط دشوار و شکنجه در زندانهای رژیم جنایتکار اسلامی ایران است .

ما از دست دادن این فعال کارگری، این زندانی سیاسی ، این انسان آزاده و عدالت جو را به کارگران ایران، به خانواده داغدار اسانلو بخصوص همسر و فرزندان و مادر فداکار او و منصور اسانلو تسلیت می گوئیم و یاد او را گرامی می داریم .

بدون شک جنبش کارگری ایران شهامت و تلاش تا پای جان افشین اسانلو ، ستار بهشتی و هزاران کارگر آگاه و مبارز را فراموش نخواهد کرد و با عزمی استوارتر در جهت اهداف خود پای می فشارد .

رژیم جمهوری اسلامی از وحشت اعتراض مردمی حتی اجازه نداد تا مراسم یادبود افشین در

ایران برگزار شود. ما به یاد افشین اسانلو و به پاس احترام به تلاشهای او روز شنبه از ساعت 17 تا 20 مراسم گرامی داشت او را در محل اتحادیه کارگران ساختمانی در کپنهاک برگزار می کنیم. امیدواریم با شرکت خود در این مراسم یاد او را گرامی بداریم

گرامی باد یاد افشین اسانلو
سرنگون باد رژیم اسلامی ایران. زنده باد آزادی و برابری.
شنبه 6 یولی 2013 از ساعت 17 تا 20
Lygten 10, 2400 København NV, محل: اتحادیه کارگران ساختمانی
برگزار کننده: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران - دانمارک، کانون پوینده و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دانمارک

گودبرداری غیراصولی جان کارگر ۲۰ ساله را در کرج گرفت

به گزارش تسنیم، در 12 تیر ماه 2 آمده است: گودبرداری غیراصولی روز گذشته پنجمین قربانی منجر به فوت خود در چهار ماه گذشته در شهر کرج را گرفت.

این گزارش می افزاید، سومین حادثه سنگین گودبرداری طی چهار ماه اخیر در کرج روی داد که هر یک از این حوادث موجب بروز شدیدترین آسیبهای جانی و مالی برای همسایگان یا کارگران شاغل در ساختمانهای اطراف یا در حال احداث شده است؛ روندی که به نظر می رسد با توجه به کم توجهی برخی سازندگان به رعایت اصول ایمنی در ساخت و ساز همچنان ادامه داشته و با جان هموطنان بازی می کند.

به گفته مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی، روز گذشته در تماسی با ستاد فرماندهی این سازمان، شهروندان از وقوع یک مورد ریزش آوار در منطقه رجایی شهر خبر دادند و در پی آن نیروهای امداد و نجات ایستگاههای 107 و 109 این سازمان به محل حادثه اعزام شدند.

حاجعلی فرجامی، با بیان اینکه متاسفانه با ورود ماموران به محل مشخص شد که باز هم گودبرداری غیراصولی در کرج حادثه آفریده است، اظهار کرد: طبق اعلام حاضران و شاهدان حادثه، مشخص شد که کارگری 20 ساله زیر آوار ناشی از این اقدام محسوس شده است. وی اضافه کرد: اقدامات آزادسازی حادثه دیده به سرعت و بدون اتلاف وقت از سوی ماموران این سازمان آغاز شد اما متاسفانه پنجمین قربانی حاصل از این بی دقتی از زیر آوار، بی جان بیرون آمد.

مدیرعامل سازمان آتش نشانی کرج خاطرنشان کرد: حوادث ناشی از گودبرداری غیراصولی از جمله حوادث شایعی است که نیروهای عملیاتی این سازمان را همواره به محل حوادث کشانده و اغلب نیز عوارض و آسیبهای دردناکی را برای شهروندان به همراه دارد.

طبق اصول مهندسی به کارگیری تدابیر علمی در روند گودبرداری می تواند آثار سوء ناشی از این اقدام را به شدت کنترل کرده و از ایجاد هر گونه حادثه جانی یا مالی جلوگیری کند.

تلقى غلط سازندگان از هزینه های گودبرداری اصولی

رئیس سازمان نظام مهندسی استان البرز نیز در گفت و گو با خبرنگار تسنیم در کرج گفت: متاسفانه تلقی برخی از به کارگیری تمهیدات ایمنی در گودبرداری، صرف زمان و هزینه بیهوده است؛ این درحالی است که گودبرداری، اصولاً از جمله فرایندهای پیچیده و بسیار خطرناک مهندسی ساخت و ساز محسوب می شود.

محسن خیری اضافه کرد: در گودبرداری با عمق زیاد نیز نیازمند بررسی های همه جانبه و صرف دقت بسیار بالا هستیم تا از این طریق ضمن رعایت مسائل و مباحث فنی ساخت و ساز متضمن تامین ایمنی جان و مال مردم باشیم.

به عقیده مهندسان، اگر از روش های غیراصولی گودبرداری که متاسفانه در کشور رایج است بگذریم، با توجه به حجم و عمق خاک برداری، موقعیت و نوع اسکلت ساختمانها و تأسیسات

اطراف گود و جنس خاک گود، روش های مختلفی در جهان و ایران برای گودبرداری استفاده می شود که به کارگیری هر یک از این روش ها می تواند از عوارض خطرناک این اقدام بکاهد. اطلاع رسانی عوارض گودبرداری غیراصولی به اصلاح آن کمک می کند. کارشناسان همچنین معتقدند اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به شهروندان در خصوص حوادث و آثار طبیعی غیرمخرب و مخرب این گودبرداری ها می تواند تا اندازه زیادی سازندگان را به استفاده از روش های صحیح و استفاده از اصول علمی و بهره گیری از نظرات مهندسان ناظر در طرح های ساخت و ساز خود متقاعد نماید. به گفته خیری، گودبرداری در راس فعالیت های عمرانی قرار داشته و یکی از حساس ترین مراحل ساختمان سازی است که باید مورد توجه جدی مجریان ساختمانی قرار گیرد. بر این اساس به نظر می رسد مسئله گودبرداری اصولی، نیاز به فرهنگ سازی عمومی در کشور داشته و باید هزینه های ناشی از آن به عنوان هزینه ی طبیعی در بودجه ی پروژه ها لحاظ گردد. همچنین مشکلاتی مانند گرفتن مجوز برای اجرای شیوه های نیلینگ و مهاری از همسایه ها باید با سهولت بیشتری برای سازندگان قابل دستیابی باشد تا از این پس کمتر شاهد وقوع حوادثی چنین در سطح کشور و به تبع آن کرج و استان البرز باشیم.

یک فعال صنفی کارگران دریانورد: فرماندهان کشتیرانی صلاحیت اداره اصناف کارگران دریایی را ندارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 تیر ماه 92 آمده است: عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس بر لزوم کارگر بودن نمایندگان صنفی کارگران دریانورد تاکید کرد.

«غلامرضا زنگی اهرمی» در این باره به ایلنا گفت: نمی توان تشکلی را که همگی اعضای هیات مدیره اش از فرماندهان ناوهای تجاری و مدیران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی هستند «انجمن صنفی کارگری» دانست. وی در ادامه به مشاغل ۳۲ گانه ای که از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مجلس شورای اسلامی و سازمان استخدام کشوری به عنوان بخش کارگری شناخته شده اند اشاره کرد.

به گفته آقای زنگی، آشپز، راننده، نقاش و... چند نمونه از موارد ۳۲ گانه مشاغل کارگری هستند و دیوان عدالت اداری برای بررسی این مشاغل در وزارت کار رای صادر کرده است.

این فعال صنفی در پایان تصریح کرد: تنها کارگران دریایی می توانند تشکل کارگری تشکیل دهند.

کارگر صنعت برق: کارگران قطعات توربین شهریار راتنها نگذاریم

برپایه خبر دریافتی آمده است: اول تیرماه، کارگران شرکت قطعات توربین شهریار در راستای تحقق مطالبات خود دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت صنعتی که در جاده ی ملارد کرج واقع شده، در سالهای گذشته نیز اعتراضات مکرر و متعددی نسبت به شرایط کار و در راستای احقاق حقوق خود داشته اند. کارگران این شرکت با توجه به ماهیت و نوع کار خود که از حساسیت و ارزش ویژه ای در جریان تولید برق کشور برخوردار است خواهان افزایش دستمزد خود هستند. تمدید قرارداد بیمه ی درمانی با بیمه ی سینا، پرداخت کارانه ها، پاداشهای معوقه، عدم اخراج کارکنان قرارداد موقت و بهبود شرایط کار از دیگر مطالبات کارگران این شرکت صنعتی است. (از بهمن ماه ۱۳۹۰ مدیریت

در راستای اخراج بخشی از کارکنان این واحد تولیدی اعمال فشار نموده، و در برابر مقاومت کارگران، به آنان اعلام نموده است که یا باید یک روز در میان کار کنند و یا اخراج بخشی از همکاران خود را بپذیرند، این نزاع در کنار به تعویق افتادن دستمزد کارگران تاکنون ادامه یافته است)

هر روز که از شروع اعتراض و اعتصاب می گذشت، دامنه ی آن وسیع تر می شد. روز دوشنبه دهم تیر ماه تعدادی از کارگران اخراجی به همراه خانواده های خود در مقابل در ورودی شرکت جمع شدند که این تجمع تا پایان ساعت کاری ادامه یافت. ترس از گستردگی دامنه ی اعتصاب در این منطقه ی صنعتی و نیز پیشینه ی اعتراضات کارگران آگاه و جسور این شرکت باعث شد تا در روز چهارشنبه ۱۲ تیر ماه نمایندگانی از نهادهای امنیتی شهر کرج در شرکت حضور یابند و با مسئولین شرکت جلساتی را برگزار کرده و خواهان حل و فصل هر چه سریعتر این موضوع و بازگشت آرامش به این شرکت شوند. در پی این جلسات، مدیر عامل شرکت مجبور گردید در بین کارگران حضور یافته و با آنها وارد مذاکره شود.

تا پایان روز چهارشنبه اعتصابات ادامه یافت و کارگران مشغول مذاکره با مدیریت بودند. جاده ی ملارد کرج، منطقه ای صنعتی است و شرکتهای تولیدی بسیاری در آنجا مستقر هستند. حمایت کارگران سایر کارخانجات و به خصوص سایر شرکتهای فعال در صنعت برق، از کارگران قطعات توربین شهریار کمترین کاری است که سایر هم سرنوشتان آنها می توانند برایشان انجام دهند. امروز اخراج و بیکار سازی، کارگران این شرکت را تهدید می کند و فردا گریبان کارگران شرکتها را خواهد گرفت.

با اعلام همبستگی با کارگران این شرکت و تلاش در راه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری مانع دست اندازی عوامل سرمایه به سفره ی کارگران شویم. اخراج کارگران از سوی صاحبان سرمایه و حمایت دولت سرمایه چیزی نیست که مربوط به امروز و دیروز باشد، اخراج کارگران امری است که سرمایه دارن در جهت تولید ارزش اضافه ی هرچه بیشتر به آن اقدام می کنند.

خبر مبارزه ی کارگران قراردادی فولاد خوزستان و حمایت کارگران رسمی از آنها نشان از نقطه جوشهای همبستگی جنبش کارگری است که خبر فوق نیز بر همین موضوع تاکید دارد. و از آنجا که خیل کارگران آماده به کار بسیاریند، صاحبان سرمایه کارگرانی با دستمزد کمتر و سر به راه تر را جایگزین می کنند. از آنجا که سرمایه داری صرفا به سود می اندیشد آنجا که تولید ارزش اضافی بر وفق مرادش نباشد، در بخشهای سودآورتر سرمایه گذاری می کند و از اخراج کارگران ایابی ندارد. ما کارگران از قراردادی گرفته تا رسمی و ... در معرض اخراج و بیکارسازی و بی حقوقی قرار داریم. همانطور که به درستی در خبر کارگران قطعات توربین شهریارآمده است راهی جز همبستگی و ایجاد تشکل سراسری بر علیه سرمایه نداریم.

برگزاری گلگشت در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری و سیاسی در کامیاران

به نوشته کمیته هماهنگی ... در 13 تیر ماه 92 آمده است : جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در کامیاران در اعتراض به بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری گلگشتی را برگزار کردند.

در این مراسم ابتدا سرود انترناسیونال خوانده شد و سپس یک دقیقه سکوت اعلام گردید. سپس یکی از حاضرین قطعه شعری خواند و در ادامه سخنرانی در رابطه با وضعیت زندانیان دربند و همچنین مرگ افشین اسانلو در زندان رجایی شهر کرج انجام شد. مراسم با خواندن پیام کمیته هماهنگی در رابطه با مرگ افشین اسانلو و خواندن شعر و سرود پایان یافت. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

همگی اعضای هیات مدیره انجمن صنفی کارگری کشتیرانی از فرماندهان ناوهای تجاری و مدیران شرکت کشتیرانی هستند!!!

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 تیر ماه 92 آمده است: همگی اعضای هیات مدیره انجمن صنفی کارگری کشتیرانی از فرماندهان ناوهای تجاری و مدیران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی هستند. براساس این گزارش، از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مجلس شورای اسلامی و سازمان استخدام کشوری مشاغل ۳۲ گانه‌ای به عنوان بخش کارگری از جمله آشپز، راننده، نقاش و... شناخته شده‌اند و دیوان عدالت اداری برای بررسی این مشاغل در وزارت کار رای صادر کرده است.

صدور حکم زندان علیه «بهزاد فرج‌اللهی»

به نوشته کمیته هماهنگی ... در 13 تیر ماه 92 آمده است: روز چهارشنبه 92/4/12 شعبه ی یک دادگاه انقلاب سنندج، حکم یکسال حبس تعزیری را به «بهزاد فرج‌اللهی» فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی ابلاغ نمود. اتهام این فعال کارگری تبلیغ علیه نظام عنوان شده است. لازم به ذکر است که جلسه ی دادگاهی نامبرده بدون اطلاع وی در تاریخ 92/3/26 در همان شعبه به صورت غیابی برگزار شده بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن حکم صادره برای بهزاد فرج‌اللهی، خواهان شکسته شدن این حکم و همچنین آزادی کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

دبیر خانه کارگر کرمان:

فقدان امنیت شغلی، کارگران را از کشاورزی فراری می‌دهد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 تیر ماه 92 آمده است: یک فعال کارگری از کرمان گفت: با وجود آنکه در کرمان بخش کشاورزی ظرفیت بالایی در اشتغالزایی دارد، اما نبود امنیت شغلی استفاده از این ظرفیت را به حداقل رسانده است.

«عباس کار بخش» توسعه اشتغال پایدار در بخش کشاورزی را یکی از عوامل اصلی پیشرفت و توسعه استان کرمان عنوان کرد و به ایلنا گفت: کارگران شاغل در بخش کشاورزی امنیت شغلی ندارند، دستمزد آنها کم و نسبت به دستمزد کارگران سایر بخش‌ها از نوسانات بیشتری برخوردار است.

دبیر خانه کارگر کرمان افزود: اگر این کارگران به هر دلیلی قادر به کار نباشند هیچ‌گونه منبع درآمد دیگری ندارند و از تامین مایحتاج اولیه زندگی نیز عاجز می‌شوند.

این فعال کارگری با انتقاد از عملکرد بعضی از نهادها از جمله جهاد کشاورزی و سازمان تامین اجتماعی در خصوص حمایت از این کارگران، گفت: عدم حمایت بیمه‌ای از این کارگران به اضافه شرایطی که ذکر شد سبب شده است کارگران رغبتی به کار در بخش کشاورزی نداشته باشند.

پایان پیام

دفن کارگر افغان در محل گودبرداری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 تیر ماه 92 آمده است: صبح امروز ریزش آوار بر سر یک کارگر در زمینی گودبرداری شده در خیابان ولیعصر تهران، باعث مصدومیت او شد.

به گزارش ایلنا، صبح امروز در خیابان ولیعصر، پل امیر بهادر تهران کارگران در ضلع شمالی یک قطعه زمین ۱۵۰ متری که به عمق پنج متر گودبرداری شده بود، مشغول کار بودند که ناگهان بخشی از این دیوار فرو ریخته و یک کارگر ۵۰ ساله افغان در آن محبوس شد.

بر اساس این گزارش، کارگر مذکور تا بالای کمر در زیر خاک و سنگ محبوس شده بود و آتش نشانان همزمان با ایمن سازی محل اقدامات خود برای خارج کردن این کارگر از زیر آوار را آغاز کرده و پس از مدتی وی را در حالی که زنده بود به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند.

پایان پیام

شیفت شب احتمال بروز سرطان سینه را 2 برابر می‌کند

کار کردن در شیفت شب، کارمندان زن را وادار می‌کند که در طول شب در معرض نور قرار بگیرند که این فاکتور به نوبه خود تولید هورمون خواب موسوم به ملاتونین را کاهش می‌دهد در حالی که این هورمون از بدن در برابر انواع خاصی از سرطانها محافظت می‌کند.

به گزارش 11 تیرفارس به نقل از پایگاه خبری هلث دی نیوز آمریکا، محقق «کریستن آرونسون» استاد علوم بهداشت عمومی در موسسه تحقیقات سرطان «کوئین» در دانشگاه «کوئین» در «کینگستون» در «اونتاریو» گفت: این تحقیقات ارتباط آشکار بین کار شیفت شب و خطر ابتلا به سرطان سینه را نشان می‌دهد اما یک رابطه علت و معلولی را ثابت نمی‌کند.

تحقیقات دیگر همچنین ارتباط بین کار شیفت شب و سرطان سینه، به ویژه برای متخصصان مراقبت های بهداشتی را نشان داده است؛ اما تحقیقات جدید یک خطر آشکار در میان انواع دیگر کارگران را نشان داده است.

بر اساس این تحقیقات، زنانی که بیش از 30 سال شیفت داشتند، 2 برابر بیشتر در خطر ابتلا به سرطان سینه نسبت به افرادی که کمتر از 30 سال مشغول به کار بوده‌اند، قرار گرفتند.

آرونسون توضیح داد: محققان جزئیات بسیار خاصی را در مورد سابقه کار زنان کسب کردند. تیم آرونسون بیش از 1100 زنان مبتلا به سرطان سینه و بیش از 1100 نفر دیگر که بدون تشخیص این بیماری که در همان سنین بودند را بررسی کردند؛ به طور متوسط، زنان مورد بررسی در اواسط تا اواخر دهه 50 بودند؛ برخی از زنان از قبل یائسه شده بودند و برخی نیز هنوز به این مرحله نرسیده بودند.

این تحقیقات نشان داد که افراد شرکت کننده پس از پاسخ دادن به پرسشهای این تحقیقات، طول مدت کار شیفت شب 30 سال یا بیشتر در ابتلا به سرطان سینه تاثیرگذار بوده است. کار کردن در شیفت شب، کارمندان زن را وادار می‌کند که در طول شب در معرض نور قرار بگیرند که این فاکتور به نوبه خود تولید هورمون خواب موسوم به ملاتونین را کاهش می‌دهد در حالی که این هورمون از بدن در برابر انواع خاصی از سرطانها محافظت می‌کند. نتایج این مطالعه در اول جولای به صورت آنلاین در مجله حرفه‌ای و پزشکی محیط زیست منتشر شد.

هورمون ملاتونین تنظیم کننده هورمون‌های تناسلی، به ویژه استروژن است و به طور معمول در شب تولید می‌شود اما توسط نور سرکوب می‌شود. برخی کارشناسان بر این باورند، کار شیفت شب می‌تواند در سطح ملاتونین تأثیر بگذارد؛ ملاتونین همچنین ممکن است به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک کند. آرونسون گفت: علاوه بر مراقبت‌های پیشگیرانه مانند ماموگرافی، زنان در صورتی که شیفت شب کار می‌کنند باید چه کارهایی را انجام دهند؟ وی ادامه داد: به زنان توصیه می‌شود که کار شیفت شب را انتخاب نکنند و در صورت امکان، زنان سعی کنند کار کمتر در شیفت شب را برای خود برگزینند.

جلسه ویژه افزایش حقوق ۹۲ در چهارمین ماه سال باز به تأخیر افتاد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 تیر ماه 92 آمده است: وزیر تعاون، رفاه و امور اجتماعی بار دیگر وعده داد: جلسه ویژه شورای عالی کار برای افزایش حقوق مسکن و خوار و بار سال ۹۲ کارگران، نیمه دوم تیرماه برگزار خواهد شد.

«اسدالله عباسی» در حاشیه نشست مشترک با وزیر بهداشت، در خصوص وعده‌های گذشته‌اش مبنی بر تشکیل جلسه در نیمه دوم اردیبهشت که در هفتم خردادماه بدون حصول نتیجه‌ای پایان یافت، به ایلنا گفت: به ایلنا گفت: به دلیل مخالفت گروه کارفرمایی، جلسه قبلی شورای عالی کار در خصوص افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران بی‌نتیجه ماند.

وزیر کار در پاسخ به این سؤال که «با موافقت کارگران و دولت، شورای عالی کار برای صدور حکم افزایش حقوق کارگران اکثریت آرا را در اختیار دارد و نیازی به رای مثبت کارفرمایان ندارد. تعلل این شورا در افزایش حقوق کارگران چه دلیلی دارد؟»، با تأیید اینکه در حال حاضر گروه دولت و گروه کارگری شورای عالی کار موافق افزایش حقوق یاد شده برای سال ۹۲ هستند، گفت: هرچند اکثریت این شورا موافق است اما ما مایل ایم تا در شورای عالی کار از طریق تفاهم و تعامل در مورد مسائل مختلف تصمیم‌گیری شود.

رئیس شورای عالی کار با بیان اینکه باید گروه کارفرمایی هم نظر موافق خود را برای افزایش حقوق مسکن و خوار و بار اعلام کند گفت: انشالله در جلسه بعدی این شورای عالی که قرار است در نیمه دوم تیر ماه برگزار شود گروه کارگری و کارفرمایی به تفاهم خواهند رسید. وی همچنین در خصوص اختصاص سبد کالای ماه رمضان به کارگران گفت: تأکید داریم که همانطور که دولت برای کارمندان خود سبد کالای رمضان تدارک دیده است، کارفرمایان نیز طبق سنت حنسه همیشگی برای کارگران خود سبد کالای ماه رمضان را تدارک ببینند. وی بابیان اینکه کارفرمایان کار خود را همیشه درست انجام داده‌اند و همواره مورد حمایت ما هستند گفت: اصولاً شرکای اجتماعی با رفاقت و صمیمیت کارها را انجام می‌دهند. وی در خصوص اظهارنظر برخی افراد مبنی بر غیر ممکن بودن پرداخت مزایای اضافی توسط کارفرمایان گفت: این اظهار نظرهای حاشیه‌ای هیچگاه از جانب شرکای اجتماعی قانونی مطرح نشده است.

عباسی همچنین در خصوص عملکرد ستاد امور رفاهی کارگران در خصوص توزیع کارت بن میان کارگران کشور گفت: من طبق قولهایی که در زمان رای اعتماد داده بودم عمل کرده‌ام. وی بابیان اینکه همواره سعی کرده است تا بر اساس ظرفیتهای و اختیارات قانونی خود وعده بدهد، افزود: به عنوان مثال رفع مشکل مستمری بیگران صندوق بازنشستگی فولاد، اجرای بیمه تکمیلی طلایی برای بازنشستگان کشوری، اجرای بیمه سرپرستان خانوار و کارگران ساختمانی از جمله اقداماتی بود که طبق وعده‌هایی که دادم انجام شد.

حوادث ناشی از کار در قزوین ، جان یک کارگر را گرفت

به گزارش گُردپا، در 13 تیر ماه 92 آمده است : کارگری در شهر قزوین به علت سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد.
برپایه این گزارش، روز چهارشنبه دوازدهم تیرماه "اسماعیل عبدی"، ۵۰ ساله، اهل روستای "کسنزان" از توابع "سرشیو" سقز به دلیل حوادث ناشی از کار در قزوین جان باخت.
این کارگر، متأهل بوده که به هنگام جوشکاری به دلیل بی‌توجهی کارفرما به درخواست وی و عدم نصب وسایل ایمنی در محل کار، از ساختمان در حال ساخت به پایین سقوط کرد و در نهایت جان خود را از دست می‌دهد.

سبد کالا؛ پرداخت خسارت به کارگران یا صدقه؟

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 13 تیر ماه 92 آمده است: شانزده روز پس آنکه رئیس جمهور منتخب بر ضرورت همکاری دولت‌های دهم و یازدهم برای تامین نیازها و کالاهای اساسی مردم در آستانه ماه رمضان تاکید کرد، مسئولان دولت دهم برای ششمین سال متوالی تنها کارمندان خود را لایق دریافت سبد کالای ماه رمضان تشخیص دادند و به این ترتیب جمعیت ۴۰ میلیونی خانواده‌های کارگری در شرایطی به استقبال ماه رمضان می‌روند که دستمزد امسالشان ۶ درصد کمتر از نرخ رسمی تورم اسفندماه (زمان تصویب دستمزد) تعیین شده بود و حال با کاهش ارزش پول ملی، ارزش دستمزدشان به یک سوم کاهش یافته است.

به گزارش ایلنا، فعالان کارگری معتقدند مطالبه اختصاص سبد کالای به کارگران نه تنها ارتباطی با «مهرورزی» دولت و صدقه به کارگران ندارد بلکه به این جهت طرح شده است که دولت باید بخشی از مسئولیت شرایط سختی که برای کارگران به وجود آورده است را بپذیرد.
شرایطی که دولت عملاً از کنترل نرخ تورم عاجز است و از طرفی دستمزد کارگران را نیز برخلاف ماده ۴۱ قانون کار، بدون ملاک قرار دادن نرخ تورم و سبد هزینه خانوار تعیین کرده است و ارزش ریالی همین دستمزد غیر قانونی نیز کاهش چشمگیری داشته است.

محرومیت کارگران از بودجه دولتی

سبد کالای ماه رمضان نخستین بار در تابستان ۸۷ و در زمان دولت نهم با محتوای کالاهای پرمصرفی همچون گوشت قرمز، مرغ، برنج، شکر، روغن و حبوبات طراحی شد و از همان زمان تاکنون تنها میان کارمندان دولت توزیع شده است.

توزیع انحصاری سبد کالای ماه رمضان در میان کارمندان دولت در حالی است که هم اکنون بخش قابل توجهی از نیروی انسانی کشور را کارگران مشمول قانون کار تشکیل می‌دهند، کارگرانی که با وجود انجام کار یاری، برخلاف کارمندان در ماه رمضان از مزایای کاهش ساعت کار روزانه نیز برخوردار نیستند.

هرچند برای امسال دولت اعلام کرده است که علاوه بر کارمندان، مددجویان کمیته امداد و سازمان بهزیستی نیز با عنوان افشار آسیب پذیر سبد کالای ماه رمضان دریافت خواهند کرد، اما به باور فعالان صنفی کارگری از آنجا که دولت از محل منابع مالی خود سبد کالای ماه رمضان را تدارک می‌بیند و این منابع مالی در اصل متعلق به همه مردم است، عملکرد دولت کنونی در

توزیع اختصاصی سبد کالای ماه رمضان میان کارمندان و مددجویان کمیته امداد و بهزیستی، انحصاری تبعیض آمیز است.

فعالان صنفی کارگری که بر فراگیرتر شدن دامنه دریافت کنندگان سبد کالای ماه رمضان تاکید دارند، با یادآوری اینکه دولت سالهاست که کارگران از حق دریافت کالای بن کارگری محروم کرده است، معتقداند که جامعه کارگری یکی از گروه‌هایی است باید به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی در زمره دریافت کنندگان سبد دولتی کالای بن قرار بگیرند.

کارگران از دولت توقع نداشته باشند

این انتظار کارگران از دولت دهم درحالی است که روز گذشته وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی با تازه‌ترین گفته‌های خود آب پاکی را بر دست کارگران ریخت و اعلام کرد کارگران نباید از دولت توقع دریافت سبد کالای ماه رمضان را داشته باشند.

اسد الله عباسی که روز گذشته در حاشیه «نشست شروع به کار پزشک خانواده در تهران» با ایلنا گفتگو می‌کرد، ضمن سلب مسئولیت تامین سبد کالای کارگری از دولت، توپ سبد کالای ماه رمضان را به زمین کارفرمایان انداخت و گفت: از کارفرمایان انتظار داریم تا طبق «سنت حسنه» هر ساله ماه رمضان عمل کنند و همانطوری که دولت برای کارمندان خود سبد کالای دیده است برای کارگران خود سبد کالا تدارک ببینند.

این سخنان در حالی از جانب یک مقام دولتی مطرح می‌شود که ریزش ناگهانی قدرت خرید کارگران در سال ۹۱ مستقیماً به عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف باز می‌گردد. این ریزش درآمدی چنان آشکار بود که شش شکل رسمی کارگری با شکایت به دیوان عدالت اداری خواستار ابطال مصوبه دستمزدهای شواری عالی کار شدند.

این مسئله در عمل موج گسترده‌ای از اعتراض را در فضای رسانه‌ای کشور ایجاد کرد، اعتراضی که اسدالله عباسی را به عنوان یک چهره دولتی واداشت تا نخست در مقام سرپرست وزارت کار و سپس در مقام وزیر کار به معرضان وعده افزایش بخشی از مزایای نقدی را بدهد، وعده‌ای که در میانه چهارمین ماه سال هنوز محقق نشده است.

پایان پیام

جیره بندی آب در شهرستان کنگاور

به گزارش کرمانشاه پست ؛ در 13 تیر 92 آمده است : در اکثر نقاط شهر کنگاور از ساعت هشت و نیم صبح الی دوازده ظهر ، قطع آب لوله کشی اعمال خواهد شد .

به گزارش کرمانشاه پست ؛ فرماندار شهرستان کنگاور با تأیید جیره بندی آب شرب این شهرستان در جلسه ستاد مدیریت بحران شهرستان کنگاور گفت : افت فشار آب موجود در شبکه ، به علت عدم فعالیت دو حلقه چاه مزبور و نیز افزایش مصرف مشترکان در فصل گرماست که باعث شده نقاط مرتفع شهر از دسترسی به آب شرب محروم شوند .
حشمت اله عزیزگی گفت : به همین منظور و برای تقویت فشار آب شبکه و برخورداری همه شهروندان از آب شرب بهداشتی ، در اکثر نقاط شهر از ساعت هشت و نیم صبح الی دوازده ظهر ، قطع آب لوله کشی اعمال خواهد شد . وی گفت : شهرک های : فرهنگیان ، آموزگار ،

کارمندان ، سپاه ، ولی عصر ، جهاد و خیابان های شهید مصطفی خمینی ، شهید دستغیب ، شهید بهشتی و دکتر شریعتی از جمله مناطقی هستند که با قطع آب مواجه خواهند بود . رئیس آب و فاضلاب شهرستان کنگاور هم با اشاره به اینکه آب شرب شهرستان از یازده حلقه چاه موجود در دو دشت علی آباد و سلیمان آباد تامین میشود گفت : دو حلقه از چاههای دشت علی آباد به علت کاهش آب سفره های زیرزمینی دچار ریزش و رانش شده و از مدار خارج شده اند که این مسئله حدود چهل درصد از شهروندان را دچار کم آبی نموده است . حسین جاورسینه گفت : در صورتی که همه پمپ های موجود با همه ظرفیت کارکنند ۱۲۰ لیتر در ثانیه و با احتساب قطع برق و پرت آب حدود ۲۲۰ لیتر بر ثانیه برای تامین آب شرب شهرستان کمبود خواهیم داشت . وی با ذکر این نکته که این شرائط ، شهرستان را با کمبود هشت هزار متر مکعب آب در شبانه روز مواجه کرده تاکید کرد: جیره بندی آب ، طرح ضربتی ستاد بحران برای برخورداری همه شهروندان از آب شرب بهداشتی است .

رئیس آب و فاضلاب شهرستان کنگاور همچنین از حل این مشکل در آینده نزدیک خبر داد و اظهار داشت : حفر یک حلقه چاه دویست متری توسط دستگاههای حفار آغاز شده که با حفر این چاه و انتقال دستگاه چاههای از مدار خارج شده به چاه جدید ، ظرف دو هفته آینده مشکل آب شرب شهرستان مرتفع خواهد شد .

یادداشت کارگری

مبارزه برای دفاع از جان فعالان کارگری زندانی و همه زندانیان سیاسی را گسترش

دهیم

مریم محسنی

برپایه مقاله رسیده آمده است : دو هفته از مرگ افشین اسانلو، از فعالان کارگری زندانی و زندانی سیاسی و از چهره های شناخته شده رانندگان برون شهری (میان شهری)، در زندان گوهردشت می گذرد. افشین اسانلو برادر منصور اسانلو ، در بهار 89 دستگیر و پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، به 5 سال زندان محکوم و به سلولهای انفرادی بند 209 اوین، منتقل شد. رژیم در این مدت او را زیر سخت ترین فشارهای روحی و جسمی قرار داد تا بلکه به اعتراف و ندامت وادارش کند و روحیه مقاوم او را درهم بشکند. اما او که جرمی جز دفاع از کارگران و حفظ اسرار سندیکا نداشت، و در نوشته ها و خاطرات خود، به گوشه هایی از شرایط سخت و دشوار زندگی کارگران اشاره کرده بود ، روحیه ای مقاوم از خود نشان داد و اسرار مربوط به مبارزات کارگران را در سینه خود محفوظ داشت. تا این که روز 31 خرداد مقامات زندان اعلام کردند که او بر اثر سکتة فوت کرده است .

این اولین بار نیست که یک زندانی سیاسی، این گونه جان خود را در زندان از دست می دهد. این چه معنایی جز به کارگیری تاکتیک اعدام نرم در مورد مخالفان زندانی دارد؟ در حالیکه در چند سال گذشته مردم بارها شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را در تجمعات اعتراضی خویش سر داده و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی شده اند، اما نه تنها شاهد هیچ گونه اقدامی جهت آزادی زندانیان سیاسی نیستیم، که هر روزه از زندانهای کشور، اخباری حاکی از بیماری و مرگ زندانیان به گوش می رسد. زندانیان اکثراً در شرایط نامساعد به سر می برند و از هیچ گونه امکانات بهداشتی و تغذیه ای مناسب برخوردار نیستند. بازجویی ها و آزار و اذیت های مکرر را هم باید به آن افزود. این ها، همه، جدا از فشارها و تهدیدهای هر روزه مقامات امنیتی و اطلاعاتی و احضار و بازجویی کارگران و فعالین کارگری است که دفاع و پیگیری حقوق کارگران و توده های به جان آمده را وجهه ی همت خویش قرار داده و فشارهای عوامل سرمایه داری و حکومت مدافع آن را به جان خریده اند. این فعالین به خاطر دفاع از توده های استثمار شده و رنج کشیده، مورد پی گرد و آزار و اذیت قرار می گیرند، به زندان می افتند، زیر فشار و شکنجه می روند اما تسلیم

نمی شوند و دست از ادامه مبارزه برنمی دارند. امروز چشم امید همه مدافعان برابری و عدالت اجتماعی به آنان است. هنوز مدت زیادی از مرگ دلخراش ستار بهشتی، کارگر ویلاگ نویس، که در اثر شکنجه ی بازجویان نیروی انتظامی و به اصطلاح "پلیس فتا"، جان خود را از دست داده است، نمی گذرد که قتلی دیگر در زندان اتفاق می افتد. همه می دانند که جمهوری اسلامی مخالفان خود را بی سروصدا به قتل می رساند. هنوز پرونده قتل نویسندگان و قتل های سیاسی در دوره خاتمی در اذهان زنده است. به رغم شعار "آزادی مخالف" که در تمام دوران خاتمی داده شد، قتل نویسندگان در دوره او اتفاق افتاد و هنوز به پرونده عاملان آن رسیدگی نشده و اصلاح طلبان نیز دیگر حتا شعار آن را هم نمی دهند. همه این ها نشان می دهد که آزادی مخالف در جمهوری اسلامی اصلا معنایی ندارد و مخالف سیاسی و عقیدتی در این نظام از هیچ حقی برخوردار نیست. آزادی مخالف در دولت های اصلاحات معنایش قتل های زنجیره ای و سرکوب وحشیانه جوانان و دانشجویان بود. و تازه آن دولت اصلاحات بود؛ وای به حال دولتی که قرار است میانه رو باشد.

اما اگر وضعیت جدید در دوره روحانی، برای مخالفان سیاسی و عقیدتی، پیامی حاکی از به رسمیت شناختن "حق مخالف" و "آزادی مخالف" دربر ندارد، و چنین تصویری فقط توهمات زیان بار است، درمورد مدافعان برابری و جنبش کارگری به جز، سرکوب و بستن شمشیراز رو، چشم انداز دیگری وجود ندارد. آن چه که قرار است دولت معتدل و میانه روی آقای روحانی برمدارنولیبیرالیسم پی بگیرد چیزی جز ادامه ی برنامه تعدیل ساختاری نیست. برنامه ای که محصول تاکنونی آن رواج قراردادهای موقت و سفید امضا، بازگذاشتن دست شرکت های زانو صفت پیمانکاری، تبدیل نیروی کار کشور به برده های بی حقوق، گسترش وحشتناک بیکاری و رشد فقر و تهیدستی کارگران و سایر مزدبگیران کشور نبوده است.

از این رو تنها راه ممکن برای بهبود وضعیت طبقه کارگر سازماندهی و ایجاد تشکل مستقل است. از بالا، چشم اندازی برای بهبود وضعیت طبقه کارگر وجود ندارد، راه را می بایست با سازماندهی و از پایین جستجو کرد. اما درعین حال، امروز بیش از گذشته، امکانات مساعد برای نزدیک شدن همه ی خانواده بزرگ چپ فراهم آمده است. دفاع از تشکل های کارگری، دفاع از فعالان کارگری زندانی، و دفاع از مبارزات کارگری، آن مضمون فعالیتی است که می تواند همه مدافعان برابری و جنبش کارگری را دور هم گرد آورده و زمینه همگرایی ها و نزدیکی های بیشتر را میان آنها ایجاد کند. چهارده تیرماه 92

قطع انگشتان کارگر جوان در چرخ گوشت صنعتی

به گزارش پایگاه خبری 125، در 14 تیر 92 آمده است: صبح امروز در خیابان شریعتی در یک حادثه دردناک سه انگشت دست کارگر جوانی به طرز دلخراشی در میان چرخ گوشت صنعتی قطع شد.

این کارگر 23 ساله در آشپزخانه یک رستوران مشغول کار با چرخ گوشت بزرگ بود که دچار حادثه شد و دست چپ وی به داخل چرخ گوشت فرو رفت. براساس این گزارش، آتش نشانان تحت نظارت عوامل اورژانس حاضر در محل حادثه، قسمتی از چرخ گوشت را که دست کارگر در آن گیر کرده بود از میزکار جدا کرده و به همراه مصدوم که از ناحیه دست چپ به شدت دچار خونریزی شده بود به بیمارستان منتقل کردند. نجاتگران آتش نشانی در اتاق عمل بیمارستان تحت نظارت پزشکان متخصص، بعد از بیهوشی مصدوم، در عملیاتی حساس که حدود یک ساعت بطول انجامید، دست این پسر جوان را از

میان چرخ دنده های چرخ گوشت آزاد کرده و وی را برای مداوا تحویل عوامل پزشکی بیمارستان دادند.
متأسفانه در این حادثه سه انگشت میانی دست چپ این پسر جوان به طور کامل قطع و دچار لهدگی شد.

آزادی جلیل محمدی فعال کارگری با وثیقه ی 50 میلیونی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 14 تیر 92 آمده است : به گزارش رسیده پنجشنبه 92/4/13 جلیل محمدی فعال کارگری بعد از گذراندن 2 ماه بازداشت در اداره ی اطلاعات سنندج، با قرار وثیقه ی 50 میلیونی آزاد شد. این فعال کارگری در تاریخ 92/2/12 در یکی از خیابان های سنندج دستگیر شده بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن تبریک آزادی جلیل محمدی به خانواده و کارگران، خواهان آزادی سایر کارگران زندانی و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

سقوط تیر چراغ برق بدلیل پوسیدگی و مصدومیت شدید 2 کارگر

به گزارش پایگاه خبری 125، در 14 تیر 92 آمده است : روز پنج شنبه سقوط ناگهانی تیر چراغ برق در جنوب غرب تهران شهرک ولیعصر، خیابان سپیده جنوبی دو کارگر اداره برق را روانه بیمارستان کرد.

ناصر حاجی گل رئیس ایستگاه 38 آتش نشانی تهران در خصوص این حادثه گفت: دو کارگر اداره برق در بالای ستون برق خیابان مشغول تعویض لامپ های گازی و جایگزینی کابل های فرسوده بودند که ناگهان این ستون بتونی به داخل خیابان افتاد و هردو کارگر به سختی مجروح شدند.

حاجی گل افزود: آتش نشانان بلافاصله مصدومین این حادثه بنام های مسعود -س 28 ساله و اصغر -د 38 ساله را که از قسمت کمر، دست و پا دچار آسیب شدید شده بودند برای اقدامات درمانی تحویل عوامل اورژانس دادند تا سریعاً به مرکز درمانی انتقال یابند.

رئیس ایستگاه آتش نشانی علت بروز این حادثه را پوسیدگی تیر برق اعلام کرد و گفت: تحقیقات بیشتر در این خصوص هم اکنون توسط کارشناسان اداره برق منطقه ادامه دارد.

ادامه ی سیاست های ضد کارگری علیه کارگران شرکت بانا آیدر سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 14 تیر 92 آمده است : کارفرمایان شرکت بانا آیدر با اعمال سیاست ها و فشارهای ضد کارگری و غیر قانونی بر کارگران این مجموعه شرایط سخت کاری و روانی برای کارگران این شرکت فراهم کرده اند.

مدتی است که کارفرمایان و سرکارگران همراه داشتن و استفاده از تلفن همراه را در درون محوطه ی شرکت برای کارگران منع کرده اند که هر کارگری که از این دستور سرپیچی کند فی الفور اخراج می شود.

در پی درج گزارش در رابطه با وضعیت کارگران این شرکت در سایت کمیته ی هماهنگی و انتشار آن در میان کارگران، کارفرمایان شرکت اقدام به مذاکره برسر مسئله ی بیمه و قرارداد، با کارگران کردند و شرایط غیرانسانی خود را برای انعقاد قرارداد به شرح زیر بیان کردند:

"انعقاد قراردادهای 1 ماهه الی 1 ساله با کارگران به شرط قبول کسر مبلغ 300 هزار تومان از دستمزدشان برای بیمه"

این شرایط غیر انسانی خشم و اعتراض کارگران را به همراه داشت که با عدم پذیرش این شرایط از طرف کارگران، ادامه‌ی مذاکره‌ی کارفرمایان با کارگران شرکت به هفته‌ی آینده موکول شد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

سقوط بالابر فروشگاه بزرگ برائرفرسودگی سیم بکسل و مصدومیت 2 نفر از کارکنان زن

به گزارش پایگاه خبری 125، در 14 تیر 92 آمده است: روز پنجشنبه سقوط ناگهانی بالابر یک فروشگاه بزرگ در خیابان شریعتی موجب سقوط دونفر از کارکنان آن و مصدومیت شدید این دونفر شد.

بنا به اظهار فرمانده آتش نشانان اعزامی، سه نفر از کارکنان زن این فروشگاه به قصد رفتن به طبقات این فروشگاه سوار بالابر شدند که این وسیله به هنگام جابجایی به طور ناگهانی از طبقه منفی یک ساختمان پنج طبقه تجاری به طبقه منفی دوسقوط کرد.

مهدی یادگاری علت بروز این حادثه را فرسودگی سیم بکسل های بالابر اعلام کرد و افزود: در جریان این حادثه دو نفر از این کارکنان مصدوم شدند که آتش نشانان بی درنگ پس از ایمن سازی محل با بکارگیری برانکارد هر دو نفر را که 33 ساله و 25 ساله بودند به سطح زمین انتقال داده و جهت مداوا تحویل عوامل اورژانس دادند.

سلب آشکار ابتدایی ترین حقوق کارگران مهاجر و عدم رعایت استانداردهای ایمنی در کوره پزخانه ها

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است: طی گزارشی از عدم پرداخت حداقل حقوق، بیمه کردن کارگران و رعایت استانداردهای ایمنی در کوره پزخانه ها خبر داد. بر اساس این گزارش، در کوره پزخانه ها کارگران مهاجر از بیمه برخوردار نیستند و حداقل حقوق تعیین شده هم به آنها پرداخت نمی شود و حداقل استانداردهای ایمنی نیز رعایت نمی شود.

جان باختن 8 کارگر در حوادث ساخت و ساز اردیبهیل طی سال گذشته

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 15 تیر 92 آمده است: ،مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اردیبهیل تصریح کرد: در سال گذشته 108 حادثه محیط کار در ساخت و سازهای استان ثبت شده است.

برپایه این گزارش، حسین منوری صبح شنبه در جلسه بررسی راهکارهای ارتقا ایمنی محل کار تصریح کرد: از این تعداد هشت مورد منجر به فوت کارگر بوده که رقم قابل توجهی است. وی با انتقاد از عدم رعایت قوانین ساخت و ساز در اکثر شهرکهای ساخت و ساز مسکونی استان تصریح کرد: نبود همکاری بین دستگاهی مانع از ممانعت و تعطیلی فعالیت کارگاه ساخت و ساز می شود.

منوری ادامه داد: بسیاری از پیمانکاران و یا دستگاههای اجرایی مختلف از بیمه مسئولیت برای پرداخت خسارت به کارگر متضرر استفاده می کنند.

وی افزود: این در حالی است که مبلغ بیمه نمی تواند زیان ناشی از سانحه را برای فرد و خانواده وی جبران کند.

**یک فعال کارگری مطرح کرد:
تنش‌های محیط کار به خانه‌های کارگران کشیده شده است**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است : عضو اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور با استناد به تحقیقات میدانی، کاهش شدید قدرت خرید کارگران را در افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی همچون اعتیاد و خشونت خانگی (فرزند و همسرآزاری) تاثیرگذار دانست.

«حسین زارعی» در این باره به ایلنا گفت: همواره اولین قربانیان بحران اقتصادی، ضعیف‌ترین بخش بدنه تولید یعنی نیروهای مولد بوده‌اند و آثار زیان‌بار این فشار اقتصادی در اولین مرحله متوجه خود آنان و خانواده‌های‌شان می‌شود.

این فعال کارگری با اشاره به افزایش آمار طلاق و خشونت خانگی همچون همسر و کودک آزاری در بین خانواده‌های کارگری، بیان داشت: حتی کارگرانی که از تعدیل و اخراج نجات یافته‌اند هم از تاثیرات بحران اقتصادی مصون نیستند. کارگری که در محل کارش با بحران اقتصادی مواجه است و امنیت شغلی ندارد، از طرفی ارزش دستمزدش هر روز کاهش می‌یابد، تنش‌های محیط کار و اجتماع را به خانه می‌برد و و این تنش‌ها به شکل اضطراب و پرخاشگری در رفتارش ظاهر می‌شود.

این فعال کارگری در پاکدشت با تاکید بر توجه دولت یازدهم به تبعات اجتماعی بحران اقتصادی در میان کارگران، گفت: بحران اقتصادی با سیاست‌گذاری، ایجاد امنیت و امید به آینده در حال رفع است اما رفع آثار این بحران بر خانواده‌های کارگری به زمان و کار کارشناسی بیشتری نیازمند است.

پایان پیام

درج مبالغ ساختگی در لیست پرداخت حقوق کارگران پیمانی رجا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است بنقل از تعدادی از کارگران پیمانی شرکت حمل و نقل ریلی رجا، مبالغ درج شده در لیست پرداخت حقوق کارگران اداره مولد بخار شهر تهران که توسط يك شرکت پیمانکاری به رجا ارائه می شود با حقوق دریافتی این کارگران همخوانی ندارد.

بر اساس این گزارش، يك فعال صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران که نخواست نامش فاش شود در این باره گفت: «در لیست پرداخت حقوق که توسط يك شرکت پیمانکاری به رجا ارائه می شود، برای هر کارگر اداره مولد بخار شهر تهران مبلغ قابل توجهی به عنوان حقوق پرداختی درج شده و این در حالی است که بعضا دریافتی کارگران نصف این میزان است.»

گفتنی است شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی برای دور جدید مناقصه اداره مولد بخار شهر تهران آماده می شوند و چنین اقدامی در صورت وقوع در راستای تلاش برای موفقیت در مناقصه ی مذکور ارزیابی می‌شود.

دبیر انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های تهران: کارفرمایان گمان می‌کنند اتباع خارجی بهداشت و ایمنی لازم ندارند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است : از رعایت نشدن حداقل استانداردهای ایمنی در کوره‌های آجرپزی به دلیل سوءاستفاده کارفرمایان از اتباع خارجی خبر داد.

«علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: حضور وسیع اتباع خارجی در کوره پزخانه‌ها باعث شده است تا کارفرمایان حداقل استانداردهای ایمنی در این واحدها را رعایت نکنند. وی ادامه داد: کارفرمایان گمان می‌کنند اتباع خارجی به دلیل آنکه بیمه نمی‌شوند و حداقل مزد تعیین شده را دریافت نمی‌کنند، بهداشت و ایمنی هم لازم ندارند.

این فعال صنفی در پایان ضمن انتقاد از سوء استفاده کارفرمایان از نیروی کار خارجی در کوره‌های آجرپزی افزود: وظیفه نظارت بر اشتغال اتباع خارجی در کوره پزخانه‌ها بر عهده وزارت کار است که باید بازرسان خود را برای بررسی ایمنی این واحدها اعزام کند.

پایان پیام

صدور حکم 1 سال حبس تعزیری برای "خالد حسینی"

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 15 تیر 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز شنبه 15 تیر شعبه‌ی یکم دادگاه انقلاب سنندج برای خالد حسینی فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی حکم 1 سال حبس تعزیری به اتهام واهی "تبلیغ علیه نظام" را صادر کرد. جلسه‌ی دادگاهی این فعال کارگری بدون اطلاع وی و به صورت غیابی برگزار شده است. تنها اتهام و جرم خالد حسینی فقط عضویت در کمیته‌ی هماهنگی و دفاع از کارگران است. شایان ذکر است که در هفته گذشته برای وفا قادری و بهزاد فرج‌اللهی دیگر اعضای کمیته نیز که اخیراً دادگاهی شده‌اند حکم 1 سال حبس تعزیری صادر شده است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن احکام صادره خواهان شکسته شدن این احکام و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

150 کارگر مرزنشین از دو ماه بیکاری و مشکلاتشان می‌گویند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است: تعطیلی بازارچه مرزی گمشاد واقع در سیستان و بلوچستان در حالی وارد شصت و هشتمین روز خود شد که 150 کارگر بیکار، نسبت به بی‌توجهی مسئولان به شرایط زندگیشان معترض‌اند. از آخرین باری که بازارچه مرزی گمشاد دأثر بوده است، بیش از دو ماه می‌گذرد اما تعطیلی این بازارچه منجر به بیکاری 150 کارگری که تنها راه تامین مخارج زندگی‌شان را از این محل تامین می‌کردند شده است.

نادر دهمرده یکی از کارگران بازارچه مرزی گمشاد در مورد بیکاری خود می‌گوید که «دو ماه است منتظر بازگشایی بازارچه هستم، کارگرها به من می‌گویند که می‌خواهیم برویم شهرستان برای کار، ولی من به آنها امید می‌دهم که انشاءالله چند روز دیگر بازهم همگی سر کار می‌رویم، من اکنون هم شرمنده کارگران هستم و هم شرمنده زن و بچه‌ام، از همین جا از آنها طلب بخشش می‌کنم.»

وی در باره میزان دستمزد روزانه کارگران بازارچه مرزی «گمشاد» می‌گوید: «میزان دستمزد هر کارگر بستگی به کامیون‌هایی دارد که وارد بازارچه می‌شوند، یعنی هر چه این ماشین‌ها بیشتر باشد، درآمد ما هم بیشتر است، ولی اگر بخوایم متوسط آن را به شما بگویم، اگر 60 دستگاه کامیون وارد بازارچه شود، برای ما حدود 10 تا 15 هزار تومان می‌ماند.»

دهمرده در مورد بیمه کارگران این بازارچه گفت: «ما بیمه نیستیم، ولی حدود 7 یا 8 ماه قبل مدارکی در این باره به بخشداری داده‌ایم، ولی هنوز از بیمه شدن ما خبری نیست.»

این کارگر در ادامه می‌افزاید: «در حال حاضر تنها در آمد من از محل پرداختی یارانه‌هاست و جز آن درآمد دیگری ندارم، امروز هم که تازه به نیمه ماه رسیده، یارانه‌ها تمام شده است و نمی‌دانم چه باید بکنم.»

او ادامه می‌دهد «ما از مسئولین انتظار داریم، گلایه هم داریم، آن‌ها فکر کرده‌اند که ما در حال حاضر چگونه زندگی می‌کنیم؟ یک روز بیایند و در این منطقه زندگی کنند بعد می‌بینیم که آیا طاقت می‌آورند یا خیر؟ ما بیکار شده‌ایم، باید برای ما چاره بیاندیشند، گرما و توفان و سختی و خشکسالی برای ما کافی نیست؟ تا کی این طوری با بدبختی و با منت زندگی کنیم؟» یکی دیگر از این کارگران جوان ۱۹ ساله‌ای به نام یعقوب است که با کارگری در بازارچه در تامین مخارج پدر و مادر و ۱۰ برادر و خواهر کوچک‌ترش کمک می‌کرد.

او می‌گوید: «نزدیک به دو ماه و نیم است که بیکار شده‌ام، مادر و پدرم پیر هستند و من نمی‌توانم آن‌ها را رها کنم و برای کار به شهرستان بروم. علاوه بر این رفتن به شهرستان مشکلات زیادی دارد، خانواده‌ام ۱۲ نفر هستند و برای اینکه زندگیمان را اداره کنیم و برادرانم بتوانند به مدرسه بروند من باید کار کنم، اینجا هم که نه آبی برای کشاورزی است، و نه کارخانه‌ای برای کار کردن، و تنها راه چاره‌ای که وجود دارد همین بازارچه‌ای است که متأسفانه تعطیل کرده‌اند.»

وی ادامه می‌دهد: «بازارچه برای ما قشر فقیر خیلی خوب است، طوری بود که احتیاج نداشتیم برویم شهرستان و شغلیمان در منطقه خودمان بود، روزی ۱۰ یا ۱۵ هزار تومانی برای درآمد داشتیم، در حال حاضر هم در خانه و مسجد دعا می‌کنیم که امروز یا فردا بازارچه مجدد بازگشایی شود، من اگر بخواهم بروم شهرستان، نه کار ساده‌ای است و نه برای دو سه روز می‌شود رفت، باید حداقل ۵ یا ۶ ماه آنجا باشم، شما بگویید من می‌توانم مادر و پدر مریضم را اینجا تنها رها کنم؟ تا حالا ۶ نفر فقط از روستای «خاکسفیدی» برای کار به مشهد و سمنان و جاهای دیگر رفته‌اند، این شرایط شایسته یک روستایی است که در شهر غریب بروم کار کنم یا بیکار در خانه بنشینم؟!»

یعقوب اضافه می‌کند: «از مسئولین انتظار داریم که به فکر فقرا باشند، اگر بخواهند التماس‌شان را هم می‌کنیم، بگذارید دستمان در زندگی جلو بیافتد. از این زمین خشک هم که پولی در نمی‌آید، ما فقط به همین چیز اندک دل بسته‌ایم و سرگرم بوده‌ایم، جوانی که بیکار باشد ولگرد و معتاد می‌شود. وقتی بازارچه فعال بود، از صبح سر کار بودیم و شب خسته می‌آمدیم خانه، باز صبح می‌شد و همین چرخه را تکرار می‌کردیم، خواهش می‌کنیم یکی صدای ما را بشنود.» موسی سنجولی یکی از غرفه داران بازارچه با انتقاد شدید از مسئولین، می‌گوید: «نمی‌دانم با این همه پیگیری که ما کردیم، چرا یک نفر هم خود را جای یک مرزنشین نمی‌گذارد، چه کسی می‌تواند گرمای ۵۰ درجه‌ای هیرمند را تحمل کند؟ توفان‌هایی که ۱۵ برابر حد مجاز آلودگی ایجاد می‌کنند را چه کسی می‌تواند درک کند؟»

وی تعطیلی بازارچه مرزی گمشاد را محصول «لج بازی» مسئولین می‌خواند و می‌افزاید: «نمی‌دانم که چرا عده‌ای با لج بازی، زندگی را برای ۲۵۰ نفر (کارگر، راننده و غرفه‌دار) آدم تلخ کرده‌اند.»

درج مبالغ ساختگی در لیست پرداخت حقوق کارگران پیمانی رجا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است: بنقل از تعدادی از کارگران پیمانی شرکت حمل و نقل ریلی رجا، مبالغ درج شده در لیست پرداخت حقوق کارگران اداره مولد بخار شهر تهران که توسط یک شرکت پیمانکاری به رجا ارائه می‌شود با حقوق دریافتی این کارگران همخوانی ندارد.

بر اساس این گزارش، یک فعال صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران که نخواست نامش فاش شود در این باره گفت: «در لیست پرداخت حقوق که توسط یک شرکت

پیمانکاری به رجا ارائه می شود، برای هر کارگر اداره مولد بخار شهر تهران مبلغ قابل توجهی به عنوان حقوق پرداختی درج شده و این در حالی است که بعضا دریافتی کارگران نصف این میزان است.»

گفتنی است شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی برای دور جدید مناقصه اداره مولد بخار شهر تهران آماده می شوند و چنین اقدامی در صورت وقوع در راستای تلاش برای موفقیت در مناقصه ی مذکور ارزیابی می شود.

مراسم بزرگداشت افشین اسانو در کپنهاک برگزار شد

برپایه گزارش رسیده از دانمارک آمده است : روز شنبه 6 ژوئیه 2013 ، 15 تیر 1392 در محل اتحادیه کارگران ساختمانی کپنهاک مراسم بزرگداشت افشین اسانو برگزار شد. مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد افشین اسانو و همه جان باخته گان راه آزادی و رهایی طبقه کارگر و با پخش سرود انترناسیونال شروع شد. سپس رفیق علی آزاد از کمیته دفاع از زندانیان سیاسی- دانمارک و مجری برنامه با شرح حالی از افشین اسانو و چگونگی شکنجه های جسمی و روحی که بر او وارد شد و چگونگی مرگ او در زندان و فشارهایی که بر زندانیان سیاسی و فعالین کارگری میرود، برنامه را پی گرفت. پس از او آقای منصور اسانو از طریق تلفن برای شرکت کنندگان از زندگی و دستگیری و شکنجه و مرگ افشین اسانو و فشارها و توطئه هایی که رژیم اسلامی برای مرعوب کردن خانواده آنها و دیگر زندانیان و فعالین کارگری انجام میداد برای حاضرین سخن گفت و از همه خواست تا توان خود را برای آزادی رضا شهابی و دیگر زندانیان به کار ببندند. در ادامه برنامه محمود قزوینی از طرف اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران به علل این سرکوبگریها و تاریخ آن پرداخت. او در صحبت های خود علت این سرکوبها را وحشت جمهوری اسلامی از دستیابی کارگران به تشکل مستقل و مبارز خود دانست. او گفت افشین اسانو مانند ستار بهشتی و بسیاری از کارگران دیگر خواست و مطالبه ابتدایی داشتن یک تشکل را بیان میکرد. اما جمهوری اسلامی میداند دستیابی همین مطالبه ساده یعنی شروع یک مبارزه گسترده کارگری در ایران و به خطر افتادن دستگاه رژیم اسلامی، که در این موقعیت، برابر با نابودی آن است. در ادامه برنامه نامه افشین اسانو از زندان که در آگوست 2012 نوشته شده بود خوانده شد. در طول مراسم هم ترانه ها و شعرهایی از جان لنون و شاملو و... پخش شد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران- دانمارک
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - دانمارک
یکشنبه 7 ژوئیه 2013



شنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۰۶ جولای ۲۰۱۳
مجله کارگری رادیو راه کارگر
▶ نگاهی تحلیلی به فراسوی رویدادهای سیاسی ،
اقتصادی ، اجتماعی و بین المللی از دریچه کارگری
نگاهی به رویدادهای کارگری هفته از مریم امانی و
یادداشت کارگری هفته از مریم محسنی
گفتگوی امیرجوهری با فیروزه رشیدی پناهنده
سیاسی و هاشم هاشمی زاده فعال کارگر اخراجی در
سوئد
برنامه از مریم امانی، امیر جوهری و جلال نادری

در رابطه به اعتراض به قتل افشین اسانلو در زندان رجایی شهر کرج و وضعیت زندانیان کارگر و مشکلات آنان، طی راه پیمایی طولانی بالای 500 کیلومتر از برابر دفتر اتحادیه کارگران سوئد از استکهلم به سمت شهر گوتنبرگ در حرکت هستند، پیرامون این اعتراض و اهداف و پشتیبانی های صورت گرفته از این حرکت

1 فایل صوتی با فورمات ام پی 3

در تهران رخ داد: قطع سه انگشت دست کارگر جوان در دستگاه چرخ گوشت صنعتی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 15 تیر 92 آمده است سخنگوی سازمان آتش نشانی از قطع شدن انگشتان دست يك کارگر جوان در دستگاه چرخ گوشت صنعتی خبر داد.

سیدجلال ملکی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه در ساعت ۴۷ / ۱۰ دقیقه صبح امروز حادثه قرار گرفتن دست یک کارگر در چرخ گوشت، در حوالی خیابان شریعتی خیابان ملک اعلام شد اظهار کرد: بلافاصله گروه نجات شماره ۱۳ به محل حادثه اعزام شد. وی ادامه داد: نیروهای آتش نشانی با ورود به داخل رستوران مشاهده کردند که یک کارگر ۲۳ ساله در زمان فعالیت با چرخ گوشت صنعتی به دلیل بی احتیاطی دست چپش در داخل چرخ گوشت فرو رفته است. آتش نشانیان بلافاصله این چرخ گوشت را از میز کار باز کردند و همراه با فرد مصدوم به یکی از بیمارستان های اطراف انتقال دادند.

سخنگوی سازمان آتش نشانی با اشاره به اینکه گروه آتش نشانی تحت نظارت کادر تیم پزشکی بدنه چرخ گوشت را که دو جداره و ضخیم بود باز کردند، گفت: پس از دو ساعت عملیات موفق شدیم دست این کارگر را از داخل چرخ گوشت خارج کنیم. وی در مورد آخرین وضعیت این کارگر جوان نیز توضیح داد: متأسفانه به دلیل شدت جراحات، سه انگشت میانی این کارگر جوان به صورت کامل قطع شد و دو انگشت کناری نیز آسیب جدی دیده اند.

پایان پیام

کارگر صنعت برق: اعتصاب کارگران قطعات توربین شهریار ادامه دارد

در پی گزارشات مربوط به اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار، کارگران این شرکت پس از گذشت ۲۰ روز کماکان در اعتصاب بسر می برند و از راه اندازی مجدد خطوط تولید سر باز می زنند.

اعتصاب کارگران تاکنون باعث تغییر ۲ تن از مسئولین شرکت شده که در اخراج و تنظیم قراردادهای چند ماهه کارگران نقش داشته اند. همچنین مدیریت شرکت مجبور به پرداخت بخشی از پاداش های معوقه به کارگران شد.

این چندمین بار در طول سالیان گذشته است که اعتصاب و اعتراض کارگران این واحد صنعتی منجر به عقب نشینی مدیریت و مسئولین شرکت از سوی و حصول مطالبات کارگران از سوی دیگر شده است.

اعتصاب کارگران جسور و فداکار این شرکت که تلاش آنها نقش بسزایی در تولید برق کشور دارد، در ادامه به هر نتیجه ای که منجر شود، بار دیگر نشان داد، قدرت کارگران در دستیابی به مطالبات خود و مقاومت در مقابل دستیازی سرمایه به منافع آنها، در اتحاد و یکپارچگی آنهاست. بار دیگر از تمامی کارگران منطقه ی صنعتی ملارد (بلوار مینا) می خواهیم که از اعتراض و تلاش کارگران قطعات توربین شهریار در دستیابی به حقوق اولیه خود و مبارزه با اخراج و بیکارسازی

حمایت کنند و بپذیریم که سکوت ما، سرنوشت مشابهی را در آینده نزدیک برایمان رقم خواهد زد.

سوء استفاده از کارگران با آمار بیکاری رشد یافته است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 تیر 92 آمده است: دبیر خانه کارگر تاکستان با استناد به تحقیقاتی که به تازگی در این نهاد کارگری انجام شده است معتقد است سوء استفاده از کارگران با توجه به افزایش آمار بیکاری رشد یافته است.

«اسدالله محمدخانلو» با اشاره به قرار دادهای کوتاه مدت و سفید امضاء، تاخیر در پرداخت حقوق، اخراج و تعدیل نیروی کار، اظهار کرد: سوء استفاده از کارگران با توجه به افزایش آمار بیکاری رشد یافته است، بطوری که اکثر کارگران موقت و پیمانی به سبب اینکه به کسب در آمد نیاز حیاتی دارند تسلیم خواسته کارفرمایان شده و اجازه می‌دهند از آنان بهره کشی شود.

این فعال کارگری مهمترین عامل تعدیل نیروی کار در واحدهای تولیدی شهرستان تاکستان را سوء مدیریت و افزایش مشکلات اقتصادی ناشی از تحریمهای غرب علیه طبقه کارگر ایرانی عنوان کرد.

او با اعلام اینکه روند تعدیل نیروی کار در برخی از واحدهای تولیدی ادامه دار دارد گفت: با توجه به وضعیت نامناسب اقتصاد و اشتغال در برخی واحدهای تولیدی در این شهرستان، کارفرمایان به ناچار زمانی که قرار داد کارگرانشان به پایان رسید مجدداً آنان را تمدید قرار داد نمی‌کنند.

محمدخانلو با بیان اینکه بخش عمده‌ای از نیروی مولد اجتماع در شهرک‌های صنعتی همانند حیدریه، خرم دشت و بسیاری از کارگاه‌ها و واحدهای کوچک در مسیر جاده تاکستان به قزوین متمرکز شده‌اند، افزود: کارگران شاغل در این واحدها با آنکه دلسوزانه برای واحد تولیدی که محل کسب در آمد و تامین معاش روزانه‌شان است کار می‌کنند، فاقد امنیت شغلی هستند.

به گفته دبیر خانه کارگر شهرستان تاکستان، برخی تولیدکنندگان نیز با وجود آنکه تمایلی به از دست دادن نیروی کار خود ندارند، ناچار می‌شوند برای فرار از خطر ورشکستگی تصمیم‌هایی را در مورد اخراج کارگران خود بگیرند.

پایان پیام

تجمع ۱۵۰ نفر از کارگران شاغل کارخانه سیمان کرمان

به نوشته سایت اخبار روز آمده است: بتاريخ ۱۶ تیر، از تجمع ۱۵۰ نفر از کارگران شاغل کارخانه سیمان کرمان به دلیل واگذاری قسمت‌هایی از کارخانه به شرکت‌های پیمانکاری، خبر داد.

بر اساس این گزارش، مدیرهای بازنشسته این کارخانه با زدن چند شرکت بعضی از پروژه‌های کارخانه را در دست می‌گیرند و با هم هماهنگ میشوند و با ساختن فاکتورهای جعلی سعی در تصاحب پول بیش تر از شرکت‌های خوشان می‌کنند و مناقصه‌هایی که برگزار میشود فقط شرکت‌های خودشان در این مناقصه شرکت میکنند و نمی‌گذارند که شرکت‌های دیگر باخبر شوند و یا شرکت کنند که در جریان همین عدم مدیریت، نماینده پیمانکار از کارخانه سیمان به دلیل زدو بند با مدیریت اخراج شده است.

يك مقام كارگري در گيلان مطرح كرد: نگرانی برنج كاران از اشباع بازار توسط برنج وارداتی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 تیر 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان گفت: در صورتی که ذخیره برنج وارداتی در بازهای مصرف خالی کاهش نیابد، کارگران و کشاورزان برنج کار خسارت مالی جدی خواهند دید.

«غلامحسین رضاپور فلاحتی» با اعلام اینکه در شالیزارهای گیلان برداشت برنج معمولاً از نیمه مردادماه آغاز می‌شود، به ایلنا گفت: کارگران و کشاورزان برنج کار شنیده‌اند که دولت برای مصرف مردم در ماه رمضان مقدار زیادی برنج وارد کرده است. وی گفت: براین اساس چنانچه میزان برنج‌های وارداتی بیش از مصرف روزانه مردم در ماه رمضان باشد، کارگران و کشاورزان برنج کار متحمل خسارت خواهند شد. فلاحتی با یادآوری اینکه بیشتر برنج کاران به دلیل نداشتن نقدینگی کافی، هزینه‌های مربوط به کاشت، داشت و برداشت برنج را قرض می‌کنند، گفت: این گروه از کشاورزان مجبورند تا برای ادای قرض، محصول خود را هر چه سریع‌تر بفروشند. این مقام کارگری در استان گیلان گفت: از آنجا که برداشت برنج با اشباع بازار مصرف از برنج وارداتی همزمان می‌شود، دلالت و واسطه‌گران به بهانه‌های مختلف محصول این گروه از برنج کاران را با قیمتی نازل خریداری می‌کنند. رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان گفت: در این میان تنها گروه معدودی از کشاورزان گیلانی هستند که به دلیل تمکن مالی می‌توانند هزینه‌های کاشت، داشت و برداشت برنج سالانه خود را بدون قرض گرفتن تامین کرده و در نتیجه محصول خود را به قیمت واقعی و بدون واسطه‌گری به بازار عرضه کنند. وی بابیان اینکه در حال حاضر از هر هکتار شالیزار بطور متوسط ۲ تن برنج برداشت می‌شود، گفت: در حال حاضر هزینه‌های کاشت، داشت و برداشت در هر هکتار شالیزار تا ۸ میلیون تومان برآورد می‌شود. فلاحتی با بیان اینکه هزینه‌ها برآورد شده شامل دستمزد روزانه نیروی انسانی و اجاره ماشین آلات کشاورزی می‌شود، گفت: با شرایط کنونی بیشتر کشاورزان توانایی پرداخت چنین مبلغی را ندارند. وی افزود: برخلاف برنج کاران مازندرانی که در طول سال در شالیزارهای خود علاوه بر کشت برنج محصولات صیفی و سبزیجات هم کشت می‌کنند، در گیلان برنج کاران تنها به کاشت برنج مشغول‌اند و برای همین هم درآمد کمتری دارند و هم ایام بیشتری از سال را بیکار می‌مانند.

پایان پیام

جان محمد جاحی در خطر است

به گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری آمده است: محمد جراحی که از ماهها قبل بیمار شده است جهت درمان خود با موانع رو در رو شده است. این کارگر زندانی عضو کمیته پیگیری که سال سوم زندانی خود را در زندان تبریز می گذراند. خانواده این کارگر زندانی کلیه هزینه درمان را واریز کرده است و روزها از کمسیون پزشکی او می گذرد. هنوز به بیمارستان خارج از زندان مراجعه نکرده است. عدم درمان این بیمار زندانی به مرگ وی منتهی میگردد. مسئولین زندان و همچنین قوه قضاییه باید پاسخگوی عواقب این کارشان باشند درمان زندانیان طبق قانون بر عهده زندان است. اما

کلیه هزینه های درمان این زندانی به عهده خانواده اش واگذار شده است .
ما کارگران خواهان مداوای این کارگر زندانی هستیم. واز دولت و قوه قضاییه میخواهیم هر چه
زود تر بدون هیچ بهانه ای اجازه درمان وی داده شود.

کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

تجمع ۱۵۰ نفر از کارگران شاغل کارخانه سیمان کرمان

برپایه خبر رسیده بتاريخ 16 تیر ماه 92 آمده است : ،ازتجمع ۱۵۰ نفر از کارگران شاغل کارخانه
سیمان کرمان به دلیل واگذاری قسمت هایی از کارخانه به شرکت های پیمانکاری،خبرداد.
براساس این گزارش، مدیرهای بازنشسته این کارخانه بازدن چند شرکت بعضی از پروژه های
کارخانه را در دست میگیرند و با هم هماهنگ میشوند و با ساختن فاکتورهای جعلی سعی در
تصاحب پول بیش تر از شرکت های خوشان میشوندو مناقصه هایی که برگزار میشود فقط
شرکت های خودشان در این مناقصه شرکت میکنند و نمی گذارند که شرکت های دیگر باخبر
شوندو یا شرکت کنندکه در جریان همین عدم مدیریت ، نماینده پیمانکار از کارخانه سیمان به
دلیل زدو بند با مدیریت اخراج شد

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان قزوین: استخدام کارگران موقت در فصول گرم برای ساخت لوازم برودتی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 تیر 92 آمده است : مسئول کانون شوراهای
اسلامی کار استان قزوین گفت: سازندگان لوازم برودتی و سرمایشی این استان در نیمه
نخست هر سال برای تسریع در روند تولید، کارگر موقت و فصلی استخدام می کنند.

محمد احمدی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: سازندگان لوازم برودتی و سرمایشی استان
قزوین هر سال در فصول گرم سال تعدادی کارگر را بصورت موقت استخدام می کنند و پس از
اتمام فصل گرما با این کارگران تسویه حساب می کنند.
وی با بیان اینکه تعداد این کارگران بر اساس سفارش کار و پیش بینی بازار فروش متفاوت است،
گفت: تعداد این کارگران ممکن است تا ۲۰ درصد شمار کارکنان واحد تولیدی متغییر باشد.
این مقام کارگری با بیان اینکه مدت قرارداد این کارگران از ۳ تا ۶ ماه متغییر است، افزود: در
بیشتر موارد کارفرمایان واحدهای تولید کننده صنایع برودتی پس از اتمام فصل گرما با این
کارگران تسویه حساب می کنند.

وی بابیان اینکه بیشتر کارگرانی که بصورت موقت در فصول گرم سال به استخدام واحدهای
سازنده صنایع برودتی در می آیند افراد فاقد تخصص هستند، گفت: در واقع این استخدام بیشتر
فرصتی برای مهارت آموزی کارگران است.

به گفته احمدی چنانچه اوضاع اقتصادی کشور از ثبات نسبی برخوردار باشد امکان اشتغال این
کارگران بصورت مستمر و غیر فصلی در هر واحد تولیدی دیگری وجود خواهد داشت.
این مقام کارگری در خصوص وضعیت امسال واحدهای سازنده لوازم برودتی و سرمایش استان
قزوین گفت: با وجود آنکه سال گذشته به ویژه نیمه دوم سال برای واحدهای تولیدی بسیار
بحران خیز بود اما در حال حاضر همچنان امکان جذب موقت نیروهای کار وجود دارد.

پایان پیام

عضو اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام تاکید کرد: لزوم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور به دلیل آلودگی شدید هوا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 17 تیر 92 آمده است: عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام با اشاره به آلودگی شدید هوا در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر بر لزوم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور برای کارگران کارخانه‌های پتروشیمی بندر امام تاکید کرد.

«موسی هندیجانی» در این باره به ایلنا گفت: منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر و به خصوص کارخانه‌های پتروشیمی بندر امام از نظر بهداشتی آلوده‌اند و بوی گوگرد در هوا به راحتی استشمام می‌شود. وی ادامه داد: این آلودگی نه تنها بر کارگران کارخانه‌های پتروشیمی بلکه روی خانواده‌هایشان و هر کسی که مجبور است در هوای این منطقه تنفس کند نیز تأثیر می‌گذارد.

به گفته این فعال صنفی، دلایلی که برای عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور در مورد کارگران کارخانه‌های پتروشیمی بندر امام آورده می‌شود غیر قابل قبول است.

هندیجانی بیان کرد: مقامات مسئول مدعی‌اند بندر ماهشهر منطقه آزاد است و قانون مشاغل سخت و زیان آور شامل کارگران نمی‌شود.

عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان با تاکید مجدد بر آلودگی شدید هوا در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر اظهار داشت: قانون مشاغل سخت و زیان آور نه تنها کارگران کارخانه‌های پتروشیمی بلکه نگهبانی و کارمندان امور اداری را نیز باید شامل شود زیرا آنها هم در معرض آلودگی قرار دارند.

پایان پیام

کارگرسنعت برق: اعتصاب کارگران قطعات توربین شهریار ادامه دارد

در پی گزارشات مربوط به اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار، کارگران این شرکت پس از گذشت ۲۰ روز کماکان در اعتصاب بسر می‌برند و از راه اندازی مجدد خطوط تولید سر باز می‌زنند.

اعتصاب کارگران تاکنون باعث تغییر ۲ تن از مسئولین شرکت شده که در اخراج و تنظیم قراردادهای چند ماهه کارگران نقش داشته‌اند. همچنین مدیریت شرکت مجبور به پرداخت بخشی از پاداش‌های معوقه به کارگران شد.

این چندمین بار در طول سالیان گذشته است که اعتصاب و اعتراض کارگران این واحد صنعتی منجر به عقب نشینی مدیریت و مسئولین شرکت از سوی و حصول مطالبات کارگران از سوی دیگر شده است.

اعتصاب کارگران جسور و فداکار این شرکت که تلاش آنها نقش بسزایی در تولید برق کشور دارد، در ادامه به هر نتیجه‌ای که منجر شود، بار دیگر نشان داد، قدرت کارگران در دستیابی به مطالبات خود و مقاومت در مقابل دستبازی سرمایه به منافع آنها، در اتحاد و یکپارچگی آنهاست. بار دیگر از تمامی کارگران منطقه ی صنعتی ملارد (بلوار مینا) می‌خواهیم که از اعتراض و تلاش کارگران قطعات توربین شهریار در دستیابی به حقوق اولیه خود و مبارزه با اخراج و بیکارسازی

حمایت کنند و بپذیریم که سکوت ما، سرنوشت مشابهی را در آینده نزدیک برایمان رقم خواهد زد.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت: قاچاق سالانه ۲۰۰ هزار فرصت شغلی را نابود می‌کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۷ تیر ۹۲ آمده است: معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت میزان ورود کالاهای قاچاق به کشور را ۱۴ میلیارد دلار تخمین زد و گفت: با فرض ۷۰ هزار دلار سرمایه گذاری برای ایجاد یک شغل، قاچاق کالا سالانه باعث از بین رفتن ۲۰۰ هزار فرصت شغلی می‌شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، محمداصادق مفتاح در همایش گردهمایی مسئولین کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اظهار داشت: تخمین زده شده که سالانه در کشور در حدود ۱۴ میلیارد دلار قاچاق انجام می‌شود که با فرض ۷۰ هزار دلار سرمایه گذاری برای ایجاد یک شغل این موضوع باعث از بین رفتن ۲۰۰ هزار فرصت شغلی می‌شود. وی ادامه داد: همچنین با تخمین مالیات بر درآمد، سالانه هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان نیز فرار مالیاتی داریم و در صورتی که این پول به کشور برگردانده شود سه میلیون کارمند از دادن مالیات معاف می‌شوند.

مفتاح یکی از موارد مبارزه با قاچاق کالا را قابلیت رهگیری کالا دانست و افزود: از تاریخ ۱۰/۱۲/۹۱ هر کالایی که از کمرگ خارج می‌شود حتما باید در سامانه ثبت سفارش ثبت شده باشد در غیر این صورت اجازه ترخیص ندارد.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در ادامه سخنان خود یکی از معضلات موجود در کشور را تولید محصولات تقلبی دانست و گفت: در حال حاضر ۷۰ درصد محصولات آرایشی و بهداشتی که تحت نام تجاری شرکت‌ها تولید می‌شود در واقع تولید خود شرکت‌ها نیستند. همچنین به گفته یکی از تولیدکنندگان جاعلان قادرند هر محصولی را کمتر از یک ماه با کمترین قیمت تولید کنند. وی ادامه داد: ایران جزو دو کشور دارای بالاترین میزان قاچاق سیگار نیز قرار دارد، به عبارتی از هر ۶۰ میلیارد نخ مصرفی در سال ۲۴ میلیارد نخ قاچاق است و به این اضافه کنید سودی که از این طریق نصیب قاچاقچیان می‌شود. مفتاح اظهار داشت: گردش مالی کالاهای غیرمجاز در دنیا طی سی سال بیش از ۱۰۰ برابر شده است که این در کشور ما نیز صدق می‌کند.

وی با اشاره به راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا افزود: مهم‌ترین موضوع برای این مشکل این است که باید شرایط عرضه را برای کالاهای غیرمجاز ناامن کنیم و همچنین باید امکان تشخیص کالاهای مجاز از غیرمجاز را برای همه افراد فراهم کرد. وی ادامه داد: از دیگر موارد تخصیص شناسه یکتا به هر واحد کالا و فراهم کردن امکان استعلام مشخصات کالا از سامانه مرکزی است.

مفتاح یکی از راهکارهای موجود در کشور را استفاده از طرح بارکد شبنم دانست و گفت: طرح شبنم توانسته است برخی از این موارد را حل کند در حال حاضر تعداد قلم کالاها که برای آنها کد شبنم صادر شده است ۲۱۶۱۱۰ قلم کالا بوده است و آمار کاربران عضو نیز ۹۸/۵۶ عضو حقیقی و حقوقی بوده است.

مفتاح در پایان خاطرنشان کرد: در حال حاضر تنها راه جلوگیری از مبارزه با قاچاق کالا استفاده از فناوری اطلاعات است که ما در معاونت صنعت، معدن و تجارت در حال پیگیری این موضوع هستیم.

گفتنی است همایش مسئولین کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان‌های سراسر کشور با

حضور مالکی رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دکتر جلالی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دکتر معمارنژاد رئیس کل گمرک ایران، مژده‌ی پور رئیس سازمان تعزیرات حکومتی و مسئولین مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان سراسر کشور در حال برگزاری است و خبرهای تکمیلی متعاقبا ارسال می‌شود.

پایان پیام

اخبار کارگر فلز کار مکانیک کارگران نقاش ساختمان از همه طرف تحت فشار هستند

برپایه اخبار رسیده به روز شمار کارگری آمده است: کارگران نقاش ساختمان که بصورت فصلی و روزمزد کار کرده، هر روزه با انواع بیماری‌های پوستی و ریوی و چشمی دست و پنجه نرم می‌کنند امسال مزدشان ۱۰ درصد افزایش داشته، درحالی که به گفته بانک مرکزی تورم ۳۲ درصد و حداقل حقوق کارگران در سراسر ایران باید ۲۵ درصد افزایش پیدا کند. این اولین اجحاف در حق کارگران نقاش. گرانی هر روزه قیمت رنگ را کارفرمایان از مزد این کارگران جبران می‌کنند. کارخانه‌های رنگ سازی هر روز به بهانه‌های واهی افزایش قیمت دلار و یا نبود مواد اولیه قیمت رنگ را بالا می‌برند. کارخانه‌های رنگ سازی در عرض یکسال قیمت محصولات خود را ۱۰۰ درصد بالا برده‌اند. آیا از این ۱۰۰ درصد فقط باید ۲۵ درصد به برادران کارگر ما در این کارخانه‌ها برسد؟ مشکل کارگران ساختمان همچون مردم ایران تنها گرانی هر روزه مواد غذایی نیست، بلکه نداشتن پول باعث شده طرح‌هایی همچون مسکن مهر که باید متعلق به کارگران زحمت کش باشد، کارگران ساختمانی نتوانند پول تهیه کنند و مجبور شده‌اند امتیاز مسکن مهر خود را با مبلغ ۵ میلیون تومان درقبال امضای سفته ۸۰ میلیونی در شهرک پردیس به معاملات ملکی‌ها بفروشند. اینکه در این کار چه بلایی بر سر کارگر فروشنده امتیاز خواهد آمد از جمله اینکه یک امتیاز را به چند نفر می‌فروشند و بعد کارگر بیچاره گیر خواهد افتاد صحبت نمی‌کنم. بلکه در بهترین حالت این کارگران با فروش امتیاز خود از گرفتن وام هم محروم می‌شوند. اما مشکل اساسی که کارگران با آن درگیر هستند موضوع بیمه کارگران ساختمانی است. جالب است بدانید که به گفته خبرگزاری ایلنا «درسال گذشته سایت ثبت نام بیمه تأمین اجتماعی برای کارگران تنها ۲۰ دقیقه فعال بود و بعدازآن بسته شد» باتوجه به نا آشنا بودن اکثر کارگران ساختمانی با کامپیوتر شما بگویید چه کسانی توانسته‌اند در این ۲۰ دقیقه ثبت نام کنند؟ با توجه به اینکه فقط ۱۰ هزار سهمیه از ۳۰ هزار سهمیه تهران قرار است در نوبت فعلی به کارگران تهرانی داده شود. وقتی در پایتخت این گونه باشد بینیم در شهرستان‌ها چه خبر است. بازهم به گفته خبرگزاری ایلنا «۲۵۰۰ کارگر ساختمانی البرز ازسال ۸۸ در انتظاریمه‌اند و یا کاهش ۵۰ درصدی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی درنیشابور» و این درحالی است که سهمیه بیمه کارگران ساختمانی درکل کشور ۶۰۰ هزار نفر است. شما بگویید بی پناه تر از کارگران ساختمانی کارگری هست؟؟

ما خواهان اجرای قانون در مورد کارگران ساختمانی همچون دیگر کارگران ایرانی هستیم و آن اینکه از روز اول اشتغال به کار درهرجایی تحت پوشش بیمه قرارگرفته و کارفرما مکلف به تعهدات بیمه ای کارگران تحت پوشش خود باشد.

حسین امیدی فعال سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

چند خبر از سری اخبار کارگری فلزکار

*کارخانه اشناد سازنده ونماینده انحصاری ماشینهای کشاورزی تیلر از ژاپن، در شهرک صنعتی نظرآباد کرج واقع است. این کارخانه از کارخانه های مادر در صنایع کشاورزی به حساب می آید. در سال ۱۳۷۵ به تامین اجتماعی (شستا) کارخانه نیروی محرکه فروخته شد. کارخانه نیروی محرکه که خود زیر مجموعه ایران خودرو است و برایش تولید می کند، این کارخانه قبل از ۱۳۹۰، ۶۰۰ کارگر داشت که با آمدن قلی زاده شوهر خواهر نجم الدین مدیرعامل ایران خودرو، مهندسین و تکنسین های مجرب را اخراج کرده و به جای آن مدیریت فامیلی را جایگزین کرد. خود آقای قلی زاده در مگا موتور رییس کنترل کیفیت بوده و آنچنان تخصصی در امر مدیریت نداشت و بواسطه مدیرعامل ایران خود رو به این سمت رسید. نتیجه این شد که در طی دو سال ۴۰۰ کارگر آن اخراج و بخش های ریخته گری ماشین کاری و بخش مونتاژ که بخش اصلی محصول ماشین کشاورزی تیلر را می ساخت تعطیل شدند. برای آنکه کارخانه را تقویت مالی کنند سوله ها را به کارخانه ماشین سازی زامیاد کرایه داده تا مدیران بتوانند حقوق صدمیلیونی خود را دریافت کنند. در حالی که کارگران ماهها حقوق ۴۰۰ هزار تومانی خود را دریافت نمی کردند. حتی کارجایی رسید که برای شرکت های دیگر بصورت پیمان مدیریت کار کردند (۱). از ۲۰۰ کارگرایان کارخانه تعداد ۵۰ نفر رسمی و ۱۵۰ نفر قرار دادی با شرکت های پیمانکار نیروی انسانی هستند. در حال حاضر کارگران کارخانه اشناد ۳ روز در هفته کار می کنند و ۷۰ درصد حقوق شان را دریافت می کند. که البته سه ماه به سه ماه همیشه از حقوق عقب هستند. کارفرما برای گریز از مسایل حقوقی حتی به کارگران فیش حقوقی هم نمی دهد. در حال حاضر بخش های اصلی کارخانه که به تولید ماشین کشاورزی تیلر اختصاص داشت مانند ریخته گری، قسمت پرس های ۹۰۰ تنی که در استان تهران و البرز کم نظیر هستند در کارخانه خاک می خورند. و فقط قسمت رنگ تا حدودی فعال است. کارخانه برای شرکت نیروی محرکه موتورسیکلت مونتاژ می کند. تولید در این کارخانه متوقف شده است. مدیران کارخانه در صدد هستند که کارخانه را تغییر کاربری داده تا زمینهای آن را فروخته کارخانه را بچینند. کارفرما برای آنکه بتواند از عهده مخارج سنگین آقایان مدیران بی عرضه برآید دستگاههای کارخانه را می فروشند.

کارگران کارخانه های اشناد و نساجی مقدم هر روزه به فرمانداری ساوجبلاغ مراجعه کرده و از عدم حقوق خود به فرمانداری شکایت می کنند. مدیران کارخانه نیز با سر دواندن کارگران و مستاصل کردن آنان، کار را بجایی رسانده اند که کارگران آرزوی خلاصی از این کارخانه را دارند. کارخانه اشناد که در دهه چهل در ساوجبلاغ به مادر تولید ماشینهای کشاورزی تبدیل شده بود و حتی برای کارگزارانش خانه های سازمانی ساخته بود و شهرکی صنعتی را برپا نموده بودند با خیانت سرمایه داری انگل تجاری به نابودی کشیده شده و تعداد طبقه کارگر را در این شهر کاهش دادند تا بهتر بتوانند بدون رویارویی با کارگران و مقاومت این طبقه، با زمین خواری و بورس بازی صنعت کشور را نابود و استقلال اقتصادی را زمین گیر بکنند. این کارخانه در زمان انقلاب کارگران پیشتازی را به جامعه انقلابی تقدیم کرد که یادشان گرامی باد.

*کلیه سالن ها و خطوط تولیدی کارخانه ایران خودرو به دلیل تحریم و مشخص نبودن قیمت خودروهای تولیدی همچنان در حال رکود بسر می برند. کارگران که طی ۳۰ سال حتی لحظه ای قادر به خاراندن سر خود نبودند این فرصت رایافته اند که در این بی تکلیفی دور هم جمع شده و در مورد موضوعات دلخواه صحبت کنند. از فوتبال تا انتخابات و دستمزد و آکورد، سرپرستان و عوامل حراست و بخش نیروی انسانی شرکت که هر دقیقه در سالن ها رفت و آمد داشتند به این جمع شدن ها با بی تفاوتی نگاه می کنند.

*کارخانه ریات ماشین واقع در کمال شهر کرج یکی از سازندگان قطعه برای ایران خودرو که در چند سال پیش با ظرفیت ۲۰۰ کارگر مشغول بکار بود، در سال گذشته با کاهش نیرو به ۶۰ نفر در اوایل سال، برای بار دوم در اواسط سال با کمتر از ۲۰ کارگر مشغول تولید بود. این کارخانه در

حال حاضر با ۶ نفر کارگر در حال کار است. کارخانه ربات ماشین جزو کارخانه هایی است که همیشه به کارگران بابت دستمزد و مزایا همیشه بدهکار است .

* پیمانکار شهرداری منطقه ۱۶ تهران که ۹۰ کارگر را در زیر پوشش دارد، حقوق خرداد کارگران خود را نداده است. این پیمانکار ۲۵ درصد افزایش حداقل حقوق را نیز در پرداختی های خود اعمال نکرده و از بابت عیدی و سنوات سال گذشته هم به کارگران بدهکار است. او به کارگران گفته برای دریافت مطالبات خود به شهرداری مراجعه کنند. شهرداری تهران قالیباف و همچنین رییس شورای شهر تهران چمران در دیداری که با این کارگران در مسجد امام رضا داشتند در جریان این موضوع قرار گرفته اند .

* در کارخانه های بزرگ دولتی هنوز ۲۵ درصد افزایش حداقل حقوق اعمال نگردیده و به همین خاطر در کارخانجات ذوب آهن، فولاد، لوله سازی، تراکتورسازی، نیشکر هفت تپه این عدم افزایش به اعتراضات کارگری تبدیل شده و مسوولین کارخانه ها را به چاره جویی انداخته است. این مسوولین پایان تیرماه را برای پرداخت ۲۵ درصد افزایش حداقل حقوق ۴ ماه امسال را به کارگران خود وعده داده اند.

کارگران مهاجر قربانی سوءاستفاده های جسمی و جنسی

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ ۱۷ تیر ۹۲ آمده است : سالانه حدود ۱۰۵ میلیون انسان برای اشتغال و کسب درآمد به کشورهای دیگر سفر می کنند که اغلب آنها مجبورند در مشاغل سخت و خطرناک و حتی در شرایطی اهانت آمیز به فعالیت بپردازند. به گزارش ۱۷ تیر ایسنا، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حق بر سلامتی در گزارش خود در شورای حقوق بشر یادآور شد که اشتغال مهاجران در بخش های سخت و خطرناک موجب می شود تا آنها در معرض سوءاستفاده های گوناگون همچون عدم برخورداری از حق بر سلامتی قرار گیرند. همچنین تفاوت های فرهنگی و زبانی خطر اینکه مهاجران به دلیل کوتاهی کشورها در ارائه امکانات پزشکی، ایمنی کافی و امنیت روانی از حقوق خود محروم شوند را افزایش می دهد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در ادامه گفت: بسیاری از کارگران مهاجر در دنیا برای رسیدن به مقصد مجبورند در قایق یا کامیون مخفی شوند و ممکن است در چنین شرایطی هدف آزار و اذیت های فیزیکی و جنسی قرار گیرند، در حالیکه هیچگاه در مسیر ترانزیت یا در کشور مقصد از امکانات درمانی برخوردار نخواهند بود.

وی در ادامه هشدار داد که این کارگران اغلب در شغل هایشان مهارتی ندارند که این امر می تواند خطرات بسیاری برای آنها داشته باشد. به عنوان مثال سقوط از ارتفاع در میان کارگران مهاجر به وفور به چشم می خورد. در واقع این وظیفه دولت هاست که ایمنی و استانداردهای حفظ سلامتی را برای کارگران فراهم کنند که می تواند مواردی چون آموزش کافی و لباس مناسب را شامل شود. دولت ها همچنین باید شرایطی را فراهم کنند که در صورت به وجود آمدن جراحت و آسیب کارگران بتوانند به درمان و امکانات پزشکی دسترسی داشته باشند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در ادامه یکی از دیگر مشکلات کارگران مهاجر را عدم اطلاع آنها از حقوق شان دانست و گفت که در برخی موارد حقوق آنها رعایت می شود ولی آنها به ویژه در بخش کشاورزی به این دلیل که از شهرها و بطن جامعه فاصله دارند از امکانات در دسترس شان استفاده نمی کنند.

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در حال حاضر بیش از 50 میلیون کارگر مهاجر در دنیا در بخش خانگی مشغول به کار هستند که اغلب آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. این گروه از سوءاستفاده‌های زیادی همچون کمبود غذا و خواب، عدم دسترسی به امکانات پزشکی، شرایط بد زندگی، عدم دریافت دستمزد، ساعات کار طولانی و آزار و اذیت‌های جنسی، روانی و فیزیکی رنج می‌برند. وی معتقد است که شرایط کار در بخش خانگی بیشتر شبیه به بردگی مدرن است.

وی در گزارش خود به نوع دیگری از اشتغال‌های خطرناک و نامناسب اشاره کرد. کارگران جنسی بیش از دیگر افراد جامعه در معرض خطر ابتلا به بیماری‌ها قرار دارند و بیشتر قربانی خشونت و تبعیض نژادی می‌شوند. از این رو گزارشگر سازمان ملل تاکید کرد که دولت‌ها باید با توجه به خطرات زیادی که در مسیر زندگی این کارگران قرار دارد حق بر سلامتی هم از لحاظ جسمی و هم روانی این افراد را تضمین کنند.

وی ابراز نگرانی کرد که در بسیاری از کشورها این باور وجود دارد که کارگران مهاجر لایق امکانات پزشکی و ایمنی نیستند و دولت‌ها موظفند با این تفکر مبارزه کنند. وی یکی از راه‌های ارتقای وضعیت کارگران مهاجران به ویژه در بخش حفظ ایمنی کار را تاسیس واحدهایی دانست که بتواند توافقاتی را میان کارگران و دولت‌ها برقرار کند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در ادامه با گرامیداشت بیستمین سال راه‌اندازی کنفرانس جهانی حقوق بشر که منجر به تاسیس دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر شد، بر لزوم گسترش و رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تاکید کرد.

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی: نقدینگی واحدهای تولیدی جوابگوی استمرار تولید نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 17 تیر 92 آمده است: رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی با بیان این که نقدینگی واحدهای تولیدی جوابگوی استمرار تولید نیست گفت: نقدینگی موجود واحدهای تولیدی تنها یک چهارم فعالیت آن‌ها را پوشش می‌دهد، در نتیجه این واحدها نیازمند مساعدت هستند.

به گزارش ایلنا از اراک، منوچهر توسطی در همایش تجلیل از صنعت گران نمونه استان، اظهار کرد: در شرایط امروز که کشور زیر فشار تحریم‌هاست توقع بخش صنعت و معدن این است که شرایط بهتری از جمله استقلال اقتصادی و اشتغال برای فعالیت‌های این بخش مهیا شود.

وی ایجاد رونق در فضای کسب و کار را پیام خود به رئیس جمهور منتخب عنوان کرد: تنها در این صورت است که با ایجاد درآمد، بخشی از فشارها از روی دوش دولت برداشته خواهد شد. توسطی کاهش نرخ تورم را وظیفه همه دولت‌ها دانست و تصریح کرد: تثبیت نرخ ارز نیز نیاز اساسی امروز جامعه ماست.

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی در ادامه تدوین یک استراتژی شفاف برای توسعه صنعت را خواستار شد و اظهار داشت: هم‌اکنون قاچاق کالا، واردات بی‌رویه و بی‌برنامگی، بخش صنعت را به شدت آزار می‌دهد.

پایان پیام

احضار حامد محمودی نژاد فعال کارگری به دادگاه

برپایه خبر انعکاس یافته در سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ 18 تیر 92 آمده است: به گزارش رسیده روز دوشنبه 17 تیر ماه 1392، حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی

هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری طی دو احضاریه ی جداگانه به تاریخ های 92/4/22 و 92/5/2 برای حضور در شعبه يك دادگاه انقلاب سنندج دریافت نمود.

حامد محمودی نژاد در تاریخ 17 اسفند سال 1391 در منزل بازداشت و بعد از گذراندن 32 روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج با قرار وثیقه 50 میلیون تومانی آزاد شد که بعد از گذشت حدود 20 روز از آزادی ، مجدد در تاریخ 1392/2/12 در یکی از خیابان های شهر سنندج دستگیر و بعد از 16 روز بازداشت و با قرار وثیقه 50 میلیون تومانی آزاد گردید . لازم به ذکر است که اتهام وارد شده به این فعال کارگری ، اقدام علیه امنیت ملی اعلام شده .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن احضار مجدد حامد محمودی نژاد، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران و فعالین کارگری در بند می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تجمع اعتراضی بازنشستگان اتوبوسرانی تهران در مقابل شورای شهر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 18 تیر 92 آمده است : صبح امروز جمعی از بازنشستگان شرکت اتوبوسرانی شهر تهران با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر به آنچه «محاسبه نشدن ده سال از سابقه بیمه شان» ذکر می کردند، اعتراض کردند. این گروه با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر و با در دست داشتن پلاکاردهایی خطاب به شهردار و رئیس شورای شهر خواهان اجرای قانون شدند.

براساس این گزارش، این بازنشستگان که تعدادشان به ۶۰۰ نفر می رسد هرکدام از اتوبوسرانی تهران ۱۵ میلیون تومان مطالبه دارند.

حسن بیادی، نایب رئیس شورای شهر تهران درباره این تجمع گفت: این حرکت ها کاملا هدایت شده و در راستای دیر اعلام کردن نرخ جدید کرایه های اتوبوسرانی است.

تجمع بازنشستگان صندوق فولاد مقابل استانداری اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوقشان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 18 تیر 92 آمده است : صبح امروز حدود 40 نفر از بازنشستگان صندوق فولاد کشور در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوقشان، مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

برپایه این گزارش، تاکنون جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد چندین مرتبه به دلیل دریافت دیرهنگام حقوق خود در مقابل استانداری و کانون بازنشستگان استان اصفهان تجمع کرده اند که رسیدگی مسئولان به وضعیت حقوق بازنشستگان صندوق فولاد از مهم ترین خواسته های این افراد بوده است.

البته بارها و بارها صحبت هایی مبنی بر پرداخت حقوق بازنشستگان صندوق فولاد در موعد مقرر ارائه شده است، اما باز این بازنشستگان با بدقولی از سوی مسئولان مواجه شده اند.

در حال حاضر صندوق فولاد کشور به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتقل شده و با این انتقال از تیر ماه امسال حقوق بازنشستگان صندوق فولاد از سوی وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی پرداخت می شود، اما حقوق اردیبهشت و خرداد ماه این بازنشستگان باید از سوی مدیریت صندوق فولاد پرداخت شود و در حال حاضر حقوق اردیبهشت ماه این بازنشستگان به صورت کامل پرداخت شده، اما برخی از این بازنشستگان هنوز حقوق خرداد ماه خود را دریافت نکرده اند که به دنبال این موضوع صبح امروز حدود 40 نفر از بازنشستگان صندوق فولاد کشور در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند و خبرنگار فارس برای دلیل این تجمع به دنبال پیگیری این موضوع برآمد.

مزد کارگران نانوائی‌ها در سال ۹۲ درحدهمین مصوبه مزدی امسال هم افزایش پیدا نکرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 18 تیر 92 آمده است : طی گزارشی از عدم افزایش مزد کارگران نانوائی‌های سراسر کشور مطابق مصوبه مزدی امسال کارگران خبر داد.

برپایه این گزارش، دولت در سال‌هایی که انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود اجازه افزایش قیمت نان را نمی‌دهد تا از تاثیرات منفی‌اش جلوگیری کند و باعث ایجاد نارضایتی عمومی نشود اما در شرایطی که تورم اقتصادی تمامی جامعه (از جمله صنف خبازها) را درگیر کرده است، حق کارگران نانوائی‌ها در سال‌های برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با ثابت ماندن دستمزدشان بیش از همیشه ضایع می‌شود.

این گزارش بنقل از یکی از کارگران نانوائی می‌افزاید، دولت فعلی در رابطه با افزایش مزد کارگران نانوائی‌ها در سال جاری اقدامی نکرد و دولت بعدی هم برای جلوگیری از نارضایتی مردم اقدامی انجام نمی‌دهد.

جان محمد جراحی در خطر است

برپایه خبر منعکس شده در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 18 تیر ماه 92 آمده است : محمد جراحی که ماه‌هاست به دلیل شرایط غیر انسانی بودن زندان بیمار شده است، جهت درمان با مواعع گو ناگونی که همگی از جانب نهاد ها و مسئولین ذی ربط زندان ایجاد می شوند رو در رو است. این کارگر زندانی عضو کمیته پیگیری که سال سوم حکم خود را در زندان تبریز میگذراند . بدلیل اینکه سازمان زندانها وظیفه خود را در حفظ جان زندانی و مداوی او انجام نمی دهد ، خانواده محمد جراحی کلیه هزینه درمان را به حساب بیمارستان واریز کرده اند، و متاسفانه چندین روز است که از تاریخ کمسیون پزشکی او میگذرد . ولی هنوز او را به بیمارستان منتقل نکرده است.

عدم درمان بیماری برای او خطر مرگ در پی خواهد داشت. ما اعلام می کنیم مسئولین زندان و همچنین قوه قضاییه پاسخگوي عواقب این عدم مداوی محمد جراحی هستند.

درمان زندانیان طبق قانون بر عهده زندان است . اما کلیه هزینه های درمان این زندانی را به خاطر عدم انجام وظیفه و عدم اجرایی قانون توسط زندان، اجباراً خانواده اش تهیه کرده است. ما کارگران خواهان مداوای این کارگر زندانی هستیم. واز دولت و قوه قضاییه میخواهیم هر چه زود تر بدون هیچ بهانه ای اجازه درمان وی داده شود.

کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگر

دبیر خانه کارگر قزوین:

افزایش ۹۸ درصدی حوادث کار حاصل ضعف آموزش‌های تخصصی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 18 تیر 92 آمده است : دبیر خانه کارگر قزوین عمده حوادث شغلی در این استان را ناشی از ضعف آموزش‌های تخصصی در مشاغل خطرناک دانست و نسبت به افزایش آمار حوادث کار در قزوین هشدار داد.

«عیدعلی کریمی» در این باره به ایلنا گفت: آمار اخیر سازمان پزشکی قانونی قزوین نشان می‌دهد که در دو ماه ابتدای سال جاری، حوادث ناشی از کار رشد ۹۸ درصدی به نسبت مدت زمان مشابه سال گذشته داشته است.

این فعال کارگری با بیان اینکه حوادث ناگوار لزوماً ناشی از بی‌احتیاطی نیست، افزود: بعضی کارفرمایان برای کاستن از هزینه‌ها، کارگران را بدون طی شدن دوره کامل آموزش برای کار با دستگاه‌ها و ماشین‌آلاتی که بسیار پرخطرند استخدام می‌کنند.

کریمی با تأکید بر اینکه استفاده از کارگران غیرمتخصص در مشاغل تخصصی، تخلفی به قصد کاهش هزینه است، این عمل کارفرمایان را زمینه‌ساز بسیاری از حوادث شغلی دانست و گفت: تاکنون کارگران تازه کار بسیاری در نتیجه وقوع حوادث کار دچار آسیب‌دیدگی شده‌اند یا جان خود را از دست داده‌اند که به این ترتیب سود حاصل از مابه‌التفاوت دستمزد کارگر متخصص و تازه‌کار به قیمت سلامتی نیروی کار به دست می‌آید.

این فعال کارگری در ادامه به ذکر مثالی پرداخت و گفت: جوان ۲۸ ساله‌ای که به تازگی در یکی از کارخانه‌های شهرستان البرز کارش را آغاز کرده بود به دلیل عدم آموزش، یک هفته بعد از استخدام دچار حادثه شغلی شد و ۲۵ درصد از بینایی چشم خود را هنگام کار با دستگاه فرز از دست داد.

کریمی در ادامه به نمونه دیگری پرداخت و گفت: ماه گذشته کارگری در اولین روز کاری خود در حین کار با دستگاه پرس سه انگشت دست راست خود را از دست داد، در صوتی که کارفرما می‌بایست در بدو ورود کارگر به کارگاه، علاوه بر آموزش موارد عمومی ایمنی، کار با دستگاه‌های پرخطری همچون دستگاه فرز و پرس را به آنان آموزش می‌داد و از بکارگیری کارگر بدون مهارت خودداری می‌کرد.

این فعال کارگری به نقش دولت در نظارت بر آموزش‌های ایمنی و تخصصی به کارگران تأکید کرد و گفت: نظارت جدی بازرسان کار فرصت چنین سودجویی‌هایی که به سلامت کارگران صدمه می‌زند را از کارفرمایان خاطی می‌گیرد.

پایان پیام

کارگران نقاش ساختمان از همه طرف تحت فشار هستند حسین امیدی فعال سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

برپایه خبر رسیده آمده است: کارگران نقاش ساختمان که بصورت فصلی و روزمزد کار کرده، هر روزه با انواع بیماری‌های پوستی و ریوی و چشمی دست و پنجه نرم می‌کنند امسال مزدشان ۱۰ درصد افزایش داشته، درحالی که به گفته بانک مرکزی تورم ۳۲ درصد و حداقل حقوق کارگران در سراسر ایران باید ۲۵ درصد افزایش پیدا کند. این اولین اجحاف در حق کارگران نقاش، گرانی هر روزه قیمت رنگ را کارفرمایان از مزد این کارگران جبران می‌کنند. کارخانه‌های رنگ سازی هر روز به بهانه‌های واهی افزایش قیمت دلار و نبود مواد اولیه قیمت رنگ را بالا می‌برند. کارخانه‌های رنگ سازی در عرض یکسال قیمت محصولات خود را ۱۰۰ درصد بالا برده‌اند. آیا از این ۱۰۰ درصد فقط باید ۲۵ درصدش به برادران کارگر ما در این کارخانه‌ها برسد؟؟ مشکل کارگران ساختمان همچون مردم ایران تنها گرانی هر روزه مواد غذایی نیست، بلکه نداشتن پول باعث شده طرح‌هایی همچون مسکن مهر که باید متعلق به کارگران زحمت کش باشد، کارگران ساختمانی

نتوانند پول تهیه کنند و مجبور شده اند امتیاز مسکن مهر خود را با مبلغ 5 میلیون تومان در قبال امضای سفته 80 میلیونی در شهرک پردیس به معاملات ملکی ها بفروشند. اینکه در این کار چه بلایی بر سر کارگر فروشنده امتیاز خواهد آمد از جمله اینکه یک امتیاز را به چند نفر می فروشند و بعد کارگر بیچاره گیر خواهد افتاد صحبت نمی کنم. بلکه در بهترین حالت این کارگران با فروش امتیاز خود از گرفتن وام هم محروم می شوند. اما مشکل اساسی که کارگران با آن درگیر هستند موضوع بیمه کارگران ساختمانی است. جالب است بدانید که به گفته خبرگزاری ایلنا «در سال گذشته سایت ثبت نام بیمه تامین اجتماعی برای کارگران تنها 20 دقیقه فعال بود و بعد از آن بسته شد» با توجه به نا آشنا بودن اکثر کارگران ساختمانی با کامپیوتر شما بگوئید چه کسانی توانسته اند در این 20 دقیقه ثبت نام کنند؟ با توجه به اینکه فقط 10 هزار سهمیه از 30 هزار سهمیه تهران قرار است در نوبت فعلی به کارگران تهرانی داده شود. وقتی در پایتخت این گونه باشد ببینیم در شهرستان ها چه خبر است. باز هم به گفته خبرگزاری ایلنا «2500، کارگر ساختمانی البرز از سال 88 در انتظار بیمه اند و با کاهش 50 درصدی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در نیشابور» و این در حالی است که سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در کل کشور 600 هزار نفر است. شما بگوئید بی پناه تر از کارگران ساختمانی کارگری هست.؟؟

ما خواهان اجرای قانون در مورد کارگران ساختمانی همچون دیگر کارگران ایرانی هستیم و آن اینکه از روز اول اشتغال به کار در هر جایی تحت پوشش بیمه قرار گرفته و کارفرما مکلف به تعهدات بیمه ای کارگران تحت پوشش خود باشد.

حسین امیدی فعال سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

اخبار کارگری فلزکار

برپایه اخبار رسیده از فعالان فلز کار مکانیک آمده است : کارخانه اشتاد سازنده و نماینده انحصاری ماشینهای کشاورزی تیلر از ژاپن، در شهرک صنعتی نظرآباد کرج واقع است. این کارخانه از کارخانه های مادر در صنایع کشاورزی به حساب می آید. در سال 1375 به تامین اجتماعی (شستا) کارخانه نیروی محرکه فروخته شد. کارخانه نیروی محرکه که خود زیرمجموعه ایران خودرو است و برایش تولید می کند. این کارخانه قبل از 1390 ، 600 کارگر داشت که با آمدن قلی زاده شوهر خواهر نجم الدین مدیرعامل ایران خودرو، مهندسین و تکنسین های مجرب را اخراج کرده و به جای آن مدیریت فامیلی را جایگزین کرد. خود آقای قلی زاده در مگا موتور رییس کنترل کیفیت بوده و آنچنان تخصصی در امر مدیریت نداشت و بواسطه مدیرعامل ایران خود رو به این سمت رسید. نتیجه این شد که در طی دو سال 400 کارگر آن اخراج و بخش های ریخته گری ماشین کاری و بخش مونتاژ که بخش اصلی محصول ماشین کشاورزی تیلر را می ساخت تعطیل شدند. برای آنکه کارخانه را تقویت مالی کنند سوله ها را به کارخانه ماشین سازی زامیاد کرایه داده تا مدیران بتوانند حقوق صدمیلیونی خود را دریافت کنند. در حالی که کارگران ماهها حقوق 400 هزار تومانی خود را دریافت نمی کردند. حتی کاربجایی رسید که برای شرکت های دیگر بصورت پیمان مدیریت کار کردند (1). از 200 کارگر این کارخانه تعداد 50 نفر رسمی و 150 نفر قرار دادی با شرکت های پیمانکار نیروی انسانی هستند. در حال حاضر کارگران کارخانه اشتاد 3 روز در هفته کار می کنند و 70 درصد حقوق شان را دریافت می کند. که البته سه ماه به سه ماه همیشه از حقوق عقب هستند. کارفرما برای گریز از مسایل حقوقی حتی به کارگران فیش حقوقی هم نمی دهد. در حال حاضر بخش های اصلی کارخانه که به تولید ماشین کشاورزی تیلر اختصاص داشت مانند ریخته گری، قسمت پرس های 900 تنی که در استان تهران و البرز کم نظیر هستند در کارخانه خاک می خورند. فقط قسمت رنگ تا حدودی فعال است. کارخانه برای شرکت نیروی محرکه موتورسیکلت مونتاژ می کند. تولید در این کارخانه متوقف شده است. مدیران کارخانه در صدد هستند که کارخانه را تغییر کاربری داده تا زمینهای آن را فروخته کارخانه را بچینند. کارفرما برای آنکه بتواند از عهده مخارج سنگین آقایان مدیران بی عرضه برآید دستگاههای کارخانه را می

فروشنده. کارگران کارخانه های اشتاد و نساجی مقدم هر روزه به فرمانداری ساوجبلاغ مراجعه کرده و از عدم حقوق خود به فرمانداری شکایت می کنند. مدیران کارخانه نیز با سر دواندن کارگران ومستاصل کردن آنان ، کار را بجایی رسانده اند که کارگران آرزوی خلاصی ازاین کارخانه را دارند.

کارخانه اشتاد که در دهه چهل در ساوجبلاغ به مادرتولید ماشینهای کشاورزی تبدیل شده بود وحتا برای کارگرانش خانه های سازمانی ساخته بود وشهرکی صنعتی را برپا نموده بودند با خیانت سرمایه داری انگل تجاری به نابودی کشیده شده و تعدادطبقه کارگر را در این شهرکاهش دادند تا بهتر بتوانند بدون رویارویی با کارگران ومقاومت این طبقه ، با زمین خواری وبورس بازی صنعت کشور را نابود و استقلال اقتصادی را زمین گیر بکنند. این کارخانه در زمان انقلاب کارگران پیشتازی را به جامعه انقلابی تقدیم کرد که یادشان گرامی باد.

اخراج یک فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران

برپایه گزارش دریافتی آمده است : بهنام خدادادی فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان اخراج شد. بنا به گزارش تارنمای انجمن کارگران برق ساختمان اصفهان، این اخراج در پی سخنرانی فعالان کارگری در روز عید در سالن اجتماعات کمپ کارگری طاهری در کنگان منطقه پارس جنوبی صورت گرفت .
در روز یکم فروردین ماه سال جاری و هنگام تحویل سال نو بهنام خدادادی پس از صحبت در مورد افزایش حقوق و فقدان وجود تشکل های کارگری، کارگران را دعوت به اتحاد و تشکل یابی کرد. وی همچنین با حمایت از اعتراضات کارگری در اروپا از طبقه کارگر ایران خواست تا همگام با کارگران دیگر کشورها اعتراضات خود را دامنه دارتر کنند .
در هنگام سخنرانی این فعال کارگری، حراست فاز ۱۲ وکمپ طاهری با هجوم به وی قصد دستگیری اش را داشتند که با اعتراض بیش از حد ۱۵۰۰ کارگر مواجهه شدند و نیروهای حراست را به عقب راندند .
اما بعد از ۷ روز این فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران (IIND) در فاز ۱۲ اخراج شد.

شاغلان حرفه های سخت و زیان آور چگونه بازنشسته شوند؟

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 18 تیر ماه 92 آمده است : کاهش شنوایی، ضعف بینایی، آسیبهای جسمی و حرکتی، ایجاد مشکلات تنفسی، قلبی و عروقی، فشارهای روانی و عصبی و مسائلی از این دست از جمله پیامدها و آسیبهای جسمی و روحی است که ممکن است حتی با گذشت چند سال پس از بازنشستگی در افراد بروز کند؛ از آن گذشته سر و کار داشتن افراد با مواد خطرناک شیمیایی، مواد رادیواکتیو و مشاغل دارای سر و صدا و آلایندهی زیاد نیز آنان را در ردیف مشاغل سخت و زیان آور قرار می دهد.
به جهت جلوگیری از فرسایش جسمی و روحی ناشی از اشتغال به کارهای سخت و زیان آور در افراد، قانون مشاغل سخت و زیان آور پیش بینی شده است که به موجب آن متقاضیان می توانند با داشتن شرایطی خود را بازنشسته کنند.
شرایط قانونی برای بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور چیست؟ این سوالی است که بسیاری از بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی همواره درصدد یافتن پاسخ آن هستند، بر این اساس ابتدا باید تعریف مشاغل سخت و زیان آور را دانست.
منظور از مشاغل سخت و زیان آور آن دسته کارهایی است که در آن عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار غیر استاندارد بوده و در اثر اشتغال بیمه شده، تنش ها و صدمات جسمی و روانی به مراتب بالاتر از ظرفیت های طبیعی در فرد ایجاد می شود که نتیجه آن بروز بیماری های شغلی و عوارض ناشی از چنین کارهایی است.

به موجب آیین نامه اجرایی این قانون، مشاغل سخت و زیان آور به دو گروه تقسیم می شوند:
الف مشاغلی که صفت سخت و زیان آوری با ماهیت شغلی وابستگی دارد اما می توان با
بکارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی مناسب توسط کارفرما سختی و زیان آوری آنها
را حذف کرد.

ب مشاغلی که ماهیتاً سخت و زیان آور بوده و با بکارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر
فنی توسط کارفرما، صفت سخت و زیان آوری آنها کاهش یافته ولی کماکان سخت و زیان آوری
آنها حفظ می شود.

اما بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور چه شرایطی دارد؟

بر اساس تبصره ماده 76 قانون تامین اجتماعی مصوب سال 1354 مجلس، افرادی که در کارهای
سخت و زیان آور مشغول به کار هستند می توانند با 20 سال سابقه پرداخت حق بیمه در
مشاغل سخت و زیان آور به صورت متوالی یا 25 سال به صورت متناوب، تا سقف 35 روز حقوق
بازنشسته شوند؛ یعنی به ازای هر سال، 1.5 سال برای بیمه شده به عنوان سابقه محسوب و
به همان میزان هم از خدمات تامین اجتماعی بهره مند می شود، ضمن آنکه چهار درصد حق بیمه
و مستمری هنگام تقاضای بازنشستگی برای مدت مزبور محاسبه و از کارفرما مطالبه و وصول
می شود.

چنانچه بیمه شده کمتر از سابقه مذکور، سابقه پرداخت حق بیمه داشته که مقداری از آن
سابقه مربوط به اشتغال وی در مشاغل سخت و زیان آور است، هر سال سابقه پرداخت حق
بیمه فرد موصوف 1.5 سال محاسبه شده و در شرط سابقه مقرر در ماده 76 قانون و تبصره های
ذیل آن ملاک محاسبه قرار می گیرد.

بنابراین همه بیمه شدگانی که حداقل 20 سال سابقه کار متوالی یا 25 سال سابقه کار متناوب
و پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور را دارا باشند، بدون شرط سنی می توانند
درخواست بازنشستگی از سازمان تامین اجتماعی داشته باشند.

مشاغل سخت و زیان آور شناخته شده در قانون کار

عمده ترین کارهای سخت و زیان آور شناخته شده در قانون کار شامل کار در معادن که ایجاب
می کند کارگران در تونل ها و راهروهای سرپوشیده به استخراج بپردازند، کار استخراج شامل جدا
کردن و منفجر کردن مواد از سطح کار، حمل مواد و عملیات مربوط به انفجار و انجام امور
تأسیسات داخل معدن، حفر قنات، چاه فاضلاب و کار در مخازن سرریخته، تخلیه و حمل مواد
مذاب از کوره به نحوی که کارگر در معرض مستقیم حرارت یا بخار زیان آور کوره باشد، حمل و
دفن زباله شهری، کار در کارگاه های دباغی و گندآبروها، کار مستمر در طویل، اصطبل و
سالن های پرورش طیور، کار مستمر در فضای باز و ارتفاع بیش از 5 متر بر روی دکل، اتاقک های
متحرک، داربست و اسکلتها، کار مستمر بر روی خطوط و پستهای انتقال برق با فشار 63 کیلو
وات به بالا، مشاغل شن پاشی، پخت آسفالت دستی، قیر پاشی، جوشکاری در داخل مخزن،
کار مستمر با اشعه های زیان آور مانند رادیو اکتیو، کار در محل هایی با فشار محیط بیش از حد
طبیعی مانند غواصی، کار مستمر در محیط هایی که با وجود رعایت ایمنی موجبات بروز بیماری های
گوشی را سبب می شود، سمپاشی باغها، مزارع، اماکن پرورش دام و طیور، تولید و ترکیب
سموم و حشره کشها و کار با وسایل دارای ارتعاش زیان آور است.

همچنین بر اساس آیین نامه اجرایی قانون مذکور، علاوه بر کارهای سخت و زیان آور مشخص
شده: کار در زندانها و ندامتگاهها، کار در بیمارستانهای روانی و حرفه خبرنگاری جزو مشاغل
سخت و زیان آور به شمار می روند.

شناسایی سخت و زیان آور بودن مشاغل برعهده چه مرجعی است؟

برای تعیین و شناسایی سخت و زیان آور بودن مشاغل، کمیته ای پنج نفره در وزارت تعاون، کار و
رفاه اجتماعی تشکیل می شود که این کمیته مرکب از معاون روابط کار سازمان کار و امور
اجتماعی استان، معاون امور بیمه ای اداره کل تامین اجتماعی استان، کارشناس مسئول
بهداشت حرفه ای معاونت بهداشتی و نماینده کارگران و کارفرمایان است و بر این اساس بیمه

شدگان تامین اجتماعی و همه متقاضیانی که حرفه خود را جزو مشاغل سخت و زیان آور به شمار می آورند می توانند فرم درخواست خود را برای استفاده از مزایای این قانون ارائه بدهند تا در کمیته مورد نظر مورد بررسی قرار بگیرد.

ذکر این نکته ضروری است که در قانون مذکور، برخی ایام چنانچه در فواصل اشتغال به کارهای سخت و زیان آور واقع شوند به عنوان سابقه اشتغال فرد در کارهای سخت و زیان آور محسوب می شوند که از جمله آنها می توان به تعطیلات هفتگی، تعطیلات رسمی، ایام استفاده از مرخصی استحقاقی، ایام استفاده از مرخصی بابت ازدواج یا فوت همسر، پدر، مادر و فرزندان و ایام استفاده از مرخصی استعلاجی و استراحت پزشکی اشاره کرد.

اخیرا قانون تفسیر ماده (76) قانون تامین اجتماعی درباره مشاغل سخت و زیان آور به تایید شورای نگهبان رسیده و از سوی رییس جمهور ابلاغ شده است.

بر اساس موضوع این استفساریه، افرادی که حداقل 20 سال متوالی و 25 سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند باید حداقل 7300 روز اشتغال در یک یا چند شغل زیان آور در یک یا چند کارگاه داشته باشند و توالی اشتغال به قوت خود باقی است؛ همچنین افرادی که حداقل 20 سال متوالی و 25 سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، می توانند تقاضای مستمری بازنشستگی کنند.

کارگرنعت برق: اعتصاب کارگران قطعات توربین شهریار ادامه دارد

برپایه خبر دریافتی آمده است: در پی گزارشات مربوط به اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار، کارگران این شرکت پس از گذشت ۲۰ روز کماکان در اعتصاب بسر می برند و از راه اندازی مجدد خطوط تولید سر باز می زنند.

اعتصاب کارگران تاکنون باعث تغییر ۲ تن از مسئولین شرکت شده که در اخراج و تنظیم قراردادهای چند ماهه کارگران نقش داشته اند. همچنین مدیریت شرکت مجبور به پرداخت بخشی از پاداش های معوقه به کارگران شد.

این چندمین بار در طول سالیان گذشته است که اعتصاب و اعتراض کارگران این واحد صنعتی منجر به عقب نشینی مدیریت و مسئولین شرکت از سویی و حصول مطالبات کارگران از سوی دیگر شده است.

اعتصاب کارگران جسور و فداکار این شرکت که تلاش آنها نقش بسزایی در تولید برق کشور دارد، در ادامه به هر نتیجه ای که منجر شود، بار دیگر نشان داد، قدرت کارگران در دستیابی به مطالبات خود و مقاومت در مقابل دستیازی سرمایه به منافع آنها، در اتحاد و یکپارچگی آنهاست.

بار دیگر از تمامی کارگران منطقه ی صنعتی ملارد (بلوار مینا) می خواهیم که از اعتراض و تلاش کارگران قطعات توربین شهریار در دستیابی به حقوق اولیه خود و مبارزه با اخراج و بیکارسازی حمایت کنند و بپذیریم که سکوت ما، سرنوشت مشابهی را در آینده نزدیک برایمان رقم خواهد زد.

بازداشت یک فعال کارگری در اصفهان

برپایه خبر رسیده آمده است: مامورین اطلاعات اصفهان بهنام خدادادی فعال کارگری و مهندس پالایشگاه اصفهان را در محل کارش بازداشت کردند. بنا به اطلاع گزارشگران هرا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز یکشنبه ۱۶ تیر ماه ماموران اداره اطلاعات اصفهان مهندس بهنام خدادادی کارمند پالایشگاه اصفهان را از محل کار دستگیر و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اصفهان موسوم به (الف-ط) منتقل کرده اند.

مهندس خدادادی پیش از این در فروردین ماه به علت رسیدگی به مشکلات کارگران در عسلویه و همچنین به دلیل برپایی و سخنرانی در مراسم نوروز برای کارگران از محل کار خود در عسلویه اخراج شده بود .

همچنین مامورین اداره اطلاعات به منزل پدری وی مراجعه کرده و با رفتاری نامناسب خانه را مورد بازرسی قرار داده و به وسایل منزل خساراتی وارد کردند.

اطلاعیه شماره 7 هفت کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

برپایه خبر کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده آمده است : بازگشت دوباره بهنام ابراهیم زاده بهنام ابراهیم زاده ویلاگ نویس وفعال کارگری وکودک به مرخصی چهار روزه آمد بهنام ابراهیم زاده از زندانیان سیاسی وفعال کارگری وکودک واز اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری وعضو جمعیت دفاع از کودکان کارو خیابان امروز چهارشنبه نوزدهم تیرماه از زندان اوین به مدت چهار روزه مرخصی آمد بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری وکودک چندی پیش نیز که به مرخصی چهار روزه آمده بود درروز یازدهم تیرماه که برای تمدید مرخصی به دادستانی تهران رفته بود در پی تمدید نشدن مرخصی همراه با برخورد های تند وتوهین آمیز به زندان اوین برگردانده شد مرخصی و برگشتن بهنام ابراهیم زاده به خانواده وهمسر وفرزند ودوستان ورفقا وفعالین کارگری تبریک می گوئیم.

کمیته دفاع از بهنام از بهنام ابراهیم زاده ضمن تبریک برگشتن بهنام به آغوش خانواده خواهان آزادی تمامی فعالین کارگری دربند خصوصا رضا شهابی وشاهرخ زمانی ومحمد جراحی ویدرام نصرالهی وتمامی زندانیان دربند می باشد.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

درخواست کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از کارگران و نهادهای کارگری

برپایه خبر سایت کمیته هماهنگی ...در تاریخ 18 تیر 92 آمده است : کارگران! تشکل ها و نهادهای کارگری!

همچنانکه بارها اعلام کرده ایم کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری یک تشکل مستقل است. بر اساس اساسنامه، ما جمعی از کارگران و فعالین کارگری هستیم که در طی چند سال اخیر دور هم جمع شده و برای کمک به کارگران در راستای ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی، خودساخته و توده ای فعالیت می نمائیم و بر این باوریم که طبقه ی کارگر به نیروی خود آزاد می شود و همچنین به اتحاد و همبستگی طبقاتی برای رهایی از تمامی مصائب و مشکلات پیشارو باور داریم. در این راستا کمک های مالی و هم فکری های طبقاتی کارگران به همدیگر را نیز باور داشته و بر آن پای می فشاریم. اما لازم است توضیحاتی را به اطلاع کارگران و فعالین و تشکل های کارگری برسانیم: کمیته ی هماهنگی تاکنون برای فعالیتها و مشکلات پیشارویش به حق عضویت اعضا و کمک های هر چند ناچیز دوستان کارگر خود تکیه کرده است و نیازی به گرفتن کمک های مالی از دیگران نداشته است و اگر هم بنا به شرایط نیاز به گرفتن کمک از کارگران و فعالین کارگری ببیند رسماً از طریق سایت کمیته ی هماهنگی اعلام خواهد کرد. بدین وسیله اعلام می داریم کمیته هماهنگی به عنوان یک تشکل تاکنون هیچ گونه کمک مالی دریافت نکرده و گرفتن یا درخواست کمک مالی افراد به نام کمیته، فاقد اعتبار می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تجمع اعتراضی بازنشستگان اتوبوسرانی تهران در مقابل شورای شهر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 18 تیر 92 آمده است : بازنشستگان شرکت اتوبوسرانی شهر تهران با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر به آنچه «محاسبه نشدن ده سال از سابقه بیمه‌شان» ذکر می‌کردند، اعتراض کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این گروه با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر و با در دست داشتن پلاکاردهایی خطاب به شهردار و رئیس شورای شهر خواهان اجرای قانون شدند.

حسن بیادی، نایب رئیس شورای شهر تهران درباره این تجمع گفت: این حرکت‌ها کاملاً هدایت شده و در راستای دیر اعلام نرخ جدید کرایه‌های اتوبوسرانی است. رسول خادم، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران نیز درباره این تجمع گفت: اعتراض این افراد کاملاً به حق است چراکه حق و حقوق خود را می‌خواهند و بی‌زنی (مدیرعامل سابق اتوبوسرانی شهر تهران) حقوق این افراد را به صورت کامل پرداخت نکرده است. وی ادامه داد: این افراد که تعدادشان به ۶۰۰ نفر می‌رسد هرکدام از اتوبوسرانی تهران ۱۵ میلیون تومان مطالبه دارند. از این رو باید بودجه‌ای به این منظور اختصاص دهیم. همچنین سازمان بازنشستگی تهران باید نسبت به بیمه تکمیلی این بازنشستگان اقداماتی انجام دهد و با تخصیص اعتبار این مشکل رفع شود.

تقوی، معاون پارلمانی شهرداری تهران نیز صبح امروز با حضور در میان تعدادی از تجمع‌کنندگان مطالبات آن‌ها را «کاملاً قانونی» دانست و خطاب به آنان گفت: این اشکال مدیریتی است و ما به دنبال این هستیم تا شما نیز مشمول قانون شوید.

پایان پیام

گزارش تظاهرات در تورنتو در اعتراض به قتل افشین اسانلو

برپایه خبر دریافتی آمده است : بدنال دعوت « شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران-کانادا » و همچنین با حمایت « اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران-واحد تورنتو »، تظاهراتی در اعتراض به قتل افشین اسانلو در روز 6 جولای در شهر تورنتو برگزار شد. برگزاری این آکسیون اعتراضی در میدان مل لستمن مصادف شد با برگزاری بازارچه تابستانی ایرانیان که مورد توجه تعداد کثیری از مردم قرار گرفت. توزیع دهها نسخه از اطلاعیه های فارسی و انگلیسی و نیز پلاکاردها و عکس های افشین اسانلو و دیگر فعالین کارگری در بند افشاگر جنایات رژیم سرمایه داری اسلامی حاکم بر ایران علیه فعالین مستقل کارگری و دیگر زندانیان سیاسی در بند بود.

اگر چه این برنامه مشخصاً در اعتراض به قتل افشین اسانلو سازمان یافته بود اما در عین حال اعتراضی بود به کلیت جمهوری اسلامی و همه جناح هایش که برای بیش از سه دهه به سرکوب خونبار مردم زحمتکش و تحت ستم مشغولند. شعارهایی علیه اعدام و شکنجه و سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان، و برای سرنگونی رژیم، و نیز در حمایت از مطالبات و خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم گویای این اعتراض همه جانبه بودند. سخنرانی های متنوعی نیز در محکومیت جمهوری اسلامی و جنایاتش و در دفاع از مبارزات و مطالبات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان انجام شد. سخنرانان بترتیب عبارت بودند از: سیامک ستوده سردبیر نشریه روشنگر، آناهیتا رحمانی از طرف سازمان زنان هشت مارچ، فرید پرتوی به نمایندگی از اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در ایالت انتاریو با دویست هزار عضو و نیز از

طرف اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران واحد تونتو، محسن رضوانی از طرف اتحاد چپ ایرانیان در امریکای شمالی، و جلال تمجیدی از فعالین مستقل کارگری در انقلاب 57 و عضو شورای سراسری کارگران سازمان گسترش صنایع در آندوره. این برنامه بمدت 2 ساعت ادامه داشت. شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو- کانادا)

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارگری پرستاران تهران: بهبود معیشت پرستاران نیازمند بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 19 تیر 92 آمده است: رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارگری پرستاران تهران، پایین بودن حقوق و مزایای پرستاران و کارکنان بیمارستانها را با معایب طرح طبقه بندی مشاغل مرتبط دانست.

«مسعود نیازی» در این باره به ایلنا گفت: پرستاران و کارکنان بیمارستانهای بخش خصوصی و آن دسته از بیمارستانهای دولتی که مشمول قانون کار می‌شوند به دلیل تورم و شرایط نامناسب اقتصادی کشور با مشکلات جدی معیشتی مواجه‌اند. وی در ادامه بر لزوم بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل پرستاران و کارکنان بیمارستانها و ارتقاء شغلی آنان تاکید کرد.

به گفته‌ی آقای نیازی، طرح طبقه بندی مشاغل پرستاران و کارکنان بیمارستان به دو دهه پیش باز می‌گردد که تاکنون در آن بازنگری نشده است.

این فعال صنفی در پایان افزود: در صورت توافق کارفرمایان با بازنگری کلی طرح طبقه بندی مشاغل، شرایط دریافتی پرستاران و کارکنان بیمارستانها بهبود می‌یابد.

گفتنی است ماده ۴۹ قانون کار تصریح می‌کند «به منظور استقرار مناسبات صحیح کارگاه با بازار کار در زمینه مزد و مشخص بودن شرح وظایف و دامنه مسئولیت مشاغل مختلف در کارگاه، کارفرمایان مشمول این قانون موظفند با همکاری کمیته طبقه بندی مشاغل کارگاه و یا موسسات ذیصلاح، طرح طبقه بندی مشاغل را تهیه کنند و پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی به مرحله اجراء در آورند».

پایان پیام

پزشکی قانونی ایران: ستار بهشتی بر اثر ضربه و فشار روحی کشته شده

برپایه گزارش سایت خبرگزاری هرانا آمده است: پزشکی قانونی ایران رسیدگی به پرونده مرگ ستار بهشتی، کارگر ویلاگ نویس را خاتمه داده و گزارش نهایی خود را تکمیل کرده است. خبرگزاری مهر به نقل از احمد شجاعی، رئیس سازمان پزشکی قانونی ایران، گزارش کرد که رسیدگی به پرونده ستار بهشتی، کارگر ویلاگ نویس ایرانی، در این سازمان خاتمه یافته و گزارش نهایی کمیسیون پزشکی سازمان تکمیل و برای مراجع قضایی ارسال شده است. آقای شجاعی به خبرگزاری مهر گفته است که "در جریان معاینات تخصصی پزشکی قانونی، دو نظریه مطرح شد، نظریه اولیه احتمال مرگ بر اثر فشار روحی و یا ضربه‌های وارد شده مطرح شد."

رئیس پزشکی قانونی گفته است که به عقیده پزشکان رسیدگی کننده به پرونده، "ضربات وارد شده به ستار بهشتی نوعا کشنده نبوده و نمی‌توانسته منجر به مرگ شده باشد." وی توضیح

داده است که به تشخیص این سازمان، ضربات به نقاط حساس بدن وارد نشده بود. وی افزوده است که آزمایش‌های سم‌شناسی نیز صورت گرفت اما نشانه‌ای از اینکه "مرگ او را غیر طبیعی نشان دهد" مشاهده نشد.

آقای شجاعی افزوده است که "در نظریه دوم، مرگ بر اثر ضربه و فشار روحی به صورت توامان مطرح شد که پس از بحث در باره این احتمال، به عنوان گزارش نهایی پزشکی قانونی ارسال شد."

رئیس سازمان پزشکی با اعلام اینکه با ارسال گزارش نهایی، رسیدگی به پرونده مرگ ستار بهشتی در این سازمان خاتمه یافته، افزوده است "البته پزشکی قانونی نتیجه معاینات خود را اعلام کرده و تصمیم‌گیری در این خصوص بر عهده قضات است."

ستار بهشتی، ۳۲ ساله، در آبان‌ماه سال گذشته توسط پلیس فتا، مسئول کشف و پیگیری جرایم سایبری، بازداشت و به دلیل فعالیت در شبکه اجتماعی، به "اقدام علیه امنیت ملی" متهم شد.

ظاهرا این وبلاگ نویس ایرانی در نوشته‌های خود، از مشکلات اقتصادی مردم سخن گفته بود.

مرگ مشکوک در بازداشت

گفته می‌شود که ستار بهشتی پس از بازداشت، بین چند محل جابجا شد و چند روز بعد، در محلی نامعلوم درگذشت و در گورستان رباط کریم به خاک سپرده شد.

پس از انتشار خبر درگذشت این وبلاگ نویس ایرانی، تعدادی از زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین، در نامه‌ای که سایت کلمه، از سایت‌های مخالف دولت، منتشر کرد، گفتند که ستار بهشتی چند روز قبل از تاریخ اعلام شده مرگ او در زندان اوین بوده و آثار شکنجه بر بدن او دیده می‌شده است.

مرگ این وبلاگ نویس ایران با اعتراضاتی در داخل و خارج کشور و فشار بر مقامات دولتی و قضایی برای پیگیری علت مرگ همراه شد و حتی مجلس نیز به بررسی این مساله پرداخت.

خانواده ستار بهشتی نیز تلاش برای کشف علت مرگ را آغاز کردند هر چند به گفته برخی از اعضای خانواده، این اقدام باعث فشار ماموران بر آنان نیز شد.

در ماه‌های بعد، گزارش‌هایی از اظهارات مقامات قضایی انتشار یافت با این مضمون که اگر ثابت شود مرگ ستار بهشتی در اثر قصور یا شکنجه در زمان بازداشت بوده است، با ماموران متخلف برخورد قانونی خواهد شد.

منابع خبری و گروه‌ها و فعالان سیاسی مختلف هم به اظهارنظرهای متفاوتی از نحوه مرگ ستار بهشتی پرداختند و در آن‌ها، نحوه برخورد مراجع رسمی، از جمله پزشکی قانونی، با این موضوع را مورد نقد و بررسی قرار دادند.

برخی اظهارنظرها از گزارش‌های محرمانه پزشکی قانونی حاکی از مرگ بهشتی در اثر شکنجه در زندان خبر می‌داد اما مقامات رسمی چنین اظهاراتی را تایید نکرده‌اند.

چند روز پیش، وبسایت کلمه به نقل از گیتی فاضل‌پور، وکیل خانواده بهشتی، گزارش کرد که ماموران پلیس فتا در روز ۹ آبان ستار بهشتی را بازداشت کردند و پس از بازجویی مقدماتی، به زندان اوین بردند و به شهادت سایر زندانیان همبند، در این زندان، آثار شکنجه شدید بر بدن او دیده می‌شد. براساس این گزارش، پلیس فتا سپس ستار بهشتی را به محل نامعلومی منتقل کرد و او در این محل، جان خود را از دست داد.

حادثه درگذشت ستار بهشتی نخستین مورد از مرگ مشکوک افراد هنگام بازداشت در ایران نبوده و برخی از این موارد، انعکاس وسیع داخلی و بین‌المللی هم داشته است.

از جمله می‌توان به مرگ زهرا کاظمی، روزنامه نگار ایرانی - کانادایی اشاره کرد که هنگام بازدید از ایران، بازداشت شد و در بازداشت درگذشت. منابع رسمی، مرگ او را در اثر «برخورد جسم سخت با ناحیه سر» اعلام کردند اما جزئیات بیشتری انتشار ندادند.

برخی از فعالان سیاسی، دادستان وقت تهران را در قتل خانم کاظمی مسئول دانسته‌اند.

واکنش وکیل خانواده ستار بهشتی به نظر نهایی پزشک قانونی

به نوشته کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در تاریخ 19 تیر 92 آمده است: رییس سازمان پزشک قانونی کشور در گفتگوی با خبرگزاری مهر روز سه شنبه ۱۸ تیرماه گفت که بر اساس گزارش نهایی این سازمان، ضربات وارده بر ستار بهشتی کشنده نبوده و نمی تواند باعث مرگ او شده باشد. دکتر احمد شجاعی همچنین گفته که در آزمایشات سم شناسی نیز هیچ موردی مشاهده نشده که مرگ غیر طبیعی او را نشان دهد. با این حال رییس سازمان پزشک قانونی در اعلام نظر نهایی همچنان گفته است که نظریه مرگ بر اثر ضربه و فشار روحی به صورت توأمان وجود دارد.

گیتی پورفاضل، وکیل خانواده مرحوم ستار بهشتی در واکنش به نظر نهایی پزشک قانونی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «سوال من این است که اگر ستار به مرگ طبیعی فوت کرد چرا پس یک روز پس از مرگش ماموران پلیس فتا به زور خانواده ستار را به دفترخانه برده اند تا از آنها رضایت بگیرند؟ این کار نشان می دهد که پلیس فتا خودش را درگیر این مرگ می دانسته و می خواسته قبل از هر اقدامی رضایت را از خانواده بگیرد. اصلا اگر به مرگ طبیعی بوده چرا اینقدر دستپاچه می شوند، راحت اعلام کنند که مرگ طبیعی است مانند خیلی از مرگ های طبیعی دیگری که روزانه اعلام می شود.»

وکیل خانواده مرحوم ستار بهشتی گفت: «پرونده پر از تناقضات است. سوالم این است که پزشک قانونی چند بار مگر می تواند در مورد مرگی نظر بدهد. یکبار اعلام کرد که ایست قلبی بوده، بار دیگر اعلام کرد که زیر فشار روحی فوت کرده است. اما این فشار روحی تحت چه شرایطی ایجاد شده و چه کسی آن را ایجاد کرده است. مسلما است بازجویی که با فشار و شکنجه می خواسته از او اعتراف بگیرد این شرایط را پیش آورده است.»

همچنین دادستان تهران ساعتی پس از انتشار اظهار نظر رییس سازمان پزشک قانونی در جمع خبرنگاران گفت که به زودی پرونده ستار بهشتی به دادگاه فرستاده می شود. جعفر دولت آبادی امروز (سه شنبه ۱۸ تیرماه) در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت: «تحقیقات بازپرس این پرونده به اتمام رسیده و بازپرس در حال گرفتن اخذ آخرین دفاع از متهمان این پرونده است و به زودی اظهار نظر نهایی در مورد این پرونده را خواهد کرد تا ان شاء الله این پرونده به دادگاه برود.»

خانم پورفاضل با اظهار اینکه آنها فقط منتظر فرستادن پرونده به دادگاه هستند و جوابیه پزشک قانونی تنها مدرک دادگاه نیست، گفت: «این پرونده با نظر پزشک قانونی به دادگاه می رود اما یکی از فکت های مهم دیگر در دادگاه، احضار شاهدان در بند ۳۵۰ زندان اوین هستند. همان ها که این جوان را شب قبل از مرگش در بند دیده بودند و آثار شکنجه را روی بدنش و بهم ریختگی روحیش را دیده بودند.»

گیتی پورفاضل گفت: «من مطمئنم اگر قاضی با شرفی مسولیت این پرونده را به عهده بگیرد عامل فشار ستار بهشتی می تواند محاکمه شود به این دلیل که طبق قانون اساسی خودمان کسیکه تحت شکنجه و فشار از شخصی اقرار بگیرد خودش هم باید در قبال قانون جوابگو باشد.»

تجمع کارگران اخراجی فولاد زاگرس مقابل اداره کار قروه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 19 تیر 92 آمده است: صبح امروز ۲۳۵ کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس در اعتراض به اخراجشان در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه تجمع کردند.

براساس این گزارش، نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس در این باره گفت: از مجموع ۲۸۵ کارگر این کارخانه ۲۳۵ کارگر با سوابق ۱۰ تا ۲۳ سال کار به دلیل آنچه «افزایش مشکلات مالی کارخانه» عنوان می شود، اخراج شده اند.

این کارگر افزود: مسئولان کارخانه در پاسخ به اعتراضات کارگران گفته‌اند با توجه به اینکه تعدادی از کوره‌های این کارخانه نیاز به تعمیرات اساسی دارد، روند تولید به صرفه نیست و با این وضعیت امکان پرداخت حقوق کارگران وجود ندارد.

او با بیان اینکه این کارگران از ابتدای سال جاری (چهار ماه) حقوق نگرفته‌اند افزود: مبالغ ۸۰۰ هزار تومان به عنوان مانده تسویه حساب سال ۹۱ به همراه سنوات آن سال نیز باید به کارگران پرداخت شود.

نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس همچنین اظهار داشت: با توجه به اینکه بسیاری از کارگران این کارخانه مشمول بازنشستگی پیش از موعد، تحت قانون مشاغل سخت و زیان آورند اما کارفرما با کوتاهی در پرداخت سهم ۴ درصدی‌اش به سازمان تأمین اجتماعی، مانع بازنشستگی کارگران شده است.

آزادی یک زندانی سیاسی کرد پس از پنج سال و سه ماه حبس

برپایه گزارش آژانس خبری موکریان / سرویس حقوق بشر در ۱۹ تیر ۹۲ آمده است: یوسف رحمانی پور زندانی سیاسی کرد با پایان ۵ سال مدت زمان محکومیت خود، از زندان ارومیه آزاد شد.

بر اساس اخبار رسیده به آژانس خبری موکریان، یوسف رحمانی پور زندانی سیاسی کرد اهل بوکان که در زندان ارومیه نگهداری می شد، دوشنبه ۱۷ تیرماه ۹۲ با پایان ۵ سال مدت زمان زندان خود، با تاخیری سه ماهه از زندان مرکزی ارومیه آزاد شد. بر اساس همین گزارش، رحمانی پور ساعاتی پس از آزادی از زندان در تماس با خبرنگار موکریان، اظهار داشت: "پس از بازدید مقامات بلند پایه استان از زندان ارومیه و پرس و جو از وضعیت زندانیان، مسئولان مربوطه متوجه شدند که مدت زمان محکومیت اینجانب به پایان رسیده و نگهداری ام در زندان غیر قانونی است. لذا متعاقب آن بازدید مسئولان دستور آزادی من را صادر کردند و با سه ماه تاخیر آزاد شدم".

یادآور می گردد، پیشتر خبرگزاری موکریان گزارش کرده بود که در پی پایان دوره ۵ ساله محکومیت یوسف رحمانی پور، مسئولان قضایی استان با تحویل نامه ای به ایشان از اعضای خانواده رحمانی پور خواسته اند تا با سپردن وثیقه ای سنگین متعهد شوند که یوسف رحمانی پور پس از آزادی از کشور خارج نمی شود. گفتنی است، اتهام رحمانی پور عضویت در یکی از احزاب مخالف و اقدام علیه امنیت اعلام و به همین اتهام نیز محکوم شده بود.

کارگران کارخانه سیمان دشتستان: سال‌هاست که حقوق ما ضایع می‌شود! بهارستان نشین از دشتستان: از تحصن و اعتصاب خودداری کنید؟

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ ۱۹ تیرمه ۹۲ آمده است: کارگران کارخانه سیمان دشتستان، در ادامه اعتراضات و اعتصاباتشان طی سال های اخیر عصر امروز با بهارستان نشین از دشتستان دیدار کردند.

بنا به همین گزارش، یکی از کارگران معترض از کاهش شدید حقوق و مزایای کارگران در سال جاری اعلام نارضایتی کرد و گفت: واریز حقوق و تخصیص پاداش‌های سالانه به صورت ناعادلانه انجام می‌گیرد که مورد اعتراض و نارضایتی همیشگی پرسنل کارخانه سیمان بوده است. وی اضافه کرد: تغییرات در چارت و گروه پرسنلی، اصلاح سمت‌ها و به‌کارگیری نیروهای غیربومی غیرمتخصص در پست‌های تخصصی موجب نارضایتی است.

این کارگرتاکید کرد: کارخانه سیمان دشتستان یکی از بالاترین تولیدات کشور را داشته ولی در سال‌های گذشته به دلیل بی‌انگیزگی و اعتراضات پرسنل شاهد افت تولید بوده‌ایم.

یکی دیگر از کارگران کارخانه سیمان دشتستان نیز با تشریح دلایل اعتراض کارگران کارخانه سیمان ابراز داشت: عدم پرداخت حق سختی کار و بهره‌وری به پرسنل کارخانه، عدم ارائه بیمه تکمیلی به پرسنل پیمانکاری، کم بودن گروه شغلی و حقوق پرسنل پیمانکاری، استفاده از نیروهای غیربومی و غیرمتخصص در قسمت‌های مختلف و مدیریتی بیش از 60 نفر، بی احترامی به پرسنل و برخوردهای نامناسب و تهدیدآمیز و اجرای طرح‌های غیرکارشناسی و بدون توجه در مجتمع از مهم‌ترین محورهای اعتراضات است.

وی از نارضایتی، اعتراضات مکرر و اعتصاب غذاهای پراکنده کارکنان در سال‌های اخیر خبر داد و تصریح کرد: افت کیفیت و کمیت تولید سیمان در سال‌های اخیر وجود داشته و باعث نارضایتی و شکایت تعدادی از مشتریان نیز شده که دلیل اصلی آن بی‌رغبتی و کم‌انگیزگی کارگران است. در این نشست، تعدادی دیگر از کارگران کارخانه سیمان نیز به بیان مشکلات و معضلات موجود پرداختند.

بهارستان نشین از دشتستان در پاسخ به اعتراضات کارگران کارخانه سیمان دشتستان گفت: با حفظ آرامش و بدون رفتارهای غیرقانونی می‌توانید پیگیر مطالبات و حقوق خود باشید و از رفتارهایی نظیر تعطیلی کارخانه، تحصن یا تعصب خودداری کنید.

بازرس انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنندج: تورم افسار گسیخته خانواده‌های کارگری را زمین‌گیر کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 تیر 92 آمده است بازرس انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنندج دستمزد تعیین شده برای کارگران در شرایط تورمی امروز کشور را «نامعقول» خواند و خواستار اصلاح سریع‌تر مصوبه مزدی سال جاری شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از سنندج، «اقبال شبانی» سه شنبه شب در مجمع عمومی کارگران خباز که با حضور بیش از ۱۵۰ کارگر در مجتمع فرهنگی و هنری سنندج برگزار شد، با بیان اینکه گرانی‌های افسارگسیخته کارگران و خانواده‌هایشان را زمین‌گیر کرده است، اظهار کرد: در این شرایط ما کارگران از تامین حداقل نیازهای خود و خانواده‌هایمان عاجزیم و بیشترین فشار بحران اقتصادی موجود بر ما و خانواده‌هایمان تحمیل شده است.

بازرس انجمن صنفی کارگران خباز سنندج ادامه داد: انجمن، خانه ما کارگران خباز است که باید با همکاری صادقانه و حضور مداوم در امورات انجمن برای رسیدن به خواسته‌ها و مطالبات به حق خود گام‌های اساسی برداریم.

وی در رابطه با افزایش دستمزد سال ۹۲ گفت: ما کارگران خواستار افزایش دستمزد مطابق معیارهای قانون کار از جمله نرخ واقعی تورم هستیم.

شبانی با اشاره به نقش دولت در پدید آمدن وضع موجود، یادآور شد: از اول فروردین ۹۲ با وجود جلسات و مکاتبات متعددی در خصوص وضعیت دستمزد کارگران با مسئولان استان، متأسفانه عملاً هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

بازرس انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنندج گفت: با اسناد به شواهد و مدارک موجود تمامی رنج تولید بر دوش ما کارگران است که خود از حداقل حاصل دست رنج بی‌بهره‌ایم.

این فعال کارگری خاطرنشان کرد: در این شرایط، فشار سنگین هزینه‌های زندگی و عدم افزایش دستمزد و کاهش قدرت خرید و ایجاد فاصله زیاد بین درآمد و مخارج زندگی ما را روز به روز به سمت فقر و بدبختی سوق می‌دهد.

وی در پایان سخنانش گفت: از تمامی مسئولان خواستاریم که در این رابطه همکاری‌های لازم را با نهادهای کارگری داشته باشند و همچنین از اعضا خواهشمندیم تصمیم اساسی را برای رسیدن به حقوق بر حق خود گرفته و با همکاری یکدیگر اهدافمان را عملی کنیم و تمام تلاشمان را برای رسیدن به حقوق انسانی خود بکار ببندیم.

پایان پیام

اعتراض متقاضیان مسکن مهر به افزایش پیاپی قیمت ها

بر پایه مطلب رسیده آمده است: دولت در مسکن مهر گرانفروشی می کند؟ متقاضیان مسکن مهر می گویند دائم برای پرداخت پیش از موعد اقساط به آن ها فشار می آورند و تهدید می کنند که اگر پول واریز نکنند از پروژه حذف می شوند.

متقاضیان مسکن مهر از اواخر سال گذشته با تغییر قیمت واحد مسکونی خود در حین اجرای پروژه مواجه شده اند اما این تغییر قیمت ها به حدی غیرمنتظره و در برخی طرح ها قابل توجه است که پرداخت آن از توان آن ها خارج است.

این متقاضیان که بر اساس ضوابط مشخص و نرخ های تعیین شده و با اطلاع از زمان و مبلغ هرکدام از اقساط، در این طرح ها ثبت نام کرده اند نسبت به تغییر شرایط در حین اجرا اعتراض دارند و ادله ای هم برای این انتقاد خود آماده کرده اند. در حال حاضر به نظر می رسد واحدهای مسکن مهر پردیس در آستانه افزایش قیمت مجدد قرار گرفته است و این موضوع موجب اعتراض متقاضیان آن شده است.

یکی از متقاضیان مسکن مهر پردیس در این زمینه می گوید: دی ماه سال گذشته یک واحد 80 متری در این طرح ثبت نام کرده ایم که قرار بود مجموع پول دریافتی از ما 32 میلیون باشد. بعد از مدتی نرخ آن را به 42 میلیون رساندند و دائم تهدید کردند که اگر اقساط را به موقع پرداخت نکنیم از پروژه حذف می شویم حالا هم از گوشه و کنار شنیده ایم قرار است نرخ آن ها را 10 میلیون دیگر گران کنند و به 52 میلیون برسانند. در حالی که ما همان 32 میلیون اولیه را هم با قرض از اطرافیان و فروش طلا آماده کرده بودیم.

خانم حسینی ادامه می دهد: آنطور که از دست اندکاران پروژه شنیده ایم، قرارداد دولت با پیمانکار متری 320 هزار تومان بوده که الان به 370 هزار تومان رسیده است با این حساب یک آپارتمان 80 متری باید 29 میلیون و 600 هزار تومان تمام شود که با حساب 10 میلیون برای زیرساخت و محوطه سازی، نرخ آن می شود 39 میلیون و 600 هزار تومان. اما در حال حاضر این واحد را 42 میلیون تومان قیمتگذاری کرده اند ضمن اینکه 25 میلیون هم وام این واحد هاست که بعد از تحویل باید قسط آن را پرداخت کنیم. مجموعاً 67 میلیون تومان برای یک واحد 80 متری پول می گیرند در حالی که حدود 40 میلیون تومان برایشان خرج دارد.

این متقاضی مسکن مهر معتقد است که دولت بیشتر از ظرفیت برای این واحدها ثبت نام کرده و با افزایش فشار به متقاضیان در پی حذف تعدادی از افراد است.

پس از آنکه اعتراض متقاضیان مسکن مهر نسبت به افزایش قیمت مجدد بالا گرفت، مسوولان راه و شهرسازی استان تهران در جمع متقاضیان اعلام کرده اند که افزایش مجدد قیمت واحدها بین 2 تا 6 میلیون خواهد بود.

منبع: اقتصادايرانی-19تیر

صبح امروز صورت گرفت: تجمع کارگران اخراجی فولاد زاگرس مقابل اداره کار قروه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 تیر 92 آمده است صبح امروز ۲۳۵ کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس در اعتراض به اخراجشان در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه تجمع کردند.

نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس در این باره به ایلنا گفت: از مجموع ۲۸۵ کارگر این کارخانه ۲۳۵ کارگر با سوابق ۱۰ تا ۲۳ سال کار به دلیل آنچه «افزایش مشکلات مالی کارخانه» عنوان می‌شود، اخراج شده‌اند.

این کارگر افزود: مسئولان کارخانه در پاسخ به اعتراضات کارگران گفته‌اند با توجه به اینکه تعدادی از کوره‌های این کارخانه نیاز به تعمیرات اساسی دارد، روند تولید به صرفه نیست و با این وضعیت امکان پرداخت حقوق کارگران وجود ندارد.

او با بیان اینکه این کارگران از ابتدای سال جاری (چهار ماه) حقوق نگرفته‌اند افزود: مبالغ ۸۰۰ هزار تومان به عنوان مانده تسویه حساب سال ۹۱ به همراه سنوات آن سال نیز باید به کارگران پرداخت شود.

نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس همچنین اظهار داشت: با توجه به اینکه بسیاری از کارگران این کارخانه مشمول بازنشستگی پیش از موعد، تحت قانون مشاغل سخت و زیان آورند اما کارفرما با کوتاهی در پرداخت سهم ۴ درصدی‌اش به سازمان تامین اجتماعی، مانع بازنشستگی کارگران شده است.

مدیرعامل: کارگران مستمری بیمه بیکاری بگیرند

در این زمینه «ابراهیم ملا بیگی» مدیرعامل شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس با تایید تعدیل ۲۳۵ کارگر این کارخانه، گفت: ناچار شدیم این تعداد کارگر را به سبب زیان ده بودن تولید تعدیل کنیم.

او با اعلام این وعده که «معوقات حقوقی کارگران پرداخت می‌شود»، افزود: این کارگران اخراجی تا زمان مشخص شدن تکلیف نهایی کارخانه به اداره کار شهرستان قروه معرفی خواهند شد و از مستمری بیمه بیکاری استفاده خواهند کرد.

این مقام کارفرمایی در کارخانه فولاد زاگرس پیرامون مشکلات فعلی کارخانه گفت: این کارخانه با سرمایه اولیه ۴ میلیارد تومان در سال ۸۲ برای توسعه اقتصادی و اشتغال در شهرستان قروه توسط «محمد رضا رحیمی» معاون اول رئیس جمهور که در آن زمان استاندار کردستان بود، احداث شد.

ملا بیگی ادامه داد: در طول این ده سال، به دلیلی آنکه صنایع بالا دستی و پایین دستی تولیدات این کارخانه در منطقه ایجاد نشده است، فولاد زاگرس هر ساله حدود ۵ تا ۱۵ میلیارد تومان زیان

داده است به طوری که تاکنون این شرکت حدود ۹۰ میلیارد تومان زیان داده و ۶۰ میلیارد تومان انباشت سرمایه دارد.

او با یادآوری اینکه قروه زادگاه معاون اول رئیس جمهور است، گفت: در طول این سالها این کارخانه با توصیه معاون اول دولت و نامه نگاریهای ایشان با وزارت صنعت، معدن و تجارت اجباراً به فعالیت خود ادامه داده است.

مدیر عامل فولاد زاگرس در خاتمه با اشاره به اینکه این کارخانه نیاز به امکانات و تعمیرات دارد گفت: هم اکنون بدنبال سرمایه گذاری هستیم که بتواند طرح توسعه در این واحد تولیدی را بخوبی اجرا کند.

پایان پیام

سقوط مرگبار بیل مکانیکی در بزرگراه امامعلی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ 19 تیرماه 92 آمده است: صبح امروز سقوط بیل مکانیکی در پروژه یکی از شرکت‌های دولتی واقع در مسیر جنوب به شمال بزرگراه امامعلی نرسیده به خروجی خاوران، سبب مرگ راننده آن شد.

سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران، در تشریح جزئیات این خبر گفت: پس از حضور آتش‌نشانان در محل مشاهده شد که کارگران گودالی به عمق پنج متر را به منظور عبور و کارگذاری لوله حفر کرده بودند که در این حین بیل مکانیکی به داخل آن سقوط کرد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به محبوس شدن راننده 65 ساله این بیل مکانیکی در کابین، به ایسنا گفت: آتش‌نشانان همزمان با ایمن‌سازی محل، اقدام به خروج راننده ایرانی و تحویل وی به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه کردند که آنان پس از بررسی علائم حیاتی، مرگ وی را تایید کردند. ملکی، علت این حادثه را شل شدن سطح زیر پایه جک‌های بیل مکانیکی اعلام کرد.

مرگ کارگر ساختمانی در خیابان فرشته تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 تیر 92 آمده است صبح امروز سقوط یک کارگر ساختمانی از طبقه دوم به طبقه منهای سه واقع در خیابان ولیعصر، خیابان فرشته تهران، منجر به مرگ او شد.

بنا بهمین گزارش، «سید جلال ملکی» از سقوط کارگری در یک ساختمان در حال ساخت واقع در خیابان ولیعصر، خیابان فیاضی (فرشته) خبر داد و گفت: آتش‌نشانان به هنگام ورود به محل حادثه یک ساختمان در حال ساخت را مشاهده می‌کنند که یک کارگر از طبقه دوم به طبقه منهای سه سقوط کرده است و به سرعت با برانکار مخصوص این کارگر را تحویل عوامل اورژانس می‌دهند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران اعلام کرد: متأسفانه این کارگر ایرانی سی ساله در این حادثه جان خود را از دست داد.

حرف های مردم درباره کمبود و گرانی بیسابقه دارو

به دنبال انتشار یک گزارش در مورد کمبود دارو و گرانی آن در سایت عصر ایران، به تاریخ 19 تیر 92

آده است : مردم بخشی از مشکلات خود در تهیه ی داروی خود و نزدیکانشان را برای این سایت ارسال کرده اند. این گزارش تکان دهنده را در زیر می خوانید:

- من و خواهرم بیماری دیابت داریم. تا ماه پیش انسولین می خریدیم ۶ هزار تومان که این ماه ۱۲ هزار تومان خرید کردیم.

نوار تست قند خون می خریدیم هر عدد ۲۵ هزار تومان که این ماه شده ۴۵ هزار تومان. جالبه که نوار تست قند خون زمانی که دلار ۳۸۰۰ و ۴۰۰۰ تومان بود با قیمت ۳۲ الی ۲۵ هزار تومان فروش می رفت.

الان که دلار ۳۲۰۰ هست با قیمت ۴۵ هزار تومان می فروشند. این جدای از هزینه داروهای پدرم می باشد که دچار ناراحتی قلبی بوده و پلاویکس و ... را با قیمتی که خود بهتر می دانید مصرف می کند! هزینه داروهای ما در هر ماه ۳۰۰ هزار تومان به جز هزینه پزشک و ... می باشد.

- الان من خودم به داروی بیسموت نیاز دارم که مشابهی هم نداره و تازه داروی گرونی نیست و در داخل هم تولید میشه ولی میگن چون مواد اولیه اون موجود نیست دیگه تولیدی نداریم. این دارو برای زخم مری و معده کاربرد داره . الان من هر روز باید از سینه بسوزم .

- همسر بنده قرص وارفارین (ضدلخته شدن خون) مصرف می کند که تاچندی پیش مثل نقل و نبات در همه داروخانه ها بود ولی الان اصلا موجود نیست. اگر ایشان در اثر نبودن قرص دچار سکتة شود مسئول کیست؟

- داروی بتافرون مخصوص بیماران ام.اس حدود یکماه است توزیع نمی شود چه کنیم؟

- از کیفیت داروها هم صحبت کنید پسر من به خاطر مصرف یک شربت آنتی بیوتیک ساده که قبلا همیشه مصرف می کرد تا پای مرگ رفت.

- در شهرستان بوکان (آذربایجان غربی) آمپول رگام در سیستم توزیع دولتی موجود نیست و مردم مجبورند آن را در بازار آزاد با قیمت ۴۰۰ هزار تومان تهیه کنند. لطفاً پیگیری فرمائید.

- بتافرون داروی بیماران ام اس که با قیمت ماهیانه ۸۰ تومان براحتی در دسترس بود. این اواخر به ۴۲۰ تومان رسیده بود که به هر بدبختی تهیه می کردیم. چند روز قبل داروخانه هلال احمر قیمت آن را بالغ بر ۱,۶۰۰,۰۰۰ تومان اعلام کرد .

- باور بفرمایید برای تهیه یک عدد اسپری آسم تمام داروخانه های شهرم را گشتم ولی دریغ از یک افشانه. بیماری آسم را هم که همه می شناسند. حالا همسرم شبها تا صبح به سختی نفس می کشد و صدای خس خس سینه اش تا یک کوچه آن طرف تر شنیده می شود.

- اسپری مینیرین که داروی وارداتی برای کنترل بیماری دیابت بیمزه است چندماه است در بازار پیدا نمی شود و چون داروی نیازمند به برودت است در بازار آزاد هم قابل اعتماد نیست. ساخت ایرانی آن به هیچ وجه جواب بالینی نداده . عدم مصرف این دارو باعث عدم جذب آب بدن توسط کلیه ها شده و دفع سریع یعنی ادرار بیش از حد شده و تشنگی همراه با ضعف شدید در بیمار ایجاد می کند.

این بیماری، ناعلاج و نیاز مبرم به مصرف مداوم دارو دارد حال ببینید بیماران مبتلای به این بیماری چه می کشند ؟ فرزندم در مقابل دیدگانم آب می شود و من چاره ای ندارم چون داروی او یافت نمی شود .

- اوایل سال قبل قیمت انسولین ۱۵۰۰ تومان بود اما اکنون به ۱۲,۵۰۰ تومان رسیده و واقعا مسئول این وضعیت کیست؟

- من کارمند بیمارستانم. الان چندماهی است که به خاطر نبود دارو هیچ بیمار ام اس (یک بیماری صعب العلاج) را توی بیمارستان بستری نمیکنن... هر چند وقت یکبار خانواده هاشون مراجعه میکنن و با کلی امید میپرسن که مشکل دارو حل شده؟ و با ناامیدی برمیگردن.

- قرص مزالازین ایرانی برای درمان کولیت اولسروز می باشد مدتی است نایاب شده است و نمونه خارجی آن ۵ برابر قیمت ایرانی می باشد. مسولینی که یارانه دارو را حذف کردند چرا پاسخگو نیستن؟ آیا ما قشر بیمار کم درآمد محکوم به مرگیم؟

- نزدیک به یک هفته پیش برای چندمین بار سرطان روده پدروم به مرز خطرناک رسید . پدروم رو به تهران انتقال دادیم و پزشک داروهای تجویز کرد اما هیچ کدام را یا داروخانه ها نداشتند یا به یک ورق اکتفا می کردند و البته در بیشتر مواقع خودشان خیلی جالب پیشنهاد خرید آزاد آن را با یک تلفن می دادند و به نوعی به راحتی در داروخانه ها دلالی شکل گرفته است ... تا امروز داروهای که تا ۲ ماه قبل با قیمت ۱۰ هزارتومان می خریدم بعد یک هفته با ۲,۷۵۰,۰۰۰ تومان و یک هفته جستجو و درد کشیدن و وخیم شدن حال پدروم به دست آوردم ... اکنون با ۶۰۰ هزارتومان حقوق ماهیانه چگونه این رقم دارو را برای پدروم پردازم و بتوانم خودم هم امرار معاش کنم ... خدا به فریاد ما بی کسان این دوران برسد.

- الان بنده به دنبال داروی خارجی تگرتول هستم. کلی داروخانه رو سر زدم تا دارو پیدا کنم. که با این همه تلاش تازه تونستم ۳۰ عدد دارو که برای مصرف ۱۵ روز بیمارم هست را تهیه کنند.

- من مادرم سرطان داره باید هر ماهه یک آمپول به نام ساندوستاتین تزریق کنه اما الان ۳ ماهه که این دارو نایاب شده تورو به خدا کاری کنید این دارو توی بازار آزاد به مبلغ ۴ میلیون تومان میفروشند، اما هیچ داروخانه ای اون رو نداره.

- به عنوان یک پزشک می گویم، کاش فقط داروهای بیماریهای صعب العلاج پیدا نمی شد چون این بیماریها معمولا شیوع کمی دارند. مشکل اصلی در حال حاضر کمبود داروهای لازم برای بیماریهای شایع است. متفورمین، رانیتیدین، شیاف استامینوفن، سرم نرمال سالین و بسیاری قطره های معمول چشمی جزو داروهای سهمیه بندی هستند و در شهرستانها کمبودشان شدیداً حس می شود. فقط تهران و شهرهای بزرگ را نبینید.

- خدا می داند که من بیمار دیابتی که اسولین لانتوس ونومیکس استفاده می کنم با قبول نکردن بیمه بر اضافه قیمت داروها شاید نزدیک به ۱۰ برابر می پردازم تازه با نامه و خواهش و ۱۰۰ بار رفت و آمد. چه کسی جوابگو خواهد بود؟ من بیشتر مجبور می شوم دوزهای انسولین را با مادر دیابتی ام قسمت کنم .

- خدایا اگه قرص وارفارین نتونم تهیه کنم بابام... ملت کمکم کنید این قرص برای بیماران قلبی که جراحی باز کردند و جلوگیری از تشکیل لخته خون هسته تمام داروخانه های خوزستان رو گشتم پیدا نکردم.

- پدروم هفته گذشته چهار روز تو بیمارستانی توی شهرستان به خاطر نبودن یک دارو زجر کشید.

آخرش هم تو تهران از بازار آزاد تهیه کردم.

- مادر گوهری گرانبهاست مادرم را به خاطر داروهای بی کیفیت از دست دادم.

- بنده خانواده یک بیمار سرطانی هستم که پزشک معالج این بار به ما گفت حتی داروهای ایرانی نیز یافت نمی شود!

- سلام متاسفانه امروز برای پیدا کردن یک شربت رانتیدین خارجی برای بچه ام نزدیک به ۱۰۰ داروخانه تهران سرزدم که در نهایت تونستم پیداکنم. متاسفانه یک شربت معمولی به زور پیدا می شه.

- الان من خودم به داروی بیسموت نیاز دارم که مشابهی هم نداره و تازه داروی گرونی نیست و در داخل هم تولید میشه ولی میگن چون مواد اولیه اون موجود نیست دیگه تولیدی نداریم. این دارو برای زخم مری و معده کاربرد داره. الان من هر روز باید از سینه بسوزم.

- من دارای یک فرزند هستم که مبتلا به بیماری تالاسمی است و از سال ۱۳۷۳ به طور مداوم هر بیست روز یکبار خون تزریق میکند و برای کاهش غلظت آهن آمپول دسفرال باید ماهی ۱۰۰ عدد (ویال) نیز تزریق نماید که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی و آقای خاتمی این دارو مرتب به صورت رایگان در اختیار همه‌ی بیماران از جمله فرزند دختر من نیز قرار می گرفت اما متاسفانه در دوره‌ی ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد این دارو توسط داروی دیگری به نام دسفوناک جایگزین شد که داروی مورد نظر کارآیی داروی اول را ندارد. دوسال است که همین دارو هم به تعداد مورد نیاز بیماران در اختیار بیماران قرار نمی‌گیرد و منجر به افزایش بار آهن بیماران شده است که طی دو سال گذشته تعدادی از بیماران به همین علت فوت نموده‌اند که گناه مرگ این عزیزان به گردن مسوولان وزارت بهداشت است که باید نزد پروردگار عالم پاسخگو باشند.

اینجانب از یکسال پیش وقتی متوجه شده میزان آهن خون دخترم از هزار به پنج هزار افزایش یافته است مبادرت به خرید قرص اکسجید نمودم و ماهی دویست هزار تومان هزینه خرید این قرص را با صرفه جویی در مخارج دیگر زندگی تامین می کردم و الان مقدار آهن خون دخترم تا دوهزار کاهش یافته است اما اینک این قرص هم در داروخانه های خاص (۲۹ فروردین تهران) موجود نیست. خواهشمنند است مشکل ما را هر طور که صلاح می‌دانید به مسولین محترم برسانید.

- یک بیمه تکمیلی درمان گرفتیم که سرطان رو پوشش بده . کل مبلغی که بابت شیمی درمانی میدن ۵ میلیون تومنه در صورتی که هر مرتبه داروی شیمی درمانی از هلال احمر بین ۱ تا ۱,۵ میلیون در میاد یعنی یه دوره درمان شش ماهه با داروهای توزیعی هلال احمر میشه ۸ تا ۱۲ میلیون. این چه پوششیه؟

- من این روزها واسه چندتا دارو برای افراد مختلف مثل مادر و مادربزرگ و خودم و ... ناچار بودم دنبال دارو باشم که خیلی از داروها رو میگن یا نیست یا توزیع نشده اگر هم بیاد با تغییرات قیمت های بالا مثلا یک آمپول یک ماه پیش گرفتم ۵۰هزارتومان این ماه گرفتم ۱۰۰ هزار تومان این شرایط واقعا برای بیماران و خانواده ها کمرشکن و کشنده است.

- من پسری دارم که از بدو تولد به اختلال سندرم بارتر مبتلا بود و الان باید روزانه ۲۱ قرص پتاسیم کلراید در سه نوبت بخوره تا حداقل پتاسیم حیاتی برای زنده بودنش تامین بشه که اصلا

در بازار نیست و پس از جستجو از کل ایران میتونم با رابطه و خوش شانسی گاهی ۳۰۰ تا ۴۰۰ قرصشو پیدا کنم اونم با قیمت هر بسته ۱۰۰ تا ۲۸۰۰۰ تومان که برای ۵ روز بیشتر نمی رساند.

این به غیر از سایر داروهای مکمل مورد نیاز است و علی رغم کارمند بودن و تحت پوشش انواع بیمه جزو داروهای تحت پوشش بیمه هم نیست!! حالا ببینید منی که کارمندم چقدر باید در ماه هزینه کنم چه برسه به یه بنده خدایی که وضع بدتری هم داره . خواهشمندم این رشته معضل دارو رو تا رسیدن به نتیجه از رو سایتتون قطع نکنید تا امثال ما که صدامون به جایی نمی رسه مسایل رو بگیم شاید یکی دلش به رحم بیاد.

- من بیمار سرطانی دارم که داروی هرسپتین باید تزریق کنه . الان این دارو در هلال احمر پنج میلیون و پانصد هزار تومن و در بازار آزاد حدود ۹ میلیون تومن است. بیماری که ۱۸ نوبت باید این دارو را تزریق نماید شما حساب کنید چه مقدار باید هزینه کرد. تمام درآمد من کارمند در ماه کمتر از یک میلیون است. از شما می پرسم چه باید کرد....

- برادرم مبتلا به بیماری صرع خفیف هستند و دکتر برای ایشان قرص سدیم ولپرات تجویز کردند بسته ۱۰۰ تایی این قرص جواب دو هفته ایشان را می دهد... حال متاسفانه این دارو نایاب شده و فقط داروخانه هلال احمر آنرا عرضه میکند که به زور جواب نیاز بیمار را بدهد. و اگر این قرص قطع شود بیمار دچار تشنج می شود!

- من هم داداشم بیماری راشیتیسسم مقاوم به درمان داره. به تجویز پزشکان روزی ۳ کپسول روکالترول باید مصرف کنه. وگرنه در عرض ۱-۲ ماه دیگه نمیتونه حرکت کنه و کاری انجام بده. الان بیشتر از ۱ ماهه که نتونستیم قرص هاشو پیدا کنیم. شرکت ایرانی که قبلا تولید میکرد، دیگه تولید نمیکنه. دادشم هم هر روز ضعیف تر رو ضعیف تر میشه.

- ویتامین ب ۱ تو داروخانه ها نیست شما دنبال داروی سرطان و ... هستین

- من به علت موج گرفتگی شدید به تجویز پزشکان معالج سالهاست داروی اعصاب مصرف می کنم که چند سالی است قرص دپاکین ۲۰۰ روزی دو بار مصرف می کنم که مدتهاست پیدا نمی شود و بالاچار قرص دپاکین ۵۰۰ را نصف صبح و نصف ظهر می خورم که اونهم سه ماه است پیدا نمی شود شما رو بخدا من چه گناهی دارم که باید اینجوری عذاب بکشم تازه همون هم بهایش سه برابر شده.

- سلام من بیماری اسکیزوفرنی دارم و دپاکین ۵۰۰ مصرف می کنم قبلا برای ۱۲۰ قرص ۶۰ هزار تومان پرداخت می کردم الان باید ۱۲۰ هزار تومان پرداخت کنم به شرطی که دارو گیر بیاد از مسئولین تقاضای رسیدگی عاجل دارم .

- من پسری دارم که از بدو تولد به اختلال سندرم بارتر مبتلا بود و الان باید روزانه ۲۱ قرص پتاسیم کلراید در سه نوبت بخوره تا حداقل پتاسیم حیاتی برای زنده بودنش تامین بشه که اصلا در بازار نیست و پس از جستجو از کل ایران میتونم با رابطه و خوش شانسی گاهی ۳۰۰ تا ۴۰۰ قرصشو پیدا کنم اونم با قیمت هر بسته ۱۰۰ تا ۲۸۰۰۰ تومان که برای ۵ روز بیشتر نمی رساند این به غیر از سایر داروهای مکمل مورد نیاز است و علی رقم کارمند بودن و تحت پوشش انواع بیمه جزو داروهای تحت پوشش بیمه هم نیست!! حالا ببینید منی که کارمندم چقدر باید در ماه هزینه کنم چه برسه به یه بنده خدایی که وضع بدتری هم داره.

- مادر بنده احتیاج به یک قطره چشم دارد که از قیمت ۱۰ هزار تومان به حدود ۵۰ هزار تومان رسیده است. مدتی ناچار شدیم جنس ایرانی بدهیم که چشمش شروع به عفونت کرد. بنده مجبورم حالا به هر زحمتی شده آن را از گوشه کنار شهر تهیه کنم، اما تا کی؟

- مادر من بخاطر عفونت بیمارستانی بالای ۹۰ روز بستری بود تمام داروها رو از بازار آزاد توی داروخانه ها! گیر آوردیم.

- کپسول کرون (جبران کمبود آنزیم لیپاز) در استان زنجان پیدا نمی شود.

- من جانباز شیمیای هستم که به انواع مریضی ها ناراحتی ریه ' قلب ' کلیه ' فشار خون ' اعصاب ' ودیابت و غیره دچار هستم و نزدیک به ۲۸ سال است که مرتباً از دارو استفاده می کنم و چندین بار هم مورد عمل جراحی قرار گرفتم. ... الان اسپری خارجی برای ریه را تا ۸۵ هزار تومان خریدم و الان اصلاً در بازار نیست و می گویند اگر باشد بالای ۲۰۰ هزار تومان است و داروی فشار خون ایرانی که تا چند ماه پیش ۶ هزار تومان میخریدم ۲ روز پیش ۲۱ هزار تومان خریدم در حالی که خرید دارو خانه همان خریدهای قبلی است و مابقی هم همینطور!

- امروز بچه ۲ساله ام دچار یبوست شده بود. رفتم دکتر ۱۰ عدد شیاف گلیرسین نوشت داروخانه گفت وضعیت "شیاف" خوب نیست ، ۵تا بیشتر بهم نداد

دستگاه خشک کن دست کارگر جوانی را قطع کرد

به گزارش روزنامه خراسان، در 19 تیرماه 92 آمده است: ظهر روز گذشته دست جوانی در یکی از هتل های مشهد به وسیله دستگاه خشک کن قطع شد.

مدیر حوزه ۳ آتش نشانی مشهد افزود: ظهر روز گذشته پس از اطلاع خبری مبنی بر قطع دست جوانی در یکی از هتل های مشهد بلافاصله مأموران امداد و نجات ایستگاه ۲ به محل حادثه در چهارراه شهدای مشهد شتافتند.

ابوالفضل تیموری افزود: قبل از رسیدن مأموران همکاران این جوان حدود ۱۸ ساله دست قطع شده او را داخل پلاستیک و آن را داخل یخ قرار داده بودند که مصدوم برای اعزام به مرکز درمانی به مأموران اورژانس حاضر در محل تحویل شد. وی گفت: این کارگر جوان قبل از توقف کامل دستگاه که با شدت بسیار در حال چرخش بود برای برداشتن پتو دست خود را داخل دستگاه کرده بود که این حادثه روی داد.

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان قزوین: تعدیل گسترده کارگران قطعه سازی ها جبران نشد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 19 تیر 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفت: سال گذشته به دلیل نوسانات اقتصادی بخش قابل توجهی از کارگران واحدهای قطعه سازی تعدیل شدند.

«محمد احمدی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: تا سال گذشته در استان قزوین بالغ بر ۱۲۰ کارگاه و کارخانه سازنده قطعات خودرو فعالیت می کردند. وی بابیان اینکه تعداد کارگران شاغل در این واحدهای تولیدی گفت: در قطعه سازی های قزوین از دو سه نفر تا بیش از ۱۰۰ نفر مشغول به کار بودند، اما در نتیجه نوسانات اقتصادی يك سال اخیر بخش قابل توجهی از این کارگران تعدیل شدند.

به گفته این مقام کارگری شدت تعدیل کارگران در واحدهای قطعه سازی استان قزوین به حدی بود که برخی از کارگاه‌های کوچک تعطیل شدند و در برخی کارگاه‌های بزرگ نیز تعداد کارگران از حدود ۵۰۰ نفر به کمتر از ۲۰۰ نفر تقلیل یافت.

احمدی بایان اینکه اوج تعدیل‌ها مربوط به نیمه دوم سال ۹۱ و خصوصا سه ماهه آخر سال بود، گفت: ریزش کارگران قطعه‌سازی‌ها تا کنون جبران نشده است اما در حال حاضر وضعیت واحدهای تولیدی به نسبت قبل تثبیت شده است. وی افزود: با این حال هنوز هیچ تحول مهمی در فعالیت این واحدها رخ نداده است و همچنان وضعیت رکودی در واحدها حاکم است.

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان قزوین تاکید کرد: دلیل اصلی این رکود نوسانات قیمت ارز، مواد اولیه و از همه مهم‌تر تغییر قیمت خودرو بوده است.

پایان پیام

تجمع کارگران ذوب آهن زاگرس در مقابل استانداری شهر سنندج

بر پایه گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 20 تیرماه 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز پنجشنبه 92/4/20 حدود 200 نفر از کارگران ذوب آهن زاگرس کردستان در ساعات 10 صبح در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج دست به تجمع زدند. ذوب آهن زاگرس که در منطقه قروه دهگلان قرار دارد دارای تعداد سیصد کارگر می‌باشد که در روز 92/4/19 تعداد 250 نفر از آنها اخراج شدند.

این کارگران چهار ماه حقوق نگرفته‌اند و هر یک دارای 12 تا 15 سال سابقه کار می‌باشند و کار آنها از نوع سخت و زیان‌آور است اما از طرف مدیریت کارخانه بیمه سخت و زیان‌آور برای آنها منظور نشده است. کارگران در ساعات اولیه صبح با پلاکاردی بزرگ که روی آن نوشته شده بود ما خواهان بازگشت به کار و حقوق معوقه خود هستیم در مقابل استانداری سنندج تجمع نمودند و در همان ساعات اولیه حدود 40 نفر از کارگران به همراه نمایندگان خود جهت پیگیری خواسته‌های خود به داخل استانداری رفتند. آنها بعد از ساعات ها بدون هیچ نتیجه‌ای از استانداری بیرون آمدند و همراه کارگران به طرف دفتر شاهرودی دست به راهپیمایی زدند. لازم به ذکر است که در همان ساعات اولیه و قبل از رسیدن کارگران ده‌ها ماشین از نیروهای امنیتی و لباس شخصی در خیابان استانداری مستقر شدند و سراسر منطقه را زیر نظر گرفتند و این تجمع تا ساعات 1 بعد از ظهر ادامه پیدا کرد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تجمع کارگران اخراجی فولاد زاگرس برای دومین روز متوالی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 تیر 92 آمده است: صبح امروز ۲۳۵ نفر از کارگران قراردادی شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس برای دومین روز متوالی، در اعتراض به اخراج و عدم دریافت مطالبات مالی خود در مقابل استانداری کردستان واقع در شهر سنندج تجمع کردند. نماینده کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که در این تجمع حضور داشت، گفت: امروز دومین روز تجمع کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس برای احقاق حقوق معوقه و اعتراض به اخراج ۲۳۵ کارگر است، که متأسفانه تا این ساعت از تجمع باز هم جواب قانع‌کننده‌ای از سوی مسئولان استانداری دریافت نکرده‌ایم.

او گفت: این کارگران که دارای سوابق کاری بین ۱۰ تا ۲۳ سال هستند، در این شرایط سنی و مخصوصاً در اوضاع اقتصادی فعلی که بسیاری از جوانان بیکارند، امکان یافتن شغل دیگری را ندارد.

نماینده کارگران فولاد زاگرس با اشاره به پیشینه مشکلات نیروهای کار این واحد تولیدی، گفت: از سال ۸۶ با واگذاری بخشی از فعالیت کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به شرکت پیمانکاری خوان گل، مشکلات کارگران افزایش یافت.

او اضافه کرد: بعد از سپری شدن همه مشکلاتی که به واسطه تاخیر در پرداخت حقوق، تعدیل و اخراج کارگران به دلیل وجود این شرکت متحمل شده بودیم، اواخر سال گذشته کارگران تصور کردند مدیر عامل جدید با حذف پیمانکار، امنیت شغلی را به آنان باز گردانده است، غافل از آنکه مدیر عامل سعی دارد در مرحله نخست با حذف پیمانکار و سپس کارگران، کارخانه را به بهانه تعمیرات تعطیل کند.

بیانیه 85

باز هم محاکمه فعالین کارگری

محاکمه اعضای کمیته هئاهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری عمل ضد انسانی است

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 19 تیر 92 آمده است: طی روزهای گذشته خبردار شدیم تعدادی از اعضای کمیته هئاهنگی ... به نامهای وفا قادری، بهزاد فرج الهی، خالد حسینی و غالب حسینی محاکمه شده و در دادگاه نمایشی با احکام از پیش تعیین شده هر کدام به یک سال زندان محکوم شدند.

همه ی کارگران و مردم انقلابی می دانند تمام فعالین کارگری، اعضای کمیته ها و تشکل های موجود از طرف جمهوری اسلامی سرمایه داری همه جانبه زیر فشار قرار دارند، تحت چنین فشارها و سرکوبها علیه آنها پرونده هایی با اتهامات دروغین می سازند و با بهانه های گوناگون آنها را مورد ضرب و شتم، بازداشت، محاکمه و زندان قرار می دهند، آخرین مورد چنین اعمال ضد انسانی مأموران و قوه قضاییه در مورد دوستانمان وفا قادری، بهزاد فرج الهی، خالد حسینی و غالب حسینی طی چند روز گذشته صورت گرفته است.

فعالین کارگری به این دلیل محاکمه می شوند که در مقابل چپاول و غارت کارگران که توسط طبقه حاکم مورد هجوم قرار دارند و هر روز بیشتر از هستی ساقط می شوند اعتراض می کنند، این فعالین به دلیل اعتراض به وضعیتی که توسط سرمایه داران و دولت شان از طریق تحمیل قوانین ضد کارگری، بیکاری گسترده، عدم پرداخت دستمزد ها، سرکوب تشکل ها، دستمزد های زیر خط فقر، تحمیل قرارداد های موقت و سفید امضا، خصوصی کردن خدمات اجتماعی، گرانی و تورم و... اعتراض می کنند، دوستان ما بدلیل اینکه خواهان آزادی ایجاد تشکل و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و... هستند، محاکمه شده اند.

ما ضمن اینکه محاکمه و زندانی کردن کارگران را محکوم می کنیم خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان و لغو هر گونه محکومیت کارگران بوده، همچنین می خواهیم به تعقیب و پرونده سازی علیه کارگران هر چه زودتر پایان داد شود.

البته می دانیم چنین خواسته هایی بدون مبارزه و اعمال فشار به دستگاهها و نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی امکان پذیر نخواهد شد بر مبنای چنین آگاهی از تمامی نهادهای حمایتی داخلی و جهانی می خواهیم نسبت به ادامه روند سرکوب و افزایش آن در ایران حساس بوده و اعتراضات عملی بیشتری را متحدانه سازماندهی نمایند، فقط در چنین حالتی امکان دست یابی به مطالبات حمایتی برای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی خواهیم داشت پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
92/4/19

www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

خبر فوری

پرونده جدیدی علیه شاهرخ زمانی ساخته می شود.

بر پایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده اس : بعد از ظهر روز چهارشنبه 1392/4/19 در زندان گوهردشت پرونده دیگری علیه شاهرخ زمانی ساختند، او را تهدید کرده اند که یکشنبه پیش رو یعنی 1392/4/23 در دادگاه مستقر در زندان او را محاکمه خواهند کرد .
شاهرخ برای گرفتن داروهای خود که خانواده اش از بیرون برایش تهیه کرده و چند روز پیش به زندان تحویل داده بودند، امروز به نگهبانی مراجعه کرده است، و در مقابل درخواست دارو از طرف شاهرخ، نگهبان با او برخورد توهین آمیز کرده و گفته است، دارو نداری و هر وقت دلمان بخواهد، دارو را به تو خواهیم داد، حالا برو بذار... شاهرخ گفته است، من دارو را امروز باید مصرف کنم، زمانش بگذرد، دیگر به دردم نمی خورد ، نگهبان او را هل داده و شروع به داد و بیداد کرده است. پس از دست خالی برگشتن شاهرخ، نگهبان به تحریک امیری یکی از مسئولین زندان شکایت نامه ی افترا آمیزی علیه شاهرخ نوشته و امیری به شاهرخ ابلاغ کرده که یکشنبه در دادگاه مستقر در زندان بابت این شکایت محاکمه خواهی شد .
جنایتکاران جمهوری اسلامی بیش از یک ماه است که فشار روی شاهرخ را به شدت افزایش داده اند.

جاسوسان و مأموران بسیاری را به مراقبت بیشتر از او گماره اند، باز هم دست برداشته از هر فرصتی برای اذیت و آزار او سواستفاده می کنند .
ما بدین وسیله از تمامی کارگران ، انقلابیون ، دوستان و رفقا می خواهیم با توجه به افزایش شدید فشار بر روی شاهرخ ، به وضعیت او حساسیت بیشتری داشته باشند و نگذارند جمهوری اسلامی و عوامل آن هر کاری که خواستند بدون ترس و واهمه انجام دهند .
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
92/4/19

www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

یک فعال صنفی:

حقوق معلمان از سایر کارمندان بیشتر نیست / طرح رتبه بندی معلمان ضمانت اجرایی مالی ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 تیر 92 آمده است : یک فعال صنفی معلمان، سخنان روز گذشته «ابراهیم سحرخیز» معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش که گفته بود «دستمزد معلمان از کارمندان تمام وزارتخانه‌ها بیشتر است» را غیرقابل قبول عنوان کرد.

«محمود ایمانزاده» در این باره به ایلنا گفت: حقوق معلمان در وزارت آموزش و پرورش شاید با سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دیگر مطابقت داشته باشد اما یقیناً بالاتر نیست. حقوق کارکنان بسیاری از وزارتخانه‌ها از معلمان آموزش و پرورش بیشتر است. وی در ادامه با اشاره به طرح رتبه بندی معلمان که دولت آقای احمدی‌نژاد در پایان کارش آماده کرده است افزود: در صورت اجرایی شدن طرح رتبه بندی معلمان که کمتر از یک ماه پیش، بخشنامه‌اش از وزارت آموزش و پرورش به مدارس آمد حقوق معلمان افزایش می‌یابد اما این طرح، ضمانت اجرایی مالی ندارد.

این فعال صنفی معلمان بیان کرد: دولت دهم در پایان کارش، طرح‌هایی که بار مالی سنگینی دارند را تصویب می‌کند اما این طرح‌ها، پشتوانه مالی ندارد و دولت جدید، قدرت پاسخگویی به مطالبات ایجاد شده را نخواهد داشت.

به گفته آقای ایمانزاده، طرح رتبه بندی معلمان باید پیش از ۲۴ خرداد ماه اجرا می‌شد نه اینکه پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، مقدماتش شروع شود.

او در پایان اظهار داشت: بخشنامه اجرای این طرح در حالی ابلاغ شده که بار مالی‌اش در وزارت آموزش و پرورش که با مشکلات مالی جدی مواجه است در نظر گرفته نشده است.

پایان پیام

بیانیه اتحاد بین المللی پیرامون سلامتی و جان محمد جراحی و احکام ظالمانه علیه فعالین کارگری

بر پایه مطلب رسیده آمده است: بنا به گزارش "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری" سلامتی و جان محمد جراحی فعال کارگری و عضو این کمیته در خطر است. محمد جراحی که سومین سال حکم خود را در زندان تبریز می گذراند، به سرطان بدخیم تیروئید دچار شده است. بنا بر گزارش ها بخشی از غده تیروئید محمد جراحی حدود یک ماه پیش به دلیل سرطانی بودن طی عمل جراحی در بیمارستانی در تبریز برداشته شد. بنا به نتایج قطعی آزمایش ها و طبق تشخیص کمیسیون پزشکی، ضروری است که محمد جراحی هر چه زودتر در بیمارستانی در خارج از زندان بستری و تحت درمان قرار گیرد. اما به رغم تشخیص پزشکان معالج و پیگیری خانواده محمد جراحی، مقامات زندان و مراجع قضایی جمهوری اسلامی در تبریز اجازه بستری شدن و درمان او در خارج از زندان را صادر نمی کنند. محافظت از جان زندانی و درمان او در صورت بیماری به عهده زندان است. با این حال خانواده محمد جراحی هزینه درمان او را خود تقبل کرده اند و وقت درمان برای معالجه او را نیز گرفته اند. محمد جراحی در خرداد سال ۱۹۹۰ به همراه شاهرخ زمانی دیگر فعال کارگری و تعدادی از فعالین دانشجویی دستگیر شد و به خاطر فعالیت های کارگری به پنج سال زندان محکوم گردید. شاهرخ زمانی حکم ۱۱ سال زندان گرفته است و در این مدت بطور مداوم تحت اذیت و آزار توسط مقامات امنیتی و قضایی قرار داشته است. از جمله در روزهای اخیر مسئولین زندان گوهردشت پرونده سازیهای جدیدی علیه شاهرخ زمانی را آغاز کرده اند.

در همین حال "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" اعلام کرده است که سه نفر از فعالین کارگری و از اعضای این کمیته، وفا قادری، بهزاد فرج الهی و خالد حسینی، به ترتیب در در روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۵ تیر بطور غیابی در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی سنندج مورد محاکمه قرار گرفتند و به اتهام تبلیغ علیه نظام هر کدام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند. همچنین بنا به گزارش کمیته هماهنگی، روز دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۹۲، حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی طی دو احضاریه ی جداگانه به

دادگاه انقلاب اسلامی سندج احضار شده است و غالب حسینی نیز در تاریخ ۹ تیر در همین دادگاه مورد محاکمه قرار گرفته است.

عدم صدور مرخصی درمانی برای محمد جراحی که جان وی را کاملاً به خطر انداخته است و اذیت و آزار، دادگاههای غیابی و احکام ظالمانه حبس برای اعضای کمیته هماهنگی نشان دهنده تداوم سرکوب فعالین کارگری بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران می باشد که در کلیت این رژیم ضدکارگر و سرکوبگر نهادینه است.

ما مقامات زندان و مراجع قضایی تبریز و بطور کلی جمهوری اسلامی ایران را مسئول سلامتی و جان محمد جراحی می دانیم و خواهان بستری شدن و درمان فوری او در خارج از زندان هستیم. ما از تشکلات و فعالین کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسانها می خواهیم که از حق اولیه محمد جراحی و دیگر زندانیان در ایران برای دسترسی به امکانات درمانی کافی و مناسب حمایت نمایند و نسبت به دستگیری، محاکمه، حبس و سرکوب فعالین کارگری توسط جمهوری اسلامی اعتراض کنند. نباید اجازه داد جان هیچ یک از فعالین کارگری ایران بار دیگر در زندانها و کشتارگاههای جمهوری اسلامی به خطر بیافتد. کلیه فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی فوری و بدون قید و شرط آزاد باید گردند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۱۱ جولای ۲۰۱۳

متوسط حقوق معلمان کمتر از یک میلیون تومان است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 تیر 92 آمده است: یک فعال صنفی معلمان با توهین آمیز خواندن اظهارات روز گذشته «ابراهیم سحرخیز» معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش، بیان کرد: متوسط حقوق معلمان به ازای ۲۴ ساعت کار هفتگی در مدارس دولتی، ماهانه کمتر از یک میلیون تومان است.

براساس این گزارش، «محمود بهشتی لنگرودی» در این باره گفت: بخش عمده صحبت‌های آقای سحر خیز به عدم اطلاع صحیح ایشان از نظام‌های آموزشی و نظام‌های پرداخت در سراسر جهان بر می‌گردد. اینکه گفته شود حقوق معلمان به ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده غیر قابل قبول است. شاید سقف حقوق برخی معلمان به این عدد برسد اما متوسط حقوق معلمان کمتر از یک میلیون تومان است.

وی در ادامه، گفته آقای سحرخیز مبنی بر اینکه حقوق معلمان در زمان شروع به کار «حاجی بابایی» وزیر آموزش و پرورش، ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بوده است را نادرست خواند و بیان کرد: این مقام دولتی برای زیاد نشان دادن افزایش حقوق معلمان در ۳ سال گذشته، رقم اولیه را کمتر و رقم فعلی را بیشتر از حد واقعی اعلام کرده است.

این فعال صنفی با اشاره به این سخن معاون وزیر آموزش و پرورش که «کارمندان دولت از شنبه تا پنجشنبه و در حدود ۴۴ ساعت کار می‌کنند در حالی که معلمان حدوداً ۳ بار در هفته در مدرسه حضور دارند و تابستان‌ها نیز تعطیل هستند»، ساعت کاری معلمان را بیش از ۲۴ ساعتی دانست که در مدارس حاضرند و گفت: معلمان در بقیه ساعات‌ها باید مطالعه و تحقیق کنند و در اختیار دانش آموزان باشند. معلمان خوشحال می‌شوند شرایطی فراهم شود که به جای مسافر کشی در ساعات بیکاری؛ امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی در اختیارشان گذاشته شود تا ۶ روز هفته را به طور تمام وقت در مدرسه حضور داشته باشند.

به گفته آقای بهشتی لنگرودی، ساعت کاری معلمان در همه کشورهای جهان، همین حدود است و حقوقشان نیز بر اساس این ساعت کاری تنظیم می‌شود.

این فعال صنفی معلمان در پایان ضمن غیر قابل قبول خواندن سخن معاون وزیر آموزش و پرورش که گفته بود «دستمزد معلمان از کارمندان تمام وزارتخانه‌ها بیشتر است» اظهار داشت: کارمندان بسیاری از وزارتخانه در ساعت کاری که برایشان معین شده حقوق بالاتری از معلمان

دریافت می‌کنند و این در حالی است که مطابق نتیجه تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس، در سراسر جهان حقوق معلمان از حقوق کارمندان بالاتر است.

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی کارگر جوان که در زندان به قتل رسیده است؛ تقاضای نبش قبر فرزند خود را کرد

به نوشته سایت سحام نیوز در 20 تیر 92 آمده است: در واکنش به گزارش نهایی پزشکی قانونی مبنی بر عدم کشته شدن ستار بهشتی بر اثر ضربات وارده از سوی بازجو؛ مادر این وبلاگ نویس شهید در مصاحبه با سحام، تقاضای نبش قبر فرزندش را اعلام کرد.

مادر ستار بهشتی در بخشی از این مصاحبه خطاب به دادگاه و مسئولین عالی رتبه قضایی، نبش قبر و معاینه جسد فرزندش زیر نظر پزشکان مورد اعتماد مردم و پزشکان سازمان ملل را خواستار شده است.

با گذشت چندین ماه از کشته شدن ستار بهشتی در زندان، دکتر احمد شجاعی، رئیس سازمان پزشکی قانونی؛ مدعی شده که در جریان معاینات تخصصی پزشکی قانونی دو نظریه مطرح شده است. احتمال مرگ بر اثر فشارهای روحی و یا ضربه های وارد شده مطرح شد. اما پس از بررسی این احتمال، پزشکان اعلام کردند ضربات وارد شده به ستار بهشتی نوعا کشنده نبوده و نمی تواند منجر به مرگ شده باشد.

وی ادعا کرده است که این ضربه ها به نقاط حساس بدن نیز وارد نشده بوده و از سوی دیگر در آزمایشات سم شناسی نیز هیچ موردی مشاهده نشد که مرگ او را غیر طبیعی نشان دهد.

مادر ستار بهشتی ضمن ابراز نگرانی از اظهارات مسئولان رسیدگی به پرونده ستار، به سحام می گوید: "تا این لحظه هنوز از پرونده ستار خبری نداریم و اجازه دیدن پرونده را نه به ما و نه به وکیل، نداده اند و هر وقت از {روند} پرونده پرسیدیم ما را به وقت دیگری موکول کردند."

گوهر عشقی در پاسخ به این سوال که آیا روند پرونده طبیعی طی می شود یا خیر می گوید: "اگر قرار بود این پرونده مسیر طبیعی خودش را طی کند ما چند وقت پیش قبل از مراسم چهلم ستار به دعوت بازپرس رفتیم اداره بازپرسی. آقای بازپرس چهار نفر را بعنوان متهم آوردند در اتاق بازپرسی که من و دخترم و نیز وکیلان آنجا بودیم و گفتند سه نفر از اینها قصور در خدمت داشتند و یک نفر متهم اصلی است و او بازجوی اصلی ستار بوده. همان پیراهن صورتی که همیشه من در موردش صحبت می کنم که آمد ستار را از خانه برد و او را معرفی کردند که بازجوی ستار بوده و من تنها سوالی که ازش کردم که ستار چکار می کرد زیر شکنجه؟ زیر شکنجه های تو چه می گفت؟ متهم گفت من ستار را می زدم و ستار می خندید آنقدر عصبی شدم که بیش از حد کتکش زدم و کشته شد! وقتی یک متهم اینطوری در حضور بازپرس اعتراف می کند دیگر چه چیزی برای آقای بازپرس هنوز مشخص نشده؟ آیا آقای بازپرس در صدد تبرئه کردن متهم هستند که در حال زمان خریدن هستند؟"

مادر ستار بهشتی از بی توجهی دادستانی به این پرونده می گوید: "اصلا حاضر به جوابگویی به ما نیستند. قبلا هر از گاهی دیدن ما می آمدند و سری می زدند. اما الان یا خودشان به این نتیجه رسیده اند که باید بی تفاوت باشند یا بهشان دستور داده شده که نسبت به ما بی تفاوت باشند."

خانم گوهر عشقی در پاسخ به اظهارات مختلف دادستانی و پزشکی قانونی و کمیسیون مجلس و نیز در جهت شفاف شدن واقعیت آنچه بر ستار گذشته می گوید: "جای تعجب و تاسف است

وقتی متهمی در برابر من و وکیل ادعا به قتل و شکنجه بیش از حد ستار می کند، چطور دادستان کل کشور به جای اینکه باید مجری قانون باشد و قانون را اجرا کند از بی قانونی حمایت می کند؟ من به عنوان مادر ستار، برای اینکه به این دوگانه گویی ها و این حرف هایی که گفته می شود، پایان دهم، همین جا خطاب به دادگاه و مسئولین عالی رتبه قضایی اعلام می کنم که نبش قبر و معاینه جسد ستار زیر نظر پزشکان مورد اعتماد مردم و پزشکان سازمان ملل را خواستارم.

وی با ابراز ناامیدی در رسیدگی به پرونده فرزندش و احتمال فرجامی شبیه ماجرای کهریزک، می افزاید: "نگرانم وقتی می بینم پرونده کهریزک به چه سر نوشتی دچار شده و دادستان وقت فقط به ۲۰۰ هزار تومان جزای نقدی محکوم شده است!"

گوهر عشقی در بخش دیگری از صحبت خود خطاب به بازپرس پرونده می گوید: "این صندلی همیشه برای شما نیست همانطور که برای آقای مرتضوی نماند. به شما توصیه ای مادرانه می کنم که آخرت خود را فدای منافع دیگران نکنید؛ اگر در این دنیا از تهدیدات و فشارهای شما و دیگران، دست من مادر به جایی نرسد، یقین بدانید در محضر خدا از شما شکایت خواهم کرد." مادر ستار بهشتی ضمن تکذیب وجود هرگونه صفحه شخصی منتسب به خود در فیس بوک می گوید: "عده ای با ترفندهای مختلف به ما نزدیک شدند و البته هستند کسانی بین ما که به خیال خام خودشان برای کنترل به منزلمان رفت و آمد می کنند اما چیزی برای پنهان کردن نداریم. شفاف گفته ایم و باز میگوییم ستار ما را زیر شکنجه ظرف چهار روز کشته اند، ابایی از بیان این اتفاق هم نداریم؛ تنها آن کسی که باید بترسد شکنجه گری است که در پناه برخی مامورین امنیتی هستند که به ما و مردم و نظام جفا کرده اند. اکنون شنیده ایم که افرادی با راه اندازی صفحه فیس بوکی ادعا کرده اند که این پیج مربوط به ماست. تاکید می کنم چنین چیزی صحت ندارد و ما از راه اندازی این صفحه بی خبریم. شنیده ایم که افرادی به عنوان کمک به خانواده ستار پول جمع آوری می کنند! به شدت هشدار می دهیم که ما تاکنون نه از کسی چیزی طلب کرده ایم و نه دریافت نموده ایم."

مادر ستار بهشتی در پایان این مصاحبه می گوید: "اگر آقایان ادعا می کنند که ستار در اثر شکنجه کشته نشده، درخواست نبش قبر فرزندم را حتما انجام بدهند، چرا که اگر ستار زیر شکنجه کشته نشده چرا کفنش خونی بود؟ چرا سر و صورت او کبود بود؟ چرا جنازه را تحویل خود ما ندادند؟ چرا آنهمه فشار روی ما آوردند؟ چرا ما را این همه تهدید می کردند؟ چرا از من به زور رضایت گرفتند؟ کاش پرونده پسر من را به دادگاه بفرستند، بعد از من تقاضای رضایت داشته باشند. بخاطر یک مامور خاطی نظام دارد هزینه میدهد. این رفتار مسولین با ما درست نیست." ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس اهل رباطکریم بود که به دلیل انتشار مطالب انتقادی علیه حکومت توسط پلیس فتا دستگیر شد. وی نهم آبان ۱۳۹۱ دستگیر و به زندان اوین تهران منتقل گردید، لیکن چهار روز بعد در حالی که به بازداشتگاه پلیس منتقل شده بود، در آنجا درگذشت.

خانواده ستار، هنگام دفن جسد وی آثار کبودی را در بخش هایی از بدن او مشاهده کرده بودند و محسنی اژه ای در اولین اظهار نظر خود وجود ضربه و کبودی بر بدن ستار بهشتی را تایید کرد و پس از آن بود که خبر از مرگ ستار بهشتی در اثر ایست قلبی داده شد.

در عرض سه سال اتفاق افتاد: گذرگاه نایمن عامل مرگ ۵۲ کشاورز لیلستانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 تیر 92 آمده است: به دلیل نبود گذرگاه ایمن در محله «لیالستان» استان گیلان، در عرض سه سال بیش از ۵۰ نفر از کشاورزان این منطقه در مسیر روزانه خود بر اثر تصادف با خودروهای عبوری کشته شده‌اند.

یکی از اهالی محله لیالستان با ارسال اسامی ۵۲ کشاورزی که بر اثر تصادف با خودروهای عبوری کشته شده‌اند به ایلنا، اظهار کرد: سالهاست که به دلیل نبود زیر گذر و یا حتی پل عابر پیاده مسیر تردد برای کشاورزان لیالستانی ایمن نیست.

«اصغر کاشف زرع لیستانی» بایان اینکه حتی در این مسیر تردد هیچ نشانه و علامت هشدار دهنده‌ای برای کنترل سرعت رانندگان عبوری وجود ندارد، گفت: نزدیک‌ترین پل عابر پیاده در منطقه‌ای پرت و کم‌گذر واقع در فاصله ۴ کیلومتری محله لیالستان قرار دارد. وی افزود: اهالی محله و به ویژه کشاورزان لیالستانی تاکنون بارها برای ایمن سازی گذرگاه به اداره راهداری منطقه مراجعه کرده‌اند اما همچنان مسیر تردد نامناسب است. به گفته این کشاورز، در همین رابطه شورای اسلامی روستای لیالستان در سال ۸۹ با ارسال نامه‌ای به استانداری گیلان و مدیرکل رسیدگی به شکایات و درخواست‌های مردمی ریاست جمهوری، ماجرای ناایمن بودن گذرگاه را مطرح کرد که تاکنون به این نامه‌ها پاسخی داده نشده است.

پایان پیام

نگاهی به نگرش نئولیبرالیسم وطنی یاور

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/07/blog-post_11.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 20 تیر 92 آمده است: در کشورهای توسعه‌یافته با تکنولوژی‌های مدرن و فوق پیش‌رفته، آن زمینه مادی فراهم شده است که سرمایه‌داری جهانی با اتکا به آن می‌تواند ریسک راه‌های جدیدی را بپذیرد که تصور می‌کند سودهای کلانی را برایش به ارمغان می‌آورد. دولت‌های امپریالیستی با در اختیار داشتن ارتش، و مدرن‌ترین تسلیحات نظامی و سازمان‌های اطلاعاتی وسیع و از همه موثرتر اهرم‌های اقتصادی (سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) این امکان را دارند که به کور راه‌های نئولیبرالیسم برون‌د و پس از کسب سودهای کلان، عوارض و برانگیزان‌های ایجاد شده را به دوش آن طبقاتی بیاندازند که در طرح و اجرای این راهکارهای اقتصادی هیچ نقشی نداشته‌اند. (سیاست‌های ریاضت اقتصادی در اروپا و آمریکا)

در اواخر قرن بیستم نئولیبرالیسم با فروپاشی جبهه کار به وسیله‌ی دولت‌های امپریالیستی کاربردی شد. تا قبل از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم، دولت‌های سرمایه‌داری در رقابت با این اردوگاه برای توجیه مشروعیت خود، دولت‌های رفاه را تبلیغ می‌کردند که در آن نیروی کار از حداقل‌های یک زندگی برخوردار باشد، اما پس از آن دیگر این رقابت لازم نبود و با اعلام اینکه ساختار سرمایه‌داری لیبرالیستی دخالت دولت در امور اقتصادی را منع می‌کند، مدعی بودند که بازار بهترین مکانیسم تنظیم اقتصادی اجتماعی است و نیازی به دخالت دولت در این امور نمی‌باشد. ولی این آزادی مطلق سرمایه‌داری مالی یا همان نئولیبرالیسم، طولانی‌ترین و بدترین بحران اقتصادی را در همه‌ی کشورهای توسعه‌یافته بوجود آورد. با تشدید بحران و شروع زیان دهی بانک‌ها، دولت‌های امپریالیستی کراهت دخالت دولت در اقتصاد را ندیده گرفتند و وارد عرصه اقتصاد شدند تا به این وسیله از فروپاشی کل نظام سرمایه‌داری جلوگیری کنند و توده‌های میلیونی مردم را در زیان‌های وارد شده به نظم سرمایه‌داری شریک کنند و فقر و بیکاری بیشتری برای مردم به ارمغان آورند. از سوی دیگر در جهان عقب رانده شده‌ی دارای منابع نفت و گاز، امپریالیسم به صورت پنهان و آشکار با اتکا به قدرت تکنولوژی و نهادهای اقتصادی امپریالیستی و نهادهای جنبی آن، سمت‌گیری اقتصاد این کشورها را با مناسباتی سامان‌دهی می‌کند که منافع کلان امپریالیست‌ها را تامین کند و در نهایت با توان نظامی (ناتو) و سازمان‌های اطلاعاتی

وابسته، این کشورها را به صورت بازار ابدی کالاهای تولیدی امپریالیستی در آورده است. از این رو امکان رشد بورژوازی بصورت تجربه شده و کلاسیک در این کشورها بسیار سخت شده است. معنای دیگر این پروژه‌ی امپریالیستی در جهت‌دهی به اقتصاد کشورهای دارای منابع نفت و گاز، حفظ مناسبات مردم این کشورها در مرحله پیش‌سرمایه‌داری، با باورهای واپس‌گرای قرون وسطایی توأم با اقتصادی وابسته و تک بعدی تولید مواد خام است. این شرایط ناپهناج خالق انسان از خود بیگانه و مسخ شده است. انسانی که با شک منطقی به کلی بیگانه است و ضرورت آن را حتا در پدیده‌های طبیعی و علمی درک نمی‌کند. اینک شاهد وجود این پدیده در مناسبات اقتصادی کشورمان هستیم. پیشنهاد راه رشد اقتصادی مبتنی بر تعدیل ساختاری و گسترش خصوصی‌سازی که به وسیله صندوق بین‌المللی پول به کشور ما دیکته شده است، بدون شک منطقی و بدون تحقیق و بررسی همه جانبه به وسیله استادان و کارشناسان اقتصادی وطنی پذیرفته شده است.

همین کارشناسان و مشاوران اقتصادی آموزش دیده در مکتب‌خانه‌های امپریالیستی، دولت‌های بعد از جنگ را متقاعد کردند که این راه رشد تنها ره‌رهایی است. در این میان هیچ تفاوتی بنیادی بین دولت‌های مذهبی لیبرال، اصولگرا و اصلاح‌طلب وجود نداشته است. همگی آب به یک آسیاب می‌ریزند؛ آسیاب نئولیبرالیسم جهانی که فرایند عملکردش گسترش فقر و ژرف‌تر شدن دره‌ی فاصله‌ی طبقاتی است. داشتن مدرک دکترای اقتصادی به تنهایی برای دادن پیشنهاد راه رشد اقتصادی کافی نیست. مهم این است که این دکترهای اقتصاد، مقولات علمی و اقتصادی را با چه روشی بررسی می‌کنند. روش ایستایی و ثابت و لایتغیر یا روش علمی؟ روش ایده‌آلیستی متافیزیکی یا نگرش دیالکتیکی؟ کارشناسان اقتصادی ما با اعتقاد به ابدی و لایتغیر بودن قوانین سرمایه‌داری نمی‌توانند به شک منطقی بیان‌دیشند. از این رو تعجب‌آور نیست که علت و معلول، چند و چون کل و جزء حرکت و تضاد، کمیت و کیفیت پدیده‌های اقتصادی اجتماعی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و تنها به دنبال‌روی از کعبه‌ی آمال و مجتهد اقتصادی‌شان، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، اکتفا می‌کنند. آن هم بدون توجه به از میان رفتن قدرت خرید جامعه. جامعه‌ای که قدرت خریدش را از دست می‌دهد به شدت آسیب پذیر می‌شود و روند بحران به صورت تصاعدی در آن رشد می‌کند. کارشناسان نئولیبرالیسم ما اگر اقتصاد کشور برزیل را مورد بررسی قرار می‌دادند، در می‌یافتند که برزیل در دوران دیکتاتوری نظامی درست مثل امروز ما مناسبات اقتصادی صندوق بین‌المللی پول را پذیرفت و به بدهکارترین کشور جهان، آن هم با تورم بالای 80 درصد تبدیل شد. ولی با آزادی بعدی از ساختار نظامی - دیکتاتوری و با روی کار آمدن جبهه‌ای از احزاب و گروه‌های چپ، راه رشدی را در پیش گرفت که در جهت خلاف سیاست‌های بانک جهانی بود. برزیل طی چند دوره ریاست جمهوری تبدیل به کشوری پیشرفته و توسعه‌یافته و با قدرت اقتصادی بالا شد، هر چند مناسبات سرمایه‌داری را حفظ کرده است و این خطر وجود دارد که ممکن است بار دیگر سینه‌چاکان صندوق بین‌المللی پول همه‌ی دست‌آوردها را پس بگیرند...

به سالنامه‌ی شرق 91 رویه‌های 108 تا 111 مراجعه شود. کارشناسان اقتصادی که متعصبانه نئولیبرالیسم را تبلیغ می‌کنند و مناسبات اقتصادی را تنها در ساختار سرمایه‌داری می‌فهمند. بی‌تردید در اهداف و محاسبات‌شان، رفاه و سلامتی مردم و نفعی نابرابری جایی ندارد. به نام دهکده‌ی جهانی منابع و ثروت‌های کشور ما را به امپریالیسم پیشنهاد می‌دهند و با التماس خواستار سرمایه‌گذاری آنان می‌شوند. (با طرح سهام در بورس و امکان دریافت صد درصد سهام به وسیله‌ی شرکت‌های خارجی) آگاهانه یا نا آگاهانه در جهت منافع امپریالیسم تلاش می‌کنند، همان امپریالیسمی که با نسل‌کشی میلیونی دیروز در همه‌ی قاره‌های این دهکده، به این جایگاه امروز رسیده است.

از مشروطه به این سو مناسبات اقتصادی ایران در برزخی از نگرش‌های وابستگی به سرمایه‌داری جهانی از یک سو و خرافه و عقب‌ماندگی از سوئی دیگر، دست و پا زده و اعتقاد به سوسیالیسم با چالش‌های بزرگی مواجه بوده است. ولی هرگز این درگیری‌ها به نفع توسعه

علمی - صنعتی ایران پیش نرفته است. پیشرفت‌ها و توسعه تنها در زمینه‌ی تولید مواد خام آن هم در وابستگی اقتصادی به امپریالیسم صورت گرفته است. چون سرمایه‌دارهای ایران ریشه در فنودالیسم داشتند و در بهترین حالت تاجر و بازاری بوده‌اند. در همه‌ی مقاطع و پیچ‌های تند و سرنوشت ساز تاریخ ایران، بورژوازی تجاری متحد فنودال‌ها و باورهای خرافی می‌شدند تا مانع توسعه علمی صنعتی ایران شوند. زیرا این جماعت یا زیر نفوذ روسیه تزاری بودند یا بریتانیای کبیر و بعدها نیز سرسپرده‌ی آمریکا شدند. یک نمونه‌ی تاریخی پس از مشروطه، ائتلاف حزب لیبرال داشناک ارمنی و تاجران مسلمان با خان‌های بزرگ و زمین‌دار مانند سردار اسعد بختیاری، سپهدار تنکابنی برای خلع سلاح سوسیال‌دموکرات‌ها و سرکوب آنها وعقیم گذاشتن انقلاب مشروطه ایران بود. در نهایت سپردن انقلاب به اشراف و فنودال‌های وابسته‌ای چون وثوق‌الدوله که ایران را بین روسیه و انگلیس تقسیم کرد.

خوشبختانه نفرت طبقه کارگر و روشن‌اندیشان و زحمت‌کشان شهری از لیبرالیسم به گونه‌ای شده است که لیبرال را یک توهین تلقی می‌کنند و این ریشه در واقعیت‌های تاریخی دارد. لیبرالیسم وطنی از مشروطه به این سو یک پایش در سرمایه‌داری تجاری بود و پای دیگرش در خرید و فروش زمین و املاک فنودالی و به ندرت در زمینه‌ی تولید کالایی (سرمایه‌داری صنعتی) سرمایه‌گذاری کرده است؛ به همین جهت هنوز مانند قرون وسطا بازارسنتی سمبل سرمایه‌داری وطنی است. با توجه روند اقتصادی - صنعتی کشورمان که با کارشناسی استادان و دکترهای اقتصاد نئولیبرالیستی هدایت می‌شود مناسبات اقتصادی امروز جامعه‌ی ما نیز از این پس همراه با قافله‌ی سرمایه‌داری ورشکست شده‌ی امپریالیستی با گام‌هایی پرشتاب جامعه را با خود به ورطه‌ی ورشکستگی کامل می‌کشاند. پس ناگزیر به دیدگاه‌های این اقتصاد دانان می‌پردازیم.

مهرنامه شماره‌ی 23 تیرماه 1391 رویه 215 بخش اقتصاد نظرات استاد موسی غنی نژاد "علت مطرح شدن خصوصی سازی در واقع بن بست اقتصاد دولتی است" "اقتصاد دولتی بسیار ناکارآمد است و باعث ائتلاف منابع می‌شود"، "زیرا اقتصاد با بخش خصوصی تعریف می‌شود."، "اگر بخش خصوصی این امکان را پیدا کند که با بخش دولتی وارد رقابت شود و در آن زمان ناکارآمدی اقتصادی بخش دولتی باعث از میدان به در شدن آنها می‌شود. به شرطی که حمایت‌های دولتی از بخش دولتی صورت نگیرد."

رویه 216 همان منبع استاد نیلی: "یا اقتصاد آزاد را قبول داریم یا نداریم. اگر قبول نداریم آن را کنار بگذاریم و حداقل اقتصاد دولتی را کارآمد کنیم. بنابراین وقت و انرژی را برای امور دیگر صرف کنیم" وقتی خبرنگار از او می‌پرسد آیا اقتصاد دولتی کارآمد می‌شود؟ ایشان پاسخ می‌دهند: "نه ولی می‌توان جلوی ریخت و پاش‌های آن را گرفت. اگر چه هیچ وقت کارآمد نمی‌شود و در هیچ کجای دنیا هم نشده است." غنی نژاد: "یعنی دولت دست از سر مردم بردارد..."

رویه 216 همان منبع: "علم، جهان شمول است اما شرایط هر جامعه به لحاظ اجتماعی و سیاسی کاملاً متفاوت است. بنابراین هر حرکتی باید علمی باشد اما در کنار مباحث عقلی باید مباحث مدیریتی را هم در نظر داشت. استاد محترم دانشگاه و معتقد به مناسبات نئولیبرالیسم فرمودند: "رویه 215 همان منبع: "علت مطرح شدن خصوصی‌سازی در واقع بن بست اقتصاد دولتی است"

بیکاری، تورم، گرانی، فقر، ترک تحصیل کودکان و خودفروشی و اعتیاد فاجعه بار و... همه و همه از دست آوردهای گسترش خصوصی‌سازی و اقتصاد بازار آزاد است. البته در آمار دولتی همه چیز در حد استاندارد جهانی است. ولی در واقع، این چنین نیست. شرایط امروز در قیاس با اقتصاد دولتی زمان جنگ که بهای نفت زیر ده دلار هم رسیده بود، خلاف نظر آقای غنی نژاد را ثابت می‌کند. با این وجود بهتر است به جای قیاس به نظر بقیه کارشناسان معتقد به نئولیبرالیسم در مورد همین موضوع پردازیم. همان منبع رویه 207 نظر آقای محمد صادق الحسینی: "... این هم به این معنا نیست که لازم است حتما شرکت‌های دولتی خصوصی شوند. می‌توان مدلی مانند

مدل چینی را حتا در نظر گرفت در مدل چین شرکت‌های دولتی در کنار شرکت‌های خصوصی فعالیت می‌کنند ولی فضا باز شده است و سیستم مجوزدهی دولتی و محدود کردن کسب و کار از بین رفته است. دولت سعی می‌کند تا از شرکت‌های دولتی حمایت نکند. " پس در جایی مانند چین اقتصاد دولتی به بن بست نرسیده (به زعم آقای غنی نژاد) که هم چنان فعال است در آن جا با آزادسازی اقتصاد یک رقابت بین دو بخش بوجود آمده که می‌تواند برای توسعه اقتصادی در چین مفید باشد. به هر حال با نظریه آقای غنی نژاد در تضاد است. استاد محترم دانشگاه و مشاور اقتصاد نئولیبرالیستی دولت‌های پس از جنگ آقای نیلی در این مورد چنین می‌نویسند: " آزاد سازی بنگاه‌های جدید خصوصی که وارد می‌شوند اقتصاد بزرگ می‌شود. اقتصادی که بزرگتر شد، سهم بنگاه‌های دولتی کاهش پیدا می‌کند. اگر به مجموعه اتفاقات در کشور چین نگاه کنید، این گونه تصور می‌کنید که در این کشور خصوصی‌سازی به شکل گسترده صورت گرفته و تعداد زیادی بنگاه‌های دولتی واگذار شده است. در حالیکه در اقتصاد چین آزادسازی صورت گرفته و این بنگاه‌های خصوصی جدید هستند که اقتصاد چین را بزرگ کرده‌اند. بنابراین بزرگ شدن بخش خصوصی خیلی مهم‌تر از کوچک کردن بخش دولتی است." حداقل در یک مورد حتا کارشناسان معتقد به نئولیبرالیسم پذیرفته اند که بخش دولتی هم می‌تواند کارآمد باشد. در حقیقت بستگی به تکنوکرات‌های آن دارد که مانند دولت چین جامعه را سرپرستی کند یا دولت زمان جنگ خودمان و یا دولت‌های بعد از جنگ که کورکورانه در جهت سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول حرکت کرده اند. به این ترتیب آقایان قبول دارند که اقتصاد دولتی حتا دولت‌های فاسدی همانند آنها که گفته شده می‌تواند کارآمد باشد. سوال آن است که اگر اقتصاد دولتی در یک جامعه دموکراتیک و نا نظارت مردم و حق تعویض دولت در هر محله باشد، چگونه خواهد بود. به هر جهت آقای غنی نژاد می‌باید سنجیده تر اظهار نظر کنند. در مورد دولت چین و دولت زمان جنگ ایران، اظهارات اعلام شده دلیل بر تایید سیاست‌های این دو دولت نیست.

خصوصی‌سازی در کشور ما در جهت نیرومند تر کردن صاحبان قدرت انجام شد و نه حتی با انگیزه رشد عمومی اقتصاد ملی. به این معنی که بی هیچ سرمایه گذاری و تنها از طریق وام‌های ارزان قیمتی که با پول مردم و با اندوخته‌های اندک خانواده‌ها که به صورت سپرده در بانک‌هاست، بنگاه‌های دولتی در اختیار اشخاصی قرار گرفت که امروزه پس از چند سال هنوز اقساط آن پرداخت نشده است. زیرا این بنگاه‌ها هرگز به تولید نرسیدند تا چه برسد به این که تکنولوژی مدرن را جایگزین سازند. بنا براین به جای به کارگیری بیکاران به اخراج کارگران شاغل در آنها اقدام کردند. (یک قیاس کوچک بین نئولیبرالیسم ایرانی و چینی).

چین به جز زغال سنگ منابع کافی چندانی ندارد. در قیاس با ایران حتا درصدی از ثروت‌های ایران را ندارد ولی دولت چین برای جمعیت میلیاردری خود شغل ایجاد کرده است و به این طریق به آن قدرت خریدی داده تا حداقل بازار صنایع داخل کشور (دولتی) پر رونق باشد. ولی در ایران با این همه ثروت و یک جمعیت 70 میلیونی با مناسبات نئولیبرالیستی (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) بنگاه‌های تولیدی یکی پس از دیگری ورشکسته می‌شوند. بچه‌های کار خیابانی داریم، بیکاری بسیار بالا، به خصوص در میان جوانان و زنان، داریم، سن فحشا پایین آمده ... در چین آزادسازی اقتصادی با حفظ سرمایه‌داری دولتی برای دو هدف استراتژیکی صورت گرفت. بازار جهانی و تکنولوژی مدرن و فوق پیشرفته. در ایران خصوصی‌سازی در عمل تبدیل شد به واگذاری سرمایه‌های ملی به خودی‌ها. مناسبات اقتصادی که در روند خود حقوق ملت‌ها را نادیده می‌گیرد و قانون کار را دستورالعمل‌های دولتی مانند بند "ز" و کارمزد منعطف سترون می‌کند و قدرت خرید اکثریت بزرگی از کارگران را با معاف کردن از قانون کار (کارگاه‌های زیر ده نفر) به پایین‌تر از حداقل حقوق خود رساند، یک مناسبات دلالی و بیمار است. نئولیبرالیسم مناسباتی است که در همه‌ی دنیا حتا اقتصادهای نیرومندی مانند آمریکا و اروپا را از پای در آورده است. توسعه اقتصادی - صنعتی در صورتی برای کشور مثل ایران باعث سازندگی و توسعه می‌گردد که بنیادش را بر بالا بردن رفاه، تامین اجتماعی و قدرت خرید نیروی کار قرار دهد. بالا

رفتن قدرت خرید نیروی کار ساز و کاری اقتصادی دارد که رونق اقتصادی را در کشور تشدید می‌کند. مانند برنامه‌های اقتصادی دولت برزیل (سالنامه شرق 1391 رویه 108 تا 110) زمانی که گفت و گو در مورد مناسباتی است که می‌تواند تاثیر عمیقی بر زندگی مردم به جا بگذارد، یک استاد دانشگاه می‌باید آن نظریه‌ای را مطرح کند که قادر باشد علت و معلول و چند و چون آن را شفاف بیان کند. ولی کارشناسان اقتصادی اعلام نکردند که چرا مالکیت عمومی در ایران به بن بست رسیده ولی در چین در حال تسخیر بازارهای جهانی است؟ توضیح ندادند کم و کیف این بن بست و روند گذار به آن چگونه بوده است؟ ولی در مورد پیشنهاد ایشان، می‌باید می‌گفتند با تغییر مالکیت دولتی به بخش خصوصی چه فرآیندی به وجود می‌آید که باعث خارج شدن از بن بست به (زعم ایشان) می‌گردد؟ در حالی که سال‌هاست که در ایران پس از جنگ، خصوصی‌سازی با شدت و قدرت کاربردی شده است. ولی علاوه بر این که از این بن بست خارج نشده ایم، بن بست هم رو به ویرانی است. آیا این گونه بحث به اصطلاح اقتصادی - علمی توهین به شعور جامعه نیست؟! پرسش ما که هیچ کدام از کارشناسان نئولیبرالیسم وطنی به پاسخ آن نمی‌پردازند، این است: چرا بخش خصوصی که سرمایه‌دار و ثروتمند است با سرمایه‌ی خود به سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع تولیدی کالایی نمی‌پردازند؟ ولی با کمک نظریه‌پردازی‌های شما، کارشناسان و به اصطلاح استادان اقتصادی کشور، خصوصی سازی را مطرح می‌کنند، نه آزاد سازی اقتصادی را؟ چرا شما کارشناسان نئولیبرالیسم وطنی و مشاوران دولت‌های پس از جنگ بر این نظریه پافشاری می‌کنید؟ (همان منبع رویه 215 آقای غنی نژاد، دادخواه، نیلی) "اقتصاد دولتی بسیار ناکارآمد است و باعث اتلاف منابع می‌شود." در حالی که به اعتراف بانک جهانی و نهادهای دیگر امپریالیستی، چین با اقتصادی دولتی و با آزاد سازی اقتصادی در تابستان آینده از اقتصاد امریکا پیش می‌افتد. خبر یورونیوز ساعت 6 بامداد 22 آذر ماه 91. چرا نظریه‌ی شما هواداران نئولیبرالیسم حتماً با آمار نئولیبرالیست‌های جهانی انطباق ندارد؟ چرا شما استادان محترم دانشگاه‌ها با پسوندهای دکترای اقتصادی، علت‌های ناکارآمدی اقتصاد دولتی ایران را نمی‌شکافید؟

یکی از نئولیبرالیست‌های وطنی - امریکایی، آقای دادخواه، استاد دانشگاه ایرستون بوستون در امریکا) با شیوه‌ی ماکیاولیستی بحث اقتصاد را وارد عرصه‌ی سیاست می‌کند تا هر نگرش خلاف نئولیبرالیستی را سرکوب و خفه نماید. ایشان مخالفان نئولیبرالیستی را به یک حزب سیاسی منتصب می‌کنند که امکان و تریبون پاسخ‌گویی به ایشان را ندارند، تا به این وسیله صاحب اندیشه، از وحشت برچسب خوردن و متهم شدن به اقدام علیه امنیت کشور و زندان و... شهامت بیان نگرش خود را نداشته باشد. همان منبع رویه 214: "... نیاز به این نیست که لزوم خصوصی سازی را به تفصیل مورد بحث قرار گیرد و مردم قبول کنند که تبلیغات حزب توده و برخی دیگر گروه‌ها در مزایای سوسیالیسم با برنامه‌ریزی دولتی متمرکز بی‌ربط بوده‌اند." این استاد محترم هم ضرورت توضیح به افکار عمومی را درک نمی‌کند. ایشان مانند هر دیکتاتوری فکر می‌کند مردم یک توده‌ی ناآگاه هستند و باید امر ایشان را بپذیرند و اگر نپذیرفت وابسته به آن حزب یا گروه است و باید مجازات شود.

مهرنامه شماره 23 تیرماه 91 رویه 219 اقتصاد دان آقای احمد میدری: "تحلیل‌های مختلف و زیادی آورده شده که این توسعه را در چین، کره، ژاپن نتیجه نظام بوروکراتیک صحیح می‌دانند و نه اقتصاد بازار." درحالی که در رویه 216 همان منبع آقای نیلی مشاور اعظم دولت‌های پس از جنگ در باره‌ی کاربردی کردن تعدیل ساختار و خصوصی سازی اعلام نمودند: "... هیچ وقت کارآمد نمی‌شود و در هیچ کجای دنیا هم نشده است." منظور اقتصاد دولتی است. نئولیبرال‌ها تنها به اقتصاد جهان نمی‌پردازند. این ساختار جهانی برای پیروزی غیرقابل برگشت سیاست‌های اقتصادی‌اش، اخلاق و ارزش‌های انسانی را به چالش شدیدی گرفته است. زمانی مبارزه برای پاسداری از میهن حتماً به قیمت از دست دادن جان، یک ارزش بود. ولی با جهانی شدن واسطه‌گری، این ارزش با چند دلار یا فرانک جابه جا شده است. در اخبار رسانه‌های غربی می‌شنویم: "فلان سرمایه‌دار فرانسوی برای فرار از مالیات بر درآمدی که با استثمار مردم

فرانسه به دست آورده است، حاضر می‌شود تغییر ملیت بدهد و بلژیکی شود. به خاطر چند یورو بیشتر، ارزش‌ها به ضد ارزش‌ها تبدیل می‌شوند. همین حضرات در عین حال برای سترون کردن جوانانی که گرایش فرهنگی و هنری دارند، بنیادهای رنگارنگ هنری البته با چاشنی هنر برای هنر را بوجود می‌آورند و با تبلیغات در میان هنرمندان و جوانان، هنری را به عنوان هنر با ارزش مطرح می‌کنند که بی‌طرفی مطلق یا همان غیرجانبداری را بپذیرد.

همان منبع رویه 217 اقتصاددان آقای احمد میدری: "... بانک‌ها باید به سپرده‌گذاران سود پرداخت کنند. از طرفی بخش‌های صنعت و معدن ما هم سودآور نیست. پس بانک‌ها مجبور هستند خود را به بازارهای خرید و فروش و سوداگری انتقال دهند تا سودی را که به مردم وعده داده اند تامین کنند."

این آقایان اقتصاددان از خود نمی‌پرسند پس چرا صنعت و معدن در کشورهای پیشرفته یا دیگر کشورها درآمدزاست ولی در ایران نیست؟ آقای اقتصاددان هیچ در این موارد نمی‌اندیشند؟! آیا مشکل در مدیریت کلان جامعه نیست؟ یا به حدود و قوانینی که به امروز تعلق ندارند؟ معمولاً این کار شماست که این مسایل را بشکافید، نه من کارگر! یکی از علت‌ها را در بررسی شرایط امروز پی می‌گیریم.

از همان منبع: "... وقتی دست بخش خصوصی را در اقتصاد باز بگذارید، اشکالی از بخش خصوصی حاکم می‌شود که کینز آن را سرمایه‌داری فاسد یا قمارخانه‌ای می‌خواند."

تضاد در گفت و گوهای کارشناسان اقتصادی بنیان گذار نئولیبرالیسم نوع وطنی رویه 216 همان منبع آقای نیلی: "... اگر قبول نداریم (اقتصاد آزاد) ... حداقل اقتصاد دولتی را کارآمد کنیم." پس امکان کارآمد شدن اقتصاد دولتی هم وجود دارد. ولی زمانی که خبرنگار از او می‌پرسد: آیا اقتصاد دولتی هم کارآمد می‌شود؟ آقای کارشناس متوجه می‌شود نظرش با امر و فرمان بانک جهانی هماهنگ نیست لذا جمله اش را این گونه اصلاح می‌کند: "... هیچ وقت کارآمد نمی‌شود در هیچ کجای دنیا هم نشده است."

نظریه‌ی آقای وحید محمودی در سالنامه شرق سال 91 بخش اقتصاد رویه 61: "در واقع دولت رفاه تجربه‌ی شکست خورده‌ای بود که در ایران هم تکرار شده است. دولت رفاه تجربه ناموفقی از خود در کشورهای دیگر به ویژه در غرب به جا گذاشته است... دولت رفاه پاسخی به پدیده‌ی شکست بازار بود." حق با ایشان است. اقتصاد بازار و حاکمیت قوانین کور آن (عرضه و تقاضا) بحران را در جهان توسعه یافته به جایی کشاند که جنگ جهانی دوم غیرقابل اجتناب شد، آن هم با کشتار ده‌ها میلیون برای تقسیم بازار. پس از جنگ سرمایه‌داری، دولت رفاه را پی گرفت. آن هم از وحشت شدت گرفتن بحران و قدرت گرفتن کمونیست‌ها. پس از چند دهه رونق نسبی باز بحران‌های سرمایه‌داری سرباز کرد و این بار رویکرد به سوی بازار پول یا همان سرمایه‌داری مالی صورت گرفت. کمتر از دو دهه بحران با چنان شدتی تار و پود ساختار سرمایه‌داری جهانی را در هم کوبید که سردمداران امریکایی آن برای جلوگیری از فروپاشی کل نظام بر خلاف قوانین پذیرفته‌ی نئولیبرالیسم (عدم دخالت دولت در امور اقتصادی) با پرداخت وام‌های سنگین از جیب زحمتکشان و طبقه‌ی متوسط امریکا از سقوط بیشتر بانک‌ها پیشگیری کرد. ولی طبق اظهارات رییس بانک مرکزی امریکا، در ساعت 6 بامداد 26 آذر 91 از یورو نیوز: چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای اقتصاد امریکا پیش رو ندارند. این روند سرمایه‌ها همان دور باطل است. اقتصاد بازار، بحران و بعد اقتصاد دولت رفاه باز هم بحران، بازگشت به اقتصاد بازار (نئولیبرالیسم) این بار بحران شدیدتر، بازگشت اوپاما به اقتصاد رفاه ولی باز بحران همچنان با قدرت باقی مانده است. این ساختار ضدانسانی و فرسوده‌ی سرمایه‌داری است که در حال وا رفتن است. مناسبات جهانی با ساختار سرمایه‌داری دیگر قادر به پیشرفت و توسعه نیست. باید به سوی کاربردی کردن مناسباتی رفت که ساختار آن عاری از استثمار باشد و آزادی و عدالت اجتماعی را پاس بدارد.

این ساختار ضدانسانی و فرسوده‌ی سرمایه‌داری است که در حال وا رفتن است. مناسبات جهانی با ساختار سرمایه‌داری دیگر قادر به پیشرفت و توسعه نیست. باید به سوی کاربردی

کردن مناسباتی رفت که ساختار آن عاری از استثمار باشد و آزادی و عدالت اجتماعی را پاس بدارد.

یک فعال صنفی در واکنش به اظهارات سحرخیز: متوسط حقوق معلمان کمتر از یک میلیون تومان است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 20 تیر 92 آمده است: یک فعال صنفی معلمان با توهین آمیز خواندن **اظهارات** روز گذشته «ابراهیم سحرخیز» معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش، بیان کرد: متوسط حقوق معلمان به ازای ۲۴ ساعت کار هفتگی در مدارس دولتی، ماهانه کمتر از یک میلیون تومان است.

«محمود بهشتی لنگرودی» در این باره به ایلنا گفت: بخش عمده صحبت‌های آقای سحر خیز به عدم اطلاع صحیح ایشان از نظام‌های آموزشی و نظام‌های پرداخت در سراسر جهان بر می‌گردد. اینکه گفته شود حقوق معلمان به ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده غیر قابل قبول است. شاید سقف حقوق برخی معلمان به این عدد برسد اما متوسط حقوق معلمان کمتر از یک میلیون تومان است.

وی در ادامه، گفته آقای سحرخیز مبنی بر اینکه حقوق معلمان در زمان شروع به کار «حاجی بابایی» وزیر آموزش و پرورش، ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بوده است را نادرست خواند و بیان کرد: این مقام دولتی برای زیاد نشان دادن افزایش حقوق معلمان در ۳ سال گذشته، رقم اولیه را کمتر و رقم فعلی را بیشتر از حد واقعی اعلام کرده است.

این فعال صنفی با اشاره به این سخن معاون وزیر آموزش و پرورش که «کارمندان دولت از شنبه تا پنجشنبه و در حدود ۴۴ ساعت کار می‌کنند در حالی که معلمان حدوداً ۳ بار در هفته در مدرسه حضور دارند و تابستان‌ها نیز تعطیل هستند»، ساعت کاری معلمان را بیش از ۲۴ ساعتی دانست که در مدارس حاضرند و گفت: معلمان در بقیه ساعات‌ها باید مطالعه و تحقیق کنند و در اختیار دانش آموزان باشند. معلمان خوشحال می‌شوند شرایطی فراهم شود که به جای مسافر کشی در ساعات بیکاری؛ امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی در اختیارشان گذاشته شود تا ۶ روز هفته را به طور تمام وقت در مدرسه حضور داشته باشند.

به گفته آقای بهشتی لنگرودی، ساعت کاری معلمان در همه کشورهای جهان، همین حدود است و حقوقشان نیز بر اساس این ساعت کاری تنظیم می‌شود.

این فعال صنفی معلمان در پایان ضمن غیر قابل قبول خواندن سخن معاون وزیر آموزش و پرورش که گفته بود «دستمزد معلمان از کارمندان تمام وزارتخانه‌ها بیشتر است» اظهار داشت: کارمندان بسیاری از وزارتخانه در ساعت کاری که برایشان معین شده حقوق بالاتری از معلمان دریافت می‌کنند و این در حالی است که مطابق نتیجه تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس، در سراسر جهان حقوق معلمان از حقوق کارمندان بالاتر است.

پایان پیام

کارگر 27 ساله در کرج در درون چاهک آسانسور جان سپرد

به گزارش البرزآنلاین، در 20 تیر 92 آمده است: روابط عمومی سازمان آتش نشانی کرج اعلام کرد: یک کارگر 27 ساله تبعه افغانستان به درون چاهک آسانسور سقوط کرد و جان داد. براساس این گزارش، با تماس شهروندان با ستاد فرماندهی 125 آتش نشانی کرج مبنی بر وقوع یک مورد سقوط به چاهک آسانسور، نیروهای نجات ایستگاه 108 آتش نشانی به سرعت به محل حادثه اعزام شدند. پس از خروج این کارگر از چاهک، عدم حیات وی مشخص شد که در پی آن، نیروهای جسد متوفی را به خارج از ساختمان منتقل و جنازه را تحویل عوامل بهشت سکینه دادند.

کشته وزخمی شدن 10 کارگر در آتش سوزی گسترده در یک مجتمع کارگاهی تولیدی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ 20 تیر 92 آمده است: آتش سوزی امروز مجتمع کارگاهی تولیدی کارگاهی واقع در خیابان جمهوری کشته وزخمی شدن 10 کارگر را همراه داشت. براساس این گزارش، سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران شمار قربانیان حادثه حریق در یک مجتمع کارگاهی تولیدی کارگاهی واقع در خیابان جمهوری حد فاصل چهار راه مخابراتدوله و میدان بهارستان، را پیش از این 3 تن اعلام کرده بود، اصلاح و اعلام کرد: در حریق گسترده در یک مجتمع کارگاهی تولیدی دو تن (یک مرد و یک زن) جان خود را از دست داده و هشت تن دیگر نیز مجروح شدند. برپایه این گزارش، سید جلال ملکی در تشریح جزئیات این خبر گفت: آتش نشانان پس از حضور در محل مشاهده کردند که حریق گسترده‌ای در طبقه سوم یک ساختمان شش طبقه رخ داده و شعله‌های آتش به طبقات بالایی نیز سرایت کرده است. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به محبوس شدن تعدادی از افراد حاضر و کارگران مشغول به کار در این ساختمان میان شعله‌های آتش و دود، اظهار کرد: آتش نشانان با تقسیم به چند گروه، عملیات نجات و اطفای حریق را به شکل همزمان آغاز کرده و یک گروه از آتش نشانان با استفاده از بالابر به طبقات فوقانی و پشت بام ساختمان رفته و پنج تن را که دچار آسیب دیدگی سطحی شده بودند نجات دادند. وی با بیان اینکه سه تن دیگر نیز که دارای سوختگی بودند توسط آتش نشانان نجات پیدا کردند گفت: متأسفانه در اقدامی عجیب و عجولانه یکی از کارگران خود را از طبقه چهارم این ساختمان به پایین پرتاب کرد که همین موضوع سبب مرگ وی شد. وی با بیان اینکه در حال حاضر شعله‌های آتش در این ساختمان به طور کامل مهار و از سرایت آن به اماکن دیگر جلوگیری شده است، گفت: با توجه به اینکه در طبقه سوم این کارگاه تولیدی پارچه و انبار مملو از مواد قابل اشتعال وجود داشت شعله‌های آتش به سرعت به طبقات و اماکن دیگر ساختمان سرایت کرده بود.

بیستم تیرماه 1392

جمعه ۲۱ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۱۲ جولای ۲۰۱۲

باز هم جنایتی دیگر

افشین اسانلو فعال کارگری، قربانی تازه ای در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی

تاریخ و زمان تظاهرات : پاریس جمعه 12 ژوئیه از ساعت 18 تا 20

تظاهرات ایستاده در محکومیت قتل افشین اسانلو در پاریس

باز هم جنایتی دیگر

افشین اسانلو فعال کارگری، قربانی تازه ای در شکنجه گاه های نظام جمهوری اسلامی ایران نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران، وجود هیچ تشکل و یا نهاد مستقل کارگری را بر نمی تابد و حتا فعالیت تشکل های صنفی را نیز اقدام علیه امنیت کشور تلقی می کند و به سرکوب عریان آن اقدام می کند. کارگر زندانی، افشین اسانلو در تاریخ 03 خرداد ماه 2031، جان خود را در یکی از زندان های مخوف جمهوری اسلامی به نام زندان رجائی شهر از دست داد. وی راننده ی اخراجی شرکت واحد اتوبوسرانی و یکی از اعضای هیأت مؤسس سندیکای کامیون داران بود که فعالیت وی به عنوان اقدام علیه امنیت کشور از طرف قاضی صلواتی، به 5 سال حبس محکوم می شود و در حالیکه به پایان دوره ی زندانش نزدیک می گردید به دلیل واهی "ایست قلبی"، چشم از جهان فرو می بندد. در صورتی که بنا به اظهارات دوستان هم بندش، افشین اسانلو جهت مداوای یک ناراحتی جزئی، با پای خود به بهداری رفته است و به ناگهان خبر مرگ او پخش می شود. بنا به گفته های زندانیان سیاسی از جمله فعالان کارگری زندانی در زندان رجائی شهر، از چند ماه پیش، مسئولان زندان و بازجویان، زندانیان را به مرگ تهدید نموده بودند و مرگ ستار بهشتی نمونه ی

آن در سال گذشته بود. از فروردین امسال زندانیان سیاسی و فعالان کارگری به نام های علیرضا کرمی خیرآبادی، منصور رادپور و افشین اسانلو جان خود را در این زندان از دست داده اند و مسئولان زندان، علت مرگ را ایست قلبی اعلام کرده اند. ولی همبندان آنها، وضعیت قلبی همه ی آنها را سالم توصیف کرده اند. در این زندان، تغذیه و بهداشت اسفبار است و شکنجه ی روحی و جسمی زندانیان سیاسی و فعالان کارگری همچنان ادامه دارد، به همین خاطر تعداد بسیاری از آنها دچار بیماری های روحی و جسمی شده اند، به گفته ی شاهدان عینی به دلیل نصب دستگاه پارازیت برای جلوگیری از ارتباط تلفنی با خارج از زندان در سلول های امنیتی زندان، باعث گیجی و سردرد شدید و نیز حالت تهوع زندانیان شده است و در چنین راستائی، نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران، همه ی زندانیان سیاسی، به ویژه فعالان کارگری را تحت فشار و تهدید مداوم قرار داده و حتا همسران رضا شهابی و علی نجاتی را نیز به محاکمه کشیده اند.

محمد جراحی، فعال کارگری با آنکه در زندان تبریز دچار بیماری سرطان شده است به دلیل واهی همچنان در زندان بسر می برد. پدرام نصرالهی، شاهرخ زمانی، وفا قادری، جلیل محمدی، بهنام ابراهیم زاده، شاپور احسانی و... در زیر شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی قرار دارند. در نتیجه، جان همه ی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی در خطر است. مرگ افشین اسانلو، ستار بهشتی، علی رضا کرمی خیرآبادی، منصور راد پور و..... یک قتل عمد سیاسی است که توسط نظام ننگین و جنایت کار جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است و ما رژیم جمهوری اسلامی ایران را مسئول مستقیم جان زندانیان در ایران می دانیم و از همه ی ایرانیان مبارز و آزادیخواه می خواهیم تا همصدا در دفاع از جان زندانیان و اعتراض به سیاست های جنایت پیشه ی حکومت جمهوری اسلامی ایران، در این تظاهرات ایستاده شرکت کنند. ما خواستار آزادی همه ی زندانیان سیاسی و فعالان کارگری هستیم.

زندانی سیاسی، کارگر زندانی آزاد باید گردد
سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
کمیتة اعتراض به قتل افشین اسانلو و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و کارگری در ایران -

پاریس

تاریخ و زمان برگزاری تظاهرات: پاریس - جمعه 21 ژوئیه از ساعت 21 تا 13
آدرس محل تظاهرات: میدان باستی (باستیل) - متروهای شماره 2 و 5 و 1

Place de la Bastille

بي توجهي به مطالبات جامعه کارگري ، دولت آینده را با اعتراضات کارگران روبرو خواهد کرد

برپايه خبر رسیده به روزشمار کارگري به نقل از داوود رضوی فعال سندیکای شرکت واحد تهران و حومه آمده است : آنچه که از وضعیت کارگران و جامعه کارگري در سالهاي گذشته مشهود است ، اخراج هزاران کارگر در 8 سال گذشته ، بیشترین پرداخت نکردن حقوق کارگران ، از بین رفتن امنیت شغلي و قراردادهای سفید امضاء ، بیشترین تبعیض حقوق در بین کارگران زن ، رعایت نکردن موارد ایمني کار توسط کارفرما ها ، از بین بردن رابطه کارگري و کارفرمائي و سوق دادن آن به سمت اوستا و شاگردی ، و بیشترین دستگیری و زندانی کردن فعالان کارگري و برخورد های امنيتي با مسائل کارگري ، حکایت از لبریز شدن کاسه صبر کارگران در مقابل بي عدالتي ها و بي توجهي ها نسبت به اوضاع معيشتي زندگي شان مي باشد ، زیرا کارگران آنقدر در سالهاي گذشته تحت فشار قرار گرفته اند ، که شاید بتوان گفت که این آخرین فرصتي باشد که جامعه کارگري در اختیار دولت آینده روحاني قرار مي دهد. در واقع در تمام سالهاي گذشته شرایط کارگران هر روز بدتر از گذشته شده ، در 4 سال گذشته نه تنها لقمه ناني به سفره کارگران اضافه نشده ، بلکه سفره کارگران کوچکتر و خالي تر از قبل شده . اگر بخواهيم از دید کارگران عملکرد دولت احمدي نژاد را بطور واقع بینانه بررسی کنیم ، در واقع هیچ دست آوردی برای جامعه کارگري و کارگران نداشته و حتي اگر اعتراض و پي گيري کارگران نبود ، امروز بخش اساسي حمايتي قانون کار ، هم از بین رفته بود . هر چند که احمدي نژاد با شعار پول نفت بر سر سفره مردم آمد و شعار تشکل هاي آزاد و مستقل کارگري و مردمی را سر داد . اما در عمل با تمام امکانات از هیچ کوششي برای از بین بردن این تشکل ها دریغ نکرد ، که بطور مشخص مي شود به سندیکای شرکت واحد ونیشکر هفت تپه اشاره کرد . پایداری و مقاومت فعالان سندیکایی و کارگري باعث حفظ تشکل هاي کارگري مستقل نو پا گردید و امیدی پایدار را در همبستگی کارگران بوجود آورد . این پایداری ها و مقاومت کارگران باعث دست آوردهای مهمی هم برای کارگران و هم جامعه کارگري بوده . کارگران یکبار دیگر قدرت اتحاد و همبستگی را بعد از سالها تجربه کردند . زیرا در این سالها کارگران با اعتراضات خود و همبستگی توانستند که لایحه ضد کارگري دولت احمدي نژاد را از مجلس برگردانند . متأسفانه در دولت گذشته ما بیشتر شاهد جنگ قدرت در بین سه قوا و حاکمیت بودیم و هر روز شاهد افشاگری مطبوعات در مورد اختلاس هاي مالي و کم سابقه اي بودیم که بطور نمونه یکی از مهمترین آنها اختلاس 3000 میلیاردي مي باشد . سهم ما کارگران و مزد بگیران هم از این کشمکش ها چیزی جز تورم و بیکاري و گرانی افسار گسیخته نبود و حاصل آن هم فساد و رشوه خواري و افزایش جرم و جنایات در جامعه بود . با توجه به فضای امنيتي که در این 4 سال گذشته بطور مستمر وجود داشته و ارائه آمارهاي خلاف واقع دولت احمدي نژاد در مورد تورم و بیکاري و اظهار نظر هاي هیجاني و احساسی که باعث شدت گرفتن تحریم ها گردید ، عملاً چرخه تولید متوقف شد و باعث شرایط سخت برای کارگران گردید . لذا کارگران نه تنها از نظر معيشتي در مضيقه هستند ، بلکه مجبور هستند برای درآمد بیشتر حتي بیش از 12 ساعت را از منزل دور باشند و یا حتي بخشی از کارگران در هفته شاید یکبار موفق به دیدار خانواده هاي خود شوند . که این روش تلاش برای معاش و هزینه هاي سرسام آور زندگي باعث گردیده که خانواده هاي کارگران حتي از دیدن و محبت پدر و یا مادر خود هم محروم باشند که این کاستي ها در آینده مي تواند خسارات جبران ناپذيري هم به جامعه و خانواده بزند که از جمله ناهنجاري هاي اجتماعي از قبیل طلاق ، افزایش جرم و بزهکاري است . که بطور نمونه مي توان به آمارهاي قوه قضاييه اشاره کرد که سالانه تا 8 ميليون پرونده در سيستم قضايي کشور به ثبت رسیده ، از طرفي هم کارگران بخاطر ناتواني در پرداخت هزینه هاي بهداشت و درمان مجبور شده اند که بخشی از هزینه هاي درمان و بهداشت را از زندگي خود حذف کنند تا بتوانند هزینه هاي خوراک و پوشاک و مسکن حداقلی را بپردازند . این مشکلات سالها است که در جامعه کارگري و خانواده هاي زحمت کشان بيداد مي

کند و به همین دلایل دولت روحانی باید توجه جدی به حق آزادی تشکل های مستقل کارگری و سندیکا های کارگری داشته باشد. زیرا یکی از مهمترین راههای برون رفت از مشکلات معیشتی کارگران در برسمیت شناختن حق اعتصاب و حق ایجاد آزادانه تشکل های کارگری بدون دخالت دولت و کار فرما می باشد ، که این حق سالها است از جامعه کارگری دریغ شده و هر وقت کارگران در تشکیل آزادانه تشکل های خودشان اقدام کردند با سرکوب عوامل امنیتی و اطلاعاتی روبرو شده اند . به همین دلایل کارگران دیگر آستانه صبرشان به پایان رسیده چون از سالهای اوایل انقلاب به امید روزهای بهتر تحمل زندگی زیرخط فقر را تجربه کرده اند و اینبار هم اگر دولت روحانی بخواهد توجه ای به این قشر زحمت کش نداشته باشند حتما با اعتراضات گسترده کارگری روبرو خواهد شد هر چند که روحانی در مصاحبه مطبوعاتی خود مهمترین دغدغه را مسائل اقتصادی عنوان کرده و از حق آزادی نهاد های مدنی و اجتماعی دفاع کرده اما اگر همچون دولت های قبلی نتواند برنامه ی مشخصی برای اوضاع اقتصادی و کارگران ارائه کند حتما مجبور خواهد شد نیروهای ضد شورش و یگان ویژه را دوباره در خیابان ها مستقر کند ، زیرا کارگران اگر به خیابان ها بیایند با این روش ها از میدان بیرون نخواهند رفت.

داوود رضوی فعال سندیکایی
92/4/21

جمعه ۲۱ تیر ۱۳۹۲ ه.ش.

رادیو ندا: استمداد يك کارگرحادثه دیده که چاره ای جز فروش کلیه ندارد!
گفتگوی رادیو ندا با سعدالله فتحی، راننده تراکتور، که در حادثه سقوط تراکتور به دره يك دستش را از دست داده است. او بخاطر تامین فقط يك میلیون تومان برای جلب رضایت شاکي (صاحب تراکتور)، ناچار به فروش کلیه خود است.

گوش کردن با مدیا پلیر
گوش کردن با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/07/blog-post_12.html

درد دل یکی از همکاران نیروگاهی در نیروگاه دماوند

برپایه خبر دریافتی آمده است : نیروگاه شهدای پاکدشت (سیکل ترکیبی دماوند) که برای خصوصی سازی!!! به بنیاد شهید منتقل شده است به علت مدیریت غلط بنیاد و نابلدی مدیران بنیاد در امور نیروگاه داری، متاسفانه در حال تخریب تجهیزات می باشد. آیا واقعا این صحیح است بزرگترین نیروگاه خاور میانه به علت رد دیون دولت به اسم خصوصی سازی به دست ارگانی بیفتد که هیچ تجربه ای در امور نیروگاه ندارد؟ آیا واقعا ارزش این نیروگاه ۸۰۰ میلیارد!!! است؟ که در قبال بدهی ۸۰۰ میلیاردی به بنیاد داده شده است؟ آیا ارزش واقعی این نیروگاه با احتساب حتی دلار مبادله ای به چند برابر این مقدار نمی رسد؟ آیا صحیح است که نیروهای متخصص این نیروگاه (که سرمایه ای عظیم برای نیروگاه می باشند) به علت جو بد مدیریت و قطع مزایا توسط بنیاد در حال فرار از این نیرو گاه باشند؟ آیا صحیح است که نیروهای نیروگاه بدون اجازه آنها توسط دولت به بنیاد واگذار گردند در حالی که با آزمون دولتی به نیروگاه وارد شدند؟ آخر تا کی ناعدالتی؟ از همه مردم و مسئولان تقاضا دارم برای جلوگیری از نابود شدن این سرمایه ملی دست به کار شوند.

اعتصاب در واحد ذوب فلز صنایع فولاد اهواز!

بر پایه خبردریافتی در 21 تیر92 آمده است : روز سه شنبه ۴ تیر ماه نود و دو، کارگران قسمت ذوب فلز، وکارگران جنب این واحد صنایع فولاد اهواز، دست از کارکشیده، وزمین نشستند!! مجتمع صنایع فولاد اهواز درجنوب شرقی این شهر و با فاصله ای اندک، کمتر از دوکیلومتر، درحاشیه شهر واقع شده است، راه آهن اهواز- سرپندر وپندرامام ازکناراین صنعت می گذرد. ساختمان صنایع مجتمع فولاد اهواز درسال ۱۳۵۳ شروع شد، و آغاز به فعالیت نمود. واحدهای مهم صنایع فولاد اهواز عبارتند از:- واحد گند له سازی- واحد احیای ۱و۲و۳- واحد ذوب - واحدانباشت وبرداشت- واحد تولید اکسیژن- واحداتامین آب و واحد...

واحد ذوب فلز مهمترین واحد این صنعت بزرگ است، که متشکل از شش کوره ذوب فلزاست. مخازن کوره های ذوب فلز دارای درجه حرارت بسیار بالائی هستند. حرارت ذوب فلزاین کوره ها، بیش از ۱۵۰۰ درجه است!! تحمل گرمای درجه هوای سالن بلندو طولانی ذوب برای کارگرانی که در آن مشغول کارهستند بسیار سخت و طاقت فرسا است. این سالن شبیه یک فر غذایی غول آسا است. کارگران این قسمت از صنایع فولاد به معنی واقعی همیشه در حال پخت هستند. کارگران این واحد در لحظاتی که برای تجدید قوا ی تنفسی، ویا درحین کار با کوره ها فاصله می گیرند ودر معرض هوای بیرون قرار می گیرند، احساس سبک بالی و آسودگی میکنند. استنشاق درگرمای هوای ۴۰ درجه به بالای بیرون سالن برای این کارگران لذت بخش است. هوایی که مردم این منطقه را در شرایط عادی زندگی، عصبی و فرسوده کرده! هوایی که مردم منطقه از شدت گرمایش می نالیدند، در سال های اخیر، باد و گردوغبار جهنمی! به پرواز درآمده، هم آلوده گردیده!

کار در صنایع فولاد، بسیار سخت است، کار در واحد ذوب فلز صنایع از تمام قسمت های دیگر سخت تر است. البته سختی کار در واحدهای گند له سازی و واحدهای احیا کمتر از واحد ذوب نیست. سنگ آهن از واحدانباشت، به واحد گند له سازی منتقل وپس از مخلوط شدن بانوعی از آهنک و آسیاب شدن به شکل گلوله های ریزی به اندازه دانه های آلبالو و ریزتر درآورده می شود. این گلوله ها با درجه ی حرارت بالایی پخته می شوند، در واحد احیا توسط گاز های طبیعی به شکل آهن اسفنجی در آورده شده و به واحد ذوب منتقل می شوند. در واحد ذوب با آهن های قراضه مخلوط می شوند و به کوره ریخته می شوند. پس از ذوب با حرارت بیش از ۱۵۰۰ درجه سانتیگراد، ریخته گری وپالایش می شود وپه صورت شمش آهن و شمشال وانواع آهن های پروفیلی در آورده شده ، و روانه بازار می شود.

در سالن ذوب همواره کوهی از آهن های قراضه در قالب بندیل تل انبار شده، که مرتب به خورد کوره ها داده می شود. این آهن قراضه ها از استان خوزستان و استان های همجوار گردآوری و به صنایع منتقل می شود. ماشین هایی که بار آهن قراضه دارند، مرتب در مسیر این صنایع در رفت و آمد هستند. بخش اعظم این آهن قراضه ها توسط دستان کوچک کودکان کارایران در شهرهای مختلف، درکوچه وپس کوچه، درخانه ها وکارگاه های کوچک جمع آوری می شود!!

عوامل ضدکارگری در صنایع، کارخانه ها و مراکز کارگری، همواره در تلاشند تا کارگران، با حقوق خود و تعهداتی که کارفرما در مقابل تامین بهداشت محیط کار و کارگران، ایمنی محیط و ایمنی کارگران، و دیگر تسهیلات کارگری دارد، کمتر آشنائی پیدا کنند و علل وموجباتی که با عث می شود تا کارگران در مدت کار با انواع واقسام عارضه های جسمی و بیماری ها روبرو گردند پنهان نگهداری شود. تاکنون کمتر گزارشی توسط مراکز پزشکی ومراکز حافظ سلامتی جان کارگران! بعنوان سرمایه های ملی، در ارتباط با کارگران صنایع فولاد، و بیماری هایی که این کارگران در ارتباط با

کاردراین صنایع دچار می شوند بیرون داده شده. محیط آکنده از گرد و غبار آلوده و سمی، گازهای متصاعد در هوا، صداهای ناهنجار ناشی از فشار هوای سیستم و دستگاه ها، برق ناشی از سوخت، برق دستگاه های کار وده ها و صداهای دیگر وجود دارد، که کارگران صنایع را در مدت خیلی کمی کار، در این صنعت، به انواع بیماری ها و عارضه های جسمی دچار می کند. کارگران واحد ذوب صنایع علاوه بر تحمل گرمای شدید ناشی از ذوب که گفته شد، در معرض استنشاق انواع بوهای تهوع آور، خفه کننده، و شیمیایی قرار دارند، که از سوخت آهن قراضه ها متصاعد می شود. آهن قراضه هایی که آغشته به انواع مواد شیمیایی از قبیل مواد رنگ، پلاستیک، چسب، کاغذ تبلیغاتی هستند. انواع جنس قوطی هایی که از ترکیبات متفاوت ساخته شده، آهن های اکسیده شده همراه با زنگ و مواد اکسید، هر کدام از این مواد، طعم، بو، مزه بد و خاص خود را دارد که کارگران روزانه مقدار بسیار زیادی از آن را تحت هر شرایطی حتی با رعایت حد اکثر نکات ایمنی موجود استنشاق می کنند. گرد و غبار ناشی از حمل و جابجایی آهن قراضه و دیگر مواد و متریال، و گردش سوخت، چنان در فضای بسته سالن ذوب معلق است، که افرادی که با فاصله کم در حد کمتر از ده متر از کنار سالن عبور می کنند، نمی توانند درون سالن تاریک و آکنده از مواد معلق را ببینند. تنها چیزی که از بیرون دیده می شود شعله سرکش در مهار و سرخی آهن مذاب و گداخته ی کوره ها است، که در شریان است. در دل تاریکی و از بیرون که نگاه می کنی، به رنگ ارغوانی خیره کننده ای دیده می شود. این آتش ارغوانی افسونگرو به ظاهر چشم نواز، دارای انواری است که شدیداً به چشم و بینایی کارگران آسیب و صدمات سخت می رساند. حرارت آهن مذاب سطح پوست و بخصوص چشم کارگران را که حساس تر است می سوزاند. حرارت گرمای درون سالن از پوست و گوشت و تن کارگران ذوب و ریخته گری عبور می کند، و جان کارگران را می سوزاند. کنترل کوره های ذوب فلز صنایع اهواز الکترونیکی و کامپیوتری! هستند. با این حال صدای ماشین های حمل مواد و بخصوص ماشین غول پیکر و هیولالوش حمل پاتیل های آهن مذاب، صدای ناشی از گردش دستگاه های سوخت و انواع موتورهایی که کار می کنند، گوش کارگران را شدیداً آزار می دهد. کارگران صنایع بخصوص واحد ذوب و واحد های گندله سازی، و احیاء ۱ و... عموماً از گوش درد و ناشنوایی رنج می برند. همانطور که عموماً دچار عارضه تنفسی و بیماری های تنفسی هستند. بیماری های ناشی از سموم، گرد و غبار، گازها و مواد سوختی و متریال صنایع آنقدر زیاد و متنوع هستند که شناسایی آن ها تنها از عهده انستیتوها و آزمایشگاه های مجهزی تواند انجام بگیرد. کارگران تازه کار در صنایع، در همان دو سه ماه اول کار بیمار می شوند. ریه و دستگاه تنفسی کارگران بر اثر استنشاق هوای آلوده به گرد و غبار سمی، چرک می کند. کارگر دچار تب و لرز می شود، مرتب سرفه میکند و خلط از سینه اش بیرون می دهد. کارگر بیمار رنگش به زردی می گراید، آب بدنش بر اثر بی اشتهاهی به غذا کم می شود و وزنش شدیداً کاهش پیدا می کند. بیماری تنفسی، بیماری دستگاه گوارش را در پی دارد که تا پایان عمر، کارگر صنایع از این دو بیماری رنج می برد. بعلت نشستن گرد و غبار ناشی از متریال بر بدن و سروصورت کارگران اغلب از خاراندن خود رنج می برند و دچار ریزش مو و بیماری های پوستی می شوند. کارگران واحد ذوب صنایع از جمله کارگران زحمتکش، سختکوش و پرتلاقت این صنعت هستند. پیشگامی حرکت اعتراضی این کارگران و واحد های جنبی در روز ۴ تیرماه، نتیجه کار طاقت فرسایی است که این کارگران انجام می دهند. این کارگران خود را محق همه گونه تسهیلات، امکانات و حقوق کارگری برابر با حقوق کارگران در جوامع مدنی می دانند، حقوقی که یک بخش آن در قانون کار برسمیت شناخته شده است و دولت ملتزم به اجرای آن است. متأسفانه در دوران بعد از جنگ و باز خرید و بازنشسته کردن کارگران قدیمی و فعال در دستور کار قرار گرفت. نسخه های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی برای نابودی طبقه کارگر و کارخانه ها، به نفع سرمایه داری انگل تجاری بکار گرفته شد. با توقف استخدام رسمی و فراگیر شدن قرار دادهای موقت و سفید امضا و بیکه تازی شرکت های پیمانکاری اجاره دهنده کارگر به صنایع، طبقه کارگر ایران از یکپارچگی افتاد، کارگران صنایع بزرگ که تا پیش از این، همه مشمول یک قانون بودند، به دسته ها، گروه ها، و واحدهای کارگری تقسیم شدند که هر کدام جدای از دیگری

دارای یک نوع رابطه و در نتیجه دارای منافع و مواضع متفاوت شدند. بخشی از طبقه کارگردارین رهگذر از هویت طبقاتی کارگری خود بازماند. کارگران یک محیط کارگری وزیر یک سقف با شرایطی متفاوت مشغول کار شدند. کارگران! به کارگران رسمی، کارگران قراردادی، کارگران پیمانی و روزمزد تقسیم شدند. صنایع و مجتمع های کارگری و کارخانه ها به بخش خصوصی و پیمانکاران واگذار شد تا هر کدام از این کارفرمایان و پیمانکاران با سلیقه خود به تنظیم رابطه و تعیین حقوق کارگران خود پردازند. تفکیک کارگران به این شکل، گاهی موجب می شود تا کارگران در رقابت بی مورد و رو در روی هم قرار بگیرند. این رقابت بوسیله عوامل کارفرما و حراست های محیط های کارگری تشدید می شود. و در مواقع حاد، به رویارویی کارگران با همدیگر می انجامد! بخصوص در واحدهای صنعتی بزرگ که نوده ی کارگران کم مزد نیروی اساسی هستند. صنایع فولاد و کارگران این صنعت از این قاعده ی ساختگی استثنا نیستند. به کارگران رسمی، قراردادی، پیمانی و روزمزد تقسیم شده اند. علاوه بر این صنایع فولاد به خاطر اهمیتی که دارد، دارای یک قشر فوقانی و ارشد مدیریتی از کارگران نیز هست که همه از افراد نور چشمی، فرزندان خانواده های پرنفوذ دست اندر کار و برگزیده و بالا کشیده ی سرمایه داری انگل تجاری هستند تا به موقع ضربه خود را به صنعت و کارگران بزنند.

تعداد کارگران صنایع فولاد و وضعیت کارگری و مسایل آنان، همواره از طرف نهاد حراست این صنعت پنهان و محفوظ نگهداری می شود، تا ناشناخته بمانند. حدود دوازده هزار نیرو در این واحد صنعتی مشغول کار هستند و به چهار شیفت کاری تقسیم شده اند که بطور گردشی در طول شبانه روز و بدون وقفه در سه شیفت کار می کنند. یک شیفت از ساعت ۸ صبح تا سه بعداز ظهر کار می کند، سه بعداز ظهر جای خود را با شیفت کارگری دیگری عوض می کند که تا ساعت ۱۱ شب کار می کنند. شیفت پایانی از ساعت یازده شب شروع می شود و تا ساعت ۸ صبح روز بعد کار می کنند و یک شیفت کاری بطور گردشی در حال استراحت و مرخصی است. کارگران روز مزد مشمول این شیفت بندی نمی شوند. ساعات کار آنان اغلب در روز است، در جاهایی که در حالت عادی در کار ساخت و ساز روزانه هستند، ساعات کاری از ۸ صبح آغاز می شود و ساعت ۳ بعداز ظهر پایان روز کار آنان است. در جاهایی از صنایع که کارگران روز مزد و پیمانی در حال تعمیر و نگهداری هستند، ساعات کارشان بخاطر فعال بودن سیستم، و وضعیت اضطراری، طولانی تر است، کار از ساعت ۷ صبح آغاز می شود و تا ساعت ۷ غروب ادامه دارد. مجموعاً نیمی از کارگران صنایع فولاد کارگران رسمی هستند، که از امتیازات بیشتری برخوردار هستند و نیمی دیگر از کارگران قرار دادی و پیمانی و روز مزد هستند. کارگران صنایع فولاد روز پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیل تقویمی، تعطیل هستند و کار کردن در این روزها اضافه کاری برای آنان محسوب می شود. دیسپلین و نظم عمومی صنایع فولاد امنیتی و شبیه مراکز نظامی اداره می شود. کارگران صنایع فولاد اهواز علیرغم تعداد زیادشان فاقد هرگونه تشکل صنفی و طبقاتی هستند. دستگاه های کنترل امنیتی رژیم و حراست این صنعت، با ایجاد فضای امنیتی، پیشاپیش راه تشکل کارگری را بر کارگران صنایع بسته است. روز جهانی کارگرمسال، کارگرانی از واحدهای این صنعت، در اشکالی بسیار کوچک در محیط های کار در غالب جشن های خودمانی و دوستانه، اقدام به پاسداشت این روز بزرگ کارگری کردند.

کارگران قراردادی و پیمانی و روزمزد صنایع تا یکی دو سه سال پیش غذای خود را از خانه به محل کار می بردند. اخیراً به همه کارگران نهار و شام می دهند. نهار و شام اغلب غذای جفتی، متشکل از پلو و چلو و دسر چند ده گرمی بسته های ماست و دوغ است. اغلب کارگران غذای خود را در اتاق های محل آسایش خود که نزدیک محل کارشان است سرو می کنند. بعضی از کارکنان که به لحاظ کاری فارغ تر هستند، در رستوران و سالن غذاخوری، غذای خود را میل می کنند. صنایع فولاد در ردیف صنایع مادر و سنگین و استراتژی محسوب می شوند. صنایع فولاد اهواز از جمله بزرگترین صنایع ایران و منطقه است. طبق آمار رسمی در برآورد و جدول های راندمان تولید آهن و فولاد اهواز، مدعی است راندمان حداکثری سالانه تولید را دارد. تولید حداکثری ناشی از تلاش و فعالیت کارگران این واحد صنعتی است. علاوه بر کلیه تبلیغات های چاپی در مجلات و روزنامه های

اقتصادی در زمینه تولید فولاد، تابلو هائی در ارتفاع های بلند و با طول و عرض چند متری نصب در شاهراه های اصلی شهراهوای شده و رقم سالانه حداکثری تولید فولاد صنایع را نشان می دهد، تولیدی که حاصل تلاش کارگران است. علیرغم تلاش و زحمت بسیار کارگران و کار در شرایط سخت صنایع، اغلب این کارگران حقوقی زیر خط فقر تعیین شده دریافت می کنند و کارفرما با ترفند و دسیسه سعی می کند تا کارگران را از حقوق و مزایای مسلم و حداقلی کاری خود محروم نماید. کارفرمای صنایع از افزایش حقوق ۲۵ درصدی سالانه کارگری و پرداخت آن در سال نود و دو به کارگران قرار دادی این صنعت که تاکنون سه ماه از سال گذشته خودداری کرده، و نسبت به پرداخت افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران هیچگونه اقدامی نکرد تا اینکه روز چهارم تیرماه، و موعده پرداخت حقوق کارگران فرا رسید. کارگران صنایع روز چهارم هرماه، حقوق ماه پیش را دریافت می کنند. روز چهارم تیرماه، بین ساعت ده و یازده صبح یکی دو ساعت مانده به نهار، توسط یک اکیپ از واحد اداری اقدام به پخش برگه های حقوقی کارگران واحد ها می کنند. کارگران صنایع بعنوان بخشی از طبقه کارگرایان، در روزهای پایانی هر سال و همزمان با تعیین میزان افزایش درصدی حقوق کارگری، با دغدغه ی خاطر وارد منازعه و کشمکش روی حد اقل میزان افزایش دستمزد ها می شوند. امسال با توجه به گرانی اجناس و افزایش قیمت ها و هزینه زندگی، کارگران روی ۲۵ درصدی افزایش ناچیز حقوق ها، حساسیت بیشتری از خود نشان می دادند، و در طول سه ماهه سال جدید، همزمان با دریافت حقوق، پیگیر افزایش چند درصدی به دریافتی خود بودند. کارگران قراردادی واحد ذوب و ریخته گری پس از دریافت برگه های حقوقی وقتی مشاهده می کنند که میزان دریافتی حقوقشان ثابت مانده و تنها افزایشی زیر ده درصدی داشته اند، خطوط چهره اشان در هم رفته و برافروخته و عصبی می شوند. در یک لحظه کارگران همدیگر را فرامی خوانند و از کیفیت برگه های حقوقی و عدم افزایش حقوق خود همدیگر را مطلع می کنند. کارگران واحد ذوب و ریخته گری پیشگام و کارگران جنبی و پیرامون این واحد بفوریت گرد هم می آیند. حرف ها و صحبت بالا می گیرد، اجتماع کارگران زیاد می شود، بخاطر حساسیت کوره های ذوب که حکم مغز و قلب صنایع را دارد، موضوع ابعاد وسیعی به خود می گیرد. تنها یک سکنه آبی! حتی یک تیق در جریان کار کوره های ذوب، برای کارفرما و صنایع، خسارات سنگینی در پی دارد!

حساسیت جریان دست از کار کشیدن کارگران واحد ذوب در همان دقایق اول به یک بحران و موضوع عمومی در صنایع تبدیل شد. محل اجتماع کارگران به محل حضور مدیریت کلان صنایع و عوامل حراست و دستگاه های امنیتی صنایع و دست اندرکاران استانداری استان تبدیل شد. کارگران نه تنها از گرفتن غذای نهار خود خودداری کردند، بلکه دست از کار کشیدند و بر روی زمین نشستند. همین کم کاری موقت و فوری کارگران در قسمت های ریخته گری، بخاطر برگشت دادن مواد ذوب، خساراتی برای صنایع به وجود آورد. اعتراض و اجتماع کارگران تا بعد از ظهر ادامه داشت. بنا به گفته یکی از این کارگران، خیر اعتصاب کارگران ذوب فلز در سطح مسوولین اجرایی استان باقی نماند، فوری به وزیر و روسای بلند پایه اجرایی کشور منتقل شد. مدیران ارشد صنایع، مسوولین حراست و دستگاه های امنیتی که موقعیت خود را ضعیف دیدند، از رویارویی با کارگران پرهیز کردند، سعی داشتند تا جلو دامنه ی اعتراض کارگران را بگیرند. به شکل مرسوم شروع به نعل وارونه زدن برای کارگران کردند، سعی داشتند با ایجاد ابهام ذهنی کارگران را خام کنند، از جمله این گونه شایعه کردند که صنایع با افزایش و پرداخت ۲۵ درصدی به حقوق کلیه کارگران هیچگونه مشکلی ندارد، منتها بخشی از کارگران رسمی، نگران تساوی حقوقی میان خود و کارگران قرار دادی هستند. این شایعه و دروغ را پخش کردند، تا هم خود را از زیر ضرب کارگران معترض خارج کنند و هم اگر توانستند کارگران را رودر روی همدیگر قرار بدهند و بطور بسیار ضمنی و پوشیده ای هم به پرداخت ۲۵ درصدی افزایش حقوق کارگران موافقت کرده باشند، تا قادر به کنترل موقت و مهار حرکت کارگران باشند!

کارگران که به یکپارچگی بوجود آمده ی میان خود اعتماد پیدا کرده بودند، با ایستادگی و پافشاری برخواست خود تاکید کردند تا مسوولین را وادار به قبول پرداخت افزایش ۲۵ درصدی حقوق

خودکنند. در فاصله چانه زنی میان کارگران و کارفرما، تعداد بیشتری از کارگران از جریان اعتصاب و حرکت اعتراضی واحد ذوب و ریخته گری آگاه می شدند و به همکاران خود می پیوستند. چانه زنی میان طرفین تا پایان وقت کاری روز در جریان بود، طرفین از میزان قدرت و توانائی همدیگر اطلاع داشتند. متأسفانه حرکت کارگران فاقد سازماندهی بود. در میان کارگران برانگیخته ی اعتصابی و معترض، جای عنصر فعال کارگری خالی بود. در میان کارگران، گاهی تردید غالب بود و زمانی تهییج، عنصر عینی و عنصر ذهنی در این حرکت کارگری در همسویی و در تلفیق با هم نبودند. کارفرما که سوار بود، خود را غالب در این کشمکش می دید و آن را تقریباً بطور موقت به بلحاظ روانی و... به محاصره آورده و در کنترل داشت. با قصد جمع کردن و بهم آوردن حرکت کارگران، با تاکتیک، ترفند و وعده و گاه با تهدید مستقیم کارگران، به گفتگو با کارگران نشست و با پرداخت مطالبه سه ماهه ی به تاخیر افتاده ی کلیه کارگران منتها بشکل مبهم و غیر منطقی که پیشاپیش معلوم بود کارگران از قبول آن خودداری می کنند وارد گفتگو شد. رئیس حراست صنایع بدنبال تهدید کارگران اشاره داشت، شما را می کشم!! کارگران در مقابل گفتند چند نفر از ما رامی خواهی بکشی؟! رئیس صنایع می گفت، من موافق پرداخت ۲۵ درصدی افزایش حقوق شما هستم و آن رادر قالب پاداش ویا تحت هر عنوانی در مقاطع مختلف پرداخت می کنم!!! یعنی اینکه به حقوق پایه ی شما افزوده نمی شود. کارگران که این پیشنهاد را غیر منطقی می دانستند آن را قبول نکردند. و زیر بار نرفتند. کارگران می خواهند مطابق قانون، ۲۵ درصد به حقوق پایه آنان اضافه شود. که درست و منطقی اش هم همین است. آنان می خواهند تا در فردای بازنشستگی با حقوقی بالاتری که حقشان است بازنشسته شوند. پرداخت ۲۵ درصد در قالب پاداش و دست خوشی برای کارگران، مانند خاک پاشیدن به صورت آنان است. کارگران اعتراض کننده، برای اینکه در مقابل کارفرما کوتاه نیایند، به طرح خواست دیگری پرداختند که تاکنون در مورد آن سکوت کرده بودند و فکر می کردند صنایع و کارفرما قصد خوردن آن را دارد. صنایع مطابق یک قرار، همه ساله درصدی بابت افزایش تولید به کارگران می دهد، امسال با توجه به اینکه سه ماه از سال گذشته بود، خبری از این درصد در میان نبود. کارگران که از میزان تولید آگاه بودند و می دانستند هیچگونه کسری و کاهشش در تولید نبوده، بلکه کارفرما قصد دارد این درصد را به آنان ندهد، به طرح این خواست خود نیز پرداختند تا شاید حداقل درخواست قبلی خود موفق شوند، یا هر دو مطالبه را یک جا دریافت نمایند. این حرکت کارگری که تاکنون دو سه روز آن می گذرد، در شرایط بیم و امید و در یک کشاکش میان طرفین در جریان است. در یک وضعیت هم برد و هم باخت، دو طرف در تلاش و شاهد فعالیت همدیگر هستند. همه چیز در گرو آینده است. پیروزی کارگران اعتراضی در یک هماهنگی و اتحاد وسیع با دیگر همکاران کارگر خودشان است که حاصل می شود. پیروزی این کارگران در مبارزه ای که برای بخشی از حقوق خود آغاز کرده اند در گرو تلاش و سازماندهی و پیوستن همه ی کارگران صنایع به این حرکت است. کارگران دیگر واحد های صنایع برای احقاق حق قانونی خود، افزایش ۲۵ درصدی به حقوق همه کارگران باید به کارگران اعتراضی بپیوندند تا خواست ۲۵ درصدی افزایش حقوق و خواست درصد ناشی از افزایش تولید به خواست عمومی همه کارگران صنایع تبدیل شود. کارگران صنایع برای موفقیت در مبارزه ای که برای خواست برحق خود آغاز کرده اند، نیاز دارند روابط خود را با دیگر کارگران همکار خود گسترش دهند و از همه گونه امکانات و فرصت در جهت عمومی شدن این مبارزه بکوشند. این کارگران باید به مبارزه ی خود شکل منظم بدهند، اعتراض های پراکنده ای که صورت می گیرد باید عمومی و منظم شود. کارگران واحد ذوب و ریخته گری و احیا که بطور نامنظم و پراکنده در قالب اعتراض از گرفتن غذا خودداری می کنند باید سعی کنند این اعتراض را از طریق تماس با دیگر همکاران خود به سراسر صنایع گسترش دهند. علاوه بر گرفتن غذا از طرق دیگری اعتراضات خود را گسترش و سازمان بدهند. این حرکت کارگری در تلاش برای پیروزی، احتیاج به حمایت و پشتیبانی کلیه فعالین کارگری داخل دارد. کارگران صنایع فولاد اهواز که سابقه ای در کار مبارزه ی سیاسی و سندیکایی دارند، موفقیت آنان در این مبارزه، موجب برداشتن گام بلندتری از طرف آنان در آینده خواهد شد. و موجب اعتلاء و رشد جنبش سراسری کارگری خواهد بود. به تقویت، حمایت و پشتیبانی عملی حرکت اعتراضی کارگران صنایع

برخیزیم.

تکنیر از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
سندیکا سنگر طبقه کارگر و محل آموزش او برای اعتصاب موفق است

کارگر صنعت برق: مدیریت قطعات توربین شهریار شرط کارگران را نپذیرفت، اعتصاب همچنان ادامه دارد

بر پایه خبر دریافتی آمده است: حدود 25 روز است که کارگران قطعات توربین شهریار در اعتصاب هستند، دست تنها و بدون حمایت دیگر کارگران صنعت برق، برای گرفتن مطالبات خود سرسختانه و آزموده، ایستاده اند. آنها با کسب تجربه طی مبارزاتی که در این چند سال داشته اند، آموخته اند که با شور و مشورت، مسائل خود را پیش ببرند. به راستی هر کجا مسائل را با تأمل و همفکری دنبال کرده ایم، کمتر اشتباه کرده ایم و آنجا که فردی عمل کرده ایم خالی از اشتباه نبوده ایم.

هر زمانکه، مبارزات خود انگیخته و بدون سازماندهی، و از سوی دیگر بدون همبستگی جنبش کارگری باشد اشتباه و حرکت فردی هم گریز ناپذیر می شود. با این وجود، مبارزات کارگران قطعات توربین شهریار یکی از طولانی ترین اعتصابات در سالهای اخیر جنبش کارگری علیه سرمایه است. در گذشته نیز مبارزات کارگری "پیام راه دور شیراز" و "لاستیک دنا" با پیگیری و مقاومت توانستند بخشی از مطالبات خود را تحقق بخشند. اما به دلیل نبود یک جنبش سراسری علیه سرمایه، بارها پس از افت مبارزات، صاحبان سرمایه با حمایت دولت به دستاوردهای ما کارگران یورش برده اند. از یاد نبریم که عقب نشینی صاحبان سرمایه وابسته به حضور و تشکل سراسری در تقابل با سرمایه است. مبارزات کارگران توربین شهریار و فولاد خوزستان و ... زمینه ساز تشکل سراسری کارگران است.

بالاخره پس از گفتگوی بسیار بین نمایندگان کارگران و مدیریت قطعات توربین شهریار طی روزهای اعتصاب، روز چهارشنبه صورتجلسه ای از سوی نمایندگان کارگران طی دو بند به مدیریت شرکت اعلام شد:

بند اول- توقف اخراجها؛ حتی اگر فردی به علت مسئله ای خاص (مثلا شرارت) قرار شد اخراج شود، بایستی با آگاهی و تأیید کمیته ی انضباطی که نماینده ی کارگران در آن حضور دارد انجام شود.

قراردادهای سه یا چهار ماهه، بایستی لغو و با کلیه ی کارگران قرارداد یکساله امضا شود.

بند دوم- کلیه ی حقوقهای معوقه پرداخت شود.

مدیریت شرکت در عین اینکه خواستهای کارگران، یعنی پرداخت حقوقهای معوقه و امضای قراردادهای یکساله را پذیرفت اما با شرط کارگران مبنی بر اینکه اخراجها باید متوقف شود و در صورت بروز موارد خاص نیز می بایست با نظارت کمیته ی انضباطی و اعمال نظر نماینده ی کارگران صورت پذیرد مخالفت نموده و گفت اخراج ها باید توسط مدیریت انجام شود. به این ترتیب اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد.

نایب رئیس انون کارگران بازنشسته اصفهان: ساخت تنها بیمارستان تخصصی کارگران کاشان متوقف شده است

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 22 تیر ماه 92 آمده است: نایب رئیس انون بازنشستگان تامین اجتماعی استان اصفهان گفت: با گذشت ده سال از وعده مسئولین سازمان تامین اجتماعی برای ساخت بیمارستان تخصصی کارگران کاشان، هنوز این وعده عملی نشده و کارگران مجبورند با مراجعه به بیمارستانی که پیش از این مالکاش بوده اند، بابت درمان خود فرانشیز پرداخت کنند و در مقابل حتی خدمات مطلوب نیز دریافت نکنند.

«حسین حداد» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در کاشان ضمن انتقاد از عدم تحقق وعده مسئولین سازمان تامین اجتماعی در ساخت تنها بیمارستان تخصصی تامین اجتماعی برای جمعیت بیش از ۷۵ هزار نفری کارگری کاشان، گفت: مسئولین این سازمان قول داده‌اند که پس از ۵ سال که بیمارستان تامین اجتماعی شهید بهشتی و زایشگاه شهید شویه خوانی به صورت اجاره در اختیار کارگران باشد، بیمارستان مخصوصی برای کارگران بسازند. با گذشت ده سال هنوز وعده مسئولین عملی نشده است و آن‌ها اقدام به ساخت بیمارستانی درجاده قمصر نموده‌اند تا پس از ۵ سال آن را به بهره برداری برسانند. در حالی که این بیمارستان را نیز نیمه کاره رها کرده‌اند. رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان کاشان همچنین نسبت عدم ارائه خدمات مطلوب به کارگران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی در مجتمع بیمارستانی شهید بهشتی کاشان انتقاد کرد و گفت: چرا از کارگران بازنشسته‌ای که قبلاً مالک بیمارستان شهید بهشتی کاشان بودند، مبلغی به عنوان فرانشیز دریافت می‌کنند و آن طور که باید به اینگونه بیماران رسیدگی نمی‌شود؟ اکثر بیماران مجبورند به بیمارستان خصوصی مراجعه و مبالغ زیادی را بابت درمان خود پرداخت نمایند.

نایب رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی استان اصفهان عدم ارائه خدمات مطلوب بیمه تکمیلی را نیز از دیگر مشکلات کارگران بازنشسته کاشان دانست و گفت: چرا در این موقعیت زمانی که قیمت دارو و هزینه‌های درمان و عمل‌های جراحی چندین برابر شده، نباید کارگران نیز مانند بازنشستگان آموزش و پرورش و کشوری بیمه طلایی داشته باشند؟ وی نبود پزشک متخصص و شبانه روزی نبودن کلینیک تخصصی بوعلی کاشان را علیرغم داشتن مکان مناسب، امکانات و تجهیزات لازم از دیگر مشکلات جمعیت انبوه کارگری این شهرستان دانست و گفت: از نماینده مردم شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل در مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم حداقل به مناسبت هفته تامین اجتماعی، مسئولین این سازمان را به شهرستان کاشان دعوت نمایند تا از نزدیک مشکلات عدیده‌ای که قشر زحمتکش و بازنشسته کارگران تامین اجتماعی این شهرستان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند باشند. شاید وقتی از نزدیک با مسائل آشنا شوند، نسبت به رفع آن اقدامی اساسی را به کار گیرند.

شهرستان کاشان با دارا بودن بیش از ۷۵ هزار بیمه شده اصلی و ۲۰ هزار مستمری بگیر، تنها دارای یک کلینیک تحت پوشش تامین اجتماعی است. در این مرکز تنها پزشک عمومی و آزمایشگاه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر فعال‌اند. درحالی که این درمانگاه قبلاً که در ابتدای جاده ابوزید آباد بود به صورت دو شیف صبح و عصر به بیمه شدگان خدمات ارائه می‌کرد.

پس از واگذاری بیمارستان شهید بهشتی تامین اجتماعی این شهرستان به دانشگاه علوم پزشکی، یک کلینیک تخصصی به نام بوعلی در این شهر افتتاح شده است، اما این کلینیک فاقد پزشک متخصص است و انجام سونوگرافی هفته‌ای یک روز انجام می‌شود و خانواده‌های کارگران کاشان با وجود پرداخت ماهانه ۳۰ درصد از حقوق خود به سازمان تامین اجتماعی، در صورت بیماری چاره‌ای جز مراجعه به مطلب‌های خصوصی ندارند.

پایان پیام

تجمع کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز در اعتراض به تاخیر دو ماهه در پرداخت حقوق

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 22 تیر ماه 92 آمده است: کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز از روز ۱۹ تا ۲۱ تیر ماه به نشانه اعتراض به عدم دریافت حقوق ماه‌های اردیبهشت و خرداد در مقابل محل کار خود تجمع کرده‌اند.

برپایه این گزارش، این کارخانه زیر مجموعه تراکتور سازی تبریز بوده و در زمینه ساخت ماشین آلات راه سازی فعالیت دارد و از سال ۸۷ به بخش خصوصی واگذار شده است.

کارگران بافنده فرش روزی 10 هزار تومان حقوق دریافت می کنند؟

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 22 تیر ماه 92 آمده است: دستمزدی که در حال حاضر به بافندگان فرش پرداخت می‌شود، روزی 100 هزار ریال است. برپایه این گزارش، طی سال‌های گذشته تعداد بافندگان فرش دستبافت در استان خراسان شمالی 30 هزار نفر بوده است، اما این تعداد در حال حاضر به 12 هزار نفر رسیده است.

تنور زندگی کارگران نانوايي با روزی ۱۵ هزار تومان گرم نمی‌شود

به گزارش خبرگزاری تسنیم، در تاریخ 22 تیر ماه 92 آمده است: دنیا به کام کارگران نانوايي بجنورد نمی‌چرخد و روزی ۱۵ هزار تومان تنور زندگی کارگران نانوايي را گرم نمی‌کند.

مرکز آمار ایران نرخ بیکاری زمستان 1391 را اعلام کرد

به گزارش مرکز آمار ایران در تاریخ 22 تیرماه 92 آمده است: نرخ بیکاری فصل زمستان سال گذشته را اعلام کرد. بنا به همین گزارش، نرخ بیکاری کل کشور: 12/4 درصد (1/1 درصد افزایش نسبت به فصل پائیز)، زنان 19/6 و مردان 10/8 درصد. نرخ بیکاری در گروه سنی 20 تا 24 ساله: 28/3 درصد، زنان 48/4 و مردان 23/8 درصد. نرخ بیکاری در نقاط شهری و روستایی بترتیب: 13/4 و 9/8 درصد. استان های لرستان و خراسان جنوبی با 20/4 و 7/7 درصد بالاترین و پایین ترین نرخ بیکاری را دارند. لینک گزارش:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1391/n_niru_91-4.pdf

طرح دورکاری منجر به خانه نشینی و بیکاری بخشی از کارکنان شاغل در بدنه دستگاه های دولتی شد

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 22 تیر ماه 92 آمده است: طرح عجلوانه و غیرکارشناسی دورکاری که اهدافی مانند افزایش بهره وری نیروی کار، کاهش ترافیک در کلانشهرها، تقویت دولت الکترونیک، استحکام بنیان خانواده و کاهش هزینه های دولت را دنبال می کرد تنها منجر به خانه نشینی و بیکاری بخشی از کارکنان شاغل در بدنه دستگاه های دولتی شد و نتیجه دیگری به همراه نداشت.

دو سال قبل در زمان فعالیت شیخ الاسلامی به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی طرحی مطرح شد که در قالب آن افرادی از بخش های مختلف دستگاه ها و وزارتخانه های دولتی ساعاتی از روز و یا روزهای کاملی از هفته را به جای نشستن در اداره می توانستند در منازل به سر ببرند و به اصطلاح "دورکار" باشند.

به عبارتی بخش های مختلف دستگاه های دولتی موظف شده بودند تا با شناسایی نیروهایی که امکان ماندن در منازل و انجام دادن مسئولیت خود را دارند در قالب یک برنامه مشخص دورکار شوند. حتی در این زمینه تامین ملزومات و تجهیزات مورد نیاز از قبیل اینترنت و کامپیوتر نیز مطرح شد.

این طرح خیلی زود در هیئت وزیران مطرح شد و به سرعت نیز نظر موافق دولت را دریافت کرد و از آن پس اجرای آن برای بخش های مختلف دولتی الزامی شد. با این حال، تا به امروز غیر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و البته آن هم در دوران فعالیت شیخ الاسلامی؛ سایر دستگاه ها اجرای این طرح را چندان جدی نگرفتند.

برخی از بخش های دولتی نیز که عملاً مشمول مصوبه هیئت وزیران درباره اجرای دورکاری شده بودند با دلایل گوناگون سعی کردند بگویند که اساساً امکان دورکاری بای نیروهای آنها وجود ندارد و افراد شاغل در آن بخش یا اداره حتماً باید تمام وقت و در تمام روزهای هفته در مشاغل خود حاضر باشند.

اما وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی که به گفته خودش فکر دورکاری با یک نیاز به تایپ نامه ای در یک بعدازظهر کاری ایجاد شده بود و در نبود تایپستی که بتواند آن نامه را تایپ کند، فکر دورکاری شکل عملی به خود گرفت؛ این ایده را در زیرمجموعه های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی عملیاتی کرد.

البته در ابتدای اجرای طرح، بسیاری از نیروهای انتخاب شده برای دورکاری عنوان می کردند که با این کار رفته رفته امکان اخراج تدریجی آنها از کار فراهم خواهد شد و پس از مدتی دورکاری و ماندن در منازل خود، به آنها خواهند گفت دیگر در محل کار خود حاضر نشوند و از اینرو بسیاری از آنها تلاش می کردند در لیست دورکاران قرار نگیرند.

با این حال پس از اجرای دورکاری در بخش های مختلف، افراد 2 تا 4 روز از هفته را به صورت کامل در منازل خود به سر می برند و عملاً در مدت حضور در منزل به عنوان دورکار، کاری نیز برای اجرا ندارند.

نکته ای که در مورد دورکار شدن بخشی از نیروهای وزارتخانه ها و دستگاه های مختلف قابل توجه است پایین بودن شدید بهره وری نیروی کار شاغل در بخش های دولتی است. به عبارتی نبود چند روزه افراد در محل های کاریشان چندان نیز ملموس نیست و عملاً لطمه زیادی به کارها نمی زند.

در هر صورت امروز دورکاری که با اهدافی از جمله کاهش میزان ترافیک به ویژه در کلانشهرهایی مانند تهران، فراهم شدن زمینه حضور بیشتر افراد در کنار خانواده ها، کاهش هزینه های دولت، افزایش سطح بهره وری نیروی کار و مصادیقی از این دست مطرح شده بود؛ عملاً به اهداف خود نرسید و تنها نتیجه مشخصی که از اجرای ناقص آن در برخی بخش ها مشاهده می شود، حاضر نشدن افراد در برخی روزهای هفته در ادارات است.

اطلاعیه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

بر پایه خبر دریافتی آمده است: فدراسیون های کارگری عراق، سوریه، لبنان، ترکیه، مصر، اسرائیل !
دوستان کارگر !

ماه گذشته در منطقه خاورمیانه و کشورهای ما روزهای بسیار تلخی رقم خورد. در سوریه گروه های تندرو و آدمکش با انفجار و جنگی خانگی دست به کشتار زحمتکشان و مردم بیگناه زدند. این آدمکشی موجب محدود شدن آزادی های سیاسی از طرف دولت سوریه گردید و این امکان از مردم و سندیکاهای کارگری گرفته شد تا در محیطی آرام نسبت به رویدادهای کشورشان که دستهای کثیف سرمایه داری جهانی در آن مشهود است تصمیمات درست و مطلوب را بگیرند .
در ترکیه دولت کارگر ستیز اردوغان و مجری سیاست های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، پس از اوپاش خواندن معترضین به سیاست هایش، حمله به سندیکاهای کارگری را آغاز کرد. دولتی که در راستای منویات آمریکا برادر کشی را در سوریه ترغیب می کرد این بار دست بر روی زحمتکشان ترکیه بلند کرد .

در لبنان، صهیونیسم و امپریالیسم که بوجود آورنده گروههای تندرو مذهبی در دنیا هستند سعی می کنند با آشوب و برهم زدن آرامش در لبنان، کشور لبنان و زحمتکشان را درگیر یک جنگ خانگی دیگرکنند تا بتوانند به گروههای تندروی مسلح این امکان را بدهند تا منطقه سوریه و لبنان و عراق را درجنگی همه گیر درگیرکنند تا صهیونیسم و امپریالیسم بتوانند از موقعیت سوء استفاده کرده سرزمین بزرگ صهیون را برپاسازند و زحمتکشان منطقه بحران فراگیر درقاره آمریکا و اروپا را با جنگی دیگر به دوش بکشند.

درعراق تروریسم کور هرروزه زحمتکشان و فرزندانشان را در بمب گذاری ها هدف گرفته و نابود می کند تا مردم، دست از دمکراسی نیم بند کشیده و تحت فرمان آمریکا قرار گیرند. تا آمریکا ثروت شان را غارت کند و با دست نشانده ای دیگر، هم سرکوب سندیکاها کارگری راهدف بگیرد وهم آرامش گورستانی را برای زحمتکشان عراق به همراه بیاورد.

با تصویب تحریم های پی در پی توسط سرمایه داری جهانی، ایران را در مسیر تهاجم نظامی همچون عراق زمان صدام قرار داده و هم باجنگی اعلام نشده مردم و زحمتکشان را به خاموشی بکشند. و فردا دریک تهاجم وسیع به کشتار فرزندان ما دست بیالایند. تا براحتی منطقه نفت خیز و منابع عظیم انرژی را در دستان خون آلود خود بگیرند و سیطره فاشیستی را در ایران حاکم کنند. این تحریم ها به سرمایه داری کشورمان این فرصت را می دهد تا بااین بهانه دست به محدود کردن هرچه بیشتر آزادی های سیاسی بزند.

متأسفانه امروز برادران و خواهران ما درمصر درگیر یک جنگ خانمانسوز و برادرکشانه شده اند که از یکسو تندروها به آن دامن می زنند و از طرف دیگرهم ارتش برای بازپس گیری قدرت از دست رفته، بهانه برای کشتار زحمتکشان داشته باشد، و نیروهای نفوذی امپریالیسم هم هر دو طرف ماجرا را به تشنج و درگیری سوق می دهند.

ما از برادران و خواهرانمان می خواهیم دست به دست یکدیگر داده با پرهیز از نقشه های برادرکشی و به نفع امپریالیسم و صهیونیسم باگسترش مبارزه برای دمکراسی و حقوق فردی و اجتماعی که عامل مهم فراهم کننده شرایط تحول های اساسی اقتصادی و اجتماعی در کشورهایمان است، نقشه های اسراییل و ایالات متحده آمریکا وهم پیمانانش در اتحادیه اروپا برای تسلط برمنابع عظیم و سرشاراز انرژی نقش برآب کنیم. آنچه برای سرمایه داری برای حل بحران فزاینده اش لازم است جنگ، بیکاری، فقر، زحمتکشان این کشورهاست.

ما توطئه جنگ افروزی درمنطقه و متعاقب آن رشدتالیانیسم درکشورهای درگیر جنگ رامحکوم کرده و سیاست هایی را که ایران و زحمتکشان منطقه را به سوی جنگ سوق دهدراافشا نموده و اعلام می کنیم شعله ورشدن جنگ دارای ابعاد خطرناک محلی، منطقه ای و جهانی است و رشد قارچ گونه القاعده رافراهم خواهد ساخت.

دوستان کارگر سوریه ای، لبنانی، عراقی، مصری، ترکیه ای و اسراییلی !
ما تاکید می کنیم که همه ما کارگران منطقه و ایران طالب صلح و ضد هرگونه جنگ افروزی هستیم. جنگ برای زحمتکشان سراسر دنیا حاصلی جز درد ورنج نخواهد داشت.
رفقای کارگر!

بیاید همگی باهم درکشورهایمان برضد جناح های جنگ افروز و عامل سرمایه داری و سرمایه داری جنگ افروز جهانی متحد شده و مبارزه کنیم.

مبارزه کنیم تا فردایی بهتر را برای فرزندانمان تدارک دیده باشیم.

تصمیم وخواست ما تعیین کننده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

1392/4/22 برابر با 13 جولای 2013

رییس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی اعلام کرد: مرگ ۲۶۵ نفر بر اثر حوادث ناشی از کار ظرف دو ماه

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 22 تیر ماه 92 آمده است: رییس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی اعلام کرد: در دو ماهه سال جاری ۲۶۵ نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس این گزارش، دکتر محمود خدادوست افزود: در دو ماهه امسال ۲۶۳ مرد و دو زن در حوادث کار جان باخته‌اند که در این میان سقوط از بلندی با ۱۲۷ فوتی بیشترین تعداد متوفیات حوادث ناشی از کار را در برمی‌گیرد.

وی گفت: پس از سقوط از بلندی، برخورد جسم سخت با ۶۱ فوتی و برق‌گرفتگی با ۳۵ فوتی در رتبه‌های بعدی دلایل مرگ بر اثر حوادث ناشی از کار قرار دارند.

رییس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی ادامه داد: در دو ماهه امسال استان‌های تهران با ۴۸ فوتی، خراسان رضوی با ۲۵ فوتی و کرمانشاه با ۱۷ فوتی بیشترین تعداد تلفات حوادث ناشی از کار را داشته‌اند که این آمار در هر یک از استان‌ها در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ترتیب ۳/۱۴، ۲/۵۶ و ۷/۴۱ درصد افزایش داشته است.

وی اضافه کرد: در این مدت استان‌های خراسان جنوبی با یک فوتی و اردبیل، خراسان شمالی، زنجان و سمنان هر کدام با دو فوتی کمترین مرگ بر اثر حوادث ناشی از کار را داشته‌اند ضمن آنکه استان ایلام طی این مدت هیچ مرگی بر اثر حوادث کار نداشته است.

به گفته خدادوست از کل فوت شدگان حوادث ناشی از کار در دو ماهه امسال تنها دو نفر زن بودند که به دلیل برق‌گرفتگی در استان‌های مازندران و همدان جان خود را از دست دادند.

بیست و دوم تیرماه 1392

در اصفهان رخ داد: سقوط کارگر نوجوان بر روی میلگرد

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 22 تیر ماه 92 آمده است: در حالی که قانون کار اشتغال نوجوانان را تنها تحت شرایط کارآموزی و در صورت وجود امکانات ایمنی مجاز می‌داند، نوجوانی در اصفهان هنگام نصب حصار یک ساختمان سقوط کرد و میلگردهای نصب شده، در بدن وی فرو رفت.

بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، این حادثه در خیابان چهار باغ خواجو شهر اصفهان زمانی رخ داد که کارگر ۱۶ ساله‌ای بنام حامد هنگام نصب حصار نرده‌ای یک ساختمانی به دلیل برهم خوردن تعادلش ناگهان بر روی میله‌های نوک تیز نصب شده سقوط کرد که این سقوط منجر به فرو رفتن ۳ میله در کمر وی شد.

بر اساس این گزارش، نیروهای امداد و نجات پس از رسیدن به محل حادثه، اقدام به بریدن میله‌های فرو رفته در بدن کارگر کرده تا قابل انتقال به آمبولانس باشد و کمترین میزان حرکت را داشته باشد. کارگر مصدوم با کمک عوامل اورژانس حاضر در محل به بیمارستان الزهرا اصفهان انتقال یافت.

پایان پیام

**گزارش هولناک عیسی کلانتری
یک ماه بنادر بسته شود، مردم از گرسنگی می‌میرند!**

بر پایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است: یک عضو کارگروه مشورتی حسن روحانی برای انتخاب وزرا و تحویل گرفتن دولت از احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه قانون، برای نخستین بار گزارش از فاجعه ای داده است که ایران در آن دست و پا می زند و مردم از آن اطلاع ندارند. این عضو کارگروه "عیسی کلانتری" است که در دولت های هاشمی و خاتمی و موسوی در امور کشاورزی وزیر بوده و مسئولیت داشته است. او گفت:

در مورد گندم، دولت می گوید 14.3 میلیون تن گندم تولید کرده است. واردات گندم نیز 6.7 میلیون تن بوده که می شود 21 میلیون تن. خود رئیس جمهور اعلام کرد به دلیل هدمندی یارانه ها مصرف گندم در کشور بیش از هشت میلیون تن نیست. خوب یک میلیون تن هم برای بذر مصرف می شود و یک میلیون تن را هم حساب کنیم که خوراک طیور می شود، (البته حدود 9.3 میلیون تن خوراک طیور وارد کشور شده است)، به گفته خودشان بین 700 هزار تا یک میلیون تن هم گندم از کشور قاچاق می شود. حالا با جمع کردن این اعداد و ارقام یک نفر جواب دهد که باقی این گندم چه شده است؟ **10 میلیون** تن گندم باقیمانده کجاست؟ کسانی که آمار دروغ دادند دستشان در دست دلان خارجی است. همین آمار سبب گمراهی می شود. بر اساس همین آمار دولت، به موقع نسبت به واردات گندم اقدام نکرد و به جای فروردین، تیرماه به دنبال خرید گندم رفتند و 150 دلار بالاتر از قیمت های اسفند و فروردین، گندم وارد کردند و یک میلیارد دلار به کشور ضرر زدند. امسال هر ماه برای تامین نیاز کشور باید 830 تا 850 هزار تن علوفه وارد کشور شود. کل علوفه موجود در انبارها برای 150 روز آینده است. خوب رئیس جمهور بعدی در صد روز اول فعالیت خود چه کار باید بکند؟

کشور به 5 میلیون تن ذرت و 3 میلیون تن کنجاله نیاز دارد. طبیعتاً روند واردات باید به صورتی باشد که تا آبان ماه حدود 5 تا 5.5 میلیون تن از ذرت و کنجاله مورد نیاز وارد کشور شود. در حال حاضر حجم واردات گندم 860 هزار تن و حجم واردات کنجاله 540 هزار تن است. یعنی 25 درصد از نیاز کشور. حالا تاثیر این کمبود چیست؟ این کمبود استمرار عرضه گوشت مرغ و تخم مرغ را به خطر می اندازد. رئیس جمهور 12 مرداد دولت را تحویل می گیرد. در صد روز اول که نمی تواند به دنبال واردات این کالاها باشد. بالاخره باید ذخایری در کشور وجود داشته باشد. در بذر هم وضعیت همین طور است. ما به 270 هزار تن بذر غله نیاز داریم یعنی 230 هزار تن گندم و 40 هزار تن جو. کل پیش بینی بذر غله کمتر از 50 هزار تن است. آیا این تدارکات برای انتقال دولت فعلی به دولت آینده مناسب است؟

برای کشت بهاره سطح زیر کشت سیب زمینی 50 هزار هکتار یعنی 32 درصد کاهش یافته است. قبلاً سطح زیر کشت سیب زمینی بهاره 160 هزار هکتار بود. حالا سیب زمینی کالایی است که مثبت و منفی 5 درصد در تولیدش روی قیمت تاثیر می گذارد. با این کاهش کشت، شهریور ماه می بینیم که حجم برداشت سیب زمینی کاهش می یابد. وقتی مردم سیب زمینی کیلویی 5 هزار تومان خریدند مشکلات را از چشم روحانی خواهند دید. باید بگویم سیب زمینی کالایی وارداتی هم نیست. در پاییز کسری یک میلیون تنی عرضه سیب زمینی داریم و فویش بتوانیم 30 تا 40 هزار تن سیب زمینی از پاکستان و دیگر کشورها وارد کنیم. تکلیف چه می شود؟ در مورد سایر کالاها هم وضعیت همین است. در مورد مرغ و تخم مرغ، دولت تخصیص ارز 1226 تومان را قطع کرده است. حالا باید دان مرغ را به قیمت 2500 تومان وارد کرد. مابه التفاوت را اگر دولت پرداخت کند که هیچ. البته دولت پولی در بساط ندارد و اگر پرداخت نکند، باید قیمت 80 درصد اضافه شود. چکار می خواهید بکنید. گوشت مرغ وارد کنید؟ جواب بیکاری مرغداران را چه می دهید؟ دولت روحانی کار ساده ای ندارد. دولت انبارها را پر نکرده است. پیش بینی برای انتقال انجام نداده است و روحانی متأسفانه کشور را با انبار خالی، خزانه خالی، بنادر خالی و بانک مرکزی خالی تحویل می گیرد.

من این‌ها را می‌گویم تا این نتیجه را بگیرم که مردم باید صبر کنند. وقتی گرانی پاییز از راه رسید از چشم دولت روحانی نبینند.

در چه محدوده زمانی می‌شود کارها را درست کرد؟

بازگشتن از سال 1392 به سال 1384 حداقل 2 سال زمان نیاز دارد.

برگردیم به آمارهای دولت دهم. آقای رئیس جمهور اشاره کرده‌اند که 118 میلیون تن تولیدات کشاورزی داریم، ارزیابی تان از این آمار چیست.

والا اگر این آمار حقیقت داشت ما جزو خوشبخت‌ترین مردمان جهان بودیم. در ضمن می‌توانستیم سالی بیست میلیارد دلار غذا هم صادر کنیم اما تولید کشاورزی تعریف دارد. تولید کشاورزی به کالایی گفته می‌شود که یا توسط انسان مصرف می‌شود یا به کارخانه تحویل داده می‌شود. اگر این معیار را در نظر بگیریم آن وقت می‌بینیم که تولید کشاورزی در ایران 68 میلیون تن بیشتر نیست. علوفه جزو تولیدات کشاورزی نیست اما در این آمار می‌آید. مگر می‌شود 40 میلیون تن علوفه تولیدی را جزو تولیدات کشاورزی محسوب کرد؟ طبق این آمار باید برای هر نفر 1.5 میلیون تن تولید داشته باشیم اما گویا مردم را **حیوان** فرض کرده‌اند که آمار تولید علوفه را هم می‌آورند. بقیه آمارهای دولت هم همین است.

من به آمار و ارقام خود گم‌گم اشاره می‌کنم. سال گذشته 6.7 میلیون تن گندم، 9.3 میلیون تن علوفه، 1.6 میلیون تن روغن، 1.3 میلیون تن برنج، 1.2 میلیون تن شکر و 150 هزار تن گوشت قرمز وارد کشور شده است. این‌ها می‌شود 1350 کیلوکالری. وزارت بهداشت گفته است برای اینکه سوءتغذیه نباشد، باید در شبانه‌روز بین 2300 تا 2400 کالری مصرف شود. البته این در حالتی است که سوءتغذیه نباشد که البته 5 دهک ایران سوءتغذیه دارند. حالا 1350 را بر 2400 تقسیم کنید می‌شود 56 درصد. یعنی **44 درصد** مواد غذایی در داخل تولید می‌شود. حالا ما را با دیگر کشورها مقایسه کنید؟

هیچ کشوری جز شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس و معدود کشورهای در جنوب مدیترانه و چند جزیره در دریای کارائیب و برخی دیگر از کشورهای میکروسکوپی این وضع را ندارند. ما از بقیه دنیا عقب‌تر هستیم. در بدترین شرایط خشک‌سالی در کشور سال‌های 77 تا 80 میزان خودکفایی در تامین مواد غذایی کمتر از 55 درصد نبود. حالا چه شده است که الان به این رقم رسیده است؟

وقتی مملکت با این وضع روبه‌روست چه باید کرد. **یک ماه بنادر** ایران بسته شود، مردم گرسنه می‌مانند. حالا ما بیاییم آمار غیر واقعی بدهیم. مسئله اما جای دیگری است. من می‌خواهم از مشکل به مراتب بزرگ‌تری حرف بزنم. مشکلات ما این‌ها نیست. مشکل اصلی که ما را تهدید می‌کند و از اسرائیل و آمریکا و دعوای سیاسی و... خطرناک‌تر است مسئله زندگی ملت است. این است که فلات ایران دارد غیرقابل سکونت می‌شود و کسی به این فکر نیست. مسئله اینجاست که آب‌های زیرزمینی تحلیل رفته‌اند و بیلان منفی آب بیداد می‌کند و کسی به فکر نیست.

کم‌آبی کشور را به شدت تهدید می‌کند و بیلان منفی برداشت آب در ابتدای انقلاب زیر صد میلیون متر مکعب در سال بود این بیلان در حال حاضر به 11 میلیارد متر مکعب رسیده است یعنی 110 برابر شده است.

من نگران شدید نسل‌های بعد هستیم. هفت هزار سال است که در ایران زندگی جریان دارد. ما حق نداریم با این بی‌تدبیری کشور را با این چالش بزرگ مواجه کنیم. من همه جا گفته‌ام. اگر وضعیت اصلاح نشود ایران 30 سال دیگر کشور ارواح می‌شود چون همه کشور تبدیل به کویر می‌شود. در کویر اگر بارش هم صورت گیرد، ثمری ندارد چون سفره آب

زیرزمینی خشک شده است، آب در سطح می ماند و تبخیر می شود. در حال حاضر تمامی پیکره های آبی طبیعی ایران خشکیده اند. دریاچه ارومیه، بختگان، تشک، پریشان، کافت، گاوخونی، هورالعظیم، هامون، جازموریان و... دیگر چیزی باقی نمانده. من از وقوع بحران حرف می زنم. زندگی ملت در حال تهدید است. یک کشوری مانند مالدیو که در جنوب اقیانوس هند است در معرض زیر آب رفتن است. این کشور بین 300 تا 400 هزار نفر جمعیت دارد و سالهاست سازمان ملل در حال بررسی است که این ملت را کجا ببرد. حالا ما با 75 میلیون نفر، به فرض افزایش نیافتن جمعیت کجا باید برویم.

چرا این وضعیت پیش آمد. اوایل انقلاب بدون مجوز چاه زدند. بدون مجوز کف شکنی کردند. برای تولید بیشتر آب های زیرزمینی را از بین بردند و منابع تجدیدشونده را به غیر تجدیدپذیر تبدیل کردند. کویر در ایران در حال گسترش است و هشدار می دهم به زودی 25 سال دیگر جنوب البرز و شرق زاگرس غیرقابل سکونت می شود و افراد باید مهاجرت کنند. اما به کجا؟ راحت بگویم که از 75 میلیون نفر جمعیت ایران 45 میلیون نفر بلا تکلیف می مانند. آن وقت رئیس کمیسیون کشاورزی بیاید و بگوید غذای 1.5 میلیارد نفر را در ایران تولید می کنیم. شاید البته بعضی که این حرف ها را می زنند در آسمان ها سیر می کنند.

من فکر می کنم زندگی ملت ایران در معرض تهدید است و باید فکری به حالش کرد.

رسیدگی به این مسائل در دولت جدید جایی دارد؟

بله. چشم بر هم گذاشتیم سی سال از انقلاب گذشت. یک نیم چشم دیگر بر هم بگذاریم ایران غیرقابل سکونت می شود. مگر می شود به راحتی از کنار این مسئله گذشت؟ اولویت آقای روحانی اصلاً رفع همین مشکل است. اگر همین امروز کارمان را شروع کنیم بین 12 تا 15 سال طول می کشد که بیلان منفی تراز شود. اعتبار مورد نیاز برای رفع این مشکل برآورد شده است؟

200 هزار میلیارد تومان می خواهیم تا بدون کاهش تولید، بیلان منفی آب را تراز کنیم. برای جبران هر مترمکعب بیلان منفی آب بین 17 تا 20 هزار تومان نیاز است اما استحصال یک متر مکعب آب از زیر زمین 500 تومان خرج دارد. خب چکار باید کرد؟ من می گویم حرف های سیاسی را رها کنید. مسئله اول کشور اینجاست که نه چپ می شناسد و نه راست و نه دشمن خارجی. اگر می خواهیم زندگی کنیم باید با دشمنان داخلی برهم زنده بیلان مبارزه کنیم. این هم فقط کار وزیر جهاد کشاورزی نیست. کار همه است. همه حاکمیت. از مقام معظم رهبری تا مردم و کشاورزان. باید به همه هشدار داد که پیکره آبی ایران در حال نابودی است

رئیس هیات تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی در مجلس هشتم: میزان تخلفات سازمان تامین اجتماعی ۱۰ هزار میلیارد تومان است

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 22 تیر ماه 92 آمده است: ریاست هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی در مجلس هشتم گفت: به دلیل اقدامات تهدید آمیز مقامات دولت گزارش این هیات هیچگاه در مجلس هشتم قرائت نشد.

به گزارش ایلنا، سلیمان جعفرزاده با بیان این مطلب گفت: در مجلس هشتم، تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی به صورت کامل طبقه بندی و جمع آوری شده بود اما در اواخر دوره مجلس هشتم، برخی از دولتی ها با مانع تراشی و اعمال محدودیت و فشار باعث مسکوت ماندن این گزارش شدند.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم بایان اینکه مجموع گزارش‌های هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی بالغ بر ۵۰ هزار صفحه است، گفت: با تغییر مجلس هرچند عملکرد این هیات بی‌نتیجه ماند اما در حال حاضر رونوشتی از این گزارش در اختیار برخی نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور قرار دارد.

نماینده سابق ماکو و چالدران در مجلس بایان اینکه حاضر است تا در صورت تمایل رئیس جمهور منتخب، رونوشتی از این گزارش را در اختیار دولت یازدهم قرار دهد؛ مدعی شد: براساس اسناد معتبر در پرونده مربوط به تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی، گروهی از مقامات مسئول مرتکب تخلف شده‌اند بطوری که حتی در برخی موارد پس از گزارش تخلف ارتكابی، مسئول متخلف با شخصی متخلف‌تر جایگزین شده‌است.

وی بایان اینکه بخشی از تخلفات مشهود مربوط به سوء استفاده‌های مالی از منابع مالی سازمان تامین اجتماعی است، افزود: به عنوان مثال در یک پروژه عمرانی بدون آنکه کار به پایان رسیده باشد مبلغ ۱۲ میلیارد تومان به حساب پیمانکار مربوطه واریز شده است.

بنابر ادعای این نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از تخلفات ثبت شده مسئولان سازمان تامین اجتماعی خرید و استفاده از داروهای بی‌کیفیت خارجی است.

جعفرزاده همچنین بایان اینکه بخش دیگری از تخلفات اکتشافی به عملکرد شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی (شستا) بازمی‌گردد، مدعی شد: در جریان تحقیق و تفحص، برخی مدیران با وجدان به من اعلام کردند که یکی از مدیران عالی‌رتبه شستا به چندین شرکت می‌گفته که ۲۰۰ میلیون پاداش از فلان مصوبه بردارید و بعد ۵۰ میلیون آن را می‌دادند و ۱۵۰ میلیون آن را به صورت دستی به تهران منتقل می‌کردند.

وی بایان اینکه شرکت شستا به عنوان بخشی از منابع مالی سازمان تامین اجتماعی به آحاد بیمه‌شدگان تعلق دارد ادامه داد: در مورد دیگری از تخلفات شستا، به عنوان مثال امتیاز انحصار کارخانه‌ای را به آقای داد‌اند و این درحالی بود که آن امتیاز بیشتر از خود کارخانه سود کرده است.

جعفرزاده افزود: در نتیجه اقدامات انجام شده شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی (شستا) به عنوان یک بنگاه اقتصادی امروز وضعیت خوبی ندارد و حتی به اندازه سودی که بانک‌ها هم می‌دهند سود نمی‌کند بطوری که ارزش سرمایه ثابت آن هم هر روز پایین می‌آید.

وی بایان اینکه حجم تخلفات مالی در سازمان تامین اجتماعی بالای ده هزار میلیارد تومان است، افزود: تخلف مالی شامل موارد متعددی است که از جمله موارد دیگر آن می‌توان به مصوبات صوری هیات مدیره شرکت‌های شستا و یا اینکه پرداخت هزینه‌های پروژه‌ای مطالعاتی واهی اشاره کرد.

این نماینده پیشین مجلس با بایان اینکه مجلس هشتم برای اولین بار تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی را تصویب کرد گفت: متأسفانه هر جا که ما پا می‌گذاشتیم با تخلف مواجه می‌شدیم؛ بطوری که مثلاً در یک نمونه برای کارخانه سیمان به جای دینام آلمانی، دینام چینی خریداری شده است و از این طریق ۱۲ میلیارد تومان سوء استفاده شده است.

پایان پیام

اعتراض سه روزه کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز به عدم دریافت حقوق

بر پایه خبر ردیافتی آمده است: کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به تجمع زده‌اند. در حالی که برخی حکایتها حکایت از ادامه این اعتراض دارد مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان آذربایجان شرقی گفت: با مداخله فرمانداری تبریز اعتراض کارگران خاتمه یافته است.

«چنگیز قاسمی» با اعلام اینکه ۳۰۰ کارگر کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز در هفته گذشته به دلیل عدم دریافت حقوق ماه‌های اردیبهشت و خرداد در مقابل محل کار تجمع

کرده بودند؛ گفت: از دو روز پیش با مداخله فرمانداری تبریز اعتراض کارگران خاتمه یافته است. وی بایان اینکه در حال حاضر تمامی کارگران در محل کار خود حضور دارند، گفت: فرمانداری تبریز کارفرمای این کارگران را مکلف به پرداخت مطالبات معوقه کرده است.

این مقام کارگری دلیل پرداخت نشدن مطالبات کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز را مشکلات مدیریتی و اختلافات اعضای هیات مدیره اعلام کرد و یادآور شد: پیش‌تر شورای اسلامی کار این واحد تولیدی در این خصوص به مسئولان استان هشدار داده بود. قاسمی افزود: برهمن اساس مسئله کارگران این واحد تولیدی در چند جلسه اخیر کمیسیون کارگری فرمانداری تبریز مطرح شد که طی آن کارفرمای کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی برای پاسخگویی از تهران به تبریز فراخوانده شد.

وی بایان اینکه کارخانه یادشده زیر مجموعه تراکتور سازی تبریز بوده و در زمیه ساخت ماشین آلات راه سازی فعالیت دارند، گفت: این واحد تولیدی از سال ۸۷ به بخش خصوصی واگذار شده است.

این مقام صنفی کارگری افزود: هرچند در حال حاضر به دلیل افزایش نرخ ارز فعالیت‌های صنعتی با رکود نسبی همراه است اما کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز به دلیل داشتن بازار انحصاری و تولید کالای مرغوب هنوز به فعالیت سابق خود ادامه می‌دهد. اظهارات رئیس کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان آذربایجان شرقی در خصوص پایان یافتن اعتراض کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز درحالی است که براساس برخی گزارشها اعتراض کارگران این کارخانه همچنان ادامه دارد.

یک فعال صنفی:

حقوق ۵۰۰ هزار تومانی معلمان جوابگوی نیازهای زندگی‌شان نیست

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲۲ تیر ماه ۹۲ آمده است: یک فعال صنفی معلمان با اشاره به شرایط اقتصادی کشور و تورم افسارگسیخته‌ای که دامنگیر مردم شده است، وضعیت معیشتی معلمان را نامناسب توصیف کرد.

«محمد تقی فلاحتی» در این باره به ایلنا گفت: یک معلم زمانی که رسمی می‌شود، ۵۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد که قاعدتاً این دستمزد جوابگوی نیازهای معیشتی‌اش نیست. وی با اشاره به خط فقر اعلام شده از سوی دولت که دوبرابر حقوق پایه معلمان است تصریح کرد: این مساله سبب می‌شود نیروهای جوان برای اشتغال در وزارت آموزش و پرورش و فعالیت در کسوت معلمی، انگیزه لازم را نداشته باشند.

این فعال صنفی معلمان در پایان، بیمه طلایی فرهنگیان را از معدود طرح‌های مثبت اجرا شده در ۴ سال گذشته عنوان کرد و افزود: بیمه طلایی فرهنگیان در قیاس با بیمه تکمیلی سابق بهتر شده است. البته نزدیک به یکسال است که وزارت آموزش و پرورش، سهم خودش را در این بیمه به معلمان پرداخت نمی‌کند.

گفتنی است هر ماه مبلغی معادل ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان برای بیمه طلایی از حقوق معلمان کسر می‌شود که نصف این مبلغ (سهم وزارت آموزش و پرورش) بعد از یکی دوماه باید به حساب آنان بازگردانده شود.

پایان پیام

نوشته ای از آقای محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

بر پایه خبر منعکس شده در فیس بوک آقای بهشتی آمده است: مصاحبه ی امروز اینجانب و تنی چند از همکاران باروزنامه ی بهار فرهنگیان و معلمان کشور در هفته اخیر چند نفر را برای پذیرش مسئولیت وزارت آموزش و پرورش به رییس جمهوری منتخب پیشنهاد کرده اند. جدا از این که رییس جمهوری در نهایت چه کسی را برای وزارت آموزش و پرورش معرفی خواهد کرد، وزیر بعدی هرکسی باشد، معلمان چند مطالبه و درخواست اصلی از او دارند: اجرای قانون خدمات کشوری، آزادی معلمان در بند و برداشتن فضای امنیتی از مدارس و همچنین فعالیت دوباره تشکلهای صنفی معلمان که در این هشت سال یا از ادامه فعالیت بازماندند یا به حاشیه رانده شدند.

در هفته های پس از انتخابات ریاست جمهوری کمیته های متعددی برای بررسی وضعیت سازمان ها و وزارتخانه های دولتی و در نهایت ارائه مشاوره به حسن روحانی برای ترکیب کابینه دولت یازدهم تشکیل شده است. فرهنگیان هم در قالب نهادهای صنفی که البته هنوز باقیمانده اند تحرکات گسترده ای برای رساندن صدایشان به رییس جمهوری منتخب داشته اند. شاید مهم ترین خبر در روزهای اخیر پیشنهادی بود که از سوی چهار تشکل فرهنگیان در ارتباط با وزیر آموزش و پرورش مطرح شد؛ وزیری که به گفته «فرهنگیان باید مورد اعتماد کامل و از مدیران نزدیک به رییس جمهوری منتخب بوده و در کابینه از جایگاهی شایسته برخوردار باشد.» پنج نفری که از سوی چهار تشکل صنفی فرهنگیان به کمیته آموزش و پرورش رییس جمهوری منتخب معرفی شدند بر اساس اولویت عبارتند از: «محمدعلی نجفی»، «مرتضی حاجی»، «علی اصغر فانی»، «معصومه ابتکار» و «رحیم عبادی»؛ اما پرسش اینجاست که معلمان و فرهنگیان از دولت بعدی چه انتظاری دارند؟ چه برنامه هایی باید با اولویت دنبال شود؟

مهم ترین چالش بازسازی اعتماد است

محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، معتقد است مهم ترین چالشی که دولت روحانی در بخش آموزش و پرورش با آن مواجه است بی اعتمادی است که در هشت سال گذشته بین بخش دولت و فرهنگیان ایجاد شده است. به گفته او به دلیل این بی اعتمادی بسیاری از مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، وزارتخانه و بخشنامه هایی که اداره های کل و نواحی صادر می کنند مورد توجه معلمان واقع نمی شود. او با بیان این که به معلمان در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها بهایی داده نشده است به «بهار» گفت: «در سال های گذشته تشکلهایی که رابط بین معلمان و بخش ستادی آموزش و پرورش بودند به طور کلی کنار زده شدند».

معلمان چهار تشکل اصلی دارند: کانون صنفی معلمان ایران، سازمان معلمان ایران، انجمن اسلامی معلمان و مجمع فرهنگیان. چنان که او می گوید، فعالیت کانون صنفی معلمان ایران با وجود چالش ها در هشت سال گذشته ادامه داشته است. به گفته او این تشکل ها واسطه بین معلمان و مسئولان بودند و تعطیلی آنها موجب افزایش بی اعتمادی معلمان شد؛ برای بازگرداندن این اعتماد نخستین گام انتخاب وزیر مناسب است.

بهشتی همچنین گفت: «در نظرسنجی های انجام شده توسط سایت ها و پیام هایی که از معلمان دریافت کردیم آقای نجفی در صدر است و فاصله ایشان با سایر افرادی که نامزد وزارت آموزش و پرورش هستند زیاد است و از نظر اکثریت معلمان ایشان بهترین انتخاب برای وزارتخانه آموزش و پرورش هستند.» یکی از مشکلات معلمان تصمیمات عجولانه ای است که در سطح وزارتخانه یا از طرف مسئولان ذی ربط آموزش و پرورش گرفته شده است و باعث ایجاد ناامنی بین دانش آموزان، خانواده ها و معلمان می شود؛ از جمله تغییر مکرر نظام آموزشی و مشکلات ناشی از آن. موضوع دیگر بی توجهی به نیازهای معیشتی معلمان است که همواره افزایش حقوق آنها

با تورم سالانه تناسپی ندارد؛ در صورتی که براساس قانون خدمات کشوری حقوق همه کارمندان باید بالاتر از تورم سالانه افزایش یابد، اما الان قدرت خرید همکاران ما را به شدت کاهش یافته است. به گفته بهشتی ایجاد فضای امنیتی در مدارس از دیگر مشکلات معلمان در سال‌های اخیر است. با حذف تشکلهای صنفی و قطع ارتباط آنها با همکاران فرهنگی عملاً سکوتی را به مدارس تحمیل کردند که باعث شده است نشاط از معلمان گرفته شود و فضای نقد و انتقاد مسدود شود. معلمان فاقد روحیه و نشاط هستند. معلمان را آزاد کنند

سال‌های طولانی گذشته اما همچنان آنچه بیشتر معلمان از دولت یازدهم مطالبه می‌کنند، در ارتباط با وضعیت معیشت معلمان و نیز امکان فعالیت صنفی برای آنهاست؛ تشکلهایی که شمار زیادی از آنها در سال‌های گذشته از امکان ادامه فعالیت بازداشته شدند. نهادهای دولتی و نظارتی در هشت سال گذشته برای غیرقانونی جلوه دادن فعالیت صنفی معلمان تلاش فراوانی کرده‌اند، اما معلمان با تاکید بر اصول مصرح در قانون اساسی از جمله اصل ۲۶ و ۲۷ پیگیر حقوق صنفیشان هستند. اولویت اول فرهنگیان همچنان «معیشت معلمان» و دیگری به رسمیت شناختن فعالیت‌های صنفی معلمان است. نبی‌الله باستان، عضو کانون صنفی معلمان ایران، در این باره به «بهار» گفت: «همه مشکلاتی که برای دوستان ما از جمله بنده پیش آمده به این دلیل بوده که مجوز فعالیت تشکلهای صنفی ما از سال ۸۵ باطل شده است و افرادی که از قبل درخواست مجوز کرده بودند مجوزی به نامشان صادر نشد و اصلاً اعتقادی به فعالیت صنفی و مدنی نداشتند.» او ادامه داد: «فعالان صنفی ناظران مسئولان هستند و در این نهادها مشکلات سراسر کشور را جمع‌آوری می‌کردیم، جلسه می‌گذاشتیم و برای حل آن مشکل راهکار پیدا می‌کردیم و با تعامل مسئولان سعی در رفع آن مشکلات داشتیم. خوشبختانه رئیس‌جمهوری منتخب گفته‌اند به نهادها و تشکلهای صنفی اعتقاد دارند و ما امیدواریم فضایی فراهم شود که تشکلهای صنفی معلمان به جایگاه گذشته خود بازگردند.» این آموزگار همچنین گفت: «یکی از مواردی که چندین سال دنبال آن هستیم این است که معلمان زندانی را آزاد کنند. تعدادی از معلمان در زندان هستند و تعدادی هم حکم دارند و برای تعدادی احکامی صادر شده و هنوز اجرا نشده است.»

آموزش‌وپرورش به معلمان بدهکار است مهدی بهلولی، آموزگار و فعال صنفی معلمان، هم در گفت‌وگو با بهار از ضرورت توجه به معیشت معلمان می‌گوید و این‌که دولت یازدهم باید به حال پرداخت معوقات و بدهی‌های دولت به معلمان فکری کند. او در این باره گفت: «معلمان مطالبات اقتصادی از آموزش‌وپرورش دارند، این مطالبات از سال‌های قبل باقیمانده و دولت دهم در شرایطی کار را تحویل می‌دهد که تکلیف این بدهی‌ها مشخص نیست. این موضوع به نگرانی معلمان دامن می‌زند.»

بهلولی با بیان این‌که «یک سال است آموزش‌وپرورش حق بیمه طلایی فرهنگیان را پرداخت نکرده است»، ادامه داد: «از حدود سال ۸۸ که این بیمه طلایی راه‌اندازی شد هر ماه مبلغی از حقوق معلمان کم می‌شد و در ماه‌های بعد حق بیمه معلمان دوباره به حساب آنها واریز می‌شد. الان یک سال است که واریز نشده و در روزهای اخیر بخش نامه‌ای منتشر شده است که نشان می‌دهد آموزش‌وپرورش در همین ماه آخر درکل پرداخت حق بیمه طلایی معلمان (حق‌السهم وزارتخانه) به معلمان را به کلی متوقف کرده است. اگر این اتفاق بیفتد و وزارتخانه سهم خود را نپردازد، در واقع معلمان باید حق بیمه طلایی خود را نسبت به پارسال با افزایش سه‌برابری بپردازند.» چنانکه بهلولی می‌گوید، یک‌سال است حق مدیریت نیروهای اجرایی مدارس مانند مدیران و معاونان پرداخت نشده است. به گفته او اگر این حق مدیریت را برای مدیران و معاونان اجرایی مدارس حدود یک میلیون تومان در نظر بگیریم، با فرض وجود حدود ۱۰۰ هزار مدیر اجرایی دست‌کم یک صد میلیارد تومان از این محل به معلمان بدهکارند و برای بیمه طلایی هم آموزش‌وپرورش حدود ۳۰۰ میلیارد تومان به معلمان بدهکار است. بهلولی درباره این‌که معلمان از دولت بعدی چه می‌خواهند گفت: «مطالبات معلمان در برنامه‌های دو نامزد انتخاباتی

آقایان عارف و روحانی به خوبی بازتاب پیدا کرده بود؛ یکی این که فرهنگیان مثل دیگر اقشار اجتماعی به دنبال جامعه مدنی نیرومند هستند؛ یعنی تشکلهای صنفی، مدنی و آموزشی خودشان را خواستارند که در این دهه گذشته به ویژه نامهربانی‌های بسیاری با تشکلهای صنفی فرهنگیان شده است و به آنها نگاه امنیتی داشتند. افزون بر این که باید نهادها و تشکلهای گذشته بازسازی و احیا شود، امکان فعالیت تشکلهای جدید هم فراهم شود.» او با اشاره به مصاحبه 13 خرداد 92 روحانی با پایگاه خبری آفتاب، ادامه داد: «ایشان در این مصاحبه روی چند مسئله مهم تاکید کردند. نخست این که مسئولان کشوری نارکارآمدی خودشان را می‌خواهند در آموزش و پرورش جبران کنند؛ یعنی این که فکر می‌کنند با هرچه سیاسی‌تر و ایدئولوژیک‌تر کردن نظام آموزش و پرورش می‌توانند ناکارآمدی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در دیگر حوزه‌ها را از این طریق جبران کنند. نکته دیگر این که الان آموزش و پرورش می‌تواند طبقاتی شده است؛ یعنی مجموعه‌ای از مدارس غیرانتفاعی داریم که مبالغ هنگفتی می‌گیرند و آموزشی می‌دهند که نسبت به آموزش مدارس دولتی گاه از کیفیت تئوریک بالاتری برخوردار است و این موجب شده است بسیاری از مردم اعتمادشان را به مدارس دولتی از دست دهند؛ حتی مدارس دولتی هم با انواع روش‌ها پول می‌گیرند. در دو سال گذشته هم سرانه مدارس از سوی آموزش و پرورش واریز نشده است و مدارس از مردم پول می‌گیرند.» این آموزگار و فعال صنفی معلمان در ادامه گفت: «به عنوان معلمان خواستار یک نگاه نو از طرف دولت به آموزش و پرورش هستیم؛ نگاهی که آموزش و پرورش را نظامی مصرفی نداند و به عنوان نظام سرمایه‌ای بلندمدت تلقی کند»

عدم توافق کارگران اعتصابی «توربین شهریار» با مدیریت و ادامه اعتصاب

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در 23 تیر 92 آمده است: با گذشت ۲۵ روز از آغاز اعتصاب کارگران قطعات توربین شهریار مذاکرات نمایندگان کارگران با مدیریت شرکت بی نتیجه ماند و اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پس از گفتگوی بسیار بین نمایندگان کارگران و مدیریت قطعات توربین شهریار طی روزهای اعتصاب، روز چهارشنبه صورتجلسه ای از سوی نمایندگان کارگران طی دو بند به مدیریت شرکت اعلام شد. بر اساس این صورت جلسه اخراج کارگران این شرکت باید متوقف و در صورت تخلف کارگر با نظارت نماینده کارگران صورت گیرد، حقوق تعویقی کارگران پرداخت شود و کلیه قراردادهای سه یا چهار ماهه لغو و با کارگران حداقل قرارداد یکساله امضاء شود. مدیریت شرکت در عین اینکه خواسته‌های کارگران، یعنی پرداخت حقوقهای معوقه و امضای قراردادهای یکساله را پذیرفت اما با شرط کارگران مبنی بر اینکه اخراجها باید متوقف شود و در صورت بروز موارد خاص نیز می‌بایست با نظارت کمیته‌ی انضباطی و اعمال نظر نماینده‌ی کارگران صورت پذیرد مخالفت نموده و گفت اخراج‌ها باید توسط مدیریت انجام شود. در پی عدم توافق مدیریت شرکت با خواسته کارگران اعتصاب کارگران وارد ۲۶ امین روز خود شد.

مسئول کانون شوراهاى اسلامى کار استان همدان: اداره کار فعالیت تشکلات کارگری را به سلیقه کارفرما تنظیم می‌کند

مسئول کانون هماهنگی شوراهاى اسلامى کار استان همدان گفت: مسئولان اداره کار این استان بنا بر صلاحدید کافرمايان، تشکلات کارگری را احداث می‌کنند.

«احمد معبودی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حالی که به موجب قانون کار، فعالیت

نهادهای صنفی کارگری باید منوط به اراده کارگران باشد، در استان همدان کارفرمایان در مورد چگونگی فعالیت صنفی کارگری تصمیم گیری می‌کنند.

وی افزود: براین اساس ماموران و کارشناسان اداره کار نه براساس درخواست کارگران که بر اساس سلیقه و سفارش کارفرمایان برای تشکیل نهادهای صنفی کارگری در محیط‌های کار حضور پیدا می‌کنند.

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان همدان گفت: نتیجه این وضع جایگزین شدن نهادهای مقتدر کارگری با نهادهای ضعیف صنفی کارگری و در نهایت تضعیف تشکلهای صنفی کارگری است.

به گفته معبودی چون در حال حاضر اراده کارفرمایان همدانی بر جایگزین شدن شوراهای اسلامی کار با دو تشکل «انجمن صنفی کارگری» و «نمایندگان کارگری» است از تعداد شوراهای اسلامی کار کاسته شده است.

وی بایان اینکه در گذشته کارگران ۱۹ کارخانه استان دارای شوراهای اسلامی کار بودند، گفت: در حال حاضر این تعداد به حدود ۱۳ شورای اسلامی کار کاهش یافته است.

این مقام کارگری گفت: به عنوان مثال شرکت اتوبوسرانی شهر همدان یکی از واحدهایی است در آن ماموران اداره کار با اراده کارفرما نماینده کارگر را جایگزین شورای اسلامی کار کرده‌اند.

معبودی بایان اینکه مخالف متنوع بودن نهادهای صنفی کارگری نیست گفت: موضوع اصلی این است که کارفرمایان و مسئولان اداره کار آگاهانه درصد تضعیف نهادهای صنفی کارگری هستند. وی گفت: شوراهای اسلامی کار دارای نواقصی هستند اما در مقایسه با دو تشکل دیگر از اختیارات بیشتری برخوردارند.

این مقام کارگری گفت: هرچند طبق قانون کار هیچ منع قانونی در مورد فعالیت انجمنهای صنفی کارگری و نماینده کارگر در کارگاه‌های بالای ۳۵ نفر وجود ندارد اما بر اساس همین قانون تنها کارگاه‌های بالای ۳۵ نفر می‌توانند شورای اسلامی کار داشته باشند.

پایان پیام

۸۲ هزار کارگر فولاد سه ماه است حقوق نگرفته اند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 تیر 92 آمده است: عضو کمیسیون عمران مجلس در تذکری با انتقاد از نحوه عملکرد نظارتی مجلس گفت: کارگران فولاد سه ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی ایلنا، «کمال علی پور خنکداری» در تذکری در صحن علنی مجلس اظهار داشت: جای تاسف است که نمایندگان اولویت‌ها را در نظر نمی‌گیرند و به جای اینکه کارها را بر اساس اولویت بندی انجام دهند دچار روزمرگی شده‌اند.

نماینده مردم سوادکوه در مجلس افزود: این برای ما خیلی بد است که حقوق کارگران فولاد که به بیش از ۸۲ هزار نفر می‌رسند ۳ ماه است که پرداخت نشده در حالی که ما امروز در مورد قانون نظام صنفی که خیلی از موضوعاتش مشخص است صحبت می‌کنیم. به واقع با چه کسی باید به تعویق افتادن حقوق کارکنان فولاد را مطرح کرد تا راه حلی برای آن بیابند.

نماینده مردم سوادکوه در مجلس شورای اسلامی، گفت: مکاتباتی که با رئیس جمهور، معاون اول وی و وزیر اقتصاد و صنعت و معدن انجام شده نیز نتیجه نداده است.

مشاور روحانی: وضع اقتصاد خراب‌تر از آن است که تصور می‌کردیم در همین حال اکبر ترکان، مشاور حسن روحانی می‌گوید که «وضعیت اقتصادی کشور خراب‌تر از تصور قبلی ماست». وی چالش اصلی دولت روحانی را که از مردادماه سر کار می‌آید «تامین کالاهای اساسی» خوانده است.

به گزارش رادیو فردا، اکبر ترکان، معاون سابق وزیر نفت ایران که هم‌اینک وظیفه ارتباط حسن روحانی با دولت احمدی‌نژاد در دوره انتقالی را بر عهده دارد این مطلب را در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه ۲۳ تیر در هفته‌نامه خبری «آسمان» منتشر شد بیان کرد.

وی در این مصاحبه گفته که دولت محمود احمدی‌نژاد به‌جای تامین پول یارانه خانواده‌ها از محل افزایش قیمت سوخت، این پول را از «جاهای غیرقانونی» تامین کرده و هم‌اینک پولی برای دولت روحانی برای پرداخت یارانه‌ها باقی نمانده است. اکبر ترکان در این مصاحبه افزوده است: «در اولین قدم باید بگویم که بودجه سال جاری کشور بودجه‌ای غیر واقعی است، نه درآمدهایش واقعی است و نه مطابق شرایط روز بسته شده است. بودجه ۲۱۰ هزار میلیارد تومانی داده شده است که به نظر من ۸۰ هزار میلیارد تومان از درآمدهایش محقق نمی‌شود.»

وی گفته است: «این تصویر اول از بودجه است. در همین بودجه قرار است یارانه‌های خانوارها به ترتیب سابق داده شود. برای این منظور باید قیمت حامل‌های انرژی طبق تصمیم مجلس ۲۸ درصد اضافه شود. تا الان این تصمیم اجرا نشده است. عدم اجرایش به این معناست که پولی برای پرداخت یارانه‌ها نداریم.»

اکبر ترکان در پاسخ به این پرسش که «دولت تا الان چطور یارانه خانوارها پرداخت کرده است؟» گفت که دولت «از جاهای غیرقانونی درآمدهای موجود ۵۰ درصد پول یارانه‌ها را تامین می‌کند.»

مشاور حسن روحانی افزوده است: «۵۰ درصد دیگر را از محل‌های دیگر برداشته‌اند. قیمت‌ها را هم اصلاح نکرده‌اند که منبعی برای تامین یارانه نقدی ماه‌های آینده باشد.» آقای ترکان در ادامه گفت: «بنابراین اولین چالش آقای دکتر روحانی به محض آغاز به کار این است. برای آنکه بتوانند یارانه خانواده‌ها را بدهند. باید قیمت‌ها را بالا ببرند.» وی با انتقاد از عملکرد دولت کنونی گفت: «به نظر شما این خوب است؟ یعنی کسی به محض نشستن پشت میز باید این را کار را انجام دهد. آن وقت مردم می‌گویند فلانی نیامده دارد قیمت‌ها را گران می‌کند.»

اکبر ترکان، چالش بعدی دولت یازدهم را «تامین کالاهای اساسی کشور» دانسته است که به گفته وی، «طبق برنامه انجام نشده است.»

پیشتر، حسن روحانی در دیدار با مراجع تقلید در قم گفته بود که تیم وی در حال برنامه‌ریزی برای واردات شش میلیون تن گندم از خارج است.

مسئله نوع بودجه‌بندی دولت احمدی‌نژاد و رویکرد این دولت به مقوله یارانه‌ها از مسائل مورد مناقشه این دولت با مجلس نهم نیز بوده است.

احمد توکل‌ی، عضو کمیسیون بودجه مجلس، روز ۲۶ فروردین، در نشست بررسی کلیات بودجه سال ۹۲ کل کشور گفت: بررسی جداول بودجه نشان می‌دهد که کسری بودجه ۳۰ هزار میلیارد تومانی دولت که از سوی دولت احمدی‌نژاد اعلام شده درست نیست و رقم واقعی کسری بودجه ۸۶ هزار میلیارد تومان است.

حسن روحانی، روز ۱۳ تیرماه، با مراجع تقلید در قم دیدار کرده و با انتقاد از وضع اقتصادی کشور گفته بود که «هیچ زمانی به سختی امروز نبوده است. اکثر کارخانه‌ها تعطیل و نیمه‌تعطیل هستند و وضعیت کشاورزی نابسامان است.»

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که محمود احمدی‌نژاد که پیش از این وضعیت اقتصادی کشور را «بسیار خوب» توصیف کرده‌است روز ۱۲ تیرماه در یک گفت‌وگوی تلویزیونی سرمایه‌های صندوق توسعه ملی را «بالای ۵۰ میلیارد دلار»، یعنی حداقل ۱۰ میلیارد دلار بیش از آن چه رئیس بانک مرکزی می‌گوید، اعلام کرد.

عدم تشکیل دادگاه حامد محمودی‌نژاد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 24 تیر ماه 92 آمده است : به گزارش رسیده روز شنبه 92/4/22 «حامد محمودی نژاد» فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی، همراه با وکیل خود در شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب اسلامی سنندج حضور یافت. به دلیل عدم حضور قاضی پرونده در شعبه دادگاه این فعال کارگری تشکیل نشد. وکیل این فعال کارگری خواستار موکول نمودن جلسه‌ی دادگاهی به تاریخ دیگری گردید. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

محاکمه مجدد بهزاد فرج‌اللهی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 24 تیر ماه 92 آمده است : به گزارش رسیده یکشنبه 92/4/23 «بهزاد فرج‌اللهی» فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی به یک سال حبس تعلیقی محکوم شد . در پی محاکمه این فعال کارگری به طور غیابی در تاریخ 12 تیر و اعتراض و درخواست وخواهی از دادگاه، وی طی یک تماس تلفنی به شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج فراخوانده و با حضور در این شعبه باردیگر بدون داشتن وکیل دادگاهی شد. در این جلسه‌ی کوتاه، قاضی پرونده «بهزاد فرج‌اللهی» را به یک سال حبس تعلیقی محکوم و این حکم در همان روز به وی ابلاغ شد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن حکم صادره برای بهزاد فرج‌اللهی، خواهان شکسته شدن این حکم و همچنین آزادی کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

خالد حسینی بار دیگر محاکمه شد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 24 تیر ماه 92 آمده است : خالد حسینی فعال کارگری وعضوکمیته‌ی هماهنگی در روز دوشنبه 24 تیر 92 مجددا مورد محاکمه قرار گرفته و طی دادگاهی نیم ساعته محکوم به یک سال حبس تعزیری گردید. نامبرده در تاریخ 15 تیر در شعبه 1 دادگاه انقلاب سنندج به طور غیابی محکوم به یک سال حبس تعزیری گردیده بود که این حکم مورد اعتراض این فعال کارگری قرار گرفته و خواهان وخواهی و تجدید محاکمه شد. اتهام خالد حسینی عضویت در کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری از طرف قاضی اعلام شد که وی ضمن دفاع از حقانیت و استقلال کمیته‌ی هماهنگی، دفاع از حقوق کارگران را حق بی چون و چرای خود دانست. محاکمه این فعال کارگری به وکالت آقای حمید خلیج انجام گرفت. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن حکم صادره خواهان شکسته شدن این حکم و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

عضو هیات مدیره انجمن صنفی پرستاران استان اصفهان: بیمارستان‌های خصوصی قوانین حمایتی از پرستاران را اجرا نمی‌کنند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 تیر 92 آمده است عضو هیات مدیره انجمن صنفی پرستاران استان اصفهان از عدم اجرای قوانین حمایتی از پرستاران در بیمارستان های خصوصی انتقاد کرد.

«فروغ شفیعی» در این باره به ایلنا گفت: قوانین مطرح شده توسط نظام پرستاری که به تصویب مجلس می‌رسند و وزارتخانه‌های «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» نیز تاییدشان می‌کنند در بیمارستان‌های دولتی اجرا می‌شوند اما در بیمارستان‌های خصوصی به اجرا در نمی‌آیند. وی در ادامه به قوانین ارتقاء بهره‌وری، کاهش ساعت کاری و تعرفه گذاری خدمات پرستاران اشاره کرد که در بیمارستان خصوصی اجرا نشده‌اند.

به گفته‌ی خانم شفیعی، عدم اجرای قوانین حمایتی مجلس از پرستاران در بیمارستان‌های خصوصی، باعث شده است درآمد پرستاران بخش خصوصی که مشمول قانون کار می‌شوند از درآمد پرستاران بخش دولتی، خیلی کمتر باشد.

این فعال صنفی در پایان با انتقاد از عملکرد وزارت کار در نظارت بر اجرای قوانین حمایتی از پرستاران در بیمارستان‌های خصوصی اظهار داشت: شاید اگر در ارزشیابی‌هایی صورت گرفته از بیمارستان‌های بخش خصوصی، اجرای قوانین امتیاز داشته باشد موجب شود این بیمارستان‌ها به اجرای قانون تمکین کنند.

گفتنی است این ارزشیابی‌ها توسط معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام می‌شود.

پایان پیام

نوشته‌ای از بهنام ابراهیم زاده

جای خالی نمایندگان واقعی کارگران در نشست سازمان جهانی کار! نشست بی‌دست‌آورد ای‌ال‌او در ژنو برگزار شد. نمایندگان کارگری کارفرمایی دولتی در این نشست شرکت کردند؛ دولت ایران همواره نماینده‌های دست‌نشانده خود را به این نشست می‌فرستد؛ فرستاده شده‌گان به این نشست نماینده‌گان واقعی کارگران ایران نبوده و نیستند؛ این نشست در راستای اصل سه‌جانبه‌گری و راهی برای حل مشکلات سه‌گروه دولتی کارفرمایی و کارگری همه‌ساله در ژنو برگزار می‌شود فارغ از این دیدگاه که در شرایط کنونی و در عمل اجرایی اصل سه‌جانبه‌گری تا چه حد ممکن و مفید است!! و با نظر داشت این حقیقت که اصولاً دولت‌های موجود دولت‌های سرمایه‌داری و مدافع منافع سرمایه‌هستند و نمی‌توانند چون نهادی بی‌طرف و با حسن نیت بین سرمایه‌داران و کارگران به قضاوت و داوری بنشینند و سه‌جانبه‌گری گفته شده در واقعیت امر به دو گروه کارفرمایی دولتی و خصوصی در مقابل کارگران تغییر ماهیت می‌دهند.

گفتن چند نکته درباره شرکت گروه نمایندگان کارگری دولتی ایران در این اجلاس خالی از لطف نیست.

لازم به ذکر است کسانی که بر صندلی‌های جایگاه نمایندگان کارگری ایران در این نشست‌ها تکیه می‌زنند که به طور مستقیم توسط دولت و نه توسط کارگران و نهادهای کارگریانتخاب شدند.

این نمایندگان برای شرکت در این نشست‌ها گزینش شده بودند و نماینده‌های کارگری شرکت‌کننده در این نشست‌ها نماینده آن دسته از تشکلهای کارگری بودند که مستقل نبوده و به اشکال مختلف وام‌دار تحت نفوذ وزارت کار و دولت هستند و هم در روابط و مناسبات دموکراتیک و دموکراسی درون‌گروهی و خرد جمعی چندان جایگاهی ندارد، در واقع و در عمل و در پروسه

فعالیت‌ها و حرکت‌ها پیش از آنکه منافع و مشکلات کارگران و اعضای این تشکلهای دغدغه‌نمایندگان و برگزیدگان آنها باشد ملاحظات دولتی و بده و بستان‌هایی مد نظر آن‌ها هستند که ارتباطی با منافع موکلان آنها و اعضای این تشکلهای ندارد.

بخش عمده‌ای از مسائل و مشکلات کارگران ایران ریشه در قوانین مناسبات و مشکلات درونی کشور دارد که حل آنها در رسیدن به وضعیت بهتر نیز در گروه متشکل شدن کارگران در تشکلهای مستقل خود و سپس تلاش مبارزه آنها در راستای رفع این مشکلات از طریق تغییر مناسبات نادرست موجود و رفع موانع قانونی و غیر قانونی موجود در این تغییرهاست؛ مقابله نام‌های این سازمان دستاورد مبارزات و حاصل تلاش کارگران در عرصه‌های بین‌المللی در دوره‌های مختلف است و کف مطالبات کارگران در شرایط و مناسبات موجود بیان می‌کند. شرکت نمایندگان واقعی و مستقل کارگری در این نشست‌های سالانه‌ای سازمان جهانی کار ای ال او از این منظر می‌تواند مؤثر باشد؛ اما باید گفت بخش زیادی از مشکلات کنونی کارگران منشاء ریشه در خارج از چهار چوب داخلی را دارند نظیر فشارها و توصیه‌های نهاده‌های بین‌المللی سرمایه‌داران از قبیل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و گردن نهادن دولت‌ها به این فشارها و توصیه‌ها.

در ایران مشکلات دیگری نیز برای کارگران وجود دارد که ناشی از وضع موجود تعزیم‌های مختلف از سوی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری است.

تأثیر این فشار و تعزیم‌ها به طور عمده و در بیشترین حالت مردم عادی و به طور مشخص مزد بگیران جامعه است؛ به طور مشخص در سالهای اخیر هیچگاه نمایندگان واقعی کارگران در این اجلاس‌های سازمان جهانی کار ای ال او حضور نداشته‌اند.

نمایندگان واقعی تشکلهای مستقل و توانمند کارگری اگر حضور می‌یافتند می‌توانستند با ارائه نتایج یک توفیق علمی و

کارشناسی شده اثرات تحریم‌ها را در بخش‌های مختلف صنعت و خدمات بر کارگران و مزد بگیران نشان دهند؛ می‌توانستند به خوبی از وضعیت هزاران کارگر ایرانی گزارش ارائه دهند و توضیح بدهند در کدام بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی و خدمات چه تعداد از بنگاهها در این باره به سرنوشت تعدیل، و انحلال دچار شده‌اند؛ چه تعداد کارگر و شاغل در این باره به طور دائم یا موقت بیکار و بی‌خانمان شده‌اند و کارگران تا چه اندازه امنیت کاری شان رعایت می‌شود؛ سالانه چند کارگر در اثر نبود وسایل ایمنی جان خو را از دست می‌دهند تحریم مواد اولیه ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های مورد استفاده در بخش‌های مختلف صنعت تا چه میزان بر بازدهی کار و ایجاد امنیت شغلی و بیکاری در صنایع بالادستی و پایین دستی مربوطه اثر گذار بوده است. نمایندگان کارگری سرانجام می‌توانستند نشان بدهند سود جویان و فرصت طلبان دنیای سرمایه‌داری در سطوح خرد و کلان با استفاده از فرصت‌های ناشی از تحریم‌ها تا چه حد بر میزان انباشت سود و افزایش سرمایه نقدینگی شان افزوده‌اند؛ در کل می‌توانستند نشان بدهند بخش اعظم فشار و گرانی و تحریم‌ها بر دوش نحیف خود و کارگران و جلوگیری از ایجاد تشکلهای واقعی و مستقل کارگران است

اما فرجام سخن؛

نمایندگان انتصابی اعزام شده به این نشست در بازگشت هیچ گزارشی از عملکرد خود در این سفرها و دستاوردهای آن به اعضای تشکل و دیگر کارگران ارائه نمی‌دهند. سال گذشته از سوی دولت ایران نمایندگانی به این نشست اعزام شدند که حتی به زبان انگلیسی هم مسلط نبودند تنها دستاوردهای سوغات ایرانی بود که با خود برده بودند یا در یکی

از این نشست ها تنها موردی که نمایندگان کانون عالی انجمن منسفی کارگران ایران در اجلاس وقت گرفته و صحبت کرده بودند اعتراض به کار برد واژه خلیج، به جای خلیج فارس بوده است. گویی کارگران ایران در هیچ مورد دیگری مشکل نداشته اند و هم حقوق و مزایا و امکانات آن ها مطابق با موازین بین المللی بوده است و تازه این نمایندگان کارگری نمایندگان دیپلماسی ایران نیز بوده اند.

بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس و فعال کارگری و کودک عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری
بیست و سوم تیر ۱۳۹۲

رئیس کانون انجمن های صنفی کارگران اصفهان: تبعیض بزرگ ترین ظلم دولت به کارگران است

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 تیر 92 آمده است : رئیس کانون انجمن های صنفی کارگران استان اصفهان با اشاره به سبد کالای ماه رمضان کارکنان دولت، از عدم اختصاص کمک های غیر نقدی به کارگران انتقاد کرد و بزرگ ترین ظلم دولت آقای احمدی نژاد به جامعه کارگری را تصمیمات تبعیض آمیزش خواند.

«علی یزدانی» در این باره به ایلنا گفت: دولت دهم با تصمیمات تبعیض آمیز میان کارمندان و کارگران، کارنامه بدی را در بین جامعه کارگری به جای گذاشته و در آخرین اقدامش، کارگران را از سبد کالای ماه رمضان که برای کارمندان تامین شده محروم کرده است.

وی چنین تصمیماتی را نوعی لجبازی با جامعه کارگری دانست و تصریح کرد: کارگران که از ضعیف ترین اقشار جامعه هستند، اشتغالشان ناپایدار است و حداقل ها برای بسیاریشان رعایت نمی شود از سبد کالای ماه رمضان محروم می مانند و برخی در دولت، شعار عدالت سر می دهند. چنین تناقضاتی قابل قبول نیست.

این فعال کارگری افزود: آیا اختصاص سبد کالا به کارکنان دولت، بدان معناست که آن ها روزه می گیرند و کارگران روزه نمی گیرند؟ او در ادامه با اشاره به قانون اساسی که برخورداری همه اقشار از حقوق اجتماعی مساوی را تضمین کرده است گفت: آیا کارگران از منابع عمومی سهمی ندارند که دولت آن را یک طرفه به کارکنانش می بخشد؟

رئیس کانون انجمن های صنفی کارگران استان اصفهان در پایان با انتقاد از عدم افزایش حق مسکن و حق خوار و بار که «اسدالله عباسی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در واکنش به اعتراضات گسترده و هماهنگ کارگران و تشکلهای رسمی و مستقل کارگری، قولش را داده بود بیان کرد: با وجود تاکید آقای احمدی نژاد بر افزایش حق مسکن و حق خوار و بار در روز جهانی کارگر، وزیر کار حتی در جلسه شورای عالی کار که برای این موضوع تشکیل شد حضور پیدا نکرد تا گفته رئیسش را عملی کند.

پایان پیام

پیام تسلیت به مناسبت جان باختن فعال کارگری کاوه خدادادی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 24 تیر ماه 92 آمده است : با نهایت تاسف باخبر شدیم که کاوه خدادادی فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی در شهر بوکان در روز 92/4/22 بر اثر حادثه‌ی دلخراش تصادف در جاده‌ی عجب‌شیر - بناب جان باخت. به این ترتیب کارگران یکی از فعالین دلسوز و کمیته‌ی هماهنگی یک عضو صادق خود را از دست داد. کمیته‌ی هماهنگی جان باختن این عزیز از دست رفته را به خانواده‌ی داغدار، کارگران و فعالین کارگری و مردم دلسوز و زحمت‌کش شهر بوکان تسلیت عرض نموده و خود را در غم آنان شریک می‌داند. بدون شک از دست دادن کاوه خدادادی ضایعه‌ای جبران ناپذیر برای جامعه‌ی کارگری می‌باشد. یاد این فعال کارگری برای همیشه در دل‌هایمان جاودانه خواهد ماند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

پیام تسلیت رضا شهابی به مناسبت درگذشت شهلا فرجاد

برپایه خبررسیده به روزشمار کارگری در 24 تیر 92 آمده است : با خبر شدم خانم شهلا فرجاد مادر دلسوز و پزشک مهربان روزهای دور که با دغدغه‌های انسان دوستانه و ضد جنگ و کمک به پناهندگان افغانی، سوادآموزی، مدرسه‌سازی، کتابخانه‌سازی و کمک به زلزله‌زدگان بم ... تلاش‌های فراوان و به یاد ماندنی انجام داده و در جنبش برابری خواهانه زنان، کمپین یک میلیون امضاء و مادران صلح، شیرزن سینه سوخته و پر تلاش و شجاع بوده، بعد از یک سال مقاومت سرسخت با بیماری سرطان در تاریخ ۱۶ تیر ۹۲ در بیمارستان آتیه چشم از جهان فروبست. من به عنوان یک کارگر و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به خانواده محترم و بازماندگان و دوستان و هم‌زمان این زن بزرگوار و نام‌آشنای و زندانی سیاسی دهه شصت و جامعه کارگری و مدنی و مردم آزادیخواه و شخصیت‌های مردمی و آزاداندیش بخصوص مادران صلح تسلیت عرض می‌کنم. یادش گرامی و راهش پررهرو

رضا شهابی زکریا
۲۳ تیر ۹۲ زندان اوین

يك فعال کارگری: تقدیر مرتضوی از رئیس‌اش جای تعجب ندارد

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 تیر 92 آمده است : يك فعال کارگری با اشاره به بدهی ده‌ها هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی، «سعید مرتضوی» مدیر عامل این سازمان برای تقدیر ویژه از رئیس دولت دهم در سالن سران اجلاس کشورهای اسلامی انتقاد کرد.

«محمد رضا عمادی» در این باره به ایلنا گفت: آقای مرتضوی گماشته‌ی رئیس دولت دهم است و اگر چنین مراسمی را برگزار نمی‌کرد جای تعجب داشت و باید بر او خرده می‌گرفتیم.

به گفته‌ی آقای عمادی، مرتضوی تنها توسط دولت آقای احمدی نژاد امکان داشت به ریاست سازمان تامین اجتماعی برسد زیرا شغل وی، اساساً چیز دیگری است. این فعال کارگری در پایان افزود: مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی با برگزاری مراسم تقدیر از رئیسش، انصاف به خرج داده و این مقدار هم کم است و جا دارد بیشتر از این‌ها قدردانی کند.

گفتنی است بر اساس دعوت‌نامه‌هایی که به تازگی از سوی سازمان تامین اجتماعی میان برخی مقامات صنفی کارگران، کارفرمایان و بازنشستگان توزیع شده، قرار است در تاریخ ۲۵ تیرماه، مراسم بزرگداشتی از سوی مدیران ارشد سازمان برای تجلیل از محمود احمدی‌نژاد رئیس دولت‌های نهم و دهم در سالن اجلاس سران برگزار شود.

در حالی که عملکرد سازمان تامین اجتماعی نشان می‌دهد طلب ۳۴ هزار میلیارد تومانی اش از دولت پرداخت نشده که این موضوع به کاهش خدمات درمان مستقیم، ترویج بیمه تکمیلی و همچنین تاخیر در پرداخت مطالبات بازنشستگان منجر شده برگزاری مراسم تقدیر از رئیس این دولت، تعجب ناظران را برانگیخته است.

پایان پیام

دو کولبر کرد دیگر توسط نیروهای انتظامی مورد هدف قرار گرفتند

برپایه خبر دریافتی در تاریخ ۲۴ تیر ۹۲ آمده است: ادامه کشتار سیستماتیک شهروندان مرزنشین کرد (کولبران) به بهانه مبارزه با قاچاق کالا، دو کولبر کرد توسط نیروهای انتظامی مورد هدف قرار گرفتند

به گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی - در ادامه کشتار سیستماتیک شهروندان مرزنشین کرد (کولبران) به بهانه مبارزه با قاچاق کالا، دو شهروند دیگر کرد امروز یکشنبه در حوالی مرز سردشت مورد اصابت گلوله نیروهای انتظامی قرار گرفتند.

بنا به این گزارش "امروز یکشنبه در حوالی مرز " سردشت، نیروهای انتظامی به سوی تعدادی از شهروندان مرزنشین کرد تیراندازی می‌کنند که بر اثر اصابت گلوله دو شهروند کرد که هویت یکی از آنها قوربان شیخی اعلام شده است جان خود را از دست می‌دهد و یکی دیگر از فامیل‌های وی به نام شورش شیخی به شدت زخمی میشود.

لازم به ذکر است که سالانه دهها شهروند مرزنشین کرد که به دلیل فقر و بیکاری در مناطق صفر مرزی غرب کشور مجبورند جهت امرار معاش خویش کالاهای خارجی از جمله پارچه، چای، لوازم آرایش و صوت و تصویری را با کول خود حمل کرده و در میان مین‌های به جای مانده از جنگ هشت ساله به داخل شهرهای مرزی منتقل کنند

به بهانه مبارزه با قاچاق کالا توسط نیروهای انتظامی مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند.

خبر تکمیلی

کشته و زخمی شدن دو کولبر در سردشت

به گزارش کردپا، در تاریخ ۲۴ تیر ماه ۹۲ آمده است: دو کولبر دیگر کرد ساکن یکی از روستاهای شهرستان سردشت قربانی شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران شدند.

بنا به همین گزارش، روز یکشنبه بیست و سوم تیرماه، یک کولبر دیگر کرد به نام "قربان شیخی"، ۲۸ ساله، فرزند "رحمان" با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران، جان خود را از دست داد.

یکی از افراد نزدیک به خانواده‌ی "شیخی" گفت: "دوستان قربان پس از زخمی شدنش تلاش کرده‌اند او را نجات دهند، اما وی مجدداً با شلیک این نیروها مواجه شده و پس از اثبات چندین گلوله در نهایت جان خود را از دست می‌دهد".

از دیگر سو، در نتیجه‌ی شلیک نیروهای نظامی در همین رویداد، برادر دیگر این کولبر کُرد به نام "شورش شیخی"، ۲۳ ساله نیز به شدت زخمی شده است. این دو کولبر کُرد، برادر و ساکن روستای "گلوان" از توابع شهرستان سردشت بودند که جهت امرار معاش به کار پرخطر کولبری روی آورده‌اند، که در مکانی به نام "دولی زرگنه"، پشت روستای "دولبی" در کمین نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران گرفتار شدند. تا لحظه‌ی انتشار این خبر، جسد "قربان" به خانواده‌اش تحویل داده نشده است و همزمان "شورش" برادر زخمی وی نیز در بازداشت نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران می‌باشد. بیست و چهارم تیرماه 1392

کارگران ذوب آهن کردستان تجمعات اعتراضی خود را به مقابل بیت رهبری کشاندند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 24 تیر 92 آمده است: 250 کارگر ذوب آهن کردستان که از کارشان اخراج شده اند در ادامه تجمعات اعتراضی خود، از ساعات اولیه صبح امروز با عزیمت به تهران در مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاستور دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال این تجمع اعتراضی 5 نفر از نماینده های کارگران به داخل محل دفتر بیت رهبری دعوت شدند و در آنجا مسئولین این دفتر با عکاسی از چهرهای این نماینده ها به آنان اعلام کردند بساطتان را از اینجا جمع کنید و بروید، ما اینجا کاری برای شما نمیتوانیم انجام بدهیم، بروید جلو مجلس شورای اسلامی و... بدنبال این وضعیت نماینده های کارگران این مسئله را با همکاران خود در میان گذاشتند اما تا لحظه دریافت این خبر (12/30 ظهر) کارگران تجمع کننده حاضر به ترک محل مقابل دفتر بیت رهبری نشده اند. 250 کارگر ذوب آهن کردستان که از 18 تیر ماه جاری از کار خود اخراج شده اند طی روزهای 1 و 9 و 21 تیر ماه بترتیب در مقابل اداره کار و فرمانداری قروه و سپس در مقابل استانداری کردستان و دفتر نماینده ولی فقیه در شهر سنندج دست به تجمع زده و خواهان دریافت مطالبات معوقه خود و بازگشت بکار شده اند اما همه این نهادها به کارگران ذوب آهن کردستان اعلام کرده اند شما نمیتوانید بر سر کارهایتان برگردید و باید به بیمه بیکاری وصل بشوید. کارگران اخراجی ذوب آهن کردستان از 10 تا 20 سال سابقه کار دارند و به دلیل شرایط سخت و زیان آور کارشان اغلب دچار لطمات شدیدی از ناحیه کمر، شنوایی و ریه هایشان شده اند و تلاشهای آنان در طی سالهای گذشته برای اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور در این کارخانه نتیجه ای در بر نداشته است. کارگران ذوب آهن کردستان در شرایطی از روز 18 تیر ماه از کار خود اخراج شده اند که از اول سالجاری تاکنون هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند و کارفرما در ابلاغیه خود تاریخ اخراج آنان را 31 خرداد قید کرده است. این درحالی است که همه این کارگران تا روز 18 تیر ماه بر سر کارهایشان بوده اند. همچنین این کارگران سنوات و بخشی از بن کارگری سال 91 خود را نیز دریافت نکرده اند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران معترض ذوب آهن کردستان قصد دارند در صورتیکه امروز جواب درستی به آنان داده نشود همچنان در تهران باقی بمانند و طی روزهای آینده در مقابل مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای مسئول دست به تجمع اعتراضی بزنند. این کارگران با توجه به سابقه بالای کار و نقص جسمانی که در نتیجه کار در ذوب آهن کردستان به آن مبتلا شده اند حاضر به وصل شدن به بیمه بیکاری نیستند و مصرانه خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود میباشند.

کارگران ذوب آهن کردستان فردا مقابل مجلس تجمع می‌کنند

به گزارش رادیوبین المللی فرانسه، در تاریخ 24 تیر ماه 92 آمده است: به دنبال عدم پاسخگویی به کارگران اخراج شده فولاد زاگرس در خیابان پاستور، قرار است این کارگران، فردا مقابل مجلس مطالبات خود را پیگیری کنند. این درحالی است که تجمع امروز این کارگران در خیابان پاستور و مقابل دفتر بیت رهبری بی نتیجه و بدون پاسخ روشن مانده است. بنا به همین گزارش، جعفر عظیم زاده، عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران گفت: به دلیل بی نتیجه ماندن تجمع امروز در خیابان پاستور، قرار است کارگران معترض فردا، سهشنبه بیست و پنجم تیرماه مقابل مجلس شورای اسلامی در خیابان بهارستان جمع شوند. وی گفت: "کارگران اخراج شده کارخانه فولاد زاگرس که مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاستور تجمع کرده بودند، نه تنها جوابی نگرفتند بلکه از نماینده های آنها هم عکس گرفته شد و صراحتاً به آنها گفتند که بساطتان را جمع کنید. اینجا به کار شما رسیدگی نمی شود." وی با تاکید بر امنیتی بودن فضای حاکم بر تجمع امروز در ادامه افزود: "کارگران فردا مقابل مجلس خواهند رفت و در صورتی که پاسخی نگیرند، در نهادهای دیگر به دنبال حل مشکل خود خواهند بود.

مرگ کارگروان بدنال ریزش دیوار یک ساختمان قدیمی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ 24 تیرماه 92 آمده است: سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از مرگ کارگری جوان در عصر امروز، بدنال ریزش دیوار یک ساختمان قدیمی در حال تخریب در خیابان دیباجی شمالی، خیابان نوریان، خبر داد. سید جلال ملکی، در تشریح جزئیات این حادثه مرگبار گفت: آتش نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند که کارگران مشغول تخریب این ساختمان دوطبقه بودند که ناگهان یکی از دیوارهای این ساختمان که از نوع بتونی دو تکه بود، روی یکی از کارگران افتاده است. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به عملیات آتش نشانان برای خروج این کارگر از زیر آوار گفت: آتش نشانان با تجهیزات مربوطه اقدام به خروج این کارگر 21 ساله افغان و تحویل وی به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه کردند که آنان پس از بررسی علائم حیاتی، مرگ وی را تایید کردند.

مرگ ۲۶۵ تن در حوادث کار

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در دوشنبه 24 تیر 92 آمده است: در دو ماهه اول امسال ۲۶۵ تن در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند، این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد فوتیها ۲۷۲ تن بود، ۰.۶ درصد کاهش یافت.

بنا به گزارش ایسنا، در دو ماهه نخست امسال ۲۶۳ مرد و دو زن در حوادث کار جان باخته اند که در این میان سقوط از بلندی با ۱۲۷ فوتی بیشترین تعداد متوفیات حوادث ناشی از کار را در برمی گیرد.

پس از سقوط از بلندی، برخورد جسم سخت با ۶۱ فوتی و برق گرفتگی با ۲۵ فوتی در رتبه های بعدی دلایل مرگ بر اثر حوادث ناشی از کار قرار دارند.

در این مدت استان های تهران با ۴۸ فوتی، خراسان رضوی با ۲۵ فوتی و کرمانشاه با ۱۷ فوتی بیشترین تعداد تلفات حوادث ناشی از کار را داشته اند که این آمار در هر یک از استانها در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ترتیب ۰.۳، ۱۴، ۰.۳ و ۵۶.۷ درصد افزایش داشته است.

همچنین استان‌های خراسان جنوبی با یک فوتی و اردبیل، خراسان شمالی، زنجان و سمنان هر کدام با دو فوتی کمترین مرگ بر اثر حوادث ناشی از کار را در فروردین و اردیبهشت ماه امسال داشته‌اند. استان ایلام در این مدت هیچ مرگی بر اثر حوادث کار نداشته است.

از کل فوت‌شدگان حوادث ناشی از کار در دو ماهه اول امسال تنها دو زن بودند که به دلیل برق‌گرفتگی در استان‌های مازندران و همدان جان خود را از دست داده‌اند.

کاهش آمار فوت‌شدگان حوادث ناشی از کار در دو ماهه ابتدای سال در حالی صورت می‌گیرد که در سال گذشته با افزایش این آمار در کشور مواجه بودیم. به نحوی که بر اساس آمارهای موجود در سال گذشته ۱۷۹۵ تن در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده بودند که این رقم در مقایسه با سال قبل از آنکه تعداد فوتی‌های حوادث کار ۱۵۰۷ تن بود، ۱۹.۱ درصد بیشتر بود. همچنین از کل تلفات حوادث ناشی از کار در سال گذشته ۱۷۷۰ مرد و ۲۵ زن بودند.

وضعیت جسمی رضا شهابی مجدداً وخیم شده است

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است: محمود صالحی، فعال کارگری و سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی در ایران، در گفتگو با کمیته گزارشگران حقوق بشر، ضمن اعلام این خبر افزود: آقای رضا شهابی از زمان بازگشتش از مرخصی همچنان در وضعیت بد جسمی بوده و از درد شدید گردن، دیسک کمر و فشار خون رنج می‌برد، با این همه هنوز توسط پزشک متخصص مورد معاینه و درمان قرار نگرفته و بارها خود ایشان و خانواده اش درخواست اعزام به بیمارستان را داشته که هنوز مورد موافقت قرار نگرفته و تنها در بهداری اوین مورد درمان سرپایی و تجویز داروهای مسکن قرار گرفته است.

صالحی در پاسخ به پرسشی درباره نوع داروهایی که در بهداری اوین برای این فعال کارگری تجویز شده است توضیح داد: در بهداری همه زندان‌های ایران معمولاً تنها پزشکان عمومی مشغول به کار هستند و چون اکثر مراجعین زندانیان عادی هستند، می‌خواهند زندانی را پشت سر بگذارند و بدون رعایت تفکیک زندانیان عادی از سیاسی و در بسیاری از اوقات بدون پرسش تنها داروهای خواب آور و مسکن‌های پر عوارض را تجویز کرده و به علت اینکه پزشک عمومی هستند امکان تجویز داروهای تخصصی را ندارند.

این فعال کارگری زندانی سیاسی سابق درخواست کرد که آقای شهابی مورد معاینه و درمان پزشکان متخصص قرار بگیرد و مانند گذشته به بیمارستان‌های غیر تخصصی منتقل نشود. سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی در ایران، در پاسخ به گزارشگر کمیته در مورد از سرگیری اعتصاب غذا تاکید کرد: ما از آقای شهابی درخواست کردیم که دوباره دست به اعتصاب غذا نزنند، البته ما نمی‌توانیم برای زندانی تصمیم بگیریم چون آزاد هستیم و این زندانی است که از نزدیک شرایط را لمس کرده، سختی‌ها را تحمل می‌کند و با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند. وی در پایان ضمن ابراز نگرانی در مورد وضعیت ایشان افزود، امیدواریم تا پایان دوره محکومیت آقای شهابی پرونده سازی جدیدی برای ایشان انجام نشود و مانند محاکمه مجدد او به بهانه غیبت از مرخصی مجدداً مورد محاکمه قرار نگیرد تا سرانجام بتواند با پایان دوره محکومیت خود در اول فروردین سال آینده از زندان آزاد شده و درمان خود را از سر بگیرد.

ماجرای گل فروش تیزهوش پایتخت، کارگر مرغ‌فروشی و کارگر فضای سبز شهرداری!

به نوشته روزنامه همشهری در تاریخ 25 تیر ماه 92 آمده است: وقتی پسر گل‌فروش در محاصره مردان خشن گرفتار شد، کارگر مرغ‌فروشی و کارگر فضای سبز شهرداری به کمک او شتافتند اما هر سه نفر آنها با ضربات چاقوی مردان خشن مجروح شدند.

حدود ساعت 19 بعدازظهر پنجشنبه گذشته در تقاطع خیابان‌های سهروردی و شهید بهشتی تهران حادثه‌ای رخ داد که در جریان آن پسری گلفروش به همراه کارگر مغازه مرغفروشی و کارگر فضای سبز شهرداری هدف حمله خونین 3مرد قمه به‌دست قرار گرفتند و به‌شدت مجروح شدند. ماجرا از این قرار بود که مردان قمه به‌دست به‌دلیل اینکه تصور می‌کردند پسر گلفروش به آنها چپ‌چپ نگاه کرده است، وی را به باد کتک گرفتند.

در این هنگام کارگر مرغفروشی و کارگر فضای سبز شهرداری به کمک پسر گلفروش شناختند اما مردان خشن آنها را نیز با ضربات چاقو و قمه مجروح کردند. پسر گلفروش که بعد از این حادثه چند روزی در بیمارستان بستری بود، در تشریح ماجرا می‌گوید: پدرم وضعیت مالی خوبی ندارد و من مجبور بودم علاوه بر تحصیل، برای اینکه کمک‌خرج خانواده باشم در خیابان گلفروشی کنم. او ادامه می‌دهد: روز حادثه، درحالی‌که دسته گلی در بغل داشتم از مقابل مغازه‌ای در خیابان سهروردی که 3جوان مقابل آن نشسته بودند، گذشتم. یکی از آنها ناگهان از جایش بلند شد و گفت که چرا به آنها چپ‌چپ نگاه کردم. من هم گفتم که به کسی نگاه نکردم اما او با لگد به جانم افتاد و مرا زد. در آن لحظه، گل‌ها را به گوشه‌ای پرت کردم تا بتوانم از دست آنها فرار کنم اما آنها دنبالم دویدند و مرا محاصره کردند. در آن حوالی یک مغازه مرغفروشی بود که کارگر جوانی در آن کار می‌کرد.

او سرباز بود و مرخصی چندروزه‌اش را صرف کار کردن در مرغفروشی کرده بود تا بتواند پولی درآورد. وی با دیدن این صحنه، به کمک من آمد و علاوه بر او، کارگر شهرداری که مشغول آبیاری فضای سبز بود نیز کارش را رها کرد تا مرا از دست مردان خشن نجات دهد. او می‌افزاید: مردان جوان، وقتی دیدند تنها نیستم، چاقو و قمه از جیبشان بیرون کشیدند و به جان ما افتادند.

آنها من و باغبان شهرداری را از ناحیه دست مجروح کردند اما ضربه‌ای که به کارگر مرغفروشی زدند، چیزی نمانده بود که جانش را بگیرد. تیغه چاقوی آنها کمی پایین‌تر از قلب کارگر جوان فرو رفت و وقتی مردم در محل جمع شدند، مردان خشن خودروی خود را در آنجا رها کردند و پا به فرار گذاشتند. پسر گلفروش که از دانش‌آموزان تیزهوش پایتخت به شمار می‌رود، می‌گوید: پس از فرار آنها، من و 2مجروح دیگر به بیمارستان منتقل شدیم.

کارگر مرغفروشی به آکسی‌یو انتقال یافت و درحالی‌که چند روز در کما بود، خوشبختانه به هوش آمد و با کمک پزشکان از خطر مرگ حتمی نجات یافت. کارگر فضای سبز شهرداری هم خانه‌نشین شده است؛ چرا که پزشکان گفته‌اند باید دستش عمل شود اما او هزینه عمل بیمارستان را ندارد و به همین دلیل در خانه بستری شده تا شاید دستش بهتر شود. من هم پس از پانسمان زخم‌هایم از بیمارستان مرخص شدم و در حال حاضر پیگیر کارهای شکایت از مهاجمان هستم.

براساس این گزارش، حمله خونین مردان خشن در حالی صورت می‌گیرد که به گفته یکی از ساکنان محل، در این منطقه کوچه‌ای وجود دارد که پاتوق افراد خلافکار است و هر چند روز یکبار، درگیری خشنی در آنجا رخ می‌دهد. در حال حاضر، پرونده حمله مردان خشن به پسر گلفروش و کارگر مرغفروشی و کارگر فضای سبز شهرداری در پلیس آگاهی تحت رسیدگی است اما هنوز ردی از مهاجمان به‌دست نیامده است.

کارگری در میان ستون‌های هزاران کیلویی، له شد

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 تیر 92 آمده است: کارگری در قسمت بار تریلر، میان ستون‌های چند هزار کیلوگرمی ساختمانی له شد.

به گزارش ایلنا، در این حادثه که در شهرک راه‌آهن تهران رخ داد، یک تریلر حامل ستون‌های چند تنی مربوط به یک پروژه ساختمانی در حال دوزدن در خیابان بود که به علت جابجا شدن ستون‌ها در قسمت بار این تریلی، کارگری که در این قسمت بود، در میان ستون‌ها محبوس شد.

بر اساس این گزارش، عوامل آتش‌نشانی همزمان با ایمن‌سازی محل، عملیات خود برای نجات این کارگر ۳۵ ساله ایرانی را آغاز کرده و پس از خروج، وی را به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند و تکنیسین‌های اورژانس پس از بررسی علائم حیاتی، مرگ این کارگر را تأیید کردند.

پایان پیام

کارگران فولاد زاگرس در دومین روز حضورشان در تهران دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 25 تیر ماه 92 آمده است: : بدنبال تجمع دیروز کارگران ذوب آهن کردستان(فولاد زاگرس) در مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاستور و بی توجهی مسئولین این دفتر به خواسته‌های کارگران، آنان تا بعد از ظهر دیروز در مقابل این دفتر به تجمع خود ادامه دادند تا اینکه مسئولین دفتر مذکور بناچار با تنظیم نامه ای خطاب به جلالی نظری از مسئولین وزرات کار رسیدگی ویژه و فوری به خواسته‌های کارگران فولاد زاگرس را به وزارت کار تاکید نمودند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان تجمع دیروز خود در مقابل دفتر بیت رهبری از آنجا که رسیدگی عملی به خواست هایشان صورت نگرفته بود شب را در تهران سپری کردند و از ساعات اولیه صبح امروز دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند.

بنا بر این گزارش تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت 12/30 ظهر) این کارگران همچنان در مقابل مجلس شورای اسلامی حضور دارند و نماینده های آنان در حال مذاکره با مسئولین مجلس شورای اسلامی می باشند.

کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و از 18 تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده اند این کارگران اعلام کرده اند تا کسب نتیجه از اعتراض خود همچنان در تهران باقی خواهند ماند و چنانچه به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود به تجمعات خود در مقابل نهادهای مسئول دولتی در تهران ادامه خواهند داد. کارگران اخراجی فولاد زاگرس خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود هستند.

کارگران معترض فولاد زاگرس دیشب را در بهشت زهرا صبح کردند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 تیر 92 آمده است: یکی از کارگران ذوب آهن فولاد زاگرس حاضر در تجمع امروز مقابل مجلس، گفت: شب گذشته اولین شبی بود که کارگران فولاد زاگرس به دور از خانوادهاى خود برای پی‌گیری خواسته‌های صنفی‌شان به تهران آمده بودند و از آنجا که هیچ نهادی از ما حمایت نمی‌کند، ناچار شدیم با هدایت ماموران برای گذراندن شب به بهشت‌زهرا برویم.

او افزود: ما که طی این دو روز به سختی توانسته‌ایم بدور از هر امکاناتی به تجمع خود ادامه دهیم همچنان مصمم‌ایم تا زمان دریافت پاسخ قانع کننده‌ای که نشان دهنده حل مشکلاتمان باشد در تهران حضور یابیم.

این کارگرافاضافه کرد: با وجود آنکه سه ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌ایم هر کارگر به سهم خود حدود ۱۵۰ هزار تومان برای این سفر هزینه کرده است که طبیعتاً کفاف اقامت را نمی‌دهد. او ادامه داد: خانواده‌هایمان هم به امید شنیدن خبری خوش، همه سختی‌ها و کمبودها را در شهرستان قروه تحمل می‌کنند و ما چاره‌ای نداریم جز اینکه تا گرفتن پاسخ قانع کننده‌ای از مسئولان به تجمع خود ادامه دهیم

دولت بابت سقوط استاندارهای زندگی، به کارگران بدهکار است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ سه شنبه 25 تیر 92 آمده است: به گفته یک فعال مستقل کارگری مهم‌ترین وظیفه وزیر کار دولت یازدهم افزایش دستمزد کارگران بر اساس واقعیت‌های اقتصادی جامعه است.

«پروین محمدی» با بیان این مطلب گفت: اقداماتی که در هشت سال گذشته در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی رخ داد در حد فاجعه بود و باعث شد تا انتظارات و خواسته‌های کارگران به توقع و طلب وصول نشده تغییر کند.

وی با بیان اینکه کارگران اکنون از تمامی مسئولان دولت فعلی و بعدی بابت سقوط استاندارهای آموزشی، بهداشتی، تغذیه‌ای و رفاهی خانواده‌های خود طلبکار هستند؛ گفت: در شرایط کنونی دولت باید بصورت فوری قدرت خرید کارگران را ترمیم و به روز رسانی کند.

وی با بیان اینکه کارگران به دلیل فجایعی که به سرشان آمده است توانایی صبر و تحمل را ندارند، گفت: اکنون توقع صبر از کارگران به منزله سوءاستفاده بیشتر از نیروی انسانی در قالب افزایش بیشتر کودکان کار و اجحاف در حق کارگران زن است.

این فعال صنفی کارگری با بیان اینکه دغدغه امروز کارگران دیگر اختلاف ۶ درصدی مزد مصوب با نرخ تورم و یا افزایش ۱۰ هزار تومان حقوق مسکن و خواروبار نیست، گفت: مطالبه امروز کارگران جبران سه دهه عقب افتادگی قدرت خرید آنهاست.

وی یادآور شد: تنها بخشی از این طلب مربوط به ثابت ماندن مزد کارگران در طول هشت سال زمان جنگ تحمیلی است.

محمدی یادآور شد: بسیاری از کارگرانی که در آن سال‌ها در کارخانه‌ها بی‌وقفه کار کردند اکنون برای دریافت مطالبات مزدی و حتی بازنشسته شدن با مشکل روبرو هستند.

این فعال کارگری با بیان اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از وزارتخانه‌های پر مسئولیت جامعه است، گفت: وزیر کار باید بتواند قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی را به درستی اجرا کند.

دبیرخانه کارگر تبریز هشدار داد: تهدید و اخراج نمایندگان کارگری جهت توقف پی‌گیری مطالبات صنفی

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ سه شنبه 25 تیر 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز نسبت به برخورد با نمایندگان کارگران واحدهای تولیدی صنعتی استان آذربایجان شرقی هشدار داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کریم صادق‌زاده با اشاره به اقدامات اخیر برخی از کارفرمایان در قبال نمایندگان کارگران اظهار داشت: بنا بر گزارش‌های رسیده در برخی از واحدهای تولیدی، کارفرمایان با روش‌هایی در پی تحت فشار قرار دادن نمایندگان کارگران و منصرف ساختن آنان در پی‌گیری این مطالبات هستند.

وی با تأکید بر اینکه مطابق قانون همکاری و نظارت بر امور رفاهی کارگران، پیگیری و مراقبت در جهت حسن اجرای مقررات قانون کار، استیفای حقوق قانونی کارگران، پیگیری در جهت ایجاد و تشکیل کمیته انضباطی، پرهیز از تنبیهات خودسرانه کارگران از جمله وظایف نمایندگان کارگران به شمار می‌رود؛ افزود: پیگیری مطالبات کارگران مطابق قانون به هیچ عنوان نباید موجب اخراج، کسر حقوق و اضافه کاری و ایجاد شرایط سخت کاری برای نمایندگان کارگران شود.

صادق‌زاده با تأکید بر اینکه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی به ویژه معاونت

روابط کار نباید اجازه سوء استفاده کارفرمایان را در این راستا بدهد و باید جلوی خواسته‌های نامعقول کارفرمایان در قبال کارگران و نمایندگان‌شان گرفته شود گفت: کاهش و حذف ساعات اضافه کاری، در اختیار کارگزینی قرار دادن، تهدید به اخراج، کسر حق جذب، حق پست و حق فوق العاده شغلی نمایندگان کارگران و عدم رعایت قانون کار در قبال نمایندگان کارگران از جمله اقداماتی است که اخیراً توسط برخی کارفرمایان از جمله مدیرعامل شرکت کشت و صنعت و دامپروری آذرنگین به دلیل کم توجهی مسئولین اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی در حال وقوع است.

دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز اجرای کامل قانون کار را حداقل خواسته کارگران عنوان کرد و گفت: در شرایط سخت اقتصادی فعلی مطالبات کارگران تنها از راه اجرای قانون کار محقق می‌شود و نباید فرصت داد تا این حداقل‌ها هم از جامعه کارگری گرفته شود بلکه باید با تفاهم میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان راهکارهای اصولی برای برون رفت از مشکلات و رفع موانع کاری ارایه و عملیاتی شود.

صادق‌زاده با تأکید بر گسترش تشکلهای قانونی کارگران گفت: در شرایطی که قانون از توسعه تشکلهای کارگران حمایت می‌کند شاهد هستیم در بین ۱۲ هزار واحد تولیدی صنعتی استان آذربایجان شرقی تعداد این تشکلهای در قالب نمایندگان کارگران، انجمن‌های صنفی کارگری درون کارگاهی و برون کارگاهی، شوراهای اسلامی کار از رشد قابل توجهی روبرو نیست. وی گفت: در این شرایط که باید بستر برای توسعه تشکلهای کارگری فراهم شود شاهد هستیم نه تنها به انحاء مختلف انگیزه کارگران برای حضور در این تشکلهای کم‌رنگ‌تر می‌شود بلکه روندی آغاز شده که نمایندگان فعلی کارگران هم از ادامه مسئولیت خود سرباز زنند، چرا که اگر نمایندگان کارگران به وظایف قانونی خود عمل می‌کردند حداقل‌های قانونی کارگران تحقق پیدا می‌کرد.

صادق‌زاده در پایان ابراز امیدواری کرد مجمع نمایندگان کارگران، کانون‌ها انجمن‌های صنفی کارگران و شوراهای اسلامی کار استان آذربایجان شرقی با هشیاری بیشتری نسبت به این مسایل در عرصه دفاع از حقوق کارگران حضور داشته باشند.

پایان پیام

در سازمان تامین اجتماعی چه می‌گذرد؟!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 25 تیر ماه 92 آمده است : سازمان تامین اجتماعی با شرکتهای زیر مجموعه ای که دارد به گفته کارشناسان یکی از سرمایه دار ترین سازمانهای کشور محسوب می شود اما با این وجود بدلیل مدیریت بی ثبات و تغییرهای پی در پی افراد در آن طی سالهای اخیر با مشکلات فراوانی روبرو بوده بطوریکه 32 میلیون نفر جامعه هدف آن که بازنشسته و قشر کارگر هستند از رفاه نسبی و حقوق کافی برخوردار نبوده اند.

سازمان تامین اجتماعی یک سازمان اجتماعی - اقتصادی بزرگ مقیاس ملی است و کارکردهای آن بر کیفیت زندگی قریب به چهل میلیون نفر تاثیر و تاثرات شگرفی دارد و نقطه اتکاء و خانه "امید" مولدترین و زحمتکش ترین اقشار جامعه محسوب شده و شرکای اجتماعی بویژه مستمری بگیران و بیمه شدگان (کارگران و کارکنان مشمول قوانین کار و تامین اجتماعی) آینده خویش را در گرو "تدبیر" این سازمان خدمات رسانی اجتماعی می بینند و در یک کلام سازمان تامین اجتماعی را میتوان نماد و نمود "تدبیر و امید" ذینفعان اصلی آن و جزیره ثبات و مایه آرامش خاطر و مایه امید به آینده آنان دانست .

استخدام بیش از هشت هزار نفر نیروهای دارای تحصیلات و تجربه پایین و غیر مرتبط، تصویب و ابلاغ قوانین و مصوبات مغایر با اصول و قواعد و محاسبات بیمه ای، انحلال و ادغام ساختارها و موسسات علمی و پژوهشی و فرهنگی بین بخشی و فرابخشی ، رهاشدن بخشهای مختلف

سازمان بدون برنامه و بدون نظارت موثر، استفاده ابزاری از سازمان و توان مدیریتی و کارشناسی و تشکل های کارگری و کارفرمایی و مستمری بگیر برای مقاصد سیاسی، شخصی و انتخاباتی، تخلفات گسترده و تعدد پروژه های نیمه تمام و بی ثمر در حوزه های مختلف و ... تنها گوشه ای از نشانه های بی ثباتی و نگاه سیاسی به مدیریت سازمان است که کارشناسان بر آن تاکید دارند.

بدیهی است هرگونه تزلزل و بی ثباتی در سازمانی که طیف وسیع و گسترده دامنه داری از خدمات اجتماعی را در دایره زمانی قبل از مرگ تا پس از مرگ بیمه شده به او ارائه می کند، می تواند دل میلیون ها نفر را بلرزاند و آنها را نسبت به آینده خود نگران سازد و از سویی دیگر سازمان تامین اجتماعی اگر چه یک سازمان خدمات رسان اجتماعی است ولی بایستی بر پایه اصول، قواعد و محاسبات بیمه ای و بطور اقتصادی اداره شود و ارکان عالی آن بایستی از چنان ثبات جایگاهی برخوردار باشند که بتوانند برنامه ریزی و آینده نگری کنند و نیز در مقابل اقدامات و تصمیمات خود پاسخگو باشند و بتوان از آنان حسابرسی و حساب کشی بعمل آورد.

یک فعال مستقل کارگری: دولت بابت سقوط استاندارهای زندگی، به کارگران بدهکار است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ سه شنبه 25 تیر 92 آمده است: به گفته یک فعال مستقل کارگری مهم ترین وظیفه وزیر کار دولت یازدهم افزایش دستمزد کارگران بر اساس واقعیت های اقتصادی جامعه است.

«پروین محمدی» با بیان این مطلب به ایلنا گفت: اقداماتی که در هشت سال گذشته در حوزه های اقتصادی و اجتماعی رخ داد در حد فاجعه بود و باعث شد تا انتظارات و خواسته های کارگران به توقع و طلب وصول نشده تغییر کند.

وی با بیان اینکه کارگران اکنون از تمامی مسئولان دولت فعلی و بعدی بابت سقوط استاندارهای آموزشی، بهداشتی، تغذیه ای و رفاهی خانواده های خود طلبکار هستند؛ گفت: در شرایط کنونی دولت باید بصورت فوری قدرت خرید کارگران را ترمیم و به روز رسانی کند.

وی باینکه کارگران به دلیل فجایعی که به سرشان آمده است توانایی صبر و تحمل را ندارند، گفت: اکنون توقع صبر از کارگران به منزله سوءاستفاده بیشتر از نیروی انسانی در قالب افزایش بیشتر کودکان کار و اجحاف در حق کارگران زن است.

این فعال صنفی کارگری باینکه دغدغه امروز کارگران دیگر اختلاف ۶ درصدی مزد مصوب با نرخ تورم و یا افزایش ۱۰ هزار تومان حقوق مسکن و خواروبار نیست، گفت: مطالبه امروز کارگران جبران سه دهه عقب افتادگی قدرت خرید آنهاست.

وی یادآور شد: تنها بخشی از این طلب مربوط به ثابت ماندن مزد کارگران در طول هشت سال زمان جنگ تحمیلی است.

محمدی یادآور شد: بسیاری از کارگرانی که در آن سالها در کارخانه ها بی وقفه کار کردند اکنون برای دریافت مطالبات مزدی و حتی بازنشسته شدن با مشکل روبرو هستند.

این فعال کارگری با بیان اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از وزارتخانه های پر مسئولیت جامعه است، گفت: وزیر کار باید بتواند قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی را به درستی اجرا کند.

پایان پیام

مرگ کارگرجوان بین ستون های ساختمانی

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 25 تیر ماه 92 آمده است: کارگرجوانی در یک دستگاه تریلر هنگام حمل ستون های ساختمانی، در شهرک راه آهن، انتهای بلوار امیر کبیر، جانس را از دست داد.

بر اساس این گزارش، به گفته شاهدان حادثه، یک دستگاه تریلر حامل بار ستون های پیش ساخته در مسیر اعلام شده در حال حرکت بود و یک کارگر 35 ساله ایرانی نیز در قسمت عقب تریلر به صورت نایمن بر روی ستون ها نشسته بود.

در این حادثه، حرکت ناگهانی و جابجایی تریلر باعث برهم خوردن تعادل این خودروی سنگین شده و منجر به گیر کردن کارگر از ناحیه سر و قفسه سینه در بین ستون های غول پیکر ساختمانی شده بود.

در این عملیات آتش نشانان به سرعت وارد عمل شدند و با بکارگیری تجهیزات امداد و نجات ایمن سازی های لازم را انجام داده و پس از یک تلاش بی وقفه توانستند کارگر را بیرون بکشند که متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده کارگر جوان جان خود را به تائید امدادگران اورژانس از دست داد.

کارگران فولاد زاگرس در دومین روز حضورشان در تهران دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند

بدنبال تجمع دیروز کارگران ذوب آهن کردستان (فولاد زاگرس) در مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاستور و بی توجهی مسئولین این دفتر به خواسته های کارگران، آنان تا بعد از ظهر دیروز در مقابل این دفتر به تجمع خود ادامه دادند تا اینکه مسئولین دفتر مذکور بناچار با تنظیم نامه ای خطاب به جلالی نظری از مسئولین وزرات کار رسیدگی ویژه و فوری به خواسته های کارگران فولاد زاگرس را به وزارت کار تاکید نمودند.

بنا بر گزارش های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان تجمع دیروز خود در مقابل دفتر بیت رهبری از آنجا که رسیدگی عملی به خواست هایشان صورت نگرفته بود شب را در تهران سپری کردند و از ساعات اولیه صبح امروز دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند.

بنا بر این گزارش تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت ۲۰/۱۲ ظهر) این کارگران همچنان در مقابل مجلس شورای اسلامی حضور دارند و نماینده های آنان در حال مذاکره با مسئولین مجلس شورای اسلامی می باشند.

کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و از ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده اند این کارگران اعلام کرده اند تا کسب نتیجه از اعتراض خود همچنان در تهران باقی خواهند ماند و چنانچه به خواسته هایشان رسیدگی نشود به تجمعات خود در مقابل نهادهای مسئول دولتی در تهران ادامه خواهند داد. کارگران اخراجی فولاد زاگرس خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود هستند.

در تجمع مقابل مجلس ارائه شد: نامه ۸ بندی کارگران فولاد زاگرس به رئیس قوه مقننه

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ سه شنبه 25 تیر 92 آمده است: نمایندگان کارگران کارخانه فولاد زاگرس در نامه ای ۸ بندی به علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، خواسته های صنفی خود را طرح کردند.

به گزارش ایلنا، در تجمع امروز کارگران اخراجی ذوب آهن فولاد زاگرس در مقابل ساختمان مجلس، این کارگران در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه مقننه از بی‌توجهی مسئولان استانی و سوءمدیریت کارخانه انتقاد کردند.

در این نامه که به امضای ۱۷۰ نفر از مجموع ۲۳۵ کارگر اخراجی رسیده است، ضمن اشاره به سوءمدیریت کارخانه، آمده است: علی‌رغم هشدارهایی که کارگران طی چندین تجمع به مسئولان داده بودند، اما مسئولان حوزه کار و تامین اجتماعی در پی گیری مطالبات صنفی کارگران موفق نبوده‌اند و به همین دلیل خواستار رسیدگی شما هستیم.

همچنین کارگران فولاد زاگرس در نامه خود به علی لاریجانی، از عملکرد برخی مسئولان استانی در شنیدن مشکلات کارگران گله‌مند بوده و آورده‌اند: برخی مسئولان [...] شهرستان قروه به مشکلات مردم بخصوص کارگران توجه‌ای نشان نمی‌دهند و حتی حوصله شنیدن درد مردم را ندارند و وقتی کارگران فولاد زاگرس برای پی گیری چرایی تعطیلی کارخانه و بیکاری خود به دفاتر این مسئولان مراجعه می‌کنند هیچ اهمیتی نمی‌دهند.

کارگران امضاء کنندگان این «دست‌نوشته»، خواستار بازگشت به کار خود شده و معوقات حقوقی سه ماهه گذشته‌شان را مطالبه کرده‌اند.

همچنین در بخش انتهایی نامه کارگران به رئیس قوه مقننه، درج سوابق سختی کار در پرونده بیمه تامین اجتماعی کارگران، دریافت مابه‌التفاوت سختی کار، بررسی پرونده‌های پزشکی کارگران با توجه به اینکه تعداد قابل توجه‌ای از کارگران به سبب سختی کار دچار عوارض ناشنوایی و دیسک کمر شده‌اند، و در نهایت استمرار بیمه درمانی آنان که از اول اردیبهشت ماه فاقد اعتبار شده است از دیگر خواسته‌های کارگران عنوان شده است.

پایان پیام

سقوط کارگر از ساختمان ناتمام

به گزارش روزنامه خراسان، در تاریخ 25 تیر ماه 92 آمده است: روز گذشته کارگر میان‌سالی از طبقه دوم ساختمان ناتمام به درون چاله آسانسور سقوط کرد و مصدوم شد. مدیر حوزه یک آتش نشانی مشهد افزود: در پی اعلام این حادثه بلافاصله ماموران امداد و نجات ایستگاه ۲۵ به محل حادثه در بلوار پیروزی مشهد شتافتند. مهدی رضایی افزود: ماموران کارگر مصدوم را که از ناحیه چند عضو دچار شکستگی شده بود با استفاده از وسایل امدادی به سطح منتقل و برای اعزام به مرکز درمانی در اختیار ماموران اورژانس حاضر در محل قرار دادند.

کارگران معترض فولاد زاگرس دیشب را در بهشت زهرا و امروز در برابر مجلس اجتماع اعتراضی کردند

به نقل از خبرگزاری دولتی ایلنا؛ سه شنبه 25 تیر 92 آمده است: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که از کردستان به تهران آمده‌اند در حالی وارد دومین روز شد که کارگران شب گذشته را در محوطه بهشت زهرا، نزدیک حرم خمینی به صبح رساندند.

یکی از کارگران ذوب آهن فولاد زاگرس حاضر در تجمع امروز مقابل مجلس، به ایلنا گفت: شب گذشته اولین شبی بود که کارگران فولاد زاگرس به دور از خانواده‌های خود برای پی‌گیری خواسته‌های صنفی‌شان به تهران آمده بودند و از آنجا که هیچ نهادی از ما حمایت نمی‌کند، ناچار

شدیم با هدایت ماموران برای گذراندن شب به بهشت‌زهرای برویم. او افزود: ما که طی این دو روز به سختی توانسته‌ایم بدور از هر امکاناتی به تجمع خود ادامه دهیم همچنان مصمم‌ایم تا زمان دریافت پاسخ قانع‌کننده‌ای که نشان‌دهنده حل مشکلاتمان باشد در تهران حضور یابیم.

این کارگر اضافه کرد: با وجود آنکه سه ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌ایم هر کارگر به سهم خود حدود ۱۵۰ هزار تومان برای این سفر هزینه کرده است که طبیعتاً کفاف اقامت را نمی‌دهد. او ادامه داد: خانواده‌هایمان هم به امید شنیدن خبری خوش، همه سختی‌ها و کمبودها را در شهرستان قروه تحمل می‌کنند و ما چاره‌ای نداریم جز اینکه تا گرفتن پاسخ قانع‌کننده‌ای از مسئولان به تجمع خود ادامه دهیم.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگران در تاریخ ۱۸ تیرماه، به دلیل اخراج تعداد ۲۳۵ نفر از کارگر موقت کارخانه فولاد زاگرس از سوی کارفرما «ناتوانی مالی و زیان‌ده بودن تولید» ذکر می‌شد در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان تجمع کرده بودند در تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس مقابل ساختمان مجلس، محمد بیاتیان عضو کمیسیون صنایع و معادن و حامد قادرمهرزی نماینده شهرستان قروه نیز حضور پیدا کردند و کارگران پس از مشورت، دو تن از نمایندگان خود را به همراه آنان به داخل ساختمان مجلس فرستادند تا مذاکرات در فضای آرام‌تری پی‌گیری شود.

گفتنی است کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس واقع در شهرستان قروه در استان کردستان، علاوه بر درخواست دریافت سه ماه از معوقات حقوقی خود، خواستار احیاء و بازگشایی کارخانه فولاد زاگرس هستند کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان استانی به مطالبات صنفی‌شان از دیروز به تهران آمده‌اند، صبح امروز (سه‌شنبه) در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

کارگران فولاد زاگرس مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند

بر نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در ۲۵ تیر ۹۲ آمده است: بدنبال تجمع دیروز کارگران ذوب آهن کردستان (فولاد زاگرس) در مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاستور و بی‌توجهی مسئولین این دفتر به خواسته‌های کارگران، آنان تا بعد از ظهر دیروز در مقابل این دفتر به تجمع خود ادامه دادند تا اینکه مسئولین دفتر مذکور بناچار با تنظیم نامه‌ای خطاب به جلالی نظری از مسئولین وزارت کار رسیدگی ویژه و فوری به خواسته‌های کارگران فولاد زاگرس را به وزارت کار تاکید نمودند.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان تجمع دیروز خود در مقابل دفتر بیت رهبری از آنجا که رسیدگی عملی به خواسته‌هایشان صورت نگرفته بود شب را در تهران سپری کردند و از ساعات اولیه صبح امروز دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند.

بنا بر این گزارش تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت ۱۲/۳۰ ظهر) این کارگران همچنان در مقابل مجلس شورای اسلامی حضور دارند و نماینده‌های آنان در حال مذاکره با مسئولین مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند و از ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده‌اند این کارگران اعلام کرده‌اند تا کسب نتیجه از اعتراض خود همچنان در تهران باقی خواهند ماند و چنانچه به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود به تجمعات خود در مقابل نهادهای مسئول دولتی در تهران ادامه خواهند داد. کارگران اخراجی فولاد زاگرس خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود هستند.

بیانیه نهادهای همبستگی : پیرامون سرکوبگری های اخیر علیه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی

برپایه اعلامیه رسیده آمده است : هنوز مدت زمانی از قتل **ستار بهشتی** کارگر جوان و وبلاگ نویس نمی گذرد ، که اینبار از زندان رجایی شهر کرج خبر قتل دلخراش **افشین اسانلو**، کارگر زندانی و زندانی سیاسی پخش می گردد. اخبار هولناک دیگری مبنی بر جلوگیری از رساندن دارو به زندانیان سیاسی، عدم اجازه بستری شدن زندانیان بیمار، فشار و تعرض روزافزون به فعالین کارگری و زندانیان سیاسی، پرونده سازی سیستماتیک علیه فعالین کارگری با هدف به بند کشیدن آنها، محاکمات غیابی فعالین کارگری و محکوم نمودن آنها به زندان به گوش می رسد.

«کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری»، از محاکمه غیابی ۳ تن از فعالین کارگری به نام های **بهزاد فرج اللهی، وفا فادری و خالد حسینی** در روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۵ تیرماه ۱۳۹۲ خبر داده است. آنان به اتهام تبلیغ علیه نظام هر کدام به یک سال حبس محکوم شده اند. در عین حال **حامد محمودی** نژاد، دیگر فعال کارگری در روز ۱۷ تیرماه ۱۳۹۲ به دادگاه انقلاب اسلامی سنندج احضار شده و **غالب حسینی** نیز در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۹۲ در همین دادگاه محاکمه شده است. همچنین « کمیته هماهنگی ... » طی اطلاعیه از دستگیری ویی اطلاعی **هیوا غریبی** کارگر شرکت گاز سنندج که علیرغم مراجعه افراد خانواده اش به ستاد خبری و دادگستری سنندج هنوز خبری از او در دست نیست، خبر داده اند.

شاهرخ زمانی فعال کارگری دربند، که حکم ۱۱ سال زندان گرفته است ، پیگیرانه و سرسختانه درسیاه چال های جمهوری اسلامی نیز از حقوق کارگران دفاع می کند و به تازگی در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۹۲ نامه سرگشاده ای خطاب به روحانی (رئیس جمهور جدید رژیم اسلامی)، دادستان تهران و رئیس زندان رجایی شهر نوشته، (در این نامه شاهرخ زمانی ضمن بیان شرایط دهشتناک زندان ها، به ۱۶ مورد مشخص در مورد نقض قوانین مصوبه خود رژیم نیز در زندان ها اشاره نموده است)، با تهدید مقامات زندان رو به رو شده است.

«کمیته حمایت از شاهرخ زمانی» خبر می دهد که؛ روز چهارشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۲ در زندان گوهردشت، پرونده دیگری علیه **شاهرخ**، فعال کارگری ساخته و او را تهدید کرده اند که در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۲ ماه در دادگاه مستقر در زندان وی را محاکمه خواهند کرد. این در حالی است که شاهرخ برای دریافت داروهای خود که خانواده اش تهیه کرده و به زندان تحویل داده بودند، مراجعه می کند، ولی با برخورد توهین آمیز زندان بان رو به رو می شود و داروهایش را به او تحویل نمی دهند.

در همین راستا، **محمد جراحی** یکی دیگر از کارگران زندانی و عضو «کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری» که دچار بیماری سرطان است و پس از یک عمل جراحی در دوره نقاهت به سر می برد، برای معالجه خود با کارشکنی مقامات قوه قضائیه رو به رو است. طبق تجویز پزشکان معالج **محمد جراحی**، او باید دوره ۱۰ روزه قرنطینه خود را در محیط بیمارستان بگذراند، اما با مخالفت مقامات زندان رو به روست و ناچار است، این دوره را در فضای غیر بهداشتی زندان طی کند. مخالفت زندانبانان با تجویز پزشکان، به معنای تقلای آنها جهت قتل عمد این کارگر زندانی است.

همچنین «کمیته دفاع از رضا شهابی» و «کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده» طی اطلاعیه های گوناگون، نگرانی های خود را درباره وضعیت دشواری های **رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده** و مداوای آنان اعلام داشته اند.

در زندانهای جمهوری اسلامی، کلیه زندانیان سیاسی با انتقام جوئی مقامات زندان رو به رویند. چنان که زندانی سیاسی **زانیار مرادی** که هم اکنون در زندان رحایی شهر محبوس است، در وضعیت فوق العاده وخیمی به سر می برد. او بر اثر شکنجه های شدید، می بایستی تحت عمل جراحی قرار گیرد، اما با ممانعت زندانبانان رو به روست. این زندانی سیاسی توسط ماموران وزارت اطلاعات تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفته است. از جمله این شکنجه ها، درازکش کردن او بر روی تخت به شکل صلیب و زدن ضربه روی زانوها، کمر، بیضه ها و سایر نقاط حساس بدن او بوده است. در اثر این ضربات زانوها، کمر و بیضه های وی دچار آسیب های جدی شده اند و علیرغم گذشت چند ماه از شکنجه، هنوز هم از درمان او خودداری می کنند.

فشارهای طاقت فرسا به زندانیان سیاسی، عدم اجازه مرخصی درمانی، تهدیدهای پیوسته مقامات امنیتی و اطلاعاتی و احضار و بازجویی کارگران و فعالین سیاسی، محاکمه غیابی و صدور احکام ظالمانه برای آنان، نشان گر تداوم بیدادگری ها و نهادینه بودن سرکوبگری در این نظام ضد بشری و ضد کارگری است. استمرار بی عدالتی ها و اقدامات اخیر نشان می دهد که این رژیم ضد کارگری در مقابل همه دگراندیشان و به ویژه مدافعان برابری و جنبش مستقل کارگری روش دیگری به جز سرکوب نمی شناسد.

فعالان نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، ضمن محکوم نمودن این بیدادگری های حساب شده و سیستماتیک، و ابراز انزجار نسبت به بی حقوقی زندانیان، از مبارزات آگاهانه کارگران

کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که از کردستان به تهران آمده اند و در برابر مجلس برای دریافت حقوق های معوقه خویش، و بازگرداندن کارگران اخراجی این کارخانه، تجمع اعتراضی را سازمان داده اند، پشتیبانی می نمایم. از همگان دعوت می کند تا برای آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران در بند و زندانیان سیاسی متحد شده و فعالانه در کمپین ها و کارزارهای آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شرکت کنند.

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

سه شنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۲ برابر با ۱۶ جولای ۲۰۱۳

چرا کارگران فولاد زاگرس اعتراض شان را به تهران آوردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 26 تیر 92 آمده است: سه شنبه 18 تیرماه سال جاری، 235 کارگر کارخانه «ذوب آهن فولاد زاگرس» واقع در استان کردستان به دلیل آنچه از سوی کارفرما «ناتوانی مالی و زیان‌ده بودن تولید» عنوان شده بود اخراج شدند و پس از برگزاری دو تجمع در استان کردستان سرانجام به دلیل آنچه «بی‌توجهی مسئولان استانی به مطالبات کارگران» خوانده شد، تهران آمدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران اخراجی فولاد زاگرس در روزهای 19 و 20 تیرماه در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان تجمع کرده بودند و دوشنبه 24 تیرماه راهی تهران شدند و با تجمع در خیابان پاستور که محل استقرار تعدادی از نهادهای دولتی و حکومتی است، خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند و روز بعد در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

کارفرمای این کارخانه رقم بدهی‌اش را 90 میلیارد تومان ذکر می‌کند و این واحد تولیدی را ورشکسته می‌داند، از همین رو به کارگران گفته است تا آمدن سرمایه گذار جدید از بخش خصوصی، تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گیرند.

در همین رابطه، نماینده کارگران اخراجی فولاد زاگرس با اشاره به 3 ماه حقوق معوقه کارگران این کارخانه در سال 92، می‌گوید: روز 18 تیرماه سال جاری، کارخانه را تعطیل کردند و بازگشایی‌اش تا آمدن سرمایه گذار خصوصی امکان پذیر نیست چرا که این کارخانه برای سود دهی باید خط تولیدش را از چدن به فولاد تغییر دهد.

این کارگر ادامه می‌دهد: با توجه به اینکه بسیاری از کارگران این کارخانه مشمول بازنشستگی پیش از موعد، تحت قانون مشاغل سخت و زیان آورند اما کارفرما با کوتاهی در پرداخت سهم 4 درصدی‌اش به سازمان تامین اجتماعی، مانع بازنشستگی کارگران شده است.

این کارگر اخراجی فولاد زاگرس مدعی شده است: کارفرما در بیشتر مواقع با ما قرار داد کار امضاء نمی‌کند و اگر هم قرار دادی بین ما و کارفرما رد و بدل شود، زمانش یک تا سه ماهه و آنهم بصورت یکطرفه است، به طوریکه بعد از گذشت یک ماه از موعد قرار داد قبلی از ما خواسته می‌شود قرار داد سه ماهه گذشته را امضاء کنیم که برای ما هیچ ارزش حقوقی ندارد و کارفرما هرگاه اداره کرد می‌تواند عذر ما را بخواهد.

او در ادامه با اشاره به اعتراضاتی که کارگران این کارخانه در روزهای اخیر در مقابل نهادهای دولتی و حکومتی انجام داده‌اند تصریح می‌کند: تعطیلی کارخانه را تا ماه رمضان کش دادند بلکه از تحسن و اعتراض کارگران جلوگیری کنند.

حقوق معوقه کارگران به ما ربطی ندارد

«محمد رضا امامی» پیمانکار سابق کارخانه فولاد زاگرس به ایلنا می‌گوید: شرکت «خوان گل» بیش از 6 سال پیمانکار کارخانه فولاد زاگرس بود که در ابتدای سال جاری به کارش خاتمه داد بنابراین 3 ماه حقوق معوقه سال جاری کارگران ربطی به پیمانکاری ندارد.

به گفته وی، کلیه حقوق و عیدی پرسنل تا پایان سال 91 پرداخت شده اما سنوات و بن کارگری‌شان باقی مانده است.

امامی تصریح می کند: کارخانه فولاد زاگرس از شهریور ماه سال ۹۱ برای انجام تعمیرات به صورت غیر رسمی تعطیل است که پولی برای انجام آن وجود نداشت و چون پرسنل از ابتدای سال جاری کاملاً بیکار بودند و در کارخانه صرفاً حضور فیزیکی داشتند اعضای هیات مدیره به این نتیجه رسیدند که پرسنل به مدت ۶ الی ۷ ماه حقوقشان را از بیمه بیکاری دریافت کنند تا کارخانه با کمک بخش خصوصی مجدداً راه اندازی شود و تا حدی که من می‌دانم قول داده شده است اولین کسانی که به کار بازگردند کارگران سابق کارخانه باشند.

سو استفاده مدیران قبلی کارخانه از معاون اول رئیس دولت

«ابراهیم ملا بیگی» مدیر عامل شرکت فولاد زاگرس از ضرر متوالی ۵ الی ۱۵ میلیارد تومانی این کارخانه در ۱۰ سال اخیر خبر می دهد.

وی در گفتگو با خبرنگار ایلنا با اشاره به بدهی ۹۰ میلیون تومانی کارخانه‌اش بیان می کند: سرمایه اولیه کارخانه ۴ میلیارد تومان بوده است. قانون تجارت می‌گوید اگر شرکتی ۱+۵۰ درصد زیان انباشته داشته باشد ورشکسته می‌شود. کارخانه فولاد زاگرس ۶۰ میلیارد تومان زیان انباشته دارد که بیش از ۱۰ برابر سرمایه اولیه‌اش است.

این مقام کارفرمایی که ۲ ماه است به سمت مدیر عاملی کارخانه فولاد زاگرس منصوب شده می‌افزاید: ظرفیت تولید این کارخانه ۷۰ هزار تن چدن در سال است که جز در ۲ سال اول همیشه نصف این مقدار تولید شده و به دلیل آنکه صنایع بالا دستی و پایین دستی تولیدات این کارخانه در منطقه ایجاد نشده و تنها به تولید صنایع میانی (چدن) که قیمت تمام شده مواد اولیه از قیمت فروشش بیشتر است پرداخته‌اند کارخانه در طی ۱۰ سال گذشته به صورت متوالی ضرر داده است.

ملا بیگی با اشاره به سو استفاده مدیران قبلی کارخانه فولاد زاگرس از آقای رحیمی معاون اول رئیس دولت می گوید: در طول این سال‌ها این کارخانه با توصیه معاون اول دولت و نامه نگاری‌های ایشان با وزارت صنعت، معدن و تجارت اجباراً به فعالیت خود ادامه داده است.

این مقام کارفرمایی در پایان تصریح می کند: تصمیم گرفته شده است کارخانه برای نجات از این شرایط به بخش خصوصی واگذار شود که ظرف یکی دو هفته آینده قراردادش منعقد می‌شود و یکی دو هفته بعد از آن، بخش خصوصی موظف است همه معوقات کارگران را پرداخت کند و در نهایت با راه اندازی مجدد کارخانه، کارگران سابق را به سر کارشان باز گرداند.

پایان پیام

درد دل یکی از همکاران نیروگاهی در نیروگاه دماوند تا دستیابی به مطالبات مان اتحاد و همبستگی را حفظ کنیم

بر پایه خبردریافتی آمده است : حدود یک ماه است (۲۸ روز) کارگران شرکت قطعات توربین شهریار در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود در اعتصاب به سر می برند؛ در شرایطی که کارگران و خانواده های آنان در حالت بیم و امید به سر می برند اما همچنان متحدانه پیگیر مطالبات خود هستند؛ قابل ذکر است خانواده های کارگران اخراجی نیز در همراهی با همسران شان جلو درب شرکت تجمع داشتند .

روز چهارشنبه گذشته صورتجلسه ای با دو بند از سوی کارگران به رویت مدیریت شرکت می رسد. مدیریت با قطع اخراج ها، بستن قراردادهای یکساله و پرداخت حقوق های معوقه موافقت

می کند اما با شرط دیگر کارگران که در بند اول آمده بود که در صورت اخراج هر کارگری، به هر دلیلی حتی مثلن شرارت، بایستی با آگاهی کمیته انتظامی که نماینده کارگران در آن حضور دارد انجام گیرد مخالفت کرده بود؛ از این رو از امضای صورتجلسه سر باز زد. بعد از آن روز مطلبی به نقل از مدیر عامل در روزنامه صبح امروز چاپ می شود که ایشان گفته اند کارگران به خاطر اعتیاد اخراج شده اند. کارگران از این موضوع عصبانی می شوند که چرا مورد اتهام و دروغ پردازی قرار گرفته اند. در مقابل اعتراض کارگران مدیر عامل مصاحبه را انکار می کند. کارگران با روزنامه مذکور تماس می گیرند؛ در جواب کارگران گفته می شود نوار صوتی این مصاحبه در دفتر روزنامه موجود است. در خبری دیگر گفته می شود شرکت مدیریت پروژه های نیروگاهی ایران (مینا) و شرکت های وابسته به آن قرار است ده میلیارد تومان به شرکت قطعات توربین شهریار بدهند. روز سه شنبه بعد از ظهر- دیروز - شایعه ای بدین مضمون بالا می گیرد که مدیریت گفته با کلیه کارگران شرکت قرارداد یکساله (تا پایان سال ۹۲) بسته می شود و حقوق های معوقه پرداخت می شود؛ شایعه چنان بالا گرفته بود که کارگران فکر می کردند تا آخر وقت اداری نوبت شان برای بستن قرارداد یکساله فرا می رسد؛ اما بالاخره ساعت کاری به پایان رسید و خبری از امضای قرارداد نشد. همچنین گفته می شود مدیرعامل که در اهواز به سر می برد به حسابداری دستور داده به مناسبت ماه رمضان به هر یک از کارگران پنجاه هزار تومان پرداخت شود . امروز چهارشنبه- ۲۶ تیر ماه ۹۲ - گفته می شد هدف مدیرعاملی از اتهام زنی به کارگران آن هم در یک روزنامه رسمی کشور ، ایجاد تزلزل میان آنها بوده است تا به اتحاد و همبستگی شان که رمز پیروزی بوده خدشه وارد کند. همچنین امروز نیز برخی خوشبین هستند که امضای قراردادها به انجام می رسد .

هدف مدیر عامل از اتهام زنی و دروغ پردازی هر چه بوده باشد از جمله ضربه زدن به اتحاد کارگران و ایجاد تفرقه میان آنها، ما کارگران به تجربه دریافته ایم که تنها راهی که می تواند مطالبات مان را عملی کند اتحاد و ایستادگی است هم چنان که تاکنون ادامه داده ایم. بسیاری از هم طبقه ای های ما که از راه فروش نیروی کار شان، هم چون ما، زندگی می کنند ماه ها ایستادگی کردند تا خواست و مطالبات شان جامه عمل بپوشد. هم چنان که سال ها ست برای تامین امنیت شغلی مان مبارزه می کنیم از تجربه خود و دیگر هم طبقه ای های مان درس بگیریم و راه نفوذ هر گونه تفرقه و تزلزل را ببندیم.

چهارشنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۹۲

در دومین روز از تجمع کارگران اخراجی مقابل این نهاد رخ داد: جلوگیری از ورود نمایندگان کارگران اخراجی فولاد زاگرس به داخل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 26 تیر 92 آمده است : در سومین روز حضور کارگران اخراجی فولاد زاگرس در تهران، صبح امروز ۱۸۰ نفر از این کارگران برای پیگیری مطالبات صنفیشان بار دیگر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و شعارهای اعتراضی سر دادند اما بر خلاف دیروز، از ورود نمایندگان کارگران که خواستار مذاکره با وکلای مجلس بودند به داخل ساختمان پارلمان جلوگیری شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگران که دوشنبه و سه شنبه هفته جاری (۲۴ و ۲۵ تیر ماه) به ترتیب در خیابان پاستور تهران و مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده بودند پیش از این در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه نیز در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان دست به اعتراض زده بودند.

نماینده کارگران اخراجی فولاد زاگرس با اشاره به صحبت‌های امیدوار کننده روز گذشته «احمد قادرمربی» نماینده مردم قروه (محل استقرار کارخانه) در مجلس شورای اسلامی، گفت: اما امروز لحن آقای سلیمانی متفاوت بود و از کارگران خواست تا تجمع مقابل مجلس را خاتمه دهند.

نماینده کارگران تاکید کرد: کارگران قصد تجمع در هیچ مکانی غیر از مجلس را ندارند.

اخبار تکمیلی ارسال خواهند شد.

پایان پیام

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام: کارفرمایان ماهشهر حق سختی کار را به تامین اجتماعی نمی‌پردازند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 26 تیر 92 آمده است: رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام گفت: منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر به تازگی مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور شده است و پیمانکاران نیروی انسانی باید حق سختی کار کارگران را پرداخت کنند.

«منوچهر یار احمدی» با اعلام این مطلب به ایلنا اظهار داشت: کارگرانی که مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور می‌شوند می‌توانند بعد از 20 سال کار متوالی، بازنشسته شوند اما سازمان تامین اجتماعی می‌گوید حق بیمه 4 درصدی سختی کار کارگری که با یک پیمانکار، 15 سال کار کرده و در این 15 سال هیچگونه حق سختی کاری به سازمان پرداخت نشده است و پیمانکار سابقش نیز دیگر فعالیتی ندارد توسط چه کسی پرداخت می‌شود؟

به گفته آقای یار احمدی، تا زمانی که این 4 درصد پرداخت نشود کارگر را بازنشسته نمی‌کنند و کارگر مجبور می‌شود برای بازنشسته کردن خود، 4 الی 5 میلیون از جیبش هزینه کند.

این فعال کارگری در پایان با اشاره به شکایت کارگران از این مساله به دیوان عدالت اداری بیان کرد: دیوان حکم داده است در این موارد، شرکت کارفرما باید حق بیمه کارگران را پرداخت کند اما حکم دیوان هنوز اجرایی نشده است.

گفتنی است بیمه شدگانی که حداقل 20 سال سابقه کار متوالی یا بیست و پنج سال سابقه کار متناوب و پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور را داشته باشند بدون شرط سنی می‌توانند از سازمان تامین اجتماعی در خواست بازنشستگی کنند.

کارفرما مکلف است پس از احراز شرایط بازنشستگی بیمه شده شاغل، معادل چهار درصد میزان حقوق بیمه شده نسبت به سنوات اشتغال او در مشاغل سخت و زیان آور که توسط سازمان تامین اجتماعی محاسبه و مطالبه می‌شود را به طور یکجا به سازمان یاد شده پرداخت کند.

پایان پیام

کارگران فولاد زاگرس همچنان در مقابل مجلس شورای اسلامی هستند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 26 تیر ماه 92 آمده است: کارگران فولاد زاگرس که از صبح روز 24 تیر ماه در مقابل دفتر بیت رهبری و از صبح دیروز در مقابل مجلس

شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زده بودند از صبح امروز بار دیگر تجمع خود در مقابل مجلس شورای اسلامی را از سر گرفتند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنال تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی که توام با سر دادن شعارهایی از سوی آنان بود نماینده های این کارگران با مسئولین مجلس بار دیگر وارد مذاکره شدند و قرار بر این شد تا مسئله آنان در روز یکشنبه آینده با حضور 8 نفر از نماینده های کارگران در کمیسیون اصل نود مورد رسیدگی قرار گیرد.

بنا بر این گزارش بدنال این توافق نماینده های کارگران مسئله را با همکاران خود در میان گذاشتند اما کارگران حاضر به پایان دادن به تجمع خود نشدند و بازگشت خود به شهرستان قروه را منوط به تنظیم صورتجلسه کتبی این توافق و اولتیماتومی مبنی بر ادامه تجمعات شان در صورت عدم رسیدگی به خواست شان در کمیسیون اصل نود کردند. 250 کارگر اخراجی فولاد زاگرس خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود هستند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت 14/20 ظهر) تجمع کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی همچنان ادامه دارد و نماینده های آنان در تلاشند تا توافق امروز و اولتیماتوم کارگران بصورت کتبی صورتجلسه شود تا سپس کارگران تجمع کننده در مورد بازگشت شان به شهرستان قروه تصمیم گیری کنند. خبر تکمیلی تجمع امروز و ادامه یا پایان تجمع کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد.

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارگری پرستاران تهران: قراردادهای يك تا سه ماهه امنیت شغلی پرستاران را سلب کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 26 تیر 92 آمده است : رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارگری پرستاران تهران معتقد است پرستاران بخش خصوصی از امنیت شغلی برخوردار نیستند.

«مسعود نیازی» در این باره به ایلنا گفت: قرارداد بیمارستانهای بخش خصوصی با پرستارانشان بین یک تا سه ماه شناور است و کار به جایی رسیده که قرار دادهای یک ساله به ندرت پیدا می شود.

وی تصریح کرد: قراردادهای کوتاه مدت با پرستاران، امنیت شغلی را از آنها سلب کرده و باعث شده است نتوانند برنامه ریزی مدونی برای زندگیشان داشته باشند.

این فعال صنفی، پرستاران بخش خصوصی را جزء کارگران کم درآمد به شمار آورد و خواستار توزیع سهام عدالت میان آنها شد.

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارگری پرستاران در پایان اظهار داشت: سازمان خصوصی سازی، وزارت کار و وزارت بهداشت باید با هماهنگی و کمک انجمنهای صنفی پرستاری نسبت به توزیع سهام عدالت میان پرستاران اقدام کنند.

پایان پیام

کارگران کیان تایر در اعتراض به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن بار دیگر با آتش زدن لاستیک دست از کار کشیدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 26 تیر ماه 92 آمده است : بدنال زمزمه واگذاری کارخانه کیان تایر به مالک قبلی آن در طی هفته های گذشته، کارگران این کارخانه روز

۱۱ تیر ماه اقدام به اعتصاب و آتش زدن لاستیک کردند. بدنبال این اعتراض به کارگران کیان تایر اعلام شد چنین کاری صورت نخواهد گرفت اما علیرغم این وعده صبح امروز اطلاعیه ای از سوی مدیر عامل جدید این کارخانه که از سوی مالک قبلی به این سمت انتصاب شده است بر تابلوهای اعلانات کارخانه نصب شد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کیان تایر با مشاهده این اطلاعیه بلافاصله دست از کار کشیدند و با آتش زدن لاستیک در قسمت مشرف به جاده اسلامشهر کارخانه اعتراض خود را تشدید کردند و در پی آن مامورین امنیتی با حضور در محل کارخانه بار دیگر بر وعده خود مبنی بر عدم واگذاری کارخانه به مالک قبلی تاکید نمودند و در پی آن تمامی اطلاعیه های مدیر عامل جدید از تابلوهای اعلانات کارخانه جمع آوری شد.

در پی کشمکشی که میان کارگران کیان تایر با وزارت صنایع حول طرح واگذاری کارخانه به مالک قبلی در گرفته است صبح دیروز در وزارت صنایع به نماینده های این کارگران اعلام شد به وزارت کار دستور خواهیم داد تا شورای کارخانه بر چیده شود. اعضای شورای کارخانه کیان تایر در پی اعتراضات سالهای گذشته کارگران این کارخانه و در مجمع عمومی آنان به عنوان نماینده انتخاب شده اند. در این جلسه نماینده های کارگران نیز با قاطعیت اعلام کردند ما منتخب کارگران هستیم و هیچکس نمیتواند شورای ما را منحل کند.

بدنبال زمزمه قطعی شدن واگذاری کارخانه کیان تایر به مالک قبلی آن در وزارت صنایع، وی طی حکمی یکی از اعضای هیات حمایت از صنایع مستقر در محل کارخانه کیان تایر را به عنوان مدیر عامل جدید و داماد نامبرده را به عنوان معاون وی انتصاب کرد که این امر نیز بشدت از سوی کارگران کیان تایر مورد اعتراض قرار گرفت و آنان روز ۲۴ تیر ماه معاون انتصابی مالک قبلی کارخانه را بیرون کردند و در اعتراض امروز خود نیز بطور قاطعانه ای اعلام نمودند به هیچ عنوان تسلیم تصمیم وزارت صنایع مبنی بر واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن نخواهند شد و هیچگاه وی را به کارخانه راه نخواهند داد.

بعد از ظهر امروز کارگران فولاد زاگرس به تجمع خود در مقابل مجلس شورای اسلامی پایان دادند - این کارگران تجمع خود را از هفته آینده بار دیگر از سر خواهند گرفت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 26 تیر ماه 92 آمده است : کارگران معترض فولاد زاگرس (دوب آهن کردستان) پس از سه روز تجمعات اعتراضی در تهران در مقابل دفتر بیت رهبری و مجلس شورای اسلامی با وعده رسیدگی به خواست هایشان در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی و از آنجا که تا صبح روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی تعطیل می باشد ساعت ۱۶ بعد از ظهر امروز به تجمع خود پایان دادند. بر اساس توافقی که امروز ما بین کارگران و مسئولین مجلس شورای اسلامی صورت گرفت ابتدا مقرر شد روز یکشنبه آینده مسئله آنان با حضور نماینده های کارگران در کمیسیون اصل نود مورد رسیدگی قرار گیرد اما سپس طی تماسی با نماینده های کارگران به آنان اعلام شد صبح روز دوشنبه جهت حضور در کمیسیون اصل نود به تهران بیایند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال نامه ۵ بندی کارگران فولاد زاگرس به رئیس مجلس شورای اسلامی، ۲۷ نفر از نماینده های مجلس نیز طی نامه ای به رئیس مجلس شورای اسلامی خواهان رسیدگی به خواستهای کارگران فولاد زاگرس در کمترین زمان ممکن و با مساعدت ویژه شدند.

بنا بر این گزارش کارگران فولاد زاگرس در تجمع امروز خود با شعار: جواب جواب، مجلس جواب، خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند و پس از اینکه مسئولین مجلس شرط ورود نماینده های کارگران به مجلس را پایان تجمع اعلام کردند آنان در اقدامی متحدانه به سمت درب ورودی مجلس هجوم آوردند که بدنبال آن و بدون اینکه کارگران به تجمع خود پایان دهند نماینده هایشان

به مجلس دعوت شدند. همچنین کارگران معترض فولاد زاگرس در اقدام متحدانه دیگری، ماموری را که قصد دستبند زدن به دستان یکی از کارگران را بدلیل عکاسی از تجمع داشت بشدت مورد یورش قرار دادند و اجازه بازداشت همکار خود را ندادند .

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران فولاد زاگرس بدنیاال کشمکشی که در ساعات آخر تجمع امروزشان بر سر تنظیم صورتجلسه توافقات پیش آمد از آنجا که ساعت پایانی کار مجلس بود و تا روز یکشنبه نیز مجلس شورای اسلامی تعطیل می باشد در همان محل مقابل مجلس با برپایی جلسه مشورتی تصمیم به پایان تجمع خود گرفتند و اعلام کردند صبح روز دوشنبه هفته آینده به همراه نماینده هایشان بار دیگر به تهران خواهند آمد .

این کارگران بعد از ظهر امروز با بدرقه برخی از کارگران حامی آنها در تهران و در حالی که تعدادی از آنان بشدت گرما زده و مریض شده بودند عازم شهرستان قروه شدند. نامه ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به رئیس مجلس در حمایت از خواست کارگران فولاد زاگرس نامه کارگران فولاد زاگرس به رئیس مجلس شورای اسلامی- این نامه به امضای بیش از ۱۸۰ کارگر تجمع کننده در مقابل مجلس شورای اسلامی رسیده است



اعلام اعتصاب غذای 6 زندانی سیاسی در بند 350 اوین در اعتراض به انتقال سعید متین پور به انفرادی بند 240

بر پایه خبر دریافتی آمده است : در پی انتقال بی دلیل و غیر منتظره سعید متین پور به سلول انفرادی بند 240 به بهانه واهی و کذب حضور وی در اعتراضات روز سه شنبه 92/4/24 بند 350 زندان اوین و تداوم فشارهای مضاعف بر ایشان و کمردردهای شدید (ناشی از انحنای ستون فقرات و دیسک کمر) وی در کنار ناراحتی‌های شدید و مداوم معده که همگی از عوارض تحمل لاینقطع 4 سال حبس بدون حتی 1 روز مرخصی و بدون هیچگونه دسترسی به امکانات درمانی است. بدین وسیله اعلام می داریم که ما امضا کنندگان این نامه خواستار بهره‌مندی فوری وی از

امکانات مناسب درمانی و به ویژه مرخصی درمانی هستیم و از آنجا که انتقال ایشان به انفرادی مطلقا بدون دلیل موجه ای صورت گرفته و شدیداً نگران وضعیت سلامت ایشان می باشیم، اعتصاب غذای خود را از روز 5 شنبه 92/4/27 تا زمان بازگشت نام برده به بند 350 اعلام می داریم.

رضا شهابی زکریا- فریدون صیدی راد- سروش ثابت- سعید حائری- وحید علی قلی پور- سعید جلالی فر

زندان اوین - بند 350 - 26 تیر 1392

کارگران فولاد زاگرس همچنان در مقابل مجلس شورای اسلامی هستند

کارگران فولاد زاگرس که از صبح روز ۲۴ تیر ماه در مقابل دفتر بیت رهبری و از صبح دیروز در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زده بودند از صبح امروز بار دیگر تجمع خود در مقابل مجلس شورای اسلامی را از سر گرفتند . بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی که توام با سر دادن شعارهایی از سوی آنان بود نماینده های این کارگران با مسئولین مجلس بار دیگر وارد مذاکره شدند و قرار بر این شد تا مسئله آنان در روز یکشنبه آینده با حضور ۸ نفر از نماینده های کارگران در کمیسیون اصل نود مورد رسیدگی قرار گیرد .

بنا بر این گزارش بدنبال این توافق نماینده های کارگران مسئله را با همکاران خود در میان گذاشتند اما کارگران حاضر به پایان دادن به تجمع خود نشدند و بازگشت خود به شهرستان قروه را منوط به تنظیم صورتجلسه کتبی این توافق و اولتیماتومی مبنی بر ادامه تجمعات شان در صورت عدم رسیدگی به خواست شان در کمیسیون اصل نود کردند. ۲۵۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود هستند .

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت ۲۰/۱۴ ظهر) تجمع کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی همچنان ادامه دارد و نماینده های آنان در تلاشند تا توافق امروز و اولتیماتوم کارگران بصورت کتبی صورتجلسه شود تا سپس کارگران تجمع کننده در مورد بازگشت شان به شهرستان قروه تصمیم گیری کنند . خبر تکمیلی تجمع امروز و ادامه یا پایان تجمع کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد.

نامه ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به رئیس مجلس در حمایت از خواست کارگران فولاد زاگرس

نامه کارگران فولاد زاگرس به رئیس مجلس شورای اسلامی- این نامه به امضای بیش از ۱۸۰ کارگر تجمع کننده در مقابل مجلس شورای اسلامی رسیده است

کارگران معترض فولاد زاگرس(ذوب آهن کردستان) پس از سه روز تجمعات اعتراضی در تهران در مقابل دفتر بیت رهبری و مجلس شورای اسلامی با وعده رسیدگی به خواست هایشان در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی و از آنجا که تا صبح روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی تعطیل می باشد ساعت 16 بعد از ظهر امروز به تجمع خود پایان دادند. بر اساس توافقی که امروز ما بین کارگران و مسئولین مجلس شورای اسلامی صورت گرفت ابتدا مقرر شد روز یکشنبه آینده مسئله آنان با حضور نماینده های کارگران در کمیسیون اصل نود مورد رسیدگی قرار گیرد اما سپس طی تماسی با نماینده های کارگران به آنان اعلام شد صبح روز دوشنبه جهت حضور در کمیسیون اصل نود به تهران بیایند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال نامه 5 بندی کارگران فولاد زاگرس به رئیس مجلس شورای اسلامی، 27 نفر از نماینده های مجلس نیز طی نامه ای به رئیس مجلس شورای اسلامی خواهان رسیدگی به خواسته های کارگران فولاد زاگرس در کمترین زمان ممکن و با مساعدت ویژه شدند.

بنا بر این گزارش کارگران فولاد زاگرس در تجمع امروز خود با شعار: جواب جواب، مجلس جواب، خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند و پس از اینکه مسئولین مجلس شرط ورود نماینده های کارگران به مجلس را پایان تجمع اعلام کردند آنان در اقدامی متحدانه به سمت درب ورودی مجلس هجوم آوردند که بدنبال آن و بدون اینکه کارگران به تجمع خود پایان دهند نماینده هایشان به مجلس دعوت شدند. همچنین کارگران معترض فولاد زاگرس در اقدام متحدانه دیگری، ماموری را که قصد دستبند زدن به دستان یکی از کارگران را بدلیل عکاسی از تجمع داشت بشدت مورد یورش قرار دادند و اجازه بازداشت همکار خود را ندادند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران فولاد زاگرس بدنبال کشمکشی که در ساعات آخر تجمع امروزشان بر سر تنظیم صورتجلسه توافقات پیش آمد از آنجا که ساعت پایانی کار مجلس بود و تا روز یکشنبه نیز مجلس شورای اسلامی تعطیل می باشد در همان محل مقابل مجلس با برپایی جلسه مشورتی تصمیم به پایان تجمع خود گرفتند و اعلام کردند صبح روز دوشنبه هفته آینده به همراه نماینده هایشان بار دیگر به تهران خواهند آمد.

این کارگران بعد از ظهر امروز با بدرقه برخی از کارگران حامی آنها در تهران و در حالی که تعدادی از آنان بشدت گرما زده و مریض شده بودند عازم شهرستان قروه شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 26 تیر ماه 1392

بعد از ظهر امروز کارگران فولاد زاگرس به تجمع خود در مقابل مجلس شورای اسلامی پایان دادند - این کارگران تجمع خود را از هفته آینده بار دیگر از سر خواهند گرفت

به نوشته اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 26 تیر ماه 92 آمده است : کارگران معترض فولاد زاگرس (ذوب آهن کردستان) پس از سه روز تجمعات اعتراضی در تهران در مقابل دفتر بیت رهبری و مجلس شورای اسلامی با وعده رسیدگی به خواست هایشان در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی و از آنجا که تا صبح روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی تعطیل می باشد ساعت ۱۶ بعد از ظهر امروز به تجمع خود پایان دادند. بر اساس توافقی که امروز ما بین کارگران و مسئولین مجلس شورای اسلامی صورت گرفت ابتدا مقرر شد روز یکشنبه آینده مسئله آنان با حضور نماینده های کارگران در کمیسیون اصل نود مورد رسیدگی قرار گیرد اما سپس طی تماسی با نماینده های کارگران به آنان اعلام شد صبح روز دوشنبه جهت حضور در کمیسیون اصل نود به تهران بیایند .

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال نامه ۵ بندی کارگران فولاد زاگرس به رئیس مجلس شورای اسلامی، ۲۷ نفر از نماینده های مجلس نیز طی نامه ای به رئیس مجلس شورای اسلامی خواهان رسیدگی به خواسته های کارگران فولاد زاگرس در کمترین زمان ممکن و با مساعدت ویژه شدند .

بنا بر این گزارش کارگران فولاد زاگرس در تجمع امروز خود با شعار: جواب جواب، مجلس جواب، خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند و پس از اینکه مسئولین مجلس شرط ورود نماینده های کارگران به مجلس را پایان تجمع اعلام کردند آنان در اقدامی متحدانه به سمت درب ورودی

مجلس هجوم آوردند که بدنبال آن و بدون اینکه کارگران به تجمع خود پایان دهند نماینده هایشان به مجلس دعوت شدند. همچنین کارگران معترض فولاد زاگرس در اقدام متحدانه دیگری، ماموری را که قصد دستبند زدن به دستان یکی از کارگران را بدلیل عکاسی از تجمع داشت بشدت مورد یورش قرار دادند و اجازه بازداشت همکار خود را ندادند .

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران فولاد زاگرس بدنبال کشمکشی که در ساعات آخر تجمع امروزشان بر سر تنظیم صورتجلسه توافقات پیش آمد از آنجا که ساعت پایانی کار مجلس بود و تا روز یکشنبه نیز مجلس شورای اسلامی تعطیل می باشد در همان محل مقابل مجلس با برپایی جلسه مشورتی تصمیم به پایان تجمع خود گرفتند و اعلام کردند صبح روز دوشنبه هفته آینده به همراه نماینده هایشان بار دیگر به تهران خواهند آمد .

این کارگران بعد از ظهر امروز با بدرقه برخی از کارگران حامی آنها در تهران و در حالی که تعدادی از آنان بشدت گرما زده و مریض شده بودند عازم شهرستان قروه شدند.

احضار تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی به دادسرای شعبه 4 رشت

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 27 تیر ماه 92 آمده است : به گزارش رسیده روز سه شنبه مورخ 92/4/18 اعضای کمیتهی هماهنگی به نامهای فرامرز فطرت نژاد، مسعود سلیمپور، سیروس فتحی، مازیار مهرپور، میترا همایونی و سعید مقدم از دستگیر شدگان در مجمع عمومی کمیتهی هماهنگی در 26 خرداد 91 در کرج، جهت ادای پاره‌ای توضیحات به دادسرای رشت احضار شدند.

کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری احضار و تهدید اعضای خود را به شدت محکوم کرده و آن را در راستای اعمال فشار بیشتر بر کارگران و فعالین کارگری می‌داند.

کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۲ ه.ش

گفتگوی رادیوندا با نیشتمان حسینی، مستند ساز رنج کولبران

خانم نیشتمان حسینی، مستند ساز رنج کولبران، در گفتگو با رادیو ندا با اشاره به کشته شدن هر روزه کولبران در مناطق مرزی، گفت: " جان انسان ها کوچکترین ارزشی برای دولتمردان جمهوری اسلامی ندارد و کولبران با حق تیر آزاد قربانی می شوند! "

گوش کردن با مدیا پلیر
گوش کردن با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/07/blog-post_18.html

کارگران کردستانی را در تهران سر دوانند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 27 تیر 92 آمده است : تجمع اعتراضی کارگران اخراجی فولاد زاگرس در تهران که بامداد روز دوشنبه (۲۴ تیر ماه) در خیابان پاستور آغاز شده بود، صبح امروز نیز در مقابل ساختمان مجلس ادامه یافت و با وجود جلوگیری از ورود نمایندگان کارگران به ساختمان مجلس، کارگران به وعده‌های دیروز «قادر مرزی» نماینده شهرشان در مجلس اعتماد کردند و اینک به تدریج در حال متفرق شدن هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل ساختمان مجلس در حالی خاتمه یافته است که شب گذشته حدود ۲۰ نفر از کارگران اخراجی این کارخانه که در ابتدای سفر ۱۸۰ کارگری دیگر را همراهی نکرده بودند، با سفر به تهران به جمع آنان پیوسته بودند.

به گفته یکی از کارگران، معترضان پس از گذشت سه روز از سفر به تهران ناچار شده‌اند به وعده‌های نمایندگان مجلس برای پی‌گیری مطالباتشان اعتماد کنند. این کارگران دو شب گذشته را در محوطه آرامگاه آیت اله خمینی واقع در بهشت‌زهرا تهران گذرانده‌اند و با توجه به گرمای طاقت‌فرسای هوای تهران و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی، در شرایط مناسبی به سر نمی‌برند.

یکی از کارگران در حال ترک این اعتراض صنفی، با یادآوری اینکه کارگران پس از ناامیدی از مسئولان استانی راهی تهران شده بودند، به ایلنا گفت: مسئولان کشوری از طریق رسانه‌ها از سفر ما به تهران مطلع‌اند، اما با گذشت سه روز متوالی از این سفر، مسئولان کشوری هم مانند مسئولان استانی اعتنایی به خواسته‌های ما نکردند.

او با اشاره به مشهود بودن غم و ناامیدی در چهره کارگران اخراجی، گفت: به ما قول داده شده است تا روز یکشنبه هفته آینده (۲۹ تیر ماه) که مجلس تعطیل است به نمایندگانه فرصت پی‌گیری بدهیم.

این کارگر اخراجی افزود: نماینده مرده شهرستان قروه به ما گفته است روز یکشنبه پنج نفر از کارگران را به نمایندگی از ۲۳۵ کارگر اخراجی فولاد زاگرس به تهران بفرستیم مطالباتمان را پی‌گیری کنند.

او افزود: بعد از گذشت سه روز فرصتی که مجلس از کارگران خواسته است تا به مشکلات رسیدگی کند، در صورت بی‌پاسخ ماندن خواسته‌هایمان به تجمعات خود ادامه خواهیم داد.

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ ۲۷ تیر ۹۲ آمده است: پس از بازگشت ۱۸۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس از سفر اعتراضی سه روزه به تهران، صبح امروز تمامی ۲۳۵ کارگر اخراجی این کارخانه برای چهارمین روز متوالی تجمع اعتراضی خود را مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه برگزار کردند.

برپایه این گزارش، کارگرانی که بامداد امروز از تهران به قروه رسیده بودند با همراهی سایر کارگران اخراجی که به تهران نیامده بودند، صبح امروز برای چهارمین روز متوالی تجمعی را در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه برگزار کردند.

نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس درباره تجمع امروز کارگران گفت: بعد از آنکه اعتراض صنفی کارگران فولاد زاگرس دیروز در تهران با وعده تعدادی از نمایندگان مجلس ناتمام ماند، کارگران پس از بازگشت از تهران، تصمیم گرفته‌اند با پی‌گیری شکایتشان در اداره کار، حکم بازگشت بکار خود را دریافت کنند.

او افزود: مسئولان در پاسخ به اعتراضات کارگران در تهران گفته‌اند با توجه به اینکه از جانب مدیر عامل کارخانه گفته شده هنوز این واحد تولیدی تعطیل نشده است، کارگران می‌توانند با طرح شکایت در اداره کار حکم بازگشت بکار خود را دریافت کنند.

نماینده کارگران فولاد زاگرس با بیان اینکه کارگران از ابتدای سال جاری حقوق دریافت نکرده‌اند، افزود: علاوه بر حدود ۸۰۰ هزار تومان هم به عنوان مانده تسویه حساب سال ۹۱ به همراه سنوات آن سال هنوز به کارگران پرداخت نشده است.

پس از سه روز تجمع در تهران؛

اعتراض کارگران فولاد زاگرس در قروه ادامه یافت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 27 تیر 92 آمده است: پس از بازگشت ۱۸۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس از سفر اعتراضی سه روزه به تهران، صبح امروز تمامی ۲۳۵ کارگر اخراجی این کارخانه برای چهارمین روز متوالی تجمع اعتراضی خود را مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه برگزار کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگران که در تاریخ ۱۸ تیرماه به دلیل آنچه از سوی کارفرما «ناتوانی مالی و زیان‌ده بودن تولید» عنوان شده بود اخراج شده بودند، پس از برگزاری دو تجمع در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیر ماه در مقابل اداره کار شهرستان قروه و استانداری کردستان سرانجام به دلیل آنچه از سوی کارگران اخراجی «بی‌توجهی مسئولان استانی به مطالبات صنفی‌شان» خوانده شد، به تهران آمدند.

اعتراض کارگران اخراجی فولاد زاگرس روز دوشنبه، ۲۴ تیر ماه به خیابان پاستور تهران رسید و در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیر ماه نیز در مقابل ساختمان مجلس ادامه یافت تا سرانجام آنان که سه روز متوالی را در گرمای کم‌سابقه خیابان‌های پایتخت گذرانده بودند و شب‌ها را در محوطه آرامگاه رهبر فقید انقلاب (بهشت زهرا) سپری می‌کردند، بدون دریافت پاسخ مشخصی از نمایندگان و دولت راهی شهرشان شوند.

با وجود این، کارگرانی که بامداد امروز به قروه رسیده بودند با همراهی سایر کارگران اخراجی که به تهران نیامده بودند، صبح امروز برای چهارمین روز متوالی تجمعی را در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه برگزار کردند.

نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس درباره تجمع امروز کارگران به ایلنا گفت: بعد از آنکه اعتراض صنفی کارگران فولاد زاگرس دیروز در تهران با وعده تعدادی از نمایندگان مجلس ناتمام ماند، کارگران پس از بازگشت از تهران، تصمیم گرفته‌اند با پی‌گیری شکایتشان در اداره کار، حکم بازگشت بکار خود را دریافت کنند.

او افزود: مسئولان در پاسخ به اعتراضات کارگران در تهران گفته‌اند با توجه به اینکه از جانب مدیر عامل کارخانه گفته شده هنوز این واحد تولیدی تعطیل نشده است، کارگران می‌توانند با طرح شکایت در اداره کار حکم بازگشت بکار خود را دریافت کنند.

نماینده کارگران فولاد زاگرس با بیان اینکه کارگران از ابتدای سال جاری حقوق دریافت نکرده‌اند، افزود: علاوه بر حدود ۸۰۰ هزار تومان هم به عنوان مانده تسویه حساب سال ۹۱ به همراه سنوات آن سال هنوز به کارگران پرداخت نشده است.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی بیمارستان امیرکبیر اهواز مقابل بیمارستان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 27 تیر ماه 92 آمده است: جمعی از کارگران بیمارستان امیرکبیر اهواز برای احقاق حقوقشان امروز در مقابل این بیمارستان تجمع کردند. بنا به همین گزارش، یکی از پروژه‌های استان خوزستان بیمارستان امیر کبیر اهواز است که کلنگ احداث آن در تاریخ 15 مهر سال 1388 زده شد.

ساخت بیمارستان امیرکبیر اهواز که در کوی انقلاب واقع شده، قرار بود تا 20 مرداد سال 1390 به پایان برسد و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. علاوه بر اینکه در تاریخ مقرر راه‌اندازی نشد، بلکه در اسفند سال گذشته تمام نیروهای خود را به طور ناگهانی اخراج کرد که پس از گذشت چند ماه، کارگران بیمارستان امیرکبیر اهواز برای احقاق حقوقشان در مقابل این بیمارستان تجمع اعتراض آمیز برپا کردند. در این تجمع کارگران بیمارستان امیرکبیر اهواز خواستار پرداخت مطالبات خود تا پایان سال 91 شده‌اند که تا کنون پرداخت نشده است. یکی از کارگران اظهار کرد: ما تا 25 اسفند سال 91 در این بیمارستان مشغول کار بوده‌ایم، ولی ما را اخراج کرده‌اند. وی افزود: از آن تاریخ تا امروز ما برای کارکرد سال 91 از شرکت طلب داریم و تا کنون مبلغی برای مطالبات به ما پرداخت نشده است. یکی دیگر از کارگران چنین لب به سخن گشود: ما حدود 35 کارگر هستیم که برای ساخت بیمارستان امیرکبیر کار کرده‌ایم و در اسفند سال 91 اخراج شده‌ایم، ولی نه طلبمان را می‌دهند نه روند کار ادامه پیدا می‌کند تا بیمارستان ساخته شود. کارگر دیگری نیز گفت: مدیرکل تامین اجتماعی خوزستان در تاریخ 15 اسفند سال در مصاحبه‌ای با باشگاه خبرنگاران جوان اعلام کرد که تا اردیبهشت ماه سال 92 به پایان می‌رسد، ولی الان که دو ماه از اردیبهشت هم گذشته این بیمارستان مانند قبل به حال خود رها شده است. وی افزود: این بیمارستان جایی برای گرفتن عکس یادگاری برای مسئولان شده و هر از چندگاهی یکی از مسئولان تا کنار این ساختمان نیمه کاره می‌آید و اعلام می‌کند از بیمارستان امیرکبیر بازدید داشته، در صورتی که کار ساخت آن چند ماهی تعطیل شده است. یکی دیگر از کارگران معترض اظهار کرد: بیمارستان 96 تختخوابی امیرکبیر برای راه‌اندازی کار زیادی دارد، از بیرون آجرنما شده، ولی کارهای داخل ساختمان زیاد است که اگر از همین امروز دوباره کار را شروع کنند، پیش‌بینی من این است که حداقل یک‌سال و نیم دیگر باید کار مداوم صورت گیرد تا این بیمارستان در اهواز راه‌اندازی شود.

دبیر کانون کارگران بازنشسته استان یزد: کارگران و بازنشستگان بیشترین آسیب حذف یارانه‌ها را متحمل شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 27 تیر 92 آمده است: دبیر کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تامین اجتماعی استان یزد گفت: با به دلیل آنکه مستمری بازنشگان کمتر از دستمزدهای تعیین شده افزایش یافته است، جامعه بازنشستگان و مستمری بگیران فقیرتر از قبل شده‌اند.

«قاسم رضایی» با بیان اینکه وضعیت معیشتی کارگران بازنشسته بحرانی است به ایلنا گفت: بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی به جز مستمری بازنشستگی عایدی و درآمدی دیگری ندارند. وی با اشاره به تورم بیش از سی درصدی سال 91 گفت: ادعای بازنشستگان و مستمری بگیران مبنی بر فقر معیشت و اقتصاد سیاه‌نمایی نیست بلکه واقعیتی عینی است. رضایی افزایش 25 درصدی مستمری بازنشستگان را در مقایسه با تورم سال 91 عقیگرد دانست و گفت: با پرداخت این مبلغ جامعه بازنشستگان و مستمری بگیران بیش از 7 درصد فقیرتر شده‌اند.

وی با بیان اینکه این وضعیت با شعار عدالت‌محوری دولت منافات دارد، گفت: در هیچ زمانی کارگران و بازنشستگان وضعیت اسفبار کنونی را نداشته‌اند و به اندازه امروز فقیر نبوده‌اند. وی همچنین با انتقاد از نحوه اجرای قانون هدفمند سازی که به حذف یارانه‌ها منجر شد، گفت:

با شیب تند و افزایش یکباره قیمت حامل‌های انرژی اقبال کم درآمد شهری مانند کارگران و بازنشستگان با وجود دریافت مبلغی به عنوان یارانه تحت فشار مضاعف قرار گرفته‌اند. ادعای بازنشستگان و مستمری بگیران مبنی بر فقر معیشت و اقتصاد سیاه نمایی نیست بلکه واقعیتی عینی است. رضایی اظهار امیدواری کرد: در دولت آینده معیشت قشر حداقل حقوق بگیر بازنشسته و کارگر در اولویت ویژه قرار گیرد تا عدالت و توزیع ثروت و اختصاص منابع ملی به آحاد مردم از مرحله شعار خارج شده و به معنای واقعی محقق شود.

پایان پیام

فراگیری قراردادهای سفید امضا بین کارگران و کارفرمایان در واحدهای تولیدی استان اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، تاریخ 27 تیر آمده است: طی گزارشی از فراگیری قراردادهای سفید امضا بین کارگران و کارفرمایان، بی‌اطلاعی کارگران از قراردادهایی که به اسم آنها تنظیم می‌شود و از تنظیم قرارداد در زمان اخراج تا قراردادهای قابل جعل در واحدهای تولیدی استان اصفهان، خبر داد. بنا به همین گزارش، براساس قانون کار یک قرارداد شامل چهار نسخه است که یک نسخه از آن در اختیار کارگر، یک نسخه در اختیار کارفرما و یک نسخه نیز در اختیار اداره کار شهرستان مربوطه و یک نسخه دیگر نیز به تشکل کارگری تحویل داده می‌شود. اما در بسیاری از واحدهای صنعتی فقط تک نسخه از قرارداد که از کارگر تنها یک امضا گرفته شده است به عنوان قرارداد وجود دارد، این نوع قراردادها به سهولت قابل دست کاری و دخل و تصرف کارفرما در آن برای تغییر مفاد به نفع مافع خود و بدون اطلاع کارگر است. نوع دیگری از قراردادها که هم‌اکنون در بسیاری از واحدهای تولیدی رواج دارد، تنظیم قرارداد در دو نسخه برای کارفرما و اداره کار، بدون اطلاع کارگران از مفاد قرارداد است. تنها زمانی که کارگر قرارداد اختصاص پیدا می‌کند که کارگر در آستانه اخراج قرار می‌گیرد و در این موقعیت نیز کارفرما فقط حاضر به انعقاد یک قرارداد سوری و یک ماهه می‌شود که به لحاظ قانونی کارگر با این نوع قرارداد نمی‌تواند هیچ ادعای قانونی داشته باشد. در ادامه گزارش آمده است، آمار دقیقی از قراردادهای سفید امضا در استان اصفهان در دسترس نمی‌باشد اما این مشکل در شهرستان‌های دور افتاده استان حادتر و پررنگتر است.

کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه چهار ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند!

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 27 تیر ماه 92 آمده است: جمعی از کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه در نامه‌ای به وزیر ورزش و جوانان، از عدم دریافت حقوق خود با گذشت چهار ماه از سال گلایه کرده‌اند. براساس این گزارش، جمعی از کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه در نامه‌ای به وزیر ورزش و جوانان، از عدم دریافت حقوق خود با گذشت چهار ماه از سال گلایه کرده‌اند. 105 نفر از کارکنان شرکتی اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه در این نامه خواستار رسیدگی به مشکلات ایجاد شده و وضعیت نامشخص شغلی خود شده‌اند. این افراد در این نامه خواستار اجرای مصوبه دولت شده‌اند که در آن تاکید شده باید نیروهای شرکتی به قرارداد کار معین تبدیل شوند.

احمدی نژاد برای هر ایرانی 960 هزار تومان بدهی بجا گذاشت!

برپایه خبر مندرج در آینده آنلاین، سرویس اقتصاد آمده است: در حالی دولت احمدی نژاد سکان امور را تا 12 مرداد 1392 به دولت منتخب تحویل می دهد که دولتش 740 هزار میلیارد ریال بدهی به بانک مرکزی بر جا گذاشته است.

جمعیت ایران 77 میلیون نفر است. سهم هر یک از ایرانی ها از این مبلغ نه میلیون و ششصد هزار ریال است. در واقع دولت احمدی نژاد در شرایطی با ایرانی ها خداحافظی می کند که دولتش هر یک از آنان را بدهکار سیستم بانکی کرده است. قبلاً برخی معتقد بودند عدالت بدون توسعه، به معنای تقسیم کردن فقر بین مردم است. حالا هم در واقع او به جای توزیع عادلانه ثروت، فقر را بین مردم به تساوی توزیع کرده است.

جالب اینکه در 31 ماه اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، هر ایرانی تا کنون جمعاً حدود چهارده میلیون ریال دریافت کرده است و با توجه به این بدهی مبلغ 9 میلیون و 600 هزار ریال به سیستم بانکی بدهکار است.

بدهی شرکتها و موسسات دولتی و بانکهای دولتی به بانک مرکزی به شرح زیر است:

- 1 بدهی دولت ۱۱۰ هزارمیلیارد ریال
- 2 بدهی سازمان هدفمندی یارانه ها ۵۷ هزارمیلیارد ریال
- 3 بدهی شرکت بازرگانی دولتی ۵۳ هزارمیلیارد ریال
- 4 بدهی شرکت پشتیبانی اموردام ۳۱ هزارمیلیارد ریال
- 5 بدهی شرکتهاى تابعه وزارت نفت، نیرو و سایر دستگاهاى اجرايى ۶۵ هزارمیلیارد ریال
- 6 بدهی بانکهای دولتی ۳۸۰ هزارمیلیارد ریال...

احمدی نژاد و معاونشان و سه وزیر عضو مجمع عمومی بانک مرکزی در یک نشست ساده بدون تشریفات! خودشان نرخ دلار را ۲۵۰۰ تومان تعیین کردند و ما به التفاوت آن را نسبت به ارز ۱۲۲۶ تومانی، در موجودی ارزی بانک مرکزی ضرب کردند و به عدد سود فرضی ۷۴ هزار میلیارد تومان رسیدند. تمام آنهایی که اطلاعات کمی از مسائل اقتصادی نیز دارند خوب می دانند که تصمیم حذف ارز مرجع و تک نرخى شدن ارز به مبلغ 25000 ریال چه تورم وحشتناکی را به سبد هزینه مردم تحمیل می کند و ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم را تنزل می دهد.

پیشنهاد به گیرندگان این تصمیم، این است که در واپسین روزهای باقی مانده این دولت، نرخ ارز را به 35000 ریال برسانید تا هر ایرانی مبلغ 7 میلیون و پانصد هزار ریال از دولت دکتر روحانی طلبکار شود. بعد از این تصمیم، اعلام کنید از زمان دولت عیلامی در 4000 سال پیش تا کنون، در ایران و حتی در جهان، هیچ دولتی مانند دولت احمدی نژاد یافت نمی شود. زیرا نه تنها به بانک مرکزی بدهی ندارد، بلکه از آن طلب هم دارد.

شایسته است از احمد توکلوی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی که ابتدا این موضوع را با حساسیت زیاد پیگیری و رسانه ای کرد و در نهایت در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، تشکر کرد.

بی اطلاعی کارگران از قراردادهایی که به اسم آنها تنظیم می شود

بر پایه اطلاع خبرنگار ی دولتی مهر از اصفهان آمده است : نایب رئیس مجمع نمایندگان کارگر استان اصفهان گفت: برخی کارفرمایان در استان اصفهان قراردادهای غیر قانونی را در یک نسخه تنظیم می‌کنند که کارگر هیچ اطلاعی از محتوای آن ندارد.

مجتبی مولیانی در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به فراگیری قراردادهای سفید امضا که بین کارگران و کارفرمایان در واحدهای تولیدی استان منعقد می‌شود، اظهار داشت: مناسبانه این مشکل را سال‌هاست تذکر می‌دهیم اما تا کنون این معضل جامعه کارگری برطرف نشده است. وی در ادامه با بیان اینکه یکی از مشکلاتی که بین کارگر و کارفرما در زمان عقد قرارداد وجود دارد امضای قراردادهای یک ماهه یا دو ماهه است، تصریح کرد: برای رفع این مشکل چندین جلسه نشست با مسئولان اداره کار استان برگزار شد اما این معضل همچنان در اصفهان لاینحل مانده است.

نایب رئیس مجمع نمایندگان کارگر استان اصفهان بیان داشت: براساس قانون کار یک قرارداد شامل چهار نسخه است که یک نسخه از آن در اختیار کارگر، یک نسخه در اختیار کارفرما و یک نسخه نیز در اختیار اداره کار شهرستان مربوطه و یک نسخه دیگر نیز به تشکل کارگری تحویل داده می‌شود. وی با اشاره به اینکه در بسیاری از واحدهای صنعتی فقط تک نسخه از قرارداد که از کارگر تنها یک امضا گرفته شده است به عنوان قرارداد وجود دارد، گفت: این نوع قراردادها به سهولت قابل دست کاری و دخل و تصرف کارفرما در آن برای تغییر مفاد به نفع مافع خود و بدون اطلاع کارگر است.

بحران اقتصادی کارگران را به سکوت در قبال تضییع حقشان شده

مولیانی با تاکید بر اینکه آمار دقیقی از قراردادهای سفید امضا در استان نداریم، گفت: در شهرستان‌های دور افتاده استان این مشکل حادتر و پررنگتر احساساس می‌شود. وی در پاسخ به این پرسش خبرنگار مهر که چرا کارگران در چنین شرایطی طرح شکایت علیه کارفرما نمی‌کنند و به این قراردادها تن می‌دهند؟ مولیانی افزود: کارگر به دلیل شرایط اقتصادی و وضعیت نامناسب اشتغال مجبور به پذیرش این نوع کار کردن و هر نوع قراردادی است. وی ادامه داد: در شرایط بحران اقتصادی کارگر مجبور به سکوت در قبال چنین وضعیتی است.

احضار تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی به دادسرای شعبه 4 رشت

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 27 تیر ماه 92 آمده است : به گزارش رسیده روز سه شنبه مورخ 92/4/18 اعضای کمیته هماهنگی به نام‌های فرامرز فطرت نژاد، مسعود سلیم‌پور، سیروس فتحی، مازیار مهرپور، میترا همایونی و سعید مقدم از دستگیر شدگان در مجمع عمومی کمیته هماهنگی در 26 خرداد 91 در کرج، جهت ادای پاره‌ای توضیحات به دادسرای رشت احضار شدند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری احضار و تهدید اعضای خود را به شدت محکوم کرده و آن را در راستای اعمال فشار بیشتر بر کارگران و فعالین کارگری می‌داند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

27 تیر 1392

کارگران فولاد زاگرس از فردا به تجمع خود در مقابل اداره کار شهرستان قروه ادامه خواهند داد و صبح روز دوشنبه دست به تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی خواهند زد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 28 تیرماه 92 آمده است : بدنبال وعده رسیدگی به خواسته‌های کارگران فولاد زاگرس در کمیسیون اصل نود و بازگشت این کارگران به

شهرستان قروه، آنان صبح دیروز 27 تیر ماه علیرغم خستگی راه عازم محل کارخانه شدند اما نگهبانی کارخانه از ورود آنان جلوگیری بعمل آورد و بدنبال آن همه کارگران اخراجی فولاد زاگرس دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و شکایت دیگری را پیرو شکایت قبلی خود به این اداره تسلیم نمودند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال این تجمع مامورین انتظامی با حضور در محل تلاش کردند کارگران را از ادامه تجمع باز دارند اما آنان حاضر به پایان دادن به تجمع خود نشدند و از رئیس اداره کار خواستند تا فوراً به شکایت شان رسیدگی شود اما اداره کار شهرستان قروه رسیدگی به شکایت کارگران را موکول به بعد از رسیدگی به خواست این کارگران در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی کرد.

کارگران فولاد زاگرس دیروز ساعت 13 ظهر به تجمع خود پایان دادند و صبح امروز جمعه 28 تیر ماه با برگزاری یک مجمع عمومی در پارک شهر قروه بار دیگر بر حضور خود در مقابل مجلس شورای اسلامی در روز دوشنبه آینده تاکید نمودند و تصمیم گرفتند از فردا تا روز دوشنبه که به تهران میآیند به تجمع خود در مقابل اداره کار شهرستان قروه ادامه دهند.

در این مجمع کارگران استفاده از دیگر شیوه های اعتراضی منجمله راهپیمایی همراه با خانواده هایشان در سطح شهر سنج را در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان در کمیسیون اصل نود مورد بحث قرار دادند و تصمیم گیری نهایی در اینمورد را به پس از روشن شدن تکلیف شان در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی موکول نمودند.

در این مجمع کارگران اعلام کردند: ما سلامتی مان را حین سالها کار از دست داده ایم و حال که کارمان را از دست میدهیم مرگ برایمان مهم نیست.

لازم به یادآوری است علیرغم اینکه کار در کارخانه فولاد زاگرس از جمله مشاغل سخت و زیان آور است با این حال قوانین مربوط به مشاغل سخت و زیان آور در این کارخانه هیچگاه اجرا نشده است و اغلب کارگران آن دچار لطمات شدیدی از ناحیه بینایی، ریه، شنوایی و کمر شده اند. اتحادیه آزاد کارگران ایران - 28 تیر ماه 1392

تجمع اعضای تعاونی مسکن فرهنگیان اردبیل در اعتراض به تحویل واحدهای نیمه‌کاره مسکن مهر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 28 تیر ماه 92 آمده است: جمعی از ساکنان شهرک کوثر اردبیل نسبت به تحویل واحدهای نیمه‌کاره خود در تعاونی مسکن فرهنگیان تجمع اعتراض‌آمیز برگزار کردند.

براساس این گزارش، در این تجمع که عصر امروز جلوی مسکن فرهنگیان شهرک کوثر رخ داد، فرهنگیان معترض به مسئولانی بودند که یک ماه پیش در مراسمی با حضور معاون اول رئیس جمهور واحدهای آنها را نیمه‌کاره تحویل داده و هیچ مسئولیتی را در تکمیل این پروژه عهده‌دار نشدند.

این معترضان که اکثر آنها را فرهنگیان ساکن در شهرک کوثر و مجتمع مهر تشکیل می‌داد از مسئولان استان خواستند با دست کشیدن از تبلیغات و افتتاح‌های تزئینی نسبت به تکمیل پروژه‌های مسکن مهر فرهنگیان بر اساس وعده‌ها و قول‌های داده شده اقدام کنند و برای خوشایندی یک مسئول تنها به تکمیل چند پروژه و افتتاح تشریفاتی آن اکتفا نکنند.

بنا بهمین گزارش، اوایل خردادماه امسال با حضور معاون اول رئیس جمهور واحدهای مسکن مهری در شهرک کوثر اردبیل و مجتمع فرهنگیان افتتاح شد که در همان مراسم جمعی از فرهنگیان نیز در محل افتتاح پروژه و محوطه شهرک تجمع کردند، اما مسئولان سوار بر خودرو شده و محل را به سرعت ترک کردند تا مبادا به خواسته‌های مردم پاسخ می‌دهند؛ در حالی که اعتراض آنها در آن موقع نیز به حق بود، چراکه مسکن احداث شده در شهرک کوثر اردبیل به ویژه

کوی فرهنگیان از امکانات اولیه آب، برق و گاز به شکل کامل و تحویل داده شده به متقاضیان محروم و بی‌نصیب است.

تجمع‌کنندگان مدعی هستند که با وجود دریافت هزینه‌های مورد نظر آماده‌سازی محوطه، تعیین تکلیف تسهیلات بانکی، تحویل کامل واحد به متقاضیان، تأسیسات داخلی ساختمان و برخی دیگر از امکاناتی که باید دایر می‌شد انجام نشده و واحدها به صورت نیمه‌کاره به حال خود رها شده است.

این در حالی است که در چند مرحله افتتاح مسکن مهر در اردبیل مشکلات مشابه متقاضیان را دچار دردسر کرده است؛ به طوری که در روزهای گذشته جمعی از خبرنگاران که سال‌هاست چشم انتظار سرپناهی هستند بعد از گذشت هشت سال هنوز واحد خود را به صورت کامل تحویل نگرفته و در گیرودار حل مشکلات واحدهای خود هستند.

برپایه این گزارش، این تجمع اعتراض‌آمیز بعد از گذشت چند ساعت و به دنبال امضای طوماری از سوی صاحبان واحدهای مسکن مهر برای تحویل به مسئولان استانی و وزارتی خاتمه یافت.

محمود صالحی: وضعیت جسمی رضا شهابی وخیم است در گفتگو با سخنگوی کمیته دفاع از این فعال کارگری مطرح شد وضعیت جسمی رضا شهابی مجدداً وخیم شده است

برپایه خبر دریافتی آمده است: کمیته گزارشگران حقوق بشر - وضعیت جسمی رضا شهابی، فعال کارگری در بند مجدداً وخیم شده و مسئولان زندان با وجود تصمیم این عضو هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی مبنی بر شروع دوباره اعتصاب غذا، از تأمین خدمات درمانی خودداری می‌کنند.

محمود صالحی، فعال کارگری و سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی در ایران، در گفتگو با کمیته گزارشگران حقوق بشر، ضمن اعلام این خبر افزود: آقای رضا شهابی از زمان بازگشتش از مرخصی همچنان در وضعیت بد جسمی بوده و از درد شدید گردن، دیسک کمر و فشار خون رنج می‌برد، با این همه هنوز توسط پزشک متخصص مورد معاینه و درمان قرار نگرفته و بارها خود ایشان و خانواده اش درخواست اعزام به بیمارستان را داشته که هنوز مورد موافقت قرار نگرفته و تنها در بهداری اوین مورد درمان سرپایی و تجویز داروهای مسکن قرار گرفته است.

صالحی در پاسخ به پرسشی درباره نوع داروهای که در بهداری اوین برای این فعال کارگری تجویز شده است توضیح داد: در بهداری همه زندان‌های ایران معمولاً تنها پزشکان عمومی مشغول به کار هستند و چون اکثر مراجعین زندانیان عادی هستند، می‌خواهند زندانی را پشت سر بگذارند و بدون رعایت تفکیک زندانیان عادی از سیاسی و در بسیاری از اوقات بدون پرسش تنها داروهای خواب آور و مسکن‌های پر عوارض را تجویز کرده و به علت اینکه پزشک عمومی هستند امکان تجویز داروهای تخصصی را ندارند.

این فعال کارگری زندانی سیاسی سابق درخواست کرد که آقای شهابی مورد معاینه و درمان پزشکان متخصص قرار بگیرد و مانند گذشته به بیمارستان‌های غیر تخصصی منتقل نشود. سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی در ایران، در پاسخ به گزارشگر کمیته در مورد از سرگیری اعتصاب غذا تأکید کرد: ما از آقای شهابی درخواست کردیم که دوباره دست به اعتصاب غذا نزنند، البته ما نمی‌توانیم برای زندانی تصمیم بگیریم چون آزاد هستیم و این زندانی است که از نزدیک شرایط را لمس کرده، سختی‌ها را تحمل می‌کند و با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند.

وی در پایان ضمن ابراز نگرانی در مورد وضعیت ایشان افزود، امیدواریم تا پایان دوره محکومیت آقای شهابی پرونده سازی جدیدی برای ایشان انجام نشود و مانند محاکمه مجدد او به بهانه غیبت از مرخصی مجدداً مورد محاکمه قرار نگیرد تا سرانجام بتواند با پایان دوره محکومیت خود در اول فروردین سال آینده از زندان آزاد شده و درمان خود را از سر بگیرد.

بهنام ابراهیم زاده از وضعیت وخیم رضا شهبابی و محمد جراحی در زندان می گوید

برپایه خبر دریافتی آمده است: فعالان در تبعید: بنا بر "اطلاع کمپین صلح فعالان در تبعید"، علیرغم وضعیت جسمانی وخیم آقای رضا شهبابی در زندان اوین؛ همچنان از اعزام این فعال کارگری به بیمارستان خودداری میشود.

بر اساس این گزارش مسوولان زندان برای معالجه بیماری آقای شهبابی را به اعزام وی به بهداری زندان محدود کرده اند؛ که طبق گزارشات رسیده بی فایده بوده است.

از سوی دیگر بنا به گزارش "کمپنه پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری" سلامتی و جان محمد جراحی فعال کارگری و عضو این کمیته در خطر است. محمد جراحی که سومین سال حکم خود را در زندان تبریز می گذراند، به سرطان بدخیم تیروئید دچار شده است.

در همین رابطه آقای بهنام ابراهیم زاده، دیگر کارگر زندانی که در مرخصی به سر می برد؛ در گفتگو با ونداد اولادعظیمی در رابطه با آخرین وضعیت این دو زندانی توضیح می دهد

متهمین پرونده تعاونی مسکن کارگران برق تهران آزادشدند!

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 28 تیر ماه 92 آمده است: یکی از شاکیان پرونده تعاونی مسکن کارگران اداره برق تهران با رد بحث تامین پول مال باختگان در ازای فروش زمینهای هشتگرد گفت: شکات تنها خواهان قطعات خریداری شده به متراژ درج شده در فرم تحویل زمین هستند.

بنابهمین گزارش، یکی از نمایندگان شکات پرونده تعاونی مسکن کارگران برق تهران درباره علت آزاد شدن متهمان وثیقه گفت: قاضی شعبه 76 کیفری استان تهران درباره علت آزادی متهمان به ما گفت که متهمین و وکلای آنان اظهار داشته اند که به اندازه کافی زمین در اختیار دارند و بقیه را نیز تامین خواهند کرد و قول مساعدت و همکاری داده و قرار شده متهمین با سپردن وثیقه آزاد شوند تا بتوانند در جهت تعهداتشان تلاش کنند.

وی با بیان اینکه بحثی از تامین پول مالباختگان در ازای فروش زمینها نبوده و مالباختگان فقط زمین می خواهند نه پول، اظهار کرد: اراضی خریداری شده در دوره مدیریت متهمین توسط خود آنان به اعضا واگذار شده و در نتیجه با این واگذاری متهمین هیچ گونه حق مالکانه نسبت به اراضی مذکور ندارند که بخواهند اقدام به فروش زمینها کنند و با وجوه حاصله مبالغ کلاهبرداری شده از مالباختگان مسترد شود.

این عضو تعاونی مسکن کارگران اداره برق تهران با تاکید بر اینکه شکات فقط خواهان قطعات خریداری شده به متراژ درج شده در فرم تحویل زمین هستند، گفت: چند سال پیش که زمزمه پرداخت خسارت یا واگذاری مسکن مهر به جای زمینها شنیده می شد در جلسات دفتر شرکت عمران هشتگرد و دفتر معاونت اجرایی ریاست جمهوری و کلیه مراجع قضایی و تجمعات دیگر، همگان با این فکر مخالف بوده و بسیار روشن به عرض مسئولان رساندند.

وی با بیان اینکه تعداد مالباختگان پروژه زمینهای هشتگرد بیش از 20 هزار نفر برآورد می شوند، افزود: آن طور که تعاونی اظهار می کند 24 هزار و 600 فقره کارت صادر کرده است که از این تعداد 10 هزار و 700 نفر سند در دست دارند و از تعداد کل مالباختگان حدود 6000 نفر تا پایان سال 90 شکایت کرده اند که برای تعدادی در زمان بازپرس قبلی منع تعقیب صادر شده و حدود 5000 پرونده با صدور کیفرخواست برای پنج متهم به دادگاه کیفری 76 ارجاع شده است.

این شاکی پرونده تعاونی مسکن کارگران اداره برق تهران متذکر شد: حسب اخبار منتشره در روزنامه های وقت در اواخر سال 90، این پرونده در 76 کارتن و 86 هزار برگ به شعبه 76 دادگاه کیفری استان تهران ارسال شده و از آن تاریخ به بعد با پنج تا شش هزار شکایت جدید طبیعی است اوراق پرونده بالغ بر 100 هزار صفحه شده باشد اما آنچه مهم است این که در یک سال و

نیم اخیر هنوز به پرونده شکایت‌های بخش دوم رسیدگی نشده و کیفرخواستی صادر نشده است و در واقع برای این همه دلایل، واسطه، جاعل کارت، دفاتر اسناد رسمی و کارکنان ادارات ثبت اسناد که توسط شکات به دادسرا معرفی شده‌اند، قرار صادر نشده است. وی با بیان اینکه ایرادات شعبه 76 به کیفرخواست سال 90 هنوز رفع نشده است، افزود: ظرف مدت 1.5 سال پرونده بین دادگاه عمومی، کیفری استان و دیوان عالی کشور در رفت و آمده بوده که در نهایت در بهمن سال 91 شعبه 17 دیوان عالی کشور با پذیرش اینکه ارتکاب جرم به صورت شبکه کلاهبرداری صورت گرفته است با پایان دادن به اختلاف دادگاه‌ها و دادسرا، شعبه 76 دادگاه کیفری استان تهران را صالح به رسیدگی دانست. شاکی پرونده تعاونی مسکن کارگران اداره برق تهران تصریح کرد: با وجود احترام به تصمیم دادگاه محترم شعبه 76، اما از نظر شکات چنین استنباط می‌کنیم که رسیدگی به این پرونده در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته زیرا با توجه به این که اتهام متهمین تشکیل و رهبری شبکه کلاهبرداری است صدور قرار بازداشت موقت در چنین مجازاتی اجباری است. وی خاطرنشان کرد: با گذشت حدود یک ماه از آزادی متهمین حداقل احدی از شکات در جریان چگونگی تفاهمی که قرار بود انجام شود نیست و در این بلا تکلیفی به سر می‌برند که اگر متهمین اموال خود را فروخته و از دسترس توقیف خارج کنند چه کسانی ضرر و زیان وارده به حدود بیست هزار نفر را جبران خواهند کرد؟ به اعتقاد این عضو تعاونی مسکن کارگران اداره برق تهران، این پرونده با این تعداد شاکی بزرگترین پرونده قضایی کشور به شمار می‌رود و انتظار این است که قوه قضاییه به رسالت خود در این پرونده به خوبی عمل کند.

یادداشت کارگری

مسیر راهگشا در جنبش کارگری کدام است؟

مریم محسنی

برپایه مطلب رسیده آمده است: در فضای بوجود آمده ی پس از انتخابات، سه نوع نگاه و رویکرد، در جنبش کارگری قابل مشاهده است. انتخاباتی که حدود هفتاد درصد از جامعه، چه از طریق تحریم انتخابات و چه با دادن رای اعتراضی، سیاست‌های ویرانگرانه‌ای که کشور را به لبه‌ی پرتگاه کشانده، را مورد اعتراض خود قرار دادند و انتخابات را به فراندومی علیه نظام ولایت فقیه تبدیل کردند. اقلیتی نزدیک به 30 درصد از واجدین شرایط رای، با نگاه به "آینده‌ای که از آن ماست"، انتخابات را تحریم کردند و بخش بزرگی از 40 درصد بقیه، صرفاً به منظور مخالفت با رهبر با بصیرت نظام! رای خود را به حسن روحانی داده‌اند. در فضای پس از انتخابات در میان فعالان جنبش‌های اجتماعی رویکردهای متفاوتی را تا کنون، شاهد بوده‌ایم. از منظر نحوه ی نگاه به بالایی‌ها، دو نوع رویکرد متضاد در میان فعالان قابل مشاهده است. نگاهی که عمدتاً به بالا نظر دارد و سعی می‌کند از طریق تکیه کردن و متوسل شدن به یک جناح حاکمیت، گشایشی در پیشبرد امر فعالیت ایجاد شود. برخی از فعالان جنبش زنان، این نگاه را تا آن جا امتداد می‌دهند که در "زنان حکومتی" دنبال یارگار برای جنبش زنان می‌گردند! و نگاه دیگری که هم خود را مصروف ایجاد تقویت جنبش از پایین می‌کند. در جنبش کارگری به واسطه ی نحوه ی نگاه به مبارزه در شرایط کنونی، سه رویکرد در فضای پس از انتخابات قابل مشاهده است.

رویکرد اول - رویکردی است که مطالبات را مطرح می‌کند اما از حسن روحانی، این مطالبات را می‌خواهد و درست به همین دلیل فکر می‌کند شکل اقدام و طرح مطالبه باید بگونه‌ای باشد، که از ظرفیت این جناح بالاتر نرود. در حالی که طرح اصل خواست‌ها درست است ولی شیوه ی

طرح مطالبات و مشروط کردن خواست ها به ظرفیت ها و طرح ها و برنامه های روحانی، خود محتوای این مطالبات را هم بی اثر می کند. این نوع رویکرد که تئوریزه شده ی آن را درمیان برخی از فعالان زنان می بینیم، فضای پلورالیستی را برنمی تابد. در این نگاه، همه با هم و زیر پرچم آقای روحانی باید فعالیت کنند. درشرایطی که به دست آوردن کوچکترین خواست ها، بدون تشکل ممکن نیست بی توجهی به مبارزه موثر و برداشتن قدم هایی در مسیراستقلال تشکل ها، به خطرانداختن آنها، و یا شبه تشکل های موجود، گرایش راسی تلقی می شود. اگر چه در عرصه ی دفاع از کارگران و طبقه کارگر و پی گیری مطالبات آنان، طرح مطالبات کارگری به خودی خود می تواند مفید باشد، درجنبش زنان، اما پیش روی گرایش راست فقط به تخلیه پتانسیل و انرژی جنبشی و واریزان به سوی جناح های حکومتی، منجر می شود.

گرایش دوم - به نظر می رسد، این گرایش، فضای پس از انتخابات را هنوز درنیافته و در موقعیت شوک به سر می برد. موضعگیری ها و واکنش های این گرایش منطبق بر فضای کنونی نیست. بخشی از این گرایش در فضای قبل از انتخابات و برسرانتخاب میان دوگزینه تحریم یا شرکت در انتخابات مانده است. از این رو همه ی تلاش خود را به کار می گیرد تا با توهم! رای دهندگان مقابله کند. در این نوع نگاه، نقد لیبرالیسم و اصلاح طلبی و مقولاتی از این دست که به نوبه خود مهم هم هستند، الویت اصلی قلمداد شده و همه ی هم خود را مصروف "تحریم گرایان درست می گویند"؛ "رای دهندگان رفرمیست" هستند، می کنند. در صورتی که مسئله اصلی دوره حاضر، فقط نقد نیست. نقد کردن فقط بخشی از کار است. بخش دیگر توجه به مبارزات جاری کنونی است که جاری شدن آن را در هفته های اخیر شاهد بوده ایم. این گرایش برای پیشبرد مبارزات طرح و برنامه ای ندارد ازاینرو در حوزه سازماندهی نیز، نمی تواند منطبق با شرایط کنونی عمل کند.

گرایش سوم - اما گرایشی است که از نقاط قوت هر دو گرایش بهره مند است و ضعف های دو گرایش اول و دوم را هم ندارد. مثلاً مطالبه را مطرح می کند اما منتظر اقدام دولت نمی ماند. سازماندهی را مطرح می کند اما نه به عنوان بحث نظری مجرد، بلکه از طریق پیوند خوردن با اعتراضات موجود و جاری. در دوره ای که پیش رو داریم، اتکا به شیوه یی از مبارزه که بتواند در مقیاس بسیار گسترده توده های وسیع را به میدان مبارزه کشانده، با ایجاد تشکل های مستقل، ظرفی برای سازمانیابی فراهم کند، اهمیت اساسی می یابد. مبارزه ای که می بایست توجه به خواسته های بی واسطه یی را مورد نظر قرار داده و از آن طریق اقشار وسیع طبقه کارگر و زحمتکشان را به پای ایجاد اتحادیه ها یا سندیکاها مستقل، بکشاند. می توان با گسترش دامنه وحدت و اتحاد در جنبش کارگری، زمینه را برای جبهه گسترده ای از اردوی کار فراهم نمود. می توان به پای ایجاد اتحادیه های سراسری در سطح مناطق و یا در سطح رشته های خاص رفت.

اتکا به خود وعزیمت از مبارزات جاری، آن دو وجه مهمی از مبارزه است که می بایست در شرایط حاضر کانون اصلی توجه باشد. در سازماندهی مبارزات کارگری، نقطه اتکا خود کارگران و مزدگیران هستند. نه طبقه متوسط و نه سرمایه داران هیچ کدام ظرفیت حمایت از جنبش کارگری را ندارند. طبقات غیرکارگری ممکن است برای بهبود موقعیت خودشان، فعالیت ها و اقداماتی صورت دهند که بویژه در شرایط حاکمیت دیکتاتوری مذهبی فضای حرکتی برای فعالان کارگری هم پدید آورد. آنها ممکن است به قصد موج سواری و بهره برداری از قدرت ناراضی توده های کارگر به شیوه موردی و ناپیگیر از فعالان کارگری هم حمایت کنند، اما کارگران برای نجات از وضعیت جهنمی کنونی به هیچ نیرویی جز نیروی خودشان نمی توانند تکیه کنند. اگر طبقه کارگر سازمان نیابد، در وضعیتش، چه در دولت احمدی نژاد، که قرار بود پول نفت را بر سر سفره کارگران بیاورد، اما نان را از سر سفره ی آنان ربود، چه در دولت آقای روحانی که بر برنامه ی اقتصاد نئولیبرال تکیه دارد؛ بهبودی ایجاد نمی شود

گزارش خبری / ادعای ایجاد یک میلیون شغل در سال با وجود منفی بودن نرخ رشد اقتصادی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 28 تیر 92 آمده است: یک کارشناس اقتصادی با انتقاد از مسئولان دولتی که مدعی ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال توسط دولت احمدی‌نژاد هستند گفت: این ادعا با رشد اقتصادی منفی در سال‌های ۹۰ و ۹۱ همخوانی ندارد.

«محمود جام‌ساز» در گفتگوی تفصیلی با ایلنا اظهار داشت: در دوران اصلاحات که متوسط رشد اقتصادی کمی بیشتر از ۵ درصد بود رقم اشتغال ایجاد شده بین ۶۰۰ تا ۶۵۰ هزار نفر در سال گزارش می‌شد. پس چگونه ممکن است با رشد اقتصادی بسیار پایین در ۸ سال گذشته، به خصوص در سال‌های ۹۰ و ۹۱ که کشور از رشد اقتصادی منفی برخوردار بوده است سالانه بیش از یک میلیون شغل ایجاد شود؟

وی با یادآوری سخنان اخیر رئیس‌جمهور منتخب که گفته بود «در طول هشت سال گذشته سالانه ۱۴ هزار نفر مشغول به کار شده‌اند»، پایین بودن نرخ رشد اقتصادی را به منزله عدم ایجاد اشتغال و عدم افزایش تولید ملی دانست و افزود: اقتصاد کنونی کشور در شرایط رکود و تورمی است و بی‌ثباتی ناشی از عدم امنیت اقتصادی، تورم، نوسانات شدید نرخ ارز و کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی به رغم رشد نقدینگی در کشور، بسیاری از کارخانه‌ها را با کمبود مواد اولیه و کاهش حجم تولید مواجه کرده است.

جام‌ساز ادامه داد: بسیاری از واحدهای تولیدی در رقابت با کالاهای وارداتی از نفس افتاده‌اند و به واسطه عدم پرداخت سهم ۳۰ درصدی بخش تولید از محل درآمد قانون هدفمندی یارانه‌ها، هزینه‌شان افزایش پیدا کرده است و بسیاری از کارگزارانشان اخراج و تعدیل شده‌اند.

گفتنی است رئیس‌جمهور منتخب روز یکشنبه ۲۳ تیر ماه در جمع نمایندگان مجلس با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفته بود: «این اولین بار است که پس از دوران جنگ تحمیلی در دو سال متوالی، رشد اقتصادی ما منفی است. این برای اولین بار است که در کنار رشد اقتصادی منفی، کشور با تورم ۴۲ درصدی و بیکاری مواجه است.»

«حسن روحانی» با بیان اینکه تعداد کسانی که در طول هشت سال گذشته مشغول به کار شده‌اند اندک بوده است، بیان کرده بود: براساس گزارش مرکز آمار بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ رقم شاغلان سالی ۱۴ هزار نفر بوده است.

این سخنان، واکنش مسئولان دولتی را به همراه داشت و آنان در اظهار نظرهای گوناگون در رسانه‌های متبوع‌شان (که بعضاً توسط رسانه‌های تأیید کننده از این منتقد احمدی‌نژاد همراهی می‌شد) با انتقاد صریح از رئیس‌جمهور منتخب، بر ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال توسط دولت‌های نهم و دهم تأکید می‌کنند.

مردم آمار مغایر با واقعیت را نمی‌پذیرند

«محمود جام‌ساز» در ادامه بیان کرد: مسئولان اقتصادی کشور سال‌هاست آمارهایی را ارائه می‌دهند که بعضاً دارای تناقضاتی است که این تناقضات، موجب تردید در صحت و سقم‌شان می‌شود.

وی تصریح کرد: در ۸ سال گذشته، شاهد تناقضات بیشتری در ارائه آمارها از سوی مراکز مختلف دولتی هستیم. آمارهای ارائه شده در زمینه متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و نرخ سرمایه‌گذاری ثابت که بیشترین حساسیت را در میان کارشناسان اقتصادی و حتی عامه مردم که به عنوان مصرف‌کننده با سید معیشت‌شان سر و کار دارند برانگیخته است نشان می‌دهد این آمارها با واقعیت تطبیق ندارد.

به گفته آقای جام‌ساز، قطعاً مصرف‌کنندگان و به خصوص اقشار ضعیف و مزد بگیر که تورم را در سبد مصرفی زندگیشان با گوشت و پوست احساس می‌کنند ارقام ارائه شده از سوی دولت را

نمی‌پذیرند و مغایر واقعیت می‌دانند زیرا هفته‌ای نیست که یکی دو قلم از اقلام سبد مصرفی‌شان به دلیل کاهش قدرت خریدشان حذف نشود. این استاد دانشگاه افزود: اقلام سبد مصرفی در میان اکثر خانواده‌های ایرانی، حداکثر ۳۰ قلم کالا است و آماري که مرکز آمار ایران یا بانک مرکزی از تورم ارائه می‌دهد میانگین تمام اقلام مصرفی است که بسیاری از آنها در سبد مصرف متعارف افراد جامعه وجود ندارد. این کارشناس اقتصادی در پایان اظهار داشت: لازم و به صلاح کشور است که نرخ تورم «واقعی» اعلام شود چرا هر چه آمار اعلام شده واقعی‌تر باشد، اعتماد مردم به دولت بیشتر می‌شود. آمارهای دقیق ابزاری برای سیاست‌گذاری هستند و چنانچه آمارهای غیر واقعی در تصمیمات دولت لحاظ شوند نتایج درستی به بار نمی‌آورند.

پایان پیام

در نبود سندیکا یاور

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/07/blog-post_19.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگران در تاریخ 28 تیر ماه 92 آمده است: نسل دوم کارگران صنعتی پروژه‌های نفتی، مدت‌هاست که از محیط کار حذف شده اند یا با لیست‌های سیاه پیمانکاران غیرمذهبی یا عدم استخدام پیمانکاران نوکیسه‌ی مذهبی و یا با دستور و فرمان از بالا. استخدام 60 و 50 ساله‌ها ممنوع شده و آن‌هایی که مشغول به کارند، اخراج می‌شوند. مسلماً این جماعت پیمانکاران و کاسبکاران که سر در آخور رانت دارند و با قانون‌گذاران نشست و برخاست دارند، هرگز از خود نمی‌پرسند چرا يك 60 ساله هنوز مجبور به کارکردن است. وجود یا عدم وجود این زحمتکشان که در ساخت ده‌ها پتروشیمی و پالایشگاه و کارخانه سیمان و ... نقش کلیدی داشتند، اهمیتی ندارد. جواب به این پرسش‌ها حرف‌های روزهای اول انقلاب بود، دیگر خر آقایان از پل گذشته. حالا زنده باد نتولیرالیسم دلالي و بورژوازی تجاری با دلارهای نفتی. زنده باد واردات و باز هم واردات. زنده باد پول و مرگ بر قانون کار و حق کارگر. در حکومت "مستضعفان" هیچ قانونی از حقوق کارگرانی حمایت نمی‌کند که سال‌ها زندگی‌شان را در اردوگاه‌های بدتر از کار اجباری دو نظام به سر برده اند. "برادران" پیمانکار، بخش خصوصی، عزیز دردانه‌ی ساختار سرمایه داری "قمارخانه‌ای" (به زعم کینز اقتصاددان انگلیسی) با وحشیانه‌ترین شیوه‌های مافیایی کارگران را استثمار می‌کنند. حتی حداقل‌های پذیرفته شده (حق بیمه) کارگران را پرداخت نکرده و نمی‌کنند. هر کدام از این 60 ساله‌ها بیش از 40 سال روزی 12 ساعت در کار تولیدی تاسیسات نفتی - کارخانه‌ای بوده‌اند. ولی سوابق کارشان در تأمین اجتماعی حتی به 25 سال هم نرسیده است. جای قانون در این عرصه دزدی آشکار کجاست و تعریف این شرایط چیست؟! هیچ کس پاسخگو نیست. حالا هم پا به پای کارگران جوان هم از نظر فیزیکی و هم از نظر کیفی کار می‌کنند. دردهای ما چرکین و مزمن شده‌اند. دردهایی که همه‌ی عوام‌فریبان ادعاهای خود را، دواي آن قلمداد می‌کنند. این رشته سر دراز دارد لذا بهتر است برگردیم به نبود سندیکاها.

زمانی که نسل دومی کارگران در محیط کار انگشت‌شمارند و آن عده‌ی اندک هم از وحشت اخراج و لیست سیاه و سرگردانی جرات نفس کشیدن را ندارند، نسل اولی‌ها به خصوص آن‌هایی که ریشه در عشایر و روستاها دارند، سر در گم‌اند و آلت دست "این" و "آن" می‌شوند. ولی "این" و "آن" کیانند؟

به کارگاه می‌رویم برای آشنایی با این دو تیپ نیروی کار ... با قدي بلند و سیمایی سوخته از سال‌ها تابش خورشید و حرارت و اشعه‌های ویران‌گر حوضچه‌های ذوب جوشکاری، در حال

بررسی کار جوشکاران است. او مسئول اداره‌ی کلاس تست جوشکاران است. به سیگارش که پنهان از نگاه دوستانش می‌کشد، پک‌های عمیقی می‌زند. جوشکاران با دیدن حالت‌های او بدون نیاز به گفتگو متوجه می‌شوند که چه باید بکنند.

از سال 46 جوشکاری را شروع کرده و درست 46 سال است که در پروژه‌های نفتی کار می‌کند و باز هم باید کار کند!!؟

هرگز امر و نهی نمی‌کند. اکثر اوقات با نگاه خیره‌اش نیروی کار را آموزش می‌دهد. به هیچ وجه به صورت مستقیم در مورد خواسته‌های کارگری صحبت نمی‌کند. کارش بیشتر آگاه‌گرانه است. اهل هیاهو و جنجال نیست. اشاره و طرح یک مساله به صورت غیر مستقیم شیوه‌ی کار اوست. رابطه‌ی دوستانه‌ی او با جوشکاران دارد، ولی در شکل محسوس نیست.

زادگاهش آبادان است و سال‌ها پیش از انقلاب جوشکار کد بوده است (جوشکارانی که طبق استانداردهای بین‌المللی جوشکاری صنعتی هر بار که دعوت به کار می‌شوند باید تست عملی جوشکاری صنعتی را انجام دهند). و سال‌ها هم مهمان ناخواسته‌ی هتل کارون اهواز. پس از گذر از این رنج‌ها، در دوره‌ی سوم زندگی پرچالشش، فورمن جوشکاران و اینک سوپروایزر آنها شده است. این سال‌های پر فراز و نشیب جسم و جاننش را فرسوده کرده، فشارهایی که برآیندشان به صورت تیک عصبی برایش به یادگار مانده است. زمان شروع بحران‌ها در محیط کار که هر چند یک بار غیرقابل اجتناب است. دعوت مستقیم به اعتصاب نمی‌کند، تنها کافی است به وضعیت یا دیر کرد حقوق اعتراض کند و یا بدی غذا را عنوان نماید. اعتصاب چندی بعد با قدرت شکل می‌گیرد. و آدم فروش‌ها سرگردان و حیرت زده به جستجوی عامل آن می‌گردند. ولی مایوس می‌باید ناتوانی خود را گزارش دهند. تکنوکرات‌ها می‌دانند که او شخصیت مورد اعتماد این کارگران است، به خصوص جوشکاران که نوع کارشان برای دریافت صورت وضعیت پیمانکاران بسیار با اهمیت و حیاتی است. لذا به او پناه می‌آورند: - آقای ... لطفاً با جوشکاران صحبت کن و برای مان مهلت بگیر... بسوی کارگران می‌رود، گردش جمع می‌شوند. شمرده و آرام، بچه‌تا فردا بعد از نهار مهلت بدهید. هر لحظه وقفه کار هزینه‌ی سنگینی را به دوش پیمانکار می‌اندازد. و در برابر یک پارچه گی و اتحاد کارگران به خصوص زمانی که آدم فروشان نتوانند فعال کارگری هدایت کننده اعتصاب را شناسایی کنند به شدت ضعیف و درمانده است. کارگران بدون جر و بحث بین خود قرار و مدارهایی دارند که به راحتی می‌توانند نظرات یکدیگر را تشخیص دهند اگر فعال کارگری و یا یکی از آنها تحت فشار کارفرما مطلبی را بپذیرد کارگران آن را از رفتار یکدیگر درک می‌کنند به اعتصاب ادامه می‌دهند.

این بار وضع بد غذا هم به خواسته‌ها اضافه می‌شود. چندی پیش طوماری با امضاء همه کارگران برای بهتر شدن وضع غذا به مسئولان شرکت داده شده بود. البته با رهنمود این فعال کارگری. ولی کسی به آن توجهی نکرده بود. حالا این مسئله‌ی اعتراضی به اعتراضات قبلی افزوده شد. مسمومیت 300 کارگر یکی از شرکت‌های پارس جنوبی که منجر به مرگ یک نیروی کار جوان گردید (پیمانکار مربوطه با کمک ایادیش همه جا شایعه‌پراکنی می‌کند که این جوان خودکشی کرده است) ساختار اعتصاب را محکم‌تر کرد.

امروز روز سوم اعتصاب هم به پایان رسید. اعتصاب فقط جوشکاران، کافی است تا کار به رکورد بکشد. سکوت در سایت، دنیایی غوغا در دفاتر مسئولان پیا کرده بود. فریادها، توهین‌ها و در نهایت درماندگی‌های پیمانکار، همه‌ی کارمندان دفتری را به هول و هراس انداخته بود. در آن سوی دیوارها، کارگران در سایه اسکلت فلزی‌ها، زیر تخته‌ریزی‌های داربست‌ها، در حالی که مثل باران عرق می‌ریختند و رنگ لباس کارشان از شدت خستگی دگرگونه شده بود چند تا، چند تا دور هم نشسته‌اند بدون توجه به گرما، گفتگو و با هم شوخی می‌کنند. فعال کارگری دور از همه‌ی این‌ها، در کانکس یک دوست چای می‌نوشد. اعتصاب با پیگیری و اتحاد جوشکاران تزلزل بقیه کارگران را جبران می‌کرد و با امتیازاتی که پیمانکار می‌دهد به پایان می‌رسد. کارگاه دوباره فعال می‌شود. کار پرشتاب با سر و صدای سرسام‌آور ژنراتورها و سنگ‌جت‌های بزرگ و کوچک و آذیرهای چندان آور گاه و بیگاه گروه هیدروتست تداوم یافت. این شیوه مبارزه برای گرفتن حقوق

و خواست‌های توافق شده همیشه نمی‌تواند موفق باشد کافی است آدم فروش‌های پیمانکار فعال کارگری را شناسایی کنند. با يك اخراج همه چیز به پایان می‌رسد و لیست سیاه آخرین نسل دومی‌ها را هم از میان می‌برد. به سراغ " آن " می‌رویم .

سوپروایزر لوله کشی صنعتی است. در يك خانواده کاسب از شهرهایی که بازار سنتی عشایر و روستائیان است بزرگ شده است. کاسیکارانی که فریب دادن عشایر و روستائیان را عقل معاش و زیرکی می‌دانند. با انقلاب و تحت تاثیر شرایط رادیکال آن زمان، به گروه‌های سیاسی گرایش نشان داد و با پایان این بهار کوتاه انقلاب، از خزان و سرکوب و زمستانش بی‌بهره ماند. و به راه پدران رفت و شد صاحب يك فروشگاه کوچک. ولي درآمدش او را ارضاء نمی‌کرد. بدین جهت به کارهای پروژه‌ای که در خوزستان فراوان بود، پیوست. دوستان دوران انقلاب دستش را گرفتند و او شد يك سوپروایزر. سوپروایزری که " عقل معاش و زیرکی بازاری‌های سنتی " را با تکنولوژی صنایع مدرن پیوند داد و شریک استثمر و حشیانه کارگران شد. با یکی از تکنسین‌هایی که در کار دفتر فنی وارد و مسلط است، يك گروه کار دو نفره ایجاد کردند و بدین صورت دو اهرم کلیدی - اجرایی پروژه صنایع نفتی را در اختیار گرفتند. زمانی که سندیکا و اتحادیه‌های کارگری وجود ندارد کارگرها گرد سوپروایزرها جمع می‌شوند و با آنها يك گروه کار را تشکیل می‌دهند. در این شرایط نقش فرد یا همان سوپروایزر کلیدی و عمده می‌شود. بستگی به شخصیت او، جهت گروه کار بدون توجه به نظر بقیه کارگران شکل می‌گیرد. با پیمانکاران قرارداد کار می‌بندند با بهترین شرایط برای دو نفر اصلی (سوپروایزر و مسئول دفتر فنی) و برای کارگران همان عرف بازار کار و گاهی هم کمتر (زمانی که کار کم باشد). جوشکاران و فیترها و همه‌ی شغل‌های کلیدی پروژه را سوپروایزر استخدام می‌کند و حقوقش را مشخص می‌کند. از سوي دیگر کار را با تلاش و دوندگی به جلو می‌برد. يك فیتز (لوله کش صنعتی) با چند کمکی را مختص ربودن متریال از کارگاه‌های دیگر، سازمان می‌دهد و کار گروهش را بدین شکل به جلو می‌کشد. این شیرین کاری‌هایش را به عرض پیمانکار می‌رساند. پیمانکار سرخوش از این دزدی‌ها و پیشرفت کار به این قیمت، تقاضاهای پاداش کلان برای این دو نفر را می‌پذیرد. ولي نمی‌داند برنامه این دو شریک چگونه او و کارگران را مات می‌کند. آقاي سوپروایزر در استخدام افراد نهایت دقت را می‌کند که کاملاً مطیع او باشند. کارگر مستقل و صاحب اندیشه را نمی‌پذیرد. ولي از افراد معتاد که خودشان را کاملاً در اختیار او می‌گذرانند به خوبی استفاده می‌کند. به هر حال کار را با سرعت مناسب و همگام با زمان بندی پروژه پیش می‌برد تا رسیدن به يك مرحله ي حساس و کلیدی که کارفرمای اصلی (دولت - شرکت نفت) پیمانکار را برای پیش‌برد بعضی سیاست‌هایش زیر فشار می‌گذارد. پیمانکار که مساله ي هست و نیست کارش به چالش گرفته شده است، از این دو نفر که تا به حال پاداش‌های پنهان و میلیونی هم گرفته اند، انتظار همیاری بیشتری دارد. ولي با حیرت می‌بیند که به يك باره همه‌ی کارگاه دست به اعتصاب زده اند و بدون استثنا بخش‌های کلیدی پروژه به کلي خوابیده‌اند. پیمانکار که نمی‌داند این دو نیروی کلیدی اجرایی‌اش چه پیوندهایی با کارگران دارند، به شدت به وحشت می‌افتند و برای رهایی از این شرایط نامناسب حاضر به پرداخت هر امتیازی است. این دو شریک که به دلیل موقعیت حساس کارشان در جلسات مهم پیمانکار شرکت می‌کنند و از همه‌ی جریان‌ها پشت پرده‌ی پیمانکار و کارفرما اطلاع دارند. خود را واسطه‌ی حل و فصل اعتصاب در کارگاه نشان می‌دهند. و با چند گفتگوی فرمایشی با عوامل خودشان، پیمانکار را وادار به پرداخت رقم بسیار بالایی برای حل و فصل اعتصاب می‌کنند. بخش بزرگی از این دریافتی که به نام پاداش برای کارگران است به کام این دو شریک می‌رود. برای هر کارگر هم مبلغ حقیری در نظر می‌گیرند به بعضی از کارگرها که همان مبلغ ناچیز هم نمی‌رسد و تنها چند ساعت اضافه کاری برای‌شان در نظر گرفته می‌شود. اعتصاب به فرمان، با فرمان بعدی، از میان می‌رود. پیمانکار شاد از حل مساله و کارگرها خوشحال از یکی دو روز بیکاری که پولش را می‌گیرند و چندرغازی پاداش و دو شریک هم بی‌تفاوت پول‌های به دست آمده را خرج خرید يك خانه ي دیگر در مرکز استان می‌کنند. کارگرها پس از یکی دو بار اعتصاب فرمایشی به واقعیت پی می‌برند ولي چون هیچ نهاد حمایتی ندارند، لذا باز هم دنباله‌رو همان

سوپروایزر می‌شوند. ولی از حالا به بعد او را ریشخند می‌کنند و به خوبی حرکاتی آتی او را پیش بینی می‌کنند.

علاوه بر آن فعال کارگری "صادق و این فعال بازاری" ظاهراً کارگری، شاهد نوع دیگری از اعتصابات کارگری هستیم. ترفندهایی حیرت‌آور از پیمانکاران با تجربه. شرکت ... مهندسی و ساختمان، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنایع نفت و پتروشیمی است. این شرکت که از یکی از طایفه‌های معروف و عشایری ایران است. بخش مهمی از نیروهای کارش را از فامیل‌ها و طایفه اش استخدام کرده است با حقوق‌های مناسب تا او را هرگز ترک نکنند. این گروه کار گروه اعتصاب شکن است. در این شرکت اکثر اعتصابات با شکست مواجه می‌شوند زیرا بخش مهمی از کار هرگز به اعتصاب نمی‌پیوندد از این رو پیمانکار فرصت دارد به سرعت همه اعتصابی‌ها را حتی زمانی که چند صد نفر هستند اخراج کند و نیروی جدید استخدام نماید. از این رو در این شرکت ماه‌ها حقوق‌ها به تعویق می‌افتد ولی کارش همچنان تداوم دارد. ولی در همین شرکت گاهی اعتصاب‌هایی سنگین و غیرقابل انعطاف شکل می‌گیرد که کارفرما را به شدت به چالش می‌گیرد. هدف از این اعتصابات ظاهراً "حرکت صنفی کارگران است ولی در واقعیت داستان پیمانکار برای سر کیسه کردن کارفرما در کار است. در مقاطعی که کارفرمای اصلی قصد بهره‌برداری از پیشرفت پروژه برای تبلیغات به نفع خود را دارد و پیمانکار را تحت فشار قرار می‌دهد تا شدت کار را بالا ببرد. پیمانکار با یکی دو حرکت زیرکانه کارگران را که ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند، تحریک می‌کند، مانند بد شدن وضعیت غذا. از سوی دیگر به وسیله کارگرهای فامیلش در میان کارگران شایعه‌پراکنی می‌کند که: کارفرما پول صورت وضعیت‌ها را پرداخت نمی‌کند و ما هم نمی‌توانیم به این زودی‌ها به شما حقوق پرداخت کنیم. همان فامیل‌های پیمانکار سردمدار اعتصاب می‌شوند. کارفرما که از بالا زیر فشار سیاسی - اقتصادی قرار گرفته است با این اعتصاب غیر منتظره، به وحشت می‌افتد و از پیمانکار می‌خواهد به هر نحوی که شده کارگاه را فعال کند و الا عواقب آن دامان همه را خواهد گرفت. پیمانکار به خوبی می‌داند که عواقب این وضعیت، مدیریت کارفرما را به چالش می‌گیرد از این رو در حرف می‌پذیرد ولی در عمل از ایادیش می‌خواهد به اعتصاب ادامه دهند.

از سوی دیگر به کارفرما گزارش می‌دهد که مشتکی آشوب گر این کار را کرده اند و او از طریق افرادی در حال شناسایی آنهاست و ... اگر شما ... ریال بابت تسویه حساب با کارگرانی که باید اخراج شوند به ما پرداخت کنید، من با اخراج این آشوب‌گران قول می‌دهم کار متوقف نشود و طی 2 الی 3 روز نیروی جدید استخدام کنم. کارفرما قبل از پایان کار مبلغ بسیار بالایی بیشتر از اصل مبلغ کل قرار داد را در اختیار پیمانکار قرار می‌دهد در حالی که تنها 2/3 کار انجام شده است. و بعد با کمک حراست کارگران غیرفامیل را اخراج می‌کند و کارگران فامیلش از همان روز کار را ادامه می‌دهند و شرکت شروع به استخدام نیروهای جدید می‌کند، که بسیار فراوان است. در دو مورد آخر کارگران قربانیان سیاست‌های افرادی خودخواه و سود پرست هستند که ریاکارانه روش‌های عوام‌فریبانه‌شان را پوشش رادیکال داده‌اند. واقعیت این است که بدون وجود یک تشکیلات کارگری که به وسیله خود کارگران بوجود آمده باشد و سرپرستی گردد، نمی‌توان به هیچ فرد یا نهاد دیگری اعتماد نمود. ولی در میان نسل جدید کارگری چنین خرد جمعی مورد استقبال قرار نگرفته و وحشت از بگیر و ببندها هم مزید بر علت شده است. از سوی دیگر برخی فعالان سیاسی قدیمی، پس از این همه سال هنوز نسبت به همیاری با جنبش صنفی دیدی منفی دارند و همه چیز را در یک شکل جامد و بسته‌بندی خاص می‌بینند: "شوراهای انقلابی برای ایجاد ... و آن فعالان سیاسی که در پروژه‌ها کار می‌کنند حاضر نیستند از حقوق صنفی شان دفاع کند و آن را نوعی واپس گرایی می‌دانند. و برخی دیگر تحت تاثیر شرایط امروز جهانی 180 درجه چرخیده اند و به یک لیبرال یا نئولیبرال تبدیل گردیده اند. نسل جدید کارگران محروم از تجربیات نسل‌های قبل، راهی را نمی‌شناسند از این رو کورمال دنباله رو مشتکی شعارهای عوام فریبانه می‌شوند. 1392/3/3

در تبریز رخ داد: مرگ دو کارگر مقنی بر اثر گازگرفتگی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 29 تیر 92 آمده است : دو کارگر مقنی در تبریز هنگام کار جان‌شان را از دست دادند.

به گزارش خبرنگار ایلنا از تبریز، این دو کارگر ۵۸ و ۲۹ ساله مشغول تعمیر چاهی در پاساژ صاحب الامر تبریز بودند که یکی از مقنی‌ها به داخل چاه رفته و دیگری پس از مطلع شدن از گازگرفتگی وی برای نجات نفر اول وارد چاه می‌شود که هر دو بر اثر مسمومیت با گازهای متصاعد شده جان خود را از دست می‌دهند.

پایان پیام

یک خاور گوسفند اهدائی(قربانی)مالک قبلی کیان تابر نیز برای ورودش به کارخانه موثر واقع نشد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 29 تیر ماه 92 آمده است : بدنبال واگذاری کارخانه کیان تابر از سوی سازمان حمایت صنایع به مالک قبلی آن، کارگران کیان تابر همچنان زیر بار این انتقال نمیروند و از ورود وی به کارخانه جلوگیری میکنند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در پی چندین بار اعتراض کارگران کیان تابر به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن و جلوگیری از ورودش به کارخانه توسط کارگران، وی به انجا مختلف در تلاش است تا آنان را وادار به پذیرش مالکیت خود کند اما کارگران کیان تابر از دو هفته پیش که این اتفاق افتاده است زیر بار واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن نرفته اند.

بنا بر این گزارش وی در راستای راضی کردن کارگران ضمن وعده اهدا یک سبد کالای دوپست وزارتومانی به هر کدام از آنان، صبح امروز یک خاور گوسفند نیز به کارخانه فرستاد تا با قربانی کردن این گوسفندان و پخش آن در میان کارگران، خود نیز وارد کارخانه شود اما کارگران کیان تابر با مشاهده خاور پر از گوسفند با خشم و انزجار به سمت این ماشین یورش بردند و آن را مجبور به بازگشت نمودند و در همان حال بخش دیگری از آنان نیز طبق سنت اعتراضی موجود در این کارخانه با آتش زدن لاستیک دست به اعتراض زدند و اجازه ورود به مالک قبلی را به کارخانه ندادند. کارگران کیان تابر پس از این اعتراض با برگزاری یک مجمع عمومی در سالن غذاخوری بر عزم خود مبنی بر جلوگیری از واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن تاکید کردند.

لازم به یادآوری است کارگران کیان تابر در سال 1387 بدلیل به تعطیلی کشاندن کارخانه از سوی فرد فوق الذکر و عدم پرداخت دستمزدهایشان از سوی وی، با یورش به دفتر مرکزی کارخانه و تصرف آن و برگزاری تجمعات متعدد در مقابل نهادهای مسئول دولتی، وزارت صنایع را وادار به خلع ید از نامبرده کردند و از آن تاریخ کارخانه کیان تابر با از سر گیری تولید بر روی پایش قرار گرفته است.

کارگران کیان تابر مضمون به این هستند که مالک قبلی با بدست گرفتن کارخانه بار دیگر آنرا به تعطیلی بکشاند و سپس زمین آنرا که در حال حاضر حدود هزار میلیارد تومان ارزش دارد به فروش برساند.

دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی خبر داد:
بیکاری بیش از یک میلیون کارگر در پروژه‌های عمرانی طی دو سال اخیر

دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی کشور گفت: دولت با نپرداختن اعتبارات عمرانی طی دو سال اخیر باعث بیکاری حداقل یک میلیون کارگر شده است.

«محمد عطاردیان» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: دولت از دو سال پیش حداقل ۱۲ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان از معوقات پیمانکاران پروژه‌های عمرانی از قبیل راه‌سازی، سد سازی، احداث تونل، پل و نیروگاه، ساخت بیمارستان و سالن‌های ورزشی را نپرداخته است. وی افزود: در نتیجه این وضع بخش قابل توجهی از پروژه‌های عمرانی کشور به حالت نیمه تعطیل در آمده و افرادی که با سمت‌های مختلف مهندسی، کارگر ماهر، کارگر نیمه‌ماهر و ساده در این پروژه‌ها مشغول به کار بودند به خیل بیکاران اضافه شده‌اند. این مقام کارفرمایی بایان اینکه حداقل ۲ میلیون نفر در پروژه‌های عمرانی مشغول به کار بودند، گفت: به دلیل بدقولی‌های دولت تعداد این افراد به نصف کاهش یافته است. به گفته دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران تعلل دولت در پرداخت مطالبات پیمانکاران پروژه‌های عمرانی در حالی است که چندی پیش مسئولان عالی‌رتبه مملکتی طی دستوری دولت را مکلف به پرداخت مطالبات کارگران کرده بودند. وی بایان اینکه فعالیت بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری پس از تسویه حساب با کارگران خود به دلیل مشکلات مالی متوقف شده است، گفت: در این شرایط اداره دارایی بدون توجه به وضع موجود برای شرکت‌های پیمانکاری صورت وضعیت مالیاتی و اجراییه صادر کرده است. به گفته عطاردیان وضعیت نامطلوب شرکت‌های عمرانی در حالی است که تا پیش از بد حسابی دولت، کارگران شاغل در این شرکت‌ها یکی از پردآمدترین کارگران ایران محسوب می‌شدند.

این مقام کارفرمایی گفت: مشکل به اندازه‌ای جدی است که حتی در جلسه اخیر شورای عالی اشتغال مسئله بحران پیمانکاران پروژه‌های عمرانی در حضور رئیس جمهور و معاون اول وی نیز مطرح شده است. به گفته عطاردیان تا زمانی که دولت درآمد حاصل از فروش نفت را صرف پرداخت یارانه به همه مردم ایران نکند، گره‌ای از مشکل اشتغال حل نخواهد شد.

پایان پیام

آخرین خبرها از اعتراضات کارگران فولاد زاگرس

به نوشته سایت خبری اخبار روز در تاریخ شنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۲ - ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۳ به نقل از اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: بدنال وعده رسیدگی به خواسته‌های کارگران فولاد زاگرس در کمیسیون اصل نود و بازگشت این کارگران به شهرستان قروه، آنان صبح دیروز ۲۷ تیر ماه علیرغم خستگی راه عازم محل کارخانه شدند اما نگهبانی کارخانه از ورود آنان جلوگیری بعمل آورد و بدنال آن همه کارگران اخراجی فولاد زاگرس دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و شکایت دیگری را پیرو شکایت قبلی خود به این اداره تسلیم نمودند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنال این تجمع مامورین انتظامی با حضور در محل تلاش کردند کارگران را از ادامه تجمع باز دارند اما آنان حاضر به پایان دادن به تجمع خود نشدند و از رئیس اداره کار خواستند تا فوراً به شکایت شان رسیدگی شود اما اداره کار شهرستان قروه رسیدگی به شکایت کارگران را موکول به بعد از رسیدگی به خواست این کارگران در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی کرد. کارگران فولاد زاگرس دیروز ساعت ۱۳ ظهر به تجمع خود پایان دادند و صبح امروز جمعه ۲۸ تیر ماه با برگزاری یک مجمع عمومی در پارک شهر قروه بار دیگر بر حضور خود در مقابل مجلس

شورای اسلامی در روز دوشنبه آینده تاکید نمودند و تصمیم گرفتند از فردا تا روز دوشنبه که به تهران میایند به تجمع خود در مقابل اداره کار شهرستان قروه ادامه دهند. در این مجمع کارگران استفاده از دیگر شیوه های اعتراضی منجمله راهپیمایی همراه با خانواده هایشان در سطح شهر سنندج را در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان در کمیسیون اصل نود مورد بحث قرار دادند و تصمیم گیری نهایی در اینمورد را به پس از روشن شدن تکلیف شان در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی موکول نمودند. در این مجمع کارگران اعلام کردند: ما سلامتی مان را حین سالها کار از دست داده ایم و حال که کارمان را از دست می‌دهیم مرگ برایمان مهم نیست. لازم به یادآوری است علیرغم اینکه کار در کارخانه فولاد زاگرس از جمله مشاغل سخت و زیان آور است با این حال قوانین مربوط به مشاغل سخت و زیان آور در این کارخانه هیچگاه اجرا نشده است و اغلب کارگران آن دچار لطمات شدیدی از ناحیه بینایی، ریه، شنوایی و کمر شده اند.

پیامک کارفرمای فولاد زاگرس به ۵۰ کارگر باقی مانده: است تا اطلاع ثانوی در محل کار حاضر نشوید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 29 تیر 92 آمده است: یک در پی اخراج ۲۳۵ نفر از مجموع ۲۸۵ کارگر کارخانه فولاد زاگرس، یکی از ۵۰ کارگر باقی مانده در این کارخانه مدعی شد مدیر عامل کارخانه فولاد زاگرس که اواخر سال گذشته مسئولیت این کارخانه را بر عهده گرفته است، بعد از اخراج ۲۳۵ کارگر در تاریخ ۱۸ تیرماه، با ارسال پیامکی به ۵۰ کارگر باقی مانده اعلام کرده است تا اطلاع ثانوی در محل کار خود حاضر نشوند. این کارگر شاغل در کارخانه فولاد زاگرس گفت: تصور کارگران از دریافت این پیامک بعد از اخراج همکارانشان این است که کارفرما می‌خواهد زمینه اخراج آنان را نیز به مرور فراهم کند. او ادامه داد: با احتساب امروز (۲۹ تیر ماه) هم اکنون ۱۰ روز است که ۵۰ کارگر باقی مانده همانند کارگران اخراج شده بر سر کار خود حاضر نمی‌شوند و در طول این چند روز از ترس اینکه مبادا به مشکلاتشان افزوده شود، از گفتن واقعیت‌ها به رسانه‌ها خودداری کرده‌اند. این کارگر در خاتمه اظهار داشت: این ۵۰ کارگر نیز همانند ۲۳۵ کارگر اخراج شده علاوه بر دریافت نکردن حدود چهار ماه حقوق معوقه، در بلاتکلیفی به سر می‌برند. با پی گیری از طریق دو نفر دیگر از کارگران شاغل، صحت ارسال این پیامک تایید شده است اما «ابراهیم ملابیگی» مدیر عامل کارخانه فولاد زاگرس ضمن تکذیب ادعای این کارگران گفت: هیچ پیامکی برای هیچ کارگری ارسال نشده و کارخانه برای پی گیری مشکلات کارخانه به این تعداد کارگر باقی مانده نیازمند است. گفتنی است ارسال پیامک از سوی کارفرمای این کارخانه به کارگران دارای سابقه است. به طور مثال پیش از این، در تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه سال جاری، کارگران فولاد زاگرس با تجمع در مقابل فرمانداری قروه از دریافت پیامکی از سوی کارفرمای جدید خبر داده بودند که از آنان خواسته بود تا اطلاع ثانوی بر سر کار خود حاضر نشوند.

بیکاری بیش از یک میلیون کارگر در پروژه های عمرانی طی دو سال اخیر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 29 تیر 92 آمده است: طی گزارشی از بیکاری بیش از یک میلیون کارگر در پروژه های عمرانی طی دو سال اخیر، خبرداد. بنا بهمین گزارش، بنقل از «محمد عطاردیان» دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، دولت از دو سال پیش حداقل ۱۲ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان از معوقات پیمانکاران پروژه‌های

عمرانی از قبیل راه‌سازی، سد سازی، احداث تونل، پل و نیروگاه، ساخت بیمارستان و سالن‌های ورزشی را نپرداخته است. در نتیجه این وضع بخش قابل توجهی از پروژه‌های عمرانی کشور به حالت نیمه تعطیل در آمده و افرادی که با سمت‌های مختلف مهندسی، کارگر ماهر، کارگر نیمه‌ماهر و ساده در این پروژه‌ها مشغول به کار بودند به خیل بیکاران اضافه شده‌اند. حداقل ۲ میلیون نفر در پروژه‌های عمرانی مشغول به کار بودند، به دلیل بدقولی‌های دولت تعداد این افراد به نصف کاهش یافته است.

گاز چاه، جان دو کارگرچاه کن را گرفت

بنا به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 29 تیر ماه 92 آمده است: حبيب حسينقلي‌زاده، مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی استان آذربایجان شرقی گفت: در پی گزارش وقوع این حادثه در پاساژ صاحب الامر تبریز، آتش نشانان به محض رسیدن، محل را ایمن سازی کرده و با ابزار ویژه نجات، هردو کارگر را از چاه خارج کردند و علی‌رغم اقدامات احیایی تکنسین‌های اورژانس، متأسفانه مرگ هر دو کارگر توسط امدادگران اورژانس تأیید شد. وی با بیان اینکه این دو کارگر پدر و پسر بودند، گفت: سن پدر 58 سال و سن پسر نیز 29 سال بود.

یک فعال کارگری در قزوین:

آمارهای اشتغالزایی دولت با تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی همخوانی ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 29 تیر 92 آمده است: یک فعال کارگری در استان قزوین تبلیغات و آمارهای اشتغالزایی دولت را غیر واقعی توصیف کرد و گفت: در طول هشت سال گذشته با وجود ارائه آمارهای مثبت در زمینه اشتغالزایی، شاهد از دست رفتن بسیاری از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در دولت‌های گذشته بوده‌ایم.

«عید علی کریمی» در این باره به ایلنا گفت: تصور جامعه کارگری در زمان قدرت گرفتن دولت احمدی‌نژاد، با توجه به شعارهای ارائه شده این بود که شاهد بهبود امنیت شغلی کارگران شاغل و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای کارگران بیکار باشیم اما آنچه در این هشت سال شاهدیم نابودی امنیت شغلی و بیکاری کارگران به تبع تعطیلی کارخانه‌ها و وقوع مشکلات اقتصادی است.

این فعال کارگری در ادامه به تعدادی از واحدهای تولیدی تعطیل شده در استان قزوین اشاره کرد و گفت: اعلام آمار غیر واقعی با وجود انبوهی از اخراج و تعدیل کارگران و همچنین تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی همانند کارخانه‌های لامپ الوند و چهار واحد نساجی فرنخ، ناز نخ، مه نخ و پوشینه بافت و بسیاری از واحدهای قطعه‌سازی و... به دلیل سوء مدیریت اقتصادی دولت، ناعادلانه است.

کریمی به نمونه‌ای از وجود نقص در نحوه آمارگیری دولت اشاره کرد و گفت: به عنوان نمونه دولت در ارائه آمار اشتغال، کارگرانی که مستمری بیمه بیکاری دریافت می‌کنند را جزء آمار شاغلین به حساب می‌آورد و این در حالیست که ۹۵ درصد از کارگران بعد از استفاده از مستمری بیمه بیکاری مجدداً بازگشت بکار نمی‌شوند و به خیلی بیکاران بدون مستمری افزوده می‌شوند.

به گفته دبیر خانه کارگر قزوین، مسئولان وقتی از تعداد مشاغل ایجاد شده و عملکرد خود در این زمینه صحبت می‌کنند، تنها بر روی کاغذ آمار و ارقام می‌دهند و آنطور که مشهود است این آمارها با واقعیت بسیار فاصله دارد.

این فعال کارگری در قزوین همچنین به وعده‌های اشتغال زایی دولت در بخش مسکن مهر اشاره کرد و گفت: دولت مدعی است در زمینه تحقق وعده‌های اشتغال زایی فقط با بکارگیری حدود ۳۰ هزار نفر در ساخت مسکن مهر، به ۵۰ درصد وعده‌های خود عمل کرده است، که در این زمینه باید از دولت پرسید که بعد از پایان پروژه ساخت مسکن مهر چند هزار کارگر ساختمانی در کشور بیکار خواهند شد.

او تاکید کرد: کار اشتغال در پروژه‌هایی همانند مسکن مهر، در زمره شغل‌های ناپایدار محسوب می‌شود که با اتمام این پروژه‌ها شاهد ایجاد موج جدیدی از بیکاری کارگران در بخش ساختمان خواهیم بود.

پایان پیام

کارگران کیان تایر در اعتراض به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن دست به تجمع اعتراضی در مقابل وزارت صنایع زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 30 تیر ماه 92 آمده است: کارگران کیان تایر در ادامه اعتراضات خود به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن و بدنبال اعتراض دیروز خود در محل کارخانه و جلوگیری از ورود نامبرده به کارخانه، صبح امروز دست به تجمع اعتراضی در مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت زدند و از همان لحظه شروع تجمع خود که از ساعت 9/30 صبح شروع شد بر علیه واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن اقدام به دادن شعار کردند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران علیرغم اینکه کارگران کیان تایر بطور یکپارچه ای شعار میداند اما مسئولین وزارت صنایع با بی توجهی به تجمع کارگران و شعارهای آنان تلاش کردند جوابی به کارگران ندهند که بدنبال این وضعیت کارگران بطور ناگهانی به داخل وزارت صنایع هجوم بردند و پس از سر دادن شعار بار دیگر به خیابان بازگشتند و به شعار دهی ادامه دادند.

بنا بر این گزارش بدنبال هجوم کارگران کیان تایر به داخل وزارت صنایع، مسئولین این وزارتخانه با مشاهده خشم کارگران بناچار از آنان خواستند با تجمع در مسجد وزارت صنایع با آنان به گفتگو بنشینند. در این گفتگو که از سوی یکی از اعضای هیات اجرایی سازمان حمایت از صنایع انجام شد به کارگران کیان تایر اعلام شد ما برای اداره کارخانه تاکنون 50 میلیارد تومان هزینه کرده ایم و واگذاری کارخانه نیز ربطی به ما ندارد و اگر شما شرفی را به عنوان کارفرما قبول ندارید بروید قوه قضائیه شکایت کنید که این امر خشم کارگران را برانگیخت و آنان با صراحت تمام اعلام کردند بروید از دزدها که یکی از آنها نیز خودتان هستید این پول را بگیری ما در این مدت کار کرده ایم و کارخانه سر پا بوده است.

کارگران کیان تایر در این جلسه اعلام کردند: شما (وزارت صنایع) با استناد به دزدیهای مالک قبلی و اعتراضی که ما کارگران کردیم وی را خلع ید کردید و الان دارید بار دیگر کارخانه را تحویل همان دزد میدهید چه شده است که اینهمه با عجله و آنهم چند صباحی باقی مانده به پایان عمر دولت دهم اینهمه به دست و پا افتاده اید و کارخانه را فوراً به شرفی واگذار کرده اید.

بنا بر این گزارش از آنجا که مسئول وزارت صنایع در این نشست بطور مداوم بر این نکته تاکید میکرد که کارخانه واگذار شده و این مسئله خاتمه پیدا کرده است خشم کارگران برانگیخته شد و آنان بطور یکپارچه ای با اعلام اینکه جاده اسلامشهر را خواهیم بست با سر دادن شعار اقدام

به ترک جلسه کردند و تلاش مسئولین وزارت صنایع برای باز گرداندن کارگران به جلسه موثر واقع نشد.

کارگران کیان تایر پس از ترک جلسه بار دیگر در خیابان به سر دادن شعار پرداختند و در ساعت 12 ظهر با تاکید بر اینکه در صورت عدم رسیدگی به خواست شان جاده اسلامشهر را خواهند بست به تجمع خود پایان دادند.

بنا بر گزارش دیگری نیز که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است در حالی که کارگران کیان تایر در مقابل وزارت صنایع تجمع کرده بودند دو تن از نماینده های آنان در بخشداری چهار دانگه در جلسه شورای تامین شرکت کرده بودند. در این جلسه ضمن تهدید نماینده های کارگران از آنان خواسته شد تا کارگران را در رابطه با واگذاری کارخانه به مالک قبلی قانع کنند اما این نماینده ها اعلام کردند خودتان بیاید اینکار را بکنید.

کارگران کیان تایر اعلام کرده اند زیر بار واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن نخواهند رفت این کارگران در رابطه با واگذاری کارخانه به مالک قبلی و سابقه ای که از وی دارند نگران این هستند که نامبرده پس از تسلط کامل بر کارخانه اقدام به تعطیلی آن و فروش زمینهایش بکند کاری که در سالهای 86 و 87 دنبال آن بود اما کارگران کیان تایر با اعتراضات گسترده خود در آنزمان، وزارت صنایع را وادار به خلع ید از نامبرده کردند.

کارگران کیان تایر در تجمع امروز خود شعار میداند: شرفی(مالک قبلی کارخانه) چپاول میکند، صنایع حمایت میکند - برای حفظ البرز بریده باد دست دزد - خان بیگی(رئیس سازمان حمایت از صنایع) حیا کن شرفی را رها کن و...،(قسمتی از فایل صوتی شعارهای امروز کارگران کیان تایر بر روی سایت اتحاد قرار گرفته است)

در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها، خود را برای اعتراضات سراسری آماده کنیم

سال 92 ، سال معماری و مهندسی تغییر و اصلاح و اعتدال بر پایه هیچ، سال هیاهو برای هیچ ، سال فشار همه جانبه سرمایه داران برای تن دادن کارگران به خفت، خواری و ذلت بیشتر، برای خوردن نان آغشته به استیصال و درماندگی و تحقیر.

سالی که خیلی زود وعده های بی ریشه تغییر و اصلاح رنگ باختند و به تمکینی به وضعیت موجود و پایین آوردن سطح توقعات تبدیل شدند.

واقعا جای شگفتی است، معیشت و شرافت کارگران را به سخره می گیرند و وقیحانه اعلام میکنند که سطح انتظارات خود را پایین بیاورید.

کدام انتظارات و کدام توقعات؟

آقای حسن روحانی اعلام میکند تورم 42 درصد است . پس چرا بر اساس ماده 41 قانون کار افزایش حقوق کارگران عملی نمیشود . چرا افزایش حق مسکن و بن کارگری اجرا نمیشود و حقوق های معوقه از 2 تا 20 ماه پرداخت نمیشود و کارگران به جای دریافت طلبشان اخراج میشوند.

ارزاق عمومی ، کالاهای اساسی ، دارو و درمان ، هزینه اجاره ، رهن و خرید مسکن ، هزینه تحصیل و بطور کلی هزینه های زندگی از 50 درصد تا 300 درصد گران میشوند. کاهش ساعات کار و تعرفه گذاری خدمات پرستاران در بیمارستانهای خصوصی اجرائی نمیشوند. کارگران پیمانکاریها ، شرکتها و ... اخراج میشوند و بر آمار 5 میلیون بیکار افزوده میشوند. معدن کاران در زیر معادن دفن میشوند و حتی اجسادشان را از زیر آوار معادن در نمی آورند .

کارگران چایکار بدحسابی های دولت در فقر و تنگدستی بسر میبرند. حوادث شغلی به علت کمبود امکانات ایمنی، آموزش و نظارت ظرف 2 ماه گذشته 265 نفر قربانی میگیرد. اما سازمان تامین اجتماعی 10 هزار میلیارد تومان تخلف میکند و در همان حال از بیماران بیمه شده برای ارائه افشانه های مخصوص بیماران تنفسی و شیمیایی 30 هزار تومان هزینه دریافت میکند.

آقایان اینها مطالبه و توقع از جانب ما کارگران نیستند بلکه اینها سلب کردن حق زندگی میلوونها کارگر و خانواده هایشان از سوی دولت و کارفرمایان می باشد.

اما در مقابل این وضعیت به غایت ناهنجار طبقه کارگر و اکثریت زحمتکشانشان حقوق بگیر جامعه ، دولت و شرکتهای شبه دولتی، کارخانه داران، تجار، واسطه ها، بانکداران، سرمایه داران، اختلاسگران و قاچاقچی ها قرار دارند که بیش از سه دهه است گوشت قربانی کارگران را حریصانه بین هم تقسیم میکنند و به استخوانهای آنها هم رحم نمیکنند و اکنون حتی این مسابقه بی رحمانه استثمار کارگران و غارت اموال عمومی بین دولت و شرکتهای شبه دولتی ، ارگانهای زیر ربط با سرمایه داران و کارفرمایان به سرعت ادامه دارد.

دولت با چند برابر کردن قیمت کالاهای اساسی چون ، نان ، بنزین ، گازوئیل ، گاز ، برق و ...، دو برابر کردن قیمت رسمی دلار، سکه و طلا و فروش اموال ملی به بخش خصوصی درآمدهای سرشار خود را از کیسه مردم بالا میکشد و سرمایه داران و کارفرمایان نیز از یک سو از بیکاری گسترده کارگران، اخراج ، دیر پرداختن حقوق های ماهیانه، زدن کل یا بخشی از مزایا و از سوی دیگر از وام های کلان، معافیت مالیاتی، فرار مالیاتی و همه رانتهای حکومتی سود های میلیاردری میبرند و از طرف دیگر با ثابت نگه داشتن و انجماد دستمزدها و سه برابر کردن قیمت کالاها سود خالص خود از دستمزد کارگران را بالا میکشند. آنها به ویژه در یک سال و نیم اخیر هر کالایی را که تولید کرده اند دستکم سه برابر یعنی 300 درصد به فروش رساندند در حالی که هزینه کارگر یعنی مزدش کمتر از 10 درصد هزینه تولید بوده است در عین حال املاک ، کارخانه ، سرمایه و سهام اش همه سه برابر ارزش پیدا کرده اند

اگر اعتراض یا اعتصابی از طرف کارگران انجام شده است به راحتی توانسته اند آنها را اخراج کنند و حتی به بهانه اعتصاب کارگران توانسته اند وام های کلان بگیرند و اگر هم وام داشته اند به همین بهانه توانسته اند آنرا قسط بندی کنند یا آنرا پرداخت نکنند.

کارفرمایان و سرمایه داران در ایران هم از آغل میخورند و هم از توبره، آنها دو لپی میخورند. اکثریت قریب به اتفاق سرمایه داران در ایران یا وابسته به قدرت یا زدوبندی با اربابان قدرت دارند. آنها هیچ واهمه ایی از ورشکستگی یا تعطیلی مراکز صنعتی یا خدماتی خود ندارند برخی زمین کارخانه شان در محدوده شهر قرار گرفته که از فروش زمین آن سود نجومی خواهند برد و حتی وام های کلانی برای ایجاد کارخانه در محل دیگری نیز خواهند گرفت، برخی دیگر به علت فرسوده و انرژی بر بودن دستگاهها و تجهیزات با اخراج و تعدیل کارگران ، با واردات همان کالاهای تولیدی یا کالاهای دیگر از چین و هند و دلارهای نفتی را به تاراج میبرند. با ارز 1250 تومانی دارو وارد نمیکنند از کمیابی دارو و رشد 300 درصدی آن سود میبرند و در عین حال با همان ارز 1250 تومانی سواریهای لوکس و... وارد میکنند و سودهای افسانه ای میبرند. آیا این غارت و چپاول به این راحتی را در جایی دیگر سراغ دارید؟

آیا آنها از منافع و نعمت عظیم تحریم ها به آسانی خواهند گذشت ؟ و اکنون این فاجعه وقتی تکمیل میشود که حقوق ماهیانه کارگران اگر به موقع پرداخت شود در خوش بینانه ترین حالت به سختی میتواند 10 روز از هزینه های زندگی خود و خانواده اش را تامین کند.

بنابر این خواست عمومی و گسترده کارگران برای اجرای ماده 41 قانون کار که از اواخر سال گذشته به یک جنبش عمومی برای افزایش دستمزد ها متناسب با تورم واقعا موجود شکل گرفته بود باید به صورت گسترده و سراسری خود را به نمایش بگذارد. دولت جدید پیشاپیش شعار و گفتار درمانی خود را شروع کرده است، اعوان و انصار دولت جدید سازها را کوک کرده اند که سوء مدیریت دولت قبلی خزانه را خالی و اقتصاد را ویران کرده است اما ما میدانیم این همه ثروت در جیب و کیسه چه کسانی قرار دارد. بنابر این حالا نوبت ما کارگران است که در هفته ها و ماههای آینده برای تجمعات گسترده و سراسری در مقابل وزارت کار در تهران و ادارات کار در شهرستانها برای افزایش دستمزدها خود را آماده کنیم و به عنوان یک نیروی اجتماعی قدرتمند در قامت خود و در صفوفی بهم فشرده و در یک اقدام سراسری مطالبات و خواسته های خود را به کرسی بنشانیم.

30 تیر ماه 1392 - شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و نماینده اخراجی کارگران کارخانه نورد پروفیل ساوه

دبیر خانه کارگر کردستان: تعطیلی فولاد زاگرس، نشانه ناتوانی دولت در حفظ اشتغال موجود است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 29 تیر 92 آمده است: دبیرخانه کارگر استان کردستان با انتقاد از بی توجهی مسئولان استانی و کشوری نسبت به اخراج ۲۳۵ کارگر شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس، تعطیلی این واحد بزرگ تولیدی را نشانه ناتوانی دولت در حفظ اشتغال موجود دانست.

«عباسعلی صفری» در این باره به ایلنا گفت: تعطیلی یکی از بزرگترین واحدهای صنعتی استان محروم کردستان در مقطعی که تبلیغات اشتغالزایی دولت به اوج رسیده است، خود گواه عملکرد دستگاه اجرایی در بازار کار است.

این فعال کارگری با اعلام هشدار نسبت به افزایش نرخ بیکاری در استان کردستان، اظهار داشت: مهم‌ترین وظیفه هر دولتی در بازار کار، حفظ «اشتغال موجود» است و پس از آنکه در این زمینه موفق عمل کرد، از دولت انتظار می‌رود که به سراغ «ایجاد اشتغال» برود.

صفری با ذکر مثالی ادامه داد: اخراج کارگران فولاد زاگرس با سوابق کاری بیش از ۲۰ سال، به معنی نابودی تجارب ارزشمند صدها کارگر متخصص صنعتی است و پیام این اخراج برای سایر کارگران جوان که در انتظار فرصت شغلی هستند نابودی انگیزه کار و کسب تجربه است.

دبیر خانه کارگر استان کردستان درباره دلایل سفر سه روزه کارگران اخراجی فولاد زاگرس به تهران گفت: این کارگران طی سه روز گذشته با سفر به تهران بدون هیچگونه امکاناتی در مقابل نهادهای مهم حکومتی و مجلس جمع شده بودند تا صدای خود را به گوش مسئولان برسانند، که متأسفانه توجهی به خواسته‌های آنان نشد.

او اضافه کرد: از ابتدای این اعتراض صنفی بعضی مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس با وعده‌هایی که ضمانت اجرا نداشتند، سعی داشتند این کارگران را از ادامه اعتراض خود منصرف کنند که در این زمینه موفق هم شدند و ظهر چهارشنبه (۲۷ تیرماه) کارگران به قروه (شهرشان) بازگشتند.

صفری با تأکید بر ضرورت پی‌گیری مطالبات صنفی این کارگران از سوی مسئولان استانی و کشوری، اظهار داشت: در حال حاضر این کارگران برای پیگیری مطالبات خود به طور قانونی به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی طرح شکایت کرده‌اند و از این طریق با تشکیل پرونده پی‌گیر مطالبات معوقه و بازگشت بکار خود شده‌اند.

پایان پیام

کارگر صنعت برق: مبارزات پیگیر و متحدانه کارگران شرکت قطعات توربین شهریار به بار نشست

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 30 تیرماه 92 آمده است: پس از بیست و نه روز، اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار بر سر خواست‌ها و مطالباتی چون توقف اخراج، بازگشت به کار

کارگران اخراجی و پرداخت حقوق معوقه که از اهم مطالبات این کارگران بوده، امروز (یکشنبه) مدیریت به خواست کارگران تمکین کرده و کارگران دست از اعتصاب کشیده اند. با تعمق کمی روی مطالبات کارگران این حلقه از جنبش کارگری، درمی یابیم که مطالبات کارگران این کارخانه، مطالبات کلیه کارگران در این مقطع از مبارزات کارگری است. هم اکنون یکی از خواست های کارگران رفع معضل " عدم امنیت شغلی " است که همچون پتکی بالای سر کارگران قرار گرفته است؛ هرگاه کارگران دست به اعتراض بزنند، پیمانی و قراردادی بودن را، به رخشان میکشند و به آنان گوشزد میکنند. کارگران شرکت هایی که هم اکنون مبارزاتشان در جریان است عمده مطالباتشان همان خواست های کارگران قطعات توربین شهریار است. اینجاست که به حق باید گفت مبارزات کارگران این بخش صنعت برق علیه سرمایه، نه تنها بیانگر مطالبات کلیه کارگران صنعت برق است، بلکه کارگران قطعات توربین شهریار، خواست و مطالباتشان، خواسته های کلیه کارگرانی است که هم اکنون در تقابل با سرمایه مبارزه میکنند. از طرفی اما، هرچند مبارزات کارگران قطعات توربین شهریار دستاورد بزرگی در مبارزات کارگری محسوب میشود، اما در غیاب یک جنبش سراسری علیه سرمایه این پیروزی شکننده است و صاحبان سرمایه در کمین هستند که به این پیروزی کارگری حمله کنند. از این روست که برای ایجاد سدی در مقابل سرمایه و حرکت های بعدی و حفاظت از دستاوردهای کارگری، ایجاد جنبش سراسری کارگران یک ضرورت است. کارگر صنعت برق-

رئیس کانون انجمن های صنفی کارگران استان تهران: آمار میلیونی اشتغالزایی با انکار کارگران اخراجی بدست آمده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در 30 تیر 92 آمده است: رئیس کانون انجمن های صنفی کارگران استان تهران با انتقاد از وضعیت اشتغال در این استان، آمارهای دولت از نرخ بیکاری را دور از واقعیات جامعه توصیف کرد.

«غلامرضا عباسی» با اشاره به سخنان رئیس جمهور منتخب در میان نمایندگان مجلس که آمارهای ارائه شده توسط دولت دهم را غیر واقعی خوانده بود به ایلنا گفت: آمارهایی که در زمینه نرخ اشتغال و بیکاری توسط دولت آقای احمدی نژاد ارائه می شود با واقعیات جامعه همخوانی ندارد.

وی در ادامه با اشاره به ادعای مسئولان دولتی مبنی بر ایجاد یک میلیون شغل در سال توسط دولت تصریح کرد: در ۸ سال گذشته، بسیاری از کارگران واحدهای تولیدی اخراج یا تعدیل شده اند که بعضی از آنان تنها با ۳۰ الی ۴۰ درصد حداقل مزد مصوب وزارت کار مشغول به کار بودند. شاید چنین آمارهای مطلوبی از ایجاد اشتغال سالانه، با نادیده گرفتن کارگران اخراجی واحدهای تولیدی بدست آمده است.

به گفته آقای عباسی، میزان بیکاری در سطح استان تهران بیش از سایر نقاط کشور به چشم می خورد.

این فعال کارگری در پایان اظهار داشت: دولت آینده باید کارخانه هایی را که با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند سر و سامان دهد و به ظرفیت صد در صد خودشان باز گرداند و با تاسیس واحدهای تولیدی جدید، نرخ بیکاری را نه روی کاغذ بلکه به صورت واقعی تک رقمی کند.

گفتنی است رییس جمهور منتخب روز یکشنبه ۲۳ تیر ماه در جمع نمایندگان مجلس با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفته بود: «این اولین بار است که پس از دوران جنگ تحمیلی در دو سال متوالی، رشد اقتصادی ما منفی است. این برای اولین بار است که در کنار رشد اقتصادی منفی، کشور با تورم ۴۲ درصدی و بیکاری مواجه است.»

«حسن روحانی» با بیان اینکه تعداد کسانی که در طول هشت سال گذشته مشغول به کار شده‌اند اندک بوده است، بیان کرده بود: براساس گزارش مرکز آمار بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ رقم شاغلان سالی ۱۴ هزار نفر بوده است.

این سخنان، واکنش مسئولان دولتی را به همراه داشت و آنان در اظهار نظرهای گوناگون در رسانه‌های متبوعشان (و رسانه‌هایی که تا پیش از این منتقد دولت احمدی‌نژاد محسوب می‌شدند) با انتقاد صریح از رئیس جمهور منتخب، بر ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال توسط دولت‌های نهم و دهم تاکید می‌کنند.

پایان پیام

مبارزات پیگیر و متحدانه کارگران شرکت قطعات توربین شهریار به بار نشست

برپایه خبردریافتی آمده است: پس از بیست و نه روز، اعتصاب کارگران شرکت قطعات توربین شهریار بر سر خواست‌ها و مطالباتی چون توقف اخراج، بازگشت به کار کارگران اخراجی و پرداخت حقوق معوقه که از اهم مطالبات این کارگران بوده، امروز (یکشنبه) مدیریت به خواست کارگران تمکین کرده و کارگران دست از اعتصاب کشیده‌اند.

با تعمق کمی روی مطالبات کارگران این حلقه از جنبش کارگری، درمی‌یابیم که مطالبات کارگران این کارخانه، مطالبات کلیه کارگران در این مقطع از مبارزات کارگری است. هم‌اکنون یکی از خواست‌های کارگران رفع معضل "عدم امنیت شغلی" است که همچون پتکی بالای سر کارگران قرار گرفته است؛ هرگاه کارگران دست به اعتراض بزنند، پیمانی و قراردادی بودن را، به رخشان میکشند و به آنان گوشزد میکنند.

کارگران شرکت‌هایی که هم‌اکنون مبارزاتشان در جریان است عمده مطالباتشان همان خواست‌های کارگران قطعات توربین شهریار است.

اینجاست که به حق باید گفت مبارزات کارگران این بخش صنعت برق علیه سرمایه، نه تنها بیانگر مطالبات کلیه کارگران صنعت برق است، بلکه کارگران قطعات توربین شهریار، خواست و مطالباتشان، خواسته‌های کلیه کارگرانی است که هم‌اکنون در تقابل با سرمایه مبارزه میکنند. از طرفی اما، هرچند مبارزات کارگران قطعات توربین شهریار دستاورد بزرگی در مبارزات کارگری محسوب میشود، اما در غیاب یک جنبش سراسری علیه سرمایه این پیروزی شکننده است و صاحبان سرمایه در کمین هستند که به این پیروزی کارگری حمله کنند.

از این روست که برای ایجاد سدی در مقابل سرمایه و حرکت‌های بعدی و حفاظت از دستاوردهای کارگری، ایجاد جنبش سراسری کارگران یک ضرورت است.

کارگر صنعت برق - یکشنبه ۳۰ تیرماه ۹۲

حضور اعتراضی یکصد نماینده کارگران ساختمانی در مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 30 تیر 92 آمده است: طی گزارشی از حضور اعتراض آمیز بیش از ۱۰۰ کارگر به نمایندگی از کارگران ساختمانی نقاط مختلف کشور در بخش تماشای صحن علنی مجلس خبر داد.

این کارگران ساختمانی که از شهرهای کوچک استان‌های خراسان شمالی، جنوبی و رضوی، سمنان، گلستان، مازندران، قم، فارس، یزد، لرستان، آذربایجان شرقی و تهران با حضور در ساختمان پارلمان نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر اختصاص ۹ هزار میلیارد ریال به سازمان تامین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی معترضند زیرا این مبلغ برای بیمه کردن یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی واجد شرایط کافی نیست.

گفتنی است قانون بودجه سال جاری مجلس شورای اسلامی، سازمان مالیاتی را مکلف کرده تا معادل عملکرد ۹ هزار میلیارد ریال از کل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

این مبلغ به جای سهم ۲۰ درصدی حق بیمه کارفرمایان در بیمه کارگران ساختمانی که تا پیش از این از محل پروانه‌های ساختمانی تامین می‌شد اختصاص داده شده است.

طی يك سال اخير: ۱۲۲ هزار کارگر قطعه‌ساز بیکار شده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 30 تیر 92 آمده است: عضو انجمن قطعه سازان خودرو گفت: از سال گذشته تا کنون حداقل ۱۲۲ هزار کارگر شاغل در واحدهای سازنده قطعات خودرو به دلیل نواسانات اقتصادی کار خود را از دست داده‌اند.

«محمد رضا نجفی منش» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: تا پیش از تشدید بحران اقتصادی سال قبل، حداقل ۳۵۰ هزار کارگر در واحدهای سازنده قطعات خودرو فعالیت داشتند. وی افزود: از سال ۹۱ که نواسانات ارزی نیز به جمع دیگر مشکلات قطعه سازان خودرو اضافه شد، حداقل ۳۰ تا ۵۰ درصد کارکنان شاغل در این واحدها تعدیل شدند. این مقام کارفرمایی بایان اینکه این کارگران در سمت‌ها و تخصص‌های مختلف شغلی مشغول کار بودند، گفت: شدت بحران اقتصادی به حدی است که فعالیت واحدهای قطعه سازی از سه شیفت کاری به یک شیفت کاری کاهش پیدا کرده است. وی یادآور شد: کاهش فعالیت روزانه واحدهای قطعه سازی به منزله حذف اضافه کاری و کاهش مزایای نقدی کارگران شاغل در این واحدهای تولیدی است. عضو انجمن قطعه سازان همچنین از تعطیلی ۱۳۷ واحد قطعه سازی در جریان بحران اقتصادی سال گذشته خبر داد و گفت: شرایط کنونی واحدهای قطعه سازی با گذشته قابل مقایسه نیست. در گذشته کارگران قطعه ساز علاوه بر درآمد بالا از امنیت شغلی بالایی نیز برخوردار بودند.

این مقام کارفرمایی بایان اینکه نهادهای دولتی مانند سازمان محیط زیست، بانک مرکزی و... بیشترین لطمه را به صنعت قطعه سازی ایران وارد کرده‌اند، گفت: شدت آسیب این تصمیم گیری‌ها حتی از موانعی که توسط تحریم‌های اقتصادی ایجاد شده است نیز بیشتر است. نجفی منش گفت: بدون شک این وضعیت بر اشتغال کارگران شاغل در کارخانه‌های خودروسازی نیز تاثیر گذاشته است.

وی با یادآوری اینکه شخص معاون اول رئیس جمهور سال گذشته وعده پرداخت وام ۲ هزار میلیارد تومانی به قطعه سازان را داده بود، گفت: تا این لحظه به این وعده عمل نشده است.

کارگران سد دریک چای سلماس به جای دریافت دستمزد، اخراج شده‌اند

برپایه خبر دریافتی آمده است: در ماه‌های اخیر موج جدیدی از اخراج و بیکاری کارگران در شهرستان سلماس شروع شده، بسیاری از کارگاه‌های تولیدی و کارخانه‌ها ورشکست و همین باعث شدت گرفتن بیکاری کارگری در این شهرستان شده است؛ اخراج و بیکاری که به دلیل محدودیت رسانه‌ها چندان به اخبار راه نمی‌یابند.

بنا به گزارش 30 تیرتارنمای سلماس، مشکلات سد دریک چای سلماس در حال افزایش است به طوری که بیش از دو ماه است که ۱۰۰ نفر از کارگران بومی سد دریک چای سلماس را به مرخصی اجباری فرستاده‌اند و در طول مدت مرخصی به اکثر این کارگران ابلاغ شده است که آنها اخراج هستند و درتازه‌ترین خبر، حقوق کارگران این سد ۸ ماه است پرداخت نشده است. بنا به همین گزارش، کارگران سد دریک چای سلماس ۸ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، با وجود داشتن دفترچه بیمه، به دلیل عدم ارسال لیست بیمه شدگان از سوی مسوولین سد، از پوشش بیمه تامین اجتماعی نیز محروم شده‌اند. همچنین در این باره گفته می‌شود، دلیل مرخصی این کارگران کمبود منابع مالی این سد اعلام شده که باید از سوی دولت تامین شود.

چهارماه تأخیر در پرداخت حقوق ۳۰۰ کارگر پیمانی آبفای اهواز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 30 تیر 92 آمده است: تعداد ۳۰۰ کارگر شرکت پیمانکاری «سولار» در اهواز که تحت نظارت آبفای این شهر فعالیت دارند حدود چهار ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند.

کارفرمای این شرکت علاوه بر تأخیر در پرداخت حقوق این کارگران در چهار ماه گذشته، حق بیمه (تامین اجتماعی) آنان را نیز واریز نکرده است.

مدیر روابط عمومی شرکت آبفای اهواز ضمن تأیید تأخیر چهار ماهه حقوق ۳۰۰ کارگر شرکت پیمانکاری سولار، گفت: حقوق فروردین و اردیبهشت ماه این کارگران حداکثر تا سه روز آینده به حسابشان واریز می‌شود.

«پژمان کیماسی» همچنین در خصوص زمان پرداخت حقوق معوقه خرداد و تیر ماه کارگران گفت: با توجه به اینکه درآمد حاصله شرکت آب و فاضلاب کشور از سوی مردم به خزانه دولت واریز می‌شود، ما باید منتظر دریافت این هزینه‌ها از تهران (خزانه دولت) باشیم تا بتوانیم حقوق کارگران را به حسابشان واریز کنیم.

او در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه مشکلات این ۳۰۰ کارگرمربوط به شرکت پیمانکاری سولار است، گفت: با این حال شرکت آبفای اهواز در تلاش است تا به مشکلات این کارگران رسیدگی و مطالبات آنان را پرداخت کند.

تجمع نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران در تالار رودکی

بنا به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 30 تیر ماه 92 آمده است: جمعی از نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و اعضای گروه کر دفتر موسیقی از ساعاتی پیش به نشانه اعتراض به وضعیت موجود در تالار رودکی جمع شدند.

براساس این گزارش، در این تجمع که صبح امروز 30 تیر ماه، در تالار رودکی انجام شده است، نوازندگان خواستار تسهیل در امر قراردادهایشان هستند. نوازندگان از رعایت نشدن حقوق معنویشان در زمینه انتشار آثار صوتی و تصویری ارکستر سمفونیک گلایه دارند.

به گفته تعدادی از نوازندگان مدیرعامل دفتر موسیقی جهت تسهیل روند قرارداد به نوازندگان قول مساعد داده و از آنان فرصت خواسته است.

برق، جان کارگر گچسارانی را گرفت

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کارایران- ایلنا در 30 تیر 92 آمده است: روز گذشته بیست و نهم تیرماه 92 هنگامی که «محمد بخشی زاده» 35 ساله در حین کار بر روی یک ساختمان بود، بر اثر برق گرفتگی کشته شد. شهرستان گچساران یکی از شهرستان‌های کهگیلویه و بویراحمد است.

گزارش بانک مرکزی از تغییرات قیمت 11 قلم مواد خوراکی- حبوبات 109 درصد و چای 101 درصد گران شد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 30 تیر ماه 92 آمده است: بانک مرکزی متوسط قیمت خرده فروشی 11 قلم مواد خوراکی پرمصرف در تهران منتهی به 21 تیرماه سال جاری را اعلام کرد که بر اساس آن، قیمت حبوبات و چای نسبت به هفته مشابه سال گذشته بیش از 100 درصد افزایش یافته است.

بانک مرکزی متوسط تغییرات قیمت خرده فروشی 11 قلم مواد خوراکی پرمصرف در شهر تهران را که مربوط به هفته منتهی به 21 تیرماه سال جاری است منتشر کرد. بر این اساس، در هفته مورد گزارش در گروه لبنیات بهای ماست غیرپاستوریزه افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود.

بهای تخم مرغ کاهش جزئی یافت و شانه ای 69000 الی 93000 ریال فروش می رفت. در گروه برنج، قیمت برنج داخله درجه یک اندکی کاهش داشت و بهای برنج داخله درجه یک اندکی کاهش داشت و بهای برنج داخل درجه دو ثابت بود. در گروه حبوب، قیمت نخود و لوبیا چشم بلبلی افزایش یافت و بهای سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود.

در هفته مورد بررسی، در میادین زیر نظر شهرداری گللابی عرضه نمی شد ولی سایر اقلام میوه و سبزی تازه که تعدادی از آنها از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داشتند به نرخ مصوب سازمان میادین میوه و تره بار عرضه می شد.

میوه فروشی های سطح شهر اقلام مرغوب میوه و سبزی تازه را عرضه می نمودند که در گروه میوه های تازه قیمت تمام اقلام این گروه کاهش داشت. در گروه سبزی های تازه بهای سبزی های برگی ثابت بود؛ قیمت خیار، گوجه فرنگی و کدو سبز افزایش ولی بهای سایر اقلام این گروه کاهش یافت.

در این هفته قیمت گوشت گوسفند، گوشت تازه گاو و گوساله و گوشت مرغ کاهش داشت. در هفته مورد بررسی بهای قند، شکر، چای خارجی و انواع روغن نباتی بدون تغییر بود.

لبنیات و تخم مرغ

در هفته مورد گزارش، در گروه لبنیات قیمت ماست غیرپاستوریزه معادل 3.4 درصد افزایش یافت و بهای سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. قیمت تخم مرغ معادل 0.7 درصد کاهش داشت.

برنج و حبوب

در گروه برنج بهای برنج داخله درجه یک معادل 0.1 درصد کاهش یافت و قیمت برنج داخله درجه دو ثابت بود. در گروه حبوب، بهای نخود معادل 0.1 درصد و لوبیا چشم بلبلی 3.1 افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود.

میوه ها و سبزی های تازه

در هفته مورد گزارش، در گروه میوه های تازه بهای تمام اقلام این گروه بین 1.1 درصد تا 9.9 درصد کاهش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت سبزی های برگی ثابت بود. بهای خیار معادل 3.4 درصد، گوجه فرنگی 2.2 درصد و کدو سبز 6.6 درصد افزایش ولی قیمت سایر اقلام ای گروه بین 1.0 درصد تا 9.2 درصد کاهش داشت.

گوشت قرمز و گوشت مرغ
در این هفته بهای گوشت گوسفند معادل 0.4 درصد، گوشت تازه گاو گوساله 0.5 درصد و گوشت مرغ 4.2 درصد کاهش یافت.

قند، شکر، چای و روغن نباتی
قیمت قند، شکر، چای خارجی و انواع روغن نباتی بدون تغییر بود.

حبوبات 108.7 درصد گران شد؛ چای 100.8 درصد
در هفته منتهی به 21 تیرماه امسال نسبت به مدت مشابه در سال قبل، لبنیات 22.2 درصد، تخم مرغ 49.5 درصد، برنج 64.8 درصد، حبوبات 108.7 درصد، میوه های تازه 20.8 درصد، سبزی های تازه 84.4 درصد، گوشت قرمز 54.4 درصد، گوشت مرغ 0.2 درصد، قند و شکر 41.1 درصد، چای 100.8 درصد و روغن نباتی 58.2 درصد گران شده است.

ماجرای سوختگی و مرگ کارگر وعدم تحویل جسدش به خانواده

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا؛ در تاریخ 30 تیر 92 آمده است : روز چهارم تیرماه سیدواحد موسوی(کارگر افغانی تبار) به همراه همسر و پسرش به علت سوختگی شدید به بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری منتقل شدند که متأسفانه سیدواحد(پدر این خانواده)، ۲۲ تیرماه بر اثر شدت سوختگی جان باخت.

به گفته سیدخلیل موسوی(برادر متوفی) به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه های بیمارستان، آنها نتوانستند جسد برادرش را تحویل بگیرند و فقط توانسته اند پنج میلیون تومان هزینه ترخیص لیلای موسوی(همسر متوفی) را تهیه کنند.

بنابراظهارات او؛ بیمارستان مطهری از مرخص شدن سیدجلال موسوی(پسر هجده ساله این خانواده) نیز به دلیل عدم تسویه هزینه های درمان جلوگیری کرده است.

به دنبال این اظهارات، خبرنگار ما پیگیری های خود را آغاز کرد و بعداز تماس با روابط عمومی بیمارستان شهید مطهری با این پاسخ مواجه شد: "برای دریافت هرگونه اطلاعاتی در این زمینه باید از دانشگاه علوم پزشکی ایران مجوز داشته باشید." از همین رو طی تماسی با روابط عمومی دانشگاه خواستار همکاری آنها در این زمینه شدیم.

درنهایت دانشگاه علوم پزشکی ایران خواستار ارائه گزارشی از بیمارستان مطهری در این زمینه شد که بعداز گذشت سه روز این گزارش ازسوی دانشگاه علوم پزشکی ایران دراختیار مافرارگرفت. متن این گزارش به شرح زیر است:

سیدواحد موسوی، همسر و فرزندش؛ تبعه کشور افغانستان در اثر ترومای سوختگی در این مرکز بستری می شوند. همسر وی در تاریخ ۱۵/۴/۹۲ پس از بهبودی ترخیص می شود. پسرش نیز در تاریخ ۱۹/۴/۹۲ ترخیص شده ولی به دلیل قادر نبودن به پرداخت هزینه ها ۲۳/۴/۹۲ در بیمارستان می ماند و با تخفیف حدود دومیلیون ۶۰۰ هزارتومان مرخص می شوند.

متوفی سیدواحد موسوی در تاریخ ۲۲/۴/۹۲ فوت کرده است و نامه ای کلانتری به همراهان داده می شود. از آنجایی که وی تبعه کشور افغانستان بوده است؛ جوابیه کلانتری مبنی بر انتقال جسد به پزشکی قانونی با تاخیر دوازده روز یعنی در تاریخ ۲۴/۴/۹۲ طی شماره ۶۱۱۴۹/۱۰/۱۰۸ کلانتری ۱۴۵ ونک به این مرکز ارسال و در همان تاریخ جسد به پزشکی قانونی تحویل داده می شود ضمناً هزینه های متوفی حدود هفت میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بوده که ۶ میلیون تومان پرداخت نمی شود.

تصادف دو خودروی در معدن شماره 3 گل‌گهر سیرجان یک قربانی گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 30 تیر ماه 92 آمده است: تصادف دو خودروی گول‌پیکر در معدن شماره سه گل‌گهر یک کشته به جای گذاشت. برپایه این گزارش، روز گذشته دو خودرو تراک در معدن شماره سه گل‌گهر، در حالی از روبرو به یکدیگر برخورد کردند که در اثر آن، یک نفر در دم جان خود را از دست داد و راننده دیگر دچار آسیب‌دیدگی شدید از ناحیه پا شد. به گفته شاهدان این تصادف، این اولین تصادف نیست که در این معدن رخ می‌دهد. تاکنون بارها این واقعه رخ داده است آن هم به دلیل سرعت بالای تراک‌ها است. دلیل آن هم این است که در این معدن حقوق براساس تعداد آمار بار به رانندگان داده می‌شود. به این صورت هر چه سرویس بیشتر، حقوق بیشتر. این کارگران ادامه می‌دهند: به این ترتیب کارگران مجبور می‌شوند، با این خودروهای گول‌پیکر با سرعت رانندگی کنند که منجر به این گونه تصادفات می‌شود. این شاهدان می‌گویند: از روز جمعه تا شنبه طی این دو روز، چهار تصادف رخ داده است که چهارمین آن منجر به فوت یکی از همکارانمان شد. این رانندگان می‌گویند: هر چند که در این قسمت ما به عنوان راننده مشغول به کار هستیم اما بیمه کارگری عنوان بیمه ماست نه بیمه رانندگان، یعنی اینکه از 156 میلیون تومان بیمه عمر، تنها 10 میلیون تومان به کارکنان این معدن تعلق می‌گیرد.

حضور اعتراضی یکصد نماینده کارگران ساختمانی در مجلس

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کارایران- ایلنا در 30 تیر 92 آمده است: رئیس انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور از حضور اعتراض آمیز بیش از 100 کارگر به نمایندگی از کارگران ساختمانی نقاط مختلف کشور در بخش تماشاچیان صحن علنی مجلس خبر داد.

«اکبر شوکت» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: این کارگران ساختمانی که از شهرهای کوچک استان‌های خراسان شمالی، جنوبی و رضوی، سمنان، گلستان، مازندران، قم، فارس، یزد، لرستان، آذربایجان شرقی و تهران با حضور در ساختمان پارلمان نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر اختصاص 9 هزار میلیارد ریال به سازمان تامین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی معترضند زیرا این مبلغ برای بیمه کردن یک میلیون و 700 هزار کارگر ساختمانی واجد شرایط کافی نیست.

گفتنی است قانون بودجه سال جاری مجلس شورای اسلامی، سازمان مالیاتی را مکلف کرده تا معادل عملکرد 9 هزار میلیارد ریال از کل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده 28 قانون مالیات بر ارزش افزوده متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

این مبلغ به جای سهم 20 درصدی حق بیمه کارفرمایان در بیمه کارگران ساختمانی که تا پیش از این از محل پروانه‌های ساختمانی تامین می‌شد اختصاص داده شده است. رئیس انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور تصریح کرد: این قانون تصویب و برای تایید نهایی به کمیسیون اصل 44 مجلس ارسال شده است و در آنجا می‌خواهند اعمال سهمیه بندی سالانه برای بیمه کارگران ساختمانی را احیا کنند.

تذکر قاضی پور برای توجه به کارگران ساختمانی معترض
پس از حضور کارگران ساختمانی در بخش تماشاچیان صحن علنی مجلس و بی‌اعتنایی

نمایندگان به آنها، «نادر قاضی‌پور» نماینده ارومیه در تذکری گفت: نمایندگان کارگرانی ساختمانی کل کشور در مجلس تجمع کرده‌اند. از این رو از شما می‌خواهم یک نفر از نمایندگان را به نمایندگی از مجلس به جمع آنان بفرستید تا مسائل آنان به مجلس منتقل شود.

وی تصریح کرد: ۱۴ درصد کشته‌های کشور، کارگران ساختمانی‌اند. جامعه کارگران ساختمانی هم کشته می‌شوند و هم خانواده‌های‌شان گرفتار مشکلات عدیده‌ای هستند. برای حل مشکلات این کارگران یک نماینده برای صحبت به جمع کارگران ساختمانی تجمع کننده بفرستید.

اعمال مجدد سهمیه بندی در کمیسیون اصل ۴۴ مجلس در همین رابطه، «علی یارمحمدی» دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور با اشاره به قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که ۲۰ درصد سهم حق بیمه کارفرمایان را از محل پروانه‌های ساختمانی تامین می‌کرد، گفت: در سال‌های اخیر، شهرداری و کارفرمایان مدعی‌اند این موضوع باعث افزایش قیمت ساخت در کشور شده است.

وی در گفتگو با ایلنا تصریح کرد: این در حالی است که مطابق تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس، تاثیر اخذ سهم حق بیمه از محل پروانه‌های ساختمانی در افزایش قیمت ساخت مسکن، حداکثر ۳ درصد است.

این فعال صنفی در ادامه بیان کرد: محل تامین سهم حق بیمه کارفرمایان به کارگران ارتباطی ندارد بلکه ما به دنبال تخصیص بودجه کامل برای بیمه همه کارگران ساختمانی هستیم. یارمحمدی افزود: در حالی که قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» تصریح داشت سالانه ۲۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر بیمه شوند و از سال جاری، سهمیه بندی به طور کامل برداشته شود بحث‌هایی در کمیسیون اصل ۴۴ مجلس مطرح است که سالانه ۲۰۰ هزار کارگر بیمه شوند. دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور در پایان اظهار داشت: امسال از مجموع ۱۷۰ هزار کارگر ساختمانی دارای کارت مهارت، کمتر از ۷۰۰ هزار نفر بیمه شده‌اند.

نامه دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی به وزیر کار: توقع کارگران در شرایط سرسام‌آور تورمی، تسریع افزایش حقوق بود

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در 30 تیر 92 آمده است: دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور در نامه‌ای خطاب به «اسدالله عباسی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خواستار دستور عاجل و مقتضی در رابطه با افزایش حق مسکن و بن کارگری شد.

به گزارش ایلنا، «غلامرضا عباسی» در این نامه با اشاره به افزایش سرسام آور تورم و کاهش قدرت خرید مردم بویژه کارگران در طی ماه‌های گذشته بر لزوم تسریع روند تصویب افزایش حق مسکن و بن کارگری تاکید کرده است.

تاکید دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور بر سرعت بخشیدن به روند تصویب افزایش حق مسکن و بن کارگری در شرایطی صورت می‌گیرد که وزیر کار، این افزایش را پیش از رای اعتماد مجلس نهم شورای اسلامی در روز ۱۵ اردیبهشت سال جاری وعده داده بود.

طولانی شدن روند مذکور سبب شده تا برخی فعالان کارگری، وعده افزایش حق مسکن و بن کارگری را «شعاری برای تصاحب کرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» عنوان کنند.

یکی از فعالان کارگری بعد از مطرح شدن وعده‌های وزیر کار در رسانه‌ها گفته بود: برای آقای عباسی بهتر است تا روی سخن خود بایستند در غیر این صورت اظهارات وی به معنای عوام فریبی خواهد بود. تشکلهای کارگری پیگیر قول آقای عباسی خواهند بود. کسی نمی‌تواند به جامعه کارگری قولی را بدهد و سپس آن را عملی نکند و باید در قبالتش پاسخگو باشد.

ظاهراً با گذشت بیش از ۲ ماه از تکیه آقای عباسی بر کرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، قولش برای افزایش حق مسکن و بن کارگری فراموش نشده و فعالان کارگری با جدیت پیگیر این مساله هستند.

پایان پیام

کشته و زخمی شدن ۴ کولبر در ماکو

به گزارش کُردپا، در تاریخ 30 تیر ماه 92 آمده است: در نتیجه شلیک مستقیم نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران ۴ کولبر کُرد در منطقه‌ی ماکو در استان آذربایجان غربی کشته و زخمی شدند.

براساس این گزارش، شامگاه روز پنجشنبه بیست و هفتم تیرماه، یک کولبر کُرد به نام "علی آذین"، ۱۸ ساله، فرزند "خلیل"، ساکن روستای بهلول" از توابع شهرستان ماکو، در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران به شدت زخمی و جان خود را از دست داد. همچنین و در همین درگیری، دو برادر دیگر به نامهای "حسن پورمحمود"، ۲۶ ساله، و "محمود پور محمود"، ۲۲ ساله، فرزندان "عثمان" و یک کولبر دیگر نیز به نام "پاشا پورمحمود"، ۲۳ ساله، فرزند "محمدامین"، که هر سه نفر ساکن روستای "دیم قشلاق" از توابع شهرستان ماکو بودند، به شدت زخمی شدند.

به گفته‌ی یک منبع مطلع، "حسن پورمحمود"، به شدت زخمی شده و پزشکان وضعیت سلامتی وی را وخیم اعلام کرده‌اند و همزمان "محمود و پاشا" نیز که گلوله به پای آنان اصابت کرده در بیمارستان تحت مراقبت پزشکی می‌باشند.

به گفته‌ی همین منبع، شمار زخمی‌شدگان در این حادثه بیشتر از ۳ نفر است، اما از ترس نیروهای حکومت اسلامی ایران از رفتن به بیمارستان خودداری کرده‌اند. در این حادثه که در مناطق بیلاقی "ساری چمن" در مرز کشور ترکیه رخ داده است، بیش از ۱۲۰ رأس اسب بارکش نیز به وسیله‌ی شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران تلف شدند.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان کارگری اعلام کرد: افزایش ۴۰ هزار میلیاردی بدهی دولت به تامین اجتماعی طی ۸ سال گذشته

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 31 تیر 92 آمده است: رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری از افزایش ۴۰ هزار میلیارد تومانی بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی در ۸ سال گذشته خبر داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «حسن صادقی» در همایش «تامین اجتماعی، گذشته، حال و آینده» که در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برگزار می‌شد، گفت: عملکرد سلیقه‌ای مدیران سازمان تامین اجتماعی در بخش درمان، بیمه و اقتصاد، شرایطی ایجاد کرده که توان حرکت از سازمان را گرفته است.

وی تصریح کرد: البته این طور نیست که در زمان اصلاح طلبان، مدینه فاضل ایجاد شده باشد. در آن مقطع، قانون جامع تامین اجتماعی باعث شد وزارتخانه‌ای به وجود بیاید که باری بر دوش سازمان باشد. حاصلش هم زمان تحویل دولت اصلاحات مشاهده شد.

این فعال کارگری ادامه داد: زمانی که سازمان تامین اجتماعی توسط دولت اصلاحات تحویل گرفته شد، ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان از دولت طلب داشت اما زمان تحویل سازمان به دولت آقای احمدی‌نژاد، مطالباتش به ۷ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده بود.

به گفته آقای صادقی، امروز که دولت اصولگرا می‌خواهد سازمان تامین اجتماعی را به دولت آقای روحانی تحویل دهد بدهی‌اش به سازمان ۴۷ هزار میلیارد تومان شده است.

وی با تاکید بر لزوم سفید بودن پرچم سازمان تامین اجتماعی گفت: سفید بودن پرچم سازمان تامین اجتماعی، آن را از دست اندازی گروه‌های سیاسی و منفعت طلبانی که در اقتصاد رانتهی، سازمان را بهترین گزینه برای ثروت اندوزی می‌دانند مصون می‌کند.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در پایان با تاکید بر انتخاب مدیری توانمند در راس سازمان تامین اجتماعی، اظهار داشت: باید مدیری انتخاب شود که سازمان را بشناسد و بر اضلاع بیمه‌ای، سرمایه‌ای و درمانی‌اش، اشراف داشته باشد. مدیری باشد که برای جلوگیری از دست اندازی دولت به تامین اجتماعی، استعفایش را روی میز بگذارد نه آنکه با تشر دولت، حوزه تامین اجتماعی را مانند امروز، تقدیم دولت کند.

پایان پیام

۳۰۰ کارگر شرکت پیمانکاری سولار چهار ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در 31 تیر 92 آمده است: آقایار حسینی با اعلام این خبر گفت: کارفرمای این شرکت علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق این کارگران در چهار ماه گذشته، حق بیمه (تامین اجتماعی) آنان را نیز واریز نکرده است. او با بیان اینکه این تعداد کارگر به صورت قراردادی به عنوان موتورچی و پمپ چی آب در سطح شهر اهواز فعالیت می‌کنند، افزود: این ۳۰۰ کارگر دارای سوابق کاری ۴ تا ۱۵ ساله هستند که از دلایل کارفرما برای نپرداختن دستمزدهشان اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. این فعال کارگری با بیان اینکه نظارتی بر کار شرکتهای پیمانکاری نیست تصریح کرد: انتظار داریم مسئولان در این استان نظارت خود را بر شرکتهای پیمانکاری و نحوه فعالیت‌شان بیشتر کنند. حسینی در پایان به تشریح شرایط کار این کارگران پرداخت و گفت: این کارگران در گرماک بیش از ۵۰ درجه اهواز و در فضای باز زیر آفتاب سوزان کار می‌کنند

وعده پرداخت حقوق فروردین و اردیبهشت تا سه روز آینده

اظهارات دبیر خانه کارگر اهواز درحالی است که مدیر روابط عمومی شرکت آبفای اهواز ضمن تایید تاخیر چهار ماهه حقوق ۳۰۰ کارگر شرکت پیمانکاری سولار، گفت: حقوق فروردین و اردیبهشت ماه این کارگران حداکثر تا سه روز آینده به حساب‌شان واریز می‌شود. پیمان کیماسی همچنین در خصوص زمان پرداخت حقوق معوقه خرداد و تیر ماه کارگران گفت: با توجه به اینکه درآمد حاصله شرکت آب و فاضلاب کشور از سوی مردم به خزانه دولت واریز می‌شود، ما باید منتظر دریافت این هزینه‌ها از تهران (خزانه دولت) باشیم تا بتوانیم حقوق کارگران را به حسابشان واریز کنیم. او در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه مشکلات این ۳۰۰ کارگرمربوط به شرکت

پیمانکاری سولار است، گفت: با این حال شرکت آبفای اهواز در تلاش است تا به مشکلات این کارگران رسیدگی و مطالبات آنان را پرداخت کند.

هدفمندی یارانه‌ها ۲۰۰ کارخانه تولید لبنیات را تعطیل کرد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 31 تیر 92 آمده است: دبیر انجمن صنایع لبنی از تعطیلی بیش از ۲۰۰ کارخانه کوچک تولید لبنیات پس از شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها خبر داد. «رضا باکری» با یادآوری سخنان اخیر رئیس جمهور منتخب که گفته بود «در طول هشت سال گذشته، سالانه ۱۴ هزار نفر مشغول به کار شده‌اند» به ایلنا گفت: پس از قطع یارانه شیر کارگران بسیاری از واحدهای کوچک تولید لبنیات بیکار شده‌اند. وی ادامه داد: با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، بسیاری از کارخانه‌های لبنیات شرایط رقابت در بازار را از دست دادند و ظرفیت تولیدشان را به ۲۰ الی ۲۵ درصد کاهش داده‌اند. این فعال صنفی در پایان اظهار داشت: البته کارخانه‌های برندی وجود دارند که با احداث واحد تولیدی در مراکز استان‌ها، نیروی کار جذب کرده و ظرفیت تولیدشان را افزایش داده‌اند اما نمی‌توان بدون در نظر گرفتن کارگران اخراجی، آمار اشتغالزایی را مثبت نشان داد. گفتنی است رئیس جمهور منتخب روز یکشنبه ۲۳ تیر ماه در جمع نمایندگان مجلس با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفته بود: «این اولین بار است که پس از دوران جنگ تحمیلی در دو سال متوالی، رشد اقتصادی ما منفی است. این برای اولین بار است که در کنار رشد اقتصادی منفی، کشور با تورم ۴۲ درصدی و بیکاری مواجه است.» «حسن روحانی» با بیان اینکه تعداد کسانی که در طول هشت سال گذشته مشغول به کار شده‌اند اندک بوده است، بیان کرده بود: براساس گزارش مرکز آمار بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ رقم شاغلان سالی ۱۴ هزار نفر بوده است. این سخنان، واکنش مسئولان دولتی را به همراه داشت و آنان در اظهار نظرهای گوناگون در رسانه‌های متبوعشان (و رسانه‌هایی که تا پیش از این منتقد دولت احمدی‌نژاد محسوب می‌شدند) با انتقاد صریح از رئیس جمهور منتخب، بر ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال توسط دولت‌های نهم و دهم تأکید می‌کنند.

کارگران اخراجی فولاد زاگرس به تهران بازگشتند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 31 تیر 92 آمده است: صبح امروز (دوشنبه ۳۱ تیرماه) حدود ۲۰۰ نفر از کارگران اخراج شده کارخانه «فولاد زاگرس» برای پیگیری مطالبات صنفی خود با سفر به تهران مجدداً در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا، نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس درباره تجمع امروز گفت: بعد از آنکه اعتراض صنفی کارگران فولاد زاگرس روز ۲۶ تیر ماه در تهران با وعده تعدادی از نمایندگان مجلس ناتمام ماند، قرار شد طبق وعده آقای «قادر مرزی» نماینده شهرستان قروه مشکلات ما روز دوشنبه در کمیسیون اصل ۹۰ طرح شود. او افزود: امروز از ساعت ۱۰ صبح، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس جلسه‌ای را برای حل مشکلات کارگران و کارخانه فولاد زاگرس با حضور نماینده‌های کارگران و همچنین مدیر عامل کارخانه و سرمایه گذار جدید تشکیل شده است. این کارگر در خاتمه افزود: امروز فرصتی که مجلس از کارگران خواسته بود تا به مشکلاتشان رسیدگی کند تمام شده است، با این حال صبر می‌کنیم تا ببینیم چه تصمیمی برای کارگران و کارخانه گرفته می‌شود.

پیشینه اعتراض

۲۳۵ کارگر کارخانه فولاد زاگرس که در روز سه شنبه ۱۸ تیرماه، به دلیل آنچه از سوی کارفرما

«ناتوانی مالی و زیان‌ده بودن تولید» ذکر می‌شد اخراج شدند. این کارگران اخراجی که در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان تجمع کرده بودند روز (دوشنبه ۲۴ تیرماه) به دلیل دریافت نکردن پاسخی از سوی مسئولان استانی راهی تهران شدند و با تجمع در خیابان پاستور که محل استقرار تعدادی از نهادهای دولتی و حکومتی است، تجمع کردند و بعد از آن در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیر ماه به در ادامه تجمعات خود در مقابل ساختمان قوه مقننه خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند، که در نهایت در آخرین روز تجمع خود در تهران، با وعده نماینده شهرستان قروه «قادرمرزی» در مجلس، اعتماد کردند و به شهر خود بازگشتند.

پس از بازگشت ۱۸۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس از سفر اعتراضی سه روزه به تهران، صبح روز ۲۷ تیر ماه تمامی ۲۳۵ کارگر اخراجی این کارخانه برای چهارمین روز متوالی تجمع اعتراضی خود را مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه ادامه دادند و همه این کارگران برای بازگشت بکار خود با تشکیل یک پرونده واحد به اداره کار شهرستان قروه طرح شکایت کردند.

با وجود این، کارگران فولاد زاگرس بامداد امروز نیز برای پی گیری مطالبات خود به تهران آمده و در مقابل مجلس شورای اسلامی، حضور پیدا کردند.

مجموعه گزارشهای اتحادیه آزاد کارگران ایران از تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس:

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 31 تیر ماه 92 آمده است: کارگران فولاد زاگرس از صبح امروز بار دیگر تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی را از سر گرفتند

اتحادیه آزاد کارگران ایران: کارگران اخراجی کارخانه فولاد زاگرس بنا بر تصمیم قبلی و از آنجا که در تجمعات هفته گذشته این کارگران رسیدگی عملی به خواست هایشان صورت نگرفت از ساعت 8 صبح امروز 31 تیر ماه بار دیگر تجمع خود را در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز کردند.

بر اساس وعده ای که در تجمع هفته گذشته به این کارگران داده شد قرار است ساعت ده صبح امروز کمیسیون اصل 90 مجلس شورای اسلامی با شرکت نماینده های کارگران تشکیل جلسه دهد تا به خواست های آنان رسیدگی شود.

250 کارگر فولاد زاگرس از 18 تیر ماه جاری از کار خود اخراج شده اند. این کارگران از آن تاریخ در مقابل فرمانداری و اداره کار شهرستان قروه، استانداری و دفتر نماینده ولی فقیه در شهر سنندج و دفتر بیت رهبری و مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواست های خود شده اند.

کارگران فولاد زاگرس از اول سالجاری تا کنون دستمزد های خود را دریافت نکرده اند و بخشی از بن کالا و سنوات آنان نیز در سال 91 پرداخت نشده است.

همچنین کارفرمای فولاد زاگرس هزینه بیمه این کارگران را از اول سالجاری واریز نکرده بود که اخیرا اقدام به واریز آن کرده است.

گزارش تکمیلی تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی ادامه دارد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 31 تیر ماه 92 آمده است: تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس (ذوب آهن کردستان) که بار دیگر از ساعت 8 صبح امروز در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز شده است تا لحظه تنظیم این خبر (11/30) همچنان ادامه دارد و نماینده های آنان پروین محمدی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و دو نفر از کارگران کارخانه برای

شرکت در نشست کمیسیون اصل نود وارد مجلس شورای اسلامی شده اند. قرار است امروز در نشست این کمیسیون به مسئله اخراج کارگران فولاد زاگرس رسیدگی شود. در این نشست مدیر عامل کارخانه نیز حضور خواهد داشت. در تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس دوپست نفر از کارگران اخراجی این کارخانه شرکت دارند. گزارش نتایج این تجمع و تصمیمات اتخاذ شده در کمیسیون اصل نود متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

گزارش تکمیلی از تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 31 تیر ماه 92 آمده است: در پی اعتراضات 250 کارگر اخراجی فولاد زاگرس که از 18 تیر ماه جاری تاکنون ادامه دارد کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی کارفرمای این کارخانه را متعهد به ایفا بکار این کارگران کرد. کارگران اخراجی فولاد زاگرس در حالی امروز برای سومین بار در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند که در تجمع هفته گذشته آنان در مقابل مجلس مقرر شده بود کمیسیون اصل نود ساعت ده صبح امروز برای رسیدگی به خواسته‌های این کارگران تشکیل جلسه دهد. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بر این اساس از ساعت 8 صبح امروز 200 کارگر اخراجی فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند و همزمان پروین محمدی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و دو نفر از کارگران فولاد زاگرس به نمایندگی از سوی کارگران در جلسه کمیسیون اصل نود شرکت کردند.

در این کمیسیون که مدیر عامل کارخانه، نماینده های هر یک از سهامداران، نماینده شهر قروه و رئیس کمیسیون کارگری مجلس نیز شرکت داشتند و حدود 5 ساعت طول کشید این کمیسیون کارفرما را متعهد به توافق زیر کرد:

- 1- کارفرما حق تعطیلی فولاد زاگرس و اخراج کارگران را ندارد و کارگران شاغل در آن کارخانه تحت هر شرایطی کارگر فولاد زاگرس به حساب می‌آیند.
- 2- در صورت فروش کارخانه اسناد و مدارک فروش باید در اختیار کمیسیون اصل نود قرار گیرد تا برای این کمیسیون محرز شود که خریدار تمامی تعهدات مربوط به کارگران فولاد زاگرس را پذیرفته است. تعهدات خریدار کارخانه در صورتی مورد قبول واقع خواهد شد که خریدار ادله کافی برای راه اندازی کارخانه، گسترش تولید و حفظ امنیت شغلی کارگران را ارائه نموده باشد.
- 3- کارفرما متعهد به پرداخت کلیه معوقات کارگران میشود و می باید تمامی تعهدات خود در مورد آنان را اجرا کند.
- 4- از آنجا که در حال حاضر هیچ تولیدی در کارخانه صورت نمی‌گیرد تا زمان واگذاری کارخانه به خریدار احتمالی، کارفرما می باید ادله های خود را برای توقف تولید به شورایی عالی کار ارائه دهد تا این شورا بر اساس آن بیمه مربوط به کارفرمایان را تایید کند تا مبلغ حاصل از دریافت این بیمه به عنوان دستمزد به کارگران پرداخت شود و مابه تفاوت کسری مزد کارگران راسا از سوی کارفرما پرداخت گردد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این توافق نماینده های کارگران در جمع همکاران خود حاضر شدند و پروین محمدی گزارش این توافق را به آنان ارائه نمود و بدنبال آن کارگران فولاد زاگرس با پایان دادن به تجمع شان با بدرقه برخی از کارگران حامی خود در تهران عازم شهرستان قروه شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 31 تیر ماه 1392

لینک تصاویر:

<http://www.eteahdyh.com/?page=news&nid=3152>

گزارش تکمیلی از تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس

در پی اعتراضات ۲۵۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس که از ۱۸ تیر ماه جاری تاکنون ادامه دارد کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی کارفرمای این کارخانه را متعهد به ابقا بکار این کارگران کرد. کارگران اخراجی فولاد زاگرس در حالی امروز برای سومین بار در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند که در تجمع هفته گذشته آنان در مقابل مجلس مقرر شده بود کمیسیون اصل نود ساعت ده صبح امروز برای رسیدگی به خواسته‌های این کارگران تشکیل جلسه دهد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بر این اساس از ساعت ۸ صبح امروز ۲۰۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند و همزمان پروین محمدی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و دو نفر از کارگران فولاد زاگرس به نمایندگی از سوی کارگران در جلسه کمیسیون اصل نود شرکت کردند. در این کمیسیون که مدیر عامل کارخانه، نماینده های هر یک از سهامداران، نماینده شهر قروه و رئیس کمیسیون کارگری مجلس نیز شرکت داشتند و حدود ۵ ساعت طول کشید این کمیسیون کارفرما را متعهد به توافق زیر کرد:

۱- کارفرما حق تعطیلی فولاد زاگرس و اخراج کارگران را ندارد و کارگران شاغل در آن کارخانه تحت هر شرایطی کارگر فولاد زاگرس به حساب می‌آیند.

۲- در صورت فروش کارخانه اسناد و مدارک فروش باید در اختیار کمیسیون اصل نود قرار گیرد تا برای این کمیسیون محرز شود که خریدار تمامی تعهدات مربوط به کارگران فولاد زاگرس را پذیرفته است. تعهدات خریدار کارخانه در صورتی مورد قبول واقع خواهد شد که خریدار ادله کافی برای راه اندازی کارخانه، گسترش تولید و حفظ امنیت شغلی کارگران را ارائه نموده باشد.

۳- کارفرما متعهد به پرداخت کلیه معوقات کارگران میشود و می باید تمامی تعهدات خود در مورد آنان را اجرا کند.

۴- از آنجا که در حال حاضر هیچ تولیدی در کارخانه صورت نمی‌گیرد تا زمان واگذاری کارخانه به خریدار احتمالی، کارفرما می باید ادله های خود را برای توقف تولید به شورایی عالی کار ارائه دهد تا این شورا بر اساس آن بیمه مربوط به کارفرمایان را تأیید کند تا مبلغ حاصل از دریافت این بیمه به عنوان دستمزد به کارگران پرداخت شود و مابه تفاوت کسری مزد کارگران راسا از سوی کارفرما پرداخت گردد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنال این توافق نماینده های کارگران در جمع همکاران خود حاضر شدند و پروین محمدی گزارش این توافق را به آنان ارائه نمود و بدنال آن کارگران فولاد زاگرس با پایان دادن به تجمع شان با بدرقه برخی از کارگران حامی خود در تهران عازم شهرستان قروه شدند.

۲۱ تیر ماه ۱۳۹۲

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی ادامه دارد

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس (ذوب آهن کردستان) که بار دیگر از ساعت ۸ صبح امروز در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز شده است تا لحظه تنظیم این خبر (۱۱/۳۰) همچنان ادامه دارد و نماینده های آنان پروین محمدی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و دو نفر از کارگران کارخانه برای شرکت در نشست کمیسیون اصل نود وارد مجلس شورای اسلامی شده اند. قرار است امروز در نشست این کمیسیون به مسئله اخراج کارگران فولاد زاگرس رسیدگی شود. در این نشست مدیر عامل کارخانه نیز حضور خواهد داشت. در تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس دویست نفر از کارگران اخراجی این کارخانه شرکت دارند. گزارش نتایج این تجمع و تصمیمات اتخاذ شده در کمیسیون اصل نود متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

۳۱ تیر ماه ۱۳۹۲

کارگران فولاد زاگرس از صبح امروز بار دیگر تجمع خود در مقابل مجلس شورای اسلامی را از سر گرفتند

کارگران اخراجی کارخانه فولاد زاگرس بنا بر تصمیم قبلی و از آنجا که در تجمعات هفته گذشته این کارگران رسیدگی عملی به خواست هایشان صورت نگرفت از ساعت ۸ صبح امروز ۳۱ تیر ماه بار دیگر تجمع خود را در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز کردند . بر اساس وعده ای که در تجمع هفته گذشته به این کارگران داده شد قرار است ساعت ده صبح امروز کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با شرکت نماینده های کارگران تشکیل جلسه دهد تا به خواست های آنان رسیدگی شود . ۲۵۰ کارگر فولاد زاگرس از ۱۸ تیر ماه جاری از کار خود اخراج شده اند. این کارگران از آن تاریخ در مقابل فرمانداری و اداره کار شهرستان قروه، استانداری و دفتر نماینده ولی فقیه در شهر سنندج و دفتر بیت رهبری و مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواست های خود شده اند . کارگران فولاد زاگرس از اول سالجاری تا کنون دستمزد های خود را دریافت نکرده اند و بخشی از بن کالا و سنوات آنان نیز در سال ۹۱ پرداخت نشده است . همچنین کارفرمای فولاد زاگرس هزینه بیمه این کارگران را از اول سالجاری واریز نکرده بود که اخیرا اقدام به واریز آن کرده است . گزارش تکمیلی تجمع امروز کارگران فولاد زاگرس متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

۳۱ تیر ماه ۱۳۹۲

لاهوئی در تذکر شفاهی: پرداخت مطالبات چایکاران تسریع شود

در جلسه امروز مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم لنگرود با انتقاد از عدم پرداخت مطالبات چایکاران، خواستار رسیدگی به این موضوع و حل مشکلات چایکاران و کشاورزان شد.

به گزارش ایلنا، مهرداد لاهوئی در تذکر شفاهی خود خواستار پی گیری مطالبات چایکاران از سوی رییس دولت شد و گفت: علی رغم دستورهای صادر شده اما نتیجه ای به منظور تامین مطالبات چایکاران حاصل نشده است لذا درخواست می شود هر چه سریع تر به این موضوع رسیدگی شود.

پایان پیام

بدون شرح

افزایش ۴۰ هزار میلیاردی بدهی دولت به تامین اجتماعی طی ۸ سال گذشته

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در 31 تیر 92 آمده است : حسن صادقی در همایش «تامین اجتماعی، گذشته، حال و آینده» که در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برگزار می شد، گفت: عملکرد سلیقه ای مدیران سازمان تامین اجتماعی در بخش درمان، بیمه و اقتصاد، شرایطی ایجاد کرده که توان حرکت از سازمان را گرفته است.

وی تصریح کرد: البته این طور نیست که در زمان اصلاح طلبان، مدینه فاضل ایجاد شده باشد. در آن مقطع، قانون جامع تامین اجتماعی باعث شد وزارتخانه‌ای به وجود بیاید که باری بر دوش سازمان باشد. حاصلش هم زمان تحویل دولت اصلاحات مشاهده شد. این فعال کارگری ادامه داد: زمانی که سازمان تامین اجتماعی توسط دولت اصلاحات تحویل گرفته شد، ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان از دولت طلب داشت اما زمان تحویل سازمان به دولت آقای احمدی‌نژاد، مطالباتش به ۷ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده بود. به گفته آقای صادقی، امروز که دولت اصولگرا می‌خواهد سازمان تامین اجتماعی را به دولت آقای روحانی تحویل دهد بدهی‌اش به سازمان ۴۷ هزار میلیارد تومان شده است. وی با تاکید بر لزوم سفید بودن پرچم سازمان تامین اجتماعی گفت: سفید بودن پرچم سازمان تامین اجتماعی، آن را از دست اندازی گروه‌های سیاسی و منفعت طلبانی که در اقتصاد رانتهی، سازمان را بهترین گزینه برای ثروت اندوزی می‌دانند مصون می‌کند. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در پایان با تاکید بر انتخاب مدیری توانمند در راس سازمان تامین اجتماعی، اظهار داشت: باید مدیری انتخاب شود که سازمان را بشناسد و بر اضلاع بیمه‌ای، سرمایه‌ای و درمانی‌اش، اشراف داشته باشد. مدیری باشد که برای جلوگیری از دست اندازی دولت به تامین اجتماعی، استعفایش را روی میز بگذارد نه آنکه با تشر دولت، حوزه تامین اجتماعی را مانند امروز، تقدیم دولت کند.

۲۵۰ کارگر ایران برک رشت از اسفند ماه سال گذشته تاکنون حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در 31 تیر 92 آمده است: یک فعال کارگری در کارخانه ایران برک رشت با انتقاد از پرداخت نشدن حقوق و مطالبات کارگران گفت: کارگران این واحد از اسفند ماه سال گذشته تاکنون حقوق دریافت نکرده‌اند. این کارگر که نخواست نامش فاش شود، با اشاره به ۵ ماه بلاتکلیفی کارگران، گفت: کارفرمای کارخانه پشم بافی ایران برک رشت از اسفند ماه سال ۹۱، حقوق ۲۵۰ کارگر شاغل در این کارخانه را نپرداخته است. او در تشریح جزئیات مشکلات کارخانه ایران برک رشت افزود: این کارخانه که ۱۸ سال پیش از بخش دولتی (سازمان صنایع ملی) به بخش خصوصی واگذار شده بود، به سبب افزایش مشکلات مالی علاوه بر کاهش تولید نتوانست اشتغال ۱۵۰۰ کارگر خود را حفظ کند و به تدریج با تعدیل و بازنشستگی، تعداد کارگران را به ۲۵۰ نفر رساند. او اضافه کرد: خصوصی‌سازی بی‌ضابطه و بدون برنامه در «ایران برک» بیشترین ضربه را به تولید و کارگران این کارخانه وارد کرد به طوری که هم اکنون این کارخانه با کمترین ظرفیت تولید و حداقل نیروی کار به فعالیت خود ادامه می‌دهد و نیمه تعطیل رها شده است. این نماینده کارگران افزود: در تمام این مدت اکثر کارگران ایران برک به مرور بازنشسته شده‌اند و هم اکنون کارگران باقی مانده با سوابق ۳ تا ۲۰ سال نگران امنیت شغلی خود هستند. وی در پایان گفت: تا کنون وعده‌های زیادی از طرف مسئولان برای پی‌گیری مشکلات ما و سایر کارگران واحدهایی که هم اکنون دچار مشکلات شده‌اند داده شده که متأسفانه هیچ کدام از این وعده‌ها به مرحله عمل نرسیده است.

توقف احداث ایستگاه های خط ۲ قطار شهری مشهد ویکاری کارگران

به گزارش روزنامه خراسان، در 30 تیر ماه 92 آمده است: مسعود بیژنی مدیرعامل شرکت قطار شهری مشهد درباره ایستگاه های خط ۲ و مشکلات ترافیکی به وجود آمده می‌گوید: پروژه های ایستگاهی ما هم منتظر پول است و چون نقدینگی نداریم نمی‌توانیم آن‌ها را آماده کنیم و شرمند شهروندان هستیم. وی با اعلام این که برای هر ایستگاه حداقل به ۱۲ میلیارد تومان

اعتبار نیاز است، می افزاید: در کل پروژه خط ۲ قطار شهری شامل حفاری دستگاه تی.بی. ام، کارخانه سگمنت، پیمانکاران، ایستگاه ها و... حدود ۵۰۰ نفر روزانه مشغول به کار بوده اند که این تعداد الان به حداقل رسیده و ایجاد رکود به خصوص در بخش حفاری تونل به دلیل دایر بودن کارگاه ها، هزینه های زیادی را به مجری پروژه تحمیل می کند.

سخنگوی قوه قضائیه: رسیدگی به پرونده اختلاس ۲ هزار میلیاردی بدون اخراج کارگران صورت گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در ۳۱ تیر ۹۲ آمده است: سخنگوی قوه قضائیه امروز در تازه ترین نشست مطبوعاتی خود به وضعیت کارگران اخراجی کارخانه های مه آفرید امیر خسروی پس از کشف اختلاس ۲ هزار میلیارد تومانی اشاره کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «غلامحسین محسنی اژه ای» در این باره گفت: بعضی از این متهمین پول هایی که گرفته بودند کارخانجاتی را در دست گرفته بودند و قرار بود تا ۵ سال کارگران کارخانه ها را حفظ کند اما زمانی که ما پرونده را بررسی کردیم دیدیم نه تنها این کارگران حفظ نشده اند، بلکه تعدادی از آنها بدون سر و صدا نیز اخراج شده اند. این مقام قضایی ادامه داد: ما بعد از بازداشت رئیس شرکت و هیات مدیره و بعضی مسئولان تشکیلات آنها، ابتدا تلاش کردیم که این کارخانه ها از فعالیت باز نایستند و به اصطلاح نخوابد و کارگران اخراج نشود. وی ادامه داد: در کنار رسیدگی به پرونده تلاش کردیم که به کارگران لطمه نخورد و به صورتی نباشد که به خاطر کار قضایی ۵ هزار کارگر لطمه ببیند و خوشبختانه بعضی از این کارخانه ها امروز به سود دهی نیز رسیده اند.

پایان پیام

تجمع مجدد کارگران اخراجی فولاد زاگرس مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، در ۳۱ تیر ۹۲ آمده است: حدود ۲۰۰ نفر از ۲۳۵ کارگر اخراجی کارخانه فولاد زاگرس پیش از ظهر دوشنبه (۳۱ تیر/ ۲۲ ژوئیه) برای پیگیری خواسته های صنفی خود بار دیگر به تهران آمدند و مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این کارگران ۱۸ تیر (۹ ژوئیه) اخراج شدند و پس از بی نتیجه ماندن اعتراض هایشان در برابر اداره کار قروه و استانداری کردستان، با سفر به تهران روزهای ۲۵ و ۲۶ تیر مقابل مجلس جمع شده بودند. ظاهراً مجلس تا ۳۱ تیر فرصت خواسته بود تا به مشکل کارگران اخراجی رسیدگی کند. نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس در باره سفر دوباره اخراج شدگان به تهران و تجمع مقابل مجلس گفت، بعد از آنکه اعتراض صنفی کارگران فولاد با وعده تعدادی از نمایندگان مجلس ناتمام ماند، قرار شد طبق وعده ی حامد قادرمرزی، نماینده شهرستان قروه، مشکلات آنها روز دوشنبه در کمیسیون اصل ۹۰ طرح شود.

بنابر این گزارش، نماینده کارگران افزود: «امروز (دوشنبه ۳۱ تیر) از ساعت ۱۰ صبح، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس جلسه ای را برای حل مشکلات کارگران و کارخانه فولاد زاگرس با حضور نماینده کارگران و همچنین مدیر عامل کارخانه و سرمایه گذار جدید تشکیل داده است.» حدود دو هفته پیش (در روز ۱۸ تیر) ۲۳۵ نفر از ۲۸۵ کارگر کارخانه فولاد زاگرس به دلیل آنچه "ناتوانی مالی و زیان ده بودن تولید" عنوان شد، اخراج شدند. گفته می شود ۵۰ کارگر باقیمانده نیز پیامکی دریافت کرده اند که در آن از آنها خواسته شده تا اطلاع بعدی در کارخانه حاضر نشوند. به گزارش ایلنا، در تجمع روز ۲۵ تیر ۱۷۰ نفر از کارگران اخراجی با امضای نامه ای خطاب به علی

لاریجانی، رئیس مجلس، ضمن انتقاد به بی‌توجهی مسئولان استانی و سوءمدیریت مدیران کارخانه خواستار بازگشت به کار و دریافت سه ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

دبیر خانه کارگر استان کردستان، عباسعلی صفری، در روز ۲۹ تیر تعطیلی کارخانه فولاد زاگرس را نشانه ناتوانی دولت در حفظ اشتغال موجود خواند و به خبرگزاری ایلنا گفت: «تعطیلی یکی از بزرگ‌ترین واحدهای صنعتی استان محروم کردستان در مقطعی که تبلیغات اشتغال‌زایی دولت به اوج رسیده است، خود گواه عملکرد دستگاه اجرایی در بازار کار است.»

صفری گفت که "حفظ اشتغال موجود" مهمترین وظیفه هر دولتی در بازار کار است و وقتی دولت توانایی جلوگیری از اخراج کارگران یک واحد صنعتی با بیش از ۲۰ سال سابقه کار را ندارد چگونه می‌تواند مدعی اشتغال‌زایی باشد؟

مرگ کارگر 22 ساله در بابل

به نوشته روزنامه کیهان در 31 تیر ماه 92 آمده است: در پی سقوط یک کارگر در داخل حوضچه تصفیه خانه فاضلاب کشتارگاه در بابل، نیروهای آتش نشانی این شهرستان وارد عمل شده و جسد این جوان 22 ساله را از حوضچه بیرون کشیدند.

روزشمار کارگری ماه مرداد سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

اعتراضات در کارخانه قند نرده وارد سومین روز خود شد

به گزارش سولدوز خبر در اول مرداد 92 آمده است: انتخابات شورای کارگری در کارخانه قند نرده باعث تجمع و اعتراضات کارگری گشته است، شدت اعتراضات به حدی بوده که فرماندار شهرستان نرده مجبور به دخالت و فیصله دادن به موضوع شده است.

کارگران این کارخانه طی مصاحبه ای با سولدوز خبر، دلیل اعتراضات خود را مداخله هیئت مدیره کارخانه قند در انتخابات شورا عنوان کردند.

کارگران میگویند: روز شنبه (3 روز قبل)، بعد از مسائل و فشارهای بسیار، زمان برگزاری انتخابات بود ولی مدیر مالی و مدیر عامل کارخانه قند، علنا مانع از برگزاری انتخابات شدند.

کارگران می‌افزایند که مدیران کارخانه قصد دارند از طریق نفوذ افراد وابسته به خود در انتخابات شورا، استقلال شورای کارگری را از بین ببرند که این موضوع به ضرر کارگران این کارخانه خواهد بود.

کارگران تهدید شده اند که اگر نمایندگان مستقل کارگری از رقابت کنار نکشند، همگی اخراج خواهند شد.

اعتراضات تا جایی پیش رفته که پای بازرسان استانی نیز به ماجرا کشیده شده، بازرسان استانی اداره کار در حال پیگیری موضوع از طریق قانون هستند که در صورت درست بودن ادعای کارگران، ممکن است بیش از سه ماه حبس در انتظار مدیران این کارخانه باشد.

گفتنی است فرماندار نرده به منظور خاتمه دادن به تجمعات کارخانه قند نرده، امروز جلسه ای در محل فرمانداری برگزار خواهد کرد.

حکم اخراج کارگران فولاد زاگرس لغو شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد 92 آمده است: در جریان دومین سفر کارگران اخراجی کارخانه فولاد زاگرس به تهران، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دیروز با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما به همراه نمایندگان از سهامداران این کارخانه تشکیل جلسه داد.

«زاهد ربیعی» که به عنوان نماینده کارگران در جلسه دیروز کمیسیون اصل ۹۰ شرکت کرده بود درباره نتیجه این جلسه به ایلنا گفت: در جلسه دیروز مصوب شد تمامی ۲۳۵ کارگر اخراج شده به کار خود بازگردند و کارفرما حق قطع رابطه کاری این کارگران با کارخانه را ندارد. او افزود: همچنین تکلیف شد کارخانه به سرمایه گذاری که صلاحیت مدیریت کارخانه را داشته باشد واگذار شود و هر سرمایه داری که کارخانه را تحویل گرفت، برای ادامه تولید از نیروهای فعلی استفاده کند و حق اخراج کارگران را ندارد.

این کارگر کارخانه فولاد زاگرس ادامه داد: کارفرما در جلسه دیروز متعهد شد تا یافتن سرمایه گذار جدید با استفاده از امکانات شورای ویژه ای بنام شاک که از کارگران واحدهای بحران زده حمایت می کند، مقرری بیکاری کارگران را پرداخت کند تا ارتباط کارگران با کارخانه تداوم داشته باشد.

ربیعی افزود: در این جلسه کارفرما تعهد داد معوقات حقوقی کارگران را حداکثر تا ۱۵ روز آینده پرداخت کند و از کارگران خواست با دریافت حقوق ماهانه تا اطلاع ثانوی در کارخانه حضور فیزیکی نداشته باشند.

او اضافه کرد: طبق دستور رئیس کمیسیون اصل نود، صورت جلسه مصوبه دیروز کمیسیون برای اطلاع و اجرا به کارفرما و سایر ادارات و نهادهای دولتی ابلاغ می شود.

رئیس اتحادیه کارگران پتروشیمی بندر امام طرح کرد: تبعیض در پرداخت حق سختی کار/ شورای راهبردی ماهشهر دخالت کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد 92 آمده است: رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام از تبعیض در پرداخت حق سختی کار به کارگران صنایع پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر انتقاد کرد.

«منوچهر یار احمدی» در این باره به ایلنا گفت: ۴ اردیبهشت سال جاری در شورای راهبردی منطقه تصمیم گرفته شد برای شروع اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور در منطقه تا زمان قرارداد جدید پیمانکار نیروی انسانی و کارفرما، مبلغی معادل ۱۰۰ هزار تومان به کارگران پرداخت شود. وی در ادامه با اشاره به پرداخت این مبلغ، افزود: همچنین تصمیم گرفته شد با انعقاد قرارداد جدید پیمانکار نیروی انسانی و کارفرما، ۲۰ درصد حق سختی کار و ۱۰ درصد حق بدی آب و هوا به کارگران پرداخت شود.

به گفته این فعال کارگری، این مساله سبب ناهماهنگی و تبعیض میان کارگران کارخانه های پتروشیمی مختلف بندر امام شده است.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان اظهار داشت: این رویه که شرکتی به کارگزارانش ۱۰۰ هزار تومان پرداخت کند و شرکت دیگری ۲۰ درصد حق سختی کار و ۱۰ درصد حق بدی آب و هوا را پرداخت کند، باعث ایجاد نارضایتی در منطقه شده است که شورای راهبردی باید برایش فکری کند.

پایان پیام

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارمندان قراردادی و رسمی وزارت ورزش

به گزارش خبرآنلاین، دراول مرداد 92 آمده است: در اعتراض به حق و حقوق کارمندی، کارکنان رسمی و قراردادی در وزارت ورزش تحصن کردند. براساس این گزارش، از صبح امروز تعدادی از کارکنان قراردادی و رسمی وزارت ورزش در اعتراض به حق و حقوق شان تحصن کردند. آنها که مقابل در وزارت ورزش تجمع کرده بودند پس از اعتراض های شدید به سمت نمازخانه هدایت شدند تا یکی از مسئولان با آنها حرف بزند. این در حالی است که اعتراض کارکنان قراردادی به دلیل عدم تمدید قراردادهایشان است و رسمی ها هم به این معترضند که حقوق شان در سال جدید افزایشی نداشته است. به گزارش اول مردادفارس درهمین رابطه، 200 نفر از کارمندان وزارت ورزش به دلیل عدم پرداخت حقوق و مطالباتشان در وزارت ورزش اعتراض و تحصن کردند. براساس این گزارش، این کارمندان به این موضوع معترض هستند که از ابتدای سال نه قراردادی با آنها امضاء شده و نه حقوقی گرفته‌اند. رمضان‌پور، مدیر حراست وزارت ورزش سعی در متفرق کردن این افراد داشت که موفق نشد. کارمندان وزارت ورزش هم‌اکنون در لابی این ساختمان منتظر رسیدگی به اعتراضاتشان هستند. صحبت‌ها با تعدادی از کارمندان این وزارتخانه حاکی از این است که حقوقی به کارمندان پرداخت نشده است. این در حالی است که نصرالله پریچهره، مسئول امور اداری وزارت ورزش، درباره اعتراض کارمندان این وزارتخانه گفت: حقوق کارمندان کامل داده شده و امسال افزایش حقوق‌ها را نداده‌اند. شاید اعتراض آنها به این دلیل باشد که می‌ترسند قراردادهایشان تمدید نشود. وی درباره تمدید قرارداد کارمندان هم اظهار داشت: منتظر دستورالعمل ضوابط اجرایی هستیم. پیش‌نویس آن برای ما ارسال شد، اما به دلیل یکی دو اشکالی که داشت قرار است تا هفته آینده در اختیار ما قرار بگیرد.

دبیر خانه کارگر تهران انتقاد کرد: بی‌تفاوتی قوای اجرایی و قضایی به شکایت کارگران علیه مزد ۹۲

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر تهران با انتقاد از بی‌تفاوتی مسئولان دستگاه قضایی و اجرایی به شکایت‌های کارگران علیه آنچه «دستمزد غیر قانونی ۹۲» خواند، نسبت به سخت‌تر شدن مشکلات معیشتی کارگران هشدار داد.

«اسماعیل حق‌پرستی» با اشاره به اتخاذ دو راهکار قانونی اعتراض به دستمزد ۹۲ توسط کارگران، به ایلنا گفت: با وجود آنکه دستمزد کارگران در اسفند سال گذشته، به وضوح ۶ درصد کمتر از نرخ تورم رسمی در آن مقطع تعیین شد، اما کارگران تحمل نشان دادند و با یافتن راهکارهای قانونی از دو طریق شورای عالی کار که ریاست‌اش را وزیر کار بر عهده دارد و همچنین طرح شکایت در دیوان عدالت اداری تلاش کردند پی‌گیر حقوق صنفیشان باشند.

این فعال کارگری افزود: اما با شروع پنجمین ماه سال و وعده‌های گوناگون مسئولان، کارگران همچنان در انتظار رسیدگی به شکایات قانونیشان هستند.

حق‌پرستی با تاکید بر اینکه مسئولان نباید کارگران را از پی‌گیری راه‌های قانونی اعتراض صنفی ناامید کنند، ادامه داد: شورای عالی کار در میانه جلسات بررسی افزایش حقوق مسکن و خوار و

بار کارگران، عازم سفر ژنو برای شرکت در اجلاس جهانی کار شد اما وقتی بعد از ۱۵ روز چشم‌انتظاری کارگران، از سفر بازگشتند دیگر هیچ خبری از برگزاری ادامه جلسات نشد.

دبیر خانه کارگر تهران از دستگاه قضایی نیز برای تعلل در رسیدگی به شکایات کارگران انتقاد کرد و افزود: مسئولان دیوان عدالت اداری نمی‌توانند شکایت جامعه کارگری را عادی تلقی کنند و طبق روند معمول که ممکن است ماه‌ها و گاه سال‌ها به طول بیانجامد به این پرونده که با معیشت جامعه ۴۰ میلیون نفری کارگران رابطه مستقیم دارد، رسیدگی کند.

این فعال کارگری در پایان از مسئولان دستگاه قضایی خواست که بدون مصلحت‌اندیشی و بر اساس مستندات قانونی به شکایت کارگران علیه مزد رسیدگی کنند.

پایان پیام

اعتصاب به خاطر عدم پرداخت حقوق در پارس جنوبی

به نوشته وبلاگ **کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است**: شرکت محورسازان در تاریخ ۰۱/۰۵/۹۲ بابت کارپروژه‌اش در پارس جنوبی ۹۰۰ میلیون تومان از کارفرمای خود دریافت کرده و به رغم این دریافت از پرداخت سه ماه حقوق کارکنانش خودداری می‌کند. مدیران این شرکت می‌گویند این پول باید در پروژه‌های دیگر هم هزینه شود و همین را بهانه‌ای برای پرداخت نکردن حقوق پرسنل پروژه قرار داده‌اند. ایندر حالی است کارگران این مجموعه سه ماه است که از دریافت حقوق محروم هستند و قادر نیستند مشکلات معیشتی خود را رفع کنند.

از این رو کارکنان این شرکت از تاریخ ۰۹/۰۵/۹۲ اعتصاب کرده و از کارکردن خودداری نموده‌اند. این شرکت در گذشته‌ی نه چندان دور هم به دلیل عدم رعایت کیفیت غذای پرسنل و آلوده بودن غذا، کارگرانش را دچار مسمومیت کرد و یکی از کارگرانش از شدت مسمومیت فوت کرد. **کانون مدافعان حقوق کارگر**

حکم اخراج کارگران فولاد زاگرس لغو شد / پرداخت مطالبات معوقه ظرف ۱۵ روز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد ۹۲ آمده است: در جریان دومین سفر کارگران اخراجی کارخانه فولاد زاگرس به تهران، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دیروز با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما به همراه نمایندگان از سهامداران این کارخانه تشکیل جلسه داد.

«زاهد ربیعی» که به عنوان نماینده کارگران در جلسه دیروز کمیسیون اصل ۹۰ شرکت کرده بود درباره نتیجه این جلسه به ایلنا گفت: در جلسه دیروز مصوب شد تمامی ۲۳۵ کارگر اخراج شده به کار خود بازگردند و کارفرما حق قطع رابطه کاری این کارگران با کارخانه را ندارد. او افزود: همچنین تکلیف شد کارخانه به سرمایه‌گذاری که صلاحیت مدیریت کارخانه را داشته باشد واگذار شود و هر سرمایه‌داری که کارخانه را تحویل گرفت، برای ادامه تولید از نیروهای فعلی استفاده کند و حق اخراج کارگران را ندارد.

این کارگر کارخانه فولاد زاگرس ادامه داد: کارفرما در جلسه دیروز متعهد شد تا یافتن سرمایه‌گذار جدید با استفاده از امکانات شورای ویژه‌ای بنام شاک که از کارگران واحدهای بحران‌زده حمایت می‌کند، مقرری بیکاری کارگران را پرداخت کند تا ارتباط کارگران با کارخانه تداوم داشته باشد. ربیعی افزود: در این جلسه کارفرما تعهد داد معوقات حقوقی کارگران را حداکثر تا ۱۵ روز آینده پرداخت کند و از کارگران خواست با دریافت حقوق ماهانه تا اطلاع ثانوی در کارخانه حضور

فیزیکی نداشته باشند.
او اضافه کرد: طبق دستور رئیس کمیسیون اصل نود، صورت جلسه مصوبه دیروز کمیسیون برای اطلاع و اجرا به کارفرما و سایر ادارات و نهادهای دولتی ابلاغ می‌شود.

پیشینه اعتراض

۲۳۵ کارگر کارخانه فولاد زاگرس که در روز سه شنبه ۱۸ تیرماه، به دلیل آنچه از سوی کارفرما «ناتوانی مالی و زیان‌ده بودن تولید» ذکر می‌شد اخراج شدند. این کارگران اخراجی که در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان تجمع کرده بودند روز (دوشنبه ۲۴ تیرماه) به دلیل دریافت نکردن پاسخی از سوی مسئولان استانی راهی تهران شدند و با تجمع در خیابان پاسطور که محل استقرار تعدادی از نهادهای دولتی و حکومتی است، تجمع کردند و بعد از آن در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیر ماه به در ادامه تجمعات خود در مقابل ساختمان قوه مقننه خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند، که در نهایت در آخرین روز تجمع خود در تهران، با وعده نماینده شهرستان قروه «قادرمرزی» در مجلس، اعتماد کردند و به شهر خود بازگشتند.

پس از بازگشت ۱۸۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس از سفر اعتراضی سه روزه به تهران، صبح روز ۲۷ تیر ماه تمامی ۲۳۵ کارگر اخراجی این کارخانه برای چهارمین روز متوالی تجمع اعتراضی خود را مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه ادامه دادند و همه این کارگران برای بازگشت بکار خود با تشکیل یک پرونده واحد به اداره کار شهرستان قروه طرح شکایت کردند. با وجود این، کارگران فولاد زاگرس بامداد دیروز ۲۱ تیر ماه نیز برای پی گیری مطالبات خود به تهران آمده و در مقابل مجلس شورای اسلامی، حضور پیدا کردند و عصر همان روز با تشکیل جلسه کمیسیون اصل نود به شهرستان قروه در کردستان بازگشتند و منتظر اجرای مصوبه کمیسیون اصل ۹۰ هستند.

پایان پیام

کمبود ۶۳ قلم دارو در کشور

بر پایه خبر رسیده به روزشمار کارگری در اول مرداد ۹۲ آمده است: رئیس سازمان غذا و دارو و معاون وزیر بهداشت، رفع مشکل کمبود دارو را نیازمند همکاری دستگاههایی همچون بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت دانست و گفت: در حال حاضر ۶۳ قلم کمبود دارو در کشور وجود دارد که در صورت همکاری دستگاههای مذکور ظرف مدت دو هفته آن را رفع خواهیم کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر عباس حاجی آخوندی در مورد تولید و توزیع کرم حلزون در کشور، افزود: متأسفانه براساس گزارشات به دست آمده، ساخت کرم حلزون در کشور بدون اخذ هرگونه مجوز از سازمان غذا و داروی بوده است.

وی ادامه داد: بدون شک شیوه علمی توزیع فرآورده‌های سلامت باید در مراکز باشد که توزیع کننده بتواند راجع به فرآورده توضیح دهد در بازرسیهای صورت گرفته متوجه شدیم که کرم حلزون، توسط پیک به مردم تحویل داده می‌شده و این درشرایطی است که اصلاً حسابرسی اقتصادی و توضیحات فنی و علمی آن مشخص نیست.

رئیس سازمان غذا و دارو با بیان اینکه طی بررسیهای انجام شده متوجه شدیم تولید و تبلیغ کرم حلزون متناسب با استانداردهای نظام سلامت نیست، تصریح کرد: با دانشگاه علوم پزشکی البرز که نقش مهمی در تولید و تبلیغ این کرم داشته است برخورد لازم صورت گرفته، از طرفی نیز به این دانشگاه ماموریت داده شد برندهایی نظیر کرم حلزون را که ممکن است

با اسامی مختلف در بازار وارد شوند را شناسایی کنند. حاجی‌آخوندی یادآور شد: محصولاتی همچون کرم حلزون، یکسری فرآورده مشابه با برندهای مختلف است که افرادی که در بازار قاچاق فعالیت می‌کنند این محصول را با نامهای مختلف عرضه می‌کنند تا سود زیادی را به جیب زنند. وی تاکید کرد: فروش کرم حلزون در کشور در همین مدت کوتاه ۴۵۰ میلیارد تومان کسب درآمد کرده که نشان دهنده آن است که در تولید و عرضه این محصول هیچ حساب و کتاب فنی و اقتصادی و علمی وجود نداشته است. رئیس سازمان غذا و دارو در مورد چگونگی نحوه دادن مجوز به تولید کرم حلزون، افزود: اصلا چنین مجوزی از سوی سازمان غذا و دارو به تولید محصول کرم حلزون داده نشده است، در حال حاضر در تلاش برای بررسی مجوز اولیه آن هستیم تا مشخص شود مجوز از سوی دانشگاه البرز بوده است یا خیر؟ چراکه دانشگاهها در فرآیند تولیدات غیردارویی می‌توانند مجوز دهند.

کمبود ۶۳ قلم دارو در کشور حاجی‌آخوندی در ارتباط با کمبود اقلام دارویی در کشور نیز گفت: در ابتدای سال جاری حدود ۳۰۰ قلم دارو در کشور کمبود داشت که در حال حاضر به حدود ۶۳ قلم دارو رسیده است. وی با بیان اینکه در تمام دنیا کمبود دارو دیده می‌شود، افزود: به طور حتم اگر گمرک، وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی با ما همکاری کند می‌توانیم این کمبود را ظرف مدت دو هفته برطرف کنیم. رئیس سازمان غذا و دارو گفت: بانک مرکزی نباید در تامین ارز، وزارت بهداشت را دور بزند چراکه این اقدام باعث مشکلات دارویی و واردات دارو در کشور می‌شود.

واکنش فعالان کارگری به جدال صنفی در خانه سینما

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد ۹۲ آمده است: حمایت از استقلال خانه سینما تنها به اهالی سینما و هنرمندان محدود نمی‌شود. بسیاری از فعالان مستقل صنفی در سایر صنوف بی‌ارتباط به سینما و هنر نیز این روزها پا به میدان گذاشته‌اند و با انتشار بیانیه‌هایی، ادامه حیات خانه سینما را برای دستیابی به اهداف صنفی در بخش‌های مختلف بسیار مهم دانستند. در میان این گروه‌ها، حمایت فعالان مستقل کارگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مازیار گیلانی‌نژاد، یک فعال مستقل کارگری در صنف فلزکار و مکانیک در رابطه با حمایت تشکل متبوعش از خانه‌سینما گفت: این دومین بار است که ما از خانه‌سینما حمایت می‌کنیم زیرا آن‌ها هم مثل ما یک صنف هستند و مدیران آن از طریق اعضای آن انتخاب می‌شوند و کسانی نیستند که دولت آن‌ها را انتخاب کرده باشد بلکه از درون خود سینما انتخاب شده‌اند. وی ادامه داد: ما معتقدیم که باید از خانه‌سینما حمایت کرد و دخالت هر فردی غیر از اعضای این صنف در این تشکل را درست نمی‌دانیم. معتقدیم خانه‌سینما مشروعیت خود را از بدنه و اعضای خود می‌گیرد و نه تنها وزارت ارشاد بلکه هیچ مقام دیگری نمی‌تواند بگوید که این خانه حق فعالیت ندارد یا اقدام به تعطیلی آن کند.

وی با اشاره به اینکه براساس اصل ۲۶ قانون اساسی؛ افراد در تجمع‌ها و گروه‌ها آزادانه می‌توانند شرکت کنند، گفت: هیچ فردی نمی‌تواند کسی را مجبور کند که وارد این تشکل شود یا او را از ورود به تشکل دیگری منع کند بلکه هر فردی می‌تواند آزادانه براساس تشکلی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کند، حضور داشته باشد.

گیلانی‌نژاد افزود: اینکه بین دو گروه از یک صنف اختلاف می‌افتد؛ طبیعی است اما کسی نمی‌تواند به دیگری بگوید که تو نباش تا من باشم. اگر گروهی می‌خواهد به دلیل اختلاف سلیقه

نهاد دیگری را با نام دیگری تاسیس کنند، مشکلی ندارد اما نمی‌توانند به شکل و صنفی که هم اکنون وجود دارد، بگویند که شما حق حضور ندارید.

گیلانی‌نژاد با اشاره به اینکه نباید خواسته‌های صنفی را به حداقل تقلیل داد، گفت: فعالیت‌ها و کارهای هر انجمن و صنفی مشخص است و خانه سینما نیز این اهداف و فعالیت‌ها را براساس نظرات اعضا تشکیل می‌دهد و براساس بندهای ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار که ایران نیز آن را امضا کرده است، صنوف می‌توانند در تمام مسائلی که به اعضای آنها ارتباط دارد؛ دخالت کنند. یک شکل می‌تواند درباره تمام مسائل اظهار نظر کند و اگر این مساله به اعضای صنف ضربه بزند؛ قطعاً باید تشکل دخالت کند.

گیلانی‌نژاد، اتهام سیاسی کاری به خانه‌سینما را نادرست عنوان کرد و گفت: فعالیت سیاسی و اظهارنظر سیاسی با سیاسی کاری متفاوت است. امروز بدون اظهارنظر سیاسی نمی‌توان درباره مسائل مختلف صحبت کرد اما متأسفانه زمانی که صنوف درباره مسائلی حرف می‌زنند که حق اعضای آنها است؛ مانند بحث امنیت شغلی یا بیمه بیکاری، فوری به آنها اتهام سیاسی کاری زده می‌شود و این اتهام نیز بیشتر از جانب کسانی زده می‌شود که منافع آنها با این حرف‌ها به خطر می‌افتد درحالی‌که در هیچ کجای قانون نیامده است که افراد حق اظهارنظر سیاسی ندارند.

وی با ذکر یک مثال ادامه داد: به طور مثال زمانی که به دلیل تحریم‌ها یا مسائل اقتصادی ورود وسایل فیلمبرداری به کشور محدود یا گران می‌شود، این امر روی تمامی اعضا تاثیر می‌گذارد اما اگر کسی درباره این مسائل صحبت کند و یا به بحث دستمزدها بپردازد، به وی اتهام سیاسی کاری زده می‌شود. اینکه به دلیل پیگیری مطالبات امروز به خانه‌سینما اتهام سیاسی کاری زده می‌شود، به نوعی فرافکنی است.

گیلانی‌نژاد، رسیدگی به امور رفاهی را از مهم‌ترین مسائل یک صنف دانست و افزود: رسیدگی به مسائل رفاهی از تعیین مایحتاج تا برآورده کردن امنیت شغلی و رسیدگی به بیمه بیکاری از اهداف اولیه یک صنف است اما اینکه یک صنف به دنبال توزیع گوشت و مرغ باشد و فقط این امر را پیگیری کند، درست نیست زیرا این کار فقط کف خواسته‌ی صنفی است و یک تشکل صنفی؛ تعاونی نیست که فقط به دنبال توزیع مایحتاج باشد.

وی با اشاره به اینکه در اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است؛ «افراد در مطرح کردن مسائل سیاسی آزاد هستند»، افزود: متأسفانه در بسیاری از موارد به‌جای آنکه به قانون اساسی عمل شود به سمت آیین‌نامه‌ها و بخش نامه‌ها حرکت می‌کنیم. درحالی‌که اگر به‌جای این موارد به قانون اساسی توجه کنیم، می‌توانیم به صورت آزادانه فعالیت کنیم.

گیلانی‌نژاد با اشاره به اینکه تجمعاتی که در روزهای اخیر پیرامون خانه‌سینما صورت گرفته بود را پیگیری کرده است، ادامه داد: هر فردی حق اعتراض دارد و می‌تواند اعتراض کند اما باید این اعتراض در مجاری قانون اساسی باشد و در قضیه خانه‌سینما این گونه بود.

وی ادامه داد: اینکه عده‌ای دنبال آن باشند که گروهی را جمع کنند تا برای خود طرفدار ایجاد کنند و علیه یک عده دیگر از آن استفاده کنند و به نوعی آنها را اجیر خود کنند؛ کار زیبایی نیست. هرچند افراد آزادند که براساس اصل ۲۶ قانون اساسی نظر خود را بگویند.

وی با اشاره به پلمب خانه‌سینما و به دنبال آن تجمع بسیاری از سینماگران مقابل خانه سینما گفت: نکته‌ای که در این قضیه نباید فراموش شود این است زمانی که یک سازمان دولتی، مکانی مانند خانه‌سینما را می‌بندد و کاری می‌کند که اهالی این خانه در خیابان آن هم در گرمای تابستان حضور پیدا کنند، اهداف مشخصی را پیگیری می‌کند.

گیلانی‌نژاد ادامه داد: نتیجه این بستن و آن تجمع این می‌شود که افراد در کف خیابان بعداز مدتی طاقت و تحمل خود را از دست می‌دهند و عصابی می‌شوند و دست به رفتارهای پرخاشگرانه می‌زنند و در این میان اصل موضوع که همان پلمب خانه‌سینما است، فراموش می‌شود.

وی ادامه داد: به طور مثال در قضیه اخیر؛ آقای علیرضا داودنژاد به دلیل رفتاری که با خانه‌سینما شده بود، عصبانی شد و اگر این عصبانیت وی ادامه پیدا می‌کرد و توسط دیگران مدیریت نمی‌شد، وی توسط نیروهای انتظامی بازداشت می‌شد و همه پیگیر آزادی وی می‌شدند. در این میان هم مساله خانه‌سینما که امر مهمی است، گم می‌شد.

خانه سینما پیش از هر چیز يك نهاد صنفی است
پروین محمدی، از اعضای هیئت رئیسه اتحادیه آزاد کارگران نیز در مورد فعالیت «اصناف مورد حمایت دولت» معتقد است: هر صنفی برای آن تاسیس می‌شود که بتواند مطالبات اعضای خود را از دولت طلب کند.

محمدی، با اشاره به اینکه یکی از اهداف هر تشکلی بالا بردن سطح رفاهی اعضای خود است، گفت: هر تشکلی برای آن به وجود می‌آید که به دنبال منفعت برای اعضای خود باشد و این منفعت را از کسانی بگیرد که آن را در جیب خود گذاشته‌اند.

وی ادامه داد: مباحثی همچون درمان، حقوق، مسائل معیشتی و رفاهی از جمله اهداف خدماتی است که یک صنف می‌تواند برای اعضای خود فراهم کند و وظیفه مدیران آن است که با چانه‌زنی در برابر طرف مقابل (که در بیشتر موارد دولت است)، این حقوق را کسب کند.

محمدی با اشاره به اینکه اخبار خانه‌سینما را شنیده است، گفت: خانه‌سینما تشکلی است که با حضور افراد تشکیل شده است و مجمع عمومی و مدیران آن نیز از درون همین بدنه شکل گرفته‌اند. به همین دلیل خود این افراد و خود بدنه هستند که می‌توانند تشخیص بدهند که آیا مدیران آنها برایشان خوب کار کرده‌اند یا خیر.

محمدی ادامه داد: اینکه کسی بخواهد از بالا و از بیرون به دنبال تعطیلی خانه‌سینما باشد؛ درست نیست زیرا خانه‌سینما مانند تمام تشکلهای مختلف و حتی تشکلهای کارگری؛ یک تشکل صنفی است و در تشکل صنفی بالاترین رکن مجمع عمومی آن است و مجمع است که می‌تواند روسای خودش را تعریف کند.

محمدی ادامه داد: متأسفانه به دلیل آنکه در کشور ما تشکیلات آزاد آنگونه که باید فعال نیستند، گروهی به دنبال آن می‌روند که خود را وامدار دولت نشان دهند و با استفاده از قدرت دولت؛ اعضای خود را وارد تشکل کنند. این امر زمانی تحقق پیدا می‌کند که یک تشکل از ساختار مردمی و صنفی برخوردار نباشد.

وی ادامه داد: البته مشکل دیگری که در بعضی تشکلهای دیده می‌شود؛ این است که زمانی که اعضای آنها به فردی رای می‌دهند و وی را برای چهار سال و یا دو سال انتخاب می‌کنند، نمی‌توانند در طی این مدت اگر وی نتوانست خواسته‌های آنها را برآورده کند، او را از آن منصب خلع کنند.

پیام سندیکا شماره 19، تیرماه 1392، منتشر شد

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است: مجله پیام سندیکا، کاری است مشترک از سندیکالیستهای ایران

این نشریه، پیش از این با عنوان "پیام فلزکار" به چاپ می‌رسید که از بهار امسال با همکاری سندیکاهای «کارگران فلزکار مکانیک»، «کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی»، «کارگران نقاش و تزئینات» و «کارگران نیشکر هفت تپه» به صورت مشترک با نام "پیام سندیکا" نشر می‌یابد.

برای تهیه ماهنامه پیام سندیکا با ما از طریق رایانامه در ارتباط باشید:

skfelezkar@gmail.com

اول مردادماه 1392

مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور طرح کرد:

انتقاد از انحصار نمایندگی کارگران در مراجع رسمی توسط يك تشکل کارگری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد 92 آمده است : مشاوران عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور از عدم اختصاص سهمیه به انجمن‌های صنفی و مجمع نمایندگان کارگران برای معرفی نماینده به مراجع مختلف انتقاد کرد.

«غلامرضا توکلی» با اشاره به نادیده گرفتن ماده ۱۳۶ قانون کار و بنده ۴ ماده ۴۳ قانون تامین اجتماعی توسط مسئولان اجرایی، به ایلنا گفت: با وجود تشکیل هر سه نهاد کارگری رسمی مصرح در قانون کار، هنوز سهمی به انجمن‌های صنفی و مجمع نمایندگان کارگران برای معرفی نماینده به مراجع ذکر شده در قانون، اختصاص داده نشده است.

گفتنی است طبق بند ۴ ماده ۴۳ قانون تامین اجتماعی، انتخاب نماینده کارگران مشمول قانون تامین اجتماعی برای شرکت در هیات‌های بدوی تشخیص مطالبات سازمان تامین اجتماعی بر عهده انجمن عالی شوراهای اسلامی کار، انجمن عالی انجمن‌های صنفی و مجمع نمایندگان کارگران است و در صورتی که این نهادهای کارگری تشکیل نشده باشند بر عهده وزیر کار خواهد بود.

همچنین در ماده ۱۳۶ قانون کار مقرر شده است انتخاب کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی کار، شورای عالی تامین اجتماعی، هیات‌های تشخیص و حل اختلاف، شورای عالی حفاظت فنی و... بر عهده انجمن عالی شوراهای اسلامی کار، انجمن عالی انجمن‌های صنفی و مجمع نمایندگان کارگران باشد.

مشاوران عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور در ادامه با تاکید بر یکسان بودن حق هر سه نهاد کارگری رسمی مصرح در قانون برای معرفی نماینده به مراجع مختلف بیان کرد: انتخاب نمایندگان کارگران برای مراجعی که شرکت نمایندگان کارگر در آنها ضرورت دارد باید توسط سه نهاد کارگری پیش بینی شده در قانون کار انجام شود و قانون گذار در انتخاب نمایندگان، امتیاز خاصی به هیچ یک از نهادهای سه گانه کارگری نداده است.

این فعال کارگری در پایان با تاکید بر عدم پیش‌بینی بار مالی اجرای این قوانین برای سازمان تامین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اظهار داشت: داشتن سهم برابر با دیگر نهادهای کارگری برای معرفی نماینده به مراجع مختلف، حق قانونی انجمن‌های صنفی و مجمع نمایندگان کارگران است.

پایان پیام

وزیر کار دولت روحانی نباید از جنس کارفرما و پیمانکار باشد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در اول مرداد 92 آمده است : یک کارشناس تامین اجتماعی معتقد است وزیر کار باید فاقد صبغه و رویکرد کارفرمایی و پیمانکاری و آشنا با الفبای بیمه‌های اجتماعی و تامین اجتماعی و الزامات و مقتضیات حوزه تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد.

«علی حیدری» در گفتگوی تفصیلی با ایلنا اظهار داشت: طی ۸ سال گذشته غالب تغییرات اعمال شده در قانون کار و قانون تامین اجتماعی با چرخش به سمت کارفرمایان و پیمانکاران بدحساب انجام شده است و موضوع رقابتی کردن بیمه‌های اجتماعی نه با هدف و نیت خیر بلکه

ناظر به شکستن اجباری و الزامی بودن بیمه اجتماعی مزد بگیران و برای زمینه سازی قانونی فرار بیمه‌ای کارفرمایان و پیمانکاران بدحساب مطرح شده است.

حیدری تصریح کرد: هر کسی که با الفبای مفاهیم رفاه و تامین اجتماعی و به ویژه بیمه‌های اجتماعی آشنا باشد می‌داند رقابتی کردن و خصوصی کردن بیمه‌های اجتماعی بدون وجود نظام چند لایه رفاه و تامین اجتماعی و بدون وجود یک پوشش بیمه اجتماعی فراگیر در سطح پایه و حداقل‌های معیشت و سلامت برای آحاد مردم، می‌سر نیست؛ به ویژه آنکه صندوق‌های خصوصی بازنشستگی فقط برای ۱۰ سال تضمین شده باشند.

به گفته این کارشناس تامین اجتماعی، متولیان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به جای شکستن انحصار صندوق بیمه‌ای «آینده‌ساز» که از بیشترین رانت‌ها، امتیازات و اعتبارات دولتی استفاده می‌کند و سهم بیمه‌شدگان خاص و خواص آن از منابع دولتی چند صد برابر بیمه‌شدگان کارگری، لشگری و کشوری است، ابتدا به سراغ شکستن انحصار سازمان تامین اجتماعی آمده‌اند تا با فراهم ساختن زمینه برای استثمار کارگران، آنان را از حقوق بنیادین کار محروم سازند. وی هدف اصلی از طرح این موضوع را شکستن اجبار و الزام کارفرما به اخذ پوشش بیمه‌های اجتماعی برای کارگران خود و زمینه‌سازی فرار بیمه‌ای دانست و افزود: در واقع با این کار به دنبال کمرنگ کردن موضوع «بیمه اجباری مزدبگیران» که یک حکم کلی براساس قانون کار و قانون تامین اجتماعی و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و اصل ۲۹ قانون اساسی و از حقوق بنیادین کار مندرج در مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و اصول «کار شایسته» اعلامیه جهانی حقوق بشر است، بوده‌اند.

به گفته آقای حیدری، اصلاح این امر میسر نیست مگر اینکه فردی به عنوان متولی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گیرد که رویکرد اجتماعی‌اش بر رویکرد اقتصادی (کارفرمایی و پیمانکاری) بچربد و از جنس کارفرمایان و پیمانکاران بدحساب و متمایل به فرار بیمه‌ای و شانه خالی کردن از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی کارفرمایان و پیمانکاران نباشد.

خصوصی‌سازی بیمه، زمینه‌ساز فرار از مسئولیت بیمه کارگران

این کارشناس تامین اجتماعی تاکید متولیان وقت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی بر اجرای بند «الف» ماده ۲۸ قانون برنامه پنجم توسعه که با رقابتی و خصوصی کردن بیمه‌های اجتماعی، زمینه قانونی فرار بیمه‌ای کارفرمایان و پیمانکاران را فراهم می‌کند را مضحک و به منزله نمره مردودی آنان دانست.

فارغ از اشکالات اساسی و بنیادی این ماده یعنی رقابتی و خصوصی کردن بیمه‌های اجتماعی که سیاست توصیه شده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود و شیلی و آرژانتین را به خاک سیاه نشانده، هنوز یک پوشش فراگیر، جامع و مکفی در حوزه حداقل معیشت و سلامت برای تمامی مردم وجود ندارد تا بتوان بر پایه آن خدمات اجتماعی را در سطح بالاتر رقابتی کرد.

در بند الف ماده ۲۸ قانون برنامه پنجم توسعه آمده است: «به منظور فراهم کردن شرایط رقابتی و افزایش کارآمدی بیمه‌های اجتماعی و جلوگیری از ایجاد هرگونه انحصار یا امتیاز ویژه برای صندوق‌های بازنشستگی اعم از خصوصی، عمومی، تعاونی و یا دولتی اجازه داده می‌شود صندوق‌های بازنشستگی خصوصی با رعایت تضمین حقوق بیمه‌شدگان و بازنشستگان صندوق مربوطه حداقل به مدت ۱۰ سال براساس آئین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد ایجاد گردد».

وی تصریح کرد: یک سازمان یا صندوق بیمه‌گر اجتماعی (به ویژه برای پوشش بازنشستگی) حداقل باید ۲۰ تا ۳۵ سال و بیشتر حق بیمه دریافت کند و پس از آن، حداقل به مدت ۳۰ سال مستمری بازنشستگی به بیمه‌شدگان واجد شرایط (فارغ از بحث از کارافتادگی و بازماندگان بیمه‌شده متوفی که این زمان را افزایش می‌دهد) پرداخت کند. حال چگونه می‌توان سرنوشت چند نسل بیمه‌شده را به صندوق خصوصی سپرد که فقط بابت ۱۰ سال تضمین شده است؟

به گفته آقای حیدری، با استناد به بند «الف» ماده ۲۸ قانون برنامه پنجم توسعه می‌توانند ایران را از سازمان بین‌المللی کار (ILO) و اتحادیه بین‌المللی تامین اجتماعی (ISSA) اخراج کنند و متولیان وزارت کار به جای تلاش برای اصلاح این ماده بر طبل اجرای آن می‌کوبند و در دستورالعمل صادره اخیر سازمان تامین اجتماعی در خصوص «خطوط راهنمای تدوین استراتژی‌های سازمان»، این ماده به عنوان راهبرد، ملاک عمل قرار گرفته است.

ادغام وزارتخانه، خدمات تامین اجتماعی را به سایه برد

این کارشناس تامین اجتماعی، ادغام دو وزارتخانه «تعاون، رفاه و تامین اجتماعی» و «کار و امور اجتماعی» در تیر ماه سال ۹۰ را موجب در سایه قرار گرفتن خدمات رفاه و تامین اجتماعی در دوسال گذشته عنوان کرد.

حیدری بیان کرد: به‌رغم حساسیت موضوع رفاه و تامین اجتماعی در ساختار حاکمیت به عنوان متولی وجه اجتماعی تصمیمات دولت و مسئول ساماندهی خدمات اجتماعی و تبیین‌کننده سیاست‌های اجتماعی کشور، چندی پیش بر پایه تنازعات میان مجلس و دولت، دو وزارتخانه «تعاون، رفاه و تامین اجتماعی» و «کار و امور اجتماعی» در یکدیگر ادغام شدند. وی ادامه داد: بدین ترتیب حوزه خدمات اجتماعی کشور همانند قبل از سال ۱۳۸۳ (تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تکوین وزارتخانه مربوطه) در محاق سایر وظایف وزارتخانه ذیربط قرار گرفت، کما این‌که قبل از سال ۱۳۸۳ مسائل مربوط به آموزش پزشکی، بهداشت و درمان و... باعث شده بود تا حوزه رفاه و تامین اجتماعی در اولویت دست چندم وزیران بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار بگیرد.

به گفته آقای حیدری، طی ۲ سال گذشته که از ادغام وزارت رفاه و تامین اجتماعی می‌گذرد حوزه سیاست اجتماعی و خدمات اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته و وزیر کار به مداخله در انتصابات مدیریتی بخش سرمایه‌گذاری و... سازمان‌های بیمه‌گر به ویژه سازمان تامین اجتماعی و دست‌اندازی به منابع آن اکتفا کرده است. وی در پایان تصریح کرد: این درحالی است که وزارتخانه مزبور باید طبق قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و احکام مندرج در قانون برنامه پنجم توسعه به فراگیری، جامعیت و کفایت خدمات اجتماعی می‌پرداخت و با پی‌ریزی نظام چند لایه رفاه و تامین اجتماعی و با استفاده از منابع حاصله از هدفمندسازی یارانه‌ها، واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی سهام دولتی و... نسبت به ایجاد یک پوشش همگانی و فراگیر بیمه‌های اجتماعی برای تضمین معیشت و سلامت آحاد مردم به طور اعم و اقشار و گروه‌های هدف به طور اخص اقدام می‌کرد.

پایان پیام

اعتصاب رانندگان ماشین‌های سنگین در شهرستان جم

بر پایه گزارش رسیده در ۱ مرداد ۹۲ آمده است: صبح روز سه شنبه ۰۱/۰۵/۹۲ رانندگان ماشین‌های سنگین (دیزلی) حمل‌شن و ماسه در سه راه ورودی شهر جم دست به اعتصاب زدند.

براساس این گزارش، مهمترین دلایل اعتصاب این رانندگان دستمزد پایین، ثابت ماندن کرایه حمل شن و ماسه از ابتدای سال 91 تا کنون و همچنین کمبود سوخت (گازوئیل) در شهرستان جم تا جایی که بعضی از جایگاه ها از دادن سهمیه کامل روزانه آنها خودداری میکنند (لازم به ذکر است سهمیه روزانه ماشین های سنگین 300 لیتر می باشد ولی در بعضی از جایگاه ها بیشتر از 200 لیتر به رانندگان داده نمی شود).

صدور حکم 18 ماه حبس تعزیری برای غالب حسینی

بر نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 1 مرداد 92 آمده است: روز دوشنبه مورخه 92/4/31 شعبه ی اول دادگاه انقلاب سنندج برای غالب حسینی فعال کارگری وعضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به اتهام عضویت در کمیته ی هماهنگی و وابستگی به احزاب خارج کشوری تحمل 1 سال حبس تعزیری وهمچنین به اتهام واهی تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران حکم 6 ماه حبس تعزیری صادر نمود .
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن محکوم کردن احکام صادره برای این فعال کارگری خواهان شکسته شدن این احکام و همچنین آزادی سایر کارگران ، فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

گزارش خبری؛

اصرار کارگران فولاد زاگرس بر قطع نشدن رابطه همکاری / کارفرما انکار می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 2 مرداد 92 آمده است: پس از آنکه روز گذشته نماینده کارگران فولاد زاگرس از نتایج مثبت جلسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با نمایندگان کارگران و کارفرمای این واحد صنعتی خبر داد، کارفرمای این کارخانه بخشی از توافقات مورد اشاره نماینده کارگران را تکذیب کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «زاهد ربیعی» که به عنوان نماینده کارگران در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ شرکت کرده بود درباره نتیجه این جلسه به ایلنا گفته بود: در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ مصوب شد تمامی ۲۳۵ کارگر اخراج شده به کار خود بازگردند و کارفرما حق قطع رابطه کاری این کارگران با کارخانه را ندارد.

رابطه ای که کارگران می خواهند قطع نشود

قطع نشدن رابطه همکاری کارگران با کارخانه»، مهمترین موضوعی است که مورد اعتراض و تکذیب کارفرما قرار گرفته است.

«ابراهیم ملا بیگی» مدیر عامل کارخانه فولاد زاگرس در واکنش به اظهارات نمایندگان کارگری گفت: در جلسه کمیسیون اصل نود مصوبه ای در خصوص بازگشت به کار کارگران تصویب نشد و قرار شده است همه کارگران برای دریافت بیمه بیکاری به اداره کار معرفی شوند و صحبت از هیچ شوریایی که رابطه کارگر با کارفرما را حفظ کند نشده است.
این کارفرما ادامه داد: بازگشت بکار کارگران منوط به آن است که در مرحله نخست کارخانه به سرمایه گذاری که دارای صلاحیت باشد واگذار شود و بعد به مرور با فراهم شدن زمینه های تولید توسط سرمایه گذار، کارگران به کار خود باز می گردند.

ملائیگی همچنین درباره اظهارات نماینده کارگران که از مهلت ۱۵ روزه کارفرما برای پرداخت حقوق چهار ماه گذشته کارگران خبر داده بود، گفت: معوقات حقوقی کارگران پرداخت خواهد شد اما بر خلاف گفته نماینده کارگران زمانی برای آن تعیین نشده است.

کارفرما حق اخراج کارگران را ندارد

پس از طرح این سخنان متناقض، ایلنا برای بررسی این موضوع و کشف حقیقت، به سراغ یکی دیگر از نمایندگان کارگران فولاد زاگرس که در جلسه روز دوشنبه کمیسیون اصل ۹۰ شرکت کرده بود رفت.

«صدیق عزیزی» درباره مصوبات این جلسه گفت: طبق مصوبه کمیسیون اصل نود، علاوه بر الزام کارفرما به پرداخت معوقات حقوقی کارگران، مقرر شد او حق اخراج کارگران را ندارد. او افزود: همچنین مقرر شد کارخانه به سرمایه گذاری که صلاحیت راه اندازی کارخانه را دارد واگذار شود.

نماینده کارگران گفت: راه اندازی کارخانه منوط به آن است که سرمایه گذار جدید تمام برنامه‌های خود را به نظر شورای عالی کار و اداره کار استان برساند و در صورت تایید توانایی سرمایه گذار برای بازسازی و نوسازی کارخانه، اجازه فعالیت صادر می‌شود.

عزیزی درباره ادعای کارفرما درباره معرفی کارگران به بیمه بیکاری گفت: در این جلسه مقرر شد کارگران تا زمان راه اندازی کارخانه از بیمه بیکاری استفاده کنند اما در عین حال اعضای کمیسیون اصل نود مصوب کردند برای اینکه رابطه کارگران با کارخانه تداوم داشته باشد، کارفرما با اضافه کردن ۲۵ درصد به ۶۵ درصد بیمه بیکاری، رابطه کارگران با کارخانه را قطع نکند. عزیزی در خاتمه گفت: در این جلسه همچنین مقرر شد فروش کارخانه حداقل تا یکماه به تعویق بیفتد تا فرصت پیدا شدن سرمایه دار جدید فراهم شود.

ایلنا برای بررسی دقیق‌تر این موضوع در تلاش است نسخه‌ای از صورتجلسه روز دوشنبه کمیسیون اصل ۹۰ را به دست آورد اما به دلیل پیچیده بودن روند اداری یافتن اینگونه مکاتبات در مجلس، تا کنون موفق به این کار نشده‌ایم.

پایان پیام

محاکمه ی مجدد پدram نصراللهی فعال کارگری

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 2 مرداد 92 آمده است : روز پنج شنبه مورخ 92/4/27 دادگستری سنندج ، پدram نصراللهی فعال کارگری وعضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که هم اکنون در زندان به سر می برد را به شعبه ی چهارم دادگاه انقلاب فراخواند و به دلیل ارسال پیام نامبرده رو به مردم و کارگران به مناسبت 11 اردیبهشت دادگاهی کرد.. در این جلسه ی دادگاهی بعد از ایراد دستور کار وشکوائیه ی نیروهای اداره اطلاعات از این فعال کارگری وغیرقانونی خواندن پیام روز کارگر و همچنین دفاع پدram از این روز، دادگاه تا صدور حکم خود ، مبلغ 10 میلیون تومان وثیقه صادر نمود وبعد از پایان جلسه ی دادرسی پدram را به زندان بازگرداندند.

سیستم قضایی ومسؤلان زندان که حتی در زمان فوت مادر پدram نصر اللهی به او مرخصی نداده بودند ، در جواب درخواست مجدد مرخصی این فعال کارگری در هفته ی گذشته ، یک وثیقه ی 10 میلیونی به عنوان ضمانت در ازای چند روز مرخصی ازوی طلب کردند این درحالی ست که مرخصی بدون ضمانت حق هر زندانی است.

کمیته هماهنگی اعمال فشارهای مضاعف بر این فعال کارگری وهمچنین دیگر کارگران و فعالین زندانی را محکوم می کند.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

نایب رئیس کانون بازنشستگان استان قزوین: کارگران بابت بد حسابی بیمه دی شکایت خواهند کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 2 مرداد 92 آمده است : نایب رئیس کانون بازنشستگان استان قزوین از اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی این شهرستان نسبت به پرداخت نشدن خسارات از سوی بیمه تکمیلی دی خبر داد و گفت: بیمه تکمیلی دی به بازنشستگان قزوینی بیش از دو میلیارد تومان بدهکار است.
«عید علی کریمی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت بیمه دی تاکنون بابت پرداخت مطالبات بازنشستگان مهلت‌هایی را مقرر کرده است اما هر بار این پرداخت به زما دیگری موکول شده است.

وی یادآور شد: خلف وعده مسئولان شرکت بیمه دی از پرداخت مطالبات کارگران بازنشسته درحالی است که پیش‌تر این شرکت بابت ارائه خدمات بیمه تکمیلی درمانی به هرعضو خانواده کارگران بازنشسته ماهانه مبلغی در حدود ۱۰ هزار تومان از مستمری بازنشستگی کسر کرده اما به تعهدات قانونی خود در خصوص ارائه خدمات درمانی عمل نکرده است.
به گفته این فعال صنفی کارگری اکثر اعضای خانواده کارگران بازنشسته افراد بیمار و سالمندی هستند که بطور جدی به خدمات درمانی نیازدارند.

عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان شهرستان البرز با بیان اینکه شرکت بیمه دی به تعهدات قانونی خود در مورد پرداخت هزینه‌های درمانی بازنشستگان تامین اجتماعی این شهرستان پایبند نیست، اظهار داشت: این تعهدشکنی با وجود پیش‌خرید خدمات، موجب اعتراض بازنشستگان شده است.

دبیر خانه کارگر قزوین ادامه داد: با توجه به اینکه میزان بدهی‌های بیمه تکمیلی دی به بازنشستگان تامین اجتماعی بسیار افزایش یافته است بازنشستگان ناچار هستند تا وصول مطالبات درمانی خود تا پایان قرار دادی که کانون عالی بازنشستگان با بیمه دی بسته است، صبر کنند.

این فعال کارگری با بیان اینکه ادامه روند جاری منجر به افزایش مشکلات مالی و دغدغه‌های روحی و روانی برای مستمری بگیران تامین اجتماعی می‌شود، اظهار داشت: انتظار داریم مسئولان جدید بیمه دی برای رفع مشکلات به وجود آمده برای بیمه شدگان راه حلی بیاندیشند تا این قشر آسیب پذیر را از بلا تکلیفی نجات دهند.

کریمی در خاتمه خواستار ورود نهادهای نظارتی استان قزوین برای بررسی کارنامه خدمات‌رسانی این شرکت بیمه‌گر به بازنشستگان شد و تاکید کرد: اگر بیمه تکمیلی دی نتواند در کوتاه‌ترین زمان بدهی خود را به بازنشستگان پرداخت کند، بازنشستگان ناچار خواهند شد تا با طرح شکایت در مراجع قانونی و تجمع در مقابل نهادهای دولتی احقاق حق کنند.

پایان پیام

عدم پرداخت دستمزد 2400 کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 2 مرداد 92 آمده است : 2400 کارگر کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا به ترتیب 4 و 2 ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند و

کارخانه نورد لوله صفا بدون اینکه دستمزدی به کارگران پرداخت شود تا اواخر مرداد ماه برای تعمیرات و سرویس سالیانه تعطیل شده است. این دو کارخانه متعلق به یک کارفرماست. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران دفترچه بیمه 1200 کارگر کارخانه پروفیل ساوه نیز طی ماههای گذشته تمدید نشده است و در طول ماههای گذشته بدلیل شرایط سخت زندگی و فشارهای روانی ناشی از آن، آمار سوانح ناشی از کار در این کارخانه بشدت بالا رفته است بطوریکه طی هفته گذشته در سالن گالوانیزه این کارخانه انگشتان دست کارگری در حین کار قطع شد که در حال حاضر در بیمارستان بستری است. همچنین در سالن 3 این کارخانه کارگر دیگری از جرتقیل سقفی سقوط کرد و از ناحیه کمر بشدت آسیب دید که وی نیز در حال حاضر در بیمارستان بستری است.

بنا بر این گزارش در کارخانه نورد لوله صفا گذشته از اینکه در دو ماه گذشته دستمزد این کارگران پرداخت نشده است آنان اضافه کاریهای 1 و 2 سالجاری را نیز دریافت نکرده اند و ارزیابی که هر ساله با آغاز تعطیلات تابستانی در اختیار این کارگران قرار میگرفت امسال به آنان داده نشده است. همچنین مدت قراردادهای این کارگران که شش ماهه و یکساله بود به دو و سه ماهه تقلیل پیدا کرده است.

درخبر دیگری که از کارخانه نورد لوله صفا به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است بدنبال اعتصابات ماههای گذشته کارگران این کارخانه، کارفرما درصد اخراج یکی از نماینده های کارگران بود که با اعتراض و حمایت کارگران از نماینده خود، کارفرما بناچار از اخراج وی خودداری کرد

تجمع اعتراضی کارگران و کارمندان کارخانه آلومینیوم المهدی هرمزگان

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی ورزش هرمزگان، در تاریخ 2 مرداد 92 آمده است: دیروز حدود 700 کارمند و کارگر کارخانه ی آلومینیوم المهدی هرمزگان با تجمع مسالمت آمیز در رو به روی دفتر مدیرعامل کارخانه، اعتراض و خواستار برکناری وی از سمت خود شدند . براساس این گزارش، دلیل اعتراض کارمندان و کارگران مجتمع آلومینیوم المهدی هرمزگان عدم برابری و عدالت کاری و حذف و کاهش آیتم های حقوقی اعلام شده است.

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز: حقوق کارگران به دلیل خلاء قانونی با تاخیر پرداخت می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 2 مرداد 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز گفت: در حال حاضر به دلیل مشکل نقدینگی پرداخت مطالبات کارگران به اولویت آخر بنگاه های اقتصادی تبدیل شده است.

علی اصلانی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: نوسانات ارزی و رکود تورمی در دو سال اخیر باعث شد تا مسئله تامین نقدینگی و سرمایه در گردش به مهمترین مشکل واحدهای تولیدی تبدیل شود.

وی یادآور شد: امروز به دلیل همین شرایط رکود فروشندگان مواد خام تنها حاضر به معامله نقدی بوده و از فروش شرایطی به کارخانه ها خودداری می کنند، چنانچه اکنون تامین نقدینگی برای خرید مواد اولیه به دغدغه اصلی واحدهای تولیدی تبدیل شده است.

به گفته این مقام صنفی کارگری شرایط امروز در حالی است که تاپیش از نوسانات ارزی دو سال اخیر، کارفرمایان می توانستند مواد اولیه را بصورت شرایطی خریداری کنند.

وی افزود: علاوه بر این کارفرمایان در حال حاضر برای پرداخت دیون دیگری چون مالیات، حق بیمه کارگران، بازپرداخت تسهیلات بانکی و هزینه حامل‌های انرژی و آب تحت فشار مضاعف هستند بطوری که تنها یک تاخیر جزئی می‌توان برای آنها پرداخت مبالغ قبال توجهی جریمه و خسارت به همراه داشته باشد.

مسئول کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان البرز افزود: از آنجا که به موجب قوانین تنها پرداخت مطالبات کارگران بصورت علی الحساب و باتاخیر میسر است، در بیشتر کارگاه‌هایی که بامشکل جدی تامین نقدینگی مواجه هستند، مطالبات کارگران با تاخیر پرداخت می‌شود.

به گفته اصلانی در حالی که قانون برای دیرکرد در پرداخت تمامی دیون مالی جریمه و خسارت تعیین کرده است، تنها پرداخت دستمزد کارگران مشمول خسارت و جریمه و دیرکرد نمی‌شود.

وی افزود: بنابراین طبیعی است که کارفرمایان برای حفظ تولید در شرایط نامساعد اقتصادی امروز از خلاء قانونی استفاده می‌کنند و پرداخت حقوق کارگران را در اولویت آخر قرار دهند.

این مقام کارگری ابراز امیدواری کرد که در دولت جدید مسئله تامین نقدینگی و سرمایه گردش حداقل به روال گذشته بازگردد تا از این طریق پرداخت مطالبات کارگران با حداقل تاخیر صورت بگیرد.

پایان پیام

برگزاری جلسه دادگاهی و محاکمه‌ی حامد محمودی‌نژاد

به نوشته سایت کمیته هم‌هنگی ... در 2 مرداد 92 آمده است: براساس گزارش رسیده، روز چهارشنبه مورخ 2-05-1392 حامد محمود نژاد، فعال کارگری و عضو کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری همراه با وکیل خود در شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب سنندج حضور یافت و به اتهام عضویت در کمیته هم‌هنگی مورد محاکمه قرار گرفت. بر اساس این گزارش؛ طی جلسه دادگاهی، این فعال کارگری تنها جرم خود را دفاع از حقوق ابتدایی خود و دیگر کارگران بیان کرد. کمیته هم‌هنگی ضمن محکوم کردن احکام صادره علیه کارگران و فعالین کارگری خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تجمع کارگران کارخانه فارسیت دورودمقابل دفتر مرکزی شرکت درخیاپان بهشتی تهران

بنا به گزارشات منتشره بتاريخ 2 مرداد، روز سه شنبه 1 مرداد، از صبح تاغروب، بیش از 150 نفر از کارگران شرکت فارسیت دورودمقابل دفتر شرکت در خیاپان بهشتی تجمع کردند. برپایه این گزارشات، کارگران فارسیت طی 6 ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده اند. مدیران شرکت و مسئولین استان طی این مدت فقط وعده و وعید داده اند. مدیران شرکت درواکنش به تجمع اعتراضی دیروز، دعوت کارگران معترض به حفظ آرامش و وعده های تکراری مبنی برحل مشکلات، بوده است.

بر اساس این گزارشات، تجمع کارگران فارسیت تا غروب روز گذشته ادامه داشت و بنا به گفته کارگران تا دریافت نکردن معوقات و حل مسایل کارخانه تجمع در روزهای آتی در دفتر مرکزی این کارخانه در تهران ادامه خواهد یافت.

گفتنی است، شرکت فارسیت دورود به واسطه حذف واردات آزیست و نبود نقدینگی لازم برای تامین تکنولوژی جدید از 10 خرداد سال 90 برخی خطوط خود را تعطیل و خط تولید ورق را نیز از 14 تیر سال گذشته تعطیل کرده است.

هم اکنون فقط یک خط تولید در این کارخانه فعالیت خود را ادامه می دهد که از 500 نفر کارگر شرکت فقط 40 نفر همچنان فعالیت خود را ادامه می دهند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری :تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس کردستان

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 2 مرداد 92 آمده است : بر اساس خبر ارسال شده روز دوشنبه 92/4/31 جمعی از کارگران فولاد زاگرس کردستان که 183 نفر بودند در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در شهر تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

دو نفر از نمایندگان کارگران به داخل ساختمان مجلس رفتند تا با مسؤل کمیسیون اصل 90 را جمع به مطالبات برحقشان مبنی بر بازگشت به کار و پرداخت حقوق های معوقه گفتگو کنند که بعد از چندین ساعت بحث و مذاکره از طرف مسؤل مربوطه وعده هایی راجع به رسیدگی به مطالبات مذکور به کارگران داده شد. از دیگر مطالبات و خواست های تجمع کنندگان، اعتراض به فروش کارخانه و واگذاری آن به بخش خصوصی بود که قرار بود مسؤلان و هیئت مدیره، کارخانه را با قیمت 84 میلیارد تومان به بخش خصوصی بفروشند که کارگران اعلام کردند که قیمت واقعی کارخانه طبق برآورد کارشناسان 340 میلیارد تومان تخمین زده شده . در نتیجه کارگران باین تجمع ، از فروش و واگذاری کارخانه نیز جلوگیری کردند که در نتیجه هیئت مدیره به نمایندگان کارگران وعده داد که از بیمه ی بیکاری کارگران نیز برای خرید مواد اولیه و در نتیجه از سرگیری چرخه ی تولید کارخانه استفاده کند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تاخیر چند ماهه در پرداخت حقوق کارگران شهرداری هفتکل!؟

بر پایه خبر هفتکل نیوز آمده است : او از کارگران شهرداری هفتکل بود. باور نمی کردم که حدود ۶ ماه یعنی نصف سال را بدون حقوق و مزایا گذرانده است. از او خواستم چند دقیقه ای وقتش را به من بدهد تا از چرایی این موضوع برایم توضیح دهد.

این کارگر ابتدا درخواست مرا رد کرد و گفت: خواهش می کنم برایم دردرس درست نکن. من به همین سالی دوبار حقوق و مزایا گرفتن هم راضی م. اگر بفهمند بیکار می شوم.

اما تلاش من برای قانع کردن او نتیجه داد و به او اطمینان دادم تحت هر شرایطی نامی از او نخواهم برد و فقط به مشکل شما و دیگر پرسنل شهرداری اشاره خواهم کرد تا بالاخره یک نفر پیدا شود و این مشکل را حل کند.

و این کارگر شریف، درد و دل خود را اینگونه در میان گذاشت:

داستان حقوق شما چیست؟ از کی حقوق نگرفتید؟

داستان خاص و عجیبی نیست. فقط از آذرماه سال قبل یعنی برج نهم سال ۹۱ تا الان هیچ حقوق و مزایایی حتی عیدی هم از شهرداری نگرفتیم.

یعنی چی ؟ پس با این وضعیت چه می کنی؟

با این شرایطی که پیش آمده دیگر از خجالت نمی توانیم به مراکز خرید و بازار برویم چون بدهکاریم و چند ماه اجناس مردم را بصورت قرضی برده ایم و هر بار قول ماه بعد را به آنها می

دهیم. به خدا شرمنده شان هستیم و رو نداریم با آنها روبرو شویم. به خدا مردم شریفی داریم وگرنه شهر کوچک است و همه آدرس و شماره تلفن من را دارند اما تا الان کسی برای طلب خود سراغم نیامده است.

هزینه های دیگر زندگی چطور تامین می شود؟
پول قرض می کنم.

خانواده پدری، دوستی و ... که کمک کند. نداری؟

خانواده پدری که بنده های خدا چشم شان به همین حقوق ناچیز من هست و آنها هم با بی پولی من مصیبت خودشان را دارند. به هر حال هرچه باشد با هم سر یک سفره می گذاریم. اما از بعضی دوستانم که می دانم وضع مالی خوبی دارند پول قرض می گیرم تا بهانه های بچه های خردسالم را برطرف کنم. چون آنها درکی از شرایط ندارند و خود را با دوستان شان مقایسه می کنند. البته آنها مطالبات به حق خودشان را از پدرشان درخواست می کنند و از این بابت ناراحت نیستیم فقط آن چیزی که زجر آور و کشنده است این است که نتوانم به آنها پاسخ منطقی ارائه کنم و انتظارات شان را برآورده کنم.

حتمن به شهرداری مشکلات خود را گفته اید. آنها چه پاسخی به شما می دهند؟

مسئولان شهرداری در جواب ما فقط همین یک حرف را می گویند: " پول نیست". البته آنها مدعی هستند در همه مناطق کشور، شهرداری ها این مشکل را دارند.

چند سال مشغول به کار شدی؟ از ابتدا وضع حقوق همینطور بود؟

حدود ۶ سال در شهرداری مشغول به کار شدم. نه از اول اینجور نبود. در دو سال اخیر این عدم پرداخت حقوق بیشتر شده است. البته قبلاً هم بوده اما حداکثر دوماه تاخیر بود اما از اواسط سال ۹۰ تا الان تقریباً هر شش ماه یکبار حقوق می گیریم.

روند کاری شما دچار مشکل نشده؟ اصلاً چرا سراغ کار دیگری نمی روی؟
شما به من بگو. از اینجا در بیایم به کجا بروم؟

بانک مرکزی: نرخ تورم نقطه به نقطه خرداد 45.1 درصد شد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در دوم مرداد 92 آمده است: بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در خردادماه سال جاری را اعلام کرد که بر اساس آن نرخ تورم نقطه به نقطه خردادماه امسال نسبت به ماه مشابه سال قبل 45.1 درصد بوده است. همچنین این نرخ در خردادماه امسال نسبت به ماه گذشته به میزان 3.4 درصد افزایش داشته است. به صورت کلی در 3 ماهه سال جاری نسبت به دوره مشابه سال گذشته نرخ تورخ نقطه به نقطه به میزان 43 درصد بوده است.

بر اساس اعلام بانک مرکزی، در گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها در خردادماه امسال نسبت به ماه مشابه سال قبل نرخ تورم به میزان 56.3 درصد بوده است. دخانیات 94.7، پوشاک و کفش 64.7، مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها 20.4، اساس، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه 81.6، بهداشت و درمان 41.1، حمل و نقل 52.5، ارتباطات 12.1، تفریح و امور فرهنگی 56.7، تحصیل 11.5، رستوران و هتل 51.2، کالاها و خدمات متفرقه نیز 70.2 درصد بوده است. شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در خردادماه امسال در تمام استان های کشور با افزایش همراه بود. بیشترین میزان افزایش متعلق به استان یزد معادل 4.6 درصد و کمترین آن مربوط به مازندران معادل 1.7 درصد بود. شاخص مذکور در استان تهران معادل 3.6 درصد افزایش داشته است.

محاکمه ی مجدد پدرام نصرالهی فعال کارگری

روز پنج شنبه مورخ ۲۷/۴/۹۲ دادگستری سنندج، پدram نصراللهی فعال کارگری وعضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که هم اکنون در زندان به سر می برد را به شعبه ی چهارم دادگاه انقلاب فراخواند و به دلیل ارسال پیام نامبرده رو به مردم و کارگران به مناسبت ۱۱ اردیبهشت دادگاهی کرد.. در این جلسه ی دادگاهی بعد از ایراد دستور کار وشکوائیه ی نیروهای اداره اطلاعات از این فعال کارگری وغیرقانونی خواندن پیام روز کارگر و همچنین دفاع پدram از این روز، دادگاه تا صدور حکم خود ، مبلغ ۱۰ میلیون تومان وثیقه صادر نمود وبعد از پایان جلسه ی دادرسی پدram را به زندان بازگرداندند .

سیستم قضایی ومسؤلان زندان که حتی در زمان فوت مادر پدram نصر الهی به او مرخصی نداده بودند ، در جواب درخواست مجدد مرخصی این فعال کارگری در هفته ی گذشته ، یک وثیقه ی ۱۰ میلیونی به عنوان ضمانت در ازای چند روز مرخصی ازوی طلب کردند این درحالی ست که مرخصی بدون ضمانت حق هر زندانی است .

کمیته هماهنگی اعمال فشارهای مضاعف بر این فعال کارگری وهمچنین دیگر کارگران و فعالین زندانی را محکوم می کند.

۲ مرداد ۱۳۹۲

مرگ یک کارگر مقنی در عمق ۵ متری چاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 2 مرداد 92 آمده است: سست بودن خاک دهانه چاه باعث مرگ یک کارگر مقنی در عمق چاه شد.

به گزارش ایلنا، این حادثه صبح امروز زمانی رخ داد که دوچاه کن درحین حفر چاه فاضلاب در حیاط منزلی مسکونی در شهرک قیامدشت، به دلیل سست بودن خاک دیواره انباری چاه در عمق ۵ متری زمین مدفون شدند.

بر اساس این گزارش، با حضور آتش نشانان بعد از جستجوی فراوان یکی از کارگران زنده از خاک خارج شد و کارگر دوم که در زیر آب فاضلاب چاه گرفتار شده بود جان خود را از دست داد.

پایان پیام

موج جدید کاهش قدرت خرید کارگران- سقوط 70 درصدی توان خرید در 18 قلم

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در دوم مرداد 92 آمده است : افزایش صعودی قیمت‌ها در یکسال گذشته به ویژه در اقلام 18 گانه پرمصرف خانوار کارگری باعث افت قدرت خرید کارگران تا 70 درصد شده است.

سیدشمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی در جدیدترین گزارش خود پیرامون وضعیت اقتصادی کشور گفته است: به رغم همه تلاش ها، برآیند بروز تکانه های ارزی و ساختارها و پتانسیل های تورمی آن شدکه تورم حدود 30 درصد محقق شود که عدد بالایی است و به ویژه به دلیل نرخ های بالاتر رشد قیمت در حوزه کالاها و نیازهای اساسی فشار بیشتری را برای طبقات آسیب پذیر به دنبال داشت.

کارگران به عنوان یکی از گروه های پرجمعیت کشور (بالغ بر 11 میلیون و 500 هزار کارگر ثبت شده که با خانواده هایشان دست کم 30 میلیون نفر خواهند شد) در جریان افزایش یکباره قیمت ها در اقلام و کالاهای مصرفی خانوار، بیشترین آسیب را به لحاظ افت شدید قدرت خرید تجربه کردند تا جایی که یارانه های 45 هزارتومانی هرگز جایگزین مطمئنی برای جبران افزایش قیمت ها برای کارگران نشده است.

هرچقدر در یکسال گذشته به دریافتی های کارگران (به طور مشخص افزایش حدود 100 هزارتومانی حداقل دستمزد در سال جاری) افزوده شد، از آنسو افزایش قیمت های بیشتری در بازار اتفاق افتاد و این مسئله باعث بروز مشکلات جدی در تامین معیشت خانوار کارگری شد. پایین ماندن دستمزدها، در سال های اخیر باعث شده تا کارگران حتی توان تامین نیازهای ضروری ماهیانه خود از قبیل تامین هزینه مسکن، خوراک، پوشاک، تحصیل خود و فرزندان، تامین هزینه های درمان و سایر هزینه ها را نداشته باشند و اغلب مجبور باشند در چند شغل فعالیت کنند.

طبق جدیدترین گزارش رسمی بانک مرکزی از افزایش قیمتها، برنج در یکسال گذشته 64.8 درصد، میوه های تازه 20.8 درصد، سبزی های تازه 84.4 درصد، گوشت قرمز 54.4 درصد، چای 100.8 درصد، روغن نباتی 58.2 درصد و حبوبات نیز 108.7 درصد افزایش قیمت داشته است.

عضو کارگری شورای عالی کار: وزیر کار دستور ابلاغ افزایش حقوق کارگران را صادر کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 2 مرداد 92 آمده است: عضو کارگری شورای عالی کار گفت: به دلیل ابلاغ نشدن بخشنامه افزایش حقوق سال 92، مطالبات مربوط به افزایش 25 هزار تومانی حقوق مسکن و بن کارگران با تاخیر پرداخت می شود. «محمد احمدی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: تا زمانی که معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخشنامه مربوط به مصوبه نشست ویژه شورای عالی کار را به ادارت کار کشور ابلاغ نکند، کارفرمایان ملزم به پرداخت مابه التفاوت حقوق مسکن و بن کارگران خود نخواهند بود.

وی با بیان اینکه ابلاغ این مصوبه ویژه شورای عالی کار نیازمند دستور شخص وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، گفت: در روزهای گذشته به دلیل جایجایی دولت ابلاغ این بخشنامه به تاخیر افتاده است.

وی یادآور شد: برابر قانون، افزایش 10 هزار تومانی حق مسکن کارگران نیازمند مصوبه هیات دولت بود که این اقدام در آخرین جلسه هیات وزیران کابینه دهم انجام شد. وی با بیان اینکه افزایش 15 هزار تومانی حق بن کارگران نیاز به مصوبه هیات دولت ندارد، گفت: در حال حاضر هم ابلاغ مصوبه هیات دولت در مورد حق مسکن و نیز اعلان مصوبه شورای عالی کار در مورد حق بن کارگران باید از طریق وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شود. وی با بیان اینکه طبق مصوبه نشست ویژه شورای عالی کار حقوق مسکن و بن کارگران باید از مرداد ماه مبلغ 25 هزار تومان افزایش یابد، گفت: کارگران امیدوارند که وزیر جدید کار هرچه زودتر دستور ابلاغ این افزایش را اعلام کند، با این حال هر زمانی که این دستور صادر شود کارفرمایان موظف خواهند بود تا طبق مصوبه از مرداد ماه در حقوق کارگران خود بازنگری کنند.

پایان پیام

ریزش چاه جان کارگرمقنی را گرفت

به گزارش پایگاه خبری 125، در دوم مرداد 92 آمده است: بنقل از محمد حسن سامانی رییس ایستگاه 66 آتش نشانی تهران، صبح امروز در حیاط يك منزل مسکونی واقع در شهرک قیامدشت، خیابان ولیعصر شمالی، دو مقنی مشغول حفر چاه جدید جهت فاضلاب بودند که ناگهان دیواره انباری چاه قدیمی همراه با آوار خاک و فاضلاب آن به داخل چاه جدید فرو ریخت که در پی این اتفاق هر دو مقنی در عمق 5 متری چاه در زیر آوار گرفتار شدند.

آتش نشانان بلافاصله پس از ایمن سازی محل و زدن کارگاه بر روی دهانه چاه، بی درنگ وارد چاه شده و نفر اول را سالم از زیر خاک به بیرون از چاه هدایت کردند. تلاش برای یافتن نفر دوم همچنان ادامه پیدا کرد تا سرانجام بعد از جستجوی فراوان در زیر آب فاضلاب چاه توانستند نفر دوم را نیز یافته و به بیرون از چاه منتقل کنند که متأسفانه عوامل اورژانس پس از انجام معاینات اولیه مرگ وی را تأیید کردند.

يك كارشناس كارگري:

سالها تسلط كارفرمایان بر وزارت كار عامل مشكلات امروز كارگران است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 2 مرداد 92 آمده است یک کارشناس کارگری معتقد است «حسن روحانی» رئیس جمهور منتخب باید فردی را در راس وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دهد که توانایی ایجاد تحول در فضایی که طی ۱۲ سال گذشته علیه کارگران به وجود آمده است را داشته باشد.

«محمدرضا عمادی» در این باره به ایلنا گفت: مشکلات کارگران به صورت جدی از زمانی آغاز شد که قراردادهای موقت میان کارفرمایان و کارگران رواج پیدا کرد. وی با بیان اینکه قراردادهای موقت ضربه‌ای جبران ناپذیر به بدنه جامعه کارگری وارد کرد، ادامه داد: از ابتدای تسلط قراردادهای موقت کار در بازار کار تا به امروز همواره وزاری با گرایش کارفرمایی در راس وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی حضور داشتند و هر کدام مشکلات جدیدی را برای جامعه کارگری آفریدند.

او تصریح کرد: در صورت انتخاب فردی با گرایش کارفرمایی در راس وزارت کار دولت روحانی، فضایی که در سال‌های گذشته علیه کارگران به وجود آمده است تشدید می‌شود.

به گفته آقای عمادی، در دو دهه گذشته، تنها وزیر کاری که گرایش کارفرمایی نداشته، آقای کمالی بوده است و مابقی وزیران کار از گروه‌های خاصی بودند که وابستگی کار و کارگری نداشته‌اند.

این کارشناس کارگری در پایان اظهار داشت: تنها در صورت انتخابی فردی کلان نگر که طیفی و جناحی به مسائل نگاه نمی‌کند می‌توان مشکلات به وجود آمده برای کارگران را حل کرد و در غیر اینصورت، مشکلات به قوت سابق باقی خواهند ماند.

لازم به ذکر است «حسین کمالی» هشت سال وزیر کار و امور اجتماعی در کابینه اول و دوم آیت الله هاشمی رفسنجانی و چهار سال در کابینه اول سید محمد خاتمی بوده است.

پایان پیام

كارخانه واگن سازی ایریکوایر در آستانه تعطیلی و خطر بیکاری بیش از 150 کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در دوم مرداد 92 آمده است: شرکت توسعه صنایع ریلی ایرانیان (ایریکو) به علت عمل نکردن راه آهن و مشتری‌ها به تعهدات خود، در آستانه تعطیلی قرار دارد. این شرکت که مجهزترین شرکت واگن سازی ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود در سال 1387 رسماً به بهره برداری رسید و در بیش از 50 هکتار زمین تجهیزات ساخت قطارهای اتوبوسی موسوم به ریل باس را بنا نهاد.

همچنین این شرکت ساخت واگن های باری لبه کوتاه و لبه بلند، بوژی و واگن های مسافری را نیز در دستور کار دارد و برنامه ریزی برای صادرات واگن به 10 کشور را نیز به انجام رسانده است. ایریکو با 400 نفر کارگر یکی از شرکت های مهم در منطقه زنجان و ابهر محسوب می شود اما این شرکت با توجه به عدم اجرای تعهدات مالی مهمترین طرف تجاری خود در آستانه تعطیلی کامل قرار دارد. گفته می شود در روزهای آینده ایریکو مجبور خواهد بود تا بیش از 150 نفر از پرسنل خود را تعدیل نماید. شرکتی که قرار بود سطح اشتغال در صنعت ریلی در منطقه شمالغرب و استان زنجان را به بیش از 10000 نفر برساند ، به زودی نیمی از کارکنان فعلی خود را نیز بیکار خواهد کرد به عبارت دیگر 150 خانوار ایرانی به آمار بیکاران ایران افزوده خواهند شد . ایریکو همواره به داشتن نیروهای متخصص در صنعت ریلی افتخار کرده و یکی از شاخصه های این شرکت در این صنعت همین ویژگی بوده است . همچنین قابل ذکر است که تولید ریل باس های سفارش شده توسط راه آهن در حال حاضر متوقف شده و قطعات فنی این قطار اتوبوسی مدت هاست در گمرک بندر عباس در حال خاک خوردن و اصطحلاک کامل هستند و علیرغم قول های داده شده هیچ نتیجه ای در ترخیص آن ها به دست نیامده است .

قرار بود این کارخانه در صورت دریافت مطالبات معوقه و نیز سفارش های جدید با اشتغال مستقیم 1500 نفر در سه شیفت کاری به تولید ادامه دهد.

رفیعی فرماندار ابهر در این خصوص با بیان اینکه در حال حاضر تلاش های گسترده ای برای حل مشکل دریافت مطالبات شرکت ایریکو از راه آهن جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است گفت: متأسفانه علی رغم کارهای گسترده صورت گرفته در این خصوص هنوز پاسخ قانع کننده ای دریافت نشده است.

معاون امور ناوگان راه آهن در این خصوص با اشاره به اینکه این ارگان پیگیر برطرف کردن موانع پیش روی تولید ریل باس ها در ایریکو است، گفت: مواضع راه آهن و ایریکو در قضیه ریل باس ها یکی است و این مشکل را باید بانک مرکزی برطرف کند.

بابک احمدی درباره ارائه LC از سوی بانک مرکزی به شرکت ایریکو برای ترخیص قطعات فنی ریل باس ها از گمرک، اظهار داشت: در بحث ریل باس ها موضع راه آهن جمهوری اسلامی ایران و شرکت سازنده هر دو یکی است.

وی با اشاره به اینکه قرارداد اولیه احداث این ریل باس ها با شرکت رجاء بسته شده بود، اضافه کرد: قرارداد ساخت و تحویل ریل باس ها از محل طرح عمرانی افزایش ظرفیت مسافر شرکت قطارهای رجاء منعقد شده است؛ پس از واگذاری رجاء به سازمان اجتماعی بابت رد دیون، طرح های عمرانی داخلی شرکت رجاء بی متولی ماند.

معاون امور ناوگان راه آهن جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: به دلیل خصوصی شدن رجاء، پروژه ساخت ریل باس ها به وزارت راه و شهرسازی تفویض می شود و در واقع متولی وزارت راه است. احمدی افزود: پس از این مورد بانک مرکزی از تمديد LC پروژه ممانعت به عمل می آورد با این توجیه که رجاء شرکت خصوصی شده است و بانک مرکزی تنها تعهد LC دولتی انجام می دهد و نمی تواند به شرکت خصوصی LC دهد.

معاون امور ناوگان راه آهن جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد: این LC از محل فاینانس و تسهیلات است و منابع دولتی به صورت مستقیم صرف نمی شود، اما ضمانت نامه این LC را باید بانک مرکزی می پذیرفت.

وی اضافه کرد: در این میان تنها بحث هایی بین بانک مرکزی، راه آهن جمهوری اسلامی ایران و وزارت راه و شهرسازی وجود دارد؛ بانک مرکزی مدعی است راه آهن جمهوری اسلامی ایران باید بدهی های رجاء از بابت طرح ها را بپذیرد، در صورتی که این موضوع به وزارت راه و شهرسازی تفویض شده است.

معاون امور ناوگان راه آهن جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: این مورد تنها برداشت های سلیقه ای بانک مرکزی است که راه آهن در این باره پیگیری برای رفع موانع موجود داشته است.

احمدی تصریح کرد: البته بخشی از قطعات مربوط به ریل باس ها که در گمرک مانده بود ترخیص شد، یک دستگاه ریل باس نیز هفته گذشته مورد آزمایش سیر قرار گرفت و دومین ریل باس نیز از محل منابع ایریکو آماده شده است که هر دو به بهره برداری رسید.

همچنین مدیرعامل ایریکو با تاکید بر این که مشکل ترخیص قطعات ریل باس از گمرک همچنان پابرجاست، گفت: ۷۰ درصد فضای کارخانه را خط تولید ریل باس اشغال کرده، به همین دلیل اگر تا ماه آینده مشکل بانک مرکزی و راه آهن حل نشود این خط تولید جمع آوری می شود. غلامرضا رزازی افزود: ظرفیت مناسبی برای تولید ریل باس در کارخانه ایریکو وجود دارد، اما با توجه به این که راه آهن جمهوری اسلامی ایران به بانک ملی بدهکار است، بانک مرکزی نیز فاینانس تولید ریل باس را تمدید نمی کند تا زمانی هم که این مشکل وجود داشته باشد، عملاً نمی توانیم ریل باس تولید کنیم.

وی با بیان این که خط تولید ریل باس حدود ۶ ماه است که بلااستفاده مانده است، تصریح کرد: برای حل این مشکل به هر دری زدیم ولی این پروسه درگیر بروکراسی های معمول اداری کشور شده است.

مدیرعامل ایریکو یادآور شد: حدود ۷۰ درصد فضای کارخانه به خط تولید ریل باس اختصاص دارد و به همین دلیل نیز ما نمی توانیم فعالیت های دیگری نظیر تعمیر واگن و لکوموتیو را گسترش دهیم. شنیده ایم این مسئله در حال حل شدن است، چنانچه مشکل تمدید فاینانس تا ماه آینده حل نشود خط تولید ریل باس را جمع آوری خواهیم کرد.

به گفته رزازی، فاینانس تولید ریل باس های راه آهن ۱۰۸ میلیون یورو بوده که ۴۰ میلیون یورو آن مربوط به قطعات ریل باس است.

وزیر راه و شهرسازی که به عنوان وزیر مرتبط با بحث حمل و نقل نمی داند شرکت ایریکو یکی از مهمترین کارخانجات تولید واگن و ریل باس کجاست در 29 دیماه سال 91 در حاشیه مراسم افتتاح سیستم پرداخت الکترونیکی عوارض در آزادراه تهران - پردیس در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤال خبرنگاران مبنی بر رفع موانع تولید ریل باس ها می گوید: بخش خصوصی در حال ساخت ریل باس است از آن طرف دولت هم بدهی بسیاری به بانک مرکزی دارد و عدم ارائه LC از سوی بانک عامل به شرکت ایریکو به عنوان بخش خصوصی به ما ربطی ندارد.

علی نیکزاد با سؤال از خبرنگاران که ایریکو کیست؟ اصلاً این شرکت مال کیست؟، گفت: بخش خصوصی به ما چه ربطی دارد؟ بدهی دولت به بانک عامل (ملی) چه ربطی به ایریکو دارد؟ بخش خصوصی در حال ساخت ریل باس است و این مورد به ما ربطی ندارد و من از شما خبرنگاران می پرسم که اگر بخش خصوصی بدهکار است به وزارت راه چه ربطی دارد؟ خبرنگاران اگر نمی دانند سؤال هم نپرسند!

از خواست و مطالبات کارگران حمایت کنید!

بر پایه مطلب دریافتی از قول بهنام ابراهیم زاده در تاریخ 3 مرداد 92 آمده است: کارگران همچنان چشم انتظار نتیجه طومار اعتراضی سی هزار نفری

با اینکه ماده ۴۱ قانون کار برای افزایش تعیین دستمزد کارگران یک چهار چوبی را تعیین کرده است ولی افزایش بی سابقه فاصله بین حداقل دستمزد و سبد هزینه های خانوار، همچنین افزایش بی رویه و افسار گسیخته قیمت ها در بازار باعث شده تا دولت هر ساله حرف آخر را در مورد تعیین حداقل دستمزدها بزند؛ تصویب حداقل دستمزد کارگران از آن روی مورد اهمیت است که حداقل ۴۵

درصد شاغلان کشور بخش های مختلف را در بر می گیرد.

فروردین ماه بود که خبر شکایت کارگران در اعتراض به دستمزد ۱۳۹۲ به دیوان عدالت اداری گزارش شد پس از آن نارضایتی ها از پایین بودن مزدی که قانون کار هم نادیده گرفته است به میدان آمد حتی شورای عالی کار دولتی نیز معتقد است که افزایش ۲۵ درصدی دستمزد

شایسته جامعه کارگری نیست؛ روشن است که ماده چهل و یک قانون کار به عنوان شاخص اصلی مبنای تعیین دستمزد در جلسه شورای اسلامی کار دولتی قرار نگرفته است اما سؤال اینکه جامعه کارگری در مقابل این همه بی حقوقی و فشار و تورم و گرانی چه راهی در پیش دارد؟

آیا باید اعتراض خود را به مراجع قضایی دولتی اعلام و از طریق قانونی این مطالبه مهم کارگری را دنبال کند؟ آیا افزایش ۲۵ درصدی دستمزد کارگران راه را به جای خواهد بود؟ اظهار نظرهای زیادی درباره احتمال افزایش دستمزدها شنیده شده مبنی بر اینکه شورای عالی مزد با وجود نارضایتی کارفرمایان با افزایش ده هزار تومانی حق مسکن و پانزده هزار تومان بن کارگری موافقت کرده که بدین ترتیب دستمزد کارگران افزایش ۲۵ هزار تومان خواهد یافت اما آنچه مورد توجه کارگران است این افزایش ۲۵ هزار تومانی دستمزد نیست بلکه شش درصدی است که طبق قانون باید به کارگران تعلق می گرفت اما هر ساله متأسفانه نادیده گرفته می شود.

به هر روی کارگران از وضع موجود ناراضی اند و از پای نخواهند نشست حتی شکایت های خود را به دیوان عدالت اداری هم بردند اکنون کارگران دستمزد را در شرایطی که گرانی و تورم امکان تأمین حداقل های نیازهای زندگی را سخت تر کرده است با افزایش ۲۵ درصدی حقوق ماهانه خود دریافت می کنند؛ حقوقی که از ۴۵ درصد تورم اعلامی بانک مرکزی هم عقب است. نرخ تورمی که در تعیین حداقل دستمزدهای نهایی کارگران لحاظ نشده است اکنون باید دید آیا دولت یازدهم روحانی شعارها و وعده های انتخابی خود را در قبال دستمزد کارگران عملی خواهد کرد؟

آیا با افزایش حق مسکن و خواروبار کارگری و چند درصد افزایش دستمزد در حالی که هیچ یک از وعده های داده شده و قانونی کارگران همچون کارت اعتباری و وام کارگران و سهام عدالت و بیمه کارگران ساختمانی و دهها وعده ی دیگر که هنوز اجرایی و محقق نشده کارگران از خواست و مطالبات بر حق خود دست خواهند کشید؟ برای رسیدن به خواسته های بنیادین مان باید متحدانه و منسجم در تشکل های واقعی و مستقل خود متشکل شویم ایجاد تشکلهای واقعی و مستقل کارگری خواست و حق مسلم ما کارگران است.

زنده باد تشکل های مستقل کارگری، زنده باد مجمع عمومی کارگران
زنده باد آزادی و برابری
بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس فعال کارگری و کودک عضو کمیته
پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان
سوم مرداد ۱۳۹۲

در چرمشهر تبریز رخ داد: سوختگی دو کارگر و سه آتش نشان در يك کارگاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 3 مرداد 92 آمده است: در جریان آتش سوزی يك واحد تولیدی در شهرک چرمشهر تبریز، دو کارگر و سه مأمور آتش نشانی دچار سوختگی شدید شدند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، این حادثه عصر روز گذشته (شنبه، ۲ شهریور) در شهرک چرمشهر تبریز زمانی رخ داد که در جریان آتش سوزی یک واحد تولیدی، به نامهای «کریم و جبرئیل رنجبر» دچار سوختگی شدید شدند.

بر اساس این گزارش، سه نفر از ماموران آتش نشانی که در جریان اطفاء حریق این واحد حضور داشتند نیز دچار سوختگی شدند که به همراه این دو کارگر به بیمارستان انتقال یافتند.

پایان پیام

**سندیکا از نوعی دیگر
یونی فور (UNIFOR)**

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/07/blog-post_25.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در 3 مرداد 92 آمده است: *بیش از دو دهه است که نظام سرمایه‌داری، چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای در بحران فزاینده‌ای قرار گرفته است و برای گذر از این بحران و تداوم سودهای کلان، از به کارگیری شیوه‌های بسیار غیرانسانی و وحشیانه ابا*

ندارد؛ در این دوره ما شاهد کارگرانی هستیم که شرایط زندگی و کار آنان به مراتب بدتر از زندگی بردگان قرون وسطی است و استفاده از کار کودکان از نظر شدت و سببیت، بسیار وسیع‌تر از روزهای آغازین سرمایه‌داری است و...

از سوی دیگر، سرمایه‌داری همه توان خود را به کار می‌گیرد تا تمام دست‌آوردهای کارگران در دو قرن اخیر را به تدریج از آنان باز پس گیرد و زندگی فروشندگان نیروی کار را به فلاکت بارتترین وجه برساند تا دیگر کارگران و زحمتکشان سودای اعتراض در سر نیورانند.

از همان سال‌های ابتدایی سرمایه‌داری، سندیکاهای کارگری یکی از انواع تشکلهایی بوده که کارگران با تلاش بسیار برای به دست آوردن حقوق صنفی‌شان تشکیل دادند و نظام سرمایه‌داری تلاش نموده تا آن‌ها را از محتوی تهی کرده و به تدریج آن‌ها را به تشکلهای سرمایه‌داری برای کنترل اعتراضات کارگری و جهت دادن این اعتراضات در مسیر خاص تبدیل کند؛ اما کارگران نیز برای مقابله با این ترفندهای سرمایه‌داری به هر ترتیب که توانسته‌اند به مقابله برخاسته و از دست آوردهای خود دفاع کرده‌اند. کارگران تلاش می‌کنند تا به هر طریق ممکن از نیروی کار و زندگی خود به عنوان یک طبقه‌ی جهانی در برابر سرمایه‌داران دفاع کنند. اکنون برای بسیاری از کارگران روشن شده که دست‌یابی به حقوق صنفی، بدون نشانه رفتن ریشه‌های نظام سرمایه‌داری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عملاً غیرممکن است.

یک نمونه از این تلاش کارگران در ایجاد نوع جدیدی از سندیکا برای حفظ دست‌آوردهای نیروی کار در برابر تهاجم همه‌جانبه‌ی سرمایه‌داری در سطح جهانی را در زیر مشاهده می‌کنیم. هر چند ممکن است این حرکت آغاز راهی باشد که کارگران در سطح جهان باید آن را ارتقا داده و تکمیل کنند، اما برای آشنایی با این تلاش‌ها می‌تواند مفید باشد.

کانون مدافعان حقوق کارگر که یکی از وظایف خود را انتقال تجربیات جهانی کارگران به فروشندگان نیروی کار در کشور خودمان و ایجاد همبستگی میان کارگران جهان می‌داند، امیدوار است که با انتقال این تجربیات بتواند گامی در ارتقای مبارزات کارگران برای به دست آوردن حقوق از دست رفته‌شان بردارد.

در تاریخ اول اوت دوهزار دوازده، در یک مصاحبه مطبوعاتی، دو اتحادیه بخش خصوصی در کانادا، یعنی اتحادیه ماشین‌سازی و اتحادیه انرژی، چاپ و مخابرات کانادا خبر از انحلال خود و به وجود آمدن نهاد کارگری جدیدی متشکل از دو اتحادیه را دادند. این اتحاد در این دوره از مبارزات کارگران کانادا بسیار مهم و قابل تأمل است.

این دو اتحادیه خود محصول جدایی از اتحادیه‌های کارگری امریکا هستند و در طول سابقه‌ی طولانی فعالیت‌شان جدایی‌ها، گسست‌ها و پیوندهای بسیاری را تجربه کرده‌اند. شاید در نگاه

هر ناظر خارجی، این اتحاد جدید امری عادی به نظر آید، ولی شعار و اساسنامه‌ی جدید این دواتحادیه نشان از یک نوع نگرش خاص به امر سازمان‌یابی کارگری است که برای همه‌ی فعالان کارگری می‌تواند مفید باشد.

این دو اتحادیه از دو جنبه‌ی بسیار متفاوت به فعالیت کارگری نظر دارند و این مساله در نوع فعالیت‌هایشان نمود دارد. اتحادیه ماشین‌سازی بر آموزش و تربیت نیروی پیشرو و مبارز تاکید دارد و در فعالیت‌هایش مقررات خاصی را رعایت می‌کند و برای رسیدن به خواست‌هایشان از شرکت در مبارزات سیاسی و عملی از هر نوع کوتاهی نمی‌کنند. ولی اتحادیه انرژی بیشتر بر فعالیت‌های صنفی از جمله پیگیری شکایات اعضا و مذاکره برای قرارداد دسته‌جمعی متمرکز است.

اتحادیه ماشین‌سازی در مذاکرات خود با کارفرما توانسته در قراردادها، در کنار هر ساعت حقوق کارگر، یک سنت را برای آموزش و فعالیت‌های عدالت‌خواهانه‌ی اجتماعی بگنجاند. برای اتحادیه ماشین‌سازی، از زمان جدایی از اتحادیه ماشین‌سازی آمریکا (UAW)، منافع اعضایش بر هر موضعی ارجحیت داشته است و در تمام مدتی که برای استقلال با اتحادیه ماشین‌سازی آمریکا مذاکره می‌کرد، به آن‌ها یادآور می‌شد که ما منافع کارگران خودمان را فدای ننگ داشتن مشاغل کارگران آمریکا نمی‌کنیم و برایمان مهم است که استقلال داشته باشیم و بتوانیم چه در محیط کار در کانادا، و چه بیرون از محیط کار حق اعتراض و اعتصاب را داشته باشیم. اتحادیه‌های آمریکا در سال 1985 از دادن این حق به آن‌ها خودداری کرده بودند. در یکی از اسناد این جدایی آمده است که باب وایت (نماینده کارگران ماشین‌سازی کانادا) در آخرین مذاکرات تلفنی با نمایندگان اتحادیه‌های آمریکا می‌گوید: "ما ده میلیون پول برای اعتصاب داریم" وقتی تلفن را می‌گذارد به همکارانش می‌گوید: "شما می‌دانید ما حتی یک سنت هم نداریم ولی استقلال را می‌گیریم."

انحلال و ادغام این دو اتحادیه در بیست و نه اوت امسال در شهر تورنتو صورت می‌گیرد. برای آشنایی بیشتر ابتدا به نام این نهاد و سپس به بخش‌هایی از اساسنامه‌ی پیشنهادی می‌پردازیم.

پذیرفتن اسم پیشنهادی یونی‌فور (UNIFOR) می‌تواند نشان دهد که این اتحادیه‌ی جدید چه در سر دارد. کاملاً مشخص است که دیگر به طور خاص اتحادیه به مفهوم سنتی آن، در دستور کار آن نیست.

یونی‌فور از ادغام دو کلمه یونایت (Unit) و فور (For) به معنی "اتحاد برای" ... که می‌تواند در برگیرنده موضوعات عام باشد، به این مفهوم که این اتحاد سندیکایی جدید از حقوق زنان، جوانان، تازه‌کانادایی‌ها، دگرباشان، بومیان کانادا و کسانی که ناتوانی جسمی دارند، دفاع می‌کند و در کل می‌توان گفت اتحادیه یا سندیکا به معنی نهادی اجتماعی است نه نهادی صرفاً صنفی. نهادی اجتماعی که شاید اعضای آن در یک محل کار نمی‌کنند ولی همدوش هم برای بهتر شدن زندگی دیگران مبارزه می‌کنند. سندیکایی که بتواند بیکاران را پوشش بدهد سندیکای که بتواند در شعباتش نهادهای مدنی محلی را به عضویت در آورد و در حرکت‌های اجتماعی مشارکت کند.

این نهاد جدید که بالای سیصد هزار کارگر را پوشش می‌دهد و بودجه سالانه آن صد میلیون دلار است با اختصاص ده درصد بودجه‌ی سالانه‌اش به عضوگیری می‌خواهد به مقابله با مساله اصلی پراکندگی جنبش کارگری بپردازد.

اتحادیه‌ی جدید معتقد است هر انسانی را که نفس می‌کشد، باید متشکل کرد و به یک بخش خاص محدود نیست. شاید به جرات بتوان گفت حدود فقط بیست درصد از اعضای اتحادیه ماشین‌سازی، کارکنان کارخانه‌های ماشین‌سازی هستند و در واقع در هیچ بخش از اقتصاد کانادا نیست که در اتحادیه‌ی خودروی‌سازی عضو نداشته باشد، از کارکنان بخش زایمان بیمارستان‌ها گرفته تا گورکن گورستان‌ها. هر کس، در هر محیط کاری می‌تواند عضو این سندیکا باشد. اتحادیه ماشین‌سازی با ثبت خودش به نهاد عام‌المنفعه به نوعی در کارهای خیریه فعالیت

می‌کند و کسانی که کمک مالی می‌دهند، می‌توانند از مالیات خود کم کند و در این راه بسیاری از اعضای خودروسازی حتی هزینه های کفن و دفن و مراسم خاکسپاری خود را به کارهای خیریه اتحادیه می‌سپارند. در بسیاری از مواقع کارگری وصیت می‌کند که مخارج و هدایایی مانند گل یا خاکسپاری را انجام ندهند و شخص را بسوزانند و پول آن را برای ساختن مدرسه‌ای یا مبارزه برای مسأله قربانیان بمباران اتمی در ژاپن و کارهایی از این دست خرج کنند. این شیوه‌ی کارگاه وقت زیادی را از اتحادیه می‌گیرد تا وصیت شخص را عملی کند، حتی در مواردی که کشور مورد نظر متوفی در تحریم باشد، باز هم این پیگیری عملی خواهد شد. این مسأله در اتحادیه‌ی جدید نیز حتماً ادامه خواهد یافت.

مطابق با اسناد این نهاد، اصول پایه‌ای یونی‌فور عبارتند از: دمکرات بودن اعتقاد به این اصل که این نهاد داوطلبانه و متعلق به اعضا است و اعضاء آن را کنترل می‌کنند. شیوه‌ی کار دمکراتیک سندیکایی در پروسه‌ی عمل، ساختار و قوانین‌اش منعکس است.

اتحاد: اتحاد در پروسه‌ی تغییر عمل شخصی به یک عمل جمعی براساس برابری است. ما باید بر جدایی‌هایی فایق آییم که محیط کار و اجتماع بر ما تحمیل می‌کند: داشتن شغل‌های متفاوت، تفاوت‌های جنسی، نژادی، سنی، گذشته متفاوت. و... ما باید یک طبقه‌ی کارگر متحد بسازیم. باز و همگانی: موفقیت یونی‌فور در جذب اعضا نهفته است. ارتباط داشتن زمانی اتفاق می‌افتد که ما به ایده‌های جدید خیرمقدم بگویم و همیاری، اعتماد به نفس و مهارت‌هایمان را در کارهایمان رشد و بسط دهیم و اعضایمان را درک کنیم.

همبستگی: یونی‌فور فراتر از کلیت اعضای منفرد است. سندیکا از روابط ما شکل گرفته است، این که چگونه با هم رفتار می‌کنیم و چگونه از هم مراقبت می‌کنیم. به ضوابطی در همبستگی متعهد هستیم که در کلام، در اعمال روزانه، در ارتباط نزدیک با سندیکاهای خواهر و برادر، در دوستی، در احترام و پشتیبانی از هم، خود را نشان می‌دهد. در یک کلام به همکاری مشترک و وابستگی‌مان به هم و ضدیت با آزار و اذیت همدیگر متعهد هستیم.

حساب‌دهی و شفافیت: یکی از پایه‌ای‌ترین تعهداتی است که در پیشبرد کار اداری نهاد مطرح است و به عنوان اصل زیربنایی حساب‌دهی به اعضا در تمامی مراحل تصمیم‌گیری‌ها باید وجود داشته باشد و شامل مراحل از جمله گزارش‌دهی شفاف در مورد کار، وقت‌شناسی، قابل اتکا بودن است.

تاثیرگذار بودن: عکس‌العمل به موقع و موثر انجام دادن و تسلط بر مواضع اتخاذ شده و تمرکز بر روی هدف. برای رسیدن به این هدف نیاز است که با شیوه‌ها و فنون علمی و به روز، رهبری و کارکنان ماهر را رشد دهیم. در آینده ما به افراد و منابع مالی نیاز داریم و لازم است از منابعی که در اختیار داریم درست استفاده شود.

دینامیسم: ما نهادی را می‌سازیم که در نوع خود یک نوآوری است و باید مدام در حال نوسازی خود باشد، دائماً نیاز به بررسی دارد. تکامل و رشد یونی‌فور تغییر در پروسه‌ی عمل است. ما باید متعهد شویم در جریان یادگیری و استفاده از امکانات، تغییر کنیم و شیوه‌های نوین را در عمل جدیدمان به کار بندیم.

مبارزه‌جویی: نهاد ما باید بتواند در رسیدن به اهدافش اراده‌ی قوی داشته باشد تا بتواند برای خواسته‌هایش مبارزه کند و از حقوق همه‌ی کارگران دفاع کند.

مترقی: هدف ما ترجیح منافع عمومی بر منافع خصوصی است. هدف ما تغییر محیط کار و دنیایمان است. چشم‌انداز ما قابل دسترسی است. خواهان تغییر اقتصادی از پایه برای دنیایی هستیم که برابری اجتماعی را برای همگان به همراه داشته باشد. دمکراسی در یک محیط زیست قابل استفاده برای آینده‌ای قابل زیست. این یعنی یک سندیکای اجتماعی قوی با فرهنگ مترقی که برای یک هدف مشترک با دیگر کانادایی‌ها و مردم سراسر دنیا تلاش می‌کند.

جنسیت و برابری: یونی‌فور متعهد به برابری و هم‌گرایی است، زنان، کارگران از هر نژادی و بومیان، هم‌جنس‌گرایان زن و مرد، دو جنسیتی‌ها، جوانان، کارگرانی که ناتوانی جسمی دارند و

بقیه گروه‌هایی که خواستار برابری هستند در تمامی ساختار این نهاد باید نمایندگانی داشته و در تمامی ارکان اتحادیه تا مراحل رهبری حق انتخاب شدن داشته باشند.

بازسازی سندیکا و تغییر نسلی: قدرت و دینامیسم یونی‌فور در تمامی بخش‌ها براساس بازسازی سندیکا است باید ساختار و عمل سندیکا را همگام با تکامل زمانی تغییر دهیم سندیکا باید ایده‌های جدید را بپذیرد و رهبری آن مدام در حال تغییر و بازسازی باشد. تغییر و جابه‌جایی افراد در ساختار سازمانی ماهیت اصلی بازسازی است و باید پذیرای آن باشیم و در سطح کل کشور، منطقه‌ای، شعبات، کارکنان و ... آن را به اجرا بگذاریم.

رهبری: وظیفه‌ی رهبری روحیه‌ی دهی، به وجود آوردن انگیزه برای رسیدن به اهداف در تمامی شرایط است. وظیفه‌ی رهبری برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف استراتژیک، در جهت قدرت‌مند شدن سندیکا است. در تمامی مراحل عضوگیری، قدرت چانه‌زنی، ظرفیت‌متشکل‌سازی و... شکل‌دهی سندیکا برای رسیدن به این اهداف، چشم‌انداز ماست.

اهداف بالا در محیط کار از طریق قراردادهای دسته‌جمعی، تلاش برای بهتر شدن دستمزدها، بازنشستگی، مزایا، بیمه‌های کار در فعالیتهای سیاسی ما خود را نشان می‌دهد؛ برای اعضا برابری از نژاد، جنسیت، سن، گروه، رنگ، مرحله قانونی ازدواج و دیگر موارد در نظر گرفته می‌شود؛ در درون اتحادیه از طریق مبارزه برای داشتن کار مناسب برای همه، دادن کمک به کسانی که نیاز دارند، ساختن نهاد اجتماعی در محیط زندگی، به وجود آوردن کمپین‌های مبارزاتی که همه را در برگیرد، خود را نشان می‌دهد تا شور ساختن نهاد سندیکایی را در کارگرانی بوجود آورند که سندیکایی نیستند؛ در اجتماع مدافع حقوق شهروندی هستیم و دفاع از آزادی‌ها و بسط آن را در دستور کار داریم، سندیکا برای دستیابی به دموکراسی، در یک جامعه‌ی دموکراتیک، فعالیت مستمر و روتین در مسائل سیاسی خواهیم داشت و در شوراهای شهر، ایالتی و فدرال در رابطه با مسائل مشخص فعال خواهیم بود. مبارزه برای حقوق شهروندی در ارتباط با بهداشت عمومی و محیط زیست مناسب برای آینده و تلاش برای ساختن جنبش کارگری متحد تا همبستگی را در نهادهای ملی در کانادا و از طریق نهادهای مشابه بین‌المللی بوجود آوریم.

دفاع از نهادهای کانادایی را در دستورکار خود داریم که برای مسائل مشترک مبارزه می‌کنند. در مقابل جهانی‌سازی می‌ایستیم و در مقابل سیاست‌هایی که در حال از بین بردن امتیازات کارگران هستند، آلترناتیو ارائه خواهیم داد. برای پایان دادن به جنگ و ساختن صلح در دنیا تلاش خواهیم کرد.

در کارخانه بن موکت شهرک صنعتی مبارکه، دستگاہ تیغه چاپ موکت، جان کارگر جوان را گرفت

به گزارش ایمن‌ا، در تاریخ سوم مرداد 92 آمده است: کارگری ۲۳ ساله در حین کار با دستگاہ تیغه چاپ موکت در کارخانه بن موکت واقع در شهرک صنعتی مبارکه، جان خود را از دست داد.

برپایه این گزارش، مسوول امور پایگاہ‌های شهرستان مبارکه گفت: ساعت ۱۷ و ۳۶ دقیقه روز چهارشنبه دوم مردادماه، حادثه‌ای مبنی بر گرفتار شدن کارگری جوان در بین دستگاہ تیغه موکت کارخانه بن موکت واقع در شهرک صنعتی مبارکه، به اتاق فرمان ۱۱۵ شهرستان مبارکه اعلام و درخواست امدادرسانی شد.

ایرج ابوطالبی افزود: پس از اعلام گزارش این حادثه، یک واحد امداد اورژانس پیش بیمارستانی از پایگاہ سه راهی مبارکه به محل حادثه اعزام شد؛ ولی متأسفانه مصدوم که در هنگام روشن بودن دستگاہ، مشغول تمیز کردن آن بود بر اثر له شدگی از ناحیه گردن و کتف در همان حین جان خود را از دست داده بود.

اخبار کارگری چند از دوستان فلزکار:

برپایه اخبار رسیده آمده است: کلیه سالن ها و خطوط تولیدی کارخانه ایران خودرو به دلیل تحریم و مشخص نبودن قیمت خودروهای تولیدی همچنان در حال رکود بسر می برند. کارگران که طی 30 سال حتی لحظه ای قادر به خاراندن سر خود نبودند این فرصت را یافته اند که در این بی تکلیفی دور هم جمع شده و در مورد موضوعات دلخواه صحبت کنند. از فوتبال تا انتخابات و دستمزد و آکورد. سرپرستان و عوامل حراست و بخش نیروی انسانی شرکت که هر دقیقه در سالن ها رفت و آمد داشتند به این جمع شدن ها با بی تفاوتی نگاه می کنند.

* کارخانه ریات ماشین واقع در کمال شهر کرج یکی از سازندگان قطعه برای ایران خودرو که در چند سال پیش با ظرفیت 200 کارگر مشغول بکار بود، در سال گذشته با کاهش نیرو به 60 نفر در اوایل سال، برای بار دوم در اواسط سال با کمتر از 20 کارگر مشغول تولید بود. این کارخانه در حال حاضر با 6 نفر کارگر در حال کار است. کارخانه ریات ماشین جزو کارخانه هایی است که همیشه به کارگران بابت دستمزد و مزایا همیشه بدهکار است.

* پیمانکار شهرداری منطقه 16 تهران که 90 کارگر را در زیر پوشش دارد، حقوق خرداد کارگران خود را نداده است. این پیمانکار 25 درصد افزایش حداقل حقوق را نیز در پرداختی های خود اعمال نکرده و از بابت عیدی و سنوات سال گذشته هم به کارگران بدهکار است. او به کارگران گفته برای دریافت مطالبات خود به شهرداری مراجعه کنند. شهردار تهران قالیباف و همچنین رییس شورای شهر تهران چمران در دیداری که با این کارگران در مسجد امام رضا داشتند در جریان این موضوع قرار گرفته اند.

* در کارخانه های بزرگ دولتی هنوز 25 درصد افزایش حداقل حقوق اعمال نگردیده و به همین خاطر در کارخانجات ذوب آهن، فولاد، لوله سازی، تراکتورسازی، نیشکر هفت تپه این عدم افزایش به اعتراضات کارگری تبدیل شده و مسوولین کارخانه ها را به چاره جویی انداخته است. این مسوولین پایان تیرماه را برای پرداخت 25 درصد افزایش حداقل حقوق 4 ماه امسال را به کارگران خود وعده داده اند.

کارخانه اشتاد سازنده و نماینده انحصاری ماشینهای کشاورزی تیلر از ژاپن، در شهرک صنعتی نظرآباد کرج واقع است. این کارخانه از کارخانه های مادر در صنایع کشاورزی به حساب می آید. در سال 1375 به تامین اجتماعی (شستا) کارخانه نیروی محرکه فروخته شد. کارخانه نیروی محرکه که خود زیرمجموعه ایران خودرو است و برایش تولید می کند. این کارخانه قبل از 1390، 600 کارگر داشت که با آمدن قلی زاده شوهر خواهر نجم الدین مدیرعامل ایران خودرو، مهندسین و تکنسین های مجرب را اخراج کرده و به جای آن مدیریت فامیلی را جایگزین کرد. خود آقای قلی زاده در مگا موتور رییس کنترل کیفیت بوده و آنچنان تخصصی در امر مدیریت نداشت و بواسطه مدیرعامل ایران خود رو به این سمت رسید. نتیجه این شد که در طی دو سال 400 کارگر آن اخراج و بخش های ریخته گری، ماشین کاری و بخش مونتاژ که بخش اصلی محصول ماشین کشاورزی تیلر را می ساخت تعطیل شدند. برای آنکه کارخانه را تقویت مالی کنند سوله ها را به کارخانه ماشین سازی زامیاد کرایه داده تا مدیران بتوانند حقوق صدمیلیونی خود را دریافت کنند. در حالی که کارگران ماهها حقوق 400 هزار تومانی خود را دریافت نمی کردند. حتی کاربجایی رسید که برای شرکت های دیگر بصورت پیمان مدیریت کار کردند (1). از 200 کارگر این کارخانه تعداد 50 نفر رسمی و 150 نفر قرار دادی با شرکت های پیمانکار نیروی انسانی هستند. در حال حاضر کارگران کارخانه اشتاد 3 روز در هفته کار می کنند و 70 درصد حقوق شان را دریافت می کند. که البته سه ماه به سه ماه همیشه از حقوق عقب هستند. کارفرما برای گریز از مسایل حقوقی حتی

به کارگران فیش حقوقی هم نمی دهد. در حال حاضر بخش های اصلی کارخانه که به تولید ماشین کشاورزی تیلر اختصاص داشت مانند ریخته گری، قسمت پرس های 900 تنی که در استان تهران و البرز کم نظیر هستند در کارخانه خاک می خورند. فقط قسمت رنگ تا حدودی فعال است. کارخانه برای شرکت نیروی محرکه موتورسیکلت مونتاژ می کند. تولید در این کارخانه متوقف شده است. مدیران کارخانه در صدد هستند که کارخانه را تغییر کاربری داده تا زمینهای آن را فروخته کارخانه را برچینند. کارفرما برای آنکه بتواند از عهده مخارج سنگین آقایان مدیران بی عرضه برآید دستگاههای کارخانه را می فروشند. کارگران کارخانه های اشتاد و نساجی مقدم هر روزه به فرمانداری ساوجبلاغ مراجعه کرده و از عدم حقوق خود به فرمانداری شکایت می کنند. مدیران کارخانه نیز با سر دواندن کارگران و مستاصل کردن آنان، کار را بجایی رسانده اند که کارگران آرزوی خلاصی از این کارخانه را دارند. کارخانه اشتاد که در دهه چهل در ساوجبلاغ به مادر تولید ماشینهای کشاورزی تبدیل شده بود وحتا برای کارگزارانش خانه های سازمانی ساخته بود و شهرکی صنعتی را برپا نموده بودند با خیانت سرمایه داری انگل تجاری به نابودی کشیده شده و تعداد طبقه کارگر را در این شهر کاهش دادند تا بهتر بتوانند بدون رویارویی با کارگران و مقاومت این طبقه، با زمین خواری و بورس بازی صنعت کشور را نابود و استقلال اقتصادی را زمین گیر بکنند. این کارخانه در زمان انقلاب کارگران پیشتازی را به جامعه انقلابی تقدیم کرد که یادشان گرامی باد.

* کارخانه سیمان آبیگ به دلیل تحریم های ایجاد شده و نرسیدن مواد اولیه که همراه با سوء مدیریت همراه بود در خطوط تولید و قسمت بسته بندی دچار رکود شد و به مدت 2 هفته از کار بازماند. این کارخانه که در سالهای قبل 3000 کارگر داشت با خیانت های سرمایه داری انگل تجاری به 1000 نفر کاهش یافت و تولید آن به یک سوم تقلیل یافته است. که به تبع بر روی قیمت سیمان نیز تاثیر گذاشته و باعث گرانی این محصول شده است.

* کارخانه مادیران در شهر صنعتی هشتگرد کرج واقع است و در حال حاضر به تولید گوشی موبایل می پردازد. این واحد تولیدی که زمانی سازنده مونیتور های کامپیوتری بود و در عرصه عرضه این محصول گوی را از رقبای خارجی ربوده بود با واردات بی رویه مانیتور به کشور از کره و سنگاپور دچار رکود شد و یک سوم کارگزارانش را که عموماً زنان و دختران تشکیل می دادند را از دست داد. مدیریت پس از اخراج کارگران زن و تعطیل بخش مونیتورینگ جمعی از مهندسين مجرب را نیز خانه نشین کرد. سرمایه داری انگل تجاری برای نابودی صنعت و ژرف تر کردن دره فقر و بدبختی کارگران واحدهای تولیدی را متوقف و اخراج کارگران، باعث خیل عظیم ارتش بیکاران می شوند.

* کارخانه نساجی فخر ایران (نمازی قبلی) پس از بازنشسته کردن و اخراج 950 کارگر خود با سوابق بالای 20 الی 25 سال کارخانه را به قسمت های مختلف تقسیم کرده و به کارگاههای تولیدی کوچک اجاره داده اند تا مخارج مدیران در خدمت سرمایه داری انگل تجاری تامین شود. نمونه ای هوشمندانه از اشتغال زایی رواج یافته!!!

* کارخانه مقدم یکی از با سابقه ترین نساجی های کشور در نظر آباد کرج، پس از استقرار مدیران وابسته به سرمایه داری انگل تجاری در آن، سالن نمایشگاه محصولاتش به پایگاه بسیج تبدیل شد و سپس مابقی کارخانه را به تعاونی تولیدی فروخته اند که یاران همان سرمایه داری انگل تجاری است. شهرداری برای نابودی این کارخانه باغهای کشاورزیش را بابت بدهی عوارض شهرداری تصاحب کرد. کارگران نیز به افتخار بیکاری نایل شدند.

کارخانه های نساجی مقدم، فخر ایران، اشناد، سیمان آبیگ از کارخانه های مادر در استان البرز بودند. این کارخانه ها در دهه چهل از آنچنان رونقی برخوردار بودند که شهرک های صنعتی ساخته و برای کارگران نیز در نزدیکی کارخانه مبادرت به ساخت خانه های سازمانی نموده بودند

حادثه کارگری

به نوشته سایت افق روشن، برپایه خبر فعالان ضد سرمایه داری از گیلان آمده است: اسماعیل معاف کارگر خدمات شهری شرکت نیل آبی زرچوب دارای دو سال سابقه کار در این شرکت می باشد.

اسماعیل صبح روز پنجشنبه ۳/۵/۹۲ حدود ساعت ۱۱:۳۰ در حالی که در حاشیه مسیر جاده رشت پیربازار- سه راهی فخب مشغول کار بود دچار حادثه شد. راننده خودروی سواری در حال سبقت به علت عدم کنترل اتومبیل خود با اسماعیل را در حالی که در حاشیه جاده قرار داشت تصادف میکند اسماعیل معاف بشدت از ناحیه سر، صورت و فک آسیب می بیند اورژانس او را به بیمارستان پورسینای رشت منتقل می کند.

وی پس از یکروز بستری شدن در بیمارستان مرخص شده به منزل خود می رود او هم اکنون در خانه بستری و قادر به کار کردن نیست. آنهم در شرایطی که شرکت از ۷۵ روز دستمزد معوقه - برج خرداد و تیر به اضافه ۱۵ روز تاخیر از قبل - در روز پنجشنبه ۳/۵/۹۲ فقط دستمزد برج خرداد را پرداخت کرده است.

راستی چه کسی مسئول حفظ جان و امنیت کارگران خدمات شهری در مسیر خیابان و جاده می باشد؟

سرنوشت اسماعیل و سایر کارگرانی که دچار حادثه می شوند به کجا می انجامد؟
چه کسی پاسخگو است؟

تعاونی بیمه با کارفرمایان

شرکت های خدمات شهری طرف قرارداد با شهرداری از اسفند سال ۱۳۹۱ به بعد در طول پنج ماه اخیر هیچگونه قراردادی با کارگران تمدید نکرده اند علیرغم تمدید اعتبار دفترچه های بیمه وقتی کارگران به شعبات بیمه مراجعه می کنند اثری از سابقه کاری خود در بیمه نمی بینند.

در مقابل اعتراض کارگران مسئولین بیمه می گویند تا پول بیمه دریافت نکنیم اعتبار بیمه تان را تمدید نمی کنیم بطور مثال در ازای پرداخت سه سال حق بیمه، یک ماه سابقه کار ثبت شده است؟

و کارگران در این میان سرگردان، مسئول این تبانی کارفرما و بیمه چه کسی است؟

یک فعال کارگری هشدار داد:

مشکلات معیشتی کارگران، قراردادهای موقت را استثمارگری تر کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 3 مرداد 92 آمده است: دبیر کانون انجمن های صنفی کارگران کوره پزخانه های استان تهران ضمن هشدار نسبت به رواج قراردادهای کار سفید امضا، از دولت روحانی خواست قراردادهای موقت کار را سازماندهی کند.

«علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: قراردادهای موقت کار یکی از مهم ترین شیوه های کارفرمایان برای استثمار نیروی کار است. با توجه به روند فزاینده بیکاری و شدت یافتن مشکلات معیشتی، فرصت مناسبی برای صاحبان سرمایه در کشور فراهم شده است تا با استفاده از این قراردادهای، شرایط دشواری همچون عدم تعهد در برابر مزایای کار و بیمه، دستمزدهای کمتر از

میزان قانونی و اخراج را به کارگران تحمیل کنند . وی ادامه داد: طبق ماده هفت قانون کار، قرارداد موقت نه برای کارهای دائم و مستمر، بلکه برای کارهای موقت است.

این فعال کارگری با بیان مثالی، به تشریح یکی از آسیب‌های قراردادهای موقت کار پرداخت و گفت: کارگری که به مدت ۲۰ سال در شرکتی مشغول به کار است، پس از آنکه کارفرما قراردادی ۲ ماهه با وی می‌بندد پس از طی مدت قرارداد امکان دارد بدون هیچ بهانه‌ای اخراج شود.

حسینیان در ادامه با انتقاد از رواج قراردادهای کار سفید امضا بیان کرد: در قراردادهای کار سفید امضا از کارگر امضا گرفته می‌شود ولی هیچ نسخه‌ای از قرارداد در اختیار وی قرار نمی‌گیرد. بدین ترتیب، کارفرما می‌تواند هر زمان که مایل بود با تعیین تاریخ پایان قرارداد، کارگر را اخراج کند.

وی تصریح کرد: قراردادهای کتبی باید در ۴ نسخه نوشته شوند و رونوشت قرارداد در اختیار کارگر، شورای اسلامی کار و اداره کار قرار بگیرد. این در حالی است که برخی کارفرمایان، قرارداد کار را می‌نویسند و نزد خود نگه می‌دارند.

دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران در پایان اظهار داشت: با توجه به عدم تعادل میان عرضه و تقاضا نیروی کار در بازار کار، بسیاری از مردم به دلیل تامین نیازهای معیشتی و پیدا کردن شغل به دریافت حداقل حقوق بدون بیمه و مزایای رضای هستند که این مساله زمینه رواج قراردادهای سفید امضا را فراهم کرده است.

پایان پیام

دبیر خانه کارگر قزوین:

دو بیمارستان تامین اجتماعی در قزوین جوابگوی ۸۰۰ هزار نفر نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 3 مرداد 92 آمده است: يك فعال کارگری در قزوین امکانات مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی در این استان را برای پاسخگویی به نیاز ۸۰۰ هزار بیمه‌شده ناکافی دانست.

«عید علی کریمی» در این باره به ایلنا گفت: با افزایش سه برابری جمعیت کارگری استان قزوین ضروری است که امکانات درمانی موجود نیز برای پاسخگویی به نیازهای درمانی بیمه شدگان گسترش یابد.

او افزود: جمعیت بیمه شدگان این استان هم اکنون حدود ۲۴۰ هزار بیمه شده اصلی است اما در زمان تاسیس این مراکز درمانی، تعداد بیمه شدگان تامین اجتماعی زیر صد هزار نفر بوده است.

این فعال کارگری بابیان اینکه نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر از اهالی استان قزوین از خدمات تامین اجتماعی بهره می‌برند، گفت: حدود ۵۷ درصد از جمعیت استان از خدمات بیمه تامین اجتماعی استفاده می‌کنند.

او گفت: مجموعه امکانات بیمارستانی این استان، بیمارستان ۲۵۶ تخت خوابی رازی در شهر قزوین و ۱۰۰ تخت خوابی شهرستان تاکستان است که به دلیل بالا بودن حجم متقاضیان، پاسخگوی نیاز مراجعان بومی و غیر بومی نیست.

وی افزود: کمبود امکانات درمانی در مراکز ملکی تامین اجتماعی در حالی است که در پی پایین

بودن تعرفه‌های پزشکی، بسیاری از پزشکان متخصص و فوق تخصص تمایلی برای همکاری با بیمارستانهای ملکی تامین اجتماعی ندارند.

کریمی از کمبود برخی داروهای خاص در مراکز ملکی سازمان خبر داد و گفت: از زمان افزایش بهای دارو، مراکز ملکی سازمان مانند گذشته به تعهدات بیمه‌ای خود عمل نمی‌کنند و بیماران برای تهیه ۳۰ درصد از داروهای تجویز شده پزشک باید به داروخانه‌های خارج از تعهد سازمان مراجعه کنند که بهای آن داروها نیز آزاد محاسبه می‌شود.

این مقام کارگری در پایان سخنان خود با اشاره به نبود مراکز درمانی در برخی از شهرهای استان، افزود: هم اکنون برخی از شهرک‌های کارگری استان که هرکدام حدود ۶۰ هزار جمعیت دارند همانند شهرک مینو در، کوثر، اقبالیه و بیدستان فاقد امکانات درمانی تامین اجتماعی هستند و باقی شهرک‌هایی که دارای کلینیک‌های درمانی هستند به علت کمبود امکانات پاسخگوی بیمه شدگان نیستند.

پایان پیام

اخبار فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان:

تجمع کارگران مقابل استانداری گیلان
به نوشته سایت افق روشن آمده است: صبح روز سه شنبه ۱/۵/۹۲ بیش از صد نفر از کارگران قراردادی فضای سبز شهرداری رشت در مقابل استانداری گیلان واقع در خیابان معلم رشت تجمع کردند. این کارگران بیش از ۷۵ روز از دستمزد خود را طلب کار بودند که پس از این تجمع توانستند دستمزدهای معوقه خود را کامل دریافت کنند.

***** اعتصاب شیفت شب کارگران خدمات شهری
اعتصاب شیفت شب کارگران خدمات شهری کارگران خدمات شهری قراردادی شرکت نورتابان نوین شب پنجشنبه ۲/۵/۹۲ اعتصاب کردند متأسفانه کارگران شیفت روز بجای آنها کارکردند که این حرکت باعث دلخوری و نارضایتی کارگران شیفت شب شد. لازم به ذکر است کارگران خدمات شهری رشت بیش از ۷۵ روز دستمزد معوقه طلب کار هستند.

***** ۷۵ روز دستمزد عقب افتاده کارگران خدمات شهری رشت
کارگران خدمات شهری رشت طرف قرارداد با شرکت های خدماتی نیل آبی زرجوب ، نورتابان نوین و... بیش از ۷۵ روز دستمزد برج خرداد و تیر و ۱۵ روز تعویق پرداخت را طلبکار می باشند . در جواب کارفرمایان به کارگران میگویند چون شورای شهر و شهردار نداریم و حساب های شهرداری مسدود است.

ما نمی توانیم دستمزد شما را پرداخت کنیم در حالیکه طبق قرارداد این شرکت های پیمانکار خدماتی که با شهرداری به عنوان کارفرما می باشند همواره باید دستمزد کارگران را بدون تاخیر پرداخت کنند. راستی چه کسی پاسخگو است؟ دولت ورشکسته احمدی نژاد؟ یا خامنه ای که سازمان شهرداریها زیر مجموعه ولایت سرمایه مدار می باشند؟ لازم به ذکر است کارگران و کارمندان استخدامی شهرداری رشت نیز با همین بهانه واهی- مسدود بودن حساب ها به علت حسابرسی - حقوق برج تیر را دریافت نکرده اند.
کارگران می پرسند اگر اعضای شورای شهر سابق رشت دزد بودند و بیش از ۲۷۰ میلیارد تومانی اختلاس کردند چرا آزاد شدند و اختلاس شان را ۷ میلیارد تومان اعلام کردید؟ در حالیکه ما

کارگران خدمات شهری خوب می دانیم که ادامه بازجویی از این دزدان پای حضرات پایتخت نشین در دولت و باندهای مافیایی شان را هم به وسط می کشاند. چرا ما کارگران باید بابت چندرغاز دستمزد عقب افتاده شرمند زن و بچه ، مغازه دار محله و صاحبخانه بشویم؟ راستی چه کسی پاسخگو است؟

دبیر انجمن ریخته‌گری: طی دو سال اخیر بیش از يك سوم کارگران ریخته‌گری تعدیل شده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 3 مرداد 92 آمده است : دبیر انجمن ریخته‌گری از تعدیل یک سوم کارگران این حوزه طی ۲ سال گذشته خبر داد.

«عبدالمجید قدیمی» دبیر انجمن ریخته‌گری با بیان اینکه این بخش نیز مانند سایر صنایع با رکود مواجه شده است، به ایلنا گفت: طی سال‌های گذشته صنعت ریخته‌گری در اکثر بخش‌های معدنی، سیمانی، تولید فلزات و غیره فعال بود و در بخش‌هایی که محصولاتشان را به شرکت‌های دولتی عرضه می‌کردند مانند وزارت نیرو فعال‌تر عمل می‌کرد اما فقدان نقدینگی دولت و عدم تعهدات در پرداخت و عدم تکمیل طرح‌های عمرانی باعث شد ریخته‌گری در بخش‌های دیگری به ارایه خدمات پردازد. وی افزود: طی ۲ سال گذشته در خصوص صادرات قطعات ریخته‌گری به خارج از کشور اقدامات خوبی انجام شده اما با مشکلاتی که در زمینه انتقال ارز به کشور و نیز بحث حمل و نقل کشتی‌ها بوجود آمد هزینه‌ها و زمان تعهدات افزایش یافته است.

قدیمی خاطر نشان کرد: همان طور که در صنعت خودرو طی ۲ سال گذشته حدود یک سوم کارگران ریزش کردند در حوزه ریخته‌گری نیز همین میزان تعدیل شدند هم اکنون در خوش بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت تولید محصولات ریخته‌گری نصف شده است اما کاهش تولیدات بیش از این آمار است که جسته گریخته ارائه می‌دهند.

وی با انتقاد از عدم ارائه آمار صحیح دولت گفت: متأسفانه از سال ۹۱ در سایت‌های دولتی نمی‌توان آمار دقیقی یافت و سازمان‌هایی نظیر ایمیدرو، ایدرو نیز ارائه آمار را متوقف کرده‌اند و به گونه‌ای مخفی کاری می‌کنند و این موضوع جای سوال دارد که این آمار را از چه کسی مخفی می‌کنید؟

پایان پیام

حادثه انفجار در کمین دکل‌های حفاری ایران است ماجرای ناکافی بودن حقوق و ظهور نسل جدید چندشغله‌های نفتی

با افزایش تعداد شرکت‌های خصوصی حفاری در صنعت نفت ایران از نسل جدید چند شغله‌ها هم رونمایی شده است به طوری که مهندسان ناظر دکل‌های حفاری برای تامین نیازهای زندگی خواب و استراحت را بر خود حرام می‌کنند و به طور همزمان خود را وقف چند شرکت خصوصی و دولتی حفاری می‌کنند. به گزارش 4مرداد پانا نیوز، چند شغله‌ها اصطلاحی است که در سالیان اخیر جای ثابتی در ادبیات سیاسی کشور پیدا کرده است. این اصطلاح با مدیرانی پیوند خورده است که به دلیل احتمالی تخصص زیاد، تبحر در سامان‌دهی امور مختلف، همزمان در چندین پست کلیدی انجام وظیفه می‌کنند.

در دعوای سیاسی و جناحی رایج در کشور گاهی نامی از آنها برده می شود و در مقطعی هم قانونی برای منع چند شغله بودن تصویب شد و گاهی هم به انتقادی و هیاهویی بسنده می شود اما این دسته از مدیران همچنان با استفاده از تجربه خود در تفسیر قانون و مقررات به انجام وظایف در سمت‌های گوناگون مشغولند.

بخش دیگری از چند شغله ها افراد عادی جامعه هستند که برای گذران زندگی و امرار معاش ناچارند در یک روز کاری چند شغل متفاوت را دنبال کنند تا بتوانند در تقابل با تورم جامعه، درآمد خود را افزایش دهند و برای گذران زندگی شرمنده خانواده خود نباشند.

چند شغله ها در صنعت نفت هم وجود دارند. مدیرانی که در چند پست کلیدی و غیرکلیدی نفت حضور دارند و با قبول چندین مسئولیت دیگرانی را که آنها هم می توانند این مسئولیت ها را انجام دهند، کنار گذاشته اند.

اما موضوع این گزارش مدیران چند شغله نیست. چرا که بنا نداریم جز در مباحث فنی و کارشناسی این حوزه ورود کنیم و پای سیاست را باز کنیم که در دعوای سیاسی اصل موضوع فراموش می شود. سوژه اصلی کارشناسانی هستند (Company Man) که به عنوان ناظر عملیات حفاری روی دکل‌های حفاری و به صورت اقماری کار می‌کنند.

یعنی یک مدت معینی را بر روی دکل هستند و همان مدت معین را باید به عنوان استراحت و جبران سختی کار در منزل و در جمع خانواده سپری کنند. فلسفه کار اقماری به دلیل سختی شرایط کار است.

به عبارت دیگر فردی که دو یا سه هفته به دور از خانواده در سکوها، دکل ها و مناطق عملیاتی کار سخت و طاقت فرسایی را انجام می دهد، به همان میزان نیز برایش زمان استراحت در نظر گرفته شده است تا در آن زمان استراحت، قوای جسمی و روحی اش را تقویت و به کارهای شخصی خود و خانواده اش بپردازد تا برای وقتی که می خواهد به سر کار برگردد، توان کافی داشته باشد.

اما برخی از ناظرین حفاری که اقماری کار می کنند، از مدت زمان استراحتشان نیز برای کار مشابه استفاده می کنند که company man دو هفته بر روی یک یعنی یک دکل حفاری ناظر عملیات است، وقتی زمان کارش بر روی دکل به پایان می رسد به جای اینکه برای استراحت به خانه برود، به دکل دیگری می رود و در یک شرکت خصوصی باز هم به عنوان company man بر عملیات حفاری دیگری نظارت می کند.

این جابه جایی ممکن است از دکل دریایی و خشکی به دکل دریایی یا خشکی دیگری باشد. این افراد دولتی دارای سمت که عمدتاً در یکی از شرکت Rest و شغل ثابتی هستند در زمان استراحت از طریق یکی از شرکت‌های خصوصی فعال در این زمینه به عنوان ناظر عملیات و عمدتاً شب کار بر روی دکل حفاری دیگری مشغول کار می‌شوند.

برخی از این افراد به دلیل جابه جایی مکرر بر روی دکل ها و برای اینکه هر دو شغل همزمان خود را داشته باشند، فرصت نمی کنند ماه ها سری به خانواده خود بزنند و فقط در فواصل کوتاه یک یا دو روزه می توانند محل کار خود را عوض کنند.

آسیب های کار بدون استراحت

اکثر کسانی که این گونه از زمان استراحت خود می زنند و مدام کار می کنند کار خود را اینگونه توجیه می کنند که تا وقتی می توانیم باید برای آینده مان کار کنیم تا بتوانیم زندگی خود را پیش ببریم.

دکتر فهیمه قیبتی مددکار اجتماعی در حوزه کار اقماری در خصوص آسیب‌های کار بدون استراحت می گوید: ماهیت کار به صورت اقماری به گونه ای است که خانواده افراد را به طور مستقیم تحت تاثیر قرار داده و در شکل روابط، نقش‌های همسری و والدی تغییرات محسوسی را ایجاد می کند و یافته‌های بسیاری از تحقیقات هم نشان می دهد که سرریز مشکلات و مسائل کار به خانه و بالعکس بر روی سلامت فردی و خانوادگی افراد شاغل به این شکل تاثیر انکارناپذیر دارد.

این چند شغله ها به ندرت بیشتر از یکسال با این شیوه کار کردن دوام می آورند و پس از یکسال بر سر دوراهی بازگشت به شرکت دولتی و یا ادامه کار در شرکت خصوصی قرار می گیرند. البته به دلیل یکسان بودن شرایط کار تنها عامل مادی و حقوق و مزایایی که در هریک از این شرکت ها می گیرند عامل تعیین کننده در انتخاب آنهاست.

هرچند که به دلیل اختلاف فاحش پرداختی به این افراد در شرکت های خصوصی در قیاس با شرکت های دولتی که گاهی 4 تا 5 برابر است، عملاً گزینه بازگشت به شرکت های دولتی از میان دو گزینه موجود حذف می شود.

خالی شدن سمت های مربوط به ناظرین حفاری (Company Man) در سال های اخیر در شرکت های دولتی نفت و گاز پارس، نفت فلات قاره، مناطق نفت خیز جنوب و حتی حفاران شرکت ملی حفاری موید این مطلب است که در این دوراهی ها اکثر نفرات حضور در شرکت های خصوصی را به ادامه کار در شرکت های دولتی ترجیح می دهند.

کاهش راندمان کاری و بی انگیزگی شغلی

شکی نیست در این سبک کار کردن، بازدهی کاری نفرات به شدت پایین می آید. فردی که دو هفته بر روی یک دکل حفاری با آن همه کار سخت و سنگین بوده و استرس های زیادی را تحمل کرده است، وقتی که مدت زمان کارش در آن دکل به پایان می رسد تازه کار جدیدی را شروع می کند که در شرکت دوم حتی سنگینی کارش بیشتر از کار اول است، چون در شرکت های خصوصی به دلیل حقوق بالاتر هم کار بیشتری از نفر می خواهند و هم نظارت دقیق تری بر عملکرد نفرات وجود دارد.

بنابراین وقتی که این فرد به محل کار اصلی اش برای دوره کاری جدید باز می گردد دیگر توان کسی را که بعد از زمان استراحت به سر کار آمده ندارد و به تبع آن راندمان و بازدهی کارش نیز پایین خواهد آمد. صرف نظر از اینکه وقتی در کار دومش چندین برابر کار اصلی اش حقوق و مزایا می گیرد، ناخودآگاه و در قیاسی که انجام می دهد، انگیزه اش در محیط کار اول نیز به شدت پایین می آید.

مسئول عملیات حفاری یکی از شرکت های دولتی ضمن تأیید کاهش راندمان کاری این افراد می گوید: کسانی که باگرفتن مرخصی یک یا چند ماهه و یا استفاده از زمان استراحتشان بر روی دکل های دیگری هم کار می کنند از نظر عملکرد و بازدهی کاری قابل مقایسه با کسانی که فقط بر روی دکل های خودمان کار می کنند نیستند.

حفاری، جز مشاغل سخت و زیان آور بوده و Company Man هم به دلیل مسئولیتی که به عهده اش گذاشته شده کارش با استرس و فشار زیادی همراه است که فکر و ذهن را کاملاً در مدت زمان حضور در دکل درگیر و خسته می کند.

وقتی کسی در زمان استراحت هم که باید از فضای کاری دور باشد و ذهنش استراحت کند بازهم درگیر همان استرس ها باشد دیگر بدن فرصت تجدید قوا ندارد و به تدریج قدرت تصمیم گیری و ریسک پذیری اش که لازمه کار بر روی دکل است از بین می رود.

کمبود متخصصان بالادستی از نگاه دیگر، کمبود متخصصان بالادستی بخصوص ناظرین حفاری company man و افزایش تعداد دکل های حفاری فعال در کشور نیز به این موضوع دامن زده است. شرکت های دکل دار اگر بخواهند از نفرات خارجی برای این کار استفاده کنند باید چندین برابر نفرات ایرانی به آنها حقوق پرداخت کنند که هزینه های جاری آنها به شدت افزایش خواهد یافت و برنامه ای هم برای آموزش نفرات بی تجربه جوان ایرانی ندارند.

از این رو ترجیح می دهند از نفرات شاغل در داخل کشور استفاده کنند که با حقوق های بسیار کمتر از نفرات بین المللی به عنوان کار دوم کار می کنند.

اینکه این نوع کار چه تبعاتی برای شرکت های دولتی دارد موضوعی است که بهتر است دست اندر کاران با بررسی راندمان دکل ها و نیز خطاهای انسانی به وجود آمده در حین عملیات به آن پاسخ دهند.

دکل هایی که هزینه اجاره یک روزه آنها آنقدر هست که ناظرین عملیات حفاری را به شیوه های تشویقی و انگیزشی ترغیب کرد تا توان خود را فقط برای کار بر روی یک دکل ذخیره کنند و از زمان استراحتی که بعد از زمان کار بر روی دکل برای آنها در نظر گرفته شده است، فقط برای استراحت و تقویت قوای جسمانی و روحی استفاده کنند نه اینکه جسم و فکر خود را در جای دیگری خسته کنند و استراحتشان را برای زمان کاری جدید به ارمغان بیاورند. با این اوصاف شکی نیست که باید برای افزایش حقوق و مزایای این قبیل مشاغل سخت، تدبیر ویژه ای اندیشیده شود تا کارشناسان و متخصصین شاغل برای تأمین معاش و تأمین آینده بهتر و رفاه بیشتر، اینگونه فکر و جسم خود را خسته نکنند. راه منطقی اینست که در صنعت نفت برای پرداخت حقوق بعضی مشاغل باید از مکانیزم های خاص خود بهره گرفت و از قاعده کلی حقوق و مزایای این کارکنان نفت گذر کرد. چند پیشنهاد سازنده به شرکت های صاحب دکل

برای این قبیل موارد و فقط برای این مشاغل خاص متناسب با وظیفه ای که یک کمپانی من در حفظ منافع مادی شرکت برعهده دارد و گاهی یک تصمیم خلاقانه اش می تواند از چندین روز کار اضافی دکل جلوگیری کند که چند صد هزار دلار کاهش هزینه را به دنبال خواهد داشت، باید از مکانیزم پرداختی استفاده شود که هم موجب ماندگاری اش پس از کسب تجربه و تخصص شود و هم فرد را مجبور کرد که فقط و فقط در یک شرکت کار کند و بعد از آن اگر تخلفی کرد با وی برخورد انضباطی شود.

برای رفع کمبود ناظر حفاری شرکت های دولتی می توانند فارغ التحصیلان حفاری دانشگاه ها را به عنوان کار آموز در کوتاه مدت به خدمت گرفته و در قالب همکاری بین شرکت های دولتی و خصوصی این نفرات پس از پایان دوره کارآموزی در شرکت های دولتی برای ادامه کار به شرکت های خصوصی وارد شوند که البته این نیازمند تعریف مکانیزم خاص خود است که باید برنامه ریزان راهش را پیدا کنند.

و کلام آخر اینکه مسئولان وزارت نفت باید برای این قبیل چالش های موجود در صنعت نفت کشور چاره ای اصولی بیابند و با پذیرش مشکلات، تا فرصت از دست نرفته از طریق راهکارهای قانونی برای حل آنها اقدام کنند.

اعتصاب 500 تن از کارگران فاز 15 و 16 پارس جنوبی

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر- دوشنبه 4 مرداد ماه آمده است: چهارمین روز اعتصاب کارگران شرکت پایندان، پیمانکار فاز 15 و 16 پارس جنوبی است. 500 کارگر شاغل در این شرکت 4 الی 5 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. این کارگران به رغم خوابگاه متروک و غذای بی کیفیت، که به اندازه ی کافی توهین آمیز است، در این شرکت پیمانکاری کار می کنند و تنها به دریافت حقوق ماهانه دلخوش و راضی خواهند بود. با این حال گروهی از کارگران 5 ماه و گروهی 4 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. آقای کیانیان مدیر پروژه گفته اند: "پول نداریم هر که نمی خواهد برود. کسی شما رو مجبور به موندن نکرده و..." (لازم به یادآوری است که پارس جنوبی از جمله مناطق ویژه اقتصادی است و مناطق ویژه از شمول قانون کار خارج اند. در این مناطق کارفرما به هر طریق عمل کند، غیرقانونی محسوب نمی شود و همین باعث سوء استفاده ی کارفرمایان شده است به طوری که حتی حداقل استانداردهای مناسبات سرمایه داری را هم رعایت نمی شود

3 کشته در حادثه واژگونی خودروهامل 50 کارگر در نی ریز

به گزارش واحد مرکزی خبر، در 4 مرداد 92 آمده است: تصادف در محور اصلی نی ریز - آباده طشک 3 کشته و 47 زخمی برجای گذاشت.

براساس این گزارش، فرمانده پلیس راه شهرستان نی ریز گفت: در این حادثه که بامداد امروز در کیلومتر 55 آباده طشک رخ داد، یک دستگاه کامیونت ایسوزو که حامل 50 نفر کارگر بود از جاده منحرف و واژگون شد.

سروان شاهسونی علت حادثه را خستگی و خواب آلودگی راننده دانست و گفت: مصدومان به بیمارستان های نی ریز و فسا منتقل شدند که حال 5 تن از آنان وخیم است.

در بین مصدومان کودک نیز دیده می شود.

این افراد برای کار در مزرعه به عنوان کارگر عازم بخش سرچهان بوده اند.

نی ریز در 222 کیلومتری شرق شیراز قرار دارد.

چهارم مرداد ماه 1392

تاخیر چند ماهه در پرداخت حقوق کارگران شهرداری هفتکل خجالت می کشیم به بازار برویم/مسئولان هفتکل خودشان را جای ما بگذارند!

برپایه خبر رسیده آمده است که: با این شرایطی که پیش آمده دیگر از خجالت نمی توانیم به مراکز خرید و بازار برویم چون بدهکاریم و چند ماه اجناس مردم را بصورت قرضی برده ایم و هر بار قول ماه بعد را به آنها می دهیم. او از کارگران شهرداری هفتکل بود. باور نمی کردم که حدود 6 ماه یعنی نصف سال را بدون حقوق و مزایا گذرانده است. از او خواستم چند دقیقه ای وقتش را به من بدهد تا از چرایی این موضوع برایم توضیح دهد.

این کارگر ابتدا درخواست مرا رد کرد و گفت: خواهش می کنم برایم دردرس درست نکن. من به همین سالی دوبار حقوق و مزایا گرفتن هم راضی م. اگر بفهمند بیکار می شوم. اما تلاش من برای قانع کردن او نتیجه داد و به او اطمینان دادم تحت هر شرایطی نامی از او نخواهم برد و فقط به مشکل شما و دیگر پرسنل شهرداری اشاره خواهم کرد تا بالاخره یک نفر پیدا شود و این مشکل را حل کند.

و این کارگر شریف، درد و دل خود را با هفتکل نیوز اینگونه در میان گذاشت:

داستان حقوق شما چیست؟ از کی حقوق نگرفتید؟

داستان خاص و عجیبی نیست. فقط از آذرماه سال قبل یعنی برج نهم سال 91 تا الان هیچ حقوق و مزایایی وحتى عیدی هم از شهرداری نگرفتیم.

یعنی چی؟ پس با این وضعیت چه می کنی؟

با این شرایطی که پیش آمده دیگر از خجالت نمی توانیم به مراکز خرید و بازار برویم چون بدهکاریم و چند ماه اجناس مردم را بصورت قرضی برده ایم و هر بار قول ماه بعد را به آنها می دهیم. به خدا شرمنده شان هستیم و رو نداریم با آنها روبرو شویم. به خدا مردم شریفی داریم وگرنه شهر کوچک است و همه آدرس و شماره تلفن من را دارند اما تا الان کسی برای طلب خود سراغم نیامده است.

هزینه های دیگر زندگی چطور تامین می شود؟

پول قرض می کنم.

خانواده پدری، دوستی و ... که کمک کند. نداری؟

خانواده پدری که بنده های خدا چشم شان به همین حقوق ناچیز من هست و آنها هم با بی پولی من مصیبت خودشان را دارند. به هر حال هرچه باشد با هم سر یک سفره می گذاریم. اما از

بعضی دوستانم که می دانم وضع مالی خوبی دارند پول قرض می گیرم تا بهانه های بچه های خردسالم را برطرف کنم. چون آنها درکی از شرایط ندارند و خود را با دوستان شان مقایسه می کنند. البته آنها مطالبات به حق خودشان را از پدرشان درخواست می کنند و از این بابت ناراحت نیستم فقط آن چیزی که زجر آور و کشنده است این است که نتوانم به آنها پاسخ منطقی ارائه کنم و انتظارات شان را برآورده کنم.

حتمن به شهرداری مشکلات خود را گفته اید. آنها چه پاسخی به شما می دهند؟
مسئولان شهرداری در جواب ما فقط همین یک حرف را می گویند: " پول نیست". البته آنها مدعی هستند در همه مناطق کشور، شهرداری ها این مشکل را دارند.

چند سال مشغول به کار شدی؟ از ابتدا وضع حقوق همینطور بود؟
حدود ۶ سال در شهرداری مشغول به کار شدم. نه از اول اینجور نبود. در دو سال اخیر این عدم پرداخت حقوق بیشتر شده است. البته قبلاً هم بوده اما حداکثر دوماه تاخیر بود اما از اواسط سال ۹۰ تا الان تقریباً هر شش ماه یکبار حقوق می گیریم.

روند کاری شما دچار مشکل نشده؟ اصلاً چرا سراغ کار دیگری نمی روی؟
شما به من بگو. از اینجا در بیایم به کجا بروم؟

پس با این روحیه چطور کار می کنی؟
واضح است این شرایط بر عملکرد کاری ما تاثیر منفی دارد. معلوم است وقتی در محیط خانه و در مقابل زن و بچه ات با توقعات مختلف شرمنده هستی و غصه می خوری این برای شما روحیه نمی گذارد. حتمن قبول داری که هیچ چیز برای یک مرد متاهل، شکننده تر از این نیست که خانواده ش پی ببرند که او در اداره زندگی ناتوان است. به نظرم در این شرایط، عظمت مردانه، معنای خودش را از دست می دهد.

باز هم باور ندارم بدون هیچ درآمدی زندگی کنی. چطور ممکن است؟
خدا را شکر که آقای احمدی نژاد یارانه ها را پرداخت و به ما کمک کرد وگرنه اوضاع زندگی ما با شرایط وخیمی مواجه می شد. هر چند یارانه خیلی زیاد نیست اما برای ما که هیچ درآمدی نداریم، مثل این است که فرصتی به تو می دهند تا یک تنفس دیگر داشته باشی، سرپا بمانی و سقوط نکنی. یارانه برای من نعمت بزرگی است.

پیش آمده از خدا دلخور بشی و گلایه کنی؟
واقعیت رو میگویم وشعار نمی دهم. بعضی وقت ها واقعاً بریدم وساعت ها در محیط کارم اشک ریختم اما من در تمام ایامی که گذشت از خدا راضی و شکرگزار بودم و مطمئن هستم اکنون در معرض آزمایش خداوند هستم. وقتی به خانواده هایی که بچه های معلول و هزار بدبختی دارند نگاه می کنم، به خودم می گویم از نعمت سلامتی خودم وخانواده م برخوردارم و اگر شرایط من آنطور بود چه خاکی بر سر می ریختم؟

همسر شما با شما چطور برخورد می کند؟
خوشبختانه همسرم نیز به این باور رسیده که باید تحمل و بردباری به خرج داد. ما هنوز به آینده بهتر امید داریم و می دانیم بالاخره مزه ی تلخی این روزها جای خودش را به شیرینی و حلاوت می دهد.

حرف دیگری که فکر می کنی باید بگویی؟
اگر قصد رسانه ای کردن حرف های من را داشتی می خواهم از همین فرصت از مغازه داران و

کسبه ای که می دانم از دست ما عصبانی هستند حلالیت بطلبیم و می دانیم که شرایط آنها هم در این روزها خیلی مساعد نیست. به بخشش این عزیزان دل بستم و گرنه عاقبت بدی در انتظار مان خواهد بود. همه مردم از وضعیت پرسنل شهرداری هفتکل باخبر هستند و می دانند که از اواخر سال قبل تا کنون ریالی دریافت نکردیم. اگر این روزها ما را نمی بینند بدانند که ما پولی نداریم که پیش آنها بیایم. فقط دعا کنید از شرمندگی شما دریابیم.

درخواست از مسئولان؟

از مسئولان عزیز، نماینده محترم مجلس آقای جلیلی که چندین بار اعتبار برای شهرداری هفتکل گرفتند و از آقای صالح بیگی، فرماندار پرتلاش که برای حل مشکل در سری قبل خیلی زحمت کشید، عاجزانه استدعا دارم لحظه ای خود و خانواده شان را به جای ما قرار دهند و با درک موضوع به این وضعیت پایان دهند. از شما هم خواهش می کنم یک فرصت یک هفته ای بدهید و ... مرا قطع نکنید تا بتوانم قبض بدهی را پرداخت کنم!!!

ابوالقاسم سرحدی زاده:

کارگران از وزیر کار روحانی خاتمه وضع موجود را می خواهند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 4 مرداد 92 آمده است: وزیر کار و امور اجتماعی دوران دفاع مقدس معتقد است با وجود مسئولیت‌های مهم وزارت کار، طی هشت سال گذشته این وزارتخانه به حالت تعطیل درآمد است.

«ابوالقاسم سرحدی زاده» در این باره به ایلنا گفت: یکی مهمترین مسائل دولت یازدهم احیاء وزارتخانه رها شده کار، تعاون و رفاه اجتماعی است. او ادامه داد: این وزارتخانه صرف نظر از نظارت بر حسن اجرای قوانین کار و تامین اجتماعی، وظیفه دارد تا با آسیب‌شناسی، محیط‌های کاری آرام و مطلوبی برای کارگران فراهم آورد.

به گفته سرحدی زاده در سالهای اخیر مسئولان وزارت کار بدون توجه به ماهیت اجتماعی این نهاد دولتی وارد فعالیتهای اقتصادی شده‌اند. وی با تاکید بر نادرست بودن ورود و مداخله وزارت کار به مسائلی چون دورکاری و توزیع وام، ادامه داد: در حال حاضر وزارت کار از وظیفه اصلی خود که همان تلاش برای ارتقاء سطح رضایت جامعه کارگری و افزایش بهره‌وری است دور افتاده است.

چهارمین وزیر کار و امور اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب افزود: هرچند تامین معاش دغدغه اصلی جامعه کارگری است، اما مسئولان دولتی نباید به این بهانه یک وزارتخانه را از رسیدگی به صدها مسئله مهم دیگر منحرف کنند.

سرحدی زاده که معتقد است به دلیل دور افتادن وزارت کار و امور اجتماعی از انجام وظایف اصلی، در سالهای اخیر با افزایش مشکلات جامعه کارگری بر گرفتاری دولت نیز افزوده شده است، گفت: دولت منتخب باید با معرفی فردی صالح به عنوان نامزد وزارت کار، برای رفع مشکلات کارگران و به تبع دولت، چاره اندیشی کند. وی با تاکید بر اینکه وزیر کار باید علاوه بر داشتن تفکر اقتصادی، دارای نگرشی اجتماعی باشد، گفت: آشنایی با جامعه کار و تولید و به ویژه کارگران و کارفرمایان یکی از مهمترین شروط برای انتخاب وزیر کار است.

سرحدی زاده که باور دارد در شرایط کنونی، «علی ربیعی» یکی از بهترین گزینه‌ها برای تصدی

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، گفت: آقای ربیعی یکی از چهره‌هایی است که از همان ابتدای پیروزی انقلاب در ارتباط با جامعه کار و تولید فعالیت داشت. ثوی بایان اینکه در تمامی این سال‌ها بر شناخت و تجربه آقای ربیعی از جامعه کار و تولید افزوده شده است، گفت: مسئولیت‌های مهم آقای ربیعی نتوانسته است به نگرش اجتماعی او لطمه‌ای وارد کند.

وزیر کار دوران جنگ تحمیلی با بیان اینکه تشکیلات خانه کارگر به عنوان یکی از متولیان جامعه کارگری ایران به دنبال سهم خواهی از دولت نیست، افزود: با شناختی که از آقای روحانی به عنوان فردی تیزبین و باتجربه دارم، می‌دانم که آقای رئیس جمهور بهترین گزینه ممکن برای تصدی وزارت کار را به مجلس معرفی خواهد کرد. وی یادآور شد: جامعه کارگری ایران در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری به این دلیل از نامزدی آقای حسن روحانی بطور قاطع حمایت کرد، که وی توانست با تبلیغ برنامه‌های منطقی خود کارگران را قانع کند.

سرحدی‌زاده در بخش دیگری از این گفتگو، بایان اینکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل نوع نگاه امام خمینی، مطالبات و خواسته‌های به حق جامعه کارگری همواره مورد توجه قرار می‌گرفت، گفت: بطور کلی بعد از فوت امام خمینی نگاه مسئولان نسبت به جامعه کارگری تغییر کرد و باعث شد تا در رابطه با مسائل کارگری بین عملکرد مسئولان با آرمان‌های امام فاصله ایجاد شود. وی تاکید کرد: علت توجه ویژه امام خمینی به مسائل کارگری نه «مصلحت اندیشی» در سالهای جنگ که به دلیل نوع نگاه فقهی و باوری بود که ایشان از اسلام ناب محمدی داشتند.

سرحدی‌زاده بایادآوری مواضع تاریخی رهبر فقید انقلاب در خصوص به رسمیت شناختن روز جهانی کارگر و تصویب قانون کار، گفت: در شرایطی که کمونیست‌ها روز جهانی کارگر را متعلق به خود می‌دانستند مرحوم امام اولین عالم و فقیه مسلمانی بود که گفت روز کارگر متعلق به اسلام است. وی ادامه داد: حتی در زمانی که شورای نگهبان قانون اساسی با این تصور که قانون کار مصوب مجلس دارای رنگ و بوی تفکرات مارکسیستی است از تایید آن خودداری می‌کرد، امام خمینی در فتوای تاریخی خود به شبهات خاتمه داد و اعلام کرد که دولت اسلامی می‌تواند شروطی را در روابط کار تعیین کند.

سرحدی‌زاده بایان اینکه از دیدگاه امام خمینی، خواسته‌های کارگران مبنی بر دستیابی به یک زندگی حداقلی، مطالبه‌ای محترم و معقول بود؛ افزود: ایشان بارها گفته بود که چنانچه مسئولان نتوانند پاسخگوی این خواسته‌ها باشند، قادر به مهار اعتراض کارگران نخواهند بود.

وزیر پیشین کار و امور اجتماعی با بیان اینکه حتی در زمان حیات امام نیز مسئولان وقت در مورد تصویب قانون کار مواضع مخالفی اتخاذ کردند، گفت: اوضاع کارگران بعد از فوت امام بدتر از گذشته شد.

سرحدی‌زاده افزود: پس از فوت امام و خاتمه جنگ تحمیلی به مرور بر زمره‌های مخالفان و معرضان به قانون کار که بیشتر از سوی ائتلاف بازرگانی و انجمن مدیران صنعتی حمایت می‌شدند افزوده شده است. وی افزود: این شرایط در حالی بود که کارگران به عنوان یک گروه مستضعف از همان ابتدای پیروزی انقلاب خواستار تصویب قانون کاری در جهت بهبود شرایط خود بودند.

سرحدی‌زاده بایان اینکه اجرای ناردست و ناقص، مهم‌ترین اشکالی است که به مجریان قانون کار وارد است، گفت: از جمله تبعات اجرای ناقص قانون کار، تعیین نشده دستمزد کارگران

براساس نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی و انعقاد قراردادهای موقت کار در مشاغلی با ماهیت مستمر است که باعث شده تا امنیت شغلی و تامین معاش نیروی کار همزمان دچار بحران شوند. وزیر کار دوران جنگ در خاتمه افزود: به همین دلیل کارگران از دولت روحانی انتظار دارند تا با انتخاب فردی مناسب به عنوان وزیر کار به وضعیت موجود خاتمه دهد.

جرم کارگران و فعالین کارگری متشکل در کمیته های کارگری، چیست؟

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ...در تاریخ 4 مرداد 92 آمده است : کارگران! تشکل های کارگری، مردم آزادی خواه و عدالت طلب ایران و جهان!

بار دیگر مقامات امنیتی و اطلاعاتی کشور، تعدادی از کارگران و فعالین کارگری متشکل در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را، پس از احضارها و بازجویی های مکرر محکوم به زندان نموده اند. درک دلایل این احضارها، بازداشت ها و محکومیت های پی در پی البته خیلی دشوار نیست. همان گونه که به دفعات گفته ایم کارگران و فعالین کارگری را صرفن به جرم دفاع از منافع طبقاتی طبقه ی کارگر و اعتراض به شرایط سخت و اسفبار زندگی این طبقه، یکی بعد از دیگری دستگیر و روانه ی زندان ها می کنند.

شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی ما کارگران، همراه با دستمزدهای تا چند برابر زیر خط فقر و روند تصاعدی و روزافزون قیمت کالاهای اساسی و مصرفی توده های مردم، از جمله هزینه ی مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و تحصیل و ... همراه با موج اخراج ها و بیکارسازی کارگران، حقوق های معوقه و قراردادهای موقت و سفید امضا بیش از هر زمان دیگری زندگی را بر کارگران سخت و غیرقابل تحمل نموده است. کارگران و فعالان کارگری در واقع به این شرایط سخت و طاقت فرسا اعتراض می کنند و بهبود شرایط کار و نوع دیگری از زندگی را طلب می نمایند. حامیان سرمایه نیز به حکم دفاع از منافع طبقاتی خویش در پاسداری از مناسبات سرمایه داری هیچ راهی جز سرکوب، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین این طبقه نمی شناسند.

فشارها و تهدیدهای مداوم و مستمر کارگران و فعالین کارگری، حمله به اجتماعات و راهپیمایی های اعتراضی کارگران و احضارهای پی در پی و بازداشت و زندانی کردن فعالان کارگری را تنها در این راستا می توان ارزیابی نمود. سرمایه به حکم قانون اساسی خود این نوع اعتراضات و تحرکات را برنمی تابد و در قبال آنها احساس خطر می کند. این نظام جهنمی و ضد کارگری از منافع طبقاتی خویش دفاع می کند.

کارگران و فعالین متشکل در کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری نیز به همین جرم، و به خاطر دفاع از منافع آنی و آتی کارگران و در واقع اعتراض به سفره ی خالی آنان، اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر، اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران، اعتراض به اخراج و بیکارسازی آحاد این طبقه، توسط سرمایه داران و گماشتگان آنان و در یک کلام اعتراض به وضعیت فلاکت بار طبقه ی کارگر، احضار، بازداشت و زندانی می شوند. نمونه ی بارز این اقدامات ضد کارگری، همانا صدور حکم یکسال حبس تعزیری برای «وفا قادری»، «خالد حسینی» و «بهزاد فرج اللهی» و یک سال و نیم زندان برای «غالب حسینی» و ادامه محاکمات و تشکیل پرونده با وثیقه های سنگین برای «حامد محمودی نژاد»، «علی آزادی» و «جلیل محمدی» و به دادگاه کشاندن اعضای کمیته ی هماهنگی در شهرهای مختلف ایران از جمله رشت، بوکان، مهاباد و ... می باشد.

آری قصد حاکمان و حامیان سرمایه و عوامل آنان در ارگان های امنیتی و قضایی حکومت بر این است تا با احضارهای مکرر، تهدید، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالان کارگری، از جمله فعالین یاد شده، آنان را از اعتراض به پایمال نمودن حقوق و مطالبات برحق طبقه ی کارگر توسط سرمایه منصرف نموده و از پیگیری خواست ها و مطالبات طبقه ی کارگر در عرصه های مختلف، باز دارند.

اما همان گونه که گفتیم این قبیل اعمال و اقدامات، تنها و تنها اراده ما کارگران و فعالین کارگری را برای پیشبرد اهداف خویش در دفاع از منافع طبقاتی کارگران و پافشاری بر حقوق حقه‌ی این طبقه، استوارتر می‌سازد.

فشار و سرکوب چندین و چند ساله کارگران توسط سرمایه داران، اگر توانست کارگران را در طول این سال‌ها از فعالیت و مبارزه بر حذر داشته، ساکت و خاموش نماید، فشارها و سرکوب‌های اخیر سرمایه داران و عوامل آنان نیز خواهد توانست کارگران و فعالان کارگری را از فعالیت و مبارزه باز دارد و منکوب نماید. کارگران نیز به حکم منفعت طبقاتی خویش برای بهبود شرایط کار و زندگی تلاش و مبارزه می‌کنند. مگر می‌توان تنها به زور چماق، تهدید، سرکوب و زندان، یک طبقه را که برای خلاصی از شرایط نکبت بار موجود مبارزه و تلاش می‌کند از اعتراض و مبارزه بازداشت و خاموش کرد؟ این قبیل اعمال و بازداشت‌ها تنها عزم ما کارگران را برای ادامه‌ی فعالیت و مبارزه جزم می‌کند و به درستی و حقانیت راه خود که هیچ چیز جز ادامه‌ی راه طبقه‌ی کارگر برای رهایی از منجلاب متعفن سرمایه نیست، راغب‌تر می‌سازد.

کارگران! تشکل‌های کارگری! مردم زحمتکش و شرافتمند! فعالین کارگری و اعضای کمیته‌ی هماهنگی به چه جرمی باید متحمل این احکام سنگین باشند؟! آیا اعتراض به سفره‌ی خالی کارگران، اعتراض به بیکارسازی و درخواست مطالبات روا و بر حق کارگران، تاوانش صدور چنین احکام سنگینی است؟!

اعضا و فعالان متشکل در کمیته‌ی هماهنگی، بدین وسیله از تمامی کارگران، فعالین و تشکل‌های کارگری و مردم آزادی خواه و عدالت طلب ایران و جهان در خواست می‌نمایند تا ضمن محکوم کردن اعمال ضدکارگری حاکمان و مدافعان سرمایه، در دستگیری و محکومیت این کارگران و فعالان کارگری، مراتب خشم و اعتراض خود را به وضعیت ناگوار و سرکوب‌گرایانه‌ی موجود، به گوش مسئولین و مقامات امنیتی برسانند و در حد توان از اجرایی شدن چنین احکام ضدکارگری و سرمایه‌پسندی جلوگیری نمایند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

یادداشت کارگری

خواستگاه همبستگی طبقاتی

رضا سپیدرودی

برپایه مطلب رسیده آمده است: مهم‌ترین شرط بهره برداری بهینه از فضای حرکت ناشی از "نه" مشهود اعتراضی مردم در انتخابات اخیر، تا جایی که به جنبش کارگری در موقعیت کنونی برمی گردد، گسترش مبارزه و تلاش برای سازمان یابی مستقل در شرایط کنونی است. در همین مسیر است که پشتیبانی موثر از اقدامات همسو و همبستگی مبارزاتی اهمیت می‌یابد. در این رابطه توجه به دو نکته مهم است:

اولا: در مبارزه برای دستیابی به تشکل مستقل صنفی و طبقاتی نظم ویژه تکرار شونده‌ای که پیشاپیش معلوم کند کدام بخش از کارگران یا توده هم سرنوشت با این طبقه خود را سازمان می‌دهد، وجود ندارد. این عرصه‌ای نیست که در آن جدول ضربی وجود داشته باشد. البته تفاوت استعداد و ظرفیت سازمان یابی لایه‌های مختلف کارگران شناختنی است و این شناخت نقش مهمی در تعیین استراتژی مبارزه کارگری بر عهده دارد. اما استعداد سازمان یابی همیشه به معنای پیشگامی مستعدها در عمل نیست. درست به همین دلیل در حمایت از اعتراضاتی که هدفش ایجاد تشکل مستقل صنفی یا مقاومت در برابر سرکوب آن است باید پیشقدم شد و میدان را برای گرایش‌های راست و رفرمیست در جنبش کارگری خالی نگذاشت. فراموش نباید کرد که سازمان یابی معمولاً در سطوح مختلف جریان می‌یابد؛ در نگاه عمومی از بیرون به

مجموعه تلاش های این حوزه، شبیه بنایی است که تقریباً همزمان از جوانب مختلف ساخته می شود و هر چه نیاز اجتماعی و آگاهی به اهمیت سازماندهی بیشتر باشد معمولاً دامنه تاثیر متقابل تشکل های همگرا بر هم بیشتر می شود. با وضعیت فاجعه بار اقتصادی حاکم بر کشور و در شرایطی که هیچ جناحی از حاکمیت عملاً نسخه ای جز ادامه ریاضت اقتصادی برای کارگران و زحمتکشانش ندارند، مبارزه برای برخوردار شدن از تشکل مستقل صنفی و طبقاتی اهمیت فزاینده ای می یابد و پا به پای آن بر اهمیت همبستگی درون طبقاتی هم افزوده می شود.

ثانیا: همبستگی درون طبقاتی شکل نمی گیرد، اگر برداشت روشنی در باره آن نداشته باشیم یا عملاً آن را شعاری در کنار شعارهای دیگر تلقی کنیم. نیروها و گرایش های مختلفی با انگیزه ها و برنامه هایی متفاوت ممکن است از این یا آن اعتراض یا مطالبه مشخص کارگری حمایت کنند. بدیهی است که نفس این حمایت گری را نباید همیشه زیر انتقاد گرفت. و یا شاید دقیق تر است گفته شود که نباید انتظار داشت که انتقاد به خودی خود برای مقابله با برنامه ها و نقشه های جریان های انحرافی کفایت کند. اغلب کسب ابتکار عمل در واکنش حمایت گرانه عملی است که در این زمینه نقش تعیین کننده دارد. واقعیت این است که درست در همین زمینه میان حرف و عمل جریانات کارگری حفره بزرگی وجود دارد؛ حفره ای که صرفاً با انتقاد از طاقت فرسا بودن شرایط زندگی کارگران ایران، تاکید بر حق بودن اعتراض کارگران یا افشای کاذب بودن دلسوزی های جریانات شبه کارگری حاشیه رژیم، یا دروغین بودن وعده های نمایندگان مجلس یا مسابلی از این دست پر نمی شود. همه این ها لازم است اما واقعا کافی نیست. ما هرگز نمی توانیم و محق نیستیم که نقش سرکوب جهنمی رژیم اسلامی در محدود کردن دامنه فعالیت هایمان در حوزه حمایت از مبارزات کارگری را فراموش کنیم یا اراده گرایانه آن را نادیده بگیریم، اما از سوی دیگر محق نیستیم که ضعف مان را لاپوشانی کنیم و یا از آن فضیلت بسازیم. مثلاً جای این پرسش هست که برای کمک به کارگران اخراجی فولادسازی کردستان همه تلاش ها آیا صورت گرفته است؟ در اطلاع رسانی از وضعیت این کارگران سنگ تمام گذاشته ایم؟ با ملاحظه و سنجش همه شرایط، کل برخورد تاکنونی ما با این اعتراض مشخص کارگری می تواند بهترین کنش ممکن تلقی شود؟ با اعتراضات کارگری دیگر که طول عمر آنها مشابه یا نزدیک به کارگران فولادسازی کردستان بوده چگونه؟ همبستگی واقعی درون طبقاتی در بزنگاه عمل شکل می گیرد و در سازمان است که به اسلحه مادی تبدیل می شود. طبقه کارگر را صرفاً با افشای دشمنان طبقاتی اش نمی توان به طبقه ای متشکل تبدیل کرد. درآمیختن با مبارزات جاری کارگری است که می تواند کارگران را متحد کند.

رئیس شورای اسلامی کار این کارخانه خبر داد: ۶ ماه تاخیر در پرداخت حقوق کارگران فارسیت درود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 5 مرداد 92 آمده است: رئیس شورای اسلامی کار کارگران کارخانه فارسیت درود اعلام کرد: چهارصد کارگر کارخانه فارسیت شش ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند.

«احمد سالاروند» که خود نیز از کارگران با سابقه این کارخانه است، با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارفرمای این کارخانه به دلیل افزایش مشکلات مالی، توان پرداخت حقوق کارگران خود را ندارد.

او در تشریح مشکلات کارخانه افزود: کارخانه فارسیت تولید کننده فرآورده های «آزبستی» به دلیل مشکلات که دولت طی سالهای اخیر به دلیل زیان بار بودن تولید این محصولات پیش راه تولید کنندگان آن قرار داده است، از یکسال و نیم گذشته تولید خود را متوقف کرده و کارگران فقط برای حضور و غیاب در کارخانه حاضر می شوند.

او با بیان اینکه مسئولان کارخانه بدنال تغییر کاربری هستند، اضافه کرد: طی یازده سال گذشته این کارخانه حدود ۳۷ میلیارد تومان از سرمایه خود را برای تغییر کاربری در یک واحد تولیدی دیگر هزینه کرده اما این واحد جدید هنوز به بهره‌برداری نرسیده است.

او ادامه داد: با وجود آنکه متخصصان و کارشناسان این کارخانه برای دست‌یابی به یک محصول جایگزین ازبست به نام نانو ازبست به نتیجه رسیده‌اند اما به دلیل کمبود امکانات مالی در تهیه مواد اولیه تولید، امکان بهره‌برداری از این محصول جدید وجود ندارد. این فعال کارگری در خاتمه با بیان اینکه کارگران این کارخانه بارها با تجمع در مقابل چندین نهاد دولتی و ساختمان دفتر مرکزی کارخانه خواستار پی‌گیری مشکلاتشان شده‌اند، گفت: متأسفانه کارگران تا کنون به جز وعده‌های مسئولان، عکس‌العمل خاصی جهت پی‌گیری مشکلاتشان مشاهده نکرده‌اند.

پایان پیام

از ملاقات شاهرخ زمانی با خانواده اش جلوگیری کردند

بر پایه خبر رسیده از وبلاگ " کمیته حمایت از شاهرخ زمانی " در تاریخ ۵ مردادماه ۹۲ آمده است : روز چهارشنبه که روز ملاقات در زندان گوهر دشت بود، خانواده شاهرخ برای دیدن او رفته بودند به دستور احمدیان مسئول داخلی زندان به بهانه اینکه شاهرخ را برای اعزام به زندان تبریز جهت حضور در دادگاه بابت اتهام توهین به رهبری برده‌اند از ملاقات آنها جلوگیری کردند. اما تا کنون که روز جمعه است او را هنوز به تبریز نفرستادند ولی گفته‌اند روز شنبه خواهند فرستاد، البته خبر نا موثق نیز وجود دارد که او را به بهانه زندان تبریز به یک زندان دیگری می‌خواهند تبعید کنند، تبعید شاهرخ به زندانهای مختلف یکی از راه‌های قوه قضائیه و ماموران برای اذیت و آزار او است که در هرفرصتی او را تبعید می‌کنند. در پی افزایش آزار و اذیت شاهرخ نامه‌های خانواده اش به او و نامه‌های او به خانواده‌اش را روز چهارشنبه توقیف کردند ضمن اینکه طی چند هفته اخیر فشارها و اذیت و آزار را علیه شاهرخ افزایش دادند مسئولان زندان از طریق ماموران رده پایین و با استفاده از زندانیانی که خود را در اختیار ماموران گذاشته‌اند درگیری‌های علیه او ترتیب و سازماندهی می‌کنند ، هر روز سعی دارند علیه او پرونده‌ای بسازند از جمله آخرین درگیری در روز ۱۳۹۲/۴/۲۷ با حسن کرد یکی از پاسداربند های بسیار پست، با روحیه فاشیستی است، پیش آمده است.

تغییر مدیر عامل، خواسته مجدد کارمندان تجمع کننده بیمه آسیا

به گزارش پایگاه خبری اخبار بانك، در تاریخ ۵ مرداد ۹۲ آمده است : صبح امروز شنبه بیش از صد نفر از کارمندان شرکت بیمه آسیا روبروی ساختمان مرکزی خود تجمع کرده و تنها خواسته را تغییر مدیر عامل اعلام کردند.

به گزارش پایگاه خبری اخبار بانك، پس از گذشت ۱۰ روز مرخصی مدیر عامل بیمه آسیا و بازگشت وی به دفتر کار تعدادی از کارمندان برای پافشاری به خواسته خود از هیات مدیره تجمع کردند.

این معترضان به حضور مدیر عامل فعلی پس از پایان دادن به تجمع خود اعلام کردند که اگر تغییر انجام نشود روز دوشنبه مجدد تجمع خواهند داشت.

با توجه به این‌که ۲۰ درصد سهام بیمه آسیا متعلق به دولت است در تغییر مدیر عامل آن به غیر از بیمه مرکزی وزارت اقتصاد نیز صاحب نظر است که تاکنون این نهاد تصمیمی برای تغییر حاج فتحعلی‌ها ندارند.

دو هفته پیش از تعدادی از کارکنان و مدیران بیمه آسیا در راستای کاهش حقوق خود هر افزایش حقوق مدیر عامل و مدیران دیگر بازگشت حقوق خود به مانند ماه‌های فروردین و اردیبهشت شدند و از هیات مدیره و مدیر عامل به خاطر این تصمیمات خواستار استعفا شدند. بر همین اساس هیات مدیره ضمن تصویب برگشتن حقوق کارمندان به دوره قبل به مدیر عامل ۱۰ روز مرخصی دادند تا در این مدت تصمیم گیری کنند.

نماینده کارگران این کارخانه خبر داد: تأخیر در پرداخت ۲ ماه حقوق هزار کارگر لوله سازی صفا / تعدیل ۸۵ کارگر از ابتدای سال

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در ۵ مرداد ۹۲ آمده است: بیش از هزار کارگر کارخانه لوله سازی صفا در ساوه طی دو ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند.

نماینده کارگران کارخانه نورد لوله صفا با اشاره به سوابق ۱۰ تا ۲۳ ساله این کارگران، به ایلنا گفت: علاوه بر پرداخت نشدن حقوق این تعداد کارگر در خرداد و تیرماه، قانون مشاغل سخت و زیان آور نیز در سوابق کار کارگران منظور نمی‌شود. این کارگر کارخانه لوله‌سازی صفا افزود: شغل ما به دلیل بسیاری از آلودگی‌های محیطی همانند سروصدای زیاد مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور محسوب می‌شود اما کارفرما به دلیل آنکه باید برای این نوع کار سهم بیمه بیشتری را به تأمین اجتماعی بپردازد در ثبت سابقه سخت و زیان آوری کارگران کوتاهی می‌کند.

این کارگر با بیان اینکه قانون کار در این کارخانه اجرا نمی‌شود اظهار داشت: بسیاری از کارگران به دلیل فقدان امنیت شغلی و تحمیل قرار دادهای موقت با وجود ماهیت استمراری کارشان اخراج می‌شوند بطوری که از ابتدای سال جاری ۸۵ نفر از کارگران قدیمی و با تجربه این واحد تولیدی اخراج شده‌اند.

نماینده کارگران لوله‌سازی صفا ادامه داد: کارفرمای این واحد تولیدی ۹۵ درصد از قراردادهای کارگران را در سال جدید یک ماهه تمدید کرده است و اعلام کرده که بدلیل مشکلات اقتصادی ناچار است هر ماه قرار داد تعدادی از کارگران موقت را تمدید نکند.

گفتنی است کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به یک کارفرما تعلق دارند و مجموعاً حدود ۲۵۰۰ کارگر در این واحدها مشغول به کارند.

پایان پیام

اطلاعیه شماره ۸ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

بر پایه اطلاعیه رسیده آمده است: تشکر و قدردانی و بلاگ نویس و فعال کارگری و کودک بهنام ابراهیم زاده از کادر درمانی بیمارستان محک در دنیای امروز متأسفانه معیار و ارزش انسان با کیف پول و حساب بانکی فرد رابطه است. این خود انسان نیست که فی النفسه مهم است بلکه موقعیت اقتصادی است که درجه اهمیت یا اهمیت نداشتن را تعیین میکند. در این نامه کوتاه اما می‌خواهم بگویم انسانیت هنوز زنده است و انسانهای فراوانی هستند که معیارشان حساب بانکی دیگر انسانها نیست. وقتی برای اولین بار در زندان باخبر شدیم فرزندان ما سرطان خون دارد دنیا بر سرم خراب شد. تنها فرزندانم، امید زندگیم، و شادی لحظات سخت زندانم مریض است. آنهم سرطان. در همان لحظات فکر میکردم چه میتونم بکنم؟ چطور میتوانم جان فرزندانم را نجات دهم؟ من کارگری هستم که به "جرم" دفاع از حقیقت، بجرم دفاع از حق کودکان، بجرم دفاع از حق کارگرانی که در

موقعیت خودم بودند، زندانی شدم. اول درد و مشکل زندانی اینست که بر خانواده اش چه میگذرد، همسرم و تنها فرزندم با این تورم و گرانی چگونه باید زندگی را بگذرانند؟ اینها درد هر زندانی و درد عمومی است. اما خبر اینکه فرزندت به سرطان خون مبتلا است دیگر قابل تحمل نیست و سوال بزرگ چگونه باید هزینه درمان فرزندم را تامین کنم؟ چکار باید بکنم وقتی دستت از همه جا کوتاه است؟

در بیمارستان محک بود که بیماری نیما را تشخیص دادند. بعد از کوتاه مدتی وقتی این خبر از جانب بیمارستان به ما رسید که نیما در اینجا مجانی مداوا میشود، بی اختیار اشکهایم سرازیر شد. میخندیدم، گریه میکردم، انگار امید به خانواده سه نفره ما بازگشته بود، و در نهان اما فریاد میزدم زنده باد انسانیت! انسانیت زنده است! دکترها و پرسنل بیمارستان گفتند برای معالجه نیما من در بیمارستان از ما پولی نمیگیرند.

پرسنل و کادرهای پزشکی این بیمارستان به من و خانواده ام، به نیما عزیزم، امید زندگی و زنده ماندن را دادند. نیما گفته میخواد پزشک شود و در این بیمارستان همانند آنها در خدمت انسانها باشد و امید نا امیدان شود. من هم تلاش کردم در این دنیا امید نا امیدان باشم. در کنار کودکان کار و خیابانی باشم. از حقشان دفاع کنم. از حقوق کارگرانی دفاع کنم که نان آوران خانواده هستند. عزم من برای انجام این وظیفه با دیدن اقدامات پرسنل بیمارستان محک جزم تر شده است. شاید این پاسخی باشد به تمام زحماتی که این عزیزان برای فرزندم انجام دادند. آنها امید نیما و هزاران کودکی هستند که از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند.

به پاس احترام به کادر درمانی بیمارستان محک، من در مقابل این انسانهای بزرگ سر تعظیم فرود میآورم. شماها نقطه های روشنی در این دنیای تاریک هستید.
با احترام، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و مدافع کودکان کار و خیابان
کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده- پنجم مرداد ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

تعطیلی 195 واحد تولیدی قارچ و بیکاری 80 هزار کارگر ظرف يك سال گذشته

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 5 مرداد 92 آمده است : طی گزارشی از تعطیلی ۱۹۵ واحد تولیدی قارچ از مجموع ۴۱۰ واحد موجود و بیکاری ۸۰ هزار کارگر خبرداد. برپایه این گزارش، در صنعت پرورش قارچ ایران بطور مستقیم ۲۰ هزار نفر و بطور غیر مستقیم ۱۰۰ هزار نفر مشغول به کارند و عدم رسیدگی به مشکلات این صنعت علاوه بر ضربه به تولید قارچ در افزایش بیکاری هم تاثیر گذار است.

تاخیر يك هفته ای در پرداخت حقوق معلمان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 5 مرداد 92 آمده است : در حالی که حقوق ماهانه معلمان همیشه حداکثر تا ۲۷ الی ۲۸ همان ماه پرداخت می شد حقوق تیر ماه در تعدادی از استانهای کشور از جمله تهران با گذشت یک هفته از موعد مقرر هنوز پرداخت نشده است. بنا به همین گزارش، به بهانه اجرای حکم فوق العاده شغل، که ۷۰ الی ۱۰۰ هزار تومان به مزدشان اضافه می کند، پرداخت حقوق معلمان به تعویق افتاده است در حالی که تاریخ اجرای حکم ۲۷ خرداد است.

اختلاف نظر میان وزارت آموزش و پرورش و خزانه داری در موعد پرداخت این حکم باعث تاخیر در پرداخت حقوق معلمان شده است. وزارت آموزش و پرورش اصرار دارد حکم فوق العاده شغل با حقوق تیرماه پرداخت شود اما خزانه داری مخالف است.

تاخیر در پرداخت حقوق معلمان باعث عقب افتادن اقساط و تشدید فشار معیشتی بر آنها شده است.

ناشنوایی شغلی در کمین کارگران کهگیلویه و بویراحمد است

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 5 مرداد 92 آمده است: عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج گفت: عدم استفاده از گوشی‌های حفاظتی در مشاغلی که همراه با سر و صداست، خطر ابتلا به ناشنوایی شغلی را برای کارگران به همراه دارد. براساس این گزارش، دکتر حسین اوریاد افزود: کارگرانی که در محیط‌های شغلی شلوغ مشغول به کار هستند ابتدا دچار نوعی از افت شنوایی برگشت‌پذیر می‌شوند که به "افت شنوایی موقت" معروف است.

وی ادامه داد: با استمرار مواجهه با سر و صدا در محیط کار و عدم استفاده از گوشی‌های حفاظتی، به مرور موجب تبدیل ناشنوایی موقت به ناشنوایی دائم می‌شود که قابل درمان نیست.

این دکترای بهداشت حرفه‌ای به کارگران توصیه کرد: با انجام معاینات پزشکی، به ویژه شنوایی سنجی و ارزیابی سالانه آستانه شنوایی، از عوارض حضور در محیط‌های شلوغ پیشگیری کنید. اوریاد تصریح کرد: تحقیقات پژوهشگران نشان داده که حضور در محل‌های پر سر و صدا، مشکلاتی مانند فشارخون، افزایش ضربان قلب و تعداد تنفس را نیز به همراه دارد. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یادآور شد: کارفرمایان محیط‌های صنعتی نقش موثری در تامین سلامت شاغلان دارند.

عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان تهران: کارگران بازنشسته از عملکرد ضعیف وزارت کار زیان دیده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 5 مرداد 92 آمده است: عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان تهران گفت: در سال‌های اخیر عملکرد مسئولان ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ارتباط با وضعیت بیمه شدگان بازنشسته سازمان تامین اجتماعی نامطلوب بوده است.

«علیرضا فرهادی» با اعلام این مطلب به ایلنا یادآور شد: برخی مواد قوانین کار و تامین اجتماعی با یکدیگر مرتبط هستند که در سال‌های گذشته به دلیل عملکرد ضعیفی که مسئولان وزارت کار در خصوص اجرای این موارد داشته‌اند جامعه بازنشستگان متحمل خسارت‌های جبران ناپذیری شده‌اند.

این فعال صنفی بازنشستگان افزود: به عنوان مثال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص اجرای ماده ۱۳۴ قانون کار که به موضوع تاسیس کانون‌های کارگری بازنشسته مربوط می‌شود عملکرد درستی نداشته است.

وی همچنین از کم کاری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان یکی از دلایل عدم افزایش قانونی و تاخیر پرداخت مابه التفاوت مستمری‌های بازنشستگان تامین اجتماعی یاد کرد. فرهادی با اشاره به اخبار منتشر شده در رسانه‌ها گفت: همین امسال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مقام رئیس هیات امنای سازمان تامین اجتماعی نتوانست به موقع موضوع افزایش مستمری‌ها بیمه شدگان بازنشسته را در جلسه هیات امنای قطع کند و همین مسئله باعث نارضایتی جامعه کارگران بازنشسته و از کار افتاده شد.

وی با بیان اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یک دستگاه عریض و طویل دولتی است، گفت: جامعه کارگران بازنشسته از وزیر کار دولت منتخب انتظار دارند تا با پرهیز از شعارگرایی به وظایف

نظارتی خود هرچه زودتر عمل کند.
عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی شهرستان تهران بایان اینکه در سالهای اخیر مسئولان وزارتخانه‌های مرتبط با امور کارگران شاغل و مستمری بگیر از وظایف نظارتی خود فاصله گرفته‌اند، گفت: همین رویه مداخله جویانه مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باعث ناکارآمدی خدمات این وزارتخانه شده است

برق گرفتگی، کارگر کارواش را به کام مرگ فرستاد

به گزارش مازندنومه، در 5 مرداد 92 آمده است: در پی وقوع حادثه برق گرفتگی در شهرستان نکا، کارگر 30 ساله این واحد به علت شدت جراحات وارده جان باخت.
در ساعت 8:45 دقیقه دوم مردادماه در پی کسب خبری از مرکز فوریت های پلیسی 110 مبنی بر وقوع برق گرفتگی و در پی آن مرگ مردی 30 ساله، ماموران انتظامی این شهر سریعاً به محل حادثه عزیمت کردند.
این گزارش حاکی است، ماموران با حضور در محل حادثه در بررسی های به عمل آمده دریافتند، فردی به نام "علی- ر" 30ساله حین کارکردن در داخل کارواش دچار برق گرفتگی شد.
در پی این حادثه با حضور گروه امداد و نجات مصدوم به بیمارستان منتقل که بر اثر شدت صدمات وارده فوت کرد .
پنجم مردادماه 1392

یک فعال کارگری در رشت:

لایحه اصلاح قانون کار، نماد نگرش کارفرمایی دولت دهم به وزارت کار است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 5 مرداد 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر رشت با تاکید بر حضور فردی آشنا به حوزه‌های تعاون، روابط کار و تامین اجتماعی در راس وزارت کار دولت یازدهم، لایحه اصلاح قانون کار که توسط دولت دهم به مجلس ارائه شد را نماد غلبه نگرش کارفرمایی در دولت فعلی دانست.

«حسن ایزدی» با اشاره به تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ادغام سه وزارت «رفاه و تامین اجتماعی»، «کار و امور اجتماعی» و «تعاون» به ایلنا گفت: انتظار جامعه کارگری از دولت و مجلس این است که فردی آشنا به مسائل کار و کارگری هدایت وزارت کار را بر عهده بگیرد. وی در ادامه حضور افراد ناآشنا با حوزه‌های مذکور را در راس وزارت کار، منجر به مصیبت و گرفتاری‌هایی دانست که دودش به چشم کارگران و صنعت می‌رود.

این فعال کارگری با انتقاد از نگرش کارفرمایی دولت آقای احمدی‌نژاد به وزارت کار افزود: این نگرش منجر به تعطیلی اکثر کارخانجات تولیدی در ۸ سال گذشته شده است در حالی که می‌شد با اتخاذ تدابیر صحیح از تعطیلی شان جلوگیری کرد. وی ارسال لایحه قانون کار به مجلس را نماد نگرش کارفرمایی در دولت دهم به حوزه روابط کار دانست و گفت: تغییرات پیشنهادی در این لایحه تماماً به سود کارفرمایان است و برای خاتمه دادن به سه جانبه گرایی در حوزه روابط کار طراحی شده است.

به گفته آقای ایزدی، اهمیت قانون کار نزد بنیانگذار انقلاب تا آنجا بود که مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای تصویب این قانون تشکیل داد. وی در ادامه با اشاره به رواج قراردادهای موقت در مشاغل دائم در دورانی که نگرش کارفرمایی بر وزارت کار حاکم بود بیان کرد: در اوایل دهه ۷۰، با کارگران شاغل در پروژه‌های جاده سازی، پل سازی، ساختمان سازی و... که ماهیت شغلشان

موقتی است قرارداد موقت می‌بستند اما با کارگران شاغل در کارخانه‌ها که کارشان دائمی محسوب می‌شود قرارداد کار دائم منعقد می‌شد.

به گفته ی آقای ایزدی، انعقاد قرارداد موقت میان کارگر و کارفرما در کارهایی با ماهیت دائمی از نتایج حاکمیت نگرش کارفرمایی بر وزارت کار است.

دبیر اجرایی خانه کارگر رشت در پایان با اشاره به حذف سه جانبه گرایی از سازمان تامین اجتماعی در دولت دهم اظهار داشت: در حالی که ایران از نظر جمعیت تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی، در رتبه 10 کشور اول قرار دارد این دولت با حذف شورای عالی تامین اجتماعی، سه جانبه گرایی را در حوزه تامین اجتماعی حذف کرده است.

پایان پیام

زندان و اعمال فشار بر فعالین کارگری راه به جایی نخواهد برد در محکومیت صدور احکام زندان بر علیه اعضا کمیته هماهنگی در شهر سنندج

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 6 مرداد 92 آمده است: بنا بر خبرهای منتشره از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تعدادی از اعضای این کمیته در شهر سنندج از جمله وفا قادری، خالد حسینی و بهزاد فرج‌اللهی هر کدام به یک سال حبس تعزیری و غالب حسینی به یک سال و نیم حبس محکوم شده اند و برخی دیگر از اعضای آن با تشکیل پرونده و صدور وثیقه های سنگین در معرض تعقیب قضائی قرار دارند. صدور احکام زندان و تعقیب قضائی بر علیه جمع نسبتا چشمگیری از فعالین کارگری در شهر سنندج در شرایطی صورت میگیرد که طبقه کارگر ایران در بدترین و برده وارترین شرایط ممکن در طول نزدیک به 35 سال گذشته قرار دارد و بر این بستر هر روزه اعتراضات کارگری بر علیه وضعیت موجود ابعاد تازه ای به خود میگیرد.

بدون تردید سیاست گذاران چنین اقداماتی بر علیه فعالین کارگری هدفی جز به تمکین واداشتن میلیونها کارگر به شرایط ضد انسانی موجود ندارند و با غل و زنجیر در صدد آنند تا تداوم بخش تحمیل فقر و گرسنگی بیش از پیش بر میلیونها خانواده کارگری شوند. اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن صدور احکام زندان بر علیه اعضا کمیته هماهنگی در شهر سنندج، اعلام میدارد سیاست سرکوب فعالین کارگری مطلقا راه به جایی نخواهد برد و طبقه کارگر ایران در دفاع از حقوق انسانی خود همچنانکه تاکنون نشان داده است مرعوب چنین سیاستهایی نخواهد شد.

ما با اعلام همبستگی با مبارزه و تلاش کمیته هماهنگی برای لغو احکام صادره بر علیه اعضایش در شهر سنندج، مصرانه بر لغو فوری این احکام، آزادی کلیه کارگران دربند و منع تعقیب قضائی فعالین کارگری در سراسر کشور پای می فشاریم و اعلام میداریم: بر پائی تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری و عضویت کارگران در این تشکلهای از بدیهی ترین حقوق اجتماعی کارگران است و هیچ سیاست سرکوب گرایانه ای نخواهد توانست مانع روند رو به پیش تشکل یابی و حق خواهی کارگران ایران شود. زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران

**واکنش دبیرکل انجمن کارفرمایان به جلسه فردای شورای کار:
افزایش ۱۰ هزار تومانی حقوق، دردی از کارگران دوا نمی‌کند**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است : دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران گفت: با افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران نه تنها قدرت خرید کارگران افزایش نمی‌یابد، بلکه شرایط بازار کار وخیم‌تر خواهد شد.

«محمد عطاردیان» با اشاره به جلسه فردای شورای عالی کار جهت بررسی امکان افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران، به ایلنا گفت: اگر فردا اکثریت اعضای حاضر در جلسه ویژه شورای عالی کار با مسئله افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران موافقت کنند، کارفرمایان طبق قانون موظف به پرداخت مبلغ اضافه شده هستند. وی بابیان اینکه گروه کارفرمایی همچنان بر سرفرواض قبلی خود مبنی بر بالا بودن هزینه‌های تولید هستند، گفت: در شرایطی که کارفرمایان حتی قادر به پرداخت دستمزدهای کنونی نیز نیستند، افزایش ناچیز حقوق کارگران باعث می‌شود تا وضعیت بازارکار بیش از پیش تابع وضعیت اقتصادی شود.

این مقام کارفرمایی با بیان اینکه در این شرایط تورمی افزایش حداکثر ۱۰ هزار تومانی دریافتی کارگران دردی را درمان نخواهد کرد، گفت: به نظر می‌رسد عده‌ای با انگیزه‌های تبلیغاتی درصد افزایش ناچیز دریافتی کارگران هستند.

دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران بابیان اینکه اگر وضعیت اقتصادی درست شود، قدرت اقتصادی کارگران و دیگر مزدبگیران خود به خود درست می‌شود، گفت: کارفرمایان با افزایش قدرت خرید کارگران مخالف نیستند اما با این اقدامات تنها وضعیت بازار کار آشفته‌تر خواهد شد.

وی با یادآوری اینکه برای بسیاری از کارفرمایان پرداخت هزینه‌های کنونی ناممکن است، گفت: افزایش ۱۰ هزار تومانی دریافتی برای هر کارگر بسیار ناچیز است اما همین مبلغ جزئی برای کارفرمایانی که هر ماه باید به چندصد کارگر حقوق بدهند سنگین است. عطاردیان افزود: در صورتی که موضوع افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در جلسه فردا تصویب شود، ممکن است خود به خود در وضعیت کنونی واحدهای تولیدی تغییراتی ایجاد شود. این مقام کارفرمایی در خصوص نوع این تغییرات احتمالی گفت: از آنجا که همه واحدهای تولیدی دچار مشکل هستند، با افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران بر بحران نقدینگی افزوده خواهد شد و در نتیجه فعالیت این واحدها تعدیل می‌شود.

پایان پیام

اطلاعیه شماره نه کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده سلامتی رضا شهابی در خطر جدی است- وضعیت جسمی محمد جراحی رو به وخامت است

بر پایه اطلاعیه رسیده آمده است : وضعیت جسمی رضا شهابی، فعال کارگری در بند ، در زندان اوین هر روز رو به وخامت است.

بدون تردید از طریق رسانه های جمعی و خبری مطلع هستید که وضعیت جسمی رضا شهابی هر روز نگران کننده میشود.

رضا شهابی بعد از عمل جراحی کمر مجددا به زندان بازگردانده شد و با وجود امکانات بد زندان و عدم امکانات پزشکی و فشارهای روزانه در زندان و دردهای ناشی از کمر در رنج است.

سلامتی رضا شهابی در خطر جدیست و همینجا کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده اعلام میکند که وضعیت جسمی محمد جراحی فعال کارگری در زندان نیز رو به وخامت است و تاکنون بارها برای مداوا به مراجع زندان رجوع شده است که بی پاسخ مانده است.

یک فعال کارگری در خرم دره: شرکت راه آهن مطالبات ایریکو را نپردازد، ۱۵۰ نفر بیکار می‌شوند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در خرم دره اعلام کرد: شرکت توسعه صنایع ریلی ایرانیان (ایریکو) به علت اجرا نشدن تعهدات مالی طرف تجاری خود، در آستانه تعطیلی کامل قرار دارد.

«کاظم خلجی» با اشاره به بدهی ۱۳ میلیارد تومانی شرکت راه آهن به شرکت توسعه صنایع ریلی، به ایلنا گفت: شرکت واگن سازی ایریکو که در سال ۱۳۸۷ به بهره برداری رسیده است به علت عدم دریافت مطالبات معوقه خود از شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران در آستانه تعطیلی قرار دارد.

او با بیان اینکه ادامه درگیری بر سر مطالبات شرکت ایریکو ابهر از رجا و راه آهن جمهوری اسلامی ایران، امنیت شغلی کارگران را تهدید می‌کند افزود: در حال حاضر در این کارخانه تازه تاسیس که ظرفیت اشتغال زایی بسیار زیادی دارد، حدود ۳۵۰ نفر کار می‌کنند.

دبیر خانه کارگر خرمدره افزود: ماه گذشته مدیران کارخانه ایریکو در تلاش بودند برای کاهش هزینه‌های کارخانه تعداد ۱۰۰ نفر از کارگران قراردادی خود را تعدیل کنند که خوشبختانه با وساطت مسئولان استانی، کارفرما موافقا از این تصمیم منصرف شده است.

به گفته خلجی مسئولان کارخانه اعلام کرده‌اند اگر معوقات و بدهی‌های کارخانه از سوی شرکت راه آهن تا پایان مرداد ماه وصول نشود ناچار خواهند بود ۱۵۰ کارگر این کارخانه را با اتمام قرار داد کاری‌شان اخراج کنند و در این بین تکلیف کارخانه و سایر کارگران نیز نامشخص خواهد بود.

پایان پیام

کارگران کیان تایر دست به تجمع در مقابل بیت رهبری زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در ششم مرداد 92 آمده است: : به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 6 مرداد 92 آمده است: کارگران کیان تایر از صبح امروز در اعتراض به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن دست به تجمع در مقابل بیت رهبری زدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران این تجمع از ساعت 9 صبح امروز آغاز شده است و مسئولین دفتر بیت رهبری از نماینده های کارگران برای حضور در داخل دفتر دعوت کرده اند. این دعوت از نماینده های کارگران در حالی صورت گرفته است که در عین حال از کارگران خواسته شده است تجمع خود را در مقابل دفتر بیت رهبری پایان دهند و در پارک نزدیک این دفتر منتظر نماینده های خود باشند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران(ده صبح) علیرغم این درخواست کارگران کیان تایر همچنان در مقابل دفتر بیت رهبری حضور دارند و خواهان رسیدگی به خواسته های خود می باشند.

کارگران کیان تایر در ادامه مقاومت خود در مقابل واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن از فروش لاستیک توسط کارفرمای قبلی جلوگیری به عمل آوردند. وی دیروز طی ابلاغیه ای به واحد فروش کارخانه از مسئولین این واحد خواسته بود تا لاستیکهای موجود در کارخانه را زیر قیمت به بازار عرضه کند اما کارگران مانع این فروش شدند و اعلام کردند کارفرمای قبلی کاره ای نیست. کارگران کیان تایر اعلام کرده اند زیر بار واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن نخواهند رفت این کارگران در رابطه با واگذاری کارخانه به مالک قبلی و سابقه ای که از وی دارند نگران این هستند

که نامبرده پس از تسلط کامل بر کارخانه اقدام به تعطیلی آن و فروش زمینهایش بکند کاری که در سالهای 86 و 87 دنبال آن بود اما کارگران کیان تاپر با اعتراضات گسترده خود در آنزمان، وزارت صنایع را وادار به خلع ید از نامبرده کردند. گزارش تکمیلی تجمع امروز کارگران کیان تاپر در مقابل دفتر بیت رهبری متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهند شد.

دبیر اجرایی خانه کارگر یزد: کارگران در ۸ سال گذشته از حداقلها محروم شده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر یزد خواستار حضور فردی با تجربه و آشنا با دردهای جامعه کارگری در راس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شد.

«علی دهقانی» در این باره به ایلنا گفت: اجرا نشدن قانون کار در واحدهای تولیدی، اشتغالزایی پایین و قرار گرفتن کارگران در تنگنای معیشتی از دستاوردهای وزارت کار دولت ۸ ساله آقای احمدی نژاد برای جامعه کارگری بود بنابراین فردی باید وزیر کار دولت آقای روحانی شود که توانایی ایجاد بهبود در شرایط موجود را داشته باشد. وی شرایط موجود را ناشی از حاکمیت نگرش سرمایه داری بر وزارت کار دولت‌های نهم و دهم دانست که کارگران را از داشتن حداقلها محروم کرد.

دهقانی تصریح کرد: گسترش قراردادهای موقت در واحدهای تولیدی و شرکت‌های خدماتی که کارشان ماهیت دائمی دارد، قطع بن کارگری و لایحه قانون کار، اجرای نظام استاد شاگردی و... از جمله بلاهایی است که طی یک دهه اخیر بر سر کارگران آمده است. این فعال کارگری در ادامه، «علی ربیعی» را فردی آشنا با دردهای کارگران خواند که با قرارگیری در راس وزارت کار می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه کارگری را حل کند. وی بیان کرد: مهم‌ترین وظیفه وزیر کار دولت روحانی در مرحله اول، اشتغالزایی و حل مشکلات صنعت و در مرحله دوم، اجرای قوانین در حوزه روابط کار و حوزه بیمه‌ای و درمانی تامین اجتماعی است.

دبیر اجرایی خانه کارگر یزد با اشاره به ادغام وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و رفاه و تامین اجتماعی اظهار داشت: این ادغام موجب شده تا قوانین در حوزه‌های روابط کار و تامین اجتماعی به حاشیه برده شود.

این فعال کارگری در پایان تصریح کرد: برای مثال عدم اجرای قانون الزام در بحث درمان، کارگران را در شرایط سختی قرار داده است. با توجه به قانون الزام، زمانی که فردی به بیمارستان‌های ملکی تامین اجتماعی مراجعه می‌کند اگر درمان شود کمک هزینه درمانش بر عهده بیمه تامین اجتماعی قرار دارد و اگر مرکز ملکی نتواند مراجعه کننده را درمان کند کمک هزینه درمان بیمار در سایر بیمارستان‌های دولتی یا خصوصی باید توسط تامین اجتماعی پرداخت شود. گفتنی است ماده ۳ قانون الزام سازمان تامین اجتماعی تصریح دارد: سازمان موظف است تعهدات مشمولین تامین اجتماعی را از امکانات واحدهای بهداشتی درمانی تحت مالکیت و استیجاری خود و یا آنها که در آینده بدین منظور ایجاد می‌شود و یا بخش دولتی و در صورت نیاز از بخش خصوصی براساس تعرفه‌های رسمی مصوب مورد عمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فراهم و هزینه‌های مربوط به آن را پرداخت نماید.

پایان پیام

گزارش تکمیلی تجمع کارگران کیان تاپر در مقابل دفتر بیت رهبری

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 6 مرداد 92 آمده است : بدنبال بیش از سه هفته کشمکش کارگران کیان تایر(لاستیک البرز) با وزارت صنایع بر سر واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن و اعتراضات متعدد این کارگران، امروز حدود پانصد کارگر کیان تایر با تجمع در مقابل دفتر بیت رهبری خواهان رسیدگی به خواست خود مبنی بر عدم واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن شدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این تجمع که از ساعت 9 صبح امروز آغاز شد مسئولین دفتر بیت رهبری با دعوت از نماینده های کارگران برای طرح خواست هایشان از آنان خواستند تا در پارک 12 فروردین منتظر نماینده های خود باشند اما کارگران حاضر به ترک محل نشدند و پس از مذاکره ای که فی مابین طرفین صورت گرفت پذیرفتند که عازم این پارک شوند.

بنا بر این گزارش کارگران کیان تایر حدود ساعت 11/30 بار دیگر به صورت راهپیمایی از محل پارک 12 فروردین عازم دفتر بیت رهبری شدند. بدنبال این وضعیت فرماندار اسلامشهر در خیابان ابوریحان خود را به کارگران معترض کیان تایر رساند و با حضور در جمع آنان اعلام کرد: من برای رسیدگی به خواست شما همین الان عازم استانداری تهران هستم، در آنجا کاری خواهم کرد که وضعیت به منوال سابق بازگردد و مسئله واگذاری کارخانه به مالک قبلی ملغی شود. اما علیرغم وعده فرماندار اسلامشهر کارگران کیان تایر بار دیگر عازم دفتر بیت رهبری شدند و پس از حدود یک ساعت تجمع در آنجا با وعده ای که این دفتر برای رسیدگی به خواست کارگران داد به تجمع خود پایان دادند.

دفتر بیت رهبری قول داده است ظرف چند روز آینده نامه ای مبنی بر رسیدگی به خواست کارگران تنظیم و آنرا به نماینده های کارگران تحویل دهد. در تجمع امروز کارگران کیان تایر مامورین امنیتی با ضبط گوشیهای موبایل کارگرانی که اقدام به عکاسی از تجمع کرده بودند عکسهای موجود در این گوشیها را پاک و سپس آنها را تحویل کارگران دادند. کارگران کیان تایر از واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن بشدت خشمگین هستند این کارگران در تجمع روز 30 تیر ماه خود در مقابل وزارت صنایع شعار میدادند: شرفی(مالک قبلی کارخانه) چپاول میکند، صنایع حمایت میکند - برای حفظ البرز بریده باد دست دزد و...، کارگران کیان تایر مالک قبلی این کارخانه را بدلیل تلاشهای وی در سالهای 86 و 87 جهت ورشکستگی تعمدی کارخانه و تعطیلی و فروش زمینهای آن دلالی تلقی میکنند که بار دیگر با تملک کارخانه در صدد ادامه سیاستهای پیشین خود است. بنا بر اظهار کارگران کیان تایر علیرغم گذشت حدود 4 سال از خلع ید مالک قبلی این کارخانه، مبلغ 300 میلیون تومان از موجودی صندوق کارگران همچنان در اختیار نامبرده است و در طول این مدت آنان موفق به باز پس گیری آن نشده اند. کارگران کیان تایر میگویند چه شده است که وزارت صنایع علیرغم اینکه به دزد بودن مالک قبلی کارخانه اشراف دارد و به همین دلیل نیز از وی خلع ید کرده است بار دیگر کارخانه را به وی واگذار میکند. این کارگران از تصمیم وزارت صنایع بشدت خشمگین هستند و اعلام کرده اند اجازه نخواهند داد کارخانه بار دیگر در اختیار شرفی(مالک قبلی) قرار بگیرد.

تعطیلی کارخانه فرش کسری یزد و بیکاری ۱۲۰ کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6مرداد 92 آمده است : طی گزارشی، ازتعطیلی کارخانه فرش ماشینی کسری و اخراج کارگر قراردادی و رسمی این کارخانه خبر داد.

براساس این گزارش، در بین کارگران اخراج شده فقط هفت کارگر رسمی وجود دارد که در آستانه بازنشستگی با مشاغل سخت زیان آور قرار دارند که آنان نیز هم اکنون بلامتکلیف مانده اند.

تهدید اشتغال ۲۸۰۰ کارگر کارخانه ایران ترانسفوزنجان به دلیل بدحسابی وزارت نیرو

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است: کارخانه ایران ترانسفوبدلیل عدم پرداخت معوقات مالی ازجانب وزارت نیرو درآستانه ورشکستگی قرارگرفته است.

برپایه این گزارش، میزان طلب کارخانه ایران ترانسفو از وزارت نیرو بیش از ۸۰ میلیارد تومان عنوان شده است و چنانچه وزارت نیرو همچنان بر پرداخت نکردن معوقات مالی خود به کارخانه ایران ترانسفو پافشاری کند در آینده‌ای نزدیک این واحد تولیدی در موقعیت ورشکستگی کامل قرار خواهد گرفت و کارخانه تعطیل و 2800 کارگرش بیکارخواهندشد.

دریاچه گتوند 41 روستا را زیر آب و صدها روستایی را بیکار کرد

بر پایه گزارش رسیده آمده است: صدها روستایی، 41 روستا در استان خوزستان را ترک کردند تا خانه‌ها، مزارع و مراتع شان در اختیار پروژه ساخت سد گتوند علیا قرار گیرد و در زیر دریاچه سد مدفون شود اما سهم این تعداد روستایی از پروژه ساخت سد، کوچ اجباری از روستا به حاشیه شهرها، آوارگی، از دست دادن زمین‌های کشاورزی و در نهایت فقر و بیکاری بوده است. به گزارش 6 مردادمهر، وقتی از سال 16 سال پیش عملیات ساخت سد گتوند در استان خوزستان به عنوان پر هزینه‌ترین و بزرگترین پروژه سد سازی در ایران آغاز شد، اهالی 41 روستا که قرار بود در آب دریاچه سد غرق شوند، نمی‌دانستند چند سال بعد همه زندگی خود را در روستا بگذارند و از آنجا بروند به جایی که دیگر نه می‌توانند زمین کشاورزی داشته باشند نه چراگاهی برای دام.

تا اینکه برای افتتاح سد که باید در سال 92 انجام می‌شد، به تعدادی از روستاییان گفتند، براساس قانون باید برای انجام این پروژه ملی با شرکت آب و نیرو به عنوان سازنده سد گتوند در خوزستان همکاری کنند و از روستاهای خود خارج شوند تا آب سد، خانه آنها را پر کند. از این روستاها 18 روستا در شهرستان مسجد سلیمان زیر آب رفت که 9 روستای آن در حریم سد قرار دارد و باید تخلیه و سپس در آب غرق شوند. همچنین 14 روستا نیز در منطقه لالی قرار داشت که 11 روستای آن در بخش آب ماهیک بود و بسیاری از آنها به زیر آبرفته‌اند. همچنین برخی از این روستاها عشایر نشین بودند بنابراین به طور جمع 41 روستا تحت الشعاع سد گتوند قرار گرفت.

زمین متری 600 تومان!

کارشناسان شرکت آب و نیرو به روستاییان گفتند خانه‌هایی که با سنگ و بدون ملات ساخته بودید متری 600 تومان بیشتر نمی‌ارزد ولی اگر زمینهای کشاورزی مرغوبی داشته باشید که کنار رودخانه قرار گرفته، می‌توان برای آنها تا متری 20 هزار تومان نیز قیمت گذاشت. برخی از ساکنان 41 روستا که مالک زمین یا خانه‌ای بودند که بود و نبودش چندان تفاوتی نداشت همین مبلغ را گرفتند و رفتند و آنهایی هم که توان مقابله با وزارت نیرو و شرکت تابعه آن یعنی آب و نیرو را نداشتند، به همین مبلغ راضی شده و خانه‌هایشان را در اختیار این پروژه ملی قرار دادند و آب، خانه‌ها و مزارعشان را برد و از آن روستاها اکنون هیچ چیزی باقی نمانده است. آنها به حاشیه شهرهایی مثل دزفول، شوشتر، چهارمحال و اصفهان رفتند چون با پولی که از فروش تمام زندگیشان گرفته بودند نمی‌توانستند خانه‌ای حتی بدون زمین کشاورزی در روستای دیگر بخرند.

روستائینان ساکن حلبی آباد اهواز شدند

اکنون حاشیه شهری مثل اهواز درست در بام شهر، خانه‌هایی وجود دارد که ساکنانش را همین کشاورزان و دامداران روستاهای غرق شده در دریاچه گتوند تشکیل می‌دهند.

در کوچه پس کوچه های حاشیه اهواز، خانه هایی پیدا می شود که اگر چه 20 متر مساحت دارد اما ده نفر در آن زندگی می کنند. درب برخی از این خانه ها با کوه سنگی رو به رویش تنها نیم متر فاصله دارد چون حلبی آباد اهواز هر جایی می تواند باشد حتی فضای خالی بین سنگ های یک کوه!

آشفته‌گی حلبی آباد اهواز پس از آبیگری مراحل بعدی سد، به حاشیه شوشتر و دزفول هم رسیده است. وقتی اوضاع و احوال این عده از روستاییان مهاجر به گوش اهالی دیگر رسید آنها از ترک کردن روستاهای خود منصرف شدند مانند روستائینان "پابرافتو"، "چاله تاک" و "پرنوشته"

و ...

آنها راضی نشدند خانه و زمین خود را به قیمتی بفروشند که نتوانند در جای دیگری حداقل نصف همان املاک را بخرند تا اینکه وقتی یکی از ساکنان روستای "چاله تاک" در خانه خود نشسته بود متوجه شد آب به درون خانه اش نفوذ پیدا کرده است. اگر او و ساکنان دیگر، روستا را خالی نمی کردند ممکن بود در آب سد گتوند غرق شوند پس دامپایشان را بار زدند و همان مقدار پولی که بابت زمینهایشان باید می گرفتند را هم نگرفتند و راهی شهرک هایی شدند که نه شهر هستند و نه روستا.

7 پسر بیکار شده یک خانواده پس از کوچ اجباری

"هفت شهیدان" یکی از همین شهرکهاست. خانواده محمدی یکی از ساکنان این شهرک است با 7 پسر و دو دختر. آنها در روستای "پرشوشتری" درختان میوه و "کنار" و پنج هکتار زمین کشاورزی و صد راس گوسفند، بز و گاو و خانه های سنگی داشتند. کارشناسانی که وظیفه قیمت گذاری املاک روستاییان را بر عهده گرفتند به خانواده محمدی گفته بودند زمین متری 700 تومان!

آنها هم این پول را نگرفتند و از روستا بیرون آمدند. حالا از همه زمین های کشاورزی شان، یک باغچه دو متری در خانه ای که ده میلیون تومان پول پیش آن را داده اند باقی مانده است و یک زمین دو متری که برای حبس شدن تنها گاو باقی مانده از همه دامپایشان به مبلغ 200 هزار تومان خریده اند. چون در هفت شهیدان زمین مسکونی متری 100 هزار تومان است و هیچ کس اجازه ندارد دام در خانه نگه داری کند.

محمدرضا منجری، رئیس شورای روستای "پرشوشتری" همسایه آنهاست او به خبرنگار مهر می گوید: اوضاع من بهتر از بقیه است حداقل توانسته ام وام بگیرم و خانه ای اجاره کنم. چون زمین های من را متری 600 تومان می خواستند بخرند و من راضی نشدم این پول را بگیرم و گفتم به جای زمین بدهید پولش را می خواهم چکار کنم. او می گوید که از سال پیش تا به حال به دلیل کوچ اجباری اهالی روستاهای منطقه آماهیک و شهرستان لالی که جزو آخرین روستاهای تخلیه شده برای تبدیل به دریاچه سد گتوند بوده اند، زمین های اطراف به شدت افزایش نرخ داشته و گرنه زمین های کشاورزی "هفت شهیدان" تا سال پیش متری دو هزار تومان بود اما الان 5 برابر شده است.

اهالی "هفت شهیدان" همه آوارگان روستاهای غرق شده در آب سد گتوند نیستند، برخی دیگر از اهالی این روستاها که ساکن روستای "گلزاری" و "پابرافتو" بودند، سال گذشته، اخبارهای مسئولان سد را شنیده گرفتند و در روستا ماندند تا محصولات کشاورزی شان را برداشت کنند اما آب روستا را قطع کردند، در مدرسه و خانه بهداشت را بستند و سیم های برق را جمع کردند تا اهالی جانیشان به لبشان برسد و "گلزاری" را ترک کنند.

ترس از هلاک شدن نوزاد 6 ماهه به علت گرمای خوزستان

خیلی از اهالی در روستا، هر روز زنی را می دیدند که نوزاد 6 ماهه اش را داخل سطل می گذاشت و با خود حمل می کند مادر ساغر می گوید: می ترسیدم دخترم از گرمای 45 درجه هلاک شود به همین خاطر سطلی را از آب پر می کردم و او را از صبح تا شب درون آن می گذاشتم.

بعد از آن بود که آب سطح زمین های کشاورزی را گرفت و اهالی دامشان را فروختند و روستا را با خانه هایش، مراتع، قبرستان و شیرهای سنگی و تاریخی که از گذشته ها بر روی سنگ قبر مردان بزرگ روستا قرار داده بودند، تنها گذاشتند.

اعتراض آنها این بود که قیمت زمین های تعیین شده، غیر عادلانه است و ما به ازای این زمین ها در هر شهر و روستای دیگری باید بهای سنگینی بپردازند. درحالی که طبق ماده 5 قانون نحوه خرید و تملك اراضي و املاك براي اجرائي برنامه هاي عمومي و عمراني دولت، ملاك تعيين قيمت عبارتست از بهاي عادلانه روز تقويم اراضي و ابنیه و تاسيسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عمليات طرح بدون در نظر گرفتن تأثير طرح در قيمت آنها.

مسئولان شرکت آب و نیرو که متوجه شدند آنها به حق و حقوق خود آگاه شده اند و هر بار با اعتراض و رسانه ای کردن این موضوع سعی دارند حقوق حقه خود را مطالبه کنند، جلساتی گذاشته و به علی یوسفی نماینده آنها گفتند که برای اهالی روستاها شهرک می سازیم اما بعدها این وعده منتفی شد چون ساخت یک شهرک برای جمعیت روستاییان هزینه بر بود به همین دلیل برای رفع اختلاف دو گروه روستاییان و شرکت آب و نیرو بر سد قیمت گذاری خانه ها، کارشناسی از دادگستری شهرستان لالی به نام طهماسب جعفری در نظر گرفته شد و او نه قیمت متری 600 تومان سد را قبول کرد و نه قیمت متری 6000 تومانی که روستاییان مطالبه کرده بودند بلکه با بررسی های بیشتر روی زمینها، آنها را متری 4000 تومان قیمت گذاشت. این مبلغ توسط روستاییان پذیرفته شده بود اما از آنجا که بیشتر اهالی روستاهای دیگر با قیمتی کمتر راضی به تخلیه روستا شده بودند، بازهم پرداخت این خسارت برای شرکت آب و نیرو گران به نظر می رسید.

مهاجرت روستاییان آواره به ظلم آباد با این حال برخی از اهالی روستاهایی مانند "گلزاری"، "پابرافتو"، "سربیشه"، "کاورا"، "تنگ هلیل"، "چالناک" و "چم لوند" که روی هم رفته 208 خانوار هزار نفری می شوند، بدون گرفتن پولی بابت زمین و خانه هایشان به مناطق دیگری از جمله مسجد سلیمان، گتوند و یا به منطقه ای دور افتاده مهاجرت کرده اند که در نامه های اداری به آن "شهرک شهید محمدی" می گویند اما چون سالها پیش سیل خانه روستاییان را خراب کرد و آنها دوباره خانه خود را ساختند به آن "ظلم آباد" گفتند یعنی یک آبادی که به آن ظلم شد!

یکی از اهالی "گلزاری" که یک سالی می شود ظلم آبادی صدایش می کنند، عمو امیر 85 ساله است. وقتی به ظلم آباد آمد دامهایش را فروخت اما هیچ وقت پولش را ندادند با این حال از فروش آنچه که برایش باقی مانده بود، یک میلیون پول پیش و ماهی 100 هزار تومان بابت اجاره خانه ای در ظلم آباد را داده است و از همه دامهایش دو تا جوجه در حیاط بدون باغچه رها شده اند.

او و همه پیرمرد های مهاجر این روستا، از صبح تا شب کنار پسرانشان در حیاط خانه می نشینند چون زمین های کشاورزی ظلم آباد نیازی به آنها ندارد و مالکانش از دستگاههای ماشینی استفاده می کنند چراگاهی هم وجود ندارد که بخواهند دامهایشان را ببرند به چرا. محمدی هم که همه عمر دامداری کرده تنها توانسته دور از چشم صاحبخانه از 5 راس دام نگهداری کند و برایشان در حیاط خانه طویله ای درست کرده و حبس شان کند شاید دلخوشی پیرمرد شوند در روزهایی که پا به پای دختران و پسرانش در حیاط خانه می نشینند به انتظار غروب آفتاب.

مرداس، عباس و حشمت هم از جمله آوارگان سد گتوند هستند که همگی خانه نشین شده اند در ظلم آباد کاری برای تازه ورودها نیست. پسر پیرزنی تنها، تاب زندگی در این منطقه را نیاورده و به یزد رفته است تا در میدان های اصلی شهر آنقدر بایستد تا فردی پیدا شود که کارگر روزمزد بخواهد.

علی یوسفی نماینده مردم روستاهای غرق شده در آب سد گتوند است او و تعدادی دیگر از اهالی روستاهای شهرستان لالی به مسجد سلیمان رفته جایی که خانه هایش بوی گاز می دهد!

یوسفی تا کنون در 32 جلسه مسئولان شهری و روستایی شرکت کرده بلکه حق و حقوق واقعی روستاییان را بگیرد اما نتیجه همه پیگیری های او یک چمدان مدرک و نامه و کاغذ شده است و از مسئولان شرکت آب و نیرو که ساخت سد گتوند را بر عهده دارند شنیده که باید به همین مقدار پولی که می خواهند بابت همه زندگی تان پرداخت کنند، قانع باشند. اما روستاییان آب ماهیک و لالی هنوز هم از این وضع گلایه دارند و به نمایندگی از همه اهالی روستانشین و عشایر 41 روستای مدفون زیر آب سد در نامه ای خطاب به مسئولان سد گتوند نوشته اند: ما دامداران و کشاورزانی هستیم که در غیرت و عزت مان بیکاری معنا ندارد. اکنون که همه زندگی مان را گرفتید، پولش را نمیخواهیم، زمین بدهید کار کنیم.

ولی این نامه ها هم به جایی نرسیده است و حالا بعد از یک سال از تخلیه روستاهای غرق شده در دریاچه و مخزن سد گتوند علیا در استان خوزستان، نه تنها پاسخی به مطالبه روستاییان داده نشده بلکه، صدها نفر از آنها بیش از یک سال است که بیکار شده اند

تجمع متقاضیان مسکن مهر کرمانشاه مقابل ساختمان مسکن و شهرسازی کرمانشاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است : صبح روز یکشنبه ۶ مردادماه، بسیاری از متقاضیان مسکن مهر کرمانشاه در اعتراض به عدم پاسخگویی و عدم تحقق وعده مسئولان در مقابل ساختمان مسکن و شهرسازی کرمانشاه اجتماع اعتراض آمیزی برگزار کردند.

بنابهمین گزارش، این معترضان که اکثر آنان متقاضیان مسکن مهر پروژه ایثار هستند، از بدقولی و جواب‌های سربالای مسئولان راه و شهرسازی کرمانشاه ابراز ناراحتی و گلهمندی می‌کنند. یکی از متقاضیان مسکن مهر در این باره می‌گوید: نمی‌دانم مسئولان چطور به خود اجازه می‌دهند که مردم را سرگردان کنند؟

وی می‌افزاید: چند سال پیش سهم آورده خود را واریز کرده‌ایم، به امید اینکه در سریع‌ترین زمان ممکن صاحب خانه و کاشانه‌ای بشویم، ولی می‌بینیم که هنوز سرگردان هستیم. یکی دیگر از متقاضیان مسکن مهر پروژه ایثار کرمانشاه در این باره می‌گوید: هیچ کسی علت این همه تاخیر و بدقولی مسئولان را نمی‌داند، هر روز به بهانه‌ای ما را به اینجا می‌کشاند، تعهدنامه محضری از ما گرفته‌اند که تمامی بندها و مواد آن غیرقانونی است.

وی می‌گوید: به تازگی هم از متقاضیان مسکن مهر درخواست ارائه یک ضامن معتبر کرده‌اند که این هم خود جای تعجب و البته نگرانی دارد. الان زمان تخلیه و جابجایی مستاجران است و طبیعتاً بیشتر متقاضیان مسکن مهر مستاجر هستند و در حال حاضر مجبورند یا برای یک سال دیگر تن به اجاره نشینی بدهند یا برای فرار از هزینه‌های بالای اجاره به پارک‌ها برای سکونت پناه ببرند.

این متقاضی معترض می‌افزاید: چرا مسئولان به فکر قیامت و دنیای دیگر خود نیستند؟! چرا ما متقاضیان را درک نمی‌کنند و با زبان روزه ما را مجبور می‌کنند که پله‌های این اداره را بالا و پایین برویم.

وی تاکید داشت: از استاندار کرمانشاه درخواست داریم که هرچه سریع‌تر به این وضعیت رسیدگی کنند.

تلاش برای ارتباط با مسئولان ذیربط بی‌نتیجه مانده است و اکثر این مدیران گوشه‌های خود را خاموش کرده‌اند.

این چندمین اعتراض متقاضیان مسکن مهر استان کرمانشاه در این چند ماهه است.

مرزبانی سردشت یک کاسبکار را به قتل رساند

به گزارش کردپا، در تاریخ 6 مرداد 92 آمده است: یکی دیگر از کاسبکاران کُرد بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومت اسلامی ایران جان خود را از دست داد. بنا به همین گزارش، نیروهای نظامی حکومت ایران در نزدیکی روستای موسالان از توابع شهرستان سردشت یک کاسبکار کُرد به نام سالار فخری فرزند عبدالله را با شلیک گلوله به قتل رساندند. یک منبع مطلع ضمن تأیید این خبر گفت: این شهروند ۳۰ ساله عصر روز جمعه، چهارم مردادماه تنها "به ظن حمل کالای قاچاق" بوسیله‌ی خودروی شخصی‌اش از سوی مأموران نظامی ایران هدف تیراندازی قرار گرفته بود. جسد سالار توسط نظامیان حکومتی به شهر مهاباد منتقل گردیده و تا لحظه‌ی انتشار این خبر جسد وی به خانواده‌اش تحویل داده نشده است. این کاسبکار از اهالی روستای نلاس بخش وزینه می‌باشد.

دبیر اجرایی خانه کارگر قم: وزارت کار به سمت واسطه‌گری سوق پیدا کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر قم گفت: وزیر کار باید فردی تحول‌خواه باشد تا بتواند در ساختار راکد وزارت کار، تحول ایجاد کند.

«اکبر شوکت» در این باره به ایلنا گفت: رئیس جمهور منتخب اگر به دنبال رشد میزان اشتغال، تولید و کارآفرینی است باید با انتخاب فردی تحول‌خواه در راس وزارت کار، این وزارتخانه را به وظیفه‌ی اصلی‌اش یعنی هدایت نیروی کار به سمت اشتغال و نظارت بر حوزه روابط کار بازگرداند. وی با انتقاد از کوچک شدن محدوده‌ی فعالیت ادارات کار استان‌ها افزود: کاربری ادارات کار استان‌ها به بررسی اختلافات کارگران و کارفرمایان در هیات‌های تشخیص و حل اختلاف کار محدود شده است. این ادارات، خودشان را در حدی نمی‌بینند که برای اشتغالی و ایجاد ارتباط میان بخش تولید و دانشگاه‌ها اقدامی انجام دهند.

رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران و استاد کاران ساختمانی کشور در ادامه بیان کرد: این رویه در سطح کشوری نیز به همین ترتیب است و ترس از تغییر بر همه‌ی ارکان وزارت کار سایه انداخته است. به گفته‌ی آقای شوکت، تا زمانی که وزیران کار برای ایجاد تغییر در شرایط موجود، ریسک‌پذیری نداشته باشند روند کنونی ادامه می‌یابد.

این فعال صنفی در ادامه افزود: مدیران کل ادارات کار استان‌ها از طرح‌هایی که برای ایجاد تحول در شرایط موجود پیشنهاد می‌شوند فراری هستند.

دبیر اجرایی خانه کارگر قم در پایان با هشدار نسبت به ادامه روند فعلی در وزارت کار گفت: عملکرد وزارت کار برای حفظ شرایط موجود، رویکرد این وزارتخانه را به سمت واسطه‌گری و دلالی متمایل کرده است و اختلافات جامعه کارگری و کارفرمایان را روز به روز بیشتر می‌کند.

پایان پیام

مصدومیت شدید 2 کارگردری سقوط از داربست

به گزارش پایگاه خبری 115، در تاریخ 6 مرداد 92 آمده است: روز گذشته شنبه 92/4/5 حادثه ای مبنی بر سقوط کارگران از داربست در جاده جاجرود-کمرود حوالی کارخانه امرسان به مرکز اورژانس تهران گزارش گردید.

با دریافت خبر در ساعت 10:00 صبح سریعا از نزدیکترین پایگاهها 2 دستگاه آمبولانس به محل مذکور اعزام شدند. تکنسینهای اورژانس تهران با حضور در محل حادثه مشاهده نمودند، 2 نفر کارگر ساختمانی بعد از افتادن از داربست، بر روی یک عابر پیاده سقوط نمودند که این حادثه مصدومیت و مجروحیت هر 3 نفر را به دنبال داشت.

تیم پزشکی حاضر در صحنه پس از انجام اقدامات اولیه و درمانی مناسب، به علت شدت صدمات و جراحات وارده و وخامت حال مصدومین و نیاز به اعزام سریع به مرکز درمانی، از مرکز هدایت آمبولانسها درخواست امداد هوایی نمودند، بیدرنگ بالگرد اورژانس تهران جهت امداد رسانی سریع و نجات جان مصدومان به پرواز درآمد و پس از فرود بالگرد در محل مناسب، پزشک و کارشناس امداد هوایی هر 3 مصدوم را از همکاران تحویل گرفته و با تمهیدات لازم به بیمارستان امام خمینی منتقل نمودند.

یک فعال کارگری در یزد خبر داد: تعطیلی فرش کسری و بیکاری کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 6 مرداد 92 آمده است دبیر خانه کارگر یزد از تعطیلی کارخانه فرش کسری و بیکاری تدریجی ۱۲۰ کارگر قراردادی و رسمی این کارخانه خبر داد.

«علی دهقانی» با بیان مطلب فوق به ایلنا گفت: کارخانه فرش ماشینی کسری با سابقه ۲۰ ساله در صنعت فرش، به دلیل کمبود نقدینگی و مشکلات تهیه مواد اولیه تولید از سوی کارفرما تعطیل اعلام شده و همه کارگران نیز اخراج شده‌اند.

او افزود: در بین کارگران اخراج شده فقط هفت کارگر رسمی وجود دارد که در آستانه بازنشستگی با مشاغل سخت زبان آور قرار دارند که آنان نیز هم اکنون بلا تکلیف مانده‌اند. این فعال کارگری اضافه کرد: کارگران قرار دادی اخراج شده با طرح شکایت به اداره کار خواستار بازگشت بکار خود شده‌اند.

پایان پیام

تخریب کامل دو سوله و زخمی شدن دو نفر در آتش سوزی کرمان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 6 مرداد 92 آمده است: در حالی کارخانه روغن نباتی گلنار کرمان طی 7 ساعت گذشته غرق در آتش بوده که گزارشهای اولیه از خسارت شدید به انبارهای نگهداری روغن و تخریب کامل دو سوله مملو از روغن نباتی و زخمی شدن دو نفر حکایت دارد هم اکنون نیز آتش در کنترل امدادگران قرار گرفته است.

به گزارش 6 مرداد مهر، کارخانه روغن نباتی کرمان که از ساعت 14 عصر امروز به یکباره طعمه حریق شد به گفته خبرنگار اعزامی به محل کارخانه هم اکنون که ساعت 19 و 41 دقیقه است همچنان در آتش می سوزد.

گزارشها اولیه نیز از خسارات شدید به انبارهای نگهداری کالای این کارخانه بزرگ تولید روغن نباتی که بخش قابل توجهی از نیاز بازار داخلی را تامین می کرد حکایت دارد.

دو نفر نیز در محل حادثه زخمی شده اند و هم اکنون تحت مداوا قرار دارند و عده ای نیز بر اثر وجود دود و گرمای غلیظ در محل حادثه دچار مشکلات تنفسی شده اند.

کارگران زحمتکش حق گرفتني است! نامه رضا شهباني خطاب به کارگران زحمتکش در آستانه ي مراسم تحلیف ریاست جمهور

برپایه مطلب رسیده از رضا شهبانی آمده است: نتایج انتخابات ریاست جمهوری و میزان مشارکت مردم در آن را هر طور که تفسیر کنیم يك چیز مشخص است و آن این که در جامعه ای مثل ایران که وضع نهادهای مدنی چندان تعریفی ندارد و بسته به این که چه دولتی سر کار می آید تقویت یا ضعیف می شود - و البته در این میان اوضاع برای نهادهایی مثل سندیکاهای کارگری اساساً فرقی نمی کند - اکثریت مشارکت کنندگان در انتخابات که کاندیدایی را بر می گزینند بر سر مطالبات و آرزوهایشان قمار می کنند و به اصطلاح امید می بندند که «شاید این بار بشود.»

این انتخابات هم از این مستثنی نیست؛ خاصه که رئیس جمهور منتخب نام دولت خود را «تدبیر و امید» هم گذاشته است. پیش تر در جریان سخنرانی به مناسبت روز جهانی کارگر در زندان اشاره کرده بودم که شعارهای دولت های سازندگی، اصلاحات و عدالت محور برای بهبود اوضاع در عمل برای طبقه کارگر دستاوردی نداشته است جز بیکارسازی، موقتی سازی و بی نواسازی! دقت کنیم که وقتی از طبقه کارگر سخن می گوئیم به اکثریت حال حاضر جامعه ایران اشاره داریم: اکثریتی که بعضاً در فیلم های انتخاباتی، کاندیداها گوشه هایی از دردهای شان به تصویر کشیده شد. در جریان تبلیغات انتخاباتی هر بار که از کاندیداها در باره برنامه های شان برای عرصه فرهنگ و هنر و سینما سؤال شد، پاسخ شان این بود که باید تصمیم گیری در این عرصه را به خود اهالی فرهنگ و هنر و سینما واگذار کرد و دولت صرفاً نقش حمایتی ایفاء کند. (امیدوارم اهالی سینما با اتحاد و همبستگی خانه سینما را که يك نهاد کاملاً صنفی است بعد از مدتها تعطیلی بازگشایی کنند و من هم به عنوان يك کارگر که به خاطر ایجاد تشکل مستقل کارگری (سندیکا) زندانی شده ام، خواستار بازگشایی بی قید و شرط خانه سینما هستم.)

بسیار خوب، ما می گوئیم چه اشکالی دارد که تصمیم گیری در باره مسائل و مشکلات کارگری را به عوض ارگان های حزبی و وابسته ای چون خانه ي کارگر و ...، به خود کارگران، به نهادهای مستقل کارگری مانند سندیکاها واگذار کنید؟ من به عنوان يك کارگر زندانی که به خاطر ایجاد تشکل مستقل کارگری به نام سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که مطابق اصل 26 قانون اساسی و مقاله نامه ي 87 آزادی سندیکاها و حمایت از حقوق سندیکایی و مقاله نامه 98 حق تشکل و مذاکره دسته جمعی، سازمان جهانی کار و دفاع از حقوق هم طبقه ای هایم، بیش از سه سال است که در شرایط سخت و با اتهام زنی های واهی تحمل کیفر می کنم و تعدادی از همکارانم در شرکت واحد به همین دلیل از کار اخراج شده اند و تعدادی هم قبلاً زندانی بودند که بعد از پایان حبس از زندان آزاد شده اند و تعدادی از همکاران و فعالان کارگری در کمیته ي هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته ي پیگیری، اتحادیه آزاد، سندیکای نقاشان ساختمان و ... یا در زندان هستند و یا به تازگی محکوم به زندان شده اند، به خاطر اصرار بر اجرای همان قانونی که کاندیداهای انتخاباتی در تمام مدت تبلیغات شان مدام بر رجوع به آن و اجرای بی کم و کاستش تاکید می کردند، اکنون در زندانم به خاطر فصل سوم حقوق ملت به خصوص اصول 2 بند ج و 3، 23، 26، 27، 28، 29، 30، 31، 41 و ... قانون اساسی.

عصر سازندگی بود، ما کارگران ساختیم، اما به قیمت ویران شدن خودمان، عصر اصلاحات شد و آنچه دست نخورده باقی ماند قوانین ضد کارگری و اصلاح فصل ششم قانون کار بود و عصر عدالت محوری که عدالت را با هدفمندی یارانه ها جراحی کردند. ما می گوئیم اگر شعار تولید

ملی سر می دهید و درصد جلب نظر سرمایه گذاران هستید، فراموش نکنید که این تولید را باید کارگران انجام دهند. ما کارگران کار می خواهیم، اما نه تحت هر شرایطی. تا کی باید این مسئله ی بدیهی را یادآوری کرد که در یک جامعه ی طبقاتی، کارگر یعنی استثمار شدن و یعنی تحت سلطه بودن؟! هم طبقه ی های زحمتکش من، تنها دو راه موجود است تا از این واقعیت رهایی پیدا کنیم: متشکل شدن و تشکل سازی. ما کارگران باید به شکل های مختلف، مقاومت کارگران علیه سرمایه داری را در ذهن کارگران زنده کنیم، مثل تشکل سندیکاها، شوراهای کارگری، اتحادیه و کمیته های کارگری برای ایجاد و تشکل یابی، تشکل صندوق همیاری جهت کمک به کارگران اخراجی و زندانی و نیازمند، تشکل کلاس های آموزشی و استفاده از تجربیات فعالین کارگری پیشکسوت.

کارگران زحمتکش حق گرفتنی است. منتظر این دولت و آن دولت نباشید، ما کارگران و مردم فرودست در طول سه دهه گذشته بخصوص در چهار سال اخیر بیشترین فشارها را متحمل شدیم و هر روز هم از لحاظ اقتصادی وضعیت مان بدتر می شود، از کار اخراج می شویم، زندانی می شویم ماه ها حقوق دریافت نمی کنیم و آنهایی که حقوق 487 هزار تومان دریافت می کنند، تنها 10 روز می توانند زندگی کنند. همکاران من، نظام نظام سرمایه داری است برای اینکه اولاً دستمزد سال 92 را شش درصد پائین تر از نرخ تورم (البته بر اساس آمارهای دولتی) و بدون در نظر گرفتن ماده 41 قانون کار و بندهایی از اصل سوم و فصل سوم قانون اساسی تعیین کردند و دوم اینکه وزیر کار دولت نظام سرمایه داری اعلام کرده: برای افزایش مبلغ 10 هزار تومان حق مسکن و مبلغ 15 هزار تومان بن نقدی کارگران رضایت کارفرما ملاک است، در غیر اینصورت با افزایش حق مسکن مخالفت خواهیم کرد؛ کسی نیست به آقای وزیر بگوید که وقتی در جنوبی ترین منطقه تهران زمین متری 5 میلیون تومان، ودیعه مسکن 20 میلیون تومان به بالا و اجاره مسکن ماهانه از 400 هزار تومان به بالا و گرانی کالاها و مایحتاج روزانه مردم، ماهیانه مبلغ 10 هزار تومان حق مسکن و مبلغ 15 هزار تومان بن نقدی برای کارگران چه دردی را دعوا می کند؟ آقای وزیر کارگران برای زنده ماندن کار می کنند نه برای زندگی کردن. کارگران زحمتکش این وضعیت تا زمانی که تشکل های مستقل کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما تشکل ندادند ایم و از حق اعتراض، تجمع و اعتصاب برخوردار نشده ایم ادامه خواهد داشت. همکاران و هم طبقه ای های زحمتکش، بیش از 4 میلیون بیکار که در تنور داغ تورم (به گفته آمار دولتی 31 درصد که بیش از این است) می سوزند و حدود 75 درصدشان به همراه خانواده در زیر خط فقر مطلق در شرایط نامناسب شب سر را بر بالین می گذارند. همه این ناعدالتی ها و تبعیض و ظلم و ستم بر می گردد به نبود تشکل های واقعی و مستقل کارگری و عدم برخورداری از حق اعتراض تجمع و اعتصاب که به این طریق صدای رسای طبقه کارگر را به گوش سرمایه داران ضد کارگری برسانیم. به تجربه سندیکای کارگران شرکت واحد بنگرید؛ هر چند هزینه های گزافی از شکنجه تا زندان و جانبازی و اخراج متحمل شدیم، اما با تشکل سندیکا و به واسطه آن اعتراض، تجمع و اعتصاب، وضعیت راننده گان عوض شد. نگاه مسئولان به شرکت واحد ویژه شد، جلوی بسیاری از دزدی ها گرفته شد، ناوگان حمل و نقل عمومی نوسازی شد. از هم گسیختگی درون خانواده های کارگری تا حدی ترمیم شد، اعتیاد به حد چشم گیری کاهش پیدا کرد و ... هم طبقه ای های عزیز هیچکس به داد کارگران نمی رسد، مگر خودشان. اگر وضعیت طبقه ی کارگر در طول این سال ها بدتر شده به این دلیل نبوده که خواسته به نیروی خودش متکی شود، بر عکس طبقه ی کارگر آنجایی ضرر کرده که به نیرو و توان و جایگاه خود شک کرده و قدرت تفکر و تصمیم گیری را به دست این یا آن دولت داده است.

تجربه ی سندیکای کارگران شرکت واحد، نیشکر هفت تپه، پتروشیمی بندر امام، لاستیک سازی البرز و غیره نشان داده که ما اگر اراده کنیم می توانیم و در نتیجه رهایی طبقه کارگر توسط خود طبقه ی کارگر ممکن خواهد بود و ما نباید برای تحقق این شعار ناامید شده و دست از تلاش و کوشش برداریم. هم طبقه ای های زحمتکش، نسل امروز هزینه ی سکوت نسل دیروز در برابر انحراف از آزادی و استقلال و عدالت را می پردازد، پس برای به رسمیت شناخته شدن تشکل

هاي مستقل كارگري و حق اعتراض، تجمع و اعتصاب (كه حق مسلم ما كارگران است) فرياد برآريم و پافشاري كنيم، تا نسل فردا ما را به عتاب خطاب نكند.
اعتراض، تجمع، اعتصاب حق مسلم ماست
كارگران متشكل شويد
زنده باد آزادي و برابري- پابنده باد جنبش كارگري
رضا شهابي ذكريا- 92/5/6 - زندان اوين بند 350

دبير خانه كارگر سمنان خبر داد: نگرانی كارگران «تارا» از طولانی شدن مرخصی اجباری

به گزارش خبرگزاری دولتی كار ايران- ايلنا در 6 مرداد 92 آمده است : دبير خانه كارگر سمنان از تعطیلی يك ماهه كارخانه يخچال سازی تارا در استان سمنان خبر داد.

«حبيب الله محقق» با اعلام اين خبر به ايلنا گفت: با افزايش مشكلات مالی كارخانه، كارفرما از ماه جاری (مرداد ماه) با اعلام تعطیلی موقت كارخانه به مدت يك ماه، ۲۶ كارگر اين واحد را به مرخصی اجباری فرستاده است.

او با بيان اينكه كارگران نگران امنيت شغلی خود هستند، اظهار داشت: كارگران از اين می ترسند كه مشكلات كارخانه در اين مدت کوتاه رفع نشود و با طولانی شدن مرخصی، شغلشان را از دست بدهند.

اين فعال كارگری همچنين در خصوص معوقات حقوقی اين كارگران گفت: به گفته كارگران، كارفرما چندین ماه است كه در پرداخت حقوق تعلل می كند و علاوه بر آن، در طول اين يك ماه كه كارگران به اجبار كارخانه را ترك می كنند كارفرما حقوقی به آنان پرداخت نمی كند.

محقق در پایان تصریح كرد: كارخانه تارا یکی از تولیدکنندگان يخچالهای فريزر در سطح استان است كه به دليل آنچه مديران كارخانه عدم وجود نقدینگی برای تهیه مواد اولیه عنوان می كنند دچار مشكلاتی شده است.

پایان پیام

كارگران نيشكر هفت تپه از صبح امروز دست به اعتصاب زدند

به نوشته سايت اتحاديه آزاد كارگران ايران در تاريخ 7 مرداد 92 آمده است : بنا بر گزارشی كه از سنديكای كارگران نيشكر هفت تپه بدست اتحاديه آزاد كارگران ايران رسیده است حدود 500 كارگر كارخانه نيشكر هفت تپه از صبح امروز دست به اعتصاب زده اند.

بنا بر اين گزارش تا لحظه تنظيم اين خبر (ساعت 14 ظهر) مسئولين نيشكر هفت تپه پاسخی به خواستههای كارگران نداده اند و اين اعتصاب همچنان ادامه دارد.
كارگران نيشكر هفت تپه خواستههای خود را در 5 بند تنظيم کرده اند و خواهان تحقق آنها هستند. اين خواستهها عبارتند از:

1- بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل كه از سال 1387 پيگيرهای لازم در اين مورد از سوی سنديكای كارگران نيشكر هفت تپه صورت گرفته است. بطوریکه بر اساس اين پيگيرها نامه ای از وزارت كار به اداره كار استان و از اداره كار استان به اداره كار شهرستان شوش جهت بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل كارگران هفت تپه ابلاغ شده است اما تاکنون ترتيب اثری به اين ابلاغیه داده نشده است.

2- اخراج اعضای هیات مدیره کارخانه به نامهای حسن عبدالهی، رضا مددی، کاظمینی و برزو احمدی که دو شغله هستند. برزو احمدی رئیس سابق اداره اطلاعات شوشتر بوده و در اخراج کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضات سالهای 86 و 87 این کارگران نقش موثری داشته است.

3- ابقا بکار مدیر عامل فعلی کارخانه آقای فرشید مومن غریب که از کار خود تعلیق شده و احتمال اخراج وی بر سر زبانها افتاده است. وی از پرسنل قدیمی کارخانه نیشکر هفت تپه می باشد

4- عدم واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه و منازل سازمانی آن به سپاه

5- شکسته شدن فضای امنیتی در شرکت نیشکر هفت تپه که بدنبال اعتراضات کارگران از سال 1386 به این سو بر شرکت حاکم شده است بطوریکه از آن تاریخ به این سو با سیطره افراد امنیتی بر اداره شرکت بسیاری از کارگران معترض منجمله اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای علی نجاتی، فریدون نیکو فر، محمد حیدری، جلیل احمدی، رضا رخشان و قربان علیپور از کار خود اخراج شدند.

اطلاعیه شماره نه کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

بر پایه اطلاعیه رسیده آمده است : وضعیت جسمی رضا شهابی، فعال کارگری در بند ، در زندان اوین هر روز رو به وخامت است. بدون تردید از طریق رسانه های جمعی و خبری مطلع هستید که وضعیت جسمی رضا شهابی هر روز نگران کننده میشود.

رضا شهابی بعد از عمل جراحی کمر مجدداً به زندان بازگردانده شد و با وجود امکانات بد زندان و عدم امکانات پزشکی و فشارهای روزانه در زندان و دردهای ناشی از کمر در رنج است. سلامتی رضا شهابی در خطر جدیست و همینجا کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده اعلام میکند که وضعیت جسمی محمد جراحی فعال کارگری در زندان نیز رو به وخامت است و تاکنون بارها برای مداوا به مراجع زندان رجوع شده است که بی پاسخ مانده است.

وجدانهای بیدار انسانهای مدافع حقوق کارگر و زحمتکشان و انسانهای آزادیخواه مدت زیادی نیست که شاهد مرگ افشین اسانلو فعال کارگری در زندان بودیم.

وجدانهای بیدار انسانهای مدافع حقوق کارگر و زحمتکشان و انسانهای آزادیخواه مدت زیادی نیست که شاهد مرگ افشین اسانلو فعال کارگری در زندان بودیم.

هم اکنون چندین فعال کارگری دیگر تنها به جرم دفاع از حقوق حقه خود در زندانها در بدترین شرایط بسر میبرند.

تنها با اراده جمعی ماست که میتوانیم جلوی سناریوی مرگ تدریجی کارگران در زندان را بگیریم. شرایط بد جسمی و روحی فعالین کارگری و اجتماعی در زندانها تنها یک گوشه از واقعیت تلخ زندگی زندانیان سیاسی است.

خانواده های این عزیزان از وضعیت تاسف باری برخوردار هستند؛ اگر چه هم طبقه ای ها و وجدانهای بیدار کمکهای بی دریغ معنوی خود را نثار این خانوادهها کرده اند؛ اما واقعیت غیر قابل انکار این است که این فعالین کارگری و اجتماعی نان اوران خانواده خود هستند.

این یک واقعیت غیر قابل انکار است که کودکان این خانواده ها به پدران و مادران خود نیاز دارند؛ این یک واقعیت غیر قابل انکار است که فقر هر روز بیش از پیش یقه این خانوادهها را گرفته است.

خواست کمیته دفاع از فعال کارگری بهنام ابراهیم زاده از همه انسانهای شریف و آزادیخواه این است که در اقدامات متشکل و متحد و سراسری برای آزادی تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی وارد عمل شویم و از هیچ کوششی دریغ نکنیم.

دوستان تا دیر نشده است تنها با خواست کارگر زندانی؛ زندانی سیاسی بدون قید و شرط آزاد باید گردد؛ حرکت کنیم.

کارگر زندانی؛ زندانی سیاسی بدون قید و شرط آزاد باید گردد!
کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده - هفتم مرداد ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

پروین محمدی: دولت به تبلیغات افزایش حقوق کارگران نیازمند است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 7 مرداد 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: مصوبه امروز شورای عالی کار در خصوص افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار هشت ماهه باقیمانده سال ۹۲ تنها یک «ژست» تبلیغاتی است. «پروین محمدی» با اعلام این که دولت در واپسین روزهای حضورش به تبلیغات نیاز دارد، گفت: در نشست امروز شورای عالی کار به جای افزایش مزد تنها مبلغ ثابتی به حقوق کارگران افزوده شد.

وی با یادآوری اینکه افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران تنها محدود به هشت ماهه باقیمانده سال ۹۲ می شود، گفت: این رقم ثابت مانند یارانه ۴۵ هزار تومانی در جریان نوسانات اقتصادی پیش رو به سرعت بی ارزش خواهد شد. وی با بیان اینکه این افزایش با واقعیت های اقتصادی همخوانی ندارد، گفت: دولت و شورای عالی کار می بایست از همان زمان برگزاری جلسات تعیین مزد شورای عالی کار درصد افزایش منطقی و واقعی دستمزدها می بود. به گفته این فعال مستقل کارگری هرچند مصوبه امروز جلسه شورای عالی کار بیانگر تاثیرگذاری واکنش های اعتراضی چند سال اخیر کارگران و بازتاب رسانه ای آن است، اما اقدام امروز شورای عالی کار تنها ژست تبلیغاتی است.

به گفته محمدی در ظاهر دولت به عنوان متولی شورای عالی کار در در پنجمین ماه سال توانسته است تا کارفرمایان را در برابر خواسته های کارگران تسلیم کند و حقوق مسکن و خوار و بار سال ۹۲ را ۲۵ هزار تومان افزایش دهد اما در عمل مصوبه را به گونه ای تنظیم کرده است که به زعم خود تا حد امکان جلوی تبعات این افزایش گرفته شود. وی گفت: براساس مصوبه امروز تنها کارگران شاغل و آنهم از ماه مرداد به بعد از مزایای افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار برخوردار می شوند و بابت چهار ماه نخستین سال ربالی به آنها تعلق نخواهد گرفت.

این فعال مستقل کارگری افزود: از آنجا که طبق قانون حقوق مسکن و خوار و بار جزء حساب «مزد» محسوب نمی شوند در نتیجه این افزایش حقوق بر محاسبه حق بیمه و مستمری کارگران بازنشسته و از کار افتاده تاثیری نخواهد داشت.

محمدی گفت: بدین ترتیب دولت با مصوبه امروز مانع از آن شد تا در بدترین شرایط اقتصادی ممکن سازمان تامین اجتماعی و مستمری بگیران آن بتوانند از فرصتی که برای افزایش مزد به وجود آمده بود بهره مند شوند.

این فعال کارگری افزود: افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران آنهم در حالی که تنها چند هفته بیشتر به پایان عمر دولت باقی مانده، ثابت می کند دولت به جای انجام کار اصولی درصد انجام کارهای تبلیغاتی است.

عدم پرداخت 10 ماه حقوق کارگران بال هایپرمارکت اصفهان و بیکاری کارگران در پی تعطیلی این مجموعه

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 7 مرداد 92 آمده است: بسیاری از کارگران مجموعه هایپر بال نزدیک به 10 ماه است حقوق نگرفته اند و در حال حاضر نزدیک به 500 کارگر از آنها شکایت کرده و حکم قضایی دارند.

بنابراین گزارش، مدیر عامل مصلی اصفهان با اشاره به بدهی 12 میلیاردی سهام داران هایپریال گفت: متأسفانه چند روزی است که سهام داران این مجموعه تلفن‌های همراه خود را خاموش و درب این مجموعه هم بسته است.

ابراهیم پرچمی افزود: بال به نوعی مستاجر مصلی اصفهان و اداره اوقاف است و از یک سال پیش تا کنون دچار نوعی مشکلات مالی شده است.

وی اظهار داشت: بر اساس اطلاعاتی که من از وکیل سهام داران این مجموعه دارم آنها یک بدهی نزدیک به 12 میلیارد تومانی دارند و در حال حاضر نیز ضمن تعطیلی این مجموعه آنها حتی تلفن‌های همراه خود را نیز خاموش کرده و یا تلفن همراه آنها در دسترس نیست.

پرچمی بیان داشت: بسیاری از کارگران این مجموعه نزدیک به 10 ماه است حقوق نگرفته و بسیاری از تامین کننده اجناس هایپر بال نیز طلبکار هستند و آنها نزدیک به یک میلیارد تومان نیز اوقاف اصفهان بدهکار هستند.

مدیر عامل مصلی اصفهان در ادامه با اشاره به اینکه آنها فقط یک برگه در پشت درب مجموعه خود نصب کرده‌اند که امور حسابرسی در عید فطر است گفت: این تنها نکته‌ای است که از آنها به چشم می‌خورد.

وی تصریح کرد: ما حتی جهت سهولت و پیشرفت کار آنها بارها اعلام کردیم که بدهی خود را به ما تقسیط کنند که متأسفانه آنها از این طرح نیز استقبال نکردند و در حال حاضر نزدیک به 500 کارگر از آنها شکایت کرده و حکم قضایی دارند و یا بسیاری از تامین کننده نیازهای این مجموعه حکم توقیف اموال گرفته‌اند.

پرچمی با اشاره به اینکه همکاری ما با آنها هنوز نیز ادامه دارد ولی آنها گوششان بدهکار نیست گفت: چند روز پیش بابت بدهی نزدیک به 80 میلیون تومانی برق آنها قرار بود تا برق این مجموعه قطع شود که با وساطت انجام شده چون احتمال وجود مواد غذایی فاسد شدنی در این درون مجموعه وجود داشت این موضوع فعلاً منتفی شد.

مدیرعامل مصلی اصفهان در پایان گفت: هر گونه همکاری در داخل استان برای تسریع در امور این مجموعه شده است اما متأسفانه اکنون کار به اینجا کشیده است.

پرچمی همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار ما مبنی بر اینکه گفته می‌شود تعدادی از سهام داران این مجموعه اماراتی هستند گفت: سرمایه گذاران اولیه این مجموعه ایرانی هستند. مجموعه "هایپریال" در خردادماه سال 1390 افتتاح شده بود.

حدود 40 هزار نفر از بازنشستگان صندوق فولاد در استان اصفهان هنوز حقوق خردادماه خود را دریافت نکرده‌اند!

به گزارش 6مردادفارس، حقوق بازنشستگان صندوق فولاد از مدت‌ها پیش تاکنون همواره با تأخیر پرداخت می‌شود و مسئولان نیز همواره وعده‌هایی را برای رفع این مشکل و پرداخت حقوق این بازنشستگان در موعد مقرر می‌دهند.

براساس این گزارش، در حال حاضر حدود 40 هزار نفر از بازنشستگان صندوق فولاد در استان اصفهان هنوز حقوق خردادماه خود را دریافت نکرده‌اند و این بی‌توجهی‌ها سبب بی‌اعتمادی این افراد به دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران شده است.

بلا تکلیفی ۱۵۰۰ کارگر پس از آتش‌سوزی عظیم در کارخانه گلناز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 7 مرداد 92 آمده است: نماینده کارگران کارخانه روغن نباتی گلناز از بلا تکلیفی ۱۵۰۰ کارگر شاغل در این کارخانه در پی وقوع آتش‌سوزی گسترده در این واحد تولیدی خبر داد.

«عباس انجام شعاع» رئیس شورای اسلامی کار کارخانه روغن نباتی گلناز در تشریح جزئیات آتش سوزی روز گذشته این کارخانه، به ایلنا گفت: با توجه به اینکه در جریان آتش سوزی کارخانه که از ساعت دو بعد از ظهر روز گذشته تا دو بامداد امروز (هفتم مرداد) بخشهای زیادی از کارخانه همانند انبارهای فنی، مواد و پلاستیک، واحد تولید بطری، واحد تصفیه آب معدنی، کارگاههای برق و فنی، قسمتهایی از واحد تزریق پلاستیک و کلیه مواد خام اولیه دچار سوختگی کامل شده است، تولید در این کارخانه به طور موقت تعطیل شده است.

او با اشاره به اینکه کارگران از ادامه همکاری با این کارخانه اطمینان ندارند، افزود: در صورت غیر فعال شدن خطوط تولید، تنها در بخش تولید روغن نباتی این کارخانه حدود ۷۰۰ نفر از کارگران بیکار خواهند شد. این کارگر کارخانه روغن نباتی گلناز اضافه کرد: در این کارخانه خطوط تولیدی دیگری همچون آب معدنی نیز وجود دارد، که در صورت ایجاد مشکل در خطوط تولید کارگران بیشتری بیکار خواهند شد. این فعال کارگری با بیان اینکه کارگران نگران از دست دادن شغلشان هستند گفت: به گفته مدیر عامل از فردا همه کارگران قرار است در شیفت‌های کاری خود برای انجام نظافت واحیای کارخانه حاضر شوند.

او اضافه کرد: در جریان این آتش سوزی چند نفر از کارگران که در تلاش بودند آتش سوزی کارخانه را مهار کنند دچار سوختگی سطحی شدند و خوشبختانه این حادثه خسارات جانی دیگری نداشته است.

این کارگر در خاتمه گفت: همچنین در جریان این آتش سوزی سه هزار تن مواد اولیه روغن نباتی بطور کامل از بین رفته است.

پایان پیام

بیش از 200 کارگر کارکنان خط انتقال آب زابل - زاهدان بیش از 4 ماه در انتظار حقوق هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 7 مرداد 92 آمده است: بیش از 200 کارگر و پرسنل قراردادی خط انتقال آب زابل به زاهدان از ابتدای سال جاری تاکنون از دریافت حقوق و مزایا محروم بوده و در همین راستا خواستار توجه مسئولان به این موضوع شدند.

بنابراین گزارش، تعدادی از کارگران و پرسنل خطوط انتقال آب زابل - زاهدان با ابراز نارضایتی از بی توجهی مدیریت این شرکت به وضعیت معیشتی آنها خواستار توجه مسئولان کشوری و رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

کارکنان خط انتقال آب زابل-زاهدان با بیان اینکه نامه نگاری های آنها با مقامات آبفا و مدیران ارشد استان هیچ حاصلی نداشته است از مسئولان کشوری خواستند تا هر چه زودتر به وضعیت آنها رسیدگی کنند.

در سال 92 هیچ حقوقی پرداخت نشده است

در این رابطه یکی از پرسنل ایستگاه پمپاژ آب در محور زاهدان- زابل گفت: متأسفانه با وجود اینکه بارها به شرکت آبفا مراجعه داشتیم اما هر بار با وعده روبرو شده و نه تنها به این مشکل پاسخ داده نشده بلکه هیچ گونه مساعدت و کمکی برای حل مشکل کارگران انجام نشده است. وی که نخواست نامش فاش شود گفت: کارکنان ایستگاه های پمپاژ خط انتقال آب بارها تصمیم به ترک کار داشتند اما به دلیل تعهد و ایمان تاکنون این اجازه را به خود ندادند که به خاطر مادیات حتی برای دقیقه ای آب بر روی مردم بسته شود.

یکی دیگر از کارکنان ایستگاه پمپاژ شماره 2 نیز گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون هیچ اقدامی برای تامین حقوق کارکنان و نگهبانان نشده است و لذا بسیاری از آنها در مقابل خانواده خود خجل و شرمسار هستند.

در این راستا تعدادی از کارکنان شرکت آب و فاضلاب استان با انتقاد از نحوه هزینه کرد درآمد ها در این شرکت مدعی شدند: ارقام بسیار زیادی برای نصب دوربین های حفاظتی و امنیتی در منزل استیجاری مدیر و حتی مهمانسرای تهران در سال جدید هزینه شده است که با این مبلغ می شد بخشی از مشکل همین کارگران را حل کرد.

در همین رابطه یکی از کارکنان خطوط انتقال آب با بیان اینکه از ابتدای سال تاکنون هیچ توجهی به وضعیت زندگی آنها نشده است گفت: مدیر عامل شرکت آبفا به طور متوسط در هر هفته به مدت سه روز در ماموریت تهران بسر می برد و لذا این مشغله اجازه توجه به افرادی هم چون ما که در 100 کیلومتری شرکت و در ایستگاه های پمپاژ کار می کنیم را نمی دهد.

وی افزود: مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب از جمله مدیران پروازی در استان است که برای رسیدگی به امور خانواده روزهای بی شماری را در طی ماه در خارج از استان سپری می کند و لذا این مشکل علاوه بر ایجاد هزینه های سربار برای این شرکت اجازه رسیدگی به امورات با توجه به وسعت و گستردگی استان و پروژه های در دست اقدام را از ایشان سلب کرده است.

در صورت تصویب هیئت دولت انجام می شود: افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران از مردادماه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 7 مرداد 92 آمده است: دومین نشست ویژه شورای عالی کار با افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار سال ۹۲ کارگران خاتمه یافت.

«احمدرضا معینی» عضو کارگری شورای عالی کار با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: بر اساس مصوبه امروز جلسه شورای عالی کار حق ماهانه مسکن کارگران صد درصد افزایش پیدا کرد و از ۱۰ هزار تومان در هر ماه به ۲۰ هزار تومان رسید.

به گفته این مقام کارگری همچنین حق خوار و بار کارگران ۱۵ هزار تومان افزایش یافت و از ۲۵ هزار تومان به ۵۰ هزار تومان رسید.

نماینده کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در شورای عالی کار با بیان اینکه مصوبه امروز برای اجرایی شدن تا چند روز آینده به تصویب هیات دولت خواهد رسید، یادآور شد: تغییرات مربوط به افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران از ماه مردادماه اعمال خواهد شد و مشمول چهار ماه سپری شده سال ۹۲ نمی شود.

وی بایان اینکه اکثریت اعضای شورای عالی کار در جلسه امروز با این افزایش حقوق موافق بودند، گفت: به دلیل شرایط بد اقتصادی نتوانستیم تمامی اعضای شورای عالی کار را نسبت به افزایش مزد متقاعد کنیم.

به گفته معینی از آنجا که طبق قانون مزد دریافتی کارگران مبنی محاسبه و کسر حق بیمه تلقی شده و مبلغ حقوق مسکن، بن، عائله مندی، خوار و بار و... کارگران ارتباطی با حق بیمه ندارد، مصوبه امروز شورای عالی کار تاثیری بر دریافتی های سازمان تامین اجتماعی ندارد.

پایان پیام

جان باختن کارگر 40ساله در چاه درمهرشهرکرج

به گزارش اسپیدارآنلاین، در 7 مرداد 92 آمده است: مدیر روابط عمومی سازمان آتش نشانی شهرداری کرج از مرگ یک کارگر 40ساله در منطقه مهرشهر کرج بر اثر سقوط در چاه خبر داد. امیر رنجی با اعلام این خبر، بیان کرد: این کارگر چاه کن که حدود 40 سال سن داشت هنگام حفر چاه در گودال سقوط کرده و در عمق 20 متری چاه محبوس شده بود. مدیر روابط عمومی آتش نشانی شهرداری کرج با اشاره به اینکه هیچ گونه علائم حیاتی از سوی وی در چاه توجه

نیروهای این سازمان را جلب نکرد، افزود: بر این اساس احتمالات مبنی بر فوت حادثه دیده افزایش یافت. رنجی ایجاد کارگاه مخصوص عملیات چاه توسط نیروهای امداد و نجات ایستگاه های آتش نشانی شهرداری کرج را به منظور نجات کارگر از عمق این چاه عنوان کرد و اظهار داشت: متأسفانه پس از یک ساعت تلاش همکاران بیکر بی جان این کارگر از داخل گودال 20 متری به خارج منتقل شد.

رئیس اتحادیه کفاشان این استان خبر داد: کاهش ۴۰ میلیونی تولید در صنعت کفش استان اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 7 مرداد 92 آمده است: رئیس اتحادیه کفاشان استان اصفهان از کاهش ۴۰ میلیونی تولید در صنعت کفش این استان طی ۸ سال گذشته خبر داد.

«اکبر زاهدی» در این باره به ایلنا گفت: در ۸ سال گذشته، سهمیه تولید در صنعت کفش استان اصفهان از ۴۵ تا ۵۱ میلیون جفت کفش یا دمپایی و... به ۱۱ میلیون کاهش داشته است.

وی با اشاره به وجود ۴ کارخانه بزرگ و ۴۶۲ کارگاه کوچک تولید کفش استان اصفهان در هنگام ورود دولت آقای احمدی نژاد، افزود: سیاست های اقتصادی دولت های نهم و دهم در حوزه صنعت کفش، بسیاری از کارگاه های تولیدی کوچک و سنتی را تعطیل و کارگزارانشان بیکار کرده است.

این فعال صنفی در ادامه با اشاره به رکود حاکم بر صنعت کفش استان اصفهان بیان کرد: این رکود که ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه، کمبود نقدینگی، فرسودگی ماشین آلات واحدهای تولیدی، واردات کفش های چینی و عدم آموزش کارگران است تولید کفش استان را به شدت کاهش داده است.

به گفته آقای زاهدی، تولیدکنندگان کفش استان برای نوسازی ماشین آلات واحدهایشان، نقدینگی ندارند و لازم است وام های کم بهره به آنان اختصاص یابد.

وی تصریح کرد: در صورتی که دولت برای رفع کمبودها کمک کند صنعت کفش استان، ظرفیت اشتغالزایی دوبرابری نسبت به شرایط موجود را دارد.

رئیس اتحادیه کفاشان استان اصفهان در پایان با تاکید بر اهمیت صادرات در صنعت کفش اظهار داشت: دولت باید بازار هدف در سایر کشورها را شناسایی کند تا وجهه صادراتی صنعت کفش استان تقویت شود.

پایان پیام

تجمع کارگران فولاد زاگرس در مقابل اداره کار شهرستان قروه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 7 مرداد 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز 92/5/7 صد نفر از کارگران کارخانه فولاد زاگرس در مقابل اداره کار قروه دست به تجمع زدند. این تجمع از 10 صبح تا 12:40 امروز ادامه داشت. در پی مراجعه کارگران به تهران قرار بر این بود که کمیسیون اصل نود به مشکلات آنان رسیدگی کند اما تاکنون هیچ جوابی به آنان داده نشده است.

کارگران در تاریخ مقرر به کارخانه مراجعه کرده و دفتر کار خود را امضا می کنند ولی مدیر کارخانه در محل کار حاضر نشده و آنان به ناچار در مقابل اداره کار دست به تجمع زدند؛ تجمع کنندگان تاکید کردند که اگر تا شنبه به آنان پاسخ داده نشود با خانواده‌هایشان مجدداً در مقابل اداره کار تجمع خواهند کرد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

1392

حمایتِ سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات از فعالین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بر پایه خبر رسیده در تاریخ 1392/5/7 آمده است: با توجه به مذاکرات روزگذشته 1392/5/6 فعالین سندیکایی کارگران هفت تپه، کارفرمای این واحد تولیدی قول داده است که از هفته آینده سبد کالای ماه رمضان را به کارگران تحویل داده و طبقه بندی مشاغل را نیز اجرایی کند. ما حمایت خود را از مبارزات سندیکای کارگران هفت تپه و فعالین و کارگران این واحد تولیدی اعلام کرده و به دوستان خود می‌گوییم که در این مبارزات همیشه در کنار شما هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

پس از ۱۱ روز تأخیر انجام شد: پرداخت حقوق تیرماه معلمان بر اساس احکام ماه گذشته

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 7 مرداد 92 آمده است: رئیس مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش از پرداخت حقوق تیرماه فرهنگیان مطابق احکام حقوقی خرداد ماه خبر داد.

به گزارش ایلنا، «علی فرهادی» رئیس مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش اظهار داشت: پیرو نامه مورخ ۲۷ خرداد ماه معاون اول رئیس‌جمهور درخصوص مصوبه شماره ۷۱۸۹۳/ت/۴۹۳۰۲ هـ هیئت وزیران مبنی بر برقراری فوق‌العاده شغل فرهنگیان و همچنین تأکید رئیس‌جمهور در تاریخ ۱۵ تیرماه در جمع رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور، مقرر شد فوق‌العاده شغل موضوع بند ۵ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری به مرحله اجرا در آید؛ بر این اساس افزایش احکام حقوقی فرهنگیان از اول تیر ماه سال جاری صادر و طی نامه شماره ۳۷۸۷۹ مورخ ۵ مرداد ۹۲ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به مبلغ ۶۳۰۰ میلیارد ریال برای سال ۹۲ تأمین اعتبار شد. وی افزود: با توجه به تأخیر در تأمین اعتبار و به تبع آن تأخیر حاصله در پرداخت حقوق فرهنگیان، عصر روز شنبه ۵ مرداد ماه نامه‌ای به شماره ۳۷۸۵۰ از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری مبنی بر پرداخت حقوق تیرماه فرهنگیان واصل شد که پرداخت مطابق لیست حقوق خردادماه را تأکید کرده است.

فرهادی تصریح کرد: از آنجایی که اعمال مصوبه ابلاغی از سوی معاون اول رئیس‌جمهور (موضوع نامه شماره ۷۱۸۹۳/ت/۴۹۳۰۲ هـ) در برخی استان‌ها اعمال و در این چند استان مطابق افزایش اخیر پرداخت شده است و در سایر استان‌ها نیز احکام افزایش حقوقی تمامی فرهنگیان صادر شده است، لذا با تأمین نهایی اعتبار، تمام پرداخت‌های مربوطه انجام خواهد شد.

وی یادآور شد: این افزایش حقوق مصوبه هیئت وزیران را داراست و از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری نیز تأمین اعتبار لازم در این زمینه صورت گرفته است.

فرهادی خاطر نشان کرد: به منظور رفع نگرانی ناشی از تأخیر در پرداخت حقوق تیر ماه و جلوگیری از مشکلات احتمالی ناشی از اجرای نامه مذکور در بند ۵، پیرو درخواست معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری مقرر شد، پرداخت حقوق فرهنگیان در استان‌هایی که با تأخیر مواجه شده است، مطابق احکام خردادماه آنان انجام شود و پس از تأمین اعتبار مکفی افزایش ناشی از مصوبه اخیر هیئت وزیران پرداخت می‌شود.

پرداخت ماهه‌التفاوت افزایش حقوق تا چند روز آینده

همزمان با انتشار این خبر، روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: ماهه‌التفاوت افزایش حقوق تیرماه فرهنگیان تا چند روز آینده به حساب آنان واریز می‌شود.

پایان پیام

گفت و گو با داود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

گفت و گوهای کارگری، شنبه ۲۷ جولای:
چشم انداز وضعیت معیشتی و سازمان یابی کارگران در دولت آینده و بررسی تشکیل صندوق های کارگری، در گفت و گو با داود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
گوش کنید:

[file:///C:/Users/Behrouz/Downloads/Ghofteghoo%20haye%20kargari%20\(2\).mp3](file:///C:/Users/Behrouz/Downloads/Ghofteghoo%20haye%20kargari%20(2).mp3)

گفتگوی رادیو ندا با فاطمه گلگزی، مادر زنده یاد افشین اسانلو

خانم فاطمه گلگزی، مادر زنده یاد افشین اسانلو، در گفتگو با رادیو ندا با اشاره به برگزاری مراسم چهلم با شرکت بسیاری از مردم و تشکراز همه کسانی که در این چهل روز او را تنها نگذاشته اند، گفت: " غم افشین برای من خیلی سنگین است. از پای نمی نشینم تا ندانم سر بچه من چه آورده اند! "

گوش کنید:

http://radio-nda.blogspot.se/2013/07/blog-post_30.html

اعتراض کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان دیر از پرداخت نشدن مطالباتشان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ ۸ مرداد ۹۲ آمده است: جمعی از کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان دیر نسبت به عدم پرداخت مطالباتشان (حق مسکن، مرخصی مناطق محروم، ماموریت، اضافه کار، حق لباس و شیر، کارانه و عدم پرداخت دیون) از طرف مسئولان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر اعلام نارضایتی و اعتراض کردند. یکی از کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان دیر با بیان اینکه پرداخت نشدن حق مسکن، ماموریت، اضافه کار، حق لباس، کارانه و عدم پرداخت دیون موجب بروز اعتراض هایی در میان کارمندان این شبکه شده، گفت: همه کارمندان با توجه به میزان دریافتیشان برای خرج کردن آن برنامه ریزی کرده‌اند و معوق شدن مطالبات، آنها را با مشکل مواجه کرده که لازم است مسئولان دانشگاه به مشکل آنان رسیدگی کنند.
عدم پرداخت حق مسکن و مرخصی مناطق محروم

یکی دیگر از کارکنان رسمی شبکه بهداشت و درمان شهرستان دیر نیز با اعلام ناراضی‌تبی از پرداخت نشدن حق مسکن کارکنان، گفت: به مدت 22 ماه است که حق مسکن دریافت نکرده‌ام و این در حالی است که این مهم در فیش حقوقی کارکنان بسیاری از ادارات گنجانده شده و ماهیانه به همراه حقوق خود دریافت می‌کنند.

وی به میزان ریالی حق مسکن کارکنان رسمی دانشگاه علوم پزشکی اشاره کرد و گفت: حق مسکن افراد متاهل مبلغ هشتاد هزار تومان و افراد مجرد و خانم‌ها مبلغ شصت هزار تومان است که با احتساب 22 ماه، کارکنان مبلغی بین یک میلیون و 300 هزار تومان تا یک میلیون و 600 هزار تومان از دانشگاه علوم پزشکی طلب دارند.

یکی دیگر از کارکنان درخصوص مرخصی مناطق محروم گفت: با وجود گذشت چند سال هنوز مبالغ مربوط به مرخصی مناطق محروم پرداخت نشده است و پرداخت مبالغ آن با توجه به تورم موجود دیگر ارزشی ندارد.

وی عنوان کرد: با توجه به تورم موجود و کم ارزش شدن مبالغ ریالی مرخصی مناطق محروم پیشنهاد می‌کنم از پرداخت ریالی آن خودداری و مرخصی‌ها ذخیره شود. کارمندی دیگر به وضعیت اضافه کار اشاره کرد و اظهار داشت: با گذشت 5 ماه از آغاز سال هنوز اضافه کار کارکنان پرداخت نشده است.

حسین امیری یکی دیگر از کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان دیر نیز با انتقاد از وضعیت پرداختی‌های پرسنلی گفت: متأسفانه هنوز حق ماموریت از مهر 91 تاکنون به مدت 10 ماه پرداخت نشده است و کارکنان نیاز شدید به پول آن دارند و برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند. وی افزود: گمان می‌رفت تا قبل از ماه مبارک رمضان مطالبات پرسنلی پرداخت شود اما این مهم تا این لحظه هنوز پرداخت نشده که عدم پرداخت مطالبات و وضعیت معیشتی کارکنان، شأن و جایگاه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی را خدشه دار کرده است.

انتقاد از حذف سهمیه شیر کارکنان آزمایشگاه

یکی از کارکنان شاغل در آزمایشگاه مرکز بهداشتی درمانی حضرت مهدی دیر نیز با انتقاد از حذف سهمیه شیر کارکنان آزمایشگاه گفت: یکی از موارد بسیار مهمی که به دلیل آلوده بودن محیط کار کارکنان شاغل در آزمایشگاه و رادیولوژی و در راستای حفظ سلامت کارکنان شاغل در این محیط‌ها تصویب شده بود سهمیه شیر کارکنان آنجا بود که چندین ماه هزینه آن به کارکنان پرداخت می‌شد سپس به صورت روزانه شیر به کارکنان تحویل می‌شد اما چند ماهی است که خبری از سهمیه شیر نیست و می‌گویند هیئت امنای دانشگاه آن مصوبه را لغو کرده است.

وی به لزوم استفاده شیر توسط کارکنان شاغل در بخش‌های آزمایشگاه و رادیولوژی برای حفظ سلامتی‌شان اشاره کرد و اظهار داشت: از مسئولان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و اعضا هیئت امنای دانشگاه درخواست می‌شود نسبت به برقراری مجدد سهمیه شیر کارکنان محیط‌های آلوده اقدام کنند.

یکی دیگر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به پرداخت نشدن حق لباس اشاره کرد و گفت: درحالی که بسیاری از ادارات مبالغ بسیار بالایی به عنوان حق لباس به کارکنان خود اختصاص می‌دهند دانشگاه علوم پزشکی از مهر ماه سال 90 تا کنون حق لباس کارکنان مجموعه خود را که ماهانه مبلغ 20 هزار تومان تا 150 هزار تومان است، پرداخت نکرده است. وی افزود: از مدت 10 ماه پیش کارانه پزشک خانواده نیز پرداخت نشده که تاخیر در این پرداخت‌ها باعث نگرانی است.

چرا عوامل سرمایه داری می خواهند زندانیان جنبش کارگری را حذف کنند ؟

به گزارش مجله هفته در تاریخ 7 مرداد 92 آمده است : گزارش پر از دروغ و جانبدارانه بهمن احمدی امویی اثبات می کند که پیام اصلی مصاحبه با آقای رحیمی که در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۳ منتشر شد صدر صد درست است.

دلیل دیگری در جهت اثبات صف بندی طبقاتی

چرا عوامل سرمایه داری می خواهند زندانیان جنبش کارگری را حذف کنند ؟

تقدیم به رفقای انقلابی که از جان خود مایه گذاشته و قهرمانانه در زندان و بیرون علیه بخش های مختلف سرمایه داری می رزمند.

طبقه کارگر همیشه مخالف زندان بوده و هست و خواهد بود بنا براین اصل، ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم حتی خواهان آزادی سبزها که با جمهوری اسلامی همیشه همکاری کردند و در زندانها نیز همکاری می کنند، هستیم

پس از اینکه مصاحبه ای با عنوان "مصاحبه با رحیمی، زندانی در گوهردشت" در تاریخ سوم مرداد ۹۲ منتشر شد نوشته ای از طرف بهمن احمدی امویی روزنامه نگار زندانی در گوهردشت در تاریخ ۵ مرداد ۹۲ با عنوان "عفو عمومی" همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، پاسخ حاکمیت به اعتدال مردم باشد" منتشر گردید که دلایل بسیار محکمی در اثبات حقانیت پیامهای مصاحبه منتشر شده با رحیمی را در خود دارد. هر چند که می تواند چنین انطباق تاریخی تصادفی باشد و یا واقعا "آقای امویی قصد بر خورد با مصاحبه فوق را داشته باشد هر کدام باشد چندان مهم نیست بلکه مهم نوع بر خورد به جنبش و طبقه کارگر و جنبش دانشجویی، جنبش زنان و معلمان است که آنها را حذف کرده است.

احمدی امویی به عنوان مدافع سه جانبه عمل می کند، از یک طرف جمهوری اسلامی را تطهیر می کند و از طرف دیگر خواهان آزادی زندانیان است و در همین حال برای خدمت به نظام سرمایه داری هویت مستقل کارگران را بطور کل حذف می کند.

می توان گفت اطلاعاتی ظاهرا" بسیار دقیق از تعداد زندانیان ارایه می دهد.

آیا آقای امویی به مدارک زندانیان دست رسی دارد؟

اینکه آقای احمدی امویی به مدارک تمامی زندانیان دسترسی داشته باشد و پرونده همه زندانیان را بررسی کرده هر کدام را در یکی از ۹ گروه من در آوردی خود یا ... قرار داده است خود در جایگاه زندانی یا مامور عالی رتبه بودن ایشان ایجاد شک می کند. مگر اینکه بپذیریم چنین آماری را کس دیگری به ایشان داده است، اما در "گزارش فوق" ایشان ادعا دارد که آمار فوق را در تحقیقات میدانی بدست آورده است.

معنای تحقیقات میدانی چیست؟

از نظر من یعنی ایشان به همه ی زندانها یا چند تا زندان با شرایط و وضعیت های متفاوت از هر جهت رفته و زندانیان را به صف کرده، شمرده است یا مثلا" طبق آمار که فعلا" معلوم نیست چه کسی از تمامی پرونده های زندانهای ایران گرفته و یا چه کسی به همه زندانها رفته و در شمارش میدانی زندانیان را به ۹ گروه جدا کرده شمرده و آمارش را درآورده و در زندان گوهر دشت به آقای احمدی امویی تقدیم کرده و گفته است شما اینها را منتشر کنید و یا شاید آقای امویی را سوار ماشین کرده و به مرکز سازمان زندانها برده اند و پرونده ها را بررسی کرده شمرده و آمار را به دست آورده است و برای تحقیقات میدانی ایشان را سوار ماشین یا هواپیما کرده اند و به شهرهای مختلف برده اند و ایشان زندانیان را به ۹ صف جداگانه تقسیم کرده و شمرده است شاید ایشان ادعا کند که نمونه آماری از بند ۳۵۰ و رجایی شهر گرفته است، اما می دانیم نمونه های آماری علمی هستند و برخی تصادفی انتخاب می شوند و غیره که هیچ کدام با وضعیت ایشان جور در نمی آید، اما این هم مهم نیست که ایشان چگونه این آمار را بدست آورده است بلکه مهمتر از همه این است که اهداف ایشان از این گزارش چیست؟ ایشان می خواهد نشان بدهد که :

۱- حکومت ایران که مورد علاقه خود ایشان نیز است بهتر از حکومت ترکیه ، مصر و کشورهای عرب است . چرا که ایران تنها ۱۰۰۰ زندانی سیاسی دارد ایشان نوشته است "کافی است تنها به تعداد زندانیان سیاسی چند هزار نفری در ترکیه و ۱۶ هزار نفری تا همین یک سال و اندی پیش مصر در زمان مبارک و زندانی های سیاسی چند صد نفره کشورهای حاشیه خلیج فارس که با توجه به جمعیت شان رقم بالایی است نگاهی انداخته شود و همزمان میزان فشارهای نهادهای بین المللی و حقوق بشری دنیا و خواست اجتماعی درونی این جوامع را درباره زندانیان با وضعیت ایران مقایسه کرد."

یعنی اینکه فشار های بین المللی علیه دولت ایران ناروا است و همچنین جمهوری اسلامی دمکراتیک تر از ترکیه و مصر است یا مثلاً "دیکتاتور نیست ، ما فعلاً" کاری به این نداریم که در ایران سندیکاى مانند ترکیه وجود ندارد ، در ترکیه احزاب حتی چپها دارای دفتر و دستک هستند و در ایران اگر کسی فقط بگوید من سوسیالیست یا مارکسیست هستم زندانی می شود و صدها مورد این چنینی می توان در مورد مصر و ترکیه مثال آورد که حتی اگر سوری هم باشند جمهوری اسلامی طاقت تحمل سوری را نیز ندارد و احمدی امویی حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی را با ترکیه و مصر مقایسه می کند و می خواهد توده ها را فریب بدهد این یعنی همان خوش رقصی سبز گونه ،

سوال ایجاست که اگر خامنه ای یا وزارت اطلاعات بگوید ما فقط ۱۰۰۰ زندانی سیاسی داریم کسی قبول نمی کند اما اگر یک زندانی بگوید ممکن است قبول شود حتی بیشتر مواقع اینکه کدام زندانی این گزارش را می دهد مورد توجه قرار نمی گیرد در حالی که آقای امویی با نظام جمهوری اسلامی مشکلی ندارد فقط با باند احمدی نژاد مشکل دارد یعنی می توان نتیجه گرفت ایشان نیز در جنایات جمهوری اسلامی شریک بوده است .

۲- تقسیم زندانیان به تروریست و غیر تروریست این نیز خواست جمهوری اسلامی است از قلم یک زندانی سرازیر می شود.

۳- زندانیان هويت طلب را تجزیه طلب خواندن به زیان زندانی و به نفع جمهوری اسلامی و شونیسیم تمام می شود . این نیز اثبات می کند که امویی شریک جرم است.

۴ - اما از همه اینها مهمتر وظیفه دیگری است که احمدی امویی هم در قبال جمهوری اسلامی و هم در مقابل طبقه ای که به آن تعلق، حداقل فکری دارد که باید با جان و دل انجام دهد است و آن حذف جنبش و طبقه کارگر و مبارزات طبقه کارگر در تقسیم بندی ساختگی وزارت اطلاعاتی و نظام سرمایه داری در مورد زندانیان است، که در ۹ گروه زندانیان ، زندانیان کارگری وجود ندارند تنها آنها را در زیر گروه سبز قرار داده است و این دلیل بسیار محکمی است که ثابت می کند که صف بندی طبقاتی در زندان با شدت و حدت ادامه دارد، و این عوامل سرمایه داری با چه جدیتی علیه طبقه کارگر ، فعالین کارگری بخصوص علیه شاهرخ زمانی و دوستانش در زندان و بیرون زندان فعالیت گسترده می کنند.

حذف جنبش های اجتماعی حتی در مورد تقسیم بندی زندانیان در واقع صفبندی طبقاتی و نشان دهنده دشمنی سیستماتیک و برنامه ریزی شده عوامل سرمایه داری با جنبشهای اجتماعی مانند زنان ، دانشجویان که هم پیمانان جنبش کارگری و معلمان که بخشی از جنبش کارگری و به خصوص با جنبش کارگری است. تمام تلاش شان حذف جنبش کارگری و فعالین کارگری است و این نیز نمی تواند بدون برنامه ریزی وزارت اطلاعات و هم پیمانی سبزها باشد . بارها اخبار به دست ما می رسید که اصلاح طلبان زندانی برای استفاده از تسهیلات زندان مانند مرخصی ، ملاقات حضوری ، تلفن و ... با مأموران همکاری می کنند در واقع برخی از آنها در سال چندین بار بدون اینکه خبری پخش شود یا مشکلی داشته باشند به مرخصی می روند و البته گفته می شد در قبال همکاری و خوش رقصی هایشان چنین دستاوردهایی را بدست می آورند و این مطلب اخیر احمدی امویی یکی از آن خوش رقصی هاست . در حالی که رضا شهبابی و محمد جراحی ، نامق محمودی ، رسول بدافی و... سخت بیمار هستند اما اجازه مداوا به آنها داده نمی شود، و احمدی امویی همین زندانیان بیمار را با حذف جنبش کارگری حذف می کند

چیزی که جمهوری اسلامی را خوشحال می کند. در ایران صد ها زندان رسمی وجود دارد و زندانهای ناشناخته و غیر رسمی نیز بسیار است آیا واقعا می توان این گزارش را به عنوان حقایق پذیرفت؟ آیا در ایران مانند ترکیه و مصر زندانیان سیاسی آمار دارند که بررسی شود؟ آیا واقعا در ایران فقط ۱۰۰۰ زندانی سیاسی است؟ آیا می توان زندانیان جنبش زنان ، و جنبش دانشجویی و کارگران زندانی را به عنوان زندانیان سبز دسته بندی کرد ؟ چه کسی به امویی چنین حقی را داده است که آنها را در زیر گروه زندانیان سبز قرار بدهد ؟

آیا زندانیان مربوط به کمیته پیگیری ... ، کمیته هماهنگی ...، اتحادیه آزاد کارگران ، سندیکای واحد ، سندیکای هفت تپه ...، دانشجویان متعلق به جنبش دانشجویی ، یا زندانیان جنبش زنان و یا معلمان انقلابی زندانی، و آیا شاهرخ زمانی ، رضا شهابی ، محمد جراحی ، پدرام نصر الهی و... حاضر هستند ننگ سبز بودن را بپذیرند؟

پس چرا امویی چنین دروغی و چنین حذفی را سر هم بندی کرده است ؟ نیرو های کارگری در مقابل ارابه چنین اخبار دروغ و حذف طبقاتی نباید ساکت بنشینند. باید از خود پرسیم چرا ؟

چون سرمایه داری می خواهد دشمن اصلی خود را حذف کند و عواملش فعلا صورت مسئله را حذف می کنند.

دو نامه از رفیقی برای من پس از انتشار مصاحبه با آقای رحیمی رسید که نوشته بود تعدادی از دوست داران مجاهدین از اینکه در مصاحبه با سبز ها و اصلاح طلبان همکار نامیده شده اند ناراحت بودند من برای ان رفیق نوشتم این یک مصاحبه است و آقای رحیمی نظرات خود را گفته است و البته خود من هم این اعتقاد را دارم که همه آنها در یک صف و در مقابل صف کارگران قرار دارند و برای اثبات این گفته کافی است گزارش بهمن احمدی امویی را بخوانید و ببینید که چگونه همه ی بخش های سرمایه داری را چه موافق و چه مخالف را آورده است و دقیقا صف مقابل آنها را که کارگران هستند حذف کرده است اگر مجاهدین واقعا انقلابی هستند و اگر واقعا طرفدار طبقه کارگر در مقابل بخش های مختلف سرمایه داری هستند باید بهمن احمدی امویی را زیر سوال قرار بدهند که چرا کارگران را حذف کرده است و اعلام کنند که خود شان بخشی از جنبش کارگری هستند و برای انقلاب کارگری مبارزه می کنند هر زمان مجاهدین به صورت رسمی گزارش امویی را نقد کردند و رسما اعلام کردند که برای جنبش و انقلاب کارگری فعالیت می کنند ان وقت می توانیم در مورد آنها به بحث دیگری بنشینیم.

فریده جعفری
۱۳۹۲/۵/۷

اعتصاب کارگران کارخانه سیمان زرین رفسنجان

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی روراستی، در تاریخ 7 مرداد 92 آمده است : روز 6 مرداد کارگران کارخانه سیمان زرین رفسنجان در اعتراض به عدم پرداخت بقوقشان و اخراج 10 نفر از کارگران و درخواست بازگشت بکار همکاران اخراج شده شان دست به اعتصاب زدند ، کارخانه را تعطیل کردند و جلو درب ورودی کارخانه که بسته بود تجمع کردند.

بنا بهمین گزارش، در پی تصمیم مدیریت شرکت سیمان زرین رفسنجان مبنی بر تعدیل نیرو و اخراج ۱۰ نفر از کارگران کارخانه ، عقد قرارداد با شرکتهای غیر بومی جهت انجام امور کارخانه ، استفاده از نیروهای غیر بومی و همچنین عدم پرداخت حقوق کارگران در زمان مقرر، کارگران

کارخانه سیمان زرین رفسنجان در مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۶ در اعتراض به این تصمیمات و جریانات اعتصاب نموده و کارخانه را تعطیل کردند و جلو درب ورودی کارخانه که بسته بود تجمع کردند. پس از صحبت با تعدادی از کارگران حاضر در تجمع و جویا شدن علت اعتراض و اعتصاب آنها محرز گردید که این کارگران زحمتکش هیچ درخواست غیر منطقی و غیرقانونی ندارند و اهم خواسته های آنها دریافت حقوق خود و بازگشت همکاران اخراج شده شان به سرکار و همچنین ثبات شغلی است که در واقع این خواسته ها توقع زیاد و غیر منطقی نیستند.

کارگران نیشکر هفت تپه اعتصاب کردند

حدود ۵۰۰ کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه روز دوشنبه با خواست بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل، اخراج اعضای هیات مدیره، ابقا بکار مدیر عامل فعلی، عدم واگذاری شرکت و شکسته شدن فضای امنیتی اعتصاب کردند...

بنا بر گزارشی که از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بدست اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است حدود ۵۰۰ کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه از صبح امروز دست به اعتصاب زده اند. بنا بر این گزارش تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت ۱۴ ظهر روز دوشنبه) مسئولین نیشکر هفت تپه پاسخی به خواسته های کارگران نداده اند و این اعتصاب همچنان ادامه داشته است...

کارگران نیشکر هفت تپه خواسته های خود را در ۵ بند تنظیم کرده اند و خواهان تحقق آنها هستند. این خواسته ها عبارتند از:

۱- بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل که از سال ۱۳۸۷ پیگیریهای لازم در این مورد از سوی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه صورت گرفته است. بطوریکه بر اساس این پیگیریها نامه ای از وزارت کار به اداره کار استان و از اداره کار استان به اداره کار شهرستان شوش جهت بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل کارگران هفت تپه ابلاغ شده است اما تاکنون ترتیب اثری به این ابلاغیه داده نشده است.

۲- اخراج اعضای هیات مدیره کارخانه به نامهای حسن عبدالهی، رضا مددی، کاظمینی و برزو احمدی که دو شغله هستند. برزو احمدی رئیس سابق اداره اطلاعات شوشتر بوده و در اخراج کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضات سالهای ۸۶ و ۸۷ این کارگران نقش موثری داشته است.

۳- ابقا بکار مدیر عامل فعلی کارخانه آقای فرشید مومن غریب که از کار خود تعلیق شده و احتمال اخراج وی بر سر زبانها افتاده است. وی از پرسنل قدیمی کارخانه نیشکر هفت تپه می باشد

۴- عدم واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه و منازل سازمانی آن به سپاه

۵- شکسته شدن فضای امنیتی در شرکت نیشکر هفت تپه که بدنبال اعتراضات کارگران از سال ۱۳۸۶ به این سو بر شرکت حاکم شده است بطوریکه از آن تاریخ به این سو با سیطره افراد امنیتی بر اداره شرکت بسیاری از کارگران معترض منجمه اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای علی نجاتی، فریدون نیکو فر، محمد حیدری، جلیل احمدی، رضا رخشان و قربان علیپور از کار خود اخراج شدند.

تهدید اشتغال ۲۸۰۰ کارگر «ایران ترانسفو» به دلیل بدحسابی وزارت نیرو

یک فعال کارگری در زنجان نسبت به عواقب پرداخت نشدن بدهی های کارخانه «ایران ترانسفو» توسط وزارت نیرو هشدار داد: مشکلات مالی که امنیت شغلی ۲۸۰۰ کارگر شاغل در این کارخانه را تهدید می کند...

«مرتضی ریحانیان» دبیر خانه کارگر زنجان، میزان طلب کارخانه ایران ترانسفو از وزارت نیرو را بیش از ۸۰ میلیارد تومان عنوان کرد و درباره تبعات این بدحسابی به ایلنا گفت: بدهی‌های وزارت نیرو به شرکت ایران ترانسفو، این واحد تولید کننده ترانس‌های برق را در آستانه تعطیلی قرار داده است.

او افزود: چنانچه وزارت نیرو همچنان بر پرداخت نکردن معوقات مالی خود به کارخانه ایران ترانسفو پافشاری کند در آینده‌ای نزدیک این واحد تولیدی در موقعیت ورشکستگی کامل قرار خواهد گرفت.

ریحانیان با بیان اینکه این واحد با وجود همه مشکلات مالی در تلاش است به تولید محصولات خود ادامه دهد، افزود: عمده تولیدات این کارخانه با سفارش وزارت نیرو انجام می‌شود. در این شرایط اگر مسئولان این کارخانه نتوانند به موقع مطالبات خود را از وزارت نیرو دریافت کنند، کارخانه تعطیل و کارگزارانش بیکار می‌شوند.

حادثه در سد داریان پاره

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ ۸ مرداد ۹۲ آمده است: بر اساس خبر رسیده در تاریخ ۹۲/۵/۲ یکی از کارگران شاغل در سد داریان واقع در شهرستان پاره در حین کار دچار سانحه گردید. بر اثر این سانحه عبدالوحید ویسی کارگر شرکت کلهم در بخش ترانسپورت دچار سوختگی شدید در ناحیه صورت و دست‌هایش شد.

کمیته هماهنگی ضمن ابراز تاسف از وقوع این حادثه ناگوار یادآور می‌گردد که این اولین و آخرین بار نخواهد بود که در این سد یا دیگر محیط‌های کار چنین حوادث ناگواری رخ می‌دهد. این گونه حوادث به دلیل عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیط‌های کار که ناشی از سودخواهی کارفرمایان می‌باشد اتفاق می‌افتد و تنها راه رهایی از این گونه حوادث در گرو اتحاد و همبستگی کارگران و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

بیانیه در محکومیت احکام صادر برای فعالین کارگری

کارگران، زحمتکشان، مردم شریف ایران!
همان‌گونه که می‌دانید اخیراً در سنجح احکامی ضد انسانی بر علیه فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری صادر شد، تا بار دیگر بدین وسیله بخشی از سیاست‌های ضد کارگری سرمایه و عوامل آن بر همگان آشکار گردد.
احکام صادره بر علیه کسانی صادر گردید که سالهاست با حضور مسئولانه و دلسوزانه خود در تمامی عرصه‌های زندگی فلاکت بار مردم محروم سعی در کاستن از بار سنگین مشکلات آنان داشته، و همواره با دفاع از منافع رنجبران و محرومان سعی در گشایش گره کور از زندگی آنان داشته‌اند. این عزیزان با نشان دادن افق‌های روشن‌تر و ترسیم زندگی شایسته و انسانی و در خور شأن انسان امروز، و تبلیغ و ترویج خواست‌ها و مطالبات طبقه‌ی کارگر، بینش و آگاهی طبقاتی کارگران را در رسیدن به زندگی بهتر ارتقاء بخشیده، و راه را برای رسیدن به دنیای عاری از هر گونه نابرابری هموار نموده‌اند.

شایان ذکر است این عزیزان در سایه تمامی اقدامات و فعالیت‌های انسان محور خود به چهره‌هایی محبوب و قابل اتکاء در میان کارگران تبدیل گشته، و از مشروعیت قابل توجهی نیز برخوردار می‌باشند؛ به گونه‌ای که غیاب آنان در روند زندگی اجتماعی کارگران، به مثابه عارضه‌ای غیر قابل انکار بوده، و جامعه‌ی کارگری را متحمل خسارت‌های جبران‌ناپذیری می‌نماید.

لذا ما کارگران به منظور حمایت همه جانبه از مبارزات کارگری و جنبش پیشرو آن، تعرض و تهاجم گسترده‌ی سازمان‌های امنیتی و قضایی ایران به صفوف کارگران پیشرو و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، و نقض صریح حقوق آنان در صدور احکام ضد کارگری بر علیه آنان را محکوم نموده، و خواهان لغو احکام صادره بر علیه فعالین این عرصه و دیگر عرصه‌های اجتماعی می‌باشیم.

جمععی از کارگران و دوستداران جنبش کارگری روستاهای حسن آباد- کیلانه و مرزبان سنندج
۹۲/۵/۸

مصدومیت شدید رضا شهبابی طی یورش هفته گذشته به زندانیان اوین

رضا شهبابی عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، در زمان بازرسی و یورش ماموران به بند ۲۵۰ اوین؛ دچار آسیب دیدگی شده است...

به گزارش «کمپین صلح فعالان در تبعید»، بر اساس این گزارش طی یورش روز پنج شنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۹۲ توسط بیش از ۱۵۰ نفر از نیروهای گارد زندان اوین به زندانیان؛ آقای شهبابی به طرز وحشیانه ای از تخت بیرون کشیده بود که موجب تشدید کمر درد مزمن وی، شده است.

یکی از نزدیکان خانواده آقای شهبابی تاکید کرد: در بازرسی روزهای گذشته در بند ۲۵۰ اوین ماموران با هجوم به بند؛ آقای رضا شهبابی را که در خواب به سر می برده؛ از پا کشیده و از تخت به زمین پرتاب کردند که موجب کوفتگی و تشدید درد مزمن کمر و گردن وی شده است.

گفتنی است که آقای رضا شهبابی مدتهاست که از درد کمر و گردن و فشار خون رنج میبرد ولی مسوولان زندان تا این لحظه به تجویز داروهای مسکن برای این کارگر در بند اکتفا کرده‌اند که شهادت سایر هم بندی های وی، بی نتیجه بوده است.

همچنین خانواده این فعال کارگری بارها تقاضای اعزام وی به مراکز درمانی خارج از زندان و یا مرخصی درمانی را با مسئولین مطرح کرده‌اند که با مخالفت مسوولان اوین روبرو شده است.

مسئولین در پاسخ تقاضای مرخصی در مانی رضا شهبابی گفته‌اند: "چون وی تازه از مرخصی بازگشته است باید مدتی بگذرد تا دوباره به وی مرخصی داده شود".

یادآور می‌شود که این فعال کارگری و عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه در حالی دیشب ۲۴مین سال تولد خود را شاهد بود که بنا بر رای دادگاه تجدید نظر تهران، به تحمل چهار سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم است.

تعطیلی ۱۹۵ واحد تولیدی قارچ ظرف یک سال گذشته

«تعطیلی واحدهای تولیدی قارچ موجب بیکاری ۸۰ هزار کارگر شده است./ عدم رسیدگی به مشکلات این صنعت علاوه بر ضربه به تولید قارچ در افزایش بیکاری هم تاثیر گذار است»...

رییس هیئت مدیره انجمن قارچ ایران گفت: در سال گذشته ۱۹۵ واحد تولیدی قارچ از مجموع ۴۱۰ واحد موجود تعطیل شده‌اند.

«محمد حسن افشار» تعطیلی این واحدها را به دلیل قیمت‌گذاری نامناسب از سوی دولت دانست و به ایلنا گفت: در سال جاری نیز ۲ واحد تولیدی در شهریار و ۲ واحد تولیدی در اصفهان اعلام ورشکستگی کرده‌اند. افشار با تأکید بر این که تعطیلی واحدهای تولیدی قارچ موجب بیکاری ۸۰ هزار کارگر شده است، افزود: در صنعت پرورش قارچ ایران بطور مستقیم ۲۰ هزار نفر و بطور غیر مستقیم ۱۰۰ هزار نفر مشغول به کارند و عدم رسیدگی به مشکلات این صنعت علاوه بر ضربه به تولید قارچ در افزایش بیکاری هم تأثیر گذار است.

رئیس هیئت مدیره انجمن قارچ ایران متخصص نبودن نیروی کار در صنعت قارچ را یکی از مشکلات تولید این محصول ذکر کرد و گفت: به دلیل ارائه نشدن آموزش‌های کافی به کارگران، بهره‌وری نیروی کار در حد مطلوبی نیست.

او اضافه کرد: انجمن قارچ ایران در یک سال گذشته با تأسیس مراکز آموزشی برای سرمایه‌گذاران، کشاورزان و مدیران سعی کرده است تا خلاء آموزش را پر کند.

افشار در بخش دیگری از این گفتگو با اشاره به تولید ۹۰ هزارتنی قارچ در سال گذشته افزود: در سال جاری نیز همین میزان تولید خواهیم داشت به رغم اینکه پتانسیل تولید در این صنعت بالای ۶۴۰ هزار تن در سال است. وی با اشاره به مشکلات پرورش‌دهندگان قارچ ادامه داد: این مشکلات باعث شده است که قادر به پر کردن ظرفیت تولید اسمی قارچ نباشیم.

رئیس هیئت مدیره انجمن قارچ ایران نبود نقدینگی لازم را از دیگر مشکلات صنعت قارچ ایران دانست و گفت: واحدهای پرورش قارچ باید مواد اولیه خود را در دو ماه اول تابستان ذخیره کنند و در طول سال مصرف کنند، بنابراین احتیاج به نقدینگی اولیه زیادی دارند. وی در همین راستا افزود: عدم وجود نقدینگی کافی باعث خرید کمتر مواد اولیه و در نتیجه کاهش تولید خواهد شد.

افشار با اشاره به اینکه در سال ۷۳ میزان ۳۰ درصد از تولید داخلی را صادر شده است، اظهار داشت: در حال حاضر به دلیل عدم وجود ساز و کار درست صادرات در کشور، میزان صادرات قارچ بسیار کاهش یافته است.

تبعید ابوالفضل عابدینی به زندان اهواز

ابوالفضل عابدینی زندانی سیاسی سبز محبوس در بند ۲۵۰ زندان اوین به زندان اهواز تبعید شد

ساعتی پیش، ابوالفضل عابدینی زندانی سیاسی محبوس در بند ۲۵۰ زندان اوین بدون اطلاع قبلی و اعلام دلیل مشخص به زندان اهواز تبعید شد.

این خبرنگار و فعال کارگری در بند، پاییز سال گذشته نیز پس از شهادت در مورد ستار بهشتی به طور ناگهانی از زندان اوین به زندان اهواز منتقل شد و پس از مدتی کوتاه و در پی دستور ویژه دادستان به تهران بازگردانده شد.

ابوالفضل عابدینی فعال حقوق بشری و کارگری فروردین ماه ۱۳۸۹ توسط دادگاه انقلاب اهواز به اتهامات ارتباط با دول متخاصم، فعالیت‌های حقوق بشری و تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه‌های بیگانه به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم و یک سال بعد از صدور حکم اول، بار دیگر از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی مقیسه ای به اتهام فعالیت تبلیغی

علیه نظام به یک سال حبس تعزیری دیگر محکوم شد، این در حالی بود که او در پرونده‌ی قبلی نیز به همین اتهام محکوم به زندان شده و در حالی سپری کردن این محکومیت بود.

او در طول دوران محکومیت ۱۲ ساله اش در بند ۶ زندان کارون و بند ۳۵۰ زندان اوین از حق استفاده از مرخصی با وجود داشتن بیماری قلبی محروم بوده است

تجمع پرستاران و کارمندان بیمارستان بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایایشان

به گزارش نسیم جنوب، در ۹ مرداد ۹۲ آمده است: جمعی از پرستاران و کادر درمانی بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق و مزایای خود دست به تحصن و اعتراض زدند.

براساس این گزارش، عدم پرداخت حقوق و مزایای کادر درمانی و کارکنان بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در ماه‌های گذشته باعث شد تا تعدادی از آنان دست از کار کشیده و خواستار پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه خود شوند.

بر اثر این اعتراض برای ساعاتی اتاق‌های عمل این بیمارستان تعطیل و کار پذیرش بیماران با مشکل روبرو شد.

در ادامه به درخواست دکتر کشمیری رئیس این بیمارستان معترضین با حضور در سالن اجتماعات بیمارستان به طرح مطالبات خود پرداختند.

کارکنان و پرستاران بیمارستان بوشهر با حضور در سالن اجتماعات به شدت نسبت به وضعیت مدیریتی دانشگاه علوم پزشکی و مالی بیمارستان اعتراض نموده و از بی توجهی دکتر حیدری رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به مشکلات خود ابراز گلایه نمودند.

آنان در سخنانی به عدم پرداخت چندین ماهه اضافه کار و کارانه خود اعتراض نمودند. پرستاران و کارکنان معترض در سخنان خود اظهار داشتند که حق مسکن آنان به مدت ۱۸ ماه است که پرداخت نشده است. همچنین ۱۸ ماه است که مزایایی از جمله حق لباس به آنها تعلق نگرفته است.

از جمله موارد اعتراضی آنها حذف حق جذب آنها از حقوق تیر ماه و پرداخت نشدن آن در ماه گذشته بوده است در حالیکه حق جذب بطور قانونی در حکم حقوقی کارکنان لحاظ شده است.

بروز این مشکلات در حالی است که بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر با درآمد میانگین ماهانه بالای یک میلیارد تومان، یکی از مراکز درآمدزای درمانی کشور محسوب می‌گردد.

در این جلسه دکتر کشمیری رئیس بیمارستان نیز از تلاش خود برای رفع این مشکلات سخن گفت و اظهار امیدواری نمود که با مدیریت دکتر حیدری در دانشگاه علوم پزشکی به زودی این مشکلات رفع گردد.

اعتراض پزشکان متخصص درمانگاه تخصصی ابوالفضل

اعتراض پرستاران و کادر درمانی بیمارستان بوشهر در حالی است که هفته گذشته نیز شاهد اعتراض جمعی از پزشکان متخصص درمانگاه تخصصی ابوالفضل بوشهر بودیم.

در هفته گذشته تعدادی از پزشکان متخصص در اعتراض به عدم پرداخت کارانه خود در ماه‌های گذشته، در محل درمانگاه حضور نیافته و از پذیرش بیمار خودداری نمودند.

بنا به همین گزارش، حدود ۱۹ ماه است که کارانه پزشکان متخصص دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر از سوی مدیریت این دانشگاه به آنان پرداخت نشده است. این موضوع سبب اعتراض جمعی از پزشکان متخصص بوشهری شد که خواستار توجه دکتر حیدری رئیس دانشگاه علوم پزشکی به پرداخت کارانه خود که از دی ماه ۹۰ تا کنون پرداخت نشده است، می‌باشند.

عدم پرداخت کارانه پزشکان متخصص در طی ۱۹ ماه گذشته در بوشهر در حالی است که مدیر درمان تامین اجتماعی استان در هفته گذشته با اشاره به پرداخت کلیه مطالبات مراکز طرف

قرارداد گفت: کلیه صورت حساب های ارسالی مراکز تابعه دانشگاه علوم پزشکی حسب نرم مطالباتی به صورت کامل پرداخت شده و دانشگاه علوم پزشکی هیچ گونه طلبی از تامین اجتماعی ندارد.

وی افزوده است: کل صورتحساب های بستری بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی در طی سال گذشته 158 میلیارد ریال بوده که به مرور و به صورت کامل پرداخت شده است.

برگزاری جلسه‌ی داگاهی "علی آزادی"

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 9 مرداد 92 آمده است که ؛ به گزارش رسیده روز یکشنبه مورخ 92/5/6 جلسه‌ی داگاهی "علی آزادی" فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب برگزار شد. بعد از ایراد کیفرخواست و همچنین دفاعیات "علی آزادی" قاضی شعبه، برای نامبرده به جهت اتهام عضویت در کمیته‌ی هماهنگی حکم 1 سال حبس تعلیقی صادر نمود.

تنها اتهام و جرم این فعال کارگری عضویت در کمیته‌ی هماهنگی و دفاع از حقوق کارگران می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی ضمن محکوم کردن حکم صادره برای علی آزادی، خواهان شکسته شدن این حکم و همچنین آزادی کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

دبیر خانه کارگر تهران:

محرومیت کارگران واحدهای کوچک از بیمه، عادی شده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 9 مرداد 92 آمده است : رئیس دبیر خانه کارگر تهران نسبت به افزایش موارد محرومیت از بیمه بین کارگران واحدهای کوچک تولیدی هشدار داد و «عادی شدن» این نوع بی‌قانونی را ناشی از ضعف بازرسان تامین اجتماعی دانست.

«اسماعیل حق پرستی» در این باره به ایلنا گفت: این روزها یکی از رایج‌ترین مشکلات کارگران واحدهای کوچک تولیدی، افزون بودن سابقه کارشان از سابقه پرداخت حق بیمه‌شان است که این وضعیت معنایی جز اتلاف سال‌هایی که بدون بیمه صرف کار شده‌اند ندارد.

این فعال کارگری افزود: سازمان تامین اجتماعی موظف به نظارت دقیق بر کارگاه های کوچک است تا کارگران تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار گیرند و در صورتی که کارفرمایی از بیمه کارگران خود سر باز زد، باید با او برخورد شود.

او اضافه کرد: اکثر این کارگاهها که در حاشیه کلان شهرهایی همچون تهران واقع شده اند، در گذشته برای اینکه از بیمه کردن کارگران خود فرار کنند آنان را با تهدید به اخراج مخفی می کردند، اما امروزه این قانون شکنی به حدی علنی شده است که کارفرمایان حتی ضرورتی نمی‌بینند کارگران را مخفی کنند چرا که به ندرت ممکن است بازرسی از جانب تامین اجتماعی برای نظارت بر وضعیت بیمه‌ای کارگران حاضر شود.

حق پرستی در پایان نظارت بر بیمه کارگران را وظیفه تامین اجتماعی دانست و از مسوولان این سازمان خواست تا با حساسیت بیشتری در خصوص بیمه کارگران کارگاههای کوچک وارد عمل شوند.

دموکراسی‌های رصدکارانه

فریبرز رییس دانا

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/07/blog-post_31.html#more

به نوشته ویلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 9 مرداد 92 آمده است: مورد ادوارد اسنودن، جوان پیمانکار خدمات کامپیوتری در آژانس امنیت ملی امریکا البته بسیار تکراری است اما قطعا یکی از تکان دهنده‌ترین مواردی است که نشان می‌دهد تکنولوژی ارتباطی در خدمت قدرت‌های ریز و درشت جهان سرمایه‌داری و سلطه‌گران بین‌المللی و خودکامگان کشورها چگونه به امر پایش اطلاعات خصوصی و محرمانه‌ی مردم می‌پردازند. ادوارد اسنودن با فرار به هنگ گنگ و سپس روسیه اکنون با روبه رو شدن بازگرداندن شدن به امریکا و مجازات چند صد سال زندان نشان داد که دموکراسی امریکایی چگونه اطلاعات و اسرار خصوصی مردم را در مقیاس میلیارد بایتی در هر لحظه از فایل‌ها و تماس‌های شخصی آنها می‌ریاید، طبقه‌بندی می‌کند و در معرض دید و پیگیری دستگاه‌های مجهز و پیشرفته و فراگیر نظارت و پیشگیری و سرکوب امنیتی قرار می‌دهد. این دموکراسی مدت‌هاست نشان داده است که دموکراسی نیست زیرا هم مبنای واقعی آن یعنی لیبرالیسم اقتصادی بیش از نه دهه است که مرده است و هم برای بقای خود به تجاوز، جنگ‌افروزی، انواع دخالت، پایش، خبرچینی و ردیابی زندگی همه‌ی مردم جهان نیاز دارد. این دموکراسی به شهروندان هیچ کشوری از جمله شهروندان متحدان اروپایی‌اش نیز رحم نکرده است.

فن‌شناسی ارتباطی گرچه در خدمت اشاعه و تنویر افکار و انتقاد قرار گرفته و مرزهای انواع سانسور را در مسیر تاریخ پشت سر گذاشته است، اما خود در عین حال منشا نظارت، دخالت، خبرچینی و سانسور در مقیاس میلیاردها نفر از مردم جهان، سازمان‌ها، دولت‌ها و تشکلهای بوده است. مثل همیشه بورژوازی به صورت تک خطی منشا پیشرفت نبوده است، بلکه با خود درد و رنج و سرکوب و مداخله‌های ضدبشری را نیز به ارمغان آورده است. دوگانگی و همزادی خیر و شر سرمایه‌داری را به وضوح می‌توان در زمینه‌ی فن‌شناسی اطلاعاتی دریافت. کامپیوترها فقط وسایل تسهیل ارتباط آدمیان نبوده‌اند. آنها در تسخیر فضاهای بشری، بهره‌کشی، در نظارت بر کار انسان، در بیگانه‌سازی، در خبر چینی و در شناخت و در غارت منابع کشورها نیز نقش‌های اساسی ایفا کرده‌اند. برای ما روشنفکران که لحظه‌ای را در گسترش آزادی‌ها و دفاع از اراده‌ی مردم نباید از دست دهیم، هم چنین نباید لحظه‌ای از تکنولوژی اطلاعاتی فارغ شویم، این وظیفه‌ی رسانه‌های دیداری و شنیداری جمعی امپریالیسم سلطه‌ی جهانی و امپریالیسم خبری است که نشان دهد فن آوری اطلاعاتی در خدمت دموکراسی و آزادی نولیبرالی قرار گرفته و از این رو پدیده‌ای مثبت و رهایی‌بخش است. اتفاقا وظیفه‌ی ما نشان دادن این حقیقت است که نه تکنولوژی، بلکه ایدئولوژی نولیبرالی است که زمینه‌های رشد و بهره‌برداری متضاد از فن آوری‌ها را ایجاد می‌کند، حال چه مستقیم و از سوی دستگاه‌های دولتی و امنیتی و نظامی نظارت و کنترل باشد چه نامستقیم و چه از سوی بهره‌برداران وارد در امور تولید و مصرف این فن آوری در شیمی و داروسازی نیز اوضاع همین است. این داروهای مخدر و روان‌گردان که ساخته می‌شود و در ده سال گذشته به اندازه‌ی تمام معتادان نارکوئیک و ایبومی معتاد و فلاکت زده روی دست جامعه گذاشته اند همگی فرزندان رشد و توسعه‌ی دانش شیمی دارویی از نوع سرمایه‌داری صنعتی جهانی‌اند. اتفاقا در شگردهای انتخاباتی که می‌آیند و رشد دموکراتیسم را جهت دهی و محدود می‌کنند نیز همین دوگانگی وجود دارد. از یک سومشارکت در انتخابات و روبه ضروری ساختن انتخابات مطرح می‌شود که به نظر فرایندی خوب و ضروری برای توسعه‌ی مشارکت انسان‌ها در سرنوشت‌شان می‌رسد اما در همان حال این جهت‌دهی‌ها به مسخ شدن، دل بستن به محدودیت‌ها و شخصیت‌های معین پیش رو نهاده

شده، قناعت‌پیشگی به دموکراسی حمایتی و مکانیکی شدن زندگی سیاسی یاری می‌رسانند و جای رشد آگاهی و مشارکت‌های واقعی را می‌گیرند. دموکراسی بورژوازی راه‌های انسداد وجهت‌یابی خود را نیز در جریان حرکت خود می‌سازند.

گمان نبریم آنچه در تضاد و دوگانگی فن آوری، تهدید، زندگی سیاسی و اجتماعی گفتیم فقط به سرمایه‌داری صنعتی و جهان امپریالیستی مربوط و محدود می‌شود. این گونه نیست زیرا نظام‌های خودکامه نیز از جنبه‌های مختلف، گیریم در حد توان علمی و عملی خود، به روش‌های تسلط بر جامعه، اندیشه و ارتباط‌های انسانی متوسل می‌شوند. بی‌تردید رژیم‌هایی مانند کره‌ی شمالی از ابزارهای مستقیم کنترل افکار عمومی استفاده می‌کند و بی‌تردید رژیم‌هایی مانند ونزوئلا چنین نمی‌کند و بیشتر به دموکراسی‌های مستقیم و انتخابات سالم متوسل می‌شود. البته که کشورهای کم‌توسعه نیز می‌توانند، و چه بسا توانسته‌اند، منابع اقتصادی را در جهت تولید نظامی و زیرساخت‌هایی هدایت کنند که با اقتصاد ترکیبی دولتی - موسساتی - بازاری در هم آمیخته است و نمونه‌ی جدی آن ایران است. اما آنها به ویژه جوامع و اقتصادهای صاحب درآمدهای نفتی با خرید فن آوری ارتباطی هم اقتصاد ویژه‌ی خود را رشد می‌دهند و هم‌رشته‌ای از فعالیت‌های پول‌ساز را به نفع انحصارات داخلی می‌کشایند، هم تجارت سیاسی می‌کنند و هم کنترل فکر و حرکت و آزادی مردم را امکان‌پذیر می‌سازند. باز در ایران و نیز در مثلاً عربستان چنین اتفاقی افتاده است. کامپیوترها، تلفن‌ها، تلفن‌های همراه، آی‌پدها و ده‌ها نوآوری تولیدی استراق سمع هم در خدمت منافع بورژوازی، هم در خدمت استفاده‌های رفاهی و نیازهای مردم قرار می‌گیرند و هم با قدرت تمام در خدمت کنترل فکر و حرکت.

مورد اسنودن صدها بار در آمریکا و اروپا، روسیه و چین تکرار شده است. کشورهای بزرگ دموکراسی یا بزرگ اقتصادی یا هر دو فقط با روش‌های توطئه‌آمیز، خبررسانان و افشاگران جنایت‌های ضدبشری و آزادی‌کشی‌ها را مفقود و ترور نمی‌کند و از پای در نمی‌آورند. آنها شبکه‌های بزرگ ماموران سرکوب اندیشه را از تارو پود همان دموکراسی یا همان رشد اقتصادی‌ای بیرون می‌آورند و بسیج می‌کنند و به کار می‌گیرند که خودش کعبه‌ی آمال ساده‌اندیشان شده است. در واقع در کنار صدها بلکه چند هزار میلیارد هزینه‌های نظامی تخریب‌گر و تهدید کننده‌ی صلح و هستی آدمیان، میلیارد‌ها دلار نیز صرف کنترل فکر و اندیشه می‌شود. آمریکا، اسرائیل، چین و انگلستان در این زمینه پیش‌تازند، اما حساب آزادی‌کشی‌ها و خبرچینی و استراق‌سمع‌های امریکایی سرسام‌آور شده است. این روند در آمریکا در مقایسه با آنچه به عنوان دموکراسی‌خواهی آنان تبلیغ می‌شود، فقط وقیحانه نیست، بلکه نابود کردن عمدی اندیشه و بیان و آزادی است. با ظاهری آزادی‌خواهانه. بار دیگر ثابت می‌شود که آنچه جورج اورول به صورت داستان نوشت در واقعیت تاریخی متوجه حکومت‌های توتالیتر موسوم به کمونیستی نبود، بلکه اکنون به گونه‌ای جاری به رژیم‌های به ظاهر دموکراسی مربوط می‌شود. رسانه‌های امریکای پس از این رسوایی اخیر - در پی رسوایی‌ها و قتل‌ها و ترورهای پی در پی، که از جمله مورد متوجه خبرنگاران ضد دولتی روسیه و چین نیز بوده است - بر آن شدند تا افکار عمومی را از وحشت‌زدگی و نفرت خارج و به اصطلاح آن را مهندسی سریع بازگردانده کنند. رسانه‌های تحت کنترل بیشتر به روش باسماه‌ای نظرسنجی روی آورده‌اند و گذاشتند تا کسانی هم در رسانه‌ها ظاهر شوند و از دولت و عملیات پایش فکر آن به خاطر انگیزه‌های ضدتروریستی‌اش دفاع کنند و بدین سان اصل قضیه‌ی دخالت و نظارت و خبرچینی در خصوصی‌ترین زندگی مردم را توسط مدعی‌ترین دموکراسی جهان، بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی دنیا و دارنده‌ی نیروی نظامی بیشتر از همه‌ی گیتی لوٹ کنند. در این نظرسنجی‌ها برخی ایرانی‌های امریکایی شده‌ی کاتولیک‌تر از پاپ نیز در رسانه‌های فارسی زبان ظاهر شده و می‌گفتند البته لازم است دولت از اسرار خصوصی سر درآورد، زیرا ما ایرانی‌ها این جا در وطن‌مان آمریکا از دست تروریست‌ها شب و روز در بیم به سر می‌بریم. به هر حال دولت آمریکا مانند همیشه‌ی گذشته‌ی خودش و مانند همه‌ی دولت‌های نامردمی به شدت طبقاتی با ایجاد وحشت از تروریسم، حضور هر روزی خود را در زندگی و اسرار خصوصی مردم به منظور سلطه، هدایت اقتصاد

سرمایه‌داری، توجیه نظامی‌گری و برتری‌طلبی جهانی امریکایی توصیه می‌کند. ادعای امریکا آن است که به ازای میلیاردها نفر- مورد خبرچینی و کسب اطلاعات خصوصی توانسته است تا چند مورد ترور و بمب‌گذاری را خنثی کند. کسی از این موارد هیچ سند و دلیلی در دست ندارد. ضمناً این استدلال ماهیت همان استدلالی را دارد که می‌گوید شکنجه برای به حرف در آوردن متهم می‌تواند جان هزاران انسان بی‌گناه را از خطر ترور برهاند. این استدلال در ابوغریب و گوانتانامو مصداق‌های عملی خود را یافت.

اگر چنین باشد و شکنجه و کنترل اندیشه و زندگی خصوصی مردم به ادعای یک دولت - گیریم از نظر بعضی دولت‌ها خوب توجیه پذیر باشد، چرا نباید آن را برای بقیه‌ی دولت‌ها - که از نظر کسانی دیگر دولت خوب به کار می‌آیند، قابل قبول دانست؟ چرا نباید دولت‌های ایران، کره‌ی شمالی، افریقای جنوبی و مرکزی، برمه، کستاریکا و فرانسه همین ادعا را داشته باشند و چرا نباید دست به بازداشت خودسرانه، آزار و شکنجه، پایش اطلاعات، کشف اسرار خصوصی مردم به بهانه‌ی انگیزه‌ی کشف پیش از اقدام مجریان ترور بزنند؟

می‌دانم پاسخی را بعضی‌ها نهفته در آستین دارند که این دولت‌های دموکراسی‌اند که حق دارند چنین کنند، نه همه‌ی دولت‌ها، زیرا آنها دولت‌های مردمی‌اند پس با اجازه‌ی مردم دست به حذف دموکراسی و آزادی می‌زنند. دولت هیتلری نیز با حمایت مردم دست به جنایت‌های ضدبشری زد و ده‌ها میلیون نفر را کشت. همین دولت آلمان در زمان حمله به بالکان نیز دولت دموکراسی بود و بار دیگر در میان افکار عمومی جهانیان از مردم آلمان مردمی ساخت که به بهانه‌های واهی به کشورهای دیگر حمله می‌کنند. (حمله به بالکان ربطی به مساله کشتار قومی و نژادی نداشت و برای به زانو درآوردن مقاومت در برابر پیشرفت رو به رشد ناتو بود) وانگهی این چه دموکراسی‌ای است که برای بقای خود باید به انتخابات تزویرآمیز و محافظه‌کارانه متوسل شود، در جهان جنگ به راه اندازد و خصوصی‌ترین خبرهای زندگی مردم در امریکا، ترکیه، ایران، آلمان، هند و کره شمالی و جاهای دیگر را زیر نظارت دقیق و بهره‌برداری اطلاعاتی قرار دهد. اما حرف آخرین من متوجه آن‌هایی است که این کار را برای امریکا ضروری و موجه و برای ایران زشت و ضد آزادی فردی و اجتماعی می‌دانند، اما همان‌ها پرشور در انتخابات ایران و دموکراسی ایرانی شرکت کرده‌اند.

بدون شرح

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور: افزایش حقوق، شکاف دستمزد و تورم را ترمیم نمی‌کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 9 مرداد 92 آمده است: رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، مصوبه اخیر شورای عالی کار در خصوص افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران را حرکت تبلیغاتی دولت دهم در واپسین روزهای عمرش دانست که به دلیل لحاظ شدن در حقوق جانبی کارگران، تاثیری در پر کردن خلاء به وجود آمده میان دستمزد و تورم نخواهد داشت.

«حسن صادقی» در این باره به ایلنا گفت: اگر شورای عالی کار در ابتدای سال بر اساس نرخ تورم ۷/۳۱ درصدی میزان دستمزد را برای همه سطوح افزایش می‌داد، قطعاً از نگاه کارگری مفید تر از این بود که بعد از گذشت چهار ماه از سال در قالب یک ترمیم کاملاً سیاسی هزینه‌های جانبی نیروی کار افزایش یابد.

این فعال کارگری ادامه داد: افزایش درآمد کارگران باید بر مبنای نرخ تورم واقعی و با هدف حفظ قدرت خرید نیروی کار کشور صورت گیرد.

صادقی با اشاره به لحاظ نشدن چهار ماه ابتدایی سال در این افزایش حقوق، تاکید کرد: اگر شورای عالی کار به قصد جبران اشتباهاتش در تعیین نرخ دستمزد به افزایش حقوق کارگران اقدام کرده بود، باید ساز و کاری برای پرداخت ماهه‌التفاوت حقوق مسکن و خوار و بار در چهارماهه ابتدایی سال می‌اندیشید، اما مصوبه اخیر این شورا بیشتر به پرداخت صدقه شباهت دارد تا جبران اشتباه.

به گفته این فعال کارگری، دولت فعلی با مصوبه اخیر خود سعی دارد تعهدی را برای دولت آینده ایجاد کند چرا که اگر غیر از این بود باید دستمزدها را ابتدای سال به طور قانونی افزایش می‌داد.

پایان پیام

طبقه کارگر ایران از این تند پیچ هم خواهد گذشت.

محمود صالحی

کارگران، فعالان کارگری؛

از سال 1380 به بعد جنبش کارگری ایران وارد دور دیگری از مبارزات نابرابر با مناسبات حاکم سرمایه داری شده است. به یمن جسارت و از خود گذشتگی بخش عمده‌ایی از کارگران آگاه، هر روز به وسعت این مبارزات افزوده شده و می شود. با نگاهی گذرا به مبارزات جنبش طبقه کارگر در گذشته، به سادگی قابل لمس است که کارگران ایران یک لحظه برای اهداف خود که همان رسیدن به خواست و مطالبات طبقاتی خود است قصور نکرده‌اند.

با وصف سرکوب شدید اعتراضات و مبارزات کارگران توسط حامیان سرمایه، از یورش به صفوف کارگران بهشهر، کشتار بی‌رحمانه کارگران خاتون آباد و دستگیری و زندانی کردن کارگران سقز در اول ماه مه سال 1383 گرفته تا سرکوب مبارزات کارگران شرکت واحد و نیشکر هفت تپه و بازداشت اعضای این دو تشکل و نیز دستگیری و احضار روزانه فعالین کارگری عضو کمیته‌های کارگری، همه و همه نشان از آن می‌دهد که سرمایه‌داران و محافظانشان هیچ گونه اعتراضی بر نمی‌تابند و در هر شکل و لعابی، با هر پرچم و انتخاب هر رنگی ولو سبز، بنفش یا سیاه، همواره بنا به ماهیت طبقاتی‌اشان، کارگران را استثمار می‌کنند و هر گونه تحرکی از جانب کارگران برای آن‌ها غیر قابل تحمل است. جنبش طبقه کارگر و فعالین این جنبش نیز برای دستیابی به خواست و مطالبات برحق خود و بهره گرفتن از یک زندگی انسانی کماکان عزم خود را برای برپایی تشکل‌های خود ساخته و مستقل کارگری جزم کرده‌اند و به راحتی دست بردار نیستند. می‌توان لیست بلند بالایی از مبارزات رادیکال جنبش طبقه کارگر به عنوان تنها جنبش موجود در صحنه اعتراضات عمومی و اصلی‌ترین نیروی محرکه جامعه به عنوان سند به اذهان عمومی معرفی کرد. دقیقا به همین دلیل و برای خاموش کردن شعله مبارزات و اعتراضات توده کارگر است که سرمایه‌داران با استفاده از کلیه امکاناتی که مربوط به دستگاه سرکوب است، روزانه اقدام به بازداشت، دستگیری، زندان و آزار و اذیت کارگران و فعالین کارگری می‌کنند.

تاریخ مبارزات جنبش طبقه کارگر در چند دهه گذشته، به سادگی بیانگر آن است که بازداشت کارگران و رهبران آنان نه تنها موفق نشده که مبارزات جنبش کارگری را به عقب برگرداند بلکه باعث تشدید مبارزات کارگری شده و بر این اساس تعداد زیادی فعال کارگری از دل این مبارزه بیرون آمده‌اند و هر کدام در سطح ایران و بین‌المللی چهره‌های سرشناسی هستند و هر روز به تعداد این فعالان افزوده می شود .

برخی از این فعالین کارگری برای برون رفت از پراکندگی، اقدام به تشکیل چند کمیته و تشکل خود ساخته کرده‌اند. این کمیته‌ها و تشکل‌ها با تمام توان خود جهت خدمت به طبقه کارگر و ترویج مسایل کارگری هر کدام به توان خود از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند و فعالانه در تمام عرصه‌ها از جمله کمک مالی به خانواده زندانیان و یا تشکیل کمیته‌های دفاع از کارگران زندانی، این جنبش را به پیش هدایت کردند و دلسوزانه تلاش نموده‌اند. تحرک و تشدید مبارزات جنبش کارگری باعث شد تا کمیته‌های مختلف کارگری در خارج از کشور نیز شکل بگیرد. بدون شک تشکیل کمیته‌های مستقل کارگری در خارج از کشور رنگ و بوی تازه‌ای به جنبش کارگری در ایران داد.

همه این‌ها دست آوردهای بزرگی است که کارگران پیشرو و فعالین جنبش طبقه کارگر ایران در دل مبارزات جاری به دست آورده‌اند و هر روز به پیشروی خود جهت آگاهی دادن به طبقه کارگر ادامه می‌دهند.

از طرف دیگر مسئولان امنیتی کاملاً تخصصی آموزش دیده‌اند تا به هر شکلی مبارزات طبقه کارگر ایران را سرکوب کنند. مسئولان امنیتی نمی‌توانند از دور نظارگر پیشروی مبارزات کارگری باشند. بلکه عملاً برای سرکوب آن دست به هر کاری می‌زنند تا فعالان جنبش کارگری را به حاشیه برانند. ابتدا آمدند از قانون کار استفاده کردند و برابر همان قانون اگر کارگری در آن صنف اشتغال نداشته باشد نمی‌تواند نماینده کارگر باشد. برای اینکه فعالان کارگری را از تشکل‌ها اخراج کنند. آمدند و قبل از هر چیز آن عده فعال کارگری که در تشکل‌های ثبت شده فعالیت می‌کردند و برای سرمایه داران و کارفرمایان معضل ایجاد کرده بودند، شروع به اخراج آنان با بهانه‌های واهی از محل کار کردند که قانوناً آن کارگران دیگر نمی‌توانستند خود را جهت نمایندگی کارگران کاندیدا کنند. بعد از این حربه به تهدید فعالان کارگری پرداختند، فعالان را احضار و تهدید کردند که دست از فعالیت‌های کارگری بردارند، آنها را بازداشت و زندان کردند، عده‌ایی را ترور کردند و عملاً عده زیادی از فعالین کارگری را از بدنه کارگری جدا کردند، بعداً آمدند اتهام احزاب به قول آنان غیر قانونی را به آنها زدند و... اما تمام این فعالیت‌های ضد کارگری نتوانست طبقه کارگر و فعالان این جنبش را از پای در آورد. دشمنان طبقه کارگر خوب می‌دانستند که اگر کارگر را زندانی کنند بعد از مدتی با قامتی بفراشته و سر بلند در میان گل‌باران کارگران و دوستان طبقه کارگر از زندان آزاد خواهند شد و منبهد به یک چهره سرشناس تبدیل خواهند شد.

ما شاهد بودیم که هر زمان یک کارگر را بازداشت کردند بعد از مدتی این کارگر در زندان هم سکوت نکرده و همیشه با فرستادن پیام یا نوشته از حقانیت خود و محرومان جامعه دفاع و همیشه در حال تعرض بوده است.

بنابراین مسئولان امنیتی برای جلو گیری از این پیشروی جنبش کارگری باید چاره اندیشی می‌کردند و به شکلی جلو این پیشروی را می‌گرفتند. این بار با یک روش جدید که تا این مدت توانسته جنبش کارگری را یک قدم به عقب برگرداند شروع کردند و آن چیزی نیست جز تخریب فعالان کارگری.

تخریب فعالان کارگری از سال 1389 شروع و تا این لحظه هم ادامه دارد. مسئولان امنیتی در پی یک طرح و نقشه از قبل تعیین شده شروع به تخریب فعالین کارگری کردند. آنها نقاط ضعف فعالین را مورد کنکاش قرار داده و با استفاده از همه امکانات خود و در پیش گرفتن روش‌های کاملاً حرفه‌ایی، موجی را به راه انداختند. متأسفانه این موج، عده‌ایی از فعالین کارگری را به دام انداخت. آنها بدون اطلاع از پروژه مسئولان امنیتی و ناآگاهانه وارد این پروژه شدند و اختلافات شخصی خود را دست مایه‌ایی برای وجود یک بحران کردند. اما زیاد طول نکشید که خود آن اشخاصی که مجری این تخریب‌ها بودند خود نیز مشمول این تخریب‌ها از طرف مسئولان امنیتی قرار گرفتند و از این بابت خیلی هم نگران هستند. در کنار آن، عده‌ایی فرصت طلب در

خارج از کشور که خود را "فعال کارگری و سوسیالیست" معرفی می‌کنند، این فرصت را غنیمت شمردند و آنها هم بدون آگاهی از پروژه مسئولان امنیتی از سر سنت همیشگی خود تمام تلاششان را به کار گرفتند تا با استفاده از این فضا، در بین مخالفین اقدام به یار گیری کنند. در فرهنگ آنها اگر یک کارگر از نظر فکری با آنان نباشد علیه آنان است و باید تخریب شود. با این عمل ضد انقلابی می‌خواهند جنبش کارگری و فعالان این جنبش را از هم بپاشند و یک عده انسان ساده را به ابزار خود تبدیل کنند. جدیت و انرژی آنها برای تخریب فعالین کارگری غیر قابل وصف است و هیچگاه انرژی را در افشای ماهیت ضد کارگری حاکمیت سرمایه‌داران به کار نگرفته‌اند. تاریخا هم ثابت کرده‌اند که حضور آنها در تشکلهای موجود تنها برای خالی نبودن عریضه بود که به هر شکلی به ظاهر خود را با جنبش کارگری وفق دهند. ما دیدم و مشاهده کردیم که تمام مشکلاتی که در این چند سال اخیر دامنگیر جنبش کارگری شد و تخریب های که رو به افراد این جنبش شده است تماما" از طرف کسانی است که به شکلی در استثمار طبقه کارگر نقش دارند و به شکلی کار فرما هستند. عده معدودی در خارج از کشور نیز که تا این تاریخ نتوانستند برای جنبش کارگری مفید باشند با این افراد که در داخل ایران هستند تماس دارند و از این مشکلات سو استفاده کردند و در پی بروز اختلافات جزیبی بین فعالین کارگری، دست به قلم شدند و در فضای مجازی شروع به جعل تاریخ کرده اند. آنان می‌دانند که ما کارگران در داخل ایران در شرایطی نیستیم که با سند و مدرک مستند جواب آنان را بدهیم و آن افراد هم هر چیزی که برای خود صلاح نمی‌بینند نثار فعالین کارگری داخل کشور می‌کنند. آن اشخاص هر لحظه یک حرفی می‌زنند و هیچ وقت آماده نیستند تا به شرافت انسانی و طبقاتی خود رجوع کنند و آنچه مستند است برای دیگران تعریف کنند. آنها همیشه کج دار و مریض حرکت می‌کنند و در گفته‌هایشان ابهام وجود دارد و هر دم سخنی را می‌گویند. برای نمونه؛ شایعات گسترده در این مورد که به فلان فعال کارگری پول داده‌اند و فعال کارگری آن پول را به جای اینکه به مصرف جنبش کارگری برساند آن را شخصا" برای خود نگهداری کرده است، این تنها یکی از نمونه‌هاست در حالی که بعد از پیگیری قضیه، همه آنها دروغ محض و بزرگنمایی و مطرح کردن خود آن اشخاص است. به علاوه اینکه آنها یک دشمن و یک حریف فرضی را برای خود انتخاب کرده‌اند و تمام نیتشان تخریب و تضعیف آن حریف است و نه حاکمیت سرمایه‌داری.. این واقعه در شرایطی اتفاق می‌افتد که در کشور ما گرفتن هر گونه وجه از خارج از کشور جرم محسوب می‌شود و گیرنده با اتهام اینکه در خارج از کشور ساپورت مالی می‌شود، برایش پرونده تشکیل می‌دهند و به اتهام گرفتن کمک مالی از ضد انقلاب محاکمه و محکوم می‌گردد. این اتهام زمانی به یک شهروند ایرانی تفهیم می‌گردد که فرستنده و گیرنده مشخص باشد و آن زمان مسئولان امنیتی برای شخص گیرنده پرونده سازی می‌کنند. یا تعدادی از افرادی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند آمدند به جای اینکه به تشکلهای کمک کنند به اعضای این تشکلهای کمک کردند و بعدا" اظهار کردند که این کمک‌های برای تشکل بوده نه برای شخص مورد نظر.

این موضوع امروز به یک مشکلات بزرگ در میان فعالان کارگری و تشکلهای موجود تبدیل شده است. این افراد آماده نیستند تا بر اساس آنچه واقعیت است عمل کنند!!؟

باید تاکید کنم که نمی‌خواهم به شخصیت کسانی که تنها یک روز به جنبش کارگری خدمت کرده‌اند، لطمه وارد شود. من با احترامی که برای تک تک آن انسانها دلسوز دارم از آنان می‌خواهم که دست از این شایعات بردارند تا خود دچار این مشکلات نشوند.

تعدادی از فعالین کارگری داخل کشور که در سنوات گذشته به این شایعات دامن می‌زدند. امروز خود طعمه این حریق دو زبانه شده‌اند، امروز خود آنان نیز مورد این حمله ضد انقلابی از طرف اشخاصی قرار گرفته‌اند که هیچ وقت فکر آن را نکرده بودند.

اگر به تاریخ نگاه کنیم در گذشته این مشکلات وجود نداشته، می دانید چرا؟ چون در گذشته جنبش کارگری ایران تا این اندازه فعال نبود هر چه جنبش کارگری فعال تر شود به همان اندازه دشمنان او هم فعال تر خواهند شد. سرمایه داران و کسانی که از موجودیت سرمایه داری دفاع می کنند جنبش کارگری را با گوشت و پوست می شناسند و می دانند اهداف طبقه کارگر چیست و می دانند که آن طبقه برای رسیدن به هدف خود هر چند کند اما دارد حرکت می کند. سرمایه داران و حامیان آنان می دانند که طبقه کار در فکر آن است تا در کارخانه های پارچه بافی برای نظام سرمایه داری سرا پا گندیده کفن بدوزد.

92/5/9

اعتصاب به خاطر عدم پرداخت حقوق در پارس جنوبی <http://kanoonmodafean1.blogspot.se/2013/08/blog-post.html#more>

به نوشته ویلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در 10 مرداد 92 آمده است : شرکت محورسازان در تاریخ 92/05/01 بابت کار پروژه‌اش در پارس جنوبی 900 میلیون تومان از کارفرمای خود دریافت کرده و به رغم این دریافت از پرداخت سه ماه حقوق کارکنانش خودداری می‌کند. مدیران این شرکت می‌گویند این پول باید در پروژه های دیگر هم هزینه شود و همین را بهانه‌ای برای پرداخت نکردن حقوق پرسنل پروژه قرار داده‌اند. این در حالی است کارگران این مجموعه سه ماه است که از دریافت حقوق محروم هستند و قادر نیستند مشکلات معیشتی خود را رفع کنند. از این رو کارکنان این شرکت از تاریخ 92/05/09 اعتصاب کرده و از کار کردن خودداری نموده‌اند. این شرکت در گذشته‌ی نه چندان دور هم به دلیل عدم رعایت کیفیت غذای پرسنل و آلوده بودن غذا، کارگزارانش را دچار مسمومیت کرد و یکی از کارگزارانش از شدت مسمومیت فوت کرد.

در مهر شهر کرج رخ داد: مرگ یک کارگر مقنی بر اثر سقوط کول‌های دیواره چاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 10 مرداد 92 آمده است : يك کارگر مقنی بر اثر سقوط کول‌های دیواره چاه در عمق ۲۰ متری جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، روز گذشته این حادثه در مهرشهر کرج زمانی رخ داد که کارگری ۴۰ ساله در عمق ۲۰ متری مشغول حفر چاه بود که ناگهان بر اثر سقوط کول‌های دهانه و دیواره چاه محبوس و سپس جان خود را از دست داد.

بر اساس این گزارش با حضور گروه‌های امداد و نجات پیکر بی جان این کارگر مقنی به بیرون از چاه انتقال و مرگ وی از سوی عوامل اورژانس حاضر در محل تایید شد.

پایان پیام

پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۲ ه.ش.

گفتگوی رادیو ندا با علی نجاتی در مورد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه
علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در گفتگو با رادیو ندا با اشاره به اینکه کارگران ایران هر روز بیشتر از قبل تحت فشار هستند و پاسخ مسئولین سرکوب، اخراج و زندان است؛ و با بیان اینکه موج کارگران روز به روز رو به جلو حرکت می کند، گفت : " **رمز موفقیت ما در کار مشترک است !** "

کانون بازنشستگان، دستاورد کارگران سندیکایی مبارز مازیارگیلانی نژاد

برپایه مطلب دریافتی از فعالین سندیکای فلز کار میکانیک آمده است : وقتی به نقدهای ایراد شده به جنبش سندیکایی نظر می اندازم، بسیار آزرده خاطر می شوم. بسیاری از این نقد ها نه از روی اطلاع و تحقیق، بلکه از روی تصورات خام در مورد سندیکا و سندیکالیست ها اظهار گشته است. هیچ کدام از افرادی که دست به قلم می برند از تاریخ جنبش سندیکایی و دستاوردهای مختص به آن آگاهی درستی نداشته و هیچ گاه سندیکالیست نبوده اند. به جز چند کتاب و جزوه کوچک و چند مصاحبه، یکصد سال تاریخ سندیکایی چیزی از خود به جا نگذاشته است. آنچه مانده نیز از طرف هیچ پژوهنده ای مورد بررسی قرار نمی گیرد. متأسفانه روشنفکران کارگری ما که می باید این خلا را به گونه ای رفع کنند آنچنان با این موضوع بیگانه اند که تأسف برانگیز است. البته از طرف دیگر رقبای سندیکالیست هابسیار فعالند و تا می توانند در این مورد از آنچه نمی دانند داستان سرایی می کنند. چه آنانی که در خارج از کشور هستند و چه آنانی که در ایران هستند و هرروزه از دستاوردهای سندیکاهای کارگری بهره می برند، هرگز نخواسته اند به روی خود بیاورند که قانون کار، 8 ساعت کار، بازنشستگی، تعطیلی روز جمعه با حقوق، تعطیلات تابستانی با حقوق و بیمه تامین اجتماعی که هر روزه مورد استفاده اشان است چگونه و با چه تلاشی به ثمر نشسته است. کارگران جوان و مبارز هم فکر می کنند که این دستاوردها از روز اول بوده و حتا گاه به غلط فکر می کنند که این زحمات همگی محصول دوران سلطنت بوده است. من می خواهم برای اولین بار از دستاوردی که چندسالی است بدست آمده، صحبت کنم. امیدوارم در آینده ای نزدیک به نگارش تاریخچه آن پردازم. کانون بازنشستگان کارگران تامین اجتماعی که بطور روزمره در دسترس مستمری بگیران است و در سراسر ایران شعبه دارد و بازنشستگان همه روزه برای رفع مشکلات خود به آنجا مراجعه می کنند و هنوز بنیان گذاران آن زنده هستند، یکی از دستاوردهای سترگ جنبش سندیکایی است که هیچگاه مهلت آن را نیافته که به عنوان یک دستاورد معرفی و شناسانده بشود.

پس از بستن غیرقانونی سندیکاهای در سال 1362 و دستگیری بسیاری از اعضای هیات مدیره های سندیکاهای، و خانه نشین کردن سندیکالیست های مبارز، در اواخر دهه شصت تفکری در سندیکالیست های مجرب شکل گرفت تا با ایجاد انجمنی، بتوانند دستاوردهای سندیکایی و حقوق زحمتکشان را گسترش دهند. این افراد که اکثر پا به بازنشستگی می گذاشتند به فکر تاسیس کانونی برای تجمع افتادند. این گفتگوها که بین علیرضا فرهادی آخرین رییس هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی واحد که پس از آزادی از زندان، از محل کارش، شرکت واحد به موتوری شهرداری تهران با جبار منتقل شده بود و احمد کربلایی از سندیکای کارگران شهرداری آغاز و در سالهای بعد رضا پاکزاد از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد - سیف اله اسدی دبیر سندیکای کارگران برق شرق تهران - ابوتراب فیضی از سندیکای کارگران گروه صنعتی بهشهر - علی دادبختیاری، محمدآتشکار و محمود ابراهیمی از سندیکای کارگران چیت سازی - علی اکبر خبازها دبیر سابق و علی سلطانی و حجت اله حسینی، خدابخش پورهادی از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی نیز به این تفکر سندیکایی پیوستند. این گروه گفتگو هایشان در محل خانه کارگر شکل می گرفت، در سال 1370 و با بازنشسته شدن این افراد شکل جدی تری یافت. این گروه سندیکایی به دنبال سازمان دادن و گردآوری نظرات افراد، به سمت برپایی مجمع عمومی نیز بود. در 1373/4/27 مجمع عمومی برگزار و منجر به ثبت کانون کارگران بازنشسته شهرستان تهران در وزارت کار با شماره 101 به تاریخ 1373/5/2 گشت.

اولین هیات مدیره به شرح زیر شکل گرفت : علی اکبر خبازها رییس هیات مدیره ، رضایاکزاد نایب رییس هیات مدیره.اعضا هیات مدیره و بازرسین نیز به این شرح انتخاب شدند:علیرضا فرهادی،علی سلطانی، پورهادی،حجت اله حسینی،احمدکربلایی، ابوتراب فیضی،مجید سبزیلیان، ناصر ملک نژاد، علی اکبرفارسسیجانی،مهدی حسینی،ذبیح اله چگینی، سیف اله اسدی،علی داد بختیاری.با نگاهی به اعضای منتخب مشاهده می گردد که علی سلطانی،علیرضا فرهادی رضایاکزاد،علی اکبرخبازها،ذبیح اله چگینی، پورهادی،حجت اله حسینی از فعالین سندیکای بسته شده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی واحمد کربلایی از سندیکای کارگران شهرداری ،ابوتراب فیضی ازسندیکای کارگران گروه صنعتی بهشهر، سیف اله اسدی از سندیکای کارگران برق شرق تهران،ناصرملک زاده،مهدی حسینی،علی داد بختیاری ازسندیکای کارگران چیت سازی بوده اند. بازنشستگان تهرانی به این افراد که سابقه درخشانی در امر سازماندهی مبارزات سندیکایی کارگران داشتند رای داده بودند.اولین هیات مدیره که با کارشکنی های افراد به اصطلاح مدافع کارگر تشکیل شده بود به سرعت با تلاش های خود در میان بازنشستگان چنان همه گیر شد که امروز 430 هزار نفر عضو دارد. از اولین اقدام های کانون می توان به تصویب رساندن افزایش مستمری هرساله بود که تا آن زمان سابقه نداشت. تا تاریخ تشکیل کانون، عیدی وحق عایله مندی به مستمری بگیران تامین اجتماعی تعلق نمی گرفت که با کوشش این سندیکالیست های قدیمی و مبارز به حقوق شان اضافه شد. این سندیکالیست ها که در طی سالیان مبارزه ،بکارگیری قوانین رابه نفع طبقه کارگر خوب آموزش دیده بودند به تلاش های خود افزوده ودر سال 1380 مواد قانونی را به تصویب رساند که نشان از آگاهی این موضوع داشت.

«اگر دختر پس از طلاق به خانه والدین بازگردد تامین اجتماعی باید دفترچه بیمه برایش صادر کند. ویا اگر دختر وپسری حتا در 50 سالگی شروع به تحصیل کنند ،حق اولاد به مستمری بگیر تعلق خواهد گرفت وهم دفترچه تامین اجتماعی صادر خواهدشد.اگر دختری پس از طلاق به خانه پدری بازگردد باید مستمری پدر و یا مادر برایش برقرار شود.یا اگر خانمی همسرش فوت می کرد بیش از 480 هزارتومان(با احتساب نرخ امروزی)به او پرداخت نمی شد که درسال 1390/4/1 از دیوان عدالت اداری رایبی گرفته شد که حتا اگر مستمری بگیر 2میلیون تومان هم دریافتی داشته باشد کلیه حقوق را کامل به همسرش ،مادرش،پدرش، و فرزندش(چنانچه زنده باشند) بدون کسری پرداخت شود.درحال حاضر بجز کوشش های این چینی که مشتی ازخوار بود ازطرف کانون ،به بازنشستگان وام،سفرزبارتی،کارت منزلت ،بیمه تکمیلی،بلیط استخر که با هزینه ای ناچیزتعلق گرفته وبرای فوت بازنشسته1/5 میلیون پرداخت می شود.»این دستاورد ها تا پیش از تشکیل کانون بازنشستگان تهران وجود نداشت.درحال حاضر درسراسر ایران کانون بازنشستگان دایر شده است.

سالها خواهد گذشت واین فداکاران و قهرمانان گمنام جنبش کارگری از یادهاخواهند رفت.منتقدین سندیکایی امروزی هم که فردا به جمع بازنشستگان خواهند پیوست ،از این امکانات استفاده خواهند کرد وپاز هم نخواهند گفت که این دستاورد طبقه کارگر و فرزندان قهرمان جنبش سندیکایی ایران است.

جان باختن یک کارگر شهرداری چالدران

به گزارش کُردپا، در 10 مردا 92 آمده است : صبح روز چهارشنبه نهم مردادماه، یک کارگر شهرداری به نام "مهدی قهرمانلو"، ۳۲ ساله، اهل شهرستان چالدران، به هنگام نظافت شهر در حادثه‌ی رانندگی و در نتیجه‌ی برخورد ۲ خودرو، جان خود را از دست داد.

"مهدی قهرمانلو" کارگر شهرداری، متأهل و صاحب یک فرزند بوده است که پس از انتقال به بیمارستان، به دلیل شدت جراحت وارده، جان خود را از دست داد.

دبیر خانه کارگر ایلام خبر داد: تعطیلی کارخانه فجر ایلام و ادامه سردرگمی کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلام در 10 مرداد 92 آمده است : دبیر خانه کارگر ایلام از تعطیلی کارخانه تولید قطعات خودرو «فجر ایلام» به سبب آنچه «افزایش مشکلات مالی و سوء مدیریت» می‌خواند، خبر داد.

«علی غیائی» شروع مشکلات این کارخانه را آبان‌ماه سال ۸۱ ذکر کرد و در این باره به ایلام گفت: کارخانه فجر ایلام، تولید کننده کمک فنرهای خودرو از آبان ماه سال ۸۱ به دلیل اختلافات داخلی مدیران دچار بحران شد. کارگران فجر ایلام در سال ۸۱ بیش از ۷۰ نفر بودند اما این تعداد به مرور از چرخه تولید خارج و از سال گذشته به ۱۵ نفر کاهش یافته‌اند.

دبیر خانه کارگر ایلام سابقه کار کارگران را تا ۱۵ سال ذکر کرد و افزود: با وجود آنکه کارخانه از سال ۸۱ در بحران به سر می‌برد و کارفرما نیز از بهمن ماه سال گذشته (۹۱) کارخانه را به حال خود رها کرده است، اما کارگران هر روز برای حفاظت از شغلشان در محل کارخانه حاضر می‌شوند.

این فعال کارگری با بیان اینکه پرداخت حقوق کارگران تا پیش از تعطیلی کارخانه نیز به صورت نامنظم و پراکنده انجام می‌شده است، افزود: کارفرما علاوه بر پرداخت مبالغی به صورت علی‌الحساب، فقط توانسته است بیمه کارگران را واریز کند.

غیائی در بخش پایانی سخنان خود همچنین تصریح کرد: کارفرمای کارخانه فجر ایلام قرار بود با دریافت تسهیلات بانکی و حمایت‌های ویژه دولت در بخش صنایع، سرمایه‌ای که در قالب تسهیلات از دولت دریافت کرده است را در کارخانه سرمایه گذاری کند اما این کارفرما نه تنها سرمایه‌گذاری نکرده است بلکه علاوه بر بیکاری و بلاتکلیفی کارگران، کارخانه را با کلیه دارایی‌ها و ماشین آلات‌اش رها کرده و حضور فیزیکی در کارخانه ندارد.

پایان پیام

موفقیت کارگران در بازپس‌گیری حقوق معوق پس از ۷ روز اعتصاب

برپایه خبر رسیده آمده است : کارگران پیمانکار اجرایی که برای شرکت محورسازان مشغول کار در پارس جنوبی بودند، به اعتصاب خود پایان دادند. پس از ۷ روز اعتصاب و تحمیل زیان ناشی از تاخیر در پیشرفت کار پروژه، پای کارفرما به معرکه باز شد و شرکت محورسازان مجبور به پرداخت سه ماه حقوق کارگران پیمانکار اجرایی شد.

این موفقیت کارگران پیمانکار اجرایی باعث شد که کارکنان بلاواسطه‌ی شرکت محورسازان هم دست از کار بکشند و طولی نکشید که آنان نیز حقوق معوق خود را دریافت کردند.

کانون مدافعان حقوق کارگر این موفقیت را به کارگران تبریک می‌گوید و بار دیگر ضرورت همبستگی و ایجاد تشکل مستقل کارگری را برای احقاق حق کارگران یادآوری می‌کند.

مرگ راننده بیل مکانیکی در آغاچاری به علت انفجار خط لوله انتقال گاز

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 10 مرداد 92 آمده است : مدیرکل ستاد حوادث غیرمترقبه استانداری خوزستان از مرگ یک نفر و زخمی شدن دو نفر بر اثر انفجار خط لوله انتقال گاز در شهرستان آغاچاری خبر داد.

محمدرضا آملازاده اظهار کرد: صبح امروز یک دستگاه بیل مکانیکی متعلق به یک شرکت عمرانی در منطقه ای بین شهر آغاچاری و میانکوه در استان خوزستان که جزوه مناطق نفتی به شمار می روند در حال فعالیت بود که ناگهانی بیل آن با یک خط لوله انتقال گاز اصابت می کند. وی افزود: بر اثر این برخورد، خط لوله منفجر می شود و راننده بیل مکانیکی در دم جان خود را از دست می دهد و دو نفر از افرادی که در همان حوالی بودند نیز زخمی می شوند. آغاچاری شهری است در استان خوزستان است. آغاچاری یا آغاچری از مناطق نفتخیز اما محروم ایران به شمار می رود. جمعیت آن بیش از 13 هزار نفر است. همچنین میانکوه شهری است در نزدیکی آغاچاری که گروه بیشتری از مردم آن، کارکنان شرکت ملی گاز ایران هستند. آب و هوای میانکوه بیشتر سال گرم است و بسیار کم هوا سرد می شود. از دیگر ویژگیهای میانکوه می توان به وجود دو شرکت مهم (پالایش گاز بیدبلند و شرکت منطقه یک عملیات انتقال گاز) در حوزه فعالیتهای نفت و گاز اشاره کرد.

تناقض گویی آشکار درباره قربانیان حادثه "گذار شهپیر"

به گزارش ایبیا نیوز در 10 مرداد 92 آمده است: شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران (آبنیرو) به رغم گذشت ۱۰ سال از آبیگیری سد، به تعهدات خود برای احداث راههای روستایی که در اثر عملیات سدسازی تخریب شده و به زیر آب رفته اند عمل نکرده و در عوض، با قرار دادن یدک کش، اقدام به جابجایی مینی بوس های حامل مسافر می نماید. در حالی که چند ساعت از وقوع حادثه دلخراش مرگ ۱۲ نفر از روستائیان و عشایر بختیاری در سد کارون ۳ می گذرد، تناقضگویی شدید مسئولان ذیربط در این باره، موجب سردرگمی و تشویش اذهان عمومی شده است.

به گزارش 10 مرداد ایبیا نیوز، یدک کش شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران که به سوی روستاهای سادات حسینی، شیوند، غربی ها و میراحمد در حرکت بود، حوالی ساعت ۱۷:۱۵ روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۰۵/۰۹ در لحظه پهلوی گرفتن در ساحل دریاچه سد کارون ۳، با صخره برخورد نمود و تکان شدید موجب شد که مینی بوس که در عرشه یدک کش قرار داشت، به گوشه ای پرتاب شود و با سرنشینیان خود به درون آب فرو رود. که در این حادثه تاکنون حداقل ۱۲ نفر کشته شده اند.

گفتنی است از زمان آبیگیری سد کارون ۳ در سال ۱۳۸۳ و زیر آب رفتن پل قدیمی «گذار شهپیر»، روستائیان و عشایر بختیاری ساکن روستاهای «سادات حسینی» در شمال شرقی ایذه، در بن بست گرفتار شده اند. شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران (آبنیرو) به رغم گذشت ۱۰ سال از آبیگیری سد، به تعهدات خود برای احداث راههای روستایی که در اثر عملیات سدسازی تخریب شده و به زیر آب رفته اند عمل نکرده و در عوض، با قرار دادن یدک کش، اقدام به جابجایی مینی بوس های حامل مسافر می نماید.

تناقضگویی شدید مسئولان درباره حادثه تلخ سد کارون ۳ حبیب الله جعفری معاون بهره برداری سد و نیروگاه سازمان آب و برق خوزستان در گفتگو با گروه انرژی سرویس اقتصادی خبرگزاری ایسنا (که روز چهارشنبه ساعت ۱۹:۴۲ منتشر شد)، علت حادثه را «رعایت نکردن نکات ایمنی از سوی راننده مینی بوس» اعلام کرد و افزود: «متأسفانه راننده مینی بوس مسائل ایمنی را رعایت نکرده و واضح است که ماشین در وضعیت خلاص بوده و با پهلوی گرفتن بارج، مینی بوس دچار حادثه شده و بخشی از آن در دریاچه افتاده است». سرهنگ مهماندار رئیس پلیس راه کشور در گفتگو با گروه انتظامی و حوادث سرویس اجتماعی خبرگزاری مهر (که روز چهارشنبه ساعت ۲۲:۳۱ منتشر شد)، علت حادثه را «واژگونی لنج در وسط آب به علت نامعلوم» عنوان کرد و افزود: «۱۲ مسافر مینی بوسی که روی یک لنج باری در سد کارون ۳ قرار داشت به علت واژگونی کشته شدند».

خبرنگار خبرگزاری مهر، در ادامه گزارش خود می نویسد: «ساعت ۱۸:۳۰ عصر امروز واژگونی یک فروند لنج در سد کارون ۲ به نیروهای امدادی اطلاع داده شد. با حضور امدادگران مشخص شد این لنج که به دلیل ساخت سد کارون ۳ وظیفه برقراری ارتباط میان روستای سادات حسینی و شهرستان ایذه در استان خوزستان را برعهده دارد به علت نامعلومی هنگام انتقال روستائیان در وسط آب واژگون شده است. در ادامه با بررسی های تخصصی مشخص شد یک دستگاه مینی بوس به همراه ۱۶ سرنشین نیز روی لنج قرار داشته است که به اعماق آب سقوط کرده است». سرهنگ مهماندار رئیس پلیس راه کشور، همچنین در گفتگو با گروه انتظامی سرویس حقوقی قضایی خبرگزاری فارس (که روز چهارشنبه ساعت ۲۲:۵۲ منتشر شد)، علت حادثه را «خرابی لنج» عنوان کرد و افزود: «مینی بوس مذکور با سرنشینانش به داخل لنج رفته اما در میانه راه به دلیل خرابی لنج حادثه به وقوع پیوسته و مینی بوس به داخل آب سقوط می کند». وی تاکید کرد: «سد کارون ۲ در نزدیکی دو روستا دریاچه ای را ایجاد کرده که تردد میان این روستاها تنها به وسیله لنج میسر است».

کج سلیفگی صداوسیما و پاشیدن نمک بر زخم حادثه دیدگان در همین حال، بخش خبری ساعت ۲۲:۴۵ صداوسیما استان خوزستان به نقل از یک مقام مسئول در استانداری خوزستان، از «احتمال مقصر بودن راننده مینی بوس» خبر داد! کج سلیفگی صداوسیما در انتشار این خبر، موجب واکنش گسترده افکارعمومی در استان خوزستان و اعتراض خانواده های حادثه دیدگان شد. صداوسیما خوزستان و مقامات استانداری، هیچ اشاره ای به علت نابودی راههای روستایی این منطقه نکرد و نگفت که چرا مردمن مجبور به استفاده از یدک کش ها شده اند.

گفتنی است شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران (آنیرو) به رغم گذشت ۱۰ سال از آگیری سد، به تعهدات خود برای احداث راههای روستایی که در اثر عملیات سدسازی تخریب شده و به زیر آب رفته اند عمل نکرده و در عوض، با قرار دادن یدک کش، اقدام به جابجایی مینی بوس های حامل مسافر می نماید.

گفتگوی رادیو ندا با علی نجاتی در مورد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

گفتگوی رادیو ندا با علی نجاتی فعال کارگری سندیکای نیشکر هفت تپه آمده است : علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در گفتگو با رادیو ندا با اشاره به اینکه کارگران ایران هر روز بیشتر از قبل تحت فشار هستند و پاسخ مسئولین سرکوب، اخراج و زندان است؛ و با بیان اینکه موج کارگران روز به روز رو به جلو حرکت می کند، گفت : " رمز موفقیت ما در کار مشترک است ! "

گوش کنید: <http://www.radioneda.de/2013/08/02/Nejati130801.ram>

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه : شرایط دشوار طبقه کارگر پایانی ندارد

به نوشته سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در تاریخ 11 مرداد 92 آمده است : بیش از چهل روز از مرگ افشین اسانلوکارگر زندانی می گذرد و غم از ازدست دادن این عزیز بر سینه خانواده و دوستان و بطور کل طبقه کارگر سنگینی می کند.

ما ضمن تسلیت وهمدردی فراوان ازین فراق جانکاه به خانواده افشین اسانلو و جامعه کارگری، خواهان روشن شدن تمامی ابعاد این واقعه تلخ از سوی مسئولین قضایی ، وهمچنین خواستار دنیایی هستیم که هیچ کارگری به صرف فعالیت کارگری این چنین تاوان سنگینی نپردازد. از طرفی دیگر موج آزار واذیت سایر فعالین کارگری ادامه دارد بطوریکه که ،آقایان پدرام نصرالهی، وفا قادری ،غالب حسینی وحامد محمودی نژاد تنها بجرم دفاع از حقوق کارگری وبهبودی وضعیت

معیشتی خود محاکمه و محکوم به زندان شده اند. در عین حال وضعیت جسمی رضاشهبایی هم در شرایطی دشواری قرار دارد.

سندیکای کارگران هفت تپه ضمن دفاع از حقوق این کارگران و محکوم نمودن این گونه اعمال، اعلام می کند که زندان و حتی مرگ پاسخ مطالبات ما نیست. مسئولان بهتر است بجای تنبیه و آزار کارگران، در جهت برآورده کردن خواسته های برحق آنها بکوشند. با آرزوی دنیایی که وضعمان بهتر ازین باشد

4 ساعت اضافه کاری بدون حقوق کارکنان قراردادی شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان

به گزارش پانا نیوز، در تاریخ 11 مرداد 92 آمده است : کارکنان قراردادی شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان با ارسال پیامی از وضعیت کاری خود در این منطقه عملیاتی انتقاد کرده و تاکید می کنند: مدیریت امور اداری این منطقه هر هفته 4 ساعت بیش از قانون مصوب کار، کار از این کارکنان می کشد.

براساس این گزارش، هر چند این روزها افکار عمومی و به ویژه تمرکز مدیران و روسا بر روی انتخاب اعضای کابینه دولت یازدهم متمرکز شده است اما مشکل کارکنان قراردادی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان هم در خور توجه و البته تأسف است. در پیام کارکنان قراردادی شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان آمده است: " سلام بیشتر کارکنان قراردادی شرکت پخش فرآورده نفتی منطقه زنجان به صورت 2 شیفت (یک هفته شیفت صبح و یک هفته شیفت عصر با یک روز استراحت در هفته) مشغول به کار هستند.

بر این اساس اکثر کارکنان قراردادی بیشتر از 15 ماهه که با امور اداری این موضوع را تذکر می دهند که طبق قانون کار ساعت کار هفتگی 44 ساعته نه 48 ساعت، ولی متأسفانه هیچ گونه جوابی نگرفتیم .

امیدوار بودیم بعد اینکه قراردادی شدیم حداقل طبق قانون کار که شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی و وزارت نفت خیلی رو این کلمه تاکید میکنه بهمون حقوق بدهند ولی متأسفانه آقایون کوتاهی می کنند.

اخبار فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان:

به نوشته سایت افق روشن آمده است : - حادثه کارگری اسماعیل معاف کارگر خدمات شهری شرکت نیل آبی زرجوب دارای دو سال سابقه کار در این شرکت می باشد.

اسماعیل صبح روز پنجشنبه ۳/۵/۹۲ حدود ساعت ۱۱:۳۰ در حالی که در حاشیه مسیر جاده رشت پیربازار- سه راهی فخب مشغول کار بود دچار حادثه شد. راننده خودروی سواری در حال سبقت به علت عدم کنترل اتومبیل خود با اسماعیل را در حالی که در حاشیه جاده قرار داشت تصادف میکند اسماعیل معاف بشدت از ناحیه سر، صورت و فک آسیب می بیند اورژانس او را به بیمارستان پورسینای رشت منتقل می کند.

وی پس از یکروز بستری شدن در بیمارستان مرخص شده به منزل خود می رود او هم اکنون در خانه بستری و قادر به کار کردن نیست. آنهم در شرایطی که شرکت از ۷۵ روز دستمزد معوقه - برج خرداد و تیر به اضافه ۱۵ روز تاخیر از قبل - در روز پنجشنبه ۳/۵/۹۲ فقط دستمزد برج خرداد را پرداخت کرده است.

راستی چه کسی مسئول حفظ جان و امنیت کارگران خدمات شهری در مسیر خیابان و جاده می باشد؟

سرنوشت اسماعیل و سایر کارگرانی که دچار حادثه می شوند به کجا می انجامد؟
چه کسی پاسخگو است؟

- مسئول این تبانی کارفرما و بیمه چه کسی است؟

شرکت های خدمات شهری طرف قرارداد با شهرداری از اسفند سال ۱۳۹۱ به بعد در طول پنج ماه اخیر هیچگونه قراردادی با کارگران تمدید نکرده اند علیرغم تمدید اعتبار دفترچه های بیمه وقتی کارگران به شعبات بیمه مراجعه می کنند اثری از سابقه کاری خود در بیمه نمی بینند. در مقابل اعتراض کارگران مسئولین بیمه می گویند تا پول بیمه دریافت نکنیم اعتبار بیمه تان را تمدید نمی کنیم بطور مثال در ازای پرداخت سه سال حق بیمه ، یک ماه سابقه کار ثبت شده است؟

و کارگران در این میان سرگردان، مسئول این تبانی کارفرما و بیمه چه کسی است؟

گرانی در انتظار نان است!

شوک قیمتی به بازار مواد لبنی و پروتئینی وارد خواهد شد!

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا آمده است : در صورت عدم پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز واردات گندم توسط دولت، گرانی در انتظار نان است!
به گزارش 11 مرداد ایسنا، در حال حاضر دولت گندم را کیلویی 800 تومان خریداری کرده و با قیمت کیلویی 465 تومان به کارخانه‌های خبازی ارائه می‌دهد ولی باز هم این یارانه کمتر از مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع سابق (1226 تومانی) و ارز جدید (2477 تومانی) است و همین موضوع می‌تواند عامل افزایش قیمت نان باشد.

برپایه این گزارش، تا سال گذشته اقلام مصرفی خانوار همچون گوشت، مرغ، برنج، شکر و روغن به عنوان کالای اساسی شناخته می‌شد، اما در اواخر پارسال بانک مرکزی با عدم اختصاص ارز مرجع این اقلام را عملاً از لیست کالاهای اساسی خارج کرد. البته در آن زمان مقرر شده بود که بانک مرکزی تا پایان سال 1392 به کالاهای اساسی باقیمانده در اولویت نخست کالاهای وارداتی از جمله نهاده‌های دامی و گندم همچنان ارز مرجع 1226 تومانی اختصاص دهد که البته با تصمیم اخیر این بانک مقرر شده این اقلام نیز با پرداخت ارز 2477 تومانی از گمرک ترخیص شوند.

در همین رابطه شرکت پشتیبانی امور دام اعلام کرده که اگر ارز مرجع به کالاهای اساسی اختصاص پیدا نکند، شوک قیمتی به بازار مواد لبنی و پروتئینی وارد می‌شود، اما مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی ایران معتقد است که این موضوع شامل حال گندم نمی‌شود.
به گفته عباس قبادی توافق شده است که مابه‌التفاوت ارز مرجع و ارز مبادله‌ای واردات گندم از سوی دولت پرداخت شود.

شاید اشاره وی به صندوق توسعه ملی بوده است چراکه به گفته کیومرث کرمانشاهی، معاون کل سازمان توسعه تجارت قرار است با مصوبه دولت مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع و مبادله‌ای واردات کالاهای اساسی از منابع صندوق توسعه ملی تامین شود.

اما در این باره رییس اتحادیه نان‌های حجیم و نیمه‌حجیم نظر دیگری دارد.

محمدجواد کرمی با اشاره به حذف ارز مرجع 1226 تومانی اظهار کرد: در حال حاضر دولت گندم را کیلویی 800 تومان خریداری کرده و با قیمت کیلویی 465 تومان به کارخانه‌های خبازی ارائه می‌دهد که این موضوع نشان‌دهنده اختصاص یارانه نان به طور غیرمستقیم از سوی دولت است. ولی باز هم این یارانه کمتر از مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع سابق (1226 تومانی) و ارز جدید (2477 تومانی) است و همین موضوع می‌تواند عامل افزایش قیمت نان باشد.

وی ادامه داد: در گذشته پیشنهاد شد که دولت اصلاح قیمت گندم، آرد و نان را در دستور کار خود قرار دهد که این موضوع عملی نشد. در این پیشنهاد آمده بود دولت قیمت فروش گندم خود را به کیلویی 850 تومان افزایش دهد.

کرمی تصریح کرد: البته با اصلاح قیمت نان به هزار تومان افزایش می‌یافت اما از سوی دیگر انتخاب نوع نان کاملاً در دست مردم بود و پارانه نان به صورت نقدی در اختیار مردم قرار می‌گرفت. رییس اتحادیه نان‌های حجیم و نیمه‌حجیم در پاسخ به این سوال که آیا واریز پارانه نقدی نان مشکلاتی را به همراه خواهد داشت گفت: واریز پارانه نقدی فسادهای اقتصادی را به همراه دارد اما فساد آن بسیار کمتر از فساد است که در حال حاضر با فروش آرد کیلویی 465 تومان به کارخانه‌های خبازی به وجود آمده است.

وی تأکید کرد: با ارائه آرد کیلویی 465 تومان به کارخانه‌ها رانت‌هایی در پشت پرده این موضوع به وجود آمده است. در کنار این رانت‌ها بهانه‌جویی‌های کارخانه‌ها برای افزایش قیمت آرد نیز وجود دارد.

به گفته او در حال حاضر توزیع و نظارت آرد به طور کلی از دست دولت خارج شده است. در گذشته دولت آرد را با نظارت از کارخانه‌ها به واحدهای نان‌پزی منتقل می‌کرد، اما متأسفانه در حال حاضر این اتفاق صورت نمی‌گیرد و معلوم نیست که آیا تمام گندمی که به کارخانه‌ها داده می‌شود به دست نانواپی‌ها و بعد از آن به دست مردم می‌رسد یا خیر.

رییس اتحادیه نان‌های حجیم و نیمه‌حجیم در پایان تأکید کرد: دولت باید نظارت بیشتری بر توزیع آرد در بین نانواپی‌ها داشته باشد.

موج جدید گرانی انواع میوه، صیفی‌جات و غلات به ویژه گندم و جودرراه است! گرانی گاز پتروشیمی‌ها دامن کشاورزی را گرفت، قیمت کود اوره 2 برابر شد!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 11 مرداد 92 آمده است: مطابق با مصوبه هیات دولت، شرکت‌های پتروشیمی به دلیل افزایش قیمت گاز، بهای هر کیسه 50 کیلوگرمی کود اوره را به دو برابر افزایش داده‌اند که این افزایش قیمت گاز حالا گریبان صنایع کشاورزی ایران را هم گرفته است.

به گزارش 11 مرداد مهر، ایران در حال حاضر یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان اوره پتروشیمی است به طوری که این محصول پتروشیمیایی توسط ایران به کشورهای همچون هند، چین، پاکستان، ترکیه، سوریه، سریلانکا، مالزی، مکزیک و موزامبیک صادر می‌شود. در شرایط فعلی ظرفیت تولید کود اوره پتروشیمی ایران حدود 4.5 میلیون تن در سال است که بین 2.3 تا 2.5 میلیون تن توسط پتروشیمی‌ها تحویل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی و تعاون روستایی کشور شده و مابقی به بازارهای جهانی صادر می‌شود.

با این وجود، تیرماه سالجاری هیات دولت مصوبه ای صادر کرده است که مطابق با این مصوبه، قیمت هر کیسه کود اوره پتروشیمی با افزایشی حدود 75 درصدی همراه شده است.

از این رو مطابق با مصوبه 18 تیر ماه هیات دولت، قیمت فروش هر کیسه کود شیمیایی 50 کیلویی درب واحد تولید به 30 هزار و 625 تومان افزایش یافته، این در حالی است که بهای این فرآورده پتروشیمی سال گذشته به ازای هر یک کیسه 50 کیلوگرم کود اوره 17 هزار و 500 تومان بود.

هم اکنون با احتساب حمل، شرکت خدمات حمایتی کشاورزی و تعاون روستایی کشور هر کیسه کود اوره را 40 هزار تومان تحویل کشاورزان و باغداران می‌دهد که پیش بینی می‌شود این افزایش قیمت منجر به یک افزایش جدید بهای انواع میوه، صیفی‌جات و غلات به ویژه گندم و جو در ایران شود.

از سوی دیگر شرکتهای بزرگ تولیدکننده کود اوره همچون پتروشیمی‌های کرمانشاه، شیراز، خراسان شمالی و پردیس عسلویه از بزرگترین تولیدکنندگان کود اوره پتروشیمی هستند که علت گرانی قیمت این فرآورده را افزایش قیمت گاز طبیعی اعلام می‌کنند.

مجتمع های پتروشیمی برای تولید کود اوره به طور مستقیم به خوراک گاز طبیعی نیاز دارند که براساس اعلام شرکت های پتروشیمی، با افزایش قیمت گاز، بهای کود اوره تولیدی این واحدها هم افزایش یافته است.

عبدالحسین بیات معاون وزیر نفت اسفند ماه سال گذشته در گفتگو با مهر با اعلام اینکه هم اکنون قیمت هر بسته 50 کیلوگرمی کود اوره در درب مجتمع پتروشیمی ها 17500 تومان است، گفته بود: عرضه گران تر از این قیمت مصوب خلاف قانون است.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه شرکت خدمات حمایتی کشاورزی و تعاونی روستایی باید روی هر کیسه کود اوره تنها 2500 تومان دریافت کند، تاکید کرده بود: به عبارت دیگر با اختصاص یارانه هر کشاورز باید بابت یک کیسه 50 کیلوگرمی تنها 20 هزار تومان پرداخت کند.

بنا بهمین گزارش، همزمان با تدوین طرح همسنگ سازی قیمت خوراک گاز و مایع پتروشیمی ها توسط دولت، کارشناسان از احتمال مهاجرت سرمایه گذاران پتروشیمی به قطر هشدار می دهند؛ هر چند مسئولان وزارت نفت وقوع هرگونه مهاجرت سرمایه را رد می کنند.

گزارش تکمیلی اعتراض امروز کارگران کیان تایر- همراه با گزارش تصویری

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 12 مرداد 92 آمده است: پس از یکماه کشمکش میان کارگران کیان تایر و وزارت صنایع بر سر واگذاری این کارخانه به مالک قبلی آن، از صبح امروز آتش خشم کارگران کیان تایر بار دیگر شعله ور شد و آنان در اقدامی متحدانه توانستند با شروطی که خود تعیین کردند تا بدینجا مسئله واگذاری کارخانه به مالک قبلی آنرا بطور قاطعانه ای تحت تاثیر قرار دهند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال تجمع کارگران کیان تایر در روز ششم مرداد ماه در مقابل دفتر بیت رهبری و وعده رسیدگی مناسب به خواست کارگران از سوی فرماندار اسلامشهر در شورای تامین استان، جلسه این شورا بدلیل عدم حضور نماینده وزارت صنایع برگزار نشد و وعده های متفاوتی از ششم مرداد به این سو به کارگران کیان تایر جهت برگزاری جلسه مزبور داده شد.

بر اساس آخرین وعده ای که در این رابطه به کارگران کیان تایر داده شده بود قرار بود دوشنبه هفته جاری جلسه شورای تامین جهت رسیدگی به خواست کارگران مبنی بر حل مسئله واگذاری کارخانه به مالک قبلی برگزار شود. اما از آنجا که روز چهارشنبه گذشته رئیس سازمان حمایت از صنایع در راستای تامین و تکمیل واگذاری کارخانه به مالک قبلی ابلاغیه ای را مبنی بر عدم فروش لاستیکهای تولید شده به مسئولین شرکت داده بود کارگران کیان تایر روز پنجشنبه هفته گذشته با امضای طوماری خواهان فروش لاستیکها و پرداخت دستمزد خود شدند اما مدیریت مستقر در شرکت از انجام خواست کارگران سرباز زد. به همین دلیل کارگران کیان تایر از ساعت 9 صبح امروز با خواست پرداخت دستمزد معوقه خود و روشن کردن تکلیف واگذاری کارخانه به مالک قبلی، بطور متحدانه ای دست به تجمع در محوطه کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر زدند و با افروختن بیشتر آتش لاستیک نسبت به روزهای دیگر، خواهان رسیدگی فوری به خواستهای خود شدند. بدنبال این اقدام اعتراضی قاطعانه از سوی کارگران کیان تایر فضای امنیتی بسیار شدیدی بر حوالی کارخانه حاکم شد و فرمانده نیروی انتظامی اسلامشهر با حضور در میان کارگران خواهان پایان دادن به اعتراض آنان شد. این در حالی بود که یکی از مامورین امنیتی که مشغول فیلمبرداری چهره به چهره از کارگران بود با خشم آنان مواجه گردید و بر اثر درگیری مختصری که رخ داد دوربین اش طعمه شعله های آتشی شد که کارگران کیان تایر بر افروخته بودند.

بنا بر این گزارش اعتراض کارگران کیان تایر درحالی با شدت ادامه داشت که تعدادی از نماینده های آنان در بخشداری چهاردانگه مشغول مذاکره با شورای تامین منطقه اسلامشهر بودند و

حدود 50 کارگر بازنشسته این کارخانه نیز با تجمع در مقابل آن خواهان پرداخت سنوات خود بودند که سپس تجمع خود را به مقابل بخشداری چهاردانگه کشاندند.

بنا بر آخرین خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتراض کارگران کیان تایر تا لحظه تعطیلی کارخانه ادامه داشت و با فرا رسیدن پایان ساعت کاری، آنان خود راسا اقدام به خاموش کردن آتش کردند و به تجمع اعتراضی خود پایان دادند.

بنا بر خبر دیگری که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است جلسه نماینده های کارگران کیان تایر با شورای تامین منطقه اسلامشهر نیز ساعتی پیش به پایان رسید.

بنا بر جزئیات این گزارش پس از پایان جلسه نماینده های کارگران کیان تایر با شورای تامین منطقه اسلامشهر، مسئولین این شورا مالک قبلی این کارخانه را که در حال حاضر کارخانه به وی واگذار شده است به بخشداری چهاردانگه فرا خواندند و پس از جلسه ای که با وی برگزار کردند مقرر شد: 1- نامبرده مبلغ ده میلیارد تومان در طول یک ماه آینده جهت ادامه کار در اختیار کارخانه قرار دهد 2- تا فردا ظهر دستمزد معوقه کارگران به حساب آنان واریز شود 3- کارخانه بمدت سه ماه و بطور آزمایشی در اختیار وی باشد و چنانچه در این مدت کمترین بی توجهی به تعهداتش مبنی بر تداوم کار و اجرای تعهدات قانونی اش در مقابل کارگران انجام دهد کارخانه بلافاصله در اختیار سازمان حمایت از صنایع قرار گیرد 4- وی در این مدت سه ماهه حق حضور در کارخانه را نخواهد داشت.

این توافقات از سوی نماینده های کارگران کیان تایر زمانی صورت گرفت که کارخانه تعطیل شده بود. کارگران کیان تایر فردا تصمیم نهایی در اینمورد را اعلام خواهند کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 12 مرداد ماه 1392

لینک تصاویر: <http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=3182>

در آخرین روز عمر دولت دهم، دود اعتراض کارگران کیان تایر آسمان چهاردانگه را پوشاند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: از صبح امروز 12 مرداد ماه کارگران کیان تایر با دست کشیدن از کار، اقدام به تجمع و آتش زدن لاستیک در محوطه درونی کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر کرده اند. این در حالی است که بازنشستگان این کارخانه نیز در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خود قرار است امروز در مقابل بخشداری چهاردانگه دست به تجمع اعتراضی بزنند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال چند هفته اعتراض و تجمعات کارگران کیان تایر در محوطه کارخانه، وزارت صنایع و مقابل دفتر بیت رهبری از آنجا که وزارت صنایع همچنان بر واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن اصرار دارد و از طرف دیگر با گذشت ده روز از مرداد ماه دستمزد کارگران کیان تایر پرداخت نشده است این کارگران از صبح امروز دست از کارگران کشیدند و با آتش زدن لاستیک و تجمع در محوطه درونی کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند.

کارخانه کیان تایر در آخرین هفته های عمر دولت دهم و با عجله به مالک قبلی این کارخانه واگذار شده است و کارگران کیان تایر با توجه به سوابق سوء وی در ساهای 86 و 87 برای به تعطیلی کشاندن کارخانه، حاضر به پذیرش این واگذاری نیستند.

کارگران کیان تایر اعلام کرده اند در صورت تداوم وضعیت موجود و عدم رسیدگی به خواست هایشان جاده اسلامشهر را خواهند بست و دامنه اعتراضات خود را گسترش خواهند داد. گزارش تکمیلی اعتراض امروز کارگران کیان تایر متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

بیانیه جمعی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری

خطاب به کارگران، تشکل‌های کارگری و سازمان‌های مدافع حقوق بشر

برپایه مطلب رسیده آمده است: ما کارگریم!

کارگران، تشکل‌های کارگری!

ما امضاء کننده‌گان این بیانیه، جمعی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری هستیم که بیش از یک سال است تحت پیگرد نیروهای امنیتی و مقام‌های قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران هستیم. اگر چه دور جدید تعرض به کمیته هماهنگی با هجوم گسترده به مجمع عمومی این تشکل کارگری در 26 خرداد سال 91 در شهر کرج آغاز گردید؛ اما پس از آن، بازداشت و محاکمه بسیاری از ما کارگران هم چنان ادامه یافت. در این مدت بارها اعضای کمیته هماهنگی در شهرهای رشت، سنندج، بوکان، مهاباد، سقز،... احضار و یا دستگیر شده و مورد ضرب و شتم و توهین و اهانت مامورین امنیتی قرار گرفتند. در نتیجه این سرکوب پلیسی، تاکنون تعدادی از ما به زندان تعزیری محکوم شده و بقیه اعضای کمیته هماهنگی در انتظار ابلاغ حکم مقام‌های قضایی می‌باشند.

کارگران! هم طبقه ای‌ها!

ما به عنوان جمعی از فعالین کارگری که در چندین ماه گذشته، تحت فشار نیروهای امنیتی و قضایی بوده ایم، بار دیگر اعلام می‌کنیم کمیته هماهنگی تشکلی کارگری است که در سال 84 و در نبود تشکل‌های مستقل کارگری ایجاد گردید و اعضای آن کارگرانی هستند که هدف شان کمک به سازمان‌یابی کارگران و آگاه شدن آنها از منافع و حقوق طبقاتی‌شان است. کمیته هماهنگی تشکلی مستقل در راستای خواسته‌ها و مطالبات کارگران بوده و هیچ اهداف پنهانی ندارد. ما امضاء کننده‌گان این بیانیه که بارها با بازجویی‌های طولانی، متهم به تبلیغ علیه نظام و عضویت و ارتباط با احزاب اپوزیسیون دولت ایران شده‌ایم؛ این اتهام‌ها را واهی و بی اساس می‌دانیم. ما کارگرانی هستیم که خود را بخشی از میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های شان می‌دانیم که با سختی و مشقات بی‌شماری دست به گریبان بوده و امرار معاش می‌کنند. ما کارگریم و هر یک از ما مانند هزاران مزد بگیر دیگر، روزانه در مراکز مختلف تولیدی، خدماتی و یا پروژه‌ای برای گذران معاش کار می‌کنیم.

دوستان کارگر!

جرم ما این است که کارگریم و در یک تشکل کارگری به نام کمیته هماهنگی متشکل شده‌ایم و اعلام کرده‌ایم که کارگران باید تشکل‌های طبقاتی خود را داشته باشند. مگر نه این است که سرمایه داران از انواع نهادها و سازمان‌های مختلف برای حفظ و تقویت سرمایه خود بهره می‌گیرند؛ پس چرا ما کارگران، تشکل‌های خود را نداشته باشیم؟ ما گفته‌ایم که کارگران نیاز به تشکل‌های فرمایشی ندارند که در نهادهای دولتی، رای به بی حقوقی بیشتر آنها بدهد. ما می‌گوئیم که حق آزادی تشکل، اجتماعات و آزادی بیان و اندیشه، از حقوق به رسمیت شناخته شده شهروندی است و کسی را نباید به این دلیل تحت پیگرد قرار داد و محاکمه و زندانی کرد. ما کارگریم و بارها اعلام کرده‌ایم که به تعویق انداختن دستمزد کارگران توسط سرمایه‌داران جرم است و عاملین این اقدام را باید به اتهام تحمیل فقر و فلاکت به خانواده‌های کارگری و ایجاد استرس و نگرانی برای کارگران، به دادگاه کشاند و محاکمه کرد. ما گفته‌ایم که حتی تا آن زمان که سرمایه‌داری پابرجاست، "قراردادهای موقت کار" به عنوان قراردادهایی ننگین و قرون وسطایی باید لغو گردد؛ دستمزدهای متناسب با تورم واقعی به کارگران پرداخت شود؛ و داشتن مسکن، خوراک و پوشاک مناسب، تحصیل رایگان و مسافرت و تفریح،... از حقوق طبیعی کارگران و خانواده‌های آنهاست و نباید کسی از این نعمت‌های بشری محروم شود.

ما کارگریم و همواره خود را در کنار کارگران و همراه اعتراضات آنان برای دستیابی به خواست‌های این طبقه در سراسر ایران، از کیان تایر گرفته تا فولاد زاگرس در قروه کردستان و از پتروشیمی ماهشهر تا نیشکر خوزستان می‌دانیم.

کارگران! تشکل‌های کارگری! و انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب!

ما امضاء کننده‌گان این بیانیه نسبت به احضار، بازجویی و محاکمه خود که از سوی دستگاه‌های امنیتی و قضایی شهرهای سنندج، رشت، مهاباد و بوکان ادامه دارد، اعتراض داریم و حکم‌های صادره توسط دادگاه شهر سنندج را ناعادلانه می‌دانیم و خواستار ابطال آن هستیم. ما ضمن قدردانی از تشکل‌های کارگری و کارگرانی که در این مدت به شکل‌های مختلف از ما حمایت و پشتیبانی کرده‌اند، از همه شما می‌خواهیم که به صفوف اعتراضی ما بپیوندید و از هر طریق ممکن ما را در جهت پایان دادن به سرکوب پلیسی علیه تمامی فعالان کارگری، از جمله کارگران و فعالان کارگری متشکل در کمیته‌ی هماهنگی یاری کنید. اعتراض ما بخشی از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی است که برای پیگیری خواست‌ها و مطالبات خود در همه‌ی عرصه‌ها، از جمله حق ایجاد تشکل‌های مستقل و متکی به خود کارگران و رهایی از وضعیت فلاکت بار موجود تلاش و فعالیت می‌کنند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری
امضاء کننده‌گان: اعضای کمیته هماهنگی برای کمک ایجاد تشکل‌های کارگری
1- خالد حسینی 2- غالب حسینی 3- وفا قادری 4- حامد محمودی-نژاد 5- علی آزادی 6- جلیل محمدی 7- بهزاد فرج‌الهی 8- محمد مولانایی 9- واحد سیده 10- یوسف آبخرابات 11- ابراهیم مصطفی‌پور 12- جمال میناشیری 13- هادی تنومند 14- محمد کریمی 15- مجید حمیدی 16- فرامرز فطرت نژاد 17- سیروس فتاحی 18- سعید مرزبان مقدم 19- مازیار مهرپور 20- مسعود سلیم‌پور 21- میترا همایونی
12 مرداد 1392

صبح امروز رخ داد؛ مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر آتش سوزی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 12 مرداد 92 آمده است : صبح امروز یک کارگر ساختمانی بر اثر آتش سوزی محل استراحت خود، جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه در شهرک شهید باقری، انتهای بلوار پارسای غربی، زمانی رخ داد که ۵ کارگر ساختمانی در ساعت استراحت خود در یکی از اتاق‌های کوچک طبقه همکف، ساختمانی در حال ساخت بودند.

بر اساس این گزارش این کارگران ناگهان در میان شعله‌های آتش گرفتار می‌شوند که با حضور گروه‌های امداد و نجات در همان لحظات اولیه ۴ کارگر نجات پیدا می‌کنند اما فرد پنجم که کارگری ۲۰ ساله و از تبع‌افغان است بر اثر شدت حرارت و سوختگی جان خود را از دست می‌دهد .
گفتنی است طبق نظر کارشناسان آتش‌نشانی، علت وقوع این حادثه انتقال حرارت از اجاق گاز روشن به مواد قابل اشتعال در اطراف محل استراحت کارگران اعلام شده است.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل داره کار قروه

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 12 مرداد 92 آمده است : اداره کار و فرماندار قروه درهماهنگی با کارفرمای فولاد زاگرس کارگران این کارخانه را سر می‌دانند
اتحادیه آزاد کارگران ایران: بدنبال دو بار تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی و رسیدگی کمیسیون اصل نود به خواست‌های این کارگران مبنی بر ابقا به کار و

پرداخت 4 ماه دستمزد معوقه آنان، اداره کار و فرمانداری شهرستان قروه همچنان 250 کارگر اخراجی فولاد زاگرس را سر میدوانند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح امروز کارگران فولاد زاگرس پس از عزیمت به کارخانه و امضای دفتر حضور و غیاب با در دست داشتن صورتجلسه کمیسیون اصل نود دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و خواهان اجرای این صورتجلسه و رسیدگی به خواستههای خود شدند.

بنا بر این گزارش بدنبال این تجمع اعتراضی نماینده های کارگران به جلسه ای در اداره کار دعوت شدند. در این جلسه رئیس اداره کار شهرستان قروه با دادن جوابهای سربالا به نماینده های کارگران اعلام کرد صورتجلسه کمیسیون اصل نود ارزشی ندارد و شما برای رسیدگی به هر دو مورد از خواستههایتان (دریافت چهار ماه دستمزد معوقه و بازگشت بکار) می باید شکایت کنید و تا 18 مرداد برای ارائه شکایت فرصت دارید.

کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و از 18 تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده اند. این کارگران در حال حاضر در شرایط بسیار مشقت بار معیشتی بسر میبرند و تجمعات مکرر آنها در مقابل دفتر بیت رهبری و مجلس شورای اسلامی در تهران نیز توأم با وعده و تنظیم صورتجلسه ای در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی بوده است.

کارگران فولاد زاگرس پس از پایان تجمع امروز خود در مقابل اداره کار شهرستان قروه اعلام کردند همچنان به اعتراضات خود برای رسیدگی خواستههایشان به ادامه خواهند داد.

بنا بر گزارش دیگری نیز که بدست اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است هفته گذشته فرماندار شهرستان قروه با احضار برخی از نماینده های کارگران آنان را تهدید کرد و به این کارگران اعلام نمود ادامه تجمعات اعتراضی کارگران تبعات امنیتی برای آنان در پی خواهد داشت. بنا بر این گزارش در این جلسه نماینده های کارگران نیز با تاکید بر محق بودن کارگران، اعلام کردند چنانچه به خواستههایشان رسیدگی نشود همچنان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

آموزش عمومی در محاق جعفر ابراهیمی

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/08/blog-post_3.html

به نوشته ویلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در 12 مرداد 92 آمده است : در آستانه معرفی کابینه حسن روحانی، محمدعلی نجفی به عنوان مطرحترین کاندیدای پست وزارت آموزش و پرورش در صدر گمانه زنیها قرار دارد، از سویی او مسئول کمیته ای است به نام فرهنگیان، که وظیفه دارد وزیر مناسب را به حسن روحانی

معرفی نماید تا در کابینه دولت موسوم به تدبیر و امید سکان آموزش و پرورش را در دست گیرد. پس با این حساب گزینه نهایی برای این پست یا نجفی است و یا اینکه کمیته تحت مسئولیت او وزیر مناسب را به حسن روحانی معرفی خواهد نمود، از همین حالا نقش درخور او در سیاستها و برنامه های آتی این وزارتخانه مشخص و روشن است. در صورتی که اتفاق خاصی رخ ندهد و وزیر آموزش و پرورش از این طریق معرفی و به در نهایت به وزارتخانه راه یابد، به نظر می رسد ضمن تداوم روند خصوصی سازی آموزش عمومی، برنامه ها و استراتژی های آتی این وزارتخانه بر مبنای تفکر کارگزارانی و با جهت گیری طبقاتی و در راستای گشودن درهای عرصه آموزش به روی صاحبان سرمایه طرح ریزی و به اجرا در خواهد آمد.

فرضیه فوق یعنی گسترش حجه سرمایه داری به عرصه آموزش عمومی و کالایی شدن آموزش در ایران مبتنی بر عقاید و عملکرد نجفی و همفکرانش به مقوله آموزش در ایران است. محمد علی نجفی فردای انقلاب 57 از آمریکا به ایران آمد، مدتی که مشاور چمران بود زمینه ها برای قبضه قدرت توسط همفکرانش فراهم شد تا او در سال 60 وزیر فرهنگ و آموزش عالی شود. بعد

از انقلاب فرهنگی اولین کنکور سراسری در زمان وزارت وی برگزار شد. این آزمون در آن زمان از چند جنبه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در دوره تعطیلی دانشگاه‌ها دانشجویان و اساتید مخالف پاکسازی و اخراج شده بودند و این آزمون با اعمال گزینش سراسری می‌توانست در تثبیت ایدئولوژی حاکم در عرصه آموزش موثر باشد و این همه در دوره مدیریت نجفی و همفکرانش در وزارت آموزش عالی رخ داد. نجفی با این پیشینه مدیریتی هنگام ورودش به وزارت آموزش و پرورش در سال 68 مدیر با تجربه‌ای در زمینه تصفیه و پاکسازی محسوب می‌شد. اما در دهه هفتاد، با سیطره راست بر عرصه حاکمیت ایران، دیگر واژه‌هایی چون تصفیه و پاکسازی به لحاظ فاصله گرفتن از شرایط جنگی کارایی لازم را نداشتند. لذا آنها سیاست‌های جدیدی در پیش گرفتند و اینبار اخراج مخالفان در دوره موسوم به سازندگی و در سایه توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول و ذیل زعامت اکبر هاشمی در قالب سیاست تعدیل ادامه یافت. در این دوره اقدامات نجفی و همفکرانش در آموزش و پرورش در سایه برنامه‌های توسعه‌ای در نظام آموزشی توجیه و تئوریزه می‌شد.

نجفی برای پیشبرد برنامه‌هایش که بعدها در قالب صدور مجوز برای مدارس غیر انتفاعی جهت-گیری طبقاتی‌اش آشکار گردید با سازماندهی و بازتعریف وظایف مربیان پرورشی به بخشی از منتقدان خود اطمینان داد که تا مادامی که بخش خصوصی بتواند در آموزش و پرورش رشد کند با ساختار ایدئولوژیک آموزش و پرورش مشکلی ندارد لذا مربیان پرورشی را به سطح مشاوران تحصیلی و تربیتی ارتقا داد تا نقش بی‌بدیل آنان در جهت‌دهی به آینده دانش آموزان را تثبیت نماید، کاری غیرکارشناسی که تبعاتش تا کنون دامن مدارس ایران را گرفته است. مربیان پرورشی عملاً در دوره وی با شعار تلفیق معاونت پرورشی و آموزشی دست بالا را در مدارس و ادارات گرفتند تا جایی که نقش کنترل‌کننده معلمان و دانش آموزان را در مدارس به عهده داشتند. وی نیز از همین ابزار برای کنترل و تعدیل آموزش و پرورش در بدنه سود می‌برد.

اما مهم‌ترین اقدام وی در دوره طولانی وزارتش در آموزش و پرورش اقدامش برای تاسیس مدارس خصوصی تحت عنوان مدارس غیرانتفاعی است. مدارس وی که می‌خش در دوره وی به زمین خورد و در دوره‌های بعدی تعمیق پیدا کرد. فضای انقلابی سال‌های اولیه انقلاب 57 که ملهم از شعارهای برابری طلبانه نیروهای چپ و انقلابی بود با حذف آنان و یکدست شدن حاکمیت روحانیت در ایران هرگز فروکش نکرد و به بخشی از مطالبات عمومی تبدیل گردید لذا درحاکمیت روحانیون موسوم به خط امام نمی‌توانستند شعاری به غیر از حمایت از مستضعفان طرح نمایند. پس آموزش و پرورش به عنوان تجلی این شعارها عرصه‌ای مناسب برای تبلیغ و تعمیق ایدئولوژی حاکم بود. با وجود وزیری منتسب به موتلفه بین سال‌های 60 تا 64 در آموزش و پرورش، جریان بازاری حاکمیت نیز با اولویت به تعمیق ایدئولوژیک نه می‌خواست و نه می‌توانست در راستای خصوصی‌سازی آموزش عمل نماید، شرایط جنگ هم به این موضوع دامن می‌زد تا آموزش و پرورش به صورت سمبلیک، رایگان و در خدمت طبقات فرودست تبلیغ گردد. لذا پایان جنگ از یکسو و برآمدن دولت هاشمی و حذف بخشی از حاکمیت که دوست داشت خود را چپ بنامد زمینه‌های جدیدی برای ورود صاحبان سرمایه به عرصه آموزش فراهم نمود. این فضای جدید هم‌زمان با حضور محمد علی نجفی در وزارت آموزش و پرورش و از طریق مجوز تاسیس مدارس غیر انتفاعی کلید خورد. از این رو نجفی را می‌توان هم شروع کننده و هم کاتالیزور خصوصی سازی آموزش عمومی و رایگان بعد از انقلاب در ایران دانست، بعدها سیاست‌های خصوصی سازی نجفی در آموزش و پرورش چنان رونق گرفت که به گفته خودش بسیاری از منتقدانش به او نزدیک شدند و مدافعان دیروز مستضعفین به سمت گرفتن جواز تاسیس مدارس غیرانتفاعی هجوم بردند تا مسیر خصوصی‌سازی هموارتر گردد.

نجفی از منتقدان جدی اصل 30 قانون اساسی [1] است تا جایی که برای حل مشکلات فرهنگیان نیز چاره را در باز تعریف و تفسیر اصل 30 قانون اساسی می‌داند تا ضمن حذف دولت از عرصه آموزش عمومی با خصوصی‌سازی آموزش منابع جدیدی برای مسایل معیشتی معلمان پیدا نماید. [2] او هر چه در توان داشت در مسیر خصوصی‌سازی آموزش در زمان وزارتش بکار برد

و حال با تجدید قوا و در سایه ناکارآمدی دولت احمدی نژاد در عرصه آموزش با سیاست های لیبرالی جدیدی پا به عرصه آموزش خواهد گذاشت. جالب این که در جلسه مشترک وی با نمایندگان تشکلهای فرهنگیان [3] کسی به موضوع خصوصی سازی آموزش در دوره وی اشاره نکرده است. کسانی که به نمایندگی از معلمان در این جلسه شرکت کرده اند، مستقل از این که تا چه حد از موضع نمایندگی برخوردارند، باید توجه داشته باشند که رفع معضلات آموزش و پرورش را نمی توان تنها در بعد معیشت معلمان و رفع محدودیت های تشکلهای و فعالان صنفی موجود جستجو نمود. بدون لحاظ نمودن مطالبات و خواسته های طبقات فرودست جامعه ایران در عرصه آموزش، با تاکید بر آموزش برابر، شعار تغییر در آموزش ذهنی و انحرافی است. ذهنی از این جهت که عینی ترین و مبرم ترین نیازهای جامعه را نادیده می گیرد و انحرافی از منظر جهت گیری طبقاتی اش، چرا که سرمایه داری با کالایی کردن آموزش می کوشد باقیمانده عرصه آموزش عمومی را نیز ببلعد.

در هر صورت بر مبنای فرضیه فوق احتمالاً در کابینه حسن روحانی و تحت مدیریت امثال نجفی، خصوصی سازی آموزش در ایران شتاب بیشتری خواهد گرفت و به نظر می رسد باقی مانده عرصه آموزش رایگان در هجمه پیش رو در محاق کامل فرو رود. با وجود این باید منتظر بود و دید منتقدان خصوصی سازی آموزش در ایران برای حفظ حریم آموزش از دست اندازی صاحبان سرمایه چه ابتکار و راهکاری در عرصه عمومی ارائه خواهند کرد. با این رویکرد ضرورت تشکل یابی معلمان به یک ضرورت غیر قابل اجتناب تبدیل می گردد. تشکلهای مستقلی که بتوانند از منافع دانش آموزان و معلمان در برابر هر نوع زیاده خواهی دفاع نمایند. کوشندگان این عرصه باید این مهم را مد نظر داشته باشند که مساله معلمان مستقل از جامعه ایران نیست و دستیابی به حداقل خواسته های یک زندگی آبرومندانه در پیوند با مطالبات سایر اصناف، گروه ها و طبقات اجتماعی مانند دانشجویان، زنان و کارگران و ... محقق خواهد شد.

[1] - اصل 30 قانون اساسی می گوید: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

[2] - نجفی ایده های خود در مورد تامین منابع را در مصاحبه اش با روزنامه شرق در تاریخ 5 آذر 85 اینچنین بیان می کند:

« ... بنابراین دولت باید بخشی از مسئولیت های خود که در واقع تصدی های اقتصادی و اجرایی است را کم کند بنابراین من معتقدم کسی که می خواهد برای آموزش و پرورش از نظر منابع فکر کند باید مدافع کوچک شدن دولت باشد، مدافع آزاد سازی اقتصاد باشد و من این را بارها در آموزش و پرورش در بین همکاران خودم مطرح می کردم که شما اگر می خواهید دولتی داشته باشید که بتواند به آموزش و پرورش منابع لازم را بدهد باید این دولت از جاهای دیگری آزاد شود و اینکه شما از دولتی شدن همه چیز دفاع می کنید و فکر می کنید که تفکر چپ دارید این در تناقض با آن چیزی است که بعداً از دولت توقع دارید. بنابراین دولت باید تصدی های اقتصادی و اجتماعی را تا آن جایی که می تواند کمتر کند و سراغ حاکمیت برود. دولت باید کوچک شود به طوری که منابع دولتی و ملی بتواند به میزان بیشتری صرف آموزش شود...».

در آستانه معرفی کابینه حسن روحانی، محمدعلی نجفی به عنوان مطرح ترین کاندیدای پست وزارت آموزش و پرورش در صدر گمانه زنی ها قرار دارد، از سویی او مسئول کمیته ای است به نام فرهنگیان، که وظیفه دارد وزیر مناسب را به حسن روحانی معرفی نماید تا در کابینه دولت موسوم به تدبیر و امید سکان آموزش و پرورش را در دست گیرد. پس با این حساب گزینه نهایی برای این پست یا نجفی است و یا اینکه کمیته تحت مسئولیت

او وزیر مناسب را به حسن روحانی معرفی خواهد نمود، از همین حالا نقش درخور او در سیاست‌ها و برنامه‌های آتی این وزارتخانه مشخص و روشن است. در صورتی که اتفاق خاصی رخ ندهد و وزیر آموزش و پرورش از این طریق معرفی و به در نهایت به وزارتخانه راه یابد، به نظر می‌رسد ضمن تداوم روند خصوصی‌سازی آموزش عمومی، برنامه‌ها و استراتژی‌های آتی این وزارتخانه بر مبنای تفکر کارگزارانی و با جهت‌گیری طبقاتی و در راستای گشودن درهای عرصه آموزش به روی صاحبان سرمایه طرح‌ریزی و به اجرا در خواهد آمد.

توقف مجدد تولید در پتروشیمی اصفهان و درآستانه بیکاری قرار گرفتن بیش از 500 کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 12 مرداد 92 آمده است : عدم پرداخت به موقع حقوق و دستمزد کارگران پتروشیمی اصفهان

به گزارش 12 مرداد مهر، برای دومین بار در طول یکسال گذشته تاکنون تولید در پتروشیمی اصفهان با ظرفیت 300 هزار تن در سال متوقف شد که عدم تسویه به موقع بدهی‌های معوق توسط پتروشیمی به پالایشگاه اصفهان علت اصلی توقف در این پتروشیمی خصوصی‌سازی شده، اعلام می‌شود.

بنا به همین گزارش، با گذشت یکسال از به پایان رسیدن اختلافات نفتی بین مجتمع پتروشیمی و پالایشگاه نفت اصفهان درباره تعیین نرخ و نحوه تسویه بدهی‌های معوق، تولید در یکی از قدیمی‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی کشور بار دیگر متوقف شده است.

بر این اساس مسئولان شرکت ملی صنایع پتروشیمی یکی از دلایل توقف تولید در پتروشیمی اصفهان را عدم تامین خوراک پلاتفرمیت و هیدروژن این مجتمع پتروشیمیایی توسط پالایشگاه نفت اصفهان اعلام می‌کنند.

از سوی دیگر مسئولان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی هم دلیل توقف عرضه خوراک توسط پالایشگاه نفت به پتروشیمی اصفهان را عدم پرداخت به موقع بدهی‌های معوق این مجتمع خصوصی سازی شده صنعت پتروشیمی عنوان می‌کنند.

در این بین عبدالحسین بیات مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی تاکید کرده است: ارسال خوراک به پتروشیمی اصفهان به زودی از سر گرفته شده و این مجتمع پتروشیمی فعالیت مجدد خود را آغاز خواهد کرد.

در همین حال مذاکراتی بین مسئولان شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی بر حل و فصل این اختلاف مالی آغاز شده است.

در این بین برخی از کارکنان شاغل در پتروشیمی اصفهان با اشاره به عدم دریافت به موقع حقوق و دستمزد خود خواستار بازگشت سهام این شرکت پتروشیمی از بخش خصوصی به دولت شده اند.

براساس این گزارش، مجتمع پتروشیمی اصفهان با ظرفیت تولید سالانه 300 هزار تن انواع محصولات پتروشیمی فعلا تعطیل شد. این واحد پتروشیمیایی از ظرفیت تولید سالانه 55 هزار تن بنزن، 72 هزار تن تولوئن، 22 هزار تن ارتوزایلین، 44 هزار تن پارازیلین، 75 هزار تن مخلوط زایلین ها و 40 هزار تن انیدرید فتالیک برخوردار است.

در حال حاضر به طور متوسط سالانه باید 363 هزار تن پلاتفرمیت و سه هزار تن هیدروژن به عنوان خوراک توسط پالایشگاه نفت اصفهان به پتروشیمی تحویل داده شود.

گفتنی است، در مجتمع پتروشیمی اصفهان بیش از 500 کارگرمشغول بکار هستند

**صبح امروز در اعتراض به مشکلات موجود صورت گرفت:
کارگران کیان تایر مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 12 مرداد 92 آمده است : صبح امروز بیش از ۷۰۰ کارگر کارخانه کیان تایر در اعتراض به متوقف شدن تولید وعدم دریافت مطالبات معوقه خود در مقابل در ورودی کارخانه واقع در شهرک چهار دانگه تجمع کردند.

احمد نور محمدی، عضو شورای اسلامی کار کارخانه کیان تایر در این باره به ایلنا گفت: علت تجمع کارگران، اعتراض به مشکلاتی است که با بازگشت مالک برای کارخانه و کارگران آن به وجود آمده است.

او با بیان اینکه کارخانه کیان تایر نزدیک به هزار و صد کارگر دارد، در تشریح مشکلات این کارخانه افزود: از چهار سال گذشته به سبب افزایش مشکلات و بدهی‌ها مالک کارخانه، اختیارات این واحد تولیدی به هیات حمایت از صنایع محول شد و بعد آن مشکلات کارخانه و کارگران تا حدی کاهش یافت تا اینکه از تاریخ ۲۵ تیر ماه دوباره مالک خصوصی به کارخانه بازگشته است.

او با بیان اینکه با خصوصی سازی مجدد کارخانه کیان تایر، کارگران این واحد تولیدی دوباره دچار مشکلات زیادی شده‌اند، افزود: کارگران با بازگشت مالک مخالفتی ندارند اما مالک کارخانه در همین مدت کوتاه به تعهدات خود عمل نکرده است.

این کارگر اضافه کرد: طبق توافقی که میان مالک کارخانه کیان تایر با هیات حمایت از صنایع انجام شده است، کارفرما قرار بود حدود ۲۰ میلیارد تومان در کارخانه سرمایه گذاری کند و علاوه بر آن همه بدهی‌های خود را نیز بپردازد. وی افزود: اما در عمل اینطور نشد و هیچ اتفاقی نیفتاد، چنانچه تاکنون حداکثر پولی که توسط در کارخانه سرمایه گذاری شده حدود ۴۵۰ میلیون تومان است.

نور محمدی همچنین درباره تاخیر در پرداخت حقوق کارگران گفت: حقوق کارگران نیز که طی این چهار سال از سوی هیات حمایت به موقع پرداخت می‌شده هم اکنون ۱۲ روز به تعویق افتاده است و این موضوع باعث افزایش دغدغه‌های فکری کارگران شده است.

نماینده کارگران در ادامه به بدهی یازده میلیاردی معوقه این مالک به کارگران اشاره کرد و گفت: این کارفرما حدود پنج میلیارد تومان بدهی بابت سپرده گذاری کارگران در صندوق قرض الحسنه و شش میلیارد تومان هم بابت سنوات بازنشستگان باید پرداخت کند.

او همچنین در مورد میزان بدهی کارخانه کیان تایر به تامین اجتماعی گفت: این کارفرما در گذشته حدود ۲۲ میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی و حدود سه میلیارد تومان به وزارت نیرو بدهکار بود.

نماینده کارگران کیان تایر افزود: با بازگشت مجدداً مالک این واحد تولیدی نه تنها دفترچه بیمه کارگران دیگر توسط سازمان تامین اجتماعی تمدید نمی‌شود، بلکه از ۱۰ روز پیش نیز برق کارخانه به دستور وزارت نیرو قطع شده است.

عضو شورای اسلامی کارخانه در خاتمه با بیان اینکه از زمان بازگشت مالک جدید، مواد اولیه کارخانه نیز تمام شده است، اظهار داشت: بدحسابی گذشته مالک کارخانه باعث شده است تا فروشندگان از فروش شرایطی مواد اولیه به مالک کارخانه خودداری کنند.

پایان پیام

بازهم وعده مدیران کارخانه فارسیت دورودتوخالی درآمد!

برپایه خبر دریافتی آمده است: پس از گذشت 10 روز از تجمع 1 مردادبیش از 150 نفر از کارگران شرکت فارسیت دورودمقابل دفترشرکت در خیابان بهشتی تهران و وعده مدیران مبنی برپرداخت فوری 45 روزحقوق معوقه کارگران، ریالی به کارگران پرداخت نشده است. بنا به گزارشات منتشره، کارگران فارسیت طی 6 ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده اند. مدیران شرکت و مسئولین استان طی این مدت فقط وعده ووعید داده اند. روز سه شنبه 1 مرداد، از صبح تاغروب، بیش از 150 نفر از کارگران شرکت فارسیت دورودمقابل دفترشرکت در خیابان بهشتی تجمع کردند. مدیران شرکت درواکنش به تجمع اعتراضی کارگران، ضمن دعوت به حفظ آرامش، وعده پرداخت فقط 45 روز از حقوق معوقه را در همان روز دادند. با گذشت بیش از 10 روز از آن تاریخ ریالی به کارگران پرداخت نشده است.

آتش سوزی اتاق استراحت کارگران کارگر جوان را به کام مرگ کشاند

به گزارش پایگاه خبری 125، درتاریخ 12 مرداد 92 آمده است: ساعت 3:13 بامداد امروز در پی آتش سوزی در ساختمان در حال ساخت در شهرک شهید باقری، انتهای بلوار پارسای غربی کارگر جوانی را به کام مرگ کشاند. براساس این گزارش، طبقه همکف یک ساختمان نیمه کاره در حال اسکلت کاری با کاربری اتاق استراحت کارگران به مساحت 10 متر مربع که 5 کارگر در آن در حال استراحت بودند، دچار آتش سوزی ناگهانی شد. در این عملیات، آتش نشانان بلافاصله با بستن دستگاه های تنفسی وارد ساختمان شده و در همان لحظات اولیه 4 کارگر را از میان دود و آتش خارج کردند و به گفته دیگر کارگران یک کارگر دیگر درون ساختمان و در میان شعله های آتش گرفتار شده بود. آتش نشانان پس از جستجو و مهار کامل آتش سوزی کارگر دیگر را نیز از میان دود و آتش خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که متأسفانه مرگ کارگر 20 ساله افغانی بر اثر شدت حرارت و سوختگی اعلام شد. علت این حادثه انتقال حرارت از اجاق گاز روشن به مواد قابل اشتعال در اطراف محل استراحت کارگران اعلام شد. دوازدهم مردادماه 1392

کارگران با مصوبه هفته گذشته شورای عالی کار «تحقیر» شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 12 مرداد 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری با بیان اینکه بخش قابل توجهی از جامعه کارگری کشور از مزایای افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار سال ۹۲ بی نصیب هستند، گفت: مصوبه هفته گذشته شورای عالی کار بیشتر در جهت کم رنگ کردن اعتراضات و شکایات کارگران از نحوه افزایش دستمزدهای سال ۹۲ بود. مازیار گیلانی نژاد گفت: به غیر از معدودی کارگران شاغل در واحدهای بزرگ تولیدی تمامی کارگران بازنشسته، بیشتر کارگران شاغل در محیط های کوچک صنفی، روزمزد و پیمانکاری از دریافت حقوق جانبی مانند حقوق مسکن و خوار و بار محروم هستند. وی بابیان اینکه از بعد آغاز اعتراض های گسترده کارگران نسبت به نحوه افزایش دستمزدهای سال ۹۲، اعضای کارگری شورای عالی کار در رقابت با معترضان و نهادهای مستقل کارگری

درصد جبران اشتباه خود برآمدند، گفت: نتیجه این رقابت در نهایت در مصوبه هفته گذشته شورای عالی کار بود.

این فعال کارگری فلزکار و مکانیک با بیان اینکه افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در مقایسه با افزایش ۷۰ درصدی کرایه خانه مبلغی ناچیز است، گفت: چنین مصوبه‌ای بیشتر حکم تحقیر نیروی کار را دارد.

به باور گیلانی‌نژاد از آنجا که در شرایط کنونی حداقل دستمزد ۴ برابر با خط فقر فاصله دارد باید دستمزد کارگران حداقل ۶۰ درصد افزایش یابد.

وی همچنین با استناد به تغییر بهای ارز دلار از ۱۲۲۶ تومان به ۲۴۰۰ تومان، یادآور شد: عدم افزایش متناسب دستمزدها باعث خالیتر شدن سفره‌های کارگران می‌شود.

بیانیه 87

قابل توجه کلیه اعضاء،

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی و فعالین طبقه کارگر

دوستان و رفقا :

مدت هاست تحریم و سانسور اخبار علیه شاهرخ زمانی و برخی از کارگران زندانی از طرف سه طیف با دقت پیش برده می‌شود. طیف اول مربوط به نیروهای مستقیم سرمایه داری است و طیف دوم مجموعه نیروهای جمهوری اسلامی و وابسته به آن هستند که البته از نظر صفوف طبقاتی این دو طیف در یک صف قرار دارند. طیف سوم گرایش‌های انحرافی داخل طبقه کارگر است که با بهانه تقسیم مبارزات به سیاسی و اقتصادی و صنفی و ... ضمن فریب کارگران و فعالین کارگری جهت اتصال به گروه خودشان تفرقه را در صفوف طبقه کارگر ایجاد کرده و گسترش می‌دهند، زمانی که نمی‌توانند کارگر آگاهی چون شاهرخ زمانی را به گروه خود منتصب کنند او را با روش‌های مختلف حذف می‌نمایند، آن‌ها کارگران و فعالین کارگری را بر مبنای دوری و نزدیکی به خودشان، تقسیم‌بندی می‌کنند. هر کارگر یا فعال کارگری را که بتوانند جذب کرده و روحیه سکتاریستی خود را به او منتقل کنند (فریبش بدهند) او و مبارزاتش را کارگری می‌نامند و هر کارگر یا فعال کارگری را که نتوانند جذب خود نمایند مبارزات او را غیرکارگری می‌نامند. بر این مبنای است که در بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های حمایتی این گرایش‌ها و انصارشان نام شاهرخ زمانی و برخی از فعالین کارگری یا اصلاً دیده نمی‌شود و یا گاهی اوقات برای آن‌که مشت‌شان باز نشود به‌صورتی گذرا اشاره می‌کنند. این گرایش‌ها افراد مبارزی چون شاهرخ را حذف می‌کنند چون می‌دانند اگر شاهرخ به کارگران معرفی شود کارگران به خوبی می‌توانند مبارز واقعی را تشخیص بدهند و به اصطلاح نان این گرایش‌ها اجر خواهد شد. بنابراین با این بهانه که مبارزات شاهرخ و برخی از کارگران مبارزه سیاسی است نه مبارزه کارگری، اقدام به تحریم و حذف و سانسور آنها می‌کنند. این بدین معنی است که، امروز که شاهرخ زمانی به عنوان کارگر آگاه در مقابل سرمایه‌داری و گرایش‌های انحرافی، صدای رسای طبقه کارگر است، گرایش‌های انحرافی فوق به حذف و سانسور همه جانبه‌ی او اقدام می‌کنند، تا کارگران دیگر، از هم طبقه‌ای آگاه و مبارز خود شناختی نداشته باشند. در چنین شرایطی وظیفه‌ی ما اعضاء کمیته حمایت از شاهرخ زمانی و دیگر مبارزین طبقه کارگر دو چندان می‌شود که ضمن توزیع و پخش گسترده اخبار و گزارش‌های مربوط به شاهرخ و دیگر زندانیان، هماهنگی‌های لازم و بیش‌تری را در راستای مبارزات طبقه کارگر داشته و ضمن نجات فعالین کارگری از چنگال فریب‌گرایش‌های انحرافی، به مقابله با سه طیف نامبرده که حاصل فعالیت‌شان ضد کارگری است، بپردازیم.

دوستان و رفقا :

با توجه به این که ما آدرس ایمیل بسیاری از شما عزیزان را نداریم، تا برای ایجاد هماهنگی‌های لازم در راستای انجام وظایف حمایتی بیشتر از شاهرخ زمانی و دیگر کارگران زندانی سازماندهی کنیم، و بتوانیم با طرح‌ها و نقشه‌های سازماندهی شده حذف‌گرایی و سانسور‌هایی که علیه شاهرخ زمانی و برخی از کارگران زندانی در داخل و بیرون زندان اعمال می‌گردد مقابله نماییم، از تمامی اعضاء و دیگر رفقا و دوستان که تمایل به کمک در توزیع و پخش اخبار و آرایه و جذب حمایت‌های مختلف از نهادها، تشکلهای و سازمان‌ها دارند، می‌خواهیم آدرس ایمیل؛ و در صورت امکان شماره تلفن خود را به آدرس ایمیل کمیته حمایت از شاهرخ زمانی (freeshahrookh@gmail.com) ارسال نمایید. برای این که نامه‌ی شما در میان انبوه ایمیل‌های رسیده از دید ما پنهان نماند لطفاً در subject نامه‌ی ارسالی بنویسید: (جهت هماهنگی در حمایت از شاهرخ زمانی و دیگر کارگران زندانی) در زیر این بیانیه اسامی اعضای کمیته حمایت از شاهرخ زمانی تا تاریخ 1392/5/8 را اعلام می‌کنیم. همچنین از دیگر دوستان و رفقای که عضو نیستند ولی تمایل به کمک و همکاری دارند می‌خواهیم جهت فعالیت مشترک در راستای موضوع کمیته حمایت از شاهرخ زمانی دست یاری به ما بدهند.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
۱۳۹۲/۵/۱۲

www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

فروش سرمایه بانک رفاه به تامین اجتماعی غیر قانونی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 13 مرداد 92 آمده است: عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان تهران اقدام اخیر دولت در خصوص فروش ۱۵/۶ درصد از سرمایه بانک رفاه کارگران به سازمان تامین اجتماعی را غیر قانونی خواند.

«علیرضا فردهای» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: برابر رأیی که در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال ۸۶ توسط هیات عمومی دیوان عدالت اداری صادر شد، سازمان تامین اجتماعی به عنوان مالک سرمایه‌های بانک رفاه تامین اجتماعی قلمداد شد. وی با یادآوری اینکه پیش‌تر در سال ۸۲، رئیس وقت دیوان عدالت اداری بدون توجه به سوابق قانونی تمامی سرمایه‌های این بانک را به نفع دولت مصادره کرد، افزود: پس از این اقدام شکایت‌های متعددی در اعتراض به این موضوع از سوی نمایندگان بیمه شدگان شاغل و بازنشسته مطرح شد.

به گفته این فعال صنفی بازنشستگان با وجود آنکه سرانجام هیات عمومی دیوان عدالت اداری رای قبلی را نقض کرد و مالکیت تمامی سرمایه بانک رفاه کارگران را به سازمان تامین اجتماعی بازگرداند اما به تازگی مسئولان سازمان تامین اجتماعی بابت واگذاری و خرید مالکیت ۱۵/۶ درصد از سهام این بانک به دولت پول پرداخت کرده‌اند.

فرهادی افزود: این اقدام درحالی است که در رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری به دولتی بودن بخشی از سهام این سازمان هیچ اشاره‌ای نشده است.

عضو هیات رئیسه کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان تهران با یادآوری اینکه از زمان تاسیس بانک رفاه کارگران در سال ۱۳۳۸ مالکیت تمامی سهام این بانک متعلق به سازمان تامین اجتماعی بوده است، گفت: اقدام اخیر مقامات دولتی و مسئولان سازمان تامین اجتماعی

در خصوص خرید و فروش مالکیت سرمایه‌های سازمان تامین اجتماعی یک عمل غیر قانونی است.
فرهادی در پایان با بیان اینکه کارگران شاغل و بازنشسته بیمه شده سازمان تامین اجتماعی مالکان اصلی سرمایه‌های بانک رفاه کارگران هستند، خواهان ابطال هرچه زودتر این معامله غیر قانونی شد.

پایان پیام

ادامه ی اعتصاب در پارس جنوبی

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است : اعتصاب در شرکت محورسازان واقع در پارس جنوبی که از تاریخ 92/05/09 آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. این شرکت به رغم دریافت 900 میلیون تومان از کارفرمای خود، از پرداخت سه ماه حقوق کارکنانش خودداری کرده است. مدیران این شرکت حتی همین اعتصاب 6 روزه را هم بهانه کرده‌اند تا پول بیشتری از کارفرما بگیرند؛ اما معلوم نیست با دریافت این رقم هم، پرداخت حقوق کارگران به تعویق نیفتد. بدون مکانیزمی که پیمانکار را مجبور به پرداخت حقوق کارگران کند، بی‌تردید هیچ اقدامی نمی‌تواند پاسخگویی معیشت خانواده‌های چشم انتظار کارگران و کارکنان این شرکت باشد.

قطع برق کارخانه واگن پارس را يك روز تعطيل كرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 13 مرداد 92 آمده است : صبح امروز خط تولید کارخانه واگن پارس اراک به دلیل قطع برق متوقف شد.

به گزارش ایلنا، مدیر حراست این کارخانه درباره دلیل قطع برق کارخانه توضیح داد: کارخانه از سالهای 90 و 91 میالغی را به شرکت برق بدهکار است و شرکت برق نیز به همین علت طی ده روز اخیر دو بار برق کارخانه را قطع کرده است.
نعیمی افزود: به علت نبود برق امروز تصمیم گرفته شد تا کارگران نیز زودتر دست از کار بکشند و با هماهنگی انجام شده با فرمانداری و شرکت توزیع برق استان، برق کارخانه تا ساعاتی دیگر وصل خواهد شد و کارگران فردا به سر کار خود بازخواهند گشت.
مدیر حراست کارخانه واگن پارس افزود: فردا با حضور نمایندگان شرکتهای واگن پارس و توزیع برق و معاون فرماندار جلسه‌ای به منظور بررسی و تقسیم بدهی برگزار خواهد شد.

پایان پیام

اخراج 20 کارگر از شرکت بانا آبیدر سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 13 مرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده امروز یکشنبه 92/5/13 کارفرمای شرکت بانا آبیدر سنندج تعداد 20 نفر از کارگران این شرکت را اخراج کرد. کارفرما دلیل اخراج این تعداد از کارگران را تعدیل نیرو بدلیل کاهش میزان کار اعلام نموده است. شایان ذکر است که کارگران اخراجی سابقه‌ی کاری 2 ماهه تا 2 ساله در درون شرکت بانا را داشته‌اند که بدون پرداخت حقوق کاملشان از کار بیکار شده‌اند.
همانطور که در گزارش‌های قبلی از این شرکت ذکر شده بود، کارفرما قرار بود از هر کارگر مبلغ 150 هزار تومان بابت صدور بیمه کسر نماید و در عوض کسر مبلغ قید شده از حقوق کارگران روزمزد به آنها بیمه‌ی یک روزه تعلق بگیرد، یعنی کارگر تا زمانی از خدمات بیمه برخوردار است که

در محوطه‌ی شرکت مشغول به کار باشد و در ایام تعطیل یا زمان بیکاری کارگر فاقد بیمه می‌باشد. این شرایط اعتراض کارگران را به همراه داشت که کارفرما نیز در مقابل این اعتراض‌ها، همه‌ی کارگران را با تهدید به اخراج به سر کار برگرداند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

شایعه انصراف کارگران از شکایت علیه مزد ۹۲ تکذیب شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 13 مرداد 92 آمده است: در حالی که شایعه‌ای مبنی بر توافق نمایندگان کارگری شورای عالی کار با کارفرمایان دولتی و خصوصی حاضر در این شورا در خصوص انصراف از شکایت علیه مزد در صورت افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در جامعه کارگری پیچیده است، یک مقام مسئول در دیوان عدالت اداری از انصراف کارگرانی که علیه مزد ۹۲ شکایت کرده‌اند اظهار بی‌اطلاعی کرد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، «علی‌اکبر بختیاری» مدیرکل حوزه ریاست دیوان عدالت اداری گفت: درباره انصراف کارگران از شکایت خود در دیوان عدالت اداری نشنیده‌ام. زمان رسیدگی به این پرونده در هیئت عمومی معلوم نیست.

پیش از این نیز اعضای کارگری شورای عالی کار در گفتگو با ایلنا ضمن تایید طرح چنین پیشنهادی توسط کارفرمایان، هرگونه توافقی در خصوص انصراف از شکایت در دیوان عدالت اداری را تکذیب کرده بودند.

گفتنی است در آخرین روزهای فروردین‌ماه سال جاری شش تشکل کارگری با اقامه دعوی در دیوان عدالت اداری علیه شورای عالی کار، دستمزد تصویب شده در این نهاد دولتی را بر خلاف معیارهای تعیین شده در ماده ۴۱ قانون کار ذکر کرده بودند. این ماده قانونی صراحت دارد که دستمزد کارگران می‌بایست بر اساس دو معیار نرخ رسمی تورم و سبد هزینه خانوار تعیین شود. کارگران معتقدند افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی دستمزد سطوح مختلف شغلی کارگران با تورم ۵/۳۱ درصدی اعلام شده توسط بانک مرکزی در اسفندماه سال گذشته (زمان تصویب مزد ۹۲) مغایرت دارد. پیش از این، رئیس دیوان عدالت اداری نیز اعلام کرده بود که پرونده شکایت کارگران علیه مزد ۹۲ در اولویت رسیدگی قرار دارد اما پرونده و شکایت‌هایی از این دست، مستلزم دقت است و زمان‌بر خواهد بود.

«حجت‌الاسلام منتظری» همچنین در نشست خبری که ماه گذشته برگزار شد ضمن ابراز امیدواری نسبت به توجه بیشتر به مشکلات کارگران در دولت آینده، از ارائه گزارش به رئیس‌جمهور منتخب درباره مشکلات کارگری خبر داده بود.

پایان پیام

اعتصاب کارگران شهرداری اهواز و تجمعشان مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق و چندسال مزایایشان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 14 مرداد 92 آمده است: بیش از 100 نفر از کارگران شهرداری اهواز صبح امروز دوشنبه در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق و چندسال مزایایشان، دست به اعتصاب زدند و در مقابل استانداری خوزستان اجتماع کردند. برپایه این گزارش، کارگران شهرداری ناحیه‌های یک، سه و چهار با تجمع در مقابل استانداری خوزستان در اهواز به دنبال مطالبات خود بودند.

پس از اعتصاب این کارگران، شهردار منطقه شش اهواز با حضور در استانداری و صحبت با نمایندگان اعتصاب کنندگان، قول داد تا عصر امروز بخشی از حقوق کارگران واریز شود. یکی از کارگران معترض گفت: حدود پنج سال است که حق شب کاری، تعطیلی و دیگر مزایا را به ما ندادند. وی همچنین افزود: حقوقمان نیز از اردیبهشت ماه تا کنون که بیش از چهار ماه است را به ما ندادند. وی یادآور شد: در ماه رمضان و با زبان روزه، حدود 100 کارگر به اینجا آمده‌ایم تا به نتیجه برسیم. هر کدام از ما زن و بچه داریم که ماه‌ها است چشم انتظار حقوق هستند. این کارگر معترض توضیح داد: هنوز پس از دو سال اما حقوقمان طبق حقوق سال 90 - 91 واریز می‌شود و هیچ افزایش حقوقی نداشتیم. به گفته وی، کارگران می‌گویند که اگر تا عصر امروز، همانگونه که شهردار منطقه شش قول داد حقوقمان واریز نشود فردا نیز به اعتصاب خود ادامه می‌دهیم. پنج سال است که صبر کردیم، امروز را نیز صبر می‌کنیم. کارگران اعتصاب‌کننده در مقابل استانداری در اهواز معتقدند که حقوق و مزایای آنها طبق بندهای ثبت شده در اداره کار نیست و شهرداری ناقض برخی از بندهای اداره کار است.

تعطیلی کارخانه سامان کاشی بروجرد و بیکاری ۴۰۰ کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در 14 مرداد 92 آمده است طی گزارشی، از تعطیلی کارخانه سامان کاشی و بیکاری حدود ۴۰۰ کارگر با دو ماه و نیم حقوق معوقه خبر داد.

براساس این گزارش، قرارداد ۸۰ درصد کارگران کارخانه سامان کاشی موقت است که به دلیل فواصل بیمه‌ای امکان بازنشستگی آنان وجود ندارد. این درحالیست که هر ماه حق بیمه از حقوق کارگران کسر می‌شود اما به حساب تامین اجتماعی واریز نمی‌شود. گفتنی است، کارخانه سامان کاشی واقع در 12 کیلومتر جاده بروجرد- خرم آباد یکی از بزرگ‌ترین واحدهای تولید کاشی و سرامیک در کشور است.

کارگران رودر رو با دولت و کارفرماها

۱ «فرماندار شهر قروه: صورتجلسه کمیسیون اصل نود ارزشی ندارد. اعتراضات کارگران فولاد زاگرس قروه وارد دوره جدیدی شد. فرماندار و اداره کار شهر قروه تصمیم و ابلاغیه کمیسیون اصل نود را زیر پا لگد مال کردند. بدنبال دو بار تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی و رسیدگی کمیسیون اصل نود به خواسته‌های این کارگران مبنی بر ابقا به کار و پرداخت ۷ ماه دستمزد معوقه آنان، اداره کار و فرمانداری شهرستان قروه همچنان ۲۵۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس را سر میدوانند. ۱۲ مرداد کارگران فولاد زاگرس پس از عزیمت به کارخانه و امضای دفتر حضور و غیاب با در دست داشتن صورتجلسه کمیسیون اصل نود دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و خواهان اجرای این صورتجلسه و رسیدگی به خواسته‌های خود میشوند. بدنبال این تجمع اعتراضی، نماینده‌های کارگران به جلسه ای در اداره کار دعوت شدند. در این جلسه رئیس اداره کار شهرستان قروه با دادن جوابهای سربالا به نماینده‌های کارگران اعلام کرد صورتجلسه کمیسیون اصل نود ارزشی ندارد و شما برای رسیدگی به هر دو مورد از خواسته‌هایتان (دریافت چهار ماه دستمزد معوقه و بازگشت بکار) می باید شکایت کنید و تا ۱۸ مرداد برای ارائه شکایت فرصت دارید. کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و از ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده اند. این کارگران در حال حاضر در

شرایط بسیار مشقت بار معیشتی بسر میبرند. اعتراض کارگران فولاد زاگرس قروه از موانع و سد مخالفت و تهدید عبور کرد. روش اعتراض مداوم و اتکا به مجمع عمومی، اتکا به رای و افکار کارگران را پیش گرفتند. بر خواست و مطالبات خود(پرداخت ۴ماه دستمزد معوقه و بازگشت به کار) پای فشردند. مقابله با مخالفت و دشمنی اداره کار و فرماندار در گرو اقدامات عاجل و تلاشهای فوری کارگران فولاد زاگرس است. اقدامات مهم در شرایط کنونی در راستای به تحقق رساندن توافقات نمایندگان کارگران و کمیسیون اصل نود در گرو . - ایجاد صندوقهای حمایتی مالی از اعتراضات میباشد. خانواده های کارگری میتوانند در ایجاد این صندوقها و مراجعه به بخشهای مختلف تولیدی در قروه، سنندج و تهران همراه نمایندگان از کارگران در ایجاد این صندوقها و جمع آوری مبالغ قابل توجهی فعالانه تلاش کنند. - اعزام هیئت های نمایندگی به تعدادی از کارخانه ها از جمله در سنندج و تهران. ایجاد ارتباط روتین با بخشهای مختلف و مراکز کارگری فاکتور مهم در قدرتمند کردن اعتراضات و مکانیسم فشار سراسری برای خنثی کردن سد و موانعی است که هم اکنون اداره کار قروه و فرماندار این شهر بوجود آورده اند. پشتیبان و حمایت کننده کارفرما اداره کار و فرماندار است. پشتیبان و حمایت کننده کارگران فولاد زاگرس قروه مراکز کار، کارخانه ها و فعالین کارگری هستند. اولی ها در صف دولت و سرمایه داران به دستگاه سرکوب و امنیتی کردن اعتراضات حق طلبانه کارگران متوسل میشوند و کارگران به حمایت های خود از کانال اطلاعیه های پشتیبانی و تجمعات سراسری در مقابل این سد و موانع میایستند. در شرایط کنونی کارگران فولاد زاگرس به ایجاد و سازمان دادن این حمایتها نیاز مبرم و فوری دارند. جلب حمایت شهروندان جامعه در شهر قروه از جمله دعوت و تشویق معلمان، دانشجویان به منظور حمایت از این اعتراضات هم امری مهم و توان و قدرت اعتراض را بالا خواهد برد. توافقات ۲بندی جلسه مشترک کمیسیون اصل نود و نمایندگان کارگران پایان اعتراضات کارگران فولاد زاگرس قروه نبود. اعتراضات انجام گرفته تا مرحله توافقات مابین کمیسیون اصل نود و کارگران گام اول و جدی در این اعتراضات بود. تحقق این مطالبات تا آخرین مرحله و گرفتن حقوق های معوقه و بازگشت به کار. فاز دوم که هم اکنون کارگران با آن درگیر هستند (شکستن سد و موانع و توطئه های ضد کارگری کارفرما و فرماندار) باید از کانال شکایت و بازبینی مجدد این مطالبات و خواستها بازبینی شود. کارگران میتوانند با بکارگیری مکانیسمهای حمایتی و اتکا به مجمع عمومی و شرکت وسیع خانواده هایشان برای تحقق تمام و کمال مطالباتشان همچنان در میدان اعتراضات رادیکال بایستند .

۲ «اعتراضات گسترده علیه بیکارسازی و پرداختن نکردن حقوقهای معوقه هفته اول و دوم مرداد ماه ۱۳۹۲ اعتراض کارگری در تعداد زیادی از مراکز مهم تولیدی و کارخانه ها همچنان ادامه داشت. رو در روئی کارگران با دولت و کارفرماها، مستقیم و به اعتراضات خیابانی کشیده شد. ۱» پس از یکماه کشمکش میان کارگران کیان تایر و وزارت صنایع بر سر واگذاری این کارخانه به مالک قبلی آن، ۱۲مرداد آتش خشم کارگران کیان تایر بار دیگر شعله ور شد و آنان در اقدامی متحدانه توانستند با شروطی که خود تعیین کردند تا بدینجا مسئله واگذاری کارخانه به مالک قبلی آنرا بطور قاطعانه ای تحت تاثیر قرار دهند. از ساعت ۹ صبح با خواست پرداخت دستمزد معوقه خود و روشن کردن تکلیف واگذاری کارخانه به مالک قبلی، بطور متحدانه ای دست به تجمع در محوطه کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر زدند و با افروختن بیشتر آتش لاستیک نسبت به روزهای دیگر، خواهان رسیدگی فوری به خواستههای خود شدند. این اعتراضات تا لحظه تعطیلی کارخانه ادامه داشت و با فرا رسیدن پایان ساعت کاری، آنان خود راسا اقدام به خاموش کردن آتش کردند و به تجمع اعتراضی خود پایان دادند. همزمان با این اعتراضات نمایندگان کارگران در بخشداری چهاردانگه مشغول مذاکره با شورای تامین منطقه اسلامشهر بودند و ۵۰نفر از کارگر بازنشسته این کارخانه با تجمع در مقابل بخشداری خواهان سنوات خود بودند. توافقات ۲گانه(مسئولین این شورا مالک قبلی این کارخانه را که در حال حاضر کارخانه به وی واگذار شده است به بخشداری چهاردانگه فرا خواندند و پس از جلسه ای که با

وی برگزار کردند مقرر شد: ۱- نامبرده مبلغ ده میلیارد تومان در طول یک ماه آینده جهت ادامه کار در اختیار کارخانه قرار دهد ۲- تا فردا ظهر دستمزد معوقه کارگران به حساب آنان واریز شود ۳- کارخانه بمدت سه ماه و بطور آزمایشی در اختیار وی باشد و چنانچه در این مدت کمترین بی توجهی به تعهداتش مبنی بر تداوم کار و اجرای تعهدات قانونی اش در مقابل کارگران انجام دهد کارخانه بلافاصله در اختیار سازمان حمایت از صنایع قرار گیرد ۴- وی در این مدت سه ماهه حق حضور در کارخانه را نخواهد داشت). نتیجه اعتراضات ۱۲ مرداد نتیجه این اعتراضات بودند. ۲»
اعتصاب در پارس جنوبی به منظور دریافت حقوق های پرداخت نشده در ۵ مرداد شروع میشود. کارگران پارس جنوبی مجموعه سه ماه است که از دریافت حقوق محروم هستند و قادر نیستند مشکلات معیشتی خود را رفع کنند. ۳» ۶ مرداد کارگران کارخانه سیمان زرین رفسنجان در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوقشان و اخراج ۱۰ نفر از کارگران و درخواست بازگشت بکار همکاران اخراج شده شان دست به اعتصاب زدند ، کارخانه را تعطیل کردند و جلو درب ورودی کارخانه که بسته بود تجمع کردند. ۴» ۹ مرداد پرستاران و کادر درمانی بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق و مزایای خود دست به تحصن و اعتراض زدند. ۵» ۹ مرداد کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان دیرنسبت به عدم پرداخت مطالباتشان(حق مسکن، مرخصی مناطق محروم، ماموریت، اضافه کار، حق لباس و شیر، کارانه و عدم پرداخت دیون) از طرف مسئولان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر اعلام نارضایتی و اعتراض کردند. ۶» ۵ مرداد بیش از صد نفر از کارمندان شرکت بیمه آسیا روبروی ساختمان مرکزی خود تجمع کرده و تنها خواسته را تغییر مدیر عامل اعلام کردند. پس از گذشت ۱۰ روز مرخصی مدیر عامل بیمه آسیا و بازگشت وی به دفتر کار تعدادی از کارمندان برای پافشاری به خواسته خود از هیات مدیره تجمع کردند .
۱۴ مرداد ۱۳۹۲
۵ آگوست ۲۰۱۲

مرکز آمار ایران: نرخ تورم تیرماه ۳۳/۹ درصد، تورم نقطه به نقطه ۳۹/۱ درصد

به گزارش مرکز آمار ایران، در تاریخ ۱۴ مرداد ۹۲ آمده است : شاخص کل (بر مبنای ۱۰۰=۱۳۹۰) در تیر ماه سال ۱۳۹۲ عدد ۱۶۵/۲ را نشان می‌دهد که نسبت به ماه قبل ۲/۳ درصد افزایش داشته است . افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۳۹/۱ درصد می باشد . درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به تیرماه سال ۹۲ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۳/۹ درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به خردادماه ۱۳۹۲ (۳۲/۶) افزایش یافته است.

لینک گزارش کامل: http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/reports/g_nerkhtavarom_92-4.pdf

تجمع کارگران منطقه شش اهواز در اعتراض به تعویق ۲ ماه حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ مرداد ۹۲ آمده است : صبح امروز ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری اختر راه جنوب وابسته به شهرداری منطقه شش اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات سه ماهه گذشته خود در مقابل ساختمان شهرداری منطقه شش دست به تجمع زدند.

«آقایار حسینی»، دبیر خانه کارگر اهواز با اعلام این خبر به ایلنا گفت: صبح امروز کارگران خدماتی فضای سبز منطقه شش شهرداری اهواز در اعتراض به معوقات حقوقی خود دست از کار کشیده و ابتدا در مقابل ساختمان استانداری و سپس با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری منطقه

شش اهواز اعتراض خود را اعلام کردند. او افزود: این کارگران که تحت نظارت شرکت پیمانکاری اختر راه جنوب فعالیت دارند علاوه بر اینکه مدعی‌اند سه ماه حقوق دریافت نکرده‌اند، بابت حق بیمه، اضافه کاری، حق لباس و سنوات (سال ۹۱) نیز طلبکارند. این فعال کارگری در پایان اظهار داشت: از مسئولان شهرداری بخصوص منتخبین جدید شورای شهر می‌خواهیم که پی‌گیر مطالبات معوقه و مشکلات کارگران شهرداری‌ها بویژه کارگران خدماتی منطقه ۶ اهواز شوند.

وعده عقد قرارداد مستقیم در همین زمینه «قاسم الحایمی»، شهردار منطقه ۶ اهواز تجمع کارگران در مقابل شهرداری را تایید کرد و گفت: صبح امروز حدود ۱۰۰ نفر از کارگران فضای سبز که تحت مدیریت شرکت اختر راه جنوب فعالیت دارند با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری خواستار دریافت مطالبات خود شدند. او با بیان اینکه اختلافات مالی بین پیمانکار و کارگران باعث اعتراض کارگران شده است، افزود: این کارگران مدعی‌اند پیمانکار بخشی از مطالبات قانونی آنان را پرداخت نکرده است. الحایمی گفت: هم اکنون این کارگران در نماز خانه شهرداری جمع شده و مشکلات خود را برای مسئولان شهرداری بیان می‌کنند. شهردار منطقه شش اهواز اضافه کرد: بعد از شنیدن مشکلات کارگران، از کارفرمای شرکت اختر راه جنوب نیز می‌خواهیم به ادعاهای کارگران پاسخ دهد. او اضافه کرد: به نظر می‌رسد این مطالبات مربوط به طول قرار داد کارگران است که هر ماهه مبالغی از حقوق آنان کسر شده و به مرور این مبلغ به حدود سه ماه رسیده است. شهردار منطقه ۶ اهواز در خاتمه با تاکید بر اینکه به مشکلات این کارگران رسیدگی خواهد شد در مورد حذف پیمانکار و عقد قرار داد مستقیم شهرداری با کارگران گفت: با توجه به اینکه شهرداری منطقه ۶ وضعیت مالی خوبی ندارد ناچار است با شرکت‌های پیمانکار فعالیت کاری داشته باشد. با این حال پیمانکار مذکور (شرکت اختر راه جنوب) تا پایان بهمن‌ماه سال جاری با شهرداری منطقه شش قرار داد دارد و بعد آن به هیچ وجه با این شرکت قرار دادی امضاء نمی‌شود و سعی می‌کنیم با این کارگران قرار داد مستقیم و بی واسطه‌ای را امضاء کنیم.

یک فعال کارگری در بروجرد خبر داد: سامان کاشی تعطیل شد / بیکاری ۴۰۰ کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ مرداد ۹۲ آمده است: یک فعال کارگری در بروجرد از تعطیلی کارخانه «سامان کاشی» و بیکاری حدود ۴۰۰ کارگر با دو ماه و نیم حقوق معوقه خبر داد.

«محمد گودرزی» با اشاره به اینکه کارخانه سامان کاشی یکی از بزرگ‌ترین واحدهای تولید کاشی و سرامیک در کشور است، به ایلنا گفت: دلیل تعطیلی این کارخانه از سوی کارفرما کاهش منابع مالی و کمبود مواد اولیه تولید ذکر شده است.

دبیر خانه کارگر بروجرد همچنین درباره معوقات بیمه‌ای کارگران گفت: با توجه به اینکه هر ماه حق بیمه از حقوق کارگران کسر می‌شود اما به حساب تامین اجتماعی واریز نمی‌شود، مطالبات تامین اجتماعی از کارخانه به بیش از یک میلیارد تومان رسیده است.

گودرزی ادامه داد: تعطیلی این واحد تولیدی کاشی و سرامیک که تا پیش از این اکثر تولیدات خود را پیش فروش می‌کرد، تأسف‌آور است. او همچنین درباره سایر مشکلات کارخانه گفت: به گفته کارگران عدم پرداخت قبوض برق، گاز و تلفن کارخانه باعث ایجاد مشکلاتی شده است بطوری که چندین سال است تلفنهای کارخانه قطع است. دبیر خانه کارگر بروجرد در بخش دیگری از سخنان خود افزود: قرارداد ۸۰ درصد کارگران کارخانه سامان کاشی موقت است که به دلیل فواصل بیمه‌ای امکان بازنشستگی آنان وجود ندارد. او در خاتمه افزود: مسئولان استانی نسبت به مشکلات کارگران این واحد تولیدی آگاه بوده اما در این زمینه اقدام قابل ملاحظه‌ای انجام نمی‌دهند.

پایان پیام

قوه قضائیه و احکام سنگین برای کارگران

کارگران، فعالان و تشکلهای کارگری؛

جنبش کارگری ایران با تمام مشکلاتی که کارفرمایان و دولت حامی آنان برایش به وجود آورده اند، همواره مبارزات خود را علیه هر گونه نابرابری و بی حقوقی خود و مردم محروم جامعه به پیش می‌برند و در این راه مشخصاً "دچار هزینه های سنگینی شده‌اند.

با نگاهی گذرا به اخبار و گزارشات منتشره در رسانه‌های مختلف، متوجه خواهید شد که قوه قضائیه ایران آستین‌ها را بالا زده تا به هر شکل ممکن مبارزات جاری جنبش کارگری و فعالان این جنبش را سرکوب و آنان را خانه نشین کند. ما روزانه شاهد این واقعیت هستیم که نهادهای امنیتی و دولتی، کارگران را احضار، بازداشت و زندان می‌کنند و تمام این فشارها همه و همه دستورش از طرف قوه قضائیه صادر می‌شود و در پرتو آن کارفرمایان به میل خود کارگران را از کار اخراج می‌کنند و به میل خود دستمزدها را تعیین می‌کنند. هر چند درخواست کننده برای احکام دستگیری یا احضارها توسط اداره اطلاعات صورت می‌گیرد، اما با کمال تأسف عده ای قاضی نیز که بر سر میز قدرت نشسته اند چشم و گوش بسته و بدون هیچ گونه تحقیقی، دستورات اداره اطلاعات را مو به مو اجرا و حتی از آنان استعلام می‌کنند که به فلان متهم چند سال حکم بدهند.

بر کسی پوشیده نیست که همه این فشارها بر کارگران و فعالان کارگری کاملاً با هماهنگی محافظین سرمایه صورت می‌گیرد اما در شعار و صحبت‌های که به خورد اذهان عمومی می‌دهند، چنین وانمود می‌کنند که قوه قضائیه مستقل و هر قضاتی بر اساس مدارک مستند احکام را علیه متهم صادر می‌کند. این برای من کارگر و هزاران کارگر دیگر این سوال را بوجود می‌آورد که قوه محترم قضایی، لطفاً به ما کارگران بگوید جرم آن چند کارگری که در شهرهای مهاباد، رشت، بوکان و سنندج دستگیر شدند و هر کدام از آنان را به یک الی دو سال یا بیشتر به حبس تعزیری محکوم کردید، چیست؟! لطفاً توضیح دهید که جرم فعالین کارگری که هم اکنون در زندان به سر می‌برند، چیست؟!

کارگران، مردم آزادیخواه؛

همانطور که اطلاع دارید؛ حاکمیت سرمایه‌داری در تمام دنیا با یک بحران عظیم اقتصادی دست به گریبان است. آنها سعی می‌کنند که بار سنگین این بحران را به دوش طبقه کارگر بیندازند. دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر برای کارگران شاغل و بی حقوقی کامل و عدم ایجاد امکانات ابتدایی برای کارگران بیکار و اخراجی، زندگی را طاقت فرسا و غیر قابل تحمل کرده است. فقر و

فلاکت بیداد می‌کند و در کنار آن بنگاه‌های نیروی مادی و مافیای اقتصادی، زندگی و معیشت توده کارگر و افشار ستم‌دیده جامعه را وارد مخاطره جدی کرده است. حاکمیت سرمایه‌داری برای گذر از بحرانی که خود درست کرده است، حاضر است یک بحران انسانی را هم بوجود آورد. نوک تیز حمله به کارگران و فعالین کارگری دقیقاً به منظور سرکوب مبارزات کارگری و مرعوب کردن جنبش کارگری است تا در مقابل این همه بی‌حقوقی سکوت کنیم. به این اعتبار امروز ما کارگران و فعالین کارگری بیشتر از هر زمان دیگری باید ضمن افشای حيله‌ها و نیرنگ‌های سرمایه‌داران و محافظین رنگارنگشان، قدم برای ایجاد تشکلهای توده‌ای طبقاتی برداریم و بیشتر از هر زمان دیگری به اتحاد و همبستگی طبقاتی و همدلی و همکاری نیازمندیم.

بدون شک طبقه کارگر ایران ضمن محکوم کردن این احکام سنگین و ناعادلانه علیه فعالان کارگری، خواستار آزادی تمام کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی است. ما کارگران حق هر گونه اعتراض را به این احکام ناعادلانه را برای خود محفوظ می‌دانیم و از کلیه کارگران، تشکلهای کارگری و انسان‌های آزادیخواه انتظار می‌رود که در مقابل این همه فشار علیه کارگران ایران سکوت نکنند و از هر راه ممکن اعتراض خود را به قوه قضائیه برسانند.

92/5/14 محمود صالحی

نماینده کارگران اعلام کرد: تاخیر در پرداخت حقوق کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی به سومین ماه رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 مرداد 92 آمده است: تعداد ۲۱۰ کارگر شاغل در کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز از اردیبهشت ماه سال جاری حقوق دریافت نکرده‌اند.

«یوسف عبادی» عضو شورای اسلامی کار کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: از سال ۸۸ مشکلات کارخانه به سبب سوء مدیریت و کمبود منابع مالی آغاز شد، بطوری که هم اکنون حقوق ماه‌های اردیبهشت، خرداد و تیرماه کارگران پرداخت نشده است. نماینده کارگران سوءمدیریت را از مهم‌ترین عوامل ایجاد مشکلات کارخانه و به تبع کارگران ذکر کرد و گفت: در حال حاضر مالک کارخانه با معرفی تیم جدید مدیریتی در صدد حل مشکلات کارخانه و پرداخت بدهی‌های معوقه کارگران بر آمده است. عبادی اضافه کرد: اولویت مدیریت جدید کارخانه تولید و کار است و پرداخت مطالبات و تامین امنیت شغلی کارگران در درجات بعدی اولویت قرار دارند. این فعال کارگری اضافه کرد: با پیشنهاد کارگران قرار شده است از سوی کارفرمای جدید به هر کارگر به صورت علی‌الحساب مبلغ پانصد هزار تومان پرداخت شود و مابقی مطالبات کارگران بعد از مدت کوتاهی که کارخانه به روال مناسبی باز گشت پرداخت خواهد شد. عضو شورای اسلامی کار کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز تعداد کارگران رسمی و قرار دادی این کارخانه را به ترتیب ۱۵۰ و ۱۶۰ نفر اعلام کرد و در مورد سوابق کار این کارگران گفت: سابقه کار کارگران رسمی کارخانه از ۱۰ تا ۲۰ سال و سابقه کار کارگران قرار دادی نیز از دو سال تا ۱۰ سال است.

این کارگر در خاتمه تصریح کرد: با این حال کارگران منتظر اقدامات و اجرای طرح‌های تیم جدید مدیریتی هستند و امیدوارند مشکلات این واحد تولیدی هر چه زودتر مرتفع شود، در غیر اینصورت

با ادامه روند گذشته این کارفرما ناچار خواهد بود تعداد زیادی از کارگران را برای کاهش هزینه‌ها اخراج کند.

پایان پیام

خبر فوری بدنبال بازداشت 6 نفر از کارگران کیان تایر موجی از خشم و التهاب کارگری بر فضای این کارخانه حاکم شده است

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران: در 15 مرداد 92 آمده است: در پی اعتراض روز 12 مرداد ماه کارگران کیان تایر که منجر به درگیری مختصری میان آنان و یکی از مامورین امنیتی شد و در نتیجه این درگیری دوربین فیلمبرداری وی طعمه شعله‌های حریق شد دیروز پلیس امنیت اسلامشهر 6 نفر از کارگران این کارخانه را احضار کرد و صبح امروز آنان در معیت نماینده هایشان عازم پلیس امنیت اسلامشهر شدند. لازم به یاد آوری این مامور امنیتی در پی اعتراض 12 مرداد ماه کارگران کیان تایر بدون مجوز قانونی وارد کارخانه شد و اقدام به فیلمبرداری از چهره‌های کارگران کرد که این امر خشم کارگران را برانگیخت و در نتیجه درگیری مختصری که به همین علت پیش آمد دوربین وی به درون شعله‌های آتش افتاد و از بین رفت. بنا بر اظهار کارگران کیان تایر این شش کارگر که از صبح امروز در پلیس امنیت اسلامشهر بوده اند بازداشت شده اند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران هم اکنون فضای بسیار ملتهبی بر کارخانه کیان تایر حاکم شده است و هر آن امکان اعتراضات بسیار گسترده و تندی از سوی کارگران کیان تایر به دلیل بازداشت همکارانشان می‌رود. این شش کارگر از جمله کارگرانی هستند که اغلب در مذاکرات نماینده‌های کارگران با مسئولین نهادهای دولتی حضور داشته اند و کارگران کیان تایر بازداشت آنان را توطئه ای از سوی پلیس امنیت و شرفی برای به تمکین واداشتن خود میدانند. شرفی کارفرمای سابق این کارخانه است که در پی اعتراضات کارگران کیان تایر در سال 87 خلع ید شد و از یکماه پیش کارخانه بار دیگر به وی واگذار گردید که این امر از آنزمان تاکنون با اعتراضات گسترده ای از سوی کارگران کیان تایر مواجه شده است. اتحادیه آزاد کارگران ایران

اینبار عدالت پیروز است رضا رخشان

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است: عدالت به معنای برابری و مساوات و رفع هرگونه تبعیض در زندگی ما انسانها، واژه ای ذهنی و پرطمطراق واغوا کننده، در درازایی به اندازه تمام تاریخ، چه کسانی که جهت گریز از ستم و تبعیض های گسترده از طرف قدرت مندان، با مبارزه های طولانی و بی امان خود بدنبال بر پا کردن ایده های عدالت خواهانه بودند، میباشد. ایده هایی که بر اساس درک افراد، با توجه به منابع نیازموده محدودی که وجود داشت (مکاتب وادیان) هر گونه جنبشی را درین راستا، مشروع می‌شمرند. طبیعیست چنین مبارزه ای در نفس خود ودر چالش با منابع قدرت، جدای از نتایج آن، گاه بسیار خشن و بیرحمانه بود. وچه کسانی که تنها بخاطر مطامع سیاسی و اقتصادی، و با سو استفاده از ناراضایتی هایی که ناشی از بسترهای ناعادلانه ای که در سطح اجتماع وجود داشته است یعنی با رسوا کردن جریانات رقیب، که با تسلط بر منابع قدرت و ثروت و بهره بردن از رانتهای کلان، به ثروتهای افسانه ای رسیده اند میباشد. وجه دیگر این چنین مال اندوزی های کلان، خیل اکثریتیست که با سختی

ومشقت وتنگ دستی، روز گار می گذرانند. ومحتاج نان شب میباشند. در چنین احوالی شعارهای عدالت خواهانه بازار پر رونقی دارد. بطوریکه گروه یاد شده با موج سواری بر این گونه نارضایتی ها وبزرگ نمایی این قبیل مسائل بغرنج در زمینه اجتماعی واقتصادی، سخت تلاش می کنند تا به اهداف فردی وگروهی خود (که قطعاً اولویت آنها تحقق عدالت برای سایرین نیست) که در چالش مستمر با گروه رقیب هستند وهمچنین خود را در امر رسیدن به ثروت وقدرت محق می بینند نائل شوند. البته وجود چنین فرصت طلبانی که با سو استفاده از خواسته های بحق جامعه، خود را منادی تحقق عدالت می خوانند بسیار قدیم است. چراکه همیشه در اجتماع آدمیان مسائلی مانند، ستم، بی عدالتی، رانت خواری، تبعیض وفقر وفلاکت وجود داشته است. تازمانیکه چرخ برین منوال میچرخد رویای جامعه ای توأم با عدل و داد، رویایی شیرین است. به قدمت، ستم گروهی از انسانها بر سایر انسانها، جنگها و اشرافی گری. با این همه، درست است که تعریف عمومی از عدالت معمولاً تداعی کننده مفاهیم انتزاعیست که در بالا ذکر شد ولی بعلت فقدان درک عمومی از لحاظ اجرا وسبک وسیاق کار، جنبشهایی که بر این اساس در تاریخ شکل گرفته است معمولاً بدین شکل بوده است که، افرادی به زیر کشیده شده اند وافراد دیگری بجای آنها گماشته شده اند. ویا طبقه ای نابود شده است وطبقه دیگری برجای آن شکل گرفته است که همان کار کرد قبلی را داشته است. بعبارت دیگر، هیچگونه راهکار عملی جهت رسیدن به عدالت وجود نداشته است. ومعمولاً ایده وایدئولوژی های عدالت خواهانه، در حد شعار باقی ماندند. بدون تحصیل نتیجه عینی و واقعی. البته جدای از شعار، در مواردی این راهکار فکری در مورد برقراری سوسیالیسم انسانی از لحاظ نظری وجود داشته است. منتهی درزمینه عملی ره بجایی نبرده است. چراکه عموماً کنش انسانها در برقراری برابری ومساوات همانطور که گفته شد بیشتر انتقام جویانه بوده است. واگر هم درین مورد جنبشی وجود داشته است بازهم چرخه تبعیض و ستم به باز تولید بی عدالتی منجر شده است. وهنوز هم بشریت پس از این همه مبارزه در راه تحقق آن، نتوانسته است، اسارت تاریخی انسانها در زمینه چالشی که نقش سرمایه در زندگی ما بوجود آورده است، حل نماید. حال میخواهم، باتوجه به میزان درک وبضاعت فکری خود این رویا(عدالت) را در هر دوره ای تا به امروز، مورد بررسی قرار داد که، چرا بشریت پس از این همه طی طریق در تاریخ، نتوانست از باز تولید بی عدالتی، ستم وتبعیض جلوگیری نماید؟

نظام برده داری

کمون برده داری بخاطر سرکوب عربان و ستم طبقاتی که از طرف عده قلیلی از مالکان وزمین داران بزرگ که بخاطر داشتن زمینهای حاصلخیز بر اکثریتی از ستمدیده گان بی چیز، حکم فرمایی می کردند بوجود آمد، بغرنج ترین دوره در مناسبات انسانی بشمار میرفت. بعبارت دیگر نظام اقتصادی مبتنی بر برده داری، ویژگی های خاص دورانیست که بعلت وجود سیادت طبقه حاکم بر طبقات فرودست بوجود آمد این سیادت میتوانست ریشه های نژادی و ناسیونالیستی ویا دینی داشته باشد. از طرف دیگر، درست است که مناسبات برده داری در ابتدا بواسطه توانایی در شناخت دانش کشاورزی بوجود آمد ولی جنگها در این دوران منبع اصلی در به بردگی کشاندن ملت های مغلوب بشمار می رفت. غالب، مغلوب را به بردگی می کشاند ومغلوب هم در رویای این چنین پیروزی بر غالب بود. در چنین احوالات وخیمی از حیث روابط انسانی، طبیعیست که حرکت های عدالت خواهانه اززیباترین وجذابترین معانی بر خوردارشوند. ولی همانطورکه گفته شد، در عمل، تمامی این جنبشها به چیزی مانند "مقابله به مثل خلاصه میشد" یعنی بردگان هم با پذیرش این مناسبات (برده داری) درک آنها از عدالت در حد تغییر جای برده وبرده دار باقی مانده بود. کما اینکه اسپارتاکوس هم زمانیکه قیام بردگان را رهبری می کرد هدف غائی او بر افکندن این مناسبات نبود. حتا گمان نمی کنم او هرگز به چیزی ورا این مناسبات اندیشیده باشد. بلکه او می خواست در انتقام، اشراف ستمگر روم را به بردگی خود بکشاند. ویا در قیام هوادران عباسیان در سال 747 میلادی در خراسان، رهبری قیام را برده پیشین، ابومسلم خراسانی به دست گرفت. بردگان فراری دوشادوش کشاورزان ودهقانان شرکت

داشتند. اما زمايکه بردگان هوادار ابومسلم، بدو پیوستند از طرف صاحبان پیشین مورد اعتراض قرار گرفت. اما ابومسلم صاحب جدید بردگان را محمد بن ابراهیم (عباسیان) اعلام کرد و بردگان هم خوشنود شدند.

پذیرش مناسبات برده داری میتواند ناشی از نداشتن درک متفاوتی در زمینه تنظیم روابط انسانی در آن عصر باشد چراکه معمولا انسانها اسلوب رایج زندگی خویش را، در هر دوره ای بعنوان حقیقت می پذیرند. و تغییر این مناسبات در طول تاریخ پس از طی شدن دگردیسی تاریخی آن صورت گرفته است. مانند انقلاب فرانسه که، به عصر فئودالیسم پایان داد. اعلامیه لغو بردگی توسط آبرهام لینکلن و همچنین کمون پاریس که حرکتی سوسیالیستی در عصر سرمایه داری بشمار می رفت که در نفس خود بسیار پیشرو و در زمینه تحقق عدالت، واقعی و عینی بشمار میرفت. هرچند عمر این کمون بسیار کم و ناچیز بود. ولی لافل این تجربه را به دنیای ما انسانها وارد نمود. در عصر برده داری قیامهای فراوانی از سوی بردگان در جهت رهایی صورت گرفت. هر چند اکثریت آنها به شکست انجامید ولی این مبارزه در جهت رهایی و برابری در دراز مدت به تلطیف شرایط اسف بار انسانی از جهت اسارتی که در برده داری وجود داشت کمک نمود. با اینهمه آنچه‌ای که کمک شایانی به ایجاد عصر فئودالیسم و انحطاط نظام برده داری نمود جدای از مبارزه بردگان میتوان به عنصر ادیان اشاره نمود. یعنی مذاهب با ترویج مفاهیم اخلاقی و مذهبی در لایه های مختلف اجتماع، از قساوت و ستمی که در کمون برده داری وجود داشت بشدت کاستند. و شکل این مناسبات اقتصادی در آن عصر رابه رابطه مالک و دهقان تقلیل داد. البته ناگفته نماند آنچه‌ای که صحبت از پایان دوره برداری و آغاز فئودالیسم به میان می آید. به هیچ وجه پایان کامل این عصر نیست. یعنی در دوره فئودالیسم هم، نظام اقتصادی مبتنی بر برده داری وجود داشته است. ولی درین دوره شاید مقدار خشونت و استثمار، کیفیات مختلف داشته است. بطوریکه نه تنها اشراف و سوداگران بلکه دهقانان هم برده داشتند. بخصوص برده های خانگی. در نظام های سرمایه داری هم هنوز رگه هایی از برده داری دیده میشود. آنچه‌ای که انسان برای خرید وسیله ای (تاکسی، مینی بوس ویا اتوبوس) که بتواند با استفاده از آن هزینه زندگی خود را تامین کند اما در مقابل مجبور به پرداخت اقساط فراوان با سودهای هنگفت میشود. در نتیجه شب روز باید کار کند تا این هزینه ها را پرداخت نماید، در واقع او برده ابزار کار خود شده است. در نظام اقتصادی فئودالیسم، زمین نقش مهمی دارد. که در این مناسبات زمین از طرف ارباب در اختیار دهقان جهت انجام مراحل، کاشت، داشت و برداشت محصول و پرداخت سهم ارباب قرار داده میشود. در این زمان ما با دو طبقه اقتصادی و اجتماعی اشراف که مالک زمینها و دهقانان و شوالیه های فراوانی بودند و طبقه عوام که برای اشراف کار می کردند و هیچ سهمی در قدرت سیاسی نداشتند روبرو هستیم. و همیشه این قدرت در پیوند، کلیسا و اشراف قرار داشت. در دوران نظام فئودالیسم که عمری به قدمت قرون وسطا در اروپا داشت با قیامها و مبارزات عدالت خواهانه زیادی از سوی دهقانان و درین اواخر، بورژواها همراه شد. دهقانان بدنبال بیرون کشیدن زمین از دست اربابان خود بودند. برای همین هم، آنچه‌ای که منافع آنها ایجاد نمود در اتحادی که با بورژواها (چراکه آنها هم خواستار بالارفتن جایگاه سیاسی و اجتماعی‌شان با توجه به میزان وزن بالایی که در اقتصاد دارا بودند) داشتند سرانجام، انقلاب فرانسه را به پیروزی رساندند. که این انقلاب نماد پایان فئودالیسم و آغاز عصر سرمایه داری بشمار می رفت. دهقانانی که بعد از انقلاب فرانسه حالا مالک زمین خود بودند در آتی از ترس اینکه مباد کموناردها زمینهایشان را باز پس گیرد (البته کموناردها نجیب‌تر ازین حرفها بودند این هراسی بود که ارتجاع در دلشان کاشته بود) در کنار ارتجاع ویر علیه عدالتخواهان در واقعه سال 1871، کموناردها را به خاک خون کشیدند. بعبارت دیگر، دهقانانی که با تملک اراضی کشاورزی بعد از انقلاب فرانسه حالا دیگر برای خودشان اربابی شده بودند و بسیاری از اینها صاحب برده های خانگی شده بودند همان راهی را طی کردند که اربابانشان تا قبل از انقلاب فرانسه با آنها می کردند. منتهی در گذشته مدعی و عداخواه بودند ولی امروز بدنبال حفظ شرایط موجود و همزیستی در کنار شریک خود یعنی بورژواهایی که با

استثمار نیروی کار کارگر به ثروت های هنگفتی رسیدند بودند. برای همین هم برای سرکوبی این طبقه زحمتکش و ضعیف با هم متحد شدند.

اما در هر صورت، انقلاب فرانسه سرآغاز دوره جدیدی از نظر روابط انسانی بود. این مناسبات اقتصادی جدید که به سرمایه داری موسوم شد در وجه اجتماعی ما به مفاهیم جدیدی ما، حقوق فردی، حق شهروندی و در وجه سیاسی با فلسفه جدید سیاسی بنام لیبرالیسم، سکولاریسم و دموکراسی (مردم سالاری) برخورد می کنیم. و در حال حاضر این مناسبات برقرار است. در ایران هم در سال 1341 در حرکتی از بالا موسوم به انقلاب سفید نظام اقتصادی فئودالیزم جای خود را به مناسبات سرمایه داری سپرد. البته در زمانه فعلی هم، مناسبات فئودالیزم با کیفیات مختلف وجود دارد در خاور میانه و شمال فریقا هنوز هم نظام قبیله ای برقرار است. و حتی در بسیاری از کشورهای اروپایی با اینکه مناسبات سرمایه داری برقرار است اما هنوز هم رگه هایی از فئودالیزم مانند نظام پادشاهی که شاخصه این مناسبات است وجود دارد. با این وجود، اگر دگرذیسی روابط انسانی از برده داری به سرمایه داری را دنبال کنیم مشاهده می گردد که حرکت جوامع انسانی از حیث دست یافتن به حقیقت یکسان جوهر مادی انسانها که حق طلبی است بشریت توانسته است گامهای اساسی در رسیدن به کرامت و عدالت اجتماعی بردارد. هر چند هنوز نتوانسته است که به اسارت تاریخی انسان از سرمایه خاتمه دهد. این نظام اقتصادی با تمامی محاسنی که برای بشریت به ارمغان آورد اما از لحاظ برابری و مساوات و شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی و موارد متعددی که بدان خواهیم پرداخت جوامع انسانی با دشواری های فراوانی روبرو گردید. بطوریکه، نابرابری های گسترده در سطح جهان از زمان تسلط مناسبات سرمایه داری به این سو با شدت فراوانی در حال رشد میباشد. که این خود، گسست فراوانی از لحاظ منابع اقتصادی و تسلط اقلیتی بر ابزار تولید، بین طبقات فوقانی و فرودست موجب گردید است. اوج این گسست را میتوان در پیدایش و ظهور جنبش وال استریت در دو سال پیش ملاحظه کرد. که اعضای این جنبش خود را نماینده اکثریت 99 درصدی جامعه که سلب مالکیت شده بودند و مالک تنها یک در صد از سرمایه ملی هستند می دانستند در مقابل، یک درصد از جامعه که مالک 99 درصد از سرمایه و دارایی های آمریکا را در اختیار خود دارند هر چند این جنبش بجز گفتمان درمانی در وضعیت نابرابر موجود، کاری از پیش نبرد. با این همه، روند شکاف طبقاتی در جوامع مختلف در سنوات اخیر نسبت به دهه های پیشین شدت یافته است. بعنوان نمونه، در سال 1820 نسبت بین کشورهای فقیر و ثروتمند 3 به 1 بوده است. چرا که کشورهای ثروتمند سه برابر کشورهای عقب مانده، صاحب سرمایه و اموال بودند. در سال 1950 این نسبت 35 برابر، در سال 1973 به چهل و چهار برابر، در سال 1992 این نسبت به 72 برابر و در سال 2007 این نسبت 79 برابر، افزایش یافت. این یعنی شکاف هولناک بین غنی و فقیر در سطح جهان. یعنی اقلیتی مالک سرمایه های هنگفت، صاحب ابزار تولید و در مقابل اکثریتی که قرار برین بود که، همه انسانها شانس برابر برای ثروتمند شدن (آدام اسمیت) داشته باشند، سلب مالکیت شدند. شدت این وخامت ناشی از شکاف هولناک طبقاتی زمانی عیان می گردد که بدانیم، حدود یک و نیم میلیارد انسان به آب اشامیدنی سالم دسترسی ندارند. از هر 7 کودک، یکی مدرسه نمیرود و از تحصیل محروم است. بیش از نهمصد میلیون نفر از سو تغذیه رنج میبرند که بیشتر آنها را، زنان و کودکان تشکیل می دهند. بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر با درآمد روزانه کمتر از یک دلار زندگی می کنند. در وجه دیگر که مشخصه بارز سرمایه داری میباشد یعنی روابط کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار با سرمایه دار که مالک سرمایه و ابزار تولید و نیروی مولد میباشد. که یک سوی این مناسبات یعنی کارگر دنبال درآمد بیشتری برای نیل به یک زندگی شرافتمندانه و سوی دیگر، سرمایه دار که تنها به تحصیل سود بیشتر می اندیشد. این تضاد در منافع به هیچ وجه با صلح و دوستی برطرف نمی گردد چرا که شدت این تضاد در منافع مانند یک الاکنگ که حرکت روبه بالای یک طرف آن، پایین رفتن وجه دیگر میباشد. یعنی کارگر اگر دنبال درآمد بیشتر میباشد باید با دیوار ضخیم کارفرما مواجه شود که او تنها به سود بیشتر می اندیشد این سود بیشتر زمانی تحقق پیدا می کند که نیروی کار، ارزان قیمت باشد. و بالعکس.

تکلیف این تضاد را مانند تمامی جریان‌های انسانی، براساس میزان وزن اجتماعی آنها معلوم می‌گردد. در این مناسبات، بازهم اکثریتی از جامع فاقد سرمایه و اموال و دارایی و اقلیتی مالک سرمایه‌های هنگفتی شدند. چیزیکه تا قبل از انقلاب فرانسه تا پیشترها در اختیار اشراف و اربابان بود. و درین پروسه تاریخی بعد از انقلاب، تنها طبقه صاحب سرمایه تغییر کرده است. ولی بازهم عموم مردم از سرمایه خلع ید شدند. فرق این دوره با فئودالیزم تنها درین بود که در نظام پیشین، مبانی برتری و مشروعیت طبقه اشراف و مالکان در مقابل طبقه عوام، چه در وضع قوانین تبعیض آمیز و چه پشتیبانی عنصر مذهب (کلیسا) (اصولا درین دوره اشراف و طبقه حاکم برای خود فرآیند ایزدی قائل بودند) و باهمچنین مسائل ناسیونالیستی و فرهنگی بشمار میرفت، یعنی جای هرکس معلوم شده بود. فئودالها از تمامی امتیازهای دولتی برخوردار بودند. اما طبقه نوریسیده بورژوازی که علم عدالت خواهی در انقلاب را برداشته بود، پیروز این دعوا شد. و جای اشراف را گرفت. منتهی با شکل جدید ولی با همان کارکرد. یعنی سرمایه داری از یک سو طرفدار دوکراسی و حقوق بشر و از ادیهای فردیست و از طرف دیگر، خود او نقص کننده این اصول است. درست است که قوانین حقوقی و مدنی تکیه فراوانی بر اصل تساوی حقوق همه افراد جامعه دارد. ولی در جوامع سرمایه داری، شانس سرمایه دار در همه زمینه‌ها از تحصیل در آموزشگاههای بسیار مدرن و با کیفیت، همچنین در دانشگاههای تراز اول گرفته تا سهم شدن در هیئت حاکمه و حتا در مورد یک دعوای حقوقی ساده، بازهم فقیر از شانس بسیار اندکی جهت پیروزی برخوردار است. همیشه امکانات سرمایه دار از بقیه شهروندان بیشتر و تعیین کننده تر است. سرمایه داری تنها حفظ ظاهر می‌کند. همچنین در سطح بین المللی هم کارنامه سیاهی دارد چرا که دو جنگ جهانی بخوبی درنده خویی آنها نشان میدهد. یعنی برای بدست آوردن منافع خود، از دست زدن به هر جنایتی ابا ندارد. از طرفی دیگر، در چنین شرایط دشواری از حیث زندگی و معیشت، از بعد از تسلط مناسبات سرمایه داری در جهان، جنبشهای عدالتخواهانه و سوسیالیستی زیادی شکل گرفتند. وجود این جنبشها که در بسیاری از جاها به انقلاب انجامید جدای از نتایج آن که معمولا به شکست انجامید (سرمایه داری تمامی تلاش خود را صرف به شکست انجامیدن این انقلابات کرد) بخوبی گواه نارضایتی همه جانبه ازین شرایط غیر انسانیست. که این خود نشانه شکست بشریت در رسیدن به مفهوم واقعی عدالت است. عدالتی که تمامی اقشار انسانی را در بر گیرد و نه گروه و طبقه خاصی را. در مورد برخورد با این مناسبات ظالمانه دونوع نگرش جهت رویارویی با آن وجود دارد. بدین صورت که همانطور که در کمون برده داری و چه فئودالیزم مشاهده گردید، طیف وسیعی از انسانها ضمن پذیرش مناسبات فعلی بعنوان واقعیت لاتغییر زندگی ما، در انطباق با وضع موجود راه حل و نقشه راه را در تکاپوی افراد جهت سرمایه دار شدن می بینند. اما اشکال قضیه آن جاست که هر قدر طبقه سرمایه دار بزرگتر باشد بازهم بدلیل محدودیت منابع سرمایه و با اصولا رقابت که نماد سرمایه داریست اکثریتی، سرمایه ندار باقی می مانند. این راه تنها بدرد افرادی میخورد که دغدغه مبارزه جهت تحقق عدالت فراگیر ندارند و تنها به فکر منافع فردی خود می باشند. جای تاسف اینجاست که بعد از شکست جنبشهای برابری طلب، این نگرش با توجه به ابزار رسانه ای همچنین نظام آموزشی که همه اینها در خدمت فرهنگ سازی برای حفظ و گسترش هژمونی این مناسبات است. دیدگاه مذکور بشدت در حال گسترش است. بنظر من، چنین درکی از مفهوم عدالت در نفس خویش، بسیار خودخواهانه است. چراکه درین صورت، طبقه فقیر در طبقه دارا هضم نمیشود و اصولا طبقه فقیر ازین نمی رود بلکه معمولا جای شخص غنی و فقیر تغییر می کند. بر اساس این نگرش، عدالت یعنی حفظ شرایط موجود، تنها در صورتیکه من (کلی) سرمایه دار شده باشم.

اما از طرف دیگر، کسانی مانند مارکس و انگلس سخت کوشیدند که مفهوم دیگری از عدالت و برابری طبقاتی را نشان دهند. بدین گونه که آنها مبتکر و مبلغ مبانی شدند که راه دیگری را جهت تحقق عدالت معرفی می کردند چراکه سرمایه داری مانند سایر مناسبات ذکر شد بعلت وجود ساختاری که با عدالت منافات دارد ازین توانایی و استعداد، جهت پر کردن شکافهای طبقاتی برخوردار نیست سرمایه داری زائده بیعدالتیست. آنها راه را در انقلاب طبقه کار و ایجاد نظام

سوسیالیسم ونفی مالکیت بر ابزار تولید ونفی هرگونه تبعیض می دیدند. در قیامهای متعددی که در قرون نوزده و بیستم روی داد سخت این تفکر مورد استقبال قرار گرفت. اما از جنبه عملی، با توجه به اینکه ما انسانها درک صحیح و واقعی نسبت به حقیقت وجودی مسئله عدالت نداریم حقیقتی که جدای از شعارها و ایده های پور شور باشد به بیان ساده تر عدالت واقعی و فراگیر رانمی شناسیم و راههای تاکتیکی جهت درآمدن به انرا. چنین وضعی تمامی این تلاشها وجنبشها را به شکست انجامید. هرچند که در زمینه ارمانی سوسیالیستها اینطور می اندیشند که، سوسیالیسم یک سیستم اقتصادی مدون که از منافع فردی عبور می کند ونظامی است از مردم و برای مردم. سوسیالیسم جلوتر از هر مسئله ای، تامین نیازهای زیستی مردم را هدف فعالیت خود قرار می دهد. سوسیالیستها معتقدند که، هر پیشرفت فناوری در جامعه سوسیالیستی به معنای پیشرفت مردم است. افزایش تولید با افزایش دستمزد به افراد برگردانده میشود. در زمانیکه، ابزار ماشینی جای فعالیت انسان را می گیرد، ساعات کار کم میشود. بدون اینکه از حقوق کسی کاسته شود. و در آن هیچ تضاد طبقاتی و یا تضاد آشتی ناپذیر وجود ندارد. در سوسیالیسم جنگ مذموم است ونفعی برای بشریت ندارد. تمامی تلاش انسان بجای مصروف شدن جهت ساخت جنگ افزار باید در خدمت بهبودی شرایط زندگی مردم، تامین غذا و دارو و در مان برای بیماران باشد. همچنین انقلاب علم-فنی، موجبات ایجاد فرصتها شغلی بیشتری می گردد و اوقات فراغت برای کارگران به ارمغان می آورد. همچنین توسعه فن آوری باعث می گردد که کارهای سخت و کثیف به ماشینها و رباتها واگذار گردد. و بسیاری مسائلی دیگر که میتواند از درد و محنت بشریت بکاهد. راستش حملات دربالا زیباترین حملات است که من تاکنون شنیده ام. متاسفانه این آرمانها در عالم پراتیک و یا اینکه با حسن نیت همراه بود تاکنون موفق نبوده است.

سخن آخر اینکه، سراسر زندگی ما انسانها سرشار از تبعیضهای مختلف، شکاف طبقاتی و نابرابریهای مختلف است. تلاشهای تاکنونی ما جهت تحقق عدالت به سرانجام خود نرسیده است. حرکتها ذکر شده در گذشته نشانه تحقق عدالت نیست. بلکه شکل مناسبات تغییر می کرد. بنظر من تکامل تاریخی در روابط انسانی با توجه به بحرانهای مختلفی که سرمایه داری همراه خود می آورد به این سو می رود که در آینده، بشریت راه خود را خواهد یافت و این بار موفق خواهد شد. حتی با وجودیکه شرایط فعلی اصلا مطلوب عدالتخواهان نیست. یا با مبارزات کنونی طبقه کارگر که در اثر شکست جنبشهای چپ در جهان وسلطه هژمونیک سرمایه داری، مبارزه ای بدون آلترناتیو شده است اما بازهم میتوان این امیدواری را داشت که در مناسبات آینده، اینبار عدالت واقعی در زندگی انسانها محقق گردد. به امید آن روز

رضارخشان

1392/5/15

کارگران کیان تایر از لحظاتی پیش در اعتراض به بازداشت شش نفر از همکارانشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل بخشداری چهاردانگه زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 15 مرداد 92 آمده است: کارگران کیان تایر در اعتراض به بازداشت شش نفر از همکارانشان از لحظاتی پیش دست به تجمع در مقابل بخشداری چهاردانگه زده اند و مصرانه خواهان آزاد همکاران در بند خود هستند. شش کارگران کیان تایر پس از احضار به پلیس امنیت اسلامشهر که صبح امروز صورت گرفت حوالی ظهر رسماً بازداشت شدند و این مسئله بر فضای اعتراضی حاکم بر این کارخانه دامن زد. کارگران کیان تایر اعلام کرده اند تا آزادی همکاران شان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

گزارش تکمیلی تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر در مقابل بخش‌داری چهاردانگه متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

در تهران رخ داد: مرگ یک چاه کن در عمق ۱۶ متری چاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 مرداد 92 آمده است : برق گرفتگی باعث مرگ یک کارگر مقنی در عمق ۱۶ متری چاه شد.

به گزارش ایلنا، این حادثه عصر روز گذشته زمانی رخ داد که یک کارگر چاه کن درحین حفر چاه فاضلاب در حیاط یک ساختمان در حال ساخت در خیابان شاد آباد، به علت برق گرفتگی در عمق ۱۶ متری چاه محبوس شد.

بر اساس این گزارش، با حضور گروه‌های امداد و نجات این کارگر ۳۵ ساله افغان از عمق چاه به بیرون انتقال یافت اما مرگ او به علت برق گرفتگی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

پایان پیام

مجموعه گزارشات اتحادیه آزادکارگران ایران درباره بازداشت 5 نفر از کارگران کیان تایر:

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 15 مرداد ماه 1392
خبر فوری- بدنال بازداشت 6 نفر از کارگران کیان تایر موجی از خشم و التهاب کارگری بر فضای این کارخانه حاکم شده است
اتحادیه آزاد کارگران ایران: در پی اعتراض روز 12 مرداد ماه کارگران کیان تایر که منجر به درگیری مختصری میان آنان و یکی از مامورین امنیتی شد و در نتیجه این درگیری دوربین فیلمبرداری وی طعمه شعله های حریق شد دبروز پلیس امنیت اسلامشهر 6 نفر از کارگران این کارخانه را احضار کرد و صبح امروز آنان در معیت نماینده هایشان عازم پلیس امنیت اسلامشهر شدند. لازم به یاد آوری این مامور امنیتی در پی اعتراض 12 مرداد ماه کارگران کیان تایر بدون مجوز قانونی وارد کارخانه شد و اقدام به فیلمبرداری از چهره های کارگران کرد که این امر خشم کارگران را برانگیخت و در نتیجه درگیری مختصری که به همین علت پیش آمد دوربین وی به درون شعله های آتش افتاد و از بین رفت.
بنا بر اظهار کارگران کیان تایر این شش کارگر که از صبح امروز در پلیس امنیت اسلامشهر بوده اند بازداشت شده اند.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران هم اکنون فضای بسیار ملتهبی بر کارخانه کیان تایر حاکم شده است و هر آن امکان اعتراضات بسیار گسترده و تندی از سوی کارگران کیان تایر به دلیل بازداشت همکارانشان می‌رود.
این شش کارگر از جمله کارگرانی هستند که اغلب در مذاکرات نماینده های کارگران با مسئولین نهادهای دولتی حضور داشته اند و کارگران کیان تایر بازداشت آنان را توطئه ای از سوی پلیس امنیت و شرفی برای به تمکین واداشتن خود میدانند. شرفی کارفرمای سابق این کارخانه است که در پی اعتراضات کارگران کیان تایر در سال 87 خلع ید شد و از یکماه پیش کارخانه بار دیگر به وی واگذار گردید که این امر از آنزمان تاکنون با اعتراضات گسترده ای از سوی کارگران کیان تایر مواجه شده است.
اتحادیه آزاد کارگران ایران - 15 مرداد ماه 1392

کارگران کیان تایر از لحظاتی پیش در اعتراض به بازداشت شش نفر از همکارانشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل بخشداری چهاردانگه زدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ کارگران کیان تایر در اعتراض به بازداشت شش نفر از همکارانشان از لحظاتی پیش دست به تجمع در مقابل بخشداری چهاردانگه زده اند و مصرانه خواهان آزاد همکاران در بند خود هستند.

شش کارگران کیان تایر پس از احضار به پلیس امنیت اسلامشهر که صبح امروز صورت گرفت حوالی ظهر رسماً بازداشت شدند و این مسئله بر فضای اعتراضی حاکم بر این کارخانه دامن زد. کارگران کیان تایر اعلام کرده اند تا آزادی همکاران شان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. گزارش تکمیلی تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر در مقابل بخشداری چهاردانگه متعاقباً از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران - 15 مرداد ماه 1392

در صورت عدم آزادی ۵ کارگر بازداشتی کارخانه کیان تایر، کارگران این کارخانه فردا نیز دست به اعتراض خواهند زد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 15 مرداد 92 آمده است: بدنبال احضار ۵ نفر از کارگران کیان تایر به پلیس امنیت اسلامشهر، آنان حوالی ظهر امروز رسماً بازداشت شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کیان تایر پس از کسب خبر بازداشت همکاران خود بشدت خشمگین شدند و تعدادی از آنان دست به تجمع در مقابل بخشداری چهار دانگه زدند اما بدلیل عدم حضور بخشدار و فرا رسیدن ساعت تعطیلی کارخانه به اعتراض خود پایان دادند.

۵ کارگر کیان تایر بدلیل آنچه که ضرب و شتم یک مامور امنیتی و سوزاندن دوربین اش در شعله های آتش توسط کارگران در اعتراض روز ۱۲ مرداد ماه آنان خوانده شده است بازداشت شده اند.

کارگران کیان تایر از آنجا که این ۵ کارگر بازداشتی از فعالین کارگری کارخانه می باشند و همیشه در کنار نماینده هایشان مدافع حقوق همکاران خود بوده اند و در روز درگیری در محل حضور نداشته اند این دستگیری را اقدامی هدفمند از سوی پلیس امنیت در همکاری با کارفرما برای به تمکین واداشتن خود تلقی میکنند.

کارگران کیان تایر اعلام کرده اند در صورت عدم آزادی همکارانشان فردا نیز به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

لازم به یادآوری است در دو خبر قبلی که امروز از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در رابطه با بازداشت کارگران کیان تایر منتشر شد تعداد این کارگران ۶ نفر ذکر شده است که بدینوسیله با اعلام تعداد کارگران بازداشتی به تعداد ۵ نفر، خبرهای قبلی تصحیح میشود.

کارگران کیان تایر از لحظاتی پیش در اعتراض به بازداشت شش نفر از همکارانشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل بخشداری چهاردانگه زدند

کارگران کیان تایر در اعتراض به بازداشت شش نفر از همکارانشان از لحظاتی پیش دست به تجمع در مقابل بخشداری چهاردانگه زده اند و مصرانه خواهان آزاد همکاران در بند خود هستند. شش کارگران کیان تایر پس از احضار به پلیس امنیت اسلامشهر که صبح امروز صورت گرفت حوالی ظهر رسماً بازداشت شدند و این مسئله بر فضای اعتراضی حاکم بر این کارخانه دامن زد.

کارگران کیان تایر اعلام کرده اند تا آزادی همکاران شان به اعتراض خود ادامه خواهند داد . گزارش تکمیلی تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر در مقابل بخشداری چهاردانگه متعاقبا از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد.

خبر فوری

بدنبال بازداشت ۶ نفر از کارگران کیان موجی از خشم و التهاب کارگری بر فضای این کارخانه حاکم شده است

در پی اعتراض روز ۱۲ مرداد ماه کارگران کیان تایر که منجر به درگیری مختصری میان آنان و یکی از مامورین امنیتی شد و در نتیجه این درگیری دوربین فیلمبرداری وی طعمه شعله های حریق شد دیروز پلیس امنیت اسلامشهر ۶ نفر از کارگران این کارخانه را احضار کرد و صبح امروز آنان در معیت نماینده هایشان عازم پلیس امنیت اسلامشهر شدند. لازم به یاد آوری این مامور امنیتی در پی اعتراض ۱۲ مرداد ماه کارگران کیان تایر بدون مجوز قانونی وارد کارخانه شد و اقدام به فیلمبرداری از چهره های کارگران کرد که این امر خشم کارگران را برانگیخت و در نتیجه درگیری مختصری که به همین علت پیش آمد دوربین وی به درون شعله های آتش افتاد و از بین رفت . بنا بر اظهار کارگران کیان تایر این شش کارگر که از صبح امروز در پلیس امنیت اسلامشهر بوده اند بازداشت شده اند .

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران هم اکنون فضای بسیار ملتهبی بر کارخانه کیان تایر حاکم شده است و هر آن امکان اعتراضات بسیار گسترده و تندی از سوی کارگران کیان تایر به دلیل بازداشت همکارانشان میرود . این شش کارگر از جمله کارگرانی هستند که اغلب در مذاکرات نماینده های کارگران با مسئولین نهادهای دولتی حضور داشته اند و کارگران کیان تایر بازداشت آنان را توطئه ای از سوی پلیس امنیت و شرفی برای به تمکین واداشتن خود میدانند. شرفی کارفرمای سابق این کارخانه است که در پی اعتراضات کارگران کیان تایر در سال ۸۷ خلع ید شد و از یکماه پیش کارخانه بار دیگر به وی واگذار گردید که این امر از آزمون تاکنون با اعتراضات گسترده ای از سوی کارگران کیان تایر مواجه شده است.

۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۲

يك فعال کارگری در ایلام هشدار داد: تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی شهرک صنعتی ششدار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلام در 15 مرداد 92 آمده است : دبیر خانه کارگر ایلام از تعطیلی گسترده واحدهای صنعتی و تولیدی استان در شهرک صنعتی «شیشدار» به سبب افزایش مشکلات مالی، سوء مدیریت، تغییر ساختار و عدم فروش محصولات تولیدی خبر داد.

«علی غیاثی» وضعیت مجموعه صنعتی شیشدار را بحرانی توصیف کرد و به ایلام گفت: هم اکنون تعداد بسیار زیادی از واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در شهرک صنعتی شیشدار همانند شرکت فجر ایلام، گویا نخ، زرین بافت، کارتن سازی، دیبا نخ، آرام نخ، صابون سازی کویر، فراز شیمی، گونی بافی، نخ ایلام، فراورده های گوشتی سالم، حوله قائم، کیک مهنا، معراج نخ، ترشی جات ساجی فر، شرکت شیمیایی رفاه، پروفیل پارس غرب و ده ها واحد تولیدی و صنعتی دیگر تعطیل و یا نیمه تعطیل شده و کارگران آنان بیکار شده اند. دبیر خانه کارگر ایلام با بیان اینکه مسئولان به مشکلات واحدهای بحرانبه اهمیت نمی دهند،

افزود: ادامه این وضعیت موجب ایجاد مشکلاتی برای صاحبان صنایع و کارگران شده است. غیابی با ابراز نگرانی از وضعیت به وجود آمده گفت: طبق تحقیقات انجام شده، هم اکنون بیش از ۴۰ درصد از واحدهای صنعتی استان تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند.

دبیر خانه کارگر ایلام در خاتمه سخنان خود با اشاره به معضل بیکاری استان ایلام گفت: طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری استان ایلام بیش از ۲۵ درصد است که به این ترتیب استان ایلام در صدر جدول نرخ بیکاری کشور قرار دارد.

پایان پیام

در صورت عدم آزادی 5 کارگر بازداشتی کارخانه کیان تایر، کارگران این کارخانه فردا نیز دست به اعتراض خواهند زد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: بدنبال احضار 5 نفر از کارگران کیان تایر به پلیس امنیت اسلامشهر، آنان حوالی ظهر امروز رسماً بازداشت شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کیان تایر پس از کسب خبر بازداشت همکاران خود بشدت خشمگین شدند و تعدادی از آنان دست به تجمع در مقابل بخشداری چهار دانگه زدند اما بدلیل عدم حضور بخشدار و فرا رسیدن ساعت تعطیلی کارخانه به اعتراض خود پایان دادند.

5 کارگر کیان تایر بدلیل آنچه که ضرب و شتم یک مامور امنیتی و سوزاندن دوربین اش در شعله های آتش توسط کارگران در اعتراض روز 12 مرداد ماه آنان خوانده شده است بازداشت شده اند. کارگران کیان تایر از آنجا که این 5 کارگر بازداشتی از فعالین کارگری کارخانه می باشند و همیشه در کنار نماینده هایشان مدافع حقوق همکاران خود بوده اند و در روز درگیری در محل حضور نداشته اند این دستگیری را اقدامی هدفمند از سوی پلیس امنیت در همکاری با کارفرما برای به تمکین واداشتن خود تلقی میکنند. کارگران کیان تایر اعلام کرده اند در صورت عدم آزادی همکارانشان فردا نیز به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

لازم به یادآوری است در دو خبر قبلی که امروز از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در رابطه با بازداشت کارگران کیان تایر منتشر شد تعداد این کارگران 6 نفر ذکر شده است که بدینوسیله با اعلام تعداد کارگران بازداشتی به تعداد 5 نفر، خبرهای قبلی تصحیح میشود. اتحادیه آزاد کارگران ایران - 15 مرداد ماه 1392

اطلاعیه شماره ده کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده: باز گرداندن بهنام ابراهیم زاده به زندان یک جنایت آشکار است!

به نوشته کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده- پانزدهم مرداد ۱۳۹۲ آمده است: مخالفت مقام دادستانی باتمدید مرخصی فعال کارگری وکودک بهنام ابراهیم زاده. بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری وکودک و از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری وجمعیت دفاع از کودکان کار وخیابان که چندی پیش برای پیگیری درمان تنها فرزند بیمارش نیما به مرخصی آمده بود امروز سه شنبه پانزدهم مرداد برای تمدید مرخصی خودبه دادستانی تهران مراجعه کرد اما دادستانی تهران با ادامه مرخصی وی که بتوان در کنار فرزند بیمارش بماند مخالفت کردند.

مقامات به جای موافقت با تمدید مرخصی به وی پیشنهاد اینکه عفو بنویسد داده اند اما وی به این درخواست جواب رد داده است؛ برگرداندن بهنام به زندان ظلمی آشکار به خانواده بهنام و

کودک بیمارش نیما ابراهیم زاده است که طی روزهای آینده باید در بیمارستان محک کودکان برای روند درمانش بستری شود و مراحل سخت شیمی درمانی را پشت سر بگذراند نیما به جز دوری از پدر باید دردشیمی درمانی و استرس و دیگر ناراحتی ها را هم بکشد. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده مخالفت با تمدید مرخصی و برگرداندن بهنام را به زندان به شدت محکوم کرده و خواهان آزادی تمامی فعالان کارگری و زندانیان سیاسی می باشد!

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده- پانزدهم مرداد ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

یک فعال کارگری در این شهر خبر داد: ۴ ماه تاخیر در پرداخت حقوق ۱۳۰ کارگر پیمانکاری آبفای اهواز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۵ مرداد ۹۲ آمده است : دبیر خانه کارگر اهواز اعلام کرد: ۱۳۰ کارگر شرکت پیمانکاری «کیاوش جنوب» در اهواز که تحت نظارت آبفای این شهر فعالیت دارند از فروردین ماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند.

«آقایار حسینی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: این کارگران با قرارداد موقت به عنوان نگهبان تصفیه خانه‌ها و سایر تجهیزات شرکت آب و فاضلاب فعالیت می‌کنند و دارای سابقه کاری ۱۱ ساله هستند.

این فعال کارگری اضافه کرد: کارفرمای این شرکت با توجه به اینکه در سالهای گذشته، هر ماه حقوق کارگران را با تاخیر ۴۰ تا ۵۰ روزه به حسابشان واریز می‌کرد اما در سال جاری به دلایل نامعلومی این تاخیر به بیش از ۴ ماه رسیده است.

حسینی در این زمینه ادامه داد: علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق این کارگران در چهار ماه گذشته، حقوق مرخصی سال گذشته آنان (۹۱) نیز به حسابشان واریز نشده است.

دبیر خانه کارگر اهواز با بیان اینکه نظارتی بر کار شرکت‌های پیمانکاری استان خوزستان وجود ندارد، تصریح کرد: انتظار داریم مسئولان در این استان نظارت خود را بر شرکت‌های پیمانکاری و نحوه فعالیتشان بیشتر کنند.

پایان پیام

نهادهای مسئول در استان کردستان در هماهنگی با کارفرمای فولاد زاگرس درصدد تحمیل اخراج بر کارگران این کارخانه هستند- همراه با تصویر مصوبه کمیسیون اصل نود و حکم اخراج کارگران

اتحادیه آزاد کارگران ایران: از شروع اعتراضات کارگران اخراجی فولاد زاگرس نزدیک به یکماه گذشت. در این مدت، این کارگران یکروز در مقابل دفتر بیت رهبری و بمدت سه روز در مقابل مجلس شورای اسلامی در اعتراض به اخراج خود دست به تجمع زده اند. علاوه بر این کارگران فولاد زاگرس بارها در مقابل اداره کار شهرستان قروه و استانداری کردستان دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شده اند.

این کارگران تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، از اول سال تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و بسیاری از آنان بدلیل شرایط سخت و زیان آور کار دچار لطمات شدید جسمانی شده اند.

در آخرین تجمع کارگران فولاد زاگرس که در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شد کمیسیون اصل نود مجلس با برگزاری جلسه ای با شرکت مدیر عامل و سهامداران کارخانه و نماینده های کارگران بر شفاف سازی فروش کارخانه و تعهد خریدار نسبت به حفظ و بکار گیری کارگران صحنه گذاشت و اواخر هفته گذشته صورتجلسه کمیسیون اصل نود به طرفین ارجاع شد. با اینحال اداره کار و فرمانداری شهرستان قروه از آنجا که در صورت اخراج کارگر توسط کارفرما و تمایل داوطلبانه کارگر برای به وصل بیمه بیکاری، رابطه کاری اش با کارفرما قانونا پایان یافته تلقی میشود، در تلاشند تا با سر دواندن کارگران، آنان را وادار به وصل به بیمه بیکاری به صورت داوطلبانه و به میل و اراده خود کنند. این در حالی است که بر اساس ماده 12 قانون کار در صورت تغییر مالکیت کارخانه ای، تعهدات کارفرمای قبلی در قبال کارگران عینا به کارفرمای بعدی منتقل میشود و چنانچه در این بین وقفه ای چند ماهه در تولید پیش بیاید کارفرما باید با ارئه مدارک لازم به مراجع ذیربط و تصویب آن در شورایعالی کار بمدت معینی که توسط این شورا تعیین میشود کارگران خود را جهت وصل به بیمه بیکاری به سازمان تامین اجتماعی معرفی کند و پس از پایان مدت تعیین شده، کارگران بر سر کارهای خود بازگردند. اما علیرغم اینهمه صراحت قانونی و نیز تاکید کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، اداره کار و فرمانداری شهرستان قروه بعلاوه استانداری کردستان در همدستی با کارفرمای کارخانه فولاد زاگرس بدون طی این مراحل و با تلاش برای وصل داوطلبانه کارگران به بیمه بیکاری در صدد تکمیل سیکل اخراج 235 کارگر این کارخانه هستند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، از تاریخ 31 تیر ماه که کارگران اخراجی فولاد زاگرس پس از جلسه کمیسیون اصل نود به شهرستان قروه باز گشته اند هر روز در کارخانه حاضر میشوند و دفتر حضور و غیابی را که خود تدارک دیده اند امضا میکنند. این کارگران از آزمون تانوم دوبار نیز در مقابل اداره کار شهرستان قروه دست به تجمع اعتراضی زده اند و در آخرین اقدامش شان در حوزه استانی، امروز شکایتی را از کارفرما بدلیل عدم پرداخت دستمزد و اخراج از کار به اداره کار شهرستان قروه تسلیم کردند.

این کارگران اعلام نموده اند در صورت تداوم روش فعلی مسئولین استانی نسبت به مصوبه کمیسیون اصل نود و عدم پرداخت دستمزدشان از سوی کارفرما، احتمالا بار دیگر تجمعات اعتراضی خود را در مقابل مجلس شورای اسلامی از سر خواهند گرفت و تسلیم بند و بستهای مسئولین استانی با کارفرما نخواهند شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 15 مرداد ماه 1392

لینک تصویر مصوبه کمیسیون اصل نود و حکم اخراج کارگران:

<http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=3191>

تعویق سه ماه حقوق کارکنان روزنامه خورشید و موسسه آتیه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 مرداد 92 آمده است : دستمزد جمعی از کارکنان بخشهای تحریریه و فنی روزنامه خورشید در سه ماه گذشته پرداخت نشده است. براساس این گزارش، یکی از خبرنگاران این روزنامه که نخواست نامش فاش شود با اعلام این خبر گفت: حقوق نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارکنان روزنامه خورشید، سه ماه است که پرداخت نشده است. آقای تقوی فرد مدیر مسئول روزنامه خورشید با وعده، پرداخت حقوق خبرنگاران را ۳ ماه است که به تعویق می اندازد.

وی در ادامه با بیان اینکه «روزنامه خورشید وابسته به موسسه آتیه و هر دو زیر نظر سازمان تامین اجتماعی هستند» تصریح کرد: نزدیک به ۱۰۰ کارمند موسسه آتیه نیز ۳ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند.

این خبرنگار معترض در پایان با اشاره به شرایط نامناسب اقتصادی کشور بیان کرد: تعویق سه ماهه حقوق، فشار معیشتی بر خبرنگاران روزنامه را چند برابر کرده است تا جایی که برخی از پرداخت هزینه اجاره خانه‌شان ناتوان شده‌اند.

چند خبرهای کوتاه:

تاخیر در پرداخت حقوق کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی به سومین ماه رسید

310 کارگر شاغل (150 کارگر رسمی و 160 کارگر قرار دادی) در کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز از اردیبهشت ماه سال جاری حقوق دریافت نکرده‌اند.

4 ماه تاخیر در پرداخت حقوق ۱۳۰ کارگر پیمانکاری آبفای اهواز

۱۳۰ کارگر شرکت پیمانکاری «کیاوش جنوب» در اهواز که تحت نظارت آبفای این شهر فعالیت دارند از فروردین ماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند. این کارگران با قرارداد موقت به عنوان نگهبان تصفیه خانه‌ها و سایر تجهیزات شرکت آب و فاضلاب فعالیت می‌کنند و دارای سابقه کاری ۱۱ ساله هستند. علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق این کارگران در چهار ماه گذشته، حقوق مرخصی سال گذشته آنان (۹۱) نیز به حساب‌شان واریز نشده است.

اجبار کارکنان داروخانه‌ها به اضافه کاری بدون حقوق

برپایه خبررسیده آمده است: برخی داروخانه‌های شهرستان لارستان با اجبار کارکنانشان به اضافه کاری بدون حقوق از آن‌ها بهره‌کشی می‌کنند، این در حالی است که اجبار کارکنان حتی به نیم ساعت اضافه کاری بدون حقوق، نقض آشکار حقوق بنیادین کار است.

تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی شهرک صنعتی ششدار

بر پایه خبر دریافتی آمده است: تعداد بسیار زیادی از واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در شهرک صنعتی شششدار همانند شرکت فجر ایلام، گویا نخ، زرین بافت، کارتن سازی، دیبا نخ، آرام نخ، صابون سازی کویر، فراز شیمی، گونی بافی، نخ ایلام، فراورده‌های گوشتی سالم، حوله قائم، کیک مهنا، معراج نخ، ترشی جات ساجی فر، شرکت شیمیایی رفاه، پروفیل پارس غرب و ده‌ها واحد تولیدی و صنعتی دیگر تعطیل و یا نیمه تعطیل شده و کارگران آنان بیکار شده‌اند.

مرگ کارگرچاهکن در اعماق چاه 16 متری

پایگاه خبری 125 بتاريخ 15 مرداد 92 آمده است: از برق گرفتگی و مرگ کارگرچاهکن جوان در اعماق چاهی به عمق 16 متر در خیابان شادآباد، خیابان 17 شهریور، 15 متری دوم، دربعد از ظهر روز گذشته خبرداد. مهدی فتحی (افسر آماده منطقه پنج عملیات) که در محل حضور داشت در این باره گفت: در محل حادثه یک ساختمان در حال ساخت مشاهده می‌شد که کارگری 35 ساله افغانی دچار برق گرفتگی و در انتهای چاهی به عمق 16 متر گرفتار شده بود.

وی افزود: نجاتگران همزمان با ایمن سازی محل حادثه با استفاده از ابزار و لوازم تخصصی نجات چاه موفق شدند در کوتاهترین زمان ممکن کارگر را از چاه بیرون آورده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که با معاینات پزشکی مرگ کارگر جوان تایید شد.
پانزدهم مردادماه 1392

کارگران بازداشتی کیان تایر آخر وقت دیشب آزاد شدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 16 مرداد 92 آمده است : 5 کارگر کارخانه کیان تایر که صبح دیروز پس از احضار به پلیس امنیت اسلامشهر بازداشت شده بودند آخر وقت دیشب آزاد شدند. این کارگران که از فعالین کارگری کارخانه کیان تایر هستند به بهانه آنچه که ضرب و شتم یک مامور امنیتی حین فیلمبرداری اش در اعتراض روز 12 مردادماه این کارگران خوانده شده است صبح دیروز احضار و بازداشت شده بودند. بدنبال این بازداشتها، ظهر دیروز تعدادی از کارگران کیان تایر در مقابل بخشرداری چهاردانگه دست به تجمع زدند و خواهان آزادی همکاران خود شدند. کارگران کیان تایر اعلام کرده بودند که چنانچه همکارانشان آزاد نشوند دست به اعتراضات گسترده تری خواهند زد.

صدور حکم زندان تعزیری برای 3 تن از فعالان کارگری مهاباد

برپایه خبر رسیده آمده است : بنا به خبر رسیده دادگاه انقلاب مهاباد 3 تن از کارگران و فعالین کارگری عضو کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در این شهر را به 2 سال حبس تعزیری محکوم کرد. بر پایه این خبر 3 تن از فعالین کارگری مهاباد به نامهای محمد مولانائی، یوسف آبخرابات و واحد سیده روز دوشنبه 14 مردادماه به اداره اطلاعات این شهر احضار و احکام صادره به آنان ابلاغ شد. این احکام به مدت 20 روز قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه تجدید نظر می باشد. کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم نمودن احکام صادره بر علیه محمد مولانائی، یوسف آبخرابات و واحد سیده خواهان شکسته شدن این احکام و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد. اخبار بیشتر در باره دستگیری فعالین کارگری در مهاباد
http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1279:1-391-11-30-11-45-44&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=26
کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-16 مرداد 1392

ادامه اعتراضات کارگران فولاد زاگرس برای بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 مرداد 92 آمده است : صبح امروز ۲۰۲ از کارگر اخراجی کارخانه «فولاد زاگرس» با تنظیم شکایت مشترکی در اداره کار شهرستان قروه، درخواست رسمی بازگشت به کار خود را ارائه دادند. بنا بهمین گزارش، روز گذشته نیز حدود ۱۷۰ نفر از کارگران اخراجی کارخانه «فولاد زاگرس» برای پیگیری مطالبات صنفی خود در مقابل ساختمان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه تجمع کرده بودند. نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس درباره تجمع دیروز، گفت: بعد از آنکه اعتراض صنفی کارگران فولاد زاگرس روز ۲۶ تیر ماه در تهران با وعده تعدادی از نمایندگان مجلس ناتمام ماند، با وجود

آنکه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس طی جلسه‌ای در تاریخ ۳۱ تیرماه کارفرما را متعهد به پرداخت معوقات حقوقی کارگران در اولین فرصت و عدم قطع رابطه کاری با کارگران کرده بود، متأسفانه کارفرما نسبت به نتایج جلسه کمیسیون اصل ۹۰ بی‌توجهی نشان داده و به آن عمل نمی‌کند. او افزود: این کارگران با تجمع خود در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اعتراض به بی‌توجهی کارفرما به مصوبات کمیسیون اصل نود مجلس، خواستار بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود شدند.

نماینده کارگران فولاد زاگرس با بیان اینکه کارگران از ابتدای سال جاری حقوق دریافت نکرده‌اند، افزود: با توجه به اینکه کارگران در وضعیت نامناسب معیشتی قرار دارند خواستار بازگشت به کار و دریافت معوقات حقوقی خود هستند.

اخراج 16 تن دیگر از کارگران شرکت بانا آیدر سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 16 مرداد 92 آمده است: به گزارش رسیده از شرکت بانا آیدر سنندج 16 کارگر دیگر را در روز دوشنبه 92/5/14 به دلیل واهی کاهش میزان کار اخراج نمود.

کارفرمای شرکت بانا آیدر سنندج برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و حفظ سرمایه‌ی خود دست به اخراج کارگران زده است و قرار است انجام بقیه‌ی پروژه را به پیمانکاران دیگر واگذار کند تا بدین وسیله از پرداخت حقوق و سنوات کارگران نیز شانه خالی کند. نداشتن قرارداد کاری و بیمه، دست کارفرما را در اخراج کارگران باز گذاشته است. این شرکت در تاریخ 13 مرداد نیز 20 کارگر دیگر را اخراج کرده بود.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-16 مرداد 1392

محرومیت از بازنشستگی تعدادی از کارگران شرکت کروم کمیکال به دلیل عدم پرداخت حق سختی کار از طرف کارفرما

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 16 مرداد 92 آمده است: تعدادی از کارگران شرکت کروم کمیکال در مازندران به دلیل پرداخت نشدن حق سختی کار از طرف کارفرما از بازنشسته شدن محروم‌اند.

براساس این گزارش، کارگران شرکت «کروم کمیکال» در شهرستان میاندرد به دلیل پرداخت نشدن چهار درصد حق سختی کار توسط کارفرما از بازنشستگی محروم شده‌اند. این کارگران که تعداد آنها 16 نفر است در این مدت هشت ماهه به‌طور میانگین هر کدام شش تا 8 میلیون تومان از تأمین اجتماعی طلب‌کار هستند.

رئیس اداره تأمین اجتماعی شهرستان میاندرد در این مورد گفت: در ماه‌های گذشته به مسئولان این شرکت اصرار کرده‌ایم تا بر اساس قانون نسبت به پرداخت چهار درصد بازنشستگی کارگران اقدام کنند اما هر بار به دلیلی این اتفاق نیفتاده است.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار همدان خبر داد: تاخیر ۲ ماهه در پرداخت حقوق ۲۰۰ کارگر ذوب آهن آلیاژی ملایر/ تعدیل ۵۰ کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 مرداد 92 آمده است: رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان همدان از تاخیر چهار ماهه حقوق ۲۰۰ کارگر شاغل در کارخانه ذوب آهن آلیاژی ملایر خبر داد و گفت: حدود ۵۰ کارگر موقت این کارخانه با وجود ماهیت استمراری شغل‌شان، در خردادماه سال جاری با اتمام قرار داد کاری‌شان تعدیل شدند.

احمد معبودی در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: کارخانه فولاد آلیاژ ملایر واقع در جاده بروجرد چند سالی است که به سبب سوء مدیریت دچار مشکل شده به طوری که کارفرما به بهانه‌های مختلف از جمله نداشتن نقدینگی، در پرداخت حقوق کارگران کوتاهی می‌کند.

این مقام کارگری در استان همدان افزود: علاوه بر چهار ماه حقوق، عیدی، پاداش و سنوات یک سال گذشته (۹۱) کارگران نیز پرداخت نشده است.

معبودی ادامه داد: تعداد کارگران شاغل در این کارخانه در گذشته ۳۵۰ کارگر بود که کارفرما با تعدیل ۵۰ کارگر در خرداد ماه سال جاری (۹۲) تعداد کارگران کارخانه را به ۳۰۰ نفر تقلیل داده است.

رئیس کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان همدان درباره وضعیت کارگران تعدیل شده گفت: این تعداد کارگر با طرح شکایت قانونی به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی، هم‌اکنون از خدمات بیمه بیکاری استفاده می‌کنند و امیدوارند با اتمام دوره بیکاری خود مجدداً به کار بازگردند.

معبودی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود اضافه کرد: هم‌اکنون بخش ذوب آهن کارخانه به سبب کمبود مواد اولیه تولید به صورت نیمه تعطیل فعالیت می‌کند.

این مقام کارگری با اظهار امیدواری نسبت به بهبود وضعیت واحدهای تولیدی و صنعتی همدان اظهار داشت: امید داریم در دولت جدید تمهیداتی اندیشیده شود تا امنیت اشتغال کارگران در واحدهای تولیدی و صنعتی ثبات داشته باشد.

پایان پیام

خبرهای کوتاه:

*** تأخیر 4 ماهه در پرداخت حقوق 300 کارگر ذوب آهن آلیاژی ملایر و اخراج ۵۰ کارگر**

4 برپایه خبر رسیده آمده است، به مدت 4 ماه است که حقوق 300 کارگر شاغل در کارخانه ذوب آهن آلیاژی ملایر پرداخت نشده است. علاوه بر چهار ماه حقوق، عیدی، پاداش و سنوات یک سال گذشته (۹۱) کارگران نیز پرداخت نشده است.

همچنین حدود ۵۰ کارگر موقت این کارخانه با وجود ماهیت استمراری کارشان، در خردادماه سال جاری با اتمام قرار داد کاری‌شان اخراج شدند. شدند.

*** تأخیر ۱۶ ماهه در پرداخت حقوق کارگران خدماتی علوم پزشکی زابل**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 مرداد 92 آمده است: تعداد 20 نفر از کارگران خدماتی روزمزد شاغل در دانشگاه علوم پزشکی زابل ۱۶ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند. این کارگران حدود 5 سال سابقه کاری دارند و طی این سال‌ها حق بیمه این کارگران پرداخت نشده است.

خانه نشینی 2 میلیون جوان!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 16 مرداد 92 آمده است: با وجود مباحث فراوان مطرح شده در 8 سال اخیر درباره فراهم شدن امکان اشتغال برای میلیون ها نفر؛ اما آمارها نشان می دهد نرخ بیکاری جوانان همچنان بالای 20 درصد و بیکاری برای زنان نیز 2 برابر مردان است. موضوع قابل تامل اینکه در سالهای اخیر نرخ بیکاری جوانان به میزان 4 درصد و بیکاری زنان 8.4 درصد افزایش یافته است.

یکی از مهم ترین و پرچالش ترین مباحث مطرح درباره بیکاری و عدم امکان ورود کارجویان به بازار کار کشور، بخش کارجویان جوان و به عبارتی گروه اصلی متقاضی کار در کشور است که متأسفانه در سال های گذشته همواره نرخ بیکاری در این گروه ها چه در بخش مردان و چه زنان بالا و قابل تامل بوده است.

جوانان جویای کار و اغلب گروه های فارغ التحصیل دانشگاهی کشور در گروه سنی 15 تا 24 و یا 15 تا 29 سال قرار می گیرند. با وجود طرح مباحث فراوان و ارائه آمارهای گوناگون از اقدام دولت های نهم و دهم برای اشتغال زایی در این گروه ها، نرخ بیکاری کارجویان جوان کشور همچنان بالا مانده است.

طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، در پایان سال 91 از مجموع 2 میلیون و 944 هزار و 158 نفر بیکار در سطح عمومی، 1 میلیون و 973 هزار و 817 نفر در گروه سنی 15 تا 29 سال قرار داشته اند. به عبارت دیگر حدود 70 درصد کل بیکاران کشور بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران را جوانان تشکیل داده اند.

این موضوع نشان دهنده ادامه روند نامتعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار کشور و باقی ماندن شدت تقاضای کارجویان به دلیل عدم ورود به بازار کار شده است تا جایی که در سال 92 نیز همچنان بازار کار با فشار متولدین دهه 60 برای ورود به بازار کار مواجه است و احتمالاً این فشار تا نیمه دهه 90 نیز ادامه خواهد یافت.

بررسی عملکرد دولت های نهم و دهم از سال 84 تا 91 نیز نشان می دهد در سال 84 تعداد بیکاران جوان 15 تا 29 ساله در کشور 1 میلیون و 926 هزار و 896 نفر از کل 2 میلیون و 674 هزار و 866 نفر بوده است. به بیان دیگر در سال اول فعالیت دولت نهم حدود 75 درصد کل بیکاران کشور را جوانان تشکیل داده اند. وضعیت بیکاران جوان از 84 تا 91

در سال 85 از مجموع 2 میلیون و 642 هزار و 648 نفر بیکار کشور 1 میلیون و 913 هزار و 617 نفر در گروه سنی 15 تا 29 سال بوده و معادل حدود 75 درصد کل کارجویان در این گروه سنی قرار داشته اند. این رقم در سال 86 از کل 2 میلیون و 486 هزار و 238 نفر بیکار 1 میلیون و 803 هزار و 982 نفر بود.

در سال 87 تعداد بیکاران کشور 2 میلیون و 392 هزار و 179 نفر بوده که از این تعداد نیز 1 میلیون و 747 هزار و 336 نفر جوان بوده اند. از آمار 2 میلیون و 839 هزار و 971 نفری بیکاران سال 88 نیز 1 میلیون و 922 هزار و 980 نفر جوانان 15 تا 29 سال بوده اند.

آمار سال 89 نشان می دهد که از 3 میلیون و 218 هزار و 329 نفر مجموع بیکاران کشور، 2 میلیون و 196 هزار و 233 نفر معادل بیش از 68 درصد را جوانان جویای شغل تشکیل داده بود. در سال 90 نیز 2 میلیون و 877 هزار و 608 نفر در کشور بیکار بوده اند که از این تعداد 1 میلیون و 910 هزار و 72 نفر جوان بوده است.

به صورت کلی سهم بیکاری زنان نسبت به مردان در سال های فعالیت دولت های نهم و دهم به مراتب بیشتر از مردان و تا 2 برابر بوده است. نکته حائز اهمیت در آمار 8 ساله بیکاری کشور این است که با وجود ادعای اشتغال زایی میلیونی و مهار بیکاری در استان ها؛ نرخ بیکاری جوانان 15 تا 29 ساله یا همان گروه اصلی جویای کار کشور از 20.6 درصد در سال 84 به 24.5 درصد در سال 91 افزایش یافته است.

بیکاری زنان 2 برابر مردان

برداشت از آمار ارائه شده این است که نه تنها جوانان در فاصله 8 سال گذشته امکان چندانی برای ورود به عرصه بازار کار کشور نیافته اند، بلکه در پایان سال گذشته نرخ بیکاری در گروه جوانان 15 تا 29 ساله افزایش نیز یافته است. حال ممکن است بخشی از این افزایش مربوط به بالا رفتن تعداد تقاضاهای ورود به بازار کار کشور باشد، اما آنچه که مسلم است اینکه اقدامات موثری برای متعادل شدن عرضه و تقاضای نیروی کار در سال های اخیر با وجود ادعاهای مطرح شده صورت نگرفته است.

جدول 8 ساله بیکاری جوانان 15 تا 29 سال

سال	تعداد بیکاران جوان	نرخ بیکاری جوانان	تعداد بیکاران مرد	نرخ بیکاری عمومی
84	1926896	20.6	657631	11.5
85	1913617	20.8	624636	11.3
86	1803982	20	592765	10.5
87	1747336	20.4	560302	10.4
88	1922980	22.1	567313	11.9
89	2196233	25.5	713610	13.5
90	1910072	24	618055	12.3
91	1973817	24.5	640400	12.2

افزایش 8.4 درصدی نرخ بیکاری زنان! با وجود گرایش روزافزون زنان برای ورود به بازار کار کشور، اما نرخ بیکاری در این گروه با فاصله معناداری از گروه مردان قرار دارد. نرخ بیکاری زنان 15 تا 29 ساله از 29.9 درصد در سال 84 به 38.3 درصد در پایان سال 91 افزایش یافته است. نرخ بیکاری زنان این گروه در سال 85 به میزان 29.5 درصد، در 86 معادل 29.5 درصد، 87 به میزان 31.8 درصد، در سال 88 معادل 31 درصد، در 89 به میزان 39.7 درصد، در سال 90 نیز 40.3 درصد و در پایان سال گذشته نیز 38.3 درصد بوده است.

آمار ها سخن می گویند

به نوشته روزنامه آفتاب در تاریخ 16 خرداد 92 آمده است: با توجه به واقعیت کار کودکان در ایران هنوز آمار درست و قابل اتکایی که با رشد فزاینده این پدیده همخوانی داشته باشد، در دسترس نیست. مرکز آمار ایران در سال 85 آمار کودکانی را که به طور مستقیم درگیر کار هستند یک میلیون و 700 هزار نفر عنوان کرد. این در حالی است که ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در مقاله ای که در تاریخ اول بهمن ماه سال گذشته منتشر کرد تعداد کودکان 10 تا 14 ساله با شغل ثابت را 380 هزار نفر عنوان کرد و حدود 360 هزار کودک را نیز تحت عنوان کودکان کار فصلی برشمرد. در ادامه این مطلب، آمار کل کودکان کار کشور رقم 600 هزار نفر عنوان شد. حتی برخی سازمان های مسئول، تعداد کودکان کار در تهران را 20 هزار نفر و معادل آن را در شهرستان ها عنوان کرده اند. اما از سوی دیگر برخی از فعالان در زمینه کودکان کار با استناد به آمار 3 میلیون و 265 هزار کودک بازمانده از تحصیل که توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه سال 90 ارائه شد، آمار کودکان کار در ایران را 3 میلیون نفر تخمین می زنند. ... اگر فرض کنیم 265 هزار کودک به دلیل بیماری و مسائل دیگر از تحصیل بازمانده اند، اکنون 3 میلیون دیگر در خیابان، کارگاه، مزرعه و خانه مشغول کارند»

در ادامه فقر، بیکاری، گرانی سرسام آور، هزینه های سنگین معیشت، آموزش و تحصیل، که به عنوان ابتدائی ترین حقوق کودک شناخته شده است، بسیاری از این کودکان را به جای کودکی کردن با نشاط و سلامتی جسم و روح، به خیابان ها و مراکز کار رانده است. به عبارت بهتر باید قبول کرد که چنین خانواده هایی به دلایل اقتصادی، همچون از کار افتادگی سرپرست خانواده به کار کودکانشان رضایت داده اند، یعنی در کشور ما، کودکان کار اغلب زایده شرایط اقتصادی خانواده اند و نه شرایط فرهنگی آنها! عدم توجه به چنین موضوعی باعث شده شهرداری تهران و سازمان بهزیستی، به جای پرداختن به حل ریشه این معضل، بیشترین توان خود را صرف جمع آوری این کودکان از خیابان ها و بازگرداندن آنها به خانواده هایشان کنند. خانواده هایی که اغلب موارد مجبورند مجدداً این کودکان را به خیابان بازگردانند و نتیجه کار، تداوم این سیکل معیوب خواهد بود.

"نهادهای و سازمان های مسئول در امر کودکان کار در حالی خونسردانه به این معضل می نگرند که وضعیت جسمی کودکان، سن پایین و عدم بلوغ فکری، محیط کار و نوع فعالیت این کودکان، آنها را مستعد بیماری های گوناگون و عموماً خطرناکی می کند. مثلاً عفونت های داخلی، عفونت های خونی و گوارشی و حتی سل از جمله بیماری هایی است که در کودکان کار سطح تهران بسیار به چشم می خورد. همچنین خیابان و محیط های کاری این کودکان به شدت پرتنش است و این کودکان هر روز با خشونت، فحاشی، کتک و حتی تجاوز روبه رو می شوند که آسیب های روانی جدی و گاهی جبران ناپذیری را به آنها وارد می کند.

تأخیر ۱۶ ماهه در پرداخت حقوق کارگران خدماتی علوم پزشکی زابل

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 مرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر شهرستان زابل اعلام کرد: ۲۰ نفر از کارگران خدماتی روزمزد شاغل در دانشگاه علوم پزشکی زابل ۱۶ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند.

«محمد گل بامری» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۲۰ نفر از نیروهای خدماتی مرد و زن بیمارستان امام خمینی زابل که با وجود ماهیت استمراری شغلشان به صورت موقت استخدام شده اند و در کار خدمات و نظافت در بخشهای مختلف اشتغال دارند، در ۱۶ ماه گذشته با بی توجهی مسئولان علوم پزشکی زابل حقوقی دریافت نکرده اند. او سوابق کار این کارگران را حدود ۵ سال ذکر کرد و افزود: در طول این سالها، بیمه کارگران نیز واریز نشده است.

این فعال کارگری درباره میزان حقوق نیروهای خدماتی بیمارستان امام خمینی زابل اضافه کرد: حقوق این کارگران به صورت ساعتی هزار تومان محاسبه شده بطوری که پیش از این هر ماهه با ۲۱۰ ساعت کار، ۱۸۰ ساعت پرداخت می شده است.

او همچنین در زمینه نحوه پرداخت حقوق آنان گفت: این مبلغ ناچیز (۱۸۰ هزار تومان) نیز در گذشته به اضافه کاری پرستاران شاغل در این بیمارستان افزوده می شد و سپس آنان این مبلغ را به حساب نیروهای خدماتی بیمارستان انتقال می دادند.

گل بامری در ادامه با بیان اینکه در حال حاضر این تعداد کارگر به دلیل نیاز مالی و نگرانی از پرداخت نشدن مطالبات خود، به کار در بیمارستان امام خمینی زابل ادامه می دهند، اظهار داشت: فقط دو نفر از این کارگران در چند روز گذشته به سبب افزایش مشکلات مالی ناچار به ترک محل کار خود شده اند.

او در خاتمه با بیان اینکه پی گیری مشکلات این کارگران از دانشگاه علوم پزشکی به نتیجه نرسیده است گفت: رئیس دانشگاه علوم پزشکی زابل در پاسخ به مشکلات این کارگران گفته است هر کسی شما را استخدام کرده، حقوق شما را پرداخت کند و به دانشگاه علوم پزشکی ربطی ندارد.

ادامه‌ی دستگیری‌ها و پیگرد برای فعالان کارگری

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 16 مرداد 92 آمده است: در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری و رویدادهای پس از آن، شماری از فعالان کارگری و اجتماعی به دادگاه‌ها و ادارات اطلاعات احضار یا تحت پیگیری قرار گرفته یا روانه‌ی زندان شده‌اند. بیش از دو ماه است که حسن صارمی فعال حقوق کودکان کار به همراه دو فرزند خود در بازداشت به سر می‌برد و طی این مدت خانواده‌شان در بی‌اطلاعی کامل از آنها هستند و هیچ‌گونه اطلاعی از اتهامات وارده به او و فرزندانش در دست نیست و آنها از داشتن وکیل و حق ملاقات که از ابتدایی‌ترین حقوق متهم است، محروم هستند. خالد حسینی، وفا قادری و بهزاد فرج الهی هر یک به یک سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند. شماری از اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به دادرسی رشت احضار شده‌اند. پدram نصرالهی از زندان به دادگاه انقلاب فرا خوانده شده است. سه تن دیگر از فعالان کارگری مهاباد به نامهای محمد مولانائی، یوسف آب‌خرابات و واحد سیده روز دوشنبه 14 مردادماه به اداره اطلاعات این شهر احضار و احکام صادره به آنان ابلاغ شده است. بار دیگر با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده مخالفت شده است و... کانون مدافعان حقوق کارگر در جهت دفاع از آزادی و حق تشکل برای همه‌ی فعالان کارگری و اجتماعی خواهان رسیدگی شفاف و علنی به کار ایشان و آزادی بی‌قید و شرط آنان است. کانون مثل همیشه صرف‌نظر از هر گونه اتهامی که به آنان وارد شده است، پیگیر حقوق تضییع شده‌ی همه‌ی فعالان اجتماعی و آزادی‌خواه خواهد بود.

بدون شرح

محجوب در تذکر شفاهی:

تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی قضایی شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 مرداد 92 آمده است: عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به مشکلات کارگران و کارکنان صنایع فولاد، گفت: مسئولیت کارکنان فولاد کشور باید به وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی واگذار شود چراکه این افراد در حال حاضر بدون مستمری باقی مانده و مشکلاتی برای این کارگران ایجاد شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب در تذکر شفاهی خود ضمن اشاره به موضوع تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی گفت: با وجود اینکه هفته گذشته تمامی موارد درخواست هیات تحقیق و تفحص ارسال شده، اما تا به امروز حرکت و پاسخی داده نشده است.

علیرضا محجوب خاطر نشان کرد: نقطه ثقل این موارد مربوط به شرکت شستا بود اما در یکی دو هفته گذشته بیشترین تحولات در این مجموعه صورت گرفته بدون اینکه به هیات تحقیق و تفحص اطلاع داده شود. او ادامه داد: درخواستم این است این مسئله به دستگاه قضایی وارد شود. لاریجانی نیز در ادامه این تذکر شفاهی از محجوب خواست گزارشی آماده کند تا دستگاه قضایی نیز آن را پیگیری کند.

برخی بازنشستگان فولاد حقوق اردیبهشت را دریافت نکرده‌اند

در ادامه جلسه امروز مجلس، عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به برخی مشکلات بازنشستگان صنعت فولاد کشور گفت: در ماه رمضان چندین استان کشور چندین هزار خانواده اقشار بازنشسته صنعت فولاد دچار مشکلات مالی بودند و باید عنوان کرد حتی برخی از این افراد حقوق اردیبهشت سال جاری خود را دریافت نکرده‌اند.

حسین امیری خامکانی در نشست علنی امروز (چهارشنبه 16 مرداد) در تذکر شفاهی خود ضمن اشاره به مشکلات بازنشستگان صنعت فولاد و ذغال سنگ گفت: این افراد مدت‌هاست که حقوق و مزایای خود را به موقع دریافت نمی‌کنند.

نماینده مرم زرنده و کوهبنان در مجلس شورای اسلامی افزود: بازنشستگان صنعت فولاد کشور یک سال است در انتظار انتقال وزارت صنعت، معدن و تجارت به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بودند و از شروع سال جاری نیز مشکلات آنها پابرجاست.

عضو کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: در ماه رمضان چندین استان کشور و چندین هزار خانواده اقشار بازنشسته صنعت فولاد دچار مشکلات مالی بودند و باید عنوان کرد حتی برخی از این افراد حقوق اردیبهشت سال جاری خود را دریافت نکرده‌اند، لذا از مسئولین درخواست می‌شود به مشکلات این قشر بیشتر توجه کنند.

پایان پیام

نگذارید همسر م بهنام ابراهیم ز اده را به زندان برگردانند - نیما فرزندانم به حضور پدرش نیاز دارد

برپایه خبر منتشره از جانب همسر م بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری زندانی آمده است: این نامه را خطاب به همه آنهایی که قلبشان برای آزادی و انسانیت می تپد، مینویسم. بی شک همه شما عزیزان سازمانها و نهادهای حقوق بشری هر انسان آزادی خواهی که قلبش برای انسانیت می تپد. خبر های دردناک مریضی تنها فرزند ما نیمای عزیز را دارید. میدانید که ما با وجود زندانی شدن همسر م بهنام ابراهیم زاده چه دردها ورنج هایی را آنهم در نبود همسر م بهنام متحمل می شویم. فرزندانم نیما در نبود پدرش متاسفانه به این مریضی دردناک ودهشتناک گرفتار شد و اکنون ماههاست که ما نیما را در بیمارستان فوق تخصصی کودکان محک بستری کرده ایم. اما به تازگی نیما را به خانه و به کنار خودمان آورده ایم ولی بعد از چند روز دیگر نیما بنا به تاکید دکترهای بیمارستان محک ووخیم بودن وضعیتش باید به بیمارستان محک برگردد و بستری شود. در این مدت زمانی که همسر م در کنارمان بود تا حدودی وضعیت روحی نیما بهتر شده بود. ولی اکنون باز مقامات قضایی تصمیم گرفته اند که همسر م و پدر فرزند بیمار م را به زندان برگردانند. برگرداندن همسر م بهنام به زندان ضربه سخت و کاری به تنها فرزند بیمار م نیمای عزیز می رساند و قطعاً بهبودی اش را به تاخیر و به خطر می اندازد. فرزندانم همان گونه که به دارو و قرص پزشکان برای بهبودی اش نیاز دارد، به پدرش هم نیاز دارد. من آزادی او را میخواهم. جرم همسر م تنها دفاع از کودکان و کارگران بوده است. م بهنام یار ویاور دهها خانواده کارگری و کودک بوده است که به حبس نا عادلانه محکوم گردیده اند. آیا همچین انسانی باید جایش گوشه وکنج زندان باشد و از دیدن تنها فرزند بیمارش و کودکانی که م بهنام به آنها علاقمند است محروم بماند؟

من امروز به عنوان مادر نیما ابراهیم زاده و همسر م بهنام ابراهیم زاده از تمامی سازمانها و نهادهای ی انسان دوست و مترقی و همه کسانی که قلبشان برای انسانیت می تپد می خواهم که به هر طریق ممکن که می توانند نگذارند م بهنام را به زندان برگردانند و اعتراض خود را علیه این تصمیم و برگرداندن م بهنام به زندان واکنش نشان بدهند.

نیمای من به پدرش نیاز دارد و ما نیز به کمک شما عزیزان نیاز داریم. ما را تنها نگذارید. همانطور که تا کنون همراهان بوده اید. صمیمانه از همگان سپاسگزارم. کمک کنید تا بهنام در کنار ما بماند. زبیده حاجی زاده همسر زندانی بهنام ابراهیم زاده-17 مرداد 92

پایانه جمعی از فعالین کارگری شهرستان‌های پاره و مریوان در محکومیت احکام صادره برای فعالین کارگری

کارگران، مردم شرافتمند!

همه‌ی ما کمابیش باخبریم که اخیراً چندین تن از اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری با احکام ضد انسانی محکوم به تحمل حبس‌های تعزیری و تعلیقی شده‌اند؛ این موج جدید حمله و برخورد امنیتی با فعالین جنبش کارگری بار دیگر به ما نشان داد که حافظان سرمایه در برابر این جنبش حق‌طلبانه بیش از پیش احساس خطر کرده و به این ترتیب به زعم خود می‌خواهند سیر ناگزیر تاریخ را به سوی الغای مناسبات طبقاتی متوقف نمایند که این کوششی بیهوده است. حافظان سرمایه و افراد مشترک المنافعشان خوب بدانند که در مقابل این تعرض، پیشروان و فعالین جنبش کارگری همچنان با عزم و ایمانی راسخ به خواست‌های برابری طلبانه‌اشان منوط بر آزادی حق ایجاد تشکل‌های مستقل و خودساخته، جسورانه ایستاده‌اند و با تکیه بر نیرو و توان متحد و متشکل‌شان در راه همبستگی طبقاتی خود در برابر سرمایه گام برمی دارند. ما جمعی از فعالین کارگری شهرستان‌های پاره و مریوان ضمن اعلام پشتیبانی از خواست‌های برحق و بالتبع مبارزات اعضای کمیته‌ی هماهنگی، احکام صادره برای این عزیزان را محکوم نموده و خواستار لغو فوری و بی قید و شرط این احکام ضد کارگری و ضد انسانی می باشیم.

زنده باد مبارزه‌ی طبقاتی کارگران

جمعی از فعالین کارگری شهرستان‌های پاره و مریوان

صدور حکم 1 سال حبس تعلیقی برای "حامد محمودی‌نژاد"

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 17 مرداد 92 آمده است: به گزارش رسیده روز پنج‌شنبه 92/5/17 شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب سنندج برای "حامد محمودی‌نژاد" فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به اتهام واهی فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران حکم 1 سال حبس تعلیقی در 5 سال صادر کرد و حکم صادره را به وکیل این فعال کارگری ابلاغ نمود. تنها جرم و گناه "حامد محمودی‌نژاد" عضویت در کمیته‌ی هماهنگی و دفاع از کارگران مانند خود است و بس. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن حکم صادره برای حامد محمودی‌نژاد، خواهان شکسته شدن این حکم و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

صدور حکم برائت برای "شریف ساعدپناه" فعال کارگری

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 17 مرداد 92 آمده است: به گزارش رسیده روز پنج‌شنبه 92/5/17 دادگاه انقلاب سنندج "شریف ساعدپناه" فعال کارگری و عضو اتحادیه‌ی آزاد

کارگران ایران را از اتهامات وارده مبرا دانست و حکم برائت وی را صادر کرد. نامبرده در اواخر سال 91 نزدیک به 8 مارس به همراه چند نفر از فعالین کارگری دستگیر و مدت 19 روز در بازداشت اداره‌ی اطلاعات به سر برده بود. لازم به ذکر است پرونده‌ی دیگر این فعال کارگری که همراه با پرونده‌ی "مظفر صالح‌نیا" دیگر عضو اتحادیه که به اتهام عضویت در اتحادیه به تحمل 6 ماه حبس تعزیری محکوم شده بود هنوز در دادگاه تجدید نظر است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

صدر حکم ۱ سال حبس تعلیقی برای "حامد محمودی‌نژاد"

به گزارش رسیده روز پنج‌شنبه ۱۷/۵/۹۲ شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب سنندج برای "حامد محمودی‌نژاد" فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به اتهام واهی فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران حکم ۱ سال حبس تعلیقی در ۵ سال صادر کرد و حکم صادره را به وکیل این فعال کارگری ابلاغ نمود. تنها جرم و گناه "حامد محمودی‌نژاد" عضویت در کمیته‌ی هماهنگی و دفاع از کارگران مانند خود است و بس. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن حکم صادره برای حامد محمودی‌نژاد، خواهان شکسته شدن این حکم و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد.

۱۷ مرداد ۱۳۹۲

حادثه‌ای دیگر در محیط کار به علت عدم امکانات ایمنی

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 17 مرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده روز چهارشنبه 92/5/16 کارگر ساختمانی بانام "طالب محمدی‌نیا" اهل روستای دادانه‌ی کمانگر از توابع مریوان موقع کار دچار حادثه‌ی برق گرفتگی شد. این کارگر موقع کار در طبقه‌ی دوم ساختمانی در خیابان شهدای سنندج (سه راه فرح) بعلت نزدیکی کابل‌های تیر برق و برخورد با آنها دچار برق گرفتگی و بیهوش شد که توسط دیگر کارگران همکارش در ساختمان به بیمارستان بعثت سنندج انتقال داده شد. گزارشات رسیده حاکی از وخامت حال وی دارد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

بیانیه جمعی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 18 مرداد 92 آمده است : خطاب به کارگران، تشکل‌های کارگری و وجدان‌های بیدار و عدالت‌طلب جامعه کارگران! تشکل‌ها و فعالان کارگری ما امضاءکننده‌گان این بیانیه، جمعی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری هستیم که بیش از یک سال است تحت پیگرد نیروهای امنیتی و مقام‌های قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داریم. اگر چه دور جدید تعرض به کمیته هماهنگی از جمله با هجوم گسترده به مجمع عمومی این تشکل کارگری در 26 خرداد سال 91 در شهر کرج آغاز گردید، اما پس از آن نیز بازداشت و محاکمه بسیاری از ما کارگران هم‌چنان ادامه یافته است. در این مدت بارها اعضای این کمیته در شهرهای رشت، سنندج، بوکان، مهاباد، سقز و ... مورد پیگرد قرار گرفته، احضار و یا دستگیر شدند و بعضی مورد ضرب و شتم و توهین و اهانت مأمورین

امنیتی قرار گرفته‌اند که در نتیجه‌ی آن، تاکنون تعدادی از دوستان و اعضای این کمیته به زندان تعزیری محکوم شده‌اند و بقیه نیز در انتظار ابلاغ احکام مقام‌های قضایی می‌باشند.
کارگران! هم طبقه‌ای‌ها!

ما به عنوان جمعی از کارگران و فعالین کارگری که در چند ماه گذشته مدام تحت پیگرد و فشار نیروهای امنیتی و قضایی بوده‌ایم، بار دیگر اعلام می‌کنیم که کمیته هم‌هنگی به مثابه تشکلی از کارگران و فعالین کارگری است که در سال 84، در شرایط فقدان تشکلهای مستقل کارگری ایجاد گردید و اعضای آن علی‌العموم کارگرانی هستند که هدفشان - همان‌گونه که در اساسنامه‌ی این تشکل نیز قید شده است - کمک به سازمانیابی و تشکل‌پذیری کارگران و آگاه شدن آن‌ها از حقوق و منافع طبقاتی‌شان، به مثابه یک طبقه است. کمیته هم‌هنگی در عین حال، تشکلی است علنی و مستقل که در راستای پیگیری خواسته‌ها و مطالبات کارگران و احقاق حقوق مسلم و شناخته شده‌ی این طبقه، تلاش و فعالیت می‌کند. لذا امضاء کنندگان این بیانیه در واقع به عنوان تعدادی از اعضا و فعالین این تشکل - که بارها در بازجویی‌ها، متهم به تبلیغ علیه نظام و ارتباط با احزاب اپوزیسیون دولت ایران شده‌اند - این اتهام‌ها را واهی و بی‌اساس دانسته و اکیداً آن‌ها را رد می‌کنند. ما کارگریم و همچون میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر، همراه با خانواده‌های مان، با سختی‌ها و مشقات بسیار و از طریق فروش نیروی کار خود، امرار معاش و زندگی می‌کنیم. ما کارگریم و هر یک از ما مانند هزاران مزد بگیر دیگر، روزانه در مراکز مختلف تولیدی، خدماتی و یا پروژه‌ای برای گذران معاش کار می‌کنیم.
دوستان کارگر!

جرم ما این است که کارگریم و تحت عنوان کمیته هم‌هنگی متشکل شده‌ایم و اعلام کرده‌ایم که کارگران باید تشکلهای طبقاتی و مستقل خود را داشته باشند. مگر نه این است که سرمایه‌داران از انواع نهادها و سازمان‌های مختلف و جور واجور برای انباشت و محافظت از سرمایه بهره می‌گیرند؟ پس چرا ما کارگران، نباید تشکلهای خود را داشته باشیم؟ حرف ما این است که کارگران نیاز به تشکلهای فرمایشی ندارند که در نهادهای دولتی، رای به بی‌حقوقی بیشتر آنها بدهند. ما می‌گوئیم که حق آزادی تشکل و اعتصاب، حق آزادی بیان و اندیشه، تجمع و تحصن، طبع و نشر و ... از حقوق به رسمیت شناخته شده‌ی شهروندی است و هیچ کس را نباید جهت پیگیری و مبارزه برای تحصیل آن‌ها مورد پیگرد و تهدید و بازداشت قرار داد و محاکمه و زندانی کرد.

ما کارگریم و بارها اعلام کرده‌ایم که به تعویق انداختن دستمزد کارگران توسط سرمایه‌داران جرم است و عاملین این اقدام باید به همین اتهام و اتهام ضرر و زیان به این بخش از کارگران و خانواده‌های آنان و تحمیل فقر و فلاکت روزافزون به آحاد این طبقه، به دادگاه فرا خوانده شده و محاکمه شوند. ما گفته‌ایم که قراردادهای موقت و ننگین کار باید لغو گردد؛ به اخراج و بیکارسازی کارگران پایان داده شود؛ ما همچنین باور داریم و بارها گفته‌ایم که: تا آن زمان که نظام سرمایه‌داری مسقر و پابرجاست، دستمزدهای کارگران باید، متناسب با تورم واقعی موجود در جامعه پرداخت گردد. ما بر این باوریم که داشتن کار و مسکن مناسب، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان تحصیل رایگان، مسافرت و تفریح و ... از حقوق مسلم و طبیعی کارگران و خانواده‌های آنهاست و هیچ فردی از افراد کارگر و زحمتکش جامعه را نباید از این نعمت بشری محروم کرد. ما کارگریم و همواره خود را در کنار اعتراض کارگران برای دستیابی به خواسته‌های برحق آنان، در سرتاسر ایران، از شرکت واحد گرفته تا کیان تایر و زاگرس؛ از پتروشیمی ماهشهر تا نیشکر هفت تپه و ... می‌دانیم.

کارگران! تشکلهای کارگری! هم‌زنجیران!

ما امضاء کنندگان این بیانیه نسبت به احضار، بازجویی و محاکمه کارگران و فعالان کارگری، از جمله اعضای این تشکل که از سوی دستگاه‌های امنیتی و قضایی شهرهای سنندج، رشت، مهاباد و بوکان دنبال می‌شود، اعتراض داریم و حکم‌های صادره توسط این دادگاه‌ها را ناعادلانه دانسته و خواستار تجدیدنظر و ابطال آن‌ها هستیم.

ما همچنین ضمن قدردانی از تشکلهای کارگری و کارگرانی که در این مدت از ما حمایت و پشتیبانی کرده‌اند، از همه شما می‌خواهیم که به صفوف اعتراضی ما بپیوندید و از هر طریق ممکن ما را در جهت پایان دادن به این قبیل اعمال و برخوردهای پلیسی و امنیتی که علیه اعضای این کمیته و دیگر کارگران و فعالین کارگری، دنبال می‌شود یاری رسانید. اعتراض ما، بخشی از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی است که به دلیل باورها و اعتقادات خود، از جمله برخورداری از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل و متکی به اراده و توان خود کارگران و همچنین برخورداری از حق اعتراض به انواع بی حقوقی‌ها و محرومیت‌های تحمیلی سرمایه محکوم شده و در معرض محاکمه و زندان قرار گرفته‌اند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

امضاء کنندگان: اعضای کمیته هماهنگی برای کمک ایجاد تشکلهای کارگری

1- خالد حسینی 2- غالب حسینی 3- وفا قادری 4- حامد محمودی نژاد 5- علی آزادی 6- بهزاد فرج‌الهی 7- محمد مولانابی 8- واحد سیده 9- یوسف آبخرابات 10- ابراهیم مصطفی پور 11- جمال میناشیری 12- هادی تنومند 13- محمد کریمی 14- مجید حمیدی 15- فرامرز فطرت نژاد 16- سیروس فتحی 17- سعید مرزبان مقدم 18- مازیار مهرپور 19- مسعود سلیم پور 20- میترا همایونی 21- پدram نصراللهی
18 مرداد 1392

برگزاری گل‌گشت در مریوان در اعتراض به احکام صادره بر علیه فعالین کارگری

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 18 مرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده روز جمعه مورخ 92/5/18 جمعی از فعالین کارگری شهرستان‌های پاوه و مریوان حرکتی اعتراضی در محکومیت احکام صادره‌ی اخیر برای فعالین کارگری و بخصوص اعضای کمیته‌ی هماهنگی به شکل "گل‌گشت" برگزار کردند.

این "گل‌گشت اعتراضی" با حضور جمعی از فعالین کارگری مریوان و پاوه و همچنین تعدادی از اعضای کمیته‌ی هماهنگی در اطراف شهر مریوان برگزار شد که حاضرین، مراسم را با بحث‌هایی پیرامون وضعیت کنونی جنبش کارگری ایران و فعالین کارگری و نحوه‌ی تقابل سیستم سرمایه با این دست فعالیت‌ها آغاز کردند. در خلال بحث‌ها، حاضرین راه کارهایی برای هرچه مستحکم‌تر کردن ارتباط فعالین کارگری با یکدیگر و با بدنه‌ی جنبش کارگری ارائه دادند که برای متحد و متشکل شدن صفوف مبارزه‌ی طبقاتی کارگران آن را امری ضروری دانستند. مراسم گل‌گشت بعد از قرائت بیانیه‌ی مشترک فعالین کارگری پاوه و مریوان در خصوص محکومیت احکام صادره توسط دستگاه قضایی به پایان رسید.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-19 مرداد 1392

جایگاه کارگران در برنامه حسن روحانی مریم محسنی

برپایه مطلب رسیده آمده است : حسن روحانی، فهرست وزیران پیشنهادی خود را پس از ادای سوگند در مراسم تحلیف به مجلس ارائه کرد و در مراسم روز تحلیف، متن 57 صفحه‌ای برنامه، خط مشی و اصول کلی دولت را به علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی تحویل داد. حسن روحانی وزیرای کابینه خود را از سه طیف اصلاح طلب، اصول گرا و کارگزاران برگزیده است. نگاهی به ترکیب کابینه سراپا مردانه وی دست بالا داشتن وزرای با گرایش اصول گرا و گرایش کارگزاران سازندگی (اعتدال گرا) را نشان می‌دهد. هم چنین وجود وزاری با سابقه اطلاعاتی و امنیتی از جمله مصطفی پورمحمدی، دادستان انقلاب در استانهای خوزستان، هرمزگان و خراسان در سال‌های اول انقلاب، معاون برون مرزی علی فلاحیان و یکی از سه نفری که در هیئت سه

نفره ی مرگ خمینی به همراه نیری و اشراقی، در قتل عام زندانیان سیاسی در سال شصت و هفت حضور داشته است، به عنوان وزیر دادگستری از دیگر ویژگی های این کابینه است. تامل در مواد برنامه ای حسن روحانی و برگزیدن تکنوکرات هایی که قرار است در کابینه او اجرای برنامه ی 57 صفحه ای ارایه شده او را پی بگیرند، تردیدی باقی نمی گذارد که کابینه او اساسا قرار است برنامه ی اقتصادی نولیبرال را عملی کند و از این منظر، کابینه او بیش از هر چیز ادامه دولت رفسنجانی است در زمانی دیگر؛ زمانی که شاید بحران همه جانبه ای که جمهوری اسلامی در آن گرفتار آمده، مجالی نه چندان زیاد برای او فراهم آورد. خواسته ها و مطالبات برآورده نشده جنبش سال 88 و ده ها مطالبه دیگر مردم که بر زمین مانده اساسا با این ترکیب کابینه، آیا مجالی برای پاسخ می یابد؟ آن گونه که بسیاری گفته اند، دولت حسن روحانی با چند چالش اساسی مواجه است: اوضاع به غایت خراب اقتصادی کشور، نارضایتی شدید مردم از وضعیت فلاکت بار اقتصادی کنونی، تحریم های فلج کننده کشورهای امپریالیستی و بالاخره اختلافات و درگیری ها میان جناح های مختلف حکومتی.

برنامه ارایه شده حسن روحانی در دو بخش کلی اصول حاکم بر دولت و خط مشی و اصول کلی برنامه دولت دسته بندی شده است. خط مشی و اصول کلی برنامه دولت در 16 بند با هدف تحقق "اهداف و الویت های راهبردی دولت یازدهم در حوزه های مختلف اقتصادی، فرهنگی" تنظیم شده است.

نگاهی اجمالی به برنامه حسن روحانی نقش پررنگ حوزه اقتصادی را نشان می دهد. روحانی در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود، وعده بهبود وضعیت معیشتی مردم را داد، اما درجایی که بند بند مفاد برنامه او به وضعیت کارگران مربوط است، در هیچ جا به حقوق کارگران اشاره ای نشده است. به طور مشخص از 10 حوزه ای که در برنامه به محورهای اقتصادی اشاره شده، هیچ محوری به مسائل کارگران اختصاص ندارد. اولین وعده روحانی، یعنی بهبود وضعیت اقتصادی مردم که او در اولین کنفرانس خبری اش در سه شنبه 15 مرداد، مجددا بر آن تاکید کرد، آیا با این برنامه متحقق می شود؟ طبق مواد ذکر شده در برنامه، گشایش و به حرکت درآمدن چرخ اقتصاد قرار است از دو طریق بدست آید: افزایش معامله با اقتصاد جهانی و اصلاح دخالت های دولتی یعنی عدم دخالت دولت در حوزه های غیر ضرور و به ویژه بازار. برنامه، "افزایش قدرت خرید خانوار و کاهش شکاف درآمدی" را "از طریق ایجاد تعادل در بازارهای مختلف (کالا، سرمایه و...)"، تعامل سازنده با اقتصاد جهانی، تحکیم بنیان های اقتصاد داخلی (اقتصاد مقاومتی) و کاهش آسیب پذیری از شوک های خارجی" ممکن می داند. معنای این نظر این است که: برای بهبود وضع کارگران اول باید وضع اقتصاد روبراه شود؛ برای این که اقتصاد سروسامان یابد، اول باید از طریق تغییر قوانین و مقررات زمینه سازی خصوصی فراهم شود تا سرمایه داران جذب شوند و حاضر به سرمایه گذاری بشوند. اما چنین سیاستی محکوم به شکست است: اولاً: در جمهوری اسلامی قانون اساسا معنایی ندارد. قانون هم در وجه نظری، یعنی در قانون اساسی و هم به طور عملی، با سلیقه و مطابق منافع ولایت فقیه تعیین می شود. خصوصی سازی ممکن است در برخی کشورها که در آنها دست کم دولت قانون حاکم است، در برخی دوره های محدود و در برخی حوزه های مشخص به افزایش بهره وری و افزایش نرخ سود منجر شود؛ هر چند در همان حوزه ها قطعا نابرابری و بهره کشی افزایش می یابد، اما در جمهوری اسلامی رای حاکم و فرمانروا از قانون بالاتر است و همه ی دارایی ها و ثروت کشور، مایملک حاکم محسوب می شود. بنابراین خصوصی سازی در ایران فقط رشد شکاف طبقاتی و افزایش محرومیت های اجتماعی در برخی حوزه ها نیست، علاوه بر آن، خصوصی سازی عملا یعنی اختصاصی سازی دارایی های عمومی و شکل گیری الیگارشی فساد. لازم است یک بار دیگر این حکم درست را که بارها درستی آن ثابت شده است، اما اکنون قرار است یک بار دیگر با اجرای برنامه حسن روحانی به محک درآید، را در نظر آوریم که مشکلات اقتصاد ایران راه حل اخص اقتصادی ندارند. راه حل این مشکلات قبل از هر چیز سیاسی است. سرنوشت برنامه تعدیل ساختاری در دولت رفسنجانی چه شد؟ سرنوشت خصوصی سازی ها در دولت او که با دعوت از سرمایه داران برای

سرمایه گذاری و واگذاری بخش های زیادی از اقتصاد به دست بخش خصوصی قرار بود پیش برود چه شد؟ آیا جز این بود که سرنوشت این خصوصی سازی ها به خودمانی سازی منجر شد و درنهایت برنامه تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی در سال 74 متوقف شد؟ آیا اختلاس سه هزارمیلیاردی، کسری 74 هزارمیلیاردی اخیر و پرونده های متعدد فساد مالی دیگر، بی دلیل است که اتفاق می افتد؟ آیا با وجود باندهای مافیایی نظامی، اطلاعاتی و امنیتی که در سال های اخیر به بزرگترین قدرت های اقتصادی درکشور نیز تبدیل شده اند مانند سپاه پاسداران، بسیج و... وده ها بنیاد تحت عناوین گوناگون مستضعفان و... متعلق به دستگاه رهبری و اعوان و انصار آن، می توان از موفقیت برنامه خصوصی سازی صحبت کرد؟ قدم اول برای موفقیت هر حرکت اقتصادی مستقل کوتاه کردن دست این باندهای فاسد است.

ثانیا: تبدیل خصوصی سازی به حلقه اصلی بازسازی اقتصاد، معنایش این است که کارگران باید منتظرمانند تا اول سرمایه داران پروار شده و وضع شان بهبود یابد. بدیهی است که تا آن زمان باید منتظرگسترش بازهم بیشتر تبعیض طبقاتی باشیم. رونقی که می تواند به بهبود وضع اشتغال و درآمد لایه های محروم و کارگران و زحمتکشان کمک کند، گسترش بخش خدمات و احیای بخش صنعت است. هیچ یک از این دو حوزه اکنون و در آینده مشهود برای سرمایه خصوصی به حد بخش تجارت، سوداگری، دلالتی و زدو بند مالی سودآور نیست. دولت "اعتدالی" حسن روحانی برای سودآور شدن تولید داخلی باید با واردکنندگان سالانه 11 تا 18 میلیارد دلار کالاهای مصرفی قاچاقی دریافتد تا بازار داخلی را از گزند این دست واردات درمان بگذارد؛ این یعنی که باید درآمدهای هنگفت و بادآورده "براداران قاچاقچی" سپاه را که در راس قاچاق کالا به ایران هستند، از چنگ آنها بیرون بیاورد؛ او باید بتواند در صنایع شبکه ای، قطعات یدکی را بدون پرداخت کارمزدهای کلان وارد کند؛ در حالی که تحریم های اقتصادی نظام اعتبارات ایران را خفه کرده است و حتی به شرط برچیدن تحریم ها، بازسازی نظام اعتبارات ماه ها طول می کشد. وانگهی احیای صنعت نیازمند تزریق میلیارد ها دلار تسهیلات است؛ تسهیلاتی که بدون دولت قانون، بدون آزادی رسانه ها و احزاب و تجمعات، بدون حق بازرسی مستقل قدرت دولتی از طریق نهادهای بزرگ توده ای نظیر سندیکاه ها و اتحادیه های کارگران و سایر مزدبگیران، نتیجه ای جز معوقه های کلان بانکی ندارد که اکنون در نظام جمهوری اسلامی سر به فلک زده است. بعلاوه پرداخت تسهیلات در نظامی که از بالا تا پائین آن فساد حاکم است، تضمینی ندارد که در صنعت و اشتغال به کار رود. شکست طرح ساماندهی اقتصادی دوران خاتمی و فاجعه طرح بنگاه های زودبازده در دوران هشت ساله احمدی نژاد نشان می دهد که بخش مهمی از این نوع تسهیلات حیف و میل می شود. بنابراین با وجود همه این موانع در شرایط تحریم ها اگر بشود بخش صنعت را گسترش داد آن تنها از یک طریق است: استفاده از نیروی کار ارزان و تشدید بهره کشی از نیروی کار. برنامه اقتصادی آقای روحانی قبل از هرچیز قرار است سرمایه خصوصی را از بحران بیرون بکشد و نه مردم را.

ونکته پایانی این که روحانی می خواهد از محل سود آوری یارانه ها، خدمات اجتماعی را گسترش دهد و وضعیت دهک های پایین جامعه را بهبود بخشد. او در برنامه خود "پرداخت یارانه از محل درآمد اجرای فاز دوم هدفمندی به گروه های هدف و صرف مابقی... برای بیمه سلامت و منظور شدن آن در بودجه سلامت" را مورد تاکید قرار داده است. این در حالی است که اجرای فاز اول برچیده شدن یارانه ها سود آور نبوده است. اجرای فاز دوم به شرطی می تواند سود آور شود که افزایش قیمت ها از یارانه های نقدی پیشی بگیرد. بنابراین معنای سود آور شدن فاز دوم هدفمندی یارانه ها، یعنی دست بردن بیشتر به جیب همان مردمی که همین حالا به فلاکت وحشتناک گرفتار آمده اند. روحانی می خواهد درآمد ناشی از این وعده هایی را که داده است به صورت بیمه بیکاری تا زمان ایجاد شغل به بیکاران پرداخت کند.

اجرای بندهای اقتصادی برنامه ای که قرار است بر محور اصلی "دیانت عقلانی و رحمانی" برمبنای "اعتدالگرایی" پی گرفته شود، برای کارگران چیزی ندارد جز گسترش فلاکت و افزایش تبعیض طبقاتی.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی: اعتبار را به دفترچه‌های بیمه بازمی‌گردانم

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 19 مرداد 92 آمده است: وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تاکید بر اینکه «می‌خواهیم اعتبار و ارزش دفترچه‌ی بیمه تامین اجتماعی را احیاء کنیم»، گفت: مراکز درمانی تامین اجتماعی بدهی‌های زیادی به بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها و پزشکان دارند که ادامه‌ی این روند کشور را به بحران می‌رساند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علی ربیعی، وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی صبح امروز در نشست خبری به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

وزیر کار پیشنهادی رئیس جمهور درباره سوابق کاری‌اش در این حوزه به زمان شروع به کارش در کارخانه، در سال ۵۵ اشاره کرد و اظهار داشت: سن کمی داشتم که به فعالیت مذهبی-سیاسی پرداختم. خانه ما مورد هجوم ساواک قرار گرفت و متواری شدم در سال ۵۷ قبل از پیروزی انقلاب اعتصابات کارگری جاده ساوه- کرج را که به اعتصابات انقلاب معروف شد را رهبری می‌کردم و از نفرات اصلی و محرکان اعتصاب کارخانه جنرال موتورز بودم.

وی ادامه داد: چند روز قبل از پیروزی انقلاب هسته اصلی «کانون تولید» شکل گرفت که در آنجا در بخش کارگری حزب جمهوری اسلامی فعالیت می‌کردم و همزمان با تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام در یکی از کمیته‌های پیگیری مشغول به کار شدم.

وزیر کار پیشنهادی آقای روحانی افزود: با شروع جنگ تحمیلی برای اعزام به جبهه درخواست نوشتم. آیت اله بهشتی ضمن اعلام موافقت مرقومه‌ای دادند و سپس به سپاه رفتم و سال‌ها در مناطق عملیاتی شمال غرب کشور مشغول بودم که بعد از سانحه‌ای به تهران بازگشتم.

ربیعی بیان کرد: در تهران آقای ری‌شهری از من خواستند که به وزارت اطلاعات بروم. تا سال ۷۲ در وزارت اطلاعات بودم و در همان سال دچار اختلافاتی با مدیریت وزارتخانه شدم و بنابر مشورت رئیس جمهور وقت به شورای عالی امنیت ملی رفتم و کارم را با دکتر روحانی آغاز کردم و سپس در دوران اصلاحات نیز مشاور اجتماعی رئیس جمهور شدم.

او در ادامه بیان کرد: خوشبختانه در دانشگاه مراتب ترقی را به خوبی طی کردم. در حال حاضر دانشیار دانشگاه هستم و تعداد زیادی مقاله پژوهشی و ۹ تالیف در زمینه جامعه‌شناسی دارم.

حرکت جامعه به سمت پیروزی‌های بیشتر

وی افزود: دوره فعلی از نظر تاریخی دوره‌ای متفاوت و قابل توجه است. شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ چه سیاست داخلی و چه سیاست خارجی؛ به نحوی است که نیاز داشتیم با جلب اعتماد مجدد مردم، دولتی روی کار بیاید که بتواند پیچ‌های خطرناک پیش رو را طی کند. حضور دولت روحانی حاوی خیر و برکت برای امتداد انقلاب اسلامی است که روح جدیدی به آن بخشیده و جامعه را به سمت پیروزی‌های بیشتر هدایت می‌کند.

مشاور اجتماعی رئیس جمهور دوران اصلاحات ادامه داد: من از دولت شهید رجایی درخواست برای ارائه رزومه کاری برای وزارت دارم و به ایشان رزومه دادم. به آقای خاتمی هم رزومه دادم برای وزارت کار ولی فرار کردم و مایل نبودم وزیر شوم. تمایلی به گرفتن سمت نداشتم اما به

دلیل شرایط خاص کشور پذیرفتم. سعی می‌کنم با دستانی پاک و تدبیر و عقل وزارت کار را مدیریت کنم و در این راه دین، عقل و اخلاق سه اصل من هستند.

ربیعی گفت: امروز با خدای خود عهد و پیمان کردم که پاکدستی را پیشه خود کنم. من نویسنده کتاب زنده باد فساد هستم و امیدوارم تدبیر و عقل را در برنامه‌های خودم جاری کنم.

وی افزود: با وزارتخانه‌ای که به من پیشنهاد شده آشنا هستم. این وزارتخانه شامل سه بخش تعاون، کار و تامین اجتماعی است و کاملاً به این حوزه‌ها آشنایی دارم.

وزیر کار پیشنهادی آقای روحانی گفت: این وزارتخانه نه یک وزیر اقتصادی و نه یک وزیر اجتماعی درمانی و نه یک وزیر کارگری بلکه نیازمند یک وزیر استراتژیک است که بتواند همه چیز را طوری کنار هم قرار دهد که هم‌افزایی ایجاد کند.

به گفته ربیعی، مدیریت صحیح رفاه و تامین اجتماعی دغدغه‌های رهبری را رفع می‌کند و مردم را به نظام خوش‌بین می‌کند. این وزارتخانه به نگاهی استراتژیک نیاز دارد و من خودم را قادر می‌بینم که بتوانم این سه حوزه را کنار یکدیگر مدیریت کنم.

وی گفت: معتقدم بازی کردن در تیم فوتبال قوی که من نیمکت‌نشین باشم بسیار بهتر از بازی کردن در تیم ضعیفی است که من کاپیتان باشم.

ربیعی با بیان اینکه با خدا عهد بستم که آنچه به ذهنم می‌رسد و با عقل و تدبیر می‌خواند در آنجا جاری شود نه آنچه صرفاً با نگاه سیاسی بخواند، گفت: گرایشم به افشار ضعیف را هم از خدا خواسته‌ام که هیچگاه فراموش نکنم.

علی ربیعی (وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در ادامه نشست خبری خود با رسانه‌ها در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی بر اینکه برنامه شما برای سازمان تامین اجتماعی که صندوق مشاع بین‌النسلی است چیست؛ گفت: در حال حاضر صندوق بیمه‌ای وضع خوبی ندارد. چنانچه براساس آماري که من به دست آوردم تمامی صندوق‌ها به استثنای یکی در حال ورشکستگی هستند.

وی با بیان اینکه به عنوان مثال صندوق بازنشستگی فولاد حتی تا چند ماه قادر به پرداخت تعهدات مالی خود نبود، گفت: فکر می‌کنم مشکل اصلی در ساختار منابع است.

وی با بیان اینکه آمار استخراجی نشان می‌دهد که نسبت میان نیروهای شاغل و بازنشسته معکوس شده است، گفت: در حال حاضر بررسی‌های مربوط به سال ۸۰ نشان می‌دهد که این نسبت به ۸ و ۸ دهم رسیده است.

وی با بیان اینکه پیش از این در سال ۱۳۴۰ نسبت میان نیروهای شاغل و بازنشسته بالغ بر 5/35 بود، یادآور شد: سازمان جهانی کار نسبت ۶ را خط اعلام خطر در نظر گرفته است. وی افزود: یک واقعیت دیگر مربوط می‌شود به نسبت میان مصالح و هزینه‌های صندوق‌های بیمه‌ای که در سال‌های اخیر این رقم ۲/۷۵ بوده اما در سال ۸۰ این رقم تا ۱/۶ دهم کاهش یافته است.

وی با بیان اینکه در این شرایط ادامه فعالیت صندوق‌ها مشکل است، گفت: در حال حاضر به آمار جدیدی که بیانگر وضعیت به روزتر صندوق‌های بیمه‌ای باشد؛ دسترسی ندارم.

وی همچنین با اشاره به واگذاری واحدهای صنعتی که در سال‌های اخیر از سوی دولت بابت جبران مطالبات صندوق‌های بیمه‌ای انجام شده است، گفت: ۱۰ سال قبل که هنوز سیاست‌های خصوصی سازی اجرا نشده بود واحدهای سودده از سوی دولت به صندوق‌های

بیمه‌ای واگذار می‌شدند اما در حال حاضر دولت واحدهای زیان‌آور را بابت دیون خود به صندوق‌های بیمه‌ای واگذار می‌کند.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: به عنوان مثال در حال حاضر واحدهای صنعتی واگذار شده‌ای هستند که تنها برای استمرار فعالیت خود نیازمند ماهانه یک میلیارد تومان کمک هزینه تزریقی هستند.

ربیعی با بیان اینکه وی باتوجه به تجربه و گرایش تحصیلی خود دارای برنامه ویژه‌ای برای شرکت سرمایه‌تأمین اجتماعی (شستا) است، افزود: براساس این برنامه تصمیم داریم تا سرمایه‌های سازمان تأمین اجتماعی را از صنایع زیان‌ده خارج و به سمت فعالیت‌های صنعتی سودآور سوق دهیم.

وی با بیان اینکه این اقدام باید از طریق بازار بورس انجام بشود، گفت: اگر به سمت سیاست پس‌اندازهای بانکی حرکت کنیم باعث زیان کارگران خواهیم شد.

ربیعی تأکید کرد: فعالیت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی باید مدنظر قرار گیرد که حداقل نرخ سودآوری امروز آن‌ها بالای ۳۵ درصد باشد.

وزیر پیشنهاد کار، تعاون و رفاه اجتماعی همچنین در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه سیاست این وزارتخانه در مورد پرداخت یارانه‌ها چیست، گفت: به طور کلی در برنامه دولت تدبیر و امید و سیاست پرداخت یارانه‌ها مدنظر است اما نحوه پرداخت آن ممکن است دچار تغییراتی شود که این مساله در گذر زمان مشخص خواهد شد.

وی با بیان اینکه خوشبختانه در تیم اقتصادی دولت جدید برخلاف دولت قبلی هماهنگی کامل وجود دارد و افرادی با گرایش‌های مختلف با یکدیگر همسو هستند، در رابطه با بحث هدفمندی یارانه‌ها گفت: به طور مشخص قوانین جدید مربوط به هدفمندی یارانه می‌بایست از ابتدای سالجاری اجرا می‌شد اما با این حال این مساله به دولت جدید موکول شده است.

ربیعی با بیان اینکه شخص رئیس جمهور معتقد به سوق دادن یارانه‌ها به سمت کالا است، گفت: البته این مساله به معنی کوپنی کردن کالاها نیست.

وی با بیان اینکه اجرای هدفمندی یارانه‌ها از طریق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از برنامه‌های دولت جدید است، گفت: این مساله مطرح است که در صورتی که این وزارتخانه متولی امر شود؛ می‌توان به هدفمندی بهتر یارانه‌ها کمک کرد.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تأکید بر اینکه هنوز در این مورد تصمیم‌گیری نشده است، گفت: به نظر من؛ ارائه یک بسته جامع در خدمات بیمه‌های اجتماعی جزئی از هدفمندی یارانه‌ها است.

وی همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگار دیگری مبنی بر سیاست وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی دولت یازدهم در مورد تشکل صنفی روزنامه‌نگاران گفت: من در زمان تشکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران معتقد بودم که باید نظام صنفی روزنامه‌نگاران همچون نظام صنفی پزشکان تشکیل شود و حتی منشور اخلاقی روزنامه‌نگاری نیز توسط اهالی رسانه نوشته شود.

وی با بیان اینکه این مساله به نفع فضای رسانه‌ای است، گفت: با این اعتقاد در آن زمان به اتفاق دوستانی چون آقایان دعایی، صفی‌زاده و شریعتمداری نخستین انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را تشکیل دادیم.

ربیعی با تاکید بر اینکه باید به سمت فعالیت انجمنی برویم که در آن احزاب روزنامه‌نگار با هر نوع گزینشی حضور داشته باشند، گفت: باید جامعه روزنامه‌نگار به تفاهم برسند که در این انجمن فعالیت صنفی و فراگیر انجام دهند.

وی با بیان اینکه تشکل صنفی روزنامه‌نگاران نباید پایگاه حزبی گروه‌های سیاسی شود، گفت: این فعالیت باید در چارچوب قانون اساسی، نظام سیاسی، امنیت ملی، منافع ملی و پایداری انقلاب اسلامی و ولایت فقیه باشد.

گزینه پیشنهادی رئیس جمهور برای تصدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصریح کرد: اطلاع دقیقی از شرایط انجمن سابق و تشکل جدیدی که در ارتباط با فعالیت صنفی روزنامه‌نگاران فعالیت می‌کند ندارم اما معتقدم که نهاد صنفی روزنامه‌نگاران باید با رعایت چارچوب‌های فوق فعالیت کند.

وی در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی بر اینکه باتوجه به برخوردهایی که در دولت نهم با نهادهای کارگری و کارفرمایی صورت گرفت، رویکرد شما در قبال اصلاح فصل ششم قانون کار (فعالیت‌های تشکل‌های صنفی) چیست، گفت: معتقدم همانطور که بخش صنعت به سمت واگذاری امور به مردم هستیم باید در مسائل صنفی نیز به این سمت حرکت کنیم.

ربیعی با بیان اینکه واگذاری امور صنفی به مراتب آسان‌تر از واگذاری مسائل صنعتی است، گفت: دولتی کردن مسائل صنفی باعث کاهش سرمایه‌های اجتماعی در ایران می‌شود و سبب پدید آمدن وضعیت نامناسبی در جامعه در حال گذار می‌شود.

وی با بیان اینکه یکی از راه‌های دولت برای افزایش سرمایه‌های اجتماعی گسترش فعالیت‌های تشکل‌ها و نهادهای مردمی است، گفت: همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند معتقدم که باید به جای مهندسی؛ باغبانی کرد.

وی افزود: درکنار این مساله باید فرهنگ همکاری را در بین مردم گسترش دهیم تا تشکل‌های صنفی از حالت فراگیر به تشکل‌هایی خصوصی و انحصاری تبدیل نشوند.

وی با تاکید بر اینکه واقعا باید کاری کنیم تا از نظر ساختاری این فرهنگ در جامعه جا بیفتد؛ گفت: اینکه نهادهای صنفی در فضای سیاست گذاری امروز به سمت کنش سیاسی بروند؛ باعث می‌شود تا از کانون اصلی فعالیت‌های خود که همانا انجام کار صنفی است؛ غافل شوند.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگار ایلنا؛ مبنی بر اینکه باتوجه به اینکه در سال‌های اخیر موضوع اصلاح قانون همواره در دستور کار دولت و مجلس قرار داشته است، سیاست دولت یازدهم در قبال این قانون چیست، گفت: قانون کار یکی از موضوعات پیچیده است که اصلاح و بازنگری آن تنها از طریق سه جانبه‌گرایی ممکن خواهد بود.

وی با بیان اینکه برخلاف برخی ادعاها؛ وی به عنوان ایجاد وزارت کارگری نیست، گفت: مشکل امروز کشور فقدان کارآفرینی است.

ربیعی با بیان اینکه به دلیل نبود زیرساخت‌های امنیتی، پولی، مالی و سیاسی لازم؛ فعالیت‌های کارآفرینی در کشور رونق چندانی ندارد، گفت: به عنوان نامزد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتقدم که باید برای تک تک کارآفرینان احترام و ارزش قائل شویم.

وی گفت: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقوله کارآفرینی مهجور مانده و وضع جامعه در این مورد اصلاً خوب نیست.

مشاور اجتماعی دولت اصلاحات با تاکید بر اینکه برای بهبود فضای کسب و کار باید به مقوله‌های کار، کارفرما، کارآفرین و کارگر اهمیت داد و آن‌ها را به طور متناسب تقویت کرد، گفت: اگر چه در موضوع اصلاح قانون کار گفته می‌شود که یکی از موانع کسب و کار نبود حق اخراج کارگر است، اما در این رابطه هنوز یک مطالعه علمی صورت نگرفته است. از جانب دیگر در حال حاضر با تبصره‌هایی که به قانون کار اضافه شده است؛ اخراج کارگر کار چندان سختی نیست.

ربیعی با تاکید بر اینکه تغییر قانون کار باید با بازبینی و تقویت قانون نظام تأمین اجتماعی همزمان باشد، گفت: تناسب ناموزون میان این دو دور از اعتدال است.

وی با تاکید بر اینکه من به هیچ سمت و سویی گرایش ندارم، افزود: طراحی نظام متناسب تأمین اجتماعی پیش شرط اصلاح قانون کار است.

احیاء اعتبار دفترچه‌های بیمه

علی ربیعی، وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ادامه نشست خبری خود با رسانه‌ها در پاسخ به سئوالی درباره برنامه دولت یازدهم برای توزیع متوازن تصمیم‌گیری در سطوح استانی و واگذاری تصمیم هر استان به مدیران همان استان، گفت: یکی از کارهای مهم در بحث اعتدال؛ تراز منطقه‌ای است که الان وضعیت مناسبی در آن نداریم. در ساختارهای تعادلی توزیع تصمیم‌گیری‌ها متوازن است ولی همه باید دقت کنند که این امر نیاز به ساختارسازی دارد و باید ابتدا ساختارهای تصمیم‌گیری را در هر منطقه ایجاد کنیم و سعی کنیم تصمیماتی که در سطوح استان گرفته می‌شود را به استان‌ها واگذار کنیم. یکی از برنامه‌های من واگذاری تصمیمات استان‌ها و ایجاد توازن منطقه‌ای است.

ربیعی درباره روابط وزارت کار دولت جدید با رسانه‌ها گفت: اگر به وزارتخانه بروم امکان نظارت مطبوعات را افزایش خواهم داد و شفاف‌سازی می‌کنم.

وی در پاسخ به پرسش خبرنگار فارس مبنی بر اینکه برنامه‌های شما برای حفظ اشتغال در رساندن نرخ بیکاری به نقطه مطلوب چیست، گفت: از نظر ما باید میزان، حفظ اشتغال موجود باشد. ممکن است برخی صنایع با رقم اندکی مشکلاتشان حل شود. متناسفانه جاهای کلنگ خورده‌ی زیادی داریم که باید آنها را هم به اشتغال‌زایی برسانیم. اشتغال‌زایی وظیفه‌ی کل دولت است. وزیران کار در همه دوره‌ها مدعی بودند که مسئول ایجاد اشتغال نیستند اما من نمی‌خواهم چنین حرفی بزنم. من برنامه‌ای دارم و می‌خواهم با تمام دستگاه‌ها به گفتگو بنشینیم تا برای اشتغال‌زایی راهکار مشترکی پیدا کنیم. یک بخش آن وزارت تعاون است که کارآمد کردن آن به اشتغال‌زایی کشور کمک می‌کند.

وی ادامه داد: حتی باتوجه به شرایط تحریم هم بخشی از مشکلات ما ناشی از عدم تدبیر بوده که در این شرایط هم می‌توانیم اشتغال‌زایی کنیم. طرح‌هایی مانند مشاغل خانگی، بنگاه‌های زودبازده و صنایع کوچک و متوسط همگی خوب هستند اما شیوه‌ی اجرای آنها مهم است.

وی در پاسخ به پرسش خبرنگار ایسنا که به مشکلات نظام بیمه‌ای کشور اشاره کرد، گفت: مجلس در این زمینه پروژه‌ای را دنبال می‌کند. بیمه‌های چندلایه، بیمه‌های اجتماعی فراگیر، بیمه‌های بیکاری، بیمه‌های زنان و... که همگی بار مالی زیادی دارند و روند حرکت به نقطه

مطلوب را کند می‌کنند. سه نوع بیمار داریم: بیماران مرفه که به هر طریقی مشکل خود را حل می‌کنند، بیماران طبقه متوسط و و افرادی که در سطح پایین اجتماع قرار دارند. بیشترین تمرکز ما باید روی این قشر اجتماعی فرودست باشد.

ربیعی افزود: می‌خواهم دفترچه‌ی بیمه تامین اجتماعی را دارای اعتبار و ارزش کنم. افراد در نظام بیمه‌ای باید بتوانند بحث‌های درمان خود را به راحتی طی کنند. نظر مقام معظم رهبری این است که بیمار فقط باید رنج بیماری‌اش را بکشد. من سال ۸۴ از دانشگاه اخراج شدم و همان زمان بیمه‌ام قطع شد. آن زمان همسرم شیمی درمانی می‌شد و هزینه‌های آن باعث شد تا رنجی که افشار فرودست برای تامین هزینه‌های درمان خود و خانواده‌شان می‌کشند را درک کنم. در بحث مراکز درمانی بدهی‌های زیادی به بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها و پزشکان داریم که ادامه‌ی این روند کشور را به بحران می‌رساند. شرایط فعلی عدالت بین‌نسلی را در سازمان از بین می‌برد.

ربیعی در پاسخ به خبرنگار روزنامه شرق که به ادغام سه حوزه تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشاره کرد، گفت: این سه وزارتخانه به طور فیزیکی کنار هم قرار گرفته‌اند و سینرژی و هم‌افزایی ندارند. در واقع تنها در کنار یکدیگر چیده شده‌اند. یکی از برنامه‌های من افزایش هم‌افزایی این سه حوزه و افزایش کارآمدی و ظرفیت‌هاست. برای اصلاح این ساختار احتمالا لایحه‌ای را در صد روز اول به مجلس می‌دهم.

وزیر پیشنهادی آقای روحانی در ادامه بیان کرد: آمار واقعی بیکاری را در صد روز اول به مردم اعلام می‌کنیم. و نقطه‌ای را که تحویل گرفتم حتما نشان می‌دهم. البته این دولت هم آمار غلطی نداده است. می‌گویند دروغ فاجعه‌آمیز آمار است. جابجایی پایه‌های آمارگیری نتایج را به طور کلی متفاوت می‌کند. وقتی که یک ساعت کار در هفته شغل محسوب شود، قاعدتا آمار مطلوبی به دست می‌آید.

سابقه فروشی نمی‌کنم

وی در پایان در پاسخ به پرسش خبرنگار سیاسی تسنیم که به حوادث بعد از انتخابات سال ۸۸ و عملکرد وی در آن دوران اشاره کرد، گفت: من هنگام فعالیت انتخاباتی در کنار آقای موسوی که کاندیدای مورد قبول نظام بوده است، فعالیت می‌کردم و به آنچه فکر می‌کردم موجب پویایی نظام است، عمل می‌کردم. من هیچ وقت از خط امام جدا نشده‌ام و علاوه به اعتقاد به ولایت فقیه علاقه شخصی به ایشان دارم و بعد از نظرات ایشان هم عمل خلافی انجام ندادم. البته خیلی چیزها را نمی‌توان گفت. بسیاری از خدمات بنده به نظام و انقلاب را در مجلس زیرسوال برده‌اند. خدماتی که من فکر می‌کنم آن‌ها را با خود به قبر خواهیم برد.

ربیعی با بیان اینکه «برای گرفتن رأی اعتماد سابقه فروشی نمی‌کنم» ادامه داد: من برای قبول این پست با خون شهدا پیمان بسته‌ام. به شما خبرنگاران عزیز هم عرض می‌کنم که برای رسیدن به اهدافتان از مسیر غلط حرکت نکنید. هر کسی را در قبر خودش می‌خوابانند. پدیده‌ی افشاگری خلاف مبانی اسلام است که این روزها به راحتی در برخی از خبرگزاری‌ها دیده می‌شود. ما در اسلام امر به معروف و نهی از منکر را داریم.

پایان پیام

بلا تکلیفی دو ساله کارگران قارچ سینا همدان پس از اخراج

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 19 مرداد 92 آمده است : طی گزارشی از ادامه بلا تکلیفی دو ساله ۶۷ کارگر قارچ سینا خبر داد ونوشت، این کارگران بعد از گذشت دو سال از ورشکستگی کارخانه هنوز نتوانسته‌اند مطالبات خود را دریافت کنند. بنا به‌مین گزارش، عمده‌ترین مشکل این کارگران، بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور است و باید طبق قانون بازنشسته شوند، اما به دلیل عدم پرداخت سهم کارفرما به تامین اجتماعی و اجرا نشدن قانون بازنشستگی پیش از موعد، این کارگران هم‌اکنون بیکار و مقرری‌بگیر بیمه بیکاری شده‌اند.

تجمع زنجانى ها مقابل استانداری و راهپیمایی در مرکز شهر در اعتراض به آلودگی‌های سرب و روی

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 20 مرداد 92 آمده است : ،مردم زنجان در اعتراض به آلودگی‌های سرب و روی در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند.

برپایه این گزارش، این تجمع از دقایقی پیش و با حضور شماری از مردم زنجان در مقابل استانداری زنجان آغاز شده است.

مردم زنجان با حضور پلیس نیروی انتظامی بر اعتراض‌های خود ادامه داده و شعارهایی همچون «کارخانه سرب و روی تعطیل باید گردد»، «نترسیم نترسیم ما همه باهم هستیم»، «همشهری باغیرت اتحاد اتحاد»، «سرب و روی نمی‌خواهیم هوای تازه می‌خواهیم» و... بر اعتراض‌های خود پافشاری کردند.

مردم در ادامه اعتراض خود به آلودگی و پسماندهای کارخانه سرب و روی به سمت چهار راه سعدی و مرکز شهر زنجان حرکت کرده و به شعارهای خود ادامه دادند. سپس معترضان به سمت چهار راه انقلاب و مسجد جامع این شهر حرکت کردند تا فریاد اعتراض خود را به گوش همه مسئولین برسانند.

یکی از خانم‌های معترض در این تجمع با بیان اینکه تنفس هوای پاک حق مسلم همه مردم است، افزود: با وجود اینکه زنجان در منطقه کوهستانی واقع شده به علت وجود کارخانه سرب و روی هر روز بر آلودگی‌های این شهر افزوده می‌شود و دیگر اثری از هوای پاک باقی نمانده است. این خانم خانه‌دار اضافه کرد: مردم زنجان بر خواسته خود تاکید دارند و برای عملی کردن این درخواست تجمع خود را ادامه خواهند داد.

خانم شاغل دیگری در این جمع با تاکید بر اینکه مردم به هوای بدون سرب نیاز دارند، گفت: هم اکنون من از بیماری ریوی رنج می‌برم و وجود سرب در هوای زنجان این بیماری را تشدید می‌کند. وی از مسئولین تقاضا کرد تا فریاد اعتراض مردم را بشنوند و اقداماتی برای جابه‌جایی کارخانه سرب و روی انجام دهند تا از این فاجعه زیست محیطی جلوگیری شود.

در ادامه یکی از آقایان معترض تصریح کرد: این تجمع و اعتراض برای سلامتی مردم جامعه است و مسئولین باید در پی این اعتراض حرکتی برای جابه‌جایی این کارخانه انجام دهند. همچنین یکی از خانم‌های معترض در این تجمع افزود: مردم زنجان چه گناهی دارند که باید هوایی آلوده به سرب را استنشام کنند.

این خانم شاغل با تاکید بر اینکه مسئولین می‌توانند حداقل قسمتی از درآمدهای حاصل از این کارخانه را صرف هزینه داروهای بیماران سرطانی و بیماری‌های ناشی از سرب اختصاص دهند، گفت: فرزندان ما گناهی ندارند تا در پی آلودگی‌های این کارخانه اسیر تخت بیمارستان شوند. وی با تاکید بر اینکه مردم نمی‌خواهند با ایجاد آلودگی و پسماندهای این کارخانه به مرگ تدریجی بمیرند، اظهار کرد: فرزندان و عزیزانمان در مقابل چشمانمان ذره ذره آب می‌شوند و کاری از دستمان بر نمی‌آید.

همچنین یک خانم کارمند در جمع معترضان افزود: با فعالیت کارخانه سرب و روی جان فرزندان شهرمان در خطر است و مسئولین باید در پی این اعتراض اقدامی موثر انجام دهند. در ادامه نیز یکی از آقایان معترض با تاکید بر اینکه سلامتی همه مردم در خطر است، گفت: با آلودگی‌های کارخانه سرب زنجان خون مردم در شیشه است. گفتنی است، از روزهای گذشته پیامک‌هایی در راستای تشویق و دعوت مردم به حضور در اجتماع مردم در مقابل استانداری زنجان در بین مردم پخش شده بود. وجود کارخانه‌های سرب و روی در اطراف شهر زنجان و به ویژه شرکت سرب و روی در نزدیکی شهر زنجان موجب شده تا مردم در مقابل استانداری تجمع کنند. تجمع مردم در مقابل استانداری موجب مسدود شدن برخی خیابان‌ها و کندی عبور و مرور در خیابان‌های اطراف استانداری زنجان شده است. شایان ذکر است، در حال حاضر بیش از 70 شرکت و واحد تولیدی سرب و روی در استان زنجان فعال است و هزاران زنجانی در این شرکت‌ها اشتغال دارند.

یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۲ ه.ش.

رادیو ندا: چشم انداز وضعیت کارگران در دولت حسن روحانی، در گفتگو با منصور اسانلو منصور اسانلو، چهره‌ی نام‌آشنای جنبش کارگری، در گفتگو با رادیو ندا با بیان اینکه مردم با سازمان یافتگی خودشان می‌توانند هزینه‌های اجتماعی را پائین بیاورند و به سیستم حاکم خواسته‌ها و مطالبات خودشان را تحمیل کنند، گفت: " کارگران در جستجوی راهی هستند این وضع وحشتناک را تغییر بدهند! "

گوش کردن با مدیا پلیر
گوش کردن با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/08/blog-post_11.html

تجمع کارکنان مراکز کم ظرفیت روستایی پیمانکار در مخبرات تربت حیدریه در اعتراض به واگذاری به پیمانکار

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 20 مرداد 92 آمده است: ظهریکشنبه کارکنان مراکز کم ظرفیت روستایی نسبت به واگذاری این دفاتر به پیمانکار در محل مخبرات تربت حیدریه تجمع کردند.

بنابراین گزارش، به دنبال درج آگهی مناقصه مخبرات تربت حیدریه در خصوص جذب پیمانکار جهت دفاتر مخبراتی روستایی، ظهر یکشنبه کارکنان مراکز کم ظرفیت روستایی شهرستان‌های تربت حیدریه، زاوه و رشتخوار در محل ساختمان مخبرات این شهرستان تجمع و نسبت به این تصمیم مخبرات اعتراض داشتند.

یکی از نمایندگان معترضین اظهار کرد: برابر قانون مجلس شورای اسلامی کلیه کارگران مراکز کم ظرفیت روستایی از سال 89 تحت پوشش بیمه قرار گرفته اند که متأسفانه مخبرات در مقابل این قانون مقاومت می‌کند در حالی که دولت مبلغ 240 میلیارد تومان بابت بیمه این افراد در سطح کشور منظور کرده است و برابر مصوبه صادره بیمه این قشر از زمانی که مخبرات خصوصی شده است جزو تکالیف مخبرات قرار گرفته است و همچنین باید انعقاد قرار داد به صورت سیستم کارگری با این افراد توسط مخبرات تنظیم شود ولی مخبرات مقاومت می‌کند این در حالی است که با مسئولین رده بالای مخبرات در جلسه‌ای که در تهران داشتیم رئیس هیئت مدیره مخبرات با مهلت 15 روزه از کمیسیون این موضوع را پذیرفت ولی متأسفانه مدیران استانی و شهرستانی حاضر به قبول این تصمیم‌گیری نیستند و ما درخواست داریم تا این

مناقصه ابطال شود تا تکلیف ما را مشخص کنند ولی آقایان نمی پذیرند و می خواهند ما را 20 سال سابقه کار از کار بیکار کنند و کار را به پیمانکار واگذار کنند. علیرضا مهرانفر، رئیس اداره مخابرات تربت حیدریه اظهار کرد: برابر دستور مدیریت مخابرات خراسان رضوی قرار است مراکز کم ظرفیت روستایی به پیمانکار واجد شرایط واگذار شود تا نیروهای روستایی تحت نظارت پیمانکار فعالیت کنند و به حق و حقوق شان برسند. رئیس اداره مخابرات تربت حیدریه افزود: ما براساس سیاست های جاری مخابرات خراسان رضوی است که این مناقصه را آگهی کرده ایم و البته مشابه آن هم در بعضی استان های کشور اجرا شده است. مهرانفر اظهار کرد: در جلسه ای که با نمایندگان مراکز کم ظرفیت روستایی برگزار شد مقرر شد معترضین در خواست خود را مکتوب به ما ارائه کنند تا به نظر مدیر عامل مخابرات خراسان رضوی منعکس و بر اساس نظر وی اقدام شود.

کارگران در میان آتش دعوای اتوبوسرانی اصفهان و تأمین اجتماعی گرفتار شده اند

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 20 مرداد 92 آمده است : اتوبوسرانی اصفهان از 12 سال گذشته تاکنون به منظور بیمه نیروهای خود به تأمین اجتماعی بدهکار است و در حال حاضر تأمین اجتماعی فشارهای خود را نسبت به اتوبوسرانی تشدید کرده است و عدم تمدید دفترچه های بیمه نیروهای اتوبوسرانی یکی از فشارهای وارد شده از سوی سازمان تأمین اجتماعی به اتوبوسرانی محسوب می شود. براساس این گزارش، اتوبوسرانی اصفهان از 12 سال گذشته تاکنون به منظور بیمه نیروهای خود به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و هر ساله این بدهی افزایش پیدا می کند، اما این ناوگان به دلیل عدم منابع مالی لازم و افزایش هزینه های خود قادر به پرداخت بدهی های خود به سازمان تأمین اجتماعی نیست و این بدهی ها روز به روز، ماه به ماه و سال به سال بیشتر و بیشتر و بر روی یکدیگر تلنبار می شود و هر ساله درصد بالایی جریمه به این بدهی ها اضافه می شود و امروز بدهی 12 ساله اتوبوسرانی به سازمان تأمین اجتماعی به همراه جریمه های اختصاص یافته به این بدهی ها به 60 میلیارد تومان افزایش یافته، طی دو ماه گذشته سازمان تأمین اجتماعی فشارهایی را به شهرداری و این ناوگان به منظور بدهی 60 میلیاردی اتوبوسرانی وارد کرده و عدم تمدید دفترچه های بیمه نیروهای اتوبوسرانی یکی از فشارهای وارد شده از سوی سازمان تأمین اجتماعی به اتوبوسرانی محسوب می شود، البته سازمان تأمین اجتماعی این موضوع را تکذیب کرده، اما دفترچه های تمدید نشده نیروهای اتوبوسرانی اصفهان در اختیار این ناوگان قرار دارد و شاهد و دلیلی برای کارشکنی های سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بیمه کارکنان اتوبوسرانی اصفهان محسوب می شود.

مرگ 12 نفر از کارگران مزرعه در حادثه سقوط وانت در کانال آب

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 20 مرداد 92 آمده است : بامداد امروز 12 کارگر بر اثر سقوط یک دستگاه وانت در کانال آب یکی از مزارع اطراف شهرستان دزفول کشته شدند. برپایه این گزارش، این خودرو حامل 13 نفر از کارگران یک مزرعه بوده است که در اطراف کانال آب به علت منحرف شدن از مسیر به داخل کانال آب سقوط می کند. در این حادثه 12 نفر جان خود را از دست دادند که تا کنون اجساد 5 نفر از آنها از داخل آب خارج شده و تلاش نیروهای امدادی برای پیدا کردن 7 جسد باقی مانده است. در این حادثه یک دختر که به فنون شنا آشنا بود توانست خود را نجات دهد. بیست مردادماه 1392

در شهرک اکباتان رخ داد: مرگ کارگر بر اثر سقوط بالابر

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 21 مرداد 92 آمده است : سقوط بالابر در یک کارگاه ساختمانی به مرگ کارگری در حین کار انجامید.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، بر اثر سقوط بالابر در ساختمان در حال احداثی در شهرک اکباتان، سه کارگر ۳۴، ۳۳ و ۲۷ ساله دچار مصدومیت شدند.

در این حادثه آتش‌نشانان این افراد را که به شدت از ناحیه سر، گردن و کمر آسیب دیده بودند به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند که پس از تحویل مصدومان مشخص شد کارگر ۳۴ ساله بر اثر شدت جراحات وارد جان خود را از دست داده و دو کارگر دیگر نیز برای درمان به مرکز درمانی منتقل شدند.

پایان پیام

جزئیات نرخ بیکاری در ۳۹۷ شهر، زابل دارای بالاترین نرخ بیکاری

پس از انتشار آمار جنجال برانگیز عملکرد ۸ ساله دولت های نهم و دهم در حوزه اشتغال زایی و بیکاری، نرخ بیکاری ۳۹۷ شهر کشور اعلام شد که بر اساس آن، فاصله بیکاری در بین شهرهای کشور به ۴۸,۸ درصد رسید...

جزئیات نرخ بیکاری در ۳۹۷ شهر/ مسجد سلیمان، ایرانشهر ۴۳,۲ و زابل دارای بالاترین نرخ بیکاری

به گزارش خبرنگار مهر، نرخ بیکاری و وضعیت ۳۹۷ شهرستان کشور که بر اساس آخرین سرشماری کشور در سال ۹۰ از سوی مرکز آمار ایران انجام شده است، از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پس از آمارهای جنجال برانگیز عملکرد ۸ ساله دولت ارائه شد.

بشاگرد؛ بیکارترین شهر کشور

بررسی آمارهای مربوط به ۳۹۷ شهرستان کشور نشان می دهد که نرخ بیکاری در شهرستان بشاگرد به میزان ۵۳,۲ درصد و بالاترین نرخ بیکاری کشور است. همچنین شهر جوانرود با ۴۶,۹ درصد و سراوان در استان سیستان و بلوچستان با ۴۴,۸ درصد به ترتیب دومین و سومین شهر با نرخ بیکاری بالا در کشور است.

۲۰ شهر اول بیکار

مسجد سلیمان با ۴۳,۴ درصد، ایرانشهر ۴۳,۲، زابل ۴۳ درصد، سیب و سوران با ۳۸,۸ درصد، باوی با ۳۷,۷ درصد، هیرمند با ۳۷,۲، دشت آزادگان ۳۶، زهک با ۳۵,۹ درصد، شادگان با ۳۵,۹ درصد، اندیمشک با ۳۴,۲ و خرامه با ۳۱,۸ درصد جزو ۲۰ شهر بیکار اول کشور محسوب می شوند. مریوان با ۳۰,۶ درصد، سرپل ذهاب ۳۰,۴، اندیکا ۳۰,۲، پاره ۳۰,۲ درصد، خرمشهر با ۳۰,۲ و سرپاز با ۳۰ درصد در گروه ۲۰ شهر اول بیکار کشور قرار دارند.

۲۰ شهر دارای بهترین وضعیت بیکاری

در بین ۳۹۷ شهر کشور، نرخ بیکاری در ۲۰ شهر کشور کمترین میزان در بین تمام شهرهای کشور است. بر اساس آمار ارائه شده، نرخ بیکاری در مه ولات ۴,۸ درصد، بستان آباد ۴,۸، ایجرود، شبستر و خنداب ۴,۷ درصد، بشرویه ۴,۶ درصد و تیران و کرون نیز ۴,۵ درصد است.

همچنین نرخ بیکاری در شهر انار ۴,۵ درصد، خداآفرین ۴,۳ درصد، آران و بیدگل و ماهنشان ۴,۲ درصد، طارم ۴، جوین و سربیشه ۳,۹ درصد، کنگان ۳,۸، بجنستان ۳,۶ درصد، خوشاب ۳، خور و بیابانک ۲,۷ درصد، خلیل آباد ۲,۵ درصد، سرایان ۲,۲ و ابوموسی ۱,۲ درصد است.

وضعیت بیکاری در مراکز استان ها

در میان شهرستان های کشور، نرخ بیکاری در برخی از مراکز استان ها نیز جالب توجه است. نرخ بیکاری در خرم آباد ۲۹ درصد، زاهدان ۲۵,۵ درصد، رشت ۱۶,۶، کرج ۱۷,۱ درصد، شیراز ۱۷,۹، بندرعباس ۱۵,۵ شهرکرد ۱۵,۴ درصد، اصفهان ۱۴، کرمان ۱۴,۳، اراک ۱۵,۴، تهران ۱۳,۵ و زنجان نیز ۱۳,۲ درصد است. بر پایه این گزارش، نرخ بیکاری در قزوین ۱۳,۲ درصد، ساری ۱۲,۸، مشهد ۱۰,۸، کرمانشاه ۲۳,۸ درصد و در شهر اردبیل نیز ۱۴,۷ درصد اعلام شد.

فاصله نرخ بیکاری در شهرها ۴۸,۸ درصد

به صورت کلی، بررسی ها نشان می دهد در حال حاضر فاصله نرخ بیکاری در بیکارترین شهر کشور به میزان ۵۳,۲ درصد با ابوموسی با نرخ بیکاری ۱,۲ درصد به میزان ۴۸,۸ درصد است.

فاصله حدود ۴۹ درصدی نرخ بیکاری در شهرهای کشور نشان دهنده توزیع نامتوازن فرصت ها در کشور از سویی و توسعه نیافتگی مناطقی از کشور به لحاظ بهره مندی از صنعت، کارخانجات و تولید است.

۲۵ شهر زیر ۵ درصد و ۲۸۱ شهر بالای ۱۰ درصد بیکاری

۲۸۱ شهر از مجموع ۳۹۷ شهر کشور دارای نرخ بیکاری دو رقمی و بالای ۱۰ درصد است و تعداد شهرهای با نرخ بیکاری تک رقمی ۱۱۶ شهر است. همچنین تعداد شهرهای دارای نرخ بیکاری زیر ۵ درصد که نشان دهنده وضعیت مناسب آن شهرها به لحاظ وجود فرصت های شغلی برای کارجویان است تنها ۲۵ شهر کشور اعلام شد

کارگران فولاد زاگرس يك ماه پس از اخراج

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 21 مرداد 92 آمده است : یک ماه از تعطیلی کارخانه «ذوب آهن فولاد زاگرس» گذشت. روز ۱۸ تیر ماه، «ابراهیم ملا بیگی» مدیر عامل فولاد زاگرس با نصب اطلاعیه ای بر روی تابلوی اعلانات، کارخانه را به دلیل کمبود نقدینگی و عدم توان تولید، تعطیل اعلام کرد .

به گزارش ایلنا، این کارخانه در قروه، یکی از شهرستان های کوچک استان کردستان واقع شده است. با زمینی به مساحت ۱۰۰ هکتار، ارزش مالکیتی بسیار بالایی دارد .

فولاد زاگرس بر خلاف نامش «چدن» تولید می کند. دولت از دو دهه قبل اجرای پروژه اش را کلید زده بود. ۱۰ سال طول می کشد تا کارخانه راه اندازی شود و ۱۰ سال هم از راه اندازی اش می گذرد. مالکانش گمان نمی بردند اعلام تعطیلی کارخانه و معرفی ۲۳۵ کارگرش برای بیمه

بیکاری، دردسر ساز شود .

کارگران فولاد زاگرس با آنکه یک ماه از تعطیلی کارخانه می‌گذرد هنوز از حقوق صنفی شان عقب نشینی نکرده‌اند. آنان در آخرین اقدام، با تنظیم شکایتی مشترک در اداره کار شهرستان قروه، درخواست رسمی بازگشت به کار خود را ارائه داده‌اند .

«پروین محمدی» از فعالان مستقل کارگری در این رابطه به ایلنا می‌گوید: می‌خواستند از ۲۳۵ کارگری که سال‌های متمادی در کارخانه فولاد زاگرس زحمت کشیده‌اند خلاص شوند. انتظار داشتند کارگر شهرهای دور از پایتخت که از قانون سر در نمی‌آورد از دریافت بیمه بیکاری خوشحال شود .

وی ادامه می‌دهد: مطابق قانون تا زمانی که هیات‌های تشخیص و حل اختلاف کار به اخراج قطعی رای نداده باشند کارفرما حق ندارد، کارگزارانش را برای دریافت بیمه بیکاری به تامین اجتماعی معرفی کند .

عدم تضمین اجرایی مصوبات کمیسیون اصل ۹۰

کارگران در هفته اول پس از اخراج، تجمعاتی را در مقابل اداره کار شهرستان قروه برگزار کردند اما مدیران این نهاد دولتی به جای آنکه فرم دادخواست و شکایت را در اختیار کارگران قرار دهند به آن‌ها فرم بیمه بیکاری می‌دهند. اگر فرم بیمه بیکاری را پر می‌کردند اخراج‌شان قطعی بود .

کارگران که از پشت پرده این بذل و بخشش مطلع بودند به کردستان می‌روند تا مشکل را برای استاندار مطرح کنند. وقتی از استاندار هم جوابی نمی‌گیرند به تهران می‌آیند و اعتراضاتشان را ادامه می‌دهند. تجمعات متوالی‌شان در خیابان پاسستور و در مقابل مجلس به تشکیل جلسه کمیسیون اصل ۹۰ منجر می‌شود .

در جلسه این کمیسیون، همه مالکان و مدیر عامل فولاد زاگرس حضور می‌یابند و مدعی می‌شوند کارخانه را به مزایده گذاشته و به تنها شرکت کننده این مزایده واگذار کرده‌اند اما نامی از مالک جدید نمی‌آورند .

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، کارفرمایان را مکلف می‌کند علاوه بر پرداخت معوقات کارگران، مالک جدید را به کمیسیون معرفی کنند تا از او تعهد بگیرند با راه اندازی مجدد فولاد زاگرس هر 235 کارگر این کارخانه را به کار باز گرداند.

بدین ترتیب، کارگران به شهرشان باز می‌گردند اما مدیر عامل کارخانه هیچ یک از تعهداتش را عملی نمی‌کند. زمانی که کارگران معترض در مقابل اداره کار قروه تجمع می‌کنند به آن‌ها گفته می‌شود مصوبات کمیسیون اصل ۹۰ اعتباری ندارد و شما باید مطابق قانون، شکایتان را در اداره کار مطرح کنید .

محمدی با اشاره به عدم اجرای مصوبه کمیسیون اصل ۹۰ به ایلنا می‌گوید: قانون قوه مجریه مسجل‌تر از قانون قوه مقننه است. کارگران تنها می‌توانستند با اشاره به مصوبه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس خواهان اجرای آن شوند. مصوبات این کمیسیون تضمین اجرایی ندارد .

چرا درخواست تنفس نمی‌شود؟

مالکان فولاد زاگرس می‌توانستند، با اعلام ورشکستگی یا درخواست تنفس برای فروش یا تغییر کاربری، کارخانه را به صورت موقت تعطیل کنند اما از این مسیرها برای تعطیلی موقت کارخانه اقدام نشده است .

محمدی در این رابطه می‌گوید: هر کارخانه‌ای که ورشکست شود با استفاده از ماده ۱۴۱ قانون تجارت می‌تواند اعلام ورشکستگی کند تا صحت ادعایش مورد بررسی قرار گیرد. کارفرمایان فولاد زاگرس ادعای ورشکستگی دارند اما برای اعلام آن اقدامی نمی‌کنند .

وی ادامه می‌دهد: کارفرمایان همچنین می‌توانستند برای فروش یا تغییر کاربری به وزارت صنعت، معدن و تجارت در خواست تنفس دهند. در این صورت وزارتخانه از آنها طلب دلیل می‌کرد و از آنجا پرونده کارخانه را برای تصمیم‌گیری نهایی به شورای عالی کار ارسال می‌کرد. در صورتی که اجازه تنفس به کارخانه داده می‌شد علاوه بر تعطیلی موقت کارخانه، کارگران مشمول بیمه بیکاری می‌شدند .

این فعال کارگری معتقد است: مقاومت غیر منطقی در مقابل خواسته‌های قانونی کارگران به خوبی نشان می‌دهد قصد کارفرمایان از اقداماتشان، اخراج ۲۳۵ کارگری است که سال‌های جوانیشان را در این کارخانه سپری کرده‌اند .

گفتنی است مدیر عامل فولاد زاگرس پیش‌تر با اشاره به بدهی ۹۰ میلیون تومانی کارخانه‌اش به ایلنا گفته بود: سرمایه اولیه کارخانه ۴ میلیارد تومان بوده است. قانون تجارت می‌گوید اگر شرکتی ۵۰+۱ درصد زیان انباشته داشته باشد ورشکسته می‌شود. کارخانه فولاد زاگرس ۶۰ میلیارد تومان زیان انباشته دارد که بیش از ۱۰ برابر سرمایه اولیه‌اش است.

پایان پیام

بیش از ۷۰ درصد کارگاه‌های شهرک صنعتی ارومیه تعطیل و نیمه فعال هستند

دبیر خانه کارگر آذربایجان غربی از تعطیلی گسترده واحدهای صنعتی و تولیدی مستقر در شهرک صنعتی این استان خبر داد...

«اسلام صادقی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: واحدهای تولیدی- صنعتی تعطیل و نیمه تعطیل در فازهای یک، دو و سه شهرک صنعتی ارومیه قرار دارند.

وی با بیان اینکه دلیل پیش آمدن این وضعیت افزایش مشکلات مالی، سوء مدیریت، تغییر ساختار و عدم فروش محصولات تولیدی است، افزود: هم اکنون بیش از ۷۰ درصد از واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در شهرک صنعتی ارومیه دچار بحران هستند.

صادقی با ابراز نگرانی از وضعیت به وجود آمده، ادامه داد: مسئولان به مشکلات واحدهای بحران‌زده اهمیتی نمی‌دهند و این درحالی است که استمرار این وضعیت مشکلاتی را برای صاحبان صنایع و کارگران ایجاد کرده است.

دبیر خانه کارگردد خاتمه سخنان خود با اشاره به معضل بیکاری استان آذربایجان غربی گفت: از مجموع بیکاران استان آذربایجان غربی فقط ۱۰ درصد از آنان به بیمه بیکاری معرفی می‌شوند و ارتباط مابقی کارگران با بازار کار پس از تسویه حساب بطور کامل قطع می‌شود.

فرهادی خطاب به مدیرعامل تأمین اجتماعی: پس از ۲۳ سال تاخیر، حق عائله‌مندی بازنشستگان را پرداخت کنید

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 21 مرداد 92 آمده است: عضو کانون بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی شهرستان تهران خواستار پرداخت حقوق عائله‌مندی بیمه شدگان بازنشسته و از کار افتاده این سازمان شد.

به گزارش ایلنا، «علیرضا فرهادی» با ارسال نامه‌ای به مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی یاد آور شد: ۲۳ سال از پرداخت حق عائله‌مندی به بازنشستگان و از کار افتادگان دیگر صندوق‌های بیمه‌ای می‌گذرد اما تاکنون بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی موفق به دریافت این حق قانونی نشده‌اند.

این عضو فعال جامعه بازنشستگان با بیان اینکه با وجود مصوبه سال ۷۶ هیات دولت، بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز می‌بایست از مزایای حق عائله‌مندی برخوردار شوند، گفت: متأسفانه به دلیل حضور بعضی مدیران قانون شکن در سازمان تأمین اجتماعی، تاکنون این حق قانونی از بازنشستگان و از کارافتادگان بیمه شده سازمان تأمین اجتماعی دریغ شده است. این فعال صنفی کارگران بازنشسته و از کار افتاده افزود: مسئولان سازمان تأمین اجتماعی همچنان به بهانه عدم وصول مطالبات دولت از پرداخت حق عائله خود داری می‌کنند و این در حالی است که گفته می‌شود دولت تمامی مطالبات معوقه سازمان را پرداخت کرده است. پایان پیام

با انتصاب در هیئت امنای این سازمان: جدال حضور مرتضوی در تأمین اجتماعی به دولت یازدهم رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 21 مرداد 92 آمده است: در حالی که مجلس در حال بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی دولت یازدهم است، سعید مرتضوی علاوه بر مدیرعاملی سازمان تأمین اجتماعی، به عضویت در هیات امنای این سازمان منصوب شد.

منابع ایلنا در سازمان تأمین اجتماعی گزارش کرده‌اند که در آخرین روز کاری دولت دهم، با موافقت محمود احمدی‌نژاد (رئیس سابق شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی) حکم مسئولیت جدید سعید مرتضوی از سوی اسد الله عباسی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دهم صادر شده است.

منصب جدید سعید مرتضوی از آن جهت حائز اهمیت است که هیئت امنای تأمین اجتماعی وظیفه انتخاب مدیرعامل این سازمان را بر عهده دارد و با توجه به جنجال‌های مربوط به حضور سعید مرتضوی در راس سازمان تأمین اجتماعی که حداقل به عزل یک وزیر کابینه دهم منجر شده بود، به نظر می‌رسد این جدال به دولت یازدهم نیز کشیده شود.

به گفته منابع خبری آقای مرتضوی از زمان دریافت حکم مسئولیت جدید خود محل دفتر کارش تغییر داده و از ساختمان اصلی سازمان تأمین اجتماعی واقع در خیابان آزادی، به محل سابق مرکز پژوهش‌های عالی این سازمان واقع در خیابان پاسداران تهران منتقل کرده است.

براساس حکم صادره که مشابه آن نیز چندی پیش برای ناصر برهانی، از مقامات کارگری حامی دولت احمدی‌نژاد صادر شده بود، از این پس عضویت در هیات امنای سازمان تامین اجتماعی نیز به جمع مسئولیت‌های قبلی سعید مرتضوی اضافه شده است.

پایان پیام

بلا تکلیفی دو ساله کارگران قارچ سینا پس از اخراج

دبیر خانه‌ی کارگر همدان از ادامه‌ی بلا تکلیفی دو ساله‌ی ۶۷ کارگر قارچ سینا خبر داد و می‌گوید که این کارگران بعد از گذشت دو سال از ورشکستگی کارخانه هنوز نتوانسته‌اند مطالبات خود را دریافت کنند...

فرامرز اصلانی، دبیر خانه‌ی کارگر همدان گفت: «۶۷ کارگر قارچ سینا که سوءمدیریت را عامل اصلی بحران در کارخانه و تعطیلی آن می‌دانند، خواستار پی‌گیری مسئولان جهت رفع مشکلات این واحد تولیدی شدند».

او با بیان اینکه مشکلات کارگران قارچ سینا طی دفعات متعدد هم از طریق مسئولان و هم از طریق رسانه‌های کارگری پی‌گیری شده است، افزود: «متأسفانه مشکلات کارگرانی که در تامین معاش خود دچار مشکل هستند از سوی مسئولان پی‌گیری نمی‌شود».

این فعال کارگری با اشاره به سوابق ۲۰ تا ۲۵ ساله‌ی کارگران قارچ سینا اضافه کرد: «عمده‌ترین مشکل این کارگران بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور است و باید طبق قانون بازنشسته شوند، اما به دلیل عدم پرداخت سهم کارفرما به تامین اجتماعی و اجرا نشدن قانون بازنشستگی پیش از موعد، این کارگران هم‌اکنون بیکار و مقرری‌بگیر بیمه بیکاری شده‌اند».

دبیر خانه‌ی کارگر همدان به مشکلات واحد تولیدی قارچ سینا و کارگران‌اش پرداخت و گفت: «در پی شکایت کارگران قارچ سینا، قاضی پرونده فردی را به عنوان مدیر تسویه حساب انتخاب کرد، این مدیر بدون دستور قضایی اقدام به شکستن پلمب درب شرکت و انبارها کرد و با وجود مخالفت کارگران، مکان این واحد تولیدی را به واحدهای دیگر اجاره داده است».

اصلانی در این زمینه افزود: «همچنین بخش دیگری از ناراضی‌تای کارگران از هیئت تسویه، مربوط به زمانی است که وقتی کارگران برای پی‌گیری مشکلاتشان به دفتر مدیر تسویه مراجعه می‌کنند با برخورد نامناسب مواجه شده و از دفتر اخراج می‌شوند».

وی در خاتمه گفت: «این هیئت می‌تواند با فروش بخشی از املاک این واحد تولیدی مطالبات کارگران را پرداخت کند و این امکان را برای کارگران بوجود آورد که با بازنشستگی از وضعیت بلا تکلیفی رهایی یابند».

دبیر خانه کارگر طبس خبر داد: تعویق ۷ ماه حقوق کارگران «شرکت سازان راه قم» در طبس

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 21 مرداد 92 آمده است: بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت پیمانکاری سازان راه قم در ۷ ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند.

«غلام رضا محمدی»، دبیر خانه کارگر شهرستان طبس با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت «سازان راه قم» که پیمانکار و سازنده جاده محور شهر «دیپوک» به «راور» در شهرستان طبس

است از دی ماه سال گذشته (۹۱) معوقات حقوقی بیش از ۱۰۰ کارگر خود را پرداخت نکرده است. او افزود: به سبب افزایش مشکلات مالی از فروردین ماه سال جاری ادامه فعالیت راه سازی این شرکت موقتا متوقف شده و کارگران آن برای تامین معاش خود ناچار شده‌اند تا در واحدهای راه سازی دیگر مشغول به کار شوند. او تعداد کارگران کنونی این کارگاه را حدود ۱۵ نفر عنوان کرد و گفت: تعدادی از این کارگران در بخشهای نگهداری و تعداد دیگر راننده کامیون هستند. محمدی در ادامه اظهار داشت: به گفته کارگران دلیل مشکل به وجود آمده این است که مسئولان شرکت به بهانه فقدان نیروی انسانی کافی از انجام تعهدات خود در قبال اداره راه و شهرسازی عمل نکرده‌اند. او در این زمینه اضافه کرد: این درحالی است که اداره راه و شهرسازی یزد به عنوان کارفرمای اصلی اجرای این پروژه راه سازی تاکنون همه صورت وضعیت‌های مالی این شرکت را پرداخت کرده است و حتی مبالغ اضافه تری را پیش از انجام کار به حساب این شرکت واریز کرده است. محمدی در خاتمه با تاکید بر اینکه باید معوقات حقوقی کارگران شرکت سازان راه قم پرداخت شود افزود: این شرکت می‌تواند برای جبران بخشی از مشکلات مالی خود و همچنین پرداخت معوقات حقوقی کارگران خود تعدادی از ماشین آلات راه سازی خود را بفروشد.

پایان پیام

نامه ای از زندان اوین به زندان اهواز؛ ۱۴ روز از اعتصاب غذای عابدینی گذشت / حسین رونقی هم اعتصاب غذا کرد

سیدحسین رونقی در نامه ای از بند ۲۵۰ زندان اوین به همبند سابق خود، **ابوالفضل عابدینی**، که بیش از دو هفته ی پیش به زندان اهواز تبعید شد و از همان روز در اعتراض به این تصمیم دست به اعتصاب غذا زده است می نویسد: می‌دانم که پایداری و ایستادگی امروز ما، فرهنگ فردای فرزندان این مرز و بوم است و از همین رو عاجز از آنم که در مقابل اعتراض و ایمان تو بایستم و به تو بگویم به فکر جان و سلامتی‌ات باش، عاجزم چرا که هیچ یاری کننده و فریادرسی نیست که تو را در این روزهای سخت همراهی کند، چرا که ما موجیم که آسودگی ما عدم ماست.

به گزارش کلمه، این فعال حقوق بشر در بند در نامه ی خود با اعلام اعتصاب غذا در حمایت از ابوالفضل عابدینی آورده است: من در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان به جان و سلامت انسان‌ها، عدم رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی بیمار، افزایش فشار بر خانواده‌ام، تبعیدهای خودسرانه و غیرقانونی زندانیان سیاسی بی‌گناه و قرار دادن اجباری آن‌ها در شرایط غیرانسانی، بی‌خبری از برخی از زندانیان و همچنین در اعتراض به تداوم قانون ستیزی‌ها و ناروایی‌ها اعتصاب غذا خواهم کرد هر چند این روش را نادرست و اشتباه می‌دانم و تبعات سنگینی برای من در پی خواهد داشت.

پیش از این **کلمه خیر داده بود** که ابوالفضل عابدینی که در مدت حضور ستار بهشتی در بند ۲۵۰ زندان اوین شاهد علائم شکنجه های روی بدن وی بود و نزد شهرداری بازپرس تحقیق علت مرگ ستار بهشتی شهادت داده بود، به زندان اهواز تبعید شد. وی بدلیل اعتراض به تبعید غیرقانونی به هنگام خروج از زندان اوین اعلام اعتصاب غذا نامحدود کرده و گفته تا زمان بازگشت به زندان اوین اعتصاب غذای خود را ادامه خواهد داد.

این زندانی سیاسی که نزدیک به چهار سال در بند ۳۵۰ زندان اوین بدون حتی یک روز مرخصی روزگار خود را گذرانده بود پس از تبعید در نامه ی خود به رییس قوه قضا نوشته بود: ذکر مصائب بازداشت و دوران تحقیق در محضر دادگاهی که اجازه ملاقات با وکیل را هم برایم قائل نبود موثر نیفتاد و اثری هر چند اندک بر "میزان" هک شده بر پیشانی میز قاضی نگذاشت. ۱۲ سال حبس به پاس سالها فعالیت در چارچوب منافع کشورم، ستیز با هر گونه اندیشه و عمل جدایی خواهی، دفاع از حقوق کارگران به عنوان مجازات تعیین شد و ضربه چکش قاضی بر میز عدالت هوشیارترم کرد که گویی دادرسی پایان یافته است. من در ۲۷ سالگی گرفتار حبس شدم و قرار است هنگامی که صفحات تقویم زندگی من ورق می خورد صفحه ۴۰ را نشان دهد.

نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور: سود تاخیر دولت در پرداخت قیمت برگ سبز چای به کشاورزان تعلق نگرفته است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 22 مرداد 92 آمده است : نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور با اشاره به تاخیر چندین ماهه دولت در پرداخت هزینه خرید برگ سبز چای کشاورزان طی سالهای گذشته، از عدم پرداخت سود این تاخیر به کشاورزان انتقاد کرد.

«پرویز شعبانی» با اشاره به مصوبه سال ۸۷ مجلس شورای اسلامی مبنی بر خرید تضمینی کالاهای کشاورزی به ایلنا گفت: بنابر این مصوبه، دولت موظف است کالاهای کشاورزی را به قیمت تضمینی که تعیین می شود خریداری کند و مباشرت خرید چای هم وزارت کشاورزی و سازمان چای کشور است.

وی با اشاره به یکی از تبصره های مصوبه مذکور که دولت را موظف می کند تا هزینه خرید برگ سبز چای را حداکثر ظرف مدت یک ماه به کشاورزان پرداخت کند، افزود: اگر پرداخت هزینه خرید برگ سبز چای کشاورزان بیش از یک ماه تاخیر داشته باشد باید سود میان مدت بانکی که در ابتدای هر سال برای بانکها تعیین می شود به آنها تعلق گیرد.

این فعال صنفی افزود: از سال ۸۸ تاکنون، هزینه خرید برگ سبز چای کشاورزان با تاخیری کمتر از شش ماه پرداخت نشده است. در سال ۹۱ کشاورزان در خرداد ماه چایشان را برداشت کردند و هزینه خریدشان را در اردیبهشت ۹۲ دریافت کردند.

نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور در پایان از قصد این اتحادیه برای شکایت از دولت به دلیل تخطی از اجرای مصوبه مجلس و باز پس گیری سود تاخیر پرداخت قیمت برگ سبز چای از سال ۸۸ تا کنون خبر داد.

پایان پیام

اطلاعیه ی شماره ی 57 کمیته ی دفاع از رضا شهابی

رضا شهابی از روز شنبه 20 مرداد در اعتصاب درمانی به سر می برد! در پی یورش چندی پیش نیروهای امنیتی به بند امنیتی 350 زندان اوین و برخوردهای فیزیکی و رفتارهای توهین آمیز با زندانیان این بند، این مأموران رضا شهابی را نیز در حالی که روی تخت خود استراحت می کرد (علیرغم تذکر هم بندی هایش مبنی بر داشتن مشکلات وخیم جسمی) از پا گرفته و به پایین تخت پرت کردند! این عمل وحشیانه باعث شد تا ناراحتی ها و مشکلات

شدید کمر و پای رضا به مراتب شدیدتر از قبل شده و امان او را ببرد. با وجود این مشکلات طاقت فرسا، مسئولان بهداری زندان (مشخصاً رئیس بهداری زندان و پزشک بهداری) همچنان به بهانه های واهی از جمله نرسیدن زندانیان بیمار به حد نصاب اعزام، تمارض و . . . از اعزام وی به بیمارستان و مراکز درمانی مناسب سر باز می زنند. این در حالی است که حتی رفتن به درمانگاه زندان نیز با مشکلاتی از قبیل بازرسی های چند لایه، توهین مسئولان بهداری و ... همراه است. هنگامی هم که زندانیان به این برخوردهای امنیتی بیهوده اعتراض می کنند با این جواب روبرو می شوند که : «شانس آورده اید که اینجا هستید، اگر جای دیگر بودید که لخت تان می کردیم»!

در پی این برخوردهای توهین آمیز و عدم رسیدگی به وضعیت درمانی که باعث وخیم تر شدن شرایط زندانیان و از جمله رضا شهابی می شود، رضا اعلام کرده است که تا برطرف شدن این شرایط نامناسب و اعزام اش به یک مرکز درمانی مناسب در خارج از زندان و تحت نظارت پزشک متخصص، از روز شنبه 20 مرداد از پذیرفتن هرگونه خدمات درمانی در داخل زندان سر باز می زند. وضعیت عمومی رضا شهابی اکنون به این شرح است: درد کمر و بی حسی پای چپ به شکلی ادامه دارد که توان تکان دادن انگشت های پا و بالا آوردن پا از او سلب شده است، وضعیت معده به هم ریخته است و از رفلاکس شدید رنج می برد که این امر تغذیه ی او را نیز تحت الشعاع قرار می دهد، چربی کبد بالاست به گونه ای که لکه هایی روی صورت او ظاهر شده است و ... عملاً به نظر می رسد مسئولان امنیتی و زندانبانان از آنجا که نتوانسته اند صدای برابری خواه این کارگر مبارز را خاموش کنند، قصد کرده اند تا او را به تدریج رو به خاموشی ببرند! اما تنها رضا نیست که این شرایط را دارد و زندانیان دیگری نیز که از مشکلات حاد رنج می برند در شرایط مشابهی به سر می برند که از آن جمله می توان به یاشار دارالشفا که همبندی رضا است اشاره کرد.

کمپته ی دفاع از رضا شهابی ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت وخیم او هرگونه پیامدهای ناشی از عدم درمان مناسب را متوجه مأموران امنیتی و زندانبانان می داند و از تشکل های کارگری ایران و جهان می خواهد تا به هر شکل ممکن به این وضعیت غیر انسانی اعتراض کنند. کمپته دفاع از رضا شهابی
22 مردادماه 1392

بعد از ظهر امروز رخ داد: سقوط کارگر نوجوان در چاهک آسانسور

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 22 مرداد 92 آمده است : در حالی که قانون کار اشتغال نوجوانان را تنها تحت شرایط کارآموزی و در صورت وجود امکانات ایمنی مجاز می داند، نوجوانی در تهران هنگام تعمیر آسانسور یک ساختمان سقوط کرد و واز ناحیه پا و کمر به شدت مجروح شد.

بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، این حادثه در خیابان بلوار فردوس، بلوار شقایق زمانی رخ داد که کارگر ۱۶ ساله ای بنام حمید هنگام نصب و تعمیر آسانسور ساختمانی به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی در کار به داخل چاهک آسانسور سقوط می کند. بر اساس این گزارش، نیروهای امداد و نجات پس از رسیدن به محل حادثه، با استفاده از برانکارد این کارگر نوجوان را پس از خارج کردن از چاهک آسانسور تحویل امداد گران اورژانس دادند.

پایان پیام

"علی باز"

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/08/blog-post_12.html#more

برپایه مطلب رسیده از ویلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 22 مرداد 92 آمده است :

"علی باز" به درد چوپانی هم نمی خورد. هیچ گوسفند داری و هیچ مالی (مال، چند خانواده کوچک ایل که معمولاً فامیل خیلی نزدیک هستند و با هم بیلاق و قشلاق می کنند مال خوانده می شوند) حاضر نبودند گله شان را برای چرا به او بسپارند. جز این چند خانواده ی کوچک که پسرخاله و دایی یا عموزاده هایش هستند، آن هم از روی اکراه. "علی باز" به زعم اهل مالسر به هوا بود. مانند اسمش در آسمان ها پرواز می کرد و با واقعیت های سرسخت و نابهنجار موجود، همان شرایطی که او را اجباراً در پایین ترین مرتبه ی قاعده ی ساختاری طبقاتی قرار داده است، رابطه ی خوبی نداشت. آرزوی ثروتمند شدن و عواقب بعدی چنین رویایی مانند خوره به جانش افتاده و هر روز با این توهمات و آرزوها به خواب می رفت. در زمان چرای گله، ذوب شده ی رویاهایش بود. همه ی امکانات بر او که بچه یتیم مال بود بسته بود، جز چرای گوسفندان. با همین چوپانی نان و دوغی به زحمت جفت و جور می شد.

قرار داد کارش با ایل یک ساله بود که طی یک سال، یک جفت "جوراب" - گیوه مخصوص چوپانی - یک دست لباس "دویت" و یک "چوقا" (لباس ویژه بختیاری) و مقداری پول توافق شده، آن هم در صورت یک سال کار شایسته و مورد تایید صاحبان گوسفندها، به او پرداخت می شد. خورد و خوراکش هم مثل همه مردم مال بود. تنها یک راه ثروتمند شدن برای او و رویاها و تصورات "علی باز" با تعدادی اگر و شاید خودنمایی می کرد: "زیرخاکی". قصه های پیرزن های مال، شب کنار اجاق "سیاه چادر"، کشف اشرفی های طلا و ... برای کودکان، زمینه ی توهم این امکان محال را برای "علی باز" فراهم نموده بود. او سرگردان این اگرها و شایدها، گنج، طلا، ثروت و ... او را از کارش باز می داشت. بعضی مواقع این تخیلات باعث می شد گوسفند یا بز را در کوه جا بگذارد. گرگ ها هم این چوپان سر به هوا را شناخته بودند از این رو همیشه دور و بر او پرسه می زدند تا در یک فرصت مناسب به کام خود برسند. خانواده های مال هستی و زندگی شان و لقمه ی نان حقیرشان به پشم و شیر و مو و پوست این حیوانات وابسته است. هر گوسفند یا بز برای این زندگی در حکم یک کارخانه تولید شیر و متعلقات آن است تک تک این ثروت ها برایشان عزیز و بسیار مهم است.

دمدم های غروب گوسفندان سیر شده از چراگاه های غنی "زرد کوه" با پستان های پر شیر به یاد بره هایشان، بدون هدایت چوپان خود راهی مال شدند. "علی باز" در رویاها و خیال پردازی های خود آن چنان اسیر بود که اطراف خود را فراموش کرده بود. او برای گله تنها یک مترسک بود. گله ی گوسفندان و بزها او را به دنبال خود می کشیدند. یکی از بزهای پر جنب و جوش از گله باز مانده بود. "علی باز" با دنیای رویایی گنج و سکه های اشرفی، که با یک اگر می توانست مالک شود، بی خبر از بز جا مانده، غیرارادی به دنبال گوسفندان بود.

هوا گرگ و میش شده و نور و روشنایی در مقابل تاریکی و سیاهی پا پس می گذاشت. بوی نان گرم تازه که ترشی خمیرش را می توان حس کرد و دود اجاق های مال که از چند قلوه سنگ سیاه تشکیل شده بود در فضای اطراف چادرها پیچیده بود. با رسیدن اولین گوسفندان به مال با صدایی بلند بره هایشان را به خود می خواندند. ترکیب صدای بره ها و گوسفندان و پارس سگ ها سمفونی غروب سیاه چادرها را تشکیل داده بود. زنها با سر و صدا و با شتاب به پیش باز گله می رفتند و بی اعتنا به سر و صداها، آنها را به "قاش" (سنگ چینی هایی که گوسفندان و بزها را از بزغاله ها و بره ها جدا می کند) هدایت می کردند. زن های مال همه ی بزها و گوسفندان را دقیق از روی رنگ و خطوط چهره ی آنها می شناختند. بدین جهت به سرعت متوجه نبود یکی از بزهایشان شدند. تاج ماه که دید از بزش در گله خبری نیست با فریادی بلند همه را از نبود بزش با خبر کرد.

- هي "علي باز" ، پدر سگ په بزمونه چه كړدي ، هان "علي باز"...؟
 "علي باز" که داشت به دیواره‌ی سنگ چین تکیه می‌داد تا سیگاری چاق کند ، با وحشت از جای پرید با خود می‌اندیشید ... که اگر باز هم حیوان کم بیاورد، بیچاره می‌شود و "مال" را تنها جایی که در آن راحت بود و می‌شناخت باید ترک کند، چون هیچ کس دیگر حاضر نخواهد بود. دارایی‌اش را به او بسپارد تا طعمه گرگ‌ها بشود. فریاد زن موهای بدن "علي باز" را سیخ کرد. سیگارش را به کناری انداخت و با وحشت و ترس گله را ورنانداز نمود. دو دستی بر سرش زد. چوب‌دستی‌اش را برداشت و با شتاب به سوی کوه پایه‌هایی روان شد که از آن آمده بود. مردان مال برای کار عملگی به شهرهای اطراف رفته بودند، چون گوسفندداری آن درآمد را نداشت که بتواند نیازهای خانواده را تامین کند. تنها چند پیرمرد، بچه‌ها و زن‌ها در مال بودند. زن‌ها به تنهایی همه‌ی بار زندگی مال را به دوش می‌کشیدند. از بامداد خروس‌خوان تا نیمه‌های شب که شیرهای دوشیده شده را می‌جوشانند و ماست و پنیر درست می‌کنند، کارشان ادامه دارد. کاری 24 ساعته و بدون درنگ، کاری شاق که در سن جوانی آن‌ها را با چهره‌ای شکسته، پیر می‌نماید ولی چشم‌های‌شان با درخشندگی، زیبایی جوانی‌شان را فریاد می‌زنند.
 "تاج ماه"، صاحب بز گم شده، و دو زن دیگر چوب‌دستی‌ها را برداشتند و دوان دوان خود را به "علي باز" رساندند. شب ، در "زرد کوه" به تنهایی پرخطر است. خرس و گرگ ، خطرهای جدی شب هستند. از این رو زن‌ها "علي باز" را تنها نگذاشتند. جست و جو در تاریکی ادامه یافت. ولی از این تلاش سودی نبردند. گریه "تاج‌ماه" با هق‌هق شروع شده بود. او يك کارخانه تولید شیرش را از دست داده بود و این برای گذراندن زندگی‌شان يك مصیبت بود. در مسیر بازگشت با سر و صدا و دعوای گفتارها مواجه شدند که روی باقی‌مانده‌های پوست و استخوان بز به یکدیگر حمله می‌کردند. زن‌ها با فریاد به دسته‌ی گفتارها حمله کردند، ولی دیگر از بز جز چند تکه پوست پاره پاره و استخوان‌های جویده شده چیزی باقی نمانده بود. گریه آرام "تاج ماه" به شیون تبدیل شد:
 - هي بووووووم (پدرم)

موهایش را می‌کشید و به صورتش چنگ می‌زد، ولی به يك باره همه‌ی صورتش منقبض شد خشم و نفرت از چوپان سر به هوا جای شیون را گرفت. چوب دستی‌اش را به حالت حمله بلند کرد و به سوی "علي باز" هجوم برد. "علي باز" غافل‌گیر شد. چوب دستی "تاج ماه" با قدرت و نفرت يك مادر دردمند بر کتف‌های "علي باز" نشست. چوپان فریادی زد و به زمین افتاد و زن بدون ترحم دومین ضربه را با همه توان بر ران چوپان نشانید. چوپان با همه‌ی وجودش فریادی حیغ مانند کشید. دو زن دیگر مانع شدند ضربه سوم که سر چوپان را هدف گرفته بود فرود آید. زن با چهره‌ای مسخ شده از خشم، با موهای پریشان چوب‌دستی را دو دستی گرفته و آماده بود به مجازات "علي باز" ادامه دهد. زن‌ها مانع می‌شدند و او دریده‌ترین توهین‌ها را نثار "علي باز" کرد. روز بعد، "علي باز" لنگان با کمک چوب‌دستی چوپانی‌اش، بدون این که بتواند چیزی بابت ماه‌ها کار چوپانی به دست بیاورد، از راه "لاریسبز" و "سد کوه‌رنگ" راهی "چله گرد" شد. در "چله گرد" به خانه‌ی عموزاده‌هایش رفت که سال‌ها قبل، زندگی کوچ نشینی را رها کرده و در پروژه‌ها جوشکار شده بودند. همه‌ی خانواده‌ی عموزاده بابت کتک‌هایی که از دست تاج ماه خورده بود او را ریشخند می‌کردند و مرتب می‌گفتند: دست "تاج ماه" درد نکند و با سر و صدا و بلند بلند می‌خندید و به قیافه‌ی کتک خورده و غمگین "علي باز" اشاره می‌کردند و باز به خنده می‌افتادند. همه‌ی بی چیزان و گرسنگان کوه‌نشین و روستاها، راهی پروژه‌های صنایع نفت و پتروشیمی می‌شوند و به مرور جوشکار می‌شوند، چون نیاز به دانستن ریاضیات ندارد. دیپلمه‌ها نیز به فیتز تبدیل می‌شوند.

پسرعمو پس از خنده‌هایی که بی حالش کرده بود ، رو کرد به "علي باز":
 - هي "علي باز" تو كي مي‌خوای آدم بشي؟ مال رو ول کن با مو بيو بریم پروژه. خوم کار یادت ایدوم مو صبا ایروم، تو ایویی؟
 -ها اي یام.

و پسر عمو با قیافه‌ای جدی شروع کرد شرایط دشوار ولی نسبت به زندگی در مال، راحت تر و

مناسب‌تر را برای "علی‌باز" توضیح داد:

- اگر بخوای جوشکار بشی خوبه چون خیلی پولدار می‌شی ولی خیلی پشتکار می‌خواد. یادگیری کار دشوار و حساس و فنی جوشکاری صنعتی با گاز آرگون و یا الکتروود، تمرین و آموزش زیادی را می‌طلبد. یک جوان روستایی برای این که جوشکار به او یاد بدهد و یا از پشت عینک بگذارد که ماه‌ها شیوه حرکت دست و تورچ جوشکاری را ببیند، شبانه‌روز مانند یک خدمتکار به جوشکار خدمات می‌دهد. از شستن جوراب‌هایش تا پادویی‌اش را انجام می‌دهد. ولی پس از دیدن آموزش نظری باید به گونه‌ای که فورمن‌های پیمانکاران چه ایرانی و چه خارجی او را در زمان تمرین ببینند در یک گوشه‌ی خلوت یا در یک ارتفاع خیلی بلند که کسی به ندرت به آن جا می‌آید، مقدمات تمرین‌هایش را آماده کند و با ترس و لرز در ساعات استراحت به یادگیری بپردازد. اگر دیده شود از پروژه اخراج می‌شود. یادگیری را در حقیقت باید با زیرکی از پیمانکار به دست آورد. پس از تسلط به کار به پیمانکار اعلام می‌کند که آمادگی تست جوشکاری را دارد. چون تست فرم قبلی ندارد، پیمانکار در صورتی او را برای تست معرفی می‌کند که پس از موفقیت در تست جوشکاری یک سال با حقوق یک کمکی برای پیمانکار کار کند و پس از آن تست فروم‌اش را به او می‌دهند و او می‌تواند به عنوان جوشکار هر جایی برای کار مراجعه کند.

ولی "علی‌باز" انتخاب دیگری داشت. رویاهایش او را به دنبال کاری راحت‌تری کشاند. چند روز بعد، "علی‌باز" در لباس کاریک تکه، قیافه‌ی دیگری پیدا کرد او کمکی آشپز شده بود تا تلافی گرسنگی مزمن در مال را جبران کند. به سرعت ابعاد بدنش دچار تغییرات اساسی شد. کمی شکمش جلو آمده بود و صورتش از پوستی چرب برق می‌زد. با این وجود حتی کار هم نتوانسته بود رویاها را از او بگیرد به زیرخاکی و گنج فکر نمی‌کرد. سمت و سوی تصوراتش حول و حوش پیمانکاری و از این راه ثروتمند شدن، دور می‌زد.

آن روز می‌بایست برای چند صد نفر سالاد الویه را آماده کند. سیب زمینی‌های زیادی آب‌پز شده و آماده‌ی پوست‌گیری و له شدن بودند. همکاری‌اش امروز نیامده بود. دست تنها بود و اگر به موقع کاریش را آماده نمی‌کرد، کاریش را از دست می‌داد. سیب‌زمینی‌های داغ را در یک دیگ ریخت و درهای آشپزخانه را بست. لباس کار و پوتین‌های فرسوده‌اش را بیرون آورد و وارد دیگ شد و با پا شروع به له کردن سیب زمینی‌ها نمود. پاهایش را سیب زمینی‌های داغ می‌سوزاند و او را وادار به پریدن به هوا می‌کرد و باز سیب‌ها را لگد می‌کرد. گرمای جنوب و گرمای آشپزخانه و تلاش در میان سیب‌زمینی‌های داغ او را خیس عرق کرده بود. از همه سوی بدنش عرق‌ها به درون دیگ جاری شده بود. با این شیوه کار سریع به پایان رسید و تخم مرغ‌ها را هم آنقدر با سرعت می‌شکست و به درون دیگ می‌ریخت که نتوانست از افتادن چند تخم مرغ گندیده به درون دیگ جلوگیری کند. با خود فکر کرد ای بابا این همه سیب زمینی با این چند تخم مرغ گندیده مشکلی ایجاد نمی‌کند. درها را باز کرده بود که سرآشپز خسته از خواب بی‌موقع وارد شد. وقتی دید همه چیز تقریباً آماده است "علی‌باز" را تشویق کرد. به هر حال سالاد الویه به سبک "علی‌باز" بین کارگران توزیع شد. فردای آن روز سیصد نفر دچار مسمومیت شدید شدند و کارگاه به کلی تعطیل شد. یک نفر در گذشت و بقیه سه روز اعتصاب کردند و در نهایت "علی‌باز" و سر آشپز اخراج شدند.

"علی‌باز" می‌دانست که پارس جنوبی 90 کیلومتر در کنار ساحل کشیده شده و شامل ده‌ها پروژه است. در پروژه بعدی خود را آشپز معرفی کرد. برای استخدام باید با مدیر پروژه گفتگو می‌کرد.

- چند سال سابقه‌ی کار در آشپزخانه داری؟

- ده سال

- به سن و قیافه‌ات نمی‌خوره که ده سال کار کرده باشی؟

- هر چه شما بفرمایید، همان قدر

- بین در آشپزخانه، آشپزی یکی از کارهای توست. تو باید بتونی ... نفر کارگر را که مرتب

اعتراض می‌کنند و به غذا ایراد می‌گیرند پاسخ‌گو باشی.

- آقا اون با مو.

- چطور؟

- راه داره آقا ، به يکي دو تا از گردن کلفت‌هاشون غذاي بيشتري مي‌دم و بين آنها دودستگي مي‌اندازم. آن وقت آنها توي سر هم مي‌زنند.

در ادامه ي گفتگو مدير پروژه متوجه شد اين فرد مي‌تواند براي اهدافش مفيد واقع شود. از اين رو در ذهنش پيشنهاد پيمانکاري آشپزخانه شکل گرفت. او از اين طريق مي‌توانست گناه همي کمبودها را به گردن "علي باز" بيندازد، تازه او خودش بايد بيمه و حقوق کارگران را هم بپردازد. در عين حال مي‌تواند از تازه‌کاري و بي‌سوادي او استفاده کند و سهم بيشتري را خود صاحب شود و حداقل به "علي باز" بدهد. از اين رو ابتدا "علي باز" را نااميد کرد:

- ما نمي‌توانيم آشپز استخدام کنيم. ما قصد داريم که کار آشپزخانه را به يك فرد وارد و کارکرده به صورت پيمانکاري واگذار کنيم. ولي تو مثل اين که سابقه‌ي زيادي نداري و اين کار تو نيست. - نه آقا مو ...

گفت وگو ادامه يافت و قرار داد بسته شد.

"علي باز" بايد فقط يك آشپز استخدام مي‌کرد. براي کمکي‌ها مشکلي نداشت "مال" پر بود از جوانان بيکار و آرزومند يك شکم سير. موبایل همه مشکلات استخدامي‌اش را حل مي‌کرد.

- الو، الو هي روح ا... بيو بيو تي خوم (پيش خودم) سر کار، کالباس هم ايدن، نوشابه هم ايدن. بيو، بيو ايجو کويته.

"علي باز" طي مدتي که در پروژه بود، متوجه همي خلاف کاري‌ها شده بود. همي کارگران مورد نياز آشپزخانه را از ميان هم ولايتي‌ها استخدام کرد. آنها هم که در ذهنشان چيزي به نام تامين اجتماعي و بيمه و بازنشستگي وجود خارجي نداشت، زيرا اکثر اوقات در شهرها روزمزي کار کرده بودند، با همان حداقل حقوقي که "علي باز" مي‌داد راضي بودند. به خصوص که سه وعده غذا و هم جايي به نام خوابگاه به آنها مي‌دادند. ديگه مجبور نبودند نان دوغ بخورند. هميشه مقداري برنج و خورشتي که با آن مي‌دادند، وجود داشت که اين براي اهل مال يك نعمت بود.

شراکت "علي باز" با مدير پروژه، حساب بانكي "علي باز" را بالا و بالاتر برد. او فقط در دفترش زير کولر نشسته بود و دستور مي‌داد. مدتي بعد اولين ماشين بالاي صد ميليون توماني را خريد و با غرور در آن مي‌نشست و چون رانندگي را ياد نگرفته بود يك راننده هم استخدام کرد. آشپز، بقيه کارگري‌ها آشپزخانه را براي تقاضي بيمه شدن آگاه مي‌کرد و نمي‌دانست همي گفتگوهايش شب هنگام به وسيله کارگران ايلياتي به "رييس علي باز" گزارش مي‌دهند. "علي باز"

مي‌خواست آشپز را اخراج کند ولي در اين صورت کار او مي‌خوايد و دچار مشکل مي‌شد، زيرا در اين جهنم گرم و شرعي و سراسر آلودگي گاز، آشپز با اين حقوق که او مي‌داد، پيدا نمي‌شد.

فکر ديگري به ذهنش رسيد. "علي باز" ليست بيمه را به امضاء کارگري‌ها رساند همه خوشحال بودند که بيمه شده‌اند و دفترچه‌هاي بيمه آنها را مي‌گرفت براي صدور دفترچه و تمديد اعتبار به سازمان تامين اجتماعي مي‌برد. او با يکي از کارمندان تامين اجتماعي وارد يك بده بستان مالي شد. دفترچه‌ها مهر مي‌شد و حتي دفترچه جديد هم صادر مي‌شد. ولي بيمه‌اي در کار نبود. در

ساختار اقتصادي و دلالي همه مشکلات با پول حل شدني است. "علي باز" هم از خرج کردن پول‌هاي واسطه‌گري دريغ نداشت. آري "علي باز" داشت به آرزوهايش مي‌رسيد. ولي نه با خلاقيت و دانش و پشتکار بلکه با فريب و دروغ و رشوه و ربا. او اينک يك پيمانکار موفق نظام تعديل ساختاري و خصوصي‌سازي شده است. بچه‌هاي ايل با اين که مي‌دانند او همان بچه يتيم مال است که تاج‌ماه با تحقير و کتک از مال بيرونش انداخته ولي همه جا مي‌گفتند "علي باز" خانزاده است و افتخار مي‌کردند که در کنار او کار مي‌کنند.

نوپيمانکار ساختار دلالي شنیده بود که با مبلغی چند ميليوني مي‌توان مدرک ليسانس و بالاتر را خريد. او که پول‌هايش ديگر داشت سر به فلک مي‌کشيد، مي‌توانست از اين دانشگاه‌هاي وطني دکترا هم بخرد، آن هم دکترائي که اگر استعلام شود، از دانشگاه مربوطه تاييده هم بفرستند.

آري در ساختار بازار آزاد، پول معجزه مي‌کند و همه چيز را مي‌توان با آن مبادله کرد. اينک آقاي دکتر "علي باز" دارد خود را آماده‌ي کانديداتوري مجلس مي‌کند ولي قبل از آن قصد دارد با يك تغيير جزئي در نامش براي هميشه "علي باز" را به ديار فراموشي بسپارد و اميرعلي را جاي‌گزين کند .

1392/3/22

سه‌شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۲ ه.ش.

کارخانه ؛ مجله کارگري راديو ندا، کاري از بهرنگ زندي

اولين برنامه کارخانه، مجله کارگري راديو ندا، شامل اين موضوعات است:

- 1- اخبار کارگري
- 2- تحليل و بررسي مصوبه جديد شوراى عالي کار در مورد افزايش 25 هزارتومانى دستمزد
- 3- نامه زييده حاجي زاده همسر بهنام ابراهيم زاده فعال کارگري در بند به نهادهای حقوق بشرى

گوش کردن با مدیا پلیر

گوش کردن با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/08/blog-post_13.html

رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور: خط فقر از 18 میلیون ریال در ماه گذشت

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 22 مرداد 92 آمده است : رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با انتقاد از اینکه در لایحه پیشنهادی دولت به مجلس برای اصلاح قانون کار نظر کارگران لحاظ نشده است، گفت: این پیش‌نویس انحراف از واقعیت‌ها دارد و ضرورت داشت این پیش‌نویس با کارشناسان حوزه کار و نمایندگان کارگران مورد بررسی صنفی قرار می‌گرفت.

به گزارش ایلنا، اولیا علی بیگی در نشست خبری روز گذشته با تاکید بر اینکه قانون کار کشور به دلیل گستردگی جمعیت تحت پوشش خود بعد از قانون اساسی دومین قانون فراگیر و پر شمول کشور محسوب می‌شود، گفت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دهم بدون توافق با شرکای اجتماعی لایحه اصلاح قانون کار را تدوین و به مجلس ارسال کرده است.

وی افزود: پیش‌نویسی که از سوی دولت به مجلس فرستاده شد آن پیش‌نویسی نبود که نمایندگان کارگران در نشست با کارفرمایان به توافق و به مجلس فرستاده بودند، چنانچه این موضوع حتی مورد تایید کارشناسان بین‌المللی سازمان جهانی کار نیز هست.

علی بیگی با اشاره به اینکه پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون کار در ۱۴ جلسه با حضور کارفرمایان بررسی شد افزود: به طور مثال اینکه عنوان «شرط اقتصادی» را در کنار ماده ۴۱ قانون کار لحاظ کرده‌اند به ضرر کارگران است.

وی ادامه داد: در جلسه تعیین دستمزد کارگران برای سال ۹۲ زمانی که نمایندگان کارفرمایان بیان می‌کردند که حقوق کارگران علاوه بر اینکه مطابق با نرخ تورم و سبب معیشت کارگران تعیین شود شرایط اقتصادی هم لحاظ شود.

علی بیگی تاکید کرد: به عنوان نماینده کارگران در شورای عالی کار به نمایندگان کارفرمایان حاضر در جلسه گفتم لحاظ کردن شرط اقتصادی در کنار ماده ۴۱ قانون کار تناقض دارد، مگر می‌شود نرخ تورم و سبب معیشت خانوار را در کنار شرایط اقتصادی برای تعیین دستمزد لحاظ کرد بنابر این عنوان نباید در تعیین دستمزد در نظر گرفته شود.

علی بیگی با اشاره به افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن و ۲۵ هزار تومانی بن کارگری بیان کرد: نمایندگان کارگران قول افزایش حق مسکن و بن کارگری را پس از تعیین دستمزد ۹۲ کارگران در آخرین جلسه شورای عالی کار در سال گذشته گرفته بودند.

وی با بیان این مطلب که موافقت دولت درباره افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن کارگران از قبل اخذ شده بود و در این زمینه با وجود اتمام کار دولت دهم مشکلی وجود نداشت گفت: پیش‌تر در دیدار با رئیس جمهور، موافقت وی را با افزایش حق مسکن کارگران در سال جاری گرفته بودیم. رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در اینبار که برخی گروه‌های کارفرمایی عنوان می‌کنند اعمال افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن منوط به پس گرفتن شکایت مزدی کارگران از دیوان عدالت اداری است اظهار داشت: چنین پیش شرطی در صورتجلسه شورای عالی کار وجود ندارد و هرگونه مطالبی که در این زمینه عنوان می‌شود نادرست است.

علی بیگی با تاکید بر اینکه برخی گلاویه‌ها و اظهارنظرهای کارشناسی از سوی طرفین کارگری و کارفرمایی در نشست شورای عالی کار مطرح شد افزود: در نهایت تصمیم‌گیری بدون هرگونه پیش شرط انجام شد.

وی ادامه داد: اعضای شورای عالی کار زمانی باید پیش شرط را بپذیرند که درباره تخلف در تعیین حداقل دستمزد امسال شکایتی را مطرح کرده باشند، اما زمانی که شاکیان گروه‌های دیگری از کارگران هستند ما حق مداخله در تصمیم آنان یا وعده‌ای از سوی آنها را نداریم. این مقام مسئول کارگری کشور بیان داشت: هم اکنون صورتجلسه شورای عالی کار که بر مبنای رای‌گیری افزایش حق مسکن و حق بن نقدی کارگران را تعیین کرده است موجود است و هرگونه اظهارنظر درباره وجود پیش شرط در این زمینه مورد تأیید نیست.

وی خاطر نشان کرد: یک نکته قابل ملاحظه در نشست اخیر شورای عالی کار که باعث شد تا کار به رای‌گیری کشید این بود که همواره از سال ۶۹ که قانون کار به تصویب و اجرا گذاشته شد، شورا سعی داشت از طریق اجماع و کسب نظر گروه‌ها کار را دنبال کند اما اینبار با بدعتی که کارفرمایان گذاشتند کار به رای‌گیری کشید و در نهایت با اکثریت آراء افزایش حق مسکن و بن نقدی کارگران در سال جاری به تصویب رسید.

به گفته علی بیگی، اینکه اینبار کار به رای‌گیری کشیده است می‌تواند حامل این پیام برای کارفرمایان باشد که از این پس دیگر کارگران نیز به دنبال اجماع نخواهند رفت و تلاش می‌شود دقیقاً برابر با قانون و رای‌گیری تصمیمات شورای عالی کار دنبال شوند.

رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور تصریح کرد: در هر صورت تصمیمات شورای عالی کار در حکم قانون و لازم‌الاجرا است و من متأسفم برخی جایگاه کارفرمایان را در این شورا مخدوش می‌کنند و صحبت‌هایی مطرح می‌شود که شایسته شورا و جایگاه کارفرمایان نیست.

این مقام مسئول کارگری کشور با تاکید بر اینکه در مصوبه شورای عالی کار ذکر شده است که از اول مرداد ماه افزایش حق مسکن و بن خواروبار باید اجرا شود، اظهار داشت: هیچ گروهی پس از تصمیمات شورای عالی کار حق تخطی ندارد و اگر موضوعی مطرح می‌شود می‌توان آن را از طریق مراجع قانونی پیگیری کرد. شورای حل اختلاف در اینبار وجود دارد که اگر مراجعه نیز صورت گیرد حتماً رای به مصوبه شورای عالی کار خواهد داد. نمی‌توان به هر بهانه‌ای از قانون سربلندی کرد.

عضو شورای عالی کار همچنین خط فقر واقعی در کشور را یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرد و افزود: ستاد دستمزد باید نرخ تورم را واقعی تعیین نموده و تمامی شاغلانی که زیر خط فقر حقوق می‌گیرند، از پرداخت مالیات معاف شوند.

علی بیگی با اشاره به دریافت ۱۰ تا ۱۵ درصدی مالیات از حقوق بگیران، گفت: دولت باید خط فقر واقعی را اعلام کند که براساس آخرین گزارش‌ها این نرخ حدود بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار

تومان برآورد می‌شود. وی اضافه کرد: هزینه‌های درمان، پوشاک، آموزش و غیره برای یک خانواده چهار نفره حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود بنابراین مرکز آمار باید آماری رسمی در این زمینه ارائه دهد تا در تعیین نرخ دستمزد نیز مورد استفاده قرار گیرد.

رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور اظهار کرد: قوانین و مقررات باید مطابق قوانین اسلامی بوده و در شرایطی که کارگران زیر خط فقر حقوق دریافت می‌کنند، نباید مالیات نیز پرداخت کنند.

وی تاکید کرد: دولت باید به عنوان عضوی از شورای عالی کار کارگرانی را که زیر خط فقر حقوق پرداخت می‌کنند از پرداخت مالیات معاف کند.

رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با اشاره به زوایای روند تدوین لایحه دولتی اصلاح قانون کار و اینکه دولتی‌ها می‌خواستند با یک صلوات توافق کارگران را بگیرند، گفت: احمدی‌نژاد برای اجرای هدفمندی یارانه‌ها به وزیر کار دستور ویژه داده بود نگذار حد اقل دستمزد سال ۹۰ کارگران بیشتر از ۹ درصد افزایش یابد، چون می‌خواست آثار منفی هدفمندی را کنترل کند.

علی بیگی با بیان اینکه ساختار تشکلات کارگری در ایران مشکل دارد گفت: اگر به این موضوع در اصلاح قانون کار که به منزله هویت و شناسنامه کارگران است توجه نشود، روند فعلی ادامه خواهد یافت و امکان پیگیری همه مطالبات کارگران فراهم نمی‌شود.

وی ادامه داد: اگر قرار است قانون کار بر مبنای قوانین داخلی اصلاح شود، قانون اساسی بهترین مرجعی است که می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

این مقام مسئول کارگری کشور افزود: در ابتدای کار وزارت کار می‌خواست با یک صلوات موضوع اصلاح قانون کار را تمام کند و ما لایحه دولتی اصلاح قانون کار را بپذیریم. وزارت کار می‌گفت ماده به ماده لایحه را می‌خواند ما درباره آن نظرمات را اعلام کنیم که ما نپذیرفتیم و درخواست ۲ ماه مهلت برای بررسی کار کردیم.

وی اظهار کرد: پس از آن تهدید کردیم که اگر روند کار تغییر نکند و پیش نویس برای بررسی در اختیار کارگران قرار نگیرد. دیگر در جلسات شرکت نخواهیم کرد که آن‌ها موضوع را جدی نگرفتند و نمایندگان کارگران بعد از آن دیگر در جلسات شرکت نکردیم.

رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور بیان کرد: یک نشست نیز به صورت خصوصی با شیخ الاسلامی؛ وزیر سابق کار داشتیم و در آن جلسه شرط کردم اصلاح قانون کار باید با این موضوع همراه باشد که عیدی کارگران از پیش نویس اصلاح قانون کار خارج شود. در آن جلسه وزیر گفت توافق کارگران و کارفرمایان را به شرط عدم تضاد با منافع ملی خواهد پذیرفت و آن را به عنوان لایحه به دولت می‌فرستد.

علی بیگی بیان داشت: پیش نویس قانون کاری که در وزارت تعاون، کار و رفاه تهیه شد دارای اشکالاتی است به ویژه فصل ششم آنکه به صورت کارشناسی تهیه نشده است. همچنین در این پیش نویس دغدغه‌های جهانی رفع نشده و در آن مقطع وزارت کار به دلیل دستور برنامه پنجم توسعه صرفاً یک کار رفع تکلیفی انجام داد.

این مقام مسئول کارگری کشور گفت: اولین کار وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید این باشد که لایحه اصلاح قانون کار را از مجلس پس بگیرد تا بتوان بر روی آن بررسی صنفی انجام داد.

پایان پیام

فراخوان
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
هیأت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

خانواده اسالو خانواده محمد جراحی

40 روز از درگذشت کارگر زحمتکش افشین اسالودر زندان رجایی شهر می گذرد. با توجه به شرایط زندان که محدودیت های بسیاری برای زندانیان ایجاد می کند و موجب تشدید ناراحتی های جسمی و روحی می گردد، در نتیجه شرایط را برای زندانیان نامطلوب تر می کند. در حال حاضر محمد جراحی کارگرنقاش وعضوسندیکای کارگران نقاش وتزیینات تهران به دلیل ابتلا به سرطان تیروئید وعدم دسترسی مناسب به پزشک به سمت مرگ سوق داده می شود. رضاشهبای راننده اتوبوس و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به دلیل عدم معالجات و مراقبت های پزشکی بعداز عمل جراحی در شرایط نامطلوبی به سر می برد.

تا چه زمان کارگران به خاطر فعالیت های کارگری و سندیکایی در جهت رفاه حال زحمتکشان ایران جان خود را در این پیکار باید از دست بدهند؟

این کارگران دریند و بیمار چه خطری در بیرون از زندان برای کارفرمایان و سرمایه داری سودجو دارند که باید همچنان از دسترسی به پزشک تا دم مرگ محروم باشند؟ ما از قوه قضاییه می خواهیم که این کارگران بیمار و دریند را برای تکمیل روند معالجات مناسب پزشکی خود، بی درنگ آزاد کنند.

ما از فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU وکنفدراسیون آزاد سندیکاهای کارگری ILO و کورییک معاون ITUC و مسئول کارگری ILO و همچنین گای رایدن رییس ILO می خواهیم اعتراض خود را نسبت به عدم رعایت مقوله نامه های 98 و 87 در مورد آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری ایران و فعالینش به دولت ایران اعلام کرده و برای آزادی فوری کارگران بیمار سندیکایی فوق و همه فعالان کارگری زندانی از هیچ کوششی دریغ نوزند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش وتزیینات
خانواده اسالو

1392/5/20

خانواده محمد جراحی
جهت اطلاع : فدراسیون ث. ژ. ت - سود - اونسا - اف.اس.یو.ث - ث.اف.د.ت و سندیکای فلزکاران سوئد

خبرنامه تحلیلی فلزکار شماره 53 اکثر اخبار مندرج در داخل کیومه ها از خبرگزاری ایلنا نقل شده است

بیکاری، قرار دادهای موقت، عقب افتادن دستمزدها، تعطیلی کارخانه ها، کشته شدن کارگران در حوادث کاری، زیر پا گذاشتن قانون در مورد زنان کارگر و لغو بازنشستگی با 10 سال سابقه و نادیده گرفتن حقوق اعضای خانه سینما و چنبره زدن سرمایه داری انگل تجاری در سیاست اقتصاد از جمله در وزارت کار و افزایش واردات از جمله اخبار مطرح در یکماه گذشته بوده است. نگاهی به این اخبار:

«لرستان قهرمان بیکاری کارگران در کشور- اخراج 10 کارگر قدیمی در کارخانه پاکشوما برای صرفه جویی در هزینه های کارخانه- تعطیلی کارگاه های کشتی سازی صدرای بوشهر به دلیل اعتراض 1500 کارگران به عقب افتادن حقوقشان طی سه ماه گذشته - بیکاری 78 کارگر صنایع ارسطو- 230 کارگر کاغذسازی کارون در انتظار بازگشایی کارخانه- تعطیلی 400 واحد تولیدی آجر در اصفهان- تعطیلی 300 کارخانه تولید لبنیات به دلیل هدمندی یارانه هاطی سال گذشته-

122 هزار کارگر قطعه سازی بیکار شدند- 67 کارگر اخراجی قارچ سینا در انتظار بازنشستگی-
230 کارگر فولادزاگرس قروه اخراج شدند» این گوشه کوچکی از اخبار بیکار شدن کارگران است که در مطبوعات مجاز منتشر می شود. بسیاری از کارگران ساختمانی، شرکت های خصوصی، کارگاه های کوچک اخبارشان راهی به این مطبوعات ندارد، از جمله می توان به بیکاری گسترده کارگران نقاش، بنا، گچ کار، سیمان کار، سنگ کار، جوشکار اشاره کرد. اگر بیکاری در صدر خبرهای کارگری است بی حقوقی و عدم پرداخت به موقع حقوق را نیز می توان از مهمترین مشکلات طبقه کارگر دانست، که در پی آن، بیکاری این خانواده های کارگری را تهدید می کند. «80 کارگر تدبیر نیرو 8 ماه حقوق نگرفته اند- 250 کارگر کارخانه برک 5 ماه حقوق نگرفته اند- 300 کارگر آیفای اهواز 4 ماه تاخیر در پرداخت حقوق داشته اند- 82 هزار کارگر فولاد 3 ماه حقوق نگرفته اند و 25 درصد افزایش حداقلی حقوق هم در موردشان اجرانشده است- 100 هزار کارگر شاغل در پارس جنوبی و مناطق ویژه تجاری جنوب ایران از 3 تا 5 ماه حقوق از شرکت هایشان طلبکارند- اعتراض کارگران تراکتورسازی تبریز به تاخیر 2 ماهه در پرداخت حقوقشان- اعتصاب کارگران نورد لوله و پرفیل صفای ساوه در اعتراض به 4 ماه عقب افتادن حقوق شان» اگر کارگاه های کوچک و زیر صد نفر بدلیل شرایط رکود، تحریم، هدمندی یا رانه ها قادر به پرداخت حقوق کارگران خود نیستند، چقدر پروژه های ملی همچون فولاد، نیرو، پارس جنوبی که پول سازترین پروژه های این کشورند و سرمایه داری انگل تجاری مدیریتش را به عهده دارد و سودهای افسانه ای می برند، کارگران شان یا بیکار و یا ماهها تعویق حقوق دارند؟ در پارس جنوبی اکثر اعتصابات توسط پیمانکاران مربوطه به کارگران توصیه و راه اندازی می شود تا از مافیای نفتی مطالباتشان را وصول کنند. آیا واقعا کمبود نقدینگی است یا اینکه در این آشفتگی بازار، سرمایه داری انگل تجاری از دادن دسترنج کارگران امتناع کرده و به سودهای بادآورده خود اضافه کند. چه کسانی در راس هرم قدرت و سیاست از اینان حمایت می کنند؟ چگونه است که کارفرمای فولادزاگرس در کمیسیون اصل 90 قول می دهد که کارگران را به سرکار بازگرداند ولی پس از آمدن کارگران به شهر قروه زیر قولش می زند؟ چرا فرماندار شهر قروه از این آدم که شهر را با ندادن حق و حقوق کارگران به آشوب می کشاند بازخواست نمی کند؟ اگر این آقایان می تواند کارخانه را راه اندازی کند، کارگران می توانند به بهترین وجهی این کار را کرده و ماهانه حقوق این آقایان را هم پرداخت کنند. ثروت و بودجه این کشور از نفت تامین می شود چگونه است که این ثروت نباید اول بدست تولیدکنندگان که همانا کارگران پارس جنوبی است برسد؟ چطور برای پرداخت حقوق چند صد میلیونی مدیران پول هست و پاداش هم داده می شود ولی برای کارگران نیست؟ کدام مدیران پروژه است که حقوقش یک ماه حداقل عقب افتاده باشد؟ و یا پاداش چند صد میلیونی در آخر سال گذشته را نگرفته باشد؟ دوستان این سیاست سرمایه داری انگل تجاری است که ایران را ویران و طبقه کارگر را له شده می خواهد. سرمایه داری برای اینکه بتواند سکان اعتراضات کارگری و نبض زندگی میلیونها زحمتکش را در دست داشته باشد، با قرار دادهای سفیدامضا این مهم را مدیریت می کند» 200 کارگر اداره مولد بخار قطار رجا قرارداد سفیدامضا هستند - 150 کارگر نیروگاه حرارتی تبریز با قرارداد کمتر از یکماه کاری کنند- پرداخت 150 هزار تومانی کمتر از حداقل مزد در کارگاه های کوچک- حداقل مزد در برخی از کارگاه های کوچک پرداخت نمی شود- کارگران نانوايي در محدوده مصوبه حداقل مزد قرار ندارند» در نیروگاهها، پارس جنوبی، فولاد، ذوب آهن، کارخانه های ماشین سازی همچون ایران خودرو- سایپا- سایپادیزل- واگن سازی پارس- ماشین سازی اراک و تبریز- کارگران با قراردادهای یکماه تا ششماه کاری کنند تا شمشیر بیکاری و بیکارسازی همیشه روی گردن طبقه کارگر آویزان باشد تا هرگاه طبقه کارگر خواست اعتراضی بکند یا شمشیر بیکارسازی همچون فولادزاگرس قروه آنان را به دره فقر و تباهی بفرستند. در این میان کارگران زن بی حقوق تروبی پناه تر و مورد هجوم بیشتری اند. به این خبرها توجه کنید «کارگران زن در کارگاه های کوچک قدرت چانه زنی کمتری دارند- تضییع حقوق کارگران زن در کارگاه های زیرزمینی شایع تر است» البته آن چه ما می دانیم از این اخبار وحشتناکتر است. کتک زدن، تجاوز، توهین های زشت در بسیاری از این کارگاهها رواج دارد. سودجویی کارفرمایان جان کارگران را نیز نشانه رفته است» کشته

شدن 265 نفر بر اثر حوادث ناشی از کار در ظرف 2 ماهه که در بین آنان 2 نفر زن هستند، تهران و خراسان جنوبی رکورد دار هستند» این آمار یعنی 4/5 نفر کارگر در هر روز کشته می شوند که نشان از سودجویی کارفرمایان دارد. کشته شدن کارگرانی بیگناهی که برای رفع نیازهای انسانی خود تن به شرایط غیرانسانی که مرگ عاقبت آن است هشدار دهنده این موضوع است که وزارت کار در بازرسیهای خود از کارگاهها و کارخانه هاوتذکر دادن ایمنی در کارفرمایان بشدت اهمال و سهل انگاری می کند. وزارت خانه ای که کارش رفاه و امور اجتماعی است باتصویب حداقل مزد 4 برابر زیر خط فقر، فقر رایجی رفاه و مرگ و میر را بجای امور اجتماعی در این وزارت خانه به امری عادی بدل کرده است.

نه تنها وزارت کار نگاهی انسانی به طبقه زحمتکش ندارد بلکه وزارت بازرگانی نیز به هیچ وجه سیاستی به نفع کشور و مردم را دنبال نمی کند و افزایش قیمت ها و گرانی هر روزه ناشی از سیاست های نابخردانه این وزارتخانه است. وزیر بازرگانی 30 میلیون ایرانی زحمتکش را از سبد کالای رمضان محروم کرد. 30 میلیون کارگری که سالهاست از عدم هماهنگی بین دستمزدها و گرانی اعتراضش به هفت اسمان بلند است. 70 میلیون ایرانی که باتصویب ارزش مرجع 50 درصد قدرت خریدش را از دست داده است و سفره اش خالی از میوه و گوشت و روغن گشته قربانی سیاست های سرمایه داری خائنی شده است که سود را در واردات هر چه بیشتر و نابودی اقتصاد و گرسنگی طبقه مزدبگیر می داند. «افزایش واردات 60 درصدی واردات گندم. خرید گندم از کشاورزان ایرانی 720 تومان، خرید گندم از واردکننده ها 1200 تومان- واردات دکل های حفاری چینی از چین برای وزارت نفت. باتوجه به داشتن توانایی کشور در ساخت دکل حفاری و رقابت با دیگر کشورهای و صادرات این محصول به خارج از کشور» دوستان شما بگوئید وقتی وزارت بازرگانی گندم را از وارد کننده 1200 تومان می خرد و از کشاورز ایرانی 720 تومان یعنی چه؟ جز سیاست نابودی دهقان و کشاورزی ایران معنای دیگری دارد؟ دوستان وقتی دکل های وزارت نفت بدست توانای کارگر ایرانی ساخته می شود، وارد کردن این دکل ها از خارج جز بیکاری کارگران ایرانی و ثروتمندتر شدن بازرگانان خائن به اقتصاد و مردم ایران چیست؟

در این روزهای تغییر دولت، زمزمه ویزگی های وزیر کار آینده چندی است در میان فعالان کارگری مشاهده می شود. «وزیر کار روحانی نباید از جنس کارفرما و پیمانکار باشد- حضور گرایش کارفرمایان در وزارت کار باعث ادامه تنش های جنسی کارفرما و پیمانکار نگاه قهرآمیز به واکنش های صنفی کارگران را تعدیل کند و تنها باید صدای کارگران را بشنود باید صدای کارگران باشد- شخصی در راس وزارت کار قرار گیرد که دارای خاستگاه و پیشینه کارگری باشد، که هر جمعی را تهدید امنیت ملی تلقی نکند» همه این تذکرات خوب و درست است، اگر آقای روحانی قصد این را داشته باشد که از سیاست واردات به سیاست تولید و از نگرش و دستورات صندوق بین المللی پول که اقتصاد و تولید صنعتی ما را نشان گرفته است، فاصله بگیرد. شاید وزیرکاری از جنسی دیگر را در کارنامه خود بگنجانند. ما فکر می کنیم این سخنان ابراهیم مددی عضو برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که در مصاحبه با ایلنا ابراز شد و به دلیل صراحتش حتی 24 ساعت هم در سایت این خبرگزاری باقی نماند، جان کلام کارگران ایران باشد.

ابراهیم مددی: انتظار کارگران از رییس جمهور حقوق دان، بازگشت وزارت کار به مدار قانون است. اگر وزیر کار آینده قصد اجرای عدالت را دارد باید از شجاعت کافی برای پاسخگویی به معترضان، منتقدان، مخالفان احتمالی اقدامات خود برخوردار باشد. وزیر کار کابینه «تدبیر و امید» باید با حقوق کار، بازار کار، و جامعه کارگری آشنا باشد.

یک فعال کارگری در اهواز اعتراض کرد:
اتلاف وقت و هزینه کارگران اخراجی در کاغذبازی ادارات کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 22 مرداد 92 آمده است : يك فعال کارگری در اهواز از کاغذبازی موجود در ادارات کار که برای کارگرانی که شغل خود را از دست داده‌اند هزینه‌ساز و زمان‌گیر است، انتقاد کرد.

«آقایار حسینی» دبیر خانه کارگر اهواز در تشریح اعتراض کارگران، به ایلنا گفت: این اداره در هنگام اخذ مدارک از کارگرانی که برای رسیدگی به شکایت و اختلافات کارگری و کارفرمایی مراجعه می‌کنند، آنان را برای دریافت «کپی برابر اصل مدارک» به مجتمع‌های قضایی ارجاع می‌دهد.

این فعال کارگری طی کردن چنین روندی را غیر قانونی و باعث هدر رفتن پول و وقت کارگران توصیف کرد و گفت: با توجه به کثرت کارگران مراجعه کننده به این اداره، به سادگی می‌توان ایم روند را با تعامل با دستگاه قضایی به نفع کارگران تسهیل کرد.

حسینی عمده کارگرانی که برای شکایت به اداره کار مراجعه می‌کنند را افرادی مستاصل توصیف کرد که منبع تامین معیشت‌شان را از دست داده‌اند.

او در این باره گفت: اجبار این کارگران به برابر اصل کردن کپی مدارک در مجتمع‌های قضایی و دفتر خانه‌ها هزینه‌های کارگرانی که برای تامین هزینه‌های حداقلی زندگی خود دچار مشکل‌اند را بیشتر می‌کند و همچنین باعث معطل شدن آنان در صف‌هایی که به همین منظور در دفترخانه‌های نزدیک به این ادارات شکل می‌گیرند می‌شود.

پایان پیام

هیئت امنای دستور داد: مجوز استخدام ۵۰۰ نفر در تأمین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 22 مرداد 92 آمده است : در حالی که هنوز بررسی صلاحیت وزرای کابینه یازدهم در صحن مجلس شورای اسلامی ادامه دارد، هیات امنای سازمان تامین اجتماعی که به تازگی در ترکیب خود شاهد حضور سعید مرتضوی است، برای استخدام ۵۰۰ نفر در این سازمان مجوز صادر کرده است.

منابع ایلنا در سازمان تامین اجتماعی گزارش کرده‌اند: علاوه بر صدور مجوز استخدام توسط مدیران دولت دهم، هسته گزینش این سازمان نیز تحت فشار قرار گرفته است تا هرچه زودتر با استخدام دائم ۲۰۰ نفر از افراد که گفته می‌شود از حامیان و نزدیکان مدیریت این سازمان هستند موافقت کند.

علاوه بر موضوع صدور مجوز برای استخدام نیروهای جدید و تلاش تبدیل وضعیت استخدامی بخشی از کارکنان کنونی سازمان تامین اجتماعی، این روزها اعطای وام و پاداش به اعضای تیم مدیریتی در هیات مدیره‌های شرکت‌ها و موسسات اقتصادی متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) رونق گرفته است.

پایان پیام

سال فشار، تشکلهای صنفی را زمینگیر کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 22 مرداد 92 آمده است : یک فعال صنفی معلمان گفت: فشارهایی که طی ۸ سال گذشته بر نهادهای مدنی به طور عام و تشکلهای صنفی معلمان به طور خاص وارد شده نیروهایشان را زمینگیر و ساختارشان را ناکارآمد کرده است.

«محمدرضا نیک‌نژاد» در این باره به ایلنا گفت: رابطه دولت با تشکلهای صنفی نیازمند بازسازی کلی است. دولت آقای روحانی می‌تواند با ایجاد فضای لازم برای فعالیت کنشگران صنفی به گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی کمک کند. وی عدم تمایل معلمان به مشارکت در فعالیت‌های صنفی را یکی از آسیب‌های تشکلهای فعال در کشور دانست و افزود: شرایط ۸ سال گذشته به خودداری معلمان از ورود به ساختار تشکلهای صنفی منجر شده است. در حالی که تعداد اعضای تشکلهای صنفی در کشورهای دموکراتیک به ۴ الی ۵ میلیون نفر می‌رسد، این تعداد با بدنه اجتماعی تشکلهای صنفی موجود در کشور قابل قیاس نیست.

این فعال صنفی معلمان ادامه داد: حتی در برخی از شهرهای کشور، تعداد اعضای تشکلهای صنفی معلمان از تعداد انگشتان دست کمتر است. کاهش فشارهای نهادهای نظارتی باعث می‌شود معلمان با خاطری آسوده به فعالیت صنفی بپردازند.

به گفته آقای نیک‌نژاد، اگر تشکیلاتی به وجود بیاید ولی به دلیل محدودیت در عضوگیری، بدنه اجتماعی کوچکی داشته باشد نقش صنفی‌اش اساساً زیر سوال می‌رود.

او در ادامه بیان کرد: تشکلهای صنفی واسطه میان دولت و معلمان هستند. برخی نهادهای مدنی مانند احزاب، نقش سیاسی برای خود تعریف کرده‌اند بنابراین برای کسب جایگاه در دولت دورخیز می‌کنند اما نهادهای صنفی باید غیر سیاسی باشند.

نیک‌نژاد تصریح کرد: حتی اگر دولت آقای روحانی بخواهد تشکلهای صنفی را از سر دلسوزی وارد دولت کند آن‌ها نباید به چنین شرایطی تن دهند زیرا ورود یک تشکل صنفی به دولت، زبانش را کند می‌کند. وی افزود: یکی از ویژگی‌های اصلی نهادهای صنفی، دور نگه داشتن خودشان از نهاد دولت است. نقش واسطه‌گری میان بدنه اجتماعی و دولت نباید تشکلهای را به بخشی از بدنه بوروکراتیک دولت تبدیل کند.

این فعال صنفی معلمان در پایان اظهارداشت: نهادهای مدنی از جمله تشکلهای صنفی معلمان در حال حاضر شرایط شکننده‌ای دارند اما دولت قدرت مسلط است بنابراین در صورتی که این نهادها با دولت، وارد تعاملاتی خاص شوند به دلیل قدرت بلامنازع دولت، در آن حل می‌شوند.

پایان پیام

کارگران اخراجی فولاد زاگرس همزمان با برگزاری جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه دست به تجمع در مقابل این اداره زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران، در تاریخ 23 مرداد 92 آمده است : پس از گذشت بیش از یکماه از اعتراضات کارگران اخراجی فولاد زاگرس و شکایت آنها از کارفرما به اداره کار شهرستان قروه، صبح امروز جلسه هیات تشخیص این اداره برای رسیدگی به شکایت این کارگران برگزار شد و همزمان با تشکیل این جلسه کارگران اخراجی فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و با نصب پلاکاردی بر روی دیوار آن خواهان احقاق حقوق شدند .

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه که از ساعت ۹ صبح با شرکت جعفر عظیم زاده عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران

به عنوان نماینده کارگران با همراهی شش نفر از آنان از یک سو و نماینده کارفرما از سوی دیگر و همچنین ناظرینی از اداره کار سنندج و نماینده های کارگری و کارفرمایی استان کردستان برگزار شد شکوائیه کارگران اخراجی فولاد زاگرس را مورد رسیدگی قرار داد و مقرر گردید رای این هیات در وقت مقتضی صادر شود .

در این جلسه نماینده کارفرمای فولاد زاگرس با تعیین شروطی از جمله عدم شکایت کارگران از کارفرما در مراجع ذیصلاح اعلام کرد در صورت احراز رابطه کارگری و کارفرمایی کارگران اخراجی فولاد زاگرس پرداخت معوقات این کارگران بلامانع است و بر این اساس قول پرداخت یکماه از ۵ ماه دستمزد معوقه این کارگران را در طول ده روز آینده داد!؟ اما نماینده کارگران با رد اظهارات نماینده کارفرما و ارائه ادله قانونی مبنی بر محرزیت رابطه کارگری و کارفرمایی کارگران اخراجی فولاد زاگرس با کارفرما، بر بازگشت بکار این کارگران و پرداخت ۵ ماه دستمزد و دیگر معوقات آنان تاکید نمود و بر این اساس لایحه ای را به هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه تسلیم نمود. در این لایحه کارگران اخراجی فولاد زاگرس با تعیین اولتیماتومی ده روزه برای پرداخت کلیه معوقات خود از سوی کارفرما، بر حق خود مبنی بر ادعای خسارت دیر کرد در پرداخت این معوقات در مراجع قانونی تاکید نمودند و خواهان رسیدگی فوری به خواسته های خود شدند. در این جلسه نماینده کارفرما در حالی بر ۲۰ درصد باقی مانده بازسازی کارخانه و وصل کدخدامنشانه کارگران به بیمه بیکاری و سپس به بکار گیری مجدد آنان با همان شیوه کدخدامنشانه تاکید داشت که قبلا کارفرمای فولاد زاگرس در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی بر فروش کارخانه صحه گذاشته بود .

بنا بر این گزارش، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه و شنیدن گزارش نماینده هایشان از جلسه هیات تشخیص، به تجمع خود در مقابل این اداره پایان دادند و اعلام کردند برای پیگیری مصوبات کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی که مورد بی توجهی مسئولان استانی قرار گرفته است در وقت مقتضی بار دیگر عازم تهران خواهند شد .

رسیدگی به شکایت و تجمع امروز کارگران اخراجی فولاد زاگرس در مقابل اداره کار شهرستان قروه در حالی برگزار شد که این کارگران با تنظیم کیفرخواستی در دادگاه عمومی بخش سریش آباد در پی شکایت از کارفرما در رابطه با نقض عضو ناشی از کار در کارخانه فولاد زاگرس هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۲

خبری از زندان های رژیم اسلامی ایران

روز قبل (چهارشنبه) ظهر نامق محمودی زندانی سیاسی را از زندان خارج کردند و تا اکنون معلوم نیست به کجا بردند
لازم به توضیح است که بر اثر عدم رعایت حقوق زندانیان و عدم مداوا یک چشم نامق محمودی کاملاً بی سو شده است و چشم دیگری نیز درحال از دست دادن دید خود است . چون نامق محمودی نیست به اینکه وقت دکتر برای معالجه چشمش داشت اما ماموران اجازه نمی دادند از رئیس زندان و همچنین از ماموری که او را مورد ضرب و شتم قرار داده بود شکایت کرده است . گفته می شود که ماموران به دستور رئیس زندان جهت تنبیه ، او را به جای نا معلومی برده اند .
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/5/24

کارگران خباز مریوان و سروآباد خطاب به روحانی :
نمایندگان انتصابی را صدای حق طلبی کارگران نمی دانیم

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است: انجمن صنفی کارگران خباز شهرستان‌های مریوان و سروآباد واقع در استان کردستان با انتشار نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری، خواستار به رسمیت شناختن تشکلات مستقل کارگری از سوی دولت شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در مریوان، کارگران خباز در نامه خود به حسن روحانی به وعده‌های دولت‌های نهم و دهم اشاره کرده‌اند و حاصل وعده «آوردن نفت به سفره مردم» را «بوی نفت گرفتن سفره تهی‌تر شده کارگران» توصیف کرده‌اند.

آنان می‌نویسند: بزرگ‌ترین به اصطلاح دستاورد اقتصادی دولت دهم اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بود که با وعده و وعیدهای زیادی همراه بود. قرار بود پول نفت سر سفره‌های مردم آورده شود. اما نتیجه چه شد؟ فاصله طبقاتی و شکاف فقیر و غنی بیشتر شد، ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شدند. پول نفت فقط به سفره‌های اربابان و کسانی که به قول شما با اتوبوس وارد دولت شدند، رسید. در عوض سفره خالی طبقه کارگر و اقشار کم درآمد بوی نفت گرفت و از آنچه از قبل داشتند هم تهی‌تر گشت.

انجمن صنفی کارگران خباز شهرستان‌های مریوان و سروآباد همچنین در نامه خود از وعده‌های اقتصادی آقای روحانی در زمان انتخابات و همچنین سخنان او در مراسم تحلیف استقبال کرده‌اند و در این باره آورده‌اند: آقای رئیس‌جمهور، شما خود بارها در طول تبلیغات ریاست جمهوری و نیز در مراسم تحلیف، ناراضی‌تی خود را از وضع موجود اقتصادی و سیاسی اعلام داشتید و بزرگ‌ترین شعار شما مبارزه با فساد، فقر و تبعیض عنوان شد. مسائلی که تیشه به ریشه جامعه کارگری زده است.

این تشکل صنفی کارگران نانوا در نامه خود خطاب به بالاترین مقام اجرایی کشور، به توصیف شرایط امروز کارگران ایران پرداخته‌اند. شرایطی که به کاهش «بیش از ۵۰ درصدی» ارزش پول ملی و به تبع قدرت خرید کارگران منجر شده است. کارگران خباز در این باره به روحانی نوشته‌اند: سیاست‌های غلط خارجی، کاهش ارزش پول ملی، فرار نخبگان از کشور، تعطیلی روزافزون کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و واردات بی‌رویه و غلط، منجر به بیکار شدن بیشتر کارگران شد. افزایش نیافتن دستمزدها متناسب با نرخ تورم، قدرت خرید کارگران را در برخی موارد تا بیش از ۵۰ درصد پایین آورده است. این همه باعث شده است که خط قرمزها از جامعه ما رخت بر بینند. بیکاری معضل اصلی طبقه کارگر است زیرا کارگران همیشه خود را در معرض تهدید آن می‌بینند.

اعضای انجمن صنفی کارگران خباز مریوان و سروآباد در ادامه از حسن روحانی پرسیده‌اند که «حال شما برای طبقه کارگر چه ارمغانی دارید؟»

این کارگران در ادامه نامه خود به سخنان روحانی مبنی بر «دارا بودن توایی عذرخواهی» اشاره کرده و آورده‌اند: ابراز نمودید که اگر لازم باشد، حاضرید از مردم عذرخواهی کنید اما باید بدانید و به یاد بسپارید که عذرخواهی و اعتراف به «تدارکات چی» بودن دردی را از مردم و خصوصاً ما کارگران درمان نخواهد کرد. ما می‌خواهیم شما با اتخاذ تصمیمات درست، به عزت و کرامت کارگران احترام بگذارید. کارگری که از ابتدایی‌ترین نیازها تا کرسی‌های بی‌وفای ریاست شما را می‌سازد و تأمین می‌کند. نان که برکت سفره همگان است را کارگری درست می‌کند که دستمزدش بعد از گذشت ۶ ماه از سال جاری و علی‌رغم ماده ۴۱ قانون کار و بخشنامه تحقیرآمیز شورای عالی کار و با وجود تورم افسار گسیخته، هنوز افزایش نیافته است.

کارگران نانوای شهرستان‌های مریوان و سروآباد روحانی را به استفاده از نیروی فکری کارگران در آنچه «جنگ نابرابر در خصوص تقسیم سرمایه‌های ملی» توصیف شده دعوت کرده‌اند: جناب آقای رئیس‌جمهور! این را بدانید نرخ تورم را بانک مرکزی و مرکز آمار تشخیص نمی‌دهند، بلکه سفره و جیب‌های خالی کارگران آن را نشان می‌دهند چون آشنای دیرین زندگی کارگران است. این همه سختی و فشار در کشوری غنی، ثروتمند و دارای انواع پتانسیل‌های پیشرفت بسی جای تعجب است و افسوس! در این شرایط بیکاری، گرانی و فشار زندگی بر اقشار کم درآمد جامعه به راستی برای مسئولان شرم است. ما خواستار آنیم که شما با استفاده از نیروی فکری کارگران همسو با مطالبات و نیازهای آنان به جنگ نابرابری و ناعدالتی در خصوص تقسیم سرمایه‌های ملی بروید.

اعضای انجمن صنفی کارگران خباز مریوان و سروآباد در خاتمه نامه خود، با یادآوری «حق قانونی» ایجاد تشکلهای مستقل کارگری به رئیس‌جمهوری، تاکید کرده‌اند: ما کارگران تشکلهای مستقل کارگری را حق قانونی خود می‌دانیم و خواستار به رسمیت شناختن تشکلات مستقل کارگری از سوی دولت هستیم. مثلاً ما نمایندگان انتصابی در شورای عالی کار را هیچ وقت صدای حق طلبی و عدالت خواهی کارگران نمی‌دانیم و خواهان جایگزین نمودن نمایندگان واقعی کارگران در آن شورا هستیم. همچنین باید دیدگاه‌های امنیتی از خواسته‌های صنفی کارگران برداشته شود و به جای آن به مطالبات قانونی کارگران به چشم یک معضل و کوتاهی در اجرای قانون نگریسته شود و هر چه سریع‌تر برای بهبود وضع معیشتی کارگران اقدام شود.

کارگران کارخانه فولاد زاگرس پس از یکماه از اعتراض خود، مجدداً از کارفرما شکایت کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است: اعتراض کارگران کارخانه فولاد زاگرس در قروه کردستان که تا مرز حرکت اعتراضی از کردستان به تهران و اجتماع در برابر مجلس اسللامی نیز کشیده شد و با دخالتگری کمیسیون اصل 90 و قول بازگرداندن کارگران اخراجی برسر کار و پاسخگویی به مطالبات کارگران اعتراضی، وسیله بازگشت کارگران معترض را از تهران به کردستان را فراهم ساخت. عملاً کارفرما به این حکم اعلام شده کمیسیون اصل 90 واقعی نهدادو کارگران همچنان بلاتکلیف و بی پاسخ ماندند...

باردیگر کارگران با دست از کار کشیدن و اجتماع در برابر اداره کار قروه، خواهان پاسخگویی مسئولین شهر و استان در برابر کارفرما و عقب نشینی نکردن او از تصمیم کمیسیون اصل 90 مجلس شدند. کارگران همچنان پیگیر خواسته‌های خود هستند. اینبار نیز با طرح شکایت مجدد و واگذاری آن به دادگاه عمومی بخش «سریش آباد» از توابع شهرستان قروه، خواستار دریافت حقوق قانونی و همچنین جبران خسارت جسمانی و روانی ناشی از محیط کار و عدم اعمال اقدامات حفاظتی ایمنی شده‌اند. خواسته کارگران از طرح این شکایت، بازگرداندن کارگران اخراجی- پی‌گیری حقوق قانونی از جمله سنوات، عیدی، حقوق معوقه به انضمام خسارت تاخیر در تادیه، ایام تعلیق کار، حق اولاد عائله‌مندی، حق شیفت و نوبت کاری، مرخصی ذخیره سالیانه، بن کارگری و پاداش و مزایا است.

به گزارش ایلنا، 200 نفر از کارگران اخراجی کارخانه «فولاد زاگرس» برای پیگیری مطالبات صنفی خود با تشکیل پرونده قضایی در دادگاه عمومی بخش سریش آباد، خواستار پی‌گیری مطالبات صنفی خود از کارفرمای کارخانه و شرکت پیمانکاری خوان گل شدند.

در بخشی از متن این نامه شکایتی کارگران آورده‌اند: کارفرما طی سال‌ها فعالیت کارگران سعی کرده است از آنان بهره‌کشی کرده و حقوق آنان را تضییع کند، آنان همچنین خواستار بازگشت

بکار خود با توجه به اینکه به غیر از کار در کارخانه فولاد به کار دیگر شاغل نبوده و در آمد دیگری ندارند شده‌اند.

در بخش دیگری از طرح شکایت کارگران از کارفرمای شرکت فولاد زاگرس و شرکت خوان کارگران، کارگران از دادگاه خواستار توقیف اموال و دارایی‌های شرکت (فولاد زاگرس) اعم از نقدینگی، ابنیه و دفاتر ملکی داخل شهر قروه با توجه به اینکه اخیراً بخشی از اموال کارخانه برای فروش به مزایده گذاشته شده است شده‌اند.

همچنین این کارگران با طرح شکایتی مشترک دیگری از رئیس دادگاه عمومی بخش سریش آباد خواسته‌اند به صورت مجزا به پرونده قضایی پزشکی کارگران آسیب دیده که در حین کار در کارخانه فولاد زاگرس دچار امراض و بیماری‌های متعددی همچون بیماری‌های ریوی، قلبی، و نقص عضو شده‌اند رسیدگی کند.

در پایان خواست کارگران آمده است: با توجه به اینکه کارگران فولاد زاگرس به سبب سختی کار در معرض آلودگی‌های صوتی، تنفسی و محیطی قرار داشته‌اند و به صورت جدی از لحاظ روحی و جسمی آسیب دیده‌اند از دادگاه عمومی سریش آباد می‌خواهیم با صدور قرار تأمین، دلیل خسارات جسمانی و روانی ناشی از محیط کار و عدم اعمال اقدامات حفاظتی ایمنی و سلامت با جلب نظر کارشناسی آنان را به پزشکی قانونی معرفی کنند.

اخراج ۴۰۰ نفر از کارگران قطعه سازی «اخشان»

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان فارس گفت: رکود کارخانه‌های خودروسازی باعث کاهش و بعضاً توقف فعالیت واحدهای قطعه سازی از جمله کارخانه یک واحد تولید کمریند ایمنی خودرو به نام «اخشان» شده است...

«مهرزاد مویدی» در این باره به ایلنا گفت: پس از آغاز بحران تولید طی دو سال گذشته، تعداد کارگران کارخانه اخشان به نصف تقلیل پیدا کرده است.

وی با یادآوری اینکه پیش‌تر در این واحد تولیدی حدود ۸۰۰ کارگر شاغل بودند، گفت: نوسانات ارزی و افت و خیزهای موجود در کارخانه‌های خودروسازی باعث شد تا تعداد کارگران شاغل در این کارخانه سازنده کمریند ایمنی به حدود ۴۰۰ نفر کاهش یابد.

وی بابان اینکه در آخرین مرحله از تعدیل فعالیت این کارخانه که چند ماه پیش اتفاق افتاد حدود ۷۰ نفر بیکار شدند، تأکید کرد: دلیل اصلی این مسئله نه سوء مدیریت که عدم پرداخت مطالبات این واحد تولیدی بوده است.

این مقام کارگری در استان فارس افزود: کارخانه‌های سایپا و ایران خودرو از یکسو مطالبات میلیاردی این شرکت را پرداخت نکرده‌اند و از سوی دیگر با کاهش فعالیت‌های خود باعث تعدیل نیرو در این کارخانه شده‌اند.

وی افزود: شدت این مسئله به حدی بود که باعث شد مدیریت کارخانه برای مدتی در پرداخت حق بیمه کارگران و بدهی‌های بانکی خود با مشکل مواجه شود و کارخانه تا مرز توقیف اموال پیش برود.

وی با بیان اینکه سرانجام با مداخله به موقع مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان فارس این ماجرا تمام شد، افزود: در حال حاضر جامعه کارگری و کارفرمایی استان منتظر هستند تا وزیر پیشنهادی تعاون کار و رفاه اجتماعی برنامه‌های خود را آغاز کند.

نماینده کارگران خبر داد :

تاخیر ۲ ماهه در پرداخت حقوق ۲۵۰ کارگر جهان الکتریک

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است : نماینده کارگران کارخانه جهان الکتریک اعلام کرد: ۲۵۰ کارگر این کارخانه بیش از ۳ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

«مهدی احمدی» در این باره به ایلنا گفت: کارفرمای کارخانه جهان الکتریک واقع در نیشابور حقوق کارگران این واحد تولیدی را در ده سال گذشته همواره با تاخیر پرداخت می‌کرده است اما در سال جاری حقوق اردیبهشت، خرداد و تیر ماه کارگران تا کنون پرداخت نشده است. این کارگر که با وجود ده سال سابقه کار به سبب پی‌گیری مطالبات کارگران از تاریخ سوم تیرماه سال جاری اخراج شده است، درباره فعالیت صنفی خود پس از اخراج گفت: مدیریت این کارخانه اجازه تشکیل شورای اسلامی کار را به کارگران نمی‌دهد و این کارگران تنها حق انتخاب یک نماینده را دارند و تا زمان انتخاب فرد جدید به نمایندگی کارگران، وظیفه پی‌گیری مطالبات صنفی کارگران با نماینده قبلی است.

احمدی در ادامه با انتقاد از مسئولان این کارخانه به سبب ایجاد جو تهدید میان کارگران، اظهار داشت: این کارخانه مشکلی در روند تولید و فروش محصولات خود ندارد اما مسئولان این کارخانه به بهانه‌های متعدد مرتباً از کمبود منابع مالی شکایت دارند.

او همچنین افزود: در حال حاضر کارگران این کارخانه با وجود دریافت نکردن سه ماه حقوق، در تعطیلات تابستانی بسر می‌برند و در خانه نشسته‌اند. او گفت: قرارداد کاری این کارگران با کارخانه کوتاه مدت و سفید امضاست و هر سه ماه یک بار به صورت یک جانبه تمدید می‌شود.

نماینده کارگران کارخانه جهان الکتریک در بخش پایانی سخنان خود به مشکلات ۱۵۰ کارگر زن شاغل در این کارخانه اشاره کرد و گفت: سوابق بیمه‌ای این کارگران زن به طور مرتب واریز نمی‌شود، به طوری که این کارگران با ۱۰ سال سابقه کار تنها دو سال سابقه بیمه‌ای دارند.

نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور اعلام کرد: ۵۰ درصد باغات چای مخروبه شده‌اند / بیکاری موقت کارگران صنعت چای

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است : نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور ضمن هشدار نسبت به کاهش ۶۰ هزار تنی تولید چای طی ۸ سال گذشته از مخروبه شدن ۵۰ درصد باغات این محصول کشاورزی خبر داد.

«پرویز شعبانی» در این باره به ایلنا گفت: عده‌ای از تاجران به اعتبار ریاست سازمان چای به هندوستان رفته‌اند تا این محصول کشاورزی را خریداری کنند در حالی که ۱۰ الی ۱۵ هزار تن چای خشک تولید داخل روی دست کارخانه‌ها مانده است.

وی در ادامه با اشاره به توقف تولید کارخانه‌ها و بیکاری موقت کارگران‌شان افزود: عده‌ای از تاجران منتظرند چای سنواتی که غیر استاندارد است، بیش از سه سال از عمرش می‌گذرد و باید تبدیل به کمپوست شود را خریداری کنند تا بخشی از آن را صادر و بخشی دیگر را با سوء استفاده در داخل پخش کنند.

این فعال صنفی در پایان اظهار داشت: این شرایط باعث شده است چای خشک تولیدی کارخانه داران فروخته نشود بنابراین کشاورزان هم به پولشان نرسیده و منتظر بهای دست رنجشان هستند.

پایان پیام

بیانیهی جمعی از کارگران فصلی، کشاورزی و فعالین کارگری منطقهی کلاترزان

متأسفانه دولت ایران در کنار سایر سیاست‌های ضدکارگری و سرمایه‌محورش، به فعالین عرصه‌ی جنبش حق طلبانه‌ی کارگری صرفن جهت منفعل کردن مبارزه و فریاد برابری طلبانه‌اشان، احکام ناعادلانه و غیر انسانی تعلیقی و تعزیری می‌دهد که نمونه‌ی اخیر این برخوردهای غیرانسانی، دادن احکام ناعادلانه به اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری است که تنها به جرم عضویت در این کمیته به این احکام، محکوم شده‌اند. این در حالیست که طبق اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی ایران، آزادی ایجاد و فعالیت تشکل‌های کارگری واحزاب و جمعیتها بلامانع اعلام شده و دولت صرفن آنها را باید فقط ثبت کند و به رسمیت بشناسد و بس. دولت ایران درکنار عدم توجه به قانون اساسی کشور خویش، با تعقیب، بازداشت، زندانی کردن و حتی توهین به خانواده‌های فعالین کارگری در اصل مقاوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ بین‌المللی سازمان جهانی کار را نیز ندید گرفته و نشان داده که در عرصه‌ی بین‌المللی نیز پایبند به تعهداتش در عرصه‌ی آزادی بیان و عقیده و آزادی تشکل‌ها واحزاب و جمعیتها نمی‌باشد. آزادی ایجاد تشکل‌های مستقل و خود ساخته حق کارگران است و هیچکس را نمی‌توان از این حق منع کرد. کارگران با اتحاد عمل می‌توانند به امر مهم تشکل‌یابی دست پیدا کنند که چاره‌ی رهایی‌اشان نیز در همین است. دولت ایران و تمام دول و افرادمشترک‌المنافعشان باید بفهمند که اعتراض کارگران به سفره‌های خالی ودستمزدهای زیر خط فقر و حقوق‌های معوقه، دفاع از کارگران و تولیدگران بی چیز و اعتراض به بیکاری و اخراج‌سازی که تبعات سوءاجتماعی و اخلاقی و سیاسی دارد جوابش این احکام سنگین و ناعادلانه و زندان نیست. اتحاد و نیروی متشکل ما کارگران باید این نکته را به آنان یادآور شود. ما جمعی از کارگران فصلی و کشاورزی همراه با فعالین کارگری منطقه‌ی کلاترزان احکام صادره علیه این فعالین کارگری را محکوم اعلام کرده و از تشکل‌یابی کارگران سرسختانه دفاع می‌کنیم و خواهان حمایت همه جانبه‌ی کارگران و دیگر فعالین کارگری در داخل و خارج از ایران از فعالین کارگری در بند و اعضای کمیته‌ی هماهنگی زیر حکم هستیم.

«زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران، زنده باد نیروی متشکل کارگران»

پنجشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۲

بیانیهی جمعی از کارگران و فعالین کارگری روستای آویهنگ

کارگران، فعالین کارگری، مردم شرافتمند!
همه‌ی ما به زندگی سخت کارگران در جهان و بخصوص در ایران واقفیم. گرانی، بیکاری، قراردادهای موقت و سفید امضاء، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، حقوق‌های معوقه، تبعیض‌های نژادی و جنسیتی کاری و اجتماعی، اخراج‌ها و بیکارسازیها وغیره که بر مسائل و معضلات اجتماعی مانند اعتیاد، دزدی، تن‌فروشی و... افزوده، زندگی را برای طبقه‌ی ضعیف و زحمت‌کش جامعه (کارگران) به جهنمی عذاب‌آور تبدیل کرده است. کارگران و خانواده‌هایشان در این منجلاب ساخته‌ی دست کارفرمایان و اربابان، بیشترین صدمه‌ی جسمی، روانی و ذهنی را متحمل می‌شوند. در سیستم مبتنی بر سرمایه، تورم و بحران‌های افسارگسیخته‌ی اقتصادی امری معمول و اجتناب‌ناپذیر بوده و در کل نقاط جهان به مانند زنجیرهایی به هم تنیده هماهنگ و مرتبط و متأثربرهم عمل می‌کنند؛ اینگونه است که بحران پولی و مالی در منطقه‌ای فوراً بر دیگر مناطق جهان تأثیر می‌گذارد؛ حتی اگر راه حل‌های موقتی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و... فعالیتشان را چند برابر و شبانه‌روزی کنند. بحران

اقتصادی ایران نیز ازین قاعده مستثنی نیست. سرمایه داران برای رهایی از تورم‌ها و بحران‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی، بیشترین فشارها را متوجه جامعه و بازار می‌کنند و بیشترین خسران متوجه قشر فقیر جامعه (کارگران و تولیدگران) خواهد بود و کسی نیز جوابگو نیست. کارگران که جز فروش نیروی کار خود برای امرار معاش و زندگی، سرمایه‌ای دگر ندارند محکوم به زور زنده ماندن و ذره ذره فنا شدن در این آشفته بازار سرمایه داری هستند. کوچکترین اعتراض کارگران به این شرایط تلخ نیز با سرکوب و تعقیب، بازداشت و زندانی کردن توسط حامیان و حافظان سرمایه پاسخ داده می‌شود. صدور احکام سنگین تحمل حبس‌های تعلیقی و تعزیری برای فعالین کارگری و بخصوص اعضای کمیته‌ی هماهنگی در ایران از این نمونه سرکوب‌ها و برخوردهای غیرانسانی است؛ انسان‌هایی که تنها جرمشان دفاع از حقوق هم طبقه‌ای‌هایشان است. مگر کارگران و فعالین کارگری بغیر از مطالبه‌ی یک زندگی انسانی چه چیز دیگری می‌خواهند؟؟ آیا اعتراض به اینهمه معضلات اجتماعی جرم است؟ آیا اعتراض به اخراج کارگران زن و مرد و یا دستمزدهای زیر خط فقر پاسخخیز زندان است؟ آیا فعالیت فعالین کارگری درخور زندان و شکنجه است؟ آیا دفاع از کارگران و نیروی تولیدگر و زحمت‌کش جامعه مستحق زندان است؟؟ تنها محکمه‌ای که چنین احکامی را قبول دارد مجمع استثمران سرمایه‌پرستی هستند که آگاهانه جهت حفظ و انباشت سرمایه‌ی نامشروع خود و دیگر شرکایشان بدون توجه به مسائل انسانی از هیچ کوششی فروگذار نیستند .

هم طبقه‌ای‌های زحمتکش !

ما کارگران درمقابل این سیاست‌ها و حيله‌ها بغیر از تکیه بر نیروی همدردها و هم طبقه‌ای‌هایمان هیچ حامی دلسوز دیگری نداریم پس باید که با اتحاد عملمان در امر سازمان‌یابی و تشکل‌یابی به سرمایه‌داری، قدرت نیروی متشکل خویش را نشان داده و به رهایی خویش برخیزیم. ایجاد تشکل‌های مستقل از دولت توسط کارگران حقی بدیهی است که در قانون اساسی ایران (اصل ۲۶ و اصل ۲۷) نیز بدان اشاره شده؛ پس کاری غیر قانونی نیست. تشکل‌یابی و صفوف متحد و متشکل خیل کارگران زن و مرد، مایه‌ی تضعیف سیستم سرمایه‌ی تا بن دندان مسلح است، از همین رو است که در هر جای جهان با آن مقابله کرده و سعی دارد فعالین جنبش کارگری را با احکام تعلیقی و تعزیری زمین‌گیر و منزوی و منفعل کند تا قدرت تشکل‌یابی کارگران را دچار واهمه و ناامیدی و تضعیف کنند تا خود بدون مزاحمی همچنان به ثروت‌اندوزی نامشروع خویش و استثمار زحمتکشان ادامه دهند .

کارگران !

تشکل‌یابی و تنها نگذاشتن فعالین جنبش کارگری و همسو شدن با فریادهای برابری‌خواهانه اشان بزرگترین وظیفه بوده و مؤثرترین راه پیروزی از بند استثمار و ظلم طبقاتیمان است . ما جمعی از فعالین کارگری و کارگران فصلی روستای آویهنگ همگام و هم‌سخن با هم طبقه‌ای‌هایمان دستگیری و بازداشت و صدور احکام سنگین زندان علیه فعالین کارگری و اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری را محکوم می‌کنیم و ضمن خواستار پایان دادن به صدور این نوع احکام غیرانسانی، خواهان آزادی بی قید و شرط کارگران و فعالین کارگری زندانی و خیل زندانی‌های سیاسی هستیم.

زنده باد مبارزه‌ی طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری

زنده باد تشکل‌یابی کارگران

زنده باد صفوف متشکل کارگران

پاینده باد جنبش کارگری

مرگ کارگر کاشانی بر اثر سقوط در چاه ۲۵ متری

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است : سقوط کارگری به داخل چاه ۲۵ متری در خیابان «ملاحیبب الله شریف» کاشان منجر به مرگ او شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا در کاشان، این کارگر ۴۵ ساله که «غلامعلی جوزقی حسنارودی» نام دارد از پرسنل سازمان آب و فاضلاب کاشان بوده است که روز حادثه در مقابل منزل یک شهروند در حال حفاری جهت رفع مشکل ترکیدگی لوله آب بوده است، که بر اثر فروکش کردن چاه داخل کوچه، با سقوط به عمق ۲۵ متری چاه، بر اثر ریزش آوار و خاک جان‌اش را از دست داد.

پایان پیام

اعتراض معلمان به عملکرد صندوق ذخیره فرهنگیان

برپایه خبر رسیده آمده است : فرهنگیان از نحوه سرمایه گذاری، املاک، موسسات تحت پوشش و... صندوق ذخیره پولی‌شان اطلاعی ندارند و تنها میزان سود سالیانه و ارزش دارایی آنها اعلام می‌شود. از ۷ الی ۸ سال پیش، فرهنگیان سهام بانک سرمایه را خریدند. هر سهم در آن زمان ۱۰۰ تومان ارزش داشت. هنوز ارزش سهام بانک سرمایه تغییری نکرده و ۱۰۰ تومان باقی مانده است و سودی که قابل بیان باشد نیز به معلمان پرداخت نشده است قرار بود به میزانی که فرهنگیان از حقوقشان به این صندوق واریز می‌کنند دولت هم واریز کند اما دولت این تعهد را با تاخیر چندین ساله انجام می‌دهد. هر وزیری که سر کار می‌آید یکی از خواص خود را به سمت مدیر عاملی صندوق ذخیره فرهنگیان تعیین می‌کند و این روند باعث شده انتظارات فرهنگیان از این صندوق پولی به هیچ وجه برآورده نشود.

طلب کارگران را در نیمه دوم سال به صفر می‌رسانیم

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است : مدیر عامل کارخانه جهان الکتریک نیشابور در گفتگو با ایلنا، ضمن تایید تاخیر در پرداخت حقوق کارگران، این مشکل را حاصل کمبود نقدینگی و شرایط نامناسب تولید دانست و گفت: کارخانه جهان الکتریک به ظن وجود مشکلات اقتصادی که در سراسر کشور فراگیر شده، سعی کرده است با ادامه تولید، اشتغال کارگران را حفظ کند.

«سیدرضا حسینی مقدم» در ادامه افزود: با افزایش قیمت ارز و به تبع آن افزایش قیمت مواد اولیه تولید، مسئولان این کارخانه تلاش کرده‌اند ضمن حفظ اشتغال کارگران، معوقات حقوقی آنان را در شش ماهه دوم سال ۹۲ به صفر برسانند.

این کارفرما ضمن تکذیب مشکلات بیمه‌ای کارگران زن شاغل در کارخانه جهان الکتریک تصریح کرد: حقوق و بیمه همه کارگران طبق قانون پرداخت می‌شود و در این زمینه مشکلی وجود ندارد. حسینی در ادامه سخنان خود با بیان اینکه افزایش قیمت ارز باعث افزایش بسیاری از هزینه‌های تولید شده است، افزود: این درحالیست که ما هیچ گونه تغییری در قیمت محصولات خود نداده‌ایم و کماکان به دلیل عرضه زیاد و تنوع محصولات تولیدکنندگان رغیب در بازار ناچاریم محصولات خود را بدون افزایش قیمت وارد بازار کنیم.

این کارفرما در خاتمه با اشاره به وجود ۲۵۰ کارگر قرار دادی در این کارخانه گفت: تلاش شده

است اشتغال این کارگران حفظ شود و در زمینه معوقات حقوقی هر زمان که کارگری دچار کمبود پول بوده به صورت علی‌الحساب در قالب مساعده مشکل مالی او را حل کرده‌ایم.

کارفرمای کارخانه جهان الکتریک در خاتمه گفت: هم اکنون این واحد تولید کلید و پریز در دو بخش مجزای تولید با ۲۴۰ کارگر و قالب سازی با ۳۰ کارگر به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

يك فعال کارگری در منطقه انتقاد کرد :

تنها مرکز درمانی تامین اجتماعی پاکدشت پذیرای ۷۰ هزار کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 24 مرداد 92 آمده است : يك فعال کارگری در پاکدشت با اشاره به وجود ۷۰ هزار کارگر فعال و ۴ هزار و ۵۰۰ کارگر بازنشسته، از کمبود امکانات درمانی تامین اجتماعی در این شهرستان انتقاد کرد.

«عوض سلطانی» دبیر خانه کارگر پاکدشت در این باره به ایلنا گفت : با وجود آنکه پلی کلینیک دکتر امانی تنها مرکز درمانی تامین اجتماعی در این شهرستان است، اما بدلیل فقدان تجهیزات و امکانات درمانی درخور جمعیت عظیم کارگری این شهرستان، از ارائه خدمات مناسب ناتوان است.

این فعال کارگری با بیان اینکه بیمه شدگان و مستمری بگیران شهرستان پاکدشت از کمبود امکانات پزشکی و پزشکان متخصص در بخشهای مختلف درمانی شکایت دارند، اظهار داشت: این مرکز با کمبود پزشکان متخصص در زمینه‌های چشم پزشکی و گوش و حلق و بینی مواجه است و محدودیت امکانات سونوگرافی و فعالیت روزانه داروخانه مشکلات بسیاری را برای بیمه شدگان ایجاد کرده است.

دبیر خانه کارگر پاکدشت در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت نابسامان نوبت دهی در این مرکز درمانی (پلی کلینیک دکتر امانی) اشاره کرد و گفت: با وجود تاخیر و انتظارهای طولانی در صف دریافت خدمات درمانی، صف‌های طولیل نوبت پزشک و ازدهام جمعیت در این مراکز، سبب می‌شود که بسیاری از بیمه شدگان از دریافت خدمات درمانی منصرف شوند.

سلطانی کاهش خدمات درمانی تامین اجتماعی این شهرستان را عامل تهدید کننده سلامت جامعه کارگری دانست و گفت: این درحالی است که کارگران و بازنشستگان هر ماه بخشی از دستمزدها را جهت دریافت خدمات درمانی از سازمان تامین اجتماعی پیش خرید می‌کنند.

این فعال کارگری در خاتمه گفت: مشکلات کارگری این شهرستان، همه کمبودهای درمانی تامین اجتماعی و معضلات پیش رو را به مدیرکل و اعضای هیئت مدیره تامین اجتماعی این شهرستان انتقال داده‌اند اما تا کنون بیمه شدگان تغییراتی را در زمینه رفع مشکلات درمانی خود شاهد نبوده‌اند.

ضرب و شتم و تهدید به اخراج کارگران شرکت پیش‌تینه در سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 25 مرداد 92 آمده است : شرکت پیش‌تینه سازنده لوله و دیوار بتونی پیش‌ساخته و لوله‌های سبک و فشرده پلاستیکی در ۵ کیلومتری شهر سنندج و جنب فرودگاه این شهر قرار دارد. کارفرمای این شرکت به نام محمود کرباسیان برای اخراج کارگران فشار زیادی آورده تا جایی که نامبرده با یکی از کارگران به نام عابدین صلواتی درگیر و پس از ضرب و شتم این کارگر، وی را اخراج نمود و سعی نموده است که کارگران را وادار نماید تا قضیه کتک‌کاری را برعکس گواهی کنند و با مقاومت یکی دیگر از کارگران به نام سعدی‌خانی، نامبرده مجدداً شروع به توهین و تهدید کارگران به اخراج نمود. این اعمال ضد

کارگری در طول یک ماه گذشته بسیار شدت گرفته است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کنند:

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

اوضاع کارگران در ایران
گفتگو با فعال کارگری
غلام عسگری
مسئول شوراهای کارگری مجتمع فولاد اهواز
و شرکت های تابعه و وابسته
Paltalk

جمعه 16 آگوست 2013

ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی

25 مرداد 1392 ساعت 22.30 بوقت ایران

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

انعطاف‌پذیری همیشه خوب نیست!

خسرو صادقی بروجنی

http://kanoonmodafean1.blogspot.se/2013/08/blog-post_16.html#more

بر پایه مطلب رسیده از وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در 25 مرداد 92 آمده است: «عشق کلمه‌ئی است که از رابطه‌ی انسان و اتومبیل سخن می‌گوید و انقلاب نامی است که بر مایع ظرف‌شوئی نوظهوری نهاده‌اند. افتخار احساسی است که از استحمام با نوعی صابون مخصوص زیبایی به‌آدمی دست می‌دهد و سعادت لذت عمیقی است که از خوردن سوسیس حاصل می‌شود.» (ادواردو گالنانو).

با کالایی شدن روابط انسانی، رابطه‌ی میان انسان‌ها تبدیل به رابطه‌ی میان اشیاء می‌شود. از این رو جهان کالاها و جهان انسان‌ها در ارتباطی دوسویه و تنگاتنگ وامدار یکدیگرند و از مفاهیم یکدیگر استفاده می‌کنند. یکی از این مفاهیم که در رابطه‌ی نیروی کار و کارفرما از آن به کرات استفاده می‌شود واژه‌ی «انعطاف‌پذیر» است. انعطاف‌پذیر صفتی انسانی و مثبت تلقی می‌شود که مقابل صفاتی منفی چون «دگم، مرتجع، سرسخت، خشک» به کار می‌رود. هر کسی سعی می‌کند از چنین صفات منفی دوری کرده و در رفتار خود به گونه‌ای باشد که این صفات را به او منتسب نکنند. در باور عمومی، شخص انعطاف‌پذیر، کسی است که در مواجهه با نظریات مخالف و یا شرایط مختلف از خود نرمش و سازش نشان می‌دهد، از یکدندگی به دور است و آن چنان سلطه‌گری ندارد که نظریاتش را به دیگران تحمیل کند. اما استفاده از صفتی چون انعطاف‌پذیر برای رابطه‌ی نیروی کار و کارفرما علی‌رغم مثبت بودن چنین مفهومی نزد باور عمومی، دارای معانی مشخص و تعریف شده‌ای است که در تبلیغات رسمی نه تنها به آن‌ها اشاره نمی‌شود، بلکه سعی می‌گردد معانی اقتصاد سیاسی این مفاهیم نیز همچون معانی عمومی و اخلاقی آن‌ها بار معنایی مثبتی را به اذهان متبادر کند. استفاده از این راهکار، یعنی استفاده از مفاهیم و معانی مثبت در باور عمومی برای بیان

برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و القای درستی آنها به اتکای چنین مفاهیمی، محدود به واژه‌ی فوق‌الذکر و مختص به جغرافیای ما نیست. بلکه همچون موارد دیگر، در این زمینه نیز نوعی دنباله‌روی از منطق جهانی سرمایه وجود دارد؛ استفاده از ابزارهای فرهنگی و تبلیغی برای بسط سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی.

در این زمینه پیروبردو جامعه شناس فرانسوی و از مهم‌ترین منتقدین نولیبرالیسم، نمونه‌ای از استفاده‌ی واژگان با بارمعنایی مثبت و در تبلیغ برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی در فرانسه را در کتاب خود تحت نام «گفتارهایی درباره‌ی ایستادگی مقابل نولیبرالیسم» بیان می‌کند: «در فرانسه، به جای «کارفرما» (Le patronat) می‌گویند «نیروهای زنده‌ی ملت» (Le forces de la nation)؛ شرکتی که کارگزارانش را بیرون می‌کند، به کنایه‌ای ورزشی «لاغر» می‌شود (بدن سراپا باید لاغر باشد). برای آنکه اعلام کنند شرکتی می‌خواهد 2000 تن بیرون کند، مفسر می‌نویسد: «برنامه‌ی اجتماعی شجاعانه‌ی شرکت آلکاتل».

در ایران نیز استفاده از اصطلاح «کارآفرین» به جای «کارفرما» و «سرمایه‌دار»، «اقتصاد مقاومتی» به جای «ریاضت اقتصادی»، «هدفمندسازی یارانه‌ها» به جای «حذف یارانه‌ها»، ... را می‌توان در همین راستا تحلیل کرد. به عبارت دیگر از مفاهیمی با بار معنایی مثبت استفاده می‌شود تا آثار منفی این سیاست‌ها حداقل در چهارچوب زبانی پنهان نگه داشته شود. در ابتدا به بار مثبت معنایی واژه‌ی «انعطاف پذیر» و استفاده‌ی نیت‌مند از آن اشاره شد. اما بررسی دقیق‌تر در این زمینه و معنای واقعی آن را می‌توان از بیان برنامه‌های اقتصادی آتی و از کتابی در این مورد استنباط کرد. Top of Form

در کتاب «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران» نوشته‌ی حسن روحانی، محمدباقر نوبخت، محمد نهاوندیان و اکبر ترکان - رئیس جمهور و مشاوران ایشان- در فصل دهم (صفحات ۳۳۵-۳۴۰) با ترجمه‌ی برخی مقالات اقتصاددانان نولیبرال و نئوکلاسیک و نقل قول از آنها و با استعانت از نظرات دکتر نوبخت در مورد قانون کار، به این نتیجه می‌رسند که: «یکی از معضلات کارفرمایان و کارخانه‌های کشور، وجود اتحادیه‌های کارگری است! لذا کارگران باید نسبت به خواسته‌های کارآفرینان «انعطاف» داشته باشند. از سوی دیگر یکی از چالش‌های دیگر قانون کار است که در آن طرف صاحب سرمایه مظلوم واقع شده است. لذا برای افزایش سطح اشتغال و رشد بهره‌وری و اینکه کارفرما در آینده بتواند باز هم استخدام انجام دهد، باید در قانون «حداقل دستمزد و کف دستمزد» تغییر ایجاد کرد و به کارگر و کارفرما اجازه داده شود که در دستمزدهای پایین‌تر و با مزایای اجتماعی ناچیزتر برای یکدیگر کار کنند و آزادی‌های اقتصادی نباید محدود گردد». این نقل به مضمون‌ها با عبارت مستقیم صفحه ۳۳۶ پایان داده می‌شود: «یکی از مشکلات، چانه زنی نیروی کار بر سر دستمزد است». «چالش دیگر هزینه‌ی بالای اخراج نیروی کار برای کارفرما است».

همان‌طور که از متن فوق برداشت می‌شود، در چهارچوب فکری تدوین کنندگان برنامه‌های اقتصادی دولت آتی نیروی کار نسبت به شرایط کاری که سرمایه‌دار (یا همان کارآفرین از نظر آنها) برای آنها تنظیم می‌کند باید «انعطاف پذیر» باشند. اما انعطاف پذیری چیست؟ انعطاف پذیری عبارت است از کلیه‌ی اقداماتی که باید صورت بگیرد تا سودآوری سرمایه‌دار خصوصی یا دولتی مختل نشود و بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد. این اقدامات، از روش‌هایی چون شناور کردن زمان کار شامل یک هفته کار فشرده، استخدام نیمه وقت، غیردائم، تقسیم نوبتی کار، کار ساعتی و حتی استفاده از زمان‌های مرخصی، تا استفاده از اشتغال غیر رسمی و کار ارزان کودکان و زنان را در بر می‌گیرد.

در این میان یکی از موانع انعطاف پذیری کار، وجود سندیکاها و تشکل‌های کارگری است. سندیکاها کارگری بر سر میزان زمان کار و حداقل حقوق کارگران چانه‌زنی می‌کنند و سعی دارند مطالبات آنها بر سرمایه‌دار تحمیل کنند. چنین تلاشی موجب محدود شدن اختیارات و آزادی سرمایه‌دار برای تعیین دستمزد و شرایط کاری دلخواهش اعم از بیمه، ساعت کاری، مرخصی، مزایای اجتماعی خواهد شد. بنابراین برای حفظ و افزایش سود لازم است که نیروی

کار از توان لازم برای مقاومت، ایستادگی یا انعطاف ناپذیری برخوردار نباشد. همین طور در استفاده از مشاغل غیر رسمی، کارفرما قادر است تعهدات خود نسبت به نیروی کار رسمی را در قبال نیروی کار غیررسمی انجام ندهد و از این طریق هزینه‌های نیروی کار را کاهش دهد. نگارندگان کتاب فوق‌الذکر در جایی عنوان می‌کنند: «لذا برای افزایش سطح اشتغال و رشد بهره‌وری و اینکه کارفرما در آینده بتواند باز هم استخدام انجام دهد، باید در قانون «حداقل دستمزد و کف دستمزد» تغییر ایجاد کرد و به کارگر و کارفرما اجازه داده شود که در دستمزدهای پایین‌تر و با مزایای اجتماعی ناچیزتر برای یکدیگر کار کنند».

اما معنای چنین جملات ظاهرالصلاحی به واقع چیست؟! چه ارتباطی میان رشد بهره‌وری و میزان کف دستمزد وجود دارد؟! برای پی بردن به چنین ارتباطی چندان نیازی به کنکاش در کتب اقتصادی و اطلاع از مفاهیم پیچیده‌ی فنی نیست. واقعیت‌های روزمره‌ی نیروی کار به بسیاری از این سوالات جواب خواهد داد.

در فقدان اتحادیه‌های کارگری که توان چانه زنی برای میزان حداقل حقوق را داشته باشند، سرمایه‌دار با کمک دولت حامی‌اش توانایی تعیین میزان حداقل حقوق دلخواهش برای نیروی کار را خواهد داشت. این میزان که بالطبع میزان دلخواه کارگران نخواهد بود، آن‌ها را از داشتن یک معیشت حداقلی در نسبت با تورم محروم می‌کند. بنابراین آن‌ها مجبور خواهند بود برای افزایش میزان درآمدشان ساعات بیشتری را کار کنند و یا در ساعاتی ثابت با شدت بیشتری کار کنند که نتیجه‌ی هر دو افزایش بهره‌وری نیروی کار خواهد بود. بنابراین بهره‌وری مورد اشاره که در ارتباط با فقدان قدرت چانه‌زنی اتحادیه کارگری و کاهش حداقل دستمزد است، ترجمه‌ی منزه طلبانه‌ای از «بهره‌کشی» است.

اما اگر کاهش حداقل حقوق، فقدان اتحادیه کارگری، بهره‌کشی، سلطه‌ی سرمایه بر کار و ... مصادیق «انعطاف پذیری» نیروی کار هستند، بر خلاف باور عمومی در مورد صفت اخلاقی انعطاف پذیری، می‌توان معنای مثبتی برای «انعطاف ناپذیری» در رابطه‌ی نیروی کار و سرمایه در نظر گرفت. این به معنای، بهره‌مندی نیروی کار از اتحادیه و سندیکای مستقل برای تحمیل مطالباتش بر سرمایه، بهره‌مندی از کرامت انسانی با برخورداری از رفاه و عدالت اجتماعی و فراهم کردن شرایطی است که نیروی کار بتواند آزادانه استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌ی خود را به فعلیت برساند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان از «آزادی» صحبت کرد. در غیر این صورت، آزادی موجود همانا آزادی بازار و آزادی برای بهره‌کشی بیشتر از نیروی کار است و از این رو انعطاف پذیری همیشه خوب نیست!.

در محکومیت حمله سایبری به وبلاگ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده و وبسایت‌های سیاسی دیگر!

به گزارش کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده، در تاریخ 26 مرداد 92 آمده است: در محکومیت حمله سایبری به وبلاگ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده و وبسایت‌های سیاسی دیگر! روز گذشته وبلاگ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده مورد حمله سایبری قرار گرفت و از دسترس خارج شد این در حالی است که چندی پیش وبگاه پایگاه خبر رسانی خانواده بهنام ابراهیم زاده هم مورد حمله سایبری قرار گرفته بود در ادامه حملات سایبری که از چندی پیش علیه وبسایت‌های سیاسی و خبری به طور برنامه ریزی شده و هدفمند صورت می‌گرفت. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکومیت این حملات سایبری به وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها آدرس جدید کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده را ضمیمه این مطلب کرده و باید به اطلاع برسانیم که از این پس فقط اطلاعیه‌های کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده را از طریق آدرس ایمیل و وبلاگ زیر دریافت خواهید کرد.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
بیست و ششم مرداد ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲
k.d.behnam.ebrahimzadeh@gmail.com
komitehbehnam1.blogfa.com

وزیر کار دولت احمدی نژاد: مقدمات حضور مرتضوی در هیئت امنای تأمین اجتماعی انجام شده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 26 مرداد 92 آمده است: وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتصاب علی روحبخش به سمت مدیرعاملی سازمان تأمین اجتماعی را تکذیب کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اسدالله عباسی، آخرین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دهم که برای استقبال از علی ربیعی عصر امروز در محل وزارتخانه حضور پیدا کرده بود، علاوه بر شایعه خواندن خبر مدیرعاملی علی روحبخش، خبر مربوط به عضویت سعید مرتضوی در هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی را نیز نادرست خواند.

عباسی بابت این که دوره مدیرعاملی مرتضوی تمام شده است، در خصوص حضور وی در هیات امنای این سازمان گفت: این مسئله نیازمند طی شدن مراحل است و در حال حاضر مقدمات آن انجام شده است.

آخرین وزیر کار دولت احمدی نژاد بابت این که قطعی شدن حضور مرتضوی در هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی منوط به تکمیل مراحل قانونی است، گفت: در این خصوص با آقای ربیعی به عنوان وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی صحبت خواهد شد. وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین اخبار مربوط به پرداخت پاداش یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومانی به اعضای هیات امنای این سازمان را شایعه خواند.

این اظهارات در خصوص حضور علی روحبخش به عنوان مدیرعامل و یا سرپرست سازمان تأمین اجتماعی در حالی مطرح می شود که آقای روحبخش در گفت و گو با ایلنا این انتصاب را تکذیب کرد.

علی روحبخش که زمان انتقال معاون مالی اداری سابق سازمان تأمین اجتماعی به قوه قضاییه در حدود دو ماه پیش جانشین وی شده است با تکذیب خبر انتصاب خود به عنوان جانشین سعید مرتضوی، گفت: 29 سال است که در سازمان تأمین اجتماعی به عنوان کارشناس، مشاور اجرایی، قائم مقام و مدیرکل کار می کنم اما تا این لحظه به عنوان مدیرعامل یا سرپرست سازمان تأمین اجتماعی کار نکرده ام.

وی افزود: به زودی طی روزهای آینده علی ربیعی، وزیر جدید کار با انتصاب مدیرعامل جدید تکلیف اداره سازمان تأمین اجتماعی را روشن خواهد کرد.

پایان پیام

نقش کارگران پیشرو و فعالان کارگری در جنبش کارگری ایران

رضا شهبابی

کارگران آگاه، پیشرو و فعالین کارگري در راه احقاق حقوق به حق کارگران در شرایط کنونی جامعه باید در بین کارگران خدماتی، شرکتی، صنایع و کارگران میدانی و فصلی حضور پیدا کنند و آنها را نسبت به شرایط به وجود آمده مثل گرانی، بیکاری، نبود امنیت شغلی و علت بوجود آمدن این بحران ها آگاه کنند و با تهیه نشریات و بولتن های کارگري راه و روش مبارزه صنفی و رسیدن به مطالبات قانونی به کارگران را آموزش دهند و کارگران آگاه و پیشرو باید از طریق آموزش و آگاه دادن به کارگران تمامی صنوف، تشکل های کارگري را در کشور رواج دهند تا مطالبات صنفی و سیاسی خودشان را پیگیری کنند. همکاران، دو نوع تبلیغ به طور تفکیک ناپذیری همانند دو روی سکه به یکدیگر مربوطند؛ خواه تبلیغات اقتصادی و خواه تبلیغات سیاسی، هر دو به طور یکسان برای مبارزه طبقاتی کارگري ضروری می باشند. زیرا هر مبارزه طبقاتی، مبارزه ای سیاسی است. تبلیغ در بین کارگران ارتباط جدا نشدنی با ترویج شکل گیری تشکل ها دارد و طبیعتاً در شرایط فعلی جامعه با سطح آگاهی فعلی کارگران در درجه اول اهمیت قرار می گیرد. کارگران باید نسبت به آینده خودشان تصمیم بگیرند. اعتراض کارگران نسبت به وضعیت موجود جامعه از قبیل کاهش قدرت خرید خانواده های کارگري و مردم، گرانی، بیکاری، پائین بودن دستمزدها، نبود امنیت شغلی، بالا بودن هزینه های درمانی و ... حق مسلم کارگران است.

کارگران آگاه و پیشرو و فعالین کارگري باید نوع برخورد تبعیض آمیز کارفرمایان و مدیران با کارگران و کارکنان مانند بستن قراردادهای سفید امضاء با ضمانت (چک و سفته) لغو قراردادها به صورت یک طرفه، استفاده مدیران از امکانات رفاهی و مسافرت های خارجی با هزینه های بیت المال، دریافت حقوق و پاداش های نجومی، استفاده مدیران از اموال بیت المال برای کارهای شخصی، گرفتن وام های سنگین برای نوسازی صنایع (که عملاً در جاهایی مانند آپارتمان سازی، خرید سهام در بورس و غیره سرمایه گذاری می کنند) و رفتارهای دوگانه و تظاهر و تزویر کارفرمایان و سرمایه داران را در بین عموم کارگران و مردم افشا کنند. کارگران آگاه و پیشرو و فعالین کارگري و جنبش های اجتماعی باید با هم متحد شوند و در تمام تظاهرات و اعتراضات برای کسب حقوق کارگران و صنوف دیگر از جمله دستمزد، شرایط کار، مسکن، نبود امنیت شغلی، کاهش قدرت خرید کارگران و غیره شرکت کنند و با آمیختن فعالیت خود با مسائل عملی و روزمره زندگی کارگران در متوجه کردن کارگران به عمده ترین سوءاستفاده ها به آنها یاری رسانند تا مطالبات خودشان را از کارفرمایان دقیق تر و عملی تر طلب کنند. بالا بردن فهم کارگران در زمینه همبستگی و مصالح عمومی کلیه کارگران به مثابه طبقه واحد کارگري که قسمتی از کارگران جهان را تشکیل می دهند یک امر ضروری است. برگزاری نشست ها برای گفتگو و سؤال و جواب در بین کارگران، برقراری ارتباط صمیمانه بین کارگران و پیشکسوت های جنبش کارگري برای کسب آگاهی و تجربه، چاپ نشریات، بولتن کارگري، مکاتبه با تمام تشکل های موجود جنبش کارگري، چاپ بیانیه های تبلیغی و انتشار آنها، شکل های مختلف فعالیت کارگران پیشرو و فعالین کارگري می باشد. ایجاد یک جنبش کارگري برای داشتن یک زندگی شایسته و شرافتمند در بین کارگران صنعتی و غیر صنعتی و خدماتی اولین و حیاتی ترین وظیفه کارگران است. کارگران آگاه و فعالین کارگري در شرایط حاضر جامعه باید نیروهای خود را متوجه کارگران بیکار و اخراجی، کارگران و کشاورزان در روستاها و کارگران صنایع و شرکتی و خدماتی و طبقه فرودست نمایند و کوشش کنند ذهن کارگران پیش قدم را نسبت به مسایل معیشتی آنها روشن نمایند، تا این کارگران با کارگرانی که آگاهی ندارند تماس حاصل کنند. همکاران ضمن اینکه بین کارگران در زمینه خواست های فوری و اقتصادی تبلیغ کنند در عین حال بر احتیاجات سیاسی فوری، مشکلات و خواست های طبقه کارگر، تجاوزات نیروی انتظامی که در هر اعتصاب و در هر یک از تظاهرات و اعتراضات کارگري جانب سرمایه داری را می گیرد، تمرکز کنند و علیه محدودیت حقوق کارگران با هم متحد شوند.

همکاران! فقط کارگران می توانند تا آخرین لحظه پیگیر و دشمن قطعی سرمایه داری لجام گسیخته باشند و بنا بر موقعیت طبقاتی خود نمی توانند هم نباشند و قادر به هیچ گونه گذشت

و صلح و مصالحه ای نیستند. فقط کارگران می توانند در راه آزادی اقتصادی، سیاسی و دموکراتیک مبارز و پیش قدم باشند، زیرا ظلم و ستم سیاسی و تبعیض در کارگران شدیدتر است و نمی گذارد در وضعیت این طبقه - که نه دسترسی به مقامات بلند پایه و مدیریتی دارد و نه نفوذی در افکار اجتماعی- کوچک ترین تعدیلی حاصل گردد. فقط کارگران قادرند بنیان استثمارکنندگان و ستمگران را از ریشه برکنند. در حال حاضر افول نظام سرمایه داری و بحران های ملی را به وضوح با چشم می بینیم، صنایع به دلیل تحریم ها با بحران مالی و مواد اولیه روبرو شده اند، کارخانه ها و صنایع قدیمی و کارخانه های جدید، بنگاه های جدید، شرکت های خصوصی (خودمانی سازی و شبهه دولتی و به عبارتی خصوصی) و بانک های خصوصی و غیره و غیره که مانند قارچ رشد کرده اند یکی پس از دیگری تعطیل یا ورشکسته می شوند. نیاز نیست انسان علم غیب داشته باشد تا ورشکستگی اجتناب ناپذیر را که از پس شکستن صنایع فرا می رسد پیشگویی کند! این ورشکستگی صاحبان بنگاه های کوچک و قدیمی و جدید که در زمان دولت های گذشته بخصوص دولت آقای احمدی نژاد در دور اول با وزارت آقای جهرمی با وام اشتغال 10 میلیونی ایجاد شده بود، کارگران را خانه خراب کرد و کارگران و صاحب بنگاه های کوچک را در صف لشکر بیکاران قرار داد و اکنون مدت هاست هر کارگر آگاه و با فکر به این امر و سیاست های غلط دولت نهم و دهم و حتی دولت های گذشته در رابطه با وضعیت کارگران پی برده اند. در شرایط فعلی کارگران باید آگاه تر و متحدتر شوند تا کارفرمایان، که تلاش می کنند همیشه بار خسارت و عیش و نوش و خوش گذرانی و ولخرجی های خود و فرزندانشان را به دوش کارگران بیاندازند، با تشکیل سندیکا و یا هر تشکل مستقل دیگر ضربه ای کمرشکن متحمل شوند تا کارگران قادر باشند به مبارزه قطعی علیه سرمایه داری پلیسی که دست و پای کارگران و مردم را به بند کشیده اند اقدام نمایند. همکاران، زحمتکشان، کارگران و مردم شریف و آزادیخواه، برخی از آمارهای نگران کننده از طرف نخبگان اجتماعی و شماری از مسئولان و پژوهشگران ارشد آسیب های اجتماعی فاش شده است، عزیزان آیا می دانید هم اکنون 5/5 میلیون نفر در کشور درگیر مسئله اعتیاد هستند. آیا می دانید ازدواج در سال گذشته نزدیک به 10 درصد کاهش داشته، آیا می دانید طلاق بیش از 6 درصد رشد کرده. آیا می دانید سالانه 600 هزار نفر ورودی به زندان های کشور وجود دارد. آیا می دانید سن کشیدن سیگار به 13 سال و سن بیه گبی به 17 سال و سن روسپی گری به 14 سالگی رسیده است، عزیزان آینده فرزندانمان در خطر است. فرزندانمان تحصیلات، امنیت، خانه، کاشانه، کار، تغذیه استاندارد و زندگی شرافتمندانه و انسانی به دور از هیاهو و جنگ و خونریزی می خواهند، از خواب بیدار شوید و دست بکار شوید، تشکل های مستقل کارگری برآمده از بطن کارگران را تشکیل دهید. کارگران آگاه و پیشرو، فعالان کارگری و روشنفکران کارگری برای برآوردن احتیاجات کارگران که یکی پس از دیگری به دلیل فشارهای گرانی، بیکاری، اجاره مسکن کمرشکن، ظلم و ستم و نابرابری و ناعدالتی و فساد و فحشا و اعتیاد و کاهش قدرت خرید کمرشان خم شده، متحد شوید. راه درازی در پیش داریم؛ برای متشکل کردن جنبش کارگری و ارتباط متقابل با آنها، برای تامین نیازهای کارگران از لحاظ آموزش حقوقی، بولتن، نشریات و جزوات ترویجی و تبلیغاتی و برای جمع کردن محافل و حوزه های کارگری و جنبش های اجتماعی متحد با آن در یک صف واحد، برای رسیدن به آزادی و دموکراسی واقعی که حق مسلم همه هست باید بدون وقفه تلاش و کوشش کرد.

خون ما، می شکفتد بر برف اسفندی

خون ما، می شکفتد بر لاله

خون ما، پیراهن کارگران

خون ما، پیراهن دهقانان

خون ما، پیراهن سربازان
خون ما، پیراهن خاک ماست
نم نم باران، با خون ما، شهر آزادی را می سازد...
نم نم باران، با خون ما شهر فرداها را می سازد ...
خون ما، پیراهن کارگران، خون ما، پیراهن دهقانان، خون ما، پیراهن سربازان
شعر از زنده یاد خسرو گلسرخی یادش گرامی راهش پر رهرو
زنده باد کارگر
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد تشکل مستقل کارگری
پاینده باد جنبش کارگری
کارگران جهان متحد شوید

رضا شهبابی- ساعت 2/20 دقیقه بامداد روز شنبه مورخ 92/5/26

زندان اوین - بند سیاسی 350 اتاق 3

یک کارشناس تامین اجتماعی طرح کرد: به گروهان گرفتن وزیر کار جدید با انتصاب مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 26 مرداد 92 آمده است : معاون پیشین امور حقوقی و مجلس سازمان تامین اجتماعی، انتصاب «علی روحبخش» به سمت مدیر عاملی سازمان تامین اجتماعی را به گروهان گرفتن وزیر کار جدید خواند که منافع میلیون‌ها بیمه شده این سازمان را به خطر می‌اندازد.

«محسن ایزدخواه» در گفتگویی تفصیلی با ایلنا اظهار داشت: با پایان فرصت شش ماهه مرتضوی در تامین اجتماعی، انتصاب وی در هیئت امنای سازمان در آخرین روزهای دولت غیراخلاقی است و با توجه به مدرک تحصیلی وی، غیر قانونی نیز است.

این کارشناس تامین اجتماعی در ادامه به مرور پیشینه حقوقی جدال دولت و مجلس در خصوص مدیرعاملی مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی پرداخت و گفت: در ماده ۱۷ قانون «ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی» قید شده است که به منظور دخالت مؤثر شرکای اجتماعی، کار در ارکان صندوق تامین اجتماعی، نصف به علاوه یک هیئت امنای دولتی باشند و توسط وزیر کار معرفی شوند و نصف منهای یک، نمایندگان کارگران و کارفرمایان باشند.

وی ادامه داد: در این قانون همچنین قید شده است که اعضای هیئت امنا، هیئت مدیره و مدیرعامل، مدرک کارشناسی ارشد به بالا را در یکی از رشته‌های مدیریت، حسابداری، مالی، اقتصاد، انفورماتیک و پزشکی داشته باشند.

این کارشناس تامین اجتماعی تصریح کرد: مطابق قانون ساختار، صلاحیت بخش دولتی هیئت امنا باید به تایید هیئت دولت برسد. همچنین هیئت امنا باید ۵ تا ۷ نفر را به عنوان اعضای هیئت مدیره اعلام کنند. این قانون پیش بینی کرده است هیئت مدیره فردی را خارج از خود به عنوان مدیر عامل سازمان جهت تصویب نهایی به هیئت امنا معرفی کند.

وی ادامه داد: دولت در قانون ساختار موظف شده است اساسنامه‌های صندوق‌های بیمه‌ای از جمله صندوق تامین اجتماعی را اصلاح کند اما دولت آقای احمدی‌نژاد، بنا به دلایلی که مشخص نیست حاضر به اصلاح اساسنامه صندوق تامین اجتماعی نشد.

به گفته آقای ایزدخواه، نمایندگان مجلس به منظور به انقیاد کشاندن دولت در اجرای قانون ساختار و به ویژه ماده ۱۷، ماده واحده‌ای را به ماده ۱۱۲ قانون خدمات کشوری اضافه کردند و تعداد اعضای هیئت امنا را به ۹ نفر کاهش دادند که ۶ نفر نمایندگان دولت و ۳ نفر نمایندگان کارگران و کارفرمایان شدند.

این کارشناس تامین اجتماعی بیان کرد: این اقدام اگرچه با حسن نیت همراه بود اما موجب شد توازن نسبی سه جانبه گرایی در سازمان به هم بریزد و به بی‌خاصیت شدن رای نمایندگان کارگر و کارفرما در هیئت امنا منجر شد.

وی در ادامه افزود: پس از انتصاب شگفت انگیز آقای مرتضوی به مدیرعاملی صندوق تامین اجتماعی، این انتصاب از سوی کارشناسان با قانون ساختار و حتی اساسنامه مورد تصویب هیئت وزیران مغایر تشخیص داده شد و مراتب آن از طریق هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورد پیگیری قرار گرفت و در این راستا، انتصاب آقای مرتضوی غیرقانونی اعلام شد.

ایزد خواه عنوان کرد: یکی از ایرادات وارده هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، نامرتب بودن رشته تحصیلی آقای مرتضوی (رشته حقوق) بود اما دولت به منظور دور زدن رای دیوان، اصلاحیه‌ای را به بهانه تغییر نام صندوق تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی تصویب کرد. در این اصلاحیه، رشته حقوق نیز در قلمرو رشته مدیریت تلقی شده بود تا وی بتواند همچنان بر کرسی ریاست باقی بماند.

این کارشناس تامین اجتماعی در ادامه تصریح کرد: این اصلاحیه از سوی رئیس مجلس با قوانین حاکم بر صندوق تامین اجتماعی مغایر تشخیص داده شد که نهایتاً مجلس، دیوان، و دولت را به تقابل با یکدیگر کشاند و به استیضاح «شیخ الاسلامی» وزیر کار وقت منجر شد. شیخ الاسلامی برای رهایی از حوزه تامین اجتماعی به استناد یکی از مواد برنامه پنجم توسعه، اداره سازمان را از خود منتزع و به معاون اول رئیس جمهور واگذار کرد که این اقدام صوری از سوی مراجع قانونی و صاحب نظران چیزی جز مقاومت در برابر قانون و اصرار بر قانون شکنی تشخیص داده نشد.

وی ادامه داد: پس از استیضاح شیخ الاسلامی و استقرار عباسی، در چارچوبی به ظاهر حقوقی، مرتضوی مجدداً از سوی وزیر کار به عنوان سرپرست تعیین شد.

پایان پیام

بیانیه ۱۷۰ شرکت بزرگ صنعتی کشور در حمایت از زنگنه

به نوشته سایت ایرنا در تاریخ ۲۷ مرداد ۰۹۲ آمده است: تهران- انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی کشور با بیش از ۱۷۰ شرکت بزرگ صنعتی با انتشار اطلاعیه ای حمایت خود را از وزیر

نفت پیشنهادی دولت یازدهم و راهکارهای بخش خصوصی برای تسریع در روند توسعه صنعت نفت اعلام کرد.

به گزارش روز پنجشنبه ایرنا، انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران (ستصا) در این اطلاعیه ضمن ابراز خرسندی از معرفی مهندس بیژن نامدار زنگنه برای تصدی وزارت نفت، اعلام کرده است که رای اعتماد قاطع مجلس شورای اسلامی به زنگنه، بشارت تحرک در جامعه صنعتی را به همه صنعتگران پرتلاش کشور می دهد.

در این اطلاعیه آمده است: تجربه و تخصص زنگنه، وزیر پیشنهادی نفت می تواند سبب تحرک و نشاط در صنعت نفت شود و با توجه به اشراف وی بر صنعت نفت و نیز دارا بودن تجربه و تخصص در این زمینه، می تواند در آینده مسیر توسعه این صنعت را هموار کند. بر پایه این اطلاعیه، زنگنه از زمان حضور در جهاد سازندگی تاکنون جزو مدیران خوشنام و توانای نظام بوده است و سال ها حضور و تجربه در بخش انرژی کشور سبب پویایی و توسعه وزارتخانه های نفت و نیرو شد و حضور دوباره وی در وزارت نفت بسیار مفید خواهد بود. در اطلاعیه انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی کشور تاکید شده است: صنعت نفت کشور امروز نیازمند مدیری توانمند و با تجربه است که زنگنه با توجه به تجارب گسترده ای که در کارنامه خود دارد، از تمام ویژگی های یک مدیر پیگیر و متخصص برخوردار است.

رئیس انجمن صنفی کارگران خباز مریوان و سروآباد: مزد نانویان به شرط افزایش قیمت نان زیاد می شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 27 مرداد 92 آمده است : رئیس انجمن صنفی کارگران خباز مریوان و سروآباد، شرط افزایش قیمت نان برای افزایش مزد کارگران خباز را ناعادلانه خواند.

«عبدالله بلواسی» در این باره به ایلنا گفت: با توجه به بخشنامه شورای عالی کار و ماده ۴۱ قانون کار، دستمزد کارگران باید هر ساله در ابتدای فروردین ماه افزایش پیدا کند ولی افزایش مزد کارگران خباز (نانوا) به افزایش قیمت نان منوط می شود که ناعادلانه است. در حالی که حق بیمه کارگران خباز از ابتدای فروردین ماه نزدیک به ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده، یک ریال هم به حقوقشان اضافه نشده است.

وی در ادامه با اشاره به افزایش قیمت نان در شهریور ماه هر سال تصریح کرد: نان زودتر از سه ماهه اول سال گران نمی شود و افزایش قیمت معمولا به شهریور ماه موکول می شود. با این حال مابه التفاوت این تاخیر ۶ ماهه به کارگران پرداخت نمی شود.

این فعال صنفی افزود: زمانی که نان گران می شود پخت نانویانها هم کاهش می یابد. کارگران خباز روز مزد نیستند بلکه کیسه ای کار می کنند بدین معنا که اگر روزانه ۱۰ کیسه ۴۰ کیلویی پخت کنند یک دستمزد می گیرند و اگر ۸ کیسه پخت کنند دستمزد پایین تری دریافت می کنند.

رئیس انجمن صنفی کارگران خباز مریوان و سروآباد در پایان اظهار داشت: در حالی که کارگران خباز ساعت کاری مشخصی را در اختیار کارفرما هستند، بسته به میزان پخت نانویان دستمزدشان متفاوت است و بسیاری از آنها حقوقی کمتر از مزد پایه دریافت می کنند.

پایان پیام

عضویت سعید مرتضوی در هیات مدیره تامین اجتماعی لغو شد

به نوشته سایت اعتماد در تاریخ 27 مرداد 92 آمده است: علی ربیعی در نخستین روز کاری خود در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سعید مرتضوی، مدیرعامل سابق و پرحاشیه تامین اجتماعی را از عضویت در هیات امنای تامین اجتماعی کنار گذاشت و صمدالله فیروزی را به عنوان سرپرست صندوق تامین اجتماعی منصوب کرد.

با اطلاعیه‌یی که روز گذشته از سوی وزارت تعاون منتشر شد در حال حاضر سعید مرتضوی سمتی در تامین اجتماعی ندارد، هر چند سعید مرتضوی و ناصر برهانی در آخرین روزهای عمر دولت دهم به عضویت در هیات امنای تامین اجتماعی در آمدند اما از آنجایی که زمان صدور حکم برای مرتضوی در مرداد ماه 92 است و حکم مرتضوی در تامین اجتماعی 18 مردادماه پایان رسید، انتصاب او بعد از این تاریخ به عنوان عضویت هیات‌مدیره غیرقانونی است. در اطلاعیه وزارت کار آمده است: «اعضای قانونی هیات امنای سازمان تامین اجتماعی، اعضای قبل از تاریخ 1392/5/1 است.» «بر اساس اطلاعیه روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مراحل قانونی تعیین اعضای هیات امنای تامین اجتماعی مبنی بر پیشنهاد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تصویب شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی است که به دلیل عدم تحقق شروط مذکور در تصمیمات اخیر هیچ گونه تغییری در ترکیب اعضای قبلی هیات امنای مذکور از نظر این وزارتخانه صورت نپذیرفته و اعضای قانونی هیات امنای، اعضای قبل از تاریخ 1392/5/1 هستند. روابط عمومی این وزارتخانه در پایان اطلاعیه خود یادآور شده است: پس از بررسی‌های لازم ترکیب اعضای جدید هیات امنای با پیشنهاد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تصویب شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی مشخص شده و به اطلاع عموم خواهد رسید.» هیات‌مدیره تامین اجتماعی با اعمال نفوذ سعید مرتضوی در روز معارفه وزیر جدید کار علی روحبخش را به عنوان مدیرعامل جدید این سازمان معرفی کرد؛ انتصابی که بلافاصله از سوی ربیعی رد شد. علی روحبخش مشاور اجرایی مدیرعامل سابق با امضای مرتضوی معاون اداری و مالی تامین اجتماعی در یک ماه گذشته شده بود. انتصاب مدیرعامل جدید در حالی صورت می‌پذیرد که مطابق قانون تامین اجتماعی، بدون حکم معاون اول رییس‌جمهور، انتصاب مدیرعامل این سازمان، قانونی نیست. با این وجود انتصاب‌ها و تصمیمات غیرقانونی در این سازمان تا روزهای آخر ادامه داشت. از جمله دستورات اخیر در این سازمان، صدور مجوز استخدام 500 نفر از کارمندان است که هیات امنای سازمان تامین اجتماعی صادر کرده و برخی از منابع خبری از جمله خبرگزاری کار ایران (ایلنا) نوشته‌اند این کارکنان «از نزدیکان سیاسی سرپرست فعلی سازمان (سعید مرتضوی) هستند.» این منبع همچنین از تصمیم دیگر هیات امنای خبر داده که طبق آن باید پاداشی معادل یک میلیارد و 300 میلیون تومان به اعضای هیات امنای سازمان تامین اجتماعی پرداخت شود. صمدالله فیروزی، سرپرست تعیین شده از سوی ربیعی برای صندوق تامین اجتماعی هم‌اکنون عضو هیات‌مدیره صندوق تامین اجتماعی بوده و بیش از این نیز به عنوان معاون فنی و درآمد این صندوق فعالیت می‌کرد. سعید مرتضوی نیز پس از این انتصاب در جلسه هیات‌مدیره صندوق تامین اجتماعی حاضر و به تشریح وضعیت این صندوق در اصول مطالبات و پرداخت بدهی‌های طرف قرارداد پرداخت. او در این جلسه از همکاران خود در هیات‌مدیره سازمان خداحافظی و پایان کار خود را در تاریخ 92/5/27 در سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد.

سقوط کارگر ساختمانی از ارتفاع 14 متری جرتفیل

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 مرداد 92 آمده است: کارگر ساختمانی پس از سقوط از ارتفاع 14 متری، نجات یافت.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، روز گذشته کارگر 27 ساله‌ای بنام علی - ب در حین بالا رفتن از

پایه جرثقیل ثابت در محل گود برداری یک مجتمع تجاری در حال ساخت در خیابان یافت آباد شرقی، از ارتفاع ۱۴ متری سقوط کرد و در ارتفاع ۹ متری، بین پله‌های آهنی جرثقیل گیر کرد و معلق ماند.

بنا بر این گزارش، با اطلاع گروه‌های امدادی این کارگر جوان که از ناحیه ران پای چپ دچار آسیب دیدگی شدید و از ناحیه کمر و گردن نیز دچار خونریزی شده بود پس از انتقال به سطح زمین تحویل عوامل اورژانس شد.

پایان پیام

بیانیه سازمان معلمان ایران در اعتراض به عدم رای اعتماد نمایندگان مجلس

* دیوار بی اعتمادی را بلند تر از این نکنید !

معلمان و همکاران گرامی !

مردم آگاه ایران !

با معرفی آقای دکتر نجفی به عنوان وزیر پیشنهادهی آموزش و پرورش در دولت تدبیر و امید ؛ ناامیدی ، نگرانی و خشمی که طی این سال ها و با و برنامه ریزی غیر علمی و تراکم انباشت مطالبات معلمان در لایه های زیرین آموزش و پرورش پنهان شده بود به امید ، شادمانی و اعتماد تبدیل شد .

قابطه جامعه فرهنگیان و حتی مردم عادی از این انتخاب خشنود و خرسند بودند و معلمان منتظر بودند تا نمایندگان مجلس با رای اعتماد به آقای دکتر نجفی ، این امید و اعتماد را دو چندان کنند .

متاسفانه و در کمال ناباوری ، نمایندگان محترم مجلس به وزارت آقای دکتر نجفی که به حق یکی از مدیران موفق و موثر نظام و کشور است رای منفی دادند . اگر چه این حق قانونی و طبیعی نمایندگان مجلس است که از ابزارهای قانونی خود استفاده کنند اما سخن ما این است که مجلسیان چگونه می خواهند این دیوار بی اعتمادی را که روز به روز در حال گسترش است ترمیم کنند ؟

معلمان هرگز این عدم رای اعتماد را فراموش نکرده و در انتخابات آینده مد نظر قرار خواهند داد و شاید این غفلت تاریخی ما معلمان است که نتوانسته ایم نمایندگان واقعی و صنفی خود را در مجلس داشته باشیم تا صدای رسای مطالبات معلمان باشند .

محتوای سخنان مخالفان وزارت آقای دکتر نجفی در مجلس و حرک ناشایست برخی از نمایندگان به ویژه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در صحن مجلس مانند پخش شب نامه و... ، علاوه بر این که شان مجلس را نزد فرهنگیان زیر سوال برد بیش از پیش حقانیت و مظلومیت آموزش و پرورش را نزد ما و جامعه به ثبوت رساند!

تعجب ما از مجلسیان این است که همواره مدعی سیاسی بودن و یا جناحی شدن آموزش و پرورش و... بوده اند اما جنس مخالفت ها و نوع نگرش آنان کاملاً آلوده به اغراض سیاسی و جناحی بود .

آنان از هر دری گفتند غیر از آموزش و پرورش و معلمان!

سازمان معلمان ایران بر این باور بوده است که آموزش و پرورش شاه کلید و محور توسعه است و فردی که سکان دار آموزش و پرورش می شود باید توان مند ترین و متخصص ترین باشد تا بتواند همگام با تحولات جامعه و جهان ، کشتی بحران زده آموزش و پرورش و فرهنگیان را به ساحل امن برساند .

سازمان معلمان ایران ضمن تشکر از آقای دکتر روحانی به خاطر معرفی وزیر فرهیخته و با تدبیر از آقای دکتر نجفی که دعوت تشکر های معلمان و فرهنگیان را بی پاسخ گذاشت و با آنان همراهی کرد صمیمانه تشکر می کند .

سازمان معلمان ایران بر پایه اصل "مطالبه محوری" پیگیر مطالبات به حق فرهنگیان و معلمان خواهد بود و از فرهنگیان محترم در سراسر کشور انتظار دارد با امید و اعتماد مسائل آموزش و پرورش را پیگیری نمایند.

امید داریم که وزیر آینده آموزش و پرورش بتواند با پاسخگویی به مطالبات قانونی و به حق معلمان که همانا اهداف و برنامه های اعلام شده رئیس جمهور می باشد به انسجام و توان پایگاه اجتماعی دولت بیفزاید.

نامه انجمن صنفی کارگران نیروگاه تبریز به وزیر نیرو: تخلیه انبار و کاهش تولید، نتیجه خصوصی سازی نیروگاه تبریز است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 27 مرداد 92 آمده است : انجمن صنفی کارگران نیروگاه حرارتی تبریز در نامه ای به «حمید چیت چیان» وزیر نیرو، واگذاری نیروگاه تبریز را برخلاف اصل ۴۴ قانون اساسی دانسته که به خالی شدن انبار این شرکت و کاهش تولید منجر شده است.

به گزارش ایلنا، در متن این نامه خطاب به وزیر نیرو آمده است: وزارتخانه را در حالی تحویل می گیرید که تعدادی از نیروگاه ها از جمله نیروگاه تبریز برخلاف اصل ۴۴ قانون اساسی و آیین نامه واگذاری شرکت های دولتی جهت رد دیون واگذار شده اند.

این تشکل صنفی کارگری در ادامه به خودداری غیر قانونی نماینده وزیر نیرو در امر خصوصی سازی، از ابلاغ و اجرای آیین نامه طبقه بندی مشاغل شرکت های تولیدی اشاره کرده است که مطابق قوانین وزارت نیرو باید طی ۱۰ سال مورد بازنگری قرار بگیرند.

انجمن صنفی کارگران نیروگاه حرارتی تبریز در پایان به وضعیت ۲۵۰ کارگری که قراردادشان به صورت ۲۹ روزه است و حدود ۱۰۰ نفر نیروی شرکتی که حتی در پست های تخصصی با ماهیت دائمی کار می کنند اشاره کرده است که علی رغم پیگیری از شرکت توانیر، تبدیل وضعیت نمی شوند.

پایان پیام

جنبش کارگری و کودتای ۲۸ مرداد

علیرضا تقفی

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/08/28_4692.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است : جنبش کارگری که در دوره حاکمیت رضاشاه با سرکوب شدید مواجه بود، پس از اخراج رضا شاه از ایران در شهریور 1320 توسط متفقین بار دیگر به صورت علنی به صحنه آمد. فعالان کارگری و نمایندگان کارگران با استقرار دیکتاتوری رضا شاه به شدیدترین وجه سرکوب شدند. از جمله اعتراضات کارگری وسیع در دوران رضاه شاه اعتصاب کارگران نفت در سال 1308 بود که رهبران کارگری فعال در اعتصاب دستگیر شده و تا سال 1320 در زندان بودند.

پس از سرنگونی رضا شاه، فعالان کارگری به سرعت دست اندر کار تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری شدند. چند ماه پس از سرنگونی رضا شاه اولین سندیکاها و اتحادیه ها

تشکیل شد و ظرف دو سال شورای متحده کارگری به وجود آمد که یک فدراسیون سراسری کارگران بود. این امر سبب شد که نیروی کارگران در سطح کشور و منطقه به صورت نیرویی مهم و تعیین کننده درآید. در بین سال‌های 32-1320، جنبش کارگری آن چنان اهمیتی پیدا کرد که بدون در نظر گرفتن آن، دولت‌ها نمی‌توانستند تصمیمی بگیرند...

اعتراضات کارگری در سال‌های 1323 و 1325 آن چنان وسیع و سراسری بود که دولت‌ها مجبور بودند به آن توجه کنند. به خصوص اعتصاب سراسری کارگران نفت در تیرماه 1325 که به درگیری شدید میان کارگران و عوامل شرکت نفت انگلیس منجر شد و در آن بیش از 50 نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. شاید بتوان آن را آغازی بر ضرورت ملی شدن صنعت نفت دانست، زیرا در سرکوب این اعتراضات، دخالت دولت انگلیس برای تحمیل شرایط غیرانسانی شرکت نفت انگلیس آشکار و بدون پرده‌پوشی صورت می‌گرفت. در جریان مبارزات کارگران، به خصوص کارگران شرکت نفت در سال‌های دهه 30، دولت انگلیس به مسلح کردن عشایر وابسته به خود و راه‌اندازی دار و دسته‌های مزدور و هم‌چنین آوردن تفنگ‌دار به سواحل جنوب مبادرت می‌کرد و در حقیقت اعتراضات کارگران را نوعی جنگ علیه خود می‌دانست. مقاومت کارگران در تمام این سال‌ها به گونه‌ای بود که دیگر همانند سابق شرکت نفت انگلیس توان غارت بی‌سرو صدا و استخراج بدون هزینه‌ی منابع نفتی را نداشت. رفتار استعمارگرانه‌ی دولت انگلیس در مناطق نفتی، (یک سگ مسیو انگلیسی خرجش بیش از ده‌ها کارگر نفت بود) سبب عکس‌العمل‌های مردم جنوب و به خصوص کارگران می‌شد و در حقیقت کارگران در صف مقدم مبارزه با استعمارگران قرار داشتند و مبارزات آنان به خصوص اعتصاب‌های سراسری در سال‌های 1308-1323-1325 و کشتار کارگران و دستگیری رهبران آنان بیانگر آن است که کارگران در صف مقدم مبارزه برای استقرار حاکمیت بر صنایع نفت بودند. این امر به خوبی توسط سایر اقشار اجتماعی و هم‌چنین دولت‌مردان قابل درک بود، زیرا آنان نیز نمی‌توانستند این مبارزات را نادیده بگیرند. از دولت‌مردان مزدور گرفته که همواره سعی می‌کردند وفاداری خود را به اربابان انگلیسی با سرکوب کارگران نشان دهند، تا دولت‌مردان ملی در آن دوران، که در مجموع از مبارزات کارگران حمایت می‌کردند، همه می‌دانستند هر گونه مبارزه با استعمار انگلیسی بدون کمک کارگران امکان‌پذیر نیست. هر چند کارگران در آن دوره دارای آن چنان سازماندهی و تشکیلاتی نبودند که بتوانند مستقلاً قدرت را به دست گیرند، اما دارای آن چنان توانایی بودند که دولت‌مردان نمی‌توانستند بدون به حساب آوردن آنان برنامه‌های خود را به پیش ببرند.

در این زمینه دو برخورد متفاوت دولت‌مردان مزدور انگلیس و دولت‌مردان ملی با کارگران خود نشان‌دهنده‌ی از توانایی کارگران و تشکلهای کارگری است. برای بررسی بیشتر این موضوع به چند برخورد تاریخی می‌توان در این میان توجه کرد.

اولین تظاهرات کارگران جنوب پس از سرنگونی دیکتاتور رضا شاه، در روز کارگر سال 1324 بیانگر آن بود که نیروی عظیمی وارد صحنه شده است که تا آن زمان دست کم گرفته می‌شد. شرکت بیش از 80 هزار نفر در مراسم روز کارگر و درخواست افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و حق مسکن و هم‌چنین به رسمیت شناخته شدن تشکل کارگران، نشان داد که نیروی اجتماعی کارگران در صف مقدم مبارزه برای حق حاکمیت بر منابع و معادن قرار دارند.

علاوه بر آن مبارزات کارگران جنوب در سال بعد، یعنی تیرماه 1325 که منجر به کشته شدن بیش از 50 نفر و زخمی شدن صدها نفر و سپس دستگیری و تبعید هزاران نفر از کارگران و فعالان کارگری خوزستان شد، نقطه عطفی در مبارزات کارگران علیه سیاست‌های استعماری انگلستان بود. در این مبارزات کارگران صف آرایی کرده و به جنگ متقابل می‌پرداختند. تا قبل از آن سیاست‌های آپارتاید (جدایی نژادی) در مناطق نفتی حاکم بود و کارگران نفت حق ورود به محل زندگی و تفریح انگلیسیان را نداشتند و از هیچ حق و حقوق انسانی در برابر روسای شرکت نفت برخوردار نبودند. حتی ارتش و مقامات دولتی نوکران گوش به فرمان شرکت نفت انگلیس بودند و استاندار خوزستان را شرکت نفت تعیین می‌کرد. اما پس از مبارزات سال‌های 24 و 25 کارگران بود که اولین قانون کار تصویب شد و حداقل حقوق، حق مسکن، خواربار و غیره و تا حدودی حقوق

کارگران به رسمیت شناخته شد و اولین بار بود که قدرت مطلقه استعماری در مناطق نفت جنوب به چالش کشیده می‌شد و انگلستان دیگر آن قدرت مطلق را نداشت. بر طبق اسناد موجود اولین حامیان ملی شدن صنعت نفت، کارگران نفت جنوب بودند. آن‌ها با اعتصاب و اعتراض سراسری در روزهای پس از ملی شدن صنعت نفت اعتراضات کارگری 25 فروردین 1330 اولین گام‌ها را در جهت خلع ید از انگلیسیان برداشتند. اعتصابات و اعتراضات کارگری برای خلع ید انگلیسیان از فردای تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت آغاز شد. کارگرانی که در دوران حاکمیت انگلستان بر جنوب و مناطق نفت‌خیز بیشترین خسارت و ستم را از این اشغال‌گران دیده بودند، بارها و بارها از جانب آنان شکنجه، دستگیر و کشته شده بودند. بارها و بارها حقوق آنان پایمال شده بود، اکنون خواهان بیرون راندن انگلیسی‌ها بودند. آن‌ها اولین هم‌آوردانی بودند که به سرعت دست به کار خلع ید از شرکت نفت انگلیس شدند. اعتراضات و اعتصابات فروردین 1330 (لازم به ذکر است که قانون ملی شدن صنعت نفت 29 اسفند 1329 تصویب شد) آن چنان عمیق و گسترده بود که انگلیسیان به وحشت افتادند و در يك یادداشت شدیدالحن دولت ایران را مسوول جان اتباع انگلیسی دانستند (گزارش 1330/02/04 - وزیر مشاور انگلیس به مجلس عوام صفحه 59 اسناد و مکاتبات نفت- دکتر محمد مصدق) در این گزارش آمده است که نخست‌وزیر ایران (در آن زمان علا نخست وزیر بود) از این که چند انگلیسی در جریان این اعتراضات کشته شده‌اند اظهار تاسف کرده، این امر نشان می‌دهد که وسعت این اعتراضات چگونه بوده و کارگران به عنوان اصلی‌ترین و واقعی‌ترین پشتیبان خلع ید از استعمارگران تا چه حد آماده مبارزه بوده‌اند...

اتفاقا به همان گونه که گفته شد و سیاست‌مداران مزدور انگلیس نظیر شاه و درباریان در هر زمان ضدیت خود را با کارگران نشان می‌دادند و نوکری حقیقی خود را در برابر استعمارگران به نمایش می‌گذارند. برعکس سیاست‌مداران مستقل و طرفدار ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از استعمارگران، می‌دانستند که بزرگ‌ترین پشتیبان آنان در این زمینه کارگران و زحمت‌کشان هستند.

به همین جهت هنگامی که کارگران نفت در جریان مبارزات ملی شدن این صنعت برای چند ماه حقوق نگرفته بودند و دولت به علت تحریم نفتی توان پرداخت حقوق آنان را نداشت، دکتر مصدق برای پرداخت حقوق کارگران نفت، برای اولین بار دست به انتشار اسکناس بدون پشتوانه زد. در این مورد، حتی بسیاری از همراهان قبلی او در برابرش ایستادند و در مجلس استیضاحش کردند. کشمکش بر سر این مساله آنقدر بالا گرفت که در انتها منجر به کودتای 28 مرداد شد. بسیاری از کسانی که به ظاهر طرفدار خلع ید از انگلیسیان بودند، هنگام عمل و حمایت از کارگران نفت، خود را کنار کشیدند و به یاران نیمه راه تبدیل شدند، زیرا که قدرت‌گیری کارگران را خلاف منافع خود می‌دیدند.... و کارگران پی‌گیرترین طرفداران ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از استعمارگران بودند... به همین جهت کودتاگران نیز بزرگ‌ترین دشمن خود را در این زمینه کارگران می‌دانستند و پس از کودتا بیشترین فشار و شکنجه و دستگیری را متوجه کارگران و نمایندگان آنان می‌کردند، دستگیری فعالان کارگری، شکنجه و زندانی کردن آنان در سال‌های پس از کودتای 28 مرداد ادامه داشت.

امروز تقریباً اکثریت قاطع جناح‌های سرمایه‌داری، ملی شدن صنعت نفت را امری منفی می‌دانند و بسیاری از آنان با آوردن عذر تقصیر به پیشگاه نظام شاهنشاهی گاه می‌گویند بهتر نبود به همان اصلاحات شاه بسنده می‌کردیم و دچار این همه مصیبت نمی‌شدیم یا بسیاری از آنان می‌گویند بهتر بود همان قرارداد گس‌گلشائیان را می‌پذیرفتیم و دچار آن همه عذاب نمی‌شدیم. سلطنت‌طلبان سابق که تکلیف‌شان مشخص است، بخش‌های زیادی از محافظه‌کاران حکومتی و اصلاح‌طلبان و حامیان سابق نهضت ملی دست از سر ملی شدن صنعت نفت برداشته و در تطهیر کودتاگران و محکومیت نیروهای رادیکال صحبت می‌کنند. حتا فردی مثل غلامرضا نجاتی، که به اصطلاح خود را هوادار مصدق می‌داند، در کتاب تاریخ‌نگاری خود می‌گوید:

"پس از کودتای 25 مرداد، حزب توده با ایجاد تظاهرات آشوب‌گرانه و پخش شعارهای ضدسلطنت خواستار تغییر فوری رژیم و جمهوری دموکراتیک شده بود. عملیات حزب توده در آن دوران حساس تاریخی درست در جهت خواسته‌های لندن و واشنگتن قرار داشت..." (تاریخ 25 ساله ایران غلامرضا نجاتی، ص: 416) این تحلیل شوک‌آور است. در راس پایین کشیدن مجسمه‌ها و مهر و موم کاخ‌های سلطنتی به عنوان کاخ‌های فساد و جمهوری خواهان، دکتر فاطمی، این قهرمان ملی شدن صنعت نفت، قرار داشت که البته در همکاری نزدیک با طرفداران حزب توده و جوانان دموکرات طرفدار مصدق بود. حال چگونه این خواست کارگران و زحمت‌کشان و عناصر صادق جبهه ملی به همدستی با لندن و واشنگتن تعبیر می‌شود؟...

پس از کودتای 28 مرداد، جنبش کارگری به رغم آن که به شدت مورد تهاجم قرار گرفت و سرکوب شد، اما از پای ننشست. در تمام دوران پس از کودتا، تا هنگام فرا رسیدن دوران سرنگونی شاه و سلطنت، مبارزات خود را ادامه داد. از فردای کودتا اعتراضات پراکنده در تمامی مناطق کارگری ادامه داشت. و در سال‌های 1337 و 38 به اعتصاب سراسری کشید. از مهم‌ترین این اعتراضات، اعتصاب سراسری کارگران کوره‌پزخانه‌ها در خرداد ماه 1338 بود. آن‌ها خواهان افزایش دستمزد 35 درصدی بودند و در این زمینه هم‌بستگی کاملی میان کارگران حکم فرما بود. اما مقامات کودتا که از این اعتراض سراسری کارگران به خشم آمده بودند و گمان می‌کردند که کارگران از قدرت کودتا ترسیده‌اند، برای کارگران لشکرکشی کردند. کارگران شجاعانه در برابر نیروهای کودتا ایستادند. در زد و خوردی که میان ارتش و کارگران صورت گرفت، بیش از 50 کارگر کشته شدند و صدها نفر زخمی بر صحنه نبرد بر جای ماند. عده زیادی دستگیر شدند. در انتها کودتاگران مجبور شدند در برابر خواست کارگران عقب‌نشینی کنند.

هم زمان با اعتصاب سراسری کارگران کوره‌پزخانه‌ها، کارگران کارخانه نساجی وطن اصفهان که در جریان کودتا مورد تهاجم قرار گرفته و بسیاری از آنان بازداشت و یا اخراج شده بودند، بار دیگر دست به اعتصاب زدند. در زد و خوردی میان آنان و ارتش کودتا، بیش از 10 نفر از کارگران کشته شده و تعداد زیادی زخمی در صحنه‌های نبرد کارگران و ارتش شاه بر جای ماند. رژیم کودتا که خواست اصلی‌اش غارت منابع و معادن و سر به راه کردن نیروی کار بود هیچ گاه در این صحنه از نبرد، پیروزی کامل به دست نیاورد و هر بار که فشار را بر کارگران افزایش می‌داد، آنان نیز به مقابله بر می‌خواستند. این امر از امتیازاتی نمایان است که کارگران در دوره رژیم کودتا به دست آوردند. در رژیم کودتا کارگران موفق شدند حداقل دستمزد را افزایش دهند. بیمه‌های اجباری را به دست آورند. حق بازنشستگی، 8 ساعت کار و تعطیلات سالانه را به رژیم کودتا بقبولانند. این اعتراضات در سراسر دهه‌ی 1340 و 50 ادامه داشت. از آن جمله می‌توان به اعتصابات مجدد کوره‌پزخانه‌ها، رانندگان تاکسی و اعتصاب پالایشگاه‌ها (در سال 1348) و... اشاره کرد. رژیم شاه هیچ گاه از دست کارگران در امان نبود.

یکی از درخشان‌ترین مبارزات کارگران در زمان شاه راه‌پیمایی کارگران جهان‌چیت از کرج به تهران بود. هرچند در این راه‌پیمایی میان کارگران و نیروهای ارتش کودتا در کاروان‌سرا سنگی درگیری شدیدی به وجود آمد و تعدادی از کارگران کشته شدند، اما این درگیری تأثیری مستقیم در تضعیف رژیم کودتا داشت، به طوری که برای اولین بار پس از کودتا جنبش دانشجویی نیز به حمایت از کارگران جهان‌چیت برخاست. بدین ترتیب جنبش کارگری تأثیری مستقیم بر ادامه‌ی مبارزات اجتماعی پس از کودتا داشت. به طوری که جنبش مسلحانه که از سال‌های انتهای دهه‌ی 50 شکل گرفت کاملاً تحت تأثیر و در ارتباطی نزدیک با جنبش کارگری بود. حضور فعالان کارگری سرشناس همانند اسکندر صادقی‌نژاد، جلیل انفرادی و حسن نوروزی و یوسف زرکاری و... در این جنبش بیان‌گر آن بود که جنبش مسلحانه علیه شاه، بخشی از فعالان کارگری را نیز با خود همراه داشت و از این طریق مواضع خود را در ارتباط با جنبش کارگری بیان می‌کرد. در رابطه با کارگران و مبارزات آنان در سال‌های پس از کودتای 28 مرداد دو نظریه وجود داشت که هر دو عمل‌کرد خاص خود را داشت. دیدگاهی معتقد بود که مبارزات کارگران باید به صورت جدا از مسایل صنفی آغاز شده و پس از ایجاد تشکلهای به مراحل سیاسی برسد و.... در این زمینه

برخی فعالان کارگري در دهه 40 مجدداً به صورت صنفی به فعالیت‌های کارگري روی آوردند و در حزب مردم، دست ساخته امیراسداله علم یکی از عوامل کودتا که می‌خواست گوشه چشمی به فعالیت‌های کارگري داشته باشد، خود را دوباره به معرض آزمایش گذاشتند. اما برخی دیگر این مبارزات را جدا از مبارزات سراسری برای سرنگونی رژیم کودتا نمی‌دانستند. زیرا که هر اعتراض کارگري پس از کودتای 28 مرداد با کشتار و خونریزی مواجه می‌شد. در سال‌های پس از کودتای 28 مرداد بحث فعالان کارگري درباره‌ی رابطه میان فعالیت‌های سیاسی و فعالیت‌های کارگري حول محور چگونگی این ارتباط جریان داشت که به نوعی رابطه‌ی امر سیاسی و امر صنفی را روشن کند. تفاوت دو دیدگاه در جنبش مسلحانه در باره‌ی مبارزات کارگران نیز خود را نشان می‌داد. از نظراول، مبارزات اجتماعی جدا از مبارزات گذشته‌ی کارگران و زحمت‌کشان و دانشجویان و سایر اقشار اجتماعی نیست و مبارزه مسلحانه را ادامه‌ی مبارزات مردمی در برابر رژیم کودتا می‌دانست.

از آن جمله مسعود احمدزاده نوشت: "کارگران نمی‌گویند چرا باید مبارزه کرد، آنان می‌گویند چگونه باید مبارزه کرد". این دیدگاه می‌رساند که کارگران در شرایطی قرار دارند که يك آگاهی در دوره ضرورت تغییر را از سرگذرانده‌اند. در حقیقت آنان قبول نکردند که کودتای 28 مرداد آنان را يك درجه به عقب رانده است. کارگران قبل از کودتا دارای سندیکا اتحادیه و مجامع صنفی بوده‌اند. در نتیجه کارگران ایران با تشکل ناآشنا نبوده‌اند و این بخش را به دست‌آورده بودند، اما کودتا این دست‌آورد را از آنان گرفت و هر روز که از کودتا گذشت کارگران درك عمیق‌تری از عمق فاجعه کودتا پیدا کردند. هر روز با تنگ‌تر شدن حلقه سرمایه به دور زندگی‌شان بیشتر متوجه آن شدند که کودتا چه گوهرهای گران‌بهایی را از آن‌ها گرفت و در صورت داشتن تشکل‌های کارگري و اتحادیه‌ها و سندیکا می‌توانستند از حقوق‌شان دفاع کنند. در نتیجه در اصل مبارزه برای به دست آوردن شرایط از دست رفتن، جامعه کارگري ایران شکلی نداشت و به خصوص قشر آگاه‌تر کارگران، که بیشترین حمله دیکتاتوری به سمت آنان بود در ضرورت مبارزه هیچ شکلی نداشتند و در کنار آنان کارگران نسل بعدی نیز که در محیط کار و کارخانه قرار می‌گرفتند تا حدود زیادی می‌توانستند از آگاهی نسل قبل کارگري استفاده کنند. البته نمونه‌ی آن را در مبارزات آن روز کارگران و سپس مبارزات یکپارچه کارگران در سال 57 و اعتصاب نفت‌گران و غیره مشاهده کردیم که خود ناشی از آگاهی کارگران در برابر تهاجم همه جانبه سرمایه در آن دوره است.

این امر که جنبش مسلحانه دنباله‌ی مبارزات علیه کودتاگران است، به گونه‌ای دیگر در نظریه‌های احمدزاده و پویان آشکار است. آنان جامعه را در آستانه‌ی دگرگونی می‌دیدند و به زبان دیگر آن چه که آن‌ها تحت عنوان آمادگی شرایط عینی برای دگرگونی مطرح می‌کنند، مشرف بر همین مساله است که می‌گوید: اگر اعتراضات کارگري سراسری و یکپارچه نیست و اگر هر روز شاهد اعتراضات نیستیم، بدین معنی نیست که مردم آگاه نبوده و یا کارگران آگاهی کافی ندارند و به حقوق خود آشنا نیستند؛ بلکه اولاً اعتراضات به صورت پیوسته وجود دارد و نمونه‌های آن را اعتصاب‌کوره پزخانه‌ها و.... اعتراضات کارگران پالایشگاه‌ها، رانندگان تاکسی و.... می‌بینید و ثانیاً این دیکتاتوری و سرکوب است که اجازه بروز اعتراضات را نمی‌دهد. پس در دیدگاه آنان، کارگران از آگاهی کافی برای ضرورت مبارزه برخوردار هستند اما این دیکتاتوری وحشیانه و سرکوب پلیس است که اجازه حرکت سراسری و اعتراض و اعتصاب سراسری را از آن‌ها سلب کرده است.....

در مبارزات سراسری علیه رژیم کودتا، کارگران و زحمت‌کشان و بخش‌های وسیعی از متحدان آنان که دانشجویان و روشن‌فکران و.... بودند، نشان دادند که از آگاهی‌های صنفی فراتر رفته و دارای آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی هستند، اما تشکل خاص خود را ندارند و در زمینه‌ی حفظ دست‌آوردهای خود ضعیف هستند و...

کودتای 28 مرداد و حوادث پس از آن، بیش از همه نشان داد که کارگران و زحمت‌کشان باید به تشکل‌ها و نیروهای خود و رهبری بلافصل متکی باشند و هر گونه عدم استقلال یا تصمیم‌گیری خارج از تشکل‌های بلافصل خود را مردود بدانند. ضعف رهبری کارگران در 28 مرداد و پس از آن

سبب شد تا بسیاری از دست‌آوردهای آنان طعمه سرمایه‌داران قرار گیرد، دست‌آوردهایی که هنوز هم طبقه کارگر نتوانسته است دوباره به دست آورد. استقلال جنبش کارگری و ایستادن روی پای خود، امروز یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای تجارب گذشته است.

یک فعال کارگری در این شهرستان مطرح کرد: ۴۰ درصد از واحدهای صنعتی تاکستان تعطیل و یا در شرف تعطیلی‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 27 مرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در شهرستان تاکستان از «نیمه فعال» بودن واحدهای صنعتی و تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی «خرمدشت» و «حیدریه» این استان خبر داد.

«اسدالله محمدخانلو» با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: در حال حاضر تنها حدود ۶۰ درصد از واحدهای تولیدی- صنعتی شهرستان تاکستان فعال‌اند و مابقی تعطیل و یا در شرف تعطیلی هستند.

سرپرست خانه کارگر تاکستان دلیل پیش آمدن این وضعیت را افزایش مشکلات مالی، سوءمدیریت، تغییر ساختار و عدم فروش محصولات تولیدی دانست و افزود: بسیاری از واحدها همچون فولاد البرز (با بیش از ۲۰۰ کارگر) چندین سال است که تعطیل شده‌اند و از جانب مسئولان اقدامی برای جلوگیری از تکرار این وضعیت مشاهده نمی‌شود. محمدخانلو با ابراز نگرانی از وضعیت به وجود آمده، ادامه داد: با وجود آنکه استمرار این وضعیت مشکلاتی را برای صاحبان صنایع و کارگران ایجاد کرده است، اما مسئولان به مشکلات واحدهای بحران‌زده اهمیتی نمی‌دهند.

این فعال کارگری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به معضل بیمه‌ای برخی کارگران فعال در این شهرستان گفت: بخش دیگری از مشکلات کارگران تاکستانی مربوط به واحدهای تازه احداث است که در سالهای نخست فعالیت‌شان، کارگران را بیمه نمی‌کنند. محمدخانلو در این باره به کارخانه دستمال کاغذی خرم دشت اشاره کرد که نمونه‌ای از واحدهای تازه تاسیس است که در زمینه قرار داد و بیمه کارگران، طبق قانون کار عمل نمی‌کند.

پایان پیام

مصاحبه با پرویز بابایی در مورد کودتای ۲۸ مرداد / کانون مدافعان حقوق کار

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/08/blog-post_25.html#more

مصاحبه با آقای پرویز بابایی

امیرعباس آزرمنون

کانون مدافعان حقوق کارگر - پرویز بابایی نویسنده و مترجم و یکی از فعالان کارگری در 50 سال گذشته است. او که در آن سال‌ها ابتدا از کارگران راه‌آهن بود، همواره از فعالان ضد کودتا بود و از نزدیک شاهد این روزها و رویدادهای پس از کودتا است. مصاحبه زیر در این موضوع و خاطرات وی در آن دوره است. باتشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، بحث را با این سوال آغاز می‌کنیم. آقای بابایی به نظر شما کودتای 28 مرداد اساسا با جنبش کارگری چه کرد؟

در 28 مرداد عمده هدف سرکوب حزب توده بود. عمدتا چون حزب بعد از 30 تیر با مصدق همراه شده بود. بعد از 28 مرداد عده‌ای از مخالفان ایدئولوژیک می‌گویند حزب شرکت نداشت در حالی که من خودم شاهد بودم که حزب بالاخص در محلات کارگری سازماندهی تظاهرات می‌کرد. در نتیجه می‌توان گفت جنبش کارگری با مصدق همراه بود، به خصوص پس از سی تیر .

در 28 مرداد رژیم خواستار ضربه به حزب بود. حزب نیز بعد از 28 مرداد بعضی تجمعات موضعی خود (خودمختار در هر بخش) می‌گذاشتند. همه منتظر عملی از سوی حزب توده بودند. امثال شریعتی، دکتر پیمان نیز منتظر عملی از سوی حزب بودند. نیروی سومی نیز کمی نفوذ بین طبقه‌ی کارگر داشتند. اما زیاد نبود. از ایرادات عمده‌ی حین کودتا این بود که دکتر مصدق خواهان این شده بود که در روز 28 مرداد مردم در خیابان‌ها نباشند. حتا به سرهنگ نجاتی (غلامرضا نجاتی، نویسنده تاریخ 25 ساله‌ی ایران) هم گفتم که ماجرا چه بوده است. در جریان کودتا، در روز 27 مرداد، زاخاریان، از رهبران حزب توده با دوچرخه در خیابان می‌گشت و به هر کسی که می‌شناخت می‌گفت که مصدق می‌گوید فردا قراره چاقوکشان بیایند توی خیابان. ما می‌خواهیم این‌ها را ایزوله کنیم. پس هواداران نهضت نباید در خیابان باشند. (این نشان می‌دهد که همه از جریان 28 مرداد اطلاع داشتند)

کودتا در 25 مرداد شکست خورده بود. نیروی اصلی‌اش شکست خورد. وزارت خارجه امریکا به سفارتش در تهران می‌گوید ما دیگر دست از اعمال ضد مصدقی برمی‌داریم. بنابراین این که هندرسن مصدق را تهدید کرد یا جنگ جهانی می‌شود در صورت مقاومت و... مزخرف است. از 26 و 27 مرداد توده‌ای‌ها و میلیون تظاهرات می‌کردند. مصدق خواهان پایان تظاهرات و تشکیل شورای سلطنت با ریاست دهخدا بود و می‌خواست مساله را قانونی حل کند. و گر نه تمام احزاب هوادار جمهوری بودند.

در دادگاه نیز در جواب اتهام این که "چرا مجسمه را انداختید"، مصدق گفت من اساسا با مجسمه مخالفم. کاری کردم که به جای این‌که چپ‌ها مجسمه‌ها را بردارند، ملیون آن‌ها را بردارند! دو اشتباه در روز 28 مرداد صورت گرفت: 1- خواست عدم حضور مردم در خیابان‌ها 2- مصدق فاسدینی مانند سرتیب مدیر و سرهنگ اشراقی را بیرون کرد و سرهنگ دفتری را جایگزین آن‌ها و رییس حکومت نظامی تهران کرد که در روز کودتا آن‌ها و سرهنگ دفتری، همه پشت ارادل بودند. حزب توده هم هر چند اراده‌ی مقاومت نیز داشت و اگر مصدق درخواست مقاومت می‌کرد، قطعا حزب هم حمایت می‌کرد و قطعا شکست سختی به کودتا داده می‌شد. محافظ زاهدی سرگرد مهاجرانی بود که توده‌ای بود. حتا سرهنگ بختیار یک ستون را به یک افسر توده‌ای واگذار کرد و او رهبر ستونی بود که از همدان به تهران آمد و... ده‌ها نمونه‌ی دیگر که اگر حزب توده اراده‌ی مقاومت داشت قطعا کودتا شکست می‌خورد و اگر مصدق دستور مقاومت می‌داد حتما ایستادگی می‌شد.

به نظر شما اشکالات آن دوره چه بود و چرا مقاومت نکردند؟

در آن روزها جو کلی آن بود که مجموعا هر که "مرگ بر انگلیس" می‌گفت حزب توده او را به امریکا منتسب می‌کرد. حزب در سال 57 نیز همین اشتباه را تکرار کرد. هر که "مرگ بر آمریکا" گفت به شوروی متصل می‌دانست. در آن زمان در سال 34 نیز با متلاشی شدن سازمان افسری و سازمان اطلاعات حزب توده پشتیبانی مبارزات مردم از میان رفت و رهبران مقاومت دستگیر شدند و از آن طریق فعالان کارگری هم سرکوب شدند و جنبش کارگری نیز تا مدتی کمر راست نکرد.

گفته می‌شود در فروردین 1330، بعد از ملی شدن نفت و روی کار آمدن مصدق، او نامه‌ای به بریتانیا نوشته و خواستار مذاکره با بریتانیا بر سر ملی شدن نفت بود. طبق اسنادی که موجود است و آبراهامیان می‌گوید کارگران در اردیبهشت 30 یک اعتصاب سراسری در مناطق نفت‌خیز راه انداختند و خواهان خلع ید شدند و سپس حکومت علاء برکنار شد،

این یک حرکت و عمل خودبه‌خودی بود و بر سر خواست‌های صنفی بود و ارتباطی به ملی شدن نفت نداشت. این را من در نقد آبراهامیان نوشتم. در آن نامه هم مصدق خواهان غرامت از بریتانیا بود و لاغیر.

بعد از کودتا وضعیت سندیکاها چه شد؟

ایراد اصلی سندیکاها این بود که سران‌شان توده‌ای‌ها بودند. حزب توده با تمام ایراداتش تنها حزب مترقی و دموکراتیکی بود که شعار دفاع از کارگران و زنان و خلق‌ها را مطرح می‌کرد و جامعه را به سمت تحزب هدایت می‌کرد. ناراحتی من از رهبران این است که این بدنه را هم به نابودی کشاندند. حزب توده در عرصه‌ی سیاسی شکست خورد اما در عرصه‌ی اجتماعی پیروز، مترقی و دموکراتیک بود. به همین دلیل گناه حزب بیشتر است.

فعالین سندیکاها اغلب توده‌ای‌ها بودند. البته بودند رهبران سندیکایی که توده‌ای نبودند مثل رهبر سندیکای کارگران دخانیات.

یکی از دلایلی که در سال 32 سندیکاها ضربه خوردند این بود که شورای متحده‌ی مرکزی نیز دیگر نبود که کارها را سازمان دهد. زیرا همه‌ی اعضای رهبری‌اش که توده‌ای بودند یا دستگیر شده یا تحت تعقیب قرار گرفتند. پس سرکوبی حزب خواه و ناخواه به سرکوبی سندیکاها هم منجر شد. مثلاً خودم می‌خواستم در راه‌آهن استخدام شوم. اما حزب گفت تحت تعقیبم. بعد مرا به رشت فرستادند برای کار چاپخانه که در آنجا نشریه‌ی مردم را تکثیر کنیم برای گیلان. اواخر 34 دستگیر شدم و سال 36 آزاد شدم و توسط یکی از خویشان در راه‌آهن استخدام شدم. 25 سال در راه‌آهن بودم که اخراج شدم و بعد از انقلاب مجدداً به راه‌آهن رفتم.

بعد از کودتا وضعیت سندیکاها چگونه بود؟

در سال 36 آرام آرام سندیکاهایی که از سرکوب باقی مانده بودند، شروع به فعالیت کردند. ساواک از آن‌ها خواست که 4 آبان را جشن بگیرند. چندین سرهنگ هم بالای سر هر کدام از این سندیکاها بودند. سفارت امریکا بعد از کودتا بخش کارگری راه انداخت و در ایران بخش کارگری داشت که عده‌ای این افراد را به امریکا بردند و آموزش دادند و برگرداندند. اما ما هم در سال 40 سعی کردیم سندیکای چاپ را برپا کنیم. که به دلیل عدم وابستگی به امریکا بازداشت شدیم و بعدتر هم از طریق حزب مردم خواستند که تشکیلات کارگری برپا کنند. علم که حزب مردم در اختیارش بود عده‌ای از افراد سابقاً توده‌ای را جمع کرد تا تشکیلات کارگری برپا کند. عده‌ای از منتقدین حزب توده هم به سمت باهری و ... رفتند و گفتند که ما عضو حزب مردم نمی‌شویم، اما اگر مستقل باشد، حرفی نداریم. با مذاکراتی که بین باهری و علم شد به توافق رسیدند و موافقت شد که مستقل باشد و سندیکایی مانند فلزکار مکانیک در این احوال شکل گرفت که از بنیان‌گذاران آن اسکندر صادقی‌نژاد و جلیل انفرادی بودند. این دو بعداً به سازمان چریک‌های فدایی پیوستند و در درگیری‌های سال 1350 کشته شدند. بعد از گسترش سندیکای چاپ، کار نزدیک بود به اعتصاب بکشد و حزب مردم هم در انتخابات مجلس 20 می‌خواست ما از کاندیداهای‌شان حمایت کنیم که نکردیم و آن‌ها هم ما را تعطیل کردند.

تفاوت کار سندیکایی بین قبل کودتا و بعد از کودتا چیست؟

سندیکاها با کودتا از بین نرفت اما بین 32 تا 37 پنج سالی سکوت بود و مجدداً از 37 به بعد شکل گرفتن و اعتصابات متعددی هم انجام دادند. مانند اعتصاب کوره‌پزخانه‌ها در سال 38 که تاثیر زیادی در جامعه داشت.

البته بعضی سندیکاهایی که تحت رهبری حزب توده نبود مانند خبازها همیشه بودند و همچنین بعد از 15 خرداد 42 نیز مجدداً سرکوب شدند. در واقع بعد از سرکوبی سال 42 هم جنبش کارگری نیز بی‌نصیب نماند.

به نظر شما حرکت 28 مرداد چه بود؟

قیام ارادل و اوباش در غیبت مردم و نیروهای مترقی. با تشکر از شما.

نماینده مردم زنجان خبر داد: بیکاری ۴۰۰ کارگر در پی تعطیلی سرب و روی زنجان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 مرداد 92 آمده است: پس از تعطیلی کارخانه سرب و روی زنجان به دلیل آلاینده‌گی و اعتراضات مردمی و به تبع بیکاری ۴۰۰ کارگر این کارخانه، نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس تعطیلی این واحد صنعتی را بنا به درخواست «۹۰ درصد مردم استان» ذکر کرد و گفت: مسئولین شرکت ملی سرب و روی، مدیر کل محیط زیست و رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان زنجان در این زمینه قصور کرده‌اند و باید پاسخگوی مردم، مسئولین و کارگران بیکار شده باشند.

«محسن علی‌مردانی» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در زنجان، با بیان اینکه الویت مسئولین استان پیگیری اشتغال کارگران شرکت ملی سرب و روی زنجان است، اظهار داشت: تمامی اقشار زنجان از فعالیت این واحد تولیدی آلاینده محیط زیست مضطرب و نگران شده بودند و این موضع ابعاد امنیتی پیدا کرده بود.

نماینده مردم زنجان با اعلام اینکه «زمینی برای ادامه کار این شرکت خریداری و فنس کشی شده است»، اظهار امیدواری کرد مشکل کارخانه سرب و روی زنجان در دولت جدید مرتفع شود.

پایان پیام

با تجمع شبانه در مقابل درب کارخانه

کارگران فولاد زاگرس مانع خروج ابزار تولید از کارخانه شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 مرداد 92 آمده است: کارگر اخراجی کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس، از تلاش شبانه کارگران برای جلوگیری از خروج اموال و ضایعات و قراضه‌های چدنی از کارخانه خبر داد.

«علی اکبر هدایتی» یکی از ۲۳۵ کارگر اخراجی کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس حجم ضایعات مورد اشاره را ۶ هزار تن ذکر کرد و در این باره به ایلنا گفت: از صبح دیروز (یکشنبه 27 مرداد) کارفرما سعی در جابجایی و فروش بخشی از اموال کارخانه را داشت که با ورود به موقع کارگران از این جابجایی‌ها جلوگیری شد.

این کارگر با اشاره به خواسته کارگران در خصوص پرداخت بخشی از مطالبات معوقه از طریق فروش اموال کارفرما و پیمانکار، گفت: با توجه به اینکه کارگران با طرح شکایت در دادگاه عمومی سریش‌آباد خواستار پرداخت مطالبات ۲۳۵ کارگر اخراجی از طریق فروش بخشی از اموال کارفرما و شرکت پیمانکاری «خوان گل» شده‌اند، کارفرما با پیش‌دستی قصد به فروش رساندن این اموال و ضایعات و قراضه‌های ارزشمند را داشت که با دخالت کارگران امکان این کار را نیافت.

هدایتی با بیان اینکه کارگران اموال کارخانه‌ای که سال‌ها در آن کار می‌کردند را متعلق به خود می‌دانند، افزود: با وجود آنکه بعد از کش و قوس‌های کارگران با کارفرما هنوز هیچ کارگری اجازه ورود به کارخانه را ندارد، با این حال از صبح دیروز و دیشب حدود ۱۰۰ نفر از کارگران در مقابل ساختمان کارخانه تجمع کرده و اجازه خروج هیچ اموالی را از کارخانه بدون حکم قضایی نمی‌دهند.

این کارگر اخراجی در پایان افزود: کارگران در تلاش‌اند با ارائه اسناد قانونی و با توجه به اتفاقات دو روز گذشته، درب کارخانه را با حکم قضایی پلمب کنند تا حکم قضایی در خصوص مطالبات‌شان صادر شود.

پایان پیام

در مشهد اتفاق افتاد: برق ۲۰ هزار ولتی جان کارگر ساختمانی را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 مرداد 92 آمده است: کارگری در مشهد به دلیل آنچه «رعایت نشدن اصول ایمنی حین کار» ذکر می‌شود، بر اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، روز گذشته کارگر ۴۰ ساله‌ای که در حال بنایی در پشت بام یک ساختمان در حال احداث در بلوار شهید میرزایی مشهد بود به سبب برخورد ناگهانی سیم برق فشار قوی با لوله فلزی که در دست داشت، دچار سوختگی شدید شد و جان خود را از دست داد.

بر اساس این گزارش، علاوه بر مرگ این کارگر که در جریان اتصالی این برق ۲۰ هزار ولتی رخ داده است، برق ۵۰۰ واحد مسکونی منطقه نیز قطع شد.

پایان پیام

کارگران فولاد زاگرس با حضور شبانه در محل کارخانه از خروج اموال کارخانه جلوگیری کردند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 28 مرداد 92 آمده است: در ادامه کشمکشهای کارفرمای فولاد زاگرس با کارگران اخراجی این کارخانه و خودداری وی از پرداخت ۵ ماه دستمزد معوقه این کارگران و در حالی که شکایت ۲۳۵ کارگر اخراجی فولاد زاگرس در هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه در حال رسیدگی است، کارفرما در ادامه اقدامات خود برای خالی کردن کارخانه از دارائی هایش، اقدام به فروش خاک ضایعات چدنی در شش مرحله و در هر مرحله به مبلغ ۱۶۰ میلیون تومان کرد. بر این اساس کارفرما دیروز در پی تحویل اولین محموله به خریدار بود. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اخراجی فولاد زاگرس با شنیدن این فروش بلافاصله در محل کارخانه حاضر شدند و علیرغم تلاش مامورین انتظامی در کمک به کارفرما برای انتقال اولین محموله، مانع انتقال آن از کارخانه شدند و راسا نگهبانانی را در مقابل درب کارخانه مستقر کردند. بنا بر این گزارش علیرغم این اقدام از سوی کارگران، کارفرمای فولاد زاگرس ساعت ۲۴ دیشب بار دیگر تلاش کرد اولین محموله را از کارخانه بیرون ببرد که با عکس العمل قاطعانه و فوری کارگران مواجه شد بطوریکه ساعت ۲۴ دیشب حدود ۱۰۰ نفر از کارگران بلافاصله در مقابل درب کارخانه حضور پیدا کردند و تا صبح امروز در محل ماندند و بدین ترتیب مانع خروج اموال کارخانه شدند. در ادامه این کشمکش، کارگران فولاد زاگرس موافقت کردند در صورتی که پول هر شش مرحله فروش خاک ضایعات چدنی، قبل از بارگیری به حساب کارگران واریز شود اجازه خارج کردن این ضایعات را از کارخانه خواهند داد.

**در بوشهر رخ داد:
سرگردانی ۵۰۰ کارگر و تعدیل ۹۰ کارشناس و مهندس در ایران صدرا**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 مرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در استان بوشهر گفت: کارگران کشتی سازی ایران صدار به دلیل تاثیر شرایط اقتصادی بر فرآیند تولید، سه ماه حقوق معوقه طلبکارند.

«موسی میرجهانمردی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به زودی مالکیت و مدیریت این کارخانه به یکی از پیمانکاران طلبکار این شرکت منتقل می‌شود. سرپرست خانه کارگر بوشهر با بیان اینکه ۵۰۰ کارگر در بخش کشتی سازی مجموعه ایران صدرا فعالیت می‌کنند، گفت: انتظار می‌رود که مدیریت جدید نسبت به پرداخت مطالبات کارگران اقداماتی را انجام دهد. وی با بیان اینکه فعالیت کشتی سازی ایران صدرا در نتیجه تحریم‌های اقتصادی و رکود بازار کار به حالت نیمه تعطیل درآمده است، افزود: در حال حاضر بیشتر کارگران این کارخانه در محل کار خود سرگردان‌اند.

تعدیل ۹۰ کارشناس و مهندس

مجموعه صنعتی ایران صدرا که در سواحل استان بوشهر قرار دارد در زمینه ساخت و تعمیر کشتی و سکوهای نفتی فعالیت دارد. مالکیت این مجموعه صنعتی که در سالهای گذشته به یکی از واحدهای بحرانزده تبدیل شده بود در اواخر دهه ۸۰ به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار شد. منابع خبری ایلنا در بوشهر نیز در تایید گفته‌های سرپرست خانه کارگر این شهر، از تغییر مدیریت و تعدیل ۹۰ کارشناس و مهندس این شرکت خبر داده و افزوده‌اند که احتمال دارد کارگران ایران صدرا از این پس بصورت قرارداد پیمانکاری به کار خود ادامه دهند. به گفته فعالان صنفی کارگری در حال حاضر بخش قابل توجهی از ساکنین مناطق خوزستان و برازجان به عنوان کارگر فنی در مجموعه‌های کشتی سازی و سکو سازی ایران صدرا کار می‌کنند. این منابع در ادامه یادآور می‌شوند: از زمانی که رکود اقتصادی باعث کاهش و توقف نسبی فعالیت این مجموعه شده است، کارگران متخصص ایران صدرا نیز به دلیل کاهش درآمد و تاخیر در دریافت مطالباتشان مایل به ادامه همکاری نیستند و در صورت یافتن کار مناسب این مجموعه را ترک می‌کنند.

به گفته این منابع خبری، در شرایط رکودی که بر مناسبات اقتصادی کشور حاکم است، سفارش‌ها برای ساخت کشتی‌های جدید کاهش یافته و عمده فعالیت این مجموعه به تعمیر کشتی‌های فرسوده محدود شده است.

پایان پیام

رئیس انجمن صنفی گچ کاران استان تهران: تعداد کارگران ساختمانی بیمه شده اعلام نمی‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 مرداد 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی گچ کاران استان تهران از عدم ارائه آمار کارگران ساختمانی بیمه شده تامین اجتماعی انتقاد کرد.

«محمد باقری» در این باره به ایلنا گفت: سازمان تامین اجتماعی اطلاعات و آمار دقیقی از کارگران ساختمانی بیمه شده ارائه نمی‌دهد. در حالی که ۱۵۷۵۰ کارگر ساختمانی تهرانی باید در نیمه اول سال جاری بیمه شوند، با گذشت ۵ ماه از ابتدای سال، هنوز آمار در این رابطه ارائه نشده است.

این فعال صنفی در ادامه بیان کرد: سازمان تامین اجتماعی هنگام ابطال بیمه کارگران ساختمانی باید نظر انجمن‌های صنفی را به عنوان نمایندگان کارگران در نظر بگیرد.

رئیس انجمن صنفی گچ کاران استان تهران در پایان تصریح کرد: افرادی که از سیستم بیمه تامین اجتماعی خارج می‌شوند باید با کارگران ساختمانی جدیدی جایگزین شوند اما آمار در این رابطه نیز ارائه نمی‌شود.

پایان پیام

مبارزات ۲۲۰ کارگر بازنشسته کارخانجات صنایع فلزی به بار نشست

برپایه گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 29 مرداد 92 آمده است: پس از گذشت نزدیک به ده ماه از مبارزات کارگران بازنشسته کارخانجات صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ که با برگزاری یک مجمع عمومی از سوی این کارگران در ششم آبانماه سال ۹۱ آغاز شد این کارگران موفق به دریافت سنوات و معوقات خود شدند. کارگران صنایع فلزی همچنین خواهان پرداخت خسارت نسبت به دیر کرد پرداخت سنوات خود بودند اما از آنجا که اغلب آنها از ابتدای بازنشستگی اقدام به شکایت از کارفرما نکرده بودند مسئله پرداخت خسارت منتفی اعلام گردید.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران اغلب ۲۲۰ کارگر صنایع فلزی که از سال ۱۳۸۷ و حدود ۸۰ نفر از آنها از سال ۸۵ به این سو بتدریج بازنشسته شده بودند، سنوات خود را در طول این سالها دریافت نکرده بودند و اقدامات فردی آنها نیز در طی این سالها نتیجه ای در بر نداشته است، تا اینکه این کارگران در اقدامی سازمانیافته ششم آبانماه سال ۹۱ با حضور در محل کارخانه و برگزاری یک مجمع عمومی تصمیم به مبارزه برای دریافت سنوات خود گرفتند.

بدنبال این مجمع، کارگران بازنشسته صنایع فلزی پیرو تصمیمات خود در مجمع عمومی، اولین تجمع اعتراضی خود را در مقابل معاونت برنامه ریزی استانداری تهران در روز ۲۳ آبانماه برگزار کردند و سپس دست به تجمعات اعتراضی دیگری به ترتیب در روزهای پنجم دی، هشتم و بیستم اسفند ماه سال ۹۱ در مقابل استانداری تهران زدند. بدنبال این تجمعات اعتراضی و اولتیماتوم قاطعانه این کارگران، استانداری تهران از آنان خواست با شکایت دسته جمعی از کارفرما و روشن شدن دقیق مطالبات شان آنها به استانداری تحویل دهند تا این مسئله راسا از طرف استانداری تهران در مراجع قضایی پیگیری شود. همچنین اعتراضات این کارگران باعث شد تا اداره کار اسلامشهر بطور فوری و ظرف مدت یک هفته رسیدگی به شکایت ۲۲۰ کارگر و احتساب سنوات آنها را به پایان برساند.

اما علیرغم وعده هایی که از سوی استانداری تهران برای رسیدگی فوری در مراجع قضایی به خواست کارگران مبنی بر توقیف اموال کارفرما داده شده بود این مسئله تا اول مرداد ماه سالجاری طول کشید و در این مدت نیز کارگران بازنشسته صنایع فلزی لحظه ای از پیگیری خواستههای خود در استانداری تهران غافل نشدند و همین امر باعث گردید تا از اول مرداد ماه سالجاری پروسه پرداخت سنوات کارگران بازنشسته کارخانجات صنایع فلزی صورت عملی به خود گیرد و بر این اساس دیروز ۲۸ مرداد ماه، ۶۰ نفر اول لیست بازنشستگان این دو کارخانه موفق به دریافت سنوات خود بصورت نقدی شدند. بر مبنای توافقی که میان کارگران و کارفرما صورت گرفته است قرار است در طول هفته های آینده و در هر هفته ۶۰ نفر دیگر از بازنشستگان

سنوات خود را دریافت کنند .
اتحادیه آزاد کارگران ایران پیروزی کارگران کارخانجات صنایع فلزی را که پس از گذشت سالهای متمادی از زمان بازنشستگی و علیرغم پیچیدگی های غیر قابل وصفی، ظرف مدت ده ماه محقق شد به یکایک این دوستان صمیمانه تبریک میگوید و این پیروزی را حاصل برگزاری مجمع عمومی، تصمیم سازی در این مجمع و مبارزات متحدانه و سازمانیافته این کارگران ارزیابی میکند و روی آوری به برگزاری مجمع عمومی کارگری، تصمیم سازی در این مجمع و تدارک مبارزه ای متحد و سازمانیافته و پیگیرانه را به عنوان تجربه ای ارزشمند برای دستیابی به مطالبات کارگری به عموم کارگران ایران توصیه میکند .
ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران به کارگران بازنشسته صنایع فلزی و مبارزات جانانه آنان درود می فرستیم و کارگران ایران در سراسر کشور را برای پایان دادن به وضعیت فلاکتبار کنونی، به بر پائی تشکلهای مستقل کارگری و مبارزه ای متحد و سراسری فرا می خوانیم. بدون تردید مبارزات ارزشمند ما کارگران در هر کارخانه ای زمانی میتواند تضمین کننده موفقیت پایداری برای ما کارگران باشد که این مبارزات در یک بعد ملی و سراسری به بار بنشینند.

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس: بیکاری تنها یک معضل اقتصادی نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا د رتاریخ 29 مرداد 92 آمده است: رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: در حال حاضر با پرداخت تسهیلاتی ۳۴ میلیاردی بیش از ۴۱ هزار واحد صنعتی نیمه کاره فعالیت خود را آغاز خواهند کرد و از این طریق دست کم برای ۵۰۰ هزار نفر ایجاد اشتغال خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «عبدالرضا عزیزی» رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب در مراسم تودیع و معارفه وزرای تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت های دهم و یازدهم گفت: مردم در دولت تدبیر به دنبال عدالت اجتماعی هستند.

وی بابیان اینکه از وزیر جدید تعاون کار و رفاه اجتماعی انتظار می رود که نسبت به ایجاد اشتغال و حمایت از بنگاه های تولیدی توجه بیشتری داشته باشند، افزود: اجرای قانون بهبود فضای کسب و کار می تواند بسیاری از مشکلات جامعه کارگری را بهبود بخشد.
وی با تاکید بر اینکه با تقویت تولید داخلی باید از میزان واردات کاسته شود، اظهار داشت: اینکه صادرات زیاد باشد به ضرر تولید است. باید به سمتی رویم که با روی آوردن به واردات فضای اشتغال را بهبود بخشیم.

عزیزی آماده سازی فضای کسب و کار را از مهم ترین کارهای اولویت دار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دانست و افزود: بانک توسعه تعاون در صندوق توسعه ملی بسیار خوش درخشیده است و توانسته تعاونی های بسیاری را به عضویت خود درآورد.
رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ربیعی باید کمک کند تا جوانانی که امروز در صف دریافت تسهیلات ازدواج هستند مشکلاتشان برطرف شود ادامه داد: مردم امروز منتظرند نتیجه رای اعتماد را ببینند.

عزیزی بیکاری را مشکل محدود به عرصه اشتغال ندانست و افزود: بیکاری تنها مشکلات اقتصادی را به همراه ندارد. بلکه معضلات اجتماعی را در جامعه بوجود می آورد.
این نماینده مجلس با اشاره به اینکه امروزه در جامعه از هر ۵ ازدواج یک نفر به طلاق منجر می شود عنوان کرد: با کاهش نرخ بیکاری می توانیم این شرایط را بهبود بخشیم.

وی با تاکید بر اینکه حمایت از مددجویان کمیته امداد و بهزیستی باید در دستور کار وزیر تعاون باشد، اظهار داشت: توانمندسازی و تقویت معیشت زنان آسیب‌دیده و سرپرست خانوار از جمله معضلات جامعه امروز است.

عزیزی با اشاره به اینکه در حال حاضر بیش از ۴۱ هزار واحد صنعتی نیمه‌کاره در کشور وجود دارد، بیان کرد: مشکل این بنگاه‌ها با تخصیص اعتبار ۳۴ میلیاردی حل می‌شود و منجر به اشتغال برای ۵۰۰ هزار نفر خواهد شد.

پایان پیام

موفقیت کارگران در باز پس‌گیری حقوق معوق پس از 7 روز اعتصاب

<http://kanoonmodafean1.blogspot.se/2013/08/7.html#more>

به خبر رسیده از قول وبلاک کانون مدافعان حقوق کارگران در 29 مرداد 92 آمده است: کارگران پیمانکار اجرایی که برای شرکت محورسازان مشغول کار در پارس جنوبی بودند، به اعتصاب خود پایان دادند. پس از 7 روز اعتصاب و تحمیل زیان ناشی از تاخیر در پیشرفت کار پروژه، پای کارفرما به معرکه باز و شرکت محورسازان مجبور به پرداخت سه ماه حقوق کارگران پیمانکار اجرایی شد.

این موفقیت کارگران پیمانکار اجرایی باعث شد که کارکنان بلاواسطه‌ی شرکت محورسازان هم دست از کار بکشند و طولی نکشید که آنان نیز حقوق معوق خود را دریافت کردند. کانون مدافعان حقوق کارگر این موفقیت را به کارگران تبریک می‌گوید و بار دیگر ضرورت همبستگی و ایجاد تشکل مستقل کارگری را برای احقاق حق کارگران یادآوری می‌کند.

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان: ۵۵ درصد از ظرفیت صنعتی کشور فعال است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 29 مرداد 92 آمده است: بر اساس یک پیمایش ۵۵ درصد از ظرفیت صنعتی در حال فعالیت است و ۳ الی ۴ میلیون نفر بیکار در کشور وجود دارد.

به گزارش ایلنا از اصفهان، عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان با اعلام این مطلب در همایش «ضرورت همگرایی بخش خصوصی و دولت در حماسه اقتصادی» اتاق بازرگانی اصفهان، گفت: فزایش ۶ برابر نقدینگی در طول هشت سال گذشته یکی از چالش‌های پیش روی اقتصاد کشور است که با وجود افزایش نقدینگی بنگاه‌های تولیدی با کمبود نقدینگی روبرو هستند.

مصطفی عمادزاده مبنای انتخاب مدیران تصمیم‌گیر در اقتصاد ایران را شایسته سالاری ندانست و افزود: قالب مدیران در فضای صنعت و تولید هیچ نوع فعالیتی نداشتند و برای صنعت تصمیمات مهم را اتخاذ می‌کنند.

وی با اشاره به مشکلات فراوان بخش خصوصی در اقتصاد گفت: شعار خصوصی‌سازی در کشور گفته می‌شود ولی از خصوصی‌سازی استقبال نمی‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان با انتقاد از واردات بی‌رویه محصولات غذایی از جمله چای، برنج و شکر ادامه داد: واردات دو تا سه برابری نیاز کشور از سوی این مسئولان قابل تامل است.

همچنین مرتضی سامتی دیگر عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان همگرایی دولت و بخش خصوصی در موفقیت حماسه اقتصادی را ضروری عنوان کرد و گفت: مقام معظم رهبری در طول ۲۶ سال گذشته بیش از ۳۳ درصد نامگذاری‌های را به مسایل اقتصادی و در طول ۶ سال گذشته ۱۰۰ درصد نامگذاری‌های سال را به مسایل اقتصادی اختصاص داده‌اند.

وی با انتقاد از نقش نفت به عنوان ابزار اعمال حاکمیت سیاسی - اقتصادی تصریح کرد: متأسفانه از این ابزار برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کمتر استفاده شده است. به ویژه آنکه جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند ادبیات جذاب در فضای اقتصاد جهانی است و سرمایه‌های خارجی می‌تواند رفاه اجتماعی برای مردم را به ارمغان آورد.

این عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان مختصات اقتصادی موجود جانشین شدن دولت به‌جای بخش خصوصی را باعث کاهش شدید بهره‌وری و رشد اقتصادی، گسترش مالکیت‌های ناشی از رانت خواری، تغییر رفتارهای اقتصادی اجتماعی مردم و مسئولین به سمت دریافت و پرداخت یارانه و اعانه، فاصله گرفتن از اقتصاد جهانی و استفاده نکردن از فرصت‌ها و سرمایه‌های خارجی و ایجاد ناپایداری اقتصادی و گسترش فضای رانت‌خواری بیان کرد و افزود: اقتصاد دولتی با سهمی قریب ۷۰ درصد ارزش افزوده کل کشور در جایگاه اثرگذاری در اقتصاد قرار دارد.

پایان پیام

رئیس کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی مازندران: تبعیض میان بازنشستگان تامین اجتماعی و دولت پایان یابد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 29 مرداد 92 آمده است : گردهمایی مسئولان کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی مازندران با محوریت بررسی مسائل و مشکلات بازنشستگان طی دو روز گذشته در شهر مشهد برگزار شد.

نصرالله دریابیگی، رئیس کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تامین اجتماعی مازندران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: رسالت اصلی کانونهای کارگری و بازنشستگان تلاش در جهت استقلال و حفظ یکپارچگی سازمان تامین اجتماعی و بازگرداندن آن به صاحبان حقیقی و ارتقاء منزلت و جایگاه اجتماعی بازنشستگان است که در این گردهمایی این موضوعات مورد بحث و تاکید قرار گرفت.

او افزود: همچنین در این نشست که با حضور مدیران کار و درمان تامین اجتماعی برگزار شد، علاوه بر بررسی مشکلات بازنشستگان، در مورد موضوعاتی همانند افزایش دستمزد بازنشستگان بر اساس ماده ۴۱ قانون کار و ماده ۹۶ تامین اجتماعی و مشکلات بوجود آمده در خصوص بیمه تکمیلی دی اتخاذ تصمیم شد.

به گفته دریابیگی، مسئولین رده بالای کشوری همیشه بر حفظ حق الناس و امانت داری در حقوق افراد خصوصاً بیمه شدگان تامین اجتماعی تاکید دارند و بدین لحاظ توجه به این موضوع در خصوص سازمان تامین اجتماعی باید به طور جدی مدنظر باشد.

رئیس کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی مازندران در ادامه، منابع و امکانات تامین اجتماعی را متعلق به بیمه شدگان، نیروهای مولد شاغل و از کارافتادگان و بازنشستگان دانست و تأکید کرد: بایستی همگان در حفظ و نگهداری این امانت بکوشند و هرگونه دست اندازی به منابع تامین اجتماعی خلاف قانون است.

دریابیگی در پایان سخنان خود به نمایندگی از بازنشستگان تامین اجتماعی مازندران از وزیر

تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواست فردی را در راس سازمان تامین اجتماعی منصوب کند که به تمامی تبعیض‌های آشکار بین بازنشستگان کارگری و کشوری و شایسته سالاری‌ها پایان دهد.

پایان پیام

طی بخشنامه‌ای: برنامه‌های ۱۰۰ روزه و یک ساله وزارت تعاون، کار و رفاه ابلاغ شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 مرداد 92 آمده است: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با صدور بخشنامه‌ای به کلیه معاونین، روسای سازمان‌ها، صندوق‌ها و موسسات و بانکهای وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تدوین برنامه‌های این وزارتخانه را در افق برنامه ریزی شده در دو مقطع ۱۰۰ روزه و یکساله ابلاغ کرد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی متن کامل بخشنامه صادر شده بدین شرح است:

با استعانت از پروردگار متعال، طراحی نظام جامع تدبیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با نگاهی اعتدال گرایانه در بازاریابی سازمانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ابعاد ساختاری، هدفگذاری، برنامه ریزی، اجرا، رصد و ارزیابی، انشاءالله سرآغاز فصلی نو با بکارگیری کلیه ظرفیتهای جامعه کار و تولید خواهد بود.

بر این اساس با توجه به سوگند نامه و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید و برنامه ارایه شده به مجلس شورای اسلامی مقتضی است کلیه معاونت‌ها، سازمان‌ها، صندوق‌ها و بانکهای وابسته با تبیین واقعی وضعیت موجود در عرصه‌های فعالیت و افق برنامه ریزی شده در دو مقطع ۱۰۰ روزه و یکساله نسبت به تدوین برنامه‌ها در سه محور گزارش واقعی از وضعیت موجود، برنامه پیشنهادی در دو مقطع ۱۰۰ روزه و یکساله مساعی خود را به کار گرفته و حداکثر تا تاریخ ۵ شهریور ۱۳۹۲ اقدام لازم معمول گردد.

بر اساس این بخشنامه مدیران موظف شدند موارد خواسته شده را مبتنی برشاخصهای کمی وضع موجود، اهداف کیفی و نتایج مورد انتظار، اهداف کمی مورد انتظار از اجرای برنامه و چالشهای اجرای برنامه را تهیه و تدوین نمایند.

پایان پیام

واردات بی‌رویه باعث از دست رفتن ۲۵ تا ۱۰۰ هزار فرصت شغلی شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 مرداد 92 آمده است: عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی افزایش تورم در جامعه را باعث ایجاد ایجاد ۲۲ عارضه فرهنگی و اجتماعی دانست و گفت: مقایسه بخش تولید و واسطه‌گری در اقتصاد ایران نشان می‌دهد بخش‌های واسطه‌گری به طور متوسط پنج برابر بخش صنعت و هشت برابر بخش کشاورزی سودآورتر است.

به گزارش ایلنا از اصفهان، «فرشاد مومنی» که در جمع شرکت کنندگان در همایش «ضرورت همگرایی بخش خصوصی و دولت در حماسه اقتصادی» اتاق بازرگانی اصفهان سخن می‌گفت، خطاب به تیم اقتصادی دولت جدید یادآور شد: در هشت سال اخیر مالیه دولت تعهداتی ایجاد

کرده که هیچ سنخیتی با توسعه اقتصادی ندارد و دولت جدید در ابتدا باید یک بازآرایی در ساختار هزینه‌های دولت انجام دهد.

عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی دستکاری قیمت‌های کلیدی، به‌ویژه در مواد اولیه تولید را یکی از چالش‌های اقتصاد ایران معرفی کرد و افزود: این دستکاری‌ها باعث غلبه بخش غیر مولد بر مولد جامعه می‌شود و نقش سوداگران را در این زمان پررنگ‌تر می‌سازد.

وی از دولت خواست که از ایجاد شوک به قیمت حامل‌های انرژی خودداری کند و گفت: چنانچه دولت بر قیمت حامل‌های انرژی شوک وارد کند امواج شدید تورمی در جامعه ایجاد می‌شود.

این کارشناس اقتصادی افزایش بهره‌وری را یکی از آرزوهای اقتصاد ایران خواند و گفت: بیش از ۲۰ سال است که در رنکینگ بهره‌وری آسیا نیز در رتبه‌های پایین‌تر از مغولستان، فیجی و بنگلادش قرار گرفتیم.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی همچنین خواستار برطرف شدن تضاد آماری در نقش دولت در اقتصاد ایران شد و گفت: بر اساس گزارش قانون برنامه اول توسعه بعد از انقلاب، سهم دولت در اقتصاد در سال ۵۶، ۶۳ درصد بوده است و در سال ۱۳۶۸ این عدد به ۴۰ درصد رسیده، اما بر اساس این گزارش سهم دولت در سال ۷۶ در اقتصاد ایران ۶۵ درصد و در دوره ۸۴ تا ۹۲ به ۸۰ درصد رسیده است.

وی با اشاره به لزوم بررسی دقیق و واقعی روند آزادسازی و خصوصی‌سازی در هشت سال گذشته تاکید کرد: خصوصی‌سازی در این دوره به پررنگ‌تر شدن نقش دولت در عرصه اقتصاد کمک کرد، تا جایی که بر اساس گزارش‌های اقتصادی دولت طی ۱۶ سال ۶۸ تا سال ۸۴ کل رقم واگذاری سهام شرکت‌های دولتی ۲ هزار میلیارد تومان بوده اما از ۸۴ تا ۹۲ این رقم به ۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. یعنی در مدت ۸ سال بیش از ۴۰ برابر ۱۶ سال قبل آن خصوصی‌سازی در کشور صورت گرفته است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود واردات یک میلیارد دلار کالا را باعث از دست رفتن ۲۵ تا ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در کشور اعلام کرد و گفت: واردات باید برای کشور هدفمند باشد.

این استاد اقتصاد با اشاره به نقش افزایش تورم در کاهش اعتماد به نفس و شادابی جامعه تاکید کرد: تورم به تنهایی باعث ایجاد ۲۲ عارضه فرهنگی و اجتماعی در جامعه می‌شود و دولت در گام نخست باید این تورم را کنترل کند، زیرا بخش عمده افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی ناشی از افزایش نرخ تورم در جامعه است.

وی با مقایسه بخش تولید و واسطه‌گری در اقتصاد ایران گفت: بخش‌های واسطه‌گری در اقتصاد به طور متوسط پنج برابر بخش صنعت و هشت برابر بخش کشاورزی سودآورتر است در این شرایط دولت برای حل چالش‌های اقتصادی کشور نیاز به همراهی ملی است و شفاف‌سازی و بیان واقعیات به همراهی مردم کمک بیشتری می‌کند.

به گفته مومنی در اقتصاد رانتهی برخورد موضعی و غیر سیستماتیک با فساد انجام می‌شود و به هیچ وجه خصلت بازدارندگی با فساد وجود ندارد در حالی که کانون‌ها توزیع رانت در اقتصاد ایران را کاملاً شناخته شده هستند و برنامه ملی مبارزه با فساد ابتدا باید در حوزه پیشگیری صورت گیرد زیرا موتور فساد در بخش‌های مختلف روشن است و مسوولان به صورت انفعالی با فساد برخورد می‌کنند.

وی عدم شفافیت را عامل ثبات رانت در اقتصاد کشور تعریف کرد و گفت: شفافیت در دهه اول انقلاب به ویژه در موضوع ارز باعث کاهش رانت و فساد اقتصادی در آن دهه شد اما اختصاص ارز چند برابری به واردات لوام آرایشی و خودروهای لوکس نسبت به مواد اولیه و ماشین آلات باعث بروز رانت شده است در حالی که دلارهای نفتی به همه ملت تعلق دارد و باید از آن برای بهبود شرایط زندگی مردم استفاده شود.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران یکی از تناقضهای اقتصاد ایران را افزایش هزینه‌های تصدی‌گری به جای هزینه‌های حاکمیتی دانست و گفت: هزینه‌های حاکمیتی دولت شامل آموزش، بهداشت و توسعه زیرساخت‌ها و هزینه‌های تصدی‌گری شامل بنگاه داری دولت در بخش‌های اقتصادی است، در بودجه ۹۲، ۷۲ درصد سهم هزینه‌های تصدی‌گری و ۲۷ درصد سهم هزینه‌های حاکمیتی است که این عدد باید در سال‌های آینده تعدیل شود.

پایان پیام

دعوت عام-گوتنبرگ

به رسانه های خبری ، به ایرانیان آزادیخواه ، به فعالین گروهها، احزاب و سازمان ها

انسان های آزاده؛ همه شما در جریان هستید که در ایران و در ادامه سرکوب و فشار به کارگران و زحمتکشان کشور در شرایط جابجایی دولت ها و درآستانه تعویض مهره جدید امنیتی بر راس وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی (علی ربیعی) نه تنها مشکلات کارگران حل نشده بلکه با حدت یابی تحریم های امپریالیستی ، بیش ازهرموقع توده مردم زیردست و پا له می گردند

ما جمعی از فعالین مدافع حقوق کارگران ومدافعین حق پناهندگی درشهرگوتنبرگ ، برای چاره اندیشی بر سراین مهم درشهر، برآنیم تاطی نشست ، گردهم آییم تا با مشاورت وگفتگو ، گزینه عمومی تری را برای یک اقدام جمعی تدارک ببینیم .

بدینوسیله همه شمارامخاطب قرارداده ودعوت می نمایم،تادرنشست روزجمعه 23 اگوستی2013 در پاتوق کتاب اندیشه گرد هم آییم

زمان : جمعه 23 اگوست 2013 ، ساعت 6 بعد از ظهر

مکان : پاتوق کتاب اندیشه

Kungshögdesgatan 4

تلفن های ارتباط : 0736778815 – 0739809990

جمعی از فعالین مدافع حقوق کارگران ومدافعین حق پناهندگی درشهرگوتنبرگ

یک هفته پس از تعطیلی به دلیل اعتراضات مردمی؛ کارگران سرب و روی زنجان مقابل استانداری تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا د رتاریخ 30 مرداد 92 آمده است : پس از بروز اعتراضات مردمی به دلیل آلاینده بودن کارخانه سرب و روی زنجان و متعاقبا تعطیلی این کارخانه در تاریخ ۲۳ مردادماه، صبح امروز ۴۰۰ کارگر کارخانه سرب و روی زنجان که شغلشان تهدید شده است در مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در زنجان، بلوار شهید چمران زنجان که تا هفته گذشته شاهد تجمع افشار مختلف مردم به قصد تعطیلی و یا انتقال شرکت ملی سرب و روی زنجان بود، امروز پذیرای کارگران کارخانه سرب و روی بود تا اعتراضشان را نسبت به تعطیلی کارخانه اعلام کنند.

کارگران زنجانی در تجمع امروز خود با سر دادن شعارهای اعتراضی از جمله «الله اکبر» خواستار بازگشایی یا تعیین تکلیف آینده شغلی‌شان شدند.

پایان پیام

دبیر کانون بازنشستگان این دو شهرستان خبر داد: بدهی ۵۷۰ میلیونی بیمه دی به خانواده متوفیان کارگری قرچک و ورامین

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 30 مرداد 92 آمده است : دبیر کانون بازنشستگان قرچک و ورامین از بدهی ۵۷۰ میلیونی بیمه دی به خانواده‌های بیمه شدگان فوت شده این دو شهرستان خبر داد .

«علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: تا پایان قرارداد بیمه دی و کانون عالی بازنشستگان کشور، دو ماه زمان باقی مانده است. این شرکت ارائه خدمات بیمه‌ای به ۲۱۰ خانواده ساکن در شهرستان‌های قرچک و ورامین که طی دو سال گذشته، بیمه شده اصلی شان فوت شده است بدهی بالغ بر ۵۷۰ میلیون تومانی دارد که تا کنون پرداخت نشده است.

وی ادامه داد: مطابق قرارداد یکساله‌ای که از مهر سال ۹۰ میان کانون عالی بازنشستگان کشور و شرکت بیمه دی منعقد شد این شرکت ارائه خدمات بیمه‌ای باید بابت هر بیمه شده اصلی که فوت می‌کند یک میلیون تومان به حساب وی یا خانواده‌اش واریز کند.

وی افزود: این قرارداد برای یکسال دیگر تمدید شد که دو ماه تا پایان اعتبارش ، زمان باقی مانده است. مطابق قرار داد تمدید شده، بیمه دی بابت فوت هر بیمه شده اصلی باید ۳ میلیون تومان به خانواده پرداخت کند .

به گفته آقای حسینیان، مطالبات خانواده ۳۰ بیمه شده فوتی از قرداد یکساله مهر ۹۰ و مطالبات ۱۸۵ خانواده بیمه شده فوتی از قرارداد تمدید شده باقی مانده است که بیمه دی باید نسبت به پرداخت آنها اقدام کند .

دبیر کانون بازنشستگان قرچک و ورامین در پایان با انتقاد از عملکرد سازمان تامین اجتماعی در ارائه خدمات رایگان به بیمه شدگان اظهار داشت: چون خدمات درمانی تامین اجتماعی کمتر از تعهدات قانونی است کارگران و بازنشستگان به بیمه‌های تکمیلی مراجعه می‌کنند و با چنین مشکلاتی رو به رو می‌شوند.

پایان پیام

رییس کانون بازنشستگان مازندران: پی‌گیری مطالبات بازنشستگان از تامین اجتماعی به بن بست رسیده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 30 مرداد 92 آمده است : رییس کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی مازندران گفت: در حال حاضر به دلیل بی ثباتی در مدیریت هیچ روش مشخص و یا سازمان دهی و برنامه ریزی خاصی برای رفع مشکلات بیمه شدگان و مستمری بگیران وجود ندارد که این امر به طور قطع به زیان سازمان خواهد بود.

به گزارش خبرنگار ایلنا در ساری، «نصراله دریاییگی» در جمع اعضای هیئت مدیره کانون های بازنشستگان و مستمری بگیران استان مازندران با بیان اینکه «اصل سه جانبه گرایی در تامین اجتماعی از بین رفته و شورای عالی تامین اجتماعی نیز که اصلی ترین رکن سازمان بوده، منحل شده است، گفت: این درحالی است که در گذشته سه گروه اجتماعی بر عملکرد مدیران این سازمان کنترل و نظارت می کردند.

وی افزود: تغییر پی در پی مدیران سازمان تامین اجتماعی در سالهای اخیر، مشکلات فراوانی را برای بیمه شدگان و بازنشستگان به دنبال داشته است بطوریکه کارشناسان معتقدند نبود ثبات مدیریت در این سازمان و انتصاب مدیران سیاسی و ناکارآمد باعث اجرا نشدن برنامه های بلند مدت و تحقق اهداف قانون جامع تامین اجتماعی شده است.

رییس کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی مازندران با اشاره به اینکه مشکلاتی که در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی با آن روبرو است به دلیل عدم وجود برنامه ریزی کوتاه مدت بوده است، تصریح کرد: آثار فقدان برنامه ریزی را در حال حاضر به طور عملی در سازمان تامین اجتماعی لمس می کنیم و در نهایت مشخص می شود که ثبات در مدیریت و ارائه برنامه های کوتاه و بلندمدت می تواند مانع مشکلات فعلی در این سازمان شود.

وی در خصوص مشکلات بازنشستگان با بیمه دی نیز گفت: با وجود آنکه بیمه دی بخشی از خدمات درمانی بازنشستگان و مستمری بگیران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی را تقبل کرده است، اما این قشر برای دریافت خدمات بیمه ای از این شرکت بیمه ای با مشکلاتی مواجه هستند.

دریاییگی با انتقاد از اینکه اکنون پس از گذشت ماه ها از انعقاد قرار داد جدید، این بیمه به تعهدات خود عمل نکرده است و مشکلات درمانی بازنشستگان بیش از پیش شده است گفت: برخی از بازنشستگان با تصور حمایت بیمه دی و تقبل برخی هزینه ها امور پزشکی خود را انجام داده اند، اما در مراجعه به نمایندگی های این شرکت بیمه ای در می یابند که بسیاری از هزینه های انجام شده خارج از تعهد بوده و به هیچ وجه قابل پرداخت نیست.

وی افزود: همچنین تاخیرهای طولانی مدت در پرداخت هزینه های درمان بازنشستگان از سوی بیمه دی، با توجه به شرایط اقتصادی بازنشستگان منجر به نارضایتی آنان از خدمات این شرکت بیمه ای شده است.

پایان پیام

در خیابان جهان آرا رخ داد: مرگ کارگر مقنی بر اثر ریزش سطح پیاده رو

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 30 مرداد 92 آمده است : ریزش سطح پیاده رو در خیابان جهان آرا باعث کشته شدن يك کارگر مقنی در عمق چاه شد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، عصر دیروز دو کارگر مشغول حفاری غیرمجاز در زیرزمین خانه مسکونی سه طبقه‌ای بودند که به علت پیشروی به زیر سطح پیاده‌رو، ناگهان پیاده‌رو برسر آنان ریزش کرد.

بنا بر این گزارش، پس از وقوع این حادثه، یکی از کارگران زیر آوار گرفتار شده بود و دیگری توانسته بود جان خود را نجات دهد. آتش‌نشانان این کارگر ۴۰ ساله ایرانی را پس از ایمن‌سازی محل از زیر آوار خارج و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند که آنان با بررسی علائم حیاتی، مرگ وی را تایید کردند.

پایان پیام

کسب موفقیت مهم توسط کارگران فولاد زاگرس

به گزارش "اتحادیه آزاد کارگران ایران"، روز پنجشنبه 31 مرداد ماه 92 آمده است: مبلغ حاصل از مرحله اول فروش خاک ضایعات چدنی به حساب کارگران کارخانه "فولاد زاگرس" واریز شد. بدنبال تلاش کارفرمای فولاد زاگرس برای فروش خاک ضایعات چدنی در روز 27 مرداد ماه جاری و ممانعت قاطعانه کارگران از اقدام کارفرما و خواست آنان مبنی بر واریز پول فروش این ضایعات به حساب کارگران، امروز 31 مرداد ماه مبلغ حاصل از مرحله اول فروش این خاک به حساب کارگران فولاد زاگرس واریز شد. همچنین کارگران فولاد زاگرس موفق شدند از صبح دیروز حکم قضائی توقف فروش این ضایعات توسط کارفرما را نیز بدست آورند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرو خواست کارگران فولاد زاگرس مقرر شده است مراحل دیگر فروش خاک ضایعات چدنی این کارخانه نیز به حساب کارگران که مدت 5 ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند واریز شود. لازم به یادآوری است روز 27 مرداد ماه کارفرمای فولاد زاگرس پس از فروش خاک ضایعات چدنی سعی در خروج این مواد از کارخانه داشت که کارگران به محض کسب اطلاع از این مسئله در مقابل کارخانه حاضر شدند و از خروج این مواد جلوگیری کردند. بدنبال این وضعیت بار دیگر کارفرما ساعت 12 شب اقدام به اینکار کرد که باز هم حدود صد نفر از کارگران در همان ساعت 12 شب با حضور در مقابل درب کارخانه مانع خروج مواد شدند و برای ممانعت کامل از اقدامات احتمالی کارفرما شب را همانجا به صبح رساندند و در ادامه این کشمکش که طی چند روز گذشته ادامه داشت موفق شدند هم واریز مبالغ حاصل از فروش خاک ضایعات چدنی را به حساب کارگران بدست آورند و هم حکم قضائی توقف فروش این ضایعات توسط کارفرما را کسب کنند. اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز مسرت از موفقیت کارگران فولاد زاگرس در جلوگیری از اقدامات کارفرما و موفقیت آنها در واریز مبالغ حاصل از فروش خاک ضایعات چدنی به حساب کارگران، خواهان بازگشت بکار فوری این کارگران و راه اندازی مجدد این کارخانه مهم در استان کردستان است.

یک فعال صنفی معلمان انتقاد کرد:

اعتراض معلمان به عملکرد صندوق ذخیره فرهنگیان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 31 مرداد 92 آمده است: یک فعال صنفی معلمان با اشاره به عدم تغییر ارزش سهام بانک سرمایه که زیر نظر صندوق ذخیره فرهنگیان قرار دارد از عملکرد غیر شفاف این صندوق پولی متعلق به فرهنگیان انتقاد کرد.

«محمد تقی سبزواری» در این باره به ایلنا گفت: اطلاعات اندکی در رابطه با صندوق ذخیره فرهنگیان در دسترس است زیرا گزارشی از عملکرد سالانه‌اش ارائه نمی‌شود. فرهنگیان از نحوه

سرمایه گذاری، املاک، موسسات تحت پوشش و... صندوق ذخیره پولی‌شان اطلاعی ندارند و تنها میزان سود سالیانه و ارزش دارایی آن‌ها اعلام می‌شود.

وی در ادامه با اشاره به بانک سرمایه که تحت پوشش صندوق ذخیره فرهنگیان قرار دارد افزود: از ۷ الی ۸ سال پیش، فرهنگیان سهام بانک سرمایه را خریدند. هر سهم در آن زمان ۱۰۰ تومان ارزش داشت. هنوز ارزش سهام بانک سرمایه تغییری نکرده و ۱۰۰ تومان باقی مانده است و سودی که قابل بیان باشد نیز به معلمان پرداخت نشده است.

سبزواری با انتقاد از عدم پابندی دولت به تعهداتش در قبال صندوق ذخیره فرهنگیان بیان کرد: قرار بود به میزانی که فرهنگیان از حقوقشان به این صندوق واریز می‌کنند دولت هم واریز کند اما دولت این تعهد را با تاخیر چندین ساله انجام می‌دهد.

این فعال صنفی معلمان در پایان اظهار داشت: هر وزیری که سر کار می‌آید یکی از خواص خود را به سمت مدیر عاملی صندوق ذخیره فرهنگیان تعیین می‌کند و این روند باعث شده انتظارات فرهنگیان از این صندوق پولی به هیچ وجه برآورده نشود.

پایان پیام

دست به شدن جزیره صنعتی صدرا و سرنوشت مبهم صدها کارگر این شرکت

به نوشته سایت اتحادیه کارگران آزادایران در تاریخ 31 مرداد 92 آمده است: شرکت صدرا (صنایع دریایی ایران) که بیشترین حجم فعالیتش در بوشهر است و شعبه‌هایی در خرمشهر و بندر عباس نیز دارد برای سومین بار مدیریتتی جدید یافت. این شرکت که در سال ۱۳۴۷ تاسیس شده بود ابتدا در امر کشتی سازی فعال بود. پس از انقلاب در صنایع فرا ساحل هم فعالیتش را از سر گرفت و بسیاری از سکوهای دریایی پارس جنوبی و همچنین شرکت ملی نفت را بر روی دریا ساخت. نخستین بار در سال ۱۳۸۲ شرکت سرمایه گذاری بانک ملی ۳۵ درصد از سهام این شرکت را به ارزش ۴۰۷ میلیارد تومان از دولت خریداری کرد. از تبعات این خرید در آن زمان، اخراج سازی گسترده پرسنل رسمی و قراردادی بود که با اعتصابات بزرگ کارگری مواجه شد. نقطه اوج این اعتراضات تحسن هزاران کارگر جلوی استانداری در سال ۱۳۸۴ بود که با شدت هر چه تمام تر توسط نیروهای امنیتی سرکوب شد و طی آن تعدادی از فعالین کارگری این شرکت نیز بازداشت شدند. اما این سرکوب نتوانست مانع اعتراضات بعدی در این شرکت بزرگ شود بطوریکه در سالهای بعد نیز کارگران شرکت صدرا در اعتراض به اخراج سازی ها اعتصابات زیادی را صورت دادند اما این اعتراضات با توجه به نبود تشکل کارگری در این شرکت و عدم سازماندهی مناسب کارگران، منجر به توقف اخراج سازیها و تحمیل بی حقوقی بیشتر بر این کارگران نشد. در گيرودار این اعتراضات و تحمیل بی حقوقی بیشتر بر کارگران شرکت صدرا بود که پس از شش سال از واگذاری ۳۵ درصد سهم این شرکت به شرکت سرمایه گذاری بانک ملی، بار دیگر ۵۱ درصد سهم شرکت صدرا در سال ۱۳۸۸ به مبلغ ۷۶ میلیارد تومان به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار شد و عملا سکان هدایت این شرکت معظم به دست این نهاد افتاد و همزمان پروژه های جدیدی از جمله قراردادهای ساخت چندین کشتی و سکوهای نفتی بسته شد که منجر به جذب نیروهای پیمانی شد. در این مرحله شرکت صدرا اگر چه از لحاظ کمی با افزایش نیرو مواجه شد اما از نظر کیفی کارگران را از حقوق قانونی خویش بشدت محروم کردند از جمله این بی حقوقی هایی که پس از این واگذاری بر کارگران تحمیل شد، میتوان به بالا رفتن شدت کار، قطع پرداخت سنوات به کارگران، نصفه نیمه دادن عیدی و پایین آمدن هر چه بیشتر امنیت شغلی کارگران

اشاره کرد. در این مرحله شدت کار و عدم رعایت ایمنی در محیط کار به چنان درجه ای رسید که فقط در مدت یکسال چهار کارگر در حین کار جان خود را از دست دادند و گذشته از اینها در این اواخر کارگران اخراجی را که سالها در شرکت صدرا زحمت کشیده بودند با تبصره های واهی از گرفتن بیمه بیکاری محروم کردند تا جفای سازمان تامین اجتماعی و اداره کار نیز زخمی دیگر بر زخمهای کارگران صدرا بیافزاید. بر اساس اطلاعات مندرج در رسانه های رسمی استانی علیرغم شدت کار و بهره کشی بیش از حد از کارگران در طول شش سال گذشته، در حال حاضر این شرکت ۱۴۰۰ میلیارد تومان بدهی بالا آورده است که در نتیجه آن بار دیگر به فروش گذاشته شد و مرداد ماه امسال ۶۲ درصد از سهام آن به یک شرکت خصوصی به نام آباد راهان پارس واگذار شد. این واگذاری جدید در حالی صورت گرفته است که اغلب کارگران این شرکت تا سه ماه دستمزد معوقه دارند و حدود ۹۰ نفر از کارشناسان و مهندسان آن تعدیل نیرو شده اند و صدها کارگر این شرکت در شرایط پیچیده و سرگردانی قرار گرفته اند و از فردای شغلی خود بشدت نگران هستند.

دبیر خانه کارگر طبس اعلام کرد: ادامه تأخیر در پرداخت حقوق ۲۰ کارگر آب و فاضلاب طبس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 31 مرداد 92 آمده است : دبیر خانه کارگر شهرستان طبس اعلام کرد: شرکت «فرآیند کاو»، مجری پروژه های شرکت آب و فاضلاب طبس از پرداخت ۷ ماه حقوق و دستمزد ۲۰ کارگر قراردادی کوتاهی کرده است .

«غلام رضا محمدی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری فرآیند کاو با وجود آنکه پروژه های اجرایی خود را در تاریخ ۳۰ بهمن ماه سال ۹۱ به اتمام رسانده، اما هنوز معوقات حقوقی کارگران را پرداخت نکرده است . این فعال کارگری با بیان اینکه مشکلات کارگران فرآیند کاو بارها از طریق رسانه های کارگری به گوش مسئولان رسیده است افزود: پیش از این با خروج تدریجی ۵۰ کارگر، تعداد کارگران شاغل در این مجموعه به ۲۰ نفر رسیده بود . به گفته وی در ابتدا معوقات حقوقی این کارگران از اسفند ماه سال ۹۰ پرداخت نشده بود که کارفرما با پرداخت بخشی از مطالبات کارگران، رقم بدهی های خود به کارگران را چندین ماه کاهش داده بود . او با تأکید به اینکه این ۲۰ کارگر از تیرماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده اند افزود: با وجود متوقف شدن کار کارگاه، کارگران آن نیز با توجه به اینکه حقوقی دریافت نمی کردند از ادامه همکاری با این شرکت صرف نظر کردند و اکنون تنها دو کارگر به عنوان نگهبان به کار خود ادامه می دهند.

محمدی در مورد معوقات حقوقی این دو کارگر نگهبان در شرکت فرآیند کاو، اظهار داشت: با وجود آنکه سایر کارگران این شرکت ۷ ماه است که از کارفرمای خود حقوق طلب دارند اما این دو نگهبان با وجود تعطیلی کارگاه همچنان به کار نگهبانی خود ادامه داده و ۱۳ ماه است که حقوقی نگرفته اند .

دبیر خانه کارگر طبس با ذکر دلایل ادامه فعالیت این دو کارگر در شرکت فرآیند کاو افزود: این دو کارگر محافظ اموالی هستند که میلیاردها تومان ارزش مالی دارد و مالک آن حاضر به تحویل اموال خود نیست، با این حال این کارگران از ترس اینکه رها کردن این اموال تبعاتی را برایشان بوجود می آورد تا به امروز سختی های را به جان خریده اند . محمدی، پرداخت نکردن مطالبات معوقه این کارگران که در شرایط سخت کار کرده اند را غیر قانونی دانست و درخاتمه گفت: متأسفانه تا به امروز توجه ای به مشکلات این کارگران نشده و این کارگران به سبب تامین نشدن معیشت زندگیشان متحمل سختی های زیادی شده اند.

نامه ی بهنام ابراهیم زاده خطاب به سندیکاهای کارگری جهان

خطاب به سندیکاهای کارگری ایران و جهان
خواستار آزادی من شوید تا در کنار فرزند بیمارم باشم!

من بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و مدافع حقوق کودکان این نامه را خطاب به شما کارگران سندیکاهای ایرانی نوشتم. چرا که فکر میکنم این شما هستید که می توانید در این شرایط سخت و بحرانی من و خانواده ام را یاری رسانید. شما کم و بیش از وضعیت من و خانواده ام خبر دارید. با این نامه از شما می خواهم ما را به معنای واقعی کلمه تنها نگذارید. ما یک طبقه و هم سرنوشت هستیم. شما میدانید که من را تنها به جرم دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان دستگیر کردند و در دادگاهی ناعادلانه محکوم به زندان شدم. من نه اولین زندانی ام و نه آخرین. اما بعنوان پدر یک فرزند بیمار سرطانی و کسی که از هر حقوقی محروم شده است، شیرازه زندگی ام از هم پاشیده شده است.

خطاب من به شما هم طبقه هایم و وجدانهای بیدار در جهان است، که بیعدالتی را نمی پذیرند. من نه میلیاردها پول مردم را بالا کشیدم، نه چپاول کردم، نه دزدی کردم، نه آدم کشته ام و نه به حقوق کسی تجاوز کرده ام. من خواهان ابتدایی ترین حقوق هر انسانی بودم که در این جامعه زندگی میکند. من مانند بسیاری دیگر از هم طبقه ای هایمان بجرم دفاع از حقوق کارگران "مجرم" شناخته شدم و به زندان محکوم شدم. خانواده ام محتاج نان شب هستند و نان آورشان در زندان است. تنها فرزندم به مریضی سرطان خون مبتلا شده و پدرش در زندان است. حتی نمی توانم با خیال راحت در دوره معالجه فرزندم کنار او باشم. ما کارگران از سرنوشت و زندگی مشقت بار هم آگاهییم و می دانیم خانواده های کارگری در چه وضعیت ناهنجاری قرار گرفته اند. اما وضعیت من بدتر است. من دیگر تاب تحمل نگاه فرزندم را ندارم. امروز وقتی به بیمارستان محک می بردم که مجددا بستری شود، اضطراب سراسر وجودش را گرفته بود. نگران بود که آیا من در کنارش خواهم ماند یا اینکه باید به زندان بازگردم و تنهائش بگذارم. درک این وضعیت برای شماها که پدر هستید سخت نیست. من دارم از درد و رنج فرزندم که دارد جلوی چشمم قطره قطره آب میشود نابود میشوم. نگران وضعیت او هستم. در عین حال نگران از اینکه اگر به زندان برنگردم و در کنار فرزندم بمانم، نیروهای انتظامی به خانه ام میریزند یا در کنار بستر فرزندم با توهین و اذیت و آزار به زندان منتقل ام می کنند. نامه های نیمه پسر و ذبیجه همسرم، و نامه های خودم تاکنون باعث نشده که حکم آزادم را بدهند. یا حداقل تا بهبود حال فرزندم دست از سرم بردارند. هم طبقه ها و وجدانهای بیدار! مردم شریف و مدافع حقوق انسانی! از شما می خواهم به هر شکلی که میتوانید از من حمایت کنید و خواهان آزادی من شوید. من و همسر و نیمای عزیزم را تنها نگذارید! ما به حمایت و کمک شما نیاز داریم خواهان آزادی من و تمامی فعالین کارگری خصوصا رضا شهبابی و محمد جراحی و شاهرخ زمانی و دیگر همکارانم باشیم.

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و کودک

۲۱ مردادماه ۹۲

رونوشت به سندیکاهای کارگری ایران:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران / سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه اهواز

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران / سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

با حکم دیوان عدالت اداری: فسخ قرارداد کارگران باید از یک ماه قبل کتباً اعلام شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا د رتاریخ 31 مرداد 92 آمده است: بر اساس حکم اخیر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کارفرمایان یک ماه پیش از فسخ قرارداد موظف شدند خاتمه قرارداد را به صورت کتبی به کارگرانی که قصد تمدید قراردادشان را ندارند اعلام کنند.

به گزارش ایلنا، این حکم پس از طرح شکایتی از جانب کارکنان قراردادی بنیاد مسکن از جانب هیئت عمومی دیوان عدالت صادر شده است و طبق اصل «وحدت رویه» شامل حال تمامی کارگران می‌شود.

به موجب حکم شماره ۳۳۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، فسخ قرارداد کار مشروط بر این است که [کارفرما] یک ماه قبل نظر خود را کتباً اعلام نماید. اگر پایان قرارداد بین کارگر و سازمان باشد، دلیلی بر الزام به تمدید قرارداد نیست.

رأی شماره ۳۳۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تمدید قرارداد کارکنان قراردادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در ادامه می‌آید:

مرجع تصویب: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران به موجب لایحه شماره ۱۰/۶/۱۸۹۸ - ۱۳۹۰ خرداد اعلام کرده است:

به استحضار می‌رساند برخی از کارکنان قراردادی این بنیاد که قرارداد برای کار در مدت معین داشته و قرارداد آنها خاتمه یافته است اقدام به شکایت علیه بنیاد استان تهران در آن مرجع نموده‌اند که شکایت شکات همگی توسط شعب مختلف آن دیوان بر اساس قوانین موجود و به این دلیل که این کارکنان دارای قرارداد با مدت معین هستند و شروع و خاتمه آن مشخص است و فی‌الحال قرارداد آنها خاتمه یافته، مردود شناخته شده و حکم به رد شکایت آنان صادر شده است. آراییی که تصاویر آنها به پیوست تقدیم می‌شود عبارتند از: ۱- دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۹۸۷ - ۱۳۸۹/۱۱/۲۷ صادره از شعبه هفتم دیوان عدالت اداری ۲- دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۹۳۰ - ۱۳۸۹/۱۱/۲۴ صادره از شعبه هفتم دیوان عدالت اداری ۳- دادنامه شماره ۶۸۷ - ۱۳۸۹/۴/۸ صادره از شعبه هشتم دیوان عدالت اداری که همگی با یک استدلال مشابه و یک موضوع مشابه منجر به رد شکایت شده‌اند. اخیراً شعبه هفتم دیوان علی‌رغم اینکه در یک موضوع مشابه شکایت شاکی را رد کرده است (به شرح دادنامه شماره ۸۹۰۹۲۰) اقدام به صدور دادنامه‌ای متناقض با دادنامه‌های فوق نموده (به شرح دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۲۰۱ - ۱۳۹۰/۱/۳۱) لذا به لحاظ تشابه موضوع و تناقض بین این رأی با سایر آراء ترتیب اثر به موضوع به منظور نقض دادنامه و طرح آن در هیأت عمومی دیوان مورد استدعاست.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه هشتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۴۷/۸۹/۸ با موضوع دادخواست آقای حسین هاشمی‌نژاد به طرفیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران و به خواسته اعتراض به اخراج به موجب دادنامه شماره ۶۸۷ - ۱۳۸۹/۴/۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به مفاد دادخواست و اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه لایحه جوابیه طرف شکایت نظر به اینکه طبق ماده ۲ قرارداد منعقد، فی‌مابین شاکی و بنیاد مسکن و انقلاب اسلامی استان تهران دارای تاریخ شروع و اتمام بوده قرارداد مذکور در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۳۰ پایان یافته و بعد از اتمام قرارداد تمدید آن منوط به رضایت طرفین بوده و بر اساس ماده ۶ قرارداد مذکور به صورت خرید خدمت تنظیم شده و فاقد تعهد استخدامی برای طرف شکایت بوده، علی‌هذا دفاعیات واصله را مقرون به صحت تلقی و بنا به مراتب یاد شده شکایت مطروح را غیر وارد تشخیص و به رد آن حکم صادر و اعلام می‌شود. این رأی وفق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ب: شعبه هفتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۰۷۳۵ با موضوع دادخواست آقای... به طرفیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران به خواسته اعتراض به نامه شماره ۱۰۶۸/۴۶/م - ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ متضمن اعلام پایان همکاری، به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۹۳۰ - ۱۳۸۹/۱۱/۲۴، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

اقدام اداره طرف شکایت مطابق ماده ۲ قرارداد تنظیمی فی‌مابین شاکی و اداره طرف شکایت صورت گرفته و خلاف مقررات و یا قرارداد مذکور محسوب نیست. لذا شکایت شاکی به شرح دادخواست تقدیمی دایر به اعتراض به نامه شماره ۱۰۶۸/۴۶/م - ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ که بر همین اساس صادر شده است وارد نبوده قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه هفتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۴۰۸۱ با موضوع دادخواست آقای... به طرفیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران به خواسته اعتراض به نامه شماره ۱۰۳۵/۴۶/م - ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ متضمن اعلام پایان همکاری و الزام به اعاده به کار به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۲۰۱ - ۱۳۹۰/۱/۳۱، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به مفاد دادخواست و اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه لایحه جوابیه طرف شکایت نظر به اینکه طبق ماده ۲ قرارداد فی‌مابین شماره ۱۶/۲/۸۳۱۸ تاریخ خاتمه همکاری شاکی با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهران ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ اعلام شده و لازم بوده بنیاد تصمیم خود را مبنی بر فسخ قرارداد یک ماه قبل به اطلاع شاکی برساند در حالی که مطابق نامه شماره ۱۰۳۵/۴۶/م - ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ اقدام نموده که با قرارداد فی‌مابین تنظیمی مغایرت دارد، علی‌هذا شکایت شاکی را موجه تشخیص و ضمن صدور حکم به وارد دانستن شکایت حکم به الزام طرف شکایت به اعاده به کار شاکی صادر و اعلام می‌نماید. این رأی وفق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

د: شعبه هفتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۲۷۶۸ با موضوع دادخواست آقای... به طرفیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران و به خواسته

اعتراض به نامه شماره ۱۰۶۳/۴۶/م - ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ متضمن اعلام پایان همکاری و تقاضای اعاده به کار به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۹۸۷ - ۱۳۸۹/۱۱/۲۷، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

شکایت شاکی به شرح دادخواست دایر به ابطال و نقض حکم اخراج با توجه به اینکه شاکی به صورت قراردادی و برای مدت معین از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ تا ۱۳۸۸/۱۲/۳۰ اشتغال نداشته است، لذا حکم شماره ۱۰۶۳/۴۶/م - ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ که خاتمه اشتغال شاکی را از تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ اعلام نموده است مخالف با مقررات و قرارداد تنظیمی محسوب نشده است، لذا حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء مذکور در گردش کار محرز است.

ثانیاً: مطابق بند ۲ قرارداد خرید خدمت منعقد شده بین شکات و دستگاه متبوع آنان مقرر شده است که: «مدت قرارداد از تاریخ... لغایت... می‌باشد و در صورت رضایت طرفین قابل تمدید می‌باشد و در صورتی که در انقضای مدت قرارداد بنیاد و یا کارمند قراردادی تقاضای فسخ را ننماید، این قرارداد برای یک سال دیگر با همان شرایط قابل تمدید می‌باشد. در طول مدت قرارداد هر یک از طرفین می‌توانند نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید مشروط بر اینکه یک ماه قبل نظر خود را کتباً به طرف دیگر قرارداد اعلام نماید.» نظر به اینکه پایان همکاری بین شکات و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی پس از خاتمه قرارداد خرید خدمت صورت گرفته است و اعلام خاتمه قرارداد نیز مقارن با خاتمه مدت قرارداد اعلام شده است و دلیلی بر الزام بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به تمدید قرارداد با شکات وجود ندارد، بنابراین دادنامه شماره ۶۸۷ - ۱۳۸۹/۴/۸ شعبه هشتم و دادنامه‌های شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۹۳۰ - ۱۳۸۹/۱۱/۲۴ و شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۰۹۸۷ - ۱۳۸۹/۱۱/۲۷ شعبه هفتم دیوان عدالت اداری صحیح و موافق مقررات صادر شده است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

پایان پیام

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات به حمایت از این ندای انسانی پاسخ گفته و از هرگونه کمکی دریغ نخواهد ورزید

برپایه خبر دریافتی آمده است: رفقای زندانی ما، یاری شما را می‌طلبند! آنچه در ماههای اخیر برای کارگران زندانی اتفاق می‌افتد، نگران کننده است. پس از فراخوان 1392/5/20 سندیکاهای کارگری فلزکارمکانیک و نقاش و خانواده‌های اسالو و جراحی، هنوز هیچ اقدامی در جهت اعزام رضا شهبانی جهت مراقبت های پزشکی به بیرون از زندان مشاهده نمی‌شود.

برخورد نامناسب مامور زندان با محمد جراحی در بیمارستان تبریز در تاریخ 1392/5/26 باعث شد که محمد جراحی در اعتراض به این برخورد نامناسب، بدون هیچگونه اقدام پزشکی به زندان باز گردانده شود.

بهنام ابراهیم زاده کارگر کارخانه، پدر نیما ابراهیم زاده است. نیما به دلیل ابتلا به سرطان تحت درمان قرار دارد و بودن پدرش در کنار او جزو حقوق انسانی است.

ما از همه سندیکاهای کارگری در ایران و جهان، وجدان های بیدار و مردم شریف می خواهیم که با ارسال نامه به رییس قوه قضاییه ایران از ایشان بخواهند که برادران زندانی و بیمارمان را از زندان آزاد کنند و بهنام ابراهیم زاده به جای زندان در کنار همسرش برای بهبودی فرزند بیمارش تلاش کند.

ایمیل قوه قضاییه info@adiran.ir

دفتر امور بین الملل قوه قضاییه info@judiciary.ir

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

1392/5/31

روزشمار کارگری ماه شهریور سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

بدون شرح

حسن صادقی:

وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی نارسایی های روابط کار را رفع کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول شهریور 92 آمده است: معاون امور استان های خانه کارگر کشور خواستار رفع نارسایی های موجود در حوزه روابط کار شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از تبریز، حسن صادقی که در دومین روز سمینار دبیران اجرایی خانه های کارگر سراسر کشور در سالن کنفرانس خانه کارگر تبریز سخن می گفت، اظهار داشت: انتظار ما از وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی این است که برای برطرف کردن ابهاماتی که طی مدت یک دهه و اندی که در حوزه روابط کار حادث شده است تدابیری به استناد آنچه که در قانون کار مستتر است بیاندیشد. وی تأکید کرد: ما باید به جای پیمودن مسیرهای گذشته که بیهوده بودن آن در اجرای اصلاح قانون کار مشخص است، به اجرای قانون که راه آسان تر و سهل تری را به ما نشان می دهد تمرکز کنیم.

صادقی با تأکید بر اجرای قانون کار افزود: آنچه ما از وزیر جدید می خواهیم نه اصلاح قانون کار بلکه اجرای دقیق آن است، اجرایی که درون خود اصلاحات را هم دارد. وی در این زمینه به فصل ششم قانون کار اشاره کرد و گفت: در قانون کار در قالب سه جانبه گرایی در این فصل که اصلاح آن پذیرفته شده و مصوبه آن با حضور کارشناسان سازمان بین المللی کار به امضاء رسیده است موجود بوده که یک نمونه زنده است.

صادقی ماده ۷ قانون کار و دو تبصره آن را یادآور شد و گفت: متأسفانه در دولت‌های قبل این ماده و تبصره‌های آن مغفول مانده و به نوعی در غفلت زدگی قرار گرفته است که دولت می‌تواند به استناد نص صریح قانون که می‌گوید آیین نامه اجرایی این ماده و دو تبصره آن ظرف شش ماه توسط وزیر کار تدوین و به تصویب هیئت دولت برسد، با تدوین آیین نامه اجرایی و تصویب آن در دولت یازدهم دغدغه‌های موجود در عرصه روابط کار و ارتباطات بین کارگر و کارفرما را برای همیشه خاتمه دهد. وی افزود: به این ترتیب نه کارفرما خواهد توانست از ابهامات موجود در این قانون سوء استفاده کند و در کارهای استمراری با کارگران قرارداد موقت ببندد و نه کارگر انتظار این را داشته باشد که در هر کار و شغل موقت قرارداد استمراری و غیرموقت با او بسته شود.

صادقی خاطرنشان کرد: بر این اساس ما دیگر در صنایع مادر و بزرگ که عمر مفید آن‌ها توسط کارشناسان حداقل نیم قرن فعالیت در نظر گرفته شده شاهد به کارگیری کارگران تحت عنوان قرارداد موقت را نخواهیم بود و از طرف دیگر در کارهای پروژه‌ای و سرمایه گذاری کوتاه مدت انتظار قراردادهای استمراری را توسط کارگران نخواهیم بود.

صادقی با بیان اینکه با تدوین آیین نامه ماده ۷ قانون کار شرایط واگذاری کار به پیمانکار تغییر خواهد یافت گفت: به این ترتیب شرایط واگذاری کار به پیمانکار در مکان‌هایی مانند فضای سبز و شهرداری‌ها، بیمارستان‌ها و خط تولید در صنعت تغییر و با حفظ منافع قشر کارگر و کارفرما محقق خواهد شد. وی یادآور شد: نکته مهم دیگری که در این آیین نامه باید مدنظر باشد این است که در صنایع مادر و کارهای استمراری هیچ منعی برای اخراج کارگر نداریم و کارفرما می‌تواند به راحتی از ابزار اخراج استفاده نماید و آنچه در مسیر تدوین ماده ۷ قانون کار اتفاق خواهد افتاد جلوگیری از استثمار نیروی کار توسط شرکت‌های پیمان گیرنده است.

وی در عین حال خاطرنشان کرد: ما با هرگونه اصلاحی که منتج به شرایط بهتر برای نیروی کار، پیشرفت اهداف اقتصادی کشور و حفظ شان و منزلت کارگر و کارفرما شود مشکلی نداریم و از آن حمایت می‌کنیم، اما آنچه که تا به امروز دیده‌ایم اصلاح نبوده، بلکه گرفتن حداقل‌ها از محروم‌ترین قشر جامعه بوده است.

معاون امور استانهای خانه کارگر کشور در بخش دیگری از سخنان خود خواستار توجه به ماده ۱۳۷ قانون کار در وزارت جدید کار شد و گفت: ما از وزیر جدید می‌خواهیم این ماده قانونی جایگاه واقعی خود را پیدا نماید و از گسست و تفرقه در تشکلات کارگری جلوگیری نماید، زیرا ماده ۱۳۷ انسجام و همپستگی جامعه کارگری را در زیر چتری به نام کنفدراسیون عالی را پیش بینی کرده که اگر انشاءالله محقق شود، ما دیگر با پراکندگی فکری، نظری و اجرایی در تشکلات کارگری مواجه نخواهیم بود.

صادقی همچنین به موضوع بن کارگری اشاره کرد و گفت: بن کارگری یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی برای کارگران بوده که در دولت جنگ شکل گرفت و تا دولت هشتم استمرار داشت که برای پررنگ کردن سید مصرف خانوارهای کارگری کمک موثری بود که متأسفانه در دولت نهم حذف شد. وی گفت: انتظار ما این است بن کارگری همانند دولت‌های جنگ، سازندگی و اصلاحات توسط وزیر خوشفکر، مدیر و استراتژیک تعاون، کار و امور اجتماعی احیاء شود تا شاهد رنگین شدن دوباره سفره خانواده‌های کارگری باشیم.

سمینار سه روزه دبیران اجرایی خانه‌های کارگر کشور به میزبانی خانه کارگر تبریز به منظور بررسی مسایل کلان جامعه کارگر برپا شده است.

دومین برنامه کارخانه ؛ مجله کارگری هفتگی رادیو ندا

دومین برنامه کارخانه؛ مجله کارگری هفتگی رادیو ندا، شامل این قسمت هاست :

- 1- اخبار کارگری
- 2- گفتگو با نیما امام جمعه، وکیل دادگستری، در مورد " اصلاحیه " قانون تامین اجتماعی
- 3- گرامی داشت یاد معدنچیان آفریقای جنوبی در اولین سالگرد کشتار آنها

گوش کردن با مدیا پلیر
گوش کردن با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/08/blog-post_23.html

در جریان آتش سوزی يك واحد تولیدی در شهرک چرمشهر تبریز، دو کارگر و سه مأمور آتش نشانی دچار سوختگی شدید شدند.

برپایه خبر رسیده در تاریخ ۲ شهریور 92 آمده است : در شهرک چرمشهر تبریز در جریان آتش سوزی یک واحد تولیدی، دو کارگر به نامهای «کریم و جبرئیل رنجبر» دچار سوختگی شدید شدند. سه نفر از مأموران آتش نشانی که در جریان اطفاء حریق این واحد حضور داشتند نیز دچار سوختگی شدند که به همراه این دو کارگر به بیمارستان انتقال یافتند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: بیمه شدگان نباید برای درمان پول پرداخت کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ دوم شهریور 92 آمده است : وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی گفت: باید با اتخاذ تدابیر ویژه در جهت حرکت کنیم که بیمه شوندگان جهت درمان، نیازی به پرداخت پول نداشته باشند.
به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، علی ربیعی با اعلام این مطلب در جریان بازدید پنج ساعته خود از بیمارستان فوق تخصصی میلاد گفت: با گسترش نظام جامع بیمارستانی، می توان در این جهت اقدامهای موثری انجام داد.

وی در این دیدار ضمن بازدید از بخش های مختلف بیمارستان میلاد با مدیران، پزشکان و پرستاران این بیمارستان گفت و گو کرد و از نزدیک در جریان روند رسیدگی به طراز مالی این بیمارستان قرار گرفت.

بر اساس این گزارش، ربیعی اظهار داشت: بیمارستان میلاد از لحاظ کیفیت کار و خدمات پزشکی، کادر پزشکی و پرستاری و همچنین برنامه بیمارستانی از جمله بیمارستانهای ممتاز به شمار می رود به طوری که می تواند به عنوان الگویی برای سایر بیمارستانهای کشور محسوب شود.
ربیعی اعلام کرد: ما باید با اتخاذ تدابیر ویژه در جهت حرکت کنیم که بیمه شوندگان جهت درمان، نیازی به پرداخت پول نداشته باشند.

وی افزود: با گسترش نظام جامع بیمارستانی، می توان در این جهت اقدامهای موثری انجام داد.
شایان ذکر است وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ضمن بازدید از بخش های سی تی اسکن، ام آر آی، بخش ۹، سی سی یو و دندانپزشکی، درد و دل بیماران را شنید.
بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی هزار تخت خوابی میلاد به منظور تأمین بخشی از نیازهای

درمانی کشور و بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی، در تیر ماه ۸۰ افتتاح شد. همچنین این بیمارستان، در راستای مشتری‌مداری، تعهد به بهبود مستمر اثر بخشی سیستم مدیریت کیفیت و پیشگیری از آلودگی‌های محیطی خاک، هوا و آب‌های سطحی و زیرزمینی روش اجرایی شناسایی و ارزیابی جنبه اهداف کلان و خرد را تدوین کرده و مصمم است ضمن ارائه خدمات درمانی با کیفیت مطلوب، قوانین و مقررات زیست محیطی کشور را نیز رعایت نموده و کمترین تأثیر نامطلوب را بر محیط زیست داشته باشد.

پایان پیام

درابا، وبلاگ «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» مسدود شد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ دوم شهریور 92 آمده است: به اطلاع می‌رسانیم که «درابا»، وبلاگ کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، که به تازگی تأسیس شده بود، مسدود شده است و ما قادر نیستیم هیچ مطلبی را در آن درج کنیم. یادآوری می‌کنیم که چندی پیش سایت کمیته نیز مورد حمله هکرها قرار گرفت و به طور کامل از میان رفت. وبلاگ «درابا» به آدرس derabaa.wordpress.com پس از نابودی این سایت تأسیس شد. جهت اطلاع مراجعان به رسانه کمیته اعلام می‌کنیم که تا اطلاع ثانوی اخبار، بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و مقالات ما صرفاً در سایت‌های دیگر قابل دسترسی هستند.

استاندار زنجان خبر داد:

برای کارگران کارخانه سرب و روی کمیته ساماندهی تشکیل شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ دوم شهریور 92 آمده است: استاندار زنجان باباین اینکه در حال حاضر برای رسیدگی به وضعیت کارگران کارخانه سرب و روی کمیته ویژه‌ای تشکیل شده است، گفت: ۷۰ درصد صادرات استان و اشتغالی ۵ هزار نفر از کارخانه سرب و روی استان است.

به گزارش خبرنگار ایلنا از زنجان، محمد رئوفی‌نژاد در سخنان پیش از نماز جمعه زنجان با اشاره به درخواست تعطیلی شرکت ملی سرب و روی ایران در زنجان، گفت: تعطیلی کارخانه نتیجه اجرا نشدن مصوباتی است در ۱۰ جلسه کارشناسی با حضور مسئولین برای انتقال کارخانه سرب و روی برگزار شد. این مقام عالی استان به تشکیل کمیته‌های انتقال و ساماندهی وضعیت کارگران این کارخانه اشاره کرد و گفت: این کارخانه آلودگی دارد، ولی نمی‌توان گفت که عامل سرطان در استان است.

استاندار زنجان در ادامه با بیان اینکه ۸۰ درصد تولید سرب و روی از استان زنجان است، افزود: ۷۰ درصد صادرات استان و اشتغالی ۵ هزار نفر از اهالی زنجان تنها به فعالیت کارخانه سرب و روی وابسته است.

رئوفی‌نژاد همچنین به هفته دولت اشاره کرد و گفت: در همین راستا ۵۷۱ طرح عمرانی و اقتصادی در استان زنجان به بهره‌برداری می‌رسد که از این تعداد ۳ طرح کلنگ زنی است.

استاندار زنجان اعتبار این پروژه‌ها را ۲۲۷ میلیارد و ۷۸۵ میلیون ریال عنوان کرد و افزود: این طرح‌ها در هفته جاری در استان به بهره‌برداری می‌رسد. وی همچنین به اقدامات ۸ ساله دولت در استان زنجان اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: تمام تلاش‌ها در راستای توسعه و عمران استان

بود و ارتقاء درجه استان زنجان از درجه ۲ به درجه یک کشوری و تبدیل شهر سلطانیه به شهرستان از نتایج این تلاش‌هاست.

این مقام مسئول به دولت یازدهم و رویکردهای آن اشاره کرد و افزود: مسکن مهر یکی از اقدامات دولت دهم بود که توسط دولت بعدی ادامه خواهد داشت.

استاندار زنجان به چند پروژه بزرگ دیگر استان از جمله پروژه پالایشگاه نفت و تولید فولاد استان اشاره کرد و گفت: میزان تولید فولاد در استان ۶ میلیون تن در سال هدف گذاری شده است که تولید ۱,۵ میلیون تنی آن ظرف یکسال آینده به بهره‌برداری خواهد رسید.

وی در پایان سخنان خود انتقال پادگان زنجان را نیز یکی دیگر از اقدامات در دست اجرا اعلام کرد و گفت: ۱۰۰ هکتار زمین برای پادگان در نظر گرفته شده است که انتقال آن در هفته دفاع مقدس شروع خواهد شد.

پایان پیام

رفاه و آزادی حق مسلم ماست

متن حاضر با مشارکت تعدادی کارگر ایران خودرو، مینا، بازنشسته و خانه-دار شکل گرفته است. ما امیدواریم با به اشتراک گذاری این مقاله به خصوص در بین کارگران پیشرو در سازمان یابی قطب کارگری در جامعه نقش ایفا کنیم.
بخش یکم - مرداد ۱۳۹۲

در شرایط فلاکت باری زندگی می کنیم. قیمت خوراک، پوشاک، مسکن و دارو هر روز افزایش می‌یابد؛ میلیون ها نفر بیکار و هزاران نفر در زندان اند؛ اعتیاد و فحشا بیداد می کند؛ بر تعداد کودکان کارگر روز به روز افزوده می شود؛ ناامنی اجتماعی و زورگیری بیش از پیش می گردد؛ دولت همچنان در زندگی خصوصی مردم دخالت می کند؛ فساد مالی و اخلاقی دل هر انسانی را به درد می آورد؛ بیماری های روانی گسترش می یابد؛ خرافات هر روزه ترویج می شود؛ اختلاف طبقاتی سر به فلک می کشد و ... این زندگی جهنمی سهم ما میلیون ها کارگر، کارمند، تکنیسین، معلم، پرستار، کارشناس، خبرنگار، نویسنده، هنرمند، دانشجو، دستفروش، مسافرکش، خانه دار، بازنشسته، بیکار و ... در کشوری است که درآمد سالانه اش صدها میلیارد دلار است.

ریشه مشکلات ما چیست؟

بدون شک، برخی از معضلات گریبانگیر ما حاصل ویژگی های دینی جمهوری اسلامی است. نابرابری زن و مرد در قوانین ارث، شهادت، دیه، طلاق و سرپرستی فرزندان؛ لزوم اجازه شوهر برای مسافرت و خروج از کشور و حتی بیرون رفتن زنان از خانه؛ قانونی بودن تعدد زوجات برای مردان؛ محدودیت زنان در انتخاب شغل، رشته تحصیلی و رشته های ورزشی؛ ممنوعیت مناصب مهم و تعیین کننده برای زنان از جمله ریاست جمهوری و قضاوت؛ حرام شمردن خوانندگی زن و ممانعت از آن؛ مجاز دانستن مردان در به کار بردن خشونت، محدودیت، زور و فشار علیه زن و فرزند و حتی قتل آنان به عنوان صاحب و ولی دم؛ حجاب اجباری؛ دخالت در حریم زندگی شخصی و روابط خصوصی افراد به ویژه معاشرت زنان و مردان؛ جداسازی زن و مرد در مکان های عمومی؛ پایمال کردن حقوق کودکان؛ عدم تعهد عملی به کنوانسیون های بین المللی در مورد حقوق کودکان، زنان و بشر به طور کلی؛ سانسور کتاب و نشریات، فیلم، نمایش، موسیقی و سایر عرصه های هنر، علم و ادب به دلیل مغایرت با قوانین اسلام؛ ترویج خرافات؛ تفتیش عقیده

در مصاحبه ها و فرم های استخدامی و مراحل تحصیلی؛ ایجاد هزاران مسجد، تکیه، حسینیه، هیئت و امامزاده؛ نیروهای سازمان یافته حقوق و مواجب بگیر لباس شخصی برای سرکوب اعتراضات مردم، گشت های امر به معروف، ارشاد و ویژه حجاب بانوان، ستاد رؤیت هلال ماه، انواع و اقسام سازمان ها و بنیاد ها؛ برگزاری سمینارها و کنفرانس های دینی داخل و خارج کشور، آیین ها و مراسم مذهبی و ... همگی از بودجه عمومی و در واقع از جیب مردم؛ دادگاه ویژه روحانیت؛ ممنوعیت تغییر دین مسلمانان؛ آزار و توهین به معتقدان سایر ادیان و مذاهب؛ جرم شمردن تبلیغ بهائیت و بی دینی؛ اجرای قوانین مجازات اسلامی حد، بریدن دست، سنگسار، قصاص و ... از جمله این معضلات است.

مشکل اینجاست که بسیاری از مردم بار آمده در فرهنگ اسلامی بر این باورند که اسلام حاوی برترین روش زندگی است و حکومت باید اسلامی باشد تا حافظ ارزش های اعتقادی آن ها باشد. اعتقاد به نابرابری زن و مرد و احساس بیگانگی و چه بسا تنفر از سنی، یهودی، بهایی و بی دین و گمراه دانستن غیر شیعیان، وجه مشترک این بخش از مردم با حکومت جمهوری اسلامی و همچون یوغی است بر گردن مردم که در بزنگاه های مختلف آن ها را به جانبداری از حکومت می-کشاند.

اما پایه ای ترین و بنیادی ترین علت گرفتاری های ما ناشی از حاکمیت سرمایه داری بر کشور است. ما میلیون ها انسان مزد بگیر کارگر، کارمند، تکنیسین، معلم، پرستار، کارشناس، خبرنگار، نویسنده، هنرمند و ... یا همان طبقه کارگر برای زنده ماندن، نیروی کاریدی و فکری خود را به کارفرماها که صاحبان سرمایه در بخش های مختلف اقتصاد هستند می فروشیم. اساس سرمایه داری خرج کردن پول برای کسب پول بیشتر است. پولی که صرف به دست آوردن پول بیشتر تر شود سرمایه است و افزایش سرمایه نیروی محرکه اقتصاد را می سازد. سرمایه داران با خرید نیروی کار، مزدی را به ما پرداخت می کنند که معادل کالاهایی است که برای زنده ماندن و تجدید نسل ما لازم است ولی ما بسیار بیش تر از آنچه برای گذران زندگی مان لازم است تولید می کنیم. تفاوت بین مزد و ارزش کار ما را سرمایه داران به عنوان سود تصاحب می کنند. این فرآیند در شرکت های خصوصی و دولتی یکسان است. کسب سود و سود بیش تر یا همان نیروی محرکه اقتصاد سرمایه-داری مستلزم ارزان بودن و ارزان ماندن نیروی کار کارگران است. سرمایه تمایل دارد تا با طولانی تر کردن ساعات کار، افزایش شدت کار و پرداخت مزد کم تر و کاهش هزینه ها، سود بیش-تری به دست آورد. بنابراین، بی توجهی به حفظ محیط زیست، سالمندان و معلولان، عدم پرداخت مزد برای خانه داری، نابرابری زن و مرد و مهاجر و بومی در دریافت مزد و بهره مندی از تأمین اجتماعی و گسترش فقر و بدبختی نشان می دهد که سرمایه داری کار خود را به درستی انجام می-دهد و سعی می کند تا هزینه ها را به دوش مردم بیندازد. اعتراضات و اعتصابات در یونان، ایتالیا، اسپانیا، انگلیس و آمریکا نشان می دهد که آسمان سرمایه داری در همه جا یکرنگ است. رفاه و آزادی بیش تر در بعضی کشورها نتیجه مبارزات کارگران این کشورهاست. هر جا که رزمندگی کارگران بیش تر است سرمایه بیش تر عقب نشینی می کند.

فروش نیروی کار در همان حال فروش اختیار و آزادی خود به سرمایه است. سهم کارگر از این جهان، مزد است و حق مداخله و تصمیم گیری در تعیین نوع کار، شدت کار، نوع و کیفیت محصول، زمان کار و زندگی خود را ندارد. مزدی که به کارگر داده می شود برای آن است که همچون ابزار کار تعمیر و نگهداری شود و مانند ابزار و تجهیزات در تعیین سرنوشت و نظامات جامعه بی تأثیر است. هنگامی که ما کار می کنیم وقت ما و فعالیت ما به ما تعلق ندارد. ما باید از مدیران، برنامه ها و اهداف اطاعت کنیم. کاری که اینچنین به ما تحمیل می شود حتی اگر از بخش-هایی از آن لذت ببریم کاری است بیگانه با ما که تسلط کمی بر آن داریم. مقاومت در برابر این شرایط خواه به صورت دزدکی و فردی مانند کیش دادن کار، استفاده از فرصت برای استراحت و گپ زدن با همکاران، تمارض و دست از کار کشیدن زود تر از موعد و خواه با مقاومت علنی

مانند اعتصاب، تصرف محل کار و غیره به معنی مقاومت در مقابل ذات جامعه سرمایه داری است که سود را دلیل هر کاری می داند. در واقع ما با این کار خود به کارفرماها می گوئیم که زندگی ما مهم تر از سود آنان است. مبارزه کارگر نه فقط برای شرایط مناسب تر کار و دریافت مزد بیش تر بلکه در اساس برای تغییر این وضعیت غیرانسانی و بی ارادگی در تعیین سرنوشت است. نظام سرمایه داری در همه جا بر اساس کسب سود و سود بیش تر و بی ارادگی و عدم اختیار کارگران بر سرنوشت خویش به حیات خود ادامه می دهد. تثبیت و توجیه این وضعیت با ابزارهای متعددی چون مذهب، ناسیونالیسم و ... صورت می گیرد. در ایران، اسرائیل و عربستان، مذهب عهده دار این امر است؛ در چین و کره شمالی، بی دینی این نقش را دارد؛ در ایران قبل از بهمن ۵۷ تلفیق مذهب و ناسیونالیسم عظمت طلب آریایی این نقش را بازی می کرد. در ترکیه فعلی، این امر از طریق مشارکت دولت لائیک با مذهب صورت می گیرد. در بسیاری کشورهای اروپایی و آمریکا، سرمایه داری با تکیه به ناسیونالیسم و دولت لائیک به حیات خود ادامه می دهد. مذهب گاه در کنار حکومت و گاه در رأس قدرت حکومتی در خدمت سرمایه داری است. همان گونه که در اروپا طی صدها سال استمرار حکومت دینی و در تقابل مردم با آن، طیف های متفاوتی از انسان های با اعتقادات مختلف مانند اصلاح گرایان دینی، بی دینان و مدافعان جدایی دین از حکومت پدید آمدند در ایران نیز شاهد چنین اوضاعی هستیم: بسیاری معتقدند اسلام واقعی این نیست و آخوندها اسلام را خراب کرده اند در نتیجه خواهان اصلاح حکومت و کنار گذاشته شدن آخوندها از حکومت هستند. این ها به «حکومت دینی» اعتقاد دارند و فقط با «حکومت آخوندی» مخالف اند. در مقابل، عده ای در آرزوی دار زدن آخوندها و ویران کردن مساجد هستند. بعضی پنهانی تغییر دین داده اند و کسانی معتقدند که ما ایرانی هستیم و اسلام متعلق به اعراب است. بسیاری از سرمایه داران بخش خصوصی با طرح شعار جدایی دین از دولت می خواهند حکومت مذهبی را تنها علت مشکلات اجتماعی جلوه دهند و سرمایه داری را از تیررس مبارزات مردم دور نگهدارند. شعار آنان این است سرمایه داری آری، دولت دینی نه سرمایه داران خصوصی چه بسا لائیک و طرفدار حکومت غیرمذهبی با گران کردن کالاها و خدمات، پیمانی و قراردادی کردن اکثریت ما، بیمه نکردن کارگران، نبود امکانات رفاهی و شرایط ناپایمن کار، پرداختمزدهای نازل حتی پایین تر از حداقل حقوق رسمی، اخراج و بیکارسازی، سرکوب اعتراض و اعتصاب، دشمنی شدید با ایجاد هرگونه تشکل که حتی روی سرمایه داران دولتی را سفید کرده اند، سهم بسزایی در اوضاع و احوال فلاکت بار ما دارند. این بخش از طبقه سرمایه دار سعی دارند تا با همراهی دولت های سرمایه داری خارجی، گناه را تنها به گردن صاحبان قدرت سیاسی بیندازند و نقش سرمایه و سودجویی خود را مخفی کنند و در جنگ بر سر قدرت حتی ما را به سیاهی لشکر خود تبدیل کنند.

شرایط فلاکت بار موجود محصول حاکمیت دین و سیاست های مشترک سرمایه داران خصوصی و دولتی است که برای کسب سود و قدرت، نازل ترین سطح حقوق، اخراج، زندان، سرکوب و اختناق را بر ما تحمیل کرده اند. ما ضمن مخالفت با حکومت دینی همراه با کارگران پیشرو، بنیاد معضلات و مصائب خود را سرمایه داری می دانیم؛ تبلیغ این اندیشه که علت مشکلات ما در ایران «حکومت آخوندی» است گمراه کننده است؛ ریشه مشکلات ما سرمایه داری است. چاره مشکلات ما چیست؟

گفتیم که بنیاد سرمایه داری بر جدایی مزد بگیران از دخالت و تأثیرگذاری در کار و سرنوشت خویش استوار است و بی ارادگی و بی قدرتی در مقابل سرمایه داران و حکومتشان ریشه مشکلات ماست. راه نجات ما مبارزه با این بنیاد نظام سرمایه داری است و ابزار قدرتمند شدن ما همان گونه که مبارزات چند صد ساله کارگران در تمام جهان نشان داده است تشکیلات است. تاریخ گواهی می دهد که سرمایه داران اروپایی و آمریکایی و دولت های آن ها هرگز اجازه برپایی تشکل را به کارگران ندادند و با اخراج، زندان، قتل و کشتار با کارگرانی که دست به ایجاد تشکل می زدند مقابله می کردند و این کارگران بودند که بعد از سال ها مبارزه و جانفشانی توانستند

حق ایجاد تشکل را به سرمایه داران و حکومتشان تحمیل کنند و حتی آن را در قانون نیز بگنجانند به طوری که سازمان جهانی کار (ILO) که همچون «خانه کارگر» جمهوری اسلامی سازمانی است جهت به کجراه بردن و منحرف کردن مبارزات کارگران، در موادی از مقاله نامه ۸۷ خود چنین می گوید:

« ماده ۲ : کارگران و کارفرمایان، بدون هیچ تمایزی، می باید این حق را داشته باشند که تشکل های خود را، که مقررات تشکیلاتی آن ها تنها توسط خودشان تدوین و تعیین می شود، به انتخاب خود و بدون کسب اجازه قبلی برپا کنند یا به چنین تشکل هایی بپیوندند.»
«ماده ۴ : تشکل های کارگران و کارفرمایان مشمول انحلال یا تعلیق از جانب مقامات دولتی نخواهند بود.»

جمهوری اسلامی عضو ILO و متعهد به اجرای این مقاله نامه ها است اما نه تنها به تعهد خود عمل نمی کند بلکه به همراه کارفرماها با تمام توان سعی در مخفی کردن و بی خبر نگهداشتن کارگران از این دستاورد طبقه کارگر دارد. در ایران نیز ما می توانیم مانند کارگران کشورهای پیشرفته سرمایه داری و برخلاف خواست کارفرماها و حکومت، در محل کار و زندگی خود تشکیلات بوجود آوریم. قدرت ما در تعداد ماست ما میلیونها نفریم و می توانیم به کارفرماها و حکومت اسلامی سرمایه فشار بیاوریم تا تسلیم خواسته های انسانی ما شوند. اگر به زندگی خودمان هم نگاه کنیم می بینیم مؤثرترین روشی که مردم ایران برای نجات خود اتخاذ کرده اند همان روش مردم سایر کشورها است یعنی تحمیل خواست های خود بدون کسب اجازه. مقاومت زنان در برابر فشار تبعیض جنسیتی و بی حقوقی که تا حدودی توانسته اند فشار حکومت را عقب برانند، مبارزه مردم در مقابل یورش حکومت برای درهم شکستن آنتن های ماهواره ای، مقابله با سانسور اینترنت، استقبال و حمایت مردم از پخش آواز خوانندگان زن در اماکن عمومی، پخش و فروش سی دی های صوتی و تصویری و کتاب های ممنوعه و بویژه اعتصابات متعددی که از نظر دولت نه تنها غیر قانونی بلکه حرام است نشان می-دهد که این روش اگر چه با تحمل رنج ها و هزینه های گزاف همراه بوده اما موفقیت آمیز بوده است. در اواخر حکومت سلطنتی نیز انتشار کتاب های معروف به «جلد سفید»، ایجاد «کمیته های اعتصاب»، اعتصاب های مکرر و سراسری، راهپیمایی و تظاهرات، عدم رعایت حکومت نظامی در شهرها همه به اراده خود مردم، بدون اجازه و البته با دادن تعداد زیادی زندانی و کشته انجام گرفت. همان طور که ابراز عقیده حق هر انسانی است و احتیاج به اجازه از هیچ قانون، نهاد و مرجعی ندارد برای ایجاد تشکل نیز نباید اجازه گرفت. هم اکنون قانون نویسندگان، سندیکای شرکت واحد و چندین تشکل دیگر به طور فراقانونی در حال فعالیت هستند. ما خواهان تغییر قوانین موجود و جاری شدن آزادی تشکل و تجمع بدون کسب اجازه در سنت و فرهنگ جامعه هستیم. بدیهی است که ما از قوانین، نهادها و همه امکانات داخلی و خارجی موجود استفاده می کنیم اما قانون گرایندبال نخود سیاه رفتن و آب در هاون کوبیدن است. نجات از این شرایط با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب بین بد و بدتر، دل بستن به جناح های حکومتی و یا فحش دادن به آخوندها و متوسل شدن به دولت های خارجی، ILO و ... امکان پذیر نیست. چاره مشکلات ما ایجاد تشکل بدون کسب اجازه است.

برگرفته از وبلاگ : <http://derabaa.wordpress.com/2013/08/26/>

در تهران رخ داد:

نجات ۵ کارگر در جریان آتش سوزی یک تعمیرگاه خودرو

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ دوم شهریور 92 آمده است: تعداد ۴ کارگر زن شاغل در یک کارگاه تولیدی لباس که بر اثر آتش سوزی ی، در داخل محل کار خود گرفتار شده بودند نجات یافتند .

به گزارش ایلنا، این حادثه زمانی رخ داد که در هنگام آتش سوزی یک واحد تعمیرگاه خودرو در شهر ک مسعودیه تهران چهار کارگر زن که در طبقه زیرین این تعمیرگاه مشغول کار در یک کارگاه خیاطی بودند در میان دود و آتش محبوس می‌شوند .

بر اساس این گزارش، با ورود گروه‌های امداد و نجات به محل حادثه علاوه بر نجات این چهار کارگر زن یکی از کارگران مرد تعمیرگاه خودرو که از ناحیه دست دچار سوختگی شدید شده بود نیز نجات می‌یابد.

پایان پیام

صف لشکر بیکاران تحصیلکرده ایران

ابراهیم خندان

روزنامه نگار

به نوشته سایت فارسی بی بی سی در 3 شهریور 92 آمده است : طبق آمار متوسط درصد بیکاری در بین تحصیل‌کردگان دو برابر درصد بیکاری در افرادی با تحصیلات پایین یا بی‌سواد است.

بر اساس نتایج تفصیلی آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، در مجموع ۷۶۸ هزار و ۵۱ نفر بیکار فارغ التحصیل دانشگاهی در کشور وجود دارد که از این تعداد ۲۰۷ هزار و ۳۱۰ نفر دارای مدرک فوق دیپلم، ۵۰۵ هزار و ۱۰ نفر دارای مدرک لیسانس، ۵۲ هزار و ۱۶۹ نفر فوق لیسانس و دکترای حرفه‌ای و ۳ هزار و ۲۸۸ نفر نیز دارای مدرک دکترای تخصصی هستند. رقم ۷۶۸ هزار بیکار تحصیل‌کرده را پیش از این آقای حسن روحانی در دوران مبارزات انتخاباتی بر زبان آورده بود ولی آمار جدید حاوی اطلاعات کاملتری در باره رشته‌های تحصیلی و جنسیت فارغ التحصیلان است که پیش از این بطور عمومی و با این جزئیات منتشر نشده بود.

کارشناسان معتقدند وضعیت اشتغال در کشور و بخصوص اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی به مراتب نگران کننده تر از آماری است که منتشر شده است. آنها به آمارهای دیگری در این زمینه که بوسیله مسئولان و مدیران دستگاه‌های دولتی منتشر شده‌است و عدم انطباق آن با این آمار اشاره می‌کنند.

برای مثال در بخش فارغ التحصیلان گروه بهداشت و رفاه با مدرک فوق لیسانس و دکترای حرفه‌ای که می‌تواند شامل پزشکان عمومی نیز بشود، در آمار فقط ۱۰۴۴ نفر بیکار قید شده است در حالی که علیرضا زالی رئیس سازمان نظام پزشکی ایران در اردیبهشت امسال گفته بود که: "طبق آمارهای خود وزارت بهداشت هم‌اکنون بیش از هشت‌هزار پزشک عمومی در کشور بیکار هستند و چیزی حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ پزشک عمومی در نظام آماری ما ثبت نشده‌اند. این تعداد کسانی هستند که درس دانشگاهی و پزشکی آنها به پایان رسیده است اما برای دریافت شماره نظام پزشکی و دریافت پروانه مطب به سازمان نظام پزشکی و وزارت بهداشت مراجعه نکرده‌اند.

به گفته آقای زالی، این تعداد دو گروه هستند، گروه اول که از کشور مهاجرت کرده‌اند و می‌دانیم بیشترین تعداد مهاجرت نخبگان در میان پزشکان است و گروه دوم کسانی هستند که به دلایل مختلف انگیزه فعالیت در زمینه پزشکی را ندارند. بیشترین تعداد این پزشکان در گروه‌های مامایی و پزشکان عمومی است.

علاوه بر این، آنها به دو نکته دیگر نیز اشاره می‌کنند؛ اول تعریف شاغل از نظر مرکز آمار ایران. تعریف شاغل از نظر مرکز آمار ایران کسی است که در طول هفته برای آمار گیری حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشد.

چه کسانی شاغل محسوب می‌شوند

- افرادی که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد)

- کارآموزانی که در دوره کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت مؤسسه محل کارآموزی انجام می‌دهند.

- محصلانی که در هفته مرجع مطابق تعریف، کار کرده‌اند.

- سربازان، درجه‌داران، و افسران وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی.

مرکز آمار ایران

دومین نکته نادیده گرفته شدن جمعیت اضافه شده به این آمار در طی دو سال اخیر است. اگر با توجه به تعداد راه‌پافتگان به دانشگاه‌های کشور در طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ تعداد فارغ التحصیلان سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را در مجموع ۸۰۰ هزار نفر در نظر بگیریم و بر اساس برآورد هادی قوامی نماینده اسفراین در مجلس در سال گذشته، درصد بیکاری فارغ التحصیلان را نیز ۲۰ درصد در نظر بگیریم، با توجه به اینکه در طی دو سال گذشته تغییر محسوس در ایجاد اشتغال در کشور ایجاد نشده است؛ ۱۶۰ هزار نفر دیگر را باید به آمار ارائه شده اضافه کنیم. یعنی با تقریبی خوشبینانه، رقمی در حدود ۹۰۰ هزار نفر فارغ التحصیل دانشگاهی بیکار. کارشناسان دلیل وجود این تعداد تحصیل کرده جوای کار را تنها وضعیت اقتصادی کشور نمی‌دانند و دلایل دیگری از جمله ضعف سیستم آموزشی، مشکلات ساختاری اقتصاد کشور، و مسایل فرهنگی در سطح اجتماع را نیز در این میان موثر می‌دانند.

ناکارآمدی سیستم آموزش عالی کشور

توسعه کمی آموزش عالی کشور نکته‌ای است که دولتمردان در هر دوره‌ای با افتخار به آن اشاره کرده‌اند و هر دولتی رشد آن را حاصل برنامه‌ریزی و تلاش خود دانسته است. اما کارشناسان این رشد را چندان مایه مباهات نمی‌دانند. آنها معتقدند رشد تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بدون مطالعه و برنامه‌ریزی و تامین زیرساخت‌های لازم بوده است که یکی از تبعات آن، علاوه بر کاهش کیفیت آموزش، می‌تواند وضعیت موجود اشتغال فارغ التحصیلان همان دانشگاه‌ها باشد. دانشگاه‌هایی که در تلاشند با کمترین هزینه بیشترین ظرفیت ممکن برای پذیرش دانشجو را ایجاد کنند. شاید این دیدگاه و همچنین تعداد زیاد متقاضیان تحصیل و هزینه‌های بسیار زیاد رشته‌های فنی و مهندسی یا علوم تجربی، موجب بیشترین رشد آموزش عالی در رشته‌های تئوری و بخصوص علوم انسانی شده باشد. با نگاهی به آمار ارائه شده بوسیله مرکز آمار ایران می‌توان دید که به تقریب ۸۰ درصد بیکاران با مدرک دانشگاهی دارندگان مدارک رشته‌های نظری هستند که برای تاسیس آنها در دانشگاه‌ها نیازی به ایجاد زیرساخت‌های خاصی نبوده است. برای مثال آنها نیازمند آزمایشگاه یا کارگاه نیستند و این همان نکته‌ای است که پذیرش دانشجو در این رشته‌ها را برای دانشگاه‌هایی که شهریه می‌گیرند، جذاب می‌کند. از دیگر نکاتی که کارشناسان به آن اشاره می‌کنند این است که کمبود یا حتی نبود نیروی آموزشی متخصص به همراه بی‌برنامگی در چگونگی توسعه کمی دانشگاه‌ها، علاوه بر کاهش کیفیت آموزش حتی در دانشگاه‌های غیر رایگان و مشهور، موجب شده است که مواد و سرفصل‌های تحصیلی

دانشجویان و همچنین رشته‌های تحصیلی ارائه شده کمترین قرابت را با نیازهای واقعی بازار کار کشور داشته باشند. تا جایی که بر اساس همان آمار بیش از ۲۵۰ هزار نفر بیکار تحصیل کرده در رشته مهندسی ساخت و تولید در کشور در جستجوی کار هستند.

نکته جالب در این میان وجود بیش از ۳۰۰۰ دکترای تخصصی در این آمار است. اگر محل اصلی اشتغال این فارغ التحصیلان را بطور عمده مراکز تحقیقاتی و آموزش عالی در نظر بگیریم سیستم آموزش عالی کشور اساتید و پژوهشگرانی را تربیت کرده که خود نیز، حتی با توجه به گسترش انفجار گونه مراکز آموزشی و نیاز به مدرسان جدید، قادر به جذب آنها نیست یا تمایلی به استخدام آنها ندارد. البته برخی از مدیران این دانشگاه‌ها و مسئولان دولتی بطور تلویحی یا آشکار یکی از دلایل رشد کمی ظرفیت آموزش عالی را ایجاد تاخیری چند ساله در ورود جوانان به بازار کار اعلام می‌کنند و نه به الزام، افزایش دانش و مهارت نیروی کار.

مشکلات بنیادی

مشکل بیکاری ناشی از مشکلات دیگر اقتصادی است. برخی از کارشناسان می‌گویند عدم توجه مدیران و برنامه ریزان کشور به نیازهای زیر بنایی برای رشد اقتصادی و فرهنگی؛ به این مشکلات دامن زده است و این ورای مسایلی همانند رشد نکردن و حتی آسیب دیدن صنایع گوناگون و تولید در کشور، به دلایلی همچون خسارت‌های ناشی از جنگ و سوء مدیریت و تحریم و واردات بی‌رویه است. آنها برای نمونه به قوانین ناکارآمد حمایت از حقوق مؤلفین یا همان چیزی که در غرب به آن کپی رایت می‌گویند، اشاره می‌کنند و می‌گویند ضعف قوانین در این زمینه یکی از عوامل بزرگ عدم رشد صنعت نرم‌افزار در ایران است. صنعتی که کشورهای صنعتی برای گرداندن آن علاوه بر برنامه‌ریزی در تربیت نیروی جوان و کارآمد و رقابت با هم‌دیگر در جذب نیروی کار از دیگر کشورها، باز هم با کمبود نیرو در آن روبرو هستند.



این در حالی است که با وجود کم بودن نسبی سرمایه برای راه‌اندازی شرکت‌هایی که در زمینه تولید نرم افزار فعالیت می‌کنند و همچنین نیاز کشور و بازار جهانی، بیش از ۷۶ هزار نفر تحصیل کرده در حوزه کامپیوتر و ریاضی از فوق دیپلم تا دکترا در ایران در جستجوی کارند.

مشکلات اجتماعی و فرهنگی

از دیگر عواملی که کارشناسان به عنوان عوامل تاثیرگذار در وضعیت اشتغال تحصیل‌کردگان به آن اشاره می‌کنند مجموعه‌ای از مسایل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی است که شاید تاثیرشان کمتر از عوامل ذکر شده پیشین نباشد. آنها معتقدند بخشی از فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها تمایلی به کارهای پرزحمت و کارگاهی یا اشتغال در مناطق دورافتاده و محروم ندارند. برای مثال در حالی که مناطق محروم کشور به شدت با کمبود پزشک و نیروهای خدمات بهداشتی

روبروست، کم نیستند پزشکان عمومی جوانی که کار در بازار مسکن شهرهای بزرگ یا کارهای دفتری در ادارات دولتی را به کار در شهرستان‌های دور افتاده ترجیح می‌دهند. یا فارغ التحصیلان گروه کشاورزی و دامپزشکی که بیش از ۲۸ هزار نفر از آنها در جستجوی کارند در حالی که کشاورزی و دامپروری کشور نیازمند دانش روز برای غلبه بر مشکلاتش است.

نکته دیگر این است که بخشی از جوانان به دلایل گوناگون نه توانایی کارآفرینی دارند و نه تمایلی به ریسک. در همان حال آنها ترجیح می‌دهند در زمانی کوتاه و بدون تلاش زیاد به خواسته‌های خود برسند. شاید یکی از عوامل عدم موفقیت طرح‌هایی همچون بنگاه‌های زود بازده یا وام‌های خود اشتغالی یا صندوق مهر رضا و ورود وام‌های اشتغال زایی به بازارهای مالی را بتوان وجود چنین دیدگاهی در بخشی از همان گروه دانست.

اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی رئیس جمهور با اشاره به مشکل اشتغال و تورم بعنوان دو چالش اصلی و اساسی کشور، گفته است: دولت در نظر دارد برنامه‌هایی را به صورت فوری و اضطراری در حوزه اشتغال کشور اجرا کند.

اما بخشی از کارشناسان بر این باورند که باوجود قول‌های آقای جهانگیری و رئیس جمهور در حل مشکل اشتغال، حل این مشکل حتی با فرض نبود مشکلات بزرگتری همچون وضعیت نه چندان مناسب سیاست خارجی و اقتصادی کشور، چیزی نیست که بتوان در کوتاه مدت به آن امید بست. در این وضعیت و در کوتاه مدت شاید تنها کار ممکن کاستن از سرعت افزایش تعداد بیکاران باشد و در بخش تحصیلکردگان جویای کار، ضابطه‌مند کردن و کنترل رشد کمی و بی برنامه آموزش عالی.

در چرمشهر تبریز رخ داد: سوختگی دو کارگر و سه آتش‌نشان در يك کارگاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 3 شهریور 92 آمده است: در جریان آتش‌سوزی يك واحد تولیدی در شهرک چرمشهر تبریز، دو کارگر و سه مأمور آتش‌نشانی دچار سوختگی شدید شدند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، این حادثه عصر روز گذشته (شنبه، ۲ شهریور) در شهرک چرمشهر تبریز زمانی رخ داد که در جریان آتش‌سوزی یک واحد تولیدی، به نام‌های «کریم و جبرئیل رنجبر» دچار سوختگی شدید شدند. بر اساس این گزارش، سه نفر از مأموران آتش‌نشانی که در جریان اطفاء حریق این واحد حضور داشتند نیز دچار سوختگی شدند که به همراه این دو کارگر به بیمارستان انتقال یافتند.

پایان پیام

طرحی از یک طرد کلیاتی پیرامون کارگران ساختمانی محمد غزنویان

برپایه مطب رسیده به روزشمار کارگری در یکشنبه 3 شهریور 92 آمده است: *خوانش این متن تقدیم می‌شود به «ارسلان چراغی لیاولی»، کارگر ساختمانی ای که تمام شد...*
«او مثل یک آدم راه نمی‌رفت. به یک آدم شباهت نداشت. کاریکاتوری از بشر بود. گوشه‌ای کج شده، تو سری خورده، و گمنام از هستی.» (1)

این توصیفی است که جک لندن از یک شهروند واژده اجتماع، از یک «مرتد» به دست می‌دهد. با قدری فاصله‌گرفتن از نتایج اخلاقی لندن و تجویزات پرودونی، می‌توان سرنخ‌های چرایی این فاصله‌گذاری اجتماعی را در مارکس بازیافت. او جایی در توضیح تفاوت هستی اجتماعی برده و کارگر می‌نویسد:

«برده نیروی کار خویش را به برده دار نمی‌فروشد، درست همان‌طور که گاو نیروی کارش را به دهقان نمی‌فروشد. برده یک بار برای همیشه خودش به ضمیمه نیروی کارش به صاحب اش فروخته می‌شود. او کالابی است که از دست یک صاحب به دست مالک دیگر در حرکت است. {...} برعکس کارگر آزاد خود را بخش بخش می‌فروشد. او هر روز 8، 10، 12 و یا 15 ساعت از زندگی خویش را حراج می‌کند، امروز مثل دیروز و فردا مثل امروز. به چه کسانی؟ درست مثل حراج، یعنی بیشتر به آن‌هایی که مزد زیادتری عرضه کنند.» (2)

مارکس در ادامه می‌نویسد:

«کارگر می‌تواند سرمایه دار اجیرکننده خود را ترک کند، آن‌هم هر چند باری که بخواهد و سرمایه دار هم می‌تواند مطابق صرفه کارگران خویش را بیرون یا تعویض کند یعنی به محض این که تشخیص دهد کارگر دیگر برای او فایده ندارد یا فایده مورد نظر را تفویض نمی‌کند. ولی کارگر که سرچشمه زندگیش همان نیروی کار است، نمی‌تواند تمام طبقه خریدار یعنی طبقه سرمایه دار را ترک کند مگر به ادامه زندگی خویش بی تفاوت باشد. او جزء متعلقات این یا آن سرمایه دار نیست ولی جزء مایملک طبقه سرمایه داری به‌طور کل است.»

آنچه باعث می‌شود این فراز از نقد مارکس را به عنوان ابضاح علمی توصیفات لندنی در نظر بگیرم، سرانجامی است که وی برای کارگر در مناسبات سرمایه داری دیده است. مارکس پیچیدگی این مناسبات از سویی و به محاق رفتن توان رقابت کارگر را از سوی دیگر، آن‌چنان جدی تشخیص می‌دهد که میل به خروج از رژیم هژمونیک طبقه سرمایه دار را مقرون با بی تفاوتی به هستی یا «زندگی خویش» قلمداد می‌کند.

بازمعنا کردن چنین تحلیلی نیازمند مابه‌ازایی عینی در جامعه امروز است. به اعتقاد من یکی از دقیق‌ترین فاکت‌ها برای تبیین این نقد مارکسی را می‌توان در وضعیت هولناک کارگران بخش ساختمان ردیابی کرد.

انسان‌هایی که نه تنها بنا به توصیفات «لندن» به مرز ارتداد از جامعه نزدیک شده‌اند، بلکه به شکل رعب‌انگیزی بنا به نقد مارکسی با کارت قرمز از هستی نیز آشنا شده‌اند. اما چرا کارگران ساختمانی؟

طبق آمار نهادهای دولتی یک میلیون و هشتصد هزار کارگر شاغل در بخش ساختمان ایران شناسایی شده‌اند. (آماري که قاعدتاً بر پایه تعداد بیمه ماهیانه و مفاصا حساب‌های سالیانه ارسالی از سوی کارفرمایان است. آماري که به‌ناگزیر، ساخت و سازهای خارج از ثبت رسمی، موارد فاقد ثبت برای فرار از مالیات، ساخت و سازهای ریزدانه و نیز ساخت و سازهای شهرهای کوچک را چندان با دقت لحاظ نمی‌کند.) اگر همین جمعیت نزدیک به دو میلیون نفره را به عنوان نان‌آور خانوار در نظر بگیریم درخواهیم یافت جمعیت بزرگی از ایرانیان از رهگذر کاریدی در بخش ساختمان در حال ارتزاق و گذران زندگی روزمره هستند.

جمعیتی که به واسطه عدم تملک بر هر گونه ابزار تولید و نیز فاصله از معیارهای تخصص و آموزش جامعه ی بورژوازی، به زیرین‌ترین لایه‌های طبقه کارگر ایران تقلیل می‌یابد. از طرفی طبق همین آمارهای موجود از مراجع دولتی و سازمان‌های کارگری حکومتی می‌توان دریافت اولاً: این بخش از نیروی کار، پایین‌ترین عایدی از فروش نیروی کار را حاصل می‌کند و مضاف بر آن، در پرخطرترین و پر تلفات‌ترین حوزه تولید اشتغال دارد.

بر اساس گزارش‌های منتشره از سوی پزشکی قانونی جمهوری اسلامی، بیشترین میزان تلفات به ترتیب در اثر سقوط از بلندی، اصابت جسم سخت، برق‌گرفتگی، سوختگی، کمبود اکسیژن و ... است و در حالی‌که که میزان استاندارد جهانی حوادث کار ساختمانی هفده

درصد محاسبه شده است، اما در ایران این آمار تا 40 درصد گزارش شده است. (برخی گزارش ها نیز حاکی از آن است که هفتاد درصد از کل حوادث کار ساختمانی به مرگ منجر می‌شوند). (3)

اما دلایل این رشد روزافزون جمعیت کارگر ساختمانی نیز می‌تواند محل تأمل قرار گیرد. در واقع با تضعیف و تزلزل سرمایه گذاری در بخش صنعت و تولید صنعتی و افزوده شدن تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران، گردش سرمایه در بخش مستغلات به یکی از مطمئن ترین راه های تولید ثروت تبدیل شده است. فقدان پتانسیل لازم برای جذب نیروی کار در بخش صنعت و جاذبه های شهر نئولیبرال به رشد و توسعه کالبدی حیرت آور شهرها و شهرک های اقماری دامن زده است.

از همین روست که ساخت و سازهای افسار گسیخته کالبد شهر را از شمالی ترین تا جنوبی ترین محلات کلان‌شهرها در می‌نوردد و سبک زندگی خرده بورژوازی را هر چه بیشتر در تمام جهات جغرافیایی شهر تعمیم می‌دهد.

با چنین رشد سرسام آوری است که نیروی کار ساختمانی که به طور روز افزون خود را در حالت واپس ماندن از قافله شکوفایی در می‌یابد و به طور مطلق توان رقابت با صاحبان سرمایه عموماً و صاحبان سرمایه مالی را خصوصاً از دست می‌دهد، به آخرین امکان در دایره امکانی رقابت بسنده می‌کند. اگر طبق مختصات جامعه ی بورژوازی، رقابت را تعیین کننده قیمت کالا و متعاقباً تعیین کننده قیمت نیروی کار به مثابه کالا بدانیم، الف: رقابت بین خریداران، ب: رقابت بین فروشندگان و ج: رقابت بین فروشندگان و خریداران را ب‌مثابه سه جنبه عمده رقابت پیش رو خواهیم داشت.

طبق صورت بندی مارکس در نخستین حالت هر کس بهترین و ارزاترین کالا را عرضه کند سایر رقبا را کنار خواهد زد. (حالتی که مویده همان آرمانشهر بازار آزاد نیز هست). در جنبه دوم رقابت به افزایش قیمت منجر می‌شود. اما در جنبه سوم است که یکی می‌خواهد گران بفروشد و دیگری که می‌خواهد ارزان بخرد.

این شرایط اما در هیچ یک از جنبه های سه گانه مشمول حال کارگر ساختمانی نمی‌شود. فراوانی نیروی کار در اثر گسترش فقر، فقدان مهارت‌های تخصصی و در نهایت فقدان سازمان‌های کارگری، باعث می‌شود کارگر ساختمانی برای ارزان فروختن نیروی کار خود رقابت کند.

در واقع لحظه بروز بحران در وضعیت کارگران ساختمانی از زمانی است که عمده ترین هدف آنان مشغولیت به کار، فارغ از امکان چانه زنی برای دستمزد بالاتر باشد (نهایتاً دستمزد بالاتر به حساب اتفاق خوب و شانس، معرفت کارفرما و یا لطف خدا گذاشته می‌شود).

به عنوان نمونه در برخی موارد مشاهده می‌شود کارگر ساختمانی پس از آن که از توافق بر سر قیمت مورد نظر خود ناامید می‌شود، پیشنهاد می‌کند تا کارفرما به جای یک نفر دو نفر را به سر کار ببرد ولی همان دستمزد یک نفر را پرداخت کند. در واقع این محاسبه برآیند یک دو تا چهارتای ساده است؛ بدین قرار که دو نیروی کار موفق خواهند شد همان کار را با کاهش پنجاه درصدی در هزینه کردن زمان به انجام برسانند.

این در حالیست که این پیشنهاد ظاهراً عقلایی تنها از سر نیاز محض به کار (حتی به قیمت محروم کردن یک نیروی کار از دریافت دستمزد کامل) رقم می‌خورد. همین منطق است که پاتوق های محل تجمع کارگران فصلی را به عادت واره‌ای از درگیری، کش و قوس و از سر و کول هم بالا رفتن در زمان پیدا شدن یک خریدار کار بدل می‌کند (در خوش بینانه ترین شرایط این فردانیت از سر تنازع بقا، به اتحادهای قومی ارتقا پیدا می‌کند. مثلاً فرق کردن فلان چهار راه پر تردد توسط اهالی ... آباد آذربایجان یا چهار راه پایینی توسط لک‌ها).

آنچه این نزاع را به میزان فوق العاده ای مخاطره آمیز می‌کند، با ارجاع به موارد پیش گفته شفاف خواهد شد. یعنی نزاع برای ارزان‌تر فروختن نیروی کار با علم به الف: دریافت کف دستمزد نسبت به خط فقر قراردادی ب: تن دادن به کار با ریسک جانی بسیار بالا.

چنان که گفته شد کارگر ساختمانی برای جبران محرومیت از مالکیت، آموزش و قدرت رقابت و چانه زنی، «موجودیت» خود را به مثابه سرمایه کف دست می‌گیرد و برای جلب اعتماد کارفرما آن قدر بدون لوازم ایمنی از ارتفاع بالا می‌رود تا سقوط کرده و سقط شود! اگر چه همین وضعیت می‌تواند دستمایه شعارها و ابراز برخی ترحم‌ها شود ولی در واقع این شرایط به چنان درجه ای از نکبت رسیده است که کارگر ساختمانی را در برابر خرده پاترین بساز و بفروش‌ها و دون پایه ترین دلال‌های مسکن نیز خلع سلاح و مطیع کرده است. تصادفی نیست که قوه مقننه که در تمام ساعات شبانه روز فریاد مستضعفین سر می‌کند و وکلای آن با وعده استیفای حقوق محرومان کرسی‌های پول ساز و رانت ساز مجلس را تصاحب می‌کنند، بیمه کارگران ساختمانی را به طور قانونی حذف و راه را برای مصرف بی درد سر بدن کارگران تسهیل می‌کنند. در واقع کارفرمای بخش مستغلات نه تنها بر حسب طبیعت سرمایه می‌تواند نیروی کار را به عنوان ارزان ترین حلقه از پروسه تولید لحاظ کند، بلکه اینک حتی قادر است ارزان ترین و در عین حال از جان گذشته ترین کارگر را برای بالا بردن ستون‌های مراکز خرید، برج‌های مسکونی، بزرگراه‌ها و شهرک‌های صنعتی به کار گیرد. (رییس شورای اسلامی کلانشهر مشهد در زمانی که مجلس قانونی را برای برداشت مبلغی از مالیات بر ارزش افزوده شهرداری‌ها جهت تخصیص به بیمه کارگران ساختمانی مصوب کرد گفته بود: «نباید بخشی از بودجه‌ای را که صرف توسعه و عمرانی شهری می‌شود صرف بیمه کارگران ساختمانی کنیم. توسعه شهرها نیازمند تامین منابع مالی پایدار است؛ از این رو انتظار می‌رود تصمیم‌هایی نیز که اتخاذ می‌شود در راستای تقویت این مهم باشد، اما به نظر می‌رسد مصوبه اخیر مجلس درآمد پایدار شهرداری‌ها را کاهش دهد و مشکلاتی را برای تامین مالی طرح‌های توسعه‌ای ایجاد کند.»(4)

اما این نیز کافی نیست! کارگر ساختمانی به نوعی ماشین هوشمند تبدیل می‌شود که با گرو گذاشتن هستی خود، با پای خویش به محل کار می‌رود و با پای خسته به محل سکونت باز میگردد. اما در مورد همین کارگر خسته و مطیع همواره میزانی از نگرانی ناظر بر عصیان وجود دارد. چنانکه باید برای ممانعت از کژکاری احتمالی ناشی از خستگی یا کم پولی و بی پولی، تدابیری اتخاذ کرد. در اولین گام باید خاطر جمع شد که:

یک: نیروی کار ساختمانی در مبدأ و پیش از یافتن کار تحت کنترل و مدیریت باشد.

دو: پس از اتمام زمان کار به جایی خارج از کالبد اصلی شهر منتقل شود.

سامان‌دهی از مبدأ: مقامات امنیتی و اجرایی و خدماتی شهر اعم از شهرداری و پلیس با تشریک مساعی روزافزون رویکرد سطحی آسیب شناسی اجتماعی را که طی یک دهه اخیر به پوپولیستی ترین وجه از علوم اجتماعی ارتقا یافته است، به حوزه کار نیز تعمیم می‌دهند. در مورد کارگران ساختمانی به تناسب عدم برخورداری از ابزار تولید و از همین رو، نگرانی ذاتی محافظان امنیت شهر و سرمایه، این‌ها دقیقاً همان بخشی از طبقه کارگر شناسایی می‌شوند که «چیزی برای از دست دادن ندارند» و بالقوه نیروی اعتراض و آشوب هستند. بنا بر تجربه شورش‌های فرودستان شهری در سال‌های دهه هفتاد در مناطق کارگری چند شهر صنعتی، اکنون طرح‌های مطالعاتی ای در نهادهای وابسته به نیروی انتظامی و شهرداری‌ها در دست بررسی است تا بر اساس آن نسبت به تجمیع و ساماندهی کارگران فصلی- ساختمانی اقدام شود. (5)

از قبیل این طرح‌ها سعی خواهد شد تا از امکان سیالیت کارگران ساختمانی در نقاط مختلف شهری جلوگیری شده و آنها در اماکنی ویژه و مشخص تجمیع شوند.

اولاً: چنین تجمیعی تنها زمانی حائز منفعت سازمانی و طبقاتی برای نیروی کار ساختمانی است که مدیریت آن در اختیار سازمانی برآمده از خود کارگران باشد تا به واسطه تجمیع، امکان چانه زنی افزایش یابد. (مانند تعاونی های تاکسی رانی بین شهری در پایانه های مسافربری که ضمن تجمیع راننده ها و تاکسی هایشان، امکان شکستن قیمت را به نفع مسافر به میزان قابل توجهی کاهش می دهند).

ثانیاً: درونی شدن منطق سرمایه در برنامه ریزان و مسئولان شهری باعث می شود تا آنها از پراکندگی مراکز خرید کالاها، مصرفی به مثابه رکن رقابت و پویایی اقتصاد شهری یاد کنند ولی در همان حال از پراکندگی بیرون از کنترل کارگران ساختمانی ممانعت کنند.

ثالثاً: این مراکز، کارگران ساختمانی را به طور قطعی به مثابه جنس-کالا معرفی می کنند و در تحلیل نهایی امکان انتخاب دقیق و آگاهانه و ارزان تر را برای خریدار نیروی کار مهیا می کنند.

اگر بخواهیم این تصویر را کامل کنیم می توانیم به یک نمونه خاص ارجاع دهیم! کارخانه نوشابه سازی زمزم از معدود کارخانه های عمده و پرتولید ایران است که هنوز از کالبد اصلی تهران جمع نشده و در بطن شهر و در جوار یکی از پر ترددترین و شناخته شده ترین خیابان های شهر واقع شده است. کارخانه زمزم درست در کنار خیابان آزادی (و منتهی به میدان آزادی) واقع شده و موقعیت آن به گونه ای است که اغلب مسافران تازه وارد به شهر تهران که قصد طی مسافت غرب به شرق را دارند آن را مشاهده خواهند کرد. هم چنین بخش بزرگی از مسافران خطوط اتوبوس رانی درون شهری تهران نیز به صورت روزانه از کنار این مجموعه عبور می کنند. طی سال های اخیر و با مکانیزه شدن بخش عمده ای از تولیدات این کارخانه، مدیریت زمزم ضمن برداشتن دیوارهای بیرونی، جدارهای عریض و طویل شیشه ای را در کنار پیاده روی خیابان آزادی تعبیه کرده که هر عابر پیاده یا هر سرنشین وسیله نقلیه می تواند برای دقایقی حرکت خودکار بطری های خالی نوشابه را روی ریل ها تماشا کند و با تعجب شاهد پر شدن و بسته بندی شدن آنها باشد. این قسمت از خط تولید که در معرض دید عموم قرار گرفته و سیمایی شهری به زمزم داده است سعی وافری در گریز از مفهوم سنتی و تصویر عمومی کارخانه داشته است (این در حالیست که شما کار بدنی کارگران زمزم را تنها با ورود به خیابان جیحون و در صورت باز بودن درب بزرگ کارخانه مشاهده خواهید کرد. کارگرانی که در حال جا به جایی و بارگیری بسته های بزرگ نوشابه هستند). پس از مشاهده خط تولید معجزه گون زمزم، وقتی شب هنگام تبلیغات بازرگانی را مشاهده کنید خواهید دید که کارشناسان بازار ضربه ی نهایی را به ذهن شما خواهند زد! «کاملاً مکانیزه، بدون دخالت دست، صد در صد بهداشتی!»

القاء این درک تازه در کنار بنرهای اطلاع رسانی شهرداری مبنی بر آغاز طرح ساماندهی کارگران فصلی، پرسه زنی کارگر ساختمانی در چهار راه محل زندگی شما را به تجسم جابه جایی آسیب اجتماعی یا بیماری تبدیل می کند. (شهرداری و نیروی انتظامی طی سالیانتمادی همین ترمینولوژی را در رابطه با جمع آوری و ساماندهی زنان تن فروش به کار گرفته اند). جالب است که به نحو رفت انگیزی هر دو گروه در فقدان ابزار تولید از بدن خود به مثابه سرمایه استفاده می کنند و مشتری ها برای خرید بدن هر دو گروه به چهار راهها مراجعه می کنند و بدن های سالم تر و البته ارزان تر را دست چین می کنند!

واپسین نگرانی مسئولان شهری نیز با کاهش ارزش پول و تورم افسار گسیخته مرتفع می شود. کارگر ساختمانی در این شرایط امکان سکونت در جنوبی ترین نقاط شهر را نیز از دست خواهد داد. در واقع همان پروژه های نوسازی که کارگران برای تسریع در بهره برداری از آنها جان خویش را از دست می دهند، ضمن بازسازی و بهسازی محلات جنوبی و تغییر در رقم اجاره ها و تغییر در سبک زندگی، مقدمات نقل مکان آنها را به حواشی شهری مهیا می کند.

این حواشی همان مکان‌هایی هستند که برخی از برنامه ریزان شهری از آن‌ها به عنوان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی یاد می‌کنند و در نهایت محل اتراق کارگر ساختمانی پس از پایان زمان کاری هستند. در واقع وقتی خیال مقامات شهری از ساماندهی این نیروها درون شهر آسوده باشد، با بازتولید بزه و جرم و جنایت در محلاتی بیرون از بدنه اصلی شهر مشکل چندانی نخواهند داشت. کفایت آن‌چه آن‌ها آسیب اجتماعی می‌نامند در اماکن مشخصی که نماد محله‌ی جرم خیز هستند رخ دهد.

کارگر ساختمانی کژکاری احتمالی سیستم اعصاب و روان خود را در حاشیه‌های شهری منعکس خواهد کرد و احياناً آنچه در ساعات کاری، از میل به تخریب یا تخلیه خشم با خود حمل کرده است، در محل زندگی خود به زمین خواهد گذاشت. (از محل کار کارگر ساختمانی اخباری مبنی بر مرگ یا نقص عضو آن‌ها منتشر می‌شود و از محل زندگی آن‌ها اخبار متنوعی از قتل، اوردوز، درگیری و ...)

اگر اغراق نباشد کارگران ساختمانی در کلانشهرها در حال تبدیل شدن به جهودهای ساکنان گتوهای تحت الحفظ هستند که امکان دارند در طول روز در قبال غذا برای نازی‌ها کار کنند. یا به آدم فضایی فیلم "District 9" تبدیل شده‌اند که باید بسازند، و در عین حال در قرنطینه انسان‌های هوشمند زمینی-آمریکایی باشند.

آن‌ها در حال اخراج از هستی انسانی و اجتماعی هستند و هیچ کاری با آه و ناله‌های خیرمآبانه و شعارهای قیم مآبانه از پیش نخواهد رفت. ده‌ها تن از آن‌ها در هر هفته جان می‌بازند و ما حتی نامی یا تصویری از آن‌ها در دسترس نداریم تا در فیس بوک همامان به اشتراک بگذاریم و لایک بگیریم.

..... مجبور خواهیم بود این مقاله را بی هرگونه تجویزی به پایان ببرم ولی همچنان به یک پرسش دیرپا وفادار بمانم: چه باید کرد؟

پانویست‌ها:

- (1) مرتد؛ جک لندن، ترجمه مسعود فرزاد، بنگاه مطبوعاتی افشاری، بی تا
- (2) دو رساله اقتصادی: کار مزدور، سرمایه‌بها، ارزش، سود؛ کارل مارکس؛ نشر خانه 1357
- (3) www.mehrnews.com
- (4) shahrara.com
- (5) برای نمونه: www.itor.ir

منبع: سایت آترناتیو

در خیابان سعدی تهران:

سقوط دو کارگر به چاه مغازه / سرنوشت نامعلوم کارگر ۴۵ ساله

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 3 شهریور 92 آمده است: يك کارگر ساختمانی در حال بازسازی یک باب مغازه درون چاهی مدفون شد.

به گزارش ایلنا، این حادثه حدود ساعت ۱۴ امروز، زمانی رخ داد که دو کارگر ساختمانی که مشغول ترمیم ساختمان مغازه‌ای در خیابان سعدی بودند، با ایجاد یک حفره بزرگ در کف مغازه به همراه صاحب مغازه درون چاه مدفون شدند.

بنا بر این گزارش؛ با ورود گروه‌های امداد و نجات صاحب مغازه و یکی از کارگران که تا کمر زیر خاک بدام افتاده بودند نجات یافتند اما تا لحظه ارسال این خبر از سرنوشت نفر سوم که کارگری ۴۵ ساله است خبری نیست.

پایان پیام

يك فعال كارگري هشدار داد: مشكلات معيشتي كارگران، قراردادهای موقت را استثماری تر کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 3 شهریور 92 آمده است: دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران ضمن هشدار نسبت به رواج قراردادهای کار سفید امضا، از دولت روحانی خواست قراردادهای موقت کار را سازماندهی کند.

«علی حسینیان» در این باره به ایلنا گفت: قراردادهای موقت کار یکی از مهم‌ترین شیوه‌های کارفرمایان برای استثمار نیروی کار است. با توجه به روند فزاینده بیکاری و شدت یافتن مشکلات معیشتی، فرصت مناسبی برای صاحبان سرمایه در کشور فراهم شده است تا با استفاده از این قراردادها، شرایط دشواری همچون عدم تعهد در برابر مزایای کار و بیمه، دستمزدهای کمتر از میزان قانونی و اخراج را به کارگران تحمیل کنند. وی ادامه داد: طبق ماده هفت قانون کار، قرارداد موقت نه برای کارهای دائم و مستمر، بلکه برای کارهای موقت است. این فعال کارگری با بیان مثالی، به تشریح یکی از آسیب‌های قراردادهای موقت کار پرداخت و گفت: کارگری که به مدت ۲۰ سال در شرکتی مشغول به کار است، پس از آنکه کارفرما قراردادی ۲ ماهه با وی می‌بندد پس از طی مدت قرارداد امکان دارد بدون هیچ بهانه‌ای اخراج شود.

حسینیان در ادامه با انتقاد از رواج قراردادهای کار سفید امضا بیان کرد: در قراردادهای کار سفید امضا از کارگر امضا گرفته می‌شود ولی هیچ نسخه‌ای از قرارداد در اختیار وی قرار نمی‌گیرد. بدین ترتیب، کارفرما می‌تواند هر زمان که مایل بود با تعیین تاریخ پایان قرارداد، کارگر را اخراج کند.

وی تصریح کرد: قراردادهای کتبی باید در ۴ نسخه نوشته شوند و رونوشت قرارداد در اختیار کارگر، شورای اسلامی کار و اداره کار قرار بگیرد. این در حالی است که برخی کارفرمایان، قرارداد کار را می‌نویسند و نزد خود نگه می‌دارند.

دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران در پایان اظهار داشت: با توجه به عدم تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار کار، بسیاری از مردم به دلیل تأمین نیازهای معیشتی و پیدا کردن شغل به دریافت حداقل حقوق بدون بیمه و مزایای رضای هستند که این مساله زمینه رواج قراردادهای سفید امضا را فراهم کرده است.

پایان پیام

در پی عدم تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده خود را به زندان اوین معرفی کرد

اطلاعیه شماره یازده کمیته دفاع از فعال کارگری بهنام ابراهیم زاده.

به گزارش کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده در تاریخ 4 شهریور 92 آمده است: در پی عدم تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده خود را به زندان اوین معرفی کرد! امروز دوشنبه چهارم شهریور ماه فعال کارگری و کودک بهنام ابراهیم زاده در پی عدم تمدید مرخصی توسط مقامات دادستانی خود را به زندان اوین معرفی کرد. این در حالی است که این فعال کارگری در بند تنها فرزندش نیما که از سرطان خون رنج می‌برد همچنان باید تحت نظر پزشکان بیمارستان محک باشد؛ خود نیز در اثر ضرب و شتم وارده همچنان از ناحیه گردن و گوش رنج می‌برد و به خاطر وضعیت تنها فرزند بیمارش نتوانسته بود به وضعیت پزشکی خود برسد.

مقامات با درخواست تمدید مرخصی وی به شدت مخالفت کرده به همین منظور این فعال کارگری و کودک امروزدوشنبه با بدرقه خانواده و دوستان و رفقا مجبور شد خود را به زندان اوین معرفی کند.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکوم کردن باز گرداندن بهنام به زندان در حالی که تنها فرزند این فعال کارگری و کودک تحت مراقبت پزشکان بیمارستان محک می باشد خواهان آزادی این فعال کارگری و رضا شهبابی؛ محمد جراحی؛ شاهرخ زمانی؛ پدram نصرالهی؛ و تمامی فعالین کارگری در بند و زندانیان سیاسی در بند است.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

چهارم شهریور ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.behnam.ebrahimzadeh@gmail.com

komitehbehnam1.blogfa.com

کارگران در مناطق آزاد ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ ۴ شهریور ۹۲ آمده است: یک فعال صنفی کارگری در مناطق ویژه اقتصادی از نقض قوانین در مورد ساعات کار کارگرانی که در پروژه‌های نفت و پتروشیمی این مناطق فعالیت دارند، خبر داد.

«ناصر آغاجری» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ محدودیتی برای ساعات کار کارگران شاغل در پروژه‌های عمرانی و نفت و پتروشیمی وجود ندارد.

وی بابیان اینکه این کارگران بدون برخورداری از حق مرخصی قانونی و تعطیلات رسمی، روزانه ۱۲ تا ۱۶ ساعات کار می‌کنند، گفت: در عمل این کارفرما و پیمانکار است که تعیین می‌کند کارگران تا چه زمانی باید کار کنند.

این فعال صنفی کارگری یادآور شد: اجبار کارگران به انجام کار اضافی در تمامی روزهای تعطیل و غیر تعطیل در حالی است که به موجب قانون کار کارفرما باید در جریان تنظیم فعالیت کارگاه حق مرخصی و تعطیلی کارگران خود را به رسمیت بشناسد.

وی گفت: اینکه به دلیل ماهیت کار در پروژه‌های عمرانی نفت و پتروشیمی نمی‌توان فعالیت کارگاه را مطابق عرف جاری در بازار کار تعطیل کرد قابل قبول است و به همین دلیل در قانون کار برای چنین مواردی راهکارهای مناسبی تعیین شده است.

وی افزود: بر این اساس فعالیت کارگران در چنین کارگاه‌هایی باید چرخشی باشد و هر کارگر پس از یک یا دو هفته کار مستمر بتواند برای بازبانی بخشی از انرژی از دست رفته، به مدت یک یا دو هفته استراحت کند.

آغاجری بابیان اینکه در بیرون از مناطق ویژه آزاد اقتصادی طبق قانون چنین رویه‌ای در تمامی کارگاه‌های مربوط به پروژه‌های عمرانی حاکم است، گفت: متأسفانه به دلیل سکوت قانون در محدوده مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ محدودیتی برای مدت زمان کار کارگران وجود ندارد.

به باور آغاجری قانون مناطق آزاد تجاری و اقتصادی درست مانند قانون «خروج کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار» باعث شده است تا جمعیت گسترده‌ای از نیروهای کار از حقوق بنیادین خود محروم شوند.

به گفته این فعال کارگری بر همین اساس در حال حاضر کارگرانی که در پروژه‌های نفتی و پتروشیمی مناطق آزاد و ویژه عسلویه، ماهشهر، پارس جنوبی کار می‌کنند باید تمام ایام هفته را کار کنند.

وی با یادآوری اینکه ساعت کار روزانه این کارگران بسته به تشخیص کارفرما و پیمانکار از ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز متغییر است، گفت: این کارگران بر خلاف سایر همکاران خود حتی از حق

مرخصی و توقف کار در روزهای تعطیل رسمی برخوردار نیستند و تنها زمان استراحت آنها بعد از ظهر روزهای جمعه است. به گفته آجاری در این مناطق فعالیت کارگران هر روز از ساعت ۶ صبح آغاز شده و تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. وی یادآور شد: فعالیت روزانه کارگران تنها در فاصله ساعات ۱۲ تا ۱۵ که فعالیت در محیط‌های سرباز به دلیل افزایش بیش از حد دمای هوا ناممکن است متوقف می‌شود. آجاری بابیان اینکه به دلیل شیوه نامناسب محاسبه و پرداخت حقوق کارگران در عمل هیچگاه سختی کار کارگران جبران نمی‌شود، گفت: روح و روان کارگران شاغل در مناطق آزاد هم از بابت شرایط سخت کار و هم از بابت پرداخت‌های نامناسب آزده می‌شود. وی بابیان اینکه کارگران شاغل در محدوده مناطق آزاد تجاری و اقتصادی بسیار بیشتر از حد مجاز قانونی کار می‌کنند اما در عمل با فرمول قانون درآمد کمتری دارند، گفت: این مسئله در درازمدت باعث می‌شود تا این کارگران و خانواده‌های آنها بطور جدی دچار معضلات و آسیب‌های اجتماعی شوند.

مواد غذایی شهر اصفهان ۴۰ برابر استانداردهای جهانی آلوده است

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ ۴ شهریور ۹۲ آمده است: دکتر غلامعلی بسکی فعال محیط زیست گفت: وقتی که جنگل‌ها را نابود می‌کنیم و به جای استفاده از گیاهان، حیوانات زیان بسته را می‌کشیم باید امروز به چنین وضع فلاکت باری دچار باشیم. به گزارش خبرنگار «محیط زیست» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در اصفهان، غلامعلی بسکی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: امروز ۱۶ استان کشور در خشکسالی می‌سوزند اگر امروز می‌بینیم گرد و غبار استان خوزستان را فرا گرفته است و یا دمای هوا این‌گونه افزایش یافته است به دلیل این است که درختان را نابود کرده‌ایم و به آنها آسیب رسانده‌ایم. وی با بیان اینکه من از هر دری که وارد شدم تا به گوش حاکمان جهان فرو کنم که نابودی جنگل‌ها مساوی نابودی انسان‌ها است نتوانستم، ادامه داد: ما در کشور خودمان باید بفهمیم و به دیگران بفهمانیم که خداوند اگر جنگل‌های هیرکانی را به ما داده و یا کویر را بدون علت نبوده است و ما نباید با دستان خود این منابع فیض الهی را از میان ببریم. این فعال محیط زیست با بیان اینکه اصفهان نابود شده است و شهر اصفهان از میان رفته است، ادامه داد: آقای روحانی رییس جمهور جدید بدانید که اصفهانی‌ها و تهرانی‌ها هر روز به دلیل تنفس آلودگی به مرگ نزدیک‌تر می‌شوند، من در شهر اصفهان گردش کردم و نزدیک بود به دلیل تنگی نفس بمیرم. بسکی تصریح کرد: من به رییس جمهور جدید می‌گویم که با فاضلاب شهری شهرهای بزرگی همچون تهران و اصفهان در ایران و در این شهرها بهشت می‌سازم و در فقیرترین استان‌ها از نظر اقلیم گیاه کشت می‌کنم. وی اضافه کرد: از رییس جمهوری می‌خواهم که به من اجازه دهند تا در عرض ۱۰ سال در شهرهای بزرگ و سه سال در شهرهای کوچک جنگل‌کاری کنم و درختکاری کنم و ظرف مدت ۱۰ سال بهشت ایران را تحویل دهم. وی افزود: باید برای دولتی که ۸۰۰ میلیارد تومان صرف از میان بردن ۵۰ درصد محیط زیست کشور می‌کند اظهار تاسف کرد. بسکی ادامه داد: پول نفت هر قدر هم که باشد ابتدا باید برای کاشت درخت هزینه شود چرا که جنگل هل هستند که مکانیزم تولید باران را ایجاد می‌کنند. وی خاطرنشان کرد: ما نمی‌خواهیم آب چاه بخوریم ما می‌خواهیم آب چشمه داشته باشیم و ما نمی‌خواهیم زاینده رود با باروری ابرها دوباره زنده شود ما می‌خواهیم این رود به واسطه طبیعت زنده شود.

رئیس مرکز تحقیقات محیط زیست دانشگاه صنعتی اصفهان با استناد به ارزیابی تحقیقات انجام شده، هشدار فعالان زیست محیطی را تأیید می کند و می گوید: براساس تحقیقات علمی انجام شده در این دانشگاه به اثبات رسید که مردم اصفهان تا ۶۰ درصد موارد به هنگام مواجهه با آلودگی‌های هوا احساس ناراحتی پوستی و ریوی می‌کنند.

به گزارش مهر، حسین مرادی ظهر یکشنبه در سومین نشست تخصصی چالش‌ها و مباحث نوین مدیریت شهری در پژوهشگاه شاخص پژوه اظهار داشت: در قالب یک پروژه تحقیقاتی اثرات اجتماعی و روانی آلودگی هوا بر روی مردم اصفهان بررسی شدوی با اشاره به اینکه آینده خوبی برای محیط زیست کشور تصور نمی‌شود، ادامه داد: اصفهان با فاجعه محیط زیستی روبرو است و وضعیت زیست محیطی شهر اصفهان به مرحله هشدار رسیده است. رئیس مرکز تحقیقات محیط زیست دانشگاه صنعتی اصفهان افزود: آلودگی هوا تا ۵۰ درصد سبب افسردگی مردم اصفهان می‌شود. وی با بیان اینکه بیش از ۲۰ درصد مردم اصفهان اظهار کردند که به هنگام مواجهه با ترافیک عصبانی و پرخاشگر می‌شوند، اظهار داشت: احساس خستگی، بی‌حالی، سوزش چشم، اضطراب و سردرد تا ۶۶ درصد موارد به هنگام بروز آلودگی هوا بر مردم اصفهان عارض می‌شود. مرادی گفت: محیط زیست نخستین قربانی آلودگی هوا است که امروزه کمبود آب چنان جدی است که نابودی تالاب گاوخونی و اکوسیستم رودخانه زاینده‌رود به فراموشی سپرده شده است. وی بخش کشاورزی را دومین قربانی آلودگی هوا نام برد و اظهار داشت: اگر تصور کنیم که تمام آب موجود در رشته کوه زاگرس را به فلات مرکزی و اصفهان انتقال بدهیم باز هم مشکل کم‌آبی زاینده‌رود رفع نخواهد شد. وی با بیان اینکه مواد غذایی شهر اصفهان تا ۴۰ درصد استانداردهای جهانی آلوده است، بیان داشت: برای رفع مشکلات و ایجاد حساسیت در مردم باید فعالیت نهادهای مدنی موجود در اصفهان افزایش و توسعه پیدا کند.

با حکم هیئت مدیره: سرپرست جدید شستا انتخاب شد / حذف مرتضوی از تأمین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 4 شهریور 92 آمده است: در جلسه هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی، تعداد اعضای هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) از هفت به پنج نفر تقلیل یافت و به این ترتیب دو نفر از اعضای هیات مدیره شستا حذف شدند.

به گزارش ایلنا، هیات مدیره شستا که مورد تأیید هیئت مدیره تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند شامل غلامحسین رضوانی، رحیم اسماعیلی دانا، بهنام پرهیزگار، عزیز دولتخواه و نجات امینی می‌شوند که به این ترتیب سعید مرتضوی و احسان‌الله یارمحمد (مدیرعامل سابق شستا) از لیست اعضای هیات مدیره این شرکت سرمایه‌گذاری خارج شدند.

بنا بر این گزارش، پس از جلسه هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی، جلسه فوق‌العاده اعضای هیات مدیره شستا برگزار شد و طی این جلسه، نجات امینی به عنوان سرپرست جدید شستا معرفی شد. گفتنی است، نجات امینی از کارکنان رسمی سازمان تأمین اجتماعی است و تا پیش از این سمت، معاون اقتصادی این سازمان بوده است.

بر اساس قانون تأمین اجتماعی، هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی، اعضای هیات مدیره شستا را انتخاب و اعضای هیات مدیره شستا از بین خود یک نفر را به عنوان مدیرعامل یا سرپرست این شرکت سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کنند.

پایان پیام

نویخت: رشد اقتصادی در سال ۹۱ منفی ۵,۴ درصد بوده است

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ ۴ شهریور ۹۲ آمده است: معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور از انتقال سازمان هدفمندی یارانه‌ها به سازمان مدیریت پس از احیای آن، نرخ رشد اقتصادی منفی ۵,۴ درصد در سال ۹۱ و همچنین بار مالی ۱۱ هزار میلیاردی مصوبه مهرآفرین خبر داد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) محمد باقر نویخت با ارائه گزارشی از روند پیشرفت برنامه‌های ۱۰۰ روزه دولت اظهار کرد: در اصلاح بودجه ۹۲ برای ممانعت از ایجاد فشار اقتصادی بیشتر بر مردم از هزینه‌ها کاسته نشده و در فکر ایجاد منابع جدید و مطمئن برای جبران آن بخش از درآمدهای غیر قابل تحقق مستتر در بودجه هستیم.

وی با اشاره به اینکه وضعیت معیشت مردم با شعار برنامه ۱۰۰ روزه بهبود نمی یابد افزود: با دست بهشت را نشان دادن ما را به آن نمی رساند باید دید آیا پاهایمان نیز به سوی بهشت حرکت می کند، بنابراین ما تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا مردم بهبود در زندگی را با افزایش قدرت خرید و کاهش فاصله دهک های درآمدی احساس کنند.

نویخت ادامه داد: انجام اقداماتی که موجب بهتر شدن وضعیت آینده مردم نسبت به حال می شود از وظایف دولت است که ما برای دست یابی به این هدف با وجود تدوین برنامه‌های کوتاه، میان و بلند مدت از ابتدا بر برنامه های بلند مدت تکیه نکرده و حتی کوچکترین واحدی که محصول آن می تواند در معیشت مردم در کمترین زمان اثر گذار باشد استفاده کرده‌ایم. اصلاح قانون بودجه ۹۲ نخستین گام در وضعیت رفاه مردم

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور در ادامه با اشاره به تعهدات این معاونت در قبال برنامه‌های ۱۰۰ روزه مهمترین اقدام را اصلاح قانون بودجه ۹۲ برشمرد و بیان کرد: بودجه به مثابه برنامه ای یک ساله است که صرف داشتن برنامه و منابع تضمینی برای تحقق آن وجود نداشته و باید شرایط اجرای آن فراهم شود از این رو نخستین گام برای تاثیر مثبت در رفاه مردم اصلاح راهنمای عمل یعنی بودجه ۹۲ است.

کارکنان دولت اخراج و یا بیکار نمی‌شوند

او با اعتقاد به اینکه برای بهبود وضعیت اقتصادی برقراری تعادل در بودجه از ضروریات است ادامه داد: این در حالی است که عملکرد چهار دوازدهم بودجه سال جاری بیانگر عدم تحقق کامل درآمد های مستتر در بودجه همچنین عقب ماندن درآمدها نسبت به هزینه ها است که عدم تعادل را نشان می دهد.

نویخت با بیان اینکه از راه های برقراری تعادل بین درآمد و هزینه در بودجه کاهش هزینه‌ها به هر طریقی از جمله خروج تعدادی از بازار کار و یا کاهش حقوق و دستمزد کارکنان است عنوان کرد: ما به حد کافی بیکار داریم و با وجود حداقل سه میلیون بیکار در کشور این راهکار به درد ایران نمی خورد و آن را تشدید می کند در حالی که ما به دنبال افزایش اشتغال هستیم نباید برای برقراری تعادل در بودجه بخشی از کارکنان دولت را اخراج و بیکار کرد.

رشد اقتصادی منفی ۵,۴ در سال ۹۱

وی به استناد آمار مرکز آمار نرخ رشد اقتصادی سال ۹۱ را منفی ۵,۴ درصد و بر طبق آمار بانک مرکزی تورم را ۴۴ درصد عنوان کرد و گفت: این نشان دهنده وجود رکود در کشور است که باید برای خروج از آن هزینه و مخارج دولت افزایش یابد. پس نمی‌توان در این مرحله برای جبران درآمدهای تحقق نیافته هزینه‌ها را کاهش داد. چرا که منجر به دامن زدن به رکود، افزایش بیکاری، تورم و فشار بیشتر خواهد شد بنابراین کاهش هزینه‌ها در بودجه بی توجهی به وضعیت زندگی مردم است.

پیش‌بینی منابع جدید در بودجه ۹۲ معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور همچنین از پیش‌بینی منابع مطمئن و معتبر جدید برای جبران کاهش درآمدهای بودجه ۹۲ در عین اصلاح خبر داد و افزود: البته این منابع مازاد بر ۲۱۰ هزار میلیارد تومان درآمدهای پیش‌بینی شده قبلی نیست و مبلغی نیز از آن کسر نمی‌شود.

بودجه ۹۲ به اسفند موکول نمی‌شود نویخت همچنین از دیگر گام‌های تحقق اهداف برنامه صد روزه را تدوین لایحه بودجه ۹۳ اعلام کرد و افزود: قطعاً در ۱۳ آذر ماه بودجه سال آینده به مجلس تقدیم خواهد شد نه این که به اسفند موکول شود چرا که تاخیر در این مورد بی توجهی به قانون بوده و آثار منفی آن به اقتصاد تحمیل می‌شود.

تاکید همیشگی نویخت بر احیای بدون نقص سازمان مدیریت وی با تأکید بر احیای سازمان مدیریت عنوان کرد: با ترکیب و تلفیق دو معاونت برنامه‌ریزی و معاونت توسعه این سازمان به طور کارآمد و به روز تشکیل و تحت عنوان قوه‌ای مستقل عمل خواهد کرد.

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور ادامه داد: سازمان مدیریت قبلی یک ظرفیت همراه با کاستی بود که در آن زمان نیز بر اصلاح آن تأکید می‌شد نه انحلال. وی همچنین در مورد رویکرد مجلس در احیای سازمان مدیریت و دیدگاه دولت در این رابطه گفت: کمیسیون اجتماعی و برنامه و بودجه که به عنوان مسوول بررسی این طرح آگاهند که وارد شدن به جزئیات آن ضمن هدر دادن زمان شرایطی فراهم می‌آورد که اگر در ادامه بخواهیم کوچکترین اصلاح در شرح وظایف ایجاد کنیم باید با نظر مجلس انجام شود که بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین باید در تعامل بین این دو قوه طرح تشکیل سازمان مدیریت به نتیجه برسد.

سازمان هدفمندی به سازمان مدیریت ملحق می‌شود نویخت همچنین در مورد خبرهایی مبنی بر اعمال مسوولیت سازمان هدفمندی به معاونت برنامه‌ریزی بیان کرد: در صورت احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سازمان هدفمندی یارانه‌ها به این حوزه اضافه خواهد شد که بار سنگینی را بر دوش این سازمان قرار می‌دهد اما من مطمئن هستم که در صورت به کارگیری نیروهای کارشناسی مسئله‌ای در این مورد ایجاد نمی‌شود.

آقای روحانی گفت طوری هماهنگ باشید که مردم شاهد دعوی شما نباشند معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور با اشاره به استقلال بانک مرکزی و احیای سازمان مدیریت در مجموعه برنامه‌های رییس جمهور افزود: با وجود این که این دو مورد نظر شخصی رییس جمهور را کاهش و نظر کارشناسان را غالب می‌کند باز هم ایشان معتقد بودند که اگر این حالت نفعی برای مردم دارد حتماً این کار را خواهند کرد.

او همچنین با اشاره به انتصاب "سیف" به عنوان رییس کل بانک مرکزی ادامه داد: با توجه به این که این انتخاب نیز از اختیارات رییس جمهور بود آقای روحانی از آقای طیب نیا و بنده خواستند که در مورد رییس کل بانک مرکزی به توافق برسیم تا تیم هماهنگی در دولت تشکیل شود. ایشان گفتند که این انتخاب به گونه‌ای باشد که با ایجاد هماهنگی بین این سه رکن مردم دیگر شاهد دعوا و اختلاف نظر بین شما نباشند.

مردم در مورد مهرآفرین قضاوت کنند
نویخت در مورد اقدام دولت مبنی بر توقف مصوبه استخدامی مهرآفرین و نحوه اجرای آن در دولت یازدهم با بیان این‌که شاید در این مورد بهتر باشد تا خود مردم وارد قضاوت شوند، توضیح داد: این طرح عنایت دولت محترم دهم است که در روزهای پایانی تعداد زیادی از افراد حاضر در سیستم دولتی را استخدام کرد که باید گفت مبارک است. اگر من خودم را هم جای استخدام شدگان مهرآفرین قرار دهم خوشحالم چرا که در جای دیگر با حقوق و مزایای بهتر و تضمین شغلی قرار گرفته‌ام اما باید گفت که دولت برای خوشحال کردن تعدادی، بار مالی حداقل ۱۱ هزار میلیارد تومانی را بر دوش دولت یازدهم گذاشته است.

طرح‌های عمرانی زبان فریاد زدن ندارند
معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور اضافه کرد: هزینه‌های سنگین مهرآفرین در حالی پیش روی ما قرار دارد که منابع کافی برای این هزینه در بودجه وجود نداشته و از سوی دیگر بخش قابل توجهی از درآمدها صرف پرداخت حقوق و دستمزد می‌شود. این درحالی است که حداقل ۳۰۰۰ طرح عمرانی نیمه تمام در کشور وجود دارد اما زبان فریاد زدن برای تکمیل در آنها نیست.

نویخت ادامه داد: دولت دهم در شرایطی نامساعد و نامتعادل درآمد و هزینه‌ای اقدام به تصویب مهرآفرین کرد از این رو ترجیح می‌دهیم که این طرح را فعلا تا زمان بررسی و بازبینی دقیق متوقف تا منابع آن پیش بینی و تامین شود.

با عیدانه دولت دهم، ما بدهکار طلا شدیم
معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور پرداخت عیدانه‌ی دولت دهم در نوروز ۹۲ را از دیگر هزینه‌های تحمیلی بر دولت کنونی عنوان کرد و افزود: در حالی که دولت توانست با فروش سکه منابعی را به دست آورد و در بین مردم توزیع کند اکنون ما به طلا بدهکار هستیم. پس باید گفت دولت یازدهم سینه به سینه با تعهداتی مواجه است که شاید نیازی به ایجاد آنها در اواخر دولت قبل نبود.

تعهدات عمرانی دولت دهم اجرا می‌شود
نویخت در ادامه در مورد نحوه برخورد دولت روحانی با تعهدات دولت دهم در سفرهای استانی نیز توضیح داد: ما قطعا به تعهداتی که دولت قبل نسبت به ایجاد زیرساخت و پروژه در استان‌ها ایجاد کرده عمل خواهیم کرد. چرا که این پروژه‌ها نیز به دیگر ارث‌های باقیمانده برای ما اضافه می‌شود و باید سریع‌تر در مورد آنها اقدام کرد.
وی ادامه داد: با گذر زمان و رشد تورم هزینه اتمام پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی سنگین‌تر خواهد شد از این رو در اصلاح بودجه اولویت تخصیص منابع به پروژه‌هایی است که می‌توان در سال جاری مورد بهره‌برداری قرار گرفته و خدمتی را به مردم ارائه کند.
معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور در تشریح سهم رکود و تورم در برنامه صد روزه دولت اظهار کرد: بی تردید برای مقابله با رکود باید سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی، عمرانی و صنعتی را فعال و از تعطیلی آنها پیشگیری کرد چرا که تعطیلی هر طرحی اشتغال منفی را در پی خواهد داشت از این رو باید با وجود محدودیت منابع در حد توان سرمایه به این بخش تزریق شود.
نویخت افزود: اگر بتوان جاذبه‌ای برای خارج شدن نقدینگی از بازارهایی نظیر ارز و ورود به فعالیت‌های تولیدی پیدا کرد به طور یقین بهبود فضای کسب و کار که موجب رونق اقتصادی می‌شود ایجاد خواهد شد که حتی از بودجه ۹۲ نیز می‌توان فعالیت‌های ضد رکودی را آغاز و مراقب تشدید تورم بود.

به دنبال تناسب حقوق و تورم در بودجه ۹۳ هستیم
او با تاکید بر این که به طور واقعی دستمزد کارکنان دولت در حال کاهش است گفت: این
درحالی است که افزایش حقوق کارکنان در سال جاری با تورم همخوانی نداشت و کجا ما
توانستیم حقوق را به اندازه ۴۴ درصد نرخ تورم افزایش دهیم؟

نویخت افزایش قدرت خرید مردم در برنامه‌های دولت را به معنای افزایش حقوق ندانست و
یادآور شد: ممکن است حقوق افزایش یابد اما از سوی دیگر تورم چند برابر رشد کند با این
وجود باید ضمن تلاش برای مهار تورم حقوق‌ها نیز افزایش یابد. هر چند که شاید در گام‌های
نخست توانایی جبران فاصله بین حقوق و نرخ تورم برای دولت وجود نداشته باشد از این رو
تلاش بر این است تا در بودجه ۹۳ حقوق‌ها متناسب با شرایط موجود افزایش یافته و اجرای
برنامه‌هایی برای رشد تولید تورم کنترل و کاهش یابد.

تشکیل کارگروه برای شناسایی ۱۵ روزه موانع تولید
معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور همچنین از انتخاب کارگروه ویژه‌ای شامل
وزرای دولت و بخش غیر دولتی (خصوصی و تعاونی) خبر داد و گفت: این کارگروه موظف است
تا حداکثر ۱۵ روز موانع تولید را شناسایی تا بتوان از این طریق نیاز مالی دستگاه‌های تولیدی
برای فعالیت را با سرمایه در گردش تامین کرد که در این رابطه تصمیمات مناسبی برای رفع
محدودیت بانک‌ها برای پرداخت‌ها اخذ شده است.

ما ملوان می‌خواهیم
نویخت با اشاره به برخی انتقادهای مبنی بر بالا بودن سن وزرای انتخابی تصریح کرد: کارگروه
دولت افراد تازه کار نیستند که بخواهند آزمون و خطا کنند و اکنون فرصتی برای این کار وجود
ندارد. مشکل ما برای عبور از دریای مواجی که در آن قرار داریم قایقران نیست ما ملوان
می‌خواهیم با این وجود از تاکیدات آقای روحانی به کارگیری نیروهای جوان و همکاری با بانوان
در بخش‌های مختلف کشور است.

در تهران رخ داد: ریزش آوار جان کارگر ۱۸ ساله را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ ۴ شهریور ۹۲ آمده است: ریزش دیواره‌های
یک محل گودبرداری شده در محدوده بلوار اشرفی اصفهانی تهران، جان کارگری را گرفت.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، عصر دیروز در محدوده بلوار اشرفی اصفهانی، بالاتر از بزرگراه
حکیم، کارگر ۱۸ ساله‌ای که به همراه سایر همکارانش مشغول کار در یک ساختمان نیمه کاره
در ضلع شرقی یک قطعه زمین گودبرداری شده بود، با ریزش ناگهانی بخشی از دیواره زمین
گودبرداری شده، جان خود را از دست داد.

پایان پیام

کمیته روابط سندیکایی ایران: سالگرد کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی

سالگرد کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی - فاجعه ملی
ده‌ها فعال کارگری و سندیکا لیست در این فاجعه ملی اعدام شده اند

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 4 شهریور 92 آمده است : امسال مصادف با بیست و پنجمین سالگرد کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است که از سوی نیروهای میهن پرست، مترقی و دمکرات میهن ما به حق فاجعه ملی نام گرفته است. در سال ۶۷ به دنبال شکست سیاست جنگ افروزانه خمینی و در یک برنامه از پیش طراحی شده، رهبران جمهوری اسلامی و در رأس همه آنها خمینی فرمان اعدام گروهی زندانیان سیاسی را صادر کردند. حکومت با این برنامه دست به یک تصفیه خونین زد و جنبش انقلابی و صلح طلب ایران را از برجسته‌ترین رهبران و کادرهای خود محروم ساخت. هدف ارتجاع به رهبری خمینی نابودی جنبش ترقی خواهانه مردم ایران و حزب‌ها و سازمان‌های میهن دوست و دمکرات بود. در این کشتار جنایت کارانه جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران نیز با تجربه‌ترین و آگاه‌ترین رهبران و کادرهای خود را از دست داد. دهها سندیکالیست مجرب و پر سابقه همراه هزاران زندانی دیگر از نیروهای چپ و دمکرات در ظرف کمتر از دو ماه طی دادگاهی چند دقیقه‌ای که یاد آوار دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطا بود، اعدام شدند . تا کنون علت اعدام و محل خاکسپاری این قهرمانان مردم و مدافعان حقوق زحمتکشان مشخص نشده است .

کمیته روابط سندیکایی همصدا با نیروهای مترقی، سندیکاهای کارگری و خانواده شهدای مردم خواستار معرفی و مجازات عاملان و آمران این جنایت فراموش نشدنی است. ما خواستار کارزاری مشترک از سوی همه نیروهای دمکرات و مترقی برای افشای جنایت فراموش نشدنی کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هستیم. ما یاد همه فرزندان شریف مردم و مدافعان آزادی، عدالت اجتماعی، صلح و حق حاکمیت ملی را گرامی داشته و به خاطر تمامی کارگران و سندیکالیست‌های جان باخته در این کشتار و دیگر جان باختگان درود می‌فرستیم.

نماینده کارگران تشریح کرد:

تعویق ۸ ماه حقوق کارگران آزمایش / آغاز دولت نهم ۱۸۰۰ کارگر، پایان دولت دهم ۶۰

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 4 شهریور 92 آمده است : رئیس شورای اسلامی کار کارخانه آزمایش شرق تهران از معوق باقی ماندن ۸ ماه حقوق کارگران این کارخانه خبر داد و گفت: این واحد صنعتی به دلیل ناتوانی در تولید، قادر به پرداخت حقوق کارگران‌اش نیست.

«محسن اسماعیلی» در این باره به ایلنا گفت: کارخانه آزمایش در شرق تهران که یکی از برندهای باسابقه و قدیمی در صنعت لوازم خانگی کشور است، از دی ماه سال ۹۱ حقوق ۶۰ کارگر رسمی خود را پرداخت نکرده است. این فعال کارگری مشکلات فعلی کارخانه آزمایش را ناشی از سوءمدیریت و مشکلات حاصل از تورم عنوان کرد و افزود: این کارخانه در آغاز فعالیت دولت نهم ۱۸۰۰ کارگر داشت و به تدریج با پدیدآمدن مشکلات بخش زیادی از کارگران خود را اخراج کرد، به طوری که هم اکنون در این واحد تولیدی تنها ۶۰ کارگر بصورت نیمه فعال کار می‌کنند. به گفته نماینده کارگران آزمایش، ۱۱۵ کارگر قراردادی این کارخانه نیز با آغاز سال ۹۲ از سوی کارفرمای کارخانه تعدیل شدند.

اسماعیلی در ادامه این گفتگو با بیان اینکه در حال حاضر بخش عمده‌ای از حقوق کارگران کارخانه آزمایش با اجاره تعدادی از سالن‌های تولیدی به سایر تولید کنندگان تامین می‌شود، افزود: اگر پایان این ماه حقوقی به کارگران پرداخت شود، این حقوق دی ماه سال ۹۱ است، چرا که با وجود پرداخت‌های بی‌نظم و پراکنده، حقوق کارگران تا آذرماه تسویه شده است.

رئیس شورای اسلامی کار کارخانه آزمایش در مورد بازنشستگی ۶۰ کارگر رسمی گفت: با توجه به اینکه شغل این کارگران در زمره مشاغل سخت و زیان آور قرار دارد، همه کارگران این کارخانه شرایط بازنشسته شدن با مشاغل سخت و زیان آور را دارند. اسماعیلی درباره مشکلات بازنشستگی این کارگران در تأمین اجتماعی گفت: همه کارگران سهم خود را برای بازنشستگی پیش از موعد به حساب تأمین اجتماعی شعبه ۱۶ شرق تهران واریز کرده اند اما تأمین اجتماعی به بهانه پرداخت نشدن سهم کارفرما که حدود ۳ میلیارد تومان است از بازنشسته کردن تعداد ۴۰ نفر از کارگران خوداری می‌کند.

نماینده کارگران کارخانه آزمایش گفت: این کارگران با سوابق بیش از ۲۰ سال خدمت در آستانه بیکاری‌اند و حمایت دولت از این بخش نیمه دولتی می‌تواند مانع تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران‌اش شود.

بدهی ۱۰ میلیارد تومانی

اسماعیلی در بخش دیگری از این گفتگو به بدهی ۱۰ میلیارد تومانی کارخانه آزمایش به بانک‌ها و تاجر اشاره کرد و گفت: این واحد تولیدی هر آنچه که تولید می‌کند توسط طلب کاران کارخانه توقیف می‌شود و محصولی باقی نمی‌ماند که هزینه‌های کارخانه و کارگران را تأمین کند. او گفت: این واحد تولیدی با آنکه توسط طلب کاران کارخانه محاصره شده است به هیچ وجه مشکل فروش محصولات تولیدی ندارد و در بازارهای خارجی همانند کشورهای حوزه دریای خزر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نماینده کارگران آزمایش به ناامیدی کارگران برای پی‌گیری مشکلات کارخانه از سوی اعضای هیئت مدیره اشاره کرد و گفت: پنج نفر از اعضای هیئت مدیره کارخانه آزمایش بجای آنکه پی‌گیر مطالبات کارگران و رفع مشکلات تولید باشند، با طرح شکایت در اداره کار شرق تهران خواستار دریافت مطالبات خود شده‌اند.

پایان پیام

يك فعال کارگری در استان گلستان: طرح استاد شاگردی حاصل حضور مدیران نابلد در وزارت کار است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 4 شهریور 92 آمده است: يك فعال کارگری در استان گلستان در تشریح ضرورت انتخاب مدیران وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی از بدنه این وزارتخانه، گفت: اجرای طرح‌های ناموفق و از پایه خلطی همچون پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، اصلاح غیر قانونی قوانین کار و تأمین اجتماعی و اجرای طرح استاد شاگردی نتیجه حضور افراد ناوارد و سیاسی در راس سازمانهای زیر مجموعه وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

«هادی رضازاده» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: با توجه به اهمیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مسئولان و مدیران ارشد این وزارتخانه باید از میان بدنه همین وزارتخانه انتخاب شوند. همانطور که در جریان رای اعتماد مجلس به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عنوان شد این وزارتخانه اهمیتی استراتژیک دارد و باید ادراه آن به دست افراد متخصص سپرده شود. وی بایادآوری اینکه در سالهای اخیر همواره مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچون سازمان تأمین اجتماعی، معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور از سازمان‌هایی خارج از این وزارتخانه همچون سازمان صدا

و سیما، شورای نگهبان و... انتخاب می‌شدند، گفت: وزرای پیشین با این شیوه انتخاب اعضای تیم مدیریتی خود نتوانستند در اداره مسئولیت خود موفق عمل کنند.

به عقیده این فعال کارگری، غالب مدیرانی که برای اداره یک سازمان از خارج بدنه آن سازمان انتخاب می‌شوند به دلیل ناآگاهی از وظایف و اهداف سازمان، باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش بهره‌وری آن سازمان می‌شوند.

رضازاده ادامه داد: در نظام اداری و سازمانی از یکسو مدیران ناآگاه و کم تجربه برای تسلط بر اوضاع سازمان مجبور به توسعه تیم مشاوران خود می‌شوند که این مسئله باعث افزایش هزینه‌های غیر ضروری سازمان می‌شود و از سوی دیگر این مسئله باعث می‌شود تا برای مدتی سازمان پویایی خود را بصورت موقت از دست دهد.

وی بایان اینکه به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی ماهیت سازمانهای زیر مجموعه وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی نمی‌تواند حضور مدیران کم تجربه را تحمل کند، گفت: به عنوان مثال تنها کافی است به تشخیص یک مدیر تازه وارد و تیم مشاوران او در سازمان تامین اجتماعی یا هیات‌های تشخیص و حل اختلاف در نحوه ارائه خدمت به مراجعان تغییرات محسوسی ایجاد شود تا مراجع کنندگان به این سازمان دچار سردرگمی شوند.

دبیر خانه کارگر گلستان یادآور شد: اجرای طرح‌های ناموفق و از پایه خلتی همچون پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، اصلاح غیر قانونی قوانین کار و تامین اجتماعی و اجرای طرح استاد شاگردی نتیجه حضور افراد ناوارد و سیاسی در راس سازمانهای زیر مجموعه وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

وی با استقبال از اقدام اخیر وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در خصوص انتخاب سرپرست سازمان تامین اجتماعی از میان مدیران این سازمان، گفت: با انجام چنین اقداماتی است که می‌توان لبخند را بر لبان خانواده‌های کارگران و سایر مراجعان به وزارتخانه تعاون کار و رفاه اجتماعی بازگرداند.

پایان پیام

اعتصاب ۵۰۰ تن از کارگران فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی

به گزارش وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: دو شنبه ۴ شهریور ماه، چهارمین روز اعتصاب کارگران شرکت پایندان، پیمانکار فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی است. ۵۰۰ کارگر شاغل در این شرکت ۴ الی ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. این کارگران به رغم خوابگاه متروک و غذای بی‌کیفیت، که به اندازه‌ی کافی توهین‌آمیز است، در این شرکت پیمانکاری کار می‌کنند و تنها به دریافت حقوق ماهانه دلخوش و راضی خواهند بود. با این حال گروهی از کارگران ۵ ماه و گروهی ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. مدیر پروژه گفته است: "پول نداریم هر که نمی‌خواهد برود. کسی شما رو مجبور به موندن نکرده و..." لازم به یادآوری است که پارس جنوبی از جمله مناطق ویژه اقتصادی است و مناطق ویژه از شمول قانون کار خارج‌اند. در این مناطق کارفرما به هر طریق عمل کند، غیرقانونی محسوب نمی‌شود و همین باعث سوء استفاده‌ی کارفرمایان شده است به طوری که حتی حداقل استانداردهای مناسبات سرمایه داری را هم رعایت نمی‌شود.

يك فعال صنفی در پاك‌دشت:

كارگران كوره‌پزخانه‌ها به ندرت بازنشسته می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های پاك‌دشت خواستار ساماندهی بیمه کارگران کوره پزخانه‌ها از سوی دولت یازدهم شد.

به گزارش ایلنا، «غلامعلی مهدوی» در حاشیه بازدید خبرنگاران از یک کوره آجری در شهرستان پاکدشت که به همت انجمن‌های صنفی کارگران استان تهران انجام شد، گفت: کارگران فصلی کوره پزخانه‌ها سالانه به مدت ۵ الی ۶ ماه در قسمت قالب زنی مشغول به کارند اما کارفرمایان برای این کارگران زحمتکش به صورت دست و پا شکسته، لیست بیمه رد می‌کنند.

وی با بیان اینکه یک کارگر فصلی با بیش از ۳۰ سال سابقه کار به ندرت بازنشسته می‌شود، تصریح کرد: اگر تعداد روزهایی که در یک سال برای کارگران فصلی کوره پزخانه‌ها بیمه رد می‌شود جمع بزنیم به دوماه هم نمی‌رسد.

این فعال صنفی در ادامه بیان کرد: بارها پیش آمده که کارگری فوت کرده است و هنگامی که خانواده‌اش برای دریافت مستمری به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کردند متوجه شدند حق بیمه کارگر فوت شده در آخرین سال حیاتش، ۹۰ روز هم پرداخت نشده است.

گفتنی است این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که بازماندگان بیمه شده فوت شده زمانی مشمول دریافت مستمری می‌شوند که وی در ۱۰ سال آخر حیاتش حداقل حق بیمه یک سال را پرداخت کرده باشد، مشروط بر آنکه ۹۰ روز حق بیمه در آخرین سال حیات او پرداخت شده باشد.

وی ادامه داد: بازرسان تامین اجتماعی هرگاه به کوره‌ای مراجعه می‌کنند لیست بیمه دو ماه قبل را از کارفرما می‌گیرند. بدین ترتیب وقتی که کارگران در مهر ماه به شهرهایشان باز می‌گردند و بازرس بیمه برای دریافت لیست بیمه ماه‌های قبل مراجعه می‌کند، کارفرما برای کارگرانی که حاضر نیستند ترک کار می‌زند تا حق بیمه‌شان را پرداخت نکند.

عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های پاکدشت در پایان اظهار داشت: تنها نکته مفید بیمه فعلی کارگران کوره پزخانه‌ها، استفاده آن‌ها از دفترچه بیمه‌شان برای درمان‌های جزئی نظیر سرما خوردگی است. از این دفترچه‌ها حتی برای درمان‌های پر هزینه نیز نمی‌توان استفاده کرد زیرا لیست بیمه کارگران برای چنین درمان‌هایی چک می‌شود.

لازم به ذکر است «غلامرضا عباسی» دبیر کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور در این بازدید، خبرنگاران را همراهی می‌کرد.

پایان پیام

افزایش مرخصی زایمان تا زمان دستیابی به حقوق اولیه کار، بی‌معناست

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: یک فعال حقوق زنان کارگر گفت: تصویب و توقف قانون افزایش مرخصی زایمان کارگران زن در حالی اتفاق افتاد که زنان شاغل هنوز دغدغه امنیت شغلی را دارند.

«هاله صفرزاده» در این باره به ایلنا گفت: تا زمانی که در بسیاری از محیط‌های کار هنوز زنان را به شرط ازدواج نکردن و یا بچه دار نشدن استخدام می‌کنند، نمی‌توان به افزایش سه ماهه مرخصی زایمان خوشبین بود. وی بابیان اینکه امروز با عقد قراردادهای موقت و پیمانی امنیت شغلی به معنای عام برای مردان و زنان کارگر تهدید شده است، افزود: وقتی کارفرما می‌تواند به طور قانونی کارگری را به صورت موقت استخدام کند، دیگر دلیلی ندارد تا با مرخصی دو هفته‌ای یا ۹ ماهه وی دوران زایمان موافقت کند.

این فعال کارگری با یادآوری اینکه در حال حاضر بخش قابل توجهی از کارگران زن در محیط‌های کوچک و غیر رسمی مشغول کارند، گفت: وقتی در این محیط‌ها حقوق اولیه و بنیادینی چون دستمزد قانونی، برخورداری از پوشش بیمه تامین اجتماعی برای کارگران زن و مرد رعایت نمی‌شود، چگونه می‌توان انتظار داشت که بابت زایمان به کارگران زن و مرد مرخصی بدهند. صفرزاده با بیان اینکه تنها حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار کارگر زن در محیط‌های اداری و کارخانه و کارگاه‌های بزرگ مشغول کار هستند، گفت: بیشتر این کارگران بصورت پیمانی و قراردادی مشغول کار هستند بنابراین هیچ تضمینی وجود ندارد که کارگران پس از گذراندن دوره مرخصی زایمان بتوانند به کار قبلی خود بازگردند. وی ادامه داد: باقیمانده این کارگران زن اگر به صورت رسمی مشغول کار باشند بیشتر در آستانه بازنشستگی هستند و دیگر از بابت مرخصی ۹ ماهه زایمان هزینه‌ای را به کارفرما تحمیل نمی‌کنند.

این فعال حقوق زنان کارگر با اشاره به بی‌میلی کارفرمایان برای استخدام کارگران زن، به ویژه زنان باردار و شیرده، گفت: منطق، کارفرما کسب سود و کاهش هزینه است که این دیدگاه با حقوقی که در قانون کار برای کارگران زن تعیین شده در تعارض است. وی افزود: قانون کار می‌گوید که کارفرما باید برای نگهداری فرزندان نوزاد و خردسال کارگران خود تمهیداتی ببانددیشد و در ضمن اجازه دهد تا کارگر زن روزانه در فواصل معین برای شیر دادن نوزاد خود از محل کار خارج شود.

صفرزاده ادامه داد: از دید کارفرما عمل به تمام این تعهدات مستلزم پرداخت هزینه و چشم پوشی از سود بیشتر است. بنابر این وقتی می‌توان بصورت قانونی با استخدام موقت و یا اخذ تعهد مبنی بر عدم ازدواج و یا بچه دار شدن جلوی این موضوع را گرفت دیگر نیازی به انجام تکالیف مندرج در قانون کار نیست. وی افزود: مادامی که به دلیل نبود امنیت شغلی زنان کارگر از بچه دار شدن پرهیز می‌کنند، تصویب قوانینی در خصوص افزایش مرخصی دوران زایمان و یا کاهش ساعت کار روزانه فاقد ضمانت اجرایی خواهد بود.

صفرزاده بابیان اینکه دولت احمدی‌نژاد با ابلاغ قوانینی از این دست سعی کرد تا وپترین خود را به حقوق زنان زینت دهد، گفت: فارغ از نبود ضمانت‌های اجرایی، این قانون حتی دارای ایرادهای اساسی بود.

وی یادآور شد: در پی تصویب قانون افزایش مرخصی دوران بارداری در مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان در یک نوبت به این قانون از بابت پیش بینی نشدن منابع مالی ایراد گرفته بود که این مسئله نشان می‌دهد نمایندگان مجلس نیز فقط به جنبه تبلیغاتی این قانون توجه داشته و از منابع تامین هزینه‌های آن به عنوان اصل قضیه غافل بوده‌اند.

صفرزاده با تأکید دوباره براینکه قراردادهای موقت و پیمانی به کارفرمایان اجازه می‌دهد تا به راحتی با کارگرانی که می‌خواهند از مرخصی خود استفاده کنند تسویه حساب کنند، گفت: مادامی که دولت و مجلس بدون کسب نظر از تشکل‌های مردمی زنان و نهادهای مستقل صنفی و مراجعه به متن جامعه طرح‌ها و لوایح را تصویب می‌کنند باید انتظار ناکارآمد بودن قوانین را داشت.

پایان پیام

مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی البرز خبر داد:
کرج رکورددار بیشترین تعداد حوادث کار/ عدم نظارت کارفرما مهم‌ترین علت وقوع حوادث

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان البرز با اشاره به آمار توزیع حوادث در شهرستان‌های استان البرز اظهار داشت: شهر کرج بیشترین تعداد حوادث را داشته است که با توجه به جمعیت شاغل در این شهر، این آمار دور از انتظار نیست و با توجه به شدت حوادث بررسی شده در این شهرستان برنامه ریزی برای کنترل و کاهش حوادث در این شهر، اولویت بیشتری دارد.

به گزارش خبرنگار ایلنا در کرج، «علی ایمانی» در این باره افزود: با توجه به نسبت چند برابری تعداد شاغلان بخش صنعت نسبت به ساختمان و بررسی تعداد حوادث ناشی از آنها، میزان وفور حوادث در کارگاه‌های ساختمانی بیش از انتظار بوده و نیاز به تأمل، بررسی و برنامه ریزی جدی دارد.

وی بیشترین تعداد متوفیان حوادث ناشی از کار را مربوط به فعالیت‌های ساختمانی دانسته و عنوان کرد: علاوه بر ضرورت کنترل تعداد حوادث در این بخش اقدام در خصوص کاهش آثار و شدت آن نیز ضرورت دارد.

ایمانی؛ عدم نظارت کارفرما بر نحوه فعالیت کارگاه، سهل انگاری و بی‌احتیاطی کارگران، دستگاه بدون حفاظ یا دارای نقص فنی، عدم تهیه و تحویل تجهیزات حفاظتی، عدم آموزش کارگر و عدم استفاده کارگر از وسایل حفاظتی را به ترتیب از مهم‌ترین علل وقوع حوادث کار خواند.

به اعتقاد این مقام دولتی، بسیاری از حوادث کار ناشی از خطاهای انسانی‌اند که می‌توان با آموزش، الزامات قانونی رعایت موارد ایمنی را از سوی عوامل اجرایی متذکر شد.

فروش دو هزار میلیارد تومان دارایی برای تامین حقوق چرا سود شستا از يك پتروشيمي کمتر است؟

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا- گروه اقتصادی در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: سیدمحمد یاراحمدیان، رییس هیات‌مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور صبح دیروز در نشست با حضور اصحاب رسانه، به بحث تامین اجتماعی و شرکت‌های زیرمجموعه این بخش اقتصادی اشاره کرد و از تاثیر سوء برخی تصمیمات این بخش بر اقتصاد یاد کرد. او در این جمع خبری با تاکید بر اینکه، این موضوع برای ذی‌نفعان و قشر کارگر بسیار حایز اهمیت است، اما در ماه‌ها و سال اخیر، حاشیه‌هایی ایجاد شده، اظهار امیدواری کرد که با تغییر دولت و حمایت‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گامی در جهت پیشبرد اهداف صندوق تامین اجتماعی برداشته شود. وی با بیان اینکه ترکیب هیات امناء متشکل از شش نفر از اعضای دولت و سه نفر از نمایندگان خدمت‌گیرندگان هستند، تصریح کرد: نمایندگان خدمت‌گیرندگان در ترکیب شورا در اقلیت هستند که می‌تواند پیامدهایی داشته باشد، اما نمی‌توانیم نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشیم و به همین جهت تعیین‌کننده نهایی نیستیم، اما سعی بر این است نظرات را بازگو و در تعامل با دولت مطالبات را اجرایی کنیم اما در نهایت دولت حرف اول را می‌زند. به گفته او اکنون 18 سازمان بیمه‌ی و بازنشستگی که 90 درصد افراد جامعه را تحت پوشش می‌دهند، زیرمجموعه صندوق تامین اجتماعی هستند و نیز 35 میلیون نفر تحت پوشش تامین اجتماعی بوده و سازمان بیمه سلامت نیز بزرگ‌ترین مجموعه بیمه درمانی کشور است. وی تاکید کرد: اکنون صندوقی داریم که در صورت فروش تمام دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خود، تنها می‌تواند 6 ماه از مقرری بیمه‌شده‌های خود را بپردازد و این يك معضل است. این فعال کارگری با بیان اینکه صندوق تامین اجتماعی در شش ماه گذشته دو هزار میلیارد تومان از دارایی‌های خود را جهت تامین حقوق کارمندان و کارگران از دست داده است، اظهار داشت: تعهدات قانونی‌ای که دولت

باید به تامین اجتماعی می‌پرداخت، در سال 90، 35 هزار میلیارد تومان، سال 91، 45 هزار میلیارد تومان و اکنون نیز پیش‌بینی می‌شود به 60 هزار میلیارد تومان برسد. وی افزود: براساس آخرین اخبار و مدارک، تنها 5 هزار میلیارد تومان آن پرداخت شده و آنچه گفته می‌شود که بدهی دولت به تامین اجتماعی تسویه شده صحت ندارد که در صورت عدم رسیدگی به این موضوع، مشکل شدید ایجاد می‌کند.

سودی کمتر از يك شرکت پتروشیمی درجه 2

وی با تاکید بر اینکه در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها نیز صندوق‌ها با مشکل روبه‌رو هستند، تصریح کرد: در حوزه شرکت‌های سرمایه‌گذاری شستا، سود سالانه يك شرکت پتروشیمی درجه دو از کل سود شستا بالاتر است و دلیل آن تحمیل مدیران مساله‌دار و واگذاری شرکت‌های زیانده، وجود محدودیت‌های قانونی از حرکت سرمایه‌گذاری به سمت بازار پول و سرمایه، نبود برنامه‌ریزی مدون و کارآمد و غفلت مدیران صندوق‌ها با اصحاب قدرت (نمایندگان مجلس و مسوولان دولتی) از جمله عواملی است که باعث شده سود حاصل از دو صندوق بازنشستگی و تامین اجتماعی به سرمایه حدود 40 هزار میلیارد تومان دارد، کمتر از يك شرکت پتروشیمی درجه دو در کشور باشد. این فعال کارگری با اشاره به اینکه شرکت سرمایه‌گذاری شستا فقط در سه سال گذشته سود داده است، عنوان کرد: میانگین سود 15 تا 17 درصد بوده که 3 تا 5 درصد کمتر از سود بانکی محسوب می‌شود و نسبت به قیمت واقعی شستا سود پرداخت نشده و اکنون نیز 45 تا 60 میلیارد تومان پیش‌بینی قیمت واقعی شستا است. وی علت کم‌کاری مدیران را در این بخش، زیانده بودن بسیاری از شرکت‌ها دانست و افزود: اگر این شرکت‌ها به نصف قیمت فروخته شود و پول آن در بانک باشد، سود بیشتری برای ذی‌نفعان حاصل می‌شود. یاراحمدیان با بیان اینکه چهار سال است قیمت واقعی و به‌روز شستا مشخص نشده، اظهار داشت: به دلیل اینکه این شرکت بزرگ محل رانت و فساد و حیاط خلوت برخی افراد شده است، از پاسخگویی شفاف طفره می‌رود و علت آن معلوم نیست.

رویه عجیب واگذاری هتل هما

وی همچنین به موضوع واگذاری هتل‌های هما بابت رد دیون به تامین اجتماعی اشاره کرد و بیان داشت: اول اینکه این هتل‌ها زیانده بوده و فکر می‌کردیم بابت رد دیون به تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد، اما بعد متوجه شدیم این هتل‌ها با چک‌های 100 میلیارد تومانی به تامین اجتماعی فروخته شده و براساس قیمت کارشناسی روز نیز نبوده است که هیات امنای آن موافقت نکرد.

ابهام در واگذاری دو معدن

وی درباره واگذاری دو معدن بابت رد دیون به تامین اجتماعی گفت: اطلاعاتی از این موضوع در دست نیست، اما امیدوارم این اتفاق رخ دهد تا بتوان بخشی از تعهدات را جبران کرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع لایحه اصلاح تامین اجتماعی اشاره کرد و بیان داشت: از این موضوع بی‌خبریم و در آبان سال گذشته در این راستا خبری منتشر شد که هیات امنای آن را پیگیری کرد زیرا 40 درصد از نیروهای کشور و روابط اجتماعی به این لایحه بستگی دارد تا با حضور نمایندگان ذی‌نفعان، کارشناسان و خبرگان شرایط تسهیل شود.

تغییر 40 درصد مدیران در يك سال

وی یکی از آسیب‌های این شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی را تغییر مدیران عنوان کرد و گفت: شستا در يك سال گذشته 40 درصد مدیران عالی‌رتبه خود را تغییر داده است که عدم ثبات در کار، ابهامات زیادی را به همراه دارد و بسیاری از عزل و نصب‌ها رابطه‌ی بی‌بده است.

اتحادیه کارگران فولاد آمریکا خواهان آزادی فوری کارگران زندانی در ایران شد

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است : «اتحادیه کارگران فولاد آمریکا» در پاسخ به درخواست «سندیکای کارگران فلزکار مکانیک» و «هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات» در نامه ای خطاب به مسئولان حکومت ایران خواستار آزادی فوری کارگران زندانی در جمهوری اسلامی ایران شده است. متن کامل این نامه به شرح زیر است:

اتحادیه کارگران فولاد آمریکا
وحدت و قدرت برای کارگران
دکتر حسن روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران
آقای صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه
دکتر علی ربیعی، وزیر کار

آقایان،

این نامه را هم به عنوان یک سندیکالیست و هم به عنوان یک استاد دانشگاه برای شما می نویسم تا نگرانی شدید خود را در مورد رهبران سندیکایی که اکنون در زندانهای ایران به سر می برند اعلام کنم. به طور مشخص، مایلم در مورد زندگی و سلامتی محمد جراحی، کارگر نقاش و عضو سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران، که به دلیل ابتلا به سرطان تیروئید و نبود مراقبت پزشکی در خطر مرگ قرار دارد، ابراز نگرانی نمایم. همچنین، در مورد وضعیت رضا شهابی، راننده اتوبوس و عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، که در نتیجه نبود مراقبت های پزشکی پس از عمل جراحی در وضعیت خطرناکی قرار دارد، ابراز نگرانی شدید می کنم. بالاخره، همچنین به شدت در مورد دستگیری بهنام ابراهیمزاده، فعال سندیکایی و حقوق کودکان، که به دلیل دفاع از حقوق کارگران و کودکان کار و خیابان به طور غیرعادلانه به زندان محکوم شده است، نگرانم. خانواده آقای ابراهیمزاده، از جمله فرزند او که به سرطان خون مبتلا شده است، در معرض فشار مالی شدید و در مرز گرسنگی قرار دارند. من از طریق این نامه از شما می خواهم که همه این افراد را بی درنگ از زندان آزاد کنید، همه اتهامات علیه آنان را لغو نمایید، و در عین حال سلامتی و تندرستی آنان را تضمین کنید. این نامه را با گفتن این مسأله به پایان می برم که با دخالت های کشورمان در امور ایران مخالفم، و هیچ یک از برنامه های دخالت جویانه ایالات متحده علیه ایران مورد تأیید من نیست. در واقع، من همواره با چنین دخالت جویی هایی مخالفت کرده ام. در عین حال، آرزو دارم که در قلب خود جایی برای برخورد صحیح با این سندیکالیست ها و خانواده های آنان بیابید.

با احترامات متقابل
دانیل م. کووالیک
معاون ارشد مشاور کل حقوقی
اتحادیه کارگران فولاد آمریکا ۵ شهریور ۱۳۹۲

بازگرداندن بهنام ابراهیم زاده به زندان را قویا محکوم میکنیم

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است : در پی تلاشهای بهنام ابراهیم زاده برای تمدید مرخصی زندان و حضور در کنار فرزند بیمارش، مقامات دادستانی با تمدید مرخصی وی موافقت نکردند و بهنام بناچار دیروز دوشنبه چهارم شهریور ماه خود را به

زندانبان اوین معرفی کرد. بهنام در حالی بار دیگر در زندانبان اوین محبوس شد که فرزند نوجوانش به علت بیماری سرطان خون همچنان تحت درمان است و بر اساس نظر پزشکان عدم وجود فشارهای روانی و حضور پدر بر بالین این نوجوان برای درمانش یک مسئله حیاتی است. از نظر ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران، این درجه از رفتار غیر انسانی با بهنام ابراهیم زاده به گرو گرفتن جان یک نوجوان در بستر بیماری برای به زانو در آوردن این فعال کارگری است. این اقدام غیر انسانی در حق بهنام ابراهیم زاده و خانواده وی در شرایطی صورت میگیرد که بوق و کرنای ادعای تدبیر و اعتدال گرایی دولت یازدهم صفحات همه روزنامه ها و رسانه های خبری داخلی و خارجی را پر کرده است. اما به نظر میاید مدعای تدبیر و اعتدال گرایی نه مدعایی برای استیفای حقوق فردی و مدنی مردم ایران، بلکه مدعایی در برخورد به حوزه های قدرت در سطح داخلی و بین المللی است. اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام انزجار از بازگرداندن بهنام ابراهیم زاده به زندانبان، مسئولیت این اقدام را بر عهده بالاترین مقامات قضائی و اجرایی دولت جمهوری اسلامی میداند و در این میان وارد شدن هر گونه ضایعه غیر قابل جبرانی به فرزند بیمار بهنام ابراهیم زاده را که میتواند حاصل فشارها و استرس های ناشی از به زندانبان افکندن پدر باشد، مستقیما متوجه این مقامات میداند و بدینوسیله از همه تشکلهای کارگری و نهادهای مدنی و حقوق بشری در ایران و سرتاسر جهان میخواهد تا در اقدامی بسیار عاجل و فوری خواهان آزادی بی قید و شرط بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی و رضا شهبابی که هر کدام از آنان نیز در بدترین شرایط جسمانی در زندانبان بسر می برند، بشوند.

تنظیم چک لیست الکترونیکی ایمنی

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان البرز در ادامه سخنانش پیشگیری از وقوع حوادث کارگاهی و نجات جان کارگران را از جمله اهداف اصلی طرح کاهش حوادث کارگاهی در بخش ساختمان و از اولویتهای اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان عنوان کرد.

ایمانی در این باره افزود: پیشی گرفتن سهم علل انسانی بر علل فنی و دستگاہی حاکی از نیاز ضروری به فرهنگ سازی و آموزش صحیح کارگر و کارفرما در حوزه پیشگیری از حوادث ناشی از کار است که اجرای سیستم الکترونیکی اعلام وضعیت ایمنی، انتظار می رود کاهش خطاهای انسانی را به همراه داشته باشد.

ایمانی ادامه داد: با توجه به اینکه بیشترین سهم حوادث کار، مربوط به فعالیت های صنعتی و ساختمانی است، با توجه به نسبت چند برابری تعداد شاغلان بخش صنعت نسبت به ساختمان و بررسی تعداد حوادث آنها، روشن است میزان وفور حوادث در کارگاه های ساختمانی بیش از انتظار بوده و نیاز به تأمل، بررسی و برنامه ریزی جدی دارد.

وی در همین رابطه افزود: طی یکسال گذشته جلسات زیادی با حضور کارشناسان و صاحب نظران امر تشکیل شد و پس از بحث و تبادل نظرهای فراوان، چک لیست الکترونیکی ایمنی، تنظیم و راه اندازی شده است که بازرسی حین انجام کار و قابلیت رصد کارگاه های ساختمانی را میسر می سازد.

مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان البرز ضمن برشمردن ویژگی های این چک لیست الکترونیکی ایمنی گفت: سادگی و سرعت عمل، از ویژگی های سیستم الکترونیکی اعلام

وضعیت ایمنی، و مقرر گردیده است تا در کارگاه‌های ساختمانی که خطرات جانی برای کارگران یا همسایه‌های مجاور وجود دارد با شدت عمل بیشتری اعمال شود.

پایان پیام

تجمع اعتراضی بازنشستگان ذوب آهن اصفهان مقابل ساختمان کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در صبح روز 5 شهریور 92 آمده است: جمعی از بازنشستگان ذوب آهن و فولاد استان اصفهان در خیابان نشاط و در برابر ساختمان کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان تجمع کردند.

این بازنشستگان که چند ماهی است حقوق آنها عقب افتاده است و با مشکلاتی برای دریافت طلب خود از دولت روبه‌رو هستند، در این تجمع خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیت معیشتی آنها و پرداخت معوقه‌ها شده‌اند.

برپایه این گزارش، مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان در همین رابطه اظهار داشت: بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان روز 5 شهریور در مقابل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان واقع در خیابان نشاط تجمع کردند.

ابراهیم دستمزد در ادامه افزود: این تجمع بازنشستگان ذوب آهن به دلیل سه ماه عقب افتادن حقوق آنها است.

مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان افزود: براساس مصوبه‌ای که در سال‌های گذشته به تصویب رسید باید دولت واگذاری اختیار برداشت از صندوق فولاد کشور به میزان 12 هزار و 500 میلیارد تومان را به امضا می‌رساند که در دولت پیشین رحیمی معاون اول رئیس جمهور سابق این کار را انجام نداد.

وی اظهار داشت: همچنین براساس توافق وزارت صنعت معدن و تجارت و وزارت رفاه، باید از تیرماه سال جاری مستمری بازنشستگان فولاد از سوی این دو وزارتخانه و از محل منابع صندوق فولاد پرداخت می‌شد که این توافق به دلیل عدم امضای مصوبه پیشین هیئت دولت برای واگذاری اختیار برداشت از صندوق فولاد هنوز محقق نشده است.

دستمزد همچنین به بدهی ذوب آهن به این صندوق نیز اشاره کرد و گفت: براساس مصوبات سال گذشته قرار بود بخشی از منابع صندوق حمایت از بازنشستگان فولاد کشور از محل فروش سنگ آهن تامین شود اما شرکت ذوب آهن اصفهان با وجود فروش سنگ آهن هنوز 40 میلیارد تومان اعتبار حاصل از این فروش را به صندوق واریز نکرده است.

کارگران بارانداز بندرعباس از حداقل حمایت‌های اجتماعی محروماند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: کارگران باربر در بندرعباس با وجود انجام کار سخت و طاقت فرسا، از مزایای بیمه‌های اجتماعی محروماند.

«علی قوامی»، فعال کارگری در منطقه، با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در بند عباس کارگران زیادی در بخش تخلیه و بارگیری کشتی‌ها به حرفه باربری اشتغال دارند. این کارگران هر روز از نخسین ساعات بامداد تا انتهای شب در هوای به شدت گرم و شرجی بندر به جابجایی بار کشتی‌های تجاری مشغول‌اند و با وجود آنکه حرفه این کارگران از نظر ماهیت شغلی و محیط کار سخت و طاقت فرساست، اما آنان از هیچ پوشش حمایتی برخوردار نیستند.

این فعال کارگری با یادآوری اینکه کارگران باربر شاغل در باراندازهای بندرعباس بصورت روزمزد استخدام شده و دریافتی آن‌ها بصورت توافقی است، گفت: این کارگران پس از چند روز به دلیل

اتمام پروژه بارگیری و یا خستگی ناشی از کار شدید بیکار و خانه نشین شده و درآمد آنها تا یافتن شغل جدید قطع می‌شود.

قوامی با بیان اینکه کارگران باربر دارای تشکل صنفی منسجم و قوی‌ای نیستند، افزود: علاوه بر نامناسب بودن شرایط کار برای کارگران باربر، درسالهای اخیر به دلیل کاهش عبور و مرور کشتی‌های باربری از فرصت‌های شغلی این کارگران نیز کاسته شده است.

وی با بیان اینکه تشدید تحریم‌های اقتصادی دلیل کاهش عبور و مرور کشتی‌ها بوده است، افزود: هرچند در حال حاضر شواهد از احتمال رونق نسبی بندرگاه‌ها و در نتیجه افزایش فرصت‌های شغلی برای کارگران بارانداز حکایت می‌کند، اما ضروری است تا مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اولین فرصت برای سالم سازی محیط کار این کارگران اقدام کنند.

پایان پیام

دبیر خانه کارگر اسلامشهر: پرداخت حقوق ۹۵ کارگر «سربر ریخته‌گر» بیش از دو ماه به تعویق افتاده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: کارخانه «سربر ریخته گر»، تولید کننده قطعات سنگین ریخته‌گری، از نیمه دوم خردادماه سال جاری حقوق و دستمزد ۹۵ کارگر رسمی و قراردادی را پرداخت نکرده است.

«حسن‌پور طالبیان» دبیر خانه کارگر اسلامشهر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه سربر ریخته گر که بخشی از محصولات تولیدی آن مربوط به تولید قطعات خودرو می‌شود، به سبب آنچه «مشکلات مالی» می‌نامد، توانایی پرداخت بیش از دو ماه حقوق کارگران این واحد تولیدی را ندارد ندارد.

این فعال کارگری تعدیل نیروهای متخصص را مهم‌ترین عامل ایجاد بحران در این کارخانه ذکر کرد و افزود: در هشت سال گذشته ۴۵۰ نفر از نیروهای با تجربه این کارخانه که از سرمایه‌های اصلی تولید محسوب می‌شدند، به مرور توسط کارفرما تعدیل شدند بطوری که این کارخانه در سال جاری با ۹۵ کارگر به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

پورطالبیان در مورد مشکلات کارگران این واحد بحران‌زده در بخش بیمه و درمان گفت: شعبه ۱۰ تامین اجتماعی تهران از ابتدای مرداد ماه به دلیل بدهی حدود ۶۰۰ میلیون تومانی کارفرما، از تمدید دفترچه‌های کارگران خودداری می‌کند.

او در ادامه به سایر مشکلات کارگران در موضوع بیمه تکمیلی و تعاونی مصرف اشاره کرد و گفت: با وجود آنکه از حقوق کارگران مبالغی برای بیمه تکمیلی و حق عضویت در تعاونی مصرف کارگران کسر می‌شده است، کارفرما این مبالغ را به حساب بیمه تکمیلی و تعاونی مصرف کارگران واریز نمی‌کند و این موضوع باعث شده است که کارگران نتوانند از خدمات درمانی بیمه تکمیلی و همچنین خدمات تعاونی مصرف استفاده کنند.

دبیر خانه کارگر اسلامشهر در خاتمه پرداخت نشدن مطالبات معوقه این کارگران را در شرایط سخت اقتصادی امروز، غیر قانونی و غیر انسانی توصیف کرد.

پایان پیام

واگذاری جزیره آشوراده به بخش خصوصی، بدسلیقگی بود

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنادر تاریخ 5 شهریور 92 آمده است: رییس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی معتقد است که واگذاری جزیره آشوراده به بخش خصوصی نوعی بدسلیقگی بوده و باید بررسی‌های لازم درباره این منطقه حفاظت شده صورت گیرد. محمدرضا تابش در ارزیابی خود از واگذاری جزیره آشوراده به بخش خصوصی گفت: «این جزیره جزو مناطق حفاظت شده، طبیعی، بی‌بدیل و بی‌نظیری است که در کشور ما شاید مشابهی مانند آن وجود نداشته باشد.» وی خاطرنشان کرد: «واگذاری جزیره آشوراده به بخش خصوصی آن هم با این عجله در آستانه تشکیل دولت جدید که هنوز ریاست سازمان محیط زیست مشخص نیست نوعی بدسلیقگی است و ای کاش اجازه داده می‌شد دولت جدید مستقر شود بعد در این مورد تصمیم‌گیری می‌شد. ما هم اعتراض خود را نسبت به این مساله اعلام کرده‌ایم. البته اعتراضات فراکسیون محیط زیست تنها راجع به آشوراده نیست بلکه مسائل دیگری در حوزه محیط‌زیست آن هم برکناری چند مدیر در یکی دو هفته اخیر اتفاق افتاده و خیلی پسندیده نیست و جامعه هم تایید نمی‌کند. درباره واگذاری جزیره آشوراده باید کار کارشناسی و دقت بیشتری صورت گیرد، البته فراکسیون محیط زیست پیگیر مسائل حوزه مربوطه خود است.»

احضار جلیل محمدی فعال کارگری

به گزارش رسیده دوشنبه مورخ 92/6/4 جلیل محمدی فعال کارگری در شعبه ی چهار دادیاری دادگستری سنندج برای ایراد آخرین دفاعیاتش حاضر شد. این فعال کارگری تنها جرم خود را دفاع از کارگران بیان کرد و از آزادی ایجاد تشکل های کارگری دفاع کرد. لازم به ذکر است که جلیل محمدی در تاریخ 12 اردیبهشت سال جاری به همراه یکی از اعضای کمیته ی هماهنگی بنام "حامد محمودی نژاد" توسط مأمورین اداره ی اطلاعات دستگیر و مدت 62 روز در بازداشتگاه اداره ی اطلاعات بسر برد و در آخر با قرار وثیقه ی 50 میلیون از زندان آزاد شد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-6 شهریور 1392

اعتصاب 500 تن از کارگران فاز 15 و 16 پارس جنوبی

به نوشت وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ دوشنبه 4 مرداد ماه 92 آمده است: چهارمین روز اعتصاب کارگران شرکت پایندان، پیمانکار فاز 15 و 16 پارس جنوبی است. 500 کارگر شاغل در این شرکت 4 الی 5 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. این کارگران به رغم خوابگاه متروک و غذای بی کیفیت، که به اندازه ی کافی توهین آمیز است، در این شرکت پیمانکاری کار می کنند و تنها به دریافت حقوق ماهانه دلخوش و راضی خواهند بود. با این حال گروهی از کارگران 5 ماه و گروهی 4 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. مدیر پروژه گفته اند: "پول نداریم هر که نمی خواهد برود. کسی شما رو مجبور به موندن نکرده و..." (لازم به یادآوری است که پارس جنوبی از جمله مناطق ویژه اقتصادی است و مناطق ویژه از شمول

قانون کار خارج اند. در این مناطق کارفرما به هر طریق عمل کند، غیرقانونی محسوب نمی شود و همین باعث سوء استفاده ی کارفرمایان شده است به طوری که حتی حداقل استانداردهای مناسبات سرمایه داری را هم رعایت نمی شود.)

کارگران شرکت ملی سرب و روی زنجان برای دومین بار، و این بار به همراه خانواده های خود در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 شهریور 92 آمده است : کارگران شرکت ملی سرب و روی زنجان برای دومین بار، و این بار به همراه خانواده‌های خود در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند.

برپایه این گزارش، پس از بالا گرفتن اعتراضات مردمی به دلیل آلاینده بودن کارخانه سرب و روی زنجان و متعاقبا تعطیلی این کارخانه در تاریخ ۲۳ مردادماه، امروز سه شنبه (۵ شهریورماه) ۴۰۰ کارگر شرکت ملی سرب و روی زنجان برای دومین بار به بیکاری‌شان که در آستانه یک ماهگی است اعتراض کردند. کارگران این بار خانواده‌های‌شان را هم با خود آورده بودند.

یکی از معترضین درباره تجمع امروز گفت: در زمان تعطیلی کارخانه مسئولان به ما وعده دادند به زودی با انتقال کارخانه، به کارمان باز می‌گردیم اما حالا نزدیک به یک ماه است که کارخانه تعطیل است و از انتقال هم خبری نیست.

این کارگر در توضیح همراهی خانواده‌ها در تجمع امروز، گفت: بیکاری هر کدام از ما (کارگران) تنها منبع درآمد یک خانواده چهار - پنج نفره را نابود می‌کند. خانواده‌ها هم به اندازه ما نگرانند که اگر این وضعیت بلا تکلیفی ادامه پیدا کند، هیچ‌وقت به کار سابق‌مان بازنگردیم. بنا بر این گزارش، کارگران شرکت ملی سرب و روی پیش از این، در تاریخ ۳۰ مرداد ماه در مقابل استانداری زنجان تجمع کرده بودند.

تجمعات خانواده‌های کارگران کارخانه سرب و روی که از شهروندان عادی زنجان محسوب می‌شوند از آن جهت قابل تأمل است که این اعتراضات در مقابل استانداری زنجان، واقع در بلوار شهید چمران رخ می‌دهد. خیابانی که تا چندی پیش شاهد تجمع اقشار مختلف مردم زنجان به قصد تعطیلی و یا انتقال شرکت ملی سرب و روی زنجان بود که سرانجام اعتراض‌شان با تعطیلی

کارخانه به ثمر نشسته است.

تجمع مجدد کارگران مخابرات روستایی مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 شهریور 92 آمده است : جمعی از کارگران مخابرات روستایی در اعتراض به اجرا نشدن مصوبه مجلس در خصوص بیمه آنان، صبح امروز مجددا مقابل مجلس تجمع کردند.

بنابراین گزارش، این کارگران مخابرات روستایی که از استانهای همدان، کرمان، یزد و شهرستان‌های کنگاور و بهاباد به تهران آمده‌اند، با تجمع مقابل مجلس خواستار اجرای عدم اجرای بند ۸۶ قانون بودجه ۹۲، شدند.

در بند ۸۶ قانون بودجه سال جاری آمده است: «صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگری طرف قرارداد مخابرات روستایی می‌باشند، را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار (کارگر) و تا زمان فروش سهام مدیریتی براساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار تحت پوشش بیمه قرار دهند. حق بیمه سهم کارفرما تا سقف دو هزار و چهارصد میلیارد (۲۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال از محل ردیف ۷۴ ۵۵۰۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود. وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی، ملزم به رفع مشکلات اجرای بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مرتبط با کارگزاران مخابرات روستایی بوده و شرکت متولی (شرکت مخابرات ایران) متعهد به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند.»

شرایط استثماری کارکنان قراردادی اداره راه نقده

به گزارش سولدوز خبر، د 5 شهریور 92 آمده است: با وجود گذشت بیش از 6 ماه از سال 92، برخی از کارکنان قراردادی اداره راه و شهرسازی شهرستان نقده هنوز حقوق ناچیز خود را دریافت نکرده اند.

این درحالی است که ادعا شده است تعدادی از همین کارکنان بدون عقد قرارداد و با شرایطی ناعادلانه مشغول خدمت در این اداره هستند.

براساس این گزارش، یکی از همین کارکنان میگوید: "هیچ بعید نیست که به خاطر رسانه ای شدن این خبر همه ی ما را اخراج کنند."

وی می افزاید: تا حرف از حقوق میزنیم تهدید به اخراج میشویم. پول ما آنقدر کم است که اگر سر هر ماه هم پرداخت کنند کفاف زندگی مان را نمیدهد چه برسد به اینکه 6 ماه هم عقب افتاده باشد."

اتحادیه کارگران فولاد آمریکا: محمد جراحی، رضا شهبانی و بهنام ابراهیمزاده را آزاد کنید!

«پس از انتشار اعلامیه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک وهیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات در تاریخ 1392/5/31 و یاری خواستن از رفقای سندیکایمان، اتحادیه کارگران فولاد آمریکا نامه زیر را برای رییس جمهور ایران، ریاست قوه قضاییه و وزیر کار ارسال کرد. این نامه جهت اطلاع به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک فرستاده شد.»

اتحادیه کارگران فولاد آمریکا

وحدت و قدرت برای کارگران

دکتر حسن روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران

آقای صادق لاریجانی، رییس قوه قضائیه

دکتر علی ربیعی، وزیر کار

آقایان،

این نامه را هم به عنوان یک سندیکالیست و هم به عنوان یک استاد دانشگاه برای شما می نویسم تا نگرانی شدید خود را در مورد رهبران سندیکایی که اکنون در زندان های ایران به سر می برند اعلام کنم. به طور مشخص، مایلم در مورد زندگی و سلامتی محمد جراحی، کارگر نقاش و عضو سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران، که به دلیل ابتلا به سرطان تیروئید و نبود مراقبت پزشکی در خطر مرگ قرار دارد، ابراز نگرانی نمایم. همچنین، در مورد وضعیت رضا شهبانی، راننده اتوبوس و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، که در نتیجه نبود مراقبت های پزشکی پس از عمل جراحی در وضعیت خطرناکی قرار دارد، ابراز نگرانی شدید می کنم. بالاخره، همچنین به شدت در مورد دستگیری بهنام ابراهیمزاده، فعال سندیکایی و حقوق کودکان، که به دلیل دفاع از حقوق کارگران و کودکان کار و خیابان به طور غیرعادلانه به زندان محکوم شده است، نگرانم. خانواده آقای ابراهیمزاده، از جمله فرزند او که به سرطان خون مبتلا شده است، در معرض فشار مالی شدید و در مرز گرسنگی قرار دارند.

من از طریق این نامه از شما می خواهم که همه این افراد را بی درنگ از زندان آزاد کنید، همه اتهامات علیه آنان را لغو نمایید، و در عین حال سلامتی و تندرستی آنان را تضمین کنید.

این نامه را با گفتن این مساله به پایان می برم که با دخالت های کشورمان در امور ایران مخالفم، و هیچ یک از برنامه های دخالت جویانه ایالات متحده علیه ایران مورد تأیید من نیست. در واقع، من همواره با چنین دخالت جوییهایی مخالف کرده ام. در عین حال، آرزو دارم که در قلب خود جایی برای برخورد صحیح با این سندیکالیست ها و خانواده های آنان بیابید.

با احترامات متقابل

دانیل م. کووالیک
معاون ارشد مشاور کل حقوقی
اتحادیه کارگران فولاد آمریکا ۵ شهریور ۱۳۹۲

موفقیت کارگران در باز پس‌گیری حقوق معوق پس از ۷ روز اعتصاب

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ ۶ شهریور ۹۲ آمده است: کارگران پیمانکار اجرایی که برای شرکت محورسازان مشغول کار در پارس جنوبی بودند، به اعتصاب خود پایان دادند. پس از ۷ روز اعتصاب و تحمیل زیان ناشی از تاخیر در پیشرفت کار پروژه، پای کارفرما را به معرکه باز شد و شرکت محورسازان مجبور به پرداخت سه ماه حقوق کارگران پیمانکار اجرایی شد.

این موفقیت کارگران پیمانکار اجرایی باعث شد که کارکنان بلاواسطه‌ی شرکت محورسازان هم دست از کار بکشند و طولی نکشید که آنان نیز حقوق معوق خود را دریافت کردند.

کانون مدافعان حقوق کارگر این موفقیت را به کارگران تبریک می‌گوید و بار دیگر ضرورت همبستگی و ایجاد تشکل مستقل کارگری را برای احقاق حق کارگران یادآوری می‌کند.

مقاله‌نامه شماره ۱۰۰ «سازمان بین‌المللی کار»

درباره «دستمزد برابر» برای کارگران مرد و زن در ازای کار برابر

به نوشته سایت آوای کار در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۹۲ آمده است: مقاله‌نامه «دستمزد برابر»، ۱۹۵۱ (تصویب شده در چهاردهمین جلسه «کنفرانس بین‌المللی کار» در ژنو (سوئیس) ۲۸ ژوئن ۱۹۳۰ (۷ تیر ۱۳۰۹))

مقدمه

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، که به دعوت هیأت مدیره «دفتر بین‌المللی کار» سی و چهارمین جلسه خود را در روز ۶ ژوئن ۱۹۵۱ (۳ تیر ۱۳۳۰) در ژنو برگزار کرد، و در پی تصمیم‌گیری درباره پذیرش پیشنهادهای معینی در مورد اصل دستمزد برابر برای کارگران مرد و زن در ازای کار مساوی، که سومین ماده دستور کار جلسه {کنفرانس عمومی} است، در پی اتخاذ این تصمیم که این پیشنهادها باید در قالب یک مقاله‌نامه بین‌المللی تدوین شوند، مقاله‌نامه زیر را در روز بیست و نهم ماه ژوئن سال ۱۹۵۱ (۶ تیر ۱۳۳۰) تصویب می‌کند که از این پس می‌توان از آن با عنوان «مقاله‌نامه دستمزد برابر ۱۹۵۱» نام برد.

ماده ۱

در این مقاله‌نامه منظور از دستمزد عبارت است از:

الف: دستمزد معمولی، دستمزد یا حقوق عادی، دستمزد پایه یا هر حقوق اضافی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به شکل نقدی یا غیرنقدی، از طرف کارفرما به کارگر پرداخت شود و ناشی از اشتغال کارگر باشد؛

ب: دستمزد برابر برای کارگران مرد و زن در ازای کار برابر، نرخ دستمزد باید بدون هرگونه تبعیض جنسیتی تعیین شود.

ماده ۲

۱- هر عضوی که این مقاله‌نامه برای آن لازم‌الاجراست موظف است به کمک روش‌های متناسب با شرایط کشور و نحوه اجرا در مورد تعیین میزان دستمزد و ارتقای شغلی تصمیم بگیرد، و همچنین موظف است نحوه اجرای دستمزد برابر در ازای کار برابر را در مورد تمام کارگران اعم از زن و مرد تضمین کند.

۲- این اصل می‌تواند از طریق ابزار زیر محقق شود:

الف: قوانین و مقررات ملی؛

ب: قوانین و مقررات وضع شده یا عرفی جهت تعیین دستمزد؛

ج: توافقات جمعی میان کارفرمایان و کارگران؛ و یا

د: ترکیبی از این روش‌های متنوع.

ماده ۳

۱- جایی که این عمل به تحقق مفاد این مقاله‌نامه کمک می‌کند، به‌منظور ترویج و پیشبرد ارزیابی عینی از مشاغل بر اساس کاری که انجام می‌شود، و بر مبنای منشور دفتر بین‌المللی کار در مورد اصول و حقوق بنیادین زمان اشتغال باید اقداماتی انجام شود.

۲- روش‌هایی که بر اساس آن این ارزیابی‌ها انجام می‌شوند توسط مقامات ذیل تعیین می‌شوند:

مقامات ذی‌صلاح در تعیین میزان دستمزد، یا از طریق توافقات جمعی و یا توسط احزاب در کشورهایی که میزان دستمزد توسط توافقات جمعی، یا احزاب تعیین می‌شود.

۳- نرخ‌های متفاوت میان کارگران، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی و یا سایر تفاوت‌ها که از طریق ارزیابی عینی تعیین می‌شوند، نباید با اصول پرداخت دستمزد برابر در ازای کار برابر تناقض داشته باشند.

ماده ۴

تمام اعضای که این مقاله‌نامه را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند موظفند با سازمان‌های کارفرمایان و کارگرانی که هدف‌شان تحقق مفاد این مقاله‌نامه است همکاری کنند.

ماده ۵

تصویب و پذیرش رسمی این مقاله‌نامه از سوی اعضا باید برای ثبت به اطلاع مدیرکل دفتر بین‌المللی کار رسانده شود.

ماده ۶

۱- این مقاله‌نامه فقط برای آن اعضای از سازمان بین‌المللی کار لازم‌الاجرا است که تصویب‌نامه

آنها در دفتر بین‌المللی کار ثبت شده باشد.

۲- این مقاله‌نامه دوازده ماه پس از تاریخی که تصویب‌نامه دو عضو در دفتر مدیرکل ثبت می‌شود لازم‌الاجراست.

۳- از آن تاریخ به بعد، این مقاله‌نامه دوازده ماه پس از ثبت تصویب‌نامه هر عضو، برای آن عضو لازم‌الاجراست.

ماده ۷

۱- اظهاراتی که به اطلاع دبیر کل سازمان بین‌المللی کار می‌رسد مطابق بندهای ۴ یا ۵ ماده ۳۵ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار موظف است موارد ذیل را روشن کند:

الف: سرزمین‌هایی که قصد دارد مفاد این کنوانسیون را بدون تغییر در آن سرزمین‌ها اجرا کند؛

ب: سرزمین‌هایی که قصد دارد مفاد این کنوانسیون را با تغییراتی در آن سرزمین‌ها اجرا کند، همراه با جزئیات تغییرات مذکور؛

ج: سرزمین‌هایی که مفاد این مقاله‌نامه در آنها غیر قابل اجرا است و در چنین مواردی زمینه‌های غیر قابل اجرا بودن آن را روشن کند؛

د: سرزمین‌هایی که در آنها تصمیمات این مقاله‌نامه تا زمان توجه بیشتر به این دیدگاه معلق نگه داشته می‌شود.

۲- تعهداتی که در بخش‌های (الف) و (ب) بند ۱ این ماده به آنها اشاره شد جزو لاینفک این تصویب‌نامه تلقی خواهند شد و لازم‌الاجرا هستند.

تمام اعضای که مقاله‌نامه شماره ۱۰۰ (۱۹۵۱) سازمان بین‌المللی کار مربوط به دستمزد برابر را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند می‌توانند در هر زمان مطابق مفاد بخش‌های (ب)، (ج) یا (د) بند اول این ماده، با اظهار بعدی، کل یا بخشی از این ملاحظات را ترک کنند.

۳- هر عضوی می‌تواند، در هر زمانی که مقاله‌نامه به‌خاطر مطابقت با مفاد ماده ۹ در معرض فسخ شدن قرار گیرد، تغییر در قوانین و مقررات بیانیه سابق را طی بیانیه‌ای به اطلاع دبیر کل برساند و در ارتباط با سرزمین‌هایی که مشخص می‌کند دیدگاه‌های فعلی خود را بیان کند.

ماده ۸

هر عضوی می‌تواند از طریق سندی رسمی که برای ثبت به اطلاع مدیرکل دفتر بین‌المللی کار می‌رساند، پیوستن خود به این مقاله‌نامه را پس بگیرد. این ترک مقاله‌نامه، تا یک سال پس از تاریخ ثبت آن قابل اجرا نخواهد بود.

ماده ۹

۱- عضوی که این مقاله‌نامه را تصویب کرده و به آن پیوسته است، می‌تواند پس از سپری شدن ده سال از تاریخ آغاز لازم‌الاجرا شدن این مقاله‌نامه، از طریق سندی رسمی که برای ثبت به

اطلاع مدیرکل دفتر بین‌المللی کار می‌رساند، پیوستن خود به این مقاله‌نامه را پس بگیرد. این ترک مقاله‌نامه، تا یک سال پس از تاریخ ثبت آن قابل اجرا نخواهد بود.

۲- هر عضوی که این مقاله‌نامه را تصویب کرده و به آن پیوسته است، و تا یک سال بعد از سپری شدن دوره ده ساله مذکور در بند قبلی از حق خود مطابق این ماده برای ترک این مقاله‌نامه استفاده نکند، برای یک دوره ده ساله دیگر متعهد به اجرای آن خواهد بود، و پس از آن، می‌تواند پس از سپری شدن هر دوره ده ساله، تحت شرایط قید شده در این ماده، این مقاله‌نامه را ترک گوید.

ماده ۱۰

۱- مدیرکل دفتر بین‌المللی کار موظف است همه اعضای سازمان بین‌المللی کار را از ثبت شدن تمام تصویب‌نامه‌ها، اظهارات و ترک مقاله‌نامه‌هایی که توسط اعضای سازمان به اطلاع وی رسیده است، آگاه سازد.

۲- مدیرکل دفتر بین‌المللی کار موظف است همه اعضای سازمان بین‌المللی کار را از ثبت شدن دومین تصویب‌نامه‌ای که به اطلاع او رسیده است، و همچنین از تاریخ لازمالاجرا بودن این مقاله‌نامه، آگاه سازد.

ماده ۱۱

مطابق ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد، مدیرکل دفتر بین‌المللی کار موظف است جزئیات کامل همه موارد پیوستن یا ترک اعضا را که توسط او و مطابق با مفاد مواد قبل ثبت شده است، به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد برساند.

ماده ۱۲

هیئت مدیره دفتر بین‌المللی کار هرگاه که لازم تشخیص دهد، موظف است گزارش کارکرد این مقاله‌نامه را به کنفرانس عمومی بدهد و لزوم قرار دادن موضوع تغییر کلی یا جزئی آن را در دستور کار کنفرانس، بررسی کند.

ماده ۱۳

۱- اگر کنفرانس از راه اصلاح کامل یا جزئی این مقاله‌نامه، مقاله‌نامه جدیدی را تدوین کند،

الف: تصویب مقاله‌نامه اصلاح شده جدید توسط یک عضو و پیوستن به آن، به‌رغم ماده ۹ بالا، اگر و زمانی که مقاله‌نامه اصلاح شده جدید لازمالاجرا شده باشد، از لحاظ قانونی خودبه‌خود به معنای ترک بلافاصله [آن عضو از] این مقاله‌نامه خواهد بود.

ب: از تاریخ لازمالاجرا بودن مقاله‌نامه اصلاح شده جدید، مقاله‌نامه کنونی دیگر قابل تصویب و پیوستن توسط اعضا نخواهد بود.

۲- این مقاله‌نامه با شکل و محتوای موجود خود برای اعضای که آن را تصویب کرده‌اند ولی مقاله‌نامه اصلاح شده را تصویب نکرده‌اند، همچنان لازمالاجرا خواهد ماند.

نسخه‌های به زبان انگلیسی و فرانسه متن این مقاله‌نامه به طور یکسان معتبرند.

به مناسبت چهلمین روز درگذشت فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی کاوه خدادادی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : روز 92/4/22 ساعت 15 و 10 دقیقه بعد ظهر کمیته هماهنگی عضو دلسوز خود، کاوه خدادادی را در یک سانحه رانندگی در مسیر جاده بناب - تبریز ازدست داد. حسن خدادادی معروف به کاوه در سال 1361 در یک خانواده کارگری در روستای کرکره از توابع شهر شاهین دژ آذربایجان غربی چشم به جهان گشود. پدر وی کارگر و آهنگری خوشنام بود، که در کارگاه کوچکش به ساختن ابزار و ادوات کشاورزی مشغول بود. کاوه که هنوز کودکی بیش نبود ناچار بود هم درس بخواند و هم ابزارآلاتی را که پدرش می ساخت در مسیر جاده ها به صورت دستفروشی بفروشد واز طریق آن کمک خرج خانواده باشد. در سن 17 سالگی جهت یافتن کار به مانند فرزند هزاران کارگر دیگر عازم شهر تهران شد. و به مدت 3 سال در کارخانه های اطراف تهران به کارگری پرداخت. او که قبلن با درد و رنج و سختی کار آشنا بود کار در کارخانه وی را پخته تر و عرصه ای تازه برای شناخت و مبارزه علیه نابرابری های نظام سرمایه داری در برابرش قرار داد. در این مدت شاهد استثمار هرچه بیشتر کارگران توسط کارفرمایان بود و مشقاتی را که هم طبقه ای هایش تحمل می کردند لمس می نمود. و در طی این مدت تنه‌راه نجات کارگران را در متحد شدن و تشکل یابی شان دانست و به همین دلیل به مانند یک کارگر فعال به کمیته هماهنگی پیوست او نه تنها در میان کارگران و فعالین کارگری شهر بوکان بلکه برای دیگر اعضای کمیته هماهنگی چهره ای خوشنام و آشنا بود. خوشرویی، صداقت، فداکاری و مهربانی از صفات بارز او بود. یاد و خاطره او و عزمش برای از بین رفتن نابرابری های اجتماعی در دلها زنده خواهد ماند.

از طرف جمعی از دوستانش

اجبار کارگران پتروشیمی مناطق آزاد به ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار روزانه

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور 92 آمده است : یک فعال صنفی کارگری در مناطق ویژه اقتصادی از نقض قوانین در مورد ساعات کار کارگرانی که در پروژه‌های نفت و پتروشیمی این مناطق فعالیت دارند، خبر داد.

«ناصر آغاجری» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ محدودیتی برای ساعات کار کارگران شاغل در پروژه‌های عمرانی و نفت و پتروشیمی وجود ندارد. وی با بیان اینکه این کارگران بدون برخورداری از حق مرخصی قانونی و تعطیلات رسمی، روزانه ۱۲ تا ۱۶ ساعات کار می‌کنند، گفت: در عمل این کارفرما و پیمانکار است که تعیین می‌کند کارگران تا چه زمانی باید کار کنند.

این فعال صنفی کارگری یادآور شد: اجبار کارگران به انجام کار اضافی در تمامی روزهای تعطیل و غیر تعطیل در حالی است که به موجب قانون کار کارفرما باید در جریان تنظیم فعالیت کارگاه حق مرخصی و تعطیلی کارگران خود را به رسمیت بشناسد. وی گفت: اینکه به دلیل ماهیت کار در پروژه‌های عمرانی نفت و پتروشیمی نمی‌توان فعالیت کارگاه را مطابق عرف جاری در بازار کار تعطیل کرد قابل قبول است و به همین دلیل در قانون کار برای چنین مواردی راهکارهای مناسبی

تعیین شده است.

وی افزود: بر این اساس فعالیت کارگران در چنین کارگاه‌هایی باید چرخشی باشد و هر کارگر پس از یک یا دو هفته کار مستمر بتواند برای بازیابی بخشی از انرژی از دست رفته، به مدت یک یا دو هفته استراحت کند.

آغاچری بایان اینکه در بیرون از مناطق ویژه آزاد اقتصادی طبق قانون چنین رویه‌ای در تمامی کارگاه‌های مربوط به پروژه‌های عمرانی حاکم است، گفت: متأسفانه به دلیل سکوت قانون در محدوده مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ محدودیتی برای مدت زمان کار کارگران وجود ندارد.

به باور آغاچری قانون مناطق آزاد تجاری و اقتصادی درست مانند قانون «خروج کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار» باعث شده است تا جمعیت گسترده‌ای از نیروهای کار از حقوق بنیادین خود محروم شوند.

به گفته این فعال کارگری بر همین اساس در حال حاضر کارگرانی که در پروژه‌های نفتی و پتروشیمی مناطق آزاد و ویژه عسلویه، ماهشهر، پارس جنونی کار می‌کنند باید تمام ایام هفته را کار کنند. وی یادآوری اینکه ساعت کار روزانه این کارگران بسته به تشخیص کارفرما و پیمانکار از ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز متغیر است، گفت: این کارگران برخلاف سایر همکاران خود حتی از حق مرخصی و توقف کار در روزهای تعطیل رسمی برخوردار نیستند و تنها زمان استراحت آن‌ها بعد از ظهر روزهای جمعه است.

به گفته آغاچری در این مناطق فعالیت کارگران هر روز از ساعت ۶ صبح آغاز شده و تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. وی یادآور شد: فعالیت روزانه کارگران تنها در فاصله ساعات ۱۲ تا ۱۵ که فعالیت در محیط‌های سرباز به دلیل افزایش بیش از حد دمای هوا ناممکن است متوقف می‌شود.

آغاچری بایان اینکه به دلیل شیوه نامناسب محاسبه و پرداخت حقوق کارگران در عمل هیچگاه سختی کار کارگران جبران نمی‌شود، گفت: روح و روان کارگران شاغل در مناطق آزاد هم از بابت شرایط سخت کار و هم از بابت پرداخت‌های نامناسب آزده می‌شود. وی بایان اینکه کارگران شاغل در محدوده مناطق آزاد تجاری و اقتصادی بسیار بیشتر از حد مجاز قانونی کار می‌کنند اما در عمل با فرمول قانون درآمد کمتری دارند، گفت: این مسئله در درازمدت باعث می‌شود تا این کارگران و خانواده‌های آن‌ها بطور جدی دچار معضلات و آسیب‌های اجتماعی شوند.

رئیس صنف کارگران تعمیرکار مولد بخار راه آهن تهران: جرمه کارگران به بهانه‌های مختلف / پیمانکاری به تعهداتش با رجا عمل نمی‌کند

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران و حومه از اجرایی نشدن بندهایی از قرارداد شرکت پیمانکاری مه ریل و رجا (شرکت کارفرما) که به سود کارگران است خبر داد.

«عباسعلی حسین‌زاده» در این باره به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری مه ریل کمتر از مبلغ مشخص شده در قرارداد با کارفرما به ماموران راهبر پرداخت می‌کند. وی با انتقاد از جرمه‌های پی در پی کارگران به بهانه‌های واهی ادامه داد: این شرکت پیمانکاری به هر دلیل ممکن کارگران را جرمه می‌کند. اگر کارگری لباس کار نپوشد، ۱۰۰ هزار تومان جرمه می‌شود و اگر کلیدی گم شود از کارگر مسئول ۵۰ هزار تومان خسارت می‌گیرند. این فعال صنفی افزود: در حالی که بر اساس مصوبه مجلس، سقف معافیت مالیاتی در خرداد

ماه سال جاری از ۶۰۰ هزار تومان به ۸۳۳ هزار تومان افزایش پیدا کرده است، شرکت پیمانکار تا ماه قبل هم، بر حقوق ۶۸۰ هزار تومانی کارگران ۲۰ هزار تومان مالیات می‌بست. وی تصریح کرد: البته با مدیر شرکت پیمانکاری صحبت کرده‌ایم تا مالیات ماه‌های گذشته کارگران را که از حقوقشان کسر کرده است به آن‌ها بازگرداند و باید ببینیم در آینده چه اتفاقی می‌افتد. به گفته آقای حسین‌زاده، در حالی که بر اساس بند ۶ ماده ۹۱ قانون مالیات‌های مستقیم، هزینه سفر و فوق‌العاده مربوط به شغل معاف از مالیات است همه شرکت‌های پیمانکاری رجا برای حق ماموریت کارگران، مالیات می‌بندند.

این فعال صنفی در توضیح نحوه انعقاد قرارداد میان رجا و شرکت‌های پیمانکاری بیان کرد: کارشناسان رجا در ابتدا بررسی می‌کنند ۲۰ دستگاه مولد بخار با هزینه تعمیر و نگهداری، حقوق کارگران، بیمه، مالیات و... چقدر هزینه دارد. برای مثال هزینه سالانه این موارد را یک میلیارد تومان اعلام می‌کند. شرکت‌های پیمانکاری برای جلب نظر مدیران شرکت رجا پیشنهاد می‌دهند با دریافت ۹۰۰ میلیون تومان کار را بر عهده بگیرند.

وی تصریح کرد: این ۱۰۰ میلیون تومانی که رجا به شرکت پیمانکاری نمی‌دهد در واقع از جیب کارگران می‌رود و شرکت پیمانکاری برای جبران هزینه‌هایش به کارگران فشار می‌آورد. حسین‌زاده ادامه داد: در قرارداد جدید شرکت پیمانکاری مه ریل با رجا از ۶۴ دستگاه مولد بخار، ۲۰ دستگاه به شرکت پیمانکار واگذار شده است.

وی افزود: اداره مولد بخار تهران تنها اداره مولد بخار کل کشور است. هر ۶۴ دستگاه مولد بخار در تهران قرار دارد. مجموعاً ۲۰۰ کارگر در این اداره مشغول به کارند که ۷۰ نفرشان زیر نظر شرکت پیمانکاری مه ریل قرار دارند.

رئیس انجمن صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران و حومه در پایان اظهار داشت: دستگاه‌های مولد بخار وظیفه تامین گرمایش قطار در ایام سرد سال را بر عهده دارند. در ۶ ماه اول سال تعمیر و بازسازی می‌شوند و در ۶ ماه دوم برای تامین گرمایش قطارها به سیر می‌روند.

پایان پیام

احتمال اخراج 200 کارگر در شرکت نیرو محرکه قزوین

بنا به گزارش صبح قزوین در 6 شهریور 92 آمده است: مدیر عامل شرکت نیرو محرکه، تولید کننده انواع گیربکس خودروی پژو واقع در شهر صنعتی البرز قصد دارد تعداد ۲۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری خود را به دلیل کاهش سفارشات و تولید در مرداد ماه سال جاری اخراج نماید. گفتنی است: این شرکت دارای ۱۸۵۰ نفر کارگر می باشد و با توجه به افزایش قیمت خودرو و کاهش خرید آن در سطح بازار و به تبع آن کاهش تولید در شرکت ایران خودرو، باعث بروز مشکلات کاهش تولید و کار در شرکت های قطعه ساز استان بویژه نیرو محرکه شده است. شایان ذکر است: در استان قزوین ۱۲۰ شرکت قطعه ساز وجود دارد که از این تعداد حدود ۴۰ درصد آن فعالیت داشته و مابقی با حداقل ظرفیت مشغول به تولید می باشند و این موضوع در سال جاری یکی از چالش های اقتصادی استان خواهد بود.

یک فعال کارگری در گلستان:

طرح استاد شاگردی با هدف حذف قانون کار اجرا می‌شود

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر استان گلستان گفت: طرح استاد-شاگردی با هدف حذف حقوق بنیادین کار در ایران طراحی و اجرا شده است.

«هادی رضازاده» با اعلام این مطلب، به ایلنا گفت: پس از آنکه مخالفان قانون کنونی کار نتوانستند در دولت‌های نهم و دهم از طریق معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار، زمینه اصلاح و بازنویسی این قانون را فراهم کنند، با طرح استاد-شاگردی و واگذار کردن اجرای آن به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای تلاش کردند به هدفشان دست یابند.

وی گفت: پیش از این نیز موافقان حذف چتر حمایتی کارگران با متداول کردن استخدام‌های موقت و پیمانی، خروج کارگاه‌های کوچک و خانوادگی از شمول قانون کار و تشکیل مناطق آزاد تجاری و اقتصادی بخش قابل توجهی از نیروی کار کشور را از شمول حمایت‌های قوانین کار و تامین اجتماعی خارج کرده بودند.

به باور این فعال کارگری از آنجا که اقدامات یاد شده باعث شد تا جامعه کارگری ایران در مقابل تلاش‌ها برای تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی حساس شود، طرفداران اصلاح قانون کار سعی کردند تا از طریق اجرای طرح استاد و شاگردی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور خواسته‌های خود را بدور از چشم افکار عمومی محقق سازند.

وی با تایید انتقاداتی که از سوی سایر کارشناسان کارگری به مفاد طرح استاد-شاگردی وارد شده است، افزود: حتی بدون دانش حقوقی نیز می‌توان با یکبار مرور مفاد این طرح به ناعادلانه بودن رابطه استاد - شاگردی پی برد.

به گفته رضازاده، طرح استاد و شاگردی تمامی دستاوردهایی را که طی سال‌ها فعالیت صنفی کارگران برای نسل امروز نیروی کار به ارث رسیده است را نادیده گرفته و با شاگرد تلقی کردن کارگر وی را از حقوق قانونی و انسانی محروم کرده است.

دبیر اجرایی خانه کارگر گلستان گفت: اینکه ادعا می‌شود اجرای چنین طرحی می‌تواند به ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری منجر شود صحت ندارد، زیرا تجربه اعمال معافیت‌های اعمال شده در کارگاه‌های کوچک و مناطق آزاد تجاری و پرداخت تسهیلات برای اشتغالزایی نشان داد که مشکل بیکاری به نیروی انسانی مربوط نمی‌شود.

وی با یادآوری اینکه دلیل بیکاری گسترده در جامعه سیاست‌گذاری‌های غلط اقتصادی است، افزود: در رابطه استاد-شاگردی، نیروی کار حتی نمی‌تواند برای بهبود وضعیت شغلی و معیشتی خود اقدامی قانونی به عمل آورد.

پایان پیام

کشته وزخمی شدن 5 کارگردرسه راه آذری تهران

بنا به گزارش مرکز اورژانس تهران در تاریخ 6 شهریور 92 آمده است: روز گذشته سه شنبه 92/6/5 ریزش آوار در سه راه آذری خیابان 16 متری امیری تهران، موجب مرگ و مصدومیت چند کارگر گردید.

بنا به همین گزارش، تکنسین‌های اورژانس تهران پس از حضور در محل و انجام معاینات پزشکی فوت کارگر 72 ساله را به علت شدت جراحات و صدمات تأیید نمودند و 4 نفر دیگر از کارگران را پس از رهاسازی از زیر آوار توسط همکاران آتش نشانی مورد درمان قرار داده و با انجام اقدامات درمانی مناسب هر 4 مصدوم را به بیمارستان لقمان انتقال دادند.

ششم شهریورماه 1392

صبح امروز در تهران رخ داد؛ مصدومیت کارگر بر اثر آتش سوزی یک واحد تولیدی

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور 92 آمده است: آتش سوزی در یک کارخانه تولید قطعات خودرو واقع در شرق تهران باعث مصدومیت یک کارگر شد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، بر اثر آتش سوزی مواد اولیه در یک واحد تولید قطعات فلزی خودرو در خیابان دماوند تهران یک کارگر دچار مصدومیت شدید شد که با تلاش نیروهای امدادی نجات یافت.

بنا بر این گزارش، علاوه بر مصدومیت این کارگر، کارخانه نیز متحمل خسارت مالی زیادی شده است.

پایان پیام

دورویی و اقدام غیرقانونی شورای عالی کار

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 6 شهریور 92 آمده است: رضا شهبابی کارگر زندانی با ارسال نامه ای از زندان اوین اقدامات شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد کارگران را مورد اعتراض قرار داده است:

کسانی که در شورای عالی کار به عنوان نمایندگان کارگران حضور داشتند و مصوبه دستمزد سال 92 را امضا کردند، بعداً در موضع مخالف مصوبه دستمزد سال 92 اعتراض کردند و با همکاری و هماهنگی با تشکل های فرمایشی و حزبی که ماهیت شکل گیریشان جای بحث دارد، اقدام به تنظیم شکایت جهت ابطال مصوبه دستمزد به دیوان عدالت اداری کردند. اینجا در ذهن کارگران این سوال پیش می آید که اصلاً برای چه امضا کردند که الان مجبور شوند اعتراض کنند؟

اینجا است که فرق نماینده واقعی کارگران و تشکل های واقعی کارگری که پشتوانه طبقه کارگری داشته باشند، با نماینده فرمایشی مشخص می شود. اینجانب کارگر زندانی و عضو هیئت مدیره و مسئول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد در آن زمان که در مرخصی پزشکی بودم در صحبت با همکاران و فعالین کارگری نسبت به این اقدام اعتراض داشتم.

به این دلیل که این آقایان می خواهند با این کار عملکرد خلاف قانون خودشان را توجیه کنند. اگر راست می گفتند مصوبه را امضا نمی کردند.

مگر نمی دانستند که دارند بر خلاف ماده 41 قانون کار دستمزدها را 25 درصد یعنی 6 درصد پایین تر از نرخ تورم اعلام شده (بالغ بر 31 درصد)؛ افزایش می دهند.

لذا شکایت به دیوان عدالت اداری نوعی سرگرم کردن کارگران در پیچ و خم های راهروهای ساختمان دیوان عدالت اداری و ساکت نگهداشتن کارگران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری می بود.

دوم آنکه کارگران اگر اعتراض و تجمع کردند، بگویند که ما شکایت کردیم و اکنون منتظر رای دیوان هستیم. و به این بهانه کارگران را وادار به صبر و تحمل شرایط موجود کنند تا موضوع مشمول مرور زمان شود، تا بگویند موضوع در کمیسیون تخصصی دیوان عدالت اداری که مانع تراشی های آن را رانندگان شرکت واحد که عضو سندیکای شرکت واحد بودند و الان هم هستند؛ تجربه کرده اند؛ در حال بررسی می باشد.

در صورتیکه اصلاً این پرونده نیازی به بررسی ندارد. زیرا کاملاً مشخص است که دولت برخلاف ماده 41 قانون کار و نرخ تورم 31 درصد سال 92 را تعیین کرده است.

به نظر من این کار یعنی وقت کسی را به سخره گرفتن و توهین به شعور کارگران است. با این وضعیتی که من در گفته های مسولان، روزنامه ها و خبرهای صدا و سیما می بینم، هیچ اقدامی در مصوبه دستمزد سال 92 صورت نخواهد گرفت. و با کش و قوس های اداری و قانونی که خواهند داد سال به پایان خواهد رسید و تنها کارگران در این میان سرشان بی کلاه

خواهد ماند. و از طرفی تشکل های فرمایشی شکایت کننده دست پیش خواهند گرفت تا پس نیفتند که کارگران اگر اعتراض کردند بگویند که ما شکایت کردیم و پیگیر بودیم و این مراجع قضایی هستند که تعلل کرده اند. به نظر من به این کار می گویند فرصت طلبی؛ و خود را محق نشان دادن؛ و سرپوش گذاشتن به تخلف خود؛ که در جلسه شورای عالی کار حضور داشته باشی و مصوبه بر خلاف ماده ۴۱ قانون کار و ۶ درصد پایین تر از نرخ تورم را امضا کنی؛ و نوعی پاک کردن صورت مساله و فرار از پاسخ گویی به طبقه کارگر می باشد.

رضا شهابی
مرداد ۹۲ - بند ۲۵۰ اوین

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: بدهی دولت به تامین اجتماعی تسویه شدنی نیست/ افزایش ۱۴ هزار میلیارد بدهی در سال جاری

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور ۹۲ آمده است: مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با اشاره به ماده ۱۷ قانون رفاه و تامین اجتماعی گفت: ساختار سازمان تامین اجتماعی در ۴ سال گذشته ۳ بار تغییر کرده است. در حال حاضر، یک طرح و دو لایحه در این رابطه در مجلس مطرح است. به گزارش ایلنا، «سید تقی نوربخش» در حاشیه مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی که عصر امروز با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه برگزار شد گفت: در کارگروه‌هایی که برای بررسی شرایط سازمان تامین اجتماعی ایجاد می‌شود سه حوزه مأموریتی درمان، بیمه‌ای و اقتصادی داریم. باید چالش‌ها استخراج شود و بر اساس اسناد بالادستی برای سازمان برنامه ریزی شود. وی ادامه داد: دولت همچنان به تامین اجتماعی بدهکار است. این بدهکاری، بدهکاری مستمر است چون دولت هر روز ۳۰ میلیارد تومان بابت سهم ۳ درصدی‌اش باید به سازمان پرداخت کند. بنابراین صفر شدن بدهی دولت از نظر فنی امکان پذیر نیست. این مقام دولتی در پایان افزود: رقم دقیق بدهی دولت بعد از کارشناسی‌های دقیق مشخص می‌شود اما به طور قطع دولت در سال ۹۱، ۱۲ هزار میلیارد تومان و در سال جاری ۱۴ هزار میلیارد تومان بدهی جدید خواهد داشت. پایان پیام

وزیر کار در حاشیه مراسم معارفه مدیرعامل این سازمان طرح کرد: پیش‌بینی بدهی ۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور ۹۲ آمده است: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعتبار بخشی به دفترچه‌های بیمه تامین اجتماعی را نیازمند منابع بیشتری از دولت دانست و از قیمت‌گذاری مجدد صنایعی که در دولت دهم به جای بدهی به سازمان تامین اجتماعی واگذار شده بود خبر داد.

به گزارش ایلنا، «علی ربیعی» در حاشیه مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی که عصر امروز با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه برگزار شد گفت: اعتبار بخشی به دفترچه‌ها فرا دستگامی است و کل دولت را باید درگیرش کنیم. شاید نیاز باشد طرح هدفمندی یارانه‌ها را با این موضوع همسو کنیم. وی ادامه داد: منظم کردن رابطه بیمار و پزشک، رابطه بیمار

و بیمارستان و... از جمله کارهایی است که باید در سازمان تامین اجتماعی صورت بگیرد. مطالعه در این زمینه جزء کارهای ۱۰۰ روز اول دولت است.

ربیعی در پاسخ به پرسش خبرنگار ایلنا در رابطه با استخدام غیر قانونی ۵۰۰ نفر در سازمان تامین اجتماعی اظهار داشت: تمام استخدامها باید مطابق قانون و بر اساس شایسته سالاری و با آزمون صورت بگیرد و باید اجازه دهید این موضوع را بررسی کنیم.

ربیعی در پاسخ به خبرنگاری که از بدهی ۵۵ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی پرسید بیان کرد: باید صنایعی که در دولت گذشته به سازمان تامین اجتماعی واگذار شده است، قیمت گذاری شوند. وی افزود: می‌توانم پیش بینی کنم دولت حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است. برای دریافت این طلب از دولت، باید دقت کنیم که نه صنایع ورشکسته بلکه صنایع سودآور را از دولت بگیریم تا بتوانیم از اجرای تعهداتمان بر آییم. این مقام دولتی با اشاره به معدن سنگ آهن گل گهر عنوان کرد: این مصوبه خیلی عجولانه بوده و مالکیت آن مشخص نیست.

وزیر کار در پایان با تاکید بر لزوم ابلاغ حق مسکن و بن کارگری از سوی هیات دولت این موضوع را نیازمند زمان دانست.

پایان پیام

کمبود شدید داروهای قلبی در داروخانه ها

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 6 شهریور 92 آمده است: یک متخصص قلب و عروق گفت: ماه‌هاست که بیماران قلب با کمبود داروی آریتمی قلبی، وارفارین و پلاویکس دست و پنجه نرم می‌کنند و حتی این داروها در داروخانه‌های دولتی ۱۳ آبان و هلال احمر توزیع نمی‌شود.

به گزارش فارس، حسن اسلامی پیش از ظهر امروز در نشست خبری پانزدهمین کنگره قلب و عروق ایران خاطرنشان کرد: به روز کردن راهنماهای بالینی در درمان قلب و عروق یکی از دغدغه‌های جامعه متخصصان قلب و عروق است که برای نخستین بار بنا داریم تا پروتکل‌های درمانی سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ را که توسط انجمن قلب و عروق آمریکا و اروپا پیشنهاد شده در این کنگره بررسی کرده و بخش‌های قابل اجرا در ایران را بومی‌سازی کنیم. وی با اشاره به اینکه جدیدترین روش‌های آنژیوگرافی و کار گذاشتن استنت‌های قلبی در این کنگره ارائه می‌شود افزود: صاحب‌نامانی مانند پروفیسور اشپرز از آلمان اولین فردی است که در دنیا باطری قلب جدیدی را در خود قلب کار گذاشته که سیم ندارد و داخل خود قلب کاشته می‌شود در حالی که باطری‌های دیگر بزرگتر بوده و در زیر پوست کار گذاشته می‌شود، دکتر پاتریک سروس شاخص‌ترین فرد در حوزه اینترونشال کاردیولوژی است که در این کنگره آخرین مطالب خود را ارائه می‌کند.

آنژیوگرافی گرفتگی عروق را باز نمی‌کند/ استنت بهترین راه باز کردن عروق وی در پاسخ به اینکه گفته می‌شود برخی پزشکان به دلیل سود بالا به همه بیماران که دچار گرفتگی عروق هستند کار گذاشتن استنت را پیشنهاد می‌کنند گفت: این باور غلط وجود دارد که تنها با یک آنژیوگرافی و گرفتگی عروق قلبی باز می‌شود در حالی که آنژیوگرافی نقش درمانی ندارد و تنها یک روش کمک تشخیصی است.

اسلامی ادامه داد: پزشک بر اساس علایم بیمار تنگی عروق را حدس می‌زند و با آنژیوگرافی به تشخیص قطعی می‌رسد. در ۷۰ درصد موارد گرفتگی‌های رگ‌های قلب و عروق با بالن باز می‌شود و در ۹۹ درصد این موارد استنت هم کار می‌گذاریم.

این متخصص قلب و عروق تصریح کرد: وقتی فقط از بالن استفاده می‌شود تنگی عروق در ۳۰ درصد موارد دوباره عود می‌کند در حالی که با کار گذاشتن استنت این مسأله به ۵ درصد می‌رسد.

وی در مورد خصوصیات نسل جدید استنت‌ها گفت: نسل اول استنت‌ها غیردارویی بودند و در عرض ۶ ماه پس از کار گذاشتن آنها عروق فرد دوباره تنگ می‌شد ولی نسل بعدی آغشته به دارو بود که پس از کارگزاری در عروق قلبی فرد دارویی از استنت تراوش می‌شد که جلوی بسته شدن جدار رگ را می‌گیرد.

وی در مورد نسل جدیدی استنت‌ها گفت: نسل جدید قابل جذب هستند که بعد از ۶ ماه از کار گذاشتن در عروق فرد جذب می‌شوند اما این بدان معنا نیست که استنت‌های نسل قدیمی‌تر خوب نیستند.

کمبود وارفارین و پلاویکس در داروخانه‌های دولتی عضو هیئت مدیره انجمن آترواسکلروز کمبود داروی بیماران قلبی به ویژه در ماه‌های اخیر را از جمله مشکلات جدی برشمرد و افزود: داروی بیماران قلبی مانند وارفالین (رقیق کننده خون) که از لخت شدن خون جلوگیری می‌کند و داروی پلاویکس به شدت کمیاب شده و داروخانه‌هایی مانند هلال احمر و ۱۳ آبان نیز آن را توزیع نمی‌کنند.

قیمت دارو سه برابر شده ولی پوشش بیمه‌ای تغییری نکرده اسلامی ادامه داد: همچنین داروهایی که در درمان نامنظمی شدید ضربان قلب و آریتمی قلب موثرند و داروی پایین آورنده قند خون نیز کمیاب شده است از طرفی با افزایش قیمت ارز قیمت داروها تا ۳ برابر افزایش یافته در حالی که سقف پوشش بیمه‌ای تغییری پیدا نکرده است.

وی ادامه داد: در کشورهای پیشرفته ۹۵ درصد هزینه جراحی و تجهیزات مورد لزوم قلب را بیمه‌ها تقبل می‌کنند و تنها ۵ درصد درمان را بیمار می‌پردازد.

لزوم پرداخت کمک هزینه مسکن به سه هزار کارگر باقیمانده شرکت واحد

به گزارش سایت دولتی کارایران - ایلنا در ششم شهریور ۹۲ آمده است: جمعی از فعالان مستقل صنفی کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار ادامه پرداخت تسهیلات بلاعوض کمک هزینه مسکن به کارگران باقی‌مانده این شرکت شدند. بنا به همین گزارش، این گروه از کارگران در نامه‌ای یادآور شده‌اند: در بیست و نهمین نشست ستاد ساماندهی مسکن شهرداری تهران که در تاریخ ۲۲ مهرماه سال ۸۷ برگزار شد، مقرر شد تا مبلغ ۷۵ میلیارد تومان جهت تسهیلات بلاعوض مسکن، به کارگران شرکت واحد پرداخت شود که تا این لحظه حدود سه هزار نفر از کارگران حائز شرایط از دریافت این تسهیلات محروم مانده‌اند. این کارگران با یادآوری اینکه اعتبار مالی برای پرداخت این تسهیلات بلاعوض از محل فروش زمینهای شرکت واحد در منطقه شمال میدان رسالت به شهرداری منطقه چهار حاصل شده‌است، افزودند: در حال حاضر مسئله تامین مسکن یکی از دغدغه‌های اصلی کارگران شرکت واحد محسوب می‌شود.

کارگران مذکور با بیان اینکه حتی کارگرانی که برای خانه دار شدن خود از طریق تعاونی‌های مسکن پروژه‌های سهیل، سپیدار ۲ و ۳ و پرنده اقدام کرده‌اند مشکلات جدی دیگری مواجه هستند، یادآور شدند: این گروه از کارگران با وجود پرداخت مبالغ کلان به تعاونی مسکن یا

سالهاست که در انتظار تحویل گرفتن مسکن خود هستند و یا برای زندگی در واحد مسکونی تحویل گرفته شده با دغدغه تامین آب، برق و دریافت سند مواجه هستند. این کارگران بابت این که در حال حاضر آنها و سایر همکارانشان در مجموعه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به دلیل مشکلات اقتصادی، همچون سایر کارگران کشور از تامین مسکن عاجز شده‌اند، افزودند: متأسفانه مدیریت شرکت تا این لحظه پاسخ روشنی به این خواسته کارگران نداده است.

کارگران شرکت پارلو 4 ماه دستمزد معوقه دارند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 7 شهریور 92 آمده است: کارگران کارخانه شرکت پارلو از اردیبهشت ماه امسال تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند و تلاشهای آنان در طول این مدت برای دریافت دستمزدهایشان نتیجه‌ای در بر نداشته است. این کارخانه سال گذشته 230 نفر کارگر داشت که تا کنون حدود 140 نفر از آنان از کارهای خود اخراج شده‌اند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران تمامی کارگران این کارخانه با قرارداد موقت دو ماهه مشغول بکارند و از سال گذشته که روند پرداخت دستمزدهایشان با تاخیر مواجه شد بارها دست به اعتصاب و اعتراض زدند اما از آنجا که تمامی 230 کارگر این کارخانه با قرارداد موقت مشغول بکار بودند اعتصاب و اعتراض آنان با اخراج سازی از سوی کارفرما مواجه گردید. بطوریکه از 230 کارگر که در سال گذشته در این کارخانه مشغول بکار بودند در حال حاضر فقط 90 نفر بر سر کارهایشان باقی مانده‌اند که علیرغم چهار ماه دستمزد معوقه قدرت هیچ اعتراضی را ندارند.

کارخانه پارلو در شهر صنعتی کاوه روبروی خیابان دهم این شهرک صنعتی قرار دارد و تولید کننده ورقهای رنگی، کانکس و پالت می باشد.

بر اثر ریزش آوار رخ داد: کشته شدن کارگر ۷۲ ساله و مصدومیت چهار کارگر دیگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 7 شهریور 92 آمده است: روز گذشته بر اثر ریزش آوار ساختمانی در تهران یک کارگر ساختمانی کشته و چهار کارگر دیگر با جراحات شدید به بیمارستان منتقل شدند.

به گزارش ایلنا، این حادثه روز گذشته در منطقه سه راه آذری تهران، خیابان ۱۶ متری امیری، زمانی رخ داد که ۵ کارگر ساختمانی مشغول انجام عملیات عمرانی بودند اما رعایت نشدن اصول ایمنی سبب تخریب ساختمان و محبوس شدن این پنج کارگر در زیرآوار شد. بنا بر این گزارش، با حضور گروه‌های امداد و نجات در محل و پس از خروج کارگران محبوس از زیرآوار، عوامل اورژانس مستقر در محل مرگ یکی کارگر ۷۲ ساله را تایید و چهار مصدوم دیگر را برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل کردند.

پایان پیام

مرگ کارگر جوان بر اثر سقوط از ارتفاع

به گزارش روزنامه خراسان در تاریخ 7 شهریور 92 آمده است: کارگر جوانی در حال کار در مجتمع فولاد نیشابور بر اثر سقوط از ارتفاع به طرز دلخراشی جان خود را از دست داد.

به گزارش روز گذشته پایگاه خبری پلیس، سرپرست انتظامی نیشابور در تشریح این خبر گفت: در بررسی‌ها مشخص شد این کارگر جوان هنگام جوشکاری در ارتفاع به دلایل نامعلومی به پایین سقوط کرده و ثانیه‌هایی پس از سقوط، به علت جراحات وارده در دم جان باخته است.

حادثه‌ی ناشی از کار در مسکن مهر جوانرود قربانی گرفت

به گزارش کُردپا، در تاریخ 7 شهریور 92 آمده است: روز گذشته یک کارگر ۲۰ ساله‌ی کُرد به نام "آرش عزیزی"، فرزند "محمد" به دلیل سقوط از داربست پروژه‌ی ساختمان‌سازی مسکن مهر جوانرود از ناحیه‌ی سر دچار شکستگی شد. وی هم‌اکنون در یکی از مراکز درمانی شهر کرمانشاه تحت مراقبت پزشکی می‌باشد.

همچنین پانزده روز پیش یک کارگر دیگر این پروژه به نام "عزت" در هنگام "آلماتوربندی"، به دلیل سقوط دچار حالت بیهوشی می‌شود که گزارش‌ها حاکی از ادامه‌ی بیهوشی این کارگر و به کما رفتن وی است.

به گفته‌ی افراد مطلع، کلیه‌ی کارگرانی که در پروژه‌ی مسکن مهر مشغول به کار هستند از خدمات بیمه‌ی درمانی محروم هستند و هنگام وقوع این قبیل حوادث باید شخصاً هزینه‌های بیمارستانی را تقبل نمایند.

عضو هیئت رئیسه کانون عالی بازنشستگان کشور: نوبخش پرداخت اجباری حق بیمه مضاعف را متوقف کند / بازگشت تأمین به قانون الزام

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 7 شهریور 92 آمده است: عضو هیئت رئیسه کانون عالی کارگران بازنشسته کشور از مدیرعامل جدید سازمان تأمین اجتماعی خواست با هدایت این سازمان بیمه‌گر به مدار قانون، زمینه حذف بیمه‌های تکمیلی و اجرای قانون «الزام» را فراهم آورد.

«جواد اکبری» در این باره به ایلنا گفت: با توجه به اینکه سرویس‌دهی به بیمه‌شدگان در بیمارستان‌های ملکی سازمان تأمین اجتماعی نتوانسته است رضایت بازنشستگان را جلب کند، به همین دلیل بازنشستگان از ۲ سال پیش با پرداخت حق بیمه‌ای جداگانه به شرکت «بیمه دی»، تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار گرفتند تا بخشی از مشکلات درمانی ناشی از ضعف خدمات تأمین اجتماعی رفع شود.

این فعال جامعه بازنشستگان افزود: بازنشستگان در حالی مجبور به پرداخت مضاعف حق بیمه شده‌اند که بر اساس قانون الزام، تأمین اجتماعی مکلف است تمامی نیازهای درمانی بیمه‌شدگانش را به صورت رایگان برطرف کند.

اکبری با انتقاد از ادامه کوتاهی بیمه تکمیلی دی در انجام تعهداتش، گفت: شرکت بیمه دی به تعهدات قانونی خود در مورد پرداخت هزینه‌های درمانی بازنشستگان تأمین اجتماعی پایبند نیست و ادامه این روند علاوه بر افزایش نارضایتی‌های بازنشستگان در پرداخت هزینه‌های درمانی، مشکلات مالی و دغدغه‌های روحی بسیاری را برای مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی ایجاد کرده است.

به گفته این فعال جامعه کارگران بازنشسته، قرارداد کانون عالی بازنشستگان با بیمه تکمیلی دی ابتدای آبان ماه سال جاری به اتمام می‌رسد و بازنشستگان در تلاش‌اند با استعلام از سایر شرکتهای بیمه‌گر، به نتیجه قاطعی برای حل مشکل بیمه بازنشستگان برسند.

وضعیت جسمی رضا شهبانی نگران کننده است

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در 7 شهریور 92 آمده است: وضعیت جسمی رضا شهبانی که به دلیل رفتارهای ناشایست مسئولین بهداری زندان و عدم درمان قطعی وی در اعتصاب دارو و درمان بسر می‌برد نگران کننده است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، رضا شهبانی از روز یکشنبه ۲۰ مرداد ماه بدلیل برخورد دور از ادب زندان بانان و مسئولین بهداری و عدم درمان قطعی وی و اکتفای بهداری به تنها تجویز داروهای مسکن و نه درمان قطعی، دست به اعتصاب دارو و درمان زده است.

یکی از نزدیکان وی که نخواست نامش فاش شود به گزارشگر هرانا گفت: "رضا شهبانی به دلیل مصرف داروهای مسکن که بهداری تجویز نموده به مشکلات گوارشی و کبد مبتلا شده. این درحالیست که بهداری از اعزام وی به بیمارستان برای درمان قطعی مشکلات کمر و گردن امتناع می‌کند و مدام برای وی داروهای مسکن تجویز می‌کنند."

وی در ادامه گفت: "مسئولین در بهداری رفتار مناسبی ندارند و زندانیان سیاسی را بازرسی بدنی تحقیر آمیز می‌کنند. وی اعلام کرده تا زمانی که به مرکز درمانی در خارج از زندان اعزام نشود و تحت نظر پزشک متخصص قرار نگیرد، دست از اعتصاب دارو و درمان نخواهد کشید." وی در مورد وضعیت جسمی رضا شهبانی به گزارشگر هرانا گفت: "وی نمی‌تواند پای خود را حرکت دهد و کمردرد شدید پایش را بی‌حس نموده. بدلیل مصرف زیاد داروهای مسکن به مشکلات شدید گوارشی و کبد مبتلا شده و همین موضوع روی پوست صورت وی تأثیر گذاشته است."

یادآور می‌شود که این فعال کارگری و عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه بنا بر رای دادگاه تجدید نظر تهران، به تحمل چهار سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم است.

نوشته زیر برای پیامک گیر کارگران فلزکارمکانیک از طرف دوستان فعال فولاد زاگرس رسیده است:

سلام. هیات مدیره زاگرس حاضر نیست تعهد کتبی بدهد تا در اولین فرصت کارگران را بکار دعوت بکند. تا الان بیمه بیکاری کارگران در شورای عالی اشتغال عنوان نشده و اعتباری اتخاذ نشده، همه عوامل در مورد کارگران و کارخانه توسط استانداری راکد و بلوکه شده، اداره کار استان از دادن رای وحشت دارد. چرا که اعتراض کارگران را بهمراه دارد.

کارشکنی در مسیر فعالیت تشکل‌های کارگری ماهشهر

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 شهریور 92 آمده است: نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام از به رسمیت شناخته نشدن تشکل‌های کارگری منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر انتقاد کرد...

«عباس رضایی» در این باره به ایلنا گفت: وجود تشکل‌های کارگری در آیین نامه‌های منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر پیش بینی نشده است که این خلاء قانونی باعث شده نهادهای کارگری منطقه از سوی مقامات دولتی به رسمیت شناخته نشوند.

این فعال کارگری با اشاره به صادر نشدن مجوز فعالیت تشکل‌های کارگری توسط سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر و اداره کار منطقه، به ذکر مثالی در خصوص برخورد مسئولان دولتی با تشکل صنفی متنوع خود پرداخت و گفت: مسئولان منطقه در مذاکرات شفاهی می‌گویند اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام را به رسمیت می‌شناسند اما در پشت پرده گزارش می‌دهند که اتحادیه غیر قانونی است.

رضایی در این باره به نامه رئیس اداره کار منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر به نماینده ماهشهر در مجلس اشاره کرد که در این نامه اتحادیه غیر قانونی خوانده شده بود.

۵ بار تلاش برای ملاقات با رئیس منطقه

نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در ادامه از «علی یزدانی» رئیس سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر به دلیل اختصاص ندادن وقت ملاقات با اعضای هیات مدیره این اتحادیه کارگری انتقاد کرد.

به گفته آقای رضایی، اعضای هیات مدیره اتحادیه بیش از ۵ بار به صورت تلفنی و حضوری برای دیدار با این مقام دولتی تلاش کرده‌اند اما او هر بار به شیوه‌ای از تشکیل جلسه مشترک سر باز زده است.

این فعال صنفی در پایان اظهار داشت: برای اتحادیه محرز شده است که مسئولان منطقه تمایلی به مذاکره با نمایندگان کارگران ندارند.

خبری کوتاه درباره وضعیت کارگران فولادزاگرس

برپایه خبر دریافتی آمده است: نوشته زیر برای پیامک گیر کارگران فلزکارمکانیک از طرف دوستان فعال فولاد زاگرس رسیده است:

سلام. هیات مدیره زاگرس حاضر نیست تعهد کتبی بدهد تا در اولین فرصت کارگران را بکار دعوت بکند. تا الان بیمه بیکاری کارگران در شورای عالی اشتغال عنوان نشده و اعتباری اتخاذ نشده، همه عوامل در مورد کارگران و کارخانه توسط استانداری راکد و بلوکه شده، اداره کار استان از دادن رای وحشت دارد. چرا که اعتراض کارگران را به‌مراه دارد.

۴ هزار کارگر ساختمانی در بروجرد به جمعیت بیکاران می‌پیوندند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ شهریور ۹۲ آمده است: «بیش از ۴ هزار کارگر ساختمانی در بخش‌های مختلف مسکن مهر از جمله پروژه‌های ۶ هزار و ۵۰۰ واحدی شهرک مهرگان در شمال شهر بروجرد مشغول به کارند که تمامی این کارگران با تحویل واحدها در اوایل مهرماه سال جاری، بیکار می‌شوند.» ...

دبیر خانه کارگر بروجرد از بیکاری بیش از ۴ هزار کارگر ساختمانی از ابتدای مهر ماه سال جاری به دلیل اتمام پروژه‌های مسکن مهر خبر داد.

«محمد گودرزی» در این باره به ایلنا گفت: بیش از ۴ هزار کارگر ساختمانی در بخش‌های مختلف مسکن مهر از جمله پروژه‌های ۶ هزار و ۵۰۰ واحدی شهرک مهرگان در شمال شهر بروجرد

مشغول به کارند که تمامی این کارگران با تحویل واحدها در اوایل مهرماه سال جاری، بیکار می‌شوند.

او با بیان اینکه در حال حاضر مسکن یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در تولید شغل است، افزود: این کارگران که با وجود اشتغال از حداقل‌های معیشتی برخوردارند، با اتمام پروژه‌های مسکن مهر

دچار مشکلات بیشتری خواهند شد.

به گفته این فعال کارگری، از مجموع کارگران شاغل در ساخت مسکن مهر بروجرد، فقط ۲۰ درصد از کارگران از خدمات بیمه‌ای تامین اجتماعی بهره‌مند شده‌اند و این در حالیست که این کارگران علاوه بر محرومیت از خدمات درمانی، از خدمات مستمری بیمه بیکاری نیز نمی‌توانند استفاده کنند.

این فعال کارگری در ادامه با اشاره به جمعیت ۳۰ هزار نفری بیکاران جویای کار در شهرستان بروجرد گفت: در صورتی که ساخت پروژه‌های مسکن مهر ادامه پیدا نکند این تعداد کارگر به جمع بیکاران این شهرستان افزوده می‌شوند.

دبیر خانه کارگر بروجرد در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص وعده‌های اشتغال زایی دولتهای نهم و دهم، گفت: تصور جامعه کارگری این شهرستان در زمان قدرت گرفتن احمدی‌نژاد، با توجه به شعارهای ارائه شده این بود که شاهد بهبود امنیت شغلی کارگران شاغل و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای کارگران بیکار باشیم اما آنچه در این هشت سال شاهد بودیم نابودی امنیت شغلی و بیکاری کارگران به تبع تعطیلی کارخانه‌ها و اوج‌گیری مشکلات اقتصادی است

درمهرماه با اتمام مسکن مهر، 4 هزار کارگر ساختمانی در بروجرد به جمعیت بیکاران می‌پیوندند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی از بیکاری بیش از ۴ هزار کارگر ساختمانی در بروجرد از ابتدای مهر ماه سال جاری به دلیل اتمام پروژه‌های مسکن مهر خبر داد.

براساس این گزارش، بیش از ۴ هزار کارگر ساختمانی در بخش‌های مختلف مسکن مهر از جمله پروژه‌های ۶ هزار و ۵۰۰ واحدی شهرک مهرگان در شمال شهر بروجرد مشغول به کارند که تمامی این کارگران با تحویل واحدها در اوایل مهرماه سال جاری، بیکار می‌شوند.

گزارشی تکان دهنده از زندگی پرمشقت کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران

برپایه گزارش خبری تسنیم آمده است: به سه راه افسریه می‌رسم، از جاده امام رضا می‌گذرم و با عبور از پاکدشت، کوره پزخانه‌های خاتون‌آباد را مقابل چشمانم می‌بینم. کوره پزخانه‌های خاتون‌آباد، جایی در حاشیه تهران است که برای ساختن برج‌های بلند تهران آجر می‌سازند. بافت کویری جنوب تهران، منطقه مناسب و مساعدی را برای آجریزی مهیا کرده است از دور که به کوره‌ها نزدیک می‌شوم، از میان دشت‌های بی‌آب و علف، برج‌های کوره خودی نشان می‌دهند. برج‌های آجری که در گذشته برای تامین اکسیژن کوره‌ها استفاده می‌شدند و اینک تنها به کار فیلم‌های پرسوز و گداز و جایزه بگیر می‌آیند.

کوره‌ها اینجا هرکدام اسمی دارند. کوره خوشبین، کوره عاطف، و کوره... در هر کوره 20 الی 30 خانوار زندگی می‌کنند. محل زندگی آنها کوچه ای است به عرض 2متر که از دو طرف این کوچه اتاق‌های 6 تا 12 متری قرار دارد و جلوی درب هر کدام از اتاق، پیت نفت، بند لباس و دمپایی‌های کوچک و بزرگ و رنگارنگ به چشم می‌خورد. هر اتاق خانواری 6 و 7 نفره را در خود

جای می دهد. اغلب ساکنان کوره ها، مهاجران از شهرهای تربت هستند که کم سابقه ترین آنها پسرپچه ای به اسم سجاد بود که تنها 10 سال داشت و 3 سال است که در این محیط خشت جمع می کند.

تمام اعضای خانواده از کودک 5 ساله تا پیرمرد و پیرزن 70 ساله کار می کنند. تابستان ها زیر آفتاب سوزان کویر آجر می پزند و زمستان ها دامداری می کنند. امکانات بهداشتی بسیار محدود است. هر کوره یک دستشویی دارد و هر 2 تا 3 کوره یک حمام. آب حمام را منبعی تامین می کند که روی سقف تعبیه شده و جلبک دور تا دور آن را فرا گرفته است. آب کدروی از آن جاری است. آب آشامیدنی نیز مملو از باکتری هایی است که موجب بروز انواع و اقسام بیماری ها می شوند. دیدن جسم نحیف و چهره زرد در میان این افراد به چشم می خورد. علاوه بر این، وجود قارچ ها و زخم های ناسور در دست تا آرنج، پا و گردن، نگاهم را ناخود آگاه به خود جلب کرد. هر خانوار در ماه درآمد ناچیزی دارند که حاصل کار تمام اعضای خانواده است. در کوره ها برای هر 1000 آجر 27 هزار تومان دستمزد می دهند. صاحب کوره ها که به اصطلاح کارگران ارباب می گویند صاحب خانه ها نیز هست. در این بین کودکان وضعیتی وخیم تر از دیگران دارند. چرا که آن ها در سنین تفریح و کنجکاوی، مشغول لگد کردن خشت هستند و به واسطه جسم نحیف و رنجورشان مستعد پذیرش اقسام بیماری ها. بیماری های جسمی و روحی که هر کدام به نوبه خود برای کودک و خانواده او در دسرهای فراوانی ایجاد می کنند.

اما نکته مهم این است که بسیاری از این کودکان از تحصیل بازمانده اند. این است سرگذشت مردم کوره پزخانه خاتون آباد، وصف حال مردمی که تلاش می کنند تا چرخ روزگار را به نفع خود بچرخانند. این ها حاشیه نشینان تهران بزرگ با برج های سربرافراشته اند که نه از حقوق اولیه انسانی خود نصیب برده اند و نه مفهومی به نام حقوق شهروندی را می شناسند.

*** حکایت تلخ کار کردن در کوره پزخانه های جنوب تهران**

خورشید برای همه یکسان طلوع نمی کند و تفسیر این رویداد طبیعی در جنوب شهر با شمال آن بسیار تفاوت دارد. اکثریت کارگران شاغل در کوره پزخانه ها، کارگران بیکار و مهاجر شهرها و استان های دوردستی چون خراسان و کردستان هستند که هر ساله بسیاری از آنان به دلیل عدم دریافت حقوق، توان پرداخت هزینه بازگشت به شهر و دیار خود را ندارند و حتی از فرستادن فرزندانشان به مدرسه نیز صرف نظر می کنند.

این کارگران به دلیل آنکه کار فرمایان کوره پزخانه ها، عیدی، پاداش، مرخصی، بن کارگری، سنوات کاری، حق اولاد، حق مسکن و یک سوم از حقوقشان را کسر می کنند در شریط سختی به سر می برند. این اجحاف درحالی صورت می گیرد که بسیاری از کارگران به سبب ناآگاهی نمی توانند نسبت به استیفای حقوق خود از طریق مراجع ذیصلاح اقدام کنند و بخشنامه های تامین اجتماعی نیز مشکل آنان را حل نمی کند، زیرا در این واحد از فیش حقوقی و سایر مدارکی که سابقه کار را اثبات کند، خبری نیست.

*** آجر درس زندگی ام است**

محمد که تنها 21 سال سن دارد و از تربت آمده تا در کنار خانواده عمویش زندگی کند و کمک خرجی را برای مادر مریضش بفرستد می گوید: مادرم می گوید آجر درس زندگی ام است. اینجا همه کارگرها از همسایه های خود کوره پزخانه اند و بسیاری از پدرها و مادرها از 30 سال پیش که اینجا راه افتاده در این کوره کار می کنند.

وی درباره وضعیت کارگران این منطقه می گوید: اینجا در هر کوره پزخانه بیش از 30 نفر کار می کنند و بیشترشان هم از بچه ها و زنان این ناحیه اند.

محمد ترجیح می دهد درباره مزدی که می گیرد حرفی نزند اما زن عمویش که 25 سال است به همراه بچه هایش در کوره پزخانه کار می کند در این باره می گوید: اینجا بسیاری از زنان و کودکان ماهانه درآمد کمی دارند و در آخر هر هفته یومیه دریافت می کنند اما مثل یک مرد از صبح تا غروب زحمت می کشند.

به گفته زن عموی محمد هیچ‌کس نمی‌تواند درخواستی برای اضافه شدن حقوق و یا کم شدن ساعت کاری داشته باشد چون با کوچکترین اعتراض به کارفرما اخراج می‌شود. وی البته چیزی به نام بیمه و سنوات و اضافه کاری نمی‌شناسد و به نظر می‌رسد بیشتر کارفرمایان از این عدم آگاهی کارگران به سود خود استفاده می‌کنند. آن سوتر از این خانواده، چند زن در حالی که شلوارهای کردی هیبتی مردانه به آنها داده است بچه هایشان را به پشت بسته‌اند و آماده می‌شوند تا کارشان را شروع کنند. به گفته آنان بیشتر زنان کوره پز خانه‌ها یا شوهرانی از کارافتاده دارند و یا خود سرپرست خانواده‌اند. آنها معتقدند با این حجم و سختی‌کار بسیاری از زنان در تربیت فرزندان خود ناموفق‌اند.

رضا یکی از کارگران با سابقه 15 ساله در یکی از کوره پز خانه حاشیه پاکدشت در خصوص وضعیت کارگران این منطقه می‌گوید: به جرات می‌توان گفت همه کارگران کوره پز خانه به نوعی از سوی کارفرمایان استثمار شده‌اند و در فقر کامل و بدون هیچ‌گونه پشتوانه بیمه‌ای و امنیت شغلی کار می‌کنند. کارفرمایان برای کسب سود بیشتر در بسیاری از موارد با کارگران قراردادهای موقت امضا می‌کنند یا اصلاً قرارداد امضا نمی‌کنند، تا از زیر بار پرداخت حق بیمه، مزایا و سنوات شانه خالی کنند. اینجا تنها عده معدودی دارای سابقه کار و بیمه هستند آنها به این صورت که از هر یک سال کار تنها 3 ماه بیمه برای آنها رد می‌شود و در بازرسی‌های اداره کار آنان را تنها کارگران کوره پزخانه معرفی می‌کنند.

کارگران کوره‌پزخانه‌ها عموماً دو دسته‌اند: کارگران فصلی و دائم و یا به گفته خود کارگران "آجرکشها" و "خشت‌زنها". اوضاع برای کارگران دائم هم بهتر از کارگران فصلی نیست. زیرا به هزار بهانه کارفرما از زیر بار پرداخت حق بیمه فرار می‌کند و آنها تنها در سال یک تا سه ماه بیمه‌اند.

کارگران فصلی کوره‌پزخانه های پاکدشت که از شهرهای مناطق محروم کشور به اینجا مهاجرت کرده‌اند و درآلونکهای شش متری خود کوره پزخانه زندگی می‌کنند در فصلهای سرد سال بار و بندیل خود را جمع می‌کنند و به شهرهای خود بر می‌گردند یا برخی از آنان می‌مانند و به صورت روزمزد به کارهای خدماتی رو می‌آورند.

برای کسانی که از کوره پزخانه‌های جنوب تهران بازدید کرده‌اند دیدن دختران و پسران کوچکی که با دست‌های پینه بسته در کار خشت زدن هستند و یا زنان که با کودکانی بسته به پشت خشت‌های خام و پخته را این سو و آن سو می‌برند منظره‌ای عادی است. به نظر می‌رسد کودکان کوره پزخانه مردها و زنانی هستند که اگر چه از سن و سالشان بیش از یک تا دو دهه سپری نشده اما دردها و تجربه مردان و زنانی دنیا دیده را با خود دارند. آنان با دستهای کوچک خود از گل خشتهایی می‌سازند که رج به رج دیوار و سرپناه می‌شود برای مردمی، که نمی‌دانند این گل پخته را دستهای کوچک با آرزوهای بزرگ ساخته است.

قانون در کوره پزخانه‌ها خاک می‌خورد

بازرسان وزارت کار، با اختیارات ضابط قضایی موظف‌اند که به صورت دوره‌ای یا سرزده در فواصل زمانی کوتاه از واحدهای صنعتی کوچک، متوسط یا بزرگ و کوره‌پزخانه بازدید کنند بدیهی است چنانچه این بازرسان وظایف خود را به درستی انجام دهند، بسیاری از مشکلات به خودی خود حل می‌شود. اما وقتی نظارتی از سوی وزارت کار بر کارفرمایان نباشد، حق و حقوق کارگران به راحتی پایمال می‌شود.

*** 35 سال کار 1 سال حق بیمه!**

احمد جعفری پیر مرد 65 ساله ای است که 35 سال است در این کار مشغول خشت زدن است، به همراه خانواده‌اش از تربیت جام به خاتون آباد آمده و از گل خشتهایی می‌سازند که رج به رج دیوار و سرپناه خانه‌های مردم می‌شود. وی درباره خود می‌گوید: سالهاست در این شغل

مشغول هستم موهایم مانند دندان‌هایم سپید شده اما این شغل هنوزم برایم رضایت بخش نیست.

وی که با نفس نفس زدن در حال صحبت است بیان می‌کند: در این منطقه یک درمانگاه سیار یا مرکز درمانی وجود ندارد اگر شب و نصفه شب مریض شویم باید به خاتون‌آباد یا پاکدشت برویم تا بتوانیم از مریضی نجات بگیریم.

این کارگر کوره پزخانه نظیر دیگر کارگران در قبال درست کردن یک هزار خشت دستمزدی حدود 27 هزار تومان دریافت می‌کند، درحالی که قیمت فروش هر یک هزار خشت 200 هزار تومان است و به قول خودش، ارباب حاضر نیست به ازای هر یک هزار خشت 30 هزار تومان دستمزد بدهد.

وی با بیان این که کار بسیار دشوار است و زنان کارگر مجبور به حمل قالب های خشت شماره هفت هستند که بسیار سنگین است، افزود: حقوق کارگران همیشه به شکل علی الحساب پرداخت می‌شود و زمانی که می‌خواهیم به شهرستان خود برگردیم چکی برای چندماه آینده به ما می‌دهند.

یکی از کارگران با وجود 45 سال سن غبار زود هنگام پیری با غبار خاک آمیخته و بر چهره اش نشسته است، موهای خاک گرفته و سفیدش و دندانهای کرم خورده اش از او هیبتی پیر را به نمایش گذاشته است.

این کارگر در حالیکه پاهایش را در گل فرو کرده، در حال کار کردن می‌گوید که از طرف من بنویسید یکاش وقتی بازرسی کار از کوره پزخانه ها انجام می‌شود سابقه واقعی کار ما را منظور کنند.

این کارگر 30 سال سابقه کار دارد اما سابقه بیمه او کمتر از پنج سال است و این در حالی است که همسرش هم با وجود سالهای طولانی کار در کوره پزخانه، سابقه کاری در سازمان تامین اجتماعی ندارد.

رضا یکی دیگر از کارگران است که به همراه همسرش و خانواده همسرش در کوره پزخانه مشغول فعالیت است با شکایت از اینکه مزدمان با توجه به ساعت کاریمان خیلی کم است می‌گوید: خانمم باردار است اما مجبور است در اینجا کار کند، چون اگر این کار را نکنیم بیکاریم و قدرت تامین زندگی را نداریم.

وی با اشاره به اینکه کارفرمایان برایمان حق بیمه رد نمی‌کنند می‌افزاید: به طور مثال اگر 1 سال کار کنیم برایمان تنها 3 ماه حق بیمه رد می‌شود و بازرسان زمانی که به اینجا می‌آیند اسم را می‌نوشتنند در لیست، ولی وقتی به بیمه مراجعه می‌کنیم برایمان حق بیمه از سوی کارفرما رد نشده است و این درحالیست که از حقوقمان حق بیمه کسر می‌شود.

رضا با بیان اینکه هیچ کس اینجا نمی‌تواند از این آب برای آشامیدن استفاده کند می‌گوید: کارگران به ناچار مجبورند از این آبها استفاده کنند اما شرایط بسیار بد است ولی کارگران چاره ای ندارند.

وی تاکید می‌کند: کارفرمایان به هر خانواده 6 و 7 نفره یک اتاق 6 متری می‌دهند که نه آشپزخانه دارد و نه حمام و دستشویی. 2 حمام و دستشویی در این منطقه وجود دارد که برای همه خانوارها مشترک است که نه گاز دارد و نه ذره ای بهداشت در آن رعایت شده است.

***هزینه تحصیل را نداشتم**

فرزانه که همسر رضا است، سال سوم دانشجوی مدیریت دانشگاه پیام نور یکی از روستاهای مشهد است که با وجود بارداری مشغول جمع آوری خشت است می‌گوید: 22 ساله هستم و 12 سال است که در کوره پزخانه کار می‌کنم اکنون 2 سال است ازدواج کرده ام باز هم به همراه شوهرم کار می‌کنم این ترم به دلیل اینکه پول نداشتم به دانشگاه نرفتم.

وی ادامه می‌دهد: تا کنون برایم حق بیمه ای رد نشده و من با وجود اینکه خودم کار می‌کنم بیمه شوهرم هستم هر چند که برای شوهرم هم بیمه به طور مرتب از سوی کارفرمایان رد نمی‌شود.

قبلعلی حسین زاده که حدود 70 سال سن دارد از کارگران ثابت کوره پزخانه‌ها هست که جز کارگران چرخ کش و کوره چین است با وجود داشتن 42 سال سابقه کار تنها 10 سال از سوی کارفرما برای او حق بیمه رد شده است وی در این باره می‌گوید: از ساعت 3 صبح تا 12 ظهر کار می‌کنیم اما به معنی واقعی حقوق دریافت نمی‌کنیم و همواره حقمان ضایع می‌شود. همه تلاش خود را برای گرفتن پاسخ مسئولان سازمان تامین اجتماعی بکار گرفتیم تا شاید وسیله خیری شویم برای انعکاس این مشکلات و گرفتن پاسخ آنها اما نشد که نشد. امیدمان این است که چشم و گوششان مثل موبایل‌هایشان خاموش نباشد و قصدشان ، تلاش برای حل مشکل این قشر زحمتکش.

هنوز زنگ خسته صدای کودکانی که معصومیت در چشمانشان موج می‌زند در گوشم طنین انداخته: "دوست ندارم بزرگ شدم در کوره آجر پزی کار کنم. دوست ندارم مثل پدر و مادرم زجر بکشم."

هنوز ذهنم مشغول گفته‌های تکان دهنده مادرانی است که ازداستان بدنی آوردن کودکانشان گفتند. آنجا که مجبور بودند حتی تا زمان زایمان سر کار باشند و کودکانشان را نه در تخت بیمارستان و بستر ، که در کوره آجر پزی و هنگام کار به دنیا بیاورند . حتی به دنبال افزایش حقوق هم نبودند و به همین نان بخور و نمیر راضی. اینان فقط بیمه می‌خواستند و اطمینان از دوران بازنشستگی.

مه‌ره امنیتی در راس وزارت کار و دو الزام کلیدی جنبش کارگری در وضعیت کنونی رضا سپیدرودی

برپایه مطلب رسیده آمده است : حضور مه‌ره بدنام امنیتی با سوابق سیاه در شکنجه و کشتار مخالفان حکومت در راس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از سوی دولت "اعتدالی" روحانی، پیام سیاسی روشنی دارد: وقتی بودجه ای در کار نیست، کارخانه‌ها ورشکسته اند، تحریم‌ها نفس اقتصاد کشور را گرفته اند و در همین شرایط قرار است به بهانه مقابله با تورم، با شلاق قیمت‌ها مصرف را مهار کنند؛ با "هدفمند"تر کردن "هدفمندی یارانه‌ها"، یارانه‌های نقدی را به تدریج حذف کنند و همزمان تنه آن چه را که از بخش عمومی و دولتی اقتصاد مانده به بخش خصوصی بدهند، روشن است که باید هم یک مه‌ره کارکشته و جنایتکار امنیتی را بر راس وزارت کار بگمارند که هم راه سربریدن جنبش کارگری با پنبه را بداند، هم این توانایی را داشته باشد که در صورت نیاز کارگران گرسنه و معترض را با بیرحمی هر چه تمام‌تر سرکوب کند، هم در زمینه واگذاری‌های اموال مردم به "بخش خصوصی" دلال معتمدی باشد. ربیعی با سوابق امنیتی اش، با وابستگی اش به خانه کارگر و پیوندهای سنتی اش با خاندان "پدرخوانده" همه این خصوصیت‌ها را دارد. انتخاب ربیعی معنایش این است که دو وعده دولت در زمینه تامین آزادی ایجاد تشکل‌های صنفی کارگری و منطبق کردن دستمزد کارگران با نرخ تورم مثل سایر وعده‌هایش توخالی بوده است. این واقعیت که ربیعی در اولین اقدام خود، صندوق سازمان تامین اجتماعی را از چنگ باند مرتضوی بیرون کشید و دوباره زیر کنترل خانه کارگر درآورد و بلافاصله نفوذ این جریان نزدیک به هاشمی رفسنجانی را بر مالیه تامین اجتماعی ارتقا داد به خوبی اولویت‌های آنها را نشان می‌دهد. ربیعی حالا که هنوز یک ماه هم از وزارتش نگذشته است، حتی حاضر نیست همان حق ناچیز مسکن و بن کارگری را که دولت قبل مصوب کرده بود ابلاغ کند و در حاشیه "مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی" گفته است که "ابلاغ حق مسکن و بن کارگری از سوی هیات دولت نیازمند زمان" است. اما در حالی که وعده

های دولت در میان کارگران و زحمتکشان بسرعت رنگ می بازد، در فضای عمومی سیاسی کشور امکان تحمیل موجودیت تشکل های مستقل کارگری به دولت و حاکمیت وجود دارد.

نخست به این دلیل که شرایط واقعی زندگی کارگران و زحمتکشان، و فقر و فلاکتی که گریبان اکثریت جامعه را گرفته، جای بیشتری برای تحمل خاموش ریاضت کشی های جدید باقی نگذاشته است و دولت نتولیرال روحانی به سادگی و بدون انتظار واکنش های غیر قابل پیش بینی نمی تواند به بهانه مبارزه با تورم دستبردهای جدیدی را به سطح معیشت و زیست کارگران سازمان دهد. همین حالا هم شاهدیم که اعتراضات کارگری به تدریج افزایش می یابند. این در حالی است که دولت از هم اکنون حذف یارانه ها و جایگزین کردن آن با پرداخت جنسی و کوپن را اعلام کرده است. یعنی برای سازماندهی تجاوزات جدید مترصد شرایط مناسب است.

دوم به این دلیل که دولت روحانی برای بیرون کشیدن نظام جمهوری اسلامی از بحران همه جانبه ای که بویژه سیاست های هشت ساله خامنه ای در دوران احمدی نژاد به جای گذاشته، و بیرون کشیدن رژیم از ورطه فروپاشی ناچار است، برای کاهش یا رفع تحریم ها با غرب، و بویژه آمریکا بر سر برنامه هسته ای معامله کند، و امتیاز بدهد. البته هنوز معلوم نیست که حد و مرز عقب نشینی رژیم چه خواهد بود. و معلوم نیست که جناح های هیات حاکمه آمریکا و فشار لابی اسرائیل عملا چه میزان پیشروی را طلب کنند. و باز روشن نیست که آنها تا چه حد پیشروی و امتیازگیری خود را بمثابة تخته پرشی برای اعمال فشار بیشتر و کسب امتیازات بیشتر از جمهوری اسلامی بکار خواهند گرفت، ولی روشن است که عقب نشینی در برابر غرب، امکان سرکوب نفس گیر در داخل را، علیرغم میل حکومت تا حدودی، و لاقول در برخی زمینه ها، برای دوره ای معین، دشوارتر خواهد کرد. یک نمونه از تاثیرات سیاست خارجی بر داخلی، درخواست مجدد احمد شهید نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای سفر به ایران و تهیه گزارش از وضعیت حقوق بشر است. در چنین فضایی شتاب دادن به فعالیت ها و تلاش ها برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در همه سطوح، بی واسطه ترین پاسخ به الزامات وضعیت است. اکنون می توان از سطح حمایت های مقطعی و ناپایدار از فعالین کارگری زندانی فراتر رفت و اعتراضات کارگری و بویژه اعتراضاتی که جنبه تقریبا مستمر یافته است را نیز به نمادهایی از همبستگی کارگری و اعتراض به سیاست های حاکمیت تبدیل کرد.

سوختن 4 کارگر (2 زن و 2 مرد) در شهر گلستان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 8 شهریور 92 آمده است: شب گذشته در جریان حادثه آتش سوزی یک واحد کارگاهی تولیدی کفش در شهر گلستان شهرک الهیه، به دلیل تاخیر بیش از اندازه نیروهای آتش نشانی، متاسفانه در فاصله 50 متری ایستگاه آتش نشانی، چهار کارگردر آتش سوختند.

برپایه این گزارش، این حادثه زمانی رخ داد که تعدادی از کارکنان این واحد کارگاهی مشغول فعالیت بودند که در یک لحظه خود را در محاصره کامل آتش می بینند و تعدادی از شهروندان در حین تردد از مقابل این واحد تولید متوجه این حادثه می شوند و سریعا با عوامل آتش نشانی تماس می گیرند ولی تاخیر بیش از حد آتش نشانی که در فاصله 50 متری محل وقوع آتش سوزی واقع شده بود منجر به کشته شدن چهار نفر از کارکنان این واحد تولیدی می شود که متاسفانه دو تن از کشته شدگان این حادثه خانم بودند.

یکی از شاهدین عینی این حادثه گفت: باید مسئولان بهارستانی بویژه عوامل سازمان آتش نشانی با این سرعت عمل دست مریضا گفت که در فاصله 50 متری خود نتوانستند از مهار یک حادثه آتش سوزی جلوگیری کنند.

وی ادامه داد: کوتاهی عوامل آتش نشانی گلستان منجر به کشته شدن چهار نفر کارگر بیگناه شد، باید به اتهام قتل عمد محاکمه شوند تا درس عبرت به افرادی بشود که نسبت به مشکلات شهروندان بی اعتنا هستند.

یکی دیگر از شهروندان ساکن الهیه با انتقاد از مسئولان امر اظهار داشت: در اثر بی توجهی آتش نشانی گلستان، چهار شهروند در فاصله 50 متری ایستگاه مرکزی کشته شدند ولی جالبتر آنکه نیروها بلد نبودند کپسول اکسیژن راه بیندازند.

یکی دیگر از معترضین در مقابل سازمان آتش نشانی گلستان با انتقاد شدید از برخی عوامل استخدامی که الفبای شغل سازمانی خود را نمی دانند نیز گفت: متأسفانه امروز سازمان آتش نشانی بجای پرداختن به مهارت‌های تخصصی خویش به محل برگزاری متینگ‌های خاص تبدیل شده است.

ذاکر حسینی افزود: اگر مدیران این سازمان که به نظرم با مفهوم محرومیت مردم ناآشنا هستند و یکروز هم خانواده خودشان در این منطقه محروم زندگی می کردند چنین بی توجه به جان و مال مردم نمی شدند و باید به حال مردم این منطقه گریست که چنین افرادی در این شهرداری و آتش نشانی به شعور مردم فهیم منطقه اینچنین توهین می کند.

بعد از این حادثه و کشته شدن 4 نفر از شهروندان بیگناه که در یک واحد کارگاهی مشغول فعالیت بودند، تعدادی از شهروندان مقصر اصلی این امر را کوتاهی و تامل بیش از حد عوامل آتش نشانی شهرداری گلستان می دانند و با تجمع اعتراض آمیز خود در مقابل این سازمان خواستاری برکناری فوری رئیس سازمان و ماموران خاطی شدند ولی ظاهراً از سوی این سازمان اقدامی صورت نگرفته است.

کسر مالیات غیر قانونی از حقوق صدها کارگر فضای سبز سنندج

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است: شرکت پیمانکاری امید جوان که صدها کارگر فضای سبز و دیگر ارگانهای شهرداری سنندج تحت پوشش آن مشغول بکار هستند در سه ماهه اول امسال بطور غیر قانونی اقدام به کسر مبلغ 50 الی 60 هزار تومان از حقوق ماهیانه کارگران تحت عنوان مالیات بر مشاغل کرده بود که با اعتراض کارگران مواجه شد و در نتیجه این اعتراض که در استانداری کردستان صورت گرفت شرکت مزبور بناچار از اول تابستان این مبلغ را به ده هزار تومان کاهش داد.

این در حالی است که دریافتی ماهیانه آنان اغلب این کارگران حدود 600 هزار تومان است و مشمول مالیات بر مشاغل نمیشود.

بنا بر اظهار کارگران فضای سبز شهر سنندج علیرغم اینکه پیمانکار مزبور ناچار شد در نتیجه اعتراضات کارگران، کسر مبلغ 50 - 60 هزار تومان از حقوق ماهیانه آنان را تحت عنوان مالیات بر مشاغل به ده هزار تومان کاهش دهد اما هیچ ارگان مسئولی نسبت به کسر غیر قانونی ده هزار تومان از حقوق کارگران به عنوان مالیات بر درآمد پاسخگوی آنان نیست.

این کارگران همچنین خواهان عودت 50 - 60 هزار تومانی که در سه ماهه اول سال از حقوق شان تحت عنوان مالیات بر مشاغل کسر شده است می باشند اما در این زمینه نیز نهادهای مسئول در شهر سنندج پاسخگوی خواست آنان نیستند.

داوودرضوی: صف‌های هر روزه بازنشستگان برای دریافت مطالبات از بیمه دی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است: یک کارگر بازنشسته تهرانی گفت: بسیاری از بازنشستگانی که در ازای پرداخت ماهانه حق بیمه قرار بوده است که از خدمات بیمه تکمیلی دی استفاده کنند، هنوز موفق به دریافت هزینه‌های درمانی خود نشده‌اند.

داوود رضوی با اشاره به سرگردانی روزانه صدها کارگر بازنشسته در ساختمان‌های اسناد پزشکی بیمه دی واقع در میرداماد و پارک هنرمندان، گفت: به نظر می‌رسد مسئولان بیمه دی قصد دارند تا با معطل کردن بیمه‌شدگان بازنشسته برای خود زمان بخرند.

این فعال صنفی کارگری افزود: در حال حاضر بازنشستگان بیمه شده مجبورند برای وصول مطالبات خود از ساعات ۵ تا ۷ بامداد در صف نوبت دهی شرکت بیمه دی واقع در پارک هنرمندان حضور داشته باشند و این درحالی است که این بازنشستگان از مناطق دوری چون کرج، ورامین، مازند، اسلامشهر و شهریار عازم می‌شوند.

وی با توهین آمیز خواندن این نحوه برخورد مسئولان شرکت بیمه دی با کارگران بازنشسته گفت: شرکت بیمه دی به عنوان بدهکار باید از تمام نیرو و توانایی خود برای پاسخگویی به مراجعان استفاده کند و نباید با بازنشستگان مانند بدهکار رفتار کند.

به گفته رضوی، شرکت بیمه دی طی قراردادی با کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی مکلف شده بود تا در ازای دریافت حق بیمه ماهانه به کارگران بازنشسته‌ای که از خدمات درمانی مراکز و بیمارستان‌های خصوصی استفاده می‌کنند، بخشی از هزینه درمان را پرداخت کند.

وی افزود: تعلل شرکت بیمه دی از پرداخت هزینه درمان به کارگران بازنشسته در حالی ادامه دارد که در فاصله یکسال گذشته از یکسو روز به روز بر حجم تعهدات این شرکت افزوده شده است و از سوی دیگر به دلیل نوسانات اقتصادی از ارزش مطالبات بیمه شدگان کاسته شده است.

وی با انتقاد از اینکه مسئولان کانون بازنشستگان تامین اجتماعی بطور بدون جلب نظر بازنشستگان با شرکت بیمه دی برای ارائه خدمات بیمه تکمیلی درمانی قرارداد بسته‌اند گفت: در حال حاضر روزانه انبوهی از بازنشستگان برای دریافت هزینه درمانی خود به واحد اسناد پزشکی شرکت بیمه دی مراجعه می‌کنند.

رضوی بایان اینکه پس از نوسانات ارزی سال گذشته که به افزایش هزینه خدمات درمانی منجر شد، شرکت بیمه دی از پرداخت هزینه درمانی به کارگران بازنشسته خودداری کرد و به همین دلیل امروز تعداد زیادی از بیمه شدگان بازنشسته برای وصول طلب خود به این شرکت مراجعه می‌کنند.

وی افزود: با وجود آنکه شرکت بیمه دی طبق قرارداد منعقد شده موظف است تا بخشی از هزینه درمانی پرداخت شده توسط کارگر بازنشسته را پرداخت کند، اما در عمل مسئولان این شرکت با امروز و فردا کردن سعی دارند تا از انجام تعهدات خود شانه خالی کنند.

اخراج ۵۰ کارگر غرب استیل در بازگشت از تعطیلات تابستانی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ ۹ شهریور ۹۲ آمده است: طی گزارشی از اخراج ۵۰ کارگر قرار دادی کارخانه غرب استیل پس از بازگشت از تعطیلات تابستانی خبر داد. برپایه این گزارش، سابقه کار کارگران اخراجی ۷ تا ۱۰ سال است. با توجه به اینکه هنوز از زمان قرارداد سایر کارگران باقی مانده است، ۴۵۰ کارگر با سابقه این کارخانه نیز نگرانند که با پایان مدت قرارداد، کارفرما قصد تمدید قرارداد آنان را نداشته باشد و بیکار شوند.

گفتنی است، کارخانه غرب استیل از سال ۱۳۶۱ با تولید ظروف استیل فعالیت خود را آغاز کرد و از سال ۱۳۷۵ با پیوستن به جرگه تولیدکنندگان قطعات بدنه خودرو از جمله پژو پارس، ۴۰۵، ROA و L۹۰، در کنار گروه صنعتی ایران خودرو، سایکو، رنوپارس، پارس خودرو، سایپا، سازه گستر و زامیاد فعالیت می‌کند.

تاخیر پرداخت حقوق کارکنان اداره راه و شهرسازی خوزستان

بر پایه خبرکوتاه دریافتی آمده است : با سلام امروز نهم شهریور است و هنوز حقوق مرداد ماه کارکنان راه و شهرسازی خوزستان پرداخت نشده است.

جوانان گلوگاه برای لقمه‌ای نان بر فراز دکل‌ها جان می‌دهند

برپایه خبر نوشته شده در تهران امروز در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است : شاید برای بسیاری از مردم ایران شغل دکل‌بندی شناخته شده نباشد ولی در شهرهای شمالی به‌ویژه در مازندران این کار تنها شغل ممکن برای جوانان است. شغلی که بسیار پرمخاطره و بدون امنیت است و علاوه بر نداشتن درآمد مناسب احتمال پرداخت نشدن دستمزد از طرف پیمانکاران هم بسیار زیاد است. همچنین هیچ نهادی از این قشر کم درآمد حمایت نمی‌کند. گلوگاه شرقی‌ترین منطقه استان مازندران با چند هزار جمعیت است. در چند سال اخیر تعداد کشته شدگان این شغل پر خطر فقط در شهر کوچک گلوگاه به بیش از 130 نفر رسید. البته آمار مجروحان و از کار افتادگان در این شغل بیش از این است. مهم‌ترین مسئله شاغلان این حرفه نداشتن بیمه و خدمات اجتماعی است تا بعد از خانه‌نشینی لااقل مخارج درمان و زندگی خود را تامین کنند. سال‌هاست که هر از گاهی می‌شنویم که این اسکلت فلزی جان جوان دیگری را گرفت. شاید تعداد جانباختگان و مجروحان این حرفه قابل شمارش باشد ولی هرگز زندگی‌هایی که به دلیل نقص عضو کارگران دکل‌بندی دچار تزلزل و آسیب شده است قابل محاسبه نیست. به نظر می‌رسد که هیچ چیز نمی‌تواند این مشکلات و مسائل را عوض کند. چند سالی است که شرکت توزیع برق و توانیر سعی کردند که بتوانند ذره‌ای از درد خانواده‌های داغدار را کم کنند ولی این طرح هنوز هم به نتیجه نرسیده است. حتی فیلم جدیدی که به تازگی از زندگی دکل‌بندان در شهرستان گلوگاه ساخته شد هم نتوانست عمق این مشکلات و این حرفه را به تصویر بکشد. اکثر دانش‌آموزان این منطقه نخستین نقاشی خود را با کشیدن دکل آغاز می‌کنند گویی که عشق به این اسکلت فلزی در ناخودآگاه همه بچه‌های این شهر مثل عشق به پرواز، عشق به وطن و عشق به مادر وجود دارد. اینجا، ساخت ماکت دکل با تکه‌های فلز، سرگرمی همه دکل‌بندان در وقت بیکاری است که در بیشتر خانه‌های این منطقه آویزان است و همیشگی برای خانواده‌هایی که عزیزی را به واسطه این دکل‌ها از دست داده‌اند. از این رو هرگز مشقت این شغل پر خطر و سختی آن از ذهن خانواده‌ها محو نخواهد شد. حال باید پرسید چرا این مسائل وجود دارد؟ چرا باید جوانان این شهر به دلیل مسائل اقتصادی و نداشتن درآمد به این حرفه روی بیاورند؟ بسیار قابل تأمل است وقتی در بین این کارگران فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها دیده می‌شوند یا دانشجویانی که وقت استراحت و تعطیلات برای تامین هزینه دانشگاه به دکل‌بندی می‌روند. پاسخ این سوال‌ها را باید مسئولان استان بدهند. و البته سوالی دیگر هم هست، اینکه چرا برای این شغل افرادی حرفه‌ای تربیت نمی‌شوند که با حرفه‌ای شدن، هم کمتر خطر آنها را تهدید کند و هم اشتغالزایی شده باشد.

شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۲ برابر با ۲۱ اگوست ۲۰۱۳

► **نگاهی تحلیلی به فراسوی رویدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی از دریچه کارگری**

رویدادهای کارگری از مریم امانی، یادداشت کارگری به قلم رضا سپیدرودی

گفتگوی امیر جواهری با مصطفی مدحت نیا

برنامه از مریم امانی، امیر جواهری و جلال نادری

پیرامون کولبران در کردستان و در منطقه مرکزی نوسود و دشواری‌های این نیروی اجتماعی در مناطق مرزی نوسود، مریوان، سردشت، قصر دشت و درگیری بین کولبران و کاسبکاران با مداخله نیروهای انتظامی و تیراندازی و کشته شدن فرزند مصطفی مدحت نیا در این میان

📌 **فایل صوتی با فورمات ام پی 3**

در ساوه؛ ۷۰ کارگر پارلو از اردیبهشت ماه حقوق نگرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است: تعداد ۷۰ نفر از کارگران کارخانه پارلو ساوه در چهار ماه گذشته دستمزدی دریافت نکرده‌اند.

یکی از کارگران کارخانه پارلو با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: چهار ماه از معوقات حقوقی ۷۰ کارگر کارخانه پارلو به دلیل تشدید بحرانهای مالی پرداخت نشده است. این کارگر تعداد همکارانش را در سال گذشته ۲۱۰ نفر اعلام کرد و افزود: این تعداد کارگر به سبب افزایش مشکلات مالی کارخانه با سوابق یک تا ۷ سال از سوی کارفرما به مرور تعدیل شده و در حال حاضر ۷۰ کارگر در این کارخانه کار می‌کنند. او در تشریح مشکلات کارخانه نقدینگی را مهم‌ترین عامل بحران این واحد تولیدی ذکر کرد و افزود: مشکلات نقدینگی که به علت منع واردات مواد اولیه تولید ایجاد شده، باعث شده است این واحد تولیدی نتواند به منابع مالی لازم جهت پرداخت حقوق کارگران خود دسترسی داشته باشد. این کارگر در خاتمه گفت: با توجه به اینکه قرار است کارفرما برای جبران نقدینگی و رونق تولید، قرارداد جدیدی را با یکی از موسسات امضاء کند امیدواریم زمینه بازگشت به کار ۳۰ الی ۴۰ نفر از کارگران بیکار شده، فراهم شود.

پرداخت حقوق معوقه منوط به دریافت بدهی‌های دولتی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است: در این باره مدیر عامل کارخانه پارلو ضمن تایید خبر تاخیر در پرداخت حقوق کارگران، پرداخت نشدن مطالبات کارخانه از سوی شرکتها و نهادهای دولتی همانند شرکت ملی حفاری، نوسازی مدارس، صنایع دفاع، هلال احمر و سازمان‌های توسعه مدارس را عامل تاخیر در پرداخت حقوق کارگران این واحد تولیدی دانست.

«امیر بور بور» در گفتگو با ایلنا افزود: متأسفانه تعداد زیادی از ارگانهای دولتی و یا وابسته به دولت به بهانه کمبود منابع حتی در پرداخت بدهی‌های مربوط به یکسال گذشته خود نیز کوتاهی می‌کنند.

به گفته این کارفرما، تبعات ناشی از بحرانهای اقتصادی چند سال اخیر مشکلات این کارخانه و کارگران را پیچیده‌تر کرده است بطوری که این واحد در شرایط امروز که تولید ۹۰ درصد ارز بری دارد به سختی توانسته است اشتغال ۷۰ کارگر خود را حفظ کند. او در خاتمه با اشاره به افزایش ۳۰ درصدی قیمت مواد اولیه تولید اظهار داشت: منع واردات مواد اولیه تولید نیز از عمده‌ترین مشکلاتی است که باعث شد این واحد تولیدی نتواند به منابع مالی لازم جهت پرداخت حقوق کارگران دسترسی داشته باشد.

گفتنی است کارخانه پارلو واقع در شهر صنعتی کاوه وابسته به بخش خصوصی، تولید کننده انواع ورقهای رنگی، آلومینیوم، گالوانیزه، خانه‌های پیش ساخته و... است.

پایان پیام

سقوط مرگبار کارگر ساختمانی در ستارخان

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است: سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از سقوط مرگبار یک کارگر ساختمانی از ارتفاع 25 متری در عصر دیروز در خیابان ستارخان، خیابان سازمان آب، خبر داد. سید جلال ملکی، با بیان اینکه محل حادثه یک ساختمان پنج طبقه در حال ساخت بود، اظهار کرد: آتش‌نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند یک کارگر در طبقه پنجم این ساختمان مشغول جوش کاری بوده که ناگهان از این طبقه به طبقه همکف سقوط کرده است. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران ارتفاع سقوط این کارگر را 25 متر عنوان کرد و گفت: آتش‌نشانان با تجهیزات مخصوص، این کارگر را خارج و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند که آنان پس از بررسی علائم حیاتی، مرگ وی را تایید و اعلام کردند. ملکی، مشخصات این کارگر را ایرانی و 30 ساله اعلام کرد.

رئیس انجمن صنفی اسکلت سازان تهران انتقاد کرد: کارشکنی شعبه ۵ تامین اجتماعی در بیمه جوشکاران ساختمانی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی جوشکاران و اسکلت سازان تهران از اقدام غیر قانونی شعبه ۵ تامین اجتماعی که کارگران دارای کارت مهارت جوشکار عمومی را تحت پوشش بیمه قرار نمی‌دهند انتقاد کرد.

«مراد حسین مرادی» در این باره به ایلنا گفت: زمانی که کارگران ساختمانی برای بیمه به شعبه ۵ تامین اجتماعی مراجعه می‌کنند به آن‌ها گفته می‌شود افرادی که کارت مهارت جوشکار عمومی دارند مشمول بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی قرار نمی‌گیرند. وی ادامه داد: این شعبه تامین اجتماعی به کارگران ساختمانی گفته است کارگر اسکلت ساز با جوشکار عمومی تفاوت دارد و جوشکار عمومی شغلی ساختمانی نیست.

این فعال صنفی تصریح کرد: تمام افرادی که در کارهای ساختمانی مشغول به کارند اعم از اسکلت ساز، اسکلت کار، جوشکار و... بر اساس قانون باید مشمول بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی قرار گیرند.

به گفته آقای مرادی، وقتی فردی برای دریافت کارت مهارت اقدام کرده است شغلش به ساختمان مربوط بوده و کارگر ساختمانی است. وی در ادامه بیان کرد: تامین اجتماعی برای تشخیص کارگر بودن این افراد می‌تواند بازرسی تعیین کند یا از انجمن صنفی کمک بخواهد، نه اینکه بدون اطلاع قبلی اعلام کند دارندگان کارت مهارت جوشکار عمومی بیمه نمی‌شوند.

رئیس انجمن صنفی جوشکاران و اسکلت سازان تهران در پایان با بیان اینکه ۹۰ درصد افرادی که کارت مهارت جوشکار عمومی دارند کارگر ساختمانی هستند اظهار داشت: تامین اجتماعی می‌خواهد با دو دسته کردن کارگران به دو رشته جوشکاری و اسکلت سازی از بیمه کردن این قشر زحمتکش شانه خالی کند.

پایان پیام

کسب یک موفقیت مهم توسط کارگران فولاد زاگرس

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کردستان

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ دهم شهریور 92 آمده است: بدنبال گذشت بیش از 20 روز از برگزاری جلسه رسیدگی به شکایت کارگران فولاد زاگرس در هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه و تاخیر در صدور رای از سوی هیات مزبور، صبح امروز بیش از یکصد نفر از این کارگران با عزیمت به شهر سنندج دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کل وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کردستان زدند و خواهان صدور رای هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه در مورد شکایت خود شدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع همزمان با برگزاری یک جلسه خبری با شرکت خبرنگاران رسانه های استانی در دفتر مدیر کل بود.

بنا بر این گزارش، کارگران فولاد زاگرس با مشاهده این وضعیت و علیرغم ممانعت از ورودشان به محل جلسه، در اقدامی اعتراضی با ورود به جلسه خبری مدیر کل، معترضان خواهان صدور رای نسبت به شکایت خود در هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه شدند. بدنبال این وضعیت مدیر کل و مدیر روابط کار اداره کل وزارت کار در استان کردستان، طی نشستی با کارگران در حضور خبرنگاران به آنان وعده دادند روز سه شنبه هفته جاری رای بازگشت بکار 235 کارگر اخراجی فولاد زاگرس و استیفای 5 ماه دستمزد معوقه آنان از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه صادر خواهد شد.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از این جلسه، مدیر روابط کار اداره کل کار استان کردستان با نماینده های کارگران نشستی دیگری برگزار کرد که تا لحظه مخابره این خبر (12/40 ظهر)، جلسه مزبور همچنان ادامه دارد و چنانچه مسائل دیگری با کارگران فولاد زاگرس مطرح بشود متعاقباً از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر خواهد شد. کارگران فولاد زاگرس بطور متحدانه و قاطعانه ای اعلام کرده اند چنانچه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه اقدام به صدور رای غیر قانونی در مورد شکایت شان بکند دامنه اعتراضات خود را بار دیگر به تهران خواهند کشاند و تا رسیدن به حقوق قانونی خود از پای نخواهند نشست. اتحادیه آزاد کارگران ایران - دهم شهریور ماه 1392

مدیرعامل تعاونی نخود پزان ممقان طرح کرد: نخودپزان ممقان از بیمه تامین اجتماعی محروماند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: مدیرعامل شرکت تعاونی نخود پزان ممقان با اشاره به اشتغال یک هزار و ۳۰۰ خانوار در رابطه با نخودپزی در این شهر، از محرومیت کارگران این حرفه سنتی از حمایت های اجتماعی از جمله بیمه تامین اجتماعی انتقاد کرد. به گزارش ایلنا، «حامد موجی» در جلسه شورای معاونین اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی اظهار داشت: با توجه به آنکه کارگاه های نخودپزی در داخل منازل مسکونی واقع شده و به نوعی یک صنعت سنتی خانگی محسوب می شوند، از برخی امکانات اولیه از جمله بیمه تامین اجتماعی محروم مانده اند.

موجی افزود: فعالیت این واحدهای خانگی به صورت کارگاه های خود اشتغالی و متمرکز است که پیش بینی می شود با ایجاد شهرک نخودپزان شاهد ارتقای کیفیت فرآوری و بسته بندی و برآورده کردن نیاز مشتریان با سلاقی متفاوت در رابطه با این محصول در بازارهای داخلی و خارجی باشیم.

وی خاطرنشان کرد: در حال حاضر فرآوری نخود در جهان فقط در دو کشور آسیای ایران و ترکیه انجام می پذیرد و در کشور فرآوری محصول نخود به صورت اختصاصی در بخش ممقان از توابع شهرستان آذرشهر انجام پذیرفته و این بخش به تنهایی، ۴۰ درصد از کل محصول نخود سفید

تولیدی کشور را تبدیل به نخودچی می‌کند. موجی با اشاره به سخت و زیان آور بودن شغل نخودپزی و بروز بیماری‌های ریوی و قلبی ناشی از استنشام دود حاصل از پخت نخود سفید و حمل گونی‌های سنگین نخود، برخورداری صنعتگران از مزایای بیمه تامین اجتماعی را خواستار شد و گفت: برای آنکه نخودپزان بتوانند به راحتی و بدون دغدغه از آینده به شغل خود ادامه دهند نیازمند حمایت‌های بیمه‌ای هستند؛ اگر این حمایت‌ها صورت گیرد جوانان از صنعت پدری خود دور نشده و شاهد افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ نخواهیم بود.

پایان پیام

نامه سرگشاده به وزیرکار آقای ربیعی

برپایه خبر رسیده از فعالین سندیکای فلز کار میکانیک و هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات آمده است: با انتخاب شما به عنوان وزیرکار و امور اجتماعی و کسی که عضو شورای مرکزی خانه کارگر و همچنین عضو هیات مدیره شرکت های تولیدی و مدرس دانشگاه و نویسنده کتابهایی در زمینه ی جامعه شناسی و مدیریت بحران و دارای دکترای تخصصی مدیریت استراتژیک، لازم دانستیم مواردی را با شما طرح و خواسته هایی را مطرح کنیم:

1- شما از اصول قانون اساسی بخوبی آگاهید و به عنوان وزیرکاری باید بخش حقوق ملت در قانون اساسی که مربوط به زحمتکشان است را اجرایی کنید. به نظر ما برای بهبود روابط کار و کارگری اجرایی شدن بند 7 و 12 از اصل سوم و اصول 20، 19، 26، 27، 29، 31، 43 در اولویت کار شما قرار دارد. از نظر ما مشکلات اقتصادی ناشی از عدول از قانون اساسی بخصوص رعایت نکردن اصل 44 قانون اساسی می باشد. حاکم کردن بخش خصوصی و نادیده گرفتن بخش های دولتی و تعاونی که می بایست بخش خصوصی مکمل این 2 بخش باشد، بزرگترین انحراف از این اصل است. شما بخوبی آگاهید آن گروه از بخش خصوصی که اعتقاد به تولید ندارد، برای ضربه زدن به اقتصاد صنعتی چگونه با بهانه های تحریم، بهسازی واحدهای تولیدی، عدم فروش محصولاتش چگونه کارخانه ها را تعطیل می کند. ایران خودرو، سایپا، کیان تاپر، صنایع فلزی، و در آخرین نمونه فولاد زاگرس قروه مشتی نمونه خروار هستند.

2- شما عضو شورای مرکزی خانه کارگر و خانه کارگر عضو فدراسیون سندیکاهای جهانی WFTU می باشد. پس سندیکاهارامی شناسید، به عملکرد آنها واقفید و منشور این فدراسیون را قبول نموده اید که عضو فدراسیون سندیکاهای جهانی شده اید. منشور این فدراسیون کارگری در بند اولش می گوید: «کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند، به سندیکاهای موجود بپیوندند، بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند» و به درستی اصل 26 قانون اساسی نیز می گوید: «...هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» پس باید به عنوان وزیرکاری متعهد به قانون اساسی، اصل 26 را اجرایی و همچنین به عنوان عضوی از فدراسیون سندیکاهای جهانی علیه محدودیت فعالیت های سندیکایی اقدام کرده و به تعامل با سندیکاهای کارگری روی آورده و نسبت به محدودیت ها و فشارها علیه فعالین سندیکایی اعتراض کنید.

3- در سند برنامه چهارم توسعه ماده 101، اجرای مقابله نامه های 98 و 87 سازمان جهانی کار، مبنی بر آزادی فعالیت و حمایت از حقوق سندیکا های کارگری و حق مذاکرات دست جمعی، پیش بینی شده بود. آقای خالقی وزیرکار وقت، در سازمان بین المللی کار تعهد به اجرای این مقابله نامه ها کرده بودند که متاسفانه تاکنون عقب افتاده است. ما خواستار اجرایی شدن این مقابله نامه هاستیم. مقابله نامه 98 که مبنی بر مذاکرات دست جمعی کارگران با کارفرما

در رابطه با حقوق کاراست در زمان حکومت پهلوی طی مبارزات کارگران اجرایی شده بود. با اجرایی شدن آن می توان شرکت های دلالی و پیمانکاری را ، که به حق از طرف کارگران برده داری نوین نام گذاری شده است ، را از عرصه کار حذف کرد.

4- با نقض اصل 44 قانون اساسی و حاکم کردن تفکر خصوصی سازی در اقتصاد و قبول دستورات صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و اجرایی کردن این دستورات در روابط کارگری، منجر به حذف کارگاه های زیر 10 نفر از شمولیت قانون کار گردید. در تاریخ اجرای آن 1377/12/10 بیش از سه میلیون نفر کارگر از قوانین حمایتی قانون کار محروم شدند. بخش نامه آزمایشی سال 77 امروزه بصوت قانونی که نقض کننده حقوق کار و قانون اساسی است، علیه کارگران بکارگرفته شده است. این قانون بزرگترین و استراتژیک ترین مناطق تولیدی کشوری یعنی پارس جنوبی و کلیه مناطق آزاد تجاری را از شمولیت قانون کار محروم کرده است. این بخش نامه اصول 19 و 20 و 29 قانون اساسی را نقض کرده، بزرگترین مشکل کارگران برای دریافت حقوق قانونی، داشتن حق تامین اجتماعی، و بی دفاع ماندن در برابر احفای های کارفرمایان است، که باید لغو شود .

5- با غیرفعال شدن بازرسی های وزارت کار از کارگاه ها و کارخانه ها، حوادث شغلی بیداد می کند. طبق آمار پزشکی قانونی ، روزی 4/5 نفر کارگر در روز گذشته می شوند. با فعال کردن بازرسی های ایمنی کار و سرکشی به موقع به کارگاه ها، از کشتار کارگران جلوگیری کنید.

6- تصویب و طرح هر قانونی که به سرنوشت میلیونها کارگر و خانواده هایشان بستگی دارد، نباید از مجرای تشکل متبوع شما و کارفرمایان بگذرد. وزیرکاری باید حق همه تشکلهای در مورد هرگونه بازبینی در مورد روابط کار و کارگری را با شفافیت و نظرخواهی از کارگران اجرایی نماید. به همین دلیل قراردادهای موقت و سفیدامضا، پیش نویس اصلاحیه قانون کار، اساسنامه و پیش نویس اصلاحیه سازمان تامین اجتماعی از نظر همه کارگران مردود است و باید با نظرخواهی کارگران و تشکل های کارگری غیروابسته به دولت بررسی و رایه شود.

7- تامین اجتماعی سازمانی متعلق به کارگران و غیر دولتی است، که از دسترنج آنان شکل گرفته است و می باید در هیات مدیره آن اعضای تشکل های کارگری عضو بوده و از حقوق خود دفاع نمایند و از هرگونه ریخت و پاش و بدل و بخشش های بیهوده و حقوق و پاداش های افسانه ای به هیات مدیره ها جلوگیری کنند. زحمتکشان ایران این توانایی را دارند که با تنظیم برنامه ای به نفع خود این مجموعه را از ورشکستگی نجات داده و از اموال خود به خوبی نگهداری کنند. بخشی از اموال ما کارخانه هایی است که با مدیریت غلط به تعطیلی کشانده شده اند. دستان توانای ما می تواند این واحدهای تولیدی را راه اندازی و برادران کارگرس را از بیکاری را نجات دهد .

8- شما با نوشتن کتابهایی در زمینه جامعه شناسی و مدیریت بحران و بخصوص داشتن دکترا در مدیریت استراتژیک، باید دانسته باشید که این مردم هستند که می توانند با اراده خود از بحران ها عبور کرده و مدیریت همگانی را اجرایی کنند. تکیه کردن به خواست های مردم و اعتماد به تشکل های مردمی که سندیکاها همواره پیشگام این عرصه بوده اند، می تواند ضمن فعال کردن و بالا بردن ظرفیت های تولیدی واحدهای بحران زده ، واحدهای تولیدی را به عرصه ی بیکاری علیه بیکاری ، رکود، بحران و تحریم بدل کنند و دست ولگردان اقتصادی را از صنعت و تولید کوتاه نمایند.

9- در پیشینه شما تخصص امنیتی نیز ذکر شده است. آیا گرانی تهدیدی برای امنیت ملی نیست؟ پایین بودن سطح رفاه و معیشت مردم چه؟ ارتش بیکاران تضمین امنیت ملی است؟ آیا پس از سالها تجربه در این عرصه، امنیت ملی جز در گرو اعتماد به مردم ، بالا بردن سطح رفاه و معیشت مردم و سپردن کارها به تشکلهای کارگری و مردمی نیست؟ آیا نمی توان گرانی را توسط

تعاونی های کارگر (امکان)، اتحادیه تعاونی فرهنگیان، فروشگاههای زنجیره ای نیروهای مسلح (اتکا) مهار کرد؟ شاید در تاکتیک بتوان بطور لحظه ای به سرمایه داری و سرمایه داران تکیه کرد، اما در نهایت (استراتژیک) این مردم هستند که در این سرزمین امنیت ملی را پاس داشته اند و تامین می کنند. امنیت ملی یعنی مهار گرانی که توسط قمار بازان اقتصادی دامن زده می شود. امنیت ملی یعنی اجرای خواسته های برحق زحمتکشانشان از جمله بالابردن سطح معیشت و رفاه و دستمزد مزدبگیران. حفظ امنیت ملی یعنی توزیع ثروت ملی و رساندن آن به صاحبان اصلی اش که تولید کنندگان آن یعنی زحمتکشانشان اند.

10- سفره های خالی ما و کاهش خدمات پزشکی، نان و سلامتی فرزندان و خانواده امان را در معرض تهدید سودجویان قرار داده است. قماربازان اقتصادی با تکیه بر واردات و تحریم به گرسنگی دادن به ما مبادرت ورزیده اند. با توجه به اظهار نظر شما در مورد تورم 60 درصدی در مواد غذایی، با تجدید نظر در حداقل دستمزدها و افزایش آن مطابق ماده 41 قانون کار و بند 1 از اصل 43 قانون اساسی و ارزیابی درست از تورم واقعا موجود، دستمزدها را به مقدار تامین هزینه یک خانواده 4 نفره با مشورت تشکل های کارگری، نه کسانی که ماشینی امضایی در شورای عالی دستمزد هستند، تعیین کنید .

این خواست انسانی، قانونی و غیرقابل گذشت زحمتکشانشان است!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

1392/6/10

تجمع جمعی از مربیان پیش دبستانی و معلمان شرکتی در اعتراض به عدم اجرای قانون استخدامی مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری مجلس، در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: جمعی از مربیان پیش دبستانی و معلمان شرکتی سراسر کشور، صبح امروز در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل مجلس تجمع کردند. برپایه این گزارش، تجمع کنندگان که خود را نماینده همکارانشان در سراسر کشور خواندند، خواستار تعیین تکلیف خود و انجام مباحث مربوط به استخدامشان شده و از عدم همکاری وزارت آموزش و پرورش در این زمینه گلایه داشتند. یکی از تجمع کنندگان در این رابطه گفت: 4 سال پیش آقای حاجی بابایی (وزیر سابق) به دلیل مربیان پیش دبستانی و معلمان شرکتی را از آموزش و پرورش اخراج کرد. وی افزود: با توجه به اصلاح قانون درباره تعیین تکلیف مربیان پیش دبستانی و معلمان شرکتی در دو سال گذشته، انتظار داریم نسبت به استخداممان اقدام جدی صورت گیرد. این معترض به آموزش و پرورش متذکر شد: مدتی پیش با برگزاری یک آزمون صوری بحث مربوط به استخدام ما را مختومه کردند در حالی که اکنون پس از 4 سال بیکاری انتظار داریم به دلیل تجربه و تخصص نسبت به استخداممان اقدام شود.

کاهش نیمی از درآمدهای ایران از صادرات نفت

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: یک مقام آمریکایی می گوید که در نتیجه تحریمهایی که دسترسی ایران به نهادهای مالی

بین‌المللی را محدود می‌کند، تقریباً نیمی از درآمدهای ماهانه ایران از صادرات نفتی‌اش در حساب‌های خارج از کشور باقی مانده‌اند.

به گزارش «ایسنا»، خبرگزاری آسوشیندپرس با اعلام این خبر افزود: این ارزیابی‌ها که توسط یک مقام آمریکایی ارائه شد و پیش از آن هرگز افشا نشده بود نشان می‌دهد که تحریم‌های جدید که از ماه فوریه اعمال شد در حال افزایش فشار اقتصادی به ایران و دشوارتر کردن دسترسی به میلیاردها دلار درآمد نفتی است.

این مقام آمریکایی به خاطر حساسیت سیاست تحریم‌های آمریکا علیه ایران خواست نامش فاش نشود.

آمریکا امیدوار است اعمال فشار به ایران تهران را به مصالحه در زمینه برنامه هسته‌پی‌اش وا دارد، حال آن که ایران بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌پی‌اش تاکید دارد و حاضر به کنار گذاشتن آن نیست.

دولت آمریکا تخمین زده است که حدود ۵/۱ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران هر ماه در حساب‌های خارجی محدود شده جمع می‌شوند و در نیمه اول سال میلادی جاری میانگین درآمدهای نفت خام ایران ماهانه ۴/۳ میلیارد دلار بود. این یعنی ایران قادر نیست حدود ۴۴ درصد درآمد صادرات نفتی‌اش را خرج کند یا به میهن بازگرداند.

این مقام آمریکایی علاوه بر آن گفت که درآمدهای نفتی ایران از اواخر سال ۲۰۱۱ به دلیل تحریم‌ها ۵۸ درصد کاهش داشته است. میانگین درآمدهای نفتی در نیمه اول سال ۲۰۱۱ ماهانه ۸ میلیارد دلار بود و بعد در نیمه اول سال ۲۰۱۲ به ماهانه ۳/۶ میلیارد دلار و در نیمه اول سال ۲۰۱۳ به ماهانه ۴/۲ میلیارد دلار رسید.

ایران در پایان سال ۲۰۱۱ در حال صادرات حدود ۵/۲ میلیون بشکه در روز بود و در حال حاضر صادرات آن به یک میلیون بشکه در روز رسیده است.

میانگین قیمت هر بشکه نفت در اوایل سال میلادی جاری حدود ۱۰۷ دلار بود، ولی در روزهای اخیر به دلیل افزایش تنش‌ها در سوریه قیمت نفت نیز افزایش یافته است.

عدم پرداخت کامل حقوق عقب افتاده ماه‌های تیر و مرداد بازنشستگان ذوب‌آهن- واریز مطالبات ۲۰۰ میلیاردی بازنشستگان صحت ندارد

به گزارش خبرگزاری ایمننا، در تاریخ ۱۰ شهریور ۹۲ آمده است: ابراهیم دستمزد تعداد کل بازنشستگان ذوب‌آهن در سطح کشور را ۸۳ هزار نفر برشمرد و اظهار داشت: از این تعداد ۴۰ هزار نفر در استان اصفهان سکونت دارند. وی با بیان اینکه واریز علی‌الحساب مبلغ ۶۰۰ هزار تومان برای هر بازنشسته ذوب‌آهن در اصفهان برای حقوق عقب افتاده ماه‌های تیر و مرداد ماه است، افزود: کل وجه واریزی توسط مدیرعامل صندوق فولاد کشور برای بازنشستگان ۲۴ میلیارد تومان بوده است. مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان تاکید کرد: مقرر شده بود امروز و فردا مابقی حقوق تیر و مرداد ماه بازنشستگان که در مجموع ۲۰۰ میلیارد تومان است و فقط ۲۴ میلیارد آن تاکنون پرداخت شده بپردازند که تا این لحظه وجهی واریز نشده است. وی تنها مشکل بازنشستگان را عدم امضای و ابلاغ مصوبه انتقال سهام ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی به صندوق فولاد کشور بیان کرد و گفت: در نامه‌ای تمام مشکلات بازنشستگان ذوب‌آهن

را به جهانگیری معاون اول رییس جمهور منعکس کردیم و همچنان در انتظار امضای این سهام توسط جهانگیری هستیم.

دستمزد در ادامه اظهار کرد: با امضا و ابلاغ این مصوبه به دستور معاون اول رییس جمهور تمام سهام و اموال مصوب شده به نام صندوق فولاد کشور می‌شود و صندوق می‌تواند با اخذ سود شرکت‌ها حقوق و مطالبات بازنشستگان ذوب‌آهن را به راحتی پرداخت کند. دستمزد با اشاره به خبرهای مبنی بر واریز مطالبات ۳۰۰ میلیاردی سال ۱۳۸۸ بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان، متذکر شد: این خبرها به هیچ عنوان صحت ندارد و تا این لحظه ریالی از بابت مطالبات برای بازنشستگان پرداخت نشده است.

مرکز آمار ایران: افزایش تورم در مردادماه به 35/1 درصد

به گزارش مرکز آمار ایران بتاريخ 10 شهریور 92 آمده است: شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در مرداد ماه سال 1392 بر اساس پایه جدید (سال 1390)، منتشر کرد.

1- شاخص کل (بر مبنای 1390 = 100) در مرداد ماه سال 1392 عدد 168/1 را نشان می‌دهد که نسبت به ماه قبل 1/8 درصد افزایش داشته است. افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) 38/4 درصد می‌باشد. درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به مرداد ماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 35/1 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به تیر ماه 1392 (33/9) افزایش یافته است.

2- شاخص گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در این ماه به رقم 210/4 رسید که نسبت به ماه قبل 2/1 درصد افزایش نشان می‌دهد.

شاخص گروه اصلی «خوراکی‌ها» در ماه مورد بررسی به عدد 208/1 رسید که نسبت به ماه قبل 2/1 درصد افزایش نشان می‌دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی‌ها» نسبت به ماه مشابه سال قبل 8/50 درصد افزایش نشان می‌دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه 51/7 درصد است. شاخص گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» نسبت به ماه مشابه سال قبل 52/7 درصد افزایش نشان می‌دهد و درصد تغییرات این گروه در دوازده ماه منتهی به مرداد ماه 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 53/3 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به تیر ماه 1392، (52/7) افزایش یافته است.

3- شاخص گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» در مرداد ماه 92 به رقم 153/7 رسید که 1/7 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می‌دهد.

میزان افزایش شاخص گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» نسبت به ماه مشابه سال قبل 32/6 درصد بوده است و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به مرداد ماه سال 1392 نسبت به دوره مشابه سال قبل این گروه 28/3 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به تیر ماه 1392، (27/1) افزایش یافته است.

لینک گزارش کامل:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/reports/g_tavarom_92-5.pdf

جان باختن کودکان کار در حادثه آتش سوزی 7 شهریور کارگاه تولید کفش شهرک الهیه

به گزارش خبر مندرج از جام جم، در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: در پی آتش سوزی در یک کارگاه تولید کفش در شهرستان بهارستان در غرب استان تهران، سه کارگر نوجوان کشته شدند و دو نفر دیگر نجات یافتند.

براساس این گزارش، سرهنگ داوود عبدالمالکی، فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان در این باره گفت: بعد از ظهر پنجشنبه هفتم شهریور مردی با سامانه 125 آتش نشانی و مرکز فوریت

های پلیسی 110 شهرستان بهارستان تماس گرفت و از آتش سوزی در شهرک الهیه، 18 متری الغدیر خبر داد و برای نجات افرادی که در آتش گرفتار شده بودند، کمک خواست. وی افزود: در پی این تماس، ماموران کلانتری 19 همراه چند گروه از آتش نشان های این شهرستان به محل حادثه اعزام و متوجه شدند یک کارگاه تولید کفش که در زیرزمین یک ساختمان مسکونی قرار داشته، آتش گرفته و پنج کارگر گرفتار شده اند.

مرگ 3 نوجوان

فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان یادآور شد: آتش نشان ها در یک عملیات نفسگیر، آتش را خاموش و دو پسر نوجوان را زنده از میان شعله های آتش خارج کردند، اما دو دختر نوجوان و یک پسر نوجوان در این حادثه جانشان را از دست دادند.

وی یادآور شد: با تشکیل پرونده ای در این رابطه و گزارش موضوع به بازپرس رجیبی، کشیک ویژه قتل دادسرای گلستان، اجساد سه قربانی حادثه به نام های مریم (شانزده ساله)، الهه (هجده ساله) و حسین (پانزده ساله) به پزشکی قانونی و دو مصدوم حادثه به نام های محمد (شانزده ساله) و عباس (نوزده ساله) به بیمارستان منتقل شدند.

وی خاطرنشان کرد: در پی مرگ این سه کارگر نوجوان، کارفرمای آنها با دستور قضایی بازداشت و به پلیس آگاهی شهرستان بهارستان منتقل شد. کارشناسان آتش نشانی در حال بررسی علت وقوع این حائثه دلخراش هستند و بزودی نظر خود را درباره علت اصلی این حادثه و مقصران آن اعلام خواهند کرد.

بنا بر این گزارش، وضع عمومی دو مصدوم حادثه رضایت بخش اعلام شده است.

دبیر خانه کارگر سمنان خبر داد:

تیر خلاص به قطعه سازان با واگذاری ۴۰ درصد سهام ایران خودرو سمنان به چین

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: دبیر خانه کارگر سمنان از واگذاری ۴۰ درصد از سهام کارخانه ایران خودرو سمنان به یک شرکت چینی خبر داد.

«حبیب الله محقق» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: این کارخانه قرار بود با مشارکت سرمایه گذاران و تولید کنندگان داخلی به بهره برداری برسد، اما فروش ۴۰ درصد از سهام کارخانه ایران خودرو سمنان به یک شرکت چینی، تولیدکنندگان داخلی به خصوص کارگران قطعه سازی های خودرو که با ورود انبوه قطعات چینی در شرایط دشواری به سر می برند را ناامید کرده است.

محقق افزود: این واگذاری در حالی صورت گرفته است که تعداد زیادی از تولید کنندگان قطعات خودرو کشور بخصوص در استان سمنان به سبب کاهش سفارش فروش قطعات خودرو از سوی شرکتهای بزرگ خودرو ساز، تعطیل یا نیمه تعطیل شده اند.

این فعال کارگری ادامه داد: در ابتدا قرار بود برای تامین قطعات محصولات این کارخانه، تعدادی از تولیدی کنندگان قطعات خودرو در شاهرود، سمنان، دامغان و گرمسار مشارکت داشته باشند اما با فروش ۴۰ درصد از سهام این کارخانه تازه تاسیس به نظر می رسد بحران واحدهای تولید قطعات خودرو در این شهرستانها ادامه داشته باشد.

دولت می تواند در مقابل این واگذاری مقاومت کند؟

«علیرضا خسروی» نماینده مردم سمنان و مهدیشهر در مجلس شورای اسلامی با تایید ضمنی انجام مراحل اولیه این واگذاری، به ایلنا گفت: کارخانه ایران خودرو ۳۰ شرکت زیرمجموعه اش از جمله کارخانه ایران خودروی سمنان را به منظور کشف قیمت به مزایده گذاشته است.

وی بایان اینکه عملیات ساخت کارخانه ایران خودروی سمنان از سال ۹۰ در سه فاز آغاز شده است، گفت: در حال حاضر عملیات ساخت فاز اول این واحد تولیدی تمام شده و پروژه ساخت فازهای دوم و سوم که به ساخت بدنه و زنگ آمیزی خودرو مربوط می‌شود همچنان ادامه دارد. این نماینده مجلس شورای اسلامی بایان اینکه هدف از برگزاری مزایده به منظور کشف قیمت، ارزیابی و برآورد دارایی‌ها و اموال کارخانه برای فروش و جلب سرمایه گذار است، گفت: در مورد کارخانه ایران خودروی سمنان تنها می‌دانم که چند شرکت چینی آمادگی خود را برای شرکت در مزایده اعلام کرده‌اند و از نتیجه مزایده اطلاعی ندارم. وی در عین حال از واکنش دولت در خصوص واگذاری سهام کارخانه ایران خودروی سمنان به سرمایه گذاران چینی ابراز بی‌اطلاعی کرد.

گفتنی است این واحد تولید خودرو که احداث ساختمان آن در سال ۹۰ آغاز شده بود، در حال حاضر با تکمیل خطوط مونتاژ آماده جذب هزار کارگر است. همچنین ایلنا روز گذشته از تعدیل ۵۰ کارگر یک کارخانه تولید قطعات خودرو واقع در استان سمنان، هنگام بازگشت از تعطیلات تابستانی خبر داده بود.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران شرکت پناه ساز در عسلویه فاز 14 پارس جنوبی را به تعطیلی کشاند

به گزارش مندرج در سپاس، در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: صبح روزیکشنبه 10 شهریور، 110 نفر از کارگران شرکت پیمانکاری پناه ساز، از شرکت های پیمانکارانی فاز 14 منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی در مقابل درب اصلی ورودی این فاز اقدام به تجمع و بستن درب اصلی نمودند.

این کارگران که از پرداخت نشدن 4 ماهه حقوق خودبه شدت گلایه مند بودندمانع ورود و خروج به این فاز شدند و چندین ساعت رفت و آمد این شرکت را مختل کردند. پس از ادامه یافتن این تجمع مسئولان در محل حاضر شدند و با کارگران معترض به مذاکره پرداختند تا آنها را از ادامه این تجمع منصرف کنند. کارگران که به شدت از رفتار مسئولان شرکت در عدم پرداخت حقوق معوقه خود ناراحت بودند راضی به ترک محل نبودند و اظهار می کردند که وعده های زیادی داده شده اما هیچ عملی مشاهده نشده است.

براساس این گزارش، در این میان با نظر شورای تامین شهرستان نیروی انتظامی، برای کنترل این تجمع در محل حاضر شد.

این تجمع بعد از چهار ساعت با مداخله مسئولان و دادن وعده هایی برای پرداخت حقوق های معوقه آنان با آرامش به پایان رسید و کارگران برای ادامه کار خود به طرف محل فعالیت های خود هدایت شدند.

بر اساس اظهارات یکی از این کارگران معترض؛ این شرکت سابقه عدم پرداخت منظم حقوق کارگران را دارد و بارها حقوق کارگران خود را به شکل بسیار نامنظمی پرداخت کرده و حق کارگران این شرکت تضییع شده است.

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 10 شهریور 92 آمده است: بنا بر اطلاع کارگران فولاد زاگرس، هیأت مدیره حاضر به دادن تعهد کتبی برای بازگشت کارگران به کار، در اولین

فرصت، نیست. تاکنون مسأله بیمه بیکاری کارگران در شورای عالی اشتغال عنوان نشده است و اعتباری برای این مسأله تعیین نگردیده است. همه منابع در مورد کارگران و کارخانه توسط استانداری راکد و بلوکه شده است و اداره کار استان، در ترس از اعتراض کارگران از دادن رأی خودداری کرده است. به دنبال این مسایل، صبح امروز بیش از ۱۵۰ کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان کردستان به دریافت مطالباتشان، در مقابل ساختمان این نهاد دولتی تجمع کردند. به گزارش «ایلنا»، نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس درباره تجمع امروز گفت: بعد از آنکه از مجموع ۲۸۵ کارگرشاغل در این کارخانه، ۲۲۵ کارگر به سبب افزایش مشکلات مالی در این واحد تولیدی با سوابق ۱۰ تا ۲۳ سال اخراج شدند، نمایندگان آنها اعتراضات متعددی را در مقابل نهادهای دولتی استان و همچنین تهران برگزار کردند اما هنوز به نتیجه روشنی در خصوص زمان دریافت مطالبات خود نرسیده‌اند.

این کارگر با انتقاد از پاسخگو نبودن مسئولان استانی، افزود: بعد از آنکه تجمع صنفی کارگران فولاد زاگرس در تهران با وعده برخی مسئولان و نمایندگان مجلس در ۲۶ تیر ماه ناتمام ماند این کارگران پس از بازگشت، تصمیم گرفتند با طرح شکایت به اداره کار حکم بازگشت بکار خود را دریافت کنند. این کارگر اضافه کرد: بعد از شکایت جمعی کارگران در اداره کار شهرستان قروه، در جلسه هیئت تشخیص مقرر شد موضوع شکایت جمعی کارگران فولاد زاگرس از مورخه پنجم مرداد ماه از سوی اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان کردستان پی گیری شود.

او گفت: با ارجاع پرونده شکایت جمعی کارگران فولاد زاگرس به اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی، متاسفانه این نهاد دولتی پس از گذشت ۳۵ روز به دلایل نامعلومی به پرونده این تعداد کارگر رسیدگی نمی کند.

نماینده کارگران در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه این کارگران از ابتدای سال جاری (چهار ماه) حقوق نگرفته‌اند افزود: هفته گذشته کارفرما بخشی از حقوق فروردین ماه سال ۹۲ را به صورت علی‌الحساب به کارگران پرداخت کرد اما همچنان حقوق اردیبهشت، خرداد، تیر و مردادماه کارگران پرداخت نشده است.

گفتنی است با وعده اعلام احکام کارگران تا سه شنبه هفته جاری از جانب مسئولان اداره کار، این تجمع ظهر امروز خاتمه یافت.

گزارشی از مشکلات مسکن گروهی از رانندگان شرکت واحد (داود رضوی)

برپایه مندرج ذیل فیس بوک آمده است: پیرو موج اعتراضی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در رابطه با مشکلات معیشتی، دستمزد و مسکن کارگران، بموجب بند ج بیست و نهمین نشست ستاد ساماندهی مسکن شهرداری تهران مورخ 87/07/22 مقرر گردید، مبلغ 75 میلیارد تومان حاصل از فروش زمینهای شرکت واحد در منطقه شمال میدان رسالت به شهرداری منطقه چهار را جهت تسهیلات بلاعوض مسکن، به کارگران شرکت واحد پرداخت نمایند. که حدود سه هزار نفر از کارگران حائز شرایط از این تسهیلات محروم ماندند. و طی طوماری به مدیریت شرکت واحد، خواستار دریافت این تسهیلات شده اند. ولیکن متاسفانه مدیریت شرکت واحد با عدم پاسخ گویی مناسب به کارگران، دستور عدم ثبت طومار مذکور را در دبیرخانه شرکت واحد صادر کرده و این فعل غیر قانونی مدیریت شرکت واحد باعث نارضایتی عمومی کارگران مذکور شده است. اما کارگران با مراجعات جمعی و فردی کماکان خواستار دریافت این تسهیلات هستند. یادآور می شود دیگر کارگران شرکت واحد با وجود پرداخت مبالغ کلان به تعاونی مسکن شرکت واحد، سالهاست در انتظار تحویل گرفتن مسکن خود در پروژه های سهیل، سپیدار 2 و 3 و پرند

هستند. و کارگرانی که مسکن خود را تحویل گرفته اند مشکلات زیادی در رابطه با آب و برق و سند مالکیت دارند.

یک فعال صنفی کارگران بازنشسته طرح کرد: ضرورت بازبینی مفاد قرارداد بیمه تکمیلی دی / معطلی ۶ ماهه برای دریافت ۴۰ هزار تومان

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: عضو هیات مدیره کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شهرستان تهران گفت: شرکت بیمه دی از نظر قانونی و اخلاقی به تعهدات خود در مورد ارائه خدمات بیمه تکمیلی به کارگران بازنشسته خود داری می‌کند.

«علیرضا فرهادی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به نظر می‌رسد مدیران شرکت بیمه دی قصد دارند با اتلاف وقت و «سر دواندن» بیمه شدگانی که از طریق کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی از خدمات بیمه تکمیلی درمانی این شرکت استفاده می‌کنند از انجام تعهدات قانونی شانه خالی کنند.

وی با یادآوری اینکه در حال حاضر کارگران بازنشسته و از کارافتاده بسیاری هر روز برای دریافت مطالبات هزینه درمان خود در ساختمان‌های شرکت بیمه دی واقع در خیابان میرداماد و پارک هنرمندان سرگردان‌اند، گفت: هر روز صدها زن و مرد بازنشسته و سالخورده از اطراف تهران برای دریافت هزینه درمان به بیمه دی مراجعه می‌کنند اما مسئولان این شرکت در اقدامی غیر قانونی و غیر اخلاقی آن‌ها را سرگردان می‌کنند تا بلکه از این طریق مراجعان از پیگیری مطالبات خود چشم پوشی کنند.

این فعال صنفی جامعه بازنشستگان با یادآوری اینکه قرارداد ارائه خدمات بیمه تکمیلی درمانی دی بدون بررسی شرایط حقوق و تعهدات طرفین قرارداد میان طرفین امضا شده است، گفت: از جمله مفاد فراموش شده قرارداد این بود که چنانچه فرد بیمه شده تا سقف ۱۰۰ هزار تومان هزینه کرد بتواند در ظرف مدت ۲۴ ساعت مطالبات خود را از شرکت بیمه دریافت کند. وی افزود: این درحالی است که تعدادی از بیمه شدگان برای دریافت مبلغ ۴۰ هزار تومان هزینه درمان از حدود ۶ ماه پیش سرگردان‌اند و تاکنون بابت رفت و آمد میان ساختمان‌های بیمه دی مبلغ قابل توجهی را پرداخت کرده‌اند.

فرهادی همچنین از ناعادلانه بودن مفاد قرارداد بیمه تکمیلی خدمات درمانی شرکت بیمه دی انتقاد کرد و گفت: به موجب این قرارداد شرکت بیمه دی در خصوص بیماری‌هایی که شایع بازنشستگان است هیچ تعهدی را نپذیرفته است. وی افزود: به عنوان مثال نیاز به عینک و خرابی دندان شایع‌ترین گرفتاری بیمه شدگان بازنشسته است اما شرکت بیمه دی در این خصوص هیچ خدماتی را به بیمه شدگان ارائه نمی‌دهد. به گفته فرهادی از آنجا که این قرارداد در بی‌اطلاعی کامل کارگران بازنشسته و نمایندگان آن‌ها امضا شده است، باید یک وکیل و پزشک متعهد و متعمد مفاد این بیمه نامه را ارزیابی کنند تا حقی از بیمه شدگان ضایع نشود، زیرا در غیر این صورت هیچ تضمینی وجود ندارد که با افزایش حق بیمه این نابسامانی‌ها متوقف شوند.

عضو هیات مدیره کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیر شهرستان تهران بایان اینکه چنانچه سازمان تامین اجتماعی مانند گذشته به تعهدات خود در زمینه ارائه خدمات درمانی رایگان عمل می‌کرد کارگران بازنشسته و از کار افتاده هیچگاه برای استفاده از خدمات بیمه تکمیلی اقدام نمی‌کردند، گفت: از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی توقع داریم تا به وعده خود مبنی بر بازگرداندن اعتبار دفترچه‌های بیمه عمل کند زیرا در دوران بازنشستگی نیازهای درمانی افراد افزایش می‌یابد.

خبری کوتاه درباره کارگران فولاد زاگرس قروه

برپایه خبر دریافتی از روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک آمده است: از پیامک زیراز طرف کارگران فولاد زاگرس قروه به پیامک گیر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک فرستاده شده است:

«روز سه شنبه 12 مرداد رای اداره کل کار و تعاون امور اجتماعی صادر می شود. تا زمان تغییر ساختار و کاربری کارخانه بازگشت به کار کارگران میسر است و می توانند سرکار برگردند. کارگران فولاد زاگرس کارخانه ذوب آهن کردستان.»

با توجه به پیام بالا، کارفرمای این کارخانه با تغییر کاربری استان کردستان راز یک واحد تولیدی بسیار مهم محروم خواهد کرد. کارگران و مردم این شهر باید از تغییر کاربری ممانعت به عمل آورده و خواستار راه اندازی این واحد تولیدی به کمک سایر کارخانه های ایرانی شوند. بی تردید قطعات مورد نیاز این کارخانه در ذوب آهن اصفهان، فولاد اهواز، یافت می شود و یا توسط کارگران ماهر ایرانی قابل ساخت است.

جان باختن دو کارگر مهاجر ایرانی در عراق

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 10 شهریور 92 آمده است: به گزارش رسیده روز جمعه مورخ 92/6/8 دو کارگر مهاجر ایرانی که در سد دوکان از شهرهای عراق مشغول به کار بودند بر اثر حادثه در محل کار به درون سد سقوط کرده و متأسفانه جان خود را از دست دادند. این دو کارگر جوشکار، به نامهای امجد توریوریان اهل روستای توریور و فرید جعفری اهل کرمانشاه بودند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن عرض تسلیت به خانواده و دوستان امجد توریوریان و فرید جعفری، عدم رعایت استانداردهای ایمنی توسط کارفرمایان در محیطهای کار را دلیل اینگونه حوادث ناگوار می داند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

بدون شرح

محبوب در نطق میان دستور عنوان کرد:

اعتراض به توقف قانون بیمه بیکاری/ دستمزد را طبق تورم ۹۱ افزایش دهید

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 شهریور 92 آمده است: عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، با اشاره به توقف قانون بیمه بیکاری در گذرگاههای پر پیچ و خم، گفت: دولت روحانی اجرای این قانون را عملیاتی کند.

به گزارش ایلنا، علیرضا محبوب، رئیس فراکسیون کارگری مجلس در نطق میان دستور خود، ضمن تسلیت شهادت امام جعفر صادق و اعلام همدردی با کارگران و مردم سوریه به واسطه تهدیدات خارجی، گفت: در اصل ۲۹ قانون اساسی حق برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی و حوادث مورد تأکید قرار گرفته است.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در مجلس افزود: اگر چه در حال حاضر قانون بیکاری برای افراد بدون شغل وجود دارد، اما مراد قانون اساسی بیمه بیکاری برای همه بوده است چرا که تأکید بر همگانی بودن این قانون در اصل ۲۹ قانون اساسی وجود دارد که متأسفانه

تا به امروز با وجود اینکه مجلس هفتم این قانون را به تصویب رساند اما هنوز از مجمع تشخیص مصلحت نظام بازنگشته است .

وی تصریح کرد: بازار کار در حال دگرگونی بوده و بیش از نیمی از بیکاران ما را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، لذا ابزارهای موجود دیگر تکافوی چنین وضعی را نخواهد داد .

محجوب عنوان کرد: در قانون پنجم توسعه، قانون الزامات اصل ۴۴، قانون نظام جامع تأمین اجتماعی و قانون هدفمندی یارانه‌ها تأکید بر اجرایی کردن بیمه بیکاری برای تمامی اقشار جامعه شده اما هنوز شاهد قانونی جامع در این مورد نبوده‌ایم .

دبیر کل خانه گارگر افزود: قانون بیمه بیکاری هنوز نتوانسته است از گذرگاه‌های قانونی عبور کند، از این رو از دولت یازدهم انتظار می‌رود این قانون را عملیاتی کند، چرا که بیمه بیکاری مهم‌ترین اقدام برای ساماندهی کار و نیروی انسانی محسوب می‌شود .

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، با بیان اینکه امروز ۳ میلیون نفر در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل‌اند، گفت: بسیاری از دانشجویان امروز کشور تا سال ۹۴ وارد بازار کار می‌شوند که با توجه به معضلات فعلی این بازار باید شاهد افزایش فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار در کشور باشیم .

محجوب با تذکر به سازمان تأمین اجتماعی در خصوص اجرای ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع که از الزامات اصل ۴۴ قانون اساسی است، تصریح کرد: سازمان تأمین اجتماعی باید در خصوص بازنشستگان کارگری که ۲۵ سال سابقه داشته و همچنین در مورد قانون بازنشستگی پیش از موعد برای مشاغل سخت و زیان آور تدابیر جدید و خاصی اتخاذ کند .

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، خاطرنشان کرد: از دولت یازدهم انتظار داریم موضوع تصویب حداقل حقوق کارگران طبق تورم اعلامی سال ۹۱ طبق ماده ۴۱ قانون کار را عملیاتی و اجرایی کند.

پایان پیام

اختلاف دستمزد کارگران با تورم رکورد زد

برپایه خبر انعکاس یافته از خبرگزاری دولتی مهر در 11 شهریور 92 آمده است : با وجود افزایش 25 درصدی حداقل مزد امسال مشمولان قانون کار، ادامه روند افزایش نرخ تورم در ماه‌های اخیر باعث شده تا فاصله بین دریافتی کارگران و افزایش قیمت‌ها به بالاترین حد ممکن برسد و رکورد بزند. در 5 ماه اول سال جاری، فاصله نرخ تورم با دستمزد تعیین شده به 20 درصد رسیده که در سال‌های گذشته وقوع چنین شکافی بی سابقه است.

هم اکنون بیش از نیمی از کل شاغلان کشور در بخش‌های مختلف که جمعیتی بالغ بر 12 میلیون نفر را شامل می‌شود مشمول قانون کار هستند و کارگر نامیده می‌شوند. همچنین بنا به گفته فعالان حوزه بازار کار، جمعیت مشمولان مستقیم با خانواده‌های آنها تا 35 میلیون نفر (بر مبنای هر خانوار کارگری 3 نفر) از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که دستمزد آنها توسط شورای عالی کار متشکل از نمایندگان کارگران*، کارفرمایان و دولت در پایان هر سال تعیین و ابلاغ می‌شود.

به دلیل مسائل گوناگون در دو دهه اخیر، کارگران نتوانسته‌اند دستمزدهای واقعی به میزان رشد هزینه‌های سالیانه و افزایش قیمت‌ها را دریافت کنند و در بیشتر موارد خانوارهای کارگری کشور دارای مسائل مالی و مشکلات ناشی از کمبود درآمد هستند.

افزایش صعودی قیمت ها

با اینکه این موضوع در سالیان متمادی وجود داشته و آنها نتوانسته اند از درآمدهای واقعی و حداقل متناسب با هزینه های یک خانوار معمولی نیز برخوردار شوند، اما در سال های اخیر به برخی دلایل مانند افزایش یکباره قیمت ارز، افت شدید ارزش پول ملی و به تبع آن کاهش قابل توجه قدرت خرید خانوار کارگری و همچنین افزایش های یکباره قیمت اقلام مصرفی خانوار در بازار به دلیل اجرای نادرست فزاول هدفمند کردن یارانه ها؛ معیشت کارگران را با مخاطرات جدی مواجه کرده است.

اسحاق جهانگیری؛ معاون اول رئیس جمهور طی روزهای گذشته در مراسم تودیع و معارفه روسای سابق و جدید بانک مرکزی مشکل معیشتی مردم را جدی دانست و عنوان کرد مردم از این ناحیه دچار مسائلی هستند که باید برای آنها برنامه ریزی شود. وی گفت نرخ تورم بالا است، بیکاری در وضعیت نامناسبی قرار دارد و تولید دچار مشکلات فراوانی شده است. با این حال، آنچه که امروز کارگران را دچار نوعی نگرانی و کمبود شدید مواجه کرده است حقوق هایی است که هر ماه از کارفرمایان خود دریافت می کنند. در واقع شرایط به گونه ای است که اغلب کارفرمایان نیز دچار افزایش هزینه های یکباره ای در جریان اجرای هدفمندی یارانه ها شده اند و در یک کلام قریب به اتفاق آنها امکان پر کردن شکاف بین دستمزد واقعی و دستمزد پرداختی به کارگران و مشمولان قانون کار را ندارند.

از سویی، دولت به عنوان شریک اصلی کارگران و کارفرمایان و کارفرمای بزرگ کشور تنها نظاره گر مسائل و مشکلات جامعه کارگری بوده و تاکنون هیچگونه اقدام حمایتی مستقیمی از سوی دولت برای جبران بخشی از کسری شدید درآمد کارگران نسبت به افزایش هزینه های آنها نداشته است. نقش دولت در جریان تصمیم گیری های سال های اخیر کارگران و کارفرمایان بیشتر نمایشی و صرفاً حضور و اظهارنظر بوده تا اقدام به حمایت واقعی.

جایگاه نمایشی دولت در تصمیم گیری ها

حداقل دستمزد تعیین شده برای مشمولان قانون کار در سال جاری 487 هزار و 125 تومان بوده که نسبت به حداقل دستمزد 389 هزار و 700 تومانی سال گذشته 25 درصد افزایش نشان می دهد. این میزان افزایش سالیانه حداقل در دو دهه اخیر اتفاق نیفتاده است، اما کارگران می گویند افزایش 97 هزار و 425 تومانی دستمزد در سال جاری نه تنها مورد رضایت آنها نیست، بلکه 25 هزار و 720 تومان نیز کمتر از نرخ تورم رسمی اعلامی بانک مرکزی در پایان بهمن ماه سال گذشته است.

ماده 41 قانون کار می گوید حداقل دستمزد سالیانه کارگران و مشمولان قانون کار باید بر اساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی و تامین حداقل معیشت خانوار باشد و اساساً شورای عالی کار باید در تعیین مزد سالیانه این دو موضوع را بررسی و نسبت به افزایش دستمزدها اقدام نماید. با این حال، آنچه که از آن به عنوان مسائل متعدد نقدینگی و مالی کارفرمایان نامیده می شود، تاکنون چنین نشده و شورا در هیچ سالی بندهای ماده 41 قانون کار را اجرایی نکرده و به گفته کارگران، موضوع لزوم توجه به تامین معیشت در تعیین مزد اساساً مورد توجه قرار نگرفته و مزد تنها با بررسی آیتم نرخ تورم و آن هم به صورت ناقص انجام شده است.

اگر شورای عالی کار می توانست تنها بر اساس بند ماده 41 قانون کار (نرخ تورم) تصمیم گیری می کرد، با فرض مطرح نشدن بند تامین معیشت، حداقل دستمزد امسال کارگران در پایان اسفندماه سال گذشته باید به میزان 512 هزار و 845 تومان تعیین می شد، اما شورا در نهایت حداقل دستمزد را با 25 هزار و 720 تومان کمتر از مبلغ یادشده به میزان 487 هزار و 125 تومان مصوب و اعلام کرد.

اختلاف شدید درآمد و هزینه کارگران

در این ارتباط برخی از نمایندگان کارگران* در استان تهران شکایتی را در دیوان عدالت اداری مطرح و از اردیبهشت ماه امسال به دنبال آن هستند. آنها می گویند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان نماینده دولت و رئیس شورای عالی کار دچار تخلف از اجرای ماده 41 قانون

کار شده و در تعیین مزد نه تنها به لزوم تامین معیشت کارگران در تعیین حداقل دستمزد توجه نکرده، بلکه حتی نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی (31.6 درصد در بهمن ماه 91) را نیز به اجرا نگذاشته و افزایش ها را در نهایت به میزان 25 درصد تعیین کرده است.

با این حال، نکته حائز اهمیت درباره معیشت و دستمزد کارگران در سال جاری این است که پس از تعیین حداقل دستمزد کارگران در اسفندماه سال گذشته، نرخ تورم در هر ماه افزایش یافته و رکوردهای جدیدی را به ثبت رسانده است که این موضوع به معنی ادامه مسائل معیشتی کارگران و افزایش شکاف هزینه و درآمد کارگران به بالاترین میزان در یکی دو دهه اخیر است.

طبق اعلام بانک مرکزی نرخ تورم در مردادماه امسال به 37.5 درصد افزایش یافته و نرخ تورم نقطه به نقطه نیز 44 درصد بوده است. هرچند دستمزد کارگران تنها یکبار در سال و آن هم در اسفندماه برای اجرا در سال جدید پیش بینی می شود، اما روال افزایش قیمت ها در سال های اخیر و رکوردزنی های متعدد نرخ تورم باعث افت شدید قدرت خرید کارگران و بروز مسائل معیشتی برای خانوارهای کارگری کشور شده است.

به نظر می رسد قانون کاری که در سال 68 به تصویب رسید در ماده 41 شرایطی را لحاظ کرده بود که بر پایه آن شرایط اقتصادی کشور و افزایش قیمت ها مانند آنچه که در سال های اخیر در وضعیت قیمت ها رخ می دهد، نبود. به عبارت ساده تر قیمت ها به ویژه در بخش اقلام مصرفی مردم هر روز دچار تغییر و افزایش نمی شد و تقریباً قیمت ها از یک رشد منطقی و پیش بینی نسبی برخوردار بوده است.

طبق تورم دستمزدها چقدر باید باشد؟

بر اساس نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی در پایان مردادماه امسال، حداقل دستمزد باید به میزان 147 هزار و 137 تومان نسبت به سال گذشته رشد داشته باشد و اگر امروز حداقل مزد کارگران از 389 هزار و 700 تومان سال قبل به 536 هزار و 837 تومان می رسید، بدون اعمال بند دوم ماده 41 (تامین معیشت کارگران)، می توانستیم بگوییم که حداقل دستمزد به میزان نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی افزایش یافته است.

همچنین بر اساس نرخ تورم نقطه به نقطه 44 درصدی پایان مردادماه، حداقل دستمزد باید به میزان 561 هزار و 168 تومان باشد تا بتوان گفت شکاف بین حداقل دریافتی کارگران و نرخ تورم در مردادماه 92، تقریباً پر شده است. با این حال، این روزها در پی رکوردزنی های متعدد نرخ تورم و اعلام ارقام جدید در هر ماه از سوی مرکز آمار و بانک مرکزی؛ شکاف بین حداقل دستمزد مشمولان قانون کار و نرخ تورم در سال جاری نیز به بیشترین حد در دهه های اخیر می رسد.

خبری از آمار بیکاری نیست!

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران- ایسنا در تاریخ 11 شهریور 92 آمد است: اگرچه پیش از این "عادل آذر" زمان اعلام نرخ بیکاری را یک ماه تا 45 روز پس از پایان هر فصل عنوان کرده بود اما اکنون پس از گذشت بیش از 70 روز از بهار هنوز مرکز آمار گزارشی از وضعیت بیکار منتشر نکرده است.

اشتغال و بیکاری از مباحث کلان اقتصادی است به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی برای هر کشوری مطرح می شود از این رو آمارهای مربوط به ساختار نیروی کار مبنایی برای ارزیابی و تحلیل سیاست های اقتصادی جوامع مختلف محسوب می شود.

این در حالی است که مرکز آمار ایران نیز مسولیت ارزیابی و تعیین این شاخص مهم در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی اقتصادی کشور را از سال 84 تاکنون بر عهده گرفته و در قالب "طرح آمارگیری نیروی کار" با هدف برآورد شاخص های نیروی کار به صورت فصلی و سالانه اجرا می کند.

همچنین مرکز آمار در آمارگیری از نیروی کار تغییرات این شاخص در کل کشور، نقاط شهری، روستایی و تغییرات سالانه در استان‌ها را با روش نمونه‌گیری چرخش در فصول مختلف لحاظ کرده و آمارگیری را در ماه میانی هر فصل آغاز و معمولاً همان طور که عادل آذر- رییس مرکز آمار ایران - بیان کرده بود نتایج در یک ماه تا 45 روز بعد از هر فصل توسط این مرکز اعلام می‌شود. با این وجود در حال حاضر و با شروع به کار دولت جدید بیش از دوماه از فصل بهار گذشته اما تاکنون مرکز آمار نتایج آمارگیری از نیروی کار در این فصل که آخرین نرخ بیکاری دولت دهم نیز خواهد بود را منتشر نکرده است در حالی که اعلام درصد و تعداد واقعی بیکاران و شاغلان در شرایطی که این مسئله در ماه‌های اخیر و با حضور دولت یازدهم به یکی از مباحث جنجالی اقتصادی بین دو دولت تبدیل شده است می‌تواند به برخی از ابهامات پایان داده و به عنوان ابزاری کلیدی برای برنامه ریزی در زمینه اشتغال مورد استفاده قرار گیرد. اما این تاخیر در یک سال گذشته تاکنون در بیشترین حد خود قرار دارد به طوری که نرخ بیکاری در سال 91 برای بهار حدود 53 روز بعد، تابستان 38 روز بعد، پاییز 53 روز بعد و برای زمستان نیز 54 روز بعد از فصل مورد بررسی اعلام شده است که البته تخمین "آذر" تنها در مورد تابستان صدق می‌کند این در حالی است که با گذشت بیش از 70 روز از بهار 92، از انتشار آمار بیکاری کشور در اولین فصل سال به عنوان اولین آمار در سال جاری خبری نیست.

یک فعال کارگری در منطقه خبر داد: تاخیر ۴ ماهه در پرداخت حقوق کارگران آذر خاک در پارس جنوبی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 شهریور 92 آمده است: یک فعال کارگری در منطقه پارس جنوبی از تعویق ۴ ماه حقوق ۱۵۰ کارگر شرکت «آذر خاک» از شرکتهای پیمانکاری فاز ۱۳ پارس جنوبی خبر داد.

«عبدالرضا روحی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری آذر خاک از پیمانکاران وابسته به شرکت «پتروپایدار ایرانیان» که مجری طرح توسعه فاز ۱۳ منطقه پارس جنوبی است، ۴ ماه است که به دلایلی نامشخصی حقوق کارگران را نپرداخته است. روحی با بیان اینکه این کارگران با سوابق ۴ تا ۱۳ سال کار در بخشهای لوله گذاری، جوشکاری، نگهداری از ماشین آلات و انبارداری با شرکت آذر خاک قرار داد همکاری دارند افزود: گفته می‌شود یکی از دلایل تاخیر در پرداخت حقوق کارگران، کمبود منابع مالی به سبب کم شدن تعداد پروژههای در دست اجرای این شرکت پیمانکاری است. این فعال کارگری افزود: بی‌توجهی مسئولان شرکت آذر خاک به معوقات حقوقی کارگران باعث شد ۱۲۰ کارگر این شرکت در روزهای هشتم و نهم شهریور ماه در مقابل دفتر شرکت پتروپایدار و شرکت نفت و گاز پارس تجمع کنند.

او در خاتمه سخنان خود با بیان اینکه ۶۰ درصد از اجرای پروژههای گازی در فاز ۱۳ منطقه پارس جنوبی متعلق به شرکت پتروپایدار ایرانیان است، اظهار داشت: در بین کارگران شایعه شده است که این شرکت پیمانکاری علاوه بر تاخیر چهارماهه در پرداخت حقوق کارگران، قصد دارد تعدادی از نیروهای کار را نیز پس از پایان قراردادکاری‌شان تعدیل کند.

پایان پیام

گزارشی از وضعیت رضا شهابی عضو زندانی سندیکا

برپایه خبر دریافتی آمده است : بنا به اظهارات همسر رضا شهبانی عضو هیئت مدیره سندیکا شرکت واحداثوبوسرانی تهران و حومه که در حال گذراندن دوران محکومیت شش ساله خود در زندان اوین می باشد نامبرده از ناحیه کمر و پا درد شدیدی دارد و سمت چپ بدنش دچار بی حسی شده و مجبور است در حین راه رفتن پای چپ خود را بکشد و بعلت استفاده از داروی گوناگون دچار مشکل گوارشی و کبدی گردیده که مشکل کبدی حساسیت های پوستی برایش ایجاد کرده . با توجه به اینکه بعد از عمل جراحی شش ساعتی که در خارج از زندان بروی مهره های گردن وی انجام شد ، به توصیه پزشکان شهبانی باید دوران بهبودی و مراقبت را خارج از زندان سپری می کرد که متأسفانه مسولین قضائی مرخصی پزشکی رضا را تمدید نکردند و نامبرده مجبور شده با شرایط حداقلی زندان که تامین کننده نیاز های درمانش نمی باشد سازگاری کند که این فشارها باعث گردیده رضا به علت رسیدگی نکردن به خواست های بحقش دست به اعتصاب درمانی در زندان بزند، که این وضعیت جان این کارگر زندانی را بخطر می اندازد . سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می دارد که حفظ جان زندانی به عهده زندانبان است و اینگونه اعمال و بی توجهی ها را نسبت به جان زندانبان محکوم میکند و خواستار رسیدگی فوری و درمان رضا شهبانی در خارج از زندان می باشد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شهروبر یکهزار و سیصد و نود و دو

تجمع روزهای هشتم و نهم شهریور ماه کارگران آذر خاک در پارس جنوبی مقابل دفتر شرکت پتروپایدار و شرکت نفت و گاز پارس در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوقشان

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 شهریور 92 آمده است : طی گزارشی از تعویق 4 ماه حقوق 150 کارگر شرکت «آذر خاک» از شرکتهای پیمانکاری فاز 13 پارس جنوبی و تجمع 120 کارگر این شرکت در روزهای هشتم و نهم شهریور ماه در مقابل دفتر شرکت پتروپایدار و شرکت نفت و گاز پارس، خبر داد. براساس این گزارش، این کارگران با سوابق 4 تا 13 سال کار در بخشهای لوله گذاری، جوشکاری، نگهداری از ماشین آلات و انبارداری با شرکت آذر خاک قرار داد همکاری دارند. گفتنی است، شرکت پیمانکاری آذر خاک از پیمانکاران وابسته به شرکت «پتروپایدار ایرانیان» که مجری طرح توسعه فاز 13 منطقه پارس جنوبی است.

سوختگی شدید 7 کارگر ساختمانی درآمل بر اثر انفجار کپسول گاز

به گزارش خیرگزاری دولتی فارس در تاریخ 12 شهریور 92 آمده است: به نقل از روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان شهرستان آمل، برحسب گزارش مرکز پیام اورژانس 115 مبنی بر حادثه ویژه سوختگی هفت نفر از کارگران ساختمانی در مجتمع مسکونی در حال احداث با کپسول گاز اعلام شد.

میزان سوختگی این کارگران از 35 تا 95 درصد بود و 6 نفر برای ادامه درمان توسط آمبولانس بیمارستان امام علی و آمبولانس اورژانس 115 و با همکاری آمبولانس خصوصی به بیمارستان شهید زارع ساری اعزام شدند.

یک فعال صنفی انتقاد کرد:
انکار کارگر بودن جوشکاران اسکلت ساختمان توسط تأمین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 شهریور 92 آمده است : عضو هیات مدیره انجمن صنفی جوشکاران و اسکلت سازان تهران از اقدام غیر قانونی برخی شعب تامین اجتماعی که از بیمه کارگران ساختمانی دارای کارت مهارت جوشکار عمومی سر باز می‌زنند انتقاد کرد.

«مختار رضانی» در این باره به ایلنا گفت: برای کارگران جوشکار و اسکلت ساز ساختمانی که به منظور دریافت کار مهارت به فنی و حرفه‌ای مراجعه کرده‌اند دو نوع کارت مهارت صادر شده است. روی کارت عده‌ای عنوان اسکلت ساز و روی کارت عده‌ای دیگر، عنوان جوشکار عمومی درج شده است. وی ادامه داد: وقتی آن دسته از کارگران جوشکار و اسکلت ساز ساختمانی که کارت مهارت جوشکار عمومی دارند به شعب تامین اجتماعی مراجعه می‌کنند به آن‌ها گفته می‌شود با این کارت مهارت مشمول بیمه تامین اجتماعی نمی‌شوند. این شعب تامین اجتماعی به کارگران ساختمانی گفته‌اند کارگر اسکلت ساز با جوشکار عمومی تفاوت دارد و جوشکار عمومی شغلی ساختمانی نیست.

این فعال صنفی با تاکید بر این موضوع که هنوز بخشنامه‌ای در این رابطه به کارگران نشان داده نشده است، افزود: مقصر اصلی، سازمان فنی و حرفه‌ای کشور است که از کارگران ساختمانی که عموماً سواد چندانی ندارند تست جوش گرفته و برایشان کارت مهارت جوشکار عمومی صادر کرده است.

به گفته آقای رضانی، بسیاری از کارگران ساختمانی اسکلت ساز که به امید تحت پوشش قرار گرفتن بیمه برای دریافت کارت مهارت اقدام کرده‌اند هنگام آزمون گفته‌اند جوشکارند و کارت مهارتی که برایشان صادر شده است عنوان جوشکار عمومی دارد. وی تصریح کرد: دو راه در مقابل سازمان تامین اجتماعی وجود دارد. راه اول آن است که برای تشخیص کارگر ساختمانی بودن این افراد، بازرس تعیین کند و راه دوم که البته معقول‌تر است واگذاری تشخیص این امر به صنف جوشکاران و اسکلت سازان است.

این فعال صنفی در ادامه بیان کرد: در قانون بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی، هم کار ساختمانی به وضوح تعریف شده و هم سازمان فنی و حرفه‌ای موظف شده است اطلاع رسانی را به همه کارگران انجام دهد اما سازمان فنی و حرفه‌ای کم لطفی کرده و برای کارگران ساختمانی، کارت مهارت جوشکار عمومی صادر کرده است که بنا به گفته برخی شعب تامین اجتماعی تهران مشمول بیمه نمی‌شود.

پایان پیام

انفجار در مخزن پتروشیمی و مصدومیت شدید دو کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 12 شهریور 92 آمده است : سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران از انفجار مخزن پتروشیمی در یک آزمایشگاه و مصدومیت دو کارگر خبر داد. جلال ملکی درباره این حادثه گفت: ساعت 16:12 امروز انفجار یک مخزن پتروشیمی در آزمایشگاهی به سازمان آتش نشانی اعلام شد در ادامه آتش نشانان ایستگاه 68 به محل حادثه در اتوبان همت، بلوار پژوهش حاضر شدند. وی افزود: در بررسی‌ها مشخص شد در یک آزمایشگاه مواد پلیمر کارگران در حال نصب و راه اندازی یک دستگاه اتو کلاب بودند که به یک باره در مخزن پتروشیمی منفجر شده و به دو کارگر آسیب وارد شد.

وی افزود: دو کارگر که از ناحیه دست، کمر و کتف دچار آسیب دیدگی شده بودند توسط امدادگران اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند.

دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار تهران: عملکرد بانک رفاه و شستا به بیمه‌شدگان گزارش شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 شهریور 92 آمده است: دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران از دولت یازدهم خواست گزارش عملکرد سازمان تامین اجتماعی در حوزه بانک رفاه کارگران و شرکت سرمایه گذاری شستا را به بیمه‌شدگان ارائه کند.

«حسین حبیبی» در این باره به ایلنا گفت: وضعیت حسابهای سازمان تامین اجتماعی از حیث منابع و مصارف در قالب ترازنامه سود و زیان و همچنین صورت دارایی‌ها باید شفاف سازی شود.

وی در ادامه خواستار حمایت آقای روحانی از اجرای ماده ۱۴۸ قانون کار شد و افزود: حمایت از این ماده قانونی می‌تواند در قالب تشویق و تنبیه کارفرمایان صورت بگیرد. این فعال کارگری در ادامه بر لزوم تدوین آیین نامه تشویق و تنبیه کارفرمایان توسط شورای عالی تامین اجتماعی تاکید کرد.

گفتنی است ماده ۱۴۸ قانون کار تصریح دارد «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلفند براساس قانون تامین اجتماعی، نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند».

به گفته آقای حبیبی، بیمه شدن نیروی کار به معنای ایجاد آرامش و اطمینان برای وی از نظر درمانی و حمایت‌های اجتماعی مانند بیکاری موقت، حادثه، بیماری، بازنشستگی و البته تامین کننده منابع سازمان است.

دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در پایان اظهار داشت: حمایت از اجرای ماده ۱۴۸ قانون کار همچنین می‌تواند از طریق اتحادیه و مجامع امور اصناف، اماکن نیروی انتظامی، سازمان امور مالیاتی، مرکز آمار، مراجع دادگستری، اداره ثبت شرکت‌ها، بازرسی ادارات کار و تامین اجتماعی وزارت خانه‌های صنعت و تجارت، مسکن و شهرسازی، سازمانهای نظارتی، تشکلهای کارگری، تشکل‌های مردم نهاد و شهرداری‌ها و شوراهای شهر صورت بگیرد.

پایان پیام

پیگیری سندیکا و اعضای تعاونی مسکن شرکت واحد

بعد از پیگیری‌های متعدد اعضای تعاونی مسکن شرکت واحد به خصوص اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در خصوص پروژه در حال ساخت سپیدار که طبق قرارداد منعقد شده با اعضا باید تا شهریور 92 تحویل اعضا می‌شد و طبق بازدیدهای مختلفی که اعضای سندیکا و دیگر کارگران از پروژه سپیدار بعمل آورده بودند، ماهها بود که کار این پروژه متوقف شده و بعد از تحقیقات انجام شده مشخص گردید که کارفرما و پیمانکار با هم اختلاف پیدا کرده اند. عدم تلاش هیئت مدیره تعاونی باعث راکت ماندن کار شده بود و به اعضا هم کسی پاسخگو نبود. اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با جمع آوری امضاء و پیگیری‌های متعدد توانستند دو ماه قبل ملاقاتی با اعضای تعاونی مسکن داشته باشند، البته هیچ کدام از وعده‌های مسئولین تعاونی

محقق نشد که باعث رسانه ای شدن موارد گردید بدین ترتیب هیئت مدیره تعاونی برای رهایی از هجمه های تبلیغاتی جلسه ای را با دعوت از کلیه اعضای تعاونی در محل پروژه با حضور پیمانکار با دستوری مبنی بر 1- شکایت از پیمانکار 2- تصفیه حساب با پیمانکار و تحویل تعاونی 3- بحث تعدیل و محاسبه قیمت ، که هر سه این پیشنهاد به ضرر کارگران و بسود کارفرما و پیمانکار بود اعتراض سنگین اعضا و خواسته های به حق ایشان کارفرما (اعضای هیئت مدیره تعاونی) را بر آن داشت تا با معرفی نماینده از هر منطقه گزارش کارکرد را به نمایندگان منتخب جهت ارائه به اعضا ارائه دهد .

با توجه به اینکه 3 سال از عمر این پروژه میگذرد و اعضا با وجود همه مصائب و مشکلات مبالغی را تحویل داده و کار نه چندان زیادی انجام شده بود بالاخره با حمایت اعضا از نمایندگان واقعی و سندیکایی خود با امید به سامان گرفتن منتظر حصول نتیجه به نحو احسن ماندند .

در حاشیه جلسه اعضای حاضر با اعلام انزجار از حضور یکی از اعضای بازنشسته شورای کار که در زمان اعتراضات سندیکایی با عت اخراج تعداد کثیری از زحمتکشان سندیکایی شرکت واحد بودند یکصدا خواهان اخراج این شخص از هیئت مدیره بودند.

سندیکای کارگران شرکت واحد که دفاع از حقوق کارگران در سر لوحه کارهایش می باشد ثبت این افتخار و مجاب کردن اعضای تعاونی مسکن به پاسخگویی را به کارگران تبریک می گوید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- شهریور نود و دو

ماجرای امروز کارگراخراچی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به گزارش خیرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است : یک راننده اخراجی شرکت واحد تهران ظهر امروز با حضور در سامانه شماره 3 شرکت واحد، «پیمان سنندجی» مدیرعامل، و دو تن دیگر از مدیران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را به گروگان گرفت.

برپایه این گزارش، این کارگر به نام «بهرام.س» یک سال پیش از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اخراج شده بود و پیش از آن مدتی را در شغل رانندگی و سپس در بخش تصادفات مشغول کار بوده است.

بنا به گزارش همین منبع بنقل از مدیرعامل شرکت واحد پیمان سنندجی، گروگانگیری در کار نبوده است، اسلحه ای ندیده‌ام و هیچ محدودیتی برای خروج از دفتر نداشته‌ام.

«پیمان سنندجی» با بیان اینکه 4 سال پیش اختلاف شخصی میان دو نفر از کارمندان شرکت واحد پیش آمده بود، گفت: از این دو کارمند یکی در بخش اداری و دیگری پرسنل شرکت واحد مشغول به کار بوده‌اند.

وی ادامه داد: ساعت 12 امروز، این دو نفر با قرار قبلی برای حل اختلاف به دفتر من آمدند که مذاکره به درازا کشید و گروگانگیری در کار نبوده است.

وی در پاسخ به خبرنگاری که درباره استفاده از اسلحه سوال کرده بود، گفت: من اسلحه‌ای ندیده‌ام.

بنابه گزارش امروز مهرداد همین رابطه، سعیدی نماینده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی گفت: عامل گروگانگیری بهرام . س 40 ساله که به عنوان ردیف کار 12 سال سابقه کار در شرکت واحد دارد حدود 8 ماه قبل به علت خوابیدن در محل کار توسط مسئولان شرکت واحد به علت بی انضباطی در محل کار اخراج و این حکم توسط شورای اسلامی کار که نماینده ما نیست، تایید و از محل کار اخراج شد. وی در این مدت بیکار بود و فشار اقتصادی بر او وارد شده بود. متأسفانه در یک سال گذشته شرکت واحد اتوبوسرانی با بکارگیری یک وکیل با نفوذ در اداره کار تا کنون چندین پرونده را به نفع خود به پایان برده است.

من تا کنون وکیل 200 نفر از کارمندان شرکت واحد بودم که برخی از آنها مرتکب این تخلف انضباطی شده و به کار باز گشتند اما مرد گروگانگیر حتی به دیوان عدالت اداری شکایت کرد اما نتیجه ای نداشت.

گروگانگیری در اداره مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه:

برپایه خبر رسیده آمده است: امروز مورخ 92/6/13 ساعت 30/10 کارگری از شرکت واحد مدیر عامل و معاون منابع انسانی انسانی شرکت واحد با سلاح گرم به گروگان گرفت. نام این کارگر بهرام سروش میباشد که حدود 9 ماه پیش توسط کارفرما به اتهام واهی از کارش اخراج گردید نامبرده دارای زن و فرزند می باشد و مستاجر از حاشیه نشین های تهران می باشد آقای سروش هر چه تلاش کرد نتوانست بازگشت بکار بگیرد و لذا چون اخراجش غیر قانونی بود امید به بازگشت بکار داشت و بارها به مدیریت شرکت واحد مراجعه کرده و موفق به بازگشت بکار نشده لذا فشارهای روحی روانی ناشی از بیکاری باعث گردید که مسبب این کار را شخصا مجازات کند که دست به این اقدام گروگانگیری زده البته ساعتی پیش مدیر عامل شرکت واحد را ازاد کرده اما هنوز تا این ساعت که نزدیک به 7 عصر میباشد این گروگانگیری ادامه دارد و طبق دیده های ما اطراف شرکت واحد را نیروی های امنیتی تحت پوشش قرار داده و تک تیراندازها در پشت بام شرکت واحد مسقر هستند

پس از عملیات 6 ساعته پلیس؛ مدیرعامل شرکت واحد: گروگانگیری درکار نبوده است!

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: مدیرعامل شرکت واحد که گفته می شد توسط یکی از کارگران سابق این شرکت به گروگان گرفته شده است، لحظاتی پیش با حضور در جمع خبرنگاران، گفت: اطلاعی از حضور ماموران ندارم.

«پیمان سنندجی» با بیان اینکه 4 سال پیش اختلاف شخصی میان دو نفر از کارمندان شرکت واحد پیش آمده بود، گفت: از این دو کارمند یکی در بخش اداری و دیگری پرسنل شرکت واحد مشغول به کار بوده اند. وی ادامه داد: ساعت 12 امروز، این دو نفر با قرار قبلی برای حل اختلاف به دفتر من آمدند که مذاکره به درازا کشید و گروگانگیری در کار نبوده است. وی در پاسخ به خبرنگاری که درباره استفاده از اسلحه سوال کرده بود، گفت: من اسلحه ای ندیده ام.

سنندجی درباره کارگری که گفته می شد اقدام به گروگانگیری کرده است، افزود: یک و نیم سال از اخراج این فرد با رای کمیته انضباطی گذشته و این رای در چارچوب قوانین وزارت کار و دیوان عدالت اداری صادر شده است. وی افزود: سه هفته پیش، این فرد با دستور من دوباره مشغول به کار شد که امروز قرار شد برای حل اختلاف به دفتر من مراجعه کند.

آقای سنندجی در پایان بار دیگر مدعی شد هیچ محدودیتی برای خروج از دفتر نداشته است.

گفتنی است خبرنگاران و اصحاب رسانه که از ظهر امروز برای پوشش لحظه به لحظه اتفاقات و وقایع در سامانه شماره سه شرکت واحد حضور داشتند، از توضیحات مدیرعامل شرکت واحد متعجب شدند و منتظر حضور «حسین ساجدی نیا» فرمانده انتظامی تهران بزرگ در میان خود هستند.

پایان پیام

استفاده ابزاری از اعتراضات کارگری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری در مناطق ویژه و آزاد اقتصادی از سوءاستفاده بعضی پیمانکاران دست دوم و سوم پروژه‌های نفت و پتروشیمی از اعتراضات کارگری، به قصد فشار وارد کردن به پیمانکار اصلی و کارفرمایان پرده برداشت.

«ناصر آغاجری» در این باره گفت: در غیاب نهادهای مستقل صنفی، به غیر از اعتراض‌های خودجوش که برای کارفرمایان و پیمانکاران جنبه پیش بینی نشده دارد، در برخی مواقع پیمانکاران دست دوم و سوم برای تحت فشار قراردادن کارفرما و پیمانکار اصلی، کارگران خود را بصورت غیر مستقیم به سمت اعتراض کردن هدایت می‌کنند.

آغاجری با بیان اینکه کارگران مناطق آزاد و ویژه همچون بسیاری از کارگران سایر نقاط ایران برای بدست آوردن حقوق اولیه کار با مشکلات متعددی مواجه‌اند، ادامه داد: به دلیل مختار بودن کارفرمایان به اجرا نکردن مواد حمایتی قانون کار و همچنین محدودیت‌های ناشی از اجرای قوانین خاص حامی صرف سرمایه در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، مشکلاتی همچون تأخیر چهار تا پنج ماهه در پرداخت حقوق، برخوردار نبودن از حق مرخصی، پرداخت نشده حق سنوات و حق اضافه کاری و عدم بهسازی شرایط نامطلوب و طاقت فرسای محیط کار، به مسائل عادی و روزمره در زندگی کارگران این مناطق بدل شده است.

این فعال کارگری گفت: به عنوان مثال قوانین حاکم بر این مناطق به کارگران اجازه تشکیل نهادهای صنفی مستقل را نمی‌دهد و بنابراین کارگرانی که در این مناطق کار می‌کنند هیچ ابزاری برای پیگیری خواسته‌های خود ندارند.

وی با یادآوری اینکه کارگرانی که در پروژه‌های عمرانی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کار می‌کنند همگی در استخدام موقت پیمانکاران دست دوم و سوم هستند، گفت: نبود تشکلهای صنفی کارگری باعث شده است تا این کارگران از ترس اخراج و پیگرد عوامل کارفرما نتوانند خواسته‌های قانونی خود را پیگیری کنند.

آغاجری افزود: نتیجه اتخاذ چنین سیاستی بروز ناگهانی تنش‌های کارگری است که هر از چند گاهی از طریق اعمال فشار شدید و در تنگنا قرار دادن کارگران اتفاق می‌افتد. این فعال صنفی کارگری با بیان اینکه اعتراضات کارگری در مناطق آزاد و ویژه به دو دسته «خودجوش» و «هدایت شده» تقسیم می‌شوند، یادآور شد: هرچند کارگران به دلیل شرایط حاکم از درگیر شدن با عوامل کارفرما پرهیز می‌کنند اما در بعضی مواقع دیگر امکان تحمل شرایط برای کارگران وجود ندارد.

آغاجری افزود: در غیاب نهادهای مستقل صنفی کارگری به غیر از اعتراض‌های خودجوش که برای کارفرمایان و پیمانکاران جنبه پیش بینی نشده دارد، در برخی مواقع پیمانکاران دست دوم و سوم برای تحت فشار قراردادن کارفرما و پیمانکار اصلی، کارگران خود را بصورت غیر مستقیم به سمت اعتراض کردن هدایت می‌کنند.

وی ادامه داد: در این مواقع کارگران بی‌آنکه خود بدانند در راستای منافع پیمانکاران و اخذ امتیاز بیشتر از کارفرمای اصلی برانگیخته می‌شوند.

این فعال صنفی کارگری که معتقد است با بررسی شرایط و نحوه اعتراض‌های مختلف می‌توان به خود جوش بودن یا هدایت شده بودن آن‌ها پی برد.

آغاجری هدایت چنین اعتراضاتی را «استفاده ابزاری» از اعتراضات به حق کارگری نامید و در خصوص علت این استفاده ابزاری گفت: پیمانکاران بطور طبیعی نسبت به مطرح شدن خواسته‌های صنفی کارگران خود تمایلی ندارند چرا که پاسخ به این مطالبات باعث افزایش هزینه و کاهش سودشان می‌شود.

وی افزود: با این حال پس از نوسانات ارزی و جهش‌های تورمی سال گذشته که باعث شد تا هزینه‌های تولید تا چند برابر افزایش یابد، پیمانکاران دست دوم و سوم ناچار شده‌اند تا علاوه بر ارسال صورت وضعیت‌های مالی برای جبران هزینه‌های خود از کارفرمای اصلی پول بیشتری طلب کنند.

این فعال صنفی کارگری ادامه داد: از آنجا که این هزینه اضافی خارج از قرارداد امضا شده بوده و کارفرمای بالادستی حاضر به پرداخت آن‌ها نیست، پیمانکاران با بدحسابی و نپرداختن حقوق برای ماه‌های طولانی، کارگران خود را به اعتراض وا می‌دارند تا از این طریق، با فشار رسانه‌ها و واکنش مقامات پایتخت، کارفرمای بالادستی حاضر به پرداخت مطالبات خارج از قرارداد شود. به گفته آجاری در این میان سهم کارگرانی که تحت فشار وادار به اعتراض شده‌اند، دریافت تنها بخشی از مطالبات قانونی‌شان است چرا که پیمانکار هیچگاه حاضر نیست تا پس از دریافت پول اضافی با کارگران خود بطور کامل تسویه حساب کند. وی در خاتمه افزود: به این طریق پیمانکاران با تسویه حساب نصفه نیمه با کارگران، همواره آن‌ها را برای اعتراض بعدی آماده نگاه می‌دارند.

نماینده کارگران شرکت واحد: اگر سخنان کارگر اخراجی شنیده می‌شد، گروگانگیری اتفاق نمی‌افتاد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: عضو شورای اسلامی کار کارگران شرکت واحد یکی از عوامل حادثه گروگانگیری مدیرعامل شرکت واحد توسط یک کارگر اخراجی را فرصت دفاع نیافتن او در زمان اخراج دانست.

«علی‌اکبر عیوضی» در این باره به ایلنا گفت: بهرام‌س به دلیل ناراحتی‌های جسمی از سوی کمسیون پزشکی به انجام کارهای سبک توصیه شده بود. اما متأسفانه پس از چندی از سوی کمیته انضباطی اخراج شد.

گفتنی است، پیش از این نماینده کارگر گروگانگیر در اداره کار هنگام اخراج از شرکت واحد، دلیل اخراج او را خوابیدن در هنگام کار ذکر کرده بود.

عضو شورای اسلامی کار کارگران شرکت واحد در پایان گفت: اگر در روز نخست مسئولان به حرفهای ناگفته این کارگر گوش می‌دادند، امروز نیازی به وجود گروه‌های امدادی و حضور تک تیر اندازان نیروی انتظامی در اطراف شرکت واحد نبود.

پایان پیام

گزارشی از وضعیت دردناک کارگران کارگاه‌های بسته‌بندی خرمای شادگان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: یکی از مشکلاتی که چندی‌ست بسیاری از کارگران شادگانی را در کارگاه‌های بسته‌بندی خرما با خود درگیر کرده است، عدم توجه مسئولان به وضعیت بهداشتی کارگاه‌ها و معیشتی کارگران است. مشکلاتی که رفته رفته در حال تبدیل شدن به معضل هستند و همه زندگی این قشر زحمتکش را تحت تاثیر قرار داده است. اکثر این کارگران زن هستند و به سختی با این شرایط در حال گذران زندگی هستند.

به سراغ تنی چند از این کارگران رفته‌ایم و درد دلشان را به گزارش کشیده‌ایم. نه خبری از عیدی است نه پاداش

خانمی 45 ساله که حاضر به معرفی خود نیست، اظهار کرد: حدود دو سال است در این کارگاه مشغول کار هستم و شرایط کار در این مدت هیچ وضعیت رو به بهبودی نداشته است. وی اضافه کرد: در تمام چند سالی که اینجا هستم نه خبری از پاداش بوده است و نه عیدی، هیچ اضافه کاری نداریم و تنها به حقوق روزانه 12 - 13 هزار تومان بسنده کرده‌ایم. این شهروند شادگانی تصریح کرد: حتی برای بیمه ما هیچ اقدامی نشده است و اگر حرفی بزنیم به منزله اخراج ما از کارگاه است. وی بیان کرد: رفت و آمد به کارگاه نیز برعهده خودمان است و تنها وسیله تردد ما وانت باری است که همه خانمها در آن می‌نشینند. وضعیت بهداشتی نامناسب است دیگر کارگری که در کارگاه بسته بندی خرماي مجاور مشغول کار است تصریح کرد: برای خواندن نماز و صرف صبحانه و غذا هیچ جایی در کارگاه وجود ندارد. وی عنوان کرد: وضعیت سرویس‌های بهداشتی کارگاه‌ها بسیار نامناسب است و هیچ نظارت بهداشتی در این خصوص صورت نمی‌گیرد. این بانوی 35 ساله افزود: با توجه به اینکه این کارگاه عرضه خرماي بسته‌بندی و صادراتی را بر عهده دارد باید نظارت بهداشتی بیشتر و موثرتری در آن صورت گیرد. وی اضافه کرد: در اصل هر کارگاه باید یک کارشناس بهداشت داشته باشد، اما متأسفانه کارگاه ما اینطور نیست! این شهروند شادگانی گفت: می‌ترسیم حرف بزنیم تا مبادا اخراجمان کنند. وی با بیان اینکه در کارگاه ما حدود 40 خانم مشغول کار هستند، عنوان کرد: امروزه شاهد آن هستیم که خانمها را بیشتر استخدام می‌کنند، زیرا با کمترین حقوق بیشترین بازدهی و کار را به اجرا می‌گذارند. بیمه نداریم یکی از رانندگان این کارگاه نیز چنین اظهار کرد: سالهاست در این کارگاه مشغول کار هستم اما هنوز بیمه نشده‌ام. احمد ادامه داد: وضعیت زندگی بسیار سخت است و کار کردن به این شکل به هیچ وجه برای ما راضی کننده نیست. وی با بیان اینکه اگر مجبور نبودم هیچ گاه مشغول به کار در این مکان نمی‌شدم.

پلیس به همراه خانواده کارگر گروگانگیر وارد ساختمان شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: لحظاتی قبل «مرتضی تورک» معاون امنیتی دادستان تهران و «آریا حاجی زاده» معاون جنایی آگاهی به همراه برادر، مادر، همسر و فرزند «بهرام. س» کارگر گروگانگیر وارد ساختمان سامانه شماره سه شرکت واحد شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «حسین ساجدی نیا» فرمانده انتظامی تهران بزرگ، فرماندهی عملیات را بر عهده دارد.

پایان پیام

راننده اخراجی مدیرعامل شرکت واحد تهران را گروگان گرفت

به نوشته سایت اخبار روز در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: یک راننده اخراجی شرکت واحد تهران ظهر امروز با حضور در سامانه شماره ۳ شرکت واحد، «پیمان سنندجی» مدیرعامل، و دو تن دیگر از مدیران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را به گروگان

گرفت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگر به نام «بهرام.س» یک سال پیش از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اخراج شده بود و پیش از آن مدتی را در شغل رانندگی و سپس در بخش تصادفات مشغول کار بوده است. به دنبال حادثه گروگان گیری تعدادی از فعالان مستقل و رسمی کارگری در محل حضور یافتند. فعالان مستقل کارگری شرکت واحد برای مذاکره با این کارگر اخراجی اعلام آمادگی کردند. اندکی بعد پلیس به این گروگان گیری پایان داد. بنابه گزارش ها کارگر اخراجی با پرتاب گاز اشک آور توسط پلیس، دستگیر شده است. مدیرعامل شرکت واحد بعد از پایان گروگان گیری به خبرنگاران گفت که گروگان گیری در کار نبوده است و مذاکرات او با کارگر اخراجی طولانی شده بود.

نماینده این کارگر در اداره کار: ضوابط قانونی اخراج کارگر گروگانگیر رعایت نشده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: حسن سعیدی، از فعالان کارگری شرکت واحد که در زمان اخراج «بهرام.س» وکالت او را در اداره کار به عهده داشته است، از عدم رعایت ضوابط قانونی اخراج این کارگر خبر داد.

«حسن سعیدی» در این باره به ایلنا گفت: «بهرام.س» زمانی به من مراجعه کرد که اداره کار، اخراج ایشان توسط شرکت واحد را تایید کرده بود بنابراین برای او، دادخواستی را برای دیوان عدالت اداری تنظیم کردم ولی دیوان به زبان این کارگر رای صادر کرد.

او با بیان اینکه بهرام.س مسئول ردیف سامانه ۱۰ اتوبوسرانی تهران در میدان شیرپاستوریزه بوده است، افزود: شرکت واحد ۳ شیفت کاری دارد و مسئول ردیف، اتوبوس‌هایی که می‌آیند را تحویل می‌گیرد تا از آن‌ها دزدی نشود و اتوبوس‌های دیگر با آن‌ها تصادف نکنند.

به گفته آقای سعیدی، بهرام.س به اتهام اینکه در محل کار خوابیده اخراج شده است ولی ضوابط قانونی اخراج برای وی رعایت نشده است.

وی تصریح کرد: بر اساس قانون کار، برای اخراج کارگر باید سابقه تخلفاتی موجود باشد. اگر ادعای شرکت واحد درست باشد باید برای بار اول و دوم به ایشان اخطار داده می‌شد و نهایتاً با نظر مثبت شورای اسلامی کار نسبت به اخراج وی اقدام می‌شد اما این ترتیب رعایت نشده است.

پایان پیام

بیانیه اتحاد بین المللی در رابطه با کشتار مردم سوریه و تهدیدات نظامی آمریکا و متحدینش

برپایه مطلب رسیده آمده است: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران، از زاویه منافع جهانی طبقه کارگر و حقوق جهانشمول انسانی، در رابطه با جنگ داخلی در سوریه، و تهدیدات دولت آمریکا و متحدین آن مبنی بر حمله نظامی به این کشور، مواضع عمومی خود را به شرح زیر بیان میکند:

ما کشتار مردم بیگناه در جریان جنگ داخلی سوریه را که توسط هر دو سوی این جنگ خانمانسوز انجام می گیرد را شدیداً محکوم میکنیم و رژیم آدمکش بشار اسد، "ارتش آزادی بخش سوریه" و دیگر نیروهای ارتجاعی مسلح و جنایتکار القاعده ای و سلفی را مسئول مستقیم کشتار بیش از صد هزار نفر و آوارگی بیش از دو میلیون نفر از مردم سوریه می دانیم. ما همچنین هر گونه استفاده از سلاحهای شیمیایی را قاطعانه محکوم میکنیم. جای تردید نیست که اتحادیه عرب و دول ارتجاعی منطقه به ویژه عربستان سعودی، قطر و ترکیه و نیز سرمایه داری جهانی و در راس آن اتحادیه اروپا و ایالت متحده آمریکا با تعقیب سیاست های توسعه طلبانه و جنگ طلبانه در تداوم این کشتار و عقبگرد تاریخی مسئول هستند و شریک جرم محسوب میگردند. همچنین حکومتهای مدافع رژیم سوریه از جمله روسیه و ایران در تداوم این جنگ جنایت کارانه سهیم هستند و به انحای مختلف در کشتار مردم بی گناه در سوریه دست دارند.

ما مخالفت قاطع خود با تهدیدات نظامی و جنگ طلبیهای آمریکا و متحدینش علیه سوریه را اعلام میکنیم، آنها اقدامی جنایتکارانه می دانیم و از طبقه کارگر جهانی و تشکلات کارگری در همه کشورهای جهان می خواهیم که قاطعانه در مقابل آن موضع گرفته و مانع از گسترش این جنگ و جنایات ضدبشری گردند. دولت های آمریکا و اتحادیه اروپا که تاکنون در کشتار میلیونها نفر مردم جهان بطور مستقیم و غیر مستقیم نقش داشته اند، از جمله به دلیل جنایاتی که علیه مردم عراق، افغانستان و لیبی مرتکب شده اند، می بایست در دادگاههای واقعی و عادلانه توسط کارگران و مردم محروم جهان به محاکمه کشیده شوند.

ما حکومت سرکوبگر سرمایه داری بشار اسد را ضدکارگر و ضد انسانی می دانیم و از مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم و ستم دیده علیه این رژیم آدمکش حمایت می کنیم. در این مبارزه حفظ کامل استقلال سیاسی و طبقاتی و مخالفت فعال، قاطع و شفاف با نیروهای آدمکش "ارتش آزادیبخش سوریه" و جریانات القاعده ای و سلفی ها و حامیان سیاستهای سرمایه داری و امپریالیستی آمریکا و اتحادیه اروپا حیاتی است. هیچیک از این نیروهای ارتجاعی هرگز آزادی و عدالت برای مردم سوریه به ارمغان نخواهند آورد. ما همانطور که همواره تاکید کرده ایم بر این باوریم که تنها جبهه جهانی طبقه کارگر، جنبش جهانی ضد سرمایه داری و دیگر مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردم جهان می توانند صلحی واقعی و پایدار بر مبنای آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و اقتصادی و محو کامل استثمار را امکانپذیر نمایند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۳ سپتامبر ۲۰۱۳

بانک مرکزی: نرخ تورم مردادماه ۳۹ درصد شد

به گزارش خبرگزاری تسنیم، در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: نرخ تورم مردادماه براساس محاسبه اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی به 39 درصد رسید.

برهمن اساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران درمرداد ماه 1392 به عدد 173/7 رسید که نسبت به ماه قبل 1/2 درصد افزایش یافت. همچنین شاخص مذکور در مرداد ماه 1392 نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل 43/1 درصد افزایش داشته است.

طبق اعلام بانک مرکزی نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به فروردین ماه 1392 نسبت به دوازده ماه منتهی به فروردین ماه 1391 معادل 32.2 درصد؛ در دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 1392 نسبت به دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 1391 معادل 34 درصد، در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه 1392 نسبت به دوازده ماه منتهی به خرداد ماه 1391 معادل 35/9 درصد و در دوازده ماه منتهی به تیرماه نرخ تورم 37.5 درصد می باشد.

البته مرکز آمار در تازه ترین آمار رسمی خود به تشریح جزئیات شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی خانوار شهری در مردادماه پرداخت و اعلام کرد: نرخ تورم در مردادماه به 35.1 درصد رسیده است.

با ۸ میلیون نیروی متقاضی کار، سونامی بیکاری در راه است

به نوشته سایت اخبار روز در تاریخ چهارشنبه 13 شهریور 92 آمده است: شکست سیاست‌های اشتغالزایی در ایران باعث رسیدن بیکاری به مرز بحران شده و طبق آمارهای رسمی، سه میلیون نفر دارای بیکاری مطلق هستند. نتایج یک تحقیق در تهران نشان می‌دهد در ۴۳ درصد خانوار حداقل یک بیکار وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مسایل و مشکلاتی که این روزها خانواده‌ها را به خود مشغول داشته است، موضوع بیکاری جوانان و کارجویان فارغ‌التحصیل دانشگاهی است. کارشناسان بازار کار می‌گویند شرایط نامتعادل عرضه و تقاضای نیروی کار باعث شده تا بیشتر خانواده‌ها درگیر موضوع اشتغال فرزندان خود باشند. این در حالی است که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اعلام منفی بودن رشد اقتصادی کشور، ایجاد اشتغال در شرایط فعلی را غیرممکن دانست. طبق آمارهای رسمی، نرخ بیکاری کشور در سال‌های فعالیت دولت‌های نهم و دهم همواره بالای ۱۰ درصد بوده و قریب به سه میلیون نفر نیروی متقاضی کار همچنان پشت درهای بسته بازار کار مانده‌اند. همچنین آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد نرخ بیکاری فعلی کشور بالای ۲۰ درصد بوده و شمار بیکاران نیز به پنج میلیون نفر می‌رسد. وزیر اقتصاد به تازگی عنوان کرده است به زودی بازار کار کشور با هشت میلیون نیروی متقاضی کار مواجه خواهد شد. نتایج یک تحقیق که از طریق پرسش از خانواده‌های تهرانی انجام شده است نشان می‌دهد دست‌کم یک خانواده از هر دو خانوار درگیر مساله بیکاری فرزندان خود هستند. این تحقیق در بین خانواده‌های تهرانی نشان می‌دهد که ۴۳ درصد خانواده‌ها به وجود حداقل یک بیکار در خانواده خود پاسخ مثبت داده‌اند.

مدیریت فعلی ماشین لنت تهران مدعی شد: تخلفات مدیران سابق کارخانه عامل تأخیر در پرداخت حقوق کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: در پی انتشار مطلبی با عنوان «تأخیر ۱۱ ماهه در پرداخت حقوق کارگران ماشین لنت» در تاریخ ۲۶ مردادماه سال جاری، کارخانه ماشین لنت تهران با ارسال توضیحاتی به این خبر واکنش نشان داد.

به گزارش ایلنا، در متن پاسخ این کارخانه به خبر مذکور آمده است: متأسفانه طی چندین سال اخیر به دلیل تخلفات و جرایم گسترده‌ای که از سوی مدیران سابق این کارخانه صورت گرفته است، نه تنها بخش زیادی از اموال و دارایی‌های شرکت به نفع مقاصد شخصی آقایان مصروف گشته، بلکه به دلیل همین اقدامات، حقوق کارگران زحمتکش کارخانه ماشین لنت سمنان نیز نادیده گرفته شده است.

در متن ارسالی از جانب این کارخانه به صدور احکام جزائی در اواخر سال گذشته برای تخلفات مسئولان کارخانه اشاره شده و آمده است: با توجه به حجم تخلفات مالی و شرایط نامطلوب اقتصادی این واحد تولیدی در گذشته، در حال حاضر با تغییر مدیریت کارخانه ماشین لنت این واحد به تعهدات مالی خود به کارگران پایبند بوده و به مرور در حال پرداخت معوقات آنان است. همچنین در بخش دیگری از این نامه، با اصلاح برخی گفته‌های منبع خبری ایلنا که دبیر خانه کارگر سمنان بوده است، تعداد کارگران موجود در کارخانه ۵۴ کارگر ذکر شده و در ادامه تأکید شده است: این واحد تولیدی هیچ بدهی در خصوص چهار سال عیدی، سنوات و بن به کارگران ندارد.

در پایان متن مذکور بر پی گیری هر چه سریع‌تر پرونده تخلفات مالی این واحد تولیدی از سوی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان سمنان تاکید شده و آمده است: در صورت محقق شدن احکام پرونده 6 ماه گذشته که موضوع جداگانه‌ای از تخلفات مسئولان کارخانه است، بخش عمده‌ای از اموال این واحد تولیدی به چرخه مالی آن باز خواهد گشت و زمینه پرداخت مطالبات معوقه کارگران فراهم می‌شود.

پایان پیام

تاثیرات منفی سرب روی کارگران و ضرورت آزمایشات منظم

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: مدیر کل پزشکی قانونی آذربایجان غربی خواستار آزمایش سرب کارگران در دوره های منظم شد. علی افتخاری، با اشاره به سمی بودن سرب برای انسان، افزود: این در حالی است که این عنصر در صنایع مختلف از جمله باتری سازی، صنایع شیمیایی، رنگ سازی و... مورد استفاده قرار گرفته و از این رو کارفرمایان باید نسبت به آزمایش سرب کارگران در دوره های منظم اقدام کنند.

وی با اشاره به اینکه ترکیبات حاوی سرب به طور مستقیم در معرض تماس تنفسی با گرد و غبار وارد بدن انسان می شوند، اظهار داشت: جابجایی دوره ای کارگران در تماس با سرب نیز یکی از راهکارهای حفظ سلامتی و جلوگیری از آلودگی سربی کارگران است. مدیر کل پزشکی قانونی آذربایجان غربی ضمن انتقاد از عدم توجه کارفرمایان و در برخی موارد کارگران نسبت به استفاده از وسایل ایمنی، ادامه داد: استفاده از ماسک های مخصوص بطور منظم در پیشگیری از رسوخ سرب به بدن تاثیر گذار است که بی توجهی به این امر صدمات جبران ناپذیری وارد می کند.

کشته و زخمی شدن ۲ کولبر در مرز بانه

به گزارش خبر رسیده از کردپا، در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است: شب گذشته جمعی از کولبران و کاسبکاران کرد از سوی مأموران انتظامی پاسگاه روستای بیاندره از توابع بانه هدف شلیک مستقیم قرار گرفتند. در این تیراندازی یک کولبر به نام محمد اهل روستای "مامصیفالدین" بانه جان خود را از دست داد. همچنین تیراندازی نظامیان حکومتی موجب زخمی شدن یک کولبر دیگر به نام عبدالله سقزی شد. این کولبر جهت مراقبت‌های پزشکی به مراکز درمانی بانه انتقال یافت. از دیگر سو روز یکشنبه‌ی گذشته نیز یک کولبردیگر در مناطق مرزی ارومیه به نام "پیام حسنی" بر اثر شلیک مستقیم نیروهای سپاه پاسداران، در منطقی "ته‌رگور" از توابع ارومیه، به شدت زخمی شد.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان:
بیش از چهار هزار تعاونی در گلستان غیرفعال‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است : مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان گفت: در این استان بیش از ۱۵ هزار تعاونی به ثبت رسیده که بیش از ۹۰۸ هزار نفر مرد و بیش از ۲۲۰ هزار نفر زن در این تعاونی‌ها عضو هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در گرگان، «حسین‌علی خواجه‌مظفری» در جمع خبرنگاران اظهار داشت: از این تعداد تعاونی‌های ثبت‌شده بیش از چهار هزار تعاونی به دلایل مختلف غیر فعال‌اند.

این مقام دولتی تصریح کرد: در یک سال گذشته ۵۶۷ تعاونی در گلستان به ثبت رسیده است که آمار قابل توجهی است.

خواجه‌مظفری اظهار داشت: استان گلستان در تشکیل تعاونی‌ها بسیار فعال است و در رتبه بسیار خوبی قرار دارد و تعاونی‌های غیرفعال نسبت به تعداد کل تعاونی‌ها تعداد بسیار کمی است.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان با بیان اینکه بیش از ۲۲ هزار طرح مشاغل خانگی برای دریافت تسهیلات به بانک‌ها معرفی شده‌اند، گفت: بیش از ۱۲ هزار طرح موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند.

پایان پیام

روایت دیگر از گروگانگیری مدیر عامل شرکت واحد

۹ ساعت التهاب در شرکت واحد

به نوشته روزنامه اعتماد در تاریخ 13 شهریور 92 آمده است : ۹ ساعت، ۳۹۵ دقیقه‌ی زمان برد تا این گروگانگیری پایتخت هم تمام شود. از لحظه‌ی که تلفن خبرنگار «اعتماد» به صدا درآمد و زنی از محل فروشگاه شرکت تعاونی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خبر داد که چه اتفاقی افتاده است تا آن لحظه‌ی که صدای سرفه‌های ناشی از شلیک گاز اشک‌آور پلیس به گوش رسید.

۷ ساعتی زمان گذشت. این دقایق آنقدر کافی بود که زندگی یک مرد ۴۰ ساله مرور و به عنوان یکی از گروگانگیری‌های پایتخت روایت شود. «بهرام» که تصمیمش را گرفت، زخمی کهنه از جامعه با اقدام او چهره نمود. او کارگر اخراجی بود. یکی از ۳ هزار نفری که کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی گفتند در یک سال و اندی گذشته اخراج شده‌اند. ماجرای این گروگانگیری ۶ داستان دیگری که در پایتخت رقم خورده بود را تداعی کرد. در همان محله‌ی که اردیبهشت‌ماه امسال یک اتوبوس چند نفر را زیر گرفت و در برخورد با گاردریل میدان رسالت متوقف شد. خیابان هنگام بعد از تقاطع فرجام، بعد از مجتمع تجاری یاس هنوز مانده به میدان الغدیر همان جایی بود که زندگی این کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی نوع دیگری رقم خورد.

روز سیزده

ساعت ۱۲ و ۱۵ دقیقه سیزدهمین روز شهریورماه را که نشان داد سر و صداها در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران واقع در خیابان الغدیر در محدوده میدان رسالت پایتخت حکایت از ماجرای می‌داد. «مریم» که همان لحظه در فروشگاه شرکت تعاونی این شرکت برای خرید حضور داشت به «اعتماد» گفت: بلند شوید بیاید میدان رسالت اینجا می‌گویند گروگانگیری شده است. این زن جوان به خبرنگار ما گفت: ناگهان شلوغ شد و گفتند کارگر اخراجی،

مدیرعامل را گروگان گرفته است. به گفته او زیاد طول نکشید که ماموران پلیس کلانتری ۱۳۶ فرجام در محل حضور یافتند. اما موضوع به همین جا ختم نشد. ماموران یگان ویژه نیز خبر شدند. وقتی پلیس در محدوده اداره مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی حاضر شد موضوع گروگانگیری محرز شده بود. گروگانگیر که حاضران و دیگر کارکنان شرکت واحد او را می‌شناختند به سراغ مدیرعامل شرکت رفته بود. او «پیمان سنندجی» را گروگان گرفته بود ولی هیچ کس نمی‌دانست چه می‌خواهد. یکی از کارگران شرکت واحد که نخواست نامش در گزارش گفته شود به خبرنگار «اعتماد» که ساعتی بعد از این شلوغ شدن در آن محل حاضر شده بود، گفت: او همکارمان بود. یک سال قبل اخراجش کردند. سه بار هم مراجعه کرد تا بتواند بازگشت به کار بگیرد ولی نتوانست.

مردم جمع شده بودند

خبرنگاران «اعتماد» هنوز ساعت به یک بعدازظهر نرسیده در محل حاضر شدند تا از نزدیک این موضوع را رصد کنند. در خیابان الغدیر مقابل ورودی اصلی شرکت واحد اتوبوسرانی تجمع مردم هر ترددی را متوقف کرده بود. شاید یک هزار نفر آنجا جمع شده بودند. آفتاب از وسط آسمان گذشته بود که همه آنجا از آن کارگری می‌گفتند که به «بهرام» شناخته می‌شد. یکی از حاضران در محل به خبرنگار اعتماد گفت: ما با هم همکار بودیم. او اخراج شده بود چون از او بهانه گرفتند که یک ربعی سر کارت خوابت برده بود. «داوود» در توضیح چگونگی اخراج «بهرام» افزود: او «مامور ردیف» بود یعنی باید مراقب می‌بود تا اتوبوس‌ها که می‌آیند در پایانه پارک کنند اتفاقی نیفتد. خالی بیایند و خالی هم از آنجا خارج شوند. مهم‌ترین وظیفه‌اش به هنگام ورود و خروج بود و در حین پارک اتوبوس مشغولیتی بیشتر داشت. این همکار بهرام توضیحات خود را این‌گونه ادامه داد: از وقتی مدیرعامل جدید آمده ۳ هزار نفر از کارگران را اخراج کرده‌اند. حتی وکیلی هم گرفته‌اند که کارگران نتوانند بازگشت به کار بگیرند. «بهرام» هم سه بار تقاضای بازگشت به کار کرده بود. اما این وکیل زورش از همه ما بیشتر بود. کارگری دیگر هم بود. او نیز به خبرنگار ما گفت: «بهرام» حتی سیگار هم نمی‌کشید. فقط یک ربع چرتش برده بود که همین را بهانه کردند و اخراج شد. سعید از همکاران «بهرام» یکی دیگر از کسانی که در مقابل محل شرکت واحد اتوبوسرانی حاضر بود نیز توضیح داد: او ۱۰ تا ۱۲ سالی سابقه داشت که اخراجش کردند. جز این هم ماجرای شرکت تعاونی مسکن هم بود. قرار بود خانه‌دار شویم. اما چندقسطی که از ما پول گرفتند «بهرام» اخراج شد.

۲ نفر گروگان گرفته است

جمعیت را کنار زدند تا خودرویی وارد محدوده شرکت واحد شود. گفتند خانواده‌اش را آورده‌اند. همسر و ۲ فرزندش را آورده بودند تا با او مذاکره کنند. همسرش، مادرش و دختر ۲۲ ساله و پسر ۱۲ ساله‌اش. پرسش این بود که این عده برای چه آمده‌اند و شنیده شد که آنها را آورده‌اند تا با «بهرام» مذاکره کنند. هنوز ساعت ۲ بعدازظهر نشده بود که سردار «حسین ساجدی‌نیا» فرمانده پلیس پایتخت نیز به جمع همه ماموران حاضر در محل پیوست. قبل از او سرهنگ خانچرلی، رئیس پلیس پیشگیری تهران نیز رسیده بود و سرکلانتر چهارم هم مراقب اوضاع بود. همه جور ماموری را با لباس‌های مختلف می‌شد آنجا دید. ماموران آتش‌نشانی هم آمده بودند. ۶ مامور از ایستگاه ۱۷ آتش‌نشانی در محل بودند. آمبولانس هم آمده بود. یکی دیگر از مردانی که در محل ایستاده بود شروع کرد به سخن گفتن از اینکه «بهرام» چگونه شروع کرده بود. او گفت: نه صورتش را پوشانده بود و نه کسی همراهش بود. می‌خواست داخل برود که مامور حراست اجازه نداد. او با مامور حراست درگیر شد و بعد با اسلحه مامور حراست را وادار به همکاری با خود کرد. حالا خبرها از داخل شرکت واحد بین خبرنگارانی که از همه رسانه‌ها خود را به میدان رسالت رسانده بودند دهان به دهان نقل می‌شد تا آخرین

وضعیت را برای خود ترسیم کنند. خبرگزاری‌ها نیز نخستین خبر از این ماجرا با عنوان «گروگان‌گیری مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی» را منتشر کرده بودند. هیچ کدام از فرماندهان پلیس و ماموران دیگر سخنی با خبرنگاران نمی‌گفتند. اما مشخص شد که علاوه بر «پیمان سنندجی» که مدیرعامل شرکت است دو نفر دیگر نیز نزد «بهرام» هستند. یکی مشاور مدیرعامل و دیگر معاون منابع انسانی شرکت واحد. مدتی که از حضور خانواده «بهرام» در محوطه شرکت واحد گذشته بود خبر رسید که این مرد یکی از آن سه نفر یعنی «عیوضی» مشاور مدیرعامل را آزاد کرده است.

شایعه‌ها داغ بود

تعداد ماموران پلیس در جوار یک شعبه بانک شهر واقع در ساختمان دو طبقه شرکت واحد اتوبوسرانی بیشتر از سایر نقاط بود. برای همین فرضیه خبرنگاران این بود که احتمالاً ماجرا در آنجا جریان دارد. ماموران پلیس عکاسی را که سعی کرده بود به داخل محوطه شرکت برود گرفته بودند و او را به بیرون هدایت کردند. خبرنگاران و تصویربرداران شبکه خبر نیز در محل حاضر شده بودند. از مردم می‌پرسیدند. از خبرنگاران هم می‌پرسیدند شما با چه انگیزه‌یی آمده‌اید این خبر را منعکس کنید؟ ساعت ۲۰ دقیقه به ۳ بعدازظهر را نشان می‌داد که به نظر می‌رسید تعداد تک‌تیراندازهای پلیس بیشتر شده است. اما در همین زمان بود که خانواده‌اش را از ساختمان محل تجمع پلیس خارج کردند. هر از چند دقیقه‌یی یک بار شایعه‌یی میان خبرنگاران رد و بدل می‌شد و آنها را به تکاپو وا می‌داشت که غائله خاتمه یافته است. اما هیچ تغییری در آرایش نیروهای پلیس دیده نمی‌شد. ساعت ۴ بعدازظهر بود که یک برانکارد زردرنگ را به سمت داخل ساختمان اداری شرکت واحد بردند. فقط گفتند لازم است آنجا باشد. هنوز توضیح مشخصی از این کار به خبرنگاران داده نشده بود که «مرتضی تورک» معاون دادستانی تهران نیز وارد مجموعه اتوبوسرانی شد. بعد از اینکه این مقام قضایی وارد شد دوباره همه‌می‌یی در میان خبرنگاران شکل گرفت. گفتند برادر «بهرام» آمده است. مردم شروع کردند به این مرد پرخاش کردن. او متعجب از رفتار مردم در میان خبرنگاران ایستاد و گفت: برادرم فرد شرووری نیست. او اصلاً مال این حرف‌ها نیست که بخواهد کسی را اذیت کند. من خودم به هر قیمتی شده او را راضی می‌کنم که کسی آسیبی نبیند. بعد از این دوباره همه‌چیز ساکن شد. به جز محدوده‌یی که با نوار زردرنگ بسته شده بود و پشت آن مردم تجمع کرده بودند تا ببینند سرانجام کار چه می‌شود خیابان تردد آرام خودروها را تجربه می‌کرد. در همین حال بود که فردی به نام «دانشور» در میان خبرنگاران حاضر شد و خود را رییس شوراباری محله معرفی کرد و گفت: منتظریم تا خسته شود. خبرنگاران از او پرسیدند مگر چه شده است که او خسته شود فقط ۴ ساعتی از این واقعه گذشته و احتمال خسته شدن کم است. اما این مرد نیز بدون پاسخ دادن به سوال خبرنگاران محل را ترک کرد و به داخل ساختمان رفت. رییس ایستگاه ۱۷ آتش‌نشانی که در محل حاضر بود مامورانش را برای رفع خستگی تغییر شیفت داد. او به خبرنگار ما گفت: ماموران ما باید هم به سوانح و حریق‌های منطقه رسیدگی کنند و هم در این محل آماده‌باش باشند.

سنندجی: گروگانگیری در کار نبود!

عقربه ساعت پنج بعدازظهر را رد کرده بود که همه با دیدن «پیمان سنندجی» خوشحال شدند که این ماجرا ختم به خیر شده است اما وقتی او لب به سخن باز کرد همه متعجب سوال‌های بسیاری داشتند که او بدون پاسخ دادن به آنها دوباره به داخل ساختمان مدیریتی شرکت واحد اتوبوسرانی بازگشت. «پیمان سنندجی»، رییس شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مقابل خبرنگاران قرار گرفت و گفت: گروگانگیری در کار نبوده است. او در حالی که خبرنگاران از این سخنان متعجب شده بودند سخنانش را اینگونه ادامه داد که اصلاً گروگانگیری در کار نبوده و تنها دو نفر از کارکنان شرکت

که با یکدیگر درگیری قدیمی داشتند برای حل اختلاف به دفتر بنده مراجعه کردند. همه خبرنگاران از او یک سوال داشتند. همه می‌پرسیدند پس چرا این همه پلیس با لباس‌های مختلف، آتش‌نشانی و اورژانس در اینجا حاضر شده‌اند؟ این مرد که گفته می‌شود از سال ۸۹ به‌عنوان مدیرعامل شرکت اتوبوسرانی فعالیت کرده فقط یک جمله پاسخ داد: از حضور نیروها، خبری نداشتم. خبرنگاران از او که سابقه شهرداری سنندج در فاصله سال‌های ۸۱ تا ۸۶ را در کارنامه خود دارد، پرسیدند پس موضوع گروگانگیری را چه می‌گویید؟ همه دیده‌اند که درگیری شده و شلوغ شده است. او که مدتی نیز به‌عنوان مدیر تاکسیرانی پایتخت خدمت کرده، گفت: اصلاً نه سلاحی در کار بود و نه درگیری. من هیچ سلاحی ندیده‌ام. او این سخنان را گفت و به داخل ساختمان رفت.

آرایش پلیس تغییری نکرد

۲۹۱ دقیقه از شروع ماجرا سپری شده بود که مدیرعامل شرکت واحد در میان خبرنگاران حاضر شد. با وجود آنکه «پیمان سنندجی» در جمع خبرنگاران حاضر شد و از این موضوع که گروگانگیری شده اظهار بی‌اطلاعی کرد و این خبر منتشر شد که موضوع خاتمه یافته اما ماموران پلیس موضع خود را ترک نکردند. مشاهده خبرنگار ما از ساعت ۱۷ و ۶ دقیقه که سنندجی میان خبرنگاران حاضر شد به بعد نشان از آن داشت که پلیس آرایش خود را تغییر نداده است. تعداد ماموران حاضر در محل نیز کم نشده بود و به نظر می‌رسید هیچ یگانی از نیروهای عمل‌کننده از محل خارج نشدند. همین موضوع خاتمه یافتن ماجرا را با شک مواجه می‌ساخت و خبرنگاران باور نداشتند تا بتوانند محل را ترک کنند. ۳۲ خبرنگار، ۱۵ عکاس و ۶ تصویربردار در محل باقی‌مانده بودند تا آخرین وضعیت این ماجرا را رصد کنند. شایعه‌های دیگری هم نقل می‌شد. خبرنگاری به خبرنگار دیگر می‌گفت محرمانه گفته‌اند خبرنگارها که بروند دستور حمله صادر می‌شود. یکی دیگر گفت: نیروها را از در دیگر شرکت خارج کرده‌اند و واقعا موضوع تمام شده است.

صدای سرفه و فریادهای مردم

۱۰ دقیقه‌پی به ساعت ۶ مانده بود که ناگهان دو نفر سرشان را از یکی از پنجره‌های طبقه دوم بیرون آوردند و شروع به سرفه کردند. در همین زمان فریادهای مردم هم بلند شد. چشم‌های همه می‌سوخت. احتمال شلیک گاز اشک‌آور داده شد. می‌شد سردار ساجدی‌نیا را هم از پشت شیشه‌ها دید که در حال سرفه کردن است. بعد صداهای مردم نیز بیشتر شد. یکی گفت خودش است، او همان «بهرام» است. گروگانگیری خاتمه یافت ولی هیچ کدام از فرماندهان پلیس تهران گزارشی از این ماجرا به خبرنگاران نداد.

تاخیر در پرداخت حقوق کارگران صدرا

به گزارش خبرخلیج فارس، در 13 شهریور آمده است: حقوق ماه‌های تیر و مردادماه کارگران کشتی ساز شرکت صدرا هنوز پرداخت نشده است. این درحالی می‌باشد که به دلیل تغییرات مدیریتی رخ داده در مجموعه صدرا و واگذاری مالکیت آن از قرارگاه خاتم الانبیا به شرکت آبداراهان پارس، مسئولان شرکت در بوشهر قادر به پاسخگویی و تصمیم در این خصوص نیستند. خلاصه اینکه حقوق پایین کارگران با تاخیرهای موجود مشکلات آنها را مضاعف کرده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه :
کارگر اخراجی و گروگانگیری

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است : کارگر اخراجی شرکت واحد مدیر عامل و معاون انضباطی شرکت واحد را به گروگان گرفت

ساعت 11 صبح روز 4شنبه 13 شهریور نود و دو مطلع شدیم که یکی از کارگر اخراجی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که در سال 78 در شرکت واحد استخدام شده بود در تاریخ 91/3/9 توسط کارفرما از کارش اخراج و کارفرما علت اخراج نامبرده را نحوه نامناسب خدمتی و عدم همکاری با کارفرما و خوابیدن در محل کار اعلام کرده که در کمیته انضباطی کارهم مورد تایید نمایندگان شورایی شرکت واحد قرار گرفته ، این دلایل با سابقه کاری این کارگر همخوانی نداشته و ایشان در محیط کار، به کارگری سخت کوش و درستکار در بین همکارانش مشهور بوده که به همین دلیل در هیئت تشخیص ایشان رای بر بازگشت بکار میگیرد و در مراحل بعد حل اختلاف با نفوذی که کارفرما در ادارات کار دارد رای اخراجش تایید می شود بعد از 9 ماه دوندگی در ادارات کار و دیوان عدالت اداری نتیجه ای جز پاره شدن کفش عایدش نمی شود ، که دیگر نا امید و خسته و در شرایط بد اقتصادی و فشارهای روحی و روانی دست به گروگانگیری میزند و در مورخ 92/6/13 با حضور در دفتر مدیر عامل ، مدیر عامل و فردی که حکم اخراجش را تایید کرده بودرا به گروگان می گیرد ، این گروگانگیری 8 ساعت بطول انجامید که ساعات پایانی کارگر گروگانگیر، مهندس سنندجی مدیر عامل شرکت واحد را یکطرفه بدون هیچ خواسته ای آزاد می کند اما مسبب اصلی اخراجش را نگه می دارد که با حمله نیروهای ویژه و شلیک گاز اشک آور کارگر گروگانگیر را دستگیر می کنند .

لازم به توضیح است که عامل اصلی این شرایط کسانی هستند که بدون اینکه به خواست های کارگران توجه ای داشته باشند با حمایت ادارات کار کارگران را بدون دلیل موجهی از کارشان اخراج می کنند کارگری که تمام زندگیش کارش است دیگر چطور می تواند در این شرایط بد اقتصادی بدون کار زندگی کند . کارگر به اصطلاح گروگانگیر یکی از همین کارگران است که خواسته ای جز بازگشت بکار نداشته که چنین سرانجامی پیدا کرد .
سندیکی کارگران شرکت واحد هر گونه اخراج یکطرفه از سوی کارفرما ها را محکوم می کند و نبود تشکل واقعی برای کارگران را عامل چنین فاجعه هایی میداند.
سندیکی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- شهریور 92

کارگران کیان تایر در مقابل نهاد ریاست جمهوری و سپس وزارت صنایع دست به تجمع زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است : در ادامه کشمکشهای کارگران کیان تایر و وزارت صنایع بر سر واگذاری این کارخانه به مالک قبلی آن صبح دیروز آنان دست به تجمع اعتراضی در مقابل نهاد رسیدگی به شکایات مردمی ریاست جمهوری زدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنال این تجمع اعتراضی از آنجا که مسئولین این نهاد توجهی به اعتراض کارگران نکردند آنان دست به تحصن در وسط خیابان زدند و با ایجاد ترافیک سنگین برای مدتی خروجی خیابان پاستور بسته شد. بدنال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران، مسئولین نهاد ریاست جمهوری با دعوت سه نفر از نماینده های آنان، نامه ای را خطاب به وزارت صنایع برای رسیدگی به خواستههای کارگران تنظیم و آن را جهت ارائه به وزارت صنایع به این نماینده ها دادند.

بنا بر این گزارش کارگران کیان تایر پس از دریافت نامه نهاد ریاست جمهوری به سوی وزارت صنایع حرکت کردند و با تجمع در مقابل آن خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند اما از آنجا که حضور آنان در مقابل وزارت صنایع همزمان با تعطیلی این وزارتخانه بود کارگران کیان تایر بناچار به تجمع خود پایان دادند.

خط تولید کارخانه کیان تایر پس از واگذاری این کارخانه به مالک قبلی آن بدلیل قطع برق کارخانه از سوی وزارت نیرو و نبود مواد اولیه عملاً تعطیل شده است و در طول دو ماه گذشته تولید در این کارخانه بصورت مقاطع چند روزه صورت گرفته است. در این مدت کارگران کیان تایر نیز در اعتراض به واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن بارها دست به تجمعات اعتراضی زده اند اما علیرغم وعده های متعددی که برای لغو این واگذاری از سوی نهادهای مسئول داده شده است اما وزارت صنایع به انجا مختلف در تلاش است تا این واگذاری تثبیت شود. بنا بر اظهار کارگران کیان تایر وضعیت حاضر در این کارخانه و بحرانهای موجود چندین ساله در آن، نتیجه واگذاری این کارخانه به فردی به نام شرفی بوده است و از آنجا که این واگذاری و واگذاری مجدد کارخانه به این فرد از سوی دولت و وزارت صنایع صورت گرفته است آنان دولت و وزارت صنایع را مسئول بدهی های کلان ایجاد شده برای کارخانه و عدم تولید مناسب میدانند. بنا بر آخرین خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران روز یکشنبه هفته آینده قرار است در جلسه ای که در وزارت صنایع برگزار میشود مسئله واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن و عدم تولید در این کارخانه و همچنین خواسته های کارگران مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بدنبال تجمع دیروز کارگران کیان تایر مسئولین وزارت صنایع طی تماسی با وزارت نیرو مقرر کرده اند روز شنبه هفته آینده نسبت به وصل مجدد برق کارخانه اقدام لازم صورت بگیرد. کارگران کیان تایر اعلام کرده اند چنانچه هفته آینده نسبت به لغو واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن و همچنین راه اندازی تولید در کارخانه اقدامی از سوی وزارت صنایع صورت نگیرد اعتراضات خود را تشدید خواهند کرد.

مشاور عالی انجمن های صنفی کارگران ایران: شرایط کار کارگران میادین میوه و تره بار عهد فجری است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است : مشاور کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران، شرایط کارگران در میادین میوه و تره بار را عهد قاجاری توصیف کرد.

«غلامرضا توکلی» با اشاره به بیش از ۱۶ ساعت کار روزانه کارگران میادین میوه و تره بار به ایلنا گفت: ساعت کاری قانونی برای کارگران میدان رعایت نمی شود به گونه ای که، هر زمان کارگر در میدان حاضر شود دیر است و هر وقت دست از کار بکشد زود است.

وی با بیان اینکه بسیاری از کارگران میادین میوه و تره بار در حجره ها می خوابند، ادامه داد: این کارگران معمولاً ساعت ۱۲ الی ۲ شب به میدان می روند و تا غروب همان روز کار می کنند.

این فعال صنفی در ادامه با انتقاد از بخشنامه سازمان تامین اجتماعی در رابطه با بیمه کارگران باربر که در سال ۸۷ صادر شد افزود: کارفرمایان تمایل دارند کارگران میادین میوه و تره بار حتی بارفروشان و تحصیلداران و... کارگر باربر محسوب شوند تا بتوانند از پرداخت حق بیمه آنها شانه خالی کنند و این بخشنامه، آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته کارفرمایان را عملی کرده است.

بر اساس بخشنامه سازمان تامین اجتماعی، کارگران باربر می توانند با معرفی مراجع ذیصلاح از جمله شهرداری ها، فرمانداری ها، تشکلهای صنفی کارگری و کارفرمایی در میادین میوه و تره بار، بازار و... به صورت گروهی یا انفرادی براساس قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد با بهره مندی از یارانه دولت تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار گیرند.

مطابق این بخشنامه، کل حق بیمه کارگران برابر ۲۷ درصد از حداقل حقوق ماهیانه است که پرداخت ۲۰ درصد بر عهده دولت است و ۷ درصد مابقی را کارگر برابر باید پرداخت کند.

توکلی در ادامه بیان کرد: اگر آمار کارگران بیمه شده میادین میوه و تره بار ۵ سال قبل را با الان مقایسه کنیم متوجه کاهش ۸۰ درصدی بیمه شدگان خواهیم شد. در صورتی که با گذشت زمان شهرها رونق پیدا کرده و به تناسب، تعداد حجره داران میادین میوه و تره بار هم بیشتر شده است.

مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران در پایان اظهار داشت: کارگران میادین میوه و تره بار معمولاً بازنشسته نمی‌شود و با ۲۰ الی ۳۰ سال سابقه کار، نهایتاً ۵ سال سابقه بیمه دارند زیرا کارفرمایان به طرق مختلف، لیست بیمه‌شان را کامل رد نمی‌کنند.

پایان پیام

اطلاعیه شماره 58

تاکید پزشکی قانونی بر اعزام هر چه سریعتر رضا شهابی به بیمارستان جهت درمان

برپایه اطلاعیه رسیده در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است: پزشک قانونی تهران سه شنبه 13 شهریور رضا شهابی را در زندان اوین تهران معاینه کرده و با بررسی MRI وی تأیید نموده که دیسک مربوط به 3 تا از مهره‌های کمر او آسیب دیده است و بایستی هر چه سریعتر به بیمارستان برای عمل جراحی کمر اعزام شود. بر اثر این ضایعه رضا مدتها است از درد در ناحیه کمر رنج برده و همچنین این قضیه باعث سیری پای چپ وی شده به گونه ای که وی در موقع راه رفتن می‌لنگد و در حرکت دادن پای چپ خود دچار مشکل است. پزشک قانونی بر ادامه درمان دندانهای رضا تحت نظر پزشک متخصص در خارج از زندان تأکید کرده است. در مورد وضعیت معده و کبد و ... نیز پزشک قانونی تهران بر ادامه درمان تحت نظر متخصصین در خارج از زندان تأکید کرده است.

همچنین در آخرین پرینتی که رضا در رابطه با مدت زمان باقیمانده حکمش از اجرای احکام زندان اوین گرفته است تاریخ خاتمه حبس وی 95/3/25 با احتساب پرداخت جریمه اعلام شده است و در صورتی که جریمه را پرداخت نکند تاریخ خاتمه حبس وی 96/2/25 می‌باشد. این در حالی است که در پرینت قبلی تاریخ 93/1/5 زمان خاتمه حبس این کارگر زندانی اعلام شده بود. به نظر می‌آید که مسئولین امنیتی علاوه بر فراهم نکردن شرایط درمان رضا شهابی، سعی دارند با اعلام تاریخ‌های متفاوت آزادی به این زندانی و خانواده اش روحیه این کارگر زندانی را در هم بشکنند.

کمیته دفاع از رضا شهابی ضمن اعتراض به تداوم حبس رضا شهابی خواستار رسیدگی سریع به وضعیت وخیم جسمانی این عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

کمیته ی دفاع از رضا شهابی - 14 شهریور ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۲۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

<http://www.k-d-shahabi.blogspot.com>

**یک حقوقدان در واکنش به رویداد دیروز در شرکت واحد:
طبق اظهارات سندجی، کارگر مظنون به گروگانگیری تبرئه می‌شود**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است : یک حقوقدان با اشاره به اتفاقات روز گذشته درسامانه شماره ۳ شرکت واحد تهران گفت: اگر آقای سنندجی (مدیر عامل شرکت واحد تهران) روی گفته‌اش مبنی بر اینکه گروگانگیری در کار نبوده است پافشاری کند کارگر مظنون به احتمال قوی تبرئه می‌شود.

«سهراب قنبری» در این باره گفت: مدیرعامل شرکت واحد که گفته می‌شد به گروگان گرفته شده است اصل قضیه را انکار کرده است بنابراین نباید برخورد خاصی با کارگر مظنون صورت بگیرد.

وی با بیان اینکه اتفاقات روز گذشته برای دادگاه قابل بررسی نیست ادامه داد: صحبت‌های مدیرعامل شرکت واحد در سرنوشت کارگر مظنون به گروگانگیری، صد در صد تاثیر خواهد داشت. اگر مدیر عامل شرکت واحد روی حرفش بماند و به او تحمیل نکنند که حرف دیگری بزند برای کارگر مظنون مشکلی ایجاد نخواهد شد.

این کارشناس مسائل حقوقی افزود: اگر گروگانگیری در خیابان یا ملاء عام صورت بگیرد شاکی خصوصی نمی‌خواهد و درصد برخورد قضایی با فرد مظنون به گروگانگیری بیشتر می‌شود چون «تالی فاسد» در جامعه به وجود آورده و باعث ایجاد ترس و وحشت میان مردم شده است. وی تصریح کرد: در این موارد، اگر پرونده شاکی خصوصی داشته باشد شرایط علیه متهم تشدید می‌شود.

این حقوقدان در پایان اظهار داشت: مجازات گروگانگیری الزاما اعدام نیست و به شرایط بستگی دارد. برای مثال، مجازات گروگانگیری در محل نامعلوم اعدام است.

پایان پیام

با صدور رای ابقا بکار از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه، کارگران فولاد زاگرس به یک موفقیت مهم دست یافتند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است : پس از نزدیک به دو ماه از اخراج 235 کارگر فولاد زاگرس و اعتراضات متحدانه آنان، امروز حکم ابقا بکار این کارگران از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه صادر شد.

بر اساس این حکم کارفرما مکلف شده است تمامی معوقات کارگران فولاد زاگرس را تا پایان مرداد ماه پرداخت و با واریز حق بیمه آنان به حساب سازمان تامین اجتماعی، این کارگران را در کارهای سابق شان ابقا بکار نماید.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز مسرت فراوان از موفقیت کارگران فولاد زاگرس، این پیروزی را به یکایک این عزیزان صمیمانه تبریک میگوید و آنرا حاصل اتحاد و ایستادگی و عزم و اراده محکم این کارگران برای استیفای حقوق بر حق شان میدانند.

اما از آنجا که علیرغم این موفقیت و صدور رای ابقا بکار کارگران فولاد زاگرس از سوی هیات تشخیص، احتمال عدم تمکین کارفرما به رای صادره وجود دارد لذا ما کارگران فولاد زاگرس را به حفظ هوشیاری و اتحاد و همبستگی بیشتر فرا میخوانیم و بدینوسیله حمایت قاطعانه خود را از تلاش و مبارزه آنان برای تثبیت رای صادره و اجرای آن اعلام میداریم.

خبر کوتاه: کارگران شرکت ابریشم پرنیان صومعه سرا 6 ماه حقوق نگرفتند

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی فارس بتاريخ 14 شهریور 92 آمده است : طی گزارشی از عدم پرداخت 6 ماه حقوق کارگران شرکت ابریشم پرنیان صومعه سرا خبرداد.

گزارشی کوتاه از وضعیت اسفناک کارگران میادین میوه و تره بار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است : از عدم رعایت ساعت کاری و بیش از ۱۶ ساعت کار روزانه کارگران میادین میوه و تره بار خبر داد. براساس این گزارش، کارگران میادین میوه و تره بار از ساعت 12 نیمه شب الی 2 صبح به میدان می‌روند و تا غروب همان روز کار می‌کنند. بسیاری از کارگران میادین میوه و تره بار در حجره‌ها می‌خوابند. برپایه این گزارش، کارگران میادین میوه و تره بار معمولاً بازنشسته نمی‌شوند و با ۲۰ الی ۳۰ سال سابقه کار، نهایتاً ۵ سال سابقه بیمه دارند زیرا کارفرمایان به طرق مختلف، لیست بیمه‌شان را کامل رد نمی‌کنند.

بازنشستگان بوشهری، اسیر یک ناهماهنگی، بیمه‌ها زیر بار نمی‌روند!

به نوشته خبری خلیج فارس در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است : با وجود پایان بیمه تکمیلی بسیاری از بازنشستگان استان بوشهر، هیچ کدام از شرکت‌های بیمه‌ای حاضر به خدمات دهی به این قشر نشده‌اند. به گزارش خلیج فارس، بیمه تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی استان بوشهر با شرکت بیمه ایران می‌باشد که تیرماه سال جاری خاتمه یافته است، اما با وجود پیگیری‌های انجام شده، این شرکت حاضر به تمدید قراردادش نیست. رایزنی با شرکت‌های بیمه‌ای دیگر در استان هم بی نتیجه مانده است و در این شرایط اغلب بازنشستگان بوشهری با وجود بیماری و مشکلاتی که ناشی از کهولت سن دارند، پیگیر تعیین تکلیف بیمه تکمیلی‌شان هستند. خبر می‌رسد شرکت‌های بیمه‌ای به دلیل مشکلات درمانی بازنشستگان که ضریب سود آنها را پایین می‌آورد، زربار انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با این قشر نمی‌روند. این درحالی است که در اغلب استان‌های کشور، از مهرماه پارسال بیمه‌دی به عنوان کارگزار بیمه تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی مشخص شد که به دلیل پایان نیافتن دوره یکساله آن، مشابه اتفاقی که در بوشهر رخ داده پیش نیامده است. حالا در شرایطی بیمه تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی استان با گذشت 2 ماه از خاتمه آن، تمدید نشده که آنها در گرانی هزینه‌های درمان، بستری و دارو، خود را اسیر مشکلات بیشتری می‌بینند. در این بین، شرکت‌های بیمه‌ای به دلیل ضریب خسارت بالای بیمه تکمیلی بازنشستگان که درصد سود آنها را پایین می‌آورد، زیر بار انعقاد قرارداد برای حمایت از این گروه در بوشهر نرفته‌اند. با این وجود، با احتساب مبلغی که از حقوق بازنشستگان جهت بیمه تکمیلی کسر می‌شود، زیرپوشش بردن این قشر برای شرکت‌های بیمه‌ای مقرون به صرفه خواهد بود، ضمن اینکه مشخص نیست سودهای سرشار این شرکت‌ها در بخش‌های دیگر صرف چه کاری می‌شود که آنها از تحت پوشش قراردادادن گروهی که سالهای جوانی‌شان را پشت سر گذاشته، سرباز می‌زنند.

یک کارشناس کارگری:

مجلس با تحمیل بار مالی، تأمین اجتماعی را ناکارآمد کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است: یک کارشناس کارگری گفت: مصوبه اخیر مجلس در خصوص اعطای فرصت بازنشستگی به افرادی که تنها یک ماه سابقه پرداخت حق بیمه داشته‌اند اقدام نادرستی بود.

«علیرضا حیدری» درباره قانونی که اخیرا در مجلس به تصویب رسیده است و طبق آن بیمه‌شدگان در صورت داشتن شرایط سنی و تنها یک ماه سابقه پرداخت حق بیمه، امکان پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه ده ساله خود و بازنشستگی را پیدا می‌کنند، به ایلنا گفت: نمایندگان مجلس با این موصلات باعث ناکارآمدی خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی شده‌اند.

وی یادآور شد: با این مصوبه افراد با پرداخت کردن حداقل ۱۰ سال حق بیمه می‌توانند مانند سایر بازنشستگان و مستمری بگیران از مزایای خدمات درمانی رایگان استفاده کنند. این در حالی است که خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی بصورت مشاع بوده و به تمامی بیمه شدگان اجباری فارغ از سابقه پرداخت بطور یکسان تعلق می‌گیرد.

وی افزود: از آنجا که با مصوبه جدید افراد می‌توانند بدون رسیدن به شرایط قانونی ترک کار از مزایای خدمات درمانی و دریافت مستمری دوران بازنشستگی و ازکار افتادگی بهره‌مند شوند، دیگر انگیزه برای حضور در بازار کار باقی نمی‌ماند.

وی افزود: این مسئله باعث خروج زود هنگام بیمه شدگان از بازار کار می‌شود که نتیجه آن افزایش سرسام آور هزینه‌های بخش درمانی است.

حیدری افزود: در شرایطی که بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی به دلیل ناتوانی این سازمان در انجام وظایفش به بیمه‌های تکمیلی روی آورده‌اند، نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید به جای تحمیل هزینه‌های این چنینی به سازمان تامین اجتماعی، درصدد تاسیس صندوق جدیدی برای ارائه خدمات حمایتی باشند.

این کارشناس کارگری در خاتمه گفت: در این صندوق که ویژه ارائه خدمات به افراد خاص است، دولت اعتبارات لازم برای ارائه خدمات حمایتی به افراد خاص را به عهده خواهد گرفت و بدین ترتیب از تعهدات مالی سازمان تامین اجتماعی کاسته خواهد شد.

پایان پیام

اطلاعیه

دوستان کارگر، خوانندگان وبلاگ "کارگران در کردستان"

همانطور که اطلاع دارید وبلاگ "کارگران در کردستان" از تاریخ دهم شهریور ماه ۱۳۹۲ راه اندازی شده است.

سیاست ما بر این واقع شده بود که باز گذاشتن کامنت، می‌تواند امکانی باشد تا موافقین و مخالفین بتوانند در فضایی سالم به نقد نظرات مطرح شده بپردازند. متأسفانه معدود اشخاصی به دلیل فقدان دانش سیاسی این فضا را آلوده کردند. به این دلیل ما گردانندگان وبلاگ "کارگران در کردستان" بناچار قسمت کامنت‌ها را بسته تا از نفوذ افکار عقب مانده ممانعت بعمل آوریم.

۱۴ شهریور ماه ۱۳۹۲

راه اندازی وبلاگ "کارگران در کردستان"

کارگران، مردم ستمدیده در کردستان

ما جمعی از کارگران در کردستان بر اساس در ک شرایط موجود، وظیفه خود قرار داده ایم که از زاویه منافع کارگران به رفع ستم ملی در کردستان بپردازیم. بر این اساس وبلاگ " کارگران در کردستان" را، راه اندازی نموده ایم تا بتوانیم از این طریق نظرات کارگران را منعکس کرده و نه تنها با راه کارهای بورژوا امپریالیستی مقابله کنیم، بلکه بتوانیم بیشترین اتحاد و همبستگی کارگران را در همسویی با راه حل های کارگران در کردستان را به یک آترناتیو برای رفع ستم ملی در کردستان تبدیل کنیم.

آدرس وبلاگ <http://kargardk.mihanblog.com>

تماس با ما kargar.dk@gmail.com
کارگران در کردستان

وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی: پرداخت های «رضایت آفرینی» به مردم شکاف اجتماعی را عمیق تر کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است: وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی گفت: اگر عدالت اجتماعی می‌خواهیم باید مشارکت آحاد مردم را در جامعه افزایش داد.

به گزارش ایلنا از یزد، علی ربیعی ظهر امروز در مراسم تجلیل از تعاونی‌ها و کارآفرینان برتر استان یزد با بیان اینکه «سال‌ها درباره امنیت برخی چیزها بحث می‌شود ولی مسائل پراهمیت این موضوعات مورد بحث حل نمی‌شوند» گفت: زمینه‌های تئوری تبدیل تعاون به قدرت اقتصادی در کشور فراهم است ولی باید فکر کرد چگونه می‌توان این بخش را به جایگاه واقعی خود رساند.

وی با اشاره به سخنان دکتر روحانی در خصوص جایگاه بخش تعاون در مناظره‌های انتخاباتی گفت: دولت مصمم است تا این بخش از اقتصاد کشور از جایگاه فعلی خود ارتقا یابد.

وزیر تعاون با بیان اینکه باید در این راستا از ظرفیت‌های کشور استفاده حداکثری کرد، گفت: امروز توازن میان آرمان‌ها و واقعیت‌های بخش تعاون مورد نیاز ماست. وی با ابراز تاسف از اینکه اقتصاد ما یک اقتصاد فریه، دولتی و تنبل است، گفت: متأسفانه در این سال‌ها پول‌های نفتی برای رضایت زود هنگام مردم هزینه شده است در صورتی که درآمدهای نفتی از دوران قاجار تا کنون بی‌سابقه بوده است.

وزیر تعاون با بیان اینکه تاثیر پرداخت‌های رضایت آفرینی به مردم موجب عمیق‌تر شدن شکاف اجتماعی در جامعه شده تصریح کرد: یکی از راه‌های مورد نظر برای بهبود اقتصاد کشور ایجاد اعتماد اجتماعی است. وی گفت: مردم ما به آگاهی بسیار خوبی دست یافته است به طوری که بیشترین آرای دکتر روحانی در روستاها بوده است، یعنی جایی که پرداخت نقدی بیشتری دریافت کرده‌اند. وی در ادامه سخنان خود با تاکید بر اینکه باید با پول‌های خرد تمرین مشارکت کرد، گفت: استان یزد از این بابت در جایگاه خوبی قرار دارد و با پول‌های خرد و با کمک مردم می‌توان مجموعه‌های بزرگ ایجاد کرد.

او نقش افراد خلاق را در عرصه اجتماعی برای رشد جامعه بی‌بدیل خواند و گفت: این افراد کشور را نجات می‌دهند. وی همچنین به اوضاع کلان اقتصادی کشور پرداخت و گفت: وضع

اقتصادی دولت خوب نیست. نیمی از بودجه کشور محقق نمی‌شود. اعضای کابینه تلاش خود را به کار بسته‌اند ولی شرایط سخت است.

ربیعی در پایان سخنان خود با ابلاغ سلام دکتر روحانی به مردم استان یزد گفت: هدف دولت تدبیر و امید حفظ حرمت انسان‌ها، عزت انسان‌ها و ایجاد جامعه‌ای پر از احترام و کار و تلاش است. وی افزود: همکاران دولت عهد کرده‌اند با پاکی و صداقت خدمات خود را به مردم ارائه کنند.

این مراسم با تقدیر از شرکت‌های تعاونی برتر و کارآفرینان این حوزه ادامه یافت و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی کشور و جمعی از مسئولان استانی وزیر تعاون را در این مراسم همراهی کردند.

پایان پیام

افزایش مرخصی زایمان، رعایت حقوق انسانی یا امتیاز نمایشی

برپایه خبر رسیده آمده است: پس از آنکه اجرای لایحه کاهش ساعت کار زنان شاغل که توسط دولت دهم ارائه شده بود با دستور معاون اول رئیس دولت یازدهم متوقف شد و سپس مجدداً مورد استثناء قرار گرفت و ابلاغ شد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با انتشار مقاله‌ای ۱۰ بندی، کلیات لایحه کاهش ساعت کار زنان شاغل را مورد انتقاد قرار داد.

به گزارش 14 شهریوراینا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: با توجه به مجموعه‌ای از اشکالات وارده و مغایرت این لایحه با اصل ۴۶ قانون اساسی، به نظر می‌رسد متن پیشنهادی قابل تأیید نیست و بنابراین رد کلیات لایحه توصیه می‌شود.

این مرکز پژوهشی لایحه کاهش ساعات کار زنان شاغل را از نظر وسعت شمول و معافیت محیط‌های کار، ابهامات ناشی از همپوشانی با قوانین هم‌ارض و موازی به چالش کشیده است. مرکز پژوهش‌ها در حالی با طرح ایرادات به ظاهر منطقی و معقول به استقبال قانون کاهش ساعات زنان رفته است که پیش‌تر بعضی فعالان مستقل صنفی کارگری از دیدگاه متفاوتی بر اجرایی نبودن این لایحه تأکید داشتند.

«هاله صفرزاده» پیرامون این لایحه گفته است: افزایش مرخصی زایمان تا زمان دستیابی به حقوق اولیه کار، بی‌معناست.

این فعال مستقل کارگری با یادآوری اینکه هم‌اکنون در بسیاری از محیط‌های کار زنان را به شرط ازدواج نکردن و یا بچه دار نشدن استخدام می‌کنند، گفته بود: با این شرایط نمی‌توان به قانون افزایش سه ماهه مرخصی زایمان خوشبین بود.

به باور صفرزاده، از آنجا که رواج قراردادهای موقت و پیمانی زیربنای ثبات و امنیت شغلی را متزلزل کرده است، با اجرای این قانون جدید کارفرمایان می‌توانند به راحتی با کارگرانی که می‌خواهند از مرخصی زایمان‌شان استفاده کنند تسویه حساب کنند.

وی همچنین گفته بود: مادامی که دولت و مجلس بدون کسب نظر از تشکل‌های مردم‌نهاد زنان و نهادهای مستقل صنفی و مراجعه به متن جامعه طرح‌ها و لوایح را تصویب می‌کنند باید انتظار ناکارآمد بودن قوانین را داشت.

در این رابطه و در اظهار نظری کاملاً متفاوت، «پروین محمدی» از دیگر فعالان مستقل صنفی کارگری در خصوص افزایش مرخصی زایمان گفته است: لغو افزایش مرخصی زایمان برای کارگران زن می‌تواند به چراغ سبزی برای اجحاف در سایر حقوق زنان تبدیل شود.

به باور این فعال صنفی کارگری برخلاف مصوبات غیرمنطقی و خلق الساعه دولت قبلی در خصوص اعمال سیاست‌های تشویقی و تهدیدی برای ازدواج و تولید مثل مردم و مزدگیران،

مسئله افزایش سه ماهه مرخصی زایمان کارگران زن اقدامی معقول و منطقی برای تامین سلامت جامعه است که نباید متوقف شود.

با سیاست عقیم سازی اعتراضات کارگری و عوارض ویرانگر خصوصی سازی ها مقابله کنیم

مریم محسنی

مقاله رسیده به روزشمار کارگری آمده است : مهم ترین رؤس کلی سیاست هایی که قراراست علی ربیعی، وزیر کار و تعاون رفاه اجتماعی پیش ببرد، آن گونه که از لابلای مصاحبه ها و هم چنین برنامه اعلام شده او می توان بیرون کشید، عبارتند از تداوم خصوصی سازی ها، تقویت بخش تعاون، کانالیزه کردن اعتراضات فراقانونی کارگری به سمت اعتراضات قانونی. محور اول و دوم سیاست هایی که قراراست در دورآتی توسط وزارت کارپیش رود، برای کارگران و زحمتکشان کشورگشایشی در امر بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی به رغم دادن ده ها وعده دربرنامه دولت جدید حسن روحانی وهم چنین برنامه وزیرکاردولت او ایجاد نخواهد کرد. چرا که ادامه خصوصی سازی ها درشرایط کنونی منجر به رونق در بخش صنعت و اقتصاد نخواهد شد و راه حلی برای ایجاد تحرک در بخش صنعت کشورنیست. ایجاد رونق دربخش صنعت مستلزم، جذب سرمایه به این بخش است. اما تحریم های کشورهای امپریالیستی، پرواربودن بخش تجاری و انگلی ونقش قدرتمندی که این بخش سرمایه در حاکمیت دارد، هم چنین وجود ده ها نهاد مالی سرمایه خوار و شبه خصوصی مربوط به طبقه سیاسی حاکم، اجازه جذب سرمایه به این بخش را نمی دهد. فراموش نشده است که دولت سازندگی هاشمی رفسنجانی هم در زمان خود بالاخره نتوانست به اهداف تعریف شده در همین مورد برسد و عملا خصوصی سازی ها با شکست مواجه شد و حاصل آن جز خودمانی سازی ها چیز دیگری نبود. رونق صنعت ضمنا مستلزم افزایش نرخ سود آن هم هست. این در حالی است که نرخ سود درایران دربخش صنعت نمی تواند هم پا با بخش تجارت بالا رود. چرا که سال ها ست بخشی از بورژوازی ایران یک شبه به ثروت های افسانه ای دست یافته حاضرنیست به راحتی دست از این سودها بکشد. در حقیقت سرمایه مرتبا از بخش صنعت فرارکرده و بخش انگلی پروارتر شده است . درسال های گذشته با موارد متعددی از ورشکسته اعلام کردن صنایع ازسوی کارفرمایان مواجه بوده ایم. آنها کارخانه ها را ورشکسته اعلام کردند و با فروختن زمین وماشین آلات، سرمایه ها را ازاین بخش بیرون کشیده ودرپروژه های انبوه سازی درمسکن وساختمان سازی وارد کردند. بخشی از همین سرمایه ها به بازاردلالی ارز وغیره وارد شدند. روند فرارسرمایه از بخش صنعت به بخش تجارت، چیزی نیست که بشود به سادگی و درمدت زمانی کوتاه جلوی آن را گرفت.

دوم - علی ربیعی درمصاحبه اخیرش وعده گسترش بخش تعاونی را داد و گفت راه رسیدن به رشد اقتصادی 8 درصدی تقویت بخش تعاونی است. اما آیا گسترش بخش تعاون آن گونه که علی ربیعی وعده اش را داده امکان پذیر است؟ گزارش های رسمی نشان می دهد که بخش اصلی تعاونی ها در ایران نه به طور عمده از طریق تجمیع سرمایه های خرد که از طریق دریافت تسهیلات بانکی و وام بوجود آمده اند. بی دلیل نیست که با وجود همه تاکیداتی که گاه و بیگاه بر بخش تعاون به عنوان یکی از سه پایه اصلی اقتصاد کشور صورت گرفته، به اعتراف همین وزیر کار سهم این بخش از کل تولید کشور حدود پنج درصد است. در شرایطی که حدود 30 درصد واردات کشور به شیوه قاچاق تامین می شود و حتی کارخانه های بزرگ نساجی و کفش و چرم نابود شده اند، سرنوشت سرمایه های کوچک در قالب تعاونی و فعالیت ها و تولیدات آنها روشن است. دولت کنونی حتی اگر بخواهد همه موانع گسترش سریع تعاونی ها را بردارد باز هم رساندن سهم تعاونی ها به 25 درصد اقتصاد کشور نیاز به تزریق میلیاردها سرمایه دارد که چنین

سرمایه ای در شرایط تحریم ها و کاهش درآمدهای نفتی وجود ندارد. بنابراین رشد اقتصادی از طریق تعاونی ها بیشتر داستان سازی مربوط به آینده نامربوط است.

سوم - کانالیزه کردن اعتراضات فراقانونی کارگران به مجاری قانونی آن بخشی است که وزارت کار دولت روحانی به عنوان اصلی ترین وظیفه دنبال می کند. به رغم دادن ده ها وعده مبنی بر "بهبود" وضعیت رفاهی مردم، کاهش تورم و افزایش قدرت خرید جامعه کارگری، برقراری نظام چند لایه تامین اجتماعی شامل مساعدت های اجتماعی بیمه همگانی، پوشش بیمه های اجتماعی به آحاد مردم و.... اصلی ترین سیاست وزارت کار در رابطه با فعالیت های کارگری را می توان درمفاد پانزده گانه بخش روابط کار برنامه وزارت کار به خوبی می توان مشاهده کرد.

همین بخش است که می بایست مورد توجه کارگران پیشرو و فعالان کارگری قرار گیرد و روشن است که ما فعالان کارگری باید موضع از پیش روشنی در قبال این سیاست داشته باشیم.

اگرسیاست دولت روحانی درحوزه کارگری عقیم ساختن اعتراضات کارگری از طریق هدایت اعتراضات فراقانونی به کانال های قانونی و از نفس انداختن اعتراضات است، وظیفه ما فعالان کارگری، این است که اعتراضات قانونی کارگران را سکوی پرشی قراردسیم برای سازماندهی مستقل طبقاتی اردوی کار. و هر جا که شرایط برای عقب راندن اردوی کارفرمایان و دولت از طریق اعتصابات و اعتراضات فراقانونی مهیا بود از آن پشتیبانی کنیم.

تنها از این طریق است که می توان با پروژه عقیم کردن اعتراضات کارگری و با عوارض ویرانگر خصوصی سازی ها به طور موثر مقابله کرد.

یک کارگر دیگر در سد داریان جان باخت

به گزارش کردپا در 14 شهریور 92 آمده است: یک کارگر دیگر در هنگام کار کردن در سد "داریان" از توابع شهرستان پاوه، به دلیل حوادث ناشی از کار جان باخت.

به گزارش 14 شهریور کردپا، روز گذشته سیزدهم شهریورماه، یک کارگر به نام "حامد وهابی"، فرزند "جمال" اهل روستای "ژریژه" از توابع شهرستان "سروآباد"، که در سد داریان مشغول به کار بوده است، به دلیل سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن، جان خود را از دست داد.

به گفته ی یک منبع مطلع، این کارگر، ۳۰ ساله و متأهل بوده که در سد داریان کار می کرده است و به علت بی توجهی کارفرما نسبت به فراهم نمودن شرایط ایمنی جهت حفظ جان کارگران، جان باخته است.

چند خبر کارگری از فاز ۱۲ و ۱۵ مستقر در کنگان

برپایه خبر منعکس شده در وبلاگ کانون موافعان حقوق کارگران در تاریخ 14 شهریور 92 آمده است:

۱- شرکت آذر خاك :

کارگران شرکت آذر خاك از هفته ی گذشته تا امروز در اعتراض به عدم دریافت حقوق ۵ ماه گذشته دست به اعتصاب زده اند. این ۴۰۰ کارگر در مقابل دفتر کارفرما تجمع اعتراضی هم داشته اند.

۵۱ درصد سهام شرکت آذر خاك از آن بانك ملی است و تا کنون از کارفرما ۲۵ میلیارد تومان دریافت کرده و از این دریافت حتی به شرکت های تحت امر خود نیز پولی نپرداخته است؛ به طوری که فقط به پیمانکار آشپزخانه اش که با ده ها نفر پرسنل ماه هاست که در خدمت این مجموعه است، بدهی سنگینی دارد. این پیمانکار غذا نیز ماه هاست که به پرسنل خود حقوقی پرداخت نکرده است.

لازم به یادآوری ست که شرکت آذر خاك از بهمن سال گذشته تا امروز از پرداخت حق بیمه ی

کارکنان خود هم طفره رفته و بابت بیمه‌ی کارگزارانش پولی به حساب تامین اجتماعی واریز نکرده و از این جهت نیز کارگران در فشار مالی برای تامین درمان خانواده‌ی خود هستند. اعتصاب این ۴۰۰ کارگرتا تاریخ ۱۴ شهریور ۹۲، هفتمین روز خود را می‌گذراند.

۲ - شرکت تهران جنوب :

کارگران این شرکت نیز 3 روز است که در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماه گذشته‌شان دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند. این 8۰۰ کارگر اعتصابی خواستار دریافت حقوق معوقه‌ی خود هستند.

۳ - شرکت پایندان :

شرکت پایندان نیز بیش از سه ماه است که به کارگزارانش حقوق نپرداخته است. ۱۱۰۰ کارگر این شرکت در اعتراض به این ستم آشکار دست از کار کشیده و اعتصاب نموده‌اند. امروز دومین روز اعتصاب این کارگران شاغل در کنگان است

اطلاعیه شماره 58-

تاکید پزشکی قانونی بر اعزام هر چه سریعتر رضا شهابی به بیمارستان جهت درمان

برپایه گزارش رسیده به روزشمار کارگری آمده است : پزشک قانونی تهران سه شنبه 13 شهریور رضا شهابی را در زندان اوین تهران معاینه کرده و با بررسی MRI وی تأیید نموده که دیسک مربوط به 3 تا از مهره‌های کمر او آسیب دیده است و بایستی هر چه سریعتر به بیمارستان برای عمل جراحی کمر اعزام شود. بر اثر این ضایعه رضا مدت‌ها است از درد در ناحیه کمر رنج برده و همچنین این قضیه باعث سیری پای چپ وی شده به گونه ای که وی در موقع راه رفتن می لنگد و در حرکت دادن پای چپ خود دچار مشکل است. پزشک قانونی بر ادامه درمان دندانهای رضا تحت نظر پزشک متخصص در خارج از زندان تأکید کرده است. در مورد وضعیت معده و کبد و ... نیز پزشک قانونی تهران بر ادامه درمان تحت نظر متخصصین در خارج از زندان تأکید کرده است.

همچنین در آخرین پرینتی که رضا در رابطه با مدت زمان باقیمانده حکمش از اجرای احکام زندان اوین گرفته است تاریخ خاتمه حبس وی 95/3/25 با احتساب پرداخت جریمه اعلام شده است و در صورتی که جریمه را پرداخت نکند تاریخ خاتمه حبس وی 96/2/25 می باشد. این در حالی است که در پرینت قبلی تاریخ 93/1/5 زمان خاتمه حبس این کارگر زندانی اعلام شده بود. به نظر می آید که مسئولین امنیتی علاوه بر فراهم نکردن شرایط درمان رضا شهابی، سعی دارند با اعلام تاریخ های متفاوت آزادی به این زندانی و خانواده اش روحیه این کارگر زندانی را در هم بشکنند.

کمیته دفاع از رضا شهابی ضمن اعتراض به تداوم حبس رضا شهابی خواستار رسیدگی سریع به وضعیت وخیم جسمانی این عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

کمیته ی دفاع از رضا شهابی - 14 شهریور ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

تهدید امنیت، بهداشت عمومی و سلامت کارکنان وزارت نفت با حذف نهار

برپایه خبر ماهنامه چشم اندازنفت-شماره نهم-مردادشهریور1392 آمده است : چند سالی است که در مراکز ستادی وزارت نفت و شرکت های تابعه با هدف کاهش هزینه‌های جاری بنا به دستور دولت، ارائه غذای ظهر بدون پرداخت مبلغ کامل حذف شده است. ظاهراً مسئولان هزینه

کمتری را برای سرو غذا پرداخت می کنند. چراکه مبلغ ناکافی (روزانه 2800 تومان) به عنوان هزینه غذا در نفت کارت پرسنل شارژ می شود و در عوض پیمانکاران که مسئولیت تهیه و توزیع غذا در رستوران های ستادی را بر عهده دارند هزینه غذای ارائه شده را به صورت مستقیم و با نرخ آزاد از پرسنل دریافت می کنند و آنها هم برای بالا نرفتن بیش از حد قیمت از کیفیت غذا کم می کنند. به همین علت تعدادی از پرسنل که از کیفیت غذای ارائه شده توسط پیمانکار راضی نیستند، غذا با خود به ادارات می آورند. به طوری که با نزدیک شدن ظهر افراد زیادی دیده می شوند که در حال گرم کردن غذایی هستند که با خود آورده اند. حال یا روی هیترهای برقی که در اطاق ها تهیه دیده اند و یا اجاق گاز آبدارخانه ها.

بهداشت عمومی و سلامت پرسنل نیز در این گرم کردن ها و غذا خوردن ها در معرض تهدید و آسیب است و استفاده از هیتر برقی برای گرم کردن غذا در اطاق ها از نظر ایمنی توصیه نمی شود.

بیانیه اتحاد بین المللی در رابطه با کشتار پناهندگان سیاسی کمپ اشرف

در روز یکشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۲، مزدوران و جانپان وابسته به دو رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی ایران و عراق با حمله وحشیانه به کمپ اشرف وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران، دهها نفر از ساکنان غیر مسلح و بی دفاع مستقر در این کمپ را کشتند و تعداد بیشتری را مجروح کردند. این جنایات ضد انسانی در حالی انجام میشود که عاملان و دستوردهندگان این کشتار، بی شرمانه و وقیحانه در خبرگزاری های دولتی ایران و عراق با صدای بلند و شور و شغف به این عمل تروریستی خود افتخار میکنند.

این اولین بار نیست که ساکنان کمپ اشرف با توطئه و هماهنگی بین دو رژیم ضد انسانی حاکم بر ایران و عراق مورد حمله قرار می گیرند و کشتار می شوند. در سال گذشته نیز دهها نفر از ساکنان کمپ اشرف در حمله ای مشابه با هدف برچیدن این کمپ کشته و زخمی شدند. حفاظت از جان و حقوق انسانی پناهندگان بعهدہ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و دولت های امضاء کننده کنوانسیون های پناهندگی است. اما دولت جنایتکار عراق که بنا بر این کنوانسیون ها مسئول حفظ جان این پناهندگان است خود بعنوان مجوز دهنده و مجری، همراه با مزدوران اطلاعاتی رژیم ایران و سپاه قدس عراق که از سوی رژیم اسلامی حمایت و کنترل می شود، در این جنایت مستقیماً شرکت داشته است.

رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران طی حدود ۳۴ سال عمر جنایتکارانه اش نشان داده که از هیچ اقدامی در نابودی مخالفان خود فروگذار نخواهد کرد. کشتار اخیر ساکنان اشرف یک بار دیگر نشان داد که جان اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق در عراق در خطر جدی است. همه ساکنان کمپ اشرف و لیبرتی باید امکان یابند که بطور آزادانه و بدون اعتنا به فشارهای سازمانی-ایدئولوژیک و غیرمسئولانه سازمان مجاهدین خلق، درمورد ماندن در عراق و یا ترک آن کشور تصمیم بگیرند. همچنین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل موظف است امنیت جانی این پناهندگان در هر کشور میزبان را با پافشاری اکید بر تعهدات بین المللی دولت پناهنده پذیر تأمین نماید.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران بنابر اصل دفاع از حقوق انسانی افراد، کشتار ساکنان کمپ اشرف را محکوم می کند و خواهان تعقیب، دستگیری و محاکمه عاملان این جنایت وحشیانه میباشد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۵ سپتامبر ۲۰۱۳

پانزدهم شهریورماه 1392

جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۹۲ ه.ش.

سومین برنامه کارخانه، مجله کارگری هفتگی رادیو ندا

سومین برنامه کارخانه، مجله کارگری رادیو ندا، شامل این قسمت هاست:

- 1- اخبار کارگری هفته
- 2- نگاهی به اعتصاب کارگران معدن طلای آفریقای جنوبی
- 3- بازخوانی نوشته رضا شهابی، کارگر زندانی

گوش کردن فایل صوتی با مدیا پلیر
گوش کردن فایل صوتی با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/09/blog-post_6.html

یک فعال کارگری در منطقه: بیکاری، کارگران کردستان را به سمت کولبری هدایت می‌کند

به گزارش خیرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: یک فعال کارگری در سقز از فعالیت بیش از ۱۵۰۰ کارگر مرزی در مناطق سردشت، بانه، سقز و مریوان در حرفه خطرناک و غالباً غیر قانونی «کولبری» خبر داد.

«سید محمد صالح حسینی» عدم تمایل دولت به سرمایه گذاری، نبود کارخانجات و فقدان سیاستهای مشوق سرمایه گذاری در استان کردستان را عامل روی آوردن کارگران مرزی به حرفه کولبری دانست و در این باره به ایلنا گفت: هر سال صدها نفر از کارگران کولبر جان‌شان را در مناطق مرزی کردستان از دست می‌دهند و این در حالی است که اگر امکان اشتغال و کسب درآمد قانونی در منطقه فراهم بود، نیروی کار این کارگران صرف تولید می‌شد.

این فعال کارگری در کردستان سن اشتغال کارگران در حرفه کولبری را از ۱۳ تا ۶۰ سال ذکر کرد و گفت: اکثر کارگران کولبر را افراد فقیری تشکیل می‌دهند که فقط برای امرار معاش روزانه‌شان به این شغل خطرناک روی آورده‌اند.

حسینی با بیان اینکه قاچاقچیان و حتی کارفرمایان قانونی به این کارگران نگاه صرفاً ابزاری دارند، گفت: وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی در شهرستان سقز همچون واحدهای مستقر در شهرک صنعتی قهر آباد عاملی شده است که کارگران بیکار شده این مجموعه‌های صنعتی به حرفه کولبری جذب شوند.

او در این باره اضافه کرد: تعطیلی واحدهای صنعتی همچون کارخانه قند، نوشابه سازی، لوله پلی اتیلن و کارخانه‌های بزرگی مثل کارخانه دخانیات سقز باعث بیکاری تعداد زیادی از کارگران و جذب آنان در حرفه کولبری شده است.

این فعال کارگری در خاتمه تأکید کرد: کولبران برای کسب درآمد مجبور به حمل اجناس در مناطق صعب العبورند. دولت برای حل مشکل قاچاق باید به فکر ایجاد اشتغال در مناطق مرزی باشد.

پایان پیام

مصاحبه داوود رضوی و حسن سعیدی با روزنامه بهار امروز مورخه 92/6/16 به بهانه کارگر گروگانگیر بهرام سروش در شرکت واحد:

به نوشته روزنامه بهار امروز در گفتگو با داوود رضوی و حسن سعیدی در 16 شهریور 92 آمده است: پیش از یک سال است که بهرام همانند صدها راننده‌ای که در این سالها از شرکت واحد اخراج شده‌اند، بیکار شده است. روی برگه اخراجش که 9 خرداد 91 امضا شده دلیل این بیکاری را بی‌انضباطی در محل کار نوشته‌اند. حالا او بعد از قطعی شدن این حکم و تایید آن در دیوان عدالت اداری آمده برای آخرین بار بخواهد مدیرانش چند دقیقه خواب را بر او ببخشند اما مأمور حراست مانع ورود بهرام می‌شود و او که از همه جا بریده معرکه‌ای برپا می‌کند. معرکه‌ای که حسین ساجدی نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ را هشت ساعت درگیر کرد. چند سال پیش هم راننده به آخر خط رسیده‌ای بنزین را وسط ایستگاه روی خود می‌ریزد و قصد آتش زدن خود را دارد. اما در این سالها چه برسر رانندگان شرکت واحد آمده که مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند.

داوود رضوی یکی از نمایندگان رانندگان اخراج شده درباره مشکلات رانندگان معترض به «بهار» می‌گوید: مطالبات سالیان دراز رانندگان اتوبوس در این سالها انباشته شده و در سال 84 بعد از بی‌نتیجه دیدن اعتراض‌ها و بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های خود که خواسته‌های زیادی هم نیست مانند حق مسکن، لباس کار و حق ناهار که به اندازه یک نصف نان هم نیست دست به اعتراض‌های صنفی زدند هرچند بعد از این مسائل حدود 40 درصد افزایش حقوق داشتیم؛ افزایشی که حقوق ما را به سطح حقوق سایر کارگران می‌رساند. او ادامه می‌دهد: پس از آن که رانندگان متوجه شدند 10 درصد حقوق به سایر کارکنان شهرداری افزوده شده که آن‌ها از آن محروم هستند دوباره اعتراض‌ها شروع شد. بعد از هفت، هشت ماه پیگیری به هیچ نتیجه‌ای نرسیدیم و 200 نماینده رانندگان مقابل شورای شهر تهران تجمع کردیم. مقصد بعدی رانندگان معترض وزارت کار بود. آن‌ها نامه‌ای با دوهزار و 500 امضا درباره میزان افزایش حقوق سال 92 به وزارت کار فرستادند. بیشترین میزان دستمزد رانندگان اتوبوس یک میلیون و 316 هزار تومان است و رقم خواروبار در فیش حقوقی رانندگان 210 تومان. رضوی می‌گوید: سه راننده معترض که مقابل شورا رفته بودند و البته به عنوان نماینده سایر هم‌صنفان خودشان با نمایندگان شهرداری مذاکره کردند، اخراج شده‌اند. او که خود یکی از معترضان اخراجی است، ادامه می‌دهد: شرکت واحد حدود 12 هزار راننده اتوبوس داشت که پس از خصوصی‌سازی تلاش شد بیشتر آن‌ها به بهانه‌های واهی اخراج شوند زیرا شرایط بازخرد رانندگان آن قدر غم‌انگیز بود که کسی حاضر به بازخرد نمی‌شد. حالا شرکت واحد کمتر از هشت هزار راننده دارد.

او شرایط کار در بخش خصوصی را نادرست توصیف می‌کند و می‌گوید: کسانی که به بخش خصوصی رفته بودند از صبح تا شب کار می‌کردند اما دخل‌شان با خرج‌شان نمی‌خواند. رانندگان اتوبوس در این سالها روزگار خوشی نداشتند، سال‌هایی که سفره‌ها خالی‌تر از همیشه بود. رضوی می‌گوید: در این چند سال حکم اخراج بود که مانند دستگاه فتوکپی صادر می‌شد. هرچند ما توانستیم 250 راننده اخراجی را به کار برگردانیم. او از شورای اسلامی کار که حکم اخراج‌ها در آن به تایید می‌رسید، می‌گوید: این شوراها بیشتر از آن‌که به فکر کارگران باشند مدافع حقوق کارفرمایان بودند. تلاش برای خصوصی‌سازی شرکت واحد ریشه بسیاری از مشکلات رانندگان اتوبوس است. این نگاه بسیاری از رانندگان اخراجی است.

سعیدی، وکیل بسیاری از رانندگان اخراجی شرکت واحد به بهار می‌گوید: حکم بازگشت به کار 200 راننده را گرفته‌ام اما چند وقتی است شرکت واحد با گرفتن وکیلی بانفوذ راه بازگشت به کار رانندگان را بسته است. او به اعتراض‌های سال 84 اشاره می‌کند و حضور شبانه قالبیاف در میان

رانندگان معترض، اما شرایط بهتر نشد؛ حتی کارگرانی با 20 سال سابقه به بهانه‌های ساده از شرکت واحد رفتند.

سعیدی که خود یکی از راننده‌های اخراجی است و به دلیل تسلطش به قانون کار از حق هم‌صنفی‌های خود دفاع می‌کند، ادامه می‌دهد: «سندجی، مدیرعامل شرکت واحد در مصاحبه‌اش با رسانه‌ها می‌گوید گروگانگیری رخ نداده و ما از این راننده معترض خواسته‌ایم به کار بازگردد. آیا از این دروغ بزرگ‌تر هم می‌شود. اما جمعیت‌های دفاع از حقوق کارگران در این سال‌ها تلاشی برای رانندگان شرکت واحد کرده‌اند؟»

حسن صادقی، فعال حقوق کارگری با بیان این‌که رانندگان شرکت واحد از قدیم حتی پیش از انقلاب همیشه تحرکاتی داشته‌اند، می‌گوید: «شوراهای اسلامی کار همیشه در این سال‌ها تلاش کرده‌اند خواسته‌های کارگران و رانندگان شرکت واحد را برآورده کنند و پیگیر خواسته‌های آن‌ها بوده‌اند. این در حالی است که کمتر راننده شرکت واحد این شورا را مدافع حقوق خود می‌داند. صادقی در این رابطه می‌گوید: این شوراها در دهه 60 و 70 کارکرد خود را داشتند اما در دهه 80 به دلیل آن‌که قدرت خود را از دولت می‌گرفتند برای ادامه حیات خود از کار کرد اصل خود دور شدند.»

او ادامه می‌دهد: «قانون جوهر روی کاغذ است. مجری قانون است که به آن شکل و روح می‌دهد. وقتی رگه‌هایی از پول و سرمایه در نظام مدیریت کشور رسوخ کرد و شوراهای کارگری که دولت آن‌ها را شکل می‌داد خود را ملزم به حفظ منافع آن‌ها کردند چنین مشکلاتی بروز کرد.»

صادقی معتقد است همه باید ملاک را قانون بگذارند در غیر این صورت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اگر هرکس به مشکلی برخورد خود اسلحه بردارد و حلش کند نمی‌شود. در تکراس هم این‌گونه نیست. باید با قانون جلو رفت. راهکارهایی برای بازگشت به کار وجود دارد اما کسانی که این کارگر را تا این حد به هیجان آورده و مدیرانی که این‌گونه کارگران خود را سرکوب و تحقیر می‌کنند هم جای سوال و بازخواست دارند.

صادقی معتقد است: نحوه خصوصی‌سازی در شرکت واحد درست نبوده و به جای واگذاری به افراد باید به تعاونی‌های اتوبوسرانی واگذار می‌شد.

حالا خانواده بهرام به جز غم بی‌نانی غم رفتن پدر پشت میله‌های زندان را هم دارند. مدیرعامل شرکت اتوبوسرانی می‌گوید: «گروگانگیری رخ نداده بود بلکه مشکل دو کارمند قدیمی بوده که 9 ساعت آن‌ها را در اتاق نگاه داشت. مدیرعامل شرکت واحد کل داستان را منکر می‌شود آن هم در مقابل رسانه‌هایی که هم حضور پلیس را دیده‌اند و هم مرد معترض را. وقتی اسلحه بهرام پایین آمد، داستانش هم تمام شد.»

جزئیات گروگانگیری در شرکت واحد از زبان رییس پلیس پایتخت

معاون امنیتی دادستان تهران: امان‌نامه‌ای در کار نبود

فرمانده انتظامی تهران بزرگ جزئیات عملیات هشت ساعت پلیس برای دستگیری گروگانگیر در ساختمان شرکت واحد را تشریح کرد. سردار حسین ساجدی‌نیا به ایسنا گفت: «حوالی ساعت 10:30 چهارشنبه 13 شهریور در تماسی با پلیس 110 اعلام شد که چند نفر در یکی از دفاتر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران توسط یک فرد گروگان گرفته شده‌اند. وی افزود: در پی این حادثه سریعاً عوامل پلیس، مسئولان مربوطه و واحد رهایی گروگان در محل حاضر شدند و برای جلوگیری از وارد شدن هرگونه آسیبی به شهروندان و افراد به‌گروگان‌گرفته‌شده ابتدا به وسیله تلفن و سپس به شکل حضوری با فردی که به عنوان گروگانگیر مطرح شده بود، وارد مذاکره شدند که این مذاکره حدود هشت ساعت به طول انجامید. فرمانده انتظامی تهران بزرگ با اشاره به این‌که از تورک، معاون دادستان تهران نیز درخواست کردیم که به محل بیایند افزود: حضور ایشان در صحنه در کنار پلیس بسیار موثر بود. وی درباره این‌که هدایت کل عملیات بر عهده چه کسی بود؟ گفت: بنده شخصاً هدایت عملیات را تا دستگیری فرد گروگانگیر و آزادی گروگان‌ها بر عهده داشتم و خودم با گروگانگیر مذاکره می‌کردم. ساجدی‌نیا ادامه داد: سرانجام ماموران پلیس

با استفاده از یک لحظه غفلت گروگانگیر وارد اتاق شدند و وی را دستگیر کردند. رییس پلیس پایتخت که خود هدایت عملیات آزادسازی گروگان‌ها در ساختمان مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی پایتخت را بر عهده داشت، با اشاره به سابقه مشکلات روحی و روانی متهم دستگیرشده گفت: در بررسی‌هایی که انجام دادیم مشخص شد این فرد در سال‌های قبل در یکی از آسایشگاه‌های روانی بستری بوده است. عملیات رهایی گروگان‌ها حوالی ساعت 19:30 به اتمام رسید و نامبرده پس از بازجویی و تشکیل پرونده هم‌اکنون در اختیار مقام قضایی قرار گرفته است. در این باره مرتضی تورک، معاون امنیتی دادستان تهران هم که چهارشنبه در محل حادثه حضور داشت گفته است: «گزارش کامل گروگانگیری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به صورت مشروح تحویل دادستان تهران شده و او گزارش را اعلام می‌کند.» او درباره پرونده گروگانگیری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران گفت: «از همان ساعت اولیه به عنوان معاون امنیتی دادستان تهران در صحنه حضور داشتم و گفت‌وگو با فرد گروگانگیر با همکاری پلیس انجام شد.» او ادامه داد: «اینکه گفته می‌شود امان‌نامه‌ای رد و بدل شده، صحیح نیست و من تمامی موارد را جزء به جزء در گزارشی به دادستان تهران ارائه کردم و شخص دادستان مشروح اقدامات انجام‌شده توسط دادستانی را در صورت صلاحدید رسانه‌ای می‌کند.»

مدیر واحد کار و اشتغال سرخس:

بیمه بیکاری پاسخگوی نیازهای بیکاران نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: مدیر واحد کار و اشتغال منطقه ویژه اقتصادی سرخس با اشاره به نواقص بیمه بیکاری موجود، گفت: با توجه به اینکه طرح بیمه بیکاری به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای بیکاران باشد و قانون بیمه بیکاری نیز صرفاً قانونی است که به منظور برقراری بیمه بیکاری برای بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی اجرا می‌شود، باید از طرح‌های حمایتی بهره گرفت.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، «رجبعلی ایزانلو» در این باره گفت: بیمه بیکاری یکی از ضرورت‌های نظام اقتصادی است که با برقراری ایمنی مناسب و تأمین حداقل معیشت برای بیکاران، شرایط لازم را برای جابجایی نیروی کار و انعطاف بازار کار فراهم می‌سازد.

ایزانلو با اشاره به استقرار واحد کار و اشتغال سرخس از تیرماه سال جاری، گفت: در این منطقه درخواست‌های متقاضیان توسط کمیته‌های دو نفره‌ای که به منظور بررسی دلایل بیکاری کارگران تعیین شده‌اند، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و پس از شناسایی واجدین شرایط، مقرری بیمه بیکاری برای آن‌ها برقرار می‌شود.

وی گفت: از مشکلات قانون بیمه بیکاری می‌توان به محدودیت دامنه شمول، ناپایداری منابع مالی، تمایل به ماندگاری در وضعیت بیکاری و بروز برخی سوء استفاده‌ها از مزایای بیمه بیکاری را اشاره کرد.

پایان پیام

مصاحبه داوود رضوی و حسن سعیدی دو تن از اعضای سندیکا در مورد بهرام سروش

به نوشته روزنامه بهار در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: بیش از یک سال است که بهرام همانند صدها راننده‌ای که در این سال‌ها از شرکت واحد اخراج شده‌اند، بیکار شده است. روی برگه اخراجش که 9 خرداد 91 امضا شده دلیل این بیکاری را بی‌انضباطی در محل کار نوشته‌اند.

حالا او بعد از قطعی شدن این حکم و تایید آن در دیوان عدالت اداری آمده برای آخرین بار بخواهد مدیرانش چند دقیقه خواب را بر او ببخشند اما مامور حراست مانع ورود بهرام می‌شود و او که از همه جا بریده معرکه‌ای برپا می‌کند. معرکه‌ای که حسین ساجدی نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ را هشت ساعت درگیر کرد. چند سال پیش هم راننده به آخرخط رسیده‌ای بنزین را وسط ایستگاه روی خود می‌ریزد و قصد آتش زدن خود را دارد. اما در این سال‌ها چه برسر رانندگان شرکت واحد آمده که مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند.

داوود رضوی یکی از نمایندگان رانندگان اخراج شده درباره مشکلات رانندگان معترض می‌گوید: مطالبات سالیان دراز رانندگان اتوبوس در این سال‌ها انباشته شده و در سال 84 بعد از بی‌نتیجه دیدن اعتراض‌ها و بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های خود که خواسته‌های زیادی هم نیست مانند حق مسکن، لباس کار و حق ناهار که به اندازه یک نصف نان هم نیست دست به اعتراض‌های صنفی زدند هرچند بعد از این مسائل حدود 40 درصد افزایش حقوق داشتیم؛ افزایشی که حقوق ما را به سطح حقوق سایر کارگران می‌رساند.

او ادامه می‌دهد: پس از آن که رانندگان متوجه شدند 10 درصد حقوق به سایر کارکنان شهرداری افزوده شده که آن‌ها از آن محروم هستند دوباره اعتراض‌ها شروع شد. بعد از هفت، هشت ماه پیگیری به هیچ نتیجه‌ای نرسیدیم و 200 نماینده رانندگان مقابل شورای شهر تهران تجمع کردیم. مقصد بعدی رانندگان معترض وزارت کار بود. آن‌ها نامه‌ای با دوهزار و 500 امضا درباره میزان افزایش حقوق سال 92 به وزارت کار فرستادند. بیشترین میزان دستمزد رانندگان اتوبوس یک میلیون و 316 هزار تومان است و رقم خواروبار در فیش حقوقی رانندگان 210 تومان. رضوی می‌گوید: سه راننده معترض که مقابل شورا رفته بودند و البته به عنوان نماینده سایر هم‌صنفان خودشان با نمایندگان شهرداری مذاکره کردند، اخراج شده‌اند. او که خود یکی از معترضان اخراجی است، ادامه می‌دهد: شرکت واحد حدود 12 هزار راننده اتوبوس داشت که پس از خصوصی‌سازی تلاش شد بیشتر آن‌ها به بهانه‌های واهی اخراج شوند زیرا شرایط بازخرید رانندگان آن‌قدر غم‌انگیز بود که کسی حاضر به بازخرید نمی‌شد. حالا شرکت واحد کمتر از هشت‌هزار راننده دارد.

او شرایط کار در بخش خصوصی را نادرست توصیف می‌کند و می‌گوید: کسانی که به بخش خصوصی رفته بودند از صبح تا شب کار می‌کردند اما داخل‌شان با خرج‌شان نمی‌خواند. رانندگان اتوبوس در این سال‌ها روزگار خوشی نداشتند، سال‌هایی که سفره‌ها خالی‌تر از همیشه بود. رضوی می‌گوید: در این چند سال حکم اخراج بود که مانند دستگاه فتوکپی صادر می‌شد. هرچند ما توانستیم 250 راننده اخراجی را به کار برگردانیم. او از شورای اسلامی کار که حکم اخراج‌ها در آن به تایید می‌رسید، می‌گوید: این شوراها بیشتر از آن‌که به فکر کارگران باشند مدافع حقوق کارفرمایان بودند. تلاش برای خصوصی‌سازی شرکت واحد ریشه بسیاری از مشکلات رانندگان اتوبوس است. این نگاه بسیاری از رانندگان اخراجی است.

سعیدی، وکیل بسیاری از رانندگان اخراجی شرکت واحد می‌گوید: حکم بازگشت به کار 200 راننده را گرفته‌ام اما چند وقتی است شرکت واحد با گرفتن وکیلی بانفوذ راه بازگشت به کار رانندگان را بسته است. او به اعتراض‌های سال 84 اشاره می‌کند و حضور شبانه قالیباف در میان رانندگان معترض. اما شرایط بهتر نشد؛ حتی کارگرانی با 20 سال سابقه به بهانه‌های ساده از شرکت واحد رفتند.

سعیدی که خود یکی از راننده‌های اخراجی است و به دلیل تسلطش به قانون کار از حق هم‌صنفی‌های خود دفاع می‌کند، ادامه می‌دهد: سنندجی، مدیرعامل شرکت واحد در مصاحبه‌اش با رسانه‌ها می‌گوید گروگانگیری رخ نداده و ما از این راننده معترض خواسته‌ایم به کار بازگردد. آیا از این دروغ بزرگ‌تر هم می‌شود.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور:

اخراج کارگران، به محرومیت فرزندانشان از تحصیل انجامیده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور در آستانه سال تحصیلی جدید با ابراز نگرانی از ترک تحصیل فرزندان کارگران بیکار، از افزایش نگرانی کارگران شاغل برای تأمین هزینه‌های جاری آموزش فرزندانشان خبر داد.

«فتح الله بیات» با انتقاد از افزایش هزینه‌های تحصیلی، به ایلنا گفت: در شرایطی که کارگران قرارداد موقت با وجود داشتن شغل از تأمین هزینه‌های تحصیلی فرزندانشان ناتوان‌اند، خطر ترک تحصیل فرزندان هزاران کارگر قراردادی و پیمانی که ظرف یک سال اخیر در نقاط مختلف کشور بیکار شده‌اند وجود دارد.

او با تأکید بر اینکه افزایش (بعضاً) صد در صدی قیمت نوشت افزار تناسی با افزایش 17 تا 25 درصدی دستمزد کارگران ندارد، گفت: بدلیل طولانی شدن بحران اقتصادی در بخش تولید، بسیاری از کارگرانی که در نقاط مختلف کشور ماه‌ها حقوق دریافت نکرده‌اند ممکن است با هر سختی بتوانند مخارج روزمره‌شان را تأمین کنند، اما قادر به پرداخت هزینه‌های تحصیل و نوشت افزار فرزندانشان نیستند.

بیات با اشاره به افزایش مشکلات نقدینگی و تأمین مواد اولیه در واحدهای تولیدی، ترک تحصیل فرزندان را از تبعات بیکاری کارگران دانست و گفت: در شرایطی که هر ماه بخشی از حقوق کارگران پیمانی توسط پیمانکاران تصاحب می‌شود، با وجود هزینه‌های سرسام‌آور کالاهای اساسی و کاهش شدید قدرت خرید، کارگران حتی در زمان اشتغال و دریافت حقوق هم نمی‌توانند جوابگوی نیازهای آموزشی فرزندانشان باشند.

رئیس اتحادیه کارگران قرار دادی و پیمانی کشور در ادامه بر ضرورت افزایش میزان دستمزد کارگران موقت تأکید کرد و گفت: دولت در جهت عمل به وعده‌اش، لازم است حقوق کارگران را در نیمه دوم سال جاری متناسب با نرخ واقعی تورم افزایش دهد تا کارگران بتوانند حداقل امکانات آموزشی را برای تحصیل فرزندانشان فراهم کنند.

پایان پیام

برای یک راننده که آمارش را کلیه پرسنل اداری شرکت داشتند

به نوشته وبلاگ یار کارگر آمده است: حضور تک تیر اندازان در اطراف شرکت واحد تهران..... یک راننده شرکت واحد..... مدیر عامل این شرکت را به همراه چند مدیر مفت خور دیگه رو ساعتها گروگان گرفت..... تمام این اخراجها در دست فردیست بنام اعظیمی که یک متر قد داره و صاحب چند شغل پر در آمد که مهمترینش ساختمان پلیس+10 خیابان هنگام میدان هنگام تهران است.. اما چشم دیدن کارگرانی که 31 روز باید کار کنند و تا سقف یک میلیون تومان حقوق بگیرند را ندارد.. این مردک بسیاری از کارگران را بی دلیل اخراج کرده و اهمیتی نیز به شوراها کارگری نمیدهد.. برای این کارگر تک تیرانداز اعزام شده.. این نهایت بی شرمی مسئولین است که ندانسته این کارگر را یک تروریست فرض کرده اند

شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۲ برابر با ۰۷ سپتامبر ۲۰۱۳

► نگاهی تحلیلی به فراسوی رویدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین

المللی از دریچه کارگری رویدادهای کارگری از مریم امانی و یادداشت کارگری از مریم محسنی

برنامه از مریم امانی، امیر جواهری و جلال نادری

گفتگوی امیرجواهری با شاهین کاظمی فعال سیاسی در تبعید و و پرسنلی سابق شاغل در روابط عمومی شرکت واحد بعنوان عکاس، فیلمبردار، و مطلع در طبقه بندی اسناد و آشنا به وضعیت پرسنلی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، برای ما از پیشینه مدیران عامل و شرکای آنها و از حادثه گروگانگیری فشار بر کارگران شرکت واحد می گوید

📌 **فایل صوتی با فورمات ام پی 3**

با رای هیات تشخیص اداره کار قروه: ۲۱۱ کارگر اخراجی فولاد زاگرس حکم بازگشت بکار دریافت کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۶ شهریور ۹۲ آمده است: با رای هیات تشخیص اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه ۲۱۱ نفر از مجموع ۲۳۵ کارگر اخراجی کارخانه فولاد زاگرس حکم بازگشت بکار دریافت کردند.

به گزارش ایلنا، در جلسه رسیدگی به شکایت ۲۳۵ کارگر اخراجی فولاد زاگرس، هیات تشخیص اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه بر اساس مستندات ارائه شده نمایندگان کارگری و کارفرمایی، حکم بازگشت بکار ۲۱۱ تن از کارگران کارخانه فولاد زاگرس را صادر کرد و کارفرما موظف به پرداخت معوقات حقوقی کارگران شد.

در متن دادنامه شماره ب/۴۴/۹۲ مورخه سی ام مرداد ماه سال ۹۲ آمده است: نظر به اینکه کارگران شرکت فولاد زاگرس کردستان تا پایان سال ۹۱ با شرکت پیمانکاری «خوان گل» در چار چوب قرار داد مدت موقت فعالیت داشته و قرار داد کارگران به دلیل عدم تمدید قرار داد کاری پیمانکار با کارخانه در پایان سال ۹۱ یک طرفه فسخ شده است، اما کارگران در سال ۹۲ علیرغم غیر فعال بودن خط تولید کارخانه در محل کارگاه حضور داشته و شرکت برابر با نامه شماره ۵۱۸-۲۱۰ (مورخه ۹۲/۳/۲۵) قطع همکاری خود را از تاریخ ۹۲/۳/۳۱ به کارگران اعلام کرده، لذا با استناد به بند د ماده ۲۱ قانون کار قرار داد کارگران با شرکت فولاد زاگرس کردستان در سال ۹۲ بصورت ضمنی تمدید شده تلقی می شود.

در ادامه این دادنامه آمده است: با توجه به اینکه نماینده کارفرما مدارک و مستنداتی دال بر موجه بودن اخراج کارگران ارائه ننموده و همچنین مراحل قانونی اصلاح ساختار اقتصادی مورد ادعا از سوی کارفرما با توجه به تعلیق قرار داد کارگران اجرا نشده است، لذا هیات تشخیص با توجه به مراتب فوق با استناد به بند د ماده ۲۱ و ماده ۲۵ قانون کار اخراج کارگران را در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۹۲ غیر موجه دانسته و شرکت فولاد زاگرس را مکلف به ابقاء تمامی ۲۱۱ کارگر در چار چوب قرار داد کار موقت تا تایید طرح اصلاح ساختار اقتصادی کارخانه مطابق دستورالعمل شماره ۲۹ شورای عالی کار می کند.

در متن حکم فوق، هیات تشخیص همچنین کارفرما را موظف کرده است در صورت اجرای اصلاح ساختار کارخانه همه کارگران مندرج در لیست را برابر با تبصره یک ماده دو قانون بیمه بیکاری و ماده ۶ آیین نامه اجرایی قانون تحت پوشش قانون حمایتی بیمه بیکاری قرار دهد.

همچنین هیات رسیدگی به استناد به مواد ۳۴، ۳۷، ۴۱ و ۱۴۸ قانون کار، کارخانه فولاد زاگرس را مکلف به پرداخت معوقات حقوقی و بیمه ای کارگران از تاریخ ۹۲/۱/۱ لغایت ۹۲/۳/۳۱ و حق والسعی ایام بلا تکلیفی از تاریخ ۹۲/۴/۱ لغایت ۹۲/۵/۳۰ (تاریخ صدور رای) کرده است.

در بخش پایانی متن رای صادره از سوی هیات تشخیص اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه به برقراری رابطه کارگران با کارفرمای کارخانه فولاد زاگرس با استناد به ماده ۲ و ۲

قانون کار تاکید شده و سایر مطالبات و سنوات قبل از سال ۹۲ کارگران به طرفیت شرکت فولاد زاگرس را وارد ندانسته است. گفتنی است رای صادره به استناد ماده ۱۵۹ قانون کار از تاریخ ابلاغ به مدت ۱۵ روز قابل اعتراض بوده و بعد از پایان مهلت مقرر به صورت قطعی لازم الاجرا است.

پیشینه اعتراض کارگران فولاد زاگرس

برپایه مطلب دریافتی آمده است: لازم به یاد آوری است ۲۳۵ کارگر کارخانه فولاد زاگرس در روز سه شنبه ۱۸ تیرماه، به دلیل آنچه از سوی کارفرما «ناتوانی مالی و زیانده بودن تولید» ذکر می‌شد اخراج شدند. این کارگران اخراجی که در روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه در مقابل اداره کار قروه و استانداری کردستان تجمع کرده بودند روز (دوشنبه ۲۴ تیرماه) به دلیل دریافت نکردن پاسخی از سوی مسئولان استانی راهی تهران شدند و با تجمع در خیابان پاستور که محل استقرار تعدادی از نهادهای دولتی و حکومتی است، تجمع کردند و بعد از آن در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیر ماه به در ادامه تجمعات خود در مقابل ساختمان قوه مقننه خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند، که در نهایت در آخرین روز تجمع خود در تهران، با وعده نماینده شهرستان قروه «قادرمرزی» در مجلس، اعتماد کردند و به شهر خود بازگشتند.

پس از بازگشت ۱۸۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس از سفر اعتراضی سه روزه به تهران، صبح روز ۲۷ تیر ماه تمامی ۲۳۵ کارگر اخراجی این کارخانه برای چهارمین روز متوالی تجمع اعتراضی خود را مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه ادامه دادند و همه این کارگران برای بازگشت بکار خود با تشکیل یک پرونده واحد به اداره کار شهرستان قروه طرح شکایت کردند.

پایان پیام

سوءاستفاده کلان مالکان یک شرکت پتروشیمی اصفهان از تسهیلات بانکی، تعطیلی شرکت و خواست کارگران بیکار شده

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ ۱۶ شهریور ۹۲ آمده است: در پی بازداشت دو برادر مالک یک شرکت بزرگ پتروشیمی در اصفهان به اتهام دریافت میلیاردی تسهیلات غیر قانونی از طریق شرکت‌های کاغذی و اتهامات عمده دیگر قبل از فرار از کشور، کارگران و کارکنان این پتروشیمی طی نامه‌ای به قوه قضائیه اعلام داشتند:

هیئت مدیره و رئیسش آقای ب. ر با عملکرد خود باعث تعطیلی کارخانه، ایجاد جو نامناسب کاری، ایجاد بدهی‌های معوق تطویل‌المدت و ایجاد استرس در کارکنان شده‌اند. کارگران بیکار شده این شرکت طی این نامه همچنین خواستار تعیین هیئتی برای اداره امور شرکت شدند.

براساس این گزارش، یک منبع آگاه در این شرکت بزرگ پتروشیمی در اصفهان گفت: از زمانی که بیش از ۵۰ درصد سهام این پتروشیمی در جریان خصوصی‌سازی به تملک این برادران درآمده است، از اعتبار شرکت سوءاستفاده کرده و به نام این شرکت صدها میلیارد تومان تسهیلات از شبکه بانکی دریافت کردند، اما از این منابع در راستای منافع شخصی و خارج از شرکت استفاده نموده‌اند.

وی افزود: یکی از نتایج این شیوه عملکرد عدم پرداخت بدهی‌های شرکت به پالایشگاه تامین کننده خوراک این شرکت بوده است که در نتیجه به دلیل قطع دریافت خوراک از پالایشگاه یاد شده مدت‌ها است که شرکت تعطیل شده است.

این منبع آگاه اضافه کرد: در حال حاضر کارگران و مدیران شرکت در خواست دارند، مطالبات کارگران و دیون شرکت از محل اموال ضبط شده متهمان پرداخت شود، تا دوباره شرکت وارد چرخه تولید شود.

بر اساس این گزارش، یکی دیگر از مجاری سوء استفاده برادران «ر» فروش محصولات مجتمع پتروشیمی یاد شده به شرکت‌های کاغذی خود این افراد در خارج از کشور بوده است. به گونه‌ای که در واقع این افراد با خودشان معامله کرده‌اند و شرکت پتروشیمی از این افراد طلبکار است.

بر اساس این گزارش موارد یاد شده از سوی مدیران این مجتمع پتروشیمی به مقامات قضایی منعکس شده و کارکنان شرکت منتظر اقدام عاجل دستگاه قضا برای رفع مشکلات این شرکت و بازگشت یکی از بزرگترین تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی به چرخه تولید هستند.

اتهام سیاسی به اعتراض صنفی کارگران آلومینیوم المهدی بندرعباس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: کارگر کارخانه المهدی از اتهام سیاسی به کارگران کارخانه المهدی که خواستار افزایش ۲۰ درصدی حقوق طبق توافقات قبلی با مدیرعامل کارخانه شده بودند، انتقاد کرد.

بنابراین گزارش، یک کارگر شرکت آلومینیوم المهدی که درخواست نامش فاش شود در این باره گفت: شورای اسلامی کار کارخانه آلومینیوم المهدی در جلساتی که پیش‌تر با مدیرعامل این کارخانه برگزار کرده بودند، درباره افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارگران به توافق رسیده بودند اما بعد از مدت‌ها پیگیری، مدیرعامل به وعده‌هایش عمل نکرد.

او ادامه داد: ۵۰۰ نفر از کارگران آلومینیوم المهدی در اعتراض به بدقولی مدیرعامل، روز یکم مرداد ماه تحصن کردند اما مدیرعامل حاضر نشد تا نسبت به کارگران پاسخگو باشد. این مساله سبب شد کارگران معترض فردای همان روز برای بار دوم دست به تحصن بزنند. به گفته وی، این تحصن که از ساعت ۹ صبح شروع شد و تا ۴ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد در نهایت با پیگیری‌های هیات مدیره و تنظیم صورت جلسه‌ای مبنی بر عزل مدیرعامل که با ۳ امضا به تصویب رسید خاتمه یافت.

کارگر آلومینیوم المهدی افزود: بعد از وقایع ذکر شده، کمیسیونی در فرمانداری بندرعباس تشکیل شد و مصوبه هیات مدیره را باطل کرد. روز ۷ مرداد ماه، مدیرعامل بعد از یک هفته غیبت به همراه فرماندار بندرعباس وارد شرکت شد که با اعتراض کارگران رو به رو شدند. او ضمن غیر قابل قبول خواندن واکنش فرماندار به اعتراض کارگرانی که پی‌گیر مطالبات صنفی‌شان شده بودند، تصریح کرد: فرماندار طی یک سخنرانی برای کارگران، آن‌ها را به معترضان به نتایج انتخابات سال ۸۸ تشبیه کرد.

وی ضمن انتقاد از تشبیه اعتراضات صنفی کارگران به اعتراضات سیاسی بیان کرد: با ادامه اعتراضات، ۵ نفر از کارگران شرکت که ۳ نفرشان از شورای اسلامی کار بودند بازداشت شدند. همچنین ۵ نفر از مدیران رده میانی شرکت، ممنوع‌الورود و حدود ۱۰ نفر هم به ستاد خبری نیروی انتظامی احضار شدند.

این کارگر شرکت آلومینیوم المهدی در پایان، حمایت فرماندار و نهادهای نظارتی از مدیرعامل شرکت را تعجب برانگیز خواند.

برده‌داری مدرن در شستا!

به نوشته روزنامه انتخاب در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: برده‌داری مدرن همچنان در اغلب شرکت‌های تحت پوشش شستا ادامه دارد. در این برده‌داری که مشابه آن فقط در دوران بعد از انقلاب صنعتی 300 سال پیش مشاهده شده است، کارگران بدون هیچ گونه حمایت قانونی با

عقد قراردادهای صوری و امضای کاغذهایی مبنی بر دریافت حقوق کامل و تسویه حساب به استخدام یک پیمانکار در می‌آیند و پیمانکار در هر زمان می‌تواند بدون واهمه از قانونی که هیچ پشتوانه اجرایی هم ندارد؛ آنان را تحت فشار و اخراج قرار دهد. برخی از کارگران در شرایط بسیار طاقت فرسا و در محیط‌های آلوده بکارگیری می‌شوند.

ساعات شروع کار این افراد اعم از زن و مرد از ساعت 7 صبح تا 22 شب بوده که بدون تعطیل حتی در روزهای ماه رمضان نیز در حال کار بوده اند، انواع سو استفاده‌های خاص بسیاری نیز در این زمینه گزارش شده است.

رویه انتخاب این پیمانکاران نیز بدون انجام مناقصه‌های قانونی بوده و حتی ماشین آلات شرکت‌ها بدون دریافت هیچگونه بهایی در خارج از شرکت در اختیار پیمانکاران قرار می‌گیرد تا جاییکه خطوط داخلی شرکت برای حمایت از پیمانکار و تولید در خارج از شرکت متوقف می‌شود. طنز "6 بزرگتر از 54" یکی از طنزهای جاری در بین کارگران یک شرکت متعلق به شستا است که در آن؛ شرکت در یک قرار داد میلیاردی با تحویل رایگان ماشین آلات خود و مواد اولیه، بطری 6 تومانی را بدون مناقصه به قیمت 54 تومان به یک کارگر مسافرخش سپرده است.

علیرغم شعارهای اعلان شده در دولت سابق در مورد عدالت و مهرورزی و همچنین ساماندهی بکارگیری پیمانکاران و کارمندان شرکتی هیچ اقدامی در این زمینه به عمل نیامد و این معضل و رویه غیر انسانی که کرامت انسان‌ها را هدف قرارداده و موجب انواع مفسده‌های بسیار شده، همچنان به عنوان میراثی زشت ادامه دارد.

عضو کارگری شورای عالی کار انتقاد کرد: تاخیر دو ماهه در ابلاغ مصوبه افزایش حقوق کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: عضو کارگری شورای عالی کار گفت: بدون ابلاغ رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی امکان افزایش 25 هزار تومانی حقوق مسکن و بن کارگران وجود ندارد.

«احمد رضا معینی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر افزایش 10 هزار تومانی و 15 هزار تومانی حقوق مسکن و بن کارگران معطل ابلاغ دستور العمل اجرایی معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

وی یادآور شد: در تاریخ هفتم مرداد ماه سال جاری شورای عالی کار در آخرین نشست ویژه خود با افزایش بخشی از حقوق کارگران موافقت کرد و بدین ترتیب حق 10 هزار تومانی مسکن به 20 هزار تومان و حق 10 هزار تومانی بن نیز به 25 هزار تومان افزایش یافت.

این مقام کارگری ادامه داد: از آنجا که افزایش حق مسکن نیازمند مصوبه هیات دولت بود، این مسئله نیز در آخرین جلسه هیات دولت دهم که در شهر مشهد برگزار شد به تصویب رسید.

وی گفت: به موجب قانون، اعمال هرگونه افزایش و بازنگری در حقوق کارگران باید پس از تصویب قانونی از طریق دستور العمل معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به ادارات کار سراسر کشور ابلاغ شود.

معینی یادآور شد: متأسفانه با گذشت نزدیک به دو ماه از افزایش 25 هزار تومانی حقوق، هنوز دستور العملی در این خصوص توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ نشده است.

معینی با تأکید بر اینکه در شرایط کنونی افزایش 25 هزار تومانی حقوق مقدار ناچیزی است که آنهم به تمامی کارگران تعلق نمی‌گیرد، گفت: نباید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ابلاغ همین افزایش ناچیز بیش از این تأخیر کند.

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان اصفهان تصریح کرد: هر اندازه که ابلاغ این افزایش حقوق به تأخیر بیفتد کارفرمایان می‌توانند مدعی شوند که به دلیل انباشته شدن طلب معوقه کارگران با مشکل تشدید کمبود نقدینگی مواجه شده‌اند.

وی بابیان اینکه نتیجه این امر در خوشبینانه‌ترین حالت تاخیر در وصول مطالبات کارگران است، افزود: بر این اساس کارگران زمانی مطالبات ناشی از افزایش حقوق مسکن و بن خود را بطور کامل دریافت خواهند کرد که به دلیل وضعیت اقتصادی از ارزش این پول کاسته شده باشد. به گفته معینی مادامی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ دستور العمل افزایش حقوق را به تاخیر بیندازد، هیچ کارگری نمی‌تواند کارفرمای خود را نسبت به افزایش ۲۵ هزار تومانی حقوق مسکن و بن مجاب کند.

پایان پیام

بیش از 10 میلیارد تومان بدهی اتحادیه امکان به کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی، از بدهی 10 میلیارد تومانی اتحادیه امکان به کارگران و عدم شفافیت عملکرد اتحادیه امکان و کیفیت پایین کالاهای عرضه شده در آن، خبر داد.

بدهی ۲۰۰ میلیونی بیمه تکمیلی دی به بازنشستگان شهرستان البرز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایسنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: تا پایان قرارداد بیمه دی و کانون عالی بازنشستگان کشور یک ماه و نیم زمان باقی مانده است. این در حالیست که بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان‌های البرز بیش از ۲۰۰ میلیون تومان از بیمه دی طلب دارند، که تا کنون پرداخت نشده است و معلوم نیست با اتمام قرارداد این بدهی چگونه پرداخت می‌شود.

ایران دارای بالاترین میزان تورم در بین 148 کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: مجمع جهانی اقتصاد در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که ایران بالاترین میزان تورم را در بین 148 کشور دنیا در سال 2012 داشته است.

در رده‌بندی مجمع جهانی اقتصاد نرخ تورم در ایران 30,6 درصد اعلام شده و به این ترتیب ایران دارای بالاترین میزان تورم در جهان اعلام شده است. در این رده‌بندی تورم در دو کشور گرجستان و سوئیس منفی بوده و تورم در ژاپن نیز صفر اعلام شده است. همچنین تورم در کشورهای برونئی، اوکراین، امارات، نروژ و سوئد نیز زیر یک درصد اعلام شده است. 10 کشور ایران، اتیوپی، مالاوی، ونزوئلا، تانزانیا، گینه، مغولستان، اوگاندا، سیرالئون و نیجریه نیز دارای بالاترین میزان تورم در جهان هستند. 10 کشور گرجستان، سوئیس، ژاپن، برونئی، اوکراین، امارات، نروژ، سوئد، یونان و نیوزلند نیز دارای کمترین میزان تورم در جهان هستند. مجمع جهانی اقتصاد رده‌بندی خود را براساس اطلاعات منتشر شده از سوی صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده است.

براساس این گزارش، بانک مرکزی ایران نیز اخیراً اعلام کرد که نرخ تورم در مرداد ماه امسال با افزایش 1.5 درصدی نسبت به ماه قبل از آن به 39 درصد رسید.

آقای مختار رستمی قربانی دیگری از حوادث ناشی از کار

طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در شانزدهم شهریور 92 آمده است: آقای مختار رستمی 38 ساله، دارای 3 فرزند در روز چهارشنبه 13 شهریور 92 در روستای کوله ساره از توابع کامیاران به داخل چاه سقوط میکند و قطع نخاع میشود

آقای رستمی بدلیل اینکه فاقد بیمه درمانی میباشد قادر به پرداخت هزینه درمان خود نیست و اکنون این خانواده هم نان آورش را از دست داده است و هم هزینه های سرسام آور درمان به آنان تحمیل شده است

این خانواده کارگری در سالهای قبل نیز یکی از اعضای خود را در حوادث ناشی از کار از دست داده است

آقای شاپور رستمی، برادر آقای مختار رستمی که در سد گاوشان کار میکرده برا اثر سقوط قلتک، جان میدهد و هیچ کس پاسخگوی این حادثه نبوده است

خانواده های کارگری هر روزه در خطر حوادث کار قرار دارند و این اتفاق با آمار بالایی (5 نفر در روز) در حال تکرار است و هیچ ارگانی مسئولیت پاسخگویی خانه خرابی و مرگ کارگران و خانواده های آنان نیست.

معاون اجرایی خانه کارگر کرمانشاه: امیدواری جامعه کارگری، سرمایه دولت است/ لزوم جبران خسارات در بخش تولید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 شهریور 92 آمده است: یک فعال کارگری در کرمانشاه امیدواری جامعه کارگری پس از روی کار آمدن دولت یازدهم را سرمایه دولت خواند و به توصیف آنچه «صدمات جبران ناپذیر جامعه کارگری این استان از اجرای سیاست های اقتصادی دولت های نهم و دهم» می خواند پرداخت.

«مهدی زارعی» معاون اجرایی خانه کارگر استان کرمانشاه به ایلنا گفت: کارگران بیشترین صدمات ناشی از اجرای سیاست های اقتصادی دولت های نهم و دهم را متحمل شده اند و لازم است دولت یازدهم جبران صدمات را از بخش تولید و به خصوص نیروی کار آغاز کند.

این فعال کارگری با انتقاد از نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه ها در دولت دهم، اظهار کرد: طبق قانون، دولت موظف بود ۳۰ درصد از درآمد قانون هدفمندی یارانه ها را به بخش تولید اختصاص دهد اما نه تنها به قانون عمل نکرد بلکه علاوه بر افزایش ناگهانی قیمت حامل های انرژی، با تحمیل هزینه بی تدبیری اش در بازار ارز و طلا به بخش تولید، باعث تعطیلی بسیاری از صنایع بزرگ کشور و طبعاً بیکاری کارگران شد.

زارعی افزود: سقوط اقتصادی و اجتماعی کارگران ظرف هشت سال گذشته، تعطیلی صنایع اشتغالزا در شهرهای کوچک و افزایش مهاجرت کارگران به شهرهای بزرگ و صنعتی، افزایش فشار روانی در محیط کار و به تبع افزایش حوادث ناشی از کار و... از نتایج بی توجهی دولت سابق به وضعیت کارگران بوده است.

معاون اجرایی خانه کارگر کرمانشاه با اشاره به اینکه بسیاری از صنایع و کارگاه های کرمانشاه امروز به انبار تبدیل شده اند، افزود: با وجود اینکه در دو دولت گذشته نرخ تورم از افزایش بی سابقه ای برخوردار بود، ولی کارگران همچنان در دستمزد بی تناسب با تورم محصور مانده بودند.

زارعی در پایان نقش مدیریت کلان کشوری در سامان بخشیدن به وضعیت کنونی کارگران را با اهمیت دانست و بیان داشت: خوشبختانه با روی کار آمدن دولت روحانی شاهد امیدواری

بسیاری از اقشار جامعه به ویژه کارگران هستیم و همه امیدواریم که دولت روحانی بتواند به وعده های خود در خصوص ارتقا وضعیت کنونی کارگران جامعه عمل بپوشاند و بن بست حاصله از بی توجهی دولتهای پیشین نسبت به کارگران را از بین ببرد.

پایان پیام

آخرین خبر از وضعیت شاهرخ زمانی

بر پایه خبر دریافتی از « کمیته حمایت از شاهرخ زمانی » در تاریخ 17 شهریور 92 آمده است : یک ساعت قبل (30/19 یکشنبه 1392/6/17) با خبر شدیم شاهرخ را به دادگاه بردند و یکی از افرادی که علیه او گزارش داده بود را نیز به عنوان شاهد در دادگاه حاضر کردند و شاهرخ اعلام کرده است تمامی این گزارش و پرونده کذب است و حتی در پرونده قبلی من که علیه هم ساختند و بر مبنای آن 11 سال زندان به من دادند نیز کذب کامل است و به اندازه سر سوزنی مدرک یا دلیل برای محاکمه من وجود ندارد من مانند بسیاری از زندانیان سیاسی و کارگری بی گناه هستم و باید هرچه زودتر آزاد شویم . همچنین گزارش دهنده نیز گفته است من هیچ توهینی از شاهرخ علیه خامنه ای ننشیدم فقط شاهرخ یک بار به ما گفت به حرف های خامنه ای گوش نکنید اون هر چه می گوید دروغ است . پس از اتمام دادگاه او را برای مقصد زندان گوهر دشت بر گرداندند که طبق محاسبه فردا شاهرخ باید در زندان گوهر دشت باشد.

اخراج ۵۰ کارگر آجر خورشید به بهانه قطعی گاز

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 17 شهریور 92 آمده است : مدیرعامل کارخانه آجر خورشید کلاله مدعی شد با قطع گاز این واحد تولیدی توسط اداره گاز استان گلستان، علاوه بر وارد آمدن زیان ۳۰ میلیون تومانی، ۵۰ کارگر به صورت مستقیم و حدود ۸۰ کار به صورت غیر مستقیم بیکار شده‌اند.

بر اساس گزارش دریافتی ، بدهی کارخانه آجر خورشید کلاله بابت گاز مصرفی ۹۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان ذکر شده است اما مدیران کارخانه دلیل تأخیر در پرداخت طلب اداره گاز را واردات ماشین آلات تولید از کشور ایتالیا بدون استفاده از تسهیلات دولتی ذکر کرده‌اند.

پایگاه خبری «گلستان ما» با انتشار گزارشی در این باره به خرید ماشین آلات جدید تولید اشاره کرده و به نقل از برزگر، مدیرعامل این کارخانه آورده است: با توجه به اینکه خرید و انتقال این دستگاه‌ها حدود ۲ میلیارد تومان برای این شرکت هزینه برداشته است، برای پرداخت بدهی با شرکت گاز توافق شده بود که هر ۱ یا ۲ هفته مبالغی از طرف این شرکت واریز و در صورت اخذ وام کلیه مبلغ تسویه شود که توافق اول مبنی بر پرداخت مبلغ، طبق توافق برابر اسناد موجود انجام گرفت، اما بدلیل در جریان بودن مراحل دریافت وام در پرداخت توافق دوم تأخیر ایجاد شد. برزگر تصریح کرد: قرار بود هر ۲ هفته مبلغی حدود ۱۰ میلیون تومان را پرداخت کنیم که در مراجعه یکی از مسئولین جهت پرداخت توافق دوم، به دلیل نبود مسئول مورد نظر که با او توافقات انجام گرفته شده بود، نتوانستیم این مبلغ را پرداخت کنیم.

او به ماجرای قطعی گاز کارخانه اشاره کرد و گفت: در ساعت ۷ بعدظهر مورخه ۱۰ شهریورماه، پرسنل شرکت گاز در محل کارخانه حاضر شدند و بصورت کتبی اعلام کردند که تا پایان همان روز مهلت تعیین تکلیف بدهی را داریم، اما در کمتر از یک دقیقه این پرسنل اقدام به قطع گاز کارخانه کردند، و نکته قابل تأمل تعطیلی رسمی ۱۱ شهریور، یعنی فردای همان روز بود و ما نتوانستیم با هیچ ارگان متولی، این موضوع را در جریان بگذاریم.

مالک کارخانه آجر خورشید کلاله ادامه داد: در زمان قطع گاز کارخانه، آجرها در کوره و در دمای ۸۰۰ درجه بودند و با قطع گاز، دمای آجرها از ۸۰۰ به کمتر از ۱۰۰ درجه رسید و از این طریق خسارتی بالغ بر ۳۰ میلیون تومان را متقبل شدیم.

شائبه استفاده ابزاری از کارگران در ادامه این گزارش، گفتگویی با «علیرضا مومنی» که نماینده کارگران معرفی شده، انجام گرفته است. آقای مومنی گفته است: به علت تعطیلی کارخانه، مجبور به تسویه حساب با ۵۰ کارگر رسمی شدیم و در عمل ۵۰ نفر بصورت مستقیم و ۵۰ تا ۸۰ نفر بصورت غیر مستقیم بیکار شده‌اند. او همچنین اعلام کرده که این کارخانه با راه اندازی خط تولید جدید، توانایی ایجاد اشتغال برای ۱۰۰ نفر را داشته است.

برپایه این گزارش، هرچند در شرایط سخت اقتصادی امروز بخش تولید نیازمند تعامل و همدلی بیشتر از جانب دستگاه دولت است، اما اقدام به تسویه حساب با تمامی کارگران رسمی در عرض پنج روز پس از تعطیلی و عدم بازگشایی کارخانه در این مدت، شائبه وجه‌المصالحه قرار دادن کارگران را در اذهان متبادر می‌کند.

بلوکه شدن حساب کارکنان نفتی به دلیل بدهی های معوق شرکت های مربوطه

به گزارش پانا نیوز، در تاریخ ۱۷ شهریور ۹۲ آمده است: برعکس بانکی‌ها که هرساله به عناوین مختلف وام‌های کلان با بهره کم می‌گیرند، نفتی‌ها یک حساب پس انداز دارند که همراه مبلغی از حقوقشان کسر و به این حساب واریز می‌شود تا اگر روزی نیاز به وام پیدا کردند نخواهند التماس بانکی‌ها را بکنند.

البته درصدی هم توسط خود وزارت نفت به این حساب واریز می‌شود تا مبلغ پس انداز قابل توجه شود. خیلی هم خوب. ولی مشکل این است که اختیار برداشت از این حساب در دست صندوق بازنشستگی نفت است و هر شرکتی که کمی تا قسمتی به این صندوق بدهکار باشد اولین واکنش صندوق مسدود کردن این حساب پس انداز است.

یعنی به راحتی پس انداز کارمندان که هرماه از حقوق آنها کسر شده است، در ازای بدهی هر شرکت به صندوق بلوکه می‌شود. این اتفاق بارها و بارها در شرکت‌های نفتی تکرار شده است و کارمندانی که برای پر کردن چاله‌ای در زندگی روی این پس انداز حساب باز کرده‌اند، می‌مانند که چه کنند.

بدنبال تجمع اعتراضی امروز کارگران کیان تایلر در مقابل وزارت صنایع، آنان به خواسته‌های خود دست یافتند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران در ۱۷ شهریور ۹۲ آمده است: بدنبال دو ماه کشمکش و تجمع روز ۱۳ شهریور ماه کارگران کیان تایلر در مقابل نهاد ریاست جمهوری و اولتیماتوم این کارگران برای تشدید اعتراضاتشان، آنان از صبح امروز دست به تجمع در مقابل وزارت صنایع زدند و خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌های خود شدند. در تجمع امروز، کارگران زن کیان تایلر نیز شرکت داشتند و از همان ساعات اولیه این تجمع نیروهای انتظامی و امنیتی به نحو چشمگیری در محل حاضر شده بودند.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از آنجا که قرار بود از ساعت ۷/۳۰ صبح امروز جلسه‌ای در وزارت صنایع برگزار شود کارگران کیان تایلر از ساعت ۷ صبح دست به تجمع در مقابل وزارت صنایع زدند و پس از شروع جلسه نماینده‌های آنان تلاش کردند وارد جلسه شوند اما از حضور این نماینده‌ها در این جلسه ممانعت بعمل آمد و همین امر خشم کارگران کیان تایلر را برانگیخت و آنان بطور متحدانه‌ای شروع به سر دادن شعارهای اعتراضی کردند و در ادامه حوالی ساعت ۱۱ صبح به داخل این وزارتخانه هجوم بردند و پس از سر دادن شعار " ما منتظر

جوابیم هیچ جا نمیریم همینجا هستیم" بار دیگر به خیابان بازگشته و به شعار دادن ادامه دادند. بدنبال این اعتراض قاطعانه از سوی کارگران، سه نفر از نماینده های آنان به داخل جلسه دعوت شدند و همزمان کارگران کیان تایر با شعار مرگ بر جلالی و "شرفی خیانت میکند جلالی حمایت میکند" مانع خروج وی از وزارتخانه شدند. جلالی نظری معاون روابط کار وزارت کار و یکی از اعضا سازمان حمایت از صنایع و از حامیان اصلی واگذاری کارخانه به شرفی بود. وی دوبار تلاش کرد از درب پشتی وزارت صنایع و بدور از چشم کارگران از آنجا خارج شود اما هر بار کارگران مانع وی شدند. در این تجمع کارگران کیان تایر بطور مرتب شعارهای زیر را سر میدادند: کار، حقوق، اعتراض حق مسلم ماست - کارگر با غیرت ذلت نمی پذیرد - تا خون در رگ ماست البرز خانه ماست - برای حفظ البرز بریده باد دست دزد - مرگ بر شرفی - مرگ بر جلالی و... بنا بر این گزارش در ادامه جلسه وزارت صنایع که با حضور نماینده های کارگران کیان تایر برگزار گردید توافقات زیر حاصل شد: 1- واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن متوقف میشود 2- تا زمان استقرار هیات اجرایی سازمان حمایت از صنایع در کارخانه، یک هیات چهار نفره متشکل از 2 نفر از مدیریت فعلی کارخانه و 2 نفر از سازمان حمایت از صنایع، مسئولیت اداره کارخانه را بر عهده خواهند داشت 3- هیات اجرایی سازمان حمایت از صنایع حداکثر تا 5 مهر ماه در کارخانه مستقر خواهد شد و همچون سالهای گذشته کارخانه را اداره خواهد کرد. اما علیرغم این توافق کارگران کیان تایر حاضر به پایان دادن به تجمع خود نشدند و اعلام کردند تا زمانی که حکم دو نفر از همکارانشان برای اداره کارخانه صادر نشود و وزارت صنایع نامه ای به وزارت نیرو برای وصل برق کارخانه ندهد محل را ترک نخواهند کرد. بدنبال این خواست از سوی کارگران معترض کیان تایر و پس از مدتی کشمکش بر سر این مسئله، نهایتاً حکم دو نفر فوق برای اداره کارخانه و نامه ای خطاب به وزارت نیرو برای وصل برق کارخانه صادر شد و پس از آن حوالی ساعت 14 ظهر کارگران کیان تایر به تجمع خود پایان دادند. کارگران کیان تایر از حدود دو ماه پیش و بدنبال واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن نسبت به این مسئله معترض بودند و بارها در اعتراض به این واگذاری دست به تجمع در مقابل نهادهای دولتی زدند اما از آنجا که وزارت صنایع نسبت به این واگذاری مصر بود این کشمکش حدود دو ماه به درازا کشید و امروز کارگران کیان تایر موفق شدند بطور قاطعانه ای به خواسته خود مبنی بر عدم واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن دست پیدا کنند.

طی هشت سال اخیر رخ داد: تعطیلی ۵۰ درصدی شهرک‌های صنعتی کهگیلویه و بویر احمد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 17 شهریور 92 آمده است: یک فعال کارگری در استان کهگیلویه و بویر احمد با اعلام تعطیلی ۵۰ درصدی واحدهای تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی استان طی هشت سال اخیر، خواستار احیاء صنایع استان کهگیلویه و بویر احمد در دولت یازدهم شد.

«علی‌رضا جنتی» با اشاره به تعطیلی نیمی از واحدهای تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی فرودگاه، بلکوه، سراب تابه و چهاربیشه در استان کهگیلویه و بویر احمد، با ذکر چند نمونه به ایلنا گفت: کارخانه موتور سازی در شهرک فرودگاه، فرآورده‌های گوشتی مسجد شهر، لوله سازی در شهرک بلکو و کارخانه ماشین سازی در شهرک کچساران (که قبل از آغاز به کار تعطیل شد) از جمله واحدهای بزرگ در حال توسعه‌اند که طی هشت سال گذشته به سبب سیاست گذاری‌های غلط اقتصادی تعطیل و کارگران‌شان بیکار شده‌اند.

دبیر خانه کارگر یاسوج دلیل تعطیل شدن این واحدها را کمبود نقدینگی، عدم فروش محصولات و گران بودن مواد اولیه و در نهایت سوء مدیریت عنوان کرد و افزود: شهرک صنعتی «خان احمد» در

حوزه شهرستان گرمسار نیز از جمله شهرک‌هایی است که در دولت آقای احمدی‌نژاد برای رونق اشتغال و مبارزه با بیکاری جوانان استان طراحی شد اما متأسفانه چهار سال است فقط یک تابلو دارد و هیچ واحد تولیدی‌ای در آن ساخته نشده است.

این فعال کارگری در خاتمه با بیان اینکه تعداد زیادی از واحدها کوچک با میانگین ۴۰ کارگر در استان تعطیل شده‌اند، اظهار داشت: چنانچه در خصوص رفع مشکلات واحدهای صنعتی اقدامی صورت نگیرد، استمرار این وضعیت باعث وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی کارگران خواهد شد.

پایان پیام

تجمع اعتراض‌آمیز کارمندان فدراسیون کشتی مقابل دفتر خطیب

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ ۱۷ شهریور ۹۲ آمده است: کارمندان فدراسیون کشتی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌شان مقابل دفتر سرپرست این فدراسیون تحصن کرده و تجمع اعتراض‌آمیز برپا کردند. براساس این گزارش، چندی پیش بود که کارمندان فدراسیون کشتی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه‌هایشان خواستار ملاقات با خطیب، سرپرست این فدراسیون شدند که وی با وساطت حسن رنگرز و دادن وعده‌های بی سرانجام، سرپرست فدراسیون کشتی آنها را آرام کرد.

اما حالا بعد از گذشت چند هفته و پس از اینکه وعده‌های جناب خطیب عملی نشد، کارمندان فدراسیون در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌شان مقابل دفتر سرپرست این فدراسیون اعتصاب و تجمع اعتراض‌آمیز برپا کردند. البته گفته می‌شود خطیب اجازه حضور کارمندان فدراسیون را به دفترش نمی‌دهد و از توپچی دبیر فدراسیون خواسته است تا آنها را آرام کند. بر اساس گفته یکی از کارمندان فدراسیون کشتی، آنها ۵ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند و ۹ ماه است که فدراسیون حق بیمه‌های آنها را پرداخت نکرده است. این اتفاق در حالی رخ داده است که تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان کشورمان مسابقات جهانی را پیش رو دارند و اواخر شهریورماه باید در بوداپست به مصاف حریفان بروند. البته مشکلات مالی فدراسیون کشتی و عدم مدیریت در این فدراسیون مختص به کارمندان نمی‌شود و مدت‌هاست که مربیان و کشتی‌گیران تیم‌های ملی نیز از وضع موجود در اردوها راضی نیستند.

رئیس انجمن صنفی رانندگان وسائط نقلیه سنگین استهبان: رانندگان کامیون درگیر کمبود بار و گرانی لوازم یدکی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ ۱۷ شهریور ۹۲ آمده است: رئیس انجمن صنفی رانندگان وسائط نقلیه سنگین استهبان از تأثیر اوضاع نامطلوب اقتصادی و تحریم‌ها بر معیشت رانندگان کامیون خبر داد و گفت: بحران موجود در اقتصاد به کمبود بار برای جابه جایی منجر شده و این مسئله مهم، معیشت رانندگان کامیون را به خطر انداخته است.

«رضا عرض‌نژاد» با اشاره به تحریم‌های ناعادلانه غرب علیه ایران که واردات به کشور را با اختلال رو به رو کرده است، به ایلنا گفت: کمبود بار برای جابه جایی که از پهلو نگرفتن کشتی‌ها در بنادر کشتیرانی و قطع واردات ناشی می‌شود، به مشکلی جدی برای معیشت رانندگان کامیون تبدیل

شده است. وی با بیان اینکه کمبود بار، تعادل عرضه و تقاضا را میان شرکت‌های باربری و رانندگان کامیون بر هم زده است، افزود: کمبود بار سبب شده است بسیاری از رانندگان کامیون با مزد کمتری، بار جا به جا کنند.

این فعال صنفی در ادامه با انتقاد از گرانی لوازم بدکی وسائط نقلیه سنگین بیان کرد: افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت لاستیک از ۸۰۰ هزار تومان به ۲ میلیون تومان برای هر حلقه و افزایش ۵۰ درصدی قیمت روغن طی یک سال گذشته، فشار اقتصادی وارده بر رانندگان را تشدید کرده است. به گفته آقای عرض‌نژاد، هزینه بالای بیمه شخص ثالث که سالانه به نیم میلیون تومان می‌رسد و همچنین بیمه بدنه، همه درآمد رانندگان کامیون را می‌بلعد.

رئیس انجمن صنفی رانندگان وسائط نقلیه سنگین استهبان در پایان تصریح کرد: گرانی در ماه‌های اخیر به گونه‌ای بوده است که همه درآمد رانندگان، خرج نیازهای اولیه زندگیشان می‌شود.

پایان پیام

اعتصاب کارگران کارخانه سیمان استهبان

به نوشته سایت گمینه هماهنگی ... در تاریخ ۱۷ شهریور ۹۲ آمده است: روز ۱۳ شهریور ماه کارگران کارخانه سیمان استهبان واقع در استان فارس به دلیل برخوردهای توهین‌آمیز و غیر انسانی مدیریت این کارخانه دست به اعتصاب زدند. در جریان این اعتصاب کارگران نامبرده به نحوه ی برخورد مدیریت اعتراض کرده خواهان پایان این وضعیت گردیدند. اما در مقابل با توهین مجدد مدیر مواجه شدند. پس از درگیری لفظی بین مدیریت و کارگران، آنها اقدام به اخراج مدیر از محوطه‌ی کارخانه نمودند .

روز ۱۴ شهریور مدیر اقدام به شکایت از کارگران نمود که در اثر حکم دادگاه استهبان ۴ نفر از کارگران معترض بازداشت شده اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که فضای کارخانه در اثر برخوردهای مدیر و اتفاق روز ۱۳ شهریور متشنج و ناآرام است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تجمع کارگران کارخانه سیمان لوشان مقابل استانداری گیلان به دلیل اخراج ۷۳ نفر کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ ۱۷ شهریور ۹۲ آمده است: کارگران کارخانه سیمان لوشان به دلیل اخراج ۷۳ نفر از کارگران این کارخانه مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. براساس این گزارش، تعداد ۳۰ نفر از کارگران کارخانه ۳۰۰ تنی سیمان لوشان پیش از ظهر امروز مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

یکی از نمایندگان کارگران مذکور که خواست نامش فاش نشود اظهار کرد: مسئولان کارخانه سیمان لوشان از ابتدای سال جاری به دنبال تعطیلی این کارخانه هستند. وی کارخانه مذکور را فعال و سود ده عنوان کرد و افزود: ۲۰۰ نفر در کارخانه ۳۰۰ تنی لوشان فعالیت می‌کنند.

نماینده کارگران کارخانه ۳۰۰ تنی سیمان لوشان با تاکید براینکه دلیلی برای بسته شدن کارخانه وجود ندارد، تصریح کرد: مسئولان کارخانه به دنبال اخراج ۸۷ نفر از دیگر کارگران تا پایان شهریور جاری هستند.

وی به رایزنی کارگران کارخانه سیمان لوشان با مسئولان استانداری گیلان اشاره کرد و یادآور شد: برای دومین بار مقابل استانداری گیلان تجمع می‌کنیم و در مرحله نخست نتیجه‌ای حاصل نشده است.

نماینده کارگران کارخانه 300 تنی سیمان لوشان از وجود مشتری به منظور واگذاری کارخانه خبر داد و گفت: مسئولان کارخانه مذکور حاضر به واگذاری نیستند و می‌خواهند کارخانه تعطیل شود.

اعتصاب کارگران پروژه‌ی ساخت خانه‌های مسکونی روستائیان حومه سد آزاد سنندج

به نوشته سایت گمپته هماهنگی ... در تاریخ 17 شهریور 92 آمده است: به گزارش رسیده روز دوشنبه مورخ 92/6/12 کارگران پروژه‌ی ساخت خانه‌های مسکونی روستائیان حومه‌ی سد آزاد سنندج (شهرک بنیدر - روستای باقرآباد) دست به اعتصاب زدند. کارگران این پروژه اعلام کرده‌اند که دلیل عدم دریافت حقوق‌ها و دستمزدهای معوقه‌ی 3 الی 6 ماهه و عدم رسیدگی مسئولان کار را تعطیل و تا پرداخت کامل حقوق خویش به اعتصاب ادامه خواهند داد.

کارفرمایان پروژه بدهی‌های شرکت و همچنین نداشتن بودجه‌ی لازم برای پایان کار پروژه را از دلایل نپرداختن حقوق کارگران اعلام کرده‌اند. مسئولیت ساخت خانه‌های مسکونی روستای بنیدر با کارفرمای پروژه سد آزاد سنندج می‌باشد.

کمپته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

بدهی پیمانکاری آذر خاک به ۴۰۰ کارگر پتروشیمی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: شرکت آذر خاک بابت دستمزد و حق بیمه کارگران ۱۰ شرکت پیمانکاری زیرمجموعه‌اش بدهکار است.

«ناصر آجاری» با اعلام این مطلب گفت: شرکت آذر خاک از پیمانکاران فعال دست اول در منطقه پارس جنوبی است و شرکت‌های پیمانکاری دست دوم و سوم از طریق این شرکت در اجرای پروژه‌های منطقه پارس جنوبی فعالیت دارند.

این فعال کارگری افزود: در حال حاضر کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری دست دوم و سوم حداقل ۵ ماه دستمزد معوقه از شرکت آذر خاک طلبکارند.

به گفته آجاری علاوه بر دستمزد کارگران، شرکت آذر خاک از بهمن ماه سال گذشته نیز بابت حق بیمه این کارگران به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است.

این فعال صنفی بابیان اینکه تعداد کارگران طلبکار از این شرکت بزرگ پیمانکاری بالغ بر ۴۰۰ نفر است، افزود: این کارگران در شرکت‌های مختلف پیمانکاری کوچک‌تر مشغول فعالیت‌اند.

وی افزود: تنها یک شرکت تهیه و پخت غذا بابت تامین غذای روزانه نیروهای انسانی شرکت آذر خاک مبلغی در حدود ۲ میلیارد تومان طلبکار است.

وی افزود: تاخیر در پرداخت حقوق قانونی کارگران شاغل در پروژه‌های عمرانی زیر مجموعه شرکت آذر خاک در حالی است که گفته می‌شود، شرکت ملی نفت ایران مبلغی در حدود ۲۵ میلیارد تومان به آذر خاک پرداخت کرده است.

این فعال کارگری بابیان اینکه در نتیجه این تاخیر و تعلل چند ماهه، کارگران از نظر معیشتی و روحی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند، گفت: نتیجه این وضع اعتراض‌های پراکنده اما مستمر کارگران طلبکار بوده است.

آجاری در پایان یادآور شد: در منطقه ویژه پارس جنوبی شرایط طاقت فرسای آب و هوایی و قوانین غیر عادلانه روابط کار و بد حسابی کارفرمایان باعث شده تا نیروهای انسانی تحت فشار مضاعف قرار بگیرند.

اعتصاب پرسنل مخابرات همدان در اعتراض به عدم افزایش حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: امروز تعدادی از رانندگان مرکز مخابرات همدان به علت عدم افزایش حقوق در محل ساختمان مرکز مخابرات استان همدان تجمعی مسالمت آمیز برپا کردند.

بنا بهمین گزارش، غلامرضا حمیدی نماینده معترضین در حاشیه تحسن رانندگان، با بیان اینکه 68 تن از رانندگان سواری و خودروهای سبک بخش خصوصی همکار مخابرات از ساعت 8 صبح امروز در محل مرکز مخابرات استان تجمع کردند، اظهار داشت: رانندگان به عدم افزایش حقوق در سال جاری اعتراض دارند.

وی افزود: از اول سال جاری تمام شرکت‌ها و ادارات دیگر افزایش حقوق متناسب با وضعیت شغلی پرسنل خود داشتند، اما شرکت مخابرات اقدامی در این راستا نکرده است. نماینده معترضین در ادامه با اشاره به اینکه از اول اردیبهشت ماه سال جاری با مسئولین صحبت و نامه‌نگاری شده است، تصریح کرد: متأسفانه هیچ کس به اعتراضات قانونی رانندگان توجه نکرده و کار را به جایی رساندند که از صبح امروز تصمیم به اعتصاب گرفتیم.

وی ابراز داشت: رانندگان تقاضای افزایش حقوق 100 درصدی دارند اما بعد از تاریخ 31 مرداد ماه در عقد قرار داد جدید فقط 20 درصد به حقوق معترضین افزوده شده است.

حمیدی در ادامه به نرخ مصوب رانندگان آژانس اشاره کرد و یادآور شد: نرخ کرایه آژانس تاکسی تلفنی ساعتی 5 هزار و 500 تومان و هر کیلومتر چهار هزار تومان است. مخابرات در حال حاضر برای هر ساعت کار هزار و 740 تومان و هر کیلومتر فقط 79 تومان به رانندگان پرداخت می‌کند. نماینده معترضین افزود: اگر شرکت مخابرات طبق وعده خود 20 درصد به حقوق رانندگان اضافه کند تازه حقوق دریافتی ما به نصف نرخ مصوب و قانونی می‌رسد یعنی در هر ساعات 2 هزار تومان افزایش می‌یابد.

وی ادامه داد: شرکت مخابرات به عنوان یکی از شرکت‌های درآمدزا می‌تواند وضعیت حقوقی پرسنل خود را با دیگر ادارات که درآمدزا نیستند مقایسه کند تا متوجه پرداخت حقوق پایین به کارمندان خود شود.

حمیدی در پایان گفت: رانندگان تا وقتی که به حقوق قانونی آنها رسیدگی نشود به تجمع و اعتراض مسالمت آمیز ادامه خواهند داد.

نماینده صنفی کارگران خبر داد:

سرگردانی ۵ هزار کارگر ساختمانی پس از جدایی شه‌ریار از البرز

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: اداره تامین اجتماعی شهرستان شه‌ریار از پذیرش حدود ۵ هزار کارگر ساختمانی در این شهرستان به دلیل صدور کارت مهارت آنان در اداره و فنی حرفه‌ای کرج، خودداری می‌کند.

«کاظم احمدیان»، نماینده انجمن صنفی بنایان سفت کار شهرستان شه‌ریار در این باره به ایلنا گفت: به دنبال مصوبه هیأت دولت مبنی بر جدا شدن شهرستان شه‌ریار از استان البرز و الحاق آن به استان تهران، حدود ۵ هزار کارگر ساختمانی که در گذشته از اداره فنی حرفه‌ای شهر کرج کارت مهارت دریافت کرده بودند هم اکنون مورد پذیرش اداره تامین اجتماعی شه‌ریار قرار نمی‌گیرند.

احمدیان افزود: تامین اجتماعی شهرستان شه‌ریار به بهانه آنکه کارت مهارت این کارگران مربوط به فنی حرفه‌ای استان تهران نیست، از بیمه کردن این کارگران خودداری می‌کند و این کارگران

برای رفع مشکلات بیمه‌ای خود در بین ادارات تامین اجتماعی این دو استان پاس کاری می‌شوند.

به گفته این فعال صنفی، به کارگران توصیه شده است دوباره مراحل بیمه خود را از طریق آزمون دادن در اداره فنی و حرفه‌ای شهریار طی کنند و این در حالی است که طی کردن این مراحل علاوه بر وقت و هزینه‌بر بودن، باعث ایجاد فاصله در سوابق بیمه‌ای افرادی می‌شود که هم‌اکنون بیمه‌اند.

نماینده انجمن صنفی بنایان سفت کار شهرستان شهریار در پایان با اشاره به اعتراض کارگران ساختمانی، اظهار داشت: این تعداد کارگر ساختمانی در شهرستان شهریار هم اکنون بلا تکلیف بوده و هیچ مسئولی پاسخگویی مشکلات آنان نیست.

پایان پیام

اجبار کارگران پتروشیمی مناطق آزاد به ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار روزانه

یک فعال صنفی کارگری در مناطق ویژه اقتصادی از نقض قوانین در مورد ساعات کار کارگرانی که در پروژه‌های نفت و پتروشیمی این مناطق فعالیت دارند، خبر داد...

«ناصر آغاجری» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ محدودیتی برای ساعات کار کارگران شاغل در پروژه‌های عمرانی و نفت و پتروشیمی وجود ندارد. وی با بیان اینکه این کارگران بدون برخورداری از حق مرخصی قانونی و تعطیلات رسمی، روزانه ۱۲ تا ۱۶ ساعات کار می‌کنند، گفت: در عمل این کارفرما و پیمانکار است که تعیین می‌کند کارگران تا چه زمانی باید کار کنند. این فعال صنفی کارگری یادآور شد: اجبار کارگران به انجام کار اضافی در تمامی روزهای تعطیل و غیر تعطیل در حالی است که به موجب قانون کار کارفرما باید در جریان تنظیم فعالیت کارگاه حق مرخصی و تعطیلی کارگران خود را به رسمیت بشناسد. وی گفت: اینکه به دلیل ماهیت کار در پروژه‌های عمرانی نفت و پتروشیمی نمی‌توان فعالیت کارگاه را مطابق عرف جاری در بازار کار تعطیل کرد قابل قبول است و به همین دلیل در قانون کار برای چنین مواردی راهکارهای مناسبی تعیین شده است. وی افزود: بر این اساس فعالیت کارگران در چنین کارگاه‌هایی باید چرخشی باشد و هر کارگر پس از یک یا دو هفته کار مستمر بتواند برای بازیابی بخشی از انرژی از دست رفته، به مدت یک یا دو هفته استراحت کند.

آغاجری با بیان اینکه در بیرون از مناطق ویژه آزاد اقتصادی طبق قانون چنین رویه‌ای در تمامی کارگاه‌های مربوط به پروژه‌های عمرانی حاکم است، گفت: متأسفانه به دلیل سکوت قانون در محدوده مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هیچ محدودیتی برای مدت زمان کار کارگران وجود ندارد. به باور آغاجری قانون مناطق آزاد تجاری و اقتصادی درست مانند قانون «خروج کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار» باعث شده است تا جمعیت گسترده‌ای از نیروهای کار از حقوق بنیادین خود محروم شوند.

به گفته این فعال کارگری بر همین اساس در حال حاضر کارگرانی که در پروژه‌های نفتی و پتروشیمی مناطق آزاد و ویژه عسلویه، ماهشهر، پارس جنونی کار می‌کنند باید تمام ایام هفته را کار کنند و باید آوری اینکه ساعت کار روزانه این کارگران بسته به تشخیص کارفرما و پیمانکار از ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز متغیر است، گفت: این کارگران بر خلاف سایر همکاران خود حتی از حق مرخصی و توقف کار در روزهای تعطیل رسمی برخوردار نیستند و تنها زمان استراحت آن‌ها بعد از

ظهر روزهای جمعه است. به گفته آجاجری در این مناطق فعالیت کارگران هر روز از ساعت ۶ صبح آغاز شده و تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. وی یادآور شد: فعالیت روزانه کارگران تنها در فاصله ساعات ۱۲ تا ۱۵ که فعالیت در محیط‌های سرباز به دلیل افزایش بیش از حد دمای هوا ناممکن است متوقف می‌شود. آجاجری بابیان اینکه به دلیل شیوه نامناسب محاسبه و پرداخت حقوق کارگران در عمل هیچگاه سختی کار کارگران جبران نمی‌شود، گفت: روح و روان کارگران شاغل در مناطق آزاد هم از بابت شرایط سخت کار و هم از بابت پرداخت‌های نامناسب آزده می‌شود. وی بابیان اینکه کارگران شاغل در محدوده مناطق آزاد تجاری و اقتصادی بسیار بیشتر از حد مجاز قانونی کار می‌کنند اما در عمل با فرمول قانون درآمد کمتری دارند، گفت: این مسئله در درازمدت باعث می‌شود تا این کارگران و خانواده‌های آن‌ها بطور جدی دچار معضلات و آسیب‌های اجتماعی شوند.

تعویق ۸ ماه حقوق کارگران آزمایش / آغاز دولت نهم ۱۸۰۰ کارگر، پایان دولت دهم ۶۰ کارگر دارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ ۱۸ شهریور ۹۲ آمده است: رئیس شورای اسلامی کار کارخانه آزمایش شرق تهران از معوق باقی ماندن ۸ ماه حقوق کارگران این کارخانه خبر داد و گفت: این واحد صنعتی به دلیل ناتوانی در تولید، قادر به پرداخت حقوق کارگران‌اش نیست.

«محسن اسماعیلی» در این باره به ایلنا گفت: کارخانه آزمایش در شرق تهران که یکی از برندهای باسابقه و قدیمی در صنعت لوازم خانگی کشور است، از دی ماه سال ۹۱ حقوق ۶۰ کارگر رسمی خود را پرداخت نکرده است. این فعال کارگری مشکلات فعلی کارخانه آزمایش را ناشی از سوءمدیریت و مشکلات حاصل از تورم عنوان کرد و افزود: این کارخانه در آغاز فعالیت دولت نهم ۱۸۰۰ کارگر داشت و به تدریج با پدیدآمدن مشکلات، بخش زیادی از کارگران خود را اخراج کرد، به طوری که هم اکنون در این واحد تولیدی تنها ۶۰ کارگر بصورت نیمه فعال کار می‌کنند. به گفته نماینده کارگران آزمایش، ۱۱۵ کارگر قراردادی این کارخانه نیز با آغاز سال ۹۲ از سوی کارفرمای کارخانه تعدیل شدند.

اسماعیلی در ادامه این گفتگو با بیان اینکه در حال حاضر بخش عمده‌ای از حقوق کارگران کارخانه آزمایش با اجاره تعدادی از سالن‌های تولیدی به سایر تولید کنندگان تامین می‌شود، افزود: اگر پایان این ماه حقوقی به کارگران پرداخت شود، این حقوق دی ماه سال ۹۱ است، چرا که با وجود پرداخت‌های بی‌نظم و پراکنده، حقوق کارگران تا آذرماه تسویه شده است.

رئیس شورای اسلامی کار کارخانه آزمایش در مورد بازنشستگی ۶۰ کارگر رسمی گفت: با توجه به اینکه شغل این کارگران در زمره مشاغل سخت و زیان آور قرار دارد، همه کارگران این کارخانه شرایط بازنشسته شدن با مشاغل سخت و زیان آور را دارند.

اسماعیلی درباره مشکلات بازنشستگی این کارگران در تامین اجتماعی گفت: همه کارگران سهم خود را برای بازنشستگی پیش از موعد به حساب تامین اجتماعی شعبه ۱۶ شرق تهران واریز کرده اند اما تامین اجتماعی به بهانه پرداخت نشدن سهم کارفرما که حدود ۳ میلیارد تومان است از بازنشسته کردن تعداد ۴۰ نفر از کارگران خوداری می‌کند.

نماینده کارگران کارخانه آزمایش گفت: این کارگران با سوابق بیش از ۲۰ سال خدمت در آستانه بیکاری‌اند و حمایت دولت از این بخش نیمه دولتی می‌تواند مانع تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران‌اش شود

عضو کانون بازنشستگان رشت اعلام کرد: بدهی ۸۰۰ میلیونی بیمه دی به کارگران بازنشسته رشت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان رشت از بدهی ۸۰۰ میلیون تومانی شرکت بیمه دی به بازنشستگانی که در این شهرستان از بیمه تکمیلی استفاده کرده‌اند خبر داد.

«حسن ایزدی» در این باره به ایلنا گفت: شرکت بیمه دی بابت بیمه تکمیلی به بازنشستگان تامین اجتماعی شهر رشت و حومه حدود ۸۰۰ میلیون تومان بدهکار است و این در حالیست که کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی طبق قرارداد ماهانه مبلغ ۸۰۰ میلیون تومان از حقوق بازنشستگان شهر رشت و حومه کسر و به حساب بیمه دی واریز می‌کند. او با اشاره به اعتراضات متعدد بازنشستگان به پرداخت نشدن خسارات از سوی بیمه تکمیلی دی، افزود: بیمه تکمیلی دی پیش از اتمام قرارداد با کانون عالی بازنشستگان، باید تمام مطالبات کارگران بازنشسته را تسویه کند. به گفته این فعال صنفی، بیمه دی در طول مدت قرارداد به تعهدات خود در خصوص پرداخت هزینه‌های درمانی بازنشستگان پایبند نبوده و در اکثر موارد در پرداخت هزینه‌های درمانی بیماران سلیقه‌ای عمل کرده است.

یزدانی با ذکر مثالی گفت: به عنوان نمونه بازنشسته‌ای که برای درمان یک عمل اصلی مبلغ ۸ میلیون تومان در بیمارستانی هزینه کرده است باید طبق قرارداد حدود ۷ میلیون تومان از بیمه تکمیلی دی دریافت کند اما در عمل این شرکت بیمه گر نهایت پولی که بابت هزینه درمان این بیمه شده پرداخت می‌کند حدود ۲ میلیون تومان است. این فعال کارگری در استان گیلان در خاتمه، ادامه روند جاری را به زیان بازنشستگان دانست و اظهار داشت: بیمه دی طبق قرارداد منعقد شده موظف است تا پایان قرارداد داد همه مطالبات بیمه شدگان طرف قرارداد را پرداخت کند.

پایان پیام

مصاحبه روزنامه بهار با جعفر عظیم زاده درباره ترک تحصیل فرزندان کارگران فعالان کارگری از ترک تحصیل فرزندان کارگران ابراز نگرانی می‌کنند

برپایه مطلب مندرج در روزنامه بهار به تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: پول ندارند، ترک تحصیل می‌کنند

هزینه‌های تحصیل بالاست، ترک تحصیل می‌کنند. این خلاصه وضعیت آموزشی فرزندان بعضی کارگران ایرانی است؛ کارگرانی که در چهار سال گذشته آنقدر طعم اخراج و افزایش نیافتن حقوق‌شان را چشیده‌اند که حالا آموزش فرزندان‌شان جای کمی را در سبد هزینه‌هایشان گرفته است. حالا چندسالی می‌شود که فعالان کارگری درباره وضعیت آموزشی دانش‌آموزانی که سرپرست کارگر دارند، هشدار می‌دهند؛ سرپرستانی که فرق نمی‌کند زن باشند یا مرد، اما به‌رحال هزینه‌های زندگی روزهای خوبشان را ازشان گرفته است. آخرین هشدار را دو روز پیش رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور داده: «در شرایطی که کارگران قرارداد موقت با

وجود داشتن شغل از تامین هزینه‌های تحصیلی فرزندان ناتوانان، خطر ترک تحصیل فرزندان هزاران کارگر قراردادی و پیمانی که ظرف یک سال اخیر در نقاط مختلف کشور بیکار شده‌اند، وجود دارد.»

فتح‌الله بیات به «ایلنا» گفته است که به دلیل طولانی شدن بحران اقتصادی در بخش تولید، بسیاری از کارگرانی که در نقاط مختلف کشور ماه‌ها حقوق دریافت نکرده‌اند ممکن است با هر سختی بتوانند مخارج روزمره‌شان را تامین کنند، اما قادر به پرداخت هزینه‌های تحصیل و نوشتن‌افزار فرزندان‌شان نیستند.

این اولین بار نیست که در یک سال گذشته مسئولان مختلف درباره وضعیت بد آموزشی فرزندان کارگران هشدار می‌دهند. همین چندوقت پیش، این ایرج عبدی، نماینده خرم‌آباد و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس نهم بود که گفت از روند رو به رشد ترک تحصیل فرزندان خانواده کارگران متاسف و درباره آن نگران است: «ادامه روند ترک تحصیل فرزندان خانواده کارگری، از رشد اجتماعی و ارتقای سطح زندگی آن‌ها جلوگیری می‌کند و این در شرایطی است که باید با استفاده از روش‌های مختلف به گونه‌ای عمل کرد که این خانواده‌ها از حداقل‌های لازم برای زندگی و آموزش فرزندان‌شان برخوردار باشند.»

بعد از این اعلام نگرانی‌ها بود که امیرقاسم معینی، وزیر کار دولت دهم مرداد گذشته این قول را داد که از سال تحصیلی آینده هزاران نفر از فرزندان کارگران از هزینه تحصیلی و کمک‌هزینه تحصیلی استفاده خواهند کرد.

او این قول را برای اجرایی شدن در دولت یازدهم بعد از آن داد که چندروز قبلش مجلس اساسنامه صندوق تامین آموزش فرزندان کارگران را تصویب کرده بود. در این اساسنامه وظایف صندوق و نحوه پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی به فرزندان کارگران تعیین شده است و در صورت ابلاغ آن به دولت، از سال تحصیلی جدید در صورتی که فرزندان کارگران بیمه شده ضمن ادامه تحصیل در دوره‌های پنج‌ساله ابتدایی و سه‌ساله راهنمایی تحصیلی هوش و استعدادشان از طریق آزمایش‌های مربوط تایید شود، از تسهیلات لازم برخوردار می‌شوند و وضع تحصیلی و زندگی خانوادگی آنان تحت مراقبت مخصوص قرار خواهد گرفت.

حالا و در حالی که اجرایی شدن این اساسنامه از سال تحصیلی جدید هنوز معلوم نیست، دوباره موج نگرانی‌ها برای ترک تحصیل فرزندان کارگران در سال تحصیلی جدید راه افتاده است؛ نگرانی‌هایی که مرکز آمار ایران هم صحت آن‌ها را تایید می‌کنند.

جعفر عظیمزاده، عضو هیات‌مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در گفت‌وگو با «بهار» می‌گوید که وضعیت بد آموزشی فرزندان کارگران قراردادی و پیمانی مساله جدیدی نیست: «فرزندان این کارگران سال‌هاست که این مشکل را دارند؛ کارگرانی که در مناطق آزاد مانند ماهشهر و غیره کار می‌کنند وضعیت‌شان از این هم بدتر است چون تحت پوشش قوانین کار نیستند و وضعیت مالی‌شان از بقیه کارگران هم بدتر است.»

او می‌گوید کارگران شرکت‌های پیمانکاری جزو محروم‌ترین کارگران‌اند و در سال‌های گذشته دچار مشکلات زیادی شده‌اند: «هزاران کارگر که در شهرهایی مانند تهران و اصفهان زندگی می‌کنند دریافتی‌شان از 700 یا 800 هزار تومان بیشتر نیست و برای تامین هزینه‌های درمان و آموزش فرزندان‌شان مشکل دارند.» او که خودش یک کارگر است از تجربه خودش برای خرید وسایل موردنیاز فرزندش آموزش در آستانه شروع سال تحصیلی جدید می‌گوید: «یک هفته می‌شود که همسرم می‌گوید برای فرزندمان خرید کنیم ولی من فعلا پولی در بساط ندارم که وسایل موردنیاز فرزندم را بخرم. این مشکل تعداد زیادی از همکاران من است.» عظیمزاده ترک تحصیل فرزندان کارگران را فقط خروج آن‌ها از چرخه تحصیل نمی‌داند: «در حال حاضر حقوق معلمان به اندازه‌ای کم است که آن‌ها انگیزه کار باکیفیت در کلاس‌ها را ندارند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند طوری در مدارس درس دهند که دانش‌آموزان مجبور شوند معلم خصوصی بگیرند و چون فرزندان کارگران پول این کار را ندارند از نظر آموزشی افت می‌کنند، مردود می‌شوند و درنهایت از مدارس اخراج می‌شوند.»

براساس گزارش‌های مرکز آمار ایران از جمعیت 19 میلیون و 435 هزار نفری در سنین هفت تا 19 سال در سال 90-91 که باید آموزش خود را در مدارس ادامه می‌دادند، بیش از 7 میلیون و 135 هزار نفر به دلایل اقتصادی و غیره قادر به ادامه تحصیل نبوده‌اند و در حقیقت بیش از 37 درصد دانش‌آموزان ایرانی در همان سال مجبور به ترک تحصیل شده بودند. از طرف دیگر سال گذشته این یکی از معاونان وزارت آموزش و پرورش بود که به‌طور غیرمستقیم ترک تحصیل این دانش‌آموزان را قبول کرد و گفت: «ما تازه فهمیده‌ایم رقم دانش‌آموزان ما 12 میلیون نفر است نه 14 میلیون.»

رسول پاپایی، کارشناس آموزشی در این باره به «بهار» می‌گوید: «هزینه‌های تحصیل به اندازه‌ای بالا رفته که تامین هزینه‌های آموزشی خود به خود از سبد هزینه‌های بعضی خانواده‌ها مانند خانواده‌های کارگران حذف شده است. از طرف دیگر براساس قانون اساسی هزینه‌های تحصیل دانش‌آموزان باید رایگان باشد، مسئولان آموزش و پرورش هم همیشه بر این رایگان بودن تاکید می‌کنند ولی در جلسات خصوصی‌شان به مدیران مدارس می‌گویند که از اولیای دانش‌آموزان پول بگیرند و بنابراین این هزینه‌ها به دیگر هزینه‌های دانش‌آموزان تحمیل می‌شود و بنابراین دانش‌آموزان کم‌بضاعت نمی‌توانند آن‌ها را پردازند و از چرخه تحصیل خارج می‌شوند.»

علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان هم به «بهار» می‌گوید که یکی از قربانیان تورم چندسال گذشته، عدالت آموزشی است: «در این سال‌ها خانواده‌هایی که مانند کارگران حقوق ثابت دارند تحت فشار مضاعف بوده‌اند و این بر ترک تحصیل فرزندان‌شان تاثیر گذاشته است. از طرف دیگر آموزش و پرورش به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دولت به دلیل کمبود بودجه، نمی‌تواند سرانه دانش‌آموزی را پردازد و همین موضوع بر دانش‌آموزان کم‌بضاعت تاثیر می‌گذارد.»

مصاحبه روز نامه بهار با داوود رضوی و حسن سعیدی دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران در مورد کارگر گروگانگیر بهرام سروش

برپایه مطلب مندرج در روزنامه بهار در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: بیش از یک سال است که بهرام همانند صدها راننده‌ای که در این سال‌ها از شرکت واحد اخراج شده‌اند، بیکار شده است. روی برگه اخراجش که 9 خرداد 91 امضا شده دلیل این بیکاری را بی‌انضباطی در محل کار نوشته‌اند. حالا او بعد از قطعی شدن این حکم و تایید آن در دیوان عدالت اداری آمده برای آخرین بار بخواهد مدیرانش چند دقیقه خواب را بر او ببخشند اما مامور حراست مانع ورود بهرام می‌شود و او که از همه جا بریده معرکه‌ای برپا می‌کند. معرکه‌ای که حسین ساجدی نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ را هشت ساعت درگیر کرد. چند سال پیش هم راننده به آخر خط رسیده‌ای بنزین را وسط ایستگاه روی خود می‌ریزد و قصد آتش زدن خود را دارد. اما در این سال‌ها چه برسر رانندگان شرکت واحد آمده که مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند.

داوود رضوی یکی از نمایندگان رانندگان اخراج شده درباره مشکلات رانندگان معترض به «بهار» می‌گوید: مطالبات سالیان دراز رانندگان اتوبوس در این سال‌ها انباشته شده و در سال 84 بعد از بی‌نتیجه دیدن اعتراض‌ها و بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های خود که خواسته‌های زیادی هم نیست مانند حق مسکن، لباس کار و حق ناهار که به اندازه یک نصف نان هم نیست دست به اعتراض‌های صنفی زدند هرچند بعد از این مسائل حدود 40 درصد افزایش حقوق داشتیم؛ افزایشی که حقوق ما را به سطح حقوق سایر کارگران می‌رساند.

او ادامه می‌دهد: پس از آن که رانندگان متوجه شدند 10 درصد حقوق به سایر کارکنان شهرداری افزوده شده که آن‌ها از آن محروم هستند دوباره اعتراض‌ها شروع شد. بعد از هفت، هشت ماه پیگیری به هیچ نتیجه‌ای نرسیدیم و 200 نماینده رانندگان مقابل شورای شهر تهران تجمع کردیم.

مقصد بعدی رانندگان معترض وزارت کار بود. آن‌ها نامه‌ای با دوهزار و 500 امضا درباره میزان

افزایش حقوق سال ۹۲ به وزارت کار فرستادند. بیشترین میزان دستمزد رانندگان اتوبوس یک میلیون و ۳۱۶ هزار تومان است و رقم خواروبار در فیش حقوقی رانندگان ۲۱۰ تومان. رضوی می‌گوید: سه راننده معترض که مقابل شورا رفته بودند و البته به عنوان نماینده سایر هم‌صنفان خودشان با نمایندگان شهرداری مذاکره کردند، اخراج شده‌اند. او که خود یکی از معترضان اخراجی است، ادامه می‌دهد: شرکت واحد حدود ۱۲ هزار راننده اتوبوس داشت که پس از خصوصی‌سازی تلاش شد بیشتر آن‌ها به بهانه‌های واهی اخراج شوند زیرا شرایط بازخرید رانندگان آن قدر غم‌انگیز بود که کسی حاضر به بازخرید نمی‌شد. حالا شرکت واحد کمتر از هشت هزار راننده دارد.

او شرایط کار در بخش خصوصی را نادرست توصیف می‌کند و می‌گوید: کسانی که به بخش خصوصی رفته بودند از صبح تا شب کار می‌کردند اما دخل‌شان با خرج‌شان نمی‌خواند. رانندگان اتوبوس در این سال‌ها روزگار خوشی نداشتند، سال‌هایی که سفره‌ها خالی‌تر از همیشه بود. رضوی می‌گوید: در این چند سال حکم اخراج بود که مانند دستگاه فتوکپی صادر می‌شد. هرچند ما توانستیم ۲۵۰ راننده اخراجی را به کار برگردانیم. او از شورای اسلامی کار که حکم اخراج‌ها در آن به تأیید می‌رسید، می‌گوید: این شوراها بیشتر از آن‌که به فکر کارگران باشند مدافع حقوق کارفرمایان بودند. تلاش برای خصوصی‌سازی شرکت واحد ریشه بسیاری از مشکلات رانندگان اتوبوس است. این نگاه بسیاری از رانندگان اخراجی است.

سعیدی، وکیل بسیاری از رانندگان اخراجی شرکت واحد به بهار می‌گوید: حکم بازگشت به کار ۲۰۰ راننده را گرفته‌ام اما چند وقتی است شرکت واحد با گرفتن وکیلی بانفوذ راه بازگشت به کار رانندگان را بسته است. او به اعتراض‌های سال ۸۴ اشاره می‌کند و حضور شبانه قالبیاف در میان رانندگان معترض. اما شرایط بهتر نشد؛ حتی کارگرانی با ۲۰ سال سابقه به بهانه‌های ساده از شرکت واحد رفتند.

سعیدی که خود یکی از راننده‌های اخراجی است و به دلیل تسلطش به قانون کار از حق هم‌صنفی‌های خود دفاع می‌کند، ادامه می‌دهد: سندجی، مدیرعامل شرکت واحد در مصاحبه‌اش با رسانه‌ها می‌گوید گروگانگیری رخ نداده و ما از این راننده معترض خواسته‌ایم به کار بازگردد. آیا از این دروغ بزرگ‌تر هم می‌شود. اما جمعیت‌های دفاع از حقوق کارگران در این سال‌ها تلاشی برای رانندگان شرکت واحد کرده‌اند؟

حسن صادقی، فعال حقوق کارگری با بیان این‌که رانندگان شرکت واحد از قدیم حتی پیش از انقلاب همیشه تحرکاتی داشته‌اند، می‌گوید: شوراها اسلامی کار همیشه در این سال‌ها تلاش کرده‌اند خواسته‌های کارگران و رانندگان شرکت واحد را برآورده کنند و پیگیر خواسته‌های آن‌ها بوده‌اند. این در حالی است که کمتر راننده شرکت واحد این شورا را مدافع حقوق خود می‌داند. صادقی در این رابطه می‌گوید: این شوراها در دهه ۶۰ و ۷۰ کارکرد خود را داشتند اما در دهه ۸۰ به دلیل آن‌که قدرت خود را از دولت می‌گرفتند برای ادامه حیات خود از کار کرد اصل خود دور شدند.

او ادامه می‌دهد: قانون جوهر روی کاغذ است. مجری قانون است که به آن شکل و روح می‌دهد. وقتی رگه‌هایی از پول و سرمایه در نظام مدیریت کشور رسوخ کرد و شوراهای کارگری که دولت آن‌ها را شکل می‌داد خود را ملزم به حفظ منافع آن‌ها کردند چنین مشکلاتی بروز کرد.

صادقی معتقد است همه باید ملاک را قانون بگذارند در غیر این صورت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اگر هرکس به مشکلی برخورد خود اسلحه بردارد و حلش کند نمی‌شود. در تکراس هم این‌گونه نیست. باید با قانون جلو رفت. راهکارهایی برای بازگشت به کار وجود دارد اما کسانی که این کارگر را تا این حد به هیچان آورده و مدیرانی که این‌گونه کارگران خود را سرکوب و تحقیر می‌کنند هم جای سوال و بازخواست دارند.

صادقی معتقد است: نحوه خصوصی‌سازی در شرکت واحد درست نبوده و به جای واگذاری به افراد باید به تعاونی‌های اتوبوسرانی واگذار می‌شد.

حالا خانواده بهرام به جز غم بی‌نانی غم رفتن پدر پشت میله‌های زندان را هم دارند. مدیرعامل شرکت اتوبوسرانی می‌گوید: گروگانگیری رخ نداده بود بلکه مشکل دو کارمند قدیمی بوده که ۹ ساعت آن‌ها را در اتاق نگاه داشت. مدیرعامل شرکت واحد کل داستان را منکر می‌شود آن هم در مقابل رسانه‌هایی که هم حضور پلیس را دیده‌اند و هم مرد معترض را. وقتی اسلحه بهرام پایین آمد، داستانش هم تمام شد.

کارگران از ابعاد فاجعه‌بار طرح «استاد شاگردی» بی‌اطلاع‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: احیا نظام استاد - شاگردی با مقوله‌نامه‌های حقوق بنیادین کار، اصول قانون اساسی و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت دارد. «کاظم فرج‌اللهی» با اعلام این مطلب گفت: در آخرین روزهای شهریور سال ۱۳۹۱ وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با ابلاغ دستور العمل ۱۴ ماده‌ای مهارت آموزی به روش «استاد-شاگردی نوین» مرتکب اشتباهی جدی در مناسبات بازار کار ایران شد. وی افزود: برخلاف آنکه در معرفی و دفاع از این طرح آمده است: برای ایجاد رونق و بهبود در فضای کسب و کار و افزایش اشتغال زایی، صاحبان کارگاه‌ها و استاد کاران می‌توانند بدون رعایت شرط سنی داوطلبان و جویندگان کار را به صورت کارآموز که در این طرح «شاگرد» نامیده می‌شوند به روش استاد-شاگردی قدیم برای کسب مهارت و آشنایی با فضای کسب و کار جذب کنند.

این فعال کارگری بایان اینکه در نگاه اول به زعم تدوین کنندگان این طرح، شاگرد می‌تواند تا دو سال در کارگاه در کنار استاد به کسب مهارت‌های شغلی و انجام کارهایی در راستای مهارت آموزی بپردازد، افزود: این درحالی است که در این مدت شاگرد از شمول قانون کار و تامین اجتماعی خارج است و نه تنها هیچ مبلغی به عنوان حقوق و دستمزد به او تعلق نمی‌گیرد بلکه فرد شاگرد حتی مانند یک کارگر ساده و یا کارآموز مورد اشاره قانون کار، نمی‌تواند از پوشش‌های بیمه اجباری تامین اجتماعی بهره‌مند شود.

فرج‌اللهی گفت: شرایط غیر عادلانه نیروی کار در مناسبات استاد و شاگردی نوین درحالی است که طبق گفته‌های «عزیز حبیبی»، معاون وقت آموزش سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در فاصله کمتر از سه ماه از ابلاغ این طرح بیش از ده هزار نفر در سراسر کشور از طریق رابطه استاد و شاگردی وارد بازار کار شدند.

وی افزود: بر خلاف تصور و گفته‌های مجریان و مدافعان «طرح استاد شاگردی نوین» نیروهای انسانی با اجرای این طرح تنها به امید فرا گرفتن مهارت و یافتن شغل، مجبور به بیگاری و انجام کار بدون مزد می‌شوند.

فرج‌اللهی ادامه داد: از آنجا که ابعاد فاجعه‌بار و جزییات این طرح واپسگرا و قرون وسطایی هنوز برای بسیاری از ذینفع‌ها و کارگران روشن نیست باید با اطلاع رسانی مانع از ادامه اجرای این طرح ناکارآمد شد.

وی با یادآوری اینکه در قوانین مدرن جامعه بشری، حق اختیار کردن شغل در کنار داشتن حق حیات و حق تامین معاش جزء حقوق اساسی افراد تلقی می‌شود، گفت: ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر این ضرورت ناگزیر و شرایط آن را در قالب یک حق طبیعی همه انسان‌ها در چهار بند این گونه بیان می‌کند: «هر شخصی حق دارد کار کند؛ کار خود را آزادانه برگزیند؛ شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد... هر کسی که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت کند که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تامین کند...»

این فعال مستقل کارگری ادامه داد: همین‌طور در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این ضرورت حیاتی این حق مهر تایید زده شده است: «دولت موظف است با رعایت نیاز

جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند».

فرج اللهی بابیان اینکه در طرح استاد-شاگردی به نام آموزش مهارت به هیچکدام از اصول حقوقی و انسانی مورد اشاره توجهی نمی‌شود، یادآور شد: چون در یک جامعه مدرن پیدا کردن شغل در بیشتر موارد امری است که به داشتن حد معینی از تخصص و کارآمدی نیاز دارد، به همین دلیل آموزش نیروی انسانی به طور کلی و مهارت آموزی نیروهای کار به طور ویژه به عنوان یک امر مهم مورد نیاز است.

فرج اللهی بابیان اینکه برنامه ریزی صحیح برای تربیت و آموزش نیروی کار در پیشبرد درست برنامه‌های اقتصادی، رونق اقتصاد و چگونگی فضای کسب و کار هر کشور تأثیری انکار ناپذیر دارد، گفت: بخش اصلی و عمومی این آموزش در همه کشورهای معمولاً توسط نهادهای آموزش و پرورش و آموزش عالی انجام می‌گیرد.

این فعال کارگری ادامه داد: علاوه بر این آموزش‌های تخصص و ویژه توسط هنرستان‌ها و نهادهایی چون مراکز آموزش فنی و حرفه ای (زیر مجموعه‌های وزارت کار) و بنگاه‌ها و موسسات خصوصی ویژه و در برخی موارد به طور مستقیم توسط موسسات و بنگاه‌های تولیدی و صنعتی‌ای که نیازمند این تخصص‌ها هستند انجام می‌شود.

وی گفت: از آنجا که نیروی انسانی و به ویژه نیروی متخصص سرمایه هر کشور است، هزینه آموزش این نیرو نیز به مثابه بخشی از سرمایه گذاری ملی آن کشور محسوب می‌شود. چنانچه بخش زیادی از این هزینه و سرمایه گذاری توسط دولت و از محل بودجه و درآمد عمومی پرداخته می‌شود و سهمی از این هزینه‌ها را نیز صاحبان صنایع به مثابه استفاده کنندگان از نیروی کار متخصص از طریق پرداخت درصدی از سود بنگاه‌ها به نهادهای زیربنا به عهده می‌گیرند.

فرج اللهی افزود: نظر به اینکه میزان و شیوه پرداخت این بخش از هزینه‌ها را قانون هر کشور تعیین می‌کند، بنگاه‌های خدماتی، تولیدی و صنعتی‌ای که تخصص‌های بسیار ویژه نیاز دارند با دایر کردن موسسات آموزشی ویژه خود در سطوح میانی و عالی و در کنار آن جذب نیرو و کارآموز به تربیت و آموزش نیروی متخصص مورد نیاز خود می‌پردازند.

وی ادامه داد: معمولاً در ازای تقبل هزینه این آموزش‌ها کارآموزان متعهد می‌شوند که پس پایان دوره آموزش مدت معینی را با دریافت حقوق مناسب برای موسسه آموزش دهنده کار کنند. فرج اللهی افزود: در این شرایط در حالی شاهد اجرای طرح استاد- شاگردی هستیم که فصل پنجم قانون کار (مواد ۱۰۷ تا ۱۲۹) وظایف و تعهدات دولت را در این زمینه و همچنین وظایف و تعهدات متقابل کارآموز (هنرجو) که بعداً کارگر خواهد شد از یک طرف و بنگاه آموزش دهنده یعنی کارفرما را از سوی دیگر به طور مفصل توضیح می‌دهد.

در گفت و گو با مهر مطرح شد؛

واکنش وزیر کار به تعریف جنجالی بیکاری / یک ساعت کار در هفته را شغل می‌دانید؟

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر آمده است: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه من نمی‌گویم تعریف یک ساعت کار در هفته برای شاغل دانستن افراد قابل قبول است گفت: اما هر آماری که درباره عملکرد اشتغال زایی از سوی دولت ارائه می‌شود باید بر مبنای تعریف مشخصی باشد و افراد بدانند آمار با چه تعریفی برآورد و ارائه شده است.

علی ربیعی در گفتگو با مهر در پاسخ به اینکه آیا می‌توان تعریف بحث برانگیز اشتغال و بیکاری را اصلاح کرد و یک نوع تعریف بومی قابل لمس برای جامعه درباره شاغل و یا بیکار دانستن افراد ارائه کرد؟ بیان داشت: تعریفی که فعلاً استفاده می‌شود تعریف سازمان جهانی کار است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اینباره که چنین تعریفی از اشتغال و بیکاری و اینکه فردی با 1 ساعت کار در هفته شاغل شناخته شود از سوی جامعه پذیرفته نمی شود اظهار داشت: من نمی گویم این تعریف قابل قبول است، اما این تعریف برای کدام جامعه است؟

ریبعی ادامه داد: در کدام جامعه این تعریف از اشتغال و بیکاری می تواند مینا قرار گیرد که بتوانیم بگوییم با این تعریف گزارش ها ارائه شده است؟ من فکر می کنم ما هر آماری را که ارائه می کنیم باید بر پایه تعریف مشخص ارائه شود.

به گفته وی، وقتی تعریف اشتغال و بیکاری و قرار دادن مرز یک ساعت کار بین آنها مقایسه می شود با تعریفی که در گذشته دیگران از اشتغال ارائه داده اند و چیزی که در حال حاضر مطرح است، در اینجاست که باید به صورت شفاف بگوییم بر اساس کدام تعریف گزارش اشتغال داده می شود؟

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص اینکه آیا در ایران امکان ارائه یک تعریف بومی از اشتغال و بیکاری به منظور شفاف سازی آمارها و اینکه گزارشات اشتغال برای جامعه قابل لمس باشد، وجود دارد؟ گفت: لازم نیست که ما تعریف اشتغال و بیکاری را بومی کنیم.

ریبعی خاطر نشان کرد: ما می گوئیم باید گزارش ها بر مبنای تعاریف روشن ارائه شود. به عنوان مثال بگوییم گزارش اشتغال بر اساس تعریف 5 روز کار در هفته ارائه می شود و یا هر تعداد روز دیگری. همچنین گفته شود بر اساس 2 روز کار و یا 1 ساعت کار در هفته، این تعداد شغل ایجاد شده است. بنابراین اگر پایه های آماری را نیز به همراه تعریف روشن ارائه کنیم، هیچ اشکالی در گزارش ها وجود نخواهد داشت.

به گزارش مهر، طی سال های گذشته و در زمان فعالیت دولت های نهم و دهم تعریف جدیدی از اشتغال و بیکاری افراد در گزارش های مرکز آمار ایران به کار گرفته شد. در واقع دولت مبنای گزارش های مربوط به عملکرد حوزه اشتغال زایی را بر اساس یک ساعت کار افراد در هفته تنظیم و ارائه کرد.

سازمان جهانی کار می گوید هر فردی که در هفته یک ساعت کار داشته باشد، حتی اگر برای آن کار مزدی نیز دریافت نکند (مانند افرادی که برای خانواده کاری را انجام می دهند)، آن فرد شاغل شناخته می شود و بیکار فردی است که امکان اشتغال یک ساعته در هفته به شرحی که گذشت را نداشته باشد.

در زمان دولت های هفتم و هشتم، محاسبات آماری به نحو دیگری بود. در آن سال ها دولت گزارش اشتغال زایی را بر اساس اشتغال 2 روز در هفته ارائه می کرد. یعنی هر فردی که در هفته دو روز کار داشت، شاغل شناخته می شد.

به کارگیری تعریف یک ساعت کار در هفته در ایران، مورد انتقادات بسیاری از جامعه و بدنه بازار کار کشور قرار گرفت چون بر اساس شرایط اقتصادی کشور و نوع مشاغل که افراد می توانند بر عهده بگیرند، اساس درصد مشاغلی که با یک ساعت کار در هفته امکان کسب درآمد کافی برای یک ماه افراد را بدهد بسیار ناچیز و یکی دو درصد است.

پیش تر مرکز آمار ایران در پاسخ به انتقادات مطرح شده از سوی بدنه بازار کار درباره غیرواقعی بودن تعریف بیکاری و اشتغال اعلام کرده بود که در این زمینه از استانداردهای جهانی استفاده می شود و تغییر تعریف از یک ساعت به یکروز در هفته تنها درصد ناچیزی از آمارهای فعلی را تغییر خواهد داد و اینگونه نیست که به یکباره نرخ بیکاری دستخوش تغییر چشمگیری شود.

مرکز آمار حتی مشاغلی مانند وکالت و پزشکی را به عنوان نمونه به منتقدین اعلام کرد که افراد می توانند حتی با یک ساعت کار در هفته در این مشاغل، پول کافی برای گذران زندگی خود را

به دست آورند. اما سوال اینجاست که چند درصد از بازار فعلی کار ایران می توانند شرایطی مانند وکلا و پزشکان مدنظر مرکز آمار ایران را داشته باشند که بتوان چنین تعریفی را پذیرفت؟ کارشناسان بازار کار کشور معتقدند به دلیل استفاده دولت از تعریف غیرواقعی و نامناسب یک ساعت کار در هفته و ارائه گزارشات اشتغال زایی بر همین اساس، در سال های اخیر آمارهای دولت در حوزه اشتغال و بیکاری به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و جامعه در صحت آن با تردید مواجه شد.

در شمال تهران رخ داد: سقوط کارگر ساختمانی به عمق ۷ متری چاه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است : سقوط یک کارگر ساختمانی به عمق هفت متری چاهی در شمال تهران باعث مصدومیت شدید او شد.

به گزارش ایلنا، رو گذشته کارگران مشغول کار در طبقه منفی دو ساختمانی در منطقه ولنجک تهران بودند که ناگهان یک کارگر ۲۵ ساله افغان به عمق هفت متری چاه سقوط کرد.

بنا بر این گزارش، عوامل گروه نجات با بکارگیری تجهیزات امدادی، این کارگر را از عمق چاه خارج کرده و وی را در حالی که به شدت از ناحیه کمر و پا دچار مصدومیت شده بود، به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند.

پایان پیام

وزیر کار در اصفهان: آمار دقیق بیکاری را نمی دانم/ پایه های آماری کشور را جابه جا کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر آمده است : وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به آمارهای دست کاری شده و نادرست در سال های اخیر اشاره کرد و گفت: از لحاظ بهره وری شرایط خوبی را نداریم و من الان نمی دانم دقیقا چقدر بیکار در کشور وجود دارد زیرا پایه های آماری جابه جا شده است.

به گزارش خبرنگار مهر در اصفهان، علی ربیعی پیش از ظهر دوشنبه در مراسم افتتاح متمرکز 123 طرح تعاونی هشتمین جشنواره تعاونی های برتر استان اصفهان اظهار داشت: از وظایفی که در قبال مردم داریم گاهی می ترسم اما ما برای رسیدن به موفقیت راهی جز با هم بودن نداریم.

وی در ادامه افزود: ما برای دستیابی به این موفقیت باید به روزهای انقلاب و آرمانهایی که کارگران در آن زمان داشتند رجعت کنیم.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه ناچاریم ریاکاری و چند نوع حرف زدن را کنار بگذاریم چرا که فرصت آزمون و خطا وجود ندارد، گفت: اگر به همان روح حاکم بر اوایل انقلاب اسلامی بازنگردیم با مشکل روبه رو خواهیم شد.

وی بیان داشت: با توجه به اینکه اکنون درآمد قابل توجهی و نیز بودجه ای برای محقق شدن نداریم ، می توان نتیجه گرفت در سایه فهم دولت تدبیر و امید به مشکلات وارد شویم و اگر به موفقیت های لازم دست پیدا نکنیم شاید دیگر فرصت بسیاری برای خدمت پیدا نکنیم.

افزایش طبقه متوسط نتیجه رفاه اجتماعی است

ربیعی تصریح داشت: یکی از شاخصه‌های انقلاب ما در کنار محرومان بودن است و مسئله ای که امروز ما به آن نیاز داریم کم کردن آسیبها و دینی و اخلاقی کردن جامعه است. وی ادامه داد: رفاه اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که بنابر نظر امام (ره) و رهبر معظم انقلاب، طبقه متوسط جامعه افزایش یابد و نه دست‌هایی که برای گرفتن کمک دراز شده باشد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: رفاه و عدالت اجتماعی اقتضاء نمی‌کند که طبقه پایین جامعه را گسترش دهیم چرا که در این صورت مسیر دشواری را در حل مسئله فقر خواهیم داشت.

وی با بیان اینکه در شرایط کنونی از 72 میلیارد دلار درآمد دیگر خبری نیست، گفت: اقتصاد در حال حاضر هم رکود و هم تورم را تجربه می‌کند و دیگر نه سیاست انقباضی و نه سیاست انبساطی در اقتصاد نیز جوابگوی این وضعیت نیست.

ربیعی افزود: در شرایط کنونی اگر درصد کاهش وابستگی هستیم باید کلیدی‌ترین راه‌حل که همانا طبق فرمایش رهبری، توکل بر خداوند است را در پیش گیریم.

آمار دقیق بیکاری کشور را نمی‌دانم

وی اظهار داشت: تحریم هزینه عزت یک جامعه است که باید با تدبیر آن را تبدیل به یک نوع گرایش پرعزت کنیم.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه همه همت این است که رنج زندگی مردم را کم کنیم، گفت: بنده با خدای خود عهد کرده‌ام که یک لحظه از عمرم را برای آن چیزی که خیر عمومی در آن نیست، صرف نکنم.

وی با اشاره به لزوم پرهیز از سیاست‌زدگی در انتصابات، گفت: با انتخاب نوریخس به عنوان رئیس سازمان تامین اجتماعی، عرصه سیاسی کردن را از تلاش برای محرومان جدا کردیم.

ربیعی همچنین به آمارهای دست‌کاری شده و نادرست در سال‌های اخیر اشاره داشت و افزود: از لحاظ بهره‌وری شرایط خوبی را نداریم و من الان نمی‌دانم دقیقا چقدر بیکار در کشور وجود دارد چرا که پایه‌های آماری جابه‌جا شده است.

تعاون از زمانی آسیب دید که دولت در آن دست‌کاری کرد

وی به لزوم اصلاح ساختار و فرهنگ کار در جامعه تاکید داشت و گفت: تلاش ما این است که اعتقاد به این باور که اگر فردی آجر روی آجر گذاشت خدا او را دوست دارد، در جامعه مجددا نهادینه شود.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه در کشورهای پیشرفته کار روزانه هشت ساعت است، اظهار داشت: ما نیز برای اصلاح در امور کار کشور باید به سمت هشت ساعته شدن، کار در روز پیش رویم. وی با بیان اینکه دیگر فرصت راه رفتن غلط را نداریم، یادآور شد: هم‌اکنون دنیا با نخبگان اداره می‌شود و ما نیز باید روابط و مناسباتی را در کشور اسجاد کنیم که در بخش تعاونی نخبگی جایگزین شود.

ربیعی با اشاره به اینکه باور به تعاون اول راه تعاون است، اظهار داشت: تعاون از زمانی آسیب دید که دولت در آن دست‌کاری کرد.

وی افزود: در شرایط تحریم فروش نفت ایران و نیز 10 برابر شدن سرمایه در گردش مردم باید برنامه‌ریزی‌ها به سوی اطمینان به مردم برای سرمایه‌گذاری در فضای کسب و کار باشد.

مسیرهای طی شده برای پر اهمیت کردن دفترچه‌های تامین اجتماعی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیان داشت: خصوصی سازی را باید با تعاون گره بزنیم البته تعاونی‌ها مشکلاتی نیز دارند که باید در ابتدا آنها را برطرف کنیم. وی ادامه داد: یکی از مصداق‌های عدالت اجتماعی، پر اهمیت کردن دفترچه‌های درمانی بیماران تحت پوشش تامین اجتماعی است که در این راستا نیز اقداماتی را در این چند روزه اجرایی کرده‌ایم.

ریبعی در همین راستا اظهار داشت: یکی از اقدامات ما در این حوزه، صفر کردن بدهی‌های تامین اجتماعی به داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها بود. وی از دیگر اقدامات در این حوزه را اصلاح مدیریت در سازمان تامین اجتماعی دانست و با اشاره به این تغییرات، گفت: این اصلاحات ادامه خواهد داشت.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: با اقداماتی که در روزهای اخیر انجام شده است از این پس دفترچه‌های تامین اجتماعی بیماران هموفیلی و سرطانی را نیز تحت پوشش قرار خواهد داد.

مسیر توفیق زمانی محقق می‌شود که هر فرد یک شغل داشته باشد

وی به اقدامات وزارتخانه در حوزه اشتغال اشاره داشت و گفت: نگاه به این حوزه با سه‌جانبه گرایی و شرکای اجتماعی که یک نگاه آرمانی است دنبال می‌شود به گونه‌ای که کارگر و کارفرما در کنار یکدیگر قرار گیرند.

ریبعی از دیگر اقدامات در این حوزه را مطالعه برای اصلاح قانون کار دانست و اظهار داشت: مسیر توفیق و جامعه اسلامی زمانی محقق می‌شود که هر فرد یک شغل داشته باشد

۱۰۰ کارخانه چای از ۱۸۰ کارخانه چای شمال کشور تعطیل شده است و ۸۰ کارخانه باقی مانده هم به صورت نیمه تعطیل در آمده‌اند.

پرویز شعبانی نایب رییس اتحادیه چایکاران در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: متأسفانه عدم حمایت مسوولین و واردات بی‌رویه چای قاچاق باعث متضرر شدن کارخانه‌داران چای کشور شده است. وی تصریح کرد: ۸۰ کارخانجات داخلی به صورت نیمه تعطیل شده‌اند، به‌طوری‌که کارخانه‌ها به جای تولید ۲۰ تن در روز، تنها ۱۰ تن چای تولید می‌کنند.

شعبانی با اشاره به اقدام استاندار گیلان از فروش چای سنواتی ادامه داد: مصرف چای سنواتی چه برای داخل کشور و چه برای صادرات و مصرف سایر کشورها مضر است و براساس مصوبه وزارت بهداشت چای سنواتی قابل شرب نیست و باید تبدیل به کود شود.

نایب رییس اتحادیه چایکاران افزود: استانداری ۵۰ هزار تن الی ۶۰ هزار تن چای سنواتی را کیلویی ۲۸۴ تومان از سازمان تعاون روستایی خریده است و کیلویی ۱۵۰۰ تومان به فروش می‌رساند. به گفته وی، تولید چای داخلی در حدود ۱۰ الی ۱۲ هزار تن است که به دلیل ورود چای خارجی و سنواتی ارزان قیمت کارخانه‌داران همین را هم نمی‌توانند به فروش به رسانند.

وی با اشاره به واردات ۱۰۰ هزار تن چای که اغلب به صورت قاچاق و بدون پرداخت تعرفه گمرکی است، ادامه داد: به رغم اینکه باغات چای کشور پتانسیل تولید نیاز داخل را دارند اما به دلیل بی‌توجهی مسوولین و عدم پرداخت پول چایکاران تولید برگ سبز چای کشور نسبت به سال‌های گذشته کاهش چشمگیری داشته است.

پایان پیام

فعال صنفی کارگران میادین میوه و تره بار: امتناع تامین اجتماعی از بیمه ۱۰۰ کارگر باربر در لارستان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: دبیر انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره بار لارستان از بیمه نشدن بیش از ۱۰۰ کارگر میادین میوه و تره بار این شهرستان توسط تامین اجتماعی خبر داد.

«رسول سعیدی‌نژاد» در این باره به ایلنا گفت: انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره بار لارستان بیش از ۱۰۰ کارگر این صنف را برای بیمه شدن به تامین اجتماعی معرفی کرده است اما تامین اجتماعی برای بیمه این کارگران اقدامی انجام نمی‌دهد. وی ادامه داد: بر اساس بخشنامه‌ای که از ۵ سال پیش اساس بیمه کارگران باربر میادین میوه و تره بار قرار گرفته است، کارگران باربر با کمک مالی دولت بیمه می‌شوند.

«بر اساس بخشنامه سازمان تامین اجتماعی، کارگران باربر می‌توانند با معرفی مراجع ذیصلاح از جمله شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، تشکلهای صنفی کارگری و کارفرمایی در میادین میوه و تره بار، بازار و...، به صورت گروهی یا انفرادی براساس قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد با بهره‌مندی از یارانه دولت تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار گیرند. مطابق این بخشنامه، کل حق بیمه کارگران باربر ۲۷ درصد از حداقل حقوق ماهیانه است که پرداخت ۲۰ درصد بر عهده دولت است و ۷ درصد مابقی را کارگر باربر باید پرداخت کند» به گفته آقای سعیدی‌نژاد، کارگران باربر میادین میوه و تره بار در استخدام غرفه داران هستند و استخدام، اخراج و دستمزد این کارگران به اراده کارفرما بستگی دارد.

دبیر انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره بار لارستان در پایان تصریح کرد: بخشنامه سازمان تامین اجتماعی با واگذاری وظیفه پرداخت سهم حق بیمه کارفرمایان به دولت بار مالی بیمه را از دوش کارفرمایان برداشته اما این موضوع، سایر حقوق کارگران باربر از جمله بیمه بیکاری، طبقه بندی مشاغل و... را تحت الشعاع قرار داده است.

پایان پیام

طلبکاری حقوق کارگران از شرکت «پارس کروم» در مازندران کارگران شرکت پارس کروم از پرداخت نشدن حقوق خود در چهار ماه گذشته انتقاد کردند.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس از شهرستان مازندران، آمده است: این کارگران که تعداد آنان به 90 نفر می‌رسد امروزی گفتگویی، به دلیل پرداخت نشدن مطالباتشان تقاضای رسیدگی مسئولان به این مسئله را کردند. آنان بدقولی‌های مکرر مسئولان شرکت در پرداخت حقوق، سنوات و عیدی پاداش سال‌های 90 و 91 کارگران و همچنین خوش‌بینی مسئولان استان و شهرستان به این قول‌ها را مورد انتقاد قرار دادند.

یکی از این کارگران با اشاره به بازنشسته شدن خود در یک سال گذشته، تصریح کرد: شرکت کروم پارس نه تنها 25 میلیون تومان حق سنوات من را نمی‌پردازد؛ بلکه از پرداخت چهار درصد بیمه بابت شرایط سنگینی کار به اداره بیمه نیز امتناع می‌کند.

حسین خورشیدی گفت: به همین دلیل بنده بعد از 25 سال کار سخت در شرکت کروم پارس امروز کارگری می‌کنم، چراکه حقوق بازنشستگی‌ام بعد از یک سال برقرار نشده است.

وی، تعداد کارگرانی که به این مشکل گرفتار هستند را 16 نفر اعلام کرد. عبدالرحیم رحمان‌نژاد، محمد دارابی، شهرام قادی، عمار نقدی و سید ابراهیم حسینی تعدادی از کارگران بودند که به نمایندگی از 90 کارگر این شرکت مشکلات خود را مطرح و از مسئولان استانی تقاضای پیگیری عاجل کردند. براساس این گزارش، این کارگران تاکنون چند مرتبه به صورت گروهی با مراجعه به مسئولان شهرستانی و استانی خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شده‌اند.

در جلسه بررسی مشکلات کارخانه اعلام شد: بدهی چیت‌سازی به ۲۸۰ کارگر با فروش زمین کارخانه تأمین می‌شود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: طلبکاری ۲۸۰ کارگر از کارخانه چیت‌سازی بهشهر. در این رابطه نماینده مردم نکا، بهشهر و گلوگاه در مجلس شورای اسلامی گفت: در حال حاضر ۲۸۰ نفر از کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر از این کارخانه طلبکارند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا به نقل از پایگاه اینترنتی خط امید بهشهر، «احمدعلی مقیمی» در جلسه بررسی مشکلات کارخانه چیت‌سازی که با حضور نمایندگان طلبکاران حقیقی و حقوقی این کارخانه و «ولی الله فرزانه» معاون برنامه ریزی استاندار مازندران در فرمانداری بهشهر برگزار شد افزود: بدهی ۴۰ میلیارد تومانی و متاسفانه ورشکستگی و مشکلات اقتصادی کارخانه چیت‌سازی، اقتصاد مردم بهشهر را دچار تحول و بحران کرده است. نماینده مردم بهشهر با تأکید بر اینکه رکود این کارخانه، اقتصاد شهر را نیز دچار بحران کرده است، ادامه داد: در حال حاضر ۲۸۰ نفر از کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر از این کارخانه طلبکارند، که با فروش زمین‌های متعلق به کارخانه چیت‌سازی حقوق این کارگران و طلبکاران این کارخانه پرداخت خواهد شد.

فرماندار بهشهر نیز در سخنانی با بیان این که کارخانه چیت‌سازی از اعتماد مردم به مسئولین کاسته است اظهار داشت: همه باید تلاش کنیم تا اعتماد از دست رفته در رابطه با چیت‌سازی را به شهر برگردانیم. محمد تقی نورزاد ادامه داد: با مشخص شدن طلبکاران کارخانه چیت‌سازی بهشهر، کارخانه به شهرک صنعتی منتقل می‌شود و سرمایه موجود کارخانه و زمین در بین طلبکاران براساس رای شورای تأمین تقسیم می‌شود.

در ادامه این نشست معاون برنامه ریزی استانداری مازندران نیز با اشاره به اینکه تصمیمات نهایی را شورای تأمین استان اتخاذ می‌کند تصریح کرد: بخشی از زمین‌های متعلق به این کارخانه به طلبکاران حقوقی مانند بانک ملی، تأمین اجتماعی و دارایی واگذار می‌شود و بخش دیگری از این زمین‌ها جهت پرداخت حق و حقوق کارگران پرداخت می‌شود. ولی الله فرزانه ادامه داد: طلبکاران حقوقی نیز نظر شورای تأمین را پذیرفتند و در هفته جاری طی مراحل قانونی این واگذاری عملیاتی می‌شود و افراد حقیقی و حقوقی بر اساس مصوبه شورای تأمین به حق قانونی خود می‌رسند.

این گزارش حاکی است، تا کنون در حدود دویست جلسه جهت بررسی مشکلات کارخانه بهشهر برگزار شده است.

پایان پیام

ساخت بزرگترین پروژه مسکن کارکنان صنعت نفت به تعلیق درآمد

به گزارش پانا نیوز، در تاریخ 18 شهریور 92 آمده است: با گذشت حدود 2.5 سال از آغاز عملیات اجرایی پروژه احداث مجتمع ۲۰۰۰ واحدی مسکن مهر نفت در اهواز، هم اکنون ساخت این طرح عظیم حوزه مسکن به طور کامل متوقف شده است.

به گزارش پانا نیوز، پس از تاخیر در طرح توسعه فازهای مشترک پارس جنوبی و وقت کشی شرکت‌های چینی در طرح توسعه برخی از میادین مشترک نفتی با عراق همچون آزادگان جنوبی، دامنه این تاخیرها دامن بزرگترین پروژه مسکن کارکنان صنعت نفت را هم گرفته است. این پروژه با هدف تامین مسکن کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب در چارچوب انعقاد یک تفاهم نامه سه جانبه میان شرکت تعاونی مسکن کارکنان مناطق نفتخیز جنوب، شرکت توسعه مسکن مهر نوین و سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان اجرایی شده بود که به نظر می‌رسد به دلیل مشکلات مالی در مرحله فونداشیون متوقف شده است.

در قالب این تفاهم نامه، شرکت توسعه مسکن مهر موظف شد واحدهای مسکونی را مطابق با مشخصات فنی تعیین شده از سوی شرکت تعاونی مسکن کارکنان مناطق نفتخیز جنوب در مدت ۲۴ ماه (دو سال) بسازد و بر اساس این توافق باید کلید ساختمان‌ها بهمن ماه سال گذشته تحویل کارکنان نفتی می‌شد.

همچنین برای ساخت این مجتمع ساختمانی مقرر شده بود که برای هر واحد مسکونی ۲۴۰ میلیون ریال تسهیلات اعطایی پرداخت شود و هزینه‌های مازاد بر تسهیلات از سوی اعضا پرداخت شود.

یک فعال کارگری در استان خیر داد: شکایت ۲۰۰ قربانی حوادث کار از سه کارخانه در قزوین

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 19 شهریور 92 آمده است: دبیرخانه کارگر قزوین از طرح شکایت ۲۰۰ نفر از کارگران اخراجی سه واحد تولیدی «پلی اوتان یک»، «پلی اوتان دو» و «اریش خودرو» در مراجع قضایی استان خبر داد و گفت: این کارگران که در زمان اشتغال به دلیل خطر از دست رفتن شغل‌شان جرئت طرح شکایت درباره ایمنی کارگاه‌ها را نداشتند، خواستار دریافت خسارت‌های ناشی از حوادث شغلی دوران کارشان از کارفرما هستند.

«عیدعلی کریمی» در این باره به ایلنا گفت: ۲۰۰ نفر از مجموع ۶۰۰ کارگر اخراجی سه واحد تولیدی پلی اوتان یک، پلی اوتان دو و اریش خودرو که در نتیجه ادغام این سه واحد تولیدی تعدیل شده‌اند با طرح شکایت در مراجع قضایی استان خواستار رسیدگی و دریافت خسارت‌های مالی وارده در دوران اشتغال بکارشان از کارفرما شدند.

او با اشاره به سوابق ۴ تا ۱۵ ساله این کارگران افزود: این کارگران اخراجی که به دلیل موقت بودن قرارداد کاری‌شان در طول دوران اشتغال جرئت شکایت از کارفرما برای دریافت خسارت را نداشتند، پس از گذشت چندین سال به مراجع قضایی شکایت کرده‌اند.

این فعال کارگری تأکید کرد: شکایت این کارگران پس از گذشت چندین سال از وقوع حوادث کاری، نشان دهنده وضعیت تاسف‌بار امنیت شغلی کارگران و ایمنی در تمامی کارگاه‌هاست.

او گفت: در حال حاضر تعدادی از این کارگران شاکی، به دلیل شدت صدمات وارده و نقص عضو توان کار کردن نداشته و خانه نشین هستند.

دبیر خانه کارگروین با بیان اینکه حوادث ناگوار لزوما ناشی از بی‌احتیاطی کارگران نیست، در مورد علت وقوع برخی از این حوادث افزود: بعضی کارفرمایان برای کاستن از هزینه‌های استخدام کارگر ماهر، با سوءاستفاده از فقر کارگران ساده متقاضی کار آنان را بدون طی شدن دوره کامل آموزش برای کار با دستگاه‌ها و ماشین‌آلاتی که بسیار پرخطرند استخدام می‌کنند.

این فعال کارگری به نقش دولت در نظارت بر آموزش‌های ایمنی و تخصصی به کارگران تاکید کرد و گفت: نظارت جدی بازرسان کار فرصت چنین سودجویی‌هایی که به سلامت کارگران صدمه می‌زند را از کارفرمایان خاطی می‌گیرد.

پایان پیام

شکایت بیش از هزار کارگزار امام جماعت شرکت خودروسازی

به گزارشی سایت تابناک بتاريخ 19 شهریور 92 آمده است: بطور سربسته، ماجرای پرونده کلاهبرداری امام جماعت یکی از شرکت‌های خودروسازی را، که بیش از هزار نفر از کارگران این کارخانه را گرفتار کرده بود، افشا کرد. ظاهراً در این پرونده کارگران به امام جماعت شرکت خودروساز به عنوان اینکه مورد اعتماد!؟ است پول داده اند!؟ و وی بعد از مدتی پول کم آورده!؟ و الان این پرونده بیش از هزار نفر شاکه دارد.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار البرز اعلام کرد: حذف ۶۲ شورای کار در کرج/ ترس از اخراج مانع تشکیل یابی «کارگران موقت» است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 19 شهریور 92 آمده است: رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز با اشاره به کاهش تعداد شوراها در کارخانه‌های استان، رواج قراردادهای موقت در بازار کار را باعث ترس کارگران از اخراج و به تبع کاهش انگیزه آنان برای تشکیل یابی و فعالیت منسجم صنفی عنوان کرد.

«علی اصلانی» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در کرج، اظهار داشت: آمار رو به رشد کارگران قراردادی در سال‌های اخیر باعث کاهش کمی و به تبع آن کیفی تشکلهای کارگری به خصوص در تعداد شوراهای اسلامی کار در کارخانه‌ها شده است. وی در توضیح این مطلب افزود: کارگران قراردادی به دلیل عدم امنیت شغلی و ترس از اخراج، از حضور در تشکلهای کارگری همچون شوراهای اسلامی کار واهمه دارند که تبعات این ترس در دراز مدت برای جامعه کارگری بسیار نگران کننده است.

اصلانی در ادامه با بیان اینکه استان شدن کرج نیز یکی از عوامل کاهش تشکلهای کارگری نسبت به قبل بوده است، گفت: پیش از تشکیل استان البرز، تعداد شوراهای اسلامی کار در شهرستان کرج ۱۰۶ عدد بود که پس از استان شدن به دلیل قرار گرفتن تعدادی از کارخانجات در تقسیمات بین دو استان، این تعداد به ۵۲ شورا در استان البرز تقلیل یافت. رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز با بیان این مطلب که به دلیل مشکلات ذکر شده و همچنین تعدیل نیروی کارخانجات در سال‌های اخیر ۸ شورای دیگر هم از گردونه خارج شد، آمار حال حاضر شوراهای اسلامی کار استان البرز را ۴۴ عدد عنوان کرد.

علی اصلانی در ادامه با گریزی به انتخابات کانون شوراهای اسلامی سراسر کشور گفت: اخیراً، انتخابات مرکزی کانون شوراهای اسلامی کار کشور انجام شد، که در این انتخابات بنده از طرف کارگران کارخانه مهنام مجدداً به عنوان رئیس کانون شوراهای اسلامی استان البرز انتخاب شدم، که به ترتیب آقایان «مافی» از شرکت ماشین‌های البرز، «بغدادی» از شهرداری نظر آباد، «خوشه گیر» از شرکت سوپا و «ساکلی» از تاکسیرانی البرز نیز به عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره انتخاب شدند. وی با اعلام کاهش اعضای هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی استان البرز از ۷ نفر به ۵ نفر، گفت: مرحله استانی انتخابات کانون شوراهای اسلامی استان البرز در هفته آینده برگزار می‌شود.

رئیس کانون شوراهای اسلامی استان البرز در ادامه با ابراز خرسندی از انتخاب ربیعی به عنوان وزیر کار گفت: ۷۵ تا ۸۰ درصد کارخانجات کشور با مشکل نقدینگی، عدم وصول مطالبات و عقب افتادگی در باز پرداخت تسهیلات بانکی خود روبرو هستند، که این موضوع تأثیر مستقیمی بر ادامه بقای شغلی خیل عظیمی از جامعه کارگری کشور دارد، به طوری که معتقدم اگر می‌خواهیم مشکلات جامعه کارگری کشور تا حد زیادی حل شود اول باید مشکل نقدینگی کارفرمایان را حل کنیم.

علی اصلانی در پایان خاطر نشان کرد: امیدواریم وزیر کار جدید که از بدنه کارگری کشور است، هرچه سریع‌تر نسبت به رفع موانع پیش روی کار آفرینان و کارفرمایان کشور و به تبع آن کارگران اقدام کند.

پایان پیام

جنگ داخلی در سوریه، احتمال دخالت مستقیم نظامی غرب، واقعیات و نتایج جعفر عظیم زاده

پس از گذشت یکسال و نیم از جنگ داخلی در کشور سوریه و ددمنشیاها و جنایتهای بیشماری که در برابر چشمان جهانیان در این کشور رخ داده است، شرایط حاکی از دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در این جنگ خانمانسوز است. اینکه احتمال این دخالت تا چه حد جدی است و در پس نعره های جنگی جاری چه بند و بستهایی ممکن است بین طرفین بین المللی درگیر در جنگ داخلی سوریه صورت بگیرد خود بحث دیگری است. اما و بدون تردید، تحقق دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در جنگ داخلی سوریه یک نقطه عطف در کشمکش بین مثلث آمریکا و متحدین غربی و عربی اش، بلوک روسیه و چین و... و القاعده نیزم و ... در منطقه خاورمیانه خواهد بود و کل صحنه این منطقه از جهان را در پس خود وارد فاز دیگری از توازن قوا بین اضلاع این مثلث شوم خواهد کرد. فرجام جنگ در سوریه تحت شرایط موجود هر چه باشد، یک چیز روشن و مسلم است و آن این است که کشتار و جنایت در این کشور و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه به این زودیاها فروکش نخواهد کرد. جنگ داخلی در سوریه و احتمال دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در این جنگ، حلقه دیگری از جنایات و فجایع تکانه‌دهنده ای است که در پس فروپاشی جهان دو قطبی، مهندسی نظم نوین جهانی و تداوم کشمکشهای خونین ناشی از آن بر مردم سوریه می‌رود. اما تا آنجا که به حلقه های مختلف این جنگها از عراق و افغانستان گرفته تا لیبی و امروز سوریه مربوط میشود باید گفت حمله به لیبی، جنگ جاری در سوریه و احتمال دخالت مستقیم نظامی آمریکا در این کشور تماماً تابعی از کشمکشهای جهانی دوره حمله به عراق و افغانستان نیست. کشمکشهای خونین دنیای پس از جنگ سرد در دوره حاضر بر بستر واقعیات عینی و متفاوت دیگری در جریان است. جهان امروز، دیگر آن جهان حاج و واج مانده از فروپاشی بلوک شرق و آن

جهان بی رعد و برق پس از سالهای اولیه پایان جهان دو قطبی نیست که با حمله به عراق و افغانستان نطفه های نظم نوین جهانی در آن بسته میشود. حمله به لیبی و جنگ داخلی در سوریه و احتمال حمله به این کشور بر خلاف مورد عراق و افغانستان تحت شرایط دیگری و ریشه در واقعیت‌های عینی جهان امروز دارد که بدون توجه به آنها، افکار عمومی و نیروهای چپ و آزادیخواه با قرار گرفتن در منگنه ی یک دوگانگی و یا با موضع گیری بر علیه یکی از طرفین و یا با محکوم کردن همه طرفین (همچون جنگ عراق و افغانستان) باید چشم انتظار سوریه دیگری باشند.

این واقعیات و نتایج آن به شرح زیر است:

- انقلابات در منطقه خاورمیانه و عروج جنبشهای مختلف اجتماعی در اقصی نقاط دنیا مدتهاست بشریت معاصر را همچون اوایل قرن بیست وارد دوره ای از تلاطمات اجتماعی کرده است. این انقلابات و جنبشها ریشه در تحولات عظیم تکنولوژیکی و انفجار اطلاعات و بن بست دنیای سرمایه داری در پس فروپاشی جهان دو قطبی دارد. به این معنای عینی در دوره حاضر منافع سیاسی اقتصادی قطبهای مختلف سرمایه داری جهانی دیگر تماما تابعی از کشمکشهای دهه اول پس از فروپاشی جهان دو قطبی و جنگ و کشمکش دو قطب تروریزم جهانی در آندوره نیست، آندوره علیرغم تداوم جنگ دو قطب تروریزم جهانی مدتهاست به پایان رسیده و دنیا و بویژه کشورهای منطقه خاورمیانه در همه پیکره سیاسی اقتصادی و اجتماعی فرهنگی وارد پروسه ای از دگرگونیهای عظیم شده اند.

- کشورهای منطقه خاورمیانه جزو آندسته از کشورهای جهان هستند که روبناهای سیاسی موجود در آنها، همچنان ریشه در اشکال حکومتی جهان دو قطبی دارد. این در حالی است که علاوه بر فروپاشی جهان دو قطبی، پیشرفتهای عظیم تکنولوژیکی و ارتباطات در طول بیست سال گذشته چنان سرعتی به تحول در بنیانهای اقتصادی و اجتماعی فرهنگی این کشورها داده است که روبناهای سیاسی حاکم بر آنها دیگر قادر به حفظ چهارچوبهای حکومتی خود نیستند. - این تحولات در حالی جهان معاصر و بویژه منطقه خاورمیانه را در بر گرفته است که هنوز جنبشهای اجتماعی متناظر با دوره حاضر تعین لازم را پیدا نکرده اند، هنوز پرچم عدالتخواهانه ای همچون انقلاب اکتبر و دیگر انقلابات در اواسط قرن بیست بر افراشته نشده است و همین واقعیت، حداقل در شرایط حاضر، این جنبشها را در چنان وضعیتی قرار داده است که قبل از اینکه سازماندهندگان و پیشروان این جنبشها در راس خیزشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه قرار بگیرند جناحهای مختلف بورژوازی به سطح رهبری توده های مردم معترض رانده میشوند. - در دوره حاضر واقعیت‌های عینی فوق، بستر اصلی دخالتگریها و کشمکش قطبهای مختلف سرمایه داری جهانی در این منطقه از جهان از لیبی گرفته تا دست به دست شدن قدرت در مصر و جنگ داخلی در سوریه است و باید از این واقعیت‌های بنیادی زمانه ی حاضر به جنگ داخلی در سوریه، احتمال دخالت مستقیم آمریکا و متحدینش در این جنگ و نتایج و تبعات آن نگریست.

- آن جنگی که در لیبی رخ داد و امروز در سوریه در جریان است عینا روی دیگر سکه ی همان آوردگاهی است که در مصر اتفاق افتاده است. آنجا در مصر برای جلوگیری از تعمیق انقلاب مردم، مبارک را بدلیل سرسپردگی اش به غرب براحتی به کناری گذاشتند و در ادامه با به قدرت رسیدن مرسى و خیزش مردم بر علیه اخوان المسلمین بار دیگر همان کار را به شکل خشن تری و با کودتا به سرانجام رساندند. کودتای ارتش در مصر نه کودتائی بر علیه مرسى، بلکه اساسا کودتایی بر علیه انقلاب دوم مردم مصر و اقدامی برای عقیم گذاشتن آن بود. و اما این رویکرد از جانب دول غربی و دولتهای ارتجاعی منطقه برای عقیم گذاشتن انقلاب های مردمی در لیبی و سوریه، از آنجا که دولتها و ارتشهای این کشورها دست ساز غرب نبودند نمیتوانست همچون مصر به سرانجامی رسد.

- جنگ داخلی در سوریه نه حاصل اراده مردم و نه حتی حاصل استیصال توده های مردم در مقابل سرکوبگریهای جنایتکارانه دولت اسد، بلکه بدرجه بسیار بالایی حاصل دخالتگری دولتهای

ارتجاعی منطقه در تسلیح و گسیل نیروهای القاعده و سلفیون به کشور سوریه بود. اینبار و در سوریه سیاست عقیم گذاشتن انقلاب مردم به دلیل ماهیت دولت اسد نمیتوانست از بالا سرانجامی پیدا کند. تحت چنین شرایط متفاوتی، یک چیز هم برای دولت اسد و هم برای سرمایه جهانی و هم کل دولتهای ارتجاعی منطقه بسیار مسلم و روشن بود: خون پاشیدن بیش از پیش به انقلاب مردم سوریه و تبدیل این کشور به زمین سوخته.

- اشتباه است اگر ذره ای تفاوت بین جنایت بار بودن دخالت مستقیم نظامی آمریکا در جنگ داخلی سوریه، با آن جنایاتی که همین امروز در این کشور جاری است قائل بشویم. این دخالت هیچ ربطی به پایان دادن به فجایع تحمیل شده بر مردم سوریه ندارد. دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در جنگ داخلی سوریه در تداوم این جنگ و در ادامه همان جنایات و ویرانگری هایی است که از حدود یک سال و نیم پیش از سوی اسد و جریانات تروریستی همچون القاعده و حامیانشان بر انقلاب مردم سوریه تحمیل شد. این دخالت احتمالی، مرحله دیگری از جنگ جاری در کشور سوریه و در تداوم دقایق و فرود و فرازهای آن است.

- طالبانیزم و القاعده نیزم و تمامی دول ارتجاعی حاکم بر منطقه خاورمیانه، نه محصول اراده و اختیار و یا واقعیت جامعه شناختی مردم این منطقه از جهان، بلکه تماما دست ساز و حاصل کل آن معادلات و روندهائی است که بورژوازی جهانی بر سرنوشت بشریت معاصر و بویژه بر مردم منطقه خاورمیانه تحمیل کرده است. جنایتکار بزرگ جنگ و ویرانگری در کشور سوریه، سرمایه داری جهانی از دولت آمریکا و متحدین غربی اش گرفته تا دول عربی و اسد و روسیه و نیروهای دست ساز آنهاست و نه توده های مردم مستاصل و درمانده ای که در نتیجه حاکمیت سرمایه بر سرنوشت شان، به سربازان طالبان و القاعده و اسد تبدیل شده اند. اسد و القاعده و طالبان و ارتش آزاد در سوریه همچون دول غربی بخشی از موجودیت و واقعیت بورژوازی جهان امروز هستند

- بورژوازی جهانی از دول غربی گرفته تا دولتهای ارتجاعی منطقه و دولت اسد تا جریانات دست ساز و جنایتکاری همچون القاعده و طالبان و سلفیون در طی بیش از دو دهه از فروپاشی جهان دو قطبی و در نبود یک چپ اجتماعی و قدرتمند در صحنه تحولات سیاسی، آنچنان آزادیخواهی و برابری طلبی توده های مردم را در منگنه قرار داده اند و چنان در ابعاد هولناکی بر انقلاب و آزادیخواهی مردم سوریه در طول یک سال و نیم گذشته خون پاشیده اند که پدید آورندگان و سردمداران جهانی چنین سرنوشتی برای میلیونها مردم سوریه، ناجیانی جلوه میکنند که به امید و آرزوی قربانیانشان بدل شده اند. این واقعیت بسیار تلخ فرو خفته در زیر آوار جنگ و خونریزی در کشور سوریه و قهقرائی در قرن 21 برای بشریت عصر انفجار اطلاعات و دهکده جهانی است.

- با خیزش مردم سوریه و سرکوبگریهای دولت اسد و به موازات آن گسیل نیروهای سپاه از سوی دول عربی منطقه به سوریه و با شروع جنگ داخلی، باید افکار عمومی و همه انسانهای آزادیخواه و شریف در سرتاسر جهان علیه خون پاشیدن به انقلاب مردم سوریه وارد کارزار بین المللی و تعیین کننده میشدند اما از آنجا که سنت تاکنونی ضد جنگ اغلب معطوف به حمله کشورها به یکدیگر و بویژه معطوف به حمله قدرتهای بزرگ به ممالک دیگر بوده است این اتفاق در ابعادی تاثیر گذار رخ نداد و کار به اینجائی کشید که امروزه شاهد آنیم. این سنت ضد جنگ را باید در هم شکست. باید سنت ضد جنگ در سطح جهانی را به نقطه دیگری برد و ایستادگی و طغیان جهانی علیه خون پاشیدن به آزادیخواهی و خیزش توده های مردم را به یک جزء اصلی آن تبدیل نمود.

- هر فرجه ای به تداوم جنگ در سوریه و چشم پوشی صریح و ضمنی به دخالت نظامی آمریکا در این جنگ، سپردن سرنوشت خیزشهای مردمی و انقلابات در منطقه خاورمیانه بدست دولتهای حاکم، نیروهای سپاه، دول غربی و عربی و همچنین تثبیت سنت ارتش آزاد، مداخله نظامی غرب و قدر قدرتی آمریکا در کشاکش انقلابات احتمالی در دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه است

- سوریه برای افکار عمومی و نیروهای چپ و آزادیخواه در سرتاسر جهان یک آزمون بزرگ برای جلوگیری از تکرار خون پاشیدن به انقلابات و خیزشهای مردمی در منطقه خاورمیانه است، این آزمون میتواند به نقطه عطفی بر علیه جنگ داخلی در سوریه، دولت اسد، دول غربی، روسیه و دولتهای سرکوبگر و ارتجاعی و نیروهای سیاه در منطقه خاورمیانه بدل شود و نقطه پایانی باشد بر خون پاشیدن به خیزشها و انقلابات مردمی در منطقه خاورمیانه.

- اگر هر اعتراض و حرکت ضد جنگی در دوره حاضر به نقطه عطفی برای جلوگیری از خون پاشیدن به انقلابات و خیزشهای مردمی توسط دولتهای سرکوبگر و نیروهای سیاه و دول غربی و عربی بدل نشود و این اعتراضات فقط در سطح اعتراض بر علیه جنگ و مداخله نظامی خارجی باقی بماند چه بسا منطقه خاورمیانه سوریه های دیگری نیز بر خود خواهد دید و سایر انقلابات احتمالی در این منطقه از جهان، قربانی سنتهای شکل گرفته در لیبی و سوریه خواهند شد.

نایب رییس اتحادیه چایکاران شمال خبر داد: ۱۰۰ کارخانه جای تعطیل شده‌اند / شرایط نامطلوب ۸۰ کارخانه باقی مانده

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 19 شهریور 92 آمده است : از مجموع ۱۸۰ کارخانه چای شمال کشور، اکنون ۱۰۰ کارخانه تعطیل شده‌اند و ۸۰ کارخانه باقی مانده هم به صورت نیمه تعطیل در آمده‌اند.

«پروز شعبانی» نایب رییس اتحادیه چایکاران در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: متأسفانه عدم حمایت مسوولین و واردات بی‌رویه چای قاچاق باعث متضرر شدن کارخانه‌داران چای کشور شده است. وی با بیان اینکه ۸۰ کارخانه باقی ماند نیز نیمه تعطیل شده‌اند، افزود: این کارخانه‌ها به جای تولید ۳۰ تن چای در روز، تنها ۱۰ تن چای تولید می‌کنند.

شعبانی با اشاره به اقدام استاندار گیلان درخصوص فروش چای سنواتی ادامه داد: مصرف چای سنواتی چه برای داخل کشور و چه برای صادرات و مصرف سایر کشورها مضر است و براساس مصوبه وزارت بهداشت چای سنواتی قابل شرب نیست و باید تبدیل به کود شود.

نایب رییس اتحادیه چایکاران افزود: استانداری ۵۰ هزار الی ۶۰ هزار تن چای سنواتی را کیلویی ۲۸۴ تومان از سازمان تعاون روستایی خریده و کیلویی ۱۵۰۰ تومان به فروش می‌رساند.

به گفته وی، تولید چای داخلی در حدود ۱۰ الی ۱۲ هزار تن است که به دلیل ورود چای خارجی و سنواتی ارزان قیمت، کارخانه‌داران همین را هم نمی‌توانند به فروش برسانند.

وی با اشاره به واردات ۱۰۰ هزار تن چای که اغلب به صورت قاچاق و بدون پرداخت تعرفه گمرکی است، ادامه داد: به رغم اینکه باغات چای کشور پتانسیل تولید نیاز داخل را دارند اما به دلیل بی‌توجهی مسوولین و عدم پرداخت پول چایکاران، تولید برگ سبز چای کشور نسبت به سال‌های گذشته کاهش چشمگیری داشته است.

پایان پیام

کشته وزخمی شدن 4 کارگر حین کار در اتوبان زنجان - قزوین

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 19 شهریور 92 آمده است : علی‌اصغر شیرمحمدی امروز گفت:

عصر دیروز بر اثر بی‌توجهی یک راننده و سرعت بالای خودرو یک کارگر جان خود را از دست داد. وی با بیان اینکه این حادثه در کیلومتر 33 لاین شمالی اتوبان زنجان - قزوین رخ داد، گفت: این خانم راننده با سرعت بالا در اتوبان مذکور مشغول رانندگی بوده که به علت نداشتن توانایی در کنترل خودرو از قسمت عقب خودرو با یک دستگاه کامیون برخورد می‌کند. جانشین پلیس راه استان زنجان افزود: پس از این حادثه خودرو با یک کارگر که مشغول تعمیرات قسمتی از این اتوبان در زمینه آسفالت‌ریزی بوده، برخورد کرده و در اثر این سانحه کارگر در دم جان خود را از دست می‌دهد. وی از برخورد سوم این خودرو با سه کارگر خبر داد و گفت: در حال حاضر یکی از کارگران در بخش ICU به سر می‌برد و دو نفر دیگر نیز به علت جراحات وارده در بیمارستان بستری هستند.

نماینده کارگران این کارخانه خبر داد: ۷۶ کارگر سیمان لوشان با اتمام قرارداد بیکار شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 19 شهریور 92 آمده است: نماینده کارگران پیمانی کارخانه سیمان لوشان از اخراج ۷۶ نفر از کارگران یکی از پیمانکاران این کارخانه به نام شرکت «خوشایند خزر» خبر داد. «سید نوری میر بابایی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری «خوشایند خزر» از پیمانکاران وابسته به کارخانه سیمان لوشان برای کاهش هزینه‌های مالی خود، پس از خاتمه قرارداد کار به همکاری با ۷۶ کارگر خاتمه داد. او با بیان اینکه سوابق این کارگران بین ۱۰ تا ۱۲ سال است، افزود: گفته می‌شود یکی از دلایل اخراج کارگران پیمانکاری سیاست گذارهای کارفرمای اصلی کارخانه است. میربابایی گفت: براین اساس قرار است با اجرای یک طرح سه مرحله‌ای اخراج، این واحد تولیدی به بهانه نداشتن توجیه اقتصادی تعطیل شود. نماینده کارگران پیمانی کارخانه سیمان لوشان افزود: به نظر می‌رسد مرحله اول اخراج کارگران عملی شده است و در آینده نزدیک باید شاهد اخراج سایر کارگران قرار دادی و سپس ۲۴ کارگر رسمی کارخانه باشیم. این کارگر در ادامه سخنان خود اضافه کرد: اخیرا در بین کارگران قرار دادی کارخانه شایعاتی مبنی بر اینکه که کارفرما قصد دارد تا آخر ماه جاری (شهریور) ۸۰ کارگر قرار دادی دیگر را نیز اخراج کند شنیده می‌شود.

میر بابایی اخراج کارگران در کارخانه سودده سیمان لوشان را عجیب خواند و با اشاره به رایزنی کارگران کارخانه سیمان لوشان با مسئولان استانداری گیلان، یادآور شد: جلساتی را با مسئولان استانداری گیلان در خصوص بازگشت بکار کارگران پیمانکاری داشته‌ایم اما هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده است.

پایان پیام

گزارش دادگاه دوم علیه شاهرخ زمانی

برپایه مطلب دریافتی آمده است: دادگاه محاکمه شاهرخ زمانی (و دیگر کارگران) بعنوان یکی از اعضای طبقه 50 میلیونی کارگران ایران، در واقع محاکمه آزادی و عدالت اجتماعی و اقتصادی است که در جهت تبریئه نظام جمهوری اسلامی سرمایه داری از ستم و جنایتی که مرتکب شده و می‌شود، و نابرابری حاکم در کشور بر قرار می‌گردد.

روز شنبه 17 شهریور 1392 شاهرخ زمانی فعال کارگری، عضو هیئت بازگشایی سندیکا کارگران نقاش و تزئینات ساختمان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیکری ایجاد تشکلهای کارگری که به اتهام تشکیل گروه سوسیالیستی و تبلیغ علیه نظام در حال گذراندن 11 سال حبس در تبعیدگاه رجایی شهر است برای محاکمه مجدد به اتهام توهین به رهبری به شعبه 2 دادگاه انقلاب تبریز برده شد.

اصل موضوع برمی گردد به شهریور 91 شاهرخ در زندان تبریز بود که مسئولین زندان و حفاظت اطلاعات به رهبری رستمی علاوه بر پایمال کردن تمامی حقوق قانونی زندانیان، زندانی عادی محمد رنج گر پدر 4 فرزند را به طور علنی در جلو چشم زندانیان بند کارگاه زیر شکنجه های شدید و مشیت و لگد کشتند، حفاظت زندان از جمله داداش رستمی جزو قاتلین بود که در آن زمان با پیگیری زندانیان سیاسی و یک نفر از کارمندان زندان برای 8 نفر از این قاتلین قرار بازداشت صادر شد. همچنین چند وقت پیش از این قضیه نیز پای بازرسی به خاطر شکایت عده ای از 1200 نفر زندانی کارگر به دلیل بیگاری کشیدن از آنان که به اعتصاب دو روزه دست زده بودند، و چون در مقابل کار حقوقی به این کارگران نمی دادند، باز شده بود.

این شکایت ها و پیگیری ها، دزدان و قاتلین از جمله رستمی را به چاره اندیشی واداشت تا سه نفر از زندانیان عادی به کار گرفته شده در انتظامات زندان که عموماً " برای خبرچینی و ضرب و شتم زندانیان به کار گرفته می شوند وادارکنند که از شاهرخ زمانی به اسم توهین به رهبری شکایت کنند.

با همین شکایت و پرونده سازی وی به تبعیدگاه رجایی شهر تبعید شد. افراد شاکی چه کسانی هستند؟ بسیجی علی ابراهیمی مشهور به علی جبهه که به جرم دزدی و اختلاس میلیاردی بیت المال از بیمارستان 29 بهمن محکوم شده و در حال حاضر علاوه بر این خوش خدمتی ها توسط دزدان و فاسدین امور خرید زندان به علت تجربه گرانقیمتش در اختلاس از اموال عمومی مسئول خریدهای زندان و رای باز همیشه ی خدا در خانه تشریف دارند!! فرد دیگر بیمار روانی و سادیست تحت درمان امید روشنی بود که همسرانش را به قصد کشت چندین بار کتک زده بود و به علت همین خصایل مردم آزاری مورد توجه مسئولین مخصوصاً شخص رستمی و اداره اطلاعات احتمالاً برای تربیت شکنجه گری جدید قرار گرفت و بالاخره غول چماق دیگر سارق مسلح نادر نورالهی بود.

این مجرمین والامقام چماق حکومت برای محکومیت دوباره یک فعال کارگری بود تا ضمن دور کردن وی از آنجا در آرامش به قتل و غارت خود ادامه دهند.

محاکمه وی ساعت ده و نیم روز یکشنبه 17 شهریور در شعبه 2 دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی دولت آبادی شروع شد. قاضی در اولین سوال پرسید فعالیت سیاسی وی از چه زمانی شروع شد و موضوع پرونده و علت دستگیری حال حاضر وی چه بوده است؟

وی ضمن توضیح کوتاه در مورد فعالیت سیاسی او تا سال 71 در سازمان کارگران انقلابی ایران که هدفش حکومت کارگری از طریق ایجاد حزب سیاسی کارگری بوده و سپس با حبس تعلیقی آزاد شده است بعداً نیز به علت موقعیت خودش فقط فعالیت صنفی داشته است در مورد دستگیری سال 90 تاکید کردند: من که بیش از 30 سال ساکن تهران بودم برای دیدار پدر و مادرم در خرداد 90 به تبریز رفتم که در بدو ورود توسط اداره اطلاعات دستگیر و بدون کوچکترین مدرک جرم و پس ندادن بازجویی در اعتراض به اعمال شکنجه از طریق سلولهای انفرادی، چشم بند و توهین و تحقیر و بدین جهت اعتصاب غذای نامحدود تا محاکمه در دادگاه صالحه با حضور قاضی صالح، هیأت منصفه و وکیل مدافع با نزدیک به 40 روز اعتصاب غذا و 27 کیلو وزن کم کردن به زندان تبریز منتقل و در دادگاهی نا صالح و سفارشی بدون حق دفاع، بدون هیئت منصفه با حکم سفارشی اداره اطلاعات به 11 سال زندان محکوم شده است.

وی گفت 3 نفر از افراد اقرار کننده به ضرر وی در دادگاه ضمن تکذیب این اقرارها تاکید کردند اداره اطلاعات آنها را زیر شکنجه و تهدید به تجاوز به خود و زن و بچه هایشان مجبور به این کار کرده است.

شاهرخ از قاضی سنوال کرد که اگر شما به جای من بودید که بدون کوچکترین گناه توسط همکاران حملمبر (قاضی دادگاه اول شاهرخ زمانی) به سفارش اداره اطلاعات به 11 سال حبس محکوم می شدید چکار می کردید؟! در بخش دوم قاضی با احضار شاکی فرعی که نوعی توسط مسئولین زندان تهدید شده بود و با دور زدن علی ابراهیمی به عنوان شریک دزدی مسئولین بودو نقش اصلی در توطئه پرونده سازی زمانی داشت رو به نادر نورالهی کرده گفت عین گفته شاهرخ زمانی را بگو!! وی که از شرمندگی و سرافکنندگی چند بار از شاهرخ زمانی عذرخواهی کرد سعی کرد مسئله را به نوعی کتمان کند که با تأکید قاضی گفت: شاهرخ آدمی صادق و خیلی خوب و دوست من است و من در این مسئله آلت دست رستمی و علی جبهه قرار گرفتم و سپس با اصرار دوباره قاضی گفت: رستمی مسئول حفاظت مرا صدا زد و گفت دست روی قرآن بگذار و هر چه شاهرخ گفته را بگو: وی گفت این حرف در زندان روزمره و عادی است یک بار طی بحثی یک نفر گفت خدا دنیا را به خاطر فاطمه آفریده شاهرخ گفت این خرافات است، و یک بار هم تلویزیون خامنه ای را نشان می داد وی گفت: این گفتار از دروغ گفتن خسته نمی شود. که قاضی از زمانی پرسید این حرفها را تأیید می کنید؟

وی ضمن اشاره به غیرمستقل بودن و آلت دست قرار گرفتن دادگاه توسط افراد فاسد و قاتل زندان از جمله رستمی که علناً از طریق مشارکت زندهای مثل علی ابراهیمی اموال عمومی را تاراج می کنند از قاضی سنوال کرد چرا شاکیان اصلی را به دادگاه صدا زده است؟! آیا این به معنی دفاع علنی از قاتل و دزد نیست؟!

که با تأکید دوباره قاضی به درست بودن حرفها نادر، زمانی گفت: که وی اعتقاد دارد مسئله خوب و یا بد بودن حکمیت سیستم می باشد و در شرایطی که استبداد و بهره کشی حاکم است مسئله با فحش و ناسزا حل نمی شود عین سال 57 مردم با انقلاب مسئله را حل می کنند و من فحش به رهبر را قبول ندارم و کتمان می کنم وی ادامه داد در شرایطی که کارگران هیچ تشکل و ابزاری برای دفاع و احقاق حقوق خود ندارند حکومت شما با تعیین یک چهارم دستمزد سطح فقر عملاً در خدمت زالوهای سرمایه دار می باشد که با امنیت ایجاد شده شما به غارت های هزاران میلیاردی دست می زنند که اگر روزنامه های خودتان را مطالعه کنید از 3000 میلیارد تا دزدی علنی 70 میلیاردی بیمه، 11 هزار میلیاردی بانکها، نیروشیمی، جزیره کیش و بنیاد شهید دلیل بر این مدعاست اما قوه قضاییه شما دو جوان را به خاطر دزدی 70 هزار تومان برای معالجه مادر بیمارشان به دار می آویزد و در عوض فردی به نام بابک زنجانی که خود را بسیجی و فعال اقتصادی می داند برای 117 موسسه تأمین اجتماعی یک چک می کشد شما خر را ول کرده اید پالان را می چسبید و در خدمت ادامه سیستم بهره کشی و غارت مولتی میلیاردرها هستید کشور را با رتبه دهمی معدن دنیا بهشت سرمایه داران و جهنم کارگران و ندارها کرده اید و در چنین اوضاعی طبیعی است که شماها به عنوان دشمن محرومین علیه نمایندگان کارگران پرونده سازی کنید و آنها را زندانی کنید چرا که از تشکل و آگاهی کارگران وحشت می کنید.

در ساعت 1 دادگاه به اتمام رسید.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی 1392/6/19

خبازها از کانون عالی بازنشستگان رفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است: استعفای «علی اکبر خبازها» رئیس هیات مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تأمین اجتماعی مورد موافقت هیئت مدیره این نهاد صنفی قرار گرفت.

به گزارش ایلنا، خبازها که از ابتدای تاسیس کانون عالی کارگران بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در سال ۸۹ تا دیروز به عنوان رئیس هیات مدیره فعالیت می‌کرد، روز گذشته استعفای خود را تقدیم هیات مدیره این کانون عالی کرده است.

براین اساس در پی موافقت هیات مدیره کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی با این درخواست، ریاست موقت این کانون تا زمان انتخاب رئیس جدید برعهده «قلی شادبخش» نائب ریس کنونی کانون عالی سپرده شده است. گفته می‌شود به مسئله انتخاب رئیس جدید در جلسه بعدی هیات مدیره کانون عالی رسیدگی خواهد شد.

علی اکبر خبازها که تا زمان برگزاری مجمع عمومی، عضوی از هیئت مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی است، دلیل استعفای خود را کهنلت سنی اعلام کرده است اما گفته می‌شود اعتراض بازنشستگان به حمایت‌های سیاسی این نهاد صنفی از برخی اقدامات سیاسی دولت دهم در سازمان تامین اجتماعی و همچنین نحوه عملکرد بیمه تکمیلی دی دلیل این استعفا بوده است.

پایان پیام

زنگنه : «زنجان» دو میلیارد دلار بابت فروش نفت بدهکار است

گروه اقتصادی روزنامه قانون در تاریخ 20 شهریور 92 گزارش می‌دهد: ، زهرا علی‌اکبری- آیا داستان بابک زنجان به پایان خود نزدیک می‌شود؟ آیا افشای ماجرای طلب دو میلیارد دلاری وزارت نفت از بابک زنجان برگ پایانی فعالیت‌های این تاجر جوان را رقم می‌زند؟ بابک زنجان تاجر 42 ساله ایرانی مالک بیش از 60 شرکت بزرگ و کوچک در ایران و خارج از ایران است. پیش از آن که احمدی‌نژاد، رئیس جمهور سابق ایران با انتشار نوار در مجلس شورای اسلامی، فضای سیاست ایران را توفانی کند و از وی به عنوان آقای «ز» یاد کند، نیز در محافل رسانه‌ای کمابیش شناخته شده بود. احمدی‌نژاد با انتشار آن نوار در صدد برادر رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه را متهم به رشوه‌خواری کند. نتیجه این افشاگری احضار لاریجانی و زنجان به دادگاه بود، هر چند خبر تازه‌ای درباره پیگیری این پرونده منتشر نشده است.

اما بابک زنجان کیست؟

وی که به تازگی در فهرست تحریم‌های غربی قرار گرفته است، از سوی غرب متهم است که تلاش کرده تحریم‌های غربی علیه ایران را دور بزند. 15 شرکت وی نیز تحریم شده اند. او معتقد است این تحریم‌ها به دلیل آنچه وی کمک به ایران در دوران سخت تحریم می‌خواند اعمال شده است. زنجان هر چند اخیراً با ایسنا مصاحبه مفصلی کرده و گفته است نه دلالم و نه مافیای نفتی، بسیجی اقتصادی هستم، اما پیش از این با بی بی سی نیز گفت‌وگویی انجام داده و از عملکردش دفاع کرده است. بابک زنجان این روزها نه فقط در داخل ایران، که در خارج از ایران با بحراناها و تنگناهایی روبه‌روست. همین تنگناها سبب شد وی تصمیم بگیرد، بخشی از سرمایه‌اش را برای جلوگیری از بلوکه شدن به ایران بیاورد اما انتشار نوار مذاکره وی و فاضل لاریجانی برادر روسای قوه مقننه و قضاییه مانع از اجرایی شدن این قرارداد شد. این نوار توسط محمود احمدی‌نژاد در جلسه علنی مجلس افشا شد و به گفته بابک زنجان مانند بمب ترکیب و سبب‌ساز فشار مضاعفی به وی شد. البته وی پیش از افشای نوار ملاقاتش با فاضل لاریجانی در مجلس، در فضای رسانه‌ای شهرت یافته بود.

بابک زنجان می‌گوید: تمام شرکت‌هایم را یکی یکی تاسیس کرده‌ام و به هیچ کجا بدهی ندارم. اما حالا وزیر جدید نفت اعلام کرده است که وی بیش از 2 میلیارد دلار بابت فروش نفت به

ایران بدهکار است. زنگنه گفته است بابت زنجانی گفته نفت را به فروش رسانده اما این پول در حساب‌هایش بوده که توسط آمریکا بلوکه شده است. فروش نفت توسط بابت زنجانی در حالی صورت می‌گرفت که دولت ایران از مدتی قبل برای دور زدن تحریم‌ها پای بخش خصوصی را به نفت باز کرد و حتی عرضه نفت خام در بورس نیز صورت گرفت اما نه بخش خصوصی توانست در فروش نفت موفق شود و نه استقبالی از عرضه نفت را بورس اتفاق افتاد. در تاریخ 22 بهمن ماه سال 1391 احمد قلعه بانی در گفت و گویی اعلام کرده است در حال حاضر هر کس که بخواهد می‌تواند متقاضی خرید نفت شود و برای ما فرق نمی‌کند خارجی‌ها بخرند یا بخش خصوصی داخلی. تاکنون دو محموله یک میلیون بشکه‌ای بخش خصوصی توانسته صادر کند اما در حال حاضر صادرات نفت توسط بخش خصوصی به دلیل مشکلات انتقال منابع مالی با مشکل مواجه شده است. وی توضیح داده است: از 320 تا 330 پیشنهاد بخش خصوصی برای صادرات نفت تنها دو محموله ارسال شد. در چنین شرایطی اما صادرات نفت توسط بابت زنجانی صورت گرفته است.

رانندگی برای رئیس کل بانک مرکزی

خودش می‌گوید من همیشه در حال خدمت به کشورم بوده‌ام. مثلاً در دوره سربازی راننده رئیس کل بانک مرکزی بوده‌ام و روزانه بیست میلیون دلار به بازار آزاد می‌بردم و می‌فروختم تا قیمت دلار بالا نرود. وی آدرس دیگری از آن زمان داده است. گفته قیمت دلار در آن زمان سیصد تومان بود. بررسی قیمت دلار در سی و سه سال اخیر نشان می‌دهد که دلار در دوره ریاست کلی مرحوم محسن نوربخش، در سال 1374 سیصد تومان بوده است. به این ترتیب بابت زنجانی در سال 1374 در دوره ریاست مرحوم نوربخش راننده وی بوده است. همین گفته کوتاه ایشان به خبرگزاری ایسنا نشان می‌دهد آفتاب دولت وی از اوان جوانی طلوع کرده است.

از بانکداری تا سینما

داستان‌های فراوانی در مورد بابت زنجانی نقل می‌شود. می‌گویند وی پیش از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد فردی معمولی بوده و در هشت سال گذشته جان گرفته و ریشه دوانده است. سهامدار باشگاه راه آهن است و در مالزی بانک دارد و در آسمان‌خراشی در دوی کارهایش را روبه‌راه می‌کند. هم در صنایع غذایی فعالیت دارد هم در صنایع آرایشی و هم در صنعت هوانوردی در تازه‌ترین اقدام در تولید فیلم سینمایی «هیچ‌کجا، هیچ‌کس» سرمایه‌گذاری کرده است.

هیچ‌کجا هیچ‌کس داستان دختری را روایت می‌کند که از خفقان حاکم بر خانه‌اش به تنگ آمده و مخفیانه حامله شده است و حالا می‌خواهد با پسر مورد علاقه‌اش فرار کند، داستان دو جوان بی‌پول و بیکار که به فکر دزدی از پولدارها می‌افتند و توجیه می‌کنند سرهم می‌کنند که این پول حق ماست... در نهایت مرگ بدمن قصه و سرگردانی دختر فرارکرده و عاقبت شوم این دزدی و ادامه ماجرا.

داستان بابت زنجانی به کجا ختم خواهد شد؟

دختر بهرام کارگراخرچی شرکت واحد: پدرم فقط کار می‌خواست حسن سعیدی وکیل کارگران شرکت واحد: اخراج این کارگر غیر قانونی بود

به نوشته پارسینه در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است: بیرون هیاهوی انتخاب شهردار است. مردم سرگرم روزمرگی‌هایشان هستند و کسی یادش نیست ظهر چهارشنبه کارگری به انتها رسیده آمده بود تا حقش را از کارفرمایی بگیرد که او را به دلیل چند دقیقه خواب از کار بی‌کار کرد.

بهرام 46 ساله کارگر شرکت واحد هفته پیش می‌خواست برای آخرین بار از مدیران شرکت واحد بخواهد که او را به سر کارش باز گرداند وقتی فهمید حکم اخراجش قطعی شده و قانون چاره‌دردش نیست آمده بود دوباره از مشکلاتش بگوید که اجازه ورود نمی‌گیرد، به زور وارد اتاق

مدیرعامل می شود و 9 ساعتی با پیمان سنندجی و کسی که حکم اخراجش را امضا کرده در یک اتاق می ماند.

حالا هفته ای از این اتفاق گذشته است.دیگرخبری از او وچند صد کارگری که بی دلیل حکم اخراجشان را گرفته اند در رسانه ها نیست.شهر به دنبال اخباردیگری است. اما درخانه بهرام غم بی پدری به غم نان افزوده شده.

یکی از دهها بزرگراه بلند ،بالای تهران را که بگیریم و بروی تا انتها . در ابتدای یکی از کوچه های بی نما به خانه بهرام می رسیم . روی پله مقابل منزل دو زن نشسته اند . یکی همسر اوست و دیگری پیرزنی که از قدیم در این کوچه زندگی می کرده. سراغ خانه بهرام را که می گیریم . نگاه زن هم بی اعتماد است و هم خوشحال . پیرزن می گوید: این همسایه بهترین و آرام ترین همسایه ماهستند. من اینها رامی شناسم.بهرام مردی آرام وپی صدا بود.

صدایی از داخل خانه می آید . مادر می گوید دو کلام حرف می زنیم می روند . می گویم نشانی را از کجا گرفته ایم . اعتماد می کنند و می رویم داخل خانه ای که به نظر 60 متری می آید مرتب است وآبرومند .

دو دخترش و پسری که میانه سخنان مان به خانه می آید. 3 فرزندى هستند که بهرام درخانه دارد. یکی از دخترهایش همان زمان ها که حکم اخراجش را زدند.یک سال و اندی پیش عروسی کرده است. غم بیکاری سایه افکنده بود بر شادی عروسی دخترش .

حالا دختر کوچکش با بغض می گوید: پدر در سال 85 مدتی به دلیل بیماری اعصاب و روان بستری هم بوده مدارک پزشکی اش را می آورد و نشانمان می دهد.می گوید:ما چیزی در زندگی کم نداشتیم،پدر حقوق زیادی نمی گرفت 600 هزار تومان .اما اینها همین اندک را هم به ما ندیدند. دختر حالا اشک می ریزد. می گوید: به پدرم افتخار می کنم . پدر خوبی است . همه زندگی اش ما بودیم . مادرم مدتی است بیمار است درد کلیه دارد . اما آنها یک سال و نیم است که بیمه ما را قطع کرده اند . هر بار که دکتر می رویم باید همه هزینه ها را خودمان پرداخت کنیم

یک سال و نیم است پدرم دنبال بازگشت به کارش است. روزهای اول به ما نمی گفت. می گفت 15 روز مرخصی گرفته ام برای عروسی . 14 سال در شرکت واحد کار کرده بود . اما بی دلیل او را اخراج کردند. پدرم گروگانگیر نبود،او پدری بدبخت بود که می خواست دوباره سر کارش باز گردد.

زن بهرام می گوید: آن روز کذایی برای حرف زدن رفته بود شرکت واحد.اما راهش ندادند. قبل تر خودم چند بار رفته.حاضر نبودند حرف مرا بشنوند.کلیه هایم سنگ دارد ،دیسک کمر دارم اما بیمه ما را قطع کردند. دخترم دانشگاه قبول شد اصلا رویش نشد به پدرش بگوید. پسرم مدرسه نمونه دولتی قبول شده است معدلش بالا است اما نمی دانیم بتوانیم هزینه های آن را پرداخت کنیم یا نه .

می گوید، شوهرش با کسی دعوا نداشته است هیچ وقت. سرش به کارخودش گرم بوده . اما در این یک و سال و نیم انگار ما 10 سال پیر شدیم . پول زیادی به ما نمی دادند ،500 تا 600 تومان . با همین اندک هم زندگی را می گذراندم . این را با حسرت می گوید . حسرت روزهای خوشی که بهرام هنوز کار می کرد و او با اندکی 4 بچه و خانه را ادراه می کرد .

می گوید : می گفتند برو کار دیگری پیدا کن . مگر بعد از 14 سال کار و با این سن و سال می توان کار دیگری پیدا کرد . چه کاری می توانست بکند . حالا بهرام کجا است .

زن می گوید : بهرام اول زندان اوین بود و حالا رجایی شهر است . خودش چیزی نمی داند . نه در مورد تاوان قانونی کارش نه از اوضاع احوال این بیرون . اما به ما قول داده اند که شکایتی ندارند . می گوید آقای ساجدی نیا دستش را روی قران گذاشت که کمکش می کند . فکر می کنید همه چیز ختم به خیر شود .

حالا دختر بزرگش که همان زمان های اخراج ازدواج کرده و حالا نوزادی در آغوش دارد می گوید: شما از داخل خانه ما چه می دانید که در این سال چه مشکلاتی را تحمل کرده ایم . چه سختی

هایی را پشت سر گذاشته ایم . شما از دل ما چه خبر دارید . زمان تحمل سختی های ما ، بی پولی ها آنها که پدرم را بی کار کرده بودند خوش بودند وبی آن که ما یادشان باشیم داشتند خوش می گذراندند .

پدرم از غصه 10 سال در این مدت پیر و شکسته شد و خواهرم از ادامه تحصیل ماند و من از کسانی که این کار را کرده اند نمی گذرم . آرزو می کنم همین اتفاق با خودشان بی افتد . حالا چه امروز یا 7 نسل بعد . آه پدر من همیشه دنبالشان است . پدر من چیزی جز کارش نمی خواست ... حالا اشک می ریزند . نمی دانند قرار است چه بلایی سر پدرشان بیاید . مادر دنبال وکیل است . اما پولی در میان نیست

اخراج این کارگر غیر قانونی بود

حسن سعیدی وکیل کارگران شرکت واحد می گوید: بر اساس اسنادی که داریم اخراج این فرد غیر قانونی بوده زیرا نماینده کارگران در جلسه کمیته انطباطی کسی جز دو نفری بوده است که قانوناً حق امضا داشته اند . بنابراین این حکم غیر قانونی است .

او می گوید: در شرکت واحد به دلیل فشار کار بالا ، آلودگی هوا و صوت دچار آسیب هایی می شوند و می توانند با تشخیص پزشک کار سبک بگیرند اما کارفرما با اذیت های پی در پی تلاش می کند شرایط کار را به گونه ای فراهم کند که رانندگان در همان پشت فرمان بمانند.

رضا شهابی :به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید (چهارمین مهر، بدون مهر پدري)

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است : در حالی طنین زنگ مدارس و دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در سال 92 به صدا در می آید که مردم شریف و کارگران زحمتکش در شرایط بد اقتصادی و تنور داغ تورم افسار گسیخته به سر می برند و حتی در تهیه لوازم تحریر و کتاب و پوشاک و شهریه فرزندان شان به چه کنم، چه کنم افتاده اند و از طرفی کشور ما شاهد يك رخداد بزرگ سياسي ديگر در ماه خرداد بوده است، رخدادي که براي چندمين بار در تاريخ چند دهه اخير اميدواري را نسبت به امکان وقوع تحولات عميق تر و عادلانه تر بيشتر کرده است.

فرا رسيدن سال تحصيلي جديد را به دانش آموزان، دانشجويان، معلمان و خانواده هاي اين عزيزان تبريك و شادباش عرض مي کنم و به عنوان يك دانشجو و عضو دريند سنديکاي کارگران اتوبوسراني تهران از همکاران عزيز و مسئولان شرکت واحد اتوبوسراني تهران خدمت رساني بي عيب و نقص به دانش آموزان و غنچه هاي نو شکفته و دانشجويان عزيز را خواستارم، باشد که اين سرمايه هاي انساني عظيم بتوانند در حداقل آرامش اجتماعي، سياسي مورد نياز خود به آرمان هاي جمعي مشترک بيانديشند.

کارهاي همه ما، هر چند کوچک بخشي از يك طرح عظيم شهروندان اين مرز و بوم براي تحقق آزادي و برابري است و لذا بايد کارهاي کوچک خود را در اين منظومه کلان در نظر بگيريم و ارزش کار خود را در نقشه عظيم عدالت انساني در جامعه اي پيشرفته و عادلانه فراموش نکنيم.

چهارمين سالي است که بواسطه فعاليت هاي صنفی و سنديکايي در حمايت از حقوق حقه همکاران در شرکت واحد و طبقه فرودست و زحمتکش جامعه از همراهي فرزندان خود به مدرسه محروم مانده ام، به اين اميد که پدران بيشتر بتوانند فرزندان شان را تا مدرسه همراهي کنند، به اين اميد که دانش آموزان و دانشجويان امروز و پدران و مادران و فعالان سياسي و مدني و کارگري فردا، بخاطر طلب حق خود و دغدغه معيشت و پيشرفت فرزندان شان راهي زندان نشوند.

رضا شهابي زکريا عضو هيات مديره سنديکاي کارگران شرکت واحد و اتوبوسراني تهران و حومه

و دانشجوي رشته کارشناسي حقوق دانشگاه پيام نور واحد حسن آباد قم

زندان اوین- 20 شهریور 1392- بند 350

گزارش خبری/

کودکان طبقه مزدبگیر چگونه از بازار کار سر در می‌آورند گفتگوی احسین میربهراری عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان درباره علل ترک تحصیل کودکان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است: سال گذشته آمارهای غیر رسمی از محرومیت آموزشی حدود ۴ میلیون کودک «لازم‌التعلیم» خبر داده بودند. بنا براین پیش بینی می‌شود در شرایطی که اقتصاد کشور در وضعیت رکود تورمی به سر می‌برد، شمار بیشتری از کودکان لازم‌التحصیل از محیط‌های آموزشی دور شوند.

به گزارش ایلنا، بر اساس آمارهای که سال گذشته منتشر شد، کودکان لازم‌التعلیم ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و در عین حال تعداد کودکان لازم‌التعلیم ثبت نام شده در مدارس و محروم از تحصیل به ترتیب ۱۲ میلیون و ۲۴۲ هزار نفر و ۴ میلیون نفر برآورد شده بودند. در این شرایط، با توجه به نوسانات اقتصادی یکسال گذشته و به تبع فقیرتر شدن خانواده‌های کارگری، انتظار می‌رود کودکان لازم‌التعلیم بیشتری به دلیل مشکلات مالی خانواده‌های خود از ادامه تحصیل باز بمانند.

محرومیت کودکان خانواده‌های فقیر از آموزش درحالی است که طبق اصل ۲۰ قانون اساسی دولت موظف است به شهروندان خود تا پایان دوره متوسطه خدمات آموزشی رایگان ارائه کند.

نوسانات اقتصادی دلیل دور افتادن کودکان از محیط آموزشی

در این رابطه، «حسین میربهراری» عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان معتقد است: برخلاف باورهای نادرست رایج در جامعه ورود اکثر کودکان به بازار کار نتیجه فقر اقتصادی دهک‌های پایین جامعه است و از سوی خانواده‌های این کودکان تعمد و کینه هدفمندی برای دور نگه داشتن آن‌ها از محیط مدرسه وجود ندارد. بنابراین نباید تصور شود که کودکان کار و خیابان و یا کودکان محروم از تحصیل همگی دارای والدین بدسرپرست‌اند.

این فعال حقوق کودک با یادآوری اینکه آثار تبعات اقتصاد رکودی-تورمی ایران در سال گذشته بیشتر بر در خانواده‌های طبقه متوسط و فرودست قابل مشاهده است، گفت: براین اساس باید انتظار داشت که امسال بیشتر کودکان دور مانده از محیط‌های تحصیلی در این خانواده‌ها پرورش یابند.

به گفته میربهراری از آنجا که در ساختار اقتصادی ایران، طبقه متوسط بخش عمده‌ای از جامعه شهری را شامل می‌شود، طبیعی است ریاضت‌های اقتصادی باعث ریزش تعداد قابل توجهی از خانواده‌های طبقه متوسط به طبقه فرودست شده باشد. وی افزود: با توجه به اینکه هر سال در آستانه شروع سال جدید تحصیلی هزینه‌های مربوط به تحصیل کودکان افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، بخشی از خانواده‌های فقیر در تامین هزینه تحصیل فرزندان خود دچار مشکل می‌شوند.

تبلیغاتی برای بازار گرمی

میربهراری افزود: به غیر از هزینه مربوط به شهریه مدارس، خانواده‌ها باید هزینه دیگری بابت کتاب، دفتر و سایر اقلام آموزشی پرداخت کنند که در شرایط کنونی این هزینه افزایش قابل توجهی داشته است. وی با یادآوری اینکه افزایش هزینه تحصیل کودکان نتیجه بازار گرمی تبلیغات فریبنده تجاری است،

افزود: صرف نظر از تاثیرات فرهنگی، این تبلیغات با مخاطب قراردادن کودکان هر سال برای خود بازار گرمی می‌کنند در حالی که خانواده‌های فقیر مخاطبان اصلی این تبلیغات هستند و بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند.

به گفته این فعال حقوق کودک از آنجا که طبعاً تامین نیازهایی چون مسکن بر سایر نیازهای یک خانواده اولویت دارد، در عمل خانواده‌های گرفتار و بی‌بضاعت هزینه تحصیل کودکان را مانند سایر هزینه‌های اساسی چون بهداشت و تغذیه در اولیتهای بعدی قرار می‌دهند. وی افزود: در نتیجه این وضع تحمیلی از یکسو بخشی از کودکان لازم‌التحصیل از حضور در محیطهای آموزشی محروم می‌شوند و از سوی دیگر انگیزه گروه دیگری از کودکان برای ادامه تحصیل کاهش می‌یابد.

این فعال حقوق کودک بایان اینکه کودکان خانواده‌های کم‌بضاعت به خوبی شرایط متفاوت خود را با سایرین متوجه خواهند شد، افزود: در محیطهای آموزشی کودک به سرعت با مشاهده مقایسه خود و امکاناتش با سایرین، ناخواسته متوجه تفاوتها اقتصادی می‌شود.

کودکان طبقه متوسط بیشتر در معرض خطرند

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بایان اینکه نتیجه این مشاهده و قیاس در محیطهای آموزشی، دلسردی تدریجی کودکان خانواده‌های کم‌بضاعت از ادامه تحصیل است گفت: در خوشبینانه‌ترین حالت چنین کودکانی به مرور در محیط آموزشی احساس غریبی کرده و از آموزگار و کادر آموزشی فاصله می‌گیرند.

میربهراری ادامه داد: از آنجا که در شرایط فعلی، فرهنگیان هم به اندازه کافی در زندگی روزمره خود دچار مشکل و گرفتاری هستند، در محیطهای آموزشی کمتر به این مسئله توجه می‌شود بطوری که در نهایت این کودکان پس از طی یک دوره افت تحصیلی ترک تحصیل کرده و راهی بازار کار می‌شوند.

وی یادآور شد: از آنجا که تاثیر معضلات اقتصادی در میان خانواده‌های طبقه متوسط مشهودتر است، می‌توان انتظار داشت که در محیطهای آموزش مناطق متوسط نشین کودکان بیشتری دچار ریزشهای تحصیلی شوند.

کار کودکان ریشه غیر اقتصادی دارد

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان همچنین در خصوص وضعیت این کودکان در آستانه سال تحصیلی جدید گفت: الزاماً تمامی کودکان دور مانده از محیطهای آموزشی راهی بازارهای کار نمی‌شوند.

وی با تاکید بر اینکه تمامی کودکان کار و خیابان در خانواده‌های بدسرپرست پرورش نمی‌یابند، گفت: بیشتر والدین و سرپرستان این کودکان تنها زمانی به اشتغال فرزندان خود رضایت می‌دهند که در تامین مخارج خود دچار مشکل جدی شده باشند.

وی با یادآوری اینکه وضعیت رکود تورمی در یک سال گذشته باعث کاهش بیشتر فعالیت‌های تولیدی شده است، افزود: در نتیجه این وضع به دلیل افزایش اخراج‌ها و کاهش ارزش پول ملی، جامعه مزدبگیران بیش از پیش برای تامین هزینه‌های روزمره گرفتار مشکلات مالی شده است بطوری که خانواده‌های بی‌بضاعت بیشتری فرزندان خود را راهی بازارهای کار کرده‌اند.

وی بایان اینکه این کودکان همواره به عنوان کمک خرج و یا تامین کننده اصلی مخارج خانواده راهی محیطهای غیر رسمی بازار کار شده‌اند گفت: حضور الزامی این کودکان در محیطهای پیدا و پنهان کار نیازمند دوری و خروج از محیط آموزشی است.

میربهراری با تاکید بر اینکه کار کودکان الزاماً به لحاظ ماهیت و نوع کار عملی مجرمانه و غیر

قانونی تلقی نمی‌شود، گفت: کودکان کار در ساعاتی که سایر همسن و سالان آنها در مدرسه حضور دارند مانند انسانهای بالغ به انجام کار مشغولند. عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افزود: این کودکان به جای استفاده از حق کودکی مانند بزرگترها کار می‌کنند اما هرگز به آنها مانند یک نیروی انسانی بالغ حقوق داده نمی‌شود.

حامیان حقوق کودک بدون کمک دولت فعالیت می‌کنند

میربهراری افزود: از آنجا که اشتغال کودکان زاینده شرایط اقتصادی است، نهادهای دفاع از حقوق کودک سعی می‌کنند تا با ایجاد محمل‌هایی امکان دسترسی نسبی و پاره وقت این کودکان به فضای آموزش را فراهم کنند.

میربهراری بابیان اینکه کودکان کار و خیابان و خانواده‌هایشان از فعالیت چنین موسسات مردم نهادی استقبال می‌کنند، افزود: برخلاف سایر کودکان که ممکن است از الزامات محیط اداری و یکنواخت مدرسه دلزده شده باشند برای کودکان کار و خیابان که هر روز ساعات کاری خسته کننده‌ای را سپری می‌کنند مراجعات نیم بند و چند روز در هفته به در محیط‌های آموزشی جذابیت دارد.

وی گفت: از آنجا که ماهیت و فعالیت موسسات فعال در زمینه حقوق کودکان عام المنفعه و غیر انتفاعی است، در شرایط کنونی این موسسات برای ارائه خدمات تحصیلی به چنین کودکانی با مشکل مالی مواجه‌اند.

وی با یادآوری اینکه سازمانهای دولتی به طور معمول به این موسسات کمک مالی خاصی در رابطه با ارائه خدمات آموزشی به کودکان کار و خیابان ارائه نمی‌دهند، گفت: هزینه این خدمات از محل کمک‌های مردمی و حامیان حمایت از حقوق کودکان است.

کودکان مهاجر و مشکلات فرهنگی و قانونی برای ادامه تحصیل

این فعال حقوق کودکان همچنین در خصوص اشتغال به تحصیل کودکان خانواده‌های مهاجر غیر ایرانی گفت: متأسفانه به موجب قوانین کنونی، اشتغال به تحصیل کودکان خانواده‌های مهاجر ایرانی منوط به داشتن اجازه اقامت و پروانه اشتغال است. وی افزود: صرف نظر از اینکه بخش قابل توجهی از کودکان غیر ایرانی به دلیل مشکل مجوز اقامت قادر به حضور در محیط‌های آموزشی نیستند، کودکان بسیاری از خانواده‌های غیر ایرانی دارای پروانه اقامت نیز به دلیل مشکل مالی قادر به پرداخت هزینه تحصیل فرزندان خود نیستند. به گفته میربهراری تا سال گذشته خانواده‌های مهاجر دارای پروانه اقامت ناچار بودند تا برای اشتغال به تحصیل هرکدام از فرزندان خود مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بابت شهریه پرداخت کنند. وی افزود: وجود این قانون و برخی باورهای نادرست در جامعه، باعث شده است تا کودکان غیر ایرانی بیشتری برای اشتغال به تحصیل دچار مشکل شوند.

پایان پیام

وزیر اقتصاد در نخستین جلسه شورای گفت‌وگو : تنها 15 درصد خصوصی سازی‌ها واقعی بوده است

روزنامه قانون در 20 شهریور 92 می‌نویسد: نخستین جلسه شورای گفت‌وگوی دولت یازدهم و بخش خصوصی که روز گذشته با حضور اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد، معدن و تجارت، اقتصاد، نیرو، کار، رئیس کل بانک مرکزی، برگزار شد. در

ابتدای این مراسم، علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصاد و دارایی با بیان اینکه از تمام توان خود برای حل مسائل اقتصادی کشور استفاده می‌کنیم، گفت: شرایط فعلی شرایط ویژه‌ای است که در طول تاریخ اقتصاد کشور چنین شرایطی را تجربه نکرده‌ایم زیرا رکود شدید و تورم را آن هم با نرخ‌های بی‌سابقه در حال مشاهده هستیم. رکود و تورم توأم با هم شرایط خاصی را ایجاد کرده که با سیاست‌های معمولی نمی‌توان مسائل کشور را حل کرد. وزیر اقتصاد با اشاره به اینکه حل مشکلات اقتصادی به رونق و اشتغال کشور کمک خواهد کرد و این مسئله با بهبود محیط کسب و کار میسر می‌شود، گفت: در گذشته استفاده از منابع نفتی مانع شد که بخش خصوصی فعال تشکیل شود و این ویژگی اقتصادهای متکی به نفت که در بودجه هزینه می‌شود منجر به دولت غیرکارآمد می‌شود. در این شرایط دولت در عرصه تصدی‌گری بزرگ و در عرصه حاکمیتی کوچک می‌شود که این مسئله در سال‌های اخیر تشدید پیدا کرد و سهم بودجه عمومی دولت از تولید به نحو محسوسی از بعد از انقلاب کاهش پیدا کرده است. وی با بیان اینکه از سیاست‌های کلی اصل 44 در بخش واگذاری‌ها به بخش خصوصی براساس آمار تنها 10 الی 15 درصد به بخش خصوصی واقعی واگذار شد، خاطر نشان کرد: این واگذاری‌ها نیز در عمل در کارایی اثر نداشت، زیرا سیاست‌های مکمل آن اجرا نشد در حالی که باید اگر واگذاری انجام می‌شود، شرایط و فضا برای عملکرد بخش خصوصی از جمله اصلاح فضای کسب و کار فراهم شود. بر اساس این گزارش، ولی‌ا... سیف رئیس کل بانک مرکزی نیز در این نشست، در خصوص بخشنامه بازنگری در پرونده‌هایی که ارز مرجع دریافت کرده اند، گفت: بازنگری در مورد پرونده‌هایی که بسته شده صورت نمی‌گیرد و این بخشنامه برای پرونده‌هایی است که منجر به تسویه نشده و ابهام دارند.

انتقاد از خصوصی نماها

معاون اول رئیس جمهور مدعی شد که عده‌ای در لباس بخش خصوصی به دولت فشار می‌آورند تا از رانت‌ها استفاده کنند اما ما آنها را بخش خصوصی نمی‌دانیم و مبارزه با این گونه رانت جویی‌ها را عملیاتی خواهیم کرد، زیرا دولت می‌خواهد سالم کار کند. جهانگیری با بیان اینکه در حال حاضر در دوره خاصی در اقتصاد قرار گرفته ایم و دولت یازدهم در مقطعی کار خود را آغاز کرده که مقطع دشواری است، افزود: از برنامه سوم توسعه به صورت جدی به سمتی حرکت کردیم که بخش خصوصی موتور حرکت اقتصاد کشور باشد و نقش دولت به بخش خصوصی منتقل و از بخش خصوصی حمایت شود و ساز و کاری برای حمایت آنها وجود داشته باشد. جهانگیری با اشاره به اینکه جهت‌گیری برنامه چهارم نیز به همان نحو بود، افزود: نمود اصلی جهت‌گیری‌های اقتصادی کشور در سیاست‌های اصل 44 نهفته بود. در دولت هشتم با همکاری مجمع تشخیص مصلحت نظام کار مهمی در این راستا انجام شد.

عدم پرداخت 3 ماه حقوق بازنشستگان صنعت فولاد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است: در آستانه سال جدید با توجه به پرداخت نشدن سه ماهه حقوق بسیاری از فرزندان ما حسرت خرید کیف، کفش و لباس نو را می‌خورند و اگر این روند تا پایان ماه شهریور طول بکشد ممکن است ما حتی قدرت خرید نان خالی و پر کردن شکم فرزندان خود را نداشته باشیم و در صورت بیماری باید در بستر مرگ قرار بگیریم.

به گزارش 20 شهریور فارس، هوشنگ انکوتی رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان صنعت فولاد اظهار داشت: در پایان دوره دولت دهم در بودجه سال 91 مصوب شد تا به دولت اجازه داده شود از سهام صنعت و معدن برای بدهی به صندوق بازنشستگان که بیش از 7 میلیارد تومان بوده سهام واگذار کند و صندوق با حفظ شخصیت حقوقی با پیوستن به وزارت رفاه استقلال پیدا کند و مدیریت صندوق به عهده وزارت رفاه و حقوق بازنشستگان هر ماه به صورت منظم پرداخت و درمان نیز به همین شکل برای بیماران ریوی و تنفسی انجام شود.

وی افزود: در پایان دولت دهم برای نقل و انتقال این سهام از خصوصی‌سازی کوتاهی شد که این امر زمینه را برای بروز مشکلات موجود بازنشستگان فراهم کرد.

وی گفت: حقوق بازنشستگان در تیرماه 580 هزار تومان پرداخت شده در حالی که حقوق مرداد و شهریور آنان حتی ریالی هم تامین و پرداخت نشده که برای رفع این مشکل با رایزنی‌های به عمل آمده مقرر شد، 200 میلیارد تومان وام از بانک سامان دریافت شود تا زمینه برای پرداخت مابقی حقوق تیر ماه و مرداد ماه بازنشستگان ذغالسنگ فراهم شود.

رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان صنعت فولاد کرمان گفت: در حال حاضر بیش از 82 هزار نفر بازنشسته در کل کشور دارای مشکل هستند که این رقم در استان کرمان بیش از 10 هزار نفر است که اکثر این بازنشستگان متعلق به شهرستان‌های کوهبنان، زرنده و بخش طغرالجرد شهرستان کوهبنان هستند.

وی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت هیچگونه مسئولیتی در قبال صندوق بازنشستگی ندارد، وزارت رفاه هم اعلام می‌دارد به دلیل اینکه انتقالی انجام نشده ما نمی‌توانیم کاری برای بازنشستگان انجام دهیم که امیدواریم با تلاش دولت تدبیر و امید به زودی شاهد رفع این مشکل باشیم.

مشکل در تامین هزینه‌های جاری

براساس این گزارش، علی‌خیرخواه یکی از بازنشستگان شرکت ذغالسنگ گفت: از نیمه دوم سال گذشته تاکنون برنامه مشخصی در پرداخت حقوق ماهانه بازنشستگان شرکت ذغالسنگ وجود ندارد، اینجاست که مشکلات اقتصادی فراوانی گریبانگیر زندگی آنان شده و مسئولان صندوق بازنشستگی شرکت ذغالسنگ فقط وعده‌های امروز و فردا می‌دهند.

وی ابراز داشت: این امر که زمینه شرمندگی بازنشستگان را فراهم کرده، موجب شده بسیاری از افراد آبرومند و زحمتکش این قشر حتی توان خرید یک نان و یک کیلو گوشت و میوه را هم نداشته باشند و از سوپی با داشتن فرزندان محصل و دانشجو در پرداخت هزینه‌ها دچار مشکل شوند که این خود می‌تواند در ترک تحصیل و مهاجرت آنان به سایر شهرها و استان‌ها مؤثر باشد. خیرخواه عنوان کرد: در آستانه سال جدید با توجه به پرداخت نشدن سه ماهه حقوق بسیاری از فرزندان ما حسرت خرید کیف، کفش و لباس نو را می‌خورند و اگر این روند تا پایان ماه شهریور طول بکشد ممکن است ما حتی قدرت خرید نان خالی و پر کردن شکم فرزندان خود را نداشته باشیم و در صورت بیماری باید در بستر مرگ قرار بگیریم.

بازی با مرگ در دهانه چاه!

برپایه مطلب رسیده آمده است: قدمت چاه‌ها در ایران به چندین هزار سال قبل بازمی‌گردد و قطعاً از همان ایامی که افراد دست به حفر چاه‌ها و گودال‌ها می‌زدند، خطراتی نیز آنان را تهدید می‌کرده که بسته به سطح دانش و علوم خود، سعی در رفع آن داشتند.

سیدجلال‌ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران، با اشاره به قدمت زیاد چاه‌ها در کشور کویری نظیر ایران، اظهار کرد: در حال حاضر در کشورمان و به ویژه سطح پایتخت دو نوع چاه آب و فاضلاب حفر می‌شود.

ملکی با بیان اینکه شواهد و قراین حاکی از این است که ایرانیان در حفر چاه‌ها و قنات‌ها پیش قدم بوده‌اند، گفت: در گذشته علاوه بر چاه‌های آب و فاضلابی که امروزه نیز کاربرد دارد، چاهی نیز برای تامین آب وضو گرفتن و آبکش کردن برنج و طبخ غذا حفر می‌شد که امروزه دیگر کاربردی ندارد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه چاه آب بسته به نوع محل و بستر آب‌های زیرزمینی معمولاً عمیق‌تر از چاه‌های فاضلاب حفر می‌شود، گفت: با توجه به اینکه چاه‌های آب از سفره‌های آب‌های زیرزمینی تغذیه می‌کند، بنابراین حفر آن نیازمند مجوز است، اما متأسفانه چاه‌های آب فاقد مجوز نیز حفر شده است.

وی با بیان اینکه حفر چاه فاضلاب نیاز به مجوز ندارد، گفت: به همین دلیل آماری دقیقی از تعداد چاه‌های موجود در سطح پایتخت وجود ندارد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران درباره شرایط حفر چاه نیز گفت:

حفر چاه استانداردهای سخت و دشواری دارد که باید حتما رعایت شود. ملکی با تاکید بر ضرورت استفاده از کارگران حرفه‌ای در حفر چاه‌ها، گفت: حفر چاه، لایه‌روبی، تخلیه و ... کاری نیست که بشود به تنهایی آن را انجام داد، بنابراین یک چاه هر چقدر هم که دارای عمق کمی باشد، باید اقدامات انجام گرفته در آن از سوی تیم حرفه‌ای انجام شود. وی افزود: در حفر چاه حداقل باید یک تن مشغول به کار در عمق شود، یک تن دیگر در دهانه چاه حضور داشته باشد و فردی دیگر نیز در اطراف چاه مستقر باشند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران ادامه داد: همچنین به هنگام حفر چاه حتما باید ارتباط چشمی و کلامی با فردی که داخل چاه قرار دارد، برقرار شود و در صورتی که افراد در چاهی با عمق زیاد مشغول به کارند، این ارتباط می‌تواند از طریق آیفون انجام شود.

ملکی از افرادی که قصد حفر چاه دارند، خواست حتما نسبت به شناسایی جنس خاک و دستی‌بودن آن اطلاعات لازم را کسب کنند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به چاه‌هایی که برای کاربردهای دیگری غیر از آب و فاضلاب حفر می‌شود، گفت: به عنوان مثال در برخی از کارگاه‌های ساختمانی برای بررسی جنس خاک یا ستون‌گذاری و ... گودال‌های حفر می‌شود که در این زمینه نیز باید ضمن استفاده از کارگران حرفه‌ای و لوازم استاندارد حفاری، اطلاعاتی نیز درباره جنس خاک و میزان مقاومت آن کسب شود.

وی با بیان اینکه کارگران باید هنگام حفر چاه از تجهیزات حفاظت فردی استفاده کنند، گفت: باید از طناب‌ها و ... برای حضور در چاه استفاد کرد و دلوها را نیز محکم کرد تا بر سر افراد مقنی سقوط نکند.

ملکی با بیان اینکه نباید ابزار و اشیا را در دهانه چاه قرار داد، خاطرنشان کرد: برای تخلیه محتویاتی که از داخل چاه خارج می‌شود، باید توجه داشت که این مواد باید چندین متر دورتر از دهانه چاه تخلیه شود، بنابراین بدیهی است که برای انجام این کار در چاه‌های سبک حداقل حضور سه تن الزامی است.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران درباره تامین روشنایی در عمق چاه‌ها گفت: عده‌ای از مقنی‌ها برای حفر چاه از چراغ استفاده می‌کردند که این امر علاوه بر این که احتمال انفجار را افزایش دهد، ممکن است به دلیل مرطوب بودن خاک چاه و بالابودن درصد رطوبت هوا در عمق آن سبب خاموش شدن چراغ نیز بشود.

وی اضافه کرد: برخی نیز از سیم‌برق برای تامین روشنایی در عمق چاه استفاده می‌کنند که در این زمینه نیز باید توجه داشت که این امر ممکن است سبب اتصالی و برق‌گرفتگی افراد در عمق چاه شود.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران استفاده از لامپ‌های 24 والت با باتری‌های شارژی را بهترین شیوه تامین روشنایی در عمق چاه دانست و افزود: برای ارتباط صوتی برای افراد بیرون چاه نیز بهترین وسیله آیفون‌هایی است که با سیم‌های 100، 50 و ... در بازار قابل خریداری است.

ملکی اضافه کرد: در حفر چاه باید به این موضوع توجه داشت که صدا از خارج چاه به راحتی به داخل منتقل می‌شود، اما انتقال صوت از داخل به خارج چاه تقریباً غیرممکن است و استفاده از این آیفون‌ها نقش بسزایی در ارتباط صوتی خواهد داشت.

وی درباره حداقل فاصله استاندارد بین دو چاه گفت: حداقل فاصله میان دو چاه باید شش متر باشد و این در حالی است که مقنی نیز باید اطلاعات لازم درباره جنس خاک را کسب کرده باشد، چرا که گاهی ممکن است با توجه به نوع خاک، این فاصله بیشتر شود.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اضافه‌کرد: در برخی موارد نیز گاه پس از پرشدن چاه قدیمی، اقدام به حفر چاهی در کنار آن می‌کند که با حفر کانالی میان این دو چاه، محتویات چاه قدیمی به چاه جدید سرازیر می‌شود.

ملکی افزود: این کانال ارتباطی که اصطلاحاً به آن کوره نیز می‌گویند، گاه سبب انتقال گازهای کشنده به داخل چاه جدید می‌شود که همین امر سبب گازگرفتگی مقنی می‌شود.

به گفته وی، به منظور پیشگیری از این امر باید حتماً ورودی و خروجی کوره‌ها باز باشد تا از انباشته‌شدن گازهای سمی در آن جلوگیری شود.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به جنس خاک نیز اظهارکرد: گاهی دیده شده که گازها از داخل لایه‌های خاک نیز نفوذ کرده و سبب مسمومیت کارگران می‌شود که در این زمینه نیز لازم است جنس خاک بررسی شده و تمهیدات لازم درباره آن اندیشیده شود.

ملکی درباره روش‌های اطلاع از وجود گازهای سمی در اعماق چاه گفت: درگذشته مقنی‌ها جانوران را به عمق چاه می‌فرستادند و در صورتی که آن جانور زنده به سطح زمین بازمی‌گشت، از سمی نبودن گازهای داخل چاه و همچنین وجود اکسیژن در آن مطمئن می‌شدند، اما امروزه چراغ روشن را به عمق چاه هدایت کرده و در صورت خاموش‌شدن متوجه می‌شوند که در عمق چاه اکسیژن وجود ندارد.

به گفته سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران، در این صورت کارگران می‌توانند با استفاده از ماسک‌های اکسیژن و دستگاه‌های تنفسی به عمق چاه رفته و در حالت دیگر نیز بسته به تشخیص مهندس ناظر، می‌توانند از دستگاه‌های تهویه استفاده کنند.

وی درباره بهترین زمان برای حفر چاه نیز اظهارکرد: برای حفر چاه‌های عمیق و لایروبی بهترین زمان زمانی است که سطح آب‌های زیرزمینی به پایین‌ترین سطح خود رسیده که این امر در کشور ما در نیمه‌دوم تابستان پیش از شروع بارش‌هاست.

ملکی، ترکیبگی لوله‌های آب را نیز از حوادثی برشمرد که در دراز مدت سبب نشست زمین و بروز حوادث مرتبط با چاه می‌شود.

وی از شهروندان خواست چاه‌های موجود در منازل خود را شناسایی کرده و از قراردادن بار سنگین روی دهانه آن خودداری کنند و برای بازرسی و بررسی آن از متخصصان این امر استفاده کنند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران ابراز امیدواری کرد: سیستم اکو یا همان فاضلاب‌شهری به سرعت در شهر راه‌اندازی شوند و شهروندانی که این سیستم در منازلشان نصب شده، حتماً نسبت به تخلیه چاه‌های قدیمی و پرکردن آن به وسیله نیروهای متخصص اقدام کنند.

نامه ی رضا شهبابی از زندان اوین به مناسبت اول مهر به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید (چهارمین مهر، بدون مهر پدری)

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است : در حالی طنین زنگ مدارس و دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در سال ۹۲ به صدا در می آید که مردم شریف و کارگران زحمتکش در شرایط بد اقتصادی و تنور داغ تورم افسار گسیخته به سر می برند و حتی در تهیه لوازم تحریر و کتاب و پوشاک و شهریه فرزندان شان به چه کنم، چه کنم افتاده اند و از طرفی کشور ما شاهد یک رخداد بزرگ سیاسی دیگر در ماه خرداد بوده است، رخدادی که برای چندمین بار در تاریخ چند دهه اخیر امیدواری را نسبت به امکان وقوع تحولات عمیق تر و عادلانه تر بیشتر کرده است.

فرا رسیدن سال تحصیلی جدید را به دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و خانواده های این عزیزان تبریک و شادباش عرض می کنم و به عنوان یک دانشجو و عضو دربند سندیکا کارگران اتوبوسرانی تهران از همکاران عزیز و مسئولان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خدمت رسانی بی

عیب و نقص به دانش آموزان و غنچه های نو شکفته و دانشجویان عزیز را خواستارم، باشد که این سرمایه های انسانی عظیم بتوانند در حداقل آرامش اجتماعی، سیاسی مورد نیاز خود به آرمان های جمعی مشترک بیانیدهند.

کارهای همه ما، هر چند کوچک بخشی از یک طرح عظیم شهروندان این مرز و بوم برای تحقق آزادی و برابری است و لذا باید کارهای کوچک خود را در این منظومه کلان در نظر بگیریم و ارزش کار خود را در نقشه عظیم عدالت انسانی در جامعه ای پیشرفته و عادلانه فراموش نکنیم. چهارمین سالی است که بواسطه فعالیت های صنفی و سندیکایی در حمایت از حقوق حقه همکاران در شرکت واحد و طبقه فرودست و زحمتکش جامعه از همراهی فرزندان خود به مدرسه محروم مانده ام، به این امید که پدران بیشتری بتوانند فرزندان شان را تا مدرسه همراهی کنند، به این امید که دانش آموزان امروز و پدران و مادران و فعالان سیاسی و مدنی و کارگری فردا، بخاطر طلب حق خود و دغدغه معیشت و پیشرفت فرزندان شان راهی زندان نشوند.

رضا شهابی زکریا عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران و حومه و دانشجوی رشته کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور واحد حسن آباد قم
زندان اوین- ۲۰ شهریور ۱۳۹۲- بند ۲۵۰

با ابلاغ وزارت کار؛ حقوق شهریورماه کارگران ۳۰ هزار تومان افزایش می یابد / تصویر بخشنامه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است : سه روز پس از آنکه خبر ابلاغ رسمی افزایش ۱۵ هزار تومانی حق خوار و بار کارگران منتشر شد، امروز با انتشار تصویر بخشنامه ای که به امضای وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیده است، کارگران با دریافت تصویر این نامه که در انتهای خبر تحت عنوان «فایل پیوست» بارگذاری شده است، می توانند به طور قانونی پی گیر افزایش ۱۵ هزار تومانی حقوقشان باشند.

به گزارش ایلنا، با توجه به اینکه این بخشنامه کارفرمایان را مکلف به افزایش ۱۵ هزارتومانی حقوق جانبی کارگران کرده است و این افزایش حقوق در مردادماه سال جاری در دریافتی کارگران اعمال نشده است، کارفرمایانی که بر اساس توافق حقوق کارگانشان را ماهانه تسویه می کنند، در پایان شهریورماه باید مبلغ ۳۰ هزار تومان به حقوق کارگانشان اضافه کنند.

در این بخشنامه که در تاریخ ۱۷ مردادماه به امضای علی ربیعی رسیده، آمده است:

نظر به درخواست کارگران و تشکلهای ذیربط مبنی بر انطباق هرچه بیشتر دریافتی کارگران با معیشت خانوار کارگری و همسو با اهداف و سیاستهای دولت در راستای افزایش قدرت خرید کارگران و در اجرای مصوبه دویست و سی و یکمین جلسه شورای عالی کار در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۷ و پیرو بند ۳ بخشنامه شماره ۲۱۵۲۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ مبلغ کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار بابت هر کارگر اعم از مجرد یا متأهل از ماهانه ۲۵۰ هزار ریال به مبلغ ۵۰۰ هزار ریال در ماه افزایش یافته و لازم است از تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱ توسط کارفرمایان به کارگران پرداخت شود.

توضیح: برای دریافت تصویر بخشنامه مذکور، ابتدا روی فایل پیوست (در انتهای خبر) راست کلیک کنید و سپس با انتخاب گزینه save link as... فایل pdf این بخشنامه را در محل مورد نظرتان ذخیره کنید.

چند درصد کارگران کشور درباره استفاده از وسایل ایمنی کار آموزش دیده‌اند؟

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است که : به گفته متخصصان، گرانبهاترین و با ارزش‌ترین سرمایه‌های بخش صنعت و زیربنای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی هر کشوری، نیروی کار آن کشور است. در کشورهای درحال توسعه از جمله کشور ما، بسیاری از فعالیت‌های ساخت و ساز به صورت دستی و با استفاده از قوای جسمی کارگران انجام می‌شود و بر اساس برآورد سازمان بهداشت جهانی، تقریباً 45 درصد جمعیت دنیا و 85 درصد افرادی بالای 10 سال در شمار نیروی کار جهانی قرار دارند.

طبق گزارش این سازمان؛ جمعیت بالای 20 سال جهان بین سال‌های 1995 تا 2025 میلادی حدود 64 درصد افزایش می‌یابد. این گروه بزرگ حدود یک سوم تا دو سوم عمر خود را در محیط‌های کاری و در معرض حوادث آسیب‌رسان می‌گذرانند.

همچنین بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، یک سوم مرگ‌های ناشی از کار از طریق حادثه رخ می‌دهد. سالانه حدود 250 میلیون حادثه شغلی در جهان رخ می‌دهد. همچنین بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، سالانه 3.5 میلیون نفر بر اثر حوادث ناشی از کار کشته می‌شوند و خسارت ناشی از این حوادث 500 میلیارد دلار برآورد می‌شود. براساس گزارش‌های رسمی این سازمان، در سال 2006 سالانه 270 میلیون حادثه ناشی از کار اتفاق افتاده که در این میان، نزدیک به 2 میلیون و 200 هزار کارگر جان خود را از دست داده‌اند. همچنین نزدیک به 160 میلیون نفر به بیماری‌های ناشی از کار مبتلا شده و 7 میلیون نفر نیز دچار از کارافتادگی شده‌اند.

بر همین اساس، در مباحث مربوط به سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت حرفه‌ای موضوع حوادث ناشی از کار به شدت مورد توجه قرار گرفته و در ایجاد محیط‌های کاری ایمن و سالم و کاهش خطر حوادث و رعایت قوانین و مقررات مربوطه که موجب کاهش هزینه‌های صرف شده برای پرداخت غرامت، خسارت و سایر جریمه‌های احتمالی می‌شود و نیز در مورد موضوع حوادث و جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی حوادث و کنترل در جهت کاهش آنها مکرر تاکید شده است.

حوادث را می‌توان از دیدگاه انسانی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. رفتار انسان نه تنها در بروز حوادث بلکه در پذیرش آنها اهمیت و تاثیر بسزایی دارد و در واقع رفتارهای ناپایمن بخش عمده‌ای از مشکلات بهداشت عمومی را تشکیل می‌دهند. در واقع عوامل انسانی و بررسی مسائل مربوط به رفتار ادراک و شناخت ویژگی‌های فردی از اجزایی است که در طراحی هر برنامه‌ای به منظور کاهش آسیب‌ها در زمینه‌های شغلی و حرفه‌ای باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا چگونگی ویژگی‌های رفتاری فرد است که به گسترش اثرات مداخله کمک خواهد کرد. یکی از الگوهایی که طی سال‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته، الگوی باور بهداشتی است که الگوی مطالعه رفتار بهداشتی فرد است و در سال 1950 توسط هوچبام و رون استاک در آمریکا پایه‌ریزی و در سال 1947 توسط بیکر و مای، اصلاحات برای بالا بردن کارایی آن صورت گرفت. این الگو تاکید دارد که رفتار فرد به سه عامل بستگی دارد که هر سه این عوامل می‌تواند به صورت توأم یا مجزا در رفتار فرد نقش داشته باشد. این عوامل شامل منافع و موانع درک شده، تهدیده درک شده و راهنمای عمل بر اساس این الگو با توجه به شدت و حساسیت درک شده در نتیجه تهدید ایجاد شده است.

با توجه به اهمیت موضوع پیشگیری از حوادث ناشی از کار کارگران ساختمانی، پژوهشی در کشور از نوع مطالعه توصیفی تحلیلی به بررسی ارتباط بین سازه‌های الگوی باور بهداشتی و رفتارهای پیشگیری کننده به منظور جلوگیری از حوادث ناشی از کار در کارگران ساختمانی شهر مشهد پرداخته و 176 کارگر ساختمانی مناطق 13 گانه این شهر را مورد بررسی قرار داده است.

در این تحقیق 3 درصد کارگران ساختمانی مورد بررسی فوق دیپلم و بالاتر، 25.3 درصد دیپلم، 5/40 درصد زیر دیپلم، و 31.2 درصد آنها بی سواد بودند. از نظر وضعیت شغلی 75 درصد کارگر ساده و 25 درصد کارگر فنی بودند. میانگین سنی کارگران نیز 32 سال و میانگین سابقه کار آنها 11 سال بود. همچنین 71 درصد کارگران متأهل بودند. 32 درصد کارگران به دلیل وقوع حادثه حین انجام کار به دکتر مراجعه کرده بودند که 12 درصد آنها با فراوانی یک تا 3 دفعه به دلیل وقوع حادثه در محل کار توسط سایرین به اورژانس منتقل شده بودند. نتایج این پژوهش نشان داد که 21 درصد کارگران با وظایف کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار آشنایی داشتند؛ ولی فقط 8 درصد اظهار کردند که تاکنون در مورد لزوم و اهمیت استفاده از وسایل ایمنی در محل کار آموزش دیده‌اند.

بررسی های این پژوهش نشان داد: کسانی که قبلا سابقه وقوع حادثه داشتند نمره بیشتری در سازه‌های الگوی مورد استفاده در این تحقیق، نسبت به سایرین داشتند. به این معنی که کسانی که قبلا وقوع حادثه را تجربه کرده بودند رفتارهای ایمن به شکل استفاده از وسایل ایمنی به منظور پیشگیری از حوادث را بیشتر از کسانی که سابقه وقوع حادثه نداشته‌اند را گزارش کرده‌اند.

از سویی دیگر، در این تحقیق، خودکارآمدی درک شده توسط نمونه‌های مورد بررسی بر اساس مقیاس خودکارآمدی مورد بررسی قرار گرفت. 21.6 درصد کارگران موفق به کسب سقف 21 امتیاز خودکارآمدی شدند.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش، همچنین بین رفتارهای پیشگیری از حوادث ناشی از کار و متغیرهای الگو نظیر منافع درک شده، موانع درک شده، تهدید درک شده، علائم برای عمل و خودکارآمدی درک شده، ارتباط معنی داری از نظر آماری وجود دارد؛ ولی بیشترین همبستگی مربوط به تهدید درک شده، خودکارآمدی و منافع درک شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد: تنها نیمی از کارگران مورد بررسی (47 درصد) با روش‌های پیشگیری از حوادث ناشی از کار آشنایی دارند. در حالیکه یک نیروی کار سالم آشنا با این روش‌ها، علاوه بر فایده رساندن به خود موجب سلامت اطرافیان و جامعه می‌شود و این مساله مستلزم داشتن آگاهی مناسب درخصوص ایمنی و بهداشت کار است؛ اما هنوز آگاهی و نگرش و عملکرد کارگران درخصوص ایمنی کار و استفاده از وسایل حفاظت فردی پایین است. همچنین طبق نتایج این پژوهش تنها حدود 40 درصد کارگران مورد بررسی خود را در معرض حوادث ناشی از کار می‌دانستند و در نتیجه اکثر آنها حساسیت درک شده بالایی در این زمینه نداشتند.

همچنین در حالیکه آمارها نشانگر آن است که میزان مرگ و میر در کارگرانی که در معرض حوادث ناشی از کار قرار می‌گیرند رو به فزونی است، هنوز نسبت بالایی از کارگران نمونه این تحقیق، (26.8 درصد) ترجیح می‌دادند که از وسایل ایمنی استفاده نکنند. بنابراین باید همانند سایر کشورها برنامه‌های کاهش حوادث ناشی از کار را جدی‌تر آغاز کرد که یکی از این برنامه‌ها تمرکز بر تلاش‌های آموزشی است که تاثیر آن در سایر مطالعات به اثبات رسیده است.

همچنین تاکید بر راهکارهای افزایش کمیت و کیفیت خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به کارگران از سوی مسوولان بهداشت کار با همکاری و مشاوره متخصصان آموزش بهداشت می‌تواند یکی از راهکارهای اساسی برای کاهش وقوع حوادث ناشی از کار باشد.

این تحقیق همچنین به ارتباط معنی‌دار استفاده از وسایل ایمنی با تحصیلات کارگران اشاره دارد.

یک فعال صنفی در شهریار خبر داد:

محدودیت برای پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی شهریار، قدس و ملارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 20 شهریور 92 آمده است : نماینده انجمن صنفی بنایان سفت کار شهرستان شهریار از محدودیت ایجاد شده برای پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی ساکن شهرستان‌های شهریار، قدس و ملارد انتقاد کرد.

«کاظم احمدیان» در این باره به ایلنا گفت: بر اساس بخشنامه سازمان تأمین اجتماعی، کارگران ساختمانی که از اداره آموزش فنی و حرفه‌ای یک استان کارت مهارت دریافت کرده‌اند فقط می‌توانند در همان استان، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار بگیرند. وی با اشاره به مصوبه هیأت دولت مبنی بر جداسازی شهرستان‌های شهریار، قدس و ملارد از استان البرز و الحاق آن‌ها به استان تهران ادامه داد: در حال حاضر، برخی کارگران ساختمانی که در شهرستان‌های شهریار، قدس و ملارد ساکن هستند و کارت مهارت فنی‌شان را از اداره آموزش فنی و حرفه‌ای کرج دریافت کرده‌اند برای بیمه شدن به مشکل خورده‌اند.

این فعال صنفی با اشاره به مغایرت استان محل سکونت این کارگران با استانی که کارت مهارتشان را از آنجا دریافت کرده‌اند افزود: از مدیران فنی و حرفه‌ای و تأمین اجتماعی استان البرز و شهرستان‌های شهریار، قدس و ملارد انتظار می‌رود به مشکل بیمه‌ای کارگران ساختمانی این سه شهرستان رسیدگی کنند.

نماینده انجمن صنفی بنایان سفت کار شهرستان شهریار در پایان اظهار داشت: باید با انتشار اطلاعیه در رسانه‌ها و نصب بنر در این خصوص برای کارگران ساختمانی ساکن در شهرستان‌های قدس، ملارد و شهریار تشریح کرد که برای رفع مشکل بیمه‌ای خود باید از طریق فنی و حرفه‌ای استان تهران اقدام کنند.

پایان پیام

مرگ کارگر جوان در حاشیه بزرگراه آزادگان

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 21 شهریور 92 آمده است که : تخریب دیواره‌های یک گودال لوله‌گذاری در بزرگراه آزادگان بر سر یک کارگر جوان مرگ وی را رقم زد.

براساس این گزارش، حوالی ساعت 10:30 صبح روز پنجشنبه عوامل امدادی و انتظامی از وقوع یک مورد حادثه ریزش آوار در مسیر بزرگراه آزادگان، ابتدای جاده احمدآباد مستوفی باخبر شدند. در ادامه عوامل آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس در محل حاضر شده و عملیات خود را آغاز کردند که آتش‌نشانان با مراجعه به محل که یک گودال کارگذاری لوله به عمق تقریبی 3.5 متر بود، عملیات جست‌وجو و نجات کارگری که به طور کامل در زیر خاک محبوس شده بود را آغاز کردند. بنابراین گزارش، پس از گذشت دقایقی، آتش‌نشانان این کارگر 22 ساله ایرانی را از زیر خاک خارج کرده و به عوامل اورژانس مستقر در محل تحویل دادند که آنان با بررسی علائم حیاتی، مرگ وی را تایید و اعلام کردند.

رئیس اتحادیه پیراهن دوزان تهران: جنگ به اندازه رکود اقتصادی به اصناف ضربه وارد نکرد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 21 شهریور 92 آمده است : رئیس اتحادیه پیراهن دوزان تهران گفت: با وجود آنکه نوسانات اقتصادی سال گذشته روند واردات و قاچاق منسوجات خارجی به داخل کشور را محدود کرد اما اکثر تولیدکنندگان به دلیل گران بودن مواد

اولیه نیمه فعالاند.

«جواد درودیان» در این باره به ایلنا گفت: تا پیش از نوسانات اقتصادی اخیر، با وجود همه سختی‌ها کارگران هر روز پشت چرخ خیاطی مشغول دوخت و دوز پیراهن بودند. وی بابیان اینکه در این اتحادیه حدود ۴ هزار کارگاه عضویت دارند، گفت: از زمانی که قیمت دلار تصاعدی گران شد، قیمت قواره‌های پارچه گران‌تر از قبل شد بطوری که بیشتر واحدها در بهترین حالت بخشی از فعالیت خود را متوقف کردند و بازدهی خود را تا حدود یک سوم هم کاهش دادند.

این فعال صنفی بابیان اینکه در نتیجه این تورم و رکود اقتصادی، بسیاری از کارگران شاغل در کارگاه‌های پیراهن دوزی اخراج و راهی یافتن شغل جدید شدند، گفت: اکثر کسانی که امروز در سر چهار راه‌ها با موتور به کار جابجایی مسافر و کالا مشغول‌اند تا پیش از گرانی‌های اخیر در یکی از واحدهای صنفی به کارگری و تولید مشغول بوده‌اند.

درودیان گفت: هرچند در سالهای اخیر صنف منسوجات به ویژه پیراهن دوزان از قاچاق آزادانه و واردات بی‌رویه منسوجات خارجی بسیار لطمه خورده‌اند اما تحمل شرایط رکودی کنونی بسیار سخت‌تر است. وی افزود: هرچند بعد از انتخابات ریاست جمهوری در فضای کسب و کار انگیزه‌هایی برای فعالیت تولید کنندگان قوت گرفته است اما همچنان با شرایط پیش از نوسانات اقتصادی فاصله داریم.

رئیس اتحادیه پیراهن دوزان تهران با یادآوری اینکه رکود و محدودیت‌های یک سال گذشته حتی در سالهای جنگ هم تجربه نشده بود، گفت: در حال حاضر شاید تنها رقیب تولید کنندگان داخلی کالاهای خارجی که توسط مسافران وارد می‌شوند باشند اما از دولت توقع داریم که فضا را برای تولید کنندگان داخلی بهبود ببخشد.

پایان پیام

مصدومیت شدید کارگر 17ساله در پی سقوط به چاهک آسانسور

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 21 شهریور آمده است: بعد از ظهر روز گذشته کارگر نوجوان افغانی بر اثر سقوط به داخل چاهک آسانسور در کوی نعمت آباد، خیابان زمزم، خیابان میرزایی به شدت مجروح و روانه بیمارستان شد. بنابه اظهار هوشنگ رسول پور فرمانده آتش نشانان اعزامی، کارگر 17 ساله ای با نام مصطفی-ع تبعه کشور افغانستان که در حال کارکردن در ساختمان درحال ساخت بود، از ارتفاع 5 متری بداخل چاهک آسانسورساختمان سقوط کرد. وی با اشاره به مصدومیت شدید این کارگر از ناحیه سر و کمر که قادر به حرکت نبود، افزود: آتش نشانان بلا فاصله با رعایت نکات ایمنی و با استفاده از برانکار و تجهیزات نجات، کارگر مصدوم را به طبقه بالا انتقال داده و جهت مداوا و اعزام به مرکز درمانی تحویل عوامل اورژانس حاضر در محل دادند.

صد کارخانه چای تعطیل شد

به گزارش روزنامه قانون در تاریخ 21 شهریور 92 آمده است: چهره امروز با افتخار تقدیم می شود به پرویزی از نوع شعبانی اش که گفته است از 180 کارخانه فعال چای صد کارخانه تعطیل شده است هشتاد کارخانه باقیمانده نیز به صورت نیمه تعطیل کار می کنند. البته این پرویز خان که

نایب رئیس اتحادیه چایکاران است، معتقد است واردات بی رویه و بی مسئولیتی مدیران سبب بروز این اتفاق شده است. خب حالا که این را خواندیم، فهمیدیم که قضیه تکراری است. در این مملکت هر اتفاقی بیفتد سریع می گویند: دلیلش همین واردات بی رویه است. البته ما هنوز به این نتیجه نرسیده ایم که واردات بی رویه چیست و چه فرقی با واردات با رویه دارد؟ تا جایی که ما می دانیم در اغلب کشورهای جهان که اقتصادی آزاد دارند، واردات هیچ کالایی ممنوع نیست دولت ها با اهرم های قیمتی و پایین نگه داشتن قیمت تمام شده و بالا بردن کیفیت سعی می کنند سهم بازار را از آن خود کنند نه از طریق اعمال محدودیت. اما خب در ایران چون کسی حوصله ندارد قیمت تمام شده را پایین بیاورد و کیفیت را بالا ببرد همه دست به دامن دولت می شوند که چرا واردات را ممنوع نکردید و گذاشتید جای خارجی بیاید و قس علیهذا. بگذریم از این حرف ها. نکته مهم این است که نباید از نقش دلالتان محترم و عزیز غافل شد، همان ها که با اقدامات ویژه خود چای را در هند و سریلانکا و گوشت را در برزیل و... گران کرده اند. بالاخره باید در این میانه بی حوصلگی از زحمات آنها که حوصله هر کاری را دارند تقدیر به عمل آورد.

کودکان طبقه مزدبگیر چگونه از بازار کار سر در می آورند

به نوشته مجله هفته در تاریخ 21 شهریور 92 آمده است : کودکان طبقه مزدبگیر چگونه از بازار کار سر در می آورند

«اغلب والدین و سرپرستان این کودکان تنها زمانی به اشتغال فرزندان خود رضایت می دهند که در تامین مخارج خود دچار مشکل جدی شده باشند. / این کودکان به جای استفاده از حق کودکی، مانند بزرگترها کار می کنند اما هرگز به آنها مانند یک نیروی انسانی بالغ حقوق داده نمی شود.»

ایلنا

سال گذشته آمارهای غیر رسمی از محرومیت آموزشی حدود ۴ میلیون کودک «لازم التعلیم» خبر داده بودند. بنا براین پیش بینی می شود در شرایطی که اقتصاد کشور در وضعیت رکود تورمی به سر می برد، شمار بیشتری از کودکان لازم التحصیل از محیط های آموزشی دور شوند. به گزارش ایلنا، بر اساس آماري که سال گذشته منتشر شد، کودکان لازم التعلیم ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و در عین حال تعداد کودکان لازم التعلیم ثبت نام شده در مدارس و محروم از تحصیل به ترتیب ۱۲ میلیون و ۲۴۲ هزار نفر و ۴ میلیون نفر برآورد شده بودند. در این شرایط، با توجه به نواسانات اقتصادی یکسال گذشته و به تبع فقیرتر شدن خانواده های کارگری، انتظار می رود کودکان لازم التعلیم بیشتری به دلیل مشکلات مالی خانواده های خود از ادامه تحصیل باز بمانند.

محرومیت کودکان خانواده های فقیر از آموزش درحالی است که طبق اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است به شهروندان خود تا پایان دوره متوسطه خدمات آموزشی رایگان ارائه کند.

نوسانات اقتصادی دلیل دور افتادن کودکان از محیط آموزشی

در این رابطه، «حسین میربهراری» عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان معتقد است: برخلاف باورهای نادرست رایج در جامعه ورود اکثر کودکان به بازار کار نتیجه فقر اقتصادی دهک های پایین جامعه است و از سوی خانواده های این کودکان تعمد و کینه هدمندی برای دور نگه داشتن آنها از محیط مدرسه وجود ندارد. بنابراین نباید تصور شود که کودکان کار و خیابان و یا کودکان محروم از تحصیل همگی دارای والدین بدسرپرست اند.

این فعال حقوق کودک با یادآوری اینکه آثار تبعات اقتصاد رکودی-تورمی ایران در سال گذشته بیشتر بر در خانواده‌های طبقه متوسط و فرودست قابل مشاهده است، گفت: براین اساس باید انتظار داشت که امسال بیشتر کودکان دور مانده از محیط‌های تحصیلی در این خانواده‌ها پرورش یابند.

به گفته میربهراری از آنجا که در ساختار اقتصادی ایران، طبقه متوسط بخش عمده‌ای از جامعه شهری را شامل می‌شود، طبیعی است ریاضت‌های اقتصادی باعث ریزش تعداد قابل توجهی از خانواده‌های طبقه متوسط به طبقه فرودست شده باشد. وی افزود: با توجه به اینکه هر سال در آستانه شروع سال جدید تحصیلی هزینه‌های مربوط به تحصیل کودکان افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، بخشی از خانواده‌های فقیر در تامین هزینه تحصیل فرزندان خود دچار مشکل می‌شوند.

تبلیغاتی برای بازار گرمی

میربهراری افزود: به غیر از هزینه مربوط به شهریه مدارس، خانواده‌ها باید هزینه دیگری بابت کتاب، دفتر و سایر اقلام آموزشی پرداخت کنند که در شرایط کنونی این هزینه افزایش قابل توجهی داشته است. وی با یادآوری اینکه افزایش هزینه تحصیل کودکان نتیجه بازارگرمی تبلیغات فریبنده تجاری است، افزود: صرف نظر از تاثیرات فرهنگی، این تبلیغات با مخاطب قراردادن کودکان هر سال برای خود بازار گرمی می‌کنند در حالی که خانواده‌های فقیر مخاطبان اصلی این تبلیغات هستند و بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند.

به گفته این فعال حقوق کودک از آنجا که طبعا تامین نیازهایی چون مسکن بر سایر نیازهای یک خانواده اولویت دارد، در عمل خانواده‌های گرفتار و بی‌بضاعت هزینه تحصیل کودکان را مانند سایر هزینه‌های اساسی چون بهداشت و تغذیه در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهند. وی افزود: در نتیجه این وضع تحمیلی از یکسو بخشی از کودکان لازم‌التحصیل از حضور در محیط‌های آموزشی محروم می‌شوند و از سوی دیگر انگیزه گروه دیگری از کودکان برای ادامه تحصیل کاهش می‌یابد.

این فعال حقوق کودک با بیان اینکه کودکان خانواده‌های کم‌بضاعت به خوبی شرایط متفاوت خود را با سایرین متوجه خواهند شد، افزود: در محیط‌های آموزشی کودک به سرعت با مشاهده مقایسه خود و امکاناتش با سایرین، ناخواسته متوجه تفاوت‌ها اقتصادی می‌شود.

کودکان طبقه متوسط بیشتر در معرض خطرند

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان با بیان اینکه نتیجه این مشاهده و قیاس در محیط‌های آموزشی، دل‌سردی تدریجی کودکان خانواده‌های کم‌بضاعت از ادامه تحصیل است گفت: در خوشبینانه‌ترین حالت چنین کودکانی به مرور در محیط آموزشی احساس غریبی کرده و از آموزگار و کادر آموزشی فاصله می‌گیرند.

میربهراری ادامه داد: از آنجا که در شرایط فعلی، فرهنگیان هم به اندازه کافی در زندگی روزمره خود دچار مشکل و گرفتاری هستند، در محیط‌های آموزشی کمتر به این مسئله توجه می‌شود بطوری که در نهایت این کودکان پس از طی یک دوره افت تحصیلی ترک تحصیل کرده و راهی بازار کار می‌شوند.

وی یادآور شد: از آنجا که تاثیر معضلات اقتصادی در میان خانواده‌های طبقه متوسط مشهودتر است، می‌توان انتظار داشت که در محیط‌های آموزش مناطق متوسط نشین کودکان بیشتری دچار ریزش‌های تحصیلی شوند.

کار کودکان ریشه غیر اقتصادی دارد

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان همچنین در خصوص وضعیت این کودکان در آستانه سال تحصیلی جدید گفت: الزاما تمامی کودکان دور مانده از محیطهای آموزشی راهی بازارهای کار نمی‌شوند.

وی با تاکید بر اینکه تمامی کودکان کار و خیابان در خانواده‌های بدسرپرست پرورش نمی‌یابند، گفت: بیشتر والدین و سرپرستان این کودکان تنها زمانی به اشتغال فرزندان خود رضایت می‌دهند که در تامین مخارج خود دچار مشکل جدی شده باشند.

وی با یادآوری اینکه وضعیت رکود تورمی در یک سال گذشته باعث کاهش بیشتر فعالیت‌های تولیدی شده است، افزود: در نتیجه این وضع به دلیل افزایش اخراج‌ها و کاهش ارزش پول ملی، جامعه مزدبگیران بیش از پیش برای تامین هزینه‌های روزمره گرفتار مشکلات مالی شده است بطوری که خانواده‌های بی‌بضاعت بیشتری فرزندان خود را راهی بازارهای کار کرده‌اند. وی با بیان اینکه این کودکان همواره به عنوان کمک خرج و یا تامین کننده اصلی مخارج خانواده راهی محیطهای غیر رسمی بازار کار شده‌اند گفت: حضور الزامی این کودکان در محیطهای پیدا و پنهان کار نیازمند دوری و خروج از محیط آموزشی است.

میربهراری با تاکید بر اینکه کار کودکان الزاما به لحاظ ماهیت و نوع کار عملی مجرمانه و غیر قانونی تلقی نمی‌شود، گفت: کودکان کار در ساعاتی که سایر همسن و سالان آنها در مدرسه حضور دارند مانند انسانهای بالغ به انجام کار مشغولند.

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افزود: این کودکان به جای استفاده از حق کودکی مانند بزرگترها کار می‌کنند اما هرگز به آنها مانند یک نیروی انسانی بالغ حقوق داده نمی‌شود.

حامیان حقوق کودک بدون کمک دولت فعالیت می‌کنند

میربهراری افزود: از آنجا که اشتغال کودکان زائیده شرایط اقتصادی است، نهادهای دفاع از حقوق کودک سعی می‌کنند تا با ایجاد محمل‌هایی امکان دسترسی نسبی و پاره وقت این کودکان به فضای آموزش را فراهم کنند.

میربهراری با بیان اینکه کودکان کار و خیابان و خانواده‌هایشان از فعالیت چنین موسسات مردم نهادی استقبال می‌کنند، افزود: برخلاف سایر کودکان که ممکن است از الزامات محیط اداری و یکنواخت مدرسه دلزده شده باشند برای کودکان کار و خیابان که هر روز ساعات کاری خسته کننده‌ای را سپری می‌کنند مراجعات نیم بند و چند روز در هفته به در محیطهای آموزشی جذابیت دارد.

وی گفت: از آنجا که ماهیت و فعالیت موسسات فعال در زمینه حقوق کودکان عام المنفعه و غیر انتفاعی است، در شرایط کنونی این موسسات برای ارائه خدمات تحصیلی به چنین کودکانی با مشکل مالی مواجه‌اند.

وی با یادآوری اینکه سازمانهای دولتی به طور معمول به این موسسات کمک مالی خاصی در رابطه با ارائه خدمات آموزشی به کودکان کار و خیابان ارائه نمی‌دهند، گفت: هزینه این خدمات از محل کمک‌های مردمی و حامیان حمایت از حقوق کودکان است.

کودکان مهاجر و مشکلات فرهنگی و قانونی برای ادامه تحصیل

این فعال حقوق کودکان همچنین در خصوص اشتغال به تحصیل کودکان خانواده‌های مهاجر غیر ایرانی گفت: متأسفانه به موجب قوانین کنونی، اشتغال به تحصیل کودکان خانواده‌های مهاجر ایرانی منوط به داشتن اجازه اقامت و پروانه اشتغال است.

وی افزود: صرف نظر از اینکه بخش قابل توجهی از کودکان غیر ایرانی به دلیل مشکل مجوز اقامت قادر به حضور در محیطهای آموزشی نیستند، کودکان بسیاری از خانواده‌های غیر ایرانی دارای پروانه اقامت نیز به دلیل مشکل مالی قادر به پرداخت هزینه تحصیل فرندان خود نیستند. به گفته میربهراری تا سال گذشته خانواده‌های مهاجر دارای پروانه اقامت ناچار بودند تا برای

اشتغال به تحصیل هرکدام از فرزندان خود مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بابت شهریه پرداخت کنند. وی افزود: وجود این قانون و برخی باورهای نادرست در جامعه، باعث شده است تا کودکان غیر ایرانی بیشتری برای اشتغال به تحصیل دچار مشکل شوند.

فعال صنفی رانندگان وسائط نقلیه سنگین استهبان: تسهیلات تعویض کامیون‌های فرسوده ناکافی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 21 شهریور 92 آمده است: دبیر انجمن صنفی رانندگان وسائط نقلیه سنگین استهبان از سهمیه اندک سوخت رانندگان کامیون که به تشکیل صف‌های طولانی در جایگاه‌های سوخت این شهرستان منجر شده است انتقاد کرد.

«رضا عرض‌نژاد» در این باره به ایلنا گفت: رانندگان کامیون به دلیل سهمیه سوخت اندکی که در اختیارشان قرار می‌گیرد برای سوخت‌گیری مجدد، تعداد دفعات بیشتری به جایگاه‌های سوخت مراجعه می‌کنند که به تشکیل صف‌های طولانی در مقابل این جایگاه‌ها منجر می‌شود. وی با بیان اینکه در این صف‌های طولانی بیش از ۲۰ کامیون همیشه منتظر سوخت‌گیری هستند افزود: رانندگان کامیونی که برای سوخت‌گیری به یکی از دو جایگاه سوخت شهرستان استهبان مراجعه می‌کنند همواره بیش از یک ساعت معطل می‌شوند.

این فعال صنفی در ادامه با انتقاد از ناکارآمدی طرح اسقاط کامیون‌های فرسوده افزود: بر اساس این طرح، فردی که کامیون فرسوده‌اش را اسقاط کند می‌تواند با ارائه گواهی اسقاط به بخش نوسازی ناوگان ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور، برای خرید کامیون جایگزین تسهیلات دریافت کند. وی تصریح کرد: اکثر رانندگان برای شرکت در این طرح اقدام نمی‌کنند زیرا تسهیلاتی که در اختیار رانندگان کامیون‌های فرسوده قرار می‌گیرد ناچیز است و آن‌ها ترجیح می‌دهند با همان کامیون‌های فرسوده کار کنند.

گفتنی است دارندگان گواهی اسقاط، ۸۰ درصد قیمت خودروی اسقاط شده تا سقف حداکثر ۶۰۰ میلیون ریال متناسب با نوع خودروی جایگزین را به عنوان تسهیلات دریافت می‌کنند. این تسهیلات با نرخ ۱۵ درصد و دوره بازپرداخت ۷ ساله از طریق بانک‌های ملی، تجارت، ملت، سپه و صادرات تسهیلات پرداخت می‌شود.

دبیر انجمن صنفی رانندگان وسائط نقلیه سنگین استهبان در پایان با انتقاد از پیچیدگی‌های اداری دستگاه قضایی برای برخورد با آن دسته از شرکت‌های باربری که مزد جابه جایی بار را به رانندگان کامیون پرداخت نمی‌کنند یا کمتر از میزان توافق شده پرداخت می‌کنند اظهار داشت: رانندگان کامیون در مواردی که شرکت‌های باربری، حقوقشان را پایمال می‌کنند به دادگاه شکایت نمی‌کنند زیرا به هزینه و دوندگی‌اش نمی‌ارزد.

پایان پیام

حمله ماموران امنیتی به کاسبکاران اطراف میدان میوه و تره بار آزادی رشت

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 21 شهریور 92 آمده است: گزارش ذیل جهت درج در سایت کمیته هماهنگی از طرف یکی از کارگران شاغل در میدان میوه و تره بار آزادی رشت می باشد که ما نیز عین آن را در سایت درج می نمایم:

از مدت دو سال پیش در ضلع شرقی بلوار به اصطلاح کمربندی رشت حدفاصل میدان میوه و تره بار موسوم به آزادی (!؟) تا نزدیکی میدان امام حسین ، تعدادی از مردمان زحمتکش و حاشیه نشین های اطراف رشت جهت تهیه لقمه نانی برای خود و خانواده هایشان بر روی میز یا چهار پایه ای محقر اقدام به فروش میوه و سبزیجات می نمودند . بسیاری از آنان در شمار کارگران اخراجی کارخانجات منطقه بودند که در سالهای اخیر صاحبان آنها غصه نازکی کیفهای پولشان را می خوردند و از محل کار خانه و زمین های ارزشمند ان جای تولید و اشتغال زایی، تغییر کار بری داده و با فروش آن زمین ها و تجهیزات به قیمت روز ، قید کار و تولید را زدند و کارگران را با مقدار پول ناچیز از کار اخراج نمودند و کار خانه ها و شرکتها یکی پس از دیگری بسته شد. فعال بودن حدود 30 درصد از شرکت های موجود در شهر صنعتی رشت گواهی است بر ادعای مذکور.

بله ، جناب شهر دار و همکاران فعال شان به ناگاه در گذر از خیابان مذکور متوجه لزوم ایجاد فضای سبز در پیاده روی پهن آن خیابان شدند که "ای وای ، سرانه فضای سبز کلان شهر رشت کم است" و باید از همان پیاده رو هم که چند سالی است محل کار و تلاش عده ای برای گذران عمر است ، برای ایجاد فضای سبز استفاده نمود. شهری که زباله هایش هنوز به شیوه دوران "قرون وسطایی" از آن تخلیه می شود، یعنی روزانه به طور متوسط 20 تا 30 تن زباله را یکجا در یکی از نادرترین جنگل های جهان موسوم به " هیرکارنی" در منطقه " سراوان" رها می کنند. مسئولینش نگران چند صد متر فضای سبز هستند؟!.

ابتدا به بهانه شلوغ شدن خیابان به این کاسبکاران اخطار دادند . البته آنها دارای هیات امناء یا شورای سرپرستی بودند که کلیه مسایل مربوط به خود را زیر نظر داشته و در صورت لزوم تذکراتی به سایر همکاران خود برای ایجاد نظم و ترتیب کاری می دادند . اما شهر داری تصمیم خود را با هماهنگی نیروی انتظامی و سایر ارگانهای مرتبط برای برچیدن بساط و گاریهای آنها گرفته بود.

پی از دو سه دفعه برخورد فیزیکی بین ماموران امنیتی با آنها و حتی خانواده هایشان ، سرانجام چند روز پیش به کمک ماموران یگان ویژه با ابزار آلات "رافت مرسوم" (!؟) از قبیل باتوم، شوکر برقی و غیره به جان این مردمان زحمتکش افتادند و کلیه بساط آنها را از محل دور نمودند که در این میان حتی هیات امناء آنجا نیز از این رافت و مهربانی برادران مامور بی نصیب نماند و تا جایی که یکی از آنان به نام "بهزاد" بر اثر ضربات شوکر برقی با وادی "تازه آباد" رشت فاصله زیادی نداشت که خوشبختانه با کمک مردم به خیر گذشت . حالا هم دو روزی می شود که شهرداری رشت با تجهیزات مدرن خود ، از قبیل لودر و تراکتور و بولدزر و غیره به جان آسفالت آن پیاده رو افتاده و برای ایجاد فضای سبز شهری تلاش و کوشش وافر از خود به نمایش گذاشته است . تجهیزاتی که در زمان آب گرفتگی هر از چند گاهی همین خیابان که بی شباهت به استخر ماهی نمی شود و باز گشایی گره از مشکلات مردم این شهر ، به سختی و با تنبلی مفرط از پارکینگ های شهرداری بیرون می آیند.

روایت تلخ شهر و دیاری که در یک طرفش شهرداری و مسئولین انتظامی به اصطلاح غصه سبزه و چمنش را دارند (!!!؟؟) و در طرف دیگر خیل مردمانی که با از دست دادن لقمه نانی هر چند ناچیز در این فک کردند که با این تورم و بیکاری لجام گسیخته چه کار بکنند؟ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

یک خبر و یک پیام از بهنام ابراهیم زاده **اطلاعی شماره ۱۲ ، کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده**

کارگران ، تشکل های کارگری

همچنان که خود مطلع هستید بهنام ابراهیم زاده به جرم دفاع از طبقه کارگر سالهاست که در زندان به سر میبرد ، مسولان امنیتی به خاطر اینکه تنها فرزند بهنام بیمار است به بهنام مرخصی داده بودند ، بهنام به دلیل آنکه تنها فرزندش در آن زمان تحت درمان بود چند روز دیر تر خود را به

زندانی معرفی کرده بود تا بتواند بیشتر در کنار فرزند بیمارش بماند بنا بر توصیه پزشکان بیمارستان محک!

اما بنا به خبری که به دست ما رسیده است مسئولان قضائی برای بهنام ابراهیم زاده پرونده سازی کرده اند و میخواهند بهنام را به اتهام اینکه در وقت مقرر خود را به زندان اوین معرفی نکرده است دادگاهی کنند.
کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکوم کردن این عمل قوه قضائیه خواستار آزادی تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است!
پیام تسلیت بهنام ابراهیم زاده به مناسبت درگذشت محمد هاشمی
مطلع شدم که هفته گذشته محمد هاشمی این جوان پر شور برای همیشه از میان ما رفت ، هر چند موفق نشده بودم که از نزدیک ایشان را ملاقات کنم اما وصف متانت و انسان دوستی محمد عزیز را بارها شنیده بودم ، ضمن عرض تسلیت به خانواده گرامی این عزیز از دست رفته برایشان صبروری آرزو می‌کنم و خود را شریک غمشان می‌دانم.
بهنام ابراهیم زاده

بیست و دوم شهریور ۱۳۹۲

زندان اوین

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

بیست و چهارم شهریور ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.behnam.ebrahimzadeh@gmail.com

komitehbenam.blogfa.com

کنکور، فرصتی که برابر نیست. [1] جعفر ابراهیمی

<http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/09/1.html#more>

بر پایه مقاله نوشته شده در وبلاگ کانون مدافعان کارگر در تاریخ 22 شهریور 92 آمده است : بعد از اتمام امتحانات دیپلم در خرداد ماه، دانش آموزان سال سوم که امتحانات دیپلم را با موفقیت سپری کرده‌اند، روزهای حساسی را پیش رو دارند آنان باید در یک سال آینده خود را برای کنکور سراسری آماده نمایند. کنکور برای خانواده ها و دانش آموزان از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه چشم انداز درخشان آینده، تنها در موفقیت دانش آموزان در آزمون سراسری محقق می شود. در یک روز معین و مشخص تمام دانش آموزان یک رشته تحصیلی به سوالات مشخص و معین در زمان مشخص و معین پاسخ می‌دهند و این گونه تبلیغ می شود که کنکور یک فرصت برابر است و این دروغ بزرگ به قدری تکرار می شود که کسی در اصل نابرابری نهفته در آن شک نمی کند. آیا به راستی تمام دانش آموزانی که در کنکور سراسری شرکت می کنند برای رسیدن تا مرحله برگزاری آزمون از امکانات و شرایط برابری برخوردارند؟
در پاسخ به سوال فوق می توان دانش آموزان کنکوری را در سه گروه عمده تقسیم بندی نمود، شاخص این تقسیم بندی میزان برخورداری دانش آموزان از امکانات و شرایطی است که فرد را برای کنکور آماده می سازد. این امکانات در ظرف مدارس و کلاس های کنکور و کتابها و جزوات تستی و مشاوره های تحصیلی متعین می گردد که خود تابعی از میزان برخورداری دانش آموزان از سرمایه و پول است. لذا دانش آموزان کنکوری را در سه گروه زیر با ویژگی های طبقاتی می توان دسته بندی نمود تا فرصت نابرابر کنکور بیشتر ماهیت طبقاتی خود را عریان نماید.

الف- گروه اول، دانش آموزانی که در مدارس/ کلاس های کنکور معتبر و شناخته شده ثبت نام می کنند؛ منظور از مدارس و کلاس های کنکور در این جا، کلاس های تک درسی نیست که در آموزشگاه های کوچک برگزار می شوند، بلکه کلاس هایی است که به صورت برنامه ریزی شده و سیستماتیک در تیرماه و حتی قبل از آن، کار خود را آغاز می کنند. متولی این کلاس ها یا مدارس غیرانتفاعی شناخته شده اند یا موسسات و مراکز به اصطلاح غیرانتفاعی مانند گاج و قلمچی و ... که کارتل های اقتصادی عرصه ی آموزش ایران محسوب می شوند. هزینه ی ثبت نام در کلاس ها و آزمون ها و تهیه ی کتاب در سایه ی مشاوره این مراکز فقط از عهده ی خانواده های سرمایه دار بر می آید. بی شک آنانی که قادرند فرزندان خود را در مدارس غیرانتفاعی با شهریه 10 تا 20 میلیون تومان ثبت نام نمایند، قادر خواهند بود هزینه های گزاف کلاس های کنکور را نیز پرداخت کنند. سرمایه دارانی از این دست در تهران و کلان شهرهای دیگر قابل توجه اند. اما برای طبقه ی متوسط در ایران کنکور از اهمیت ویژه ای برخوردار است، طبقه ی متوسط می کوشد با کسب مدرک دانشگاهی و علمی، ایستگاه طبقاتی اش را به سرمایه داری نزدیک تر کند پس در این رابطه اولین وظیفه ی خانواده طبقه ی متوسط برنامه ریزی اقتصادی برای موفقیت فرزندان در کنکور سراسری است. در جایی که پس انداز چندین ساله ی خانواده از عهده هزینه های کلاس کنکور بر نمی آید، استفاده از وام های بانکی برای تامین شهریه ها امری بدیهی و توجیه شده است، چرا که خانواده ی طبقه ی متوسط در پی آن است که نشان دهد فرزندان شان با فرزندان فرادستان و سرمایه داران هم طرازند و به یک میزان از امکانات جامعه برخوردارند. در اصل در عرصه ی آموزش نیز این طبقه نقش تاریخی خود را ایفا می کند تا تضاد فرادست و فرودست مغشوش و ذهنی جلوه نماید. از آنجایی که جمعیت طبقه ی متوسط از طبقه ی سرمایه دار بیشتر است. احتمالاً در روز اعلام نتایج بسیاری از خانواده های طبقه ی متوسط نام فرزندان خود را در بین پذیرفته شدگان خواهند دید.

اما برخورداران از کلاس های تخصصی و کارشناسی شده کنکور تنها به سرمایه داران و طبقه متوسط محدود نمی گردد. مدارس خاص تحت حمایت نهادهای و ارگان های خاص و افراد ذی نفوذ نیز، برای دانش آموزان خود برنامه های معین و کارشناسی شده دارند. [2]

ب- گروه دوم، دانش آموزانی که در کلاس های کنکور آموزشگاه های درجه دوم ثبت نام می کنند؛ همانطور که ملاحظه شد در گروه اول دانش آموزان، فرزندان بخش بزرگی از جامعه مانند کارگران، معلمان و پرستاران و ... (به جز تعداد کمی که در مدارس خاص درس خوانده اند) جایی ندارند. پس سوال اساسی این است که خانواده های تحت ستم و فرودست در ساختار طبقاتی ایران که تحت تبلیغات رسانه ای شدید قرار دارند و کنکور برایشان کم اهمیت تر از طبقه ی متوسط نیست با مساله ی کنکور و موفقیت تحصیلی فرزندان خود چگونه برخورد می نمایند؟

بخشی از این خانواده ها فرزندان خود را با توجه به توان اقتصادی خود در آموزشگاه های دست دوم ثبت نام می کنند این آموزشگاه ها که تعدادشان کم نیست، می کوشند با طرق مختلف دانش آموزان لایه های زیرین طبقه ی متوسط و طبقه ی کارگر را جذب نمایند. آن ها تحت عنوان تخفیف، به خانواده های کم درآمد، کارگر، بی بضاعت، فرهنگی و ... اکثریت دانش آموزان را مخاطب قرار داده و آنها را جذب می نمایند. و از آنها چک، سفته و ضمانت می گیرند تا شهریه هایشان را قسط بندی نمایند. این آموزشگاه ها سود فعالیت غیرانتفاعی! خود را با کاهش خدمات و تعداد بالای دانش آموزان تضمین می کنند و با ارائه تابلویی بزرگ شده از خدمات خود به خانواده ها می قبولانند که، انتخاب دیگری برای موفقیت فرزندان خود ندارند.

اغلب این آموزشگاه ها در مراکز استان ها و شهرهای بزرگ تحت نمایندگی مراکز آموزشی شناخته شده مانند قلم چی، گاج و فعالند و در استان تهران، در شهرهای تابعه مانند شهریار، رباط کریم، شهرری و اسلامشهر که از تراکم جمعیت بالایی برخوردارند فعالیت می کنند. به عنوان نمونه آموزشگاهی در شهریار که در غالب یک مدرسه غیرانتفاعی نیز فعالیت می کند، مبلغ دو میلیون و چهارصد هزار تومان از دانش آموزان برای یک دوره ی کنکور دریافت می نماید و در کلاس های غیراستاندارد با جمعیتی حدود 40 نفر کلاس های خود را تشکیل می دهد.

مالکیت و سهام این آموزشگاه ها در دست مدیران سابق اداره آموزش و پرورش یا افراد وفادار به آنان است، لذا کمترین نظارتی بر روی آنها نیست، ضمناً از آنجایی که شهریه های دریافتی از دانش آموزان مطابق با تعرفه های رسمی آموزش و پرورش نیست، مدیران با سندسازی از پرداخت مالیات فرار می کنند. این در حالی است که در آموزش و پرورش تا 10 درصد مالیات حق التدریس معلمان کسر نگردد، حقوق شان پرداخت نمی شود.

ج- گروه سوم: دانش آموزانی که قادر به ثبت نام در کلاس های کنکور نیستند: اکثریت دانش آموزان در ایران قادر به ثبت نام در کلاس های کنکور با هزینه های میلیونی نیستند، چه بسا خانواده هایی که از اهمیت کنکور مطلعند اما نه پس اندازی دارند و نه وامی می توانند بگیرند که فرزندان خود را راهی کلاس های کنکور نمایند.

این گروه را اغلب خانواده های کارگری و طبقات فرودست جامعه را تشکیل می دهند. این خانواده ها برنامه ی خودشان با دانش آموزان به شیوه های مختلف تنظیم می کنند. برخی خانواده ها که توان فرستادن فرزندان خود را به کلاس های کنکور ندارند، آنها را راهی کارخانه و بازار کار هم نمی کنند و از آنجایی که فرزندان شان به قبولی در کنکور امیدوارند به کتاب های درسی و کمک درسی متوسل می شوند، تا فقدان کلاس کنکور را جبران نمایند در مواردی تعدادی از آنها با پشتکار فراوان جواز ورود به دانشگاه را می یابند.

طیف دیگری در این گروه، دانش آموزانی هستند که هم دل بسته ی رفتن به دانشگاهند و هم امیدوارند در آزمون سراسری قبول شوند. آنان بهره ی هوشی کمتری از دانش آموزان طبقات فرادست ندارند، اما کارگرند. یعنی مجبورند از فردای امتحانات دیپلم به بازار کار بپیوندند و کسب درآمد نمایند. آن ها از آنجایی که از ارزش افزوده کار خود بی بهره اند قادر به پرداخت هزینه های کلاس کنکور نیستند و حتی، وقت کافی برای مطالعه کتاب های درسی را ندارند. در مواقعی کار پیدی و فشرده آنان بیش از 10 ساعت در روز است و از کمترین استانداردهای حقوقی نیز بهره ای ندارند. در نهایت طیف دیگری از این گروه که آمیدی به قبولی در کنکور ندارند، برای رشته های بدون آزمون برنامه ریزی می کنند و یا بعد از دیپلم ترک تحصیل می نمایند و عطای دانشگاه را به لقایش می بخشند.

امسال 52[3] درصد ظرفیت پذیرش به رشته های بدون کنکور اختصاص یافته است، این در حالی است که 48 درصد باقیمانده شامل رشته های شبانه (نوبت دوم)، پیام نور و غیرانتفاعی و روزانه و رشته های خاص است و تنها دانشجویان پذیرفته شده در رشته های روزانه و تربیت دبیر شهریه پرداخت نمی کنند. بنابر آخرین اطلاعیه [4] سازمان آموزش سنجش، امسال 522144 نفر در کلیه گروه های آزمایشی و در رشته های تحصیلی روزانه، شبانه، پیام نور و ... پذیرفته شده اند که از این تعداد 110612 نفر می توانند در رشته های روزانه و 16463 نفر در دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر رجایی ثبت نام نمایند، یعنی تنها 24/33 درصد افرادی که به دانشگاه راه یافته اند بابت تحصیل شهریه پرداخت نمی کنند و بیش از 75 درصد پذیرفته شدگان در دوره های شبانه، نیمه حضوری، پیام نور، موسسات غیرانتفاعی و مجازی باید بابت ثبت نام شهریه پرداخت نمایند. این آمار و ارقام خود نشان می دهد که چگونه اندک فرصت رایگان تحصیلی از طریق آزمون سراسری در اختیار کسانی قرار می گیرد که قادرند پول و سرمایه ی کافی را برای کالای آموزش در قالب کلاس های کنکور پرداخت نمایند. پس این ادعا که اکثریت شرکت کنندگان و حتی کسانی که ثبت نام نکرده اند، می توانند انتخاب رشته و به دانشگاه را پیدا نمایند، مغلطه ای بیش نیست که می خواهد نبود فرصت برابر در آموزش را مخدوش نماید.

طبیعی است در بین کسانی که به رشته های روزانه راه می یابند درصد کسانی بیشتر است که از امکانات و تکنیک مناسب مانند کلاس کنکور برخوردار بوده اند و این فرزندان طبقات فرودست جامعه هستند که یا باید از طریق پرداخت شهریه در رشته های بدون آزمون شرکت نمایند و یا ادامه تحصیل نداده، جذب مناسبات نابرابر بازار کار شوند. این نوع گزینش و سهمیه بندی در قالب یک هدایت تحصیلی طبقاتی، در بازتولید مناسبات نابرابر نقش اساسی و تعیین کننده دارد. با این حساب می توان به این سوال اساسی پاسخ داد که چرا کنکور با تمام ناکارآمدی اش

همچنان به عنوان فرصت برابر تبلیغ می گردد؟ پاسخ روشن است. در سیستم آموزشی ایران کنکور بهترین مکانیسمی است که به صورت چراغ خاموش آخرین عرصه های آموزش عمومی را به تملک صاحبان سرمایه در می آورد. چه چیزی بهتر از موفقیت در آزمون های کنکور از طریق مراکز خصوصی و تبلیغات رسانه ای می تواند مسیر خصوصی سازی کامل آموزش و پرورش در ایران را هموار و تثویز نماید. نگاهی به تبلیغات رسانه ملی! در ارتباط با کارتل های بزرگ اقتصادی در عرصه آموزش نشان می دهد که جهت گیری کلی حاکمیت در راستای اهداف صاحبان سرمایه قابل تبیین است.

فراتر از موارد فوق، کارکرد کنکور در بازتولید نابرابری در مورد زنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، دختران کنکوری در ایران به اندازه پسران قادر به دستیابی به منابع برابر جهت موفقیت در آزمون سراسری نیستند. هنوز تعداد زیادی از دختران در روستاها و شهرهای کوچک امکان استفاده از کلاس ها و مدارس کنکور را ندارند. آنها اگر این تبعیض را با تلاش و پشتکار شخصی تا حدودی به حاشیه برانند در مرحله بعدی با سهمیه بندی جنسیتی رشته های تحصیلی هنگام انتخاب رشته روبرو خواهند شد. کلیشه های جنسیتی نظام طبقاتی در قالب کنکور متبلور می شود، گویی کنکور گلوگاه اساسی برای کنترل و هدایت بازار کار نیمی از جمعیت جامعه است. این کنکور و تبعات آن است که نقش جنس دوم بودن زن را در جامعه طبقاتی ایران تثبیت می کند. نتیجه این که موفقیت در کنکور سراسری در سیستم آموزش و پرورش در ایران نیاز به برنامه ریزی و امکانات ویژه دارد که با صورت اجمالی در تقسیم بندی فوق به آن اشاره شد. هر دانش آموز لاجرم یکی از مسیرهای فوق را طی می کند که هر یک ویژگی ها و شاخص های طبقه ای را در خود دارد. این نابرابری در عرصه آموزش خود معلول نابرابری ذاتی در مناسبات مبتنی بر سرمایه - داری است. زمانی که دانش آموزان از فرصت و امکانات برابر برای آمادگی کنکور برخوردار نیستند، وقتی تست کنکور زدن به یک تکنیک تبدیل می شود و سوالاتش جنبه راز و رمز به خود می گیرد که تنها رازگشایی از آن به دست کارشناسان متبحر شاغل در کارتل های اقتصادی عرصه آموزشی میسر است چگونه می توان از فرصت برابر سخن گفت؟

- [1]. در تبلیغات رسانه ملی برنامه های مرتبط با کنکور تحت عنوان فرصت برابر تبلیغ می گردد.
- [2]. منظور از مدارس خاص مانند مدارس تیزهوشان، نمونه دولتی و شاهد هستند که در سراسر ایران شعبه دارند و زیر نظر آموزش و پرورش فعالیت می کنند همچنین مدارس مانند علوی، مفید، مطهری و ... که هریک توسط افراد ذی نفوذ اداره یا حمایت می شوند و از رانت های ویژه ای برخوردارند.
- [3]. معاون سازمان سنجش می گوید : 52 درصد ظرفیت پذیرش کنکور 92 به رشته های بدون آزمون اختصاص دارد.

<http://www.irna.ir/Print.aspx?NID=80756992>

- [4]. اطلاعیه سازمان سنجش را درلینک زیر مشاهده نمایید:
<http://sanjesh.org/FullStory.aspx?gid=1&id=1103>

بدون شرح چپاول درسازمان تامین اجتماعی!

برپایه مطلب گزارش شده آمده است : گوشه هایی از مناظره تلویزیونی پنجشنبه شب درباره سازمان تامین اجتماعی:
- با نگاهی به ترازنامه سازمان تامین اجتماعی وضعیت این سازمان مشخص می شود. به طوری که مجموعه دارایی های سازمان تامین اجتماعی 120 هزار میلیارد تومان و تعهدات این سازمان 600 میلیارد تومان است.

- سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی 120 هزار میلیارد تومان برآورد شده است، این شرکت حدوداً سالانه 3 درصد سود می‌دهد در صورتی که باید 19 یا براساس ابلاغ هیأت امناء 24 درصد سود سالانه آن باشد.
- شرکت‌های رجا و هما که بابت رد دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شده زیان‌ده بوده است در صورتی که شرکت شستا 1200 هیئت مدیره دارد که به آنها پاداش‌های آن چنانی می‌دهد.
- سازمان تأمین اجتماعی دارای ویلاهای فرانسوی ساز است که تنها 400 میلیون تومان خرج مبلمان آن شده است.
- سازمان تأمین اجتماعی بازنشسته‌ای دارد که ماهی 7 میلیون تومان می‌گیرد و بازنشسته‌ای دارد که حداکثر 700 هزار تومان دریافتی آن است.
- سازمان تأمین اجتماعی انواع ویلاها را در شهرهای مختلف برای مدیران و مقامات دارد ولی مطالبات کارگران مثل بن کارگری و حق مسکن را نمی‌دهد.
- تأمین اجتماعی در 51 درصد بانک صادرات، بانک رفاه، مس سرچشمه، راه‌آهن و بسیاری از شرکت‌ها سرمایه‌گذاری مسکن و شرکت‌های داروسازی هزینه می‌کند و متأسفانه 4 درصد سود درآمدهای حاصل به حساب اعضای شستا می‌رود که بیش از 300، 400 نفر نیستند و این‌ها حق و حقوق کارگران است.
- در حال حاضر افراد غیرکارگر را بر سر سفره کارگران گذاشته‌ایم و آدم‌هایی که کارگر نبودند به سازمان تأمین اجتماعی ورود کرده و از مزیت‌های این سازمان استفاده می‌کنند.
- در گذشته در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی هر پزشک در ساعت 8 نفر را ویزیت می‌کرد ولی در حال حاضر باید 80 نفر را ویزیت کند.
- دولت مطالبات خود را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمی‌کند، دولت مدیرعامل برای شستا و سازمان تأمین اجتماعی انتخاب می‌کند و تمام سیاست‌گذاری‌ها در تأمین اجتماعی توسط دولت است، دولت مستقیماً تصمیم‌گیری می‌کند تمام دولتها به محض اینکه روی کار می‌آیند اولین جایی که تغییر مدیریت ایجاد می‌شود سازمان تأمین اجتماعی است.
- در حال حاضر مجموعه اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی دست مدیرعامل سازمان نیست و کمیته‌ای در دولت تشکیل شده است تا مدیران شستا را انتخاب کند.
- دولت بر سازمان تأمین اجتماعی طمع دارد و مجلس نیز به تبع دولت در امور این سازمان دخالت می‌کند.
- درآمد حاضر از دریافت حق بیمه در سال گذشته 33 هزار میلیارد تومان بوده که یک سوم آن یعنی چیزی حدود 12 هزار میلیارد تومان باید مختص درمان شود که فقط 5 هزار میلیارد تومان آن هزینه شده است.
- یک جبهه بخور و بخور است به نام شستا که با 400 میلیون تومان سور و ساتی درست کردند و دوم اینکه وقتی آمدند فساد پنهانی داخل آن بود و حتی به کارگر اجازه ورود به ویلاهای فرانسوی که حق کارگر بود را ندادند و این ویلا شامل از ما بهتران شد، ویلایی که تغییر مبلش 400 میلیون تومان هزینه داشت.
- کارگردمانگاه می‌رود، تخت خالی به او نمی‌دهند که بخوابد، مرگ کارگر برایشان مهم نیست.
- سازمان تأمین اجتماعی بازنشسته‌ای دارد که ماهی 7 میلیون تومان می‌گیرد و بازنشسته‌ای دارد که حداکثر 700 هزار تومان دریافتی آن است.
- سازمان تأمین اجتماعی انواع ویلاها را در شهرهای مختلف برای مدیران و مقامات دارد ولی مطالبات کارگران مثل بن کارگری و حق مسکن را نمی‌دهد.

صادرات نفت ایران به کمتر از یک میلیون بشکه در روز کاهش یافت

بنا به گزارش ماهانه آژانس بین‌المللی انرژی که روز پنجشنبه منتشر شد، ایران طی ماه گذشته میلادی، روزانه به طور متوسط ۹۸۵ هزار بشکه صادرات نفت داشته است. بر اساس این گزارش، ایران در ماه اوت - ۱۰ مرداد تا ۱۰ شهریور - علاوه بر چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه، به امارات متحده عربی و سوریه نیز صادرات نفت خام داشته است.

ادامه کاهش صادرات نفت ایران به زیر یک میلیون بشکه در حالی است که در قانون بودجه سال جاری، صادرات روزانه یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت پیش بینی شده است.

جمعه ۲۲ شهریور ۱۳۹۲ ه.ش.

چهارمین برنامه کارخانه، مجله کارگری هفتگی رادیو ندا

چهارمین برنامه کارخانه، مجله کارگری هفتگی رادیو ندا شامل این قسمت هاست :

- 1- اخبار کارگری هفته
- 2- بررسی نظام استاد - شاگردی
- 3- بازخوانی نوشته ای از محمود صالحی، فعال کارگری

گوش کردن فایل صوتی با مدیا پلیر
گوش کردن فایل صوتی با ریل پلیر

http://radio-neda.blogspot.se/2013/09/blog-post_13.html

خطر ابتلا به "آزبستوزیس" در کمین کارگران صنایع

برپایه گزارش خیرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 22 شهریور 92 آمده است که : یک دکترای مهندسی بهداشت محیط با اشاره به اینکه "آزبستوزیس" یک بیماری مرتبط با مشاغل با عوارض جدی تنفسی است، تصریح کرد: این بیماری در کمین افرادی است که در کارخانه‌هایی فعالیت می‌کنند که محصولات تولیدی آنها حاوی آزبست است از جمله صنایع تولید پنبه نسوز، ایزوگام، سیمان و پشم شیشه.

دکتر میترا غلامی ، اظهارکرد: کارگرانی که در کارخانه‌ها و صنایعی فعالیت می‌کنند که با آزبست سر و کار دارند همچون صنایع تولید ایزوگام، پشم شیشه، پنبه نسوز، آسفالت سازی، سیمان و عایق‌های حرارتی در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های ریوی بویژه آزبستوزیس هستند.

وی افزود: آزبستوزیس یک بیماری تنفسی مرتبط با شغل است که معمولاً با دیرکرد علائم خود را بروز می‌دهد به طوری که حتی ممکن است سالیان درازی طول بکشد تا فرد پی به بیماری خود ببرد. باید توجه داشت عوارض اختلال در عملکرد دستگاه تنفس این بیماری در کارگران بسیار جدی است و از آنجا که درمان خاصی ندارد حتی ممکن است منجر به مرگ افراد مبتلا شود. غلامی ادامه داد: استفاده از ماسک توسط کارگران و ایجاد تهویه مناسب و مکانیسم‌های کاهش عوارض این ماده در محیط کار می‌تواند در پیشگیری از ابتلای افراد به این بیماری کمک کننده باشد.

این عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران افزود: از آنجا که ذرات آزبست بسیار ریز بوده و غیر قابل رویت هستند می‌توانند در اعماق ریه نفوذ کرده و در آن باقی بمانند. سرطان ریه و سرطان حنجره که یکی از شایعترین سرطان‌های سر و گردن محسوب می‌شود از جمله بیماری‌هایی است که می‌تواند افراد را در صورت مواجهه طولانی مدت با این ماده درگیر کند.

غلامی در پایان با بیان اینکه ذرات آزیست پس از جانشینی در ریه حتی با سرفه نیز خارج نمی شوند، خاطرنشان کرد؛ ورود ذرات ریز این ماده به داخل ششها تبادل اکسیژن و دی اکسید کربن را مختل می کند و با ایجاد تنگی نفس به مرور ریه فرد را از بین می برد، بنابراین رعایت نکات مربوط به پیشگیری از ابتلا به عوارض آزیست و خودداری از قرار گرفتن در معرض طولانی مدت آن همچنین تنفس در هوای حاوی حجم بالایی از این ماده به منظور حفظ سلامتی افراد بویژه کارگران صناعی که محصولات تولیدی آنها دارای آزیست است، ضرورت دارد.

اعتصاب کارگران پیمانکاری در جزیره صنعتی صدرا

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: روز چهارشنبه هفته گذشته 400 نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری مستقر در جزیره صنعتی صدرا در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این کارگران از اردیبهشت ماه سالجاری تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند.

بنا بر این گزارش، در پی این اعتصاب مسئولین شرکت به جای پاسخگوئی به کارگران و پرداخت دستمزدهای آنان با هدف جلوگیری از گسترش اعتصاب تا اطلاع ثانوی اقدام به تعطیلی شرکت نمودند.

عدم پرداخت دستمزد کارگران شرکتهای پیمانکاری در جزیره صنعتی صدرا در حالی ادامه دارد که حدود یکماه از واگذاری 63 درصد سهام صدرا به یک شرکت خصوصی میگذرد و کارگران این شرکت امید اینرا داشتند که با این واگذاری، وضعیت نابسامان شرکت رو به بهبودی بگذارد اما نه تنها چنین نشده است بلکه سفره های خالی کارگران شرکت صدرا بیش از هر زمان دیگر خالی تر شده و در این میان زمزمه هایی نیز مبنی بر تعدیل نیروی شرکتهای پیمانکاری شنیده میشود.

در رابطه با وضعیت اسف بار کارگران شرکت صدرا، محسن یکی از کارگران شاغل این شرکت میگوید:

بعد از برگشتن از شرکت با پراید مدل پائینی که دارد مسافر کشی میکند و شب دیر موقع به خانه بر میگردد در حالی که دو دخترش هنوز چشم انتظارش نشسته اند. محسن میگوید اول مهر نزدیک است و دخترانش یکی اول دبستان و دیگری چهارم است و برای خرید کیف و کفش و مانتو و دفترشان عاجز مانده است.

اکبر کارگر دیگر شرکت صدرا است که هیچ منبع درآمد دیگری ندارد. حساب میکند که چقدر بدهکاری بالا آورده است، از سوپر مارکت محله اش تا پیش برادر و پدرش. میگوید که این نابسامانی باعث قهر همسرش شده است. میگوید الان به جایی رسیده که اگر شرکت چهار ماه حقوقش را نیز یکجا بدهد باز عقب است. بنا بر اظهار اکبر وضعیت دیگر کارگران شرکت نیز به همین منوال است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 23 شهریور ماه 1392

تجمع بازنشستگان ذوب آهن برای پیگیری مطالبات خود

به گزارش واحد مرکزی خبر، در تاریخ 23 شهریور 2 آمده است: حدود 300 نفر از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان برای پیگیری مطالبات خود مقابل کانون بازنشستگان این شرکت جمع شدند. حسینی نماینده کارگران علت اصلی این تجمع ها را پرداخت نشدن مطالبات بازنشستگان ذوب آهن از سال 88 تا کنون اعلام کرد و گفت: بازنشستگان ذوب آهن حدود هزار میلیارد تومان طلب دارند.

مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان هم با بیان اینکه در حال حاضر مؤسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد اصفهان 300 میلیارد تومان موجودی نقدی دارد افزود:

واگذاری سهام و اموال ذوب آهن و فولاد به سازمان خصوصی سازی و انتقال آن به سازمان تأمین اجتماعی کشور سبب شد پرداخت حقوق و مستمری ذوب آهنی ها به تعویق بیفتد. آقای دستمزد گفت: امروز از دفتر معاون اول رئیس جمهور با من تماس گرفتند و اعلام کردند پس فردا پاسخ مناسبی برای رفع مشکل بازنشسته های ذوب آهن اعلام خواهد شد.

شورای نگهبان طرح بازنشستگی با ۱۰ سال سابقه بیمه را رد کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، آمده است: شورای نگهبان طرح بازنشستگی افراد با سابقه ۱۰ سال پرداخت حق بیمه را که در مجلس تصویب شده بود، رد کرد. محمد اسماعیل سعیدی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت که بر اساس نظر شورای نگهبان، از آنجا که منابع مالی اجرای این طرح روشن نشده است، این مصوبه خلاف قانون تشخیص داده شده است. بر اساس مصوبه مجلس، سازمان تأمین اجتماعی موظف می‌شد که به افراد با سابقه کوتاه مدت پرداخت حق بیمه، مزایایی بر اساس سابقه بیمه‌شان پرداخت کند. مردهای بالای ۶۰ سال، زنان بالای ۵۵ سال و خانواده متوفیان از جمله کسانی بودند که بر این مصوبه می‌توانستند، از سازمان تأمین اجتماعی، حقوق ماهیانه دریافت کنند.

تأمین منابع مالی، دغدغه بزرگ مسئولان است دولت روحانی و غولی به نام هدفمندی پارانه‌ها

به نوشته روزنامه قانون به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: از اواخر دهه شصت و همزمان با پایان یافتن جنگ تحمیلی، بحث محدود کردن نقش دولت در اقتصاد و بازگرداندن قدرت بخش خصوصی به عنوان اصلی‌ترین خواسته اقتصاددانان از قوه مجریه مطرح شد. در کنار طرح‌هایی مانند تعدیل ساختاری و حتی ابلاغ سیاست‌های اصل 44 قانون اساسی، طرح هدفمندی پارانه‌ها در راس برنامه‌هایی بود که بسیاری از کارشناسان اجرایی شدن آن را برای اقتصاد ایران لازم می‌دیدند. با گذشت بیش از دو دهه از شروع طرح‌های اصلاحات اقتصادی، بحث هدفمندی پارانه‌ها برای مدت‌ها روی زمین ماند و نه دولت سازندگی و نه دولت اصلاحات علاقه‌ای به پذیرش ریسک شروع این طرح نداشتند. هدفمندی اما از روز نخست در راس برنامه‌های اقتصادی محمود احمدی‌نژاد قرار داشت و او در همه جا از آن سخن می‌گفت. هرچه بود این طرح بزرگ در آذر ماه 89 کلید خورد و به مرحله اجرا درآمد. طرحی که از همان ابتدا سوالات بسیاری را در ذهن مردم و کارشناسان برانگیخت و امروز نیز علی‌رغم تغییر دولت، همچنان با ابهامات بسیاری روبه‌روست و به پاسخ‌های درخوری احتیاج دارد.

در همان روزهای ابتدایی آغاز به کار مجلس به منظور بررسی طرح هدفمندی پارانه‌ها بسیاری از کارشناسان اقتصادی نسبت به خطرات پرداخت نقدی پارانه‌ها هشدار می‌دادند. بالا بردن پایه‌های پولی کشور و به تبع آن افزایش نرخ تورم اصلی‌ترین عامل نگران‌کننده‌ای بود که ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول می‌کرد اما در کنار آن خطر معتاد شدن جامعه به این پول و جا باز کردن آن در سبد درآمدی خانوار نیز تهدیدی بود که پس از سه سال، امروز رخ عیان کرده است. نگرانی از احتمال حذف پرداخت نقدی پارانه‌ها در دولت یازدهم به حدی بود که در پیگیری‌های انتخاباتی مردم نقش بسیار پررنگی پیدا می‌کرد و بسیاری در بین صحبت‌های انتخاباتی کاندیداها به دنبال نظرشان درباره چگونگی ادامه دادن طرح هدفمندی پارانه‌ها بودند. حال وزیر اقتصاد روحانی کار خود را درحالی آغاز می‌کند که از یک سو باید با نقدینگی و تورم

بالای موجود در اقتصاد جامعه مقابله کند و از طرف دیگر این امکان وجود دارد که در صورت جزئی‌ترین تغییر در نحوه اجرای این جراحی بزرگ اقتصادی نارضایتی اجتماعی به محسوس‌ی بار آید.

مسئله‌ای که شخص وزیر نیز به آن اذعان دارد و معتقد است پول پارانه‌ها در دو سال گذشته در زندگی اقشار کم درآمد جای خود را باز کرده و حذف آن از سبد درآمدی دهک‌های پایینی، آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. با این وجود همچنان حساسیت خاصی بر روی هدفمندی پارانه‌ها وجود دارد و هر خبر جدیدی که در این حوزه مخابره می‌شود در بین اقشار مختلف با بازتابی گسترده مواجه می‌شود.

در روزهای گذشته وزیر اقتصاد برخی از دغدغه‌های خود را نسبت به طرح هدفمندی پارانه‌ها اعلام کرده و هر چند بر لزوم ادامه یافتن پرداخت‌های نقدی تاکید کرده و به این ترتیب بخشی از حساسیت‌های جامعه را کاهش داده است اما بررسی دیگر ابعاد کار نیز حائز اهمیت است و راهبرد بلند مدت تیم اقتصادی دولت را نسبت به آینده این طرح را به شکل محسوس‌تری نشان می‌دهد.

کسری بودجه در پرداخت‌های نقدی

یکی از اصلی‌ترین مسائلی که نه تنها ذهن وزیر اقتصاد که ذهن تمام تیم اقتصادی دولت و حتی مجلسی‌ها را به خود معطوف کرده، بحث تامین منابع لازم برای ادامه پرداخت‌های نقدی پارانه‌هاست. آن طور که در قانون هدفمندی مصوب مجلس آمده، بنا شده است درآمدهای حاصل از اجرای این قانون در دو حوزه خاص هزینه شود، یکی پرداخت نقدی به سرپرستان خانوار و دیگری حمایت از واحدهای تولیدی. حال و پس از گذشت بیش از دو سال از ابلاغ قانون، وزیر اقتصاد دولت یازدهم می‌گوید نه تنها سهم حوزه تولید در هدفمندی پرداخت نشده، بلکه حتی پرداخت‌های نقدی نیز با بیش از 10 هزار میلیارد تومان کسری همراه شده است.

از این رو برای تامین منابع لازم برای ادامه پرداخت‌های نقدی چند راه در پیش رو وجود دارد. طیب نیا در این باره این طور توضیح می‌دهد: دولت قبل برای جبران کسری به استقراض از بانک مرکزی و خزانه متوسل شد. اتفاقی که قطعا در دولت روحانی اتفاق نمی‌افتد. پس چند راه وجود دارد یا باید مبلغ پارانه کاهش یابد که ممکن نیست یا باید فشار بیشتری بر روی شرکت‌های تامین کننده انرژی مانند توانیر وارد آید که قطعا عملی نخواهد بود و یا در قیمت حامل‌های انرژی تغییراتی به وجود آورد. البته طیب نیا هنوز هیچ تصمیمی را در این زمینه قطعی نمی‌داند و می‌گوید تنها در صورتی که در اصلاحیه بودجه نتوانیم تغییرات لازم را به وجود آوریم اصلاح در قیمت حامل‌های انرژی نیز جزو گزینه‌ها خواهد بود.

لزوم توجه به امر تولید

از دیگر مسائلی که از نظر طیب نیا به آن توجه خاصی صورت نگرفته و علیرغم تصریح قانون عملیاتی نشده حمایت از تولید است. از آنجایی که بهبود فضای کسب و کار و ارتقای جایگاه تولید جزو اصلی‌ترین شعارهای اقتصادی رییس جمهور در ایام انتخابات بود، قطعا یکی از محورهایی که باید نسبت به آن طرح‌ریزی شود توجه به تولید در ادامه طرح است و در شرایطی که در حال حاضر این طرح با مشکلات بسیاری حتی در پرداخت‌های نقدی مواجه شده پیدا کردن راهی برای پرداخت سهم تولید نیز از مشکلاتی است که باید برای آن چاره‌ای مناسب اندیشیده شود.

اجرای عدالت در جاده خاکی...

پس از آغاز اجرای طرح هدفمندی در دولت احمدی نژاد و با حذف خوشه‌های سه گانه و پرداخت مساوی به تمامی افرادی که ثبت نام کرده بودند، انتقادات دیگری نیز آغاز شد و آن اینکه چرا در پرداخت‌های نقدی عدالت رعایت نشده است و تمام دهک‌ها در سراسر کشور به صورت یکسان پارانه دریافت می‌کنند. این سوال تا امروز نیز پابرجاست و به نظر می‌رسد تیم اقتصادی دولت یازدهم باید برای آن چاره‌ای مناسب بیندیشد. مسئله‌ای که طیب‌نیا نیز به آن اشاره کرده و وعده داده است با هدف توجه هر چه بیشتر به اقشار کم درآمد در ادامه کار با حذف دهک‌های بالا،

سهم افشار کم درآمد را افزایش دهد. دهک‌هایی که به نظر می‌رسد تفکیکش، آن طور که نشان می‌دهد آسان نیست و دولت احمدی نژاد علیرغم شعارهای خود ترجیح داد به آن ورود نکند.

توجه به تامین اجتماعی

اما "تامین اجتماعی" یکی از موارد جدیدی است که در راستای اجرای قانون هدفمندی از سوی نزدیکان دولت یازدهم شنیده می‌شود؛ این امر نیز به نوعی زیر مجموعه عدالت جای می‌گیرد و در بین دغدغه‌های وزیر اقتصاد جایگاه خاصی دارد. طیب‌نیا در صحبت‌های خود وعده داده است افزایش گسترده بیمه‌ها و تامین اجتماعی را دنبال کند و آن را در مراحل بعدی هدفمندی به کار بندد مسئله‌ای که در کشورهای توسعه یافته سال‌هاست به عنوان سنتی جا افتاده درآمد اما در ایران هرگز آن طور که باید پیگیری نشده است. به همین دلیل در صورتی که طبق وعده‌های طیب نیا این امکان فراهم شود، تغییر مهم دیگری در اقتصاد ایران شکل خواهد گرفت.

و گام دوم ...

تمامی این مسائل و مشکلات در حالی به وجود آمده که هدفمندی پارانه‌ها تازه در مرحله نخست خود قرار دارد و تا نهای شدن آن فاصله بسیاری باقی مانده است طبق قانون مجلس قانون هدفمندی باید در فاصله چند سال و به صورت گام به گام پیش رود، امری که تیم اقتصادی دولت تدبیر و امید موظف است به آن عمل کند.

البته قبل از آن مقدمات بسیاری لازم است و طیب‌نیا نیز شرط‌های خاص خود را دارد هر چند نوبخت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور از انتقال سازمان هدفمندی پارانه‌ها به معاونت متبوعش خبر داده اما واضح است که به سرانجام رساندن چنین طرحی نیاز به برنامه‌ریزی گسترده در سطح قوای مجریه و مقننه، هماهنگی در تیم اقتصادی دولت و ایجاد شناختی مناسب از ابعاد اقتصادی جامعه دارد و به این ترتیب تا رسیدن به پایان خوش این شاهنامه، فاصله بسیاری مانده است.

تضییع فریبکارانه حقوق کارگران شرکتهای پیمانکاری شرکت نفت آبادان

کارفرمایان در شرکتهای پیمانکاری شرکت نفت آبادان با توسل به یک حربه ی غیر قانونی از پرداخت کلیه ی حقوق و مزایای مندرج در قانون کار شانه خالی کرده و سرباز میزنند مدیریت این شرکتهای با توسل به واژه ی منطقه ی ویژه عملاً قانون کار را زیر پا میگذارند. در حالیکه شهر آبادان منطقه آزاد تجاری صنعتی محاسبه میشود و نه منطقه ی ویژه اقتصادی که یک عرصه ی صنعتی است و ربطی به منطقه آزاد تجاری ندارد.

کلیه ی کارگران شاغل حق بیمه ی خود را مطابق ضوابط قانون کار پرداخت کرده و مشمول قانون کار هستند. در حالیکه کارفرمایان با توسل فریبکارانه به واژه ی منطقه ی ویژه تجاری عملاً حقوق قانونی کارگران از جمله سختی کار، مرخصی ماهانه، بدی آب و هوا و ... را که باید طبق ضوابط قانون کار اعمال شود زیر پا میگذارند. با تشکر جمعی از کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان

بیشترین تعداد دانشجویان در ایران در رشته حسابداری تحصیل می‌کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر آمده است: بر اساس اعلام وزارت علوم، در سال تحصیلی پیش‌رو، رشته حسابداری بیشترین تعداد دانشجو را دارد و استان تهران، پرجمعیت‌ترین استان کشور از نظر تعداد دانشجو است.

به گزارش خبرگزاری مهر، رضا عامری – رئیس مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم – گفت که بعد از حسابداری با ۲۳۰ هزار دانشجو، رشته‌های حقوق و کامپیوتر (شاخه نرم‌افزار)، بیشترین تعداد دانشجو را دارند.

همچنین بعد از استان تهران، استانهای اصفهان و خراسان رضوی، بیشترین تعداد دانشجویان

کشور را در خود جای داده‌اند. به گفته عامری، هم‌اکنون چهار میلیون و ۴۰۰ هزار دانشجوی در دو هزار و ۵۰۰ موسسه آموزش عالی در حال تحصیل هستند.

رئیس انجمن صنفی خبازان سبزوار: شیوه پرداخت مزد نانویان به افزایش ساعات کاری‌شان منجر شده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی خبازان سبزوار از پرداخت دستمزد به کارگران نانوا بر اساس «پخت روزانه» که به افزایش ساعت کاری شان منجر می‌شود انتقاد کرد.

«غلامرضا دامرودی» در این باره به ایلنا گفت: کارگران نانوا برای تامین معاش مجبورند روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار کنند زیرا دستمزد این کارگران بر اساس پخت روزانه پرداخت می‌شود و هر چه تعداد نان بیشتری در روز پخت شود این کارگران مزد بیشتری می‌گیرند. وی در تشریح پرداخت مزد به کارگران خباز شاغل در نانواپی‌های تنوری بیان کرد: کارگری که خمیر را چانه می‌زند و کارگری که نان را از تنور بیرون می‌آورد به ازای هر نان، ۱۲ تومان مزد می‌گیرند و شاطر که نان را می‌پزد به ازای هر نان، ۱۶ تومان مزد دریافت می‌کند. به عبارتی، برای پخت هر نان تنوری، ۴۰ تومان به کارگران پرداخت می‌شود.

به گفته آقای دامرودی، از بیش از ۲۰۰ نانواپی سبزوار، کمتر از ۴۰ نانواپی پخت ماشینی دارند و بقیه به صورت تنوری پخت می‌کنند.

این فعال صنفی در ادامه افزود: با وجود گذشت بیش از ۵ ماه از ابتدای سال جاری، مزد کارگران خباز هنوز افزایش پیدا نکرده است زیرا مزد این کارگران به شرط افزایش قیمت نان، تغییر می‌کند.

وی تصریح کرد: نان زودتر از سه ماهه اول سال گران نمی‌شود و افزایش قیمت معمولاً به شهریور ماه موکول می‌شود. با این حال مابه‌التفاوت این تاخیر ۶ ماهه به کارگران پرداخت نمی‌شود.

رئیس انجمن صنفی خبازان سبزوار در پایان با اشاره به فشار کاری کارگران نانوا که اکثراً به رماتیسم گردن مبتلا می‌شوند و همچنین قرارگیری این کارگران در معرض دائمی حرارت تنور بر لزوم شمول قانون مشاغل سخت و زیان آور برای آنان تاکید کرد.

پایان پیام

33 ماه عدم پرداخت حقوق کارگران کارخانه قند اهواز

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: دومین کارخانه قند خوزستان بعد از پنج سال تعطیلی، هنوز در بلاتکلیفی به سر می‌برد و کارگران آن (47 کارگر) آ 33 ماه است که حقوق نگرفته‌اند. همچنین در زمان تعطیلی کارخانه حدود 170 نفر نیروی قراردادی اخراج شدند و با وجودی که حدود 60 نفر نیز در این مدت بازنشسته شده‌اند، اما با این کارگران تسویه حساب نشده و این افراد سنوات خدمتی خود را هنوز دریافت نکرده‌اند.

براساس این گزارش، شرکت تولیدی قند و تصفیه شکر اهواز، دومین کارخانه قند خوزستان بعد از "قند دزفول" به شمار می‌رود که تعطیل شده است. این کارخانه که در سال 1338 تاسیس شده بود و به رغم تمام ظرفیت‌هایش در تیرماه 78 خط تولید خود را کاملاً متوقف کرد. این واحد تولیدی در منطقه‌ای بسیار مناسب واقع است. زیرا از یک سو مواد اولیه (شکرخام) برای تصفیه وجود دارد و از سوی دیگر به بنادر جنوبی کشور نزدیک است و می‌تواند کمک بزرگی به رفع محرومیت و اشتغالزایی و کشاورزی در خوزستان بکند اما تغییر مدیریت و پاسکاریها، کارخانه را به نابودی کشاند.

کارخانه تصفیه قند و شکر اهواز به دلیل مشکلات مالی از سال 87 به بانک‌ها واگذار شد و تعدادی از کارگران آن اخراج شدند. باقیمانده کارگران که هنوز به صورت نگهبان یا مکانیک مشغولند.

در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت نهم به خوزستان در سال 87، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد و این وزارتخانه با استناد به همین مساله بازسازی کارخانه را تعلیق کرد.

بعد از آن نه بانک‌ها به‌عنوان مالکان قبلی حاضر به قبول مسئولیت شدند و نه وزارت صنعت، معدن و تجارت. تا اینکه پارسال مالکیت کارخانه دوباره به سهامداران بازگشت.

در این میان کارگران برای تعیین تکلیف کارخانه بارها در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند تا شاید صدایشان به گوش مسئولان برسد. این کارگران در دی ماه 91 نیز در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم دریافت مطالبات خود، همچنین بی توجهی مسئولان کشوری و استانی نسبت به حقوق کارگران در مسیری که رئیس جمهوری و همراهانش به قصد افتتاح يك کارخانه جدید (تصفیه شکر وابسته به شرکت نیشکر) در حال عبور بودند تجمع کرده و خواستار توجه دولت به کارخانه های بحران زده شدند. اما هیچکدام از این اقدامات نتیجه بخش نبود.

بدون شرح

عضو هیئت تحقیق و تفحص از این سازمان:

۲۰ هزار برگ سند تخلف در پشت درهای بسته تامین اجتماعی گم شد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: عضو هیئت تحقیق و تفحص شورای اسلامی با بیان اینکه این دومین بار است که برای تحقیق و تفحص در تأمین اجتماعی اقدام می‌کنیم، گفت: متأسفانه گزارش اول هیئت تحقیق و تفحص هرگز در مجلس قرائت نشد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «علیرضا محجوب» در نشست خبری که صبح امروز در مجلس برگزار شد، گفت: چه بسا اگر آن گزارش قرائت می‌شد جلوی بسیاری از تخلفات گرفته می‌شد. وی با تأکید بر اینکه مجلس باید همواره نقش نظارتی خود را ایفا کند، افزود: با قرائت نشدن گزارش اولین هیات تحقیق و تفحص، هزینه‌های زیادی را متحمل شدیم.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس با بیان اینکه در هیئت تحقیق و تفحص جدید، عمدتاً تحقیق‌ها حول تخلفات شرکت شستا صورت گرفت، گفت: چند روز بعد از شروع کار در اواخر تیرماه به وزیر وقت نامه نوشتیم و درخواست کردیم تا کارشناسانی را برای رسیدگی معین کنیم.

محجوب همچنین از گم شدن ۲۰ هزار صفحه مدرکی که مجلس در رابطه با تحقیق و تفحص به امانت در اختیار تأمین اجتماعی قرار داده بود خبر داد و گفت: به تمام کسانی که در گم شدن پرونده‌ها دست داشتند هشدار می‌دهم که در این رابطه مورد تعقیب قرار خواهند گرفت. وی با بیان اینکه اگر بخواهیم درست عمل کنیم باید متخلفین را به دادگاه و دستگاه قضا ارجاع دهیم، در تشریح این حادثه گفت: از آنجا که حجم اوراق بالغ بر ۲۰ هزار صفحه بود و مجلس

فضای کافی برای نگهداری آنرا نداشت تمامی این اسناد بصورت امانت در سازمان تامین اجتماعی نگهداری می‌شد.

به گفته محجوب، در حالی که کلید مکان پرونده‌ها همچنان در اختیار هیات تحقیق و تفحص است اما در سازمان تامین اجتماعی نه از محل نگهداری اسناد و نه از خود اسناد هیچ خبری نیست. وی افزود: ۲۰ هزار برگ گمشده مربوط به گزارش بازرسان سازمان در رابطه با تخلفات مراکز درمانی، شعب و شستا بوده است.

این نماینده مجلس با انتقاد از عدم همکاری و کم‌کاری مقامات دولتی در ۲ ماه گذشته افزود: کسانی که در اجرای مصوبات مجلس و قانون کوتاهی می‌کنند باید بدانند که با آنها برخورد خواهد شد.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی با یادآوری اینکه اجرای قانون برای نمایندگان مجلس در اولویت قرار دارد، گفت: به دلیل آنکه مدارک لازم در اختیار اعضای هیئت تحقیق و تفحص قرار نگرفته است قرائت و انتشار این گزارش تا به امروز به تأخیر افتاده است.

عضو هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی همچنین با انتقاد از عملکرد شرکت سرمایه گذاری سازمان تامنی اجتماعی (شستا) گفت: عدم اجرای قانون برنامه مهم‌ترین ایرادی است که به شرکت شستا وارد است.

محجوب بابت این که در قانون برنامه به صراحت بر تغییر رویه شستا از بنگاهداری به سهامداری تأکید شده است، گفت: شرکتهای اقتصادی زیر مجموعه شستا، مؤسسه سرمایه‌گذار یا اشتغال‌آفرین نیستند بلکه مؤسساتی هستند که باید طبق قانون به کارگران بیمه شده خدمات بیمه‌ای و درمانی ارائه کنند.

این نماینده مجلس با بیان اینکه متأسفانه شستا در زمان فعالیت نخستین هیات تحقیق و تفحص از ارائه مدارک درخواستی خودداری کرده بود، گفت: هرچند مدیر عامل جدید حسن نیت نشان داده است مهم این است که مدارک در زودترین هنگام باید به هیات داده می‌شد.

وی ادامه داد: هرچند استقرار هیات و آغاز بکار آن در زمان تعیین سرپرست سازمان صورت گرفت اما نیم‌توان نادیده گرفت که آغاز تحقیق و تفحص از زمانی بود که ناچار شدیم در مقابل ممانعت برای مستقر شدن تلفنی به زور و سختگیری و تهدید به مراجعه به دادگاه متوصل شویم.

وی تصریح کرد: متأسفانه مسئولان تامین اجتماعی از دادن اطلاعات کافی به اعضای هیئت تحقیق و تفحص فرار می‌کنند. زیرا گمان می‌برند از این راه همکاران و احتمالاً خودشان تبرئه می‌شوند.

وی ادامه داد: از آنجا که تا به امروز با کسی برخورد نشده است مقامات دولتی مطلب را زیاد جدی نمی‌گیرند بنابراین من تعهد می‌دهم کسانی که با هیئت همکاری نمی‌کنند مورد برخورد قضایی قرار بگیرند.

وی از افراد مطلعی که به هر نحو ممکن در جریان تخلف مسئولان سازمان تامین اجتماعی و شرکت سرمایه گذاری این سازمان (شستا) قرار دارند، خواست حداکثر تا پایان شهریورماه اطلاعات و دانسته‌های خود را به نمایندگان عضو هیات تحقیق و تفحص تحویل دهند تا بدین ترتیب ظرف ۲ ماه گزارش این هیات در صحن علنی مجلس قرائت شود.

وی با انتقاد از عدم حضور خبرنگار روزنامه خورشید (روزنامه ارگان سازمان تامین اجتماعی) در این نشست خبری افزود: یکی از موارد تحقیق و تفحص منابع مالی روزنامه خورشید است.

وی در پایان با بیان اینکه هیئت تحقیق و تفحص حتی می‌تواند با توجه به تخلفات صورت گرفته طرح استیضاح وزیر مربوطه را در دستور کار مجلس قرار دهد اظهار داشت: البته این مسئله در حال حاضر موضوعیت ندارد زیرا وزیر تازه عوض شده و گزارشات تخلف مربوط به دولت قبل است.

پایان پیام

اضافه کار اجباری ارمغان قراردادی شدن شرکتی ها در بیمارستانهای خراسان جنوبی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است : اضافه کار اجباری ارمغان قراردادی شدن نیروهای شرکتی در بیمارستانهای خراسان جنوبی است که هم اکنون نیروهای خدمه این بیمارستانها را به دلیل افزایش فشارهای کاری مجبور به تصمیم گیری برای بازنشستگی پیش از موعد کرده است.

اواخر سال 89 وقتی زمزمه خبر حذف شرکتهای خدماتی به گوش رسید عده زیادی از نیروهای شرکتی این مسئله را راهکار خدایسندانه ای دانستند که در آن آینده شغلی، حق و حقوق قانونی، بیمه و سایر موارد قانونی شان حفظ خواهد شد.

اعتراض مدیران و رئیس شرکتهای خدماتی به نتیجه نرسید بلکه طبق پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور وقت و به استناد اصل 138 قانون اساسی و البته با هدف حمایت از حقوق کارکنان شرکتی، دستگاه های اجرایی به حذف قرار دادها با شرکتهای تامین نیرو انسانی مکلف شدند.

بر این اساس از ابتدای سال 90 نیروهای شرکتی به طور مستقیم با دستگاه های اجرایی قرار داد بسته و تمامی حقوق و مزایای خود را از دولت دریافت می کنند، در این میان اگرچه آینده کاری این نیروها به نحوی تضمین شد، اما برای آن عده ای که در کارهای شیفتی مشغول به کار شده اند حجم کار غیر قابل تحمل شده است.

در این گزارش مشکلات تعدادی از نیروهای خدماتی بیمارستانهای ولی عصر و امام رضا بروجرد را جویا شدیم و کارکنان این بیمارستانها خواستار شدند از ذکر نام آنها در این گزارش خودداری شود.

بازنشستگی پیش از موعد تصمیمی سخت که ناچار به انجام آن هستیم یکی از نیروهای خدمه بخش زنان بیمارستان ولی عصر ، می گوید: 36 سال سن دارد و بیش از 6 سال سابقه کار اما زندگی اش دچار بحران شده و احتمال زیاد خود را بازنشسته قبل از موعد خواهد کرد.

وی به 50 ساله ها می ماند موقع راه رفتن دستش روی کمرش می گذارد و به سختی یکی از پاهایش را از زمین بلند می کند.

وی ادامه داد: حجم بیمار در این بخش زیاد بوده و بیشتر فصل ها بخش بحرانی است، اما تعداد خدمه این بخش چهار نفر بیشتر نیست.

وی تصریح کرد: این چهار نفر علاوه بر کار نظافت، کمک پرستار و بیمار بر هم هستند یعنی از نظافت گرفته تا جا به جا کردن بیماران، تعویض لباس، ملحفه ها و ... به عهده آنها است.

وی بیان داشت: گاهی هم که سرم بیمار گیر دارد و پرستار وقت رسیدگی ندارد مشکل را حل می کنند که تنها در این یک مورد هم خلاصه نمی شود.

یکی از بحث های اساسی در بخش های درمانی نیز همین بحث خدمات از کمک بهیاران است زیرا در حال حاضر به دلیل کمبود پرستار در خیلی مراکز به اجبار و خواه ناخواه شاهد هستیم بخشی از کارها به نیروهای خدمات سپرده می شود. در حالی که نیروهای خدمات نه سواد این کار را دارند و نه صلاحیت آن را.

دخالت نیروهای خدماتی در برخی کارهای درمانی در بیمارستانها به دلیل کمبود نیرو و یا موضوعاتی دیگر نیز موضوعی است که خود باید در گزارش دیگر مورد بررسی قرار گیرد زیرا به گفته کارشناسان بهداشتی نیروهای خدماتی به دلیل نداشتن سواد و تجربه لازم می توانند عاملی برای عفونت های بیمارستانی باشند.

اضافه کاری های اجباری/ گرفتن مرخصی معضلی برای نیروهای قراردادی

یکی دیگر از خدمه این بخش در مورد سختی کارش می گوید: زندگی اش خلاصه شده در بیمارستان حتی فرزند سه ماهه اش را که باردار بود به دلیل کار زیاد و نداشتن استراحت کافی از دست داد.

وی از نبود نیروی کافی، ندادن مرخصی و شیفت های سنگین و اضافه کاری های اجباری خسته شده است و ادامه می دهد: زنان چون باید کارهای خانه را نیز در برنامه شان قرار دهند این روند کاری آزار دهنده شده است و او را با سن کمی که دارد دچار زانو دردهای شدید کرده است.

یکی از نیروهای قراردادی که در سانترال بیمارستان ولی عصر بیرجند مشغول به کار است از پایان کارش می گوید و اینکه برای سال آینده قرار داد جدیدش را امضا نخواهد کرد.

وی که از فشارهای کاری زیاد در این واحد گلایه مند است، می گوید: قبلا با وجود شرکت ها وقتی نیرویی نیاز به مرخصی داشت راحت می توانست به مرخصی برود و شرکت موظف بود جای خالی او را با یک نیروی پاره وقت پر کند اما حالا نه تنها رفتن مرخصی برای ما یک معضل بزرگ است بلکه باید گفت چون یک نفر جای دو نفر کار می کند همکاران دیگر حاضر نیستند جای خالی یک نفر دیگر را هم پر کنند.

وی تصریح کرد: با این شرایط زندگی اش دچار بحران شده و ترجیح می دهد دیگر به این کار ادامه ندهد.

کار در بیمارستان جزء مشاغل سخت نیست

نیروهای بیمارستان امام رضابیرجند نیز با چنین مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنند. یکی از نیروهای خدماتی بیمارستان امام رضابیرجند نیز که نخواست نامش عنوان شود از کار زیاد گله ندارد اما معتقد است بیمه ای که برای نیروهای شیفتی بیمارستانها پرداخت می شود منصفانه نیست.

وی بیان کرد: بیمه من با یک فرد عادی و کارگر ساده فرقی نمی کند در حالی که سختی کار من و همکاران دیگر در این بیمارستان و یا بیمارستان ولی عصر بسیار بیشتر است.

وی تصریح کرد: باید دولت و مسئولان فکری برای حل این مشکل ارائه دهند چون حق من که با مواد شیمیایی و ضد عفونی و شرایط سخت جمع آوری زباله های عفونی و شیفت های شب که خود مسئله ای جدا است این نیست که بیمه ام هیچ فرقی با کارگر عادی نداشته باشد.

وی گفت: بازنشستگی یک نیروی کارگر بیمارستان باید با یک کارگر ساده تفاوت داشته باشد. بودجه ای برای اضافه کردن نیروها نداریم

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، در حالی که شرایط سخت کاری این نیروها را تأیید می کند، گفت: برای حل این مشکل رایزنی های فراوانی شده اما وقتی نیرویی اضافه می شود که منبعی برای پرداخت حقوق وجود داشته باشد که در حال حاضر به دلیل کمبود بودجه این شرایط حل شدنی نیست.

قاسم کریمی با ابراز این مسئله که از فشار کاری وارد شده به نیروها مطلع است اما مجوزی برای جذب نیرو وجود ندارد، عنوان کرد: وقتی نیروهای شرکتی تبدیل وضعیت شدند در برخی از بخش ها نیروهای فرسوده مشغول به کار بود و از طرف دیگر به عنوان مثال در شرکت اگر 80 نفر مشغول به کار بودند تنها 20 نفر از آنها تبدیل وضعیت شدند که این مسئله باعث شد بخش نیرو در بیمارستانها به خصوص در بحث نیروهای خدماتی به خوبی انجام نشود.

وی اضافه کرد: این روند باعث شد تعداد نیروهای خدماتی محدود شود و فشار کار بر نیروهای موجود افزایش یابد.

کریمی ادامه داد: تا کنون نتوانسته ایم راهکاری برای این مشکل نیروها پیدا کنیم و تا زمانی که مجوز نیرو نداشته باشیم نیز کاری از دست ما ساخته نیست.

گزارش خبری/

نقش هدفمندی یارانه ها در بروز فاجعه آزادراه تهران - قم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: شامگاه دوشنبه، ۱۸ شهریورماه لاستیک اتوبوسی که از اصفهان به سمت تهران در حرکت بود در ۲۰ کیلومتر ۳۰ اتوبان قم تهران ترکید. اتوبوس پس از انحراف با عبور از گاردریل وسط اتوبان، وارد لاین غربی شد و با اتوبوس دیگری که از تهران به مقصد یزد در حرکت بود تصادف کرد. در این حادثه ۴۴ نفر جان خود را از دست داده و ۴۴ نفر دیگر مجروح شدند - یک فاجعه تمام عیار. به گزارش ایلنا، با گذشت پنج روز از این حادثه، بازار مقصربابی همچنان داغ است و قابل پیشبینی است که همچون موارد مشابه در سایر حوادث حین کار، سرانجام این بازار داغ به کباب کردن «عامل انسانی» بیانجامد. رانندگان اتوبوس در این قبیل حوادث، غالباً متاع سهل‌الوصولی‌اند که توأمان مورد استقبال دولت و مجلس و به تبع رسانه‌ها قرار می‌گیرند. چه رانندگان مقصر این حادثه باشند و چه تنها دیوارشان کوتاه‌تر از سایرین، آنچه لازم است پیش از یافتن مقصر شنیده شود، صدای این متهمان همیشگی است.

جایگاه همیشگی خطای انسانی

رئیس انجمن صنفی رانندگان اتوبوس‌های برون شهری گفت: شواهد غیر قابل انکاری وجود دارد که در حادثه اخیر آزاد راه تهران-قم که به کشته شدن ۴۴ نفر از هموطنانمان منجر شد، رانندگان اتوبوس مقصر نبوده‌اند.

«غلامرضا خادمی‌زاده» در این باره به ایلنا گفت: همواره به ناحق خطای انسانی عامل بروز حوادث رانندگی در جاده‌های کشور معرفی می‌شود و این درحالی است که اکثر حوادث بین جاده‌ای به دلایل دیگری چون نقص فنی وسلیه نقلیه و نایمن بودن مسیر رخ می‌دهند. وی گفت: انجمن صنفی رانندگان اتوبوس‌های برون شهری با قاطعیت اعلام می‌کند که چنانچه پلیس راه، سازمان حمل و نقل جاده‌ای و وزارت راه باهم بخواهند رانندگان و کمک رانندگان متوفی را به مقصر حادثه تصادف دو اتوبوس مسافربری در آزادراه تهران-قم معرفی کنند، این تشکل صنفی از طریق قانون و با مدارک محکمه پسند ثابت می‌کند که نیروی انسانی کمترین سهم را در بروز این سانحه داشته است.

این مقام صنفی بابیان اینکه در این حادثه «نقص فنی لاستیک» دلیل اصلی بروز تصادف متجر به فوت سرنشین اتوبوس‌ها بوده است، گفت: از سال ۸۹ که با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به بخش حمل و نقل آسیب‌های جدی وارد آمد و هیچ تمهیدی برای تامین قطعات یدکی مورد نیاز رانندگان اتخاذ نشد.

وی بابیان اینکه گفته می‌شود این حادثه در پی ترکیدن لاستیک یکی از اتوبوس‌ها و انحراف آن آغاز شد، در تشریح دلایل احتمالی فرسودگی لاستیک خودرو گفت: بعد از آزادسازی قیمت‌ها به نام هدفمندی، قیمت هر جفت لاستیک اتوبوس از حدود ۹۰۰ هزار تومان در نیمه دوم سال ۸۹ به بیش از ۵ میلیون تومان در سال ۹۱ رسید. در آن زمان با همکاری وزارتخانه‌های بازرگانی و راه تنها حدود ۱۳۰۰ حلقه لاستیک اتوبوس و کامیون با ارز دولتی میان رانندگان و وسائط نقلیه سنگین توزیع شد.

خادمی‌زاده با یادآوری اینکه برای تردد نزدیک به ۱۸ هزار وسلیه نقلیه سنگین در مدت ۶ ماه به ۳۰ تا ۵۰ هزار حلقه لاستیک نیاز است، افزود: از آنجا که اقدام دولت برای تامین لاستیک ارزان بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت، این اقدام دیگر ادامه نیافت و در نتیجه رانندگان ناچار شدند تا برای تامین لاستیک خودروهای خود به بازار اجناس درجه دوم چینی روی آورند. وی ادامه داد: مادامی که اوضاع اقتصادی کشور در نتیجه تورم و رکود آشفته باشد، هیچ راننده‌ای قادر به خرید لاستیک ۵ میلیون تومانی نیست.

به گفته این مقام صنفی، این شرایط تنها به سود سودجویانی است که از موقعیت پیش آمده سوء استفاده کرده و دور از نظارت کیفی دولت، لاستیک‌های درجه دوم چینی را آشکارا به نصف

قیمت وارد بازار می‌کنند. وی ادامه داد: در نتیجه اشتباه مسئولان دولتی در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها ضریب ایمنی لاستیک خودروهای سنگین بطور فاحشی سقوط کرده است.

نقش پنهان خودروسازان و وزارت راه در حوادث جاده‌ای

رئیس انجمن صنفی رانندگان اتوبوس‌های برون شهری در بخش دیگری از این گفتگو، با تأکید بر اینکه «تمامی اتوبوس‌های برون شهری که توسط شرکت‌های داخلی تولید می‌شوند دارای نقص ایمنی‌اند»، اظهار داشت: علاوه بر آنکه بازهم مشکلات ناشی از نوسانات اقتصادی دسترسی به لوازم یدکی استاندارد را متوقف کرده است، در حال حاضر ایرادهای جدی به ساختار و نحوه مونتاژ اتوبوس‌های داخلی وارد است. وی بابیان اینکه این ایرادها بارها توسط رانندگان به مقامات مربوطه گوشزد شده است، گفت: هرکدام از این ایرادها می‌تواند در زمان بروز حادثه پایان مرگباری را رقم بزنند. وی یادآور شد: به دلیل نواقص فنی متفاوت تنها در ۵ سال اخیر جاده‌های کرمان، اردبیل، خوزستان و مشهد ۲۱ مرتبه شاهد بروز حوادث منجر به آتش سوزی بوده‌اند. این مقام صنفی کارگری ادامه داد: متأسفانه دستگاه‌های مسئول مانند راهنمایی و رانندگی و وزارت صنایع تاکنون نتوانسته‌اند حتی با تهدید به توقف روند شماره گذاری، خودروسازان کشور را نسبت به رعایت کردن استانداردهای ایمنی و برطرف کردن نواقص موجود در خودروهای تولید شده مجاب کنند.

خادمی‌زاده همچنین با بیان اینکه در بروز حادثه هفته گذشته غیر استاندارد بودن حفاظ فلزی کنار آزادراه (گاردریل) نیز در کشته شدن بیش از ۴۴ سرنشین اتوبوس موثر بوده است، یادآور شد: مستندات حاکی از آن است که در جریان این حادثه دو ردیف حفاظ فلزی کناری که کاربردشان جلوگیری از چنین حوادثی است از جا کنده شده بودند. وی بابیان اینکه دلیل نصب کردن حفاظ فلزی کنار جاده جلوگیری از خروج احتمالی خودرو از مسیر اصلی است، گفت: وقتی این حفاظ در نتیجه برخورد با اتوبوس به جای انجام دادن نقش بازدارندگی، خود به عاملی حادثه خیز تبدیل می‌شود یعنی در ساخت و نصب آن به مسائل ایمنی توجه نشده است. وی افزود: در سالهای اخیر تعداد حوادثی برون شهری که توسط حفاظ‌های فلزی کنار جاده‌ای ایجاد شده‌اند قابل توجه بوده است. خادمی‌زاده گفت: حتی اگر به دلیل بیمه اجباری سرنشینان اتوبوس‌های بین جاده‌ای دیه و سایر خسارت‌های مادی حادثه دیدگان تصادف هفته گذشته آزاد راه قم پرداخت شود بازهم بی‌انصافی است که بخواهیم مانند سوانح هوایی تمامی تقصیرها را متوجه چهار راننده و کمک راننده متوفی کنیم و از نقش موثر سایر مقصرین چشم پوشی کنیم.

پایان پیام

مرکز آمار نرخ تورم روستایی مرداد را 41.4 درصد اعلام کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: مرکز آمار ایران نرخ تورم خانوارهای روستایی در مردادماه را 41.4 درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه را 42.6 درصد اعلام کرد. براساس این گزارش، مرکز آمار ایران گزارش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی کشور در مردادماه سال 92 را اعلام کرد.

بر اساس این گزارش شاخص کل (برمبنای 100 = 13981) در مردادماه سال 92 عدد 789.1 را نشان می دهد که نسبت به ماه قبل 1.3 درصد افزایش داشته است. شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل 42.6 درصد افزایش نشان می دهد.

درصد تغییرات شاخص کل در دوازده ماه منتهی به مردادماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل (نرخ تورم)، 41.4 درصد است. این نرخ در ماه گذشته 40.4 درصد بوده است.

شاخص گروه خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات در این ماه به رقم 1091.6 رسید که نسبت به ماه قبل 1.0 درصد افزایش و نسبت به ماه مشابه سال قبل 45.5 درصد افزایش نشان می دهد. نرخ تورم دوازده ماه منتهی به مردادماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل در این گروه به 46.5 درصد رسیده است.

شاخص گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات در مردادماه 92 به رقم 557.7 درصد رسید که 1.7 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می دهد. میزان افزایش این گروه نسبت به ماه مشابه سال قبل 38.5 درصد و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به مردادماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل این گروه 34.6 درصد است.

برق رباتدبیر!!گران کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 23 شهریور 92 آمده است : به جای افزایش تعرفه، ردیف ناخوانده وارد قبوض برق شد و بر این اساس هزینه هر کیلو وات برق از 430 ریال به 460 ریال به نام عوارض افزایش یافت.

بنابهمین گزارش، از این پس ردیفی جدید به قبوض برق اضافه می شود که بر اساس آن به ازای هر کیلووات برق، 30 ریال عوارض گرفته می شود.

اعتصاب کارگران پیمانکاری در جزیره صنعتی صدرا

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است : روز چهارشنبه هفته گذشته 400 نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری مستقر در جزیره صنعتی صدرا در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این کارگران از اردیبهشت ماه سالجاری تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند .

بنا بر این گزارش، در پی این اعتصاب مسئولین شرکت به جای پاسخگوئی به کارگران و پرداخت دستمزدهای آنان با هدف جلوگیری از گسترش اعتصاب تا اطلاع ثانوی اقدام به تعطیلی شرکت نمودند .

عدم پرداخت دستمزد کارگران شرکتهای پیمانکاری در جزیره صنعتی صدرا در حالی ادامه دارد که حدود یکماه از واگذاری 63 درصد سهام صدرا به یک شرکت خصوصی میگذرد و کارگران این شرکت امید اینرا داشتند که با این واگذاری، وضعیت نابسامان شرکت رو به بهبودی بگذارد اما نه تنها چنین نشده است بلکه سفره های خالی کارگران شرکت صدرا بیش از هر زمان دیگر خالی تر شده و در این میان زمزمه هایی نیز مبنی بر تعدیل نیروی شرکتهای پیمانکاری شنیده میشود .

در رابطه با وضعیت اسف بار کارگران شرکت صدرا، محسن یکی از کارگران شاغل این شرکت میگوید :

بعد از برگشتن از شرکت با پراید مدل پائینی که دارد مسافر کشی میکند و شب دیر موقع به خانه بر میگردد در حالی که دو دخترش هنوز چشم انتظارش نشسته اند. محسن میگوید اول مهر نزدیک است و دخترانش یکی اول دبستان و دیگری چهارم است و برای خرید کیف و کفش و مانتو و دفترشان عاجز مانده است .

اکبر کارگر دیگر شرکت صدرا است که هیچ منبع درآمد دیگری ندارد . حساب میکند که چقدر

بدهکاری بالا آورده است، از سوپر مارکت محله اش تا پیش برادر و پدرش. میگوید که این نابسامانی باعث قهر همسرش شده است. میگوید الان به جایی رسیده که اگر شرکت چهار ماه حقوقش را نیز یکجا بدهد باز عقب است. بنا بر اظهار اکبر وضعیت دیگر کارگران شرکت نیز به همین منوال است.

نایب رییس انجمن برنج: اجرای ناقص قانون هدفمندی، شالی کوبی‌ها را به تعطیلی کشانده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: نایب رییس انجمن برنج گفت: عدم پرداخت سهم ۳۰ درصدی تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها، کارخانجات شالی کوبی را در معرض تعطیلی قرار داده است.

«علی اکبریان» در این باره به ایلنا گفت: پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، به رغم افزایش چند برابری هزینه‌ها تا به حال ۱ ریال هم یارانه به کارخانجات شالی کوبی پرداخت نشده است.

نایب رییس انجمن برنج ادامه داد: واردات بیش از نیاز داخل برنج باعث شده است که از میزان عملکرد مفید کارخانجات شالی کوبی کاسته شود و اگر واردات به حد نیاز بود کارخانجات داخلی با مشکل روبرو نمی‌شدند.

علی اکبریان با اشاره به اینکه تا ۲۰ سال پیش، ساری و قائم شهر بزرگ‌ترین منطقه کشت پنبه بود، افزود: با عدم حمایت دولت از کارخانجات پنبه پاک کنی، دیگر کشت چندانی در آن منطقه انجام نمی‌شود. وی با انتقاد از محاسبه آب و برق کارخانجات شالی کوبی به قیمت صنعتی تاکید کرد: در صورت عدم پرداخت تسهیلات به کارخانجات شالی کوبی، آن‌ها نیز به سرنوشت کارخانجات پنبه پاک کنی مبتلا خواهند شد.

به گفته اکبریان، دولت نه تنها کارخانجات شالی کوبی را حمایت نمی‌کند بلکه شالی کوبان را نیز فراموش کرده است، بطوریکه نسل جوان تمایلی برای ورود در این عرصه ندارند.

وی با اشاره به آینده نگری جوانان ادامه داد: نسل جوان به دنبال مشاغلی هستند که ثبات شغلی داشته باشند و چون دولت از برنج پر محصول حمایت نمی‌کند، نسل جوان به سمت شهرها کشیده شده‌اند.

پایان پیام

گرانی لوازم التحریر ترمز بریده است! حداقل 1.5 میلیون تومان هزینه يك دانش آموز برای تحصیل در مدرسه دولتی!؟

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: در حالی فصل داغ و سوزان تابستان واپسین روزهای خود را در خنکی طی می‌کند که قیمت بالای لوازم التحریر تب شدیدی گرفته و جیب والدین را می‌سوزاند.

هر سال در آستانه بازگشایی مدارس دستگاه‌های نظارتی و اصناف با همکاری یکدیگر نمایشگاهی برگزار می‌کنند تا ضمن کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش آن، کمکی به خانواده‌ها در تامین لوازم تحریر و کاهش التیام قیمت‌های سوزان کنند اما دریغ که این هدف هیچگاه محقق نشده است زیرا قیمت‌های نمایشگاهی نیز تفاوتی با بازار آزاد ندارند.

با گشت و گذار در بازار مایحتاج مهر یعنی همان چیزی که برای سطح آگاهی دانش‌آموزان نیاز است و از آن به عنوان نوشت افزار یاد می‌شود، مغازه‌ها و ویترین‌هایی را می‌بینیم که به شکل خاصی تزئین شده تا بازار از رکود خارج شود و مشتریان را به سمت خود بکشاند. در میان گرانی قیمت بازار مدارس اما هیچکس و هیچ نهادی به طور واقعی فکری برای کنترل قیمت‌ها نداشته تا از این راه و بدون تزئین مغازه‌ها مشتری را جذب کنند. قیمت‌هایی که از ابتدای سال تاکنون بالا و پایین می‌رفت امروز با قرار گرفتن در آستانه بازگشایی مدارس ثابت شده اما در سکوی گرانی ایستاده است. گرانی، رونق را از بازار لوازم التحریر یزد گرفته است.

تلاش‌های تولید کنندگان محصولات داخلی هم بی نتیجه مانده، زیرا هم مواد اولیه را باید وارد کنند و هم اینکه توان رقابت با طراحی خارجی را ندارند. ارزانی طرح و نقش‌های اسلامی ایرانی هم گویا حریف این بازار نشده که هم از نظر قیمت تفاوت چندانی با نمونه خارجی ندارد و هم از نظر کیفیت و زیبایی کار نمی‌تواند دل دانش‌آموزان را برای انتخاب به دست آورد.

با اینکه کمتر از 10 روز به بازگشایی مدارس بیشتر مانده اما هنوز بازار تحریر رونق چندانی نگرفته و خانواده‌هایی که برای خرید می‌آیند ابتدا قیمت‌های سرسام آور و بالا را با محتویات حساب بانکی خود مقایسه می‌کنند و اگر دخل و خرجشان با هم بخواند به طرح و نقش هم نگاهی می‌کنند اما در این شرایط قیمت اجناس مهمتر از رنگ و لعاب و طرحشان است.

رئیس آموزش و پرورش یزد هم ممنوعیت ورود لوازم تحریر با طراحی خارجی به مدارس یزد را ممنوع کرده و همین موضوع باعث شده خانواده‌ها با کمی تامل در این زمینه اقدام کنند تا در آینده نمره انضباط فرزندان در برخورد با این نوع تهاجم فرهنگی مورد تهدید قرار نگیرد.

بازار مملو از لوازم التحریرهای خارجی/ تولیدکنندگان مغموم داخلی بازار لوازم تحریر اما پر شده از کالاهای خارجی و برندهایی که گاهی در مقایسه با تولیدات داخلی از کیفیت چندانی برخوردار نیستند اما به دلیل رنگ و لعاب خاص مورد توجه قرار دارند. رئیس اتحادیه لوازم تحریر یزد اظهار داشت: خوشبختانه بازار امسال کمبودی ندارد و همه اقلام مورد نیاز به اندازه کافی توزیع شده و در دسترس خانواده‌ها قرار دارد. حسین مرتضوی گفت: با وجود افزایش قیمت‌ها، کسر و کمبودی در بازار نیست و تنها در حوزه توزیع کتب کمبود داشتیم که رفع شده است.

وی بیان داشت: دفتر و کتب درسی به میزان نیاز توزیع شده و خانواده‌ها نباید هیچ نگرانی در این زمینه داشته باشند.

اقلام مورد نیاز دانش‌آموزان در بازار به میزان کافی وجود دارد رئیس اتحادیه لوازم تحریر یزد اضافه کرد: البته خرید بیش از حد نیاز می‌تواند به راحتی نظم بازار را به هم بزند و از کنترل خارج کند اما از آنجایی که اقلام مورد نیاز به میزان کافی در بازار توزیع شده نباید جای نگرانی باشد.

گرچه کالاهای تحریر و نوشت افزارهای دانش‌آموزان کسر و کمبودی در بازار ندارد و جای نگرانی نیست اما افزایش قیمت‌هایی که در مقایسه با سال و سال‌های گذشته ترمز بریده خانواده‌ها را نگران کرده است.

قیمت خودکارهای خارجی که سال گذشته 400 تومان و کمتر بود اکنون کمتر از 800 تومان نیست و خودکارهای ایرانی هم کمتر از 500 تومان در بازار دیده نمی‌شود.

انواع دفتر از نقاشی گرفته تا خط دار و دوخط، سیمی و غیرسیمی هم قیمت‌های گران خودشان را دارند اما در برخی موارد با کاهش تعداد برگ‌های دفتر سعی شده از قیمت آن کم کند که این موضوع نیز گلایه خانواده‌ها را به همراه داشته است.

فهرست پیش دبستانی‌ها امسال هزینه‌ای دو برابری روی دست والدین گذاشت محمود عسکری که دو فرزند دختر دارد به شدت از قیمت‌های لوازم تحریر ابراز نارضایتی می‌کند و می‌گوید: دو سال پیش دختر بزرگم را به پیش دبستانی فرستادم و لیستی که مدرسه برای

تهیه لوازم داده بود با 80 هزار تومان جمع شد اما امسال برای دختر کوچکترم این لیست از 140 هزار تومان هم بیشتر شده است.

وی افزود: بسیاری از کالاها قیمتشان چند برابر شده و کسی جوابگوی خانواده‌ها نیست، فروشندگان هم به دلیل خرید گران مجبور به فروش گران هستند.

گرانی‌ها گویا تنها مختص به نوشت افزار و بازار تحریر نیست و غول گرانی بر بازار پوشاک و کیف مدارس هم سایه افکنده است.

حداقل 1.5 میلیون تومان هزینه يك دانش آموز براي تحصيل در مدرسه دولتي عسکری ادامه داد: مانتو و شلوار سال گذشته کمتر از 20 هزار تومان بود اما امسال برای هر یک از فرزندانم باید 40 هزار تومان هزینه کنم که اگر تمامی هزینه‌های تحصیل، جزوه و کتاب‌های کمک‌آموزشی، هزینه های جانبی، ثبت نام و سرویس مدرسه را در کنارهم قرار دهیم از یک میلیون و پانصد هزارتومان نیز بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به مقایسه قیمت کالاهای ایرانی و مشابه خارجی افزود: به غیر از کاغذ و دفتر که تولید داخل هستند و طراحی خارجی دارند، سایر کالاها هم نمونه خارجی و هم نمونه داخلی دارند که قیمت نمونه داخلی بهتر از خارجی است.

عسکری تصریح کرد: مصرف خودکار و مداد و مدارنگی داخلی هم کمک به تولید ملی است و هم ارزانتر از نمونه خارجی است ضمن اینکه از کیفیت خوبی در مقایسه با مشابه خارجی خود برخوردار است.

گرانی لوازم التحریر؛ حرف مشترک همه خانواده‌ها بیشتر خانواده‌ها نظراتی مشابه یکدیگر دارند اما در یک موضوع با یکدیگر کاملاً هم نظر و هم عقیده هستند؛ گرانی لوازم تحریر.

ناخود آگاه یاد حرف‌های مدیرعامل کارخانه تولیدی پارس مداد می‌افتم که دل پردردی از واردات لوازم تحریر و تعرفه پایین گمرکی آن داشت و می‌گفت: همین تعرفه پایین باعث می‌شود تا کالای خود را گرانتر از تولید داخلی بفروشند و سود هنگفتی به جیب بزنند.

ضیایی دل پردردی از تعطیلی یک به یک واحدهای داخلی داشت و می‌گفت: اگر واردات نداشته باشیم تا سه برابر نیاز تمام کشور را تامین می‌کنیم و ...

وی از دانش‌آموزانی صحبت می‌کرد که تابستان را کار می‌کردند تا خرج تحصیلشان را تامین کنند. اما نمی‌دانم دانش‌آموزانی که امسال برای کار خود اندک حقوقی گرفته‌اند با این قیمت‌های سرسام آور برای تحصیل خود چه می‌کنند آیا دچار تردید می‌شوند و قید درس خواندن را برای همیشه می‌زنند یا عزمشان را برای تحصیل جزم می‌کنند؟

پای درد دل بازنشستگان ذغالسنگ کرمان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس آمده است: بازنشستگان ذغالسنگ کرمان از مشکلات و خواسته‌های خود با مسئولان می‌گویند.

منصور متقی فرماندار کوهبنان در گفت‌وگو با خبرنگار فارس درباره وضعیت بازنشستگان ذغال سنگ اظهار داشت: طی دو سال حضور در کوهبنان بارها به اتفاق استاندار، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی و مسئولان شهرستان در جمع کارگران و بازنشستگان شرکت ذغالسنگ حضور یافتیم و تمام توان خود را برای رفع مشکلات آنان به کار بسته‌ایم.

وی عنوان کرد: تاکنون هفت مرتبه در اعماق 570 متری زمین در جمع کارگران زحمتکش ذغالسنگ حاضر شده به گونه‌ای که در آخرین مرحله در هفته دولت سال جاری جلسه شورای اداری را در عمق 570 متری زمین در جمع کارگران تشکیل دادیم تا از نزدیک شاهد تلاش طاقت‌فرسا و حرف‌های نگفته کارگران باشیم.

متقی خاطر نشان کرد: جوانان ما بهترین لحظات عمر خود را در اعماق تاریک و نمناک زمین در

انجام سخت‌ترین کار در دنیا در حالی سپری می‌کنند که به دلیل خطر ریزش معادن، گرد ذغال و خاک، نمناک بودن محیط خطرات بسیار زیادی را برای سلامتی آنان در پی دارد و هر لحظه باید منتظر حادثه جرحی و فوتی باشند.

وی ابراز داشت: تقریباً اکثر اوقات زندگی کارگران معادن با استرس و دلهره همراه است که با دچار شدن به بیماری‌های خاص بازنشسته می‌شوند و اکثر آنان در زمان بازنشستگی توان انجام کارهای دیگر را ندارند و فقط چشم امیدشان به همین حقوق ماهانه است. فرماندار کوهبنان گفت: از نخستین روزهای وقفه در پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان با مراجعه آنان به فرمانداری با تماس‌های مکرر حضوری و تلفنی با استاندار، معاون سیاسی و امنیتی، نماینده شهرستان در مجلس شورای اسلامی، مسئولان صندوق بازنشستگی کشور و استان کرمان انجام شد که امیدواریم هر چه زودتر شاهد نتایج مثبت این رایزنی‌ها باشیم و به موقع حقوق این قشر پرداخت شود.

روند خصوصی‌سازی عامل مشکلات بازنشستگان ذغال‌سنگ

هوشنگ انکوتی رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان صنعت فولاد نیز در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در کوهبنان اظهار داشت: در پایان دوره دولت دهم در بودجه سال 91 مصوب شد تا به دولت اجازه داده شود از سهام صنعت و معدن برای بدهی به صندوق بازنشستگان که بیش از ۷ میلیارد تومان بوده سهام واگذار کند و صندوق با حفظ شخصیت حقوقی با پیوستن به وزارت رفاه استقلال پیدا کند و مدیریت صندوق به عهده وزارت رفاه و حقوق بازنشستگان هر ماه به صورت منظم پرداخت و درمان نیز به همین شکل برای بیماران ریوی و تنفسی انجام شود. وی افزود: در پایان دولت دهم برای نقل و انتقال این سهام از خصوصی‌سازی کوتاهی شد که این امر زمینه را برای بروز مشکلات موجود بازنشستگان فراهم کرد. انکوتی تصریح کرد: در حال حاضر با پیگیری‌های مجمع نمایندگان استان و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با دستور رئیس جمهوری و معاون اول ایشان مراحل قانونی در حال پیگیری و انجام است که امیدواریم به زودی به انجام برسند.

وی گفت: حقوق بازنشستگان در تیرماه 580 هزار تومان پرداخت شده در حالی که حقوق مرداد و شهریور آنان حتی ریالی هم تامین و پرداخت نشده که برای رفع این مشکل با رایزنی‌های به عمل آمده مقرر شد، 200 میلیارد تومان وام از بانک سامان دریافت شود تا زمینه برای پرداخت مابقی حقوق تیر ماه و مرداد ماه بازنشستگان ذغال‌سنگ فراهم شود. رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان صنعت فولاد کرمان گفت: در حال حاضر بیش از 82 هزار نفر بازنشسته در کل کشور دارای مشکل هستند که این رقم در استان کرمان بیش از 10 هزار نفر است که اکثر این بازنشستگان متعلق به شهرستان‌های کوهبنان، زرنند و بخش طغرالجرد شهرستان کوهبنان هستند. وی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت هیچگونه مسئولیتی در قبال صندوق بازنشستگی ندارد، وزارت رفاه هم اعلام می‌دارد به دلیل اینکه انتقالی انجام نشده ما نمی‌توانیم کاری برای بازنشستگان انجام دهیم که امیدواریم با تلاش دولت تدبیر و امید به زودی شاهد رفع این مشکل باشیم.

مشکل در تامین هزینه‌های جاری

علی خیرخواه یکی از بازنشستگان شرکت ذغال‌سنگ در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در کوهبنان گفت: از نیمه دوم سال گذشته تاکنون برنامه مشخصی در پرداخت حقوق ماهانه بازنشستگان شرکت ذغال‌سنگ وجود ندارد، اینجاست که مشکلات اقتصادی فراوانی گریبان‌گیر زندگی آنان شده و مسئولان صندوق بازنشستگی شرکت ذغال‌سنگ فقط وعده‌های امروز و فردا می‌دهند. وی ابراز داشت: این امر که زمینه شرمندگی بازنشستگان را فراهم کرده، موجب شده بسیاری از افراد آبرومند و زحمتکش این قشر حتی توان خرید یک نان و یک کیلو گوشت و میوه را هم نداشته باشند و از سوپی با داشتن فرزندان محصل و دانشجو در پرداخت هزینه‌ها دچار مشکل

شوند که این خود می‌تواند در ترک تحصیل و مهاجرت آنان به سایر شهرها و استان‌ها مؤثر باشد.

خیرخواه عنوان کرد: در آستانه سال جدید با توجه به پرداخت نشدن سه ماهه حقوق بسیاری از فرزندان ما حسرت خرید کیف، کفش و لباس نو را می‌خورند و اگر این روند تا پایان ماه شهریور طول بکشد ممکن است ما حتی قدرت خرید نان خالی و پر کردن شکم فرزندان خود را نداشته باشیم و در صورت بیماری باید در بستر مرگ قرار بگیریم.

امروز صورت گرفت: بررسی طرح بیمه بیکاری در مجمع تشخیص مصلحت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: مصوبه «بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار» که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود و به عنوان مورد اختلافی برای تصمیم‌گیری نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده بود، امروز در جلسه رسمی مجمع در دستور کار قرار گرفت.

به گزارش ایلنا، در این جلسه که علاوه بر اکثریت اعضا، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاون حقوقی رئیس جمهور، یک عضو از فقهای شورای نگهبان و نماینده حقوقدان این شورا، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی و دیگر معاونین و کارشناسان حقوقی مربوطه (از ریاست جمهوری و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) نیز حضور داشتند، اعضا، مدعوبین و کارشناسان مربوطه و شورای نگهبان پس از بحث و بررسی‌های مبسوط مقرر داشتند با توجه به شروع کار دولت جدید و اهمیت مسئله و ضرورت بررسی همه جانبه آن، موضوع به کمیسیون مربوطه با حضور اعضای دولت، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ارجاع شود و پیشنهاد شد تا بار مالی آن نیز در بودجه سال آینده لحاظ شود.

کلیه اعضا بر این نکته تأکید داشتند که حل موضوع باید دربرگیرنده منافع طرفین بوده و مورد کارشناسی دقیق قرار گیرد.

پایان پیام

تشریح آخرین وضعیت پرونده ستار بهشتی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 23 شهریور 92 آمده است: وکیل مدافع اولیای دم ستار بهشتی درباره آخرین وضعیت پرونده مرگ ستار بهشتی در بازداشتگاه پلیس فتا توضیحاتی ارائه کرد.

گیتی پورفاضل، اظهار کرد: در این پرونده قرار مجرمیت با عنوان قتل شبه عمد صادر شده است ولی من این قتل را عمد می‌دانم و به همین دلیل به این موضوع اعتراض کرده‌ام. وی افزود: دلیل عمد بودن قتل این است که پلیس فتا مجوز تحویل گرفتن ستار بهشتی از زندان اوین و نگهداری او در بازداشتگاه به مدت سه روز را نداشته است. وکیل مدافع اولیای دم ستار بهشتی اظهار کرد: در حال حاضر پرونده به دلیل حدوث اختلاف نظر بین دادستانی و بازپرس به دادگاه ارسال شده است. وی افزود: پس از ارجاع پرونده به دادسرا و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال می‌شود.

برپایه این گزارش، پس از مرگ مشکوک ستار بهشتی در بازداشتگاه پلیس فتا در آبان ماه 1391، پرونده‌ای در همین زمینه در شعبه 1 بازپرسی دادسرای امور جنایی پایتخت باز شد و با وجود صدور قرار مجرمیت برای یکی از ماموران پلیس فتا، هنوز کیفرخواست صادر نشده و پرونده برای رفع اختلاف بین نظر دادستانی و بازپرس به دادگاه ارسال شده است.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری خواستار شد: شورای نگهبان از تایید مصوبه خرید سوابق برای بازنشستگی تا سقف ۱۰ سال خودداری کند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: در پی مخالفت شورای نگهبان قانون اساسی با مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی مبنی اینکه افراد با پرداخت ۱۰ سال حق بیمه بتوانند از مزایای خدمات درمانی و بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی استفاده کنند، اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری نامه‌ای را خطاب به اعضای این شورا منتشر کرد.

به گزارش ایلنا نویسندگان این نامه با یادآور شدند: سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی بین‌النسلی است و بدون اجازه مالکان و سهامداران آن نمی‌توان در اموال این سازمان دخل و تصرف کرد.

نویسندگان این نامه در ادامه افزوده‌اند: با این احوال سازمان تامین اجتماعی به دلایل متعدد و از جمله عدم بهره‌مندی از مدیران کارآمد، نبود ثبات مدیریتی مقتدر و خردورز، اعمال سیاست‌ها و تصمیمات لحظه‌ای و نادرست، تغییرات پیاپی در قوانین و ساختار آن و نپرداختن به موضوعات پژوهشی با فراز و نشیب‌ها و چالش‌های جدی مواجه بوده است. در دنباله نامه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری آمده است: شدت این فراز و نشیب‌ها به حدی بوده است که متأسفانه از چند سال پیش مصارف بر منابع سازمان پیشی گرفته و سازمان با کسری بودجه مواجه شده است.

این اتحادیه در دنباله نامه خود با شتاب زده خواندن طرح دو فوریتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص دادن امکان بازنشستگی به افراد با پرداخت تنها ۱۰ سال سابقه بیمه نوشته است: تصویب این طرح شتابزده در بازه زمانی که شاهد تغییر و تحولات مدیریتی در وزارت کار و تامین اجتماعی هستیم کمی قابل تأمل است.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با بیان اینکه این مسأله به دلیل داشتن هزینه زیاد موجی از نگرانی را در بین جامعه کارگری و بیمه شدگان، بازنشستگان و نمایندگان ایشان ایجاد کرده است، یادآور شده است: اجرای این مصوبه در شرایط فعلی هزینه‌های بسیار سنگینی را به سازمان تحمیل خواهد کرد و به غیر از مسائل مالی باعث بی‌عدالتی و تبعیض و هرج و مرج و فرآیند بیمه‌پردازی و فرار از پرداخت بیمه توسط برخی کارفرمایان و معضلات بسیاری دیگر را به همراه خواهد داشت.

اعضای این تشکل صنفی در خاتمه نامه خود با بیان اینکه خود را نسبت به حفظ احترام آراء و نظرات نمایندگان مجلس موظف می‌دانند، از اعضای شورای نگهبان خواسته‌اند به خاطر حفظ و صیانت از حقوق میلیون‌ها نفر بیمه شده و بازنشسته از تایید این مصوبه خودداری کنند.

به گزارش ایلنا متن کامل نامه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری به شورای نگهبان قانون اساسی به شرح ذیل است:

همانگونه که استحضار دارید سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی و صندوق بین‌النسلی است که سرمایه آن متعلق به بیمه شدگان است این واژه مفهوم کاملاً روشنی دارد

و بیانگر این حقیقت است که بدون اجازه مالکان و سهامداران آن نمی‌توان در اموال این سازمان دخل و تصرف کرد این در حالی است که سازمان تأمین اجتماعی به دلایل متعدد و از جمله مهم‌ترین آن‌ها عدم بهره‌مندی از مدیران کارآمد، نبود ثبات مدیریتی مقتدر و خردورز، اعمال سیاست‌ها و تصمیمات لحظه‌ای و نادرست، تغییرات پیاپی در قوانین و ساختار آن و نپرداختن به موضوعات پژوهشی که تصویر روشنی از آینده سازمان بیان نماید و موارد بسیاری دیگر، با فراز و نشیب‌ها و چالش‌های جدی مواجه بوده تا آنجا که متأسفانه مصارف بر منابع پیشی گرفته و سازمان با کسری بودجه مواجه شده است این یعنی فاجعه! فاجعه‌ای که در صورت عدم چاره‌جویی، می‌تواند به یک بحران غیر قابل کنترل برای بخش اعظمی از جامعه و حتی کل جامعه تبدیل شود چرا که تقریباً نیمی از جمعیت کل کشور تحت پوشش خدمات این سازمان بوده و نزدیک به دو میلیون و دویست هزار نفر از مزایای بازنشستگی استفاده می‌نمایند که هر روز نیز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود در حالی که با کاهش سطح اشتغال و افزایش بیکاران ضریب پشتیبانی نیز کاهش پیدا کرده که برای سازمان علامت خطر دیگر است. تصور کنید که خدای ناکرده سازمان برای مدت کوتاهی نتواند به تعهدات خود عمل نماید بعنوان مثال برای چند ماه و حتی یک ماه در پرداخت حقوق بازنشستگان خود دچار مشکل شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این مسأله تا چه اندازه می‌تواند برای کشور دردسرساز باشد بحران حاصل از آنچه هزینه‌هایی برای کشور ایجاد خواهد کرد.

واقعیت امر اینکه ریشه اساسی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌ها و معضلات سازمان را باید در نوع نگرش و نگاه جامعه و حتی مسئولین و دولتمردان نسبت به این نهاد جستجو کرد، که همواره به عنوان یک سازمان متمول بدان نگرسته شده است که گویا هیچ وقت دچار بیماری و مشکل نخواهد شد و به همین خاطر علیرغم رسالت خود مکلف و موظف است که مشکل سایر نهادها و سازمانهای حمایتی و حتی غیر حمایتی را به دوش کشیده و برطرف نماید و این نگرش مهم‌ترین خطر است که سازمان را به صورت جدی تهدید می‌کند که بایستی نسبت به آن تجدید نظر شود با این حال سازمان تأمین اجتماعی در طول حیات پر برکت خود و با ارائه خدمات مختلف به بیمه شدگان کارنامه بسیار درخشانی از خود به جا گذاشته و باری از دوش مسئولین و دولتمردان برداشته است و در مقابل، این دولت‌ها بودند که جای آنکه یار این صندوق بین‌النسلی باشند سربار آن شدند و به باور بسیاری از دلسوخته گان جامعه کارگری و بیمه شده، در مواقع و مقاطع مختلف سازمان حیات خلوت بسیاری از دولتمردان بوده است که از اموال آن ناحق به سایرین بدل و بخشش نمایند و این موضوع خلاف عدالت و ظلم عظیمی است در حق بیمه شدگان که امیدواریم دیگر در دولت تدبیر و امید شاهد اینگونه حاتم بخشی‌ها و ناهنجاری‌ها نباشیم و نیز برابر اصولی از قانون اساسی، دولت متعهد و مکلف به تأمین بهداشت و سلامتی تک تک افراد جامعه است با این حال تقریباً نیمی از جمعیت کشور تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی هستند و از خدمات درمانی آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم استفاده می‌نمایند که وزارت بهداشت می‌بایست حق سرانه درمان این تعداد بیمه شده را به سازمان پرداخت نماید لکن نه تنها این موضوع محقق نشده است بلکه این وزارتخانه هر از گاهی به جهت سرپوش گذاشتن به نقاط سراسر ضعف درمان خود به دنبال ادغام درمان مستقیم سازمان بوده است و یا اینکه علیرغم شعارهای داده شده از سوی دولتمردان مبنی بر پرداخت مطالبات سازمان تا به الان این مهم انجام نشده است و موارد بسیاری دیگر که در این مقال نمی‌گنجد.

دبیر و اعضای محترم شورای نگهبان آنچه که باعث شده است تا لحظاتی از وقت گرانمایه شما را بگیریم طرح دو فوریتی نمایندگان محترم مجلس مبنی بر بازنشستگی افراد (بالای ۶۰ سال برای آقایان و ۵۵ سال برای خانم‌ها و حتی بازماندگان متوفی) با هر میزان سابقه به شرط پرداخت ما به التفاوت آن تا ده سال و نهایتاً تصویب آن است، اگرچه این مسأله نشان دهنده توجه و تعهد نمایندگان محترم مجلس به افشار ضعیف جامعه است که در جای خود قابل تقدیر است، اما تصویب این طرح شتابزده در بازه زمانی که شاهد تغییر و تحولات مدیریتی در وزارت کار و تأمین اجتماعی هستیم کمی قابل تأمل است و البته این مسأله موجی از نگرانی در بین

جامعه کارگری و بیمه شدگان، بازنشستگان و نمایندگان ایشان ایجاد کرده است چرا که اجرای این مصوبه در شرایط فعلی هزینه‌های بسیار سنگینی را به سازمان تحمیل خواهد کرد و به غیر از مسائل مالی باعث بی‌عدالتی و تبعیض و هرج و مرج در فرآیند بیمه‌پردازی و فرار از پرداخت بیمه توسط برخی کارفرمایان و معضلات بسیاری دیگر را به همراه خواهد داشت. کما اینکه بذل و بخشش از جیب بیمه‌شدگان خلاف قانون، شرع و اخلاق است و با معیارهای نظام اسلامی به هیچ عنوان همخوانی ندارد بنابراین ضمن احترام به آراء و نظرات نمایندگان محترم مجلس انتظار می‌رود که به جای سازمان تأمین اجتماعی که در شرف بحران قرار دارد صندوق بیمه‌ای دیگر و یا نهاد حمایتی دیگری را با بودجه مشخص برای این منظور در نظر بگیرند لذا ما نمایندگان کارگران، بیمه شدگان و بازنشستگان ضمن مخالفت شدید با اجرای این مصوبه از سوی سازمان تأمین اجتماعی از آن مرجع قانونی تقاضا داریم همانگونه که قبلاً نیز این مصوبه را مردود اعلام کردید به خاطر حفظ و صیانت از حقوق میلیون‌ها نفر بیمه شده و بازنشسته که اکثریت ایشان از اقشار ضعیف جامعه هستند با رد مجدد این مصوبه به نگرانی‌ها و دغدغه‌های ایشان خاتمه دهید.

پایان پیام

بن بست نظامی طرفین بین المللی درگیر در جنگ داخلی سوریه، بستری عینی برای نیروهای چپ و آزادیخواه جعفر عظیم زاده

برپایه مطلب رسیده آمده استکه : بدنبال پیشنهاد دولت آمریکا مبنی بر تحویل ذخایر سلاحهای شیمیائی از طرف دولت سوریه و استقبال روسیه و دولت اسد از این مسئله، به نظر میاید بحث دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در این کشور نسبت به هفته های قبل تضعیف شده است. مسئله چیست؟ آیا این اتفاق به معنای منتفی شدن دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در سوریه است و اگر چنین نیست این پیشنهاد از طرف دولت آمریکا و پذیرش آن از سوی دولت اسد و روسیه ناشی از کدام وضعیت است؟ تحولات در سوریه به کدامین سو پیش میرود؟ دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش، تداوم وضعیت حاضر، یا بند و بست طرفین بین المللی درگیر در این جنگ.

دخالت مستقیم نظامی آمریکا در جنگ داخلی سوریه و احتمال تضعیف و سرنگونی دولت اسد به طور عینی نه تنها نقطه عطفی در جنگ داخلی این کشور، بلکه یک نقطه عطف مهم تر در صحنه معادلات سیاسی منطقه خاورمیانه خواهد بود. این اصلی ترین ویژگی مربوط به پیچیدگی دخالت مستقیم آمریکا و متحدینش در جنگ داخلی سوریه و تداوم طولانی مدت آن است. سوریه نقطه تلاقی مسائل بسیار مهمی در معادلات منطقه ای فی ما بین ایران و روسیه از یک سو و دول غربی و عربی از سوی دیگر و همچنین مسائل مربوط به فلسطین و اسرائیل و هم اکنون محل تاخت و تاز جریانات سیاه در منطقه خاورمیانه است.

در نتیجه ی احتمال دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در جنگ داخلی سوریه و احتمال سرنگونی دولت اسد تا آنجا که به معادلات منطقه ای بر میگردد: 1- کل این معادلات از حضور حزب الله در لبنان گرفته تا مسائل مربوط به فلسطین و اسرائیل و تا شکل دهی به خاورمیانه جدید و.. به نفع غرب در برابر ایران و روسیه بهم خواهد ریخت 2- قدرت سرباز گیری و جولان جریاناتی همچون القاعده، جبهه النصره و.. حداقل در کوتاه مدت افزایش پیدا خواهد کرد 3- روسیه متحمل بزرگترین شکست قدر قدرتی پوتینیزی خود در معادلات منطقه ای و جهانی خواهد شد.

اینها عمده ترین و گرهی ترین مسائلی هستند که نه تنها نفس آغاز دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در جنگ داخلی سوریه را بسیار سخت و پیچیده کرده است بلکه فرجام این دخالت و روند جنگ داخلی در این کشور را نیز در هاله ای از ابهام قرار داده است. از همین رو

هم هست که یک روز دولت آمریکا استفاده از سلاح شیمیایی را خط قرمز خود اعلام میکند، پارلمان انگلستان به رویکرد نخست وزیر این کشور رای مثبت نمیدهد، روز دیگر اواما با گرفتن ژست خرد جمعی، تصمیم به دخالت در سوریه را به رای کنگره وا میگذارد و بفاصله بسیار کوتاهی دولت آمریکا شرط عدم تهاجم به سوریه را تحویل ذخایر سلاحهای شیمیایی از سوی دولت اسد قرار میدهد و در آنسوی این قطب نیز روسیه و ... لحن ملایم و سازشکارانه تری به خود میگیرند و دولت اسد بطور خیره کننده ای با تحویل سلاحهای شیمیایی اش موافقت خود را اعلام و روسیه نیز از آن حمایت میکند. این سر در گمی ها از سوی قطبهای بین المللی در گیر در جنگ داخلی سوریه حاکی از زمین گیر شدن آنها در این جنگ و بطور عینی و واقعی ناشی از پیچیدگی معادلات مربوط به کشور سوریه است. به همین دلیل به احتمال بسیار زیاد دوره پیش رو در جنگ داخلی سوریه، حداقل در روزها و هفته های آینده، دوره تلاش برای بند و بست طرفین بین المللی درگیر در این جنگ خواهد بود. اینکه این بند و بست چه سرانجامی پیدا خواهد کرد و یا پایان دوره پیش رو سر آغاز دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش در جنگ داخلی سوریه خواهد بود، چندان دقیق و مطمئن قابل پیش بینی نیست. چیزی که قابل پیش بینی و روشن است، اینست که اولاً بند و بست و توافق بر سر سرنوشت سوریه همانقدر پیچیده خواهد بود که آغاز دخالت نظامی آمریکا و متحدینش در این کشور، و دوما سرنوشت هر دوی اینها هر چه باشد ربطی به مردم سوریه و آزادیخواهی آنان نخواهد داشت و جنگ و خونریزی در ابعاد مختلفی در این کشور ادامه پیدا خواهد کرد.

اما مسئله بسیار مهمی که در این میان وجود دارد اینست که بن بست جنگ داخلی در سوریه و زمین گیر شدن حال حاضر طرفین بین المللی درگیر در آن، زمینه مساعدی را بیش از هر زمان دیگری برای تحمیل خواست افکار عمومی و بیشترین تاثیر گذاری بر روند جنگ داخلی در این کشور فراهم کرده است. بطوریکه به جرات میتوان گفت شرایط حاضر یک فرصت بزرگ و تنها فرصت برای افکار عمومی و نیروهای چپ و آزادیخواه برای ایفای نقش و جلوگیری از گسترش عمق و دامنه جنایات در کشور سوریه است. نباید این موقعیت را از دست داد. باید به مثابه اقدامی عاجل و فوری با طرح و نشان دادن بن بست نظامی و زمین گیر شدن حال حاضر طرفین بین المللی درگیر در جنگ داخلی سوریه و به این معنا وجود زمینه و بستر نسبتاً مناسب برای تحمیل آتش بس و برگزاری انتخابات آزاد، فرصت حاضر را به فرصتی برای خاتمه جنگ داخلی به نفع مدنیت در سوریه تبدیل کرد. اینکار: 1- با توجه به شرایط حاضر و سر در گمی و بن بست نظامی قطبهای بین المللی درگیر در این جنگ 2- طرح دخالت احتمالی مستقیم آمریکا در سوریه در هفته های گذشته و به این معنا بالا رفتن حساسیت افکار عمومی نسبت به تداوم جنایت و انسان کشی در این کشور 3- تاکید بر مهلک تر شدن خطر دخالت مستقیم طرفین بین المللی درگیر در جنگ داخلی سوریه در پس بن بست نظامی حال حاضر و بالاخره با اتکا به قدرت فیسبوک و تویتر و به یمن وجود بستر ارتباطی سهل و آسان در بین نیروهای چپ و آزادیخواه منطقه و جهان ممکن و مقدور است.

یک تلاش بزرگ و قدرتمند بین المللی برای تحمیل آتش بس، کناره گیری اسد و برگزاری انتخابات آزاد در کشور سوریه آنهم بویژه در شرایط حاضر تنها کاری است که در توازن قوای طبقاتی موجود در سطح جهانی از دست نیروهای چپ و آزادیخواه بر میآید. باید دانست که چگونگی فرجام جنگ داخلی در سوریه و گذر مردم این کشور از شرایط حاضر بطور حتم در روند خیزشها و تحولات انقلابی احتمالی در سایر کشورهای منطقه خاورمیانه تأثیری تعیین کننده از خود بر جای خواهد گذاشت. به این معنا نیروهای چپ و آزادیخواه در منطقه خاورمیانه مسئولیت تاریخی تری در قبال تحولات سوریه بر دوش دارند و می باید به سرعت به پرچمدار چنین حرکتی در سطح جهانی تبدیل شوند. فرصت بسیار محدود است و در پس وضعیت حاضر و احتمال دخالت مستقیم نظامی آمریکا و متحدینش درجنگ داخلی سوریه، زمان برای هر حرکت اعتراضی در جهت پایان دادن به جنایات دولت اسد و گسترش ابعاد جنایات ناشی از دخالت مستقیم آمریکا و نیروهای سیاه درگیر در جنگ داخلی سوریه و حامیان غربی و منطقه ای آنها بسیار دیر خواهد بود.

عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 23 شهریور 92 آمده است: 1200 کارگر کارخانه پروفیل ساوه از خرداد ماه سال جاری تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و به دلیل عدم واریز حق بیمه به حساب سازمان تامین اجتماعی، دفترچه های درمانی تعدادی از کارگران این کارخانه تمدید نشده است. این در حالی است که از اواخر سال گذشته تولید در این کارخانه بشدت افت کرده است بطوریکه فقط شیفت اول کارگران بطور کامل مشغول بکارند و در شیفت دوم تعداد اندکی ادامه کار میدهند. از سوی دیگر بدنبال پیگیرهای مستمر کارگران کارخانه پروفیل ساوه جهت اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور، طی ماههای گذشته تعدادی از کارگران تحت شمول این قانون قرار گرفته اند و همین امر باعث شده است تا دیگر کارگران نیز پیگیر این حقوق قانونی خود شوند اما کارفرمای این کارخانه از طریق جایجائی های مداوم کارگران و سلب اضافه کاری از آنها تلاش دارد تا مانع پیگیرهای کارگران برای اجرای کامل قانون مشاغل سخت و زیان آور شود.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران شرایط مشقت بار فوق در حالی زندگی 1200 کارگر کارخانه پروفیل ساوه را غیر قابل تحمل کرده است که مشابه همین وضعیت در کارخانه نورد لوله صفا نیز حاکم است.

بنا بر این گزارش 1200 کارگر کارخانه نورد لوله صفا نیز از مرداد ماه سال جاری به این سو دستمزد خود را دریافت نکرده اند و تمدید دفترچه های تعدادی از کارگران این کارخانه نیز با مشکل مواجه است. تولید نیز در این کارخانه همچون کارخانه نورد پروفیل ساوه بشدت افت کرده و شیفت کاری آن به یک شیفت 8 ساعته تقلیل پیدا کرده است. کارگران نورد لوله صفا همچنین اضافه کاریهای مربوط به ماههای فروردین تا خرداد ماه سال جاری را دریافت نکرده اند و برنج و روغنی که شش ماهه هر سال به آنان داده میشد امسال در اختیار کارگران قرار نگرفته است. شرایط فوق بویژه افت تولید و کاهش شیفت کاری نگرانی وسیعی را در میان کارگران کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا که هر دو متعلق به یک نفر است دامن زده است.

نامه کارگران شرکت صنعتی دوده فام: از ترس اخراج توهین ها را تحمل می کنیم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: جمعی از کارگران شرکت صنعتی «دوده فام» با ارسال نامه ای مدعی شدند مدیرعامل این شرکت با به کار بردن الفاظ رکیک به شخصیت کارگران توهین می کند.

بنابراین گزارش، در بخشی از این نامه آمده است: مدیرعامل شرکت صنعتی دوده فام، مسائل اخلاقی و انسانی را رعایت نمی کند و با فحش، ناسزا و بی حرمتی به پرسنل، آبرویی برای آنها باقی نگذاشته است. ادبیات موهن و الفاظ رکیکی که مدیرعامل شرکت در خطاب قراردادن پرسنل به کار می برد شخصیت آنها را خرد می کند.

به گفته این کارگران، مدیرعامل شرکت با زور و تهدید به اخراج، از همه کارگران سفته گرفته که باعث شده است کارگران از ترس به اجرا گذاشته شدن سفته هایشان، جرات اعتراض نداشته باشند.

این کارگران در نامه خود بعضی الفاظی که مدعی اند از طرف مدیرعامل بارها خطاب به آنان گفته شده است را ذکر کرده اند که بنا به دلایل اخلاقی از ذکر این الفاظ معذوریم.

کارگران دوده فام در پایان نامه با اشاره به اینکه این کارخانه از شرکت های تابعه بنیاد مستضعفان و جانبازان است، خواستار نظارت بیشتر مدیران ارشد این موسسه عمومی بر عملکرد مدیران میانی شده اند.

در همین رابطه، « احمد رضوانی» مدیرعامل شرکت صنعتی دوده فام با تأیید دریافت سفته از کارگران، گفت: از کارگران بابت تعهد به ادامه کارشان سفته گرفته ایم چون در نوبت اول استخدام ها، برخی پرسنل با پیدا کردن کار بهتر کارخانه را رها کردند. وی ادامه داد: بنابراین از کارگران سفته گرفتیم تا نسبت به ادامه کارشان در کارخانه متعهد مالی شوند که البته در همه کارخانه ها متداول است. رضوانی با تکذیب استفاده از الفاظ رکیک در خطاب قرارداد کارگران اظهار داشت: در شرکت سخت گیری، نظم، دقت و به موقع کار کردن داریم اما به هیچ وجه توهینی در کار نبوده است.

حقوق 3 ماه گذشته بازنشستگان صندوق فولاد پرداخت نشده است

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان گفت: از سه ماهه گذشته تاکنون هنوز حقوق بازنشستگان صندوق فولاد پرداخت نشده و این بازنشستگان با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند.

براساس این گزارش، ابراهیم دستمزد امروز با اشاره به اینکه بازنشستگان صندوق فولاد از سال های گذشته تاکنون با مشکلات بسیاری مواجه هستند، اظهار داشت: مشکلات صندوق بازنشستگی فولاد از دولت دهم به دولت یازدهم منتقل شده است. وی با بیان اینکه براساس مصوبه دولت و مجلس مصوبه انتقال 12 هزار میلیارد تومانی باید توسط معاون اول رئیس جمهور امضاء شود، اضافه کرد: اما معاون اول رئیس جمهور در دولت دهم این مصوبه را امضاء نکرده است.

مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان با تأکید بر اینکه در حال حاضر مشکلات صندوق فولاد به دوش دولت یازدهم افتاده، تصریح کرد: اما مصوبه انتقال سهام 12 هزار میلیارد تومانی هنوز به امضای آقای جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس جمهور نرسیده است. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر تمام مقدمات انتقال این سهام به صندوق فولاد فراهم شده و این انتقال تنها به امضاء و تأیید نهایی معاون اول رئیس جمهور نیاز دارد، ادامه داد: امیدواریم که آقای جهانگیری هر چه سریع تر نسبت به امضای این مصوبه اقدام کند.

دستمزد با بیان اینکه حقوق بازنشستگان صندوق فولاد همچنان با تأخیر پرداخت می شود، تأکید کرد: از سه ماهه گذشته تاکنون هنوز حقوق بازنشستگان صندوق فولاد پرداخت نشده است و این بازنشستگان با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند.

این مسئول با تأکید بر اینکه بی مهری های دولت سبب ایجاد مشکلات بسیاری برای 82 هزار بازنشسته صندوق فولاد شده، اذعان داشت: دولت و مجلس باید نسبت به اجرایی شدن مصوبه قانونی خود نسبت به رسیدگی به وضعیت صندوق فولاد اقدام کنند و حقوق بازنشستگان باید در موعد مقرر پرداخت شود.

منتقدان از دید کارگران دارای نقص پرونده بیمه ای به مصوبه بازنشستگی ۱۰ ساله بنگرند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: مصوبه اخیر مجلس در خصوص بازنشستگی با ۱۰ سال سابقه در حالی مورد مخالفت منتقدان قرار گرفته است که هم اکنون بخش قابل توجهی از نیروی کار شاغل با مشکل نقص سابقه پرداخت حق بیمه مواجه اند.

مازیار گیلانی نژاد با اعلام این مطلب گفت: منتقدان در حالی از این لایحه ایراد می گیرند که بسیاری از کارگران فصلی، ساختمانی، کوره پزخانه، مناطق آزاد تجاری و قرارداد موقت به دلیل مستمر نبودن شغلشان در پرداخت حق بیمه ها با مشکل جدی مواجه اند.

این فعال صنفی کارگری فلزکارمکانیک گفت: بسیاری از این کارگران به دلیل سوء استفاده‌هایی که کارفرمایان آنها از خلاء قانونی و سادگی نیروی کار می‌کنند پرونده بیمه مشخصی ندارند و چه بسا با داشتن نزدیک به دو دهه سابقه کار حتی به اندازه ۱۰ سال هم برای آنها حق بیمه ریخته نشده باشد.

وی یادآور شد: هرچند اصلاح قوانین نظارتی می‌تواند منجر به توقف این ناهنجاری شود اما باید برای کارگرانی که اینگونه حقوق آنها پایمال شده است چاره اندیشی کرد. گیلانی‌نژاد افزود: کارگری که در چنین شرایطی از پرونده منظم بیمه‌ای برخوردار نیست نه مقصر است و نه می‌تواند تا زمان تکمیل سوابق بیمه‌اش تا عبور از سن ۶۰ سالگی به فعالیت خود در بازار کار ادامه دهد.

او با یادآوری اینکه طبق اصل ۲۹ قانون اساسی حق برخورداری از رفاه و تامین اجتماعی متعلق به همه شهروندان است، گفت: قرار نیست با این مصوبه به تمامی شهروندان امکان استفاده از مزایای سازمان تامین اجتماعی داده شود.

وی با یادآوری اینکه مصوبه فوق تنها شامل حال بیمه شدگانی می‌شود که دارای شرط سنی بالا هستند، گفت: ممکن است خلاءهای این قانون مانند سایر قوانین منجر به برخی سوء استفاده‌ها بشود اما واقعیت این است که در حال حاضر سالخورده‌گان محروم بخش قابل توجهی از مشمولان را تشکیل می‌دهند.

این فعال کارگری در عین حال بر ضرورت حمایت دولت از صندوق تامین اجتماعی تاکید کرد و گفت: به استناد اصل قانون اساسی، دولت باید علاوه بر پرداخت اصل و سود بدهی‌های معوقه چندین ده ساله خود منابع لازم برای ارائه خدمات بیمه‌ای و بازنشستگی را از محل درآمدهای عمومی فراهم کند.

وی افزود: منتقدان این طرح کمی هم از دید کارگران سالخورده‌ای که هنوز دارای نقص پرونده بیمه هستند به موضوع نگاه کنند و در صدد جلوگیری از ریخت و پاشهای نابجا و بی‌مورد مدیران دولتی سازمان برآیند.

اجبار به کار شبانه و عدم رعایت حقوق کارگران زن در کشتارگاه طیور طوبی نیشابور

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی، از عدم رعایت رعایت حقوق کارگران زن کشتارگاه طیور طوبی نیشابور خبر داد. برپایه این گزارش، در این واحد ۹۰ کارگر مشغول به کارند که حدود ۴۰ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. این زنان که عمدتاً سرپرست خانوار هستند، به دلیل شرایط بازار کار ناچار به تحمل این شرایط ناعادلانه شغلی هستند و در شبانه روز بیش از ۸ ساعت کار قانونی فعالیت می‌کنند.

شیف شب این کارگران در ساعت ۵ عصر شروع و تا ساعت ۸ صبح روز بعد ادامه دارد و فعالیت شبانه و اضافه کاری اجباری، مشکلات بسیاری را برای آنان بوجود آورده است. کارفرمای کشتارگاه طیور طوبی در نیشابور با بی‌اعتنایی به قانون کار در پرداخت بیمه، اضافه کاری و سایر مزایای قانونی کارگران زن، از نبود فرصت‌های شغلی برای زنان کارگر در بازار کار سوءاستفاده می‌کند.

مرگ کارگر 20ساله بر اثر ریزش آوار

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: روز گذشته در بلوار جنت آباد، خیابان نسترن ریزش آوار در محل ساختمان در حال تخریب موجب مرگ کارگر جوانی شد.

رضا وفائی معاون سرپرست ایستگاه 55 آتش نشانی در باره این حادثه گفت: به منظور احداث بنای جدید، کارگران مشغول تخریب یک ساختمان سه طبقه قدیمی بودند که به یکباره قسمتی از طبقه سوم بر روی کارگر جوان فرو ریخت.

وفائی رعایت نکردن اصول ایمنی در هنگام تخریب را علت بروز این حادثه ذکر کرد و افزود: در جریان این حادثه، سقف طبقه سوم ریزش کرد و کارگر 20 ساله در زیرخوارها آجر، سنگ و تیرآهن بدام افتاد.

وی در ادامه اظهار داشت: آتش نشانان بی درنگ پس از ایمن سازی محل با رعایت نکات ایمنی اقدام به آوار برداری دستی کرده و با برش قسمتی از میلگردهای سقف و بکارگیری تجهیزات هیدرولیکی ویژه نجات، پیکر کارگر جوان را از زیر آوار خارج کردند که با معاینه اولیه عوامل اورژانس مرگ کارگر جوان تایید شد.

یک فعال صنفی معلمان: شکاف مزدی فرهنگیان از سال ۸۴ به بعد افزایش پیدا کرده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: یک فعال صنفی معلمان از عمیق تر شدن شکاف مزد فرهنگیان و تورم پس از سال ۸۴ انتقاد کرد. «محمد تقی سبزواری» در این باره به ایلنا گفت: تا پیش از سال ۸۲، حقوق معلمان آموزش و پرورش از حقوق اکثر کارمندان دولت کمتر بود. کارمندان دستگاه‌های دولتی با اضافه کاری و پاداش‌های جانبی، کمی حقوقشان را جبران می‌کردند اما این مزایا به معلمان آموزش و پرورش پرداخت نمی‌شد.

وی ادامه داد: بعد از اعتراضات گسترده معلمان در بازه سال‌های ۸۰ تا ۸۲، نهایتاً دولت وقت با افزودن بندهایی مانند فوق العاده شغل و... حقوق فرهنگیان را افزایش داد. ضمن آنکه فاصله بین حقوق‌ها با ضرایبی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی تعریف کرده بود به گونه‌ای اعمال می‌شد که سال به سال فاصله بین دریافتی فرهنگیان کمتر می‌شد.

این فعال صنفی افزود: بعد از سال ۸۴، افزایش حقوق چندانی در آموزش و پرورش نداشتیم و علاوه بر این، همان افزایش حقوق اندک هم با ضریب ثابت اعمال می‌شد. مثلاً به حقوق همه فرهنگیان ۲۰ درصد اضافه می‌شد.

سبزواری با بیان مثالی تشریح کرد: کسی که ماهانه ۱ میلیون تومان حقوق می‌گیرد ۲۰ درصدش ۲۰۰ هزار تومان می‌شود و حقوقش به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش پیدا می‌کند و معلم دیگری که ۵۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد ۲۰ درصدش ۱۰۰ هزار تومان می‌شود و حقوقش به ۶۰۰ هزار تومان افزایش می‌یابد.

این فعال صنفی معلمان در پایان افزود: اگر اختلاف حقوق این دو در ابتدا ۵۰۰ هزار تومان بوده این اختلاف در سال بعد به ۶۰۰ هزار تومان رسیده و سال به سال اختلاف دریافتی آنها بیشتر شده است. در حال حاضر در احکام کارگزینی فرهنگیان، حکم‌های بالای ۲ میلیون تومان و احکام زیر ۷۰۰ هزار تومان هم داریم اما در سال ۸۴ هرگز چنین اختلافی وجود نداشته است.

پایان پیام

حادثه برای کارگر سنگ آهن بافق جان او را گرفت

به گزارش یزدرسا، در تاریخ 24 شهریور آمده است: صبح امروز کارگر حادثه دیده شرکت سنگ آهن مرکزی که پیوند عضو شده بود، جان باخت.

ام‌الله (امیر) فتوحی کارگر شرکت سنگ آهن مرکزی ایران - بافق در روز چهارشنبه مورخ ۲۰/۶/۹۲ در حین انجام کار دچار حادثه شد و دست وی بر اثر آن از کتف قطع شد.

عمل پیوند عضو وی ، در بیمارستان شهید صدوقی یزد انجام شد ولی بخاطر عدم موفقیت آمیز بودن این عمل و بر اثر عفونت وارده ، این کارگر صبح امروز جان باخت. گفتنی است تشییع جنازه این کارگر جوان ، فردا ساعت ۱۷ عصر در محل خلدبرین یزد (جایگاه ابدیش) انجام می پذیرد.

بدون شرح

وزیر کشاورزی دولت موقت در گفت وگو با «قانون»: چپ‌ها می‌گفتند وزیر فنودال‌خلع قدرت شد

به گزارش روزنامه قانون / گروه اقتصادی در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است : **زهرا علی‌اکبری، یوسف فرهادی**- در گیر و دار حضور دولت موقت، انقلابی‌ها بیش از هر چیز کشاورزی ایران را هدف قرار داده بودند. وزیر کشاورزی آن روزها اهمیتی به مراتب بیش از این روزها داشت. اتفاقا سکان وزارت کشاورزی در دولت موقت به محمدعلی ایزدی سپرده شده بود که می‌گفتند لیبرال و ملاک است و درد کارگر و کشاورز را درک نمی‌کند. در 9 ماه حضور دولت موقت در سرنوشت سیاست ایران، وزارت کشاورزی روزهای عجیبی را تجربه کرد. زمین، خیلی‌ها را افسون کرده بود. می‌گفتند زمین‌ها باید از آن کسانی باشد که روی آن کار می‌کنند و نه از آن مالکان. این‌ها در حالی مطرح می‌شد که 15 سال پیش‌تر از آن تاریخ، پهلوی دوم نسبت به اجرای برنامه اصلاحات ارضی در قالب انقلاب سفید اقدام کرده بود و زمین‌ها میان کشاورزان تقسیم شده بود اما این بار خرده‌مالکان در تیررس قرار گرفته بودند. می‌گفتند زمین‌های بالای هفت هکتار باید تقسیم شود و وزیر کشاورزی دولت موقت به شدت با این مسئله مخالف بود. شاید از آن رو بود که وقتی دولت موقت استعفایش را پس از ماجرای گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در 13 آبان ماه روی میز گذاشت، این وزارت کشاورزی بود که به محل جشن و سرور چپ‌های آن دوران تبدیل شد. محمد علی ایزدی در گفت‌وگویی مکتوب و نه رودرو ، با روزنامه قانون خاطرات آن روزها را بازگو کرد و از کشاورزی محجور این سرزمین سخن گفت. متن مصاحبه وی پیش روست.

شما در کابینه مهندس مهدی بازرگان به عنوان وزیر کشاورزی حضور داشتید. بفرمایید دولت موقت به کشاورزان چه نگاهی داشت، آیا در این دوره دولت توانست اقدامی ویژه برای کشاورزان داشته باشد؟

دولت نگاهش به کشاورزان این بود که وزیرش همه کسانی است که در رشته‌های مختلف کشاورزی مشغولند خواه کسی که روی زمینی کمتر از یک هکتار شالیکاری می‌کند و کسی که بیش از هزاران هکتار گندم‌کاری را اداره می‌کند. کسی که یک بز شیری نگه داشته است و کسی که صدها گاو شیری را پرورش می‌دهد. نگاه این بود که هرکس در هر گوشه‌ای از کشور بتواند با آزادی کامل استعدادهایش را به کار گیرد ، رشد کند و زمین‌ها را آباد کند. صدها هکتار باغ میوه درست کند و صدها هکتار چغندر قند بکارد. هیچ حدی هم برای مالکیت اش قائل نبود همانطور که حدی برای قابلیت افراد به مدیریت و کاردانی و سختکوشی قائل نبود. دولت باور داشت که مردم با استعدادهای مختلف خلق شده‌اند و مساوی نیستند و برای این‌که جامعه بتواند به حد اعلای ممکن رشد کند، باید برای فرد فرد مردم آزادی فراهم باشد که بتوانند با تمام ظرفیت در کار مورد علاقه‌شان ترقی کنند که درنهایت از چشمه‌سارها، زاینده‌رودها درست شوند و برای تحقق این موضوع لازم است که همه احساس امنیت کند. امنیتی با دوام. همه مطمئن شوند که ثمره کارشان متعلق به خودشان و بعد از خودشان متعلق به کسانی است که خودشان می‌خواهند. دولت اقتصاد بازار آزاد را جدأ قبول داشت و می‌خواست بگذارد مردم در میدان اقتصاد «بازی کنندگان» باشند و خودش فقط «داوری» کند. داوری نسبت به این‌که کسی به مال دیگری تجاوز نکند و حقوق افراد به معنای واقعی کلمه حفظ شود. چپ‌گراها می‌خواستند که دولت با قدرت قانونی که دارد یا قوانین و مقرراتی که وضع می‌کند برای تمام مردم و من جمله کشاورزان دستور صادر کند ، قیم مردم باشد و به نام زیبای عدالت جلوی با استعدادهای را

بگیرد و آنها را محدود کند تا در ردیف کم استعدادها زندگی نمایند و بدین ترتیب - به زعم خودشان - اختلاف طبقاتی را از میان بردارند.

ارزیابی شما از عملکردتان در این دوره چیست؟ آیا از دوره وزارتتان راضی هستید؟

در این دوره وزارت کشاورزی به حمدا... توانست به خوبی در برابر فشارهای همه جانبه و جو سنگین ساخته شده چپگرایی اکثر انقلابیون که مایل بودند زمین‌های کشاورزی بیش از هفت هکتار که بعد از اصلاحات ارضی شاه برای مالکان مانده بود نیز تقسیم گردد؛ مقاومت سرسختانه‌ای کند و تسلیم هوجمی‌بازی‌ها نشود.

دولت کارهای بنیادی لازم برای پیشرفت کشاورزی و بهبود زندگی روستاییان را که خودشان قادر به انجامش نبودند مثلاً ایجاد شبکه راه‌های آسفالت، رساندن برق و گاز و ساختن مدرسه را به عنوان اقدامات زیربنایی بسیار ضروری برای روستاییان معرفی کرد که خوشبختانه بعداً با ایجاد سازمان جهاد سازندگی که تدریجاً بصورت وزارتخانه‌ای درآمد، همین کارها شروع و پیگیری شد.

در فضای آن روزها اظهار نظرها درباره کشاورزی و موضوع مالکیت در این حوزه

فراوان بود. مثلاً خانم دباغ در خاطراتشان گفته‌اند که در يك سخنرانی در همدان

کشاورزان را دعوت به کشت روی زمین‌هایی کردند که روی آن کار می‌کردند اما مالکیتشان متعلق به خودشان نبود. در برابر این فشارها و این دست سخنرانی‌ها چه می‌کردید؟ به هر حال خانم دباغ هیچ وقت چپ نبود اما در فضای آن روز بسیاری از

انقلابیونی که چپ نبودند چنین نظراتی داشتند؟

نظرات چپگرایان که منبعث از عقاید مارکس بود همه جا به آنها دیکته می‌کرد که با سخنانشان، نوشته‌هایشان، مصاحبه‌هایشان و هر وسیله‌ای که در اختیارشان قرار می‌گرفت علیه آزادی انسان‌های بااستعداد نوحه‌سرایی و کارفرمایان و مدیران را خون آشام معرفی کنند و اموالشان را دولت بگیرد یا دعوت خانم مرضیه دباغ را لبیک گویند و خودشان دست به غصب زمین مالکان زنند. من در حیطه اختیاراتم شدیداً جلوی آنها را گرفتم چون با اطلاعاتی که از علم اقتصاد و کشاورزی داشتم خیلی خوب تشخیص می‌دادم که اقدامات آنها در دراز مدت لطمات بسیار سنگینی نه تنها به کشاورزی بلکه به هر واحد تولیدی مملکت و مالاً به آزادی‌های مردم خواهد زد. من هیچ‌گاه به خود اجازه نمی‌دادم که حرمت مالکیت را که اساس موفقیت‌های مردم در تمام جوامع بشری بوده است خدشه‌دار کنم. اگر قرار می‌بود دعوت خانم مرضیه دباغ را اجرا کنیم و زمین‌ها را از مالکان بگیریم و به کسانی که روی آن کار می‌کنند بدهیم، چرا خانه‌ای را که عده‌ای بنا و کارگر و لوله‌کش و نجار و... ساخته‌اند از مالک زمین بگیریم و به آنها که کارساختنش را به اتمام رسانده‌اند، اعطا نکنیم و همین طور کارخانه و هر واحد دیگر اقتصادی را.

بعد از انقلاب هر کس دستش می‌رسید به اموال مردم تجاوز می‌کرد چپگرایان اصرار بسیار زیادی داشتند که من هم در وزارت کشاورزی کاری انقلابی کنم.

توقع مشخص آنها از شما چه بود؟

توقع داشتند زمین‌های باقی مانده از اصلاحات ارضی شاه در دست خرده مالکان را نیز از آنها بگیریم و به کسانی که زمین ندارند بدهیم. اینکه چنین کاری برای آتیه کشاورزی مملکت سازنده بود یا مخرب، مطلقاً مورد بحثشان نبود. فقط زمین زدن آدم‌های موفق آنها را خوشحال می‌کرد. به هر تقدیر کمیسیون در نخست وزیری تشکیل دادند و مبلغان اقتصاد توحیدی هم آمده بودند که من را راضی کنند کاری انقلابی کنم. بیش از یکساعت هر دلیلی آوردم که این کار غیرالهی و غیراقتصادی است، دست بردار نبودند. حرف آخر را زدم و گفتم: اگر داستان مرا قطع کنید حاضر نیستم یک وجب از زمین کسی را بگیرم ولو این‌که بخواهم به شخص بی‌زمینی بدهم و بدین ترتیب بود که "مفروق الطمع" شدند. ولی بعد از آن روز، تبلیغات علیه من به حد اعلا رسید. به طوری که پس از استعفای دولت موقت ساختمان شیشه‌ای وزارت کشاورزی توسط چپ‌گراها اشغال شد و آذین بستند و پایکوبی کردند که وزیر فنودال مخالف با تقسیم زمین، خلع قدرت شد.

پس از آن بود که جوانان چپگرا گروه گروه راه می‌افتادند و به روستاها می‌رفتند و زمین خرده

مالکان را با کمک خوش‌نشینان هر محل با زور از آنها می‌گرفتند و مالک را بیرون می‌کردند و جالب این‌که حکومت اسلامی هم قانون کشت موقت که بنام قانون هیأت‌های هفت نفره معروف شد را تصویب کرد و غاصبان زمین را قانوناً مالکیت داد. و بعد از آن به همان قانونی هم که ساخته بودند قانع نشدند و کسانی که از طریق دیوان عدالت اداری حکمی گرفته و زمین‌های غصب شده خود را می‌توانستند پس بگیرند، با قانون دیگری بنام هیأت‌های سه نفره احکام دیوان عدالت اداری را لغو کردند.

به هر تقدیر با تمام وجود با زور و قوانین خلق الساعه اکثر زمین‌های خرده مالکان را گرفتند و بین بی‌زمین‌ها تقسیم کردند و باعث خردتر شدن بیشتر زمین‌های زراعتی شدند و کشاورزی مملکت را به این روزانداختند.

خرد بودن زمین‌های کشاورزی را مورد اشاره قرار دادید در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مشکلات کشاورزی در ایران محسوب می‌شود. فکر می‌کنید بتوان بر این مشکل غلبه کرد؟ اگر تصمیم‌گیران مملکت صادقانه بخواهند برای حل این مشکل کاری کنند بله، می‌توان. ولی لازم است که تصمیم‌گیران مملکت در مورد حرمت مالکیت شخصی تکلیف جامعه را بدون دو پهلوپی روشن سازند. کاری که بعد از انقلاب نکردند یا نخواستند بکنند. بعد از روشن شدن آن می‌توان راه حلی برای این معضل نیز ارائه داد. تا زمانی که استخوانی یا هر جسم خارجی لای زخم است باعث آماس عضو شده و بسیار دردناک است، حادترین دکترها فقط می‌توانند داروهای مسکن بدهند که شخص مبتلا رنج کمتری تحمل کند. اما اگر استخوان لای زخم را بیرون آورند و بیمار را به طبیعت واگذارند، بعد از گذشت مدت معقولی، خود دستگاه خارق‌العاده مرمت بدن، به بهترین نحو زخم را خوب می‌کند و درد و ناراحتی‌ها کلاً برطرف می‌شوند، در بیشتر موارد حتی جای زخم هم دیده نمی‌شود. در جامعه هم همین موضوع صادق است. واقعیت این است که خرد شدن مداوم زمین‌های کشاورزی که بعد از گذشت چند نسل از این هم بدتر می‌شود از مهم‌ترین مشکلات کشاورزی است ولی خود این مشکل، عارضه‌ای است از یک عمل غیرطبیعی که بر پیکر کشاورزی مملکت وارد شده است. باید علت اصلی به وجود آمدن چنین عارضه‌ای را پیدا کرد و انگشت گذاشت و آن را اصلاح کرد تا خود به خود آن مشکل حل شود همان طور که استخوان لای زخم بیرون آورده شد؛ زخم التیام می‌یابد و دردها بر طرف گردید.

استخوان لای زخم کشاورزی که در حقیقت با معیار کوچکتری تمام کارهای تولیدی دیگر را نیز در بر می‌گیرد، مبتنی بر این تفکر ظاهراً آراسته و در حقیقت غلطی بوده که چپ‌گراها تلقین کرده بودند که مردم همه مساوی هستند و باید درآمد و نحوه زندگیشان مثل یا نزدیک به هم باشد. علم روانشناسی ثابت کرده است که چنین نیست. انسان‌ها در خصوصیات ارثی برابر نیستند. حتی دو قلوها، دوقلوهای سیامی که در یک جای از بدن به هم چسبیده‌اند و به نظر می‌رسد از یک نطفه اولیه ساخته شده‌اند، با هم برابر نیستند و فراوانی استعدادهای افراد یک جامعه روی منحنی نرمال است. یعنی 68 درصد مردم در حد متوسط هستند. 16 درصد استعدادهای بالاتر از متوسط دارند و 16 درصد استعدادهایشان زیر متوسط است. تصمیم‌گیران چپ‌گرا به نام زیبای عدالت برای این‌که درآمدهای مردم یک جامعه را نزدیک به هم کنند، چون نمی‌توانند کم استعدادها را بالا ببرند بالاجبار با جلوگیری از کار با استعدادها، آنها را پایین نگه می‌دارند یا فراری شان می‌دهند که عملاً جامعه را از استعداد و الایشان محروم سازند و آنهایی هم که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند از کشور فرار کنند به خاطر نبودن امنیت اطمینان بخش وارد سرمایه‌گذاری آن هم در کارهای کشاورزی که دیربازده هستند نمی‌شوند و به سراغ کارهایی می‌روند که در صورت لزوم بتوانند با سرعت بساط خود را جمع کنند. قبول این واقعیت علمی کمک می‌کند که تصمیم‌گیران به دنبال مساوی کردن افراد جامعه نباشند و کسی که بخاطر استعداد خداداد والاتر و کار زیادتر توانسته است زمین‌های بیشتری را احیاء کند و باین کارش مشاغل زیادی به وجود آورده و تولیدات زیادتری به بازار عرضه کرده و خود به خود فراوانی و ارزانی حاصل کارش بوده و در نتیجه خودش هم ثروت بیشتری به دست آورده است، نه تنها ترس و دلهره گرفتن زمین‌هایش را

نداشته باشد؛ بلکه مورد تشویق قرارگیرد تا جوانان با استعداد مملکت به فکر فرار به سایر نقاط دنیا نباشند احساس امنیت و اطمینان کنند و ابتکار و خلاقیت‌هایشان را در وطن خودشان به منصف ظهور برسانند و منافع کارشان برای همین مردم باشد. بعد از خودشان هم تمام آبادانی‌هایی را که کرده‌اند برای نسل‌های آینده بگذارند و دعوت حق را لبیک گویند.

به نظر شما تا چه میزان تشکیل اتاق کشاورزی مستقل از اتاق بازرگانی می‌تواند در تعمیق نگاه استراتژیک و تولید محور کشاورزی موثر باشد؟

چون گرفتاری حوزه کشاورزی ریشه‌ای است؛ اتاق کشاورزی مستقل از اتاق بازرگانی هم نمی‌تواند کمکی کند. اگر مشکل اساسی کشاورزی نبودن امنیت اطمینان بخش برای سرمایه‌گذاری است حل شود، آن وقت اتاق کشاورزی هم البته می‌تواند کمک باشد.

به اعتقاد برخی ناکارآمدی بخش کشاورزی ناشی از محجوریت کشاورزان و تولیدکنندگان از عرصه تصمیم‌سازی‌ها و میدان‌داری واسطه‌ها و وارد کنندگان در این حوزه است. چگونه می‌توان از لحاظ ساختاری جایگاه کشاورزان را در عرصه تصمیم‌سازی ارتقا داد؟

نمی‌توان منکر این شد که محجور بودن کشاورزان و تولید کنندگان از عرصه تصمیم‌سازی‌های مربوطه، باعث ناکارآمدی بخش کشاورزی مملکت باشد ولی چرا این محجوریت به وقوع پیوسته است. به نظر من اصلاحات ارضی شاه بود که نخبگان کشاورزی را که قادر بودند زبان گویای این طبقه باشند، را از بین برد و چون در جامعه خلأ باید با چیزی پر شود، میدان‌داری به دست واردکنندگان و واسطه‌ها افتاد.

جایگاه کشاورزان را زمانی می‌توان در عرصه تصمیم‌سازی ارتقا داد که صادفانه امنیت اطمینان بخش برای مالکیت زمین‌های کشاورزی که طبیعتاً سرمایه‌گذاری دیربازده است؛ به‌وجود آوریم تا تعداد لازم از افراد با استعداد عاشق خلاقیت که اکنون دور از کشاورزی هستند، به‌این کار که معمولاً برای موفقیت، زمان زیادی لازم دارد جذب شوند و با اطمینان کامل به آینده روشن، سرمایه‌گذاری کنند و چون ذی‌نفع هستند از کشاورزی و دست‌اندرکاران دفاع نمایند.

جامعه ما با یک عقب افتادگی تاریخی در مناسبات کارگر - کارفرمایی در بخش کشاورزی روبه روست قانون کار مستقل کشاورزی تا چه میزان می‌تواند به ارتقا و رشد کارگران کشاورزی و به تبع آن توسعه کشاورزی منجر شود؟

هر قانونی که بخواهد خارج از روابط طبیعی بین کارگر و کارفرما که تنها باید مبتنی بر رضایت طرفین متعاملین (نساء: 29) باشد وضع شود و دولت‌یان را مجوز دخالت دهد، کار را خراب‌تر می‌کند. اگر به جای اضافه کردن قانون کار مستقل کشاورزی که ملاً کارگر و کارفرما را به جان هم می‌اندازد، مردم را آزاد بگذارند و موانع موجود را از بین ببرند تا نهاده‌های تولید یعنی زمین و نیروی کار و سرمایه بتوانند آزادانه هر جا که بازده بیشتری دارند حرکت کنند، دست‌های نامرئی هر نهاده‌ای را در بهترین و کارآترین جای طبیعی خود قرار می‌دهد. از جمله نیروی کار؛ خواه کارگر ساده، سرکارگر، مهندس یا مدیر باشد تنها با اتکال به نشان دادن لیاقت، صداقت و پرکاری جای خود را باز می‌کند و بدین ترتیب به توسعه کشاورزی منتهی می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب، بخش کشاورزی همواره یکی از بی بهره‌ترین بخش‌ها بوده است. حجم سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش خاصی را تجربه نکرده و همواره وضعیتی نامساعد بر این حوزه حاکم بود. ارزیابی‌تان از عملکرد دولت‌ها در زمینه کشاورزی چیست.

نظرتان کاملاً درست است. چون خانه از پای‌بست ویران بوده؛ دولت‌ها هم در زمینه کشاورزی بیش از این نمی‌توانسته‌اند کاری کنند. کشاورزی ایران مثل سایر کارهای تولیدی دیربازده مملکت یک معضل بنیادی دارد و تا زمانی که آن حل نشود نمی‌توان کاری کرد و آن معضل عدم امنیت اطمینان بخش در سرمایه‌گذاری است. اصلاحات ارضی شاه پایه‌های مالکیت زمین‌های زراعتی را همراه با زمین‌های زراعتی خرد کرد و بعد از انقلاب قانون هیأت‌های هفت نفره و مکمل آن قانون هیأت‌های سه نفره تار و پود انسجام و اعتماد علاقه‌مندان به کارهای کشاورزی مملکت را

از هم گسست. در واقع وضعیت نامساعد حاکم بر این حوزه عارضه یک بیماری بزرگی است که کشاورزی مبتلای به آن است و آن نبودن امنیت سرمایه‌گذاری است و مزاحمت‌های هر روزی دولتیان. اگر این امنیت را صادقانه به وجود آوریم و کشاورزان را از دخالت‌های هر روزی دولت راحت بگذاریم و به آنها شر نرسانیم؛ کشاورزی کشور خودش خود را اصلاح می‌کند و سالم و شکوفا می‌شود.

بهترین و بدترین دوره کشاورزی ایران پس از انقلاب را چه زمانی می‌دانید؟

من فکر می‌کنم همه دولت‌ها مستاصل بودند و هیچ کدام نتوانستند کار خاصی در این حوزه انجام دهند. از این رو صراحتاً بگویم که بهتر و بدتر ندارد.

مهم‌ترین اقدامی که وزیر کشاورزی ایران در دولت یازدهم باید انجام دهد، چیست؟

مهم‌ترین اقدامی که نه تنها وزیر کشاورزی بلکه تمام وزرای که سروکارشان با اقتصاد و تولیدات مملکت است باید انجام دهند این است که با شجاعت تمام همان کاری را بکنند که حضرت علی (ع) در روز اول خلافتش کرد. همان کاری که چین کمونیست برای جلوگیری از ابتلا به سرنوشت روسیه شوروی کرد. همان کاری که آلمان متحد بعد از فروپاشی شوروی کرد. یعنی اموال مصادره شده مردم را به آنها پس دادند و بدین ترتیب امنیت اطمینان بخش برای سرمایه‌گذاری به وجود آوردند و مردم را آزاد گذاشتند تا استعدادهایشان شکوفا شود و هنرهایشان را به نمایش بگذارند.

- دولت موقت اقتصاد بازار آزاد را جداً قبول داشت و می‌خواست بگذارد مردم در میدان اقتصاد «بازی کنندگان» باشند و خودش فقط «داوری» کند.
- لازم است که تصمیم‌گیران مملکت در مورد حرمت مالکیت شخصی تکلیف جامعه را بدون دو پهلویی روشن سازند.
- اصلاحات ارضی شاه نخبگان کشاورزی مملکت را از بین برد.
- هر قانونی که بخواهد خارج از روابط طبیعی بین کارگر و کارفرما وضع شود کار را مشکل تر می‌کند.
- وزرای که با اقتصاد سرو کار دارند همان کاری را بکنند که حضرت علی (ع) روز اول خلافتش کرد؛ اموال مصادره شده مردم را پس بدهند

یک فعال مستقل کارگری:

منتقدان از دید کارگران دارای نقص پرونده بیمه‌ای به مصوبه بازنشستگی ۱۰ ساله بنگرند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 24 شهریور 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: مصوبه اخیر مجلس در خصوص بازنشستگی با ۱۰ سال سابقه در حالی مورد مخالفت منتقدان قرار گرفته است که هم اکنون بخش قابل توجهی از نیروی کار شاغل با مشکل نقص سابقه پرداخت حق بیمه مواجه‌اند.

«مازیار گیلانی‌نژاد» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: منتقدان در حالی از این لایحه ایراد می‌گیرند که بسیاری از کارگران فصلی، ساختمانی، کوره‌پزخانه، مناطق آزاد تجاری و قرارداد موقت به دلیل مستمر نبودن شغلشان در پرداخت حق بیمه‌ها با مشکل جدی مواجه‌اند. این فعال صنفی کارگری «فلزکار مکانیک» گفت: بسیاری از این کارگران به دلیل سوء استفاده‌هایی که کارفرمایان آنها از خلاء قانونی و سادگی نیروی کار می‌کنند، پرونده بیمه مشخصی ندارند و چه بسا با داشتن نزدیک به دو دهه سابقه کار حتی به اندازه ۱۰ سال هم برای آنها حق بیمه ریخته نشده باشد.

وی یادآور شد: هرچند اصلاح قوانین نظارتی می‌تواند منجر به توقف این ناهنجاری شود اما باید برای کارگرانی که اینگونه حقوق آنها پایمال شده است چاره اندیشی کرد. گیلانی‌نژاد افزود: کارگری که در چنین شرایطی از پرونده منظم بیمه‌ای برخوردار نیست نه مقصر است و نه می‌تواند تا زمان تکمیل سوابق بیمه‌اش تا عبور از سن ۶۰ سالگی به فعالیت خود در بازار کار ادامه دهد.

او با یادآوری اینکه طبق اصل ۲۹ قانون اساسی حق برخورداری از رفاه و تامین اجتماعی متعلق به همه شهروندان است، گفت: قرار نیست با این مصوبه به تمامی شهروندان امکان استفاده از مزایای سازمان تامین اجتماعی داده شود.

وی با یادآوری اینکه مصوبه فوق تنها شامل حال بیمه شدگانی می‌شود که دارای شرط سنی بالا هستند، گفت: ممکن است خلاءهای این قانون مانند سایر قوانین منجر به برخی سوء استفاده‌ها بشود اما واقعیت این است که در حال حاضر سالخورده‌گان محروم بخش قابل توجهی از مشمولان را تشکیل می‌دهند.

این فعال کارگری در عین حال بر ضرورت حمایت دولت از صندوق تامین اجتماعی تاکید کرد و گفت: به استناد اصل قانون اساسی، دولت باید علاوه بر پرداخت اصل و سود بدهی‌های معوقه چندین ده ساله خود منابع لازم برای ارائه خدمات بیمه‌ای و بازنشستگی را از محل درآمدهای عمومی فراهم کند.

وی افزود: منتقدان این طرح کمی هم از دید کارگران سالخورده‌ای که هنوز دارای نقص پرونده بیمه هستند به موضوع نگاه کنند و در صدد جلوگیری از ریخت و پاشه ای نابجا و بی‌مورد مدیران دولتی سازمان برآیند.

پایان پیام

مصدومیت شدید 2 کارگردار مشهد دنبال سقوط آوار در طرح اگو بر سر کارگران

به گزارش روزنامه خراسان آمده است: سقوط آوار در طرح اگوی مشهد که از طرف میدان امام حسین په طرف خواجه ربیع در حال احداث است ۲ کارگر را به شدت مصدوم کرد. مدیر حوزه ۲ آتش نشانی مشهد افزود: این طرح در عمق حدود ۱۴-۱۵ متر و به صورت کانال سرپوشیده در دست احداث است. مجید شادی افزود: کارگران روز گذشته در حال کار بودند و پس از مراجعه به دهانه بعدی در حالی که هنوز فرصت مهاربندی کاملی برای مهار دیواره‌ها پیدا نکرده بودند، دیواره ریزش کرد و ۲ کارگر به دام افتادند. وی افزود: دیگر کارگران حاضر در محل بلافاصله به کمک کارگران به دام افتاده شتافتند. شادی گفت: مأموران آتش نشانی ایستگاه های ۲، ۲۹ و ۸ به محل حادثه اعزام شدند که تا رسیدن آن‌ها کارگران «سر» افراد زیر آوار رفته را از زیر خاک خارج کرده بودند که مأموران این کارگران را که از کمر، دست و پا دچار شکستگی شده بودند از زیر آوار خارج و در اختیار مأموران اورژانس حاضر در محل قرار دادند.

دبیر خانه کارگر استان بوشهر:

۸۰۰ کارگر قرار دادی و رسمی صدرا پایان شهریور اخراج می شوند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: دبیر خانه کارگر استان بوشهر از صدور حکم اخراج ۸۰۰ نفر از کارگران قرار دادی و رسمی در واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) تا پایان شهریور ماه سال جاری خبر داد.

«موسی میر جهانمردی» در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: با توجه به اینکه در شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) بیش از ۱۵۰۰ کارگر قراردادی و رسمی با کارفرمایی چندین شرکت پیمانکاری همانند فرا ساحل، آریا صنعت، صادق صنعت و... در ساخت پروژه‌های دریایی فعالیت

دارند، اخیرا به دلیل رکود کار که موجب جابجایی شرکت‌های پیمانکاری و ورود پیمانکاران جدید در بخش کشتی سازی این شرکت عظیم دریایی رخ داده است، ۸۰۰ نفر از این کارگران که در سه ماه گذشته نیز حقوقی دریافت نکرده‌اند با دریافت حکم اخراج از سوی کارفرما، در انتظار اخراج خود تا پایان شهریور ماه هستند.

ان فعال کارگری سوابق کار این کارگران را از دو سال تا ۲۰ سال عنوان کرد و افزود: بخش عمده اخراج این تعداد کارگر، مربوط به شرکت پیمانکاری فرا ساحل است که قصد دارد با اتمام قرار داد ۵۳۸ کارگر تا پایان شهریور ماه، آنان را اخراج کند.

او در بخش دیگری از سخنان خود به انباشت بدهی‌های پیمانکاران شرکت صنعتی دریایی ایران صدرا به تامین اجتماعی اشاره کرد و گفت: گفته می‌شود میزان بدهی یکی از شرکت‌های پیمانکاری به سازمان تامین اجتماعی حدود ۲۷۰ میلیون تومان است.

این فعال کارگری با بیان اینکه شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) یکی از مطرح‌ترین واحدهای ساخت و تعمیرات کشتی و اجرای سکوهای نفتی و گاز در کشور است، اظهار داشت: اغلب نیروهای فعال در مجموعه «صدرا» را کارگران با تجربه و مهندسان متخصص تشکیل می‌دهند.

پایان پیام

قسم حضرت عباس را باور کنیم، یا دم خروس را؟

(قول آزادی سیاسیون غیرمسلح وزیر اطلاعات)

(هزاران زندانی بی گناه در زندانهای جهنمی ولایت فقیه)

روز 5 شنبه 21 شهریور به دنبال تخلیه خونبار اردوگاه اشرف، وزیر اطلاعات طی اطلاعیه ای اعلام کردند: "آنهایی که دستشان به خون مردم آلوده نشده می توانند به آغوش مردم بازگشته و در آرامش کامل در ایران زندگی راحتی داشته باشند!!"

در تاریخ مشهور است که گوبلز مسئول تبلیغات حزب نازی آلمان می گفت: " دروغ هر چه بزرگتر باشد مردم با این استدلال که دروغی به این بزرگی غیر قابل تصور است باور خواهند کرد."

آقای وزیر کدامیک از زندانیان عقیدتی- سیاسی در ایران دستشان به خون مردم آلوده است که شما در زندان نگه داشته اید؟! از بین مجاهدین زندانی که فقط به اتهام ارتباط عاطفی با عزیزانشان تا هواداری در دهه 60، کدامشان آدمکش بوده اند که شما حتی مجال زندگی در زندان را به مانند علی صارمی نداده و اعدامش کردید!!

یا فعالین تشکل های کارگری و معلمین مانند رسول بداعی، محمد جراحی که مبتلا به سرطان بدخیم است، رضا شهبابی، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی، پدram نصرالهی، غلب حسینی و خالد حسینی و... که غیر از دفاع از حقوق قانونی کارگران و معلمین در مقابل دستمزدهای مصوب یک چهارم خط فقر شما چند نفر آدم کشته اند!!؟

خالد حردانی مبارز سیاسی عرب با 14 سال زندان و عذاب و شکنجه و دربدری خانواده، دستش به خون کدامین مردم آلوده است!!؟

یا فعالین ملی - مذهبی آذربایجان، کرد، عرب و بلوچ که در چهارچوب قوانین موجود از حقوق ملی ملتشان دفاع می کنند چه جنایتی مرتکب شده اند؟! یا بهاییان این شهروندان عادی و محترم جامعه به کدامین گناه نکرده مورد غضب حکومت شما قرار گرفته اند؟! یا شهروندان مذهبی دراویش گنابادی به چه جرمی زندانی می شوند!!؟

آقای علوی، به شعور مردم توهین نکنید، شما که به قوانین مصوب خود مثل نسخ ماده 186 قدیم که هواداری را جرم ندانسته، شما که به نورچشمی های اصلاح طلب خود رحم نمی

کنید، شما که به فعالین مدنی-صنفي در حد ،ان جی او، و وبلاگ نویس رحم نمی کنید، آیا تحمل آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی را دارید؟! این قصه و دروغ بافی شما داستان آقا گرگه در قصه شنگول و منگول را به یاد می آورد که نقش مادر فداکار را بازی می کرد!!!

جناب وزیر بعتر است کمی فکر کنید و بفهمید، در این روزگار که از اقبال بد شما ارتباطات و اینترنت تمامی مرزهای جغرافیایی و دیوارهای مرئی و نامرئی دیکتاتوری و سانسور و خفقان را درهم کوبیده و دنیا را به صورت یک دهکده نه بلکه یک خانه کوچک درآورده که انسانها حتی نفس کشیدن همدیگر را می شنوند، تمامی عوامفریبی ها و جنایات شما در معرض دید همگان قرار دارد، دنیا را بیش از این به ریش خود نخذانید ، حناي شما دیگر رنگی ندارد . اما جهت کسب یک تجربه جدید بهتر است بدانید، تجارب انقلاب علیه نابودی حکومتهاى جهل ، زور و ستم در تاریخ نشان داده سرکوب و خفقان، اوج زوال حکومتهاى دیکتاتوری است، به قول ولتر : " بر سرنیزه می توان تکیه کرد ولی روی آن نمی توان نشست. "

امضاء کنندگان :

خالد حردانی ، صالح کهندل ، شاهرخ زمانی، ناصح یوسفی، محمد امیر خیزی ، محمد علی منصور ، عباس بادفر ، میثاق یزدان نژاد.

زندان گوهر دشت کرج

1392/6/25

تکثیر از :

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

www.chzamani.blogspot.com

freshahrookh@gmail.com

اطلاعیه شماره ۱۲ ، کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

یک خبر و یک پیام از بهنام ابراهیم زاده

کارگران ، تشکل های کارگری

همچنان که خود مطلع هستید بهنام ابراهیم زاده به جرم دفاع از طبقه کارگر سالهاست که در زندان به سر میبرد ، مسؤلان امنیتی به خاطر اینکه تنها فرزند بهنام بیمار است به بهنام مرخصی داده بودند ، بهنام به دلیل آنکه تنها فرزندش در آن زمان تحت درمان بود چند روز دیر تر خود را به زندان معرفی کرده بود تا بتواند بیشتر در کنار فرزند بیمارش بماند بنا بر توصیه پزشکان بیمارستان محک!

اما بنا به خبری که به دست ما رسیده است مسؤلان قضائی برای بهنام ابراهیم زاده پرونده سازی کرده اند و میخواهند بهنام را به اتهام اینکه در وقت مقرر خود را به زندان اوین معرفی نکرده است دادگاهی کنند.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکوم کردن این عمل قوه قضائیه خواستار آزادی تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است!

پیام تسلیت بهنام ابراهیم زاده به مناسبت درگذشت محمد هاشمی

مطلع شدم که هفته گذشته محمد هاشمی این جوان پر شور برای همیشه از میان ما رفت ، هر چند موفق نشده بودم که از نزدیک ایشان را ملاقات کنم اما وصف متانت و انسان دوستی

محمد عزیز را بارها شنیده بودم ، ضمن عرض تسلیت به خانواده گرامی این عزیز از دست رفته
برایشان صبری آرزو می‌کنم و خود را شریک غمشان می‌دانم.

بهنام ابراهیم زاده

بیست و دوم شهریور ۱۳۹۲

زندادان اوین

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

بیست و چهارم شهریور ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.behnam.ebrahimzadeh@gmail.com

دبیر خانه کارگر پاکدشت:

رکود تشکلهای کارگری، تلاش صنفی کارگران را به بن بست رسانده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است : یک فعال
کارگری در شهرستان پاکدشت با تاکید بر اجرای فصل ششم قانون کار مبنی بر تشکیل نهادهای
کارگری در واحدهای تولیدی، از فقدان تشکلهای کارگری در عمده واحدهای تولیدی این شهرستان
انتقاد کرد.

«عوض سلطانی» در این باره به ایلنا گفت: بی توجهی بعضی از کارفرمایان و مسئولین ادارات کار
به ضرورت وجود نهادهای کارگری برای دفاع از حقوق کارگران باعث شده است در سالهای اخیر،
باعث شده شاهد رکود تشکلهای کارگری در واحدهای تولیدی این شهرستان باشیم.
او با بیان اینکه تشکلهای کارگری می‌توانند با برقراری ارتباط دوسویه با مدیران مشکلهای کارگران را
مطرح کنند و از میزان مشکلهای در روابط کار بکاهند افزود: اکثر واحدهای صنعتی و تولیدی مستقر
در شهرکهای صنعتی عباس آباد، علی آباد، خوارزمی و ایوان کی فاقد تشکلهای کارگری هستند.
این فعال کارگری با ذکر مثالی گفت: در شهرک صنعتی عباس آباد پاکدشت که بیش از هزار
واحد تولیدی صنعتی دارد، تنها ۵ واحد صنعتی دارای تشکل کارگری هستند.
به گفته دبیر خانه کارگر پاکدشت، بی توجهی به ضرورت وجود تشکلهای کارگری در واحدهای
تولیدی توسط ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی پاکدشت تلاش کارگران برای دستیابی به حقوق
صنفی و قانونی‌شان را به بن بست رسانده است.
او در خاتمه اضافه کرد: تقویت امنیت شغلی کارگران، جلوگیری از اخراج سلیقه‌ای کارگران، حذف
اخذ سفته و انعقاد قرارداد سفید امضاء توسط برخی کارفرمایان خود لازمه ایجاد تشکلهای
مستقل کارگری است تا بتوانند در مقابل این ظلم‌های آشکار بایستند.

پایان پیام

«قانون» از رابطه مستقیم بیکاری و آسیب‌های اجتماعی گزارش می‌دهد مشکلهای اجتماعی راه حل امنیتی ندارد

به گزارش روزنامه قانون / گروه جامعه، در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است : **سمیه جاهد**
عطانیان- آمار بیکاری در ایران آن گونه که به صورت رسمی بیان می‌شود 15 درصد است اما
آمارهای غیررسمی از بیکاری بالای 30 درصد در جامعه حکایت می‌کنند. اگرچه این آمارها در
سال‌های اخیر و در دولت نهم و دهم همیشه محل مناقشه میان دولت و غیر دولتی‌ها بوده اما
آسیب‌های حاصل از این پدیده همچون رشد طلاق، کاهش ازدواج، تکدی گری، رشد مشاغل

کاذب در جامعه و دیگر معضلات اجتماعی همگی نشان‌دهنده این است که اگرچه آمارها می‌توانند وارونه جلوه داده شده و پنهان شوند، اما آسیب‌های اجتماعی حاصل از این معضل و رشد بیکاری در جامعه به زودی گریبان جامعه را گرفته و آثار آن به گونه دیگری به چشم خواهد آمد. به طوری که ارائه هرگونه آمار نادرستی در جامعه بی فایده بوده و بی‌اعتنایی یا همان بی‌اعتمادی به آمارهای ارائه شده توسط مسئولان بی فایده خواهد شد. با این حساب آنچه که گفته شد بی ارتباط با کشور ما نبوده و متأسفانه باید اعلام شود که زنگ خطرها از سال‌ها قبل به صدا درآمده و معضل بیکاری و افزایش آن در سال‌های اخیر تبعات ناگواری را برای جامعه به ارمغان آورده است. تبعاتی که شاید هر کدام ریشه دار شده و حل آن نیازمند زمان و هزینه‌های زیادی است. در عین حال، دکتر امانا... قرایی مقدم، در گفت و گو با خبرنگار قانون با اشاره به افزایش نرخ بیکاری در سال‌های گذشته و رشد برخی از آسیب‌های اجتماعی حاصل از این معضل تصریح می‌کند: با توجه به افزایش تورم، فقر و بیکاری در سال‌های اخیر ما شاهد افزایش خشونت و بزهکاری در جامعه نیز بوده ایم و این روند در سال‌های آتی روندی افزایشی خواهد داشت.

بیکاری، مادر مشکلات

این آسیب شناس اجتماعی از بیکاری با عنوان مادر مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه یاد کرده و ادامه می‌دهد: خشونت و جرائم از ابعاد مختلفی تشکیل شده و دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی است. در بعد اجتماعی آن می‌توان فقدان شادی و نشاط در جامعه را ذکر کرد. هنگامی که شادی و نشاط در جامعه نباشد و در مقابل غم و غصه حکم فرما باشد؛ این امر باعث می‌شود جامعه به سمت خشونت و پرخاشگری برود همین‌طور که طی چند سال گذشته شاهد کاهش شادی و به تبع آن افزایش افسردگی در سطح جامعه به خصوص جوانان بوده ایم؛ همچنانکه افزایش پرخاشگری در جامعه و افزایش جرم از نمادهای حاصل از افزایش بیکاری و کاهش شغل در جامعه است. قرایی مقدم با اشاره به عوارض دیگر بیکاری در میان جوانان و افراد جوانی کار و ضرورت پیشگیری از این معضلات یادآور می‌شود: همچنین فقدان شادی موجب روی آوردن فرد به اعتیاد می‌شود، افزایش جنایت و کمرنگ شدن تعهدات فرد نیز بیش از پیش نمایان شده و ارزش‌ها و هنجارهای دینی کمرنگ شده است. به همین دلیل است که در این شرایط میزان خشونت و جرائم رو به افزایش خواهد بود؛ لازم به ذکر است که افزایش بزهکاری در جامعه، افزایش سن ازدواج، طلاق، جرم، نزاع‌های خیابانی، افسردگی، گرایش به دخانیات، سنتیزه‌گری، دزدی، همه و همه ریشه در بیکاری در چند سال اخیر داشته و حالا باید با صرف هزینه‌های هنگفت به فکر درمان تمام این عوارض باشیم. این جامعه شناس می‌گوید: در زمان حاضر بسیاری از جوامع توسعه یافته با بررسی همه جانبه و ماهانه آمارهای مربوط به بیکاری و آسیب‌شناسی تمام جوانب آن، سعی در حل این معضل دارند در حالی که متأسفانه در کشور ما بررسی‌های همه جانبه در مورد اشتغال، معضل بیکاری و آسیب‌های اجتماعی مربوط به آن وجود ندارد. به همین دلیل آثار منفی آن به تدریج ریشه دوانده و به رشد آسیب‌های دیگر دامن می‌زند. متأسفانه در چند سال گذشته به جای حل معضل بیکاری در سال‌های اخیر، شاهد کتمان آمارهای مربوط به آن بودیم، به طوری که آمارهای دولتی در مورد سهم بیکاری از سوی کارشناسان رد شده و مسئولان هم بر این آمارها اصرار کردند. در نتیجه سودی عاید کسی نشده و مردم یا همان قشر جوان و جوانی کار ضربه خوردند.

پنهان کاری در اعلام آمارها

دکتر سعید سعید فر، آسیب شناس اجتماعی نیز در گفت و گو با خبرنگار قانون با اشاره به اینکه بخش مهمی از هویت افراد در نتیجه کسب شغل و ایفای نقش در یک مجموعه و گروه شکل می‌گیرد تصریح می‌کند: از نظر جامعه شناسان شغل یکی از نقش‌هایی است که فرد در کنار ایفای نقش، درآمد زایی کرده و با استفاده از پول، مشکلات مالی‌اش رفع شده و مایحتاج زندگی‌اش به دست می‌آید اما مهم‌تر از آن در کنار شغل و کار کردن، به بخش بزرگی از جامعه متصل می‌شود. وی با بیان اینکه افراد دارای شغل سعی در حفظ نظم و پیروی از اصول و قاعده

دارند ادامه می‌دهد: به طور حتم فرد بیکار و فاقد شغل از نظر جایگاه اجتماعی فردی طرد شده و تنه‌است که زمینه‌های بروز ناهنجاری و انحراف در آن وجود داشته و در معرض بسیاری از مشکلات روانی و حتی جسمانی قرار دارد. دکتر معیدفر تاکید می‌کند: اگر افراد شغل داشته باشند به سمت تشکیل خانواده سوق پیدا می‌کنند و یک زندگی حداقلی را فراهم می‌کنند، همچنین شغل برای افراد مسئولیت و هویت می‌آورد و شخص بی‌مسئولیت و بی‌هویت طرد می‌شود و به سمت آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد کشیده می‌شود، همانطور که در سال‌های اخیر، شاهد افزایش سوءمصرف مواد مخدر در میان زنان و مردان بودیم. این آسیب شناس اجتماعی با انتقاد از افزایش معضل بیکاری و سقوط آمار افراد دارای شغل و حتی افراد راضی از شغل تخصصی‌شان، خاطر نشان می‌سازد: نداشتن تدابیر ویژه برای حل معضل اشتغال باعث افزایش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی شده است به طوری که در سال‌های اخیر شاهد افزایش نمونه‌های زیادی از جرائم خشن یا غیر خشن مثل سرقت، راهزنی، انواعی از خشونت‌ها، زورگیری و دیگر آسیب‌ها هستیم. به دنبال چرخه معیوب حل معضلات اجتماعی، تلاش مسئولان برای حل امنیتی این کاستی‌ها، راه به جایی نبرده به طوری که افزایش آمار اعدام در ملاء عام همگی حاکی از نبود مدیریت در این راستا و افزایش گستره آسیب‌های اجتماعی است. دکتر معیدفر با اشاره به نقش حساس خانواده‌ها در این برهه از زمان اعلام می‌کند: به طور حتم اگر تا به امروز خانواده‌ها به داد فرزندان خود نمی‌رسیدند و آنها را زیر چتر حمایت خود قرار نمی‌دادند، مشکلات غیر قابل جبرانی گریبانگیر آنها و جامعه شده و آمارهای مربوط به آسیب‌های حاصل از بیکاری مثل رشد طلاق، سرقت، پرخاشگری و... افزایش جبران ناپذیری پیدا می‌کرد. به اعتقاد این آسیب شناس اجتماعی، خوشبختانه خانواده‌ها در جامعه ایران با چنگ و دندان حافظ فرزندان خود هستند و در شرایط نابسامان مالی و اقتصادی، مشکلات را مدیریت کرده و از بسیاری از بحران‌های چند سال اخیر عبور کردند؛ بدون تردید خانواده‌های ایرانی تحت تاثیر بیشترین فشارهای روحی و روانی هستند و در این شرایط اگر خانواده نبود، مشکلات حادی در پیش داشتیم. وی ادامه می‌دهد: اگر با وجود این همه بی‌کفایتی در دولت نهم و دهم، خانواده‌ای وجود نداشت، عبور از تمام این بحران‌ها امکان پذیر نبود و چه بسا در حال حاضر خانواده‌های زیادی به دنبال روبه‌رو شدن با مشکلات، گرفتاری‌های زیادی را تحمل کردند.

بدنبال برگزاری مجمع عمومی بزرگی از سوی کارگران کیان تایر برای آغاز دوره تازه ای از اعتراضات، هیات حمایت از صنایع بطور عملی به خواست کارگران این کارخانه تن داد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 25 شهریور 2 آمده است: بدنبال تجمع کارگران کیان تایر در مقابل وزارت صنایع در روز 17 شهریور ماه جاری و توافقات صورت گرفته در آنروز فی ما بین کارگران و مسئولین هیات حمایت از صنایع برای لغو واگذاری کارخانه به "شرفی" مالک قبلی آن و راه اندازی تولید با مدیریت جدید، برخی از مسئولین این هیات ضمن اجتناب از امضای حکم مدیر جدید کارخانه و با بهانه طی مراحل تحویل و تحول، مانع اجرای توافقات صورت گرفته و راه اندازی تولید شدند. در این میان پیگیری نماینده های کارگران نیز طی روزهای گذشته برای اجرای توافقات صورت گرفته و آغاز تولید نتیجه ای نداده بود و همین امر باعث شده بود تا زمزمه برگزاری تجمعات اعتراضی در میان کارگران کیان تایر بار دیگر آغاز شود. به همین منظور کارگران کیان تایر صبح امروز برای تصمیم گیری جهت برگزاری یک تجمع اعتراضی بزرگ در مقابل وزارت کار، اقدام به برپائی مجمع عمومی در سالن غذاخوری کارخانه کردند. این مجمع عمومی یکی از بزرگترین مجامع عمومی کارگری در کارخانه کیان تایر بود که تا بحال در این کارخانه برگزار شده بود، بطوریکه از هزار کارگر شاغل در کارخانه کیان تایر تقریباً همه آنان در این مجمع حضور داشتند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، همزمان با آغاز این مجمع، مامورین امنیتی اسلامشهر اقدام به احضار تلفنی و بازجویی از دو نفر از کارگران کردند اما علیرغم این وضعیت، کارگران شرکت کننده در مجمع به بحث و تبادل نظر پیرامون برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کار ادامه دادند و در حالیکه هنوز این مجمع کارگری ادامه داشت دستوری به امضا "تقی خان بیگی" دبیر هیات حمایت از صنایع مبنی بر راه اندازی تولید و حل و فصل امور جاری به آقای "میرزایی" مدیر انتصابی هیات حمایت از صنایع که در توافق بین کارگران و این هیات در جلسه 17 شهریور ماه به مدیریت کارخانه منصوب شده بود فکس شد. در این نامه آمده است: "جنابعالی از این تاریخ (92/6/25) به سرپرستی کارخانه کیان تایر منصوب می گردید تا ضمن عدم نیاز به طی مراحل تحویل و تحول بر اساس مفاد قانون حمایت صنعتی، بر اساس قوانین و رعایت اصول بازرگانی و متن مصوبه شورای تامین، نسبت به راه اندازی تولید و حل و فصل امور جاری کارخانه اقدام نمائید".

بنا بر این گزارش، بدینال رسید این فکس و نهادینه شدن خواست کارگران کیان تایر مبنی بر آغاز تولید با مدیریت جدید منتصب هیات حمایت از صنایع و لغو عملی واگذاری کارخانه به مالک قبلی آن، کارگران شرکت کننده در مجمع به این مجمع بزرگ و موفقیت آمیز خود پایان دادند و با وصل برق قسمتهای مختلف کارخانه شرایط را برای استارت تولید از فردا صبح مهیا کردند. لازم به یادآوری است از بیش از دو ماه گذشته که کارخانه کیان تایر از سوی وزارت صنایع به مالک قبلی آن واگذار شده بود تولید در این کارخانه خوابیده بود و صدها کارگر این کارخانه بطور مرتب در اعتراض به این واگذاری دست به تجمع و اعتراض در مقابل نهادهای مسئول و محل کارخانه میزدند. کارگران کیان تایر دستمزد مرداد و شهریور ماه خود را نیز طلبکارند و قرار است با راه اندازی تولید این دستمزدهای معوقه نیز پرداخت شود.

تولید گاز ایران از پارس جنوبی بصورت چشمگیری کاهش یافته است

در حالی که وزیر نفت ایران از نگرانی ها پیرامون تامین گاز زمستانی خبر داده، گزارشها حاکی است که تولید گاز ایران از پارس جنوبی به صورت چشمگیری کاهش یافته است. به گزارش خبرگزاری مهر، تولید گاز و میعانات گازی در سکوی فاز یک پارس جنوبی به دلیل اختلاف نظر «شرکت نفت و گاز پارس» با پیمانکار و عدم خرید یک قطعه کم بهای ۳۰۰ هزار تومانی (کمتر از ۱۰۰ دلار) از ۶ روز گذشته تاکنون تا نصف کاهش یافته است. این گزارش می گوید با احتساب قیمت کنونی نفت و گاز، افت چشمگیر تولید گاز و میعانات گازی، که نوعی نفت بسیار سبک و گران قیمت است و از چاههای گازی تولید می شود، در شش روز گذشته ۱۰ میلیون دلار زیان در دست اقتصاد ایران گذاشته است. با گذشت یک روز از انتشار این خبر، هنوز هیچ گزارشی درباره حل مشکل فاز یک پارس جنوبی منتشر نشده است.

ریزش آوار جان کارگر ۲۰ ساله را گرفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است : بعد از ظهر روز گذشته یک کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار یک ساختمان قدیمی سه طبقه جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه در بلوار جنت آباد، خیابان نسترن زمانی رخ داد که کارگران درحال تخریب یک ساختمان قدیمی سه طبقه بودند که ناگهان بخش‌هایی از سقف طبقه سوم بر روی یکی از کارگران ریزش کرد.

بنا بر این گزارش، آتش نشانات پس از حضور در محل پیکر این جوان ۲۰ ساله را از زیر آوار خارج کردند و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

پایان پیام

تجمع بازنشستگان صنعت فولاد مقابل ریاست جمهوری در اعتراض به عدم دریافت 3 ماه مستمری

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: صبح امروز جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد کشور در اعتراض به عدم دریافت سه ماه مستمری، مقابل ریاست جمهوری تجمع کردند.

این افراد که خود را عضو صندوق فولاد معرفی کرده‌اند، خواستار ملاقات با اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهور و یا نماینده وی برای شنیدن حرفهایشان و رسیدگی به مشکلاتشان هستند.

تعداد تجمع‌کنندگان حدود 60 نفر تخمین زده می‌شود.

سونامی اخراج کارگران قراردادی و رسمی در واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی از اخراج 800 کارگر قرار دادی و رسمی در واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) تا پایان شهریورماه خبرداد. سوابق کار این کارگران از دو سال تا ۲۰ سال است و بخش عمده اخراج این تعداد کارگر، مربوط به شرکت پیمانکاری فرا ساحل است که قصد دارد با اتمام قرار داد ۵۳۸ کارگر تا پایان شهریور ماه، آنان را اخراج کند.

عدم پرداخت بیش از 3 ماه حقوق کارگران فضای سبز شهرداری بجنورد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی از عدم پرداخت بیش از 3 ماه حقوق کارگران فضای سبز شهرداری بجنورد، خبرداد. در این گزارش آمده است: اکنون وضعیت مالی شهرداری بجنورد به گونه‌ای بوده که کارگران فضای سبز دست کم سه ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

هاله صفرزاده: کاهش قدرت خرید، آموزش و بهداشت را در طبقات مزدبگیر کم‌رنگ کرده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: «هاله صفرزاده» یک فعال مستقل کارگری معتقد است کاهش قدرت خرید خانواده‌های مزد بگیر باعث کم‌رنگ شدن اولویت‌های بهداشتی و آموزشی در این خانواده‌ها می‌شود.

هاله صفرزاده در این باره گفت: کودکان نیروهای مولد و سرمایه‌های آینده کشور هستند بنابراین هرچه کمتر آموزش ببینند در آینده کشور بیشتر با کمبود نیروی متخصص روبرو خواهد شد که نتیجه این وضع بدون شک وارد کردن نیروی به اصطلاح ماهر و متخصص از خارج خواهد بود. به گفته این فعال مستقل صنفی که خود در آموزش و پرورش خدمت می‌کند، نظام کنونی آموزشی در ایران ایرادهایی دارد که به موجب آن به واسطه بازتولید نظام سلطه؛ نسل آینده افراد «بله قربانگو» و غیر معترض تربیت و تحویل جامعه می‌شوند.

وی افزود: به غیر از تحقیر، توهین و تنبیه بدنی که همچنان در محیط‌های آموزشی به وضوح وجود دارد، ایراد دیگر این نظام آموزشی این است که با وجود تغییر محتوای برخی کتاب‌های درسی، هنوز اثری از آموزش خلاقیت مشاهده نمی‌شود.

صفرزاده گفت: هرچند نظام آموزش و پرورش کشور از نظر نحوه تعلیم و تربیت مورد انتقاد جدی قرار دارد، اما مسئله این است که برای جامعه فوائد برقراری همین خدمات «نیم بند» از فقدان آنها بیشتر است.

وی با یادآوری اینکه دولت به موجب قانون اساسی موظف است تا برای همه شهروندان خود امکان دسترسی رایگان به خدمات نظام آموزش ابتدایی و متوسطه را فراهم کند، گفت: در شرایط موجود به دلیل وخامت مشکلات اقتصادی حتی امکان دسترسی به خدمات اولیه آموزشی بصورت رایگان برای همه شهروندان ایرانی وجود ندارد.

صفرزاده بابیان اینکه هم اکنون هیچ مدرسه‌ای نمی‌تواند هزینه‌های خود را از محل مقرر که دولت معین کرده است تامین کند، گفت: در نتیجه اکنون چند سالی است که مشاهده می‌کنیم در مدارس از والدین دانش آموزان کمک‌های مردمی اجباری دریافت می‌کنند.

وی افزود: با توجه به بی‌سابقه بودن گرانی‌های اخیر، تحمل این شرایط برای خانواده‌هایی که حتی در تدارک کیف، کفش و نوشت افزار فرزندان خود دچار مشکل هستند غیر ممکن است.

وی درخصوص افزایش سرسام آور هزینه‌های مربوط به نوشت افزار گفت: در سال‌های قبل هم بیشتر خانواده‌های مزد بگیر و کم بضاعت برای تامین نوشت افزار فرزندان خود با مشکل مواجه بودند اما در سال جاری شاهدیم که این مشکل به خانواده‌های طبقه متوسط نیز سرایت کرده است بطوری که امسال این خانواده‌ها تمایل بیشتری نشان می‌دهند تا از بازارچه‌های ویژه خریداری کنند.

صفرزاده گفت: غیر از این در سال‌های اخیر به دلیل ترویج نوعی سیاست خصوصی سازی در نظام آموزشی، والدین دانش آموزان مجبورند تا به عناوین مختلف بابت مدارس غیر انتفاعی، تدریس خصوصی، کلاس تقویتی؛ جبرانی، کنکور، المپیاد و یا استعداد درخشان هزینه اضافی به کادر آموزشی مدارس و یا موسسات خدمات آموزشی پرداخت کنند.

وی ادامه داد: در سال‌های اخیر موسسات خصوصی خدمات آموزشی به غیر از هدف‌گیری دانش‌آموزان سال‌های پایانی دبیرستان، با تمرکز تبلیغاتی بر دانش آموزان تمامی مقاطع تحصیلی، باعث افزایش هزینه تحصیل دانش آموزان در تمامی مقاطع شده‌اند.

وی باغیر منطقی خواندن این هزینه‌های تازه گفت: نتیجه این وضع کم‌رنگ شدن هرچه بیشتر خدمات آموزشی رایگان است.

به باور صفرزاده مادامی که در بخش آموزش و پرورش نگاه کالایی غالب باشد. باید شاهد افزایش غیر منطقی هزینه‌های تحصیل کودکان در بخش‌های مختلف باشیم.

وی بابیان اینکه استمرار این شرایط باعث ایجاد تبعیض در محیط‌های آموزشی می‌شود گفت: از آنجا که در دراز مدت تحمل چنین فضایی برای فرزندان خانواده‌های کم بضاعت و مزدبگیر ناممکن است در نتیجه باید شاهد ترک تحصیل بیشتر کودکان و جذب در بازار سیاه کار باشیم.

صفرزاده در پایان گفت: در شرایط کنونی به غیر از دانش آموزان، برخی دانشجویان نیز به دلیل فشارهای اقتصادی و غیر اقتصادی ناچار شده‌اند تا محیط‌های آموزشی را ترک کنند.

کوره آجرپزی پای کارگر 26 ساله‌ای را قطع کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: کارگر جوان 26 ساله‌ای در حادثه ای حین کار در کارگاه آجرپزی پای چپ خود را از دست داد.

بنابراین گزارش، به نقل از روابط عمومی مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی اصفهان، رنجبران مسوول امور پایگاه‌های شهرستان برخوار گفت: ساعت 13:18 روز پنج شنبه 21 شهریورماه 92،

طی تماس تلفنی با اتاق فرمان این شهرستان اعلام شد پای کارگری در یکی از کوره‌های آجرپزی شهرستان دولت آباد، قطع شده و درخواست امداد خواهی نمودند. وی افزود: بر اساس این گزارش یک واحد امدادی اورژانس پیش بیمارستانی 115 از پایگاه دولت آباد به محل حادثه اعزام شدند. تکنسین‌های اورژانس پیش بیمارستانی پس از رسیدن به محل حادثه، جوان 26 ساله که دچار قطع شدن پای چپ خود شده بود را پس از انجام اقدامات اولیه و جلوگیری از خونریزی به بیمارستان کاشانی منتقل کردند.

تجمع کارگران شهرداری مقابل فرمانداری زابل در اعتراض به بیش از 3 ماه عدم پرداخت حقوقشان

به گزارش خبری عصر هامون، آمده است: صبح امروز کارمندان شهرداری زابل به دلیل تعویق 3 ماهه در دریافت حقوق خود در مقابل فرمانداری تجمع کردند. برپایه این گزارش، یکی از این کارمندان علت تجمع را تاخیر بیش از سه ماه در پرداخت حقوقشان عنوان کرد و گفت: چند ماهی است که معیشت برای ما بسیار تنگ شده و گذران زندگی برایمان سخت شده است. کارگر دیگری ادامه داد: علاوه بر اینکه حقوق ما را ندادند به دلیل بدهی شهرداری به سازمان تامین اجتماعی این سازمان از تمدید دفترچه های تامین درمان کارکنان خودداری می کند. این تجمع با دخالت مقامات قضایی و یگان امداد نیروی انتظامی خاتمه یافت.

اخباری که به پیامک گیرسندیکای کارگران فلزکار مکانیک رسیده است: کارفرمای کارخانه فولاد زاگرس از قبول بازگشت بکار کارگران سر باز زده است

برپایه گزارش رسیده از فعالان فلز کار مکانیک به روزشمار کارگری در تاریخ 25 شهریور 92 آمده است: کارفرمای کارخانه فولاد زاگرس از قبول بازگشت بکار کارگران سر باز زده است. کارگران کارخانه را بصورت شیفتی در گروههای متعدد نگهداری کرده تا از فروش تولیدات کارخانه بدون اطلاع کارگران جلوگیری شود. کارگران تا زمانیکه خریدار پول محصولات را نداده از بازگیری محصولات فروخته شده ممانعت به عمل می آورند. متاسفانه کارفرما از دادن حقوق معوقه کارگران خودداری می کند. شکایت کارگران به اداره کار و هیات تشخیص باعث صدور رای گردید که اخراج غیرموجه کارگران و بدون دلیل کارفرما تشخیص داد و تا تغییر کاربری کارخانه و ساختار اقتصادی را به شورای عالی کار را ارایه دهد و تصمیم نهایی ر به شورای عالی کار داده است، بازگشت بکار کارگران میسر است و می توانند به سرکار بازگردند. تا مورخه اول مهر در صورت نبود اعتراض کتبی قطعی و لازم الاجراست و کارگران می توانند مشغول کار شوند. کارفرمای کارخانه فولاد زاگرس تشکیل شده است از 51 درصد سهم دولت، 49 درصد سهام بخش غیر دولتی که از کانون بازنشستگان کشوری، شرکت ملی فولاد و صندوق تامین اجتماعی می باشد، که تا الان از عهده مسوولیت کارخانه را قبول نمی کنند و همینطور ول کرده اند به امان خدا و جوابگوی کارگران نیستند.

کارخانه ذوب آهن کردستان با 130 هکتار زمین و 16 هکتار کاربری صنعتی و سوله می باشد و با دو حلقه چاه عمیق و دو خط برق فشار قوی و دو معدن آهن و منگنز و یک کوره بلند 100 متر مکعبی تولید چدن متالوژی بوده که احتیاج به تعمیر آجرکاری مجدد دارد در صورت برآورد 5 میلیارد تومان اعتبار می توان مانند ذوب آهن اسد آباد غرب کشور به کوره تولید فرو منگنز تبدیل شود و با 500 کارگر دایم مشغول بکار شود با درآمد میلیاردی . روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سرنوشت ۲۲۵ کارگر اخراجی در انتظار ۵۰ کارگر باقی مانده فولاد زاگرس

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است : در پی اخراج ۲۲۵ نفر از مجموع ۲۸۵ کارگر کارخانه فولاد زاگرس، یکی از ۵۰ کارگر باقی مانده در این کارخانه مدعی شد، بعد از اخراج ۲۲۵ کارگر در تاریخ ۱۸ تیرماه، ۵۰ کارگر باقی مانده نیز همچنان همانند سایر همکارانشان بلا تکلیف بوده و از فروردین ماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند. این کارگر شاغل در کارخانه فولاد زاگرس که نخواست نامش فاش شود گفت: این ۵۰ کارگر باقی مانده که بعد از تعطیلی کارخانه در قسمتهای مختلف از جمله بخشهای نگهداری، دفتری و فنی مشغول به کارند از فروردین ماه سال جاری بجز مبلغ ناچیزی که به عنوان علی‌الحساب به آنان پرداخت شده است حقوق دیگری دریافت نکرده‌اند و در این زمینه هیچ مسئولی در کارخانه پاسخگوی مطالبات آنان نیست.

او با بیان اینکه مدیر عامل در کارخانه حضور فیزیکی ندارد ادامه داد: وقتی کارگران بعد از ۲۰ سال خدمت قصد پی‌گیری مطالبات خود را دارند به مسئولین ارشد کارخانه دسترسی ندارند و مدیران پایین دستی نیز عامل پرداخت نشدن حقوق کارگران را خالی بودن حسابهای بانکی کارخانه عنوان می‌کنند.

او همچنین گفت: کارفرما پیغام داده است به حضور شما در کارخانه هیچ اجباری نیست و می‌توانید کارخانه را رها کنید چرا که توان پرداخت حقوق را نداریم. این کارگر با بیان اینکه برخی از قسمتهای حساس کارخانه همانند پستهای برق و تاسیسات نیاز به نگهداری مستمر دارد افزود: هم اکنون این کارخانه با همه دارایی‌هایش در شهرستان قروه به بهانه اصلاح ساختار رها شده و هیچ مسئولی پاسخگوی کارگران نیست.

گندم‌کاران مثل چای‌کاران شدند

به نوشته روزنامه قانون در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است : چهره امروز به گندم‌کارانی تقدیم می‌شود که به وضعیت چایکاران دچار شده‌اند یعنی مطالباتشان را نگرفته‌اند البته ما که نه گندم‌کار هستیم و نه چایکار نیز جزو همین دسته هستیم و کلی از عالم و آدم طلبکاریم که البته این به روحیه خراب خودمان برمی‌گردد و اهالی اصلا هیچ تقصیری در این زمینه به عهده ندارند. نفس ماجرا مهم است. اینکه چرا گندم‌کاران این روزها ناراحتند؟ واقعا اگر کمی منصف باشند و به درستی قضاوت کنند متوجه خواهند شد که وضعیت آن قدرها هم بغرنج نیست و می‌توان بر مشکلات فائق آمد. مگر خون گندم‌کاران از چایکاران رنگین‌تر است. وقتی چایکاران طلبکارند، خب آنها و سیب زمینی‌کاران و سایرین هم طلبکار بمانند. باید قبول کنیم که عدالت مسئله مهمی است و نباید به دور از عدالت با کسی رفتار کرد. اگر واقعا عدالت را طلب می‌کنیم و معتقدیم که اصل عدالت می‌تواند جوامع را به خوشبختی برساند، در این زمینه نیز نباید انتظار استثنا قائل شدن و ویژه بودن و .. داشته باشیم و ضروری است همه با هم تن به مساوات بدهیم و وقتی نمی‌شود طلب چایکاران پرداخت شود، انتظار پرداخت طلب دیگران را هم نداشته باشیم. حالا که صحبت به اینجا رسید پیشنهاد می‌کنیم کسانی که توانسته‌اند پول‌هایشان را دریافت کنند نیز برای حفظ عدالت و برقراری مساوات به واحدهای مربوطه مراجعه کنند و نسبت به بازپرداخت این پول‌ها اقدام کنند. باشد که در این حالت مشکلی از مشکلات مملکت باز شود و کسی فکر نکند که خون یکی از دیگری رنگین‌تر است.

ارادتمند ز- ع

دستور ترخیص کالاهای اساسی و دارو از گمرکهای ایران صادر شد

بر پایه خبر رسیده آمده است : رئیس کل گمرک ایران از صدور دستور ترخیص کالاهای اساسی و دارو از گمرکهای کشور خبر داده است.

به گفته مسعود کرباسیان دستور العمل مصوبه جدید دولت برای ترخیص کالاهای اولویت 10 نیز روز سه شنبه ابلاغ می شود.
قرار است کالاهای اولویت 10 با پرداخت دو برابر سود بازرگانی به علاوه حقوق ورودی اجازه ترخیص را دریافت کنند.
رئیس کل گمرک ایران به نقل مقامات سابق گمرک در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد گفته است حدود 300 هزار تن کالا در مناطق ویژه و آزاد موجود است که اجازه ورود ندارند

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور: بودجه ۹۰۰ میلیاردی بیمه کارگران ساختمانی پرداخت نشده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور از عدم پرداخت بودجه ۹۰۰ میلیارد تومانی بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تامین اجتماعی خبر داد.

«اکبر شوکت» در این باره به ایلنا گفت: ۹۰۰ میلیارد تومانی که مقرر شده بود برای پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز شود هنوز وصول نشده است.

وی با انتقاد از تامین بودجه بیمه کارگران ساختمانی از محل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تصریح کرد: بر اساس قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی»، پرداخت حق بیمه کارگران ساختمانی از محل صدور پروانه‌های ساختمانی صورت می‌گرفت ولی اکنون سازمان امور مالیاتی مکلف شده است بودجه ۹۰۰ میلیارد تومانی بیمه کارگران ساختمانی را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

گفتنی است قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که در دی ماه سال گذشته به تصویب رسیده بود، سازمان تامین اجتماعی را موظف می‌کرد با منابع حاصل از فروش پروانه ساخت که از طریق شهرداری‌ها به صندوق تامین اجتماعی واریز می‌شد، تمام کارگران ساختمانی را بیمه کند.

این فعال کارگری در ادامه بیان کرد: تا پایان تیر ماه سال جاری، ۱۰۰ هزار سهمیه بیمه به کارگران ساختمانی اختصاص داده شده است و ۱۰۰ هزار کارگر ساختمانی دیگر، منتظر پرداخت بودجه ۹۰۰ میلیارد تومانی به سازمان تامین اجتماعی و قرار گرفتن تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند.

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی در پایان با انتقاد از مصوبه نمایندگان مجلس که به تغییر محل تامین بودجه ۹۰۰ میلیارد تومانی بیمه کارگران ساختمانی منجر شده است، اظهار داشت: اگر این طرح به تصویب نمی‌رسید نیازی نبود که دولت در این شرایط اقتصادی، ۹۰۰ میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند و این مبلغ از محل صدور پروانه‌های ساختمانی تامین می‌شد اما طرحی که نمایندگان در روزهای آخر تعیین بودجه در حمایت از سازندگان ساختمان به تصویب رساندند ۹۰۰ میلیارد تومان به بودجه دولت ضرر زد.

پایان پیام

اعتراض کارمندان سازمان اتوبوسرانی زابل به تاخیر در پرداخت حقوق

به گزارش خبری عصر هامون، در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: طی تماس‌های چند تن از کارکنان سازمان اتوبوسرانی زابل در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق ۳ ماهه تیر، مرداد و شهریور ماه‌شان بود این پایگاه خبری پیگیر اطلاع از علت این موضوع شد. یکی از پرسنل اتوبوسرانی خطاب به مسئولان گفت: من مستاجر هستم و باید اجاره خانه بدهم، برای صاحب خانه هیچ توجیهی قابل قبول نیست، از طرفی مخارج یک خانواده چند نفره را از کجا تأمین کنم. وی ادامه داد: چرا در حالی که همه دستگاه‌ها حقوق کارکنان‌شان را پرداخت کرده‌اند این سازمان حقوق کارکنان خود را پرداخت نکرده است. کارمند دیگری افزود: تأخیر در پرداخت حقوق برای کارمندی که درآمد دیگری جز حقوق ثابت ندارند مشکل آفرین است و متأسفانه با توجه به گرانی‌های اخیر کسی هم حاضر به قرض دادن نمی‌باشد. وی با لحن تند گفت: ما هزار و یک مشکل داریم و مسئولان توجهی به مشکلات ما ندارند، حقوق را بدهند و اضافه کاری‌ها را ماه آینده جزو مطالبات ما منظور کنند. پاسخگو نبودن مسئولان پس از تماس با برات میر قلعه نو مدیر عامل سازمان اتوبوسرانی زابل در پاسخ به سؤال "دلیل تأخیر در پرداخت حق الزحمه کارکنان چیست؟" گفت: دلیل خاصی وجود ندارد و فقط دلیل کمبود بودجه و نبود پول است. وی ادامه داد: به محض اینکه بودجه دریافت کنند حق الزحمه و اضافه کاری پرسنل را پرداخت می‌نمایند. میر اظهار داشت: جهت پیگیری در تأخیر حقوق کارمندان و تأمین بودجه تا کنون با شهرداری، فرمانداری و استانداری و اتحادیه مکاتباتی صورت گرفته است که تا کنون جوابی دریافت نکرده ایم. پس از تماس با شهرداری دریافتیم که شهردار زابل به مسافرت رفته اند !!! این در حالیست که حقوق ۳ ماه کارکنان سازمان اتوبوسرانی زابل پرداخت نشده و با توجه به شرایط اقتصادی و تورم، بسیاری از کارکنان برای خرج زندگی با مشکل روبرو شده اند. جهت پیگیری بیشتر با فرماندر زابل تماس گرفتیم که پس از تماس‌های مکرر تلفن همراه وی پاسخگو نبود.

حجم واردات و صادرات کاهش یافت

سبد قاچاقچیان پر و پیمان شد

به نوشته روزنامه قانون/ گروه اقتصادی در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: از ابتدای سال جاری تا کنون حجم تجارت خارجی ایران کاهش قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. به گزارش خبرنگار قانون، بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی گمرک حجم تجارت خارجی ایران از ابتدای سال جاری تا پایان مرداد ماه کاهشی در حدود 7.99 درصد و میزان واردات کالا به کشور نیز کاهشی برابر با 26.36 درصد را تجربه کرده است. کاهش سهم ایران از بازارهای جهان یکی از مهمترین مسائلی است که کارشناسان نسبت به تبعات سوء آن بر اقتصاد هشدار داده‌اند. در این میان وضعیت اقلام مهم صادرات غیرنفتی ایران نظیر میعانات گازی و محصولات پتروشیمی به ترتیب منفی 14.30 و منفی 14.42 درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده است. تحریم‌های سنگین غرب و مشکلات تاجران ایرانی در نقل و انتقال پول و همچنین کاهش قابل توجه واردات مواد اولیه، یکی از مهمترین دلایل کاهش سهم ایران از بازارهای جهانی بوده است. هر چند حجم صادرات غیرنفتی ایران به شدت کاهش یافته است اما با این حال در

بازارهای داخلی نیز وضعیت نشان‌دهنده انباشته شدن کالاهای تولیدی نیست از این رو برخی چنین ارزیابی می‌کنند که کاهش صادرات غیر نفتی با کاهش حجم تولیدات در ایران همراه بوده است که این امر زنگ‌های خطر را برای اشتغال نیز به صدا در می‌آورد. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی گمرک در این دوره زمانی ایران بیشترین صادرات خود را به کشورهای عراق، افغانستان، ترکمنستان، مصر و آذربایجان داشته است. در عین حال میزان صادرات کالا به دو کشور همسایه عراق و افغانستان در این دوره زمانی کاهش یافته است. همچنین بیشترین حجم واردات نیز از کشورهای امارات متحده عربی، کره جنوبی، آلمان، ترکیه و هند صورت گرفته است. در سال گذشته 41 میلیارد دلار کالا از کشور صادر و 53 میلیارد دلار کالا به ایران وارد شده است.

کاهش صادرات خودرو

بر اساس این گزارش از ابتدای سال جاری تا پایان مرداد ماه، همزمان با کسادی بازار خودروی داخلی، بازار خودروی ایران در آن سوی مرزها نیز راکد شده است و حجم صادرات خودرو از ایران در این دوره زمانی به 1456 دستگاه محدود شده است. بر این اساس میزان صادرات خودرو نسبت به دوره زمانی مشابه کاهش برابر با 92.12 درصد را تجربه کرده است. از سوی دیگر میزان واردات خودرو به کشور 16 هزار و 959 دستگاه بوده که نسبت به دوره مشابه سال قبل 3.9 درصد افزایش داشته است.

کاهش واردات گوشی تلفن همراه

میزان واردات گوشی تلفن همراه نیز در این دوره زمانی 25.46 درصد بوده است. از ابتدای سال جاری تا پایان مرداد ماه 59 هزار و 451 دستگاه گوشی تلفن همراه به کشور وارد شده است. کاهش حجم واردات گوشی تلفن همراه به منزله افزایش میزان قاچاق این کالا به کشور است چرا که سهم واردات قانونی از کل بازار ایران سهم اندکی است و دولت همواره درصد بوده است با اتخاذ تدابیری نسبت به تغییر سهم واردات گوشی تلفن همراه به کشور به نفع واردات قانونی اقدام کند. به نظر می‌رسد مصیقه ارزی و ممنوعیت‌های ایجاد شده برای تخصیص ارز روی واردات این دست کالاها تأثیری جدی به جا گذاشته است.

سیگار در سبد قاچاقچیان

وضعیت سیگار نیز مشابه وضعیت گوشی تلفن همراه است. از این رو کاهش 45 درصدی میزان واردات سیگار به کشور نشان‌دهنده افزایش قابل توجه سهم واردات غیرقانونی این کالا در بازار است. در 5 ماهه اول سال جاری کمی بیش از 25 هزار دلار سیگار به کشور به صورت رسمی وارد شده است.

واردات 984 هزار دلاری پوشاک

میزان کاهش واردات پوشاک نیز در این دوره زمانی بسیار قابل توجه بوده است. کاهش واردات قانونی پوشاک به کشور بر اساس آمارهای گمرک بیش از 87 درصد بوده است. بر این اساس به نظر می‌رسد پوشاک که همواره یکی از اقلام مهم در سبد واردات غیرقانونی کالا است، بار دیگر دروازه‌های ورود غیرقانونی را برگزیده است. حجم واردات قانونی پوشاک 121 تن گزارش شده است.

دلایل کاهش صادرات غیر نفتی

اسدا... عسگر اولادی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین نیز درباره دلایل کاهش صادرات غیرنفتی گفت: هنوز تدبیرهای دولت یازدهم در بخش صادرات غیر نفتی نتیجه نداده و امیدواریم در 100 روز اول شاهد نتایج تدبیرهای دولت جدید باشیم. وی افزود: در نیمه اول سال صادرات کالاهای غیرنفتی کاهش در حدود هشت درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل داشته و در صورت تغییر نیافتن این روند امسال صادرات غیر نفتی حتی به 40 میلیارد دلار نیز نخواهد رسید. وی گفت: طبق برنامه‌ریزی‌ها مقرر بود صادرات غیر نفتی به 60 میلیارد دلار برسد و این در بودجه نیز لحاظ شده است اما ما به 50 میلیارد دلار هم راضی شده بودیم ولی در حال حاضر همه می‌دانند که صادرات 40 میلیارد دلاری نیز تحقق نخواهد یافت.

این عضو اتاق بازرگانی تاکید کرد: به طور قطع صادرات در سال جاری بین 37 تا 38 میلیارد دلار خواهد بود. عسگراولادی درباره دلایل کاهش صادرات در سال جاری به ایسنا گفت: اولین مشکل حمل و نقل است که به دلیل تحریم‌های انجام شده در این زمینه تاثیر آن را در کاهش صادرات شاهد بودیم. رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران با تاکید بر این‌که به دلیل مشکلات حمل و نقل کالاهای صادراتی را نمی‌توانیم به راحتی به کشورهای هدف صادر کنیم، گفت: برای صادرات کالا ابتدا باید کالای خود را به دوی، عراق یا افغانستان فرستاده و از آنجا به کشورهای هدف صادر کنیم که این موضوع خود در کاهش فعالیت‌های صادراتی تاثیرگذار است. وی درباره دومین مشکل صادراتی کشور گفت: عدم ثبات نرخ ارز دومین دلیل تاثیرگذار در کاهش نرخ صادرات است. ارز ما در نوسان است و تغییرات آن بر صادرات تاثیر می‌گذارد.

ارز کمتر از 3200 تومان، هرگز

عسگراولادی با بیان این‌که اگر نرخ ارز کمتر از 3200 تومان شود به شدت به صادرات لطمه وارد می‌کند، ادامه داد: در حال حاضر قیمت‌های تمام شده کالا براساس نرخ دلار 3200 تومان است و اگر ارز صادراتی را کمتر از 3200 تومان محاسبه کنیم این موضوع را تحت تاثیر قرار می‌دهد. رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران با تاکید بر این‌که سومین مشکل در کاهش صادرات عدم امکان برنامه ریزی برای صادرات است، اضافه کرد: متأسفانه صادرکنندگان از شرایط درآمدت اقتصادی و مالی خود اطلاع ندارند لذا عدم امکان برنامه ریزی، صادرات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. وی ادامه داد: مهم‌ترین رکن در صادرات امکان برنامه ریزی است و صادرکنندگان امکان برنامه ریزی بلند مدت را به دلیل مشکلات حمل و نقل و عدم ثبات مسائل مالی ندارند.

یک کارشناس تامین اجتماعی: سازمان تامین اجتماعی نباید سابقه روشی کند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: یک کارشناس تامین اجتماعی با انتقاد از غیبت نمایندگان سازمان تامین اجتماعی در برنامه اخیر مناظره سیما، گفت: عدم حضور این نمایندگان باعث شد تا با موضوع بازنشستگی با کمتر از ده سال سابقه بیمه بصورت احساسی - سیاسی برخورد شود.

علی حیدری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: از آنجایی که به موجب این طرح تصویب شده در مجلس شورای اسلامی قرار است سازمان تامین اجتماعی در برابر دریافت وجه نقد به بیمه شدگان سالخورده و کم توان سابقه بیمه بفروشد، گفت: به جای برخوردهای سیاسی و احساسی می‌بایست کارشناسان سازمان تامین اجتماعی و مرکز پژوهش‌های مجلس نیز حضور می‌داشتند.

به گفته این کارشناس تامین اجتماعی مسئولان سازمان در حالی در مواجهه با چنین طرح‌هایی تکیه اصلی خود را برای رد این طرح بر پی‌پولی خود گذاشته‌اند، که حتی اگر سازمان پول هم داشته باشد نباید حمایتی و برخلاف قاعده عدالت رفتار کند . حیدری افزود: از همه مهم‌تر اینکه چرا سازمان تامین اجتماعی نمی‌گوید اگر این قبیل طرح‌ها خوب است چرا سایر صندوق‌ها مکلف به اجرای آن نمی‌شوند.

وی یادآور شد: سکوت کنونی سازمان تامین اجتماعی در حالی است که در گذشته سازمان از طریق بخش‌های فکری خود به تولید محتوای علمی و دربخش فرهنگی و اجتماعی و ارتباطی خود به نشر محتوا می‌پرداخت و علاوه بر آن در بخش امور استان‌ها و از طریق شبکه‌ای از بخش‌های مدیریتی و کارشناسی به تبیین مواضع سازمان اقدام می‌شد .

حیدری بایان اینکه اگرچه دفاع برخی از مخالفان حاضر در برنامه مناظره روز پنجشنبه از سازمان تامین اجتماعی ارزشمند بود اما عدم حضور سازمان و بخش تخصصی مروه در وزارتخانه متولی حوزه رفاه و تامین اجتماعی لطمه بزرگی برای این سازمان بود و مشخص نیست در این ارتباط چه کسی مقصر بوده است.

این کارشناس تامین اجتماعی ادامه داد: از منظر دیگر بایستی گفت که دفاع از سازمان و یا رد این طرح هم بایستی با تدبیر صورت بگیرد. مثلاً سازمان نقطه ثقل مخالفت خود را بر وضعیت نامناسب مالی و بی‌پولی گذاشته است درحالی که باید گفت سازمان اگر پول هم داشته باشد نباید خلاف عدالت و اصول و قواعد بیمه‌ای رفتار کند و نکته مهم‌تر که بایستی بگوید اگر این طرح خوب است چرا شامل سایر صندوقهای بیمه‌ای کشوری و لشکری و... نمی‌شود.

پایان پیام

عدم پرداخت ماه‌ها حقوق کارگران کارخانه داروسازی شیمی داروی ریحانه درگیری فیزیکی و تنش در کارخانه، از آتش زدن لاستیک تا پاره کردن پیراهن!

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: یکی از بزرگترین پروژه‌های داروسازی کشور در اصفهان که در آستانه بهره‌برداری قرار گرفته امروز سه‌شنبه به دلیل مشکلات مدیریتی به وجود آمده شاهد درگیری و زد و خورد بین تعدادی از افراد در محل این کارخانه بود.

بنابراین گزارش، کارخانه داروسازی شیمی داروی ریحانه واقع در کیلومتر 18 جاده شیراز که از آن به عنوان یکی از بزرگترین کارخانه‌های داروسازی کشور یاد می‌شود حدود 18 ماه است که در آستانه بهره‌برداری قرار گرفته اما به دلیل مشکلات مختلف این بهره‌برداری به تعویق افتاده است. طبق گزارش‌های منتشر شده خط تولید قرص و کپسول این کارخانه با وجود تحریم‌های بین‌المللی آماده بهره‌برداری است اما مجوز بهره‌برداری به علت مسائل زیست‌محیطی صادر نشده و تعداد زیادی از کارگران آن مدت‌هاست که نتوانسته‌اند حقوق خود را دریافت کنند.

پس از شکایت جمعی از کارگران این شرکت در اوایل اردیبهشت ماه امسال، وزارت صنعت، معدن و تجارت طی نامه‌ای خواستار حل مشکل این شرکت شد. در نامه‌ای که به امضای مظفر انصاری، رئیس سازمان صنعت و معدن رسیده علاوه بر اشاره به این موضوع تاکید شده "سرمایه‌گذار طرح از ادامه آن منصرف شده و قصد دارد سرمایه خود را به سمت هزینه کردن در موارد دیگری سوق دهد".

این پروژه یکی از بزرگترین پروژه‌های تولید محصولات دارویی در سطح جهان است. ظرفیت این مجتمع دارویی بالغ بر دو میلیارد واحد دارویی در سال پیش‌بینی شده بود که این ظرفیت بزرگترین رقم تولید محصولات دارویی در حاضر برای یک واحد دارویی در ایران را به خود اختصاص می‌دهد.

به اعتقاد سرمایه‌گذار طرح، عدم بهره‌برداری از آن تاکنون ده‌ها میلیارد تومان هزینه بر این طرح وارد کرده است. این طرح بزرگ شامل ۱۲ خط تولید در زمینی به مساحت ۱۵ هکتار در جاده اصفهان - شیراز و منطقه صنعتی رحیم‌آباد ساخته شد. جواز تاسیس آن در تاریخ ۲۵ تیر 1382 به شماره ۱۰۱۰۳ صادر شد. قرار بود این کارخانه در زمینه تولید انواع آنتی‌بیوتیک، انواع کپسول‌های آنتی‌بیوتیک و سوسپانسیون‌های خشک فعالیت کند. اجرای این پروژه نزدیک به هفت هزار میلیارد تومان برآورد شده بود که تاکنون مقدار زیادی از آن توسط سرمایه‌گذاران تامین و دو خط تولید آن مدت‌هاست آماده به کار است.

در همین حال برخی اخبار حاکی از آن است که امروز این کارخانه شاهد تنش و درگیری‌هایی بوده است.

یکی از پیمانکاران این پروژه گفت: امروز برخی افراد که گویا قرار است مدیر جدید پروژه باشند با وکلا و یک سری افراد خود به زور وارد کارخانه شده و در این بین درگیری و زد و خوردهایی نیز رخ داد که خوشبختانه به کسی آسیب نرسیده است.

او با اشاره به اینکه در این بین جلوی در کارخانه نیز از سوی این افراد لاستیک سوزانده شد، افزود: سهامداران پروژه شرکت‌های دارویی هستند و می‌توانند مدیران جدیدی برای این پروژه انتخاب کنند اما این کار نباید به صورت زیرزمینی و مخفی انجام شود.

وی گفت: کارخانه دارای سه دروازه نگهداری است که افراد یاد شده از دو دروازه عبور کردند اما خوشبختانه از گیت سوم عبور نکردند.

وی با اشاره به نارضایتی شدید کارگران این پروژه گفت: کارگران ماه‌هاست که حقوق نگرفته‌اند و اگر تحریک شوند ممکن است یک بحران کارگری بزرگ ایجاد شود.

این پیمانکار با تأکید بر اینکه دست‌هایی در کار است تا این پروژه بزرگ داروسازی به بهره‌برداری نرسد، عنوان کرد: خوشبختانه با وجود تنش و درگیری رخ داده تجهیزات موجود در پروژه که ارزش آن بالغ بر میلیاردها تومان می‌شود خسارتی ندیده است.

در همین حال موسس و مدیر پروژه شیمی داروی ریخانه نیز با اشاره به اینکه این پروژه یکی از نقاط عطف در صنعت داروسازی کشور محسوب می‌شود، گفت: قرار است ظرفیت تولید این پروژه به دو میلیارد واحد دارویی در سال برسد که برای صادرات 90 درصد از محصولات آن به اروپا و آمریکا نیز برنامه‌ریزی شده است. اما گویا دست‌هایی در کارند تا اجازه ندهند این پروژه به سرانجام برسد.

او با تأیید درگیری و زد و خورد ایجاد شده در محل پروژه گفت: متأسفانه در روزی که مصادف با سالروز تولد امام رضا بوده عده‌ای در اوج کج‌سلیقگی محل پروژه را مورد آماج حملات خود قرار دادند و اقدام به آتش‌سوزی و درگیری با کارگران پروژه کردند و ما به شدت نگران ملت‌هت‌تر شدن فضا هستیم و درباره ادامه وضعیت موجود شدیداً هشدار می‌دهیم.

او با اشاره به اینکه مدیران این پروژه بزرگ صنعتی که با سلامت مردم سر و کار دارد به جای دریافت مدال حالا مجبور به درگیری با افراد سطح پایین و بی‌سواد شده‌اند، افزود: دعوای بین مدیران اجرایی و تیم‌هایشان که نماینده سهامداران هستند این پروژه بزرگ داروسازی را به خطر انداخته است. حتی شنیده می‌شود که عده‌ای دنبال تغییر کاربری این پروژه و تعطیل کردن آن هستند و قصد جابه‌جایی ماشین‌آلات پروژه را دارند.

وی افزود: در شرایطی که حتی پایین‌ترین سطح کارگران یک کارخانه داروسازی باید دارای مدرک فوق دیپلم باشند کسانی امروز به پروژه شیمی داروی ریخانه حمله کردند که کمترین سوادی ندارند و حتی حرف زدن درست را هم یاد ندارند و بسیار بی‌ادبانه با افراد حاضر در پروژه صحبت کردند.

رئیس صنف کارگران تعمیرکار مولد بخار راه آهن تهران: کارگران رجا به دلیل ضعف مالی پیمانکار حق اضافه کاری ندارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران و حومه از عمل خلاف قرارداد شرکت پیمانکاری «مه ریل» در مورد اضافه کاری کارگران انتقاد کرد.

وی با اشاره به تأکید قرارداد رجا و پیمانکار بر پرداخت اضافه کاری به کارگران ادامه داد: مطابق محاسبات کارشناسان رجا، به هر کارگر باید ۶۰ ساعت اضافه کاری داده شود و به ازای هر ساعت، ۴ هزار تومان به آنها پرداخت شود اما به دلیل آنکه شرکت پیمانکار توان مالی ندارد به کارگران اجازه اضافه کاری نمی‌دهد.

به گفته آقای حسینزاده، حتی اگر یک روز کار زیاد باشد و کارگران اضافه کار بایستند پیمانکار روز دیگری را تعطیل می‌کند تا جبران شود و پول اضافه‌ای پرداخت نشود.

این فعال کارگری در پایان تصریح کرد: در قرارداد جدید رجا و شرکت پیمانکاری، علاوه بر تعمیر و نگهداری، تامین قطعات مولد بخار هم بر عهده پیمانکار است که بار مالی را برای شرکت پیمانکاری سنگین تر کرده است.

گفتنی است مجموعاً ۲۰۰ کارگر در اداره بخار مولد تهران مشغول به کارند که ۷۰ نفرشان زیر نظر شرکت پیمانکاری مه ریل قرار دارند.

پایان پیام

500 کارگر فروشگاه بال هایپر پس از یک سال عدم دریافت حقوق منتظر تصمیم دادگستری اصفهان هستند!

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است : حدود یکسال است که 500 کارگر فروشگاه بال هایپر حقوق نگرفته اند. در حال حاضر نزدیک به 500 کارگر از صاحبان این فروشگاه بزرگ شکایت کرده و حکم قضایی دارند .

به گزارش فارس، امروز رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان اصفهان با اشاره به شکایات کارگران بال هایپر گفت: در هیئتی ویژه آرای بال هایپر را صادر کردیم و منتظر اقدام دادگستری هستیم.

باقری تصریح کرد: آرا را صادر کردیم و صاحبان و مسئولان فروشگاه بال 15 روز فرصت اعتراض به آرا را دارند که اگر ظرف مدت 15 روز به این آرا اعتراض نکنند دیگر حق اعتراض نخواهند داشت وی یادآور شد: دادگستری باید از منابع توقیف اموال این فروشگاه بدهی کارگران این مجموعه را پرداخت کند.

رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان اصفهان افزود: در طول دو سال حدود 460 شکایت از بال هایپر داشتیم که بسیاری از آنها رسیدگی شده و بقیه هم در دست رسیدگی هستند.

وی اضافه کرد: چندین بار به مسئولان بال هشدار داده بودیم که وضعیت این فروشگاه از لحاظ مالی مناسب نیست و باید فکری به حال این قضایا بکنند، اما این اتفاق نیفتاد تا بالاخره این فروشگاه به تعطیلی کشیده شد.

وی در پایان اذعان داشت: کارگرانی که آرا گرفتند و به آرا آنها اعتراضی نشده باید هر چه زودتر به دادگستری مراجعه کنند تا به حق و حقوق خود برسند.

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار: توزیع سبد کالای تحصیلی فرزندان کارگران متوقف شده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است : رئیس هیات مدیره کانون عالی هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: در چند سال اخیر به اسم رکود و تورم اقتصادی، توزیع سبد کالای ویژه آغاز سال تحصیلی در میان کارگران متوقف شده است.

«اولیاء علی بیگی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: برابر یک عرف قدیمی هر سال کارفرمایان واحدهای تولیدی بزرگ به کارگران دارای فرزند دانش آموز و یا دانشجو، سبد کالای تحصیلی

توزیع می‌کردند.
وی بایادآوری اینکه محتوای این سبد شامل کمک‌های نقدی و یا غیر نقدی مانند کیف، دفتر، نوشت افزار و سایر وسایل آموزشی... بود، گفت: متأسفانه امروز به نام مشکلات اقتصادی در کارگاه‌های بزرگ خصوصی و حتی محیط‌های دولتی دیگر این عرف رعایت نمی‌شود.
این مقام ارشد کارگری گفت: بهانه قراردادن مشکلات اقتصادی برای اجرا نکردن عرف کارگاه در حالی صورت می‌گیرد که در سال گذشته کارفرمایان چندین نوبت با افزایش قیمت محصولات خود افزایش هزینه تحمیلی را جبران کرده‌اند.
علی بیگی بابیان اینکه طبق قانون اساسی دولت باید شرایط تحصیل رایگان را برای تمامی دانش آموزان فراهم کند، افزود: امروز نه تنها تامین نوشت افزار هزینه سنگینی را به مزدگیران تحمیل می‌کند بلکه در بسیاری از مدارس ثبت نام دانش آموزان بعد از پرداخت شهریه انجام می‌شود.
این مقام کارگری افزود: علاوه بر هزینه شهریه و نوشت افزار خانواده‌های کارگری ناچار هستند تا برای بالابردن شانس موفقیت فرزندان خود هزینه‌های اضافی دیگری نیز بابت کلاس‌های جبرانی و فوق برنامه پرداخت کنند.
رئیس هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کشور بابیان اینکه تامین این هزینه‌ها از توانایی بیشتر خانواده‌های کارگری خارج است، گفت: متأسفانه سال‌های اخیر با بازار گرمی‌های بی‌مورد مقوله آموزش فرزندان به فرآیندی هزینه بر برای خانواده‌های مزدبگیر تبدیل شده است.
وی افزود: این مسئله درحالی است که به دلیل تاثیر متقابل آموزش با مسائل فرهنگی، دولت باید به مسئله آموزش شهروندان آتی خود بادیید سرمایه گذاری نگاه کند.
علی بیگی افزود: هرچند در قانون کار هیچ تکلیفی برای آموزش فرزندان کارگران تعیین نشده است اما انتظار می‌رود شرکای اجتماعی نسبت به تربیت نسل فردا احساس مسئولیت بیشتری کنند.

پایان پیام

گزارشی از وضعیت دردناک نیروهای شرکتی اداره آب منطقه‌ای بهشهر: بیش از هفت ماه است که نیروهای شرکتی اداره آب منطقه‌ای بهشهر حقوق نگرفته اند.....

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 26 شهریور 92 آمده است: در حالی که آمار کارگران قراردادی و پیمانی کشور رو به گسترش است و روزانه بر تعداد کارگران پیمانی و قرارداد موقت افزوده می‌شود، لغو مصوبه جنجالی ساماندهی نیروهای شرکتی دولت دهم، ابعاد موضوع نیروهای شرکتی را وارد مرحله تازه کرده است.
به نظر می‌رسد که مشکلات و دغدغه‌های نیروهای شرکتی تمامی ندارد و تا زمان اتخاذ تصمیم واحد و مشخص برای روشن شدن وضعیت آنان، اخبار اخراج و بیکاری این دسته از کارگران همچنان از گوشه و کنار شنیده خواهد شد.
بنابراین گزارش، تعدادی از نیروهای قرارداد شرکتی، به بیان مشکلات خود در این خصوص پرداخته و پاسخگویی مسوولان امر و رسیدگی هر چه سریعتر به مشکلات خود را خواستار شده‌اند.
یکی از این نیروها می‌گوید: مدت بیش از چهار سال است که به شکل قرارداد پیمانی در اداره امور منابع آب بهشهر کار می‌کنم و جز من 105 نفر دیگر نیز به این شکل مشغول کار هستند.

وی می‌افزاید: روند کار در اداره امور منابع آب بهشهر به این نحو است که با تعدادی پیمانکار قرارداد می‌بندد ولی هر زمان که قرارداد به اتمام می‌رسد همه نیروها اخراج می‌شوند و در صورتی که اداره نیاز به نیرو داشته باشد مجدد بازگشت به کار اعلام می‌کند.

او که به همراه دیگر نیروهای شرکتی مدت هفت ماه است حقوق نگرفته ادامه می‌دهد: بهمن ماه سال قبل به دلیل توقف پرداخت حقوق خود از طریق بازرسی وزارت نیرو موضوع را به اطلاع مسوولان رساندیم چون مشکلات معیشتی ما به گونه‌ای نیست که دست بروی دست بگذاریم تا هر زمان مسوولان اراده کردند به فکر حل موضوع و راه چاره بیفتند لذا جریان بیکار شدن و عدم پرداخت حقوق خود را تشریح کردیم که خوشبختانه بازرسی وزارت نیرو اطلاعات و مدارک مربوطه را درخواست کرد.

این نیروی شرکتی افزود: در همین زمان اداره آب منطقه‌ای بهشهر با یک شرکت پیمانکاری دیگر با حقوق 700 هزار تومان و اضافه کاری قرار داد بست که اطلاعات مربوط به این شرکت را هم به بازرسی وزارت نیرو ارسال کردیم و منتظر نتیجه بودیم تا اینکه اسفندماه سال گذشته بنده و تمام 105 نیروی شرکتی را اخراج و اعلام کردند که وزارت نیرو به نحوه به کارگیری نیروهای شرکتی ابراد گرفته و نباید چنین قراردادی را با ما منعقد می‌کردند.

وی ادامه داد: در همین حال بازرسی وزارت نیرو پس از بررسی‌های لازم به این نتیجه رسید که پایه حقوق کارگرانی که در آنجا کار می‌کنند 700 هزار تومان است نه کمتر، در حالی که ما بیش از 380 هزار تومان نمی‌گرفتیم.

به گفته این نیروی شرکتی یکی از مشکلات اصلی کارگران پیمانی این است که به جای آنکه مستقیماً با کارفرما قرارداد ببندند با شرکت واسطه قرارداد می‌بندند در نتیجه با پایان کار شرکت پیمانکاری، کارفرما هم از پیمانکار دیگر استفاده می‌کند.

وی در ادامه توضیح داد: در حالی که همچنان منتظر بازگشت به کار بودیم، اردیبهشت ماه سال جاری تماس گرفته و اعلام کردند که مجدد به کار برگردیم و قرار شد تا پایه حقوق ما اصلاح و از 400 هزار تومان به 700 هزار تومان افزایش یابد اما هنگام امضای قرارداد متوجه شدیم که پایه حقوق تنها 20 هزار تومان افزایش پیدا کرده و از 700 هزار تومانی که اعلام کردند خبری نیست لذا با اداره آب منطقه‌ای ساری تماس گرفته و موضوع را مطرح کردیم که آنها نیز ما را از امضای قرارداد منصرف و اعلام کردند تا روشن شدن موضوع هیچ قراردادی را امضا نکنیم.

نیروی شرکتی اداره آب منطقه‌ای بهشهر تصریح کرد: در جریان مشخص شدن تکلیف خود و بین ماندن و نماندن بودیم که مدتی قبل اعلام کردند قراردادهای هیچ تغییری نمی‌کند و هر کارگری که نمی‌خواهد می‌تواند برود!

به گفته وی در حالی که بیش از هفت ماه است که نیروهای شرکتی اداره آب منطقه‌ای بهشهر حقوق نگرفته‌اند، مسوولان این اداره در اقدامی عجیب تنها حقوق یک ماه آنان را واریز کرده‌اند که با توجه به اتمام قرارداد شش ماهه، تا چند روز دیگر مجدد بیکار خواهند شد.

این نیروی پیمانکاری می‌افزاید: در شرایط کنونی کارگران با مشکلات معیشتی، افزایش هزینه‌ها، اجاره خانه و عدم تامین خانواده مواجه هستند و بیش از هفت ماه حقوق و مطالبات معوق طلب دارند که پرداختن این حقوق و مطالبات ظلم آشکار و مضاعفی است.

بنابه گزارش همین منبع، پدیده نیروهای شرکتی که این روزها به اشکال مختلفی خود را نشان می‌دهد نیازمند اتخاذ یک تصمیم قاطع و مشخص است تا مشکلات و موانع این دسته از کارگران یکبار برای همیشه برطرف شود، چندی قبل مصوبه استخدام نیروهای شرکتی دولت دهم (طرح مهرآفرین) از سوی معاون اول رییس جمهوری دولت یازدهم لغو شد و اسحاق جهانگیری طی بخشنامه‌ای کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی، استانداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی را از هرگونه استخدام و جذب نیروی انسانی، تبدیل وضعیت، نقل و انتقال و مأموریت، انتصاب و جابجایی کارکنان اعم از رسمی، پیمانی، قراردادی و هر عنوان دیگر تا تصمیم‌گیری مجدد دولت و اصلاح مصوبات منع کرد. به این ترتیب دست بسیاری از شرکتهای پیمانکاری متخلف برای سوء استفاده از نیروهای شرکتی باز گذاشته و از آن طرف امید بسیاری

از کارگران قراردادهای شرکتی و پیمانکاری برای استخدام و به کارگیری دوباره به یاس تبدیل شد. در حال حاضر آمار رسمی از تعداد دقیق نیروهای شرکتی در کشور وجود ندارد و بنا به گفته رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور، 85 درصد کارگران کشور در حالت قراردادی و پیمانی به سر می‌برند، با این حال به دلیل نبود قانونی برای ساماندهی نیروهای شرکتی و پیمانی، این دسته کارگران با دغدغه عدم امنیت شغلی، اخراج و تامین معاش پس از بیکاری مواجه هستند.

پس ازگرانی مدیران برق، قیمت گاز هم در سکوت خبری گران شد!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 26 شهریور 92 آمده است: پس از افزایش قیمت هر کیلووات ساعت برق مشترکان خانگی در سکوت خبری، قیمت هر متر مکعب گاز طبیعی تمامی مشترکان خانگی، تجاری، صنایع و نیروگاه ها و قیمت هر متر مکعب CNG هم 10 تومان افزایش یافت.

به گزارش 26 شهریورمهر، هرچند دولت طرح 100 روزه بهبود شرایط اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده است اما مطابق با مصوبات قانون بوجه سال جاری، اختیاراتی به دولت به منظور افزایش قیمت گاز طبیعی، CNG و برق به دولت واگذار شده است. از این رو با اضافه شدن بندی به عنوان عوارض به قبوض برق و گاز مشترکان، بار مالی هر یک از این صورتحساب ها برای یک دوره حدود 35 تا 40 روزه به صورت جداگانه دو تا بیش از 10 هزار تومان افزایش می یابد. از این رو به ازای مصرف هر کیلووات ساعت برق و یا مصرف هر یک متر مکعب گاز طبیعی توسط مشترکان خانگی و تجاری 100 ریال به بار مالی این قبوض افزوده می شود.

بنابراین گزارش، مجید بوجارزاده درباره جزئیات اضافه شدن بند عوارض در قبوض مشترکان خانگی، تجاری، صنایع و نیروگاه ها گفت: براساس قانون بودجه سال جاری، مجلس شورای اسلامی این اختیار را به شرکت ملی گاز ایران واگذار کرده است که از ابتدای تیرماه سال جاری به ازای هر یک متر مکعب گاز مصرفی توسط مشترکان 10 تومان عوارض به بار مالی قبوض مشترکان اضافه کند.

سخنگوی شرکت ملی گاز ایران همچنین از افزایش 10 تومانی هر متر مکعب CNG مورد نیاز خودروهای دوگانه سوز خبر داد و افزود: براساس مفاد قانون بودجه، پیش بینی می شود امسال 160 میلیارد متر مکعب گاز توسط کل مشترکان مصرف شود که در این صورت حدود یک زار و 600 میلیارد تومان به عنوان عوارض و جدا از قیمت تعیین شده گاز از مشترکان دریافت می شود. این مقام مسئول با یادآوری اینکه مقرر شده این بودجه اضافی که تحت عنوان عوارض از قبوض گاز مشترکان استحصال می شود، صرف توسعه شبکه های گازرسانی به روستاها شود، تاکید کرد: همچنین مطابق با قانون بودجه حدود 200 میلیارد تومان از این منابع به وزارت آموزش و پرورش به منظور نوسازی سامانه های گرمایشی مدارس اختصاص می یابد.

براساس این گزارش، براساس محاسباتی که انجام شده است، هم اکنون متوسط مصرف یک مشترک کم مصرف گاز خانگی در فصل تابستان بین 200 تا 250 میلیون متر مکعب است که از این رو به ازای این میزان مصرف گاز باید 2000 تا 2500 تومان جدا از قیمت گاز هزینه عوارض پرداخت کند.

از سوی دیگر، پیش بینی می شود همین مشترک چنانچه در فصل زمستان با رعایت الگوهای مصرف حدود 350 تا 400 متر مکعب گاز مصرف کند نزدیک به 4 هزار تومان به بار مالی قبوض این مشترک در فصل زمستان به عنوان عوارض افزوده خواهد شد.

در مجموع پیش بینی ها حاکی از آن است که به طور متوسط بار مالی هر قبض گاز مشترکان حدود 8 تا 10 هزار تومان در فصول مختلف سال باشد.

همچنین از سال گذشته هزینه آبنمان هم بار دیگر به قبوض گاز اضافه شده است که براساس برآوردهای شرکت گاز، بین 2000 تا 3500 تومان دیگر هم به بار مالی صورتحساب گاز مشترکان اضافه خواهد شد.

درشیراز رخ داد: نجات یک کارگر چاه کن از عمق ۶۰ متری چاه آب

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است : روز گذشته رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام حفاری چاه آب، باعث محبوس شدن یک کارگر مقنی در عمق ۶۰ متری چاه شد. به گزارش ایلنا، این حادثه در منطقه دو کوهک شیراز زمانی رخ داد که کارگری ۲۵ ساله‌ای بنام مراد که به منظورحفر چاه در عمق ۶۰ متری زمین در حال کار بود و ناگهان بر اثر قطعی برق، محبوس می‌شود. بر اساس این گزارش، علاوه بر قطعی برق که موجب از کار افتادن وینچ برقی شده بود، پمپ آبی هم که در حال مکش آب درون چاه به بیرون بود از کار افتاده و با افزایش میزان آب چاه این کارگر در حال غرق شدن بود. این گزارش حاکی است، گروه‌های امداد ونجات با اطلاع مردم، کارگر چاه کن را که برای نجات جانش، خود را تا ده متر بالاتر از عمق چاه رسانده بود نجات دادند. یکی از کارشناسان تیم چاهنوردی آتش نشانی شیراز ضمن تاکید بر لزوم رعایت نکات ایمنی توسط کارگران مقنی افزود: کارگران مقنی قبل از استفاده ازدستگاه وینچ برقی و ورود به چاه حتما اتصالات برق این دستگاه را کنترل کنند. این کارشناس افزود: همچنین کارگران مقنی برا مکش چاه آب باید یک پمپ آب ژنراتور ذخیره داشته باشند تا در صورت از کار افتادن پمپ اصلی با چنین مشکلی روبرو نشوند.

پایان پیام

مرگ دردناک کارگر راه سازی زیر غلتک در مرزداران

به گزارش خبری آناج، درتاریخ 27 شهریور 92 آمده است : کارگر 30 ساله راه سازی در مرزداران حین انجام کار زیر غلتک جان خود را از دست داد. براساس این گزارش،مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی استان ، با اعلام این خبر گفت:این حادثه ساعت 14:30 امروز 26 شهریور ماه در جاده ای در مرزداران به وقوع پیوست که در پی آن کارگر 30 ساله در زیر غلتک راه سازی جان باخت. حبیب حسینیقلی زاده افزود: متاسفانه علی رغم تلاش یک ساعته امدادگران آتش نشانی برای بیرون کشیدن وی از زیر غلتک، کارگر زیر غلتک فوت کرد و جسد بی جان وی در ساعت 15:30 بیست و هشتم شهریورماه شهریورماه 1392

کارگران فارسیت درود با وجودعدم دریافت7ماه حقوق،مقرری بیمه بیکاری را نمی‌پذیرند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است : طی گزارشی از معرفی 400 کارگر کارخانه فارسیت درود کارخانه فارسیت درودخبرداد.

براساس این گزارش، این کارگران با وجود آنکه در هفت ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند اما چون در شرف بازنشستگی قرار دارند با دریافت مقرری بیمه بیکاری مخالفت می‌کنند. اکثر این کارگران که حدود ۲۰ سال سابقه کار دارند، اکنون در شرف بازنشستگی پیش از موعد تحت قانون مشاغل سخت و زیان آور قرار دارند و به همین دلیل نگران مخدوش شدن سوابق بازنشستگی خود پس از معرفی به بیمه بیکاری هستند.

دولت ایران امتیازات نفتی هند را لغو کرد

بر پایه خبر رسیده آمده است: به نوشته یک روزنامه هندی، دولت حسن روحانی تمام امتیازات مهم نفتی را که دولت احمدی نژاد به هند داده بود لغو کرد. روزنامه ایندین اکسپرس روز سه شنبه خبر داد که بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران، در دهم شهریور ماه (اول سپتامبر) در دیدار با سفیر هند در تهران، به وی اطلاع داد که ایران دیگر حاضر نیست کل طلب نفتی خود را از هند به رویه دریافت کند و خواستار بازگشت به روش پیشین، یعنی دریافت ۴۵ درصد بهای نفت به رویه و ۵۵ درصد به یورو است. براساس این گزارش، زنگنه همچنین یک طرح دولت سابق را برای امضای قرارداد مشارکتی با یک کنسرسیوم هندی قابل قبول ندانست. براساس این طرح، کنسرسیوم هندی در ازای سرمایه گذاری در طرح توسعه میدان گازی «فرزاد - ب» در خلیج فارس، بخشی از تولید یا در آمد حاصل از آن را برداشت می‌کرد. زنگنه گفته است نمی‌تواند دولت و مجلس را به امضای چنین قراردادی متقاعد کند. وزیر نفت همچنین تخفیف چشمگیر ۸۴ سنت برای هر میلیون «بی تی یو» گاز طبیعی را که در ازای سرمایه گذاری هند برای احداث یک کارخانه تولید اوره در عسلویه یا چابهار در نظر گرفته شده بود به حال تعلیق درآورد.

تامین اجتماعی بیمه نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران را قطع کرد

به نوشته روزنامه قانون در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان در حال حاضر 60 هزار خانوار از هنرمندان، نویسندگان و اهالی قلم و مطبوعات را تحت پوشش خدمات بیمه‌ای دارد و متقاضیان زیادی به این صندوق مراجعه می‌کنند، اما سازمان تأمین اجتماعی به تازگی دستور داده تا خدمات‌دهی به افرادی که از سوی این صندوق به این سازمان مراجعه می‌کنند قطع شود. این خبر را مدیر عامل صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان داده و دلیل آن را بدهی این صندوق به تأمین اجتماعی ذکر کرده. به گزارش مهر، محمد شجاعی تصریح کرده به دلیل کسری بودجه شدید دو ساله اخیر صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان کشور، این صندوق مبالغی را به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار شده و این سازمان هم از چندی قبل بدون اطلاع دهی، از ارائه هر نوع خدمات بیمه‌ای به بیمه‌شدگان این صندوق خودداری کرده. شجاعی اظهار داشته که این کسری بودجه در زمان وزارت آقای حسینی به ایشان اطلاع داده و از ایشان خواسته شد که بدهی صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان در جدول بدهی و دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی قرار بگیرد، اما همزمانی این مسئله با جلسه پایانی دولت قبلی، اجرای آن را به تعویق انداخت. به گفته مدیر عامل صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان، هفته قبل با پیگیری علی جنئی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نامه‌ای در این زمینه به رئیس جمهور ارسال شد و در آن پیگیری این موضوع خواسته شد که هنوز از نتیجه آن خبری در دست نیست.

بیش از 1000 کارگر شهرداری بروجرد دو ماه حقوق نگرفته‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: بیش از هزار کارگر خدماتی و فضای سبز شهرداری بروجرد دو ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند. برپایه این گزارش، شهرداری بروجرد علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق دو ماه گذشته، علیرغم برداشت ماهانه مبلغی از حقوق کارگران به عنوان سهم بیمه، این مبلغ را به حساب تامین اجتماعی واریز نکرده است.

تصویب اخراج تعدادی از کارکنان شهرداری مشکین‌شهر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: شورای اسلامی شهرستان مشکین‌شهر در جلسه اول آغاز به کار، اخراج ده‌ها نفر از کارمندان شهرداری مشکین‌شهر را به تصویب رساند.

منابع ناپایدار، طلب تأمین اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ بدحسابی ۲۰۰ میلیاردی دولت بابت بیمه ۶۰ هزار هنرمند و روزنامه‌نگار

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: یک کارشناس تأمین اجتماعی اعلام کرد: دولت بابت یارانه حق بیمه ۶۰ هزار هنرمند و روزنامه‌نگار بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است.

«عباس اورنگ» در این باره به ایلنا گفت: طبق آمار اعلام شده هم اکنون حدود ۶۰ هزار نفر به عنوان روزنامه‌نگار و هنرمند از تمامی خدمات بیمه‌ای و درمانی سازمان تأمین اجتماعی به غیر از دریافت بیمه بیکاری استفاده می‌کنند.

وی بابیان اینکه افراد مورد اشاره طبق قانون با استفاده از یارانه دولتی از خدمات بیمه‌های مشاغل آزاد سازمان تأمین اجتماعی استفاده می‌کنند، گفت: بر این اساس هنرمندان و روزنامه‌نگاران تنها ۷ درصد از حق بیمه خود را به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت می‌کنند و مابقی حق بیمه باید از طریق یارانه دولتی توسط صندوق بیمه هنرمندان و روزنامه‌نگاران به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود.

وی افزود: با وجود آنکه بیمه شدگان این صندوق تا به امروز حق بیمه ۷ درصدی خود را پرداخت کرده‌اند اما سازمان تأمین اجتماعی مدعی است که بابت ۲۳ درصد حق بیمه باقیمانده از دولت طلبکار است.

وی بابیان اینکه این مبلغ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود، گفت: به نظر می‌رسد دلیل این بدهی بدحسابی دولت بوده باشد.

اورنگ با یادآوری اینکه سازمان تأمین اجتماعی ارائه خدمات بیمه‌ای به هنرمندان و روزنامه‌نگاران را نخستین بار از اواسط دهه ۸۰ آغاز کرد، گفت: از همان زمان در قانون مربوطه هیچ منبع مشخصی برای تأمین هزینه‌ها تعیین نشده بود.

وی در ادامه یادآور شد: در تمامی این سال‌ها دولت با بودجه‌های سنواتی مبالغ مربوط به بیمه هنرمندان را بصورت کوتاه مدت تأمین کرده است.

این کارشناس تأمین اجتماعی تصریح کرد: این رویه درحالی همچنان جاری است که قانونگذار باید برای ارائه خدمات بیمه‌های اجتماعی منابع پایدار را تعیین کند.

افزایش بدهی دولت به تبع اختصاص منابع ناپایدار

اورنگ در ادامه یادآور شد: به عنوان مثال قانونگذار در قانون بیمه قالیبافان بر خلاف هنرمندان با اختصاص ۵/۱ درصد از درآمد حاصل از صادرات فرش، منبع پایدار را برای تأمین هزینه بیمه قالیبافان تأمین کرده است.

وی با بیان اینکه در صورتی که منابع بیمه‌های اجتماعی از طریق بودجه‌های سنواتی و منابع کوتاه مدت و ناپایدار تامین شود، طبعاً ارائه این خدمات با کاهش یا پایان یافتن منابع مختل خواهد شد.

وی گفت: بر همین اساس از آنجا که در خصوص بیمه هنرمندان هیچ منبع مالی پایدار پیش بینی نشده است، ارائه خدمات به این گروه از بیمه‌شدگان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. وی افزود: هرچند روزنامه نگاران و هنرمندان بیمه شده تاکنون حق بیمه خود را به موقع پرداخت کرده‌اند اما به دلیل بد حسابی دولت تحمل بار مالی این خدمات بیمه‌ای برای یک سازمان‌های بیمه‌گر غیر دولتی که با پس‌انداز دستمزد کارگران اداره می‌شود ممکن نیست. به گفته اورنگ اگر سازمان بخواهد با همین وضع به تمامی تعهدات خود عمل کند بدون شک به زودی ورشکسته می‌شود و آنگاه میلیون‌ها بیمه شده سرگردان خواهند شد.

این کارشناس تامین اجتماعی در پایان تأکید کرد: دولت باید هرچه زودتر علاوه بر پرداخت بدهی‌های خود، منابع مالی پایدار را برای بیمه هنرمندان و روزنامه نگاران مشخص کند.

پایان پیام

گزارشی از زنان کارگرسبزی پاک کن

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: امروزه مشاغل مختلف و گاهی عجیبی وجود دارد که بانوان در آنها به کار گرفته می‌شوند و با مشقت کار می‌کنند تا بتوانند هزینه‌های سنگین زندگی را تامین کنند.

تضاد طبقاتی از معضلاتی است که از گذشته تاکنون جامعه درگیر آن بوده و متأسفانه در این میان تنها اقشار ضعیف آسیب می‌بینند و رنج می‌برند و خوشی‌ها به کام کسانی است که بدون دغدغه زندگی می‌کنند و درد نان ندارند.

ساعت هفت صبح وانت‌بار مقابل مغازه کوچکی توقف می‌کند تا بارش را که سبزی است تخلیه کند و زن میانسالی جلوی درب مغازه ایستاده و دسته‌های بزرگ سبزی را داخل مغازه می‌گذارد. بار که تخلیه می‌شود زن میانسال که کارگرایش به او حاجی خاله می‌گویند سبزی‌ها را جابه‌جا کرده و هر چند بسته را جاهای مختلف می‌گذارد تا سهم هرکسی برای پاک کردن مشخص باشد.

حدود ساعت 9 صبح است کارگران یکی پس از دیگری وارد مغازه می‌شوند و هر کسی در جای خود مشغول پاک کردن سبزی می‌شود و بعد از پاک شدن، همه سبزی‌ها را در ظرف‌های بزرگ آب می‌ریزند و پس از چندین ساعت آب‌کشی کرده و خرد می‌کنند.

حاجی خاله؛ می‌گوید که مشتری‌های خاص خودش را دارد و طبق سفارشات سبزی می‌خرد و برای مشتریان آماده می‌کند و قیمت مناسبش باعث شده تا مشتریان به طور دائم سراغ او بیایند و سفارش دهند.

او در کارش جدی است و کارگرانی هم که دارد طبق گفته او و با سلیقه و نظم خاصی کارهایشان را به خوبی انجام می‌دهند و حاجی خاله برای هر بار که سبزی می‌خرد و آنها آماده می‌کنند به آنها حقوق می‌دهد و همین باعث شده تا کارگران در کار خود دقت بیشتری به خرج دهند.

حاجی خاله؛ طبق مقدار سبزی درخواستی مشتری‌هایش؛ آنها را بسته‌بندی کرده و نام هر یک را کنارش می‌نویسد و می‌گوید: علاوه بر سبزی، پیاز داغ، سیر داغ، بادمجان و لوبیا سبز نیز برای مشتریان تهیه می‌کنیم و خوشبختانه همه راضی بودند و استقبال خوبی داشتند.

فضای مغازه کمی کوچک است اما صمیمی و گرم و در چهره هر یک از زنانی که به عنوان کارگر برای حاجی خاله کار می‌کنند غمی هویداست اما با خنده آن را پنهان می‌کنند و سعی دارند تا با این دور هم بودن دلخوشی برای خود ایجاد کنند.

رعنا یکی از کارگرهای 27 ساله حاجی خاله است که به گفته خودش هشت سال است ازدواج کرده و شوهرش از بیماری کلیوی رنج می‌برد و فشار زیاد بیماری باعث شده تا نتواند مشغول به کار شود و همسر دلسوزش این مسئولیت را بر عهده گرفته است.

رعنا از غصه‌هایش حرف می‌زند و بیان می‌کند: وجود شوهر مریض برای زنی که با هزار دلخوشی به او تکیه کرده انسان را از پا در می‌آورد ولی با دو تا بچه‌ای که دارم مجبورم تمام بار زندگی را بر دوش بکشم و گوشه‌ای از هزینه‌های درمان شوهرم و خانه را جور کنم.

او که نسبت به سنش چهره‌ای شکسته دارد، درباره بچه‌هایش می‌گوید: دو دختر دارم که یکی از آنها امسال به مدرسه می‌رود و با کمک‌های حاجی خاله توانستم وسایل مدرسه‌اش را آماده کنم.

رعنا در زیرزمین نمودر کوچکی زندگی خود را می‌گذراند و چرخاندن چرخ زندگی با دست‌هایی زنانه کار آسانی نیست و این کارگران که همگی به دنبال شغلی آبرومندانه هستند ترجیح می‌دهند تا با سبزی پاک کردن زندگی خود را بگذرانند و عقیده دارند که محتاج کسی نباشند.

یکی دیگر از کارگران تقریباً هم سن و سال حاجی خاله است و با تعریف‌هایی که می‌کند داماد و عروس هم دارد اما او نیز مجبور است تا دور از چشم همه و پنهانی با این کار اموراتشان را بگذراند.

محبوبه می‌گوید که شوهرش کارگر بوده و از بس زحمت کشیده دیگر در این سن توانایی انجام کار ندارد و فرزندانش هم توان مالی آنچنانی ندارند که بتوانند کمک حال پدرشان باشند. وی ادامه می‌دهد: گذراندن زندگی در این گرانی کار سختی است به خصوص برای کسی که همچون ما خانواده گسترده‌ای دارد و می‌خواهد آبرویش حفظ شود.

در سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد: حقوق ۲۲ کارگر خدماتی دانشگاه زابل معطل جابجایی رؤسا

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار سیستان و بلوچستان گفت: با وجود حکم بازگشت به کار ۲۲ کارگر خدماتی دانشگاه علوم پزشکی زابل که پیش از این اخراج شده بودند، هنوز مطالبات و حقوق قانونی این کارگران پرداخت نشده است.

«محمد گل بامری» در این باره به ایلنا گفت: این کارگران در تیرماه سال جاری اخراج شدند اما به دنبال مراجعه چند نفر از آنها به تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دستور بازگشت به کار آنها را صادر کرد.

وی با بیان اینکه کارگران یاد شده بصورت پیمانکاری در نگهداری و بخش خدماتی بیمارستان این دانشگاه مشغول به کار بودند، در خصوص علت اخراج این ۲۲ کارگر گفت: قرار بود این کارگران از طریق آزمون جذب دانشگاه شوند اما در نهایت چون عده دیگری استخدام شدند برای این ۲۲ نفر حکم اخراج صادر شد.

بامری ادامه داد: در حال حاضر با شکایت کارگران و صدور حکم بازگشت به کار، این کارگران مانند سایر کارکنان دانشگاه و بیمارستان به فعالیت پیشین مشغول‌اند.

وی با بیان اینکه کارگران یاد شده حتی طبق قانون بصورت چرخشی در شیفت‌های شبانه نیز مشغول کار می‌شوند، گفت: با این حال کارفرما هنوز در خصوص پرداخت مطالبات آنها هیچ اقدامی نکرده است.

بامری با یادآوری اینکه بخشی از مطالبات معوقه این کارگران مربوط به قبل از اخراج است، گفت:

در حال حاضر این کارگران ۴ ماه بابت حقوق و ۳ ماه بابت حق بیمه طلبکارند .
وی افزود: هرچند مدیریت بیمارستان در خصوص پرداخت مطالبات این کارگران مدام امروز و فردا می‌کند اما به احتمال قوی دلیل این تاخیر به جابجایی در سطح ریاست دانشگاه بازمی‌گردد .
وی پیش بینی کرد از آنجا که تا چند ماه آینده رئیس کنونی دانشگاه علوم پزشکی زابل بطور قطع عازم گذراندن دوره تخصص خواهد شد، احتمال دارد پس از جابجایی رئیس دانشگاه مطالبات این کارگران پرداخت شود.

پایان پیام

دکل بندی شغلی که آسمان را زیر پا و مرگ را ارمغان دارد

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است : از هر خانوار گلوگاهی چند نفر به شغل پرمخاطره و کم درآمد دکل بندی اشتغال دارند، اینجا شهر " دکل بندان" ایران در شرق مازندران است.

برای ما که نشسته ایم و با دسترسی آسان به برق به کارهای روزمره خود مشغولیم شاید قابل تصور نباشد که جوانانی با گذشتن از جان خود، برق را به خانه های ما آورده و روشنایی را به ما ارزانی می دارند.

دکل بندی شغل بسیار پرمخاطره و بدون امنیت است که علاوه بر نداشتن درآمد مناسب، احتمال پرداخت نشدن دستمزد ازطرف پیمانکاران و عدم وجود صنفی مناسب برای پیگیری امور نیز این قشر را عذاب می دهد و متاسفانه تاکنون هیچ صنف و نهادی از این قشر کم درآمد حمایت نکرده است.

سالهاست می‌شنویم که دکل، این اسکلت فلزی، جان جوانی از جوانان گلوگاهی را گرفته و خانواده دیگری داغدار عزیز از دست رفته خود شده، به راستی چقدر برای رفع این معضل تلاش کرده ایم و تا چه اندازه وعده هایی که مسئولان داده اند عملی شده است.
شغلی که آسمان را زیر پا دارد

دکل بندی؛ شغلی است که آسمان را زیر پاهایت احساس می کنی اما این قهرمانان فراموش شده چشم انتظار توجه و حمایت هستند، درحالیکه عدم وجود فرصت‌های شغلی مناسب در شهرستان گلوگاه بعنوان شرقی ترین شهرستان استان مازندران عاملی است که موجب شده تا فرزندان این شهرستان به دکل بندی روی آورده و با تحمل مشقت های فراوان این کار را به صورت موروثی دنبال کنند.

متاسفانه بیان این آمار که تاکنون حدود 400 گلوگاهی در حادثه دکل‌بندی کشته یا مجروح شده اند آمار تکان دهنده ای است که نیازمند بررسی بهتر و زمینه سازی برای کاهش مرگ و میر و مجروحیت ناشی از دکل بندی توسط مسئولان است.

شاید برای بسیاری از مردم ایران شغل دکل‌بندی شناخته شده نباشد ولی در شهرهای شمالی به ویژه در مازندران و شهرستان گلوگاه این کار تنها شغل ممکن برای جوانان است که به رغم خطرات فراوان در ارتفاعات، همچنان ادامه دارد و یکی از راههای مهم امرار معاش مردم و به خصوص جوانان این دیار است.

علی عظیمی یکی از جوانان گلوگاهی که به شغل دکل بندی اشتغال دارد، در این رابطه گفت: شهرستان گلوگاه به شهر دکل بندان معروف است و در هر خانه ای دو تا سه دکل بند وجود دارد که مهمترین دغدغه آنان وضعیت اقتصادی است.

وی ادامه داد: دوری از خانواده برای ما مشکل است اما باید در این راستا با توجه به عدم وجود زمینه اشتغال زایی در شهرستان به دکل بندی که کار آبا و اجدادی ما است بپردازیم.
اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی به دکل بندی

عظیمی با بیان اینکه جوانان این شهر به دلیل مسائل اقتصادی و نداشتن درآمد به این حرفه روی می آورند خاطر نشان کرد: شاید در ذهن ها این گونه تصور شود که جوانان گلوگاهی به دلیل عدم سواد کافی به این کار روی آورده اند اما اینطور نیست و دکل بندی تنها مختص افراد بیسواد نیست چرا که در بین این کارگران فارغ التحصیلان دانشگاه ها دیده می شوند و یا دانشجویانی که وقت استراحت و تعطیلات خود را برای تامین هزینه دانشگاه به دکل بندی می روند.

وی افزود: اگر زمینه اشتغال در شهر و در کنار خانواده برای ما فراهم باشد دیگر نیازی به این کار نداریم اما متأسفانه شرایط اشتغال در گلوگاه فراهم نیست و یک شهرک صنعتی داریم که در حال ساخت و ساز شرکتها است.

ردپای دکل بندان گلوگاهی در صنعت برق ایران

رضا سینه سپهر نیز در این رابطه گفت: حدود 90 درصد برق ایران توسط دکل بندان گلوگاهی تامین می شود و اگر دکل بندان گلوگاهی نباشند واقعا "برق رسانی به جای جای این کشور ناممکن خواهد بود.

وی افزود: دکل بندان با توجه به کار طاقت فرسایی که دارند از حداقل ها محروم هستند و باید فکر اساسی برای حقوق و مزایای این افراد اندیشیده شود.

سینه سپهر بیان داشت: مرتفع ترین دکلها در دورافتاده ترین نقاط ایران با همت و تلاش و غیرت جوانان گلوگاهی بسته می شود و به نوعی در آسمان هستیم و ابرها را در ارتفاعات احساس می کنیم، اگر دکل بندان جوان گلوگاهی نباشند به جرات می توان گفت که برق رسانی در کشور می خوابد.

جوانانی که بناچار دکل می بندند

جواد محمود جانلو جوان 26 ساله ای که حدود 6 سال به کار دکل بندی اشتغال دارد و برادرش "جمشید" را بر اثر کار بر روی همین دکل از دست داده است می گوید: من خودم فوق دیپلم برق هستم و با توجه به اینکه پدرم هم بازنشسته شرکت برق است اما کاری پیدا نکردم و ناچار شدم به این کار روی بیاورم .

وی اظهار داشت: شاید بسیاری از ما دکل بندان، برخلاف میل باطنی به این کار پرداخته باشیم چرا که حداقل حقوقی که برای ما در نظر گرفته شده با توجه به کار سخت و طاقت فرسا جوابگو نیست؛ اما به دلیل عدم وجود کارخانه و زیر ساخت های لازم برای اشتغال مجبوریم به دکل بندی بپردازیم.

محمودجانلو مهمترین مشکل دکل بندان را عدم وجود صنف واحد برای دکل بندان عنوان کرد و یادآور شد: همه شغل ها برای خود دارای صنف مخصوص هستند اما متأسفانه دکل بندی با توجه به پر دردمس بودن و مخاطرات فراوان از صنف و انجمن حمایتی مناسب برخوردار نیست. وی با تأکید بر اینکه اغلب دکل بندان بیمه نیستند خاطر نشان کرد: متأسفانه در این باره با توجه به پیگیری های مختلف کاری انجام نشده و تنها اگر کسی از بالای دکل به پایین افتاده و خدای ناکرده فوت کند 50 درصد دیه توسط بیمه پرداخت و مابقی باید توسط پیمانکار پرداخت شود که در برخی مواقع نادیده گرفته می شود و یا تعداد اندکی بیمه شده اند که به چشم نمی آیند. دکل بندان نیازمند صنف هستند

محمودجانلو گفت: متأسفانه حقوق واقعی به ما پرداخت نمی شود و به دلیل اینکه صنف و انجمن خاصی نداریم هر پیمانکار برای خود نرخ می دهد، مسئولین اگر واقعا" به فکر ما هستند موضوع صنف ما را پیگیری کنند تا حقوق و مزایای ما، بیمه و خدمات دیگر مشخص شود.

وی افزود: ما روزانه از 6 صبح تا 9 شب کار می کنیم و روزی 35 تا 40 هزار تومان حقوق می گیریم که همین حقوق در کشورهای دیگر چند برابر است؛ واقعا" اینکه ما 5 تا 6 ماه در نقاط دورافتاده و به دور از خانواده بر روی دکل های خطرناک کار کنیم اما از حقوق و مزایای مناسبی برخوردار نباشیم به دور از انصاف است، مسئولان باید به داد ما برسند.

فرماندار گلوگاه در این رابطه با اشاره به اینکه شغل بیشتر افراد گلوگاهی دامپروری و کشاورزی است افزود: جوانان ما به دلیل عدم فرصت های مناسب شغلی به دکل بندی در نقاط کوهستانی و دورافتاده و تحمل سختی های فراوان روی آورده اند و این برای ما که سالهاست شاهد کشته شدن تعداد فراوانی از جوانان در این شغل هستیم دردناک است. سمیع الله مظفری گفت: دکل بندی تنها به صورت دوره ای توسط برخی افراد دنبال نمی شود بلکه شغل بسیاری از جوانان گلوگاهی است که با وجود خطرات فراوان به این شغل می پردازند. مرگ یکصد دکل بند

وی با بیان اینکه متأسفانه بیش از 100 تن از جوانان گلوگاهی در دکل بندی جان خود را از دست دادند، تصریح کرد: متأسفانه عدد افرادی که بر اثر دکل بندی جان خود را از دست دادند، زیاد است.

مظفری گفت: به دلیل نبود زیرساخت ها برای اشتغال جوانان گلوگاهی برای دکل بندی به عراق و حتی افغانستان می روند، امیدواریم مسئولان استانی و کشوری با ایجاد کارخانجات و همچنین توجه به زیر ساخت ها و ظرفیت های دریا و جنگل گلوگاه در این رابطه کمک کار جوانان ما و نجات آنان باشند.

کار کردن بر روی دکل های چند صد متری بسیار خطرناک و نیازمند شجاعت فراوان است که جوانان گلوگاهی با گذشتن از جان خود با کار کردن بر روی این دکل ها نور را برای ما به ارمغان می آورند و ایجاد امنیت شغلی، ایجاد آسودگی برای آینده و فراهم کردن زندگی آرام برای آنان از مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

معاون وزیر کار در گفتگو با ایلنا: وزارت کار با قراردادهای سفید امضاء قاطعانه برخورد می کند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است : معاون توسعه اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از برخورد قاطع وزارت کار با کارفرمایانی که اقدام به انعقاد قرار داد سفید امضا با کارگران می کنند خبر داد.

علی اکبر لبافی معاون توسعه اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این باره به ایلنا گفت: قراردادهای سفید امضا که به صورت غیر قانونی منعقد می شوند، عمدتاً در کارگاه های کوچک متداول اند.

معاون وزیر کار ادامه داد: برای رفع ریشه های این مشکل باید شرایط برای حمایت از این گونه کارگاه ها فراهم شود تا شاهد تضييع حقوق کارگران نباشیم.

لبافی مهمترین دلیل انعقاد قراردادهای سفید امضا را عرضه بیشتر نیروی کار به نسبت تقاضای بازار کار عنوان کرد و اظهار داشت: این موضوع باعث می شود تا برخی کارگاه هایی که دچار مشکلات اند به سمت انعقاد قراردادهای سفید امضا با کارگران متمایل شوند.

معاون وزیر کار با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای کاهش قراردادهای سفید امضا بیان کرد: در این راستا بازرسان وزارت کار از کارگاه ها به صورت منظم بازدید به عمل می آورند و در صورت بروز تخلف در عقد قرارداد، مراتب را گزارش می دهند. لبافی در پایان یادآور شد: کارگران نیز می توانند در صورت عقد قرارداد سفید امضا، موضوع را به وزارت کار گزارش دهند.

پایان پیام

روند فزاینده حوادث ناشی از کار

به گزارش خبری اقتصادآنلاین، در تاریخ 27 شش‌به‌ریور 92 آمده است: حوادث ناشی از کار در دهه 80 شمسی با سیر صعودی همراه بوده و تعداد کشته شدگان در سال 1390 به بیش از سه برابر سال 1381 رسیده است.

تأسف بارتر از وضع فوق، رشد قابل ملاحظه بیماریهای ناشی از کار است که حتی آمار قابل استنادی از آن نیز تهیه و منتشر نمیشود.

این درحالیست که، طبق آمار رسمی سازمان بین‌المللی کار، مرگ و میر ناشی از کار در جهان روند کاهشی داشته و از 345000 نفر در سال 1998 به 321000 نفر در سال 2008 رسیده و طی این مدت نرخ شیوع حوادث منجر به مرگ از 16.4 به 10.7 نفر به ازای هر 100 هزار کارگر کاهش یافته است که یک سوم کاهش را نشان می‌دهد. حتی در کشورهایی چون فنلاند، ژاپن و سوئد تا 62 درصد کاهش حوادث در یک دوره بیست ساله گزارش شده است. آماري نگران کننده از حوادث ناشی از کار

بنابراین گزارش، بر اساس بررسی‌های سازمان پزشکی قانونی کشور در دهه 80 شمسی (1381 الی 1390)، 9625 نفر بر اثر حوادث کار در کشور جان باختند که بیشترین آن با 1507 فوتی در سال 1390 و کمترین آن با 461 فوتی در سال 1381 ثبت شده است. اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرده بیست هزار کارگر در سال 90 دچار حادثه ناشی از کار شدند. مرگ ناشی از حوادث کار در سال 1390 در تمام استان‌ها نسبت به سال 1389 با افزایش مواجه بوده است و در هیچ استانی شاهد سیر نزولی این آمار نبوده‌ایم.

توجه به این نکته ضروریست که، عمده آمارهای ارائه شده، کارگرانی را در بر می‌گیرد که بیمه اند و تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار دارند و گرنه آمار مرگ و میر ناشی از کار بسیار بیشتر از این رقم است. آمارهای فوق در حالیست که، به دلیل نبود آمار رسمی در زمینه بیماریهای شغلی نمی‌توان برآورد دقیقی از میزان خسارتها و مرگ و میر ناشی از بیماریهای شغلی در ایران ارائه داد. در کنار آمار فوق توجه به هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم حوادث در ایران میتواند قابل تأمل باشد.

هزینه‌های حوادث

آمار منتشره از سوی وزارت کار در سال 1385 نشان می‌دهد که در اثر حوادث شغلی، نزدیک به یک میلیون روز کاری به منظور درمان کارگران به هدر رفته و بالغ بر 62 هزار روز از کار مفید کارگران به علت بستری شدن تضییع شده است. تحقیقات جهانی نیز اشاره به آن دارد که هر حادثه منجر به فوت در محیط‌های کار، بین شش تا هفت هزار روز کاری را از بین می‌برد.

برآوردهای سال 90 نشان می‌دهد که سازمان تأمین اجتماعی باید به هر از کار افتاده به طور متوسط 45 میلیون تومان مستمري پرداخت کند و ديه هر نفر معادل 90 ميليون تومان محاسبه ميشده که تا بیش از 150 میلیون تومان نیز رسیده است. در کنار این، بایستی هزینه‌های غیر مستقیم حوادث اعم از تبعات روانی برای خانواده‌های آسیب دیده، تأخیر در اتمام کارها، صدمه به اعتبار و وجهه ملی، بالا رفتن حق بیمه‌ها، افزایش ریسک عملکرد تجهیزات و ماشین‌آلات و تأثیر بر بهره‌وری کل کار را نیز در نظر گرفت.

اگر چه، کمیت برخی از هزینه‌های غیر مستقیم را نمی‌توان به دقت تعیین کرد، لیکن در تحقیقات، هزینه‌های غیر مستقیم یک حادثه 4 برابر هزینه‌های مستقیم برآورد شده است. برای مثال، نتایج مطالعات 50 محقق امریکایی مقدار متوسط ساعتهای از دست رفته مولد بهره‌وری را به شرح زیر گزارش می‌دهد:

میزان متوسط ساعت‌های از دست رفته مولد بهره‌وری به ازای یک حادثه
زمان از دست رفته کارگر آسیب دیده (روز آسیب دیدن و روزهای بعد از آن)

76 ساعت

حمل کارگر آسیب دیده برای درمان

4 ساعت

زمان از دست رفته تیم کاری (روز آسیب دیدن و روزهای پس از آن)

56 ساعت

زمان از دست رفته به دلیل تجربه کم کارگر جانشین

14 ساعت

بیکار ماندن دیگر کارگران به دلیل تماشای صحنه آسیب دیدگی و ایجاد وقفه در کار

6 ساعت

زمان کار از دست رفته برای تعمیر خرابیها و برگرداندن شرایط به حالت عادی

10 ساعت

کل زمان کار از دست رفته

166 ساعت

همچنین، زمان کار اداری از دست رفته را می توان به صورت در پی آمده خلاصه کرد:

متوسط زمان کار اداری از دست رفته به ازای یک حادثه

کمک به کارگر آسیب دیده و اطمینان از درمان فوری او

4 ساعت

پژوهش درباره حادثه و آماده کردن گزارش

12 ساعت

دیگر زمانها (تماس با OSHA، رسانهها ، اداره مرکزی و غیر آن)

24 ساعت

کل زمان اداری از دست رفته

40 ساعت

در این مجال کوتاه، توجه خوانندگان محترم را به چند راهکار کلی برای کاهش حوادث جلب مینمایم:

1) بر اساس آخرین تحقیقات سازمان بین المللی تامین اجتماعی (ISSA) سرمایه گذاری در زمینه ایمنی و بهداشت کار در بنگاههای اقتصادی حداقل نرخ منافع حاصل از سرمایه گذاری در پیشگیری حوادث برابر 2/2 واحد به ازای هر واحد سرمایه گذاری در سال است و سرمایه گذاری در مقوله آموزش ایمنی به طور متوسط به ازای هر واحد 4.84 واحد و تامین تجهیزات حفاظت فردی به ازای هر واحد سرمایه گذاری 3.73 واحد بازگشت سرمایه در بر خواهد داشت. این ارقام غیر از اثرات مثبت ارتقای ایمنی و بهداشت کار در افزایش انگیزه کاری، ارتقای جایگاه و چهره موفق شرکتهای، کاهش مشکلات و ناهنجاریها و افزایش کیفیت محصول نهایی نیز می باشد. بنابراین، باید دانست که علاوه بر مزایای اجتماعی و فرهنگی، هزینه کردن در ایمنی حرفه ای برای بنگاههای اقتصادی توجیه اقتصادی نیز دارد.

2) در آمار و اطلاعات مرتبط با حوادث، تنوع و تعدد و گاه تناقضهایی در روش آمارگیری، آمار ارائه شده و تحلیلهای منبعث از آنها وجود دارد. علاوه بر این، یکی از مشکلات آمار حوادث در ایران، وجود ابهام در آمار افرادیست که تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی نیستند و این شامل تعداد زیادی از کارکنان کارگاههای کوچک (مثل کارگاههای ساختمانی) میشود. اصلاح و ارتقا سیستمهای آمارگیری کشور در آینده اجتناب ناپذیر مینماید.

3) گزارش سازمان بین المللی کار در خصوص امکان پیشگیری از 98% حوادث ناشی از کار در جهان بود که بسیار قابل تامل است. در ایران نیز، سقوط از ارتفاع و لغزیدن، سقوط اشیا و شکستگی و ضرب خوردگی در حدود 60 درصد حوادث ناشی از کار را شامل میشود، در حدود 50 درصد حوادث به دست و پای کارکنان آسیب زده است. اینها نشان می دهند برای جلوگیری از حوادث کارگاهی برای افراد، ماشین آلات و اموال نیاز به اقدامات پیچیده ای نداشته و صرف توجه

به ایمنی به ویژه آموزش و نهادینه سازی فرهنگ پیشگیری میتواند به کاهش تلفات ناشی از حوادث منجر شود.

(4) در حالیکه برخی کارفرمایان بین المللی میلیونها ساعت کاری بی حادثه را گزارش میدهند، تعداد زیادی از کارگاههای کشور با نرخ قابل ملاحظه حوادث و هزینه های ناشی از آن مواجهند. ایجاد قوانین انگیزشی، میتواند به تمایل بیشتر صاحبان کار برای سرمایه گذاری در ایمنی حرفه ای کمک کند.

(5) گسترش مشاغل غیر رسمی، اشتغال در مشاغل پر خطر، قراردادهای موقت و کارگران مهاجر همچنان از مسائل و چالش های پیش روی سازمان بین المللی کار می باشد. در کشور ترکیه حدود 60% حوادث کاری در کارگاه های با کمتر از 50 نفر کارگر رخ داده است. مطلوبست اگر برنامه ریزان ایمنی کشور در برنامه های خود به این نکات توجه ویژه داشته باشند.

(6) تخمین زده می شود در سال 2020 میلادی حدود 20 درصد کلیه کالاهای تولیدی در جهان به نوعی بر اساس علم نانو تکنولوژی ساخته شود. بهتر است از هم اکنون در مقوله ایمنی در کار با فن آوری های نو اقدامات پژوهشی و اجرایی انجام گیرد.

(7) در سالهای اخیر کوششهای قابل تقدیری در زمینه تدوین مقررات، آیین نامه ها و مستندات فنی انجام شده است. لیکن، اهمیت بخشی به استانداردهای جهانی ایمنی و بهداشت کار و پیاده سازی اصول OSHA میتواند در دستور کار ملی قرار گیرد.

(8) جا دارد این سوال را از نهادهای تأثیرگذار تخصصی کشور بپرسیم که چه اقداماتی انجام شده و چه کارهایی را میتوان در جهت کاهش حوادث کار در دستور کار قرار داد؟ و خوب است که دولت محترم و به ویژه وزارت کار و رفاه اجتماعی با مشارکت دادن حداکثری نهادهای مردمی و صنفی و نیز انجمنهای حرفه ای و علمی مربوطه در جهت کاهش تعداد حوادث اقدامات جامعی به عمل آورد.

در بازار ایران؛

نوشت افزار چینی ارزان تر از قیمت تمام شده تولید داخلی به فروش می رسد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: یک مقام مسئول در کارخانه تولید نوشت افزار واقع در کرج گفت: واردات بی رویه لوازم التحریر بی کیفیت چینی، بازار فروش محصولات این واحد تولیدی را با بحران روبرو کرده است.

«انوشیروان بیگلری» در این باره به ایلنا گفت: افزایش واردات نوشت افزار نامطلوب چینی در آستانه بازگشایی مدارس باعث نوسان قیمت محصولات مشابه داخلی شده است و این محصولات وارداتی با قیمت به مراتب ارزان تری در مقایسه با قیمت تمام شده تولید داخلی به فروش می رسند.

بیگلری که مدیریت تولید این کارخانه را بر عهده دارد، افزود: محصولات داخلی به جهت کیفیت مطلوبشان طبیعتاً دارای قیمت بالاتری نسبت به محصولات چینی بوده و فروشندگان و دلالت این محصولات بیشتر تمایل به خرید محصولات خارجی دارند و برای کسب سود بیشتر به کیفیت توجهی نمی کنند.

او در این زمینه اضافه کرد: تولید کنندگان داخلی لوازم التحریر به دلیل تمایل بازار به اجناس ارزان قیمت و بی کیفیت، برای کاهش هزینه و یافتن امکان رقابت به سمت تولید اجناس نامرغوب سوق پیدا کرده اند.

بیگیری کمبود سرمایه درگردش را از دیگر مشکلات کارخانه‌های تولید کننده نوشت افزار عنوان کرد و اظهار داشت: خریداران عمده نوشت‌افزار در بازار به دنبال خرید از تولید کنندگانی هستند که بتوانند با چک‌های دراز مدت پول محصولات خریداری شده خود را پس بدهند، این در حالیست که در وضعیت فعلی اقتصادی این خواسته خریداران برای تولید کنندگان داخلی مقدور نیست.

پایان پیام

ریشه‌یابی یک رویداد تلخ و سخنی با مدیریت شهرداری و شرکت واحد

بر پایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است: به نام آنکه دادگر است و دادخواهان را دوست دارد

با گسترش بی‌عدالتی‌های فراوان و عدم رعایت حقوق کارگران شرکت واحد در سال‌های بسیار و عدم رسیدگی به دادخواهی ایشان و ناکارآمدی شوراهای اسلامی در دفاع از حقوق کارگران و اجرا نکردن پیمان‌های دسته‌جمعی کارگران از طرف مدیریت بحران‌زدهی شرکت واحد بالاخره گروهی از همکاران دلسوز و فداکار با پشتیبانی و استقبال گسترده و شورانگیز کارگران، بر آن شدند تا برای دفاع از حقوق حقه‌ی کارگران شرکت واحد وارد میدان شوند که این کوشش و تلاش جانانه با حمایت و یاری عموم همکاران شریف تا به امروز نیز ادامه دارد.

در این سال‌ها آقایان مدیران در جلسات گوناگون درونی خویش نمی‌توانستند حقانیت خواسته‌های کارگران را که همانند آفتاب روشن بود، رد نمایند. اما در عمل این مدیران تازه وارد که بخشی از آنها از بازنشستگان نیروهای پلیس بودند، با روش‌های پلیسی بگیر و ببند و با ابزار شوراهای اسلامی و حراست به خیال خود کارها را پیش می‌بردند. غافل از اینکه روش‌های مدیریتی سرکوبگرانه و پلیسی در این دوران جواب نداده و نمی‌دهد و عمر اینگونه اعمال به پایان رسیده است. علاوه بر این، آقایان با خصوصی‌سازی‌های آنچنانی در میان دوستان و آشنایان خویش، مسئله‌ی عدم امنیت شغلی را همچون خوره‌ای به جان کارگران شرکت واحد انداختند. نتیجه‌ی یک چنین روش‌های نادرست و نامردمی، حاصلش حادثه‌ی موسوم به گروگان‌گیری در شرکت واحد می‌شود که یک کارگر مظلوم، از همه‌جا رانده و از همه‌جا مانده و کارد به استخوان رسیده، آنچنان از ستم دوران جانش به لب آمده که زندگی خود را به خطر انداخته تا بلکه مدیران ناشنوا، فریاد دادخواهی و مظلومیتش را بشنوند. اما افسوس، آقایانی که از مدیریت عالی خود سخنرانی‌ها نموده و اعلام کرده‌اند جایزه‌ی جهانی بهترین مدیریت حمل و نقل را گرفته‌اند و آنرا با آب و تاب به هزینه‌ی بیت‌المال در نشریه‌ی تبلیغاتی شرکت واحد منتشر می‌کنند، به ناگاه از سوی رسانه‌ها از جمله تلویزیون پرونده‌ی نادرست روش مدیریتی‌شان در پیش چشم مردم و افکار عمومی نمایان می‌شود. و صد البته این آقایان به جای درس گرفتن و اقرار به اشتباه و ناتوانی خود آسمان و ریسمان را به هم بافته تا خود را از این گرداب خودساخته نجات دهند و در حالیکه کارگر ستم‌دیده‌ی این رویداد، خود هیچگونه ادعایی مبنی بر رابطه و همکاری با سندیکا را نداشته، شایعه می‌سازند که این فرد سندیکایی بوده است؛ که در پاسخ به این ادعای آقایان باید گفت:

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست
آقایان مدیران پنبه در گوش، باید از حوادث روزگاران و از جمله این حادثه‌ی اخیر درس بیاموزید و در روش‌های خود به صورت ریشه‌ای تجدیدنظر کنید و مردم و کارگران را صاحب حق بدانید و با آنها به راستی و صادقانه، رفتاری انسانی داشته باشید تا گرفتار گرداب‌های بعدی نشوید و از تکرار اینگونه رویدادهای تلخ جلوگیری نمایید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- شهریور 92

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

دیگر پولی برای پرداخت یارانه‌ها وجود ندارد

به نوشته سایت خبری بهار نیوز در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: غلامعلی جعفرزاده در گفتگو با آریا اظهار داشت: در حالی که سال گذشته تنها 3 هزار و 500 میلیارد تومان اعتبار به پروژه های عمرانی کشور پرداخت شده است، ماهیانه نزدیک به 5 هزار میلیارد تومان به صورت نقدی و غیر نقدی در کشور یارانه پرداخت می‌شود. وی ادامه روند فعلی پرداخت یارانه ها را غیر منطقی دانست و گفت: ما باید واقعیت‌ها را به مردم بگوییم، مردم باید بدانند که پولی برای پرداخت یارانه‌ها وجود ندارد و برای انجام آن تمام کارهای کشور تعطیل شده است.

جعفرزاده تاکید کرد: دولت باید شجاعانه به این موضوع ورود کند و واقعیت‌ها را به مردم بگوید، زمانی که مردم بدانند کشور در چه فلاکتی بسر می‌برد قطعا همکاری خواهند کرد. نماینده گیلان در مجلس با اشاره به این که تنها باید به 3 دهک آخر یارانه نقدی پرداخت شود گفت: مابقی دهک‌ها می‌توانند در قالب تامین اجتماعی خدمات دریافت کنند. در حال حاضر دهک‌هایی هستند که به دریافت یارانه نقدی هیچ گونه احتیاجی ندارند اما این پول را دریافت می‌کنند.

جعفرزاده همچنین در رابطه با افزایش قیمت حامل‌های انرژی اظهار داشت: ما دیگر نمی‌توانیم برای حامل‌های انرژی یارانه پرداخت کنیم بنابر این با شیبهی ملایم باید به سمت واقعی شدن قیمت‌های سوخت و حامل‌های انرژی حرکت کنیم. وی در پاسخ به این سوال که چرا در دولت گذشته این وضعیت پیش بینی و نسبت به آن اقدامی صورت نگرفت گفت: متأسفانه آقای احمدی نژاد به کار کارشناسی، مشورتی و خرد جمعی اعتقادی نداشت.

رئیس انجمن صنفی رانندگان اتوبوس برون شهری استان قم: رانندگان جاده‌ای مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور قرار نمی‌گیرند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 27 شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی رانندگان اتوبوس برون شهری استان قم از اینکه رانندگان جاده‌ای مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور قرار نمی‌گیرند انتقاد کرد.

«داوود کردی» در این باره به ایلنا گفت: بسیاری از شاغلین حرفه‌های خدماتی و صنعتی مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور هستند اما رانندگانی که ساعت‌ها به جاده چشم می‌دوزند مشمول این قانون نمی‌شوند. وی ادامه داد: رانندگی از جمله مشاغلی است که تأثیرات نامطلوبی بر جسم و روح فرد بر جای می‌گذارد و شاغلین این حرفه در طول ساعات کار با آلودگی‌های صوتی و آلاینده‌های هوا دست به گریبان‌اند. به گفته آقای کردی، اغلب رانندگان به مرور زمان دچار کمر درد و پا درد مزمن می‌شوند و ستون فقرات آن‌ها دچار مشکل خواهد شد.

«پیش از این در تاریخ ۵ خرداد ماه سال جاری، نمایندگان مجلس با این پیشنهاد که شغل رانندگی مشمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور شود مخالفت کردند».

رئیس انجمن صنفی رانندگان اتوبوس برون شهری استان قم همچنین با انتقاد از هزینه بالای دریافت کارت سلامت شغلی رانندگان حمل و نقل برون شهری اظهار داشت: هزینه سهم حق بیمه رانندگان که از نوع مشاغل آزاد است بیش از ۱۲۰ هزار تومان می‌رسد که دولت ۳۰ هزار

تومان‌ش را تخفیف می‌دهد اما هزینه دریافت کارت مهارت به گونه‌ای است که این تخفیف دولت را پوشش می‌دهد و چه بسا هزینه بیشتری را هم به رانندگان تحمیل می‌کند.

گفتنی است تمامی رانندگان فعال در بخش حمل و نقل برون شهری اعم از کالا و مسافر برای فعالیت در حرفه رانندگی باید از سلامت جسمی و روحی مناسب برخوردار باشند که بدین منظور باید در دوره‌های زمانی متناوب به مراکز مجاز طب کار در سطح استان مراجعه کنند و پس از انجام معاینات شغلی و آزمایشات مربوطه کارت سلامت برای آنان صادر شود.

پایان پیام

تجمع اعتراض‌آمیز مردم همدان به افزایش قیمت برق

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است یک امروز بیش از 60 نفر از شهروندان همدانی با تجمع در مقابل استانداری به افزایش بهای برق مصرفی اعتراض کردند. به گزارش 28 شهریور فارس، تعدادی از مردم شهر همدان امروز در اعتراض به افزایش بهای برق مصرفی و عدم توجه مسئولان شرکت توزیع برق به خواسته آنان در مقابل استانداری همدان تجمع کردند.

این تجمع که با حضور بیش از 60 نفر چندین ساعت به طول انجامید با حضور ابراهیم کارخانه‌ای نماینده همدان و فامنین در مجلس و حاجی‌رضا تیموری مدیر عامل شرکت توزیع برق استان همدان در بین معترضین و شنیدن سخنان آنها به طور مسالمت‌آمیز فیصله یافت.

یکی از معترضین با بیان اینکه قبض برق خانه من از 190 هزار تومان در هر نوبت قبض‌نویسی به یکباره به یک میلیون تومان افزایش یافته است گفت: بنده توان پرداخت چنین مبلغی را ندارم و به این مبلغ اعتراض دارم و به همین منظور امروز در مقابل استانداری تجمع کردیم.

وی ادامه داد: در میدان مفتوح برای اتصال خانه به شبکه اصلی برق، با توجه به اینکه تیرهای چوبی برق در محل وجود دارد، شرکت برق هزینه اتصال برق و همینطور تغییر تیرهای چوبی به سیمانی را نیز از مشتریان طلب می‌کند.

در همین زمینه برای بررسی موضوع با مدیرعامل شرکت توزیع برق استان همدان گفت‌وگویی را ترتیب دادیم.

حاجی‌رضا تیموری با بیان اینکه علت افزایش بهای برق مصرفی افزایش قیمت سه تومان در هر کیلووات به مصرف برق است اظهار داشت: افرادی که امروز تجمع کردند از افزایش قیمت برق مصرفی آگاه نبودند و این افزایش قیمت را دولت ابلاغ کرده و شرکت برق آن را اجرا می‌کند.

وی افزود: برخی از تجمع‌کنندگان، از شرکت برق متقاضی اتصال به شبکه برق هستند که در هر جایی که امکانات باشد شرکت برق به خواسته آنها رسیدگی خواهد کرد، در غیر این صورت باید مانند دیگر شهروندان در نوبت رسیدگی به درخواست خود باشند.

دانش‌آموزان کوره‌پزخانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است: کوچ سالانه کارگران کوره‌پزخانه‌های حواشی مراکز استان‌ها از محل سکونتشان در روستاهای محروم، در کیفیت تحصیل فرزندان این خانواده‌ها تاثیر گذار است و اکثر آنها را نسبت به درس و مدرسه دلسرد می‌کند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، آن دسته از کارگران کوره‌پزخانه‌ها که در بخش «قالب زنی» مشغول به کارند در شش ماهه ابتدایی سال که به دلیل گرمای هوا شرایط برای خشک شدن خشت‌های

قالب زده شده مساعد است، برای کار در کوره پزخانه‌های حاشیه‌های مراکز استان‌ها به ناچار کوچ می‌کنند و در شش ماهه دوم سال به شهرستان محل سکونتشان باز می‌گردند که این مساله طبعاً موجب سرگردانی و افت تحصیلی فرزندانشان می‌شود.

گروهی از این کارگران، فرزندان خود را در شهرستان محل سکونتشان نزد یکی از اقوام نزدیک می‌سپارند تا بعد از پایان سال تحصیلی و در فصل تابستان، برای کمک به خانواده‌شان به تهران بیایند و در کوره پزخانه‌ها مشغول به کار شوند.

دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران در تشریح مشکلات تربیتی که برای فرزندان این کارگران پدید می‌آید به ایلنا می‌گوید: فرزندی که برای تحصیل در شهرستان محل سکونتشان می‌ماند به دلیل دوری والدین‌شان دچار افت تحصیلی، مشکلات اخلاقی و... می‌شوند.

«علی حسینیان» معتقد است: بچه‌ای که در هنگام مهاجرت والدین‌اش نزد عمه، عمو یا دایی خود می‌ماند چندان مورد نظارت قرار نمی‌گیرد که این مساله در تربیت او تأثیرات بسیار منفی بر جای می‌گذارد.

اما گروهی دیگر از کارگران که چنین امکانی ندارند یا نمی‌خواهند از آن استفاده کنند، فرزندان‌شان را همراه خود به کوره پزخانه‌ها می‌آورند و در حالت خوشبینانه این بچه اگر مجبور به کار کردن نباشد در آنجا به مدرسه می‌فرستند.

«علیرضا رمضان‌پور» رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های شمس آباد با اشاره به مشکلات پیش روی این خانواده‌ها، هنگام ثبت نام فرزندان‌شان در مدرسه جدید تصریح می‌کند: ظرفیت مدارس اطراف کوره پزخانه‌ها در اکثر مواقع تکمیل است و امکان ثبت نام برای این دسته از کارگران به سختی و با خواهش و التماس فراهم می‌شود.

این فعال کارگری در ادامه با انتقاد از فاصله زیاد مدارس مقاطع ابتدایی تا کوره پزخانه‌ها بیان می‌کند: این مسیر طولانی، رفت و آمد را برای محصلان کوچک‌تر مشکل می‌کند. بچه‌های کوچکی که در کوره پزخانه‌ها تحصیل می‌کنند برای رسیدن به مدرسه باید ۲ الی ۳ کیلومتر مسیر را طی کنند که برای آن‌ها واقعا مشکل است.

شاید اگر مدرسه‌ای، حداقل در مقطع ابتدایی در منطقه‌ای که کوره پزخانه‌ها در آنجا واقع شده‌اند تاسیس شود شرایط تحصیل برای فرزندان کارگران کوره پزخانه اندکی آسان‌تر شود.

لزوم تعریف سبد کالای تحصیلی

کارگران کوره پزخانه به دلیل آنکه در شهرستان محل سکونتشان، زمین کشاورزی مناسب ندارند یا شغلی با درآمد حداقلی پیدا نکرده‌اند در کوره‌های آجرپزی مشغول به کار شده‌اند. تن دادن به کوچ سالانه و کار کردن زیر آفتاب داغ دو فصل ابتدایی سال، از نیازهای معیشتی این کارگران سرچشمه می‌گیرد.

از طرفی، این کارگران به علت پایین بودن سطح توسعه اجتماعی طبقه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند معمولاً خانواده‌های پرجمعیتی دارند که نیاز آن‌ها به درآمد مضاعف را تشدید می‌کند. این مساله، لزوم ارائه بسته‌های حمایتی از جمله سبد کالای تحصیلی به کارگران کوره پزخانه را بیش از پیش عیان می‌کند.

دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران در تشریح هزینه‌های آن دسته از خانواده‌های کارگری که ۲ یا ۳ فرزند محصل دارند می‌گوید: این خانواده‌ها برای همه فرزندان محصل‌شان باید شرایط و امکانات تحصیل از جمله کیف، کفش، لباس، نوشت افزار و... فراهم کنند که در شرایط اقتصادی فعلی، هزینه‌های کمر شکنی را به آنها تحمیل می‌کند.

حسینیان با تاکید بر نیاز مبرم کارگران شاغل در کوره پزخانه‌ها به کمک هزینه برای تحصیل فرزندان‌شان تصریح می‌کند: برای کارفرمایان کوره‌های آجر پزی مساله‌ای به نام سید کالا چه از نوع معیشتی و چه از نوع تحصیلی تعریف نشده است. آنها فقط به فکر بهره کشی بیشتر از کارگران‌شان هستند.

همچنین، رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های شمس آباد معتقد است: اصولاً هیچ سبب حمایتی از سوی دولت یا صاحبان کوره‌های آجرپزی به کارگران تعلق نمی‌گیرد.

رمضان‌پور ادامه می‌دهد: در شرایطی که اکثر کارخانه‌های نوشت افزار وطنی به دلیل سیاست گذاری‌های نامناسب دولت قبلی ورشکسته شده‌اند و اغلب اجناس موجود در بازار وارداتی هستند، خانواده‌هایی که محصل دارند باید بابت نوشت افزار، هزینه گزافی را پرداخت کنند.

چنین شرایطی باعث شده است اکثر کارگران شاغل در کوره پزخانه ترجیح دهند فرزندان‌شان از یک سنی به بعد به جای تحصیل به آنها کمک کنند. این ترجیح نه از سر ناآگاهی نسبت به اهمیت تحصیل بلکه از روی ناچاری برای تامین امرار معاش است. شاید اگر کمک هزینه‌ای در قالب سید کالا تحصیلی در اختیار کارگران کوره پزخانه قرار بگیرد، ترک تحصیل فرزندان آنها به دلیل نیازهای معیشتی خانواده‌شان کاهش پیدا کند.

پایان پیام

بازداشت یک وب نگار و یک فعال کارگری در تهران

به گزارش منابع خبری، روز پنجشنبه ۲۸ شهریور ماه ۹۲، یک فعال کارگری و همچنین یک وب نگار در تهران بازداشت شدند. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، احمدرضا نجداد، وب نگار و نویسنده منتقد حکومت، روز پنجشنبه زمان خروج از کشور در فرودگاه بین المللی تهران مورد توقیف گذرنامه و بازداشت قرار گرفت.

بر اساس این گزارش، احمدرضا نجداد، پس از توقیف گذرنامه، توسط چند تن از ماموران لباس شخصی به قسمت دیگر فرودگاه هدایت شده و پس از آن خبری از وی منتشر نشده است. این وب نگار، چندی پیش نیز به دلیل عدم صدور مجوز برای کتابش، با وزارت ارشاد دچار مشکلات جدی شده و پس از مراجعات مکرر به اداره کتاب، با پاسخی مبنی بر اینکه «کماکان تحت بررسی قرار دارد»، مواجه گردیده بود، که مورد اعتراض وی واقع شد. تا زمان انتشار خبر، از علت دقیق بازداشت و محل نگهداری آقای نجداد خبری منتشر نشده است.

همزمان گزارش رسیده است که مهدی رحیمی، فعال سندیکایی و از کارکنان شرکت نفت، روز پنجشنبه ۲۸ شهریور ماه در تهران بازداشت شده است.

آقای رحیمی هنگام ورود به پالایشگاه تهران، توسط یک خودرو متوقف و بنا به اظهارات شاهدین، یکی از سرنشینان لباس شخصی داخل خودرو که مجهز به بیسیم بوده، به زور وی را سوار خودرو می‌مذکور نموده و از محل دور می‌شوند.

آقای رحیمی پیش از این نیز در جریان مراسم روز جهانی کارگر، مورد احضار و تهدید قرار گرفته بود.

از محل بازداشت و وضعیت این فعال کارگری خبری منتشر نشده است.

بحران بزرگ بیکاری و نقش شاخص جوانان تحصیل کرده بیکار در سازماندهی لشکر بیکاران رضا سپیدرودی

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است: در میان بحران های لاعلاجی که گریبان جامعه ایران را گرفته است یکی از بدترین آنها بحران بیکاری است. طیب نیا وزیر اقتصاد و دارایی اخیرا گفته است که "بزودی 5 میلیون بیکار تحصیل کرده به جمع 3 میلیون و 500 هزار نفری بیکاران فعلی کشور افزوده می شوند و کشور با بحران بزرگ بیکاری مواجه خواهد شد." واقعیت این است که هیچ یک از دولت های جمهوری اسلامی، اعم از اصلاح طلب و اصولگرا با وجود صرف هزینه های بسیار و طرح های دهان پر کن نتوانسته اند بحران بیکاری را مهار کنند. بویژه کارنامه 8 ساله دولت احمدی نژاد، در زمینه بیکاری با وجود درآمدهای نجومی و بی سابقه نفتی از همه فاجعه بارتر بوده است. شکست طرح های مقابله با بیکاری در جمهوری اسلامی را می توان در سطوح مختلف تحلیل کرد. عواملی نظیر فقدان استراتژی توسعه پایدار، فساد ساختاری نظام مدیریتی، درهم ریختگی بخش های مختلف اقتصاد و سیطره مافیاهای مختلف حکومتی بر این بخش ها، بی ثباتی و آشفتگی قوانین ناظر بر بازار کار، جهت گیری نظام تسهیلات بانکی، نظام تعرفه ها، نسبت واردات و صادرات در تجارت خارجی، حجم قاچاق و جایگاه آن در مجموعه اقتصاد سیاه و غیر رسمی، در دوره های مختلف و دولت های مختلف جمهوری اسلامی نقش و جایگاه متفاوتی در شکست طرح های مقابله با بیکاری ایفا کرده اند. در عین حال یک عنصر مشترک و اساسی در همه این دوره ها و در همه طرح های دولت های جمهوری اسلامی در رابطه با موضوع اشتغال و مقابله با بیکاری مشترک بوده است. این عنصر مشترک عبارت از این است که خود بیکاران هیچ نقشی در تهیه و تنظیم این طرح ها و نحوه اجرای آنها نداشته اند و به هیچ وجه نتوانسته اند به صورت یک قدرت متشکل و سازمان یافته در این زمینه عمل کنند. طرح های دولتی نه تنها با مشارکت سازمان یافته تشکل های مستقل بیکاران هیچ میانه ای نداشته اند که هر نوع تلاش در این زمینه نیز با حساسیت وحشیانه ای از سوی دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی منکوب شدند. اکنون اما بیکاری در شرایطی به سمت یک "بحران بزرگ" می رود که

اولا: شدت بحران همه جانبه اقتصادی و اجتماعی کشور را به لبه پرتگاه کشانده و تحریم ها با تقلیل درآمدهای نفتی، سیاست دستبرد به سطح معیشت لایه های فرودست و خصوصی کردن بیرحمانه تر حوزه های تعهدات اجتماعی دولت را به اصلی ترین سیاست دولت روحانی تبدیل کرده است. گرانی قیمت آب و برق در روزهای اخیر که بار آن بیش از همه بر دوش لایه های فقیر و محروم جامعه سنگینی می کند، فقط نقطه شروع این سیاست است که قرار است تا پایان سال جاری با موج دوم برچیدن یارانه ها و رها سازی قیمت های حامل های انرژی و در عین حال حذف یارانه های نقدی گسترش یابد.

ثانیا: وزن جوانان تحصیل کرده و دانش آموخته در میان مجموعه بیکاران بشدت بالاتر رفته است و در حال حاضر بخش بزرگ لشکر بیکاران کشور را نه لایه های حاشیه نشین، بیکاران فصلی و روستایی بلکه جوانانی تشکیل می دهند که تحصیلات خود را با صرف هزینه های هنگفت و فداکاری های خانواده ها به پایان برده اند، اما نمی توانند شغلی متناسب با تحصیلات و تخصص

خود پیدا کنند. نسل جدید بیکاران دانش آموخته بخش مهمی از پیش زمینه های لازم برای پیشتاز شدن در زمینه سازماندهی خود به عنوان جویندگان کار در قالب شکل های مستقل بیکاران را دارند. تاکنون محور سازی از اختصاص فضای سرپوشیده ثابت برای جمع شدن بیکاران و حواله دادن بیکاران به ادارات کار و به نهادهای شبه کارگری وابسته به رژیم یکی از شگردهای مقابله با شکل یابی مستقل بیکاران بوده است. البته پاتوق های غیر رسمی به عنوان مراکز تجمع گروه های مختلف بیکاران تاکنون نقش محدودی در غلبه بر این مانع داشته و توانسته است در سطح محدود گروه هایی همگن از بیکاران (مثلا بخشی محدود از نقاشان ساختمانی) را متشکل کند. اما نسل جدید بیکاران جوان، بر خلاف لایه های سنتی و فاقد تحصیلات دانشگاهی با شکل های جدید همگرایی و فعالیت های شبکه ای آشنایی کاربردی بیشتری دارند و می توانند از این آشنایی برای دور زدن محدودیت ها بهره برداری کنند. تجربه فراخوان های محدود شبکه ای برای جمع شدن به قصد حمایت از کودکان کار، یا آب بازی دسته جمعی می تواند در تجمع آرام، مسالمت آمیز و مدنی جمع هایی از بیکاران دانش آموخته در برابر ادارات کار به کار گرفته شود و این مراکز را به مکان های ابراز نارضایتی بیکاران و طرح خواست برخورداری فوری از بیمه بیکاری تبدیل کند. بویژه این که خصلت صنفی این مطالبه و طرح آن در برنامه دولت، بهانه برخورد امنیتی و هزینه های آن را کاهش می دهد. بدیهی است چنین رویکردی در تشویق سایر لایه های بیکاران به تشکیل یابی نیز موثر است و می تواند سرآغازی باشد برای پایان دادن به بیش از سه دهه پراکندگی و بی حقی بیکاران. جوانان تحصیل کرده بیکار در اعتراض مدنی و مسالمت آمیز علیه بیکاری هیچ چیز ندارند که از دست بدهند، در عوض اگر بتوانند متحد شوند و بر نهادهای دولتی فشار بیاورند امکان دارد که بتوانند حداقل بیمه بیکاری را به دست آورند.

کارگران مجتمع معدنی چادرملو یزد در راه دستیابی به حقوق حقه شان

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است: مجتمع معدنی چادرملو، یکی از بزرگترین معادن سنگ آهن کشور است که کارگران زیادی نیز در بخش های مختلف این معدن به صورت مستقیم و غیرمستقیم زیر نظر پیمانکاران مشغول فعالیت هستند. کارگران فعال در شرکت آسفالت توس یکی از بزرگترین پیمانکاران این مجموعه، از شرایط کاری راضی نبوده و خواستار نظارت مدیریت مجتمع بر فعالیت پیمانکاران و رعایت قوانین کار از سوی آنها هستند. مهمترین خواست کارگران این معدن حذف قراردادهای سفید امضا بود که طی 18 سال در این معدن از سوی پیمانکاران اجرا می شد در حالیکه خلاف قانون بود؛ مبارزات کارگران برای حذف قراردادهای سفیدامضا در ابتدا با برخوردهایی از جمله اخراج کارگران همراه شد اما سرانجام به نتیجه رسید.

خواسته های دیگر کارگران بر اساس اولویت بندی به نماینده شرکت پیمانکار در اردیبهشت ماه سال جاری ارائه شد و پیرو آن هم جلساتی برگزار شد که نمایندگان و کارشناسان شرکت پیمانکار این خواسته ها را به حق دانسته و مهلت دو ماهه را برای تحقق آن از کارگران خواستند. کارگران به منظور جلوگیری از وقفه در انجام فعالیت شرکت و همکاری کارگران موافق به امضای قرارداد شدند تا موارد نیز ظرف مهلت تعیین شده به اجرا درآید اما با گذشت زمان و اتمام مهلت، حتی ساده ترین بند آن که شامل تحویل قرارداد به کارگران بوده هنوز اجرایی نشده است.

بنا بهمین گزارش، از جمله خواسته های این کارگران عبارتست از:

- 1- انعقاد قرارداد مستقیم کارگران با پیمانکار اصلی - فعالیت پیمانکاران متعدد و خرده کار همکار با پیمانکاران اصلی نیز از معضلات اصلی کارگران است که منجر به بروز هر گونه رفتار با کارگران می شود.

- 2- نظارت بر عملکرد پیمانکاران از جانب کارفرما و الزام آنها به رعایت قوانین کار

3- افزایش مدت مرخصی ماهانه کارگران از 6 روز به 10 روز بر اساس قانون
4- اجرای مجدد، درست و کامل طبقه بندی مشاغل که به صورت مخدوش اجرا شده بود
5- افزایش پایه حقوق کارگران معدن که در مقایسه با سایر استان‌های کشور کمتر است
6- اختصاص پاداش تولید به عنوان پشتوانه بازنشستگی و همچنین پرداخت این پاداش به افراد تازه استخدام شده (در حال حاضر حق پاداش تولید کارگران تازه استخدام شده تا دو سال قطع است و در ادامه نیز به صورت درصدی پرداخت می‌شود در حالی که این موضوع غیرقانونی است و کارگران تنها باید سه ماه آزمایشی فعالیت کنند و بعد از آن باید از تمامی حقوق و مزایا برخوردار باشند.)
7- اختصاص قانون مشاغل سخت و زیان آور به کارگران که طی 18 سال فعالیت این معدن هنوز برای هیچ‌یک از کارگران اجرا نشده است.
محمود نوریان، مدیرعامل شرکت چادرملو یزد، این مشکل را مربوط به کارگران همکار با شرکت پیمانکار آسفالت توس اعلام کرد که از سوی مدیریت مجتمع نیز دنبال شده و برای رسیدگی به اداره کار و امور اجتماعی استان یزد ارجاع شده است.
وی با تاکید بر این که کارفرما نمی‌تواند خودسرانه خواسته‌های کارگران را اجرا کند، گفت: مشکلات و خواسته‌های کارگران برای تایید به اداره کار و امور اجتماعی ارجاع شده است و در صورت تایید و ابلاغ توسط پیمانکار لازم الاجرا خواهد بود.
این مسئول گفت: تاییدیه نهایی اداره کار تعیین کننده خواسته‌های کارگران خواهد بود که جلسات متعددی در این زمینه برگزار شده است و در نهایت هر چیزی که اداره کار به عنوان مرجع قانونی تصویب کند اجرا خواهد شد.

کارخانه سرب و روی به هیچ کجا منتقل نشد و ۲۴۰ کارگر به بیمه بیکاری معرفی شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است: 23 مردادماه امسال در مرافعه میان مخالفان و موافقان فعالیت کارخانه سرب و روی زنجان، سرانجام این واحد تولیدی به دلیل آلاینده‌گی محیط زیست تعطیل شد.
در یک ماهی که از تعطیلی این کارخانه می‌گذرد برخلاف آنچه به کارگران وعده داده شده بود محل کارخانه تعویض نشد. با این حال اما موافقان و مخالفان بر سر مواضع خود ایستاده‌اند.
هواداران، تعطیلی کارخانه را به نفع سلامت اهالی زنجان می‌دانند و معتقدند زیاد شدن موارد ابتلا به سرطان در شهر نتیجه وجود این کارخانه است، در مقابل مخالفان تعطیلی کارخانه که عمدتاً کارگران سرب و روی و بستگان آنها هستند می‌گویند که کارخانه به حریم شهر تجاوز نکرده، بلکه شهر با پیشروی بی‌رویه به حریم کارخانه تجاوز کرده است.
براس این گزارش، با گذشت بیش از یک ماه از تعطیلی کارخانه سرب و روی زنجان هنوز موضوع انتقال کارخانه به خارج از شهر پیگیری نشده است و وضعیت کارگران این واحد تولیدی نامعلوم است و 240 کارگر کارخانه سرب و روی زنجان به بیمه بیکاری معرفی شده‌اند.

نقدی به نامه انجمن صنفی کارگران نیروگاه حرارتی تبریز

به نوشته ویلاگ کارگران نیروگاه های ایران آمده است: نامه انجمن صنفی کارگران نیروگاه حرارتی تبریز خطاب به چیت چیان وزیر نیرو دولت روحانی در تاریخ 27 مرداد 92 در برخی سایت های خبری انعکاس یافت. این انجمن پیشتر در زمان دولت احمدی نژاد و در اردیبهشت ماه 92 هم در نامه ای به کمیسیون اجتماعی مجلس به الغاء قراردادهای 29 روز و عدم امنیت شغلی کارگران و نیز بی توجهی مدیران نیروگاه و شرکت توانیر اعتراض کرده بودند.

مضمون این دو نامه به دو موضوع اشاره می کند 1- واگذاری نیروگاه در قبال بدهی های دولت و برخلاف اصل 44 قانون اساسی 2- درخواست و پیگیری قرارداد دائم و تامین امنیت کارگران می دانیم و هر روز برای ما کارگران - متخصص یا غیر متخصص، تحصیل کرده یا بی سواد ، زن یا مرد ، معلم یا صنعتی ، خدماتی یا اداری و ... - آشکارتر می شود که قانون اساسی و مکانیسم دولت های سرمایه داری در جهت کسب حداکثر سود و استثمار بیشتر از نیروی کار است و به کلام دیگر، این دولت ها حافظ منافع سرمایه داران هستند و سرمایه داری ایران نیز خارج از این مکانیسم نیست. تفسیر جدید از اصل 44 قانون اساسی نیز از سوی حاکمیت به منظور باز کردن راه استثمار بیشتر انجام شد. حداقل ضرر ناشی از اجرای این تفسیر جدید ناامنی شغلی بیشتر برای کارگران می باشد. اینجا توضیح دهیم که کارفرما و سرمایه دار خصوصی و دولتی در استثمار نیروی کار خیلی تفاوت ندارند. واقعیت آن است که دولت ها و مجالس سرمایه داری قرار نیست و نبوده که در جهت خواست کارگران عمل کنند. در ایران به خاطر پایین بودن سطح فناوری و نداشتن ابزار تولید پیشرفته در حد کشورهای چون آمریکا و اروپا برای سود و انباشت بیشتر به بالا بردن شدت کار، بیکار سازی، قراردادهای موقت کار و سرکوب عریان کارگران متوسل می شوند. قراردادهای موقت 29 روز نیز در همین راستا و برای بهره کشی از نیروی کار ارزان کارگران مهندسی شده است. قراردادهای موقت باعث می شود که هر گاه کارگران نسبت به پایین بودن دستمزد اعتراض کنند دست سرمایه داران برای اخراج کارگران باز باشد. بارها ما کارگران با این موضوع روبرو شده ایم ؛ اگر برای افزایش حق کارانه و دستمزدها اعتراض می کنیم قراردادی و موقتی بودن را به رخ مان می کشند. حتی در بیشتر موارد به خاطر نداشتن امنیت شغلی و برای حفظ شغل مان نمی توانیم به بی حقوقی ها هم اعتراض کنیم. مکانیسم های سرکوب صرفا محدود به صحنه آوردن نیروی های نظامی و انتظامی نیست؛ بلکه یکی از این ابزار ها همین عدم امنیت شغلی کارگران است. با توجه به آن چه ذکر شد؛ قوانین و آیین نامه ها میثاق سرمایه داری است برای قانونیت، رسمیت دادن و برنامه ریزی برای نحوه استثمار از نیروی کار و مقابله با مبارزات کارگران تدوین می شوند. مساله ما سرمایه داری از نوع خصوصی و دولتی نیست؛ سرمایه آنجا می رود که سود و ارزش اضافی بیشتر طلب می کند. اصولا اینکه ما از وزیر دولت یا وکیل الدوله مجلس بخواهیم چرا طبق تفسیر جدید اصل 44 قانون اساسی عمل یا نظارت نمی کنید - چپیت چیان در دولت های سابق مدیر و مشاور وزیر بود. - توهم داشتن نسبت به دولت های سرمایه داری است. مکانیسم سرمایه داری که تولید سود و انباشت هدفش می باشد به فرمان سرمایه عمل می کند؛ و حتی وزرا و دولت و نمایندگان مجالس ش را هم بر مبنای نیاز سرمایه انتخاب می کند. بر این مبناست که هر زمان شرایط سرمایه ایجاد کند قانون اساسی خودش را هم باز تفسیر می کند. بخشی از ما کارگران به دولت سرمایه داری جدید متوهم می باشیم و انتظار داریم که دولت روحانی و مجلس به مطالبات ما پاسخ دهند. ما از نیروی خودمان غافل هستیم ؛ ایجاد شرایط بهتر جز از طریق حضور آگاهانه در صحنه و پیگیری مداوم ممکن نخواهد بود. هر جا سرمایه داری به طور موقت عقب نشینی کرده است ناشی از مقابله و رویارویی مستقیم کارگران با سرمایه بوده است. کارگران شرکت قطعات توربین شهريار با یک ماه اعتصاب تنها توانستند قراردادهای موقت کار را تا ابتدای سال 93 تمدید کنند.

خواست رسمی و دائمی شدن قراردادهای کارگران و یا الغای قراردادهای موقت یک ماهه که از سوی کارگران نیروگاه تبریز طرح شده است یک مطالبه سراسری کارگران ایران است. چرا نباید به این فکر باشیم که با دیگر کارگران علیه قراردادهای موقت و پیمانی متحد و متشکل شویم. کارگران توربین شهريار چنین کردند و توانستند عوامل سرمایه در این شرکت را به طور موقت به عقب نشینی وادارند اما آنها برای امنیت شغلی کامل به کمک دیگر کارگران نیاز دارند. به نیروی شگرف خود ایمان داشته باشیم ؛ سرمایه داری بدون نیروی کار کارگران دوام نمی آورد. آیا درخواست و نامه نگاری به دولت و مجلس که عامل اختناق و سرکوب و اعمال قوانین ضد کارگری هستند هیچ زمان کارا بوده است ؟ در حالی که سفره ما هر روز خالی تر می شود؛

آینده فرزندان مان هر روز تیره تر می شود؛ و هر روز سرمایه داران و دولت و مجلس به توهم پراکنی و وعده های توخالی دست می زنند؛ چاره ای جز متشکل شدن و باور به نیروی خود برای تغییر داریم؟! درد طبقه کارگر درد مشترک است؛ درد دل همکارمان در نیروگاه دماوند که در همین وبلاگ درج شد یک نمونه از هزاران درد ماست .

سرانجام پرده توهم به دولت فعلی هم کنار زده می شود زیرا اقتصاد ایران سال هاست بحران زده است و در بهترین حالت ممکن است بتوانند اوضاع بحرانی فعلی را مهار کنند اما سرمایه داری ایران قادر نخواهد بود مشکلات و معضلات ما کارگران را حل کند و شرایط مصیبت بار ما را بهبود ببخشند. واقعیت آن است تمام رؤسای دولت های پیشین در جهت استثمار نیروی کار و ایجاد شرایط مناسب برای انباشت سرمایه و به سود طبقه استثمارگر عمل کرده اند و به کارگران القا می کنند که شرایط فلاکتبار کنونی دستاورد دولت های پیشین است؛ و هر تازه واردی اعلام می کند که برای نجات مردم آمده است؛ دولتمردان درست می گویند؛ آنها برای نجات سرمایه داری آمده اند. اما آسمان همه جا برای ما کارگران سیاه است. چاره ای جز متشکل شدن و باور به نیروی خود برای تغییر نداریم.

یک فعال کارگری در سقز: محرومیت کارگران خباز از افزایش مزدی سال ۹۲

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است : رئیس انجمن صنفی کارگران خباز شهرستان سقز گفت: با گذشت نزدیک به هفت ماه از شروع سال جدید هنوز بخشنامه دستمزدهای سال ۹۲ در مورد کارگران نانوايي اجرا نشده است.

«محمد احمدپور» با اعلام این مطلب به ایلنا یادآور شد: این تاخیر در حالی است که از ماه گذشته به دلیل بازبینی مصوبه دستمزدها بر حقوق مسکن و بیمه کارگران اضافه شده است. به گفته احمدپور بر اساس روال مرسوم در شهرستان سقز، هر سال بخشنامه دستمزد در خصوص کارگران خباز با تاخیری چند ماهه اجرا می شود.

وی در توضیح علت این تاخیر گفت: از آنجا که کارفرمایان خباز همیشه افزایش حقوق را منوط به افزایش بهای نان و یا افزایش ساعات کار می دانند، هر سال پس از ابلاغ بخشنامه دستمزد، در فرمانداری سقز جلسه مشترکی را به منظور چگونگی اعمال افزایش مزد در خبازی ها برگزار می کند.

وی با بیان اینکه در این جلسه کارگران و کارفرمایان خباز، مسئولان دولتی از جمله شخص فرماندار و مسئول اداره کار حضور دارند، گفت: چون برگزاری این جلسه زمان بر است بنابراین هر ساله مصوبه دستمزدها با تاخیری چند ماهه در خصوص کارگران خباز اعمال می شود و در این مدت دستمزد کارگران یاده شده بصورت علی الحسابی پرداخت می شود.

این فعال کارگری ادامه داد: همچنین در این جلسات با توافق طرفین همواره مبلغ معینی بابت مابه التفاوت پرداخت های علی الحسابی اتعیین می شود که به صورت روزانه محاسبه و همراه با حقوق ماه های باقیمانده از سال به کارگران پرداخت می شود.

این مقام کارگری گفت: متأسفانه با گذشت حدود هفت ماه از شروع سال ۹۲ هنوز در شهرستان سقز جلسه مشترک برای افزایش دستمزد کارگران خباز برگزار نشده است.

وی بابیان اینکه به نظر می رسد در پی تغییرات و جابجایی مدیریتی کشور، مسئولان دولتی در شهرستان سقز چندان پیگیر برگزاری جلسه هر ساله نبوده اند.

احمدپور بابیان اینکه بیش از ۲۵۰ نانوايي در شهرستان سقز فعالیت روزانه دارند، تعداد کارگران شاغل در این صنف را بالغ بر ۷۵۰ نفر اعلام کرد.

به گفته این فعال کارگری تاخیر در اعمال مصوبات مزدی سال ۹۲ کارگران خباز سقزی در حالی ادامه دارد که در نتیجه نوسانات اقتصادی سال گذشته از قدرت خرید کارگران این صنف به شدت کاسته شده است.

وی ادامه داد: از آنجا که شدت فشار مالی بر خانواده‌های کارگران خباز سقزی با نزدیک شدن به شروع سال جدید تحصیلی چندین برابر شده است، بسیاری از این کارگران برای دریافت کمک به ناچار به سازمان‌های حمایتی چون کمیته امداد مراجعه کرده‌اند.

پایان پیام

قهرمانان پوشالی جنبش کارگری ایران و سندیکالیزم ضد کارگری

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران - 28 شهریور ماه 1392 آمده است: سندیکالیزم یک رگه در جنبش کارگری جهانی برای رفرم و بهبود شرایط معیشتی کارگران در چهارچوب سیستم سرمایه داری است. گذشته از اینکه در شرایط حاضر سندیکالیزم در کدام نقطه از مبارزات جاری کارگران جهان ایستاده است و چه نقدهای جدی بر آن وارد است، باید بگوئیم تا آنجا که به ما کارگران بر میگردد هر گونه رفرم در چهار چوب مناسبات سرمایه داری برای بهبود شرایط معیشتی کارگران یکی از اولویتهای مهم و حیاتی ماست. به همین دلیل نیز ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران در تمامی لحظات مبارزه سندیکای کارگران شرکت واحد تهران خود را در کنار این سندیکا یافتیم و دوشادوش کارگران شرکت واحد تهران برای موفقیت و پیروزی آنان مبارزه کردیم و چنین نیز خواهیم کرد. لذا مبارزات سندیکائی در ایران تا آنجا که به ابزاری در جهت به تمکین کشاندن کارگران تبدیل نشود و تا آنجا که منجر به بهبود شرایط معیشتی کارگران گردد برای ما مهم است و ما در مقام دفاع از ایجاد سندیکاهای کارگری و هر درجه بهبود شرایط معیشتی کارگران اجازه نخواهیم داد جریاناتی رفرم خواهی کارگران و خواست آنها برای تشکیل سندیکاهای کارگری را وسیله ای برای حقه کردن نهادها و تشکلهای دست ساز دولتی کنونی به جای سندیکای خواهی ما کارگران قرار بدهند. یکی از نمونه های چنین تلاشی، کاری است که اخیرا در مورد کانون بازنشستگان صورت گرفته است و کسانی با نام سندیکا و سندیکا خواهی، اعضای این کانون را قهرمانان جنبش کارگری ایران نامیده اند و این نهاد بر آمده از دل خانه کارگر و دست ساز دولتی را حامی سر سخت مطالبات میلیونها کارگر بازنشسته خوانده و برخی امتیازات قانونی همچون افزایش مستمری سالیانه بازنشسته ها و تعلق عیدی و حق عایله مندی به مستمری بگیران تامین اجتماعی و... را حاصل مبارزات این کانون و اعضای هیات مدیره آن دانسته اند. این در حالی است که مادتين *96 و **111 مربوط به افزایش سالیانه مستمری بازنشستگان در سال 1354 مصوب و توسط شورایی عالی تامین اجتماعی در آندوره به مورد اجرا گذاشته شده است. اما اینکه این قوانین پس از پایان جنگ و از دهه هفتاد به این سو، همچون ماده 41 قانون کار در مورد حداقل مزد کارگران چقدر اجرائی شده است، مسئولیت اش مستقیما متوجه نهادهای کارگری دست ساز دولتی در مورد حداقل مزد کارگران شاغل و در مورد افزایش سالیانه حقوق مستمری بگیران مستقیما متوجه نهادهای دست سازی همچون کانون بازنشستگان است. به این ترتیب همانقدر که افزایش حداقل مزد کارگران بر طبق ماده 41 قانون کار با همسوئی تشکلهای و نهادهای دست ساز دولتی با کارفرمایان و دولت، آنچنانکه این قانون صراحت دارد، اجرا نشده است مادتين 96 و 111 قانون تامین اجتماعی نیز با همسوئی کانون بازنشستگان با سازمان تامین اجتماعی و دولت، آنچنانکه این مادتين صراحت دارند اجرائی نشده است و حاصل آن همین شرایط بسیار فلاکتباری است که امروز میلیونها کارگر شاغل و بازنشسته در سراسر کشور با آن دست به گریباند.

گذشته از نکات فوق:

1- کانون بازنشستگان همچون دیگر نهادهای کارگری دست ساز دولتی در هر دوره ای نه تنها تسلیم رای و تصمیم دولتها بوده است بلکه در جنگ قدرت نیز برای حمایت از جناحهای حکومتی از هیچ کوششی دریغ نکرده است. نمونه اخیر چنین حرکتی از سوی کانون بازنشستگان و آقای علی اکبر خبازها و شرکایش را در جمع آوری طومار حمایتی از مرتضوی شاهد بودیم اما خوش

خدمتی اینان برای مرتضوی و دیگر مقامات فراتر از این بوده است بطوریکه کانونیها از هیچ تلاش و هزینه کردی برای رای آوردن همسر آقای مرتضوی در انتخابات شورای شهر تهران از دادن پیامک تا دادن شام دریغ نکردند.

2- اینان در راستای تحکیم حاکمیت مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی، پارسال بدروغ وعده افزایش 100 هزار تومان در ماه را علاوه بر افزایش سالیانه مستمری بازنشستگان طی مصاحبه هایی در بوق کردند و آقای خبازها برای رای گیری کانون بازنشستگان تهران در سالن نگین به جای پاسخ به عملکرد گذشته خود که مورد سوال حاضرین قرار گرفته بود، قول محقق شدن صد در صدی این افزایش را داد اما خود بیش از هر کس دیگری خوب میدانست که چنین وعده هایی برای تثبیت ریاست مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی است و لاغیر.

3- کانون بازنشستگان به ریاست خبازها و شرکا در برابر دزدی آشکار از افزایش مستمری بازنشستگان که هر ساله از طریق تاخیر چندین ماهه در پرداخت آن صورت گرفته است نه تنها هیچ اعتراضی را سازمان نداده اند بلکه در جا انداختن این روند و دعوت بازنشستگان به تمکین در برابر این وضعیت نقش بسیار مهمی داشته اند

4- در سال 1389 و بدنبال افزایش بسیار ناچیز سالیانه مستمری بگیران به میزان 6 درصد، نه تنها کانون بازنشستگان علیرغم خواست اعضایش برای اعتراض به این وضعیت، حرکتی را انجام نداد بلکه اعضایش را از طرح شکایت در دیوان عدالت اداری نیز منع کرد

5- تعداد بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی بیش از دو میلیون و سیصد هزار نفر "اصلی" است اما علیرغم اینکه کانون بازنشستگان از بین دو میلیون و سیصد هزار نفر مستمری بگیر، فقط چهارصد و سی هزار عضو دارد با اینحال 1 درصد از حق مسکن ماهیانه همه ی دو میلیون و سیصد هزار نفر بازنشسته در سطح کشور که اکثریت قریب به اتفاق آنان هیچ نفعی در کانون ندارند بطور خودکار کسر و به حساب کانون بازنشستگان واریز میشود. مبلغ حاصل از این کسر از حقوق بازنشستگان، گذشته از مبلغی است که سازمان تامین اجتماعی هر ساله جهت سفرهای زیارتی و همچنین دادن وام به بازنشسته ها بر اساس آمار دو میلیون و سیصد هزار نفری بازنشستگان در اختیار کانون قرار میدهد و هیچکس نیز از میزان این بودجه خبری ندارد. این بودجه های کلان از برکت وجود دو میلیون و سیصد هزار بازنشسته در شرایطی در اختیار کانون بازنشستگان قرار میگیرد که این کانون تمامی این بودجه را که متعلق به همه بازنشستگان در سراسر کشور است فقط هزینه چهار صد و سی هزار عضو خود(اگر کرده باشد) و در این میان بطور ویژه ای هزینه اعوان و انصار خود میکند.

6- اعتراض دائمی بازنشسته ها در جلسات کانون به عملکرد ضد کارگری خبازها و شرکاء طی سالهای گذشته کار را به جایی رساند که آنان مجبور شدند برای جلوگیری از این اعتراضات ابتدا جلسات هفتگی را به دو هفته یکبار و سپس به ماهی یکبار و اخیرا به 45 روز یکبار تقلیل دهند چرا که این قهرمانان پوشالی و ضد کارگری دیگر نمیتوانستند بازنشسته های معترض را ساکت و رام کنند. این به اصطلاح سندیکالیست ها همچنین از حضور زنان بازنشسته در جلسات مردانه ی کانون جلوگیری میکنند بطوریکه در موردی ، سلطانی این قهرمان پوشالی سندیکالیزم دولتی در مقابل اصرار شرکت یکی از زنان در جلسات مردان به وقیحانه ترین شکلی اقدام به فحاشی این خانم کرد.

7- در قوانین سازمان تامین اجتماعی قانونی به نام "قانون الزام" وجود دارد که تامین اجتماعی را مکلف میکند بیمه شده خود را تا آخرین مرحله درمان در هر سطحی حتی نیاز به اعزام به خارج از کشور به طور کاملا رایگان درمان کند. اما کانون بازنشستگان به جای اصرار بر اجرای این قانون، در همدستی با سازمان تامین اجتماعی بیمه تکمیلی را به میان کشید و به عنوان وکیل تمامی کارگران بازنشسته در سطح کشور و نه اعضای معدود خود، دست در دست مافیای دزدان سازمان تامین اجتماعی راسا اقدام به عقد قرارداد با بیمه تکمیلی نمود تا این اقدام غیر قانونی سازمان تامین اجتماعی، اقدامی مستقیم از سوی بازنشستگان برای بهبود شرایط درمانی شان تلقی شود. در قرارداد کانون بازنشستگان با بیمه ده درصد از پول از حاصل از هر

بیمه گذار به عنوان پورسانت متعلق به کانون بازنشستگان است. اینکه چه میزان از این پورسانت نجومی حاصل از مبلغ قرارداد دو میلیون و سیصد هزار بازنشسته در سطح کشور و پورسانتهای غیر رسمی معمول به جیب آقای خبازها و شرکاء رفته است روشن نیست اما با دستگیری آقای خبازها و سپس آزادیش به قید وثیقه در طی هفته های گذشته، وی به ناچار به استعفا از سمت اش در کانون عالی بازنشستگان شد و اگر دادگاه عادلانه ای برگزار شود به زودی اختلاسها و دزدیهای این قهرمان جنبش سندیکائی دست ساز و شرکایش روشن خواهد شد. گذشته از همه اینها در طول سالهای گذشته از آنجا که در نتیجه اقدام ضد انسانی و ضد کارگری کانون بازنشستگان بخش اعظمی از بازنشسته ها ندانسته و بی خبر از همه جا با کسر مبلغی از حقوق شان تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار گرفته اند، به دلیل کم سوادی و کهنولت سن و ندادن فیش حقوق از طرف شعب تامین اجتماعی متوجه نشده اند که بیمه تکمیلی هستند و به همین دلیل با عدم استفاده این دسته از بازنشستگان از بیمه تکمیلی سوادهای کلانی به جیب بیمه دی سرازیر شده است.

8- در طی نزدیک به بیست سالی که از تاریخ تاسیس کانون بازنشستگان در خانه کارگر دولت جمهوری اسلامی میگذرد این کانون بزرگترین خدمتها را به دولتهای وقت برای ساکت نگه داشتن میلیونها بازنشسته انجام داده است، بطوریکه همه دولتها قادر شده اند سازمان تامین اجتماعی را به حیات خلوت خود تبدیل کنند و با سرمایه های آن هر کاری را که خود میخواهند انجام دهند تا جایی که امروز از هر گوشه ایی خبر اختلاس و تاراج و ورشکستگی صندوق سازمان تامین اجتماعی به گوش میرسد. بطوریکه در مناظره ای که روز جمعه 22 شهریور ماه در تلویزیون در مورد سازمان تامین اجتماعی برگزار شد تنها گوشه کوچکی از ابعاد غارت این صندوق در معرض افکار عمومی قرار گرفت.

*ماده 96: سازمان مکلف است میزان کلیه مستمریهای بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد باتوجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیأت وزیران به همان نسبت افزایش دهد.
**ماده 111: مستمری از کارافتادگی کلی و مستمری بازنشستگی و مجموع مستمری بازماندگان در هر حال نباید از حداقل مزدکارگر عادی کمتر باشد.

دبیر خانه کارگر ایلام مطرح کرد: جای بیمارستان تامین اجتماعی در استان ایلام خالی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلام در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است : دبیر خانه کارگر ایلام اعلام کرد: استان ایلام با بیش از ۱۳۰ هزار بیمه شده فاقد بیمارستان ملکی تامین اجتماعی برای مراجعه است.
«علی غیائی» با اعلام این خبر به ایلام گفت: استان ایلام با دارا بودن بیش از ۳۴ هزار بیمه شده اصلی، تنها یک بیمارستان ۳۲ تخت خوابی ملکی نمیه ساز در مرکز شهر ایلام دارد. او بابیان اینکه هنوز مراحل ساخت بیمارستان یاد شده بعد از گذشت ۵ سال به اتمام نرسیده است، افزود: ساخت این بیمارستان کوچک (۳۲ تخت خوابی) هم به دلیل محدود بودن امکانات جابجایی بیمه شدگان استان نیست.
این فعال کارگری با بیان اینکه هم اکنون بیمه شدگان برای استفاده از امکانات درمانی تامین اجتماعی به ناچار به استانهای مجاور سفر کنند افزود: این در صورتی است که انتقال بیماران از استان ایلام به سایر استانها هم از بعد مسافت و هم از بعد زمان و هزینه اقدامی نادرست است.
به گفته غیائی وضع موجود در حالی است که در سالهای اخیر به دلیل افزایش انواع آلودگیها بر تعداد بیمه شدگان مبتلا به انواع بیماریهای قلبی، ریوی و پوستی اضافه شده است.
دبیرخانه کارگر در خاتمه ضمن تاکید بر توسعه درمان مستقیم در استان ایلام اظهار داشت:

مسئولان تامین اجتماعی باید هر چه سریعتر ضمن اتمام پروژه ساخت بیمارستان ۳۲ تختخوابی ایلام در خصوص احداث مراکز درمانی دیگر تصمیم گیری کنند.

پایان پیام

مرگ یک کارگر فضای سبز دانشگاه امیر کبیر در اثر حادثه‌ی کار

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 28 شهریور 82 آمده است: یکی از کارگران پیمانکاری فضای سبز دانشگاه امیرکبیر، به نام مهدی، در حین انجام کار بر اثر سقوط از ارتفاع کشته شد. وی که در اثر جراحات وارده دو روز در حالت کما بود، سه شنبه فوت نمود. سقوط از بلندی یکی از موارد مهم حادثه کار است که متأسفانه جان کارگران بسیاری را می‌گیرد. این کارگران قربانی سودپرستی شرکت‌های پیمانکاری و کارفرمایانی هستند که امکانات ایمنی کار را برای کارگران فراهم نمی‌کنند. کانون مدافعان حقوق کارگر درگذشت این کارگر را به خانواده‌ی وی تسلیت گفته و خواهان احقاق حقوق این کارگر زحمتکش و بررسی دقیق حادثه و مشخص شدن مقصر این مرگ دلخراش است. بی‌شک تامین زندگی آینده‌ی خانواده‌ی این کارگر قربانی و پرداخت حقوق مستمری برای ایشان از مسوولیت‌های این شرکت پیمانکاری است. یادآور می‌شویم تنها تشکل‌های مستقل کارگری هستند که می‌توانند به گونه‌ای پیگیر این وقایع باشند که کارفرمایان را مجبور به فراهم آوردن امکانات ایمنی کار کرده تا جلوی این حوادث گرفته شود و هم میزان آگاهی کارگران را نسبت به رعایت نکات ایمنی بالا ببرند. 28 شهریور 92

پیام شاهرخ و کمیته حمایت از شاهرخ زمانی برای شرکت کنندگان در اکسیون اعتراضی 1392/6/30

**درد بر شما که بی وقفه و فداکارانه مبارزه می کنید
کارگران و مردم آزادیخواه:**

طبقه کارگر و کمونیست‌ها تنها نیروهایی هستند که از آزاد شدن هر زندانی به جد خوشحال می‌شوند، طبقه کارگر می‌گوید حتی یک نفر هم نباید زندانی شود، چرا که فلسفه وجودی طبقه کارگر و آگاهی طبقاتی در کمونیست‌ها با ایمان به ضرورت حیاتی آزادی، مخالف وجود هر نوع زندان هست، ما از آزاد شدن 16 زندانی در ایران خوشحال هستیم و آزادی آن‌ها را به مردم و خانواده‌هایشان تبریک می‌گوییم، همچنین اعلام می‌کنیم قبول آزادی 16 زندانی از طرف جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که آن‌ها بی‌گناه بودند و دادگاه‌های غیر استاندارد به ناحق آن‌ها را محکوم به زندان کرده بودند، در نتیجه با اثبات متخلف بودن دادگاه‌های فوق، ثابت می‌شود، بقیه زندانیانی که توسط چنین دادگاه‌های متخلف و غیر استاندارد محکوم شده‌اند نیز بی‌گناه هستند که باید هر چه زودتر آزاد شوند، در این راستا تفاوت قائل شدن جمهوری اسلامی نسبت به کل محکومین دادگاه‌های متخلف فوق را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی فوری همه زندانیان کارگری و سیاسی هستیم و می‌خواهیم قضات و بازجوهای بی‌گناه را با عیب و نقص آزادی این انسان‌ها سلب شده، عمرشان در زندان‌ها تلف شده و خانواده‌هایشان گرفتار ظلم و ستم گردند، در دادگاه‌های صالحه محاکمه شوند، چنین خواست به حق تنها زمانی ممکن خواهد شد که شما مردم، کارگران، جوانان، احزاب، سازمان‌های انقلابی به خصوص خانواده زندانیان آزاد شده و خانواده‌های زندانیان آزاد نشده برای آزادی بقیه زندانیان متحدانه دست به اقدامات لازم و اعتراضی بزنید.

دوستان و رفقا :

با توجه به شرایط ویژه جهانی و وضعیت خاص کنونی جمهوری اسلامی، هر سیاستی از طرف این حکومت حداقل دو هدف ناهمگون را دنبال می کند، از جمله آزاد کردن تعدادی از زندانیان، قرار گرفتن اهداف زیر را در دستور کار نشان می دهد:

هدف اول جمهوری اسلامی این است که می خواهد نیروهای از دست داده خود را دو باره در یک صف قرار بدهد و در همین حال امیدواری به توده های مردم بدهد که وضعیت اقتصادی و سیاسی با گذشته متفاوت خواهد بود، همچنین به غرب (نئو لیبرال ها، سوسیال دمکرات ها و...) اعلام می کند، قرار است از این پس با عقلانیت لیبرالی بیشتری کارها را پیش ببریم، این باعث می گردد جناح های مختلف سرمایه داری را از صف مقابل خود به صف کنار خود بکشاند، در این صورت توانایی بیشتری در جهت سرکوب نیرو های واقعاً انقلابی خواهد داشت، و کشور های معترض امروزی به وضعیت و سیاست های جمهوری اسلامی را به تماشاگران ظاهراً خنثی ، ولی در واقع تاییدکننده مانند دهه شصت تبدیل خواهد کرد. هدف دوم، بیشتر کردن شکاف میان توده های معترض با انقلابیون است که بر اثر وجود بحران های مختلف هر دو بخش آمادگی بیشتری را برای به هم پیوستن دارند، در صورت موفقیت این تاکتیک جمهوری اسلامی، نیروهای انقلابی زمین مبارزه و هدایت حرکت های توده های معترض را هرچه بیشتر از دست خواهند داد، متأسفانه وضعیت و روند سیاست های جهانی سرمایه داری با توازن قوای بالا و نوع جدید سیاست جنگ طلبانه (تحمیل جنگ ضد انقلابی، قبل از شروع انقلاب) با تاکتیک جمهوری اسلامی هم جهت هست. تاکتیک فوق العاده سرمایه داری جهانی این است که در هر کشوری طبقه کارگر و یا توده های مردم به محض این که اولین قدم اعتراضی را علیه حکومت خود بر می دارند، هنوز قدم دوم را بر نداشته، جنگ تمام عیار و نیابتی را توسط نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی از پیش مهیا کرده در قالب انقلابیون به کارگران و توده های آماده نشده برای انقلاب تحمیل می کند، سرمایه داری می داند تا زمانی که طبقه کارگر به عنوان یک طبقه جهانی متشکل نشده باشد وجود هرگونه جنگ و هرج و مرج باعث شکست طبقه کارگر می گردد، کارگران و توده های مردم به دلیل نداشتن سازمان سیاسی انقلابی و همبستگی انترناسیونالیستی در مقابل تحمیل جنگ ضد انقلابی قبل از شروع انقلاب هاج و واج می مانند و حرکت های اعتراضی نه تنها به بستر انقلابی تبدیل نمی شوند، بلکه در نطفه خفه می شوند. سرمایه داری آگاهانه با تحمیل جنگ ضد انقلابی قبل از شروع انقلاب به توده ها روند طبیعی پروسه انقلاب را مخدوش می کند، اگر کمونیست ها به عنوان بخش آگاه طبقه جهانی کارگر برای خنثی کردن تاکتیک فوق راه حلی پیدا نکنند، هرگز امکانات به ثمر رساندن انقلاب را کسب نخواهند کرد.

یکی از (البته مهمترین) راه های مقابله با تاکتیک فوق، همبستگی آگاهانه جهانی انقلابیون یعنی برقراری انترناسیونالیسم کمونیستی است .

ما ضمن تشکر و ابراز خوشحالی از برگزاری آکسیون های اعتراضی بخصوص آکسیون و تظاهرات روز شنبه 1392/6/30 از شما رفقا می خواهیم، جهت اهداف بلند مدت (از جمله ایجاد انترناسیونالیسم کمونیستی و ...) و همچنین اهداف کوتاه مدت (از جمله آزادسازی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و ...) هر چه بیشتر دست به اقدامات برنامه ریزی و سازماندهی شده در بعد داخلی و جهانی با تشکل های هم نوع در کشورهای مختلف بزنید.

پیام شاهرخ برای شما رفقا :

رفقا درود بر شما که بی وقفه و فداکارانه مبارزه می کنید.

رفقا با توجه به مذاکرات جناح های مختلف سرمایه داری و توافقات اخیر آن ها در رابطه با بحران سوریه، که نتیجه جمع بندی آنها از عملکرد دو دهه اخیرشان است و نشان می دهد که تحت فشارهای مختلف از جمله بحران ساختاری و مبارزات روز افزون طبقه کارگر، راه حل مورد نظر خود را هنوز نیافته اند، بنابراین یک بار دیگر، به یک نقطه عطف تاریخی رسیده ایم، و بدون شک تغییراتی در شرف تکوین است، فراموش نکنیم که در نقاط عطف تاریخی با داشتن تحلیل مشخص از شرایط مشخص می توان گام بلندی در جهت مبارزات انقلابی به پیش برداشت، رفقا بیاید، با دوری جستن از خرده کاری و دنباله روی و با همبستگی جهانی، سازمانیابی و سازماندهی انقلابی خود را برای چنین گام بلندی آماده کنیم .

رفقا در چنین شرایطی است که باید گفته لنین را به صورت تابلو جهان شمول زمینه پرچم خود قرار بدهیم :

« تنها چاره زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است»

رفقا وقتی خبر مبارزات بی وقفه شما را می شنوم از ژرفای وجودم به وجد می آیم و خود را در میان شما می بینم، توان مبارزه و مقاومت در من صد چندان می شود. با امید به روزی که با شما رفقا بازو در بازو مقابل سرمایه داری مبارزه کنیم، امروز از زندان گوهر دشت کرج به شما درود می فرستم و صمیمانه با قلبی آکنده از شور انقلابی دستتان را می فشارم .

1392/6/28

زندان گوهر دشت

شاهرخ زمانی

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیتة حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۲/۶/۲۸

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

سقوط قطعه صنعتی، جان يك کارگر خوانساری را گرفت

برپایه خبر دریافتی آمده است : سقوط يك قطعه صنعتی در یکی از کارخانه های شهرستان خوانسار موجب فوت يك کارگر و زخمی شدن یکی دیگر از کارکنان این کارخانه شد. به گزارش 28 شهریور ایرنا، در این حادثه که روز پنجشنبه رخ داد، سیم نگهدارنده بالا بر کارخانه که يك قطعه صنعتی را منتقل می کرد پاره شد و قطعه صنعتی بر روی کارگران سقوط کرد. در پی این حادثه کارخانه تعطیل و بررسی کارشناسی در این زمینه آغاز شد.

اعتراض کارگران کارخانه ون سندج به کارفرما

به نوشته سایت کمیتة هماهنگی ... در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است : کارگران کارخانه ی ون در قسمت های ریخته گری لوآشک و بسته بندی آدامس طی نامه ای اعتراضی به کارفرما خواهان قرار گرفتن مشاغل این کارخانه در ردیف کارهای سخت و زیان آور شدند. 17 نفر از کارگران این کارخانه با امضای این نامه در تاریخ 92/6/5 اعلام کرده اند که کارگران در این کارخانه در معرض

مواد شیمیایی هستند و دچار بیماریهای پوستی و ریوی گشته‌اند. همچنین آنان طی این نامه خواهان لغو اضافه‌کاری شیفت شب و قراردادهای موقت و سفید امضا شده‌اند. این کارگران اعلام نموده‌اند که در صورت برآورده نشدن خواست و مطالباتشان از سوی کارفرما دست به اقدامات دیگری خواهند زد. لازم به ذکر است که این کارگران تا کنون چندین بار به اداره کار در سنج مراجع کرده و نتیجه‌ای نگرفته‌اند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

گزارشی از سد گاوشان از توابع کامیاران

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 28 شهریور 92 آمده است: به گزارش رسیده 35 نفر از کارگران سد گاوشان از توابع کامیاران مدت 8 ماه است حقوق نگرفته‌اند و در این فاصله بیمه این کارگران نیز قطع شده است.

در این سد تعداد 50 نفر مشغول به کار می‌باشند که تعداد 35 نفر از آنها با سابقه 20 سال کار بومی و از روستاهای اطراف سد می‌باشند و 15 نفر دیگر از این کارگران غیر بومی تحت پوشش قانون کار هستند. این کارگران تا به حال چندین بار به اداره کار کامیاران و کرمانشاه مراجعه نموده ولی جواب قانع کننده‌ای دریافت نکرده‌اند.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

آمریکا می‌گوید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران توان مالی این کشور برای حمایت از حزب‌الله لبنان را کاهش داده

بر پایه خبر رسیده آمده است: آمریکا می‌گوید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، توان مالی ایران را برای حمایت از حزب‌الله لبنان کاهش داده و به همین دلیل این گروه، برای حمایت مالی، به کشورهای غرب آفریقا روی آورده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، دیوید کوهن، معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم می‌گوید حزب‌الله لبنان از غرب آفریقا برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیت‌های خود هم استفاده می‌کند.

میزگرد: جنبش کارگری نه به شهید و قهرمان که به انبوه کنشگران سازمانگر نیاز دارد.

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است: از پیدایی و شکل‌گیری طبقات و لایه‌های اجتماعی و گروه‌های صنفی به مفهوم مدرن و ویژه‌ی دوران سرمایه‌داری آن در ایران بیش از دو قرن و از پیدایش اولین گروه‌های کارگران صنعتی بیش از یک صد سال می‌گذرد. پیدایش و فعالیت اولین نهادهای صنفی و تشکل‌های کارگری در این مرز و بوم نیز پیشینه‌ای به اندازه انقلاب مشروطه دارد. این نهادها و تشکل‌ها در این پیشینه فرازها و فرودها، رشد و کامیابی و سرکوب‌ها و ناکامی‌های بسیار به خود دیده‌اند. تشکل‌های کارگری در این دوران بارها با سرکوب‌های وحشیانه، اعدام‌ها، بازداشت‌ها، تبعید و سرگردانی و پراکندگی‌های بسیار دست به گریبان بوده‌اند. پیشروان جنبش طبقه کارگر ایران اما هر بار کوتاه مدتی پس از این رخدادها بار دیگر به پا خواسته و در شکل و شیوه و سطوح مختلف و متناسب با شرایط زمان در راستای سازماندهی خود و بنیان نهادن نهادها و تشکل‌های ویژه خود تلاش و کوشش بسیار نشان داده و هربار دستاوردهایی هرچند اندک هم داشته‌اند. این روند کم و بیش تا انقلاب 1357 ادامه داشت؛ با گسترش جنبش شورایی در جریان این انقلاب کارگران نیز در بسیاری از کارخانه‌ها و بنگاه‌های تولیدی و خدماتی شوراهای کارگری با مضمون مدیریت و خودگردانی یا کنترل کارخانه‌ها را بنیان نهادند. به موازات ایجاد و فعالیت این شوراهای اشکال دیگر تشکل‌های کارگری چون اتحادیه‌ها و سندیکاها گذشته احیا و بازسازی شد و در جاهایی نیز سندیکاها جدید تشکیل شد. اما

اکنون و پس از گذشت بیش از سی سال از ایجاد و یا احیا آن تشکلهای دوران انقلاب طبقه‌ی کارگر ایران از داشتن هر نوع تشکل واقعی و آزاد محروم است و درست به همین دلیل بسیاری از دستاوردهای گذشته را از دست داده و در موقعیتی ضعیف و نامطلوب است. "ما" در این گفتگوی کوتاه تلاش می‌کند برخی از مهمترین دلایل‌های قرار گرفتن در چنین موقعیتی را بررسی کند. ابتدا از دوستان حسین خواهش می‌کنیم بحث را شروع کنند.

حسین: همانطور که یواش یواش حال هوای انقلاب و جو انقلابی در جامعه فروکش می‌کرد و حکومت هم سعی می‌کرد مطالبات و حرکت‌های انقلابی مردم را کنترل و مهار کند بتدریج در راه فعالیت و پویایی شوراهای کارگری هم مانع و سد ایجاد می‌شد؛ آدم‌های حکومتی، دولتی و کارفرمایی وارد این شوراها شدند و بالاخره بعد از مدت کوتاهی شوراهای کنترل کارگری و خودگردان جای خودشان را به شوراهای اسلامی کار دادند، نهادهای مختلط و ایدئولوژیکی که مهمترین و اصلی‌ترین صفت‌ها و در نتیجه توانمندی یک تشکل صنفی کارگری را دارا نبودند. به زودی بساط فعالیت سندیکاهایی که در دوران انقلاب تاسیس یا احیا شده بودند برچیده شد و بسیاری از فعالین و رهبران این نهادها به شکل‌های مختلف از عرصه‌ی فعالیت و مبارزه‌ی اجتماعی حذف شدند؛ مبارزه‌ای که در واقع برای بقا بود! که با هدف‌هایی چون دریافت حقوق و دستمزدهای عقب افتاده، حفظ دستاوردهای گذشته و گاه دستیابی به مطالبات و امتیازهایی هر چند کوچک و ابتدایی، همیشه جریان داشته است. کارگران در این مبارزات از تمامی امکانات، شکل‌ها و سطوح‌های ممکن چون تجمع‌های اعتراضی در کارخانه‌ها، خیابان‌ها، مراکز و نهادهای دولتی و حکومتی، اعتصاب، تحصن و راهپیمایی و بستن خیابانها و راه‌ها و ... برای رسیدن به هدف‌های خود استفاده کرده‌اند. خیلی از مبارزه‌های این دوره خود جوش بودند و بدون حضور و تلاش عناصر آگاه و فعالان این عرصه روی داده‌اند. این مبارزه‌ها بدون ارتباط با هم دیگر ولی با تلاش و فداکاری بسیار زیاد کارگران پیشرو و حساس نسبت به امور و مسایل صنفی و با استفاده از سطوح مختلف آگاهی و سطح پایینی از سازماندهی و برنامه همراه بوده‌اند. همانطور که در بالا هم گفته شد اکثر این مبارزه‌ها تدافعی و بدون وجود نهاد یا رهبری منسجم و حضور یا شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکلهای واقعی و آزاد کارگری بوده‌اند. در این دوره‌ی سی ساله "انجمن‌های صنفی کارگری" جایگاهی قانونی داشتند و در تعداد کمی از کارخانه‌ها و بنگاه‌ها هم فعالیت رسمی به شدت محدودی داشتند با این حال کارگران به جز دو مورد کاملاً استثنایی نتوانسته‌اند تشکلهای صنفی آزاد و واقعی خود را ایجاد کنند و به کمک آنها در جهت رسیدن به مطالبات خود تلاش کنند. یک دلیل این ناتوانی سنگ‌اندازی‌ها و مانع‌تراشی‌های به ظاهر قانونی از طریق آیین‌نامه‌های اجرایی ایجاد و فعالیت این تشکل‌ها بوده است. "شوراهای اسلامی کار" هرچند در پاره‌ای موارد دستاوردهای ناچیزی داشته‌اند اما اصولاً نمی‌شود آنها را تشکل صنفی کارگری به حساب آورد. با این توضیحات کوتاه وضعیت جنبش کارگری را در این دوره خلاصه‌وار می‌توان این طور توصیف کرد:

1- طبقه کارگر شامل بخش‌های صنعتی، اداری و خدمات بطور واقعی و در جمعیتی نزدیک به بیست میلیون نفر وجود دارد و فعالیت می‌کند.

2- مبارزه برای دفاع از حقوق و دست‌آوردها و کسب منافع این طبقه هم هر چند تدافعی ولی بطور جدی و عمیق و در تمامی ایران جریان داشته است.

3- در تمام این دوره ضرورت سازمان‌یابی و ایجاد و فعالیت تشکلهای کارگری حداقل در حد حرف و تئوری برای بیشتر فعالان این حوزه که حضور و تلاش صادقانه‌ای هم در جنبش طبقه دارند و همچنین برای تعداد زیادی از کارگران پیشرو پذیرفته شده بوده و همه بر آن تاکید داشته‌اند.

حالا با این توضیحات یک سؤال مهم مطرح است که: چرا تاکنون و به رغم وجود چنین شرایطی به جز همان دو استثنای گفته شده، هیچ تشکل صنفی مستقل و واقعا کارگری بوجود نیامده و اقدام قابل توجهی هم در این زمینه دیده نشده است؟

"نیما": یک چیز مسلم است: موانع قانونی و عامل سرکوب پلیسی نمی‌تواند توجیه و توضیح قانع‌کننده‌ای برای وضعیت و واقعیت تلخی باشد که در آن قرار داریم؛ این سدهای قانونی،

سرکوب‌ها و بگیر و ببندها کم و بیش در جاهای دیگر هم وجود داشته. سیستم و حکومت سرمایه‌داری در هیچ کجای این کره‌ی خاکی داوطلبانه شرایط ایجاد تشکلهای کارگری را فراهم نکرده و یا به آن تن نداده. همیشه و در همه جا شرایط شکل‌گیری و فعالیت نهادها و سازمان‌های کارگری بعد از مبارزات طولانی و پیگیر و گاه خونین به این سیستم تحمیل شده و سرمایه‌داری همیشه برای پرهیز از رسیدن به وضعیت بدتر ناچار شده به آن گردن بگذارد.

البته می‌دانیم که بحران اقتصادی موجود؛ نبود رونق بازار کسب و کار و کاهش مداوم تعداد کارخانجات و بنگاه‌های تولیدی، بیکاری و اخراج گسترده کارگران و نبود امنیت شغلی نیز یکی از دلایل این وضعیتی است که دوستان حسین می‌گویند. اما در توضیح بهتر وضعیت موجود و برای کمک به رسیدن به جواب این سؤال مهم می‌توان گفت: وجود حد معینی از آگاهی طبقاتی شرط لازم پیدایش انگیزه و تحرک جدی برای شکل‌گیری، فعالیت و پویایی تشکلهای کارگری - صنفی - است. واضح است که این آگاهی بخودی خود در این طبقه وجود و عینیت پیدا نمی‌کند. وظیفه‌ی روشنفکران متعهد به طبقه‌ی کارگر در حوزه‌ی ترجمه و نشر است که آگاهی و دانش‌های لازم و تجارب دوره‌های گذشته‌ی ایران و جوامع دیگر را در رابطه با سازمانگری و ایجاد تشکلهای گوناگون کارگری در اختیار پیشروان و روشنفکران ارگانیک طبقه‌ی کارگر بگذارند. برای بروز آگاهی طبقاتی درون طبقه و پیدایش انگیزه و فکر سازمان‌یابی و تشکل و ترویج و تکثیر این فکر و تبدیل آن به نیروی مادی حضور و تلاش مداوم، خستگی ناپذیر و هدفمند عناصر آگاه و پیشرو درون طبقه لازم است.

"ما": آیا منظور شما این است که عناصر آگاه و پیشرویی که می‌بایست این آگاهی و اندیشه را به درون طبقه ببرند و یا با فعالیت و کار خود در میان طبقه به امر آگاه شدن طبقه کارگر کمک بکنند وجود نداشته‌اند و یا به گفته‌ی دیگر درون و در کنار طبقه و در راستای کمک به آگاهی و رشد طبقه به درستی کار نشده است؟

"سمانه": متأسفانه و یا خوشبختانه این عناصر آگاه نیز کم یا زیاد در تمام این دوران درون و یا کنار طبقه حضور داشته‌اند. فعالیت و فداکاری زیادی از خود نشان داده و هزینه‌های نه چندان کمی هم برای آن پرداخته‌اند. اما ایراد کار اینجاست که این عناصر و نیروها عمدتاً خودشان هم درک روشنی از "تشکلهای کارگری" و چگونگی ایجاد آنها نداشتند، نمی‌دانستند چه نوع یا انواعی از تشکل مورد نیاز و جوابگوی مشکلات این دوره از مبارزات طبقه کارگر است. در سال‌های اول بعد از انقلاب 1357 و با توجه به جو سیاسی و فضای حاکم بر جامعه‌ی بعد از انقلاب بخش قابل توجهی از نیروها، روشنفکران و فعالان این عرصه توانستند پس از مدتی کار و تبلیغ در محیط‌های کارگری (بیشتر صنعتی) و جمع شدن عده‌ای اطراف آنها، در مجامع به عنوان نماینده کارگران انتخاب شوند. این انتخاب نه به این دلیل بود که اینها واقعا از دل طبقه بلند شده، عمیقاً دردها، مصایب، محدودیت‌ها و نقطه ضعف‌ها را دانسته بودند و حرف‌ها و نیازها و راهکارهای عملی و منطبق با شرایط روز آنها را مطرح می‌کردند! نه متأسفانه بیشتر مواقع این طور نبود. با توجه به روحیه و روانشناسی حاکم بر محیط‌های کارگری تاکنونی در ایران، می‌دانیم در این محیط‌ها هرکس حرف‌ها و مطالبات کارگران را خصوصاً در مجامع اعتراضی بیان کند معمولاً خیلی زود می‌تواند به عنوان نماینده آنها انتخاب شود. اما این نمایندگی به معنی قبول تمام افکار، حرف‌ها و روش‌های او نیست. یعنی او نماینده فکری و ارگانیک کارگران نیست و ثانیاً این نمایندگی تعهد متقابل ندارد. یعنی اکثریت کارگران فقط به دلیل گفتار و زبان گویای او و یا در واقع برای بیان مطالبات و گرفتن بخشی از حقوق خود او را جلو انداخته، خودشان را کنار کشیده و فقط از دستاوردهای او استفاده می‌کنند باید تذکر بدهم که البته این وضعیت و شرایطی که گفتم در گذشته خیلی پررنگ‌تر بوده و در حال حاضر کمی بهتر شده است. رابطه‌ی متقابل و ارگانیکی در کار نبود؛ هیچ تضمینی وجود نداشت که در مواقع بحرانی از او به قدر کافی حمایت و پشتیبانی کنند، این نیروها خود راساً اقدام می‌کردند، به جای طبقه تصمیم می‌گرفتند، بیانیه می‌دادند و سازمان و تشکل‌سازی می‌کردند. تشکل‌ها و نهادهایی که متأسفانه اغلب سازمان هوادار و یا حیاط خلوت این یا آن گروه و سازمان سیاسی موجود در جامعه می‌شدند و در عمل

پس از مدتی کارگران پیشرو و برجسته را پیش از آن که آگاهی و شناخت لازم برای یک انتخاب آگاهانه و آزاد پیدا کرده باشند به عضویت گروه و سازمان خودشان در می‌آوردند. دور از انتظار و عجیب نبود که این نهادها و سازمان‌ها با رسیدن شرایط خفقان و سرکوب به دلیل نداشتن ریشه در اعماق طبقه و نداشتن بنیان کارگری و صنفی خیلی زود میدان را خالی کردند و متأسفانه هزینه و قربانی زیادی هم پرداختند. این وضعیت به دلایل متعددی پیش آمد: یکی پایین بودن سطح آگاهی بیشتر کارگران، دیگر بی تجربه بودن اغلب نماینده‌های این چینی و خلاصه نداشتن تجربه و دید درست از تشکلهای کارگری، ساختار آنها و دموکراسی درون تشکلهای ... عناصر و نیروهای باقی مانده‌ی بعد از سرکوب‌های سالهای 1360 و همچنین فعالانی که پس از این دوره پا به این میدان گذاشتند هم عمدتاً سازمانگر نبوده‌اند، به امر سازمانگری اهمیت نداده و به آن نیز نپرداخته‌اند که این هم خود نشانی از نداشتن درک روشنی از تشکلهای کارگری است. در بیشتر و شاید تمام موارد این عناصر و فعالان درون طبقه و در محیطهای کار خود بیشتر حضوری فیزیکی و اغلب فقط گزارشگر داشته‌اند. در این دوره در کلیت جامعه‌ی کارگری ایران مبارزات کارگران بیشتر خود جوش و بدون برنامه بوده. عناصر آگاه، روشنفکران ارگانیک طبقه و فعالان حوزه‌ی کارگری نقش چندانی در سازماندهی و هدایت این مبارزات نداشته‌اند اما همه‌ی این مبارزات یا حد اقل بیشتر آنها توسط این عناصر گزارشگر پوشش خبری داده شد و در موارد نه چندان کمی بزرگنمایی هم شده است.

"ما": یعنی شما می‌گویید این نیروها و عناصر هیچ کار مثبت و مفیدی انجام نداده‌اند؟ خب همین گزارش‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها از مبارزات و اعتراض‌ها هم کار مفیدی است. می‌تواند حمایت و پشتیبانی برای کارگران کسب کند.

"نیما": نه. من فکر می‌کنم خوب توضیح داده نشد. گزارشگری، گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی فی‌نفسه خوب و مفید است اما همه‌ی کار که نیست! روشن است که هر فکر و فعالیت اجتماعی برای این که به دیگران شناسانده شود، در جامعه رشد و گسترش یابد نیاز به معرفی، گزارش‌دهی و تبلیغ دارد. اندیشه‌ی رهایی طبقه کارگر از قید استثمار و آرمان و آرزوی برقراری عدالت، آزادی و دموکراسی هم مثل هر اندیشه و حرکت اجتماعی دیگر نیز نیاز به تبلیغ دارد. اما تبلیغ و گزارش‌دهی همیشه مکمل فعالیت‌های عملی و یا تولید هر اندیشه‌ای است. در مورد سازمانگری و ایجاد تشکلهای کارگری هم این رابطه برقرار است. سازمانگری و ایجاد تشکلهای کارگری خودش ابزاری است در خدمت گسترش و تحقق اندیشه‌ی رهایی طبقه کارگر، فقط با تبلیغ و گزارش‌دهی آن هم بزرگنمایی شده و بدون قبول زحمت سازمانگری و اختصاص نیروی و کار کافی به این بخش مهم که نمی‌توان تشکل ساخت و در جهت رسیدن به هدف طی طریق کرد.

"سمانه": کاملاً درست است. وقتی که عناصر پیشرو و به اصطلاح فعالانی که خب حالا به هر شکل در محیطهای کارگری مستقر شده‌اند بدون در نظر گرفتن این که انگیزه و هدفشان چه بوده ناخودآگاه و در عمل نقش گزارشگر و خبر رسان را به عهده بگیرند و یا این که آگاهانه برای خود چنین نقشی قابل باشند طبیعتاً شاخک‌ها و توجه‌های آنها هم بیشتر متوجه کشف سوژه‌های خبری و افراد و جریان‌های خیرساز خواهد بود؛ به امر سازماندهی کم توجهی می‌کنند و یا در برخورد با مشکلات موجود در این راه، این کار را به کلی فراموش می‌کنند و کنار می‌گذارند. این نگرش و روش باعث می‌شود که فعالان این حوزه به سوی آن دسته از مراکز و محافل کارگری جذب بشوند که تحرک‌های بیشتری دارند و خبرهای بیشتری می‌سازند و نه آن مراکز و مناطقی که نیاز و استعداد بیشتری در امر سازمانیابی دارند. این نیروها و فعالان در حوزه‌ها و مناطق مورد نظر تلاش زیادی می‌کنند که خودشان را به افراد و کارگران و یا محافل موثر در محیط کار و رهبران عملی مبارزات نزدیک‌تر کرده اخبار و حوادث مربوطه را به خوبی گزارش و منعکس کنند و اگر بتوانند به خیال خودشان خود در رادیکال‌تر شدن حرکت‌ها موثر باشند.

"ما": یعنی شما فکر می‌کنید این دوستان اشتباه می‌کنند یا این که به طور کلی به سازمانیابی و سازماندهی طبقه‌ی کارگر باور ندارند.

"مصطفی": نه، من این طور فکر نمی‌کنم. در حسن نیت و صداقت این فعالان تردیدی نیست، احتمالاً پیش خودشان هم فکر می‌کنند با این کارها به پیشبرد و تعمیق مبارزات کارگران کمک می‌کنند. اما مساله این است که برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و پیشبرد امر سازمانیابی این طبقه، این سازمانگری و فعالیت در این جهت است که بسیار ضروری و حیاتی است و گزارشگری، خبررسانی و تبلیغ فقط وجه تکمیلی در این مورد است.

با گزارش و انعکاس خبرهای این حرکتها و مبارزات این طور القا می‌شود - البته اغلب غیر عمدی - و علاقه‌مندان به مسایل جنبش هم باور می‌کردند که این نیروها و عناصر و یا محافل کارگری در این مناطق حضور فعال و نفوذ توده‌ای دارند! اما متأسفانه بیشتر وقتها پس از فروکش امواج حوادث، کم شدن تجمعها و اعتراضها و پراکنده شدن کارگران معترض، دیگر از آن نفوذ و حضور و تاثیرات آن و یا قدرت بسیج خبری و اثری نیست.

این شکل فعالیت طی سالهای طولانی یا یک دوره کامل بعد از انقلاب 1357 در میان فعالان اجتماعی حوزه‌ی کارگری عمومیت و مقبولیت داشت و عملاً جای سازمانگری و تلاش برای پیدا کردن راه‌های مختلف سازماندهی و ایجاد تشکلهای کارگری را گرفت. امر سازماندهی و ایجاد تشکل کارگری معمولاً استقرار در محیطهای کارگری و زندگی در میان کارگران را طلب می‌کند؛ کاری هدفمند طولانی و برنامه‌دار است. پا گذاشتن در این راه به بردباری زیاد و تحمل سختی و محرومیت‌های فراوانی احتیاج دارد. کار سازمانگری با آرامش و بدون هیاهو و با قدمهای استوار و پیگیری مداوم انجام می‌شود و تا زمانی که به نتیجه نرسد مورد توجه و احیاناً تشویق و تمجید قرار نمی‌گیرد. وجود این سنگلاخها و دشواریها سبب می‌شود که آن دسته از فعالان، جریانها و یا محفل‌های متمایل به فعالیت کارگری که بردباری و دوراندیشی کمتری دارند - و بیشتر مایلند دیده شوند و مورد تشویق قرار بگیرند یا سوژه‌ی خبرها و سایت‌های خبری باشند - خودشان را از حوزه‌ی سازمانگری و کمک به امر سازمانیابی کارگران دور کرده به حوزه‌ی گزارشگری و خبر رسانی میل پیدا کنند.

در حوزه‌ی گزارشگری فعالان گوش بزننگ اخبار وقایع کارگری و شناسایی کانونهای اعتراض و خبر ساز هستند و به سرعت خود را به این کانونها رسانده تلاش می‌کنند با کنشگران واقعی و اگر بتوانند با گردانندگان یا رهبران عملی حرکات اعتراضی و مبارزات کارگران رابطه برقرار کنند. در این شکل کار است که می‌بینیم با انتشار اخبار مربوطه به یک حرکت اعتراضی و یا یک حادثه‌ی خبرساز مستعد، یک باره به اصطلاح فعالان کارگری به سوی این کانونها (مثلاً شرکت واحد، مجتمع هفت‌تپه، پتروشیمی، معادن کرمان و ...) روان می‌شوند، هرکدام از فعالان یا محافل توصیف شده تلاش می‌کنند با یک یا چند نفر از فعالان محلی حاضر در میدان رابطه برقرار کنند. این روابط بطور عمده و در واقع امر مضمون خبری و تبلیغی دارند و نه سازماندهی، آن بخش از فعالیت هم که به قول خود این فعالان هدف و مضمون کمک به سازماندهی دارد در عمل دخالت‌گری است. آن هم نوعی از دخالت‌گری که دخالت‌گر به دلیل نبودن در محیط و اشراف نداشتن بر کلیت مسایل ناصالح است و مشاوره و رهنمودهایش هم ناصواب و نادرست از آب در می‌آید. متأسفانه این نوع دخالت‌گری به خصوص زمانی که از جانب دو جریان فکری متفاوت و گاه رقیب صورت بگیرد خود موجب تفرقه و تشتت بین فعالان محلی می‌گردد. علت رسیدن به چنین نتیجه‌ای هم واضح است: فعالانی که معمولاً خود در محل نیستند و از مرکز و یا مناطقی دیگر خود را به این کانونها رسانده‌اند، به دلیل همین عدم حضور در محل و محیط کار، تلاش می‌کنند از طریق گزارش‌های معدود افراد محلی‌ای که با آنها ارتباط برقرار کرده‌اند در جریان مسایل و مشکلات قرار بگیرند؛ و از آنجا که گزارش این گونه افراد نیز به دلایل مختلف همه شمول و کامل نیست رهنمودها و مشاوره‌هایی هم که بر مبنای این گزارشها و توضیح‌های ناقص ارائه می‌شود نه تنها کارگشا و مفید نیست که گاه خطا و آسیب زنده هم هست. این در حالی است که متأسفانه در اغلب یا تمامی اوقات فعالان محلی و رهبران عملی این مبارزات به اعتبار اینکه فعالان و کسانی که از مرکز یا مناطق بزرگتر آمده‌اند آگاهی و دانایی بیشتری دارند خود را

دست کم و پایین دست گرفته این توصیه‌ها و رهنمودها را به کار می‌بندند و یا سعی می‌کنند اعمال کنند.

"ما": مطالبی که مصطفی می‌گوید به طور کلی درست است، اما شاید کمی سختگیرانه و یا ... یک جنبه باشد و یا منزع‌طلبانه؟ رضا نظر شما در این باره چیست؟

"رضا": مبارزه طبقاتی به طور کلی و به ویژه مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر برای رهایی از قید بهره‌کشی و کارمزدی و رسیدن به مرحله‌ای که به نیروی کار به عنوان یک ارزش و نه یک کالای قابل خرید و فروش نگریسته شود عرصه‌ایست بسیار گسترده که به همه‌ی نیروها و تخصص‌ها در سطوح مختلف نیاز دارد. درست مثل یک ارتش بزرگ که کارش علی‌القاعده مبارزه‌ی نظامی و جنگ است اما همین ارتش برای کارکرد درست و واقعی خود نیاز دارد به همه‌ی تخصص‌ها از صنایع مختلف و ساختمان گرفته تا کشاورزی و رشته‌های مختلف هنری و حتا موسیقی. بنابراین در این مبارزه طبقاتی، چه ایرادی هست که عده‌ای بر حسب تخصص و توانایی و همین طور علاقه‌ی خود به کارهای مختلفی که همگی هم مورد نیاز هستند بپردازند؟ و در این بحث مشخص ما خب یک گروه هم به کار گزارشگری و تبلیغ بپردازند؟ تبلیغ برای سازماندهی کارگران و سازمان‌های کارگری، تبلیغ برای مبارزات درگیر و مبارزات انجام شده و دستاوردهای کسب شده! این کار روحیه دیگران را بالا می‌برد. حالا در تبلیغ خب شاید قدری هم بزرگنمایی بشود. خیلی وقت‌ها برای این که امری یا پدیده‌ای را توضیح دهیم شاید مجبور شویم برای فهم و درک بهتر مطلب کمی هم بخش‌هایی از موضوع یا جنبه‌هایی از واقعیت را بزرگتر نشان بدهیم. اگر این کار در راستای منافع و پیشبرد مبارزه طبقاتی باشد چه ایرادی دارد؟

"نیما": همانطور که قبلا هم گفته شد گزارش کارهای انجام شده، تبلیغ و انجام کارهایی که باعث بشود روحیه نیروهای درگیر بالا برود نه تنها ایرادی ندارد که بسیار لازم هم هست. مساله این است که وجوه مختلف کار، جنبه‌ها و عرصه‌های مختلف یک مبارزه باید با هم تناسب داشته باشند. به خصوص در تبلیغ کارهای انجام شده و دستاوردهای کسب شده باید مراقب بود که این تبلیغ و بزرگنمایی موجب غلط‌اندازی و گمراهی خودمان نشود. دادن آمارها و گزارشات غلط و اغراق‌آمیز گاه خودمان را هم به اشتباه و توهم می‌اندازد و گاه دشمن و نیروی مقابل را به اندازه‌ای به هراس و نشان دادن واکنش غیر قابل پیش‌بینی می‌اندازد که ضررش بیشتر از منفعتش است. ایراد کار این جاست که در دوره اخیر تمام یا بیشتر نیروها فقط یا عمدتاً به کار گزارشگری و تبلیغ رو آوردند و از کار سازمان‌گری غافل ماندند، در تبلیغ و گزارشگری بسیار اغراق کردند، گاه غیر واقع را واقعی نشان دادند و متأسفانه این کار را هم به کرات انجام دادند. اشکال کار این جاست که گروهی از دوستان یا علاقه‌مندان به سر نوشت، مسایل و مشکلات جنبش کارگری ایران از خارج از کشور مسایل را دنبال می‌کنند. این‌ها بطور طبیعی از شنیدن خبرها و گزارش‌های مربوط به حرکت‌ها و تجمع‌های اعتراضی کارگران ایران در جهت پیشرفت و ارتقاء سطح جنبش خوشحال می‌شوند. این دوستان به دلیل عدم دسترسی به اخبار دقیق و همه جانبه به راحتی می‌توانند با شنیدن اخبار اغراق‌آمیز و تکرار آن‌ها دچار خوش‌بینی و خطا در تحلیل‌ها بشوند و طبیعتاً دوستان داخل را مورد تشویق و تقدیر قرار دهند. خوشحالی، خوش‌بینی و تشویق‌ها و تمجیدهای دوستان خارج از کشور متقابلاً به راحتی می‌تواند دوستان داخل را بازهم به ورطه بزرگنمایی و بیندازد و تشویق کند. بارها دیده شده که خبرها و انتشارهای این چنینی مربوط به چند حرکت اعتراضی پشت سر هم در یک بنگاه و یا منطقه - هرچند با مضمون تدافعی - برخی دوستان را وادار به پذیرش وضعیت اعتلای جنبش کارگری و نتایج و تحلیل‌های پس از آن کرده است!

"علی": ببخشید. اجازه بدید در این مورد مثالی بیاورم تا موضوع بهتر روشن بشه. نمونه این خوش‌بینی افراطی و در غلتیدن به تحلیل‌های نادرست و اغراق‌آمیز را در سال 1381 به یاد بیاوریم. وقتی طوماری با حدود یک‌هزار امضای کارگران پراکنده در واحدها و شهرهای مختلف در رابطه با برخی مسایل و از جمله تشکل‌های کارگری به وزارت کار داده شد! قرار بود در ادامه امضاهای جمع‌آوری شده به 2500 برسد که هرگز هم نرسید، اما در مصاحبه‌ها و گزارش‌های

دوستان داخل کشور این تعداد به 4000 هم رسید! و برای دوستان خارج کشور چنین تداعی شد که گویا 4000 کارگر متحد و یکپارچه خواهان ایجاد تشکل و... شده‌اند! پس از آن سیل درخواست‌ها برای مصاحبه و شرکت در پالتاک و... به سوی برخی از جمع‌کنندگان این امضاها جاری شد و کم‌کم برای برخی از خود دست اندرکاران هم امر مشتبه شد که گویا واقعا حادثه‌ی مهمی اتفاق افتاده است! در حالی که حتی چهار هزار کارگر متحد در یک بنگاه یا یک تشکل هم در مقابل جمعیت یازده میلیون کارگر ایرانی غیر متشکل و پراکنده به خودی خود نمی‌توانست چنین خوشحالی را موجب بشود. همین حالت را با اندکی شدت و ضعف در هنگام تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد، هفت‌تپه و مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر و ... شاهد بوده‌ایم! اما متأسفانه افت و به خاموشی نسبی گراییدن این جریان‌ها و کانون‌ها دیگر تعجب، سؤال و یا نگرانی کسی را بر نیانگیخت!؟

"ما": خب این‌ها همه درست. اما توجه داشته باشیم که به هر حال در یک جنبش و در عرصه‌ی یک مبارزه‌ی طبقاتی که اصولا عرصه‌ی آزمون و خطا هم هست همواره اشتباه‌هایی رخ می‌دهد که فقط باید از آن‌ها درس گرفت و از تکرارشان پیشگیری کرد نه این که آن‌ها را آن قدر بزرگ کرد که اصل قضیه زیر سؤال برود و یا انجام هر کار دیگری بسیار مشکل بشود. نمونه‌هایی هم که آورده شد خب قدری بزرگنمایی بوده ولی...

"حسین": نه فقط بزرگنمایی نیست. می‌خواهم بگویم واژگونه‌نمایی و غیر واقع را واقع نشان دادن متأسفانه کم نبوده و تصادفی هم نبوده. قصد ندارم اتهام دروغ‌گویی به کسی یا گروهی بزنم. شاید در واقع این دوستان با نیت خوب فقط آرزوهایشان را بیان کرده باشند و یا کارهایی را که قصد انجامشان را داشته‌اند.

"ما": می‌توانید برای روشن‌تر شدن موضوع و شفاف‌تر شدن گفتگو کمی بیشتر توضیح بدهید و یا نمونه‌های بیشتری بیاورید

"حسین": متأسفانه حرف زدن در این موارد برای آدم خیلی راحت نیست. ولی یکی دو مثال شاید بحث ما را روشن‌تر کند. ما در چند سال گذشته شاهد یک سری سازمان و نهاد سازی‌هایی بوده‌ایم که خیلی هم واقعی نیستند و یا دست کم بر مبنای روش و اصول صحیح و دموکراتیک تشکیل و فعالیت تشکل‌های کارگری که در همه جا رعایت می‌شود نیستند. مثلا هیات موسسی که فقط از یک نفر تشکیل شده. یا هیات موسسی که سالهاست هنوز هیات موسس مانده و نتوانسته به نهادی واقعی و انتخابی تبدیل شود، تعداد اعضای آن تقلیل یافته و از انگشتان یک دست هم کمتر شده. خب این نشان می‌دهد که یک جای کار ایراد دارد، که مثلا هشت سال است که یک جمع‌هیات موسس باقی مانده و تعداد اعضایش هم بتدریج آب رفته و کمتر شده! انجمن صنفی‌ای که تعداد اعضای آن دیگر به اندازه‌ی عدد هیات مدیره‌اش هم نیست! جالب است که این نهادها پای بیانیه و اعلامیه‌ها را هم به عنوان یک تشکل کارگری امضا می‌کنند. یا هیات موسسی که کسی نفهمید طی چه فرآیندی و چگونه به سندیکا تبدیل شد. حتی بعد از تبدیل و تشکیل هم هیچگونه اطلاعی و خبری در رابطه با برگزاری مجمع عمومی و ... صادر نشد و معلوم نیست کارگران عضو صنف و دسته‌ای که این سندیکا مدعی نمایندگی آنان است چگونه باید با آن رابطه بگیرند. این در حالی است که بعضی اعضای به اصطلاح هیات مدیره‌ی آن با اسم و رسم واقعی مصاحبه می‌کنند و پای بیانیه‌ها را امضا می‌گذارند. اسم این‌ها را چه می‌توان گذاشت؟ غیر واقع را واقعی نمایاندن چه آسیبی به جنبش می‌رساند؟ در این شیوه و ادامه‌ی این سبک و سیاق است که مرگ یک زندانی عادی در اثر نبود دارو و امکانات پزشکی درون زندان، ناگهان موجب معرفی او به عنوان یک فعال و قهرمان سندیکایی و شهید جنبش کارگری می‌شود! دوستان زیادی باور و بر این جنازه گریه کردند، برای این شهید فرضی بزرگداشت‌ها و یادبودها برگزار شد! مرگ افشین اسالو، زندانی زندان گوهردشت (رجایی شهر) که ظاهرا به دلیل ایست قلبی و نرسیدن امکانات پزشکی درگذشت مسلما دل هر انسان عادی و طرفدار حقوق بشر را به درد می‌آورد. افشین و افشین‌ها و اکثریت زندانیان عادی، خودشان قربانیان نظام سلطه و ستم سرمایه‌داری و آوازه‌گری‌های آن هستند. اینها به دلیل هر جرم کرده

و ناکرده‌ای که به زندان افتاده باشند بطور مسلم و موکد لازم است حقوق انسانی آنها در زندان رعایت و نیاز آنها به درمان، دارو و امکانات پزشکی و همچنین نیازها و معیشت خانواده‌های آنان مادام که در زندان هستند تامین گردد؛ هرگونه تبعیض در رعایت حقوق انسانی و شهروندی آنها و کوتاهی در دادن امکانات و یا تامین نیازهای درمانی، بهداشتی و دیگر ضروریات زندانیان و آسیب رسیدن به آنان از این طریق محکوم است. اما واقعیت این است که نسبت افشین اسالو با جنبش کارگری فقط در این حد بود که زمانی (نزدیک به ده سال پیش از این) راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بوده و اتفاقاً برادر منصور اسالو رئیس سابق هیات مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد هم بوده است. اما ایشان در هیچ عرصه‌ای از مسایل صنفی و کارگری فعال نبوده‌اند و زندانی بودن ایشان هم هیچ گونه ارتباطی با مبارزه‌ی سیاسی، سندیکایی و یا پیگیری مسایل صنفی و کارگری نداشته است. این که چرا مرگ ایشان به عنوان شهادت یک رزمنده طبقه کارگر معرفی می‌شود سئوالی است بسیار پرسیدنی! و باید جواب این پرسش را هم از گزارشگران و خبر رسانانی پرسید که تصور می‌کنند با تبلیغ ولو دروغین می‌توان تشکل کارگری ساخت و یا به امر ساخت و ایجاد آن کمک کرد و یا بیش از هر چیز دغدغه‌ی مورد تشویق و تحسین و تماشا واقع شدن را دارند و هم از کسانی پرسید که دانسته یا ندانسته به این روش نادرست میدان می‌دهند و آن را تقویت می‌کنند.

متأسفانه این‌ها واقعیت‌های تلخ جامعه و جنبش کارگری ما هستند. بیان این‌ها منفی‌بافی نیست. بضاعت جنبش ما در این دوره همین است هرچند پتانسیل بالایی دارد. اگر ناراحت کننده است که متأسفانه هست کتمان آن مساله‌ای را حل نمی‌کند؛ این وظیفه‌ی ماست که با شناخت واقعیت‌های ناخوشایند موجود راهی برای حرکت به جلو و از بین بردن این نقاط ضعف پیدا کنیم. به جای تظاهر به داشتن نهادها و تشکل‌های کارگری غیر واقعی یا ضعیف و ناتوان، راه‌هایی برای به فعل در آوردن انرژی بالقوه موجود طبقه‌ی بزرگ و پرجمعیت کارگر و ایجاد تشکل‌های واقعی آن پیدا کنیم.

"ما": متأسفانه همه‌ی این‌ها واقعیت است. بخشی از واقعیت‌های موجود که باید از آنها آموخت و راه پر پیچ و خم آینده را به سوی رهایی طبقه کارگر و سعادت جامعه پیدا کرد. امیدواریم که در آینده بتوانیم با کمک و حضور دوستان دیگری هم که در جنبش حضور داشته و تجربه‌ها و نظرات گرانبهایی هم دارند به بحث آسیب‌شناسی حرکت‌ها و تلاش‌ها در راستای ایجاد تشکل‌های کارگری ادامه دهیم.

جنبش کارگری هیچ‌گاه به آوازه‌گری غیر واقعی، شهید و شهیدسازی، شیون سالاری و مظلوم‌نمایی نیاز ندارد. جنبش کارگری را نه با مظلومیت و ناتوانی که با نقاط قدرت و توانمندی‌های کنونی و بالقوه او تعریف می‌کنیم. جنبش کارگری نه به شهیدان و قهرمانان که به انبوه کنشگران آگاه، صادق و سازمانگر نیاز دارد. مبارزه‌ی طبقاتی کارگران یک مبارزه‌ی طولانی و همه جانبه است. در این مبارزه همه‌ی نیروها، همه‌ی اشکال و همه‌ی سطوح مبارزه مورد نیاز هستند. داشتن درک درست از مبارزه، درک از سازمان‌های کارگری، چگونگی ایجاد این سازمان‌ها و حرکت سازمان یافته و سازمانگرانه در این راستا می‌تواند بخش مهمی از نیاز فعلی جنبش طبقه کارگر را تامین کند. این نیاز را درک کنیم و بدان پاسخ گوئیم.

نشر کارگری "ما" - شهریور 1392

nashr.ma@gmail.com

<http://ma-nashr.blogspot.com>

ریشه یابی یک رویداد تلخ - سندیکای کارگران شرکت واحد

بر پایه مطلب دریافتی در 29 شهریور 92 آمده است: به نام آنکه دادگر است و دادخواهان را دوست دارد.

با گسترش بی‌عدالتی‌های فراوان و عدم رعایت حقوق کارگران شرکت واحد در سال‌های

بسیار و عدم رسیدگی به دادخواهی ایشان و ناکارآمدی شوراهای اسلامی در دفاع از حقوق کارگران و اجرا نکردن پیمان‌های دسته‌جمعی کارگران از طرف مدیریت بحران‌زدهی شرکت واحد بالاخره گروهی از همکاران دلسوز و فداکار با پشتیبانی و استقبال گسترده و شورانگیز کارگران، بر آن شدند تا برای دفاع از حقوق حقه‌ی کارگران شرکت واحد وارد میدان شوند که این کوشش و تلاش جانانه با حمایت و یاری عموم همکاران شریف تا به امروز نیز ادامه دارد. در این سال‌ها آقایان مدیران در جلسات گوناگون درونی خویش نمی‌توانستند حقانیت خواسته‌های کارگران را که همانند آفتاب روشن بود، رد نمایند. اما در عمل این مدیران تازه وارد که بخشی از آن‌ها از بازنشستگان نیروهای پلیس بودند، با روش‌های پلیسی بگیر و ببند و با ابزار شوراهای اسلامی و حراست به خیال خود کارها را پیش می‌بردند. غافل از اینکه روش‌های مدیریتی سرکوبگرانه و پلیسی در این دوران جواب نداده و نمی‌دهد و عمر اینگونه اعمال به پایان رسیده است. علاوه بر این، آقایان با خصوصی‌سازی‌های آنچنانی در میان دوستان و آشنایان خویش، مسئله‌ی عدم امنیت شغلی را همچون خوره‌ای به جان کارگران شرکت واحد انداختند. نتیجه‌ی یک چنین روش‌های نادرست و نامردمی، حاصلش حادثه‌ی موسوم به گروگان‌گیری در شرکت واحد می‌شود که یک کارگر مظلوم، از همه‌جا رانده و از همه‌جا مانده و کارد به استخوان رسیده، آنچنان از ستم دوران جانش به لب آمده که زندگی خود را به خطر انداخته تا بلکه مدیران ناشنوا، فریاد دادخواهی و مظلومیتش را بشنوند. اما افسوس، آقایانی که از مدیریت عالی خود سخنرانی‌ها نموده و اعلام کرده‌اند جایزه‌ی جهانی بهترین مدیریت حمل و نقل را گرفته‌اند و آنرا با آب و تاب به هزینه‌ی بیت‌المال در نشریه‌ی تبلیغاتی شرکت واحد منتشر می‌کنند، به ناگاه از سوی رسانه‌ها از جمله تلویزیون پرونده‌ی نادرست روش مدیریتی‌شان در پیش چشم مردم و افکار عمومی نمایان می‌شود. و صد البته این آقایان به جای درس گرفتن و اقرار به اشتباه و ناتوانی خود آسمان و ریسمان را به هم بافته تا خود را از این گرداب خودساخته نجات دهند و در حالیکه کارگر ستم‌دیده‌ی این رویداد، خود هیچگونه ادعایی مبنی بر رابطه و همکاری با سندیکا را نداشته، شایعه می‌سازند که این فرد سندیکایی بوده است؛ که در پاسخ به این ادعای آقایان باید گفت:

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست

آقایان مدیران پنبه در گوش، باید از حوادث روزگاران و از جمله این حادثه‌ی اخیر درس بیاموزید و در روش‌های خود به صورت ریشه‌ای تجدیدنظر کنید و مردم و کارگران را صاحب حق بدانید و با آنها به راستی و صادقانه، رفتاری انسانی داشته باشید تا گرفتار گرداب‌های بعدی نشوید و از تکرار اینگونه رویدادهای تلخ جلوگیری نمایید.

سندیکای کارگران شرکت واحد
شهریور ۹۲

رییس سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت، از کاهش قیمت داروهای بیماران خاص خبر داد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر آمده است: رسول دیناروند، رییس سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت، از کاهش قیمت داروهای بیماران خاص و صعب‌العلاج از اول مهرماه خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، آقای دیناروند گفت این تصمیم بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که به امضای وزارت بهداشت و تعاون و کار و رفاه اجتماعی رسیده، گرفته شده است. رییس سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت گفت از اول مهرماه داروهای بیماران خاص در داروخانه‌ها بر اساس دستورالعمل جدید توزیع خواهد شد. آقای دیناروند گفت با این تصمیم قیمت داروهای بیماران خاص به قیمت سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد.

کارخانه ؛ مجله کارگري هفتگي راديو ندا - برنامه پنجم

پنجمين برنامه کارخانه، مجله کارگري راديو ندا شامل اين قسمت هاست :

- 1- اخبار کارگري هفته
- 2- بررسی ریزش معدن در سمنگان افغانستان
- 3- بازخواني نامه رضا شهبابي از زندان اوين، بمناسبت اول مهر و بازگشائي مدارس

گوش کردن فایل صوتي با مديا پليز
گوش کردن فایل صوتي باريل پليز

http://radio-neda.blogspot.se/2013/09/blog-post_20.html

واکنش اتحاديه ناشران به اظهارات تازه وزير ارشاد درباره ممیزی

بر پایه مطلب رسیده در تاریخ 29 شهریور 92 آمده است : اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به اظهارات اخیر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که تصمیمش به تداوم ممیزی کتاب را به خاطر پاسخ رد ناشران به پیشنهاد او برای واگذاری مسئولیت این کار به خود آنها عنوان کرده بود، واکنش نشان داد و در عین حال راهکارهای خود را برای حل این مشکل به علی جنتی ارائه کرد. محمود آموزگار، دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره اظهارات اخیر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که تصمیمش به تداوم ممیزی کتاب را به روالی که تاکنون بوده است، به خاطر پاسخ رد ناشران به پیشنهاد او برای واگذاری مسئولیت این کار به خود آنها عنوان کرده بود، با ذکر این نکته که «اتحادیه ناشران و کتابفروشان علیرغم دو نامه‌ای که برای عرض تبریک و درخواست ملاقات با وزیر ارشاد جهت انتقال مسائل و مشکلات این صنف، برای جنتی ارسال کرده و پاسخی نگرفته است» هرگونه تبادل نظر رسمی میان این اتحادیه و وزیر ارشاد را در خصوص پیشنهاد اخیر وی در این مورد رد کرد.

وی گفت: ما بحث ممیزی را با توجه به واقعیت‌هایی که در کشور وجود دارد و نیز با توجه به قوانین بالادستی مانند اصل ۲۴ قانون اساسی، آسیب‌شناسی کرده‌ایم و ملاحظه می‌کنید که به هر حال ما آزادی بیان مطلق نداریم. به نظرم مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه نشر برای ناشران به عنوان یک صنف، در حکم قانون تلقی می‌شود و در مصوبه مربوط به ضوابط نشر که در فروردین ۱۳۸۹ تصویب شده است، به صراحت از ممیزی پیش از چاپ سخن رفته که بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و قاعداً هر نوع تغییری در بحث ممیزی، باید در قانون مربوط به آن هم دیده شود.

دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در پاسخ به این سؤال که با توجه به قوانین موضوعه مربوط به ممیزی، به نظر شما طرح بحث حذف آن یک موضوع نسنجیده است؟ اضافه کرد: به هر حال اکثریت قریب به اتفاق اعضای دولت تدبیر و امید از جمله آقای رئیس جمهور، اهل قلم هستند و تالیفات زیادی دارند و بنابراین مسائل و مشکلات صدور مجوز کتاب را به عینه دیده‌اند و نیاز نیست کسی اینها را به آنها منتقل کند و قطعاً اطلاعات کسی مانند آقای جنتی در مورد مشکلاتی که ناشران در این زمینه دارند، اگر بیشتر از خود ناشران نباشد، کمتر از آنها نیست و طبیعتاً بازخورد وصول اعتراضات عدیده درباره ممیزی، دولتمردان را وادار می‌کند به راه حلی در این ارتباط بیندیشند و من صحبت‌های وزیر ارشاد را در این چارچوب تلقی می‌کنم؛ یعنی برداشتن موانع از سر راه انتشار کتاب و هموار کردن راه برای مولفان، نویسندگان و ناشران.

آموزگار ادامه داد: من در همان ابتدا هم گفتم که تغییر موقعیت ممیزی از قبل از چاپ به بعد از چاپ، باید در مصوبه قانونی مطرح شود و بحث یک دستور نیست، اما اگر نگاهی به همین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم داشته باشیم، می‌بینیم که اینگونه نیست که مانعی سر راه آقای وزیر برای اجرای منویاتشان وجود داشته باشد و این مصوبه دست ایشان را بسته باشد. در همین مصوبه اختیاراتی برای وزیر در نظر گرفته شده که به نظر من این امکان را به ایشان می‌دهد که بتواند ساز و کار ممیزی را به ترتیبی مدیریت کند که نیت‌هایشان نسبت به رفع مشکلات حوزه ممیزی یعنی برداشتن موانع از سر راه انتشار کتاب و هموار کردن راه برای مولفان و نویسندگان و ناشران، اتفاق بیفتد.

وی تاکید کرد: یکی از موارد همین مصوبه که می‌توان روی آن انگشت گذاشت و درباره آن بحث کرد، درباره تشکیل هیئت‌های نظارت است که معرفی این هیئت‌ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی بر عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است. آقای وزیر در مصاحبه اخیرشان با خبرنگاران، گفته‌اند که می‌خواهند این موضوع را به اهل علم و دانش و متخصصان این حوزه‌ها بسپارند. خوب است که این کار را بکنند و از آن طرف هم شورای عالی انقلاب فرهنگی با توجه به ریاست آقای روحانی رئیس جمهور بر آن، حتماً چنین پیشنهادی را مورد تصویب قرار خواهد داد.

دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران با بیان اینکه بحث ممیزی، بحث قضاوت و داوری است، گفت: چنین کسی در وهله نخست باید شان قضاوت و داوری داشته باشد؛ همانطور که در محاکم قضایی شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید موضوعی توسط یک کارمند دادگاه قضاوت شود، در حوزه نشر هم به نظرم اینگونه است و فکر می‌کنم اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به این شان ویژه هیئت نظارت بر کتاب‌ها توجه داشته‌اند که چنین موضوعی را تصویب کرده‌اند؛ ساز و کاری که در ضوابط نشر اندیشیده شده، این بوده که تا حد امکان از اعمال سلیقه در این خصوص جلوگیری شود، اما مشکلی که در دوره قبل بروز کرد، این بود که این هیئت‌ها از سال ۸۹ که این مصوبه به تصویب رسید، متأسفانه تشکیل نشدند و لذا کار بررسی آثار با ضوابط به اداره کتاب تحمیل شد، در حالی که این اداره یک وظیفه اداری و تشریفاتی دارد.

آموزگار این مسئله را همانند این دانست که پرونده‌ای قضایی به جای قاضی توسط منشی دادگاه بررسی شود و در ادامه با تاکید بر لزوم اجرای مَر قانون در خصوص ممیزی کتاب و ضرورت ایجاد وحدت رویه در بررسی آثار، افزود: اگر کار بررسی کتاب به هیئت‌های منتخب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده شود و این هیئت‌ها در محل کارشان مستقر باشند و ارباب رجوع اعم از نویسندگان و ناشر به آنها دسترسی داشته باشند و خود این هیئت‌ها به حد کافی کارگروه‌های تخصصی داشته باشند و موضوع را به صورت کارشناسی و با دقت بررسی کنند و حتی در مواردی که مطلبی با ضوابط نشر انطباق ندارد، آن را با نگاهی کارشناسانه و استدلالی به طرف مقابل تفهیم کنند، اطمینان دارم میزان نارضایتی به حداقل کاهش خواهد یافت.

وی در عین حال این موضوع را یک درخواست حداقلی از جانب صنف نشر خواند و گفت: تا زمانی که ممیزی قبل از چاپ وجود دارد، این موارد می‌تواند کمک کند که از مشکلات این حوزه کاسته شود. این برنامه کوتاه مدت است که آقای وزیر تصمیم خودشان را درباره مواد ۵ و ۶ ضوابط نشر بگیرند و هیئت‌ها را به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی کنند و این شورا هم آنها را تأیید و اعضا کارشان را به عنوان قاضی و داور این ماجرا آغاز کنند و اداره کتاب هم به کارهای اداری و تشریفاتی خودش از قبیل صدور مجوز و موارد دیگر برسد.

دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران افزود: برنامه میان‌مدت هم ناظر بر انتقاداتی است که به

همین ضوابط نشر وارد است و وزیر ارشاد می‌تواند نظرات مختلف و البته کارشناسی را درباره این ضوابط پس از جمع‌بندی برای تصویب یک مصوبه کامل‌تر به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند. به عنوان مثال تفسیر حقوقی ماده ۱۵ ضوابط نشر این است که علیرغم اینکه مجوز قبل از چاپ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود، ناشر نمی‌تواند ادعا کند که من مسئولیت این اثر را بر عهده ندارم؛ چرا که این ماده صراحتاً ابراز می‌دارد که به رغم اینکه وزارت ارشاد مجوز کتاب را صادر می‌کند، ناشر هم در مسئولیت این کار سهیم است؛ یعنی چنانچه کتابی مجوز گرفت و منتشر شد و بعد از انتشار با شکایتی مواجه شد، بر اساس این ماده قانونی اینگونه نیست که - مثل زمان قبل از تصویب این مصوبه - مسئولیت آن تنها بر عهده وزارت ارشاد باشد و ناشر هم در این رابطه مسئولیت دارد.

آموزگار ادامه داد: جای این سوال هست که ناشر چرا باید مسئولیت بر عهده داشته باشد، زمانی که هیچ نوع حق و اختیاری در صدور مجوز آن اثر ندارد؟ موضوع دیگر این است که در اجرا، تفسیر غلطی از همین ماده قانونی می‌شود و آن این است که این را به کتاب‌هایی هم که هنوز منتشر نشده‌اند، تسری می‌دهند و می‌گویند کتابی که ناشر برای بررسی به اداره کتاب داده، اگر مواردی غیرمنطبق با ضوابط نشر داشته باشد، به او نمره منفی می‌دهند. البته چنین برداشتی از این ماده قانونی استنباط نمی‌شود ولی مواردی است که وجود دارد و شنیده می‌شود.

وی به عنوان برنامه بلندمدت در خصوص حل مسئله ممیزی، الگوبرداری از قانون مطبوعات را پیشنهاد کرد و گفت: ساز و کار پیش بینی شده در آن قانون به منظور برخورد با تخلفات احتمالی است و مسلماً با توجه به تفاوت‌های میان کتاب و مطبوعات، موضوع مستلزم بررسی دقیق و همه جانبه است و بنابر این پیشنهاد می‌شود آقای وزیر، کارگروهی را به این منظور انتخاب کند و با توجه به جمع‌بندی‌های حاصله نسبت به حل مسئله ممیزی به شیوه مطبوعات اقدام کند و به این ترتیب ممیزی قبل از انتشار حذف خواهد شد.

دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در پایان گفت: در هر حال به نظر من در مرحله اول اجرای کامل و بدون نقص قانون موجود هم به میزان زیادی از نارضایتی‌ها خواهد کاست. البته به شرط تعیین هیئت‌های نظارت. در مرحله دوم رفع نقص و تکمیل آن به میزان بیشتری از این مشکلات کم می‌کند و در مرحله نهایی بررسی استفاده از سبک و روش مندرج در قانون مطبوعات به منظور حذف ممیزی قبل از انتشار. ان‌شاءالله جامعه ما به سطحی از تحمل و رواداری برسد که نیازی به ممیزی نباشد.

دبیر خانه کارگر کهگیلویه و بویر احمد؛ نگرانی کارگران قراردادی از اخراج افزایش یافته است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: دبیر خانه کارگر کهگیلویه و بویر احمد با بیان اینکه بیشتر کارگران این استان در قالب قراردادهای موقت زیر یک سال شش ماهه و کمتر کار می‌کنند، گفت: در آستانه شروع سال جدید تحصیلی دغدغه اصلی این کارگران تمدید شدن قراردادهای آنهاست. «علیرضا جنتی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: مهم‌ترین مشکل جامعه کارگری در شرایط اقتصادی امروز، فقدان امنیت شغلی است بطوری که این مسئله باعث شده تا با شروع نیمه دوم سال ۹۲ ترس از اخراج در میان کارگران افزایش یابد. وی ضمن تاکید بر تضمین امنیت شغلی کارگران قرار دادی، گفت: نبود امنیت شغلی باعث شده است تا علاوه بر کارگر اعضای خانواده او نیز از بابت تمدید نشدن قرار داد کار احساس ناامنی

کنند.
جنتی با یادآوری اینکه در آمد ماهانه کارگر پاسخگوی هزینه‌های درمان، آموزش، خوراک، پوشاک، خانواده او نیست، افزود: در این شرایط فرزندان محصل خانواده‌های کارگری نیز ناچارند تا بجای تحصیل و سپری کردن دوران کودکی، برای تامین نیازهای خود روانه بازار کار شوند.
جنتی در خاتمه تصریح کرد: جامعه کارگری از مسئولان دولتی انتظار دارند علاوه بر امر ساماندهی قرار داد کارگران، توجه‌ای ویژه‌ای به وضعیت معیشت آنان داشته باشند تا از این طریق حداقل فرزندان این خانواده‌ها بتوانند با آرامش دوران کودکی خود را در مدارس و محیط‌های آموزشی سپری کنند.

پایان پیام

پیام علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، به تمام کارگران کشور، به منظور چاره یابی در اوضاع کنونی

برپایه مطلب دریافتی در تاریخ 30 شهریور 1392 آمده است :
کارگران:

اکنون وخامت اوضاع اقتصادی کشور به حدی رسیده است که حتی مسئولان دولتی و نمایندگان بخش خصوصی، بسیاری از دست اندرکاران قبلی و آنهایی که کرسی های حکومت را تصاحب کرده اند همگی از اقتصاد ورشکسته و از هم گسیخته حرف می زنند، چنانکه گوئی از سیل یا زلزله سخن می گویند و گویا در ایجاد این وضعیت هیچ نقشی نداشته و صرفا تماشاگر بوده اند! افت شدید تولید در صنایع نفت (کاهش صادرات به کمتر از یک سوم، کاهش فعالیت و تأخیر در اجرای پروژه های نفت و گاز و غیره)، سقوط تولید در صنایع خودرو سازی و فعالیت های پیرامونی آن (کاهش سطح تولید خودرو به حدود یک سوم سال پیش، بیکار شدن 123000 کارگر صنایع قطعه سازی و غیره)، بیکار سازی در صنایع فولاد و ذوب فلز، بیکاری بیش از یک میلیون کارگر در پروژه های عمرانی طی دو سال اخیر (براساس اظهارات کانون‌های انجمن‌های صنفی کارفرمایی)، کاهش فعالیت های ساختمانی، کاهش تولید صنایع غذایی، وضع فاجعه بار کشاورزی، ورشکستگی شمار زیادی از بنگاه ها و بسته شدن کارخانه ها و کارگاه ها، افزایش سرسام آور بدهی های پرداخت نشده بنگاه ها و اشخاص به بانک ها و غیره تنها بیانگر جزئی از اقتصاد نابسامان کشور است.

فشار اصلی این نابسامانی بر دوش کارگران است، زیرا کارگران بزرگترین طبقه اجتماعی کشور و بزرگترین مولد ثروت در جامعه اند. با این حال مزد اکثریت قریب به اتفاق کارگران کمتر از نصف یا ثلث خط فقر است و این تازه هنگامی است که کاری داشته باشند یا اگر کار دارند مزدشان به موقع پرداخت شود و ماه ها و ماه ها به تعویق نیافتند! وضع میلیون ها بیکار که هر سال به گفته رئیس جمهور جدید بیش از یک میلیون جویای کار به صفوف آنها افزوده می شود و اکثریت قریب به اتفاق آنها مستمری بیکاری یا کمک دیگری دریافت نمی کنند، از کارگران شاغل به مراتب بدتر است. وجود میلیون ها کودک کار محروم از تحصیل و شرایط عادی رشد جسمی و فکری که در معرض استثمار شدید و انواع خطرات و بیماری ها قرار دارند راز پنهانی نیست. همان طور که کسی نمی تواند منکر وجود 4 میلیون معتاد (طبق مصاحبه محمود سریع القلم با آفتاب، 6 مرداد 1392) و شمار روز افزون گدایان یا تهی دستانی شود که هر روزه کنار در سازمان ها و بنیادها یا مساجد و کوچه ها و خیابان ها برای دریافت کمک یا خواروباری به منظور سیر کردن شکم خود و خانواده شان صف می کشند.

تورم بالای 40 درصد و آمارها و اطلاعات بدتر از اینها هر روز در رسانه های رسمی قابل خواندن، دیدن یا شنیدن است. بیان اینها برخلاف گفته های مقامات عالی کشور، سیاه نمایی نیست،

اینها تنها نشانگر و شاخصی از واقعیات جامعه اند! البته در این واقعیت، بخش «سفید» و «رنگین» هم هست که به نمونه هائی از آن اشاره می کنیم:

در همین وضعیت رکود اقتصادی و تورم شدید و کم سابقه، به نحوی باور نکردنی شاهد دو و نیم برابر شدن شاخص بورس سهام در طول یک سال گذشته هستیم. این شاخص بیانگر قیمت متوسط سهام عرضه شده بنگاه ها در بورس است. شاخص بورس سهام از 24000 واحد در اول مرداد 1391 به بالای 60000 واحد در شهریور ماه 1392 رسیده یعنی دارائی سهامداران شرکت های ثبت شده در بورس در طول یکسال بیش از 2.5 برابر شده است که بیانگر افزایشی بیش از 150% در سال است. و این علاوه بر سود تقسیم شده ای است که سهامداران هر سال دریافت می کنند. حتی اگر کسی شاخص بورس و تغییرات آن را نشناسد به هر حال شاهد ساخته شدن ویلاها، کاخ های مجلل و آسمان خراش ها، هتل ها و تفریح گاه های افسانه های در کنار دریا و نقاط خوش آب و هوا، جولان خودروهای سوپر لوکس در خیابان ها، کشتی ها و قایق های تفریحی، هواپیماهای شخصی، حساب های بانکی میلیاردی در بانک های داخل و خارج و غیره و غیره هست که به اقلیتی انگشت شمار تعلق دارند. یعنی در کنار فقر سیاه، گرسنگی، بیکاری، بیماری، بی آندگی میلیون ها و میلیون ها نفر شاهد افزایش ثروت میلیاردی اقلیتی یک درصدی یا کمتر، چه در شرایط رونق و چه در شرایط رکود اقتصادی، هستیم.

کمتر کسی می پرسد این ثروت های افسانه ای از کجا می آیند و علت این اختلاف شدید در سطح ثروت و درآمد چیست؟ بسیاری از نویسندگان و روشنفکران و حتی برخی از فعالان کارگری از جمعیت یک درصدی آمریکا که 99 درصد مردم آن کشور و بسیاری از کارگران و زحمتکشان جهان را استثمار می کنند و بر آنها ستم روا می دارند حرف می زنند که سخن درستی است. اما اینها در مورد یک درصد یا کمتر از یک درصدی که در ایران همان نقش را دارند ساکت اند!

وقتی که حرف از فقر و بیکاری و بی حقوقی کارگران و نابسامانی وضع اقتصاد زده می شود یا انگشت اتهام را به سوی نهادهای جهانی سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و غیره متوجه می کنند یا بحث تحریم ها را به پیش می کشند. درست است که صندوق بین المللی پول سیاست های اقتصادی ای را مورد تشویق و حمایت قرار می دهد که در جهت آزاد کردن قیمت ها، حذف یا کاهش یا «هدفمند کردن» یارانه ها، آزادی اخراج کارگران، حذف مزد حداقل و حتی حذف محدودیت قانونی ساعات کار هفتگی و اضافه کاری، حذف کمک های اجتماعی، کاهش بودجه های مربوط به آموزش و بهداشت عمومی، افزایش سال های کار برای بازنشستگی و غیره یا در یک کلام سیاست های نئولیبرالی باشند، اما صندوق بین المللی پول در همه جا و در همه شرایط توان تحمل این سیاست ها را ندارد. یک عامل مهم تحمل این سیاست ها وام خارجی بالای یک کشور و یا ناتوانی آن در انجام تعهدات مالی بین المللی است که در مورد ایران هیچ کدام از این دو شرط برقرار نیست؛ ایران وام خارجی زیادی (در مقایسه با کشورهای مشابه) ندارد و برخلاف یونان، پرتغال، اسپانیا و غیره در پرداخت تعهدات خارجی دچار مشکلی نیست. بدین سان اگر در ایران سیاست های نئولیبرالی اعمال می شود اساساً نه به خاطر تحمل سیاست های پولی و اقتصادی از سوی صندوق بین المللی پول بلکه ناشی از سیاست طبقه سرمایه دار ایران است. در مورد بانک جهانی نیز باید گفت که روابط این بانک مدت هاست که با ایران به حداقل رسیده و این بانک عملاً سرمایه گذاری و وام چندان به ایران اختصاص نمی دهد. در مورد سازمان جهانی تجارت نیز باید گفت ایران عضو این سازمان نیست هر چند می کوشد به عضویت آن درآید و در این زمینه تلاش هائی از جمله در جهت حذف سیاست های حمایتی باید انجام دهد و می دهد.

صرف نظر از سیاست خارجی خود دولت در زمینه تحریم ها، که اکنون ظاهراً در حال بازبینی آن هستند، باید گفت بسیاری از مقامات رسمی کشور تأیید می کنند که هرچند تحریم های خارجی نقش منفی در اقتصاد ایران داشته اند اما «مدیریت داخلی» نیز سهم بسزائی در این نابسامانی دارد. کارگران آگاه می دانند که این «مدیریت داخلی»، مدیریتی است که از جانب همان یک درصد یا کمتر از یک درصد جمعیت یعنی طبقه حاکم سرمایه دار یا بخشی از آن طبقه

اعمال شده است. تغییر این مدیریت داخلی کشور در حوزه همان یک درصد جمعیت است و ربطی به اکثریت عظیم جامعه ندارد. به عبارت دیگر کارگران به هیچ رو نباید دچار این توهم شوند که گویا «تغییر مدیریت کشور» - که البته در چارچوب حفظ کلیت این مدیریت است - به معنی تغییر و ارتقائی در وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طبقه کارگر در ایران و یا نوید بخش تحولی در این جهت است. این هم راز پوشیده ای نیست که طبقه کارگر به رغم آنکه طبقه اکثریت جامعه است هیچ نقشی در سیاست ندارد و از طرف طبقه حاکم به بازی گرفته نمی شود مگر برای اینکه در تولید، کار بیشتر برای مزد کمتر انجام دهد و در سیاست، نقش سیاهی لشکر را بازی کند!

خلاصه کلام اینکه کارگران با وضعیت اقتصادی بحرانی بی سابقه و با شرایط سیاسی حادی روبرو هستند. ما کارگران برای هستی خود و آینده خود و نسل های آینده، برای حل درست و پایدار بحران و سوق دادن جامعه به سمت پیشرفت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید دست به دست هم بدهیم و مشترکا چاره اندیشی کنیم. در یک کلام، کارگران و زحمتکشان باید تنها به نیروی مبارزه جمعی متحد خود پای بند باشند.

محورهای چاره اندیشی

شمار قابل توجهی از کارگران به این درک رسیده اند که برای دستیابی به خواست هایشان باید نه تنها به مسایل اقتصادی و اجتماعی بلکه به موضوعات سیاسی و فرهنگی نیز توجه کنند. زیرا کارگران و توده های زحمتکش تنها در شرایط تأمین حقوق سیاسی و شهروندی و در پرتو فرهنگی روشنگرانه و مترقی می توانند مبارزات خود را گسترش دهند و به خواست های اقتصادی و اجتماعی خود نیز به صورتی پایدار دست یابند. رویکرد کارگران به اقتصاد و سیاست و مبارزات آنها در این عرصه ها تنها هنگامی واقعا برای این طبقه ثمربخش خواهد بود که مبتنی بر استقلال سیاسی و تشکیلاتی خود کارگران و اتحاد آنان باشد، در غیر این صورت طبقات دیگر این تلاش ها را به سود خود مصادره خواهند کرد. در این راستا موارد زیر را که تا کنون به شکل های مختلف از سوی تشکل های کارگری مطرح شده است به عنوان چارچوبی برای بحث، چاره اندیشی و عمل به همه کارگران ارائه می دهیم با این امید که با هم اندیشی و همیاری به راهکارهای مشترکی برای دستیابی به خواست مشترک حداقل همه کارگران دست یابیم. روشن است که خواست های کارگران به موارد زیر محدود نمی شود و بسیاری از خواست های اقتصادی و دموکراتیک که در اینجا مجال بیان آنها نیست را دربر می گیرد که باید در این چاره اندیشی تعیین شوند.

- مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن ایجاد تشکل های مستقل کارگری، حق اعتصاب و اعتراض.
- مبارزه برای به رسمیت شناختن مذاکرات دسته جمعی با نمایندگان منتخب کارگران در تمام مسایل مربوط به مزد، مزایا، سازماندهی کار، رفت و آمد، تغذیه، استراحت، انتقال، جابجائی و غیره.
- مبارزه برای انعقاد قرارداد رسمی کار و حذف قراردادهای سفید امضا.
- تلاش برای برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی.
- مبارزه برای افزایش مزد حداقل براساس هزینه متوسط خانوار شهری اعلام شده توسط بانک مرکزی. این مزد حداقل پایه باید همه ساله دست کم به تناسب تورم و رشد بارآوری متوسط کار افزایش یابد.
- مبارزه برای تشکیل هیأت بازرسی کارگری منتخب کارگران برای نظارت بر شرایط کار، ایمنی، بهداشت و غیره.
- مبارزه با اخراج و بیکارسازی.

- مبارزه برای برقراری بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار و تازه واردان به بازار کار. پرداخت مستمری بیکاری مکفی به همه بیکاران تا زمان اشتغال.
- تعمیم بیمه های اجتماعی به همه مزدبگیران در تمام رشته های تولیدی و خدماتی.
- پشتیبانی از مبارزات دهقانان زحمتکش.
- مبارزه با جنگ های امپریالیستی و تجاوزگرانه و پشتیبانی از تلاش های عادلانه برای صلح.

وزیر کار در مراسم معارفه مدیرعامل و هیات مدیره شستا: صندلی شستا سهم آشنایان نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در مراسم معارفه مدیرعامل جدید و اعضای هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) که امروز (30 شهریور) در محل این مجموعه برگزار شد، گفت: قول می‌دهم به دنبال بهبود زندگی کارگران و بازنشستگان باشم.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی علی ربیعی با تاکید بر اینکه مجموعه مدیران جدید شستا پاکدست، پرکار و دلسوز هستند، افزود: شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی حیات خلوت هیچ کس نیست و هیات مدیره آن در قبال وظایفی که بر عهده دارند مسئول و پاسخگو هستند.

وزیرتعاون کار و رفاه اجتماعی با گرامیداشت هفته دفاع مقدس و یادآوری خاطرات رزمندگان دوران دفاع مقدس یادآور شد: جامعه باید در همه حال از مقام شامخ کسانی از گرانمایه‌ترین دارایی خود یعنی جان خود را در طبق اخلاص نهادند و برای سربلندی ایران اسلامی جان باختند تکريم و تجلیل کنند.

علی ربیعی با اشاره به سه راهبرد مهم در فعالیتهای شستا یادآور شد: شستا یک پدیده سیاسی نیست، بلکه یک بنگاه اقتصادی است و باید در حوزه بازار سرمایه، اقتصاد و فضای کسب و کار به فعالیت‌های خود ادامه دهد.

وزیرتعاون کار و رفاه اجتماعی راهبرد دوم را انتخاب مدیران غیرسیاسی و پاکدست عنوان کرد و با اشاره به اینکه بررسی دیدگاه‌ها و نقطه نظرات در مورد مدیران جدید سازمان تامین اجتماعی و شستا نشان می‌دهد که هیچ نکته‌ای در مورد آنان مطرح نیست افزود: این راهبرد باید در هولدینگ‌های شستا نیز چون غیرسیاسی بودن، پاکدستی، تخصص، دلسوزی، اعتقاد به رهبری و نظام و پایبندی به برنامه‌های دولت مدنظر قرار گیرد.

وی مدیران شستا را به دریافت نظرات مشاوره‌ای و کارشناسی دعوت کرد و با تاکید بر اتخاذ تصمیمات تخصصی برای ادامه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی یادآور شد: در شستا هیچ صندلی سهم آشنایی نیست و مدیران این مجموعه در انتصابات خود نباید تحت تاثیر هیچ گونه سفارش و توصیه مقام‌های سیاسی قرار گیرند.

وی راهبرد سوم را فعالیت مطابق با قانون برنامه ذکر کرد و افزود: نگاه شستا باید ملی باشد و با یک نگاه توسعه گرا در جهت تعاملات بین المللی گام بردارد و برای خود یک برنامه آرایش و ترکیب سبد سهام تدوین کند.

وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی توسعه منابع انسانی را از دیگر مولفه‌های مورد تاکید خود در شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی نام برد و افزود: باید این شرکت با نهادهایی نظیر بانک مرکزی، دستگاه‌های اجرایی و بورس تعاملات موثری داشته باشد و در جهت ارتقای سودآوری خود تلاش کند.

وی نظارت جدی بر فعالیتهای دستگاه‌های وابسته به وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی را از برنامه‌های اساسی خود عنوان کرد و مدیران مجموعه را به تلاش بیشتر برای ارائه خدمات به جامعه دعوت کرد.

در این مراسم؛ نوری بخش مدیرعامل تامین اجتماعی نیز با مهم دانستن وضعیت منابع و مصارف سازمان تامین اجتماعی و نقش شستا در تامین بخشی از نیازهای این سازمان یادآور شد: راهبردهای شستا در سازمان تعیین می‌شود و از این منظر گردش اطلاعات بین سازمان و شستا بسیار مهم است.

وی تحقق سودهای ناشی از سرمایه گذاری در قالب بودجه‌های سازمان تامین اجتماعی را مهم ارزیابی کرد و اظهار امیدواری نمود؛ با تلاش بیشتر سودهای ناشی از سرمایه گذاری محقق شود.

در این مراسم؛ احمد فیاض بخش مدیرعامل جدید شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی با تاکید بر برنامه محوری در ادامه فعالیت‌ها افزود: راهبرد اساسی در تامین اجتماعی بر مبنای منافع جامعه هدف تعیین می‌شود و باید براساس حاکمیت شرکتی، شایسته سالاری، شفافیت اطلاع رسانی، روابط با سرمایه‌گذاران و مسئولیت‌های اجتماعی را محور کار خود قرار دهیم. وی استفاده از بازار سرمایه را مورد تاکید قرار داد و افزود: حضور در بازار سرمایه علاوه بر شفافیت، موجبات تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی را نیز فراهم می‌سازد و ما باید در مقابل ذی نفعان خود نیز پاسخگو باشیم.

وی تشکیل اتاق‌های فکر، تعیین گروه مشاوران و استفاده از افراد خیره را به منظور تقویت نیروی انسانی از دیگر برنامه‌های خود عنوان کرد و گفت: استراتژیهای سرمایه گذاری باید بر اساس حرکت به سمت صنایع پربازده و خروج از صنایع کم بازده بازنگری سالانه شود. فیاض بخش در پایان استفاده از فناوری‌های روز را در شستا مورد تاکید قرار داد.

پایان پیام

عدم پرداخت حقوق ماه های تیر، مرداد و شهریور بازنشستگان ذوب آهن اصفهان!

به گزارش خبری ایمن، در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: ابراهیم دستمزد مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان، با اشاره به کسری ۳۰۰ میلیاردی صندوق فولاد کشور و تعویق ۳ ماهه حقوق بازنشستگان ذوب آهن اصفهان، اظهار داشت: امیدواریم مصوبه انتقال سهام ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به صندوق فولاد کشور هرچه سریع‌تر امضا و ابلاغ شود تا صندوق با اخذ سود سهام شرکت‌ها مستمری بازنشستگان را پرداخت کند.

وی انتقال سهام ۱۲ هزار میلیاردی به تامین اجتماعی غیرقانونی دانست و افزود: از حدود یک سال و نیم گذشته تاکنون وضعیت شرکت‌ها و سهام شرکت‌های در نظر گرفته شده برای جبران کسری صندوق فولاد نامشخص است، چرا که بر خلاف ماده ۵۹ قانون بودجه سهام این شرکت‌ها به سازمان تامین اجتماعی منتقل شده و این سازمان هیچ نظارتی بر روی شرکت‌های مورد نظر ندارد.

مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن استان اصفهان با اشاره به برگزاری جلسه‌ای با وزیر صنعت و معدن، تعاون و رفاه اجتماعی دولت دهم در ۱۸ خرداد سال جاری، گفت: در این نشست براساس تدوین صورت جلسه‌ای عملاً اموال صندوق بازنشستگان فولاد به وزارت تعاون انتقال یافت.

وی ادامه داد: بر همین اساس در بند دو این صورت جلسه؛ وزارت تعاون تعهد کرد که از تیر امسال مستمری بازنشستگان را به موقع پرداخت کند، اما این اقدام تاکنون اجرایی نشده است. دستمزد با اشاره به مخالفت احمدوند مدیرعامل سازمان خصوصی‌سازی در جلسه هیئت دولت با امضای انتقال سهام ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی به صندوق فولاد کشور با وجود مصوبه قانونی مجلس و ماده ۵۹ بودجه کل کشور، تاکید کرد: چندین نفر از آقایان مسئول هم با امضای این سهام مخالفند که از اعلام اسامی آنها خودداری می‌کنم و فقط تذکر می‌دهم با ادامه چنین روندی آنها را نیز به چالش می‌کشانم.

وی ادامه داد: این مسئولان دولتی برخلاف قانون سهام شرکت‌های در نظر گرفته شده برای جبران کسری صندوق فولاد کشور را به نام صندوق تامین اجتماعی کرده‌اند. مدیرعامل قانون بازنشستگان ذوب‌آهن استان اصفهان به بند ۱۱۳ قانون خدمات کشوری برای تجمیع صندوق‌ها اشاره کرد و بیان داشت: براساس این قانون مقرر شده بود طی ۶ سال گذشته سازمان تامین اجتماعی به ریاست رییس جمهور تشکیل شود که تاکنون اجرایی نشده است. وی اضافه کرد: با تشکیل سازمان تامین اجتماعی تمام صندوق‌های تجمیع زیر نظر این سازمان رفته و هر کدام مستقل به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

صبح امروز رخ داد: کارگر آرماتور بند بر اثر برق گرفتگی جان داد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: صبح امروز یک کارگر ساختمانی در حین کار بر اثر برق گرفتگی و سقوط از ارتفاع در شهر بانه جان خود را از دست داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «محمد حسین پناه» کارگر آرماتوربند در حین کار در طبقه چهارم یک ساختمان نیمه کاره دچار برق گرفتگی شد و بر اثر از سقوط از داربست جان خود را از دست داد. گفته می‌شود علت برق گرفتگی این کارگر رعایت نشدن حداقل فاصله ایمنی میان ساختمان و تیر چراغ برق بوده است، بطوری که فاصله میان داربست و سیم‌های عبوری برق کمتر از نیم متر برآورد می‌شود. گفته می‌شود کارگر متوفی در زمان حادثه ۱۷ سال سن داشته است.

پایان پیام

سرپرست دانشگاه آزاد: قبول شدگان دکتری که از تحصیل محروم شده‌اند، می‌توانند ثبت‌نام کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر آمده است: سرپرست جدید دانشگاه آزاد اسلامی روز شنبه در نخستین نشست خبری خود گفت که تمامی قبول‌شدگان مقطع دکتری که از تحصیل محروم شده‌اند، می‌توانند به شکل مشروط ثبت‌نام کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، حمید میرزاده که به تازگی جانشین فرهاد دانشجو شده است، گفت: «دانشجوی ستاره دار برای ما معنا ندارد و دلیل نمی‌شود فرزندان کشورمان با بهانه‌های سست و به علت فعالیت‌ها و گرایش‌های سیاسی که دارند از تحصیل محروم شوند.» وی درباره جزئیات «ثبت نام مشروط» توضیحی ارائه نکرد. میرزاده درباره علت برکناری فرهاد دانشجو از ریاست دانشگاه آزاد، به تغییر دولت و ضرورت همکاری دانشگاه آزاد با وزارت علوم اشاره کرد. فرهاد دانشجو که برادرش در دولت احمدی‌نژاد، وزارت علوم را به عهده داشت، دو سال پیش بعد از کشمکشی طولانی با هیات امنای دانشگاه آزاد به ریاست هاشمی رفسنجانی، به عنوان رئیس دانشگاه آزاد انتخاب شده بود.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی: کارفرمایان بدهکار با پرداخت اصل بدهی از جریمه معاف خواهند شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی بایان اینکه هم اکنون نسبت پرداخت هزینه‌های درمانی از جیب مردم

وسازمان های بیمه های اجتماعی که هم اکنون ۷۰ به ۳۰ است گفت: باید مطابق قانون برنامه پنجم توسعه نسبت این معادله معکوس و به ۳۰ به ۷۰ تغییر پیدا کند.

به گزارش ایلنا «تقی نوربخش» در برنامه نگاه ۲ شبکه دو سیما با اشاره به پرداخت مطالبات داروخانه ها و پاراکلینیک ها تا تیرماه سال جاری بیان کرد: باید به جایی برسیم که مستمری ها بر اساس تورم واقعی جامعه به بازنشستگان پرداخت شود.

وی با تاکید بر لزوم ارتقای ارزش دفترچه های بیمه تامین اجتماعی افزود: این افزایش اعتبار صفرو صدی نیست زیرا چالش ها در این حوزه زیاد است ولی قول می دهم مردم افزایش اعتبار دفترچه های بیمه شان را در سال جاری مشاهده کنند.

وی به رایگان شدن داروی بیماران خاص اشاره کرد و گفت: از ابتدای مردادماه سال جاری تمام داروهای این بیماران که در فارماکوپه دارویی کشور قرار داشته باشد به صورت رایگان در اختیار بیماران خاص و سرطانی قرار می گیرد. اگر دولت بدهی هایش را به طور مستمر نپردازد این مقام دولتی در خصوص سخنانی که درباره ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی توسط برخی از کارشناسان مطرح می شود، اظهارداشت: سازمان تامین اجتماعی به این دلیل که ۲۰ درصد حق بیمه ها را از کارفرمایان و ۷ درصد را از بیمه شده و تنها ۲ درصد را از دولت می گیرد هیچگاه ورشکسته نمی شود.

وی با اشاره به بدهی ۵۵ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی افزود: در عین حال باید به دغدغه و نگرانی کارشناسان بیمه توجه کرد زیرا اگر تعهد دولت در خصوص پرداخت سهم سه درصدی اش عملی نشود، مشکلات سازمان افزایش خواهد یافت و در درازمدت قادر به پاسخگویی به بیمه شدگان نخواهد بود. به گفته آقای نوربخش، بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی هیچگاه صفر شدنی نیست ولی در سال ۹۲ حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان تعهدات جدید به بیمه تکلیف شده است که اگر دولت بدهی هایش را به طور مستمر نپردازد برای سازمان مشکل ساز خواهد بود.

پایان پیام

عدم پرداخت پول برق، خاش را به خاموشی فرو برد!

به گزارش خبری عصرهامون، در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: به علت عدم پرداخت بموقع بدهی برق شهروندان خاش صبح امروز این شهرستان در خاموشی فرو رفت.

بنابراین گزارش، رئیس اداره برق شهرستان خاش در این باره گفت: برق شهرداری خاش تا لحظاتی دیگر وصل می گردد اما باید مسئولین امر تدابیری برای این مشکل بیاندیشند.

قدرت شهیکی اظهار داشت: قطعی برق شهرداری و روشنایی سطح شهر دلیل عدم پرداخت به موقع هزینه برق بوده است.

وی ادامه داد: چندین سال است که هزینه برق پرداخت نگردیده بود و اداره برق شهرستان تصمیم به قطع برق گرفت.

وی تصریح کرد: برق شهرداری خاش تا لحظاتی دیگر وصل می گردد اما باید مسئولین امر تدابیری برای این مشکل بیاندیشند.

این مسئول تاکید کرد: اداره برق یک شرکت خصوصی است و باید هزینه های جانبی خود را از طریق همین هزینه برق تامین کند ولی گاهی عدم پرداخت هزینه برق، اداره برق را مجبور به قطع برق می کند.

وی بیان کرد: از این پس طبق دستورالعمل آمده از وزارت نیرو، برق ساکنین و ادارت شهرستان در صورت عدم پرداخت هزینه برق قطع می گردد.

وی در پایان اظهار داشت: تا کنون بدهی هزینه برق شهروندان شهرستان خاش از حد معمول خود نیز فراتر رفته و باید این مشکل حل شود و شهروندان هزینه برق خود را پرداخت نمایند.

اخراج 160 کارگربافندگی پاکان طی یکسال گذشته!

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی از اخراج 160 کارگراز مجموع ۲۵۰ کارگر شاغل در بافندگی پاکان، طی یکسال گذشته خبر داد. برپایه این گزارش، از مجموع کارگران باقی مانده این واحد تولیدی، حدود ۴۸ کارگر آن در شرف بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور هستند. حق پرستی تصریح کرد: اگر دولت تسهیلات لازم را برای پرداخت حق سنوات و خرید مواد اولیه برای واحدهای نساجی و بافندگی فراهم نماید این واحدها می توانند مجدداً پویایی خود را به دست خواهد آورد. همچنین کارگران باقی مانده نساجی پاکان به سبب قرار دادی بودن شغلشان از امنیت شغلی برخوردار نمی باشند.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان خشکبار از تاثیر تحریمها بر کاهش صادرات خبر داد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: به گفته رئیس اتحادیه صادرکنندگان خشکبار، تاثیر تحریمها بر صدور این محصولات به حدی بوده که تقریباً به توقف آن منجر شده است. به گزارش ایلنا خبرگزاری کار ایران، محمد حسن شمس فرد گفت برخی کشتیها از حمل بار برای ایران خودداری می کنند و به همین دلیل صادرکنندگان برای حفظ روند صادرات به اروپا مجبورند اجناس خود را به دوبی ببرند تا در بارنامه آنها نام ایران نباشد. وی افزود افزایش قیمت خشکبار، عدم ثبات قیمت ارز و مشکلاتی که تحریمها به وجود آورده، صادرات خشکبار کشور را تقریباً نیمه متوقف کرده است. تحریمهای سازمان ملل و کشورهای غربی به دلیل خودداری ایران از توقف برنامه هسته ای، بر بسیاری از عرصه های دیگر اقتصادی از جمله سیستم بانکی و صادرات نفت جمهوری اسلامی تاثیر گذاشته است.

کارگران کوره پزخانه هابرای بازنشسته شدن 70 تا 80 سال باید کار کنند! سن کودکان کاردر آجرپزی ها به 6 سال رسیده است!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: کارگرانی هستند که با وجود تحمل مشقت ها و سختی های فراوان در مراحل انجام کار، اساساً دیده نمی شوند و صدایی از آنها به گوش نمی رسد. 30 هزار کوره آجرپزی، گروهی از محروم ترین کارگران کشور را در خود جای داده است. شاغلان این بخش با وجود مشقت های فراوان کار برای هر خشت تنها 27 تومان دریافت می کنند، نیمی از سال بیمه ندارند و برای بازنشسته شدن 70 تا 80 سال باید کار کنند. محرومیت باعث شده تا خانواده های این کارگران محروم نیز مجبور به اشتغال دسته جمعی باشند و سن کودکان کار در این شغل سخت و زیان آور به شدت کاهش یافته است. هزاران کارگر محروم امروز در نقاط مختلف کشور، روز خود را در کنار کوره های داغ آجرپزی می گذرانند و در اغلب موارد مجبور می شوند روزانه بین 10 تا 18 ساعت کار کنند. با وجود نقص ها و مسائل فراوان در اشتغال به این نوع کار در ایران، حضور چشمگیر کودکان در کنار کوره های آجرپزی خودنمایی می کند. 18 ساعت کار روزانه در کنار کوره داغ کارشناسان بازار کار می گویند سن کودکان شاغل در آجرپزی به 6 سال نیز رسیده و اغلب کودکان خانواده هایی که در این نوع کار اشتغال دارند، مجبور می شوند برای کمک به خانواده در

امرار معاش، در جریان آجریزی نقش داشته باشند. به عبارتی گروهی از کودکان مجبور می شوند در سنین بسیار پایین کار سخت و زیان آور آجریزی را تجربه کنند. یک کارگر آجرزی می گوید برای تحویل روزانه 3 هزار خشت یک خانوار 4 نفره مشغول می شوند که بتوانند 30 هزار تومان درآمد داشته باشند که آن هم اگر نتوانند به قرارداد روزانه خود عمل کنند، از مبلغ درآمدشان کسر خواهد شد! البته مدتی پیش اعلام شد دریافتی کارگران شاغل در این بخش برای هر 1000 خشت به 27 هزار تومان افزایش یافته است. یکی از مسائل و دغدغه های کارگران آجریزی، فصلی بودن این شغل است. آنها تنها در ماه های گرم سال می توانند در این حوزه فعالیت داشته باشند و در نیمه سرد سال امکان اشتغال به کار آجریزی وجود ندارد و یا دست کم کار در این بخش به صورت نیمه تعطیل در می آید. این مسئله باعث می شود تا افراد نتوانند از بیمه کامل نیز برخوردار باشند و بیشتر آنها نیمی از سال را بیمه و نیمی را بدون بیمه سپری می کنند.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی: کارفرمایان بدهکار با پرداخت اصل بدهی از جریمه معاف خواهند شد

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی بایان اینکه هم اکنون نسبت پرداخت هزینه های درمانی از جیب مردم و سازمان های بیمه های اجتماعی که هم اکنون ۷۰ به ۳۰ است گفت: باید مطابق قانون برنامه پنجم توسعه نسبت این معادله معکوس و به ۳۰ به ۷۰ تغییر پیدا کند. به گزارش ایلنا «تقی نوربخش» در برنامه نگاه ۲ شبکه دو سیما با اشاره به پرداخت مطالبات داروخانه ها و پاراکلینیک ها تا تیرماه سال جاری بیان کرد: باید به جایی برسیم که مستمری ها بر اساس تورم واقعی جامعه به بازنشستگان پرداخت شود. وی با تاکید بر لزوم ارتقای ارزش دفترچه های بیمه تامین اجتماعی افزود: این افزایش اعتبار صفر و صدی نیست زیراچالش ها در این حوزه زیاد است ولی قول می دهم مردم افزایش اعتبار دفترچه های بیمه شان را در سال جاری مشاهده کنند. وی به رایگان شدن داروی بیماران خاص اشاره کرد و گفت: از ابتدای مردادماه سال جاری تمام داروهای این بیماران که در فارماکوپه دارویی کشور قرار داشته باشد به صورت رایگان در اختیار بیماران خاص و سرطانی قرار می گیرد. اگر دولت بدهی هایش را به طور مستمر نپردازد این مقام دولتی در خصوص سخنانی که درباره ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی توسط برخی از کارشناسان مطرح می شود، اظهارداشت: سازمان تامین اجتماعی به این دلیل که ۲۰ درصد حق بیمه ها را از کارفرمایان و ۷ درصد را از بیمه شده و تنها ۳ درصد را از دولت می گیرد هیچگاه ورشکسته نمی شود. وی با اشاره به بدهی ۵۵ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی افزود: در عین حال باید به دغدغه و نگرانی کارشناسان بیمه توجه کرد زیرا اگر تعهد دولت در خصوص پرداخت سهم سه درصدی اش عملی نشود، مشکلات سازمان افزایش خواهد یافت و در درازمدت قادر به پاسخگویی به بیمه شدگان نخواهد بود. به گفته آقای نوربخش، بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی هیچگاه صفر شدنی نیست ولی در سال ۹۲ حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان تعهدات جدید به بیمه تکلیف شده است که اگر دولت بدهی هایش را به طور مستمر نپردازد برای سازمان مشکل ساز خواهد بود.

پایان پیام

قانون بازنشستگی در سن بازنشستگی...

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: تاریخ 22 آذر 1301 روز پیدایش نظام بازنشستگی در ایران است چرا که نخستین قانونگذاری در زمینه

تأمین اجتماعی کارکنان دولت در این سال و به منظور حمایت از کارکنان دولت و وراث آنان در برابر پیری و از کار افتادگی و فوت صورت گرفت؛ فصل چهارم این قانون استخدام کشوری حمایت از کارمند و اعضاء خانواده او در مقابل پیری، فوت و از کارافتادگی را هدف قرار داد و پرداخت حقوق بازنشستگی را منظور کرد.

پس از آن قوانین دیگری وضع شد که به موجب آنها حقوق بازنشستگی به عموم کارکنان لشگری و کشوری تعلق گرفت؛ در سال 1328 نیز اولین قانون کار به تصویب رسید و صندوقی به نام تعاون و بیمه کارگری تشکیل شد که به کارگران پیر و از کار افتاده حقوق پرداخت می کرد. بازنشستگی، یک حادثه مهم و تاثیرگذار در زندگی هر فرد به شمار می رود؛ دورانی گریز ناپذیر و شروعی جدید که فرد با تکیه بر تجربه سالیان دراز خود و بهره مندی از حمایت‌های پس از کار، یک زندگی سالم به دور از دغدغه و تنش و سرشار از آرامش را در کنار خانواده سپری می کند. با افزایش شمار بازنشستگان و سالمندان در کشورهای مختلف جهان، دولت‌ها و موسسات اجتماعی بزرگ به فکر رفاه دوران پیری کارکنان افتادند و با وضع قوانین و مقررات بیمه و بازنشستگی، زندگی و معاش زمان پیری و از کار افتادگی مستخدمین را در حد امکان تأمین کردند، در حال حاضر در تمام کشورها مجموعه قوانین و مقرراتی برای بازنشستگی وجود دارد و بازنشستگی به اشکال گوناگونی تعریف شده است که ایران نیز از آن مستثنا نیست اما پیش از تشریح انواع بازنشستگی در ایران و شرایط احراز آن باید دانست که بازنشستگی چیست و اساساً به چه کسی بازنشسته گفته می شود؟

"در واژه شناسی زبان فارسی، بازنشسته و بازنشستن به معنی بر کنار رفتن از کار و خدمت و گوشه‌گیری تعریف شده و بازنشسته به کسی گفته می‌شود که به علت کهولت سن و پیری، پس از مدتهای طولانی یا به علل دیگر از کار کنار برود و از حقوق بازنشستگی استفاده کند." بنا بر تعریف علمی، بازنشستگی در سازمانها و ادارات ترتیبی است که دولت به خدمت کارمندی که قانوناً از ادامه خدمت ناشی از کبر سن و طول مدت خدمت و سنوات عاجز فرض می شود، خاتمه می‌دهد و با رعایت خدمات گذشته و پایان حالت اشتغال، برای او مستمری مادام العمر مقرر می‌دارد؛ از این رو بازنشستگی به معنی توقف فعالیت‌های حرفه‌ای به علت ازدیاد سن است که این امکان را برای کارگر و کارمند فراهم می‌آورد تا از حقوق بازنشستگی استفاده کند. جایگاه بازنشستگی در قوانین ایران

تأمین اجتماعی یکی از وظایف اصلی دولتهاست و بر اساس اهمیت ویژه‌ای که این وظیفه در نظم عمومی جامعه و پایداری آن دارد تلاش می‌شود تا اتخاذ سیاستها و استراتژی‌ها در راستای حمایت از نظام تأمین اجتماعی صورت پذیرد؛ بند 15 ماده 2 قانون تأمین اجتماعی، بازنشستگی را عدم اشتغال بیمه شده به سبب رسیدن به سن بازنشستگی تعریف می‌کند. ماده 76 قانون تأمین اجتماعی می‌گوید: مشمولان این قانون در صورت شرایطی از جمله داشتن سن 60 سال تمام برای مرد و 55 سال برای زن حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت.

مطابق با تبصره یک این ماده، مردان با 50 سال سن و زنان با 45 سال سن به شرط داشتن 30 سال سابقه تمام و پرداخت حق بیمه مربوطه به سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند تقاضای بازنشستگی کنند.

به استناد ماده 78 قانون تأمین اجتماعی نیز کارفرما می‌تواند بازنشستگی بیمه‌شدگانی را که حداقل 5 سال پس از رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون به کار خود ادامه داده‌اند، از سازمان تقاضا کند.

بر اساس توصیه تأمین درآمد سازمان بین المللی کار در سال 1944، سن استحقاق دریافت حقوق بازنشستگی تعیین شده و این ضرورت به تناسب سن بازنشستگی و استحقاق حقوق بازنشستگی مقرر شده است، در این دستور آمده است: کسانی که به علل بروز بیماری، از کار افتادگی و بیکاری دائمی قادر به انجام کار مفید نیستند، مستحق بازنشستگی خواهند بود البته

کارگران پیر در حرفه‌های مستقل از قبیل دهقانان، صنعتگران و پیشه‌وران می‌توانند کارهایشان را به سهولت با وضع خود وفق داده و از آن بر طبق نیروی خود بکاهند. سازمانهای حمایتگر بازنشستگی

سازمان بازنشستگی کشوری: از سازمان‌های دولتی ایران است که وظیفه خدمت‌رسانی به بازنشستگان دولتی را بر عهده دارد. این سازمان زیر نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اداره می‌شود و اداره امور بازنشستگی و از کار افتادگی، اجرای قوانین و مقررات مربوط به بازنشستگی و اجرای مصوبات شورای سازمان بازنشستگی کشوری نمونه‌هایی از مسئولیت‌های این سازمان به شمار می‌رود.

سازمان تامین اجتماعی: یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است و وظیفه این سازمان پوشش اجباری بیمه کارگران مزد بگیر و پوشش اختیاری صاحبان حرفه و مشاغل آزاد است. تعهدات این سازمان برابر استانداردهای تعیین شده به وسیله سازمان بین‌المللی کار و سازمان بین‌المللی تامین اجتماعی تنظیم شده است و مهمترین تعهدات و خدمات این سازمان پرداخت مستمری بازنشستگی، مستمری از کار افتادگی و مقرری بیمه بیکاری است. شرایط بهره مندی از مستمری بازنشستگی

محاسبه حقوق بازنشستگی در تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری به یک شکل انجام می‌گیرد و مشمولین قانون استخدام کشوری و مشترکین صندوق بازنشستگی کشوری در صورت داشتن شرایطی، حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت. شرایط مذکور به این شرح است:

داشتن حداقل 60 سال سن با هر قدر سابقه خدمت با درخواست مستخدم (بر اساس بند الف ماده 74 قانون استخدام کشوری)، دارا بودن 65 سال سن با هر قدر سابقه خدمت از سوی دستگاه به غیر از شاغلین مشاغل تخصصی (به استناد ماده 77 قانون استخدام کشوری)، دارا بودن 65 سال سن با هر قدر سابقه خدمت در مشاغل تخصصی در صورت درخواست و موافقت دستگاه متبوع (به استناد ماده 10 قانون اصلاح مقررات مصوب 1368/12/13)، مستخدمین مرد دارای 50 سال سن و 25 سال سابقه خدمت مشروط به درخواست مستخدم و موافقت دستگاه ذیربط (بر اساس بند الف تبصره یک ماده 2 قانون اصلاح مقررات مصوب 1368/12/13)، مستخدمین زن با حداقل 20 سال سابقه خدمت با درخواست مستخدم و موافقت دستگاه ذیربط (به موجب بند ب تبصره یک ماده 2 قانون اصلاح مقررات بازنشستگی مصوب 1368/12/13 و قانون اصلاح بند ب تبصره 1 ماده 2 قانون اصلاح مقررات بازنشستگی).

مستخدمین دارای 30 سال خدمت توسط دستگاه مربوطه (بر اساس ماده 2 قانون اصلاح مقررات بازنشستگی مصوب 1368/12/13)، جانبازان انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، معلولین و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور (حسب قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب 1367/09/01)، مستخدمینی که به استناد احکام قطعی هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری با تقلیل یک یا دو گروه بازنشسته می‌شوند (به موجب بند ط ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372/09/07).

شرایط بازنشستگی مشمولان تامین اجتماعی

پرداخت انواع مستمری و تامین شرایط مناسب برای زندگی بیمه‌شدگان به هنگام بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگی یکی از کارکردهای نظام تامین اجتماعی به شمار می‌رود و این سازمان به عنوان محوری‌ترین بخش نظام تامین اجتماعی کشور در قبال دریافت حق بیمه از بیمه‌شدگان در دوران اشتغال آنان، مسئولیت پرداخت انواع مستمری در دوران بازنشستگی و از کارافتادگی را بر عهده دارد، هم اکنون بیشترین تعداد مستمری‌بگیران زیر پوشش تامین اجتماعی را بازنشستگان تشکیل می‌دهند که علاوه بر دریافت مستمری، از پرداخت عیدی، حق اولاد، حق عائله‌مندی و بن نقدی که سازمان تامین اجتماعی برای بهبود شرایط زندگی بازنشستگان در نظر گرفته استفاده می‌کنند.

کلیه بیمه‌شدگان مرد یا زن که حداقل 30 سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند در صورتی که سن مردان 50 و سن زنان 45 سال باشد، می‌توانند تقاضای بازنشستگی کنند، البته طبق قانون، بیمه‌شدگانی که دارای 35 سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه باشند، می‌توانند بدون در نظر گرفتن شرط سنی مقرر در قانون درخواست بازنشستگی کنند؛ زنان کارگر نیز با داشتن 20 سال سابقه کار و 42 سال سن به شرط پرداخت حق بیمه در طول مدت اشتغال می‌توانند با 20 روز حقوق بازنشسته شوند.

انواع بازنشستگی و شرایط احراز آن

در مجموعه قوانین و مقررات امور بازنشستگی ایران، اشکال متفاوتی برای بازنشستگی پیش بینی شده است که از جمله آنها می‌توان به بازنشستگی توافقی، اختیاری، قهری، اجباری، پیش از موعد، متوفی و از کارافتادگی اشاره کرد.

بازنشستگی توافقی

بر اساس تبصره یک و بند ب ماده 103 قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 1386/07/08 مجلس شورای اسلامی، دستگاه اجرایی می‌تواند مستخدمینی را که دارای 60 سال سن و 25 سال سابقه خدمت باشند با 25 روز حقوق بازنشسته کند، شرط سنی برای زنان منظور نمی‌شود. ضمناً سابقه خدمت در بند الف و همچنین شرط سنی در بند ب برای متصدیان مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر است.

بازنشستگی اختیاری

بر اساس بند الف ماده 103 قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 1386/07/08 مجلس شورای اسلامی، دستگاه اجرایی می‌تواند برای مشاغل غیرتخصصی مستخدمین دارای حداقل 30 سال سابقه خدمت، برای مشاغل تخصصی مستخدمین با 35 سال سابقه خدمت با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر و جانبازان دارای مدرک کارشناسی با درخواست مستخدم برای سنوات بالاتر از 30 سال را بازنشسته کند.

بازنشستگی قهری

مطابق بند ط ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372/09/06 مجلس شورای اسلامی، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌توانند مستخدم مرد متخلف را در صورت داشتن 25 سال سابقه خدمت و مستخدم زن را با دارا بودن 20 سال سابقه خدمت با تقلیل یک یا دو گروه بازنشسته کنند و طبعاً در این مورد بازنشستگی از اختیارات مستخدم یا دستگاه خارج است.

بازنشستگی اجباری

به موجب تبصره 2 ماده 103 قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 1386/07/08 مجلس شورای اسلامی، دستگاه‌های اجرایی مکلفند کارمندانی که دارای 30 سال سابقه خدمت برای مشاغل غیرتخصصی و 60 سال سن و کارمندانی که دارای 35 سال سابقه خدمت برای مشاغل تخصصی و 65 سال سن هستند را مستقیماً و بدون تقاضای کارمندان بازنشسته کنند. مطابق تبصره 3 همین ماده، دستگاه‌های اجرایی موظفند کارمندانی که دارای 65 سال سن و حداقل 25 سال سابقه خدمت باشند را با 25 روز حقوق بازنشسته کنند.

سقف سنی برای متصدیان مشاغل تخصصی هفتاد سال است. کارمندان تخصصی فوق‌الذکر که سابقه خدمت آنها کمتر از 25 سال است، در صورتی که بیش از 20 سال سابقه خدمت داشته باشند می‌توانند تا رسیدن به 25 سال سابقه ادامه خدمت دهند در غیر این صورت بازخرید می‌شوند.

بازنشستگی پیش از موعد (با سنوات ارفاقی)

به موجب ماده 2 قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب 1386/5/6 مجلس شورای اسلامی، کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در صورت دارا بودن حداقل 25 سال سابقه خدمت قابل قبول بدون رعایت شرط سنی می‌توانند با ارائه درخواست کتبی مبنی بر بازنشستگی پیش از موعد و موافقت دستگاه متبوع از حداکثر پنج

سال سنوات ارفاقی تا سقف 30 سال بازنشسته شوند؛ همچنین بر اساس تبصره یک همین ماده، بانوان شاغل که فاقد شرط سابقه خدمت مقرر در ماده 2 این قانون هستند به شرط داشتن حداقل 20 سال سنوات قابل قبول می‌توانند با ارائه درخواست کتبی و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج سال سنوات ارفاقی بازنشسته شوند.

بازنشستگی پیش از موعد (بدون سنوات ارفاقی)

بر اساس ماده 121 قانون بودجه سال 92 کشور، بازنشستگی پیش از موعد کلیه مشمولین قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت و قانون تمدید آن با موافقت بالاترین مقام اجرایی دستگاه و بدون سنوات ارفاقی مجاز است و دستگاه های اجرایی مجازند کارکنان مرد را با داشتن حداقل 25 سال سابقه خدمت با 25 روز حقوق و کارکنان زن را با داشتن حداقل 20 سال سابقه خدمت با 20 روز حقوق بدون شرط سنی و سنوات ارفاقی با درخواست کتبی مبنی بر بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته کنند.

بازنشستگی ناشی از فوت عادی

به استناد ماده 81 قانون استخدام کشوری هرگاه مستخدم رسمی دولت فوت شود خواه به حد بازنشستگی رسیده یا نرسیده باشد از تاریخ فوت بازنشسته محسوب شده و یک روز بعد از تاریخ فوت برای وراث قانونی وی حقوق برقرار خواهد شد.

بازنشسته متوفی

به استناد ماده 82 قانون استخدام کشوری هرگاه بازنشسته فوت شود، یک روز بعد از فوت برای وراث واجد شرایط وی حقوق وظیفه برقرار خواهد شد.

بازنشستگی ناشی از فوت به سبب انجام وظیفه: به استناد ماده 83 قانون استخدام کشوری هرگاه مستخدم رسمی به سبب انجام وظیفه و یا در حین مأموریت اداری فوت شود تمامی آخرین حقوق و مزایا و فوق العاده‌هایی که از بابت آن کسور بازنشستگی کسر شده است با رعایت افزایش دو گروه (حداکثر با احتساب گروه تشویقی) به عنوان حقوق وظیفه به وراث قانونی وی پرداخت خواهد شد.

اگر چه عده‌ای دوران بازنشستگی را دورانی سرشار از کسالت و افسردگی و احساس بی حاصلی و بیهودگی می‌پندارند ولی درحقیقت دوران بازنشستگی دورانی است که فرد می‌تواند بدون مشغله و دغدغه کار به آنچه علاقمند است پردازد و اوقات فراغت خود را با نشاط بیشتری در کنار اعضای خانواده یا دوستان سپری کند؛ در این بین آنچه بیش از هر چیز مهم است توجه به نیازهای مادی و معنوی و فراهم کردن امکاناتی برای گذران اوقات فراغت بازنشستگان است که طبعاً توجه دولت و سازمانهای حمایتگر به رفاه و تأمین اجتماعی و تأمین حداقل‌های زندگی در دوران پیری و از کارافتادگی کارکنان یکی از اقدامات مهمی است که افراد شاغل را بدون نگرانی از نبود امنیت اقتصادی و تأمین معاش در دوران بازنشستگی به ادامه کار و زندگی تشویق می‌کند.

قدمت قانون بازنشستگی ایران به سال 1301 برمیگردد و به نظر می‌رسد که سن این قانون از سن تعریف شده بازنشستگی در ایران فراتر رفته باشد که بر این اساس به جهت برخورداری هر چه بیشتر کارکنان و کارگران از مزایای بازنشستگی و افزایش رفاه حال بازنشستگان کشور، ضرورت اجماع و اهتمام دست اندرکاران و متولیان اجرایی و تقنینی کشور را برای تدوین و تصویب قوانین جدید یا بازبینی و اعمال پاره‌ای اصلاحات در قوانین مرتبط بازنشستگی می‌طلبد. دوران بازنشستگی، دورانی است که انسان پس از یک عمر کار و تلاش خستگی‌ناپذیر به استراحت می‌پردازد اما این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که فرد بازنشسته در آرامش و آسایش زندگی کند و دیگر نگران حقوق و مزایای متناسب با تورم و افزایش هزینه‌های درمان و زندگی خود نباشد.

**گزارش «قانون» از اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها
مواد غذایی بین 2 تا 4 برابر گران شد**

به نوشته روزنامه قانون / گروه اقتصادی در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است : سناد ویژه دولت، تاثیر فاز اول هدفمندی یارانه‌ها را بررسی می‌کند. به گزارش خبرنگار قانون، مقرر است این ستاد تاثیر اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار دهد و پس از آن در خصوص چگونگی اجرای فاز دوم هدفمندی تصمیم‌گیری لازم صورت گیرد.

دو ماه یارانه چه شد؟

هر چند از زمان اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها یعنی از 28 آذر ماه سال 1389 تا پایان شهریور ماه سال 1392، سی و سه ماه سپری شده است اما تا کنون 31 مرحله یارانه نقدی به حساب سرپرستان خانوار واریز شده است که از مجموع این سی و یک مرحله، 29 مرحله واریز در دولت محمود احمدی‌نژاد و دو مرحله واریز در دولت حسن روحانی صورت گرفته است. بر اساس این گزارش در اوایل اجرای هدفمندی یارانه‌ها پرداخت‌های نقدی در ابتدای هر ماه صورت می‌گرفت. کم‌کم زمان واریز یارانه‌ها به میانه هر ماه و سپس به اواخر هر ماه موکول شد. با احتساب ماه‌های سپری شده از زمان اجرای هدفمندی تا کنون، دولت محمود احمدی‌نژاد در حالی کلید پاستور را به ساکنان جدید تحویل داد که دو ماه یارانه نقدی به هر ایرانی بدهکار بود. 28 آذرماه سال 1389، محمود احمدی‌نژاد در برنامه‌ای تلویزیونی آغاز اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها را اعلام کرد.

هر ایرانی چقدر یارانه گرفت؟

در قالب فاز اول هدفمندی یارانه‌ها، 74 میلیون ایرانی هر ماه یارانه نقدی دریافت کردند. با احتساب عیدانه واریزی در اسفند ماه سال گذشته تا کنون در این قالب بیش از 113 هزار میلیارد تومان اعتبار توزیع شده است. به این ترتیب سهم هر ایرانی از مجموع یارانه‌ها توزیع شده چیزی در حدود یک میلیون و 523 هزار تومان بوده است. هر چند ایرانی‌ها در قالب فاز اول اجرای هدفمندی یارانه‌ها بیش از یک و نیم میلیون تومان به ازای هر نفر از دولت دریافت کردند اما با این حال افزایش قابل توجه نرخ تورم سبب شد وضعیت معیشتی خانوارها با مشکلات فراوانی روبه‌رو شود و سفره خانوار در ایران آب برود. دولت دهم در آخرین ماه‌های حضور در قدرت، خواستار تعجیل در اجرای فاز دوم هدفمندی بود. اصرار دولت در اجرای دومین مرحله هدفمندی آن قدر بود که مجلس با صدور مصوبه‌ای اجرای فاز دوم را ممنوع اعلام کرد. به این ترتیب یارانه‌ها میراثی برای دولت یازدهم شد تا نسبت به چگونگی تداوم آن تصمیم‌گیری صورت گیرد.

یارانه‌ها طرحی برای تمامی فصول

مسئله یارانه‌ها و چگونگی تداوم اجرای طرح آن، آن قدر اهمیت داشت که حتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری، این مسئله به یکی از مباحث اصلی بحث‌ها در جریان مناظره‌ها تبدیل شد. تمامی کاندیداهای حاضر در عرصه رقابت بر مسئله تداوم اجرای طرح تاکید داشتند اما همگی بر ضرورت مطالعه نتایج و اتخاذ تصمیم در مورد آن تاکید کردند. به نظر می‌رسد دولت یازدهم با تشکیل ستاد ویژه‌ای که قرار است به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزیران کشور، صنعت، معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، امور اقتصادی و دارایی، نفت، نیرو، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و اطلاعات، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان هدفمندی یارانه‌ها در سال 1393 را برداشته است. پیش از این محمداقبر نوبخت، سخنگوی دولت بر تغییرکردن شرایط اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها تا پایان سال 1392 تاکید کرده بود.

ثمره فاز اول چه بود؟

وقتی وزیر نیرو در برنامه‌ای تلویزیونی از بحران صنعت نفت و کمبود نقدینگی سخن گفت، در پاسخ به این پرسش که ثمره اجرای این طرح برای وزارت نیرو چه بود، گفت: هیچ. وی تاکید کرده است میزان افزایشی که در قیمت حامل‌های انرژی صورت گرفت به‌ویژه در حوزه برق و آب کافی نبود به گونه‌ای که قیمت متوسط از 17 تومان به 43 تومان افزایش یافت اما از این مبلغ 166

ریال را باید به سازمان هدفمندی یارانه‌ها برمی‌گردانیم. بنابراین نرخ دریافتی 264 ریال می‌شد اما در عوض بسیاری از هزینه‌های ما افزایش پیدا کرد. از سوی دیگر در بخش وصول مطالبات مشکل داشتیم بنابراین آنچه که اکنون به دست صنعت می‌رسد به ازای هر کیلووات ساعت حدود 200 ریال است در حالی که هزینه‌هایمان بیش از دو برابر شده است. لذا اجرای این قانون برای خدمات آب و برق باعث افزایش سرمایه مالی نبوده است.

این در حالی است که محمدرضا فرزین، دبیر سابق ستاد هدفمندی یارانه‌ها با ارائه گزارشی از دوسال اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌گوید: دو هدف مدیریت مصرف انرژی و تحقق عدالت که با اجرای این قانون به دنبال آن بودیم محقق شده است به طوری که وضعیت رفاه خانوارهای روستایی و شهری بهبود یافته است و در بین خانوارهای شهری تنها یک دهک از اجرای قانون متضرر شده‌اند. دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها همچنین تورم موجود را با اجرای قانون هدفمندی مرتبط نمی‌داند و معتقد است هدفمندی در نهایت آثار تورمی خود را تا پایان دی ماه 1390 در اقتصاد کشور تخلیه کرده است. این در حالی است که رشد تورم در سال‌های 1391 و حتی نیمه اول سال 1392 بیش از سال‌های قبل آن بوده است. نرخ تورم در هشت سال اخیر در جدول شماره یک منتشر شده است. بانک مرکزی در حالی نرخ تورم سال گذشته را 30.5 درصد اعلام کرده است که آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار بر رسیدن نرخ تورم به 33 درصد دلالت دارد. نرخ تورم سال‌های 1384 تا 1391 رسماً از سوی بانک مرکزی اعلام شده است. با این حال برخی معتقدند نرخ تورم در جامعه بسیاری بیش از آمارهای رسمی است. بررسی قیمت خرده‌فروشی اقلام در شهرها بر اساس گزارش بانک مرکزی در اولین هفته اجرای قانون هدفمندی و آخرین هفته گزارش شده توسط بانک مرکزی در شهریور ماه سال 1392 نشان از تغییر فراوان قیمت‌ها دارد. بر این اساس بهای مواد غذایی در این 33 ماه افزایش چشمگیری را تجربه کرده است و قیمت‌ها بین 2 تا 4 برابر افزایش یافته‌اند.

تولید چیزی نگرفت

در حالی که در قانون هدفمندی یارانه‌ها مقرر بود که سهمی برای تولید و سهمی برای بهداشت و درمان در نظر گرفته شود، اما متأسفانه تنها توزیع نقدی یارانه‌ها در فاز اول اجرایی شد و تولید و بهداشت و درمان سهمی دریافت نکرد. همین امر موجب بروز مشکلات متعددی برای بخش تولید و صنعت کشور شد.

رزمه‌هایی برای تغییر

در حالی که ستاد ویژه بررسی نتایج اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها به تازگی کار خود را آغاز کرده است اما از سوی مقامات دولتی پیشنهادهایی برای تغییر شکل اجرای هدفمندی ارائه شده است. وزیر صنعت، معدن و تجارت پیش از این در مراسم تودیع و معارفه خود اعلام کرد ممکن است از سال آینده بتوانیم به پرداخت نقدی یارانه کالاهای اساسی روی بیاوریم یا به نحو دیگر عمل کنیم.

کارگاه ساختمانی مجتمع تجاری آرمان مشهد دچار حریق شد / ۵۰۰ کارگر در این مجتمع در حال کار بوده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است: صبح امروز شنبه ۳۰ شهریور ماه کارگاه ساختمانی مجتمع تجاری آرمان مشهد واقع در خیابان نواب صفوی هنگامی که کارگران در آن مشغول به کار بودند دچار حریق شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از مشهد، این مجتمع بطور حدودی یک کیلومتری از حرم مطهر رضوی (ع) فاصله دارد و به گفته حاضران در صحنه در زمان حادثه بالغ بر ۵۰۰ کارگر در این مجتمع در حال کار بوده‌اند.

این آتش سوزی از ساعت 10 و 30 دقیقه صبح امروز آغاز شد و با حضور گسترده آتش نشانان تا ساعت یک عملیات اطفاء حریق ادامه داش است .

این آتش سوزی از انبار وسایل کارگاه ساختمانی که دارای لوازمی همچون چسب، تینر و... شروع شد و به دیگر قسمت های این کارگاه ساختمانی سرایت کرد.

هم اکنون عملیات کاوش توسط نیروهای آتش نشانی آغاز شده و آماری از تعداد مجروحان احتمالی در دست نیست.

کارگر آرماتور بند 17 ساله بر اثر برق گرفتگی جان داد!

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 شهریور آمده است :صبح امروز یک کارگر ساختمانی در حین کار بر اثر برق گرفتگی و سقوط از ارتفاع در شهر بانه جان خود را از دست داد. براساس این گزارش، «محمد حسین پناه» کارگر آرماتوربند در حین کار در طبقه چهارم یک ساختمان نیمه کاره دچار برق گرفتگی شد و بر اثر از سقوط از داریست جان خود را از دست داد. گفته می شود علت برق گرفتگی این کارگر رعایت نشدن حداقل فاصله ایمنی میان ساختمان و تیر چراغ برق بوده است، بطوری که فاصله میان داریست و سیم های عبوری برق کمتر از نیم متر برآورد می شود.

گفته می شود کارگر متوفی در زمان حادثه ۱۷ سال سن داشته است.

پیام علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

به تمام کارگران کشور

به منظور چاره یابی در اوضاع کنونی

31 شهریور 1392

کارگران:

اکنون وخامت اوضاع اقتصادی کشور به حدی رسیده است که حتی مسئولان دولتی و نمایندگان بخش خصوصی، بسیاری از دست اندرکاران قبلی و آنهایی که کرسی های حکومت را تصاحب کرده اند همگی از اقتصاد ورشکسته و از هم گسیخته حرف می زنند، چنانکه گوئی از سیل یا زلزله سخن می گویند و گویا در ایجاد این وضعیت هیچ نقشی نداشته و صرفا تماشاگر بوده اند!

افت شدید تولید در صنایع نفت (کاهش صادرات به کمتر از یک سوم، کاهش فعالیت و تأخیر در اجرای پروژه های نفت و گاز و غیره)، سقوط تولید در صنایع خودرو سازی و فعالیت های پیرامونی آن (کاهش سطح تولید خودرو به حدود یک سوم سال پیش، بیکار شدن 123000 کارگر صنایع قطعه سازی و غیره)، بیکار سازی در صنایع فولاد و ذوب فلز، بیکاری بیش از یک میلیون کارگر در پروژه های عمرانی طی دو سال اخیر (براساس اظهارات کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی)، کاهش فعالیت های ساختمانی، کاهش تولید صنایع غذایی، وضع فاجعه بار کشاورزی، ورشکستگی شمار زیادی از بنگاه ها و بسته شدن کارخانه ها و کارگاه ها، افزایش سرسام آور بدهی های پرداخت نشده بنگاه ها و اشخاص به بانک ها و غیره تنها بیانگر جزئی از اقتصاد نابسامان کشور است.

فشار اصلی این نابسامانی بر دوش کارگران است، زیرا کارگران بزرگترین طبقه اجتماعی کشور و بزرگترین مولد ثروت در جامعه اند. با این حال مزد اکثریت قریب به اتفاق کارگران کمتر از نصف یا

ثلث خط فقر است و این تازه هنگامی است که کاری داشته باشند یا اگر کار دارند مزدشان به موقع پرداخت شود و ماه ها و ماه ها به تعویق نیافتد! وضع میلیون ها بیکار که هر سال به گفته رئیس جمهور جدید بیش از یک میلیون جویای کار به صفوف آنها افزوده می شود و اکثریت قریب به اتفاق آنها مستمرا بیکاری یا کمک دیگری دریافت نمی کنند، از کارگران شاغل به مراتب بدتر است. وجود میلیون ها کودک کار محروم از تحصیل و شرایط عادی رشد جسمی و فکری که در معرض استثمار شدید و انواع خطرات و بیماری ها قرار دارند راز پنهانی نیست. همان طور که کسی نمی تواند منکر وجود 4 میلیون معتاد (طبق مصاحبه محمود سریع القلم با آفتاب، 6 مرداد 1392) و شمار روز افزون گدایان یا تهی دستانی شود که هر روزه کنار در سازمان ها و بنیادها یا مساجد و کوچه ها و خیابان ها برای دریافت کمک یا خواروباری به منظور سیر کردن شکم خود و خانواده شان صف می کشند.

تورم بالای 40 درصد و آمارها و اطلاعات بدتر از اینها هر روز در رسانه های رسمی قابل خواندن، دیدن یا شنیدن است. بیان اینها برخلاف گفته های مقامات عالی کشور، سیاه نمایی نیست، اینها تنها نشانگر و شاخصی از واقعیات جامعه اند! البته در این واقعیت، بخش «سفید» و «رنگین» هم هست که به نمونه هائی از آن اشاره می کنیم:

در همین وضعیت رکود اقتصادی و تورم شدید و کم سابقه، به نحوی باور نکردنی شاهد دو و نیم برابر شدن شاخص بورس سهام در طول یک سال گذشته هستیم. این شاخص بیانگر قیمت متوسط سهام عرضه شده بنگاه ها در بورس است. شاخص بورس سهام از 24000 واحد در اول مرداد 1391 به بالای 60000 واحد در شهریور ماه 1392 رسیده یعنی دارائی سهامداران شرکت های ثبت شده در بورس در طول یکسال بیش از 2.5 برابر شده است که بیانگر افزایشی بیش از 150% در سال است. و این علاوه بر سود تقسیم شده ای است که سهامداران هر سال دریافت می کنند. حتی اگر کسی شاخص بورس و تغییرات آن را نشناسد به هر حال شاهد ساختن شدن ویلاها، کاخ های مجلل و آسمان خراش ها، هتل ها و تفریح گاه های افسانه های در کنار دریا و نقاط خوش آب و هوا، جولان خودروهای سوپر لوکس در خیابان ها، کشتی ها و قایق های تفریحی، هواپیماهای شخصی، حساب های بانکی میلیاردی در بانک های داخل و خارج و غیره و غیره هست که به اقلیتی انگشت شمار تعلق دارند. یعنی در کنار فقر سیاه، گرسنگی، بیکاری، بیماری، بی آیندگی میلیون ها و میلیون ها نفر شاهد افزایش ثروت میلیاردی اقلیتی یک درصدی یا کمتر، چه در شرایط رونق و چه در شرایط رکود اقتصادی، هستیم.

کمتر کسی می پرسد این ثروت های افسانه ای از کجا می آیند و علت این اختلاف شدید در سطح ثروت و درآمد چیست؟ بسیاری از نویسندگان و روشنفکران و حتی برخی از فعالان کارگری از جمعیت یک درصدی آمریکا که 99 درصد مردم آن کشور و بسیاری از کارگران و زحمتکشان جهان را استثمار می کنند و بر آنها ستم روا می دارند حرف می زنند که سخن درستی است. اما اینها در مورد یک درصد یا کمتر از یک درصدی که در ایران همان نقش را دارند ساکت اند! وقتی که حرف از فقر و بیکاری و بی حقوقی کارگران و نابسامانی وضع اقتصاد زده می شود یا انگشت اتهام را به سوی نهادهای جهانی سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و غیره متوجه می کنند یا بحث تحریم ها را به پیش می کشند. درست است که صندوق بین المللی پول سیاست های اقتصادی ای را مورد تشویق و حمایت قرار می دهد که در جهت آزاد کردن قیمت ها، حذف یا کاهش یا «هدفمند کردن» یارانه ها، آزادی اخراج کارگران، حذف مزد حداقل و حتی حذف محدودیت قانونی ساعات کار هفتگی و اضافه کاری، حذف کمک های اجتماعی، کاهش بودجه های مربوط به آموزش و بهداشت عمومی، افزایش سال های کار برای بازنشستگی و غیره یا در یک کلام سیاست های نئولیبرالی باشند، اما صندوق بین المللی پول در همه جا و در همه شرایط توان تحمیل این سیاست ها را ندارد. یک عامل مهم تحمیل این سیاست ها وام خارجی بالای یک کشور و یا ناتوانی آن در انجام تعهدات

مالی بین المللی است که در مورد ایران هیچ کدام از این دو شرط برقرار نیست: ایران وام خارجی زیادی (در مقایسه با کشورهای مشابه) ندارد و برخلاف یونان، پرتغال، اسپانیا و غیره در پرداخت تعهدات خارجی دچار مشکلی نیست. یدین سیان اگر در ایران سیاست های نئولیبرالی اعمال می شود اساسا نه به خاطر تحمیل سیاست های پولی و اقتصادی از سوی صندوق بین المللی پول بلکه ناشی از سیاست طبقه سرمایه دار ایران است. در مورد بانک جهانی نیز باید گفت که روابط این بانک مدت هاست که با ایران به حداقل رسیده و این بانک عملا سرمایه گذاری و وام چندانی به ایران اختصاص نمی دهد. در مورد سازمان جهانی تجارت نیز باید گفت که ایران عضو این سازمان نیست هر چند می کوشد به عضویت آن درآید و در این زمینه تلاش هائی از جمله در جهت حذف سیاست های حمایتی باید انجام دهد و می دهد.

صرف نظر از سیاست خارجی خود دولت در زمینه تحریم ها، که اکنون ظاهرا در حال بازبینی آن هستند، باید گفت بسیاری از مقامات رسمی کشور تأیید می کنند که هرچند تحریم های خارجی نقش منفی در اقتصاد ایران داشته اند اما «مدیریت داخلی» نیز سهم بسزائی در این نابسامانی دارد. کارگران آگاه می دانند که این «مدیریت داخلی»، مدیریتی است که از جانب همان یک درصد یا کمتر از یک درصد جمعیت یعنی طبقه حاکم سرمایه دار یا بخشی از آن طبقه اعمال شده است. تغییر این مدیریت داخلی کشور در حوزه همان یک درصد جمعیت است و ربطی به اکثریت عظیم جامعه ندارد. به عبارت دیگر کارگران به هیچ رو نباید دچار این توهم شوند که گویا «تغییر مدیریت کشور» - که البته در چارچوب حفظ کلیت این مدیریت است - به معنی تغییر و ارتقائی در وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طبقه کارگر در ایران و یا نوید بخش تحولی در این جهت است. این هم راز پوشیده ای نیست که طبقه کارگر به رغم آنکه طبقه اکثریت جامعه است هیچ نقشی در سیاست ندارد و از طرف طبقه حاکم به بازی گرفته نمی شود مگر برای اینکه در تولید، کار بیشتر برای مزد کمتر انجام دهد و در سیاست، نقش سیاهی لشکر را بازی کند!

خلاصه کلام اینکه کارگران با وضعیت اقتصادی بحرانی بی سابقه و با شرایط سیاسی حادی روبرو هستند. ما کارگران برای هستی خود و آینده خود و نسل های آینده، برای حل درست و پایدار بحران و سوق دادن جامعه به سمت پیشرفت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید دست به دست هم بدهیم و مشترکا چاره اندیشی کنیم. در یک کلام، کارگران و زحمتکشانشان باید تنها به نیروی مبارزه جمعی متحد خود پای بند باشند.

محورهای چاره اندیشی

شمار قابل توجهی از کارگران به این درک رسیده اند که برای دستیابی به خواست هایشان باید نه تنها به مسایل اقتصادی و اجتماعی بلکه به موضوعات سیاسی و فرهنگی نیز توجه کنند. زیرا کارگران و توده های زحمتکش تنها در شرایط تأمین حقوق سیاسی و شهروندی و در پرتو فرهنگی روشنگرانه و مترقی می توانند مبارزات خود را گسترش دهند و به خواست های اقتصادی و اجتماعی خود نیز به صورتی پایدار دست یابند. رویکرد کارگران به اقتصاد و سیاست و مبارزات آنها در این عرصه ها تنها هنگامی واقعا برای این طبقه ثمربخش خواهد بود که مبتنی بر استقلال سیاسی و تشکیلاتی خود کارگران و اتحاد آنان باشد، در غیر این صورت طبقات دیگر این تلاش ها را به سود خود مصادره خواهند کرد. در این راستا موارد زیر را که تا کنون به شکل های مختلف از سوی تشکل های کارگری مطرح شده است به عنوان چارچوبی برای بحث، چاره اندیشی و عمل به همه کارگران ارائه می دهیم با این امید که با هم اندیشی و همیاری به راهکارهای مشترکی برای دستیابی به خواست مشترک حداقل همه کارگران دست یابیم. روشن است که خواست های کارگران به موارد زیر محدود نمی شود و بسیاری از خواست های

اقتصادی و دموکراتیک که در اینجا مجال بیان آنها نیست را دربر می گیرد که باید در این چاره اندیشی تعیین شوند.

- مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن ایجاد تشکل های مستقل کارگری، حق اعتصاب و اعتراض.
- مبارزه برای به رسمیت شناختن مذاکرات دسته جمعی با نمایندگان منتخب کارگران در تمام مسایل مربوط به مزد، مزایا، سازماندهی کار، رفت و آمد، تغذیه، استراحت، انتقال، جابجائی و غیره.
- مبارزه برای انعقاد قرارداد رسمی کار و حذف قراردادهای سفید امضا.
- تلاش برای برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی.
- مبارزه برای افزایش مزد حداقل براساس هزینه متوسط خانوار شهری اعلام شده توسط بانک مرکزی. این مزد حداقل پایه باید همه ساله دست کم به تناسب تورم و رشد بارآوری متوسط کار افزایش یابد.
- مبارزه برای تشکیل هیات بازرسی کارگری منتخب کارگران برای نظارت بر شرایط کار، ایمنی، بهداشت و غیره.
- مبارزه با اخراج و بیکارسازی.
- مبارزه برای برقراری بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار و تازه واردان به بازار کار.
- پرداخت مستمری بیکاری مکفی به همه بیکاران تا زمان اشتغال.
- تعمیم بیمه های اجتماعی به همه مزدبگیران در تمام رشته های تولیدی و خدماتی.
- پشتیبانی از مبارزات دهقانان زحمتکش.
- مبارزه با جنگ های امپریالیستی و تجاوزگرانه و پشتیبانی از تلاش های عادلانه برای صلح.

شروع سال تحصیلی جدید و باز ماندن چهار و نیم میلیون کودک از تحصیل!

برپایه مطلب دریافتی آمده است : دوشنبه اول مهر ماه ۱۳۹۲ سال تحصیلی جدید آغاز میشود اما بیش از چهار و نیم میلیون کودک در ایران توانایی رفتن به مدرسه را ندارند و از ادامه تحصیل محرومند.

در چند سال گذشته با نزدیک شدن به اول مهر ماه شاهد آن هستیم که بسیاری از خانواده های طبقه کارگر و مزد بگیر از عهده مخارج آماده سازی کودکانشان برای فرستادن به مدرسه و ادامه تحصیل برنمیایند و این کودکان باز مانده از تحصیل به خیل میلیونی کودکان کار و خیابان می پیوندند.

از طرفی هم هر سال در آستانه سال تحصیلی جدید ما شاهد آن هستیم که بسیاری از مدارس کودکان مهاجر افغانستانی را نام نویسی نمیکنند و یا از آنها درخواست شهریه های چندین برابر حد معمول دارند.

آری سال تحصیلی جدید آغاز میشود و باز کودکانی هستند که پدرانشان در کنارشان نیستند تنها به این خاطر که از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان دفاع کردند و میکنند و حق تحصیل را برای تمامی کودکان ایران و جهان میخواهند.

کارگران مرز ندارند نمیشود چیزی را که ندارند از آنان گرفت!

بهنام ابراهیم زاده زندان اوین بند ۳۵۰- بیست و نهم شهریور ۱۳۹۲

به مناسبت بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی 92-93

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : طنین زنگ مدارس ایران، امسال در شرایطی به صدا در می آید که سیستم بحران زده اقتصاد سرمایه داری این کشور، بیش از هر زمان دیگر، بر زندگی کارگران و محرومان جامعه سایه افکنده و آشکارا معیشت آنان را با چالش مواجه کرده است. تا آنجا که امکان هرگونه ابتکار عملی را جهت جامعه ی عمل پوشاندن به برنامه ها و اهدافشان از آنان سلب کرده است.

تصویر نامعلوم از آیندهی کارگران و فرزندان آنان، هرگونه چشم‌انداز روشن را در فراروی اکثریت قریب به اتفاق آحاد طبقه کارگر و تهی دستان محو نموده، و افقهای پیش‌آرویشان را به وضوح تیره و تار کرده است. فقر و فلاکت و سیه‌روزی کارگران به اوج خود رسیده؛ و هر لحظه کمر آنان بیش از پیش در زیر بار سنگین مشکلات اقتصادی بیشتر و بیشتر خم می شود. اما در این میان سیستم سرمایه‌داری به منظور رهایی از بحرانهای گرفتار شدهی خویش و کسب منافع بیشتر، و سودآوری بیشتر، تلاش می کند فشارهای وارد شده بر خویش را بیش از پیش به طبقات زحمتکش جامعه تحمیل نموده، تا بدین‌وسیله بحرانی را که درگیرش شده از سر بگذراند و تمامی هزینه‌های وارد آمده را متوجه فرودستان نماید. اخراج و بیکار سازیهای گسترده کارگران، کاستن از خدمات اجتماعی، کاهش استانداردهای زندگی به نازلترین سطح ممکن، استفاده از نیروی کار ارزان زنان و کودکان در ابعاد گسترده، و نادیده انگاشتن بهداشت روانی آنها، و ارائه ندادن امکانات و تسهیلات تحصیلی و معیشتی مناسب برای افراد جامعه، باعث تشدید ناآگاهی عمومی، و پیرو آن بروز ناهنجاریهای اجتماعی در سطحی وسیع خواهد شد.

این روزها با توجه به گرانی سرسام‌آور و کاهش توان خرید خانواده‌های کارگری، تهیهی ابتدایی‌ترین وسایل و لوازم مدرسه‌ی فرزندان هر کارگری به سختی امکان پذیر می‌باشد؛ به‌راستی برخورداری از لباس نو، کیف و کفش نو تنها در قالب تصویر، آنهم در قاب نگاه حسرت زدهی فرزندان کارگر امکان می‌یابد. ویتترین مغازه‌ها، تنها آلبومی برای ورق زدن کارگران و دست خالی ماندن آنها از این بازار بیرحم بوده، و یأس و شرمساری از محروم ماندن فرزندان از مواهب موجود، رخساره‌ی پدر کارگر را بیش از همیشه در هم فرو برده است. نگاه‌های حسرت زده و خاموش فرزندان کارگر به دستان پدر، آخرین رمق‌های پدر کارگر را به یغما برده، و او را بیش از پیش در این گردباد سرمایه سردرگم و سرگردان نموده، و روزنه‌های پیش‌آرویش را در خلق شرایط مناسب زندگی برای فرزندان مسدود نموده است.

موج سهمگین طوفان اقتصادی و نابرابریهای اجتماعی، کشتی زندگی کارگران و خانواده‌هایشان را بیش از هر زمان دیگری متلاطم نموده، و سایه‌ی آرامش را از عرشه‌ی آن ربوده، و عملاً آن را به ورطه‌ی نابودی کشانده است. در این شرایط فرزندان کارگران، دیگر به جای درس و مدرسه و کسب علم و دانش، به ناچار روانه‌ی بازار بیرحم کار گشته، تا عملاً سرنوشتی نامعلوم را بیازمایند؛ و چهره‌ی واقعی قربانیان نظم سرمایه را از خود بر همگان آشکار نمایند.

در پایان، ضمن اعتراض به نابرابری های موجود که از جمله موجب محرومیت نزدیک به 4/5 میلیون کودک و نوجوان از تحصیل گردیده، مواضع خود را صراحتاً در دفاع از حقوق حقه‌ی کارگران و خانواده‌هایشان در برخورداری از یک زندگی شایسته و درخور انسان امروزی اعلام نموده؛ بار دیگر بر حق تحصیل و آموزش رایگان و عمومی برای تمامی کودکان و ممنوعیت کار کودکان و ایجاد شرایط مناسب جهت شکوفا شدن استعدادهای آنان پای می فشاریم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تورم شهریورماه به ۴۰٫۱ درصد رسید

بانک مرکزی نتایج شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران را اعلام کرد که بر اساس آن نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به شهریورماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۴۰,۱ درصد رسید.

به گزارش مهر، اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی با اعلام شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران؛ خلاصه نتایج به دست آمده براساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۰ را اعلام کرد. بر این اساس، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در شهریورماه ۱۳۹۲ به عدد ۶,۱۷۶ رسید که نسبت به ماه قبل ۱,۷ درصد افزایش یافت.

همچنین شاخص مذکور در شهریورماه ۱۳۹۲ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۶,۴۱ درصد افزایش داشته است. نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به شهریورماه ۱۳۹۲ نسبت به دوازده ماه منتهی به شهریورماه ۱۳۹۱ معادل ۴۰,۱ درصد است. گفتنی است، بانک مرکزی نرخ تورم مردادماه را معادل ۳۹ درصد اعلام کرده بود.

شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۲ برابر با ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳

► **نگاهی تحلیلی به فراسوی رویدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین**

المللی از دریچه کارگری

رویدادهای کارگر از مریم امانی

یادداشت کارگری هفته از رضا سپیدرودی

گفتگوی امیرجواهری با

مریم محسنی فعال جنبش کارگری و فعال عرصه زنان

برنامه از مریم امانی، امیر جواهری

در این بخش مریم محسنی نسبت به کمپین یک میلیون امضاء و موقعیت فعال زنان در محلات و توجه به جنبش توده ای زنان و حضور آنان در مبارزات محلات می پردازد و برای بارورترساختن حضور زنان از پائین شاهد مثال هایی را ذکر می کند

📌 **فایل صوتی با فورمات ام پی 3**

رقابت دردناک کارگران محروم در حاشیه شهرها/ کودکانی که در کوره پزخانه‌ها متولد می‌شوند!

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر-گروه اقتصادی در تاریخ 30 شهریور 92 آمده است : ۳۰ هزار کوره آجرپزی، گروهی از محروم ترین کارگران کشور را در خود جای داده است. شاعلان این بخش با وجود مشقت‌های فراوان کار برای هر خشت تنها ۲۷ تومان دریافت می کنند، نیمی از سال بیمه ندارند و برای بازنشسته شدن ۷۰ تا ۸۰ سال باید کار کنند. محرومیت باعث شده تا خانواده های این کارگران محروم نیز مجبور به اشتغال دسته جمعی باشند و سن کودکان کار در این شغل سخت و زیان آور به شدت کاهش یافته است.

به گزارش خبرنگار مهر، با وجود اهمیت بسیار زیاد موضوع اشتغال و بیکاری در کشور و حساسیت دولت ها به این مسئله؛ اما کارگرانی هستند که با وجود تحمل مشقت ها و سختی های فراوان در مراحل انجام کار، اساسا دیده نمی شوند و صدایی از آنها به گوش نمی رسد.

هزاران کارگر محروم امروز در نقاط مختلف کشور، روز خود را در کنار کوره های داغ آجرپزی می گذرانند و در اغلب موارد مجبور می شوند روزانه بین ۱۰ تا ۱۸ ساعت کار کنند. با وجود نقص ها و

مسائل فراوان در اشتغال به این نوع کار در ایران، حضور چشمگیر کودکان در کنار کوره های آجرپزی خودنمایی می کند.

۱۸ ساعت کار روزانه در کنار کوره داغ

کارشناسان بازار کار می گویند سن کودکان شاغل در آجرپزی به ۶ سال نیز رسیده و اغلب کودکان خانواده هایی که در این نوع کار اشتغال دارند، مجبور می شوند برای کمک به خانواده در امرار معاش، در جریان آجرپزی نقش داشته باشند. به عبارتی گروهی از کودکان مجبور می شوند در سنین بسیار پایین کار سخت و زیان آور آجرپزی را تجربه کنند.

یک کارگر آجرپز می گوید برای تحویل روزانه ۳ هزار خشت یک خانوار ۴ نفره مشغول می شوند که بتوانند ۳۰ هزار تومان درآمد داشته باشند که آن هم اگر نتوانند به قرارداد روزانه خود عمل کنند، از مبلغ درآمدشان کسر خواهد شد! البته مدتی پیش اعلام شد دریافتی کارگران شاغل در این بخش برای هر ۱۰۰۰ خشت به ۲۷ هزار تومان افزایش یافته است.

یکی از مسائل و دغدغه های کارگران آج پزی، فصلی بودن این شغل است. آنها تنها در ماههای گرم سال می توانند در این حوزه فعالیت داشته باشند و در میه سرد سال آنان اشتغال به کار آجر پزی وجود ندارد یا دست کم کار در این بخش به صورت نیمه تعطیل در می آید. این مسئله باعث می شود تا افراد نتوانند از بیمه کامل برخوردار باشند بیشتر آنها نیمی از سال را بیمه م نیمی را بدون بیمه سپری می کنند.

غلامرضا عباسی در اینباره معتقد است: داشتن کارت شناسایی می تواند سوابق کارگران کوره پزخانه ها را حفظ کند و پس از هر وقفه ای که کارگران دوباره در شغل خود فعال شوند، سوابق بیمه ای آنها ادامه یابد.

۶ ماه بیمه؛ ۶ ماه بیکار

وی با اشاره به اینکه، اغلب کارگران کوره پزخانه ها تنها نیمی از سال را کار می کنند بیان داشت: دولت می تواند با پرداخت نیمی از حق بیمه سالیانه کارگران این صنف، گام ارزشمندی جهت افزایش سوابق بیمه ای کارگران بردارد تا کارگران زحمتکش این صنف با داشتن ۲۰ سال سابقه کار به دلیل سخت و زیان آور بودن شغلشان بازنشسته شوند.

رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه ها تاکید کرد: با توجه به اینکه در قانون کار مشاغل سخت و زیان آور دیده شده است چرا کارگران کوره پزخانه که عمر و جوانی خود را در این کار سخت از دست می دهند نباید از این قانون بهره مند نشوند؟

وی با اشاره به اینکه، کارگران کوره پزخانه ها بیش از ۸ ساعت در روز کار می کنند گفت: با توجه به اینکه دستمزد آنها بر اساس تولید روزانه است، بنابراین کارگران سعی می کنند تولید بیشتری (ساخت خشت خام) در روز داشته باشند تا بتوانند از دستمزد بالاتری بهره مند شوند.

دستمزد بر اساس تولید روزانه

عباسی ادامه داد: به دلیل افزایش تولید و درآمد بیشتر، خانوارهای کارگران همگی با هم کار می کنند که بهره وری بیشتری داشته باشند و به همین دلیل کودکان خانوارهای این کارگران از سنین خردسالی به همراه پدران و مادران خود به کار در کوره پزخانه ها مشغول می شوند.

رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه ها تصریح کرد: در قانون، کار کودکان زیر ۱۵ سال منع شده است، اما در کوره پزخانه ها از اجرای قانون کار خبری نیست. به گفته این مقام مسئول کارگری، زنان در این کوره پزخانه ها کارهایی را بر عهده دارند که از توان جسمی آنها خارج است، بسیاری از آنان کودکان خود را بر سر کوره های آجرپزی به دنیا می آورند.

وی ادامه داد: مرخصی زایمان در کوره پزخانه ها برای کارگران زن ناآشنا است به طوری که آنها پس از زایمان فرزندان خود را به گهواره می سپارند و به سر کار باز می گردند. عباسی گفت: فرزندان این کودکان بعد از چند سال در کنار والدین خود بی اعتنا به منع کار کودک به کار سخت مشغول می شوند.

این مقام مسئول کارگری از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درخواست کرد دیداری از وضعیت کار در کوره پزخانه ها داشته باشد و از نزدیک با مشکلات کارگران آنجا که در شرایط نامتعارفی به سر می برند آشنا شوند تا بتوانند در خصوص آنها تصمیم گیری کنند.

محل تولد؛ کوره پزخانه!

عباسی اظهار داشت: وزیر کار می تواند مسائلی نظیر مستمری کارگران از کار افتاده، درمان، بیمه، بازنشستگی، وضعیت مسکن کارگران این صنف، تحقق قانون کار برای این کارگران و بسیاری از مسائل آنها را پیگیری کند.

وی تاکید کرد: هم اکنون حدود ۳۰ هزار کوره پزخانه در کشور فعال است و کارگران این واحدها که به طور عام به شکل خانوادگی در این کارگاه ها کار می کنند از ابتدایی ترین حقوق اولیه کار نیز برخوردار نیستند.

رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه ها بیان داشت: با توجه به لیست بیمه ناقصی که برای کارگران کوره پزخانه ها گزارش می شود بخش وسیعی از آنان باید ۷۰ الی ۸۰ سال کار کنند تا بازنشسته شوند.

۸۰ سال کار برای بازنشستگی

همچنین علی حسینیان؛ دبیر انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه های استان تهران نیز از رویه فعلی ارائه لیست بیمه کارگران کوره پزخانه به تامین اجتماعی انتقاد کرد و خواستار تغییر این شیوه شد. وی گفت: برخی کارفرمایان کوره پزخانه ها برای بیمه کارگران دائم و فصلی خود هر ماه تنها برای ۱۰ روز کاری حق بیمه پرداخت می کنند.

وی با بیان اینکه در شیوه فعلی ارائه لیست بیمه، سازمان تامین اجتماعی هیچ نظارتی بر صحت گزارش کارفرمایان ندارد افزود: سیستم فعلی بیمه تامین اجتماعی به گونه ای طراحی شده که لیست ترک کار کارگران کوره پزخانه ها را بدون هیچگونه نظارتی می پذیرد.

بیش از 3 میلیون دانش آموز فردا به مدرسه نمی روند

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: اول مهر زنگها که به صدا درمی آید دانش آموزان با کیف، کفش نو و لباسهای یکشکل، دست در دست پدر و مادرشان یا همراه دوستانشان به مدرسه می روند، ولوله ای که در حیات مدرسه از صدای ذوق زده دانش آموزان به پا می شود و دانش آموزان که به صف می شوند، این طرف دیوارهای مدرسه کودکان و نوجوانانی در

خیابان‌ها، کوچه‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و... حضور دارند که اغلبشان دغدغه نان دارند و ثروت اندک را به علم بیشتر ترجیح می‌دهند.

کودکان و نوجوانانی که هیچ حامی و پشتیبانی ندارند که آنان را به حق اولیه‌شان یعنی تحصیل برگرداند و درس و مشقشان را پیگیر باشد. آنان بیرون از مدرسه و کلاس درس برای به دست آوردن یک لقمه نان مشغولند در حالی که میز و نیمکتشان خالی است و معلمی انتظارشان را نمی‌کشد.

البته تمام بازماندگان از تحصیل را کودکان کار تشکیل نمی‌دهند، بسیاری از آنان دانش‌آموزانی هستند که در سال‌های گذشته به دلایل مختلف ترک تحصیل کرده‌اند و عطای مدرسه رفتن را به لقای آن بخشیده‌اند.

آموزش‌وپرورش مولد بی‌سوادی

داستان غم‌انگیزتر اینکه وقتی وضعیت موجود را مرور می‌کنیم، می‌بینیم آموزش‌وپرورش نه تنها عزم جدی برای بازگرداندن این‌دسته از دانش‌آموزان به مدرسه ندارد بلکه خود با تکرار روش‌های نامناسب آموزشی و تربیتی به نوعی به مولد این پدیده شوم تبدیل شده است و عرصه را برای ریشه‌کنی بی‌سوادی هر روز گسترده‌تر می‌کند. طبق آخرین آمار که معاون سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرده بود، یک میلیون و 800 هزار کودک و نوجوان در کشور، به دلایل نامشخصی به مدرسه نمی‌روند و درس نمی‌خوانند. آمار که «حسن الحسینی» معاون اسبق حقوقی و امور مجلس و سرپرست موسسه آموزش از راه دور وزارت آموزش‌وپرورش آن را نزدیک به چهار میلیون نفر در سال 1388 عنوان کرده و گفته بود: «براساس تحقیقاتی که در زمان حضور من در آموزش‌وپرورش انجام شد، بیش از سه میلیون و 10 هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل وجود داشت.» البته به جز الحسینی، محمداحسان تقی‌زاده، رییس موسسه آموزش از راه دور نیز در اردیبهشت 88 در همایش موسسات از راه دور لرستان گفته بود: «بیش از سه میلیون بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارند.» اما حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر پیشین آموزش‌وپرورش این آمار و حتی آنچه معاون سازمان نهضت سوادآموزی گفته بود را کاملاً دروغ دانسته و گفته بود: کسانی که این آمارها را اعلام می‌کنند اصلاً نمی‌دانند عدد و رقم یعنی چه؟!

آمارهای متناقض مسوولان آموزشی

حاجی‌بابایی در حالی همه آمارهای مربوط به کودکان بازمانده از تحصیل را تکذیب می‌کرد که همکاران وی در وزارت آموزش‌وپرورش قادر به تهیه آمار واقعی و صحیح از آن نبودند و حتی این پدیده برایشان چندان جدی نبود و سعی داشتند با ارایه آمارهای به اصطلاح دمدستی کنجکاوی خبرنگاران در این باره فروکش کند. به طوری که یک‌بار رییس مرکز آمار وزارت آموزش‌وپرورش در دی‌ماه سال 91 اعلام کرد 159 هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارند و بار دیگر معاون آموزش ابتدایی در شهریور 92 آن را 120 هزار مورد عنوان می‌کرد. آمار متناقضی که از دفتر دو مدیر با فاصله فیزیکی کمتر از 10 متر بیرون می‌آید.

مرکز پژوهش‌ها: سه میلیون و 200 هزار بازمانده از تحصیل داریم

اما بالاخره چندی پیش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طبق سرشماری سال 1385، آمار تکان‌دهنده از کودکان بازمانده از تحصیل منتشر کرد که آب پاکی را بر همه تناقض‌گویی‌های مسوولان آموزش‌وپرورش ریخت. طبق این آمار، هم‌اکنون سه میلیون و 200 هزار کودک شش تا 17 ساله در کشور وجود دارند که یا اصلاً به مدرسه نرفته‌اند یا به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند. این آمار منهای کودکان و نوجوانانی است که در سال‌های قبل از 1385، به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند و هم‌اکنون از چرخه نوجوانی وارد جوانی شده و پای در دهه دوم زندگی خود گذاشته‌اند. کسانی که از آمارهای مراکز پژوهشی خارج شده‌اند و دیگر از آنها به‌عنوان بازمانده از تحصیل یاد نمی‌شود. آنطور که علی باقرزاده رییس سازمان نهضت سوادآموزی در زمستان 91 اعلام کرده است هم‌اکنون 9 میلیون و 719 هزار ایرانی بالای شش سال توانایی خواندن و نوشتن ندارند.

علل بازماندگی از تحصیل چیست؟

وزیر پیشین آموزش و پرورش همواره اعلام می‌کرد: «در همه کشور، حتی روستاهای دورافتاده و حتی برای یک دانش‌آموز امکانات آموزشی فراهم شده و کمبودی در این زمینه نداریم.» او درست می‌گوید چراکه این وزارتخانه در سال‌های گذشته امکانات آموزشی خود را به شکل موسسات آموزش از راه دور، مدارس شبانه‌روزی، مدارس بزرگسالان، کلاس‌های نهضت سوادآموزی فراهم کرده تا ادامه تحصیل برای آن‌دسته که به هر دلیل وارد مدرسه نشده‌اند، فراهم شود.

ولی چرا با همه اینها و با وجود اینکه آموزش عمومی تا سن 18 سالگی در ایران اجباری است و حتی قانون برای والدینی که مانع از تحصیل فرزندشان شوند، جریمه سنگین در نظر گرفته اما همچنان شاهد افزایش بازماندگان از تحصیل، آن هم در سنین شش تا 18 سال در کشور هستیم؟

دانش‌آموزانی که به مدرسه بازمی‌گردند

عبدالرضا شاهسوند کارشناس آموزش از راه دور در این باره گفت: اولین و اساسی‌ترین مشکل در این خصوص به نبود یک برنامه منسجم و منظم در وزارت آموزش و پرورش برای شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل بازمی‌گردد. در واقع آموزش و پرورش هنوز به درک و سواد کافی برای حل این مساله نرسیده یا چنان درگیر روزمرگی‌هایی همچون تامین سرانه مدارس، حل کسری بودجه و تامین حقوق معلمان و ... است که فرصتی برای این موضوع پیدا نمی‌کند.

این کارشناس آموزش از راه دور افزود: دومین علت به کاهلی یا ضعف دانش مسوولان این وزارتخانه نسبت به ریشه‌یابی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان برمی‌گردد؛ اینکه چرا دانش‌آموزی در اواسط سال تحصیلی به یکباره از مدرسه خارج می‌شود و برای همیشه بازمی‌گردد در واقع این موضوع در آموزش و پرورش همچون سگته مغزی است که در ظاهر مشخص نیست اما چون موربان‌های تمام باطن آن را جویده است. شاهسوند تاکید کرد: مسوولان آموزش و پرورش نتوانسته‌اند نگاهیان خوبی برای قانون تحصیل اجباری تا پایان 18 سال و همچنین جریمه سنگین والدینی که مانع از تحصیل فرزندانشان می‌شود، باشند.

این کارشناس آموزش از راه دور می‌گوید: همچنین نبود راهکار مناسب برای جلوگیری از خروج از مدرسه، یکی دیگر از عواملی است که موجب افزایش بازماندگان از تحصیل شده است. ما شاهد ترک تحصیل بی‌شمار دانش‌آموزانی هستیم که به دلیل برخورد سلیقه‌ای معلم، معاون یا مدیر مدرسه از مدرسه اخراج شده‌اند. برای مثال دانش‌آموزی را در مدرسه‌ای - دبیرستان ملاصدرا- در منطقه 14 تهران به دلیل داشتن انگشتر عقیق و آوردن موتوسیکلت از مدرسه اخراج کرده‌اند و دیگر این دانش‌آموز به مدرسه برنگشته است یا یک دانش‌آموز دیگر به دلیل چندین بار افتادن در درس عربی با نمره هشت، نتوانسته به پایه بعدی راه یابد و به این ترتیب ترک تحصیل کرده است که البته این موارد در دهه 70 بسیار بیشتر شایع بود.

مدیران مدرسه بازخواست شوند

این کارشناس با بیان اینکه ترک تحصیل بین پسران بیش از دختران است، افزود: هیچ‌گاه مدیران مدارس به دلیل ترک تحصیل دانش‌آموزان خود توبیخ نشده‌اند یا مورد بازخواست مسوولان آموزشی منطقه قرار نگرفته‌اند. در حالی که این موضوع به سازوکار خاصی نیاز ندارد و می‌تواند به شکل قانون درآید تا مسوولان هر مقطع در آموزش و پرورش مناطق بتوانند مدیران مدارس را مورد بازخواست قرار دهند و پیگیر دانش‌آموز ترک تحصیل کرده یا اخراج شده شوند. شاهسوند ادامه داد: از سوپی وخیم‌شدن وضعیت اقتصادی در هشت سال گذشته موجب شد که تعداد کودکان کار افزایش یابد و عده‌ای ثروت ولو اندک را به علم ترجیح دهند. به هر شکل برآورد کارشناسان حاکی از آن است که پدیده دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، همچون تومور بدخیمی است که تمام بدن جامعه را گرفته؛ توموری که از چشم مسوولان آموزش و پرورش پنهان مانده و هر روز و هر دقیقه در حال تکثیر است.

با وجود خطر ابتلا به بیماری شغلی سیلیکوزیس:

۶۷ کارگر معدن چيروک طبس ۳ ماه حقوق دريافت نکرده‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: یک فعال کارگری در طبس از تعویق سه ماه حقوق ۶۷ کارگر شاغل در شرکت معدنی ماسه ریخته‌گری چيروک در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان طبس خبر داد.

«علی محمدی» نماینده کارگران در این باره به ایلنا گفت: این کارگران که با سوابق کاری بیش از ۱۵ سال در شرایط طاقت‌فرسا و غیرمعمولی در معادن روباز برای تولید ماسه طبیعی سیلیسی مشغول به کارند، در سال جدید هیچ گونه قرار داد کاری با کارفرما ندارند.

این فعال کارگری در طبس با بیان اینکه در چنین کارگاهی، منعقد نشدن قرارداد کاری با کارگران، بی‌قانونی و جرم از جانب کارفرما محسوب می‌شود، گفت: اخیراً کارفرما با تهدید به اخراج، از کارگران خواسته است بعد از گذشت شش ماه از سال دو قرار داد جداگانه‌ای را که یکطرفه در تاریخ‌های ۹۲/۱/۱ تا ۹۲/۲/۳۱ و ۹۲/۴/۱ تا ۹۲/۶/۳۱ تنظیم شده‌اند امضاء کنند. نماینده کارگران شرکت ماسه ریخته‌گری چيروک درباره وضعیت بیمه کارگران نیز گفت: بیمه کارگرانی که در شرایط سختی کار می‌کنند نیز طبق شرایط کاری‌شان پرداخت نمی‌شود. او در این زمینه افزود: با وجود آنکه شغل این کارگران به عنوان مشاغل سخت و زیان آور مورد تایید سازمان تامین اجتماعی است، کارفرما برای فرار از پرداخت سهم ۴ درصدی بازنشستگی پیش از موعد کارگران، هنگام صدور لیست بیمه مشاغل کارگران را در لیست مشاغلی که مشمول بازنشستگی پیش از موعد قرار می‌گیرند ذکر نمی‌کند. محمدی در این باره اظهار داشت: هم اکنون تعدادی از کارگران پر سابقه این واحد تولیدی که شرایط بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور را دارند به دلیل ذکر نشدن عنوان دقیق شغلی‌شان با مشکل روبرو شده و امکان بازنشستگی برایشان وجود ندارد.

یک بیماری شغلی نادر

این فعال کارگری در طبس در بخش دیگری از این گفتگو به یک بیماری شغلی شایه بین کارگران شاغل در شرکت معدنی ماسه ریخته‌گری چيروک اشاره کرد و گفت: بخش عمده‌ای از فعالیت کارگران برای تهیه ماسه ریخته‌گری مربوط به آماده سازی سنگ سیلیس به عنوان ماده اولیه تولید است که این ماده عامل بروز بیماری شغلی «سیلیکوزیس» است. محمدی با بیان اینکه سیلیکوزیس مانند بسیاری از بیماری‌های شغلی می‌تواند تا چندین سال بدون علامت بماند و فقط از طریق عکس و رادیوگرافی ریه، آثار سیلیس قابل مشاهده است. نماینده کارگران ادامه داد: این بیماری که تشخیص اولیه آن بین هشت تا ۱۸ ماه طول می‌کشد، درمان قطعی و مشخصی نداشته و تنها راه کاهش عوارض آن، خروج از محیط آلوده و ورود به محیط پاک و عاری از سیلیس است.

گفتنی است دانشنامه ویکی‌پدیا تحت نام «سیلیکوزیس» آورده است: سیلیکوزیس (Silicosis) یک بیماری شغلی ریه است که بر اثر تنفس طولانی مدت غبارهای سیلیس ایجاد می‌شود. این بیماری یکی از بیماری‌های گروه پنوموکونیوز است.

سیلیکوزیس با تنفس ذرات گرد و غبار و سنگ ایجاد می‌شود. در حیوانات و انسان این حالت دیده می‌شود بویژه افرادی که در معادن آهن، طلا، ذغال سنگ و... کار می‌کنند مستعد این عارضه‌اند. سیلیکا نامحلول در آب بوده و خاصیت تحریکی قوی دارد. بنابراین می‌تواند باعث بروز شدید و افزایش ابتلا به سل شود. ذرات سیلیکا می‌تواند وارد آئول‌های ریوی شود. توسط ماکروفاژها

بلع شده و نهایتا وارد عروق لنفاوی داخل ریه و عقده‌های لنفاوی شود. این ترکیبات سیلیکاتی تبدیل به اسید سیلیکا می‌شوند که خاصیت سمی شدیدی برای بدن دارد. امروزه فرض بر این است که سیلیکا ممکن است با پروتئین H ترکیب شده و به عنوان یک آنتی ژن عمل کند که منجر به واکنش آنتی ژن آنتی بادی اتفاق افتاده و مستعد بروز آمیلوئید می‌شود. ماکروفاژهایی که ذرات سیلیکا را بلعیده‌اند تبدیل به سلول‌های اپیلوئیدی می‌شوند. (شبه اپیتلیال) با گذشت زمان بافت ریه فیروزه شده که نهایتا منجر به هایپر تروفی، بزرگ شدن دهلیز راست و نهایتا احتقان وریدی مزمن می‌شود گاهی بیماران مبتلا ممکن است در اثر سل از بین بروند.

پایان پیام

ناگفته‌هایی از حادثه شین آباد پس از 10 ماه

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: باید دلت سنگ باشد تا بتوانی به چهره‌های از هم‌پاشیده‌شان نگاه کنی و بغضت نگیرد و شرمت نشود، اما در این اتاق باید همه غصه‌ات را پنهان کنی و برایشان لبخند بزنی تا بتوانی عمق فاجعه را از این کودکان 10 ساله پنهان کنی. صدای خنده آنها را در بازی‌هایشان در حالی می‌شنوی که چهره معصومانه و زیبای کودکانه‌شان زیر داغ آتش، چروکیده و مچاله است، آن هم نه سوختگی به مفهوم رایج، بلکه بندبند وجودشان در این حادثه از شدت بالای حرارت آتش، در یک کلمه و بدون تعارف، «کباب‌پز» شده است.

«آمنه»، «نادیه» و «اسمه»، سه تن از همان دانش‌آموز شین‌آبادی هستند که این روزها با سوختگی‌های 50 و 45 درصد حال در بیمارستان ساسان تهران بستری هستند تا شاید تیغ جراحی پزشکان مرهمی باشد بر زخم‌های چهره‌های سوخته‌شان؛ گرچه 10 ماهی می‌شود جراحی‌های طولانی چندساعته تنها تفریح آنها شده. نادیده‌هایی از دانش‌آموزان شین آباد

در بیمارستان ساسان طبقه دهم از ایستگاه پرستاری سراغ کودکان شین‌آبادی را می‌گیریم. اتاق شماره یک را نشانمان می‌دهند. با پرستاری که از قبل هماهنگ شده وارد اتاق می‌شویم. صورت‌های «آمنه»، «اسمه» و «نادیه» که هر یک روی تخت‌هایشان خوابیده‌اند دیده نمی‌شود. خودمان را معرفی می‌کنیم، مادرانشان نیم‌خیز می‌شوند و نگاهمان می‌کنند. شک می‌کنیم که شاید فارسی را خوب ندانند، جلوتر می‌رویم، «آمنه» به طرف ما برمی‌گردد، از دیدن چهره که نه! چهره‌ای باقی نمانده، صورتکی مصنوعی با پلک‌هایی که گوشه‌هایش به هم چسبیده، حفره‌ای به اندازه یک سکه در زیر لب‌هایش که به جرات می‌توان گفت کلفتی هر یک به سه سانت رسیده، دستانی باندپیچی شده و سری که وسط آن خالی از پوست، جا می‌خوریم.

«نادیه» از تخت پایین می‌پرد؛ دخترکی تپل که گوشت‌های اضافی روییده بر صورتش او را چاق‌تر از حد معمول نشان می‌دهد، برخلاف آمنه که دستی ندارد برای دراز کردن، دستش را دراز می‌کند، از نگاه بر دستانش شرممان می‌گیرد، برخلاف ظاهر تپلی‌اش انگشتان دستش همچون کودکی چهار ساله، لاغر، نحیف و کوتاه باقی مانده است. بر تمام دستانش تا آرنج رد بخیه و «گرافت» است، به قول سر پرستار بخش "وصله پینه"، او با بلوز شلواری قهوه‌ای و البته خیلی گشاد روبرویمان ایستاده.

احتیاجی به پرسیدن نیست، گشادی لباس‌ها تنها کمکی است برای خاراندن راحت جانی که دیگر جای سالمی نمی‌توان در آن دید.

چشمان سیاه و مژگان بلند دخترک حکایت از چهره‌ای زیبا همچون سایر دخترکان این سرزمین دارد. هر آنچه می‌گویی صورتش را به راست می‌چرخاند و گوشش را سمت صدا می‌گیرد، در این زمان است که پدرش می‌گوید دخترش شنوایی گوش چپش را از دست داده. موهای کوتاه آمنه

را نیز کنار می‌زند و گوش راستش را نیز نشانمان می‌دهد؛ با آنکه آمنه شنوایی‌اش را از دست نداده است اما لاله این گوشش هم کامل نیست.

سعی می‌کنیم بر لبانمان لبخند باشد؛ لبخندی البته مصنوعی تنها برای پنهان کردن تلخی حجم شبیخون حادثه‌ای که شعله‌هایش به جان دانش‌آموزان شین‌آبادی افتاد و روزگارشان را سیاه و خاکستر کرد.

در هر فرصتی دست بر صورت، گردن و تن و جان دارند برای خاراندن خود. دو پنکه سفید مدام به چپ و راست می‌چرخد، بی‌هیچ توقفی. شاید کمکی باشد برای خنک کردن تن سوخته این دخترکان بی‌گناه.

«اسمعه» به تقلید از نادیه به سمتمان می‌آید، دستش را برای سلام کردن دراز می‌کند، به نظر می‌رسد وضعیت این دختر موخرمایی علی‌رغم گوشت‌های اضافه صورت و گرفت‌های دستش، بهتر از آمنه و نادیه باشد. پیراهنی جذب تن و کوتاه با ساق شلواری سیاه به تن دارد، لباسش صورت وی را سفیدتر و زیباتر کرده.

دورمان را می‌گیرند، بیشتر از همه دوربین عکاس برای آن‌ها جذابیت دارد. مادرانشان که حال از روی صندلی بلند شده و ایستاده‌اند، حال و روز خوبی ندارند، اضطراب و بی‌حوصلگی در چهره‌شان پیدای می‌کند. گویا با هر بار شدن در اتاق، منتظر آماده شدن کودکانشان برای رفتن به اتاق عمل هستند.

بیمارستان ساسان تهران چند روزی است مهمان سه تن از این حادثه‌دیدگان است. حادثه‌دیدگانی که دیگر شور و شوق خرید لوازم مدرسه را ندارند و اول مهر را با لباس‌های بیمارستان در انتظار آینده‌ای نامعلوم آغاز خواهند کرد. 15 آذرماه 91 آتش بخاری در دبستان انقلاب اسلامی روستای شین‌آباد پیرانشهر به جان 28 دانش‌آموز کلاس چهارم افتاد و آن‌ها را راهی بیمارستان کرد.

«سیران یگانه» و «سارینا رسولزاده» که هنوز آرزوهایشان را در دفتر نقاشی نکرده بودند به علت شدت سوختگی به آرامگاه ابدی پر کشیدند و دانش‌آموزان دیگر نیز با درصدهای مختلفی از سوختگی در بیمارستانها بستری شدند.

زنی لاغر اندام خود را مادر "آمنه راک" معرفی می‌کند. رنگ به رخسار ندارد. در کنار تخت دخترش ایستاده و منتظر نگاهمان است تا دردهایی را که هر روز از دلش می‌گذرد باز هم بازگو کند هر چند که عمق فاجعه آنقدر زیاد است که هیچ قلم و تصویری نمی‌تواند آن را شرح دهد؛ این را حال و روز خودمان و عکاس‌مان هم فریاد می‌زند.

مادر داغ‌دیده می‌گوید و می‌گوید تا شاید تلنگری شود برای مسئولان که مرهمی برای زخم به درد نشسته این کودکان و خانواده‌شان بیابند.

مادر می‌گوید دخترش با 50 درصد سوختگی تاکنون 25 بار و شاید حتی بیشتر، تحت عمل جراحی صورت و دست قرار گرفته، عمل‌هایی که به گفته پزشک معالجش مشخص نیست تا چندین سال دیگر باید ادامه یابد و معلوم نیست با این عمل‌ها تا چند درصد می‌تواند چهره از دست رفته‌اش را باز یابد.

حالا هر سه مادر شروع به صحبت کردن می‌کنند. داغشان دوباره جان گرفته. هر آنچه به خاطر می‌آورند از فشار مالی تا وعده‌های فراموش‌شده و بی‌مسئولیتی برخی مدیران ارشد آموزش و پرورش استان و کشور تا کابوس‌های شبانه کودکانشان را بازگو می‌کنند.

نمی‌دانیم به کدام صورت نگاه کنیم، هر یک چیزی می‌گویند. آرامشان می‌کنیم. "مادر نادیه" بهتر از دیگران فارسی صحبت می‌کند. رشته کلام را بدست می‌گیرد و از تکرار عمل‌های هر سه ماه یکبار خبر می‌دهد و می‌گوید: برای جراحی ترمیمی صورت بچه‌ها از پوست قسمت‌های مختلف بدنشان برداشته و به صورتشان گرفت (پیوند) می‌زنند، این جراحی‌ها هر سه ماه یکبار تکرار می‌شود.

حالا نادیه به طرفمان می‌آید. دستم را بروی شان‌اش می‌گذارم، البته با احتیاط. خیلی زود ایستاده به بغلم می‌خزد. اسمعه در کنارش می‌ایستد. مادر نادیه دلش آرام نمی‌گیرد و ادامه

می‌دهد: درد پرستاری از بچه‌ها یک طرف و دوندگی برای اسکان در تهران از طرف دیگر، نایب برایمان نگذاشته. قبل از آمدن به تهران برای هماهنگی مراجعه می‌کنیم که تاکید می‌کند بروید مشکل جا ندارید، اما وقتی می‌آییم از صبح تا بعداز ظهر باید منتظر بمانیم تا یک اتاق برای اسکان در تهران آنهم در خانه فرهنگیان بدهند.

هر سه مادر از نحوه رسیدگی و هماهنگی‌های آموزش و پرورش به شدت ناراضی هستند و امیدوارند تا بلکه مسئولان جدید فکری به حالشان بکنند.

«نازدار ترکه»، مادر آمنه راک می‌گوید: زمانی که بچه‌ها در بیمارستان سینای تبریز بستری بودند به علت رسیدگی نامناسب پزشکی بدنشان عفونت کرده بود، به طوری که پس از انتقال به اصفهان، پزشکان گفتند اگر دیرتر منتقل شده بودند عفونت خون باعث مرگ آنها می‌شد، اگر کودکانمان در آن بیمارستان می‌ماندند مرگشان حتمی بود.

وی در حالی که دستپایش را به هم گره کرده و در چهره‌اش ناامیدی نسبت به آینده نامعلوم دخترش موج می‌زند، ادامه می‌دهد: پس از جراحی‌های متعددی که صورت گرفته جای جراحی‌ها گوشت اضافی آورده؛ هرچند پزشکان این اتفاق را عادی می‌دانند، اما برای خانواده‌ها قابل پذیرش نیست. می‌پرسیم چرا از روز اولی که حادثه رخ داد کودکانمان را به تهران منتقل نکردید که مادر نادیه و آمنه هر دو مدعی می‌شوند «برخی مسئولان آموزش و پرورش از ترس رسانه‌ای شدن حادثه و ابعاد فاجعه که در چهره کودکان نمایان، اجازه انتقالی نداده اند»؛ ادعایی که مسئولان وقت باید به آن پاسخ دهند.

علاوه بر صورت و دستهای "نادیه" پشت و کمر این دخترک نیز بشدت سوخته و وقتی این موضوع را می‌فهمیم که لباسش را بالا می‌زند. پشتش تکه تکه سوخته و برجسته شده، نمی‌توان بیشتر از چند ثانیه نگاه کرد. نمی‌دانیم چه پرسیم فقط نگاهمان را از پشت این کودک می‌زدیم، جراحت و عمق سوختگی در صورت، دستها و بدن این فرشته‌های کوچک داستان تلخی است که تا آخر عمرشان همراه آنهاست.

نادیه عکسی پرسنلی با خود به همراه دارد، معصومیت چهره زیبایش را نشان می‌دهد. مادرش سرش را به علامت اینکه نمی‌دانیم چه کنیم، به چپ و راست تکان می‌دهد و می‌گوید: چه آینده‌ای در انتظار این دختران است.

وی درباره اینکه تا کنون هیچ مبلغی بابت دیه به خانواده دانش‌آموزان شین آبادی پرداخت نشده است، اضافه می‌کند: مسوولان آموزش و پرورش به ما قول داده‌اند بعد از 15 سالگی "بیمه معلم" به این دانش‌آموزان تعلق خواهد گرفت که همانند بیمه عمر است اما معلوم نیست عملی شود یا خیر. بیمه حوادث دانش‌آموزی هم که 100 یا 200 هزار تومان است نه تنها پرداخت نشده بلکه چنین رقم‌هایی دردی از کودکانمان دوا نمی‌کند.

سراغ بیمه 50 میلیون تومانی ایران را می‌گیریم که در این باره نیز مادران متفق‌القول می‌گویند: قرار بود مستمری تا آخر عمر برای کودکانمان برقرار شود که تا کنون جوابی از سوی مسوولان در این باره نشنیده‌ایم.

مادران به شدت از فشارهای اقتصادی حاکم بر خانوارهایشان گله‌مند هستند و ادامه می‌دهند: بدلیل همراهی همسرانمان با کودکان برای امر درمان آنها از کار بیکار شده‌اند و کارفرمایان حاضر به همکاری نیستند. همچنین قرار بود به علت بیکار شدن همسرانمان به آنها حقوق بیکاری و به مادران نیز حق پرستاری پرداخت شود که هیچ یک از این قولها و وعده‌ها تاکنون عملی نشده است.

مادران دانش‌آموزان همچنین اظهار می‌کنند که تنها هزینه ایاب و ذهاب و بیمارستان پرداخت می‌شود و سایر هزینه‌ها از جمله اقامت در سایر تهران و اصفهان و مایحتاج ضروری به عهده خانواده‌هاست و مبلغی بدین منظور پرداخت نمی‌شود و با گذشت 10 ماه از تامین هزینه‌های جاری مستاصل هستند.

مادر آمنه حادثه رخ داده را اتفاقی غیرقابل جبران می‌داند، لذا از دولت می‌خواهد حقوق و مستمری برای فرزندان برقرار شود تا آینده این دختران بدون حضور والدین در خطر نباشد و تا پایان عمر مورد حمایت دولت باشند.

در ادامه از آنها درباره عیادت مسوولان از دانش‌آموزان شین‌آبادی می‌پرسیم، پاسخشان بسیار متفاوت از اظهاراتی است که برخی مسوولان از پیگیری خود در رسانه‌ها عنوان می‌کنند. مادر نادیه می‌گوید: وزیر قبلی آقای حاجی بابایی فقط یکبار در بیمارستان تبریز و یکبار هم اصفهان به دیدن کودکانمان آمد. از وقتی هم که به بیمارستان ساسان تهران آمده‌ایم همسرانمان از سرپرست فعلی آموزش و پرورش و نماینده پیرانشهر خواستند برای دیدن وضعیت بچه‌ها به بیمارستان بیایند که در این عیادت آقای فانی برای پیگیری درمان قول داد.

مادر نادیه در ادامه گلایه‌هایش عنوان می‌کند: از چند ماه پیش که فاکتور 700 هزار تومانی هزینه دارو و سایر هزینه‌ها را پرداخت کرده‌ایم بیش از سه ماه می‌گذرد اما تا کنون این مبلغ را دریافت نکرده‌ایم و برای تامین بخشی از هزینه‌ها به ناچار باید از اقوام قرض بگیریم.

در مورد تحصیل بچه‌ها با آغاز سال تحصیلی جاری می‌پرسیم که نادیه از روی تخت پایین می‌آید و کنار اسمعه می‌ایستد. هر دو می‌گویند دوست ندارند به آن مدرسه بروند. مادرانشان می‌گویند کودکانشان حال روحی خوبی ندارند و بشدت پرخاشگر و حساس شده‌اند.

مادر آمنه ادامه می‌دهد: اگر نیمه‌شب لامپی را خاموش و یا روشن کنیم آمنه با وحشت شروع می‌کند به فرار کردن و فریاد می‌زند «سوختم! سوختم.»

مادر نادیه هم به حساس شدن دخترش نسبت به محبت پدر و مادر به فرزند 4 ساله‌شان اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر فرزند کوچکترم را در آغوش بگیرم و یا لباسی برایش بخرم نادیه می‌گوید چون او سالم است و من سوخته‌ام به او توجه می‌کنید و دوستش دارید، واقعا نمی‌دانیم چه کنیم با مشکلات روحی بچه‌ها که آنها را عصبی کرده است.

مادر آمنه در ادامه می‌گوید: با توجه به جراحی و زخمهای دست و صورت بچه‌ها قرار بود برای تحصیلشان یک اتاق در نظر گرفته شود که تا کنون با این امر هم موافقت نشده و کودکانمان که باید امسال به کلاس پنجم بروند، علاقه‌ای به تحصیل در آن مدرسه ندارند.

روایت تلخ روز حادثه از زبان آمنه، نادیه و اسمعه نادیه: وقتی رفتیم مدرسه بخاری روشن بود اما وقتی معلم به کلاس آمد بخاری خاموش شد و به یکی از بچه‌ها گفت سرایدار را صدا کند تا بخاری را روشن کند. وقتی سرایدار آمد و خواست بخاری را روشن کند، آتش کوچکی از بخاری بلند شد. وقتی معلم کلاس دیگر و سرایدار می‌خواستند بخاری را بیرون ببرند، بخاری بین در گیر کرد. معلم خارج از کلاس بود و سرایدار هم از روی آتش بخاری به بیرون پرید.

در این میان مادر آمنه اضافه کرد که بخاری از دست سرایدار به زمین افتاد و آتش گرفت. مادر آمنه ادامه می‌دهد: در آتش سوزی رخ داده حتی لباس دانش‌آموزان هم نسوخته بود و به دلیل حرارت فضا کودکان همچون سیب‌زمینی کباب شدند و ریه آنها به شدت آسیب دید.

سوختن ۳۳ دانش‌آموز دختر در آتش بخاری نفتی مدرسه - پیرانشهر
وی با مرور خاطرات آن روز به خالی بودن کپسولهای اطفای حریق و کمبودن فاصله حفاظهای پنجره کلاس درس اشاره می‌کند و می‌گوید: به جز باک بخاری که ظرفیت گنجایش 20 لیتر نفت را دارد، 20 لیتری دیگری پر از نفت نیز در کلاس درس بود که آتش با کمک اهالی روستا خاموش و دانش‌آموزان با خودروهای شخصی به بیمارستان منتقل شدند.

به گفته مادران، امسال فقط بخاری این مدرسه را تعویض کرده‌اند و سایر مشکلات و کمبودهای مدرسه همچنان پا برجاست!؟

حاتمی سرپرستار بخش جراحی بیمارستان ساسان هم، با اشاره به وضعیت جسمی و روحی کودکان منتقل شده به این بیمارستان می‌گوید: از نظر روحی، با توجه به اینکه بچه‌ها در سن کودکی قرار دارند هنوز به عمق فاجعه و اتفاقی که برایشان رخ داده پی نبرده‌اند اما از اینکه به آنها توجه می‌شود خوشحالند.

وی در پاسخ به اینکه اگر از همان روزهای اول دانش‌آموزان به تهران منتقل و تحت مداوا قرار می‌گرفتند روند درمانی مناسب‌تر نبود؟ اظهار می‌کند: سوختگی این بچه‌ها شدید است و با این درجه از سوختگی تنها می‌توان گفت که زنده ماندنشان یک شانس بزرگ است، چراکه این شدت از سوختگی در این سن منجر به مرگ فرد می‌شود لذا به نظر می‌رسد رسیدگی‌های اولیه به موقع صورت گرفته است.

وی می‌افزاید: این کودکان شاید بیش از 100 بار طی سالیان طولانی مورد جراحی‌های متعدد ترمیمی قرار بگیرند تا بخشی از ضایعه پوستی آنها درمان شود، هرچند این درمانها صورت اولیه آنها را باز نخواهد گرداند، اما تنها به ترمیم بخشی از ضایعات کمک می‌کند.

به گفته حاتمی، در عمل جراحی روز چهارشنبه 27 شهریور ماه دستهای کودکان تحت جراحی قرار گرفت، هرچند بخشی از ضایعات بوجود آمده از جمله از بین رفتن عضله و مفاصل و انگشتان این کودکان قابل جبران نیست و با این جراحی‌ها تنها بخشی از ظاهر دست و صورت آنها ترمیم می‌شود.

عکس کودکان در دستانشان است، می‌خندند و با عکاس عکس می‌گیرند و می‌خواهند عکسشان را نشانشان بدهد و با لحنی کودکانه می‌گویند "وای چه خوشگل افتادیم!". باید طاقت بیابوری که صدای خنده‌هایشان را که فقط صداست و تصویرش دلت را آشوب می‌کند، بشنوی. صورتشان را آتش به تاراج برده. خجالت می‌کشند نگاهت کنند و یا بخندند اما آیا خجالت نباید برای بی‌مسوولیتی عده‌ای باشد که به خودشان زحمت نداده‌اند با عیادت از این دانش‌آموزان مرهمی بر دل پرزخم آنها باشند.

دکتر فاطمی، فوق تخصص ترمیمی و جراح دانش‌آموزان منتقل شده از شین‌آباد که مسوولیت جراحی آنها را بدون نوبت پذیرفته است هم درباره آخرین وضعیت کودکان، می‌گوید: متأسفانه این کودکان دو عضو حیاتی یعنی دست و صورت خود را در این سوختگی از دست داده‌اند. هر چند نقاط دیگر بدن آنها نیز سوخته، اما مهم‌ترین عناصری که به شدت ایجاد مشکل کرده، دست و صورت آنهاست.

وی می‌افزاید: با توجه به اینکه بازسازی دست و صورت بسیار مشکل است، از لحاظ زیبایی عملکرد فرد را دچار مشکل می‌کند، چرا که قرار گرفتن اعضای حیاتی از جمله چشم، دهان، بینی و گوش در صورت هم از نظر زیبایی و هم از نظر عملکرد بسیار حائز اهمیت است و چسبندگی‌هایی که در این ناحیه ایجاد می‌شود، نه تنها عملکرد را دچار مشکل می‌کند، بلکه از نظر زیبایی نیز مسئله‌ساز است.

این فوق تخصص جراحی ترمیمی ادامه می‌دهد: در ضایعاتی که برای دست این بچه‌ها ایجاد شده، عملکرد مفاصل آنها با مشکل مواجه شده که از لحاظ زیبایی نیز مشکلاتی را ایجاد کرده است، لذا درمان‌های این کودکان بسیار طولانی و مشکل و نتایج نیز صددرصد قابل پیش‌بینی نیست.

فاطمی می‌گوید: این بچه‌ها باید طی سال‌های سال مورد جراحی‌های مختلف قرار بگیرند تا از نظر زیبایی و عملکرد، به حد قابل قبول و رضایت‌بخشی برسند، اما اینکه چند بار باید تحت جراحی قرار بگیرند و یا چه مدت درمان آنها به طول خواهد انجامید، قابل پیش‌بینی نیست. به گفته وی، با توجه به اینکه سالی سه تا چهار جراحی بروی این کودکان انجام خواهد شد، طی چهار سال، کارهای اولیه‌ای را می‌توان برای ترمیم بخشی از ضایعات به وجود آمده، انجام داد اما درمانهای دراز مدت آنها باقی می‌ماند.

این پزشک فوق تخصص ادامه می‌دهد: سوختگی بیماری است که تا آخر عمر گریبانگیر فرد است، لذا نمی‌توان گفت درمان سوختگی در یک مقطع زمانی به اتمام می‌رسد و این بیماری همراه همیشگی این کودکان خواهد بود و هرگز آنها به حالت طبیعی باز نخواهد گشت و زیبایی از دست رفته آنها قابل برگشت نیست، همین‌طور کارهایی که پیش از این انجام می‌دادند بعد از این قادر به انجامش نخواهند بود که جای تأسف دارد.

این جراح همچنین با انتقاد از همکاری نکردن آموزش و پرورش با کادر پزشکی می‌گوید: متأسفانه پیش از این آموزش و پرورش همکاری خوبی نداشت و پیگیری‌های زیادی انجام شد برای درمان این کودکان چراکه این کودکان دچار سوختگی شدید شده‌اند و دولت موظف است هزینه درمانی آنها را پرداخت کرده و بهترین شرایط درمانی را برایشان فراهم کند.

وی معتقد است درمان این کودکان تنها به عملهای جراحی محدود نمی‌شود بلکه آنها نیازمند مشاور روانی، مددکار، فیزیوتراپ و کار درمانی هستند، هرچند جسمشان سوخته؛ زیرا اما روحشان بیشتر دچار آسیب شده است.

وی ادامه می‌دهد: چند سال دیگر این کودکان به سن بلوغ می‌رسند و با وضعیت صورتی و دستی که دارند قطعاً دچار اختلال روانی خواهند شد. متأسفانه یک تیم منسجم درمانی برای این کودکان وجود ندارد و آموزش و پرورش پیگیر تشکیل این تیم پزشکی منسجم نیست.

دکتر فاطمی در ادامه در پاسخ به اینکه آیا اعزام این کودکان به خارج از کشور تأثیری در تسریع و روند بهبودی آنها خواهد داشت؟ می‌گوید: قطعاً کشورهای پیشرفته در درمان سوختگی متفاوت از ایران هستند، اما این تفاوت در روش‌های درمانی نیست چراکه جراحی‌هایی که در خارج از کشور بروی چنین کودکانی انجام می‌شود، در ایران نیز قابل انجام است، اما در کشورهای توسعه‌یافته تیم ارگانیزه و منسجم درمان سوختگی وجود دارد که ایران فاقد آن است. روند درمان سوختگی در ایران همانند جزیره‌های دور از هم است که هر بخشی در آنها کار خودش را انجام می‌دهد.

وی می‌گوید: بهترین اقدامی که آموزش و پرورش می‌تواند برای این بچه‌ها انجام دهد، تشکیل یک تیم منسجم درمانی از بهترین پزشکان کشور است تا مراحل درمان این کودکان ادامه یابد.

سال تحصیلی جدید آغاز شد اما مهر دیگر برای کودکان شین آباد بوی مهربانی ندارد. دانش‌آموزان کلاس پنجم برخلاف سالهای پیش دیگر شور و اشتیاقی برای رفتن به مدرسه به ویژه همان مدرسه‌ای که آینده آنها را در خشم شعله‌های آتش خاکستر کرده، ندارند و حال این کودکان در اتاق جراحی آینده نامعلومشان را ورق می‌زنند....

اخراج 1500 کارگر واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)

به نوشته خبرگزاری دولتی کار در ایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: طی گزارشی از اخراج 700 کارگر واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) خبرداد. پیش از این همین منبع بتاريخ 25 شهریور از اخراج 800 کارگر قرار دادی و رسمی در واحد کشتی سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) تا پایان شهریورماه خبر داده بود. به این ترتیب شمار کارگران اخراجی صدرا به 1500 نفر می‌رسد. بخش عمده‌ای از اخراج‌ها در این واحد عظیم تولیدی، مربوط به شرکت پیمانکاری «فرا ساحل» با 528 کارگر است.

بنا به همین گزارش، این 1500 کارگر با سوابق 2 تا 20 سال در چهار ماه گذشته نیز حقوقی دریافت نکرده‌اند.

عدم پرداخت 2 ماه حقوق کارگران فولادالبرز

به گزارش خبرگزاری مجلس در 31 شهریور 92 آمده است: بنقل از بهارستان نشین قائم شهری، 2 ماه است حقوق کارگران فولادالبرز پرداخت نشده است.

پس از گذشت نیمی از سال صورت گرفت:
شکایت 80 نانو در سقز از افزایش نیافتن دستمزد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی خبازان سقز از شکایت ۸۰ کارگر نانوا در این شهرستان در خصوص عدم اجرای بخشنامه دستمزد شورای عالی کار خبر داد.

«محمد پرویزی» در این باره به ایلنا گفت: تا زمانی که فرمانداری این شهرستان در خصوص افزایش بهای نان تصمیم گیری نکند، امکان افزایش دستمزد کارگران خباز وجود ندارد. این فعال صنفی یاد آور شد: با وجود آنکه نیمی از سال ۹۲ سپری شده است اما هنوز فرمانداری سقز در خصوص افزایش بهای نان تصمیم گیری نکرده است. وی دلیل این اقدام را تغییرات دولت و به تبع آن جابجایی مدیران استانی دانست و گفت: با توجه به بازیابی مصوبه دستمزدهای سال ۹۲ در شورای عالی کار و افزایش ۱۵ هزار تومانی بن خوار و بار کارگران، تاخیر در افزایش دستمزد کارگران نانوا مشکلاتی را برای کارگران و کارفرمایان خباز سقزی ایجاد کرده است. به گفته این فعال صنفی در نتیجه این تاخیر بی سابقه تاکنون ۸۰ کارگر خباز سقزی، شکایتی را در خصوص عدم اجرای بخشنامه دستمزد شورای عالی کار در اداره کار این شهرستان ثبت کرده اند.

وی بابیان اینکه در سالهای گذشته هیچگاه افزایش دستمزد کارگران خباز اینقدر طولانی نمی شد، در خصوص دلیل تاخیر افزایش دستمزد کارگران نانوا گفت: از آنجا که در ایران نان به عنوان قوت غالب مردم تلقی می شود دولت در تعیین و قیمت گذاری آن مداخله می کند. به گفته این فعال صنفی، برخلاف تبلیغات، در ایران نان همچنان بصورت عمده با کمک پارانه های دولتی تهیه و توزیع می شود.

وی بابیان اینکه دولت به عنوان خریدار عمده گندم از کشاورزان، تعیین کننده اصلی بهای گندم، آرد و نان است، گفت: در سراسر کشور هیچکدام از تولید کنندگان آرد و نان نمی توانند با تصمیم خود نسبت به افزایش قیمت این محصولات اقدام کنند. به همین دلیل در صنف خبازان بر خلاف سایر اصناف و صنایع نحوه افزایش دستمزد کارگران متفاوت است. پرویزی گفت: در سراسر کشور استانداردها و فرمانداری ها هر ساله پس از ابلاغ بخشنامه دستمزدهای شورای عالی کار جلساتی را به منظور چگونگی افزایش بهای نان تشکیل می دهند.

وی افزود: کارفرمایان و کارگران خبازی که بصورت «آزاد پزی» فعالیت دارند مشکلی از بابت افزایش دستمزد و تغییر بهای نان ندارند، اما در خبازی هایی که سهمیه آرد خود را به نرخ دولتی دریافت می کنند امکان افزایش بهای نان و مزد کارگر وجود ندارد. وی یادآور شد: اگر کارفرمایانی که از سهمیه آرد دولتی استفاده می کنند بصورت خودسر مصوبه شورای عالی کار را اجرا کنند در آن صورت به دلیل ثابت ماندن بهای نان تمامی درآمد حاصل از فروش نان صرف مزد کارگران خواهد شد و پولی برای تهیه سوخت، انرژی و نگهداری مجموعه دستگاه های پخت و تنور باقی نخواهد ماند.

پایان پیام

۶۷ کارگر معدن چيروک طبس ۳ ماه حقوق دریافت نکرده اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: سه ماه حقوق ۶۷ کارگر شاغل در شرکت معدنی ماسه ریخته گری چيروک در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان طبس پرداخت نشده است. این کارگران که با سوابق کاری بیش از ۱۵ سال در شرایط طاقت فرسا و غیرمعمولی در معادن روباز برای تولید ماسه طبیعی سیلیسی مشغول به کارند، در سال جدید هیچ گونه قرار داد کاری با کارفرما ندارند.

شکایت ۸۰ کارگر نانا در سقز از افزایش نیافتن دستمزد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: شکایت ۸۰ کارگر نانا در شهرستان سقز در خصوص عدم اجرای بخشنامه دستمزد شورای عالی کار خبر داد. براساس این گزارش، پس از گذشت نیمی از سال و عدم اجرای بخشنامه دستمزد شورای عالی کار اکنون ۸۰ کارگر خباز سقزی، شکایتی را در خصوص عدم اجرای بخشنامه دستمزد شورای عالی کار در اداره کار این شهرستان ثبت کرده‌اند.

طرح "بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار" تصویب نشد

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی از تصویب نشدن طرح «بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار» در مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داد و اظهار کرد: این طرح به دلیل عدم تامین منابع مالی به کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد. سید تقی نوربخش با بیان اینکه اجرای طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار نیازمند 8000 میلیارد تومان اعتبار است، گفت: علت ایراد شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام بر این طرح، تامین نشدن بار مالی و اعتبارات مربوط به طرح است، چراکه در صورت فراهم شدن منابع مالی سازمان تامین اجتماعی می‌تواند طرح مذکور را اجرایی کند. براساس این گزارش، طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار، مصوبه مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته و به عنوان مورد اختلافی، برای تصمیم‌گیری نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده بود، در جلسه رسمی مجمع در دستور کار قرار گرفت و در نهایت مقرر شد با توجه به شروع کار دولت جدید، اهمیت مسئله و ضرورت بررسی همه جانبه آن، موضوع به کمیسیون مشترک علمی - فرهنگی و اجتماعی و کمیسیون اقتصاد کلان مجمع با حضور اعضای دولت، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ارجاع شود و پیشنهاد شد تا بار مالی آن نیز در بودجه سال آینده لحاظ شود. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی همچنین در مورد دیگر مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد پرداخت مستمری به افرادی که 10 سال و یا کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند، تاکید کرد: علت رد این مصوبه نیز در شورای نگهبان تامین نشدن منابع مالی آن بود. وی افزود: در خصوص این طرح نیز صحبت‌های کارشناسی و مکانیسم‌های بیمه‌ای خود را مطرح کردیم و بر این اساس تصمیم‌گیری خواهد شد. این در حالیست که شورای نگهبان مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد پرداخت مستمری به افرادی که 10 سال و یا کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند را به جهت افزایش هزینه‌های عمومی و مشخص نبودن طرق تامین هزینه جدید، خلاف اصل 75 قانون اساسی دانست.

با جابجایی پیمانکاران:

تمامی ۱۵۰۰ کارگر کشتی سازی صدرا بیکار شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: در حالی که ایلنا در روزهای گذشته خبر از اخراج ۸۰۰ نفر از کارگران واحد کشتی‌سازی شرکت صنعتی دریایی (صدرا) خبر داده بود، منابع کارگری در بوشهر از اخراج ۷۰۰ کارگر باقی مانده در این شرکت خبر می‌دهند که به این ترتیب شمار کارگران اخراجی صدرا به ۱۵۰۰ نفر می‌رسد.

«سیدموسی میر جهانمردی» دبیر خانه کارگر بوشهر در این باره به ایلنا گفت: با توجه به اینکه در شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) بیش از ۱۵۰۰ کارگر قراردادی و رسمی تحت نظر چندین شرکت پیمانکاری همانند فرا ساحل، آریا صنعت، صادق صنعت و... در ساختن پروژه‌های دریایی فعالیت دارند، اخیراً رکود کار باعث جابجایی شرکت‌های پیمانکاری و ورود پیمانکاران جدید در بخش کشتی سازی این شرکت عظیم دریایی شده است و به تبع این تغییرات، ۱۵۰۰ نفر از این کارگران که در چهار ماه گذشته نیز حقوقی دریافت نکرده بودند با پایان یافتن دوره قرارداد کاری‌شان تا پایان شهریور ماه تعدیل می‌شوند.

به گفته این فعال کارگری، پیش از این ۸۰۰ نفر از این کارگران حکم اخراج خود را دریافت کرده بودند و در انتظار اخراج خود تا پایان شهریور ماه بودند.

میرجهانمردی اضافه کرد: هم اکنون حدود ۱۵۰۰ کارگر این واحد عظیم کشتی سازی با سوابق ۲ تا ۲۰ سال بالاتکلیف بوده و قرار است آن دسته از این کارگران اخراجی که شرایط دریافت مقرری بیمه بیکاری را دارند به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی معرفی شوند.

دبیر خانه کارگر بوشهر با بیان اینکه فعالیت مجموعه کشتی سازی صدرا تقریباً متوقف شده است، اظهار داشت: بخش عمده‌ای از اخراج‌ها در این واحد عظیم تولیدی، مربوط به شرکت پیمانکاری «فرا ساحل» با ۵۳۸ کارگر است و گفته می‌شود فقط یک یا دو شرکت پیمانکاری همانند شرکت پیمانکاری «آبهای عمیق» با تعداد کمی کارگر به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

او در بخش دیگری از سخنان خود به انباشت بدهی‌های پیمانکاران شرکت صنعتی دریایی ایران صدرا به تامین اجتماعی اشاره کرد و گفت: گفته می‌شود میزان بدهی یکی از شرکت‌های پیمانکاری به سازمان تامین اجتماعی حدود ۲۷۰ میلیون تومان است. این فعال کارگری با بیان اینکه شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) یکی از مطرح‌ترین واحدهای ساخت و تعمیرات کشتی و اجرای سکوهای نفتی و گاز در کشور است، اظهار داشت: اغلب نیروهای فعال در مجموعه «صدرا» را کارگران متخصص و مهندسان با تجربه تشکیل می‌دهند.

به گفته این فعال کارگری در بوشهر، در شرایط رکودی که بر مناسبات اقتصادی کشور حاکم است، سفارش‌ها برای ساخت کشتی‌های جدید کاهش یافته و عمده فعالیت این مجموعه به تعمیر کشتی‌های فرسوده محدود شده است.

پایان پیام

تجمع معلمان شرکتی مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: جمعی از معلمان شرکتی آموزش و پرورش پیش از ظهر امروز یکشنبه مقابل مجلس تجمع کردند. این معلمان که خود را نیروهای تبدیل وضعیت نشده معرفی می‌کردند، خواستار رسیدگی به وضعیت کاری و تعیین تکلیف‌شان بودند. معلمان شرکتی همچنین از دولت و مجلس درخواست داشتند تا هر چه سریعتر نسبت به تعیین وضعیت آنها اقدامی انجام دهند.

مدیران صندوق در گفتگوی تفصیلی با ایلنا:
اداره صندوق ذخیره فرهنگیان توسط معلمان نامقدور است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان که در سال ۷۴ توسط «محمدعلی نجفی» وزیر وقت آموزش و پرورش پایه گذاری شد، از زمان تأسیس مورد انتقاد فعالان صنفی فرهنگیان قرار گرفت. این اعتراضات بیشتر پیرامون شفافیت منابع و مصارف این صندوق سرمایه‌گذاری شکل گرفت.

در اسفند سال ۹۰، «بهروز امیدعلی» به عنوان مدیر عامل موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان انتخاب شد. خبرنگار ایلنا برای اطلاع رسانی در مورد عملکرد صندوق در دوره ۸ ساله دولت آقای احمدی‌نژاد و پرسیدن سئوالات فعالان تشکل صنفی معلمان به ساختمان این موسسه در خیابان نفت تهران رفت.

خلاصه پاسخ‌های «خدایار پوریان» مدیر روابط عمومی و «بهروز امیدعلی» مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان به پرسش‌های خبرنگار ایلنا بدین ترتیب است:

× موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان به لحاظ گونه‌شناسی، صندوق بازنشستگی مکمل به شمار می‌آید.

× بخشی از نارضایتی فرهنگیان به این مساله باز می‌گردد که چون آن‌ها شرایط حقوقی و مالیشان در مقایسه با سایر کارکنان دولت مناسب نیست احساس می‌کنند صندوق باید همه چیز را برایشان فراهم کند.

× سطح انتظار فرهنگیان با توانمندی موسسه که به صورت نمایی افزایش پیدا کرده است همخوانی ندارد.

× رقم بدهی دولت به صندوق، رقم بالایی نیست. در مورد این مبلغ ترجیح می‌دهم روی عدد بحثی نداشته باشم.

× بدهی دولت در چرخه مالی صندوق تاثیر زیادی نمی‌گذارد. مگر هرکس از فرد یا سازمانی طلب داشت باید آن را در موعد مقرر وصول کند؟

× اگر جامعه یک میلیون نفری فرهنگیان را در حق عضویت ماهانه ۱۳ هزار تومانی ضرب کنیم چه عددی به دست می‌آید؟ این رقم طی ۵ الی ۶ سال هم مبلغ قابل توجهی نمی‌شود.

× بخش زیادی از عملکرد بانک سرمایه مربوط به دوره‌ای است که مدیر عامل فعلی صندوق مسئولیتی نداشته است.

× در رابطه با عدم افزایش ارزش سهام بانک سرمایه در شش سال اول تأسیس (سال ۸۴) بیان شد: اطلاعات تفصیلی تر را باید از بانک سرمایه که نهادی مستقل است بخواهید تا اگر توضیح خاصی درباره عملکردشان دارند، بیان کنند.

× چه علتی دارد این عملکرد اطلاع رسانی نشود؟ سیاست مدیریت مؤسسه برقراری نشست‌های خبری در دوره‌های مشخص و به صورت منظم می‌باشد.

× با اشاره به عدم حضور فرهنگیان در هیات امانا و هیات مدیره صندوق بیان شد: در جامعه یک میلیون نفری فرهنگیان، طراحی فرآیندی که افراد بتوانند مدیرانشان را انتخاب کنند امر راحتی نیست.

× اینگه گفته می‌شود نهادهای صنفی می‌توانند نمایندگان فرهنگیان در اداره صندوق باشند سخن درستی نیست. آیا در نهادهای صنفی فرهنگیان، همه یک میلیون نفر عضو هستند؟

× اداره صندوق توسط آحاد معلمان روش غیر عملی، غیر مقدور و نامطلوب است. نهادهای صنفی چگونه می‌توانند نماینده همه فرهنگیان باشند و در هیئت امانا یا هیئت مدیره نقش داشته باشند.

× این نهادها برای چانه زنی‌های صنفی فرهنگیان را نمایندگی می‌کنند یا برای بنگاه داری؟ فرهنگیان اگر می‌خواهند در اداره صندوق نقش داشته باشند می‌توانند یک شرکت سهامی عام تاسیس کنند.

× صندوق یک بنگاه سرمایه داری است و مدیرانش باید اهلیت لازم را داشته باشند. نمایندگان نهادهای صنفی چگونه می‌توانند در یک بنگاه سرمایه گذاری تصمیم گیری کنند؟

متن کامل گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

مدیر روابط عمومی صندوق ذخیره فرهنگیان در گفتگوی تفصیلی با ایلنا اظهار داشت: پیش بینی می‌شد سود صندوق نسبت به سال گذشته ۱۱۱ درصد افزایش داشته باشد که این ۱۱۱ درصد نه تنها محقق شده بلکه رشد سود صندوق تا به امروز به ۱۵۰ درصد رسیده است.

وی ادامه داد: صندوق در سال ۸۷، ۱۵۷ میلیارد تومان سود داشته که این سود در سال‌های بعد تا پایان سال مالی ۹۱، به ترتیب به ۱۶۹، ۲۰۷، ۲۷۷، ۳۴۷ میلیارد تومان رسیده است. اولین پیش بینی سود سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور ماه ۹۲ نیز ۷۳۲ میلیارد تومان بود که بر اساس آخرین برآورد، سود صندوق ۸۶۵ میلیارد تومان خواهد بود.

سطح انتظار فرهنگیان با توانمندی صندوق همخوانی ندارد

پوریان افزود: موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان یک نهاد سرمایه گذاری است و به لحاظ گونه‌شناسی، صندوق بازنشستگی مکمل به شمار می‌آید. تامین اجتماعی لایه‌های مختلفی دارد. در لایه ابتدایی، همه باید از پوشش بیمه بازنشستگی برخوردار باشند اما لایه‌های بعدی تامین اجتماعی اختیاری است و در کشورهای دیگر توسط بخش خصوصی اداره می‌شود.

مدیر روابط عمومی صندوق ذخیره فرهنگیان با بیان اینکه صندوق جزء لایه‌های بعدی تامین اجتماعی محسوب می‌شود، تصریح کرد: بخشی از نارضایتی فرهنگیان به این مساله باز می‌گردد که چون آن‌ها شرایط حقوقی و مالی‌شان در مقایسه با سایر کارکنان دولت مناسب نیست احساس می‌کنند صندوق باید همه چیز را برایشان فراهم کند در حالی که مقدرات صندوق و نیز حق عضویت پایین (سرانه در هر ماه حدود ۱۵ هزار تومان)، این امکان را فعلاً فراهم نمی‌کند.

به گفته وی، فرهنگیان در تحلیل مبلغ دریافتی بایستی به این موضوع که ۱۸ سال از تاسیس صندوق می‌گذرد و هنوز یک دوره ۳۰ ساله اشتغال را تمام نکرده توجه کنند.

پوریان ادامه داد: به عبارتی، سطح انتظار فرهنگیان با توانمندی موسسه که به صورت «نمایی» افزایش پیدا کرده است همخوانی ندارد. موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان با این‌که یک صندوق

بازنشستگی مکمل است اما در زمان اشتغال هم می‌تواند بخشی از منابعش را (با رعایت سیاست‌های هیأت امنا) به ارائه خدمات اختصاص دهد.

بدهی دولت چندان تعیین کننده نیست / رقم اعلام نمی‌کنم

مدیر روابط عمومی صندوق ذخیره فرهنگیان ضمن ابراز امیدواری از اینکه در دولت یازدهم، سهم دولت به موقع و به اندازه پرداخت شود گفت: بر اساس قانون، فرهنگیان باید ۵ درصد از حقوق ماهانه‌شان را به صندوق واریز کنند و دولت نیز به ازای هر عضو باید این ۵ درصد را به صندوق پرداخت کند. در حال حاضر، این سهم برای اعضا و همچنین دولت، نه ۵ درصد بلکه ۰.۱، ۳ درصد است.

وی با بیان اینکه تعهد دولت نسبت به میزان مبلغی است که عضو به صندوق پرداخت می‌کند، ادامه داد: اگر عضوی یک میلیون تومان دریافتی داشته باشد باید ۱۳ هزار تومان را به صورت ماهانه به عنوان حق عضویت بپردازد و دولت هم باید به همین میزان پرداخت کند در صورتی که با کسر ۵ درصد از حقوق می‌تواند تا ۵۰ هزار تومان از سهم دولت برخوردار باشد و بنابراین مقدار قابل توجهی از سهم دولت را از دست می‌دهد.

پوریان با بیان اینکه رقم بدهی دولت به صندوق، رقم بالایی نیست تصریح کرد: در مورد مبلغ بدهی دولت ترجیح می‌دهم روی عدد بحثی نداشته باشم. میزان بدهی دولت بر اساس مفروضات مختلف متفاوت است اما چندان تعیین کننده نیست. این رقم را سه سال پیش به جایی رساندیم که طلب صندوق از دولت نزدیک به صفر شد اما در سه سال اخیر با توجه به شرایط مالی نامناسب دولت باید برای بهبود وضعیتمان در بودجه چانه زنی می‌کردیم.

وی افزود: در دو سال گذشته، شرایط بودجه به شدت انقباضی بود، با این وجود در بودجه سال جاری موفق شدیم ۱۰۰ میلیارد تومان را از بابت مطالبات قبلی دولت اخذ کنیم.

پوریان بیان کرد: بدهی دولت در چرخه مالی صندوق تاثیر زیادی نمی‌گذارد و اگر از این بدهی صحبت می‌کنیم برای ارائه خدمت بهتر به معلمان است زیرا ما هم دغدغه منافع آنها را داریم. در ضمن، مگر هرکس از فرد یا سازمانی طلب داشت باید آن را در موعد مقرر وصول کند؟

وی ادامه داد: اگر جامعه یک میلیون نفری فرهنگیان را در حق عضویت ماهانه ۱۳ هزار تومانی ضرب کنیم چه عددی به دست می‌آید؟ این رقم طی ۵ الی ۶ سال هم مبلغ قابل توجهی نمی‌شود.

عدم افزایش ارزش سهام بانک سرمایه در شش سال اول دولت احمدی‌نژاد

مدیر روابط عمومی صندوق ذخیره فرهنگیان با اشاره به سهم ۴۵ درصدی صندوق و شرکت‌های زیر مجموعه‌اش از سهام بانک سرمایه گفت: بخش زیادی از عملکرد بانک سرمایه مربوط به دوره‌ای است که مدیر عامل فعلی صندوق مسئولیتی نداشته است.

وی با تاکید بر دو برابر شدن ارزش هر سهم بانک سرمایه در دوره مدیریت فعلی صندوق افزود: در دو سال اخیر، اقدامات خوب و مثبتی در بانک سرمایه صورت گرفته است که باید در آینده تقویت شود و به یک روند مطلوب و رضایت بخش برسد. بانک سرمایه نیازمند تحولی اساسی است و باید بستری فراهم شود که به بانک عامل وزارت آموزش و پرورش تبدیل شود. سود آوری بانک در دوره مدیریت فعلی صندوق، روند تحولی داشته است. این بانک در دوره جاری که مجمع

آن برگزار شد، ۳۰ تومان به ازای هر سهم سود داشت که نسبت به سود آوری بقیه بانکها وضعیت مناسبی بوده است.

پوریان ادامه داد: البته بخشی از مشکلات بانک سرمایه در حیطه مدیریت صندوق نیست و به مسائلی بر می‌گردد که از ناحیه سایر سهامداران به بانک تحمیل شده است.

وی با اشاره به عدم افزایش ارزش سهام بانک سرمایه در شش سال اول تاسیس (سال ۸۴) بیان کرد: اطلاعات تفصیلتی را باید از بانک سرمایه که نهادی مستقل است بخواهید تا اگر توضیح خاصی درباره عملکردشان دارند، بیان کنند.

چه علتی دارد این عملکرد اطلاع رسانی نشود؟

مدیر روابط عمومی صندوق ذخیره فرهنگیان در توضیح علت عدم برگزاری نشست خبری طی دو سال گذشته گفت: مدیریت فعلی صندوق از اسفند ۹۰ کارش را شروع کرده است و برای برگزاری یک نشست خبری، قاعدتا باید یک سال مالی به اتمام می‌رسید.

وی ادامه داد: بعد از ورود به سال ۹۲ تمایل زیادی برای برگزاری یک نشست خبری با روزنامه‌های مرجع در شاخص‌های اقتصادی و خبرگزاری‌ها وجود داشت که به دلیل حساسیت‌های قبل از انتخابات و پرهیز از به وجود آمدن شائبه‌های سیاسی ترجیح داده شد نشست برگزار نشود وگرنه چه علتی دارد این عملکرد اطلاع رسانی نشود؟ سیاست مدیریت مؤسسه برقراری نشست‌های خبری در دوره‌های مشخص و به‌صورت منظم می‌باشد.

شرکت سهامی عام تاسیس کنند

مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان نیز در ادامه با اشاره به عدم حضور فرهنگیان در هیات امنای و هیات مدیره صندوق گفت: نحوه اداره صندوق در سایر کشورها نیز کم و بیش به همین ترتیب است. مهم این است مدیرانی که انتخاب می‌شوند افراد با صلاحیتی باشند و عملکردشان در راستای حداکثر سازی منافع اعضای صندوق باشد.

بهرروز امیدعلی ادامه داد: در جامعه یک میلیون نفری فرهنگیان، طراحی فرآیندی که افراد بتوانند مدیرانشان را انتخاب کنند امر راحتی نیست. اینکه گفته می‌شود نهادهای صنفی می‌توانند نمایندگان فرهنگیان در اداره صندوق باشند سخن درستی نیست. آیا در نهادهای صنفی فرهنگیان، همه یک میلیون نفر عضو هستند؟

وی با بیان اینکه شرایط باید به گونه‌ای پیش رود که مدیران ذی صلاح انتخاب شوند تصریح کرد: آموزش و پرورش به عنوان امین فرهنگیان، هیات امنای را انتخاب می‌کند و آن‌ها موظفند هیات مدیره را انتخاب کنند.

وی افزود: روند فعلی انتخاب اعضای هیئت امنای و هیات مدیره مطابق قانون است و فرهنگیان نیز مطابق اساسنامه عضو شده‌اند. هیئت امنای را وزیر آموزش و پرورش انتخاب می‌کند که طبق آخرین وضعیت ۷ نفر هستند و وزیر در راستایشان قرار دارد.

وزیر آموزش و پرورش، رئیس هیات امنای و «وحید کیارشی» معاون مالی و توسعه مدیریت آموزش و پرورش، نایب رئیس هیات امنای است که وابسته به سمت سازمانیانشان عضو هیات امنای هستند.

۵ نفر دیگر عبارتند از: «رحمت الله اکبری»، «غلامرضا کرد زنگنه حیدری»، «علی یزدی خواه»، «یوسف نوری» و «حسین شبیری».

همچنین اعضای هیات مدیره عبارتند از: «بهروز امیدعلی»، «رحیم اسماعیلی دانا»، «محسن گلزاده» و «محسن به فر» و «کورش پرویزی».

امیدعلی در ادامه بیان کرد: روش فعلی اداره صندوق قیم مابانه نیست. اداره صندوق توسط آحاد معلمان روش غیر عملی، نامقدور و نامطلوب است. نهادهای صنفی چگونه می‌توانند نماینده همه فرهنگیان باشند و در هیئت امنا یا هیئت مدیره نقش داشته باشند.

وی تصریح کرد: باید بررسی شود از ۷۵۰ هزار نفر عضو صندوق چه تعدادی عضو نهادهای صنفی معلمان هستند. آیا این نهادهای صنفی همه فرهنگیان را نمایندگی می‌کنند؟ این نهادها برای چانه زنی‌های صنفی فرهنگیان را نمایندگی می‌کنند یا برای بنگاه داری؟ فرهنگیان اگر می‌خواهند در اداره صندوق نقش داشته باشند می‌توانند یک شرکت سهامی عام تاسیس کنند.

وی در پایان اظهار داشت: نهاد صنفی کارکرد حسابرسی ندارد. مشکلات کشور از آنجا ناشی می‌شود که فکر می‌کنیم از هر چیزی می‌توان در هر کجا به عنوان اهرم فشار و چانه زنی استفاده کرد. صندوق یک بنگاه سرمایه داری است و مدیرانش باید اهلیت لازم را داشته باشند. نمایندگان نهادهای صنفی چگونه می‌توانند در یک بنگاه سرمایه گذاری تصمیم گیری کنند؟

پایان پیام

تجمع اعضای مسکن مهر مقابل اداره راه و شهرسازی همدان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: پیش از ظهر امروز 70 نفر از متقاضیان مسکن مهر پروژه اهرام ایرانیان واقع در شهرک مدنی در مقابل سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان تجمع کردند.

این افراد نسبت به افزایش قیمت مسکن درخواستی خود که از سوی پیمانکار به صورت پیامکی به اعضا اطلاع داده شده بود، معترض بودند.

در همین راستا یکی از این افراد طی گفت‌وگویی مبنی بر اینکه روز گذشته پیامکی به اعضا، مبنی بر اینکه در محل پروژه برای تعیین تکلیف مساکن خود حضور یابند، ارسال شد.

وی با بیان اینکه این پیامک حامل این پیغام بود که عدم حضور متقاضیان نشان از انصراف آنهاست، بیان داشت: در این پیامک به هر بلوک تاریخ مشخصی را تعیین کرده بودند، تا در مدت سه روز به آنجا مراجعه کنند.

این متقاضی مسکن مهر ادامه داد: نخستین کسانی که در محل پروژه حضور یافتند دوبرگه به آنها داده شده بود مبنی بر اینکه هزینه محوطه‌سازی و سایر هزینه‌ها در آن حساب شده و در مجموع حدود 10 تا 15 میلیون تومان شده بود که باید اعضا آن را پرداخت می‌کردند.

وی در پاسخ به سؤال مامبنی بر اینکه این هزینه شاید در قرارداد اولیه نبوده و با ایجاد خدمات اضافه مثل آسانسور باید پرداخت می‌شده، یادآور شد: هیچ خدمات اضافه بر موارد ذکر شده در قرارداد در این پروژه استفاده نشده و آسانسور نیز از ابتدای قرارداد قرار بود که ایجاد شود.

این عضو مسکن مهر به پیامکی که در همان موقع به وی رسید نیز اشاره کرد و گفت: به نظر می‌رسد این اداره کل در حال بررسی مشکلات این پروژه است و اعضا تا اطلاع ثانوی نسبت به پرداخت هرگونه وجه به حساب شرکت سازنده خودداری کنند.

وی در ادامه با بیان اینکه پیمانکار حدود 13 میلیون از اعضای پروژه درخواست کرده بود، افزود: پیمانکار تحویل مساکن مهر متقاضیان در 22 بهمن را منوط به پرداخت این مقدار پول دانست و در غیر این صورت منازل به آنها تحویل داده نمی‌شود. این متقاضی از یک اقدام جالب پیمانکار و دلال‌بازی وی سخن گفت و افزود: پیمانکار پیشنهاد کرد، پنج برابر پولی که شما واریز کردید، را به شما پرداخت می‌کنم، و شما از مالکیت مسکن، انصراف دهید که این مسئله بسیار جالب توجه بود.

نماینده قائمشهر در صحن علنی مجلس: کارگران البرز مرکزی دو ماه حقوق نگرفته‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: نماینده مردم قائمشهر در جلسه علنی امروز مجلس در خصوص تعویق دوماهه حقوق کارگران البرز مرکزی تذکر داد.

به گزارش ایلنا، «کمال علی‌پور» در صحن علنی امروز (یکشنبه) مجلس اظهار کرد: معلوم نیست قصه پرغصه کارگران فولاد کشور به خصوص البرز مرکزی تا چه زمانی حل شود.

وی با اعتراض نسبت به تاخیر دوماهه در پرداخت حقوق کارگران البرز مرکزی، خطاب به نمایندگان گفت: این کارگران در حالی دو ماه حقوق نگرفته‌اند که اگر ما یک ماه حقوق نگیریم اعتراض خواهیم کرد.

پایان پیام

تعریف ارزشاغلین در آمار بیکاری!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: طبق یک تعریف عجیب جهانی محصلان، دانشجویان، زنان خانه دار، افراد ترک کار کرده موقت، سربازان و کارآموزان شاغل شناخته می‌شوند و مرکز آمار هم می‌گوید نمی‌تواند در این باره از خود تعریف دیگری اختراع کند اما مردم می‌گویند شاغل یعنی کسی که بتواند معیشت خود را تامین کند. نکته جالب اینکه 5 گروه یادشده در واکنش به شاغل بودنشان تنها لبخند می‌زنند!

شاغل و بیکار؛ دو واژه ای که تعاریف متفاوتی را در بین مردم و مراکز تخصصی آمار دارد و آنچه مردم آن را شغل می‌دانند با دیدگاه‌های آمارگیری متفاوت است. این تفاوت‌ها تا جایی وجود دارد که اساساً مردم گزارشات مربوط به وضعیت بیکاری و اشتغال جامعه را نمی‌پذیرند و آنها را غیرواقعی می‌دانند.

مرکز آمار ایران می‌گوید در آمارگیری و ارائه گزارشات بیکاری از یک استاندارد جهانی پیروی می‌کند و از این رو باید به مراکز بین‌المللی پاسخگو باشد و همینگونه نمی‌توان تعاریف را به دلخواه تغییر داد. اما مردم معتقدند تعاریف ارائه شده درباره بیکاری و اشتغال باید در جامعه قابل لمس باشد.

طبق تعریف سازمان جهانی کار، هر فردی که در هفته مورد بررسی یک ساعت هم کار داشته باشد حتی اگر برای آن کار حقوقی دریافت نکند، او شاغل است و از گروه بیکاران خارج می‌شود. جامعه می‌گوید شاغل کسی است که بتواند از طریق انجام کار معیشت خود و خانواده اش را تامین کند، در غیر اینصورت فرد دارای اشتغال کامل نیست و باید در حرفه خود بازنگری کند.

بر پایه این گزارش، اما مرکز آمار ایران در تعریف شاغل و محسوب کردن افراد در گروه شاغلان 4 گروه عمده را مورد بررسی قرار می دهد که به نظر می رسد منعکس کننده مفهوم واقعی بیکاری در نزد مردم نیست و از اینرو در سال های اخیر مورد انتقادات فراوانی قرار گرفته است. محصلان و سربازان شاغلند!

در واقع همانگونه که عنوان شد خانواده ها فردی را شاغل می دانند که بتواند هزینه های ماهیانه خود و یا خانواده خود را تامین کند و چشم انداز آینده شغلی وی نیز به صورت نسبی روشن باشد؛ به عبارتی فرد بتواند با تکیه بر حرفه ای که در آن فعالیت می کند معیشت خود را تامین نماید. همچنین از نظر جامعه فردی بیکار است که شرایط یادشده را نداشته باشد و آمادگی ورود به بازار کار را نداشته باشد.

حال مرکز آمار ایران می گوید با استفاده از استانداردهای بین المللی در تعریف شغل آمارگیری می کند و از اینرو نتایج آمارگیری ها اغلب مورد تحلیل ها و برداشت های متفاوتی قرار می گیرد. به بیان ساده تر می توان از نحوه ارائه آمارهای بیکاری برداشت های گوناگونی را انجام داد و یکی از دلایل بروز اختلاف نظرها در اینباره از سوی کارشناسان همین علت است.

طبق تعریف مورد استفاده مرکز آمار ایران، تمام افراد 10 ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع طبق تعریف کار حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند شاغل محسوب می شوند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خوداشتغالان می شوند.

ترک موقت کار در هفته مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی برای مزد و حقوق بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان به عنوان اشتغال محسوب می شود. افراد دیگری که ذکر می شود نیز به لحاظ اهمیتی که در فعالیت اقتصادی کشور دارند شاغل محسوب می شوند.

از جمله این گروه ها افرادی هستند که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می کنند. همچنین زنان خانه دار (کارکنان فامیلی بدون مزد) نیز شاغل محسوب می شوند.

کارآموزی هم شغل است

کارآموزانی که در دوره کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت مؤسسه محل کارآموزی انجام می دهند یعنی مستقیماً در تولید کالا یا خدمات سهیم هستند؛ فعالیت آنها کار محسوب می شود. از سویی محصلانی که در هفته مرجع مطابق تعریف کار کرده اند.

مرکز آمار تاکید دارد طبق تعریف سازمان جهانی کار علاوه بر گروه های یاد شده، تمام افرادی که در نیروهای مسلح به صورت کادر دائم یا موقت خدمت می کنند (نیروهای مسلح، پرسنل کادر و سربازان، درجه داران، افسران وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی) نیز نه تنها بیکار نیستند؛ بلکه شاغل محسوب می شوند.

اما هیچ یک از این گروه ها در دیدگاه جامعه شاغل نیستند و افراد هرگز سربازان، زنان خانه دار، محصلان، کارآموزان، دانشجویان و افراد ترک کار کرده موقت را شاغل محسوب نمی کنند. دیدگاه جامعه این است که حتی نمی توان بسیاری از افراد فعال در برخی رشته ها را به دلایلی مانند موقتی بودن، کار فصلی، حقوق های پایین، نامشخص بودن آینده شغلی، مشاغل کاذب و اقداماتی از این دست را شاغل محسوب کرد؛ حال چگونه یک سرباز شاغل می شود؟

هدف اول کار؛ درآمد است

به بیان ساده تر مشکل عدم پذیرش این تعاریف در بین جامعه همان موضوع معیشت است چرا که یک فرد سرباز هرگز با اشتغال در مدت سربازی و یا یک محصل در زمان تحصیل امکان تامین معیشت خود را نخواهد داشت و اساساً درآمدی نیز ندارند. بنابراین فردی که درآمد ندارد شاغل نیز نخواهد بود و افراد با نگاه کسب درآمد در جامعه فعالیت می کنند و اهداف دیگر مانند حضور در اجتماع، کسب موقعیت های اجتماعی و مواردی از این قبیل در مراحل بعدی پس از کسب درآمد قرار می گیرند...

مصدومیت 7 کارگروآتش نشان درآتش سوزی گسترده یک هتل آپارتمان درحال احداث مشهد

به گزارش روزنامه خراسان، در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: حریق گسترده ای که صبح روز گذشته در انبار بزرگ تجهیزات و لوازم ساختمانی یک هتل آپارتمان در حال احداث رخ داد، خسارات مالی زیادی بر جا گذاشت و چند تن از آتش نشانان و کارکنان پروژه ساختمانی آرمان، مصدوم شدند.

یکی از کارگران این پروژه به خراسان گفت: ما در طبقه ۲- در حال سنگفرش کردن کف ساختمان بودیم که ناگهان فریاد زدند انبار ساختمان آتش گرفته است و ما بلافاصله از محل خارج شدیم. وی افزود: دلیل آتش سوزی را نمی دانم اما آتش از طبقه ۲- که انبار پروژه است شروع شد. یکی دیگر از کارکنان پروژه ساختمانی هم گفت: ابتدا سعی کردیم شعله های آتش را خاموش کنیم که ۲ تن از همکارانمان هم مصدوم شدند اما طولی نکشید که شعله های آتش گسترده تر شد و همه از محل خارج شدیم. بنابراین گزارش بنقل ازسجادی یکی از مأموران آتش نشانی حدود ۷ تن از کارکنان پروژه و آتش نشانان دراین حادثه مصدوم شدند.

عضو هیئت مدیره اتحادیه امکان در گفت وگو با تسنیم:

اتحادیه امکان به کارگران بدهکار نیست/ کارگران صنوف بن کارگری دریافت نمی کنند
برپایه گزارش خبرگزاری تسنیم در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: هادی ابوی در گفت وگو با خبرنگار اقتصادی **خبرگزاری تسنیم** با اشاره به فعالیت اتحادیه امکان اظهار کرد: این اتحادیه با 31 نمایندگی در استان های کشور با بیش از 1 میلیون کارگر مشغول فعالیت است.

وی با تاکید بر اینکه بن های کارگری از سوی اتحادیه امکان در اوایل دولت نهم قطع شد بیان کرد: بعد از اینکه ارائه بن کالایی کارگران از سوی اتحادیه امکان قطع شد قرار شد این بن به صورت نقدی یا غیر نقدی از سوی کارفرمایان ارائه شود.

عضو هیئت مدیره اتحادیه امکان با تاکید براینکه هیچ کدام از کارگران صنوف بن کارگری دریافت نمی کنند افزود: شاید در کارخانه ها یا کارگاه های بزرگ، کارفرمایان بن کارگری را به صورت نقدی پرداخت کنند اما در کارگاه های صنوف اینگونه نیست مگر اینکه کسی به هئیت های حل اختلاف مراجعه و برایش رای صادر شود تا بتواند بن را دریافت کند.

ابوی ادامه داد: در گذشته که اتحادیه امکان مسئولیت پرداخت بن کالایی کارگری را برعهده داشت وزارت کار برگه را می داد و مسئولیت توزیع اقلام با اتحادیه امکان بود.

وی در بیان مزیت های بن کالایی کارگری بیان کرد: یکی از مزیت های این بود که زندگی کارگران با شرایط بهتری سپری می شد و از دیگر مزیت های این بود که کسی نمی توانست مواد را احتکار کند، چرا که هر زمان ممکن بود با اعلام بن میزان قیمت ها شکسته و کاهش یابد.

ابوی ادامه داد: ستاد بن کارگری در وزارت کار وجود داشت که دولت مبلغی را به عنوان یارانه به حساب این ستاد واریز و همچنین کارفرمایان طبق قانون موظف بودند مبلغی را به عنوان بن کارگری به حساب مشترک اتحادیه امکان و وزارت کار پرداخت کنند و اتحادیه امکان نیز از این مبلغ کالایی را با قیمت مناسب تر برای بن کالایی کارگران خریداری می کرد که چندین سال است دیگر دولت یارانه خود را پرداخت نکرده است.

عضو هیئت مدیره اتحادیه امکان تاکید کرد: در حال حاضر اگر کارگران طلبی دارند از یارانه‌ای است که دولت به این ستاد بن واریز کرده است و هیچ گونه ای طلبی از سوی اتحادیه امکان وجود ندارد.

ابوی بیان کرد: در دولت قبلی برخی ها تلاش بسیاری کردند که این اتحادیه به دلایلی مانند اینکه به خانه کارگر وابسته است جمع شود، اما واقعیت این است که اتحادیه امکان یک ریال از درآمد خود را برای هیچ کس جز کارگران عضو اتحادیه امکان هزینه نمی‌کند.

انتهای پیام/

با بی‌ارزش شدن دفترچه‌های تأمین اجتماعی:

خانواده‌های کارگری جرأت مراجعه به پزشک را از دست داده‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار درایران - ایلنا در تاریخ 31 شهریور 92 آمده است: عضو مجمع نمایندگان کارگران استان تهران گفت: به دلیل افزایش هزینه‌های دارو و درمان و بی‌ارزش شدن دفترچه‌های سازمان تأمین اجتماعی، خانواده‌های کارگری از ترس گرفتار شدن در چرخه طولانی و پرهزینه تشخیص تا درمان بیماری، جرأت مراجعه به مراکز درمانی و معاینات دوره‌ای را از دست داده‌اند.

«عبدالله وطن خواه» در این باره به ایلنا گفت: در حال حاضر یک مراجعه جزئی و سرپایی برای درمان سرماخوردگی، به کمک دفترچه بیمه تأمین اجتماعی بالغ بر ۲۳ هزار تومان هزینه دارد. وی با بیان اینکه مراکز درمان ملکی سازمان تأمین اجتماعی در دسترس سریع همه کارگران بیمه شده نیست، گفت: با توجه به درآمدهای کنونی، توانایی مزد بگیران برای پرداخت هزینه‌های درمانی بسیار محدود شده است.

وی افزود: نتیجه این وضعیت روی آوردن مزدبگیران به خود درمانی است که این مسئله در دراز مدت عواقب ناخوشایندی را برای سلامت افراد جامعه به همراه دارد.

وی علت افت ارزش و بی‌اعتبار شدن دفترچه‌های بیمه تأمین اجتماعی را بدحسابی دولت، اضافه شدن غیر اصولی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی و اعطای معافیت‌های بیمه‌ای به کارگاه‌های مناطق آزاد، خانوادگی و کوچک صنفی عنوان کرد و گفت: مجموعه این اقدامات که در راستای توصیه‌های بانک جهانی با هدف آماده کردن ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی انجام شده بود امروز باعث شده است تا سازمان تأمین اجتماعی با مشکل تأمین نقدینگی روبرو شود.

وطن خواه ادامه داد: گواه این وضعیت عدم پذیرش دفترچه‌های تأمین اجتماعی در مراکز خصوصی، روی آوردن اجباری بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی به خدمات بیمه‌های مکمل و حجم گسترده بیمه شدگان بیمار به مراکز درمانی ملکی است.

وی گفت: از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی انتظار می‌رود تا هرچه زودتر اعتبار از دست رفته را به دفترچه‌های بیمه بازگردانند و از این طریق به حفظ سلامت جامعه کمک کنند.

پایان پیام

